عهد جدید

(ترجمه خاص)
ترجمه بین الکلیسایی کتاب مقدس

(TOB) 1997

پیش درآمدی بر عهد جدید

«عهد جدید» مجموعه ای است از بیست و هفت کتاب که همگی به زبان یونانی نوشته شده اند و طول آنها بسیار نابرابر است. تنها در اواخر سدهٔ دوم میلادی بود که این عادت رواج یافت که این مجموعه را با اصطلاح «عهد جدید» بنامند. نوشته هایی که آن را تشکیل می دادند، در واقع به تدریج مرجعیتی چنان عظیم یافتند که عملاً آنها را با متون عهد عتیق برابر می دانستند، متونی که مسیحیان برای مدت های مدید آنها را یگانه کتاب مقدس خود تلقی می کردند و آنها را مطابق رسم یهودیان روزگار خود، «شریعت و انبیاء» می خواندند. علت این که این مجموعهٔ نوشته ها را با اصطلاح «عهد جدید» نامیدند، اساساً این بود که علمای اولیهٔ الهیات به پیروی از پولس (۲-قرن۳: ۱۴)، به این اعتقاد رسیدند که این متون حاوی ترتیبات پیمانی نوین هستند که مفادش می بایست بر روابط میان خدا و قومش، در طول آخرین مرحلهٔ تاریخ نجات، حاکم باشد. کلمهٔ «عهد» چیزی نیست جز ترجمهٔ اصطلاحی که در عبری به کار می رفت تا به پیمانی اشاره شود که میان خدا و اسرائیل منعقد شده بود. سخن گفتن از پیمانی نوین سبب شد که مسیحیان، در نقطهٔ مقابل، مجموعه ای را که قبلاً «شریعت و انبیاء» نامیده می شد، عهد عتیق بنامند و به این وسیله مشخص می ساختند که در آنها مقررات پیمان کهن موسی را می بینند که در نظر ایشان، عیسی هم آن را تجدید کرده بود و هم به فراسوی آن رفته بود.

نگارش این بیست و هفت کتاب و گردآوری آنها در جُنگی واحد، مشمول فرآیندی طولانی و پیچیده بود. در ضمن، انتقال این آثار از دوران کهن تا به روزگار ما، شامل اتفاقاتی بود که سبب شده در متن تغییراتی بروز کند. و بالاخره، فاصلهٔ تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی که ما را از دنیای عهد جدید جدا می سازد، مشکلی است بنیادین برای درک درست این نوشته ها. لذا امروز ضروری شده که آنها را در چارچوب محیطی قرار داد که شاهد پیدایی و اشاعهٔ اولیهٔ آن بوده است.

در نتیجه، هر پیش درآمدی بر عهد جدید، هر چقدر هم مختصر باشد، باید نخست به بررسی این نکته بپردازد که مسیحیان اولیه در چه شرایطی هدایت شدند تا مجموعهٔ جدیدی از نوشته های مقدس را تدوین نمایند. سپس باید این امر را مطالعه کند که این متون که پیوسته مورد نسخه برداری های مکرر قرار گرفتند، چگونه توانستند فاصلهٔ حدود چهارده قرن از تاریخ متلاطمی را بپیمایند که میان نگارش و تثبیت تقریباً قطعی آنها در دورهٔ اختراع صنعت چاپ سپری شد. در

همین حال، باید به این نکته توجه کرد که چگونه می توان تغییرات وارده به این متن را در طول دوره ای که با دست نَسخه برداری می شد علاج کرد. بالاخره، «پیش درآمد» حاضر می کوشد تا سر حد امکان، با دقت، محیط تاریخی، مذهبی و فرهنگی ای را که در آن عهد جدید پدید آمد و اشاعه یافت، معرفی کند.

این سه جنبهٔ اصلی از این «پیش درآمد» معمولاً مسئله کتب قانونی، مسأله نسخ و مسأله محیط اصلی عهد جدید نامیده می شوند.

قانون عهد جدید

واژهٔ یونانی «کانون» (kanon) همان کلمه قاعده یا قانون است که همچون قاعده و قانون عمل و ایمان به کار می رود. در مفاهیم الهیاتی، کلمهٔ «قانون» بر فهرستی رسمی دلالت دارد. در چنین مفهومی است که از قانون کتب مقدس سخن می گوییم تا به فهرستی از کتاب هایی اشاره کنیم که به طور رسمی مورد تصدیق قرار گرفتند تا برای حیات و ایمان کلیسا هنجارین باشند. در این معنا، این اصطلاح در ادبیات مسیحی، تنها از سدهٔ چهارم میلادی متداول گردید.

می توان از خود پرسید که چگونه مسیحیان اولیه به این فکر افتادند که علاوه بر جُنگی که «شریعت و انبیاء» خوانده می شد، مجموعهٔ جدیدی از کتب مقدس را تشکیل دهند. این تحول را می توان به اختصار به شکل زیر شرح داد.

برای مسیحیان نسل اول، مرجعیت اعلا در امور مذهبی در دو فرآیند یافت می شد. نخستین این فرآیندها، عهد عتیق بود که نویسندگان متقدم مسیحی از آن همچون مکاشفهٔ الهی، تماماً یا تقریباً به طور کامل نقل قول کرده اند. دومین مورد از این مرجعیت ها که خیلی سریع شکل گرفت، به طور متداول «خداوند» نامیده می شد. این اصطلاح در آن واحد هم بر تعالیمی دلالت داشت که سابقاً توسط عیسی اعلام می شد (۱-قرن۹:۱۴) و هم بر مرجعیت آن «رستاخیز کرده» که از طریق رسولانش بیان می شد (۲-قرن۱۰:۸،۱۸). از این دو فرآیند که ارزش ضابطه را داشتند، تنها عهد عتیق شامل متون مکتوب می شد. اما سخنان خداوند و موعظه های رسولان سال های متمادی به شکل شفاهی حفظ شد و تنها پس از رحلت آخرین رسولان بود که ضرورت تثبیت نکات اساسی تعلیم آنها به صورت کتبی احساس شد، یا تلاش برای حفظ آنچه که ایشان به نگارش درآورده بودند. مسأله مرجعیت این آثار جدید ضرورتاً می بایست روزی مطرح می شد، حتی با این که در دوران نخستین، مرجعیت سنت شفاهی وسیعاً بر اسناد مکتوب برتری داشت.

تا حدود سال ۱۵۰ میلادی، به نظر می رسد که مسیحیان خود به خود و ناخودآگاه هدایت شدند تا جُنگ جدیدی از نوشته های مقدس را شکل بخشند. احتمال زیادی هست که ایشان در وهلهٔ نخست، جُنگی از رسالات پولس را برای حیات کلیسایی خود گرد آورده و به کار برده باشند. در این خصوص، هدف ایشان مطلقاً این نبود که مکملی برای کتاب مقدس تهیه کنند، بلکه صرفاً تابع شرایط بودند: رسالات پولس در واقع در دوره ای نوشته شده بود که سنت انجیلی تا حد زیادی، هنوز فقط به صورت شفاهی حفظ شده بود؛ به علاوه، خود پولس قرائت عمومی نامه های خود و گردش آنهاَ در کلیساهای مجاور را تجویز کرده بود (۱-تسا۵:۲۷؛ کول۴:۱۶).

اما به هر حال، از آغاز سدهٔ دوم میلادی، از نوشته های بسیاری از نویسندگان مسیحی به

روشنی چنین بر می آید که تعداد زیادی از رسالات پولس را می شناختند. از این نکته می توان نتیجه گرفت که مجموعه ای از این رسالات خیلی زود تشکیل یافت و سریعاً و وسیعاً در دسترس قرار گرفت، احتمالاً به این دلیل که این رسول بسیار شناخته شده بود. با این حال، با وجود مرجعیتی که برای این نوشته ها قائل بودند، پیش از آغاز سدهٔ دوم(ر.ک. ۲-پطر۳:۱۶)، شهادتی وجود ندارد مبنی بر این که آنها را نوشته های مقدس و دارای مرجعیتی برابر با کتاب مقدس تلقی می کرده اند.

در تمام طول این دوره، موقعیت انجیل ها به اندازهٔ موقعیت رسالات پولس به روشنی دیده نمی شود. البته آثار نویسندگان متقدم مسیحی فاقد نقل قول از انجیل ها یا اشاراتی به آنها نیست، اما تقریباً دشوار بتوان دانست که آیا این نقل قول ها از روی متون مکتوبی صورت گرفته که نویسندگان در مقابل چشم خود داشته اند یا اینکه ایشان از حافظهٔ خود بخش هایی از سنت شفاهی را ذکر کرده اند. به هر حال، پیش از سال ۱۴۰، هیچ شهادتی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان گفت که مجموعه ای از انجیل ها در گردش بوده است. همچنین مشخص نیست که برای یکی از این انجیل ها خصوصیت هنجارین قائل بوده اند. فقط در نیمهٔ دوم این قرن است که شهادت هایی بیش از پیش روشن در خصوص وجود جُنگی از انجیل ها و مرجعیتی که به تدریج برای آنها قائل بودند ظاهر می شود.

از حدود سال ۱۵۰ میلادی، دوره ای قطعی برای شکل یافتن قانون عهد جدید آغاز می شود. ژوستین شهید نخستین کسی است که اشاره کرده که مسیحیان در طول تجمع های روزهای یکشنبه چهار انجیل را قرائت می کنند و آنها را همچون آثار رسولان(یا دست کم، شخصیت هایی که مستقیماً به آنان مرتبط بوده اند) تلقی می کنند و آنها را مورد استفاده قرار داده، مرجعیتی مشابه با مرجعیت کتاب مقدس برای آنها قائل هستند.

اگر این نوشته ها را دارای چنین مرجعیت بالایی تلقی می کردند، دلیل اولیه اش ظاهراً این نیست که منشأ آنها به رسولان منسوب بوده، بلکه بیشتر به این دلیل که آنها تاریخچهٔ «خداوند» را در هماهنگی با سنت دریافت شده ترسیم می کرده اند. اما رسولی بودن این آثار خیلی زود مورد توجه قرار گرفت، خصوصاً از زمانی که ضرورت یافت تا از آنها در مقابل انتشار نوشته هایی از همان سبک دفاع شود، نوشته هایی که محتوایشان اغلب تقلیدی بی ادبانه یا حتی خیال پردازی صرف بود.

در واقع، کوتاه زمانی پس از سال ۱۵۰، به مجرد این که کلیسا نیاز به هنجاری جهان شمول و مورد قبول را احساس کرد، توجه به جُنگ چهار انجیل معطوف شد، زیرا آنها تا آن زمان، توجه همه را جلب کرده بودند، هم به دلیل خصوصیات درونی شان و هم به خاطر وثاقت شهادتی که بر «خداوند» می دادند. از چند دیدگاه، برتری«انجیل های چهارگانه» چنان خرد کننده بود که خیلی سریع تمام نوشته های موازی را تحت الشعاع قرار داد، به گونه ای که می توان چنین نتیجه گرفت که چهار انجیل در حدود سال ۱۷۰، جایگاه نوشته های قانونی را یافتند، حتی اگر کلمهٔ قانون تا این زمان هرگز به کار نرفته بود.

در خصوص رسالات پولس، تقریباً قطعی است که آنها تک به تک وارد قانون نشدند، بلکه کل مجموعهٔ آنها، در روزی که اندیشهٔ برخورداری از قانون عهد جدید در کلیسا شروع به اشاعه یافت، در آن وارد شد. احتمال دارد که مقولهٔ رسولی بودن که پیش از این در خصوص انجیل ها مطرح بود، به

شکلی گسترده تر به نفع نوشته های پولس ایفای نقش کرده، نوشته هایی که به تدریج و به نحوی تصادفی در کلیسای قرن دوم مورد تصدیق قرار گرفته بودند.

به این ترتیب، مشاهده می کنیم که اصل قانونی جدید از نوشته های مقدس پا به عرصهٔ وجود گذاشت، اما این اصل هرگز به طور قطعی مورد بحث قرار نگرفت. وجود قانون، نخست امری بدیهی بود که خیلی سریع در کلیسا عمومیت یافت. تفکر الهیاتی تنها به صورت پسینی مداخله کرد، آن زمان که لازم شد جزئیات محتوای این قانون تصریح شود. این حرکت به احتمال بسیار در اثرِ مداخلت مارسیونِ بدعت گذار تسریع گردید (مرگ۱۶۰) که مرجعیت عهد عتیق را بالکل رد می کرد و نیازی عاجل داشت به اینکه کلیسای خود را از نوشته هایی مقدس، و در نتیجه از قانونی جدید، بهره مند سازد. بدینسان، هواداران مارسیون تا حدی در عمومیت یافتن اصل قانون جدید مساعدت کردند، قانون جدیدی که مورد پذیرش بود و از دو بخش تشکیل یافته، یعنی انجیل و رسولان، درست مانند عهد عتیق که آن نیز از دو بخش تشکیل می یافت، شریعت و انبیاء. از همان پایان سدهٔ دوم، اندیشه هنجار جدیدی برای نوشته های مقدس به شکل راسخ در کلیسا ریشه دوانید، اما هنوز می بایست محتوای این قانون جدید تعیین می شد. فهرست قطعی آثار متعلق به قانون فقط به تدریج تدوین خواهد شد، زیرا می بایست، در اثر توسعهٔ روابط میان جوامع مختلف مسیحی، توافقی به نفع اندیشهٔ گسترش یابندهٔ وحدت کلیسا صورت گیرد. به این ترتیب بود که به طور خاص میان سال های ۱۵۰ و ۲۰۰ میلادی، کتاب اعمال رسولان همچون اثری قانونی تعریف شد. در پایان قرن دوم، ایرنیوس اهل لیون (در فرانسهٔ امروزی/م) این اثر را همچون کتابی مقدس تلقی کرد و از آن همچون شهادت لوقا در بارهٔ رسولان نقل قول نمود. در واقع، کتاب اعمال عمدتاً به خاطر قرابتش با انجیل سوم که دنبالهٔ آن را تشکیل می داد، وارد قانون شد. همچنین شکل گیری مقولهٔ مرجعیت رسولی در طول سدهٔ دوم، عامل مهمی بود برای وارد ساختن اثری در قانون که آن را خیلی سریع همچون مقدمه ای ضروری بر مجموعهٔ رسالات تلقی کردند.

اگر بخواهیم در آستانهٔ قرن سوم میلادی، ترازنامه ای برای این تحولات ارائه دهیم، به ملاحظات زیر خواهیم رسید: انجیل های چهارگانه در همه نقاط جایگاهی بلامنازع یافته اند که هرگز مورد اعتراض قرار نخواهد گرفت. لذا می توان چنین تلقی کرد که قانون انجیل ها در این دوره دیگر بسته شده و شکل گرفته است. در خصوص بخش دوم قانون (رسولان)، می بینیم که همه جا از سیزده رسالهٔ پولس، کتاب اعمال رسولان، و رسالهٔ اول پطرس، همچون نوشته های مقدس نقل قول می شود. در خصوص رسالهٔ اول یوحنا تا حدی عدم توافق وجود دارد. لذا قانون قطعی از هم اکنون شکلی نزدیک به نهایی به خود گرفته است. با این حال، در پاره ای از عرصه ها عدم قطعیت باقی می ماند. در واقع، در کنار آثاری که به خاطر شواهد داخلی، در همه جا توسط کلیسا پذیرفته شده، به تعدادی از آثار مهم و «شناور» بر می خوریم که بعضی از پدران آنها را قانونی می انگارند و بعضی دیگر آنها را برای قرائت سودمند تلقی می کنند. رساله به عبرانیان، رسالهٔ دوم پطرس و رساله های یعقوب و یهودا از این دست هستند. به موازات این ها، آثاری که در این دوره همچون نوشته های مقدس مورد نقل قول قرار

می گیرند و گویی جزو قانون هستند، برای مدتی طولانی چنین موقعیتی را حفظ نمی کنند و سرانجام از قانون بیرون رانده می شوند. از این دست هستند نوشتهٔ هرماس به نام «شبان»، کتاب «دیداکه»، رسالهٔ اول کلمنت، رسالهٔ برنابا و مکاشفهٔ پطرس.

در این مرحله از فرآیند شکل گیری قانون، ضابطهٔ رسولی بودن ظاهراً به شکلی کلی نقش ایفا کرده و می بینیم که آثاری که نمی شد آنها را به یکی از رسولان نسبت داد، به تدریج از صحنه خارج می شوند. کتاب هایی که در طول قرن سوم هنوز مورد بحث اند، دقیقاً همان هایی هستند که رسولی بودنشان در یکی از بخش های کلیسا مورد تردید قرار داشت. مواردی که بیش از همه مورد بحث بودند، رساله به عبرانیان و کتاب مکاشفه بود که قانونی بودنشان مدت ها به سختی انکار می شد (رساله به عبرانیان در غرب و کتاب مکاشفه در شرق). در ضمن، رساله های دوم و سوم یوحنا، رسالهٔ دوم پطرس و رساله به یهودا خیلی آهسته مورد پذیرش قرار گرفتند. ضرورتی ندارد که همهٔ مراحل این تحولات را با جزئیات دنبال کنیم، تحولاتی که در طول قرن چهارم، منجر به تشکیل قانون گردید و در مجموع همان است که امروز در دست داریم. تنها عدم قطعیتی که باقی ماند، مربوط می شد به ترتیب قرارگیری این کتاب ها.

دغدغهٔ وحدت در کلیسایی که بیش از پیش حضور اقتدار و تقدم روم در آن مستقر می شد، برای کاهش اختلافاتی که در فرآیند شکل گیری قانون بروز می کرد، تأثیر می گذاشت.

آپوکریفاهای عهد جدید

کتاب هایی که همچون قانونی مورد پذیرش قرار گرفتند، به همین جهت تبدیل شدند به متون مقدس و از همان تاریخ ورودشان به قانون، از نوعی مصونیت برخوردار شدند که سبب شد تا دورهٔ اختراع دستگاه چاپ به خوبی حفظ شوند.

این امر در خصوص آثاری که به عنوان قانونی پذیرفته نشدند صدق نمی کند. گر چه بعضی از آنها (نظیر دیداکه یا رسالهٔ برنابا) از مقبولیت عام برخوردار بودند و به این دلیل، با وجود رد شدن از قانون، به خوبی حفظ شدند، اما سایر آثار که از همین عنوان بهره مند نبودند، با خشونت بیشتری از رسوم کلیسایی دور شدند و خیلی آسیب پذیر گردیدند. بیشتر به همین جهت است که آنها صرفاً همچون بقایای آثار تاریخی بر جای مانده اند.

اما در این میان، بعضی از آثار را «آپوکریفا» یعنی «مخفی» می نامند. تلقی کلیسا این بود که این دست از آثار که شباهت هایی با نوشته های قانونی عهد جدید دارند، اندیشه هایی بیگانه با کلیسا را منتقل می ساختند، یا به طور کلی، اندیشه هایی پنهان را که مختص محفلی «بدعت گذار» بود، محفلی که فقط خودش می توانست شناخت، یا «گنوسیس» واقعی را کسب کند. بعدها آثاری آپوکریفا تلقی شدند که کلیسا از بنا کردن اعتقادات و ایمانش بر آنها امتناع می ورزید، و در نتیجه، قرائت علنی آنها را در مراسم یکشنبه مجاز نمی شمرد. این کتاب ها که در پاره ای از موارد، خواندن انفرادیشان به خاطر خصلت اخلاقی شان قابل توصیه بودند، از آیین نیایش عمومی خارج شدند. در همین معنای اخیر است که کلمهٔ آپوکریفا را درک خواهیم کرد، البته پیش از آن که در زمان بسته شدن قانون، به جایی برسیم

که این کلمه را برای اشاره به آثاری به کار ببریم که به دروغ به رسولان نسبت داده شده بودند. از زمان تکمیل شدن قانون، اصطلاح آپوکریفا مفهومی کاملاً طعنه آمیز به خود می گیرد. آثار آپوکریفا وسیلهٔ انتقال اشتباه تلقی می شوند.

اصالت ادبی آپوکریفاهای عهد جدید هر چه باشد، مطالعهٔ آنها برای بررسی سیر تحول اندیشه های مذهبی قرون دوم و سوم بسیار ارزشمند می باشد.

به طور بسیار کلی، در بطن نوشته های آپوکریفی، می توان چهار دست اثر را تشخیص داد که مرتبط هستند با دسته های مختلف نوشته های قانونی. به بیانی دیگر، انجیل ها، کتاب های اعمال رسولان، رسالات و مکاشفه های آپوکریفا وجود دارند. در اینجا تنها به چند مورد از این آثار اشاره خواهیم کرد.

انجیل های ناصری ها، عبرانی ها و مصری ها را تنها از روی نقل قول هایی می شناسیم که به دست پدران کلیسا صورت گرفته است. تا جایی که بتوان در این مورد قضاوت کرد، اینها نوشته هایی بودند که با نوشته های قانونی نسبتاً قرابت داشتند. انجیل پطرس که قطعه ای از آن در مصر در پایان قرن نوزدهم یافت شده، حاوی رد پای تفکری غنوصی است که به طور گسترده در آثاری مشاهده می شود که از کتاب هایی چون انجیل راستی، انجیل فیلیپس و انجیل توما به دست آمده؛ کتاب های اخیر به تازگی در مصر کشف شده اند؛ انجیل توما نقاط مشترک بسیاری با انجیل های همدید دارد. اما این آثار از این جهت با انجیل های قانونی تفاوت روشن دارند که عملاً حاوی هیچ عنصر روایتی نیستند. نوشته ای که با نام «انجیل کودکی یعقوب» شناخته شده، حاوی روایتی مبسوط از انجیل های کودکی عیسی است که به طور خاص به ماجرای مریم و رویدادهایی توجه دارند که مربوط به ولادت عیسی می گردد.

در خصوص کتاب های اعمال رسولان که جنبهٔ آپوکریفایی دارند، باید گفت که آنها به طور کلی آثاری بنا کننده برای عموم هستند و تا حدی ملهم از کتاب قانونی اعمال رسولان می باشند. آنها عنصر شگفت انگیز در زندگی رسولان را بسط می دهند و می کوشند ایشان را جلال دهند. به هر حال، این اثری است که اعمال یوحنا، پولس و آندریاس بر خواننده می گذارند.

به جز « رسالهٔ رسولان» که در حدود سال ۱۵۰ میلادی نوشته شده است و بیشتر سبک مکاشفه ای دارد، نکتهٔ چندانی نمی توان دربارهٔ رسالات آپوکریفی گفت. این آثار واقعاً قابل مقایسه با رسالات قانونی نیستند: آنها به جای این که شبیه نامه باشند، بیشتر مقالات الهیاتی هستند با کیفیتی نسبتاً پایین. در زمینهٔ مکاشفه های آپوکریفایی، علاوه بر کتاب «شبان» به قلم هرماس، می توان به مکاشفه پطرس (یک خیال پردازی در بارهٔ زندگی آینده، بهشت و جهنم) و مکاشفهٔ پولس اشاره کرد که مدعی است جزئیات رؤیای معروفی را شرح می دهد که در ۲-قرن۱۲ ذکر شده و در طی آن، رسول به آسمان سوم ربوده شد.

تمام این آثار بعد از نوشته های قانونی به نگارش درآمده اند و اغلب تقلیدی از آنها هستند. آنها عموماً هیچ سنت تاریخی کهنی در بر ندارند و به همین جهت، به منظور مطالعهٔ عهد جدید کمک چندانی نمی کنند، گر چه برای مطالعهٔ سیر اندیشهٔ مسیحی سودمند هستند.

نسخ عهد جدید

متن بیست و هفت کتابی را که عهد جدید را تشکیل می دهند، به واسطهٔ تعداد بسیار زیادی

نسخهٔ خطی می شناسیم که به زبان های بسیار گوناگون نوشته شده و اکنون در کتابخانه های سراسر جهان نگاهداری می شوند. هیچ یک از این نسخ اثر دست نویسنده اصلی نیستند، لذا همگی یا رونوشت آنها هستند یا رونوشتی از رونوشت نسخی که قبلاً به دست خود نویسنده یا تحت فروخوانی او نوشته شده اند. همهٔ کتاب های عهد جدید، بدون استثناء، به زبان یونانی نوشته شده اند و بیش از پنج هزار نسخهٔ خطی به این زبان وجود دارد که قدیمی ترین آنها بر روی پاپیروس نوشته شده اند و بقیه بر روی چرم. آنچه بر روی پاپیروس کشف شده حاوی بخش هایی از عهد جدید هستند که گاه بسیار کوچک می باشند. قدیمی ترین نسخ خطی یونانی که شامل اکثر بخش های عهد جدید یا تمامی آن می باشند، دو کتاب مقدس بر روی چرم هستند که متعلق به سدهٔ چهارم میلادی می باشند. ارزشمندترین آنها «کودکس واتیکانوس» است و چنین نامی بر آن نهاده شده چرا که در کتابخانهٔ واتیکان نگاهداری می شود؛ این نسخهٔ خطی که اصل و منشأ آن ناشناخته و نیز متأسفانه ناقص است، شامل عهد جدید می باشد، به جز عبر۹:۱۴تا۱۳:۲۵، رسالات اول و دوم به تیموتائوس، رسالات به تیطس و فیلمون و کتاب مکاشفه. نسخهٔ خطی دوم «کودکس سینایتیکوس» نام دارد، چرا که در صومعهٔ قدیسه کاترین در کوه سینا کشف شده است؛ این نسخه حاوی تمامیت عهد جدید است و حتی شامل رسالهٔ برنابا و بخشی از «شبان» به قلم هرماس می باشد، یعنی آثاری که در قانون نهایی عهد جدید حفظ نخواهند شد. سینایتیکوس امروزه در موزهٔ بریتانیا نگهداری می شود. این دو نسخهٔ خطی با خطی زیبا و با حروف بزرگ نوشته شده اند. این دو تنها مشهورترین نسخ از میان ۲۵۰ نسخهٔ چرمی دیگر است که تقریباً به همین شکل نسخه برداری شده اند و متعلق به سده های سوم تا پنجم یا ششم می باشند؛ اکثر آنها، خصوصاً قدیمی ترین آنها، تنها شامل بخش هایی از متن عهد جدید هستند، گاه بخش هایی بسیار کوچک.

تمامی این نسخ خطی عهد جدید که به دست ما رسیده، مشابه هم نیستند. بر عکس، می توان میان آنها تفاوت هایی با اهمیت مختلف تشخیص داد که در هر حال، بسیار چشمگیر هستند. پاره ای از این تفاوت ها فقط مربوط به جزئیات دستوری، واژگان یا ترتیب کلمات می شود، اما در مواردی دیگر، اختلافاتی میان نسخ مشاهده می شود که بر معنی تمام بخش های مورد نظر اثر می گذارند.

کشف منشأ این اختلافات نسبتاً ساده است. واقعیت این است که متن عهد جدید در طول قرون متمادی مکرراً توسط کاتبانی کم و بیش صاحب صلاحیت نسخه برداری شده، اما این افراد هیچ یک مصون از انواع قصورات نبودند، به طوری که هیچ نسخه ای، هر چقدر هم منظم باشد، هیچ گاه به طور کامل مانند الگوی اصلی اش نمی باشد. به این امر باید این نکته را افزود که برخی از کاتبان که البته نیتی نیک داشتند، گاه کوشیده اند بخش هایی از الگوی اصلی خود را تصحیح کنند که به نظرشان یا حاوی اشتباهات مشخص بودند یا به لحاظ الهیاتی دقیق نبودند. ایشان با این کار، نسخه بَدَل هایی جدید از قرائت هایی را وارد کرده اند که قبلاً وجود نداشت و تقریباً همیشه اشتباه هستند. و بالاخره، می توان این نکته را نیز افزود که کاربرد عبادتی بخش هایی از عهد جدید غالباً سبب شده که متن را به لحاظ آیین نیایش زیباتر یا برای قرائت شفاهی هماهنگ تر سازند.

ناگفته پیداست که در طول قرن ها، تغییراتی که

کاتبان وارد متن ساختند بر روی هم انباشته شدند، به گونه ای که متنی که در نهایت به دورهٔ صنعت چاپ رسید، حاوی اختلافاتی گوناگون است که نتیجه اش اکنون وجود گونه های بسیار قابل توجه می باشد.

هدف آرمانی که علم «نقد نسخ» دنبال می کند، این است که بر اساس تمام این اسناد متفاوت، متنی را بازسازی کنند که به احتمال بیشتر به متن اصلی نزدیک است. به هر حال، مطلقاً نباید تصور کرد که امید هست به این که بتوان به خودِ متن اصلی نزدیک شد.

نخستین کار علم نقد نسخ عبارت است از این که شواهد موجود از متن را مد نظر قرار دهد. به بیانی دیگر، باید همه اسنادی را که تمام یا بخشی از متن عهد جدید را ارائه می دهند، سرشماری کرده، طبقه بندی نماید. آنچه در اینجا اهمیت می یابد، نه تنها نسخی است که به زبان یونانی نوشته شده، بلکه همچنان همه نسخی است که حاوی ترجمه ای از عهد جدید به زبان های رایج میان مسیحیان سده های نخستین می باشند (اساساً لاتین، سُریانی و قُبطی). در پاره ای از موارد، این ترجمه ها از روی اصل های یونانی ای صورت گرفته که متقدم بر نسخه های واتیکانوس و سینایتیکوس می باشند. لذا آنها بر وضعیت متنی شهادت می دهند که قدیمی تر از متنی است که می توان از طریق قدیمی ترین نسخ خطی یونانی به دست آورد. تا آنجا که بتوان جوهر یونانی این ترجمه های قدیمی را دقیقاً بازسازی کرد، آنها نقش مهمی در تثبیت متن عهد جدید ایفا می کنند.

علاوه بر نسخ یونانی و ترجمه های قدیمی، علم نقد نسخ می کوشد در میان انبوه عظیم نقل قول ها از عهد جدید که در نوشته های پدران اولیه کلیسا یافت می شود بهره گیرد. امتیاز بلامانع این نقل قول ها به طور خاص این است که اغلب اجازه می دهند به وضعیتی از متن بازگردیم که متقدم بر وضعیتی است که در قدیمی ترین ترجمه ها مشاهده می شود (و لذا متقدم بر قدیمی ترین نسخ خطی یونانی نیز). در ضمن، تعیین تاریخ و منشأ جغرافیایی این نقل قول ها به نسبت آسان است و بدینسان وسیله ای ساده در اختیار داریم تا بدانیم متن عهد جدیدی که در تاریخی مشخص و در بخش معینی از کلیسا مورد کاربرد بوده، چگونه بوده است. اما برعکس، این نقل قول ها مشکلی دوگانه پدید می آورند. هر یک از آنها نه تنها بخشی کوچک از متن را ارائه می دهند، بلکه از بخت بد ما، پدران غالباً متن را از حفظ و بدون سخت گیری زیاد نقل می کردند، به گونه ای که همیشه میسر نیست به اطلاعاتی که انتقال می دهند اعتماد کرد.

وقتی این تودهٔ عظیم اسناد متشکل از نسخ یونانی، ترجمه های قدیمی و نقل قول های پدران سرشماری و تجزیه و تحلیل شد، علم نقد نسخ می کوشد آنها را به نظم درآورد تا بتواند به بهترین وجه از آن به منظور بازگشتن هر چه بیشتر به عقب و به متن اصلی بهره بگیرد.

با چنین چشم اندازی، متخصصین با بررسی دقیق به این نتیجه رسیده اند که تودهٔ شواهد شناخته شده، به گروه های اصلی نسبتاً محدودی تقسیم می شوند. به این ترتیب، موفق شده اند نسخ مختلف را به سه یا چهار خانوادهٔ اصلی نسبت دهند و تعیین کنند که هر نسخه، رونوشتی از کدام الگوی اصلی از این خانواده ها بوده است.

به دنبال این کار که هنوز به پایان نرسیده اما بسیار چشمگیر است، علم نقد نسخ می تواند تا حد وسیعی، نه بر توده ای انبوه از شواهد منفرد،

بلکه بر گروه هایی از شواهد تکیه کند که هر یک حکایت از نوع خاصی از متن دارند که اصل و منشأ آنها را می توان با اطمینانی کم و بیش زیاد، تاریخ گذاری کرد و محل آن را مشخص ساخت.

نوع های اصلی متن که توسط نقد نسخ مشخص شده اند، به ترتیب زیر هستند:

– متنی که «انطاکیه ای» یا «سُریانی» نامیده شده، زیرا اصل و منشأ آن را عموماً شهر انطاکیه(واقع در جنوب غربی ترکیه امروزی/م) و سال حدود ۳۰۰ میلادی می دانند. شاهد این نوع متن عبارت است از اکثریت گستردهٔ نسخ خطی یونانی، خصوصاً آنهایی که متأخرتر هستند، زیرا این متن نسبتاً به سرعت تبدیل به متنی شد که در جهان بیزانسی مورد استفاده بود (امپراطوری روم شرقی که پایتختش استانبول امروزی بود/م). به همین دلیل، آن را «متن بیزانتینی» یا «Koine ekdosis» (یعنی ویراست عمومی) نیز می نامند. دغدغهٔ خاص آن همانا شیوایی و روشنی است؛ این متن بخش های کم و بیش موازی را هماهنگ می سازد و گونه های مختلف از بخشی واحد را در هم می آمیزد. با وجود نقص کیفیت ویرایشی در این روایت، بر اساس شکل های متأخر این متن بود که نخستین ویراست های عهد جدید به چاپ رسید و متن آن می رفت تا برای بیش از سه قرن، همچون textus receptus یا «متن پذیرفته شده توسط همه» منتشر شود.

– متنی موسوم به «اسکندرانی» یا «مصری»؛ همه چیز حاکی از این است که خاستگاه آن مصر است و به احتمال دقیق تر، شهر اسکندریه. شواهد اصلی آن نسخهٔ واتیکانوس، و در درجه ای کمتر، نسخهٔ سینایتیکوس می باشند. این متن حداکثر در حدود سال ۳۰۰ میلادی وجود داشته و پاره ای از کشفیات اخیر این تصور را ایجاد کرده که لااقل در خصوص انجیل ها، در تاریخی قدیمی تر از این وجود داشته است. آن را اغلب متن «خنثی» می نامند، زیرا به نظر نمی رسد ثمرهٔ بازبینی ای واقعاً نظام مند و هدف مند بوده باشد. همهٔ متخصصین، یا اغلب آنان، بر سر این امر توافق دارند که برای آن، در مجموع، ارزش نقادانهٔ بالایی قائل باشند، و تصور کنند که اصل و منشأ آن، سنتی از نسخ خطی باشد که به طور خاص به متن اصلی وفادار است، یا متن را چنان بازسازی کرده باشد که کیفیت آن برای دنیای اسکندرانی تعجب آور نباشد. لذا از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، ویراست های منتشر شده از عهد جدید، با رغبت و دلایل کافی از این نوع متن پیروی می کنند. اما نباید تصور کرد که آن همیشه و در همهٔ موارد مصون از خطا است.

– متنی مرسوم به «غربی». این نامگذاری که در قرن هجدهم صورت گرفت، ثابت شده که تا حدی نادرست است. واقعیت این است که ترجمه های قدیمی عهد جدید و بعضی از نسخ خطی یونانی-لاتین، نظیر «کودکس بزای» (احتمالاً سدهٔ چهارم) برای انجیل ها و اعمال رسولان، قطعاً شاهد اشاعهٔ گستردهٔ این نوع متن در غرب هستند؛ اما اکنون بر اساس بعضی از ترجمه های شرقی، نقل قول های بسیار و قطعات کوچک نسخ خطی قدیمی یونانی، روشن است که در شرق نیز این نوع متن وجود داشته است. این متن «غربی»، در بسیاری از موارد، با این که اصل و منشأ و وحدت آن مسائلی را مطرح می سازند، همچون قدیمی ترین و رایج ترین شکل متن عهد جدید وجود دارد. مشخصهٔ آن، گرایش روشن آن به ارائهٔ توضیحات، تصریحات، روشن سازی متن و هماهنگ سازی هایی است که عموماً از متن اصلی فاصله می گیرد، اما در بیش از یک مورد، نسخه

بَدَل های قدیمی آن، خصوصاً وقتی کوتاه هستند، سزاوار توجه می باشند.

این خانواده های بزرگ نسخ خطی، تنها خانواده هایی نیستند که می توان تشخیص داد. میان نوع های بسیار مشخص که در بالا ذکر کردیم، شکل های میانی نیز وجود دارد. با این حال، لازم نیست وارد این جزئیات شد تا به فوائد این روش پی ببریم، روشی که مبتنی است بر منزوی کردن نوع های متن و قرار دادن آنها در زمان و در مکان، یعنی کاری که می توان بر اساس ترجمه ها، نقل قول ها و گاه توسط علم شناخت خطوط کهنه انجام داد. بدینسان، امکان این امر پدید می آید که برای هر نسخه بدل، برای هر کتاب، و برای کل عهد جدید، دست کم طرحی از تاریخ تألیف متن تهیه کرد که قدیمی ترین و پر شاهدترین شکل ها را بشناساند، شکل هایی که در نتیجه، احتمال بیشتری دارند با متن اصلی یکسان باشند.

این نخستین کار نقد که آن را «نقد بیرونی» می نامند، نابسنده است. برای مثال، بارها دیده می شود که این کار منجر به مشاهدهٔ وجود دو نسخهٔ بَدلِ کم و بیش گسترده در سده های دوم و سوم میلادی می شود که انتخاب میان آنها دشوار است. لذا باید متوسل به خدمات «نقد درونی» شد.

این نوع نقد اساساً نسخه بدل ها را همچون شاهد بر نوع های متفاوت متن عهد جدید مد نظر قرار نمی دهد. بر عکس، از این اصل حرکت می کند که محتوای هر نسخه بدل را باید همچون موردی منفرد بررسی کرد، نسخهٔ بدلی که نتیجهٔ مداخلت بی مورد نسخه بردار می باشد، چه متوجه آن بوده و چه نبوده باشد. هدف نقد درونی نخست این است که به شکلی دقیق نوع مداخلتی را که نسخه بردار مسؤول پیدایی آن نسخه بدل بوده بازسازی کند و انگیزه های این مداخلت را کشف نماید. پس از آن که این نکات مشخص شد، نسبتاً آسان است این ویرایشِ اولیه را اخذ کرد که چه ویرایشی سرچشمهٔ همهٔ ویرایش های متغییر است. با این حال، این روش تا حد زیادی وابسته به قضاوت ذهنی و غیر عینی نقاد است که هم باید از احساس شخصی خود از متن بهره بگیرد و هم از شناخت رفتار مرسوم کاتبان، و نیز از اشتباهاتی که ایشان بیش از همه مرتکب می شدند. این خصلت ذهنی روش نقد درونی تا حد زیادی توضیح می دهد که چرا به طور کلی، همچون مکمل نقد بیرونی مورد استفاده قرار نمی گیرد.

در هر صورت، نتایجی که از ۱۵۰ سال پیش به واسطهٔ نقد نسخ عهد جدید بدست آمده، چشمگیر است. در حال حاضر، می توان گفت که متن عهد جدید به خوبی تثبیت شده است. این امر نمی تواند به طور جدی مورد منازعه قرار گیرد، مگر آن که اسناد جدیدی کشف شود.

این نتایج موجب پیشرفت های بسیار شده که آنها را می توان میان چاپ های امروزی عهد جدید و آن هایی که بین سال های ۱۵۲۰ و حدود ۱۸۵۰ چاپ شده مشاهده کنیم، یعنی پیش از کاربرد دقیق قواعد علم نقد نسخ. در حال حاضر، متداول ترین ویراست عهد یونانی ویراست نستله-آلاند است(Nestle-Aland) که مبتنی است بر متن سه ویراست بزرگ و علمی مدرن، توسط تیشندورف(Tischendorf)، وستکات(Westcott) و هورت(Hort)، و وایس(Weiss). کتاب «عهد جدید یونانی» (Greek New Testament)، به ویرایش انجمن کتاب مقدس و به همت کِی. آلاند(K.Aland)، ام. بلک(M. Black)، بی. ام. متزگر(B. M. Metzeger) و اِی. ویکگرن(A.

Wikegren)، کوشیده این متن را بهبود بیشتری بخشد. بر روی این ویراست اخیر است که ترجمهٔ حاضر از عهد جدید صورت گرفته است، به جز در موارد استثنایی.

محیط عهد جدید

مسیحیت در گهوارهٔ قومی پا به عرصهٔ وجود گذاشت که تاریخی بس متلاطم داشت. پس از تبعید دردناک به بابل که اثر قطعی خود را بر وجدان قوم یهود گذارد، ایشان با وجود مشکلات گوناگون، مجدداً در فلسطین استقرار یافتند؛ اما یهودیان وقتی در سرزمین موعود جای گرفتند، قطعاً پی بردند که روزگار تغییر کرده و دیگر از این پس نمی توانند مانند گذشته زندگی کنند. در واقع، فلسطین بیش از قبل بازیچهٔ منافعی قرار گرفته بود که برایش سخت بود، و باز بیش از گذشته، خود را تابع تأثیرات گمراه کننده و سمج اندیشه های بیگانه و لذا بت پرستانه می دید که به تدریج سخت تر از پیش با سنت های یهودی نیاکانشان درگیر می شدند، سنت هایی که ایشان می کوشیدند با وجود همهٔ این مشکلات حفظ کنند. در طول سال ها، برخورد میان یهودیت و جهان پیرامون آن، شکل هایی هر چه بیشتر خشونت بار به خود می گرفت.

از زمان مرگ اسکندر کبیر در سال ۳۲۳ ق.م. فلسطین تحت حاکمیت پادشاهان یونانی قرار گرفت. ایشان نسبت به یهودیان رویکرد هایی بسیار متفاوت داشتند، از مدارای بسیار گرفته تا تلاش سخت برای همرنگ ساختن ایشان با فرهنگ یونانی. نام آنتیوخوس چهارم اپیفانس(۱۶۴-۱۷۵ ق.م.) مترادف شده با بی رحمانه ترین این تلاش ها تا انحصارگرایی یهودیان را از طریق خارج ساختن ایشان از دین خود، در هم بکوبند. نقطهٔ اوج این تلاش ها، وقف معبد اورشلیم به ژوپیتر اُلمپی بود. این رویدادها که در کتاب های مکابیان ذکر شده، موجب شد یهودیان دیندار (حسیدیم) یا به مقاومت منفی دست بزنند یا به طغیان. شورش نظامی تحت رهبری برادران مکابی، حتی منتهی شد به بازیابی نسبی استقلال سیاسی و مذهبی که حدود یک قرن به درازا کشید. سلسلهٔ حسمونیان که نامش را از یکی از نیاکان یهودای مکابی برگرفته، بر فلسطین فرمانروایی کرد تا این که نظم رومی بر آن حاکم شد. پُمپی که برای پایان بخشیدن به منازعات داخلی آخرین حسمونیان مداخلت کرد، اورشلیم را در سال ۶۳ ق.م. به تصرف درآورد.

دورهٔ حاکمیت رومی ها در اوائل تاریخ فلسطین، تحت سیطرهٔ سلسلهٔ دست نشاندهٔ هیرودیان سپری شد. هیرودیس کبیر (متی۲:۱) از سال ۴۰ تا ۴ ق.م. در آنجا سلطنت کرد که غالباً همراه بود با خشونت و اختناق. تبار ایدومی او که در نتیجه ارتباطی به خاندان داود نداشت، در کنار بی رحمی هایش، نفرت تسکین ناپذیری در میان قوم یهود بر انگیخت. پس از مرگش، سه پسر او قلمروی او را میان خود تقسیم کردند. هیرودیس آنتیپاس، جلیل(لوقا۳:۱) و پیریه را به ارث برد و از ۴ ق.م. تا سال ۳۹ میلادی بر یان مناطق فرمانروایی کرد. هم او بود که باعث اعدام یحیی شد (مر۶:۱۷-۲۹) و نقشی نیز در محاکمهٔ عیسی داشت (لو۲۳:۶-۱۶). از ارکلائوس(مت۲:۲۲) که یهودیه و سامره را دریافت کرده بود، و از فیلیپس که سرزمین های شمال پیریه را به ارث برده بود (لو۳:۱)، جز نامی در انجیل ها نیامده است.

با این حال، قدرت سیاسی حاکم را کارگزاران

رومی در دست داشتند، یعنی والیان و فرماندهان نظامی. در عهد جدید خاطرهٔ چندین نفر از آنان حفظ شده: پنطیوس پیلاطُس، پنجمین فرماندار نظامی، وظایف خود را بین سال های ۲۷ و ۳۷ با خشونت تمام به انجام رسانید. فلیکس، مردی بی رحم و شریر (طبق نظر تاسیتوس مورخ)، از سال ۵۲ تا ۶۰ فرماندار نظامی بود و سهم بسیاری در پیدایی جنگ داخلی در سرزمین تحت حاکمیتش داشت. در حضور او بود که پولس در قیصریه احضار شد (اع۲۳:۲۳ تا ۲۶:۲۴)؛ جانشین او فستوس بود (اع۲۵-۲۶) که پولس در حضور او از دادگاه قیصر درخواست محاکمه کرد (اع۲۵:۱۱-۱۲).

حاکمیت فرمانداران نظامی به واسطهٔ وقفه ای کوتاه زمان اعادهٔ قدرت خاندان هیرودیان، در زمان آغریپاس اول، نوهٔ هیرودیس کبیر، قطع شد. بر اساس مندرجات عهد جدید، هم او بود که یکی از نخستین آزار کنندگان کلیسای نو پا بود (اع۱۲:۱-۲۳). این وقفه (۳۹-۴۴میلادی) موجب بهبود وضع فلسطین نشد. مشکلات سیاسی در طول حاکمیت آخرین فرمانداران نظامی شدت یافت و در سال ۶۶، تبدیل شد به شورشی تمام عیار. ستمی که رومی ها به سختی روا می داشتند، در سال ۷۰ منجر به ویرانی اورشلیم و معبد آن گردید. وقتی معبد از میان رفت، یهودیان دیگر نمی توانستند مذهب خود را به اجرا درآورند. تمام نظام سیاسی، مذهبی و ملی یهودیت گرفتار بدترین فاجعهٔ تاریخ خود شد.

به نظر می رسد که پیش از وقوع این رویدادهای شوم بود که جامعهٔ کوچک مسیحی از اورشلیم گریخت تا در پِلا، در دیکاپولیس پناه بگیرند.

از سال ۷۰ میلادی به بعد، تاریخ یهودیت عملاً محدود می شود به تاریخ میلیون ها یهودی که از قرن ها قبل، در تمام حوزهٔ مدیترانه، در بین النهرین تا به ایران با وجود تمام تلاطمات سیاسی که خاور میانه را تکان داده بود، پراکنده بودند. شمار بیشتر این پراکندگان در اسکندریه، انطاکیه و روم سکونت داشتند. در آنجا، یهودیان از موقعیت قضایی خاصی برخوردار بودند که به ایشان اجازه می داد حقوق مذهبی و مدنی خود را بر اساس شریعت موسی اداره کنند. نوعی حس پنهان یهود ستیزی در مردمان پیرامون ایشان سبب می شود این جوامع از محیط اجتماعی خود منزوی شوند، اما به ندرت اتفاق می افتد این حس تبدیل به اقداماتی خشونت آمیز و عمدی گردد. حیات مذهبی و فرهنگی یهودیان پراکنده در کنیسه ها متمرکز بود، یعنی نهادهایی که در آن واحد، همچون مدرسه، کانون فرهنگی و محل عبادت ایفای نقش می کرد. این عبادت عمدتاً شامل نیایش، قرائت تورات و توضیح آن می شد.

یهودیت در روزگار عیسی، نظامی اجتماعی-مذهبی همگنی بود بر شالودهٔ ایمان به خداوند قادر مطلق و یکتا، و احترام به هنجاری مطلق، یعنی تورات یا شریعت. بر اساس این عناصر بنیادین، اندیشهٔ یهودی می توانست با آزادی بسیار تحول بیابد و به لحاظ مذهبی، از مدارایی گسترده بهره مند باشد.

تمام حیات یهودیان تحت تنویر الهیِ شریعت صورت می گرفت. این شریعت که اصل و منشأیی الهی داشت، کامل بود. با این حال، لازم بود مورد توضیح و تفسیر قرار گیرد تا مردم بتوانند آن را برای مسائل ملموس و فردی خود به کار ببرند. این تلاش برای توضیح که در طول و قرون و اعصار صورت می گرفت، منجر به شکل گیری توراتی شفاهی در کنار تورات مکتوب گردید، و بنیاد آن بر سنت مشهور مشایخ قرار داشت و به

واسطهٔ زنجیره ای بلا انقطاع از ربّی ها، به زمان موسی باز می گشت. در عهد جدید، این افراد با سواد یهودی که مفسر تورات بودند، کاتب نامیده شده اند. ایشان در روزگار عیسی، اقتدار و مرجعیتی چشمگیر در میان مردم، خصوصاً در بین طبقهٔ متوسط داشتند. ایشان که در جامعه وظیفهٔ عالم الهی و قاضی را بر عهده داشتند، از جایگاه مهمی در حیات یهود برخوردار بودند. از سدهٔ سوم میلادی، ربّی ها شروع کردند به نوشتن مجموع این سنت کاتبان که تا آن زمان به شکل شفاهی باقی مانده بود. این کار عظیم منجر شد به تدوین «میشنا» (تکرار شریعت، تفسیر) که خودش در تألیف «تلمود» (یعنی تعلیم) جای گرفت.

قطب دیگر حیات یهودیان را در سدهٔ اول میلادی، به طور قطع معبد اورشلیم تشکیل می داد که احساس مذهبی و ملی تمام قوم معطوف به آن بود. در واقع، معبد همچون مرکز جهان تلقی می شد، جایی که خدا می بایست در روز آخر ظاهر شود. تمام یهودیان بالغ و مذکر وظیفهٔ خود می دانستند، اگر نگوییم خوشی خود، که به دقت مالیات دو درهمی معبد را پرداخت کنند که می بایست به مصرف نیازهای پرستشگاه برسد. وظایف فرهنگی و نیایشی را کاهنان بر عهده داشتند که از میان اعقاب خاندان هارون انتخاب می شدند. ایشان را در وظایفشان، لاویان یاری می دادند. بدینسان یک طبقهٔ کامل کهانتی در حول محور پرستشگاه اورشلیم می چرخید؛ این طبقه دارای سلسله مراتبی دقیق بود که تحت اقتدار اعلای کاهن اعظم قرار داشت؛ همین کاهن اعظم ریاست شورای سنهدرین را نیز بر عهده داشت که متشکل از کاهنان و غیر روحانیون بود و ۷۰ عضو داشت؛ این افراد در امور مدنی و مذهبی صاحب صلاحیت بودند.

در همین حال، خصومتی روز افزون، کاتبان را در مقابل این نمایندگان طبقهٔ کهانتی قرار می داد. این خصومت یکی از جنبه های مخالفتی بود که میان معبد و کنیسه، یا میان صدوقیان و فریسیان وجود داشت. این دو گرایش بزرگ چیزی را تشکیل می داد که معمولاً یهودیت رسمی نامیده می شود.

در روزگار عیسی، صدوقیان اقتدار خود را در معرض اعتراضی سخت می دیدند. در واقع، ایشان از هر نظر، نگهبان و هوادار نظم بودند، حتی اگر این نظم متعلق به رومی ها بود، و این امر بخش مهمی از حقوق مادی ایشان را تضمین می کرد. به همین دلیل، مردم به ایشان سخت مظنون بودند که با نیروهای اشغالگر بت پرست همکاری و حتی تبانی می کنند. به هر حال، ایشان هر نوع نفوذ خود را در میان مردم از دست داده بودند. مردم، مخالفان ایشان، یعنی فریسیان را به آنان ترجیح می دادند، زیرا فریسیان را وطن پرست، وفادار به خداوند و به شریعت، و حتی اعقاب حسیدیم مشهور می دانستند که در طغیان علیه آنتیوخوس اپیفانس در عصر مکابیان شرکت جسته بودند. در سال ۷۰ میلادی، ویرانی معبد قاعدتاً موجب فروپاشی فرقهٔ صدوقیان نیز گردید، چرا که ایشان کاملاً متکی به معبد بودند. از این تاریخ به بعد، یهودیت رسمی منحصاً در گرایش فریسی گری نمود می یابد.

در حاشیهٔ این دو «حزب» بزرگ، در عصر عیسی چند فرقه نیز وجود داشت که بعضی از آنها برای شناخت محیط اولیهٔ مسیحیت سودمند می باشند.

در خصوص فرقهٔ «غیوران» اطلاعاتی ناقص در دست داریم که تعبیر آنها دشوار است. به نظر می رسد این فرقه در واقع شاخهٔ افراطی فریسیان را تشکیل می داد. اعضای آن مصمم بودند به هر

قیمتی که شده، مردم را وادار به اجرای واجبات شریعت کنند، حتی اگر شده با توسل به زور. ایشان که گاه همچون راهزن معرفی شده اند، در واقع متعصبین مذهبی بودند که سخت مخالف هر اقتداری غیر از شریعت بودند. به همین دلیل، تردیدی به خود راه نمی دادند که آنانی را که در نظر ایشان شریعت را شدیداً زیر پا می گذاشتند به مرگ محکوم کنند، خصوصاً آنانی را که با نیروهای اشغالگر بت پرست همکاری داشتند. احتمال این هست که بعضی از شاگردان عیسی، یا حتی پولس، پیش از مسیحی شدن، پیوندهایی با این فرقه داشتند.

فرقهٔ دیگری که حاشیه ای تر از غیوران بود و از زمان کشف دست نوشته های دریای مرده در قُمران بهتر شناخته شده، اسنی ها هستند که اغلبشان راهب بودند، اما بَعضی از ایشان می توانستند خارج از صومعهٔ مرکز قُمران زندگی کنند و تأثیر قابل توجهی بر مردم فلسطین بگذارند. اسنی ها با مقامات یهودی که در رأس قدرت بودند، خصوصاً با کاهن اعظم بسیار خصومت داشتند. ایشان که یهودیانی بسیار سختگیر بودند، بسیاری از اندیشه های خارجی را وارد الهیات خود ساخته بودند. بدینسان احتمالاً تحت تأثیر اندیشهٔ ایرانی بود که ایشان به عقیدتی کاملاً دوگانه باور شکل بخشیده بودند، عقیدتی که مبتنی بود بر تقابل بنیادین میان دو روح یا دو نیرو، یکی نیروی خیر و دیگری نیروی شرّ، که با یکدیگر تا به روز واپسین درگیر نبردی بی رحمانه بودند، و در این روز واپسین، شاهد پیروزی قطعی رئیس نور بر فرشتهٔ ظلمت خواهیم بود.

عهد جدید هرگز از اسنی ها نام نمی برد و حاوی هیچ اشاره ای به تأثیر مستقیم این فرقه بر مسیحیت نیست. با این حال، مشخص است که شخصیت هایی چون یحیی، عیسی و شاگردان اولیه، بیشتر همسو بودند با محافل «فرقه ای» یهودیت سدهٔ نخست تا با یهودیت رسمی. اما تا آنجا که آگاهی ما اجازه می دهد، همهٔ این محافل کم و بیش با اندیشه های اسنی قرابت فکری و احساسی داشتند. لذا غیر ممکن نیست که مسیحیت اولیه جایگاهی برای این اندیشه ها باز کرده بود و این که طرز تفکر و رفتاری ماهیتاً اِسنی بر جامعهٔ مسیحیت نخستین در اورشلیم حاکم بود، یا لااقل برای مدتی.

اسنی ها قاعدتاً نقشی فعال در خیزش علیه رومی ها ایفا کردند. ایشان در تلاطمات سال ۷۰، از صحنه محو شدند.

رویدادهایی که منجر به انهدام اورشلیم شد، بر میزان خشم توده های یهودی شهادت می دادند که تابع استبداد فرمانداران رومی بودند. این خشم که از سوی عناصر فرقهٔ «غیوران» مورد بهره برداری گسترده قرار می گرفت، اصل و منشأ همهٔ باورهای مکاشفه ای را تغذیه می کرد که از سدهٔ دوم پیش از میلاد، در فلسطین بسیار توسعه یافته بود. در واقع، این یقین بیش از پیش در ضمیر یهودیان ریشه می گرفت که خدا به زودی چالش حضور بت پرستان در ارض مقدس را از میان برده، عدالت خود را بر قرار خواهد داشت و در همان حال، امتیازات برگزیدگان خود را اعاده خواهد کرد و پادشاهی خود را به شکلی تماشایی بر روی زمین مستقر خواهد ساخت.

این مداخلت الهی می بایست پایان مصائب کنونی را پدید آورد، و در عین حال، آغاز عصر نوینی باشد که شرّ و بی دینی در آن راه نخواهد یافت. این واقعه، در مرحلهٔ آخر، می بایست همراه باشد با افزایش رویدادهای فاجعه آمیز و مصیبت باری که در نهایت تمامی دشمنان خدا را به طور

قطع از میان خواهد برد. تمام این باورها برداشت های آخرت شناسی یهودیتِ متأخر را تشکیل می داد.

در سدهٔ نخست مسیحی، امیدهای مربوط به آخر زمان، به هیچ وجه مجموعهٔ منسجمی را تشکیل نمی داد. بیشتر شاهد وفور اندیشه هایی هستیم که تقریباً مغشوش بودند و کسی نمی توانست بر آنها مسلط شود. با این حال، آنچه که می توان ثابت کرد، این است که با نزدیک شدن عصر مسیحیت، این برداشت ها مشخصاً حالتی افراطی به خود گرفتند، دست کم در پاره ای از محافل. از آن پس، سیه روزی های اسرائیل بقدری هولناک بودند که دیگر نمی شد به طور عاقلانه، به یک مسیحای بشری و تاریخی امید داشت، مسیحایی که بتواند روزی کرامت قوم برگزیده را احیا کند. آنچه از آن پس امید می رفت، این بود که تنها خدا تحولی در شرایط پدید آورد و دگرگونی ای که آن قدر انتظارش را می کشیدند فقط به واسطهٔ واژگونی کیهانی و ظهور جهانی کاملاً جدید صورت پذیرد. در این صحنهٔ مکاشفه ای، جایگاه مسیحای موعود همیشه چندان مهم نبود. نویسندگان آثار مکاشفه ای، هرگاه سخن می گفتند، دیگر مانند گذشته، مسیحایی زمینی را نمی دیدند، کسی را که از جانب یَهوِه مسح شده باشد، یا به بیانی دیگر پادشاهی از خاندان داود که وظایفی اساساً سیاسی و نظامی را بر دوش داشته باشد تا به مدد الهی، رهایی و کامیابی قوم را تأمین کند. از آن پس، مسیح موعود بیش از پیش جنبهٔ موجودی فوق طبیعی را به خود می گرفت که بیشتر به خدا متصل بود تا به انسان ها. در برخی از کتب مکاشفه ای، او نام «پسر انسان» را دریافت می کند، اما با این حال، چهره ای اساساً آسمانی را حفظ می کند، بدون این که تماسی واقعی با بشر داشته باشد یا در معرض رنج قرار گیرد. مجموعهٔ این تصورات مسیحایی و مکاشفه ای در این دوره، مقداری از مطالبی را فراهم می سازد که بر اساس آنها، مسیح شناسی مسیحیان شکل خواهد گرفت. با وجود این، توجه به تقدیر رنج آلود عیسی، مسیحیان را بر آن داشت تا محتوایی کاملاً جدید به چارچوبی بدهند که در اختیارشان قرار گرفته بود، چارچوبی که مسیح باوری و باورهای مکاشفه ای عصر ایشان در دسترسشان قرار داده بود.

چند ملاحظه در بارهٔ دنیای یونانی - رومی

دنیای رومی در آغاز عصر مسیحیت، وارث مستقیم امپراطوری یونانی بود که به دست اسکندر کبیر بنا شد. زیر لعابی رومی، شاهد همان نظام اداری ولایتی، همان شرایط زندگی مشترک و فردی و به یک سخن، همان تمدن هستیم و به زبان مشترک همان یونانی باقی ماند.

نگاهی به نقشهٔ امپراطوری روم، بهتر از فهرست مناطق، گسترهٔ آن را نشان خواهد داد. ابعادش جهانی بود و هر سال بیشتر به اقتدار خود می افزود و انحصارگرایی ها را از میان می برد و در مقابل فشارهای بربرها می ایستاد(ژرمن ها، پارت ها...).

این امپراطوری که نتیجهٔ فتوحات متعدد بود، قلمروهایی با جایگاه های گوناگون را گرد هم می آورد: مصر که ملک شخصی امپراطور بود و والی آن به منزلهٔ پادشاه بود، سرزمین های تحت الحمایه، کشورهای باستانی که نهادهای سنتی خود را حفظ می کردند، و سایر ایالات. در میان این ایالات، باید این ها را تشخیص داد: ایالات سناتوری(مانند ایالات آسیا، همان آسیای صغیر) و ایالات امپراطوری که سپاهیان روم هنوز در آنها

مستقر بودند و اقتدار روم در آنها به واسطهٔ والیانی اعمال می شد که فقط به امپراطور پاسخگو بودند(مانند سوریه). فرمانداران نظامی مناطقی را اداره می کردند که خصوصیات ویژه ای داشتند(مانند یهودیه).

این نظام استبدادی که برای مناطق تنها ظاهری خودمختار قائل می شد(شوراهای ایالتی)، صلحی نسبی اما واقعی را تأمین می کرد که شهرهای ایالت آسیا(مناطق غربی ترکیه امروزی/م)، به واسطهٔ تبادل نظمی مساعد، به طور خاص از آن بهره مند بودند. برای مناطق دیگر، باید گفت که شهرها از نوعی آزادی برخوردار بودند: آنها توسط یک مجمع (به یونانی: اکلسیا) اداره می شدند که تمام شهروندانشان در آن عضو بودند، خصوصاً توسط شورای اعیان (به یونانی: بوله). اصناف نیز نقشی مهم در زندگی محلی ایفا می کردند.

شخصی که شهروند شهر خود بود می توانست به علاوه از تابعیت روم نیز برخوردار گردد. این امتیاز می توانست به واسطهٔ ارث کسب شود (مانند مورد پولس)، یا با طلا خریداری شود، یا به عنوان پاداش به کسی اعطا گردد. شهروند رومی از مجازات های بدنی و شرمسار کننده معاف بود (اع۲۲:۲۵-۲۹) و می توانست از امپراطور فرجام خواهی کند (اع۲۰:۱۰ به بعد).

اندکی پیش از عصر مسیحیت، به تدریج شروع کردند به نگریستن به امپراطوران به عنوان موجودات الهی، پسران خدا، حتی خود خدایان. این فرایند که وسیعاً تحت تأثیر اقوام مشرق زمین (مصر، ایران) قرار داشت، با منطق امور سازگار بود: وقتی امپراطور یکی است، مذهب نیز باید شالودهٔ واحد آن را نشان دهد. تیبریوس، کلودیوس و وسپازیان ترجیح می دادند تنها امپراطور متوفی عبادت شود، اما کالیگولا، نرون و دومیتیان اجازه دادند که پرستش شوند. در واقع، این مذهب را روم بر مردم تحمیل نکرد؛ کافی بود امپراطور به شور و شوق و قدردانی...یا تظاهرات ریاکارانهٔ ایالت، شهرها یا اصناف اجازهٔ بروز آزاد بدهد. همین امر است که شکوفایی حیرت انگیز مذهبی را توجیه می کند (افسس چندین معبد به این مذهب اختصاص داده بود) که به طور کامل در کنار سایر اشکال مذهبی وجود داشت. کاهنان اعظم را والیان محلی انتخاب می کردند. این مسؤولیتی پر هزینه بود، اما برای کسی که آن را عهده دار می شد، نفوذ سیاسی واقعی به همراه می آورد، چرا که ارتباط مذهب و نظام اداری بسیار تنگاتنگ بود.

این وضعیت مشکلی هولناک را برای مسیحیان اولیه پدید می آورد: چگونه می شد شهروند خوبی بود بدون این که درگیر پرستش امپراطور شد؟ چند قسمت از نوشته های پولس رسول زمانی روشن می شود که آنها را در پرتو این امر مطالعه کرد: نمی بایست برداشت های دنیا را پذیرفت. رؤیاهای کتاب مکاشفه مکرراً به این مسأله داغ اشاره می کنند.

تودهٔ مردم بیش از هر چیز به عبادت خدایان خانوادگی، نگهبان و نزدیک به دغدغه های روزمره وابسته بودند، اما این ها مذاهب محلی بود که در کنار مذهب امپراطوری، خصلت اساسی مذهب روزگار را بهتر جلوه گر می ساخت. به این ترتیب که تمام زندگی روزمره تحت تأثیر مذهب بود، مذهبی که رسمی نیز باشد. مراحل زندگی انسان، در مقام فرد یا عضو هر تجمعی که باشد (خانواده، قبیله، صنف، شهر) عمیقاً تحت تأثیر مذهب قرار داشت. بدینسان، هر سمت عمومی ضرورتاً مستلزم شراکت فعالانه در مذهب بود.

این مذهب بسیار متنوع بود (خدایان بی شمار

بودند)، اما عبادت همیشه حالتی آیینی داشت. لازم بود خدایان را تکریم کرد و به ایشان قربانی هایی تقدیم کرد که مطابق قاعده باشند: چنین بود دینداری.

مراسم مذهبی شامل نیایش هایی آیینی (دعا، دعوت خدایان به قربانی ها، درخواست مواهب) و قربانی هایی بود که به منزلهٔ هدیه به خدایان بود و عموماً شامل خوراکی می شد. بخشی از قربانی سوزانده می شد و بقیه یا به مصرف خوراک کاهنان محلی یا مؤمنین می رسید، یا در بازار به فروش می رسید. این ها مشکلاتی را برای مسیحیانی مطرح می ساخت که گوشت می خریدند یا به این ضیافت ها دعوت می شدند (۱-قرن۸).

قدردانی انسان به خدایانی که او را اجابت کرده بودند، اغلب به واسطهٔ هدایای داوطلبانه صورت می گرفت، مانند آنهایی که در کاوش های حوض تطهیر در اورشلیم یافت شده است (در آن، پرستشگاهی بت پرستانه وجود داشت که به خدایی شفا دهنده وقف شده بود).

آمیزش اندیشه ها و مردمان طبعاً موجب اشاعهٔ ادیانی با اصل و منشأ شرقی می شد که خصوصیتی کمتر زمینی داشتند. در این زمینه، می توان به مذاهب مربوط به الههٔ ایزیس اشاره کرد که در آنها آزمایش های متوالی برای پذیرش نو آموز به این امر منتهی می شد که شخص با «اوزیریس»، خدای مرده همسان شود، خدایی که جادوگری های ایزیس به زندگی باز گردانده بود. در طی این مراسم، به شخص اطمینان نامیرایی می دادند.

غیب و اسرار ارتباطی تنگاتنگ با مذهب محلی داشتند و حتی وقتی شهرت این مذاهب در سراسر امپراطوری گسترش می یافت، پیوندهای محلی خود را حفظ می کردند. این مذاهب حاوی آیین هایی مقدس بودند؛ شخص در جوّی خود را به شکلی طولانی برای آنها آماده می کرد، جوّی که مقولهٔ سرّ جای مهمی را در آن اشغال می کرد. این ها غالباً آیین هایی فصلی بودند که هدفشان تضمین حاصل خیزی بود. اما گاه گفته می شد که آنها به پیروانشان اطمینانی برای زندگی بعد از مرگ می دادند (کاری که تنها به واسطهٔ آیین انجام می شد؛ تعلیم و اصول عقیدتی هیچ نقشی در این امر نداشتند). به این ترتیب است که اسرار «الیوسیس» و «دیونیسوس» (همان باکوس) پدید آمد که در طی آنها این نیاز احساس می شد که به خلسه و هیجان مقدس در محافل پر هیاهو رسید و در ضیافتی شرکت کرد که گوشتی که هنوز زنده است، خورده شود. خدایی که اجازه می داد پیروانش به این شکل از شرایط این زندگی خسته کننده به طور موقت رهایی یابند، نمی توانست ایشان را بعد از مرگ رها سازد.

این ها چند مورد از خصوصیات اصلی جهانی بود که مسیحیان اولیه می بایست در آن زندگی کنند و ایمان خود را اعتراف نمایند، ایمان به این که تنها مسیح خداوندگار است و نه امپراطور. لذا تنها از او است که باید اطاعت کرد، حتی اگر به بهای از دست دادن جان باشد. مسیح را تنها می توان در زندگی مبتنی بر سر سپردگی و با رفتاری ملهم از محبتی پرستش کرد که وی شاهد بر آن است و بیعانهٔ زندگی ابدی را در خود دارد.

پیشگفتار

انجیل متی

آغاز و پایان انجیل

متی به جای مقدمه ای که لوقا به انجیل خود افزوده، پیش از آغاز انجیل، منظور و مفهوم اثر خود را ذکر کرده و در طی آن روایت زندگی آشکار عیسی را می نگارد (۱-۲) همچنان که در پایان انجیل نیز در جریان تنها موردی که عیسی پس از رستاخیز پدیدار می شود مفهوم اثر خود را بیان می کند (۲۸:۱۶-۲۰): «قدرت کامل در آسمان و بر زمین به من عطا شده است. پس بروید و از میان همه ملت‌ها مردم را جزو پیروان درآورید و به نام پدر، پسر و روح القدس آنان را تعمید داده آنچه را به شما سفارش کرده ام به ایشان تعلیم دهید و من هر روز تا پایان روزگار با شما خواهم بود.» در این «بیانیه» که عیسی پس از برخاستن از مرگ اظهار می کند بر دو نکته مهم تأکید شده است، یکی اقتدار مسیح و دیگری نقش شاگردان او.

۱- انجیل متی نظیر انجیلهای دیگر، بیانگر زندگی و آموزشهای عیسی است ولی متی به شیوهٔ مخصوص خود و بیشتر از دیگران مسیح شناسی ساده و ابتدایی را توضیح داده و مفهوم آن را بیان می کند. در آغاز، تولد عمانوئیل - به معنی «خدا با ماست» - به یوسف اعلام می شود (۱:۲۳) و او کسی است که تا پایان روزگار به عنوان «استاد و آموزگار» برای ایمانداران حاضر خواهد بود (۲۸:۲۰) چنانکه در زندگی بر روی زمین هم استاد و آموزگار بود و همچنان بوسیلهٔ شاگردان وپیروانش این نقش را ادامه خواهد داد، با قدرتی کامل که نه از شیطان بلکه از خدا دریافت کرده است (۴:۸-۱۰) زیرا خدای پدر همه چیز را به او عطا نموده است (۱۱:۲۷). یادآوری این نکته به انجیل متی جنبهٔ اخلاقی می دهد که از اختصاصات این انجیل است.

بر طبق نوشته های مقدس، یهودیان عیسی را طرد کرده او را نپذیرفتند و بدین گونه مژده به مشرکان ابلاغ گردید و این موضوع به اختصار در سرآغاز انجیل نشان داده می شود زیرا سرآغاز انجیل کمتر به منظور نشان دادن وقایع دوران کودکی عیسی است و بیشتر برای آن است که از روی روایات کهن معنی و مفهوم سرنوشت زمینی کسی بیان شود که از میان مردگان برخاسته است. گرچه یوسف کودکی را که بوسیله روح القدس بارور و از مریم عذرا زاده شده است به نام اسرائیل و به عنوان اولاد و نسل داود می پذیرد و سپس مغان یعنی نمونهٔ مشرکانی که انجیل آنها را به نجات دعوت می نماید از او دیدار می کنند با این همه اورشلیم، کاهنان اعظم و هیرودیس پادشاه وجود او را انکار می نمایند و وی را طرد کرده به شکنجه می کشند. هیرودیس به جای اینکه او را پرستش کند می‌خواهد وی را با کودکان بیت اللحم به قتل برساند ولی عیسی از مهلکه جسته و به جلیل که نماد سرزمین مشرکان است

پناه می برد. این سرگذشت غم انگیز که بالاخره منجر به اعلام انجیل به مشرکان می شود علائم و مشخصات مرگ و رستاخیز آیندهٔ او را دارد.

بنابراین عیسی مسیح تاریخ قوم اسرائیل را به تحقق می رساند ولی متی به طریق دیگری یعنی بوسیله نوشته های مقدس هم این موضوع را اظهار نموده است: بدین معنی که در سرتاسر نوشتهٔ خود به طور پراکنده مطالبی از کتاب مقدس نقل کرده تا نشان دهد که طرز رفتار عیسی همواره بوسیلهٔ نوشته های مقدس روشن می شود و سپس می نویسد: «به این ترتیب پیام خدا که پیامبر اعلام کرده بود بایستی تحقق می یافت» (۲۲:۱ توضیح k). کسانی که عیسی را نپذیرفته بودند دربارهٔ شخصیت او اشتباه می کردند: عیسی واقعاً همان مسیح موعودی است که یهودیان انتظار می کشیدند.

۲- همین عیسی با قدرت و اقتدار یازده نفر را مأمور می کند که مژده را اعلام کنند و همه ملت ها را پیرو سازند. این مژده بر طبق اصطلاحی که مختص نخستین انجیل است بدواً اعلام «ملکوت آسمانها» است، اصطلاحی که در روایات یهود «ملکوت خدا» ثبت شده است. زیرا خدا فرمانروایی است که در میان ملت خود حضور دارد و در لحظات معینی در جریان تاریخ با قدرت دخالت می نماید. این طرز سخن گفتن دربارهٔ خدا بدون شک تا اندازه ای از شیوه حکومت اسرائیل در طی قرون ناشی می شود زیرا یهودیان همواره آرزوی فرمانروایی و دخالت قاطع خدا را داشتند و بر اثر اشغال رومیان امید و انتظارشان تشدید شده بود. بسیاری از یهودیان آن دوران به سادگی می گفتند: «فقط خدا پادشاه ما است!» اگر چه عیسی اصطلاح «ملکوت آسمانها» را بکار برده اما منظور او از این کلمات آزادی سیاسی نیست و به نظر متی کمتر به این معنی می باشد زیرا متی این کلمات را پس از مرگ عیسی بکار برده و بنابراین انتظار نداشته چنین رویایی تحقق یابد.

به نظر متی اصطلاح «ملکوت آسمانها» معنی خاص و فنی داشته و به مفهوم تسلط و نفوذ خدا بر قوم خود می باشد و وقتی که عیسی «رازهای ملکوت» را اعلام می نماید (۱۱:۱۳) آن را به صورت کلی و مطلق بکار می برد. در موارد دیگر در انجیلهای لوقا یا یوحنا این اصطلاح مجدداً تعبیر و تفسیر شده و به معنی زندگی جاودان و آسمان آمده است. بدین سبب در انجیل متی این اصطلاح مبهم است و بایستی معمولاً به واژهٔ «سلطنت» برگردانده شود ولی گاه به علت استثناهای قواعد دستور زبان یونانی (۲:۳ توضیح g) بایستی به کلمه «ملکوت» ترجمه شود. بدین گونه منظور از ملکوت آسمانها فقط مربوط به آینده نیست بلکه شامل زمان حاضر هم می شود. مثل هایی که در باب ۱۳ دربارهٔ ملکوت آمده مختصات آن را به این ترتیب تعیین می کنند: ملکوت که با عمل بذرافشان آغاز شده، علی رغم عدم موفقیت هایی که با آنها مواجه می شود بایستی به طریقی اسرارآمیز تا برداشت محصول نهایی ثمر بدهد. به دلیل این منظره که توصیف پایان روزگار است ملکوت خدا را نمی توان با کلیسا یکی دانست حتی اگر کلمهٔ «کلیسا» (۱۸:۱۶؛ ۱۸:۱۸) به مفهوم جامعهٔ پیروانی باشد که ملکوت را بشارت داده نشانه های آن را اعلام می نمایند. ضابطه این جامعه خدمت متقابل است (۱۲:۱۸-۱۴) و این جامعه همراه پطرس کلیدهای ملکوت را در دست دارد (۱۹:۱۶؛ ۱۹:۱۸) و با اینکه افراد این جامعه می دانند ملکوت آغاز شده باز هم همواره دعا می کنند: «ملکوت تو بیاید!» (۱۰:۶).

نگارش ادبی

متی در نگارش انجیل خود از همان مدارک و مأخذی استفاده کرده که مرقس و لوقا در دست داشته اند، ولی با وجود این تشابه کلّی، روایتی که متی ارائه می کند با روایت مرقس تفاوت بسیار دارد. این تفاوت از نظر تعداد مطالب و شرح و تفصیل آنها در انجیل متی است که مختص به این انجیل می باشد (مثلاً ۱-۲؛ ۵-۷؛ ۱:۱۱-۳۰؛ ۱۳:۲۴-۳۰، ۳۶-۵۲؛ ۱۸:۱۰-۳۵؛ ۲۸:۹-۲۰). به علاوه متی نکاتی را که در انجیل مرقس و متی مشترک هستند با آزادی بیشتری بکار می برد (مثلاً این موارد را با یکدیگر مقایسه کنید: مت۴:۱-۱۱ با مر۱:۱۲-۱۳؛ مت۸:۲۳-۲۷ با مر۴:۳۵-۴۱؛ مت۹:۹-۱۳ با مر۲:۱۳-۱۷؛ مت۱۴:۱۳-۲۱ با مر۶:۳۲-۴۴؛ مت۱۶:۱۳-۲۰ با مر۸:۲۷-۳۰؛ مت۲۱:۱۸-۱۹ با مر۱۱:۱۲-۱۴؛ مت۲۱:۳۳-۴۶ با مر۱۲:۱-۱۲؛ مت۲۴:۱-۳۶ با مر۱۳:۱-۳۷). بالاخره متی سلسله مطالبی را روایت می کند که ظاهراً منبع و مأخذ آنها مجموعه ای از گفتارهای عیسی بوده و لوقا هم از آن مجموعه استفاده کرده است (مثلاً ۳:۷-۱۰؛ ۷:۷-۱۱؛ ۱۱:۴-۶؛ ۱۲:۴۳-۴۵). مشکل بتوان گفت منابع و مأخذ مورد استفادهٔ متی قبلاً تا چه اندازه به صورت مجموعه های بزرگتری وجود داشته است ولی اگر انجیل متی با انجیلهای مرقس و لوقا مقایسه شود می توان دریافت که روش انشا و نگارش متی چه بوده است.

۱- در ذکر وقایعی که روایت شده بجز در مورد ۱۷:۴ و ۲۱:۱۶ معمولاً ارتباط و پیوستگی های زمانی فاقد ارزش است (ر.ک. ۱:۳ توضیح c). اطلاعات جغرافیایی نسبتاً مبهم هستند و با این اطلاعات نمی توان خط سیر مشخص و دقیقی را تعیین نمود، با این همه خواننده به کمک آنها در برابر سرنوشتی تاریخی قرار می گیرد. درواقع این اطلاعات فقط مجموعه ای از وقایع و شرح و تفصیل آنها نیستند.

متی علاقمند است یک کلمه را در آغاز روایت یا حکمت و اندرزی آورده و همان کلمه را در پایان آن تکرار نماید. این شیوهٔ ادبی را در زبان فارسی ادخال (به معنی داخل کردن) می گویند (۶:۱۹ و ۲۱؛ ۷:۱۶ و ۷:۲۰؛ ۱۶:۶ و ۱۶:۱۲). وی کلمات مترادف یا نظریات مختلف و متضاد را با یکدیگر و در برابر یکدیگر به شیوهٔ ادبی لف و نشر (به معنی درهم پیچیدن و گستردن) بکار می برد (۱۶:۲۵). متی ابایی ندارد که عبارتهایی را مرتباً تکرار کند (۸:۱۲؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۵:۳۰) یا اینکه برای بیان یک واقعیت همواره ترکیب کلام معینی بکار ببرد (۸:۲و ۹:۱۸؛ ۹:۴ و ۱۲:۲۵) یا سخن معینی را از زبان گویندگان مختلفی ذکر نماید (۳:۲؛ ۴:۱۷؛ ۱۰:۷). ایجاز و اختصار از مختصات روایت های متی است: روش نگارش مرقس که به صورت داستان نویسی است در انجیل متی جای خود را به روش آموزش مذهبی داده و حتی جنبهٔ تقدس دارد (روایت های مربوط به شفا دادن مادر زن پطرس را در مت۸:۱۴-۱۵ و مر۱:۲۹-۳۱ با یکدیگر مقایسه کنید).

متی بسیار علاقمند است که با کاربرد برخی اعداد ترکیب هایی ایجاد کند (در این مورد اعداد ۷، ۳ یا ۲ جایگاه خاصی دارند) یا بوسیله واژه هایی قلاب مانند، مطالب را به یکدیگر پیوند داده و ترکیب هایی بوجود آورد (مثلاً ۴:۱۸-۶). در حالی که مرقس و لوقا مطالبی را که از منابع مختلف هستند در کنار یکدیگر ذکر می نمایند متی این گونه گفتارها و روایت ها را ترکیب نموده و یکجا جمع می کند (مثلاً موضوع مربوط به ۸:۵-۱۳ را با لو ۷:۱-۱۰ و ۱۳:۲۸-۲۹ مقایسه

نمایید) تا معنی و مفهوم عمیق تری داشته باشند. متی همچنین آموزشهای عیسی را که مشابه یکدیگر هستند دسته بندی می کند مثلاً دعای «ای پدر ما» را در مجموعه ای از مطالب که قبلاً ترتیب یافته است جـای می دهـد (۶:۷-۱۵ در داخل ۶:۱-۱۸)، وی «خطابه هایی» تألیف و انشاء می کند تا به آنها جنبهٔ تمامیت و کمال بدهد (مثلاً ۱۰:۱۷-۴۲؛ ۱۳:۳۵-۵۳؛ ۲۵). به مجموعه معجزاتی که در ۸:۱-۱۷ ذکر شده دو مجموعه معجزه دیگر می افزاید (۸:۲۳-۹:۸ و ۹:۱۸-۳۴). در مورد سرنوشت پسر انسان که سه بار اعلام شده است شرح و توضیحاتی می افزاید تا دامنهٔ آموزشهای عیسی وسیع تر گردد (مثلاً ۱۸:۵-۳۵؛ ۱۹:۱-۲۰:۱۶).

بالاخره از لحاظ ترتیب انشای ادبی، در این اثر پنج مجموعه به نظر می رسد که آنها را به سبب فقدان نامی بهتر، «خطابه های» عیسی می نامند که بافت کلی انجیل را تشکیل می دهند. این خطابه ها مجموعه ای از گفتارها و سخنان عیسی هستند که در پایان هر مجموعه این عبارت می آید: «باری، هنگامی که عیسی به این آموزشها پایان داد» (ر.ک ۷:۲۸ توضیح j). خطابه های مذکور به ترتیب عبارتند از: «عدالت ملکوت» (۵-۷)، «کارگزاران ملکوت» (۱۰)، «رازهای ملکوت» (۱۳)، «فرزندان ملکوت» (۱۸)، «هوشیاری و وفاداری لازم در انتظار ظهور نهایی ملکوت» (۲۴-۲۵).

۲- خواننده پس از ملاحظه ویژگی های بارز روش و شیوهٔ نگارش انجیل متی، در صدد برمی آید که انجیل را به مجموعه ها و بخشهای بزرگتری تقسیم کند. البته این گروه بندی خواست متی نبوده و پیشنهاد خود خواننده است و به همین سبب در این ترجمه سعی نشده در انجیل تقسیمات بزرگی ایجاد و تحمیل گردد. با این همه منتقدان سه نوع تقسیم بندی پیشنهاد کرده اند که «طرح های» متی نامیده می شوند.

الف) ساده ترین طرح ظاهراً طرح جغرافیایی و نظیر طرحی است که در انجیل مرقس وجود دارد و شامل رسالت عیسی در جلیل (۴:۱۲-۱۳:۵۸)، فعالیت عیسی در نواحی پیرامون جلیل و سپس در راه به سوی اورشلیم (۱۴:۱-۲۰:۳۴) و بالاخره آموزش، رنجها، مرگ و رستاخیز عیسی در اورشلیم (۲۱:۱-۲۸:۲۰) می باشد. اشکالی که در پیشنهاد این طرح وجود دارد این است که کسی نتوانسته نشان دهد که متی در ذکر این محلهای جغرافیایی قصد و نیت مخصوصی از نظر الهیاتی داشته است، بنابراین ممکن است ذکر محلهای جغرافیایی فقط چهارچوب و زمینه ای برای جمع آوری مطالب باشند.

ب) نویسندگان دیگری طرح انجیل متی را بر مبنای پنج «خطابه» تدوین و تنظیم می کنند، خطابه هایی که متی آنها را با عبارتهای پایانی مشابهی از یکدیگر مشخص و جدا کرده است که قبلاً ذکر گردید. زیرا در حقیقت قسمت اساسی آموزشهای عیسی در پنج گروه مطالب جمع شده است. آیا می توان این مطالب را به صورت یک رشته متناوب از روایت و خطابه طبقه بندی کرد؟ چنین ارتباطی را علی رغم تصور کسانی که معتقد به وجود آن هستند نمی توان به آسانی نشان داد مگر در مورد باب های ۱۱-۱۲ و باب ۱۳. آیا ممکن است باب های ۱۱-۱۲ را روایت به شمار آورد و حال آنکه از یک رشته گفتارهای کوتاه تشکیل شده اند و زمان و مکان آنها مبهم و نامشخص است؟ و اما در مورد گروه بندی های دیگر، نمی توان رابطهٔ نزدیکی بین باب های ۳-۴ با بابهای ۵-۷ و نیز بین باب های ۱۴-۱۷ با

باب ۱۸ برقرار کرد. بالاخره برای این که باب های ۸-۹ با باب ۱۰ و باب های ۱۹-۲۳ با باب های ۲۴-۲۵ پیوند داده شود بایستی در متن آنها تغییرات کلی ایجاد نمود. لازم به یادآوری است که انجیل متی جزوهٔ آموزش دینی نیست که بوسیلهٔ شواهد و مثالهایی تشریح و تفسیر شده باشد بلکه بیانگر وجودی تاریخی است که از نظر آموزه ای اهمیت دارد.

ج) کسان دیگری تصور کرده اند که متی خواسته است زندگی غم انگیز عیسی را بر روی بافت جغرافیایی بنگارد ولی با توجه به قسمتهای مشروحه زیر می توان مجموعهٔ این اثر را به دو بخش مهم تقسیم کرد: مطالبی که بطور «چکیده و مختصر» ذکر شده است (۴:۱۲-۱۷؛ ۱۲:۱۵-۲۱...)، تسلسل مطالب و پیوستگی آنها (۱۲:۱۵-۲۱ و ۳:۱۳-۱۷؛ ۱۱:۱-۱۲:۵۰ و ۸:۱-۹:۳۴)، نکات واضح و روشن درباره سرزمین (۸:۱-۹:۳۴؛ ۱۴:۱-۱۶:۲۰؛ ۲۰:۲۹-۲۸:۲۰) یا نکاتی که وضوح کمتری دارند (۱۱:۱-۱۲:۵۰؛ ۱۶:۲۱-۲۸:۲۰)؛ تنوع شنوندگان، ویژگی جمعیت (۸:۱-۹:۳۴)؛ ویژگی دشمنان (۱۱:۱-۱۲:۵۰؛ ۲۱:۲۳-۲۳:۳۹)، ویژگی شاگردان (۱۴:۱-۲۰:۳۴؛ ۲۴:۱-۲۵:۴۶).

در بخش اول (۳:۱-۱۳:۵۸) عیسی خود را معرفی می کند ولی قوم یهود از ایمان آوردن به او امتناع می ورزند. عیسی که در اعمال و سخنان خود قدرت کامل دارد (۴:۱۲-۹:۳۴) شاگردان خود را می فرستد تا مژده را اعلام نمایند (۹:۳۵-۱۰:۴۲)؛ آنگاه اختیار داده می شود که موافق یا مخالف عیسی باشند بدین معنی که از شنوندگان دعوت می شود تا آنچه را به هنگام معجزه های قبلی روی داده (۱۱-۱۲) یا آموزش جدیدی را که به صورت مثل ها ارائه می شود درک کنند (۱۳). بالاخره بستگان عیسی او را طرد می نمایند (۱۳:۵۳-۵۸).

در بخش دوم (۱۴-۲۸) عیسی قدم در راهی می گذارد که او را به وسیله صلیب به شکوه رستاخیز می رساند. در این روایت دو حرکت وجود دارد که آن را روایتی زنده ساخته اند: حرکت اول بر مبنای جغرافیایی (۱۴:۱-۱۶:۲۰) و سپس بر مبنای آموزه ای است (۱۶:۲۱-۲۰:۳۴) و این امکان را فراهم می سازد که عیسی تعلیمات مخصوصی به جامعه خود بدهد. حرکت دیگر در اورشلیم می گذرد که عیسی با جلال و شکوه به آنجا وارد شده معبد را بدست می گیرد (۲۱:۱-۲۲)؛ سپس با دشمنان خود روبرو می شود: با ذکر سه مثل اراده و مشیت خدا را آشکار می کند (۲۱:۲۸-۲۲:۱۴)، از بحث و مجادله با دشمنان و از دامهایی که گسترده اند پیروز بیرون می آید (۲۲:۱۵-۴۶) و ریاکاری کاتبان و فریسیان را برملا می سازد (۲۳)؛ سپس عیسی داوری همه دنیا را اعلام کرده (۲۴-۲۵) و می گذارد آدمیان او را داوری نموده محکوم سازند (۲۶-۲۷). بالاخره خدا او را از مرگ برمی خیزاند (۲۸).

بدین ترتیب متی واقعه ای مهیج و غم انگیز را شرح می دهد. عیسی قوم یهود را ملزم می کرد بدون هیچ قید و شرطی به شخص او بگروند و پذیرفته شدن غیریهودیان در ملکوت آسمانها را اعلام می کرد. این ملاقات که می بایست موجب تحقق و تمامیت هدف قوم خدا گردد بر اثر امتناع قوم اسرائیل به جدایی و گسیختگی منجر می شود. از آن پس شاگردان و پیروانی که به آموزش عیسای برخاسته از مرگ وفادار ماندند قوم واقعی خدا به حساب می آمدند که از تسلط کارگزاران یاغی رها شده بودند و بایستی ثمرات مورد انتظار خدا را بوجود آورند (۲۱:۴۳).

جامعهٔ وابسته به متی

مطالبی که برای نگارش انجیل متی انتخاب شده و نیز ترتیب آنها نشان می‌دهد که اندیشه و اشتغال خاطر محافل و کسانی که این انجیل در میان آنان بوجود آمده چه بوده است. در این مورد می‌توان به سه نکته اشاره کرد:

۱- متی انجیل نگاری است که بیش از هر چیز بر شریعت، نوشته‌های مقدس و آداب و رسوم یهود تأکید می‌کند، مثلاً سه فریضه بزرگ آیین یهود را (یعنی صدقه دادن، دعا کردن و روزه گرفتن) می‌پذیرد، تفاوتی که در اینجا با مطالب انجیل مرقس به نظر می‌رسد (۷:۳-۴) این است که متی نیازی نمی‌بیند این آداب و رسوم را توضیح دهد. بالاخره در این انجیل خطاب عیسی در ابتدا ترجیحاً به قوم خود است (۱۰:۶؛ ۱۵:۲۴) ولی تأکید و اصرار در این مورد با یادآوری نکته دیگری ترمیم و تصحیح شده است بدین معنی که تأکید می‌شود قوانین یهود بایستی تحقق پذیرد و نوشته‌های مقدس در شخص عیسی تجلی یابد. سرانجام یادآوری می‌شود که سنت‌ها و روایات فریسیان موجب افراط و سوءاستفاده گشته است. در این انجیل همه چیز مجدداً و بطور اصولی تفسیر می‌شود چنانکه در موعظه عیسی بر روی کوه (باب ۵) مشاهده می‌شود و مطالبی در مقابل و متضاد آنها ارائه می‌گردد. متی بر انتقال و اعلام مژده به مشرکان اصرار می‌ورزد و علاقمند است که انجیل در ابعاد جهانی انتشار یابد و می‌گوید که همهٔ آدمیان را پسر انسان داوری خواهد کرد (۲۵:۳۱-۴۶) و از همهٔ ملت‌ها دعوت می‌شود که آموزش عیسی را بپذیرند (۲۸:۱۹).

۲- تفاوت دیگری که انجیل متی با مرقس دارد این است که در متی شاگردان عیسی نه تنها بی‌بصیرت و ناتوان از درک مطالب نیستند بلکه جایگاه منحصر به فردی در تدارک مکاشفه الهی دارند: بدین معنی که ایشان انبیا، حکیمان و کاتبان شریعت جدید به شمار می‌آیند (۱۳:۵۲؛ ر.ک. ۲۳:۳۴) ولی گرچه متی تصویر شاگردان را از نظر تاریخی کم‌رنگ‌تر جلوه می‌دهد سعی کرده آنان را افرادی ثابت و پایدار نشان دهد، کسانی که رفتارشان حتی موقعی که همانند مردمان کم ایمان ظاهر می‌شوند درخور شاگردان آینده باشد (۸:۲۶؛ ۱۴:۳۱؛ ۱۶:۸؛ ۱۷:۲۰).

۳- بالاخره تصویری که در این انجیل از مسیح ترسیم شده تحت تأثیر جامعه مسیحیان وابسته به متی است. قبلاً نشان دادیم که چگونه عیسی نوشته‌های مقدس را به تحقق رسانید و بدین وسیله نقشه خدا را توجیه کرده دفاعیه مسیحیت را پایه‌گذاری نمود. به علاوه متی با تأکیدی که مختص به اوست عیسی را همچون استاد و آموزگاری والا معرفی می‌کند (۵:۲، ۱۹؛ ۷:۲۹؛ ۲۱:۲۳؛ ۲۲:۱۶؛ ۴:۲۳؛ ۹:۳۵ ؛ و غیره). در انجیل مرقس کلمه «استاد» به همان مفهوم کلی که در دنیای کهن داشته بکار رفته است؛ در انجیل لوقا مشاهده می‌شود که عیسی به شاگردان خود طرز دعا کردن را می‌آموزد (لو۱۱:۱)؛ در انجیل یوحنا آموزش عیسی بویژه درباره شخص خودش می‌باشد (یو۸: ۲۰، ۲۸). در انجیل متی استاد «عدالتی نو» یعنی وفاداری جدید به قانون خدا را تعلیم می‌دهد (۵:۱۹-۲۰؛ ۷:۲۹؛ ۱۵:۹؛ ۲۸:۲۰)؛ او مفسر «آخرت‌شناسی» است، «اقتدار» نهایی خدا دست اوست تا شنوندگان خود را از «آداب و رسوم انسانی»، از «سنت بشری» که کاتبان نگهبان آنها هستند جدا ساخته (۱۵:۹) به آنان کمال و فضیلت جدیدی بیاموزد (۵:۴۸؛ ۱۹:۲۱).

از همان آغاز انجیل اعلام شده که عیسی مسیح است، پسر داود و پسر خدا. ضمناً وی به عنوان پسر

خدا و مسیح، مفسر نهایی مشیت خدا و «آموزگار سخنان خدا» است. بدین سبب به خوبی می توان دریافت که چرا شاگرد عیسی بمانند فردی مسیحی او را «خداوند» می نامد و چرا متی از ذکر حالات نفسانی او خودداری نموده در صورتی که مرقس خشم عیسی، هیجان یا رقت قلب او را توصیف می کند. در اینجا مسیح با وقاری بیشتر و مناعتی محکم تر از آنچه در انجیل مرقس نشان داده شده پدیدار می شود (مت۱۳:۳۵ و مر۶:۳؛ نیز مت۱۵:۳۳ و مر ۸:۴... را با هم مقایسه کنید).

مقصد و مخاطبان، تاریخ نگارش و نویسندهٔ انجیل

در نظر پدران کهن کلیسا موضوع ساده بود: نخستین انجیل را رسولی به نام متی برای «ایمان دارانی که قبلاً یهودی بودند» نوشته است (اوریجن). عده زیادی هنوز چنین تصوری دارند در صورتی که منتقدان جدید به پیچیدگی این مسئله بیشتر توجه کرده اند، عوامل متعددی وجود دارد که بوسیلهٔ آنها می توان محل نگارش نخستین انجیل را تعیین نمود. در ظاهر به روشنی پیداست که متن کنونی انجیل انعکاسی از روایات آرامی یا عبری می باشد: کلماتی که بکار برده شده از نوع کلمات فلسطینی است (پیوند دادن و گشودن ۱۶:۱۹؛ تحمل یوغ؛ ملکوت آسمانها...). اصطلاحاتی وجود دارد که متی توضیح و تشریح آنها را برای خوانندگان خود لازم نمی بیند و نیز آداب و رسوم مختلفی که ذکر شده است (۵:۲۳؛ ۵:۱۲؛ ۲۳:۵، ۱۵، ۲۳). از سوی دیگر چنین به نظر می رسد که این انجیل فقط ترجمهٔ ساده ای از اصل آرامی نیست بلکه نشانه هایی از طرز انشاء یونانی دارد و با این که مملو از روایات یهودی است نمی توان گفت مبدأ و محل اصلی نگارش آن فلسطین است. معمولاً تصور می کنند در سوریه و احتمالاً در انطاکیه (ایگناتیوس در حدود اوایل قرن دوم میلادی این انجیل را به انطاکیه مربوط می داند) یا در فینیقیه نگارش یافته است زیرا در این مناطق تعداد زیادی از یهودیان می زیسته اند. بالاخره در این انجیل آثاری از بحث و مجادله با یهودیان وابسته به کنایس و بنیادگرایان فریسی دیده می شود، همان گونه که در مجمع کنیسه ها در جامنیا در حدود سالهای ۸۰ میلادی این بحث و مجادله ها درگرفت. با توجه به این موضوع تعداد زیادی از نویسندگان، تاریخ نگارش نخستین انجیل را سالهای ۸۰ یا ۹۰ میلادی و حتی زودتر از آن تعیین کرده اند ولی به هر صورت در این مورد نمی توان با اطمینان کامل نتیجه گیری نمود.

در این انجیل چیزی دربارهٔ نویسندهٔ آن گفته نشده است. قدیمی ترین روایت کلیسا (پاپیاس اسقف هیراپولیس در نیمهٔ قرن دوم میلادی) آن را منسوب به متی - لاوی رسول می داند و تعدادی از پدران کلیسا (اوریجن، ژروم و اپیفان) نیز به همین عقیده اند و بعضی از نویسندگان چنین نتیجه گرفته اند که متی انجیل خود را به همین صورت انجیل یونانی که در دست داریم در ابتدا به زبان آرامی یا عبری نوشته است ولی بررسی انجیل بدون اینکه این فرضیه را به کلی رد کند آن را تأیید نمی نماید. به هر صورت نام نویسندهٔ انجیل بطور قطعی مشخص نیست و بایستی به آثار و شواهد چندی که در خود انجیل وجود دارد اکتفا کنیم: از محتوای انجیل چنین برمی آید که نویسنده در موضوع نوشته های مقدس و روایات یهود وارد و زبردست است، رؤسای مذهبی قوم خود را به خوبی می شناخته و برای آنان احترام قائل بوده ولی آنان را به شدت مورد استیضاح قرار داده است، در فن آموزش و «تفهیم» عیسی به

شنوندگان خود مهارت داشته و همواره دربارهٔ نتایج عملی آموزش خود اصرار ورزیده است. با توجه به این اطلاعات مختصات نویسندهٔ انجیل با مشخصات فرد یهودی دانشمند و با سوادی که مسیحی شده باشد تطبیق می کند، کسی که بمانند «ارباب خانه ای از گنجینهٔ خود چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد» (۱۳:۵۲).

ارزش و اهمیت کنونی انجیل اول

از قرن دوم میلادی به بعد انجیل متی به عنوان انجیل کلیسا به شمار می‌آمد، شاید به علت روایاتی که دربارهٔ «کلیسا» دربردارد (۱۶:۱۸؛ ۱۸:۱۸) ولی بیشتر محتمل است به دلیل غنای مطالب و ترتیب زیبای مدارک مربوطه باشد. حتی امروز هم می توان آن را انجیل کلیسا نامید مشروط بر این که در این انجیل در پی اطلاعات و مطالبی نباشیم که نمی‌خواهد و نمی‌تواند به ما بدهد. متی هنگامی که به کلیسای خود خطاب می کند پروایی ندارد که عیناً همان لحن دوران عیسی را بکار برد. وی به اندازه‌ای با صدای کلیسای خود یکی می شود و با آن کلیسا هم‌آهنگ و هم‌آواز است که به دشواری می توان صدای خودش را که «شاهد عینی» بوده است تشخیص داد. بنابراین هرگاه بخواهند تاریخ دوران گذشته را بازسازی کنند به جای مراجعهٔ به او بایستی اطلاعات مربوطه را در انجیل جامعه و کلیسای متی بخوانند و بهترین طرز شنیدن سخنان او آن است که هیئت و رفتار ایمانداری را بگیرند که متی توصیف کرده است. خواننده نباید از روش نگارش متی که جنبهٔ سامی دارد شگفت‌زده شود، مثلاً تأسف بخورد از اینکه در کارگاه پُر پیچ و خَم نقل قولهایی از نوشته های مقدس فرو رفته است. آنگاه در صورتی که این نکات و ملاحظات در نظر گرفته شود مشاهده می شود که متی خیلی خوب به صورت فرد مسیحی امروزی سخن می گوید.

متی که انجیل خود را به عنوان تحقق قوم اسرائیل بوسیلهٔ عیسی اعلام کرده نشان می‌دهد که ریشهٔ کلیسا در روایات و سنن اولیه و اصلی است، کلیسا یک «اسرائیل جدید» نیست بلکه «اسرائیل واقعی» است. جانشین اسرائیل نشده بلکه به قوم اسرائیل که به عیسی نگرویده نشان می‌دهد در چه طریقی پیش برود تا به تحقق و تمامیت برسد و متقابلاً کلیسا بایستی در این اسرائیل اصل و ریشهٔ خود را کشف نماید.

متی کلیسا را با ملکوت آسمانها یکی نمی‌داند اما به کلیسای امروزی چهرهٔ واقعیش را یادآوری می کند. شکی نیست که وجود سازمان کلیسا ضرورت دارد تا جامعهٔ عیسی به زندگی ادامه دهد ولی این سازمان موقتی است؛ فقط ملکوت خداست که به کلیسا مفهوم واقعی داده محل و موقعیت آن را نسبت به خدا و عیسی مسیح که در تاریخ آدمیان دخالت دارد تعیین می نماید.

متی از فرد مسیحی امروزی دعوت می کند هیئت و رفتار پیروان و شاگردان عیسی را داشته باشد زیرا با شاگردان عیسی می تواند خداوند قادر مطلق خود را بشناسد و حتی صدای او را بشنود که به سبب بی ایمانی ملامتش می کند، همچنین مأموریت اعلام نوید را به دورترین نقاط دنیا دریافت کند.

در دنیایی که در تغییر و تحول است آن که از میان مردگان برخاسته، همواره حضور خود را نشان می‌دهد و از ایمانداران دعوت می کند مدام به آموزشهایی که در دوران زندگی زمینی خود داده است روی آورند: یکی بودن هویت مسیح برخاسته از مرگ و عیسی ناصری که در انجیل آمده روح و معنای شهادت متی است.

انجیل متی

شجره نامهٔ عیسی مسیح
(لوقا۳:۲۳-۳۸)

۱ ۱ کتاب پیدایش عیسی مسیح[b]، پسر[a] ۱-توا۱۷:۱۱
داود، پسر ابراهیم: پید۲۲:۱۸
۲ ابراهیم اسحاق را آورد[c]، پید۲۱:۳،۱۲؛ ۲۵:۲۶؛ ۲۹:۳۵؛ ۱-توا۱:۳۴
و اسحاق یعقوب را آورد،
و یعقوب یهودا و برادرانش را آورد،
۳ و یهودا فارص و زارح را از تامار آورد، پید۳۸:۲۹-۳۰؛ ۱-توا۲:۴،۵،۹؛ روت۴:۱۲، ۱۸-۱۹
و فارص حصرون را آورد،
و حصرون آرام را آورد،
۴ آرام عمیناداب را آورد،
عمیناداب نحشون را آورد،
نحشون شلمون را آورد،
۵ شلمون بوعز را از راحاب آورد، روت۴:۱۳، ۱۷-۲۲؛ ۱-توا۲:۱۰-۱۲
بوعز عوبید را از راعوت آورد،
عوبید یسا را آورد،
۶ و یسا داود پادشاه را آورد، روت۴:۱۷-۲۲؛ ۱-توا۲:۱۳-۱۵
و داود سلیمان را از زن اوریا آورد، ۲-سمو۱۲:۲۴
۷ سلیمان رحبعام را آورد، ۱-توا۳:۱۰-۱۴
و رحبعام ابیا را آورد،
و ابیا آسا را آورد،
۸ و آسا یهوشافاط را آورد،
یهوشافاط یورام را آورد،
یورام عزیا را آورد،
۹ عزیا یوتام را آورد،
یوتام آحاز را آورد،
آحاز حزقیا را آورد،
۱۰ حزقیا منسی را آورد،
و منسی عاموس را آورد، ۱-توا۳:۱۵-۱۶؛ ۱-عزا۱:۳۲ (یونانی)
و عاموس یوشیا را آورد،
۱۱ یوشیا یکنیا و برادرانش را ۲-پاد۲۴:۱۲-۱۶
در دوران تبعید بابل آورد، ۲-توا۳۶:۱۰؛ ار۲۷:۲۰

a- مقدمهٔ انجیل متی پس از شجره نامهٔ عیسی (۱:۱-۱۷) شامل پنج صحنه است که به ترتیب دربارهٔ رؤیاهای یوسف (۱:۱۸-۲۵؛ ۲:۱۳-۱۵؛ ۲:۱۹-۲۳) و دخالت های هیرودیس (۲:۱-۱۲، ۱۶-۱۸) می باشد و چنین به نظر می رسد که دو روایت مذکور، یکی دربارهٔ هیرودیس و دیگری دربارهٔ یوسف از نظر روش نگارش، ترکیب جملات و فحوای مطالب کاملاً از یکدیگر مجزا و متمایز هستند.

b- کتاب پیدایش یعنی شجره نامه. متی این عنوان را از روایتی گرفته که آغاز نسل اولین انسان را نقل می کند (اینک کتاب پیدایش آدم: پید۵:۱) تا بگوید که عیسی با گشودن کتاب پیدایش جدید، جای آدم را می گیرد (ر.ک لو۳:۳۸). با این همه در اینجا نه از اولاد عیسی بلکه از اجداد و نیاکان او صحبت می شود: تاریخ دوران گذشتهٔ قوم اسرائیل در عیسی معنی و مفهوم خود را می یابد. در مورد مقایسهٔ شجره نامه ای که متی نوشته و آن که لوقا آورده ر.ک لو۳:۲۳ توضیح f.

c- فعلی که در متن یونانی به کار رفته [و می توان آوردن یا فرزند آوردن ترجمه نمود] به مفهوم انتقال تصویر خود، تصویر خدا است (پید۵:۱-۳). این عمل یا از طریق خون و وراثت (یعنی به طریق معمولی و مستقیم پدر فرزندی، پید۱۱؛ ۱-توا۵:۲۷-۲۹) یا به وسیلهٔ فرزند خواندگی انجام می گردد (ر.ک پید۱۰). متی برای ارائه اصل و نسب کسی که از مرگ برخاسته و تا پایان روزگار در کلیسای خود حاضر است (مت۲۸:۱۶-۲۰) روشی به کار برده که همان نگارش ادبی شجره نامه های کتاب مقدس است تا نشان دهد که اصل و ریشهٔ عیسی در قوم برگزیده می باشد.
ضمناً در این شجره نامه از چهار زن نام برده شده است: تامار، راحاب، راعوت و زوجهٔ اوریا که متی سه تن از آنان را که بیگانه می باشند به رخ می کشد (درسی در باب جهان گرایی). این زنان در اوضاع و شرایطی کاملاً نامشروع فرزند آورده اند (درس و نشانه ای از لطف و مرحمت خدا).

[۱۲]پس از نفی بلد بابل،
۱-توا۳:۱۷، ۱۹؛ عز۳:۲ یکنیا سألتیئیل را آورد،
سألتیئیل زروبابل را آورد،
[۱۳]زروبابل ابیهود را آورد،
ابیهود ایلیاقیم را آورد،
ایلیاقیم عازور را آورد،
[۱۴]عازور صادوق را آورد،
صادوق یاکین را آورد،
یاکین ایلیهود را آورد،
[۱۵]ایلیهود ایلعازر را آورد،
ایلعازر مَتان را آورد،
مَتان یعقوب را آورد،
[۱۶]یعقوب، یوسف شوهر مریم را آورد که از
۲۷:۱۷، ۲۲ او عیسی موسوم به مسیح زاده شده است.

[۱۷]پس جمعاً از ابراهیم تا داود چهارده[d] نسل و از داود تا تبعید بابل چهارده نسل و از تبعید بابل تا مسیح چهارده نسل می باشد.

بشارت به یوسف

[۱۸]اینک پیدایش عیسی مسیح چنین بود[e]. مادرش مریم که در عقد یوسف بود پیش از آنکه زندگی مشترک آغاز کنند از روح القدس باردار شد. [۱۹]شوهرش[f] یوسف که مردی عادل می بود[g] و نمی خواست او را رسوا کند تصمیم گرفت وی را مخفیانه طلاق دهد[h]. [۲۰]چون به آن فکر می کرد

d- در مورد عدد چهارده که در اینجا سه بار آمده چندین توضیح پیشنهاد شده است: ۱- ممکن است این رقم جمع حروف کلمهٔ داود به حساب ابجد باشد زیرا در زبان عبری داود را با سه حرف دال، واو و دال می نویسند که به حساب ابجد چهارده می شود (۱۴=۴+۶+۴) ولی معلوم نیست نام داود را در آن دوران چگونه می نوشته اند، به علاوه اینکه متی اهمیت بیشتری برای ابراهیم قائل است. ۲- طبق تقویم های مکاشفه ای که در آن ایام وجود داشته، با توجه به اینکه تاریخ مقدس با ابراهیم آغاز می شود عیسی در پایان هفته ششم تاریخ مقدس می آید (۴۲=۷×۶=۱۴×۳) و با آمدن عیسی فرارسیدن پری روزگار تحقق می یابد. ولی این توضیح به طور مصنوعی بر مبنای عدد «۷» می باشد که متی آن را ذکر نکرده است. ۳- توضیح ساده تر این است که متی متوجه شده در شجره نامهٔ کتاب روت۴:۱۸-۲۲ (که در۱-توا۲:۱۰-۱۳ مجدداً ذکرشده) ده نام وجود دارد که از فارص شروع شده به داود می رسد و هرگاه نام پدر فارص و آن سه پدر قوم به آن افزوده شود از ابراهیم تا داود چهارده نسل می شود. متی این رقم را به عنوان مبنا برای دو دوران دیگر پذیرفته تا شجره نامه اش شکل و قالبی کتاب مقدسی داشته باشد حتی اگر مجبور شود نام سه تن از پادشاهان بین یهورام و عزیا را حذف نماید.

e- تحت اللفظی: «باری درباره عیسی مسیح چنین بود پیدایش وی» (ر.ک ۱:۱). [کلمهٔ یونانی که «پیدایش» ترجمه شده می توان به مفاهیم تحت اللفظی «به وجود آمدن، متولد شدن، زاده شدن» به کار برد.] واقعهٔ تولد مشروع عیسی که در شجره نامه ذکر شده موضوع و مضمون روایتی است که می گوید: یوسف، پسر داود، عیسی را در سلالهٔ خود می پذیرد. به احتمال قوی این روایت نتیجهٔ بررسی و نوشته های طولانی است و احتمال دارد که متی این نکته را از روایتی دفاعی که قبلاً وجود داشته گرفته و مطرح نموده باشد (یک رؤیا: ر.ک ۲:۱۳، ۱۹). در روایت مذکور خدا در بین اعتراض های یوسف افتراهای مربوط به تولد عذرایی را ذکر می نماید و متی با استفاده از نقل قول اش۷:۱۴ که ضمناً بیان ایمان کلیسا دربارهٔ بارداری مریم عذرا است این روایت را از نظر علم الهی مطرح می کند (ر.ک لو۱:۲۶-۳۸) و بدین گونه به سؤالی که در شجره نامه پیش می آید پاسخ داده می شود یعنی «چگونه عیسی که فرزند دختری باکره است پسر داود می باشد؟»

f- جوانانی که نامزد می شدند حتی پیش از آن که زندگی مشترک خود را آغاز کنند زن و شوهر به حساب می آمدند و این رابطه پس از متارکه و طلاق قانونی قطع می شد.

g- آیا یوسف با مراعات قوانین یهود که طلاق را فقط در مورد زنا مجاز می دانست عادل به شمار می آید؟ یا به سبب اینکه این وضعیت را پذیرفته و تحمل کرده است؟ یا به این دلیل که نسبت به زنی بی گناه رعایت عدالت و انصاف را نموده یا به سبب این که نمی خواهد خود را پدر فرزند الهی معرفی نماید؟ پاسخی قطعی به این مطالب داده نشده و این سؤالها همواره مطرح هستند.

h- در هیچ یک از نوشته های عهد عتیق نکته ای نمی توان یافت که مکتوم نگهداشتن این متارکه و طلاق را توجیه نماید بلکه برعکس برای اینکه طلاق شرعی و قانونی باشد بایستی به وسیلهٔ گواهی رسمی ثبت گردد (تث۲۴:۱). بدین سبب ژروم قدیس می پرسد: «چگونه می توان یوسف را مردی عادل به شمار آورد در صورتی که جرم همسرش را مخفی می کند؟» پاسخ این سؤال به ترجمه و تفسیر آیات۱۸ و ۲۱ مربوط می شود. برای این که یوسف عمل عادلانه ای انجام دهد بایستی در مورد اصل و نسب کودک نظریه ای پیدا کرده و مطمئن شده باشد که این کودک، الهی است و نه ثمرهٔ عمل زنا.

اینک فرشتهٔ خداوند[i] در خواب بر او
پدیدار شد و گفت: «ای یوسف، پسر
داود، از گرفتن همسرت مریم نزد خود
مترس زیرا آنچه در او به وجود آمده از
روح القدس است، ۲۱او پسری خواهد زائید
۱:۲۵؛ لو۱:۳۱؛ ۲:۲۱ و تو نامش را عیسی خواهی گذاشت زیرا
اع۴:۱۲ هم او است که قوم را از گناهانش نجات
خواهد داد[j].» ۲۲همهٔ اینها فرا رسید تا
آنچه خداوند به وسیلهٔ پیامبر گفته بود
تحقق یابد[k] وقتی می‌گوید: ۲۳«اینک
اش۸:۸،۱۰ (یونانی) دوشیزه باردار خواهد شد و پسری خواهد
تث۲:۷ آورد و نامش را عمانوئیل[l] خواهند
گذاشت» یعنی «خدا با ما». ۲۴یوسف
چون از خواب قیام نمود همان کرد که فرشتهٔ
خداوند به او امر کرده بود و همسرش را
نزد خود نگاه داشت. ۲۵و او را نشناخت تا
۱:۲۱؛ لو۱:۳۱؛ ۲:۲۱ پسری زائید[m] و نامش را عیسی گذاشت.

دیدار مغان

لو۱:۵؛ ۳:۱ **۲** ۱چون عیسی به روزگار هیرودیس[n]
لو۲:۴-۷ پادشاه در بیت‌لحم یهودیه زاده شد،
اینک مغانی[o] از شرق در اورشلیم پیش
آمدند. ۲درحالی که می‌گفتند: «پادشاه
یهودیان که متولد شده کجاست؟ زیرا

i- فرشتهٔ خداوند نامی است که در عهد عتیق نیز به کار برده شده و نشان می‌دهد که خود خدا دخالت می‌کند (پید۱۶:۷-۱۳؛ خروج۳:۲). نباید «فرشتهٔ خداوند» را با فرشتگان اشتباه کرد.

j- از نظر لغوی نام عیسی (یسوع) یعنی «خداوند نجات می‌دهد» (ر.ک یو ۱:۶ توضیح i). ضمناً می‌توان پیام فرشته را به دو گونه تفسیر کرد: ۱- فرشته باردار شدن عذرایی مریم را به یوسف اظهار کرده و به او مأموریت می‌دهد که نام عیسی را بر کودک بگذارد. ۲- فرشته اظهار می‌دارد گرچه باردار شدن مریم از روح القدس می‌باشد با این همه یوسف نقشی برجسته بر عهده دارد به این معنی که با نام نهادن بر کودک، فرزندی داود را به او می‌دهد.

k- اولین نقل قول متی درباره «تحقق یافتن» که به وسیلهٔ آن وقایع مهم زندگی عیسی را تفسیر می‌کند (۱:۲۲؛ ۲:۱۵،۱۷،۲۳؛ ۴:۱۴؛ ۸:۱۷؛ ۱۳:۳۵؛ ۲۱:۴؛ ۲۷:۹). تمام این نقل قول‌ها به صورتی یکنواخت آورده شده‌اند: «تا آنچه پیامبر گفته است تحقق یابد». در مورد فعل تحقق یافتن ر.ک ۵:۱۷ توضیح o.

l- این نقل قول از متن یونانی اش۷:۱۴ گرفته شده به استثنای عبارت «نامش خواهی گذاشت» که متی «نامش خواهند گذاشت» ترجمه کرده و احتمالاً برای تطبیق دادن نقل قول با متن عبارت می‌باشد. در حقیقت نام عمانوئیل را یوسف به عیسی نداده است. توضیح دیگر این که متی از روایتی از اش۷:۱۴ استفاده کرده که با مدارک مکشوفه در قمران تطبیق می‌نماید و در آن مدارک «او را خواهند نامید» آمده است. در آیه ۲۴ فعل «برخاست» به صورت تحت اللفظی «قیام کرد» می‌باشد.

m- در زبان کتاب مقدس فعل «شناختن» ممکن است به مفهوم روابط جنسی باشد (پید۴:۱، ۱۷؛ ر.ک لو۱:۳۴ توضیح j). منظور متی از «پسری زایید» آن است که یادآوری و تأکید نماید مریم به هنگام تولد عیسی باکره بوده است. در این مورد می‌توان به یاد آورد که در عهد عتیق چگونه خدا بارداری سارا و رفقه را تا تولد اسحاق و یعقوب، پدران قوم برگزیده، محافظت نمود (پید۲۰؛ ۲۶). ضمناً از مطالب این نوشته نمی‌توان نتیجه گرفت که مریم بعداً با یوسف روابط زناشویی داشته است.

n- هیرودیس کبیر متولد حدود سال ۷۳ قبل از میلاد، پسر آنتیپاتر رئیس دربار هیرکان دوم بود (۶۳ تا ۴۰ ق.م). وی در سال۴۷ ق.م به سمت فرمانده نظامی جلیل و سپس فرمانده نظامی قسمتی از سوریه تعیین گردید. در سال۴۱ ق.م فرماندار ناحیه یهودا شد و در همان سال از طرف سنای رم به عنوان پادشاه یهودیه منصوب شد. در سال ۳۷ ق.م اورشلیم را تصرف کرد و سلسله و خاندان هاسمونیان را برانداخت و از سوی اغسطوس امپراتور رم حکمرانی نوحی تراخونیتس، بتانیه و حورانیه را دریافت کرد. هیرودیس کبیر سیاستمداری زبردست به شمار می‌رفت و شهرهای زیادی به سبک یونانی بنا نهاد و در ضمن از پشتیبانی فرقهٔ فریسیان برخوردار بود. وی در سال ۴ ق.م درگذشت ولی تاریخ تولد واقعی عیسی دو سال پیش از درگذشت هیرودیس می‌باشد. متی هیرودیس پادشاه را در برابر عیسی ذکر نموده تا اختلاف و برخورد بین پادشاه واقعی و نجات بخش قوم خود را با مقامات رسمی اعلام نماید (۱:۲۱؛ ۲:۲). نکته دیگر این که متی نشان می‌دهد کسی را که رؤسای قوم برگزیده نفی کرده و نپذیرفته‌اند ملت‌های مشرک و نمایندگان آنان که مغان هستند ستایش و پرستش می‌نمایند.

o- مغان. کلمهٔ یونانی magos مفاهیم مختلفی دارد از جمله: پیشوای مذهبی ایرانیان، ساحر، مبلغ مذهبی، حقه باز... و غیره. در ترجمهٔ یونانی کتاب مقدس این کلمه فقط در دان۲:۲، ۱۰ آمده است. در اینجا ممکن است منظور ستاره شناسانی باشند که از ناحیه بین النهرین آمده و احتمالاً از نظریات یهودیان در مورد آمدن مسیح موعود اطلاع داشته‌اند. به هر صورت دلیلی در دست نیست که افراد مذکور پادشاه بوده باشند.

اعد۲۴:۱۷ ستارهٔ او را در شرق[p] دیده ایم و آمده ایم تا
او را سجده کنیم.» [۳] با این سخنان،
هیرودیس پادشاه و همهٔ اورشلیم با او
پریشان شدند. [۴] و تمام کاهنان اعظم و
کاتبان قوم[q] را گرد آورده از آنان تحقیق
کرد کجا باید مسیح زاده شود. [۵] به او
یو۷:۴۲ گفتند: «در بیت‌لحم یهودیه، زیرا به وسیلهٔ
پیامبری چنین نوشته شده است: [۶] و تو ای
بیت‌لحم سرزمین یهودیه مسلماً در بین
بزرگان یهودیه، کمترین آنها نیستی، زیرا از
۱-توا۱۱:۲ تو آن رهبر بیرون خواهد آمد که قوم من
اسرائیل را شبانی خواهد کرد[r].» [۷] آنگاه
هیرودیس مخفیانه مغان را فراخوانده از
آنان زمان دقیق پدیدار شدن ستاره را
پرسید. [۸] و آنان را به بیت‌لحم فرستاده
گفت: «بروید دربارهٔ کودک دقیقاً بپرسید،
به محض اینکه یافتید به من نوید دهید تا
من نیز بیایم و او را سجده کنم.» [۹] ایشان با
۲:۲ این سخنان پادشاه رفتند و اینک ستاره‌ای
که در شرق[s] دیده بودند در برابرشان پیش
می‌رفت تا بر فراز جایی که کودک می بود
ایستاد. [۱۰] آنان به دیدن ستاره با شادی
بزرگی شادمان شدند. [۱۱] و به خانه وارد
شده کودک را با مادرش مریم دیدند و [به لو۲:۱۶
خاک] افتاده او را سجده کردند و خزائن مز۷۲:۱۰،
خود را گشوده به او زر، کندر و مر[t] به ۱۵،۱۱
عنوان هدیه تقدیم کردند. [۱۲] و چون در
خواب خبر یافتند که به سوی هیرودیس ۲۲:۲
برنگردند از راه دیگری به سرزمین خود
بازگشتند.

فرار به مصر

[۱۳] چون ایشان بازگشتند اینک فرشتهٔ
خداوند در خواب به یوسف[u] پدیدار شد و ۲۰:۱؛
گفت: «قیام کن! کودک و مادرش را با ۱۹:۲
خود برگیر و به مصر فرار کن و در آنجا
بمان تا به تو بگویم، زیرا هیرودیس برای
هلاکت طفل به جستجوی او خواهد
پرداخت.» [۱۴] او قیام کرده، شبانگاه
کودک و مادرش را با خود برداشته به

p- در شرق. گاهی آن را «در طلوع آن» ترجمه کرده اند، همچنین در ۹:۲.

q- هیرودیس کسانی را گرد می‌آورد که رسماً مسئول زندگی مذهبی قوم هستند از جمله کاهنان اعظم که اعضای خانواده های بزرگ کهانت اورشلیم بودند و کاتبان که مفسر رسمی شریعت به شمار می‌آمدند. به طوری که در ۱۵:۲۱ ذکر شده این دو گروه بر ضد عیسی متحد می شوند. متی اکثراً کاهنان اعظم و مشایخ قوم را شریک یکدیگر معرفی می کند (۲۶:۳،۴۷؛ ۱:۲۷؛ و غیره) و به هر صورت در هر دو مورد مفهوم آن است که مسئول واقعی این فاجعه سران قوم می باشند.

r- این نقل قول از میک۵:۱ که به طرز بدیعی با ۲-سمو۵:۲ ترکیب و تلفیق شده با متن عبری عهد عتیق یا ترجمهٔ یونانی آن به طور کامل تطبیق نمی نماید. بر طبق این نقل قول مشاوران هیرودیس دربارهٔ بیت‌لحم پیشگویی کرده اند و متی اهمیت آن را یادآوری نموده است.

s- در مورد اصطلاح «در شرق» ر.ک ۲:۲ توضیح p. این ستاره با ستاره هایی که طبق نظریات کهن اکثراً سرنوشت قهرمانان را تعیین می کرده اند تطبیق نمی نماید بلکه ستاره ای است از سوی خدا که عیسی را به عنوان پادشاه و مسیح موعود جهت پرستش مغان معرفی می کند (همچنین ر.ک اعد۲۴:۱۷).

t- کُندر و مُر چیزهای گرانبها و عطریات معموله در عربستان می باشند. یهودیان در انتظار مسیح موعود امیدوار بودند همه ملت‌ها مسیح پادشاه را احترام و ستایش کرده به او هدایایی تقدیم نمایند (ر.ک اشَ۶۰:۶).

u- این روایت از نظر کلمات و روش نگارش شبیه به روایات کهن الوهیستی است که در آنها خدا به نام الوهیم ذکر شده است مانند روایت رؤیاهای ابی ملک (پید۲۰:۳-۷)، رؤیای لابان (۲۴:۳۱) و مخصوصاً رؤیای مربوط به یعقوب در شبی که می‌خواست به سوی مصر رهسپار شود (۴۶:۲-۴). این روایت‌ها به طور کلی به صورت صدور دستور و اجرای آن می باشد (ر.ک ۱۸:۱ توضیح e)، بدین معنی که خدا قوم خود را هدایت می نماید و در رؤیا دستورات او دریافت می شود. همین طرز تفکر در اعمال رسولان آمده (۹:۱۶؛ ۹:۱۸؛ ۱۱:۲۳) بدون این که در اینجا بمانند رؤیاهای پولس جنبهٔ تشویق داشته باشد.

مصر[v] رفت. [۱۵]و تا مرگ هیرودیس در
آنجا بود تا آنچه خداوند به وسیله پیامبری
اعلام کرده بود تحقق یابد وقتی می گوید:
«از مصر پسرم را فراخواندم[w].»

قتل عام کودکان بیت‌لحم

[۱۶]پس هیرودیس چون دید که به وسیلهٔ
مغان به تمسخر گرفته شده است سخت
غضبناک شد و فرستاد تا همهٔ کودکان
بیت‌لحم و سراسر قلمرو آن از دو ساله به
پائین را طبق زمانی که مغان دقیقاً تعیین
کرده بودند بکشند[x]. [۱۷]آنگاه آنچه توسط
ارمیای نبی اعلام شده بود به تحقق پیوست
وقتی می گوید:
[۱۸]«صدایی در رامه شنیده شد، گریه ها و
ندبهٔ بسیار. راحیل است که بر فرزندانش
می گرید و نمی‌خواهد تسلی یابد زیرا دیگر
نیستند[y].»

بازگشت از مصر، سکونت در ناصره

[۱۹]چون هیرودیس مُرد اینک فرشتهٔ
خداوند در مصر در خواب به یوسف پدیدار ۲۰:۱؛
شد. [۲۰]و گفت: «قیام کن! کودک و ۱۳،۱۲:۲
مادرش را با خود بردار و به سرزمین خروج۱۹:۴
اسرائیل برو زیرا آنان که قصد جان کودک
را داشتند مرده‌اند.» [۲۱]او قیام کرده،
کودک و مادرش را با خود برداشت و به
سرزمین اسرائیل وارد شد[z]. [۲۲]ولی چون
شنید ارکلائوس[a] به جای پدرش هیرودیس
بر یهودیه فرمانروائی می کند ترسید به آنجا
برود و در خواب خبردار شده به ناحیه جلیل ۱۲:۲
رفت. [۲۳]و رفته در شهری به نام ناصره مر۹:۱؛ لو۲۶:۱؛ ۳۹:۲
سکونت گزید تا آنچه توسط پیامبران اعلام
شده بود تحقق یابد که او ناصری[b] خوانده
خواهد شد.

v- انشاء و طرز ترکیب این عبارات نظیر روایت‌های مربوط به فرار یعقوب (پید۲۷:۴۳-۴۵)، فرار لوط (پید۱۹:۱۵) و فرار موسی (خروج۲:۱۵) می باشد. در این مورد مخصوصاً روایت مربوط به یربعام را که به مصر فرار می کرد بخوانید (۱-پاد۱۱:۴۰). لازم به یادآوری است در کتاب مقدس از مصر به عنوان مأمن و پناهگاه مرسوم یاد می شود.

w- این جمله ترجمه متن عبری هو۱۱:۱ است و متی به درستی مفهوم محلی آن را حفظ کرده (ر.ک هو۱۲:۱۴). منظور متی آن نیست که هدف مسافرت را توجیه نماید بلکه تا با یادآوری خروج، تبعید عیسی را بر مبنای پیشگویی اعلام نماید.

x-این روایت احتمالاً قبل از متی وجود داشته است. روش نگارش و جمله بندی آن نظیر مت۲۲:۷ می باشد. امکان دارد متی به علت نقل قولی که در ۱۸:۲ آورده آن را تغییرداده و عبارت «بیت لحم وسراسرقلمرو آن» را افزوده باشد. این روایت با ذکر کلمه «مغان» با مجموعه مطالب تطبیق داده شده و البته لازم به یادآوری است که از نظرتاریخی با روحیه و عادات هیرودیس تطبیق می نماید.

y- این نقل قول ترجمهٔ آزاد از متن عبری ار۳۱:۱۵ با یادآوری نکاتی از متن یونانی آن می باشد. راحیل که مادر یهودیان شمالی است بر فرزندان خود [اسرائیل] که اسیر و تبعید شده اند می گرید. بیت‌لحم بر طبق روایات، مدفن راحیل است و رامه محل تجمع اسرایی بوده که به تبعید فرستاده می شدند (ار۴۰:۱).

z- در این متن مسلماً روایت مربوط به تبعید موسی به مدیان تاثیر گذاشته است (خروج۴:۱۹-۲۳).

a- ارکلاوس بین سالهای چهارم ق.م و ششم م. از طرف رومیان حکمران یهودیه، سامره و ادومیه بوده است. وی بنا به تقاضای نمایندگان اهالی یهودیه و سامره، به دستور اغسطوس امپراتور رم از کار برکنار شد و به شهر وین در سرزمین گُل (فرانسه امروزی) تبعید گردید. ضمناً حوزهٔ مأموریت او به یک حکمران رومی واگذار شد.

b- Nazoreen. عیسی در اعمال رسولان نیز چنین نامیده شده است (اع۲:۲۲i)، ولی نمی توان دقیقاً تعیین نمود متی به کدام نوشته پیامبران اشاره می نماید. وانگهی این کلمه نه با Nazareen (اهل ناصره) و نه با Nazorenien که عضو فرقهٔ خاصی است مطابقت نمی کند. به نظر متی این کلمه همان طور که در ۷۱:۲۶ به کار رفته به مفهوم «اهل جلیل» می باشد (۶۹:۲۶) و می توان آن را «کسی که از ناصره است» درک نمود (۱۱:۲۱؛ ر.ک یو۱:۴۵؛ اع۱۰:۳۸). ضمناً امکان دارد متی خواسته از کلمهٔ Nazireen که به معنی «قدوس خاص خدا» است (داور۱۳:۵؛ ر.ک ۱۶:۱۷) یاد کند. بعضی معتقدند که این کلمه با واژه های عبری nazirs و nazireat ارتباط دارد که ریشهٔ کلمات نذر و نذرکردن (مانند مثال شمشون) در زبانهای عربی و فارسی است.

یحیی تعمید دهنده
(مرقس ۱:۲-۶؛ لوقا ۳:۱-۶؛
یوحنا ۱:۱۹-۲۳)

۳ ۱باری در آن روزها[c] یحیی تعمید
دهنده پیش می‌آید که در صحرای
یهودیه[e] ندا داده می‌گفت[d]: ۲«توبه کنید[f] مر۱:۱۵
زیرا فرمانروائی آسمانها[g] خیلی نزدیک
است[h]!» ۳درواقع او همان کسی است که
توسط اشعیای پیامبر اعلام شده وقتی
می‌گوید: «صدای آن کس که در صحرا ندا اش۴۰:۳

c- «درآن روزها» اصطلاحی است که در زبان یونانی معمولاً برای آغاز واقعهٔ دیگری می‌آید و از نظر ترتیب زمانی با آنچه قبلاً گفته شده چندان ارتباطی ندارد. ضمناً این اصطلاح در عهد عتیق زیاد به کار برده شده است.
مقدمه روایت زندگی عیسی در بین مردم در این انجیل و اناجیل مرقس و لوقا درسه قسمت ارائه می شود که عبارتند از: موعظهٔ یحیی (۳:۱-۱۲)، تعمید عیسی (۳:۱۳،۱۷) و تجربه عیسی (۴:۱-۱۱). (در مورد نام یحیی ر.ک یو ۱:۶ توضیح i).

d- ندا دادن ترجمهٔ فعل یونانی ssein است که اسم به معنی «اولین اعلام» از آن مشتق شده است. کاربرد معمول این کلمه، و اعلام فرمان پادشاه به وسیلهٔ جارچی (ر.ک پید۴۱:۴۳) و سپس در موارد مذهبی بکار می‌رفت (اعلام کردن و ندا دادن به نام خدا ر.ک یول۲:۱). در اینجا کلمه ندا دادن ابتدا در مورد موعظهٔ یحیی تعمید دهنده به کار رفته و سپس در مورد موعظه عیسی (۴:۱۷) و شاگردانش (۱۰:۷،۲۷) و در مورد کلیسای اولیه به کار خواهد رفت (اع۸:۵). در انجیل متی محتوای مطالبی که اعلام می شود (به استثنای۱۱:۱) به طور خلاصه ذکر می گردد (۳:۲-۳؛ ۴:۱۷؛ ۱۰:۷) و یا در اصطلاح «انجیل ملکوت» (۴:۲۳؛ ۹:۳۵؛ ۲۴:۱۴) و یا در کلمه «انجیل» خلاصه می شود (۲۶:۱۳). لازم به یادآوری است که افعال ندا دادن و نوید دادن در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتاد تنان) تقریباً مترادف می باشند (ر.ک ۲-سمو۱:۲۰؛ اش۴۰:۹).

e- یهودیه کلمه ای مختص انجیل متی و فقط در اینجا آمده است. این کلمه به ناحیه ای اطلاق می شود که به خوبی مشخص نیست و در فاصلهٔ بین سلسله کوههائی که از اورشلیم تا حبرون امتداد دارند و بحرالمیت یا قسمت سفلای اردن قرار دارد (ر.ک ۳:۶ که در آنجا محل فعالیت یحیی بطور دقیق تری مشخص شده است). به طوری که از آیه ۳ برمی‌آید متی بیش از آن که موقعیت دقیق جغرافیایی را در نظر داشته باشد به معنی و مفهومی که کلمه صحرا در کتاب مقدس دارد توجه نموده است (ر.ک ۴:۱؛ ۱۱:۷؛ ۱۴:۱۳؛ ۲۴:۲۶). این منطقه در آن دوران کم جمعیت بوده ولی البته به مفهوم امروزی به طورکامل غیرمسکون و بیابانی نبوده است. از سال ۱۹۴۷ در این منطقه بقایا و آثارتأسیسات و نوشته هایی به دست آمد که آنها را نوشته های بحرالمیت [قمران] می نامند. ر.ک ۱-مک۲:۲۹: «عده‌ای از مردمان که اندیشناک و در قید عدالت بودند به صحرا رهسپار شدند تا در آنجا اقامت گزینند.»

f- توبه کنید. این فعل و کلمه توبه در انجیل متی در جملات و عباراتی به کار برده شده‌اند که اهمیت زیادی دارند (۳:۲؛ ۴:۱۷؛ ۱۱:۲۰،۲۱؛ ۱۲:۴۱). این کلمه گرچه از نظرلغوی در زبان یونانی به معنی تغییر روحیه است ولی بایستی به مفهوم تغییر سمت و بازگشت بی قید و شرط به سوی خدای عهد تعبیر شود چنانکه در عهد عتیق و مخصوصاً از زمان ارمیای نبی موضوع مهم و اساسی به شمار می‌رفته است. متی موعظه و گفتارهای یحیی تعمید دهنده و عیسی را به یکدیگر تشبیه نموده (۳:۲؛ ۴:۱۷) ولی در مورد منظور و هدف نهایی تعمید، رسالت آنان را از یکدیگر متمایز می سازد (۳:۱۱): توبه ای که بایستی به وسیلهٔ رفتار و اعمال تأیید و تثبیت شود (۳:۸ توضیح o) یا امتناع یهودیان از توبه کردن است (۱۱:۲۰،۲۱؛ ۱۲:۴۱؛ ر.ک لو ۵:۳۲؛ ۱۵:۷).

g- بر طبق رویه و عادت یهودیان که همواره از بر زبان آوردن نام خدا احتراز می کردند متی بجای فرمانروائی خدا، فرمانروائی آسمانها می‌آورد (فقط مت۱۲:۲۸؛ ۱۹:۲۴؛ ۲۱:۳۱،۴۳). ولی کلمهٔ آسمانها بدان معنی نیست که این فرمانروائی آسمانی است بلکه خدایی که در آسمانها است بر سراسر جهان فرمانروایی دارد (۵:۴۸؛ ۶:۹؛ ۷:۲۱). متی که از مکتب عهد عتیق می باشد به خوبی می‌داند که فرمانروایی همواره از آن خداوند بوده است (مز۲۲:۲۹؛ ۱۰۳:۱۹؛ ۱۴۵:۱۱-۱۳؛ و غیره) ولی می‌خواهد اعلام کند که این فرمانروایی ابدی در شخص عیسی به آدمیان نزدیک شده است. ضمناً ترجمهٔ ملکوت فقط در مواردی مناسب است که سیاق جمله و عبارت، مفهوم مکان را دربرداشته باشد (مثلاً ورود به... ۵:۲۰؛ ۷:۲۱؛ ۱۸:۳؛ ۱۹:۲۳) و در جاهای دیگر بهتر است به کلمه «فرمانروایی» ترجمه شود.

h- نزدیک است یا نزدیک شده است. همین اصطلاح در ۴:۱۷ و۱۰:۷ (و همین فعل در ۲۱:۱،۳۴؛ ۲۶:۴۵-۴۶) بکار رفته است. این کلمات امروزه چنین تفسیر می شوند: ۱- فرمانروایی خدا نزدیک است یا خیلی نزدیک است (عیسی فرا رسیدن یا رسیدن ناگهانی، قریب‌الوقوع و جهانی این فرمانروایی را اعلام می نماید). ۲- فرمانروایی حاضر و موجود است (ر.ک ۱۲:۲۸ که با فعل دیگری ذکر شده و به معنی «هم اکنون به شما رسیده است» می باشد). ولی این حضور را می توان به طرق مختلفی درک کرد: یا فرمانروایی در حال حاضر کاملاً تحقق یافته یا مخفیانه در وجود شخصیت و فعالیت عیسی آغاز گردیده ولی به زودی بر همه آشکار خواهد شد. به هر صورت فرا رسیدن فرمانروایی خدا مستلزم توبه است.

می دهد: راه خداوند را آماده سازید، کوره
راههای او را راست گردانید[i].» [۴] همین
یحیی لباسی از پشم شتر و لنگی چرمین بر
کمر داشت. خوراکش ملخ و عسل وحشی[j]
می بود. [۵] آنگاه اورشلیم و همچنین سراسر
یهودیه و تمام مرز و بوم اردن نزد او بیرون
آمده [۶] و با اعتراف به گناهان[l] خود به وسیلهٔ
او در نهر اردن تعمید[k] می یافتند.

دعوت یحیی به توبه
(لوقا ۳:۷-۹)

[۷] چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان[m]
را دید که برای تعمید می آمدند به آنان
می گفت: «ای افعی زادگان چه کسی گریز ۱۲:۳۴؛ ۲۳:۳۳
از خشم[n] آینده را به شما نشان داده است؟ لو۲۱:۲۳؛

[۸] پس میوه ای شایستهٔ توبه[o] بیاورید، [۹] و روم۱:۱۸؛ ۲:۵؛ ۵:۹؛
مپندارید در خود بگویید: ما ابراهیم را افس۵:۶؛
همچون پدر داریم، زیرا به شما می گویم که کول۳:۶؛ مکا۶:۱۶،۱۷
خدا قادر است از همین سنگها فرزندانی یو۸:۳۳، ۳۷،۳۹؛
برای ابراهیم قائم سازد. [۱۰] هم اکنون تیشه روم۴:۱۲
بر ریشهٔ درختان نهاده شده است[p]. پس هر ۷:۱۹؛
درختی که میوهٔ نیکو نیاورد بریده شده در لو۱۳:۷؛ یو۱۵:۶
آتش افکنده می شود.

تعمید آب و تعمید آتش
(مرقس ۱:۷-۸؛ لوقا ۳:۱۵-۱۸؛
ر.ک یوحنا ۱:۲۴-۲۸)

[۱۱] من برای توبه شما را در آب[q] تعمید یو۱:۲۶، ۳۱،۳۳؛
می دهم ولی آن که پس از من می آید از من اع۱:۵؛ ۱۱:۱۶
تواناتر[r] است و من شایستهٔ آن نیستم اع۱۳:۲۴؛ ۱۹:۴

i- اناجیل نظیر [متی، مرقس و لوقا] ترجمه یونانی اش۴۰:۳ را نقل کرده اند که در آن «در صحرا» به «صدا» مربوط می باشد در صورتی که در متن عبری ارتباط آن با «آماده کنید» است. در این انجیلها به جای راههای خدای ما، راههای او آمده است و به این وسیله انطباق متن به شخص عیسی مقدور می گردد.

j- یحیی پوشاک معمولی پیامبران را بر تن دارد (زک۱۳:۴)، مخصوصاً الیاس (۲-پاد۱:۸) که در شخص یحیی تعمید دهنده بازگشته است (ر.ک مت۱۷:۹-۱۳؛ ملا۳:۲۳).

k- تعمید دادن. تعمیدی که یحیی می دهد با شست و شوهای مذهبی فرقهٔ اسنیان به کلی متفاوت است زیرا تعمید یحیی فقط یک بار و به همگان داده می شد در صورتی که شست و شوی اسنیان هر روز انجام می گرفت. همچنین ارتباطی با تعمید کسانی که به آیین یهود می گرویدند ندارد زیرا آنان تعمید می یافتند تا «تطهیر شده» بتوانند با یهودیان تماس بگیرند: ر.ک مر۱:۴ توضیح h. تعمید یحیی که با توبه ارتباط دارد افراد را برای تعمیدی که عیسی می آورد آماده می سازد (مت۳:۱۱).

l- ر.ک مر۱:۵ توضیح j. نهر اردن که ۳۹۲ متر پائین تر از سطح دریاست، پست ترین رود جهان به شمار می رود.

m- متی در اینجا و در ۱۶:۱،۶،۱۱،۱۲؛ صدوقیان و فریسیان را با هم ذکر کرده و در ۲۲:۳۴ در موقعیت و معنی دیگری آنها را با هم آورده است. در جایی فریسیان و کاتبان را با هم ذکر کرده است (باب ۲۳). لوقا در روایتی موازی فقط از انبوه جمعیت نام برده است (لو۳:۷-۹). این تفاوت را می توان به این گونه توضیح داد که انجیل نگاران مطالب خود را به جوامع مختلفی خطاب می کردند.

n- در این داوری که فرارسیدنش اعلام شده، خشم عبارت از واکنش خدای قدوس در برابر گناه می باشد (ر.ک اش۳۰:۲۷-۳۳). یحیی فرا رسیدن قریب الوقوع داوری نهایی را اعلام می کند در صورتی که عیسی چون خادمی مهربان و فروتن نمایان می شود (۱۲:۱۸-۲۱) و کسی است که بنا به نوشتهٔ پولس، از خشم نجات می بخشد (۱-تسا۱:۱۰).

o- تحت اللفظی: «میوه ای در خور توبهٔ شما». همین توصیف در مت۱۰:۷،۱۰،۱۱،۱۳،۳۷،۳۸؛ ۲۲:۸ آمده است. کلمهٔ ثمره که به صورت مفرد آمده به معنی مجموعهٔ اعمال و رفتار آدمی است و منحصر به ابراز و نشان دادن مورد بخصوصی از تقوا یا اخلاق نیست. توبه ای که حاصل می شود ثمرهٔ موعظه یحیی تعمید دهنده نیست، خواه یحیی ملزم کند توبه حقیقی در اعمال و طرز رفتار ظاهر گردد و خواه آشکار سازد که توبهٔ شنوندگان بیهوده و فاقد ارزش واقعی است. تفسیر اخیر از ۳:۹-۱۰ استنباط می شود.

p- تحت اللفظی: برضد ریشه گذاشته شده است.

q- ترجمه دیگر: با آب و با روح القدس.

r- برخلاف آنچه در ترتیب حرکت ملتزمین رکاب رسمی معمول است در اینجا مهمترین شخصیت در ردهٔ دوم می آید. فقط در اینجا و در ۱۲:۲۹ عیسی با صفت «توانا» توصیف شده است در صورتی که این صفت در عهد عتیق مختص خدا بوده است (دان۹:۴؛ ار۳۲:۱۸). در دوران عیسی نیز این صفت را در مورد مسیح موعود به کار می بردند (ر.ک مزامیر سلیمان). متی کلمهٔ «اقتدار» را بر «توانایی» ترجیح می دهد (۷:۲۹؛ ۹:۶؛ ۲۸:۱۸).

پای پوشهای او را بردارم[s]: او شما را در
روح القدس و آتش[t] تعمید خواهد داد. یو۱:۳۳؛ اع۱:۵؛ ۱۱:۱۶
۱۲او چارشاخ در دست دارد و خرمنگاه خود
را پاک کرده گندم را در انبار جمع خواهد
کرد اما کاه را در آتشی خاموش نشدنی
خواهد سوزانید[u].»

تعمید عیسی
(مرقس ۱:۹-۱۱؛ لوقا ۳:۲۱-۲۲؛ ر.ك يوحنا ۱:۲۹-۳۴)

۱۳آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی
پیش آمد تا به وسیلهٔ او تعمید یابد[v]. ۱۴او
می‌خواست وی را مانع شود و می‌گفت:
«منم که نیاز دارم به وسیلهٔ تو تعمید یابم و
تو نزد من می‌آیی[w]!» ۱۵عیسی در پاسخ
به او گفت: «فعلاً بگذار [چنین کنیم]
بدین گونه مناسب است تمام عدالت[x] را به
تحقق برسانیم.» پس او را واگذاشت.
۱۶همین که عیسی تعمید یافت همان دم از
آب درآمد و اینک آسمانها گشوده شدند[y]
و روح خدا را دید که چون کبوتری[z] نازل
شده بر او آمد. ۱۷و اینک صدایی از
آسمانها آمده می‌گفت: «این است پسر من پید۲۲:۲؛ مت۱۲:۱۸؛ ۱۷:۵
و آن محبوب[a] که از او خوشنودم[b].»

s- در اینجا منظور به پا کردن پای پوشهای او نبوده بلکه منظور درآوردن آنها است. این عمل وظیفه بردگان بوده است.

t- برخلاف آب که برای تصفیه و طهارت ظاهری به کار می‌رود آتش به طرز پوشیده‌تری نماد عمل خدا است که تصفیه و تطهیر می‌کند (ملا۳:۲؛ زک۱۳:۹؛ ر.ک ۱-پطر۱:۷). بنابراین معنی جمله را می‌توان چنین استنباط کرد: «روح القدس به مانند آتش تصفیه می‌کند» (حرف عطف «و» می‌تواند جنبهٔ توضیحی داشته باشد). اما چنین می‌نماید که مفهوم آتش از آیه ۱۱ تا ۱۲ تغییر نمی‌کند زیرا در مورد اخیر کیفر و مجازات به شمار می‌آید؛ بنابراین آتش نشانه و نماد خشم است (ر.ک ۳:۷ توضیح m) و ارتباط بین این دو برای مشارکت و سهیم شدن در قدوسیت خدا لازم است (ر.ک روم۱:۱۶-۱۸) (در این تفسیر حرف عطف «و» اختلاف معنی را مختصری می‌افزاید).

u- در عهد عتیق و عهد جدید برداشت محصول تصویری از داوری نهایی در زمان آخر است زیرا در آن موقع بذر خوب (یا قسمت خوب گندم) از قسمت بد جدا خواهد شد (یول۴:۱۲-۱۳؛ اش۲۷:۱۲-۱۳؛ مکا۱۴:۱۴-۱۶؛ ر.ک مت۱۳:۳۰ توضیح o). [چار شاخ، ابزار کشاورزی برای باد دادن گندم جهت جدا کردن کاه از دانه. در برخی لهجه های محلی «شنه» هم گفته اند.]

v- روایات انجیل برای پذیرش این نکته که عیسی در میان گناهکاران تعمید یافته از یک سخن پیامبرانه یاد می‌کنند (۳:۱۷): عیسی که خود را در ردیف گناهکاران قرار داده در حقیقت پسر خدا می‌باشد.

w- اعتراض یحیی تعمید دهنده برتری عیسی را یادآوری و تأیید می‌نماید. چنان که قبلاً در گفتار خود برتری تعمید آینده را نسبت به تعمید با آب نشان داده بود (ر.ک یو۳:۲۳-۳۰).

x- در انجیل متی کلمهٔ عدالت، وفاداری اصولی و جدید به اراده خدا است (۵:۶،۱۰،۲۰؛ ۶:۱،۳۳؛ ۲۱:۳۲). یحیی تعمید دهنده و عیسی، با هم از اراده خدا تبعیت می‌کنند، اراده‌ای که مفهوم آن به وسیله تمام انجیل آشکار خواهد شد. در اینجا یا عیسی خود را با گناهکاران شریک می‌سازد تا آنان را نجات دهد یا اینکه این تعمید با فروتنی کامل به عنوان نخستین اعتراض علنی عیسی بر ضد تصور و رؤیای یهودیان است که خواهان مسیح موعود پیروزمند بودند (ر.ک ۴:۱-۱۱؛ ۱۱:۲-۶؛ ۱۶:۱۳-۲۳).

y- در بعضی نسخه های خطی: «برای او گشوده شدند»، اصطلاحی که به معنی اتحاد زمین و آسمان است (ر.ک اع۷:۵۶؛ ۱۰:۱۱-۱۶؛ یو۱:۵۱) و مکاشفه‌ای آسمانی می‌باشد (اش۶۳:۱۹؛ حزق۱:۱؛ مکا۴:۱؛ ۱۹:۱۱).

z- کبوتر. هیچگونه تفسیر قطعی دربارهٔ این نماد داده نشده است. احتمالاً اشاره به کبوتری نیست که به کشتی نوح برگشته بود (پید۸:۸-۱۲). بعضی از مفسران با توجه به روایات یهود کبوتر را نمادی از اسرائیل می‌شمارند و در نظر بعضی دیگر نشانهٔ محبت خداست (ر.ک غزل۲:۱۴؛ ۵:۲) که بر روی زمین فرود می‌آید. بالاخره مفسران دیگری برابر برخی روایات که روح خدا را به صورت کبوتری می‌دیدند که بر روی آبها در پرواز بوده است (پید۱:۲) تصور می‌کنند از پیدایش و آفرینش نوینی یاد شده که در تعمید عیسی روی داده است.

a- این کلمات مخلوطی از اصطلاحات مز۲:۷ است که با پیشگویی کهن ناتان در۲-سمو۷:۱۴ (تو پسر من هستی...) و پیشگویی اش۴۲:۱ (من که از برگزیدن او خوشنودم) تلفیق شده است. در عبارت اخیر هنوز سخنی از خدمتگزار رنجدیده در اش۵۳ نیست بلکه سخن از خدمتگزاری است که صدای خود را بلند نمی‌کند (۴۲:۲؛ ر.ک مت۱۲:۱۸-۲۱) و متزلزل نیست و خرد نشده است (۴۲:۴). متی با ترکیب و تلفیق این متون کتاب مقدس در وجود عیسی، دو چهرهٔ پیامبرانه را جمع کرده است: چهرهٔ پسر پادشاه و چهرهٔ خدمتگزار.

b- خوشنودی، دلخواه و بدون دلیل نیست بلکه انتخاب و برگزیدگی می‌باشد.

تجربه شدن عیسی[c]
(مرقس ۱:۱۲-۱۳؛ لوقا ۴:۱-۱۳)

۴ ۱ آنگاه عیسی توسط روح [القدس]
به صحرا برده شد تا به وسیلهٔ ابلیس عبر۲:۱۸؛ ۴:۱۵
تجربه شود. ۲ و پس از چهل روز و چهل
شب روزه گرفتن[d]، سرانجام گرسنه شد.
۳ و تجربه کننده[e] نزدیک شده به او گفت: ۴:۶؛ ۲۷:۴۰
«اگر تو پسر خدا هستی[f] بگو تا این سنگها
نان شوند.» ۴ در پاسخ گفت: «نوشته شده
است: آدمی فقط به نان زندگی نخواهد
کرد بلکه به هر کلامی که از دهان خدا
برمی‌آید[g].» ۵ آنگاه ابلیس او را با خود به
شهر مقدس می برد و او را بر کنگرهٔ معبد
قرار داده[h] ۶ و به او گفت: «اگر تو پسر
خدا هستی خودت را به زیر افکن، زیرا نح۱۱:۱؛ اش۵۲:۱؛
نوشته شده است: به خاطر تو به مت۲۷:۵۳؛ مکا۱۱:۲؛
فرشتگانش فرمان خواهد داد و آنها تو را ۲۱:۲،۱۰؛ ۲۲:۱۹
بر روی دستهایشان خواهند برد مبادا پایت ۴:۳؛ ۲۷:۴۰
به سنگی بخورد[i].» ۷ عیسی به او فرمود:
«باز هم نوشته شده است: خداوند خدای ۱-قرن۱۰:۹
خود را تجربه نخواهی کرد[j].» ۸ باز ابلیس
او را به کوهی بسیار بلند برگرفت و تمام
ممالک جهان و شکوه آنها را به او نشان
داده به او گفت: ۹ «اگر در برابر من افتاده

c- این روایت از سنتی اقتباس شده که قسمت اعظم آن مربوط به دوران عیسی می باشد (ر.ک مر۱:۱۲-۱۳) زیرا نکته اصلی این روایت امتناع عیسی از پذیرفتن مسیح گرایی دنیوی است و این نکته مربوط به دوران پیش از واقعه رستاخیز عیسی است. ضمناً مبارزه با شیطان نیز با مرگ و رستاخیز عیسی پایان یافته است. متی و لوقا این موضوع را به روش مباحثه و جدل ذکر کرده اند تا برتری عیسی را بر رقیبش نشان دهند. به طوری که از نقل قولهای صریح و دقیق کتاب تثنیه برمی‌آید (۸:۳؛ ۶:۱۶؛ ۶:۱۳) در اینجا عیسی به عنوان اسرائیل جدیدی نشان داده شده که در صحرا مورد تجربه قرار می گیرد. عیسی نمی‌خواهد نیروهای معنوی و روحانی را به منظور نیل به هدفهای دنیوی به کار برد، به علاوه قصد ندارد خدا را وادار کند تا او را با معجزه های شگفت‌انگیز نجات دهد و نیز نمی‌خواهد به تابعیت شیطان درآمده از نظر سیاسی بر جهان تسلط یابد. عیسی برخلاف قوم برگزیده در زمان صحرا از این مبارزه پیروز بیرون می‌آید به این معنی که اجازه نمی‌دهد شیطان او را از خدا جدا کند. متی در این متن عیسی را به صورت نمونه ای از اسرائیل جدید و موسای جدید معرفی می کند که به این وسیله موضوع تجربه های عیسی را مسیحائی جلوه می‌دهد. صحنهٔ وسوسهٔ عیسی که متصل به وقایع تعمید یافتن او ذکر گردیده ممکن است بیانگر معنی و مفهوم زندگی هر فرد مسیحی نیزباشد به این معنی که اصولاً تک تک فرزندان خدا بر شیطان پیروز شده اند.

d- عدد چهل (تعداد سالهای عمر یک نسل) زمانی نسبتاً طولانی است و مدت واقعی آن معلوم نیست (پید۷:۴؛ خروج۲۴:۱۸). در اینجا ممکن است یادآور مدت زمانی باشد که موسی بر روی کوه گذرانیده بود (خروج۳۴:۲۸؛ تث۹:۹،۱۸) و احتمالاً نماد چهل سالی است که قوم اسرائیل از صحرا عبور می کرد (اعد۱۴:۳۴) چنانکه چهل شبانه روز راه پیمایی الیاس نیز با آن تطبیق می کند (۱-پاد۱۹:۸).

e- «تجربه کننده». تعداد تجربه کنندگانی که در مدت زندگی عیسی بر او ظاهر شدند زیاد بوده اند (۱۶:۱؛ ۱۹:۳؛ ۲۲:۱۸،۳۵). در این روایت مفهوم تجربه های مذکور ارائه می شود.

f- تکرار گفتار آسمانی که در هنگام تعمید عیسی گفته شده بود (۳:۱۷) و به این معنی است: «زیرا چنانچه تو پسر خدا هستی...»

g- متی در اینجا ترجمه یونانی تث۸:۳ را نقل کرده است. متن عبری به این صراحت نیست: «... به هر چه از دهان خداوند بیرون می‌آید.»

h- معادل کنگره در زبان یونانی به معنی زاویه بیرونی ساختمان است که در اینجا می تواند اشاره به سر در یکی از بزرگترین دروازه های معبد باشد که شیطان به عیسی گفت خود را از آنجا پرتاب کند تا مسیح بودن خود را به انبوه مردمانی که در آن محل ازدحام می کردند ثابت نماید.

i- ر.ک مز۹۱:۱۱-۱۲، این عبارت از متن یونانی نقل شده است. مطالب مزمور۹۱ نظیر مطالب تث۸:۳ اختصاصاً دربارهٔ مسیح نیست بلکه مربوط به هر فرد اسرائیلی با ایمانی است که فقط از جانب خدا انتظار کمک دارد. هنگامی که شیطان نوشته های مقدس را کلمه به کلمه نقل می کند عیسی مفهوم اساسی آنها را جدا کرده پاسخ می دهد.

j- تث۶:۱۶. تجربه کردن یا آزمودن و به آزمایش گذاشتن خدا موضوعی معمولی و عادی در عهد عتیق است (خروج۱۷:۲-۷؛ اعد۱۴:۲۲؛ تث۶:۱۶؛ مز۷۸:۱۸؛ و غیره) و به دو معنی به کار رفته که مکمل یکدیگرند: یکی این که از خدا اطاعت نکنند تا ببینند صبر و حوصلهٔ او تا کجاست و مفهوم دوم که در اینجا بکار رفته این است که از لطف و مرحمت خدا برای استفادهٔ شخصی بهره برداری کنند.

سجده کنی[k] همهٔ اینها را به تو خواهم
داد.» ۱۰ آنگاه عیسی به او گفت: «برو!
ای شیطان[l]! زیرا نوشته شده است: تو دان۳:۵، ۱۵،۱۰؛
خداوند خدای خود را سجده خواهی کرد و مت۲:۱۱؛ ۲۶:۱۸
فقط او را عبادت خواهی نمود[m].» ۱-قرن۱۴:۲۵؛ مکا۴:۱۰؛
۱۱ آنگاه ابلیس او را ترک می‌کند و اینک ۱۴:۵؛ ۱۱:۷؛ ۱۶:۱۱؛
فرشتگان پیش آمده او را خدمت ۱۰،۴:۱۹؛ ۸:۲۲
می‌کردند[n].

بازگشت عیسی به جلیل
(مرقس ۱:۱۴-۱۵؛ لوقا ۴:۱۴-۱۵)

۱۲ چون شنید یحیی را تسلیم کرده‌اند[o] به ۳:۱۴؛ مر۶:۱۷؛
جلیل بازگشت[p]. ۱۳ و ناصره[q] را ترک یو۳:۲۴
کرده آمد در کفرناحوم که در کنار دریا در یو۲:۱۲
نواحی زبولون[r] و نفتالیم است اقامت گزید.
۱۴ تا آنچه به وسیلهٔ اشعیای پیامبر اعلام
شده بود به تحقق رسد وقتی که گفت:

۱۵ سرزمین زبولون و نفتالیم،
راه دریا، ماوراء اردن،
جلیل ملت‌ها، لو۱:۷۹
۱۶ قومی که در تاریکی نشسته می‌بود،
نوری بزرگ دید
و برای کسانی که در سرزمین تاریک
مرگ نشسته بودند
نوری طلوع کرده است[s].

۱۷ از آن پس آغاز به ندا دادن و گفتن

k- تحت‌اللفظی: «اگر [به پاهای من] افتاده مرا پرستش کنی». در اینجا مفهوم پرستش کردن اطاعت محض با نتایج عملی و فوری مربوط به آن می‌باشد (ر.ک ۲:۲؛ ۸:۲؛ ۹:۱۸؛ پید۳۷:۷-۱۰). ضمناً در ۱۸:۲۷ نیز به همین معنی به کار برده شده است.

l- در ۲۳:۱۶ نیز همین دستور صریح به پطرس خطاب می‌شود به اضافهٔ دعوت به این که به دنبال او برود (در بعضی نسخه‌های خطی در این آیه هم این دعوت وجود دارد).

m- تث۶:۱۳؛ ر.ک خروج۳۴:۱۴؛ تث۳۲:۳۹؛ اش۴۳:۱۰.

n- فعل «خدمت کردن» در اینجا به معنی خدمت بر سر سفره و غذا دادن می‌باشد (ر.ک ۸:۱۵). عیسی از فرشتگان یعنی از جانب خدا به وسیله پیام‌آورانش غذایی دریافت می‌نماید که قبلاً شیطان پیشنهاد کرده و وی از پذیرفتن آن امتناع ورزیده بود. بعدها عیسی به شاگردان خود تعلیم خواهد داد که آن را از پدر خود درخواست کرده و بپذیرند (۶:۱۱).

o- «تسلیم کرده‌اند» به معنی بازداشت و زندانی کردن است (ر.ک لو۳:۲۰) چنانکه در مورد عیسی نیز گفته شده است (۱۷:۲۲؛ ۲۶:۲؛ ۲۷:۲،۱۸،۲۶). انتخاب این کلمه و به کار بردن فعل به صورت مجهول که فاعل آن مشخص نیست چنین می‌نماید که گرچه آدمیان این فاجعه را انجام می‌دهند ولی خدا است که برطبق تدبیر خود آنان را هدایت می‌کند (ر.ک اع۴:۲۸).

p- فعلی که در این مورد به کار رفته و «بازگشتن» ترجمه شده متی در مورد پناه گرفتن در مقابل خطر به کار می‌برد (۲:۱۲،۱۳،۱۴،۲۲؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۵:۲۱؛ ر.ک ۱۴:۱۳ توضیح g).

q- نام این شهر معمولاً ناصره Nazareth نوشته می‌شود ولی دراینجا Nazara ذکر شده که به ندرت به این صورت نوشته می‌شود. از مطالب این آیه چنین برمی‌آید که خانوادهٔ عیسی در این محل اقامت داشتند (۲:۲۳) و پیامبر ناصری (ر.ک ۲۱:۱۱) زادگاه خود را ترک کرده همچنان که دشمنان خود (۴:۱۶) و اورشلیم را ترک می‌گوید (۲۱:۱۷).

r- منظور دریاچه جنیسارت است (ر.ک لو۵:۱؛ ۸:۲۲). محل کفرناحوم را به طور کلی در شمال غربی دریاچه، در جایی که امروزه «تل حوم» نامیده می‌شود تعیین می‌کنند.

s- متی نه فقط به منظور تعیین محل اقامت عیسی بلکه به این سبب که مأموریت نبوتی او را مشخص سازد آیات ۸:۲۳-۹:۱ از کتاب اشعیا را نقل نموده است. این نقل قول منحصر به انجیل متی بوده و انجیل نگار آن را تا حدودی تغییر داده است. سخنان زیر از مختصات مجموعهٔ انجیل متی است: عیسی در جلیل سخنان خود را به قبایلی از قوم یهود خطاب می‌کند که بیش از دیگران مورد تهدید «تاریکی» امتها بودند به همان گونه که پادشاهی شمالی از سوی آشوریان تهدید می‌گردید. پس این رسالت «با تمام ملت‌ها» تماس می‌گیرد (۲۸:۱۹؛ ر.ک ۱:۲ توضیح n)، در حالی که دیگران به صحرا پناه برده (مثل فرقهٔ قمران یا یحیی تعمید دهنده) یا فعالیت خود را به اورشلیم محدود ساخته بودند، عیسی که اشعیای پیامبر او را عمانوئیل اعلام نموده است (اش۷:۱۴؛ ۸:۸، ۱۰) جانب «جلیل ملت‌ها» را برمی‌گزیند و متی این نکته را در سراسر انجیل خود ذکر می‌کند (ر.ک ۲:۲۲؛ ۳:۱۳؛ ۴:۲۳،۲۵؛ ۲۸:۱۶).

کرد[t]: «توبه کنید! زیرا فرمانروائی آسمانها
خیلی نزدیک است[u].»

فراخواندن نخستین شاگردان
(مرقس ۱:۱۶-۲۰؛ لوقا ۵:۱-۱۱)

یو۱:۴۰،۴۱ ۱۸چون بر کنارهٔ دریای جلیل راه
می‌رفت، دو برادر، شمعون مشهور به
پطرس و برادرش آندریاس را دید که تور
به دریا می‌افکنند زیرا ایشان صیاد بودند.
۱۹و به آنان گفت: «به دنبال من بیایید[v] و
من شما را صیاد[w] انسانها خواهم کرد.»
۲۰همان دم ایشان تورها را رها کرده به
دنبال او رفتند[x]. ۲۱و چند قدم دورتر، دو
برادر دیگر، یعقوب [پسر] زبدی و
برادرش یوحنا را با پدرشان در قایق دید
که در حال مرتب کردن تورهای خود بودند
و آنان را فراخواند. ۲۲همان دم ایشان
قایق و پدرشان را ترک کرده به دنبال او
رفتند.

عیسی و جمعیت‌ها
(مرقس ۱:۳۹؛ لوقا ۴:۴۴؛ ۶:۱۷-۱۸)

۲۳و در سراسر جلیل می‌گشت د رحالی
که در کنیسه هایشان آموزش داده، مژدهٔ ۹:۳۵؛ مر۱:۳۹
فرمانروائی[y] را ندا می‌داد و هر بیماری و
ناتوانی را در قوم شفا می‌بخشید[z]. ۲۴و
شهرتش در سراسر سوریه پیچید و همه
مریضانی که ناتوانی‌ها و عذاب‌های مر۶:۵۵-۵۶
گوناگون داشتند، دیوانگان، ماه‌زدگان و
مفلوجان را نزد وی آوردند و آنان را شفا
داد. ۲۵و جمعیت‌های زیادی که از جلیل و مر۳:۷-۸
از دیکاپولیس و از اورشلیم و از یهودیه و از
ماوراء اردن آمده بودند به دنبال او رفتند.

t- عبارت «از آن پس» که فقط یک بار دیگر در۱۶:۲۱ آمده فقط به همین مفهوم ساده نیست که عیسی «شروع به... کرد» بلکه بطور رسمی شروع رسالت و موعظه او را اعلام می‌کند بدین معنی که عیسی خود را به وسیلهٔ سخنان (۵:۱-۷:۲۹) و اعمال (۸:۱-۹:۳۴) معرفی خواهد کرد.

u- ر.ک ۳:۲ توضیح h.

v- تحت‌اللفظی: «عقب من بیایید» و اصطلاح مشابهی در۱۶:۲۳-۲۴.

w-در مورد اصطلاح «صیاد انسانها» ر.ک مر۱:۱۷توضیح c.

x- فعلی که در این مورد به کار رفته و «به دنبال کسی رفتن» ترجمه شده در بین یهودیان سدهٔ اول میلادی معمولاً به مفهوم احترام و اطاعتی بود که شاگردان نسبت به استادان خود داشتند و خدمات مختلف بیشماری برای آنان انجام می‌دادند. در اینجا متی این فعل را در مورد عیسی و شاگردانش به کار برده و مفهوم آن را از چند نظر تغییر داده است: ۱- در اینجا دیگر شاگرد نیست که استاد خود را انتخاب می کند بلکه دعوت از جانب عیسی بوده و به طور کلی با اطاعت فوری پاسخ داده می شد (۴:۲۲؛ ۹:۹)؛ ۲- شاگردان نه فقط به مانند شنونده به دنبال عیسی می روند بلکه همکاران، شاهدان ملکوت خدا و کارگران برداشت محصول آن هستند (۱۰:۱-۲۷) و این شاگردان مانند افراد فرقهٔ غیوران نه تنها به آموزش استاد خود علاقمند می باشند بلکه به شخص او وابستگی دارند؛ ۳- متی غالباً یادآوری می کند که انبوه مردمان به دنبال عیسی می‌آیند و بدین وسیله نشان می‌دهد که مردم به طور مبهم در وجود او استادی را جستجو می کنند که در بین استادان رسمی و عنوان دار کنیسه، نیافته اند (۴:۲۵؛ ۸:۱؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۴:۱۳؛ و غیره)؛ ۴- در مرحلهٔ دیگری عیسی از این «دنباله روی» انتقاد کرده و نشان می‌دهد که مفهوم این عمل خیلی وسیع تر از آن است که شاگردان و انبوه مردمان در ابتدا تصور کرده بودند. به دنبال عیسی رفتن چیزی کمتر از آن نیست که صلیب خود را به دوش بکشند (۱۶:۲۴).

y- «انجیل فرمانروائی» اصطلاحی مختص متی می باشد (۹:۳۵؛ ۲۴:۱۴) و دارای دو معنی است: یا اعلام فرا رسیدن ملکوت یا فرمانروایی خدا (ر.ک ۳:۲ توضیح g) یا به مفهوم خود این نوید می باشد همراه با تمام تعالیم عیسی که متی آن را به مژده ملکوت ارتباط می‌دهد، یعنی تمام انجیل متی.

z- شفا دادن ها علاوه بر اعلام انجیل به این معنی است که فرمانروائی خدا در فعالیت است (ر.ک ۱۰:۱،۷-۸؛ ۱۱:۵ توضیح z). متی با به کار بردن کلمهٔ «هر»، جنبهٔ جهانی رفتار عیسی را نشان می‌دهد و شاید اشاره به اش۵۳:۴ می نماید که در مت۸:۱۷ نقل شده است.

موعظه روی کوه
(مرقس۳:۱۳؛ لوقا۶:۱۲-۱۳،۲۰)

۵ [۱] عیسی با دیدن انبوه مردم به کوه بالا رفت و چون نشست شاگردانش نزد او آمدند[a]. [۲] و دهان گشوده[b] به آنان آموزش داده می‌گفت[c]:

خوشا به حالها
(لوقا ۶:۲۰-۲۶)

[۳] «خوشا[d] بر بینوایان در روح[e] زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است.
[۴] خوشا بر نرم‌خویان[f] زیرا وارث زمین[g] خواهند شد. مز۳۷:۱۱
[۵] خوشا بر ماتمیان[h] زیرا تسلی خواهند یافت.

a- در تنظیم و نگارش این قسمت از انجیل، متی از مطالبی استفاده کرده که اکثراً نظیر همان مطالبی است که لوقا (۶:۲۰-۴۹) به کار برده است. متی جملات عیسی را دسته بندی نموده و به صورت خطابه ای افتتاحیه در آورده که بیانگر عدالت جدید مسیحی است. در ابتدا موضوع خوشبختی به عنوان مقدمه می‌آید (۵:۳-۱۲)، سپس مطالبی دربارهٔ موضوعات زیر گفته می شود: ۱- عدالت کامل (کلّیات ۵:۱۳-۲۰ و در پی آن پنج نکته ۵:۲۱-۴۸)، ۲- اعمال نیکو (کلّیات ۶:۱ و در پی آن سه نکته ۶:۲-۱۸)، ۳- سه هشدار که هر یک نکته ای به دنبال دارد (۷:۱-۱۲؛ ۷:۱۳-۲۰؛ ۷:۲۱-۲۷). موعظه عیسی بر فراز کوه را نمی توان در انجیل به عنوان اساس آیین مسیحیت به شمار آورد زیرا فاقد مطالبی از جمله صلیب، آیین سپاسگزاری، کلیسا و روح القدس می باشد. این موعظه خطاب عیسی به کسانی است که می‌خواهند از او پیروی کنند.

b- اصطلاح «دهان گشودن» مقدمه ای بر بیانیه ای مهم است، ر.ک اع۱۰:۳۴؛ ایوب۳:۱؛ ۳۲:۲۰؛ دان ۱۰:۱۶.

c- آموزش می‌داد. متی موعظه روی کوه را چون تعلیمی ارائه نموده که پیش از معرفی ملکوت اعلام شده است.

d- خوشا بر. این طرز گفتار در کتاب مقدس معمول است و برای تهنیت گفتن به کسی که از موهبتی برخوردار است (مت۱۳:۱۶؛ ۱۶:۱۷) یا جهت اعلام خوشبختی طبقه ای از مردمان به کار می رود (مت۱۱:۶؛ لو۱۱:۲۸؛ ر.ک لو۶:۲۰ توضیح m). عیسی با این طرز گفتار اعلام می کند که چه کسانی در وضعیت مساعدتری جهت دریافت ملکوت خدا قرار دارند. متی و لوقا مژده های سعادت را در دو گروه طبقه بندی کرده اند: گروه اول (متی۵:۳-۹) دربارهٔ بینوایی و طرز رفتار انسان و گروه دوم (۵:۱۰-۱۲) که دربارهٔ جفا می باشد، ممکن است در شرایط دیگری و احتمالاً در واپسین بخش از زندگی عیسی بیان شده باشد. این دو گروه که متی و لوقا تدوین کرده اند ممکن است به دوران پیامبری که دوران شخص عیسی بود اطلاق شود. در این مرحله عیسی نمی گوید برای ورود به ملکوت چه فضایلی ضروری است. او خود را به عنوان مسیح موعود معرفی می کند که برای بینوایان فرستاده شده است، یعنی کسانی که بیشتر محبوب خدا هستند (ر.ک مت۱۱:۵)، کسانی که در این دنیا مورد توجه نبوده و فقط به خدا توکل دارند. لوقا بینوایان را در برابر ثروتمندان می‌آورد، چنان که آسمان آینده را در مقابل زمین کنونی قرار می‌دهد در صورتی که متی نشان می دهد که بینوایی درونی شرط لازم برای ورود به ملکوت می باشد. این دو تفسیر معنی و مفهوم واقعی خود را نمی یابند مگر در صورتی که مربوط به عیسی باشند که سخن می گوید و خود را فدا می کند.

e- «بینوا یان در روح»: در اینجا منظور از روح نه روح القدس است و نه هوش و درایت بلکه به مانند دل که در آیه ۸ آمده منظور مرکز و تمام وجود شخص است. «خداوند به شکسته دلان نزدیک است و کسانی را که روحی درمانده دارند نجات می بخشد» (مز۳۴:۱۹). این بینوایان جزو خانوادهٔ بزرگی هستند که بلایای مادی و معنوی در آنان به طوری اثر کرده که جز کمک خدا چشم امید به چیز دیگری ندارند: «من بیچاره و بینوا هستم ولی خدا به فکر من است» (مز۴۰:۱۸). عیسی به فرستادگان یحیی تعمید دهنده علاوه بر معجزات، بشارت انجیل به بینوایان را به عنوان نشانه ارائه کرد تا بدانند که او مسیح موعود است (مت۱۱:۵).

f- در بعضی از نسخه های خطی ترتیب آیات ۴ و ۵ برعکس می باشد. همان گونه که در مورد بینوایان گفته شد نرم‌خویان نیز بیش از جنبهٔ روحی، به سبب مشکلات اجتماعی و مذهبی خود نرم‌خو و مهربان هستند. عیسی خود را چنین معرّفی و توصیف می کند (مت۱۱:۲۹؛ ۲۱:۵) و شاگرد مسیح نیز بایستی چنین باشد (۲-قرن۱۰:۱؛ غلا۵:۲۳؛ تیط۳:۲؛ ۱-پطر۳:۱۶).

g- یعنی سرزمین موعود که اصطلاح دیگری برای ملکوت آسمانها می باشد، چنان که در مز۳۷:۱۱ آمده است: «فروتنان مالک سرزمین خواهند بود.»

h- منظور از ماتمیان نه کسانی است که معمولاً محزون و اندوهگین هستند یا کسانی که دستخوش فشار اجتماعی بوده و به جبران آن در زندگی دیگر، مسیح را درمی یابند (لوقا)، بلکه کسانی که در انتظار تسلی قطعی به سر می برند (لو۲:۲۵)، تسلی که آدمیان را از غم و اندوه نجات خواهد داد (ر.ک اش۶۱:۲).

۶ خوشا بر گرسنگان و تشنگان برای — مز۴۲:۳
عدالت[i] زیرا سیر خواهند شد.
۷ خوشا بر رحم کنندگان زیرا بر آنان رحم — ۱۸:۳۳؛ یع۲:۱۳
خواهد شد.
۸ خوشا بر پاک دلان[j] زیرا خدا را خواهند — مز۲۴:۴؛ ۵۱:۱۲
دید.
۹ خوشا بر آرامش دهندگان زیرا پسران خدا — ۱-پاد۵:۲۶؛ لو۱:۷۹؛ عبر۱۲:۱۴؛
نامیده خواهند شد.
۱۰ خوشا بر شکنجه شدگان به خاطر — یع۳:۱۸؛ ۱-پطر۳:۱۴
عدالت، زیرا ملکوت آسمانها از آنِ
ایشان است.
۱۱ خوشحال باشید هنگامی که به خاطر من
شما را ناسزا گویند، شکنجه کنند و — ۱۰:۲۲؛ ۱-پطر۴:۱۴
علیه شما به دروغ هرگونه بدی گویند.
۱۲ شادی کنید و خرم باشید زیرا اجر — ۲-توا۳۶:۱۶
شما در آسمانها بزرگ است، چون به — اع۷:۵۲؛ عبر۱۱:۳۲-۳۸؛
این گونه پیامبران پیش از شما را — یع۵:۱۰
شکنجه کرده اند[k].

نمک و نور
(مرقس ۹:۵۰؛ ۴:۲۱؛ لوقا ۱۴:۳۴-۳۵؛ ۸:۱۶؛ ۱۱:۳۳)

۱۳ شما نمک زمین هستید[l] اما اگر نمک
بی مزه شود با چه چیزی نمکین خواهد شد؟
دیگر به درد نمی خورد مگر اینکه دور
افکنده شود و پایمال مردم گردد.
۱۴ شما نور جهان هستید. شهری که بر — یو۸:۱۲؛ ۹:۵؛ فیل۲:۱۵
فراز کوهی قرار دارد نمی توان پنهان کرد.
۱۵ همچنین چراغی را نمی افروزند تا آن را — مر۴:۲۱؛ لو۸:۱۶؛ ۱۱:۳۳
زیر پیمانه بگذارند بلکه بر روی چراغدان،
و برای تمام کسانی که در خانه[m] هستند
می درخشد. ۱۶ به این گونه نور شما در — افس۵:۸،۹؛ ۱-پطر۲:۱۲
برابر انسانها بدرخشد تا کارهای نیک[n]
شما را دیده شکوه پدر شما را که در
آسمانها است بستایند.

عیسی و شریعت

۱۷ «خیال نکنید که من آمده ام تا تورات — ۳:۱۵؛ روم۳:۳۱
و [کتابهای] پیامبران را نابود کنم. من

i- «عدالت»: در اینجا به احتمال قوی منظور عدالت خدا نیست (یعنی عدالت نجات بخش روز آخر، زیرا عیسی هرگز در این مورد به غیر از انتظار هوشیارانه تعلیمی نداده است)، همچنین منظور عدالت اجتماعی بر روی زمین نمی باشد بلکه عدالت در اعمال و رفتار زندگی مسیحی است که همواره بایستی کامل ترشده و منشأ عدالت بین آدمیان باشد (ر.ک ۵:۲۰ توضیح s).

j- نظیر بینوایی که در آیه ۳ ذکر شده این پاکی مربوط به درون شخص می باشد که در آیه ۳ با کلمه روح توصیف شده است. ضمناً در اینجا منظور کمال اخلاقی نیست بلکه راستی و درستی شخصی است (رک.۶:۲۲ توضیح m و ۱۵:۱ توضیح o) که انجیل نگاران آن را با کلمه سادگی توصیف کرده اند. در مورد مفهوم کلمهٔ دل یا قلب در کتاب مقدس ر.ک لو۱:۶۶ توضیح o.

k- پس از اعلام خوشبختی کسانی که به طور کلی مورد جفا می باشند (آیه ۱۰ که بدون فعل و با کلمه «خوشا بر» آغاز شده) وضع شاگردان را با آنان انطباق داده (آیه ۱۱ «خوشحال باشید» و آیه ۱۲ «باشید») و از جفای دوران گذشته یاد کرده، یعنی پیامبران که شاگردان عیسی راه آنان را ادامه می دهند (ر.ک مت۱۰:۴۱؛ ۱۳:۱۷؛ ۲۳:۳۴).

l- نمک غذاها را لذیذ می کند (ایوب۶:۶) و چون خاصیت نگهداری غذاها را دارد (بار۶:۲۷) می توان آن را در توصیف ارزش قراردادی که با دوام است به کار برد مثلاً پیمان نمک (اعد۱۸:۱۹) یا قرارداد مداوم (۲-توا ۱۳:۵). متی گفتار عیسی را تفسیر نموده (لو۱۴:۳۴؛ مر۹:۵۰) و می گوید که شخص ایماندار در پیمانی که با خدا دارد بایستی دنیای آدمیان را حفظ نموده آن را مطبوع و ذلت بخش سازد و گرنه به هیچ درد نمی خورد و سزاوار آن است که دور افکنده شود (ر.ک لو۱۴:۳۵).

m- در مشرق زمین، خانهٔ مردمان عادی منحصر به یک اطاق بوده است.

n- کارهای نیک یعنی همان کارهایی که در موعظه روی کوه نمونه هایی از آنها نشان داده می شود.

نیامده ام واژگون کنم بلکه تحقق بخشم[o].
لو۱۶:۱۷؛ ۲۱:۳۳ ۱۸زیرا آمین به شما می گویم پیش از آن که
زمین و آسمان درگذرد یک یوتا یا حتی
نقطه ای کوچک[p] از تورات نخواهد افتاد
که همه انجام شده باشد[q]. ۱۹پس هر که
یع۲:۱۰ تنها یکی از کوچکترین این احکام را نابود
کند و به مردمان چنین تعلیم دهد، در
ملکوت آسمانها کوچکترین نامیده خواهد
شد ولی کسی که عمل کرده و تعلیم دهد
درملکوت آسمانها او بزرگ[r] نامیده خواهد
شد. ۲۰زیرا به شما می گویم اگر عدالت شما
بر [عدالت][s] کاتبان و فریسیان فزونی
نگیرد به ملکوت آسمانها وارد نخواهید
شد.

جنایت و آشتی
(مرقس ۱۱:۲۵؛ لوقا ۱۲:۵۷-۵۹)

مت۱۹:۱۸ و متون موازی؛ روم۱۳:۹؛ یع۲:۱۱ ۲۱شنیده اید که به پیشینیان[t] گفته شده
است: قتل نکن؛ کسی که قتل[u] کند
مستوجب محکومیت است[v]. ۲۲و من به
۱-یو۳:۱۵ شما می گویم: هر که بر برادرش خشم گیرد
مستوجب محکومیت باشد. کسی که به
برادرش بگوید: راقا[w]، مستوجب داوری
سانهدرین[x] است. آن کس که بگوید:

o- تحقق بخشیدن ترجمهٔ فعل یونانی pleroun ممکن است به معنی تحقق یافتن (مثلاً تحقق یافتن یک پیشگویی: ۱:۲۲ توضیح k) یا به معنی پُر شدن باشد (مثلاً پُر شدن تور صیادی: ۱۳:۴۸ یا پُر شدن پیمانه: ۲۳:۳۲). طرز ترکیب عبارتی که در موعظه روی کوه آمده ایجاب می نماید که در اینجا مفهوم اخیر را بپذیریم. عیسی در نظر ندارد فقط پیامبری را به تحقق برساند بلکه می خواهد آن را به کمال برساند و به قواعد زندگی مذهبی که به صورت قوانین در آمده بود مفهوم واقعی بخشد و بدین سان آن را به حد کمال اصلی رسانده سادگی اولیه را به آن بازگرداند (ر.ک ۵:۲۰).

p- یوتا یکی از کوچکترین حروف الفبای یونانی است. در زبان عبری yod کوچکترین حرف الفبای آن زبان می باشد. خط کوچکی که در اینجا ذکر شده ممکن است علامت کوچکی باشد که دو حرف از الفبای عبری را از یکدیگر مشخص می سازد [مثل نقطه یا علامت کوچکی که ت را از ث یا کاف را از گاف متمایز می کند]. به هر صورت مفهوم عبارت این است که هیچ کدام از جزئیات شریعت نبایستی فروگذار شود [همانطور که در فارسی می گوییم حتی یک واو هم نباید پس و پیش شود یا بیفتد].

q- این عبارت دشوار است و احتمالاً منظور این نیست: «تا اینکه من همه چیز را بر روی صلیب به تحقق رسانده باشم» و نه «تا اینکه تمام فرمانها به وسیلهٔ شاگردانم به تحقق پیوسته باشد» بلکه «تا پایان جهان». تورات که این چنین توسط عیسی به ارزشهای نوین تحقق یافته دارای همان اعتبار ذاتی است.

r- کلمات «کوچکترین... بزرگتر» بیانگر وجود سلسله مراتبی در ملکوت نیست بلکه ربی های یهود به وسیله این اصطلاح رفتار مختلف مردمان را تأیید یا تقبیح می کردند.

s- چنان که در ۵:۶،۱۰ آمده منظور از این عدالت، وفاداری شاگردان به قانون خدا می باشد و عیسی به وسیلهٔ تفسیر مستندی (۷:۲۹) که از قانون می نماید این وفاداری را مقدور و ضروری می سازد. همین کلمه با همین مفهوم در۳:۱۵؛ ۵:۶، ۱۰؛ ۶:۱، ۳۳؛ ۲۱:۳۲ آمده است.

t- پیشینیان. کلمهٔ یونانی archaioi که متی در اینجا به صورت جمع به کار برده کسانی هستند که قبل از ما بوده اند، یعنی اجدادی که منشأ سنت می باشند (ر.ک لو۹:۸، ۱۹) و این کلمه را نبایستی با کلمه presbyteroi [که مشایخ ترجمه کرده ایم] (ر.ک مت۱۶:۲۱؛ ۲۱:۲۳؛ و غیره) و به معنی بزرگان قوم می باشد، اشتباه کرد.

u- منظور قتل عمد نظیر انتقام شخصی است که در ده فرمان منع شده است (خروج۲۰:۱۳؛ تث۵:۱۷).

v- باید در دادگاه پاسخگو باشد. عیسی کیفرهایی را که در شریعت تعیین شده به طور خلاصه بیان می کند بدون اینکه آنها را کلمه به کلمه ذکر نماید (خروج۲۱:۱۲؛ لاو۲۴:۱۷؛ اعد۳۵:۱۶-۱۸؛ تث۱۷:۸-۱۳). در واقع عیسی نمی گوید چنین شخصی مستوجب مرگ است بلکه اعلام می کند که قضاوت و اعلام محکومیت دراز آن خدا می باشد (ر.ک روم۱:۳۲).

w- ابله. کلمه راقا (raka) که در اینجا آمده احتمالاً آوانویسی ناسزایی است که در تلمود به کار برده شده و در زبان عبری به صورت «ریقاح» می باشد که در اینجا یعنی بی مغز و بی شعور.

x- سانهدرین بزرگ[شورای عالی شرع یهود] دادگاهی بوده مرکب از هفتاد و یک عضو که مقر آن در اورشلیم بود. در مقابل دادگاههای عادی (ر.ک ۵:۲۱-۲۲) که بیست و سه عضو داشته و در سراسر کشور پراکنده بودند (ر.ک ۱۰:۱۷ توضیح i).

ابله[y]! مستوجب جهنم[z] آتشین باشد.
۲۳ پس اگر قربانی خود را به قربانگاه
پیشکش می‌کنی و در آنجا به یاد می‌آوری
که برادرت چیزی علیه تو دارد، ۲۴ قربانی
خود را در آنجا در برابر قربانگاه بگذار و
اول برو و با برادرت آشتی کن و آنگاه بیا
و قربانی خود را پیشکش کن! ۲۵ با مدعی
خود در مدتی که با او در راه هستی زود
مصالحه کن[a] مبادا مدعی تو را به قاضی و
قاضی به زندانبان تسلیم کند و به زندان
افکنده شوی. ۲۶ آمین به تو می‌گویم که از ۱۸:۳۴-۳۵
آنجا خارج نخواهی شد تا اینکه آخرین
پشیز[b] را بپردازی.

زنا و لغزش

(متی۱۸:۸-۹؛ مرقس۹:۴۳ و ۴۷-۴۸)

۲۷ «شنیده اید که گفته شده است: «زنا مت۱۸:۱۹ و متون موازی
نکن»[c]. ۲۸ و من به شما می‌گویم: هر که به
طریق تمنا به زنی نگاه کند[d] همانا در قلب
خود با او زنا کرده باشد. ۲۹ اگر چشم روم۱۳:۹؛ یع۲:۱۱
راستت تو را به لغزش وامی‌دارد[e] آن را
برکن و از خود دور انداز[f] زیرا به سود تو
است که یکی از اعضایت از بین برود و
تمام بدنت به جهنم افکنده نشود. ۳۰ و اگر
دست راستت تو را به لغزش وامی‌دارد آن ۱۸:۸-۹؛ مر۹:۴۳-۴۷
را قطع کن و از خود دور انداز، زیرا به سود
تو است که یکی از اعضایت از بین برود و
تمام بدنت به جهنم نرود.

y- دیوانه کلمهٔ ناسزای نسبتاً عادی است ولی چنین به نظر می‌رسد که احیاناً در نظر یهودیان مفهوم شدیدتری داشته و در مورد عصیان در برابر خدا به کار می‌رفته است (ر.ک تث۳۲:۶؛ ۱-قرن۴:۱۰).

z- عبارت geh henom نام مسیل عمیقی در اورشلیم بوده که در آنجا بت‌پرستان برای رب‌النّوع خود مولک، کودکان را به عنوان قربانی سوختنی می‌گذرانیدند (۲-توا۲۸:۳؛ ۳۳:۶). یوشیا این محل را نجس اعلام کرد (۲-پاد۲۳:۱۰) و احتمالاً به صورت زباله‌دانی عمومی درآمد. به هر صورت نماد لعنت گردید (ار۷:۳۱؛ ۱۹:۶) و حتی در ادبیات مکاشفه‌ای به معنی لعنت ابدی به کار برده شده است. در عهد جدید این کلمه به مفهوم اخیر آمده است (در انجیل متی ده بار به کار برده شده است).

a- در اینجا متی تمثیلی را که دربارهٔ زمان آخر است (لو۱۲:۵۷-۵۹) برای آموزش مذهبی به کار می‌برد. تمثیل مذکور نشان می‌دهد پیش از آن که دیر شود لازم است توبه کنند؛ منظور متی آن است که بفهماند هنگامی که آدمی در برابر خدای داور حاضر می‌شود نبایستی نسبت به کسی خشمگین باشد زیرا به لعنت ابدی دچار خواهد شد.

b- تحت‌اللفظی: quadrant که به معنی یک چهارم واحد پول رومی (فلس) می‌باشد. فلس مبلغ ناچیزی بوده و با آن می‌توانستند دو پرندهٔ کوچک خریداری نمایند (ر.ک مت۱۰:۲۹).

c- خروج۲۰:۱۴؛ تث۵:۱۸.

d- منظور نگاه کردن به زنی شوهردار یا دختری در عقد برای ربودن او از کس دیگری است. این کلمه در مت۱:۲۰، ۲۴؛ ۵:۳۱؛ ۳:۱۴ به همین معنی می‌باشد. عیسی تمایل مرد را نسبت به زن محکوم نمی‌سازد بلکه طمع بستن فعالانه برای تصاحب زوجهٔ شخص دیگری را محکوم می‌کند.

e- طبق کتاب مقدس کلمه scandale که در اینجا به کار رفته نه سرمشق بدی است و نه واقعه‌ای انزجار برانگیز، بلکه از نظر لغوی مانع و تله (مز۱۲۴:۷) یا سنگی می‌باشد که بر سر راه بوده و موجب سقوط و لغزش گردد (اش۸:۱۴-۱۵؛ روم۹:۳۳؛ ۱-پطر۲:۸). ضمناً امکان سقوط و موجب سقوط خیلی زیاد است: ابتدا عیسی (مت۱۱:۶؛ ۱۳:۵۷؛ ۱۵:۱۲؛ ۱۷:۲۷؛ ۲۶:۳۱-۳۳) ولی به مفهوم دیگر آدمیان انگیزه سقوط هستند (۵:۲۹؛ ۱۶:۲۳؛ ۱۸:۶-۹). همچنین دنیا (۱۳:۴۱؛ ۱۸:۷) یا جفا (۱۳:۲۱؛ ۲۴:۱۰) ممکن است موجب سقوط گردد.

f- مسلماً خوبی و بدی در قلب جای دارند (مت۱۲:۳۱) یعنی در باطن آدمی و نه در اعضای بدن که به چشم دیده می‌شوند. ولی در اینجا عیسی موردی را در نظر دارد که این اعضاء فقط ابزار و وسیله ارتکاب گناه باشند.

طلاق
(متی ۱۹:۷-۹؛ مرقس ۱۰:۴-۵، ۱۰-۱۲؛ لوقا۱۶:۱۸)

۳۱گفته شده بود: «هر کس زنش را ۷:۱۹؛ مر۴:۱۰
طلاق می‌دهد به او طلاق نامه ای بدهد[g].»
۳۲و من به شما می‌گویم: هر کس زنش را،
غیر از دلیل روسپی گری[h] طلاق دهد او را
وادار به زنا می‌کند و کسی که با مطلقه
ازدواج کند مرتکب زنا می‌شود.

سوگند
۳۳باز شنیده اید که به پیشینیان گفته
شده است: «سوگند دروغ یاد مکن بلکه
در برابر خداوند به سوگندهایت وفا
کن[i].» ۳۴و من به شما می‌گویم: هرگز یع۱۲:۵
قسم مخورید، نه به آسمان زیرا که تختِ اش۶۶:۱؛
خدا است؛ ۳۵نه به زمین زیرا که پله زیر مت۲۲:۲۳؛ اع۷:۴۹
پای او است، نه به اورشلیم زیرا که شهر مز۴۸:۳
پادشاه بزرگ است. ۳۶به سرت هم قسم
مخور زیرا قدرت نداری حتی یک مو را
سفید یا سیاه کنی. ۳۷سخن شما آری آری ۲-قرن۱:۱۷-۲۰
باشد و خیر خیر[j]؛ بیش از این از شریر
می‌آید.

قصاص
(لوقا ۶:۲۹-۳۰)

۳۸شنیده اید که گفته شده است: «چشم به
عوض چشم و دندان به عوض دندان[k].» ۳۹و
من به شما می‌گویم: در برابر شریر پایداری
نکنید[l] بلکه اگر کسی بر گونهٔ راست تو یو۱۸:۲۲
سیلی زند دیگری را نیز به سوی او برگردان.
۴۰و به کسی که می‌خواهد تو را به دادگاه
بکشد و ردای تو را بگیرد جامه را نیز به او ۱-قرن۶:۷
واگذار[m]. ۴۱و کسی که تو را به یک

g- دراینجا نیز مانند ۹:۱۹ منظور جدایی و متارکهٔ زن و شوهر به مفهوم جدید کلمه نیست بلکه حقّی است که شوهر داشته و می توانسته زوجهٔ خود را طلاق داده از خانهٔ خود بیرون کند. نقل قول از تث۲۴:۱.

h- تحت‌اللفظی: غیر از بی‌عفتی. کلمهٔ یونانی که در اینجا و در ۹:۱۹ آمده و به وصلت غیر قانونی، فحشا، روسپی گری ترجمه می شود ممکن است به سه مفهوم مختلف تعبیر گردد: ۱- چیزی شرم‌آور (ر.ک ترجمهٔ یونانی تث۲۴:۱ که با مباحثات ربی ها تطبیق می نماید). دراین مورد متن بالا طلاق زوجه را به دلایلی که در اینجا تصریح نشده مجاز می کند. ۲- زنا یعنی عدم وفاداری زن نسبت به شوهر که در این صورت متن این آیه طلاق دادن زانیه را اجازه می‌دهد. ۳-وصلت و زناشویی غیر شرعی مخصوصاً بر طبق قانونی که در لاو۱۸:۶-۱۸ ذکر شده و احتمالاً مفهوم آن را در اع۱۵:۲۸-۲۹ می توان یافت. در این مورد عیسی هرگونه طلاقی را منع می نماید مگر در موارد وصلت غیر قانونی که در لاو۱۸ پیش بینی گردیده است. در این مورد که به «استثنای متائی» مشهور است احتمالاً انجیل نگار سخن عیسی دربارهٔ منع هر نوع طلاق را با وضعیت جدیدی شبیه آنچه در ۱-قرن باب ۷ فرض شده تطبیق داده است. به هر صورت، تازگی این متن در آن است که فسخ ناپذیری اصولی زناشویی را یادآوری می کند. ضمناً برداشت کلیسای ارتودکس از این متن زمینه ای برای امکان طلاق در مورد زنا استنباط می نماید.

i- ر.ک لاو۱۹:۱۲؛ اعد۳۰:۳؛ تث۲۳:۲۲.

j- برابر روایت دیگری که در یع۵:۱۲ آمده است: «آری شما آری باشد و نه شما نه، بدین سان به زیر ضربهٔ داوری نخواهید افتاد.» معنی این عبارت آن است که زبان چیزی را ادا کند که در دل وجود دارد؛ ولی با توجه به اصطلاحات شرقی بهتر است مفهوم نوشته متی را چنین تعبیر نمود: «گفتار تو باید چنان راست باشد که نیازی به سوگند نداشته باشی» و آنچه مورد نظر عیسی است گفتار می باشد نه اینکه در بعضی موارد سوگند به کار برده شود.

k- خروج۲۱:۲۴ توضیح o: لاو۲۴:۲۰؛ تث۱۹:۲۱.

l- در اینجا منظور آن نیست که در برابر بدی به هیچ وجه مقاومتی به عمل نیاید. فعلی که در زبان یونانی به کار برده شده «مقاومت کردن» به مفهوم «پاسخ دادن، مقابله به مثل فوری و شخصی» یا عکس العمل به صورت مراجعه به دادگاه است. همین فعل با همین معنی در لو۲۱:۱۵؛ اع۱۳:۸؛ روم۱۳:۲؛ غلا۲:۱۱؛ یع۴:۷؛ ۱-پطر۵:۹ آمده است.

m- ردا، لباس زیر و پوشاکی ضروری است و آن را از تن کسی بیرون نمی‌آورند مگر اینکه آن شخص می بایست به عنوان برده فروخته شود (ر.ک پید۳۷:۲۳) بنابراین توقع طرف مقابل گزاف وخارج از حد است، با این همه عیسی می گوید بگذارید توقع طرف مقابل به غایت برسد و قبای خود را هم که پوشاک رو است به او بدهید، حال آنکه قبا برای پوشش در شب لازم بوده و به این دلیل شریعت اجازه نمی‌داده آن را تا غروب بیشتر نگه دارند (خروج۲۲:۲۵؛ تث۲۴:۱۲).

فرسنگ[n] وادار کند دو برابر با او برو. ۴۲ به
کسی که از تو درخواست می کند بده و از هر
کسی که از تو وام می خواهد روی مگردان.

محبت به دشمن
(لوقا ۶:۲۷-۲۸،۳۲-۳۶)

۱۹:۱۹؛ ۳۹:۲۲ و متون موازی؛ روم۱۳:۹؛ غلا۵:۱۴؛ یع۲:۸ خروج۲۳:۴-۵؛ امث۲۵:۲۱؛ روم۱۲:۲۰ لو۲۳:۳۴؛ اع۷:۶۰؛ روم۱۲:۱۴؛ ۱-قرن۴:۱۲ افس۵:۱

۴۳شنیده اید که گفته شده است: «به
همسایه خود محبت کن و از دشمنت متنفر
باش[o].» ۴۴و من به شما می گویم: به
دشمنان خود محبت کنید و برای آنان که به
شما جفا می کنند دعا کنید، ۴۵تا پسران
پدر خود که در آسمانها است بشوید[p] زیرا
او آفتاب خود را بر شریران و نیکان طالع
می سازد و باران را بر عادلان و ناعادلان
می باراند. ۴۶زیرا اگر به کسانی محبت
کنید که شما را محبت می کنند چه اجری[q]
خواهید داشت؟ آیا خراج گیران[r] نیز همین
را نمی کنند؟ ۴۷و اگر جز به برادران خود
سلام نکنید چه [کار] زیادتری می کنید؟
آیا ملت ها نیز همین را نمی کنند؟ ۴۸پس
شما کامل باشید[s] چنان که پدر آسمانی
شما کامل است[t]. لاو۱۹:۲

صدقه

۶ ۱برحذر باشید که عدالت[u] خود را
پیش انسانها به کار مبندید تا شما را ۵:۲۳
مشاهده کنند و گر نه مسلماً نزد پدرتان که
در آسمانها است اجری نخواهید داشت.
۲پس هنگامی که صدقه می دهی آن را در
جلو خودت کرنا نزن چنان که ریاکاران[v] در

n-آنچه در اینجا فرسنگ ترجمه شده در متن اصلی هزار قدم می باشد که مقیاس طولی رومیان و تقریباً ۱۵۰۰ متر (۱۴۷۸ متر) بوده است. احتمالاً در اینجا اشاره به مواردی است که نظامیان و کارمندان رومی از مردم برای بیگاری استفاده می کرده اند.

o- ر.ک لاو۱۹:۱۸. در عهد عتیق کینه توزی نسبت به دشمنان توصیه نشده است. در فرقهٔ قمران کسی که جزو گروه فرزندان نور نبود به کینه ای اختصاص داشت که فرزندان ظلمت را به انتقام الهی تسلیم می کرد. احتمالاً در اینجا منظور از دشمن کسی است که مخالف جامعهٔ مذهبی می باشد (ر.ک مز۳۱:۷؛ ۱۳۹:۲۱؛ روم ۵:۱۰؛ ۲-تسا ۱۵:۳ و اشاره هایی که در مت۵:۱۰، ۴۴ به جفا شده است). این کینه توزی شدید در قلمرو مذهب بیش از آنکه مربوط به احساسات شخصی باشد جنبهٔ دشمنی دسته جمعی دارد (ر.ک ۶:۲۴؛ ۱۰:۲۲؛ ۲۴:۹-۱۰).

p- در اینجا موضوع تحول به وضعیت جدیدی است که در تمام وجود آدمی اثر گذاشته باشد، به طوری که حتی آنچه ظاهر می سازد تغییر یابد (=تا ظاهر شوید، خود را نشان دهید).

q- اصطلاحی که در اینجا اجر ترجمه شده درانجیل متی زیاد به کار برده شده است (۵:۱۲، ۴۶؛ ۶:۱، ۲، ۵، ۱۶). در ۱۰:۴۱-۴۲؛ ۲۰:۸ به مفهوم تحت اللفظی، مزدی است که باید پرداخت شود. در بابهای ۵ و ۶ دربارهٔ مغایرت اجر مردمان در برابر اجر خدا تأکید شده است. در این طرز گفتار اجر خدا با اجر آدمیان مقایسه می شود ولی عیسی از تفسیر تحت اللفظی این گفتار برحذر ساخته و متوجه می سازد که اجر خدا برتر بوده و فقط به رحمت او بستگی دارد (ر.ک ۲۰:۱۵).

r- خراج گیران، ر.ک لو۳:۱۲ توضیح q. این افراد را معمولاً تحقیر می کردند زیرا در خدمت رومیان بودند و اکثراً شغل خود را همراه با اختلاس انجام می دادند (ر.ک لو۱۹:۸) و غالباً آنان را با گناهکاران همردیف می دانستند (۹:۱۰، ۱۱؛ ۱۱:۱۹).

s- تث۱۸:۱۳، ترجمهٔ یونانی.

t- کمال کامل شاگردان بایستی با کمال خدا تطبیق نماید، خدایی که بخشایش او بر نیکان و بدان گسترده شده چنانکه لو۶:۳۶ آن را با کلمهٔ مهربان و دلسوز به خوبی توصیف نموده است، تنها جای دیگری که این کلمه به کار رفته در ۱۹:۲۱ می باشد.

u- عدالت، این کلمه (ر.ک ۵:۲۰ توضیح s) در اینجا بیانگر رعایت سه فریضه اصلی آیین یهود می باشد که عبارتند از صدقه دادن (۶:۲-۴)، دعا کردن (۶:۵-۶) و روزه گرفتن (۶:۱۶-۱۸).

v- کلمه ریاکار فقط به معنی کسی نیست که اعمال او با افکارش تطبیق نداشته باشد (مت۶:۲،۵،۱۶؛ ۱۵:۷؛ ۲۲:۱۸؛ ۲۳:۱۳) بلکه حاوی معنایی است که احتمالاً از کلمه آرامی hanefa آمده و در عهد عتیق معمولاً به معنی فاسد و بی دین به کار برده شده است. ریاکار در شرف بی دینی است (۲۴:۵۱) و گاهی نابینا نیز می شود (۷:۵) چرا که قوه قضاوت او منحرف و فاسد گردیده است (ر.ک لو۶:۴۲؛ ۱۲:۵۶؛ ۱۳:۱۵). اختلافات جزیی در مفهوم این کلمه را فقط از فحوای متن می توان تشخیص داد.

کنیسه ها و کوچه ها می کنند تا انسانها آنان
را تجلیل نمایند. آمین به شما می گویم که
ایشان اجر خود را دریافت کرده اند. ۳اما تو
چون صدقه می دهی دست چپ تو ندانند
آنچه دست راست تو می کند؛ ۴تا صدقهٔ تو
پنهان بماند و پدرِ تو که آنچه پنهان است
می نگرد آن را به تو باز پس خواهد داد.

دعا

۵و چون دعا می کنید همچون ریاکاران
نباشید که دوست دارند ایستاده در کنیسه ها
و در گوشهٔ میدانها دعا کنند تا خود را به ۶:۱۶؛ ۲۳:۵
انسانها بنمایانند[w]. آمین به شما می گویم
که ایشان اجر خود را دریافت کرده اند. ۶اما
تو چون دعا می کنی به خلوتگاه[x] خود وارد اش۲۶:۲۰؛ ۲-پاد۴:۳۳
شو، در را ببند و به پدر خود که در جای
پنهان [حاضر] است دعا کن و پدر تو که
آنچه پنهان است می بیند آن را به تو
باز پس خواهد داد. ۷چون دعا می کنید
تکرار بیهوده نکنید[y] به مانند ملتها که
می پندارند به زور سخنان بسیار[z] مستجاب
خواهند شد. ۸پس چون آنان نباشید زیرا
پدر شما پیش از آن که از او بخواهید ۶:۳۲؛ لو۱۲:۳۰
می داند به چه چیزی احتیاج دارید.

نیایش «ای پدرما»
(لوقا ۱۱:۲-۴)

[a]۹پس شما چنین نیایش کنید:

w- چون دعا کردن می بایست در ساعات معینی انجام گیرد، ریاکاران فرصت می یافتند تا خود را به دیگران نشان دهند.
x- منظور از خلوتگاه جای پنهانی و احتمالاً انبار آذوقه می باشد.
y- فعل یونانی battalogein که در اینجا بیهوده تکرار کردن ترجمه شده به معانی مختلفی تفسیر می شود. بعضی آن را چیزهای بیهوده گفتن ترجمه می کنند، کسان دیگری از اوراق پاپیروس سحرانگیز که بر روی آنها عبارات عجیب و تکراری نوشته می شد تا نظر لطف الوهیت را جلب نمایند، یاد می کنند و بالاخره گاهی عیناً می نویسند: مگویید ...batta (یعنی کلمهٔ بی معنی) بلکه: ای پدر ما.
z- اشتباه این گونه دعا کردن (یعنی دعای مشرکان: ر.ک ۱-پاد۱۸:۲۷ و گاهی دعای یهودیان: ر.ک اش ۱:۱۵؛ بنسی۷:۱۴) در آن نیست که دعا طولانی است بلکه اشتباه در آن است که تصور می کنند به سبب طولانی شدن دعا بر الوهیت فشار می آورند.
a- دعای شاگردان عیسی از نظر محتوا و شکل، نظیر دعاهای یهودیان مخصوصاً «دعای هجده درخواست» می باشد که تا امروز هنوز هم یهودیان ذکر می کنند. از سوی دیگر به سبب سادگی شگرف و روش آزادانه ای که به خدا توسل جسته می شود از دعاهای یهودیان متمایز می باشد. ترتیب درخواست ها نیز بدیع و از مختصات روش آموزش عیسی است. دعا با سه درخواست آغاز می شود که خواستار عمل خدا برای فرا رسیدن فرمانروائی او است. در این دعا به هیچ وجه پیروزی سیاسی یا مذهبی مطرح نیست. سپس سلسله درخواست هایی می آید که بیانگر نیازمندی های اساسی شاگردان می باشد. در این قسمت دوم همانند قسمت اول که خطاب دعا به خداست، ضمیر اول شخص جمع (ما) به کار رفته و به این ترتیب ایمانداران را در مشارکت و نیایش جمع می کند.
این دعا را متی و لوقا به دو صورت مختلف آورده اند. نوشتهٔ لوقا مختصرتر و شامل پنج درخواست می باشد، در حالی که نوشتهٔ متی هفت درخواست دارد. ضمناً در قسمتهای مشترک دعاهای لوقا و متی دو سه اختلاف جزیی وجود دارد اما نمی توان به طور قطعی تشخیص داد که کدام دعا قدیمی تر است. از سوی دیگر در این دو متن نشانه هایی از تطابق استفادهٔ این دعا در محیط های خاص دیده می شود. بنابراین می توان دریافت که جمعیت های اولیه از اشکال مختلف دعا استفاده می کرده اند.
ترجمهٔ این دعا به زبانهای معاصر مشکلات مخصوصی دربردارد. متن یونانی دعا اثراتی از متن اصلی سامی دارد بنابراین درک بعضی از اصطلاحات مستلزم اطلاعات کافی از عهد عتیق و یهودیت کهن می باشد تا بتوان آن را بطور شایسته تفسیر نمود. حتی متخصصان هم در معنی و مفهوم یک کلمه (ر.ک آیه ۱۱) یا یک عبارت (ر.ک آیه ۱۳) موافق نیستند و بنابراین به آسانی می توان دریافت به چه سبب مترجمان قدیمی اکثراً ترجیح می دادند متن یونانی را کلمه به کلمه برگردانند ولی اتخاذ این راه حل که نخواهند احتمال هیچ گونه اشتباه یا گمراهی را بپذیرند عملاً استفاده کنندگان را در برابر ابهام و تاریکی هایی قرار می دهد که ارتباطی با متن اصلی ندارد. به این سبب لازم آمد ترجمه ای پیشنهاد گردد که بدون در نظر گرفتن آئین نیایشی، به کمک توضیحات، مفهوم صحیح این متن مهم را مقدور سازد.

ای پدر ما که در آسمانهایی[b]،
مز۲۳:۳۶ تقدیس شود نام تو[c]!
۱۰فرارسد فرمانروائی تو[d]!
ارادهٔ تو چنان که در آسمان[f]
بر زمین نیز انجام شود[e]!
۱۱نان روزانه ما را امروز به ما بده[g]!

b- تحت‌اللفظی: «ای پدر ما، آن که در آسمانها»، شاگردان بدین گونه پدر مشترک خود را که یکتا است خطاب می نمایند (۹:۲۳). اصطلاح «در آسمانها» به این معنی نیست که مکان پدر در آسمانها می باشد بلکه نوعی ترکیب کلام در زبانهای سامی است و بیان می کند که خدا بر سرتاسر زمین مسلط می باشد (در آسمانها) و ضمناً با محبت پدرانه خود کاملاً به آدمیان نزدیک است (پدر ما). ارزش واقعی و وسعت معنی این عبارت را می توان به خوبی در ترجمهٔ «ای پدر آسمانی، ای پدر ما» منعکس نمود. گاهی متی آن را کلمه به کلمه «پدر من، آن که در آسمانها» آورده (۲۱:۷؛ ۳۲:۱۰، ۳۳؛ ۵۰:۱۲؛ ۱۷:۱۶؛ ۱۰:۱۸، ۱۹) و گاهی «پدر شما، آن که در آسمانها» بیان نموده است (۱۶:۵، ۴۵؛ ۱:۶، ۹؛ ۱۱:۷؛ ۱۴:۱۸). به علت وجود عبارت اخیر در مر۲۵:۱۱ (ر.ک لو۱۳:۱۱) بسیاری از مفسران میل دارند آن را به خود عیسی منسوب بدانند (گرچه در متن متوازی لو۲:۱۱ وجود ندارد). متی گاهی آن را با صفت «آسمانی» آورده خواه به جای «پدر شما، آن آسمانی» (۴۸:۵؛ ۱۴:۶، ۲۶، ۳۲؛ ۹:۲۳) خواه به جای «پدر من، آن آسمانی» (۱۳:۱۵؛ ۳۵:۱۸).

c- نام خدا کلمه ای است که در کتاب مقدس به کار می رود تا وجود خدا به طرز احترام‌آمیزی مشخص شود مخصوصاً در نوشته هایی که برای انجام آئین نیایشی تهیه شده اند. تقدیس خدا و نام او اصطلاحی معمولی در کتاب مقدس و در آیین یهود می باشد. ضمناً خدا به حد اعلی مقدس است، بنابراین تقدیس او چیزی به قدوسیت او نمی افزاید ولی نشان می دهد که او را همان طوری که هست شناخته اعلام می نمایند و جلال او را یاد می کنند (چنان که در یو۲۸:۱۲ که برابر همین درخواست می باشد).
در کتاب مقدس و در آیین یهود خدا یا نام او را به دو نوع تقدیس می کنند. ربی ها و کاهنان یهود در موعظه های خود ایمانداران را تشویق می کنند به وسیله اطاعت فرامین خدا او را تقدیس نمایند و به این ترتیب نفوذ و اقتدار او را بر خود بپذیرند (لاو۳۲:۲۲؛ اعد۱۴:۲۷؛ تث۵۱:۳۲؛ اش۱۳:۸؛ ۱۳:۲۹). پیامبران در الهامات خود دربارهٔ فرا رسیدن نجات اعلام می کنند که خدا همچون داور عادل و نجات‌دهنده در نظر تمام ملت‌ها تجلی نموده و بدین وسیله تقدیس خواهد شد (اش۱۶:۵ و مخصوصاً حزق۴۱:۲۰؛ ۲۲:۲۸، ۲۵؛ ۲۳:۳۶؛ ۱۶:۳۸، ۲۳؛ ۲۷:۳۹).
در این دعا در کنار درخواست فرا رسیدن ملکوت خدا که فقط به وسیله او تأمین خواهد شد، موضوع دخالت نجات بخش او مطرح می باشد (ترکیب جمله با فعل مجهول مقدس باد معمولاً در ادبیات یهود به کار برده می شود تا عمل خدا را نشان دهند بدون اینکه نام او را ادا نمایند (ر.ک مت۶:۵، ۷، ۹؛ ۱:۷، ۲، ۷، ۸...). فقط خدا می تواند در قدرت و جلال و عدالت و لطف خود این چنین ظهور و تجلی نماید. در نظر عیسی همچنان که در نظر حزقیال، این ظهور و تجلی برای همه آدمیان است.

d- ر.ک ۲:۳ توضیح g و h. این فرمانروایی به وسیله عیسی فرا رسیده یا آغاز شده است. در دعای «ای پدر ما» درخواست می شود که فرمانروایی به زودی ظاهر شده و کاملاً در سراسر زمین شناخته شود.

e- این درخواست، یا دعای عیسی در جتسیمانی دعاهایی دایر بر تسلیم نیستند (مت۴۲:۲۶؛ لو۴۲:۲۲) بلکه ندایی خطاب به خدا می باشند تا چنان کند که مشیت او انجام گردد. بدین سبب می توان جمله را این طور ترجمه کرد: «ارادهٔ خود را به انجام رسان» که خدا فاعل می باشد. ضمناً فعلی که بکار رفته متضمن تحقق یافتن کامل تا آخر است و این امر فقط نتیجهٔ عمل خداست. ارتباط این درخواست با دو درخواست قبلی نشان می دهد که قبل از هر چیز موضوع، تحقق یافتن مشیت او است تا فرمانروایی خود را بیاورد (ر.ک اش۲۸:۴۴؛ ۱۰:۴۶-۱۱؛ ۱۴:۴۸؛ افس۵:۱، ۹) ولی این مشیت مربوط به آدمیان بوده و بدون پذیرش آنان انجام‌پذیر نیست و تنها در زمان آخر و با توافق کامل ارادهٔ آدمیان با ارادهٔ او واقع می شود (ر.ک ار۳۱:۳۱-۳۳؛ حزق۲۷:۳۶) و از هم اکنون نیز به وسیله اجرای فرمانهای او که در انجیل متی اکثراً لزوم آنها تأیید گردیده (۱۷:۵-۲۰؛ ۳۳:۶؛ ۲۱:۷،۲۴-۲۷؛ ۵۰:۱۲؛ ۳۰:۲۱...) امکان پذیر می شود.

f- در ترجمهٔ معمولی «بر روی زمین همچنان که در آسمان» این اشکال وجود دارد که متضمن مفهوم جمع هر دو است یعنی هم بر روی زمین و علاوه بر آن همچنین در آسمان. در صورتی که درخواست می شود بر روی زمین تحقق پذیرد آنچه هم اکنون در آسمان وجود دارد و نیز در طرح مکاشفه است (ر.ک دان۳۲:۴؛ ۱-مک۶۰:۳). آسمان به گونه ای است که فرمانروائی خدا کاملاً تحقق یافته و زمین نیز الزاماً باید به همان صورت درآید. این عبارت را می توان مشروحاً چنین توضیح داد: برای این که زمین چنان باشد که تو می خواهی و چنان که باید باشد. وانگهی احتمال بسیار دارد که این عبارت نه فقط مربوط به آخرین کلمات بلکه به مجموعهٔ سه درخواست متصل باشد که در این صورت ممکن است نوعی نتیجه گیری بوده و در برابر هر کلمه استدعا کلمه ای آمده باشد: بدین صورت این کلمه به صورت نتیجه ای درمی‌آید و در مقابل «پدر که در آسمان است» در اینجا آسمان در مقابل زمین قرار دارد.

g- دشواری تفسیر این قسمت در کلمه ای یونانی است که نان درخواستی را توصیف می نماید و آن کلمه را «نان روزانه» ترجمه کرده ایم. معنی این کلمه در خارج از دعای «ای پدر ما» به روشنی تعیین نشده و لذا مجبوریم به ریشهٔ لغوی کلمه مراجعه نماییم

[۱۲]و دیون ما را ببخش [۱۳]و ما را در وسوسه میاور[i] بنسی۲۳:۱؛
چنانکه ما نیز مدیونان خود را بخشیده ایم[h]. ۱:۳۳؛
لو۲۲:۴۰

که ما را به دو مفهوم راهنمایی می کند: یکی مفهوم امروز و دیگری فردا. با توجه به مفاهیم مذکور این عبارت را می توان به چند شکل ترجمه و تفسیر کرد:
۱- «نان روزی که می آید»: این معنی از اصطلاحی مشتق شده که در مورد روزی که آغاز می شود به کار می رود ولی به نظر می رسد اگر امروز نان فردا درخواست شود چندان با تعلیمات عیسی تطبیق نمی نماید (ر.ک مت۶:۳۴). به هرصورت ممکن است منظور از فردا آیندهٔ دور و دراز بوده و این درخواست نظیر درخواست های قبلی جنبهٔ آخرت شناسی داشته و منظور نان آینده و نان ضیافت در دنیای آینده باشد.
۲- «نان امروز»: در حقیقت گاهی همین اصطلاح یونانی برای تعیین روز حاضر و شب روزی که شروع می شود در برابر روز آینده به کار رفته است (امث۲۷:۱؛ اع۷:۲۶). هرگاه این موضوع به «مَن» مربوط باشد که فقط فردای روزی که می افتاد فاسد می شد (خروج۱۶:۴) پیشنهاد شده است تا این عبارت «نان تا فردا» ترجمه شود.
۳- «نان لازم برای معاش»: این ترجمه از نظر ریشهٔ لغوی امکان دارد ولی کمتر محتمل می باشد.
تفسیر کهن دیگری که ارتباطی با ریشهٔ لغوی ندارد و اکثراً پذیرفته شده، اشاره ای به «شام آخر» و حتی اشاره به سخن خدا دارد.
اگرنتوان ازاین واژه ترجمه مسلّمی به عمل آورد روشن است که این درخواست، درخواست تأسی برای آینده نیست. عیسی پیروان خود را دعوت می کند تا روز به روز آن را درخواست کنند به مانند «مَن» در صحرا که روزانه جمع آوری می شد. (خروج۱۶).
h- مفهوم «دین» در کتاب مقدس و در زبان معمولی عبارت از الزام حقوقی و تجاری بین آدمیان است و این امر در دنیای کهن اهمیت زیادی داشته زیرا ممکن بود منجر به سلب آزادی بدهکار شود (ر.ک مت۱۸:۲۳-۳۵). مقایسه و تشبیه وضعیت انسان در برابر خدا به بدهکاری که عاجز از پرداخت باشد در عهد عتیق نیامده ولی در آیین یهود در مورد فرد گناهکار به کار برده شده است (ر.ک مشابهت بین لو۱۳:۲ و ۴). در دنیای جدید که معمولاً مردم از وام و اعتبار استفاده می کنند ترجمه این کلمه به وام این تشبیه را سست و بی ارزش خواهد کرد درصورتی که کلمه دین، گستاخی نسبت به خدا و بدبختی آدم گناهکار را بهتر نشان می دهد. با این دعا از خدا درخواست می کنیم دین هائی را که به او داریم ببخشد و این امر منتهای فیض رایگان اوست زیرا قادر نیستیم گناهان خود را جبران کنیم.
عیسی وظایف ما را نسبت به خدا با وظایف نسبت به برادرانمان کاملاً مربوط ساخته و برابر «عهدی» که در کتاب مقدس آمده (چنانکه در بنسی۲۸:۱-۵ گفته شده) بارها اعلام کرده برای اینکه خدا بخشایش خود را نسبت به ما مبذول دارد از ما می خواهد که برادران خود را ببخشیم (مت۵:۷؛ ۶:۱۴-۱۵؛ ۱۸:۲۳-۳۵؛ مر۱۱:۲۵). این گذشت و بخشایش برادرانه به معنی خریداری بخشایش ما نبوده و استحقاق و ارزش آن را هم ندارد ولی گواه بر آن است که درخواست ما صادقانه می باشد (و متی این نکته را با ذکر جمله در زمان گذشته نشان داده است).
i- منظور از وسوسه در اینجا تجربه ای نیست که بر طبق مندرجات عهد عتیق خدا ابراهیم را با آن روبرو ساخته بود (پید۲۲:۱؛ ۱-مک۲:۵۲؛ بنسی۴۴:۲۰؛ یوبیل۱۷:۱۶-۱۸؛ عبر۱۱:۱۷) یا قوم او را به تجربه گذاشته بود (خروج۱۵:۲۵؛ ۱۶:۴؛ ۲۰:۲۰؛ تث۸:۲؛ ۱۳:۴؛ داور۲:۲۲؛ ۳:۱،۴؛ حک۱۱:۹) بلکه مانند اکثر مواردی است که در عهد جدید ذکر شده است: به این معنی که شیطان کسی را وسوسه می کند تا بدان وسیله سعی در هلاک او نماید (۱-قرن۷:۵؛ ۱-تسا۳:۵؛ ۱-پطر۵:۵-۹؛ مکا۲:۱۰؛ ر.ک لو۲۲:۳۱). بدین سبب هرگز در عهد جدید گفته نمی شود که خدا وسوسه می کند و در یع۱:۱۳ هم این موضوع صریحاً نفی شده است (ر.ک بنسی ۱۵:۱۱-۱۲؛ ضمناً ترجمهٔ «ما را در وسوسه میاور» در این مورد امکان سوءتفاهم دربردارد). با این همه هیچ چیز حتی وسوسه یا قدرت شیطان از حیطهٔ اقتدار خدا بیرون نیست. به همین سبب ترجمهٔ «ما را در وسوسه میاور» متضمن آن است که خدا فعالانه دخالت می نماید. البته مسئله این نیست که خدا آدمی را در وسوسه وارد کرده یا وادار به ورود در وسوسه نماید مثل تله ای که آدم را در آن گیر بیندازد، ولی می تواند کسی را به وضعیت بحرانی وسوسه هدایت کند چنانکه روح القدس عیسی را به صحرا برده بود تا به وسیلهٔ شیطان وسوسه شود (مت۴:۱ توضیح c). برطبق این تفسیر، پیرو عیسی نباید درخواستش از خدا این باشد که مورد وسوسه قرار نگیرد (ر.ک مت۲۶:۴۱ توضیح d) بلکه درخواست نماید تا او را از وسوسه ای که به احتمال زیاد نمی تواند تحمل نماید دور نگه دارد (۱-قرن۱۰:۱۳). تفسیر دیگر در موردی است که فاعل جمله کسی را وادار به اجرای فعل می کند، در این صورت با توجه به طرز بیان در زبانهای سامی نباید ترجمه کرد: «ما را وادار به ورود در وسوسه مکن» بلکه «چنان کن که ما در وسوسه وارد نشویم» یعنی ما را از ورود در اهداف وسوسه گر و پیمان بستن با او حفظ کن یا برابر اصطلاحی که در ۱-تیمو۶:۹ ذکر شده ما را از افتادن در وسوسه حراست نما.

بلکه از شریر ما را رهایی ده[j]!
۱۴ زیرا اگر شما به انسانها خطاهای ایشان مر۱۱:۲۵؛ افس۴:۳۲؛
را ببخشید، پدر شما نیز به شما خواهد کول۳:۱۳
بخشید. ۱۵ ولی اگر به انسانها نبخشید پدر ۱۸:۳۵
شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

روزه

۱۶ چون روزه می گیرید[k] ترشرو نباشید به اش۵۸:۵
مانند ریاکارانی که چهرهٔ خود را تغییر
می دهند تا در نظر انسانها روزه دار نمایند. ۶:۵؛ ۲۳:۵
آمین به شما می گویم که آنان اجر خود را
دریافت کرده اند. ۱۷ اما تو چون روزه
می گیری سرت را معطر کن و صورتت را
بشوی؛ ۱۸ تا خود را برای انسانها روزه دار
ننمائی بلکه برای پدرت که در نهان
[حاضر] است و پدر تو که آنچه نهان است
می بیند آن را به تو باز خواهد داد.

گنج آسمانی
(لوقا ۱۲:۳۳-۳۴)

۱۹ بر روی زمین گنج ها نیندوزید که
موریانه و کرم از بین می برد و دزدان سوراخ یع۵:۲،۳
کرده می دزدند. ۲۰ در آسمان گنج ها بنسی۲۹:۱۱؛
بیندوزید که در آن نه موریانه و نه کرم از مت۱۹:۲۱؛ مر۱۰:۲۱؛
بین می برد و نه دزدان دیوارها[l] را سوراخ لو۱۸:۲۲؛ کول۳:۱-۲
کرده و نه می دزدند. ۲۱ زیرا جایی که گنج
توست قلب تو نیز آنجا خواهد بود.

چراغ بدن
(لوقا ۱۱:۳۴-۳۶)

۲۲ چشم، چراغ بدن است. پس اگر چشم
تو سالم[m] است جسم تو درخشان خواهد
بود. ۲۳ ولی اگر چشم تو بد است تمام بدن مت۲۰:۱۵؛
تو تاریک خواهد بود. پس اگر نوری که در مر۷:۲۲
توست تاریکی باشد، چه تاریکی!

j- ما را از شریر رهایی بخش، منظور رهایی از شیطان است. در انجیل متی هر دو مفهوم کلمه (بدی یا شریر) را می توان استنباط نمود (معنی اولی در ۵:۱۱؛ ۶:۲۳؛... و معنی دومی در ۱۳:۱۹ و احتمالاً در ۵:۳۷؛ ۱۳:۳۸). همچنین در ۲-تسا۳:۳ و یو۱۷:۱۵ مفهوم شخصی کلمه (شریر) ترجیح دارد در صورتی که در ۲-تیمو۴:۱۸ مفهوم غیر شخصی کلمه (بدی) تصریح شده است. به هر صورت به طوری که برمی‌آید در اینجا شریر با قدرتی بدخواهانه ارتباط دارد که شیطان است (ر.ک مت۴:۳؛ ۱-تسا۳:۵). در اینجا این درخواست با درخواست قبلی ارتباط مستقیم دارد و شریر به عنوان وسوسه گر معرفی می شود. در نسخه های خطی متعدد، در اینجا عبارتی به شرح زیر آمده که از آیین نیایش کهن مسیحی می باشد: «زیرا فرمانروایی، قدرت و جلال همواره از آن تو است.»

k- یهودیان بر طبق آداب مذهبی در بعضی از روزها موظف به روزه گرفتن بودند (لاو۱۶:۲۹؛ ۲۳:۲۷). ولی یهودیان پارسا علاوه بر روزهای مذکور روزه های اختیاری هم می گرفتند که در اینجا سخن از روزه های مذکور است. با این که عیسی اهمیت زیادی برای این روزه گرفتن قائل نیست (ر.ک مت۹:۱۴-۱۷) ولی به این عمل ایراد نمی‌گیرد بلکه به مانند پیامبران (ر.ک یول۲:۱۳؛ زک.۷:۵) ایراد او در این است که روزه گرفتن مفهوم خود را از دست داده است: زیرا روزه بایستی گشایش اساسی به سوی خدا باشد که انتظار همه چیز از او است (ر.ک خروج۳۴:۲۸؛ دان۹:۳؛ مت۴:۲؛ اع۱۳:۲-۳؛ ۱۴:۲۳).

l- اشاره به دیوارهای کاهگلی خانه های روستایی در فلسطین است که سوراخی در پای دیوار می کنند تا ازطریق‌آن به خانه وارد شوند (ر.ک ایوب۲۴:۱۶؛ مت ۲۴:۴۳).

m- تحت‌اللفظی: ساده. این صفت فقط در اینجا و در لو۱۱:۳۴ آمده است. این کلمه که در برابر صفت بد (۶:۲۳) به کار رفته درستکاری کسی را توصیف می نماید که نگاهش فقط به سوی خدا و شریعت او دوخته شده است. همین کلمه در کتاب مقدس به مفهوم سادگی آمده و با مطالب متعددی در عهدعتیق و نوشته های ربی های یهود بستگی دارد و در نوشته های پولس نیز ذکر شده است (ر.ک روم۱۲:۸؛ ۲-قرن ۹:۱۱،۱۳؛ ۱۱:۳؛ افس۶:۵؛ کول۳:۲۲؛ یع ۱:۵).

یا خدا یا پول
(لوقا ۱۶:۱۳)

[۲۴] هیچ کس نمی تواند در خدمت دو
ارباب باشد. درواقع یا از یکی نفرت داشته
دیگری را محبت خواهد نمود یا به یکی
توجه داشته دیگری را خوار خواهد شمرد.
شما نمی توانید در خدمت خدا وممونا[n]
باشید.

نگرانی‌ها
(لوقا ۱۲:۲۲-۳۱)

[۲۵] به این سبب به شما می گویم برای جان
خود نگران نباشید[o] که چه خواهید خورد و
نه برای بدن خود که با چه آن را خواهید
پوشانید. آیا جان برتر از خوراک و بدن
برتر از پوشاک نیست؟ [۲۶] به پرندگان
آسمان بنگرید، نه بذر می افشانند، نه درو مز سلیمان ۹:۵-۱۱ (یونانی)
می کنند و نه در انبارها جمع می کنند و پدر
آسمانی شما به آنها روزی می رساند. آیا
شما خیلی بیشتر از آنها ارزش ندارید؟
[۲۷] کدام یک از شما به زور نگرانیها
می تواند به سن خود یک ذراع بیفزاید[p]؟ ۳۱:۱۰؛ لو۱۲:۷،۲۴
[۲۸] و برای پوشاک چرا نگرانید؟ به
سوسن های[q] کشتزارها نگاه کنید. چگونه
رشد می کنند: نه به خود زحمت می دهند و
نه می بافند. [۲۹] باری به شما می گویم که
حتی سلیمان با تمام شکوهش[r] به مانند ۱-پاد۱۰؛ ۲-توا۹
یکی از آنها پوشیده نشد. [۳۰] اگر علف
کشتزارها که امروز هست و فردا به تنور[r]
افکنده خواهد شد، خدا به این گونه آن را
می پوشاند، آیا برای شما، ای کم ایمانان[s]
خیلی بیشتر نخواهد کرد؟ [۳۱] پس نگران
نباشید و نگویید چه بخوریم؟ یا چه
بنوشیم؟ یا چه بپوشیم؟ [۳۲] -در واقع همهٔ
اینها را ملتها جستجو می کنند- زیرا پدر ۶:۸؛ لو۱۲:۳۰
آسمانی شما می داند که به همهٔ اینها
احتیاج دارید. [۳۳] اول در جستجوی ملکوت مز۳۷:۴
و عدالت آن[t] باشید و همهٔ اینها برای شما
افزوده خواهد شد. [۳۴] پس نگران فردا
نباشید زیرا فردا نگرانی خود را دارد، و خروج۱۶:۴
برای هر روز، بدیش[u] کافی است.

n- کلمهٔ mamon تصویر پول می باشد که به صورت قدرتی دنیا را اسیر و مطیع خود می کند (ر.ک لو۱۶:۹ توضیح k).

o- عیسی مردم را نه به بی‌خیالی (ر.ک لو۱۲:۵۰؛ ۲۲:۳۲) بلکه به اعتماد توصیه می نماید که با دعا کردن به درگاه خدا بیان می گردد (مت۶:۱۱؛ ۷:۷-۱۱؛ ر.ک فی۴:۶) همان پدر آسمانی که از گرفتاریها نجات می بخشد (مت۱۶:۵-۱۲؛ ر.ک ۱-پطر۵:۷؛ مر۱۳:۱۵) بیان می گردد.

p- ر.ک لو۱۲:۲۵؛ توضیح w. ذراع تقریباً برابر نیم متر.

q- این واژه فقط بیانگر گل سوسن به معنی خاص کلمه نیست (هو۱۴:۶) بلکه به صورت اسم جمع به مفهوم گلهای وحشی گوناگونی می باشد که در مزارع می رویند مانند گل مینا، یاسمن و غیره.

r- شکوه: به عبری، کابود، ر.ک روم۳:۲۳ توضیح v.

s- این اصطلاح قبل از متی وجود داشته (ر.ک لو۱۲:۲۸) ولی متی که آن را می پسندد زیاد به کار برده است (ر.ک ۸:۲۶ توضیح h؛ ۱۴:۳۱؛ ۱۶:۸؛ ۱۷:۲۰).

t- منظور عدالت ملکوت نیست زیرا در زبان یونانی ضمیری که به کار برده شده مذکر است در صورتی که کلمهٔ ملکوت مؤنث می باشد، بنابراین به احتمال قوی منظور عدالت خدا است، هر چند در متن تصریح نشده است.

u- این عبارت، ضرب‌المثلی است که از امثال و حکم مردم عادی اقتباس شده است.

کاه و تیر چوبی
(لوقا ۶:۳۷-۳۸، ۴۱-۴۲)

روم۲:۱؛ ۱۴:۴، ۱۰؛ ۱-قرن۵:۱۲؛ **۷** [۱]داوری نکنید[v] تا داوری نشوید.
یع۴:۱۱ [۲]زیرا با همان داوری که شما داوری
مر۴:۲۴ می‌کنید داوری خواهید شد و با همان
پیمانه‌ای که می‌پیمائید برای شما پیموده
خواهد شد. [۳]چرا پر کاهی را که در چشم
برادرت هست نگاه می‌کنی و تیر چوبی را
که در چشم تو هست ملاحظه نمی‌کنی؟ [۴]یا
چگونه به برادرت خواهی گفت: بگذار پر
کاه را از چشمت بیرون آورم و اینک تیر
چوبی در چشم تو است؟ [۵]ای ریاکار[w]! اول
تیر چوبی را از چشمت بیرون آور آنگاه
بهتر خواهی نگریست تا پر کاه را از چشم
برادرت بیرون آوری.

مروارید پیش خوکان

[۶]آنچه مقدس است[x] به سگان ندهید و
مرواریدهای خود را پیش خوکان میندازید،
مبادا آنها را زیر پاهایشان پایمال کنند و
بازگشته شما را بدرند.

نیایش به درگاه پدر آسمانی
(لوقا ۱۱:۹-۱۳)

مر۱۱:۲۴؛ یو۱۴:۱۳-۱۴؛ ۱۵:۷؛ ۱۶:۲۳-۲۴؛ [۷]درخواست کنید و به شما داده خواهد
یع۱:۵؛ ۱-یو۳:۲۲؛ ۵:۱۴-۱۵ شد. جستجو کنید و خواهید یافت. بکوبید
و بر شما گشوده خواهد شد. [۸]زیرا هر که
درخواست کند دریافت می‌کند و هر که
جستجو کند می‌یابد و بر کسی که می‌کوبد
گشوده خواهد شد. [۹]یا در بین شما کدام
انسانی است که پسرش از او نان درخواست
کند و او سنگی دهد؟ [۱۰]یا باز اگر ماهی
درخواست کند به او ماری دهد؟ [۱۱]پس
اگر شما که شریر هستید می‌دانید چیزهای
نیکو به فرزندانتان بدهید، پدر شما که در یع۱:۱۷
آسمانها است چقدر بیشتر چیزهای نیکو به
کسانی خواهد داد که از او درخواست
می‌کنند[y].

قانون طلائی
(لوقا ۶:۳۱)

[۱۲]پس هر چه می‌خواهید انسانها برای
شما بکنند به همین گونه شما نیز برای روم۱۳:۸-۱۰
ایشان انجام دهید زیرا این است تورات و
پیامبران[z].

دو راه
(لوقا ۱۳:۲۳-۲۴)

[۱۳]از در تنگ وارد شوید زیرا فراخ است
آن در وسیع است آن راه که به هلاکت
می‌رساند و بسیاری از آن وارد می‌شوند.
[۱۴]چه تنگ است آن در و چه باریک است اع۱۴:۲۲

v- در اینجا عیسی قضاوت بی‌طرفانه درباره رفتار خوب یا بد انسانها را منع نمی‌کند، بلکه منظورمحکوم ساختن دیگران است، زیرا بدین گونه غضب کردن اقتدار انحصاری خدا به عنوان داور جهان می‌باشد. «خدا داور است...» (مز۵۰:۶).

w- ر.ک ۶:۲ توضیح v.

x- مقدس، ر.ک خروج۲۹:۳۳-۳۴؛ لاو۲:۳. این عبارت مبهم بوده و ممکن است منظور هدیه های نذری باشد که در عهدعتیق ذکر شده یا به طوری که از ترکیب عبارت برمی‌آید تعلیمات مخصوص عیسی باشد که در بابهای ۵ تا ۷ آمده یا بطور کلی منظور انجیل است. احتمالاً این گفتار با توجه به مفاد مت۱۰:۱۶ توصیه‌ای برای هشدار می‌باشد، ر.ک امث۹:۷.

y- ترجمهٔ دیگر: که او را نیایش می‌کنند، ر.ک مز۸۶:۵؛ یع۱:۱۷.

z- دنیای کهن این «قانون طلایی» را می‌شناخت و عیسی این دو نکته آن را تجدید می‌کند: یکی این که خوبی کردن برای آن نیست که در عوض خوبی دریافت شود بلکه در خوبی کردن بایستی پیشقدم شد بدون این که انتظار عوض باشد. دوم اینکه این قانون به عنوان خلاصه افکار کتاب مقدس یعنی تورات و کتابهای پیامبران ارائه شده است (ر.ک ۵:۱۷؛ ۲۲:۴۰).

آن راهی که به زندگی هدایت می کند و چه
اندکند کسانی که آن را می یابند[a]!

چنین درختی، چنین میوه هائی
(متی ۳۳:۱۲؛ لوقا ۶:۴۳-۴۴)

لو۶:۲۶ [۱۵] برحذر باشید از پیامبران دروغین[b] که
در لباس گوسفند به سوی شما می‌آیند و از
درون گرگهای درنده هستند. [۱۶] آنان را از
میوه هایشان[c] خواهید شناخت. آیا از خار حزق۲۲:۲۷؛ مت۱۰:۱۶؛ یو۱۰:۱۲؛ اع۲۰:۲۹
انگور برمی چینند یا از خس انجیر؟
[۱۷] بدین سان هر درخت خوب میوه های
خوب می‌آورد و درخت بد میوه های بد بنسی۲۷:۶ یع۳:۱۲
می‌آورد. [۱۸] درخت خوب نمی تواند
میوه های بد به بار آورد و نه درخت بد
میوه های خوب به بار آورد. [۱۹] هردرختی که لو۳:۹؛ ۱۳:۶-۹؛ ۳:۱۰؛
میوهٔ خوب نیاورد بریده شده در آتش
افکنده می شود. [۲۰] پس بنابراین آنها را از یو۱۵:۶ مت۷:۱۶؛ ۳۳:۱۲
میوه هایشان خواهید شناخت.

شاگردان واقعی
(لوقا ۶:۴۶؛ ۱۳:۲۷)

[۲۱] نه همهٔ کسانی که مرا خداوندا،
خداوندا می گویند به ملکوت آسمانها وارد
خواهند شد بلکه آن کس که ارادهٔ پدرم را روم۲:۱۳؛ یع۱:۲۲،۲۵؛ ۱-یو۲:۱۷
که در آسمانهاست انجام دهد[d]. [۲۲] چه
بسیاری در آن روز[e] به من خواهند گفت:
خداوندا، خداوندا! مگر به نام تو پیامبری ار۱۴:۱۴؛ ۲۳:۲۱،۳۲؛ ۲۷:۱۵
نکرده ایم؟ و به نام تو دیوها را بیرون مر۹:۳۸؛
نرانده ایم؟ و به نام تو [اعمال] مقتدرانه لو۹:۴۹
بسیار نکرده ایم؟ [۲۳] و آنگاه به آنان خواهم
گفت: هرگز شما را نشناخته ام. از من دور مت۱۰:۳۳؛ ۲-تیمو۲:۱۲
شوید! شما که بی قانونی می کنید[f]! مت۱۳:۴۱-۴۲؛ ۲۵:۴۱

بنا کردن بر روی صخره
(لوقا ۶:۴۷-۴۹)

[۲۴] «پس هر که سخنان مرا می شنود و
آنها را انجام می دهد[g] به مرد هوشیاری یع۱:۲۲،۲۳

a- در اینجا عیسی طرح قدیمی وجود دو راه را ذکر کرده که یک روز آدمی باید یکی از آنها را انتخاب کند (ر.ک کتب حکمت کتاب مقدس و نوشته های قمران؛ ر.ک تث۲۹:۱۵-۲۰). در تنگ ممکن است اشاره به تکالیف اساسی باشد که موعظه روی کوه دربر دارد یا موجب تسریع در پیروی از عیسی است، همراه با خطرات و مشقاتی که این امر با خود دارد.

b- موضوع پیامبران و نبوت ها نقش بزرگی در جوامع مسیحیان اولیه داشته است (ر.ک ۱-قرن۱۲ و ۱۴)، ضمناً پیامبران دروغینی بودند که اختلالاتی هم ایجاد می کردند که اکثراً به آنها اشاره شده است (مت۲۴:۱۱، ۲۴؛ ر.ک اع۱۳:۶؛ ۲-پطر۲:۱؛ ۱-یو۴:۱؛ مکا۱۶:۱۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۰).

c- تشبیه وضع انسان به درخت میوه در عهدعتیق و مخصوصاً در روایات حکمت، موضوعی آشنا است (ر.ک امث۳:۹؛ ۱۰:۱۶؛ ۱۱:۳۰). این تصویر در انجیل متی اهمیت دارد (ر.ک ۳:۸،۱۰؛ ۱۲:۳۳؛ ۲۱:۴۳). تصویر میوه که به صورت مفرد و به معنی مجموعه میوه ها یا به صورت جمع به کار برده شود نشان دهنده رفتار واقعی انسان اعم از اعمال یا سخنان او است، رفتاری که به وسیلهٔ آن می توان صحت اعمال پیامبران را تشخیص داد و آن را شناخت (همین فعل در ۱۱:۲۷؛ ۱۴:۳۵؛ ۱۷:۱۲ آمده است).

d- گفتن «خداوندا... خداوندا» به خودی خود کار بدی نیست و حتی شاید لازم باشد ولی کافی نیست؛ به هنگام اعتراف کردن آنچه از زبان برمی‌آید بایستی با زندگی واقعی تطبیق نماید. اصطلاح ارادهٔ پدر در انجیل متی دو مفهوم مکمل گرفته است: یکی مشیت خدا جهت نجات و دیگری مجموعهٔ وظایفی که برای ادارهٔ امور روزانه مقرر کرده و در اینجا اصطلاح ارادهٔ پدر به مفهوم اخیر بکار رفته است (ر.ک۶:۱۰؛ ۱۲:۵۰؛ ۱۸:۱۴؛ ۲۱:۳۱...).

e- در آن روز. منظور روز داوری آخر است (مت۲۴:۳۶) که شکوه و جلال خدا متجلی خواهد شد (اش۲:۱۱) و برای آدمی کیفر (اش۱۰:۳) یا نجات (اش۴۹:۸) در برخواهد داشت.

f- مز۶:۹.

g- فعلی که در این جمله آمده در انجیل متی فراوان به چشم می‌خورد و آن را می توان کردن یا انجام دادن ترجمه کرد. کلمهٔ ساده ای نیست (ر.ک ۵:۱۹، ۴۶؛ ۷:۱۲، ۲۴؛ ۱۲:۳۳) زیرا نه به معنی رفتار ظاهری آدمی و نه احساسات درونی او و بلکه اعمالی است که آدمی را کاملاً متعهد و درگیر سازد.

می ماند که خانهٔ خود را بر روی صخره بنا
نماید. [۲۵]و باران باریده و سیل ها[h] آمد و
بادها وزیده و بر این خانه زده اند و فرو
نریخته زیرا بر روی صخره پی افکنده شده
بود. [۲۶]و هر که سخنان مرا می شنود و آنها
را انجام نمی دهد به ابلهی می ماند که خانهٔ
خود را بر روی شن بنا نماید. [۲۷]و باران
باریده و سیل ها آمده و بادها وزیده و این
خانه را در هم کوبیده و فرو افتاده است و حزق۱۳:۱۰-۱۲
افتادنش عظیم بوده است.»

اقتدار عیسی
(مرقس ۱:۲۲؛ لوقا ۴:۳۲)

[۲۸] باری[i] چون عیسی این سخنان[j] را تمام لو۱:۷
کرد انبوه مردمان از آموزش او متحیر بودند.
[۲۹]زیرا به مانند کسی که اقتدار[k] دارد به
آنان آموزش می داد، نه مانند کاتبانشان.

شفای یك جذامی
(مرقس۱:۴۰-۴۴؛ لوقا۵:۱۲-۱۴)

۸ [۱]چون از کوه فرود آمد، انبوه
بسیاری به دنبال او آمدند. [۲]و اینک
یک جذامی[l] پیش آمده در برابر او سجده
کرده می گفت: «خداوندا! اگر بخواهی
می توانی مرا پاک گردانی.» [۳]و او دست
خود را دراز کرده وی را لمس نموده گفت:
«می خواهم. پاک شو!» و همان دم جذام او
پاک شد. [۴]و عیسی به او گفت: «مواظب
باش این را به کسی نگویی بلکه برو خود را ۹:۳۰؛ ۱۲:۱۶؛
به کاهن نشان بده و قربانی را که موسی امر مر۷:۳۶؛ لو۱۷:۱۴
کرده[m] به عنوان شهادتی[n] برای آنان تقدیم
کن.»

ایمان سنتوریون
(لوقا ۷:۱-۱۰؛ ر.ك یوحنا ۴:۴۶-۵۴)

[۵]چون به کفرناحوم وارد شد یک
سنتوریون[o] به طرف او پیش آمده از او
درخواست کرده گفت: [۶] «خداوندا!
خدمتگزارم در خانهٔ من بستری است، فلج
شده و به سختی عذاب می کشد.» [۷]به او
گفت: «من می آیم تا او را شفا دهم[p].»
[۸]سنتوریون پاسخ داده گفت: «خداوندا!
درخور آن نیستم که تو به زیر سقف من وارد
شوی ولی فقط یک سخن بگو و خدمتگزار

h- در فلسطین پس از بارندگی و رگبار شدید، ناگهان سیلاب جاری می شود.

i- تحت اللفظی: چنین روی داد که.

j- سخنان (جمع کلمهٔ یونانی logos)، به مفهوم مجموعه سخنان و دستورها برای زندگی است. در انجیل متی این عبارت به عنوان پایان مجموعهٔ سخنان عیسی آمده است، مت۷:۲۸؛ ۱۱:۱؛ ۱۳:۵۳؛ ۱۹:۱؛ ۲۶:۱. بنابراین انجیل متی متشکل از ۵ خطابه است که روایت مجموعه وقایع را از هم جدا می کند. به این ترتیب ترکیب انجیل متی نظیر کتاب تثنیه است که در آن ۵ خطابه موسی آمده و از این رو متی، عیسی را به عنوان موسای جدید معرفی می کند (ر.ک یو۱:۲۱ e؛ اع۷:۲۵ e؛ عبر۱۱:۲۶ e).

k- کاتبان یهودی (ر.ک ۵:۲۰) مفسر روایات کهن بودند و تفاوت عیسی با ایشان در این است که او مظهر اقتداری بود که فقط به خدا تعلق دارد (ر.ک مر۱:۲۲؛ لو۴:۳۲).

l- وقتی که عیسی یک جذامی را شفا می دهد بر یک ناپاکی مسری پیروزی می یابد که حد اعلای مجازات الهی به شمار می آمد (ر.ک تث۲۸:۲۷، ۳۵) و نشانهٔ گناهی بود که جذامی را از اجتماع طرد می کرد (ر.ک لاو۱۳-۱۴). عیسی با از بین بردن مرز بین پاک و ناپاک نشانه ای از مأموریت خود را ارائه می دهد (۱۱:۵؛ ر.ک ۱۰:۸؛ ر.ک مر۱:۴۰ توضیح t).

m- قربانی مقرر: ر.ک لاو۱۴:۲-۳۲.

n- در مورد اصطلاح شهادت ر.ک یو۵:۱۴ توضیح k.

o- صاحب منصب. سنتوریون (centurion) افسری است که در روم قدیم به یک صد سرباز فرمان می داد. به طوری که از فحوای عبارت برمی آید افسر مذکور غیر یهودی است ولی الزاماً رومی نمی باشد. هیرودیس آنتیپاس نظامیان خود را از تمام نواحی اطراف استخدام می کرد.

p- ترجمهٔ دیگری که از ترکیب عبارت می توان استنباط کرد (۸:۱۷): «آری او را شفا خواهم داد.»

من شفا خواهد یافت. ۹زیرا من هم که یک
مرئوس هستم به زیر دست خود سربازانی
دارم و به یکی می‌گویم: برو! و او می‌رود و
به دیگری: بیا! و می‌آید و به برده‌ام: این
کار را بکن! و آن را می‌کند.» ۱۰با
شنیدن این، عیسی به حال تحسین در آمد و
به کسانی که به دنبال او می‌آمدند گفت:
«آمین، به شما می‌گویم: در اسرائیل نزد
هیچ کس چنین ایمانی نیافته‌ام[q]. ۱۱به شما
می‌گویم بسیاری از مشرق و مغرب خواهند
آمد و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در مز۱۰۷:۳؛ لو۱۳:۲۹
ملکوت آسمانها بر سر سفره خواهند
نشست. ۱۲در حالی که پسران ملکوت[r] در
بیرون به ظلمت[s] افکنده خواهند شد. در
آنجا گریه‌ها و فشردن دندانها[t] خواهد لو۱۳:۲۸
بود.» ۱۳و عیسی به سنتوریون گفت:
«برو، همان گونه که ایمان داری برایت ۹:۲۹؛ ۱۵:۲۸؛ یو۴:۵۰،۵۱
انجام شود!» و خدمتگزار در همان ساعت
شفا یافت.

شفای مادر زن پطرس

(مرقس ۱:۲۹-۳۱؛ لوقا ۴:۳۸-۳۹)

۱۴و عیسی که به خانهٔ پطرس رفته بود[u]
مادر زن او را دید که دراز کشیده تب دارد. ۱-قرن۹:۵
۱۵و دست او را لمس نمود و تب او را
ترک کرد[v] و قیام کرد و او را خدمت
می‌کرد[w].

شفا و بیرون راندن دیوها

(مرقس ۱:۳۲-۳۴؛ لوقا ۴:۴۰-۴۱)

۱۶شامگاه فرا رسیده دیوانگان[x] زیادی
را به حضورش آوردند و او ارواح را با یک

q- ایمان سنتوریون تنها بدان سبب نیست که معتقد است عیسی می‌تواند بیمار را از فاصلهٔ دور شفا دهد (آنچه در آن دوران موجب تعجب عمومی بوده است)، همچنین به این دلیل نیست که عیسی قدرت مخصوصی بر روی بیماری دارد (ر.ک ۸:۲) ولی احتمالاً بدان سبب که احساس می‌کند عیسی نیز از اقتداری تبعیت می‌نماید و همان‌گونه که سخن سنتوریون از امپراتور منبعث می‌شود گفتار عیسی نیز از سوی خدا می‌آید.

r- یعنی وارثان ملکوت (همچنین در۱۳:۳۸) یعنی کسانی که حقاً ملکوت به ایشان تعلق دارد و منظور یهودیان هستند. (ر.ک پسران جهنم: ۲۳:۱۵؛ پسران شیطان: ۱۳:۲۸). در مورد معرفی ملکوت ر.ک لو۱۳:۲۸ توضیح y.

s- کلمهٔ ظلمت‌ها جایی را تعیین می‌کند که در آنجا کافران مجازات خواهند شد. این محل معمولاً در اعماق زمین تصور می‌شد و در اینجا خارج از دنیای زندگان تعیین شده است (ر.ک ۲۲:۱۳؛ ۲۵:۳۰)، چنانکه کافران یعنی «آنان که در خارج» هستند (مر۴:۱۱؛ ۱-قرن۵:۱۲-۱۳؛ ۱-تسا۴:۱۲).

t- اصطلاحی که در کتاب مقدس به کار رفته و به مفهوم کینه و خشم کافران در برابر خوشبختی عادلان است (ر.ک.ایوب۱۶:۹؛ مز۳۵:۱۶؛ ۳۷:۱۲؛ ۱۱۲:۱۰؛ مرا۲:۱۶؛ مت۱۳:۴۲-۴۳، ۵۰؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۴:۵۱؛ ۲۵:۳۰).

u- ر.ک مر۱:۲۹.

v- تب یا به قول ربی‌ها «آتش استخوانها» که منشاء آن را غیر طبیعی تصور می‌کردند (ر.ک لاو۲۶:۱۶؛ تث۲۸:۲۲) و بر این باور بودند که به وسیلهٔ دعا می‌توان آن را برطرف کرد (یو۴:۵۲؛ اع۲۸:۸).

w- متی این صحنه را ساده‌تر توصیف کرده و حضور شاگردان را ذکر ننموده است (مر۱:۲۹)، ضمناً برای فعلیت بخشیدن به موضوع، شمعون را پطرس نامیده است. برابر روایت متی، عیسی موهبت شفای بیمار را داشته و تفاوت این روایت با انجیلهای مرقس و لوقا این است که در اینجا زن فقط به عیسی خدمت می‌نماید. به نظر متی این معجزه نماد عمل خادم خدا است (۸:۱۷)؛ همین نکته برای مسیحیان اولیه ایمان به رستاخیز را یادآوری می‌کرد: عیسی با قائم ساختن بیمار او را برمی‌خیزاند (مت۹:۲۵؛ ۱۶:۲۱؛ ۱۷:۲۳؛ ۲۰:۱۹؛ ۲۶:۳۲؛ ۲۸:۶؛ مر۹:۲۷؛ اع۳:۱۵؛ ۱۳:۳۷؛ ۱-قرن۱۵:۴).

x- انجیلها به مانند یهودیان آن دوران در این باره با چهار اصطلاح آشنایی داشتند که عبارتند از: دیوانه (تحت‌اللفظی: کسی که گرفتار دیوها است)، دیوها، ارواح و ارواح ناپاک. در اقدامی که عیسی برای بیرون راندن ارواح ناپاک می‌کرد، نظیر این مورد نقش گفتار و بیان او والا و حکمفرما است و مخصوصاً نکته جالب توجه این است که طرز عمل عیسی با اقدامات پیچیده‌ای که در آن دوران کسان دیگری برای راندن ارواح می‌کردند مغایر و به کلی متفاوت است. ضمناً ارتباط روشنی با مندرجات عهدعتیق دارد که شفا دادنهای عیسی به عنوان نشانه‌های دخالت قطعی خدا برای شفا دادن آدمیان ارائه می‌شود.

سخن[y] رانـد و تـمـام کسـانی را که مریض
بودند شفا داد. ۱۷ تا پیشگوئی اشعیای نبی
تحقق یابد وقتی می گوید: «بیماریهای ما
را بــرگــرفت و نــاتــوانی هــای مــا را
برداشت[z].»

شرایط پیروی از عیسی
(لوقا ۹:۵۷-۶۰)

۱۸ عیسی بـا دیـدن انـبوهی[a] در اطراف
خود، دستور داد به کرانهٔ دیگر[b] روند. ۱۹ و مر۴:۳۵؛ لو۸:۲۲
کاتبی پیش آمده به او گفت: «استاد! به هر
جـا روی به دنـبـال تـو خـواهم آمـد.» ۲۰ و
عـیـسی به او گـفـت: «روبـاهـان را لانه و
پـرنـدگـان آسـمـان را آشـیـانه هـا است، ولی
پـسـرانـسـان[c] را جـایی بـرای سـر نـهـادن ۲-قرن۸:۹
نیست.» ۲۱ یکی دیگر از شـاگردان به او
گفت: «خـداونـدا! اجازه بـده اول بـروم و ۱-پاد۱۹:۲۰
پدرم را دفن کنم.» ۲۲ و عیسی به او گفت:
«به دنبال من بیا و بگذار مردگان مردگان ۹:۹؛ یو۱:۴۳؛ ۲۱:۱۹
خود را دفن کنند[d].»

فرو نشاندن طوفان
(مرقس ۴:۳۵-۴۱؛ لوقا ۸:۲۲-۲۵)

۲۳ و چـون درقــایق ســوارشــده بــود
شـاگـردانش به دنـبـال او آمـدنـد[e]. ۲۴ و
نـاگـهان دریـا به شدت زلزله[f] شد چنان که

y- همان گونه که کلام خدا مؤثر و فعال است (۱-تسا۲:۱۳؛ عبر۴:۱۲) سخن عیسی آنچه را می گوید ایجاد می کند (ر.ک مت۸:۸؛ مر۲:۱۰؛ لو۴:۳۶).

z- برابر اش۵۳:۴ «گناهان ما را با خود حمل می کند و به خاطر ما رنج می کشد.» متی در این عبارت به جای «حمل می کند» «برمی گیرد» گذاشته و بجای «گناهان» «ناتوانی ها» به کار برده تا نشان دهد که عیسی فقط خدمتگزار مضروب خدا نیست که رنج می برد تا گناهان مردم را فدیه دهد (ر.ک ۱-پطر۲:۲۴) بلکه علاوه بر این کسی است که با شفا دادن بیماران خود را به عنوان نجات دهنده ای که باید گناهکاران را باز خرید کند مکشوف می سازد.

a- در بعضی از نسخ خطی کلمهٔ انبوه به صورت مفرد آمده و چون متی مفرد این کلمه را نیز بکار برده تصحیح جمع به مفرد غیر ممکن نیست.

b- ر.ک لو۸:۲۲ توضیح p: به کرانهٔ دیگر.

c- عنوان «پسر انسان» که از اصطلاحی سامی گرفته شده غیر از اع۷:۵۶ و مکا۱:۱۳؛ ۱۴:۱۴ فقط در انجیلها آمده و از زبان عیسی نقل شده است. جامعه مسیحیان اولیه این کلمه را به عنوان یکی از عناوین خاص عیسی ناصری می شناخته و خود او این عنوان را بر عناوین دیگری که برای او قائل می شدند (خداوند، مسیح، پسر خدا) ترجیح می داد. در بعضی موارد چنین می نماید که عیسی خود را با پسر انسان یکی نمی داند (۱۶:۲۷؛ ۲۴:۳۰) و در موارد دیگر خود را به وضوح چنین می نامد (۸:۲۰؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۶:۱۳). برخی منتقدان میل دارند این اصطلاح را با آنچه حزقیال گفته است: انسانی که من هستم (حزق۲:۱، ۳...) یکی بدانند اما بیشتر مفسران آن را به روایات مکاشفه ای ارتباط می دهند (دان۷:۱۳ و کتاب خنوخ، به توضیح مربوط به دان۷ توجه نمایید). برابر این روایات پسر انسان در آخرین روز خواهد آمد تا گناهکاران را داوری کرده عادلان را نجات بخشد. جامعه مسیحیان اولیه که عیسی را به این عنوان می نامید چیز تازه ای ابراز کرده که می توان به عیسی منسوب نمود. به این معنی که عیسی کسی است که پیشاپیش داوری نهایی را با اقتدار انجام می دهد، گناهکاران را نجات می بخشد (مت۹:۶) و دوران مسیحایی را آغاز می نماید (۱۲:۸). عنوان پسر انسان که با توصیف و پیشگویی دربارهٔ خدمتگزار خدا ارتباط دارد (مر۸:۳۱؛ مت۱۷:۹، ۲۲-۲۳؛ ۲۰:۱۸؛ ۲۶:۲، ۲۴، ۴۵) نسبت به آیین یهود مفهوم تازه ای می گیرد زیرا به شیوه ای شگفت صلیب را شکوهمند می گرداند.

d- به دنبال مسیح رفتن وظایف وتشریفات تشییع جنازه را در درجهٔ دوم قرار می دهد (ر.ک ۱۰:۳۷). منظور از مردگان کسانی هستند که زندگی ملکوت را نیافته اند (۱۰:۳۸؛ ۱۶:۲۵-۲۶).

e- عبارت «به دنبال او رفتن» (۸:۲۲-۲۳) کلید این مطالب است و متی به وسیلهٔ این عبارت و نیز وارد کردن واقعه قبلی که دربارهٔ «شاگردان بود» (۸:۱۸-۱۹، ۲۱) و موضوع رفتن است (۸:۲۱)، نشان می دهد که این واقعه دربارهٔ مسیحیان و مربوط به آنان ذکر شده است که بایستی تعهد خود را در پیروی از عیسی عمیق سازند.

f- این پدیده به همراه وقایعی نظیر پدیدار گشتن خدا در صحرای سینا (خروج۱۹:۱۸؛ ۱-پاد۱۹:۱۱)، ظهور و تجلی به ایوب (ایوب۳۸:۱؛ ۴۰:۶)، مرگ و رستاخیز عیسی (مت۲۷:۵۱، ۵۴؛ ۲۸:۲، ۴) روی می دهد و یکی از آثار معمولی در توصیف وقایع مکاشفه ای زمان آخر است (۲۴:۷). در مورد طوفان ر.ک مر۴:۳۷ توضیح g.

قایق از امواج پوشیده می‌شد[g]. با این همه
او می‌خوابید. ۲۵و به سوی او پیش آمده او
را قائم ساخته گفتند: «خداوندا! ما را
نجات بده که هلاک می‌شویم.» ۲۶و به
آنان گفت: «چرا هراسان هستید ای کم
ایمانان[h]؟» آنگاه قیام کرده بادها و دریا را
نهیب زد[i] و آرامش بزرگی پدید آمد.
۲۷انسانها[j] به حال تحسین درآمده
می‌گفتند: «این کیست که حتی بادها و
دریا از او اطاعت می‌کنند؟»

دو دیوانه در سرزمین جرجسیان (مرقس ۵:۱-۲۰؛ لوقا ۸:۲۶-۳۹)

۲۸و چون به کرانهٔ دیگر رسید در
سرزمین جرجسیان[k] دو دیوانه از قبرها
بیرون شده[l] نزد وی آمدند. آنان به
اندازه‌ای وحشی می‌بودند که کسی
نمی‌توانست از آن راه بگذرد. ۲۹و اینک
شروع به فریاد کردند: «از ما چه
۱-یاد۱۷:۱۸؛ لو۴:۳۴ می‌خواهی[m] ای پسر خدا؟ آیا به اینجا
آمده‌ای که پیش از زمان ما را عذاب
دهی[n]؟» ۳۰دور از آنان گلّه‌ای از خوکان[o]
بسیار در حال چرا بودند. ۳۱دیوها از او
درخواست کرده می‌گفتند: «اگر ما را
بیرون می‌کنی ما را به گلّهٔ خوکان
بفرست.» ۳۲و به آنان گفت: «بروید!»
آنان چون بیرون شدند به داخل خوکان
رفتند و اینک تمام گلّه از فراز پرتگاه به
دریا پریده در آبها مردند. ۳۳خوک‌چرانان
فرار کردند و به شهر رفته همه چیز از جمله
موضوع دیوانگان[p] را اعلام کردند. ۳۴و
اینک تمام شهر نزد عیسی خارج شدند و

g- برخلاف روایت مرقس به نظر می‌رسد این روایت از سوی کسی که خارج از قایق تماشاچی بوده نگاشته شده است.

h- متی اصطلاحی را که ظاهراً از روایتی کهن اقتباس شده (لو۱۲:۲۸ = مت۶:۳۰) به کار می‌برد تا نشان دهد که چگونه شاگردانی که به دنبال عیسی می‌آیند به علت شک و ناباوری تهدید و دستخوش ترس یا اضطراب می‌شوند (مت۱۴:۳۱؛ ۸:۱۶؛ ۱۷:۲۰). شاگرد کم ایمان برطبق روشنایی ایمان خود زندگی نمی‌کند (ر.ک مر۱۴:۴۰ توضیح m).

i- نهیب زد. عیسی در این مورد نظیر موقعی که ارواح ناپاک را می‌راند رفتار می‌نماید (مر۱:۲۵؛ ۹:۲۵؛ ر.ک لو۴:۳۹) ولی در این مورد هدف او نیروهای طبیعت است و به عنوان خداوند فرمان می‌دهد (یهو۹). ضمناً دریا همچون مأمن نیروهای شریر بشمار می‌رفت (ر.ک اش۵۱:۱۰؛ دان۷:۲-۷؛ مز۶۵:۸؛ ۸۹:۱۰؛ ۹۳:۳-۴). ولی مسیح با رستاخیز خود کاملاً بر آنها پیروز خواهد شد.

j- متی معمولاً کلمهٔ انسانها را دربارهٔ بی‌ایمانان می‌آورد (۵:۱۳؛ ۱۰:۱۷، ۳۲-۳۳) یعنی کسانی که نیاز به مژده دارند (۴:۱۹؛ ۵:۱۶، ۱۹؛ ۶:۱، ۲؛ و غیره) و آنانی که از عیسی به طوری سخن می‌گویند که گویی در خارج هستند (۱۶:۱۳) یا حتی مثل این است که چیزی دربارهٔ خدا نمی‌دانند.

k- جرجسیان. جدره شهری یونانی نشین در ماوراء اردن که به فاصله ده کیلومتری جنوب شرقی دریاچه جنیسارت در دیکاپولیس قرار داشته است. بطوری که از مندرجات این آیه برمی‌آید سرزمین این شهر تا دریاچه جنیسارت ادامه دارد ولی این نکته قابل بحث می‌باشد. مر۵:۱ ولو۸:۲۶ در این مورد جرازنیان و جرجزنیان آورده‌اند ولی نه جرازا و نه جرجزا با این روایت تطبیق نمی‌نماید. در هر صورت، عیسی با شاگردانش در ادامه مأموریت خود بیرون از سرزمین موعود رفته به قلمرو امتها رسیدند.

l- ر.ک مر۵:۲ توضیح m.

m- ر.ک مر۱:۲۴ توضیح i.

n- کلمات «اینجا» و «پیش از زمان» که در این روایت آمده مختص انجیل متی است. به احتمال زیاد این کلمات اشاره به زمان داوری نهایی است که در آن وقت شیاطین عاجز و ناتوان می‌شوند. عمل عیسی در راندن ارواح ناپاک، شفا دادن نهایی پیش از موعد به شمار می‌آید. کلمهٔ اینجا یادآوری می‌کند که عیسی در سرزمین امتها عمل می‌نماید و همچنین نجات و آزادی همه ملت‌ها را اعلام می‌کند. این دو کلمه ممکن است یادآور مسیحیانی باشد که اصلاً غیریهودی و اعضای کلیسائی باشند که مورد خطاب متی است.

o- ر.ک مر۵:۱۱ توضیح r.

p- «موضوع دیوانگان». این عبارت تأیید می‌نماید که واقعهٔ خوکها جنبهٔ فرعی دارد و موضوع اصلی پیروزی عیسی بر شیطان است.

چون او را دیدند از او درخواست کردند که
قلمرو ایشان را ترک کند.

شفای یك مفلوج
(مرقس ۲:۱-۱۲؛ لوقا ۵:۱۷-۲۵)

۹ ۱ و به قایقی سوار شده عبور کرد و به
شهر خود[q] آمد. ۲ و اینک مفلوجی
خوابیده بر بستری را به حضورش ۶:۸؛ اع۹:۳۳
می‌آوردند و عیسی با مشاهدهٔ ایمان[r] آنان
به مفلوج گفت: «فرزندم[s]، اعتماد داشته
باش، گناهانت بخشیده شده است.» ۳ و لو۷:۴۸
اینک چند نفر از کاتبان با خود گفتند:
«این یکی کفر می‌گوید[t].» ۴ و عیسی با
دانستن افکارشان گفت: «چرا این افکار ۲۵:۱۲
بد در قلبهای شما است؟ ۵ زیرا کدام یکی
آسانتر است: گفتن اینکه گناهانت بخشیده
شده یا گفتن اینکه قیام کن و راه برو؟ اع۹:۳۳-۳۵
۶ پس برای اینکه بدانید پسر انسان[u] بر
روی زمین اقتدار بخشیدن گناهان را دارد[v]
-آنگاه به مفلوج گفت: «قیام کن! بستر
خود را بردار و به خانه‌ات برو.» ۷ و او قیام
کرده به خانهٔ خود رفت. ۸ با دیدن این،
جماعت را ترس فرا گرفت و خدا را تجلیل
کردند که چنین اقتداری به انسانها داده
است[w].

فرا خواندن متی
(مرقس۲:۱۳-۱۷؛ لوقا ۵:۲۷-۳۲)

۹ و عیسی جلوتر رفته انسانی مسمی به
متی[x] را در باجگاه نشسته دید و به او
گفت: «به دنبال من بیا» و او برخاسته به ۲۲:۸؛ یو۱:۴۳؛ ۱۹:۲۱
دنبال او رفت. ۱۰ باری چون در خانه[y] او بر
سر سفره بود اینک بسیاری از خراجگیران و ۱۹:۱۱؛
گناهکاران[z] آمده با عیسی و شاگردانش بر لو۷:۳۴؛ ۱۵:۱،۲؛ ۱۹:۷
سر سفره نشستند. ۱۱ و فریسیان دیده به
شاگردانش می‌گفتند: «چرا استاد شما با

q- برابر مر۲:۱ منظور شهر کفرناحوم می باشد که در اینجا «شهر خود» ذکر شده و احتمالاً بدان سبب که عیسی در آن شهر مالیات می پرداخته است (ر.ک۱۷:۲۴-۲۷).

r- چنین بنظر می رسد که در اینجا ایمان به معنی روی آوردن بیمار و حاملان او به سوی عیسی می باشد (ر.ک مر۲:۴؛ لو۵:۱۸-۱۹).

s- فرزند، ر.ک ۲۱:۲۸؛ مر۲:۵؛ ۱۰:۲۴؛ لو۲:۴۸. «اعتماد»: تحت‌اللفظی «شجاعت» و نیز ۹:۲۲.

t- در مورد «کفر گفتن» ر.ک ۲۶:۶۵ توضیح p.

u- ر.ک ۸:۲۰ توضیح c.

v- عیسی که مرد مفلوجی را شفا داده و او را به راه رفتن واداشته نشان می‌دهد که اقتدار بخشایش گناهان را دارد و در این مورد اتهام کفر به معنی معمولی یا به معنی حقیقی که شاید مسیحیان تعبیر کنند (۹:۳؛ ۲۶:۶۵) پایه و اساسی ندارد و بنابراین دربارهٔ شخص او این سؤال مطرح شده و باقی مانده که او کیست.

w- این جمله پایانی مایهٔ تعجب است (که در آن کلمهٔ جمع به‌جای مفرد آمده) شاید مربوط به محافل مذهبی می باشد که درآنجا انجیل متی نوشته شده است: بدین گونه قدرت بخشایش گناهان که در کلیسا به بعضی‌ها داده شده از اقتدار شخص عیسی ناشی می‌شود (ر.ک ۱۶:۱۹؛ ۱۸:۱۸).

x- متی که در انجیل مرقس، لاوی پسر حلفی و در انجیل لوقا، لاوی نامیده شده نامش در فهرست رسولان آمده است (مت۱۰:۳؛ مر۳:۱۸؛ لو۶:۱۵؛ اع۱:۱۳)؛ ولی چیزی دربارهٔ زندگی او ذکر نمی کنند. ضمناً از دوران قدیم کسانی دربارهٔ هویت متی و لاوی یا لاوی پسر حلفی اظهار شک کرده و در نسبت دادن نخستین انجیل به متی تردید بیشتری داشته‌اند.

y- منظور از خانه نه خانه عیسی بلکه خانه متی می باشد (ر.ک لو۵:۲۹).

z- در مورد کلمهٔ «گناهکاران» ر.ک ۵:۴۶ توضیح r.

خراجگیران و گناهکاران می‌خورد[a]؟»
[۱۲]ولی او چون شنید گفت: «توانمندان[b]
نیستند که به پزشک نیاز دارند بلکه
مریضان. [۱۳]پس رفته و یاد گیرید که معنای
این چیست: «آنچه من می‌خواهم رحمت
است نه قربانی[c]» زیرا من نیامده‌ام تا
عادلان را فرا خوانم بلکه گناهکاران را.»

بحث دربارهٔ روزه، نو و کهنه (مرقس۲:۱۸-۲۲؛ لوقا ۵:۳۳-۳۹)

[۱۴]آنگاه شاگردان یحیی[d] نزد او آمده
۱۸:۱۱؛ لو۱۸:۱۲ گفتند: «چرا ما و فریسیان روزه می‌گیریم و
شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟» [۱۵]و عیسی
به ایشان گفت: «آیا ساقدوش های داماد[e]
تا زمانی که داماد[f] با ایشان است می‌توانند
در ماتم باشند؟ روزهایی فرا خواهد رسید
که داماد از آنان گرفته خواهد شد[g] و آن
وقت روزه خواهند گرفت[h]. [۱۶]و هیچکس
تکه پارچهٔ نشسته را به جامه‌ای کهنه وصله
نمی‌زند زیرا تکهٔ وصله جامه را می‌کشد و
پارگی بدتر می‌شود. [۱۷]همچنین شراب
تازه را در مشکهای کهنه نمی‌ریزند و گرنه
مسلماً مشکها دریده شده و شراب می‌ریزد
و مشکها از بین می‌رود، بلکه شراب تازه
را در مشکهای نو می‌ریزند و هر دو
نگاه‌داری می‌شوند[i].»

شفای زن مبتلا به خونریزی و زنده شدن دختر یك سرشناس (مرقس۵:۲۱-۴۳؛ لوقا ۸:۴۰-۵۶)

[۱۸]در حالی که به آنان چنین می‌گفت
اینک رئیسی پیش آمده در برابر او سجده
کرده می‌گفت: «دخترم همین الان مرده ولی
۳:۸؛ مر۶:۵؛ ۲۵،۲۳:۸؛ لو۱۳:۱۳ بیا و دستت[j] را بر او بگذار و زنده خواهد
شد.» [۱۹]و عیسی قیام کرده به دنبال او
می‌رفت، همچنین شاگردانش. [۲۰]و اینک
لاو۱۵:۲۵ زنی که دوازده سال خونریزی داشت از
پشت سر نزدیک شده حاشیه[k] ردایش را

a- در دنیای مشرق زمین و مخصوصاً در فلسطین غذا خوردن بر سر سفره بهترین فرصت برای مشارکت مردمان بود. عیسی با پذیرفتن دعوت فردی گناهکار یعنی کسی که ناپاک است به همراه تعداد زیادی از گناهکاران، برخلاف مقررات اساسی کاهنان یهود رفتار می‌کرد خود را چون فردی ناپاک و گناهکار نشان می‌داد.

b- تحت‌اللفظی: نیرومندان. کلمهٔ آرامی beri'a که کلمهٔ یونانی از آن اقتباس شده به معنی اشخاص سالم نیز به کار رفته است چنانکه در لو۵:۳۱ به این مفهوم آمده است.

c- این نقل قول از هو۶:۶ در ۱۲:۷ نیز آورده شده است. در هر دو مورد اصولاً قربانی کردن در آداب مذهبی محکوم نمی‌شود ولی وابستگی به رسوم زندگی مذهبی به اندازه‌ای که فرمان اصلی «رحمت» نادیده گرفته شود محکوم می‌گردد.

d- یحیی. در پیرامون یحیی تعمید دهنده جمعیتی از ایمانداران تشکیل شده بود، جمعیتی که پس از مرگ او (۱۱:۲؛ ۱۴:۲؛ لو۱:۱۱؛ یو۳:۲۵؛ ۴:۱؛ اع۱۸:۲۵؛ ۱۹:۱) نیز بلاشک تا قرن دوم میلادی وجود داشته است.

e- تحت‌اللفظی: پسران حجله، ر.ک مر۲:۱۹ توضیح r.

f- معمولاً داماد به عنوان نماد خدا به کار برده شده (اش۵۴:۴-۸؛ ۶۱:۱۰؛ ۶۲:۴-۵؛ ار۲:۲؛ ۳:۳۱؛ حزق۱۶؛ هو۱-۳ و در تفسیر نمادهایی که یهودیان از غزل غزلها می‌کنند). گاهی این کلمه نماد مسیح پادشاه است (مز۴۵:۷-۸؛ ر.ک عبر۱:۸) و در اینجا دربارهٔ خود عیسی است (مت۲۵:۱، ۵، ۱۰؛ یو۳:۲۹؛ مکا۱۸:۲۳؛ ر.ک ۲-قرن۱۱:۲).

g- احتمالاً اشاره به مرگ عیسی است.

h- ر.ک ۶:۱۶ توضیح k.

i- تحت‌اللفظی: این یکی و دیگری حفظ شده‌اند. نو و کهنه موافق نیستند. نباید انجیل را با دین یهود تطبیق داد.

j- کلمه «دست» به صورت مفرد، در عهدجدید فقط در اینجا و در مر۷:۳۲ به کار برده شده و ممکن است در اینجا عطای شخص خود عیسی باشد. در مر۵:۲۳ گذاشتن دستها به عنوان اجرای آداب مذهبی مطرح است (ر.ک لاو۹:۲۲؛ ۲۱:۱۶؛ اع۹:۱۷ توضیح m).

k- عیسی همانند هر یهودی مؤمن حاشیه‌ای به ردای خود داشته است (ر.ک اعد۱۵:۳۸-۴۱؛ تث۲۲:۱۲). فریسیان به سبب غرور و به منظور تظاهر به مذهب حاشیه ردای خود را پهن‌تر می‌کردند (مت۲۳:۵). در این حاشیه‌ها نخ بنفشی به کار

لمس کرد. [۲۱]زیرا با خود می‌گفت: «اگر
فقط ردایش را لمس کنم نجات خواهم
یافت[l].» [۲۲]عیسی برگشته او را دید و
گفت: «ای دختر! اعتماد داشته باش!
اع۳:۱۶ ایمانت تو را نجات داده است.» و آن زن
همان ساعت نجات یافت. [۲۳]و عیسی به
خانهٔ رئیس رسیده که هیاهو می‌کردند و
نوازندگان نی و انبوه مردم را دیده
یو۱۱:۱۱ [۲۴]گفت: «کنار بروید زیرا دخترک نمرده
بلکه خوابیده است[m]» و ایشان او را
ریشخند می‌کردند. [۲۵]چون انبوه مردم به
مر۱:۳۱؛ ۹:۲۷ بیرون رانده شدند، او داخل شده دست وی
را گرفت و دخترک قیام کرد[n]. [۲۶]و شایعه
آن در سراسر آن سرزمین پراکنده شد[o].

شفای دو کور

[۲۷]و چون عیسی از آنجا می‌گذشت دو
کور به دنبال او رفتند و فریاد زنان گفتند:
«به ما رحم کن! ای پسر داود[p].» [۲۸]وقتی
عیسی به خانه رسید کوران به سوی او پیش
آمدند و او به آنان گفت: «آیا ایمان دارید
که من قدرت دارم این کار را بکنم؟»
ایشان به او گفتند: «آری ای خداوند!»
[۲۹]آنگاه چشمانشان را لمس کرده گفت: ۲۰:۳۴
«برابر ایمانتان برای شما انجام شود.» ۸:۱۳؛ ۱۵:۲۸
[۳۰]و چشمانشان باز شد و عیسی با تندی به
آنان گفت: «توجه کنید! کسی این را مر۷:۳۶
نداند[q].» [۳۱]ولی ایشان همین که بیرون
رفتند شایعه آن را در سراسر آن سرزمین
پراکنده کردند.

شفای یك لال دیوزده
(لوقا ۱۱:۱۴-۱۵)

[۳۲]چون بیرون می‌آمدند اینک لال مر۷:۳۲، ۳۵؛ ۹:۱۷، ۲۵؛
دیوزده‌ای را به حضورش آوردند[r]. [۳۳]و چون لو۱۱:۱۴
دیو رانده شد لال به حرف در آمد و جمعیت
به تحسین درآمده می‌گفتند: «هرگز چنین مر۲:۱۲
چیزی در اسرائیل پدیدار نشده است!»
[۳۴]ولی فریسیان می‌گفتند: «به وسیلهٔ رئیس ۱۲:۲۴؛ مر۳:۲۲؛
دیوها است که دیوها را می‌راند.» لو۱۱:۱۵

می‌رفت که نماد آسمان و یادآور فرمانهای خدا بود و بدین سبب آن را گرامی می‌داشتند (ر.ک۱۴:۳۶؛ ۱۵:۱۱ توضیح o؛ مر۶:۵۶؛ لو۸:۴۴).

l- فعل sozein که معمولاً به معنی نجات دادن می باشد (۱۰:۲۲؛ ۲۴:۱۳؛ اع۲:۴۷؛ ۴:۱۲؛ ۱۶:۳۰) بیانگر رابطهٔ نزدیکی است که بین نجات انسان و سلامتی او وجود دارد. نمونهٔ این عبارت در انجیلها به فراوانی آمده است (مر۱۰:۵۲؛ لو۷:۵۰؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۴۲) و می توان مفهوم آن را چنین درک کرد: ۱- ایمانت تو را آماده کرده تا نجات یابی. ۲- ایمانت تو را نجات داده چون تو را در ارتباط با من که مسبب نجات هستم قرار داده است. ۳-ایمان تو عامل نجات تو شده است.

m- ر.ک لو۸:۵۲ توضیح u.

n- ر.ک لو۷:۱۴ توضیح v.

o- تفاوتی که انجیل متی در این مورد با انجیلهای مرقس و لوقا دارد این است که منبع انتشار خبر را ذکر نکرده است.

p- پسر داود. عنوانی که عامه مردم به مسیح موعود می‌دادند و این نخستین باری است که آن را به عیسی می‌دهند (ر.ک۱۵:۲۲؛ ۲۰:۳۰-۳۱؛ ۲۱:۹، ۱۵؛ ر.ک ۳:۲۳ توضیح g).

q- با اینکه این روایت با شفای نابینایان اریحا ارتباط دارد (مت۲۰:۲۹-۳۴) اما پیش از متی وجود داشته است زیرا برخلاف تمایلی که متی دارد در این روایت عیسی به شفا یافتگان شدیداً دستور رازداری می‌دهد. احتمالاً دستور منع اشاعه خبر به دلیل آن است که نابینایان اریحا عیسی را به عنوان پسر داود تحسین می‌کردند (۲۷).

r- متی به جهت پایان بخشیدن به معرفی و ارائه سخنان و اعمال مسیح (۴:۲۵-۹:۳۴) روایتی می‌آورد که مجدداً در ۱۲:۲۲-۲۴ ذکر می‌نماید. احتمالاً می‌خواهد تفرقه‌ای را که در نتیجه فعالیت عیسی به وجود آمده است اعلام نماید (ر.ک یو۷:۴۰-۴۳).

عیسی و جماعت بی‌شبان
(مرقس ۶:۶، ۳۴؛ لوقا ۱۰:۲)

۳۵ و عیسی تمام شهرها و روستاها را ۲۳:۴؛ مر۱:۳۹
درمی نوردید در حالی که در کنیسه هایشان
آموزش می‌داد و انجیل ملکوت را ندا داده ۱:۱۰؛ مر۱:۳۴؛ لو۷:۲۱
و هر نوع بیماری و ناتوانی را شفا می‌داد[s]. ۱۴:۱۴؛ ۳۲:۱۵؛
۳۶ چون جمعیت را دید بر آنان ترحم نمود مر۶:۳۴
زیرا خسته و کوفته مانند گوسفندانی بودند اعد۲۷:۱۷؛
که شبان نداشتند[t]. ۳۷ آنگاه به شاگردانش ۲- توا۱۸:۱۶؛ حزق۳۴:۵؛
گفت: «محصول[u] فراوان است ولی زک۱۰:۲؛ یهودیه۱۱:۱۹؛
کارگران اندک. ۳۸ پس از خداوند مر۶:۳۴
محصول خواهش کنید تا کارگرانی برای
محصول خود بفرستد.»

رسالت دوازده تن
(مرقس۳:۱۶-۱۹؛ لوقا ۶:۱۴-۱۶)

۱۰ ۱ عیسی دوازده شاگرد خود را مر۶:۷ لو۹:۱
فراخوانده به آنان اقتدار بر ارواح
ناپاک داد تا آنها را رانده و هر بیماری و ۹:۳۵؛ مر۱:۳۴؛
ناتوانی را شفا دهند[v]. لو۷:۲۱
۲ اینک نام‌های دوازده رسول[w]:
اول شمعون که پطرس نامیده شد یو۱:۴۰-۴۱
و برادرش آندریاس[x] و یعقوب
[پسر] زبدی و برادرش یوحنا،
۳ فیلیپس و برتولما، توما و یو۱:۴۳
متی خراجگیر، یعقوب [پسر]
حلفی و تدی[y]، ۴ شمعون

s- متی با ذکر خلاصهٔ فعالیت عیسی که آیات ۴:۲۳-۲۵ را به یاد می‌آورد فصل جدیدی مبتنی بر دستوراتی که به مناسبت مأموریت رسولان داده شده را آغازمی‌نماید (۱۰:۵-۱۵). ضمناً توصیه هایی را که در اوضاع و موارد دیگر داده شده به این دستورات می افزاید (۱۰:۱۶-۴۲).

t- ۱-پاد۲۲:۱۷. متی طرز رفتار عیسی را ذکر می نماید که خود را فرستاده ای بسوی گوسفندان گم شدهٔ اسرائیل می داند (مت۱۵:۲۶؛ ۱۰:۶؛ لو۱۹:۱۰). همین یادآوری در مر۶:۳۴ در مورد واقعهٔ ازدیاد نانها آمده است. در اینجا معنی مأموریت شاگردان را می‌رساند که عبارت از ترحم شبان نیکو است. عیسی آنچه را که عهدعتیق انتظار دارد به انجام می‌رساند (حزق۳۴:۲۳؛ زک۱۳:۷).

u- تصویر معمولی داوری نهایی در زمان آخر است (ر.ک مت۳:۱۲ توضیح u). در اینجا محصول مربوط به زمان خود عیسی است (ر.ک مر۴:۲۹؛ یو۴:۳۵-۳۷): داوری به وسیلهٔ مأموریت عیسی و شاگردانش انجام می شود (ر.ک مت۱۰:۱۵) زیرا ملکوت خدا فرا رسیده است (مت۳:۲؛ ۴:۱۷؛ ۱۰:۷).

v- راندن ارواح ناپاک و شفا دادن مربوط به قدرت واحدی هستند. بیماری نشانه ای از فرمانروایی شیطان و گناه است و شفا دادن نشانهٔ پیروزی بر شیطان (ر.ک مت۱۷:۱۸).

w- دوازده رسول: این اصطلاح که در عهدجدید تقریباً منحصر به فرد است (ر.ک اع۱:۲۶؛ مکا۲۱:۱۴) ترکیبی است که از پیوستن دو عنوان حاصل شده و نخستین شاگردان عیسی را با این عناوین مشخص می کردند: در بعضی موارد آنان را با عنوان دوازده خوانده اند (ر.ک مت۲۶:۱۴) و در موارد دیگر رسولان نامیده اند (ر.ک لو۶:۱۳ توضیح c؛ مر۶:۳۰). رسول به معنی فرستاده و برابر ریشه اصلی کلمه سامی، دقیقاً نماینده و سفیر مختار می باشد (به ۱۰:۴۰ توضیح u توجه نمایید). ضمناً عدد دوازده با تعداد قبایل اسرائیل تطبیق می نماید (ر.ک مت۱۹:۲۸). بنابراین اگر کمتر از ۱۲ باشند از دیدگاه یهودیان، قوم جدید خداوند ناقص می بود (ر.ک اع۱:۲۲ توضیح v).

x- صورت اسامی رسولان که در انجیلهای متی، مرقس، لوقا و نیز در اعمال رسولان ذکر شده با یکدیگر تفاوت دارند مخصوصاً در ترتیب توالی سه نامی که پس از پطرس آمده است. به احتمال قوی ترتیب اسامی رسولان همان است که در انجیل متی و لوقا۶:۱۴ روایت شده است. در مر۳:۱۷ پیش از نام آندریاس نام پسران زبدی ذکر گردیده که با پطرس گروه سه نفری شاگردان ممتاز را تشکیل می دهند (مت۱۷:۱؛ ۲۶:۳۷؛ مر۵:۳۷). در اع۱:۱۳ نام یوحنا پیش از نام یعقوب و بلافاصله پس از پطرس آمده است واین احتمالاً به دلیل نقش مهمی بوده که وی در کلیسای اولیه داشته است.

y- تدی. نسخه های معتبر قدیمی انجیل متی در مورد نام این رسول تفاوت دارند. در بعضی از آنها نظیر بیشتر نسخه های خطی انجیل مرقس «تدی» ذکر شده؛ در تعداد زیادی از نسخه ها لبّی (lebbee) یا لبّه (lebbe) «ملقب به تدی» نوشته شده و بعضی دیگر «یهودا پسر یعقوب» (لو۶:۱۶) یا «یهودای غیور» نوشته اند. ساده ترین راه حل این است که در هر یک از سه انجیل نظیر در مورد نام یازدهمین رسول اختلاف دارند: به نوشته متی «لبی»، مرقس او را «تدی» نامیده و لوقا «یهودا پسر

۲۵:۲۶؛ ۳:۲۷؛ مر۱۴:۴۳؛ یو۶:۶۴؛ ۴:۱۲؛ ۱۱:۱۳؛ ۲:۱۸،۵ غیور[z] و یهودای اسخریوطی[a] همان کسی که
او را تسلیم خواهد کرد.

(مرقس۶:۷-۱۱؛ لوقا۹:۲-۵؛ ر.ك لوقا۱۰:۳-۱۲)

۵این دوازده [تن] را عیسی با دستورهای
زیر فرستاد[b]: «راه امتها را در پیش نگیرید
و در هیچ شهر سامریان[c] وارد نشوید. ۶
ار۵۰:۶؛ مت۱۵:۲۴؛ ۴:۱۷؛ لو۱۰:۹،۱۱ ترجیحاً به سوی گوسفندان گمشدهٔ خاندان
اسرائیل بروید. ۷در راه خود ندا دهید که
فرمانروائی آسمانها خیلی نزدیک است[d].
۸بیماران را شفا دهید، مردگان را قیام
بخشید، جذامیان را پاک گردانید، دیوها
را برانید. رایگان دریافت کرده اید،
رایگان بدهید. ۹نه زر فراهم آورید نه سیم،
نه پول خرد در کمربندهایتان. ۱۰نه
خورجین برای راه، نه دو ردا، نه پاپوش، نه لو۱۰:۴
چوبدستی، زیرا کارگر سزاوار خوراک خود اعد۱۸:۳۱
است[e]. ۱۱در هر شهر و روستائی که وارد
می شوید جویا شوید در این محل چه کسی
شایسته است[f] و تا وقتی که عزیمت
می کنید در آنجا بمانید. ۱۲چون به خانه
وارد می شوید بر آن سلام کنید[g]. ۱۳اگر
خانه شایسته باشد آرامش شما بر آن آید و

یعقوب» ذکر کرده است. وانگهی کمتر احتمال دارد این اسامی مختلف فقط به یک نفر تعلق داشته باشد زیرا سه نام مذکور نامهای سامی هستند (در آن دوران اگر کسی نامهای متعددی داشت معمولاً نامهای او یهودی و یونانی یا رومی بوده است مانند شائول و پولس). به هر صورت روایتی که با این اعتبار تعداد رسولان را دوازده ذکر کرده و حفظ نموده است فقط دربارهٔ نام یکی از ایشان تردید دارد. در مورد توما ر.ک یو۱۱:۱۶ توضیح q.

z- تحت اللفظی: کنعانی. آوانویسی کلمه ای آرامی به معنی وفادار (غیور) که به غیوران اطلاق می شده است. غیوران فرقه ای از یهودیان ملی گرای دینی بودند که با اشغال رومیان شدیداً مخالفت می کردند. ممکن است شمعون پیش از آن که عیسی را ملاقات نماید جزو یکی از این گروهها بوده باشد.

a- اسخریوطی. برای این کلمه تفسیر های مختلفی پیشنهاد شده است: ۱) موطن او kerioth دهکده ای در جنوب فلسطین است (ر.ک هو۱۵:۲۵؛ عا۲:۲). ۲) این کلمه در صورتی که آن را از ریشهٔ واژه ای آرامی بگیریم به معنی دروغگو می باشد که صفتی توهین آمیز است که بعد از خیانت به او داده شد. ۳) هرگاه کلمهٔ sicarius را با الفبای سامی بنویسند برابر لاتینی ze-lot (غیور) می باشد (ضمناً zelot هم توصیف یهودا و هم شمعون است). با توجه به تفسیر اخیر می توان دریافت که یهودا به عیسی خیانت کرد زیرا عیسی دیدگاه غیوران را نپذیرفت (ر.ک ۱۷:۲۴-۲۷).

b- کلمهٔ رسول به معنی فرستاده و رسالتی که بر عهده دارد از یک فعل مشتق شده است (ر.ک مخصوصاً ۱۰:۱۶، ۴۰ ؛ ۱۵:۲۴). در کنیسه یهودیان فرستادگان رسمی را می شناختند و دربارهٔ آنان این اصل پذیرفته شده بود که فرستاده برابر فرستنده است. در مت ۱۵:۲۴ و مخصوصاً در انجیل یوحنا عیسی خود را به عنوان فرستادهٔ پدر یا رسول پدر معرفی می نماید (یو۳:۱۷، ۳۴؛ ۵:۳۶-۳۷؛ ۱۷:۳، ۱۸؛ وغیره).

c- سامریان. پس از سقوط سامره در سال ۷۲۱ پیش از میلاد، سامریان متشکل از تبار گوناگون معبد مخصوص به خود داشتند که بالای کوه جرزیم قرار داشت (یو۴:۲۰). یهودیان، سامریان را حقیر می شمردند چنان که آنان نیز یهودیان را پست می دانستند. در این مأموریت که اولین مأموریت رسولان است گویا عیسی این شکاف عمیق را پذیرفته ولی در جاهای دیگر این موضوع را زیر سؤال می برد (لو۱۰:۳۰-۳۷؛ یو۴:۴-۴۸) و پس از رستاخیز این شکاف را از بین می برد (ر.ک اع۱:۸).

d- ر.ک ۳:۲ توضیح h.

e- متی در اینجا اشاره به حقی می کند که ربی ها می توانستند در بعضی شرایط از هدایای پیروان خود زندگی کنند (ر.ک ۱-قرن۹:۱۴؛ ۱-تیمو۵:۱۸). در لو۱۰:۷ ذکر شده است: کارگر سزاوار مزد خود می باشد (ر.ک اع۱۸:۳۱؛ دیداکه۱۳:۱ «هر پیامبر راستین که بخواهد نزد شما بماند مستحق غذای خود است و نیز هر معلم مانند کارگر سزاوار غذای خود می باشد.»)

f- یعنی اگر شخص شایسته ای وجود دارد. لوقا اضافه می کند: «از خانه ای به خانه ای نروید.»

g- طرز سلام دادن یهودیان عبارت از آرزوی صلح و آرامش است (shalom) چنان که در بسیاری از نسخه های خطی به تقلید از لو۱۰:۵ اضافه شده: آرامش بر این خانه باد! همچنان که در آیه بعدی نیز ذکر شده است.

لو۱۰:۱۰-۱۲ اگر شایسته نباشد آرامش شما به سوی شما
باز گردد. [۱۴]اما کسی که شما را نپذیرد و
سخنان شما را گوش ندهد، چون از آن
خانه یا از آن شهر بیرون می‌آیید گرد و
خاک پاهایتان را بتکانید[h]. [۱۵]آمین! به
۲۴:۱۱؛ لو۱۰:۱۲؛ شما می‌گویم در روز داوری برای سرزمین
پید۱۸:۲۰-۱۹:۸؛ ۲-پطر۲:۶؛ سدوم و عموره قابل تحمل‌تر خواهد بود تا
یهو۷ برای این شهر.

مأموریت توأم با جفا
(مرقس۱۳:۹-۱۳؛ لوقا۲۱:۱۲-۱۹)

لو۱۰:۳ [۱۶]اینک شما را چون گوسفندان به میان
یو۱۰:۱۲؛ اع۲۰:۲۹ گرگان می‌فرستم پس مانند مارها هوشیار و
روم۱۶:۱۹ چون کبوتران ساده باشید.
[۱۷]از انسانها بر حذر باشید زیرا شما را
مر۱۳:۹؛ به سانهدرین‌ها[i] تسلیم خواهند کرد و در
لو۲۱:۱۲-۱۳ کنیسه‌های خود شما را تازیانه خواهند زد.
[۱۸]و نزد رهبران و پادشاهان به خاطر من
برای شهادت به ایشان و امتها برده خواهید
لو۱۲:۱۱-۱۲ شد[j]. [۱۹]چون شما را تسلیم کنند پروای آن
نداشته باشید چه و چگونه بگوئید. زیرا در
آن ساعت آنچه باید بگوئید به شما داده
خواهد شد. [۲۰]درواقع شما نیستید که سخن
خواهید گفت بلکه روح پدر شما است که
در شما سخن خواهد گفت. [۲۱]برادر برادر
خود را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر
فرزند خود را و فرزندان علیه والدین خود میک۷:۶
بر خواهند خاست و آنان را به مرگ
خواهند سپرد. [۲۲]و به خاطر نام من منفور ۹:۲۴
همگان خواهید شد ولی کسی که تا پایان ۱۳:۲۴
پایداری کند او نجات خواهد یافت.
[۲۳]چون در شهری به شما جفا کنند به ۱۶:۲۷-۲۸؛ ۲۴:۲۷، ۳۰، ۳۷، ۳۹، ۴۴؛
دیگری فرار کنید زیرا آمین به شما می‌گویم ۲۵:۳۱؛ ۲۶:۶۴؛
شهرهای اسرائیل را تمام نخواهید کرد[k] که مر۱۳:۲۶؛ ۱۴:۶۲؛
پسر انسان آمده باشد. [۲۴]شاگرد برتر از لو۹:۲۶؛ ۱۷:۳۰؛ ۱۸:۸؛
استاد نیست و نه برده بالاتر از خداوندِ ۲۱:۲۷
خود. [۲۵]شاگرد کافی است مانند استادش
شود و برده مانند خداوندش. اگر ارباب لو۶:۴۰؛
خانه را بعلزبول[l] خوانده‌اند چقدر بیشتر یو۱۳:۱۶؛ ۱۵:۲۰
افراد خانه‌اش را!

h- این عمل نشانهٔ رویگردانی می‌باشد (ر.ک اع۱۳:۵۱) که مرسوم دوران قدیم بود که به معنای نبردن چیزی با خود از شهری یا محلی که شایستگی ندارد و در اینجا شایستگی پذیرش انجیل را ندارند.

i- فقط در این مورد است که در عهدجدید کلمهٔ سانهدرین به صورت جمع دیده می‌شود و اشاره به سانهدرین‌های کوچک محلی است که از بیست و سه نفر بزرگان کنیسه تشکیل می‌شده است. این محاکم در مواردی که مربوط به سانهدرین مرکزی اورشلیم نبود عمل می‌کردند (ر.ک ۵:۲۲ توضیح x؛ ۲۶:۵۹). این صحنه‌های خشونت‌آمیز در کنیسه روی می‌داده که محل مخصوصی برای این منظور داشتند. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی سانهدرین‌های محلی اهمیت شایانی یافتند و شاید متی به این دوران اشاره می‌نماید.

j- مقاومت تا آخرین لحظه (ر.ک ۲۴:۱۳) که درملاءعام و رسماً در برابر همه قوم انجام شود (۲۴:۱۴) گواه بر آن است که داوری خدا و تجربه‌های زمان آخر هم اکنون آغاز شده است.

k- این جمله اشاره به فعالیت رسالتی شاگردان در اسرائیل دارد که پیشگویی می‌شود طولانی یا کوتاه خواهد بود یا اشاره به آن است که شاگردان به سبب تعقیب و شکنجه از شهری به شهر دیگر فرار خواهند کرد. در مورد آمدن پسر انسان احتمالاً منظور این نیست که به هنگام ویران شدن اورشلیم در سال ۷۰ میلادی می‌آید و نه آمدن شکوهمندانه او در روز تجلی یا رستاخیز، بلکه منظور آمدن شکوهمندانه او در آخر زمان می‌باشد. عیسی مانند پیامبران عهدعتیق وقایعی را که در آینده رخ می‌دهد به صورت زمان قریب‌الوقوع اعلام می‌کند (ر.ک مر۹:۱ توضیح v).

l- در مورد بعلزبول ر.ک ۱۲:۲۴ توضیح c.

از هیچ مترسید
(مرقس۸:۳۸؛ لوقا۹:۲۶؛ ۱۲:۲-۹)

مر۴:۲۲؛ لو۸:۱۷ ۲۶«پس از آنان مترسید زیرا هیچ
پوشیده ای نیست که آشکار نگردد و هیچ
پنهانی نیست که شناخته نشود. ۲۷آنچه در
تاریکی به شما می گویم آن را در روشنایی
بگویید و آنچه به گوش می شنوید آن را بر
روی بامها ندا دهید[m]. ۲۸و هیچ از آنان
مترسید که جسم را می کُشند ولی نمی توانند
یع۴:۱۲ جان[n] را بکُشند. بیشتر از آن کس بترسید
که می تواند هم جان و هم جسم را در جهنم
تباه کند. ۲۹مگر دو گنجشک به فلسی[o]
فروخته نمی شوند؟ و یکی از آنها بدون
[اجازه] پدر شما[p] به زمین نخواهد افتاد.
۱-سمو۱۴:۴۵؛ اع۲۷:۳۴؛ ۱۲:۱۲؛۲۶:۶ ۳۰اما شما، حتی موهای سرتان هم شمرده
شده است. ۳۱پس مترسید! شما از انبوه
گنجشکان برتر هستید. ۳۲پس هر آن که در
مکا۳:۵ برابر انسانها مرا اقرار کند[q] من هم در برابر
پدرم که در آسمان ها است او را اقرار
خواهم کرد ۳۳ولی کسی که در برابر انسانها لو۹:۲۶؛ ۲-تیمو۲:۱۲
مرا انکار کند من هم در برابر پدرم که در
آسمان ها است او را انکار خواهم کرد.

شمشیر به جای آرامش
(لوقا ۱۲:۵۱-۵۳)

۳۴«خیال نکنید که من آمده ام تا آرامش
را بر روی زمین بیاورم. من نیامده ام
آرامش را بیاورم بلکه شمشیر را. ۳۵زیرا
من برای جدا کردنِ مرد بر ضد پدرش و
دختر بر ضد مادرش و عروس بر ضد مادر
شوهرش آمده ام. ۳۶و دشمنان انسان افراد
خانه او خواهند بود[r].

انکارخویشتن برای پیروی از عیسی
**(مرقس ۸:۳۴-۳۵؛
لوقا ۱۴:۲۶-۲۷؛ ۹:۲۳-۲۴)**

۳۷«کسی که پدر یا مادرش را بیش از تث۳۳:۹
من دوست دارد شایسته من نیست و کسی

m- شاید در اینجا عیسی یکی از ضرب المثل های شایع بین مردم را گرفته است که می گوید: عاقبت همه چیز روشن می شود، ولی آن را تغییر داده است. بدین معنی که ساعت (ساعت ملکوت: ۷:۱۰) فرا رسیده تا آنچه عیسی به شاگردانش مکشوف کرده است به همگان اعلام شود. نخستین کسانی که به آنان خطاب می شود افراد خاندان اسرائیل می باشند (۶:۱۰) ولی در اینجا از ترکیب عبارت برمی آید که محدودیتی وجود ندارد و به تمام آدمیان اعلام می گردد.

n- جان. کلمه psyche که در اینجا جان ترجمه شده اغلب به معنی زندگی است (مت۱۰:۳۹؛ ۱۶:۲۵-۲۶). در ایجا متی تن و جان را از هم متمایز می سازد (لو۱۲:۴-۵ فقط از جسم سخن می گوید). ضمناً متی جان را با زندگی یکی نمی داند زیرا می بایست دو نوع زندگی را از هم متمایز سازد که هیچ جا چنین نکرده است. جسم ابزاری است که آدمی بوسیلهٔ آن فکر خود را بیان می کند، اما جان اصلی است که او را در ارتباط با خدا، سرچشمه حیات قرار می دهد.

o- فلس کوچکترین بخش پول رومی بوده است (ر.ک ۵:۲۶).

p- تحت اللفظی: بدون پدرتان. به طوری که از ترکیب جمله برمی آید منظور از این اصطلاح یا این است که خدا در هنگام مرگ شاگردان دور نخواهد بود (مرگی که علت یا عامل آن مشخص نشده است) یا اینکه بدون اراده خدا شاگردان به خاطر انجیل نخواهند مرد و مرگ آنان حادثه ای بشمار نخواهد آمد بلکه معنی خاصی خواهد داشت.

q- منظور شهادت تا پای جان می باشد (۱۰:۲۶-۳۱؛ ر.ک لو۱۲:۸-۹)، یعنی سرنوشت خود را به سرنوشت عیسی پیوستن. منکر شدن (۱۰:۳۳) عیسی عبارت از این است که بگویند من این مرد را نمی شناسم (۲۶:۳۴، ۳۷). عیسی به کسانی که او را منکر می شوند خواهد گفت: من شما را نمی شناسم (۷:۲۳؛ ۲۵:۱۲) ولی با این همه پطرس را بخشید (یو۲۱:۱۵-۱۹). بر عکس کسانی که طرفدار او هستند یعنی در ملاء عام و در عمل خود را شریک و وابسته به او اعلام کرده اند، عیسی آنان را در برابر پدرش از آن خود اعلام خواهد نمود.

r- ر.ک میک۷:۶.

که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست
۲۴:۱۶ دارد[s] شایسته من نباشد. [۳۸]و کسی که
صلیب خود را برندارد و به دنبال من نیاید
لو۱۷:۳۳؛ یو۱۲:۲۵ شایسته من نباشد. [۳۹]کسی که جان خود را
بیابد[t] آن را از دست خواهد داد و کسی که
جان خود را به خاطر من از دست دهد آن را
خواهد یافت.

هر که شما را می‌پذیرد مرا می‌پذیرد (مرقس۹:۳۷-۴۱؛ لوقا۹:۴۸؛ ۱۰:۱۶؛ یوحنا ۱۳:۲۰)

۵:۱۸ [۴۰]«هر که شما را می‌پذیرد مرا می‌پذیرد
و هر که مرا می‌پذیرد آن کسی را می‌پذیرد
یو۱۲:۴۴؛ غلا۴:۱۴ که مرا فرستاده است[u]. [۴۱]هر که پیامبری را
۱-پاد۱۷:۹-۲۴؛ ۲-پاد۴:۸-۳۷ به عنوان پیامبر می‌پذیرد اجر پیامبر را
دریافت خواهد کرد و هر که عادلی را به
عنوان عادل می‌پذیرد اجر عادل[v] را دریافت
خواهد کرد. [۴۲]کسی که به یکی از این
کمترین ها[w] به عنوان شاگرد فقط یک پیاله
آب خنک برای نوشیدن بدهد آمین به شما
می‌گویم اجر خود را از دست نخواهد داد.»

۱۱ [۱]پس هنگامی که عیسی دستورهای ۷:۲۸؛ ۱۳:۵۳؛ ۱۹:۱؛ ۲۶:۱
خود را به دوازده شاگردش به پایان
رسانید روانه شد تا در شهرهایشان آموزش
داده ندا دهد[x].

پرسش یحیی و پاسخ عیسی (لوقا ۷:۱۸-۳۵)

مت۱۴:۳؛ یو۳:۲۴ [۲]یحیی که در زندان اعمال مسیح را
شنیده بود شاگردان خود را نزد او فرستاد تا
به او بگوید: [۳]«آیا تو همان کسی هستی که

s- کلمهٔ philein به معنی «دوست داشتن» با کلمه agapan (۵:۴۳؛ ۱۹:۱۹؛ ۲۲:۳۷-۳۹) به معنی محبت در اناجیل نظیر یکی نیست. کلمه philein در انجیل متی دارای مفهوم منفی است (۶:۵؛ ۲۳:۶). این گفتار که در لو۱۴:۲۶ لحن شدیدتری دارد نشان می‌دهد که وابستگی‌های خانوادگی هر چند صحیح و مشروع باشند ممکن است در راه کسانی که می‌خواهند به دنبال عیسی بروند مانع بشمار آیند (۱-قرن۷:۲۶-۲۷).

t- ر.ک ۱۶:۲۵، (لو۱۷:۳۳؛ یو۱۲:۲۵؛ فی۳:۸-۹).

u- اصطلاح مشابهی در ۵:۱۸ آمده است. این نظریه که «فرستاده با فرستنده برابر است» برای یهودیان به خوبی شناخته شده بود. اگر رسول (apostolos) به یک معنی برابر فرستنده (apostellein) است، این موضوع به دلیل شخصیت او نیست بلکه به سبب مأموریت، وظیفه یا گفتاری است که بوسیله عیسی و بوسیله خدا از طریق عیسی به او محول گردیده است. بنابراین قبول و پذیرش رسول مفهومی بیشتر از مهمان نوازی دارد و به معنی توجه به سخن و اطاعت از کلام فرستادگان عیسی است.

v- کلمات پیامبر و عادل که در اینجا آمده در ۱۳:۷ و ۲۳:۲۹ نیز به یک قیاس آمده‌اند. این واژه‌ها به فرهنگ عهد عتیق و آیین یهود دوران عیسی تعلق دارند. از این کلمات می توان درک کرد که منظور یا اشاره به پیامبران یا عادلانی می باشد که در جامعه مسیحیان قرن اول میلادی به این عنوان شناخته می شدند یا اینکه بیشتر محتمل است که این کلمات به جای «شما» (آیه ۴۰) آمده و منظور خطاب به رسولان است: بنابراین برابر پیامبران و عادلان عهدعتیق می باشند.

w- احتمالاً منظور رسولان هستند (مفهومی که از مر۹:۴۱ استنباط می شود) یا اینکه اشاره به تمام شاگردان به عنوان شاهدان ملکوت خدا است (این معنی با تصریح: «به عنوان شاگرد» نشان داده شده است) یا اینکه بیشتر محتمل است در بین جمعیت پیروان، کوچکترین و محروم ترین و شاید بینواترین آنان به سبب جفا باشد (در۱۸:۵-۱۰ کلمه کوچکان بیشتر به این معنی است ولی مربوط به شرایط زندگی در جامعه مسیحیان است و موضوع جفا مطرح نیست.

x- در اینجا نتیجه گیری قسمتی است که از ۹:۳۵ تا ۱۰:۴۲ ادامه دارد و آغاز قسمت دیگری است که شرح می دهد واکنش یحیی (۱۱:۲-۱۹)، اهالی جلیل (۱۱:۲۰-۲۴) و واکنش فریسیان (۱۲:۱-۴۵) در برابر عیسی چه بوده است زیرا به وسیله گفتارها (۵:۱-۷:۲۹) و به وسیلهٔ اعمال (۸:۱-۹:۳۴) خود را به عنوان مسیح معرفی کرده است.

یو۱: ۱۵؛ ۶: ۱۴؛ ملا۳: ۱؛ اع۱۹: ۴؛ عبر۱۰: ۳۷؛ باید بیاید[y] یا بایستی در انتظار کس
دیگری باشیم؟» [۴] و عیسی در پاسخ به آنان
مکا۱: ۴،۸ گفت: «بروید به یحیی آنچه را می شنوید و
اش۱۸:۴۲ می نگرید نوید دهید: [۵] کوران می نگرند و
لنگان راه می روند، جذامیان پاک
می شوند و کران می شنوند و مردگان قیام
می کنند و به درماندگان نوید داده
۵۷:۱۳؛ ۳۱:۲۶ می شود[z]؛ [۶] و خوشا به آن که درباره من
دچار لغزش نشود[a].»
[۷] و در حالی که اینان می رفتند عیسی به
انبوه مردم درباره یحیی آغاز سخن نموده
۵:۳ گفت: «چرا به صحرا بیرون رفته اید؟ آیا
برای مشاهده شاخه نی که در باد لرزان
است؟ [۸] اما برای چه بیرون رفتید؟ برای
مشاهده مردی که لباس فاخر پوشیده است؟
اینک کسانی که لباس فاخر دارند در
خانه های پادشاهان هستند. [۹] اما برای چه
بیرون رفتید؟ تا پیامبری را مشاهده کنید؟
آری به شما می گویم و حتی بیش از یک ۵:۱۴؛ ۲۱:۲۶؛ لو۱: ۷۶
پیامبر. [۱۰] این همان کسی است که
درباره اش نوشته شده است: اینک من خروج۲۳: ۲۰؛ ملا۳: ۱
نوید دهنده خویش را پیش روی تو (مر۱: ۲؛ لو۱: ۷۶؛ ۷: ۲۷)
می فرستم تا راه تو را در برابرت هموار یو۳: ۲۸
کند. [۱۱] آمین به شما می گویم در میان
کسانی که از زنان زاده شده اند کسی
بزرگتر از یحیی تعمید دهنده قیام نکرده
است اما کوچکتر ین در ملکوت آسمان ها
بزرگتر از او است[b]. [۱۲] از روزگار یحیی
تعمید دهنده تاکنون ملکوت آسمان ها
متحمل زور بوده و زورمندان آن را
می ربایند[c] [۱۳] زیرا همه پیامبران و تورات تا
یحیی پیامبری[d] کرده اند. [۱۴] و اگر بخواهید

y- «آن کسی که باید بیاید» عنوان مسیح موعود است (ر.ک۳: ۱۱؛ یو۱: ۲۷). بین رفتار آن داور که یحیی از پیش اعلام کرده (۳: ۱۱-۱۲) و رفتار عیسی (بابهای ۸-۹) به قدری فاصله وجود دارد که سؤال مطرح شده کاملاً بجا است؛ حتی اگر هدف این سؤال واداشتن عیسی به عمل باشد.

z- پاسخ عیسی ترکیبی از متون کتاب اشعیا است: ۲۶: ۱۹ (دربارهٔ مردگان)، ۲۹: ۱۸-۱۹ (ناشنوایان)، ۳۵: ۵-۶ (نابینایان، ناشنوایان و لنگان)، ۶۱: ۱ (مژده به بینوایان)، در مت۵: ۱-۹: ۳۴ نشان داده شده که چگونه عیسی این پیشگویی ها را به انجام می رساند یعنی نجات خدا عطا شده است (ر.ک لو۴: ۱۸-۱۹).

a- (ر.ک ۵: ۲۹ توضیح e). تصمیم گیری برای پیروی از عیسی یا مخالفت با او منجر به داوری می شود (ر.ک ۱۰: ۳۲-۳۳). در اینجا تقریباً ملکوت و عیسی یکسان هستند.

b- ملکوت با عیسی گشایش یافته و یحیی در آستانهٔ آن باقی مانده است. مابین یحیی و عیسی همراه با شاگردانش فاصله ای عمیق وجود دارد به خاطر تازگی مطلقی که عیسی آورد.

c- دو تفسیر مهمتر این عبارت به شرح زیر است: ۱) برابر لو۱۳: ۲۴ که از شاگردان دعوت می شود کوشش کنند تا از درِ تنگ وارد شوند و با توجه به لو۱۶: ۱۶ که هر کس نیروی خود را به کار می اندازد تا در ملکوت وارد شود، در این جا منظور شدت عمل عادلان یا شدت عمل ملکوت آسمانها است که راه خود را با شدت عمل باز می کند. این تفسیر که با استفاده از انجیل لوقا است فقط با قسمت اول این آیه در انجیل متی صدق می نماید زیرا کلمهٔ زورمندان همواره در توصیف دشمنان و و برای محکومیت آنان استفاده می شود. ۲) بنابراین بیشتر محتمل است که منظور عیسی مخالفان او باشد که از ورود مردم به ملکوت جلوگیری می کنند زیرا با آمدن او ملکوت، زور و شدت عمل را برمی انگیزد. حتی بعضی تصور می کنند می توان گفت این مخالفان چه کسانی هستند: مثلاً غیوران که می خواهند ملکوت را به وسیله اسلحه برقرار کنند یا نیروهای شیطانی که مدعی هستند بر دنیا تسلط دارند و بدین طریق آن را از دست عادلان خارج کنند.

d- یحیی به عنوان پیشگام آمده است تا دوران عهد عتیق را به کمال رساند. وی جانشین آخرین پیامبران یعنی ملاکی می باشد و آخرین نبوت او را به تحقق می رساند وقتی که گفته است: «اینک به سوی شما الیاس پیامبر را می فرستم ...» (ملا۳: ۲۳؛ ر.ک مت۱۱: ۱۴).

مر۹:۱۱-۱۳؛ بپذیرید این همان الیاس است که باید
لو۱:۱۷؛ یو۱:۲۱ بیاید[e]. ۱۵هر که گوشها دارد بشنود. ۱۶این
۹:۱۳،۴۳؛ نسل را به چه کسی می توانم تشبیه کنم، به
مر۴:۹،۲۳؛ لو۸:۸؛ ۱۴:۳۵؛ مکا۲:۷؛ ۱۳:۹ مانند کودکانی است که در میدان ها نشسته
به سوی دیگران فریاد برآورده می گویند:
۱۷برای شما نی زده ایم
و شما نرقصیده اید!
نوحه سرایی کرده ایم
و شما سینه نزده اید.
۱۸درواقع یحیی آمده است که نه
۳:۴؛ ۹:۱۴ می‌خورد و نه می نوشید و می گویند: او دیو
دارد[f]! ۱۹پسر انسان آمده که می خورد و
می نوشد و می گویند: اینک مردی پرخور و
۹:۱۱؛ لو۱۵:۱-۲؛ ۱۹:۷ میخواره، دوست خراجگیران و گناهکاران!
حکمت خدا به وسیله اعمالش، عدالت
شناخته شده است[g].»

ماتم برای شهرهای جلیل
(متی ۱۰:۱۵؛ لوقا ۱۰:۱۲-۱۵)

۲۰آنگاه آغاز به نکوهش شهرهایی کرد
که در آنها بیشتر اعمال مقتدرانه اش انجام
شده بود زیرا توبه نکرده بودند. ۲۱«وای
بر تو ای خورزین، وای بر تو ای
بیت‌صیدا[h] زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که
در شما انجام شده در صور و صیدون اش۲۳:۱-۸؛
می شد از مدتها پیش زیر پلاس و خاکستر حزق۲۶-۲۸؛ یول۴:۴-۸؛ عا۱:۹-۱۰؛
توبه کرده بودند[i]. ۲۲وانگهی به شما زک۹:۲-۴
می گویم در روز داوری برای صور و صیدون استر۴:۱
قابل تحمل تر خواهد بود تا برای شما.
۲۳و تو ای کفرناحوم!
آیا تا به آسمان افراشته خواهی شد؟ اش۱۴:۱۳،۱۵
به وادی مردگان نزول خواهی کرد،
زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که در تو پید۱۹:۲۴-۲۸؛
انجام شد در سدوم شده بود امروز هنوز ۲پطر۲:۶؛ یهو۷
اینجا می بود. ۲۴همچنین به شما می گویم ۱۰:۱۵؛
که در روز داوری برای سرزمین سدوم قابل لو۱۰:۱۲
تحمل تر خواهد بود تا برای تو.»

پدر و پسر
(لوقا ۱۰:۲۱-۲۲)

۲۵در آن وقت عیسی به سخن درآمده
گفت: «تو را سپاس می گویم ای پدر! ای طو۸:۵؛ ۶:۱۲
خداوند آسمان و زمین زیرا این را از اع۱۷:۲۴
حکیمان و عاقلان پنهان داشته و به بچه ها ۱-قرن۱:۲۶-۲۹

e- ر.ک ملا۳:۲۳ (=۴:۴)، از همین نبوت در مت۱۷:۱۱-۱۳ یاد شده است، ر.ک ۳:۱۷ توضیح d.
f- این اصطلاح نظیر یو۷:۲۰ معنی مجازی دارد و منظور این نیست که واقعاً دیوانه باشد.
g- در اینجا وقتی از حکمت این نسل سخن می گوید سه معنی می توان در نظر گرفت: ۱) مفهوم استهزا دارد زیرا اعمال این نسل، نپذیرفتن یحیی تعمید دهنده و سپس عیسی بوده است؛ ۲) منظور خود عیسی می باشد که حکمت خود خداست (ر.ک ۱۲:۴۲؛ ۱-قرن۱:۲۴) ۳) مشیت نجات بخش خدا که عادل شناخته شده است یعنی بر مبنای اعمال یحیی تعمید دهنده و عیسی با وجود مخالفت این نسل پذیرفته و اعلام شده است که حق است (آیه ۱۶).
h- محلی که خورزین نامیده شده تا دوران نگارش عهدجدید ناشناخته بود و فقط در اینجا و در لو۱۰:۱۳ نامی از آن برده شده است. نام این شهر سه بار در تلمود ذکر شده و اوزبیوس مؤلف تاریخ کلیسائی (۲۶۵-۳۴۰) محل این شهر را در سه کیلومتری کفرناحوم تعیین کرده است. بیت‌صیدا شهری در مصب رودخانه اردن، در شمال دریاچه طبریه در ناحیه جولان است. این شهر در اوایل تاریخ میلادی به وسیله هیرودیس فیلیپس بازسازی شد و به نام جولیا خوانده می شد. در مورد عبارت «وای بر تو» ر.ک ۲۳:۱۳ توضیح j.
i- زیر پلاس و خاکستر بودن نوعی اقرار و اعتراف در ملاء عام است که به وسیله آن خود را گناهکار اعلام می کنند (ر.ک ار۶:۲۶؛ یون۳:۵-۸).

آشکار کرده ای[j]. ۲۶آری! ای پدر، زیرا
خوشنودی تو چنین بوده است[k]. ۲۷همه چیز ۱۸:۲۸؛ یو۳:۳۵؛ ۱۳:۳؛
به وسیله پدرم به من سپرده شده و هیچکس ۱۷:۲؛ فی۲:۹
پسر را نمی شناسد مگر پدر و هیچکس پدر یو۱:۱۸؛ ۱۰:۱۵
را نمی شناسد مگر پسر و کسی که پسر
بخواهد بر او مکشوف گرداند[l].

یوغ مرا بر خود گیرید

۲۸ای همه شما که زحمت می کشید و زیر
بار خم می شوید به سوی من آیید و من به ار۳۱:۲۵
شما آرامش خواهم داد. ۲۹یوغ مرا بر خود
گیرید و از من تعلیم یابید زیرا من قلباً
نرم‌خو و فروتن هستم و شما برای جانهای
خود آرامش خواهید یافت. ۳۰زیرا یوغ[m] ار۶:۱۶
من سهل و بار من سبک است.» ۱-یو۵:۳

چیدن خوشه های گندم
(مرقس ۲:۲۳-۲۸؛ لوقا ۶:۱-۵)

۱۲ ۱درآن وقت عیسی در یک روز
سبت[n] از میان کشتزارها
می گذشت. شاگردان او گرسنه شدند و
شروع به کندن سنبله ها و خوردن آنها تث۲۳:۲۵-۲۶
کردند. ۲فریسیان با دیدن این به او
گفتند: «اینک شاگردان تو کاری می کنند خروج۲۰:۱۰؛ تث۵:۱۴
که در روز سبت مجاز نیست[o].» ۳به ایشان
گفت: «آیا نخوانده اید که داود وقتی
گرسنه بود چه کرد، او و همراهانش؟
۴چگونه در خانه خدا وارد شد و چگونه
نان های تقدیمی را خوردند که خوردن آنها
برای او و همراهانش مجاز نبود بلکه فقط
برای کاهنان[p]. ۵یا در تورات نخوانده اید

j- چنین به نظر می رسد که لحن این عبارت بیش از آن که نظیر کتب حکمت عهدعتیق و یا بنسی۵۱، امث۸، بنسی۲۴ یا حک۶-۸ ارتباط داشته باشد بیشتر مانند کتاب دانیال لحن مکاشفه ای دارد. در حالی که حکما نتوانسته بودند خواب نبوکدنصر را تعبیر کنند (دان۲:۳-۱۳)، راز بر دانیال مکشوف گردید زیرا از خدای آسمان استغاثه کرده بود (۲:۱۸؛ ۱۹:۲۸) و خدا را که به او حکمت عطا کرده بود ستایش نمود (۲:۲۳). در اینجا صحبت از ملکوتی است که خدا برپا کرده است (۲:۴۴). به نظر متی در اینجا منظور از بچه ها شاگردان هستند (مت۱۰:۴۲) که این چیزها (دان۲:۲۹) یعنی راز ملکوت آسمانها (ر.ک مت۱۳:۱۱) به آنان مکشوف شده است.

k- تحت‌اللفظی: در جلو تو خیرخواهی وجود دارد. این اصطلاح صدای پدر آسمانی را به یاد می آورد که به هنگام تعمید عیسی شنیده می شود (۳:۱۷) همچنین نقل قول اش۴۲:۱ را که در مت۱۲:۱۸ آمده است.

l- در ادامه مطالب آیه قبلی در این جا منظور از همه چیز ملکوت و اسرار آن است. باید گفت که این گفتار بیش از آن که با روایات کتب حکمت (بنسی۲۴ و ۵۱) یا کتابهای یونانی تطبیق نماید لحنی مکاشفه ای دارد (دان۲:۲۲، ۲۸-۲۹؛ ۷:۱۰-۲۷). ضمناً این گفتار یکی از سه موردی است که با ۲۱:۳۷؛ ۲۴:۳۶ عیسی به طریق غیر مستقیم بیان می کند که ارتباطی نزدیک و منحصر به فرد با پدرش، خدا دارد (ر.ک مر۱۴:۳۶؛ لو۲:۴۹؛ ۲۴:۴۶؛ یو۲۰:۱۷).

m- تصویر یوغ در نوشته های عهدعتیق از دیرباز شناخته شده بود (ار۲:۲۰؛ ۵:۵؛ هو۱۰:۱۱) و معمولاً در آیین یهود کنایه از شریعت خدا، اعم از کتبی یا شفاهی می باشد (بنسی۶:۲۴-۳۰؛ ۵۱:۲۶-۲۷). این یوغ را همواره طاقت‌فرسا احساس نمی کردند، حتی در آیین یهود سخن از «شادی یوغ» بود (بنسی۵۱:۲۶-۲۷). در اینجا با توجه به همان نظری که در موعظه روی کوه آمده (بابهای۵-۷) که با اعلام خوشبختی ملکوت خدا آغاز می شود، عیسی تفسیر نجات بخش خود را در مقابل قانون‌گرائی یهودیان قرار می دهد زیرا وی در ضمن شریعتی که نو شده شادی ملکوت را به انسانها می دهد.

n- در اینجا بحث دیگری دربارهٔ مقرارت روز سبت مطرح می شود (۱۲:۹-۱۴؛ لو۱۳:۱۰-۱۷؛ ۱۴:۱-۶؛ یو۵:۱-۱۸؛ ۷:۱۹-۲۴). عیسی در این مورد اقتداری را که بر شریعت و مخصوصاً مقررات روز سبت دارد نشان می دهد و اعلام می نماید ریشهٔ این اختیارات در عهدعتیق و مخصوصاً در هو۶:۶ (ر.ک مت۹:۱۳) می باشد؛ معنی آیه ۸ همین است.

o- آنچه فریسیان سرزنش می کنند عمل دزدیدن و ربودن نیست و نه اعتراض آنان به خوردن خوشه های گندم بلکه کار کردن در روز سبت را که ممنوع می باشد سرزنش می نمایند زیرا به نظر کسانی که اجرای دقیق و مو به موی شریعت را می خواستند کندن چند خوشه گندم برابر عمل درو کردن بود (ر.ک خروج۳۴:۲۱).

p- دربارهٔ این واقعه ر.ک ۱-سمو۲۱:۲-۷ و دربارهٔ مقررات مذکور ر.ک لاو۲۴:۵-۹.

که در روز سبت کاهنان در معبد سبت را
بی‌حرمت می‌دارند و مقصر نیستند[q]؟
۱۲:۴۱،۴۲؛ لو۱۱:۳۱،۳۲ [6]باری به شما می‌گویم که در اینجا بزرگتر
هو۶:۶ از معبد هست. [7]اگر می‌دانستید [معنای]
«من رحمت می‌خواهم و نه قربانی[r]»
چیست، کسانی را که مقصر نیستند محکوم
نمی‌کردید. [8]زیرا پسر انسان خداوند سبت
است.»

شفای مردی با دست خشکیده
(مرقس ۳:۱-۶؛ لوقا ۶:۶-۱۱)

[9]و آنجا را ترک کرده به کنیسه ایشان
آمد. [10]و اینک مردی که دستی خشکیده[s]
لو۱۴:۳ داشت و از [عیسی] پرسیده گفتند: «آیا در
روز سبت شفا دادن مجاز است[t]؟» و این
برای متهم کردن او می‌بود. [11]به ایشان
لو۱۴:۵ گفت: «در بین شما کدام انسانی است که
فقط یک گوسفند داشته و روز سبت در
گودالی بیفتد نرود آن را گرفته بلند کند[u]؟
[12]باری چقدر ارزش انسان بیشتر از ۶:۲۶؛ ۱۰:۳۱؛ لو۱۲:۷،۲۴
گوسفند است! بنابراین جایز است در روز
سبت کار نیک کرد.» [13]آنگاه به آن لو۱۳:۱۶؛
انسان گفت: «دستت را دراز کن!» و او آن یو۵:۹؛ ۷:۲۳؛ ۹:۱۴
را دراز کرد و مثل دیگری به حالت اول
برگشته بهبود یافت. [14]وقتی فریسیان ۱:۲۷؛
خارج شدند شورایی علیه او برپا کردند تا مر۱۱:۱۸؛ لو۱۹:۴۷؛ یو۵:۱۶،۱۸
او را از بین ببرند[v].

عیسی خدمتگزار خدا

[15]عیسی چون این را دانست از آنجا مر۳:۷-۱۰؛
کناره گرفت[w] و بسیاری به دنبال او رفتند لو۶:۱۷-۱۹
و همه را شفا داد. [16]و آنان را ملزم نمود ۸:۴؛ ۹:۳۰؛
که او را نشناسانند[x]. [17]تا آنچه اشعیای مر۳:۱۲؛ ۵:۴۳؛ ۷:۳۶
پیامبر گفته بود تحقق یابد وقتی
می‌گوید[y]: اش۴۲:۱-۴
[18]«اینک خدمتگزار من که برگزیده‌ام،
محبوب من که خشنودی جان من است.
روح خود را بر او خواهم گذاشت.

q- در مورد فعالیت مهمتر کاهنانی که وظیفه اجرای مراسم مذهبی روز سبت را دارند، ر.ک لاو۲۴:۸؛ اعد۲۸:۹.
r- ر.ک ۹:۱۳ توضیح c.
s- تحت‌اللفظی: مفلوج، ر.ک ۱-پاد۱۳:۴؛ مر۳:۱ توضیح c.
t- تحت‌اللفظی: پرستاری کرد، فعالیتی که در روز سبت ممنوع است.
u- تحت‌اللفظی: قائم سازد. در زمان عیسی بنابر عقیدهٔ کاهنانی که قوانین را مو به مو و دقیقاً رعایت می‌کردند هرگاه کسی در خطر مرگ باشد نمی‌توان مقررات روز سبت را رعایت نکرد و به کمک او شتافت و هیچ عمل و فعالیت پزشکی مجاز نیست و مخصوصاً حق ندارند چهارپایی را هم نجات دهند. در اینجا عیسی با توجه به کاری که روستائیان عملاً انجام می‌دادند در حالی که به آنان خطاب می‌کند استدلال می‌نماید: برای نجات یک گوسفند تردیدی به دل راه نمی‌دهند که از تعالیم استادان تخطی نمایند و بنابراین چقدر بهتر درک می‌کنند که عیسی با وجود نظریه رسمی کسی را معالجه نموده شفا دهد.
v- منظور تهیهٔ وسایل یا انجام اقداماتی به منظور تباه ساختن او است. شکی نیست که در اینجا اجتماعی پنهانی تشکیل شده که در آن توطئه می‌کنند و مجمعی رسمی نیست.
w- عیسی بر اثر فشار دشمنانش «عقب نشینی می‌کند» (ر.ک۱۴:۱۳ توضیح n). متی از طریق نبوت اشعیا در مورد خدمتگزار خدا، این رفتار عیسی را توجیه می‌کند.
x- تحت‌اللفظی: هویت او را علنی نسازد، هویتی که بسیار فراتر از آن است که اظهار کند عامل این شفاها می‌باشد.
y- این نقل قول که از اش۴۲:۱-۴ است با متن عبری یا ترجمهٔ یونانی هفتادتنان کاملاً تطبیق نمی‌کند، ممکن است متی از متن دیگری استفاده کرده باشد یا از نسخه‌ای که در آن تغییراتی داده بودند و در محیط او متداول بوده است. ضمناً خادم مورد نظر وی هنوز آن خدمتگزار رنجوری نیست که در اش۵۳ از او سخن به میان آمده بلکه می‌توان گفت خدمتگزاری «راز دار» است (آیه ۱۹ با دستور سکوتی که در آیه ۱۶ داده شده تطبیق می‌نماید). از سوی دیگر در اینجا نکته‌ای ذکر شده که به نظر متی نکته‌ای اساسی است یعنی رسالت عیسی برای «امتها» (آیات ۱۸ و ۲۱).

و او حق[z] را به امت‌ها نوید خواهد داد،
۱۹مباحثه نخواهد کرد
و فریاد بر نخواهد آورد
و صدای او را کسی در میدان‌ها نخواهد
شنید.
۲۰نی خرد شده را نخواهد شکست
و فتیله‌ای را که هنوز دود می‌کند
خاموش نخواهد کرد
تا داوری حق را به پیروزی برساند
۲۱و امت‌ها به نام او امید خواهند بست.»

عیسی و بعلزبول (مرقس۳:۲۲-۳۰؛ لوقا۱۱:۱۴-۲۳؛ ۱۲:۱۰)

۲۲آنگاه دیوانه‌ای کور و لال را به
حضورش آوردند و او را شفا داد به طوری
که لال حرف می‌زد و می‌دید[a]. ۲۳و تمام
جماعت حیرت‌زده می‌گفتند: «آیا این
پسر داود[b] نیست؟» ۲۴فریسیان چون
شنیدند گفتند: «این یکی دیوها را بیرون
نمی‌راند مگر به وسیله بعلزبول، رئیس
دیوها[c].»
۲۵او افکار آنان را دانسته به آنان گفت:
«هر مملکتی که بر ضد خود تجزیه شود
ویران است و هر شهر و خانه‌ای[d] که بر
ضد خود تجزیه شود پایدار نخواهد ماند.
۲۶و اگر شیطان را شیطان می‌راند بر ضد
خود تجزیه شده است، پس چگونه مملکت
او پایدار خواهد ماند؟ ۲۷و اگر من به
وسیله بعلزبول دیوها را می‌رانم پسران[e] شما
به وسیله چه کسی آنها را می‌رانند؟ به این
سبب ایشان داور شما خواهند بود[f]. ۲۸ولی
اگر من به وسیله روح خدا دیوها را می‌رانم اع۱۰:۳۸
پس فرمانروائی خدا بهر شما فرا رسیده
است[g]. ۲۹یا چگونه کسی می‌تواند در خانه
آن که توانا است داخل شده و اشیاء او را
برباید اگر قبلاً آن توانا[h] را نبسته باشد؟ و
آنگاه خانه‌اش را تاراج کند. ۳۰کسی که با

z- حق، تحت‌اللفظی: داوری (در یونانی krisis و در عبری mishpat). حق یا دین برحق، دینی که از وحی و بنابراین از داوری و مصداقی که خدا داده سرچشمه می‌گیرد و عبارت از دستوراتی است که خدای عدالت بر مبنای آنها روابط عهد خود را با آدمیان بنا نهاده است (پید۱۸:۲۵؛ تث۴:۶-۸).

a- این مورد نظیر ۹:۳۲ است ولی در اینجا مرد دیوانه نابینا هم هست و می‌توان پرسید آیا برای خلاصه کردن دو معجزه‌ای است که در ۹:۲۷-۳۳ آمده است؟

b- پسر داود. دربارهٔ این اصطلاح ر.ک ۹:۲۷. فعالیت عیسی موجب تفرقه یهودیان می‌شود (ر.ک یو۷:۱۱-۱۳؛ ۱۰:۱۹-۲۱).

c- بعلزبول یا بعلزبوب (مر۳:۲۲)، سلطان شیاطین (۹:۳۴). ریشهٔ این کلمه مورد بحث است. بعلزبوب رب‌النوع عقرون (ر.ک ۲-پاد۱:۲) یا ارباب (بعل) سرگین (کلمه اخیر به معنی پرستش بتهاست)، یا بعل مگس‌ها. به هر صورت عیسی را متهم می‌کنند که قدرتی بر شیاطین ندارد مگر به وسیله رئیس خود آنها و به این سبب در آیات ۲۵-۳۷ به آنها جواب داده است.

d- کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار برده شده هم به معنی خانواده و خاندان است و هم امکان دارد به مفهوم ساختمان باشد (ر.ک ۲-سمو۷:۵-۱۶).

e- پسران یعنی شاگردان فریسیان.

f- شاگردان فریسیان که اعمال بیرون راندن ارواح ناپاک را انجام می‌دادند حق خواهند داشت استادان خود را که دربارهٔ عیسی متعصب بودند محکوم بدانند.

g- در اینجا طرز مباحثه و استدلال وارونه شد و دیگر به صورت رقابت نیست بلکه جنبهٔ مقابله و مخالفت دارد. عیسی با بیرون راندن ارواح ناپاک نشان می‌دهد که دوران تازه‌ای با فرمانروایی خدا آغاز شده است: این امر نهاد تازه‌ای نیست بلکه ظهور ناگهانی عملی می‌باشد که همان عمل عیسی است و به تسلط شیطان پایان می‌بخشد (ر.ک لو۱۰:۱۸).

h- آن توانا. ر.ک اش ۴۹:۲۴-۲۵؛ ۵۳:۱۲.

من نیست بر ضد من است و آن که با من
جمع نمی کند پراکنده می سازد[i]. مر۹:۴۰؛ لو۹:۵۰
۳۱ به این سبب به شما می گویم هر گناه و
هر کفرگوئی بر آدمیان بخشیده خواهد شد
ولی کفرگوئی علیه روح [القدس] بخشیده ۱-تیمو۱:۱۳
نخواهد شد. ۳۲ و آن که سخنی علیه پسر
انسان بگوید بر او بخشیده خواهد شد ولی
کسی که علیه روح القدوس سخن بگوید بر
او بخشیده نخواهد شد، نه در این جهان و
نه در جهان آینده[j].

سخنان و دلها
(متی۷:۱۶-۱۷؛ لوقا۶:۴۴-۴۵)

۳۳ «فرض کنید[k] درخت خوب باشد
میوه اش خوب است، یا فرض کنید درخت
بد باشد میوه اش بد است زیرا درخت را از ۳:۷؛ ۲۳:۳۳؛
میوه[l] می شناسند. ۳۴ ای افعی زادگان! شما لو۳:۷
که بد هستید چگونه می توانید چیزهای
خوب بگویید؟ زیرا زبان از فزونی قلب ۱۵:۱۸؛ مر۷:۲۱
سخن می گوید. ۳۵ آدم خوب از گنجینه
خوب خود چیزهای خوب بیرون می کشد و
آدم بد از گنجینه بد خود چیزهای بد بیرون
می کشد. ۳۶ به شما می گویم هر سخن
بی حاصل[m] که آدمیان بگویند در روز
داوری حسابش را خواهند داد. ۳۷ زیرا از
سخنانت عادل شناخته خواهی شد و از
سخنانت محکوم خواهی گردید.»

نشانه یونس
(متی۱۶:۱-۴؛ مرقس۸:۱۱-۱۲؛ لوقا۱۱:۱۶، ۲۹-۳۲)

۳۸ آنگاه چند تن از کاتبان و فریسیان به
او خطاب کرده گفتند: «استاد! می خواهیم یو۶:۳۰
نشانه ای[n] از تو ببینیم.» ۳۹ او در پاسخ
گفت: «نسل شریر و زناکار که در جستجوی
نشانه ای است!. . . و نشانه ای به او داده
نخواهد شد مگر نشانه یونس پیامبر.
۴۰ زیرا همان گونه که یونس سه شبانه روز یون۲:۱
در شکم ماهی بزرگ بوده است همچنین
پسر انسان سه شبانه روز در قلب زمین

i- پراکنده می سازد. این اصطلاح طرز رفتار شبان را به یاد می آورد (ر.ک۲۶:۳۱؛ یو۱۰:۱۲؛ ۱۱:۵۲؛ ۱۶:۳۲) که بیانگر رفتار خدا نسبت به قوم خود می باشد (اش۴۰:۱۱؛ ۴۹:۱۸؛ حزق۳۴:۱۳،۱۶) همچنین این عبارت را می توان «کسی که با من جمع نمی کند تلف می نماید» ترجمه کرد که در این صورت عمل کشاورزی را به یاد می آورد که محصول را برمی دارد (ر.ک۳:۱۲؛ ۱۳:۳۰؛ ۲۵:۲۴).

j- منظور از این گفتار محکوم ساختن قطعی و بدون تجدید نظر نیست بلکه هشدار می دهد تا محکوم نشوند. ممکن است کسی راز پسر انسان را تشخیص ندهد و آن را نپذیرد ولی اگر عمل بیرون راندن ارواح ناپاک را که عیسی در روح القدس انجام می دهد بد تعبیر نماید عذری نخواهد داشت. قابل توجه است که برای بیان عمل خدا از فعل مجهول و بدون ذکر فاعل استفاده شده است. بالاخره این متن یادآوری می کند که خدا ارباب و صاحب اختیار عفو و بخشایشی است که عطا می نماید.

k- تحت اللفظی: بکنید. گاهی این عبارت را اشتباهاً «درخت را خوب راست گردانید» هم ترجمه می کنند ولی در زبان یونانی طرز بیان «فرض کنید» می باشد.

l- در مورد میوه ر.ک ۷:۱۶ توضیح c.

m- تحت اللفظی: بدون تأثیر (ر.ک ۲۰:۳،۶). ترجمه دیگر: بی اساس یا بیهوده (ر.ک یع۲:۲۰؛ ۲-پطر۱:۸).

n- این درخواست مطابق روایات یهود انجام می شود زیرا برابر روایات مزبور مسیح موعود بایستی نشانه هایی به انجام رساند تا در نظر قوم خود اعتبار یابد (ر.ک ۱-قرن۱:۲۲؛ مت۱۶:۱؛ ۲۴:۳، ۳۰؛ ر.ک یو۲:۱۱)، ولی درخواست فریسیان از روی سوء نیت است و نشانه را با عمل خارق العاده یکی گرفته اند.

یون۳:۵،۸ خواهد بود[o]. ۴۱مردم نینوا به هنگام داوری
با این نسل برخواهند خاست و او را
محکوم خواهند نمود زیرا آنان به ندای
۱۲:۶ یونس توبه کردند، در اینجا برتر از یونس
۲-توا۹:۱-۱۲ است. ۴۲ملکه جنوب به هنگام داوری با
این نسل قیام خواهد کرد و او را محکوم
خواهد نمود زیرا او از اقصای زمین آمده
بود تا حکمت سلیمان[p] را بشنود، در اینجا
برتر از سلیمان است.

هجوم مجدد روح ناپاک
(لوقا۱۱:۲۴-۲۶)

۴۳«چون روح ناپاک از انسان بیرون آمد
در جاهای بیابانی سرگردان است در حالی
که آرامش می‌جوید و آن را نمی‌یابد.
۴۴آنگاه می‌گوید به خانه خود بازخواهم
گشت، از آنجایی که بیرون آمده‌ام و چون
می‌آید آن را خالی، جاروب شده و آراسته
می‌یابد. ۴۵آنگاه می‌رود و هفت روح
شریرتر از خود را با خود برداشته به آن وارد
می‌شوند و در آنجا خانه می‌کنند و واپسین
این انسان بدتر از اول می‌شود. برای این ۲-پطر۲:۲۰
نسل شریر چنین خواهد بود[q].»

خویشاوندان واقعی عیسی
(مرقس۳:۳۱-۳۵؛ لوقا۸:۱۹-۲۱)

۴۶در حالی که هنوز به جماعت سخن ۱۳:۵۵؛
می‌گفت اینک مادرش و برادرانش[r] در مر۶:۳؛
بیرون ایستاده می‌خواستند با او حرف یو۲:۱۲؛
بزنند. ۴۷کسی به او گفت: «اینک مادرت اع۱:۱۴
و برادرانت در بیرون ایستاده می‌خواهند با
تو حرف بزنند[s].» ۴۸او در پاسخ به کسی
که با او حرف می‌زد گفت: «مادر من
کیست و برادرانم کیستند؟» ۴۹و دست
خود را به سوی شاگردانش دراز کرده گفت:
«اینک مادرم و برادرانم[t]. ۵۰زیرا هر کس
اراده پدرم را که در آسمان است انجام
می‌دهد او برادر و خواهر من و مادر من
است.»

o- این نشانه که با نشانهٔ یونس تطبیق می‌کند ممکن است واقعهٔ مرگ عیسی باشد یا رستاخیز عیسی که متی با ذکر سه روز و سه شب از آن یاد می‌کند یا به احتمال قوی‌تر منظور موعظه عیسی است که با موعظهٔ یونس در نینوا مطابقت دارد (ر.ک ۱۲:۴۱= لو۱۱:۳۲).

p- ر.ک ۱-پاد۱۰:۱-۱۰.

q- در این تمثیل کوچک که در این اوضاع ذکر شده (ر.ک لو۱۱:۲۴-۲۶ که تا حدودی متفاوت است) احتمالاً اشاره به زیبایی روحی نیست که به وسیلهٔ مسیح پاک شده و مجدداً در گناه افتاده است. همچنین منظور روح آدمی نیست که به سبب گناه از خدا «بری شده» و بنابر این به نظر شیاطین «زیبا» است بلکه اشاره به آخرین وضعیت این نسل شریر است (آیه ۴۵) که لحظه‌ای به وسیله عیسی «شفا یافته» (آیه ۱۵) ولی بزودی (در روز داوری نهایی؟ یا در هنگام نگارش انجیل؟) به حالتی خواهد افتاد که بدتر از حالت قبل از دخالت او خواهد بود.

r- منظور از برادران در کتاب مقدس ممکن است هم به معنی فرزندانی باشد که از یک مادر هستند و هم به مفهوم بستگان نزدیک بکار برده شود چنان‌که امروزه هم در مشرق‌زمین معمول است (ر.ک پید۱۳:۸؛ ۱۴:۱۶؛ ۲۹:۱۵؛ لاو۱۰:۴؛ ۱-توا ۲۳:۲۲).

s- این آیه در برخی از نسخه‌های خطی وجود ندارد.

t- این واقعه را متی بلافاصله پس از بحث و جدل با فریسیان (۱۲:۲۲-۴۵) ذکر کرده و در برابر آن بحثها این قسمت به عنوان نکته مثبتی به شمار می‌رود؛ زیرا عیسی با شاگردانش خانواده‌ای روحانی تشکیل می‌دهد که منشأ واحدی دارد که همان پدر آسمانی می‌باشد (ر.ک ۷:۲۱).

مثل‌های ملکوت
(مرقس۴:۱؛ لوقا۸:۴)

لو۵:۱-۳ **۱۳** [۱]در آن روز[u] عیسی از خانه بیرون
آمده در کنار دریا نشست. [۲]و
جماعت بسیاری نزد او اجتماع کردند به
طوری که سوار قایقی شده در آن نشست و
جماعت در کرانه ایستاده بودند.

بذر افشان
(مرقس ۴:۲-۹؛ لوقا ۸:۵-۸)

[۳]و با آنان درباره چیزهای زیادی به
مثل ها[v] صحبت کرده می گفت: «اینک بذر
افشان[w] برای بذر افشانی بیرون آمد[x]. [۴]و
چون بذر می افشاند [دانه هایی] در کنار راه
افتادند[y] و پرندگان آمده آنها را خوردند.
[۵]و بعضی دیگر بر سنگلاخ افتادند که در
آنجا خاک زیادی نبود و همان دم رشد
کردند زیرا خاک عمق نداشت. [۶]آفتاب
طلوع کرده سوختند و چون ریشه نداشتند
خشک شدند. [۷]بعضی دیگر بر خارها
افتادند و خارها رشد کرده آنها را خفه
نمودند. [۸]بعضی دیگر بر زمین خوب افتادند
و ثمر دادند، یکی صد، یکی شصت و یکی
۱۱:۱۵؛ ۱۳:۴۳؛ مر۴:۲۳؛ لو۱۴:۳۵؛ مکا۲:۷؛ ۱۳:۹ سی تا[z]. [۹]تا هر که گوش[a] دارد بشنود.»

چرا عیسی به مثل‌ها سخن می‌گوید
(مرقس۴:۱۰-۱۲؛ لوقا۸:۹-۱۰)

[۱۰]و شاگردان پیش آمده به او گفتند:
«چرا به مثل ها با آنان سخن می گویی؟»
[۱۱]او به ایشان پاسخ داده گفت: «زیرا
۱-قرن۴:۱؛ افس۳:۳،۴؛ ۶:۱۹؛ شناختن رازهای ملکوت آسمانها[c] به شما
کول۲:۲؛ ۴:۳ داده می شود[b] ولی به ایشان داده نشده

u- عبارت «در آن روز» ارزش آموزشی و تعلیمی دارد و بیانگر زمان معینی نیست.

v- متی در این باب مثل هایی را که دربارهٔ ملکوت آسمانها است یکجا جمع کرده است. این مثل ها فقط مقایسه ای نیستند که از زندگی روزانه گرفته شده باشند تا آموزشی را روشن کرده تشریح نمایند بلکه روایت هایی هستند که ترکیب جملات و کلمات آنها زندگی خود عیسی را به یاد می آورد و از این نظر می توان آنها را کنایه به شمار آورد. متی این مثل ها را به سه بخش تقسیم می کند که برطبق طرح زیر بنا شده اند: مثل/ سؤال دربارهٔ آن/ توضیح مثل. دو بخش اول به این صورت می باشند: مثل بذرافشان (۱۳:۳-۹، ۱۰-۱۷، ۱۸-۲۳)، مثل تلخه (۱۳:۲۴-۳۰، ۳۶، ۳۷-۴۳)، بخش آخر (۴۴-۵۰) به این سئوال عیسی که آیا همهٔ اینها را فهمیده اید؟ (۵۱) و به نتیجه (۵۲) منتهی می شود. برطبق این طرح، مثل های دیگری (۱۳:۳۱-۳۳) و نتیجه گیری کهنی (۳۴-۳۵) افزوده شده است.

w- موضوع این مثل بیش از آن که آموزشی دربارهٔ تفاوت بین آغاز و پایان باشد (ر.ک ۱۳:۳۱-۳۳) مربوط به بازدهی دانهٔ بذر بر حسب زمین های مختلف است، به این معنی که سه نوع زمین بایر و زمینی خوب با سه نوع بازدهی مختلف نشان داده شده است. عیسی حادثه ای مربوط به آخر زمان را اعلام کرده می گوید دورانهای پایانی آغاز شده و برخورد بذر با زمین (زک ۶:۱۲-۱۳) به وقوع پیوسته است. در این مورد دو تفسیر مهم وجود دارد: یکی این که با وجود شکستهای کنونی به ثمرهٔ نهایی اعتماد داشته باشید، در تفسیر دیگر دعوت می شود زمینی خوب و حاصلخیز باشید و بذری را که افشانده می شود به ثمر برسانید.

x- ممکن است متی در این عبارت تشابهی با آیه ۱ در نظر گرفته است، آنجا که می گوید: عیسی بیرون آمد.

y- در فلسطین در فصل کشت راههای روستایی را مشکل می توان از زمین های مزروعی تشخیص داد بنابراین طبیعی بود قسمتی از بذرها در کناره راه بیفتد و پرندگان که آنها را بر روی راه می دیدند برچینند.

z- سی: به نظر بعضی این رقم بازدهی محصولی استثنایی است و به نظر کسان دیگری بازدهی عالی ولی بی اندازه نیست. ضمناً با توجه به ترتیب نزولی ارقام مذکور می توان نتیجه گرفت که توجهی به افزایش و رشد بذر وجود ندارد. ثمر، تحت اللفظی: میوه.

a- گوشها. ر.ک مر۴:۹ (تث ۲۹:۳؛ مز۱۱۵:۶).

b- فعلی که در این مورد در زبان یونانی به کار رفته فعل کامل نامیده می شود (یعنی نتیجهٔ کنونی عملی را می رساند که در گذشته انجام شده است) [بنابراین به جای این که در فارسی به صورت ماضی نقلی ترجمه شود و بگوییم «به شما داده شده است» ترجمه به صورت مضارع و زمان حاضر می باشد] و نشان می دهد که این عطیه چیزی نیست که به تصرف درآمده باشد بلکه در اینجا ارتباطی که با عطا کننده وجود دارد بیان می گردد.

مر۴:۲۵؛ لو۸:۱۸؛ ۲۶:۱۹ است. [۱۲]زیرا به کسی که دارد خواهند داد
و فراوان خواهد داشت ولی آن که ندارد
حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد[d].
[۱۳]بدین سبب با ایشان با مثل ها سخن
می گویم زیرا با نگاه کردن نگاه نمی کنند
و با شنیدن نمی شنوند و نمی فهمند[e].
[۱۴]و برای ایشان پیامبری اشعیا تحقق
یو۱۲:۴۰؛ اع۲۸:۲۶،۲۷ می یابد وقتی می گوید[f]: «با گوشهای خود
خواهید شنید و نخواهید فهمید و با نگاه
کردن، نگاه خواهید کرد و نخواهید دید.
[۱۵]زیرا قلب این قوم سخت گردیده و
گوششان سنگین شده است. و چشمان
خود را بسته اند مبادا به چشمان خود
ببینند و به گوشهای خود بشنوند و به قلب
خود بفهمند و توبه کنند و من آنان را شفا
لو۱۰:۲۳،۲۴ دهم. [۱۶]اما شما، خوشا به چشمانتان زیرا
نگاه می کنند و گوشهایتان زیرا
می شنوند[g]. [۱۷]زیرا آمین به شما می گویم
بسیاری از پیامبران و عادلان می خواستند
آنچه را شما نگاه می کنید ببینند و
ندیدند و آنچه را شما می شنوید بشنوند و
نشنیدند.»

تفسیر مثل بذرافشان
(مرقس۴:۱۳-۲۰؛ لوقا۸:۱۱-۱۵)

[۱۸]«پس شما بشنوید مثل کسی را که
بذر افشانده است[h]. [۱۹]هر بار که کسی
سخن ملکوت را می شنود و نمی فهمد،
شریر آمده آنچه را در قلبش بذرافشانی
شده است می رباید[i] و او کسی است که در

c- اصطلاح رازهای ملکوت در نوشته های مکاشفه ای یهودیان زمان عیسی اصطلاحی معمول و آشنا بوده و ترتیبات پنهانی خدا را برای زمان آخر تعیین می کرده است. در انجیلها این اصطلاح فقط در اینجا به کار برده شده و منظور از آن یا خود ملکوت می باشد (یعنی شناختن ملکوت به شاگردان عطا شده است)، یا این که منظور راز عیسی به عنوان افتتاح کننده ملکوت است؛ یا بالاخره با توجه به متنی که بلافاصله بعد از این می آید ممکن است اسرار مربوط به خاصیت ملکوت باشد که برابر مثل های این باب در ابتدا پنهان و مورد انکار بوده است.

d- همین عبارت در ۲۹:۲۵ آمده و در آن مورد با شرایط مثل بیشتر تطبیق می نماید. در اینجا منظور از «کسی که دارد» شخصی است که در ایمان به عیسی شناخت ملکوت را دارا می باشد و به او باز هم شناخت کامل تری عطا خواهد شد. در ۲۹:۲۵ «کسی که دارد» خدمتگزار وفاداری است که می تواند نتیجهٔ کار خود را به اربابش تحویل نماید.

e- در مر۴:۱۲ آمده است: تا با نگریستن... ولی متی می گوید: زیرا با نگاه کردن نگاه نمی کنند. چنین به نظر می رسد که این تفاوت در طرز بیان، عبارت انجیل مرقس را ملایم تر کرده و مسئولیت کوردلی را بر عهدهٔ آدمیان و نه بر خدا گذاشته است ولی متی با نقل قول اش۶:۹-۱۰ نشان می دهد که نوشتهٔ او همان مفهوم اساسی نوشتهٔ مرقس را دارد به این معنی که عدم تشخیص سرّ ملکوت در عیسی نابینایی نسبت به این ملکوت را تشدید می کند. ورود به ملکوت یا عدم پذیرش در آن، بسته به این است که آموزشهای مثلی عیسی را پذیرفته یا آن را انکار کنند و در این مورد بی طرفی امکان پذیر نیست.

f- اش۶:۹-۱۰. با وجود تفاوت هایی که ممکن است بین ترجمهٔ مت۱۳:۱۴-۱۵ و اع۲۸:۲۶-۲۷ به نظر برسد بایستی توجه نمود که در هر دو مورد متن نوشتهٔ یونانی اشعیا عیناً نقل شده است.

g- ر.ک لو۱۰:۲۳-۲۴؛ یو۱۰:۲۷؛ ۱پطر۱:۱۰-۱۲.

h- متی واقعه ای را که در مثل به صورت نماد اعلام شده و شاگردان در زندگی خود مجدداً مطرح می کنند، به جای آنکه (همانند مرقس و لوقا) نتیجه اخلاقی بگیرد آن را به صورت تفسیر بیان می کند (۱۳:۱۶-۱۷) که مستلزم بازخوانی مجدد این متن با توجه به علم خداشناسی و اخلاق می باشد.

i- از هر کس می شنود... شریر می آید و می رباید. در این آیه دو فعالیت متوالی توصیف نمی شود بلکه علت فعالیت اولی (یعنی شنیدن و درک نکردن) را به وسیلهٔ فعالیت دوم (دخالت شریر) توضیح می دهد. «کسی است که ... بذرافشانی شده»: این بیان عجیب، از اختلاط در تفسیرشفاهی این مثل در کلیسا قبل از نگارش نهائی آن سرچشمه می گیرد که یا به انسانها با زمینه های مختلف خوب و بدی که سخن را می پذیرند یا به بذر خوب یا بدی که گاهی صد، گاهی شصت و گاهی سی ثمر می دهد تشبیه شده است. ر.ک ۱۳:۲۰،۲۲-۲۳.

کنار راه بذر افشانی شده است[j]. ۲۰او که
بر سنگلاخ بذر افشانی شده کسی است که
سخن را می‌شنود و همان دم آن را با شادی
می‌پذیرد ۲۱ولی در خود ریشه ندارد بلکه
موقتی است و اگر مصیبت یا شکنجه‌ای به
خاطر سخن فرا رسد همان دم دچار لغزش
می‌شود[k]. ۲۲آن که در خارها بذر افشانی
شده کسی است که سخن را می‌شنود و
نگرانی این جهان و فریبِ ثروت، سخن را لو۱۲:۱۶-۲۱؛ ۱-تیمو۶: ۹، ۱۰، ۱۷
خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌شَود[l]. ۲۳آن که بر
زمین خوب بذر افشانی شده کسی است که
سخن را شنیده و می‌فهمد، او ثمر
می‌آورد: یکی صد، یکی شصت، یکی سی
می‌دهد.»

تلخه

۲۴و برای ایشان مثل دیگری آورده
گفت[m]: «ملکوت آسمان‌ها به انسانی
می‌ماند که در مزرعه خود بذر خوب
افشاند. ۲۵ولی به هنگامی که مردم خوابیده
بودند دشمنش آمده بذر تلخه[n] در میان
گندم افشاند و رفت. ۲۶چون گیاه رشد
کرد و میوه آورد آنگاه تلخه نیز پدیدار شد.
۲۷بردگان صاحب‌خانه پیش آمده به او
گفتند: ''خداوندا! مگر بذر خوب در
مزرعه‌ات نیفشانده‌ای؟ پس از کجا تلخه
دارد؟'' ۲۸به آنان گفت: ''دشمن این کار را
کرده است.'' بردگان به او گفتند: ''آیا
می‌خواهی برویم آنها را برچینیم؟'' ۲۹به
ایشان گفت: ''خیر! مبادا در برچیدن تلخه
گندم را هم با آن از ریشه در آورید.
۳۰بگذارید هر دو با هم تا درو رشد کنند و
در وقت درو[o] به دروکنندگان خواهم گفت
اول تلخه را برچینید و برای سوزاندن آنها
را دسته دسته کنید و اما گندم را در انبار
من بگذارید.''»

دانه خردل

(مرقس۴: ۳۰-۳۲؛ لوقا۱۳: ۱۸-۱۹)

۳۱برایشان مثل دیگری آورده گفت[p]:
«ملکوت آسمان‌ها مانند دانه خردلی است ۲۰:۱۷؛ لو۱۷:۶
که انسانی گرفته در مزرعه‌اش می‌کارد.

j- با توجه به شکل فعلی که در زبان یونانی بکار برده شده این عبارت را می‌توان به دو نوع ترجمه کرد: آن که بذر افشانده است یا آن که بذر افشانی شده است. ترجمهٔ اخیر ظاهراً در ادبیات مکاشفه‌ای یهود شناخته شده بود (چهارم عزرا ۸: ۴۱).

k- ر.ک ۲قرن۴:۱۸؛ عبر۱۱:۲۵؛ مت۷:۲۶؛ غلا۱:۶.

l- می‌توان به دو صورت ترجمه کرد: آن شخص بی‌ثمر می‌شود یا سخن خدا بی‌ثمر می‌شود.

m- در این مثل فقط سخن از زمین خوب و حاصلخیز است و زمان را تا موسم برداشت محصول ادامه می‌دهد. شاید به این وسیله در پاسخ به کسانی که نظیر یحیی تعمید دهنده (۱۳:۳۰ و ۱۲:۳ را مقایسه کنید) بی‌صبر بودند اظهار می‌کند که زمان بینابینی وجود دارد و دعوت می‌کند در انتظار داوری و پیروزی خدا صبر داشته باشند.

n- تلخه. کلمه‌ای که در زبان یونانی به کار رفته و تلخه ترجمه شده اسم جمع می‌باشد و منظور علف‌های هرز و مضّر برای کشاورزی نظیر گزنه، بوتهٔ خار، تیغ و غیره است (اش۱۳:۳۴؛ هو۹:۶). احتمال دارد در اینجا منظور علف هرز مخصوصی باشد که نام علمی آن lolium temulentum است. معمولاً علف‌های هرز را خشک کرده به عنوان مواد سوختی می‌سوزاندند.

o- برداشت محصول تصویری است که در کتاب مقدس، نماد داوری در روز آخر می‌باشد (ر.ک مت۳:۱۲ توضیح u؛ ۱۳:۳۹ توضیح u؛ اش۱۷:۵؛ ار۱۳:۲۴؛ مکا۱۴:۱۴-۲۰).

p- نکته مهم در این مثل، تفاوتی است که بین کوچکی در آغاز امر و شکوه در پایان وجود دارد و موضوع رشد و نمو درخت در جزء فرعی گفتار ذکر شده است (۱۳:۳۲). این مثل از حزق۱۷:۲۳ (شاخه‌ای که بریده شده و درخت سرو باشکوهی می‌شود) و از دان۴:۹، ۱۸ (پرندگان آسمان) الهام گرفته است. درسی که از این مثل گرفته می‌شود منظره‌ای از ایمان است: به این معنی که از خلال اوایل ناچیز عیسی که بسیار محقرتر از سایر مصلحان در قوم برگزیده بوده است پایان پرجلال او را دریابند.

[۳۲]این کوچکترین تمام بذرها است[q] ولی
چون رشد کرد در بین سبزی ها بزرگترین
آنها است و درختی می شود به طوری که مز۱۰۴: ۱۲؛ حزق۱۷: ۲۳؛ ۶:۳۱؛ دان۴: ۹،۱۸
پرندگان آسمان می آیند و در شاخه هایش
آشیانه می گیرند[r].»

خمیرمایه
(لوقا۱۳: ۲۰-۲۱)

[۳۳]به ایشان مثل دیگری گفت: «ملکوت
آسمان ها مانند خمیرمایه ای است که زنی ۱-قرن۵: ۶؛ غلا۵: ۹
آن را گرفته در سه پیمانه آرد پنهان می کند
تا اینکه همه آن تخمیر شود[s].»

دلیلی دیگر برای سخن گفتن به مثل ها
(مرقس۴: ۳۳-۳۴)

[۳۴]تمام این ها را عیسی به جماعت با
مثل ها گفت و بدون مثل چیزی به آنان
نمی گفت. [۳۵]تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق
یابد وقتی می گوید: «دهانم را به مثل ها مز۷۸: ۲
باز خواهم کرد، چیزهایی که از بنیاد جهان
پنهان بوده است برملا خواهم کرد[t].»

توضیح مثل تلخه

[۳۶]آنگاه جماعت را ترک کرده به خانه
آمد و شاگردانش به سوی او آمده گفتند:
«مثل تلخه در مزرعه را برایمان روشن ۱۵:۱۵؛ مر۴: ۱۰؛ ۷: ۱۷؛ لو۸: ۹
کن!» [۳۷]وی در پاسخ گفت: «آن که بذر
خوب می افشاند پسر انسان است. [۳۸]مزرعه
جهان است، بذر خوب پسران ملکوت
هستند و تلخه پسران شریر[u] می باشند.
[۳۹]دشمنی که آن را افشانده ابلیس است، یو۸: ۴۴؛ ۱-یو۳: ۱۰
فصل درو پایان جهان و درو کنندگان
فرشتگانند. [۴۰]پس همچنان که تلخه
برچیده شده در آتش سوخته می شود به ۳: ۱۰؛ ۷: ۱۹؛ یو۱۵: ۶
همین گونه در پایان جهان خواهد بود.
[۴۱]پسر انسان فرشتگان خود را خواهد ۲۴: ۳۱؛ مر۱۳: ۲۷
فرستاد و آنها از ملکوت او همه
لغزش دهندگان و بی قانونان[v] را برخواهد دان۳: ۶؛ مت۱۳: ۵۰
چید. [۴۲]و آنان را در کوره آتش خواهند

q- دانهٔ خردل یا گیاه خردل گیاهی است که امکان دارد رشد کرده تا اندازه ای بزرگ شود ولی اینکه گفته شود خردل کوچکترین دانه بین تمام بذرها است مبالغه آمیز می باشد، گرچه اصطلاح «کوچک به مانند دانهٔ خردل» در زبانهای غربی ضرب المثل شده است، همچنین ذکر درختی که پرندگان در آن لانه می گزینند اغراق آمیز است.

r- بر خلاف لو۱۳: ۱۹ متی صریحاً نمی گوید هنگامی که خداوند خواهد آمد پایان روزگار برای همه ملت ها درخشان خواهد بود بلکه این موضوع را به صورت فرض اعلام می نماید. ضمناً انتظارعمومی اسرائیل چنین بوده و در حزق۱۷: ۲۳ و دان۴: ۹، ۱۸ نیز ذکر شده است.

s- (همان ترکیب کلام دستوری در ۲۵: ۱ به کار برده شده است. ر.ک توضیح m). در اینجا به تفاوتی که بین آغاز و پایان در مثل دانهٔ خردل تعلیم داده شده، فروبردن خمیرمایه و تغییر خمیر افزوده می شود. نتیجه ای این مثل بر صبر در مدت زمان مابین گذاشتن خمیرمایه و نتیجهٔ آن تأکید ندارد بلکه نکته مهم تفاوت بین مقدار جزئی خمیرمایه و تودهٔ زیاد خمیری است که تخمیر می شود.

t- برخلاف نخستین دلیلی که برای ذکر مثل ها داده شده (۱۳: ۱۰-۱۵) برابر این توضیح ثانوی روش آموزش به وسیلهٔ مثل برای بیان اسرار الهی ضروری می باشد.

u- یعنی فرزندان ملکوت... فرزندان شیطان که اصطلاحات معمول در زبانهای سامی هستند (ر.ک مت۱۲: ۲۷؛ ۲۳: ۱۵). «مزرعه جهان است» یعنی عیسی نه تنها به یهودیان بلکه به تمام انسانها اشاره می کند.

v- «بی قانونان» یعنی کسانی که ضد شریعت موسی عمل می کنند (ر.ک ۷: ۲۳؛ ۲۳: ۲۸؛ ۲۴: ۱۲؛ روم۴: ۷؛ ۶: ۱۹). اصطلاح «بی قانونی» در مورد طرز فکر حقوقی در رفتار و انجام وظیفه است.

۸:۱۲؛ ۱۳:۴۲، ۵۰؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۴:۵۱؛ ۲۵:۳۰؛ لو۱۳:۲۸ دان۱۲:۳
افکند، در آنجا گریه ها و فشردن دندان ها
خواهد بود. ۴۳آنگاه عادلان در ملکوت
پدرشان چون خورشید خواهند درخشید، هر
که گوشها دارد بشنود.
مت۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹؛ مر۴:۲۳؛ لو۱۴:۳۵؛ مکا۲:۷؛ ۱۳:۹

گنج پنهانی و مروارید

امث۲:۴
۴۴«ملکوت آسمان ها مانند گنجی است
که در مزرعه ای پنهان شده است. انسانی
آن را یافته آن را پنهان می کند و با شادی
می رود و هر آنچه دارد می فروشد و این
مزرعه را می خرد. ۴۵باز ملکوت آسمان ها
مانند فروشنده ای است که مروارید های
زیبا می جوید. ۴۶چون مروارید بسیار
گرانبهایی یافت، رفته هر چه داشته فروخت
و آن را خرید[w].

تور ماهیگیری

۴۷«باز ملکوت آسمان ها مانند تور
ماهیگیری است که به دریا افکنده شده
هرنوع [ماهی] جمع می کند[x]. ۴۸وقتی پر
شد آن را به کرانه بالا می کشند و نشسته در
میان سبدها هر چه خوب است برمی چینند
ولی هر چه بد است دور می افکنند. ۴۹در
پایان جهان چنین خواهد بود[y]. فرشتگان
خواهند رسید و شریران را از میان عادلان
سوا خواهند کرد. ۵۰و آنان را در کوره
دان۳:۶؛ مت۱۳:۴۲
آتش خواهند افکند، در آنجا گریه ها و
فشردن دندان ها خواهد بود.
۸:۱۲؛ ۱۳:۴۲؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۴:۵۱؛ ۲۵:۳۰؛ لو۱۳:۲۸

نتیجه

۵۱«آیا همه اینها را فهمیده اید[z]؟»
ایشان به او گفتند: «آری!» ۵۲به ایشان
گفت: «بدین سبب هر کاتبی که شاگرد
ملکوت آسمان ها شده مانند ارباب خانه ای
است که از گنجینه خود [چیزهای] نو و
کهنه بیرون می کشد[a].»

w- این دو مثل را بدون توجه به اوضاع و شرایط مربوطه به چند طریق می توان تفسیر کرد: ارزش گنج و مروارید، خوشحالی از کشف آن، لزوم فروختن همه چیز، موضوع آنچه پنهان بوده و کشف شده مهمترین نکته است و با شادی بیان می شود ولی در آغاز و پایان این مثل ها دو تهدید وحشتناک ذکر شده (۱۳:۴۲، ۵۰) که با شادی مذکور تناقض دارد و مثل ها را به صورت پند و موعظه ای در آورده که توصیه می کند همه چیز را بفروشند و به این شادی نائل شوند.

x- این مثل (۱۳:۴۷-۴۸) مانند مثل تلخه تأکید می کند که اشخاص شریر و مردمان نیکوکار تا زمان آخر با یکدیگر خواهند بود؛ ولی برعکس در مورد صبر تأکید نشده (شاگردان دخالتی نکرده اند) بلکه تأکید در مورد تهدیدی است که نسبت به امور بی ارزش می باشد.

y- این توضیح که مثل را به صورت تمثیل درمی آورد با همان کلماتی بیان شده که در توضیح مثل تلخه آمده است (۱۳:۴۰-۴۳) و در حالی که فقط سرنوشت اشخاص شریر را یادآوری می کند در مورد جنبهٔ تهدید آمیز این مثل نیز تأکید می نماید به همان گونه که در ۷:۲۴-۲۷ دعوت می شود تعلیمات عیسی را جدّی تلقی نمایند. ضمناً مثل های گنج و مروارید را کامل کرده و توصیه می کند به جای گریه، شادی را انتخاب کنند.

z- در مورد اهمیت کلمهٔ «فهمیدن» در انجیل متی ر.ک ۱۵:۱۰ توضیح n.

a- منظور از این کاتب که آگاه به ملکوت است ممکن است هر شنونده ای باشد که آموزش عیسی را فهمیده است (پذیرفتن این موضوع مستلزم آن است که تصوّر شود متی مخصوصاً به شنوندگان باسوادی خطاب می نماید که نوشته های مقدس را خوانده و بررسی کرده اند)، امکان دارد منظور از کاتب آگاه خود انجیل نگار است (دراین صورت چنین برمی آید که نویسندهٔ نخستین انجیل کاتبی بوده که مسیحی شده است). منظور از گنجینه ممکن است آموزش سنتی کاتبان یهودی باشد که به وسیلهٔ ایمان به مسیح تجدید شده است، یا افکار و نظریات مندرج در عهدعتیق است که کاتب مسیحی آنها را به صورت «تحقق یافته» ارائه کرده یا آموزش عیسی می باشد که در زمان نگارش انجیل کهنه شده و انجیل نگار آنها را به عنوان منبع مطالب کهن و جدید به جامعه خود ارائه و تفهیم می کند.

عیسی رانده از ناصره
(مرقس۶:۱-۶؛ لوقا۴:۱۶-۲۴)

۲۸:۷؛ ۱:۱۱؛ ۱:۱۹؛ ۱:۲۶؛ لو۷:۱ [۵۳]پس چون عیسی این مثل ها را به پایان
رسانید از آنجا نقل مکان کرد [۵۴]و به
موطن[b] خود آمده به ایشان در
کنیسه هایشان آموزش می داد به طوری که
یو۷:۱۵ حیرت کرده می گفتند: «این حکمت و
اعمال مقتدرانه از کجا به او می رسد؟
لو۳:۲۳؛ یو۶:۴۲ [۵۵]آیا او پسر آن نجار نیست؟ آیا مادرش
مریم نامیده نمی شود؟ و برادرانش[c] یعقوب
و یوسف و شمعون و یهودا؟ [۵۶]و آیا
خواهرانش همگی نزد ما نیستند؟ پس همه
۶:۱۱؛ ۲۶:۳۱ اینها از کجا به او می رسد؟» [۵۷]و درباره
او دچار لغزش می شدند[d] ولی عیسی به
ایشان گفت: «به هیچ پیامبری بی احترامی
نمی شود مگر در موطن و خانه خود[e].» [۵۸]و
در آنجا به سبب بی ایمانی[f] ایشان اعمال
مقتدرانه زیادی نکرد.

قتل یحیی تعمید دهنده
(مرقس۶:۱۴-۲۹؛ لوقا۹:۷-۹؛ ۳:۱۹-۲۰)

۱۴ [۱]در آن وقت هیرودیس تیترارک[g]
درباره عیسی شنید. [۲]و به اطرافیان
خود گفت: «این یحیی تعمید دهنده است!
از میان مردگان قیام کرده و برای همین
قدرتها در او عمل می کنند[h].» [۳]درواقع
۱۱:۲؛ هیرودیس به خاطر هیرودیا، زن برادرش
یو۳:۲۴ فیلیپس[i] یحیی را بازداشت کرده او را در
لاو۱۸:۱۶ بند نموده به زندان افکنده بود. [۴]زیرا
یحیی به او می گفت: «برای تو جایز نیست
او را داشته باشی[j].» [۵]و با این که

b- موطن، کلمه ای که در زبان یونانی به کار برده شده به مفهوم مجموعهٔ سرزمینهای پدران است (۲-مک۸:۲۱؛ یو۴:۴۴) یا چنان که در اینجا به کار برده شده موطن اصلی یعنی شهر یا دهکده ای که خانواده در آن اقامت گزیده است. لو۴:۱۶-۲۴ این نکته را در آغاز کتاب خود قرار داده تا آن را به صورت روایتی نمونه در آورد. در مورد نام ناصره ر.ک ۲:۲۳ توضیح a.

c- در مورد کلمه «برادران» ر.ک ۱۲:۴۶ توضیح r.

d- ر.ک ۵:۲۹ توضیح e.

e- چنین به نظر می رسد که عیسی ضرب المثل یا قسمتی از نوشته های مقدس را نقل می نماید (ر.ک لو۴:۲۴؛ یو۴:۴۴) ولی هیچیک از این دو فرضیه اثبات نشده است. اگر این عبارت ضرب المثل باشد چنین نتیجه گرفته می شود که عیسی به اندازه ای انسان عادی است که از قانون روان شناسی که به تجربه ثابت شده یعنی «هیچ کس در موطن خود پیامبر نیست» بر کنار نمی باشد.

f- بی ایمانی فقط قسمتی از قدرت معجزهٔ عیسی را (برخلاف مر۶:۵) با عدم موفقیت مواجه می سازد (ر.ک ۱۴:۲).

g- هیرودیس آنتیپاس پسر هیرودیس کبیر و مالتاکه و برادر آرکلائوس می باشد. وی پس از مرگ پدرش فرمانروایی بر جلیل و پره را به عنوان میراث خود دریافت کرد. ر.ک لو۳:۱، ۲۳:۷. [تیترارک عنوان فرماندهان نواحی متصرفی از سوی روم که به چهار بخش تقسیم شده بود و هر بخش بر عهده یک فرمانده بود (از تترا=۴)].

h- تحت اللفظی: معجزه ها در او عمل می کنند. متی با ذکر مرگ یحیی (۴:۳-۱۲) و سخنی دربارهٔ عیسی که ممکن است او یحیی باشد که از مرگ برخاسته (۱۴:۲) شاید می خواهد آغاز قسمت دوم انجیل را که مربوط به مرگ و رستاخیر عیسی است اعلام نماید (۱۴:۱-۲۸:۲۰) ولی در حقیقت قسمت دوم انجیل از ۱۶:۲۱ آغاز می گردد.

i- هیرودیا، دختر آریستوبول و برنیکی و زوجهٔ هیرودیس فیلیپس بوده است (این شخص را نباید با هیرودیس تیترارک که از سوی رومیان حکمران بود اشتباه گرفت). هیرودیا بعداً به طریق غیرشرعی به ازدواج هیرودیس آنتیپاس در آمد. دخترش، سالومه با هیرودیس فیلیپس حکمران رومی ازدواج کرد.

j- قوانین یهود ازدواج بین بستگان نزدیک را منع می کرد (لاو۲۰:۲۱). هیرودیس آنتیپاس برای ازدواج با دختر برادرش، همسر قبلی خود را که دختر حارث پادشاه نبطیه بود طلاق داده بود.

۱۱:۹؛ ۲۱:۲۶؛ لو۱:۷۶؛ ۷:۲۶ می‌خواست او را بکشد از جمعیت
می‌ترسید، چون او را پیامبر می‌دانستند[k].
۶ چون سالروز تولد هیرودیس شد، دختر
هیرودیا در میان رقصید و هیرودیس را
خوش آمد. ۷ لذا با سوگند متعهد شد آنچه
را بخواهد به او بدهد. ۸ و او تحت تأثیر
مادرش گفت: «در اینجا سر یحیی تعمید
دهنده را بر روی یک سینی به من بده.»
۹ پادشاه[l] هر چند غمگین شد به علت
سوگندهایش و میهمانان دستور داد آن را
به او بدهند. ۱۰ و فرستاد تا سر یحیی را در
زندان بِبُرَند. ۱۱ سرش بر روی سینی آورده
و به دختر جوان دادند که برای مادرش بُرد.
۱۲ و شاگردانش پیش آمده جسد را برداشته
دفن کردند و سپس آمده به عیسی خبر
دادند[m].

عیسی پنج هزار مرد را خوراک می‌دهد
(مرقس۶:۳۰-۴۴؛ لوقا۹:۱۰-۱۷؛ یوحنا۶:۱-۱۵)

۱۳ عیسی این را شنیده[n] از آنجا با قایق،
جدا به سوی صحرا کناره گرفت و جماعت
که آن را شنیده بودند از شهرهای مختلف
پیاده به دنبالش آمدند[o]. ۱۴ و چون بیرون ۹:۳۶؛ ۱۵:۳۲
آمد[p] جمعیت بسیاری را دید و بر آنان
ترحم نمود و دردمندانشان را شفا داد[q].
۱۵ چون شب فرا رسید[r] شاگردان نزد او
آمده گفتند: «اینجا صحرا است و هم اکنون
وقت گذشته است، پس جماعت را روانه ۱۵:۳۲؛ مر۸:۳
کن تا به روستاها رفته برای خود خوراکی
بخرند.» ۱۶ عیسی به ایشان گفت:
«احتیاجی به رفتن ندارند، خودتان چیزی
به ایشان بدهید تا بخورند.» ۱۷ به او
گفتند: «در اینجا غیر از پنج نان و دو ماهی ۱۵:۳۴؛ مر۸:۵
چیزی نداریم.» ۱۸ گفت: «آنها را اینجا
نزد من بیاورید.» ۱۹ و پس از آن که به
جماعت دستور داد بر روی سبزه‌زار دراز
بکشند[s]، پنج نان و دو ماهی را گرفته به ۱۵:۳۵-۳۹؛ مر۸:۶-۱۰

k- ر.ک مر۶:۱۵. در مورد واهمه‌ای که رؤسا از قوم دارند ر.ک مت۲۱:۲۶، ۴۶.
l- در حقیقت هیرودیس فقط تیترارک بود نه پادشاه (۱:۱۴).
m- کلماتی که در پایان این قسمت آمده مختص روایت متی می‌باشد و برای ارتباط آن با روایت بعدی است (ر.ک۱۳:۱۴).
n- همان گونه که عیسی پس از شنیدن اینکه یحیی تعمید دهنده را به زندان افکنده‌اند (مت۴:۱۲) از آن محل دور شد، وقتی از مرگ پیشگام که پیش بینی مرگ خودش بود اطلاع یافت دور شده به جایی دیگر رفت: زیرا هنوز زمان فرا نرسیده بود تا با فجایع، شکنجه‌ها و مرگ خود روبرو شود (ر.ک مت۱۵:۲۱؛ ۱۶:۴؛ یو۸:۵۹؛ ۱۱:۵۴).
o- یعنی در کنارهٔ دریاچه پیش می‌رفتند و قایقی را که عیسی بر آن سوار شده بود با نگاه تعقیب می‌کردند.
p- تحت‌اللفظی: از آنجا خارج شده. «ترحم نمود»، ر.ک ۹:۳۶؛ ۱۵:۳۰-۳۲.
q- بنابر آنچه متی نوشته عیسی مطالب زیادی تعلیم نمی‌دهد (مر۶:۳۴) و از ملکوت هم سخنی نمی‌گوید (لو۹:۱۱) ولی در انجیل متی خیلی روشن‌تر از انجیل لوقا و مخصوصاً انجیل مرقس ذکر شده است (مر۸:۳۴= لو۹:۲۳؛ مر۱۰:۱) که عیسی از این تاریخ به بعد منحصراً به آموزش کسانی می‌پردازد که به دنبال او می‌آیند (۱۴:۱۳-۲۰:۱۶).
r- ر.ک مر۶:۳۵ توضیح r.
s- ر.ک مر۱۴:۲۲؛ یو۶:۲۳؛ اع۲۷:۳۵. «به سوی آسمان نگریسته»، ر.ک ۱۱:۴۱. «دعای برکت خواند»، ر.ک ۶:۲۶؛ مر۸:۷؛ «پاره کرد» یا «تقسیم کرد»، ر.ک اع۲:۲۴.

سوی آسمان نگریست و دعای برکت
خواند، نانها را پاره کرده آنها را به
شاگردان داد و شاگردان به جماعت[t]. [۲۰]و
۲-پاد۴:۴۳،۴۴ همه خوردند و سیر شدند[u] و پاره های
مانده[v] را که دوازده سبد[w] پُر می شد
برداشتند. [۲۱]آنان که خوردند در حدود پنج
هزار نفر، بدون زنان و کودکان بودند.

عیسی بر روی دریا راه می رود
(مرقس۶:۴۵-۵۲؛ یوحنا۶:۱۶-۲۱)

[۲۲]و همان دم شاگردانش را ملزم کرد[x]
سوار قایق شده و در مدتی که او جماعت را
روانه می کند به سوی کرانهٔ دیگر بروند.
[۲۳]و چون جماعت را روانه کرد برای نیایش
به تنهایی به کوه بالا رفت. شب رسیده وی لو۶:۱۲؛ ۹:۲۸
در آنجا تنها می بود. [۲۴]قایق، در این موقع
چندین اِستاد[y] از خشکی دور شده تماماً
درگیر امَواج بود زیرا باد مخالف می بود.
[۲۵]در پاس چهارم شب[z] بر روی دریا راه
رفته نزد ایشان آمد. [۲۶]شاگردان چون او را
دیدند که بر دریا پیش می آید ترسان شده
می گفتند: «شبحی است» و از ترس فریاد لو۲۴:۳۷
برآوردند. [۲۷]ولی همان دم [عیسی] به سخن
درآمده به ایشان گفت: «شجاعت! من
هستم، مترسید.» [۲۸]پطرس[a] در پاسخ به او
گفت: «خداوندا! اگر تو هستی دستور بده
که بر آبها نزد تو بیایم.» [۲۹]گفت: «بیا!»
و پطرس از قایق پایین آمده، بر آبها راه یو۲۱:۷

t- متی روایت خود را به صورت ترتیب شام آخر (۲۶:۲۶) در آورده و در این امر خیلی بیشتر از لوقا و مخصوصاً مرقس عمل کرده است. در ذیل، عبارات و کلمات این روایت (باب ۱۴) با ترتیب شام آخر در باب ۲۶ مقایسه می شود:

مت ۱۴	مت ۲۶
او پنج نان را گرفت	عیسی نان را گرفت
و ... و ...	و ...
دعای برکت خواند،	دعای برکت خوانده
سپس	آن را پاره کرد،
نانها را پاره کرده	سپس
آنها را به شاگردان داد	آن را به شاگردان داده

به علاوه متی بیشتر توجه را تنها به نانها معطوف ساخته است که پاره شده، توزیع گردیده و جمع آوری شده اند.

u- شاید دو کلمه «خوردن» و «سیر شدن» (خروج۱۶:۱۲) اشاره به خوراکی باشد (ر.ک مز۷۸:۲۹؛ یو۶) که در صحرا به قوم بنی اسرائیل داده شده بود (خروج۱۶:۴؛ ر.ک۱۶:۱۳).

v- این مطلب در معجزهٔ الیشع ذکر شده (۲-پاد۴:۴۲-۴۴) و در آنجا خادم پیامبر نقشی نظیر نقش شاگردان عیسی برعهده دارد.

w- شاید این رقم اشاره به تعداد شاگردانی است که عیسی برگزیده و به آنان می آموزد تا به تودهٔ مردم گرسنه نان بدهند (ر.ک۱۰:۱-۲،۵؛ ۱۱:۱؛ ۱۹:۲۸؛ ۲۰:۱۷؛ ۲۶:۲۰). در مورد سبدها ر.ک مر۶:۴۳ توضیح y.

x- این نکته مایه تعجب است به این معنی که به نظر می رسد عیسی می خواهد به شور و شوق شاگردان که در یو۶:۱۵ یادآوری شده خاتمه دهد.

y- استاد واحد طول رومی و برابر ۱۸۵ متر بوده است. در بعضی نسخه ها آمده است: قایق در وسط دریا بود. لازم به یادآوری اَست عرض دریاچه ۱۲ کیلومتر می باشد. «از خشکی»، تحت اللفظی: «از زمین». «درگیر امواج بود»، تحت اللفظی: «از امواج در عذاب بود.»

z- یعنی چهارمین و آخرین قسمت شب.

a- در انجیل متی سه واقعه ذکر شده است که اختصاصاً مربوط به پطرس می باشد: یکی این واقعه است، دیگری مت۱۶:۱۳-۲۰ (که در بخش بیان ایمان پطرس در قیصریه منظور شده) و بالاخره مت۱۷:۲۴-۲۷ (موضوع پرداخت عشریه ای که یهودیان به معبد می پرداختند). از این پس تودهٔ مردمان مورد توجه نبوده و توجه معطوف به شاگردان می باشد (ر.ک مت۱۴:۱۴ توضیح q) و در میان آنان پطرس مورد توجه است که هم به سبب شک و تردیدش و هم از نظر ایمان، نمونهٔ شاگردان می باشد.

رفته نزد عیسی آمد. ۳۰ ولی با دیدن باد[b]
ترسید و چون شروع به فرو رفتن می کرد
فریاد کشید: «خداوندا! مرا نجاتم ده.»
۳۱ همان دم عیسی دست را دراز کرده او را
گرفت و به او گفت: «ای کم ایمان! چرا
۲۶:۸ شک کردی؟» ۳۲ و چون سوار قایق شدند
مر۴:۳۹ باد فرو نشست. ۳۳ کسانی که در قایق
می بودند در برابر او سجده کرده گفتند:
۱۶:۱۶؛ ۲۶:۶۳؛ ۲۷:۵۴؛ مر۱۴:۶۱؛ ۱۵:۳۹؛ لو۲۲:۷۰؛ یو۱:۴۹ «به راستی تو پسر خدایی[c]!»

شفا در جنیسارت
(مرقس۶:۵۳-۵۶)

۳۴ و پس از عبور از دریا در جنیسارت[d]
به خشکی درآمدند. ۳۵ و اهالی آن محل با
شناختن او فرستاده تمام آن مرز و بوم را
خبردار کردند و تمام کسانی را که بدحال
بودند نزد وی آوردند. ۳۶ و از او درخواست
می کردند فقط بگذارد حاشیه ردایش[e] را
لمس کنند و همه کسانی که آن را لمس
کردند کاملاً نجات یافتند[f].

مجادله درباره سنت
(مرقس۷:۱-۱۳)

۱۵ ۱ آن گاه فریسیان و کاتبانی[g] از
اورشلیم نزد عیسی آمده گفتند:
۲ «چرا شاگردان تو از سنت مشایخ[h] تخلف
می کنند، زیرا وقتی غذا می خورند دستهای
خود را نمی شویند[i].» ۳ در پاسخ به ایشان لو۱۱:۳۸
گفت: «و شما چرا به خاطر سنت خودتان
از حکم خدا تخلف می کنید؟ ۴ زیرا خدا
گفته است: ''به پدر و مادرت احترام ۱۹:۱۹؛ مر۱۰:۱۹؛ لو۱۸:۲۰؛ افس۶:۲
بگذار'' و ''آن کس که از پدر یا مادر

b- در نسخهٔ دیگری آمده است: باد شدیدی دید. «دیدن»، تحت اللفظی: «نگریستن».

c- این اظهارات که لحن کلمات آیین نیایش دارند (نظیر فریاد پطرس در ۱۴:۳۰) در انجیل مرقس و انجیل یوحنا ذکر نشده است. احتمالاً بایستی آن را به واقعهٔ نجات پطرس از دریا مربوط دانست: به این معنی که چون عیسی پسر خداست کسانی را که در قایق هستند و به نظر متی نماد کلیسا می باشند (ر.ک مت۸:۲۳-۲۷) از ورطه مرگ و هاویه بیرون می کشد (ر.ک مز۱۸:۱۷؛ ۳۲:۶؛ ۱۴۴:۷؛ اش۴۳:۲).

d- همچنین می توان ترجمه کرد: به سوی جنیسارت. این محل در ساحل راست دریاچه، بین مجدل و کفرناحوم قرار دارد (مر۶:۵۳؛ لو۵:۱).

e- در مورد حاشیه ردا، ر.ک ۹:۲۰ توضیح k.

f- در انجیلها اکثراً برای مفاهیم نجات و شفا یافتن یک کلمه به کار برده شده است (ر.ک ۹:۲۲).

g- «فریسیان و کاتبان.» متی اکثراً این دو گروه از یهودیان را در مخالفت با عیسی شریک قلمداد می کند (۵:۲۰؛ ۱۲:۳۸؛ ۲۳:۲-۷)، همچنین کاتبان را با سران قوم یا کاهنان بزرگ شریک می داند (۱۶:۲۱؛۲۱:۱۵). وانگهی اغلب کاتبان، مخصوصاً پس از ویرانی معبد، مقارن زمانی که نسخه نهائی انجیل متی نگارش می یافت جزو فرقه فریسیان بودند. البته متی همواره از کاتبان انتقاد نکرده است (۸:۱۹؛ ۱۳:۵۲؛ ۲۳:۲، ۳۴).

h- «سنت مشایخ»، مجموعه تفسیرها درباره تورات که در مدارس ربی ها به طور شفاهی تدریس می شد و بعدها در رساله میشنا و سپس در تلمود ثبت گردید. این مطالب در مر۷:۸ «سنت انسانها» نامیده شده یا در مر۷:۹،۱۳ و مت۱۵:۳،۶ سنت شما خوانده شده و یوسفوس «سنت پدران» نامیده است.

i- شستن دست ها قبل و بعد از صرف غذا احتمالاً جزو مقررات آئین مذهبی کهن اسرائیل بوده است (خروج۳۰:۱۸-۲۱؛ تث۲۱:۶). اجرای این دستور بدواً به کاهنان معبد اختصاص داشت. بعدها در دوران عیسی، بر اثر نفوذ عقاید پرهیزکارانه فریسیان به کلیه ایمانداران تعمیم یافت. افراد فرقه قمران به جای این عمل تمام بدن خود را در حوض هایی می شستند که آثار آنها کشف شده است. نظر به اینکه مرقس (۷:۳-۴) مطالب خود را به کسانی خطاب می کند که کمتر با این رسوم آشنایی دارند لازم دیده آنها را برای شنوندگان خود تشریح نماید.

بدگویی می کند گرفتار مرگ شود[j]. ''[۵]اما
شما می گویید: ''هر کسی به پدر یا مادرش
بگوید: هر بهره ای که می توانستی از من
ببری همان قربانی[k] است.'' [۶]او موظف به
احترام پدر یا مادرش[l] نخواهد بود و شما
سخن خدا را به خاطر سنت خود باطل
کرده اید. [۷]ای ریاکاران[m]! اشعیا چه خوب
در مورد شما پیامبری کرده است وقتی
می گوید:
[۸]این قوم مرا به زبان احترام می کند اش۱۳:۲۹ (یونانی)
ولی قلبشان از من بسیار دور است.
[۹]بیهوده مرا عبادت می کنند
زیرا آموزشهایی که می دهند احکام
انسانها است.»

پاکی وناپاکی
(مرقس۷:۱۴-۲۳)

[۱۰]و جماعت را به سوی خود خوانده به
ایشان گفت: «گوش کنید و بفهمید[n].
[۱۱]نه آنچه به دهان وارد می شود انسان را
آلوده می کند[o] بلکه آنچه از دهان برمی آید ۳۴:۱۲
این است که انسان را آلوده می سازد.»
[۱۲]آنگاه شاگردان پیش آمده به او گفتند:
«آیا می دانی که با شنیدن این سخن
فریسیان دچار لغزش می شوند[p]؟» [۱۳]در
پاسخ گفت: «هر کاشتنی که پدر آسمانی یو۱۵:۲
من نکاشته است[q] ریشه کن خواهد شد.
[۱۴]ایشان را واگذارید. اینان کورانی ۲۳:۱۶،۲۴؛
راهنمای کورانند. و البته اگر کوری لو۶:۳۹؛ روم۲:۱۹
راهنمای کوری باشد هر دو در گودالی

j- نقل قول ها از خروج۲۰:۱۲؛ تث۵:۱۶ و خروج۲۱:۱۷ (ر.ک لاو۲۰:۹) می باشد.

k- قربانی، هدیه ای که به خدا (حزق۲۰:۲۸) و بعدها به خزانه معبد پرداخت می شده است (مت۲۷:۶). به این طریق که جنبه شرعی و حقوقی دارد یهودیان پولی را که بایستی برای امرار معاش والدین پیر یا فقیر خود مصرف نمایند به خدا تخصیص می دادند ولی با توجه به اینکه حس وابستگی خانوادگی در بین یهودیان خیلی شدید است اجرای این مقررات از دوران پیش از آمدن عیسی موجب انتقادهای شدید شده بود.

l- در بعضی نسخه ها «یا مادرش» حذف شده است.

m- در مورد ریاکاران ر.ک ۶:۲ توضیح v.

n- فعل فهمیدن در انجیل متی اهمیت خاصی دارد. در حضور عیسی، در برابر اسرار ملکوت و به سؤالات روشن و قاطعی که نظیر این مورد مطرح می شود بایستی گوش فرا داد و آنها را دریافت (۱۳:۱۳،۱۴،۵۱؛ ۱۶:۱۲). این فهمیدن بر اثر توجهی به دست می آید که نسبت به آموزش عیسی مبذول می گردد و تعهد به تبعیت از آموزشهای جدیدی است که در اینجا موضوع آن درباره پاکی است.

o- آلوده می کند یعنی ناپاک می سازد. از تعلیم درباره وضو و شست و شو (آیات۱-۹) به بررسی مسئله کلی تر طاهر و نجس پرداخته می شود. این موضوع که در زمان عیسی در بین یهودیان فلسطین نقش مهمی داشته است (ر.ک لاو۱۱-۱۶) فقط در اینجا و در مر۷:۱۴-۲۳ ذکر شده است. آیات ۱۲-۱۴ که مختص انجیل متی است احتمالاً در ابتدا مربوط به این روایت نبوده و انعکاس آنها را در لو۶:۳۹ می توان یافت. عیسی در مقابل یهودیان که به ملاحظات شرعی سعی می کردند آدمی را از نجاساتی که از بیرون می آید حفظ کنند نظریه تازه ای عرضه می کند: بدی در خود انسان است و آن چیزی که او را نجس می سازد، همان است که بر ضد برادر خود می گوید (آیه ۱۸) یا انجام می دهد (آیه ۱۹)، بنابراین پاکی شخص در ارتباط با دیگران آشکار می شود (ر.ک اع۱:۹-۱۶،۲۸؛ روم۱۴:۱۴،۲۰؛ افس۴:۲۹؛ یع۳:۶؛ لو۸:۴۴ توضیح n).

p- دچار لغزش شدند. ر.ک ۵:۲۹ توضیح e.

q- این موضوع که خدا درخت می کارد در عهد عتیق با تصاویر درخت مو شرح داده شده است (اش۵:۱-۷؛ حزق۱۹:۱۰-۱۴؛ هو۱۰:۱) همچنین ذکر شده که خدا برای شکوه خود درخت می کارد (اش۶۰:۲۰-۲۲؛ ۶۱:۱-۳). این نکته نقش مهمی در عقاید فرقه قمران داشته چنانکه در مقررات آن فرقه ذکر شده بود: هنگامی که این چیزها در اسرائیل روی دهد شورای جمعیت به عنوان درختان جاویدان در راستی استوار خواهد شد.

خواهند افتاد.» ۱۵ پطرس شروع به سخن
کرده به او گفت: «این مثل[r] را برای ما ۳۶:۱۳؛ مر۴:۱۰؛ لو۸:۹
توضیح بده.» ۱۶ او گفت: «آیا هنوز شما
نیز بی‌ادراک هستید؟ ۱۷ آیا درک
نمی‌کنید هر چه به دهان وارد می‌شود از
شکم گذشته به مبرز افکنده می‌شود؟
۱۸ ولی آنچه از دهان خارج می‌شود از قلب ۳۴:۱۲
برمی‌آید و این است که انسان را آلوده
می‌کند. ۱۹ زیرا استدلال‌های شریر، ۱-قرن۵:۱۰، ۱۱؛ ۶:۹-۱۰؛
قتل‌ها، زناها، روسپی‌گریها، دزدیها، افس۵:۳-۵؛ کول۳:۵، ۸؛
شهادتهای دروغ، کفرگوییها[s] از قلب بیرون ۱-تیمو۱:۹، ۱۰؛ ۲-تیمو۳:۲-۴؛
می‌آید. ۲۰ این است که انسان را آلوده مکا۲۱:۸؛ ۱۵:۲۲
می‌کند، ولی غذا خوردن با دستهایی
ناشسته انسان را آلوده نمی‌کند.»

ایمان زن کنعانی
(مرقس۷:۲۴-۳۰)

۲۱ و عیسی از آنجا بیرون شده به ناحیهٔ
صور و صیدون[t] رفت. ۲۲ و اینک زنی
کنعانی[u] از این قلمرو بیرون آمده فریاد
می‌زد: «خداوندا! ای پسر داوود! بر من رحم ۹:۲۷؛ ۲۰:۳۰-۳۱؛
کن، دخترم از دیوی به سختی رنج می‌برد.» مر۱۰:۴۷، ۴۸؛
۲۳ به او یک کلمه جواب نداد و شاگردانش لو۱۸:۳۸-۳۹
پیش آمده از او تقاضا کرده می‌گفتند: «او
را روانه کن[v]! زیرا پشت سر ما فریاد
می‌زند.» ۲۴ در پاسخ گفت: «من جز برای
گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل فرستاده
نشده‌ام[w].» ۲۵ اما او آمده در برابرش
سجده کرده می‌گفت: «خداوندا! به من
کمک کن.» ۲۶ در پاسخ گفت: «خوب
نیست که نان فرزندان را گرفته جلوی
توله سگان انداخت.» ۲۷ او گفت: «آری[x]
ای خداوند! اما البته توله سگان خرده لو۱۶:۲۱
نانهایی را که از سفرهٔ خداوندشان می‌افتد
می‌خورند.» ۲۸ آنگاه عیسی به سخن
درآمده گفت: «ای زن! ایمان تو عظیم ۸:۱۰
است! آنچه می‌خواهی برای تو انجام شود!» ۸:۱۳؛ ۹:۲۹
و دخترش از آن ساعت شفا یافت.

r- ر.ک مر۷:۱۷ توضیح a.

s- این گونه «فهرست رذالت‌ها» یا «فضایل» در آموزشهای فلسفی معمول آن دوران و در بین یهودیان رواج داشت و در عهد جدید از این فهرست‌ها فراوان آمده است (مثلاً روم۱:۲۹-۳۰؛ غلا۵:۱۹-۲۳؛ ۱-پطر۴:۳). البته بایستی توجه داشت کلیه این امور خلاف، به عنوان فسادی که آثار آنها متوجه شخص باشد در نظر گرفته نشده‌اند بلکه به عنوان بدی بر ضد دیگران.

t- عبارت «صور و صیدون» که در اینجا و در ۲۱:۱۱ به کار برده شده از نظر علم خداشناسی نیز ارزشمند می‌باشد زیرا به مفهوم ملت‌های مشرک است و در بعضی اوضاع و احوال که در روایت ذکر شده از رسالت عیسی بهره‌مند خواهند شد.

u- کنعانیان. فینیقیان خود را به نام کنعانی می‌خواندند. اصولاً در طول تاریخ مناطق مختلفی که کاملاً مشخص نمی‌باشند به نام کنعان خوانده شده‌اند مثلاً: سرزمین موعودی که اسرائیلیان کهن اشغال کردند یا قبایل بومی که پیش از ورود اسرائیل در این سرزمین به سر می‌بردند و بالاخره سرزمین فینیقیه که در دوران عیسی کنعان نامیده می‌شد. به هرصورت از محتوای این متن بر می‌آید که این زن مشرک بوده ولی این موضوع مانع از آن نبوده که سخنانی درباره عیسی شنیده باشد.

v- این جمله را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «درباره‌اش لطف کن» که البته چندان ترجمه خوبی نیست.

w- پاسخ عیسی در این مورد انعکاس دستوری است که در ۱۰:۶ داده شده است، عیسی با مقاومت اولیه خود در برابر تقاضای این زن می‌خواهد ایمان اورا عمیق‌تر سازد یا اینکه واقعاً خود را فرستاده‌ای می‌داند که در درجه اول به قوم اسرائیل خدمت نماید و هنگامی که در پایان امر درخواست زن مشرک را استثنائاً اجابت می‌کند به این وسیله اعلام می‌نماید که مشرکان هم پس از مرگ و رستاخیز او دسترسی به نجات خواهند داشت. تعداد زیادی از متون انجیل متی تفسیر اخیر را تأیید می‌کنند (مثلاً ۸:۵-۱۳؛ ۲۱:۳۳-۴۴؛ ۲۸:۱۶-۲۰). منظور از اصطلاح گوسفند گمشده خاندان اسرائیل ممکن است تمامی قوم اسرائیل (ر.ک ۱۰:۵-۶) یا گناهکاران قوم اسرائیل باشد (ر.ک ۱۸:۱۲-۱۴).

x- این کلمه را می‌توان «خواهش می‌کنم» ترجمه کرد (ر.ک فی۳:۴؛ فیل۲۰). در این صورت آن زن تقدم قوم اسرائیل را در دسترسی و رستگاری نپذیرفته و مجدداً تقاضای خود را تکرار می‌کند و بنابراین مفهوم روایت به کلی تغییر می‌نماید.

شفا یافتن در کنار دریاچه
(مرقس۷:۳۱)

[۲۹]و عیسی آنجا را ترک کرده به کرانه
دریای جلیل آمد و به کوه بالا رفته در آنجا مت۵:۱
نشست. [۳۰]و جماعت بسیاری به سویش
آمده و لنگان، علیلان، کوران، لالان و
بسیاری دیگر را با خود داشتند و آنان را به
پاهای او انداختند و آنان را شفا داد.
[۳۱]بطوری که جماعت شگفت زده می بودند مر۷:۳۷
چون می دیدند لالان حرف می زنند، علیلان
بهبود می یابند، لنگان راه می روند و کوران
می بینند[y] و خدای اسرائیل را تجلیل
کردند.

عیسی به چهار هزار مرد غذا می‌دهد
(مرقس۸:۱-۱۰؛ متی۱۴:۱۳-۲۱)

[۳۲]عیسی شاگردانش را نزد خود
فراخوانده گفت: «برای این جماعت به ۹:۳۶؛ ۱۴:۱۴ مر۶:۳۴
رحم آمده ام زیرا اکنون سه روز است که نزد ۱۴:۱۵؛ مر۶:۳۶؛
من مانده اند و چیزی برای خوردن ندارند و لو۹:۱۲
نمی خواهم آنان را روزه دار روانه کنم مبادا مر۶:۳۷؛ یو۶:۵
در راه ضعف کنند[z].» [۳۳]و شاگردان به او
می گویند: «چگونه می توانیم در صحرا نان
کافی داشته باشیم تا چنین جمعیتی را سیر
۱۴:۱۷،۱۹،۲۰؛ مر۶:۳۸-۴۳؛ لو۹:۱۳-۱۷؛ یو۶:۹-۱۳ کنیم؟» [۳۴]و عیسی به ایشان گفت: «چند
تا نان دارید؟» گفتند: «هفت و چند ماهی
کوچک.» [۳۵]و پس از آن که به جمعیت
دستور داد بر روی زمین دراز بکشند،
[۳۶]هفت نان و ماهی ها را گرفت و
شکرگزاری کرده آنها را پاره کرد و به
شاگردانش می داد و شاگردان به جماعت.
[۳۷]و همگی خوردند و سیر شدند و
پاره هائی که مانده بود جمع کردند: هفت[a]
سبد پُر! [۳۸] باری آنان که خوردند، بدون
۱۴:۲۱؛ مر۶:۴۴ حساب زنان و کودکان، چهار هزار مرد
بودند. [۳۹]و پس از روانه کردن جماعت
سوار قایق شده به قلمرو مجدل[b] آمد.

نشانه‌های زمان
(مرقس۸:۱۱-۱۳؛ متی۱۲:۳۸-۳۹؛ لوقا۱۱:۱۶،۲۹؛ ۱۲:۵۴-۵۶)

۱۶ [۱]و فریسیان و صدوقیان پیش آمده
۳:۱۹ برای اینکه او را به تجربه بگذرانند
۱۲:۳۸؛ یو۶:۳۰؛ ۱-قرن۱:۲۲ از او درخواست کردند نشانه ای از آسمان[c]
نازل شده به ایشان نشان دهد. [۲]وی در
پاسخ آنان گفت: «شامگاه که رسید

y- ر.ک مت۱۱:۴-۵. «چون می دیدند»، تحت اللفظی: «چون می نگریستند».

z- این دومین روایت درباره ازدیاد نانها است و چند تفاوت با روایت اولی دارد. در این روایت بیشتر در مورد ترحم عیسی و نیز بر گرسنگی توده مردم تأکید شده است. در اینجا عیسی ابتکار عمل را دارد و دستور می دهد مردم بنشینند. ضمناً روش نگارش این روایت کمتر تحت تأثیر آیین سپاسگزاری است (از جمله دو بار از ماهی ها یاد شده) گر چه در ۱۵:۳۶ فعل یونانی eucharistein که به معنی سپاسگزاری می باشد به کار رفته است (ر.ک ۱-قرن۱۱:۲۴). بعضی از منتقدان تصور می کنند این روایت در محیط یونانی گرایان نوشته شده است، ر.ک ۱۴:۲۰ توضیح w.

a- هفت. این رقم احتمالاً نمادی است تا تأکید شود معجزه کامل و بی نقص می باشد و بعضی تصور می کنند برای یادآوری هفت خادم یونانی تبار است که مأمور خدمت بر سر سفره ها خواهند بود (اع۶:۲-۶). ر.ک مر۸:۸ توضیح s.

b- مگدان. نظیر دالمانوتا که در مر۸:۱۰ ذکر شده محلی نامعلوم می باشد. ضمناً در بعضی از نسخه ها مجدله آمده است.

c- از آسمان. منظور از کلمات اخیر آن نیست که عیسی می تواند نشانه ای در آسمان ارائه نماید بلکه نشانه ای است که ازآسمان بیاید یعنی خدا ظاهر کند تا موجب اعتبار عیسی در نظر قوم خود گردد (ر.ک مر۸:۱۱). عیسی نشانه های بسیاری انجام می دهد ولی نه نشانه هایی که یهودیان مطلع انتظار داشتند و می پذیرفتند (ر.ک مثلاً مت۱۱:۵).

می‌گویید هوا خوب است زیرا آسمان
سرخ فام است. ۳ و صبح، امروز هوا
طوفانی، زیرا آسمان سرخ و گرفته است[d].
شما می‌دانید چهرهٔ آسمان را نیکوتر
تشخیص دهید و نشانه‌های زمانها[e] را
نمی‌توانید. ۴ نسل شریر و زناکار که ۱۲:۳۹؛ لو۱۱:۲۹
نشانه‌ای می‌جوید...! و هیچ نشانه‌ای جز
نشانهٔ یونس[f] به او داده نخواهد شد.» و
آنان را ترک کرده رفت.

خمیرمایهٔ فریسیان و صدوقیان (مرقس۸:۱۴-۲۱؛ لوقا۱۲:۱-۶)

۵ و چون به کرانهٔ دیگر آمدند،
شاگردانش فراموش کردند نان بیاورند.
۶ عیسی به ایشان گفت: «زنهار! از خمیر
مایه[g] فریسیان و صدوقیان برحذر باشید!»
۷ و ایشان با خود استدلال کرده می‌گفتند:
«برای آن است که نان نیاورده‌ایم.»
۸ عیسی متوجه شده گفت: «چرا با خود
بحث می‌کنید ای کم‌ایمانان! درباره این
که نان ندارید؟ ۹ هنوز درک نمی‌کنید و
آن را به خاطر نمی‌آورید؟ پنج نان برای ۱۴:۱۳-۲۱؛
پنج‌هزار نفر و چند سبد که برده‌اید؟ ۱۰ نه مر۶:۳۴-۴۴؛ لو۹:۱۱-۱۷؛ یو۶:۱-۱۳
آن هفت نان را برای چهار هزار نفر و چند
سبد که برده‌اید؟ ۱۱ چگونه درک ۱۵:۳۲-۳۸؛ مر۸:۱-۹
نمی‌کنید؟ در مورد نانها نیست که به شما
گفته‌ام از خمیر مایهٔ فریسیان و صدوقیان
برحذر باشید.» ۱۲ آنگاه فهمیدند که
نگفته بود از خمیرمایهٔ نانها برحذر باشند
بلکه از آموزش فریسیان و صدوقیان.

پطرس، عیسی را پسر خدا می‌داند (مرقس۸:۲۷-۳۰؛ لوقا۹:۱۸-۲۱)

۱۳ عیسی به ناحیه قیصریه فیلیپس[h] آمده
از شاگردانش سؤال کرده می‌گفت: «بنا
به گفته مردم پسر انسان[i] کیست؟»
۱۴ گفتند: «برای بعضی‌ها یحیی تعمید مر۶:۱۴-۱۵؛ لو۹:۷-۸
دهنده، برای بعضی دیگر الیاس، برای
بعضی دیگر ارمیا یا یکی از پیامبران[j].»
۱۵ به آنان گفت: «اما برای شما من
کیستم؟» ۱۶ شمعون پطرس به سخن
درآمده گفت: «تو مسیح، پسر خدای زنده

d- در برخی نسخه‌های خطی مهم، قسمت دوم آیه ۲ و تمام آیه ۳ حذف شده است.

e- نشانه‌های زمانها. این اصطلاح به مفهوم نشانه‌های مخصوصی است که در روزهای آمدن مسیح موعود پدیدار می‌شود. با توجه به ترکیب جمله ممکن است منظور معجزه‌ها و نشانه‌هایی باشد که عیسی انجام داده است (مثلاً شفا دادن‌ها و ازدیاد نان‌ها، ر.ک ۱۱:۳-۵) یا اینکه منظور خود عیسی است که والاترین و برترین نشانه‌ها می‌باشد.

f- درباره اصطلاح «نشانه یونس» ر.ک۱۲:۴۰ توضیح o.

g- فقط متی خمیرمایه را به مانند تعلیمات فریسیان و صدوقیان ارائه می‌نماید (آیه ۱۲؛ ر.ک لو۱۲:۱: ریاکاری و نادرستی؛ مر۸:۱۵: خمیرمایه هیرودیس). در آیین یهود تعبیر خمیرمایه به عنوان قسمت خوب یا قسمت بد شناخته شده بود (همچنین ر.ک ۱-قرن۵:۶-۸). منظور از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان احتمالاً شخص آنان نیست بلکه نقش آنان به عنوان آموزگار و رهبر مردم است (ر.ک آیه ۱).

h- قیصریه فیلیپس شهری است که در سال۲ یا۳ پیش از میلاد مسیح، هیرودیس فیلیپس به افتخار اغسطوس امپراتور روم بنا کرد. این شهر در نزدیکی سرچشمه‌های رودخانه اردن قرار دارد و امروزه بنی‌یاس نامیده می‌شود.

i- پسر انسان. در مورد این عنوان عیسی ر.ک مت۸:۲۰ توضیح c.

j- فقط در انجیل متی نام ارمیا ذکر شده در صورتی که یهودیان دوران متی بازگشت ارمیا را به عنوان پیشگام مسیح موعود انتظار نمی‌کشیدند. به طوری که در روایات انجیل‌های نظیر ذکر شده عیسی، پیامبر بشمار آمده است (مت۲۱:۱۱ توضیح f؛ مر۶:۱۵؛ لو۷:۱۶، ۳۹).

هستی[k].» [۱۷]عیسی به سخن درآمده به او
گفت: «خوشا بر تو! ای شمعون پسر یونا!
زیرا تن و خون[l] بر تو مکشوف نکرده بلکه
پدرم که در آسمانها است. [۱۸]و من به تو
می‌گویم که تو پطرس[m] [صخره] هستی و بر
روی این صخره کلیسای[n] خود را بنا خواهم افس۲:۲۰
کرد و درهای وادی مردگان[o] بر آن استیلا
نخواهد داشت. [۱۹]کلیدهای ملکوت
آسمانها را به تو خواهم داد و آنچه را بر
زمین ببندی در آسمانها بسته خواهد بود و
آنچه را بر زمین باز کنی در آسمانها باز
خواهد شد.» [۲۰]آنگاه به شاگردان سفارش ۹:۱۷؛
کرد به کسی نگویند که او مسیح است. مر۹:۹

k- فقط متی این عبارت را از زبان پطرس نقل کرده است، عبارتی که ریشه آن در عهد عتیق می باشد و با ایمان مسیحیت معنی کامل خود را کسب کرده است. در عهد عتیق عنوان پسر خدا در مورد فرشتگان، قوم برگزیده، اسرائیلیان ایماندار و نیز در مورد مسیح موعود به کار رفته است (۲-سمو۷:۱۴؛ مز۲:۷؛ ۸۹:۲۷) و بیان می کند که ارتباط مخصوصی با خدا وجود دارد که بر پایه انتخاب او و مأموریتی است که به پسرانش محول می سازد. مسیحیت اولیه از همان آغاز که اصول ایمان خود را بیان می کرد موضوع انتخاب توسط خدا و واگذاری مأموریت را بسط داده و درباره جنبه منحصر به فرد و قاطع شخصیت عیسی تأکید کرده است: به این معنی که عیسی با خدا ارتباط پدر فرزندی بی مانندی دارد و به او مأموریتی بی نظیر محول شده که نجات مردمان است (۱:۲۱؛ ۲:۱۵؛ ۳:۱۷؛ ۴:۳؛ ۱۱:۲۵-۲۷؛ ۲۶:۶۳).

l- اصطلاح گوشت و خون به مفهوم تمام وجود آدمی است که در ضعف طبیعی خود در نظر گرفته شده است (بنسی۱۴:۱۸؛ ۱-قرن۱۵:۵۰؛ غلا۱:۱۶). پطرس مکاشفه ای الهی دریافت کرده است (همین کلمه در۱۱:۲۵-۲۷؛ غلا۱:۱۶) و با اینکه عیسی این مکاشفه را کاملاً تأیید نموده معنایی در بر دارد که بعداً پطرس نشان می‌دهد ژرفای آن را درک نکرده است (۱۶:۲۲-۲۳).

m- پطرس ترجمه یونانی کلمه آرامی kepha (به معنی صخره) می باشد. در آن دوران و محیط این کلمه یونانی به عنوان اسم خاص و نام اشخاص به کار برده نمی شد. در نوشته های عهد جدید گاهی همان کلمه آرامی به خط یونانی نوشته شده است (کیفا: یو۱:۴۲؛ ۱-قرن۱:۱۲؛ غلا۱:۱۸؛ و غیره).

n- کلیسا که در زبان یونانی ekklesia گفته می شود احتمالاً ترجمه کلمه عبری qahal می باشد که به معنی جمعیت است (یا اینکه ترجمه کلمات sod و edah' است که فرقه قمران به عنوان جمعیت برگزیدگان خدا درزمان آخر، خود را به این نام می‌خواندند). در اینجا کلمه کلیسا به معنی جمعیت جدیدی است که عیسی بنا می نهد و پطرس پایه آن بنا خواهد بود. اظهارات عیسی با نقش برجسته ای که پطرس بنا بر مندرجات عهد جدید در نخستین روزهای کلیسا ایفا نموده است تطبیق می کند (۱۸:۴؛ ۱۷:۱؛ اع۱:۱۳،۱۵؛ ۳:۱؛ ۱۰:۵؛ یو۶:۶۷-۶۹؛۲۱:۱۵-۲۳؛ غلا۲:۷). کلیسای کاتولیک با توجه به این اظهارات معتقد است که جانشینان پطرس نیز وارث این تقدم هستند در صورتی که به عقیده ارتدکس ها تمام اسقفانی که ایمان حقیقی را ابراز می کنند در حوزه قلمرو خود به عنوان جانشین پطرس و سایر رسولان قلمداد می شوند. اما مفسران پروتستان موقعیت و نقش ممتاز پطرس را در کلیسای اولیه می پذیرند ولی معتقدند که در مورد این اظهارات منظور عیسی فقط شخص پطرس بوده است.
عیسی قدرت بستن و باز کردن را به پطرس وعده می‌دهد که در آیین یهود به مفهوم منع کردن و اجازه دادن است و مآلاً اخراج از جمعیت مذهبی یا پذیرفتن مجدد در آن می باشد. ملکوت خدا مانند وادی مردگان دروازه دارد، بنابراین تصویر کلیدهای ملکوت اشاره به اختیارات و اقتداری است که در آیین یهود بر پایه تفسیر قوانین بوده و در اینجا بیان و اقرار به این است که عیسی پسر خدا می باشد. وعده این اقتدار ابتدا به پطرس و سپس در متون بعدی به کلیه شاگردان یا مجمع رسولان داده می شود (۱۸:۱۸)؛ همچنین به شاگردان که دور هم جمع شده بودند داده شده است (یو۲۰:۲۳). این اقتدار مخصوصاً در مورد بخشایش گناهان ظاهر می شود و ورود به ملکوت خدا را مقدور می سازد. بنابراین اختیارات مذکور به نوعی مربوط و وابسته به کلیسایی است که گرچه سیمای آن هنوز مشخص نشده ولی با توجه به قدرت کلیدها معلوم می شود دارای نوعی نظام است.

o- تحت اللفظی: درهای هادس. کلمه یونانی hades ترجمه کلمه عبری sheol به معنی جایگاه مردگان می باشد (ر.ک اعد۱۶:۳۳). درهای هادس نشانه قدرت مرگ است (ر.ک ایوب۳۸:۱۷؛ حک۱۶:۱۳)، هادس یعنی جایگاه مردگان نمی تواند اعضای جمعیت مسیحیان را که به وسیله عیسی دور هم جمع شده اند در مرگ نگاه دارد.

عیسی رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می‌کند
(مرقس۸:۳۱-۳۳؛ لوقا۹:۲۲)

۲۱از آن پس[p] عیسی[q] آغاز کرد به
شاگردانش نشان دهد که بایستی به
اورشلیم برود و از سوی مشایخ و کاهنان
اعظم و کاتبان رنج بسیار بکشد و کشته
شود و در روز سوم قیام کند[r]. ۲۲و پطرس
او را کنار کشیده شروع به سرزنش کرده
گفت: «حاشا خداوندا! این به تو فرا
نخواهد رسید.» ۲۳ولی او برگشته به
پطرس گفت: «برو، عقب من[s]، ای شیطان! ۱۰:۴
تو باعث لغزش من هستی[t] زیرا اندیشه های
تو از آن خدا نیست، بلکه از آن
انسانها[u].»

شرایط پیروی از عیسی
(مرقس۸:۳۴-۹:۱؛ لوقا۹:۲۳-۲۷)

۲۴آنگاه عیسی به شاگردانش گفت:
«اگر کسی می‌خواهد به دنبال من بیاید ۳۸:۱۰؛
بایستی خود را انکار کند و صلیب خود را لو۱۴:۲۷
برداشته به دنبال من بیاید[v]. ۲۵زیرا کسی
که می‌خواهد جان خود[w] را نجات دهد آن ۳۹:۱۰؛
را از بین خواهد برد ولی کسی که جان خود لو۱۷:۳۳؛ یو۱۲:۲۵
را به خاطر من از دست بدهد آن را خواهد
یافت. ۲۶و چه نفعی برای انسانی دارد اگر
همه دنیا را بدست آورد ولی به جان خود ۸:۴-۹
صدمه بزند؟ یا این که انسان در عوض جان
خود چه دارد بدهد؟ ۲۷زیرا پسر انسان در ۳۱:۲۵
شکوه پدر خود با فرشتگانش خواهد آمد و ۱-سمو۲۶:۶؛ دان۱۲:۲-۳؛
آنگاه به هر کسی برابر رفتارش خواهد ۱-سمو۲۶:۲۳

p- عبارت «از آن پس...» که فقط در۴:۱۷ آمده نشان می‌دهد که عیسی می‌خواهد رسماً راز پسر انسان رنجور و شکوهمند را مکشوف سازد. سه بار اعلام رنجها، صلیب و رستاخیز عیسی (۱۶:۲۱؛ ۱۷:۲۲-۲۳؛ ۲۰:۱۷-۱۹) به مراحل عزیمت عیسی به اورشلیم اشاره می‌کند (۱۶:۲۱؛ ۲۰:۳۴).

q- در بعضی نسخه ها «عیسی مسیح» نوشته شده که در اناجیل فقط در مت۱:۱-۱۸ و یو۱:۱۷؛ ۱۷:۳ به کار برده شده است.

r- در اعلام مصائب و صلیب عیسی، مرقس متن قدیمی تر روایت را حفظ کرده و متی بر طبق اصطلاحات و طرز سخن گفتن زمان خود تغییری در آن داده و به جای «عیسی پس از سه روز رستاخیز خواهد کرد» (مر۸:۳۱) نوشته است: «در سومین روز» (ر.ک ۱-قرن۱۵:۴؛ ضمناً متی طرز بیان مرقس را در۲۷:۶۳ می پذیرد). به نظر انجیل نگار اعلام هایی که عیسی درباره رنجها، صلیب و رستاخیز خود می‌کند بایستی مشیت الهی و اطاعت عیسی را در این وقایع تأیید نمایند و بنابراین سرنوشتی مقدر و حتمی نبوده و واقعه ای اتفاقی نیستند. ضمناً متی تنها انجیل نگاری است که تکرار می‌کند عیسی این مطالب را به شاگردان خود خطاب کرده و یادآوری می‌نماید که اورشلیم محل عمومی رنجهای او می باشد.

s- «برو» (ر.ک۴:۱۰ توضیح l). عیسی پیشنهاد پطرس را نمی پذیرد. «عقب من» به رسول امر می‌کند که جلو نایستد، بلکه مثل شاگرد از عقب بیاید.

t- ر.ک ۵:۲۹ توضیح e.

u- انسانها. موضوع اختلاف بین فکرهای خدا و نظریات انسان ریشه در عهد عتیق و آیین یهود دوران عیسی دارد.

v- درباره کلمه به دنبال آمدن ر.ک۴:۲۰ توضیح x. در اینجا عیسی با مفهوم سطحی و ظاهری «به دنبال آمدن» مبارزه می‌کند. به دنبال آمدن کمتر از خود را فدا کردن و صلیب خود را به دوش کشیدن نیست (در مورد این اصطلاح ر.ک مر۸:۳۴ توضیح q).

w- جان خود (ر.ک۱۰:۲۸ توضیح n). در ترجمه یونانی کتاب مقدس نظیر متن عبری آن اکثراً به جای ضمایر شخصی من، تو، او کلمه جان به کار برده شده است (این کلمه در زبان عبری nephesh است که به یونانی psyche ترجمه می‌شود). بنابراین در اینجا می‌توان ترجمه کرد: کسی که بخواهد خود را نجات دهد. ضمناً در ۱۶:۲۴، در جمله «کسی که خود را انکار می‌کند» ضمیر شخصی به کار برده شده است.

داد[x]. ۲۸آمین به شما می گویم که در اینجا
۲۳:۱۰ کسانی حاضر هستند که مرگ را نخواهند
۲۱:۲۰ چشید[y] پیش از آن که آمدن پسر انسان را
با ملکوتش ببینند[z].»

تجلی عیسی
(مرقس۹:۲-۹؛ لوقا۹:۲۸-۳۶)

۱۷ ۱بعد از شش روز[a] عیسی، پطرس و
یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته
آنان را جدا با خود بر کوهی بلند[b] برد. ۲و
در برابر ایشان تجلی یافت[c]، صورتش چون
خورشید درخشید، لباسهایش مانند نور ۲-پطر۱:۱۶-۱۸
سفید شدند. ۳و اینک موسی و الیاس بر
آنان پدیدار شدند در حالی که با او سخن
می گفتند[d]. ۴پطرس به سخن درآمده به
عیسی گفت: «خداوندا، چه خوب است که
ما در اینجا هستیم[e]. اگر بخواهی در اینجا
سه خیمه[f] خواهم زد، یکی برای تو، یکی
برای موسی و یکی برای الیاس.» ۵در حالی
که هنوز سخن می گفت اینک ابر درخشانی

x- متی برای اینکه نظریه اجر و پاداش شخصی را بیان کند مز۲۸:۴ یا ۶۲:۱۳ را نقل نموده است (ر.ک روم۲:۶؛ ۲-تیمو۴:۱۴؛ مکا۲:۲۳؛ ۲۰:۱۲؛ ۲۲:۱۲). این نظریه که در عهد عتیق ریشه عمیق دارد (ار۱۷:۱۰؛ ۲۵:۱۴؛ ۳۲:۱۹؛ حزق۱۸:۳۰؛ هو۱۲:۳؛ ایوب۳۴:۱۱؛ امث۲۴:۱۲؛ بنسی۱۱:۲۶؛ ۱۶:۱۲-۱۴؛ ۳۵:۲۴) در انجیل متی متضمن دو توضیح و تفسیر جدید است: یکی اینکه عیسی، پسر انسان، همه را در روز آخر داوری خواهد کرد (۲۵:۳۱-۴۶)، از سوی دیگر متی مرتباً در مورد اهمیت کارهای خیر اصرار می کند، کارهای خیری که فقط به خاطر خدا انجام شود، خدایی که آن را به تو باز خواهد داد (۶:۴، ۶، ۱۸؛ ر.ک ۵:۱۶).

y- «چشیدن مرگ» اصطلاحی در زبان سامی است؛ ر.ک لو۹:۲۷؛ یو۸:۵۲؛ عبر۲:۹.

z- این گفتار عیسی به صراحت متضمن آن است که بعضی از معاصران عیسی نخواهند مرد پیش از آن که شکوه پسر انسان آشکار شود. عیسی مانند همه پیامبران اعلام می کند برای نسل او چه پیش خواهد آمد. ولی مشکل بتوان زمان این ظهور را تعیین نمود. عده ای تصور کرده اند منظورویران شدن اورشلیم است، بعضی دیگر آن را ظاهر شدن های عیسی پس از رستاخیز و برخی دیگر تجلی عیسی به شمار آورده اند.

a- واقعه تجلی مسیح موضوع رفتن پسر انسان به اورشلیم را روشن می کند (ر.ک ۱۶:۲۱ توضیح p) و طبق روایتی که مربوط به قبل از نگارش انجیل های نظیر است این واقعه در اورشلیم رخ داده است. خدا به شاگردان که نمی توانند دریابند استادشان چه راهی را می خواهد پیروی کند (۱۶:۲۲) گوشه ای از جلال پسر خود را نشان داده آنان را وادار می کند به تعلیمات او گوش فرا دهند (ر.ک۵:۱۷ توضیح h). متی دقت طرح اولیه را حفظ کرده و این روایت را به الهام مکاشفه ای تعبیر می کند (ر.ک دان۱۰:۱-۱۲) اما پطرس روایت خاصی از آن ذکر می کند (۲-پطر۱:۱۷-۱۸). در مورد شش روز ر.ک مر۹:۲ توضیح w.

b- در اینجا محل واقعه به صورت کلی «کوهستان» تعیین نشده (مت۱۴:۲۳) بلکه گفته شده بر کوهی بلند، همچنان که در روایت وسوسه عیسی (۴:۸) یا در روایت مأموریت نهایی در جلیل ذکر شده است (۲۸:۱۶). متی که محل دقیق این کوه را تعیین ننموده احتمالاً می خواسته اعلام کند که ظهور نهایی نه بر کوه مقدس صهیون (مز۲:۶) بلکه بر کوه زمان آخر روی خواهد داد که همه ملت ها به سوی آن روی آورده جمع خواهند شد (اش۲:۲-۳؛ ر.ک۱۱:۹؛ دان۹:۱۶). چون عیسی در منطقه قیصریه فیلیپس عبور می کرد، به احتمال زیاد این کوه در مرز شمالی سرزمین فلسطین، کوه حرمون با ارتفاع حدود سه هزار متر بوده است.

c- ر.ک مر۹:۲ توضیح y.

d- موسی و الیاس بیشتر از آنکه اولی نماینده تورات و دومی نماینده پیامبران به شمار آیند در اینجا به عنوان پیشگامان و شاهدان عهد جدید ظاهر می شوند. الیاس که مقرر بود پیشگام مسیح موعود باشد (ملا۳:۲۳؛ ر.ک بنسی۴۸:۱۰) در متنی که بعداً می آید با یحیی تعمید دهنده یکی دانسته شده (۱۷:۱۲) که به وسیله هیرودیس به قتل رسید (۱۴:۳-۱۲). ضمناً با ظهور الیاس (ر.ک مر۹:۴ توضیح z) موسی ظاهر می شود (ر.ک مکا۱۱:۳-۶) که یهودیان صعود او را به آسمان به مانند الیاس (۲-پاد۲:۱۱) و صعود خنوخ (پید۵:۲۴) می دانند.

e- ر.ک لو۹:۳۳ توضیح n.

f- ممکن است اشاره به جشن خیمه ها باشد (خروج۲۳:۱۶ توضیح n,o؛ لاو۲۳:۲۷-۳۴؛ تث۱۶:۱۳).

آنان را به زیر سایهٔ خود گرفت[g] و اینک
صدایی از ابر آمده می‌گفت: «این است
پسر من، آن محبوب که همه از او ۱۸:۱۲؛
خوشنودم. او را بشنوید[h].» ۶و شاگردان با مر۱:۱۱؛ لو۳:۲۲؛
شنیدن این، به روی درافتاده بسیار ۲-پطر۱:۱۷
ترسیدند. ۷و عیسی پیش آمده، آنان را
لمس کرده گفت: «قیام کنید و مترسید!»
۸و چون چشمها را بلند کردند کسی را
ندیدند مگر خود عیسی را تنها. ۹و چون از
کوه پایین می‌آمدند عیسی به ایشان فرمان
داده گفت: «تا هنگامی که پسر انسان از
میان مردگان قیام نکند از آنچه دیده‌اید به
هیچ کس چیزی نگویید[i].»

گفتگو دربارهٔ الیاس
(مرقس۹:۱۱-۱۳)

۱۰و شاگردان از اوسؤال کرده گفتند:
«پس کاتبان چه می‌گویند که اول الیاس
باید بیاید[j]؟» ۱۱او پاسخ داده گفت:
«البته الیاس می‌آید و همه چیز را به حالت
اول برخواهد گرداند. ۱۲باری به شما
می‌گویم که الیاس هم‌اکنون آمده است و او ۱۴:۱۱
را نشناختند ولی هرچه خواستند با او
کردند. همچنین پسر انسان نیز از سوی
ایشان رنج خواهد کشید[k].» ۱۳آنگاه
شاگردان پی بردند که وی از یحیی تعمید لو۱:۱۷
دهنده با ایشان سخن می‌گفت.

شفای مصروع
(مرقس۹:۱۴-۲۹؛ لوقا۹:۳۷-۴۳)

۱۴و چون به نزدیک انبوه مردم آمده
بودند مردی به سوی او پیش آمده به زانوی
او افتاد ۱۵و گفت: «خداوندا! بر پسر من
ترحم نما چونکه ماه‌زده است[l] و بدحال
زیرا بارها در آتش یا بارها در آب می‌افتد.
۱۶و او را نزد شاگردانت آوردم و نتوانستند

g- ابر نشانه تجلی خداوند است (ر.ک ۲-مک۲:۷-۸) چنان‌که در کوه سینا (خروج۱۹:۶؛ ۲۴:۵-۱۶) و بر چادر اجتماع (خروج۴۰:۳۴-۳۵) و نیز بر روی معبد (۱-پاد۸:۱۰-۱۲) دیده می‌شد. (ر.ک لو۱:۳۵ توضیح l)

h- به هنگام تعمید (مت۳:۱۷) صدایی از آسمان عیسی را به عنوان پسر (ر.ک مز۲:۷) و خادم (اش۴۲:۱) معرفی کرده بود. در واقعه تجلی بیش از هر چیز اورا به عنوان پیامبری تعیین می‌کند که همه قوم بایستی به او گوش فرا دهند (ر.ک اع۳:۲۲ که نقل تث۱۸:۱۵ می‌باشد). در موقع تعمید، صدای آسمانی خطاب به عیسی بود و موقع تجلی به شاگردان و به وسیله آنان به «انبوه مردمان» خطاب می‌شود.

i- در نوشته‌های مکاشفه‌ای، توصیه راز نگهداری در مورد آنچه از آسمان الهام می‌شود موضوعی عادی است (ر.ک دان۱۲:۴،۹) این نکته را اناجیل نظیر و مخصوصاً انجیل مرقس در مورد «سرّ مسیح موعود» تأکید کرده‌اند (مت۸:۴؛ ۹:۳۰؛ ۱۲:۱۶؛۱۶:۲۰؛ ر.ک مر۱:۳۴ توضیح p؛ دستور حفظ سکوت به دیوها: ۱:۴۴؛ ۸:۳۰).

j- طبق روایتی بر اساس ملا۳:۲۳، الیاس را پیشگام مسیح موعود می‌دانستند که بایستی قوم را در وحدت و وفاداری گرد هم آورده برای ملاقات با مسیح آماده نماید. در آیات ۱۲ و ۱۳ یحیی تعمید دهنده به عنوان الیاس معرفی می‌شود که آمده و قومش اورا نپذیرفته است. سرنوشتی واحد، عیسی و پیشگام او را به یکدیگر پیوند می‌دهد و مسلماً کاتبان این نکته را می‌دانستند و از این رو نمی‌توانستند هیچ عذر و بهانه‌ای داشته باشند.

k- در مورد اعلام‌های مربوط به رنجها و صلیب عیسی ر.ک۱۶:۲۱ r ولی در اینجا ذکری از رستاخیز نمی‌شود (ر.ک آیه ۹). با این وجود عید گذر به یونانی paska و رنج کشیدن paskein می‌باشد. ممکن است در این اشاره‌ای باشد که مسیح با رنج خود به سوی پدر گذر خواهد کرد.

l- چنین به نظرمی‌رسد که منظور شخصی مصروع است. اصولاً در کشورهای غربی تقریباً تا آغاز دوران جدید تصور می‌کردند حمله بیماری صرع با مراحل مختلف قرص ماه (بدر، هلال و غیره) بستگی دارد. مرقس و لوقا از همان ابتدا این بیماری را مربوط به تأثیر روح پلید دانسته‌اند ولی متی فقط پس از اینکه عیسی آنها را بیرون می‌راند وجود روح پلید را می‌پذیرد.

او را شفا دهند.» [۱۷]عیسی در پاسخ گفت:
تث۳۲:۵،۲۰ «ای نسل بی‌ایمان و منحرف! تا به کی با
شما باشم[m]؟ تا به کی شما را تحمل کنم؟
او را اینجا نزد من آرید.» [۱۸]و عیسی او را
نهیب زد و دیو از او بیرون آمد که از آن
ساعت شفا یافت. [۱۹]آنگاه شاگردان نزد
۸:۱۳؛ ۹:۲۲؛ ۱۵:۲۸؛ یو۴:۵۲،۵۳ عیسی آمده جدا به او گفتند: «چرا ما
نتوانستیم او را برانیم؟» [۲۰]به ایشان گفت:
«به دلیل کم ایمانی شما. آمین، البته به
شما می‌گویم اگر به اندازه یک دانهٔ خردل
۱-قرن۱۳:۲ ایمان داشته باشید به این کوه می‌گویید: از
اینجا به آنجا برو و او خواهد رفت و هیچ
چیز برایتان غیر مقدور نخواهد بود[n]. [۲۱]و
اما این نوع بیرون نمی‌رود جز به دعا و
روزه[o].»

عیسی بار دیگر رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می‌کند
(مرقس۹: ۳۰-۳۲؛ لوقا۹:۴۳-۴۵)

۱۶:۲۱ [۲۲]چون در جلیل دور هم گرد آمده بودند
عیسی بدیشان گفت: «به زودی پسر انسان
به دست انسانها تسلیم می‌گردد. [۲۳]و او را
خواهند کُشت و در روز سوم قیام خواهد
کرد.» و ایشان بسیار اندوهگین شدند.

عیسی و پطرس عشریه می‌پردازند

[۲۴]چون به کفرناحوم رسیدند گیرندگان
خروج۳۰:۱۳؛ ۳۸:۲۶ عشریه[p] نزد پطرس پیش آمده گفتند: «آیا
استاد شما عشریه نمی‌پردازد؟» [۲۵]گفت:
«چرا» و وقتی [پطرس] به خانه وارد شد
عیسی پیشدستی کرده گفت: «شمعون! چه
می‌پنداری؟ پادشاهان زمین از چه کسی
عوارض یا خراج می‌گیرند؟ از پسران خود[q]
یا از بیگانگان؟» [۲۶]و چون گفته بود: «از
بیگانگان» عیسی به او گفت: «پس پسران

m- مشکل بتوان گفت خطاب این سخنان عیسی به پدر بیمار است که به او مراجعه کرده بود بلکه چنین به نظر می‌رسد که از ورای شاگردان خود و انبوه مردمانی که مخاطب او نبودند این مطالب را به تمام بی‌ایمانان خطاب می‌کند (ر.ک ۱۶:۱۱؛ ۱۲:۳۹-۴۵).

n- فرد ایماندار می‌تواند به مانند خدا (اش۴۰:۴) کوهی را جابه‌جا کند (این کوه). متی روایت خود را صریحاً به صورت نصیحت درباره ایمان درآورده است؛ بدین معنی که گفتار عیسی را که در لو۱۷:۶ در اوضاع دیگری است با تفاوت مختصری در اینجا وارد کرده است. از سوی دیگر مت۲۱:۲۱ (ر.ک مر۱۱:۲۲-۲۳) دوباره همین گفتار را بدون ذکر دانه خردل آورده تا توجه را به این نکته جلب نماید که در دعا کردن تردیدی روا ندارند.

o- بعضی از منتقدان بر این باورند که این آیه اضافی است، نه بدان سبب که گواهی و تصدیق نشده بلکه برای هماهنگی با مر۹:۲۹ بعداً در اینجا افزوده شده است. منتقدان دیگری به هیچ وجه این دلیل را نپذیرفته و آن را به همین صورت حفظ می‌کنند. به نظر ایشان در روایاتی که پیش از انجیل نظیر نقل می‌شده قسمت دوم آیه ۲۰ را در متنی که نزدیک به نوشته مرقس است وارد کرده‌اند. در مورد روزه ر.ک۶:۱۶ توضیح k.

p- عشریه: مالیات پرداختی به معبد که مبلغ دو درهم یا نیم شیکل بوده است و کلیه اسرائیلیان ذکور، حتی آنانی که در خارج از فلسطین به سر می‌بردند موظف بودند سالی یک بار این مبلَغ را برای هزینه‌های معبد بپردازند. این مالیات به پول رایج یهودی پرداخت می‌شد و بدین گونه می‌توان حضور صرافانی را که در میدان جلو معبد مستقر شده بودند توضیح داد (۲۱:۱۲؛ یو۲:۱۵).

q- منظور از پسران پادشاهان زمین ممکن است خانواده آنان یا مجموعه ملت پادشاهان باشد. عیسی به عنوان عضو ملت اسرائیل یا بر طبق تفسیری که بهتر با اوضاع و احوال تطبیق می‌کند به عنوان پسر خدا، خداوند معبد است و می‌تواند مالیات نپردازد با این همه به دلیلی که در آیه ۲۷ توضیح داده شده مالیات خواهد پرداخت و پطرس هم در این عمل شرکت می‌کند.

از آن آزاد هستند[r]. ۲۷ولی برای این که
موجب لغزش[s] آنان نشویم به دریا برو!
قلاب بینداز و اولین ماهی را که بالا بیاید
بگیر، دهانش را باز کن و یک سکه[t]
خواهی یافت. آن را بگیر و بابت من و تو
به ایشان بده!»

در ملکوت چه کسی بزرگتر است؟

(مرقس۹:۳۳-۳۷؛ لوقا۹:۴۶-۴۸)

۱۸ ۱در آن ساعت شاگردان نزد عیسی
آمده گفتند: «درواقع چه کسی در
لو۲۲:۲۴ ملکوت آسمانها بزرگتر است؟» ۲و او
۱۴:۱۹؛ کودکی را نزد خود خوانده، او را در میان
مر۱۰:۱۵؛ لو۱۸:۱۷ ایشان قرار داد. ۳و گفت: «آمین به شما
می‌گویم اگر شما دگرگون نشوید و مانند
کودکان[u] نگردید به ملکوت آسمانها وارد
نخواهید شد. ۴پس کسی که خود را مانند
۲۰:۲۶-۲۷؛ مر۱۰:۴۳-۴۴؛ لو۲۲:۲۶ این کودک[v] پائین آورد، او در ملکوت
آسمانها بزرگتر است. ۵و کسی که به خاطر
۱۰:۴۰؛ لو۱۰:۱۶؛ یو۱۳:۲۰ نام من چنین کودکی را بپذیرد مرا
می پذیرد[w].

بر حذر داشتن

(مرقس۹:۴۲-۴۸؛ لوقا۱۷:۱-۲)

۶«هر کس موجب لغزش یکی از این
کوچکان شود[x] که به من ایمان آورده‌اند به
سود او باشد که سنگ آسیابی[y] به دور
گردنش آویخته در اعماق دریا غرق شود.
۷وای بر دنیا[z] از این لغزش ها[a]! البته
ناگزیر لغزش ها روی دهد، اما وای بر
انسانی که لغزش بوسیلهٔ او روی می‌دهد.
۵:۲۹-۳۰ ۸اگر دست تو یا پای تو تو را می‌لغزاند آن
را بِبُر و از خود دور انداز؛ برای تو بهتر
است علیل یا لنگ به زندگی وارد شوی[b] تا
اینکه با دو دست یا دو پایت به آتش ابدی

r- پسران یعنی عیسی و شاگردانش شرعاً آزاد هستند که بر طبق اصولی که در ابتدای آیه ذکر شده مالیات نپردازند.
s- «سقوط» ر.ک ۵:۲۹ توضیح e.
t- یک استاتر. واحد پول قدیم یونانی و برابر چهار درهم یعنی مالیاتی که دو نفر می بایست بپردازند.
u- کودک (ترجمه کلمه یونانی paidion که در۲:۸-۱۱؛ ۱۱:۱۶ و ۱۳:۱۹-۱۴ نیز به کار رفته است). این کلمه به مفهوم کودک خردسال نیست (شاید به استثنای ۱۳:۱۹-۱۴) زیرا در ۱۱:۲۵ و ۲۱:۱۶ کلمه یونانی دیگری (nepios) به کار برده شده که می توان کودک خردسال ترجمه کرد. در اینجا موضوع مربوط به کودکی است که می‌تواند به ندای عیسی پاسخ دهد. ضمناً این کودک به عنوان نماد بی‌گناهی، پاکی و فضیلت اخلاقی ارائه نشده و بر خلاف شاگردان عیسی ادعایی ندارد بلکه در وابستگی و تابعیت دیگران زندگی می کند.
v- دگرگونی به معنی بازگشت (مت۷:۶) و توبه (لو۳:۱۳).
w- در اینجا موضوع بحث تغییر داده شده بدین معنی که تا کنون شاگردان تشویق می شدند خود را بمانند کودکان کوچک شمارند و اکنون توصیه می شود کودکان را بپذیرند.
x- ر.ک ۵:۲۹ توضیح f.
y- ر.ک مر۹:۴۲ توضیح y.
z- در اینجا و در ۴:۸؛ ۵:۱۴؛ ۲۶:۱۳ کلمه دنیا شامل مجموعه افراد بشر است و منظور طبیعت جهان و کیهان یا چنانکه در انجیل یوحنا ذکر شده بشریت در مقابل ظهور الهی نیست. بر این بشریت شیطان تسلط دارد (۴:۱-۱۱) و بنابراین بیچاره است و در آن افراد کوچک ممکن است دچار لغزش شوند، البته در مورد شاگردان عیسی دیگر وضع بدین گونه نیست.
a- ر.ک ۵:۲۹ توضیح e.
b- منظور از وارد شدن به زندگی در اینجا تولد و به دنیا آمدن نیست بلکه سهیم شدن در نجات و بهره گرفتن از زندگی جاویدان است. این کلمه در ۷:۱۴؛ ۱۹:۱۶،۲۹؛ ۲۵:۴۶ نیز همین معنی را دارد.

افکـنـده شـوی. ۹ و اگـر چـشم تـو تـو را
می لغزاند، آن را بر کَن و از خود دور انداز:
برای تو بهتـر است بـا یک چشم به زندگی
وارد شوی تـا این که بـا دو چـشم در جهـنم
آتش افکنده شوی.

گوسفند گمشده
(لوقا۱۵:۱-۷)

۱۰ «زنـهار هیـچیک از این کوچـکان را
خوار مشمـاریـد زیـرا به شمـا می گـویم که
فرشتگان ایشان در آسمان مدام چهرهٔ پدرم اع۱۲:۱۵؛ عبر۱:۱۴
را که در آسمانها است می نگرند[c]. ۱۱ زیرا
پسر انسان آمده تا آنچه را از بین رفته بود
نجـات دهـد[d]. ۱۲ چه می پـنـداریـد؟ اگـر
انسانی صد گوسفـند داشته باشـد و فقط
یـکی از آنهـا گُم شـود آیـا نـود و نه تـا را بر
کوه ها رها نمی کنـد تـا برود و گـمشده را
جستـجو کنـد؟ ۱۳ و اگر اتفـاقاً آن را پـیدا
کند، آمین به شما می گویم به خاطر آن یکی
بیشتر خوشحال می شود تا به خاطر نود و نه
تایی که گُم نشده اند[e]. ۱۴ همچنین خواست
پـدر شمـا که در آسمـانهاست آن نیست که
حتی یکی از این کوچکان از بین برود[f].

تفاهم برادرانه

۱۵ «اگر برادرت گنـاهی کرده[g] برو و در لو۱۷:۳
بین خـودت و او در تـنـهـایی او را سـرزنش
کن، اگـر به تـو گـوش بـدهـد بـرادرت را به
دست آورده ای[h]. ۱۶ اگر به تو گوش نـدهد
بـاز بـا خودت یک یـا دو نـفـر بردار تـا همه تث۱۹:۱۵؛ یو۸:۱۷؛ ۲-قرن۱۳:۱؛ ۱-تیمو۵:۱۹
چیـز بـا گفـتن دو یـا سه شاهـد قرار گـیـرد.
۱۷ اگر به ایشان گوش ندهد آن را به کلیسا

c- در اینجا فرشتگان به خدمت کوچکتران گمارده شده اند. این نظر در آیین یهود دوران عیسی وجود ندارد. ضمناً افراد حقیر و کوچک در خور بزرگترین مراتب احترام هستند زیرا فرشتگانی که از آنان مراقبت می کنند در سلسله مراتب آسمانی بالاترین مقام را دارند و می توانند در حضور خدا قرار گیرند، در صورتی که برای فرشتگان دیگر مجاز نیست.

d- این آیه در تعداد زیادی از نسخه های خطی وجود ندارد، ر.ک لو۱۹:۱۰.

e- در لو۱۵:۴،۶ سخن از گوسفندی است که از دست رفته در صورتی که در انجیل متی موضوع گوسفندی است که گم شده است (آیات ۱۲، ۱۳، ۱۴). لوقا درباره کسانی می اندیشد که از دست رفته اند و عیسی می آید تا آنان را نجات دهد در صورتی که متی ظاهراً به اعضای حقیر و ناچیز جامعه (آیه ۱۰) می اندیشد که ممکن است به سبب تحقیر (آیه ۱۰) یا بر اثر سخت گیری شدید (آیه ۲۱) که بر آنان وارد می شود از دست بروند. در انجیل متی نظیر عقاید یهودیان معاصر او خطر گم شدن مختص دوران آمدن مسیح می باشد و این گم شدن بیش از آنکه اخلاقی باشد جنبه عقیدتی دارد (مت۲۴:۴،۱۱،۲۴؛ ۲-تیمو۳:۱۳؛ ۱-یو۱:۸؛ ۲:۲۶؛ ۳:۷؛ مکا۱۲:۹؛ ۱۹:۲۰).

f- ر.ک حزق۳۳:۱۱؛ یو۶:۳۹؛ ۱۰:۲۸-۲۹.

g- این عبارت را می توان به طریق دیگری ترجمه کرد که تعدادی از نسخه های خطی آن را تأیید می کنند: هرگاه برادر تو بر ضد تو گناه کند (ر.ک لو۱۷:۳). در مقررات فرقه قمران مطالبی وجود دارد که قسمتی از آنها نظیر مطالب آیات ۱۵ و ۱۷ است ولی در حالی که مقررات فرقه مذکور سختگیر و غیر قابل انعطاف هستند چنین به نظر می رسد که این آیات به منظور آن است که تعصب مسیحیان را در اخراج و طرد فوری گناهکاران تقلیل دهد. در اینجا عیسی توصیه می کند پیش از آنکه موضوع به تمام جمعیت مسیحیان اطلاع داده شود بایستی گناهکاران را برادرانه و به تکرار نکوهش و اصلاح کرد. هرگاه کلمات «بر ضد تو» که در تعدادی از نسخه های خطی وجود دارد به این آیه افزوده شود موضوع جنبه فردی و شخصی خواهد داشت که احتمالاً درست نیست (ر.ک لاو۱۹:۱۷؛ تث۱۹:۱۵).

h- به دست آوردن. (همین فعل در۱۶:۲۶ و مخصوصاً در ۲۵:۱۶؛ ۱-قرن۹:۱۹-۲۲ به همین مفهوم به کار برده شده است). منظور این نیست که کسی را به عنوان دوست شخصی حفظ کرده یا او را به ایمان هدایت نمود بلکه یکی از اعضا را که در شرف ترک جماعت یا طرد از جماعت باشد حفظ کرد.

بگو، اگر به کلیسا[i] نیز گوش ندهد در نظر تو مانند مشرک و خراج گیر باشد[j]. ۱۸آمین به شما می گویم هر چه بر زمین ببندید در آسمان بسته خواهد شد و هر چه بر زمین باز کنید در آسمان[k] باز خواهد شد.

با هم دعا کنید

۱۹«باز [آمین] به شما می گویم اگر دو نفر از بین شما برای درخواست هر چیز، بر روی زمین تفاهم کنند از جانب پدر من که در آسمانهاست برایشان انجام خواهد شد. ۲۰زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من گرد آمده باشند آنجا در میان آنان من هستم[l].»

۷:۷؛ ۲۱:۲۲؛ مر۱۱:۲۴؛ یو۱۵:۷؛۱۶:۲۳؛ یع۱:۵؛ ۱-یو۳:۲۲؛ ۵:۱۴،۱۵

۲۸:۲۰؛ یو۱۴:۲۳

بخشش در بین برادران
(لوقا۱۷:۴)

۲۱آنگاه پطرس پیش آمده به او گفت: «خداوندا! چند بار برادرم بر ضد من گناه کند تا من بر او ببخشایم؟ آیا تا هفت بار؟» ۲۲عیسی به او گفت: «به تو نمی گویم تا هفت بار بلکه تا هفتاد هفت بار[m].

بدهکار بی رحم

۲۳«بنابراین ملکوت آسمانها مانند پادشاهی است که خواست حساب خود را با خدمتکارانش[n] تسویه کند. ۲۴هنگامی که شروع به تسویه می کرد، یکی را نزد وی آوردند که ده هزار تالان[o] بدهکار بود. ۲۵چون چیزی نداشت که باز دهد خداوند دستور داد او و زنش و فرزندانش و هر چه داشت بفروشند تا [بدهی] پس داده شود. ۲۶خدمتکار به پاهای او افتاده در برابرش سجده می کرد و می گفت: با من صبر کن و من همه را به تو پس خواهم داد. ۲۷خداوند این خدمتکار ترحم نموده گذاشت برود و بدهی او را بخشید. ۲۸این خدمتکار به هنگام خارج شدن، یکی از هم قطاران خود را یافت که به او صد دینار[p] بدهکار بود و

لو۷:۴۲

i- قدرت کلیدها که قبلاً به پطرس عطا شده بود (۱۶:۱۹) در اینجا به شنوندگان این کلام یعنی جماعت مسیحیان یا به گروه رسولان تفویض می شود. این آیه و ۱۶:۱۸ تنها آیاتی در چهار انجیل هستند که کلمه کلیسا ذکر شده است (ر.ک ۱۶:۱۸ توضیح n)

j- یعنی: دیگر به ایشان میرداز زیرا دیگر مسئول آنان نیستی. یا شاید فقط عیسی می تواند در این مورد کاری بکند.

k- آسمان، ر.ک ۱۶:۱ توضیح c؛ ۱۶:۱۹.

l- این گفتار عیسی اجازه ای برای جمعیت های کوچک و منزوی نیست زیرا از ترکیب عبارت بر می آید که این دو یا سه نفر در کلیسا (آیه ۱۷) یعنی جماعت واحد ایمانداران دور هم گرد آمده اند. از سوی دیگر هدف این کلمات عیسی آن نیست که وعده دهد در هر دعایی که به نام او بیان می شود حضور دارد (که نیازی به گفتن ندارد) بلکه هر نوع اقدامی را که در داخل کلیسا برای اصلاح دیگران و آشتی بین برادران انجام می شود تشویق کرده و آنان را از حضور خود مطمئن سازد.

m- در نسخه دیگری آمده است: هفتاد و هفت هفت بار. به هر صورت این عبارت به مفهوم بی نهایت است.

n- در روایتهای کتاب مقدس این کلمه همواره به معنی خدمتکاران نیست بلکه در موارد زیادی افراد مهمی می باشند (۱-سمو۸:۱۴؛ ۲-پاد۵:۶؛ مت۱۳:۲۷؛ ۲۵:۱۴-۳۰).

o- یک تالان یعنی ۶۰۰۰ دینار و یک دینار طبق مت۲۰:۲،۹ دستمزد یک روز کار بوده و بنابراین یک تالان یعنی دستمزد ۲۰ سال کار. تمام مبلغی که سالانه به عنوان مالیات از استان یهودیه گرفته می شد معادل ۶۰۰ تالان بود. این ارقام نشان می دهند که خدمتکار در وضعیتی دشوار بوده و راه گریزی نداشته و خلاصی خود را تنها مدیون ترحم ارباب خواهد بود (آیه ۲۷). وضعیت انسان در برابر خدا چنین است، ر.ک آیه ۳۳ و دینی که دیگران به ما دارند در مقابل دین ما به خدا ناچیز است.

p- این مبلغ در مقایسه با مبلغ قبلی بسیار ناچیز است (ر.ک آیه ۲۴ توضیح o). در اینجا عدم تناسب بین این دو بدهی نشان داده شده است.

بـر او دست انـداخـتـه او را خـفـه می کـرد و
می گفت: آنچه به من بدهکاری پس بده.
۲۹پس هم قطارش به پاهای او افتاد و از او
درخواست کرده می گفت: با من صبر کن و
به تو پس خواهم داد. ۳۰او نخواست بلکه
رفت او را به زندان انداخت تا بدهی خود
را پس دهد. ۳۱هم قطارانش که آنچه انجام
شده بود دیدند بسیار غمگین شدند و
رفتند تا آنچه انجام شده بود برای خداوند
خود بازگو کنند. ۳۲آنگاه خداوندش او را
خوانده به او گفت: ای خدمتکار شریر! من
تمام این بدهی را به تو بخشیدم[q] چون که
از من خواهش کرده بودی. ۳۳آیا تو هم
نمی بایست به هم قطارت رحم داشته باشی
چنان که من به تو رحم کردم؟ ۳۴و خداوند
او خشمگین شده او را به دژخیمان تسلیم ۵:۲۵،۲۶؛ لو۱۲:۵۸-۵۹
کرد تا آن که هر چه به او بدهکار بود پس
دهد. ۳۵پدر آسمانی من نیز با شما به
همین گونه رفتار خواهد کرد اگر هر کدام ۶:۱۵؛ مر۱۱:۲۵؛ افس۴:۳۲؛ کول۳:۱۳
از شما برادرش را از صمیم قلب نبخشد.»

برضد طلاق
(مرقس۱۰:۱-۱۲؛ لوقا۱۶:۱۸)

۱۹ ۱پس هنگامی که عیسی گفتارهای ۷:۲۸؛ ۱۱:۱؛ ۱۳:۵۳؛ ۲۶:۱
خود را به پایان رسانید از جلیل
نقل مکان کرده به قلمرو یهودیه در ماوراء
اردن[r] آمد. ۲و انبوه مردمان بسیاری به
دنبال او آمدند و در آنجا آنان را شفا داد.
۳و فریسیان نزد او آمده برای اینکه او را به
تجربه گذارند گفتند: «آیا جایز است به هر ۱:۱۶
علتی زن خود را طلاق داد[s]؟» ۴در پاسخ
گفت: «آیا نخوانده اید که آفریدگار از
آغاز آنها را نر و ماده آفرید؟ ۵و گفت به
همین سبب مرد پدر و مادر را ترک خواهد افس۵:۳۱
کرد و به زنش خواهد پیوست و آن دو یک ۱-قرن۶:۱۶
تن خواهند شد[t]. ۶به طوری که ایشان دیگر
نه دو تن بلکه یک تن هستند. پس آنچه را
خدا به هم پیوسته انسان از هم جدا نکند.»
۷به او گفتند: «پس چرا موسی فرمان داده تث۲۴:۱؛ مت۵:۳۱
است طلاق نامه ای داده طلاق دهند؟» ۸به
ایشان گفت: «به سبب سنگدلی شماست
که موسی به شما اجازه داده زنان خود را
طلاق دهید، ولی از آغاز چنین نبود[u]. ۹به
شما می گویم کسی که زن خود را جز به ۵:۳۲؛ ۱-قرن۷:۱۰،۱۱
سبب روسپی گری[v] طلاق گوید و با زن
دیگری ازدواج کند زنا می کند.»

ازدواج و تجرد

۱۰شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد ۱-قرن۷:۱-۲، ۷-۹
با زن چنین است ازدواج کردن سودی
ندارد.» ۱۱به آنان گفت: «همه این سخن
را درک نمی کنند مگر کسانی که به ایشان ۱-قرن۷:۱۷

q- این کلمات که در مثل آمده یادآور کلمات پنجمین درخواست در دعای «ای پدر ما» می باشد.
r- اطلاعات جغرافیایی که در اینجا داده شده مبهم است. بر طبق اعلام هایی که درباره مصائب و صلیب عیسی شده عیسی و شاگردانش منطقه جلیل را ترک کرده به سرزمین یهودا یعنی اورشلیم «گذر می کنند». برای این کار از سرزمین سامره عبور نمی نمایند بلکه در ابتدا از قسمت ماوراء اردن یهودا عبور کرده در اریحا از رودخانه اردن گذشته و به سوی اورشلیم بالا می روند.
s- این سؤال طرز اجرای قانونی را که در تث۲۴:۱ ذکر شده است مطرح می سازد، مسئله ای که در مدارس ربی های یهود موضوع مباحثه های ظریف و دقیق بوده است.
t- نقل قول از پید۱:۲۷؛ ۵:۲؛ ۲:۲۴.
u- فرمانی که آفریدگار داده حتی از فرامین موسی مهمتر و ارزشمندتر است.
v- در مورد محدودیتهایی که متی ذکر کرده است ر.ک ۵:۳۲ توضیح h.

عطا شده است. [۱۲]زیرا خواجگانی هستند
که از شکم مادر خود چنین زاییده شده اند
و خواجگانی هستند که به دست انسان
خواجه شده اند و خواجگانی که خودشان
خود را به خاطر ملکوت آسمانها خواجه
کرده اند. هر آن کس که می تواند درک
کند دریابد[w]!»

عیسی و کودکان

(مرقس۱۰:۱۳-۱۶؛ لوقا۱۸:۱۵-۱۷)

[۱۳]آنگاه کودکانی را نزد او آوردند تا
دستهایش را بر آنان بگذارد و دعا بکند و
شاگردان آنان را نهیب زدند. [۱۴]ولی عیسی
گفت: «کودکان[x] را بگذارید و مانع نشوید
نزد من آیند زیرا ملکوت آسمانها از آنِ
چنین کسانی است.» [۱۵]و دستها بر ایشانَ
گذاشته از آنجا رفت.

جوان ثروتمند

(مرقس۱۰:۱۷-۳۱؛ لوقا۱۸:۱۸-۳۰؛ ۱۳:۳۰)

[۱۶]و اینک کسی نزد وی آمده گفت: «ای
استاد! چه نیکوئی باید بکنم تا زندگی ۲۹:۱۹؛
جاودانی[y] داشته باشم؟» [۱۷]به او گفت: لو۱۰:۲۵
«چرا دربارهٔ نیکوئی از من می پرسی[z]؟ تنها
یکی نیکو است. اگر می خواهی به زندگی
وارد شوی فرمانها را رعایت کن.» [۱۸]به او لاو۱۸:۵؛
گفت: «کدامین؟» عیسی گفت: «قتل لو۱۰:۲۸ روم۱۳:۹
نخواهی کرد، زنا نخواهی کرد، دزدی
نخواهی کرد، شهادت دروغ نخواهی داد.
[۱۹]به پدر و مادرت احترام بگذار[a] و ۵:۴۳؛ ۲۲:۳۹؛
همسایه خود را مانند خود محبت خواهی لو۱۰:۲۷؛ روم۱۳:۹
نمود[b].» [۲۰]مرد جوان به او گفت: «همهٔ
اینها را مراعات کرده ام، دیگر چه کم
دارم؟» [۲۱]عیسی به او گفت: «اگر
می خواهی کامل[c] شوی، برو اموال خود را مر۱۴:۵؛
بفروش و به بینوایان بده و در آسمانها لو۱۲:۳۳؛ یو۱۲:۵؛ اع۲:۴۵؛ ۴:۳۴-۳۷

w- عیسی درباره ازدواج تعلیماتی داده تا مقام و ارزش اولیه آن (که اراده پروردگار است) مجدداً برقرار گردد و اکنون به این آموزشها گفتار مرموزی افزوده و اعلام می کند که بدون موهبت خدا مفهوم آن درک نمی شود (۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹). در این گفتار وضعیت تازه ای مشخص شده که بر اثر فرارسیدن ملکوت آسمانها به وجود می آید. ضمناً این گفتار انتقادی بر ازدواج نیست بلکه وضعیتی استثنایی در ارتباط با زمان آخر می باشد و اجباری در آن نیست: بدین معنی که بعضی از مردمان به اندازه ای مجذوب ملکوت آسمانها می شوند که ازدواج نمی کنند.

x- درباره کودکان ر.ک ۱۸:۳ توضیح u.

y- درباره این اصطلاح ر.ک ۱۸:۸ توضیح b. تمام این قسمت در بین دو بار یادآوری از زندگی جاودان (آیات ۱۶-۲۹) قرار گرفته است. این شیوه نگارش که موضوع اصلی کلام (در اینجا زندگی جاویدان) در آغاز و پایان تکرار شود و تشریح مطلب را در بین آنها ذکر کنند روشی است که «فن ادخال» نامیده می شود و متی این روش را خیلی می پسندد و به کار می برد.

z- اصولاً هر یهودی ایمانداری می بایست بداند که هیچ چیز به خودی خود نیکو نیست و فقط خدا می تواند تصمیم گرفته به وسیله قوانین خود نیکویی را به مردمان الهام کند ولی در این مورد شاید مخاطب عیسی در جستجوی نظریات والاتری است چنانکه در آن دوران غالباً نظیر این مردمان دیده می شد.

a- ر.ک خروج۲۰:۱۲-۱۶؛ تث۵:۱۶-۲۰.

b- ر.ک لاو۱۹:۱۸، این نقل قول در این روایت مختص انجیل متی است.

c- کامل. این کلمه مختص روایت متی است (ر.ک ۵:۴۸). تعدادی از مفسرین در تفسیر این قسمت کامل بودن را فقط منحصر به همکاران نزدیک عیسی می دانند. در صورتی که بنا به تعبیر بیشتر مفسران منظور از کامل بودن توصیف هر کسی است که در پیروی از عیسی قوانین را اجرا نماید (۵:۱۷).

گنجی خواهی داشت، سپس آمده مرا
پیروی کن.» ۲۲مرد جوان با شنیدن این ۲۰:۶
سخن بسیار اندوهگین شده برفت زیرا مز۶۲:۱۱
دارایی زیادی داشت.
۲۳عیسی به شاگردان خود گفت: «آمین
به شما می‌گویم که ثروتمند[d] مشکل وارد
ملکوت آسمانها خواهد شد. ۲۴باز هم به
شما می‌گویم برای شتر آسان‌تر است از
سوراخ سوزن[e] بگذرد تا اینکه ثروتمندی
وارد ملکوت خدا شود.» ۲۵شاگردان با
شنیدن این، بسیار متحیر شده گفتند: «پس
چه کسی می‌تواند نجات یابد؟» ۲۶عیسی
به ایشان نگریسته گفت: «برای آدمیان غیر
ممکن است ولی برای خدا همه چیز امکان
دارد[f].»
۲۷آنگاه پطرس به سخن درآمده به او
گفت: «اینک ما همه چیز را گذاشته تو را
پیروی کرده‌ایم، پس برای ما چه خواهد
بود؟» ۲۸عیسی به ایشان گفت: «آمین! به
شما می‌گویم که شما که مرا پیروی
دان۷:۹، ۱۰، ۱۴ کرده‌اید، در آفرینش تازه[g] هنگامی که پسر
۲۰:۲۱؛ انسان بر تخت شکوه خود بنشیند شما نیز
مر۱۰:۳۷؛ مکا۳:۲۱ بر دوازده تخت خواهید نشست تا دوازده
قبیلهٔ اسرائیل را داوری کنید[h]. ۲۹و هر که
خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر
یا فرزندان یا کشتزارها را به خاطر نام من
رها کند چندین برابر بیشتر دریافت خواهد
۱۹:۱۶؛ لو۱۰:۲۵ کرد و وارث زندگی جاودان خواهد شد.
۳۰بسیاری از نخستین‌ها واپسین و
واپسین‌ها نخستین خواهند بود[i].

کارگران یازدهمین ساعت

۲۰ ۱«زیرا ملکوت آسمانها مانند
انسانی، ارباب خانه‌ای است که از
۲۱:۲۸، ۳۳؛ طو۵:۱۵ آغاز صبح بیرون شد تا کارگرانی برای
تاکستان خود اجیر کند. ۲با کارگران،

d- ثروتمند. در مورد ثروتها حتی اگر از راه مشروع به دست آمده باشد اناجیل چنین آموزش می‌دهند: ۱- عیسی به مردمان هشدار داده کسی که می‌خواهد به زندگی وارد شود ثروت مانعی در راهش خواهد بود. ۲- عیسی مقرر نکرده کسانی که به دنبال او می‌روند هر چه دارند از دست بدهند، بر خلاف فرقه اسنیان که کلیه نوآموزان خود را ملزم می‌کردند هر چه دارند به نفع جمعیت فرقه بدهند. ۳- عیسی مردمان ثروتمند و کسانی را که موقعیت اجتماعی مهمی داشتند دوست داشته و آنان را به سوی خود خوانده است بدون اینکه آنان را ملزم کند از موقعیت خود چشم بپوشند.

e- احتمالاً اشاره به سوراخ کوچکی است که در سوزن خیاطی وجود دارد و نه اینکه منظور در کوتاهی باشد که در باروی شهر تعبیه می‌کردند. این ضرب‌المثل کاملاً جنبه شرقی دارد و بایستی با توجه به وضعیت و ترکیبَ جمله تفسیر شود (ر.ک توضیح قبلی و مت۵:۳ توضیح d). jamla به زبان آرامی هم به معنی طناب است و هم به معنی شتر. به احتمال قوی ترجمه سخن عیسی که به زبان آرامی گفته بود این است: آسان‌تر است که طناب از سوراخ سوزن بگذرد... و این تعبیر با حرفه ماهیگیران جلیلی که پیرامون عیسی بودند بیشتر هماهنگی دارد.

f- ر.ک پید۱۸:۱۴؛ ار۳۲:۱۷؛ زک۸:۶ ترجمه یونانی؛ ایوب۴۲:۲.

g- در نوشته‌های عهد جدید این کلمه فقط در اینجا و در تیط۳:۵ به کار برده شده است. ریشه این کلمه را در ادبیات مکاشفه‌ای یهودیان می‌توان بازیافت و به مفهوم احیاء مجدد (و نه تجدید) بشریت و جهان است که در پایان طرح کنونی جهان انجام خواهد شد. این تغییر و تحول کلی با داوری آغاز خواهد شد (ر.ک۲۵:۳۱-۴۶) و مبنای ارزشهای جدید را برقرار خواهد کرد.

h- چنین می‌نماید که عیسی به دوازده رسول وعده می‌دهد در داوری زمان آخر شرکت می‌کنند (ر.ک ۱-قرن۶:۲؛ مکا۲۰:۴)؛ تفسیر لوقا در این مورد متفاوت است (لو۲۲:۳۰ توضیح t).

i- همین سخنان در ۲۰:۱۶ و لو۱۳:۳۰ آمده است. برخلاف فرقه اسنیان که به افراد خود شکوه وعده داده و مردمان دیگر را محکوم به هلاکت می‌دانستند. عیسی معاصران خود را به دو طبقه تقسیم نمی‌کند بلکه هشدار و وعده‌ای که می‌دهد مربوط به همه مردمان است.

روزی یک دینار قرار گذاشت و آنان را به
تاکستان خود فرستاد. ۳ و در حدود ساعت
سوم بیرون آمد و دیگرانی را دید که بیکار
در میدان ایستاده بودند. ۴ و به آنان گفت:
''شما هم به تاکستان بروید و آنچه عدالت
است به شما خواهم داد.'' ۵ ایشان رفتند.
باز در حدود ساعت ششم و نهم بیرون آمد
و همین را کرد. ۶ در حدود ساعت یازدهم
بیرون آمد، دیگرانی یافت که در آنجا
بودند و به ایشان گفت: ''چرا تمام روز را
در اینجا بیکار ایستاده اید؟'' ۷ به او گفتند:
''چون کسی ما را اجیر نکرده است.'' به
ایشان گفت: ''شما هم به تاکستان بروید.''
۸ همین که غروب فرا رسید، خداوند
تاکستان به مباشر خود گفت: ''کارگران را
صدا کرده اجرت ایشان را بده. از لاو۱۹:۱۳؛ تث۲۴:۱۵
واپسین ها شروع کن تا به نخستین ها.'' ۹ و
یازده ساعتی ها آمده هر کدام یک دینار
دریافت کردند. ۱۰ سپس نخستین ها آمده
خیال کردند که بیشتر دریافت خواهند کرد
و ایشان هم هر کدام یک دینار دریافت
کردند. ۱۱ چون دریافت کردند بر ضد
ارباب خانه زمزمه کرده ۱۲ می گفتند: ''این
واپسین ها فقط یک ساعت کار کردند و تو
آنان را با ما برابر کرده ای، ما که سنگینی
روز و گرمای سوزان را تحمل کرده ایم.''
۱۳ او به یکی از ایشان جواب داده گفت:
''رفیق! من به تو بی انصافی نمی کنم. آیا با
من قرار یک دینار نگذاشتی؟ ۱۴ مال خود
را بگیر و برو! من می خواهم به این واپسین
به اندازهٔ تو بدهم. ۱۵ آیا اجازه ندارم با مال
خودم هر چه می خواهم بکنم؟ یا چشم تو بد
۶:۲۳؛ مر۷:۲۲ است چون من خوب هستم[j]؟'' ۱۶ بدین سان
مر۱۰:۳۱؛ لو۱۳:۳۰ واپسین ها نخستین خواهند بود و
نخستین ها واپسین[k].»

عیسی سومین بار رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می کند

(مرقس۱۰:۳۲-۳۴؛ لوقا۱۸:۳۱-۳۴)

۱۷ چون عیسی به اورشلیم فراز می آمد،
دوازده [تن] را جداگانه با خود برداشت و
در راه به ایشان گفت: ۱۸ «اینک به
اورشلیم فراز می آییم و پسر انسان به
کاهنان اعظم و کاتبان تسلیم کرده خواهد
لو۹:۲۲ شد و او را به مرگ محکوم خواهند کرد.
۱۹ و او را به مشرکان تسلیم خواهند کرد تا

j- در اینجا احتمالاً مثل اصلی پایان یافته است. این مثل شاید نظیر مثل های باب پنجم انجیل لوقا خطاب به فریسیان است. عیسی نمی خواهد موضوع اراده مطلق را که با عدالت منافات دارد مطرح نمی کند بلکه می خواهد به فریسیان نشان دهد که احسان خداوند برتر و بالاتر از طرز پاداش بشری است که بر مبنای پرداخت اجرت می باشد و ما را دعوت می کند که در برابر بخشندگی محبت خدا حسادت نورزیم.

k- این سخنان که در جای دیگر و در وضعیت دیگری آمده (۱۹:۳۰) احتمالاً به مثل اصلی (آیه ۱۵) افزوده شده و منظور از آن تأکید بر نحوهٔ توزیع پاداشها می باشد (۲۰:۸) و با وضعیت جدیدی که کلیسای متی داشته تطبیق می کند با علم به اینکه مشرکانی که دیرتر خوانده شده بودند پیش از یهودیان که در ابتدا دعوت شده اند آمده اند. این پاداش، نوعی حق الزحمه یعنی پاداش کار نیست که باید پرداخت نمود، بلکه بخشش رایگان است. نخستین ها قرارداد داشتند، بعدی ها فقط یک قول شفاهی و آخری ها هیچ قولی هم نشنیده بودند. آیا در اینجا نوعی پیشرفت در ایمان و اطمینان دیده نمی شود؟ بنابراین برای مسیحیان تنها یک پاداش هست که خود مسیح می باشد. در بعضی نسخ خطی اضافه شده است: «زیرا بسیاری خوانده شده اند ولی اندکی برگزیده.» با توجه به این سخن که از ۲۲:۱۴ گرفته شده می توان پنداشت کسانی که در ابتدا خوانده شده بودند (یهودیان) مزد خود را نپذیرفتند و فقط کارگران ساعت یازدهم آن را قبول کردند.

۴۶،۷:۲۴؛ او را مسخره کنند، او را تازیانه بزنند، به
۱-قرن۱۵:۴ صلیب بکشند و در روز سوم قیام خواهد
کرد[l].»

جاه‌طلبی و خدمت

(مرقس۱۰:۳۵-۴۵؛ لوقا۲۲:۲۵-۲۷)

۲۰ آنگاه مادر[m] پسران زبدی با پسرانش
نزد وی آمده او را سجده کرد تا از او چیزی
درخواست کند. ۲۱ به او گفت: «چه
می‌خواهی؟» به او گفت: «بفرما این دو
لو۲۲:۳۰ پسر من، یکی به راست تو و دیگری به چپ
تو در ملکوت تو بنشینند[n].» ۲۲ عیسی در
پاسخ گفت: «شما نمی‌دانید چه چیزی
درخواست می‌کنید. آیا می‌توانید بنوشید
یو۱۸:۱۱ جامی[o] را که من خواهم نوشید؟» به او
گفتند: «می‌توانیم.» ۲۳ به ایشان گفت:
«جام مرا خواهید نوشید. اما برای نشستن
به راست و به چپ من، اعطای آن از آن من
نیست[p]: بلکه برای آنانی است که پدرم
آماده کرده است.» ۲۴ و با شنیدن [این]،
ده [تن] دیگر بر آن دو برادر برآشفته
شدند. ۲۵ عیسی ایشان را نزد خود خوانده
گفت: «می‌دانید که رؤسای ملت‌ها بر آنان
فرمانروایی می‌کنند و بزرگان اقتدار خود
را بر آنان اعمال می‌نمایند[q]. ۲۶ در بین
۲۳:۱۱؛ مر۹:۳۵؛ لو۹:۴۸ شما چنین نخواهد بود[r]؛ ولی آن که در بین
شما می‌خواهد بزرگ شود خادم شما
خواهد بود. ۲۷ و آن که در بین شما
می‌خواهد نخستین باشد بردهٔ شما خواهد
فی۲:۷ بود. ۲۸ چنان که پسر انسان نیامده تا
۱-تیمو۲:۶ مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود
را به خاطر بسیاری فدیه دهد[s].»

دو نفرکور در دروازه اریحا

(مرقس۱۰:۴۶-۵۲؛ لوقا۱۸:۳۵-۴۳)

۲۹ و چون از اریحا خارج می‌شدند
بسیاری به دنبال او آمدند. ۳۰ و اینک دو
۹:۲۷ کور که کنار راه نشسته بودند چون شنیدند

l- در مقایسه با دو اعلام قبلی قبلاً مصائب و صلیب و رستاخیز عیسی (۱۶:۲۱-۲۳؛ ۱۷:۲۲-۲۳) این پیشگویی جزئیات دقیق‌تری در بردارد: مثلاً نقش مشرکان، تمسخر کردن، شلاق زدن و به صلیب کشیدن ذکر شده است.

m- در روایت مشابهی که در انجیل مرقس آمده (۱۰:۳۵) سخنی از مادر پسران زبدی نیست بلکه این دو نفر به تنهایی نزد عیسی می‌روند. وانگهی عبارت «شما نمی‌دانید...» که در آیه ۲۲ آمده با وضعیتی که مرقس روایت کرده بهتر تطبیق می‌نماید و می‌توان تصور کرد مرقس موضوع مادر پسران زبدی را مطرح نساخته تا روایت ساده‌تر و پاسخ عیسی روشن‌تر جلوه نماید.

n- این دو محل فقط جاهای تشریفاتی مجلس به شمار نمی‌آیند بلکه نشستن در این دو محل بدان معنی است که در اقتدار کسی که فرمانروایی می‌کند شریک هستند (ر.ک۱۹:۲۸ توضیح h).

o- نوشیدن جام اشاره به مصائب و مصلوب شدن عیسی است (ر.ک مت۲۶:۳۹؛ مر۱۰:۳۸ توضیح b).

p- در حقیقت یعقوب در حدود سال ۴۴ میلادی در اورشلیم شهید شد (اع۱۲:۲). به علاوه روایتی که بر مبنای این متن است و شهادت یوحنا را اعلام می‌کند مربوط به زمانی طولانی پس از تاریخ مذکور است. عیسی بدون اینکه به صراحت اعلام نماید می‌خواهد در خدمت پدرش و در خدمت مردم باقی بماند (همچنین ر.ک ۲۴:۳۶).

q- این عبارت را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: از قدرت خود بر آنان سوء استفاده می‌کنند. با این همه منظور از این اعلام عیسی آن نیست که از ماهیت کلی قدرت سیاسی انتقاد نماید بلکه می‌خواهد به شاگردان نشان دهد که قدرت سیاسی نباید سرمشق ایشان باشد. «فرمانروائی می‌کنند»، تحت‌اللفظی: «خداوندی می‌کنند.»

r- فعل یونانی که در اینجا به صورت زمان آینده به کار رفته مفهوم فعل امر را دارد.

s- در مورد اصطلاح «فدیه دادن» ر.ک ۲۶:۲۸ توضیح u و مر۱۰:۴۵ توضیح f. بعضی از نسخه‌های خطی مطالبی نظیر لو۱۴:۸-۱۰ اضافه دارند.

که عیسی عبور می‌کند، فریاد برآورده
می‌گفتند: «خداوندا، ای پسر داود[t]، بر ما ۲۲:۱۵
ترحم فرما!» [31]مردم آنان را نهیب زدند تا
خاموش شوند ولی ایشان بلندتر فریاد زده
می‌گفتند: «خداوندا، ای پسر داود بر ما
ترحم فرما!» [32]و عیسی ایستاد و ایشان را
فراخواند و گفت: «چه می‌خواهید برای
شما بکنم؟» [33]به او گفتند: «خداوندا،
چشمان ما باز شود[u].» [34]عیسی به ترحم ۹:۲۹،۳۰
آمده چشمانشان را لمس کرد و همان‌دم
بینایی را باز یافتند و به دنبال او رفتند.

ورود مسیحایی به اورشلیم

(مرقس۱۱:۱-۱۱؛ لوقا۱۹:۲۸-۴۰؛ یوحنا۱۲:۱۲-۱۶)

۲۱

[1]و چون به اورشلیم نزدیک شدند
به بیت‌فاجی[v] در کوه زیتون
آمدند. آنگاه عیسی دو شاگرد را فرستاده[w]
[2]به ایشان گفت: «به روستایی که در برابر
شماست بروید و همان‌دم ماده الاغی را
بسته خواهید یافت که کرّه الاغی با اوست.
آنها را باز کرده نزد من آورید. [3]و اگر
کسی به شما چیزی گوید بگوئید خداوند[x]
به آنها نیاز دارد» و فوراً آنها را باز خواهد
فرستاد[y]. [4]این انجام شد تا آنچه پیامبر
گفته بود تحقق یابد: [5]به دختر صهیون
بگویید اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید،
نرمخو و سوار بر کرّه الاَغ و بر کرّهٔ حیوانی
بارکش[z]. [6]پس شاگردان رفتند و برابر
آنچه عیسی به ایشان دستور داده بود کرده
[7]ماده الاغ و کرّه الاغ را آوردند و بر آنها
رداهای خود را گستردند و او بر آنها
نشست[a]. [8]انبوهی بسیار زیاد[b] رداهای خود
را در راه گستردند؛ دیگران شاخه‌های
درختان را بریده در راه می‌گستردند.
[9]انبوهی که در جلو او می‌رفتند و آنان که

t- در مورد این عنوان عیسی ر.ک ۹:۲۷ توضیح p. «ترحم فرما» از اصطلاحات مربوط به نیایش کلیسا است و متی غالباً آن را بکار می‌برد.

u- طبق مت۱۱:۵ که نقل قول از اش۶۱:۱-۳ است معنی تحت‌اللفظی شفای جسمانی مفهوم نمادین آن را که وصول به نور رستگاری است نفی نمی‌کند. ضمناً در روایت یوحنا که مربوط به شفای کور مادرزاد است مفهوم نمادین کاملاً روشن است (یو۹).

v- بیت‌فاجی نام روستایی در دامنه شرقی کوه زیتون است (ر.ک مر۱۱:۱؛ لو۱۹:۲۹) که امروزه کفرالطّور نامیده می‌شود. ذکر نام روستا در اینجا به منظور آماده کردن زمینه برای آیه ۲۱:۲ است که در آن دربارهٔ روستا صحبت می‌شود.

w- نقل قولی که دربارهٔ تحقق یافتن (۲۱:۴-۵) ذکر شده نمودار نیت متی است، بدین معنی که می‌خواهد نشان دهد با ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم پیشگویی زک۹:۹ تحقق می‌پذیرد و شامل تهیه مقدمات (۲۱:۱-۳)، ورود به اورشلیم (۶-۹) و اثری که بوجود آورده (۱۰-۱۱) می‌باشد.

x- این مورد تنها جایی در انجیل متی است که عیسی خود را خداوند می‌نامد.

y- تفاوتی که این متن با انجیل مرقس دارد این است که در آنجا مالک الاغ با تقاضای عیسی موافقت می‌کند.

z- این نقل قول از زک۹:۹ است که مقدمهٔ آن تغییر یافته (و احتمالاً از اش۶۲:۱۱ گرفته شده است). ضمناً در بعضی از نسخه ها تفاوتهای جزئی وجود دارد (مثلاً نوشته شده: بر ماده الاغی و بر کرّهٔ الاغی، کرّهٔ حیوانی بارکش، به جای: حیوانی بارکش و کرّه‌ای که جوان است). این توضیحات توصیف طرز ورود مسیح پادشاه به شهر خویش می باشد و اولین توقف بر روی کوه زیتون انجام می‌گیرد (ر.ک زک۱۴:۴). ضمناً ورود وی مانند ورود ثروتمندان و قدرتمندان، سوار بر اسب انجام نمی‌شود بلکه بر روی همان مرکوب پدران اسرائیل (ر.ک پید۴۹:۱۱؛ داور۵:۱۰).

a- متی که علاقمند است پیشگویی تحقق پذیرد توجهی به عدم احتمال این موضوع ندارد. برخی منتقدان این گونه تفسیر می‌کنند: عیسی بر روی لباسها نشست.

b- تحت‌اللفظی: قسمت عمدهٔ انبوه جمعیت.

۱۵:۲۱ ۳۹:۲۳؛ لو۳۵:۱۳ به دنبال او می‌آمدند فریاد می‌کشیدند:
«هوشیعانا[c] به پسر داود! مبارک باد آن که
به نام خداوند می‌آید[d]! هوشیعانا در
بالاترین [آسمانها]. [۱۰]و چون وارد
اورشلیم شد تمام شهر به لرزه درآمده[e]
می‌گفتند: «این کیست؟» [۱۱]انبوه مردمان
می‌گفتند: «این آن پیامبر، عیسی از ناصرهٔ
جلیل است[f].»

بیرون راندن فروشندگان از معبد (مرقس۱۱:۱۵-۱۹؛ لوقا۱۹:۴۵-۴۸؛ یوحنا۲:۱۳-۱۶)

[۱۲]و عیسی وارد معبد شده تمام آنانی را
که در معبد خرید و فروش می‌کردند بیرون
راند و پیشخوان‌های صرافان و همچنین
نیمکت‌های کبوتر فروشان را واژگون
کرد[g]. [۱۳]و به ایشان گفت: «نوشته شده
است: ''خانهٔ من خانهٔ نیایش نامیده خواهد
شد'' ولی شما آن را غار دزدان می‌کنید[h].»
[۱۴]و کوران و لنگان در معبد نزد وی آمدند[i]

c- هوشیعانا. این کلمه اخیراً به صورت آوانویسی hosanna نوشته می‌شود (به معنی نجات بده! ر.ک مز۱۱۸:۲۵، آیه‌ای که قبل از مبارک باد... آمده است). این کلمه در ابتدا فریاد و ندای دعوت بود (ر.ک ۲-سمو۱۴:۴، هوشیعانا خطاب به پادشاه یهودیان) که مخصوصاً در هفتمین روز جشن خیمه ها این ندا را برآورده در حالی که شاخه های سبز را تکان می‌دادند (همچنین به مناسبت موقعیت‌های دیگر ر.ک ۲-مک۱۰:۶-۷) سپس این کلمه احتمالاً در آیین یهود و به هر صورت در بین مسیحیان اولیه به صورت هلهله و تحسین درآمد که احیاناً مخاطب آن معین و مشخص بود.

d- در اینجا نیز (مانند۲۳:۳۹) آیات ۲۵الف و ۲۶ مز۱۱۸ نقل شده است. ضمناً در روایت رنج و برافرازی مسیح چندین بار از این آیات یاد می‌شود (ر.ک مت۲۱:۴۲ که آیات ۲۲-۲۳ را نقل می‌کند). به همان گونه که یحیی تعمید دهنده پیش بینی و احساس کرده بود (مت۳:۱۱،۱۱:۲-۶) عیسی همان کسی است که می‌آید تا دوران مسیحایی را آغاز نماید (حب۲:۳ ترجمه یونانی؛ ر.ک عبر۱۰:۳۷؛ ملا۳:۱ که می‌گوید: خداوند به قدس خود درمی‌آید؛ ر.ک قسمت بعدی).

e- فعلی که در مورد وقوع زمین لرزه به کار می‌رود؛ مت۲۷:۵۱، ۲۸:۴؛ ر.ک ۸:۲۴؛ مکا۶:۱۳همان فعلی است که برای توصیف آمدن روز آخر بکار می‌رود. وقتی عیسی به عنوان مسیح پادشاه به اورشلیم وارد می‌شود شهر آشفته است چنانکه به هنگام اعلام تولد او آشفته شده بود (۲:۳) زیرا زندگی عیسی واقعه‌ای عمومی به شمار می‌رود.

f- متی تنها انجیل نگاری است که گزارش می‌کند انبوه مردمان دربارهٔ عیسی چه می‌گویند (ر.ک ۹:۳۳، ۱۲:۲۳). عیسی را به عنوان پیامبر شناخته‌اند (ر.ک مت۱۶:۱۴؛ مر۶:۱۵؛ لو۷:۱۶، ۳۹؛ ۲۴:۱۹) بدون اینکه به اصل و نسب او که از جلیل است اعتراضی باشد چنانکه در یو۷:۵۲ (ر.ک مت۱۳:۵۷) ذکر شده است. ضمناً جامعه مسیحیان اولیه او را به چشم آن پیامبر می نگریستند (اع۳:۲۲-۲۳ که تث۱۸:۱۵ را نقل می‌کند؛ ر.ک مت۵:۱۷ توضیح p؛ یو۱:۲۱؛ ۶:۱۴؛ ۷:۴۰).

g- طرز رفتار عیسی را به چند نوع می‌توان تعبیر کرد: یکی این که عمل مقام و شخصیتی با اقتدار است که قربانی کردن‌ها را در معبد لغو می‌کند. دیگر این که عملی نمادین به نشانهٔ پاکسازی معبد می‌باشد زیرا از موقعی که آنتیوخوس اپیفان (در سال۱۶۷ پیش از میلاد) و پُمپی (در سال۶۳ پیش از میلاد) به معبد بی‌حرمتی کرده بودند یهودیان در انتظار تطهیر معبد بودند. بالاخره عمل عیسی را می‌توان اعتراض برضد زیاده‌روی معاملات صرافان و سوداگران تعبیر نمود زیرا یهودیانی که از خارج می‌آمدند می‌توانستند بوسیله صرافان پول خود را عوض کرده با پول شرعی یهود، هدیه‌ای (مثلاً یک کبوتر) برای معبد خریداری کنند یا دو درهم عشریه مقرره را به معبد بپردازند. این صرافان و سوداگران در رواقهای صحن امتها جای گرفته بودند.

h- عیسی نقش واقعی معبد را به آن برمی‌گرداند تا خانهٔ دعا و نیایش باشد (اش۵۶:۷) نه اینکه مغارهٔ دزدان و راهزنان شود (ارمیای نبی در ۷:۱۱ به معبد عتاب کرده و تهدید می‌نماید که بمانند «شیلوه» منهدم می‌گردد).

i- اشخاص علیلی که بوسیله عیسی شفا می‌یابند یعنی نابینایان و لنگان (ر.ک۱۱:۴) از همان نوع کسانی هستند که در آغاز فهرست علیلان در سفر لاویان ذکر شده و حق ندارند جزو کاهنان باشند (لاو۲۱:۱۸) و همچنین از معبد طرد می‌شوند (۲-سمو۵:۸).

و آنان را شفا داد. [۱۵]کاهنان اعظم و کاتبان
چون می دیدند چیزهای شگفت انجام داده
و کودکان را که در معبد فریاد زده
۹:۲۱ می گفتند «هوشیعانا به پسر داود»
برآشفتند. [۱۶]و به او گفتند: «آیا آنچه را
می گویند می شنوی؟» عیسی به ایشان
گفت: «آری؛ مگر هرگز نخوانده اید: حمد
و ثنای خود را به زبان بچه ها و
شیرخوارگان گذاشته ای[j]؟» [۱۷]و ایشان را
ترک کرده از شهر به سوی بیت عنیا[k] خارج
شد که در آنجا شب را گذرانید.

درخت انجیر بی ثمر
(مرقس۱۱:۱۲-۱۴، ۲۰-۲۵)

[۱۸]بامدادان، هنگام بازگشت به شهر
لو۱۳:۶ گرسنه شد. [۱۹]و درخت انجیری در نزدیکی
راه دیده به سوی آن آمد و در آنجا جز
برگ چیزی نیافت و به او گفت: «از این
پس تا ابد از تو میوه ای برنیاید!» و
درخت انجیر همان دم خشکید[l].

[۲۰]شاگردان دیده تعجب کرده گفتند:
«چگونه درخت انجیر فوراً خشک شده
است؟» [۲۱]عیسی در پاسخ به ایشان گفت:
«آمین! به شما می گویم اگر ایمان داشته لو۱۷:۶؛ ۱-قرن۱۳:۲
باشید و شک نکنید نه فقط این را به
درخت انجیر توانید کرد بلکه حتی اگر به
این کوه بگویید: خود را برداشته به دریا
بینداز، این انجام خواهد شد[m]. [۲۲]و هر
چه در دعا با ایمان درخواست کنید آن را ۷:۷-۱۱؛ ۱۸:۱۹؛ یو۱۴:۱۳،۱۴
دریافت خواهید کرد.»

سؤال یهودیان دربارهٔ اقتدار عیسی
(مرقس۱۱:۲۷-۳۳؛ لوقا۲۰:۱-۸)

[۲۳]و وارد معبد شده چون آموزش
می داد، کاهنان اعظم و مشایخ قوم نزد وی
آمده گفتند: «به چه اقتداری این را
می کنی[n]؟ و چه کسی به تو این اقتدار را
داده است؟» [۲۴]عیسی پاسخ داده به ایشان
گفت: «من هم از شما فقط یک سخن
می پرسم ، اگر آن را به من بگویید من هم

j- نقل قول از مز۸:۳. در کلیسای اولیه این مزمور جزو «نوشته های مسیحائی» به شمار می آمد (مخصوصاً آیه ۵ مزمور؛ ر.ک عبر۲:۶-۸؛ ۱-قرن۱۵:۲۷؛ افس۱:۲۲؛ فی۳:۲۱؛ ۱-پطر۳:۲۲). بنابراین ممکن است این نقل قول اشاره به کل مزمور باشد و عیسی را به عنوان آن پسر انسان با تاج جلال و اکرام تعیین می کند (و نه پسر انسان به مفهوم عام یعنی انسانی که در مزمور ذکر شده است).

k- بیت عنیا. روستایی است که در دامنه شرقی کوه زیتون و در نزدیکی جاده ای که از اورشلیم به اریحا می رود قرار دارد (مت۲۶:۶؛ لو۱۰:۳۸؛ ۲۴:۵۰؛ یو۱۱:۱). امروزه این محل العازاریه نامیده می شود. در جریان جشن های بزرگ یهود زائرانی که به اورشلیم می آمدند معمولاً شب را در خارج از دیوارهای شهر می گذرانیدند.

l- عیسی درخت انجیر را محکوم می کند زیرا میوه هایی را که می خواهد در آن نمی یابد. به هر صورت معنی این روایت مبهم است. ممکن است برگهای شاداب و درخشان درخت، نماد ساختمانهای زیبای معبد باشند که به سبب بی حاصلی مذهبی محکوم هستند. این اتفاق شبیه همان واقعه ای است که عملاً در قوم برگزیده روی داد. آن هنگام که مسیح به پایتخت آمد تا میوهٔ روحانی پیدا کند و هیچ نیافت و همین باعث محکومیت این شهر خواهد بود (مت۲۳:۳۷-۳۹؛ ر.ک مر۱۱:۱۳ توضیح s).

m- این جمله در ۱۷:۲۰ هم آمده است (ر.ک توضیح n) و در آنجا با اوضاع و شرایط بیشتر تناسب دارد.

n- آیات ۲۳-۲۷ از سر نو به شیوه بحث و جدل، موضوع قطعی اقتدار عیسی را مطرح می کند (ر.ک ۷:۲۹؛ ۹:۶؛ ۲۸:۱۸) و با کلماتی ادا می شود که به لحن خاص کتاب مقدس و سخنان یهودیان است: اقتدار او فردی و شخصی نیست که از خود او بوده و نظیر اقتدار شخصیتی استثنایی باشد بلکه اقتداری ناشی از منبع اصلی است. کاهنان سؤال می کنند: چه کسی این قتدار را به تو داده است؟ آیا خدا یا شیطان یا مردم داده اند؟ یا اینکه خودت آن را کسب کرده ای؟

به شما خواهم گفت به چه اقتداری این را
یو۱:۶،۳۳ می کنم. ۲۵تعمید یحیی از کجا بود؟ از
آسمان[o] یا از انسانها؟» ایشان در بین خود
استدلال کرده می گفتند: «اگر بگوییم از
آسمان، به ما خواهد گفت پس چرا به او
۲۱:۳۲؛ لو۷:۳۰ ایمان نیاوردید؟ ۲۶اگر بگوییم از انسانها،
۱۴:۵؛ ۲۱:۴۶ از مردم می ترسیم زیرا همه یحیی را پیامبر
می دانند.» ۲۷و به عیسی پاسخ داده گفتند:
«نمی دانیم»، او نیز به ایشان گفت: «من
هم به شما نمی گویم با چه اقتداری این را
می کنم.»

دو پسر

لو۱۵:۱۱ ۲۸«چه می پندارید؟ مردی دو فرزند
داشت. نزد نخستین رفته گفت: ''فرزند،
۲۰:۱،۴ امروز برو در تاکستان کار کن.'' ۲۹او پاسخ
داده گفت: ''نمی خواهم[p]''؛ سپس پشیمان
شده[q] رفت. ۳۰نزد دومی رفته همین را به
او گفت و این یکی پاسخ داده گفت: ''بله
خداوند'' و نرفت. ۳۱کدام یک از آن دو
ارادهٔ پدر را انجام داده است؟» به او
گفتند: «نخستین.» عیسی به ایشان گفت:
«آمین! به شما می گویم که خراج گیران و
روسپیان پیش از شما وارد ملکوت خدا
می شوند. ۳۲زیرا یحیی در راه عدالت نزد ۲۱:۲۵؛ لو۷:۳۰
شما آمد و به او ایمان نیاوردید؛ اما لو۳:۱۲؛ ۷:۲۹
خراج گیران و روسپیان به او ایمان آوردند
و شما با دیدن این هم بالاخره توبه نکردید
تا به او ایمان بیاورید.»

باغبانان یاغی
(مرقس۱۲:۱-۱۲؛ لوقا۲۰:۹-۱۹)

۳۳«مثل دیگری گوش کنید[r]. ارباب
خانه ای بود که تاکستانی کاشت و آن را
محصور کرد و در آنجا چرخشتی کند و
برجی بنا نمود[s]. سپس آن را به باغبانانی
اجاره داده و به سفر رفت. ۳۴وقتی فصل
میوه نزدیک شد خادمان خود را نزد
باغبانان فرستاد تا میوه هایش را بگیرند[t].
۳۵و باغبانان خادمان را گرفته، یکی را

o- از آسمان یعنی از خدا (ر.ک آیه ۲۳ توضیح n)
p- در بعضی از نسخه های خطی ترتیب پاسخهایی که در آیات ۲۹ و ۳۰ داده شده متفاوت است.
q- همین کلمه در ۲۱:۳۲ و۲۷:۳ به کار برده شده است.
r- بازسازی احتمالی از سرگذشت این مثل را می توان چنین تصور کرد: در گفتار عیسی هدف این مثل آینده تاکستان بوده (۲۱:۴۱؛ ر.ک مر۱۲:۹) سپس در روایاتی که قبل از نگارش اناجیل نظیر نقل می شده بیشتر بر سرنوشت پسر توجه شده و از این رو قسمتی از مز۱۱۸ و اشاراتی از نوشته های مقدس افزوده شده است. بالاخره متی تصریح می کند که پیدایش قوم جدید (۲۱:۴۳) وابسته به سرنوشت عیسی است که سخن می گوید، همان کسی که بایستی کشته شود ولی او قیام خواهد کرد. بنابراین اگر نمی خواهند در زیر سنگ زاویه خرد شوند بایستی جانب او را بگیرند. این مثل پس از مقدمه (۲۱:۳۳) از دو قسمت تشکیل می شود: صاحب تاکستان با وجود فرستادن مکرر خدمتگزاران و بالاخره پسر خود از ثمرهٔ تاکستان محروم می ماند (۲۱:۳۴-۳۹). سپس تاکستان را به باغبانان دیگری می سپارد که برای او میوه خواهند آورد (۲۱:۴۰-۴۴).
s- در نقل قول از اش۵:۲ که از ترجمه یونانی پیروی شده توجه خواننده به علاقه مالک به تاکستان معطوف شده از اصل مطلب دور می شود و امکان دارد که این نقل قول به این صورت جزو مثل اولیه نبوده باشد (ر.ک لو۲۰:۹).
t- متی بر طبق روش خود تأکید می کند که بایستی تمامی محصول تاکستان و نه فقط یک قسمت از آن را تحویل داد (مر۱۲:۲؛ لو۲۰:۱۰) و این موضوع طبق دیدگاه معمول متی است (ر.ک مت۷:۱۶-۲۰؛ ۱۲:۳۳ با لو۶:۴۳-۴۴). بدین طریق وفاداری نسبت به عهد معلوم می شود (ر.ک ۲۱:۴۱-۴۳؛ مز۱:۱، ۳).

۶:۲۲ زده، دیگری را کشتند و دیگری را سنگسار
کردند[u]. ۳۶باز خادمان دیگری، بیشتر از
اولی ها فرستاد و ایشان با آنان نیز همین
کردند. ۳۷بالاخره پسرش را نزد ایشان
فرستاده با خود گفت: ''پسر مرا حرمت
خواهند کرد.'' ۳۸اما باغبانان، با دیدن پسر
بین خود گفتند: ''این هم وارث؛ برویم او را
بکشیم و ارثیه اش را تصاحب کنیم.'' ۳۹و
او را گرفته، از تاکستان بیرون انداخته او
را کشتند[v]. ۴۰پس وقتی خداوند تاکستان
بیاید با این باغبانان چه خواهد کرد؟»
۴۱به او گفتند: «این بدکاران را بد هلاک
خواهد کرد و تاکستان را به باغبانان
دیگری اجاره خواهد داد[w] که میوه ها را در
فصل خود[x] به او تحویل دهند.» ۴۲عیسی
به ایشان گفت: «مگر هرگز در نوشته های
[مقدس] نخوانده اید: ''سنگی را که اع۴:۱۱؛ ۲-پطر۷:۲
بنّایان رد کرده بودند همان است که سر
زاویه گردید. این از خداوند می آید و به
چشمان ما شگفت انگیز است[y].'' ۴۳بدین
سبب به شما می گویم که ملکوت خدا از
شما گرفته شده به ملتی داده خواهد شد که
آن را به ثمر برساند[z]. ۴۴و کسی که بر این
سنگ بیفتد خُرد خواهد شد، و بر کسی که دان۲:۳۴،۳۵، ۴۴،۴۵
بیفتد او را خُرد خواهد کرد[a].» ۴۵و کاهنان
اعظم و فریسیان با شنیدن مثل های او
دانستند که از ایشان سخن می گوید. ۴۶و
ذر پی دستگیری او بودند ولی از انبوه مردم ۱۴:۵؛ ۲۱:۲۶؛
می ترسیدند چون که وی را پیامبر ۱۶:۱۴؛ ۲۱:۱۱؛ لو۷:۱۶؛ ۲۴:۱۹؛ یو۴:۱۹؛ ۹:۱۷
می دانستند.

u- ر.ک مت۲۳:۳۷.
v- ترتیب وقوع رویدادها (بیرون انداختن و کشتن) مسلماً نتیجه اقدام متی و لوقا نیست که خواسته باشند متن انجیل مرقس را تصحیح کنند (زیرا در انجیل مرقس ترتیب وقایع کشتن و بیرون انداختن می باشد). برای اینکه متی و لوقا که معمولاً دو انجیل نگار مستقل از یکدیگر بشمار می آیند به نتیجه واحدی برسند می بایست از باوری همگانی پیروی کنند اما این فرضیه را نمی توان با استناد به مدارکی است که بعضی ذکر می کنند اثبات نمود (یو۱۹:۱۷؛ عبر۱۳:۱۲). لازم به یادآوری است ترتیب وقوع رویدادها همان طوری که در متن ذکر شده با ترتیب و مراسم اعدام محکومان به مرگ و مخصوصاً کفرگویان تطبیق می نماید (لاو۲۴:۱۴-۱۶؛ ر.ک اع۷:۵۸). برای تفسیر دیگری ر.ک مر۱۲:۸ توضیح i.
w- چون منظور از تاکستان نه قوم تاریخی اسرائیل بلکه ملکوت خدا می باشد بنابراین به نظر می رسد که باغبانان رؤسای قوم نیستند بلکه مجموعهٔ قوم اند. در مورد «دیگران» در آیه ۲۱:۴۳ تصریح خواهد شد.
x- تحت اللفظی: در زمان خودشان.
y- این جملات که کلمه به کلمه از ترجمه یونانی مز۱۱۸:۲۲-۲۳ نقل شده معنی مثل اصلی را به موضوع شناخت راز مسیح می کشاند، فرد مسیحی که این مثل را می خواند دیگر تنها با اعلام مرگ مسیح روبرو نمی شود و به جای اینکه به سرنوشت ملکوت متوجه شود توجه او به عمل شگفت انگیز خدا معطوف می گردد که پسر خود را قیام بخشید.
z- این آیه مختص انجیل متی است و احتمالاً پیش از نگارش انجیل متی وجود داشته است (ملکوت خدا و ثمراتی که باید ببار بیاید). منظور از کلمهٔ ملت که در اینجا به کار برده شده اقوام مشرک نیستند (اصولاً کلمهٔ یونانی ethnos به ندرت به صورت مفرد به کار برده می شود، ر.ک ۲۴:۷؛ و این نکته نظریه متی است که کلیسا جای اسرائیل را می گیرد). ضمناً منظور از این کلمه «ملت مقدس» نیست (۱-پطر۲:۹) زیرا در این صورت بایستی کلمه یونانی laos بکار برده می شد بلکه نسل جدید ایمانداران است (ر.ک ار۷:۲۸-۲۹).
a- این آیه در روایت ها و نسخه های خطی مهم وجود ندارد ولی تمام نسخه های خطی دیگر آن را گواهی می کنند و صحت و اصالت آن بسیار محتمل است.

ضیافت عروسی
(لوقا۱۴:۱۵-۲۴)

۲۲ [۱]و عیسی به سخن درآمده باز به
مثل ها[b] ایشان را خطاب کرده
گفت: [۲]«ملکوت آسمانها مانند انسانی،
پادشاهی[c] است که ازدواج[d] پسرش را برپا
کرد. [۳]و خادمان خود را فرستاد تا خوانده
شدگان[e] را به [ضیافت] ازدواج فراخوانند
و ایشان نمی‌خواستند بیایند. [۴]باز خادمان
دیگری فرستاده گفت: ''به خوانده شدگان
بگویید اینک ناهارم را آماده کرده‌ام.
گاوهای من و پرواری‌های من ذبح شده و
همه چیز آماده است. به [ضیافت] ازدواج
بیایید.'' [۵]اما ایشان به آن بی‌اعتنایی کرده
رفتند، یکی به کشتزار خود، یکی به
تجارت خود. [۶]دیگران خادمان او را گرفته
به ایشان توهین کرده و آنان را کشتند. ۳۵:۲۱
[۷]پادشاه خشمگین شده لشکریان خود را
فرستاد تا این قاتلان را به هلاکت رساند
شهرشان را به آتش کشند[f]. [۸]آنگاه به
خادمان خود گفت: ''[ضیافت] ازدواج
آماده است ولی خوانده شدگان شایسته
نبودند. [۹]پس به سر راهها[g] بروید و تمام
کسانی را که می‌یابید به [ضیافت] ازدواج
دعوت کنید.'' [۱۰]و این بردگان به سر راهها
بیرون شده تمام کسانی را که پیدا کردند،
از خوب و بد جمع کردند[h] و [تالار]
ازدواج پُر از میهمان شد. [۱۱]پادشاه برای
مشاهده میهمانان وارد شده در آنجا مردی
را دید که لباس [ضیافت] ازدواج[i] بر تن

b- نظیر مثلی که در اینجا روایت می‌شود فقط در انجیل لوقا وجود دارد (لو۱۴:۱۶-۲۴) ولی متن این مثل در دو انجیل به اندازه‌ای متفاوت است که عده‌ای تردید دارند منشأ آنها از یک روایت باشد. با این همه و با تفاوتهای موجود، مثل انجیل متی و انجیل لوقا یکی است و نکات انتقادی که در آنها ذکر شده یکی هستند. کلمات خاص انجیل متی یعنی پادشاه، ازدواج و پسر معنائی مسیحائی دارند و به شباهت مثل باغبانان قاتل، فرستادن پی در پی خادمین نشانگر تعداد پیامبران و رفتار قوم یهود نسبت به آنان است. ضمناً آیات ۱۱ تا ۱۳ که مختص انجیل متی است به دشواری با مطالب قبلی پیوستگی دارند اما آیه ۱۴ به عنوان نتیجه مثل بسیار بهتر با ۱-۱۰ تطبیق می‌کند تا با ۱۱-۱۳.

c- در عهد عتیق و در آیین یهود اکثراً از خدا به عنوان پادشاه صحبت می‌شد.

d- تحت‌اللفظی: ازدواج‌ها. صورت جمع به این دلیل است که جشن‌های ازدواج چندین روز طول می‌کشید. اکثراً در کتاب مقدس، نظیر این مورد، عروسی نماد مشارکت سرورآمیز و قطعی خدا با قوم خود می‌باشد (ر.ک مت۲۵:۱-۱۲). در این مثل تکیهٔ کلام در مورد پسر نیست بلکه امتناع نخستین میهمانان از قبول دعوت مورد توجه است.

e- قبلاً دعوت شده بودند و بایستی منتظر می‌ماندند تا به آنان خبر داده شود یعنی علامتی که به آنان اعلام می‌کرد جشن‌های عروسی آغاز می‌شود. عبارت «فراخواندن» که به صورت مکرر تکرار شده، همان عبارتی است که در خصوص پیروی شاگردان از عیسی استفاده شده است (ر.ک مت۴:۲۱؛ ۹:۱۳؛ ۱:۱۰).

f- احتمالاً اشاره به ویرانی اورشلیم به وسیله رومیان می‌باشد که در سال ۷۰ میلادی رُخ داد. در روایت مشابهی که در لو۱۴:۲۱ آمده این نکته وجود ندارد و می‌توان تصور کرد که آیات ۶ و ۷ انجیل متی پس از ویرانی اورشلیم به این مثل افزوده شده یا اینکه اصولاً تمام مثل پس از سال ۷۰ میلادی صورت نهائی به خود گرفته است.

g- احتمالاً منظور چهارراهی نیست که در داخل شهر یا روستاها وجود دارد بلکه نقطه‌ای در خارج از شهر می‌باشد که جاده‌ها و کوره راههایی که از دهات می‌آیند در آنجا به یکدیگر می‌پیوندند. در اعد۳۴:۴-۶ این کلمه به معنی مرزهای یک منطقه به کار برده شده است. ضمناً این نکتهٔ جزئی تأکید می‌کند که آخرین دعوت به جشن‌های عروسی جنبهٔ جهانی دارد.

h- این جمله ممکن است اشاره به این باشد که در ملکوت، پیش از داوری نهایی، نیکان و بدان در کنار هم حضور دارند (ر.ک ۱۳:۳۷-۴۳) یا بیشتر محتمل است اشاره به فیض خدا باشد که همهٔ مردمان و مخصوصاً گناهکاران را به شرکت در شادمانی ملکوت دعوت می‌نماید (ر.ک ۹:۹-۱۳).

نداشت. ۱۲و به او گفت: ''رفیق، چطور
بدون لباس [ضیافت] ازدواج وارد
شده ای؟'' آن مرد دهان خود را نگشود.
۱۳آنگاه پادشاه به خادمان گفت: ''دستها و
۸:۱۲؛ ۲۵:۳۰ پاهای او را ببندید و او را بیرون بیندازید
لو۱۳:۲۸ در ظلمات خارج؛ در آنجا گریه و فشار
دندانها خواهد بود[j].'' ۱۴زیرا بسیاری
خوانده شده اند و اندکی برگزیده[k].»

پرداخت خراج به قیصر

(مرقس۱۲:۱۳-۱۷؛ لوقا ۲۰:۲۰-۲۶)

۱۵آنگاه فریسیان رفته شور کردند تا او
را با سخنی به دام اندازند. ۱۶و شاگردان
خود و هیرودیسیان[l]را نزد او فرستاده
گفتند: «ای استاد، می دانیم که تو بر حق
هستی و راه خدا[m] را به حقیقت آموزش
می دهی و در بند کسی نیستی زیرا به
شخصیت انسانها توجهی نداری. ۱۷پس
آنچه می پنداری به ما بگو. آیا دادن خراج[n]
به قیصر مجاز است یا خیر؟» ۱۸عیسی که
شرارت ایشان را درک می کرد گفت: «ای
ریاکاران، چرا مرا به تجربه می گذارید؟
۱۹سکّهٔ خراج[o] را به من نشان بدهید.»
ایشان به او یک دینار نشان دادند. ۲۰و او
به ایشان گفت: «این تصویر و این نوشته از
کیست؟» ۲۱گفتند: «از قیصر.» آنگاه به
روم۱۳:۷ ایشان گفت: «پس آنچه از آنِ قیصر است
به قیصر باز پس دهید و آنچه از آنِ
خداست به خدا.» ۲۲و چون این را شنیدند
حیرت کردند و او را ترک کرده رفتند.

رستاخیز مردگان

(مرقس۱۲:۱۸-۲۷؛ لوقا ۲۰:۲۷-۳۸)

۲۳در آن روز صدوقیان که می گویند
اع۲۳:۸ رستاخیز وجود ندارد[p] نزد او آمده سؤال
کرده گفتند: ۲۴«استاد، موسی گفته است:

i- در مورد آیات ۱۱-۱۴ ر.ک ۲۲:۱ توضیح b. اکنون می توان پرسید آیا لباس عروسی در اینجا به عنوان نماد ایمان آمده یا شادی از وصول به نجات است یا اینکه نشانهٔ عدالت می باشد یعنی نیکویی که متی دائماً دربارهٔ اهمیت آنها تأکید می نماید (۵:۱۶-۲۰؛ ۷:۲۱-۲۲)؟ وضع و ترکیب عبارت، تفسیر اخیر را توصیه می کند. دعوت خدا رایگان است ولی در عین حال الزاماتی دربردارد.

j- ر.ک ۸:۱۲ توضیح t.

k- این آیه معما گونه، احتمالاً اشاره به یهودیان نیست که در ابتدا به نجات دعوت شدند و اکنون با نپذیرفتن مسیح طرد می شوند بلکه می توان گفت به سبب آیات ۱۱-۱۳ برضد کسانی است که از دعوت رایگان خدا سوءاستفاده می کنند و مآلاً از ملکوت بیرون افکنده می شوند.

l- ر.ک مر۳:۶ توضیح g. هیرودیسیان یا طرفداران خاندان سلطنتی هیرودیس با رومیان موافقت داشتند و بنابراین با فرقهٔ غیوران مخالف بودند. در صورتی که فرقهٔ فریسیان حضور رومیان را به عنوان کیفر الهی به شمار می آوردند و در مورد پرهیزکاری شخصی تأکید می کردند (ر.ک مزامیر سلیمان).

m- راههایی که خدا را نشان داده یا شاید راههایی که خدا گشوده است.

n- ایالت های تابع رُم ملزم بودند غیر از مالیاتهای غیر مستقیم (عوارض راه (مت۹:۹-۱۰)، حقوق گمرکی، مالیاتهای متعدد) خراجی به امپراتوری روم بپردازند. مبلغ این خراج برای همهٔ یهودیان به یک اندازه بود. فقط کودکان و کهنسالان از پرداخت آن معاف بودند. این خراج همچون نشانهٔ شرم آور تبعیت قوم از روم به شمار می آمد. فرقهٔ غیوران طرفداران خود را از پرداخت آن منع می کردند (ر.ک لو۲۳:۲؛ روم۱۳:۷)

o- خراج [مالیات سرانه ای که یهودیان به اجبار به خزانه کشور اشغالگر روم می پرداختند. اگر حتی در جیب خود چنین سکه ای داشتند بدین معنی بود که نظام رومی را پذیرفته بودند].

p- فرقهٔ صدوقیان خود را محدود به قوانین مکتوب و مخصوصاً اسفار پنجگانه (تورات) می دانستند و معتقد بودند که در آنها موضوع رستاخیز مردگان وجود ندارد. به طوری که از انشاء این آیه برمی آید عیسی و نویسندهٔ انجیل بیشتر به محافل فریسیان علاقمند بوده اند.

''اگر کسی بمیرد بدون اینکه فرزندانی
داشته باشد، برادرش به عنوان برادر شوهر،
پید۳۸:۸ با همسر او ازدواج خواهد کرد و نسلی برای
برادرش قائم خواهد ساخت[q].'' ۲۵ باری در
بین ما هفت برادر بودند و اولی بعد از
ازدواج درگذشت و چون نسلی نداشت زن
خود را به برادرش گذاشت. ۲۶ به همین
ترتیب دومی و سومی تا هفتمی. ۲۷ آخر از
همه، آن زن مُرد. ۲۸ پس در رستاخیز آن زن
متعلق به کدام یک از آن هفت خواهد بود؟
زیرا همگی او را داشته‌اند.» ۲۹ عیسی در
پاسخ به ایشان گفت: «شما خود را گمراه
می‌کنید چون نه نوشته‌های [مقدس] را
می‌شناسید و نه قدرت خدا را[r]. ۳۰ زیرا در
رستاخیز نه زن می‌گیرند و نه شوهر[s] بلکه
مانند فرشتگان[t] در آسمان هستند. ۳۱ و
درباره رستاخیز مردگان، آیا آن کلامی را
که از خدا به شما اعلام شده نخوانده‌اید؟
۳۲ ''من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق
و خدای یعقوب[u]. او خدای مردگان نیست
بلکه [خدای] زندگان[v].» ۳۳ و چون
جماعت این را شنیدند از آموزش او حیرت ۷:۲۸؛ ۱۳:۵۴؛ مر۱۱:۱۸
کردند.

بزرگترین فرمان

(مرقس۱۲:۲۸-۳۴؛ لوقا۱۰:۲۵-۲۸)

۳۴ فریسیان که شنیدند دهان صدوقیان را
بسته به دور هم گرد آمدند. ۳۵ و یکی از
ایشان که عالم شریعت بود برای اینکه وی
را به تجربه بگذارد[w] از او سؤال کرد:
۳۶ «ای استاد، در تورات کدام فرمان
بزرگتر است؟» ۳۷ به او گفت: «خداوند، تث۶:۵
خدای خود را با تمام قلب و تمام روان و (یوشع۲۲:۵)
تمام ادراک[x] خود محبت خواهی کرد. لاو۱۹:۱۸ ۰ مت۵:۴۳؛ ۱۹:۱۹؛ روم۱۳:۹؛ غلا۵:۱۴؛ یع۲:۸)
۳۸ همین است بزرگترین و نخستین فرمان.
۳۹ دومی همانند آن است[y]: همسایه خود را

q- رسم ازدواج با بیوهٔ برادر بر مبنای تث۲۵:۵-۱۰ می‌باشد (ولی در لاو۱۸:۱۶؛ ۲۰:۲۱ ممنوع شده است) و چنین است که اگر شخصی فوت کند و از او فرزندی به جای نمانده باشد، برادرش بیوهٔ او را به زنی می‌گیرد و هدف از برقراری این مقررات آن بوده که نام شخص متوفی باقی مانده وارثی داشته باشد. این رسوم را ملتهای آشوری و «حتی‌ها» نیز می‌شناختند ولی از هنگامی که دختران نیز توانستند از ارث بهره‌مند شوند این مقررات اهمیت کمتری یافت (اعد۳۶). در اینجا کلمه anasta-sei بکار رفته که در جواب صدوقیان اشاره‌ای به رستاخیز است.

r- ر.ک مر۱۲:۲۴ توضیح u.

s- تحت‌اللفظی: ازدواج نمی‌کنند (هنگامی که از مرد سخن می‌گویند) و به ازدواج داده نمی‌شوند (در مورد زنان).

t- اصطلاح «مانند فرشتگان بودن» به هیچ وجه از اهمیت و ارزش ازدواج نمی‌کاهد (ر.ک ۱۹:۳-۹) بلکه در اینجا فقط بدان مفهوم است که فرشتگان کاری جز خدمت خدا و ستایش او ندارند (ر.ک ۱۸:۱۰).

u- خروج۳:۶، ۱۵-۱۶.

v- بر خلاف صدوقیان که موضوع زندگی پس از مرگ را مسخره می‌کردند خدا به زندگان علاقمند است. چنانکه نقل قول خروج۳:۶ نشان می‌دهد: خدا به عنوان خدای پدران، خدای زنده‌ای که تاریخ زندگان را هدایت می‌کند بر موسی ظاهر شده است.

w- مت۲۲:۳۵-۴۰ یک قسمت از مجموعه روایتهایی است که دربارهٔ مجادله عیسی با مخالفانش می‌باشد. در اناجیل مرقس و لوقا جنبهٔ جدلی این روایت‌ها کمتر است. در این قسمت از انجیل، تورات خلاصه شده و بدیع بودن این قسمت در یادآوری محبت به خدا و محبت به دیگران نیست که در عهد عتیق هم ذکر شده است (لاو۱۹:۱۸؛ تث۶:۵) بلکه در آن است که عیسی این دو را به یکدیگر نزدیک کرده و برای آنها به یک اندازه اهمیت قائل شده است و مخصوصاً در اینکه تمامی تورات را در این دو فرمان ساده و خلاصه کرده است.

x- در مورد کلمهٔ اخیر ر.ک لو۱۰:۲۷ توضیح g.

y- شباهت این دو فرمان بدان معنی نیست که یکی هستند بلکه خاصیت و اهمیت مساوی دارند و بنابراین یکی از آن دو نباید جای دیگری را بگیرد چنان که گوئی محبت به همسایه، محبت به خدا را نیز دربردارد و بالعکس (با این همه ر.ک ۲۵:۴۰ t).

مانند خود[z] محبت خواهی کرد. ۴۰ تمام
تورات و [کتابهای] پیامبران وابسته به این روم۱۳:۱۰ مت۷:۱۲
دو فرمان هستند.»

پسر داود و خداوند او

(مرقس۱۲:۳۵-۳۷؛ لوقا۲۰:۴۱-۴۴)

۴۱ هنگامی که فریسیان دور هم گرد آمده
بودند عیسی از ایشان سؤال کرده گفت[a]:
۴۲ «درباره مسیح چه می‌پندارید؟ او پسر
کیست؟» به او گفتند: «[پسر] داود».
۴۳ به ایشان گفت: «پس چگونه داود در روح یو۷:۴۲
او را خداوند می‌خواند؟ چنان که گفت: ۲-سمو۲۳:۲
۴۴ ''خداوند به خداوند من گفت به اع۲:۳۴،۳۵؛ ۱-قرن۱۵:۲۵؛ عبر۱:۱۳
[دست] راست من بنشین تا آنگاه که
دشمنانت را به زیر پاهایت[b] اندازم.''
۴۵ پس اگر داود او را خداوند می‌خواند
چگونه پسر باشد؟» ۴۶ و هیچ کس
نتوانست به او یک کلمه پاسخ دهد و از آن
روز به بعد دیگر کسی جرأت نکرد از او
سؤالی بکند[c].

انتقاد از فریسیان

**(مرقس۱۲:۳۸-۴۰؛
لوقا۲۰:۴۵-۴۷؛ ۱۱:۳۹-۵۲)**

۲۳ ۱ آنگاه عیسی جماعت و شاگردانش
را خطاب کرده گفت[d]: ۲ «کاتبان و
فریسیان بر کرسی موسی[e] نشسته‌اند. ۳ پس
هر آنچه به شما گویند عمل کنید و مراعات
نمائید ولی برابر اعمال ایشان عمل نکنید ملا۲:۷،۸
زیرا می‌گویند و عمل نمی‌کنند. ۴ بارهای
سنگینی[f] می‌بندند و بر دوش مردم
می‌گذارند ولی خود نمی‌خواهند با انگشت
آنها را حرکت دهند. ۵ تمام اعمالی را که
انجام می‌دهند برای آن است که انسانها ۶:۱،۵
مشاهده کنند. زیرا حمایل‌های[g] خود را
پهن و حاشیه‌های لباس[h] خود را بزرگ اعد۱۵:۳۸،۳۹
می‌کنند. ۶ در ضیافت‌ها نخستین جای لو۱۴:۷
نشستن را دوست دارند و در کنیسه‌ها
اولین کرسی‌ها را. ۷ در معابر به آنان سلام
گفته شود و مردم ایشان را ربّی بخوانند.
۸ شما را ربّی نخوانند زیرا فقط یک استاد

z- عبارت «مانند خود» بدان معنی است که همسایه خود را باید کاملاً و از صمیم قلب محبت کرد. منظور این نیست که همسایه را به شرط اینکه اول خود را محبت کنیم دوست داشته باشیم، بلکه باید همسایه و خود را به عنوان موهبت خدا با فروتنی محبت کنیم. البته باید مسیح را بالاتر و بیشتر از هر چیز و هر کس محبت نمود (ر.ک ۱۶:۲۴).

a- در مورد مجموعه آیات ۴۱-۴۶ ر.ک مر۱۲:۳۵ توضیح f.

b- یعنی در اختیار تو (ر.ک مز۱۱۰:۱).

c- این آیه، نتیجه گیری سه مورد مجادله می باشد که قبلاً آمده است (ر.ک مر۱۲:۳۴؛ لو۲۰:۴۰).

d- انجیل نگار در باب ۲۳، گفتارهای عیسی را که در مورد مباحثه و جدل کلیسای او با کنیسه آن زمان مفید بوده یکجا جمع کرده است. لازم به یادآوری است که در آن دوران کنیسه از فرقهٔ فریسیان تبعیت داشت. آنچه در این باب می توان تشخیص داد از این قرار است: تصویری از کاتبان و فریسیان (۱-۱۲)، افسوس به حال آنان (۱۳-۳۱)، نکوهش (۳۲-۳۳) و بالاخره اعلام داوری سهمگینی که بر مخاطبان عیسی فراخواهد رسید (۳۴-۳۶).

e- کرسی موسی: یعنی اقتدار رسمی. عیسی اقتدار کاتبان را که اکثراً به فرقهٔ فریسیان تعلق داشتند تصدیق می کند.

f- بارهای سنگین: اصطلاحی یهودی به معنی مجموعه احکام شرعی که کاتبان نگهبان آنها بودند (ر.ک ۱۱:۳۰).

g- حمایل: کیسه های کوچکی که گفتارهای اصلی تورات را نوشته و در آنها جای می دادند (خروج۱۳:۱-۱۰؛ ۱۳:۱۱-۱۶؛ تث۶:۴-۹؛ ۱۱:۱۳-۲۱). یهودیان این حمایل ها را به بازوی چپ و بر پیشانی خود می بندند.

h- حاشیه های لباس: ر.ک ۹:۲۰ توضیح k. لباس یهودیان دارای حاشیه و ریشه بود ولی فریسیان برای ابراز تقوا در اندازه های حاشیه و ریشه های لباس خود مبالغه می کردند.

دارید و همه شما برادر هستید[i]. ۹و در میان
خود هیچکس را بر زمین «پدر» نخوانید
زیرا پدر آسمانی شما یکی است. ۱۰شما
را رهبر نخوانند زیرا رهبر شما یکی است
یعنی مسیح. ۱۱بزرگترین در بین شما خادم ۲۰:۲۶،۲۷؛ مر۹:۳۵؛
شما خواهد بود. ۱۲هر که خود را بالا ۱۰:۴۳،۴۴؛ لو۹:۴۸؛ ۲۲:۲۶
می بَرَد به پایین خواهد آمد و آن که خود را
سرافکنده سازد برافراشته شود. ۱۳وای بر ایوب۲۲:۲۹؛ امث۲۹:۲۳؛
شما[j] ای کاتبان و فریسیان ریاکار! ملکوت حزق۲۱:۳۱؛ لو۱۴:۱۱؛ ۱۴:۱۸
آسمانها را به روی آدمیان می بندید زیرا
خود وارد نمی شوید و کسانی را که
می خواهند وارد شوند نمی گذارید وارد
شوند. ۱۴[...][k]. ۱۵وای بر شما ای
کاتبان و فریسیان ریاکار! دریا و خشکی را
می پیمایید تا یکی را نوگرویده سازید[l] و
چون شد او را دو بار برتر از خود پسر جهنم
می سازید[m]. ۱۶وای بر شما ای رهبران ۱۵:۱۴؛ ۲۳:۲۴؛ روم۲:۱۹
کور! که می گویید:[n] اگر کسی به قدس
قسم خورد چیزی نیست، اگر کسی به طلای
قدس قسم خورد ملزم می باشد. ۱۷ای
ابلهان و ای کوران! کدام یک بزرگتر
است، طلا یا آن قدسی که طلا را مقدس
می کند؟ ۱۸و اگر کسی به قربانگاه قسم
خورد چیزی نیست، اگر کسی به قربانی که
بر آن است قسم خورد ملزم می باشد. ۱۹ای
کوران! کدام یک بزرگتر است، قربانی یا خروج۲۹:۳۷
آن قربانگاهی که قربانی را تقدیس
می گرداند؟ ۲۰پس هر که به قربانگاه قسم
خورد به آن و هر چه بر آن است قسم
می خورد. ۲۱و هر که به قدس قسم خورد به ۱-پاد۸:۱۳؛
قدس و آن که در آن ساکن است قسم مز۲۶:۸
می خورد. ۲۲و هر که به آسمان قسم خورد اش۶۶:۱؛ مت۵:۳۴؛
به تخت خدا و او که بر آن نشسته قسم اع۷:۴۹
می خورد. ۲۳وای بر شما ای کاتبان و
فریسیان ریاکار! برای نعناع، شوید و زیره
عشریه می پردازید[o] و چیزی را که در تورات لاو۲۷:۳۰
وزنی عالی تر دارد یعنی عدالت، رحمت و میک۶:۸
ایمان[p] را ترک می کنید. می بایست این را
کرد و آن را ترک ننمود. ۲۴ای رهبران ۱۵:۱۴؛ ۲۳:۱۶؛ روم۲:۱۹
کور! که پشه را با صافی می گیرید و شتر را
می بلعید. ۲۵وای بر شما ای کاتبان و
فریسیان ریاکار! که بیرون کاسه و بشقاب مر۷:۴

i- این آیات شاگردان را منع نمی کند که خدمت استادی و تعلیم مذهبی را انجام دهند ولی مجاز نیستند اقتداری را که فقط به مسیح و خدا تعلق دارد غصب کنند.

j- تحت اللفظی: بدبختی بر شما! این عبارت جنبهٔ نفرین ندارد بلکه درد و رنجی شدید یا غیظ و نفرتی را بیان می کند که تا حدّ پیشگویی تهدید می رسد (ر.ک ۱۱:۲۱؛ ۱۸:۷؛ ۲۴:۱۹؛ ۲۶:۲۴).

k- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا آیه ای اضافه شده که محتوای آن مر۱۲:۴۰ و لو۲۰:۴۷ را به یاد می آورد ولی برای اینجا مناسب نیست: «شما بدبخت هستید! ای کاتبان و فریسیان ریاکار! شما که اموال بیوه ها را می خورید و چنان نشان می دهید که مدت زیادی دعا می کنید، بدین سبب دچار شدیدترین محکومیت خواهید شد.»

l- منظور از نوگرا شخص مشرکی بود که به آیین یهود می گروید و در اینجا منظور گرویدن به آیین یهود با رعایت دقیق موازین آن مطابق نظر فریسیان می باشد.

m- تحت اللفظی: او را شایسته جهنم می گردانید.

n- در آیات ۱۶ الی ۲۲ از اصل نذر کردن انتقاد نمی شود بلکه بر فتوای فریسیان ایراد می گیرد زیرا روش عبادت را ریاکارانه کرده اند و به جای آنکه تقوا در جهت اجرای فرمانهای اصلی شریعت باشد آن را به سوی دستورات فرعی سوق می دهند. معنی آیه ۲۳ چنین است.

o- فریسیان روش مرسوم پرداخت عشریه (ر.ک تث۱۴:۲۲) را حتی به جزئی ترین محصولات زمین تعمیم داده بودند.

p- در اینجا به مفهوم وفاداری به احکام اصلی تورات است (ر.ک ار۵:۱؛ روم۳:۳؛ غلا۵:۲۲).

را پاک می کنید در حالی که درون پُر از
محصول[q] دزدی و ناپرهیزکاری است.
۲۶ای فریسی کور! اول درون کاسه[r] را — یو۹:۴۰
پاک کن تا بیرون آن هم پاک شود. ۲۷وای
بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! به
قبرهای آهک اندود[s] می مانید که از بیرون — اع۲۳:۳
زیبا می نمایند ولی درون پُر از استخوانهای
مُردگان و هر گونه ناپاکی هستند.
۲۸همچنین شما نیز از بیرون در برابر
انسانها عادل می نمایید اما در درون پُر از — لو۱۶:۱۵
ریا و بی قانونی هستید. ۲۹وای بر شما ای
کاتبان و فریسیان ریاکار! مقبره های
پیامبران را می سازید و قبرهای عادلان را
تزیین می کنید[t]. ۳۰و می گویید: ''اگر در
دوران پدرانمان بودیم با ایشان در
[ریختن] خون پیامبران شریک
نمی شدیم.'' ۳۱بدین سان بر ضد خود
شهادت می دهید که پسران قاتلان پیامبران — اع۷:۵۲
هستید. ۳۲و پیمانهٔ پدرانتان را پُر
می کنید[u]. ۳۳ای ماران! ای افعی زادگان! — ۳:۷؛ ۱۲:۳۴؛ لو۳:۷
مگر می توانید از محکومیت جهنم
بگریزید؟ ۳۴بدین سبب اینک من
پیامبران، حکیمان و کاتبان[v] به سوی شما — اع۷:۵۲؛ ۲-تسا۲:۱۵
می فرستم. بعضی را کُشته و مصلوب
خواهید کرد و بعضی را در کنیسه هایتان
تازیانه زده و آنان را شهر به شهر تعقیب — ۲۳:۱۰
خواهید کرد. ۳۵این گونه خون عادلانی که
بر زمین ریخته شده، از خون هابیل عادل تا — پید۴:۸؛ عبر۱۱:۴
خون زکریا پسر برخیا[w] که بین قدس و
قربانگاه به قتل رساندید بر شما خواهد
آمد. ۳۶آمین! به شما می گویم که این همه
بر این نسل خواهد آمد[x].»

توبیخ اورشلیم
(لوقا۱۳:۳۴-۳۵)

۳۷«ای اورشلیم، ای اورشلیم، تو که
پیامبران را می کُشی و کسانی را که به سوی — اع۷:۵۹؛ ۲-تسا۲:۱۵
تو فرستاده شده اند سنگسار می کنی،
بارها[y] خواسته ام فرزندان تو را جمع کنم
همچون مرغی که جوجه هایش را به زیر
بالهایش جمع می کند... و نخواستید.
۳۸اینک خانهٔ شما برایتان متروک[z] — ۱-پاد۹:۷،۸؛ طو۱۴:۴

q- پر از محصول. با توجه به زبان یونانی «به دست آمده از» معنی می دهد.
r- در بعضی از نسخه های خطی اضافه شده است: و جام.
s- در فلسطین قبرها را با آهک به رنگ سفید درمی آوردند تا در شب مشهود باشند و با آنها برخورد نکنند و به این ترتیب مجبور نشوند رسوم تطهیر را به جا بیاورند.
t- چنین به نظر می رسد که یهودیان به یادبود نیاکان بزرگ خود که به وسیله مردم جفا دیده بودند بناهایی برای کفاره می ساختند.
u- این اصطلاح، استهزاءآمیز و احتمالاً منظور از آن مرگ عیسی می باشد.
v- عیسی با نام بردن از سه طبقه رؤسای روحانی یهود (کاهنان، کاتبان، لاویان) (ر.ک ار۱۸:۱۸) اشاره به فرستادگان خودش می کند.
w- این دو جنایت نخستین و آخرین جنایاتی هستند که در کتاب مقدس عبری ذکر شده و احتمالاً عیسی از آن استفاده کرده است. زکریا در حقیقت پسر «یواش» است (۲-توا۲۴:۲۰-۲۲) و در قدس به قتل رسید در حالی که هنوز خود را به قربانگاه نرسانده بود.
x- ر.ک ۲۳:۱۰ توضیح k.
y- طبق این اعلام، ظاهراً عیسی در مدت رسالت خود چندین بار به اورشلیم آمده است، چنانکه انجیل چهارم نیز این موضوع را تصدیق می کند.
z- در بعضی از نسخه های خطی کلمهٔ «بیابان» وجود ندارد (ر.ک ار۱۲:۷) ولی به هر صورت مفهوم همان است (ار۲۲:۵). ر.ک ۲۴:۱۵ توضیح n.

گذاشته شده است. ۳۹زیرا به شما می‌گویم
دیگر مرا نخواهید دید تا این که بگویید:
مبارک باد او که به نام خداوند می‌آید[a].» مر۱۱:۱۰؛ لو۱۹:۳۸

اعلام ویرانی معبد
(مرقس۱۳:۱-۴؛ لوقا۲۱:۵-۷)

۲۴ ۱و عیسی از معبد خارج شده
می‌رفت که شاگردانش پیش آمدند
تا بناهای معبد[b] را به او نشان دهند. ۲او به
سخن درآمده به ایشان گفت: «آیا همه
اینها را می نگرید؟ آمین به شما می‌گویم در
اینجا سنگی بر سنگی نخواهد ماند که لو۱۹:۴۴
نابود نشود.» ۳چون بر کوه زیتون نشسته
بود شاگردان در خلوت نزد او آمده به او
گفتند: «به ما بگو، اینها کی خواهد شد؟ و
نشانهٔ آمدن تو[c] و پایان زمان چه خواهد ۳۹:۱۳، ۴۹،۴۰؛ ۲۰:۲۸
بود[d]؟»

آغاز دردها
(مرقس۱۳:۵-۱۳؛ لوقا۲۱:۸-۱۹)

۴عیسی در پاسخ به ایشان گفت:
«هوشیار باشید که کسی شما را گمراه
نکند[e]. ۵زیرا بسیاری به نام من آمده
خواهند گفت: ''من مسیح هستم'' و بسیاری یو۵:۴۳
را گمراه خواهند کرد. ۶از جنگها و از
اخبار جنگها خواهید شنید. زنهار! نگران
مشوید. زیرا این بایستی انجام شود[f]. اما
هنوز پایان نیست. ۷زیرا ملتی بر ضد ملتی
و مملکتی بر ضد مملکتی برخواهد خاست،
در جاهایی قحطی ها و زمین لرزه ها[g] روی
خواهد داد. ۸تمام اینها آغاز دردهای زایمان
است[h]. ۹آنگاه شما را به مصیبت[i] دچار
خواهند کرد و شما را خواهند کُشت و به ۲۳،۱۷:۱۰
خاطر نام من منفور همه ملت‌ها خواهید یو۱۶:۲؛ ۲۲:۱۰؛
شد. ۱۰آنگاه بسیاری دچار لغزش خواهند یو۱۵:۱۸

a- این عبارت که از مز۱۱۸:۲۶ نقل شده فریاد شادی برای مسیح است (ر.ک مت۲۱:۹ توضیح c) و ممکن است اشاره به رنج و صلیب عیسی و پایان رسالت او در میان مردم یا اشاره به مرگ و بازگشت پرشکوه او باشد.

b- معبد جدید اورشلیم که در سال ۶۰ میلادی افتتاح گردید در زمان عیسی رو به اتمام بود (ر.ک یو۲:۲۰).

c- کلمه parousia که در اصل یونانی به کار برده شده به معنی بازآمدن پسر انسان در پایان دنیاست. همین کلمه در۲۴:۲۷، ۳۷، ۳۹؛ ۱-قرن۱۵:۲۳؛ ۱-تسا۲:۱۹ و غیره آمده است.

d- در دوران عیسی، موضوع نشانه های فرا رسیدن پایان جهان در میان یهودیان بسیار مطرح بود. در این باب سه موضوع کاملاً درهم آمیخته که عبارتند از: ویرانی اورشلیم، پایان این دنیا و آمدن شکوهمند پسر انسان. عیسی هشدار می‌دهد که دربارهٔ این نشانه های پیش از بازآمدن پسر انسان، خود را نگران نکنند و اصرار می‌کند در انتظار آن هوشیار بمانند (۲۴:۳۰).

e- این فعل را می‌توان «فریفتن» یا «به اشتباه انداختن» نیز ترجمه کرد و جزو کلماتی است که در ادبیات مکاشفه ای یهود به کار می‌رود و اشاره به جاذبه های مختلف می باشد (مثلاً جاذبهٔ مسیحایی: مت۲۴:۵،۱۱، ۲۴؛ جاذبه های شیطانی یا سیاسی: مکا۲:۲۰؛ ۱۲:۹؛ ۱۳:۱۴ یا جاذبه های تعلیمی: ۱-یو۱:۸؛ ۲:۲۶؛ ۳:۷).

f- ر.ک دان۲:۲۸. این ضرورت (باید...) ارتباطی با قضا و قدر یا اقدامات بشری ندارد بلکه به اراده و مشیت الهی مربوط است.

g- این وقایع معمولاً در ادبیات مکاشفه ای ذکر شده است (ر.ک ۲-توا۱۵:۶؛ اش۱۹:۲-۶، ۱۷).

h- عیسی تصویر دردهای زایمان را که در عهد عتیق به کار برده شده (اش۱۳:۸؛ هو۱۳:۱۳ و غیره) ذکر می کند تا نشان دهد آنچه روی خواهد داد حتمی و اجتناب ناپذیر است. این عبارت را دقیق تر به دو گونه می توان تعبیر کرد که «ابتدای دردها، پایان دنیا نیست (آنچه احتمالاً در اینجا منظور بوده) یا اینکه ابتدای پایان، در شرف وقوع می باشد.

i- منظور از این مصیبت ها که از مختصات زمان آخر است بیش از آن که رنجهای شخصی به خاطر انجیل (۲-قرن۴:۱؛ ۲:۴؛ ۶:۴) یا وقایع سیاسی و اتفاقات کیهانی (مکا۷:۱۴) باشد در اینجا به مفهوم جفای مسیحیان است (ر.ک مت۱۳:۲۱).

شد[j] و عده ای یکدیگر را تسلیم کرده و
عده ای از یکدیگر نفرت خواهند داشت.
۱۱ پیامبران دروغین[k] بسیاری برخواهند
خاست و بسیاری را گمراه خواهند کرد.
۱۲ و چون بی قانونی افزون شود محبت
تعداد زیادی به سردی خواهد گرایید. ۲۲:۱۰
۱۳ ولی هر که تا پایان مقاومت کند نجات
خواهد یافت. ۱۴ و این نوید ملکوت برای
شهادت به همه ملت ها در تمام دنیای ۱۹:۲۸
مسکون[l] اعلام خواهد شد و آنگاه پایان ۱۸:۱۰
فراخواهد رسید[m].

مصیبت عظیم

(مرقس۱۳:۱۴-۲۳؛ لوقا۲۱:۲۰-۲۴)

۱۵ «پس چون مشاهده کنید کراهت ۱-مک۱:۵۴؛ ۷:۶
ویرانگر[n] که دانیال نبی گفته بود در مکان
مقدس مستقر شده است -خواننده آن را
دریابد[o]!- ۱۶ آنگاه کسانی که در یهودیه
هستند[p] به کوهها بگریزند. ۱۷ آن کس که
بر پشت بام است پایین نیاید تا چیزی از لو۱۷:۳۱
خانه بردارد. ۱۸ و آن کس که در کشتزار
است به عقب برنگردد تا ردای خود را
بردارد. ۱۹ وای بر آنانی که باردار خواهند
بود و آنان که در آن روزها شیر خواهند داد.
۲۰ دعا کنید فرار شما در زمستان یا در روز
سبت[q] نباشد. ۲۱ زیرا در آن وقت مصیبت
بزرگی خواهد بود چنان که از آغاز دنیا تا یول۲:۲؛ مکا۷:۱۴
کنون نظیر آن روی نداده است[r] و دیگر
هرگز روی نخواهد داد. ۲۲ و اگر آن روزها
کوتاه نشده بود هیچ آفریده ای نجات
نمی یافت[s] ولی به خاطر برگزیدگان این
روزها کوتاه خواهند شد[t]. ۲۳ آنگاه اگر

j- ر.ک ۵:۲۹ e.
k- متی اکثراً از فعالیت پیامبران دروغین یاد می کند که از پایان قرن اول میلادی، کلیسا را آشفته کرده بودند (مت۷:۱۵؛ ۲۴:۲۴؛ ر.ک ۱-یو۴:۱).
l- ر.ک روم۱۰:۱۸. اعلام انجیل به غیریهودیان در اینجا به عنوان دلیل هستی جهان و تحقق تاریخ ارائه شده است.
m- یعنی پایان اوضاع کنونی و برپائی قطعی ملکوت خدا. همین کلمه با همین مفهوم در۱۰:۲۲ و ۲۴:۶، ۱۳ بکار رفته است.
n- تحت اللفظی: کراهت پیشروی بیابان. بیابان از یک دیدگاه چون دور از زندگی است، جایگاه شیطان محسوب می شود (مت۴:۱ c). این اصطلاح در دان۹:۲۷؛ ۱۱:۳۱؛ ۱۲:۱۱ یادآور بی حرمتی به معبد اورشلیم است که آنتیوخوس اپیفان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد مرتکب شده بود. در دوران کلیسا این کلمات در مورد شیطان یا ضد مسیح به کار برده شده یا به مفهوم خیانت ها و ارتدادهایی است که مختص زمان آخر می باشد. این اصطلاح معنی وسیعتری نیز دارد و به احتمال قوی اشاره به بی حرمتی به سرزمین موعود توسط اشغال ارتش روم و ناپاک ساختن معبد توسط فرقه غیوران است، ر.ک مر۱۳:۱۴ w.
o- این جملهٔ معترضه اهمیت کلماتی را که قبلاً ذکر شده است تأکید می نماید و نشان می دهد که این جمله نمی خواهد ابتدا اتفاقاتی را که برای همه قابل درک است توصیف کند بلکه به ایمان داران تعلیم می دهد که در دوران آینده فقط به ایمان متکی باشند.
p- منظور از «کسانی که در یهودیه هستند» اهالی یهودیه نیستند که در سال۷۰ میلادی به هنگام تصرف اورشلیم در آنجا بودند یا یهودیانی که در موقع آمدن پسر انسان در یهودیه سکونت دارند بلکه منظور پیروان عیسی یعنی مسیحیان به هنگام داوری نهایی می باشد. بنابراین کلمه یهودیه مفهوم نمادین دارد و بدین معنی است که حتی سرزمین وعده (کلیسا؟) از داوری بر کنار نخواهد بود.
q- ذکر روز سبت در اینجا مختص انجیل متی است و نشان می دهد که خطاب این آموزش به مسیحیان یهودی تبار بوده است.
r- ر.ک دان۱۲:۱.
s- تحت اللفظی: هیچ تنی.
t- این موضوع در ادبیات مکاشفه ای یهود آمده است (کتاب خنوخ) و گفته می شود دوران ذلت و بدبختی نهایی کوتاه خواهد شد تا پیام انجیل به برگزیدگان برسد (ر.ک آیه ۱۴) یا این که بتوانند از انهدام کامل بر کنار بمانند. بر طبق تفسیر دیگری که بیشتر محتمل است تمام بشریت به خاطر برگزیدگان از این فاجعه در امان خواهند ماند. ضمناً این برگزیدگان فقط منحصر به یهودیانی نیستند که مسیحی شده اند بلکه مسیحیانی که در سرتاسر دنیا پراکنده می باشند (مر۱۳:۲۷). ر.ک مت۵:۱۳ l.

۲۴:۵،۱۱؛ ۱-یو۲:۱۸ کسی به شما بگوید: اینک مسیح در اینجا
یا در آنجا است باور مکنید. ۲۴ زیرا
تث۱۳:۲-۴؛ ۲-تسا۲:۹،۱۰؛ مکا۱۳:۱۳،۱۴ مسیح های دروغین[u] و پیامبران دروغین قیام
خواهند کرد که نشانه های بزرگ و کرامات
انجام خواهند داد تا اگر ممکن می بود حتی
برگزیدگان را گمراه سازند. ۲۵ اینک از
پیش به شما گفتم.

آمدن پسر انسان
(مرقس۱۳:۲۴-۳۱؛
لوقا۱۷:۲۳-۲۴؛ ۲۱:۲۵-۳۱)

۲۶ «پس اگر به شما بگویند: اینک او در
صحراست، بیرون نروید. یا اینک در
مخفیگاه است باور مکنید. ۲۷ زیرا به همان
۲۴:۳۷،۳۹؛ ۱-قرن۱۵:۲۳؛ ۱-تسا۲:۱۹؛ ۳:۱۳؛ گونه که آذرخش از خاور می‌آید و تا باختر
می درخشد، آمدن پسر انسان به همین گونه
۴:۱۵؛ ۵:۲۳؛ ۲-تسا۲:۱،۸؛ یع۵:۷-۸؛ ۲-پطر۳:۴،۱۲؛ ۱-یو۲:۲۸ خواهد بود. ۲۸ هر جا که مردار باشد در
آنجا کرکس ها جمع می شوند[v].
۲۹ بلافاصله پس از مصیبت این روزها،
خورشید تاریک خواهد شد و ماه روشنایی
حزق۳۲:۷؛ یول۲:۱۰؛ ۳:۴؛ ۴:۱۵؛ مکا۶:۱۲ خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان
خواهند افتاد و قدرتهای آسمانها[w] متلاطم
حجی۲:۶،۲۱؛ مکا۶:۱۳ خواهند شد. ۳۰ و آنگاه نشانهٔ پسر انسان[x]
زک۱۲:۱۰-۱۴؛ مکا۱:۷ در آسمان پدیدار خواهد شد و آنگاه تمام
قبایل زمین به سینهٔ خود خواهند زد و پسر
۱۶:۲۷ انسان را خواهند دید که با قدرت و شکوه
بسیار بر ابرهای آسمان می‌آید[y]. ۳۱ و
۱۳:۴۱ فرشتگان خود را با کرنای بزرگ فرستاده و
اش۲۷:۱۳؛ ۱-قرن۱۵:۵۲؛ ۱-تسا۴:۱۶ برگزیدگان او را از بادهای چهارگانه از
کرانه ها تا کرانه های آسمان جمع خواهند
کرد[z]. ۳۲ از درخت انجیر این مثل را
بیاموزید. همین که شاخه‌اش نرم شد و
برگها رویید می‌دانید که تابستان نزدیک
است. ۳۳ همچنین شما نیز وقتی همهٔ اینها
را ببینید بشناسید که او نزدیک به
دروازه ها[b] شده است[a]. ۳۴ آمین به شما
۱۶:۲۸ می‌گویم که این نسل نخواهد گذشت پیش
از آن که این همه انجام شده باشد[c].

u- چنین به نظر می رسد که در این دورانهای آشفته تعداد مسیح های دروغین کم نبوده است (ر.ک اع۵:۳۶ تیودا [و یهودای جلیلی] در سال ۱۳۵ میلادی، پایان دومین جنگ یهود، کاهنی که سرپرست کنیسه عقیبه بود اعلام کرد بار کوخبا مسیح موعود است).
v- دربارهٔ این ضرب‌المثل ر.ک لو۱۷:۳۷ x. آیات ۲۷ و ۲۸ فکر واحدی را بیان می کنند بدین معنی که هنگام آمدن پسر انسان هیچ شک و تردیدی نخواهد بود و بنابراین نباید نگران شده در این فکر بود که آمدن او در چه موقع و در چه شرائطی روی خواهد داد. البته کرکس به زبان یونانی، به معنی عقاب نیز هست. در این صورت آیا در اینجا به ارتش روم که علامت عقاب داشتند اشاره شده است؟ ر.ک ایوب۳۹:۲۷،۳۰.
w- ر.ک اش۱۳:۱۰ و ۳۴:۴. منظور از قدرتهای آسمانها، ستارگان و نیروهای آسمانی هستند. در محیط یهودیت دوران عیسی این نوع کلمات جزو مجموعهٔ اصطلاحاتی بود که در متون سنتی به کار برده می شد تا احساس کنند که دخالت نهایی خدا در تاریخ جنبهٔ کیهانی و قطعی دارد.
x- این نشانه احتمالاً خود پسر انسان است.
y- این اصطلاح در دان۷:۱۳-۱۴ آمده و مجدداً در مت۲۶:۶۴ به کار برده می شود. اکثراً در نوشته های عهد عتیق آمدن خدا و تجلی او بدین گونه نشان داده شده است (خروج۱۹:۱۶؛ ۳۴:۵؛ حزق۱:۴؛ ۱۰:۳-۴ و غیره).
z- طبق این مطالب که ترکیب ماهرانه ای از متون عهد عتیق است (تث۳۰:۴؛ زک۲:۱۰؛ ۶:۱-۸؛ ر.ک نح۱:۹؛ حزق۳۷:۹) و در مر۱۳:۲۷ هم آمده است اجتماع برگزیدگان در سرتاسر روی زمین انجام خواهد شد؛ این نکته که جنبهٔ جهان گرایی دارد مورد توجه و علاقه متی است و با نظریه ویژگی گرایی که برخی از فرقه های یهود نظیر اسنیان مراعات می کردند تفاوت دارد.
a- یعنی پسر انسان یا نشانهٔ پسر انسان (ر.ک آیه ۳۰ x) یا استقرار قطعی پادشاهی خدا.
b- یعنی: به دروازه های شهر. مانند پادشاهی که به شهر خود وارد می شود تا اقتدار قانونی خود را که مدتی نپذیرفته بودند در آنجا برقرار سازد [اصطلاح ورود به دروازه معنای پیروزی را به همراه دارد].
c- دربارهٔ این آیه ر.ک مر۱۳:۳۰ h.

۱۸:۵؛ لو۱۶:۱۷
۳۵آسمان و زمین خواهند گذشت ولی
سخنان من البته نخواهند گذشت.

کسی آن روز را نمی‌داند: بیدار باشید!

(مرقس۱۳:۳۲-۳۵؛ لوقا۱۷:۲۶-۲۷، ۳۴-۳۵؛ ۱۲:۳۹-۴۰)

اع۱:۷؛ ۱-تسا۵:۱،۲
۳۶اما درباره این روز و این ساعت، کسی
نمی‌داند؛ نه فرشتگان آسمانها، نه پسر
بلکه تنها پدر[d]. ۳۷روزهای نوح چنین بود
و آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود.
۳۸زیرا در روزهای پیش از طوفان مشغول
خوردن و نوشیدن یا زن گرفتن یا شوهر
کردن می بودند تا روزی که نوح به کشتی
وارد شد ۳۹و چیزی ندانستند تا طوفان آمد
و همه را با خود بُرد، آمدن پسر انسان نیز
چنین خواهد بود. ۴۰آنگاه از دو [مرد] که
در کشتزار باشند یکی برگرفته و دیگری
گذاشته خواهد شد. ۴۱از دو [زن] که با
دستاس آسیاب کنند یکی برگرفته و
دیگری گذاشته خواهد شد. ۴۲پس بیدار
باشید چون نمی‌دانید خداوند[e] شما چه
روزی می‌آید. ۴۳این را خوب بدانید: اگر
صاحب‌خانه می‌دانست دزد در چه پاسی از
شب می‌آید بیدار مانده نمی‌گذاشت
خانه‌اش را نقب بزنند[f]. ۴۴بدین سبب
شما هم آماده باشید زیرا در ساعتی که
نمی‌پندارید پسر انسان می‌آید.

پید۶:۹،۱۲؛ ۲۴:۲۷،۳۹؛ ۱-قرن۱۵:۲۳؛ ۱-تسا۲:۱۹؛ ۳:۱۳؛ ۴:۱۵؛ ۵:۲۳؛ ۲-تسا۲:۱،۸؛ یع۵:۷،۸؛ ۲-پطر۳:۴،۱۲؛ ۱-یو۲:۲۸؛ پید۶:۱۳-۷:۲۴؛ ۲-پطر۳:۶

۱-تسا۵:۲؛ ۲-پطر۳:۱۰؛ مکا۳:۳؛ ۱۶:۱۵

خادم وفادار

(لوقا۱۲:۴۲-۴۶)

۴۵«کدام خادم وفادار و فهمیده‌ای است
که خداوند بر اهل خانه قرار داده تا به آنان
به موقع غذا بدهد. ۴۶خوشا بر این خادم!
که چون خداوندش بیاید او را این چنین
مشغول بیابد. ۴۷آمین به شما می‌گویم او را ۲۵:۲۱،۲۳
بر تمام اموالش قرار خواهد داد. ۴۸ولی اگر
خادم بد در قلب خود بگوید: ''خداوند من
دیر می‌آید.'' ۴۹و شروع به زدن
هم‌خدمتانش بکند و با مستان بخورد و
بنوشد ۵۰خداوند این خادم خواهد آمد در
روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که
نمی‌داند. ۵۱و او را منقطع ساخته[g] و حق
او را با ریاکاران خواهد داد[h]، در جایی که
صدای گریه و فشار دندانها باشد.

۸:۱۲؛ ۱۳:۴۲،۵۰؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۴:۵۱؛ ۲۵:۳۰؛ لو۱۳:۲۸

ده باکره

۲۵ ۱«در آن وقت ملکوت آسمانها
مانند ده باکره خواهد بود که لو۱۲:۳۵،۳۶
چراغهای خود را برداشته به استقبال داماد
بیرون رفتند[i]. ۲آنان پنج ابله و پنج فهمیده

d- دربارهٔ این کلمات ر.ک مر۱۳:۳۲ i. ضمناً متی با افزودن کلمهٔ «تنها» مفهوم عبارت مرقس را تشدید نموده است.
e- متی کلمهٔ «خداوند» را که مرقس به کار برده (مر۱۳:۳۵) تغییر داده و «خداوند شما» به کار برده است تا مثل اصلی جنبهٔ تمثیلی داشته باشد (ر.ک مت۲۵:۱۳ k).
f- ر.ک مت۶:۱۹ l.
g- تحت‌اللفظی: او را به دو نیم خواهد برید: این اصطلاح ممکن است اشاره به شکنجه‌ای باشد که در عهد عتیق ذکر شده (دان۱۳:۵۵، ۵۹ و غیره) ولی به احتمال زیاد اصطلاح مخصوصی است که به معنی اخراج از جمعیت ایمانداران یا دور کردن و جدا کردن موقتی از آن باشد. مفهوم اخیر در نوشته های قمران نیز تأیید شده است.
h- ر.ک ۶:۲ توضیح v.
i- این مثل همانند مثل قبلی بر موضوع تأخیر در آمدن خداوند متمرکز شده (۲۴:۴۸؛ ۲۵:۵)، با این همه توجهی به طرز رفتار ناشایست خدمتگزاران نمی شود بلکه بر ضروری بودن آمادگی به هنگام اعلام ندای آمدن داماد تأکید شده است (۲۴:۴۴؛ ۲۵:۱۰). در اینجا دختران فهمیده یا ابله هستند، نظیر کسانی که خانهٔ خود را بر صخره یا بر شن بنا می کنند (۷:۲۴-۲۷).

بودند. ۳و [دختران] ابله چون چراغهای خود
را برداشتند روغن با آنها برنداشتند. ۴ولی
[دختران] فهمیده در روغن‌دانها روغن با
چراغ خود برداشتند. ۵چون داماد دیر کرد
همه چرت زده به خواب رفتند. ۶در نیمه
شب فریادی برخاست: ''اینک داماد! به
استقبالش بیرون شوید.'' ۷آنگاه همهٔ
باکره‌ها قیام کردند و چراغهای خود را
آراستند. ۸[دختران] ابله به [دختران]
فهمیده گفتند: ''از روغن خود به ما بدهید
چون چراغهای ما خاموش می‌شود.''
۹[دختران فهمیده] پاسخ دادند: ''البته برای
ما و شما کافی نخواهد بود. بهتر است
بروید برای خود از فروشندگان بخرید.''
۱۰چون ایشان رفتند بخرند داماد آمد و آنان
مکا۱۹:۷،۹ که آماده بودند با او به عروسی وارد شدند و
در بسته شد. ۱۱سرانجام دیگر باکره‌ها نیز
لو۱۳:۲۵،۲۷ آمدند و گفتند: ''خداوندا، خداوندا، برای
ما باز کن.'' ۱۲ولی او پاسخ داده گفت:
''آمین به شما می‌گویم که نمی‌دانم شما که
مر۱۳:۳۵؛ لو۱۲:۴۰ هستید[j].'' ۱۳پس بیدار باشید! زیرا شما آن
روز و ساعت را نمی‌دانید[k].

مثل تالان‌ها
(لوقا۱۹:۱۲-۲۷)

۱۴«این همانند مردی است که عازم سفر
شده خادمان خود را خواند و اموالش را به
ایشان سپرد[l]. ۱۵به یکی پنج تالان[m]، به
دیگری دو، به دیگری یک، برابر ثروت هر
کدام داد و به سفر رفت. ۱۶همان‌دم آن که
پنج تالان دریافت کرده بود آنها را به کار
انداخت و پنج [تالان] دیگر سود بُرد.
۱۷همچنین آن که دو تالان داشت دو تالان
دیگر سود بُرد. ۱۸آن که یک تالان دریافت
کرده بود رفته زمین را کند و پول
خداوندش را پنهان کرد. ۱۹پس از مدتی
دراز خداوند این خادمان آمد و حساب خود ۱۸:۲۳
را با ایشان تسویه نمود. ۲۰آن که پنج تالان
دریافت کرده بود پیش آمده پنج تالان دیگر
ارائه کرده گفت: ''ای خداوند، این پنج
تالان که به من سپرده بودی. اینک پنج
تالان دیگر که سود برده‌ام.'' ۲۱خداوندش
به او گفت: ''آفرین ای خادم خوب و ۲۵:۲۳؛ لو۱۶:۱۰
وفادار! برای چیز اندک وفادار بوده‌ای؛ تو
را بر چیز بسیار قرار خواهم داد؛ در شادی ۲۴:۴۷
خداوندت وارد شو[n].'' ۲۲همچنین آن که
دو تالان دریافت کرده بود پیش آمده گفت:
''خداوند این دو تالان که به من سپرده
بودی. اینک دو تالان دیگر که سود
برده‌ام.'' ۲۳خداوندش به او گفت: ''آفرین
ای خادم خوب و وفادار! برای چیز اندک
وفادار بوده‌ای، تو را بر چیز بسیار قرار
خواهم داد؛ در شادی خداوندت وارد شو.''
۲۴همچنین آن که تنها یک تالان دریافت

j- پایان این مثل نظیر۷:۲۳ و در انجیل لوقا نظیر۱۳:۲۵-۲۷ می باشد.

k- اگر دستور بیداری به معنی آن است که نخوابند، این عبارت به مثل اصلی افزوده شده زیرا همهٔ دختران به خواب رفته بودند (۲۵:۵) ولی ممکن است این توصیه به معنی آماده بودن باشد (ر.ک۲۴:۴۲، ۴۴).

l- این مثل که در طی آن رفتار خدمتگزاران خوب و بد توصیف می شود نظیر مثل خدمتگزار وفادار است (۲۴:۴۵-۵۱). اما وفاداری که از خادمان انتظار می رود منحصر به آن نیست که آماده باشند یا در صورت تأخیر خداوند که در اینجا ذکر نشده رفتار خوبی داشته باشند بلکه بایستی تالان هایی را که به آنان سپرده می شود برابر اهمیت آنها به ثمر برسانند. بنابراین محتوای مثل با آموزشی که بعداً می آید کاملاً ارتباط دارد (۲۵:۳۱-۴۶). ضمناً لوقا مثلی را که دربارهٔ قنطارها روایت کرده (۱۹:۱۲-۲۷) ممکن است از منبعی نزدیک به این مثل گرفته باشد.

m- تالان، واحد پول طلا. هر تالان معادل دستمزد ۶۰۰۰ روز کار بوده است، ر.ک ۱۸:۲۴ o.

n- به این نکته عجیب توجه نمایید که مبلغ مهمی را که سپرده بود «چیز اندکی» توصیف می کند.

کرده بود پیش آمده گفت: ''ای خداوند، تو
یو۴:۳۷ را می شناسم که انسان سختی هستی، در
جایی که نکاشته ای درو می کنی و جایی که
نپراکنده ای جمع می کنی. ۲۵ و ترسیده
رفتم و تالان تو را در زمین پنهان کردم.
اینک مال توست اینجاست.''
۲۶ خداوندش در پاسخ او گفت: ''ای خادم
بد و بی قید، تو می دانستی که من در جایی
که نکاشته ام درو می کنم و در جایی که
چیزی نپراکنده ام جمع می کنم. ۲۷ پس
می بایست پول مرا نزد صرافان می گذاشتی
و چون برمی گشتم آنچه را که مال من است
با بهره اش باز می یافتم. ۲۸ پس آن تالان را
از او برداشته به آن که ده تالان دارد
بدهید. ۲۹ زیرا به هر که دارد داده خواهد
شد و او به فزونی خواهد داشت[o] ولی آن
که ندارد حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد
شد. ۳۰ اما خادم بی فایده، او را به بیرون
ظلمت بیندازید؛ در جایی که صدای گریه و
فشار دندانها باشد[p].''

داوری

۳۱ «چون پسر انسان با شکوه خواهد آمد
و تمام فرشتگان با او، آنگاه بر تخت تث۳۳:۲
شکوه خود خواهد نشست[q]. ۳۲ و تمام مکا۳:۲۱؛ ۱۱:۲۰
ملت ها در برابر او جمع خواهند شد و آنان زک۵:۱۴؛ یهو۱۴-۱۵
را از یکدیگر سوا خواهد کرد همچون
شبانی که گوسفندان را از بُزها[r] سوا حزق۱۷:۳۴
می کند. ۳۳ و گوسفندان را به راست خود و لو۳۲:۱۲
بُزها را به چپ خود قرار خواهد داد.
۳۴ آنگاه پادشاه به آنان که در راست او
هستند خواهد گفت: ''بیایید ای برکت
یافتگان از پدرم و ملکوت را که از بنیاد
جهان برای شما آماده شده است به ارث لو۳۰:۲۲
دریافت کنید. ۳۵ زیرا گرسنه بودم و به من اش۷:۵۸
خوراک دادید، تشنه بودم به من نوشیدنی
دادید، بیگانه بودم و مرا پناه دادید.
۳۶ برهنه، و مرا پوشانیدید، بیمار، و مرا
عیادت کردید، در زندان بودم و نزد من
آمدید[s].'' ۳۷ آنگاه عادلان به او پاسخ داده
خواهند گفت: ''خداوندا کی تو را گرسنه
دیده ایم تا به تو خوراک داده باشیم یا تشنه

o- عیسی تصمیمی را که در آیه ۲۸ ذکر شده است به وسیلهٔ ضرب المثلی توجیه نموده و بدین وسیله هم شدت محکومیت و هم بخشش لایتناهی خدا را نشان می دهد.

p- ر.ک ۱۲:۸ توضیح t.

q- این نوشته مثل نیست بلکه تشریح پیامبرانه داوری نهایی می باشد. پسر انسان در «شکوه» خود (۲۷:۱۶؛ ۲۸:۱۹) همچون پادشاه می آید تا همه ملت ها را داوری کند و رفتار آنان را بر مبنای اعمال ترحم آمیزی که نسبت به نیازمندان انجام داده اند ارزیابی نماید. آنگاه به آنان اظهار می کند که اعمال و رفتارشان مفهوم عمیقی داشته که نمی دانسته اند. در اینجا عیسی آموزشهایی را که در بابهای ۲۴-۲۵ داده شده است تکمیل نموده آنچه را قبلاً فقط به شاگردان گفته بود (۴۰:۱۰؛ ۵:۱۸) به تمام آدمیان تعمیم می دهد و خود را با تمام بیچارگانی که برادرانش به شمار می روند یکی می داند. بعضی معتقدند منظور از «کوچکتران» پیروان ستمدیدهٔ عیسی می باشند که غیرمسیحیان به آنان کمک کرده اند.

r- معنی کلمهٔ یونانی همین است (ر.ک خروج۵:۱۲؛ لاو۱:۱۰؛ لو۲۹:۱۵).

s- اعمالی که عیسی آنها را تمجید می کند همان اقدامات پرهیزکارانه ای هستند که در آیین یهود و عهد جدید ستوده شده اند: تغذیه گرسنگان (۴۲:۱۰؛ لو۱۱:۳؛ ۱۲:۱۴-۱۴؛ اع۶:۱-۳؛ روم۱۲:۲۰؛ ۱-قرن۳۳:۱۱)، میهمان نوازی (۴۰:۱۰-۴۲؛ روم۱۳:۱۲؛ کول۱۰:۴؛ ۱-پطر۹:۴؛ عبر۲:۱۳؛ ر.ک مت۱۴:۱۰؛ لو۵۳:۹-۵۴)، لباس پوشاندن به نیازمندان (لو۱۱:۳؛ اع۳۶:۹، ۳۹؛ یع۱۵:۲-۱۶)، عیادت بیماران (لو۳۳:۱۰-۳۵؛ یع۱۴:۵). در اینجا تفاوتی که با دستورات آیین یهود وجود دارد عیسی از تربیت یتیمان و از تدفین مردگان چیزی نمی گوید (ر.ک۲۶:۱۰ توضیح d)، ولی ملاقات زندانیان را افزوده است (ر.ک ۲-تیمو۱۶:۱-۱۸؛ عبر۳:۱۳).

تا به تو نوشیدنی داده باشیم؟ ۳۸کی تو را
بیگانه دیده ایم تا پناه داده باشیم یا برهنه تا
تو را پوشانیده باشیم؟ ۳۹کی تو را بیمار یا
در زندان دیده ایم تا نزد تو آمده باشیم؟''
۴۰و پادشاه به ایشان پاسخ داده خواهد
گفت: ''آمین به شما می گویم همین قدر که
امث۱۹:۱۷؛ مر۹:۴۱ به یکی از این کوچکترین ها که برادران من
هستند چنین کرده اید، به من کرده اید[t].''
۴۱آنگاه به آنان که در چپ او هستند نیز
۲۳:۷ مر۹:۴۸؛ یهو۷؛ مکا۲۰:۱۰ خواهد گفت: ''ای ملعونان، از من دور
شوید! به آتش ابدی که برای ابلیس و
فرشتگان او آماده شده است. ۴۲زیرا
گرسنه بودم و به من خوراک ندادید؛ تشنه
بودم و به من نوشیدنی ندادید. ۴۳بیگانه
بودم و مرا پناه ندادید؛ برهنه، و مرا
نپوشانیدید؛ بیمار و در زندان و مرا عیادت
نکردید.'' ۴۴آنگاه ایشان نیز پاسخ داده
خواهند گفت: ''خداوندا، کی تو را گرسنه
یا تشنه یا برهنه یا بیگانه یا بیمار یا در
زندان دیده ایم و به تو خدمت نکرده ایم؟''
۴۵پس در پاسخ ایشان خواهد گفت: ''آمین
به شما می گویم همین قدر که به یکی از
اینها که کوچکترین هستند نکرده اید به من
نکرده اید.'' ۴۶و ایشان به کیفر ابدی
خواهند رفت ولی عادلان به زندگی ابدی.» دان۱۲:۲؛ یو۵:۲۹

توطئه بر ضد عیسی (مرقس۱۴:۱-۲؛ لوقا۲۲:۱-۲؛ یوحنا۱۱:۴۷-۴۹، ۵۳)

۲۶ ۱باری[u] چون عیسی همه این
سخنان[v] را به پایان رسانید به
شاگردانش گفت: ۲«می دانید دو روز دیگر
[جشن] گذر فرا می رسد[w] و پسر انسان خروج۱۲:۱-۲۷ ۲۰:۱۸، ۱۹؛
تسلیم کرده می شود[x] تا مصلوب گردد.» ۲۷:۲۶؛ مر۱۵:۱۵؛
۳آنگاه[y] کاهنان اعظم و مشایخ قوم در حیاط لو۲۴:۷، ۲۰؛ یو۱۹:۱۶
کاهن اعظم به نام قیافا[z] اجتماع ۴و با هم

t- ملاحظه کنید آموزش مشابهی که در ۱۰:۴۲ آمده فقط خطاب به شاگردان یعنی «کوچکان» بوده (در صورتی که در اینجا برای همهٔ آدمیان صفت «کوچکترین ها» به کار برده شده است). همچنین به جای اصطلاح «به عنوان شاگرد» (۱۰:۴۲) عبارت «که برادران من هستند» ذکر شده و این امر نه برای آن است که عنوان برادر (که در ۲۵:۴۵ ذکر نشده) فقط منحصر به شاگردان باشد بلکه تا ارتباط هر فرد نیازمندی را با عیسی اعلام کند. بالاخره حرف اشارهٔ «این» که در ۲۵:۴۰ کلمهٔ تأکیدی و زائد است در آیه ۱۰:۴۲ ارزش واقعی دارد و به آیه قبلی ارجاع می دهد.

u- تحت اللفظی: و چنین روی داد، وقتی که... (ر.ک ۷:۲۸؛ ۱۱:۱؛ ۱۳:۵۳؛ ۱۹:۱).

v- این «سخنان» (جمع logos) را انجیل نگار اساساً از نظر عملی در یک جا جمع کرده است (ر.ک ۷:۲۸ توضیح j).

w- عیسی دیگر در برابر تهدید عقب نشینی نمی کند (ر.ک ۱۲:۱۵؛ ۱۴:۱۳) بلکه با سرنوشتی که مستقیماً پیشگویی می کند روبرو می‌شود. ضمناً با ارتباط دادن با عید فصح یهودیان به سرنوشت خود معنی و مفهوم می دهد (ر.ک مر۱۴:۱ توضیح k).

x- فعلی که در اینجا به کار رفته به صورت زمان حال می باشد در صورتی که قبلاً در اعلام رنج مسیح فعل آینده به کار رفته بود (۱۷:۲۲؛ ۲۰:۱۸) و بنابراین رنج و مرگ با این سخن عیسی آغاز می شود و می توان چنین ترجمه کرد: «بدانید که...» و به این ترتیب ارتباط بین عید فصح و مصلوب شدن را نشان داد. کلمهٔ «تسلیم کردن» که معمولاً به معنی بدی به کار برده شده (۴:۱۲؛ ۵:۲۵؛ ۱۰:۱۷، ۱۶) در اینجا که سخن از رنج و مرگ مسیح است به صورت فعل مجهول می باشد (۱۷:۲۲؛ ۲۰:۱۸) و از این طرز ترکیب عبارت که قدیمی است چنین برمی‌آید که خدا پسر خود را به آدمیان تسلیم می کند (روم۴:۲۵؛ ۱-قرن۱۱:۲۳). بعداً تأکید خواهد شد که عیسی شخصاً خود را تسلیم نمود تا ما را نجات دهد (غلا۲:۲۰؛ افس۵:۲).

y- این تغییر موضوع از نظر ترتیب وقوع حوادث ارزشی ندارد ولی از لحاظ علم الهی دارای اهمیت است (ر.ک مز۳۱:۱۴). شورای یهودیان احتمالاً همان است که یوحنا در ۱۱:۴۷-۵۳ ذکر کرده و تاریخ تجمع آنان را بیش از یک هفته قبل از عید فصح تعیین نموده است.

z- به همان گونه که یوحنا در۱۱:۴۹ و ۱۸:۱۴ ذکر کرده، متی نقش قیافا، داماد حنا را در این وقایع صریحاً یادآوری و نمایان می کند (لو۳:۲؛ یو۱۸:۱۳). این شخص از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی کاهن اعظم یعنی رئیس کل مقامات مذهبی یهود و رئیس دادگاه عالی یهود (سانهدرین) بوده است. متی بعضی از مشایخ قوم را نیز در این وقایع شریک کاهنان اعظم قلمداد کرده، یعنی

مز۱۴:۳۱ مشورت کردند که عیسی را به حیله دستگیر
کرده بکُشند. ۵ولی می‌گفتند: «نه در زمان
جشن[a]، تا هیاهوئی در قوم ایجاد نگردد.»

تدهین در بیت‌عنیا
(مرقس۱۴:۳-۹؛ یوحنا۱۲:۱-۸)

۶هنگامی که عیسی در بیت‌عنیا در خانهٔ
لو۷:۳۶-۳۸ شمعون جذامی بود[b]، ۷زنی نزد وی آمد که
شیشه‌ای عطر گرانبها داشت و چون او بر
سر سفره بود[c] آن را بر سرش ریخت.
۸شاگردان با دیدن این برآشفته شده
گفتند: «این اتلاف برای چیست؟ ۹زیرا
می‌شد آن را خیلی گران فروخته به
درماندگان داد.» ۱۰عیسی دانسته به ایشان
گفت: «چرا این زن را زحمت می‌دهید؟
حال آن که کار نیکی[d] برای من انجام داده
تث۱۵:۱۱ است. ۱۱زیرا همواره درماندگان را با خود
دارید[e]؛ ولی مرا همیشه ندارید[f]. ۱۲چون با
پاشیدن این عطر بر بدن من، درواقع به
منظور تدفین من کرده است. ۱۳آمین به
شما می‌گویم در تمام جهان[h]، هر جایی که
این نوید اعلام شود[g] آنچه را این زن نیز
کرده است به یاد او گفته خواهد شد.»

خیانت یهودا
(مرقس۱۴:۱۰-۱۱؛ لوقا۲۲:۳-۶)

۱۴آنگاه یکی از آن دوازده [تن] به نام
یو۱۱:۵۷ یهودای اسخریوطی[i] نزد کاهنان اعظم رفته
۱۵گفت: «به من چه خواهید داد و من او را
به شما تسلیم خواهم کرد.» ایشان برایش
سی سکه نقره وزن کردند[j]. ۱۶و از آن پس
در پی فرصتی بود تا او را تسلیم کند[k].

شریک بعضی از اعضای سانهدرین که در بین جامعهٔ مذهبی یهود مشاغل عالی داشته‌اند (اع۴:۶). ضمناً توجه نمایید که در روایت رنج و مرگ عیسی، از فریسیان صحبتی نمی‌شود.

a- این عبارت را می‌توان به دو گونه درک کرد: «در زمان عید» یا «در میان مردمی که عید گرفته‌اند» ولی چون دستگیری عیسی در زمان عید روی داد تعبیر دومی ارجحیت دارد.

b- متی همانند مرقس صحنهٔ تدهین بیت‌عنیا را در داخل روایت رنج عیسی آورده است، در حالی که در یو۱۲:۱-۸ این واقعه شش روز پیش از عید فصح روی داده است. متی بدین وسیله نه فقط توطئه برضد عیسی را توصیف می‌کند (ر.ک ۲۶:۱۶؛ لو۲۲:۱-۶) بلکه نشان می‌دهد که عیسی بر اوضاع مسلط بوده و به آینده انجیل اطمینان دارد (۲۶:۱۲-۱۳). در مورد شمعون ر.ک مر۱۴:۳ توضیح n.

c- تحت‌اللفظی: بر سر سفره دراز کشیده بود (ر.ک مر۱۴:۳ o). روایت متی در این مورد ساده‌تر از روایت مرقس است و در آن نه نام عطر و نه موضوع شکستن عطردان ذکر شده است. در مورد شیشه عطر ر.ک لو۷:۳۷ b.

d- اقدام به تدفین مردگان جزو کارهای نیک مذهبی است که در دورانهای متأخر جزو فرایض مذهبی آیین یهود توصیه شده است (ر.ک طو۱:۱۷-۱۹؛ اع۹:۳۶). به نظر ربی‌ها تفاوتی که این فرایض با پرداخت صدقه دارند در این است که مستلزم تعهد شخصی بوده و منحصراً مربوط به بینوایان و زندگان نبوده بلکه شامل مردگان ثروتمند نیز می‌شود (ر.ک مت۲۵:۳۵-۴۴ و توضیح؛ ۱۵:۴۲-۴۷؛ اع۸:۲).

e- افعال یونانی که در اینجا به کار برده شده زمان حال و به صورت مضارع می‌باشند یعنی عملی که تمام نشده و کماکان ادامه دارد.

f- عیسی نظریه معمول آیین یهود را یادآوری می‌کند که بر طبق آن اعمال خیر برتر از صدقه دادن است. در این موقعیت عمل خیر تدهینی است که انجام آن بعداً مقدور نخواهد بود. ضمناً دربارهٔ وضعیت بینوایان نسبت به خودش قانونی مقرر نمی‌کند.

g- نوید. ر.ک مر۱:۱ a.

h- ر.ک مت۲۴:۱۴ l.

i- اسخریوطی. ر.ک مت۱۰:۴ a.

j- سکه خاص یهودیان که هر کدام ۱۱/۴ گرم وزن داشت. طبق خروج۲۱:۳۲ برای ارزش و خون بهای یک برده این مبلغ تعیین شده بود، شبان نیکو را به بهای ناچیزی تسلیم کرده‌اند (زک۱۱:۱۲).

k- تسلیم کردن. ر.ک مت۲۶:۲ x.

آماده کردن سفرهٔ فصح
(مرقس۱۴:۱۲-۱۶؛ لوقا۲۲:۷-۱۳)

خروج۱۲:۱۴-۲۰ [۱۷]نخستین [روز] فطیر[l] شاگردان نزد
عیسی آمده گفتند: «کجا می‌خواهی جهت
خوردن فصح[m] برایت آماده کنیم؟» [۱۸]وی
گفت: «به شهر نزد فلانی بروید و به او
بگویید: استاد می‌گوید وقت من نزدیک
است[n]، در خانهٔ تو فصح را با شاگردانم بر
پا می‌کنم.» [۱۹]و شاگردان همان کردند که
استادشان دستور داده بود و فصح را آماده
کردند.

معرفی خائن[o]
(مرقس۱۴:۱۷-۲۱؛ لوقا۲۲:۱۴؛ یوحنا۱۳:۲۱-۳۰)

[۲۰]شامگاه که فرارسید با دوازده
[شاگرد] بر سر سفره نشست. [۲۱]و چون
[غذا] می‌خوردند گفت: «آمین به شما
می‌گویم که یکی از بین شما مرا تسلیم
خواهد کرد.» [۲۲]و ایشان به شدت غمگین
شده تک تک شروع کردند به او بگویند:
«خداوندا، آیا من باشم؟» [۲۳]پاسخ داده
گفت: «آن که با من دست در سینی[p] خیس
کند همان است که مرا تسلیم خواهد کرد.
مز۲۲:۷،۸، ۱۶،۱۸؛ اش۵۳:۹ [۲۴]پسر انسان برابر آنچه درباره‌اش نوشته
شده می‌رود، اما وای بر آن مردی[q] که پسر

l- فطیر. ر.ک مر۱۴:۱۲ l. نخستین روز از هفت روزی که نان فطیر می‌خوردند و طبق اناجیل نظیر برابر با ۱۵ ماه نیسان، اولین ماه سال قمری یهودیان است.

m- فصح. این کلمه مفاهیم متعددی دارد: ۱- در اینجا با توجه به اوضاع تاریخی این روایت به مفهوم عید فصح یهودیان است. ۲- عید گذر عیسی مسیح که مسیحیان برگزار می‌کنند. ۳- و بنابراین یگانه فصح عیسی که با صلیب و رستاخیز خود از این دنیا به سوی پدر گذر می‌کند. متخصصین در این مورد تفسیرهای مختلفی در نظر می‌گیرند: الف) چنان که از اناجیل نظیر برمی‌آید عیسی ضیافت عید فصح را بر طبق رسوم یهودیان برگزار کرده است ولی این نکته با اطلاعاتی که از انجیل یوحنا استنباط می‌شود منافات دارد و برابر اطلاعات مذکور یهودیان غذای عید فصح را در غروب روز جمعه صرف کردند (یو۱۸:۲۸؛ ۱۴:۱۹، ۳۱، ۴۲). ب) ممکن است عید فصح را برابر یک تقویم غیر رسمی (قمران) برگزار کرده باشد که در این صورت مرگ او با ذبح بره‌های قربانی همزمان بوده است (یو۱۹:۳۶). ج) عیسی که به دشواری می‌توانسته رسم یهودیان را پیش از موعد مقرر انجام دهد در طی شام وداع، ترتیب نیایش سپاسگزاری را مقرر کرده است و هرگاه مراسم عید یهودیان را به انجام می‌رساند بدین معنی نیست که مراسم دیگری به جای آن مقرر داشته بلکه با مرگ خود که جنبهٔ قربانی شدن دارد آن را به تحقق رسانیده است. در این صورت بایستی چنین فرض کنیم که انجیل نگاران ایمان خود را در مورد جشن گذر، با عید فصح یهودیان منطبق کرده‌اند. به هر صورت شام آخر عیسی در شرایط عید فصح یهودیان برگزار شده است.

n- این عبارت از نظر علم الهی یادآور مشیت خداست که در وقت معین تحقق می‌پذیرد (ر.ک ۸:۲۹)؛ در اینجا زمان مرگ و جلال عیسی است که نزدیک می‌شود و یوحنا با کلمه «ساعت» از آن یاد می‌کند (یو۷:۳۰؛ ۱۳:۱). متی برخلاف مرقس علاقه‌ای به ذکر جزئیات ندارد (انتخاب قاصدان مخصوص، وضع سفره‌خانه، توصیف مالک منزل): خلاصه هیچ نکته‌ای ما را از موضوع شناخت مسیح منحرف نمی‌نماید. «فلانی»: اسم شخص و مکان ذکر نشده است. آیا چون در زمان نگارش انجیل، مسیحیان اورشلیم در خطر بودند و می‌بایست اسم و مکان خاصی مخفی بماند؟ (ر.ک ۱۲:۱۴ y).

o- موضوع این روایت در سه مرحله پیش می‌رود: عیسی خیانت را اعلام می‌کند (۲۱-۲۲)؛ جمع شاگردان محدود می‌شود (۲۳-۲۴) و یهودا خود را آشکار می‌سازد (۲۵). بدین طریق عیسی که به خوبی می‌داند به کجا می‌رود خائن را معرفی می‌کند.

p- سینی. سخن عیسی بدین معنی است: مردی که ظاهراً در یگانگی با دیگران زندگی می‌کند و شرکت در غذای سینی مشترک نشانهٔ این یگانگی است تصمیم گرفته خیانت نماید (در مورد کاربرد این کلمه و دربارهٔ مز۴۱:۱۰ که متی آن را ذکر نکرده ر.ک مر۱۴:۲۰ توضیح c).

q- در اصل یونانی این کلمه در ضدیت با «پسر انسان» آمده است. به هر صورت عیسی موقعیت فلاکت بار یهودا را بیان می‌کند (ر.ک ۱۳:۲۳ توضیح j) و ضمناً او را لعنت نمی‌کند و محکوم نمی‌سازد.

انسان بوسیلهٔ او تسلیم می شود! برای آن
مرد بهتر می بود زاییده می شد.» ۲۵ یهودا
که او را تسلیم می کرد جواب داده گفت:
«ربی[r]، آیا من باشم؟» به او گفت: «خود
گفتی.»

شام آخر. برپایی آیین سپاسگزاری
(مرقس۱۴:۲۲-۲۵؛ لوقا۲۲:۱۵-۲۰؛ ۱-قرنتیان۱۱:۲۳-۲۶)

۱۹:۱۴؛ ۳۶:۱۵؛ مر۶:۴۱؛ ۸:۶؛ لو۹:۱۶ ۲۶ هنگامی که غذا می خوردند[s] عیسی
نانی را گرفت و [دعای] برکت خوانده آن
را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت:
«بگیرید بخورید، این تن[t] من است.»
۱-قرن۱۰:۱۶ ۲۷ و جامی گرفته، شکرگزاری کرد و به
ایشان داد و گفت: «همه شما از آن
خروج۲۴:۸؛ ار۳۱:۳۱؛ زک۹:۱۱؛ عبر۹:۲۰ بنوشید، ۲۸ زیرا این خون من است، [خون]
پیمان که به خاطر بسیاری برای بخشایش
گناهان ریخته شده است[u]. ۲۹ به شما
می گویم: از این پس دیگر از این محصول
مو نخواهم نوشید تا آن روزی[v] که با شما
آن را در ملکوت پدرم تازه بنوشم[w].»

اعلام انکار پطرس
(مرقس۱۴:۲۶-۳۱؛ لوقا۲۲:۳۳-۳۴، ۳۹؛ یوحنا۱۳:۳۷-۳۸)

۳۰ و پس از خواندن سرودها[x] به سوی
کوه زیتون بیرون شدند. ۳۱ آنگاه عیسی به
ایشان گفت: «امشب همه شما دربارهٔ من

r- عنوان ربی کلمه ای است که دشمنان عیسی خطاب به او بکار می برد (۲۳:۷؛ ۲۳:۸؛ ۲۶:۴۹)، اما شاگردان او را خداوند می گویند. تمام این آیه مختص انجیل متی می باشد.

s- متی آئینی کلیسائی را در روایت رنج و مرگ عیسی گنجانیده و بدین ترتیب نشان می دهد که عیسی مرگ خود را چگونه درک می کرده است. این روایت به خاطر شکل آیین نیایشی خود دعوت می کند که اعمال عیسی را در طی آخرین شام او تکرار کنند. بدین وسیله مرگ عیسی بر روی صلیب فعلیت یافته و شام آخر پیشاپیش برگزار می گردد.

t- تن. این گفتار را به سبب کلمات «بگیرید بخورید» نمی توان فقط مقایسهٔ ساده ای به شمار آورد (به همان گونه که نان پاره شده، تن من نیز پاره خواهد شد). از سوی دیگر فعل «است» (که برابر آن در ترکیب عبارات زبانهای سامی وجود ندارد بلکه مفهوم آن مستتر است) برای بیان یکی بودن نان و تن کافی نیست. برای این که موضوع یکی بودن نان و تن دقیقاً روشن شود بایستی سخنانی که دربارهٔ نان و شراب گفته شده به کسی که آنها را بیان کرده و به غذایی که در آن معنی این کلمات ابراز گردیده ارتباط داده شود. ضمناً بایستی شرایط و محیط صرف این غذا که در عید فصح بوده (ر.ک خون عهد یا طبق لو۲۲:۲۰ j، عهد جدید) و اهمیت موضوع قربانی شدن (خونی که به خاطر بسیاری ریخته شده) در نظر گرفته شود.

u- عیسی با ریختن خون خود بر روی صلیب، پیمانی را که در گذشته با ریختن خون قربانیها منعقد شده بود به اتمام می رساند (خروج۲۴:۴-۸) و به طور ضمنی اعلام می کند پیمان جدیدی که پیامبران نبوت کرده بودند به تحقق پیوسته است (ار۳۱:۳۱-۳۴) و همچنین ارزش جهانی قربانی شدن خود را «به خاطر بسیاری» اعلام می کند، اصطلاحی که در زبانهای سامی به معنی مجموع آدمیان است (اش۵۳:۱۲). متی به روایاتی که در اناجیل نظیر آمده عبارت «برای بخشایش گناهان» را افزوده تا تصریح کند چه مفهومی برای مرگ عیسی قائل است.

v- روز آخر، ر.ک اش۲۵:۶؛ مت۸:۱۱؛ لو۱۳:۲۹؛ ۱۴:۱۵-۱۶؛ ۲۲:۱۶؛ مکا۱۹:۹.

w- در آیه ۲۹ که ضمیمه این روایت به شمار می رود و لوقا آن را قبل از روایت آیین نیایش ذکر کرده (لو۲۲:۱۵-۱۸) متنی وجود دارد که احتمالاً ارتباطی با آیین نیایش ندارد (ر.ک مر۱۴:۲۵؛ لو۲۲:۲۴-۳۸؛ یو۱۳:۳۴-۳۶) و نشان می دهد شام آخر عیسی هدف فرجامین را داشته و امیدواری قطعی به شرکت در خوان آسمانی را بیان می کند (ر.ک مت۸:۱۱؛ مر۱۴:۲۵ i). با در نظر گرفتن یکی از معانی شراب در کتاب مقدس (مز۱۰۴:۱۵؛ غزل۱:۲؛ ۴:۱۰؛ هو۲:۱۰...) و نیز معنای مستی روحانی (۱سمو۱:۱۴؛ ار۲۳:۹؛ اع۲:۱۵؛ افس۵:۱۸) و بالاخره اهمیت شراب در ضیافت ملکوت خدا (اش۲۵:۶؛ یو۲:۱۰؛ لو۲۲:۱۷) آیا می توان در نظر گرفت که شراب تازه ای که با شاگردانش در ملکوت خواهد نوشید، نماد روح القدس است؟

x- مزامیر هللویا (مز۱۱۳-۱۱۸) که با خواندن آنها غذای عید فصح به پایان می رسید.

لغزش خواهید خورد[y] چنان که نوشته شده
زک۱۳:۷؛ است: «شبان را می‌زنم و گوسفندان رمه
(مت۲۶:۵۶؛
یو۱۶:۳۲) پراکنده می‌شوند'' ۳۲ ولی پس از آن که
قیام کردم پیش از شما به جلیل خواهم
رفت[z].» ۳۳ پطرس به سخن درآمده به او
گفت: «حتی اگر همه دربارهٔ تو لغزش
خورند من هرگز لغزش نخواهم خورد.»
۳۴ عیسی به او گفت: «آمین به تو می‌گویم
۲۶:۶۹-۷۵؛ همین امشب پیش از آن که خروسی بانگ
مر۱۴:۶۶-۷۲؛
لو۲۲:۵۶-۶۲؛ زند تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.»
یو۱۸:۲۵-۲۷
یو۱۱:۱۶ ۳۵ پطرس به او گفت: «حتی اگر بایستی با
تو بمیرم تو را هرگز انکار نخواهم کرد.» و
همه شاگردان چنین می‌گفتند.

در جتسیمانی

(مرقس۱۴:۳۲-۴۲؛ لوقا۲۲:۴۰-۴۶)

۳۶ آنگاه عیسی با آنان به ملکی موسوم به
یو۱۸:۱ جتسیمانی آمد و به شاگردان گفت: «در
مدتی که برای دعا به آنجا می‌روم، در همین
جا بنشینید[a].» ۳۷ و با خود پطرس و دو پسر
زبدی را برداشته غم و اضطراب او شروع ۱:۱۷؛
مر۵:۳۷؛
شد. ۳۸ آنگاه به ایشان گفت: «جان من تا ۳۳:۱۴؛
به سرحد مرگ اندوهگین است[b]، در اینجا لو۸:۵۱؛ ۹:۲۸
یو۱۲:۲۷
بمانید و با من بیدار باشید.» ۳۹ و اندکی
پیش رفته به روی افتاده[c] دعا می‌کرد و عبر۵:۷،۸
می‌گفت: «ای پدر من! اگر ممکن است
این جام از من بگذرد! اما نه چنان که من
می‌خواهم بلکه چنان که تو.» ۴۰ و نزد
شاگردان آمده آنان را خوابیده یافت و به
پطرس گفت: «پس نتوانستید حتی یک
ساعت با من بیدار بمانید! ۴۱ بیدار باشید
و دعا کنید تا در وسوسه وارد نشوید: روح ۶:۱۳؛
لو۱۱:۴
راغب است ولی تن ضعیف[d].» ۴۲ باز بار
دوم رفته دعا می‌کرد و می‌گفت: «ای پدر
من، اگر ممکن نیست که بگذرد بدون
اینکه آن را بنوشم، اراده تو انجام شود[e].» ۶:۱۰
۴۳ و باز آمده آنان را خوابیده یافت زیرا
چشمانشان سنگین شده بود. ۴۴ و ایشان را
گذاشته باز رفت و برای سومین بار دعا
کرده همان سخن را گفت. ۴۵ آنگاه نزد ۲-قرن۱۲:۸

y- مسیح که شاگردانش برعکس در انتظار پیروزی او بودند (۱۶:۲۲؛ ۲۰:۲۱) با مرگ خود سنگ لغزشی می‌شود که همگی با آن برخورد خواهند کرد (ر.ک ۵:۲۹ e). در اینجا عیسی زک۱۳:۷ را نقل می‌کند.

z- در روایت‌های اناجیل نظیر، سخنانی که فرشته در روز جشن گذر اعلام می‌کند (۲۸:۱۷) در اینجا گنجانیده شده تا اعلام لغزش شاگردان تعدیل شود (۲۶:۳۱).

a- مرقس با ذکر ساعت مسیح (مر۱۴:۳۵) معنی روایت خود را روشن می‌سازد و تفاوت بین عیسی و شاگردان را نمایان ساخته است (مر۱۴:۴۰). برعکس، متی قبل از هر چیز جنبهٔ شناخت مسیح را در این صحنه در نظر می‌گیرد که عبارت از اطاعت مطلق مسیح (مت۲۶:۴۲) و در درجهٔ دوم نمونهٔ دعا کردن به هنگام وسوسه می‌باشد (ر.ک لو۲۲:۴۰، ۴۶؛ ۲۲:۳۹ توضیح e) و اگر سه بار دعا کردن ذکر شده برای آن است که شدت آن یادآوردی شود (ر.ک لو۲۲:۴۴).

b- عیسی در مقابل همان شاگردانی که قبلاً شاهد تجلی او بوده‌اند (۱۷:۱-۹) به چنان حالت افسردگی و اندوهی درمی‌آید که با مرگ برابر است (ر.ک ۱-پاد۱۹:۴) و همان حالت عادل رنجور می‌باشد (ر.ک مز۳۱:۲۳،۶۱:۳، ۱۱۶:۳). گفتار عیسی در اینجا مز۴۲:۶ و یون۴:۹ به زبان یونانی را به یاد می‌آورد.

c- منظور این نیست که نقش بر زمین شده (مر۱۴:۳۵) یا زانو زده (لو۲۲:۴۱) بلکه به حالت پرستش درآمده است (ر.ک پید۱۷:۳).

d- ر.ک مر۱۴:۳۸ توضیح w. در مورد وسوسه ر.ک مت۶:۱۳ i و j.

e- همان دعائی که پدر به ما تعلیم داده است، ر.ک ۶:۱۰ e.

شـاگـردان آمـده به ایـشـان گـفت: «دیـگـر
یو۱۲:۲۳؛ ۱۳:۱؛ ۱:۱۷ بـخـوابـیـد و آرام بـگـیـرید[f]. اینک ساعت
۱۷:۲۲؛ نــزدیک است که پــسـر انــسـان به دست
مر۹:۳۱؛ لو۹:۴۴؛ ۲۴:۷ گـناهکـاران تسلیم می شود. ۴۶قیام کـنید
یو۱۴:۳۱ بـرویم. ایـنک آن که مـرا تـسـلیم می کـنـد
نزدیک است.»

دستگیری عیسی
(مـرقس۱۴:۴۳-۵۲؛ لـوقـا۲۲:۴۷-۵۳؛ یوحنا۱۸:۲-۱۱)

۴۷هنوز سخن می گفت که اینک یهودا،
یکی از دوازده آمد و با او انبوه [مردمانی]
بـسـیار بـا شـمـشـیـرهـا و چـمـاقـهـا از نـزد
کاهنان اعظم و مشایخ قوم. ۴۸آن که او را
تسلیم می کرد نشانه ای داده گفته بود: «هر
که را بـبـوسم[g]، هم اوست. او را دسـتـگـیـر
کنید.» ۴۹و همان دم نزد عیسی آمده گفت:
«سلام، ربّی[gg]» و او را بـوسه ای طـولانی
داد. ۵۰عـیـسی به او گـفت: «رفـیق، بـرای
همین اینجا هستی[h].» آنگاه نزدیک آمده
دستها بر عیسی دراز کرده و او را دستگیر
کـردند. ۵۱و ایـنک یـکی از کـسـانی که بـا
عیسی بود دست بُرده شمشیرش را کشید و
بردهٔ کاهن اعظم را زد و از گوش او بریـد. یو۱۸:۲۶
۵۲آنگاه عیسی به او گفت: «شمشیرت را
بجای خود برگردان زیرا همه کسانی که
شمشیر برگیرند به شمشیر هلاک شوند. پید۹:۶؛ مکا۱۳:۱۰
۵۳یا می پنداری نمی توانم پدرم را بخوانم و
در دم بیش از دوازده فوج از فرشتگان را
حاضر گرداند[i]؟ ۵۴پس چگونه نوشته های
مـقـدس انجـام شـود که بـر طـبق آنـهـا
می بایست همچنین شود؟» ۵۵در آن ساعت
عیسی به جماعت گفت: «گویا بر ضد یک
راهزن[j] با شمشیرها و چماقها برای گرفتن لو۱۹:۴۷؛ ۲۱:۳۷؛
من بیـرون آمـده ایـد! من هر روز در معـبد یو۱۸:۲۰
نـشـسته آموزش می دادم و مـرا دسـتـگـیـر
نـکـردیـد.» ۵۶هـمهٔ ایـنـهـا فـرارسـیـد تـا
نوشته های پیامبران تحقق یابد. آنگاه همهٔ زک۱۳:۷؛ مت۲۶:۳۱؛ یو۱۶:۳۲
شاگردان او را گذاشته گریختند.

عیسی در برابر سانهدرین
(مــرقس۱۴:۵۳-۶۵؛ لــوقــا۲۲:۵۴-۵۵،۶۳-۷۱؛ یوحنا۱۸:۱۲-۱۸)

۵۷آنانی که عیسی را دستگیر کرده بودند
او را نزد قیاقا، کاهن اعظم بردند[k]، جایی

f- شاگردان که برای دعا کردن بیدار نمانده بودند نشان داده اند هنگامی که ساعت وسوسه فرامی رسد آمادگی ندارند. ضمناً عدم مقاومت و تسلیم شدن در برابر خواب بدین معنی است که از این پس از مبارزه بازایستاده اند.

g- در اینجا بوسه به هیچ وجه نشانه ای از محبت نیست بلکه سلامی است که به عنوان احترام به ربی ادا می شود. «سلام»، تحت اللفظی: «شاد باش.»

h- این جمله اصطلاحی مختصر و معمولی است که بایستی قبل از آن فعل امر: «بکن...» یا فعل دیگری که بیان پذیرفتن مشیت خداست گذاشته شود مثلاً: «تا تحقق یابد...» (ضمناً عیسی سلام و تعارف را کوتاه کرده و نشان می دهد که همه چیز را می داند و بر اوضاع مسلط است).

i- عیسی با استفاده از اصطلاحی که در نوشته های ربی ها تأیید شده اقتدار کاملی را که از پدر خود دریافت نموده و نیز اطاعت از اراده و مشیت الهی را بیان می کند.

j- احتمالاً منظور یکی از رؤسای دستهٔ شورشیان نظیر باراباس می باشد (یو۱۸:۴۰)؛ در اینجا وضع عجیب و شگفت انگیزی پیش آمده است بدین معنی که با عیسی بمانند یکی از افراد فرقهٔ غیوران رفتار می کنند و او را به این عنوان (۲۷:۳۸، ۴۴) بین دو راهزن به صلیب می کشند (۲۷:۳۷).

k- احتمالاً متی تنها حضور عیسی در برابر سانهدرین در صبح روز بعد (لو۲۲:۶۶) را با بازجویی شبانه در خانهٔ حنا کاهن اعظم قبلی (یو۱۸:۱۲-۲۷) ادغام کرده است.

که کاتبان و مشایخ گرد آمده بودند.
۵۸پطرس تا حیاط کاهن اعظم از دور به
دنبال او می‌آمد و به اندرون وارد شده با
نگهبانان نشست تا انجام را ببیند.
۵۹کاهنان اعظم و تمام دادگاه در جستجوی
شهادتی دروغ بر ضد عیسی بودند تا او را
به کشتن دهند[l]. ۶۰و آن را نیافتند، هر
چند شاهدان دروغین زیادی پیش آمدند.
سرانجام دو نفر پیش آمدند ۶۱که گفتند:
۴۰:۲۷ «این گفته است می‌توانم قدس خدا را
نابود کرده[m] در سه روز آن را دوباره بنا
کنم.» ۶۲و کاهن اعظم برخاسته به او
گفت: «جوابی نمی‌دهی! اینها بر ضد تو
۱۴،۱۲:۲۷ چه شهادت می‌دهند؟» ۶۳عیسی خاموش
ماند[n] و کاهن اعظم به او گفت: «تو را به
خدای زنده سوگند می‌دهم به ما بگو آیا تو
مسیح، پسر خدا هستی؟» ۶۴عیسی به او ۱۷،۱۶:۱۶
گفت: «تو آن را گفتی، و نیز به شما
می‌گویم از این پس پسر انسان را خواهید
دید به دست راست قدرت نشسته[o] و بر
ابرهای آسمان می‌آید.» ۶۵آنگاه کاهن ۳۰:۲۴
اعظم رخت خود را دریده گفت: «کفر اعد۱۴:۶؛
گفت[p]. دیگر چه نیازی به شاهدان داریم؟ ۲-سمو۱۳:۱۹؛ عز۹:۳؛
همانا اکنون کفر را شنیدید! ۶۶چه یع۱:۲۰؛۲:۱۲؛ ار۳۶:۲۴؛ اع۱۴:۱۴
می‌پندارید؟» در پاسخ گفتند: «مستوجب
مرگ است[q].» ۶۷آنگاه به صورتش تُف لاو۲۴:۱۶؛ یو۱۹:۷
انداخته او را زدند، دیگران او را سیلی زده اش۵۰:۶
۶۸می‌گفتند: «ای مسیح، برای ما پیامبری
کن چه کسی تو را زده است[r]؟»

l- اعضای سانهدرین که قبلاً در خانهٔ قیافا جمع شده بودند از همان ابتدای امر در جستجوی شهادتی دروغ بودند. بنا به نوشتهٔ متی (ر.ک مر۱۴:۵۵) محاکمه ای ساختگی آغاز می‌شود (ر.ک ۲۶:۶۶ q) که حداقل باید دو نفر شهادت دهند.

m- در نوشته های عهد جدید هرگز عیسی نقش ویران کنندهٔ معبد را برای خود قائل نشده است (مت۲۴:۲-۳؛ یو۲:۱۹؛ اع۶:۱۴). متی اختلاف معبد سنگی را که با دست آدمیان ساخته شده با معبدی که به دست آدمیان ساخته نشده باشد ذکر نمی‌کند، همچنین پیشگویی دربارهٔ رستاخیز عیسی را ذکر نمی‌نماید ولی مقام منحصر به فرد عیسی را یادآوری می‌کند که با کمال تهور، خود را مالک معبد (می‌توانم) خدا اعلام می‌نماید.

n- همچون خدمتگزار خدا که هرگز زبان نگشود (اش۵۳:۷؛ اع۸:۳۲).

o- عیسی به سؤال صریح و قاطع کاهن اعظم با همان کلماتی که در بیان ایمان پطرس آمده است (۱۶:۱۶) پاسخی می‌دهد که نظیر مر۱۴:۶۲ منحصر به کلمهٔ «آری» نیست بلکه پاسخی غیر مستقیم است. عیسی نمی‌پذیرد که در مورد مسیح بودن خود در وضع مبهمی باقی بماند بلکه آمدن پسر انسان یعنی شخصیت آسمانی را اعلام می‌کند (دان۷:۱۳) و بدین وسیله معنی واقعی پاسخ خود را اظهار می‌نماید، همچنان که امتیاز پسر داود را یادآوری می‌کند که بایستی به دست راست خدا جلوس نماید (مز۱۱۰:۱؛ مت۲۲:۴۴).

p- گرچه عیسی صریحاً نام خدا را ذکر نکرده (بلکه با کلمه «قدرت» از او نام برده) پاسخ او را کفرآمیز قضاوت کرده‌اند زیرا مدعی مقامی برابر با خدا شده است. سکوت عیسی باعث می‌شود که دادگاه به بن بست برسد و کاهن اعظم را مجبور می‌کند به صورتی کاملاً رسمی از او جواب بخواهد و با فشار آوردن بر عیسی، راهی برای این موضوع بیابد. عیسی با جوابی که عالماً و عامداً می‌دهد، دلیلی برای محکومیت خود به آنها می‌دهد.

q- حاضر شدن عیسی در برابر سانهدرین، که یوحنا آن را ذکر نکرده، احتمالاً توجیه قانونی ندارد (شب هنگام). متی بر خلاف مر۱۴:۶۴ حکم واقعی دایر به محکومیت را ذکر نکرده و لوقا نیز از آن سخنی نگفته است. حضور عیسی در برابر سانهدرین که به صورت محاکمه ای ساختگی درآمده بود این حقیقت عمیق را بیان می‌کند که معاصران عیسی او را طرد می‌کردند زیرا ادعا می‌کرد مسیح و پسر خداست.

r- طبق انجیل های لوقا و یوحنا کسانی که به عیسی توهین می‌کنند نگهبانان هستند که چشم او را بسته‌اند و این نکته در متی ذکر نشده است. متی این صحنه را نفرت‌انگیزتر ساخته و این عمل را به تمام اعضای دادگاه عالی یهود نسبت می‌دهد. در این روایت از اش۵۰:۵-۷ الهام گرفته شده است.

انکارهای پطرس
(مرقس۱۴:۶۶-۷۲؛ لوقا۲۲:۵۶-۶۲؛ یوحنا۱۸:۱۷،۲۵-۲۷)

۶۹ پطرس بیرون، در حیاط نشسته بود[s] و
کنیزی نزد او آمده گفت: «تو هم با عیسی
جلیلی بودی.» ۷۰ اما او در برابر همه انکار
کرده گفت: «نمی دانم چه می گویی.»
۷۱ چون به طرف درگاه بیرون می رفت
[کنیز] دیگری او را دید و به کسانی که در
آنجا بودند گفت: «این یکی با عیسی
ناصری[t] بود!» ۷۲ و باز هم با سوگند انکار
کرد: «من این مرد را نمی شناسم.»
۷۳ اندکی بعد آنان که در آنجا ایستاده
بودند نزدیک آمده به پطرس گفتند: «به
راستی تو هم از آنان هستی، وانگهی
گفتارت[u] آشکار می کند.» ۷۴ آنگاه با
نفرین شروع به قسم خوردن کرد: «من این
مرد را نمی شناسم.» و همان دم خروسی
بانگ زد. ۷۵ و پطرس به یاد سخن عیسی
افتاد که گفته بود: «پیش از آن که خروسی
بانگ زند سه بار مرا انکار خواهی کرد.» ۲۶:۳۴؛ مر۱۴:۳۰؛ لو۲۲:۳۴؛ یو۱۳:۳۸
و بیرون آمده به تلخی گریست.

تسلیم عیسی به پیلاطس
(مرقس۱۵:۱-۲؛ لوقا۲۲:۶۶؛ ۲۳:۱؛ یوحنا۱۸:۲۸)

۲۷ ۱ بامدادان که فرا رسید تمام
کاهنان اعظم و مشایخ قوم بر ضد ۱۲:۱۴؛ مر۳:۶
عیسی شورا کردند تا او را به کشتن دهند[v].
۲ و او را بسته[w] آوردند به پیلاطس
حکمران تسلیم کردند.

مرگ یهودا

۳ آنگاه یهودا که او را تسلیم کرده بود ۲۶:۱۴،۱۵
چون دید که محکوم شده است پشیمان
شده سی سکه نقره را نزد کاهنان اعظم و
مشایخ قوم آورده گفت: ۴ «من گناه کرده و
خون بی گناهی را تسلیم کرده ام.» آنان
گفتند: «به ما چه؟ خودت ببین.» ۵ او ۲۷:۲۴
سکه های نقره را در قدس انداخته، کنار
کشید و رفت خود را حلق آویز کرد[x].
۶ کاهنان اعظم سکه های نقره را برداشته
گفتند: «چون خون بها است جایز نیست آن
را در خزانه گذاشت[y].» ۷ پس شورا کرده،
کشتزار کوزه گر را برای دفن خارجیان با آن
خریدند. ۸ بدین سبب این کشتزار تا به

s- روایت حضور عیسی در برابر سانهدرین که در بین دو قسمت از روایت مربوط به انکار پطرس آمده است (۲۶:۵۸، ۶۹-۷۵) خواننده را وادار می کند وضع خود را در برابر خداوند روشن نماید: زیرا در مقابل عیسی که شهادت می دهد پطرس ایمان خود را انکار می نماید.

t- Nazoreen ر.ک ۲:۲۳ توضیح b.

u- لهجهٔ اهالی جلیل را نسبت به اهالی یهودیه از روی نکات جزئی مخصوصی که از نظر دستور زبان و طرز تلفظ داشتند می توانستند تشخیص دهند.

v- بر طبق سیاست کلی دولت روم، حکمرانان آزادی عمل زیادی برای سانهدرین قائل بودند (ر.ک ۵:۲۲ توضیح x). سانهدرین در حدودی که دولت اشغالگر تعیین کرده بود زندگی مذهبی و سیاسی یهودیان را اداره می کرد. آیا در زمان عیسی سانهدرین مجاز بوده که حکم محکومیت به مرگ صادر کند و آن را به اجراء بگذارد؟ تا کنون تاریخ نگاران نتوانسته اند در این مورد به توافق برسند. روایتهای اناجیل با تفاوتهای قابل ملاحظه ای نشان می دهند که سانهدرین چنین اختیاری داشته ولی اجازهٔ حکمران برای اجرای حکم ضروری بوده است.

w- عین این عبارت در یو۱۸:۱۲ آمده است. برابر انجیل یوحنا عیسی را از همان موقع بازداشت با بند بسته بودند ولی بر طبق اناجیل نظیر وی را پس از محکومیت بستند.

x- روایت مرگ یهودا با آنچه در اع۱:۱۸-۱۹ ذکر شده دقیقاً تطبیق نمی کند و مفسرینی که خواسته اند این دو متن را با هم هماهنگ سازند موفقیت چندانی نیافته اند.

y- ر.ک مر۷:۱۱ x.

امروز «کشتزار خون» نامیده شده است.
[۹]آنگاه آنچه ارمیای نبی گفته بود تحقق
یافت: «و سی سکه نقره را گرفته اند؛
قیمت آن قیمت گذاری شده که پسران
اسرائیل قیمت گذاری کرده اند؛ [۱۰]و آنها
را برای کشتزار کوزه گر داده اند، برابر
آنچه خداوند به من دستور داده بود[z].»

عیسی در برابر پیلاطس (مرقس۱۵:۲-۱۵؛ لوقا۲۳:۲-۵، ۱۳-۲۵؛ یوحنا۱۸:۲۸-۱۹:۱۶)

[۱۱]عیسی در برابر حکمران ایستاد و
حکمران از او پرسیده گفت: «آیا تو پادشاه ۲:۲؛ ۳۷،۲۹:۲۷؛
یهودیان هستی[a]؟» عیسی گفت: «تو خود مر۱۵:۹،۱۲، ۲۶،۱۸
آن را می گویی[b].» [۱۲]و چون کاهنان اعظم لو۲۳:۳۷،۳۸؛
و مشایخ او را متهم می کردند هیچ پاسخی یو۱۸:۳۹؛ ۱۹:۳،۱۹،۲۱
نمی داد[c]. [۱۳]آنگاه پیلاطس به او گفت:
«این همه شهادت بر ضد خود را
نمی شنوی؟» [۱۴]و به او هیچ پاسخی حتی اش۵۳:۷؛ مت۲۶:۶۳؛
یک کلمه نداد چنان که حکمران بی نهایت ۲۷:۱۴؛ لو۲۳:۹؛ یو۱۹:۹
تعجب کرده بود. [۱۵]در هر عید رسم
حکمران بر این بود که یک زندانی را که
مردم تقاضا می کردند آزاد کند[d]. [۱۶]در آن
هنگام زندانی مشهوری به نام باراباس[e]
داشتند. [۱۷]پس چون جمع شده بودند
پیلاطس به ایشان گفت: «چه کسی را
می خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس[f] یا
عیسی مشهور به مسیح را؟» [۱۸]زیرا
می دانست که او را از روی حسادت تسلیم
کرده اند. [۱۹]چون بر مسند داوری نشسته
بود زنش فرستاد به او بگویند: «بین تو و
این عادل[g] هیچ نباشد زیرا امروز در رویا به
علت او رنج بسیار کشیده ام.» [۲۰]ولی
کاهنان اعظم و مشایخ، جماعت را وادار
کردند که باراباس را درخواست کنند و
عیسی را هلاک سازد. [۲۱]حکمران به سخن
درآمده به ایشان گفت: «از این دو کدام را
می خواهید برایتان آزاد کنم؟» گفتند: اع۳:۱۴
«باراباس.» [۲۲]پیلاطس به ایشان گفت:
«پس عیسی را که مسیح می خوانند چه

z- این قسمت نقل قولی تقریبی از زک۱۱:۱۲-۱۳ است که با عباراتی از ار۱۸:۲-۳؛ ۱۹:۱-۲؛ ۳۲:۵-۱۶ تلفیق شده است. انجیل نگار با دو نام «کشتزار کوزه گر» و «کشتزار خون» [معروف به حقل الدما] که احتمالاً در جامعه او این دو نام را می شناخته اند اعلام های پیامبرانه را در این متون مختلف عهد عتیق یافته است.
a- مفهوم این سؤال را که پیلاطس از عیسی می کند نمی توان درک کرد مگر بوسیلهٔ مطالبی که در لو۲۳:۱-۲ تصریح شده است و نشان می دهد که سانهدرین عیسی را به عنوان مدعی سلطنت متهم می کرده است.
b- این کلمات که در انجیلهای متی، مرقس و لوقا مشترک هستند می توان به مفهوم مثبت درک کرد: «تو آن را می گویی و حق داری». یهودیان در مورد مسیح موعود انتظار داشتند پادشاهی دادگر و آزادی بخش باشد: «خداوندا، بنگر و پادشاهشان پسر داود را برانگیز» (مزامیر سلیمان۱۷:۳).
c- دربارهٔ سکوت عیسی ر.ک ۲۶:۶۳ n.
d- رسم آزاد کردن یک زندانی در عید فصح مقرون به حقیقت می نماید ولی در هیچ جای دیگری ذکر نشده است.
e- در بعضی نسخ نام این تبهکار عیسی باراباس ذکر شده ولی در اغلب نسخ خطی نام عیسی قبل از باراباس حذف شده چون نمی خواستند نام عیسی را برای باراباس بکار ببرند، هرچند این نام در آن زمان بسیار رایج بود.
f- باراباس به زبان آرامی به معنی «پسر پدر» است، یعنی پدرش ناشناخته بود، ر.ک یو۱۸:۴۰ f.
g- نمی توان گفت که همسر پیلاطس پیشاپیش مسیحی بوده است. این زن که بر اثر رویایی ناراحت و پریشان شده بود عیسی را به مفهوم یهودیان یا متی عادل نمی شمارد (یعنی کسی که به مشیت خدا وفادار باشد: ر.ک ۱:۱۹، ۵:۴۵، ۹:۱۳) بلکه او را به معنی یونانی کلمه «آدم خوب» می داند که در عین حال جالب توجه و ناراحت کننده است.

بکنم؟» همگی گفتند: «مصلوب شود[h]!»
اع۳:۱۳؛ ۲۸:۱۳ ۲۳ وی اظهار کرد: «او چه بدی کرده
است؟» و ایشان بلندتر فریاد زده
می‌گفتند: «مصلوب شود!» ۲۴ پیلاطس
چون می‌دید هیچ فایده‌ای ندارد و بیشتر
موجب هیاهو می‌شود آب خواست و در
دان۱۳:۴۶ (یونانی)؛ برابر مردم دست‌های خود را شسته گفت:
اع۱۸:۶؛ ۲۰:۲۶ «من از این خون بی‌گناه هستم[i]، خودتان
۴:۲۷ ببینید.» ۲۵ و تمام قوم پاسخ داده گفتند:
«خون او بر ما و بر فرزندان ما باد[j]!»
حزق۳۳:۵؛ اع۵:۲۸ ۲۶ آنگاه باراباس را برایشان آزاد کرد و در
مورد عیسی، پس از اینکه [دستور] داد او
را تازیانه زنند[k] تسلیم کرد تا مصلوب شود.

عیسی به عنوان پادشاه یهودیان تمسخر می‌شود
(مرقس۱۵:۱۶-۲۰؛ لوقا۲۳:۱۱؛ یوحنا۱۹:۲-۳)

۲۷ آنگاه سربازان حکمران، عیسی را با
خود به داخل دیوانخانه[l] برده، تمام دسته
سربازان[m] نزد او جمع شدند. ۲۸ پس از
اینکه لباس او را کندند روپوشی قرمز
رنگ[n] بر او انداختند ۲۹ و تاجی از خار
بافته بر سرش گذاشتند، و نیز با شاخه نی
در دست راست او و در برابر او زانو زده
او را مسخره کرده[o] می‌گفتند: «درود، ای ۲:۲؛
پادشاه یهودیان!» ۳۰ و بر او تُف انداخته، ۲۷:۱۱،۳۷؛ مر۱۵:۹،۱۲، ۱۸،۲۶
نی را گرفته با آن بر سرش می‌زدند. ۳۱ و لو۲۳:۳۷،۳۸؛ یو۱۸:۳۹؛
بعد از آنکه او را مسخره کردند روپوش را ۱۹:۳،۱۹،۲۱
از او برگرفته دوباره لباسهایش را به او اش۵۰:۶
پوشانیدند. و او را بردند تا مصلوب
کنند.

مصلوب شدن عیسی
(مرقس۱۵:۲۱-۳۲؛ لوقا۲۳:۲۶-۴۳؛ یوحنا۱۹:۱۶-۲۴)

۳۲ چون بیرون می‌آمدند مردی قیروانی[p]
به نام شمعون را یافته او را وادار کردند
صلیب او را بردارد. ۳۳ و چون به محلی به

h- شکنجه صلیب که احتمالاً ریشه شرقی دارد در قوانین یهود ناشناخته بود و معمولاً رومیان آن را اعمال می‌کردند.

i- طرز رفتار و سخنان پیلاطس در نظر کسانی که به نوشته‌های مقدس آشنا هستند مفهوم دقیقی می‌گیرد (ر.ک تث۲۱:۶-۸؛ مز۲۶:۶؛ ۷۳:۱۳) بدین معنی که پیلاطس قصد دارد تمام مسئولیت وقایعی را که بعداً پیش می‌آید بر عهدهٔ یهودیان بگذارد.

j- این اعلام یهودیان نیز ریشه در عهد عتیق دارد (۲سمو۱:۱۳-۱۶؛ ۳:۲۹؛ ار۵۱:۳۵؛ همچنین ر.ک لو۲۳:۲۸). یهودیان علاوه بر آنکه شاید موضعی سیاسی اتخاذ کنند مجبورند از نظر مذهبی یکی از این دو راه را بپذیرند: یا در شخص عیسی، مسیح موعود را بشناسند یا به عنوان کسی که کفر می‌گوید مرگ او را تقاضا نمایند. ضمناً هرگونه یهود ستیزی که بر مبنای مطالب این آیه تصور شود چیزی جز انحراف و خطا نیست.

k- تازیانه زدن. تازیانه‌های رومیان دارای تکه‌های استخوان و قطعات سرب بوده است. محکوم به مرگ را پیش از به صلیب کشیدن تازیانه می‌زدند تا ضعیف شده مدت رنجهایش کوتاه گردد. این نوع شکنجه که اصلاً منشأ رومی داشته ظاهراً در حدود دوران عیسی بوسیله یهودیان پذیرفته شده بود (ر.ک ۱۰:۱۷ و ۲۳:۳۴ که در آنها کلمهٔ یونانی که بکار برده شده یکی نیست؛ ر.ک اع۵:۴۰؛ ۲۲:۱۹).

l- دیوانخانه [یا مقر حاکم رومی]. ر.ک مر۱۵:۱۶ توضیح e.

m- در مورد دستهٔ سربازان ر.ک مر۱۵:۱۶ توضیح e.

n- منظور روپوش سرباز رومی است و این تعبیر از نظر تاریخی بیش از آنچه در مر۱۵:۱۷ ذکر شده به حقیقت نزدیک است، زیرا پارچه ارغوانی مورد نظر مرقس گرانبها تر از آن بوده که در چنین مورد و چنین جایی به کار برده شود.

o- ر.ک ۲۷:۳۱. موضوع ریشخند و مسخره اکثراً در عهد عتیق دیده می‌شود: مرد عادل و مرد بینوا مورد سخریه و استهزای مردمان هستند (مز۲۲:۸؛ ۴۴:۱۴؛ ۵۲:۸).

p- قیروان. یکی از مهاجرنشین‌های یونانی در شمال آفریقا که تعداد زیادی از یهودیان در آنجا اقامت داشتند؛ ر.ک اع ۲:۱۰؛ ۱۱:۲۰ . عیسی را از پایتخت مقدس بیرون می‌برند و متی با کلمه «بیرون» بر ارزش قربانی کفاره تأکید می‌کند (لاو۱۶:۲۷؛ مت۲۱:۳۹؛ عبر۱۳:۱-۱۳).

نام «جلجتا» یعنی محل جمجمه[q] رسیدند،
۳۴ به او شرابی آمیخته به زرداب[r] دادند تا
بنوشد و آن را چشیده نخواست بنوشد.
۳۵ پس از اینکه او را به صلیب کشیدند،
قرعه انداخته[s] لباسهای او را تقسیم کردند.
۳۶ و در آنجا به نگهبانی او نشستند. ۳۷ و
تقصیر نامهٔ او را بالاس سرش قرار دادند که
۲۷:۲۹ چنین نوشته بود: این است عیسی پادشاه
اش۵۳:۱۲ یهودیان[t]. ۳۸ آنگاه دو راهزن[u] با او
مصلوب شدند، یکی به راست و یکی به
مرا۲:۱۵ چپ. ۳۹ عابران بر ضد او کفر گفته با تکان
مر۱۴:۵۸؛ یو۲:۱۹، ۲۰ دادن سر[v]، ۴۰ می‌گفتند: «تو که قدس را
نابود و در سه روزه دوباره بنا می‌کنی[w]،
۴:۳، ۶؛ ۲۶:۶۳؛ خود را نجات بده، اگر پسر خدایی از
لو۴:۳، ۹ صلیب پایین بیا.» ۴۱ همچنین کاهنان
بزرگ با کاتبان و مشایخ نیز او را ناسزا
می‌گفتند: ۴۲ «دیگران را نجات داده است؛
خودش را نمی‌تواند نجات دهد! پادشاه
یو۱:۴۹؛ ۱۲:۱۳ اسرائیل است! اگر هم اکنون از صلیب
پایین بیاید به او ایمان خواهیم آورد.
۴۳ خود را به خدا سپرده است، اگر [خدا]
به او علاقمند است او را رهایی دهد؛ زیرا
یو۵:۱۸؛ ۱۰:۳۶؛ گفته است: ''من پسر خدا هستم[x].''»
۱۹:۷ ۴۴ همچنین راهزنانی که با او مصلوب شده
بودند او را ناسزا می‌گفتند.

مرگ عیسی
(مرقس۱۵:۳۳-۳۹؛ لوقا۲۳:۴۴-۴۸؛ یوحنا۱۹:۲۸-۳۰)

۴۵ از ساعت ششم تا ساعت نهم[y] سرتاسر
زمین را ظلمات فراگرفت. ۴۶ در حدود
ساعت نهم عیسی با صدای بلند فریاد
برآورده گفت: «اِلی، اِلی، لما سبقتنی»[z]
یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا رها
کرده‌ای؟» ۴۷ بعضی از آنان که در آنجا
ایستاده بودند شنیده گفتند: «اینک الیاس

q- احتمالاً نه اشاره به جمجمهٔ آدم ابوالبشر (چنانکه اوریجن گفته) یا جمجمهٔ اعدام شدگان، بلکه این نام به سبب شکل صخره‌ای است که شبیه جمجمه می‌باشد.

r- «هنگامی که کسی می‌بایست اعدام شود به او اجازه می‌دادند کندر حل شده در جام شراب را بنوشد تا از خود بی‌خود شود... بانوان محترم اورشلیم اجرای این وظیفه را بر عهده داشتند» (نقل از تلمود بابلی دربارهٔ سانهدرین،۴۳). متی اضافه بر این افزودن زرداب را ذکر کرده که شراب را تلخ و غیر قابل شرب می‌سازد (ر.ک مز۶۹:۲۲). زرداب مایعی لزج، تلخ، تهوع‌آور و زردرنگ است.

s- در بعضی از نسخه‌های خطی افزوده شده است: «تا سخن پیامبر تحقق یابد: لباسهای مرا بین خود تقسیم کرده‌اند و برای ردای من قرعه انداخته‌اند» (مز۲۲:۱۹). احتمالاً این الحاق از یو۱۹:۲۴ گرفته شده است.

t- این کتیبه (به زبان لاتین titulus) جزو مقررات و ترتیبات مربوط به اعدام‌های رسمی بود. نگارش و انشاء کتیبه را که البته جنبهٔ تمسخرآمیز دارد احتمالاً پیلاطس دستور داده بود (ر.ک یو۱۹:۱۹-۲۲ که این قسمت را بیشتر تشریح کرده است).

u- راهزن یا یاغی. در مورد این کلمه ر.ک ۲۶:۵۵ j.

v- ر.ک مز۲۲:۸؛ ۱۰۹:۲۵.

w- ر.ک ۲۶:۶۱ m.

x- ر.ک مز۲۲:۹؛ حک۲:۱۳، ۱۸-۲۰.

y- یعنی از ظهر تا ساعت سه عصر. این ظلمات (ر.ک خروج۱۰:۲۲؛ عا۸:۹-۱۰) که از لحظه صلیب سرتاسر زمین را فرا گرفته بود احتمالاً نمادی از داوری خداست. ضمناً می‌توان ترجمه کرد: «بر روی تمام مرز و بوم».

z- ر.ک مز۲۲:۲. این فریاد، فریاد نومیدی نیست بلکه فریاد اندوه و اضطراب است زیرا با سخنانی از نوشته‌های مقدس خطاب به خدا گفته می‌شود. بعضی از مفسران با یادآوری اینکه همین مزمور۲۲ با دعای توکل و اعتماد پایان می‌یابد جنبهٔ واقعی این عبارت را مورد تأکید قرار می‌دهند.

را صدا می‌کند[a].» ۴۸و همان‌دم یکی از
ایشان دویده اسفنجی برداشت و آن را به
سرکه[b] آغشته کرده بر سر یک نی گذاشت
و به او نوشانید. ۴۹ولی دیگران می‌گفتند:
«بگذار ببینیم آیا الیاس می‌آید او را نجات
دهد.» ۵۰عیسی باز به صدای بلند فریاد
برآورد و روح[c] را تسلیم کرد. ۵۱و اینک
پردهٔ قدس[d] از بالا تا پایین به دو قسمت خروج۲۶:۳۱-۳۵
شکافته شد و زمین متزلزل گردید و
صخره‌ها شکافتند. ۵۲و قبرها باز شدند و
اجساد بسیاری از مقدسین که خوابیده
بودند قیام کردند ۵۳و پس از قیام او، از ۵:۴؛
قبرها خارج شده به شهر مقدس وارد شدند مکا۱۱:۲؛ ۲۱:۲،۱۰؛ ۱۹:۲۲
و به تعداد زیادی از مردمان ظاهر
گردیدند[e]. ۵۴سنتوریون و کسانی که با او
عیسی را نگهبانی می‌کردند با دیدن
زمین‌لرزه و آنچه انجام شده بود، بسیار
ترسیده گفتند: «به راستی، این پسر خدا
بود.»

تدفین عیسی
(مرقس۱۵:۴۰-۴۷؛ لوقا۲۳:۴۹-۵۶؛ یوحنا۱۹:۲۵، ۳۸-۴۲)

۵۵در آنجا زنان بسیاری بودند که از دور لو۸:۲،۳
نگاه می‌کردند، هم آنان که از جلیل به
دنبال عیسی آمده بودند تا به او خدمت
نمایند. ۵۶از جمله مریم مجدلیه و مریم مادر
یعقوب و یوسف و مادر پسران زبدی. ۲۰:۲۰
۵۷چون شب فرا رسید، مرد ثروتمندی از
اهالی رامه به نام یوسف که او هم شاگرد
عیسی شده بود[f] آمد. ۵۸وی به نزد پیلاطس
رفته جسد عیسی را طلبید. پس پیلاطس تث۲۱:۲۲،۲۳
دستور داد آن را باز پس دهند. ۵۹و یوسف
جسد را گرفته آن را در کفنی پاک پیچید؛ مر۶:۲۹؛ اع۱۳:۲۹
۶۰و آن را در قبری نو که در صخره کنده
بود نهاد؛ و سنگ بزرگی به درِ قبر ۲:۲۸؛ مر۱۶:۳،۴
غلطانیده رفت. ۶۱در آنجا مریم مجدلیه و ۱:۲۸؛ مر۱۵:۴۰،۴۷؛۶
مریم دیگر در مقابل قبر نشسته بودند. ۱:۱؛ لو۲۴:۱۰؛ یو۱۹:۲۵

a- در مورد انتظار برای الیاس طبق نوشته های مکاشفه ای یهودیان ر.ک ۱۷:۱۰ توضیح j.

b- سرکه. آشامیدنی‌ای که سربازان رومی با آن به خوبی آشنا بودند. در اینجا اشاره به مز ۶۹:۲۲ به این عمل جنبهٔ غیر انسانی می‌دهد در صورتی که شاید چنین نبوده است (ر.ک یو۱۹:۲۸-۳۰).

c- در اینجا منظور از روح، نه روح‌القدس است و نه آن روح که طبق تفکر یونانی در برابر جسم مادی انسان قرار دارد و خدا به انسان داده است (ر.ک لو۲۳:۴۶ m؛ یو۱۹:۳۰ k)، بلکه منظور روح زندگی به معنایی است که در عهد عتیق آمده است (پید۳۵:۱۸؛ بنسی۳۸:۲۳؛ حک۱۶:۱۴).

d- منظور پرده‌ای است که صحن جلو معبد را از معبد جدا می‌کرد (در این صورت مرگ عیسی دسترسی مشرکان را به حضور خدا مقدور می‌سازد) یا پرده‌ای که قدس را از قدس‌الاقداس مجزا می‌سازد (در این صورت با مرگ عیسی دوران کاهنان عهد عتیق پایان می‌یابد. در این معنی ر.ک عبر۶:۱۹؛ ۱۰:۲۰). نیز به این معنی که قدس‌الاقداس معبد از بین رفته و جای آن را تن مسیح گرفته است (ر.ک یو۲:۱۹ e). در هر صورت با توجه به ترکیب عبارات نمی‌توان یکی از این سه تفسیر را ترجیح داد.

e- شرح و تفصیلاتی که در آیات ۵۱-۵۳ آمده قسمتی از پیشگوییهایی هستند که در روایات، فرا رسیدن روز داوری نهایی را اعلام می‌کردند (عا۸:۳؛ اش۲۶:۱۹؛ حزق۳۷:۱۲؛ دان۱۲:۲).

f- این جمله را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «که او هم شاگردی عیسی را کرده بود» یا اینکه: «از آموزش عیسی تعلیم یافته بود» (همین فعل در مت۱۳:۵۲، ۲۸:۱۹ به کار برده شده است). بیشتر گمان می‌رود که این شخص اصلاً اهل آریماته بوده که از شهرهای ناحیه یهودیه در شمال شرقی «لدّه» می‌باشد که یا اصالتاً از آن شهر می‌آمده یا موقعی که مصلوب را دیده به اورشلیم وارد می‌شده است. در هنگام دفن مسیح، هیچ کدام از رسولان حضور نداشتند. قبل از این متی مرتب درباره آنان صحبت می‌کرد و حال فرصتی پیش آمده تا به زنانی اشاره کند که از قبل عیسی را پیروی و خدمت می‌کردند.

نگهبانی مقبره

۶۲ فردای آن روز یعنی پس از تدارک[g]
[عید]، کاهنان اعظم و فریسیان نزد
پیلاطس گرد آمده گفتند[h]: ۶۳ «خداوندا،
به یادمان آمد که این گمراه کننده[i] وقتی
هنوز زنده بود گفت: بعد از سه روز قیام ۱۲:۴۰؛ ۱۶:۲۱؛
می کنم[j]. ۶۴ پس دستور بده که مدفن تا روز ۱۷:۲۳؛ ۲۰:۱۹؛
سوم به طور مطمئنی محافظت شود مبادا مر۸:۳۱؛ ۹:۳۱؛ ۱۰:۳۴؛
شاگردانش بیایند و او را بدزدند و به قوم لو۹:۲۲؛ ۱۸:۳۳؛
بگویند از میان مردگان قیام کرده است؛ ۲۴:۷
آخرین گمراهی که از اولی بدتر خواهد ۱۲:۴۵؛ لو۱۱:۲۶؛
بود.» ۶۵ پیلاطس به ایشان اظهار کرد: ۲-پطر۲:۲۰
«این هم نگهبان، بروید هر طور می خواهید
بکنید تا خاطر جمع شوید.» ۶۶ پس آنان
رفتند سنگ را مُهر و موم کرده، نگهبان
گذاشتند و از حفاظت مدفن خاطر جمع
شدند.

عیسی دیگر در قبر نیست
(مرقس۱۶:۱-۸؛ لوقا۲۴:۱-۱۱؛ یوحنا ۲۰:۱، ۱۱-۱۸)

۲۸ ۱ پس از سبت، به هنگام شروع
روشنایی[k] روز اول هفته، مریم ۲۷:۵۶،۶۱؛
مجدلیه و مریم دیگر[l] آمدند تا از مدفن مر۱۵:۴۰،۴۷؛ یو۱۹:۲۵
دیدن کنند[m]. ۲ و اینک زمین لرزه عظیمی ۲۷:۵۱
روی داد[n] زیرا فرشته خداوند[o] از آسمان
فرود آمده پیش آمد، سنگ را غلطانیده بر ۲۷:۶۰؛ مر۱۵:۴۶
آن نشست. ۳ منظر او مانند آذرخش و
لباسش همچون برف سفید بود. ۴ نگهبانان ۱۷:۲؛
در برابر او ترسان شده بر خود لرزیدند و مر۹:۳؛ لو۹:۲۹؛ اع۱:۱۰

g- تدارک. این کلمه در مورد روز جمعه به کار برده می شد که در آن روز یهودیان برای سبت تهیه و تدارک می دیدند.

h- آیات ۶۲ تا ۶۶ که مختص انجیل متی است انعکاسی از جدال بین یهودیان و مسیحیان می باشد. منظور آن نیست که قیام عیسی ثابت شود بلکه پاسخی به اعتراض یهودیان است که می گفتند جسد او دزدیده شده است.

i- یعنی کسی که مردمان را به اشتباه می اندازد.

j- اشاره به اعلامهای مربوط به رنج عیسی و رستاخیز اوست که انجیل نگاران نوشته اند. چنین به نظر می رسد در موقعی که متی انجیل خود را می نوشت محافل یهودی از این موضوع اطلاع داشته اند.

k- این اصطلاح احتمالاً اشاره به پیدا شدن ستارهٔ غروب است که آغاز شبانه روز جدیدی را اعلام می نماید (ر.ک لو۲۳:۵۴) و موقع فرارسیدن شب است. بر خلاف اناجیل دیگر که به طلوع آفتاب اشاره می کنند، متی طبق تقویم یهودیان، از آغاز شبانه روز یعنی بعد از غروب آفتاب اشاره می کند. در هر دو تعمق موضوع شروع هفته جدید و از این رو خلقت جدید است.

l- احتمالاً مادر یعقوب و یوسف (۲۷:۵۶).

m- این زنان مقدس نه برای تدهین جسد (مر۱۶:۱) بلکه برای دیدار (زیارت) مقبره می آیند. ممکن است آداب و رسوم یهودیان که به زیارت قبر مقدسان می رفتند بر این روایت تأثیر کرده باشد؛ ضمناً با توجه به علاقه ای که نسبت به محل مقبره ابراز می شود (۲۸:۶ بیایید ... بنگرید) می توان این فرضیه را تأیید نمود.

n- در روایات، زمین لرزه یکی از علائم ظهور الهی است (ر.ک خروج۱۹:۱۸؛ مز۱۱۴:۷؛ عبر۱۲:۲۶؛ مت۲۷:۳۵ توضیح e). [قانون ایمان رسولان اعلام می کند: «او به هاویه فرورفت.» باید یادآوری نمود که یهودیان چگونه عاقبت مردگان را تصور می کردند (مت۱۶:۱۸ o؛ لو۱۶:۲۳ l؛ مز ۸۸:۱۱ y؛ امث۱:۱۲ l ...). مردگان در عالم زیر زمین در تاریکی و فراموشی کامل بودند، بدون هیچ امیدی که از آنجا به بالا برگردند و بدون ارتباط با خدا و زمین زندگان. این زندان نمی توانست مسیح، کلمه زنده را در بند نگاه دارد. او زنجیرها را گسسته عادلان را آزاد می سازد (افس۴:۹ v؛ ۱-پطر۳:۱۹ w و x). این تعمق بر پیروزی مطلق عیسی و لرزیدن دنیای کهنه برای شروع خلقت تازه، در کلیسای شرق اهمیت خاصی دارد.]

o- در اینجا فرشته ای نیست که مأمور باشد واقعهٔ شگفت انگیزی را توضیح دهد (ر.ک ۲۸:۵) بلکه فرشتهٔ خداوند است (ر.ک پید۲۲:۱۱-۱۵؛ خروج۳:۲-۶) فرشته ای که عمل می کند (۲۸:۲) و با اقتدار خداوند سخن می گوید (۲۸:۵، ۷؛ ر.ک ۱:۲۰ i).

چون مردگان شدند[p]. ۵فرشته به سخن
درآمده به زنان گفت: «ترسان نباشید؛
می‌دانم که عیسی مصلوب را می‌جویید. ۶او
در اینجا نیست زیرا همان گونه که گفته ؛۲۱:۱۶؛ ۲۳:۱۷؛
بود[q]، قیام کرده است؛ بیایید جایی که او ۱۹:۲۰؛ مر۸:۳۱؛ ۹:۳۱؛
را گذاشته بودند بنگرید. ۷و زود رفته به ۱۰:۳۴؛ لو۹:۲۲؛
شاگردانش بگویید که از مردگان قیام کرده ۱۸:۳۳؛ ۲۴:۷
است؛ و اینک پیش از شما به جلیل رفته و ۲۶:۳۲؛ مر۱۴:۲۸
در آنجا او را خواهید دید. اینک به شما
گفتم!» ۸و آنان، شتابان از قبر رفته با ۲۸:۱۰،۱۷؛ یو۲۱:۱-۲۳
ترس و شادی بزرگ دویدند تا آن را به
شاگردانش مژده دهند[r]. ۹و اینک عیسی به
آن زنان برخورده گفت: «شادمان باشید!»
زنان نزدیک رفته پاهای او را گرفتند و در
برابرش سجده کردند[s]. ۱۰آنگاه عیسی به
آنان گفت: «مترسید، بروید به برادران
من[t] مژده دهید که به جلیل بروند و در آنجا ۲۶:۳۲؛ ۲۸:۷،۱۶؛
مرا خواهند دید.» ۱۱چون می‌رفتند اینک مر۱۴:۲۸؛ یو۲۱:۱-۲۳
بعضی از نگهبانان به شهر آمده تمام آنچه
را که انجام شده بود به کاهنان اعظم خبر
دادند. ۱۲اینان با مشایخ جمع شده مشورت
کردند[u]. نقره کافی به سربازان داده
۱۳گفتند: «شب هنگام شاگردانش آمده ۲۷:۶۴
چون خوابیده بودیم او را ربودند. ۱۴و اگر
حکمران این را بشنود ما او را قانع خواهیم
کرد و برای شما جای نگرانی نخواهد
بود.» ۱۵آنان نقره را گرفتند و برابر آنچه
به ایشان تعلیم داده بودند رفتار کردند و
این سخن[v] تا به امروز در بین یهودیان شایع
شده است.

عیسی قیام کرده شاگردانش را به مأموریت می‌فرستد

۱۶اما یازده شاگرد، به جلیل بر کوهی[w] ۲۶:۳۲؛ ۲۸:۷،۱۰
که عیسی برای ایشان تعیین کرده بود
رفتند. ۱۷و او را دیده سجده نمودند ولی
بعضی شک کردند[x]. ۱۸و عیسی پیش آمده
این سخنان را به ایشان گفت: «هر

p- متی برخلاف روایت‌های جعلی و تصورات عامیانه، عیسی را در حال قیام و برخاستن از مرگ توصیف نمی‌نماید بلکه با روش نگارش ادبیات مکاشفه‌ای آثار عمل خدا را ارائه می‌کند.

q- آنچه عیسی اعلام می‌کند در وهله اول وعدهٔ ملاقات در جلیل نیست (مر۱۶:۷) بلکه دربارهٔ خود رستاخیز است. این موضوع در بشارتهای خاص کلیسای اولیه (مصلوب شده... از مرگ برخاسته) بیشتر دیده می‌شود (ر.ک اع۲:۲۳-۲۴، ۳۶؛ ۴:۱۰...).

r- این نکته با روایت مر۱۶:۸ تفاوت دارد.

s- «شادمان باشید» ر.ک لو۱:۲۸ توضیح z. «پاهای او را گرفته...» زنان با این عمل نمی‌خواهند معاینه کنند که آیا عیسی تنی دارد بلکه امیدواری خود را ابراز کرده (ر.ک ۲-پاد۴:۲۷) احترام و ستایش خود را نشان می‌دهند (مت۲:۲، ۸، ۱۱؛ ۸:۲؛ ۱۴:۳۳؛ ۱۵:۲۵؛ ۲۸:۱۷).

t- در انجیلها ذکر «برادران من» در مورد شاگردان فقط در اینجا و در یو۲۰:۱۷ دیده می‌شود، جائی که عیسی بر مریم مجدلیه پدیدار می‌گردد.

u- این عبارت، در انجیل متی متداول و معمول است: ۱۲:۱۴؛ ۲۲:۱۵؛ ۲۷:۱، ۷.

v- این روایت که در دفاع از مسیحیت است شایعه‌ای را که یهودیان در زمان متی رواج داده بودند تکذیب می‌نماید (ر.ک مت۲۷:۶۲-۶۶) و نشان می‌دهد که حتی اگر می‌توانستند چنین تصوری بکنند ربودن جسد عملاً روی نداده است.

w- بر کوهی در جلیل که تعیین آن غیر ممکن است ولی متی آن را احتمالاً نزدیک به کوهی که در وسوسهٔ عیسی ذکر شده (۴:۸) یا کوهی که بر آن تجلی کرد (۱۷:۱) می‌داند.

x- تذکر دربارهٔ اینکه شک کرده بودند موجب شگفتی است، زیرا پس از پرستش شاگردان ذکر شده و از سوی دیگر چنان که معمولاً در طرح عادی روایت‌های پدیدار شدن مسیح دیده می‌شود (لو۲۴:۱۱، ۳۷-۴۴؛ یو۲۰:۲۵-۲۷؛ مر۱۶:۱۱، ۱۳-۱۴) این نکته با شناختن خداوند هماهنگی ندارد. بدین سبب بعضی از مفسرین این عبارت را توضیحی الحاقی می‌دانند که

۲۷:۱۱؛ اقتـداری در آسمـان و بـر زمین به من داده
یو۳:۳۵؛ ۳:۱۳؛ شـده است[y]. ۱۹ پس رفته هـمه ملت‌ها را
۲:۱۷؛ شاگرد سازید[z] و آنان را به نام[a] پدر و پسر
افس۱:۲۰-۲۲
اع۱:۸ و روح‌القدس تعمید دهید. ۲۰ به ایشان
یو۱۴:۲۳ آموزش دهید که هر آنچه به شما دستور
حجی۱:۱۳؛ داده‌ام رعایت کنند. و اینک هر روز تا
یو۱۷:۲۴ انجام زمان من با شما هستم[b].»
۱۳:۳۹،۴۹؛
۳:۲۴

به روایت ملاقات خداوند زنده با شاگردانش اضافه شده است و این ملاقات نوعی «ظهور الهی» است نظیر آنچه در مورد اعلام زمان آخر در دان۷:۱۴ گفته شده. ضمناً این عبارت را می‌توان ترجمه کرد: ایشان که شک کرده بودند (و این تردید دربارهٔ عیسی نیست بلکه دربارهٔ سخنان زنان است).

y- آن کسی که بر کوه وسوسه، تسلط بر سلطنت‌های دنیا را از ابلیس نپذیرفته بود (۴:۹-۱۰) صریحاً اعلام می‌کند که آن را از خدا دریافت کرده است. (ر.ک دان۷:۱۴: به پسر انسان اقتدار، افتخار و سلطنت داده شد و تمام اقوام، ملت‌ها و زبانها او را پرستش کردند)؛ و حتی بیشتر از این، در اینجا سخن از «زمین و آسمان» است چنان که اعتقاد کلیسای اولیه بر این بود (اع۱۳:۳۳؛ روم۱:۴؛ فی۲:۵-۱۱؛ ۱-تیمو۳:۱۶).

z- یا اینکه: «رفته از تمام ملت‌ها شاگرد بسازید» (ر.ک ۲:۸؛ ۹:۱۳؛ ۱۰:۶؛ ۱۱:۴؛ ۲۷:۶۶؛ ۲۸:۷). در اینجا منظور از ملت‌ها منحصر به مشرکان نمی باشد بلکه یهودیان را نیز دربرمی‌گیرد (ر.ک ۲۴:۹، ۱۴، ۲۵:۳۲). اقدام عیسی با رفتاری که در دوران زندگی زمینی خود داشته (۱۰:۵-۶، ۲۳؛ ۱۵:۲۴) تفاوت دارد و حال پیشگویی را به تحقق می‌رساند (اش۴۲:۶؛ ۴۵:۱۸-۲۰؛ ۴۹:۶).

a- وقتی گفته می‌شود: «به نام...» بدین معنی است که رابطه‌ای شخصی (ر.ک ۱-قرن۱:۱۳؛ ۱۰:۲) بین کسی که تعمید می‌یابد با پدر، پسر و روح‌القدس برقرار می‌گردد؛ ذکر «سه‌گانه مقدس» از همان آغاز در کلیسای اولیه شناخته شده بود (۱-قرن۱۲:۳-۵؛ ۲-قرن۱۳:۱۳). طبق کتاب دیداکه ذکر این عبارت در آئین کلیسای اولیه مرسوم بوده است.

b- عیسی برخاسته از مرگ با این کلمات به چهره و وعده حضور الهی در عهد عتیق اشاره کرده و آن را به تحقق می‌رساند (خروج۳:۱۲؛ ار۱:۸؛ اش۴۱:۱۰؛ ۴۳:۵؛ مت۱:۲۳). او نه فقط فراهم آورنده موهبت‌های مخصوص است (لو۲۴:۴۸؛ یو۲۰:۲۲) و حضور مداوم خود را اطمینان می‌دهد (مت۱۸:۲۰) بلکه یاری مؤثر «هر روزه» را نیز حتی در موقعی که تحت جفا باشند فراهم می‌کند. بدین گونه این حضور مشابه حضور روح مدافع است که متون یوحنا قبلاً به آن اشاره کرده بودند (یو۱۴:۱۶؛ ۱۶:۷-۱۱؛ ر.ک ۱-یو۲:۱).

پیشگفتار

انجیل مرقس

ترتیب و موضوعات اصلی

دومین انجیل به صورت سلسله روایتهایی است که عموماً کوتاه بوده و بین آنها ارتباط معینی وجود ندارد. زمینه روشن و آشکار این انجیل را مطالب و نکات جغرافیایی تشکیل می‌دهد بدین معنی که فعالیت عیسی از شهر جلیل (۱۴:۱) و پیرامون این ناحیه آغاز می‌شود و تا سرزمینهای مشرکان ادامه و گسترش می‌یابد (۷:۲۴-۳۱؛ ۸:۲۷). سپس عیسی از پره و اریحا عبور کرده (باب ۱۰) و به اورشلیم فراز می‌آید (۱۱:۱).

ترتیب مطالب داخل کتاب بر مبنای این چهارچوب نبوده بلکه شرح و بسط چند موضوع مهم است.

الف) انجیل

از همان کلمات نخستین معلوم می‌شود که در این کتاب توجه به «انجیل عیسی مسیح پسر خدا» معطوف است (۱:۱) که بعداً «انجیل خدا» (۱۴:۱) یا فقط «انجیل» خوانده شده است (۱۵:۱). از دید مرقس و به همین گونه از نظر پولس این کلمه خبر خوش و «نویدی» است که خطاب به همه مردمان بوده و پذیرفتن آن توصیف و بیان ایمان مسیحی است: بدین معنی که خدا به وسیله عیسی وعده‌های خود را به خاطر مردمان تحقق بخشیده است (کول ۱:۱الف)، بنابراین انجیل باید به تمام ملتها اعلام گردد (۱۰:۱۳؛ ۱۴:۹). انجام این وظیفه جنبه کنونی و فعلیت داشته و مرقس پروایی ندارد که بعضی سخنان عیسی را با آن تطبیق دهد: مثلاً پس از ناپدید شدن عیسی از خود گذشتگی و دل کندن از همه چیز به خاطر او و عبارت از انجام همین عمل به خاطر انجیل می‌باشد (۸:۲۵ توضیح s؛ ۱۰:۲۹) زیرا عمل خدا که به وسیله زندگی و مرگ و رستاخیز عیسی تجلی کرده به وسیله کلامی که در این دنیا به رسولان سپرده شده ادامه دارد و انجیل اضافه بر آنکه پیامی از جانب خدا و درباره مسیح می‌باشد عمل خدا در بین مردمان است. وضع زمان حاضر چنین است و مرقس با شروع از این زمان به دوران گذشته توجه نموده است تا از «آغاز» سخن گوید و به استناد آن وجود مسیحیت را مشخص نموده و توصیف نماید.

ب) عیسی مسیح پسر خدا

انجام وعده‌های خدا با گفتارها و موعظه یحیی تعمید دهنده آغاز گردید که راه را برای عیسی ناصری گشود (۱:۲-۸) و عیسی که به وسیله خدا به عنوان پسرش تعیین شده و در صحرا بر شیطان پیروز گردیده اعلام و نوید انجیل را در جلیل آغاز کرد (۱:۱۴-۱۵). از

این تاریخ نمایشی واقعی آغاز می شود که عبارت از ظهور مسیح، پسر خدا بوده و در دو مرحله معین و مشخص جریان می یابد.

۱- در مرحله نخست بسیاری از مردمان قدرت تعلیمات و کارهای عیسی را بر ضد نیروهای شر و بدی تصدیق می کنند (۱:۲۱-۴۵؛ ۳:۷-۱۰...) ولی این موضوع که عیسی پسر خداست بایستی مکتوم بماند (۱:۲۵، ۳:۱۲). کسانی که قوانین موسی را دقیقاً و موبه مو اجرا می کردند مخالفت خود را اعلام می کنند (۲:۳-۶) تا بدانجا که عیسی را وسیله ای در دست فرمانروای شیاطین معرفی می نمایند (۳:۲۲-۳۰). با این همه شاگردان عیسی از سایر افراد جمعیت به کلی متمایز هستند (۴:۱۰، ۳۳-۳۴) و در بین آنان این سؤال که طبعاً هر کسی می پرسد مطرح می شود: «این چیست؟» (۱:۲۷) و در پی آن سؤال دیگری می آید: «پس او کیست؟» (۴:۴۱). به این سؤالات پاسخهای مختلفی داده شده است (۶:۱۴-۱۶، ۸:۲۷-۲۸) و با وجود اینکه شاگردان از رسالت عیسی ادراک و شناسایی عمیقی ندارند (۶:۵۲، ۸:۱۴-۲۱) بالاخره از زبان پطرس درمی یابند که او مسیح است (۸:۲۹) ولی به آنان دستور داده می شود در این باره چیزی نگویند (۸:۳۰).

۲- از اینجا به بعد آموزشی نو آغاز می شود که عبارت از این است که پسر انسان بایستی از دوران رنجها، مشقت، مرگ و رستاخیز گذر کند. این آموزش که سه بار تکرار شده است (۸:۳۱-۳۳؛ ۹:۳۰-۳۲؛ ۱۰:۳۲-۳۴) خواننده را تا مرحله رویارویی و برخورد عیسی با دشمنانش در اورشلیم می رساند (بابهای ۱۱ تا ۱۳). در اینجا نمایشی که آغاز شده است در جریان رنجها و مصائب به نقطه پایان خود می رسد (بابهای ۱۴ و ۱۵) و راز عیسی آشکار می شود. اظهارات او در برابر سانهدرین (دادگاه عالی یهود) که او را محکوم به مرگ می نماید و سخنان سنتوریون به هنگام مرگ او (۱۵:۳۹) به کلام خدا که در هنگام تعمید و تجلی مسیح ادا شده بود می پیوندد (۱:۱۱؛ ۹:۷) و عنوانی را که در آغاز انجیل آمده است دایر بر اینکه: عیسی مسیح و پسر خداست، توجیه می نماید (۱:۱ توضیح b و c). در این میان هر وقت که ارواح پلید می خواهند راز او را افشاء کنند (۱:۲۴-۳۴؛ ۳:۱۱) یا وقتی که شاگردان او را به عنوان مسیح می شناسند (۸:۲۹) وادار به سکوت می شوند زیرا معنی و مفهوم این سخنان نمی بایستی پیش از فرا رسیدن رنجها و مصائب آشکار گردد.

روایت رنجها و مصلوب شدن عیسی اوج مطالب این کتاب را تشکیل می دهد. مقدمات این وقایع نه تنها در برخورد و رویارویی عیسی با مخالفانش در اورشلیم آماده شده و قبلاً پس از بیان ایمان پطرس اعلام گردیده و حتی در اوایل کتاب تذکر داده شده است بلکه این وقایع پاسخ به سؤالی است که در نخستین عمل عیسی در ملاء عام در انجیل مرقس مطرح شده است (۱:۲۷) می توان دریافت به چه سبب این کتاب درباره نکته ای که آن را «راز مسیح» می نامد اصرار ورزیده است (ر.ک ۱:۳۴ توضیح p؛ ۱:۴۴ توضیح v و x؛ ۸:۳۰ توضیحi). این تأکید و اصرار احتمالاً بدان سبب است که عیسی در دوران زندگی زمینی

خود به مانند دوران بعد از جشن گذر شناخته نشده بود ولی نظر به اینکه این راز عناوینی در بردارد که با آنها ایمان مسیحیت بیان می شود (۱:۱؛ ۳:۱۱؛ ۸:۲۹) مـــثل این است که مرقس خواسته است نشان دهد تا زمانی که حقیقت آنها با تحقیر و مصلوب شدن عیسی شناخته نشده باشد زمان بیان این عناوین نرسیده و برای یهودیان و مشرکان مبهم و مشکوک می باشد.

ج) عیسی و شاگردان

در «آغاز» انجیل مرقس عیسی به تنهایی ظاهر نشده بلکه با شاگردان است که به وسیله آنان عملی که شروع شده باید پیگیری گردد. از همان ابتدای فعالیت در جلیل، مرقس فراخواندن چهار ماهیگیر را ذکر کرده که عیسی را پیروی می نمایند بدون اینکه از نظر ترتیب زمانی یا روانشناسی امکان احتمال آن را در نظر گرفته باشد (۱:۱۶-۲۰). سپس همواره شاگردان به همراه استاد هستند مگر موقعی که آنان را برای موعظه و نوید اعزام می نماید (۶:۷-۳۰). فقط در دوران رنجها و صلیب پس از اینکه شاگردان فرار می کنند عیسی تنها می ماند ولی کتاب به پایان نمی رسد بدون اینکه اعلام شود شاگردان دوباره در اطراف عیسی که رستاخیز کرده بود جمع شده اند (۱۴:۲۸؛ ۱۶:۷) ضمناً در این روایتها با توجه به محل و موقعیتی که برای شاگردان قائل شده است می توان چندین بخش تشخیص داد.

۱- در نخستین مرحله پدیدار شدن عیسی در سه صحنه نشان داده شده است که بین او شاگردانش همبستگی و همکاری وجود دارد و این هماهنگی رفته رفته نزدیکتر می شود. مثلاً جریان فراخواندن چهار شاگرد به منظور اینکه به صید آدمیان بپردازند (۱:۱۶-۲۰)، انتخاب دوازده تن برای زندگی با او و انجام رسالت (۳:۱۳-۱۹) و بالاخره خود رسالت (۶:۷-۱۳)، به هـــمــــراه این سه روایت منظره های کلی از فعالیت عیسی یا واکنشهایی که ایجاد می کرد آمده است (۱:۱۴-۱۵؛ ۳:۷-۱۲؛ ۶:۱۴-۱۶) چنانکه گویی گوینده داستان احساس می کرده لازم است پیش از ادامه شرح وقایع وضعیت را روشن و تشریح نماید.

در بخش اول (۱:۱۶-۳:۶) شاگردان بدون هیچ گونه فعالیتی در کنار عیسی می مانند ولی در برابر انتقاداتی که به سبب عدم رعایت مقررات شرعی یهود از آنان به عمل می آید عیسی دفاع کرده و نشان می دهد وابسته به آنان است (۲:۱۳-۲۸). در بخش دوم (۳:۷-۶:۶) شاگردان در برابر مخالفان عیسی و همچنین در برابر خویشاوندان نسبی او قرار دارند (۳:۲۰-۳۵) و عیسی آنان را از جمعیت متمایز دانسته از آموزش مخصوصی برخوردار می نماید (۴:۱۰-۲۵، ۳۳-۳۴) و این امتیاز را دارند که شاهد معجزه های شگفت انگیز او باشند (۴:۳۵-۵:۴۳). بخش سوم با عزیمت و بریدن از ناصره آماده می شود (۶:۷-۸:۳۰). در این بخش دوازده تن که به مأموریت اعزام شده اند به صورت «رسول» ظاهر می شوند (۶:۳۰) و مأموریت دارند جمعیت را تغذیه نمایند (۶:۳۴-۴۴، ۸:۶). با این همه شاگردان مطالبی دریافت می کنند که در حوصله ادراکشان نمی گنجد (۶:۴۵-۵۲). عدم بصیرت و ادراکشان که

قبلاً در مورد داستانهای تمثیلی مورد انتقاد قرار گرفته بود (۱۳:۴) شدیدتر می شود (۵۲:۶؛ ۱۸:۷؛ ۱۴:۸-۲۱) و درمان مرد کوری که در پایان این بخش آمده (۲۲:۸-۲۶) برایشان ارزش سرمشق و اشاره دارد (ر.ک ۲۲:۸ توضیح d).

۲- پس از اعتراف پطرس که عیسی را به عنوان مسیح می شناسد سه بار رنجها و صلیب و رستاخیز اعلام شده و هر بار با عدم ادراک و تفاهم شاگردان مواجه می گردد و منجر به اظهاراتی قاطع و صریح شده که درباره وضعیت شخصی (۳۴:۸-۳۸)، وضعیت اجتماعی (۳۳:۹-۵۰؛ ۳۵:۱۰-۴۵) و درباره کسانی است که باید به دنبال عیسی بیایند در حالی که صلیب خود را به دوش می گیرند. هنگامی که جمعیت یا کسانی غیر از شاگردان در صحنه وقایع هستند عیسی به ویژه به این افراد خطاب کرده یا الزامات خود را توضیح می دهد (۲۸:۹-۲۹؛ ۱۰:۱۰-۱۶؛ ۲۳:۱۰-۳۱). در اینجا موضوع کلام مرتباً از استاد به شاگرد معطوف شده و در مورد هر کدام از فروتنی و حقارت اختیاری به شکوه و جلال موعود پرداخته می شود ولی در صورتی که عیسی می خواهد شاگردان را در سرنوشت خود سهیم سازد آنان بی بصیرت باقی می مانند. مجدداً این بخش با درمان مرد کوری پایان می یابد که به دنبال عیسی به راه می افتد (۴۶:۱۰-۵۲).

در دو بخش بعدی (بابها ۱۱ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۶) عیسی با جمعیت مردم، با مخالفان و با قضات نشان داده شده است. گفتگو با شاگردان متعدد و مهم است. عیسی آنان را با نیروی ایمان و قدرت نیایش آشنا می سازد (۲۰:۱۱-۲۵)، به آنان هشدار می دهد به ملاحظه وقایعی که برای پسر انسان روی خواهد داد چه رفتاری پیش گیرند (۱:۱۳-۳۷)، معنی و مفهوم مرگ خود را در انتظار فرا رسیدن ملکوت خدا روشن می کند (۲۲:۱۴-۲۵)، به آنان پیشاپیش خبر می دهد که او را ترک خواهند کرد (۲۶:۱۴-۳۱)، در برابر وسوسه هشدار می دهد (۳۷:۱۴-۴۰) ولی فرار شاگردان در جتسیمانی و انکارهای پطرس نشانه عدم موفقیت آنان در پیروی از عیسی است. با این همه، همه چیز تمام نشده است زیرا پس از رستاخیز، عیسی قبل از آنان در جلیل است (۲۸:۱۴-۷:۱۶).

اصرار بر اینکه شاگردان عیسی در باور داشتن و ایمان آوردن کند هستند، عدم ادراک مداوم آنان و جهالت و قصورشان در ساعتی که عیسی به عنوان مسیح پسر خدا تحقق می پذیرد مسماً به منظور معین و سنجیده ای است زیرا نقش شاگردان به عنوان ادامه دهنده انجیل شناخته شده و این نکته مانع از آن است که مستقیماً بر ضد نخستین شاگردان عیسی بحث و مذاکره ای نمود بلکه چون ایمان به عیسی فقط پس از گذر بسط و توسعه یافته است امکان دارد در نظر مرقس دوران زندگی زمینی عیسی دوران ظهور واقعی بوده که به سبب ضرورت حفظ راز و عدم ادراک شاگردان از افشای آن جلوگیری شده است ولی همین نکته اهمیت و ارزش راز عیسی را که در خارج از ایمان دوران عید گذر درک نمی شود ظاهر می سازد.

ضمناً ایمان شاگردان نمونه ایمان مسیحیان است که امکان دارد در درک و

دریافتن کشف و شهود الهی تأخیر داشته باشند. صلیب به عنوان وسیله لغزش باقی می‌ماند. برای اینکه انجیل واقعاً بشارت داده شده و پذیرفته گردد تنها کافی نیست نسبت به عبارات بیان ایمان وفادار بمانند بلکه بایستی زندگی صحیح و درستی را در پیروی عیسی ادامه دهند. درک راز مسیح از آشنایی دشوار و تدریجی شرایط زندگی پیروان جدا نیست.

روش مرقس

معمولاً مرقس را به سبب هنر داستان سرایی اش ستوده اند. اگر تعداد کلماتی که بکار برده محدود و ناچیز است (مگر برای بیان چیزهای مادی و محسوس و واکنشهایی که عیسی برمی انگیخت) عبارات و جملات به هم پیوستگی و اتصال ندارند، در افعالی که به کار برده رعایت تطبیق زمانها نشده است، همین بی مهارتی ها شیوه نگارش او را نزدیک به روایت شفاهی درآورده است. به هر صورت با اینکه جزئیاتی به صورت زنده و طبیعی بکار رفته با این همه انشا ساده و اختصار مطالب نشان می دهد که مدارک و منابع مورد استفاده این کتاب روایاتی بوده که برای استفاده جمعیتهای اولیه تهیه و تنظیم می شده است. هنگامی که داستان سرا وقایع را توصیف و مجسم می نماید مثل کسی نیست که شاهد عینی بوده و آنها را به طور ساده و سطحی تعریف کند. ضمناً در این کتاب وقایع مختلف به ترتیب زمان وقوع ذکر نشده، حالت روحی اشخاص مورد توجه نبوده و تصویر جمعیت به طور یکنواخت ذکر گردیده است بنابراین نمی توان این انجیل را به صورت تاریخ ساده‌ای از زندگی عیسی بخوانیم. ولی مرقس بدون آنکه از ادبیات مایه بگذارد تصویر زنده انسانی را ترسیم کرده است که با واکنشهای غیرمترقبه، با ترحم و رقت یا تندی و خشونت، با حالت شگفتی یا سخنان قاطع و برنده اش به هیچوجه با تصاویر پیش ساخته تطبیق نمی کند. تمام روح او در یک نگاهش متجلی است، نگاهی که ممکن است آکنده از خشم یا سرشار از مهربانی باشد (۳:۵، ۳۴)، نگاهی که متضمن سؤال یا محتوی توجه مخصوص است (۵:۳۲؛ ۱۱:۱۱)، سرشار از محبت و تأثر (۱۰:۲۱)، اندوهگین یا توأم با آرامش باشد (۱۰:۲۳-۲۷). کسانی که در برابر او قرار می گرفتند ممکن بود هرگونه وضع و رفتاری اتخاذ کنند: تعجب کرده یا دچار بهت و حیرت شوند، بدگمان شده یا تصمیم به قتل او بگیرند. و شاگردانش ممکن بود نسبت به او علاقه و محبت بی دلیل و منطق داشته باشند یا او را ترک گویند.

اصل و منشاء کتاب

تقریباً از همان سال ۱۵۰ میلادی پاپیاس، اسقف شهر هیراپلیس گواهی کرده بود که دومین انجیل به مرقس «مترجم پطرس در رم» انتساب دارد. ممکن است این کتاب در شهر رم و پس از مرگ پطرس نوشته شده باشد (بنابرآنچه قدیس ایرنائوس در قرن دوم میلادی در رساله ای علیه پیروان مارسیون نوشته است) یا اینکه (بر طبق نظر کلمنت اسکندریه) در دوران حیات پطرس نگارش یافته است. در مورد هویت نویسنده، او را همان یوحنا مرقس دانسته اند که اصلاً از اهالی اورشلیم (اع۱۲:۱۲) و همراه پولس و برنابا بوده است (اع۱۲:۲۵؛ ۱۳:۵-۱۳؛

۳۷:۱۵-۳۹؛ کول۴:۱۰) و سپس برابر نخستین نامه پطرس با او در «بابل» که احتمالاً منظور شهر رم می باشد بسر می برده است.

در اینکه این کتاب در رم نوشته شده و تاریخ نگارش آن پس از سال ۶۴، دوران تعقیب و شکنجه مسیحیان به وسیله نرون می باشد تردیدی نبوده و مورد قبول همگان است. بکار بردن بعضی کلمات لاتین که به صورت یونانی درآمده و موارد بسیاری از ترکیب کلام لاتین نشانه ای بر این امر است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در مورد عادات و رسوم یهودیان توضیحاتی داده شده (۳:۷-۴؛ ۱۲:۱۴؛ ۴۲:۱۵) و ترجمه کلمات زبان آرامی ذکر گردیده و درباره ارزش انجیل برای مشرکان تأیید و تأکید شده است می توان تصور نمود که این کتاب برای مردمان غیریهودی نگاشته شده که در خارج از فلسطین بسر می برده اند. ضمناً چون تأکید و اصرار می شود که صلیب خود را حمل کرده عیسی را پیروی نمایند امکان دارد به سبب وقایع روز و وضعیت مخصوصی می باشد که جمعیت مسیحیان را در دوران تعقیب و شکنجه های نرون متزلزل می کرده است. وانگهی در انجیل مرقس از ویرانی معبد اورشلیم یاد شده بدون اینکه به وقایع سال ۷۰ میلادی و طرز انهدام معبد اشاره دقیقی شده باشد (با این تفاوت که متی در ۷:۲۲ و لوقا در ۲۰:۲۱ به این نکته اشاره کرده اند). بنابراین می توان گفت تاریخ نگارش دومین انجیل بین سالهای ۶۵ و ۷۰ میلادی است.

تعیین ارتباط با آموزش پطرس دقیق تر و دشوارتر است. عنوانی که پاپیاس برای مرقس قائل شده و او را مترجم پطرس خوانده است واضح و روشن نیست. ولی در بیشتر مواردی که جزئیات توصیف شده و روایت حالت گواهی عینی یافته جایگاهی که برای پطرس قائل شده گویای آن است که از روایاتی استفاده شده که منشأ آنها پطرس می باشد. ضمناً از میان دوازده تن رسولان فقط یعقوب و یوحنا گواهی پطرس را تضمین کرده اند گرچه از او تعریف نمی کنند و همیشه موقعیت و نقش خوبی ندارد با این همه نشانه ای از بحث و انتقاد علیه او وجود ندارد.

به این ترتیب مسئله مدارک و منابعی که مورد استفاده مرقس قرار گرفته به جای خود باقی است و منتقدین در این باره نظریات متفاوتی دارند. مثلاً هرگاه با انجیلهای متی و لوقا مقایسه و برابری شود اهمیت انجیل مرقس به عنوان منبع انجیلهای مذکور معلوم می گردد یا اینکه می توان تصور کرد قبل از نگارش انجیل مرقس مجموعه و ترکیبی از روایات درباره عیسی وجود داشته است. به هر صورت هر فرضیه ای که پذیرفته شود با توجه به طرز انشای مرقس می توان حدس زد که قبلاً سلسله روایاتی وجود داشته و اعمال و سخنان عیسی نقل می شده بدون اینکه به صورت مجموعه ای از شرح زندگی و آموزش او درآمده باشد مثلاً روایت رنجهای عیسی و مصلوب شدن او در ابتدا به صورت یک رشته روایت های این وقایع و شامل چند قسمت بوده است .همچنین یک دسته از وقایع ساده و مختصر نظیر «روز کفرناحوم» (۱:۲۱-۳۸) یا بحث و مجادله ها (۲:۶-۳) قبلاً و خیلی زود تشکیل و تنظیم شده بود که جزو منابع مرقس قرار گرفته اند.

سؤال دیگری که بدون جواب مانده این است: آیا در اصل کتاب چگونه پایان می یافته است؟ عموماً پذیرفته شده که قسمت آخر کتاب به صورت کنونی ۱۶:۹-۲۰ بعدها افزوده شده تا پایان یافتن ناگهانی آن را در آیه ۸ تصحیح نماید (ر.ک ۱۶:۹) ولی هرگز نخواهیم دانست آیا پایان اصلی کتاب مفقود شده یا اینکه مرقس معتقد بوده است یادآوری و مراجعه به روایت ظاهر شدنهای جلیل که در آیه ۷ به آنها اشاره شده برای خاتمه دادن به کتاب کافی است.

اهمیت کتاب

به نظر ما انجیل مرقس نخستین نمونه شناخته شده از ادبیاتی است که انجیل نامیده می شود. قبلاً برای قرائت و استفاده در کلیسا ترجیح می دادند به جای انجیل مرقس از مجموعه ترکیبات دیگری که بعداً نوشته شده و مفصل تر هستند نظیر انجیل متی و لوقا استفاده نمایند ولی بر اثر بررسی های ادبی و تاریخی که در قرنهای ۱۹ و ۲۰ به عمل آمد مجدداً ارزش و اهمیت انجیل مرقس آشکار شده است. امروزه تاریخ زندگی عیسی را بر مبنای ترتیب توالی تاریخی که در انجیل مرقس ذکر گردیده تهیه و تنظیم نمی کنند با این همه خشونت الفاظ و کلمات، عدم ظاهرآرایی، فراوانی کلماتی که از ریشه سامی است و جنبه ساده و ابتدایی الهیاتی که در انجیل مرقس آمده نشان می دهد که در تهیه این انجیل از مدارک و منابع قدیمی استفاده شده و اسامی اشخاص و محلها مربوط به روایات بسیار کهن است. آموزشهای عیسی، تأکید و اصرار بر اینکه ملکوت خدا نزدیک است، داستانهای تمثیلی، مباحثه ها و جدلها و راندن ارواح پلید که در این انجیل ذکر شده ریشه تاریخی خود را در زندگی عیسی در فلسطین دارند. مبنای این مطالب مستقیماً از حافظه و خاطرات اشخاص ناشی نشده بلکه در ابتدا آنها را به منظور موعظه، آموزش مذهبی، بحث و جدل یا برگزاری آیین مذهبی در کلیسا تهیه و تنظیم کرده بودند و ریشه آنها گواهی نخستین شاگردان عیسی بوده است.

مرقس بدین سبب در خور تقدیر است که این مطالب را موقعی ثبت کرده که زندگی کلیساها در خارج از ناحیه فلسطین انتشار می یافت و نظریات و اندیشه های علوم الهی که با تمدنهای خارجی برخورد می کرد و ممکن بود تماس خود را با مبانی انجیل از دست بدهد. مرقس موفق شده است منظره یک زندگی پرهیجان را که به دشواری می توان درک کرد به صورت زنده و محو نشدنی حفظ کند. به این سؤال که: «این مرد کیست؟» مرقس پاسخی آورده است که همان پاسخ پیروان نخستین و اولین گواهان می باشد ولی برای کسی که فقط به تکرار این پاسخ بسنده می کند مجدداً سؤال را مطرح ساخته و یادآوری می کند که ایمان به وسیله تعهد بی قید و شرط در پیروی از عیسی به محک آزمایش درمی آید و عیسی همواره به وسیله انجیل در میان مردمان فعال است.

انجیل مرقس

یحیی تعمید دهنده
(متی ۳:۱-۶؛ ۱۱-۱۲؛
لوقا ۳:۱-۶؛ ۱۵-۱۸)

۱ [۱]آغاز انجیل[a] عیسی مسیح[b]، پسر
خدا[c] . [۲]آن چنان که در اشعیای
نبی نوشته شده است:
اینک فرستادهٔ خویش را پیش روی تو یع۲:۲۵
می فرستم
که راه تو را مهیّا خواهد ساخت[d].
[۳]صدای آن کس که در صحرا فریاد
برمی‌آورد:
راه خداوند را آماده سازید، یو ۱:۳۲
طریق های وی را راست گردانید[e].
[۴]یحیای تعمیدگر در صحرا[f] نمایان شد و

a- کلمه«انجیل» به معنی «خبر خوش» و «مژده» می باشد. ضمناً انجیل نام یکی از کتابهای عهد جدید نیست بلکه نوید نجات و رستگاری است که عیسی مسیح آورده و رسولان آن را موعظه و منتشر کرده اند (روم۱:۱ توضیح d) و «انجیل خدا» (۱۴:۱؛ روم۱:۱) که سرچشمه نجات و رستگاری و اعلام آن است. همچنین «انجیل عیسی مسیح» است (۱:۱؛ روم۱۵:۱۹) که آن را موعظه کرده و آموزش داده است (۱۴:۱) و پس از رستاخیز، خود موضوع این نوید شده است. انجیل بایستی به همه ملتها اعلام شود (۱۳:۱۰؛ ۹:۱۴، ر.ک ۱۶:۱۵). اعلام انجیل مستلزم فداکاری و از خودگذشتگی نظیر از خود گذشتگی عیسی می باشد (۸:۳۵؛ ۱۰:۲۹). در حقیقت عمل خدا که در زندگانی و اعمال عیسی تجلی کرده بود باز هم به وسیله سخن خدا که شاگردان عیسی حامل آن بوده اند پدیدار می گردد (ر.ک ۱۴:۴ توضیح t) و عیسی مسیح رستاخیز کرده در این امر با آنان اقدام می کند (ر.ک ۱۶:۲۰). مرقس قصد دارد «سرآغاز» تاریخ انجیل را بنویسد، یعنی از آغاز ندای یحیی تعمید دهنده (۱:۲-۸) که از همان زمان به وسیله او عمل خدا پدیدار شده (۱۱:۲۹-۳۳) و خدا وعده های خود را به انجام رسانده است (۱:۲-۳) و بنا به نوشته مرقس پیام یحیی بر عیسی متمرکز می باشد (۱:۷-۸)، ر.ک اع۱:۲۲؛ ۱۰:۳۷.

b- کلمه مسیح در اصل به معنی کسی است که با تدهین مسح شده باشد، یهودیان این کلمه را در مورد کسی به کار می برند که منتظر بودند بیاید و قوم یهود را نجات بخشد. مرقس این کلمه را به معنی جدید در مورد عیسی بکار برده است (۹:۴۱؛ ۱۲:۳۵-۳۷). در انجیل مرقس فقط یک بار، یک نفر عیسی را به عنوان مسیح موعود شناخته و این شخص پطرس است ولی بلافاصله عیسی او را وادار به سکوت کرده است (۸:۲۹-۳۰)، عیسی فقط در جریان محاکمه خود این عنوان را پذیرفت (۱۴:۶۱-۶۲).

c- عنوان «پسر خدا» هرچند در تمام نسخه های قدیمی انجیل وجود ندارد، اما به هر صورت بیان کنندهٔ نظریه و افکار مرقس است. این عنوان الهام از خدا (۱:۱۱؛ ۹:۷) و افشا شده به وسیله دیوها است (۳:۱۱؛ ۵:۷) با این همه بایستی پنهان بماند ولی عیسی در جریان محاکمه خود آن را پذیرفت (۱۴:۶۱-۶۲) و یکی از افراد غیر یهودی پس از مرگ عیسی این عنوان را بر زبان راند (۱۵:۳۹).

d- این عبارت قسمتی از ترجمه یونانی خروج۲۳:۲۰ و قسمت دیگری از ملا۳:۱ نقل شده است. راه خداوند که در ملاکی ذکر گردیده در اینجا راه مسیح موعود شده و یحیی که پیام‌آور خدا است مأمور آماده کردن آن است (ر.ک یو۱:۶ توضیح i).

e- این عبارت از ترجمه یونانی اش۴۰:۳، در اینجا در مورد آمدن مسیح موعود بکار رفته است.

f- این عبارت به صورت: «یحیی در صحرا پیدا شد در حالی که تعمید می‌داد و ندا می‌داد...» نیز آمده که ترجمه تحت اللفظی آن «یحیی که تعمید می‌داد» می باشد. در ۶:۱۴، ۲۰ نیز به همین صورت است. در جاهای دیگر مثل ۶:۲۵؛ ۸:۲۸ و در سرتاسر انجیلهای متی و لوقا «یحیی تعمید دهنده» آمده است. در مورد «در صحرا» ر.ک مت۳:۱ توضیح e؛ لو۳:۳ توضیح c.

اع ۱۳:۲۴، ۴:۱۹ برای بخشایش گناهان تعمید توبه[h] را ندا
می‌داد[g]. ۵ و از سراسر سرزمین یهودیه و همهٔ
ساکنان اورشلیم به نزد او بیرون می‌آمدند و
با اعتراف به گناهان خود[j] به وسیلهٔ او در
نهر اردن[i] تعمید می‌یافتند. ۶ و یحیی
پوشیده به پشم شتر بود و کمربند چرمین بر
کمرش[k] بود و ملخ و عسل وحشی می‌خورد.
۷ و ندا می‌کرد و می‌گفت: «پس از من
کسی از من تواناتر می‌آید که من لایق نیستم اع ۱۳:۲۵
تا خم شده بند پاپوشهای او را باز کنم[l].
۸ من شما را با آب تعمید داده‌ام، امّا او شما
را با روح‌القدس تعمید خواهد داد[m].»

g- ر.ک مت۳:۱ توضیح d. فعل «ندا دادن» غالباً در مورد اعلام و انتشار انجیل به مردم بکار رفته است (۱:۱۴؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۹؛ ۱۶:۱۵؛ ر.ک غلا۲:۲؛ کول۱:۲۳؛ ۱-تسا۲:۹) و برای اعلام و انتشار اعمال خدا که به وسیله عیسی انجام می‌شود مناسب است (۱:۴۵، ۵:۲۰، ۷:۳۶). همچنین در مورد موعظه و تعلیماتی که عیسی (۱:۳۸-۳۹) یا رسولانش به مردم می‌دادند (۳:۱۴؛ ۶:۱۲) کافی است. در اینجا و نیز در آیه ۲۳ چنین درک می‌شود که یحیی رسالتی از جانب خدا برای تمام مردمان دارد و با گفتارهای او نبوتها تحقق می‌پذیرد (آیه ۳؛ صدایی...).

h- کلمه «تعمید» که در عهد جدید در مورد تعمید یحیی و تعمید مسیحی بکار رفته با شست و شوهایی که یهودیان برای طهارت و زدودن ناپاکی‌های شرعی انجام می‌داده‌اند بستگی دارد (یهودیه۱۲:۷؛ بنسی۳۴:۲۵؛ مر۷:۴؛ عبر۶:۲؛ ۹:۱۰). در اواخر قرن اول میلادی بت‌پرستانی که می‌خواستند به دین یهود بگروند لازم بود برابر مقررات و مراسم مخصوصی در آب داخل شوند و در زمان یحیی نیز بعضی از نهضت‌های مذهبی این ترتیبات را مراعات می‌کردند مثلاً در جامعه مذهبی قمران کسانی که عضو این گروه بودند لازم بود هر روز مرتباً در آب غوطه‌ور شده و بدین وسیله طهارت و پاکی را به عنوان آرمان و هدف خود ابراز نمایند، گرچه این شست‌وشوها جای توبه و پاکی درونی را نمی‌گرفت و در انتظار خلوص و پاکی اساسی بودند (مقررات ۲:۲۵-۳:۱۲). البته تعمید یحیی نوع دیگری است زیرا آن را به همه مردمان پیشنهاد کرده و خودش انجام می‌داد و این تعمید به عنوان آمادگی نهایی برای تعمید داوری روز آخر (ر.ک ۱:۸ توضیح m) فقط یک بار انجام می‌گردد. تعمید یحیی بیانگر شرط اساسی تعمید روز آخر می‌باشد که دگرگون ساختن زندگی است (ر.ک مت۳:۲ توضیح f) و هدف آن بخشایش گناهان است که از همان موقع در انتظارش بودند و به احتمال قوی به عنوان عطیه ملکوت خدا اعلام می‌گردد (ر.ک وعده‌های تصفیه قوم اسرائیل؛ اش۱:۱۶؛ ۴:۴؛ حزق۳۶:۲۵).

i- نهر اردن که در دره‌ای عمیق واقع است و به دریاچه بحرالمیت در ۳۹۲ متری پائین‌تر از سطح دریا می‌ریزد.

j- از فعلی که در اینجا بکار رفته چنین برمی‌آید که اعتراف به گناهان با بیان و اظهار آنها انجام می‌شده و منحصر به انجام عمل نبوده است. اعتراف به گناهان در بین یهودیان آن دوران در بعضی موارد انجام می‌شده است (مثلاً در جریان آیین نیایش کفاره، ر.ک لاو۵:۵-۶؛ ۲۶:۴۰؛ ۲-تواء۶:۳۷؛ نح۱:۶؛ دان۹:۲۰؛ یا در هنگام تجدید عهد، عز۱۰:۱؛ نح۹:۲؛ یوبیل۱:۲۲؛ مقررات جامعه مذهبی قمران۱:۲۱-۲:۱، مکتوب دمشق۲۰:۲۸-۳۰). این عمل بازگشت به سوی خدا جهت کسب مغفرت می‌باشد. ر.ک مز۳۲:۵؛ امث۲۸:۱۳؛ لو۱۸:۱۳-۱۴؛ یع۴:۱۰؛ ۱-یو۱:۹. این امر در اع۱۹:۱۸ ذکر شده و به نظر می‌رسد در ارتباط با تعمید مسیحی باشد (ر.ک اع۱۹:۲۰).

k- در بعضی از نسخ خطی فقط «پوشیده با پشم شتر» آمده است ولی ترجمه ما که بر مبنای تعداد زیادی از نسخه‌ها است ممکن است تحت تأثیر مت۳:۴ به این صورت نوشته شده تا در مورد تطبیق و برابری یحیی با الیاس تأکید شده باشد (۲-پاد۱:۸).

l- بنابراین آنچه مرقس نوشته تمام سخنان و گفتارهای یحیی درباره کسی است که «بعد از او می‌آید» (تحت‌اللفظی: «پشت سر او»). اصطلاحی که در اینجا بکار رفته ترتیب تقدم و تأخر را برحسب مقام و و مرتبه تعیین می‌نماید (ر.ک ۱:۱۷، ۲۰؛ ۸:۳۳-۳۴) و تفاوت بین یحیی و عیسی را نشان می‌دهد، بدین معنی کسی که بعداً می‌آید در حقیقت برتر و تواناتر است. توانائی که از خصایص مسیح موعود است (ر.ک اش۱۱:۲؛ ۴۹:۲۵؛ ۵۳:۱۲؛ مزمور سلیمان۱۷:۲۴) در مبارزه عیسی بر ضد شیطان ظاهر می‌گردد. (۳:۲۷ توضیح b) و کسی که اول می‌آید در حقیقت خدمتگزاری بیش نیست زیرا بستن و باز کردن بند کفشها وظیفه بردگان بوده است (ر.ک یو۱۳:۴-۱۷).

m- کلمات آیه ۸ تفاوت اعمال یحیی را با مسیح موعود نشان می‌دهد، بدین معنی که یحیی در آب تعمید می‌دهد در صورتی که تعمید مسیح موعود به عنوان تعمید روح‌القدس توصیف شده است. ضمناً مرقس از تعمید آتش یاد نکرده است (ر.ک مت۳:۱۱ توضیح t). در اینجا بیش از وقایع روز پنجاهه (اع۱:۵) یا تعمید مسیحی (اع۱۱:۱۶؛ ۱۹:۱-۶)، مجموعه اعمالی که عیسی برای نجات آغاز کرده به عنوان تصفیه و تقدیس زمان آخر به وسیله روح‌القدس توصیف گردیده است (لازم به یادآوری است فرقه قمران انتظار آن را در پایان زمان داشتند. مقررات۳:۶-۸). در زمان عیسی و دو قرن قبل از آن، اغلب یهودیان تصور می‌کردند که به خاطر گناه اسرائیل خدا ساکت مانده و روح‌القدس خاموش شده. بنابراین هیچ پیامبری دیگر در این زمان تاریکی و محدودیت فرستاده نمی‌شود (مز۷۴:۹،۱۹؛ ۱-مک۴:۴۶؛ ۹:۲۷؛ ۱۴:۱۴ توضیح n). از این رو یحیی اعلام می‌کند که با آمدن مسیح زمان نوینی شروع می‌شود، زمان آخرت و نجات: خدا سخن آخر را خواهد گفت و

تعمید عیسی
(متی ۳:۱۳-۱۷؛ لوقا ۳:۲۱-۲۲)

۹ و در آن روزها واقع گشت که عیسی از
ناصرهٔ جلیل آمده به وسیله یحیی در اردن
تعمید یافت[n]. ۱۰ و همان دم چون از آب بر
می خاست، دید که آسمانها شکافته شده[o]
و روح چون کبوتری به سوی او نازل
می شود[p]. ۱۱ و صدائی از آسمانها رسید:
«تو هستی آن پسر من، آن محبوب، از تو
خوشنودم[q].»

تجربه شدن عیسی در بیابان
(متی ۴:۱-۱۱؛ لوقا ۴:۱-۱۳)

۱۲ و همان دم[r] روح او را به صحرا
می راند. ۱۳ و چهل روز[s] در صحرا بود و به
وسیلهٔ شیطان[t] تجربه می شد و با وحوش عبر ۲:۱۸، ۱۵:۴
می بود و فرشتگان او را خدمت
می کردند[u].

موعظهٔ عیسی در جلیل
(متی ۴:۱۲-۱۷؛ لوقا ۴:۱۴-۱۵)

۱۴ و پس از تسلیم کردن یحیی، عیسی یو ۳:۲۴
به جلیل آمد،[v] و انجیل خدا را ندا

روح القدس را بر عیسی که برتر از هر پیامبر است خواهد ریخت (مت۱۲:۴۱ توضیح o؛ ۱۱:۱۴ توضیح b). حتی بالاتر از موسی، چون مکاشفه را به کمال خواهد رساند (مت۱۷:۵ توضیح o). او موسای نوین و به اعلای درجه آن پیامبر موعود است که همه باید از او اطاعت کنند (تث۱۸:۱۵-۱۵) چون تعلیمش برتر از تعلیم موسی می باشد (مر۱۰:۱-۱۲) و نزول روح القدس را که اشعیا نبوت کرده بود به انجام می رساند (لو۴:۱۸-۲۱ توضیح d). بنابراین او زمان آخر و ملکوت خدا که خلقتی نوین می باشد افتتاح می کند (ر.ک یو۷:۳۰ توضیح l؛ ۷:۲۴ توضیح h).

n- ورود عیسی به صحنه وقایع، نظیر همان کسی است که یحیی اعلام می کرد. ضمناً توجه کمتری به تعمید عیسی شده تا به بیانات آسمانی که پس از تعمید اظهار گردیده است، آیات ۱۰-۱۱. مرقس در این مورد از هیچ شاهد دیگری غیر از عیسی نام نمی برد و این روایت به عنوان کلید بقیه کتاب به خوانندگان اعلام شده است. (در مورد نام عیسی ر.ک یو۱:۶ توضیح i)

o- آسمانها به مانند پارچه ای پاره می شوند (ر.ک ۱۵:۳۸) و نشانه آن است که خدا به منظور تحقق بخشیدن به وعده هایش دخالت می نماید (اش ۶۳:۱۹) و در اینجا به وسیله فرستادن روح القدس می باشد (ر.ک وصیت لاوی۱۸:۶؛ وصیت یهودا۲۴:۲ از کتابهای غیر قانونی ولی قدیمی یهودیان).

p- ر.ک مت۳:۱۶ توضیح z. روح القدس با فرود آمدن بر عیسی او را به عنوان منجی موعود تعیین می نماید (ر.ک اش۱۱:۲؛ ۴۲:۱؛ ۶۳:۱۱).

q- ترجمه تحت الفظی قسمت دوم آیه ۱۱: «در تو همه خوشنودی خود را گذاشته ام» و به مفهوم خواست و اراده زودگذر الهی نیست بلکه انتخاب به منظور رسالتی است که خدا از آغاز مأموریت عیسی به وی محول می نماید در حالی که او را بعنوان پسر خود (ر.ک مز۲:۷)، محبوب خود (ر.ک ۱۲:۶؛ شاید پید۲۲:۲، ۱۲، ۱۶ را به خاطر می آورد)، محبوب ممتاز خود (ر.ک اش۴۲:۱) معرفی می کند، ر.ک مت۳:۱۷ توضیح a.

r- نخستین عمل عیسی که با قدرت روح القدس انجام می گردد یعنی به صحرا برده می شود تا با نیروی شیطان مقابله نماید.

s- این تجربه و وسوسه در انجیل مرقس مبارزه ای است که در تمام مدت اقامت در صحرا ادامه داشته در صورتی که در انجیل متی در پایان اقامت در صحرا روی می دهد. ر.ک مت۴:۲ توضیح d.

t- برای ریشه کلمه شیطان ر.ک ایوب۱:۶. در انجیل کلمات شیطان و ابلیس در مورد دشمن خدا و مخالف استقرار ملکوت او بکار رفته است. همچنین نامهای بعلزبول (۳:۲۲) یا بلیعال (۲-قرن۶:۱۵) نیز آمده است.

u- در آیه ۱۳ از حیوانات وحشی یاد شده تا انزوای صحرا را تأیید کند (اش۳۴:۱۱-۱۵) که محل طبیعی حضور شیطان است چون خالی از زندگی است یا اینکه پیشاپیش هماهنگی دنیا را بعد از پیروزی رستاخیز عیسی مسیح در زمان آخر نشان دهد (اش۱۱:۶-۹). ضمناً خدمت کردن فرشتگان نشانه کمک و مساعدت الهی است. این خدمت و تسلط بر حیوانات به کسانی وعده داده شده که خدا به آنان اعتماد دارد (دان۶:۱۷-۲۶؛ مز۹۱:۱۱-۱۳ که در مت۴:۶ نقل شده است). بنابراین عیسی از این تجربه پیروز بیرون آمده است.

v- در آیه ۱۴، مرقس موضوع اصلی گفتار عیسی را در جلیل ذکر کرده است، آیات ۱۴-۱۵. در مورد «تسلیم کرده شد» ر.ک مت۴:۱۲ توضیح n.

داده،[w] می‌گفت: ۱۵ «زمان به کمال
رسیده است[x] و فرمانروائی خدا نزدیک
غلا ۴:۴؛ افس ۱:۱۰ است[y]: توبه کنید و به انجیل ایمان
آورید[z].»

دعوت از چهار ماهیگیر

(متی۴:۱۸-۲۲؛ لوقا۵:۱-۳،۱۰-۱۱)

۱۶چون از کنارهٔ دریای جلیل
یو ۱:۴۰، ۶:۸ می‌گذشت[a]، شمعون و اندریاس، برادر
شمعون را دید که [تور] به دریا می‌افکنند
زیرا ایشان صیاد می‌بودند. ۱۷و عیسی به
آنان گفت: «به دنبال من[b] بیائید و من
چنان خواهم کرد تا شما صیاد انسانها
شوید[c].» ۱۸و همان دم، تورها را رها
کرده، به دنبال او رفتند[d]. ۱۹و اندکی
۳:۱۷؛ لو ۹:۵۴ دورتر رفت، یعقوب [پسر] زَبَدی[e] و
برادرش یوحنّا را دید. آنان نیز در قایق
تورهای خود را مرتب می‌کردند تورها
بودند، ۲۰و همان دم آنان را فراخواند و
ایشان پدر خود زَبَدی را با مزدوران در
قایق ترک کرده به دنبال او رفتند.

عیسی در کنیسه کفرناحوم اقتدار خود را نشان می‌دهد

(لوقا ۴:۳۱-۳۷)

مت ۴:۱۳، ۹:۱، ۱۱:۲۳؛ یو ۲:۱۲ ۲۱و به کفرناحوم وارد شدند و همان دم
در سبت[f] به کنیسه در آمده، آموزش
۱:۳-۲؛ لو ۱۳:۱۰ می‌داد. ۲۲و از آموزش وی شگفت زده

w- کلمه «انجیل خدا» (که معمولاً نوید ترجمه می‌شود، مر۱:۱،۲) در جاهای دیگر عهد جدید بکار رفته (روم۱:۱؛ ۱۵:۱۶؛ ۲-قرن۱۱:۷) نه تنها به معنی مژده و نویدی است که از سوی خدا می‌آید بلکه نیرو و قدرت خدا برای نجات و رستگاری است (روم۱:۱۶) و عمل خدا را در مسیح اعلام می‌کند. عبارت «ندا دادن انجیل خدا» کار و وظیفه رسولان را تعیین می‌نماید (ر.ک ۱-تسا۲:۲، ۸-۹) و مرقس که این عبارت را در مورد عیسی بکار برده مداومت رسالت عیسی و رسالت کلیسا را یادآوری و تأکید می‌نماید.

x- یعنی زمانی که خدا برای انجام و تحقق وعده هایش تعیین کرده بود فرا رسیده است (ر.ک ۱۳:۲۰؛ دان۱۲:۴-۹).

y- یا «خیلی نزدیک است» (همین فعل در ۱۴:۴۲ آمده) ر.ک مت۳:۲ توضیح h.

z- گفتارها و تعالیم عیسی با کلمات و عباراتی خلاصه شده که نشان می‌دهد در تعالیم و گفتارهای مسیحی ادامه دارد. در تعالیم مسیحی گفته می‌شود که زمان به تحقق رسیده (غلا۴:۴؛ افس۱:۱۰) و دعوت می‌شود توبه کنند و با ایمان انجیل را بپذیرند (ر.ک ۱-تسا۱:۵-۶،۹؛ ۲:۱۳؛ کول۱:۵-۶). ولی مژده نزدیک شدن ملکوت خدا، پس از رستاخیز عیسی، مژده نجات است که در عیسی مسیح عطا شده است.

a- مرقس در اوایل انجیل دعوت چهار نفر از شاگردان را که جزو گروه دوازده رسول هستند ملاحظه و روایت کرده است (۳:۱۳-۱۹)، کسانی که عیسی آنان را خواهد فرستاد (۶:۷-۱۳) و رسول خواهند بود (۶:۳۰). مرقس بدون اینکه از نظر روان شناسی زمینه را آماده کند بی‌مقدمه این دو روایت کوتاه را ذکر نموده است (چنانکه آیه ۲:۱۴ نیز روایت کوتاه دیگری است). طرز ارائه این مطلب در قالب همان نمونه های گذشته است (ر.ک ۱-پاد۱۹:۱۹-۲۰) و اهمیت و ابتکار عیسی را در دعوت از آنان و اطاعت آنان را به خوبی نشان می‌دهد.

b- تحت‌اللفظی: «پشت سر من». ر.ک آیه ۷ توضیح l.

c- در عهد عتیق (حزق۱۲:۱۳؛ ر.ک ۱۶:۱۶؛ حب۱:۱۵، ۱۷) تصویر تور ماهیگیری یا تور شکارچیان غالباً نشانه و یادآور کیفر و مجازات است (ار۱۶:۱۶) و در اینجا به رسالت آینده دوازده نفر مربوط می‌شود: بدین معنی که با موعظهٔ انجیل مردمان را برای داوری و ورود به ملکوت خدا جمع خواهند کرد، ر.ک مت۱۳:۴۷-۵۰.

d- ر.ک مت۴:۲۰ توضیح w. «رفتن به دنبال» عیسی به مفهوم آن است که شاگرد او شوند. ترک شغل به خاطر زندگی کردن با استاد به معنی زندگانی جدید با عیسی است و تجربه دوازده شاگرد سرمشقی برای تمام ایمانداران است که به نوبه خود دعوت شده اند مکتب او را پیروی نمایند.

e- تحت‌اللفظی: «یعقوب زبدی» و طبق ۱۰:۳۵ پسر او است.

f- در صحنه ای که در آیات ۲۱-۲۸ روایت شده مرقس تعلیمات عیسی (آیات ۲۱-۲۲) و پیروزی او را بر نیروی شر (آیات ۲۳-۲۶) مجموعاً به عنوان تجلی اقتداری معرفی کرده که از سوی خدا می‌آید (آیه ۲۷).

مت ۷:۲۸، ۲۹؛ یو ۷:۴۶ می بودند زیرا با اقتدار آموزش می‌داد نه
چون کاتبان[g]. ۲۳ و همان دم در کنیسهٔ آنان
۵:۲ مردی با روح ناپاک[h] بود که فریاد کشید:
۲۴ «ای عیسای ناصری تو از ما چه
می‌خواهی[i]؟ آیا برای نابود کردن ما
آمده‌ای؟ می‌دانم تو که هستی: آن قدّوس
خدا[j]» ۲۵ و عیسی او را نهیب زد و گفت:
لو ۴:۴۱، ۵۶:۸، ۱۴:۵ «خاموش باش[k]! و از او بیرون شو.» ۲۶ و
روح ناپاک، او را به شدّت تکان داده و
فریادی بلند زده، از او بیرون شد. ۲۷ و همه
متحیر شدند[l] به طوری که بین خودشان
پرسیده، می‌گفتند: «این چیست؟ آموزشی
نوین، با اقتدار! حتی به ارواح ناپاک
فرمان می‌دهد و از او اطاعت می‌کنند!»
مت ۲۴:۴ ۲۸ و شهرت او همان دم همه جا در سراسر
ناحیه جلیل پراکنده شد.

شفای مادر زن شمعون
(متی ۸:۱۴-۱۵؛ لوقا ۴:۳۸-۳۹)

۲۹ و همان دم از کنیسه خارج شده، با
یعقوب و یوحنا به منزل شمعون و اندریاس
رفتند[m]. ۳۰ و مادر زن شمعون تب کرده،
در بستر می بود و همان دم دربارهٔ او با وی
صحبت می کردند. ۳۱ و نزدیک شده،
دست او را گرفته، او را برخیزاند و تب او ۵:۴۱؛
را ترک کرد و آنان را خدمت می کرد. ۹:۲۷

شفاهای متعدد بعد از روز سبت
(متی۴:۲۴؛ ۸:۱۶-۱۷؛ لوقا۴:۴۰-۴۱)

۳۲ با فرارسیدن شامگاه، وقتی خورشید
غروب کرده بود[n]، همه آنان که بیمار بوده،
و آنان که دیو زده بودند را نزد او
آوردند[o]. ۳۳ و تمام شهر جمع شده، نزد در ۳:۸، ۶:۵۵
بودند ۳۴ و بسیاری از بیماران را که به
مرض های گوناگون گرفتار می بودند، شفا

g- مرقس به ندرت موضوع تعلیمات عیسی را مشخص نموده ولی اغلب یادآوری کرده است که تعلیم و آموزش وی چه تأثیر عمیقی بر شنوندگان می‌گذارد (۶:۲؛ ۱۰:۲۶؛ ۱۱:۸، پس از یک معجزه، ۷:۳۷). اقتداری که عیسی بکار می برد از سوی خدا می‌آید (۱:۲۷؛ ۲:۱۰؛ ۱۱:۲۸-۳۳؛ ر.ک ۱۳:۳۴). در اینجا نشان داده شده که عیسی بر خلاف کاتبان، مفسر ممتاز تورات و متخصص نوشته های مقدس می باشد در صورتی که کاتبان در پشت اقتدار متون مقدس و روایات سنگر می گرفتند.

h- اصطلاح «روح ناپاک» اغلب به جای اهریمن و دیو بکار رفته زیرا نفوذ او بر ضد تقدس خدا و قوم او است. در اینجا روح ناپاک شدیداً در برابر تقدس عیسی واکنش نشان می‌دهد (آیه ۲۴). در مورد ارتباط بیماری با نفوذ دیو ر.ک آیه ۳۲ توضیح o.

i- تحت‌اللفظی: «به ما و به تو چه» و اصطلاحی است که در کتاب مقدس بکار رفته (داور۱۱:۱۲؛ ۲-سمو۱۶:۱۰؛ ۱۹:۲۳؛ ۱-پاد۱۷:۱۸؛ یو۲:۴) و در مورد نپذیرفتن دخالتی که به نظر بیجا و بی‌موقع است یا اظهار مخالفت با هر گونه ارتباط با کسی این جمله ادا می‌شود. دیوی که ظاهراً به نام همجنسان خود از زبان بیمار سخن می گوید متوجه شده که قدرت و تسلط او بر آن شخص رو به پایان است. ر.ک لو۱۰:۱۸؛ مکا۲۰:۱۰.

j- تنها خدا قدوس است و تقدس او به چیزی می‌پیوندد که به او تعلق داشته یا به او تقدیم شده است: عیسی به حد کمال آن قدوس خدا است زیرا مسیح (تقدیم شده ر.ک آیه ۱ توضیح b) و پسر خدا است (آیات ۱، ۱۱). چنین می نماید که یهودیان این کلمه را در مورد مسیح موعود بکار نبرده اند، ر.ک یو۶:۶۹؛ اع۳:۱۴؛ ۴:۲۷-۳۰.

k- ر.ک آیه ۳۴ توضیح p.

l- اصطلاح جدیدی (ر.ک آیه ۲۲ توضیح g) که این بار مختص مرقس می باشد و اعمال نیرومند عیسی و گفتارهای او ایجاد شگفتی و حتی رعب و وحشت کرده است (۱۰:۲۴، ۳۲؛ هم‌چنین ر.ک ۹:۱۵).

m- بیان دیگری از این روایت: «با خارج شدن از کنیسه... رفت».

n- پیدا شدن نخستین ستارگان در آسمان نشانه پایان روز شنبه [و مقررات مربوط به آن در نزد یهودیان] است.

o- ر.ک مت۸:۱۶ توضیح r؛ مرقس چندین بار بیماری را به نفوذ روح پلید منسوب نموده و بیماران را با دیوها ارتباط داده است (۱:۳۴؛ ۳:۱۰-۱۱؛ ۶:۱۳؛ همچنین ر.ک لو۶:۱۸؛ اع۵:۱۶؛ ۸:۷). ضمناً در عهد جدید هرگز از دیوها جز در مورد نفوذ آنها در این دنیا یاد نشده و عمل عیسی خاتمه دادن به این نفوذ است.

داد و بسیاری از شیاطین را راند و
نمی‌گذاشت شیاطین حرف بزنند زیرا وی
را می‌شناختند[p].

عیسی کفرناحوم را ترک می‌کند
(متی ۴:۲۳؛ لوقا ۴:۴۲-۴۴)

۳۵ و بامدادان در سیاهی شب برخاسته
۴۶:۶ بیرون شد و به صحرا[pp] رفت و در آنجا
نیایش کرد. ۳۶ و شمعون و همراهان وی به
دنبالش رفتند. ۳۷ و او را یافتند و به او
گفتند: «همه در جستجوی تو هستند.» ۳۸ او
به ایشان گفت: «به جای دیگر، به روستاهای
مجاور برویم تا در آنجا نیز ندا دهم[q] زیرا
برای این بیرون آمده‌ام[r].» ۳۹ و به راه افتاد و
در سراسر جلیل در کنیسه‌هایشان ندا می‌داد[s] ۶:۶؛ مت ۹:۳۵
و شیاطین را می‌راند.

پاك شدن یك جذامی
(متی ۸:۱-۴؛ لوقا ۵:۱۲-۱۶)

۴۰ و یک جذامی[t] به سوی او آمد و
تمنّا کرده، به زانو درآمده و به او گفت:
«اگر بخواهی می‌توانی مرا پاک
گردانی.» ۴۱ و او به رحم آمده[u]، دست مت ۹:۳۶، ۲۷:۱۸، ۳۴:۲۰؛
خود را دراز کرده، او را لمس نمود و به مر ۸:۲؛
او گفت: «می‌خواهم، پاک شو!» ۴۲ و لو ۷:۱۳، ۱۰:۳۳، ۱۵:۲۰
همان دم جذام او را ترک کرد و پاک

p- در برخی نسخه ها: «می‌شناختند که او مسیح است»، ر.ک لو۴:۴۱. در اینجا مرقس توضیح می‌دهد که به چه سبب عیسی دیوها را وادار به سکوت می‌کند در حالی که مردم عظمت او را درک نمی‌نمایند (۱:۲۷؛ ۴:۴۱؛ ۶:۱۴-۱۶؛ ۸:۲۷-۲۸). دیوها می‌دانند او کیست (۱:۲۴؛ ۳:۱۱؛ ۵:۷)، این سرّی است که عیسی نمی‌خواهد آشکار شود (۱:۲۵؛ ۳:۱۲). با اینکه این حقیقت را صدای خدا در ۱:۱۱ و ۹:۷ مکشوف نمود و در قانون ایمان مسیحی به آن اعتراف می‌شود (عیسی، مسیح موعود، پسر خدا و قدوس خدا است). رویارویی عیسی با شیطان در انظار عمومی و آشکارا است و نشانه قدرتی فوق العاده است ولی هنوز زود است که معنی آن افشا گردد، ر.ک ۱:۴۴ توضیح v، x.

pp- تحت اللفظی: «مکان صحرا» اشاره به خلوتگاه یا مکانی متروک و دور از جماعت دارد. (مرقس۱:۴۵؛ ۶:۳۱،۳۲،۳۵).

q- فقط همین فعل در انجیل مرقس کافی است طنین خبر خوش و «نوید» را تعیین نماید، ۱:۳۹؛ ۳:۱۴ چنانکه در ۱:۱۴؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۹ تصریح گردیده است.

r- از کفرناحوم «بیرون آمده‌ام»، ر.ک لو۴:۴۳.

s- در مورد فعل ندا دادن ر.ک آیه ۱:۴ توضیح g؛ ۱:۳۸ توضیح q.

t- برابر انجیل مرقس وقایع «روز کفرناحوم» (آیات۲۱-۳۴) شامل چند عمل خاص است و نخستین بروز راز عیسی به شمار می‌روند. مرقس از ادامه و توسعه اقدامات او در جلیل (آیات ۳۵-۳۹) فقط یک نمونه آورده است و آن عمل «پاک کردن» می‌باشد که نظیر پیروزیهای او بر ارواح ناپاک است (ر.ک آیه ۲۳ توضیح h) زیرا بیماری جذام ناپاکی به شمار می‌رفت و موجب اخراج بیمار از جامعه مذهبی می‌گردید. ر.ک مت۸:۲ توضیح f.

u- در نسخه های دیگر بجای «به رحم آمد» «ناراحت شد» آمده ولی این کلمه را نمی‌توان بعنوان تصحیح «به رحم آمده» تصور نمود در صورتی که عکس این موضوع امکان دارد. اگر به طوری که مفسران تصور می‌کنند باید «ناراحت شد» خوانده شود می‌توان تندی عیسی را چنین تعبیر نمود که یا مرد جذامی با نزدیک شدن به او قوانین تورات را نقض کرده (لاو۱۳:۴۵-۴۶؛ ولی عیسی نیز با لمس کردن مرد جذامی آنها را نقض می‌نماید) یا اینکه مرد جذامی مانع عیسی شده که می‌خواسته با احتراز از ازدحام جمعیت به موعظه بپردازد (آیات ۳۵-۳۹، ۴۵) بدون اینکه بعنوان مسیح موعود و پسر خدا ظاهر شده باشد (آیه ۳۴، ۴۳، ۴۴ توضیح v). لازم به یادآوری است جذامیان ناپاک و موجب ناپاکی به شمار می‌آمدند و آنان را محکوم به کیفر الهی تصور کرده از اجتماع اخراج می‌نمودند. عیسی با لمس کردن او این موضوع را رد کرده ولی با این همه جذامی شفا یافته را به نزد کاهن می‌فرستد تا مجدداً در جامعه مذهبی پذیرفته و وارد شود. (آیه ۴۴ توضیح w). ضمناً معالجه بیماری جذام همچون عمل دوباره زنده کردن مردگان بشمار می‌رفت و فقط به قدرت خدا بستگی داشت. این عمل نشانه نزدیک شدن ملکوت خدا و با رستاخیز مردگان جزو برکات دوران مسیح موعود محسوب می‌شد (مت ۱۰:۸؛ ۱۱:۵ و متون موازی). به همین دلیل دستور حفظ سکوت از نظر مرقس توجیه می‌گردد (آیه ۴۴).

شد. ۴۳و با تندی وی را هشدار داده،
همان دم او را راند. ۴۴و به او گفت:
«مواظب باش! به هیچکس چیزی
نگوئی؛[v] امّا برو خود را به کاهن نشان
بده و برای تطهیر خودت آنچه را موسی
مقرر کرده است[w] به عنوان شهادتی[x] به
آنان تقدیم کن.» ۴۵اما او همین که
بیرون شد شروع به ندا دادن کرده،
سخن را همه جا شایع نمود[y] به طوری که
او دیگر نمی توانست آشکارا به شهری
وارد شود بلکه در بیرون، در صحرا
می بود و از هر سو به طرف وی
می آمدند.

بخشش و شفای مفلوج در کفرناحوم
(متی ۹:۱-۸؛ لوقا ۵:۱۷-۲۶)

۲ ۱و چون چند روز بعد باز وارد
کفرناحوم شده بود[z]، شنیدند که در
خانه است[a]. ۲و بسیاری جمع آمدند، به
طوری که حتی دم در نیز دیگر جائی نبود و
او سخن را به آنان اعلام می کرد[b]. ۳و
جمعی آمدند و افلیجی را که توسط چهار
[نفر] حمل می شد را نزد وی آوردند. ۴و
چون نمی توانستند به علّت ازدحام به حضور
او ببرند بام محلی را که وی آنجا می بود را
برداشتند و پس از سوراخ نمودن[c]، بستری
را که افلیج بر آن دراز کشیده بود پائین
گذاشتند. ۵و با دیدن ایمان آنان[d]، عیسی

v- مورد دیگری که دستور حفظ سکوت داده شده و موارد آن در انجیل مرقس بسیار است (ر.ک ۱:۳۴ توضیح p) مثلاً در مورد معجزه ها ر.ک همچنین ۵:۴۳؛ ۷:۳۶؛ ۸:۲۶. در اینجا دستور حفظ سکوت رعایت نشده است: آیه ۴۵، چنانکه در ۷:۳۶-۳۷ نیز به همین گونه است، گویی از درخشندگی قدرت پسر خدا نمی توان جلوگیری کرد.

w- ر.ک لاو۱۴:۲-۳۲، شخص جذامی که شفا یافته بود نمی توانست مجدداً در جامعه مذهبی وارد شود مگر اینکه شفای او به وسیله کاهنی که در معبد کار می کرد تأیید شود.

x- این عبارت در جاهای دیگر به مفهوم شهادتی است که ارزش قضایی دارد و بر علیه کسی (۶:۱۱) یا در برابر کسی داده می شود (۱۳:۹). چنین به نظر می رسد که در آیه ۱۳:۹ شهادت بایستی در موافقت یا برای متهم کردن باشد بر حسب اینکه چگونه پذیرفته شود. در اینجا نیز به همین گونه است، بدین معنی که گواهی و تصدیق قانونی شفای بیمار به این شهادت قدرت می بخشد. تطبیق دادن این موضوع با دستور حفظ سکوت که در آیه ۴۴ آمده مسئله دشواری است و نشان می دهد به چه سبب مرقس بین جنبه های آشکار و پنهانی شخصیت و فعالیتهای عیسی پریشان خاطر بوده است زیرا عیسی نمی خواهد خود را بعنوان مسیح موعود آشکار و اعلام نماید ولی در سخنان و اعمال او اقتدار خدا ظاهر می شود.

y- این واژه مفهوم خاصی داشته و در آیات ۲:۲؛ ۴:۱۴-۲۰، ۳۳ در مورد سخن خدا بکار رفته است. در اینجا که همراه با فعل «ندا دادن» آمده و این فعل در مورد انجیل می آید (ر.ک ۱:۴ توضیح g) چنین استنباط می شود که جذامی شفا یافته پیش نمود منادیان انجیل است. ر.ک ۵:۱۹-۲۰؛ ۷:۳۶ توضیح m.

z- در اینجا رشته مباحثاتی بین عیسی و مخالفانش آغاز می شود که مرقس محل وقوع آنها را در کفرناحوم ذکر کرده است: ۲:۱-۳:۶. موضوع مورد بحث سخنان عیسی است که صریحاً معنی رسالت خود را بیان می نماید (۲:۱۰، ۱۷، ۱۹، ۲۸؛ ۳:۴).

a- البته بایستی فکر کرد «در خانه شمعون» است (۱:۲۹) که می توان گفت در آنجا عیسی در خانه خودش است (ضمناً مفهوم عباراتی که در ۱-قرن۱۱:۳۴؛ ۱۴:۳۵ آمده به همین گونه است) در صورتی که در ۷:۱۷؛ ۹:۲۸ و شاید ۳:۲۰ مفهوم دیگری دارد و «در خانه ای» می باشد.

b- اعلام کردن کلام اصطلاحی است که مختص موعظه مسیحی است (اع۴:۲۹، ۳۱؛ ۸:۲۵ و غیره). مرقس در اینجا با آوردن این اصطلاح تأکید می کند که روایات کلیسا در ادامهٔ کار عیسی می باشد.

c- بایستی یک خانه را در فلسطین مجسم کرد که فقط یک طبقه دارد و سقف آن با تیرهای چوبی و کاهگل پوشیده شده است. در مورد بستر بیمار که در بعضی زبانهای غربی «برانکار» ترجمه شده مرقس کلمه ای بکار برده که به معنی «تختخواب» می باشد، ر.ک لو۵:۱۸ توضیح q.

d- در اینجا مرد بیمار و حاملان او به وسیله رفتار خود که نزد عیسی آمده اند «ایمان» خود را بیان کرده اند. در روایت های مربوط به معجزه ها گاهی عیسی پیش از آنکه دخالت کند می گوید ایمان داشته باشند (۵:۳۶، ۹:۲۳ توضیح q) یا اینکه پس

لو ۷:۴۸ به مفلوج گفت: «فرزندم گناهان تو بخشیده
شد.» [۶]اما برخی کاتبان[e] که در آنجا نشسته
بودند و در قلب خود استدلال می کردند:
[۷]«چرا این [مرد] این طور حرف می زند؟
کفر می گوید! چه کسی جز خدای واحد
مز ۱۰۳:۳؛ اش ۴۳:۲۵؛ ۱-یو ۱:۹ می تواند گناهان را ببخشاید[f]؟» [۸]و همان
دم عیسی با دانستن اینکه در روح خود این
مت ۱۲:۲۵؛ یو ۲:۲۵ چنین استدلال کنند، به آنان گفت: «این
استدلال ها در قلب هایتان چیست؟ [۹] کدام
آسان تر است، به مفلوج گفتن: گناهانت
بخشیده شد یا گفتن: قیام کن، بستر خود را
بردار و به راه بیفت؟ [۱۰]اما برای اینکه
بدانید که پسر انسان[g] اقتدار دارد تا گناهان
را بر روی زمین ببخشاید» [۱۱]به مفلوج
گفت: «به تو می گویم: قیام کن، بستر خود
را بردار و به خانهٔ خود برو.» [۱۲]و او قیام
کرد و همان دم بستر را برداشته در برابر همه
خارج شد به طوری که همه حیرت زده
می بودند و خدا را سپاسگزاری کرده،
می گفتند: «هرگز چنین چیزی ندیده بودیم!» مت ۹:۳۳

دعوت از لاوی و پذیرفتن گناهکاران (متی ۹:۹-۱۳؛ لوقا ۵:۲۷-۳۲)

[۱۳]و باز به ساحل دریا بیرون شد[h] و همه
جمعیت به سوی او می آمدند و به آنان ۳:۷-۸؛
آموزش می داد. [۱۴]به هنگام عبور، لاوی مت ۴:۲۵ ۱:۲۲، ۶:۲
[پسر] حلفی[i] را دید که در دفتر وصول
خراج[j] نشسته است و به او گفت: «به دنبال
من بیا» و او برخاسته به دنبال وی رفت[k].
[۱۵]و [عیسی] در منزل او[l] بر سر سفره و
بسیاری از خراج گیران[m] و گناهکاران با
عیسی و شاگردانش همسفره می بودند، زیرا
بسیاری بودند که به دنبال او می رفتند. [۱۶]و
کاتبانِ فریسی[n] چون دیدند با گناهکاران و

از معجزه، شفای بیمار را مرتبط با ایمان او اعلام می نماید (۵:۳۴؛ ۱۰:۵۲) در مورد ایمان ر.ک ۴:۴۰ توضیح j؛ ۱۱:۳۰ توضیح y.

e- در انجیل مرقس غالباً کاتبان (ر.ک ۱:۲۲ توضیح g) به عنوان مخالفان عیسی به شمار آمده اند. ر.ک استثنائاً ۱۲:۴ توضیح e.

f- ر.ک لو۵:۲۱ توضیح t.

g- ر.ک مت۸:۲۰ توضیح w.

h- ر.ک ۱:۱۶.

i- دعوت از لاوی که روایت آن همانند دعوت از چهار شاگرد اولیه است (ر.ک ۱:۱۶ توضیح a) بحث دیگری مطرح می کند که مربوط به طرز رفتار عیسی نسبت به گناهکاران می باشد.

j- در آنجا از کالاهایی که به شهر وارد یا خارج می شد مالیات می گرفتند. کفرناحوم در مرز بین سرزمینهای هیرودیس آنتیپاس و فیلیپس (حکمران رومی تراخونیه) قرار داشت. طرز وصول مالیات و خراج به وسیله رومیان تعیین شده بود، به این ترتیب که وصول آنها را به اشخاص خصوصی اجاره می دادند و این افراد کارمندانی زیردست خود داشتند. بعضی از شهرها و فرمانروایان که تحت قیمومیت روم بودند می توانستند به نفع خود عوارضی به عنوان حق عبور بگیرند چنانکه وضع هیرودیس آنتیپاس از آن جمله بود.

k- ر.ک ۱:۱۸ توضیح d.

l- احتمالاً موضوع مربوط به لاوی است که در خانه اش مهمانی می دهد چنانکه در لو۵:۲۹ هم به همین گونه ذکر شده است.

m- در مورد ترجمه دیگری از خراجگیران ر.ک لو۳:۱۲ توضیح q. نظر به اینکه این افراد از مأموریت خود سوء استفاده کرده و بدین وسیله ثروت می اندوختند (ر.ک لو۳:۱۲-۱۳؛ ۱۹:۸) آنان را در ردیف گناهکارانی بشمار می آورند که قوانین یهود را رعایت نمی کردند (ر.ک مت۱۱:۱۹ و متون موازی؛ ۱۸:۱۷؛ ۲۱:۳۱؛ لو۷:۲۹؛ ۱۸:۹-۱۴) و نمی بایست با آنان معاشرت نمود. طرز رفتار عیسی به جمعیت های مسیحی اولیه آموخته بود که همه مسیحیان را اعم از اینکه قبلاً یهودی یا مشرک بودند بر سر یک سفره جمع کند و البته این امر چندان بدون اشکال و درگیری انجام نمی شد (ر.ک غلا۲:۱۲-۱۵).

n- تحت اللفظی: «کاتبانِ فریسیان» ترجمه دیگر: «زیرا مردم بسیاری بودند حتی کاتبان و فریسیان به دنبال او می آمدند و با

خراجگیران غذا می‌خورد به شاگردان وی
گفتند: «چرا! با خراجگیران و گناهکاران
مت ۹:۱۱؛ لو ۷:۳۴ غذا می‌خورد[o]!» ۱۷و عیسی شنیده، به آنان
گفت: «تندرستان به پزشک نیاز ندارند،
بلکه آنان که بیمارند. من نیامده‌ام برای
دعوت عادلان بلکه گناهکاران[p].»

بحث دربارهٔ روزه
چیزهای کهنه و چیزهای نو
(متی ۹:۱۴-۱۷؛ لوقا ۵:۳۳-۳۹)

۱۸و شاگردان یحیی[q] و فریسیان روزه می
داشتند، آمدند و به او گفتند: «چرا
شاگردان یحیی و شاگردان فریسیان روزه
می‌گیرند ولی شاگردان تو روزه
نمی‌گیرند؟» ۱۹و عیسی به آنان گفت:
«آیا ساقدوش ها[r] وقتی داماد به همراه
ایشان است می‌توانند روزه بگیرند؟ تا
وقتی که داماد[s] را با خود دارند نمی‌توانند
روزه بگیرند. ۲۰امّا روزهائی خواهد رسید
که داماد از ایشان گرفته خواهد شد و آنگاه
در آن روز، روزه خواهند گرفت[t].
۲۱هیچ کس تکه پارچهٔ آب نرفته[u] را به
ردای کهنه نمی‌دوزد و گرنه وصله از آن
جدا می‌شود، نو از کهنه، و پارگی بدتری
به وجود می‌آید. ۲۲و هیچ کس شراب تازه
را در مشکهای کهنه نمی‌ریزد و گرنه
شراب مشکها را می‌درد و شراب و مشکها
از بین می‌رود، بلکه شراب تازه را در
مشکهای نو[v] [باید ریخت!]»

خوشه‌چینی و رعایت سبت
(متی ۱۲:۱-۸؛ لوقا ۶:۱-۶)

۲۳و واقع شد که در سبت[w] از میان
کشتزارها عبور می کردند و شاگردانش
ضمن راه پیمودن، شروع به کندن تث ۲۳:۲۶
خوشه ها کردند. ۲۴و فریسیان به او

دیدن او که غذا می‌خورد...» بیشتر کاتبان به فرقه فریسیان تعلق داشتند که سعی می کردند قوانین و سنتها را به خوبی شناخته و بتوانند بر اجرای دقیق آنها نظارت نمایند. (بدین طریق خود را از کسانی که قوانین را مراعات نکرده و ناپاک به شمار می‌آمدند جدا کرده بودند و شاید مفهوم عنوان «فریسی» («جدا شده») نیز از اینجا ناشی شده است).

o- ر.ک مت۹:۱۱ توضیح u.

p- این عبارت نمونه ای از سخنان مختص عیسی درباره رسالتی است که از سوی خدا دارد ر.ک ۱۰:۴۵؛ ۱۱:۹؛ درباره الیاس ر.ک ۹:۱۱-۱۳.

q- ر.ک مت۹:۱۴ توضیح x. مباحثه درباره روزه به همان طرز و نمونه قبلی انجام شده است بدین معنی که درباره یک واقعه سؤالی مطرح گردیده (آیه ۱۸) و موجب پاسخ قاطع عیسی شده است (آیات ۱۹-۲۰). آیات ۲۱-۲۲ نزدیک به این پاسخ بوده و موضوع آموزش را توسعه می‌دهند.

r- تحت‌اللفظی: «پسران حجله» که اصطلاحی در بین ملتهای سامی است و به مفهوم دوستانی است که داماد به جشن عروسی خود دعوت می‌کند. دوست داماد (یو۳:۲۹؛ مت۲۲:۲-۱۱؛ ر.ک ۲-قرن۱۱:۲) شخصی قابل اعتماد و امین که به داماد کمک می‌کرد و در طول عروسی همهٔ امور را تحت نظر داشت.

s- ر.ک مت۹:۱۵ توضیح z.

t- ر.ک مت۹:۱۵ توضیح b , a.

u- کلمه ای که «آب نرفته» ترجمه شده تحت‌اللفظی «آب نزده یا پانخورده» است.

v- بایستی بین «کهنه» (احتمالاً منظور رسوم قدیمی و کهنه یهودیان است ر.ک ۷:۳-۴، ۱۵) و «نو» یعنی انجیل یکی را انتخاب کرد.

w- باز هم روایتی از همان نمونه (آیه ۱۸ توضیح q) که نشان دهندهٔ اهمیت پاسخ عیسی است (آیات ۲۵-۲۶) و با اظهاراتی که در آیات ۲۷-۲۸ شده بسط یافته است.

گفتند: «ببین! چرا در سبت آن می کنند
که جایز نیست[x]؟» [25]و به آنان گفت:
«مگر هرگز نخوانده اید که داود وقتی
احتیاج داشت و گرسنه بود او و
همراهانش چه کردند؟ [26]چگونه در زمان
ابیاتار[y] کاهن اعظم وارد خانه خدا شد، و
نان های تقدیمی را که خوردن آنها جز
برای کاهنان مجاز نبود، خورد و به
همراهانش نیز داد؟» [27]و به آنان گفت:
«سبت برای انسان است و نه انسان برای خروج۲۰:۸-۱۰؛ تث ۵:۱۲-۱۴
سبت[z]، [28]به طوری که پسر انسان حتّی
خداوند سبت است[a].»

شفا در روز سبت
(متی ۱۲:۹-۱۴؛ لوقا ۶:۶-۱۱)

۳
[1]و باز[b] وارد کنیسه شد و در آنجا
مردی بود که دستی خشکیده[c]
داشت. [2]و مترصد وی می بودند که آیا
در سبت شفا خواهد داد[d] تا وی را متّهم یو ۸:۶
کنند. [3]و به مردی که دست خشکیده
داشت گفت: «در میان برخیز.» [4]و به
آنان گفت: «آیا در روز سبت کار نیکو لو ۱۴:۳؛ یو ۵:۱۰
کردن مجاز است یا کار بد کردن، جان را
نجات دادن یا کشتن[e]؟» آنان خاموش
ماندند. [5] و نگاه[f] خود را خشمگین به ۶:۵۲، ۸:۱۷، ۱۰:۵، ۱۶:۱۴؛ روم ۲:۵، ۱۱:۲۵؛ افس ۴:۱۸؛ عبر ۳:۸
طرف آنان برگردانده، به شدت
اندوهگین از سنگدلی آنان به مرد گفت:
«دستت را دراز کن» و او آن را دراز کرد
و دستش به حالت اول برگشت. [6]و
فریسیان همان دم خارج شده، با

x- مت۱۲:۲ توضیح h.

y- در ۱-سمو۲۱:۲-۷ کاهنی به نام اخی ملک پدر ابیاتار است. مرقس نام ابیاتار را ذکر کرده که شهرت بیشتری دارد و در دوران سلطنت داود کاهن اعظم بوده است، مگر اینکه از روایات دیگری پیروی کرده باشد که ابیاتار را پدر اخی ملک دانسته اند (۲-سمو۸:۱۷ متن عبری).

z- این نظریه در بین یهودیان آن دوران عجیب نبود و تازگی نداشت بدین معنی که اگر رعایت مقررات روز شنبه موجب صدمه و زیان مهمی به انسان بود رعایت آنها منتفی می گردید. ر.ک ۱-مک۲:۳۹-۴۱ و این سخن که یک ربی درباره خروج۳۱:۱۴ گفته است: «روز شنبه به شما سپرده شده ولی شما به روز شنبه سپرده نشده اید.» هم چنین ر.ک مر۳:۴؛ مت۱۲:۱۱؛ لو۱۴:۵.

a- البته به نظر مرقس «پسر انسان» عیسی است (ر.ک مت۸:۲۰ توضیح w) که اقتدار خود را بر مقررات الهی روز شنبه تأیید می نماید. این سخن با آنچه در آیه ۱۰ گفته شده از نظر اهمیت برابر است و در اینجا فقط از مفاد آیه ۲۷ نتیجه گیری نشده بلکه اصولی را که از طرز رفتار عیسی در آیات ۲۳-۲۷ مستفاد می شود بیان می کند.

b- کلمه «باز» مراجعه به ۱:۲۱ است. در این روایت از نمونه معمولی روایت معجزه ها پیروی نشده بدین معنی که موضوع شفا دادن مورد توجه نیست، بلکه نکته در این است که شفا دادن موجب جدل درباره مقررات روز شنبه است (آیات ۲، ۴) و شامل پاسخ عیسی به این مجادلات است.

c- در بعضی ترجمه ها «دست فلج شده» آمده و کلمه «خشکیده» معنی تحت اللفظی می باشد.

d- به نظر ربی ها در روز شنبه نباید بیماری را شفا داد مگر اینکه در خطر مرگ باشد، بنابراین موضوع مرد افلیج آزمایشی به شمار می رفت تا طرز رفتار عیسی را در این باره قضاوت نمایند.

e- عیسی عملی را که انجام می دهد (نیکی کردن، معالجه و شفای یک زندگانی که کاهش یافته) در برابر عمل مخالفانش (بدی کردن، کشتن ر.ک آیه ۶) که با سوء نیت مترصد او بودند مقایسه می نماید. تفسیر دیگر این است: اگر زندگی کسی در معرض خطر قرار می گرفت نقض مقررات روز شنبه مجاز بود و در اینجا موضوع خطر مرگ وجود نداشت در صورتی که عیسی این اصل را به همه شفا دادن ها و به تمام کارهای نیکی که در روز شنبه انجام شود تسری می داد زیرا معالجه نکردن برابر کشتن است و نیکی نکردن همچون بدی کردن می باشد. در هر دو مورد طرز رفتار عیسی در مورد مقررات روز شنبه آن است که مقررات مذکور در راه نیکی و خدمت به زندگی گذاشته شود، ر.ک یو۵:۱۷-۱۸.

f- مرقس غالباً این «نگاه» عیسی به اطراف خود را ذکر کرده است: ۳:۳۴؛ ۵:۳۲؛ ۱۰:۲۳؛ ۱۱:۱۱؛ ر.ک لو۶:۱۰.

هیرودیان[g] علیه او شورائی تشکیل دادند
که چگونه او را از بین ببرند[h].

عیسی و جمعیت کثیر

(متی۴:۲۵؛ ۱۲:۱۵-۱۶؛ لوقا۶:۱۷-۱۹)

[۷]و عیسی با شاگردان خود به سوی دریا
کناره گرفت[i] و جمعیّتی کثیر از جلیل به
دنبال او می‌رفتند. و از یهودیه، [۸]و از
اورشلیم و ادومیه و از ماوراء اردن و از
اطراف صور و صیدون[j]، جمعیّتی کثیر آنچه
را می‌کرد شنیده به سوی او آمدند. [۹]و به
شاگردان خود گفت، به خاطر جمعیت، برای ۵:۶، ۳۳:۱
اینکه بر وی فشار نیاورند، قایقی در اختیار ۱:۴ متون مشابه؛ لو ۳:۵
وی قرار دهند. [۱۰]زیرا بسیاری را شفا داده
بود، به طوری که همه کسانی که علیل بودند
برای لمس کردن او بر وی می‌افتادند. [۱۱]و
ارواح ناپاک هر بار که وی را می‌دیدند در ۲۸:۵
برابرش می افتادند و فریاد می کشیدند و می
گفتند: «تو پسر خدا[k] هستی!» [۱۲]و آنان را
به شدّت نهیب می‌زد که او را نشناسانند[l].

تعیین دوازده تن

(متی ۱۰:۱-۴؛ لوقا ۶:۱۲-۱۶)

[۱۳]و به کوه بالا رفت[m] و هر که را
می‌خواست به خود فرامی‌خواند[n] و ایشان به
سوی او رفتند. [۱۴]و او دوازده تن را تعیین
کرد[o] تا با وی باشند[p] و آنان را برای ندا
دادن بفرستند، [۱۵]با قدرت راندن شیاطین.
[۱۶]پس دوازده تن را تعیین کرد[q]: و شمعون، مت۱۶:۱۶-۱۸؛ یو ۴۲:۱
که بر وی نام پطرس نهاد[r] [۱۷]و یعقوب [پسر]
زَبَدی[s] و یوحنا برادر یعقوب که بر آنها نام
«بوانِرجِس» نهاد یعنی پسران تندر[t]،

g- هیرودیان دوستان یا طرفداران هیرودیس آنتیپاس حکمران جلیل و پره (از سال ۴ پیش از میلاد تا سال ۳۹ میلادی) بودند و بدون پشتیبانی او نمی‌توانستند اقدامی علیه عیسی به عمل آوردند. هم او بود که یحیی تعمید دهنده را به زندان انداخت (۶:۱۷) و طبق لو۱۳:۳۱ مخالف عیسی بود (ر.ک مر۸:۱۵). در ۱۲:۱۳ هیرودیان مجدداً با فریسیان هستند.

h- ترجمه دیگر: «تا به چه وسایلی او را از بین ببرند.» در اینجا منظور از شورا مسلماً جلسه ای پنهانی برای توطئه می باشد و مجلس رسمی نبوده است. آیه ۶ که نتیجه گیری مجموع آیات ۲:۱-۳:۶ می باشد موضوع مصائب و مصلوب شدن را اعلام کرده مخاطرات مبارزه عیسی و اهمیت دامنه اظهارات او را تأیید می کند.

i- مرقس در اینجا منظره ای کلی از رسالت عیسی و جاذبه ای که بر توده مردمان دارد، ارائه کرده و اختلاف آن را با عناد و کینه توزی دشمنانش نشان داده است (۲:۱-۳:۶؛ ۳:۲۰-۳۵). ضمناً تجمع همه قوم اسرائیل را (آیات ۷-۸) در پیرامون پسر خدا (آیه ۱۱) توصیه نموده و تشکیل گروه دوازده نفری رسولان را آماده می کند (آیات ۱۳-۲۰).

j- جمعیت نه فقط از جلیل بلکه از تمام مناطق مسکونی یهودیان می‌آیند. این مورد را با ۱:۵ مقایسه کنید که در آنجا مردم فقط از یهودیه و اورشلیم به سوی یحیی روی می‌آوردند.

k- ر.ک ۱:۱ توضیح c؛ ۱۲:۲۴، ۳۴؛ ۵:۷.

l- تحت‌اللفظی: «او را (یعنی عیسی را) آشکار نکنند» ر.ک ۱:۳۴ توضیح p.

m- در انجیل مرقس عیسی توده مردم را در کنار دریا ملاقات کرده به آنان آموزش می‌دهد. (۲:۱۳؛ ۳:۷-۸؛ ۴:۱-۲؛ ۵:۲۱) و به کوهستان بالا می‌رود تا به دور از مردم نیایش کند (۶:۴۶) یا برای اعمال مهمی به خاطر شاگردانش (۳:۱۳؛ ۹:۲).

n- در اینجا ابتکار عیسی و همچنین آمادگی شاگردانش نشان داده شده چنانکه در ۱:۱۶-۲۰ نیز به همین گونه است.

o- در بعضی نسخه ها چنین است: «او دوازده تن تعیین کرد و آنان را رسول خواند» و به عنوان فرستادگان عیسی در ۶:۳۰ به این نام خوانده شده‌اند (ر.ک مت۱۰:۲ توضیح q؛ لو۶:۱۳ توضیح c).

p- این جنبه از زندگی رسولان را فقط مرقس تأیید کرده است؛ ر.ک ۵:۱۸.

q- این کلمات در بسیاری از نسخه ها حذف شده است.

r- تحت‌اللفظی: «و به شمعون نام پطرس داد». در بعضی نسخ پیش از این جمله «اول شمعون» ذکر شده. لو ۶:۱۴ توضیح d.

s- ر.ک ۱:۱۹ توضیح e.

t- ر.ک لو۹:۵۴.

[۱۸]و آندریاس و فیلیپُس و بَرتولما و متی و
توما و یعقوب [پسر][u] حَلَفی و تَدّی و شمعونَ
کنعانی[v]، [۱۹]و یهودای اسخریوطی[w]، همانَ
کسی که او را تسلیم کرد.

عیسی و بعلزبول
(متی ۱۲:۲۴-۳۲؛
لوقا ۱۱:۱۵-۲۳؛ ۱۲:۱۰)

[۲۰]و به منزل آمد[x] و باز جمعیت گرد
آمد به طوری که حتّی نمی توانستند نان
بخورند. [۲۱]و بستگان وی با شنیدن این
بیرون آمدند تا او را دستگیر کنند زیرا
می گفتند: «از خود بی خود شده است!»
[۲۲]و کاتبانی که از اورشلیم فرود آمده یو ۱۰:۲۰
بودند می گفتند: «بِعلزِبول[y] دارد.» و
«شیاطین را بوسیلهِ رئیس شیاطین
می رانند.» [۲۳] و آنان را فراخوانده، با
مثل ها[z] به آنان می گفت: «چگونه شیطان
می تواند شیطان را براند؟» [۲۴]و اگر مملکتی
به ضد خود تجزیه شود این مملکت نمی تواند
بر پای بماند، [۲۵]و اگر خانه ای[a] به ضد خود
تجزیه گردد این خانه نخواهد توانست بر پای
بماند. [۲۶]و اگر شیطان به ضد خود برخیزد و
تجزیه کند، نمی تواند بر پای ماند؛ بلکه
[کارش] تمام است. [۲۷]هم چنین هیچ کس
نمی تواند به منزل شخص توانا[b] وارد شده،
اسباب او را تاراج کند، مگر آنکه آن شخص
توانا را، اوّل بسته باشد و آنگاه خانه اش را
تاراج خواهد کرد.

کفرگوئی علیه روح القدس
(متی۱۲:۳۱-۳۲؛ لوقا۱۲:۱۰)

[۲۸]آمین، به شما می گویم که بر پسران
انسانها همه چیز از گناهان و کفرگوئی هر
قدر کفر گویند[c] بخشیده خواهد شد؛
[۲۹]امّا هر کس علیه روح القدس کفر

u- یا «برادر». تحت اللفظی: «یعقوب حلفی»، ر.ک ۱:۱۹ توضیح e؛ ۲:۱۴.
v- واژه «کنعانی» از ریشه کلمه آرامی و به معنی «غیور» و عنوان «غیوران» است (ر.ک لو۶:۱۵ توضیح f؛ مت۱۰:۴ توضیح t). غیوران اعضای حزب سیاسی مذهبی بودند که هدفشان استقلال یهود بود و در این راه از اعمال زور و قدرت ابایی نداشتند.
w- ر.ک مت۱۰:۴ توضیح u. برابر یو۶:۷۱؛ ۱۳:۲۶ «اسخریوطی» لقب پدر یهودا است.
x- ر.ک ۲:۱ توضیح a. مرقس مباحثه با کاتبان را که از اورشلیم آمده بودند (آیات ۲۲-۳۰) در بین صحنه ای که عیسی با خانوداه اش برخورد دارد (آیات ۲۰-۲۱ و ۳۱-۳۵) گنجانیده است (همین روش در ۵:۲۱-۴۳؛ ۶:۷-۳۳؛ ۱۱:۱۱-۲۱؛ ۱۴:۱-۱۱). در هر دو مورد از روی بدخواپه به او اتهام هایی وارد می کنند و چنین می نماید که بستگانش و همچنین مقامات مذهبی اورشلیم او را رد می کنند.
y- یکی از نامهای رئیس دیوها است (ر.ک ۱:۱۳ توضیح t؛ مت۱۲:۲۴ توضیح v).
z- نخستین باری که کلمه «مثل» در انجیل مرقس بکار می رود. به نظر مرقس برای «کسانی که در خارج هستند» مثل ها راز نهفته ای دربردارند که همان راز ملکوت خدا است (۴:۱۱ توضیح"o ۷:۱۷ توضیح a). گفتگوهای عیسی که در اینجا آورده شده «مثل» هستند نه تنها به سبب اینکه شکل مجازی و استعاره ای دارند بلکه برای کسانی که آنها را درک کنند نشان می دهند ملکوت خدا هم اکنون فعال است و پایان فرمانروایی شیطان را تسریع می نماید.
a- ترجمه دیگر: «خاندانی» و ممکن است به مفهوم یک خانواده، یک طایفه یا یک ساختمان باشد (ر.ک ۲-سمو۷:۵-۱۶).
b- ر.ک اش۴۹:۲۴-۲۵؛ ۵۳:۱۲. در اینجا عیسی به عنوان نیرومندترین فرد نشان داده شده است که بنیان سلطنت شیطان یعنی مرد نیرومند را در هم ریخته و منهدم می سازد، ر.ک ۱:۷ توضیح I.
c- کلمه «کفر گفتن» به معنی دقیق به زبان آوردن کلمات توهین آمیز بر ضد خدا و «نام» او یا به طور مستقیم (خروج۲۲:۲۷؛ لاو۲۴:۱۱-۱۶) یا بر علیه اقتدار او می باشد (ر.ک مر۲:۷؛ ۱۴:۶۴؛ یو۱۰:۳۳-۳۶). به علاوه کفر گفتن ممکن است بر ضد کسی باشد که مأموریت الهی دارد (اع۶:۱۱) یا بر ضد نهاد مقدسی باشد (حزق۳۵:۱۲؛ ۱-مک۷:۳۸). بنابراین در هر مورد که به عیسی فرستاده خدا و حامل اقتدار او ناسزا داده می شود انجیل ها می توانند آن را کفر گفتن به شمار آرند، مر۱۵:۲۹؛ لو۲۲:۶۴-۶۵؛ ۲۳:۳۹.

گوید[d]، هرگز تا ابد بخشیده نمی شود و
یو ۱۶:۵ مـرتـکب گـنـاه ابـدی است!» ۳۰ زیـرا
می گفتند: «وی روحی ناپاک دارد.»

خویشاوندان راستین عیسی
(متی۱۲:۴۶-۵۰؛ لوقا۸:۱۹-۲۱)

۳۱ و مادرش و برادرانش آمدند[e] و بیرون
ایـسـتـاده، بـرای صـدا کـردن وی نـزد او
فرسـتـادند. ۳۲ و جـمعیتی در گـرداگرد او
نشسته بود و به او گفتند: «اینک مادرت و
بـرادرانت[f] و خـواهـرانت، بـیـرون، در
جستجوی تو هستند.» ۳۳ و به آنان پاسخ
داده، گفت: «مادرم کیست؟ و برادران؟»
۳۴ و با گرداندن نگاه بر کسانی که دایره وار
دور او نشسته بودند گفت: «اینک مادرم و
برادرانم! ۳۵ هر که ارادهٔ خدا را بجا آورد،
او برادر و خواهر و مادر من است.»

مثل برزگر
(متی۱۳:۱-۹؛ لوقا۸:۴-۸)

۴ ۱ و باز در کنار دریا آغاز به آموزش
۳:۷-۹؛ کرد[g] و جمعیت بسیار زیادی نزد او
جـمع شـدنـد به طوری که وی در دریـا به
قـایـقی سوار شـده در آن بـنـشست و تـمام
جمعیت در نـزدیکی دریا، بـر خـشکی می
مت۱۳:۳۴؛ مر ۴:۳۳-۳۴ بودند. ۲ و بسیـار چیزهـا را بـا مثل ها[h] به
آنان می آموخت و در آموزش خود به آنان
گفت: ۳ «بشنوید! اینک بذرافشان برای
بذرافشانی بیرون شد. ۴ و واقع شد چون
بذر می افشاند، بخشی در کنارهٔ راه افتاد و
پـرنـدگـان آمـدنـد و آنـهـا را خـوردنـد. ۵ و
دیگری بر سنگلاخ افتاد که در آنجا خاک
زیاد نبود و همان دم روئید زیرا خاک عمق
نـداشت؛ ۶ و چـون خـورشـیـد طـلـوع کـرد،
سوخته شد و چون ریشه نداشت، خشکید.
۷ و دیگری در خارها افتاد و خارها برآمدند
و آن را خـفـه کـردنـد و مـیـوه نـداد. ۸ و
[بذرهای][i] دیگری در خاک خوب افتادند
و بلند شده، رشد کرده، و میوه دادند[j] و
یـکی سی، یـکی شـصت و یـکی صـد ثـمر
آورد[k].» ۹ و گفت: «هرکه برای شـنـیـدن
گوش دارد بشنود[l]!»

d- برابر مطالبی که بلافاصله بعداً آمده است این گناه عبارت از آن است که منکر قدرتی شوند که به وسیله عیسی عمل می کند و کارهایی را که به وسیله روح القدس انجام می دهد به شیطان نسبت دهند. نپذیرفتن چنین گرایشی به سوی توبه متناقض با بخشایش است. ر.ک مت۱۲:۳۲ توضیح c.
e- ر.ک مت ۱۲:۴۶ توضیح r. مرقس در اینجا روایتی را که در آیه ۲۱ آغاز کرده بود از سر می گیرد (ر.ک آیه ۲۰ توضیح x).
f- در بعضی نسخه ها «اینک مادرت و برادرانت در بیرون...» نوشته شده است.
g- ر.ک ۳:۱۳ توضیح m.
h- این دسته از مثل ها یعنی آیات ۱-۳۴ به عنوان نمونه طرز آموزش مختص عیسی ارائه شده است و به نظر مرقس به خوبی ملاحظه می شود آموزشی که برای توده مردم است با توضیحاتی که مخصوص شاگردان است (آیات ۱۰-۲۵، ۳۳-۳۴) تفاوت دارد. مرقس جنبه مبهم مثل ها را ذکر کرده و تأکید می کند راز مثل ها به همه شنوندگان ابراز نشده است، آیه ۱۱ توضیح o.
i- کلمه «بذرها» به صورت جمع آمده و نشان می دهد که به باروری هر دانه بذر توجه می شود.
j- در برخی نسخ خطی چنین است: «ثمر می دادند که بزرگ می شد و رشد می کرد.»
k- ر.ک مت۱۳:۸ توضیح s. در این مثل علل عدم موفقیت را که از بیرون می آید در برابر باروری فوق العاده خود دانه بذر که در خاک خوب بیفتد قرار داده شده است. ارقامی که ذکر شده و رفته رفته بزرگتر می شود این باروری را به خوبی نشان می دهد.
l- ر.ک تث۲۹:۳؛ مز۱۱۵:۶. در اینکه دعوت شده توجه و دقت به عمل آید، ضروری می باشد تا ارزش و اهمیت آموزشی که به صورت مثل داده می شود درک گردد (۴:۲۳؛ ۷:۱۶؛ مت۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹،۴۳؛ لو۸:۸؛ ۱۴:۳۵؛ ر.ک مکا۲:۷، ۱۱، ۱۷،

لو ۵:۱-۳

علت تعلیم دادن با مثل‌ها
(متی۱۳:۱۰-۱۵؛ لوقا۸:۹-۱۰)

۱۰ و چون تنها شد[m] کسانی که با آن
دوازده تن[n] گرداگرد او بودند [در مورد]
مثل‌ها از وی سؤال می‌کردند. ۱۱ و به
مت ۱۳:۳۶ متون مشابه؛ ایشان گفت[o]: «راز ملکوت خدا به شما
داده شده است امّا برای کسانی که از
خارجند[p] همه چیز به مثل‌ها می‌آید[q]،
۱۲ تا نگریسته، بنگرند و نبینند
و شنیده، بشنوند و نفهمند
تا مبادا بگروند و بر ایشان بخشیده
شود[r].»

۲۹و غیره). ضمناً این مطالب دستوری را که در آیه ۳ داده شده است تأکید و تقویت می‌کند زیرا مثل باید شنوندگان را به تفکر وادارد و درک کنند که چگونه این مثل همان وقت در مورد خودشان به تحقق برسد.

m- با اینکه زمینه و محیط وقایع ظاهراً همان است که در آیه ۳۶ ذکر شده با این همه تغییر ناگهانی صحنه نسبت به آیات ۱-۲ نشان می‌دهد مطالبی که به طور خصوصی گفته می‌شود چقدر اهمیت دارد. این سخنان که در اینجا آغاز شده احتمالاً تا آیه ۲۵ ادامه می‌یابد. مرقس با شروع از این سخنان عیسی، استنباط خود را از درک و انگیزه مثل‌ها بیان کرده است. با توجه به عدم موفقیت موعظه عیسی به قوم اسرائیل و تجربه کلیساهای اولیه که لازم بوده مفهوم مثل‌ها به آنان توضیح داده شود.

n- «کسانی که که در پیرامون او بودند» (ر.ک ۳:۳۴) منحصر به دوازده رسول نبود (ر.ک ۷:۱۷؛ ۹:۲۸؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۳:۳) بلکه در مقابل توده مردمی «که در خارج بودند» (آیه ۱۱ توضیح p) پیش نمودی از جمعیت‌های آینده مسیحیان به شمار می‌آمدند.

o- این سخن عیسی که در آیات ۱۱-۱۲ آمده از محتوای مطالب مثل مرد بذر افشان که در آیات ۱۳-۲۰ توضیح داده می‌شود تجاوز می‌نماید. به نظر مرقس این سخن درباره مجموعه آموزشهایی است که به وسیله مثل‌ها داده می‌شود. در این آموزشها راز و رمزی نهفته که فقط خدا می‌تواند آن را آشکار سازد و آن راز، مشیت خدا و فرارسیدن قطعی فرمانروائی او است (ر.ک دان۲:۱۸-۱۹، ۲۲، ۲۷-۳۰؛ خنوخ۳:۴۶؛ ۲:۴۹؛ ۶۱:۱۳؛ مقررات قمران ۴:۱۸-۱۹؛ ۹:۱۸؛ ۱۱:۵-۶؛ سرودهای قمران ۲:۱۳؛ ۴:۲۷-۲۸؛ روم۱۶:۲۵-۲۷؛ افس۱:۹؛ ۳:۹؛ ۶:۱۹؛ کول۱:۲۶-۲۷؛ ۲:۲؛ ۴:۳). آن «راز فرمانروائی خدا» که تاکنون بر همه پنهان بوده کلید درک اعمال و سخنان عیسی است و آن را به کسانی که در اطراف او هستند ابراز می‌نماید، ر.ک ۳:۲۳ توضیح z.

p- این اصطلاح در میان قوم یهود (بنسی مقدمه ۵) و همچنین کلیسای اولیه اصطلاحی شناخته شده بود (۱-قرن۵:۱۲-۱۳؛ کول۴:۵؛ ۱-تسا۴:۱۲) و از آن چنین برمی‌آید که باید جمعیتی وجود داشته باشد و بعضی اشخاص نسبت به آن جمعیت بیگانه و خارجی به حساب آیند. به نظر مرقس تجربه کلیسا ادامه تجربیات عیسی است (ر.ک آیه ۱۰ توضیح n) و مسیحیان از الهامی برخوردارند که اشخاص بی ایمان را از آن نصیبی نیست.

q- همه چیز به مثل‌ها می‌شود» (در مورد نظم این ترکیب جمله یونانی ر.ک ۵:۲۵؛ لو۴:۳۲؛ ۲-قرن۱۳:۵؛ ۱-تسا۲:۷) در اینجا مثل‌ها را که با موهبت راز تناقض دارد بایستی به مفهوم «معما» درک کرد (در ترجمه یونانی حزق۲۱:۵ نیز به همین گونه است؛ بنسی۳۹:۲-۳؛ در ادبیات مکاشفه‌ای، رازهای آسمانی با مثل‌هایی پوشیده شده که نیاز به توضیح دارند. ر.ک خنوخ۶۸:۱؛ ۴-عز۴:۳). مرقس با این سخن روشن می‌کند به چه سبب موعظه عیسی و سپس وعظ کلیسا در مورد بسیاری از مردمان با عدم موفقیت روبرو گردید. ظاهراً مثل‌های عیسی تعلیمی ساده است که همه می‌توانند آنها را درک کنند (آیه ۳۳) اما مرقس تأکید می‌کند که کسی نمی‌تواند آنها را عمیقاً درک کند مگر اینکه تشخیص دهد که روح‌القدس یعنی اقتدار خود خدا جهت استقرار فرمانروائی او در عیسی عمل می‌کند ولی از این عمل عیسی ذهن بسیاری از مردمان پوشیده مانده است.

r- این جملات که از متن آرامی (ترگوم) اش۶:۹-۱۰ نقل شده است عدم موفقیت آن پیامبر را اعلام می‌نماید که موعظه او گناه مردمان سنگدل را تشدید کرده بود. کلیسای اولیه همین متن را در مورد عدم موفقیت رسالت مسیحیان در نزد قوم یهود بکار می‌برد، قومی که پیامبران قساوت قلب آنان را اعلام کرده و آن را طبق مشیت الهی درک می‌کردند (یو۱۲:۳۹-۴۱؛ اع۲۸:۲۶-۲۸). در اینجا نقل قول با عبارت «برای اینکه» آغاز شده که نشان می‌دهد عیسی به هیچ وجه اراده نداشته پیام خود را مخفی نگه دارد و مانع از آن شود «کسانی که در خارج هستند» توبه کنند بلکه عدم موفقیت او بر طبق نوشته‌های مقدس و برابر با مشیت اسرارآمیز خدا است. دلیل نهایی این شکست بیان نشده است (ر.ک روم۱۱:۷-۱۶، ۲۹-۳۲). ضمناً نظریه مشیت الهی به هیچ وجه مسئولیت آدمی را تخفیف نمی‌دهد (آیه ۲۴). به احتمال قوی عیسی بدین گونه عدم موفقیت خود را درک نمود. مرقس این موضوع را در مورد مثل‌هایی بکار می‌برد که شاید درک آنها در روایات مسیحی دشوار

۱۳ و به ایشان گفت: «آیا این مثل را لو ۹:۸
درک نمی‌کنید[s]؟ پس چگونه همه مثل‌ها
را خواهید فهمید؟»

توضیح مثل برزگر
(متی۲۳-۱۸:۱۳؛ لوقا ۱۵-۱۱:۸)

۱۴ «بذرافشان سخن را می‌افشاند[t]. ۱۵ و
هستند کسانی که در طول راهی قرار دارند که
در آنجا آن سخن افشانده شده است و چون
شنیده‌اند، همان دم شیطان می‌آید و سخن
افشانده شده در آن را برمی‌دارد. ۱۶ و ۱۳:۱
هم‌چنین بذرهای کاشته شده بر سنگلاخ‌ها،
کسانی هستند که چون سخن را می‌شنوند
همان دم آن را با شادی می‌پذیرند، ۱۷ و در
خود ریشه ندارند، بلکه بی‌دوام هستند، چون
مصیبتی یا ستمی به خاطر سخن فرامی‌رسد،
همان دم می‌لغزند. ۱۸ و بذرهای کاشته شده
در میان خارها کسان دیگرند. اینان کسانی
هستند که سخن را شنیده‌اند ۱۹ و نگرانی
های این جهان، فریب ثروت و دیگر هوس‌ها مت ۲۲:۱۳، ۲۳:۱۹؛
در آنها راه یافته، سخن را خفه می‌کنند و متون موازی؛ لو ۲۱،۱۵:۱۲
بی‌میوه می‌گردد. ۲۰ و بذرهای افشانده بر
خاک خوب کسانی‌اند، که چون سخن را
شنیده می‌پذیرند و میوه می‌آورند، یکی سی
و یکی شصت و یکی صد.»

چراغ و پیمانه
(متی۱۵:۵؛ ۲۶:۱۰؛ لوقا۱۸-۱۶:۸؛ ۳۳:۱۱؛ ۳۸:۶)

۲۱ و به ایشان گفت[u]: «آیا چراغ
می‌آید[v] تا زیر ظرف پیمانه یا زیر
تخت‌خواب گذاشته شود؟ مگر نه آنکه بر
چراغدان گذاشته شود؟ ۲۲ زیرا هیچ چیز
پنهان نیست مگر آنکه پدیدار شود و هیچ لو ۲:۱۲
چیز مخفی نیست مگر آنکه پدیدار گردد[w].
۲۳ هر که برای شنیدن گوش دارد بشنود!» مت ۱۵:۱۱؛ مر ۹:۴
۲۴ و به ایشان گفت: «مواظب آنچه
می‌شنوید باشید[x]! به همان پیمانه‌ای که مت ۲:۷؛ لو ۳۸:۶
می‌پیمائید برای شما پیموده خواهد شد و
بر شما افزوده خواهد گردید. ۲۵ زیرا آن که
دارد به وی داده خواهد شد و آن که ندارد، مت ۱۲:۱۳
حتّی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد.»

باشد و بایستی آن مثل‌ها را با توجه به راز ملکوت خدا که در آنها نهفته تفسیر نمود، رازی که از خلال اقدامات و فعالیتهای عیسی به شاگردان و سپس به جمعیت مسیحیان مکشوف شده است.

s- در اینجا موضوع عدم بصیرت شاگردان عیسی برای نخستین بار ذکر شده و مرقس اکثراً این نکته را یادآوری کرده است (۵۲:۶؛ ۱۸:۷؛ ۱۸-۱۷:۸، ۲۱، ۳۳؛ ۱۰:۹، ۳۲؛ ۳۸:۱۰؛ ر.ک ۳۲:۸ توضیح n).

t- توضیحاتی که درباره مثلِ مرد بذر افشان (آیات ۲۰-۱۴) ذکر شده نشان می‌دهد که این مثل چگونه در کلیساهای اولیه مورد استفاده بوده است (مثلاً «سخن» برابر با انجیل: اشاره به شکنجه‌ها، تشویق به مخالفت با اندیشه امور دنیوی). در مثل مرد بذر افشان به باروری دانه بذر توجه شده بود در صورتی که در اینجا استعداد و قابلیت شنوندگان مورد توجه است. در این مثل که به صورت تمثیل می‌باشد هر یک از جزئیات معنایی پوشیده دارند و این توضیح آنها را آشکار می‌کند.

u- بنابر نوشته مرقس سخنانی که در پی این جمله آمده خطاب به شاگردان است («به ایشان می‌گفت» آیات ۲۴-۲۱) و انگیزه مثلِ‌های عیسی را روشن می‌کند. تصویر چراغ و پیمانه دارای مختصات مثل‌های آیات ۹-۳، ۲۹-۲۶ و ۳۲-۳۰ نیست. بعد از آیات ۱۲-۱۱ بکارگیری مجدد تصویر چراغ تأکید می‌کند که جنبه مخفی حقیقتی که در تعلیم عیسی مکشوف می‌شود و روزی باید به همه آشکار گردد. تصویر پیمانه اهمیت استعداد شنوندگان را تأیید می‌نماید.

v- بکاربردن فعل «آمدن» ممکن است عجیب به نظر برسد و می‌تواند یادآوری آمدن مسیح باشد (۷:۱؛ ۱۷:۲؛ ۴۵:۱۰).

w- رازی که در مثل‌ها نهفته بایستی آشکار گردد حتی در صورتی که بدواً فقط بر شاگردان مکشوف شده باشد. از سخنانی که در این شرایط و در اینجا ذکر شده چنین استنباط می‌شود که به نظر مرقس سرّ مسیح بودن عیسی بایستی آشکار شود (ر.ک ۳۴:۱ توضیح p).

x- به عقیده مرقس موضوع تعلیمات عیسی و سرّی که در آنها نهفته مستلزم دقت و استعداد شنوندگان است، ر.ک لو۱۸:۸.

بذر خود رو

۲۶و گفت[y]: «ملکوت خدا مانند مردی
است که بذر بر خاک می افشاند. ۲۷چه
یع ۷:۵ بخوابد چه قائم باشد، شب و روز، بذر نمو
می کند و می روید و او چگونگی آن را
نمی داند. ۲۸خاک خود میوه می آورد،
نخست گیاه، بعد خوشه و بالاخره خوشهٔ پر
از گندم. ۲۹و چون میوه آماده می شود،
همان دم داس بر آن می نهد[z]، زیرا [موسم]
درو است.»

دانهٔ خردل
(متی۱۳:۳۱-۳۲؛ لوقا۱۳:۱۸-۱۹)

۳۰و گفت: «ملکوت خدا را چگونه
می توانیم تشبیه کنیم، یا در چه مثلی می توانیم
مت ۱۷:۲۰ قرار دهیم؟ ۳۱به مانند دانه خردلی[a] است:
وقتی بر خاک افشانده شد، کوچکترینِ همهٔ
بذرهای بر خاک است؛ ۳۲و چون افشانده
شد، بالا می آید از همه بوته ها بزرگتر
می گردد و شاخه های بزرگ به وجود می آورد
به طوری که پرندگان آسمان می توانند به زیر
سایه اش پناه برند[b].»

تعلیم به مثل ها
(متی ۱۳:۳۴-۳۵)

۳۳و با مثل های بسیاری از این قبیل
سخن را به آنان می گفت، مطابق آنچه
می توانستند بشنوند: ۳۴بدون مثل به آنان
[هیچ] نمی گفت امّا در خلوت به شاگردان
خود همه چیز را توضیح می داد[c].

آرام شدن طوفان
(متی۸:۱۸، ۲۳-۲۷؛ لوقا۸:۲۲-۲۵)

۳۵و آن روز هنگام فرارسیدن غروب[d] به
ایشان گفت: «به سوی دیگر برویم.» ۳۶و
جمعیت را ترک کرده، او را همان گونه که
در قایق بود برداشتند[e] و قایق های دیگری
نیز با وی بود[f]. ۳۷تندبادی شدید[g] پدید
آمد و امواج به قایق می زد به طوری که

y- در دو مثل که از این پس می آید به مانند مثل قبلی از تصویر بذر استفاده شده است (آیات ۳-۹) و بنا به نوشته مرقس این دو مثل نیز در مورد راز فرمانروائی خدا گفته شده است، رازی نهفته که در دوران فعالیت عیسی فقط به شاگردان مکشوف گردیده است. ضمناً بذری که به خودی خود می روید مثلی مختص به انجیل مرقس بوده و اشاره به نیروی پنهانی این راز است که تا استقرار قطعی فرمانروائی خدا ادامه دارد و در مثل به صورت برداشت محصول ارائه گردیده است. همچنین باید توجه داشت که در این مثل مرد بذر افشان همان کسی است که محصول را درو می کند (ر.ک یو۴:۳۵).

z- تصویری از داوری است. ر.ک یول۴:۱۳؛ مکا۱۴:۱۵.

a- مقایسه دانه بذر کوچکی که در خاک نهفته با عظمت و گسترش گیاهی که به پایان رشد خود رسیده نیروی مقاومت ناپذیر فرمانروائی خدا را به یاد می آورد که اقتدار او به وسیله اعمال و آموزشهای عیسی مخفیانه عمل می نماید.

b- ر.ک حزق۱۷:۲۳؛ ۳۱:۶؛ دان۴:۹، ۱۸؛ فرمانروائی خدا به تمام ملتها گسترش خواهد یافت.

c- در حالی که از آیه ۳۳ برمی آید که مثل ها به منظور تعلیم به عامهٔ مردم است (ر.ک آیه ۲) ولی در آیه ۳۴ دیدگاه مرقس را درباره مثل ها می توان تشخیص داد، ر.ک آیات ۱۰-۱۲. بدین معنی که با پیوستن به عیسی می توان به فراتر از آنچه در دسترس عامهٔ مردم است رسید.

d- چندین مثل (آیات ۱-۳۴) و چهار معجزه ای که در پی آنها می آید (۴:۳۵-۵:۴۳) و همه در یک روز انجام شده آشکار می سازد که اقتدار فرمانروائی خدا در تعلیمات و همچنین در اعمال عیسی ظهور می یابد (ر.ک ۱:۲۷). از سوی دیگر بابهای ۴ و ۵ نشان می دهد که چگونه عیسی شاگردانش را به همراه خود برده (۳:۱۴) تا به آنان آموزش مخصوص دهد و به دور از حضور مردم اقتدار خود را بر آنان آشکار سازد.

e- ر.ک ۴:۱.

f- ترجمه دیگر: «و قایقهای دیگری با این [قایق] بود.»

g- تحت اللفظی: «طوفان شدید باد». وقتی بادهایی که از دریای مدیترانه می وزد با بادهایی که از صحرای سوریه می آید برخورد می کند در دریاچهٔ طبریهَ طوفانها و گردباهای ناگهانی ایجاد می شود.

قـایق داشت پـر می شـد. ۳۸ و او در عـقب
[قایق] بر بالش[h] خوابیده بود. و او را قائم
ساختند و وی را گفتند: «ای استاد تو را
باکی نیست که هلاک شویم؟» ۳۹ و قیام
کرده، باد را نهیب زد و به دریا گفت:
«خاموش شو! ساکت باش[i]!» و باد فرو
نشست و آرامشی بزرگ پدید آمد. ۴۰ و به
ایشان گفت: «چرا هراسان هستید؟ آیا
هنوز ایمان ندارید[j]؟» ۴۱ و ایشان را ترسی
بزرگ فرا گرفت و در میان خود می گفتند:
«پس این کیست که حتّی باد و دریا از او
اطاعت می کنند[k]؟»

شفای مرد دیوانه در جدریان
(متی ۸:۲۸-۳۴؛ لوقا۸:۲۶-۳۹)

۵
۱ و به سوی دیگر دریا، به سرزمین
جدریان[l] آمدند. ۲ و چون وی از
قایق خارج شد، همان دم مردی با روح
ناپاک از قبرها[m] بیرون شده، به وی
برخورد. ۳ مسکن او قبرها می بود و هیچ کس
نمی توانست حتّی با زنجیر او را ببندد.
۴ زیرا اغلب او را با غلها و زنجیرها بسته
بودند و او زنجیرها را پاره کرده و غلها را
شکسته بود و هیچ کس قادر به رام کردن او
نمی شد. ۵ و همواره همه روز و همه شب در
قبرها و در کوه ها بود و فریاد می کشید و
خود را با سنگها مجروح می کرد. ۶ و با
دیدن عیسی از دور، پیش دوید و در برابر
وی به خاک افتاد ۷ و با صدائی بلند فریاد
کشیده، گفت: «از من چه می خواهی[n] ای
عیسی، پسر خدای تعالی[o]؟ تو را به خدا
سوگند می دهم مرا عذاب مده!» ۸ زیرا به
وی گفته بود: «ای روح ناپاک از این مرد
خارج شو.» ۹ و از او پرسید: «نام تو

h- نشیمنگاه عقب قایق معمولاً مخصوص ملوان مراقب حرکت قایق بود و تشکچه ای بر روی آن قرار داشت، از کلمه ای که در متن یونانی بکار رفته چنین بر می آید که عیسی تشکچه را زیر سر گذاشته بود.

i- چنین برمی آید که آشفتگی و تلاطم دریا حمله ای شیطانی است و عیسی با سخن خود آن را ناتوان می سازد چنان که در ۱:۲۵ نیز روح شریری را نهیب زده او را وادار به سکوت می نماید. کلیسا نیز وقتی مأموریت خود در میان امتها را شروع می کند با توفان شدید جفاها روبرو می شود و بر آن پیروز خواهد گردید

j- ترجمه دیگر: «چگونه ایمان ندارید!» در اینجا منظور مرقس ایمان به عیسی و ایمان به قدرت الهی است که به وسیله او عمل می کند. طبق انجیل مرقس، شاگردان تا روز رستاخیز مسیح اصلاً ایمان نداشتند (۴:۴؛ ۶:۶؛ ۹:۱۹؛ ۱۶:۱۱، ۱۴،۱۶) ولی در انجیل متی، شاگردان «کم ایمان» بودند (ر.ک مت۸:۲۶ توضیح h؛ لو۸:۲۵ توضیح z).

k- ر.ک ۱:۲۷، ارواح ناپاک از او اطاعت می کنند. تسلط بر دریای خروشان و خشمگین که نمونه نیروهای مخالف خدا است مختص قدرت الهی است، ر.ک مز ۸۹:۱۰؛ ۹۳:۳-۴؛ ۱۰۷:۲۳-۳۲.

l- در نسخه های دیگر «جرجسیان» آمده است (برای تطبیق با مت۸:۲۸) یا جرجزنیان (بنا به تصور اوریجن). اصولاً سرزمین جرازا به فاصله زیادی از دریاچه قرار دارد و بنابراین با شهری که در آیه ۱۴ ذکر شده تطبیق نمی کند. شاید در نظر مرقس تمام نواحی شرقی دریاچه، سرزمین جدریان بوده است. در این روایت نشان داده شده که وقتی عیسی وارد سرزمین بت پرستان می شود فوراً با دیوها روبرو می شود و عیسی (و هم چنین کلیسای در آینده، ر.ک مر۱۶:۱۷-۱۸) در آنجا نیز بر دیوها تسلط و اقتدار دارد (آیه ۲ توضیح m؛ آیه ۱۱ توضیح r؛ آیه ۲۰ توضیح y).

m- ترجمه دیگر: «مردی از قبرها به وی برخورد». این قبرها در داخل صخره ها حفر شده یا غارهای طبیعی بودند و ممکن بود به عنوان پناهگاه از آنها استفاده شود. در اینجا همچون مکانی ناپاک به شمار می آیند (ر.ک اش۶۵:۴).

n- ر.ک ۱:۲۴ توضیح i.

o- ر.ک ۱:۲۴ توضیح j؛ ۱:۳۴ توضیح p؛ ۳:۱۱. رفتار مردی که روحی ناپاک داشت و در برابر عیسی به خاک افتاد اقتدار غیرقابل مقاومت پسر خدا را نشان می دهد. در اینجا عیسی دستور حفظ سکوت نداده زیرا کسی غیر از دوازده رسول در آنجا حاضر نبوده است.

چیست؟» و او گفت: «نام من لژیون[p] است
زیرا ما بسیاریم.» ۱۰ و وی را التماس بسیار
کرد تا آنها را به خارج از آن سرزمین
نفرستد[q]. ۱۱ باری، در آنجا، نزدیک کوه،
گلهٔ بزرگی از خوکان[r] در حال چریدن بود.
۱۲ و [ارواح ناپاک][s] وی را التماس کرده،
گفتند: «ما را به درون خوکان بفرست که
بدانها داخل شویم.» ۱۳ و ایشان را اجازه
داد. و ارواح ناپاک خارج شده، به درون
خوکان رفتند و گله حدود دو هزار از پرتگاه
به دریا پریدند و در دریا خفه شدند[t]. ۱۴ و
کسانی که آنها را می چرانند، فرار می
کردند و در شهر و در مزارع اعلام کردند و
[مردم] می‌آمدند تا آنچه را انجام شده بود
ببینند. ۱۵ و نزد عیسی آمدند و دیو زده را
دیدند، نشسته، لباس پوشیده و معقول،
همان کسی که لژیون[u] داشت و آنان
ترسیدند. ۱۶ و کسانی که دیده بودند، آنچه
بر دیو زده و بر خوکان واقع گشته بود را
برایشان بازگو کردند. ۱۷ و شروع به
درخواست از [عیسی] کردند که از سرزمین
آنان برود. ۱۸ و در حالی که سوار بر قایق
می شد آن کس که دیو زده بود التماس کرد
که با او بماند[v]. ۱۹ و به او اجازه نداد، امّا
به او گفت: «به خانه ات برو، به نزد کسانت
و آنچه را خداوند برای تو کرده است به
آنان خبر بده که چگونه بر تو رحم آورده
است[w]!» ۲۰ و رفت و در دیکاپولیس[x] از
هر آنچه عیسی برایش انجام داده بود آغاز به
ندا دادن کرد[y] و همه متعجّب می بودند.

مت ۶:۹؛ مر ۸:۲۶؛ لو ۵:۲۴، ۳۹:۸

شفای زن مبتلا به خونریزی و قیام دختر یائیروس (متی۹:۱۸-۲۶؛ لوقا۸:۴۰-۵۶)

۲۱ و بعد از آنکه عیسی باز[yy] به سوی
کرانه دیگر عبور کرده بود، جمعیت کثیری به

p- بر طبق عقیده کسانی که در آن دوران ارواح پلید را دور می کردند هرگاه کسی «نام» دیوی را می دانست بر او قدرت و تسلط می یافت. در اینجا عیسی دشمن را مجبور کرده نامش را بگوید. از کلمه لژیون برمی‌آید که فوجی از دیوها در او مستقر شده اند (لژیون رومی شامل شش هزار تن بوده و ضمناً تعداد زیاد دیوها نشان می‌دهد وضعیت این مرد که گرفتار ارواح ناپاک است وخیم می باشد، ر.ک مت ۱۲:۴۵؛ لو۸:۲ توضیح p: ۲۷:۸). این روایت از موضوع مرد بیمار فراتر رفته پیروزی عیسی را بر سلطنت شیطان نشان می‌دهد، ر.ک ۳:۲۳-۲۷.

q- این نکته نمایانگر ریشه عامیانه این روایت است، بدین معنی که تصور می کردند دیوی که به بیرون رانده می شود سعی می کند پناهگاه دیگری پیدا کند. ر.ک مت۱۲:۴۳. ضمناً توجه کنید در مورد کلمه لژیون گاهی فعل مفرد و گاهی جمع بکار برده شده است.

r- وجود خوکان یعنی حیواناتی که در نظر یهودیان نجس هستند در اینجا بیانگر نجاست سرزمین مشرکان است.

s- کلمه «ارواح ناپاک» که فاعل جمله است در متن اصلی وجود ندارد و از آیه ۱۳ به اینجا آورده شده است.

t- غرق شدن خوکان در اینجا به مفهوم پایان قدرت شیطانی بر منطقه و رهایی آن از ناپاکی و نجاست است.

u- بنا به کشفیات باستان شناسی، لژیون رومی که در سرزمین فلسطین مستقر بود، مشهور به لژیون گراز بود و نشان آن بر کتیبه ای در اورشلیم پیدا شده است.

v- به طوری که در ۳:۱۴ ذکر شده ماندن با عیسی از امتیازات دوازده تن بود.

w- در اینجا و در آیات ۷-۸ دستور حفظ سکوت داده نشده و مغایرت این نکته با حفظ راز پنهانی مسیح فقط ظاهری است. در اینجا عیسی سرزمین مزبور را ترک می کند و دستوری که داده درباره خودش نبوده بلکه مربوط به عمل خدا است.

x- دیکاپولیس (شهرهای دهگانه) مجموعه شهرهایی است که در شرق رودخانه اردن قرار داشت و از زمان پمپی سردار رومی از نوعی خودمختاری سیاسی برخوردار بوده است. ضمناً اکثریت ساکنان این شهرها غیریهودی بوده اند.

y- فعل ندا دادن در انجیل مرقس معمولاً در مورد موعظه انجیل بکار می‌رود. ر.ک ۱:۳۸ توضیح q و مرقس این عمل را مقدمه ای بر انتشار انجیل در میان غیر یهودیان می داند.

yy- در برخی از نسخه ها: «عیسی باز با قایق به سوی...».

نزدش گرد آمد و او در کنار دریا می بود.
۲۲ و یکی از رؤسای کنیسه[z] به نام یائیروس
آمد و با دیدن او به پاهای وی افتاد ۲۳ و او
مت ۹:۱۸؛ لو ۴:۴۰؛ اع ۹:۱۲-۱۷؛ ۲۸:۸ را بسیار التماس کرد و گفت: «دخترکم
نزدیک به مرگ است، بیا دستهایت را بر او
بگذار تا نجات یابد و زندگی کند.» ۲۴ و با
او برفت و جمعیتی کثیر به دنبال او می بودند
و از هر سو به وی فشار می‌آوردند. ۲۵ و[a]
زنی به مدّت دوازده سال مبتلا به خونریزی
بود، ۲۶ که از دست پزشکان متعدد مرارت
بسیاری کشیده بود و همه چیز خود را بدون
هیچ فایده ای خرج کرده بلکه حالش بدتر
شده بود. ۲۷ چون دربارهٔ عیسی شنید از پشت
وارد جمعیت شد و ردای او را لمس کرد.
۲۸ زیرا می گفت: «اگر حتی جامه هایش را
لمس کنم، نجات خواهم یافت[b]!» ۲۹ و همان
دم، جریان خونش بند آمد[c] و در بدنش
لو ۶:۹ احساس کرد که از بیماری شفا یافته است.
۳۰ و همان دم عیسی چون در خود دانست که
نیرویی از وی خارج شده در میان جمعیت
برگشته گفت: «چه کسی جامه های مرا لمس
کرد؟» ۳۱ و شاگردانش به وی گفتند:
«جمعیت را می نگری که از هر سو به تو فشار
می‌آورد و تو می گوئی: چه کسی مرا لمس
کرد؟» ۳۲ و به اطراف خود می نگریست تا
ببیند چه کسی این کار را کرده است. ۳۳ آن
زن که می‌دانست وی را چه شده است
ترسان و لرزان آمد و در برابر او افتاد و همهٔ
حقیقت را به او گفت. ۳۴ و به او گفت:
«دخترم[d]، ایمانت تو را نجات داده است! به
آرامش برو و از این بلا درمان شو.» ۳۵ او
هنوز سخن می گفت که از خانه رئیس کنیسه
افرادی آمدند و گفتند: «دخترت مرد، چرا
استاد را زحمت می دهی[e]؟» ۳۶ لکن عیسی
سخنی[f] را که گفته شد شنید و به رئیس
کنیسه گفت: «نترس، فقط ایمان بیاور.»
۳۷ و نگذاشت هیچ کس جز پطرس و یعقوب
و یوحنا برادر یعقوب وی را همراهی کند[g].

z- عنوان رئیس کنیسه به کسی اطلاق می شده که مسئول برگزاری مراسم مذهبی در کنیسه بوده است ولی این عنوان در مورد اعضای عالی رتبه جماعت یهودیان نیز بکار می رفته است.

a- در مورد روش گنجانیدن یک روایت در داخل روایت دیگر به آیه ۳:۲۰ توضیح x مراجعه شود. در این دو روایت که مربوط به معجزه ها هستند مرقس درباره ایمان (آیات ۳۴-۳۶) و درباره نجات (آیات ۲۳-۲۸) که به وسیله تماس جسمانی با عیسی به دست آمده (آیات ۲۳، ۲۷-۳۰، ۴۱) تأکید نموده است. از سوی دیگر این دو معجزه محرمانه هستند زیرا موضوع معجزه اولی طبیعتاً محرمانه است و دومی به درخواست عیسی محرمانه می ماند.

b- این اندیشه متضمن قبول نظریه ای است که بر اثر تماس نیروئی عمل می نماید، ر.ک ۳:۱۰؛ ۶:۵۶؛ لو۶:۱۹؛ اع۵:۱۵؛ ۱۹:۱۱-۱۲. بقیه روایت در مورد زن ناشناسی است که لباس عیسی را لمس کرده و اهمیت این تماس یادآوری گردیده که البته با تماس جمعیتی که بر عیسی فشار می‌آوردند تفاوت بسیار دارد (آیات ۳۰-۳۲) زیرا تماس آن زن از ایمان ناشی می شد (آیه ۳۴) و در وجود عیسی قدرت نجات بخش خدا را تشخیص می داد، ر.ک مت۱۵:۱۱ توضیح o.

c- تحت اللفظی: «سرچشمه خونش خشک شد.»

d- ر.ک مت ۹:۲۲ توضیح f.

e- بدین سان تصور می کردند نیروی عیسی در مرزهای مرگ متوقف می گردد. (ر.ک یو۱۱:۲۱،۳۲) و به همین خاطر دعوت می کند ایمان بیاورند (آیه ۳۶؛ ر.ک یو۱۱:۲۶). مرقس این نظریه را اظهار می نماید تا بفهماند قدرت عیسی نیروی رستاخیز است. ر.ک آیه ۴۱ توضیح j.

f- ترجمه دیگر: «این سخن شگفت انگیز».

g- دنباله وقایع محرمانه انجام می شود (آیات ۴۰-۴۳). در این جریان که پیش از موعد قدرت عیسی بر مرگ متجلی می شود شخصیت سه نفر شاهد واقعه (۹:۲؛ ۱۴:۳۳؛ ر.ک ۱۳:۳) اهمیت مکاشفه ای بعدی را تأیید می نماید.

[۳۸]و به خانه رئیس کنیسه آمدند و هیاهو و
مردمی را که می گریند و به صدای بلند
شیون می کردند را مشاهده کرد. [۳۹]و وارد
شده، به آنان گفت: «این هیاهو و گریه ها
برای چیست؟ کودک نمرده بلکه در خواب
است[h].» [۴۰]و او را مسخره کردند. امّا او
همه را بیرون کرده، پدر کودک، مادر و
کسانی را که با وی بودند با خود برداشت
و به جائی که کودک بود، داخل شد. [۴۱]و
دست کودک را گرفته، به او گفت: «طلیتا
قوم[i]» که ترجمهٔ آن این است: «دخترک به
تو می گویم قیام کن[j].» [۴۲]و همان دم
دخترک برخاست و راه رفت زیرا دوازده
سال داشت. و همان دم ایشان را شگفتی
بزرگی فراگرفت. [۴۳]و مصرّانه به آنان
سفارش کرد نگذارند هیچ کس این را
بدانند[k] و گفت به او خوراکی دهند.

عیسی در ناصره
(متی۱۳:۵۴-۵۸؛ لوقا۴:۱۶،۲۲،۲۴)

۶ [۱]و از آنجا بیرون شد و به موطن
خود آمده و شاگردانش به دنبال او
آمدند[l]. [۲]و چون سبت فرا رسید شروع به
آموزش در کنیسه کرد و بسیاری با شنیدن
او[m]، شگفت‌زده می شدند و می گفتند:
«اینها از کجا به او می رسد؟ و کدام
حکمت است که به او داده شده است؟... یو ۷:۱۵
و چنین معجزات بزرگی که از دست های
او بر می آید[n]؟ [۳]مگر او آن نجار، پسر
مریم[o] و برادر[p] یعقوب و یوشا و یهودا و

h- در زبان کتاب مقدس اکثراً مرگ به همراه تصویر «خواب» ذکر شده است (مت۲۷:۵۲؛ ۱-قرن۱۱:۳۰؛ ۱۵:۶؛ ۱-تسا۴:۱۳-۱۵).

i- این عبارت که به زبان آرامی نقل شده نشان می دهد که اصل روایت مربوط به محافلی است که به این زبان سخن می گفتند و در اینکه برای خوانندگان یونانی به همین صورت حفظ شده توجه آنان را به جنبه قاطع سخن عیسی جلب می نماید، ر.ک ۷:۳۴.

j- ترجمه دیگر: «قیام کن». البته کلمه «بیدار شو!» با آنچه قبلاً در آیه ۳۹ گفته شده «خوابیده است» تطبیق می نماید. در زبان آرامی «قوم» به معنی «برخیز» است در صورتی که کلمات یونانی که برای بیان رستاخیز مردگان بکار می رود تصویری از بیدار شدن و قد برافراشتن به یاد می آورد. (egerein: بیدار کردن یا بلند کردن؛ anistanai: برخیزاندن). به این خاطر است که فعل یونانی egerein در ترجمه فعلی چون معادل فعل آرامی «قوم» آمده به «قیام کردن» ترجمه شده و نه «بیدار شدن».

k- نگهداری راز در چنین مواردی دشوار است (ر.ک آیه ۳۸) و این راز به خوبی نشان می دهد که آن را واقعاً نمی توانستند درک کنند مگر پس از رستاخیز عیسی از میان مردگان.

l- در این روایت عیسی با بی ایمانی هموطنان خود روبرو می شود و چنین بنظر می رسد که این قسمت در ورای بابهای ۴ و ۵ که در آن عیسی بخشی از راز پنهان خود را به شاگردانش آشکار می نماید با ۳:۲۰-۳۵ ارتباط دارد.

m- ترجمه دیگر: «شنوندگان زیادی...»

n- ترجمه دیگر: «و چنان معجزه های بزرگی که به دستهای او انجام می شود». کلمه معجزه که از عربی وارد زبان فارسی شده ترجمه نه چندان دقیق کلمه یونانی dynamis به معنی قدرتها است که عیسی در کلام خود بکار برده (مت۷:۲۲؛ ۱۱:۲۱، ۲۳؛ مر۹:۳۹) یا در موارد بیشتر در سخن ناظران (مر۶:۲، ۱۴) یا توسط نویسندگان اناجیل بکار رفته است (مت۱۱:۲۰؛ ۱۳:۵۸؛ مر۶:۵؛ یو۱۹:۳۷). در مورد کلمات نشانه و کرامات ر.ک یو۲:۱۱ توضیح z.

o- در بسیاری از نسخه ها، این قسمت به مانند متی ۱۳:۵۵ چنین است: «پسر آن نجار و مریم» کلمه ای که در یونانی آمده و «نجار» ترجمه شده ممکن است در مورد کارگری بکار برده شود که بر روی چوب، سنگ یا فلز کار می کند بنابراین می توان تصور کرد کسی است که خانه بنا می کند. ضمناً در اینجا صحبتی از پدر نشده و با توجه به آداب و رسوم یهودیان این نکته عجیب می نماید ولی باید توجه نمود در اینجا و نیز در ۳:۳۱-۳۵، ۱۰:۲۹-۳۰ مرقس کلمه پدر را حذف نموده زیرا استدلال وی این است که خدا پدر عیسی است (۸:۳۸، ۱۳:۳۲، ۱۴:۳۶). خدا پدر شاگردان عیسی نیز می باشد (۱۱:۲۳ و به احتمال قوی به این دلیل در ۱۰:۲۹-۳۰ اشاره ای به پدر نشده است).

p- ر.ک مت ۱۲:۴۶ k.

شمعون نیست؟ و مگر خواهران[q] وی
اینجا در بین ما نیستند؟» و در وی دچار
لو ۴:۲۴؛ یو ۴:۴۴ لغزش شدند[r]. ۴و عیسی به آنان گفت که
به نبی بی احترامی نمی شود مگر در موطن
خود و در میان خویشان خود و در خانهٔ
خود[s]. ۵و در آنجا نمی توانست هیچ
معجزه ای انجام دهد[t] غیر از اینکه با دست
نهادن بر چند علیل آنان را شفا داد. ۶و از
بی ایمانی آنان در شگفت بود .

رسالت دوازده تن (متی۹:۳۵؛ ۱۰:۱،۵-۱۴؛ لوقا۹:۱-۶)

و روستاهای اطراف را طی کرده آموزش
می داد. ۷و آن دوازده تن[u] را فراخواند و
شروع به فرستادن آنان دو به دو نمود و به
ایشان قدرت بر ارواح ناپاک داد. ۸و به
ایشان سفارش کرد برای راه هیچ برندارند
مگر فقط عصا[v]، نه نان، نه خورجین و نه
پول خرد در کمربند، ۹بلکه کفش به پا
کنند و «دو ردا نپوشند». ۱۰و به آنان
گفت: «هر جا به خانه ای[w] وارد شوید تا
زمانی که از آنجا حرکت کنید، همان جا
بمانید. ۱۱اگر در جائی شما را پذیرا
نشوند و به شما گوش ندهند، از آنجا
بیرون شده، خاکی را که زیر پاهایتان
است[x] به شهادتی علیه ایشان بتکانید[y].»
۱۲و ایشان بیرون شده ندا دادند که توبه
کنند[z]. ۱۳و بسیاری از شیاطین را راندند مت ۲:۳
و بسیاری از دردمندان را با روغن تدهین
کردند[a] و شفا دادند.

q- اینجا تنها موردی است که از خواهران عیسی یاد شده است. البته به استثنای آیه ۳:۳۲ که در بعضی از مدارک مربوط به این متن ذکر گردیده است.
r- ر.ک مت۵:۲۹ توضیح؛ ۳۱:۲۶ توضیح، زیرا خیال می کردند او را می شناسند در صورتی که بی ایمان می ماندند (آیه ۶) عیسی برای آنان سنگی در جلو راه بود که به آن برخورد می کردند.
s- ر.ک مت ۱۳:۵۷ x.
t- عدم امکان معجزه در این مورد مربوط به نبودن ایمان می باشد، آیه ۶. این ایمان ارتباطی روان شناختی نیست که گویا شفای فرد بیمار مشروط به اطمینان وی به مسیح باشد. چنان چه شخص بیمار ایمان نداشته باشد معجزه معنائی ندارد و نمی توان از معجزه سخن گفت بلکه جادوگری است. در مورد وجود ایمان در روایتهای مربوط به معجزه ها ر.ک ۲:۵ d . بالاخره لازم به یادآوری است که قدرت ایمان به شفای بیماران محدود نمی شود (۱۱:۲۲-۲۴) ر.ک مت ۱۳:۵۸ y.
u- در قسمت اول انجیل مرقس در جاهای مختلف روایت هایی درباره دوازده رسول وجود دارد، ر.ک ۱:۱۶-۲۰؛ ۳:۱۳-۱۹. آیات ۷-۱۳ درباره مأموریت ایشان و آیه ۳۰ دربارهٔ مراجعت و گزارش آنان در خصوص فعالیتهای بشارتی باعث سلسله وقایعی خواهد شد که در آن مرقس نشان خواهد داد رسولان در تشخیص و دریافتن راز عیسی بی بصیرت هستند (۶:۳۰ تا ۸:۲۱).
v- عصا و چارق (آیه ۹) در مت ۱۰:۱۰؛ لو ۹:۳، ۱۰:۴ وجود ندارد. سخنان عیسی با اوضاع و شرایط جدید زندگی مبشرین در خارج از فلسطین تطبیق داده شده است زیرا امکان داشت در مناطق مذکور عصا و چارق ضروری باشد بدون اینکه وضعیت فقر طبق تعلیم عیسی نقض شود.
w- منظور پذیرایی است که از مبشرین به عمل می آوردند (ر.ک ۷:۲۴).
x- ر.ک مت ۱۰:۴ b.
y- ر.ک ۱:۴۴ x.
z- منظور توبه ای است که با آمدن فرمانروائی خدا ضروری است، ر.ک ۱:۱۵.
a- تدهین که با روغن انجام می شود، در اینجا بعنوان دارویی پزشکی نیست. (ر.ک لو ۱۰:۳۴) بلکه عملی با نیروی معجزه آسا است چنان که لمس کردن یا دست گذاشتن بر روی کسی نیز چنین است.

هیرودیس و عیسی
(متی ۱۴:۱-۲؛ لوقا ۹:۷-۹)

[۱۴] و هیرودیس[b] پادشاه آن را شنید،
زیرا نام وی مشهور شده بود[c] و برخی
می گفتند: «یحیی تعمیدگر است که از
میان مردگان قیام کرده و برای همین
است که از او معجزات به عمل می
آید[d]؛» [۱۵] و دیگران می گفتند: «این
الیاس[e] است.» و دیگران می گفتند:
«این نبی ای بمانند دیگر انبیاء[f] است.»
[۱۶] امّا هیرودیس آن را شنیده گفت: «آن
که سرش را بریدم، یحیی، او قیام کرده
است!»

مرگ یحیی تعمید دهنده
(متی ۱۴:۳-۱۲؛ لوقا ۳:۱۹-۲۰)

[۱۷] زیرا هیرودیس خود فرستاده بود
یحیی[g] را دستگیر کنند و به خاطر هیرودیا،
زن برادرش فیلیپس[h] که به همسری گرفته
بود او را در زندان به بند کشیده بود.
[۱۸] زیرا یحیی به هیرودیس گفته بود: «برای
تو مجاز نیست که زن برادرت را داشته لاو ۱۸:۱۶
باشی[i].» [۱۹] هیرودیا علیه او بود و
می خواست او را به کشتن دهد ولی
نمی توانست. [۲۰] زیرا هیرودیس از یحیی
می ترسید و او را مردی درستکار و مقدّس
می دانست و از او حمایت می کرد. و از
شنیدن او بسیار متحیر شد[j] و با طیب خاطر

b- ر.ک لو ۱:۳ x. منظور هیرودیس آنتیپاس است که مرقس او را پادشاه می‌خواند در صورتی که عنوان رسمی او «تیترارک» بوده که در روم باستان، حکمران یک چهارم استان بوده است.

c- در مورد گنجانیدن روایتهای مربوط به هیرودیس (آیات ۱۴-۲۹) در روایت مأموریت دوازده تن ر.ک ۳:۲۰ x. مرقس که نظریات مختلف درباره عیسی را برمی شمارد (آیات ۱۴-۱۶) موضوع مطالب مربوط به ۸:۲۷-۳۰ را آماده می کند و می خواهد جنبه منحصر به فرد شخصیت عیسی و رسالت او را نشان دهد همان گونه که در ۶:۳۱-۸:۳۰ آشکار خواهد شد. ترجمهٔ دیگر: «و می گفت».

d- تحت اللفظی: «بدین سبب قدرتها در او عمل می کنند».

e- ر.ک ۹:۱۱ i؛ مت ۷:۱۳ v.

f- یهودیان تصور می کردند از مدتها پیش دیگر «پیامبری» وجود نداشته است و از اقتدار عیسی (ر.ک ۱:۲۱-۲۸؛ ر.ک مز۷۴:۹) چنین استنباط می کردند که پیامبری همانند پیامبران قدیم یا شاید پیامبران زمان آخر یعنی موسای نوین ظهور کرده است (ر.ک تث ۱۸:۱۵-۱۸؛یو ۶:۱۴؛ اع ۳:۲۲-۲۳). درک لو ۹:۸ این است که یکی از پیامبران کهن دوباره زنده شده است).

g- این روایت (آیات ۱۷-۲۹) در اینجا خیلی مفصل تر از روایت انجیل متی است و می توان آن را با گزارش مورخ یهودی فلاویوس ژوزف مقایسه کرد. بنا به گفته مورخ مذکور هیرودیس آنتیپاس، یحیی را که به خاطر مسائل سیاسی در قلعه ماکرونت زندانی بود از بین برد. ضمناً هیرودیس که دختر سلطان نباطیه را طلاق داده و هیرودیا را به زنی اختیار کرده بود در جنگی که بدین سبب با سلطان نباطیه کرد شکست خورد و مردم این شکست را به سبب قتل یحیی و به عنوان کیفر الهی تعبیر می کردند. روایت مرقس بدون اینکه مستقیماً گزارش فلاویوس ژوزف را انکار کند از نظر شرح جزئیات مبهم است (همین آیه یادداشت h) ولی به موضوع مذهبی بیشتر توجه می کند. ضمناً این مورد تنها قسمتی از انجیل مرقس است که مربوط به عیسی نیست ولی با هدف و منظور کتاب مباینتی ندارد بدین معنی که با آمدن یحیی موضوع بازگشت الیاس به عنوان پیشگام مسیح موعود به تحقق پیوسته و سرنوشت و پیشاپیش اعلام سرنوشت عیسی است، ر.ک ۹:۱۱-۱۳.

h- بنا به گفته فلاویوس ژوزف، هیرودیا در ابتدا زوجه برادر ناتنی هیرودیس آنتیپاس بوده که او هم هیرودیس نام داشته و در رم می زیسته است، برادر ناتنی دیگر او به نام فیلیپس تیترارک ایطوریه و تراخونیتس بوده، ر.ک لو ۱:۳؛ مت ۱۴:۳ f. این شخص سالومه دختر هیرودیا را به زنی گرفته بود. ضمناً هیرودیا نواده هیرودیس کبیر و برادر زاده هیرودیس آنتیپاس بوده است.

i- ر.ک مت ۱۴:۴ c.

j- در بعضی نسخ آمده: «کارهای زیادی می کرد» که شاید اصطلاحی در زبانهای سامی است و به معنی: «غالباً از او شنوایی داشت» می باشد یا ترجمه دیگری که کمتر متحمل است: «از او سؤالهای زیادی می کرد».

او را می‌شنید. ۲۱ فرصتی فرا رسید، وقتی
هیرودیس در روز تولّد خود ضیافتی برای
بزرگان دربارش، افسران و معتمدان جلیل
می‌داد. ۲۲ و دختر همان هیرودیا[k] وارد
شده، رقصید و هیرودیس و مهمانانش را
خوش آمد و پادشاه به دخترک گفت: «هر
چه می‌خواهی از من درخواست کن و من به
تو خواهم داد.» ۲۳ و برای او قسم خورد: استر ۵:۳-۶، ۷:۲
«هر آنچه بخواهی، آن را به تو خواهم داد
حتی اگر نصف مملکت من باشد.» ۲۴ او
بیرون شده، به مادرش گفت: «چه
درخواست کنم؟» او گفت: «سر یحیی
تعمیدگر را.» ۲۵ و همان دم شتابان نزد
پادشاه وارد شده، درخواست کرد و گفت:
«می‌خواهم که هم اینک بر روی یک سینی
سر یحیی تعمیددهنده را به من بدهی.»
۲۶ و پادشاه بسیار غمگین شد امّا به خاطر
سوگندهایش و میهمانان، نخواست او را
رد کند. ۲۷ و همان دم پادشاه دژخیمی
فرستاده، دستور داد تا سر او را بیاورد. و
او رفته، سر او را در زندان برید. ۲۸ سپس
سرش را بر یک سینی آورده به دخترک داد
و دخترک آن را به مادرش داد. ۲۹ و
شاگردانش آن را شنیده آمدند و جسدش را
برداشتند و در قبری نهادند.

بازگشت رسولان. عیسی پنج هزار مرد را در بیابان خوراك می‌دهد (متی۱۴:۱۳-۲۱؛ لوقا۹:۱۰-۱۷؛ یوحنا۶:۱-۱۵)

۳۰ و رسولان[l] نزد عیسی[m] گرد آمدند و
از همهٔ آنچه کرده و همهٔ آنچه را آموزش
داده بودند[n] به وی نوید دادند. ۳۱ و وی
به ایشان گفت: «شما خود به صحرا بیائید
و اندکی بیاسائید.» زیرا افراد بیشماری
۳:۲۰ می‌آمدند و می‌رفتند وآنان حتّی وقت
غذا خوردن نداشتند. ۳۲ و با قایق،
جداگانه به صحرا رفتند. ۳۳ و دیدند که
آنان می‌روند و بسیاری ایشان را باز
شناختند و پیاده[o] از همهٔ شهرها به آنجا
شتافتند و پیش روی ایشان رسیدند. ۳۴ و
هنگام پیاده شدن [از قایق] جمعیت

k- ترجمه دیگر: «دخترش هیرودیا».

l- دوازده تن به نام رسول خوانده می‌شوند (در انجیل مرقس فقط در اینجا و در بعضی نسخه ها در آیه ۳:۱۴). این افراد به عنوان فرستادگان عیسی نام برده شده‌اند و نتیجه رسالت خود را به او گزارش می‌کنند، ر.ک ۶:۷-۱۳؛ مت ۱۰:q۲؛ لو ۶:c۱۳.

m- در این متن از انجیل مرقس (۶:۳۰-۸:۲۶) دو روایت ذکر شده که موضوع آنها غذا دادن عیسی به انبوه جمعیت می‌باشد (۶:۳۰-۴۴، ۸:۱-۹). در این دو روایت، وقایعی که پس از هر یک رخ می‌دهد مشابه هستند: عبور از دریاچه (۶:۴۵-۵۶؛ ۸:۱۰)، مجادله با فریسیان (۷:۱-۲۳؛ ۸:۱۱-۱۳)، بحث درباره نان (۷:۲۴-۳۰؛ ۸:۱۴-۲۱) و شفای بیمار (۷:۳۱-۳۷؛ ۸:۲۲-۲۶). منبع این دو روایت هر چه باشد (چه مرقس و چه روایتی مقدم بر او، این مورد را با سلسله وقایعی که در باب ۶ انجیل یوحنا آمده مقایسه کنید: زیاد شدن نانها، عبور از دریاچه و راه رفتن روی آب، بحث درباره نان، بیان ایمان پطرس) از نظر الهیات مرقس می‌توان گفت به موضوع افشای راز مسیح به شاگردان توجه داشته و بیش از پیش درباره عدم بصیرت آنان تأکید کرده است. ضمناً به روابط با فریسیان و غیریهودیان توجه داشته است.

n- ارتباط قسمت بعدی مطالب (ر.ک توضیح قبلی) با تمرین آموزشی که رسولان برای رسالت آینده خود انجام داده‌اند نشان می‌دهد که عیسی به آنان خواهد گفت واقعاً چه وظیفه‌ای دارند و راز نهفته اقدامات و شخصیت خود را به آنان ابراز می‌نماید. به هرحال مرقس تأکید می‌کند که همبستگی رسولان با عیسی نسبت به سایر مردمان بیشتر است (آیات ۳۱-۳۳)، فعالانه در آموزش او همکاری می‌کنند (آیات ۳۰ و ۳۴) در غذا دادن به مردم شراکت دارند (آیات ۳۵-۴۴). در پرستش کلیسا نیز ابتدا آئین کلام خدا و سپس تقسیم نان اجرا می‌شود.

o- ر.ک مت ۱۴:h۱۳.

کثیری را دید و بر آنان ترحم نمود زیرا
چون گوسفندان بی شبان[p] بودند، و شروع
به آموزش بسیاری چیزها به آنان نمود[q].
۳۵ و چون ساعت دیر وقت بود،
شاگردانش نزد وی آمده، گفتند: «اینجا
صحرا است و ساعت دیر وقت[r]؛ ۳۶ آنان
را روانه کن که به مزارع اطراف و به
روستاها رفته چیزی برای خوردن بخرند.»
۳۷ در پاسخ به ایشان گفت: «خودتان چیزی
برای خوردن به آنان بدهید[s].» و به او
گفتند: «آیا باید برویم دویست دینار[t] نان
بخریم و برای خوردن به آنان بدهیم؟»
۳۸ به ایشان گفت: «چند نان دارید؟
بروید ببینید.» و چون مطمئن شدند
گفتند: «پنج [نان] و دو ماهی.» ۳۹ و به
ایشان دستور داد همه را سفره به سفره بر
سبزه زار[v] بنشانند[u]، ۴۰ و آنان در
دسته های صد [نفری] و پنجاه [نفری][w]
نشستند. ۴۱ و او پنج نان و دو ماهی را
گرفته، به سوی آسمان نگریسته [دعای]
برکت خواند[x] و نان ها را پاره کرد و به
شاگردان خود داد تا پیش ایشان بگذارند

p- «ترحمی» که به عیسی دست داده (ر.ک ۸:۲) به سبب بی سرپرست بودن مردم است و تشبیه آنان به گله بی شبان که تصویری از کتاب مقدس است نشانه شرم‌آور بی توجهی مسئولان می باشد (ر.ک مت ۹:۳۶ n) این موضوع یادآوری می کند که عیسی همچون مسیح موعود در نقش شبان عمل می نماید (حزق ۳۴:۲۳، ۳۷:۲۴) یا به مانند موسی (اعد ۲۷:۱۵-۱۷؛ مز ۷۷:۲۱) یا داود (مز ۷۸:۷۰-۷۲) یا خدا که در صحرا شبان قوم خود بود (مز۷۸:۵۲-۵۳؛ ۲۳:۱؛ ۷۴:۱؛ ۸۰:۱؛ حزق۳۴:۱۵).

q- تنها مرقس تا به این اندازه آموزش عیسی را به عنوان ترحم و شبانی او نشان داده است (ر.ک مت ۱۴:۱۴ j).

r- در آیات ۳۵-۴۴ موضوعاتی که با مطالب ۸:۱-۹ مشترک است فراوان می باشد (ر.ک ۸:۱n). وجود شش روایت مشابه در اناجیل (دو روایت در متی، دو روایت در مرقس، یکی در لوقا و یکی در یوحنا) نشان می دهد که در نظر کلیسای اولیه این مطالب جالب توجه بوده و به طوری که از مقایسه آیه ۴۱ با ۱۴:۲۲ برمی‌آید این علاقه و توجه مخصوصاً در آئین سپاسگزاری ابراز می شده است (در مورد روایتی که منبع آن برگزاری نیایش می باشد ر.ک ۸:۶ r) از سوی دیگر تمثیل های آشکار، شاهد بر این است که در هنگام بازگویی این روایت معجزه ای از الیشع را به یاد می‌آورده اند (۲- پاد ۴:۴۲-۴۴). همچنین مائده ای را که خدا برای قوم خود در صحرا فراهم ساخته بود (خروج۱۶؛ تث۸:۳، ۱۶؛ مز۷۸:۲۴-۲۵؛ ۱۰۵:۴۰؛ حک۱۶:۲۰-۲۶؛ ۱- قرن۱۰:۳). بدینسان نشان می دادند که متن مذکور در عیسی تحقق پذیرفته است در صورتی که یهودیان آن عصر این نوشته ها را به عنوان اعلام کارهای بزرگ خدا و مسیح موعود در زمان آخر می خواندند. در ارتباط با تفسیر ضیافت مسیحائی ر.ک اش۲۵:۶-۸؛ ۵۵:۱-۲؛ ۶۵:۱۳-۱۴؛ حنوخ۶۲:۱۴؛ مت۸:۱۱؛ ۲۲:۱-۴.

s- مرقس مخصوصاً ذکر می کند که چگونه عیسی شاگردانش را وادار به فعالیت کرده (آیات ۳۸، ۳۹، ۴۱) و آنان را برای همکاری در انجام رسالتش آماده می نماید، ر.ک ۳:۱۴-۱۵؛ ۶:۷، ۱۲-۱۳، ۳۰.

t- بنا بر آنچه متی در ۲۰:۲ آورده است دینار برابر مزد یک کارگر کشاورزی در یک روز می باشد. در میشنا ذکر شده که جیره روزانه نان یک نفر یک دوازدهم دینار ارزش داشته است.» [میشنا عبارت از مجموعه قوانینی است که بزرگان قوم یهود پس از بازگشت از تبعید بابل به تدریج تهیه و تدوین نمودند و شامل قوانین کشاورزی، جشن ها، زنان و ازدواج، قوانین مدنی و جزایی، قوانین مذهبی و مقررات پاکی و طهارت است. تدوین این قوانین در قرن یکم پیش از میلاد آغاز شد و در قرن سوم میلادی پایان یافته و به صورت قطعی درآمد.]

u- فعلی که در اینجا «نشاندن» ترجمه شده در اصل «دراز کشیدن» است.

v- به احتمال قوی ذکر این نکتهٔ دقیق در ارتباط با طبیعت (ر.ک یو۶:۱۰، ۱۲ توضیح h) نشان می دهد که مرقس می خواهد عیسی را نظیر شبانی که در مز ۲۳ ذکر شده قوم خود را به محلی سرسبز و کنار آبهای آرامش و آسایش هدایت می کند (آیه ۱؛ ر.ک مت ۶:۳۱) و در آنجا سفره ای برایش می گسترد (آیه ۵).

w- فعل «نشستند» به صورت تحت اللفظی «دراز کشیدند» است. ترتیباتی را که برای مردم داده شده بود با این اطلاعات نمی توان به خوبی مجسم نمود. ضمناً این ترتیبات که کاملاً برعکس وضعیت مردم در آیه ۳۴ می باشد تشکیلات قوم اسرائیل را در صحرای سینا به یاد می‌آورد (خروج ۱۸:۲۱، ۲۵؛ اعد ۳۱:۱۴؛ تث ۱:۱۵)، تشکیلاتی که به عنوان کمال مطلوب قوم خدا به شمار آمده است (۱-مک ۳:۵۵ و در نوشته های فرقه قمران؛ مقررات جامعه مذهبی ۲:۲۰-۲۱؛ مقررات انجمن پیران کلیسا ۱:۲۹-۲:۱ نوشته دمشق الف ۱۳:۱؛ کتاب جنگ ۴:۱-۵، ۱۶-۱۷؛ ر.ک خنوخ ۶۹:۳ درباره ترتیبات فرشتگان).

x- منظور دعای سپاسگزاری است که در آن دوران جزو آداب مذهبی یهودیان در حین تکه کردن نان در سر سفره انجام می شده

و همین طور دو ماهی را بین همه قسمت
کرد. [۴۲]و همه خوردند و سیر شدند، [۴۳]و
پاره ها را به اندازه دوازده سبد پر
برداشتند[y]، هم‌چنین ماهی ها را. [۴۴]و
کسانی که نانها را خورده بودند پنج هزار
مرد[z] می بودند.

راه رفتن عیسی بر دریا
(متی۱۴:۲۲-۳۳؛ یوحنا۶:۱۶-۲۱)

[۴۵]و همان دم شاگردان خود را وادار
ساخت تا سوار قایق شده پیشاپیش وی به
سوی دیگر به طرف بیت‌صیدا[a] بروند در
حالی که وی جمعیت را مرخص می کرد.
[۴۶]و چون از آنان جدا شد، برای نیایش[b]
به کوهستان رفت. [۴۷]و با فرارسیدن
شامگاه، قایق در میان دریا بود و او تنها ۱:۳۵؛ ۳:۱۳، ۹:۲
بر خشکی. [۴۸]و چون دید که ایشان با
عذاب پارو می زدند (زیرا باد در جهت
مخالف ایشان بود.) نزدیک پاس چهارم
شب[c]، بر روی دریا راه رفته[d] ، به سوی
ایشان آمد و خواست از ایشان بگذرد[e].
[۴۹]اما ایشان با دیدن وی که بر دریا راه
می رفت پنداشتند که شبحی است و
فریادها کشیدند؛ [۵۰]زیرا همه او را دیده،
هراسان شده بودند، امّا وی همان دم با لو ۲۴:۳۷
ایشان حرف زد، به ایشان گفت:
«شجاعت داشته باشید، من هستم[f]
نترسید.» [۵۱]و نزد ایشان به قایق سوار
شد و باد فرو نشست و ایشان در درون ۴:۳۹
خود در شگفتی کامل می بودند؛ [۵۲]زیرا از

است. چنانک در اداب مذهبی مسیحیان نیز معمول است ولی مفهوم جدیدی گرفته است. دعای برکت فرصتی به دست می دهد تا نعمت‌هایی را که خدا به قوم خود عطا فرموده یادآوری نمایند و در ضمن مفهوم تقسیم کردن نان بیان شود.

y- سبدهای محکمی که با ترکه های بید بافته شده و یهودیان در آنها آذوقه حمل می کردند. دوازده سبد اشاره به تعداد قوم برگزیده (دوازده قبیله در عهد عتیق و دوازده رسول در عهد جدید) است (آیه ۳۰؛ ر.ک ۶:۸، ۸ توضیح r و s) که نقش فعال آنان در این روایت ذکر شده است. موضوع تکه های باقیمانده نشان دهنده وفور نعمت (خروج۱۶:۱۷-۱۸؛ اعد۱۱:۳۱-۳۲؛ ۲-پاد۴:۴۳-۴۴) بوده و جمع‌آوری آنها اشاره به آن است که برای شرکت کنندگان دیگر نیز به وسیله رسولان غذا فراهم خواهد بود.

z- این رقم با ترتیباتی که در آیه ۴۰ توصیف شده بود تطبیق می نماید و هم‌چنین به گونه ای یادآور اتحاد قوم اسرائیل می باشد.

a- در بعضی از نسخه های خطی، عبارت «به سوی دیگر» تصریح نشده و بعضی از مفسرین معتقدند این نکتهٔ جزیی از مت ۲۲:۱۴ اخذ گردیده است. اصولاً در این قسمت محل جغرافیایی وقوع رویدادها مبهم است و نمی توان مشخص نمود محل وقوع واقعه ای که قبلاً مرقس روایت کرده کجا است (ر.ک ۷:۳۱، ۸:۱ n) بیت‌صیدا در ساحل شرقی رود اردن، قبل از اینکه به دریاچه طبریه بریزد قرار دارد.

b- ر.ک یو ۶:۱۵.

c- «نزدیک پاس چهارم شب» یعنی بین ساعت ۳ الی ۶ بعد از نیمه شب (ر.ک ۱۳:۳۵).

d- «قدم گذاشتن بر بلندیهای دریا» (ایوب ۹:۸؛ ر.ک مز ۷۷:۲۰؛ بنسی ۲۴:۵)، هم‌چنین تسلط بر دریا (مز ۶۵:۸؛ ۷۷:۱۷، ۸۹:۱۰، ۱۰۷:۲۹) مختص خدا است، ر.ک ۴:۴۱ k.

e- فعل «گذشتن» در اینجا گذشتن جلال خدا را از مقابل موسی و الیاس به یاد می‌آورد (خروج ۳۳:۱۹،۲۲؛ ۳۴:۶ یونانی؛ ۱-پاد ۱۹:۱۱ یونانی) ولی ر.ک لو ۲۴:۲۸.

f- «من هستم» کلام وحی الهی است (خروج ۳:۱۴؛ تث ۳۲:۳۹؛ اش ۴۱:۴، ۴۳:۱۰، ۱۳) و در یو ۸:۲۴، ۲۸، ۵۸. عیسی آن را در مورد خود بکار می برد. مرقس بدون اینکه به این صراحت گفته باشد این روایت را به عنوان تجلی راز وجود عیسی، پسر خدا درک می نماید، بدین سبب در روایت الهام های مافوق طبیعی توصیه های: «نترسید»، «شجاعت داشته باشید» آمده است (که فقط در انجیل مرقس و در اینجا است، ر.ک یو ۱۶:۳۳). این توصیه ها اثر حضور عیسی را در میان مخاطرات بیان می کنند و در اینجا مخاطرات به صورت دریا نشان داده شده است.

موضوع نانها[g] هیچ نفهمیده بودند، چون
قلبشان سخت می بود[h]!

شفاها در جنیسارت
(متی۱۴:۳۴-۳۶)

[۵۳]پس از عبور از [دریا] در جنیسارت[i]
به خشکی رسیدند و پهلو گرفتند. [۵۴]و
همین که از قایق بیرون شدند، همان دم
[مردم] وی را باز شناخته [۵۵]همهٔ ناحیه را
در نوردیدند و کسانی را که مریض بودند
بر روی بسترهایشان به جائی که شنیده
بودند در آنجا است می آوردند[j]. [۵۶]و به
هر جائی که او وارد می شد، چه در
روستاها و چه در شهرها یا در مزرعه ها،
بیماران را در میدانهای عمومی
می گذاشتند و از وی التماس می کردند
حتی فقط حاشیه ردای[k] وی را لمس کنند
و همه کسانی که آن را لمس می کردند
نجات می یافتند[l].

مباحثه با فریسیان
(متی۱۵:۱-۲۰)

۷ [۱]و فریسیان و برخی از کاتبان از
اورشلیم آمده نزد او جمع شدند[m]،
[۲]و چون دیدند که برخی ازشاگردانش نان[n]
خود را با دستهای نجس یعنی ناشسته[o] لو ۱۱:۳۸
می خورند... [۳]درواقع فریسیان و همه
یهودیان که به سنت مشایخ وابسته اند
بدون آنکه دستها را با دقت[p] شسته باشند
غذا نمی خورند، [۴]و [در بازگشت] از
بازار، تا شستشو نکرده باشند[q]، غذا
نمی خورند و چه بسا چیزهای دیگر هست

g- مرقس دو روایت قبلی را کاملاً به یکدیگر مربوط ساخته و آنها را نشانه هایی می داند که حاوی الهام الهی هستند ولی شاگردان هنوز آن را درک نمی کنند (۸:۱۷-۲۱). در وجود عیسی قدرت خدا تجلی می کند که قوم خود را در صحرا سیر کرده و بر دریا تسلط دارد.

h- این ملامت خطاب به فریسیان خطاب است (۳:۵؛ ر.ک ۴:۱۳ توضیح s؛ ۸:۱۷). دلی که به سبب تمایل ناپسند درونی سخت شده برای درک اعمال و ارادهٔ خدا مسدود می گردد، ر.ک روم ۱۱:۲۵؛ اش ۶:۹-۱۰.

i- جنیسارت جلگه ای حاصلخیز در جنوب غربی کفرناحوم می باشد. به دشواری می توان محل دقیق آن را با بیت‌صیدا که در آیه ۴۵ آمده تطبیق دارد. امکان دارد مرقس این مطالب را از منابع مختلفی گرفته باشد.

j- منظره عمومی شفا دادن بیماران توسط عیسی و شور و هیجان مردم را در دو مورد ۱:۳۲-۳۴ و ۳:۷-۱۲ مقایسه کنید.

k- ر.ک ۵:۲۸ توضیح b. ذکر «حاشیه ردای او» که نکته ای جزیی است نشان می دهد عیسی قوانین یهود را رعایت می کرده است، ر.ک اعد۱۵:۳۸-۳۹؛ تث۲۲:۱۲.

l- ر.ک ۵:۳۴.

m- بحث طولانی با فریسیان درباره سنتها و پاکی و ناپاکی (آیات ۱-۲۳) بر خلاف موفقیتی است که عیسی در برابر مردم داشته است (ر.ک همین اختلاف در ۲:۱-۳،۶؛ ۳:۲۰-۳۵؛ ۶:۱-۶) و بی دلیل نیست که این بحثها قبل از عزیمت عیسی از جلیل به سوی سرزمین غیریهودیان (ناپاک) انجام شده است، آیه ۲۴. ضمناً درک اراده الهی (آیات ۶-۱۳) و تشخیص پاکی (آیات ۱۴-۲۳) که ورای سنتهای یهود می باشد موجب گردید اتحاد یهودیان و غیریهودیان در کلیسا ممکن گردد (ر.ک غلا۲:۶-۱۴).

n- در آن زمان گوشت غذای چوپانان و چادرنشینان بود (بنابراین بره اهمیت خاصی داشت) اما برای کشاورزان نان غذای اصلی محسوب می شد که با گذاشتن چیزی در نان (لقمه) آن را به عنوان غذای می خوردند. بنابراین نان در انجیل مرقس و اناجیل دیگر مخصوصاً در ارتباط با شام اهمیت بسزائی دارد (۳:۲۰؛ ۵:۲۷؛ ۶:۳۷-۳۸، ۴۱، ۴۴، ۵۹؛ ۷:۹؛ ۸:۴، ۵، ۶، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹؛ ۱۴:۲۲).

o- در اینجا جنبه بهداشتی مطرح نیست بلکه رعایت یکی از قوانین شرعی یهود است.

p- ترجمه این کلمه دشوار است. ترجمه های دیگر بدین صورت می باشد: «تا به آرنج»، «تا مچ»

q- برابر بعضی نسخه ها به زبان یونانی: «بدون اینکه غسل کرده باشند» یا «بدون شستشوی خود».

مت ۲۳:۲۵؛ لو ۱۱:۳۹

که بنا به سنّت آنها را نگاه می دارند: آب
کشیدن[r] پیاله ها، تنگها و سینی های
مفرغین[s]... ۵ پس فریسیان و کاتبان از او
پرسیدند: «چرا شاگردان تو برابر سنّت
مشایخ[t] رفتار نمی کنند، بلکه نان خود را با
دستهای نجس می خورند؟» ۶ به ایشان
گفت: «اشعیاء درباره شما ای ریاکاران چه
خوب نبوت کرده است! چنان که نوشته
شده است[u]:

این قوم با لبها به من احترام می گذارد
امّا قلبشان بسی از من دور است.
۷ بیهوده مرا عبادت می کنند
زیرا به جای آموزش، آموزشی می دهند
که دستورات آدمیان است!

۸ فرمان خدا را کنار گذاشته به سنت
آدمیان پای بند هستید.» ۹ و به آنان گفت:
«فرمان خدا را به خوبی رد می کنید تا
سنت خود را نگاه دارید.» ۱۰ در واقع
موسی گفته است: پدر و مادرت را احترام
کن[v] و هر که پدر و مادر خود را لعنت کند
البته بمیرد[w]! ۱۱ امّا شما می گویید: هر
کس به پدر یا مادرش بگوید هر بهره ای که
تو می توانستی از من ببری «قربانی»[x]
باشد یعنی پیشکش [مقدس]... ۱۲ و دیگر
نمی گذارید کاری برای پدر یا مادرش
انجام دهد. ۱۳ سخن خدا را به وسیله سنت
خود که آن را به همدیگر منتقل کرده اید[y]
نفی می کنید و چه بسیار چیزهای مشابه
دیگری می کنید!» ۱۴ و باز با فراخواندن
جمعیت به آنان گفت: «همه به من گوش
دهید و بفهمید! ۱۵ هیچ چیز در خارج از
انسان نیست که در او داخل شده بتواند او
را نجس سازد امّا آنچه از انسان بیرون
می آید همان است که انسان را نجس
می کند. ۱۶ اگر کسی برای شنیدن گوش
دارد، بشنود[z]!» ۱۷ و چون به دور از
جمعیت به خانه وارد شد، شاگردانش از
وی دربارهٔ مثل[a] پرسیدند. ۱۸ و به ایشان
گفت: «آیا شما هم این قدر بی ادراک
هستید؟ آیا نمی فهمید که هیچ چیزی که از
خارج در انسان وارد شود نمی تواند او را
نجس سازد؟ ۱۹ زیرا این وارد قلبش

r- در زبان یونانی: «حمامها»، «تعمیدها» ر.ک ۴:۱ h.
s- تحت اللفظی: «وسایل مفرغی».
t- شامل دستورات و امور واجب بر طبق تورات موسی بود.
u- اش ۱۳:۲۹ ترجمه یونانی (هفتاد تنان).
v- خروج ۱۲:۲۰؛ تث ۱۶:۵؛ ر.ک مر ۱۹:۱۰؛ افس ۲:۶.
w- «لعنت کردن» ترجمه دیگر «ناسزا گفتن» خروج ۷:۲۱؛ ر.ک لاو ۹:۲۰.
x- کلمه «قربان» به زبان آرامی به معنی «تقدیمی» مخصوصاً به خدا است، ر.ک مت ۶:۱۵. اشخاص می توانستند از وظیفه و کمک به پدر و مادر خود معاف شوند هرگاه نذر می کردند آنچه برای کمک به آنان واجب بود به خزانه معبد تقدیم نمایند.
y- فریسیان و کاتبان به مانند حلقه های زنجیر سنتهایی هستند که آنها را دریافت کرده و به نوبه خود منتقل می سازند و مدعی هستند که از موسی سرچشمه گرفته اند.
z- در بعضی از نسخه های خطی: «اگر کسی گوش شنوا دارد بشنود».
a- واژه عبری mashal که در زبان یونانی به مفهوم «تمثیل» است ولی در عهد عتیق عبری این کلمه را می توان نکته مرموز و معما ترجمه نمود (ر.ک ۱۱:۴ q، لو ۲۳:۴). مرقس در این کلمه معنایی نهفته می بیند (آیه ۱۴ ر.ک ۹:۴) که فقط به شاگردان عیسی مکشوف می شود (ر.ک ۱۰:۴-۱۲) و مربوط به رسالتی است که عیسی به خاطر آن فرستاده شده است (۲۳:۳-۲۷، ۱۱:۴) بدین معنی که فسخ ممنوعیت های غذایی را می توان با آمدن ملکوت خدا و پیروزی بر شیطان توجیه نمود (آیه ۱۹).

نمی شود بلکه به شکمش می رود تا به
مزبله افکنده شود.» بدینسان تمام غذاها
را پاک[b] [اعلام] کرد. [۲۰]و گفت: «آنچه
از انسان بیرون می آید همان است که
انسان را نجس می کند. [۲۱]زیرا از درون،
از قلب انسانها است که افکار بد بیرون
می آید: بی عفتی ها، دزدی ها، قتل ها،
[۲۲]زناها، حرص ها، شرارت ها، مکرها،
هرزگی، چشم بد، کفرگوئی، غرور و
حماقت. [۲۳]همهٔ این چیزهای بد از درون
بیرون می آید و انسان را نجس می کند.»

ایمان زن سوری فنیقی
(متی۱۵:۲۱-۲۸)

[۲۴]از آنجا روانه شده، به سرزمین صور[c]
و صیدون رفت و به خانه ای وارد شده،
می خواست تا کسی نداند و نتوانست پنهان
بماند. [۲۵]امّا زنی که دخترکی با روح
ناپاک داشت همان دم که دربارهٔ او شنید
آمده، به پاهای او افتاد. [۲۶]این زن
یونانی[d]، سوری فنیقی زاده بود و از او
تقاضا کرد تا دیو را از دخترش بیرون
براند. [۲۷]و [عیسی] به او گفت: «بگذار
اوّل[e] فرزندان سیر شوند زیرا خوب نیست
نان فرزندان را گرفته، پیش توله سگان
اندازند.» [۲۸]و [زن] پاسخ داد و به او
گفت: «آری[f] خداوندا، ولی حتّی
توله سگان[g]، زیر میز از خرده نان کودکان
می خورند.» [۲۹]و [عیسی] به او گفت: «به
خاطر این سخن برو، دیو از دخترت بیرون
شده است.» [۳۰]و او به خانه خود رفته،
کودک را در بستر آرمیده و دیو را بیرون
شده یافت.

شفای کر و لال

[۳۱]و باز از سرزمین صور بیرون شده از
صیدون[h] به سوی دریای جلیل در میان
سرزمین دیکاپولیس آمد. [۳۲]و به نزد او کر

b- تحت اللفظی: «با پاک ساختن غذاها» احتمالاً این نظریه را مرقس از گفتار عیسی درک نموده است. با فسخ ممنوعیتهای غذایی هر مانعی از میان برداشته می شد و مسیحیانی که قبلاً یهودی یا غیریهودی بودند می توانستند بر سر یک سفره غذا بخورند (ر.ک اع ۱۸:۱۰-۱۱؛ غلا ۲:۱۲) قسمتی از انجیل که درباره نان است به موضوع پذیرش غیریهودیان بر سر سفره مسیح ارتباط دارد (۷:۲۷-۲۸؛ ۸:۱ n).

c- این منطقه در حاشیه شمالی جلیل قرار داشته و در آن مردمان مختلفی می زیستند که بیشترشان غیریهودی بودند. مرقس انگیزه این مسافرت را ذکر نکرده و موضوع ناشناخته ماندن عیسی با هدف رسالت مغایر می باشد ولی مرقس روایتی را که پس از ۷:۱-۲۳ آمده بعنوان نشانه اعلام قبلی بشارت رسولان به غیریهودیان (آیه ۲۶؛ ر.ک قبلاً ۸:۳، ۵:۱-۲۰ و در عهد عتیق ۱-پاد ۸:۱۷-۲۴) و پذیرش آنان بر سر شام آخر خداوند می داند (آیات ۲۷-۲۸) ضمناً به آیات ۶:۴۱-۵۲، ۷:۲، ۸:۶، ۱۴-۲۱ تذکر درباره نان توجه نمایید).

d- یونانی» یعنی یهودی نبوده است.

e- این کلمه در متی وجود ندارد و چنین می فهماند که انجیل از یهودیان به یونانیان منتقل خواهد شد (روم ۱:۱۶).

f- کلمه «آری» در بعضی نسخه ها وجود ندارد.

g- عبارت «توله سگان» توهین آمیز نیست و اشاره به سگهای کوچک خانگی است که بچه ها با آنها بازی می کنند ولی کلمه «سگ» غالباً اهانت آمیز است (ر.ک مت۷:۶؛ فی۳:۲؛ مکا۲۲:۱۵).

h- ترجمه دیگر: «از صور و صیدا به سوی دریا برمی گردد». در این تذکر جغرافیایی منظور تعیین مسیر دقیق نیست بلکه یادآوری شده که وقایع دو روایت بعدی در سرزمین غیریهودیان رخ داده است.

را که به دشواری سخن می‌گفت[j] آورند[i] و
۲۳:۵ از او التماس کردند که دست بر او
بگذارد[k]. ۳۳ و او را جدای جمعیت بیرون
آورده، انگشتان خویش را در گوشهایش
نهاد و آب دهان انداخته، زبانش را لمس
کرد؛ ۳۴ و به سوی آسمان نگریسته آهی
کشید و به او گفت: «اِفَّتَح[l]!» یعنی «باز
شو!» ۳۵ و گوشهایش باز شد و همان دم
بند از زبانش گشوده شد و به درستی حرف
زد. ۳۶ و [عیسی] به آنان سفارش کرد به
هیچکس چیزی نگویند، امّا هر قدر بیشتر
به آنان سفارش می کرد بیشتر ندا
می‌دادند[m]. ۳۷ و مردم بسیار حیرت‌زده،
می‌گفتند: «همه چیزها را به خوبی انجام
داده است! کرها را به شنیدن و لالها را به
حرف درمی‌آورد!»

عیسی چهار هزار نفر را غذا می‌دهد (متی۱۵:۳۲-۳۹؛ ر.ك مرقس۶:۳۰-۴۴ و متون موازی)

۸ ۱ در آن روزها[n]، چون باز جمعیت کثیری می بود و چیزی برای خوردن نداشتند، شاگردان را به سوی خویش خواند و به آنان گفت[o]: ۲ «دلم برای این جمعیت به رحم آمد زیرا اکنون سه روز است نزد من مانده اند و چیزی برای خوردن ندارند. ۳ و اگر آنان را روزه دار به خانه هایشان بفرستم در راه ضعف خواهند

i- آیات ۳۲-۳۷ در چند مورد با آیات ۸:۲۲-۲۶ شباهت دارند بدین معنی که هر دو روایت مختص به مرقس بوده و هر یک از آنها در آخر یک رشته وقایع مربوط به تکثیر نانها ذکر شده است (ر.ک ۶:۳۰ توضیح m). چنین به نظر می رسد که این دو قسمت در انجیل مرقس اشاراتی برای تأیید آموزشهای مذهبی هستند که از متن اشعیا گرفته شده، اش ۳۵:۵-۶ و در اینجا در آیه ۳۷ نقل گردیده است. متن اشعیا (ر.ک مت ۱۱:۵ //) نه تنها درباره شفای ناشنوایان و لالها می باشد که در روایت اولی ذکر گردیده بلکه از شفای نابینایان نیز سخن گفته که در روایت دومی ارائه گردیده است (ر.ک ۸:۲۲ d).

j- اصطلاح «به دشواری سخن گفتن» در عهد عتیق فقط در ترجمه یونانی اش۳۵:۵ بکار رفته است.

k- اصطلاح معمولی که در عهد جدید بکار می رود «گذاشتن دستها» است و «دست» به صورت مفرد فقط در اینجا و در مت۹:۱۸ وجود دارد (خروج ۲۹:۱۰ را با لاو ۱:۴ مقایسه کنید).

l- ر.ک ۵:۴۱ i. این کلمه بعدها در آئین قدیم راز تعمید بکار خواهد رفت.

m- ر.ک ۱:۴۴ v. سرّ مسیح موعود می بایست آشکار گردد (۴:۲۱-۲۲) جنبه موقتی بودن این سرّ مخصوصاً در مورد معجزه ها پدیدار می شود که اعلام آنها از اعلام انجیل پیشی می گیرد (در هر دو مورد فعل «ندا دادن» است، ر.ک ۱:۴۵ y) در اینجا هم صدای دسته جمعی مردم (آیه ۳۷) از صدای جامعه مسیحیان پیشی می گیرد، مسیحیانی که عمل خدا را در مورد زمان آخر که به وسیله عیسی انجام می شود اعتراف خواهند کرد.

n- این روایت (آیات ۱-۱۰) شامل همان موضوعها و ترکیب جمله هایی است که در ۶:۳۴-۴۴ وجود دارد (ترحم به مردم، گفتگو با شاگردان، صرف غذا با نان و ماهی در صحرا، سیر کردن، تکه های باقی مانده و تعداد) ولی این دو روایت در جزئیات مطالب به صورتهای مختلفی هستند به طوری که به نظر بعضی از مفسران دو روایت مذکور مربوط به دو واقعه مختلف می باشد ولی این اختلافات جزیی را می توان با توجه به اینکه روایت در جمعیتهای مختلف مسیحی دچار تغییراتی شده باشند توضیح داد. ضمناً هر دو متن با روایت برقراری راز سپاسگزاری ارتباط داده شده است، اولی در کلیساهای مسیحیانی که قبلاً یهودی بوده اند (ر.ک ۶:۳۵ r) و دومی در کلیساهای یونانی (ر.ک آیه ۶ r). در انجیل مرقس این دو روایت در دو رشته از آموزشهای مذهبی مشابه وارد می شوند (ر.ک ۶:۳۰ m) و در آنها بر نشانه های رسالت و اقتدار عیسی، سخت دلی فریسیان و عدم بصیرت شاگردان تأکید می شود. (ر.ک ۶:۵۲ g؛ ۸:۱۴ x؛ ۸:۲۱ c). به علاوه با توجه به اینکه مرقس محل مربوط به روایت دومی را در سرزمین امتها تعیین نموده (ر.ک ۷:۳۱ h) بدین وسیله گسترش رسالت و نجات عیسی را در میان غیریهودیان تأیید می نماید.

o- در این روایت عیسی ابتکار را در دست دارد و نقش شاگردان فقط در آیات ۶-۷ ظاهر می شود (ر.ک ۶:۳۷ s).

کرد و برخی از آنان از دور آمده اند[p]!» ۴و
شاگردانش به او پاسخ دادند: «از کجا
می توان اینجا در صحرا اینان را با نان[q]
سیر کرد؟» ۵و از ایشان پرسید: «چند نان
دارید؟» گفتند: «هفت». ۶و او به
جمعیت سفارش کرد روی زمین دراز
بکشند و هفت نان را گرفته، شکرگزارده،[r]
پاره نمود و به شاگردان خود داد تا پیش
[مردم] گذارند و [آنها] پیش جمعیت
گذاردند. ۷همچنین چند ماهی کوچک نیز
داشتند. با خواندن دعای برکت داد تا پیش
[مردم] گذارند. ۸و ایشان خوردند و سیر
شدند و هفت سبد[s] از بقیهٔ پاره ها را جمع
کردند. ۹باری ایشان تقریباً چهار هزار
[نفر] می بودند و آنان را روانه کرد. ۱۰و
همان دم به قایق سوار شده با شاگردان خود
به ناحیه دلمانوته آمد[t].

فریسیان در طلب نشانه‌ای آسمانی (متی ۱۲:۳۸-۳۹؛ ۱۶:۱-۴؛ لوقا ۱۱:۱۶-۲۹؛ ۱۲:۵۴-۵۶)

۱۱و فریسیان بیرون آمده با او شروع به
بحث کردند و نشانه ای از آسمان[v] از او
درخواست کردند: این برای تجربه نمودن مت ۱۲:۳۸؛
او می بود[u]. ۱۲و او در روح خود آهی عمیق لو ۱۱:۱۶؛ یو ۶:۳۰؛
برآورده، گفت: «چرا این نسل[w] نشانه ای ۱ـ قرن ۱:۲۲؛ اش ۷:۱۰-۱۲
درخواست می کند؟ آمین به شما می گویم:
به این نسل نشانه ای داده نخواهد شد.»
۱۳و آنان را ترک کرده باز سوار قایق شد و
به سوی دیگر رفت.

بی فهمی شاگردان (متی۱۶:۵-۱۲؛ لوقا۱۲:۱)

۱۴و فراموش کردند با خود نان بردارند[x]
و فقط یک نان در قایق با خود داشتند.

p- این کلمات، یوشع ۶:۹، ۹ و اش ۶۰:۴ را به یاد می‌آورند و در جمعیتهایی که غیریهودیان در شام خداوند پذیرفته می شدند حتماً این مقایسه را احساس می کردند.

q- غذا دادن به جمعیت کثیر، غیرممکن به نظر می‌آید و ممکن است مرقس در اینجا به حالت قوم برگزیده در صحرای سینا و به موهبت «منا» که از آسمان داده شده بود اشاره می کند (ر.ک خروج۱۶:۲-۳؛ مز۷۸:۱۸-۱۹؛ ۱۰۶:۱۳-۱۵؛ اعد۱۱:۱۳) اما در انجیل یوحنا در معجزهٔ تکثیر نان اشاره به موضوع «منا» بسیار صریح می باشد (ر.ک یو۶:۳۱-۳۳).

r- در اینجا هم همان دعای برکت خواندن مذکور در ۶:۴۱ است و همان اختلاف لغات و کلمات بین مر۱۴:۲۲-۲۴ و مت۲۴:۲۶-۲۸ از یک سو و ۱- قرن ۱۱:۲۳-۳۵ و لو ۱۱:۱۹-۲۰ از سوی دیگر وجود دارد. احتمالاً منبع متن اولی از مسیحیانی است که قبلاً یهودی بوده اند در صورتی که متن دومی از روایات یونانی گرایان است.

s- عدد هفت (قبلاً در آیه ۵) ممکن است بدین سبب در اینجا آمده که عدد کامل است یا اینکه اشاره به گروه هفت نفری است که بر طبق اع ۶:۱-۶ بر خدمات خوان یونانی گرایان نظارت داشتند یا بالاخره اشاره به عدد هفتاد می باشد که بر طبق سنن قدیمی معتقد بودند دنیای امتها به هفتاد ملت تقسیم می شده است (ر.ک ۶:۴۳ توضیح y؛ لو ۱۰:۱).

t- محلی ناشناخته نظیر مجدل که از آن در مت ۱۵:۳۹ نام برده شده است. کلمه دلمانوته به زبان آرامی یعنی «در ناحیه منزل او» و احتمالاً در نزدیکی کفرناحوم بوده است.

u- فعل «تجربه کردن» در اینجا بیانگر سوء نیت می باشد.

v- ر.ک تث ۱۸:۲۰-۲۲؛ اش ۷:۱۰-۱۴. پس از «نشانه هایی» که عیسی انجام داده بود این تقاضا کوردلی فریسیان را نشان می داد و به همین سبب عیسی آنجا را ترک کرده می رود که در آیه ۱۳ ذکر شده است.

w- کلمه «نسل» معمولاً در سخنانی که عیسی به منظور مردود شمردن یا محکوم کردن برخی افراد می گوید بکار برده شده است. (مت۱۱:۱۶، ۱۲:۳۹، ۱۶:۴؛ لو ۱۱:۲۹؛ اع ۲:۴۰؛ فی ۲:۱۵) و اشاره به متن هایی نظیر تث ۳۲:۵؛ مز ۹۵:۱۰ می باشد. رفتار فریسیان نمونه ای از رفتار نسلی است که در صحرای سینا خدا را تجربه می کرد (آیه ۱۱) و برای اثبات قدرت او مرتباً دلیل جدیدی درخواست می کرد (ر.ک اعد ۱۴:۱۱، ۲۲).

x- پس از فریسیان ظاهراً نوبت به شاگردان رسیده که دچار کوردلی شوند (آیات ۱۴-۲۱) و به آنان نیز همان سرزنشها می شود البته این عبارت سرزنش آمیز به صورت سؤالی است. آیات ۱۷-۱۸ از نوع همان سرزنش هائی خطاب به «آنان که در خارج از گروه شاگردان هستند» (۴:۱۲).

۱۵و به ایشان چنین سفارش می‌کرد:
«ببینید! دربارهٔ خمیر مایهٔ فریسیان و لو ۱:۱۲
خمیرمایهٔ هیرودیس[y] مواظب باشید!» ۱۶و
ایشان با یکدیگر در بارهٔ اینکه نان
نداشتند، استدلال می‌کردند. ۱۷و چون آن
را درک کرد به ایشان گفت: «چرا دربارهٔ
اینکه نان ندارید استدلال می‌کنید؟ هنوز
هم درک نکرده و نفهمیده اید[z]! سنگدل
شده اید[a]! ۱۸ با اینکه چشم دارید، نگاه
نمی‌کنید! و با اینکه گوش دارید،
نمی‌شنوید[b]! و به یاد نمی‌آورید که
۱۹وقتی پنج نان را برای آن پنج هزار پاره
کردم چند سبد پر از پاره ها جمع کردید؟»
به او می‌گویند: «دوازده». ۲۰«و وقتی
هفت [نان] برای آن چهار هزار، چند سبد
پر از پاره ها جمع کردید؟» می‌گویند:
«هفت». ۲۱و به ایشان می‌گفت: «هنوز
هم نمی‌فهمید[c]!»

شفای یك نابینا

۲۲و ایشان به بیت‌صیدا می‌آیند و
کوری[d] را نزد او آورده از وی درخواست
می‌کنند او را لمس کند. ۲۳و دست کور را
گرفته او را به بیرون از روستا هدایت کرد
و با انداختن آب دهان بر چشمانش و یو ۶:۹
گذاشتن دستها بر او از او می‌پرسید: «آیا
چیزی می‌بینی؟» ۲۴و او نگریسته[e]
می‌گفت: «انسانها را می‌بینم، مثل درختان
هستند که می‌بینم راه می‌روند.» ۲۵سپس،
باز دستها را بر چشمان او گذاشت و آن
مرد روشن نگریسته به حالت اول برگشت و
همه چیز را به وضوح می‌دید. ۲۶و او را به
خانه اش فرستاده گفت: «حتّی وارد روستا
نشو.»

y- خمیر مایه چون از نان کهنه و کپک زده تهیه می‌شد (خروج۱۲:۱۵،۱۹) بعنوان منبع ناپاکی و موجد فساد به شمار می‌رفت (۱- قرن ۵:۶-۸؛ غلا ۵:۹) و در نظر ربی‌های یهود نشانه تمایلات ناپسند انسان بوده است. به طوری که از طرز بیان و عبارات برمی‌آید در نظر مرقس خمیر مایه نمایانگر سوء نیت از سوی فریسیان (ر.ک ۳:۲-۶، ۷:۱-۱۳، ۸:۱۱-۱۳) یا از جانب هیرودیس نسبت به عیسی می‌باشد (ر.ک ۶:۱۴-۲۹) و شاگردان هم اگر در برابر کوششهای عیسی برای آشکار کردن مفهوم صحیح رسالت وی و نیز رسالت خودشان مقاومت کنند در مخاطرات ناشی از این سوء نیت‌ها شریک هستند.

z- ر.ک ۴:۱۳، ۷:۱۸.

a- ر.ک ۳:۵، ۶:۵۲ h.

b- ر.ک ار ۵:۲۱؛ حزق ۱۲:۲.

c- در اینجا سخنان عیسی توجه ما را به تمام آنچه درباره رسالت و شخصیت خود ابراز کرده است جلب می‌نماید زیرا در این قسمت انجیل نشانه های شگفت‌آور و درک ناشدنی خیلی زیاد شده است. هرگاه فرض کنیم منبع این دو روایت که در اینجا خلاصه شده فقط یک واقعه بوده است باید قبول کرد که مرقس خود خود را آزاد و مجاز دانسته که سخنان عیسی را به نوعی با آموزشهای مذهبی منطبق سازد، به همان گونه که تصور می‌رود گفتار واحدی از عیسی به صورتهای مختلفی در اناجیل آمده است.

d- ر.ک ۷:۳۲ i. پس از سرزنشهایی که به شاگردان خطاب شده (آیات ۱۴-۲۱) و پیش از آنکه نخستین بار ایمان خود را بیان کنند (آیات ۲۷-۳۰) شفای مردی نابینا به دشواری و تدریجی انجام می‌شود و به نظر مرقس این واقعه قدرت روشنی بخش و کوششهای عیسی را برای باز کردن چشمان دلشاگردانش نشان می‌دهد. شفای نابینای دیگری در پایان آموزش او راجع به رسالتش در ۱۰:۴۶-۵۲ روی خواهد داد.

e- ترجمه های دیگری: «با بلند کردن چشمان خود»، «با بازیافتن بینایی خود».

پطرس، عیسی را مسیح می‌داند
(متی۱۶:۱۳-۲۰؛ لوقا۹:۱۸-۲۱)

۲۷ و عیسی و همچنین شاگردانش[f] به
سوی روستاهای قیصریه فیلیپس[g] بیرون
شدند و در راه از شاگردان خود پرسیده به
ایشان می‌گفت: «به گفته مردم من که
هستم؟» ۲۸ به او گفتند: «یحیی تعمید
دهنده، برای دیگران الیاس، برای دیگران
تو یکی از پیامبران هستی.» ۲۹ و از ایشان
می‌پرسید: «ولی برای شما من که هستم؟»
پطرس شروع به سخن کرده به او گفت: «تو
مسیح هستی[h]!» ۳۰ و آنان را نهیب زد از
وی به کسی چیزی نگویند[i].

عیسی رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می‌کند
(متی۱۶:۲۱-۲۳؛ لوقا۹:۲۲)

۳۱ و به آموزش[j] ایشان پرداخت که پسر
انسان[k] باید زیاد رنج بکشد و بوسیله
مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان[l] طرد شده و
کشته شود و پس از سه روز از مرگ
برخیزد[m]. ۳۲ و این چیزها را با صراحت
می‌گفت و پطرس او را به کناری کشیده
شروع به نهیب زدن او نمود[n]. ۳۳ او روی
برگردانده شاگردان خود را دید و پطرس را
نهیب زد و گفت: «برو عقب من، ای
شیطان[o]! زیرا اندیشه هایت از خدا نیست
بلکه از انسان است.»

f- این روایت (آیات ۲۷-۳۰) که از آیات ۱۴:۶-۱۶ آماده شده است (به توضیحات مراجعه شود) نشان می‌دهد چگونه شاگردان عیسی که ایمانشان به وسیله پطرس بیان شده به سؤالی که درباره فعالیت عیسی مطرح گردیده است از پاسخهای نارسا فراتر می‌روند بدین معنی که او نیامده تا آمدن کس دیگری را آماده سازد بلکه نجات دهنده قطعی و حتمی است.

g- ر.ک مت ۱۶:۱۳ z.

h- منظور مسیح موعودی است که پیامبران و از جمله یحیی تعمید دهنده اعلام نموده و راه او را آماده می‌کردند. در هنگامی که مرقس انجیل را می نوشت این عنوان بیانگر ایمان کلیسا به عیسی بود، ر.ک ۱:۱ b.

i- بنظر مرقس واکنش عیسی در این مورد به هیچ وجه به معنی رد کردن عنوان «مسیح» نیست چنانکه در ۱۴:۶۲ آن را می پذیرد. بلکه در مورد این عنوان دستور سکوت داده شده است به همان گونه که در مورد عنوان «پسر خدا» و عناوین دیگری که در بیان ایمان کلیسا وجود دارد (ر.ک ۱:۳۴ p؛ ۱:۴۴ v، x، w). به نظر مرقس تا وقتی که رسالت عیسی با مرگ و رستاخیز او به کمال نرسیده موقع اعلام این عناوین نرسیده است ر.ک ۴:۲۲ w؛ ۹:۹. برای اینکه اصرار مرقس را در مورد «سرّ عیسی» درک کنیم باید دانست عناوینی که یهودیان برای مسیح موعود بکار می برند دو پهلو بوده و برای توصیف رسالت عیسی نارسا بودند. ضمناً بایستی پیشرفت ایمان کلیسای اولیه را در نظر داشته و نیز توجه خاص مرقس به بازخوانی زندگی زمینی عیسی در نور مکاشفه رستاخیز وی را در نظر داشت.

j- از این پس آموزش عیسی معطوف به آن است که چگونه باید رسالت خود را انجام دهد (آیات ۳۱-۳۳؛ ۹:۳۰-۳۲؛ ۱۰:۳۲-۳۴). این آموزش که فقط به شاگردان داده می شود تا آیه ۱۰:۴۵ ادامه داشته و شکلی یکپارچه به این قسمت کتاب داده است. عیسی با این آموزش، مرحله دوم مکاشفهٔ خود را به صورت روشن بیان می‌کند (آیه ۳۲) در صورتی که قبلاً با مثل ها و نشانه ها انجام می گردید.

k- ر.ک مت ۸:۲۰ w.

l- منظور اعضای سانهدرین است که مجمعی متشکل از ۷۱ نفر بوده و بر قوم یهود حکومت می‌کرد. این مجمع از نمایندگان طبقه اشراف غیرمذهبی (مشایخ)، نمایندگان خانواده های بزرگ مذهبی (کاهنان اعظم) که از بین آنها کاهن اعظم انتخاب می شد و بالاخره کاتبان یا مفسران تورات (که غالباً فریسیان بودند) تشکیل می گردید. ضمناً کسی که شاغل مقام کاهن اعظم بود ریاست سانهدرین را بر عهده داشت (قیافا).

m- این عبارت نمونه خاص مرقس است (ر.ک ۱۰:۳۴) و بیانگر سومین روز پس از اظهار آن سخن است، ر.ک مت۱۶:۲۱ j.

n- واکنش پطرس به خوبی نشان می‌دهد که به دشواری می توان عنوان مسیح (پسر داود پادشاه) را با منظره رنجها و صلیب عیسی ارتباط داد. شاید همین نکته سبب شده است که در انجیل مرقس این عنوان (و عنوانهای «قدوس» و «پسر خدا») پیش از قسمت مربوط به رنجها و مصائب عیسی کنار گذاشته شود.

o- وقتی که پطرس با موضوع رنجها و مصائب عیسی مخالفت می‌نماید نقش شیطان را بر عهده می‌گیرد که سعی دارد عیسی را از اطاعت خدا منحرف سازد. بنابراین جای خود را به عنوان شاگرد از دست می‌دهد و بایستی «پشت سر» عیسی راه برود (ر.ک ۱:۱۷، ۲۰، ۸:۳۴).

چگونه باید عیسی را پیروی کرد
(متی۱۶:۲۴-۲۸؛ لوقا۹:۲۳-۲۷)

[۳۴] و جمعیت[p] را با شاگردان نزد خود
فراخوانده به آنان گفت: «اگر کسی
بخواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار
لو ۹:۱۲؛ ۲ـ تیمو ۱۲:۲ کند و صلیب خود[q] را گرفته مرا دنبال کند.
[۳۵] زیرا کسی که می‌خواهد جان[r] خود را
نجات دهد آن را از دست خواهد داد امّا
کسی که جان خود را بخاطر من و انجیل[s] از
دست دهد، آن را نجات خواهد داد. [۳۶] به
راستی چه فایده‌ای برای انسان هست که
همهٔ جهان را به دست آورد و زندگی خود را
تباه سازد؟ [۳۷] به راستی انسان به عوض
جان خود چه می‌تواند بدهد[t]؟ [۳۸] زیرا کسی
مت ۳۸:۱۰؛ که از من و سخنان من در این نسل زناکار و
گناهکار شرمنده باشد، پسر انسان نیز
هنگامی که در شکوه پدر با فرشتگان
مقدّس بیاید از او شرمنده خواهد بود.»

۹

[۱] و به ایشان می‌گفت: «آمین به
شما می‌گویم، در اینجا کسانی
حاضرند[u] که پیش از دیدن فرمانروائی خدا ۳۰:۱۳
که با قدرت می‌آید[v] مرگ را نخواهند
چشید.»

تجلی عیسی
(متی ۱۷:۱-۹؛ لوقا ۹:۲۸-۳۶؛ ر.ك ۲-پطر۱:۱۷-۱۸)

[۲] وبعد از شش روز[w] عیسی، پطرس و
یعقوب و یوحنّا را با خود بر داشت و ایشان

p- هر بار که موضوع رنجها اعلام می شود به دنبال آن سخنان عیسی می‌آید که برای شاگردانش پیامدهائی دارد، آیات ۳۴-۳۸؛ ۹:۳۸-۴۱؛ ۱۰:۳۵-۴۵؛ ر.ک لو ۹:۲۳ v.

q- این سخن که بدین گونه بیان شده ایجاب می کند که زندگانی شاگرد واقعی بر مبنای زندگی عیسی باشد. پذیرفتن صلیب عبارت از پیروی او در فداکاری و از خود گذشتگی است و طبق آیات ۳۵-۳۷ به معنای به خطر انداختن زندگی به خاطر عیسی و انجیل است.

r- ر.ک مت ۱۰:۲۸ h.

s- «و انجیل»: این عبارت در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد ولی ر.ک ۱۰:۲۹ به عقیده مرقس اعمال عیسی با موعظه و بشارت انجیل ادامه می یابد (ر.ک ۱:۱ a) و این امر ممکن است موجب شود که شاگرد عیسی زندگی خود را فدا نماید چنان که رسالت عیسی او را به صلیب کشانید.

t- تحت اللفظی: «به عنوان فدیه جان خود» و در اینجا به معنی باز یافتن زندگانی از دست رفته می باشد (ر.ک مز ۴۹:۸-۹).

u- عیسی با جمعیت سخن می گوید و در میان اینها تنها کسانی که فقط آنان به عیسی به عنوان مسیح موعود ایمان آورده و در ظهور او بعد از رستاخیزش حضور دارند، افتتاح ملکوت خدا را خواهند دید.

v- عبارت «با قدرت» که در این آیه آمده ظهور پیروزمندانه فرمانروائی خدا را در برابر ابهام آغاز آن قرار می‌دهد. این قدرت از هنگام رستاخیز مسیح به وی داده شده است (ر.ک روم ۱:۴ i). این سخن عیسی به صورتهای مختلفی روایت شده است، ر.ک مت ۱۶:۲۸r؛ لو ۷:۲۹ d. کلماتی که در اینجا بکار رفته بیان می کند که از نسل معاصر عیسی و شاگردانش چند نفر از آنان استقرار فرمانروائی خدا را خواهند دید و احتمالاً در هنگام آمدن پرجلال مسیح می باشد. این سخن که با بیان معمولی پیامبرانه و مکاشفه ای گفته شده مراحل مختلفی را که در آینده پدیدار خواهد شد مشخص نمی نماید و منظور آنی این سخنان شنوندگانی هستند که دعوت شده اند تا دیر نشده توبه نمایند (ر.ک ۸:۳۸). ضمناً با اینکه شامل اظهاراتی است که ظاهراً به تحقق نرسیدند همان طور که می توانستند منتظر آن باشند. با این همه صحت، این روایت قابل توجه می باشد. تفسیرهای مختلفی درباره عبارت «آمدن فرمانروائی» پیشنهاد شده است (صرف تصرف اورشلیم، پدیدار شدنهای مسیح قیام کرده، تجلی مسیح) ولی هیچ یک از این تفسیرها مورد قبول عمومی قرار نگرفته است.

w- در انجیل این گونه دقت از نظر تعیین زمان ارزشی ندارد ولی ممکن است این نکته جزیی اشاره به برگزاری جشن خیمه های یهودیان باشد که شادی برای توده مردم بوده است. این جشن شش روز پس از روز بزرگ کفاره آغاز می شد و هفت روز ادامه داشت (لاو ۲۳:۳۴-۳۶). بنابراین بر طبق روایاتی که قبل از نگارش انجیل وجود داشته ممکن است این واقعه در نخستین روز جشن روی داده که عیسی به دور از دیگران و با نزدیکان خود جشن را برگزار کرده یا اینکه در روز آخر جشن شادمانی بزرگ برگزار می شد. درباره این واقعه ر.ک مت ۱۷:۱ s.

لو ۲۷:۱۴
را تنها، جدا بر فراز کوهی[x] بلند برد و در
نظر ایشان تجلّی یافت[y]، ۳ و رختهای وی
درخشان گردید، بی نهایت سفید، طوری که
گازری بر روی زمین نمی تواند آن چنان
سفید گرداند. ۴ و الیاس[z] بر ایشان ظاهر
گردید همراه با موسی و با عیسی گفتگو
می کردند. ۵ و پطرس شروع به سخن کرده
به عیسی گفت: «ربی[a] خوب است که اینجا
باشیم[b]، پس سه خیمه[c] بر پا کنیم، یکی
برای تو و یکی برای موسی و یکی برای
الیاس.» ۶ درواقع نمی دانست چه جوابی
بدهد[d] زیرا ترسیده بودند. ۷ و ابری رسیده
ایشان را زیر سایه خود گرفت[e] و صدائی از

ابر در رسید: «این است پسر من، آن ۲-پطر۱:۱۷
محبوب. به او گوش فرا دهید![f]» ۸ و
ناگهان گرداگرد خود نگریسته هیچ کس را
دیگر ندیدند جز عیسی را تنها با خود. ۹ و
هنگامی که از کوه پائین می آمدند، به
ایشان سفارش کرد که آنچه را دیده بودند
به هیچ کس بازگو نکنند مگر زمانی که پسر
انسان از میان مردگان برخاسته باشد.[g]
۱۰ و ایشان این سخن را نگاه داشتند در
حالی که بین خود پرس و جو می کردند که
«از میان مردگان برخاستن[h]» چه معنی
دارد؟

x- ر.ک مت ۱:۱۷ t.

y- تحت اللفظی «تغییر شکل یافت». در جاهای دیگر فعلی که در اینجا بکار رفته به مفهوم تغییر شکل روحانی است (روم ۲:۱۲؛ ۲- قرن ۱۸:۳) و در اینجا تغییر شکل مشهود می باشد. متی و لوقا ذکر کرده اند چهره او نیز تغییر یافت و در سه انجیل نظیر آمده است که مشاهده کردند لباسهای او تغییر یافته است. «گازر» یعنی کسی که با پا لباسها را می شوید. این لباسهای نورانی و درخشان در کتابهای مکاشفه یهودیان نشانه های جلال آسمانی هستند که به مقدسان عطا می شود و به مانند فرشتگان می شوند (ر.ک مت ۳:۲۸؛ مکا ۴:۳، ۴:۴). مفهوم این صحنه مرموز را فقط با توجه به رستاخیز پرجلال مسیح می تواند درک کرد بنابراین انجیل مرقس در این مورد پیشی گرفته است.

z- ر.ک مت ۳:۱۷ v. ترتیب ذکر نامهای الیاس و موسی در انجیلهای متی و لوقا برعکس می باشد (موسی و الیاس).

a- در آن دوران عنوان «ربی» را که به معنی «خداوند من» است به علمای شریعت یهود و اشخاص مهم دیگر خطاب می کردند. این عنوان که به عیسی خطاب شده (۲۱:۱۱، ۴۴:۱۴-۴۵؛ ر.ک ۵۱:۱۰) در انجیل یوحنا «استاد» (به یونانی didascale) ترجمه شده است (یو۳۸:۱). پس از پایان قرن اول میلادی این کلمه دیگر در مورد خطاب بکار نرفته و فقط به معنی عالم تورات باقی مانده است.

b- ر.ک لو ۳۳:۹ n.

c- ر.ک مت ۴:۱۷ x.

d- همین عبارت در مر ۴۰:۱۴.

e- ر.ک لو ۳۴:۹ p.

f- این اعلام نسبت پدر فرزندی از جانب پدر، اعلام دیگری را به یاد می آورد که در هنگام تعمید عیسی اظهار شده بود، ر.ک مت۵:۱۷ z.

g- ر.ک مت ۹:۱۷ a. این دستور که در مورد «رازداری» داده شده دستورات مشابه دیگری را به یاد می آورد (مر ۳۴:۱ p؛ ۴۴:۱ v؛ ۴۳:۵، ۳۶:۷، ۳۰:۸ i). مرقس که تصریح می کند افشای این سرّ فقط پس از رستاخیز عیسی مقدور خواهد بود می خواهد بگوید مفهوم این واقعه را نمی توان درک کرد مگر پس از اینکه جلال عیسی با برخاستن از مرگ آشکار گردد. ضمناً مرقس آنچه را موجب اشتغال خاطر جامعه مسیحیان بود منعکس می سازد یعنی اینکه چگونه پس از چنین تجلی ای، عیسی در زمان حیات خود به عنوان مسیح موعود شناخته نشد.

h- کلمات آخر این آیه تکرار اعلام قبلی است. در مر ۲۳:۹ نیز ترکیب جملات به همین گونه است و «اگر می توانی» تکرار می شود. صورت دیگری از این جمله: «این چیست؟ وقتی از میان مردگان برخیزد». اصولاً آنچه موجب شگفتی شاگردان می شود تصور یا عمل رستاخیز نیست (بسیاری از یهودیان به این امر معتقد بودند) بلکه عیسی به گونه ای از آن سخن گفتهکه گویا در آینده نزدیک خواهد بود، در صورتی که در پایان روزگار انتظار آن را داشتند. به علاوه تصور اینکه پسر انسان با جلال باید از مرگ و رستاخیز بگذرد شگفت آور بود.

گفتگو دربارهٔ الیاس
(متی۱۷: ۱۰-۱۳)

۱۱ و ایشان از وی پرسیده می گفتند:
«چرا کاتبان می گویند که اوّل[i]، الیاس باید
بیاید؟» ۱۲ به آنان گفت: «در واقع الیاس
قبلاً آمده همه چیز را به حالت اول برخواهد
گرداند.[j] پس چگونه دربارهٔ پسر انسان
نوشته شده است که باید زیاد رنج بکشد و
منفور گردد؟[k] ۱۳ امّا من به شما می گویم که
هم الیاس آمده و هم هر چه خواستند با او
کردند، برابر آنچه در بارهٔ او نوشته شده
است[l].»

شفای کودک دیوزده
(متی۱۷:۱۴-۲۱؛ لوقا۹:۳۷-۴۳)

۱۴ و به نزد شاگردان آمده، جمعیت
کثیری در اطراف ایشان دیدند و نیز کاتبان
که با ایشان پرس و جو می کردند. ۱۵ و
همان دم، همه جمعیت، با دیدن وی متحیر
شدند و دویده به او سلام می دادند. ۱۶ و
از آنان پرسید: «دربارهٔ چه چیزی با ایشان
پرس و جو می کنید؟» ۱۷ و کسی از میان
جمعیت به او پاسخ داد: «ای استاد، پسرم
را به نزدت آورده ام که روحی لال دارد[m]،
۱۸ و هر جا او را بگیرد او را پاره می کند و
کف بر دهان می آورد و دندان ها را بر هم
می فشارد و مثل چوب، خشک می شود و به
شاگردانت گفته ام او را برانند و ایشان
نتوانستند[n].» ۱۹ و او در پاسخ به آنان
گفت: «ای نسل بی ایمان تا به کی نزد شما
باشم؟ تا به کی شما را تحمّل کنم[o]؟... او
را نزد من آورید.» ۲۰ و او را نزد وی
آوردند و روح چون او را دید، همان دم
[کودک] را با خشونتی بسیار تکان داد و

i- با استناد به ملا ۲۳:۳ می گفتند که «اول» الیاس خواهد آمد و در بسیاری از نوشته های ربیون یهود به این موضوع اشاره شده است. جامعه مذهبی قمران در انتظار آمدن یک پیامبر و چند مسیح موعود از نسل هارون و از میان اسرائیل بودند (مقررات قمران ۱۱:۱۱).

j- فعلی که در اینجا «به حالت اول برگرداندن» ترجمه شده همان فعل ملا ۲۴:۳ یونانی است که برای برگردان جمله عبری: قلب پدران را بسوی پسران «باز خواهد گرداند» بکار رفته است (ر.ک بنسی ۱۰:۴۸) بنابراین پیشگام مسیح بایستی در راه صلح و آشتی عمومی کار کند. عیسی این نظریه را رد نمی کند، با این همه به نظر او با رنجهای مسیح موعود که پس از الیاس می آید تناقض دارد. وانگهی الیاس هم اکنون در شخص یحیی تعمید دهنده آمده است (آیه ۱۳) (مت ۱۴:۱۱؛ ر.ک بالعکس یو ۲۱:۱). و بدون اینکه به هیچ وجه بتواند رسالت خود را در راه آشتی دادن انجام دهد خودش دچار رنج و مصیبت شده است.

k- این عبارت مختص مرقس است و در نوشته های مقدس چیزی درباره رنجهای پسر انسان نمی توان یافت. شاید اشاره به رنجهای «خادمی» باشد که در اش ۱۴:۵۲؛ ۵۳:۴-۱۰ ذکر گردیده است ولی آن خادم عنوان پسر انسان را ندارد.

l- در اینجا نیز که به نوشته های مقدس رجوع شده مختص به مرقس است و نظریه ای که بر طبق آن الیاس پیشگام بایستی رنجهایی متحمل گردد در عهد عتیق وجود ندارد چنانکه در ادبیات یهود نیز به صراحت ذکر نشده است. آنچه در اینجا بایستی مورد توجه قرار گیرد بیش از اشاره احتمالی به رنجهای الیاس در دوران حیات خود، نظریه بدیع و بی سابقه مرقس می باشد. بنظر او شباهت زیادی بین الیاس و پسر انسان وجود دارد بدین معنی که هر دو بایستی گرفتار رنج شوند و سرنوشت یحیی تعمید دهنده (ر.ک ۶:۱۷-۲۹) پیش نمودی از سرنوشت مسیح است و این موضوع به اندازه ای در نظر مرقس حائز اهمیت است که موجب مراجعه به شهادت نوشته های مقدس می شود.

m- این بیماری در آیه ۲۵ نیز ذکر گردیده بدون اینکه بتوان ارتباط آن را با بیماری که در آیات ۲۲-۲۶ تشریح شده است تشخیص داد. در این قسمت انجیل ملاحظه می شود که مت (۲۲:۱۲) شفای مردی نابینا و لال را روایت کرده و لوقا (۱۴:۱۱) شفای مردی لال را ذکر نموده است در صورتی که مرقس آن دو را ذکر نکرده است. ضمناً صحنه وقایعی که مشروحاً در آیات ۲۱-۲۶ آمده است مختص به انجیل مرقس می باشد.

n- شاید اشاره به مر ۲۷:۳ (مرد نیرومند) می باشد.

o- ر.ک مت ۱۷:۱۷ e.

او بر زمین افتاد و در حالی که کف بر دهان
آورده بود می‌غلطید. ۲۱ و [عیسی] از پدر
او پرسید: «چند وقت است که این چنین
به او می‌رسد؟» او گفت: «از کودکیش
۲۲ و اغلب او را در آتش یا در آب افکنده
تا او را از بین ببرد[p]. ولی تو اگر می‌توانی،
بر ما ترحم نموده به کمک ما بشتاب!»
۲۳ عیسی به او گفت: «آه! اگر می‌توانی!
... برای کسی که ایمان دارد همه چیز
ممکن است.» ۲۴ همان دم، پدر کودک
فریاد کشیده می‌گفت: «ایمان دارم.
بی‌ایمانی مرا امداد نما.[q]» ۲۵ چون دید که لو۱۷:۵
جمعیت به پیش می‌دود، عیسی، روح
ناپاک را نهیب زده به او گفت: «ای روح
کر و لال، من هستم که به تو فرمان می‌دهم
از این [کودک] بیرون شو و دیگر به درون ۱:۲۶
او وارد نشو!» ۲۶ و او با فریاد کردن و
تکان دادن [کودک] با خشونت بسیار
بیرون شد و [کودک] چون مرده گردید به
طوری که اغلب می‌گفتند: «مرده است!»[r]
۲۷ عیسی دست او را گرفته او را قائم
گردانید و او برخاست. ۲۸ و چون به خانه
خویش وارد شد، شاگردانش جدا از او
می‌پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم او را
برانیم؟» ۲۹ و به ایشان گفت: «این نوع
خارج نمی‌شود مگر به دعا.»[s]

دومین خبر از رنج و مرگ و رستاخیز عیسی
(متی۱۷:۲۲-۲۳؛ لوقا۹:۴۳-۴۵)

۳۰ و از آنجا بیرون آمده از جلیل عبور
می‌کردند و او نمی‌خواست که این را
بدانند. ۳۱ زیرا به شاگردان خود آموزش
می‌داد و به ایشان می‌گفت: «پسر انسان به
دست انسانها تسلیم خواهد شد و او را
خواهند کشت و چون کشته شود، سه روز
بعد رستاخیز خواهد کرد.» ۳۲ امّا این
سخنان را درک نمی‌کردند و می‌ترسیدند
از او سئوال کنند.

چه کسی بزرگتر است؟
(متی۱۸:۱-۵؛ لوقا۹:۴۶-۴۸)

۳۳ و به کفرناحوم آمدند و چون وارد
منزل شد، از آنان می‌پرسید: «در راه
دربارهٔ چه استدلال می‌کردید؟» ۳۴ ایشان
سکوت می‌کردند زیرا در راه بین خود
گفتگو کرده بودند که چه کسی بزرگتر لو۲۲:۲۴
است. ۳۵ و نشسته، آن دوازده را فراخواند
و به ایشان گفت: «اگر کسی می‌خواهد
نخستین باشد، بایستی آخرینِ همه و خادمِ مت۲۰:۲۶
همه باشد.» ۳۶ و کودکی را گرفته در میان
ایشان قرار داد و او را در آغوش کشیده به
ایشان گفت: ۳۷ «هر که به نام من یکی از
این کودکان را بپذیرد[t]، مرا می‌پذیرد و هر مت۱۰:۴۰؛ لو۱۰:۱۶؛ یو۱۳:۲۰

p- ر.ک مت ۱۷:۱۵ d.
q- قدرت ایمان‌دار همان اقتدار خدا است که آن را توسط ایمان می‌پذیرد (ر.ک ۵:۳۶؛ ۱۰:۲۷؛ ۱۱:۲۴ z).
r- دو فعلی که در اینجا آمده و «قائم گردانید» (egerein) و «برخاست» (anistanai) ترجمه شده در جاهای دیگر در مورد رستاخیز بکار برده می‌شود (ر.ک ۵:۴۱ j). مرقس با این گونه طرز بیان به احتمال قوی می‌خواهد بین وقایعی که روایت شده و رستاخیز عیسی رابطه‌ای برقرار سازد. بدین گونه مفهوم رستاخیز در سرتاسر انجیل زمینه سازی می‌شود (ر.ک ۱:۳۱، ۸:۳۱، ۹:۲، ۷، ۹-۱۰، ۱۰:۳۴).
s- صورت دیگری از این عبارت: «مگر به دعا و روزه» (ر.ک مت ۱۷:۲۱ g).
t- ر.ک مت ۱۸:۳ m.

که مرا بپذیرد مرا نپذیرفته بلکه آن کس که
مرا فرستاده است.»

هر که علیه ما نیست با ماست
(لوقا۹:۴۹-۵۰)

۳۸ یوحنّا به او گفت: «ای استاد، کسی را
دیده ایم که به دنبال ما نمی‌آمد. او داشت
دیو را به نام تو می‌راند و می‌خواستیم مانع
او شویم[u] زیرا به دنبال ما نمی‌آمد.[v]»
۳۹ عیسی گفت: «مانع او نشوید زیرا کسی
نیست که معجزه‌ای به نام من بکند و
بتواند فوراً دربارهٔ من بدگوئی نماید؛
۴۰ زیرا کسی که علیه ما نیست با ماست.
۴۱ آری، هر که به خاطر اینکه شما از آنِ مت۱۲:۳۰؛ لو۱۱:۲۳
مسیح هستید جام آبی برای نوشیدن به شما
بدهد[w]. آمین به شما می گویم که او اجرش
را از دست نخواهد داد.

هشدار
(متی۱۸:۶-۱۱؛ لوقا۱۷:۱-۲)

۴۲ و هر کس یکی از این کوچکان را که
ایمان دارند لغزش دهد[x]، برای او بهتر
می بود که سنگ آسیابی[y] به گردنش بسته
به دریا افکنده شود. ۴۳ و اگر دستت تو را
می لغزاند، آن را قطع کن، بهتر است که
ناقص به زندگی وارد شوی[z] تا اینکه با دو
دست در جهنم به آتشی که خاموشی ندارد
بروی. ۴۴ [...][a] ۴۵ و اگر پایت است که
تو را می لغزاند، آن را قطع کن، بهتر است
که لنگ به زندگی وارد شوی تا اینکه با دو
پا به جهنم افکنده شوی. ۴۶ [...][a] ۴۷ و
اگر چشمت است که تو را می لغزاند،
چشمت را درآور، بهتر است که تنها با یک
چشم به ملکوت خدا وارد شوی تا اینکه با
دو چشم خود به جهنم افکنده شوی، ۴۸ در
جایی که کِرم نمی‌میرد[b] و آتش خاموش
نمی‌شود. ۴۹ چرا که هر کس به آتش
نمکین گردد[c]. ۵۰ نمک چیز خوبی است،

u- در آن زمان یهودیان نیز با دعا دیوها را اخراج می‌کردند هر چند به اسم عیسی نبود.
v- به طوری که لوقا تصریح کرده یعنی اینکه جزو شاگردان نبوده است.
w- مت ۱۰:۴۲ همین نکته را با اصطلاح دیگری بیان کرده است.
x- ر.ک مت ۵:۲۹ c. «کوچکانی که ایمان دارند» یعنی افتادگان و ساده‌دلان جمعیت مسیحی (ر.ک ۱-قرن۸:۱۰-۱۲؛ ۹:۲۲؛ روم۱۴:۲).
y- تحت اللفظی: «سنگ آسیاب الاغ» یعنی سنگ آسیاب بزرگی که الاغی آن را می‌گرداند، در برابر سنگ آسیابی که می توان با دست چرخاند.
z- منظور از «زندگی» در اینجا زندگانی جاودان است.
a- «در جایی که کرم نمی میرد و جایی که آتش خاموش نمی شود» این کلمات که در بعضی متون خطی نامطمئن می باشند در چاپهای بررسی شده منظور نمی‌گردد و احتمالاً تکرار مثالهای مختلف (دست، پا و چشم) موجب تکرار این عبارت شده است و فقط در آیه ۴۸ تأیید شده است.
b- تحت اللفظی: «کرمهایشان» که نقل قول آزاد از اش۶۶:۲۴ است.
c- گاهی «برای آتش» یا «به وسیله آتش» ترجمه می‌کنند. در نسخه های دیگری: «و هر قربانی به نمک نمکین خواهد شد». این گفتار فقط در انجیل مرقس آمده و درک آن دشوار است. می‌دانیم یکی از عادات اهالی فلسطین این است که در تنورهای خود برای تسریع عمل آتش نمک می‌ریزند ولی نمک پس از چند سال که خواص شیمیایی خود را از دست داد آن را بدور می‌ریزند زیرا «بی‌نمک» شده است (آیه ۵۰). بعضی از مفسران با توجه به این نکته آیه ۴۹ را توضیح داده‌اند بدین معنی که «هر کس باید به مانند نمک برای آتش باشد» ولی در متون مختلفه انجیلهای نظیر که سخن درباره نمک است آن را نشانه

امّا اگر نمک، بی نمک گردد، آن را با چه
چیزی چاشنی خواهید زد؟[d] در خود نمک
داشته باشید و با یکدیگر در آرامش بسر
برید.[e]»

ازدواج و طلاق
(متی۱۹:۱-۹؛ لوقا۱۶:۱۸)

۱۰ ۱ و از آنجا رفته، به نواحی یهودیه و
ماوراء اردن[f] می‌آید. و باز جماعتی
به سوی او به راه می‌افتند و همان گونه که
عادت او می‌بود باز به آنان آموزش می‌داد.
۲ و فریسیان پیش آمده از او می‌پرسیدند
آیا جایز است مردی زنش را طلاق دهد:
این برای تجربه نمودن او می‌بود[g]. ۳ در
پاسخ به آنان گفت: «موسی چه فرمانی به
شما داده است؟» ۴ گفتند: «موسی اجازه
داده که طلاق نامه نوشته و طلاق دهند.[h]»
۵ عیسی به آنان گفت: «به خاطر سنگدلی[i]
شما است که این فرمان را برایتان نوشته، ۳:۵؛ ۶:۵۲
۶ امّا از همان آغاز آفرینش آنان را نر و ماده
آفرید[j]؛ ۷ برای همین است که مرد پدر و
مادرش را ترک خواهد کرد[k] ۸ و هر دو یک
تن خواهند شد[l]، به طوری که دیگر دو
نیستند بلکه یک تن[m]. ۹ پس آنچه خدا
پیوند داده، انسان آن را جدا نکند.» ۱۰ و
چون به خانه رسیدند دوباره شاگردان
درباره آن از او سؤال می‌کردند. ۱۱ و به
ایشان گفت: «هر که زنش را طلاق دهد و
با دیگری ازدواج کند، نسبت به اوّلی
مرتکب زنا شده است؛ ۱۲ و اگر آن [زن]
پس از طلاق دادن شوهرش، با دیگری مت۵:۳۲؛ لو۱۶:۱۸؛
ازدواج نماید، مرتکب زنا می‌شود.» ۱-قرن۷:۱۰-۱۱

از خود گذشتگی شمرده اند که بدون آن شاگرد نمی‌تواند شاگرد واقعی باشد چنانکه در اینجا در آیات ۴۲-۴۸ به روشنی نشان داده شده است. هرگاه آتش تصویری از تجربه، شکنجه یا آتش جاودانی باشد (آیه ۴۸). در این صورت چنین درک می‌شود: «هر کسی باید فداکاری را بپذیرد تا بتواند از تجربه بگذرد».

d- ر.ک مت ۵:۱۳ k.

e- این گفتار هم نظیر آیه ۴۹ فقط در انجیل مرقس آمده است. بنظر بعضی از مفسران «نمک داشتن» به مفهوم در آرامش زندگی کردن است ولی در این صورت نشانه ای که نمک علامت آن است وجود ندارد. بهتر است معنی این جمله را چنین درک کنیم: «در خودتان روح فداکاری داشته باشید» (در برابر دنیا و مردم) و «در آرامش باشید» (بین خودتان). ضمناً ملاحظه می‌شود که در پایان این قسمت موضوعی که مطرح گردیده و انگیزه اظهار این مطالب بوده است یعنی ادعاهای رسولان بر اینکه مقام اول را حائز باشند به نتیجه رسیده است.

f- منطقه پره که در فلسطین در مشرق نهر اردن قرار دارد.

g- ر.ک مر ۸:۱۱؛ ۱۲:۱۳-۱۵.

h- تث۲۴:۱. مشاهده می‌شود که فریسیان از اجازه سخن می‌گویند (آیات ۲. ۴) در صورتی که عیسی از آنان می‌پرسد آیا فرمانی وجود دارد که مسلماً فریسیان برای یافتین چنین فرمانی در قوانین یهود دچار اشکال می‌شوند. در مت۱۹:۷-۹ برعکس فریسیان از فرمان موسی سخن می‌گویند و عیسی به آنان پاسخ می‌دهد که اجازه ای بیش نیست. عیسی سخنی را که اجازه طلاق می‌دهد با سخنی که مبنای ازدواج است پاسخ می‌دهد زیرا معافیت، قانون مبنا را لغو نمی‌نماید.

i- این سنگدلی به علت عدم حساسیت نیست بلکه به سبب عدم ادراک اراده خدا است.

j- پید ۱:۲۷.

k- در بعضی نسخ خطی عبارت «و به زنش خواهد پیوست» اضافه شده است.

l- پید ۲:۲۴.

m- یعنی: «تنها یک موجود» (ر.ک روم ۱:۳ g).

عیسی و کودکان
(متی۱۹:۱۳-۱۵؛ لوقا۱۸:۱۵-۱۷)

[۱۳]و کودکانی[n] را نزد او می‌آوردند تا
آنان را لمس کند وشاگردان ایشان را
نهیب زدند[o]. [۱۴]عیسی [این را] دیده
برآشفت و به ایشان گفت: «بگذارید
کودکان نزد من آیند، آنان را مانع نشوید،
زیرا ملکوت خدا به مانند اینان تعلّق دارد.
[۱۵]آمین به شما می‌گویم: هر کس ملکوت
خدا را چون کودکی[p] نپذیرد داخل آن
نخواهد شد.» [۱۶]و با در آغوش کشیدن و
نهادن دست بر آنان، ایشان را برکت
می‌داد[q].

دعوت شخص ثروتمند
(متی۱۹:۱۶-۳۰؛ لوقا۱۸:۱۸-۳۰)

[۱۷]و چون به راه می‌افتاد کسی با شتاب
آمد و زانو زده از او می‌پرسید: «ای استاد
نیکو چه باید بکنم تا وارث زندگانی
جاودان شوم؟» [۱۸]عیسی به او گفت: «چرا
مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ‌کس نیکو نیست
مگر تنها خدا. [۱۹]تو فرمان‌ها را می‌دانی:
قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت
دروغ نده، به هیچ کس بدی مکن و به پدر
و مادرت احترام بگذار.[r]» [۲۰]آن کس به او
گفت: «ای استاد همهٔ اینها را از آغاز
جوانیم با دقت مراعات کرده ام.» [۲۱]عیسی
در او نگریسته او را محبّت کرد و به او
گفت: «چیزی کم داری، برو آنچه داری،
بفروش و بهای آن را به درماندگان بده و
گنجی در آسمان خواهی داشت و آمده به مت۶:۲۰؛ لو۱۲:۳۳
دنبال من روانه شو.» [۲۲]و او از این سخن،
مکدّر شده اندوهگین برفت زیرا دارائی
بسیار داشت. [۲۳]و عیسی به اطراف
نگریسته به شاگردان خود گفت: «آنان که
ثروت دارند، با چه سختی وارد ملکوت مر۴:۱۹
خدا خواهند شد!» [۲۴]شاگردان از این
سخنان متحیر شدند، عیسی پاسخ داده به
ایشان گفت: «ای فرزندان ورود به ملکوت
خدا چه دشوار است[s]! [۲۵]برای شتر آسانتر
است که از سوراخ سوزن بگذرد[t] تا اینکه
ثروتمندی به ملکوت خدا وارد گردد!»
[۲۶]ایشان بیشتر بهت‌زده شده، در بین خود
می‌گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات

n- ر.ک مت ۱۸:۳ m
o- در بعضی از نسخه های دست نوشته اضافه و تصریح شده است: «کسانی که آنان را می‌آوردند» که البته معنی همین است.
p- «چون کودکی» ممکن است مربوط به فاعل این جمله (هر کس) باشد و یا به مفعول صریح (ملکوت خدا) نسبت داده شود. یا باید مثل کودک شود که ملکوت را بپذیرد یا باید ملکوت را پذیرا شود همان طور که کودک را می‌پذیرد، ولی با توجه به کلمات (به مانند اینان) که در آیه ۱۴ آمده معلوم است مرقس معنی اولی را در نظر داشته یعنی بایستی «چون کودک» بود. در مت ۱۸:۳ نیز به همین معنی تصریح گردیده در صورتی که در لو ۱۸:۱۷ عبارت به صورت انجیل مرقس حفظ شده است.
کودکان و کسانی که به مانند کودکان هستند در وضعیت وابستگی کامل قرار دارند و در حقیقت در جامعه آن دوران وضع کودکان چنین بوده است. ضمناً کودکان مظهر بی‌گناهی نبوده بلکه نمونه فرمانبرداری و آماده به خدمت بودن به شمار می‌رود و کسی که مژده ملکوت خدا را در چنین شرایطی پذیرا می‌شود (آیه ۱۵) بی‌چون و چرا، بلافاصله در ملکوت خدا وارد می‌گردد (آیه ۱۴).
q- تنها مرقس این دعای برکت را ذکر کرده که منحصر به یک کلمه یا یک حرکت نبوده بلکه به مفهوم اعطای ملکوت می‌باشد.
r- خروج ۲۰:۱۲-۱۶؛ تث ۵:۱۶، ۲۰ «به هیچ کس خطا مکن» جمله ای اضافه بر ده فرمان است و در متی و لوقا وجود ندارد.
s- در بعضی نسخه ها چنین است: «چه دشوار است برای آنان که به ثروتها اعتماد می‌کنند».
t- ر.ک مت ۱۹:۲۴ v.

یابد؟» ۲۷ عیسی در آنان نگریسته گفت:
«برای انسانها غیرممکن است، امّا نه برای
ایوب۴۲:۲؛ مر۱۴:۳۶ خدا، زیرا همه چیز برای خدا ممکن
است.» ۲۸ پطرس شروع به سخن گفتن به
او نمود: «اینک ما همه چیز را ترک گفته و
به دنبال تو آمده ایم!» ۲۹ عیسی فرمود:
«آمین به شما می گویم: هیچ کس، خانه یا
برادران یا خواهران یا مادر یا پدر یا
فرزندان یا کشتزارها را به خاطر من و به
خاطر انجیل ترک نکرده باشد[u]، ۳۰ مگر
اینکه هم اکنون در این عصر همراه با
شکنجه ها[v]، خانه ها، برادران و خواهران و
مادران و فرزندان و کشتزارها به صد برابر
در یافت نماید و در دورانی که
فرامی رسد[w] زندگانی جاودان را. ۳۱ چه
مت۲۰:۱۶؛ لو۱۳:۳۰ بسا اولین ها که آخرین خواهند شد و
آخرین ها، اولین.[x]»

سومین خبر از رنج و مرگ و رستاخیز عیسی
(متی۲۰:۱۷-۱۹؛ لوقا۱۸:۳۱-۳۴)

۳۲ در راه فراز آمدن به اورشلیم بودند و
عیسی پیشاپیش آنان راه می پیمود[y] و ایشان
متحیر بودند و آنانی که به دنبال او بودند
می ترسیدند و باز آن دوازده را با خود
برداشته شروع به گفتن به آنان کرد که چه
بر او خواهد گذشت[z] ۳۳ «اینک به اورشلیم
فراز می آییم و پسر انسان به کاهنان اعظم و
کاتبان تسلیم خواهد شد و آنان او را به
مرگ محکوم کرده او را به ملت ها تسلیم
خواهند کرد، ۳۴ و او را تمسخر خواهند
کرد و بر وی آب دهان خواهند انداخت و
او را تازیانه خواهند زد و او را خواهند
کشت و سه روز بعد رستاخیز خواهد کرد.»

درخواست یعقوب و یوحنا
(متی۲۰:۲۰-۲۸؛ لوقا۲۲:۲۵-۲۷)

۳۵ و یعقوب و یوحنّا، پسران زَبَدی، به
سوی او متوجّه شده به او می گویند: «ای
استاد می خواهیم آنچه را که از تو
درخواست خواهیم کرد، برای ما انجام
۱۵:۱۰ دهی.» ۳۶ به ایشان گفت: «چه می خواهید
که برای شما انجام دهم؟» ۳۷ به او گفتند:
در شکوه خود به ما عطا فرما تا یکی به
راست تو و دیگری به چپ تو بنشینیم.[a]»
۳۸ عیسی به ایشان گفت: «شما نمی دانید
چه می خواهید. آیا می توانید جامی[b] را که
لو۱۲:۵۰ من می نوشم، بنوشید یا به تعمیدی که من

u- «به خاطر انجیل» نکته ای است که فقط در انجیل مرقس ذکر شده است ر.ک ۸:۳۵ s.
v- باز هم نکته ای که خاص انجیل مرقس است یعنی به دنبال عیسی رفتن همیشه مستلزم در جفا بودن مانند «استاد» می باشد.
w- ر.ک لو ۱۸:۳۰ y.
x- ر.ک مت ۱۹:۳۰ z.
y- این نکته فقط تذکر جزئی نیست که از نظر روائی آمده باشد بلکه به نظر مرقس رفتار عیسی که با اطمینان به رسالت خود در جلو راه می رود کاملاً برخلاف تردید و ترس شاگردان است زیرا ایشان نمی دانند چه وقایعی در اورشلیم بر آنها خواهد گذشت (ر.ک یو ۱۱:۷-۱۶).
z- ر.ک مر ۸:۳۱-۳۲، ۹:۳۱-۳۲ در مورد دقت این سومین اعلام ر.ک مت ۲۰:۱۹ c. عیسی هیچ وقت به صراحت اعلام نمی کند که یهودا او را تسلیم خواهد کرد.
a- ر.ک مت ۲۰:۲۱ e.
b- در عهد عتیق «جام» در اغلب موارد نشانه درد و رنج است (مز ۷۵:۹؛ اش ۵۱:۱۷-۲۲؛ ار ۲۵:۱۵؛ حزق ۲۳:۳۱-۳۴) ر.ک مر ۱۴:۳۶. مرقس به تصویر «جام» تصویر «تعمید» (به معنی غوطه ور شدن) را می افزاید. زیرا رنجهایی را نشان می دهد که بطور کلی انسان گرفتار و مصیبت زده را غوطه ور می سازد و مخصوصاً در مرگ شهادت غرق می کند.

اع۲:۱۲ تعمید می یابم، تعمید بیابید؟» ۳۹ به او
گفتند: «می توانیم.» عیسی به ایشان گفت:
«جامی را که من می نوشم آن را خواهید
نوشید و به آن تعمیدی که من تعمید
می یابم تعمید خواهید یافت. ۴۰ امّا
نشستن به راست یا چپ من، اعطایش از آنِ
من نیست: این از آنِ کسانی است[c] که
برایشان فراهم گردیده باشد.[d]» ۴۱ و با
شنیدن این، آن ده تن [دیگر] شروع به
برآشفتن بر یعقوب و یوحنّا کردند. ۴۲ و
عیسی آنان را نزد خود فراخوانده به ایشان
گفت: «می دانید کسانی که حکام ملت ها
شمرده می شوند[e] سلطه خود را بر آنان
اعمال می کنند و نیز اینکه بزرگانشان
قدرت خود را بر آنان اعمال می کنند.
۴۳ باری در میان شما این چنین نیست،
بلکه هر که می خواهد در میان شما بزرگ
گردد خادم شما خواهد بود، ۴۴ و هر که در
میان شما می خواهد اولین گردد بردهٔ همه
خواهد بود. ۴۵ زیرا پسر انسان نیآمده تا
۱-تیمو۲:۵-۶ مخدوم شود، بلکه خدمت کند و زندگانی
خود را برای بسیاری فدیه دهد[f].»

شفای بارتیمائوس کور
(متی ۲۰:۲۹-۳۴؛ لوقا۱۸:۳۵-۴۳)

۴۶ و آنان به اریحا می آیند و چون او
همراه با شاگردانش و جمعیت کثیری از
اریحا خارج می شد بارتیمائوس، پسر
تیمائوس، گدائی کور در کنار راه نشسته
می بود[g]. ۴۷ و چون دانست که عیسای
ناصری[h] است، شروع به فریاد زدن و گفتن
کرد: «ای پسر داود[i]، ای عیسی، بر من رحم مت۹:۲۷؛ ۲۲:۱۵
کن!» ۴۸ و بسیاری او را نهیب می زدند که
خاموش شود، امّا برعکس او بیشتر فریاد
می زد: «ای پسر داود، بر من رحم کن!»
۴۹ و عیسی ایستاده گفت: «او را صدا
کنید» و کور را صدا کرده به او گفتند:
«اعتماد! قیام کن! تو را صدا می کند!»
۵۰ او ردایش را انداخته برجست و به سوی
عیسی آمد. ۵۱ و عیسی خطاب به او گفت:
«چه می خواهی برایت انجام دهم؟» کور به
وی گفت: «ربّونی[j] بینائی را باز یابم.»
۵۲ و عیسی به او گفت: «برو، ایمانت تو را
نجات داده است!» و همان دم بینائی را باز مت۹:۲۲؛ مر۵:۳۴؛ لو۷:۵۰؛ ۱۹:۱۷
یافت و در راه به دنبال وی می آمد.

c- ر.ک مت ۲۰:۲۳ g.
d- این فعل به صورت مجهول آمده و عمل خدا را بیان می کند. بایستی آن را به این صورت درک نماییم: «به وسیله خدا فراهم گردیده باشد» چنان که در مت ۲۰:۲۳ تصریح شده است.
e- اصطلاح «شمرده می شوند» با حالتی تمسخرآمیز به معنی «تصور می کنند» ر.ک غلا۲:۶.
f- کلمه «بسیاری» معنی وسیعی دارد: عیسی به خاطر و به جای (برای) تودهٔ مردمان می میرد چنان که در اشعیا خادم خدا برای مجموعه قوم جان خود را می دهد، ر.ک اش ۵۳:۱۱-۱۲؛ مر ۱۴:۲۴ //.
g- برابر برخی نسخ خطی: «گدائی کور» و پسر تیمائوس ذکر نشده است.
h- «ناصری» که صورت معمولی در انجیل مرقس است، ر.ک لو ۱۸:۳۷ f.
i- پسر داود عنوان رایج مسیح موعود بوده است، ر.ک ۱۱:۱۰، ۱۲:۳۵؛ مت ۹:۲۷ j. در آیه ۴۹ اعتماد، تحت اللفظی: شجاعت
j- «ربونی» نظیر «ربی» عنوان احترام آمیز است (ر.ک ۹:۵ a) و علاقه بیشتری را نشان می دهد. متی و لوقا این کلمه را به «خداوند» برگردانده اند.

ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم (متی۲۱:۱-۱۱؛ لوقا۱۹:۲۸-۴۰؛ یوحنا۱۲:۱۲-۱۶)

۱۱ [۱] و چون به اورشلیم نزدیک
می‌شوند در حدود بیت‌فاجی و
بیت‌عنیا[k] نزدیک کوه زیتون دو تن از
شاگردان خود را می‌فرستد، [۲] و به ایشان
گفت: «به روستائی که در برابرشما است
بروید، همان دم با ورود به آنجا کرّه الاغی[l]
بسته خواهید یافت که تا کنون هیچ کس بر
آن سوار نشده است، آن را باز کنید و
بیاورید. [۳] و اگر کسی به شما گوید: چکار
دارید می‌کنید؟ بگوئید: خداوند[m] آن را
لازم دارد و به زودی آن را به اینجا پس
می‌فرستد.[n]» [۴] و ایشان رفتند و کرّه الاغ را
نزدیک دری، بیرون، در کوچه بسته یافتند
و آن را باز می‌کنند [۵] و برخی از کسانی که
آنجا می‌بودند به ایشان می‌گفتند: «چه
شده که کرّه الاغ را باز می‌کنید؟...» [۶] و
آنان آن چنان که عیسی گفته بود گفتند و
ایشان را گذاشتند که آن را انجام دهند. [۷] و
کرّه الاغ را نزد عیسی می‌آورند و رداهای
خود را بر آن می‌اندازند و او بر آن سوار
شد. [۸] و بسیاری از مردم رداهای خود را بر
سر راه گستردند و دیگران شاخه‌های
پربرگ را که از کشتزارها بریده بودند [۹] و
کسانی که در پس و پیش او بودند فریاد
برمی‌آوردند: «هوشیعانا![o] مبارک باد آن
که به نام خداوند می‌آید![p] [۱۰] مبارک باد
فرمانروائی که می‌آید و از آن پدرمان داود
است![q] هوشیعانا بر فراز [آسمان‌ها]! [۱۱] و
در اورشلیم به معبد وارد شد و پس از آنکه
نگاه خود را بر همه چیز گردانید[r]، چون
ساعت دیر بود، با آن دوازده به سوی
بیت‌عنیا بیرون شد.

زک۱۴:۴؛ مر۱۳:۳؛ ۱۴:۲۶؛ لو۲۱:۳۷؛ یو۸:۱؛ اع۱:۱۲

درخت انجیر بی ثمر (متی۲۱:۱۸-۱۹)

[۱۲] و روز بعد هنگامی که از بیت‌عنیا
بیرون می‌رفتند گرسنه شد. [۱۳] و چون
درخت انجیری از دور مشاهده کرد که برگ
داشت، رفت تا ببیند در آنجا چیزی خواهد

k- نام دو روستا در نزدیکی اورشلیم، ر.ک مت ۲۱:۱ توضیح m؛ لو ۱۹:۲۹ توضیح h و i).
l- اشاره به پیشگوئی در زک ۹:۹ می‌باشد.
m- این متن تنها جایی است که در انجیل مرقس و انجیل متی اصطلاح «خداوند» در مورد عیسی بکار رفته است. مسیحیان اولیه عیسای قیام کرده را با این عنوان می‌نامیدند (در صورتی که در عهد عتیق این عنوان مختص خدا یا مسیح موعود - پادشاه می‌باشد. در بعضی ترجمه ها «خداوندش» (به معنی صاحبش) آمده است.
n- ترجمه دیگر: «و او (یعنی کسی که اعتراض می‌کند) بلافاصله آن را به اینجا می‌فرستد.»
o- ر.ک مت ۲۱:۹ توضیح t. ر.ک اعد۱۹:۹: «گاو سرخ رنگ که یوغ بر گردنش نیامده باشد» یعنی هیچ وقت از آن برای کارهای معمولی استفاده نکرده باشند (ر.ک تث۲۱:۳؛ ۱-سمو۶:۷).
p- مز ۱۱۸:۲۵-۲۶.
q- «فرمانروائی» به معنی «ملکوت». این نوع هلهله که فقط در انجیل مرقس به این صورت آمده به روشنی مربوط به مسیح موعود - پادشاه می‌باشد و در مت ۲۱:۹ (هوشیعانا پسر داود) و در لو ۱۹:۳۸ (مبارک باد پادشاه) آمده است. به احتمال قوی این فریادها جنبه سیاسی داشته و آنان در انتظار رهائی از سلطه رومیان بودند (ر.ک یو۶:۱۵؛ ۱۲:۱۳؛ اع۵:۳۶-۳۷).
r- این نکته جزیی، مقدمه صحنه بیرون راندن فروشندگان را از معبد است (آیات ۱۵-۱۹). ضمناً موضوع مربوط به مجموعه مکان مقدس با میدانها و محوطه های اطراف آن است و نه به درون ساختمانی که مرکز معبد بوده و فقط کاهنان مجاز به ورود به آن بودند (ر.ک ۱۴:۵۸، ۱۵:۲۹-۳۸).

یافت، امّا چون به آنجا رفت، چیزی جز
برگ نیافت، زیرا فصل انجیر نبود[s]. [۱۴] و
سخن آغاز کرده به آن گفت: «دیگر هرگز
کسی از میوه تو نخورد!» و شاگردان او
می شنیدند.

فروشندگان رانده شده از معبد
(متی۲۱:۱-۱۷؛ لوقا۱۹:۴۵-۴۸؛ یوحنا۲:۱۳-۱۶)

[۱۵] و به اورشلیم می آیند و با ورود به
معبد به راندن کسانی که در معبد[t] خرید و
فروش می کردند پرداخت و دخل صرّافان و
جایگاه کسانی را که کبوتر می فروختند
واژگون کرد. [۱۶] و نمی گذاشت هیچ کس
باری از میان معبد حمل کند[u]. [۱۷] و آنان را
آموزش داده به آنان می گفت: «مگر نوشته
نشده است که خانهٔ من برای همهٔ ملّتها[v]
خانه نیایش نامیده خواهد شد امّا شما آن
را غار دزدان کرده اید!» [۱۸] و کاهنان
اعظم[w] و کاتبان شنیدند و در پی آن
می بودند که چگونه وی را از بین ببرند.
زیرا از او می ترسیدند، درحقیقت تمام ۶:۳؛ ۱:۱۴؛
جمعیت از آموزش او بهت زده می بودند. لو۱۹:۲۰

انجیر خشکیده: ایمان و دعا
(متی ۲۱:۱۸-۱۹)

[۱۹] و چون دیروقت شد از شهر خارج
شدند[x]. [۲۰] و بامدادان چون عبور می کردند
درخت انجیر از ریشه خشکیده را دیدند.
[۲۱] و پطرس به یاد آورده به او گفت: «ربی
بنگر، درخت انجیری را که لعنت کردی
خشکیده است!» [۲۲] و عیسی در پاسخ به
آنان گفت: «به خدا ایمان داشته باشید.
[۲۳] آمین به شما می گویم: اگر کسی به این
کوه بگوید بلند شو و خود را به دریا انداز
و اگر در قلبش تردید نکند بلکه ایمان
داشته باشد که آنچه می گوید انجام خواهد
شد، آن را به دست خواهد آورد[y]. [۲۴] برای
همین است[z] که به شما می گویم آنچه را در
نیایش درخواست کنید ایمان داشته باشید

s- این نکته که در روایت متی وجود ندارد در انجیل مرقس تأکید می نماید که این اتفاق مفهوم نمادین دارد. بین دو واقعه ای که در معبد روی می دهد ممکن است درخت انجیر نشانه معبد باشد که مسیح موعود در آن هیچ ثمری نمی یابد (ر.ک ار۸:۱۳؛ هو۹:۱۶-۱۷؛ یو۱:۷؛ میک۷:۱). از سوی دیگر تأثیر سخن عیسی در آیه ۱۴ قدرت ایمان و نیایش را ثابت می کند (آیات ۲۰-۲۵).

t- یعنی در میدان جلو معبد که محوطه امتها نامیده می شد، ر.ک مت ۲۱:۱۲ توضیح x. رفتار عیسی پیشگوئی زک۱۴:۲۱ را تحقق می بخشد.

u- به احتمال قوی محوطه امتها راه میانبری بین شهر و کوه زیتون بوده و مردم بدون توجه به اینکه ممکن است اختلال و بی نظمی ایجاد شود از این راه کوتاهتر استفاده می کردند.

v- اش۵۶:۷ فقط مرقس این بخش از عبارت اشعیا را نقل نموده است: «برای همه ملتها». به این ترتیب تطهیر معبد ابعاد جهانی می گیرد و محوطه امتها (ر.ک آیه ۱۵ توضیح t) به همان اندازه محوطه اسرائیل مقدس می باشد.

vv- ار ۷:۱۱ در این فصل ارمیا اعلام می کند آمدن اهالی یهودا به معبد و انجام پرستش فایده ای ندارد مگر اینکه قبلاً رفتارشان برابر عدالت و احترام به قانون یهود باشد.

w- اعضای خانواده های بزرگ کاهنان که از میانشان کاهن اعظم انتخاب می شد.

x- ترجمه دیگر: «هنگامی که شب می رسید عیسی و شاگردان از شهر خارج می شدند.» طبق این ترجمه این عمل فقط یک بار انجام نشده بلکه به صورت عادت بوده است.

y- ر.ک مت ۱۷:۲۰ توضیح f. در حالی که انجیل متی برای قدرت شخص ایماندار اهمیت قائل می شود (۱۷:۲۰؛ ۲۱:۲۱) عبارتی که در انجیل مرقس آمده بیانگر قدرت خدا در پاسخ به ایمان است (ر.ک ۹:۲۳ توضیح q).

z- گفتار درباره قدرت ایمان (آیه ۲۳) در اینجا در مورد قدرت نیایش بکار برده شده است (ر.ک مت ۱۸:۱۹).

که دریافت کرده اید و آن را به دست
خواهید آورد. ۲۵ و چون برای نیایش
افس۴:۳۲؛ کول۳:۱۳ می ایستید، اگر چیزی برضد کسی دارید،
ببخشید تا پدر شما که در آسمانها است[a]
خطاهای شما را نیز ببخشد. ۲۶ [...][b]»

تردید در مورد اقتدار عیسی
(متی۲۱:۲۳-۲۷؛ لوقا۲۰:۱-۸)

۲۷ و باز به اورشلیم می‌آیند و چون در
معبد می‌گشت، کاهنان اعظم، کاتبان و
مشایخ بسوی او می‌آیند[c]. ۲۸ و به او
می‌گفتند: «این را با چه اقتداری انجام
می‌دهی[d] یا چه کسی اقتدار انجام این را به
تو داده است؟» ۲۹ عیسی به آنان گفت:
«فقط یک چیز از شما سئوال می کنم: پس
به من پاسخ دهید و به شما خواهم گفت با
چه اقتداری این را انجام می‌دهم. ۳۰ آیا
تعمید یحیی از آسمان می بود یا از
انسانها؟ به من پاسخ دهید.» ۳۱ و آنان
بین خود چنین استدلال می کردند: «اگر
مت۱۴:۵؛ لو۷:۳۰ بگوئیم: از آسمان[e]، خواهد گفت: پس چرا
به وی ایمان نیاورده اید؟ ۳۲ امّا آیا بگوئیم:
از انسانها؟...» از جمعیت می ترسیدند[f]
زیرا همه یحیی را پیامبری راستین
می‌دانستند. ۳۳ و در پاسخ به عیسی
می‌گویند: «نمی‌دانیم» و عیسی به آنان
گفت: «من نیز هرگز به شما نمی‌گویم با چه
اقتداری این را انجام می‌دهم.

مثل باغبانان آدمکش
(متی۲۱:۳۳-۴۶؛ لوقا۲۰:۹-۱۹)

۱۲ ۱ و با آنان شروع به سخن گفتن با
مثل ها کرد: «مردی تاکستانی
کاشت و آن را محصور کرده چرخشتی کند
و برجی بنا کرده[g] سپس آن را به باغبانان
اجاره داد و به مسافرت رفت. ۲ و چون
وقتش رسید، برده‌ای نزد باغبانان فرستاد
تا از باغبانان سهمی از میوه های تاکستان
بگیرد. ۳ وا و را گرفته زدند و دست خالی
باز گرداندند. ۴ و باز بردهٔ دیگری نزد آنان
فرستاد و بر سر این یکی زدند و با
بی‌احترامی با او رفتار کردند. ۵ باز یکی
دیگر فرستاد و آنان این یکی را کشتند.
[سپس] بسیاری دیگر که بعضی را زدند و

a- ترجمه تحت اللفظی: «پدری که در آسمانها (است)» (ر.ک مت ۶:۹ w) این جمله که در انجیل مرقس غیرعادی است تأیید می کند که مرقس از مجموعه ای از سخنان عیسی استفاده کرده است.
b- آیه ۲۶ در تمام مدارک گواهی نشده و چنین است: «ولی اگر شما نمی بخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید» (ر.ک مت ۶:۱۵).
c- ر.ک لو ۲۰:۱ f.
d- بنا به نوشته مرقس این سؤال مربوط به پاک کردن معبد است زیرا به نظر می آید که هیچ کدام از کارهای دیگر عیسی چنین سؤال برنمی‌انگیزد. مت ۲۱:۲۳ تصریح می کند که عیسی آموزش می‌داد و لو ۲۰:۱ نوشته است نوید را اعلام می کرد، بنابراین به نظر آنان ممکن است سؤال درباره اقتدار مربوط به تعلیم باشد.
e- یعنی «از خدا» ر.ک لو ۱۱:۱۶ v.
f- ر.ک مر ۱۲:۱۲، ۱۴:۱۲؛ لو ۲۰:۱۹ u.
g- اش ۵:۲. در این گفتار که از اشعیا نقل شده منظور از تاکستان، اسرائیل است و متهم است میوه هایی را که خدا انتظار داشته به بار نیاورده است. در اینجا اتهام بر باغبانان وارد شده که به نظر مرقس کاهنان اعظم، کاتبان و مشایخ هستند (آیه ۱۲؛ ر.ک ۱۱:۲۷؛ ۱۴:۴۳، ۵۳).

بعضی دیگر را کشتند. ۶او هنوز کسی را داشت، پسری محبوب[h]. آخر او را نزد آنان فرستاد چون به خود می گفت: پسرم را حرمت خواهند گذاشت. ۷امّا این باغبانان بین خود گفتند: «اینک وارث، بیائید او را بکشیم و میراث از آن ما خواهد بود. ۸و او را گرفته کشتند و به بیرون از تاکستان انداختند[i]. ۹خداوند تاکستان چه خواهد کرد؟ آمده باغبانان را هلاک خواهد کرد و تاکستان را به دیگران خواهد داد. ۱۰مگر این نوشته [مقّدس] را نخوانده اید:

سنگی را که معماران رد کرده بودند — اع۴:۱۱؛ ۱-پطر۲:۷
همان است که سر زاویه گردید[j]
۱۱این از جانب خداوند انجام شده
و به چشمان ما، شگفت انگیز است![k]»

۱۲و در صدد دستگیری او می بودند و از جمعیت ترسیدند، زیرا فهمیده بودند که مثل را دربارهٔ آنان گفته است. و او را ترک کرده رفتند.

پرداخت مالیات به قیصر
(متی۲۲:۱۵-۲۲؛ لوقا۲۰:۲۰-۲۶)

۱۳و ایشان تنی چند از فریسیان و هیرودیان[m] را می فرستند[l] تا او را با یک حرف در تله بیندازند. ۱۴و آنان آمده به او گفتند: «ای استاد می دانیم که تو برحق هستی و در بند کسی نیستی زیرا به شخص انسان نمی نگری بلکه به راستی راه خدا را آموزش می دهی[n]. آیا دادن مالیات[o] به قیصر مجاز است یا خیر؟ آیا باید بپردازیم یا نپردازیم؟» ۱۵امّا او که به ریای آنان پی برده بود به آنان گفت: «چرا مرا تجربه می کنید[p]؟ یک دینار[q] برای من بیاورید تا ببینم.» ۱۶آنان آوردند و به آنان گفت:

h- صفت «محبوب» (ر.ک لو ۲۰:۱۳) که مخصوصاً در اینجا بکار برده شده صدای آسمانی را به یاد می رود که عیسی را در صحنه های تعمید و تجلی معرفی می کرد (ر.ک مت ۳:۱۷ //؛ ۱۷:۵ //). ضمناً به طور سربسته نکته ای که در این مثل درباره مسیح موعود وجود دارد یادآوری می نماید.

i- کلمات «گرفتن، کشتن، به بیرون انداختن» طرز بیان مرقس را نشان می دهد متی و لوقا ترتیب این کلمات را برعکس کرده اند: «بیرون انداختن، کشتن» (ر.ک مت۲۱:۳۹ توضیح v).

j- این طرز بیان در زبان یونانی عیناً از ترکیب جمله عبری اقتباس شده است (معماران و بنایان که در ساختن بنا از سنگ استفاده می کنند، سنگهایی را که شکل هندسی منظمی ندارند دور می اندازند و بالعکس سنگهای منظم تر را که دو طرف صاف و مسطح داشته باشند در گوشه و نبش ساختمان بکار می برند). طبق تعمق پدران کلیسا، تراشیده شدن در اثر روزه و ریاضت باعث می شود که فرد، شخص مؤثر و مفیدی در کلیسا شود.

k- مز۱۱۸:۲۲-۲۳. ر.ک اش۲۸:۱۶؛ اع۴:۱۱؛ روم۹:۳۳؛ ۱-پطر۲:۶-۸.

l- آیات ۱۳-۳۴ (ر.ک مت ۲۲:۱۵-۴۰؛ لو ۲۰:۲۰-۴۰؛ ۱۰:۲۵-۲۸) شامل یک رشته مجادلاتی است که عیسی از آنها پیروز بیرون می آید و به طوری که در پایان این مجادلات گفته شده مخالفانش از اینکه او را با سؤالهای خود در تله بیندازند صرف نظر می کنند: «و دیگر کسی جرأت نمی کرد از او سؤال کند» (آیه //). در آخرین سؤالی که درباره آن بحث شده بود (موضوع مسیح موعود، پسر داود) مشاهده می شود که عیسی به حمله متقابل پرداخته است. مرقس برخلاف متی و لوقا این واقعه را به صورت مباحثه غیرمستقیم ارائه نموده است بدین معنی که عیسی مطالب خود را دیگر به مخالفانش خطاب نمی کند بلکه با کسانی که به او گوش می دهند سخن می گوید.

m- ر.ک مر ۳:۶ توضیح g.

n- ر.ک لو ۲۰:۲۱ توضیح a. شخص انسان یعنی مقام و موقعیت او.

o- ر.ک مت ۱۲:۱۷ توضیح d.

p- اولین بار نیست که دشمنان می خواهند او را گیر بیندازند. ر.ک مر ۸:۱۱، ۱۰:۲ //.

q- تر.ک ۶:۳۷ توضیح t.

«این صورت و نوشته از کیست؟» به او
گفتند: «از قیصر.» ۱۷عیسی به آنان گفت: روم۱۳:۷
آنچه از آن قیصر است به قیصر و آنچه از
آن خداست به خدا باز دهید[r]» و آنان
دربارهٔ وی از حیرت بیرون نمی‌آمدند.

رستاخیز مردگان
(متی۲۲:۲۲-۳۳؛ لوقا۲۰:۲۷-۳۸)

۱۸و صدوقیان[s]، آنانی که می‌گویند
رستاخیز وجود ندارد، نزد او می‌آیند و از
وی سئوال کرده می‌گفتند: ۱۹«ای استاد،
موسی برای ما چنین نوشته است: اگر برادر
کسی بمیرد و پس از خود زنی باقی گذارد
و فرزندی باقی نگذارد، برادرش باید زن
را گرفته و تباری برای برادر[t] خود ایجاد
کند. ۲۰هفت برادر بودند. و اوّلی زنی
گرفته چون مرد تباری از خود باقی
نگذاشت ۲۱و دوّمی او را گرفته و بدون
اینکه تباری از خود باقی گذارد مرد و
سوّمی به هم‌چنین ۲۲هیچ یک از آن هفت،
تباری باقی نگذاشتند. بعد از همهٔ آنها،
زن نیز مرد. ۲۳در رستاخیز چون آنها
برخواهند خاست زن از آنِ کدامین خواهد
بود؟ زیرا هر یک از آن هفت او را چون زن
خود داشته‌اند.» ۲۴عیسی به آنان فرمود:
«اگر گمراه می‌شوید آیا به سبب نشناختن
نوشته‌های [مقدّس] و قدرت خدا
نیست؟[u] ۲۵درواقع چون از میان مردگان
برمی‌خیزند، ازدواج نمی‌کنند و به ازدواج
داده نمی‌شوند[v] بلکه چون فرشتگان در
آسمان‌ها هستند[w]. ۲۶و دربارهٔ مردگانی که
قیام می‌کنند مگر در کتاب موسی در قطعهٔ
بوته نخوانده‌اید که خدا چگونه با او سخن
گفته است: من هستم، خدای ابراهیم و
خدای اسحاق و خدای یعقوب[x]. ۲۷او
خدای مردگان نیست، بلکه زندگان[y]. شما
بسیار گمراه هستید.»

r- همین امر که مخاطبان عیسی این سکه را بکار می‌برند که نشانه سلطه رومیان است ثابت می‌کند که آنان حاضرند از نظام سیاسی معینی استفاده نمایند و در صورتی که می‌خواهند مالیات نپردازند بایستی اصولاً هر نوع نشانه‌ای از حضور رومیان را نپذیرند و حال آنکه چنین کاری نمی‌کنند ولی مخصوصاً مسائل را با یکدیگر اشتباه می‌کنند: موضوع وظیفه نسبت به خدا با وظیفه نسبت به قیصر تفاوت دارد. مالیاتی که باید به قیصر پرداخت جنبه قطعی نظیر اطاعت از خدا ندارد. درواقع سؤال فریسیان در آیه ۱۴ به این معنی است که آیا طبق شریعت جایز است... (ر.ک ۲:۲۴،۲۶؛ ۳:۴؛ ۶:۱۸؛ ۱۰:۲). به علاوه پرداخت مالیات، قانونی انسانی و سیاسی است و از این رو غیوران و انقلابیون اجازه نمی‌دادند که به قیصر مالیات داده شود.

s- ر.ک لو ۲۰:۲۷ توضیح c.

t- تث ۲۵:۵-۱۰؛ ر.ک مت ۲۲:۲۴ توضیح g.

u- در مقابل ایرادی که با استفاده از یک نکته حقوقی در شریعت موسی می‌شود عیسی به نوشته‌های مقدس استناد می‌نماید که رستاخیز را تأیید می‌کنند (آیه ۲۶ توضیح x). ضمناً «قدرت خدا» را یادآوری می‌نماید که ایرادگیرندگان نادیده گرفته‌اند و تصور اشتباهی از وضع رستاخیز کنندگان دارند.

v- ترجمه دیگر: «نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند» (ر.ک ۱-قرن۱۵:۳۵-۵۳؛ لو۲۰:۳۴-۳۶).

w- ر.ک مت ۲۲:۳۰ توضیح j، ر.ک اع۲۳:۸.

x- خروج۳:۶، عیسی قسمتی از شریعت را نقل می‌کند که فقط صدوقیان آن را به عنوان کتب مقدس قبول داشتند. ضمناً اصطلاح «خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب» یادآور انتخاب الهی و وفاداری خدا نسبت به برگزیدگان است و مرگ نمی‌تواند پایان آن باشد.

y- ر.ک مت ۲۲:۳۲ توضیح k.

اولین فرمان
(متی۲۲:۳۴-۴۰؛ لوقا ۱۰:۲۵-۲۸؛ ۲۰:۳۹-۴۰)

۲۸ و یکی از کاتبان که بحث آنان را شنیده بود، چون می‌دانست به آنان نیکو پاسخ داده است نزدیک شده از او پرسید: «از همهٔ فرمان‌ها اولین کدام است؟» ۲۹ عیسی پاسخ داد: «اول این است: بشنو ای اسرائیل! خداوند خدای ما خداوند یگانه است[z]، ۳۰ پس خداوند، خدای خود را با تمام قلب و با تمام جان و با تمام اندیشه و با تمام قدرت خود محبّت خواهی کرد[a]. ۳۱ دوّم این است: همسایه‌ات را چون خودت محبّت خواهی کرد[b]. فرمان دیگری بالاتر از اینها نیست.» ۳۲ و کاتب به او گفت: «بسیار خوب، ای استاد! تو راست گفتی: او آن یگانه است و جز او نیست؛ ۳۳ و محبّت کردن او با تمام قلب و با تمام فهم[c] و تمام قدرت و همسایه را چون خود محبّت کردن، بیش از قربانیهای سوختنی و [دیگر] قربانی‌ها است.[d]» ۳۴ و عیسی چون دید خردمندانه پاسخ داده است به او گفت: «تو از ملکوت خدا دور نیستی.[e]» و دیگر کسی جرأت نمی‌کرد از او سؤال کند.

تث۴:۳۵؛ اش۴۵:۲۱

هو۶:۶

مسیح و داود
(متی۲۲:۴۱-۴۶؛ لوقا ۲۰:۴۱-۴۴)

۳۵ و عیسی چون در معبد آموزش می‌داد شروع به سخن کرده می‌گفت[f]: «چگونه

z- تث ۶:۴، تحت اللفظی: «خداوند، خدای ما، یگانه یهوه است». یهودیان نام قدوس یهوه را تلفظ نمی‌کردند و به جای آن از واژه عبری «ادونای» (یونانی kyrios) به معنی «خداوند» استفاده می‌کردند. بنابر تفسیری که از متن عبری تثنیه می‌توان کرد برای این عبارت ترجمه‌های مختلفی پذیرفته شده است («تنها یک خداوند هست» یا «آن یگانه یهوه»). ترجمه‌ای که در اینجا پذیرفته شده با توجه به مطالب آیه ۳۲ می‌باشد.

a- تث ۶:۵.

b- لاو ۱۹:۱۸.

c- کلمات «با تمام فهم» با آنچه در آیه ۳۰ ذکر شده تفاوت دارد و چنین به نظر می‌رسد که منظور «با تمام فکر» می‌باشد. در ترجمه یونانی تث۶:۵ «قلب» یا «فکر» آمده است، ر.ک ۲- پاد۲۳:۲۵.

d- ر.ک ۱- سمو ۱۵:۲۲.

e- این تنها موردی در اناجیل نظیر است که عیسی کاتبی را تحسین می‌کند. به نظر مرقس کاتب مذکور دارای حسن نیت بوده و منظور سوئی نداشته است (بر عکس مت ۲۲:۳۵؛ لو ۱۰:۲۵). البته باید به یاد داشت که سؤال کاتب که «از همه فرمانها اولین کدام است؟» چندان آسان نبود و گروههای مختلف یهودیان آن زمان درباره چگونگی ترتیب و اولویت بندی ۶۱۳ فرمان یهود نظر واحدی نداشتند. بنا به نوشته متی عیسی به هیچ وجه نتوانست موافقت حتی یک کاتب را جلب نماید ولی برابر انجیل لوقا (۲۰:۳۹) کاتبان جواب عیسی درباره رستاخیز را تحسین می‌کنند، در صورتی در این متن انجیل مرقس کاتب مزبور تقریباً اهمیت و رفتاری نظیر شاگرد علاقمندی را دارد و عیسی او را تحسین می‌نماید. بدین گونه یک دسته سه تایی مباحثه که در انجیل مرقس ذکر شده با نکته مثبتی به پایان می‌رسد که کاملاً با سخنان سخت و تندی که بعداً می‌آید تفاوت دارد (آیات ۳۸-۴۰).

f- در این قسمت اکنون عیسی است که سؤال می‌کند. مخاطبان او در سه انجیل نظیر یکی نیستند. بدین معنی که در انجیل متی فریسیان مخاطب عیسی می‌باشند و در انجیل لوقا همان کاتبانی هستند که در مباحثه قبلی پاسخ عیسی به صدوقیان را در مورد رستاخیز تحسین نمودند. بالاخره در انجیل مرقس عیسی به عده زیادی از مردمان که نامعلوم هستند سخن می‌گوید و سخنان او را با علاقمندی گوش می‌کنند (آیه ۳۷) به نظر مرقس رویارویی مستقیم و آشکار با عقب نشینی مخالفان خاتمه یافته است (آیه ۳۴). و این آیات فاصله‌ای بین برخورد مذکور و اعلام خطر بر ضد کاتبان می‌باشد.
در سه انجیل نظیر عیسی طوری نشان داده شده که به مانند کاهنان درباره نکته‌ای از تفسیر کتب‌مقدس جروبحث می‌کند و نشان می‌دهند که عنوان مسیح موعود را نباید با فرزندی داود اشتباه کرد زیرا بالاتر و برتر از آن است. می‌دانیم که بر طبق عهد جدید عیسی در عین حال پسر داود و خداوند است (ر.ک روم ۱:۳).

کاتبان می گویند که مسیح[g] پسر داود
است؟ ۳۶داود خود توسط روح القدس
گفت:

خداوند به خداوند من گفته است:
به راست من بنشین
تا آنکه دشمنانت را
به زیر پاهایت اندازم[h].

لو۱۹:۴۸؛ ۳۸:۲۱ ۳۷داود خود او را خداوند می گوید؛ پس
از کجا پسر او است؟» و جمعیت زیادی، با
شادمانی به او گوش می داد.

داوری عیسی دربارهٔ کاتبان
(متی۲۳:۱-۱۲؛ لوقا۲۰:۴۵-۴۷)

۳۸و درآموزش خود می گفت: «دربارهٔ
کاتبان مواظب باشید که خواستار گشتن با
رداهای بلند و [شنیدن] سلامها در
میدانهای عمومی، ۳۹اشغال نخستین
جایگاه ها در کنیسه ها و نخستین جایها در
ضیافت ها هستند، ۴۰آنان که اموال
بیوه زنان را می بلعند در حالی که با تظاهر
نماز خود را طول می دهند[i]. اینان
محکومیّتی جدّی تر خواهند یافت!»

پشیز بیوه زن فقیر
(لوقا۲۱:۱-۴)

۲-پاد۱۲:۹؛ یو۸:۲۰ ۴۱و در مقابل خزانه نشسته مشاهده
می کرد که چگونه جمعیت پول خرد[j] در
صندوق می انداختند و بسیاری از
ثروتمندان درآن بسیار می انداختند. ۴۲و
بیوه زن درمانده ای آمد که دو پشیز[k]
انداخت، یعنی یک چهارم فلس. ۴۳و
شاگردان خود را نزد خویش فراخوانده به
ایشان گفت: «آمین به شما می گویم این
بیوه زن که درمانده است، بیش از هر کس
که در خزانه می اندازد، انداخته است.
۴۴زیرا همه از مازاد خود انداختند امّا او از
فقر خود، او هر چه داشت انداخت، همه
هستی خود را.»

عیسی ویرانی معبد را از پیش اعلام می کند
(متی۲۴:۱-۳؛ لوقا۲۱:۵-۷)

۱۳ ۱و چون از معبد خارج می شد،
یکی از شاگردانش به او گفت:
«ای استاد، بنگر: چه سنگها و چه
بناهایی[l]!» ۲و عیسی به او گفت: «این
بناهای بزرگ را می نگریی؟ در اینجا
لو۱۹:۴۴ سنگی بر سنگی نخواهد ماند که نابود
۱:۱۱ نشود.» ۳و چون بر کوه زیتون در مقابل
معبد نشسته بود، پطرس، درکناری از او
می پرسید و هم چنین یعقوب، یوحنّا[m] و
اندریاس: ۴«به ما بگو این چه وقت روی
خواهد داد و وقتی همهٔ اینها به پایان
می رسد نشانه چه خواهد بود[n]؟»

g- یا «کریستوس».
h- مز ۱۱۰:۱؛ ر.ک اع۲:۳۴؛ عبر۱:۱۳.
i- یعنی برای توجیه رفتارشان نماز خود را طول می دهند.
j- تحت اللفظی: «مسی» ر.ک مر ۶:۸.
k- «کادران» که کوچکترین سکه رایج آن زمان بود (به وزن ۱۰، ۳ گرم) و این کلمه به خاطر خوانندگان یونانی و رومی نوشته و تصریح شده است. برابری صحیح آن را نمی توان تعیین نمود ولی به هر صورت پول مختصر و ناچیزی می باشد.
l- ر.ک مت ۲۴:۱ توضیح q.
m- این شاگردان نخستین کسانی هستند که فراخوانده شده اند (ر.ک ۱:۱۶-۲۰). بنا به نوشته مرقس تمام این تعلیمات به این چهار شاگرد ممتاز داده شده است.
n- این سؤال فقط درباره تاریخ وقوع و علایم فرا رسیدن زمان آخر است (ر.ک لو ۲۱:۷). بدون اینکه اشاره ای به ظهور مسیح باشد، چنان که در مت ۲۴:در مورد آن صحبت شده است.

شروع رنج‌ها
(متی۲۴:۱-۳؛ لوقا۲۱:۵-۷)

[۵]عیسی شروع به گفتن به آنان کرد:
«مواظب باشید شما را گمراه نکنند[o]. [۶]چه
بسیاری به نام من خواهند آمد وخواهند
گفت: «من هستم» و ایشان بسیاری را
گمراه خواهند کرد. [۷]چون بشنوید از جنگها
و هیاهوی جنگها حرف می‌زنند، هراسان
نشوید. این باید فرا رسد[p] امّا هنوز پایان اش۱۹:۲؛ ۲-توا۱۵:۶
نیست. [۸]درواقع ملتی بر ملتی و مملکتی بر
مملکتی قیام خواهد کرد. در جاهائی
زلزله ها خواهد شد، قحطی ها خواهد شد.
این آغاز دردهای زایمان است[q]. [۹]مواظب
خود باشید! شما را به سانهدرین ها[r] تسلیم
خواهند کرد و در کنیسه ها مضروب خواهید
شد و به خاطر من برای شهادت در برابر[s]
حاکمان و پادشاهان حضور خواهید یافت.
[۱۰]و قبلاً باید که انجیل به همه ملّتها نوید
داده شده باشد[t]. [۱۱]و چون شما را ببرند تا
تسلیم کنند، از پیش در اندیشهٔ آن نباشید
که چه باید بگوئید، بلکه آنچه در این
ساعت به شما داده خواهد شد، آن را
بگوئید، زیرا شما نیستید که حرف خواهید
زد، بلکه روح القدس[u]. [۱۲]و برادر، برادر میک۷:۶
خود را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر،
فرزند خود را و فرزندان برضد والدین خود
برخواهند خاست و آنان را به مرگ خواهند
سپرد، [۱۳]و به خاطر نام من منفور همه یو۱۵:۱۸-۲۱؛ ۱۶:۲؛
خواهید بود. امّا آن که تا به آخر[v] پایدار ۱-پطر۴:۱۴
بماند، نجات خواهد یافت.

مصیبت بزرگ
(متی۲۴:۱۵-۲۵؛ لوقا۲۱:۲۰-۲۴؛ ۱۷:۲۳؛ ۲۱:۸)

[۱۴]چون ببینید کراهت ویرانگر مستقر تث۱۱:۳۱؛ ۱۲:۱۱؛
شده است در جائی که نباید[w] -خود ۱-مک۱:۵۴؛ ۶:۷
خواننده دریابد[x]!- در آن وقت کسانی که
در یهودیه باشند، به کوهستان فرار کنند[y]،

o- ر.ک ۲۴:۴ توضیح t. درباره مسیح های دروغین که در قرن اول زیاد بودند ر.ک اع۵:۳۰-۳۷؛ ۲۱:۳۸ و نیز درباره پیامبران دروغین که ادعا دارند به اسم عیسی سخن می گویند ر.ک ۱-تیمو۴:۱-۲،۷؛ ۲-تیمو۲:۱۶-۱۷؛ ۳:۱-۲؛ تیط۳:۹-۱۰.
p- دان ۲:۲۸. درباره جنگها، زلزله ها و قحطی ها در ارتباط با آخر زمان ر.ک اش۲۴؛ حج۲:۶-۷؛ زک۱۴:۳-۴؛ مکا۶:۸، ۱۲،۱۳؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۶:۱۷،۱۹؛ ۱۸:۸.
q- ر.ک مت ۲۴:۸ توضیح w.
r- سانهدرین، شورای عالی شرع یهود و مرکب از بیست و سه نفر از بزرگان کنیسه بوده است، ر.ک ۱۰:۱۷ توضیح c.
s- در مورد شهادت «در برابر» یا «علیه» یا «نزد» ایشان ر.ک مر ۱:۴۴ توضیحx؛ ۶:۱۱.
t- این سخن که جنبه جهانی دارد (ر.ک مت ۱۰:۱۸) فرق بین یهودیان و مشرکان را که در آیه قبلی حدس زده می شد تصریح می نماید. به نظر مرقس این سخنان رسالت مسیحیان اولیه را پیشاپیش اعلام می کند، ر.ک لو۲۱:۲۴؛ روم۱۱:۲۵.
u- ر.ک لو ۱۲:۱۲ توضیح i.
v- مت ۲۴:۱۴ توضیح b.
w- اشاره ضمنی به دان ۹:۲۷. این اصطلاح که قبلاً «مکروه ویرانی» ترجمه می شد احتمالاً به نظر مرقس شخصی است که با اشغال محلی آن را پلید می سازد. (فعل «مستقر شدن» در زبان یونانی به صورت مذکر است.) لحن این گفتار تعمداً مرموز و مبهم است و نمونه ای از ادبیات مکاشفه ای می باشد که در آنها روشن شدن معما به درایت خواننده واگذار می شود. در خواندن این آیه نبایستی در پی دقت و صراحت برآییم و مثلاً آن را به تسخیر اورشلیم در سال ۷۰ میلادی منسوب نماییم. فقط می توان گفت ایمانداران در وضعیت وخیمی نظیر آنچه در باب ۹ کتاب دانیال اعلام شده قرار خواهند گرفت.
x- این کلمات اعم از اینکه جمله معترضه ای از مرقس یا تفسیر و توضیحی بعداً افزوده شده باشد بدین معنی است: «خوب ببینید به چه چیزی اشاره می کنم، به پیشگویی دانیال» که صراحتاً نقل نشده است. عبارت مشابهی در انجیل متی آمده ولی مفهوم دیگری دارد. مت ۲۴:۱۵ توضیح d.
y- ر.ک لو ۱۷:۳۱ توضیح r.

[۱۵]آن که بر بام باشد پائین نیاید و داخل
نشود تا چیزی از خانه بر دارد، [۱۶]و آن که لو۲۱:۲۳؛ ۲۹:۲۳
در کشتزار باشد باز نگردد تا ردایش را
برگیرد. [۱۷]در این روزها وای به حال زنانی
که باردار باشند و آنانی که شیر دهند!
[۱۸]نیایش کنید که این در زمستان
فرا نرسد. [۱۹]زیرا این روزها آن چنان
مصیبت خواهند بود که از آغاز آفرینش که
خدا آفریده تاکنون نظیر نداشته[z] و دیگر
فرا نخواهد رسید. [۲۰]و اگر خداوند این
روزها را کوتاه نمی کرد، هیچ آفریده ای[a]
نجات نمی یافت، امّا به خاطر برگزیدگانی
که برگزیده، این روزها را کوتاه کرده
است[b]. [۲۱]و آنگاه اگر کسی به شما
بگوید: بنگر، مسیح اینجا است! بنگر،
وی آنجا است، باور نکنید. [۲۲]زیرا
مسیح های دروغین[c] و پیامبران دروغین قیام تث۱۳:۲-۴؛ ۲-تسا۲:۹-۱۰؛
خواهند کرد که نشانه هاو کرامات خواهند مکا۱۳:۱۳-۱۴
نمود تا اگر ممکن باشد برگزیدگان را
گمراه کنند. [۲۳]پس شما مواظب باشید؛
همه را از پیش برایتان گفته ام.

آمدن پسر انسان
(متی۲۴:۲۹-۳۱؛ لوقا۲۱:۲۵-۲۸)

[۲۴]امّا در این روزها، پس از این حزق۳۲:۷-۸؛ یول۲:۱۰، ۳۱؛ ۳:۴؛ ۱۵:۴؛ مکا۶:۱۲-۱۴؛ ۱۲:۸
مصیبت، خورشید تار خواهد شد و ماه
فروغ خود را نخواهد داد، [۲۵]و ستارگان از
آسمان شروع به افتادن خواهند کرد و
قدرتهائی که در آسمانها هستند[d] متزلزل
خواهند شد. [۲۶]و آنگاه پسر انسان را
خواهند دید که با قدرت و شکوهی عظیم
در ابرها می آید[e]. [۲۷]و آنگاه فرشتگان را
خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از
بادهای چهارگانه، ازکرانه های زمین تا
کرانه های آسمان[f] گرد خواهد آورد.

مثال درخت انجیر
(متی۲۴:۳۲-۳۶؛ لوقا۲۱:۲۹-۳۳)

[۲۸]از درخت انجیر این مثل را یاد
بگیرید. همین که شاخه اش ترد شود و
برگهایش بروید، می فهمید که تابستان
نزدیک است. [۲۹]هم چنین شما: وقتی
ببینید که اینها فرامی رسد، بفهمید که
او[g] نزدیک، بر دروازه ها است. [۳۰]آمین به
شما می گویم که این نسل نگذرد پیش از
آنکه این همه فرارسیده باشد[h]. [۳۱]آسمان

z- دان ۱۲:۱.
a- تحت اللفظی: «هیچ تنی» یا «هیچ جسمی» که اصطلاح مختص زبان عبری است.
b- ر.ک مت ۲۴:۲۲ توضیح i.
c- ر.ک مت ۲۴:۲۴ توضیح j.
d- اش ۱۳:۱۰؛ ۳۴:۴ ترجمه یونانی هفتاد تنان.
e- دان ۱۳:۷؛ عیسی به وسیله همین متن از دانیال به داوری کنندگان خود پاسخ خواهد داد (مر ۱۴:۶۲). در عهد عتیق ابر نشانه ای از حضور الهی بود (خروج۳۴:۵؛ لاو۱۶:۲؛ اعد۱۱:۲۵) و پسر انسان شخص آسمانی است (ر.ک مت۸:۲۰ توضیح w).
f- ر.ک مت۲:۳۳ توضیح p.
g- ر.ک مت۲۴:۳۳ توضیح p.
h- عبارت «این همه» لزوماً مربوط به واقعه تاریخی معینی نظیر ویرانی معبد نمی باشد، بلکه گسترهٔ وسیع تری را شامل می شود. در آن دوران چندین نسل از یهودیان در انتظار پایان قریب الوقوع دنیا زندگی کرده بودند. هنگامی که عیسی در مورد این انتظار سخن می گوید (ر.ک مر۹:۱ توضیح v) افکار خود را به سبک نبوتی و مکاشفه ای آن دوران بیان می کند که در آن، مراحل مختلف جریانهای تاریخی معین نیستند. در اینجا نیز با وجود اینکه این اظهارات مسئله ای ایجاد می کند در روایات عیناً حفظ شده اند و حتی در آیه۳۱ تشدید گردیده و با اظهارات دیگری که متناقض به نظر می رسند تأیید شده است (آیه۳۲).

مت۵:۱۸؛ لو۱۶:۱۷؛ ۱-تسا۵:۱-۲ و زمین خواهند گذشت، ولی سخنان من
نخواهند گذشت. ۳۲امّا در بارهٔ این روز یا
این ساعت هیچ کس آن را نمی‌داند، نه
فرشتگان در آسمان، و نه پسر، مگر پدر[i].

بیدار باشید
(متی۲۴:۴۲؛ ۲۵:۱۳-۱۵؛ ۱۲:۳۶-۳۸؛ ۱۹:۱۲-۱۳)

۳۳مواظب و هوشیار باشید زیرا
نمی‌دانید آن لحظه کی خواهد بود.
۳۴مانند مردی است که به سفر رفت. چون
خانه خود را ترک می‌کرد، بردگانش، هر
یک را مطابق کارش قدرت داد و به دربان
دستور داد بیدار باشد ۳۵پس بیدار باشید
زیرا نمی‌دانید خداوند خانه کی خواهد
آمد: دیر وقت، یا نیمه شب، یا به بانگ
خروس، یا بامداد. ۳۶مبادا ناگهان سر
برسد و شما را خفته یابد! ۳۷آنچه به شما
می‌گویم، به همه می‌گویم: بیدار باشید[j]!»

توطئه علیه عیسی
(متی۲۶:۱-۵؛ لوقا۲۲:۱-۲؛ یوحنا۱۱:۴۷، ۴۹، ۵۳)

۱۴ ۱دو روز به جشن گذر و فطیر[k]
مانده بود و کاهنان اعظم[l] و کاتبان
در صدد می بودند که چگونه وی را به حیله
دستگیر کرده بکشند. ۲زیرا می‌گفتند: «نه
به هنگام جشن، و الّا ممکن است آشوبی از
سوی قوم در گیرد.[m]»

i- کلمه «پسر» که به صورت مطلق در مورد عیسی و در برابر «پدر» بکار برده شده در اناجیل نظیر فقط در اینجا و در مت۱۱:۲۷ (ر.ک مت۲۴:۳۶؛ لو۱۰:۲۲) آمده است. این موضوع را می‌توان با موردی که عیسی به خدا «ابا» خطاب کرده و یاری می‌طلبد مقایسه کرد (مر۱۴:۳۶ توضیح s) یا در مثل باغبانان آدمکش که خدمتگزاران از فرزند مالک متمایز می‌باشند (مر ۱۲:۶-۷ و متون موازی). اما درباره اظهاراتی که در آیه ۳۲ آمده و از محدودیت علم عیسی صحبت می‌کند، آن هم در مسئله ای که در آن دوران اهمیت داشته مشکل بتوان این اظهارات را منسوب به جمعیت مسیحیان دانست که خواسته باشند سخنانی را که در آیه ۳۰ آمده تصحیح نمایند. از دیدگاه ادبیات مکاشفه ای یهودیان آن دوران نیز تنها خدا تاریخ آخرت را معین می‌کند. عیسی در این باره و نیز درباره حقایق دیگر به روشنی بر اقتدار خاص خدا تأکید می‌کند (ر.ک مر۱۰:۱۸، ۲۷، ۴۰؛ اع۱:۷).

j- به نظر مرقس این آموزش که فقط به چند نفر از شاگردان داده شده برای تمام جامعه مسیحیان اهمیت دارد مخصوصاً دستوری که گفته شده دائماً بیدار و هوشیار باشند.

k- کلمه «گذر» ترجمه واژه عبری «پسخا» است که در زبان عربی «فصح» گفته می‌شود و معنی آن «جشن گرفتن، پایکوبی کردن و گذر کردن» است. منشأ عید گذر از مردمان گله دار بود که غذای اصلی شان گوشت (بره) بود اما عید فطیر از کشاورزان نشأت گرفته که غذای اصلی شان نان بود. این دو عید چنان با هم ارتباط داشتند که درواقع یکی شده بودند (ر.ک تث۱۶:۱-۸). بر طبق رسوم متداول در اورشلیم در بعد از ظهر روز چهاردهم ماه نیسان (اولین ماه تقویم یهودیان که تقریباً در حدود ماه فروردین است) یعنی پس از اعتدال بهاری در شب بدر کامل ماه یهودیان بره‌ها را در معبد ذبح می‌کردند و شب آنها را در داخل شهر در میان خانواده یا در گروههای ده الی بیست نفری صرف می‌نمودند (خروج۱۲:۱-۱۴). ضمناً از همان شب چهاردهم ماه هر گونه خمیر مایه ای را از خانه ها دور می‌کردند و در مدت هفت روز نان فطیر می‌خوردند (خروج۱۲:۱۵-۲۰). قوم اسرائیل بدین وسیله خروج از مصر و آزادی خود را در ایام گذر بزرگ جشن می‌گرفت و از نعمت‌های خدا یاد می‌کرد و در ضمن در انتظار نجاتی بود که مسیح موعود بایستی بیاورد. این جشن بزرگترین جشن سال بشمار می‌آمد و به مانند جشن پنجاهه و جشن خیمه ها تعداد زیادی از زائران را به اورشلیم جلب می‌کرد.

l- ر.ک مت ۲:۶ توضیح a.

m- ترجمه دیگر: «مبادا در مدت جشن آشوبی در میان قوم پدید آید.»

تدهین در بیت‌عنیا
(متی۲۶:۶-۱۳؛ یوحنا۱۲:۱-۸؛ ر.ك لوقا۷:۳۶-۳۸)

۳و هنگامی که در بیت‌عنیا در خانهٔ
شمعون جذامی[n] می بود، چون بر سر سفره
بود[o]، زنی با شیشه عطرسنبل ناب بسیار
گرانبها[p] آمد و شیشه عطر را شکسته آن را
بر سر او ریخت. ۴در میان ایشان کسانی
بودند که برآشفتند: «چرا این عطر تلف
شد؟ ۵زیرا می شد این عطر را بیش از
سیصد دینار[q] فروخت و به درماندگان
داد.» و با او تندی می کردند. ۶عیسی
گفت: «او را واگذارید. چرا ناراحتش
می کنید؟ کار نیکی[r] بر من انجام داده
است. ۷درواقع، همواره درماندگان را با تث۱۵:۱۱
خود دارید و هر وقت بخواهید می توانید به
آنان نیکی کنید، امّا همیشه مرا ندارید[s]!
۸او آنچه را می توانست، انجام داده است:
از پیش بدن مرا برای تدفین معطّر کرده
است[t]. ۹آمین به شما می گویم: هر جا در
سراسر جهان[u] انجیل ندا داده شود، آنچه مت۲۴:۱۴
این زن کرده است نیز به یاد او، بازگو
خواهد شد.»

خیانت یهودا
(متی۲۶:۱۴-۱۶؛ لوقا۲۲:۳-۶)

۱۰و یهودای اسخریوطی[v]، یکی از آن
دوازده، نزد کاهنان اعظم رفت تا او را به
ایشان تسلیم کند. ۱۱آنان با شادی او را
شنیدند و وعده کردند به او پولی بدهند. و
او در صدد می بود که چگونه در وقت
مناسب وی را تسلیم کند.

تهیهٔ سفرهٔ جشن گذر
(متی۲۶:۱۷-۱۹؛ لوقا۲۲:۷-۱۳)

۱۲و اولین روز فطیر وقتی [برهٔ جشن]
گذر[w] را ذبح می کردند شاگردانش به وی

n- ر.ک مت ۶:۲۶ توضیح q. شمعون جذامی ممکن است قبلاً جذام داشته و پس از بهبودی این لقب بر او مانده باشد.
o- تحت اللفظی: «بر سر سفره دراز کشیده بود.» (در مهمانیهای رسمی مهمانان به رسم و عادت کهن به پهلو دراز می کشیدند).
p- روغن معطری که از برگهای سنبل کوهی می گرفتند که در دامنه کوههای هیمالیا می روید. در مورد شیشه عطر ر.ک لو۷:۳۷ توضیح b.
q- «دینار» که گاهی به «سکه نقره» ترجمه می شود و این مبلغ برابر مزد سیصد روز یک کارگر کشاورزی بوده است (ر.ک مت۶:۳۷ توضیح t). چون این عطر بسیار گرانبها بود در آن را با درپوش نبسته بود، بلکه آن را جوش زده بودند و از این رو است که می بینیم آن زن شیشهٔ عطر را می شکند و همهٔ آن را می ریزد. طبق معمول آن زمان، این گنج گرانبها را برای وقت نیاز نگهداری می کردند.
r- ر.ک مت۶:۲۶ ۱۰ توضیح s. عیسی در برابر صدقه دادن، کار نیک دیگری قرار می دهد که در دین یهود توصیه می شود و عبارت از خاکسپاری مردگان است (ر.ک ۱۶:۱).
s- در متن یونانی، این افعال در زمان حال می باشند که در ضمن ممکن است معنی زمان آینده را داشته باشند، به این ترتیب همواره ارزش کنونی سخنان عیسی را بیان می نمایند (ر.ک آیه ۹؛ مر۲:۲۰).
t- عیسی عمل آن زن را با فاجعه ای که در پیش است ارتباط می دهد و مسلماً مرقس به همین سبب این قسمت را در آغاز روایت های مربوط به رنج و مرگ عیسی آورده است. آن زن فقط می خواسته به عیسی ادای احترام کند (ر.ک لو۷:۴۴-۴۶) و مرقس تأکید می نماید که مفهوم این تدهین با رنج و مرگ و رستاخیز عیسی روشن می شود ر.ک یو ۱۲:۷.
u- ر.ک مر ۱:۱ توضیح a؛ ۸:۳۵ توضیح s؛ ۱۰:۲۹ توضیح u. در اینجا علاقه مرقس به ندا دادن انجیل به خوبی تشخیص داده می شود و هدف از این ندا شناساندن عمل نجات بخش عیسی مسیح به ایمان افراد می باشد. ضمناً نظر به اینکه رفتار این زن به رنج و مرگ و رستاخیز عیسی مربوط می شود بنابراین جزو بشارت انجیل بشمار می آید.
v- ر.ک مر۳:۱۹ توضیح w.
w- روزی که یهودیان بره ها را ذبح می کردند و هر نوع خمیر مایه را از خانه بیرون می انداختند، اولین روز جشن به شمار می آمد و اگر این طور محاسبه شود که در مدارک دیگر هم تأیید شده جشن مدت هشت روز طول می کشید و روز ۱۴ نیسان روز تهیه و تدارک به حساب می آید، ر.ک مر ۱۴:۱ توضیح k.

گفتند: «کجا می‌خواهی تدارک ببینیم تا
[بره جشن] گذر را بخوری؟[x]» ۱۳و دو
تن از شاگردان خود را فرستاده به ایشان
می‌گوید: «به شهر بروید و مردی که
حامل کوزهٔ آب است[y] در برابرتان پدیدار
خواهد شد. به دنبال او بروید ۱۴و به هر
جا که او وارد شود، به صاحب‌خانه
بگوئید: استاد می‌گوید اتاق من[z]
کجاست که در آنجا [بره جشن] گذر را با
شاگردانم بخورم؟ ۱۵و او در بالاخانه[a]
اطاقی بزرگ مفروش کاملاً آماده به شما
نشان خواهد داد، در آنجا برای ما تدارک
ببینید.» ۱۶و شاگردان رفتند و به شهر
آمده آنچه به ایشان گفته شده بود، همان
گونه یافتند و [جشن] گذر را تدارک
دیدند.

خائن بر سر سفره
(متی۲۶:۲۰-۲۵؛ لوقا۲۲:۱۴؛
یوحنا۱۳:۲۱-۳۰)

۱۷و شامگاه فرا رسید و با آن دوازده
می‌آید. ۱۸و چون بر سر سفره بودند و
می‌خوردند، عیسی گفت: «آمین به شما
می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد
کرد، آن که با من [غذا] می‌خورد.[b]»
۱۹ایشان اندوهگین شده و یکی پس از
دیگری شروع به گفتن به او کردند: «آیا
من باشم؟» ۲۰به ایشان گفت: «یکی از
دوازده [تن] آن که [لقمه] را با من در
سینی خیس می‌کند[c]. ۲۱البته پسر انسان،
همان طور که در بارهٔ وی نوشته شده است[d]
می‌رود، امّا وای بر انسانی که پسر انسان به
وسیله او تسلیم می‌شود! برای چنین انسانی
بهتر بود که زاده نمی‌شد!

x- طرز خطاب شاگردان به عیسی طوری است که گویی رئیس خانواده یا رئیس گروهی می باشد که ضیافت شام جشن گذر را برگزار می نماید. زائران می بایست تالاری در شهر پیدا کنند، از این رو مرقس تصور می کند که آخرین شام عیسی همان شام جشن گذر بوده ولی اشاره‌ای به خوردن سبزیجات تلخ و بره که از مختصات این شام می باشد نکرده است. اما بنا به نوشته یوحنا یهودیان اورشلیم در آن سال شام جشن گذر را در شب مرگ عیسی صرف کرده بودند (یو ۱۸:۲۸؛ ۱۹:۱۴، ۳۱-۴۲)، به این ترتیب امکان دارد وقایع مذکور به چند صورت روی داده باشد:
۱- عیسی برگزاری مراسم یهودیان را یک روز زودتر انجام داده ولی چون چنین چیزی مرسوم نبوده مشکل بتوان این فرض را تأیید نمود. ۲- به سبب اختلاف تقویم مذهبی (که مثلاً در مدارک مکشوفه در مقران تأیید شده است) عیسی جشن گذر را در تاریخی غیر از یهودیان اورشلیم برگزار کرده ولی نمی توان گفت رسوم فرقه قمران در بین یهودیان و در اورشلیم تا چه حد رواج داشته است. ۳- آخرین شام عیسی در انتظار مرگی که به وسیله آن مفهوم واقعی عید گذر یهودیان در زمان خروج به تحقق می‌پیوست (یو۱۹:۳۶؛ ۱- قرن۵:۷). در نتیجه شکل و شمایل شام جشن گذر را گرفته است. به هر صورت هر کدام از فریضه ها پذیرفته شود این شام مانند غذای زائران بوده و در شرایط و محیطی جشن برگزار شده است که یادآور آزاد شدن یهودیان از مصر و عهد خداوند بر کوه سینا بوده و انتظار آمدن مسیح موعود را زنده می کرده است (ر.ک آیات ۲۴-۲۵).

y- می توان این سؤال را مطرح کرد که آیا این موضوع علامتی از پیش تعیین شده بود؟ زیرا معمولاً زنان برای بردن آب می رفتند.

z- می توان گفت: «اتاقی که از آن من است» یا به احتمال بیشتر: «اتاقی که من احتیاج دارم».

a- ر.ک لو۲۲:۱۲؛ اع۱:۱۳؛ ۹:۳۷،۳۹؛ ۲۰:۸.

b- مز ۴۱:۹.

c- این عبارت نیز یادآور مزمور ۴۱ است. هر یک از مهمانان با دست غذای خود را از ظرف مشترک بر می‌داشت.

d- درباره خیانت نسبت به پسر انسان نمی توان مستقیماً به هیچ یک از متون عهد عتیق استناد کرد. شاید اشاره به نوشته های مقدس به طور کلی مربوط به مزمور ۴۱ است که قبلاً ذکر شد (ر.ک لو ۲۲:۲۲ «برابر آنچه مقرر است») و به وسیله یو ۱۳:۱۸ به یهودا منسوب گردیده است.

برپائی آئین سپاسگزاری
(متی۲۶:۲۶-۲۹؛ لوقا۲۲:۱۵-۲۰؛ اول قرنتیان۱۱:۲۳-۲۶)

۲۲ و چون غذا می‌خوردند، نان را گرفته
برکت داده آن را پاره کرد و به ایشان داد و
گفت: «بگیرید، این تن من است.[e]» ۲۳ و
جامی گرفته، شکرگزاری کرده آن را به
ایشان داد و همه از آن نوشیدند. ۲۴ و به
آنان گفت: «این خون من است، [خون]
زک۹:۱۱؛ عبر۹:۲۰ پیمان[f] که برای بسیاری ریخته می‌شود[g].
۲۵ آمین به شما می‌گویم، دیگر از محصول
تاک نخواهم نوشید تا روزی[h] که آن را در
ملکوت خدا[i] تازه بنوشم.»

اعلام انکار پطرس
(متی۲۶:۳۰-۳۵؛ لوقا۲۲:۳۳-۳۴؛ یوحنا۱۳:۳۷-۳۸)

۲۶ و پس از خواندن سرود[j] به سوی کوه
زیتون بیرون رفتند. ۲۷ و عیسی به ایشان
گفت: «همه شما دچار لغزش خواهید شد[k]،
زیرا نوشته شده است: شبان را خواهم زد و
گوسفندان پراکنده خواهند شد[l]؛ ۲۸ امّا پس
از آنکه قیام کردم، پیش از شما به جلیل
خواهم رفت.[m]» ۲۹ پطرس به او گفت:
«حتّی اگر همه دچار لغزش شوند، لااقل من
نخواهم شد» ۳۰ و عیسی به او گفت: «آمین
به تو می‌گویم، تو امروز، امشب پیش از
آنکه خروس دو بار بانگ زند[n] سه بار مرا
انکار خواهی کرد.» ۳۱ امّا او به تأکید
می‌گفت: «حتّی اگر باید با تو بمیرم،خیر یو۱۱:۱۶
تو را انکار نخواهم کرد» و همه همین را
می‌گفتند.

در جتسیمانی
(متی۲۶:۳۶-۴۶؛ لوقا۲۲:۴۰-۴۶)

۳۲ و به ملکی به نام جتسیمانی[o] می‌آیند
و به شاگردان خود می‌گوید: «در مدتی که
نیایش می‌کنم اینجا بنشینید.» ۳۳ و پطرس

e- ر.ک مت ۲۶:۲۶ توضیح h و i.
f- اصطلاح «خون پیمان» مربوط به خروج ۲۴:۸ می‌باشد.
g- ر.ک مت ۱۰:۴۵ توضیح f؛ مت ۲۶:۲۸ توضیح j.
h- یعنی روز آخر.
i- در اینجا ملکوت خدا به وسیله ضیافت مسیحائی نشان داده شده است (ر.ک اش۲۵:۶؛ لو۱۳:۲۸ توضیح y؛ مکا۱۹:۹). به خاطر اینکه بعضی از اثرات شراب بر انسان (خوشحالی، صمیمیت، راستی، گشاده‌روئی...) با ثمرات روح‌القدس در قلب ایمانداران شباهت دارد، در اینجا می‌توان این طور تصور نمود که اشاره‌ای به روح‌القدس دارد.
j- منظور مزامیر ۱۱۵-۱۱۸ است که به عنوان شکرگزاری در پایان شام جشن گذر با آواز می‌خواندند. این مزامیر بخش دوم از مجموعه مزامیری به نام «هلل» هستند که با هللویا یعنی «خداوند را ستایش کنید» آغاز می‌شود.
k- در مورد اصطلاح «لغزش» ر.ک مت ۵:۲۹ توضیح c؛ ۲۶:۳۱ توضیح n.
l- ر.ک زک۱۳:۷.
m- ترجمه دیگر: «شما را به جلیل راهنمایی خواهم کرد» این سخنان امید بخش که با اعلام بی‌وفائی شاگردان متناقض است نشان می‌دهد که بار دیگر به دور هم جمع خواهند شد. بنا به نوشته مرقس، عیسی ابتدا در جلیل ظاهر شده بود (ر.ک مر۱:۱۴) و هم در آنجا است که پس از برخاستن از مرگ ظاهر خواهد شد (مر ۱۶:۷؛ ر.ک مت۲۶:۳۲؛ ۲۸:۷، ۱۰، ۱۶؛ یو۲۱).
n- این جمله را می‌توان به معنی تحت اللفظی تعبیر نمود: «پیش از آنکه خروس وقت داشته باشد دو بار بخواند (یعنی خیلی سریع)» یا اینکه ضرب‌المثلی به معنی «پیش از سپیده صبح» باشد.
o- این نام به معنی «چرخشت روغن گیری» است.

و یعقوب و یوحنا[p] را با خود بر داشته و
احساس حیرت و اضطراب در او آغاز شد.
[۳۴] و به آنان گفت: «جانم تا به حدّ مرگ
یو۱۲:۲۷ غمگین است[q]، اینجا بمانید و بیدار
باشید.» [۳۵] و اندکی پیش رفته، به خاک
افتاد و نیایش می کرد تا اگر ممکن باشد
این ساعت[r] از وی بگذرد. [۳۶] و می گفت:
«ابّا![s] پدر! همه چیز برای تو ممکن است،
این جام[t] را از من دور کن! امّا نه آنچه من
مت۶:۱۰؛ یو۵:۳۰؛ ۶:۳۸ می خواهم، بلکه آنچه تو [می خواهی].»
[۳۷] و آمده آنان را خفته یافت و به پطرس
گفت: «شمعون[u]، خواب هستی! نتوانستی
یک ساعت بیدار بمانی! [۳۸] بیدار باشید و
نیایش کنید تا در وسوسه وارد نشوید[v]:
روح راغب است امّا تن ضعیف.[w]» [۳۹] و
باز رفته نیایش کرد، همان سخن را گفت.
[۴۰] و باز آمده، ایشان را خفته یافت زیرا
چشمانشان سنگین شده بود و نمی دانستند
چه جوابی به او دهند. [۴۱] و برای بار سوم
آمده به ایشان گفت: «باز هم می خوابید و
استراحت می کنید[x]! کافی است[y]. ساعت
رسیده است. اینک پسر انسان به دست
گناهکاران تسلیم می شود. [۴۲] قیام کنید!
برویم! اینک آن که مرا تسلیم می کند بسیار
نزدیک است.»

دستگیری عیسی (متی۲۶:۴۷-۵۶؛ لوقا۲۲:۴۷-۵۳؛ یوحنا۱۸:۲-۱۱)

[۴۳] و همان دم، هنگامی که هنوز سخن
می گفت یهودا یکی از دوازده [تن] پیش
می آمد و با او جمعیتی با دشنه ها و

p- در اینجا هم این سه شاگرد عیسی به عنوان شاهدان معرفی شده اند (ر.ک ۵:۳۷؛ ۹:۲؛ ۱۳:۳). به این ترتیب مرقس نشان می دهد که این صحنه پایانی اهمیت خاصی دارد، صحنه ای که در آن استاد و اطرافیانش مجدداً جمع شده اند ولی اختلاف بین وضعیت و رفتار عیسی و شاگردان آشکار می شود.

q- ر.ک مز ۴۲:۶؛ «روح من» یعنی «خود من و تمامی وجود من.» در مورد «تا به حد مرگ» ر.ک یون۴:۹ یونانی.

r- این کلمه فقط برای تعیین زمان نیست بلکه محتوای آن «ساعت» را می رساند که نزدیک می شود و ساعت رنجها و صلیب است. همین معنی برای کلمه: «جام» در آیه ۳۶ (ر.ک یو ۱۲:۲۷؛ ۱۳:۱؛ ۱۷:۱) ساعت به تحقق پیوستن مشیت خدا است.

s- در زبان آرامی این کلمه در مورد پدر کسی است که سخن می گوید یا درباره او حرف می زند و هرگز در نیایش یهودیان این کلمه به معنی خدا بکار برده نمی شود. مسیحیان به پیروی از عیسی و مانند او به همین گونه به خدا خطاب می کنند (ر.ک لو۱۱:۲ توضیح z؛ روم ۸:۱۵ توضیح z؛ غلا ۴:۶).

t- ر.ک مر ۱۰:۳۸ توضیح a.

u- در اینجا معلوم است عمداً نام شمعون بکار برده شده در صورتی که پطرس پیش از آنکه شاگرد عیسی شود چنین نامیده می شد زیرا نتوانسته به خاطر مسیح که در آستانه مرگ است بیدار بماند و این امر در شأن شاگردی چون پطرس نیست.

v- ر.ک مت ۶:۱۳ توضیح d؛ لو ۱۱:۴.

w- تقابل روح و تن را نباید به مفهومی که پولس نوشته درک کرد (مخصوصاً انسان جسمانی در برابر روح خدا، ر.ک روم۱:۳ توضیح g؛ ۱:۹ توضیح o) یا چنان که یونانیان تصور می کردند (یعنی جسم را در مقابل روح می گرفتند) بلکه به مفهومی که در بعضی از متون یهودی آن دوره تشریح شده است بدین معنی که خدا در وجود آدمی روحی نهاده است که متوجه به سوی نیکی است ولی در عین حال انسان کاملاً تن است زیرا از گناه تبعیت می نماید. ضمناً انسان به دو قسمت تقسیم نشده که یکی خوب و دیگری بد باشد بلکه تمام وجود انسان در کشاکش بین این دو نیرو قرار دارد.

x- این دستور ممکن است بدین مفهوم بوده: «دیگر لازم نیست بیدار بمانید» ولی احتمالاً تا اندازه ای جنبه سخریه دارد. ترجمه دیگر: «شما الان می خوابید و استراحت می کنید» یا اینکه: «آیا می خوابید و استراحت می کنید؟»

y- ترجمه دیگر: «پایان فوری است» فعلی که در زبان یونانی در اینجا بکار رفته با توجه به مدارک غیر مذهبی که از آن دوران وجود دارد (بر روی کاغذ پاپیروس) چنین معنی می دهد: تسویه شده، پرداخت شده (البته در صورتی که در مورد صورت حسابی باشد). بعضی از مترجمان این جمله را «بس است» ترجمه کرده اند. ولی این عبارت را با توجه به «ساعتی» که خدا

چماق ها که از سوی کاهنان اعظم و کاتبان
و مشایخ[z] می‌آمدند. ۴۴آن کس که او را
تسلیم می‌کرد به آنان علامتی داده گفته بود:
«هر که را بوسه‌ای زنم[a] همان است: او را
دستگیر کنید و با اطمینان او را ببرید.»
۴۵و همان دم که رسید، به سوی وی
نزدیک شده گفت: «ربی!» و او را
بوسه‌ای طولانی زد. ۴۶آنان دست بر او
دراز کرده دستگیرش کردند. ۴۷کسانی که
آنجا ایستاده بودند، یکی دشنه را کشیده به
بردهٔ کاهن اعظم زد و لالهٔ گوشش را برید.
۴۸و عیسی شروع به سخن کرده به آنان
گفت: «همچون بر ضد یک راهزن[b] برای
گرفتن من با دشنه ها و چماق ها آمده اید!
۴۹من هر روزه در معبد نزد شما بودم،
آموزش می‌دادم و شما مرا دستگیر نکردید لو۱۹:۴۷؛ ۳۷:۲۱
امّا این برای آن است که نوشته های
[مقدس] به تحقّق رسد.» ۵۰و همه او را
ترک کرده گریختند. ۵۱و مرد جوانی وی را زک۱۳:۷؛
دنبال می‌کرد درحالی که ملافه‌ای بر بدن
برهنه خود انداخته بود. و او را دستگیر
می‌کنند. ۵۲امّا او ملافه را رها کرده، برهنه
گریخت[c].

عیسی در برابر سانهدرین (متی۲۶:۵۷-۶۸؛ لوقا۲۲:۵۴-۵۵، ۶۳-۷۱؛ یوحنا۱۸:۱۲-۱۸)

۵۳و عیسی را نزد کاهن اعظم بردند و
همه یعنی کاهنان اعظم، مشایخ و کاتبان
گرد می‌آیند[d]. ۵۴و پطرس از دور وی را تا
درون، تا حیاط [خانه] کاهن اعظم دنبال
کرده بود و او با محافظان نشسته در کنار
آتش[e] خود را گرم می‌کرد. ۵۵کاهنان اعظم
و همهٔ سانهدرین در پی شهادتی علیه عیسی
برای کشتن او می بودند و نمی‌یافتند[f]؛
۵۶زیرا بسیاری به دروغ علیه وی شهادت
می‌دادند و شهادتها با هم تطبیق نمی‌کرد[g].
۵۷و برخی برخاسته علیه وی شهادت دروغ[h]

مقرر کرده بهتر می‌توان توضیح داد. عیسی خود را به اراده پدرش تسلیم نموده و می‌داند ساعت به معنی شروع زمان آخر فرا رسیده است (آیات ۵۳، ۴۱).

z- سه طبقه از کسانی که در سانهدرین نمایندگی داشتند (ر.ک ۸:۳۱ توضیح l).

a- این عمل نوعی سلام معمول بین شاگرد و استاد بوده است.

b- ر.ک مت ۲۶:۵۵ y

c- تنها مرقس این واقعه را ذکر کرده است. بسیاری تصور می‌کنند این حادثه جزیی که ظاهراً به صورت شرح حال خود نوشته شده مربوط به شخص انجیل نگار می‌باشد که مادرش در اورشلیم خانه داشت (اع۱۲:۱۲). به هر صورت این شخصیت ناشناس شاید تصویری از شاگردی باوفا است که سعی می‌کند به دنبال استاد برود.

d- یعنی اعضای دادگاه عالی یهود (سانهدرین) (ر.ک آیات ۴۳ و ۵۵).

e- تحت اللفظی: «در روشنایی» یعنی شعله آتش. در اینجا اشتباه ممکن است در ترجمه از عبری باشد بدین معنی که در نوشته های عبری، حروف صدادار نوشته نمی‌شود و بنابراین می‌توان این کلمه را یا «اُر» تلفظ کرد که به معنی روشنایی است یا «اور» که به معنی آتش است.

f- مرقس این اجتماع را به عنوان جلسه رسمی دادگاه عالی یهود ارائه می‌نماید که تصمیم گرفته است موضوع را با محکوم کردن به مرگ خاتمه دهد ضمناً از احضار شهود چنین بر می‌آید که می‌خواهند مقررات قضایی در این دادرسی رعایت گردد.

g- تحت اللفظی: «برابر نمی بودند» بدین معنی که یا شهادت ها با یکدیگر تطبیق نمی‌کردند (ر.ک دان ۱۳:۴۸-۶۱) یا اینکه با واقعیت تطبیق نداشتند.

h- مرقس در مورد شهود دروغین اصرار می‌نماید (ر.ک آیه ۵۹). ممکن است ریشه این اتهام سخنی نظیر آنچه در مر ۱۳:۲ آمده است باشد و دوباره به هنگام مصلوب شدن عیسی طنین انداز خواهد شد (ر.ک ۱۵:۲۹؛ اع ۶:۱۴؛ یو ۲:۱۹، ۲۰ این سخن را به جسم مسیح که قیام کرده است منسوب می‌نماید). ر.ک مت ۲۶:۶۱ توضیح b.

یو۱۶:۳۲ داده می گفتند: ۵۸ «ما خود شنیده ایم که
گفته است: من این قدس دست ساخته[i] را
نابود خواهم کرد و در سه روز یکی دیگر
خواهم ساخت که ساخته دست نباشد.»
۵۹ و حتی این چنین، شهادت آنها با هم
تطبیق نمی کرد[j]. ۶۰ و کاهن اعظم در میان
برخاسته از عیسی پرسید: «هیچ پاسخی
نمی دهی؟ چیست آنچه این اشخاص علیه
تو شهادت می دهند[k]؟» ۶۱ وی خاموش
می بود و هیچ پاسخ نداد[l]. باز کاهن اعظم از
او می پرسید و به او گفت: «آیا تو مسیح
پسر آن متبارک هستی[m]؟» ۶۲ عیسی گفت:
«من هستم[n] و شما پسر انسان را نشسته به
راست قدرت خواهید دید چون با ابرهای
آسمان می آید.[o]» ۶۳ کاهن اعظم جامه های
خود را دریده[p] گفت: «دیگر چه احتیاجی
به شهود داریم! ۶۴ شما کفر[q] را شنیدید.
۲:۷؛ یو۱۹:۷ به نظرتان چه می رسد؟» همه اظهار کردند
که وی مستوجب مرگ است[r]. ۶۵ و برخی
لاو۲۴:۱۶ شروع به آب دهان انداختن بر او کردند،
اش۵۰:۶ چهرهٔ او را پوشانده سیلی زده بگویند:
«پیامبری کن!» و محافظان ضربات زیادی
بر او وارد می کردند.

انکار پطرس
(متی۲۶:۶۹-۸۵؛ لوقا۲۲:۵۶-۶۲؛ یوحنا۱۸:۱۷، ۵۵-۵۷)

۶۶ و هنگامی که پطرس پائین، درحیاط
بود، یکی از کنیزان کاهن اعظم می آید.
۶۷ و چون پطرس را دید که خود را گرم
می کرد، در او نگریسته گفت: «تو نیز با
این ناصری، عیسی می بودی.» ۶۸ ولی او
انکار کرده گفت: «نمی دانم و نمی فهمم
چه می گوئی» و به سوی دهلیز بیرون آمد و

i- «این قدس» بنایی که فقط مختص به کاهنان بوده و مقدس ترین محل معبد بشمار می رفته است. مرقس برخلاف مت ۲۶:۶۱ اختلاف بین معبد قدیمی و معبد جدید را تأیید کرده است (ر.ک اع ۷:۴۸-۵۰؛ ۱۷:۲۴)

j- تحت اللفظی: «شهادت آنان برابر نمی بود» ر.ک آیه ۵۶ توضیح g.

k- ترجمه دیگر: «به شهادتهای این اشخاص علیه خود هیچ پاسخی نمی دهی؟»

l- سکوت عیسی را به گونه های مختلفی تفسیر کرده اند و سکوت خادم رنج دیده در اش ۵۰:۶-۸؛ ۵۳:۷ را به یاد می آورد نیز ر.ک مز۳۹:۳، ۱۰.

m- می دانیم که یهودیان نمی بایست نام خدا را بر زبان آورند، ر.ک لو۱:۶۸؛ روم۱:۲۵؛ ۹:۵؛ ۲-قرن۱:۳؛ ۱۱:۳۱؛ افس۱:۳؛ ۱-پطر۱:۳.

n- این اعلام، عبارت نمونه ای برای مکاشفه می باشد و به نظر مرقس عیسی تصدیق می کند که مسیح موعود و پسر خدا است به همان گونه که در آغاز کتاب اعلام شده است (۱:۱). طبق مت۲۶:۶۴ و لو ۲۲:۶۷ عیسی با رعایت احتیاط بیان کرده به طوری که مخاطبان در برابر سؤال خودشان تنها مانده اند.

o- مز ۱۱۰:۱؛ دان ۷:۱۳. کلمه «قدرت» صفت خدا است و با بکار بردن آن می توانستند بدون بر زبان آوردن نام خدا از او سخن گویند. «با ابرها» اصطلاحی برابر متن عبری و بعضی نسخه های دست نوشته یونانی دانیال است. در بعضی نسخه های دست نوشته دیگر یونانی اصطلاح «بر ابرها» آمده است (ر.ک مت ۲۶:۶۴) ر.ک مر ۱۳:۲۶ توضیح e؛ ۱- تسا۴:۱۷.

p- این عمل نشانه اندوه، تنفر و انزجار است و کاهن اعظم با انجام این عمل بر طبق آداب و رسومی که در روایات آمده است رفتار می کند.

q- ر.ک مر ۳:۲۸ توضیح c. خود را مسیح موعود یا پسر خدا خواندن (به مفهومی که در متون کهن یهود وجود دارد) کفر گفتن به شمار نمی آمد ولی موقعی که از «نشستن به سمت راست خدا» و «آمدن (از آسمان) با ابرها» سخن می گوید (ر.ک ۱۳:۲۶ توضیح e) عیسی ادعای مقام خدایی دارد و ممکن است به اهانت به مقام خدا متهم گردد.

r- به نظر رأی محکومیت شرعی داده شده است (مت ۲۶:۶۶ صراحت کمتری دارد و لو ۲۲:۷۱ از صدور رأی چیزی نمی گوید). عبارتی که در اینجا بکار رفته با آنچه در ۱۰:۳۳ آمده است اختلاف دارد و نمی توان گفت آیا منظور محکومیت به مرگ است یا تصمیم به تسلیم کردن عیسی به پیلاطس و تقاضای مرگ او (ر.ک مت ۲۷:۱ توضیح k).

خروسی بانگ زد.[s] [۶۹]و کنیز با دیدن او
باز به کسانی که در آنجا ایستاده بودند،
گفت: «این یکی از ایشان است!» [۷۰]امّا
باز او انکار می‌کرد. و اندکی بعد باز
کسانی که آنجا ایستاده بودند به پطرس
می‌گفتند: «به راستی تو یکی از ایشانی،
وانگهی تو جلیلی هستی.[t]» [۷۱]امّا او با
نفرین شروع به قسم خوردن کرد: «من مردی
را که از او حرف می‌زنید نمی‌شناسم.»
[۷۲]و همان دم برای بار دوّم خروسی بانگ
زد و پطرس سخنی را که عیسی به او گفته
بود به یاد آورد: «پیش از آنکه خروس دو
بار بانگ بردارد سه بار مرا انکار خواهی
کرد» و به گریه افتاد[u].

عیسی در برابر پیلاطس
(متی۲۷:۱-۲، ۱۱-۲۶؛ لوقا۲۳:۱-۵، ۱۳-۲۵؛ یوحنا۱۸:۲۸-۱۹-۱۶)

۱۵ [۱]و همان دم، بامدادان، کاهنان
اعظم پس از تشکیل شورا[v] با
مشایخ و کاتبان یعنی همه [اعضای]
سانهدرین و پس از بستن عیسی، او را
بردند و به پیلاطس تسلیم کردند. [۲]و
پیلاطس از او پرسید: «آیا تو پادشاه
یهودیان هستی؟» در پاسخ به او گفت: «تو
این را می‌گویی.[w]» [۳]و کاهنان اعظم او را
به بسیاری چیزها متّهم می‌کردند.[x] [۴]و
پیلاطس از او می‌پرسید: «هیچ پاسخ
نمی‌دهی! نگاه کن تو را به این همه متّهم
می‌کنند!» [۵]امّا عیسی دیگر پاسخی نداد ۱۴:۶۱؛ اع۸:۳۲
چنان که پیلاطس متعجّب می‌شد. [۶]او در
هر جشن یک زندانی را که در خواست
می‌کردند آزاد می‌کرد. [۷]باری در زندان،
بارابا نامی بود که همراه توطئه گران در
شورش مرتکب قتلی شده بود.[y] [۸]و چون
جمعیت بالا آمد، شروع به درخواست آنچه
برای آنان انجام می‌داد نمود[z]. [۹]پیلاطس
به آنان پاسخ داد: «آیا می‌خواهید که
پادشاه یهودیان را برایتان آزاد کنم؟»
[۱۰]زیرا می‌دانست که کاهنان اعظم از

s- در بعضی نسخ عبارت «و خروسی خواند» وجود ندارد و ممکن است وجود این کلمات نشانهٔ آن باشد که روایات متعددی در روایت فعلی ادغام شده است.

t- متی تصریح کرده که پطرس را از لهجه اش شناختند.

u- این فعل را به صورتهای مختلف درک کرده اند، در ترجمه های دیگر: «و شروع کرد به»، «فکر کرد به»، «پوشانید (سرش را)»، «اشک فراوان ریخت».

v- مت ۲۷:۱ توضیح k. در بعضی نسخ: «شورائی تشکیل دادند». مرقس در محاکمه در برابر پیلاطس ابتکار را به کاهنان اعظم داده است. (ر.ک آیات ۳، ۱۱).

w- ر.ک مت ۲۷:۱۱ توضیح p. در سرتاسر این صحنه مرقس بیشتر از متی و لوقا تأکید می نماید که موضوع بحث درباره پادشاهی عیسی است (ر.ک آیات ۹، ۱۲) و پاسخ عیسی با احتیاط کامل بیان می شود (ر.ک مت ۲۶:۲۵)، وانگهی طرز رفتار پیلاطس طوری نیست که نشان دهد عیسی اعتراف نموده است.

x- چون شکایتهایی که علیه عیسی شده مبهم هستند (لو ۲۳:۳، ۵، ۱۴ تعدادی از آنها را نقل کرده است) لذا موضوع پادشاهی عیسی اهمیت یافته و نمایان می شود.

y- این نکتهٔ خاص بیانگر اتفاق مشخصی است و نشان می دهد که بارابا یک دزد معمولی نیست بلکه رهبر توطئه بر ضد نیروی اشغالگر رومی بوده است، همان اتهامی که یهودیان متوجه عیسی کرده بودند، ر.ک مت ۲۷:۱۶ توضیح t.

z- در بعضی نسخ: «و جمعیت فریاد کشیده شروع به». در مورد این مقررات مرسوم ر.ک مت ۲۷:۱۵ توضیح s. در اینجا نخستین باری است که در روایت رنج و مرگ مسیح مرقس از «توده مردم» سخن می گوید. این مردمان که در جریان مباحثات عیسی با مقامات مذهبی اورشلیم با عیسی موافق بودند (۱۲:۱۲-۳۷) اکنون دخالت می کنند تا پیلاطس را ملزم نمایند مقررات مرسوم را رعایت نماید، بدون اینکه دشمنی نسبت به عیسی ابراز کنند. [فعل «بالا آمد» بیانگر این است که مقر پیلاطس در قصر قدیمی هیرودیس کبیر بوده که بر روی تپه ای بنا شده بود.]

حسادت وی را تسلیم کرده اند. ۱۱امّا
کاهنان اعظم جمعیت[a] را تحریک کردند تا
ترجیحاً باراباس را برایشان آزاد کند. اع۳:۱۴؛ ۲۸:۱۳
۱۲پیلاطس شروع به سخن کرده به آنان
می‌گفت: «پس با آن کس که او را پادشاه
یهودیان می نامید چه کنم؟[b]» ۱۳آنان باز
فریاد کشیدند: «مصلوبش کن![c]»
۱۴پیلاطس به آنان می‌گفت: «پس چه
بدی کرده است؟» آنان بلندتر فریاد
کشیدند: «مصلوبش کن!» ۱۵پیلاطس
چون می‌خواست مردم را راضی کند باراباس
را آزاد کرد و عیسی را تسلیم نمود تا پس از
تازیانه زدن[d] مصلوب کنند.

تاج خار
(متی۲۷:۲۷-۳۱؛ یوحنا۱۹:۲-۳)

۱۶سربازان او را به درون حیاط یعنی به
دیوانخانه بردند و همه دسته[e] را
فرامی‌خوانند ۱۷و آنان به او [خرقهٔ]
ارغوانی می پوشانند و تاجی از خار که بافته
بودند، بر سر وی می نهند[f]. ۱۸و شروع به
سلام دادن به او کردند: «سلام، ای پادشاه
یهودیان!» ۱۹و با شاخهٔ نی[g] برسر او
می‌زدند و بر وی آب دهان می انداختند و
زانو زده او را پرستش می کردند. ۲۰و پس
از آنکه او را مسخره[h] کردند، [خرقهٔ]
ارغوانی را از تنش درآورده لباسهای خودش
را پوشانیدند.

تصلیب
(متی۲۷:۳۴-۴۴؛ لوقا۲۳:۳۶-۴۳؛ یوحنا۱۹:۱۶-۲۴)

و از آنجا او را برای مصلوب کردن بردند.
۲۱و عابری که از کشتزار برمی‌گشت،
شخصی به نام شمعون قیروانی[i]، پدر اسکندر
و روفوس را وادارکردند صلیب او را برگیرد،

a- در اینجا توده مردم بازیچه کاهنان اعظم هستند.
b- در بعضی نسخ: «چه می‌خواهید بکنم؟» مرقس این گفتگو را روایت کرده تا نشان دهد که یهودیان عیسی را به عنوان پادشاه یهود رد کردند (آیه ۱۳) و در عین حال پیلاطس بیهوده کوشش می کند او را بی گناه اعلام نماید (آیه ۱۴).
c- به صلیب کشیدن شکنجه ای است که منشأ ایرانی دارد. سپس اهالی کارتاژ آن را اقتباس کردند و در نزد رومیان بی‌رحمانه ترین و ننگین ترین کیفر بشمار می‌رفت که برای مجازات دزدی، قتل، خیانت و شورش اعمال می شد ولی اهالی روم از این نوع مجازات معاف بودند. در فلسطین دو هزار نفر که شورش کرده بودند به دستور واروس، حکمران رومی که پس از هیرودیس کبیر به این مقام منصوب شده بود به صلیب کشیده شدند. در سال ۷ میلادی شخصی به نام یهودای جلیلی به خاطر شورشی که علیه رومیان به راه انداخته بود به صلیب کشیده شد (ر.ک اع ۵:۳۷). قابل توجه آن است که توده مردم برای عیسی کیفری تقاضا می کند که مختص شورشیان بوده و برای باراباس که شورشی است تقاضای آزادی می نماید.
d- بنا به رسوم معمول رومیان، محکومان را قبل از مصلوب کردن شلاق می‌زدند ر.ک لو ۲۳:۱۶-۲۲؛ یو ۱۹:۱؛ اع ۵:۴۰.
e- «دیوانخانه» در اینجا مثل سربازخانه ای است و دسته سربازان عبارت از یک دهم لژیون و شامل ششصد نفر بوده است ولی شاید نبایستی مفهوم فنی این کلمه را بگیریم و منظور مرقس آن است تمام سربازانی را که در قصر پیلاطس بودند فراخواندند.
f- خرقه ارغوانی (که به جای آن پارچه ای قرمز بوده)، تاج و تعظیم و زانو زدن مختص پادشاهان بوده است. در این صحنه تمسخرآمیز، مرقس همچنان موضوع پادشاهی عیسی و مسیح موعود مصلوب را دنبال می کند.
g- ر.ک میک ۴:۱۴.
h- ر.ک مت ۲۷:۲۹ توضیح d.
i- مت ۲۷:۳۲ توضیح e. محکوم بایستی خودش وسیله مجازات و لااقل چوب افقی صلیب را حمل نماید. مسلماً تحلیل قوای عیسی موجب شد عابری را وادار کنند تا صلیب را حمل کند. نشانه ای دال بر این وجود ندارد که شمعون از کار در مزرعه خود برگشته باشد. توجه به اینکه نام او را تصریح کنند نشان می‌دهدکه در کلیسای اولیه پسران او را می شناخته اند (روم ۱۶:۱۳ نامی از روفوس برده ولی باید گفت که این نام بسیار رایج بوده است).

۲۲و او را به محل «جلجتا» که به معنای
«محل جمجمه[j]» است بردند. ۲۳و در آنجا
به او شراب آمیخته به مُر[k] می‌دادند امّا آن را
نگرفت. ۲۴و او را مصلوب می‌کنند و
لباسهای او را تقسیم می‌کنند، بر آنها قرعه
می‌اندازند[l] [تا بدانند] هر کس چه برگیرد.
۲۵وقتی وی را مصلوب کردند ساعت سوّم
بود[m]. ۲۶و نوشته سبب [محکومیّت] او
چنین نوشته شده بود: پادشاه یهودیان [n]. ۲۷و
با او دو راهزن[o] را مصلوب می‌کنند، یکی به
راست ویکی به چپ. ۲۸[...][p] ۲۹وعابران
سر تکان داده[q] به او توهین می‌کردند و
می‌گفتند: «ای تو که قدس را نابود می‌کنی
وسه روزه می‌سازی،[r] ۳۰از صلیب پائین بیا و
خودت را نجات بده![s]» ۳۱همچنین کاهنان
اعظم نیز بین خود با کاتبان او را مسخره کرده
می‌گفتند: «کسانی دیگر را نجات داده
است، خودش را نمی‌تواند نجات دهد!
۳۲مسیح! شاه اسرائیل! حال از صلیب پائین
بیاید تا ببینیم و ایمان آوریم» و آنان که با
اومصلوب شده بودند به او توهین
می‌کردند.

مرگ عیسی
(متی۲۷:۴۵-۵۶؛ لوقا۲۳:۴۴-۴۹؛ یوحنا۱۹:۲۸-۳۰)

۳۳و ساعت ششم[t] رسیده، تا ساعت نهم،
سراسر زمین تاریک شد. ۳۴و در ساعت
نهم عیسی با صدائی بلند فریاد زد:
«اِلوئی[u]، اِلوئی لِمّا سَبَقتَنی[v]؟» یعنی

j- ر.ک مت ۲۷:۳۳ توضیح q.
k- یکی از رسوم یهودیان که در تلمود آمده و بر مبنای امث ۳۱:۶ می باشد دادن نوشیدنی مسکن و خواب‌آور به محکومان است (ر.ک مت ۲۷:۳۴ g).
l- مز ۲۲:۱۹؛ ر.ک یو ۱۹:۲۴. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به مطالب مزمور ۲۲ در اینجا موضوع تقسیم لباسها بیشتر از به صلیب کشیدن مورد توجه قرار گرفته است زیرا باقی مانده محکومان معمولاً حق سربازان بوده ولی بنظر انجیل نگار این موضوع بیش از آنکه جنبه روائی داشته باشد از نظر الهیات حائز اهمیت است.
m- «ساعت سوم» یعنی ساعت ۹ صبح. این تعیین ساعت که مختص مرقس می باشد ظاهراً جنبه مذهبی دارد. مرقس روایت تصلیب عیسی را با اشاره به سه زمان مخصوص دعای یهودیان (ساعت۳، ۶، ۹) مشخص می سازد (۳۳-۳۴) ر.ک یو۱۹:۱۴.
n- ر.ک مت ۲۷:۳۷ توضیح i.
o- ر.ک مت ۲۶:۵۵ توضیح y.
p- در بعضی نسخه ها چنین آمده است: «و نوشته مقدس به تحقق پیوست که می گوید: «و او به شمار بی قانونان گذاشته شد» که نقل قول از اش ۵۳:۱۲ است (ر.ک لو ۲۲:۳۷). این طرز نقل قول با رویه ای که معمولاً مرقس از عهد عتیق استفاده می کند تطبیق نمی نماید. ضمناً قابل توجه است که در روایت رنج و مرگ مسیح هیچ گونه اشاره روشنی به تصویر خدمتگزار یهوه که در اش ۵۳ آمده نشده است.
q- این اصطلاح مز ۲۲:۸ را به یاد می‌آورد. در اینجا تکان دادن سر حرکتی تحقیر آمیز است (مز ۱۰۹:۲۵؛ ایوب ۱۶:۴؛ بنسی ۱۲:۱۸؛ ار ۱۸:۱۶). ضمناً کلمه ای که در یونانی آمده و توهین کردن ترجمه شده است به معنای کفر گفتن نیز می باشد.
r- ر.ک ۱۴:۵۸ توضیح i.
s- ر.ک مت ۲۶:۶۱ توضیح b.
t- تحت اللفظی: «در ساعت ششم... تا ساعت نهم» یعنی از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۳ بعدازظهر. ذکر این ظلمات در عین ظهر شاید یادآور ماتم پسر یگانه طبق عا ۸:۹-۱۰ می باشد. ر.ک خروج ۱۰:۲۲ «تمام زمین» یا «تمام کشور».
u- «الوئی» در زبان آرامی یعنی «الهی» و به احتمال زیاد به خاطر کلمه عبری «الوهیم» است. در انجیل متی «ایلی» نوشته شده که طبق متن اصلی مزامیر و به سبک عبری است. نوشته متی بهتر ایهام بین «ایلی» (خدا) و «ایلیا»ی نبی را نشان می‌دهد.
v- این جمله به زبان آرامی و از مز ۲۲:۲ است.

«خـدای من، خـدای من، چـرا مـرا تـرک
کرده ای؟» ۳۵و برخی از کسانی که در آنجا
ایستاده بودند با شنیدن او می گفتند:
«اینک الیاس[w] را فرا می خواند!»
۳۶کسی دویده اسفنجی را از سرکه[x] خیس
کرده و با گذاشتن آن بر سر یک نی به وی
می داد تا بنوشد و می گفت: «بگذارید،
ببینم آیا الیاس برای پائین آوردن وی
می آید!» ۳۷عیسی، فریادی بلند کشیده[y]
درگذشت. ۳۸و پردهٔ قدس از بالا تا پائین
دو پاره شد[z]. ۳۹سنتوریونی که در برابر او
می ایستاد چون دید این چنین درگذشته
است[a] گفت: «به راستی این مرد پسر خدا[b]
بود!» ۴۰همچنین زنانی بودند که از دور
می نگریستند و در بین آنان مریم مجدلیه و لو۸:۲-۳
مریم [مادر] یعقوب کوچک و یوشا[c]، و
سالومه ۴۱که وقتی در جلیل می بودند به
دنبال او بودند و او را خدمت می کردند و
چه بسیاری دیگرکه با او به اورشلیم فراز
آمده بودند.

خاکسپاری
(متی۲۷:۵۷-۶۱؛ لوقا۲۳:۵۰-۵۶؛ یوحنا۱۹:۳۸-۴۲)

۴۲و شامگاه قبلاً فرا رسیده بود چون
تدارک [عید] می بود یعنی شب سبت،
۴۳یوسف رامه ای عضو بر جستهٔ شورا[d] که
وی نیز در انتظار فرمانروائی خدا می بود[e]
آمد. او با شجاعت نزد پیلاطس وارد شده
جسد عیسی را طلبید. ۴۴پیلاطس تعجّب

w- ر.ک مت ۳:۱۷ توضیح v؛ مر ۱۱:۹ توضیح i.

x- ر.ک مز ۶۹:۲۲. با تمسخر وانمود می کنند که می‌خواهند عیسی بیشتر زنده بماند تا ببینند آیا الیاس خواهد آمد. ضمناً این روایت با اشاره به مزمور ۶۹ به الهیات اهمیت می‌دهد.

y- به طوری که ملاحظه می شود کلماتی که در انجیل در مورد مرگ عیسی بکار برده شده در منتهای سادگی است: او را مصلوب کردند (آیه ۲۵)، عیسی فریاد زد (آیه ۳۴) و در گذشت (آیه ۳۷).

z- در این آیه و آیه بعدی اهمیت مرگ عیسی برای تاریخ نجات یادآوری می‌شود. پرده‌ای که قدس الاقداس را می بندد (ر.ک خروج۲۶:۳۳) یا ورودی معبد را می پوشانند (ر.ک خروج ۲۶:۳۶-۳۷) پاره می‌شود و این واقعه نشانه امکان دسترسی مستقیم به خدا است (ر.ک عبر ۶:۱۹-۲۰؛ ۹:۳، ۶-۱۲) یا پیشگویی پایان وجود معبد است. مرقس به هر چیزی که بیانگر مشارکت غیریهودیان در امر نجات باشد توجه می کند (ر.ک ۱۱:۱۶ توضیح u؛ ۱۷ توضیح v).

a- برابر برخی نسخه های خطی: «در حالی که چنین فریاد می‌زد» آنچه موجب تعجب سنتوریون شده طرز درگذشتن عیسی است و اظهار او به نوعی اولین ثمره این مرگ می باشد.

b- پس از یهودیان اکنون در اینجا نوبت به دنیای مشرکان رسیده که به وسیله سنتوریون نمایانده شده است. عنوان «پسر خدا» که از زبان و لبهای یک نفر مشرک بیرون آمده است هر مفهومی داشته باشد بنظر مرقس در این سخنان می توان بیان ایمان مسیحیانی را تشخیص داد که از دنیای بت‌پرستی می‌آیند.

c- بعضی‌ها ترجمه می کنند: «مریم (زوجه یا دختر) یعقوب کوچک و مادر یوشا» ولی با توجه به آیه ۴۷ ترجمه شده است: «مریم [مادر] یعقوب کوچک و یوشا». در مورد یعقوب و یوشا ر.ک مر ۶:۳.

d- «عضو برجسته شورا» احتمالاً یکی از اعضای سانهدرین است. رومیان توجهی به کفن و دفن محکومان نداشتند در صورتی که بالعکس بر طبق قوانین یهود لازم بود محکومان را پیش از غروب آفتاب دفن نمایند (تث ۲۱:۲۲-۲۳) در اع ۱۳:۲۹ کفن و دفن عیسی به یهودیان نسبت داده شده و به طوری که از روایت مرقس برمی‌آید به سبب نزدیک شدن شب و آغاز روز شنبه این موضوع فوریت داشته است (آیه ۴۲).

e- مرقس نوشته است که یوسف یکی از هواداران عیسی بوده (ر.ک لو ۲۳:۵۱) در صورتی که مت ۲۷:۵۷ و یو ۱۹:۳۸ او را به عنوان یکی از شاگردان عیسی معرفی می کنند.

کـرد که این قـدر زود[f] مـرده بـاشـد و
سنتوریون را صدا کرده از او پرسید آیا
مدّت درازی است که مرده است. ۴۵و با
اطلاع از سنتوریون، جسد را به یوسف داد.
۴۶و کفنی خریده او را [از صلیب] پائین
آورده در کفن پیچید و در قبری که در
صخره تراشیده شده بود نهاد و سپس
سنگی جلوی قبر غلطانید. ۴۷مریم مجدلیه و
مریم [مادر] یوشا، نگاه می کردند که او
کجا گذارده شد.

زنان بر سر قبر
(متی۲۸:۱-۸؛ لوقا۲۴:۱-۱۱؛ یوحنا۲۰:۱)

۱۶ ۱و چون سبت گذشت[g]، مریم
مجدلیه و مریم [مادر] یعقوب و
سالومه مواد خوشبو خریدند تا آورده او را
معطر کنند. ۲و صبح زود، نخستین روز ۸:۱۴؛ یو۱۹:۴۰
هفته[h]، در طلوع خورشید بر سر قبر می‌آیند
۳و به یکدیگر می گفتند: «چه کسی سنگ
ورودی قبر را برای ما می غلطاند؟[i]» ۴و یو۱۱:۳۸-۳۹
نگریسته مشاهده کردند که سنگ به سوی
غلطانیده شده است، باری بسیار بزرگ
بود[j]. ۵و وارد قبر شده مرد جوانی را به
راست نشسته دیدند که لباس سفید بر تن اع۱:۱۰؛
داشت و متحیر گردیدند.[k] ۶امّا او به آنان مکا۷:۹،۱۳
گفت: متحیر نشوید، عیسی است که در
جستجوی او هستید، آن ناصری، آن مصلوب.
او قیام کرده[l] در اینجا نیست. اینک جائی
که او را گذاشته بودند. ۷امّا بروید به
شاگردان او و به پطرس[m] بگوئید که پیش از
شما به جلیل می رود برابرآنچه به شما گفته
است در آنجا او را خواهید دید.» ۸و
[زنان] خارج شده، از قبر گریختند، زیرا
لرزان و شگفت‌زده می بودند وبه هیچ کس
چیزی نگفتند زیرا می ترسیدند...[n]

f- احتضار مصلوب شدگان اغلب ۲ تا ۳ روز طول می کشید ولی عیسی به خاطر شکنجه ها و تازیانه های شب قبل و همان روز، بسیار ضعیف شده بود و همان طور که در یو۱۹:۳۲-۳۳ آمده دو نفری که همراه عیسی مصلوب شدند زود نمردند.

g- یعنی پس از غروب آفتاب روز شنبه. در اینجا مجدداً مرقس تفهیم می کند که کفن و دفن به سرعت انجام شده بود.

h- یعنی روز یک شنبه.

i- منظور از این سؤال که ظاهراً مربوط به یکی موضوع جزیی است جلب توجه به وقایع شگفتی است که بعداً اتفاق می افتد. زنان که منتظر چنین اتفاقی نبودند پس از حیرت به وحشت می افتند.

j- این اظهارات فقط پاسخ به سوالی نیست که در آیه قبلی مطرح شده است بلکه به نظر مرقس جنبه شگفت انگیز باز شدن قبر را تأیید می نماید.

k- لباس سفیدی که مرد جوان بر تن دارد نشانه شخصیت آسمانی است (ر.ک ۹:۳)، بدین سبب در ابتدا ترس مقدسی ایجاد کرده و سپس آرامش بخشیده است (آیه ۶). به همان گونه که در ظهورهای خداوند در کتاب مقدس تشریح شده است.

l- تحت اللفظی: «قیام کرده شده». این فعل در متن یونانی به صورت فعل مجهول است و نشان می دهد عملی با قدرت خدا انجام گردیده است. در اینجا نظیر تمام ظهورها پیامی که از سوی خدا می آید حائز اهمیت می باشد و همان تأیید ایمان مسیحی است که با کلمات و عبارات مرسوم در موعظه های کلیسای اولیه بیان می شود (ر.ک اع ۲:۲۳-۲۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۲۸-۳۰). کلمه ای که «ناصری» ترجمه شده به صورتهای مختلفی در زبان یونانی بکار می رود و مرقس اکثراً این کلمه توصیفی را در مورد عیسی بکار می برد (۱:۲۴؛ ۱۰:۴۷؛ ۱۴:۶۷) ولی به صورتی که معمولاً در موعظه های کلیسای اولیه بکار می رفته است (اع ۲:۲۲؛ ۳:۶؛ ۴:۱۰) و در اینجا هویت آن مصلوب و آن قیام کرده را تعیین می نماید.

m- ظاهر شدن های عیسای قیام کرده بر پطرس جایگاه مهمی در روایات مسیحیت اولیه دارد (۱- قرن ۱۵:۵؛ لو ۲۴:۳۴). «برابر آنچه به شما گفته است» ر.ک مر ۱۴:۲۸ توضیح m.

n- علت فرار و سرگشتگی و سکوت زنان ترس مقدسی است که بر اثر مکاشفه رستاخیز عیسی بر آنان دست داده است. ضمناً مشاهده قبر خالی به عنوان دلیل قیام عیسی ارائه نمی شود بلکه نشان می دهد بیهوده در جستجوی مصلوبی که اکنون قیام کرده برنیایند.

پدیدار شدن عیسای برخاسته[o] (متی۲۷:۴۵-۵۶؛ لوقا۲۳:۴۴-۴۹؛ یوحنا۱۹:۲۸-۳۰)

[۹]بامداد اولین روز هفته برخاسته، اول به
مریم مجدلیه که از او هفت دیو را رانده بود
پدیدار گردید.[p] [۱۰]او رفته به کسانی که با
وی بودند و سوگوار و گریان می بودند نوید
داد. [۱۱]وآنان چون شنیدند که وی زنده
است و او وی را دیده به او ایمان
نیاوردند. [۱۲]پس ازآن، به شکلی دیگر به
دو نفر از آنان که به سوی روستا می رفتند
پدیدارگردید. [۱۳]و اینان رفته نوید را به
دیگران دادند امّا ایشان نیز ایمان
نیاوردند. [۱۴]سرانجام به خود ایشان، به آن
یازده، وقتی بر سر سفره می بودند پدیدار
گردید و بی ایمانی وسنگدلی ایشان را
سرزنش کرد زیرا به کسانی که او را قیام
کرده دیده بودند ایمان نیاورده بودند.
[۱۵]و به ایشان گفت: «به سراسر جهان
بروید و انجیل را به تمام آفرینش اعلام
کنید. [۱۶]و که ایمان آورد و تعمید یابد، او اع۲:۳۸؛ ۱۶:۳۱-۳۳
نجات خواهد یافت، آن که ایمان نیاورد
محکوم خواهد شد. [۱۷]و اینک نشانه هائی
که به همراه ایمانآورندگان خواهد بود: به
نام من دیوها را خواهند راند، به زبانهای نو اع۸:۷،۱۶-۱۸
سخن خواهند گفت؛ [۱۸]مارها را به دست اع۲:۴،۱۱؛ ۱۰:۴۶؛ ۱۹:۶؛
خواهند گرفت و اگر چیز مرگباری بنوشند ۱-قرن۱۴:۲-۴۰
به آنان آسیبی نخواهد رسید، بر دردمندان لو۱۰:۱۹؛ اع۲۸:۳-۶
دست گذاشته و آنها سالم خواهند شد.» اع۴:۳۰؛ ۵:۱۶؛ یع۵:۱۴-۱۵
[۱۹]باری آنگاه خداوند [عیسی] پس از
سخن گفتن با ایشان، به آسمان برده شد و ۲قرن۲:۱۱؛ اع۱:۹-۱۱؛
به راست خدا نشست. [۲۰]آنان رفته همه جا ۲تیمو۳:۱۶
اعلام کردند، خداوند با ایشان کار می کرد مز۱۱۰:۱؛ مر۱۲:۳۶
و سخن را با نشانه هائی که به همراه آن بود اع۸:۶؛ ۱۴:۳؛
تأیید می کرد. عبر۲:۴

o- متون خطی مربوط به آیات ۹-۲۰ که پایان بخش انجیل مرقس هستند بسیار مبهم و نامشخص می باشند.
- در تعدادی از نسخ این قسمت وجود ندارد و حتی بعضی از رونویس کنندگان تصریح کرده اند آیه ۸ پایان انجیل می باشد.
- ضمناً در کنار روایت بلندی که خیلی متداول است و ما در اینجا ترجمه کرده ایم روایت کوتاه دیگری به این شرح وجود دارد: «زنان آنچه را به آنان اعلام شده بود به طور خلاصه برای همراهان پطرس تعریف کردند سپس خود عیسی ندای مقدس و زایل نشدنی نجات جاودانی را به وسیله آنان از مشرق تا به مغرب فرستاد.»
- در یکی از نسخ، در فاصله بین آیات ۱۴ و ۱۵ روایت بلند، اعتراض شاگردان و پاسخ عیسی ذکر شده که چنین است: «آنان در دفاع از خود گفتند: این قرن بی دینی و بی ایمانی تحت تسلط شیطان است که نمی گذارد حقیقت و قدرت خدا را ارواح ناپاک دریافت کنند. بدین سبب عدالت تو از هم اکنون ظاهر می شود.» آنان این سخنان را به مسیح می گفتند و مسیح پاسخ داد: «پایان سالهای اقتدار شیطان فرا رسیده ولی چیزهای وحشتناک دیگری نزدیک می شود و من به مرگ تسلیم شدم تا کسانی که مرتکب گناه شده اند به سوی حقیقت باز گردند و دیگر گناه نکنند تا وارث افتخار و عدالت و افتخارروحانی و زایل نشدنی شوند که در آسمان است.»

p فاعل فعل «پدیدار گردید» عیسی است که از ۱۵:۴۰ دیگر در صحنه حضور ندارد. این خاتمه (آیات ۹-۲۰) با کلمات و شیوهٔ نگارش کاملاً متفاوتی از بقیه انجیل نوشته شده و اصولاً جریان روایت قبلی را قطع نموده است (مأموریتی که به زنان محول شده بود ناتمام مانده است) بنابراین می توان گفت این قسمت خلاصه ای از روایتهای پدیدار شدن عیسی است که در انجیلهای دیگر ذکر شده و اشاراتی که در اعمال رسولان آمده به آنها افزوده شده است (مر۱۶:۱۷-۲۰). این خلاصه به هیچ وجه نکته جدیدی در بر ندارد تا بتوان شناخت بهتری از مسیح و وقایع بعد از قیام او به دست آورد. این خاتمه از قرن دوم میلادی شناخته شده بود و از همان موقع بعضی از پدران کلیسا در مورد اصالت آن تردید داشتند و چون بسیاری از منتقدان تعجب می کنند از اینکه انجیل مرقس ناگهان در آیه ۸ خاتمه یابد معتقدند قطعه پایانی انجیل گم شده و بجای آن این متن را گذاشته اند. در حقیقت ما نمی دانیم آیا مصنف کتاب قطعه ای به عنوان نتیجه نگاشته و اگر چنین است آیا پدیدار شدنهای عیسای قیام کرده را نقل نموده است (آیه ۷).

پیشگفتار

انجیل لوقا

مقدمه نخستین کتاب لوقا

از بین چهار انجیل، تنها انجیل لوقا بمانند بسیاری از نوشته های یونانی آن دوران با یک مقدمه آغاز می شود. این مقدمه به شخصی به نام تئوفیلس خطاب شده که ظاهراً شخصیت مهمی است. کتاب اعمال رسولان نیز با مقدمه ای آغاز می شود که به همین شخصیت خطاب می گردد و نویسنده در آنجا به نخستین کتاب اشاره نموده از «هر آنچه عیسی انجام داده و آموخته است» سخن می گوید (اع۱:۱-۲). از همان آغاز کلیسای اولیه به این نتیجه رسیده بودند که این انجیل و کتاب اعمال رسولان را یک نفر نوشته است. منتقدان معاصر نیز این نظریه را تأیید کرده اند و استدلال ایشان بر مبنای یکسان بودن لحن و وحدت اندیشه در دو کتاب و همچنین بر قرینه بودن طرح آنها است؛ انجیل فراز آمدن عیسی به اورشلیم را که در آنجا «واقعه عید گذر» یعنی رنجها و رستاخیز مسیح تحقق می یابد ذکر می کند و کتاب اعمال رسولان روایت می نماید که شرح این واقعه از اورشلیم تا اقصی نقاط جهان اعلام شده است (اع۱:۸).

در مقدمه انجیل، لوقا موضوع، روش و هدف اثر خود را اعلام می کند: وی «رویدادهایی» را ارائه خواهد کرد که نقطه آغاز سرگذشت جامعهٔ مسحی یعنی کلیسا است. وی که از روایت های نخستین شاهدان با دقت اطلاع یافته آنها را «به ترتیب» عرضه خواهد کرد. بدین ترتیب تئوفیلس در این کتاب از وقایعی که قبلاً شنیده روایت قابل اطمینانی خواهد یافت.

بدین ترتیب لوقا در نقش یک مورخ ظاهر می شود و از راه و رسم تاریخ نویسان زمان خود پیروی می کند (ر.ک ترتیب و تاریخ وقوع رویدادها ۱:۳-۲). اما تاریخی که وی می خواهد ارائه دهد تاریخی مقدس است. نیت اصلی او آن است که نشان دهد رویدادها از نظر ایمان چه معنی و مفهومی دارند، ایمانی که واقعه عید گذر و حیات جامعه مسیحی آن را روشن کرده است. بنابراین کتاب لوقا یک مژده یعنی یک انجیل می باشد.

تاریخ نجات در ساختار انجیل لوقا

طرح سومین انجیل نظیر طرح کلی اناجیل متی و مرقس است، بدین معنی که شامل یک مقدمه، گفتارهای عیسی در جلیل، فراز آمدن وی به اورشلیم و بالاخره تحقق پایانی رسالت وی با رنجها و رستاخیز در این شهر است. اما ترکیب انجیل لوقا با دقت تهیه و تنظیم شده و منظور این است که زمانها و مکانهای وقوع حوادث تاریخ نجات در این سرگذشت بطور برجسته نشان داده شود.

۱- مقدمه (۵:۱-۱۳:۴) حاوی دو بخش کاملاً متمایز می باشد.

روایت‌های مربوط به دوران کودکی (۵:۱-۵۲:۲) مختص به لوقا است. این روایت‌ها مرتباً یحیی تعمید دهنده و عیسی را به موازات هم قرار داده در حالی که تابعیت اولی را نسبت به دومی نشان می‌دهند. این روایات بویژه راز عیسی را طی سلسله پیامهای خارق العاده‌ای بیان می‌کنند که وی زاده از روح القدس، قدوس، پسر خدا (۳۵:۱)، منجی و مسیح خداوند (۱۱:۲)، نجات خدا و نوری امتها است (۳۲،۳۰:۲) و با این همه انبوه قوم خودش او را طرد خواهند کرد (۳۴:۲). در آغاز انجیل، پیش از آن که راز به تدریج آشکار شود، رازی که در بقیه کتاب ذکر می‌شود، این اظهارات، مقدمه‌ای دربارهٔ مسیح شناسی است که می‌توان آن را با مسیح شناسی انجیل یوحنا مقایسه نمود (یو۱:۱-۱۸).

مقدمه مربوط به بخش رسالت (۱:۳-۱۳:۴) نظیر اناجیل متی و مرقس شامل رسالت یحیی تعمید دهنده، تعمید عیسی و پیروزی اولیه او بر وسوسه گر است اما لوقا دوران یحیی را که هنوز مربوط یه عهد عتیق است از دوران عیسی جدا و متمایز می‌سازد (۲۰:۳ توضیح a). و مخصوصاً بر منصب مسیحایی که پدر پس از تعمید به پسر عطا می‌کند اصرار می‌نماید (۲۲:۳ توضیح e)؛ وی در این قسمت شجره نامه عیسی را می‌اورد که تا حضرت آدم می‌رساند تا ارتباط و بستگی او را با تمام بشریت نشان دهد (۳۳:۳-۳۸).

بالاخره آخرین کلمات روایت منجر به وسوسه، مبارزه قطعی در راه رنجها و اعلام می‌کنند (۱۳:۴).

۲- نخستین قسمت رسالت عیسی (۱۴:۴-۵۰:۹) کلاً در جلیل رخ داده است (ر.ک ۵:۲۳؛ اع۳۷:۱۰) و این نکته با مت۲۱:۱۵؛ ۱۳:۱۶ و مر۲۴:۷-۳۱؛ ۲۷:۸ تفاوت دارد. این قسمت با صحنهٔ گفتار استاد در کنیسه ناصره (۱۶:۴-۳۰) آغاز می‌شود و این گفتار پیشاپیش مختصات انجیل را دارد، یعنی اعلام نجات بر مبنای نوشته‌های مقدس و با الهام از روح القدس، اشاره به نجات مشرکان، امتناع هموطنان عیسی و تمهیدات جنایتکارانه آنان. سپس روایت رسالت شامل اعمال عیسی (مخصوصاً معجزه‌ها) و سخنان او می‌آید که شاگردان را به نخستین مرحلهٔ آشنایی با شخصیت او هدایت می‌کند.

اولین بخش این قسمت (۳۱:۴-۱۱:۶) که تقریباً به همان ترتیب مر۱۶:۱-۶:۳ است عیسی را در برابر انبوه مردم، در برابر دشمنان، در برابر اولین گروه شاگردان و در میان معجزه‌ها و بحث و جدلها نشان می‌دهد.

بخش دوم (۱۲:۶-۵۲:۷) که در انجیل مرقس مشابهی ندارد ولی متی مطالبی مشابه آنها را به صورت پراکنده ذکر کرده، با فراخواندن دوازده شاگرد شرع می‌شود و بیش از هر چیز شامل آموزش عیسی به شاگردان در طی گفتارهای مربوط به وعده‌های سعادت ابدی (خوشا به حال‌ها) می باشد.

سومین بخش این قسمت (۱:۸-۵۰:۹) در جایی که مطالب انجیل لوقا به روایت مر۱:۴-۴۰:۹ می‌پیوندد (ولی بدون این که

مطالبی مشابه مر۶:۴۵-۸:۲۶ عرصه نماید) دوازده شاگرد را در رسالت عیسی کاملاً سهیم می کند و از همان آغاز آیه ۱:۸ نام آنان را ذکر می نماید. سپس در گفتارهایی که به صورت تمثیل آمده شنوندگان عیسی به دو گروه متمایز تقسیم می شوند: یک گروه آنان که جز تمثیل ندارند و دیگر «کسانی که شناختن اسرار ملکوت به ایشان ارزانی گشته است» (۸:۱۰). معجزه های جدیدی که مختص شاگردان است برای ایشان این سئوال را پیش می آورد که «او کیست؟» (۸:۲۵) و در این موقع دوازده شاگرد برای اعلام ملکوت خدا فرستاده می شوند (۹:۱-۶) و فعالانه در معجزه تکثیر نان ها شرکت می نمایند (۹:۱۲). بالاخره عیسی آنان را وادار می کند که دربارهٔ او عقیدهٔ خود را بگویند و پطرس او را «مسیح خدا» می شناسد (۹:۲۰). بلافاصله این نخستین اظهار دربارهٔ راز عیسی به وسیلهٔ استاد تکمیل می شود و خود را به عنوان مسیح که برای مرگ مقدّر شده توصیف می نماید (۹:۲۲) و نیز بوسیلهٔ پدر که در شکوه واقعه تجلی، فرزندی اسرارآمیز عیسی را اعلام می کند (۹:۳۵).

۳- فراز آمدن به اورشلیم (۹:۵۱-۱۹:۲۸) بدیع ترین بخش ترکیب نوشتهٔ لوقا است. تعداد زیادی از مطالب این بخش بطور پراکنده در انجیل متی وجود دارد و برخی از آنها در انجیل مرقس آمده ولی لوقا تنها انجیل نگاری است که آنها را در چارچوب یک مسافرت ارائه می نماید.

این مسافرت با عبارت با شکوهی آغاز می شود و حرکت عیسی را به سوی واقعهٔ عید گذر که تحقق آن نزدیک است نشان می دهد (۹:۵۱). استاد به سوی اورشلیم یعنی شهر مقدسی که مقرر است در آنجا امر نجات تحقق یابد روانه می شود. دو اشارهٔ دیگر در مورد این شهر که لوقا در ۱۳:۲۲ و ۱۷:۱۱ ذکر کرده ممکن است این قسمت را به سه بخش تقسیم کند ولی این تقسیم بندی کاملاً ظاهری است زیرا این بخش ها نه از نظر جغرافیایی و نه از نظر تحول عقیدتی پیوستگی و تداوم ندارند. خط سیر این مسافرت با اماکن و نقاط جغرافیایی تطبیق نمی کند (مثلاً چنین می نماید که وقایع مذکور در ۱۰:۱۳-۱۵ و ۱۳:۳۱-۳۳ در جلیل روی داده و در آیات ۱۳:۳۴-۳۵ فرض بر آن است که عیسی قبلاً در اورشلیم سخن گفته است). بنابراین روایت مسافرت از نظر ادبی زمینه ای است که لوقا می تواند مطالب خود را با توجه به تحقق عید گذر در این چارچوب گرد آورد.

در سراسر این بخش گفتار عیسی مقدم بر معجزه ها است و پند و اندرزها بیش از موضوع راز مسیح مورد توجه است (مگر در ۱۰:۲۱-۲۴؛ ۱۲:۴۹-۵۰؛ ۱۸:۳۱-۳۳؛ ۱۹:۱۲-۱۵). استاد همواره به قوم اسرائیل خطاب می کند و در رویارویی با فریسیان و مجتهدان یهود جدّی و سازش ناپذیر است (۱۱:۳۷-۵۲). قوم خود را فرا می خواند که به سوی خدا روی آورند (۱۲:۵۱؛ ۱۳:۹) و امکان نپذیرفتن آنان را در نظر می گیرد (۱۲:۲۳-۳۵؛ ۱۴:۱۶-۲۴) و مخصوصاً به شاگردانش خطاب کرده مأموریت رسالت آنان را تعیین می نماید (۹:۵۲-۱۰:۲۰). ایشان را به دعا کردن (۱۱:۱-۱۳) و از خود گذشتگی می خواند (۱۲:۲۲-۳۴،۵۱-۵۳؛

۱۴:۲۶-۳۳؛ ۱۶:۱-۱۳؛ ۱۸:۲۸-۳۰). بخش مهمی از این آموزشها که به شاگردان خطاب می شود مربوط به زمانی است که دیگر عیسی در میان آنان نخواهد بود و این موضوع با مسافرتی که در پیش است و منجر به صعود عیسی به آسمان می شود تطبیق می نماید (۹:۵۱) یعنی زمانی فرا خواهد رسید که شاگردان بایستی به روح القدس روی آورده (۱۱:۱۳) به حقانیت استادشان در برابر مردم اقرار کنند (۱۲:۱-۱۲)، در انتظار بازگشت او باشند (۱۲:۳۵-۴۰؛ ۱۷:۲۲-۱۸:۸؛ ۱۱-۲۷) و در جوامع مسیحیان از برادران خود مراقبت نمایند (۱۲:۴۱-۴۸).

در ۱۸:۱۵ روایت لوقا به رشتهٔ روایت متی (۱۹:۱۵) و روایت مرقس (۱۰:۱۳) می پیوندد ولی در پایان این روایت لوقا موضوع نجات «زکی» و مخصوصاً تمثیل قنطارها را می افزاید (۱۹:۱-۱۰، ۱۱-۲۷). در نگارش لوقا برخورد و رویارویی مصیبت بار اورشلیم با پادشاهی که اورشلیم او را نخواهد پذیرفت با ذکر این روایت آماده می شود (ر.ک ۹:۱۱ توضیح s).

۴- بخش سوم رسالت عیسی (۱۹:۲۹-۲۴:۵۳) تحقق نجات را در اورشلیم گزارش می کند و این شهر را به عنوان نمایندهٔ قوم اسرائیل در برابر عیسی در فاجعهٔ صلیب بشمار می آورد. لوقا این نکته را در اولین صحنهٔ ورود عیسی (۱۹:۲۹-۴۸) یادآوری می کند: بدین معنی که استاد خود را همچون پادشاه معرفی می نماید (آیات ۳۵-۳۸)، بر شهری که ورود شاهانه او را نخواهد پذیرفت می گرید (آیات ۴۱-۴۴)، در معبد اقتدار خود را نشان داده فروشندگان را از آنجا بیرون می رانند و هر روز در آنجا آموزش می دهد (آیات ۴۵-۴۸).

اظهارات عیسی در اورشلیم شامل همان سه قسمتی است که در اناجیل متی و مرقس آمده ولی لوقا نکاتی جزیی به آنها افزوده که مختص به خود او است. آموزش در معبد (۲۰-۲۱) با اعلام داوری بر اورشلیم و آمدن پسر انسان پایان می یابد. لوقا این اعلام ها را به تمام قوم اسرائیل خطاب می کند (ر.ک ۲۱:۵ توضیح w, x؛ ۲۱:۲۰ توضیح r).

در روایت های مربوط به رنج و مرگ عیسی (بابهای ۲۲-۲۳) همان طرح اناجیل دیگر دنبال می شود ولی داستان شام آخر با آموزشهایی به دوازده شاگرد دربارهٔ نقش خدمتگزاری آنان، دربارهٔ بزرگی آنان در ملکوت آینده و نیز دربارهٔ وضعیت جدید آنان پس از عزیمت استادشان ادامه می یابد (۲۲:۲۴-۳۸). رنجهایی که عیسی متحمل می شود عدالت او و ارزش شهادت عبرت آمیز او را نمایان می سازد. مسیح آن هنگام که متحمل حقارت و توهین می شود، ملکوت خود را که از قبل حاضر است تأیید می کند (ر.ک ۲۲:۶۹ توضیح b؛ ۱۲۳:۳۷ توضیح b).

روایات مربوط به وقایع عید گذر (باب ۲۴) تماماً محدود به شهر اورشلیم است. در این متون به روایات کهن دربارهٔ ظاهر شدنهای مسیح در جلیل اشاره نشده است (مت۲۶:۳۲؛ ۲۸:۷، ۱۰، ۱۶-۲۰؛ مــــر۱۴:۲۸؛ ۱۶:۷؛ یو۲۱)، احتمالاً به این دلیل که قرینه با کتاب اعمال رسولان بهتر مراعات شود. این روایت ها رنج و مرگ عیسی را همچون راهی تعبیر می کنند که خدا خواسته تا از آن طریق مسیح را

به شکوهش برساند (آیه ۲۶)، همان مشیت الهی که عیسی آن را اعلام نموده (آیه ۷) و در نوشته های مقدس ثبت گشته است (آیات ۲۵-۲۷، ۴۴-۴۶). بالاخره عیسی بر یازده رسول ظاهر می شود تا بر تردید ایشان فائق آید (آیات ۳۶-۴۳) و آنان را چون شاهدان به رسالت می فرستد (آیات ۴۷-۴۹). کتاب با نخستین روایت دربارهٔ صعود مسیح (آیه ۵۱) که نشانهٔ سروری و خدایی عیسی مسیح برخاسته از مرگ است خاتمه می یابد (ر.ک اع۲:۳۶).

به این ترتیب تمام انجیل آشکار شدن تدریجی راز خداوند عیسی را ارائه می کند و همچنین نشان می دهد کسانی که باید پیام آن را بازگو نمایند با تأنّی و به تدریج آن را درک نمایند.

دوران عیسی و دوران کلیسا

۱- از آنجا که لوقا در نظر دارد کتاب دیگری را به سرگذشت رسولان تخصیص دهد بنابراین بهتر از متی و مرقس می تواند تفاوت های بین دوران عیسی و دوران کلیسا را مشخص نماید.

انجیل لوقا نشان می دهد که عمل عیسی اختصاصاً مربوط به قوم اسرائیل است. هر چند جنبهٔ جهان گرایی پیام نجات را ذکر می نماید ولی این نکته همواره در اعلام های مربوط به آینده (۲:۳۲؛ ۳:۶؛ ۱۳:۲۹؛ ۱۴:۱۶-۲۴) یا در تصاویر نمونه ای است که پیشاپیش نشان داده شده اند (۳:۲۳-۳۸؛ ۴:۲۵-۲۷؛ ۷:۹؛ ۸:۳۹؛ ۱۰:۱؛ ۱۷:۱۱-۱۹) و مسیح تنها بعد از رستاخیز خود، مأموریت رسالت به سوی مشرکان را به شاگردان خود می دهد (۲۴:۴۷-۴۸).

این مأموریت را حاملان پیام به یُمن فیض روح القدس انجام خواهند داد (۲۴:۴۹؛ ر.ک ۱۲:۱۲) ولی در انجیل فقط عیسی که از روح القدس زاده شده (۱:۳۵) با قدرت این روح القدس عمل می کند (۳:۲۲؛ ۴:۱، ۱۴، ۱۸؛ ۱۰:۲۱).

در روایت های مربوط به دوران کودکی عیسی، شمعون اعلام می کند که «تعداد زیادی در اسرائیل» از پذیرفتن عیسی امتناع می کنند (۲:۳۴-۳۵). این امتناع اندک اندک در جریان انجیل صورت می گیرد ولی بطور کامل با صلیب پایان نمی یابد (ر.ک ۲۳:۳۴) زیرا پس از روز پنجاهه باز هم رسولان یهودیان اورشلیم را به توبه و نجات می خوانند.

۲- لوقا که بدین گونه دوران عیسی را از دوران کلیسا متمایز می کند می خواهد مراحل عمل خدا را در تاریخ روشن نماید ولی در ارائه این وقایع هرگز از این نکته غافل نیست که نجات بطور قطعی در عیسی مسیح داده شده است. وی از همان آغاز انجیل بر امروزی بودن نجات اصرار می کند (۲:۱۱؛ ۴:۲۱؛ ر.ک ۵:۲۶؛ ۱۹:۹؛ ۲۳:۴۳). زیرا عیسی از نخستین لحظهٔ وجود، پسر خدا (۱:۳۵)، نجات دهنده (۲:۱۱؛ ر.ک ۱:۶۹، ۷۱، ۷۷؛ ۲:۳۰؛ ۳:۶) و خداوند است (۲:۱۱؛ ر.ک ۷:۱۳ توضیح t دربارهٔ اصرار لوقا در مورد قائل شدن این عنوان برای عیسی)؛ و گفتارهای او با پیام نجات به درماندگان و کوچکان که مخاطبان ممتاز این پیام هستند آغاز می شود (۴:۱۸؛ ر.ک ۷:۲۲؛ ۱۰:۲۱).

لوقا از همان موقعی که دوران عیسی را توصیف می نماید به جامعهٔ مسیحی یعنی

کلیسا می اندیشد. وی به مراتب بیشتر از متی و مرقس برای دوازده شاگرد عیسی عنوان رسول قائل می شود (ر.ک ۶:۱۳ توضیح c) و در اندیشهٔ مسئولیت های آنان در جوامع مسیحی (۹:۱۲؛ ۱۲:۴۱-۴۶؛ ۲۲:۱۴-۳۸) و نیز در اندیشهٔ دستیاران ایشان است (۱۰:۱؛ ر.ک ۸:۲-۳، ۳۹).

به علاوه لوقا در پی آن است که آنچه را عیسی به عنوان قواعد زندگی «روزمره» به شاگردان آموزش می دهد ارائه نماید (۹:۲۳؛ ۱۱:۳؛ ۱۷:۴). وی در مورد توبه اولیه اصرار می کند (۵:۳۲؛ ۱۳:۱-۵؛ ۱۵:۴-۳۲ و مخصوصاً در صحنه های ۷:۳۶-۵۰؛ ۱۹:۱-۱۰؛ ۲۳:۳۹- ۴۳)، همچنین دربارهٔ ایمان (۱:۲۰، ۴۵؛ ۷:۵۰؛ ۸:۱۲-۱۳؛ ۱۷:۵-۶؛ ۱۸:۸؛ ۲۲:۳۲؛ ۲۴:۲۵) که بایستی در اقرار به حقانیت خداوند ابراز شود (۱۲:۲-۱۲؛ ۲۱:۱۲-۱۹)، دربارهٔ نیایش (۱۱:۱-۱۳؛ ۱۸:۱-۸؛ ۲۱:۳۶؛ ۲۲:۴۰، ۴۶) که نمونه و سرمشق آن نیایشهای مکرّر عیسی است (ر.ک ۳:۲۱ توضیح c)، دربارهٔ رحمت که آن را درس اساسی به شاگردان می دانند (۶:۲۷-۴۲؛ ر.ک ۱۰:۲۵-۳۷؛ ۱۷:۳-۴)، غالباً پیشنهاد می کند که رحمت را با دادن صدقه ابراز کنند (ر.ک ۱۱:۴۱ توضیح d) زیرا که در عین حال گذشت و انصراف از ثروت می باشد (ر.ک ۵:۱۱ توضیح g؛ ۱۴:۳۳ توضیح x). انجام این الزامات دشوار است با این همه روح شادی در این انجیل بسیار بیش از اناجیل دیگر تجلی می کند: مثلاً در برابر اعلام های نجات (۱:۱۴، ۲۸، ۴۱، ۴۴؛ ۶:۲۳؛ ۸:۱۳)، در برابر اظهاراتی که مربوط به باز آمدن عیسی است (۱:۴۷؛ ۲:۱۰)، در برابر معجزه ها (۱۰:۱۷؛ ۱۳:۱۷؛ ۱۹:۳۷)، در برابر استقبال از پیام (۱۰:۲۱) و گرویدن گناهکاران (۱۵؛ ۱۹:۶)، در برابر رستاخیز عیسی (۲۴:۵۲) زیرا نجاتی که از سوی خدا می آید دعوت به شادمانی است.

۳- عیسی اعلام می کرد که در زمان آخر باز خواهد آمد و لوقا انتظار این واقعه را برای دوران کلیسا حفظ می کند (۱۲:۳۵-۴۸؛ ۱۷:۲۲-۳۷؛ ۱۸:۸؛ ۱۹:۱۱-۲۷؛ ۲۱:۵-۳۶) ولی اصرار وی دربارهٔ نجات زمان حاضر، اصرار دربارهٔ خداوندی عیسی با وقایع عید گذر و اصرار بر عمل روح القدس در کلیسا، هیجان مربوط به بازگشت قریب الوقوع عیسی را کاهش می دهد (ر.ک ۱۷:۲۳ توضیح b). امیدواری او کاملاً سرشار از شادی نجات امروز است. ویرانی اورشلیم که بارها در این انجیل به آن اشاره شده (ر.ک ۱۹:۲۷ توضیح e) بنا به نوشتهٔ لوقا جنبهٔ پایان روزگار را ندارد بلکه فقط یک حادثهٔ تاریخی و کیفر مسئولان مرگ عیسی است.

اثر لوقا از نظر ادبی

لوقا در نگارش انجیل خود از اطلاعات و مطالب بسیاری که با اناجیل متی و مرقس مشترک است استفاده می کند ولی مطالب زیادی نیز مختص به خود او می باشد (ر.ک پیشگفتار اناجیل نظیر)، مطالب گروه دوم متنوع و به شرح زیر می باشند: روایت های دوران کودکی عیسی (۱-۲)، برخی از معجزات (۷:۱-۱۷؛ ۱۳:۱۰-۱۷؛۱۴:۱-۶؛ ۱۷:۱۲-۱۹)، صحنه های مربوط به توبه

(۷:۳۶-۵۰؛ ۱۹:۱-۱۰؛ ۲۳:۴۰-۴۳)، مداخله های هیرودیس (۱۳:۳۱-۳۳؛ ۲۳:۸-۱۲؛ ر.ک ۳:۸ توضیح q)، پدیدار شدنهای عیسی در ایام بعد از عید گذر (۲۴:۱۳-۳۵، ۳۶-۵۳)...، آموزشها و مخصوصاً سلسله ای از مثل ها نظیر سامری نیکو (۱۰:۳۰-۳۷)، دوستی که باید از خواب بیدار کرد (۱۱:۵-۸)، ثروتمند بی فهم (۱۲:۱۶-۲۱)، درخت انجیر بی بر (۱۳:۶-۹)، معمار و پادشاهی که به جنگ می رود (۱۴:۲۸-۳۳)، سکّه و پسر بازیافته (۱۵:۸-۱۰؛ ۱۱:۳۲)، مباشر زرنگ (۱۶:۱-۸)، مرد ثروتمند و الیعازر (۱۶:۱۹-۳۱)، خادمی که جز وظیفه کاری انجام نداده است (۱۷:۷-۱۰)، قاضی که از او التماس می کنند (۱۸:۱-۸) و فریسی و مأمور جمع آوری مالیات (۱۸:۹-۱۴).

اغلب گفته شده که انجیل لوقا و انجیل یوحنا در بعضی موارد نزدیک به هم هستند ولی شباهت ها نه در مورد متون و مطالب به هم پیوسته بلکه در مجموعه نکاتی است که در این دو انجیل مشترک هستند (این موارد در توضیحات انجیل لوقا یادآوری شده است) مثلاً: شخصیت های یهودای رسول، مرتا و مریم، شخصیت کاهن اعظم حنّا، ارتباط بین صید معجزه آسا و گماردن پطرس به رسالت، خیانت یهودای اسخریوطی به اغوای شیطان، گفتگوی عیسی با دوازده شاگرد در طی شام آخر، اعلام مسیحایی عیسی به مقامات یهود، قبول بی گناهی عیسی بوسیله پیلاطس، پدیدار شدن عیسای برخاسته از مرگ به شاگردانش در اورشلیم، درک رستاخیز عیسی به عنوان تجلی او و سرچشمهٔ موهبت روح القدس... مشکل بتوان گفت که این شباهتها و توازی ها در نتیجه روایاتی است که پیش از نگارش اناجیل وجود داشته است.

در مورد تمام مطالبی که از روایات گرفته شده کوشش و کار لوقا قابل توجه است. این موضوع را در «نظم و ترتیبی» که در ترکیب نگارش خود رعایت نموده قبلاً ملاحظه کردیم و هرگاه این مطالب با قسمتهای مشابه در اناجیل متی و مرقس مقایسه گردد این نکته به خوبی روشن می شود، مثلاً واژه هایی که لوقا بکار برده متنوع تر و غنی تر از کلمات مشابه در همه کتابهای دیگر عهد جدید است. لحن انجیل با لطافت با موضوعات مختلف تطبیق داده می شود. زبان یونانی لوقا در روایاتی که با انجیل مرقس مشابه است صحیح تر از زبان مرقس است (۱:۱-۴؛ ۲۴:۱۳-۳۵)؛ با این همه در بسیاری از متونی که مختص لوقا هستند کلمات و اصطلاحات زبان سامی بکار برده شده مخصوصاً در مواردی که مربوط به سخنان عیسی است. لوقا علاقمند است اصطلاحاتی را که در ترجمه یونانی عهد عتیق آمده بکار ببرد بویژه در روایت های دوران کودکی عیسی که بسیاری از منتقدان این روایت ها را اقتباس و تقلید ادبی واقعی بشمار می آورند.

لوقا به علت ذوق و علاقه ای که به روشن کردن مطالب دارد در آغاز تشریح وقایع مقدمه هایی می آورد (۳:۱۵؛ ۴:۱؛ ۵:۱، ۱۲، ۱۷، ۳۶...) یا آنها را با نتیجه گیری پایان می دهد (۳:۱۸، ۲۰؛ ۵:۱۵-۱۶؛ ۹:۳۶-۴۳...). اکثراً مثل ها را دو به دو ذکر می کنند (۱۳:۱۸-۲۱؛ ۱۴:۲۸-۳۲؛ ۱۵:۴-۱۰)، همچنین سخنان حکیمانه و کلمات قصار را دو به دو می آورد (۴:۲۵-۲۷؛ ۱۱:۳۱-۳۲؛ ۱۳:۱-۵؛ ۱۷:۲۶-۳۰،

۳۴-۳۵) ولی در بسیاری از موارد ممکن است این گروه بندی ها مربوط به منابع اصلی آنها باشد.

هنر لوقا در اعتدال و بی پیرایگی عبارات است که با یک کلمه وضعیت مهیجی را توصیف می کند (۷:۲؛ ۱۲:۷؛ ۴۲:۸؛ ۳۸:۹...) همچنین روایت هایی نظیر روایت «نائین» که بیانگر اوضاع سخت و غم انگیز هستند (۱۱:۷-۱۷)، زن گناهکار (۳۶:۷-۵۰)، «دزد نیکو» (۴۰:۲۳-۴۳) یا دیدار عمواس (۱۳:۲۴-۳۵) و همچنین در مثل هایی نظیر سامری نیکوکار (۳۰:۱۰-۳۷) یا پسر بازیافته (۱۱:۵-۳۲ «فرزند ولخرج»). لطافت بیان او مداوم و مستمر است مخصوصاً هنگامی که سخن از شخص عیسی است: مثلاً از اصطلاحات تند و خشنی که گاهی مرقس بکار می برد پرهیز می نماید (لو۴:۱؛ ۲۴:۸، ۲۸، ۴۵...) و در هر مورد که شاگردان به استاد خود خطاب می کنند عبارت مخصوص و معینی بکار می برد (ر.ک ۵:۵ توضیح c).

کار لوقا در مورد اطلاعاتی که از روایات آمده اکثراً برای خواننده ارزش تاریخی آنها را مطرح می کند. این موضوع مسئله ای بغرنج و پیچیده است و نمی توان آن را کاملاً توضیح داد مگر این که روش لوقا در نگارش کتاب اعمال رسولان بررسی شود (ر.ک پیشگفتار اعمال رسولان). هرگاه فقط انجیل بررسی گردد بدواً مشاهده می شود که نیت لوقا بر آن است که وقایع را با دقت و بر مبنای اطلاعات موثق ارائه نماید (۱:۱-۴)؛ همچنین صحت و موثق بودن تعداد زیادی از این اطلاعات را می توان پذیرفت ولی از یک طرف لوقا به موضوع عیسی با تمام ایمان خود می نگرد در صورتی که یک فرد تاریخ نویس این گونه قضاوت را نظریه و تفسیر شخصی لوقا تعبیر می نماید. از سوی دیگر هنگامی که لوقا گفتار و اعمال عیسی را ارائه می کند بیش از هر چیز به معنی و مفهوم آنها علاقمند است چنانکه گاهی توجهی به ترتیب تاریخ وقوع آنها ندارد (۱۶:۴-۳۰؛ ۱:۵-۱۱؛ ۵۱:۲۴) یا محل و موقعیت جغرافیایی وقوع آنها را در نظر نمی گیرد (۱۳:۱۰-۱۵؛ ۳۴:۱۳-۳۵؛ ۳۶:۲۴-۴۹)؛ وی ابا ندارد که آزادانه صحنه های پرمعنی ایجاد کند (۱-۲؛ ۱۶:۴-۳۰؛ ۱:۵-۱۱...). توجه و اهتمام اصلی وی این نیست که وقایع را در صحت و واقعیت مادی آنها توصیف نماید بلکه می خواهد سرگذشت عیسی را که تاریخ نجات می باشد اعلام کند. احساس می کند که آزاد و حتی موظف است معنی و مفهوم رویدادها را توضیح دهد و این کار را با توجه به سنت کلیسا به انجام می رساند.

اطلاعاتی درباره اصالت انجیل سوم

دربارۀ اصل و منشأ این انجیل نمی توان اظهار نظر کرد بدون اینکه اطلاعات موجود در کتاب اعمال رسولان بررسی شود، زیرا این دو کتاب کاملاً با هم ارتباط دارند ولی در اینجا باید به اطلاعاتی که در نخستین کتاب لوقا وجود دارد اکتفا نمود.

در تعیین تاریخ نگارش انجیل لوقا منتقدان اکثراً از ویرانی اورشلیم یاد می کنند که در این کتاب اشاره به آن شده است (ر.ک

۲۷:۱۹ توضیح e) و مخصوصاً با توجه به این که لوقا این را از دورنمای زمان آخر جدا می کند در صورتی که متی و مرقس حدوث آن را در زمان آخر تعیین می نمایند. چنین به نظر می رسد که در سال ۷۰ میلادی لوقا ناظر محاصره و ویرانی اورشلیم به دست لژیونهای تیتوس بوده است (ر.ک ۱۹:‏۴۳-۴۴؛ ۲۰:۲۱، ۲۴).

بنابراین تاریخ نگارش انجیل مربوط به پس از این تاریخ است. منتقدان امروزی اکثراً تاریخ نگارش آن را در حدود سالهای ۸۰ الی ۹۰ میلادی می دانند ولی بسیار از آنان تاریخ مقدم تری تعیین می کنند.

گرچه این کتاب به تئوفیلس اهداء شده ولی چنین می نماید که از ورای شخصیت مذکور مخصوصاً به مسیحیانی خطاب می شود که فرهنگ یونانی دارند و در این مورد نشانه های بسیاری وجود دارد: مثلاً به زبان یونانی نوشته شده، دربارهٔ جغرافیای فلسطین توضیحاتی داده می شود (۱:‏۲۶؛ ۴:۲؛ ۴:‏۳۱؛ ۸:‏۲۶؛ ۲۳:‏۵۱؛ ۲۴:‏۱۳)، آداب و رسوم یهودیان تشریح گردیده (۱:‏۹؛ ۲:‏۲۳-۲۴، ۴۱-۴۲؛ ۲۲:‏۱،۷)، توجهی به بحث دربارهٔ تورات نشده (در این انجیل مطالبی نظیر آنچه در مت ۵:‏۲۰-۳۸؛ ۱۵:‏۱-۲۰؛ ۲۳:‏۱۵-۲۰ آمده وجود ندارد)، نسبت به مشرکان عطف توجه شده و بر واقعیت جسمانی مسیح برخاسته از مرگ اصرار می شود (۲۴:‏۳۹-۴۳)، نکته ای که پذیرفتن آن برای یونانیان دشوار بود (اع۱۷:‏۳۲؛ ۱-قرن۱۵).

همچنین بنظر می رسد که نویسندهٔ انجیل شخصاً به دنیای یونانی گرایی تعلق داشته و این امر را با توجه به زبان نویسنده که یونانی است و نکات دیگری که قبلاً ذکر شده می توان تشخیص داد. اکثراً بر این باورند که وی با جغرافیای فلسطین آشنا نیست (ر.ک ۴:‏۲۹ توضیح k) و آداب و رسوم مختلف این سرزمین را به خوبی نمی شناسد (ر.ک ۱:‏۵۹ توضیح d؛ ۵:‏۱۹ توضیح r؛ ۶:‏۴۸ توضیح i).

برابر روایتی که قدیس ایرنائوس در پایان قرن دوم میلادی نوشته و قدیمی ترین شاهد در این خصوص است («علیه بدعت ها» جلد سوم ۱:۱ و ۱:‏۱۴) نویسندهٔ این انجیل همان لوقای پزشک است که در کول۴:‏۱۴، فیل۲۴ و ۲-تیمو۴:‏۱۱ ذکر شده است. کسان بسیاری با توجه به دقتی که نویسنده انجیل در تشریح بیماریها می کند حرفهٔ پزشکی وی را تأیید کرده اند ولی این نکته مسلم نیست زیرا کلماتی که بکار می برد همانهایی است که هر فرد تحصیل کرده در آن عصر بکار می برده است. در مورد روابط آشنایی او با پولس، در متن انجیل نشانه ای جز چند اصطلاح وجود ندارد (ر.ک ۸:‏۱۲توضیح c؛ ۸:‏۱۵ توضیح g؛ ۱۸:‏۱ توضیح z؛ ۱۸:‏۱۴ توضیح n؛ ۲۱:‏۲۸ توضیح b؛ ۲۲:‏۱۹-۲۰ و توضیح j، i، h...) و برای اظهارنظر دراین باره بایستی اطلاعات موجود در کتاب اعمال رسولان را بررسی کرد.

ارزش امروزی انجیل لوقا

بطوری که مشاهده می شود لوقا کسی است که مژده انجیل را تعبیر و تفسیر می کند و شاید برای انسان امروزی کشورهای غربی بیش از دیگران قابل درک و دسترسی باشد. ضمناً به سبب طرز تفکر و فرهنگ یونانی که

دارد، علاقه ای که به وضوح و روشنی مطالب ابراز می کند، توجهی که به توضیح و تشریح آنها دارد و به سبب حساسیت و هنر، خیلی نزدیک تر به مردم امروزی است. مخصوصاً لوقا می تواند به خوانندهٔ امروزی کمک کند تا به راز عیسی آشنا گردد. وی پسر خدا را به عنوان منجی بشر و مخصوصاً کوچکان، گناهکاران و مشرکان، و همچنین به عنوان سرور و خداوند زندگی، با کلیه الزاماتش و با لصف و مرحمتش معرفی می کند.

انجیل لوقا

اهداء[a]

۱ ۱از آنجا که بسیاری[b] در صدد
نوشتن روایتی برآمده اند از
رویدادهائی که بین ما به تحقّق پیوسته
است[c]، ۲ برابر آنچه از همان آغاز، آنان که
شاهدان عینی بوده و سپس خدمتگزاران
سخن هستند[e] آن را به ما منتقل نموده اند[d]،
۳پنداشتم که نیکو باشد پس از پیگیری دقیق
همه چیز از آغاز[f]، آن را به شرح پیوسته[g]
برای تو بنگارم ای والامقام[h] تئوفیلس،
۴ برای آن که به مطمئن بودن[i] آموزشهائی که
دریافت داشته ای[j] کاملاً پی ببری.

نوید تولّد یحیی تعمید دهنده[k]

۵ به روزگار هیرودیس[l] پادشاه یهودیه[m]،
کاهنی بود به نام زکریا از طبقهٔ ابیا[n] و

a- لوقا بمانند نویسندگان یونانی معاصر خود کتابش را با مقدمه ای آغاز می کند. وی با یادآوری از پیشگامان خود، علاقه ای را که به اطلاعات و ترکیب و انشاء ادبی دارد ذکر می کند و کتاب خود را به شخص مهمی اهدا می نماید. از ورای این روشها قصد و نیت نویسندهٔ تاریخ مقدس معلوم می شود، بدین معنی که قصد دارد از روی روایات، انجیل خود را بنویسد.

b- در بین پیشگامانش که تعدادشان چندان زیاد نیست می توان مرقس را نام برد (کلمهٔ «بسیاری» اغراق آمیز و معمول در مقدمهٔ کتابها می باشد)؛ ولی بررسی انجیل لوقا نشان می دهد که نویسنده از منابع دیگری هم استفاده کرده است که متن آنها را در دست نداریم (ر.ک مقدمهٔ اناجیل نظیر).

c- موضوع کتاب لوقا مجموعهٔ وقایع زندگی و رسالت عیسی و عبارت از وقایعی است که «بوسیله خدا» انجام شده است چنان که از کاربرد فعل مجهول می توان استنباط کرد. بدین سبب این روایت، انجیل بشمار می آید.

d- تمام مطالب این کتاب از روایات گرفته شده است.

e- همچنین می توان ترجمه کرد: «آنان که از آغاز شاهدان عینی و خدمتگزاران سخن بودند» که البته صحت کمتری دارد. ضمناً منظور از «سخن» انجیل است که رسولان بشارت داده اند (اع۴:۳۱؛ ۶:۲،۷؛ ۱۱:۱).

f- همچنین می توان ترجمه کرد: «پس از این که مدت درازی از نزدیک پیروی کردم» (هرگاه فعالیت رسالتی لوقا در کنار پولس را در نظر بگیریم) ولی چنین برمی آید که در اینجا لوقا از ابتدا و آغازی سخن می گوید که مسلماً در آن شرکت نداشته است.

g- به طوری که در کتاب لوقا ملاحظه خواهیم کرد منظور از «پیوسته و دقیق بودن» رعایت تاریخ وقوع حوادث نیست بلکه ترتیب انشاء ادبی و جنبهٔ آموزشی کتاب است.

h- تحت اللفظی: «عالی». این کلمه در توصیف شخصیتی است که کما بیش سمت رسمی دارد (اع۲۳:۲۶؛ ۲۴:۳؛ ۲۶:۲۵).

i- لوقا بمانند تاریخ نویسان معاصر خود وقایع را مدلّل و با تفسیر ارائه می کند.

j- تئوفیلس ممکن است فردی مسیحی باشد که آموزش مذهبی کلیسا را فراگرفته است. کسان دیگری تصور می کنند وی مشرکی است که لوقا ستایش و دفاع از ایمان مسیحیت را به او ارائه می نماید (این عبارت را می توان ترجمه کرد: «اطلاعاتی که دریافت کرده ای»).

k- ظاهر شدن جبرئیل در ضمن اجرای فرایض مذهبی معبد، تولد و رسالت یحیی را اعلام می کند. لوقا برای بیان کلام خدا که به زکریا خطاب می شود اصطلاحات یونانی کتاب مقدس را با در نظر گرفتن چنین ظهورهایی (داور۶:۱-۲۴)، اعلام تولدهای شگفت انگیز (پید۱۶:۱۷؛ ۱۸؛ داور۱۳) و الهامات پیامبرانه (ملا ۲:۶؛ ۳:۱؛ ۲۳-۲۴؛ اش ۴۰:۳) بکار برده است.

l- هیرودیس کبیر که چهار سال پیش از آغاز تاریخ میلادی درگذشت، ر.ک مت۲:۱ توضیح n.

m- کلمه «یهودیه» در اینجا و بطور کلی در زبان یونانی به مفهوم تمام مرز و بوم یهودیان است. لوقا آن را در ۴:۴۴؛ ۶:۱۷؛ ۲۳:۵؛ اع۱۰:۳۷ به همین معنی بکار برده ولی در۱:۳؛ ۵:۱۷؛ اع۹:۳۱ این کلمه را مثل یهودیان در مورد منطقه جنوبی فلسطین و در برابر جلیل بکار می برد.

n- هشتمین طبقه از طبقات بیست و چهارگانه کاهنان یهود (۱-توا۲۴:۱۰).

همسری داشت از تبار هارون که نامش
الیصابات بود. ۶هر دو در برابر خدا عادل
بودند و تمام فرمانها و دستورهای خداوند
را بی کم و کاست رعایت می کردند[o]. ۷امّا
فرزندی نداشتند زیرا الیصابات نازا بود[p] و
هر دو سالخورده بودند[q]. ۸پس چون
[زکریا] به نوبت طبقهٔ خود[r]، وظایف
کهانتی را در برابر خدا به انجام می رساند،
۹طبق رسم کهانت[s]، بنابر قرعه برای وارد
شدن به قدس خداوند و سوزاندن بخور در
آنجا[t] تعیین گردیده بود. ۱۰و در ساعت
سوزاندن بخور، جمیع قوم[u] در بیرون به
نیایش مشغول بودند. ۱۱آنگاه فرشتهٔ
خداوند ایستاده به راست[v] قربانگاه بخور[w]،
بر او ظاهر شد. ۱۲و با این دیدار، زکریا
پریشان گردید و ترس او را فرا گرفت[x].
۱۳امّا فرشته به او گفت: «ای زکریا، ترسان
مباش[y] زیرا نیایش تو مستجاب گردیده[z] و
همسرت الیصابات برای تو پسری خواهد
آورد که او را یحیی[a] خواهی نامید. ۱۴و تو
را شادی و سرور خواهد بود و بسیاری از
تولّد او شاد خواهند گردید[b]. ۱۵زیرا در
برابر خداوند بزرگ خواهد بود[c] و نه شراب
خواهد نوشید، نه آشامیدنی های مُسکّر[d] و

o- آنان پیروان وفادار و نمونهٔ شریعت بودند که قوانین و رسوم آئین نیایش را دقیقاً رعایت می کردند.

p- همانند مادران کودکان معجزه: اسحاق (پید۱۱:۳۰)، یعقوب و عیسو (پید۲۵:۲۱)، یوسف و بنیامین (پید۲۹:۳۱)، شمشون (داور۱۳:۲-۳)، سموئیل (۱-سمو۱:۵). این نازائی همواره موجب سرشکستگی بود (پید۳۰:۲۳؛ ۱-سمو۱:۱۰؛ اش۴:۱) و اکثراً کیفر بشمار می آمد (لاو۲۰:۲۰-۲۱؛ ۲-سمو۶:۲۳).

q- بمانند ابراهیم و ساره (پید۱۸:۱۱).

r- هر طبقه از کاهنان به نوبت هر کدام یک هفته خدمات خود را در معبد انجام می دادند.

s- ویراستاران عهد جدید نخستین کلمات این آیه را یا به کلمات قبلی متصل می کنند (یعنی بر طبق رسم کهانت که نوبت خدمت طبقات تعیین می گردید) یا به آنچه بعداً می آید (یعنی طبق رسم کهانت که این امر بنا بر قرعه تعیین می شد).

t- این آئین مذهبی، صبح و عصر به هنگام قربانی انجام می شد و چون تعداد کاهنان زیاد بود انجام این وظیفه افتخار نادری بشمار می رفت.

u- کلمهٔ یونانی laos که در اینجا بکار رفته نام مقدس قوم خدا می باشد و مخصوصاً لوقا آن را به طور مرتب بکار می برد (۱:۲۱، ۶۸، ۷۷؛ ۲:۱۰، ۳۲؛ ۳:۱۵، ۱۸، ۲۱...).

v- احتمالاً تعیین این محل، مقام و مرتبه والای فرشته را نشان می دهد، ر.ک حزق۱۰:۳؛ مز۱۱۰:۱.

w- قربانگاه طلائی که در ۱-پاد۶:۲۰-۲۱؛ ۷:۴۸ ذکر شده است.

x- این نوع پریشانی و آشفتگی اکثراً در عهد عتیق به هنگام ظاهر شدن فرشتگان ذکر شده است (داور۶:۲۲؛ ۱۳:۲۰، ۲۲؛ طو۱۲:۱۶؛ دان۸:۱۷-۱۸؛ ۱۰:۷-۸، ۱۱، ۱۶). همچنین ترس انسان در برابر رازی که منشأ رفیع و والای آن را احساس می کند. لوقا این ترس را مجدداً در برابر الهام ها (۲:۹؛ ۹:۳۴)، معجزات (۱:۶۵؛ ۵:۲۶؛ ۷:۱۶؛ ۸:۲۵، ۳۵، ۳۷؛ ۲۴:۵، ۳۷؛ اع۲:۴۳) و در برابر دیگر مداخله های الهی نشان خواهد داد (اع ۵:۵، ۱۱؛ ۱۹:۱۷). تحت اللفظی: «ترس بر او افتاد.»

y- کلامی اطمینان بخش که در هنگام ظاهر شدنهای الهی (پید۱۵:۱؛ ۲۶:۲۴؛ ۴۶:۳؛ داور۶:۲۳) و فرشتگان (پید۲۱:۱۷؛ طو۱۲:۱۷؛ دان۱۰:۱۲، ۱۹) معمول است.

z- با وجود دنبالهٔ مطالب این آیه، زکریا در ضمن دعای خود پسری درخواست نمی کرد (ر.ک بی ایمانی او که در آیات ۱۸ و ۲۰ ذکر شده است). دعائی که کاهن به نام قوم می کرد قاعدتاً دربارهٔ نجات و رستگاری بود که بایستی مسیح موعود بیاورد.

a- این اعلام دارای همان کلمات و عبارات اعلام هائی است که در عهد عتیق آمده، مخصوصاً در پید۱۷:۱۹ (ر.ک پید۱۶:۱۱؛ داور۱۳:۳، ۵؛ اش۷:۱۴). نام یحیی که صحیح آن «یوحنا» است یعنی «خداوند لطف می کند». این کودک نخستین نشانهٔ آمدن مسیح است.

b- منظور شادی است که از آمدن مسیح موعود حاصل خواهد شد و در ۱:۲۸، ۴۴، ۴۷؛ ۲:۱۰ نیز ذکر شده است.

c- به همین گونه الیاس در برابر خداوند بمانند خدمتگزاری می ایستاد (۱-پاد۱۷:۱؛ ۱۸:۱۵).

d- رسم نذیره ها (اعد۶:۳-۴) که در مورد شمشون هم پیش از تولد برقرار شده بود (داور۳:۴، ۷، ۱۴) بیانگر رفتار پرهیزکارانه و ریاضت یحیی است (لو۷:۳۳).

از همان بطن مادرش سرشار از روح القدس
خواهد بود[e]، ۱۶و بسیاری از پسران
اسرائیل را به خداوند، خدایشان باز خواهد
گردانید[f]. ۱۷و خودش در برابر او با روح و
قدرت الیاس[h] گام برخواهد داشت[g] برای
برگرداندن قلب پدران بسوی فرزندان[i] و
سرکشان را به خردمندی عادلان، تا برای
خداوند قومی آماده[k] فراهم آورد[j].» ۱۸و
زکریا به فرشته گفت: «این را چگونه
خواهم شناخت[l]؟ زیرا من پیرم و همسرم
سالخورده است.» ۱۹و فرشته در پاسخ به
او گفت: «من جبرئیل[m] هستم که پیش
روی خدا می ایستم[n] و فرستاده شده ام که با
تو حرف بزنم و این نوید را به تو بدهم[o].
۲۰و اینک تو خاموش خواهی ماند و چون
به سخنان من که به هنگامش به تحقّق
خواهد پیوست ایمان نیاوردی تا روزی که
اینها فرا رسد قادر به حرف زدن نخواهی
بود[p].» ۲۱و قوم همچنان در انتظار زکریا
مانده از تأخیرش در قدس شگفت‌زده
می بودند[q]. ۲۲وقتی بیرون آمد،
نمی توانست با ایشان حرف بزند و
دانستند که در قدس رویائی دیده است. به
ایشان اشاراتی می کرد و لال ماند. ۲۳باری
وقتی روزهای خدمتش به کمال رسید[r]، به
خانهٔ خود باز گشت. ۲۴پس از آن روزها،
همسرش الیصابات باردار گردید و مدّت
پنج ماه خود را پنهان می کرد[s]؛ وی
می گفت: ۲۵«این است آنچه خداوند برای
من به انجام رسانده، در روزهایی که نظر

e- چند نفر از شخصیت هائی که در عهد عتیق از آنان نام برده شده از جمله شمشون، ارمیا و خدمتگزار خداوند پیش از تولد به خداوند نذر شده بودند (داور۱۳:۵؛ ۱۶:۱۷؛ ار۱:۵؛ اش۴۹:۱، ۵)، بدین معنی که خدا آنان را برای انجام رسالت برگزیده بود (ر.ک غلا۱:۱۵). آمدن روح القدس بر یحیی بعداً در ۱:۴۱-۴۴ ذکر خواهد شد.
f- یحیی رسالت دعوت مردم به توبه را از جد خود لاوی به ارث خواهد برد چنان که در ملا۲:۶ توصیف شده است.
g- بطوری که در ملا۳:۱، ۲۴ اعلام شده است یحیی «پیشگام» خدا خواهد بود (ر.ک لو۱:۶۷ و ۷:۲۷ توضیح l).
h- برابر مت۱۱:۱۴ و ۱۷:۱۲-۱۳ یحیی تعمید دهنده همان الیاس است که منتظر آمدن او در زمان آخر هستند (ملا۳:۲۳). تصور مرقس نیز به همین گونه است(مر۹:۱۳). در صورتی که لوقا از یکی دانستن یحیی و الیاس خودداری می کند و بیشتر عیسی را با الیاس مقایسه می نماید (۴:۲۶؛ ۷:۱۲، ۱۵؛ ۹:۴۲، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۶۱-۶۲؛ ۲۲:۴۳-۴۵).
i- برابر ملا۳:۲۴ و بنسی۴۸:۱۰ این مأموریت الیاس می باشد.
j-این اصطلاح ترجمه تحت‌اللفظی است. لوقا همین کلمه را مجدداً در ۱:۷۶ و ۳:۴ بکار برده (همچنین در مر۱:۳) تا مأموریت یحیی را توصیف نماید. این کلمه از وحی اش۴۰:۳ دربارهٔ آمدن خداوند گرفته شده است.
k- کلمه «فراهم ساختن» غیر از کلمه قبلی است که آماده کردن ترجمه شده ولی به همان معنی است. این کلمه در ۷:۲۷ (با مت۱۱:۱۰) و مر۱:۲ نیز بکار برده شده و احتمالاً از الهامی اقتباس شده که در ملا۳:۱ دربارهٔ آمدن فرشتهٔ خداوند است.
l- زکریا بر خلاف ابراهیم (ر.ک پید۱۵:۸) تردید دارد (ر.ک آیه ۲۰) و نشانه ای می خواهد.
m- جبرئیل (به معنی قدرت خدا) در دان۸:۱۶-۱۷ و ۹:۲۱-۲۷ اعلام کنندهٔ نجات و رستگاری است.
n- همانند کارمندان عالی رتبهٔ دربار پادشاهان ایران که فقط آنها می توانستند در حضور پادشاه بایستند، جبرئیل یکی از فرشتگان والائی است که می تواند به افتخار حضور خداوند نائل شود (طو۱۲:۱۵).
o- اعلام تولد یحیی، پیامی از سوی خدا دربارهٔ نجات بشمار می رود و از این رو نوید و مژده است. بر خلاف مرقس که همواره کلمهٔ «انجیل» را بکار می برد (ر.ک مر۱:۱ توضیح a) لوقا در نخستین کتاب خود فعلی را می آورد که از کلمهٔ انجیل مشتق می شود (۲:۱۰؛ ۳:۱۸؛ ۴:۱۸، ۴۳).
p- خاموشی که به زکریا تحمیل شده کیفر بی ایمانی اوست ولی در ضمن نشانه ای است که درخواست کرده بود تا ایمان بیاورد.
q- ترجمه دیگر: «تعجب می نمودند در مدتی که تأخیر می کرد.» برابر رسوم یهودیان، کاهن اعظم دعای خود را در قدس مدت زیادی ادامه نمی داد «تا بنی اسرائیل را مضطرب و پریشان نکند».
r- عبارتی از عهد عتیق که لوقا آن را در ۲:۶،۲۱، ۲۲ بکار برده است (ر.ک ۹:۵۱؛ اع۲:۱؛ ۹:۲۳).
s- از این نکته استباط می شود که مریم فقط بوسیله اظهارات فرشته از بارداری الیصابات مطلع خواهد شد (آیه ۳۶).

نموده شرمندگی مرا در بین مردم از میان
بردارد[t].»

مژدۀ تولّد عیسی[u]

۲۶ماه ششم، از سوی خدا جبرئیل فرشته
به شهری از جلیل به نام ناصره[v] فرستاده
شد ۲۷نزد باکره‌ای[w] در عقد[x] مردی
مت۱۸:۱ یوسف نام از خاندان[y] داود و نام آن باکره
مریم بود. ۲۸همین که به خانۀ او وارد شد
گفت: «شادی نما[z]، ای سرشار از فیض[a]!
خداوند با توست[b].» ۲۹وی با این سخن
به شدّت پریشان گردید[c] و از خود
می‌پرسید معنای این درود چه می‌تواند
باشد[d]. ۳۰و فرشته به او گفت: «ای مریم
ترسان مباش، زیرا تو به نزد خدا فیض ۱۳:۱
یافته‌ای. ۳۱و اینک در رحم خود باردار
خواهی شد و پسری خواهی آورد و او را
عیسی[e] خواهی نامید. ۳۲او بزرگ[f] خواهد

t- تحت‌اللفظی: «سرزنش مرا بردارد.» این کلمات را راحیل به هنگام زاییدن یوسف گفته بود (پید۲۳:۳۰).

u- روایت تولد عیسی همانند روایت تولد یحیی و کاملاً مشابه و به موازات آن است. واقعۀ تولد عیسی در نقطۀ گمنامی به نام ناصره روی می‌دهد. رسالت عیسی بدواً بمانند رسالت مسیح موعود است که در روایات آمده و با نبوتهای اش۱۴:۷؛ ۶:۹ و ۲-سمو۱۴:۷، ۱۶ (آیات ۳۱-۳۳) ذکر گردیده و سپس به عنوان رسالت خود پسر خدا توصیف شده است (آیه ۳۵؛ ر.ک روم۴:۱). بارداری عذرائی نشانۀ این ارتباط پدر فرزندی منحصر به فرد و اسرارآمیز می‌باشد. در این روایت مرتباً برتری عیسی بر یحیی، با مقایسۀ روایت قبلی ذکر می‌شود و حتی اختلاف ایمان معقول و سنجیدۀ مریم با ناباوری زکریا یادآوری می‌گردد.

v- ناصره که در عهد عتیق نامی از آن برده نشده روستای کوچک و بی‌اهمیتی است (ر.ک یو۴۶:۱) که لوقا آن را بمانند روستاهای دیگر نظیر بیت‌لحم (۴:۲)، کفر ناحوم (۳۱:۴) و نائین (۱۱:۷) «شهر» می‌خواند.

w- کلمۀ یونانی parthenos را می‌توان به مفهوم «دختر جوان» درک نمود (ر.ک مت۲۵:۱-۱۳) و ضمناً معنی «باکره» را نیز دارد. در اینجا دنبالۀ متن (آیه ۳۴) تصریح می‌کند که مریم باکره است و بنابراین در مورد ازدواج او ابهامی وجود ندارد (ر.ک توضیح بعدی).

x- غالباً این کلمه را «نامزد» ترجمه می‌کنند ولی از نظر شرعی مریم با یوسف ازدواج کرده بود (ر.ک همین کلمه در۵:۲) ولی هنوز زندگی مشترک را آغاز نکرده بودند (ر.ک ۳۴:۱ توضیح j) زیرا برابر رسوم یهودیان تنها مدتی پس از عقد، داماد همسر خود را به خانه می‌برد (ر.ک مت۲۵:۱-۱۳).

y- تحت‌اللفظی: خانه.

z-این نوع سلام و تحیت گفتن، در دنیای یونانی معمول نیست و شاید انعکاسی از اعلام درودی است که به اورشلیم خطاب گردیده و «دختر صیهون» خوانده شده است (صف۱۴:۳؛ زک ۹:۹) و فرح و شادی حاصل از دریافت مژده را بیان می‌نماید (ر.ک ۱۴:۱ توضیح l).

a- «سرشار از فیض» در متن اصلی یونانی فقط یک کلمه و مشتق از karis (فیض) اسم خاص مریم شده است. در کتاب مقدس کلمۀ فیض را فقط در بنسی۱۷:۱۸ و افس۶:۱ می‌توان یافت و با کلمۀ «لطف» که در ترجمۀ یونانی عهد عتیق بکار رفته از یک ریشه است. بدواً در مورد لطف پادشاه (۱-سمو۲۲:۱۶؛ ۲-سمو۲۲:۱۴؛ ۱۶:۴؛ ۱-پاد۱۹:۱۱؛ استر۱۷:۲؛ ۵:۸؛ ۳:۷؛ ۵:۸...) و سپس در مورد عشق محبوب آمده است (ر.ک غزل۱۰:۸؛ استر۱۷:۲؛ ۵:۸؛ ۳:۷؛ ۸:۵) (ر.ک لو۳۰:۱).

b- این کلمات غالباً در روایت‌هائی آمده که خدا کسی را برای رسالتی می‌خواند (خروج۱۲:۳؛ داور۱۲:۶؛ ار۸:۱،۱۹؛ ۱۵:۲۰؛ ر.ک پید ۲۴:۲۶؛ ۱۵:۲۸). در بعضی از نسخه‌ها قسمتی از کلمات تبرک و تقدیس آیه ۴۲ در اینجا افزوده شده است.

c- فعلی که در اینجا بکار رفته شدیدتر از فعلی است که در ۱۲:۱ در مورد زکریا آمده است زیرا سلام و تحیت فرشته به مریم تفهیم می‌کند که برای ایفای نقشی استثنائی و مخصوص خوانده شده است.

d- لوقا نمی‌گوید که مریم نظیر زکریا در ۱۲:۱ ترسیده است بلکه نشان می‌دهد که دربارۀ پیام فرشته می‌اندیشد (ر.ک ۳۴:۱؛ ۱۹:۲) و در پی آن است که به راز این الهام غیرمنتظره پی ببرد.

e- نظیر آیه ۱۳:۱ فرشته همان الهامات مربوط به تولد را که در عهد عتیق آمده تکرار می‌نماید. متنی که بیشتر با این عبارت شباهت دارد اش۱۴:۷ است (ر.ک مت۲۳:۱). در اینجا توضیحی دربارۀ نام عیسی (که تلفظ صحیح آن یسوع می‌باشد) داده نشده نظیر آنچه در مت۱۲:۱ گفته شده است که یعنی «خدا نجات می‌دهد». در ۱۱:۲ گفته خواهد شد که عیسی نجات دهنده است (ر.ک ۶۹:۱، ۷۱، ۷۷؛ ۳۰:۲؛ ۶:۳).

f- تفاوتی که در این مورد با یحیی تعمید دهنده وجود دارد (۱۵:۱) این است که عیسی بطور مطلق «بزرگ» است.

بود و پسر باریتعالی[g] خوانده خواهد شد و
۲-سمو۷:۱۶؛ اش۹:۶ خداوند، خدا تخت پدرش داود را به او
خواهد داد، ۳۳و بر خاندان یعقوب[h] تا به
اش۹:۶ ابد فرمانروائی خواهد کرد و
فرمانروائی اش را پایانی نخواهد بود.»
۳۴مریم به فرشته گفت[i]: «این چگونه
خواهد شد؟ زیرا من مردی را نشناخته ام[j].»
۳۵و فرشته در پاسخ به او گفت:
مت۱:۲۰ «روح القدس بر تو خواهد آمد[k]
و قدرت باریتعالی تو را زیر سایه خود
خواهد گرفت[l]؛
و بدین سبب، آن وجود قدوسی[m] که
زاده خواهد شد پسر خدا[n] نامیده خواهد
گردید. ۳۶و اینک الیصابات، خویشاوند تو
نیز در سنّ پیری باردار پسری است و در ماه
ششمش می باشد، وی را که نازا
می نامیدند ۳۷زیرا برای خدا[o] هیچ چیزی
نامقدور نیست.» ۳۸مریم گفت: «اینک

g- برخلاف ۱:۳۵ عنوان «پسر (خدا)» در اینجا صفت معمولی است که به پادشاه پسر داود اطلاق می شود (۲-سمو۷:۱۴؛ مز۲:۷؛ ۸۹:۲۷). عنوان «باریتعالی» که یونانی گرایان برای خدا قائل می شدند و در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق بکار برده شده، در نوشته های عهدجدید به استثنای مر۵:۷ و عبر۷:۱ فقط توسط لوقا بکار برده شده است (۱:۳۵، ۷۶؛ ۶:۳۵؛ ۸:۲۸؛ اع۷:۴۸؛ ۱۶:۱۷).

h- این نکته که دربارهٔ انتظار مسیح موعود است و اختصاص به قوم یهود دارد در ۲:۳۲ جای خود را به نظریه جهان گرائی خواهد داد.

i- مریم هم نظیر زکریا در آیه ۱:۱۸ سئوالی می کند ولی در حالی که سئوال زکریا نشانه ناباوری است (آیه ۲۰) فرشته سئوال مریم را ابراز ایمان می شمارد، ایمانی که می خواهد درک کند (آیات ۳۵-۳۶؛ ر.ک آیه ۴۵). طرح سئوال در این روایت برای آن است که الهام کامل تری دربارهٔ راز عیسی ارائه شود (آیه ۳۵).

j- این جمله ترجمهٔ تحت اللفظی است و فعل «شناختن» به همان گونه که در کتاب مقدس آمده به مفهوم داشتن روابط زناشوئی است (پید۴:۱؛ ۱۷:۴، ۲۵؛ ۱۹:۸؛ ۲۴:۱۶...). مریم که به عقد یوسف در آمده هنوز باکره است (آیه ۲۷) و فرشته به او اعلام می کند که مادر خواهد شد (آیه ۳۱) و مریم هم نظیر داور۱۳:۵، ۸ درمی یابد که به زودی باید مادر شود ولی اعتراض می کند که روابط زناشوئی با یوسف ندارد و بر اثر این سئوال فرشته کلام الهام را اظهار می نماید. گاهی تصور می کنند سئوال مریم بدین معنی است: «نمی خواهم مردی را بشناسم» و می پذیرند که می خواهد بکارت خود را حفظ کند ولی فعل که به صورت زمان حاضر بکار رفته به مفهوم بیان حالت و وضعیت است و خواست و اراده را نمی رساند.

k- در این آیه تشابه و در عین حال تناقضی با آیه ۱:۱۷ وجود دارد. در آنجا یحیی روح و نیروی الیاس را دریافت می کند. روح القدس نظیر آنچه در عهد عتیق آمده، عمل خلاّقه و جان بخش خدا را انجام می دهد (پید۱:۲؛ مز۱۰۴:۳۰) و مقام مسیح را اعطا می کند (اش۱۱:۱-۶).

l- این اصطلاح در خروج۴۰:۳۵؛ اعد۹:۱۸، ۲۲؛ ۱۰:۳۴ نشانهٔ حضور موثر خدا در میان قوم خود می باشد (ر.ک لو۹:۳۴). لحن این گونه گفتار در کتاب مقدس از داستانهای توالد و تناسل خدایان مشرکان که سراسر عشق بازی است بسیار به دور است.

m- واژهٔ «قدوس» که تعلق انحصاری به خدا را نشان می دهد یکی از کهن ترین اصطلاحات مربوط به الوهیت عیسی می باشد (اع۳:۱۴؛ ۴:۲۷، ۳۰؛ ر.ک لو۴:۳۴).

n- ترجمهٔ دیگر: «آن که زاده خواهد شد، قدوس خواهد بود و پسر خدا نامیده خواهد شد.» عنوان «پسر خدا» در نظر لوقا و همچنین در عهد عتیق (۲-سمو۷:۱۴ توضیح q) مسیح موعود است (ر.ک لو۴:۳۴،۴۱؛ اع۹:۲۰، ۲۲) ولی لوقا این عنوان را بهترین اصطلاحی می داند که رابطهٔ اسرارآمیز بین عیسی و خدا را نشان می دهد (استثنائاً در ۲۲:۷۰؛ اع۹:۲۰ این عنوان از زبان آدمیان گفته شده است چنانکه در مت۱۴:۳۳؛ ۱۶:۱۶؛ ۲۷:۴۰، ۴۳، ۵۴؛ مر۱۵:۳۹ آمده است) ولی مخصوصاً از زبان پدر ذکر می شود (۳:۲۲؛ ۹:۳۵)، گاهی از زبان فرشته ای (نظیر این مورد) یا از زبان ارواح پلید بیان می گردد (۴:۳، ۹، ۴۱؛ ۸:۲۸) یا از زبان عیسی (۱۰:۲۲؛ ر.ک ۲۰:۱۳). جبرئیل در پایان پیام خود عنوان قبلی را که در آیه ۳۲ آمده و «پسر باریتعالی» بود بالاتر برده و عنوان «پسر خدا» بکار می برد که فرزندی خدا را برای عیسی کاملاً محرز و مشخص می سازد (ر.ک ۲۲:۷۰ توضیح c).

o- تحت اللفظی: «از سوی خدا». این عبارت در پید ۱۸:۱۴ تفسیر باردار شدن اعجازآمیز در مورد تولد اسحاق است.

کنیز خداوند[p]؛ برابر گفتار تو بر من
فرارسد[q]!» و فرشته او را ترک کرد.

دیدار مریم از الیصابات[r]

۳۹در آن روزها، مریم برخاسته شتابان به
منطقه کوهستانی[s]، به سوی شهری از یهودیّه
رفت. ۴۰و به خانه زکریا وارد شده به
الیصابات سلام کرد. ۴۱باری همین که
الیصابات سلام مریم را شنید، طفل در
بطنش جنبید و الیصابات سرشار از
روح القدس گردید؛ ۴۲و فریادی بلند
کشیده گفت: «تو در بین زنان مبارک
هستی و مبارک است ثمرهٔ بطن تو! ۴۳و از
کجا به من عطا شده که مادر خداوندم[t]
به سوی من آید؟ ۴۴زیرا، ببین، همین که
صدای سلام تو به گوشهای من رسید، بچه
از شادی در بطن من جنبید. ۴۵و خوشا بر
آن کسی که به انجام آنچه از سوی خداوند
به او گفته شده ایمان آورد[u]!» ۴۶و مریم[v]
گفت[w]:

«جان من کبریائی خداوند را می ستاید
۴۷و روح من در خدا، نجات دهنده من
شادی می کند،
۴۸چون که بر فروتنی کنیز خود نظر افکنده،
زیرا از این پس همه نسلها مرا خوشبخت
خواهند نامید؛
۴۹زیرا آن قادر برای من چیزهای بزرگی به
انجام رسانده و نامش قدوس است.
۵۰و رحمتش از نسلی به نسلی، ترسندگان
او را دربرمی گیرد.
۵۱قدرت بازوی خود را گسترده[x]
و کسانی با قلب متکبر[y] را پراکنده
ساخته است.
۵۲فرمانروایان را از تختهایشان سرنگون
و فروتنان را بلند کرده است.
۵۳گرسنگان را از نعمت سیر کرده

۱ـ سمو ۲:۱؛
مز ۳۴:۴؛ ۳۱:۶۹
۱ـ سمو ۲:۱؛
حب ۳:۱۸؛
مز ۹:۱۵،
۳:۶؛ ۳۱:۸؛
مز ۹:۱۵؛ ۱۳:۶،
۳۱:۸؛ ۳۵:۹
۲۵:۱
۳۸:۱؛
۱ـ سمو ۱:۱۱؛
مز ۳۱:۸؛
بنسی ۱۱:۱۲
۴۵:۱؛
پید ۳۰:۱۳
۱:۳۲؛ تث ۱۰:۲۱؛
مز ۷۱:۱۹
۱ـ سمو ۲:۲؛
مز ۱۱۱:۹؛
اش ۵۷:۱۵
مز ۶۱:۶، ۷؛
۱۰۰:۵؛
۱۰۳:۱۷
مز ۸۹:۱۱
بنسی ۱۰:۱۴
ایوب ۱۲:۱۹
۱ـ سمو ۲:۸؛
حزق ۲۱:۳۱؛
مز ۱۱۳:۷
۱ـ سمو ۲:۵؛
مز ۱۰۷:۹،
۳۴:۱۱

p- ر.ک روت۳:۹؛ ۱-سمو۲۵:۴۱، این عبارت بیش از آنکه نشانهٔ فروتنی باشد در اینجا بیان ایمان (آیه ۴۵) و محبت است زیرا در کتاب مقدس «خدمتگزار خدا» عنوانی افتخارآمیز بشمار می‌آید.
q- تحت‌اللفظی: «بر طبق گفتار تو برای من روی دهد».
r- ملاقات دو مادر در حقیقت ملاقات دو کودک است که مادران در خدمت انجام آن مأموریت هستند. یحیی از همان بطن مادر روح القدس را دریافت می کند چنانکه در ۱:۱۵ اعلام شده و رسالت پیامبری خود را با جهیدن در برابر مسیح که حاضر و نهفته در بطن مریم است آغاز می نماید (آیه ۴۳). در این موقع مادرش سخنگوی او است (آیه ۴۳). در مورد سرود مریم ر.ک آیه ۴۶ توضیح w.
s- ممکن است این عبارت بیانگر یکی از بخشهای یازده گانه یهودیه باشد.
t- عنوان «خداوند» یکی از نامهای مسیح می باشد (ر.ک ۲:۱۱ توضیح a).
u- ترجمه دیگر: «آن که ایمان آورده که آنچه به او گفته شده تحقق خواهد یافت.» برعکس زکریا (آیه ۲۰)، مریم ایمان آورد.
v- در بعضی از نسخه ها به جای مریم، «الیصابات» نوشته شده است. ممکن است در متن اصلی نام زنی که این مزمور را بیان می کند ذکر نشده باشد.
w- در این مزمور که به صورت شکرگزاری سنتی است لحن عهد عتیق بکار برده شده و برخی تصور می کنند این مزمور در آئین نیایش مسیحیان فلسطین بوجود آمده است، در این صورت لوقا آیه ۴۸ را افزوده تا آن را از زبان مریم نقل نماید (ر.ک آیات ۳۸، ۴۵). به هر حال این سرود به صورت کنونی حق شناسی مادر عیسی (آیات ۴۶-۵۰) و سپس شکرگزاری تمام قوم خدا (آیات ۵۱-۵۵) برای تحقق یافتن وعده های پیمان است. در تقسیم این متن به ابیات و آیات فرضیات مختلفی پیشنهاد شده است.
x- تحت‌اللفظی: «با بازوهایش نیرو کرده است» (ر.ک مز۱۱۸:۱۵-۱۶)، منظور دخالت قدرتمندانهٔ خدا به خاطر مردم ساده دل و حقیر است.
y- تحت‌اللفظی: «آنان که در اندیشهٔ قلبشان متکبرند».

و ثروتمندان را تهیدست باز فرستاده.
اش ۴۱:۸-۹ ۵۴اسرائیل خدمتگزار خود را یاری داده،
مز ۹۸:۳؛ ۶:۲۵ با یادآوری[z] از رحمتش،
۵۵آن چنان که به پدران ما گفته بود
میک ۷:۲۰؛ مز ۱۸:۵۱ به خاطر ابراهیم و تبار او تا به ابد.»
۵۶مریم در حدود سه ماه با او ماند و
سپس به خانه اش بازگشت[a].

تولّد و ختنه یحیی تعمید دهنده[b]

۵۷و امّا دربارهٔ الیصابات زمان به کمال
رسید که می بایست بزاید و پسری به دنیا
آورد. ۵۸و همسایگان و بستگانش شنیدند
که خداوند رحمتش را نسبت به او افزوده
و با وی شادی کردند. ۵۹باری در روز
هشتم[c]، برای ختنه کودک آمدند و
می خواستند او را به نام پدرش زکریا[e]
بنامند[d]. ۶۰مادرش به سخن درآمده گفت:
«خیر، بلکه او یحیی نامیده خواهد شد[f].»
۶۱به وی گفتند: «هیچ یک از بستگان تو
نیست که به این نام خوانده شود.» ۶۲و با
اشاره هایی از پدرش می پرسیدند[g] به چه
نام می خواهد نامیده شود[h]. ۶۳وی لوحه ای
خواسته نوشت[i]: «نامش یحیی است[j]» و
همه شگفت‌زده بودند[k]. ۶۴در همان لحظه
دهانش و زبانش باز شد[l]، و سخن گفته
خدا را متبارک می خواند. ۶۵و همهٔ

z- در عهد عتیق اکثراً ذکر شده که خدا «به یاد می‌آورد» (پید۸:۱؛ ۱۵:۹؛ خروج۲:۲۴...) برای بیان این مطلب که او به وعدهٔ خود وفادار است و آن را انجام می‌دهد (ر.ک لو۱:۷۲).

a- سه ماه توقف مریم تا تولد یحیی طول می‌کشد (ر.ک ۱:۳۶) و امکان دارد مریم در این واقعه حضور داشته است ولی لوقا عزیمت او را ذکر می‌کند تا روایت را به پایان برساند، همچنان که عجیب است پیش از موضوع تعمید یافتن عیسی زندانی شدن یحیی را روایت می‌کند (۳:۲۰). لوقا بدین وسیله صحنه‌ها را از یگدیگر تفکیک کرده و دوران یحیی را از دوران عیسی جدا می‌سازد (ر.ک ۱:۸۰ که در آن پیش از موضوع تولد عیسی به دوران جوانی یحیی خاتمه می‌دهد).

b- روایتی که در ادامه می‌آید بر موضوع الهام شگفت‌انگیز نام یحیی متمرکز است و بیش از آن که دربارهٔ تولد کودک سخن گفته شود به موضوع ختنه کردن او پرداخته شده است. این واقعه در سرور و شادی عمومی و با سر و صدای زیاد انجام می‌گیرد.

c- تاریخ شرعی ختنه کردن برابر پید ۱۷:۱۲؛ لاو۱۲:۳ (ر.ک فی۳:۵).

d- برابر عهد عتیق نام کودک به هنگام تولد داده می‌شود (پید۴:۱؛ ۲۱:۳؛ ۲۵:۲۵-۲۶...) ولی در اینجا رسوم یونانی گرائی و عادات جدیدتر یهودیان رعایت شده است.

e- بندرت به کودک نام پدرش داده می‌شود و بیشتر نام پدر بزرگش را می‌دهند. نکته‌ای که در اینجا ذکر شده ممکن است به سبب سن زیاد زکریا باشد (ر.ک یو۱:۶ توضیح i).

f- آیات ۶۲-۶۳ نشان می‌دهد که این نام را از شوهرش نیاموخته و چنین می‌نماید که موافقت او و شوهرش دربارهٔ نام یحیی الهام و نشانه‌ای است.

g- بنابراین زکریا ناشنوا هم شده است.

h- بنا به مندرجات عهد عتیق نام کودک را گاهی مادرش می‌دهد (پید۲۹:۳۲-۳۵؛ ۳۰:۶، ۲۴؛ ۳۵:۱۸؛ داور۱۳:۲۴؛ ۱-سمو۱:۲۰؛ ۲-سمو۱۲:۲۴...) و گاهی پدر نام کودک را تعیین می‌کند (پید۱۶:۱۵؛ ۱۷:۱۹؛ ۳۵:۱۸؛ خروج۲:۲۲...). در اینجا پدر نامی را که مادر ذکر کرده تأیید می‌نماید (آیه ۶۰) ولی بدین سبب که نام از سوی فرشته خداوند آمده است (۱:۱۳). این مورد را با تعیین نام عیسی مقایسه نمائید ۱:۳۱؛ ۲:۲۱.

i- تحت‌اللفظی: «در حالی که می‌گفت».

j- زکریا دستور فرشته را اجرا کرده (۱:۳۱) و بدین گونه ایمان خود را ابراز می‌نماید.

k- موافقت غیر منتظره زکریا و الیصابات در مورد نام کودک که نامی غیر عادی است بعنوان دخالت خدا بشمار می‌آید. «شگفتی» عکس‌العمل عادی در برابر معجزه‌ها (۸:۲۵، ۵۶؛ ۹:۴۳؛ ۱۱:۱۴؛ اع۳:۱۰) و سایر ظهورهای الهی می باشد (۲:۱۲، ۴۱؛ اع۲:۷).

l- تحت‌اللفظی: «دهانش باز شد همچنان که زبانش».

همسایگان را ترس فرا گرفت[m]، و در تمام
کوهستان یهودیّه، در باره همهٔ این چیزها[n]
گفتگو می شد. ۶۶و همهٔ کسانی که این
سخنان را شنیدند، به قلب[o] خود سپرده
می گفتند: «پس این کودک چه خواهد
شد؟» و در واقع دست خدا با او می بود[p].

مزمور پیامبرانه زکریا[q]

۶۷و زکریا، پدرش، سرشار از
روح القدس گشته چنین پیامبری کرده گفت:
۶۸«مبارک باد خداوند[r]، خدای اسرائیل[s]،
چون به دیدار[t] قومش آمده و
بازخریدش[u] را انجام داده
۶۹و برای ما در خاندان[v] داود[x]، خدمتگزار — مز ۳:۱۸
خود، شاخ[w] نجاتی قائم کرده است، — مز ۱۷:۱۳۲
۷۰همچنان که از دهان پیامبران قدّیس[y]
خود در دورانهای قدیم گفته بود[z]،
۷۱برای نجات ما از دست دشمنانمان — مز ۱۰:۱۰۶
و از دست تمام کسانی که ما را منفور
می دارند،
۷۲[a]به خاطر رحمت به پدران ما — میک ۲۰:۷
و یادآوری[b] از پیمان مقدّسش، — خروج ۲۴:۲؛ لاو ۴۲:۲۶؛ مز ۱۰۶:۴۵، ۵:۱۱۱
۷۳سوگندی را که برای ابراهیم پدر ما یاد — پید ۷:۱۷؛ ۱۶:۲۲؛ مز ۱۰۵:۸-۱۰؛ میک ۲۰:۷
کرده بود،

m- ر.ک ۱۲:۱ توضیح x.

n- تحت اللفظی: این سخنان. در زبانهای سامی واژه «سخن» می توانند برای بیان یک واقعه که دربردارنده مفهوم و احساس خاصی باشد بکار رود. ر.ک ۱۵:۲، ۱۹، ۵۱؛ اع۵:۳۲؛ ۳۷:۱۰؛ ر.ک همچنین اع۱۰:۲۲ توضیح z.

o- در کتاب مقدس، قلب جایگاه تمام زندگی درونی انسان یعنی جایگاه افکار، خاطرات، احساسات و تصمیمات وی بشمار می رود (ر.ک ۱۹:۲، ۳۵، ۵۱... و مخصوصاً ۱۴:۲۱).

p- این اصطلاح لوقا (ر.ک اع۱۱:۲۱) که از عهد عتیق الهام گرفته هم بیانگر حمایت خدا از مؤمنین خود (مز۸۰:۱۸؛ ۱۳۹:۵) و هم عمل خدا در پیامبرانش است (۱-پاد۱۸:۴۶؛ ۲-پاد۳:۱۵؛ حزق۱:۳؛ ۳:۱۴، ۲۲؛ ۸:۱...). در اینجا بدین معنی است که یحیی مورد لطف الهی قرار دارد. طبق برخی تفسیرها، آخرین عبارت این آیه بر کسانی که شاهد تولد معجزه آسای یحیی تعمید دهنده بودند مسلم گشته بود.

q- این مزمور هم نظیر مزمور مریم در ۴۶:۱-۵۵ است و هم تجزیهٔ آن به آیه ها و بندهای جداگانه مشکل است. مزمور زکریا سپاسگزاری برای نجات مسیحائی است (آیات ۶۹، ۷۸-۷۹) و احتمالاً از جامعه مسیحیان فلسطین به لوقا رسیده است. لوقا همین توازی را در نبوتهای شمعون و حنا در مورد رسالت عیسی (۲:۲۹-۳۲، ۳۴-۳۵، ۳۸) و نکات مربوط به رسالت یحیی (۱:۷۶-۷۷) بکار برده است.

r- واژه «خداوند» در بعضی از نسخ قدیمی وجود ندارد.

s- اصطلاح سنتی برکت در عهد عتیق (پید۹:۲۶؛ ۱۴:۲۰؛ ۲۴:۲۷؛ خروج۱۸:۱۰؛ ۱-سمو۲۵:۳۲؛ ۱-پاد۱:۴۸؛ ۸:۱۵...
ر.ک نتیجه گیری هائی که به مز۴۱:۱۴؛ ۷۲:۱۸؛ ۸۹:۳۲؛ ۱۰۶:۴۸ افزوده شده است) و در عهد جدید (۲-قرن۱:۳؛ افس۱:۳؛ ۱-پطر۱:۳).

t- در عهد عتیق غالباً از «دیدار» خدا یاد شده تا دخالت فیض بخش (پید۲۱:۱؛ ۵۰:۲۴-۲۵؛ خروج۳:۱۶؛ ار۲۹:۱۰؛ مز۶۵:۱۰؛ ۸۰:۱۵؛ ۱۰۶:۴) یا کیفر دهنده وی بیان شود (خروج۳۲:۳۴؛ اش۱۰:۱۲؛ حزق۲۳:۲۱؛ ۳۴:۱۱-۱۲؛ مز۵۹:۶؛ ۸۹:۳۳). لوقا تنها انجیل نگاری است که این تصویر را بکار می برد (۱:۷۸؛ ۷:۱۶؛ ۱۹:۴۴؛ ر.ک اع۱۵:۱۴).

u- کلمه ای معمول و متداول در ترجمه یونانی عهد عتیق که در مورد نجات قوم خدا بکار برده می شود (مز۱۱۱:۹؛ ۱۳۰:۷-۸؛ اش ۶۳:۴). لوقا چندین بار آن را بکار برده است (۲:۳۸؛ ر.ک ۲۱:۲۸؛ ۲۴:۲۱).

v- این کلمه کتاب مقدسی ممکن است اشاره ای به قیام عیسی مسیح باشد. ر.ک ۷:۱۴ توضیح v.

w- کلمه «شاخ» در عهد عتیق نشانه قدرت است (ر.ک ۱-سمو۲:۱۰؛ مز۸۹:۲۵؛ ۱۳۲:۱۷).

x- در اینجا منظور مسیحائی این مزمور کاملاً آشکار می شود.

y- این صفت که به ندرت در مورد پیامبران بکار رفته در اع۳:۲۱ و ۲-پطر۳:۲ نیز آمده است.

z- در این عبارت ترتیب قرار رفتن کلمات در نسخه های مختلف خطی متفاوت است.

a- در متن یونانی، این عبارت به صورت جمله ای متمم است که می توان آن را به «دیدار کرده» (آیه ۶۸) وابسته دانست یا این که به کلمه «نجات» (آیه ۷۱) مربوط کرد. ضمناً این عبارت ممکن است هدف و منظور عمل خدا را بیان کند (تا نشان دهد) یا اینکه به احتمال قوی تر نتیجه آن را بیان نماید (بدین گونه نشان داده است).

b- ر.ک آیه ۵۴ z.

تا به ما عطا فرماید،
میک ۴:۱۰؛ مز ۹۷:۱۰ ۷۴که بدون ترس، از دست دشمنانمان
خلاص گشته،
او را عبادت کنیم
یوشع ۲۴:۱۴ ۷۵با تقدس و عدالت[c]
در برابرش در تمام روزهای [عمر] خود.
۷۶و تو، ای کودک، پیامبر باری تعالی
نامیده خواهی شد، زیرا برای آماده
کردن راههایش[d] پیشاپیش خداوند گام
برخواهی داشت،
۷۷تا به قومش آمرزش گناهانشان و نجات
را خبر دهی[e]،
۷۸و به ترحم دلسوزانهٔ خدای ما[f]
که به وسیله آن ستارهٔ طالع[h] از بالا به
دیدار ما خواهد آمد[g]
مز ۱۰۷:۱۰ ۷۹تا کسانی را که در ظلمت و سایهٔ مرگ
نشسته اند درخشان سازد[i]
اش ۸:۵۹ و گامهای ما را به سوی راه آرامش[j]
هدایت کند.»

دوران جوانی یحیی تعمید دهنده[k]

۸۰و امّا کودک رشد می کرد و روحش
قوی می شد[l]؛ و در جاهای خلوت بود[m] تا
روزی که بر اسرائیل نمایان گردید.

تولّد و ختنهٔ عیسی[n]

۲ ۱باری، در آن روزها، فرمانی از
سوی قیصر اوگوستس[o] صادر شد تا

c- در اینجا تقدس به معنی مقدس بودن و عدالت به معنی درستکاری و وفاداری است.
d- در اینجا لوقا مجدداً موارد پیشگوئی را که در ۱:۱۷ ارائه کرده بود بیان می کند.
e- ر.ک نقش یحیی که در آیه ۳:۳ آمده است.
f- تحت اللفظی: بوسیلهٔ اندرون نیکوی خدای ما. این تصویر در عهد عتیق معمولی و متداول است (اش۷:۵۴؛ ۷:۶۳، ۱۵؛ ار۲۰:۳۱؛ زک۱۶:۱؛ مز۸:۷۹؛ ۷۷:۱۱۹؛ ۹:۱۴۵) ولی در ترجمه یونانی عهد عتیق این اصطلاح هرگز در مورد خدا بکار برده نشده است.
g- ترجمه دیگر: «به دیدار ما آمد» چون که در مقایسه با آیه ۶۸ و افعال زمان گذشته آیات ۶۸-۶۹ بهتر به نظر می رسد.
h- این کلمه هم به معنی طلوع ستاره و هم جوانهٔ گیاه است: در عهد عتیق این کلمه در مورد اعلام جوانه ای از نسل داود بکار رفته است (ار۵:۲۳؛ زک۸:۳؛ ۱۲:۶) و فعل مربوط به آن برای اعلام طلوع ستاره مسیح موعود بکار می رود (اعد۱۷:۲۴؛ ر.ک ملا۲۰:۳). منظور و هدف این مزمور هر دو معنی کلمه می باشد ولی مخصوصاً معنی دوم در آن ایام مورد توجه یهودیان بود (ر.ک مت۲:۲).
i- رجوع کنید به طرز بکار بردن این کلمات در اعلام آمدن مسیح که در اش۱:۹ ذکر شده است.
j- در کتاب مقدس کلمهٔ «شالوم» به معنی آرامش (ر.ک ۱-پاد۲۶:۵ توضیح k) به معنی پری زندگانی است و کمال موهبت والای مسیح می باشد (اش۵:۹-۶؛ میک۴:۵). لوقا دربارهٔ این موضوع اصرار می نماید: ۱۴:۲، ۲۹؛ ۵۰:۷؛ ۴۸:۸؛ ۵:۱۰-۶؛ ۲۱:۱۱؛ ۵۱:۱۲؛ ۳۲:۱۴؛ ۳۸:۱۹، ۴۲؛ ۳۶:۲۴.
k- در این توضیح همان کلمات و عباراتی بکار رفته که در روایت های کودکی اسحاق و اسماعیل (پید۸:۲۱، ۲۰)، شمشون (داور۲۴:۱۳-۲۵) و سموئیل (۱-سمو۲۱:۲، ۲۶؛ ۱۹:۳) آمده است.
l- تحت اللفظی: در روح خود را تقویت می کرد. بعضی از این جمله استنباط کرده اند که تحت تاثیر روح القدس (ر.ک داور۲۵:۱۳) ولی چون کلمه «روح» حرف تعریف ندارد که نشان می دهد منظور روح کودک می باشد نه روح خدا.
m- این نکته پیشاپیش فعالیت آینده یحیی را نشان می دهد (۲:۳، ۴؛ ۲۴:۷).
n- این صحنه نظیر همان است که در ۵۷:۱-۶۶ دربارهٔ یحیی تعمید دهنده ذکر شده است. در اینجا کمتر به جریان ختنه و نام گذاری کودک پرداخته شده و بیشتر موضوع تولد مطرح گردیده است. ضمناً بر خلاف یحیی که در خانواده ای کهانتی و در رفاه و در میان بستگان و دوستان به دنیا می آید، واقعه تولد عیسی در ضمن مسافرت و در پناهگاهی کوچک رخ داده و فقط چند چوپان پذیرای او می باشند ولی فرشتگان راز مسیح خداوند و نجات بخش را اعلام کرده جلال و شکوهی را که به خدا و صلحی را که برای مردمان می آورد ذکر می کنند.
o- قیصر اگوستس از سال ۲۹ پیش از میلاد تا سال ۱۴ میلادی امپراطور روم بوده است.

همه سرزمین مسکون[p] را سرشماری کنند.
[۲]این نخستین سرشماری هنگامی انجام شد
که کیرینیوس[q] فرمانروای سوریّه بود. [۳]و
همه برای سرشماری می‌رفتند، هر کس به
شهر خویش[r]. [۴]یوسف نیز از شهر ناصره در
جلیل به جانب یهودیّه به سوی شهر داود که
بیت‌لحم[s] نام دارد فراز آمد، زیرا از خاندان
و نسل داود بود [۵]تا با مریم که در عقد[t] وی
و باردار بود سرشماری شود.
[۶]باری وقتی آنجا می بودند، روزهای ۵۷:۱
زایمان وی سر رسید. [۷]و پسرش،
نخست‌زاده[u] خود را بزائید و او را در
قنداق پیچیده و در آخوری خوابانید زیرا در
مسافرخانه[w] جائی برای آنان[v] نبود. [۸]و در
این ناحیه شبانانی[x] بودند که در دشت
زندگی می کردند و در پاسهای شب
پاسبانی کرده از رمه هایشان مراقبت
می نمودند. [۹]و فرشتهٔ خداوند بر ایشان
ظاهر شد و شکوه خداوند[y] آنان را در
درخشش خود پوشاند و با ترسی عظیم ۵۶:۱
ترسیدند. [۱۰]و فرشته به ایشان گفت:
«ترسان مباشید زیرا اینک نوید شادی
بزرگی به شما می‌دهم که برای همهٔ قوم
خواهد بود؛ [۱۱]امروز برای شما در شهر داود

p- تحت‌اللفظی: زمین مسکون. البته اگوستس نمی توانسته غیر از امپراطوری روم را سرشماری کند. طبق مدارک مختلفی می دانیم که چندین ایالت امپراطوری را سرشماری کرده بود.

q- پوبلیوس سولپیسیوس کرینیوس کسی است که بر طبق مدارک تاریخی حکمران سوریه بوده و در سال ۶ میلادی یعنی ده سال پس از مرگ هیرودیس کبیر ناحیه فلسطین را سرشماری کرد (مرگ هیرودیس کبیر طبق مت۲:۱۹؛ ر.ک لو۱:۵ بعد از تولد عیسی اتفاق افتاد). کیرینیوس از سال ۱۲ پیش از میلاد مأمور اجرای سیاست روم در خاور نزدیک بوده است. آیا عملیات مربوط به سرشماری فلسطین را پیش از مرگ هیرودیس کبیر آغاز کرده و لوقا سرشماری آینده را پیشاپیش اعلام می نماید؟ با اطلاعاتی که اکنون وجود دارد نمی توان در این باره قضاوت کرد.

r- اطلاعاتی که در بعضی مدارک وجود دارد نشان می دهد که مقامات دولتی روم همین روش را در سرشماری مصر اعمال کرده اند.

s- در عهد عتیق شهر داود همواره اورشلیم می باشد (۲-سمو۵:۷، ۹؛ ۶:۱۰، ۱۲؛ اش۲۲:۹). انتساب این عنوان به بیت‌لحم ممکن است با توجه به یو۷:۴۲ از تفسیر میک۵:۱ ناشی شده باشد (ر.ک مت۲:۶؛ ۱-سمو۱۶:۱).

t- کلمه یونانی که در این باره بکار رفته همان است که در ۱:۲۷ آمده است (ر.ک توضیح x).

u- صفت «نخست‌زاده» احتمالاً برای آن است که مقررات تورات مندرج در خروج۱۳:۲، ۱۲، ۱۵ (ر.ک لو۲:۲۳) در مورد عیسی بکار برده شود. شاید لوقا همان عنوان مسیح شناسی را در نظر داشته که در روم۸:۲۹؛ کول۱:۱۵، ۱۸؛ عبر۱:۶ و مکا۱:۵ آمده است.

v- در بعضی از نسخه های خطی کهن دو کلمه «برای آنان» وجود ندارد. در بعضی از نسخه ها نوشته شده است: برای او [کودک] یا برای او [مادرش].

w- این کلمه را معمولاً مسافرخانه ترجمه کرده اند ولی لوقا کلمهٔ دیگری بکار می برد (۱۰:۳۴). کلمه ای که در اینجا بوده در آیه ۲۲:۱۱ به معنی تالار شام آخر می باشد. بطوری که از اوضاع و موقعیت برمی‌آید در اینجا یا نشیمن کاروانسرا است (که معمولاً اصطبلی هم داشته) یا اطاق نشیمن خانه ای است (ر.ک مت۲:۱۱). در روایتی از قدیس ژوستین که مربوط به قرن دوم میلادی است غار ذکر شده است.

x- در آن دوران در میان بنی اسرائیل شبانان را به دیده خوبی نگاه نمی کردند زیرا از جامعه یهودیان مومن و مقّید به شریعت جدا بودند و آنان را مردمانی بینوا و حقیر بشمار می آوردند.

y- معمولاً در کتاب مقدس شکوه خداوند عبارت از ظهور مشهود راز الهی است (ر.ک روم۳:۲۳ توضیح v). لوقا این اصطلاح را به بازگشت عیسی در زمان آخر تخصیص داده (۹:۲۶؛ ۲۱:۲۷) ولی قبلاً در مورد عید گذر (۲۴:۲۶) و حتی در واقعهٔ تجلی مسیح بکار برده است (۹:۳۲).

نجات دهنده ای[z] متولّد شده است که مسیح
خداوند[a] است. ۱۲و نشانهٔ آن برای شما
این خواهد بود که طفلی در قنداق پیچیده و
در آخوری خوابیده خواهید یافت.» ۱۳و
ناگهان با فرشته، انبوهی از لشکر آسمانی ۱-پاد ۲۲:‏۱۹؛ مز ۱۴۸:‏۲
بود که خدا را ستایش کرده می گفتند:
۱۴«شکوه خدای بر اوج [آسمانها][b]
و بر روی زمین آرامش[c] بر انسانهائی که از
آنان خوشنود است[d]!»
۱۵باری وقتی فرشتگان ایشان را به سوی
آسمان ترک کردند، شبانان به یکدیگر
می گفتند: «پس به بیت‌لحم برویم و آنچه
را که انجام شده[e] و خداوند به ما خبر داده
است، ببینیم.» ۱۶و با شتاب آمده مریم و
یوسف و طفل را در آخور خوابیده یافتند.
۱۷چون دیدند، آنچه را که درباره این
کودک گفته شده بود خبر دادند. ۱۸و همهٔ
۶۳:۱ کسانی که آنان را شنیدند، از آنچه شبانان
می گفتند، شگفت زده شدند[f]. ۱۹اما مریم،
همهٔ این چیزها[g] را نگاه داشته در قلب خود
مرور می کرد[h]. ۲۰و شبانان بازگشتند با
[سرائیدن] شکوه و ستایش خدا[i] برای همهٔ

z- در ترجمه یونانی عهد عتیق اکثراً عنوان نجات‌دهنده در مورد خدا بکار برده شده است (تث۳۲:‏۱۵؛ ۱-سمو۱۰:‏۱۹؛ مز۲۴:‏۵؛ ۲۷:‏۱، ۹؛ ۶۲:‏۲، ۷؛ ۶۵:‏۶؛ ۷۹:‏۹؛ ۹۵:‏۱... ر.ک لو۱:‏۴۷؛ ۱-تیمو۱:‏۱ توضیح a). گاهی نیز این عنوان به داوران اسرائیل داده می شود (داور۳:‏۹، ۱۵؛ ۱۲:‏۳؛ نح۹:‏۲۷). انجیل نگاران عنوان نجات‌دهنده را فقط در اینجا و در یو۴:‏۲۴ برای عیسی قائل شده اند (ولی می گویند که عیسی بیماران را نجات می بخشد: مر۳:‏۴؛ ۵:‏۲۳، ۲۸، ۳۴؛ ۶:‏۵۶؛ ۱۰:‏۵۲؛ ۱۵:‏۳۱ و//). در سایر نوشته های عهد جدید در اع۵:‏۳۱؛ ۱۳:‏۲۳؛ افس۵:‏۲۳؛ فی۳:‏۲۰؛ ۲-تیمو۱:‏۱۰؛ تیط۱:‏۴؛ ۲:‏۱۳؛ ۳:‏۶؛ ۲-پطر۱:‏۱، ۱۱؛ ۲:‏۲۰؛ ۳:‏۱۸؛ ۱-یو۴:‏۱۴ عیسی را نجات‌دهنده خوانده اند. چنین به نظر می رسد که این عنوان مخصوصاً در جوامع یونانی گرا بکار برده می شد.

a- در تعدادی از نسخه های خطی کهن نوشته شده است: خداوند، مسیح یا مسیح، خداوند. اصطلاح اخیر که در عهد عتیق و دنیای یهود متداول است در لو۲:‏۲۶ نیز آمده است. ولی عنوان مسیح، خداوند قبلاً در ترجمه یونانی مرا۴:‏۲۰ و مزامیر سلیمان وجود داشته است. پولس اکثراً از «خداوند، عیسی مسیح» و «خداوند ما عیسی مسیح» سخن می گوید. لوقا با بکار بردن این عنوان که در اناجیل مختص به خود اوست نشان می دهد که عیسی مسیح موعود است و به سرشت و طبیعت الهی و سروری و پادشاهی او اشاره می نماید (ر.ک اع۲:‏۳۶).

b- فرشتگان خدا را تجلیل می کنند (مز۱۴۸:‏۱) به مناسبت نجاتی که در عیسی می بخشد.

c- تولد عیسی تضمین آرامش مسیحائی بشمار می رود (اش۹:‏۵-۶؛ ۵۲:‏۷؛ ۵۷:‏۱۹؛ میک۵:‏۴؛ ر.ک افس۲:‏۱۴-۱۷)؛ ر.ک لو۱:‏۷۹ توضیح j.

d- تحت‌اللفظی: برای مردمانی که [مورد] لطف [او] هستند. در تعدادی از نسخه های خطی کهن آمده است: بر زمین آرامش و بر مردمان خوشنودی . ولی معلوم است که این سرود به دو قسمت (آسمان و زمین) تقسیم می شود بدون آنکه زمین را در مقابل و مخالف مردمان بیاورد. این عبارت به صورت «مردانی که مورد لطف خدائی هستند» در نوشته های قمران وجود دارد و بیانگر ویژگی افراد مورد لطف مخصوص خداست. کاملاً روشن نیست لوقا چه مفهومی برای این کلمات قائل است. در نظر او یا منظور قوم برگزیده می باشد که در آیه ۱۰ ذکر شده یا منظور او دید جهان گرائی است و در این صورت تمام مردمان مورد خوشنودی می باشند چنانکه در ۳:‏۶ گفته شده است.

e- تحت‌اللفظی: ببینیم این کلامی را که رسیده است، ر.ک۱:‏۶۵ توضیح n.

f- ترجمه دیگر: متعجب و تحسین کننده (در زبان یونانی برای این معنی یک واژه بکار می رود).

g- برخی ترجمه می کنند: «این سخنان». بهتر است برابری آن را با لو۱:‏۶۵ حفظ کنیم (ر.ک ۲:‏۵۱). در پید۳۷:‏۱۱ و دان۷:‏۲۸ عبارت مشابهی نشان می دهد کسی که الهام را دریافت نموده آن را برای آینده در خاطر نگه می دارد. در اینجا لوقا یادآوری می کند که مریم به این وقایع می اندیشد و معنی و مفهوم آنها فقط در مکاشفه رستاخیز مسیح روشن خواهد شد.

h- تحت‌اللفظی: آنها را در قلب خود تفسیر می کرد. فعلی که در زبان یونانی در این مورد بکار رفته و «مرور کردن» ترجمه شده به مفهوم «جستجو کردن معنی» و کلمه ای فنی است که در مورد تفسیر الهامات غیبی بکار می رفته است. در مورد کلمه قلب ر.ک ۱:‏۶۶ توضیح o.

i- لوقا اکثراً در پی تجلی و ظهورهای الهی و مخصوصاً پس از وقوع معجزه ها ذکر می کند که حاضران جلال و شکوه خدا را می سرایند (۵:‏۲۵، ۲۶؛ ۷:‏۱۶؛ ۱۳:‏۱۳؛ ۱۷:‏۱۵، ۱۸؛ اع۴:‏۲۱) و او را ستایش می کنند (۱۸:‏۴۳؛ ۱۹:‏۳۷؛ اع۳:‏۸، ۹).

چیزهائی که شنیده و دیده بودند، چنان که
پید ۱۲:۱۷؛ لاو ۳:۱۲ به آنها گفته شده بود. [۲۱]و وقتی هشت روز
برای ختنه کردن به کمال رسید[j] وی را
۵۹:۱ عیسی نام دادند، نامی که فرشته قبل از
۶۳:۱ ۳۱:۱ شکل گرفتن در رحم[k] به وی داده بود.

تقدیم عیسی به معبد. نبوت شمعون و حنّا[l]

[۲۲]و وقتی روزهای پاک شدن آنان برابر
تورات موسی به کمال رسید[m]، وی را به
اورشلیم بردند تا به حضور خداوند تقدیم
کنند[n]، [۲۳]چنانکه در تورات خداوند نوشته
شده است: هر نرینهٔ نخست‌زاده برای
خداوند تقدیس شود[o]، [۲۴]و جهت قربانی
کردن، یک جفت قمری یا دو جوجه کبوتر[p]
برابر آنچه در تورات خداوند گفته شده
است.
[۲۵]و اینک در اورشلیم انسانی شمعون نام
بود و این انسان عادل و خداترس می بود و
تسلی بنی‌اسرائیل[q] را انتظار می‌کشید و
روح‌القدس بر وی می بود[r]. [۲۶]و به وسیلهٔ
روح‌القدس خبردار شده بود که پیش از
آنکه مسیحِ خداوند[s] را ببیند، مرگ را
نخواهد دید. [۲۷]او تحت تأثیر
روح[القدس] به معبد در آمد و وقتی
والدین[t] عیسی، کودک را برای انجام رسم
۲۲:۲ توراتی که در بارهٔ وی مقرّر شده بود
می‌آوردند [۲۸]وی را در [میان] بازوان خود

j- تحت‌اللفظی: وقتی هشت روز برای ختنه کردن او به اتمام رسید.
k- تحت‌اللفظی: پیش از آن که در بطن تکوین یابد. (در مورد نام عیسی ر.ک یو۱:۶ توضیح i).
l- گفتار الهامی شمعون دربارهٔ عیسی نظیر گفتار الهامی زکریا در مورد پسرش می باشد (۱:۶۷-۶۹) ولی در ضمن روایتی ذکر شده که نشان می‌دهد والدین عیسی مومن و وفادار به تورات هستند. شمعون که با زکریا آخرین پیامبر عهد عتیق بشمار می‌رود ظهور نجات‌دهنده را تهنیت گفته و بعضی از خصوصیات جدید رسالت او را به والدینش فاش می‌کند.
m- تحت‌اللفظی: وقتی روزهای پاک شدن ایشان به اتمام رسید. در بعضی از نسخه های خطی کهن نوشته شده: پاک شدن او [یعنی کودک] یا پاک شدن او [یعنی مریم]. در حقیقت مقررات شرعی که در لاو۱۲:۱-۸ ذکر شده فقط مربوط به تطهیر مادر می باشد (بنابراین صورت دوم متن مناسب است).
n- به حضور آوردن کودک به معبد بر طبق مقررات تورات ضروری نیست و لوقا با ذکر این نکته می‌خواهد نشان دهد که والدین با چه تقوی و ایمانی وظیفه‌ای را که خدا بر عهده شان گذاشته است به خوبی انجام می‌دهند (ضمناً به حضور آوردن یحیی تعمید دهنده به معبد را ذکر نمی‌کند).
o- تحت‌اللفظی: هر نرینه که بطن را می‌گشاید مقدس برای خداوند خوانده خواهد شد. این قانون شرعی (خروج۱۳:۲، ۱۲، ۱۵) شامل باز خرید نخست‌زاده بود (خروج۱۳:۱۳؛ ۳۴:۲۰) و با پرداختن مبلغ پنج شیکل در طی ماه اول پس از زایمان انجام می‌شد (اعد۱۸:۱۵-۱۶). لوقا دربارهٔ باز خرید عیسی چیزی نمی گوید ولی در آیه ۳۹ انعکاسی از این موضوع وجود دارد.
p- این تقدیمی مردمان بینوا برای تطهیر مادر می باشد (لاو۱۲:۸).
q- از زمان اشعیا۴۰:۱؛ ۵۱:۱۲ و ۶۱:۲ به بعد این کلمات به مفهوم نجات اسرائیل است.
r- طبق لحن و گفتار عهد عتیق (اعد۱۱:۱۷، ۲۵، ۲۹؛ ۲-پاد۲:۱۵؛ اش۱۱:۲؛ ۴۲:۱؛ ۶۱:۱؛ حزق۱۱:۵) این عبارت بیانگر آن است که شمعون نبی بوده است.
s- عنوانی که در ترجمه یونانی عهد عتیق معمولاً در مورد مسیح موعود بکار می‌رود (۱-سمو۲۴:۷، ۱۱؛ ۲۶:۹، ۱۱، ۱۶، ۲۳؛ ۲-سمو۱:۱۴، ۱۶...)، این عنوان با مسیح، خداوند تفاوت دارد (ر.ک ۲:۱۱ توضیح a).
t- لوقا در مورد باردار شدن عذرائی کاملاً تاکید کرده اما با این همه تردیدی ندارد از والدین عیسی (ر.ک آیات ۴۱، ۴۳) و حتی از پدرش سخن گوید (آیات ۳۳، ۴۸). کسانی که در گذشته انجیل را رونویسی می کردند گاهی به جای کلمه والدین، مریم و یوسف گذاشته اند تا یادآوری شود که عیسی فقط یک پدر دارد که در آسمان است.

پذیرفت و خدا را متبارک خوانده گفت[u]:
۲۹ اکنون ای خداوند، برابر گفتار خودت
می توانی با بندهٔ خود در آرامش وداع
فرمائی[v]،
اش ۵:۴۰ ۳۰ زیرا چشمانم نجات تو را دیده اند[w]،
اش ۱۰:۵۲ ۳۱ که در برابر همهٔ اقوام فراهم کرده ای،
اش ۴۲:۶؛ ۴۹:۶ ۳۲ نوری که بر ملّتها[x] مکشوف خواهد شد
اش ۴۵:۲۵، ۴۶:۱۳ و شکوه قوم تو اسرائیل.
۳۳ و پدر و مادرش از آنچه دربارهٔ او گفته
می شد، شگفت‌زده[y] بودند. ۳۴ و شمعون
آنان را برکت داده به مادرش مریم گفت[z]:
«اینک این کودک باعث افتادن و
برخاستن بسیاری در اسرائیل[a] خواهد بود و
نشانه ای از تناقضها[b]، ۳۵ و تو نیز شمشیری
جانت[c] را خواهد شکافت تا استدلالهای
بسیاری از قلب ها آشکار گردد[d].
۳۶ و نبیه ای بود به نام حنّا، دختر فنوئیل از
قبیلهٔ آشر که بسیار سالخورده بود. پس از
دوشیزگیش هفت سال با شوهرش بسر برده
بود[e]، ۳۷ بعد بیوه مانده بود و به سن هشتاد
و چهار سالگی رسیده از معبد دور نمی شد[f]
و با روزه ها و نیایش ها شب و روز[g] [خدا
را] عبادت می کرد. ۳۸ و در همان ساعت
برانگیخته شده خدای را ستایش می کرد و به
همهٔ کسانی که در انتظار بازخرید[h] اورشلیم[i]
می بودند از کودک سخن می گفت.

u- گفتار الهامی آیات ۲۹-۳۲ با مزموری که زکریا دربارهٔ یحیی می سراید و در لو۱:۶۷-۷۹ آمده تطبیق می کند ولی در این نبوت بجای اینکه از مزامیر استفاده شود از دومین قسمت کتاب اشعیا گرفته شده و نجاتی را که در عیسی داده می شود اعلام می کند.

v- شمعون درمی یابد که وعدهٔ خدا به تحقق پیوسته (آیه ۲۶) و از این رو مرگ را با شادی می پذیرد.

w- ر.ک لو ۱:۶۹، ۷۱، ۷۷؛ ۳:۶.

x- در اینجا نخستین بار است که در کتاب لوقا موضوع نجات غیر یهودیان اعلام می شود و این نکته فقط پس از کشف رازهای رستاخیز به روشنی اعلام خواهد شد (لو۲۴:۴۷).

y- کلمه ای که در این مورد در اصل یونانی بکار رفته به مفهوم «اعجاب و تحسین» است. لوقا اصرار دارد نشان دهد که با وجود اظهارات اولیه در ۱:۳۱-۳۵ و ۲:۱۱، ۱۴ والدین عیسی هنوز کاملاً به راز او پی نبرده اند.

z- این نبوت به مریم خطاب می شود شاید بدین سبب که یوسف پیش از تحقق یافتن آن در خواهد گذشت یا اینکه لوقا با روایتی که یوحنا در ۱۹:۲۵ ذکر نموده آشنا بوده است.

a- ر.ک اش۸:۱۴؛ ۲۸:۱۶؛ لو۲۰:۱۷، ۱۸.

b- عیسی نشانه ای است. وی خود را تحمیل نمی کند بلکه بایستی بوسیله ایمان با آزادی پذیرفته شود. در حقیقت قسمت مهمی از قوم اسرائیل او را نخواهند پذیرفت (اع۲۸:۲۶-۲۸).

c- در اینجا نظیر ۱:۴۶ و در اکثر موارد کلمه جان به معنی شخص می باشد. این تهدید مبهم که احتمالاً عبارات آن از حزق۱۴:۱۷ گرفته شده جمله معترضه ای است و بایستی با توجه به اوضاع و احوال درک گردد. بدین معنی که اسرائیل در مقابل عیسی به دو قسمت تجزیه می شود و قلب مریم نیز از وسط شکافته خواهد شد. مفسران دیگری این مطالب را به عنوان اعلام رنج و مرگ عیسی تعبیر می نمایند (ر.ک یو۱۹:۲۵).

d- عیسی اکثراً ناباوری شدید و طرز استدلال مومن ترین مخاطبان خود را بر ملا خواهد کرد (۵:۲۲؛ ۶:۸؛ ۹:۴۷؛ ۲۴:۳۸)، رسالت او منتهی به آن خواهد شد که اسرار دلها را مکشوف سازد (مر۷:۶-۸؛ لو۱۶:۱۵؛ اع۱:۲۴؛ ۱۵:۸).

e- تحت اللفظی: که هفت سال از تاریخ دوشیزگی خود با شوهری زندگی کرده بود.

f- این وضع منتهای آرزوی هر فرد اسرائیلی کامل است (مز۲۳:۶؛ ۲۶:۸؛ ۲۷:۴؛ ۸۴:۵، ۱۱).

g- ر.ک اع ۲۶:۷. لوقا مخصوصاً دربارهٔ استمرار در خدمت و نیایش تاکید می نماید (ر.ک لو۱۸:۷؛ اع ۲۰:۳۱). در اینجا استمرار در نیایش را به حنّا نسبت می دهد با آن که برابر رسوم یهودیان زنان اجازه نداشتند در هنگام شب در محوطّه معبد بمانند.

h- تحت اللفظی: بازخرید که بعضی آن را آزادی ترجمه می کنند. این کلمه همان است که در قانون بازخرید نخست‌زاده ها بکار رفته است (خروج۱۳:۱۳-۱۵؛ ۳۴:۲۰؛ اعد۱۸:۱۵-۱۶). در اینجا لوقا این بازخرید را با بازخرید عیسی که انجام شده (آیه۲۳) مقایسه نمی کند ولی ممکن است از روایتی فلسطینی الهام گرفته باشد که چنین مقایسه ای کرده است. در نظر لوقا این کلمه به مفهوم نجات قوم خدا می باشد (ر.ک ۱:۶۸ توضیح u).

i- در بعضی از نسخ های خطی کهن آمده است: بازخرید در اورشلیم یا بازخرید اسرائیل. به هر صورت منظور نجات قوم خداست.

۳۹و وقتی آنچه برابر تورات خداوند بود
به انجام رسید، به شهر خویش ناصره جلیل
بازگشتند.

دوران جوانی عیسی[j]

۴۰و امـا کـودک رشـد کـرده تـوانـا
می‌گردید و سرشار از حکمت[k] می‌شد و
فیض خدا بر وی می‌بود[l].

نخستین‌سخنان عیسی در معبد[m]

۴۱و هر سال والدینش برای جشن گذر به
اورشلیم می‌رفتند[n]. ۴۲و وقتی دوازده
ساله[o] شد به رسم عید به آنجا فراز آمدند. تث ۶:۱۶
۴۳و همین که روزها به سر رسید، وقتی
برمی‌گشتند، عیسای کودک بدون آنکه
والدینش بدانند در اورشلیم ماند.
۴۴ایشان به خیال این که وی همراه کاروان
است یک روز راه را درنوردیدند و وی را
همچنان در میان خویشان و آشنایان خود
جستجو می‌کردند. ۴۵و چون وی را
نیافتند، همچنان در جستجوی او به
اورشلیم برگشتند. ۴۶باری پس از سه روز
وی را در معبد یافتند که در میان استادان
نشسته به آنان گوش می‌داد و از آنان سؤال
می‌کرد[p]. ۴۷و همهٔ کسانی که [سخنان] او
را می‌شنیدند از هوش و پاسخهای[q] وی
شگفت زده می‌شدند. ۴۸و به دیدن او
حیرت کردند و مادرش به وی گفت:
«فرزندم چرا با ما چنین کردی؟ ببین!
پدرت و من زجر کشیده در جستجوی تو
هستیم.» ۴۹و او به آنان گفت: «چرا در
جستجوی من بودید؟ مگر نمی‌دانستید که
باید به کارهای پدرم برسم[r]؟» ۵۰و ایشان
سخنی را که بدیشان گفته بود در نیافتند[s].
۵۱و همراه آنان فرود آمده به ناصره آمد و
مطیع آنان می‌بود و مادرش با امانت همهٔ ۱۹:۲

j- شرح مختصر آیه ۴۰ بسیار نزدیک و مشابه به آیه ۸۰:۱ درباره یحیی تعمید دهنده است و خیلی بهتر راز مختص به عیسی را نشان می‌دهد.

k- حکمت به آن مفهوم والا که در نوشته های مقدس آمده به نظر لوقا مختص به عیسی است (۵۲:۲؛ ۳۱:۱۱؛ ۱۵:۲۱).

l- در مورد یحیی همچنان که دربارهٔ پیامبران گفته شده است دست خداوند بر روی او بود (۶۶:۱) در صورتی که کمال فیض خدا بر روی عیسی است، ر.ک ۲۸:۱ توضیح a.

m- وقایعی که در آیات ۴۱-۵۲ ذکر شده مشابهی در مورد یحیی تعمید دهنده ندارد و چنین به نظر می‌رسد که بدین منظور است که نخستین سخنان عیسی پیش از موعظه های یحیای پیشگام ارائه گردد: بدین معنی که عیسی از همان سن دوازده سالگی از خود به عنوان «پسر» ادراک و شناخت دارد.

n- بر طبق تورات سالی سه زیارت مقرر شده است (خروج۲۳:۱۴-۱۷؛ ۳۴:۲۲-۳۳؛ تث۱۶:۱۶). ممکن است لوقا در اینجا از ۱-سمو۳:۱، ۷ الهام گرفته باشد (ر.ک آیه ۵۲ و توضیح u).

o- دوازده سالگی تقریباً سن بلوغ از نظر مذهبی و شرعی در آئین یهود می باشد.

p- معلمان تورات در میدان جلو معبد درس می‌دادند چنانکه عیسی نیز بعدها به همین گونه آموزش خواهد داد. آموزش ایشان اکثراً به صورت بحث و گفتگو درمی‌آمد.

q- از هوش و پاسخهای او ترجمهٔ تحت‌اللفظی است و بعضی مترجمان ترجمه می‌کنند: از پاسخهای هوشمندانهٔ او.

r-در انجیل لوقا نخستین کلام عیسی و همچنین آخرین کلام او (۴۶:۲۳؛ ر.ک ۴۹:۲۴) برای آن است که از پدرش نام ببرد. گاهی این عبارت را ترجمه می‌کنند: مگر نمی‌دانستید که باید در خانه پدرم باشم؟ و چنین استدلال می‌کنند که با نحوه کاربرد کلمات بیشتر تطبیق می‌نماید و در این وضعیت مناسب‌تر است (زیرا هنوز عیسی رسالت خود را آغاز نکرده است).

s- راز فرزندی عیسی فراتر از ادراک آدمیان است حتی برای کسانی که بیشتر سخن خدا را در می‌یابند، با وجود این صحنه هائی که قبلاً آمده نشان می‌دهد که مریم و یوسف چیزی از این راز را درک کرده‌اند.

این چیزها را در قلبش[t] نگاه می‌داشت.
۵۲و عیسی در برابر خدا و انسانها به
حکمت و قامت و فیض رشد می‌کرد[u].

الهام انبیائی یحیی تعمید دهنده
(متی۳:۱-۶؛ مرقس۱:۱-۶)

۳ ۱در سال پانزدهم سلطنت تیبریوس
قیصر[v]، پنطیوس پیلاطس فرماندار
یهودیّه[w] و هیرودیس تیترارک جلیل[x]،
فیلیپس برادر او تیترارک ایطوریه و
تراخونیتیس[y] و لیسانیاس[z] تیترارک آبلیه
بودند. ۲تحت کهانت اعظم حنّا و قیافا[a]،
سخن خدا به یحیی[b] پسر زکریا در صحرا
فرارسید. ۳و وی به سراسر خطّه اردن[c]
آمده توبه[e] را برای بخشایش گناهان[f] ندا
می‌داد[d]. ۴آن چنان که در کتاب سخنان

t- ر.ک ۱:۶۶ توضیح o؛ ۲:۱۹ توضیح h.

u- در این نتیجه گیری همان موضوع ۲:۴۰ بیان شده و چنین می‌نماید که از ۱-سمو۲:۲۶ الهام گرفته است (سموئیل در نزد خدا می‌ماند چنانکه عیسی نیز در ۲:۴۳ به همین ترتیب رفتار می‌کند).

v- لوقا با ذکر وقایع تاریخ مشرکان و تاریخ قوم یهود روایت رسالت یحیی و ضمناً رسالت عیسی را آغاز می‌نماید (ر.ک ۱:۵؛ ۲:۱-۲) و احتمالاً پانزدهمین سال سلطنت تیبریوس را به روش اهالی سوریه محاسبه می‌کند که از اول اکتبر سال ۲۷ تا ۳۰ سپتامبر سال ۲۸ میلادی است. کسان دیگری آن سال را از ۱۹ اوت سال ۲۸ میلادی و کسان دیگری از اول ژانویه سال ۲۸ میلادی محاسبه کرده‌اند. دنیسیوس کوچک (نویسندهٔ مذهبی که در قرن ششم میلادی در حدود شمال دریای سیاه یا ارمنستان می‌زیسته) با توجه به این متن و مفاد آیه ۲۳ که برابر آن عیسی بیست و نه سال خود را تمام کرده بود، آغاز تاریخ میلادی را تعیین کرد و چنین به نظر می‌رسد که این برآورد چند سال کمتر از تاریخ واقعی باشد.

w- پیلاطس از سال ۲۶ تا ۳۶ میلادی تیترارک یهودیه بوده است (در مورد مفهوم یهودیه ر.ک ۱:۵ توضیح m) و بر روی آثاری که در سال ۱۹۶۱ کشف شده نام او با عنوان حکمران بر روی سنگ کنده شده است.

x- هیرودیس آنتیپاس (ر.ک ۹:۷-۹؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛ ۲۳:۷-۱۲) از سال ۴ پیش از میلاد تا سال ۳۹ میلادی بر جلیل و پره حکومت می‌کرد. او را تیترارک می نامند (۹:۷؛ اع ۱۳:۱) تا از پدرش پادشاه هیرودیس کبیر متمایز باشد (۱:۵).

y- فیلیپس از سال ۴ پیش از میلاد تا ۳۴ میلادی بر چند ناحیه در شمال شرقی دریاچه طبریه حکومت می‌کرد. در اینجا لوقا بعضی از مناطق تحت حکومت او مثل جولان، بتانیه و اورانیتید را ذکر نکرده و چنین می‌نماید که می‌خواهد فقط مناطقی را که مشرکان می‌زیستند نام ببرد و بدین وسیله نشان می‌دهد که اعلام نجات به همان اندازه که مربوط به یهودیان است شامل حال مشرکان نیز می‌شود.

z- به احتمال قوی در اینجا نام این شاهزاده گمنام به این دلیل ذکر شده که در دوران لوقا منطقه حکمرانی او جزو مناطق تحت حکومت پادشاه یهودی هیرودیس اغریپاس دوم بوده و در حوزهٔ تحت تسلط او مشرکان می‌زیسته‌اند.

a- ترجمه دیگر: در زمان کاهن اعظم حنّا و قیافا. نام کاهن اعظم در پایان اسامی و در تضاد با نام قیصر مشرک بعنوان رئیس قوم خدا ذکر شده است. با اینکه در آن زمان فقط یک نفر، یعنی قیافا به عنوان کاهن اعظم وجود داشت و از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی در این مقام باقی بود ولی پدر زن او، حنّا (یو۱۸:۱۳) که قبلاً کاهن اعظم بود و در سال ۱۵ خلع شده بود هنوز نفوذ زیادی داشت و بدین سبب نام او در کنار نام قیافا ذکر شده است (ر.ک یو۱۸:۱۳-۲۴؛ اع۴:۶).

b- تحت‌اللفظی: بر روی یحیی. طرز دعوت یحیی با همان کلمات و عبارات ار۱:۱ (ترجمهٔ یونانی) بیان شده تا جنبهٔ پیامبری او نشان داده شود.

c- بنا به نوشته متی و مرقس، یحیی در صحرا ندا می‌داد (ر.ک مت ۳:۱توضیح e) در صورتی که به نوشته لوقا، یحیی صحرا را ترک کرد تا در ناحیه اردن موعظه می‌کند. منطقه ای که در آن ایام به سبب بناهائی که هیرودیس کبیر و آرکلائوس ایجاد کرده بودند نسبتاً مسکونی بود. به نظر لوقا این سرزمین حوزهٔ مختص یحیی است چنانکه جلیل و یهودیه مختص عیسی می‌باشد (ر.ک تقسیم همین سرزمین بین لوط و ابراهیم در پید۱۳:۱۰-۱۳).

d- این کلمه که به معنی اعلام کردن و جار زدن است نظیر آنچه در گذشته جارچیان انجام می‌دادند (ر.ک مت ۳:۱ توضیح d) جزو واژه های معمول در زبان مبلّغان و سخنرانان آغاز مسیحیت می‌باشد (۱-تسا۲:۹...). لوقا این کلمه را در مورد نخستین باری که عیسی اعلام می‌کند (۴:۱۸-۱۹) و در مورد گفتارهای معمولی او (۴:۴۴؛ ۸:۱) همچنین گفتارهای رسولان (۹:۲؛ ۱۲:۳؛ ۲۴:۴۷؛ اع۱۰:۴۲) و گفتار پولس (اع۹:۲۰؛ ۱۹:۱۳؛ ۲۰:۲۵؛ ۲۸:۳۱) و در مورد مبشران دیگر بکار می برد (لو۸:۳۹؛ اع۸:۵).

e- ر.ک مت۳:۲ توضیح f.

f- ر.ک مر۱:۴ توضیح h.

اشعیای پیامبر[g]، نوشته شده است:
صدای آن کس که در صحرا فریاد برمی‌آورد[h]:
راه خداوند را آماده سازید،
کوره راههای او را راست گردانید،
۵هر درّه ای پر خواهد شد
و هر کوه و تپّه ای پست خواهد گردید[i]
و گذرگاههای کج راست خواهند شد
و جادّه های ناهموار، هموار خواهند شد.
۶و هر بشری[j] نجات خدا را خواهد دید[k].

تهدید داوری
(متی۳:۷-۱۰)

۷پس به جماعتی که برای تعمید گرفتن به نزدش می‌آمدند[l] می‌گفت: «ای افعی‌زادگان چه کسی به شما گریز از خشم آینده[m] را نشان داده است؟ ۸پس میوه های شایسته توبه بیاورید[n] و شروع نکنید که در بین خود بگوئید: ما ابراهیم را همچون پدر داریم. زیرا به شما می گویم که خدا قادر است از همین سنگها فرزندانی برای ابراهیم قائم سازد. ۹هم‌اکنون تیشه به ریشهٔ درختان نهاده شده است[o]. پس هر درختی که میوهٔ نیکو نیاورد بریده شده در آتش افکنده خواهد شد.»

یو۸:۳۳-۳۹

ثمرات توبه

۱۰و جماعت از او[p] پرسیده می گفتند: «پس ما چه باید بکنیم؟» ۱۱در پاسخ به ایشان می‌گفت: «هر کس دو ردا دارد به آن کسی بدهد که آن را ندارد و آن کس که خوراکی دارد همین را بکند.» ۱۲هم چنین

حزق۱۸:۷؛ اش۵۸:۷؛ اع۲:۴۴،۳۲:۴،۳۵؛ روم۱۲:۸؛ افس۴:۲۸

g- اش ۴۰:۳-۵. در مورد اینکه اناجیل نظیر چگونه آیه اول را نقل کرده اند ر.ک مت ۳:۳ توضیح i.

h- تحت‌اللفظی: صدای آن که فریاد می‌زند. گاهی ترجمه می کنند: صدائی فریاد می‌زند. ترجمه دیگر: صدائی در بیابان فریاد می‌زند

i- در نظر اشعیا این تصویر به معنی آن است که خدا بزرگی و عظمت های زمینی را پست خواهد کرد (اش۲:۲-۱۴؛ مز۶۸:۱۶-۱۷). لوقا نیز همین مفهوم را برای این عبارت قائل شده است (ر.ک ۱:۵۲؛ ۱۴:۱۱؛ ۱۸:۱۴).

j- تحت‌اللفظی: هر جسمی. اصطلاحی در زبان عبری برای اینکه گفته شود هر مخلوقی (پید۶:۱۲...). کلمه sarx در زبان یونانی که در زبان عبری «بشر» است.

k- لوقا این آیه را از ترجمه یونانی عهد عتیق گرفته و آن را خلاصه کرده است. لوقا با ادامه دادن کتاب اشعیا در مقایسه با نقل قول کوتاهتر متی و مرقس دارد می‌خواهد نشان دهد که عیسی نجات را برای «همه» آدمیان آورده است و همین موضوع را مجدداً در پایان اعمال رسولان ذکر خواهد کرد (۲۸:۲۸).

l- تهدید های آیات ۷-۹ در انجیل لوقا خطاب به همهٔ مخاطبان یحیی است (در انجیلهای متی و مرقس این تهدیدها به فریسیان و صدوقیان خطاب می‌شود). همگی گناهکارند و همگی باید در برابر داوری که فرا می‌رسد توبه کنند.

m- ر.ک مت۳:۷ توضیح m.

n- ر.ک مت۳:۸ توضیح n. لوقا از ثمرات به صورت جمع سخن می گوید که معلوم است منظور اعمال واقعی و محسوسی است که در آیات ۱۰ الی ۱۴ ذکر خواهد کرد.

o- تحت‌اللفظی: تیشه بر ضد ریشه نهاده شده. یعنی تیشه به ریشهٔ درختان رسیده است.

p- آیات ۱۰ تا ۱۴ قسمتی است که مختص به انجیل لوقا می باشد. جمعیت مردمان و کسانی که گناهکار بشمار می‌آیند در برابر تهدید داوری و محکومیت اظهار توبه کرده می پرسند: چه بایستی کرد؟ (ر.ک اع۲:۳۷؛ ۱۶:۳۰؛ ۲۲:۱۰). یحیی به ایشان پیشنهاد می کند رفتار عدالت و برادرانه در پیش گیرند و حتی باجگیران و نظامیان را ملزم نمی کند شغل خود را ترک کنند با اینکه در آن دوران این مشاغل را بد می دانستند.

باجگیران[q] برای این که تعمید یابند آمدند
و به وی گفتند: «ای استاد ما چه باید
بکنیم؟» ۱۳و وی به ایشان گفت: «زیاده
از آنچه بر شما مقرّر است، نخواهید.»
۱۴سربازان نیز از وی پرسیده می گفتند: «و
ما چه باید بکنیم؟» و وی به ایشان گفت:
«به کسی آزار مرسانید و به کسی اجحاف
مکنید و به دستمزد خود قانع باشید.»

اعلام آن کس که می آید
(متی۳:۱۱-۱۲؛ مرقس۱:۷-۸)

۱۵چون قوم در انتظار می بود و همه در
دلهای خود در بارهٔ یحیی می پرسیدند که آیا
او مسیح[r] نیست؟ ۱۶یحیی به سخن درآمده
در پاسخ به همه ایشان گفت[s]: «من شما را
به آب تعمید می دهم اما او می آید، آن که
از من تواناتر[t] است و من لایق نیستم تا بند
پای پوشهایش را باز کنم[u]، وی شما را در
روح القدس[v] و آتش[w] تعمید خواهد داد.
۱۷او چارشاخ در دستش دارد تا خرمنگاه
خود را پاک کرده گندم را در انبار خود
جمع کند اما کاه را در آتشی خاموش
نشدنی خواهد سوزاند[x].» ۱۸همچنین با
سخنان بسیار دیگری به قوم نوید می داد.

پایان رسالت یحیی تعمید دهنده
(متی۱۴:۳-۴؛ مرقس۶:۱۷-۱۸)

۱۹با وجود این هیرودیس تیترارک که
توسط وی به خاطر هیرودیا، زن برادرش[y] و
برای تمام شرارتهائی که مرتکب شده بود

q- کلمه ای که اکثراً «باجگیران» ترجمه می کنند اشخاص مهمی هستند که درراس دریافت خراج و مالیات قرار دارند ولی آنچه در انجیلها ذکر شده زیردستان یهودی آنان هستند که در مراتب پائین قرار دارند. یهودیان به این افراد، به سبب همکاری با اشغالگران کافر و به سبب مطالبه بیش از حّد مقرر، به نظر بد می نگریستند و در افکار عمومی آنان را جزو گناهکاران بشمار می آوردند (۵:۳۰؛ ۷:۳۴؛ ۱۵:۱-۲؛ ۷:۱۹).

r- کلمه یونانی کریستوس، تحت اللفظی به معنی کسی است که (بوسیلهٔ خدا) تدهین شده و مترادف کلمهٔ عبری ماشیح است که در عربی مسیح می باشد. در اینجا منظور همان عنوانی است که یهودیان برای کسی قائل بودند که از نظر ملی و سیاسی انتظار آمدن او را داشتند (همچنین در ۲۲:۶۷؛ ۲۳:۲، ۳۵، ۳۹؛ و ۲۰:۴۱). در کشورهای غربی، در نوشته های مسیحیت با توجه به مفهوم جدید آن Christ ترجمه می کنند (۲:۱۱، ۲۶؛ ۴:۴۱؛ ۹:۲۰؛ ۲۴:۲۶، ۴۶).
شاگردان و پیروان یحیی تا مدت درازی از خود می پرسیدند آیا استادشان همان مسیح موعود است (ر.ک اع۱۳:۲۵؛ یو۱:۱۹-۲۰؛ ۳:۲۸).

s- این آیه و آیه بعدی نزدیک به مت ۳:۱۱-۱۲ و مر ۱:۷-۸ می باشند (ر.ک به توضیحات آیات مذکور).

t- لوقا بعداً نیز عنوان مسیحائی توانا را ذکر خواهد کرد (۱۱:۲۲؛ ر.ک اش۹:۵؛ ۱۱:۲).

u- این عمل را بردگان انجام می دادند و یک نفر یهودی نمی توانست خدمتگزار یهودی خود را وادار به چنین کاری بکند زیرا او هم جزو قوم برگزیده بود (ر.ک یو۸:۳۳).

v- در اینجا و در اع۱:۵ و ۱۱:۱۶ لوقا در برابر تعمید آب (یا تعمید با آب) که یحیی انجام می داد تعمید در روح القدس را می آورد که در روز پنچاهه افتتاح خواهد شد. از این عبارت چنین بر می آید که به نظر او «در روح القدس» را نباید «با روح القدس» ترجمه کرد زیرا روح القدس وسیله و ابزار نیست بلکه حضور فعال می باشد (ر.ک ۴:۱).

w- در مورد معنی اولیه و اصلی این کلمه ر.ک مت ۳:۱۱ توضیح t. به احتمال قوی لوقا در این سخن اعلام وقایع پنجاهه را در نظر دارد زیرا آمدن روح القدس را به صورت زبانه های آتش روایت خواهد کرد (اع۲:۳-۴) و در نظر او این تصویر حتماً به معنی عمل تصفیه کننده روح القدس است.

x- پیامبران اکثراً داوری خدا را با تصاویر مختلف صحنه های برداشت محصول در فلسطین اعلام کرده اند (ر.ک ۱۰:۲ توضیح z): مثلاً با چارشاخ بوجاری کردن (ار۱۵:۷؛ ۵۱:۲)، آتش زدن کاه (اش۵:۲۴؛ ۴۷:۱۴؛ یول۲:۵؛ نح۱:۱۰). در مورد آتش خاموش نشدنی (ر.ک اش۶۶:۲۴؛ مر۹:۴۳، ۴۸). یحیی جنبهٔ زمان آخر و داوری نهائی تصویر را نشان می دهد.

y- هیرودیا، نوادهٔ هیرودیس کبیر، شوهر خود را که یکی از افراد متعدد خانوادهٔ هیرودیس و عموی خویش بود ترک کرده به هیرودیس آنتیپاس پیوسته بود.

سرزنش می‌شد ۲۰این یکی را نیز به همهٔ
آنها اضافه کرد و یحیی را در زندان به بند
کشید[z].

تعمید عیسی
(متی۳:۱۳-۱۷؛ مرقس۱:۹-۱۱)

۲۱ باری[a] چون همه قوم تعمید یافته
بودند[b] و عیسی هم که تعمید یافته، در
نیایش[c] می‌بود آسمان گشوده شد. ۲۲و
روح‌القدس به صورت جسمانی، چون
کبوتری[d] بر او نازل شد و صدائی از آسمان
رسید: «تو هستی آن پسر من، آن محبوب و
از تو خشنودم[e].»

شجره نامه عیسی (متی۱:۱-۱۶)

۲۳و عیسی[f] در آغاز امر در حدود سی
سال داشت[g] و آن چنان که خیال
می‌کردند[h]، پسر یوسف بود، پسر هالی
۲۴پسر متّات، پسر لاوی، پسر ملکی، پسر
ینا، پسر یوسف، ۲۵پسر متّاتیا، پسر آموس،

z- لوقا در اینجا پایان رسالت یحیی را روایت می‌کند، حتی پیش از آن که تعمید یافتن عیسی را ذکر کرده باشد و بدین وسیله می‌خواهد نشان دهد که رسالت یحیی و رسالت عیسی دو دوران متمایز در تاریخ نجات هستند (ر.ک ۱:۵۶ توضیح a).

a- عیسی با دریافت تعمید یحیی در نهضت توبه قوم خود وارد می‌شود. در هنگام این واقعهٔ عمومی، مکاشفه ای اسرارمیز دریافت می‌کند که نقطهٔ آغاز رسالت و گفتارهای او است چنانکه پیامبران نیز دعوت خود را دریافت می‌کردند. او پیامبری است که روح‌القدس بر او است (ر.ک ۴:۱۸)، او پسر خدا و مسیح موعودی است که در عهد عتیق اعلام گردیده است.

b- این عبارت را می‌توان چنین درک کرد: در مدتی که قوم تعمید یافته بود یا: پس از اینکه تمام قوم تعمید یافته بود. چنین به نظر می‌رسد که لوقا می‌خواهد نشان دهد تعمید عیسی پایان تعمید یافتن قوم خدا است. همچنین لوقا صریح تر و واضح تر از متی و مرقس یادآوری می‌کند که این تعمید آب فقط موقعیتی برای مکاشفه ای است که در پی آن می‌آید.

c- لوقا اکثراً از نیایش عیسی یاد خواهد کرد (۵:۱۶؛ ۶:۱۲؛ ۹:۱۸، ۲۸-۲۹؛ ۱۰:۲۱؛ ۱۱:۱؛ ۲۲:۳۲، ۴۰-۴۶؛ ۲۳:۳۴، ۴۶). این نیایش محل ملاقات و دیدار او با پدر است (۱۰:۲۱؛ ۲۲:۴۲؛ ۲۳:۳۴، ۴۶).

d- ر.ک مت ۳:۱۶ توضیح z. لوقا تصریح می‌کند که کبوتر فقط صورت ظاهری است که روح‌القدس به آن صورت مشهود شده است.

e- در بسیاری از نسخه های خطی در اینجا همان عبارتی آمده که مرقس بکار برده است (مر۱:۱۱). ولی گاهی ترجمه می‌کنند: «تو پسر من هستی و من امروز ترا آورده‌ام» که در بعضی از نسخه های خطی قدیمی به این صورت آمده و مخصوصاً با فکر و اندیشه لوقا تطبیق می‌نماید. لوقا مز۲:۷ را ذکر کرده که به معنی نائل شدن عیسی به مقام مسیحائی و آغاز رسالت او نزد قوم خداست. همین نکته که این عبارت را پدر بیان کرده است الهامی به اعلی درجه دربارهٔ راز عیسی می‌باشد (ر.ک ۱:۳۵ توضیح n).

f- چنین به نظر می‌رسد که بعضی از معاصران عیسی (یسوع به معنی خدا نجات می‌دهد) او را به عنوان پسر داود می‌شناختند (مر۱۰:۴۷-۴۸؛ ۱۱:۱۰ و //). رسولان در طی گفتارهای خود او را به همین عنوان اعلام کرده‌اند (اع۲:۲۹-۳۲؛ ۱۳:۲۲-۲۳)، همچنین در ضمن یک قانون ایمان که خیلی قدیمی است این عنوان ذکر شده است (روم۱:۳-۴). در مت۱:۱-۱۷ و در صورت اسامی که لوقا ارائه می‌کند نشان داده می‌شود که عیسی از نسل داود می‌باشد که حقانیت مسیحائی او را ثابت می‌کند. ولی با این که لوقا و متی تولد عیسی از باکره را روایت می‌کنند در هر دو مورد شجره نامهٔ او از یوسف آغاز می‌شود زیرا در عهدعتیق نسل و تبار هر کسی فقط با ذکر مردان تعیین می‌گردد. این دو شجره نامه با یکدیگر تفاوت داشته و تا حدی ساختگی هستند چنانکه اکثر شجره نامه های آن دوران بدین گونه بودند. ولی در مورد پدران از ابراهیم تا داود و از شالتئیل و زروبابل تا بازگشت از تبعید و دربارهٔ یوسف پدر عیسی با یکدیگر تطبیق می‌کنند. متی تعداد نسلها را ۳×۱۴ (برابر ۴۲ نسل) از ابراهیم تا عیسی بحساب آورده و در بین آنان پادشاهان یهودیه را نام برده است در صورتی که لوقا ۷×۱۱ (برابر۷۷ نسل) از عیسی تا آدم شمرده و از پادشاهان بجز داود نام نبرده است.
بر خلاف متی که شجره نامه عیسی را در آغاز کتاب خود ذکر می‌کند لوقا تبار بشری عیسی را پس از روایت فرزندی وی نسبت به خدا می‌آورد (۱:۳۵؛ ۳:۲۲). لوقا علاقمند است شجره نامه عیسی را به جای ابراهیم تا آدم برساند و بدین وسیله ارتباط او را با تمام بشریت یادآوری کند (ر.ک اع۱۷:۲۶، ۳۱). وی از هیچ پادشاهی در فاصله بین داود و شالتئیل یاد نمی‌کند بلکه نام پیامبران را می‌آورد و احتمالاً عکس‌العمل در مقابل نظریاتی بوده که به مسیح دنیوی و سیاسی معتقد بوده‌اند (ر.ک ۴:۶).

g- لوقا تنها انجیل نگاری است که این مطلب را ذکر کرده و شاید اشاره ای به داود است که سلطنت خود را در سی سالگی آغاز کرده بود (۲-سمو۵:۴).

h- این کلمات که در بعضی از نسخه های دست نوشته کهن در جاهای مختلف آمده است یادآوری می‌کنند که عیسی ثمرهٔ آبستن شدن عذرائی است.

پسر ناحوم، پسر حسلی، پسر نجّای ۲۶ پسر
مآت، پسر متّاتیا، پسر شمعین، پسر
یوسک، پسر یودا، ۲۷ پسر یوحنّان، پسر
ریسا، پسر زروبابل، پسر شالتئیل، پسر
نیری ۲۸ پسر ملکی، پسر ادی، پسر قوسام، ۱-توا۳:۱۷،۱۹؛ عزرا۳:۲؛ ۵:۲
پسر ایلمودام، پسر عیر ۲۹ پسر یسوع، پسر
ایلعازر، پسر یوریم، پسر متّات، پسر لاوی
۳۰ پسر شمعون، پسر یودا، پسر یوسف، پسر
یونام، پسر ایلیاقیم، ۳۱ پسر ملیا، پسر منا،
پسر متّاتا، پسر ناتان، پسر داود ۳۲ پسر یسّا،
پسر عوبید، پسر بوعز، پسر شلمون، پسر ۱-توا۱:۳۴-۲:۱۵
نحشون، ۳۳ پسر عمیناداب، پسر آدمین،
پسر آرنی[i]، پسر حصرون، پسر فارص، پسر
یهودا، ۳۴ پسر یعقوب، پسر اسحاق، پسر
ابراهیم، پسر تارح، پسر ناحور ۳۵ پسر
سروج، پسر رعو، پسر فالج، پسر عابر، پسر پید۱۱:۱۰-۲۶؛ ۱-توا۱:۱-۴
شالح، ۳۶ پسر قنیان، پسر ارفکشاد، پسر
سام، پسر نوح، پسر لامک ۳۷ پسر متوشالح،
پسر خنوخ، پسر یارد، پسر مهلئیل، پسر پید۵:۱-۳۲؛ ۱-توا۱:۱-۴
قنیان، ۳۸ پسر انوش، پسر شیث، پسر آدم،
پسر خدا.

عیسای پیروزمند در برابر وسوسه (متی۴:۱-۱۱؛ مرقس۱:۱۲-۱۳)

۴ ۱ عیسی[j] سرشار از روح القدس از
اردن بازگشت و در صحرا تحت
هدایت روح می بود[k]، ۲ مدّت چهل روز
و به وسیلهٔ ابلیس تجربه می شد[l].
و در این روزها هیچ نخورد و وقتی
[روزها] به سر رسید گرسنه شد. ۳ ابلیس
به وی گفت: «اگر[m] تو پسر خدا هستی، به
این سنگ بگو تا نان شود.» ۴ و عیسی به
وی پاسخ داد: «نوشته شده است: آدمی تث۸:۳
فقط با نان زندگی نخواهد کرد.» ۵ و
ابلیس او را به بالا برگرفت[n] و در یک
لحظه تمام مملکت های جهان را به او نشان
داد ۶ و به وی گفت: «همهٔ این ممالک و
شکوه آنها را به تو خواهم داد، زیرا به من
واگذار شده است و آن را به هر کس
بخواهم، می‌دهم[o]. ۷ پس اگر تو، در برابر
من سجده کنی[p]، همه آنها از آن تو خواهد
بود.» ۸ و عیسی به وی پاسخ داد: «نوشته تث۶:۱۳
شده است: تو خداوند خدای خود را سجده
خواهی کرد و تنها وی را پرستش خواهی

i- در مورد سه نام قبلی در نسخه های خطی مختلف تفاوت هائی وجود دارد (دو تا پنج نام ذکر شده و مخصوصاً نام آرام و یورام در بین آنها منظور گردیده است). در اینجا از متنی که بیشتر پذیرفته شده پیروی می گردد.

j- در مورد این روایت ر.ک مت۴:۱ توضیح c. لوقا که بلافاصله قبل از این قسمت نام آدم را ذکر نموده شاید می خواهد یادآوری کند که مبارزه عیسی با ابلیس پاسخ به مبارزه ای است که در کتاب پیدایش ذکر شده است.

k- همان طور که در اناجیل متی و مرقس ذکر شده عیسی «به وسیله روح القدس» که در هنگام تعمید یافته است هدایت می شود. لوقا در مورد ابتکار عمل عیسی تاکید و اصرار می نماید که روح القدس را به تمامی دریافت نموده تا رسالت خود را به انجام رساند (ر.ک ۴:۱۴، ۱۸) و قبل از هر چیز در مبارزهٔ سرنوشت ساز اولیه با ابلیس مقابله نماید.

l- لوقا متن مر۱:۱۳ (وسوسه در طول چهل روز) را با متن مت۴:۲ ذکر شده (سه وسوسه در پایان چهل روز) جمع کرده است.

m- یعنی: حال که تو پسر خدا هستی، به این ترتیب ابلیس به همان گفتار الهی که به هنگام تعمید عیسی بیان شده استناد می کند (۳:۲۲).

n- شاید منظور بالا بردن بر فراز زمین است چنان که در رؤیاهای مکاشفه ای یهودیان وجود دارد.

o- بنا به انجیل لوقا ابلیس مدعی است قدرت سیاسی بر جهان دارد و پیشنهاد می کند که عیسی به همان گونه که معاصرانش انتظار دارند مسیح دنیوی و سیاسی باشد؛ ولی قدرت شیطان مورد تهدید (۱۰:۱۸) و مدت آن کوتاه است (۲۲:۵۳)؛ و عیسی اقتدار خود را فقط از جانب پدرش انتظار دارد (ر.ک ۱۰:۲۲؛ ۲۲:۲۹).

p- ر.ک مت۴:۹ توضیح k.

نمود.» [۹]وی را به اورشلیم[q] برده بر کنگره
معبد[r] قرار داد و به او می‌گوید: «اگر تو
پسر خدا هستی، خود را از اینجا به پائین
مز۹۱:۱۱-۱۲ افکن، [۱۰]زیرا نوشته شده است: به خاطر
تو به فرشتگانش فرمان خواهد داد تا تو را
نگه دارند. [۱۱]و تو را بر روی دستهایشان
خواهند برد مبادا پایت به سنگی بخورد.
[۱۲]و عیسی به وی پاسخ می‌دهد: «گفته
تث۶:۱۶ شده است: خداوند خدای خود را تجربه
نخواهی کرد[s].»
[۱۳]و این چنین، با به انجام رسیدن هر
تجربه‌ای، ابلیس تا زمان مناسب[t] از وی
دور شد.

آغاز کارهای عیسی در جلیل
(متی ۴:۱۲-۱۷؛ مرقس ۱:۱۴-۱۵)

[۱۴]و عیسی با نیروی روح[u] به جلیل
بازگشت و در سراسر آن ناحیه شایعات
دربارهٔ او پراکنده شد [۱۵]و در کنیسه هایشان
آموزش داده مورد تمجید همگان می بود.

نپذیرفتن گفتار عیسی در ناصره[v]
(متی ۱۳:۵۴-۵۸؛ مرقس ۶:۱-۶)

[۱۶]و به نازارا[w] که در آنجا پرورش یافته
بود، آمد و طبق عادتش روز سبت به
کنیسه[x] داخل شده برای قرائت بر خاست.
[۱۷]و کتاب اشعیای پیامبر به وی داده شد و
طومار را باز کرد، جائی را یافت[y] که نوشته
شده بود:

q- متی این وسوسه را به عنوان دومین وسوسهٔ ابلیس ارائه می نماید و لوقا آن را سومین وسوسه ذکر می کند. در انجیل لوقا وسوسه ها در اورشلیم خاتمه می یابد و رنجهای عیسی، آخرین حملهٔ ابلیس در آنجا خواهد بود (آیه ۱۳). و پیروزی او و شروع رسالت کلیسا نیز در اورشلیم خواهد بود (ر.ک۲۴:۱،۴۲؛ اع۱:۱۲؛ ۲:۱۴).

r- ر.ک مت۴:۵ توضیح h.

s- ر.ک مت۴:۶ توضیح i؛ ۷:۴ توضیح j.

t- ترجمهٔ دیگر: «تا موقع معین». لوقا که پیروزیهای متعدد عیسی را بر دیوها در موارد شفا دادن و راندن ارواح ناپاک روایت خواهد کرد (۴:۴۱؛ ۶:۱۸؛ ۷:۲۱؛ ۸:۲؛ ۱۰:۱۸؛ ۱۱:۱۴-۲۲...) پیش از فرا رسیدن رنجهای عیسی هیچ حملهٔ دیگر شیطان را بر ضد او گزارش نمی کند (۲۲:۳، ۵۳). اما آمدن فرشته در اینجا ذکر نمی شود بلکه در آخرین حملهٔ شیطان در باغ جتسیمانی که موضوع خاص لوقا است (۲۲:۴۳). بدین سان نخستین پیروزی عیسی را پیشاپیش به عنوان مقدمه پیروزی قاطع رستاخیز ذکر می نماید.

u- تحت‌اللفظی: «در نیروی روح» ر.ک ۱:۴ توضیح k و ۴:۱۸ توضیح z.

v- لوقا نخستین موعظه عیسی را در کنیسه ذکر نموده نظیر آنچه در مورد مبشرین در کتاب اعمال رسولان کرده است (۹:۲۰؛ ۱۳:۵؛ ۱۳:۴۴...). وی در این صحنه قسمتهائی از رسالت عیسی را که بعدها انجام خواهد شد در یک‌جا جمع کرده است (مثلاً مطالب آیات ۲۲، ۲۴ در مت۱۳:۵۵، ۵۷ و مر۶: ۳-۴ آمده است و برای درک آیه ۲۳ بایستی وقایعی که در آیات ۴:۳۱-۴۱ روایت شده انجام شده باشد). این قسمت پیشاپیش اعلام می کند که بخشی از قوم اسرائیل عیسی را نمی پذیرند و گفتار و موعظه نجات به مشرکان اعلام می شود (ر.ک اع۲۸:۲۵-۲۸ توضیح s که نتیجه گیری اثر لوقا است).

w- ر.ک مت ۴:۱۳ توضیح q؛ مر۱۰:۴۷ توضیح h؛ اع۱۳:۴۶ توضیح w.

x- کنیسه در شهرهای فلسطین و در نقاط دیگر جهان که در آن دوران مهاجرنشینان یهودی وجود داشت محل اجتماع مذهبی یهودیان بشمار می‌آمد. در این کنیسه ها در روز سبت مراسم مذهبی بجا می‌آوردند و در این مراسم ابتدا قسمتهائی از تورات و کتابهای پیامبران خوانده می شد و در پی آن موعظه انجام می گردید. هر فرد بالغ یهودی می توانست در کنیسه به سخن بپردازد ولی مقامات مسئول کنیسه این کار را معمولاً به کسانی محوّل می کردند که به نوشته های مقدس وارد بودند (ر.ک اع۱۳:۱۵).

y- آیا همان قطعه از کتاب مقدس است که در آن روز سبت برای قرائت پیش بینی شده بود یا اینکه عیسی طومار را گشوده و تصادفاً آن را یافته بود؟ به هرصورت چنین می نماید که لوقا نشان می‌دهد که این قطعه بنا به تقدیر و مشیت الهی به او داده شده است بدین معنی که عیسی آن را جستجو و انتخاب نکرده بلکه آن را تصادفاً یافته است.

۱۸روح خداوند بر من است، زیرا مرا
مسح کرده است[z].
مرا فرستاده تا بینوایان را نوید دهم[a]،
تا آزادی را به اسیران
و بینائی را به کوران ندا دهم،
ستمدیدگان را به آزادی بازگردانم
اش۵۸:۶ ۱۹و سال پذیرۀ خداوند[b] را نوید دهم.
۲۰و طومار را پیچیده آن را به خادم داد
و نشست. و چشمان همه در کنیسه بر وی
دوخته بود. ۲۱و به ایشان شروع به گفتن
کرد[c] که: «امروز این نوشته به گوشهای
شما[d] به تحقّق رسید.» ۲۲و همه بر وی
شهادت داده[e] برای سخنان سرشار از
فیضی[f] که از دهانش خارج می شد تحسین
می کردند و می گفتند: «آیا این همان پسر
یوسف نیست؟» ۲۳و او به ایشان گفت:
«مسلماً این ضرب المثل را به من یادآوری
خواهید کرد که ای پزشک خود را شفا ده،
هرآنچه به ما گفته اند در کفرناحوم[g] انجام
شده است همان را اینجا در موطن[h] خود
نیز انجام بده.» ۲۴امّا او گفت: «آمین به
شما می گویم که هیچ پیامبری، در موطن
خود پذیرفته نشده است.
۲۵در حقیقت به شما می گویم[i]: به روزگار
الیاس بیوه زنان بسیاری در اسرائیل بودند،
چون آسمان مدت سه سال و شش ماه[j] بسته ۱-پاد۱۷:۱
شد، قحطی بزرگی تمام سرزمین را
فراگرفت ۲۶و الیاس به سوی هیچ یک از
آنان فرستاده نشد، ولی به جانب بیوه زنی
در شهر صرفۀ صیدون، ۱-پاد۱۷:۹
۲۷و در روزگار الیشع پیامبر در اسرائیل
جذامیان بسیاری بودند و هیچ یک از آنان
پاک نگشتند ولی نعمان سوری. ۲-پاد۵:۱۴
۲۸و به شنیدن این سخنان، همه در
کنیسه پر از خشم شدند ۲۹و بر خاسته وی
را به بیرون از شهر راندند و او را تا پرتگاه

z- متنی که نقل شده (اش ۶۱:۱-۲) مسلماً درباره تقدیس و مسح پیامبری است (ر.ک ۱-پاد۱۹:۱۶). در اینجا عیسی به روح القدس اشاره می کند که در هنگام تعمید دریافت کرد و منبع و سرچشمه پیام و عمل نجات او می باشد.
a- این عبارت را می توان بدین گونه نیز ترجمه کرد: مرا مسح کرده است تا مژده را به بینوایان نوید دهم...
b- تحت اللفظی: سالی پذیرا از خداوند. نقل قول از کتاب اشعیا پیش از جملۀ تهدیدآمیز پایانی قطع شده، در جائی که می گوید: یک روز انتقام برای خدای ما. منظور از سال پذیرا سال یوبیل است که برطبق تورات تعیین شده است (لاو۲۵:۱۰-۱۳).
c- ترجمه دیگر: شروع کرد با گفتن...
d- ترجمه دیگر: برای اینکه شما بشنوید. عیسی آمدن خود را به عنوان دوران فیض معرفی می کند چنانکه پیامبر اعلام کرده بود. لوقا در نوشته های خود اکثراً از امروز نجات یاد کرده است (۲:۱۱؛ ۳:۲۲؛ ۱۳:۳۲؛ ۱۹:۹؛ ۲۳:۴۳).
e- این جمله در نوشته های لوقا به مفهوم آن است که شنوندگان نظر موافق دارند (اع۶:۳؛ ۱۰:۲۲؛ ۲۲:۱۲).
f- تحت اللفظی: سخنان فیض. یعنی پیامی که از فیض سرچشمه می گیرد و یا پیامی که فیض را اعلام می نماید (ر.ک اع۱۴:۳؛ ۲۰:۳۲؛ ر.ک ۲۰:۲۴).
g- در تعداد زیادی از نسخه های خطی کاپرناحوم آمده که شاید تلفظ این کلمه به لهجه اهالی سوریه است.
h- وطن عیسی ناصری (ر.ک آیه ۲۳) که در آنجا از عیسی به طرز شایسته ای پذیرا نشدند و پیش بینی می شد که ملت خودش او را طرد خواهد کرد و در مورد رأی عیسی ر.ک مت۱۳:۵۷ توضیح e.
i- آیات ۲۵-۲۶ و آیه ۲۷ که به طرز مشابهی تکراری هستند دو قطعه متقابل را تشکیل می دهند (ر.ک ۱۳:۲-۳ و ۴-۵).
j- در ۱-پاد ۱۸:۱ برای تاریخ الیاس مدّت سه سال خشکسالی ذکر شده ولی در اینجا نظیر آنچه در یع۵:۱۷ آمده است مدّت این آزمون شش ماه بیشتر طول کشیده است. در این افزایش مدّت ممکن است از احادیث یهودیان الهام گرفته باشد که برطبق آنها در پی دان۷:۲۵ و ۱۲:۷ برای آزمون پایان روزگار قائل بوده اند.

کوهی که شهرشان بر آن بنا شده بود[k]
بردند تا از آنجا او را پرتاب کنند ۳۰ اما
وی از میان ایشان گذشته به راه خود
می‌رفت[l].

عیسی در کفرناحوم. اقتدار گفتار وی
(متی ۷:۲۸-۲۹؛ مرقس ۱:۲۱-۲۸)

۳۱ و به کفرناحوم، شهری از جلیل فرود
آمد و در روز سبت آنان را آموزش می‌داد.
۳۲ و از آموزش وی شگفت زده بودند، زیرا
سخن او با اقتدار می‌بود[m]. ۳۳ و در کنیسه
مردی بود که روح دیوی ناپاک داشت و[n] با
صدایی بلند فریاد کرد: ۳۴ «آه! از ما چه
می‌خواهی ای عیسای ناصری[o]؟ آیا برای
هلاک ما آمده‌ای؟ من می‌دانم تو کیستی.
قدّوس خدا[p].» ۳۵ و عیسی وی را نهیب
داده گفت: «خاموش! و از وی بیرون شو.»
و دیو او را در میان افکنده بدون آنکه به
او گزندی برساند از وی بیرون شد. ۳۶ و
حیرت همه را فراگرفت و در بین هم
می‌گفتند: «این سخن چیست؟ با اقتدار و
قدرت به ارواح ناپاک فرمان می‌دهد و
آنان خارج می‌شوند!» ۳۷ و در باره وی در
سراسر آن ناحیه شایعات پراکنده می‌شد.

شفا دادن
(متی ۸:۱۴-۱۷؛ مرقس ۱:۲۹-۳۴)

۳۸ از کنیسه برخاسته به خانه شمعون[q]
وارد شد. مادر زن شمعون به تبی[r] شدید
مبتلا می‌بود و برایش از وی تقاضا کردند
۳۹ و بر روی او خم شده، تب را نهیب داد و
تب او را ترک کرد، در همان دم برخاسته به
آنان خدمت می‌کرد. ۴۰ غروب آفتاب همه
کسانی که افرادی مبتلا به بیماریهای
گوناگون داشتند، ایشان را نزد وی آوردند
و او با نهادن دست‌ها بر هر یک از آنان،
ایشان را شفا می‌داد. ۴۱ از بسیاری[s] نیز
دیوها بیرون می‌شدند که فریادکنان
می‌گفتند: «تو همانا پسر خدا هستی!» و
آنان را نهیب زده نمی‌گذاشت حرف بزنند[t]
زیرا می‌دانستند که او مسیح[u] است.

k- این اطلاعات با وضع جغرافیایی ناصره تطبیق نمی‌کند. چنین می‌نماید که لوقا در این اطلاعات مبالغه نموده تا پیشاپیش قتل عیسی را به وسیله قوم اسرائیل اعلام نماید.

l- در این عبارت مبهم تصریح نشده است که این عمل معجزه‌آسا می‌باشد یا خیر. در نظر لوقا نکته اساسی آن است که نشان دهد عیسی به راه خود ادامه داده و این راه پایان نخواهد یافت مگر در اورشلیم (۱۳:۳۳).

m- لوقا اقتدار سخن عیسی را در آموزشهایش (آیه ۳۲) و در راندن ارواح ناپاک (آیه ۳۶) نشان می‌دهد.

n- ر.ک مر ۱:۳ h. مرقس از روح ناپاک سخن می‌گوید. لوقا گاهی این اصطلاح را بکار می‌برد (۴:۳۶؛ ۶:۱۸؛ ۸:۲۹؛ ۹:۴۲؛ ۱۱:۲۴) و در اینجا آن را با کلمه دیو یک‌جا آورده که با آن آشناتر است (در ۲۳ مورد آن را بکار برده است).

o- ر.ک مر۱:۲۴ توضیح i و لو۸:۲۸.

p- ر.ک مر۱:۲۴ توضیح j و لو۱:۳۵.

q- در انجیل لوقا اولین بار نام شمعون در اینجا آمده است. وی از ۵:۱-۱۱ بدنبال عیسی خواهد بود.

r- در انجیل لوقا عیسی در اینجا طوری به تب خطاب می‌کند چنان که گوئی قدرتی شیطانی است (ر.ک آیات ۳۵ و ۴۱).

s- تفاوتی که در اینجا با انجیل مرقس وجود دارد، لوقا دیو زدگان را جزو بیماران می‌آورد (ر.ک آیه ۳۹؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۳:۱۱؛ اع۱۰:۳۸؛ ۱۹:۱۲).

t- ر.ک مر۱:۳۴ توضیح p.

u- مرقس گفته دیوها را در ۳:۱۱ روایت کرده که می‌گویند تو پسر خدا هستی. لوقا عنوان پسر خدا را با عنوان مسیح یکی کرده (ر.ک اع۹:۲۰، ۲۲)؛ و در ۱:۳۲، ۳۵؛ ۲۲:۶۷، ۷۰ این دو عنوان را به ترتیب اهمیت یکی پس از دیگری آورده است.

عزیمت از کفرناحوم
(متی ۴:۲۳؛ مرقس ۱:۳۵-۳۹)

۴۲روز که فرا رسید، بیرون شده و به
صحرا رفت و جمعیّت در جستجوی او
می بودند و نزد او رسیدند و می خواستند
وی را نگاه دارند تا از آنان دور نشود
۴۳امّا به آنان گفت: «باید نوید
فرمانروائی خدا[v] را به شهرهای دیگر نیز
برسانم زیرا برای همین فرستاده
شده ام[w].» ۴۴و در کنیسه های یهودیّه[y] ندا
می داد[x].

صید معجزه آسا. شمعون، یعقوب و یوحنا به دنبال عیسی می روند[z]
(متی ۴:۱۸-۲۲؛ مرقس ۱:۱۶-۲۰؛ یوحنا ۲۱:۱-۱۱)

۵ ۱چون جمعیّت او را احاطه کرده و
کلام خدا را گوش می دادند،
هنگامی که وی در کرانهٔ دریاچه[a] جنیسارت
ایستاده بود ۲دو قایق در کرانه دریاچه
ایستاده دید، ماهیگیران پیاده شده تورهای
خود را می شستند. ۳او به یکی از قایق ها
که متعلق به شمعون بود سوار شده از وی
خواهش کرد اندکی از خشکی دور شود و
نشسته از قایق جماعت را آموزش
می داد[b]. ۴وقتی از سخن گفتن باز ایستاد به

v- اصطلاح فرمانروائی خدا که عیسی غالباً ذکر می کند نخستین بار در انجیل لوقا در اینجا به کار برده شده است. این اصطلاح با نظریات مندرج در کتاب مقدس و سنت های یهودیان ارتباط داشته و پادشاهی جاودانی خدا را بر دنیا بیان می کند (مز۹۳:۱-۲؛ ۹۵:۳؛ ۹۹:۱-۴ ...) و تجلی پیروزمندانه آن را در دوران نجات اعلام می نماید (اش۵۲:۷؛ مز ۹۶:۱۰؛ ۹۷:۱؛ ۹۸:۶ ...) عیسی معمولاً در نوید خود مفهوم اخیر را می پذیرد. کلمهٔ یونانی basileia که در متن اصلی بکار رفته و فرمانروائی ترجمه کرده ایم بایستی به مفهوم کشور پادشاهی درک شود، مخصوصاً در موارد مجازی که نجات به مانند جائی توصیف می شود که در آن وارد می شوند (۱۸:۲۴-۲۵)، یا محلی که در آنجا اقامت می گزینند (۲۸:۷)، یا در آنجا در ضیافت شرکت می نمایند (۱۳:۲۸-۲۹؛ ۱۴:۱۵؛ ۲۲:۱۶، ۳۰) و همچنین موقعی که این اصطلاح در مثل ها بکار برده می شود، ولی در قسمتهائی که جنبهٔ مجازی آن کمتر است و فرمانروائی خدا در دوران نجات متجلی و شناخته شده است بایستی پادشاهی ترجمه شود (۱۰:۹، ۱۱؛ ۱۱:۲؛ ۲؛ ۱۷:۲۰، ۲۱؛ ۱۹:۱۱؛ ۲۱:۳۱؛ ۲۲:۱۸؛ ۲۳:۵۱). در انجیل لوقا اکثراً مانند این متن، فرمانروائی خدا موضوع گفتار عیسی (۸:۱؛ ۹:۱۱؛ ۱۶:۱۶) یا شاگردانش می باشد (۲۹، ۶۰؛ ر.ک اع۱:۳ توضیح g).

w- در انجیل لوقا عیسی توضیح می دهد به علت رسالتی که از خدا دریافت کرده است از کفرناحوم عزیمت می نماید (ر.ک ۱۸:۴).

x- ترجمه دیگر: موعظه می کرد، ر.ک ۳:۳ توضیح d.

y- در تعداد زیادی از نسخه های خطی به جای یهودیه، جلیل نوشته شده که از نظر جغرافیائی صحیح است و در متن مشابه مر ۱:۳۹ نیز جلیل آمده است. در نسخه های دیگر به درستی یهودیه نوشته شده و با زبان لوقا تطبیق می نماید. در این مورد ر.ک ۱:۵ توضیح m.

z- در انجیل لوقا گرایش نخستین شاگردان عیسی درپی معجزه های کفرناحوم ذکر شده و در این مورد با انجیل های متی و مرقس تفاوت دارد. احتمالاً لوقا محل این روایت را تغییر داده (آیه ۴:۳۸ مناسب تر می بود که پس از این روایت بیاید) تا دلیل پاسخ شاگردان را بهتر توجیه نماید. ضمناً فقط لوقا به این واقعه صید معجزه آسا را افزوده است (در یو۲۱:۱-۱۴) روایت یک صید معجزه آسا پس از رستاخیز عیسی آمده است). این معجزه گفتار عیسی را در مت۴:۱۹ و مر۱:۱۷ تشریح می کند.

a- لوقا که به دنیای مدیترانه تعلق دارد هرگز به مانند متی و مرقس این دریاچه را به نام دریا نمی خواند.

b- صحنهٔ مشابهی در مت۱۳:۲-۳ و مر۴:۱-۲ وجود دارد.

شمعون گفت: «به سوی آبهای عمیق جلو
برو و تورهای خود را برای صید رها
کنید.» [5]و شمعون در پاسخ گفت:
«سرور[c]، تمام شب را بدون آنکه چیزی
بگیریم زحمت کشیده ایم امّا برابر سخن تو
تورها را رها خواهم کرد.» [6]و این کار را
کرده، تعداد زیادی ماهی گرفتند که
تورهایشان پاره می شد. [7]و آنها به شرکای
خود در قایق دیگر اشاره کردند که به یاری
ایشان بیایند و آمده هر دو قایق را به حدّی
پُر از ماهی کردند که فرو می رفتند.
[8]شمعون پطرس[d] با دیدن این به پاهای
عیسی افتاده گفت: «خداوندا از من دور
شو زیرا من مردی گناهکارم[e]!» [9]زیرا
حیرت، او و همهٔ کسانی را که با او
می بودند فراگرفته بود به سبب این صید
ماهی که کرده بودند، [10]همچنین یعقوب و
یوحنّا، پسران زبدی را که شرکای شمعون
بودند. و عیسی به شمعون گفت: «هراسان
مباش، از این پس انسانها را صید خواهی
کرد[f].» [11]و قایق ها را به خشکی آوردند و
همه چیز را رها کرده[g] به دنبال او رفتند[h].

تطهیر یك جُذامی
(متی ۸:۱-۱۴؛ مرقس ۱:۴۰-۴۵)

[12]باری چون وی در یکی از شهرها[i]
می بود، اینک مردی پُر از جُذام[j] با دیدن
عیسی، به روی در افتاده و از وی تمنّا کرده
گفت: «خداوندا، اگر بخواهی می توانی
مرا پاک گردانی [13]و او را لمس کرده
گفت: «می خواهم، پاک شو.» و همان دم
جُذام وی را ترک کرد. [14]و به وی سفارش
کرد چیزی به کسی نگوید: «امّا برو و خود
را به کاهن نشان بده و برای پاک شدنت
برابر آنچه موسی امر کرده است به جهت
شهادت[k] به آنان، تقدیم کن.» [15]دربارهٔ او
گفتگو بیش از پیش شایع می گشت[l] و
جمعیت های بسیاری برای شنیدن سخنان او

c- کلمهٔ یونانی epistates (سرور) که در این مورد بکار رفته عنوانی است که مختص انجیل لوقا است و به استثنای ۱۳:۱۷ همواره شاگردان با این عنوان عیسی را خطاب می کنند (۲۴:۸، ۴۵؛ ۳۳:۹، ۴۹). این عنوان نشانهٔ ایمان عمیق تری است که شاگردان نسبت به اقتدار عیسی ابراز می کنند و از کلمهٔ didaskalos که مصطلح تر است و در اناجیل دیگر آمده و استاد ترجمه می شود وزن و اهمیت بیشتری دارد.
d- این تنها موردی است که لوقا پطرس را با این نام (شمعون پطرس) ذکر می کند درصورتی که در مت ۱۶:۱۶ و معمولاً در انجیل یوحنا به این گونه نامیده می شود (مخصوصاً در ۲:۲۱، ۳، ۷ و ۱۱).
e- کلمهٔ گناهکار ترجمه تحت اللفظی است و با توجه به اوضاع و احوال ممکن است این کلمه مناسب نباشد. در مورد این کلمه توصیفی ر.ک مر ۱۵:۲ m. پطرس در این معجزه نیروی خدائی عیسی (خداوند) را تشخیص داده و اعتراف می کند که لایق نیست با او بماند.
f- ر.ک مر ۱۷:۱ توضیح c.
g- لوقا تنها انجیل نگاری است که در اینجا و در روایت های مربوط به دعوت شاگردان یادآوری می کند که شاگردان بایستی همه چیز را رها کرده و به دنبال عیسی بروند (۲۸:۵؛ ۲۲:۱۸؛ ر.ک ۳۳:۱۲؛ ۳۳:۱۴).
h- ر.ک مت ۲۰:۴ توضیح x.
i- ترجمه دیگر: «یکی از این شهرها» و منظور شهرهائی است که در ۴۳:۴ ذکر گردیده اند.
j- ر.ک مت۸:۲ توضیح l.
k- این شهادت هم دربارهٔ قدرت عیسی و هم اطاعت او از تورات است. احتمالاً این شهادت علاوه بر اینکه خطاب به کاهنی است که شفا یافتن جذامی را تشخیص می دهد (لاو۱۴:۲-۳) به مقامات یهود نیز خطاب می شود. مفسران دیگری تصور می کنند که این شهادت خطاب به تمام قوم می باشد.
l- تحت اللفظی: گفتار دربارهٔ او باز هم بیشتر منتشر می شد.

و شفا یافتن از ناتوانی های خود گرد
می‌آمدند. ۱۶امّا وی خود در صحرا کناره
گرفت و نیایش می کرد[m].

درمان مفلوج، نشانهٔ بخشایش[n]
(متی ۹:۱-۸؛ مرقس ۲:۱-۱۲)

۱۷باری در یکی از روزها که به آموزش
مشغول می بود، فریسیان و عالمان شریعت
از همه روستاهای جلیل و یهودیّه و اورشلیم
آمده[o] نشسته بودند و قدرت خداوند[p] در
او می بود تا شفا دهد ۱۸و اینک بر روی
تختی[q] مردی را آوردند که مفلوج می بود و
می خواستند او را به داخل آورده و نزد او
بگذارند ۱۹و به سبب ازدحام جمعیّت
راهی برای وارد کردنش نیافته به پشت بام
بالا رفتند و از میان سفالها[r] وی را با
بسترش به پائین داده در میان [در برابر]
عیسی نهادند. ۲۰و او با دیدن ایمان ایشان
گفت: «ای انسان[s] گناهانت بخشیده
شد.» ۲۱و کاتبان و فریسیان در دل خود به
استدلال شروع کرده گفتند: «این دیگر
کیست که کفرهائی بر زبان می‌آورد؟ چه
کسی می تواند گناهان را ببخشاید، مگر
تنها خدا[t]؟» ۲۲عیسی با دانستن
اندیشه هایشان جواب داده و به ایشان
گفت: «در قلبهایتان به چه می اندیشید[u]؟
۲۳کدام آسان تر است گفتن اینکه گناهانت
بخشیده شد یا گفتن اینکه قیام کن و راه
برو؟ ۲۴پس برای آنکه بدانید که پسر
انسان[v] بر روی زمین اقتدار دارد که گناهان
را ببخشاید به مفلوج گفت: به تو می گویم
قیام کن و بسترت را برداشته به خانه خود
برو.» ۲۵و در همان لحظه، او در برابرشان
برخاست و آنچه را که بر روی آن خوابیده
بود برداشته درحالی که خدای را تجلیل
می کرد[w] به خانه خود رفت. ۲۶شگفتی همه

m- این یادآوری دربارهٔ نیایش عیسی با آنچه مرقس در ۱:۳۵ روایت کرده است تطبیق می نماید ولی در انجیل لوقا مشابه و نظیر آیه مذکور وجود ندارد. ضمناً لوقا نیایش را همچون یک عادت عیسی ارائه می نماید ر.ک لو۳:۲۱ توضیح c.

n- در اینجا یک رشته بحث و مجادله آغاز می گردد که تا آیه ۶:۱۱ ادامه خواهند یافت.

o- تعداد حاضران خیلی بیشتر از آن است که در روایت‌های مشابه متی و مرقس ذکر گردیده و این نکته اهمیت اظهارات عیسی را نشان می دهد.

p- در اینجا کلمهٔ خداوند به مفهوم خدا است. لوقا برای نشان دادن معجزه های باری تعالی (۱:۳۵) و عیسی (۴:۳۶؛ ۶:۱۹؛ ۸:۴۶؛ اع ۱۰:۳۸) و رسولان (۱:۹؛ اع۳:۱۲؛ ۴:۷، ۳۳) یا شمعون ساحر (اع۸:۱۰) از قدرت یاد می کند.

q- تحت‌اللفظی: تختخوابی. لوقا در اینجا همان کلمه ای را که متی آورده بکار می برد ولی در آیات ۱۹ و ۲۴ مصغّر این کلمه را بکار برده تا نشان دهد که نوعی برانکار یا تخت کوچک می باشد. ضمناً مانند متی از بکار بردن کلمه ای که مرقس در این مورد آورده و در زبان یونانی خیلی عامیانه است خودداری نموده است.

r- لوقا در اینجا خانه ای را توصیف می کند که به سبک یونان و رُم بام آن با سفال پوشیده می شود.

s- کلمه ای که عیسی به مرد بیمار خطاب می کند و ای انسان ترجمه کرده ایم به صورت خطاب نمی توان ترجمه کرد. همین کلمه در ۱۲:۱۴ و ۲۲:۵۸، ۶۰ بکار برده شده است. در قسمتهای مشابه مت۹:۲ و مر۲:۵ عیسی به بیمار خطاب می کند: پسرم (تحت‌اللفظی: کودک) ولی لوقا این عنوان را در گفتگوهای خودمانی برای خطاب بکار می برد (۲:۴۸؛ ۱۵:۳۱؛ ۱۶:۲۵). در موارد دیگر دوست من خطاب می نماید (۱۱:۵؛ ۱۴:۱۰). بنابراین در متن بالا لوقا می خواهد تمایز و فاصله ای بین عیسی و مرد مفلوج قائل گردد.

t- نظریه کاتبان صحیح است ولی لازم بود بررسی کنند که آیا ادعای عیسی پایه و اساسی دارد یا خیر.

u- هم‌چنین می توان ترجمه کرد: چرا می اندیشید؟...

v- ر.ک مت ۸:۲۰ توضیح c.

w- ر.ک ۲:۲۰ توضیح i.

را فرا گرفت و خدای را تجلیل می کردند و
ترسان شده می گفتند: «امروز چیزهای
عجیبی دیدیم!»

دعوت از لاوی و فراخواندن گناهکاران
(متی ۹:۹-۱۳؛ مرقس ۲:۱۳-۱۷)

۲۷ و بعد از آن، بیرون رفته، باجگیری[x]
به نام لاوی[y] را دید که در باجگاه نشسته
بود و به او گفت: «به دنبال من بیا» ۲۸ و
او همه چیز را رها کرده برخاست و به دنبال
وی روان شد[z]. ۲۹ و لاوی از وی پذیرائی
بزرگی در خانه خویش کرد[a] و جمعیّت
بسیاری از باجگیران و دیگر افراد[b] با آنان
بر سر سفره می بودند. ۳۰ و فریسیان و
کاتبان[c] برضد شاگردانش زمزمه کرده
می گفتند: «چرا با باجگیران و گناهکاران
می خورید و می نوشید[d]؟» ۳۱ و عیسی به
سخن درآمده به ایشان گفت: «آنان که
تندرست هستند به پزشک نیاز ندارند بلکه
کسانی که ناخوش هستند[e]. ۳۲ من نیامده ام
تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه
فراخوانم[f].»

سؤال در بارهٔ روزه
(متی ۹:۱۴-۱۵؛ مرقس ۲:۱۸-۲۰)

۳۳ ایشان به او گفتند[g]: «شاگردان
یحیی[h] اغلب روزه می گیرند و نیایش
می کنند، همچنین [شاگردان] فریسیان امّا
[شاگردان] تو می خورند و می نوشند!»
۳۴ عیسی به ایشان گفت: «آیا می توانید
ساقدوش ها[i] را تا زمانی که داماد با آنان
است به روزه گرفتن وادار کنید؟»
۳۵ روزهائی خواهد رسید... و وقتی داماد
از آنان گرفته خواهد شد آنگاه در آن روزها
روزه خواهند گرفت[j].»

x- ر.ک ۱۲:۳ توضیح x.
y- در عهد جدید از این شخص فقط در این صحنه در اناجیل مرقس و لوقا نام برده شده است. در انجیل متی ۹:۹ بجای او نام متی ذکر گردیده است (ر.ک مت ۹:۹ توضیح x).
z- در اناجیل متی و مرقس در این مورد گفته شده که به دنبال او رفتند و تفاوتی که در اینجا وجود دارد لوقا تأکید می کند که لاوی به صورت رسولی دائمی درآمده و همه چیز را رها کرده بود (ر.ک ۱۱:۵ توضیح g).
a- از محتوای مت ۱۰:۹ و شاید مر ۱۵:۲ ممکن است چنین استنباط کرد که منظور خانهٔ عیسی می باشد در صورتی که بنا به انجیل لوقا عیسی هرگز خانه ای نداشته است (ر.ک ۵۸:۹).
b- متی و مرقس در مورد این افراد کلمهٔ گناهکاران را بکار برده اند چنان که فریسیان هم در آیه ۳۰ آنان را چنین می خوانند در صورتی که لوقا از بکار بردن این کلمه خودداری کرده است.
c- در حقیقت بیشتر کاتبان جزو فرقه فریسیان بوده اند.
d- ر.ک مت ۱۱:۹ توضیح a. در انجیل لوقا سرزنش متوجه شاگردان است (و در این مورد با اناجیل متی و مرقس تفاوت دارد) و احتمالاً به خاطر رعایت احترام استاد می باشد (ر.ک ۲:۶).
e- عیسی گناهکاران را به صورت بیمارانی می نگرد که نیازمند شفا هستند و خود را چون طبیب بشمار می آورد (ر.ک ۲۳:۴).
f- لوقا در اینجا کلمات فراخواندن به توبه را افزوده تا موضوعی را که خیلی به آن علاقمند است تصریح کرده باشد. در جاهای دیگر نیز در مورد اینکه عیسی به توبه دعوت می کند اصرار و تأکید نموده (۱۳:۱-۵؛ ۱۵؛ ۱۶:۳۰؛ ۲۴:۴۷) و موفقیت این دعوت را یادآوری می نماید (۷:۳۶-۵۰؛ ۱۹:۱-۱۰؛ ۲۳:۴۰-۴۳). این دعوت خطاب به همه است زیرا عادلان واقعی وجود خارجی ندارند (ر.ک به نکته متناقضی که در ۷:۱۵ ذکر شده است).
g- در انجیل لوقا مخاطبان عیسی، نظیر صحنهٔ قبلی، باز هم فریسیان هستند و این نکته عجیب است زیرا در ضمن صحبت از شاگردان فریسیان یاد می کنند.
h- ر.ک ۱:۱۱. بعداً لوقا از شاگردان یحیی تعمید دهنده سخن خواهد گفت (ر.ک ۷:۱۸-۱۹).
i- ر.ک مر۲:۱۹ توضیح r.
j- ر.ک مت ۹:۱۵ توضیح e, f, g, h.

نو و کهنه
(متی ۹:۱۶-۱۷؛ مرقس ۲:۲۱-۲۲)

۳۶و باز به آنان مثلی[k] گفت: «هیچ کس
تکّه پارچه ای از جامه نو را پاره نمی کند تا
جامه کهنه ای را وصله کند وگرنه البته هم
نو پاره خواهد شد و هم وصله ای که از نو
گرفته شده با کهنه جور در نخواهد آمد[l].
۳۷و هیچکس شراب تازه را در مشکهای
کهنه نمی ریزد وگرنه البته هم شراب تازه
مشکها را دریده و به زمین خواهد ریخت و
هم مشکها از بین خواهد رفت. ۳۸امّا
شراب تازه را باید در مشکهای نو ریخت
۳۹و هیچ کس[m] پس از نوشیدن [شراب]
کهنه[n] از تازه نمی خواهد. زیرا می گویند:
«آن که کهنه است خوب است[o].»

خوشه چینی در روز سبت
(متی ۱۲:۱-۸؛ مرقس ۲:۲۳-۲۸)

۶ ۱باری یک [روز] سبت[p] چون از
میان کشتزارها عبور می کرد،
شاگردانش خوشه ها را کنده در دستهایشان
به هم مالیده و می خوردند. ۲برخی فریسیان
گفتند: «چرا کاری می کنید که در سبت
جایز نیست[q]؟» ۳و عیسی در پاسخ به آنان
گفت: «مگر نخوانده اید[r] که داود وقتی
خود و همراهانش گرسنه شدند چه کرد؟»
۴چگونه به خانه خدا وارد شد و نانهای
تقدیمی را برداشته از آنها خورد و به
همراهانش داد که خوردنش مجاز نبود مگر
تنها برای کاهنان[s].» ۵و[t] به ایشان می گفت:
«پسرانسان خداوند سبت است[u].»

k- با ذکر این مقدمه لوقا صحنهٔ قبلی را از سه مثل بعدی جدا می کند. در این مثل ها موضوع انتخاب بین کهن (که البته منظور شیوه های معمولی یهودیان است) و جدید (یعنی انجیل) می باشد.

l- لوقا تصویری را که متی و مرقس ترسیم کرده اند تشدید نموده و می گوید که حیف است برای وصله کردن جامهٔ کهنه تکّه ای از جامه نو برداشته شود.

m- این آیه که مختص به انجیل لوقا است در تعدادی از نسخه های خطی وجود ندارد ولی کاملاً مورد تائید است.

n- در تعدادی از نسخه های خطی در اینجا عبارت «به زودی» اضافه شده است.

o- کلمهٔ «خوب» ترجمهٔ تحت اللفظی است ولی بطوری که از بعضی نسخه های خطی معلوم می شود منظور مقایسه است ولی در زبان آرامی این کلمه را «بهتر» ترجمه می کنند اما در بیان عیسی مقایسه وجود ندارد، چون در زمان عیسی، صفت تفضیلی وجود نداشته، از این رو در ترجمه تحت اللفظی از کلمه «خوب» استفاده شده است.

p- در بسیاری از نسخه های خطی این کلمه به صورتی است که ترجمهٔ تحت اللفظی آن «سبت دوم اول» می شود و این طرز بیان با روش بیان معمولی یهودیان تطبیق می کند. لازم به یادآوری است در این فصل که برداشت محصول نزدیک می شود خوردن دانه های تازه محصول قبل از دادن نوبر ممنوع است (لاو۲۳:۱۴). با توجه به این نکته که با رسوم یهودیان و با وضعیت بالا تطبیق می کند مسلماً عبارت نسخه های مذکور خیلی قدیمی و احتمالاً متن اصلی می باشد و بعضی آن را «دومین سبت اولین ماه» ترجمه کرده اند (ر.ک آداب و رسوم کلیساهای قدیم در ارتباط با برداشت انگور در روز پانزدهم ماه اوت).

q- در اینجا هم نظیر آیه ۵:۳۰ لوقامی نویسد که فریسیان شاگردان عیسی را سرزنش می کردند و هرگاه عبارت آیه ۱ به طوری که در توضیح قبلی ذکر شده پذیرفته شود مفهوم این سرزنش به دستورات و رسوم قدیمی یهودیان مربوط می شود. در اینجا هم عیسی به فریسیان پاسخ می دهد (ر.ک یو ۱۶:۱۴ توضیح j).

r- ر.ک ۱-سمو۲۱:۲-۷.

s- ر.ک قانونی که در لاو۲۴:۵-۹ آمده است.

t- در یکی از نسخه های قدیمی این آیه پس از آیه ۱۰ آمده و واقعه کوچکی بدین شرح در اینجا گنجانیده شده است: «در همین روز وقتی دید کسی در روز سبت کار می کند به او گفت: ای مرد اگر می دانی چه می کنی تو خوشبختی ولی اگر نمی دانی، ملعون و متخلف از تورات هستی.»

u- ر.ک مر۲:۲۸ توضیح a.

شفای مردی با دست مفلوج در روز سبت
(متی ۱۲:۹-۱۴؛ مرقس ۳:۱-۶)

[۶] باری در سبت دیگری، به کنیسه وارد
شده و آموزش می‌داد. و در آنجا مردی بود
که دست راستش خشکیده بود[v]. [۷] کاتبان و
فریسیان مترصد بودند [تا ببینند] آیا در
سبت شفا می‌دهد[w] تا چیزی برای متهم
کردن او بیابند [۸] امّا او از اندیشه های[x]
آنان آگاه بود. به آن مرد که دستش
خشکیده بود گفت: «قیام کن و در این
میان بایست» و وی قیام کرده بایستاد.
[۹] عیسی به ایشان گفت: ازشما آن را
می‌پرسم: آیا در سبت نیکی کردن یا بدی
کردن؟ نجات یک جان یا هلاکت آن جایز
است[y]؟» [۱۰] و نگاهش را به روی همه آنان
گردانده به او گفت: «دستت را دراز کن»
و وی همان کرد و دستش به حالت اوّل
برگشت[z]. [۱۱] امّا ایشان سرشار از جهالت
بین خود صحبت می‌کردند تا چه می‌توانند
بر سر عیسی بیاورند[a].

گزینش دوازده رسول
(متی۱:۵؛ ۱۰:۱-۴؛ مرقس۳:۱۳-۱۹)

[۱۲] باری در آن روزها به سوی کوه بیرون
شد تا نیایش کند و همهٔ شب را به نیایش
خدا می‌گذرانید[b]. [۱۳] و وقتی روز
فرارسید، شاگردانش را فراخوانده و از
میان آنان دوازده تن برگزید، آنانی را که
رسول[c] خواند: [۱۴] شمعون، همان کسی که
او را پطرس[d] نامید و آندریاس برادرش و
یعقوب و یوحنّا و فیلیپس و برتولما [۱۵] و

v- ترجمه دیگر: فلج شده.
w- فریسیان متشرع عمل شفا دادن را حتی موقعی که به صورت معجزه انجام می‌شد یک عمل پزشکی می‌شمردند و بنابراین انجام آن را در روز سبت ممنوع می‌دانستند (ر.ک ۱۳:۱۴؛ ۱۴:۱-۲).
x- لوقا قبلاً فراست عیسی را در آیه ۵:۲۲ ذکر کرده چنانکه متی و مرقس نیز یاد کرده‌اند ولی در اینجا و هم‌چنین در ۹:۴۷ تنها لوقا این نکته را یادآوری می‌کند (ر.ک ۱۱:۱۷؛ ۲۰:۲۳).
y- ر.ک مر۳:۴ توضیح e.
z- ترجمه دیگر: شفا یافت.
a- در اینجا متی و مرقس نیت جنایتکارانه فریسیان (و هیرودیان) را علیه عیسی ذکر می‌کنند در صورتی که لوقا قصد آنان را مشخص نمی‌کند. شاید بدین سبب که هنوز زمان این تهدید نرسیده و همچنین بدین سبب که هرگز فریسیان را در مرگ عیسی دخالت نمی‌دهد و مسئولیت این عمل را به کاهنان اعظم نسبت می‌دهد.
b- دربارهٔ نیایش عیسی در انجیل لوقا ر.ک ۳:۲۱ توضیح c. در اینجا نیایش عیسی نشانهٔ اهمیت گزینش دوازده رسول می‌باشد.
c- لوقا یادآوری می‌کند که دوازده تن از بین شاگردان انتخاب شده‌اند (ر.ک اع۱:۲، ۲۴) و عنوان رسول یافته‌اند چون رسالت داشته‌اند (ر.ک مت۱۰:۲ توضیح w)؛ این عنوان کسانی است که عیسی می‌فرستد تا پیام نجات او را ببرند. لوقا این عنوان را ۶ بار در انجیل خود بکار برده (در اینجا؛ ۹:۱۰؛ ۱۱:۴۹؛ ۱۷:۵؛ ۲۲:۱۴؛ ۲۴:۱۰)، متی و یوحنا یک بار و مرقس دو بار این عنوان را ذکر کرده‌اند. لوقا برخلاف پولس این عنوان را فقط در مورد دوازده تن بکار می‌برد (به استثنای اع۱۴:۴، ۱۴).
d- بنا به نظریه‌ای که در کتاب مقدس وجود دارد هرگاه کسی نام جدیدی را به کسی می‌دهد بر او قدرت و تسلط می‌یابد (۲-پاد۲۳:۳۴؛ ۲۴:۱۷) چنان که پدر به هنگام تولد پسرش بر او نام می‌گذارد. ضمناً با تأثیر این نام برای او سرنوشت جدیدی تعیین می‌کند، مخصوصاً موقعی که خدا نام جدید را تعیین می‌نماید (پید۱۷:۵، ۱۵؛ ۳۲:۲۹). تخصیص نام پطرس (یا کیفا به معنی صخره) برای شمعون در اناجیل در مواقع مختلفی ذکر شده است مثلاً متی نسبتاً دیرتر در ۱۶:۱۸ این موضوع را ذکر می‌نماید و پس از آن که شمعون، مسیح بودن عیسی را اقرار می‌کند. یو۱:۴۲ این نکته را در نخستین برخورد شمعون با استاد ذکر کرده است و مر۳:۱۶ و لوقا انتخاب این نام را در هنگام گزینش دوازده تن آورده‌اند، هر دو انجیل نگار مذکور این نکته را تایید کرده و تا آن لحظه او را شمعون می‌نامند (لو۴:۳۸؛ ۵:۱-۱۰ به استثنای ۵:۸) و سپس پطرس می‌خوانند (ولی لوقا در ۲۲:۳۱ و ۲۴:۳۴ او را شمعون نامیده که حتماً این قسمت‌ها از منابع مخصوصی گرفته شده‌اند).

متّی و توما و یعقوب [پسر][e] حلفی و
شمعون مشهور به زیلوت[f] ۱۶و یهودا
[پسر][g] یعقوب[h] و یهودای اسخریوطی[i] که
یک خائن شد.

عیسی و جمعیّت مردم
(متی ۴:‏۲۴-‏۲۵؛ مرقس۳:‏۷-‏۱۱)

۱۷و با آنان فرود آمده، در جای مسطحی
ایستاد و جمعیّت بیشماری از شاگردانش و
مردمان بسیاری از سراسر یهودیّه[j] و اورشلیم
و کرانهٔ صور وصیدون [در آنجا بودند]
۱۸که برای شنیدن [سخنان] وی و شفای
بیماری های خود آمده بودند. و آنان که
به وسیله ارواح ناپاک رنج می کشیدند شفا
می یافتند ۱۹و همه جمعیت در صدد لمس
کردن وی می بودند زیرا نیرویی از او ساطع
می شد[k] و همه را شفا می داد.

گفتار خطاب به شاگردان. خوشبخت‌ها و بدبخت‌ها[l]
(متی ۵:‏۱-‏۱۲)

۲۰و او چشمان خود را بر روی
شاگردانش برگردانده می گفت:
«خوشا[m] بر شما ای

e- یا برادر.
f- لوقا ترجمه کلمه ای آرامی را آورده و به یونانی zelot (یعنی غیور) ذکر کرده در صورتی که مت۱۰:‏۴ و مر۳:‏۱۸ واژهٔ کنعانی را ذکر کرده اند (ر.ک مت۱۰:‏۴ توضیح z).
g- یا برادر.
h- این رسول با آن کسی که متی او را لبّه نامیده و مرقس وی را تدّی می خواند تطبیق می کند و نام او در اع۱:‏۱۳ و یو۱۴:‏۲۲ نیز ذکر شده است (ر.ک مت۱۰:‏۳ توضیح y) در زبان یونانی نام او با نام یهودا یکی است و برای آن که از یهودا تشخیص داده شود او را یهودا پسر یعقوب می خوانند.
i- ر.ک مت ۱۰:‏۴ توضیح a.
j- در اینجا کلمهٔ یهودیه احتمالاً شامل تمام سرزمین فلسطین می شود (ر.ک ۱:‏۵ توضیح m).
k- ر.ک ۵:‏۱۷ توضیح p و ۸:‏۴۶ توضیح q.
l- مجموعه آموزشهائی که در آیات ۲۰-‏۴۹ ذکر شده با گفتار عیسی بر روی کوه که در بابهای ۵-‏۷ انجیل متی آمده تطبیق می کند و در آنجا بیشتر مطالب انجیل لوقا را می توان یافت ولی در انجیل لوقا این آموزشها در زمان دیرتری در رسالت عیسی قرار گرفته است (اعمال وی قبل از گفتارهایش می باشند: لو۲۴:‏۱۹؛ اع۱:‏۱؛ ۱۰:‏۳۹)، به علاوه این آموزشها خیلی کوتاهتر هستند. حتماً لوقا از منبع روایاتی که در اختیار داشته مطالبی را که مطلقاً مربوط به یهودیان بوده و ارتباطی به خوانندگانش نداشته کنار گذاشته است مثلاً مطالبی که در مت۵:‏۱۷-‏۳۸؛ ۶:‏۱-‏۶، ۱۶-‏۱۸ آمده است. لوقا این آیات را به صورت گفتاری ارائه می کند که قبل از همه به شاگردان خطاب می شود تا طرز رفتار شاگرد کامل را تعیین نماید. در این مطالب پس از آنچه دربارهٔ خوشبختی ها و بدبختی ها آمده (آیات ۲۰-‏۲۶) دعوت محبت نسبت به دشمنان (آیات ۲۷-‏۳۵)، جوانمردی نسبت به دیگران (آیات ۳۶-‏۴۲)، واقعیت گرائی مؤثر در زندگی شاگردان (آیات ۴۳-‏۴۹) ذکر شده است و در برابر موهبت نجات که اعلام های سعادت ابدی را در بردارند کسی که پیرو واقعی عیسی است بایستی با محبت جوانمردانه و حقیقی پاسخ دهد.
m- این طرز گفتار که در طی آن سعادت ابدی اعلام می شود در روایت کتاب مقدس و روایات یهود معمول بوده و در مواردی است که پیامبری از شادی آینده خبر می دهد (اش۳۰:‏۱۸؛ ۳۲:‏۲۰؛ دان۱۲:‏۱۲...) یا در مورد سپاسگزاری به خاطر شادمانی زمان حاضر است (مز۳۲:‏۱-‏۲؛ ۳۳:‏۱۲؛ ۸۴:‏۵، ۶:‏۱۳...) یا در پند واندرزهای حکما و اعلام وعده پاداش می باشد (امث۳:‏۱۳؛ ۸:‏۳۲، ۳۴؛ بنسی۱۴:‏۱-‏۲، ۲۰؛ ۲۵:‏۸-‏۹؛ مز۱:‏۱؛ ۲:‏۱۲؛ ۳۴:‏۹...) منظور از این اعلام ها همواره شادمانی است که خدا عطا می کند.
در انجیل ها تعدادی از اعلام های سعادت که عیسی بیان نموده ذکر شده است. بعضی از آنها به خاطر موهبتی که عطا شده است تبریک می گویند (مت۱۳:‏۱۶؛ ۱۶:‏۱۷) و بیشتر آنها وعده به کسانی است که پیام را می پذیرند (مت۱۱:‏۶؛ لو۱۱:‏۲۸؛ ۱۲:‏۳۷، ۳۸، ۴۳؛ ۱۴:‏۱۴؛ یو۱۳:‏۱۷؛ ۲۰:‏۲۹).

فقیران[n] زیرا ملکوت خدا از آن شماست.
۲۱خوشا بر شما که اکنون گرسنه اید،
زیرا سیر خواهید شد[o]،
خوشا بر شما که اکنون گریانید[p] زیرا
خندان خواهید شد.
۲۲خوشا بر شما اگر به خاطر پسر انسان
مردم به شما کینه ورزند و شما را طرد کنند
و به شما ناسزا گفته نامتان را به بدی
ببرند[q]. ۲۳آن روز شاد باشید و از شادی
پایکوبی کنید چون که اجر شما در آسمان
بزرگ است، زیرا پدران ایشان به این گونه
با پیامبران رفتارمی کردند[r].
۲۴امّا وای بر شما[s] ای ثروتمندان، زیرا
تسلاّی خود را یافته اید.

گفتار حاضر با اعلام های سعادت ابدی در انجیل لوقا و همچنین در انجیل متی آغاز می شود ولی لوقا فقط چهار مورد آنها را ذکر می نماید که برابر آنها را در نه موردی که متی آورده می توان یافت (مت۵:۱-۱۲). مواردی که لوقا ذکر کرده بیشتر به اوضاع فعلی و واقعیت های مربوط است، در صورتی که موارد مذکور در متی بیشتر رفتار مبتنی بر عدالت و انصاف در نظر است. ممکن است متی جنبهٔ پند و اندرز این گفتارها را تشدید کرده و لوقا با توجه به علاقه ای که نسبت به فقیران دارد بیشتر به جنبهٔ اجتماعی این اعلام ها پرداخته باشد (ر.ک توضیح بعدی).

در انجیل لوقا در پی اعلام های مربوط به سعادت ابدی، چهار اعلام در مورد جنبهٔ مخالف آنها می آید که مرتباً برای خوشبخت های این دنیا از بدبختی خبر می دهد. متی این موارد مخالف را ذکر نمی نماید و برخی تصور کرده اند که لوقا رأسا آنها را نوشته است تا بر تعلیم مربوط به سعادتهای ابدی تاکید نماید. ولی این فرضیه مسلم نیست زیرا قبلاً در کتاب مقدس موارد مشابهی آمده که اعلام سعادتهای ابدی همراه با اعلام بدبختی ها است (طو۱۳:۱۴؛ امث۱۴:۳۸ جا۱۰:۱۶-۱۷ اش۳:۱۰-۱۱؛ ار۱۷:۵-۸). ضمناً لحن خشن این تهدیدها با نرمخوئی روحیه لوقا تطبیق نمی نماید.

نظریه کلی اعلام های سعادت ابدی در انجیل لوقا عبارت از وعدهٔ نجات به کسانی است که فقیر و اندوهگین هستند و در این اعلام ها ملکوت خدا مانند تغییر اوضاع کنونی نشان داده می شود (ر.ک لو۱:۵۱-۵۳؛ ۱۶:۱۹-۲۶).

در انجیل یوحنا فقط دو بار اعلام سعادت وجود دارد (۱۳:۱۷؛ ۲۰:۲۹) اما در مکاشفه موارد بسیاری ذکر شده است، هم در ارتباط با اعلام سعادت (۱:۳؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۶:۱۵؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷،۱۴) و هم در مورد اعلام بدبختی (۸:۱۳؛ ۹:۱۲؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۸:۱۰-۱۶) اما این اعلام ها مانند اناجیل متی و لوقا پشت سر هم نیستند.

n- به طوری که در اعلام های سعادت ابدی بعدی و بدبختی های مخالف آنها نشان داده شده در اینجا بدواً سخن درباره کسانی است که از نظر نعمتهای این دنیا فقیر هستند (در صورتی که در انجیل متی درباره کسانی می باشد که در روح فقیر می باشند). عیسی اکثراً گفتارهای خود را برای آنان اظهار می کند (مر۱۰:۲۱؛ ۱۲:۴۳ و//) و لوقا هم توجه مخصوصی به آنان دارد (۱۴:۱۳؛ ۲۱؛۱۶:۱۹-۲۶؛ ۱۹:۸). وقتی که عیسی پیام خود را قبل از هر کس به فقیران خطاب می کند (۴:۱۸؛ ۷:۲۲) نظر به حقیران (۱۰:۱۲) و فروتنان نیز دارد (۱۴:۱۱؛ ۱۸:۱۴) که خودش نیز در میان آنان به دنیا آمده است. این توجه و ارج نهادن که نسبت به بینوایان و حقیران ابراز شده نشانهٔ اختیار بخشایش مطلق خدا و دعوتی است بر این که از لطف و عنایت او می توان همه چیز انتظار داشت و نیز بیانگر همدردی و دلسوزی برای فقیران است و لوقای طبیب به این نکته حساسیت دارد.

o- این وعده انعکاسی از موضوع زمان آخر دارد. قبلاً در عهد عتیق سیر شدن گرسنگان اعلام می شد (اش۴۹:۱۰؛ ار۳۱:۱۲،۲۵؛ حزق۳۴:۲۹؛ ۳۶:۲۹) و گاهی نظیر این مورد اعلام خوشحالی را در پی اشکها اضافه می کرد (اش۲۵:۶-۹).

p- اشکها و خنده ها اصطلاحات ملموس تری هستند و احتمالاً از آنچه متی در ۵:۴ ذکر کرده قدیمی ترند و منظور وی اشخاص خوشبخت و بدبخت این دنیا می باشند. در سرتاسر بقیه انجیل نشان داده می شود که کافی نیست آدمی بدبخت یا خوشبخت باشد تا خوشبختی یا بدبختی ابدی بدست آورد بلکه بایستی وضعیت خود را در پرتو نجات تشخیص دهد و آن را بپذیرد.

q- این عبارت اصطلاحی از زبان سامی است که در مت۵:۱۱ وجود ندارد و در اصل بایستی به این مفهوم باشد: وقتی شما را بدنام کنند.

r- از دوران آنتیوخوس چهارم که در سال ۱۶۷ پیش از میلاد یهودیان را اذیت و آزار و شکنجه می کرد (۲-مک۶-۷) یهودیان اکثراً بر رنجها و مصائبی که پیامبران متحمل شده و شهید می شدند تأکید کرده اند و عیسی هم اغلب از شهید شدن پیامبران یاد کرده است (لو۱۱:۴۷-۵۱؛ ۱۳:۳۳-۳۴).

s- چهار اعلامی که در ادامه ذکر می شود و کاملاً به موازات و در مقابل اعلام سعادتهای ابدی آمده برای آن است که وعده ها و همچنین وظایف و الزامات را بطور برجسته نمایان کنند. شروع این عبارات به صورت نفرین (بدبختی بر شما باد) نیست و بیانگر محکومیت مسلم و تغییرناپذیر نمی باشد (شما بدبخت هستید) و تهدید هم نیستند بلکه دعوت جدی به توبه هستند

اش۶۵:۱۳-۱۴ ۲۵وای بر شما که اکنون سیر هستید زیرا
گرسنه خواهید شد.
وای بر شما که اکنون خندانید زیرا ماتم
گرفته و خواهید گریست.
۲۶وای بر شما اگر همه[t] مردم از شما به
نیکی سخن گویند زیرا پدران ایشان به
این گونه با پیامبران دروغین رفتار
می‌کردند.»

محبت به دشمنان
(متی ۵:۳۹-۴۷)

۲۷«امّا به شما که به من گوش می‌دهید[u]
روم۱۲:۱۴-۲۱ می‌گویم: به دشمنان خود محبّت کنید، به
کسانی که به شما کینه می‌ورزند نیکی
نمائید، ۲۸برای آنانی که شما را لعنت
می‌کنند، برکت بخواهید، برای آنانی که به
شما افترا می‌زنند دعا کنید.
۱-قرن۶:۷ ۲۹به هر کس که به گونهٔ تو سیلی زند
گونهٔ دیگر را نیز عرضه کن و هرکس قبای
تورا برگیرد، ردای خود را نیز از او دریغ
مدار[v]. ۳۰به هرکس که از تو طلب کند بده
و از کسی که مال تو را برگیرد، آن را از او
باز مخواه ۳۱و همان طوری که می‌خواهید
مردم با شما رفتار کنند، به همان گونه با
آنان رفتار کنید[w].
۳۲اگر به کسانی محبّت نمائید که به شما
محبّت می‌کنند، چه فیضی[x] برای شما
خواهد بود؟ زیرا حتی گناهکاران هم کسانی
که ایشان را محبّت نمایند، محبّت
می‌کنند. ۳۳و اگر به کسانی نیکی نمائید
که به شما نیکی می‌کنند[y]، چه فیضی برای
شما خواهد بود؟ گناهکاران نیز چنین
می‌کنند. ۳۴و اگر به کسانی وام دهید که از
آنان امید باز پس گرفتن دارید، چه فیضی
برای شما خواهد بود؟ گناهکاران نیز به
گناهکاران به امید دریافت معادل آن وام
می‌دهند. ۳۵بر عکس به دشمنانتان محبّت
نمائید و نیکی کنید و بدون هیچ امید به
باز پس گرفتن، وام دهید. و اجر شما عظیم
خواهد بود[z] و شما پسران آن اعلی خواهید بنسی۴:۱۰-۱۱
بود زیرا او نسبت به ناسپاسان و شریران،
مهربان است.»

(ر.ک ۱۰:۱۳؛ ۱۱:۴۲-۵۲؛ ۱۷:۱؛ ۲۱:۲۳؛ ۲۲:۲۲).

t- کلمه «همه» در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد و همچنین در عبارت مشابهی که در آیه ۲۲ ذکر شده نیامده است.

u- عیسی پس از در نظر گرفتن اشخاص متنعّم این دنیا، اکنون به شنوندگان خود خطاب می‌کند.

v- لوقا ترتیب منطقی تری از مت۵:۴۰ پیشنهاد می‌کند، وانگهی موضوعی که متی مطرح می‌کند درباره دادرسی است در صورتی که لوقا از تجاوز و تعدی سخن می‌گوید.

w- متی در آیه ۷:۱۲ می‌گوید که این دستور بر طبق تورات و کتابهای پیامبران یعنی خلاصه اظهارات عهد عتیق است، در صورتی که لوقا این عبارت را نیاورده است. به نظر او تورات و کتابهای پیامبران اصولاً پیشگوئی دربارهٔ عیسی هستند (۲۴:۲۷، ۴۴).

x- به جای نظریه حقوقی اجر و پاداش که در انجیل متی آمده (مت۵:۴۶)، لوقا حق شناسی و رضایت خاطر را نظیر آیه ۱۷:۹ ذکر کرده است. به نظر او این کلمه یادآور لطف و عنایت خدا است (ر.ک ۱:۳۰؛ ۲:۴۰، ۵۲). ضمناً بجای باجگیران و مشرکان که در مت۵:۴۶-۴۷ آمده لوقا گناهکاران را ذکر کرده است.

y- به جای موضوع سلام کردن اهالی مشرق زمین که متی در ۵:۴۷ ذکر کرده لوقا این عبارت کلی و اخلاقی را می‌آورد.

z- ترجمه دیگر: بدون این که از چیزی نومید شوید. در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: بدون این که کسی را نومید کنید یا از کسی نومید شوید.

سخاوت به همنوع
(متی ۵:۴۸؛ ۷:۱-۱۲؛ ۱۵:۱۴؛ ۱۰:۲۴-۲۵؛ ۷:۳-۵)

۳۶ «دلسوز باشید، همان گونه که پدر
شما دلسوز است[a]. ۳۷ و قضاوت نکنید[b]
و دربارهٔ شما قضاوت نخواهد شد؛
روم۱۴:۱۰ محکوم نکنید و محکوم نخواهید شد؛
ببخشید و بخشیده خواهید شد ۳۸ بدهید
و به شما خواهند داد، پیمانه ای درست،
انباشته، تکان داده و لبریز در دامنتان[d]
مر۴:۲۴ خواهند ریخت[c]. زیرا[e] با پیمانه ای که
پیمانه کنید در عوض برای شما پیمانه
خواهند کرد.»

۳۹ باز برای آنان مثالی زد: «آیا کوری
می تواند کوری را راهنمایی کند؟ آیا هر دو
به گودالی نخواهند افتاد[f]؟ ۴۰ شاگرد برتر
از استاد نیست. چون آموزش بیند مانند
استادش خواهد شد.
یو۱۳:۱۶؛ ۱۵:۲۰ ۴۱ چرا به کاهی که در چشم برادرت است
نگاه می کنی؟ و تیرکی را که در چشم
خودت است ملاحظه نمی کنی؟ ۴۲ چگونه
می توانی به برادرت بگوئی: برادر، بگذار
کاه را که در چشم تو است درآورم، تو که
تیرکی که در چشم خودت هست نمی بینی.
ای ریاکار[g]! اوّل تیرک را از چشم خود
بیرون بیاور آنگاه کاهی را که در چشم
برادرت هست به خوبی خواهی دید.»

شاگرد واقعی
(متی ۱۲:۳۳-۳۷؛ ۷:۱۶-۲۱)

۴۳ البته درخت خوبی وجود ندارد که میوهٔ
فاسد آورد، نه بر عکس درخت فاسدی که
میوهٔ خوب آورد. ۴۴ زیرا هر درختی از میوه
خاص خود شناخته می شود، زیرا انجیر را از
روی خار برنمی چینند، همچنین از بوته خار
انگور خوشه چینی نمی کنند. ۴۵ مرد نیکو،
از گنجینهٔ نیکوی قلب خویش آنچه نیکو
است بیرون می آورد و [مرد] بد از
[گنجینه] بد خویش آنچه بد است بیرون
می آورد زیرا دهان از افزونی قلب سخن
می گوید[h].

a- این کلمه را می توان رحیم نیز ترجمه کرد. مت در ۵:۸ می گوید کامل باشید که اصطلاحی در شرع یهود می باشد در صورتی که لوقا خدا را دلسوز یا رحیم توصیف می نماید و این اصطلاح در روایات عهد عتیق معمول است (خروج۳۴:۶؛ تث۴:۳۱؛ مز۷۸:۳۸؛ ۸۶:۱۵...) و ممکن است عیسی همین کلمه را بکار برده باشد. ضمناً این کلمه مفهوم تمام این بخش (آیات ۳۶-۴۲) را می رساند.

b- ر.ک مت۷:۱ توضیح v. در این عبارات افعالی که به صورت مجهول بکار برده شده اند بیانگر داوری خدا هستند.

c- خواهند ریخت ترجمه تحت اللفظی است. با این که این فعل به صورت جمع آمده و فاعل معیّنی ندارد بر طبق روش زبانهای سامی ممکن است بیانگر عمل خدا باشد (ر.ک ۱۲:۲۰؛ ۱۶:۹).

d- در کشورهای شرقی برای جمع کردن حبوبات از دامن بلند ردای خود استفاده می کردند (ر.ک روت۳:۱۵).

e- کلمه «زیرا» در تعدادی از نسخه های خطی وجود ندارد.

f- مت در ۱۵:۱۴ این تصویر را در مورد فریسیانی بکار می برد که قوم خود را گمراه می کنند. لوقا آن را به شاگردان خطاب کرده و مخصوصاً مسئولان ایشان را به روشن بینی دعوت می نماید.

g- کلمهٔ ریاکار ترجمه تحت اللفظی است، ر.ک مت۶:۲ توضیح v؛ ۲۳:۲۸؛ مر۱۲:۱۵. این کلمه که در انجیل لوقا فقط در ۱۲:۵۶ و ۱۳:۱۵ آمده در کتاب مقدس مفهوم وسیعتری از معنای معمولی آن دارد. گاهی به معنی سرپوش گذاشتن و کتمان عمدی بکار می رود (مت۲۲:۱۸) و گاهی نشان می دهد که بین رفتار ظاهری و افکار درونی تفاوت وجود دارد (مت۷:۱۵؛ ۲۳:۲۵، ۲۷) یا چنان که در اینجا بکار رفته به مفهوم نادرستی اعم از عمدی یا غیرعمدی می باشد. در ضمن اغلب به معنی بی دین و هرزه است.

h- در آیه اخیر تمثیل درخت و میوه اش در مورد گفتار آدمی بکار برده شده چنان که متی نیز در ۱۲:۳۴ آورده است. ولی متی در ۷:۱۶-۲۰ همین تصویر را بکار برده تا بگوید که آدمی بر طبق اعمال خود قضاوت می شود و این موضوع بهتر با اوضاع و احوال تطبیق می نماید (ولی در مت۷:۱۵-۲۳ این درس فقط برای تشخیص پیامبران دروغین است).

۴۶چرا مرا خداوندا، خداوندا می نامید و آنچه را می گویم انجام نمی دهید؟

(متی ۷:۲۴-۲۷)

۴۷هر کس نزد من آید و سخنان مرا بشنود و آنها را بکار بندد به شما نشان می دهم به چه کس می ماند.
۴۸وی به مردی می ماند که خانه ای بنا می کند، [زمین را] کنده، گود کرده و پی ها را بر روی صخره نهاده است. طغیان آب فرا رسیده، سیل بر این خانه زده و ابداً نتوانسته آن را متزلزل کند زیرا خوب بنا شده بود[i].
۴۹امّا آن کس که شنیده و بکار نبسته به مردی می ماند که خانه ای بدون پی ها بر خاک بنا کرده باشد. سیل بر آن زده و همان دم فروریخته و مصیبت این خانه عظیم بوده است!»

ایمان یك افسر رومی
(متی ۸:۵-۱۳؛ یوحنا ۴:۴۶-۵۴)

۷ ۱پس از آنکه تمام سخنانش را به گوش قوم خوانده به پایان رسانید[j] به کفرناحوم وارد شد.
۲باری در آنجا یوزباشی[k] برده ای داشت که حالش بد و مشرف به مرگ بود[l] و برایش گرامی می بود.
۳چون شنیده بود از عیسی حرف می زنند چند تن از مشایخ[m] یهود را به سوی او فرستاد تا درخواست کنند بیاید و برده اش را نجات دهد.
۴چون نزد عیسی آمدند با اصرار از او درخواست کرده می گفتند: او شایستهٔ آن است که این را فراهم آوری
۵زیرا ملت ما را دوست دارد و هم او است که کنیسه را برای ما بنا کرده است[n].
۶عیسی با آنان راه می رفت و چون هنوز از آن خانه زیاد دور نبود، آن یوزباشی دوستانی فرستاد تا به او بگویند: «خداوندا به خودت زحمت مده زیرا من لایق آن نیستم که به زیر بام [خانه] من وارد شوی.
۷همچنین خود را شایسته آن

i- لوقا همان منظره ای را که مربوط به فلسطین است و متی در ۷:۲۴-۲۵ ذکر کرده با دنیای یونانی منطبق می کند و سرزمینی را در نظر دارد که در آنجا برای پی ریزی ساختمان بایستی زمین را عمیق حفر نمود و در جائی که رودخانه ها دائمی هستند و فقط به هنگام طغیان و افزایش آب خانه ها را تهدید می کنند. منظور عیسی (و متی) سیل و سیلابهائی است که در هنگام رگبار شدید بر خانه می زنند.

j- تحت اللفظی: «وقتی که تمام سخنانش را به گوشهای مردم به کمال رساند.» این گفتار قبل از همه به شاگردان خطاب می شد (ر.ک ۶:۲۰ توضیح m). روایت شفا دادن که بعداً می آید کمتر دربارهٔ معجزه است (آیه ۱۰) و بیشتر بر ایمانی که موجب چنین شفا دادن شده تأکید می کند. لوقا نظیر متی این واقعه را به عنوان مقدمهٔ ورود غیریهودیان به کلیسا می بیند ولی فقط لوقا دربارهٔ روابط خوبی که این افسر با یهودیان داشته است اصرار می نماید (آیات ۳-۵) و فروتنی او را یادآوری می کند (آیات ۶-۷) و به خوبی می داند چقدر برای یک فرد یهودی دشوار است دعوت فردی غیریهودی را بپذیرد (اع۱۰:۲۸؛ ۱۱:۳).

k- افسر ارتش رومی که تقریباً بر یک صد نفر فرماندهی می کند. ضمناً او فردی غیریهودی است (ر.ک آیه ۹).

l- چون اربابش غیریهودی است این کلمه را در این مورد «برده» ترجمه می کنند، در صورتی که در موارد دیگر «خدمتگزار» ترجمه می شود. در اینجا نظیر یو۴:۴۹ بیمار در خطر مرگ است و در این مورد با روایت متی تفاوت دارد.

m- تحت اللفظی: قدما. ترجمه دیگر: اشراف.

n- لوقا نشان می دهد که این فرد مشرک نسبت به آئین یهود احساسات مساعدی دارد، نظیر افسری به نام کرنلیوس که در اع۱۰:۲ ذکر شده است،

ندیدم که نزد تو بیایم، امّا سخنی بگو،
باشد که برده‌ام شفا یابد[o] ۸زیرا من که
فردی هستم زیر اقتدار دیگری، در زیر دست
خود سربازانی دارم و به یکی می‌گویم برو!
و می‌رود و به دیگری بیا! و می‌آید و به
برده‌ام: این را بکن و می‌کند.» ۹با شنیدن
آن، عیسی او را تحسین کرد و رو برگردانده
به جمعیّتی که به دنبال او می‌آمدند گفت:
«این را به شما می‌گویم: حتی در اسرائیل
هم، چنین ایمانی نیافته‌ام[p].» ۱۰و کسانی
که فرستاده شده بودند، در بازگشت به
خانه، برده[q] را سالم یافتند.

رستاخیز جوانی اهل شهر نایین

۱۱باری بعد، به سوی شهری به نام نایین[r]
رهسپار شد و شاگردانش و جمعیّتی بیشمار
با او راه می‌رفتند ۱۲وقتی به نزدیک
دروازهٔ شهر رسید در آنجا مرده ای را
می‌بردند، پسر یگانه ای[s] که مادرش بیوه
بود و جمعیّت بسیاری از شهر به همراه آن
زن بودند. ۱۳و با دیدن آن زن، خداوند[t] ۱-پاد۱۷:۱۰
بر او ترحم کرده به او گفت: «گریه مکن»
۱۴و نزدیک شده، تابوت[u] را لمس کرد و
حاملان ایستادند و او گفت: «ای جوان به
تو می‌گویم: قیام کن[v].» ۱۵و مرده نیم‌خیز
شد و شروع به حرف زدن کرد و [عیسی] او
را به مادرش داد[w]. ۱۶ترس همه را
فراگرفت و خدا را تجلیل کرده[x] می‌گفتند:

o- در تعداد زیادی از نسخه ها، همانند مت۸:۸ در اینجا نوشته شده است: «شفا خواهد یافت.»
p- «ایمان» یوزباشی رومی عبارت از این است که اقتدار عیسی را بدون قید وشرط می‌پذیرد (ر.ک مت۸:۱۰ توضیح q). ضمناً عبارتی که لوقا آورده در مقایسه با آنچه متی نسبت به اسرائیل گفته است شدت کمتری دارد.
q- در تعداد زیادی از نسخه های خطی به جای برده کلمهٔ «بیمار» یا «بردهٔ بیمار» آمده است.
r- لوقا این روایت را که مختص به خود او است در اینجا آورده تا سخن عیسی را که در ۷:۲۲ می‌آید آماده نماید (برابر این آیه در مت۱۱:۵ بوسیله آیات ۹:۲۳-۲۶ آماده شده است). به طوری که اغلب در انجیل لوقا دیده می‌شود روایتی که دربارهٔ عیسی است نشانه هائی از زندگی الیاس دارد (۱-پاد۱۷:۱۰، ۱۲، ۱۷-۲۴).
s- فقط لوقا این نکته را که مشابه ۸:۴۲ و ۹:۳۸ می‌باشد ذکر کرده و احتمالاً یادآوری معجزهٔ الیاس می‌باشد (۱-پاد۱۷:۱۲).
t- لوقا در قسمتهائی از انجیل که به صورت نقل روایت است حدود بیست بار این عنوان را برای عیسی قائل شده است البته غیر از مواردی که عنوان «خداوند» خطاب به عیسی بوده و مفهوم ضعیف تری دارد. لوقا بدین وسیله سلطنت اسرارآمیز عیسی را نشان می‌دهد. متی و مرقس هرکدام فقط یک بار عیسی را با عنوان «خداوند» می‌نامند (مت۲۱:۳؛ مر۱۱:۳).
u- بر طبق عادات و رسوم فلسطینیان جسد را مستقیماً بر روی تخت روان می‌گذاشتند ولی لوقا نظیر آیه ۵:۱۹ وضعیت را با اوضاع و احوال یونانیان و رومیان توصیف می‌کند.
v- فعل egerein که معنی اصلی آن «بلند کردن» و «بلند شدن» است چنان که در آیه ۱۶ به این معنی بکار برده شده (ر.ک لو۱:۶۹؛ ۳:۸؛ ۵:۲۳، ۲۴؛ ۶:۸؛ اع۹:۸؛ ۱۰:۲۶) به معنی «بیدار کردن» نیز آمده است (ر.ک اع۱۲:۷) ولی از موقعی که اعتقاد به رستاخیز مردگان بوجود آمده در مورد «برخاستن از میان مردگان» بکار می‌رود (ر.ک دان۱۲:۲). لوقا نظیر دیگر نویسندگان عهد جدید این واژه را در مورد رستاخیز عمومی در زمان آخر بکار می‌برد (۲۰:۳۷ و شاید ۱۱:۳۱)، ولی همچنین در موارد زنده کردن مردگان که بوسیله عیسی انجام شده (۷:۲۲؛ ۸:۵۴) و در مورد رستاخیز خود خداوند آورده است (۹:۲۲؛ ۲۴:۶، ۳۴). این واژه اکثراً در پیام کهن روز عید گذر بکار برده شده (اع۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۳۷؛ ۱-تسا۱:۱۰؛ ۱-قرن۱۵:۴، ۱۲-۱۵...) و به موازات فعل anastemi به معنی برخاستن است و در لو۸:۵۵ (ر.ک آیه ۵۴)؛ ۱۸:۳۳؛ ۱۴:۷، (ر.ک آیه۶) ۴۶ و در کتاب اعمال رسولان آمده است (ر.ک اع ۱۰:۴۰).
w- در اینجا نظیر آیه ۹:۴۲ لوقا معجزهٔ الیاس را یادآوری می‌کند (۱-پاد۱۷:۲۳).
x- ر.ک ۲:۲۰ توضیح t.

«در میان ما پیامبری بزرگ[y] قیام کرده و
خدا از قوم خود دیدار نموده است[z].» ۱۷و
این سخن در بارهٔ او و در سراسر یهودیه و
همه منطقه[a] پراکنده شد.

پرسش یحیی تعمید دهنده دربارهٔ عیسی
(متی ۱۱:۲-۶)

۱۸و شاگردان یحیی به او از همهٔ اینها
خبر دادند و یحیی دو تن از شاگردانش را
خوانده ۱۹آنان را فرستاد تا به خداوند[b]
بگویند: «آیا تو «آنی» که می‌آید[c]، یا
باید در انتظار دیگری باشیم[d]؟» ۲۰این
مردان نزد او آمده گفتند: «یحیی تعمید
دهنده ما را فرستاده به تو بگوئیم: «آیا تو
«آنی» که می‌آید، یا باید در انتظار
دیگری باشیم؟» ۲۱در آن ساعت، بسیاری
از مردمان را از بیماریها، از بلاها و از
ارواح شریر شفا داد و به بسیاری از کوران
بینائی عطا کرد[e]. ۲۲و در پاسخ [به
فرستادگان] گفت: «بروید به یحیی آنچه
را دیده و شنیده اید نوید دهید: کوران
بینائی را باز می یابند، لنگان راه می روند،
جذامیان پاک می شوند و ناشنوایان
می شنوند، مردگان قیام می کنند[f] و به
فقیران نوید داده می شود[g]. ۲۳و خوشا به
آن کس که دربارهٔ من لغزش نخورد[h]!»

داوری عیسی دربارهٔ یحیی تعمید دهنده
(متی ۱۱:۷-۱۱)

۲۴چون فرستادگان یحیی رفتند،
[عیسی] در بارهٔ یحیی آغاز به سخن کرده
به مردم گفت: «چرا به صحرا بیرون

y- در عهد عتیق فقط در مورد دو پیامبر گفته شده که کسی را از میان مردگان برخیزانده اند: یکی الیاس (۱-پاد۱۷:۱۷-۲۴) و دیگری الیشع (۲-پاد۴:۱۸-۳۷؛ ۱۳:۲۰-۲۱).

z- ر.ک ۱:۶۸ توضیح t.

a- در نوشته های لوقا اکثراً منظور از «یهودیه» تمام کشور یهودیان است و شامل جلیل هم می شود که نائین نیز جزو آن است (ر.ک ۱:۵ توضیح m)، کلمه «منطقه» ممکن است سرزمین مشرکان باشد که در اطراف آن قرار دارد.

b- در تعدادی از نسخه های قدیمی در اینجا کلمه «عیسی» اضافه شده است ولی عنوان «خداوند» کاملاً تائید شده و مختص به انجیل لوقا است (ر.ک آیه۱۳ توضیح t).

c-این عبارت در انجیل ها برای تعیین مسیح موعود است (مر۱:۷ //؛ ۱۱:۹ //؛ مت ۲۳:۳۹؛ لو۱۳:۳۵؛ یو۶:۱۴؛ ۱۱:۲۷؛ ر.ک مز۱۱۸:۲۶).

d- «یحیی» که به وسیله هیرودیس زندانی شده (۳:۲۰) متوجه می شود که عیسی غیر از آن مسیح موعودی است که داور و تصفیه کننده اسرائیل خواهد بود و در انتظار اوست (۳:۱۶-۱۷) چنان که معاصرانش نیز انتظار دارند . چنین به نظر می رسد پیامی که برای عیسی می فرستد کمتر جنبهٔ سئوال داشته و بیشتر دعوت به مداخله کردن و وارد شدن در عمل است.

e- این آیه که در انجیل متی وجود ندارد (۱۱:۳) و قبلاً معجزه هائی از این قبیل را روایت کرده بوسیلهٔ لوقا در اینجا وارد شده است تا اظهاراتی را که در آیه بعدی می آید پی ریزی نماید (ر.ک ۷:۱۱ توضیح r).

f- عیسی معجزات و گفتارهای خود را با عباراتی ارائه می کند که اشعیا، دوران نجات را اعلام می کرد: اش۲۶:۱۹؛ ۲۹:۱۸؛ ۳۵:۵-۶؛ ۶۱:۱. اینها نشانه های رسالت او به عنوان منجی هستند.

g- لوقا قبلاً در ۴:۸، در موعظه به فقیران قسمتهای اساسی رسالت عیسی را نشان داده است که پیام اشعیا را ۶۱:۱ تحقق می بخشد.

h- عیسی می داند که برای معاصرانش و حتی برای یحیی دشوار است که او را به عنوان مسیح موعود بشناسند. اعلام سعادت ابدی که در اینجا آمده دعوت به ایمان بر مبنای نشانه هائی است که ارائه می نماید.

شده اید؟ برای اینکه یک شاخه نی را که
باد تکان می دهد تماشا کنید[i]؟ ۲۵پس
برای چه بیرون شده اید؟ برای دیدن مردی
که جامهٔ لطیف[j] در بر کرده است؟ اینک
آنان که لباس فاخر در بر دارند و زندگی را
خوش می گذرانند در کاخهای سلطنتی
هستند ۲۶پس برای چه بیرون شده اید؟
برای دیدن یک پیامبر؟... آری، این را به
شما می گویم و برتر از یک پیامبر[k]. ۲۷او
آن کسی است که در باره اش نوشته شده
است: اینک من نوید دهنده خود را پیش
روی تو می فرستم تا راه تو را در برابر قوم
هموار سازد[l]. ۲۸به شما می گویم: از بین
کسانی که از زنان زاییده شده اند هیچ[m]
کس بزرگتر از یحیی نیست، با این همه
کوچکترین در ملکوت خدا از او بزرگتر
است[n].»

استقبال مردم از یحیی تعمید دهنده و عیسی

(متی ۱۱:۱۶-۱۹)

۲۹و همهٔ مردم که گوش داده اند و حتی
باجگیران با تعمید گرفتن از یحیی عدالت مت۲۱:۳۲
خدا را شناختند[o] ۳۰امّا فریسیان و عالمان
شریعت[p]، چون به وسیله او تعمید نیافتند،
مشیّت خدا را نسبت به خود نپذیرفتند[q].
۳۱«مردان این نسل را به چه کسی می توانم
تشبیه کنم و به چه کسی می مانند؟
۳۲ایشان به کودکانی می مانند که در میدان
نشسته یکدیگر را صدا کرده می گویند:
برایتان نی زدیم و نرقصیدید!
نوحه سرائی کردیم[r] و گریه نکردید!
۳۳زیرا یحیی تعمید دهنده آمده که نه
نان می خورد و نه شراب می آشامید و شما
می گوئید: دیو دارد[s]! ۳۴پسر انسان آمده

i- یحیی به سبب سختگیری دربارهٔ عدالت زندانی شده است (۳:۱۹-۲۰) بنابراین همچون «شاخهٔ نی» نیست که بر اثر وزش باد خم شده و سر فرود آورد.

j- یحیی زاهدی ریاضت کش است (۱:۱۵، ۸۰؛ ۷:۳۳) و شخصیتی درباری نیست.

k- در آن دوران بعضی از محافل یهودیان در انتظار «آن پیامبر پیشگام روز خداوند» بودند (یو۱:۲۱؛ ۶:۱۴؛ ۷:۴۰) یعنی موسای نوین طبق تث۱۸:۱۸.

l- در ملا۳:۱ خدا آمدن پیام آوری را اعلام می کند که راه «پیش او را» هموار می نماید (متنی که نزدیک به خروج۲۳:۲۰ است). در اینجا عیسی این متن را نقل می کند تا پیشگام خود را معرفی نماید (ر.ک ۱:۱۷).

m- در تعداد زیادی از نسخه های خطی در اینجا کلمه «پیامبر» افزوده شده ولی این کلمه در متن مشابه در انجیل مت۱۱:۱۱ وجود ندارد.

n- ر.ک مت ۱۱:۱۱ توضیح b. در انجیل لوقا این مطالب که به صورت اثبات و متناقض آن اظهار شده است دوران یحیی و دوران عیسی را کاملاً از یکدیگر متمایز می سازد (ر.ک ۳:۲۰ توضیح z؛ ۱۶:۱۶ توضیح a).

o- تحت اللفظی: «خدا را عادل شناختند» یا «خدا را به عدالت شناختند» یعنی اراده و مشیت خدا را شناخته و آن را انجام دادند. به نظر لوقا همهٔ قوم، حتی گناهکاران رسالت یحیی را پذیرفته بودند (۳:۱۰-۱۴، ۲۱) و این نظریه خوش بین تر از آن است که در ۷:۳۱-۳۵ می آید.

p- لوقا اکثراً این کلمه را بکار برده (۱۰:۲۵؛ ۱۱:۴۵-۴۶، ۵۲؛ ۱۴:۳) در صورتی که متی فقط یک بار در ۲۲:۳۵ آورده است. در حقیقت کلمه ای که «معلمین شریعت» ترجمه کرده ایم کاتبان هستند که در مسائل شرعی اظهار نظر می کردند (۱۱:۴۶-۵۲).

q- ترجمه دیگر: «مشیتی را که خدا برای ایشان داشت نپذیرفتند» (دربارهٔ «مشیت خدا» ر.ک اع۲:۲۳ توضیح k). بر طبق مت۳:۷ بسیاری از فریسیان برای تعمید نزد یحیی آمده بودند.

r- در چندین نسخه خطی در اینجا اضافه شده است: «برای شما» (ر.ک عبارت قبلی).

s- ترجمه دیگر: دیوانه شده است. این عبارت به صورت استعاره و مجازی بکار رفته نظیر یو۷:۲۰ و ۱۰:۲۰ و منظور آن نیست که «شیطان او را تسخیر کرده است.»

است که می‌خورد و می‌آشامد و می‌گوئید:
اینک مردی شکم باره و شرابخواره[t]،
دوست باجگیران و گناهکاران! ۳۵ امّا
حکمت[u] به وسیله تمام فرزندان خود[w] به
عدالت شناخته شده است[v].»

عیسی و زن گناهکار[x]

۳۶ یک فریسی از او خواهش می‌کرد تا با
وی غذا بخورد[y] و به خانهٔ فریسی وارد شده
بر سر سفره نشست[z]. ۳۷ و اینک زنی که در
شهر گناهکار می‌بود[a] و می‌دانست که او مت۲۶:۷؛ مر۱۴:۳؛
در خانهٔ فریسی بر سر سفره نشسته است یو۱۲:۳
شیشه‌ای عطر[b] آورد. ۳۸ و از پشت گریان
نزد پاهایش قرار گرفته[c]، با اشک‌هایش
شروع به خیس کردن پاهای او می‌نمود و با
گیسوانش آنها را خشک کرده پاهای او را
غرق در بوسه می‌کرد و با عطر تدهین
می‌نمود[d].
۳۹ فریسی که او را دعوت کرده بود با
دیدن این با خود گفت: «اگر او پیامبر[e]
می‌بود، می‌دانست زنی که او را لمس
می‌کند کیست و اینکه گناهکاری است[f]!»
۴۰ و عیسی به سخن درآمده به او گفت:
«ای شمعون می‌خواهم چیزی به تو بگویم.»

t- این گفته که از روی کینه و عناد به عیسی تهمت می‌زدند نشان می‌دهد که معاصران عیسی وی را برخلاف یحیی زاهد و مرتاض نمی‌شمردند (ر.ک تفاوتی که در ۱:۸۰ و ۲:۴۰ وجود دارد).

u- لوقا چندین بار روابط بین «حکمت» خدا و عیسی را ذکر کرده که پیام او را می‌آورد (۲:۴۰، ۵۲؛ ۱۱:۳۱؛ ۲۱:۱۵). در اینجا نظیر ۱۱:۴۹ وقتی که عیسی از حکمت خدا سخن می‌گوید نظیر اصطلاحی که بین یهودیان معمول است سخن از خدا و مشیت او است.

v- تحت‌اللفظی: «عادل شمرده شده است». ر.ک آیه ۲۹ توضیح o.

w- در مت۱۱:۹ گفته شده است: «اعمال خود» و ممکن است از متن اصلی که به زبان سامی بوده به دو طرز مختلف ترجمه شده باشد. به نظر لوقا سخن از فرزندان حکمت می‌باشد یعنی کسانی که عیسی را بوسیلهٔ ایمان پذیرفته و بدین وسیله به مشیت خدا پاسخ می‌دهند (ر.ک آیه ۳۰) و واقعاً فرزندان خدا هستند (ر.ک یو۱:۱۲).

x- تدهین عیسی در اینجا شبیه تدهین در بیت‌عنیا است که اناجیل دیگر آن را به وقایع رنجها و مصلوب شدن عیسی ربط داده‌اند (مت۲۶:۶-۱۳؛ مر۱۴:۳-۹؛ یو۱۲:۱-۸) ولی در اینجا تدهین مفهوم دیگری دارد، بدین معنی که صحنه‌ای از توبه و بخشایش است و احتمالاً به سبب آیه ۷:۳۴ آورده شده است. لوقا در اینجا موضوع مورد علاقه خود یعنی ترحم عیسی نسبت به گناهکاران را ارائه می‌نماید (۱۵؛ ۱۹:۱-۱۰؛ ۲۳:۴۰-۴۳).

y- لوقا تنها انجیل نگاری است که نشان می‌دهد «فریسیان» تا اندازه‌ای با عیسی موافق هستند به طوری که او را سر سفرهٔ خود دعوت کرده (۱۱:۳۷؛ ۱۴:۱) و او را از تهدید هیرودیس آگاه می‌نمایند (۱۳:۳۱). به احتمال قوی این نظریه نسبت به دیدگاه مرقس و مخصوصاً متی به واقعیت تاریخی نزدیکتر است. به نظر متی فریسیان پس از جدال و مباحثه در مورد کلیسای جدید همواره دشمنان عیسی بشمار آمده‌اند. طرز قضاوت لوقا که با دیگران تفاوت دارد ممکن است تحت تاثیر پولس رسول بوده که به سابقهٔ فریسی بودن خود می‌بالیده است (فی ۳:۵؛ ر.ک اع۲۳:۶؛ ۲۶:۵).

z- تحت‌اللفظی: «دراز کشید.» برای صرف غذا در مهمانی بر روی تشک دراز می‌کشید (ر.ک ۱۱:۳۷؛ ۱۲:۳۷؛ ۱۳:۲۹؛ ۱۴:۷-۱۰؛ ۱۷:۷؛ ۲۰:۴۶؛ ۲۲:۱۴؛ ۲۴:۳۰).

a- به احتمال قوی این زن، مریم خواهر مرتا (یو ۱۰:۳۹) و مریم مجدلیه نبوده‌اند. در خانه‌ای که مهمانی برای صرف غذا است می‌توان آزادانه وارد شد.

b- می‌توان گفت که به علت آب و هوای این منطقه مصرف «عطر» زیاد بوده است.

c- عیسی بر روی تشکی در برابر سفر دراز کشیده (آیه ۳۶) و آن زن در پشت سر او است.

d- نکته عجیب‌تر در اینجا نه رفتار محبت‌آمیز زن نسبت به عیسی بلکه وضعیت اجتماعی و گناهکار بودن او است.

e- بعضی از نسخ می‌گویند: «آن پیامبر» (ر.ک ۷:۲۶ توضیح k).

f- از نظر یک فرد فریسی این زن شرعاً گناهکار بوده و یک پیامبر واقعی بایستی او را از خود دور کند.

و او گفت: «ای استاد بگو.» ۴۱«طلبکاری
دو بدهکار داشت، یکی پانصد دینار[g] و
دیگری پنجاه دینار به او بدهکار بودند
۴۲چون چیزی برای پس دادن نداشتند، هر
دو را بخشید. حال کدام یک از آن دو او را
بیشتر محبت خواهد نمود؟» ۴۳شمعون در
پاسخ گفت: «به گمانم آن که به او بیشتر
بخشید.» [عیسی] به او گفت: «به درستی
داوری کردی.»
۴۴و رو به جانب زن کرده، به شمعون
گفت: «این زن را می بینی؟ من به خانهٔ تو
وارد شدم تو برای شستن پاهایم به من هیچ
آب ندادی[h]، بر عکس، وی پاهای مرا با
اشکهایش خیس کرده و با گیسوانش آنها
را خشک نمود. ۴۵تو مرا هیچ بوسه ای
ندادی، بر عکس، از وقتی که وارد شدم[i]،
او از بوسه زدن بر پاهایم باز نایستاده است.
۴۶سرم را هیچ به روغن تدهین نکردی، بر
عکس، او پاهایم[j]را به عطر تدهین کرده
است. ۴۷به خاطر این، به تو می گویم،
گناهان بسیارش بر او بخشیده شده زیرا
بسیار محبّت کرده است[k]. امّا آن کس که
به او کم بخشیده شود، کم محبّت می کند»
۴۸به [زن] گفت: «گناهانت بخشیده
شد.»
۴۹و کسانی که با او برسر سفره می بودند
بین خود شروع به گفتن کردند: «این کیست ۲۱:۵
که حتی گناهان را می بخشد؟» ۵۰به زن
گفت: «ایمانت تو را نجات داده است! در ۴۸:۸
آرامش برو[l].»

همراهان عیسی در مأموریت او

۸ ۱باری بعد، شهرها و دهات را
می پیمود و مژده فرمانروائی خدا را
ندا داده اعلام می کرد و دوازده تن با وی
می بودند[m]. ۲و همچنین چند تن از

g- ترجمه دیگر: «پانصد سکه نقره». کلمه ای که دینار ترجمه شده پولی برابر مزد روزانه کارگر کشاورزی است (ر.ک مت۲۰:۲).

h- ترجمه دیگر: «بر روی پاهایم آب نریختی.» شستن پاهای مهمان یکی از رسوم مهمان نوازی اهالی مشرق زمین است (پید۱۸:۴؛ ۱۹:۲...). لوقا در مورد مهمان نوازی مریم و مرتا (۱۰:۳۸-۴۲) و زکی (۱۹:۱-۱۰) نسبت به عیسی تأکید می کند.

i- در بیشتر نسخه های خطی به همین ترتیب نوشته شده است: «از وقتی که وارد شدم» ولی در تعدادی از نسخ قدیمی آمده است: «از وقتی که وارد شده است» و برخی تصور می کنند که مورد اخیر بیشتر با محتوای متن روایت تطبیق می نماید.

j- در بعضی از نسخه های قدیمی «پاهایم را» حذف شده و بنابراین باید ترجمه کرد: «آن را به عطر تدهین کرده است.» در این صورت نظیر یو۱۱:۲ موضوع تدهین سر می باشد.

k- اکثراً این سخن عیسی را به همین ترتیب ترجمه می کنند ولی گاهی ترجمه می کنند: اگر به تو بگویم که گناهان بی شمار او بخشیده شده برای آن است که محبت بسیار کرده است. بنابراین گاهی نظیر ترجمهٔ بالا بخشش گناهان را نتیجه محبت می دانند و گاهی با توجه به آیات ۴۱-۴۳ محبت را نتیجه و نشانه بخشیدن می شمارند (ر.ک ۱۹:۸-۹). در قسمت اول این آیه، ظاهراً محبت دلیل بخشش است، هر چند در قسمت دوم محبت نتیجهٔ بخشش است. دلیل این تضاد آن است که این متن از تداخل دو روایت بوجود آمده است. در آیات ۳۷ و ۳۸ و همچنین ۴۴-۴۶ رفتار این زن نشان دهنده محبت عظیم اوست که باعث بخشایش گناهان وی می شود و در نتیجه در قسمت او آیه ۴۷ به خاطر محبتش، گناهانش بخشیده شده است ولی در آیات ۴۰-۴۳ مثل دیگری گنجانده شده که نتیجه اش برعکس است. بخشش بزرگتر باعث محبت عمیق تر می شود، همان طور که در قسمت دوم آیه ۴۷ آمده است.

l- این زن با آمدن نزد عیسی علناً ایمان خود را نشان داده و از گناه روی گردان شده است و بدون اینکه برای عیسی زیانی ایجاد نماید پاک و طاهر گردیده است. ضمناً کلمه ای که در متن اصلی آمده و «در آرامش برو» ترجمه شده به معنی تحت اللفظی: صلح، سلامتی و... می باشد ولی در کتاب مقدس به مفهوم تمامیت زندگی و نجات می باشد و صلح و آرامش روانی مورد نظر نیست؛ ر.ک ۱:۷۹ توضیح j.

m- عیسی رسالت خود را به همراه گروهی از شاگردان انجام می دهد چنانکه بعداً نیز مبشرین مسیحی به همین گونه رفتار می کنند (اع۸:۱۴؛ ۱۱:۲۶؛ ۱۳:۲-۳...) ولی دوازده تن مسئولیت رسالت را تنها پس از ۹:۱-۲ دریافت خواهند کرد.

زنانی[n] که از ارواح شریر و از ناتوانی ها
مر۱۶:۹ شفا یافته بودند: مریم موسوم به مجدلیّه[o] که
از او هفت دیو بیرون شده بود[p]. ۳ و یونا
زن خوزا مباشر[q] هیرودیس و سوسن و
بسیاری [زنان] دیگر که با اموالشان به
ایشان کمک می کردند[r].

مثل بذر
(متی ۱۳:۱-۹؛ مرقس ۴:۱-۹)

۴ در حالی که جمعیّتی بیشمار گرد آمده و
از همه شهرها به سویش می آمدند، به مثل[t]
گفت[s]: ۵ «بذر افشان برای افشاندن بذرش
بیرون شد و چون بذر می افشاند مقداری از
دانه ها در کنار راه افتاد و لگدمال شد و
پرندگان آسمان همه آنها را خوردند.
۶ مقداری دیگر بر سنگ[u] افتاد و پس از
روئیدن خشک شد زیرا رطوبت نداشت.
۷ و مقداری دیگر در میان خارها افتاد و با
آنها رشد کرده، خارها آنها را خفه کردند.
۸ مقداری دیگر در خاک خوب افتاد،
روئیده و صد برابر میوه داد[v].» با گفتن
این بانگ برآورد: «هر که برای شنیدن تث۳:۲۹
گوش دارد بشنود[w].»

دلیل این مثل[x]
(متی۱۳:۱۰-۱۳؛ مرقس۴:۱۰-۱۲)

۹ شاگردانش از او می پرسیدند این مثل
چه معنایی دارد. ۱۰ وی گفت: «شناختن

n- حضور «این زنان» در پیرامون عیسی که مت۲۷:۵۵ و مر۱۵:۴۱ تائید کرده اند واقعه ای استثنائی در دنیای فلسطین است (ر.ک یو۴:۲۷).

o- مریم مجدلیه را مجدداً در پای صلیب (مت ۲۷:۵۶ //)، همچنین در تدفین عیسی (مت۲۷:۶۱ //) و در هنگامی که قبر باز شده است (لو۲۴:۱۰ //) خواهیم دید و بنا به نوشته یو۲۰:۱۱-۱۸ در اینجا نخستین کسی است که مسیح برخاسته از مرگ را می بیند.

p- این نظریه که «چندین دیو» یک نفر را در تصرف داشته باشند مجدداً در ۸:۲۷، ۳۰ و ۱۱:۲۶ ذکر شده است و این نظریه به احتمال قوی تصور یهودیان از قدرت تسلط شیطان بوده تا نفوذ و تسلط شیطان را بر کسی که در تصرف او است نشان دهد (مخصوصاً با ذکر عدد هفت که به معنی تمامیت است). لوقا در مورد مریم مجدلیه تصریح نمی کند که آیا او بیماری داشته یا دیوزدگی. همچنین نمی گوید آیا همان زن گناهکاری است که در ۷:۳۶-۵۰ ذکر شده، چنان که گاهی چنین تصور کرده اند.

q- وظیفه مشخص این کارمند و اهمیت مقام او روشن نشده، نظیر نقش مناحم در نزد هیرودیس که در اع۱۳:۱ ذکر شده است. اشخاص زیادی تصور کرده اند بین نام اطرافیان هیرودیس که لوقا ذکر می نماید و اطلاعاتی که دربارهٔ حکمران رومی و خانواده اش می دهد (لو۳:۱؛ ۱۳:۳۱؛ ۱۹:۱۲-۱۴؛ ۲۳:۷-۱۵؛ اع۴:۲۷؛ ۱۲) ارتباطی وجود دارد.

r- در نسخه های دیگری نوشته شده است: «به او کمک می کردند».

s- لوقا به موازات مت۱۳:۱-۵۲ و مر۴:۱-۳۴ گفتاری به صورت مثل دارد (ر.ک مر۴:۲ توضیح h) ولی این روایت در انجیل لوقا خلاصه تر بیان شده است. شاید دو مثلی را که در ۱۳:۱۸-۲۱ آورده از این گفتار جدا کرده است، ولی مخصوصاً چنین به نظر می رسد که محور این گفتار دربارهٔ دو نکتهٔ متمم باشد: یکی این که راز عیسی در مدت رسالتش منحصر به شاگردان است (۸:۱۰) و این راز در گفتار عید گذر به همگان اعلام می شود (۸:۱۶-۱۷).

t- در مورد این مثل ر.ک مت ۱۳:۱۳ توضیح w.

u- در قسمتهای مشابه در انجیل های متی و مرقس سخن از جاهای سنگلاخی است که در آنها خاک زیادی وجود ندارد و به این ترتیب منظره ای که توصیف می شود نزدیک به حقیقت و شباهت بیشتری با مناطق فلسطین دارد.

v- لوقا از مثل هائی که متی و مرقس روایت کرده اند فقط حداکثر بهره برداری از محصول را ذکر کرده است.

w- ر.ک مر ۴:۹ توضیح l.

x- مانند مرقس (ر.ک مر۴:۱۱ توضیح p و q) لوقا در آیات ۹-۱۰ معنای کاربرد مثل ها را مشخص می کند، اما نسبت به قوم بنی اسرائیل سخت گیری کمتری می کند (ر.ک آیه ۴ توضیح s، آیه ۱۰ توضیح y).

رازهای ملکوت خدا[z] به شما داده شده[y]،
امّا برای دیگران، به مثل ها است تا با
دیدن نبینند و با شنیدن نفهمند[a].»

توضیح دربارهٔ مثل بذر
(متی۱۳:۱۸-۲۳؛ مرقس۴:۱۳-۲۰)

۱۱ «اینک معنی مثل[b]: بذر، سخن خدا
است. ۱۲ آنهایی که در کنار راه هستند
آنانی می باشند که شنیده اند، بعد ابلیس
می آید و سخن را از قلبشان می رباید مبادا
ایمان آورده[c] نجات یابند. ۱۳ آنانی که بر
سنگ هستند کسانی می باشند که سخن را
با شادی می پذیرند چون آن را شنیده اند،
امّا ریشه ندارند: تا زمانی ایمان می آورند
و در زمان تجربه[d]، منحرف می شوند.
۱۴ آنچه در خارها افتاده، آنانی هستند که
شنیده اند و در راه به وسیله نگرانی ها و
ثروت و لذّتهای زندگی خفه شده و به بار
نمی رسند[e]. ۱۵ آنچه در خاک خوب است
آنانی هستند که با قلبی نیکو و شریف[f]
سخن را شنیده، آن را حفظ کرده و با
پایداری[g] میوه می آورند.»

نور برای همگان. نتیجهٔ گفتارها
(مرقس ۴:۲۱-۲۵)

۱۶ «هیچ کس چون چراغی[h] را روشن کرد ۳۳:۱۱؛ مت۵:۱۵
با ظرفی نمی پوشاند یا زیر تختخوابی
نمی گذارد بلکه آن را بر چراغدان می نهد
تا کسانی که وارد می شوند نور را ببینند.
۱۷ زیرا هیچ چیز پنهانی نیست که آشکار ۲:۱۲؛ مت۱۰:۲۶
نگردد و هیچ راز پوشیده ای نیست که
نباید شناخته شده و به روشنائی درآید.
۱۸ پس مراقب باشید که چگونه می شنوید[i]!
زیرا آن که دارد به وی داده خواهد شد و آن
که ندارد حتی آنچه می پندارد[j] دارد، از وی
گرفته خواهد شد[k].»

y- ر.ک مت۱۳:۱۱ توضیح b.
z- ر.ک مت۱۳:۱۱ توضیح c.
a- لوقا مانند مرقس عین مطالب سخت و خشن اش۶:۱۰ را نقل نمی کند ولی در اع۲۸:۲۶-۲۷ آن را به طور روشن و کامل ذکر خواهد کرد، هنگامی که امتناع اکثر قوم اسرائیل مسلم و قطعی می شود.
b- تحت اللفظی: «مثل این است». عیسی اکنون به سئوالی که شاگردان در آیه ۹ کرده بودند پاسخ می دهد (ر.ک مر۴:۱۴t).
c- فقط لوقا تصریح می کند که بایستی سخن خدا را در «ایمان» پذیرفت (ر.ک آیه ۱۳). در اینجا نظیر پولس می افزاید که این ایمان دسترسی به «نجات» را مقدور می سازد.
d- متی و مرقس از بدبختی و فلاکت در زمان آخر (ر.ک مت۲۴:۲۱، ۲۹؛ مر۱۳:۱۹، ۲۴) و از جفای مسیحیان سخن می گویند در صورتی که منظور لوقا زندگی روزمره مسیحیان است (ر.ک ۹:۲۳).
e- ترجمه دیگر: و زیر بار نگرانی های زندگی می روند؛ خفه شده و به رشد نمی رسند...
f- تحت اللفظی: «زیبا و خوب». در زبان یونانی هنگامی که این دو صفت با هم آورده شود به مفهوم انسان کامل می باشد.
g- این کلمه به معنی مقاومت در برابر خطراتی است که سخن را تهدید می کنند و کلمه ای مختص به لوقا است که در اینجا و در ۲۱:۱۹ بکار برده شده است. ضمناً در نوشته های پولس زیاد بکار می رود: ۱-تسا۱:۳؛ ۲-قرن۱:۶؛ ۶:۴؛ ۱۲:۱۲؛ روم۲:۷؛ ۵:۳-۴؛ ۸:۲۵؛ ۱۵:۴-۵؛ کول۱:۱۱.
h- به طوری که از آیه ۱۷ استنباط می شود لوقا تاریکی و گمنامی کنونی عیسی را در برابر درخشندگی آینده موعظه و بشارت رسولان قرار می دهد (ر.ک مر۴:۲۱ توضیح u) و بدین طریق آنچه را در آیه ۱۰ گفته شده است تکمیل می کند.
i- لوقا بر خلاف مر۴:۲۴ «روش و هنجار» کسی را که «گوش می دهد» قضاوت می نماید و در انجیل لوقا این قسمت نتیجه گیری سخن گفتن با مثل ها است.
j- لوقا با افزودن فعل «فکر می کند» عجیب بودن این قضاوت را تخفیف می دهد ولی درعبارت مشابهی که در ۱۹:۲۶ آمده این کلمه را نیاورده است (ر.ک مر۴:۲۵؛ مت۱۳:۱۲؛ ۲۵:۲۹).
k- ر.ک مت۱۳:۱۲ توضیح d.

خانوادهٔ راستین عیسی[l]

(متی ۱۲:۴۶-۵۰؛ مرقس ۳:۳۱-۳۵)

۱۹مادرش و برادرانش[m] نزد او آمدند
ولی به سبب جمعیّت نمی توانستند به وی
نزدیک شوند ۲۰ به او خبر دادند: «مادرت
و برادرانت در بیرون ایستاده می خواهند تو
را ببینند[n].» ۲۱در پاسخ به ایشان گفت:
«مادرم و برادرانم آنانی هستند که سخن
خدا را شنیده و به کار می بندند[o].»

عیسی طوفان را فرو می نشاند

(متی ۸:۱۸، ۲۳-۲۷؛ مرقس ۴:۳۵-۴۱)

۲۲باری در یکی از آن روزها او با
شاگردانش سوار قایقی شدند و به ایشان
گفت: «به آن ساحل دریاچه برویم[p].» و به
پیش رفتند. ۲۳در حالی که قایق را
می راندند، او خوابید. و تندبادی[q] بر
دریاچه فرود آمد و ایشان را آب فرا گرفته
و در خطر بودند. ۲۴به نزدش آمدند و او را
برخیزانده گفتند: «ای سرور، ای سرور[r]
هلاک می شویم.» او قیام کرده به باد و
تلاطم امواج نهیب زد[s] و آنها فروکش
کردند و آرامش برقرار شد. ۲۵به ایشان
گفت: «ایمانتان کجاست[t]؟» ایشان را
ترس فرا گرفته با شگفتی[u] به هم می گفتند:
«پس این کیست که حتی به بادها و آب[v]
فرمان می دهد و آنها از او اطاعت ۶:۱۷
می کنند؟»

شفای دیوانه در سرزمین مشرکان

(متی ۸:۲۸-۳۴؛ مرقس ۵:۱-۲۰)

۲۶و به سرزمین جدریان[w] که در مقابل
جلیل است به ساحل رسیدند. ۲۷چون از
قایق پیاده می شد مردی از شهر[x] که چندین
دیو[y] داشت به دیدار او آمد و او از مدّتی

l- متی و مرقس این قسمت را پیش از گفتار با مثل ها ذکر کرده اند. لوقا محل آن را تغییر داده تا در گفتار مثل ها بکار گیرد.
m- ر.ک مت ۱۲:۴۶ توضیح r.
n- لوقا بر خلاف مر۳:۲۱ نمی گوید که بستگان عیسی می آیند تا او را با خود ببرند.
o- ر.ک مت ۱۲:۵۰ توضیح t. لوقا در ادامهٔ گفتار قبلی تصریح می کند که بایستی در ایمان به سخن «گوش فرا داد» و آن را «به کار بست» (ر.ک آیه ۱۵). لوقا مجدداً این نکته را در مورد مادر عیسی ذکر خواهد کرد. (ر.ک ۱۱:۲۱ توضیح i).
p- عیسی می خواهد به سرزمین مشرکان که در طرف دیگر دریاچه قرار دارد برود (در مورد کلمه دریاچه ر.ک ۵:۱ توضیح a).
q- ر.ک مر۴:۳۷ توضیح g.
r- ر.ک ۵:۵ توضیح c. «برخیزاندن» تحت اللفظی: «قیام بخشیدن» مانند قیام کردن در ادامهٔ همین آیه.
s- مت ۸:۲۶ توضیح i.
t- در اینجا لحن سرزنشی که عیسی نسبت به شاگردان ادا می کند ملایم تر از آن است که در مر۴:۴۰ آمده، بدین معنی که شاگردان ایمان دارند ولی نمی دانند چگونه از آن استفاده کنند.
u- لوقا «ترسیدن» شاگردان را مثل مر۴:۴۱ ذکر کرده و «تعجب و شگفتی» آنان را نظیر مت۸:۲۷ و این واکنش ها را در پایان روایت چندین معجزه یادآوری می نماید (ر.ک ۱:۱۲ توضیح x و ۱:۶۳ توضیح k).
v- ترجمه دیگر: «امواج».
w- در برخی نسخه های خطی در اینجا و در آیه ۳۷ کلمه «جدریان» یا «جرسنیان» نوشته شده که به نظر می آید به ترتیب متن اصلی انجیل متی و انجیل مرقس می باشد. به هر صورت منظور منطقه غیریهودیان است که در ساحلی شرقی دریاچه قرار دارد.
x- ر.ک آیات ۳۴ و ۳۹. منظور از شهر در این منطقه محلی غیر از ده کوچکی نیست.
y- ر.ک ۸:۲ توضیح p. تحت اللفظی: دیوها.

دراز لباس نپوشیده و در خانه ای نمی ماند
مگر در قبرها[z]. ۲۸به دیدن عیسی فریادها
بر آورد و در برابرش افتاده با صدای بلند
گفت: «ای عیسی، پسر خدای متعال از من
چه می خواهی[a]؟ از تو خواهش می کنم[b] مرا
عذاب نده!» ۲۹زیرا او به روح ناپاک
دستور می داد از این مرد خارج شود.
چون که بارها او را تسخیر کرده و برای
نگهداشتن او را با غل و زنجیر می بستند و
او بندها را شکسته به وسیله دیو به طرف
صحرا[c] رانده می شد. ۳۰عیسی از او
پرسید: «نامت چیست[d]؟» گفت: «لژیون»
زیرا دیوها زیادی در او داخل شده بودند.
۳۱و از او درخواست می کردند تا به آنها
دستور ندهد به هاویه[e] بروند.
۳۲باری در آنجا گلّه های زیاد خوک[f]
می بود که در کوهستان می چریدند و
[دیوها] از او درخواست کردند تا به آنها
اجازه داده شود در این [خوکها] داخل
شوند و به آنها اجازه داد. ۳۳دیوها از آن
مرد خارج شده و به خوکها داخل شدند و
گلّه از بالای پرتگاه به درون دریاچه پریده
غرق گردید.
۳۴خوک چرانان که آنچه را انجام شده
بود دیدند فرار کردند و آن را به شهر و
دهات اعلام کردند ۳۵مردم بیرون شدند تا
آنچه را انجام شده بود ببینند و به نزد
عیسی آمدند و آن مرد را که دیوها از وی
خارج شده بود، لباس در بر کرده و معقول
به پای عیسی نشسته[g] یافتند و ترسیدند.
۳۶آنانی که آن را دیده بودند به ایشان نوید
دادند چگونه آن مردی که دیوانه بود نجات
یافته بود[h].
۳۷و همه جمعیت ناحیه جدریان از عیسی
خواستند از ایشان دور شود زیرا ترسی
شدید آنان را فرا گرفته بود. او سوار قایق
شده از آنجا بازگشت.
۳۸مردی که دیوها از او خارج شده
بودند، از وی می خواست با او باشد. امّا او
را روانه کرده گفت: ۳۹«به خانه خود برگرد
و همهٔ آنچه را خدا برای تو کرده است
تعریف کن.» او رفت و آنچه را عیسی

z- ر.ک مر۵:۲ توضیح m.
a- ر.ک ۴:۳۴ و مر۱:۲۴ توضیح i.
b- در انجیل لوقا دیوها از عیسی خواهش می کنند در صورتی که در مر۵:۷ سعی می کنند با قدرت نام خدا او را دور کنند.
c- «بیابان» در عهد عتیق و در بین اقوام سامی مسکن دیوزدگان بشمار می رفت (لاو۱۶:۱۰؛ اش۱۳:۲۱؛ ۳۴:۱۲، ۱۴؛ طو۸:۳؛ بار۴:۳۵). در انجیل گاهی از این تصویر استفاده شده است (ر.ک لو۴:۱؛ ۱۱:۲۴).
d- ر.ک مر۵:۹ توضیح p.
e- در انجیل لوقا دیوها می ترسند به هاویه اسفل فرستاده شوند در صورتی که بنا به انجیل مرقس از این که از آن سرزمین رانده شوند واهمه دارند. ر.ک مکا۹:۱ توضیح o؛ ۲۰:۱، ۳. در آیه ۳۳ دیوها به جایگاه دیگر خود یعنی دریا به عنوان جایگاه قدرت شرارت برگردانده می شوند (ر.ک مت۸:۲۶ توضیح i).
f- ر.ک مر۵:۱۱ توضیح r.
g- به نظر لوقا این طرز رفتار شاگرد در برابر استاد است. ر.ک ۱۰:۳۹ و اع۲۲:۳.
h- ترجمه دیگر: «آنانی که دیده بودند چگونه آن شخص که دیو داشت نجات یافته بود، به ایشان نوید دادند.» لوقا در پایان عبارت «نجات یافته بود» را آورده است که هم به معنی شفا یافتن و هم حفظ تمامیت جسم می باشد (۶:۹؛ ۸:۴۸، ۵۰؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۴۲؛ ۲۳:۳۵، ۳۷، ۳۹). ضمناً این عبارت به معنی احیای مجدد زندگی روحانی نیز آمده است (۷:۵۰؛ ۸:۱۲؛ ۱۹:۱۰) و در اینجا نجات یافتن هر دو معنی مذکور را در بر دارد.

برایش انجام داده بود، در تمام شهر[i] اعلام
می‌کرد.

شفای یك زن و زنده کردن دختر یائیروس (متی ۹:۱۸-۲۶؛ مرقس ۵:۲۱-۴۳)

۴۰چون عیسی برمی‌گشت جمعیّت او را
پذیرفتند زیرا همه در انتظار او بودند.
۴۱ و اینک مردی به نام یائیروس که رئیس
کنیسه[j] می بود آمد و به پاهای عیسی افتاده
از او درخواست می‌کرد به خانه او وارد
شود ۴۲زیرا یگانه دخترش[k] که تقریباً
دوازده سال داشت در حال مرگ بود. چون
[عیسی] به آنجا می‌رفت جمعیّت بر او
فشار می‌آورد.
[l]۴۳اینک زنی بود که دوازده سال
خونریزی داشت[m] و هیچ کس نتوانسته بود
او را شفا دهد، ۴۴از پشت سر[n] نزدیک
شده لبهٔ[o] ردایش را لمس کرد و همان دم اعد۱۵:۳۸-۳۹؛ تث۲۲:۱۲
خونریزیش بند آمد. ۴۵و عیسی گفت: «چه
کسی مرا لمس کرد؟» چون همه انکار
می‌کردند، پطرس[p] گفت: «ای سرور
جمعیّتی که ازدحام کرده به تو فشار
می‌آورد.» ۴۶امّا عیسی گفت: «کسی مرا
لمس کرده است زیرا دانستم که نیروئی از
من خارج شده است[q].» ۴۷زن که دید
پنهان نمانده است، لرزان پیش آمد و نزد
وی افتاده در برابر همه مردم نوید داد که به
چه علّت او را لمس کرده و چگونه در همان
دم شفا یافت. ۴۸به او گفت: «دخترم،
ایمانت تو را نجات داده است، در آرامش
برو[r]!»
۴۹هنوز عیسی سخن می‌گفت که کسی از
خانهٔ رئیس کنیسه آمده گفت: «هم اکنون
دخترت مرد، دیگر به استاد زحمت مده.»
۵۰عیسی که شنیده بود به او پاسخ داد:
«مترس. فقط ایمان بیاور[s] و او نجات
خواهد یافت.» ۵۱چون به آن خانه آمد

i- لوقا در اینجا «شهر» ذکر کرده (ر.ک آیات ۲۷، ۳۴) در صورتی که مر۵:۲۰ استان دیکاپولس نوشته است (یعنی شهرهای دهگانه مهاجرنشین یونانی). در هر دو مورد منظور اعلام نجات به مشرکان است ولی اظهارات لوقا پوشیده‌تر و ملایم‌تر است و به نظر او اعلام به مشرکان فقط بعد از رستاخیز مسیح آغاز خواهد شد.

j- ر.ک مر۵:۲۲ توضیح z.

k- ر.ک ۷:۱۲ توضیح s.

l- در بعضی از ترجمه‌ها برای روشنی مطلب در اینجا جمله «در آنجا زنی بود» را که در متن یونانی وجود ندارد می‌افزایند. در مورد طرز رفتار زن ر.ک مر۵:۲۸ توضیح b.

m- در بعضی از نسخه‌های خطی در اینجا اضافه شده است: «تمام دارائی خود را به پزشکان خرج کرده بود.»

n- این زن به علت بیماریش شرعاً ناپاک است و ناپاکی او مسری می‌باشد (لاو۱۵:۱۸-۲۷) و نبایستی به میان جمعیت مردم بیاید و مخصوصاً به پیامبر نزدیک شود، بدین سبب مخفیانه عمل کرده است (ر.ک مت۵:۱۱ توضیح o).

o- ر.ک مت ۹:۲۰ توضیح k.

p- فقط لوقا در اینجا نام «پطرس» را ذکر می‌کند. در بسیاری از نسخه‌های خطی آمده است: «و همراهانش».

q- لوقا قبلاً این عمل قدرت خدا را در عیسی ذکر کرده است (۵:۱۷؛ ۶:۱۹) و در اینجا این قدرت را چون نیروئی معرفی می‌کند که ممکن است مستقل از ارادهٔ عیسی عمل کند ولی عیسی بدان واقف است.

r- ر.ک مت ۹:۲۲ و لو۷:۵۰ توضیح l.

s- در انجیل لوقا فعلی که در این مورد بکار رفته نشان می‌دهد که عیسی به یائیروس می‌گوید که «ایمان بیاورد» در صورتی که در مر۵:۳۶ از یائیروس می‌خواهد به ایمان خود ادامه دهد.

نگذاشت هیچ کس با او وارد شود مگر
پطرس و یوحنا و یعقوب[t] و پدر و مادر
کودک. ^۵۲همه گریه می کردند و به خاطر
دختر به سینه خود می زدند. او گفت: «گریه
نکنید، او نمرده بلکه خوابیده است[u].»
^۵۳و آنان که می دانستند آن دختر مرده است
او را ریشخند می کردند. ^۵۴امّا وی دست
دختر را گرفته او را صدا کرده گفت: «ای
کودک قیام کن[v].» ^۵۵و روحش باز آمد[w]
و همان لحظه برخاست و او دستور داد تا به
وی خوراک دهند. ^۵۶و والدینش شگفت
زده شدند و به آنان دستور داد از آنچه
انجام شده به هیچ کس چیزی نگویند[x].

رسالت دوازده تن
(متی۱۰:۱-۹، ۱۱-۱۴؛ مرقس۶:۶-۱۳)

۹ ^۱دوازده تن را فرا خوانده به ایشان
نیرو و اقتدار بر همه دیوها و
بیماریها داد[y] تا آنان را شفا دهند. ^۲و آنان
را فرستاد[z] تا فرمانروئی خدا را اعلام کنند
و شفا بخشند ^۳و به آنان گفت: «برای راه
هیچ چیز بر ندارید، نه چوبدست، نه
خورجین، نه نان و نه پول و هر کدام دو ردا
نداشته باشید. ^۴و در هر خانه که وارد
می شوید در آنجا بمانید و از آنجا خارج
خواهید شد ^۵و آنان که شما را پذیرا نشوند
در خروج از آن شهر، گرد پاهایتان را به
شهادت علیه آنان بتکانید[a]. ^۶ایشان رفته از
روستائی به روستای دیگر می گذشتند و
نوید می دادند و در همه جا شفا می دادند.

تشویش هیرودیس به‌سبب شهرت عیسی
(متی۱۴:۱-۲؛ مرقس ۶:۱۴-۱۶)

^۷هیرودیس تیترارک[b]، آنچه را انجام
می شد، شنیده و متحیر می بود[c] زیرا برخی
می گفتند: «این یحیی است که از میان
مردگان قیام کرد است.» ^۸برخی دیگر:
«این الیاس است که ظهور کرده است[d]!»
دیگران: «این یکی از پیامبران پیشین است
که رستاخیز کرده است.» ^۹امّا هیرودیس

t- «این سه شاگرد» شاهد تجلی عیسی خواهند بود (۹:۲۸). مت۲۶:۳۷ و مر۱۴:۳۳ ذکر می کنند که این سه در جتسیمانی نزد عیسی بوده اند. این سه نفر مخصوصاً در اعمال و راز استاد خود سهیم هستند. لوقا بر خلاف مرقس نام یوحنا را در اینجا و در ۹:۲۸ و اع۱:۱۳ پیش از نام یعقوب می آورد و این امر به سبب مقام خاصی است که برای یوحنا در اعمال رسولان قائل است.
u- کودک کاملاً مرده است (آیه ۵۳) ولی از نظر عیسی مرگ قطعی نیست زیرا خدا می تواند مردگان را «بیدار کند» (یا برخیزاند) و بدین گونه مرگ را فقط به صورت «خوابی» در آورد (یو۱۱:۱۱؛ ر.ک اع۷:۶۰؛ ۱۳:۳۶؛ ۱-تسا۴:۱۳-۱۵؛ ۱-قرن۱۵:۱۸-۲۰). ضمناً شاید در اینجا عیسی می خواهد جنبهٔ نمایشی واقعه را کاهش دهد.
v- ر.ک ۷:۱۴ توضیح v.
w- ر.ک معجزهٔ الیاس در ۱-پاد۱۷:۲۱-۲۲.
x- ر.ک مر۵:۴۳. توضیح لوقا در پایان این روایت ترکیب عبارات مرقس را تغییر داده تا نتیجه رسمی تری ارائه دهد.
y- ر.ک مت۱۰:۱ توضیح v.
z- ر.ک ۶:۱۳ توضیح c و مت۱۰:۵ توضیح b.
a- ر.ک مت۱۰:۱۴ توضیح h و اجرای این دستور در اع۱۳:۵۱.
b- ر.ک لو۳:۱ توضیح x.
c- در مت۱۴:۲ و مر۶:۱۶ گفته شده که هیرودیس معتقد بود یحیی تعمید دهنده در شخص عیسی رستاخیز کرده است؛ ولی به نظر لوقا این پادشاه که نظریات و عقاید یونانی گرائی داشت دیر باورتر از آن بوده که امکان چنین چیزی را بپذیرد (ر.ک اع۱۷:۱۸ توضیح u).
d- چنان که در ملا۳:۲۳ اعلام شده است (ر.ک مت۱۷:۱۰؛ مر۹:۱۱).

گـفت: «من دسـتـور دادم سـر یـحـیی را بـریـدنـد. پس این چه کـسی است که درباره اش چنین چیزهایی می شنوم؟» و در جستجوی دیدن او می بود[e].

عیسی جمعیت زیادی را خوراك می‌دهد
(متی۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس۶: ۳۰-۴۴)

۱۰و رسولان در بازگشت خود[f] آنچه را انجام داده بودند برای او تعریف کردند و او ایشان را با خود برداشته در مکانی خلوت به جانب شهری به نام بیت‌صیدا[g] کناره گرفت. ۱۱چون جمعیّت فهمیدند به دنبال او رفتند و ایشان را به خوبی پذیرفته از فرمانروائی خدا سخن گفته کسانی را که نیاز داشتند شفا می بخشید[h].

۱۲چون روز رو به پایان می بود آن دوازده پیش آمده به او گفتند: «جمعیت را روانه کن تا به روستاهای اطراف و دهکده ها بروند و در آنجا مسکن[i] و خوراکی بیابند زیرا اینجا در صحرا هستیم.» ۱۳بدیشان گفت: «خودتان چیزی به ایشان بدهید تا بخورند.» گفتند: «ما بیش از پنج قرص نان و دو ماهی چیزی نداریم. مگر شاید خودمان رفته برای تمام این مردم خوراکی بخریم.» ۱۴زیرا آنان در حدود پنج هزار مرد بودند.

او به شاگردانش گفت: «آنان را در گروههای تقریباً پنجاه نفری[k] بنشانید[j].» ۱۵و ایشان چنین کردند و همه را نشاندند.
۱۶پنج قرص نان و دو ماهی را گرفته،
به سوی آسمان نگریسته، [دعای] برکت مت۲۶:۲۶
خواند و آنها را پاره کرد[l] و به شاگردان
می داد تا با آنها از جمعیت پذیرائی کنند. مز۷۸:۲۹
۱۷و ایشان خوردند و همه سیر شدند و پاره هائی را که باقی مانده بود جمع کردند. دوازده سبد بود[m].

ایمان پطرس. عیسی از مرگ خود خبر می‌دهد[n]
(متی ۱۶:۱۳-۲۱؛ مرقس ۸:۲۷-۳۱)

۱۸چون تنها[p] به نیایش[o] مشغول می بود و شاگردان همراه او می بودند از ایشان پرسیده

e- در اینجا لوقا زمینهٔ ۸:۲۳ را آماده می کند.
f- ر.ک مر۶:۳۵ توضیح q.
g- لوقا محل این واقعه را نزدیک شهر بیت‌صیدا تعیین می کند و در مر۶:۴۵ شاگردان پس از تکثیر نانها به طرف این شهر می‌روند.
h- در اینجا عیسی نظیر مر۶:۳۴ «آموزش می‌دهد» و همانند مت۱۴:۱۴ و ۱۵:۳۰ «شفا می بخشد».
i- موضوع مسکن دادن مردم در اناجیل متی و مرقس ذکر نشده و با رسوم و عادات فلسطینیان تطبیق نمی کند. حتماً لوقا به عنوان فرد یونانی این نکته را وارد کرده است.
j- تحت‌اللفظی: «بگوئید بر بسترهای پنجاه نفری دراز بکشند.» ر.ک۷:۳۶ توضیح z.
k- ر.ک مر۶:۴۰ توضیح w.
l- عیسی بنا به رسم یهودیان غذا را با دعای برکت آغاز می کند. رفتار و سخنانش با همان کلمات آئین سپاسگزاری در شب دستگیری‌اش بیان شده است. ضمناً در اینجا سخن از «برکت دادن» نانها است و در ۲۲:۱۹ سپاسگزاری است.
m- ر.ک مت ۱۴:۲۰ توضیح w.
n- عیسی که با شاگردانش تنها است آنان را وادار می کند دربارهٔ رسالت او اظهار نظر نمایند. پطرس به نام همهٔ شاگردان او را به عنوان مسیح می شناسد. بلافاصله عیسی با اعلام مرگ قریب‌الوقوع خود موضوع مبهم مسیحائی دنیوی را منتفی می کند. در انجیل لوقا و همچنین انجیل یوحنا (یو۶:۶۷-۷۱) اعلام این موضوع مهم و قطعی در پی معجزهٔ تکثیر نانها می‌آید در صورتی که متی و مرقس در بین این دو واقعه سفری نسبتاً طولانی در سرزمین مشرکان (مت۱۴:۲۲؛ ۱۶:۱۲؛ مر۶:۴۵؛ ۸:۲۶) را روایت کرده‌اند.
o- ر.ک ۳:۲۱ توضیح c.
p- بنا بر مت۱۶:۱۳ و مر۸:۲۷ این اتفاق در منطقه قیصریه فیلیپس روی می دهد. یو۶:۵۹ محل آن را در کفر ناحوم ذکر کرده است. اما فقط لوقا به این اکتفا کرده که بگوید عیسی با شاگردانش تنها بوده است.

گفت: «به گفتهٔ جماعت من کیستم؟» ۱۹در
۸-۷:۹ پاسخ گفتند[q]: «یحیی تعمید دهنده، بعضی
دیگر الیاس، بعضی دیگر یکی از پیامبران
پیشین که رستاخیز کرده است.»
۲۰بدیشان گفت: «اما برای شما من
کیستم؟» پطرس در پاسخ گفت: «مسیح
خدا[r]!» ۲۱امّا ایشان را نهیب زده دستور
داد که آن را به کسی نگویند. ۲۲و گفت[s]
که پسر انسان باید زیاد رنج بکشد و از
سوی مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان[t] طرد
شده کشته شود و در روز سوم قیام کند[u].

عیسی را چگونه باید پیروی کرد[v]
(متی ۱۶:۲۴-۲۸؛ مرقس ۸:۳۴-۹:۱)

۲۳او به همه[w] می‌گفت: «اگر کسی
می‌خواهد به دنبال من بیاید باید خود را
انکار کند و هر روز[y] صلیبش[x] را برداشته ۲۷:۱۴
به دنبال من بیاید. ۲۴زیرا کسی که
می‌خواهد جان خود را نجات دهد[z] آن را از ۳۳:۱۷؛ یو۱۲:۲۵
دست خواهد داد، امّا آن کسی که جان خود
را به‌خاطر من از دست بدهد آن را نجات
خواهد داد. ۲۵درواقع چه فایده دارد برای
انسانی که سراسر جهان را به دست آورده
اما خود را هلاک ساخته یا به خود زیان
رسانده است[a]؟ ۲۶زیرا آن کس که از من و
سخنان من شرمگین باشد، پسر انسان هم ۹:۱۲
چون در شکوه خویش[b] و [شکوه] پدر و
فرشتگان مقدس درآید، از آن کس
شرمگین خواهد بود. ۲۷به راستی به شما
می‌گویم: حتّی در همین جا کسانی حضور
دارند که پیش از دیدن فرمانروائی خدا[d]،
مرگ را نخواهند چشید[c].»

q- ترجمه دیگر: بعضی (از شاگردان) پاسخ دادند: «یحیی تعمید دهنده»، بعضی دیگر: «الیاس» بعضی دیگر: «می‌گویند که تو...».

r- لوقا این عنوان را در ۲۳:۳۵ تکرار خواهد کرد. وی قبلاً نشان داده که فرشتگان عیسی را به عنوان مسیح اعلام کرده‌اند (۱:۳۲-۳۳؛ ۲:۱۱) چنانکه شمعون (۲:۲۶، ۳۰) و دیوها (۴:۴۱) اعلام کرده بودند ولی پطرس نخستین شاگردی است که این عنوان را به عیسی می‌دهد. (در مورد معنی کلمه «مسیح» ر.ک ۳:۱۵ توضیح r).

s- لوقا توصیه عیسی به شاگردان که دربارهٔ مقام مسیحائی او سکوت کنند و موضوع اعلام مرگ قریب‌الوقوع او را به یکدیگر مربوط می‌کند و فقط پس از آن که از میان مردگان برخاست دوازده تن علناً عیسی را مسیح اعلام خواهند کرد (اع۲:۳۶).

t- این سه نوع شخصیت مقاماتی هستند که سانهدرین (دادگاه عالی یهود) را تشکیل می‌دهند.

u- ر.ک مت۱۶:۲۱ توضیح r. لوقا دخالت پطرس برای اینکه عیسی را از مرگ منصرف نماید روایت نمی‌کند (مت۱۶:۲۲-۲۳ و مر۸:۳۲-۳۳) ولی در ۹:۴۵ و ۱۸:۳۴ اصرار خواهد کرد که شاگردان عیسی مفهوم این اعلام را درک نکرده‌اند.

v- یک سنت قدیمی این سخنان مختلف عیسی را که در جاهای مختلف اناجیل آمده (مت۱۰:۳۸-۳۹، ۳۳؛ لو۱۴:۲۷؛ ۱۷:۳۳؛ ۱۲:۹) جمع‌آوری کرده تا سخن مسیح درباره مرگ خود را به شاگردان ربط دهد (ر.ک یو ۱۲:۲۵-۲۶).

w- لوقا با ذکر این مقدمه نشان می‌دهد که این سخنان نه تنها به دوازده تن بلکه به تمام شاگردان عیسی خطاب می‌شود (ر.ک مر۸:۳۴).

x- ر.ک مر۸:۳۴ توضیح q.

y- دو کلمه‌ای که لوقا در اینجا آورده (ر.ک ۱۱:۳) نشان می‌دهد که این قانون در زندگی فرد مسیحی دائمی می‌باشد.

z- ر.ک ۱۲:۱۹ توضیح q. تحت‌اللفظی: جان خود را به هلاکت خواهد رسانید یا [جان خود را بر باد خواهد داد].

a- اصطلاح «به خود زیان رسانیده» برابر عبارتی است که متی و مرقس نوشته‌اند و می‌توان ترجمه کرد (با جان خود) بهای آن را پرداخته است. به نظر لوقا این عبارت خیلی ضعیف بوده و آن را بدین صورت آورده است.

b- در مت۱۶:۲۷ و مر۸:۳۸ فقط سخن دربارهٔ شکوه پدر است. لوقا شکوه شخص پسر را می‌افزاید که عیسی آن را به زودی توسط تجلی خود آشکار می‌سازد (۹:۳۲) که تجلی رستاخیز را از پیش اعلام می‌نماید (۲۴:۲۶).

c- «مرگ را نخواهند چشید» ترجمه تحت‌اللفظی و اصطلاحی یهودی است.

d- به نظر لوقا «دیدن فرمانروائی خدا» به احتمال قوی شناختن اقتدار عیسی برخاسته از مرگ است (۲۲:۶۹؛ اع۲:۳۶) که تجلی مسیح آن را اعلام می‌کند، ر.ک مر۹:۱ توضیح v.

تجلّی پسر خدا[e]
(متی ۱۷:۱-۸؛ مرقس ۹:۲-۸)

۲۸ باری، تقریباً هشت روز پس از این
سخنان، پطرس و یوحنّا و یعقوب را با خود
برداشته به کوه[f] بالا رفت تا نیایش کند[g].
۲۹ باری چون نیایش می کرد نمای چهره اش
دگرگون شد[h] و لباس او به سفیدی
درخشانی درآمد ۳۰ و اینک دو نفر با او
سخن می گفتند: موسی و الیاس[i] بودند
۳۱ که در شکوه[j] پدیدار شده، از گذر[k] وی
که در اورشلیم به تحقّق خواهد رسید سخن
می گفتند. ۳۲ پطرس و آنان که با او بودند
به شدت خواب آلود بودند، بیدار شده[l]
شکوه او و آن دو نفر را که با او بودند،
دیدند. ۳۳ باری، چون آنان از او دور
می شدند[m]، پطرس به عیسی گفت: «ای
سرور، خوب است که در اینجا هستیم[n] پس
سه خیمه درست کنیم[o]، یکی برای تو، یکی ۵۱:۸
برای موسی، یکی برای الیاس.»
نمی دانست چه می گفت.
۳۴ در حالی که این را می گفت، ابری
فرارسید و آنان را زیر سایه خود گرفت[p]. و
چون وارد ابر می شدند ترسیدند. ۳۵ و
صدائی از ابر رسید که می گفت: «این
است پسر من، آن برگزیده[q]: به او گوش ۲۲:۳
فرا دهید[r]!» ۳۶ و چون صدا در رسید،

e- ر.ک مت ۱:۱۷ توضیح a. لوقا دربارهٔ گفتگوی عیسی و دو پیامبری که در عهد عتیق از پیش راز او را اعلام کرده اند تأکید می کند: ایشان دربارهٔ واقعه رستاخیز و گذر که در اورشلیم تحقق می پذیرد گفتگو می کنند. در اینجا این واقعه با «شکوهمندی» عیسی اعلام می شود که فقط لوقا در آیه ۳۲ از آن نام برده است (ر.ک ۲۴:۲۶).
f- ر.ک مت ۱:۱۷ توضیح b.
g- ر.ک ۳:۲۱ توضیح c.
h- لوقا از بکار بردن کلمهٔ یونانی که می توان «تغییر شکل یا تغییر هئیت» ترجمه کرد (مت۱۷:۲؛ مر۹:۲) و در اناجیل متی و مرقس بکار رفته و لحن بت پرستان را دارد اجتناب می کند و بیشتر از «شکوه» عیسی سخن می گوید (آیه ۳۲).
i- ر.ک مت ۳:۱۷ توضیح d.
j- «موسی و الیاس» شکوهمند هستند زیرا در عمل خدا سهیم بوده اند (خروج۳۴:۲۹-۳۵؛ ۲-قرن۳:۷-۱۱) و به طرز اسرارآمیزی به سوی او بازگشته اند (تث۳۴:۵-۶؛ ۲-پاد۲:۱۱-۱۲). ضمناً به تمام کسانی که در دنیای آینده پذیرفته می شوند «شکوه» عطا خواهد شد (۱-تسا۲:۱۲؛ ۲-تسا۲:۱۴؛ ۱-قرن۲:۷؛ ۱۵:۴۳؛ ۲-قرن۳:۱۸؛ ۴:۱۷؛ فی۳:۲۱؛ روم۵:۲؛ ۸:۱۸، ۲۱؛ کول۱:۲۷؛ ۳:۴). در اینجا عیسی پیش از رستاخیز خود شکوهمند است (آیه ۳۲؛ ر.ک ۲:۹ توضیح y).
k- تحت اللفظی: «خروج». عیسی بایستی خروج جدید را با مرگ، رستاخیز و صعود خود تحقق بخشد که بدین وسیله شاگردانش به همراه او به خدا خواهند رسید. این راز در اورشلیم به تحقق می پیوندد که مرکز تاریخ نجات است.
l- همچنین می توان ترجمه کرد: «بیدار ماندند».
m- لوقا صریحاً پدیدار شدن موسی و الیاس را از سخن خدا متمایز می کند و در این مورد صریح تر از متی و مرقس است. پیامبران گواهی کرده اند که عیسی وعده های عهد عتیق را به تحقق می رساند. خدا اعلام خواهد کرد که عیسی پسر او است.
n- این عبارت مبهم است: آیا وضعیت برای پطرس «خوب» است زیرا اکنون شادمان است یا اینکه وضع برای شخصیتهای اسرارآمیزی که پطرس می خواهد به آنان خدمت کند خوب است؟ به هر صورت پطرس موقعیت را به خوبی درک نمی کند و آرزومند است که این وضع ادامه یابد.
o- ر.ک مت ۴:۱۷ توضیح f.
p- عبارت یونانی که «زیر سایهٔ خود گرفت» ترجمه کرده ایم نظیر لو۱:۳۵ نشانهٔ آمدن خدا است به همان گونه که در دوران خروج از مصر بر قوم اسرائیل ظاهر می شد (خروج۴۰:۳۵؛ اعد۹:۱۸، ۲۱؛ ۱۰:۳۴).
q- لوقا باز هم در ۲۳:۳۵ این عنوان را به عیسی خواهد داد، عنوانی که از اش۴۹:۷ می آید و در روایت های مکاشفه ای یهودیان وجود دارد.
r- ر.ک مت ۵:۱۷ توضیح h.

تث۱۵:۱۸ عیسی تنها شد و ایشان سکوت را حفظ
کرده از آنچه در آن روزها[s] دیده بودند به
کسی هیچ نگفتند[t].

شفای کودك دیو زده
(متی ۱۷:۱۴-۱۸؛ مرقس ۹:۱۴-۲۷)

۳۷ باری، روز بعد چون از کوه پائین
می‌آمدند جمعیّتی بسیار به پیشوازش آمد.
۳۸ و اینک مردی از میان جمعیّت فریاد
برآورد: «ای استاد از تو خواهش می‌کنم
نگاهی بر پسرم بیفکنی زیرا یگانهٔ[u] من
است. ۳۹ و ناگاه روحی او را می‌گیرد و
ناگهان فریاد می‌کشد[v] و او را به شدّت
تکان داده کف بر لبانش می‌آورد و او را در
هم شکسته به زحمت بسیار از او دور
می‌شود. ۴۰ و از شاگردانت خواهش کرده‌ام
او را برانند و نتوانستند.» ۴۱ عیسی در
تث۵:۳۲ پاسخ گفت: «ای نسل بی ایمان و منحرف
تا به کی نزد شما خواهم بود[w] و شما را
تحمّل خواهم کرد؟ پسرت را اینجا بیاور.»
۴۲ وی هنوز نزدیک نشده بود که دیو او را
در هم شکست و به شدّت تکانش داد امّا
عیسی روح ناپاک را نهیب زده کودک را
شفا داد و او را به پدرش داد[x]. ۴۳ و همه از
بزرگی خدا در شگفت بودند[y].

دومیّن اعلام رنج و مرگ عیسی
(متی ۱۷:۲۲-۲۳؛ مرقس ۹:۳۰-۳۲)

چون همه از آنچه وی انجام می‌داد در
شگفت می‌بودند به شاگردانش گفت:
۴۴ «سخنانی را که اینک می‌گویم، به گوش
بسپارید[z]: پسر انسان نزدیک است به
دستهای آدمیان تسلیم شود[a].» ۴۵ امّا ایشان
۱۸:۳۴ این سخن را درک نمی‌کردند و برایشان
پوشیده بود تا معنی آن را نفهمند[b] و
می‌ترسیدند در بارهٔ این سخن از او سؤال
کنند.

چه کسی بزرگترین است؟
(متی ۱۸:۱-۵؛ مرقس ۹:۳۳-۳۷)

۴۶ و بین آنان استدلالی در گرفت[c]: چه
کسی می‌توانست در بین ایشان بزرگترین
باشد؟ ۴۷ عیسی از استدلال قلبشان آگاه
بود[d]. کودکی را گرفته نزد خویش قرار داد.

s- لوقا بنا بر عادت خود دوران رسالت عیسی را بر زمین از دوران پس از رستاخیز او که رسولان راز او را ندا می‌دهند متمایز می‌سازد.
t- لوقا از گفتگوی شاگردان با عیسی دربارهٔ یکی بودن یحیی تعمید دهنده و الیاس سخنی نمی‌گوید (مت۱۷:۹-۱۳؛ مر۹:۹-۱۳) به نظر او الیاس بیشتر پیش نمود عیسی است (ر.ک ۱:۱۷ توضیح h).
u- ر.ک ۷:۱۲ توضیح s.
v- در بسیاری از نسخه‌های خطی این فریاد کشیدن حذف شده و احتمالاً بدین سبب که مربوط به روح ناپاک است.
w- ر.ک مت۱۷:۱۷ توضیح m.
x- ر.ک ۷:۱۵ توضیح w.
y- لوقا این روایت را به روش روایت‌های معجزات نتیجه گیری کرده و به پایان می‌رساند (ر.ک ۱:۶۳ توضیح k).
z- تحت‌اللفظی: «این سخنان را در گوشهایتان بگذارید زیرا...» (ر.ک لو۱:۴۴؛ ۴:۲۱؛ اع۱۱:۲۲). بسیاری از مفسران چنین درک می‌کنند: «آنچه به شما گفته‌ام به خاطر بسپارید زیرا...»
a- لوقا بر خلاف متی و مرقس در اینجا اعلام رستاخیز عیسی را ذکر نمی‌کند و احتمالاً برای این است که نشان دهد عدم ادراک شاگردان (آیه ۴۵) مربوط به رنج و مرگ عیسی است.
b- این جمله را می‌توان ترجمه کرد: «به طوری که نمی‌توانستند معنی آن را دریابند.»
c- همچنین می‌توان ترجمه کرد: «مباحثه‌ای بین آنان درگرفت» ولی آیه ۴۷ نشان می‌دهد که مباحثه‌ای درونی است.
d- گاهی ترجمه می‌کنند: «سئوالی به خاطرشان رسید» (ر.ک ۶:۸ توضیح x).

۴۸ و به ایشان گفت: «هر که این کودک[e]
را به خاطر نام من بپذیرد، مرا پذیرفته و هر
که مرا بپذیرد، آن که مرا فرستاده است
می پذیرد زیرا آن که از همه شما کوچکتر
است، او بزرگ است.»

هر که بر ضد شما نیست با شماست (مرقس ۹:۳۸-۴۱)

۴۹ یوحنا در پاسخ گفت: «ای سرور،
کسی را دیدیم که دیوها را به نام تو[f] می راند
و می خواستیم او را مانع شویم[g] زیرا با ما
[از تو] پیروی نمی کند.» ۵۰ عیسی به او
گفت: «ممانعت نکنید، زیرا هرکس بر
ضدّ شما نیست، با شماست[h].»

عزیمت عیسی به اورشلیم. عدم استقبال در سامره[i]

۵۱ باری چون روزهائی که وی می بایست
[از این دنیا] برگرفته شود[j]، به کمال ۲-پاد۲:۱
می رسید، مصمّم راه اورشلیم را در پیش
گرفت[k]. ۵۲ و پیام آورانی پیش از خود[l]
فرستاد و به راه افتاده به یکی از روستاهای
سامریان وارد شدند تا برایش [همه چیز
را] آماده کنند[m]. ۵۳ و او را نپذیرفتند زیرا
به سوی اورشلیم می رفت[n]. ۵۴ شاگردان،
یعقوب و یوحنّا که این را دیدند گفتند:
«خداوندا، آیا می خواهی که به آتش فرمان
دهیم تا از آسمان فرود آمده آنان را نابود
کند[o]؟» ۵۵ عیسی روی برگردانده ایشان را
نهیب زد[p]. ۵۶ و به سوی روستای دیگری
به راه افتادند.

e- ر.ک مت۳:۱۸ توضیح u.
f- لوقا در کتاب اعمال رسولان ۱۶:۱۸ و ۱۹:۱۳ خواهد گفت که چگونه پولس «به نام عیسی دیوها را رانده است.»
g- در تعداد زیادی از نسخه های خطی نوشته شده است: «او را از این کار مانع شده ایم.»
h- این قضاوت خوش بینانه (ر.ک مر۹:۴۰) با نظریه ای که عیسی ضمن بحث و مجادله آیه ۱۱:۲۳ ابراز می نماید مباینت دارد (ر.ک مت۱۲:۳۰).
i- در اینجا لوقا بخش طولانی روایت فراز آمدن عیسی به اورشلیم را آغاز می کند (۹:۵۱- ۱۹:۲۸) و طرح متی و مرقس را ترک کرده مجدداً در آیه ۱۸:۱۵ به آن طرح خواهد پیوست (مت۱۹:۱۳؛ مر۱۰:۱۳). لوقا در این بخش موضوعات متعددی ارائه می دهد که مختص به خود اوست، ولی در مطالب بسیار دیگری با انجیل متی مشترک است و چند مطلب که در انجیل مرقس نیز وجود دارد. در این بخش دو نکته مورد توجه و شایان اهمیت است: وقایع گذر او که در اورشلیم تحقق خواهد یافت در پیش است و توجه و اهتمام عیسی بر این است که شاگردانش را برای انجام رسالت آنان پس از عزیمت خود آماده نماید.
j- تحت اللفظی: «چون روزهای برگرفتن او به کمال می رسید.» منظور از کلمه برگرفتن ممکن است مرگ و صعود به آسمان باشد (ر.ک ۹:۳۱ توضیح k دربارهٔ خروج او).
k- تحت اللفظی: «چهرهٔ خود را سخت کرد...» (ر.ک اش۵۰:۷). ترکیب عبارات این آیه که لحنی رسمی دارد نشانهٔ اهمیت عزیمت عیسی به سوی آن شهر مقدسی است که در آنجا راز گذر او به سوی پدر به تحقق خواهد پیوست.
l- تحت اللفظی: «پیش روی خود». این اصطلاح که اشاره به کتاب اشعیا در آیه قبلی را به یاد می آورد مجدداً در آیه ۵۳ و در ۱۰:۱ خواهد آمد. این لحن کلام که مخصوص به کتاب مقدس است مفهوم مسافرت مقدس عیسی را تعیین می کند.
m- تحت اللفظی: «به جهت آماده کردن برای او». یهودیان از داشتن روابط با «سامریان» اجتناب می کردند. به سبب اصل و نسب سامریان که از اقوام مختلف بوده و به سبب اختلاف دینی و عقاید مذهبی از آنان نفرت داشتند (بنسی۵۰:۲۵-۲۶؛ یو۴:۹). عیسی این کشمکش ها را لغو می کرد (ر.ک ۱۰:۳۳-۳۷؛ ۱۷:۱۶-۱۹). لوقا این نکته را احتمالاً مقدمهٔ رسالت فیلیپس در سامره می داند (اع۸:۵-۲۵؛ ر.ک یو۴:۴-۴۲).
n- تحت اللفظی: «در حالی که چهره اش راه می پیمود...» (همین روش رسمی و باشکوه در نگارش که قبلاً استفاده کرده بود).
o- الیاس دشمنانش را بدین گونه کیفر داده بود (۲-پاد۱:۱۰:۱۲) چنانکه در تعدادی از نسخه های خطی این نکته در اینجا افزوده شده است.
p- در تعدادی از نسخه های خطی اضافه شده است: و به ایشان گفت: «شما نمی دانید چه روحیه ای دارید (زیرا) پسر انسان نیامده است تا جانهای آدمیان را هلاک سازد بلکه تا آنان را نجات بخشد» (ر.ک لو۱۹:۱۰).

برای پیروی از عیسی باید همه چیز را ترک کرد[q]
(متی ۸:۱۹-۲۲)

۵۷ و در حالی که راه می پیمودند، کسی در راه به او گفت: «به هر جا که بروی به دنبال تو خواهم آمد» ۵۸ و عیسی به او گفت: «روباهان لانه و پرندگان آسمان آشیانه دارند اما پسر انسان جائی ندارد تا سرش را بگذارد[r].»
۵۹ و به یکی دیگر گفت: «به دنبال من بیا[s].» آن کس گفت: «اجازه بده اول رفته پدرم را به خاک بسپارم.» ۶۰ به او گفت: «بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند[t]، امّا تو برو فرمانروائی خدا را نوید بده.»
۶۱ باز یکی دیگر گفت[u]: «خداوندا به دنبال تو خواهم آمد، اما اوّل به من اجازه ده با افراد خانهٔ خود وداع کنم.» ۶۲ عیسی به او گفت: «هر که دست بر گاوآهن نهد و به پشت سر نگاه کند شایسته ملکوت خدا نیست[v].»

مأموریت هفتاد و دو شاگرد
(متی ۹:۳۷-۳۸؛ ۱۰:۷-۱۶؛ مرقس ۶:۸-۱۱؛ لوقا ۹:۳-۵)

۱۰ ۱ پس از آن، خداوند، هفتاد و دو تن[w] دیگر را تعین کرده آنان را دو به دو جلوتر از خود[x] به هر شهر و هر جائی که خودش می بایست برود، فرستاد[y]. ۲ به ایشان می گفت: «محصول فراوان است امّا یو۴:۳۸

q- در بین گفتگوهائی که عیسی در اینجا انجام می دهد دو گفتگوی اولی در انجیل متی آمده است. گفتگوی سوم مختص به انجیل لوقا است. لوقا با آوردن این گفتگوها در آستانهٔ عزیمت عیسی و قبل از اعزام هفتاد و دو تن به مأموریت، برای هر سه گفتگو مفهوم خاصی قائل می شود.
r- لوقا بر خلاف متی و مرقس هرگز عیسی را در خانه ای نشان نمی دهد که خانهٔ خود او یا خانهٔ یکی از شاگردانش باشد (ر.ک ۵:۲۹ توضیح a).
s- در این مورد در مت۸:۲۱-۲۲ ابتدا شاگرد، خود را معرفی می نماید. در انجیل لوقا عیسی آغاز به سخن کرده و او را می خواند چنانکه در مر۱:۱۷ نیز به همین گونه است. عیسی او را می فرستد تا پادشاهی خدا را ندا دهد.
t- ر.ک مت۸:۲۲ توضیح d.
u- این دو آیه مختص به انجیل لوقا و یادآور فراخواندن الیشع به وسیلهٔ الیاس می باشد (۱-پاد۱۹:۱۹-۲۱؛ ر.ک لو۱:۱۷ توضیح h). ولی الزام عیسی سخت تر از الیاس است زیرا الیاس اجازه داد شاگردش برود و با کسان خود وداع کند.
v- به آنجا وارد شود (بنابراین «ملکوت» خدا ترجمه می شود) مگر اینکه نظیر آیه ۶۰ منظور اعلام «پادشاهی خدا» باشد (ر.ک ۴:۴۳ توضیح v).
w- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: «هفتاد تن» (همچنین در آیه ۱۷) و احتمالاً منظور از این ارقام در هر دو مورد تعداد ملتهای بت پرست است که یهودیان طبق باب ۱۰ کتاب خروج می شناختند، ضمناً در متن عبری هفتاد و در ترجمهٔ یونانی هفتاد و دو ملت آمده و لوقا طبق متن یونانی ذکر کرده است. لوقا به خوبی می داند که رسالت در بین بت پرستان فقط پس از وقایع گذر و پنطیکاست آغاز خواهد شد (۲۴:۴۷؛ اع۱:۸) ولی علاقمند است در اینجا پیش نمود سمبلیک آن را ارائه نماید.
x- تحت اللفظی: «پیش روی خود» ر.ک ۹:۵۲ توضیح l.
y- این رسالت را فقط لوقا روایت می کند ولی ممکن است اطلاعات مربوطه را از روایت موثقی گرفته باشد. بیشتر سخنان عیسی که در اینجا ذکر شده از گفتار به دوازده تن در لو۹:۲-۵ مشروح تر است و در انجیل متی ضمن گفتار به دوازده تن (۹:۳۷-۳۸؛ ۱۰:۷-۱۶، ۴۰) وجود دارد، همچنین در مطالبی که بر ضد شهرهای کنار دریاچه گفته شده است (۱۱:۲۱-۲۴). لوقا در روایت این رسالت دو منظور دارد: اول می خواهد نشان دهد که انجام رسالت منحصر به دوازده تن نیست و دوم اینکه رسالت در فلسطین پیش نمودی از رسالت در میان مشرکان می باشد (ر.ک توضیح w در بالا). البته این دو نکته بر اثر تجربه ای که بعدها لوقا در بشارت انجیل حاصل نمود به او القا شده است.

کارگران اندک، پس از خداوند محصول
خواهش کنید کارگرانی برای محصول خود[z]
بفرستد. ۳ بروید! اینک شما را چون
بره‌هایی به میان گرگان می‌فرستم. ۴ با ۳۵:۲۲
خودتان نقدینه، خورجین و پاپوش برندارید
و به هیچ کس در راه سلام نکنید[a].
۵ «در هر خانه‌ای[b] که وارد می‌شوید اوّل
بگوئید: «آرامش[c] بر این خانه باد!» ۶ و
اگر پسر آرامشی[d] در آنجا باشد، آرامش
شما بر او قرار خواهد گرفت وگرنه مسلماً
به خود شما باز خواهد گشت. ۷ در همان
خانه بمانید، از آنچه دارند بخورید و
بنوشید زیرا کارگر مستحق اجرت خود
می‌باشد[e]. از خانه‌ای به خانه‌ای نگذرید[f].
۸ «و به هر شهری که وارد می‌شوید و
شما را می‌پذیرند، آنچه را پیش شما
می‌گذارند بخورید، ۹ و مریضان آن را شفا ۱-قرن۱۰:۲۷
دهید و به مردم بگوئید: «فرمانروائی خدا
خیلی به شما نزدیک است[g].» ۱۰ امّا در هر
شهری که وارد شده و شما را نمی‌پذیرند،
به هنگام خروج در میدان‌هایش بگوئید:
۱۱ «حتّی غباری را که از شهر شما به پاهای
ما چسبیده است می‌زدائیم که برای شما
[بماند][h]. با این همه بدانید که
فرمانروائی خدا خیلی نزدیک است.»

(متی ۱۱:۲۴، ۲۱-۲۳)

۱۲ «به شما می‌گویم[i] برای سدوم در آن
روز، قابل تحمّل‌تر خواهد بود تا برای این
شهر. ۱۳ وای بر تو ای خورزین! وای بر تو

z- پیامبران عهد عتیق غالباً تصویر محصول را در مورد «داوری» خدا بکار برده‌اند (یول۱۳:۴) چنانکه تصویر کوبیدن خرمن (اش۱۵:۴۱؛ ار۳۳:۵۱)، غلّه پاک کنی (عا۹:۹؛ اش۱۱:۳۳؛ ۱۶:۴۱؛ ار۱۳:۲۴؛ ۲:۵۱) را در همین مورد آورده‌اند و در نظر آنان عالی‌ترین عمل خدا بوده است. یحیی تعمید دهنده این عمل را وظیفه کسی اعلام می‌کند که بسیار نیرومندتر است (۱۶:۳-۱۷). در اینجا عیسی شاگردان خود را بوسیله نیایش و گفتار در این عمل که مربوط به زمان آخر است و اکنون در مأموریت وی وجود دارد سهیم می‌سازد (ر.ک مت ۳۷:۹ توضیح u).

a- «سلام و تعارف» در کشورهای شرقی پایان ناپذیر است در صورتی که رسانیدن پیام فوریت دارد (ر.ک ۲-پاد۲۹:۴).

b- تفاوتی که با مت۱۰:۱۱-۱۴ وجود دارد این است که در اینجا لوقا طرز رفتار رسولان را «در هر خانه» (آیات ۵-۷) و «هر شهر» به طور مجزا تعیین می‌نماید (آیات ۸-۱۱).

c- لوقا بر خلاف متی طرز درود گفتن معمولی در عهد عتیق را ذکر می‌نماید (۱-سمو۶:۲۵...) که عبارت از آروزی موفقیت و سلامتی و دعای خیر و برکت است. در اینجا منظور «آرامش» مسیحائی است که انجیل می‌آورد (ر.ک ۷۹:۱ توضیح i) و این دعا برای کسی که آن را دریافت می‌کند موثر است (به همین دلیل در آیه ۶ ذکر شده است که به شما بازخواهد گشت و بی‌فایده نخواهد بود).

d- تحت‌اللفظی: «یک پسر آرامش» (که اصطلاحی معمولی در زبانهای سامی است) و به معنی کسی است که آرامش خدا را می‌پذیرد و به فرمانروائی او تعلق دارد.

e- پولس بعداً این مقررات را به عنوان قانون رسالت ذکر خواهد کرد، ضمن این که خود استفاده از آن را نخواهد پذیرفت (۱-قرن۱۴:۹-۱۸؛ ۲-قرن۷:۱۱-۱۱؛ ۱- تیمو۱۸:۵). ر.ک مت۱۰:۱۰ توضیح e.

f- احتمالاً منظور عیسی آن است که مبشرین در جستجوی مهمان نوازی راحت‌تر و بهتری نباشند و تمام کوشش خود را در راه مأموریت و رسالت بکار گیرند.

g- تحت‌اللفظی: «تا به شما نزدیک شده است». اینجا اولین باری است که در انجیل لوقا موضوع «نزدیک شدن» فرمانروائی خدا ذکر می‌شود، ر.ک مت۲:۳ توضیح h.

h- ر.ک ۵:۹.

i- به طوری که از محتوای مطالب این متن بر می‌آید آیات ۱۲-۱۵ به صورت بیان افسوس عیسی بر آیندهٔ هر شهری است که پیام رسولانش را نپذیرد. نخستین آیه به همان معنی که در مت۱۵:۱۰ آمده بکار رفته است. در حقیقت چنین به نظر می‌رسد که پیام اصلی عیسی در مت۱۱:۲۱-۲۴ بهتر حفظ شده است زیرا ترکیب عبارات بیشتر با قوانین توازی تطبیق می‌کند. در این پیام شهرهای ساحل شمالی دریاچه جلیل سرزنش می‌شوند که نشانه‌های عیسی را نپذیرفته‌اند.

ای بیت‌صیدا[j]! زیرا [اعمال] مقتدرانه‌ای
که در نزد شما شده اگر در صور و صیدون
انجام می‌شد از مدّتها پیش در پلاس و بر
خاکستر نشسته توبه کرده بودند[k]. ۱۴ پس
به هنگام داوری برای صور و صیدون قابل
تحمّل‌تر خواهد بود تا برای شما. ۱۵ و تو
ای کفرناحوم، آیا به آسمان بالا برده
یو۴:۳۸ می‌شوی؟ به هادس پایین خواهی رفت!
۱۶ «هر که به شما گوش دهد، به من
گوش می‌دهد و هر که شما را طرد کند، مرا
طرد می‌کند، امّا هر که مرا طرد کند کسی
را طرد می‌کند که مرا فرستاده است[l].»
۱۷ هفتاد و دو تن با شادمانی بازگشته
گفتند: «خداوندا، حتّی دیوها به نام تو به
اطاعت ما درمی‌آیند[m]!» ۱۸ عیسی به
ایشان گفت: «من شیطان را نگاه کردم که
چون آذرخشی[n] از آسمان سقوط می‌کرد!
۱۹ اینک به شما اقتدار داده‌ام تا مارها و
عقربها و همه نیروی دشمن[o] را به زیر پاها
لگدمال کنید و هیچ چیز به شما گزندی
نخواهد رسانید[p]. ۲۰ با این همه شادی
نکنید که ارواح[q] به اطاعت شما در
آمده‌اند بلکه شادی کنید که نامهای شما
در آسمانها[r] نوشته شده است.»

الهام به کودکان: راز پدر و پسر[s] (متی ۱۱:۲۵-۲۷)

۲۱ در همان ساعت در[t] روح القدس به
وجد آمده گفت: «ترا ستایش می‌کنم، ای
پدر، خداوند آسمان و زمین، زیرا این را از

j- مفهوم این سخنان نفرین بر این شهرها نیست بلکه آه و افسوس به حال آنان و به صورت آخرین دعوت به توبه است (ر.ک ۶:۲۴ توضیح s). در مورد «خورزین و بیت‌صیدا» ر.ک مت۱۱:۲۱ توضیح h.

k- ر.ک مت۱۱:۲۱ توضیح i. عیسی تصدیق می‌کند که معجزه‌هایش موجب توبه شهرهای مذکور نشده است (ر.ک ۱۶:۳۱). ترجمهٔ دیگر کلمه‌ای که اعمال مقتدرانه ترجمه شده معجزات می‌باشد.

l- با بیان این رأی گفتار عیسی به پایان می‌رسد (ر.ک مت۱۰:۴۰) در حالی که عظمت وظیفهٔ مبشرین را در شرکت در رسالت عیسی نشان می‌دهد. این موضوع به صورتهای مختلفی در انجیلها بیان شده است: مثلاً به صورت مثبت در مت۱۰:۴۰؛ ۱۸:۵ و متون موازی و در یو۱۳:۲۰ ذکر شده و به صورت منفی در متن بالا و در یو۵:۲۳ آمده است (به علت عبارات و مطالبی که جنبهٔ بحث و مشاجره دارد).

m- ر.ک ۹:۴۹ توضیح f.

n- کمتر احتمال می‌رود که عیسی دربارهٔ رویائی که دیده است سخن گفته باشد زیرا هرگز چنین تجربه‌ای را اظهار نکرده است بلکه بیشتر عبارت و اصطلاحی مجازی (نظیر ۱۰:۱۵) و اشاره به موفقیت شاگردان بر شیطان بوسیله راندن ارواح ناپاک بوده و به مفهوم آن است که ملکوت خدا فرا رسیده است (ر.ک ۱۱:۲۰).

o- شیطان (ر.ک مت۱۳:۳۹).

p- همچنین می‌توان ترجمه کرد: «نمی‌تواند به شما در هیچ مورد آسیب برساند.»

q- در تعدادی از نسخه‌های خطی در اینجا نظیر آیه ۱۷ کلمه «دیوها» آمده است ولی در مقابل مطالبی که در آیه ۲۱ خواهد آمد بایستی «ارواح» ذکر شود.

r- «کتابهای آسمان» که در آنها نام مقدسان نوشته شده باشد تصویری معمولی در نوشته‌های مکاشفه‌ای است. (دان۱۲:۱؛ مکا۳:۵؛ ۱۳:۸؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۲، ۱۵؛ ۲۱:۲۷).

s- در اینجا لوقا آیات ۲۱-۲۲ و ۲۳-۲۴ را گرد آورده که صریح ترین گفتار عیسی دربارهٔ روابط او با «پدر» می‌باشد. ضمناً نشان می‌دهد به کسانی که این الهام اظهار شده لطف شکوهمند و بی‌پایانی عطا گردیده است.

t- تحت‌اللفظی: «به وسیله روح القدس» یا «در روح القدس» (صورت اخیر در بعضی از نسخه‌های خطی آمده است). لوقا که بر عمل روح القدس در عیسی تأکید کرده است (۱:۳۵؛ ۴:۱، ۱۴، ۱۸) در اینجا دخالت روح القدس را در شادمانی عیسی و در نیایش او به پدر یادآوری می‌کند.

حکیمان و عاقلان پنهان داشته و به بچه ها[u]
مکشوف کرده ای. آری ای پدر، زیرا
خوشنودی تو چنین بوده است[v]. ۲۲[w] همه
چیز از سوی پدرم به من سپرده شده است و
هیچکس نمی داند پسر کیست مگر پدر، و
نه پدر کیست مگر پسر، و به کسی که پسر
می خواهد آن را مکشوف سازد[x].

(متی ۱۳:۱۶-۱۷)

۲۳و عیسی رو به شاگردان کرده و در
کناری به ایشان گفت: «خوشا به چشمانی
که می نگرند آنچه را شما می نگرید[y]!
۲۴زیرا به شما می گویم که بسیاری از
پیامبران و پادشاهان[z] خواسته اند آنچه را
شما می بینید ببینند و آن را ندیدند و آنچه
را شما می شنوید بشنوند و آن را
نشنیدند!»

محبت، راه زندگانی جاودان[a]

(متی۲۲:۳۴-۴۰؛ مرقس۱۲:۲۸-۳۱)

۲۵و اینک عالم شریعتی[b] برخاسته برای
اینکه او را آزمایش کند[c] به او گفت: «ای
استاد چه باید بکنم تا زندگانی جاودانی را
به میراث داشته باشم[d]؟» ۲۶به او گفت:
«در تورات چه نوشته شده است؟ تو چگونه
می خوانی[e]؟» ۲۷او در پاسخ گفت:
«خداوند خدای خود را با تمام قلب خود و
با تمام جان خود و با تمام توان خود و با

u- ر.ک مت۱۱:۲۵ توضیح j.

v- از محتوای این متن بر می آید که عیسی تصدیق می کند پیامی را که هفتاد و دو تن برده و مورد پذیرش قرار گرفته است نتیجه لطف والای پدر است و همچنان که دربارهٔ وعده های سعادت ابدی گفته بود اعلام می کند که «لطف» مخصوص خدا بیش از آن که برای بزرگان این جهان باشد برای کوچکان و حقیران است.

w- در تعدادی از نسخه های خطی، آیه ۲۳ به عنوان مقدمه در اینجا آورده شده است: «بعد رو به سوی شاگردان کرده به ایشان گفت...». این تغییر جزئی نکته ای فرعی است ولی تغییر موضوع مابین نیایش عیسی در آیه ۲۱ و گفتار او دربارهٔ الهام در آیه ۲۲ را به خوبی نشان می دهد.

x- این گفتار که در پایان رسالت شاگردان آمده نکتهٔ اصلی پیام انجیل را نشان می دهد که عبارت از مکاشفهٔ پدر در پسر می باشد (عبارتی که در اینجا به کار برده شده: «شناختن او که کیست» مختص لوقا است و طرز بیان یونانیان برای تعیین موضوعی است که بایستی شناخته شود. طرز بیان و عبارتی که متی در این مورد بکار برده بیشتر جنبهٔ سامی دارد.)

y- اعلام سعادت ابدی مشابهی که در مت۱۳:۱۶ آمده فقط مربوط به شاگردان است که شاهد مکاشفه عیسی می باشند (خوشا به چشمان شما!) در صورتی که لوقا تعداد شاهدان را افزوده است. این تهنیت که در پایان آیات ۲۱-۲۴ آورده شده نشان دهندهٔ لطف و مرحمتی است که به ایمانداران عطا شده است، زیرا از تحقق یافتن وعده های عهد عتیق بهره مند می شوند.

z- در مت۱۳:۱۷ سخن از «عادلان» است.

a- متی و مرقس زمان وقوع این واقعه را در آخرین روزهای زندگی عیسی در اورشلیم تعیین می کنند در صورتی که لوقا آن را در ابتدای مسافرت عیسی و در آغاز تعلیمات به شاگردان قرار می دهد. لوقا با ذکر مثل سامری نیکو که بلافاصله در پی آن می آورد این درس را تکمیل می کند. مثل سامری نیکو نشان می دهد که شاگرد عیسی چگونه بایستی همنوع همهٔ مردمان باشد.

b- ر.ک ۷:۳۰ توضیح p.

c- بنابر آنچه در مر۱۲:۳۴ آمده عیسی اعلام می کند که این کاتب از ملکوت خدا بدور نیست. بر طبق مت۲۲:۳۵ معلم شریعت مذکور دامی برای گیر انداختن عیسی می گسترد. همچنین در اینجا با اینکه عیسی او را مخاطبی موافق و مساعد تشخیص داده (آیات ۲۷-۲۸، ۳۷) اما می خواهد عیسی را به آزمایش بگذارد.

d- در مت۲۲:۳۶ و مر۱۲:۲۸ به روش یهودیان موضوع سؤال دربارهٔ نخستین یا بزرگترین فرمان است. لوقا ترجیح می دهد سئوال را طور دیگری مطرح کند که برای خوانندگانش بهتر مفهوم باشد (ر.ک ۱۸:۱۸).

e- در انجیل لوقا عیسی بوسیله طرح سئوال پاسخ می دهد (ر.ک ۲۰:۳) و بدین وسیله مخاطب خود را مجبور می کند موضع و موقعیت خود را مشخص نماید.

تـمام ادراک خـود دوست خـواهی داشت[f] و
همسایه ات را چون خودت[g].» به او گفت:
۲۸ «درست پاسخ دادی، همین کار را بکن
و زندگانی خواهی کرد.»

چه کسی همنوع من است؟ مثل سامری نیکو

۲۹ امّـا او که می‌خواست خـود را عـادل
نشان دهد[h] به عیسی گفت: «و همسایه من
کیست[i]؟» ۳۰ عیسی به سخن ادامه داده[j]
گفت: «انسانی از اورشلیم به اریحا[k] پایین
می‌رفت و به میان راهزنان افتاد که پس از
لخت کردن و زخم زدن او را نیمه مرده رها
کرده رفتند. ۳۱ از قضا کاهنی از این راه
پایین می‌رفت و او را دیده از طرف دیگر
گذشت[l]. ۳۲ همچنین یک لاوی به این محل
رسیده با دیدن او از طرف دیگر گذشت.
۳۳ امّا مردی سامری[m] که در سفر بود به
نزدیک او[n] رسید و با دیدنش بر او ترحّم
کرد. ۳۴ و پیش آمده، زخمهایش را بسته بر
آن روغن و شراب[o] ریخت، بعد او را بر
مرکب خود سوار کرده به مسافرخانه ای برد
و از او مراقبت کرد. ۳۵ و فردای آن روز دو
دینار درآورده آنها را به مسافرخانه دار داده

f- این عبارت نقل قول از تث۶:۵ است ولی در عبارت مذکور اصطلاح «با تمام ادراک خود» در متن عبری کتاب تثنیه وجود ندارد و فقط در یکی از نسخه های خطی ترجمه یونانی آمده است. در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق معمولاً این کلمه برای ترجمهٔ «قلب» به کار برده می‌شود و لوقا مطابق زبان دوران خود آن را به مفهوم «ادراک و اندیشه» درک می‌کند.

g- نقل قول از لاو۱۹:۱۸. برابر این متن معلم شریعت به سؤالی که عیسی طرح کرده پاسخ می‌دهد در صورتی که برابر مت۲۲:۳۷ و مر۱۲:۲۹ عیسی پاسخ سئوال را می‌گوید. احتمالاً ربی های آن دوران قادر بودند هر دو متن را یکی پس از دیگری بیان کنند ولی معلوم نیست که برای متن دومی همان اهمیت متن اولی را قائل می‌شدند. لوقا در اینجا نشان می‌دهد که چگونه پیام عیسی در عهدعتیق آماده شده بود.

h- در اینجا معلم شریعت می‌خواهد سئوال خود را توجیه کند یا بهتر بگوئیم اهمیت و جدی بودن بررسی خود را نشان دهد.

i- به نظر یک فرد یهودی در آن دوران اصولاً این سئوال مطرح نیست زیرا به استثنای بیگانگان، تمامی افراد قوم او «همنوع» او بشمار می‌آیند (خروج۲۰:۱۶-۱۷؛ ۲۱:۱۴، ۱۸، ۳۵؛ لاو۹:۱۱، ۱۳، ۱۵-۱۸...). چنین به نظر می‌رسد که لوقا این سئوال را طرح نموده تا نظریه معمول و مرسوم را بوسیلهٔ عیسی وسیع تر گرداند. اما متخصصین تورات و فریسیان به این سؤال چنین جواب می‌دادند: همنوع فریسیان اول فریسی می بود، سپس تک تک یهودیان مؤمن و وفادار، ولی اینکه آیا یهودیان گناهکار یا یهودیانی که با ارتش روم همکاری می کردند می توانستند همنوع شخص فریسی باشند جای تردید دارد. با این حال تردیدی نیست که سامریان و بت‌پرستان به هیچ وجه همنوع بشمار نمی‌آمدند.

j- در اینجا عیسی نظیر ۷:۴۰-۴۳؛ ۱۴:۱۶-۲۴؛ ۱۵:۳-۳۲ با ذکر یک مثل پاسخ می‌دهد. این مثل برای مقایسه نیست بلکه نمونه ای است که نشان می‌دهد چه رفتاری باید کرد و چه نبایستی کرد (ر.ک ۱۲:۱۶-۲۱؛ ۱۴:۲۸-۳۲؛ ۱۶:۱-۸؛ ۱۸:۹-۱۴)؛ به این ترتیب یهودی معلم شریعت وادار خواهد شد از نظریه و فکر کوتاه خود فراتر رود.

k- راهی که تقریباً ۲۵ کیلومتر است و از صحرای یهودیه می‌گذرد و در آن دوران محل عبور و فعالیت راهزنان بوده است. چون اورشلیم در محل مرتفعی است بدین سبب به اورشلیم بالا می‌روند و از آنجا پائین می‌آیند.

l- ضرورتی ندارد حدس بزنیم به چه دلیل کاهن یا لاوی که پس از او آمد چنین رفتار کرده است. ذکر این دو مورد برای آن است که ارزش مرد سامری بهتر نشان داده شود.

m- برابر آنچه در مثل ها معمول است در اینجا سه شخص وجود دارد (ر.ک مخصوصاً در لو۱۴:۱۸-۲۰؛ ۱۹:۱۶-۲۴؛ ۲۰:۱۰-۱۲). در مورد سامریان ر.ک ۹:۵۲ توضیح m.

n- با توجه به وضعیّت و محل واقعه، احتمال می‌رود که شخص مجروح یهودی بوده باشد، ولی متن تنها با عنوان انسان چهار بار از او یاد می‌کند (آیات ۳۰، ۳۳، ۳۶) بدون اینکه از قوم و قبیلهٔ او سخن بگوید. در نظر یهودیانی که از زیارت اورشلیم برمی‌گشتند، این شخص ناپاک بشمار می‌رفت زیرا بدنش پوشیده از خون بود.

o- در آن روزگار پزشکان برای معالجه جراحات از «روغن» برای تسکین دردها (اش۱:۶) و از «شراب» برای ضد عفونی کردن زخمها استفاده می‌کردند.

گفت: «از او مراقبت کن و هر چه بیشتر از
این خرج کنی، خود به هنگام بازگشتم به تو
پس خواهم داد.» ۳۶ می‌پنداری کدامیک
از این سه نفر خود را همسایه انسان افتاده
به میان راهزنان نشان داده است؟»
۳۷ گفت: «آن کس که بر وی رحمت کرده
است[p].» عیسی به او گفت: «برو و تو هم
به همین گونه بکن[q].»

در خانهٔ مرتا و مریم[r]

۳۸ چون راه می‌پیمودند به روستائی
وارد شد و زنی به نام مرتا او را در خانهٔ
خویش پذیرفت. ۳۹ و او خواهری داشت
به نام مریم که به پاهای خداوند[s] نشسته به
سخن او گوش می‌داد. ۴۰ مرتا که به انواع
خدمات مشغول بود به سخن در آمده
گفت: «خداوندا، آیا برای تو اهمیتی
ندارد که خواهرم مرا در خدمت تنها
گذاشته است؟ پس به او بگو مرا کمک
نماید.» ۴۱ امّا خداوند در پاسخ به او
گفت: «مرتا، مرتا، تو برای خیلی چیزها
نگران و پر هیاهو هستی. ۴۲ با این همه
تنها یک چیز لازم است[t]. مریم قسمت ۳۱:۱۲
خوب[u] را انتخاب کرده است: از او باز
گرفته نخواهد شد.»

آموزش‌هایی دربارهٔ نیایش. نیایش شاگردان[v]
(متی ۶:۹-۱۳)

۱۱ ۱ باری چون او در جائی نیایش
می‌کرد[w] وقتی تمام کرد یکی از
شاگردانش[x] به او گفت: «خداوندا به ما

p- تحت‌اللفظی: که با او خوبی کرده است (اصطلاحی از ترجمه یونانی عهد عتیق؛ ر.ک ۱:۷۲). یهودی معلم شریعت از کلمه «سامری» استفاده نمی‌کند، بلکه همان پاسخی را می‌دهد که عیسی به وسیله مثل تلقین کرده است: بدین معنی همنوع کسی است که با محبت به دیگران نزدیک می‌شود حتی اگر خارجی، بیگانه یا کافر باشند. دیگر نباید مثل این معلم شریعت پرسید: «همنوع من چه کسی است؟» بلکه باید سؤال کرد: «چگونه می‌توانم همنوع هر انسانی باشم؟» بدین گونه نظریات کهنه انحصار گرایانه‌ای که محدود به قوم اسرائیل بود و شریعت‌گرائی و تعصب افراطی مجتهدان یهود در برابر انجیل محو می‌شود.
q- فعل «کردن» که دوبار در این آیه آمده و همچنین در سؤال اول (آیه ۲۵) و نخستین پاسخ عیسی (آیه ۲۸) بکار رفته نشان می‌دهد که محبت شاگردان بایستی جنبهٔ واقعی و واقع بینانه داشته باشد.
r- محور این واقعه سخنی است که در پایان آن ذکر می‌شود. این دو خواهر احتمالاً همان کسانی هستند که در انجیل یوحنا از آنان یاد شده است یو۱۱:۱-۴۰ و ۱۲:۱-۳ زیرا به همان گونه توصیف شده‌اند؛ «مرتا» در حال خدمت (یو۱۱:۲۰؛ ۱۲:۲) و «مریم» به پاهای عیسی نشسته و گوش می‌دهد (۱۱:۳۲؛ ۱۲:۳).
s- ر.ک ۸:۳۵ توضیح g.
t- در تعدادی از نسخه های خطی این عبارت حذف شده و در نسخه های دیگری به جای آن آمده است: «چیز کمی لازم است» (منظور غذا است و چنین به نظر می‌رسد که این تفسیر جنبهٔ زهد و ریاضت دارد)؛ در نسخه های زیادی هر دو عبارت ذکر شده و بدین صورت در آمده است: «چیز کمی و حتی یک چیز لازم است» (که البته تلفیق دو عبارت مذکور می‌باشد). در بیشتر نسخه های خطی به ترتیبی است که در این ترجمه ذکر شده و دارای این مزیت است که از این واقعه نتیجه گیری عمیقی به عمل آمده و گفته می‌شود که سخن عیسی ماورای هر گرفتاری دنیوی است (ر.ک ۱۲:۳۱ و در کتاب دیگر لوقا متن مشابه اع۶:۲). اکثراً در تفسیر عمیق‌تری چنین درک می‌کنند که منظور برتری سیر تأمّل بر عمل می‌باشد ولی در حقیقت در اینجا سخن از سیر و تأمّل نبوده بلکه «گوش دادن» به کلامی که دعوت به سوی ایمان و تعهّد است.
u- ر.ک ۵:۳۹ توضیح q.
v- همچنان که در مت ۶:۵-۱۵ آمده است لوقا نیز چندین نکته را که عیسی به شاگردان دربارهٔ طرز نیایش آموزش داده یک جا در آیات ۱-۱۳ جمع کرده است که عبارتند از: نمونهٔ دعای ایشان، مثلی که به آنان می‌آموزد در استغاثه خود پافشاری کنند و بالاخره توصیه می‌نماید که با کمال اطمینان رو به پدر آورند.
w- ر.ک ۳:۲۱ توضیح c.
x- لوقا به این درخواست شاگردان در ۵:۳۳ اشاره می‌کند (ر.ک توضیح g و h).

بیاموز نیایش کنیم، همان گونه که یحیی آن
را به شاگردان خود آموخته است.» ۲ به
آنان گفت: «وقتی نیایش می کنید
بگوئید[y]:

ای پدر[z]
نام تو تقدیس شود[a]!
۳ فرمانروائی تو فرا رسد[b]!
نان روزانهٔ ما را هر روز به ما بده[c]
۴ و گناهان[e] ما را ببخش[d]
زیرا ما نیز هر مدیون[f] خود را می بخشیم،
و ما را در وسوسه میاور[g].»

مَثَل دوستی که تقاضا را می پذیرد

۵ و به ایشان گفت[h]: «اگر یکی از شما
دوستی دارد[i] که نیمه شب نزد او آمده به او
بگوید: ای دوست من، سه نان به من قرض
بده، ۶ زیرا یکی از دوستانم از سفر نزد من
آمده و چیزی ندارم پیش او بگذارم ۷ و آن
دیگری از اندرون پاسخ داده بگوید: مزاحم
نشو، اکنون در بسته است و من و کودکانم
در بستر هستیم، نمی توانم برای دادن [نان]
به تو بلند شوم...[j] ۸ این را به شما
می گویم، حتی اگر برای دادن آن برنخیزد به
علت اینکه دوست او است، ولی به علت

y- دربارهٔ این نیایش ر.ک مت۶:۹ توضیح b. جمله ها و عباراتی که لوقا بکار برده کوتاه تر از انجیل متی است و تفاوتهائی با هم دارند (ر.ک توضیحات بعدی).

z- طرز خطاب اولیه در اینجا ساده تر از خطاب در انجیل متی است. این نحوهٔ خطاب در انجیل لوقا در آغاز نیایش های عیسی آمده است، لو۲۲:۴۲؛ ۲۳:۳۴، ۴۶ (ر.ک ۱۰:۲۱).

a- در مورد این تقاضا ر.ک مت ۶:۹ توضیح c.

b- در مورد این تقاضا ر.ک مت ۶:۱۰ توضیح d. در بعضی از نسخه های خطی انجیل لوقا نوشته شده است: «فرمانروائی خود را بر ما فرا رسان.» در نسخه های دیگری که جدیدتر هستند بجای این درخواست یا درخواست اولی آمده است: «روح القدس خود را بر ما بیاور تا ما را پاک گرداند.» ممکن است این عبارت بعدها و تحت تاثیر آئین نیایش تعمید به متن انجیل لوقا افزوده شده باشد.

c- دربارهٔ این درخواست ر.ک مت ۶:۱۱ توضیح g. تفاوتی که وجود دارد در انجیل متی نان امروز خواسته می شود در صورتی که لوقا نان را برای هر روز درخواست می کند زیرا نظیر مورد ۹:۲۳ زندگانی فرد مسیحی را در سراسر عمر در نظر می گیرد (ر.ک ۹:۲۳ توضیح y) و این طرز تفکّر بیش از آنکه جنبهٔ فلسطینی داشته باشد یونانی است (ر.ک مت۶:۳۴).

d- در مورد این تقاضا ر.ک مت۶:۱۲ توضیح h.

e- لوقا تصویر وام را که متی در مورد مشابه بکار برده است ترجمه و تفسیر می کند ولی آن را در قسمت دوم درخواست ذکر می نماید. به همین گونه تصویر بدهکاری و وام را در آیه ۱۳:۲ و ۱۳:۴ بکار خواهد برد.

f- تحت اللفظی: «هر انسانی را که به ما بدهکار است.» بنابر انجیل متی این بخشش برادرانه فقط مربوط به لحظهٔ قبل از نیایش است ولی لوقا بخشش را به طول عمر فرد مسیحی بسط می دهد (ر.ک توضیح آیه قبلی).

g- دربارهٔ این تقاضا ر.ک مت ۶:۱۳ توضیح i. لوقا قسمت دوم این تقاضا را که متی روایت کرده است ذکر نمی نماید ولی او هم تجربه را به شیطان نسبت می دهد (۴:۲، ۱۳؛ ۸:۱۲-۱۳؛ ر.ک ۲۲:۳۱).

h- اوضاع و شرایط و مطالب این مثل و طرز استفاده لوقا از آن در آیات ۹-۱۳ نشان می دهد که موضوع دعوتی برای دعا کردن و نیایش است. خود مثل که در آیات ۵-۸ آمده نکات مشترکی با مثل ۱۸:۲-۵ دارد و لوقا برای آن مثل هم معنی مشابهی قائل می شود (۱۸:۱) و محتمل است که در اصل این دو مثل به صورت زوج بوده اند نظیر ۵:۳۶-۳۸؛ ۱۳:۱۸-۲۱؛ ۱۴:۲۸-۳۲؛ ۱۵:۴-۱۰؛ ر.ک ۱۳:۱-۵.

i- تحت اللفظی: «کدام یک از بین شما دوستی خواهد داشت.» در تعداد زیادی از مثل هائی که لوقا روایت می کند شروع عبارت به صورت استفهامی است (۱۴:۲۸، ۳۱؛ ۱۵:۴، ۸؛ ۱۷:۷؛ ر.ک ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۲۵-۲۶؛ ۱۴:۵). این روش در تائید طرز آموزش عیسی است (ر.ک ۱۰:۲۶ توضیح e).

j- در تعدادی از نسخه های خطی در آغاز اضافه شده است: «و هر گاه این شخص به کوبیدن در ادامه دهد.»

بی شرمی او برخواهد خاست و هر آنچه نیاز
دارد به او خواهد داد[k].»

هر که درخواست کند، دریافت می کند (متی ۷:۷-۱۱)

۹«و من به شما می گویم[l]: درخواست
کنید و به شما داده خواهد شد[m]، جستجو
کنید و خواهید یافت، بکوبید و بر شما
گشوده خواهد شد. ۱۰زیرا هر که درخواست
کند، دریافت می کند و هر که جستجو کند،
می یابد و بر کسی که بکوبد گشوده
می شود. ۱۱کدام پدر از میان شما اگر
پسرش از او ماهی بخواهد[n] به جای ماهی به
او ماری خواهد داد ۱۲یا باز اگر تخم مرغی
بخواهد، به او عقربی[o] خواهد داد؟ ۱۳پس
اگر شما با اینکه بد[p] هستید می دانید
چیزهای خوبی به فرزندان خود بدهید پدر
آسمانی[q] چقدر بیشتر روح القدس[r] را به
کسانی خواهد داد که از وی بخواهند[s]!»

عیسی عامل بعلزبول؟ (متی ۹:۳۲-۳۴؛ ۱۲:۲۲-۳۰؛ مرقس ۳:۲۲-۲۷)

۱۴و او دیوی را می راند و این [دیو] لال
بود[t]. باری چون دیو بیرون شد لال به سخن
درآمد و جماعت متعجب شدند. ۱۵برخی از
میان آنان گفتند: «او بوسیله بعلزبول[u]،
رئیس دیوها، دیوها را می راند.» ۱۶دیگران
برای آنکه او را آزمایش کنند از او نشانه ای متـ۱۶:۱؛ مر۸:۱۱
از آسمان[v] درخواست می کردند.
۱۷امّا او با آگاهی از افکارشان به ایشان
گفت: «هر مملکتی که بر ضد خود تجزیه

k- این دوست به سبب دوستی با درخواست او موافقت نمی کند بلکه چون می خواهد از دست او راحت شود چنانکه قاضی بی عدالت هم در ۱۸:۴-۵ به همین طریق رفتار می نماید. طرز رفتار این دو نفر رفتار خدا را به طور برجسته نمایان می کند زیرا به سبب آنکه عادل و پدر است نیایش را اجابت می نماید.

l- لوقا با این عبارت (ر.ک ۱۶:۹) سخنان بعدی را به مثلی که قبلاً ذکر شده ارتباط داده و آن را به صورت کاربرد مثل نشان می دهد.

m- در زبان عیسی، فعلی که به صورت مجهول بکار برده شده روشی برای نشان دادن عمل خدا است بدون اینکه نام خدا ذکر شود.

n- در تعداد زیادی از نسخه های خطی در اینجا اضافه شده است: «نان بخواهد و به او سنگی خواهد داد.» احتمالاً این عبارت از روی مت۷:۹ است.

o- عقرب که در برابر تخم مرغ آمده مختص به انجیل لوقا است که به جای «نان در برابر سنگ» در مت۷:۹ ذکر گردیده است. ممکن است متن لوقا از موضوع مارها و عقرب ها که در ۱۰:۱۹ ذکر شده الهام گرفته باشد و بدین صورت تضادی که لوقا آورده است از متی شدیدتر است.

p- صفت بد که در اینجا بکار برده شده در برابر چیزهای خوبی است که پدران زمینی می دهند و احسان و نیکوئی پدر آسمانی است و نبایستی آن را به عنوان قضاوت اخلاقی دربارهٔ فساد آدمیان گرفت.

q- تحت اللفظی: «پدر که در آسمان است.» در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده: «پدر از آسمان خواهد داد.»

r- در مت۷:۱۱ سخن از چیزهای خوب است. لوقا روح القدس را ذکر کرده که به نظر او والاترین عطیّه است و اکثراً در کتاب خود، اعمال رسولان عطا می شود.

s- همچنین می توان ترجمه کرد: «به کسانی که به او نیایش می کنند.»

t- در اینجا لال بودن به دیو نسبت داده شده چنانکه در ۱۳:۱۱، ۱۶ نیز چنین است (ر.ک ۴:۳۹ توضیح r) در صورتی که در مت۱۲:۲۲ (و مت۹:۳۲) شخص دیو زده بیمار است.

u- ر.ک مت ۱۲:۲۴ توضیح c.

v- ذکر کلمهٔ آسمان برای یهودیان آن دوران روشی بود تا بدین وسیله نام خدا را که ناگفتنی است بر زبان نیاورند و در عین حال به او اشاره نمایند (دان۴:۲۳؛ ۱-مک۳:۱۸...) همین روش در ۱۵:۷، ۱۸، ۲۱؛ ۲۰:۴ بکار برده شده است. این آیه در انجیل لوقا مطالب مربوط به ۱۱:۲۹-۳۶ را آماده می کند (ر.ک آیه ۲۹ توضیح k).

شـود، ویـران شـده و خـانه بـر روی خـانه
می افتد[w]. ۱۸اگر شیطان نیز بر ضدّ خود
تجزیه شده است چگونه مملکت او برپا
خواهد ماند؟ ...چون شما می گوئید که من
دیوها را به وسیله بعلزبول می رانم. ۱۹امّا
اگر من به وسیله بعلزبول دیوها را می رانم،
پسران شما[x] به وسیلهٔ چه کسی آنها را
می رانند[y]؟ بدین سبب ایشان داور شما
خواهند بود ۲۰بر عکس اگر من با انگشت
خدا[z] دیوها را می رانم، پس فرمانروائی
خدا بر شما فرا رسیده است[a]. ۲۱وقتی که
[مرد] توانا، سراپا مسلّح، کاخ خود را
حراست می کند، اموالش در امنیّت است
اش۴۹:۲۴-۲۵ ۲۲امّا چون یکی تواناتر[b] از او فرارسد و او
را مغلوب کند، اسلحه او را که به آن اعتماد
می کرد می گیرد و اموال غارت شده اش را
اش۱۲:۵۳ تقسیم می کند. ۲۳هر که با من نیست[c]،
برضد من است و هر که با من جمع
نمی کند، می پراکند[d].»

خطرات سقوط مجدّد
(متی ۱۲:۴۳-۴۵)

۲۴«چون روح ناپاک از انسان بیرون
شود[e] جاهای بایر[f] را در جستجوی راحتی
درمی نوردد و چون نمی یابد می گوید به
خانه خود که از آنجا بیرون آمده ام باز خواهم
گشت ۲۵و وقتی می آید آنجا را شسته و
روفته می یابد. ۲۶آنگاه رفته هفت[g] روح
شریرتر از خود را برداشته به آنجا وارد
می شوند و در آنجا خانه می کنند و وضع
واپسین این انسان بدتر از اوّلش می شود.»

خوشبختی حقیقی

۲۷باری چون این را می گفت، زنی از
میان جمعیّت صدا بلند کرده به او گفت:

w- به نظر لوقا بناها ویران می شوند در صورتی که در متن مشابه انجیل متی ۱۲:۲۵ می توان کلمهٔ خانه را به مفهوم خاندان درک نمود.

x- ترجمه دیگر: «شاگردان شما» و «پسران شما». در انجیل متی منظور، شاگردان فریسیان است و حال آنکه منظور لوقا یهودیان به طور کلی می باشد.

y- ر.ک مت۱۲:۲۷ توضیح e. لوقا از یهودیانی یاد می کند که در افسس ارواح ناپاک را می راندند، ر.ک اع۱۹:۱۳.

z- این اصطلاح که مختص به لوقا است اشاره به خروج۸:۱۵ است که در آنجا بدواً معجزه های موسی مورد بحث و جدال بوده و سپس ساحران فرعون آنها را به عنوان عمل انگشت خدا پذیرفتند. در اینجا عیسی بعنوان موسی جدید است که دیوها را بوسیله قدرت خود می راند (در مت۱۲:۲۸ گفته شده که آنها را بوسیلهٔ روح خدا می راند.)

a- ر.ک مت۱۲:۲۸ توضیح g.

b- فقط لوقا در اینجا از کسی سخن می گوید که تواناتر است و این کلمه ای است که یحیی تعمید دهنده در توصیف مسیح بکار می برد؛ لو۳:۱۶.

c- این رأی محکومیت که در مت۱۲:۳۰ نیز آمده خیلی شدیدتر از آن است که در ۹:۵۰ و مشابه آن در مر۹:۴۰ ذکر گردیده است. شدّت این عبارت با اوضاع و شرایط بحث و مجادله ای که متی و لوقا ذکر کرده اند تطبیق می نماید.

d- ر.ک مت ۱۲:۳۰ توضیح i.

e- عیسی با اقتباس از تصورات یهودیان آن دوران دربارهٔ شیطان، حالت رنج آور کسی را تشریح می کند که بعد از آزاد شدن از شیطان، دوباره تحت سلطهٔ او قرار می گیرد ولی عیسی چون کاملاً یقین دارد که بر نیروی شریر پیروز خواهد شد این وضعیت را مقدّر و حتمی نمی داند (ر.ک ۱۰:۱۸؛ ۱۱:۲۰). با این حال کسانی را که به او گرویده اند از خطری که تهدید می نماید آگاه می کند. در مت ۱۲:۴۳-۴۵ این آیات در مورد نسل شریر به کار برده شده است (ر.ک مت ۱۲:۴۵ توضیح q).

f- ر.ک ۸:۲۹ توضیح c.

g- ر.ک ۸:۲ توضیح p.

«خوشا به آن بطنی که تو را حمل کرده
است و پستان هائی که تو مکیده ای[h]!»
۲۸امّا او گفت: «بیشتر خوشا به آنانی که
سخن خدا را می شنوند و آن را بکار
می بندند[i]!»

نشانهٔ پسر انسان
(متی ۱۲:۳۸-۴۲)

۱-قرن۱:۲۲ ۲۹چون جماعت ازدحام می کردند سخن
گفتن آغاز کرد[j]: «این نسل، نسلی شریر
است، در پی نشانه ای است و نشانه ای به
او داده نخواهد شد[k] مگر نشانهٔ یونس،
۳۰زیرا همان گونه که یونس برای اهالی
نینوا نشانه ای گردید، به همین گونه پسر
انسان نیز برای این نسل همان خواهد بود[l].
۱-پاد۱۰:۱-۱۰ ۳۱ملکهٔ جنوب، به هنگام داوری[m] با مردان
این نسل قیام خواهد کرد و ایشان را
محکوم خواهد نمود زیرا او از اقصی نقاط
زمین آمد تا حکمت سلیمان[n] را بشنود و در
اینجا کسی هست که برتر از سلیمان است!
۳۲مردان نینوا، به هنگام داوری با این نسل
قیام خواهند کرد و ایشان را محکوم خواهند
یو۳:۱-۱۰ نمود، زیرا آنان به ندای یونس[o] توبه
کردند و در اینجا کسی هست که برتر از
یونس است[p]!

h- این جمله تحت اللفظی اصطلاحی یهودی است (ر.ک ۱۰:۲۳ و مت ۱۳:۱۶ یا لو۲۳:۲۹).

i- این سخن که مختص به انجیل لوقا است تکرار ۸:۲۱ می باشد. عیسی در مقابل بارداری جسمانی مادرش، عظمت ایمان را یادآوری می کند. منظور او کلیه ایماندارانی است که در آیات ۱۴-۲۳ آنان را در برابر دشمنانش ذکر می کند. در اینجا لوقا از مریم انتقاد نمی کند چون قبلاً او را ایماندار اعلام کرده (۱:۴۵) که در دل خود دربارهٔ آمدن عیسی تفّکر می کند (۲:۱۹).

j- شنوندگان عیسی از او نشانه ای خارق العاده درخواست کرده اند (آیه ۱۶) زیرا به نظر آنان نشان ها باید نظیر وقایع شگفت انگیز در سفر خروج یا نشانه های الیاس باشد. عیسی اجرای چنین شگفتی هائی که مردم را مجبور کند ایمان بیاورند را نمی پذیرد زیرا والاترین نشان ها شخصیت او (آیه ۳۰) و گفتارهای او است (آیه ۳۲). در برابر معاصران خود که از پذیرفتن او خودداری می کنند از مشرکان دوران گذشته یاد می کند که سخن سلیمان و یونس را پذیرفتند.

k- پس از اینکه عیسی معجزه های خود را به عنوان نشان ارائه می نماید (۷:۲۲؛ ۱۱:۲۰) عجیب است که گفته می شود این نسل فقط یک نشان خواهد داشت (و یا اینکه حتی هیچ نشان ای نخواهد داشت مر۸:۱۲). ولی تمام اینها فقط یک نشان بشمار می آیند که عبارت از شخصیت خود عیسی و اعمال او است.

l- در آیه ۳۲ توضیح داده خواهد شد که یونس با گفتار خود یعنی اعلام داوری واپسین و دعوت به توبه، نشانه ای برای مردم نینوا بوده است (یون۳:۲-۵). در مورد پسر انسان نیز موضوع نشانه باید به همین گونه درک و استنباط شود. احتمالاً مفهوم اصلی این سخنان چنین بوده است. ولی لوقا که این مطالب را پس از رستاخیز عیسی می نویسد برخاستن عیسی از میان مردگان را برترین نشانه عیسی می بیند (ر.ک فعلی که به صورت زمان آینده بکار رفته است: نشانه ای خواهد بود). متی (۱۲:۴۰) حتی از این هم فراتر رفته و توضیح می دهد که یونس با گذراندن سه روز در بطن موجود دریائی، پیش نمودی از سه روز ماندن پسر انسان در «بطن» زمین بوده است.

m- در انجیل متی این آیه پس از آیه بعدی آمده و شکی نیست که جای اصلی آن می باشد زیرا در اینجا مثال ملکهٔ سبا ذکر شده در صورتی که در آیات دیگر سخن از نشان یونس است. محتمل است لوقا جای دو آیه آخری این قسمت را تغییر داده تا در پی گفتارها این قسمت را با توبه پایان دهد.

n- در کتاب مقدس این پادشاه به داشتن حکمت و فرزانگی شناخته شده است (۱-پاد ۳؛ ۵:۹-۱۴) ولی حکمت عیسی برتر از حکمت او است و لوقا مخصوصاً این حکمت را یادآوری کرده است (۲:۴۰، ۵۲؛ ۲۱:۱۵) و در ورود عیسی به عنوان مسیح به اورشلیم تقدیس و تبرکّ سلیمان را به عنوان پادشاه یادآوری می کند (۱۹:۳۵-۳۸).

o- ر.ک ۳:۳ توضیح d و در اینجا آیه ۳۰ توضیح l.

p- یحیی تعمید دهنده با نقشی که در اعلام زمان آخر داشته بیش از پیامبر بوده است (۷:۲۶-۲۷) و عیسی باز هم بیشتر و برتر از او بوده است.

نور ایمان
(متی ۵:۱۵؛ مرقس ۴:۲۱؛ لوقا ۸:۱۶)

[۳۳] «هیچ کس پس از روشن کردن
چراغی[q]، آن را در پستو[r] یا زیر ظرف پیمانه
نمی‌گذارد، بلکه بر چراغدان، تا آنان که
وارد می‌شوند روشنایی را بنگرند[s].

(متی ۶:۲۲-۲۳)

[۳۴]چراغ بدن چشم تو است[t]. وقتی چشم
تو سالم است[u]، آنگاه سراپای بدن تو
روشن است امّا وقتی که شریر است بدن تو
نیز تاریک است. [v] [۳۵]پس ببین تا
روشنایی که در تو است، تاریکی نباشد[w]!
[۳۶]پس اگر تمام بدن تو روشن است بدون
آنکه جائی تاریک داشته باشد، سراپایت ۱۲:۱۸
روشن خواهد بود همان گونه که چراغ تو را
با تابش خود روشن می‌کند[x].»

حمله به فریسیان و عالمان شریعت[y]
(متی ۲۳:۴، ۶-۷، ۱۳، ۲۵-۲۷، ۲۹-۳۱، ۳۴-۳۶)

[۳۷]چون سخن می‌گفت یک فریسی او را
برای ناهار نزد خود دعوت کرد[z]. داخل
شده بر سر سفره نشست. [۳۸]فریسی با دیدن
اینکه پیش از ناهار [دستهای] خود را
نشسته[a] تعجّب کرد.
[۳۹]امّا خداوند به او گفت: «اینک شما
فریسیان این گونه هستید! بیرون بشقاب و
پیاله را پاک می‌کنید در حالی که درونتان پر
از حرص و شرارت است[b]. [۴۰]ای
بی‌شعوران! آن که بیرون را درست کرده آیا

q- در این متن که لوقا عیسی را به عنوان نشانه‌ای ارائه کرده و آیات ۳۳-۳۶ دعوت می‌کنند برای اینکه این نشانه را تشخیص دهند بهتر نگریسته و روشن‌تر ببینند یعنی ایمان آورند.

r- در بعضی از نسخه‌های خطی عبارت «یا زیر ظرف پیمانه» وجود ندارد و تصور می‌کنند افزودن این عبارت با توجه به مت ۵:۱۵ یا مر ۴:۲۱ بوده است. در انجیل لوقا این آیه تکرار آیه ۸:۱۶ و مقدمهٔ آیه بعدی است که با کلمه چراغ به یکدیگر می‌پیوندند.

s- گاهی ترجمه می‌کنند: تابش، ولی در نسخه‌های خطی کهن کلمهٔ روشنایی آمده است (مت۶:۲۲-۲۳).

t- چشم آدمی به چراغی تشبیه شده است زیرا بوسیله چشم می‌بینند ولی چشم ممکن است روشن بین بوده و یا تار و غیر شفاف باشد.

u- ر.ک مت ۶:۲۲ توضیح m.

v- در بسیاری از نسخه‌ها خطی کهن آیات ۳۵-۳۶ یا یکی از دو آیه مذکور وجود ندارد.

w- در اینجا درسی به صورت تصویر داده می‌شود، بدین معنی که چشم نبایستی تاریک باشد تا بتوان دید. لوقا پس از آیات ۲۹-۳۲ به تاریکی‌های بی‌ایمانی می‌اندیشد که مانع شده‌اند این نسل نجات خود را در عیسی ببینند.

x- ترجمهٔ این آیه تحت‌اللفظی است و دشواری درک و تعبیر آن در تکرار مطلبی بدیهی است ولی اگر توجه شود که کلمهٔ روشن در زبانهای سامی به دو معنی است و در اینجا به شکل جناس بکار برده شده چنین درک خواهد شد: هر گاه بدن تو کاملاً به روشنی گشاده باشد (یا به روشنی تعلق داشته باشد) سرتاسر بدن تو غرق در روشنی خواهد بود چنان که ...

y- بیشتر مطالبی که به صورت سرزنش در این قسمت ذکر شده در باب ۲۳ انجیل متی آمده ولی آن را علیه کاتبان و فریسیان آورده است. لوقا حمله بر ضد فریسیان (آیات ۳۹-۴۴) را از حمله علیه معلمان شریعت (آیات ۴۶-۵۲) تفکیک کرده است.

z- ر.ک ۷:۳۶ توضیح y.

a- در نوشته‌ها و مدارک یهودیان آن دوران برای آئین‌های طهارت و تطهیر اهمیت زیادی قائل بوده‌اند (مر۷:۳-۴). عیسی این رسوم را نپذیرفت (مت ۱۵:۲۰) و شاگردانش نیز رعایت نمی‌کردند (مت ۱۵:۲؛ مر۷:۲-۵).

b- در نظر لوقا عیسی دین ظاهری و تشریفاتی فریسیان را مخالف و در مقابل دین باطنی قلب قرار می‌دهد که مهمترین انتظار خدا می‌باشد (۱۶:۱۵؛ ر.ک مت ۱۵:۱-۲۰؛ مر۷:۱-۲۳). در مورد کلمه قلب ر.ک لو۶:۴۵؛ ۱۰:۲۷؛ ۱۲:۳۴؛ ۲۱:۳۴؛ ۲۴:۲۵.

درون را هم درست نکرده است[c]؟ ۴۱ آنچه
دارید[e] بهتر است به صدقه بدهید[d] و آنگاه
همه چیز برایتان پاک است.
۴۲ امّا ای فریسیان، وای بر شما زیرا که
عشریه نعناع و سُداب[f] و همه سبزی‌ها را
می‌دهید امّا از عدالت و محبّت[g] خدا غافل
هستید! این را می‌بایست انجام دهید و آن
را ترک نکنید[h]. ۴۳ امّا ای فریسیان، وای
بر شما زیرا در کنیسه‌ها نخستین جایگاه را
و در میدانهای عمومی سلام کردن‌ها را
دوست دارید! ۴۴ وای بر شما زیرا چون
قبرهای نامعلوم هستید که مردم ندانسته بر
آنها راه می‌روند[i]!»
۴۵ یکی از عالمان شریعت[j] به سخن
درآمده به او گفت: «ای استاد با این حرفها
به ما نیز توهین می‌کنی.» ۴۶ او گفت: «ای
عالمان شریعت، وای بر شما نیز زیرا
بارهای سخت برای بردن بر دوش مردمان
می‌گذارید و خودتان با یکی از انگشتانتان
این بارها را لمس نمی‌کنید[k]! ۴۷ وای بر
شما زیرا قبرهای پیامبران را بنا می‌کنید[l] و
حال آنکه پدران شما آنان را کشته‌اند!
۴۸ پس، شما شاهد هستید و پدرانتان را
تأیید می‌کنید: ایشان آنان را کشتند و شما ۴۶:۲۰
بنا می‌کنید[m]. ۴۹ و بدین سبب حکمت
خدا[n] گفته است: برایشان پیامبران و

c- این آیه که مختّص به انجیل لوقا است توضیح می‌دهد به چه دلیل خدا از دین ظاهری و شریعت‌گرائی آن راضی نخواهد بود.
d- این موضوع مخصوصاً مورد علاقه لوقا است و تنها او در اینجا موضوع را ارائه کرده است چنانکه در ۳۳:۱۲؛ ۶:۱۶؛ ۹:۱۹؛ ۸:اع۹:۳۶؛ ۲:۱۰، ۴، ۳۱؛ ۲۹:۱۱؛ ۱۷:۲۴ نیز ذکر نموده است (در مقایسه با متی و مرقس در لو۶:۳۰؛ ۲۲:۱۸؛ ۲۱:۱-۴). بنابراین ممکن است که آیه مشابه مت ۲۶:۲۳ را تغییر داده باشد.
e- گاهی این جمله را ترجمه می‌کنند: آنچه در درون است به صدقه بدهید.
f- گیاهی از نوع علف‌های خودروی صحرائی است. کاهنان یهود برابر مقررات تث ۲۲:۱۴-۲۳ برای کلیه سبزی‌ها و گیاهان مزروع پرداخت عشریه مقرر می‌کردند ولی در مورد پرداخت عشریه گیاهان صحرائی بحث و مجادله داشتند. بسیاری از کاهنان سداب را از این عشریه معاف می‌دانستند و فقط لوقا آن را در اینجا ذکر می‌نماید.
g- در مت ۲۳:۲۳ سخن از رحمت است و لوقا از محبت سخن می‌گوید.
h- جملهٔ آخری این آیه در تعدادی از نسخه‌های خطی کهن وجود ندارد، احتمالاً بدین سبب که برای رسوم شرعی مذکور باز ارزش قائل می‌شود.
i- متی در آیه ۲۷:۲۳ زیبائی ظاهری مقبره‌ها را در مقابل ناپاکی داخل آنها آورده است. لوقا اصرار می‌کند که این ناپاکی باطنی را مردم نمی‌شناسند و هدف او نشان دادن کتمان ناپاکی فریسیان می‌باشد؛ ولی خدا قلب آنان را می‌شناسد (۱۵:۱۶).
j- ر.ک ۳۰:۷ توضیح p. معلمین شریعت و فریسیان ضمن اینکه مجزّا هستند در اینجا با یکدیگر شراکت و هماهنگی دارند. عیسی معلمین شریعت را به عنوان متفّکران و رهبران مذهبی یهودیت مورد حمله قرار داده و بدین وسیله اختلاف آن با فریسیان را مشخص می‌سازد.
k- ر.ک مت ۴:۲۳ توضیح b.
l- بررسی‌های باستان شناسی جدید واقعیت این موضوع را تأیید کرده‌اند، بدین معنی که از زمان سلطنت هیرودیس کبیر در فلسطین مقبره‌های عظیم و باشکوهی برای پیامبران ساخته شده است.
m- رهبران یهود در دوران عیسی نشان می‌دهند که نظیر پدران خود قادر به شناختن پیامبران نیستند (ر.ک ۳۰:۷؛ ۳۳:۱۳؛ ۱:۲۰-۸).
n- به طوری که در مت ۳۴:۲۳ ذکر شده، عیسی شخصاً فرستادن پیامبران را اعلام می‌کند در صورتی که در انجیل لوقا حکمت خدا یعنی خود خدا آن را اعلام می‌نماید و امکان دارد که این عبارت که لحن بیان یهودی دارد عبارتی کهن و قدیمی باشد (ر.ک ۳۵:۷ توضیح u) و ممکن است از کتابی یهودی به نام یوبیل ۱۲:۱ نقل شده باشد.

رسولان[o] خواهم فرستاد و بعضی از آنان را
کشته یا شکنجه خواهند کرد[p]. ۵۰تا از این
نسل، حساب خون همهٔ پیامبران که از
پی فکنی جهان ریخته شده است خواسته
شود[q]. ۵۱از خون هابیل گرفته تا خون
زکریا که میان قربانگاه و خانه[r] [خدا] از
بین رفت. آری به شما می‌گویم که از این
نسل[s] حساب اینها پس گرفته خواهد شد.
۵۲ای عالمان شریعت وای بر شما، زیرا
کلید دانش[u] را برداشته اید[t]! خودتان داخل
نشده اید و کسانی را که می‌خواستند وارد
شوند، مانع شده اید.»
۵۳و وقتی از آنجا خارج شد، کاتبان[v] و
فریسیان شروع به ضدیت با او و واداشتن
وی به حرف زدن دربارهٔ بسیاری از نکات
کردند. ۵۴و توطئه کردند تا [سخنی] از
دهان وی را غفلتاً بگیرند.

شهادت علنی به پسر انسان
(متی ۱۰:۲۶-۳۳، ۱۹-۲۰)

۱۲ ۱در این بین ده ها هزار نفر جمعیت
گرد آمده بودند به طوری که
یکدیگر را لگدمال می‌کردند. او شروع
کرد نخست به شاگردانش[w] بگوید[x]: «از
خمیرمایه یعنی از ریاکاری[y] فریسیان
برحذر باشید. ۲هیچ پوشیده‌ای نیست که ۱۷:۸
آشکار نشود و هیچ سرّی نیست که شناخته
نگردد. ۳برای همین است که هر آنچه در

o- در مت ۲۳:۳۴ سخن از حکیمان و کاتبان است و لوقا از رسولان سخن می‌گوید و بدیهی است که منظور او پیام‌آوران انجیل می‌باشد که اکثراً نام می‌برد (ر.ک ۶:۱۳ توضیح c).

p- ر.ک ۶:۲۳ توضیح q.

q- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: که (به وسیلهٔ خدا) خون بازخواسته شود. از بین نویسندگان عهد جدید لوقا تنها کسی است که این عبارت از ترجمه یونانی کتاب مقدس را می‌آورد (پید ۹:۵؛ ۴۲:۲۲؛ ۲-سمو۴:۱۱؛ مز۹:۱۳؛ حزق ۳۳:۶، ۸)، عبارتی که محکومیت آدم‌کشی را اعلام می‌کند.

r- قتل هابیل و قتل زکریا نخستین و آخرین جنایاتی هستند که در کتاب مقدس عبری روایت شده است (پید ۴:۸-۱۰؛ ۲-توا ۲۴:۲۰-۲۲) و مظهر جنایاتی بشمار می‌روند که در تاریخ مقدس وجود دارد، البته بدون اینکه شهدای جدیدتر نظیر شهیدان دوران مکابیان به حساب آید که در ترجمه یونانی عهد عتیق ذکر گردیده است. ضمناً این طرز برداشت مربوط به یهودیان فلسطینی است (ر.ک مت ۲۳:۳۵ توضیح w).

s- بر طبق نظریه ای که در کتاب مقدس ذکر شده وارثان خانواده با درگذشتگان وابستگی مشترک دارند و بنابراین باید کیفر تمام خطاهای گذشته را تحمّل کرده در آنها شریک شناخته شوند (آیات ۴۸-۴۹).

t- در تعدادی از نسخه های خطی کهن آمده است: پنهان کرده اند.

u- در مت ۲۳:۱۳ کاتبان و فریسیان ملامت می‌شوند زیرا در مقابل آدمیانی که می‌خواهند به ملکوت وارد شوند آن را با قفل بسته اند. لوقا معلمین شریعت را سرزنش می‌کند که کلید دانش را برداشته و به خود منحصر کرده اند. به نظر لوقا کلید دانش راه دسترسی به ملکوت است.

v- در تعداد زیادی از نسخه های خطی کلمهٔ معلمین شریعت هم با کاتبان یا به جای آن ذکر شده است.

w- در اینجا لوقا چندین قسمت از سخنان عیسی را ارائه می‌نماید که در انجیل متی بطور پراکنده در جاهای مختلف آمده است. هدف از کلیه این سخنان آن است که شاگردان چگونه دربارهٔ استاد خود شهادت دهند.

x- گاهی ترجمه می‌کنند: شروع کرد به شاگردانش بگوید: نخست از... ولی لوقا چندین بار مطالب خود را با کلمهٔ «نخست» آغاز می‌کند (۹:۶۱؛ ۱۰:۵؛ ۱۷:۲۵).

y- ر.ک ۶:۴۲ توضیح g. کلمهٔ ریاکاری ترجمهٔ تحت‌اللفظی است و بعضی این کلمه را «نادرستی» ترجمه می‌کنند. بسیاری از مفسّران با توجه به این که رأی محکومیت دربارهٔ فریسیان است این قسمت را به قسمت قبلی متصّل می‌کنند ولی در ابتدای این آیه صحنه جدیدی ارائه شده و قسمت بعدی اخطار و دعوتی است بر اینکه در سخن گفتن راستی و صراحت داشته و توجهّی به نظریه و عقیده مردمان نکنند. در مورد خمیرمایهٔ فریسیان ر.ک مت ۱۶:۶ توضیح g.

تاریکی گفته اید، در روشنائی کامل، شنیده
خواهد شد[z] و آنچه در گوشهٔ پستوئی به
گوش کسی گفته اید، بر بامها[a] ندا داده
خواهد شد. ۴به شما ای دوستان من
می گویم: مترسید از آنان که جسم را
می کشند و بیش از آن کاری نمی توانند
بکنند. ۵حال به شما نشان می دهم از که
باید ترسید. از آن کس بترسید که پس از
کشتن قدرت دارد به جهنم بیندازد[b]. آری
به شما می گویم از او بترسید. ۶آیا پنج
گنجشک به دو فلس فروخته نمی شود[c]؟ و
حتّی یکی ازآنها در برابر خدا فراموش
نمی شود! ۷بلکه حتّی تمام موهای سر شما ۱-سمو۱۴:۴۵
شمرده شده است. ترسی نداشته باشید:
ارزش شما بیش از انبوه گنجشکان است.

۸این را به شما می گویم: هر که در برابر
انسانها مرا اقرار کند[d]، پسر انسان نیز در
برابر فرشتگان خدا او را اقرار خواهد
کرد[e]. ۹امّا آن که مرا در برابر انسانها ۲۶:۹
انکار کند در برابر فرشتگان خدا انکار
خواهد شد. ۱۰و هر که سخنی بر ضد پسر
انسان بگوید، بر او بخشیده خواهد شد،
امّا آن که بر ضد روح القدس کفر بگوید بر
او بخشیده نخواهد شد[f]. ۱۱چون شما را در
برابر کنیسه ها و قضّات و مقتدران[g] حاضر ۱۴:۲۱
کنند، نگران نباشید چگونه[h] و چه پاسخ
دهید یا چه بگوئید[i]، ۱۲زیرا روح القدس در
همان ساعت به شما خواهد آموخت چه باید
گفت.

z- در مت ۲۷:۱۰ سخن امروزی عیسی را که در خفا گفته می شود در مقابل موعظه شاگردان که بعداً در ملاعام خواهد بود می آورد. لوقا در اینجا فقط دربارهٔ شاگردان سخن می گوید و گفتار ایشان را که در گذشته بدون انعکاس بوده در مقابل اعلام علنی آینده آنان می آورد و بدین سان روحیه ملاحظه کاری و پنهان کاری که پیش از عید پنجاهه داشته اند از گفتارها و سخنان بعدی متمایز می کند.

a- در مشرق زمین رسم چنین است که پشت بام جای معمولی برای گفتگو و مبادله و اشاعهٔ اخبار است.

b- فقط خدا چنین قدرتی دارد. لوقا اصرار دارد که بایستی از او ترسید و غالباً در این باره تاکید کرده است (۱:۵۰؛ ۲:۱۸، ۴:۴۰:۲۳؛ اع۱۰:۲، ۲۲، ۳۵).

c- کلمهٔ دوفلس را گاهی «دوشاهی» یا «دو غاز» می توان ترجمه کرد ر.ک مت ۲۹:۱۰ توضیح o. در مت ۲۹:۱۰ گفته شده است: دو گنجشک به یک فلس... ولی لوقا قیمت آنها را پائین تر آورده است تا این تصویر را تشدید کند، چنان که در ۳۶:۵ و ۱۲:۱۱ نیز به همین گونه رفتار کرده است.

d- یا مرا تأئید کند، ر.ک مت ۳۲:۱۰ توضیح q.

e- موضوع داوری زمان آخر است که به وسیله خدا در حضور فرشتگانش انجام می شود (۲۶:۹) ولی بر طبق روش فلسطینیان از خدا به طور ضمنی یاد شده (ر.ک ۱۰:۱۵) در صورتی که در مت ۳۲:۱۰ صریحاً ذکر گردیده است. در اینجا پسر انسان به عنوان داور ظاهر نمی شود بلکه بر خلاف مت ۳۱:۲۵-۴۶ چون شاهدی به نفع شاگردان و پیروان خود می باشد.

f- ر.ک مت ۳۲:۱۲ توضیح. ناسزاهائی که علیه پسر انسان گفته می شود قابل بخشایش است ولی کفر گوئی بر ضد روح القدس بخشیده نخواهد شد. لوقا که این دو مورد را از یگدیگر تفکیک می کند دوران رسالت عیسی را بر روی زمین (حتی مرگ او قابل بخشش است ۳۴:۲۳؛ اع ۱۷:۳؛ ۲۷:۱۳) در مقابل دوران رسالت رسولان می آورد که بوسیله روح القدس الهام می یابند و آخرین مهلت برای توبه اسرائیل است (اع ۲۸:۲؛ ۱۹:۳؛ ۴۶:۱۳؛ ۶:۱۸؛ ۲۵:۲۸-۲۸). مت ۳۲:۱۲ و مر۲۲:۳-۲۹ این سخن را در اوضاع و شرایط دیگری روایت کرده اند که به آن مفهوم دیگری می دهد.

g- منظور لوقا مقامات قضائی بت پرستان است.

h- در بسیاری از نسخه های خطی کلمه «چه» وجود ندارد و این جمله به این صورت آمده است: نگران نباشید چگونه پاسخ دهید.

i- در مت ۲۰:۱۰ و مر ۱۱:۱۳ خود روح القدس از زبان شاگردان سخن خواهد گفت. لوقا نقش فعّال تری برای شاهدان عیسی قائل شده و می گوید روح القدس به ایشان خواهد آموخت (ر.ک روم ۱۵:۸ در کنار عبارت و اصطلاح یهودی که در غلا۶:۴ آمده است). در ۱۵:۲۱ این وعده را به صورت دیگری ارائه نموده و انجام آن را در اع ۸:۴؛ ۳۲:۵؛ ۵۵:۷ نشان می دهد.

ثروتهای این دنیا[j]

[۱۳]کسی از میان جمعیّت به او گفت: «ای
استاد به برادرم بگو ارثیه را با من تقسیم
کند[k].» [۱۴]به او گفت: «ای انسان[l] چه
کسی مرا داور و مقسّم بر شما قرار داده
است[m]؟» [۱۵]به ایشان گفت: «دقت کنید!
از هرگونه حرص برحذر باشید، زیرا آدمی
هر چند در فراوانی بسر برد، زندگانیش به
اموالش بستگی ندارد[n].»

مثل ثروتمند بی‌شعور

[۱۶]برایشان این مثل را گفت[o]: «مردی
ثروتمند بود که زمین هایش بار زیاد آورده
بود. [۱۷]و از خود می پرسید[p]: چه کنم؟ زیرا
نمی دانم محصول خود را در کجا جمع کنم
[۱۸]و گفت: چنین می کنم: انبارهای خود را
کوبیده و بزرگتر بنا خواهم کرد و تمام گندم
و دارائی خود را در آنجا جمع نموده [۱۹]و به
جان خود[q] خواهم گفت: ای جان من، جا۶:۲
دارائی بسیار برای سالهای بسیار اینجا
داری، بیاسای، بخور، بنوش، شادی کن.»
[۲۰]اما خدا به او گفت: «ای بی شعور،
همین امشب جانت را خواهند طلبید[r]. و
آنچه آماده کرده ای برای که خواهد بود؟
[s][۲۱]چنین است حال کسی که برای خود گنج
می اندوزد به جای آنکه برای خدا[t] ثروتمند
باشد[u].»

با فیض خدا زندگی کردن (متی ۶:۲۵-۳۳)

[۲۲]و به شاگردانش گفت: «بدین سبب
به شما می گویم: برای زندگی نگران

j- در آیات ۱۳ الی ۳۴ آموزشهای مختلف عیسی در یک جا جمع شده است که در برابر ثروت این دنیا چه رفتاری باید اتخاذ شود: اول اخطار کلی در مورد درخواست مخصوصی که شده است (آیات ۱۳-۱۵) مثل ثروتمند نابخرد (آیات ۱۶-۲۱)، اخطار به شاگردان که دربارهٔ خوراک و پوشاک نگران نباشند (آیات ۲۲-۳۲) و بالاخره توصیه و اندرز دربارهٔ صدقه دادن (آیات ۳۳-۳۴).

k- معمولاً خیلی آسان از ربی ها درخواست می کردند چنین داوری هائی انجام داده و رأی دهند.

l- این عبارت ترجمه تحت اللفظی است، ر.ک ۵:۲۰ توضیح s.

m- در اینجا از عیسی درخواست می شود وظیفه ای دنیوی انجام دهد و او نمی پذیرد و بدین گونه خود را از موسی متمایز می کند که به عنوان رئیس و قاضی عمل می کرد (خروج ۲:۱۴؛ ر.ک اع ۷:۲۷-۳۵).

n- تحت اللفظی: زندگی او نتیجه اموالش نمی باشد. با این بیان کلی این قسمت به پایان می رسد و تشریح می شود به چه سبب عیسی به مسائل مالی نمی پردازد زیرا منبع و سرچشمهٔ زندگی نیست.

o- این مثال (ر.ک ۱۰:۳۰ توضیح) به طور برجسته نشان می دهد و نتیجه گیری می کند (آیه ۲۱) که ثروت واقعی چیست به همین گونه در ۱۲:۳۳؛ ۱۸:۲۲؛ ر.ک ۱۶:۹ دعوت می شود برای خود گنجینه ای در آسمان بیندوزند.

p- در مثل هائی که لوقا روایت می کند غالباً اشخاص اندیشه خود را با سخن گفتن با خود بیان می کنند (۱۵:۱۷-۱۹؛ ۱۶:۳؛ ۱۸:۴؛ ۲۰:۱۳). همین روش را در مت ۲۱:۳۸ و ۲۴:۲۸ (لو۱۲:۴۵) می توان یافت.

q- ترجمهٔ این جملات تحت اللفظی است. کلمه ای که در اینجا جان ترجمه شده چنانکه غالباً در عهدعتیق نیز آمده به معنی تمامی وجود فرد زنده یا شخص می باشد. بنابراین می توان آن را زندگی ترجمه کرد (۶:۹؛ ۹:۲۴؛ ۱۲:۲۰، ۲۲، ۲۳؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۷:۳۳؛ ۲۱:۱۹) یا می توان ضمیری به جای آن آورد.

r- تحت اللفظی: از تو باز می خواهند. فاعل این فعل که به صورت نامعّین و جمع آمده خدا است (ر.ک ۶:۳۸ توضیح c): خداوند به وسیلهٔ مرگ، ثروتمندان این دنیا را بازپس می گیرد.

s- این آیه در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد.

t- گاهی ترجمه می کنند: به نزد خدا (ر.ک آیه ۱۶ توضیح o). به احتمال قوی در اینجا موضوع گنج آسمانی است.

u- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا افزوده شده است: با گفتن این فریاد می کشید: آن که گوشهائی برای شنیدن دارد بشنود (ر.ک ۸:۸؛ ۱۴:۳۵).

نباشید[v] که چه خواهید خورید و نه برای
تن که چه خواهید پوشید. [۲۳]زیرا زندگی
بیش از خوراک است و تن بیش از
پوشاک. [۲۴]کلاغها را ملاحظه کنید: نه
می‌کارند و نه می‌دروند. نه مخزنی دارند و
نه انباری و خدا به آنان خوراک می‌رساند.
شما چقدر بیشتر از پرندگان ارزش دارید!
[۲۵]چه کسی از میان شما با ناراحتی‌ها
می‌تواند یک ذراع به سنّ خود بیفزاید[w].
[۲۶]پس اگر حتی کوچکترین چیز فراتر از
قدرت شما است چرا برای بقیه چیزها
نگرانید[x]؟ [۲۷]سوسن‌ها را ملاحظه کنید. نه
می‌ریسند و نه می‌بافند[y]، باری به شما
می‌گویم، حتی سلیمان با تمام شکوهش به
مانند یکی از اینها پوشیده نشده بود.
[۲۸]پس اگر در دشت گیاهی را که امروز
هست و فردا به تنور[z] افکنده خواهد شد
خدا این چنین لباس می‌پوشاند، برای شما
چقدر بیشتر خواهد کرد ای مردمان کم
ایمان! [۲۹]و شما در پی آن نباشید که چه
خواهید خورد و چه خواهید نوشید، و
نگران نباشید. [۳۰]زیرا همهٔ اینها را
ملت‌های جهان جستجو می‌کنند، امّا پدر
شما می‌داند که به اینها نیاز دارید. [۳۱]به
جای آن ملکوت او را بجوئید و این برای
شما افزوده خواهد شد. [۳۲]ای رمهٔ[a] کوچک
مترس زیرا خوشنودی پدر شما بوده است
که ملکوت را به شما عطا کند[b]. تث۱۸:۷

گنج پایدار
(متی ۶:۱۹-۲۱)

[۳۳]اموال خود را بفروشید و به صدقه
بدهید[c]. برای خود نقدینه‌هائی درست
کنید که کهنه نمی‌شوند، گنجی تمام
ناشدنی در آسمانها، که در آنجا نه دزد
نزدیک می‌شود، نه موریانه خراب می‌کند.
[۳۴]زیرا در جایی که گنج شما است قلب
شما نیز در آنجا خواهد بود.

v- ر.ک مت ۶:۲۵ توضیح.
w- تحت‌اللفظی: یک ذراع به هستی خود بیفزاید. کلمه‌ای که در بالا سن ترجمه شده هم به معنی قّد می‌باشد (چنانکه در ۲:۵۲ و ۱۹:۳ بکار برده شده) و هم به معنی سّن است. البته معنی اولی در اینجا مورد ندارد زیرا افزودن یک ذراع (تقریباً ۵۰ سانتیمتر) به قّد مقدار کمی نیست (آیه ۲۶).
x- این آیه مختص به لوقا است و همان بی‌علاقگی به دنیا را که در ۱۶:۱۰ و ۱۹:۱۷ ذکر شده است نشان می‌دهد.
y- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: سوسن‌ها را ملاحظه کنید چگونه نمّو می‌کنند، نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند. ولی این عبارت احتمالاً از مت ۶:۲۸ گرفته شده و عبارت تعدادی از نسخه‌های خطی کهن که در اینجا ذکر شده ترجیح دارد.
z- کلمه تنور ترجمه تحت‌اللفظی است و گاهی آتش ترجمه می‌کنند.
a- این تصویر که مربوط به زندگی چوپانی است در عهد عتیق بکار برده شده و منظور از رمه، گوسفندان قوم خدا می‌باشد (پید ۴۸:۱۵؛ هو۴:۱۶؛ ۴:۱۳-۶؛ میک ۲:۱۲-۱۳؛ ۴:۶-۷؛ ۷:۱۴؛ صف ۳:۱۹؛ ار۳۱:۱۰؛ ۵۰:۱۹؛ مخصوصاً حزق ۳۴؛ اش ۴۰:۱۱؛ ۴۹:۹-۱۰؛ مز۲۳:۱ توضیح u؛ ۹۵:۷). عیسی این تصویر را در مورد اسرائیل (مت ۹:۳۶؛ مر۶:۳۴)، در مورد یهودیان گناهکار (مت ۱۰:۶؛ ۱۵:۲۴؛ لو۱۵:۴-۶؛ ۱۹:۱۰) یا نظیر این مورد نسبت به گروه شاگردان بکار می‌برد (مت ۲۶:۳۱؛ مر۱۴:۲۷؛ ر.ک یو۱۰:۱-۱۶، ۲۷؛ ۲۱:۱۵-۱۷؛ اع ۲۰:۲۸-۲۹؛ ۱-پطر۵:۲-۳).
b- این نتیجه‌گیری مختص به لوقا است و این سئوال را پیش می‌آورد که اعطای ملکوت آیا هم اکنون حاضر است یا اینکه وعدهٔ اعطای آن مسلّم می‌باشد.
c- توصیه و اندرزی که لوقا در آغاز اخطاری می‌آورد تقریباً با بیان خلاصه‌تری در مت ۶:۱۹-۲۱ آمده است (ر.ک آیه ۱۶ توضیح). در مورد اصرار و تاکید لوقا دربارهٔ صدقه دادن ر.ک ۱۱:۴۱ توضیح d.

مثل‌هایی دربارهٔ بیداری[d]
(متی ۲۴:۴۳-۵۱)

۳۵کمرهایتان بسته و چراغهایتان روشن
باشد[e] ۳۶و همچون مردانی باشید که در
انتظار بازگشت خداوندشان از عروسی
هستند[f] تا همان دم که بیاید و بکوبد، بر او
بگشایند. ۳۷خوشا به این بردگان که
خداوندشان در بازگشت، آنان را بیدار
بیابد. آمین به شما می‌گویم که وی کمر
بسته ایشان را برسر سفره نشانده و به
۲۲:۲۷؛ یو۱۳:۱-۱۷ خدمت ایشان خواهد پرداخت. ۳۸اگر در
پاس دوّم یا سوّم بیاید و چنین بیابد، خوشا
به حال آنها.
۳۹این را نیک بدانید: اگر صاحب خانه
۱-تسا۵:۲ می‌دانست که در چه ساعتی دزد خواهد
آمد، نمی‌گذاشت به خانه‌اش نقب بزنند[g].
مر۱۳:۳۵ ۴۰شما هم آماده باشید زیرا در ساعتی که
نمی‌پندارید پسر انسان خواهد آمد.»
۴۱پطرس گفت: «خداوندا آیا این مثل
را برای ما می‌گوئی یا برای همه[h]؟» ۴۲و
خداوند گفت: «پس کدام مباشر[i] وفادار و
هوشیار است که خداوند بر خدمتگزاران
خود قرار دهد تا در موقع معیّن سهم گندم را
بدهد؟ ۴۳خوشا به حال این برده که چون
خداوندش بیاید او را چنین مشغول یابد.
۴۴به راستی به شما می‌گویم که وی را بر
تمام اموالش قرار خواهد داد. ۴۵امّا اگر
این برده در دل خود بگوید[j] که خداوند من
در آمدن تأخیر می‌کند و شروع به زدن
غلامان و کنیزان کرده و به خوردن و
نوشیدن و مستی بپردازد، ۴۶خداوند این
برده، در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی
که نمی‌داند خواهد آمد و او را جدا کرده[k]
قسمتش را با بی‌ایمانان[l] قرار خواهد داد.
۴۷این برده که با دانستن ارادهٔ
خداوندش، چیزی را آماده نکرده یا به
ارادهٔ خود عمل نموده ضربه‌های بسیار
خواهد خورد. ۴۸امّا آنکه ندانسته با
رفتارش سزاوار ضربه‌هایی باشد،
ضربه‌های کمی خواهد خورد. به هر که زیاد

d- لوقا در آیات ۳۵-۴۸ یک رشته مثل گرد آورده و طی آنها به شاگردان توصیه می‌شود در انتظار بازگشت خداوند مراقب و هوشیار باشند.

e- این عبارت ترجمه تحت‌اللفظی است و گاهی ترجمه می‌کنند: در لباس کار بمانید و چراغهای خود را روشن نگاه دارید. همچنان که در آیه ۳۷ و در ۱۷:۸ ذکر شده است بایستی آمادهٔ کار باشند و به این منظور دامن ردای خود را بلند کرده و به کمر ببندند. یهودیان نیز در برگزاری عید گذر لباس مسافرت می‌پوشند (خروج ۱۲:۱۱) و آمدن مسیح موعود را انتظار می‌کشند.

f- چنین به نظر می‌رسد که ذکر این نکته فقط برای آن است که نشان داده شود بازگشت او در ساعتی نامعّین و دیر وقت است و به نماد و معنی جشن عروسی در کتاب مقدس اشاره نمی‌کند.

g- تحت‌اللفظی: خانه‌اش را سوراخ کند. در خانه‌های فلسطین دزد به آسانی می‌توانست دیوارها را که نازک بودند سوراخ کند (ایوب ۲۴:۱۶).

h- این سئوال فقط در انجیل لوقا آمده است و لوقا با طرح این سئوال از اندرزهائی که به تمام شاگردان خطاب شده (آیات ۳۵-۴۰) به دستورات و توصیه هائی می‌پردازد که مربوط به کسانی است که به عنوان مباشر مسئول برادران خود هستند (آیات ۴۲-۴۸).

i- از بین انجیل نگاران فقط لوقا این کلمه را بکار برده است (ر.ک ۱۶:۱، ۳، ۸) که نشان می‌دهد وی شخصیت مهمی است (ر.ک ۱-قرن ۴:۱-۲).

j- ر.ک ۱۲:۱۷ توضیح p.

k- تحت‌اللفظی: او را به دو تکّه خواهد کرد. ر.ک مت ۲۴:۵۱ توضیح g.

l- کلمهٔ بی‌ایمانان ترجمه تحت اللفظی است. گاهی ترجمه می‌کنند بی‌وفایان. متی می‌گوید: ریاکاران.

داده شده باشد از او زیاد مطالبه خواهد شد
و به هر که زیاد سپرده شده باشد از او
بیشتر خواهند خواست[m].

چرا عیسی آمده است[n]

۴۹ من آمده ام تا آتشی بر زمین بیندازم و
چقدر می‌خواستم که هم اکنون افروخته شده
باشد[o]! ۵۰ باید به تعمیدی، تعمید یابم[p] و مر ۳۸:۱۰
چقدر در فشار هستم[q] تا آنکه همه چیز به
پایان رسد!

(متی ۱۰:۳۴-۳۶)

۵۱ آیا می‌پندارید که آمده‌ام تا بر زمین
آرامش را بدهم؟ خیر! به شما می‌گویم،
بلکه تفرقه[r] را، ۵۲ زیرا از این پس در
خانوادهٔ پنج نفری، تفرقه خواهد بود، سه
نفر علیه دو نفر و دو نفر علیه سه نفر.
۵۳ پدر علیه پسر و پسر علیه پدر، مادر علیه
دختر و دختر علیه مادر، مادر شوهر علیه
عروس خود و عروس علیه مادر شوهر تفرقه
خواهند داشت[s].

تصمیم گیری. تشخیص نشانه‌های این دوران[t]

(متی ۱۶:۲-۳)

۵۴ باز به جماعت می‌گفت: «وقتی
می‌بینید ابری از باختر بلند می‌شود همان
دم می‌گوئید که باران می‌آید وچنین
می‌شود. ۵۵ و وقتی باد جنوب می‌وزد
می‌گوئید که گرم سوزان خواهد شد و چنین

m- آیات ۴۷-۴۸ فقط در انجیل لوقا آمده و مخصوصاً قسمت دوم آیه ۴۸ مسئولیت روسای کلیسا را یادآوری نموده و نتیجه گیری آیات ۴۱-۴۸ می باشد.

n- در این قسمت لوقا چندین گفتار از عیسی را جمع کرده که دربارهٔ رسالت خود بیان نموده است. بدین گونه قسمت بعدی را (۵۴:۱۲ - ۹:۱۳) آماده می کند که دربارهٔ فوریّت اتخاذ تصمیم و انتخاب راه خود در برابر او است.

o- همچنین می توان ترجمه کرد: چه میل دارم اگر هم اکنون افروخته شده است، ولی با توجّه به آیه ۵۰ به خوبی برمی‌آید واقعه ای است که بعداً رخ خواهد داد. آتشی که عیسی در اینجا ذکر می کند آتشی است که در تصاویر مربوط به زمان آخر به همراه داوری خدا است (اش ۱۵:۶۶-۱۶؛ حزق ۲۲:۳۸؛ ۶:۳۹؛ ملا ۱۹:۳؛ یهودیه۱۶:۱۷). احتمالاً لوقا به تعمید روح القدس و آتش که در روز پنجاهه افتتاح شده است می اندیشد (ر.ک ۱۶:۳؛ ۷اع۲:۳، ۱۹).

p- در مر ۳۸:۱۰ تعمید عیسی به موازات جام دردناکی که سر می کشد ذکر شده تا شهید شدن او را یادآوری نماید. در اینجا تعمید به موازات آتش و در عبارتی که مربوط به داوری است ذکر می شود. ذکر آب با آتش به عنوان وسایل داوری و کیفر مجدداً در ۲۶:۱۷-۲۹ خواهد آمد (ر.ک ۲-پطر۵:۲-۶؛ ۶:۳-۷). عیسی در مقابل داوری که به آدمیان خواهد رسید از داوری که بر خودش خواهد شد یاد می کند.

q- اکثراً این جمله را ترجمه می کنند: چقدر نگران هستم؟ ولی در اینجا با توجه به آنچه در آیه ۴۹ آمده بر می‌آید که عیسی بیش از آنکه اضطراب و نگرانی داشته باشد عجله دارد مأموریت نجات بخش خود را به انجام رساند.

r- تحت اللفظی: تجربه. متی در ۳۴:۱۰ واژهٔ محسوس و مادّی شمشیر را آورده که حتماً کلمه ابتدائی و اصلی است. لوقا اکثراً آرامش را والاترین عطیّه مسیحائی می‌داند (ر.ک ۷۹:۱ توضیح). در اینجا که عیسی آن را به طور عجیبی نفی می کند اعلام می نماید که این آرامش، آرامش جسمانی و سهل الوصول نیست که پیامبران دروغین تصّور می کردند (ار۱۴:۶؛ ۱۱:۸؛ حزق ۱۰:۱۳، ۱۶).

s- تفرقه خانواده ها در روایات پیامبران یکی از آثار مصائب زمان آخر می باشد (میک ۶:۷؛ حجی ۲۲:۲؛ ملا۲۴:۳). عیسی مجدداً در این باره سخن خواهد گفت: لو ۱۶:۲۱ و متون موازی.

t- از ۵۴:۱۲ الی ۹:۱۳ لوقا سلسله ای از آموزشهای عیسی را روایت می کند که درباره لزوم و فوریت توبه است: دعوت به جهت تشخیص نشانه های دوران حاضر را تشخیص دهند (آیات ۵۴-۵۶)، مثلی دربارهٔ لزوم سر و سامان دادن به اوضاع خود قبل از داوری (آیات ۵۷-۵۹)، تفسیر وقایع روزمره در خصوص دعوت به توبه (۱:۱۳-۵) و یک مثل درباره آخرین مهلت داده شده برای ثمر آوردن (۶:۱۳-۹).

می‌شود. ۵۶ای ریاکاران[u]، می‌توانید
صورت زمین و آسمان را تشخیص دهید
ولی چگونه این دوران[v] را تشخیص
نمی‌دهید؟

پیش از داوری امور خود را سامان دهید
(متی ۵:۲۵-۲۶)

۵۷و چرا خودتان داوری نمی‌کنید که چه
چیزی عدالت است؟ ۵۸ مثلاً[w] وقتی با
مدّعی خود نزد رئیسی می‌روی، در راه
کوشش نما با او تمام کنی، مبادا وی تو را
نزد قاضی کشانده و قاضی تو را به داروغه
تسلیم کند و داروغه تو را به زندان افکند.
۵۹به تو می‌گویم. از آنجا بیرون نخواهی
آمد تا آخرین پشیز را پس داده باشی.»

تعجیل در توبه[x]

۱۳ ۱در همین موقع مردانی سر رسیدند
که در بارهٔ اهالی جلیل خبر آوردند
که پیلاطس خون آنان را با خون
قربانیانشان به هم آمیخته بود[y]. ۲و او به
سخن درآمده بدیشان گفت: «آیا
می‌پندارید که این جلیلیان چون متحمل
چنین سرنوشتی شدند گناهکارتر از
[دیگر] جلیلیان بودند؟ ۳به شما می‌گویم
خیر، امّا اگر توبه نکنید، همگی به
همین‌گونه هلاک خواهید شد. ۴یا آن
هیجده تن که برج سِلوام با افتادنش آنان را
کشت، آیا می‌پندارید که دِین ایشان[z] از
همه مردمانی که در اورشلیم ساکن هستند
بیشتر بوده است؟ ۵به شما می‌گویم خیر،
امّا اگر نمی‌خواهید توبه کنید، همگی این
چنین از بین خواهید رفت.

مثل درخت انجیر بی‌ثمر[a]

۶و این مثل را می‌گفت: «کسی درخت
انجیری در تاکستان خود کاشته بود و آمد
در آن میوه جستجو کند و نیافت. ۷به
کارگر تاکستان گفت: اینک سه سال است
که می‌آیم تا میوه‌ای در این درخت انجیر
جستجو کنم و نمی‌یابم. آن را قطع کن. چرا
زمین را عاطل می‌گذارد. ۸در پاسخ او
گفت: ای خداوند، امسال هم این را بگذار

u- ریاکاران ترجمه تحت‌اللفظی است. گاهی ترجمه می‌کنند: ای ارواح فاسد: ر.ک ۶:۴۲ توضیح g.
v- این دوران را که دوران عیسی است به آسانی می‌توان شناخت زیرا نشانه های آن واضح و روشن است (۷:۲۲؛ ۱۱:۲۰). این نظریه با آنچه در ۱۱:۲۹ ذکر شده است تفاوت دارد.
w- در انجیل متی این مثل برای بیان رحمت و احسان برادرانه است. در اینجا اصرار می‌شود که پیش از فرا رسیدن داوری با یکدیگر آشتی نمایند. این نکته که از نظر زمان آخر تفاوت جزئی دارد احتمالاً منظور و هدف اصلی این مثل بوده است.
x- عیسی در مورد دو واقعهٔ دردناکی که جدیداً رخ داده نتیجه گیری کرده و دو اظهار مشابه می‌نماید. بر طبق نظریه‌ای که در آن زمان رایج بود، سزا و پاداش در این دنیا داده می‌شود و لذا شنوندگان تصّور می‌کردند که این وقایع چون کیفر الهی بر گناهکاران نازل شده است و چون خودشان از این کیفر معاف شده‌اند از درستی و عدالت خود اطمینان حاصل کرده‌اند. ولی عیسی این نظریه را که بیش از حد ساده است رد می‌کند (ر.ک یو۹:۲-۳)؛ و نشان می‌دهد که این مصیبت‌ها اعلام خطری برای همگان است بدین معنی که همه گناهکارند و همه بایستی توبه کنند.
y- بر طبق گزارشهای تاریخی، پیلاطس چندین بار در اورشلیم مرتکب اقدامات منجر به خونریزی شده بود.
z- تحت‌اللفظی: بدهی ایشان. گاهی ترجمه می‌کنند: جرم ایشان، ر.ک مت ۶:۱۲ توضیح h؛ لو۱۱:۴ توضیح f.
a- در این مثل مجدداً موضوع تهدید درختی که ثمر نمی‌دهد ذکر شده است (۳:۸-۹؛ ر.ک ۶:۴۳-۴۴)، ولی در اینجا اعلام آخرین مهلت اضافه شده است. در این عبارات دعوت به توبه و فوریّت آن آشکار است.

تـا زمـانی که دورادورش را بـکـنـم و کـود
بدهم، [۹]شاید در آینده[b] میوه دهد... والّا[c]،
البته آن را قطع خواهی کرد.

شفای زن علیل در روز سبت[d]

[۱۰]در یک روز سبت در کنیسه ای آموزش
می داد. [۱۱]و آنگـاه زنی که از هیجـده سال
پیش روحی داشت که او را ناتوان می کرد[e]
و او کاملاً خمیده شده و مطلقاً نمی توانست
راست بایستد[f]. [۱۲]با دیدن وی عیسی او را
خـطـاب کـرده گـفـت: «ای زن ایـنـک از
ناتوانی خود رها شدی.» [۱۳]و دستهایش را
بـر زن نهـاد و در همـان لحظه آن زن راست
بایستاد[g] و خدا را تجلیل می کرد[h].
[۱۴]رئیس کنیسه، از اینکه عیسی در روز
سبت[i] شفـا داده است، بـرآشفـته به سخن
درآمد و به جمعیّت گفت: «مدّت شش روز
باید کار کرد، پس در این روزها جهت شفا
یـافـتـن بـیـائـیـد و نه در روز سـبـت!»
[۱۵]خـداونـد در پـاسخ به او گـفت: «ای
ریـاکـاران[j]! مگـر در روز سبت هـر یـک از
شما گـاو یـا الاغش را از آخور باز نمی کند
تـا برای آب دادن بـبـرد[k]؟ [۱۶]و این دخـتـر
ابراهیم که شیطان مدت هیجده سال است ۹:۱۹
در بـنـد کـرده، نبایـد در روز سبت[l] از این
بـنـد رهـا شـود!» [۱۷]و چـون این سـخن را
می گفت همه رقیبانش شرمگین شدند در
حالی که همه جمعیت از کارهای برجسته ای
که او انجام می داد شادمان بودند.

مثل‌های دانه خردل و خمیرمایه[m]
(متی۱۳: ۳۱-۳۳؛ مرقس۴: ۳۰-۳۲)

[۱۸]پس می گفت: «ملکوت خدا[n] به چه
شبیه است و آن را به چه می تـوانم تـشبیه
کنم؟ [۱۹]شـبـیه دانه خردلی است که مـردی
گرفته در باغ خود می افکند، رشد کرده و

b- بعضی به جای کلمهٔ آینده ترجمه می کنند: سال آینده (که در آن سالی که در بند قبلی آمده است یادآوری می شود).
c- در بعضی از نسخه های خطی چنین نوشته شده است: میوه؟ و گرنه در آینده...
d- این بحث و جدل در مورد شفا دادن ها که عیسی در روز سبت انجام می دهد از همان نوع نوشته هائی است که در ۶:۶-۱۱ و ۱۴:۱-۶ آمده است.
e- تحت اللفظی: تحت تسلّط یک روح ناتوانی بود. این بیماری به عمل شیطانی نسبت داده شده است (ر.ک بند ۱۶ و ۱۱:۱۴t).
f- می توان ترجمه کرد: نمی توانست کاملاً راست بایستد.
g- تحت اللفظی: راست ایستاده شد.
h- ر.ک ۲:۲۰ توضیح i.
i- ر.ک ۶:۷ توضیح w.
j- گاهی ترجمه می کنند: ای ارواح فاسد (ر.ک ۶:۴۲ توضیح g). در تعداد زیادی از نسخه های خطی این کلمه به صورت مفرد آمده است: ای ریاکار، که با وضعیت روایت بهتر تطبیق می کند.
k- عیسی رفتار معمولی دهقانان و عقل سلیم آنان را ذکر کرده و نتیجه می گیرد که به دلیل قوی تر اتخاذ چنین روشی در نجات و شفای بیماران صحیح است.
l- ر.ک مر۳:۴ توضیح e. در نظر عیسی روز سبت روز خداوند و بلکه عالی ترین روز برای نجات می باشد.
m- در اینجا دو مثل آمده (ر.ک ۵:۱۱ توضیح h) که متی آنها را زودتر ارائه می کند (نظیر مرقس که فقط مثل اولی را روایت می نماید). در انجیل لوقا نخستین بخش فراز آمدن عیسی به اورشلیم با این دو مثل به پایان می رسد و در طی آنها فکر شنونده را متوجه موضوع ملکوت خدا می کند. لوقا با ذکر این مثل ها می گوید ملکوت خدا به طور مقاومت ناپذیری توسعه می یابد و قدرت دارد افراد را تغییر دهد چنان که در تجربه مبشرین در رسالت ملاحظه می شود.
n- این دو مثل تنها مواردی است که لوقا در آنها از ملکوت خدا به طور صریح یاد می کند.

درختی می‌شود[o] و پرندگان آسمان در
شاخه‌هایش پناه می‌گیرند[p].» ۲۰و باز
گفت: «ملکوت خدا را به چه می‌توانم
تشبیه کنم؟ ۲۱شبیه خمیر مایه‌ای است که
زنی گرفته در سه پیمانه آرد پنهان می‌کند،
تا اینکه همه تخمیر شود[q].».

آیا قوم اسرائیل وارد ملکوت می‌شود؟

۲۲و از شهرها و روستاها عبور کرده در
حالی‌که آموزش می‌داد و به سوی اورشلیم
راه می‌پیمود[r].

(متی ۷:۱۳-۱۴)

۲۳کسی به او گفت: «خداوندا آیا نجات
یافتگان اندک خواهند بود؟» وی بدیشان
گفت: ۲۴«کوشش کنید از در تنگ وارد
شوید[s] زیرا به شما می‌گویم، بسیاری
کوشش خواهند کرد وارد شوند و موفّق
نخواهند شد[t].

(متی ۲۵:۱۰-۱۲)

۲۵همین که صاحب‌خانه، قیام کرده در را
ببندد شما که در بیرون مانده‌اید به در
کوبیده خواهید گفت: خداوندا برای ما
بگشای. او به شما پاسخ خواهد داد:
نمی‌دانم از کجا هستید.

(متی ۷:۲۲-۲۳)

۲۶آنگاه شروع به گفتن خواهید کرد: ما ۹:۱۹
در برابر تو خورده و نوشیده‌ایم و تو در
میدان‌های ما تعلیم داده‌ای[u]. ۲۷و او به
شما خواهد گفت[v]: نمی‌دانم[w] از کجا
هستید: از من دور شوید، همه شما ای عملهٔ
ظلم[x]!

o- در تعداد نسبتاً زیادی از نسخه‌های خطی درخت بزرگی نوشته شده است ولی این توصیف در مورد بوتهٔ خردل تطبیق نمی‌کند. ضمناً لوقا بر تفاوت بزرگی درخت و کوچکی دانه تأکیدی نکرده است در صورتی که در مت ۱۳:۳۲ و مر۴:۳۰-۳۱ این نکته یادآوری شده است.

p- این تصویر که دان ۴:۹، ۱۸ (و حزق ۱۷:۲۳ و ۳۱:۶) در مورد قدرت پادشاهان بزرگ بکار می‌برند ممکن است در نظر لوقا توسعه و انتشار انجیل در بین ملّت‌های جهان باشد.

q- در مورد این مثل که تقریباً عین انجیل متی است، ر.ک مت۱۳:۳۳ توضیح s.

r- چنین به نظر می‌رسد که یادآوری مجدد فراز آمدن عیسی به سوی اورشلیم (آیه ۲۲) آغاز بخش جدیدی از مسافرت می‌باشد (۱۳:۲۲- ۱۷:۱۰). در آیات ۲۲-۳۰ سخنان مختلف عیسی دربارهٔ ورود به ملکوت جمع‌آوری شده است (متی این سخنان را به شکل دیگر و در اوضاع و احوال دیگری ارائه می‌کند). لوقا آنها را بر ضد یهودیانی که به عیسی ایمان نخواهند آورد بکار می‌برد. یعنی زمانی که غیریهودیان به نجات وارد شوند، یهودیان اخراج خواهند شد. بعضی از یهودیانی که ابتدا دعوت شده بودند در جایگاه آخر خواهند بود، زمانی که خواهند دید بت‌پرستان در ضیافت مسیحائی جای ایشان را می‌گیرند (۲۸-۳۰).

s- عیسی در اینجا نمی‌خواهد توضیحاتی دربارهٔ نتایج داوری نهائی بدهد چنان که در جای دیگر دربارهٔ تاریخ داوری هم توضیحاتی نمی‌دهد (۱۲:۴۰، ۴۶؛ اع ۱:۶-۷) بلکه فقط از شنوندگان دعوت می‌کند برای رسیدن به ملکوت کوشش نمایند (ر.ک ۱۶:۱۶).

t- در تعدادی از نسخ خطی این عبارت به قسمت اول آیه بعدی متصل شده و فقط بین آنها علامت فاصله (،) آمده است.

u- تحت‌اللفظی: آموزش داده‌ای. کسانی که در اینجا سخن می‌گویند یهودیانی هستند که شاهد رسالت عیسی بوده‌اند (در مت۷:۲۲-۲۳ پیامبران و مسیحیانی هستند که به نام عیسی نبوّت می‌کنند).

v- در تعدادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: خواهد گفت: به شما می‌گویم... در اینجا کسی که سخن می‌گوید داور زمان آخر است در صورتی که در مت ۷:۲۳ عیسی به عنوان متکلم سخن می‌گوید.

w- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: شما، نمی‌دانم... چنانکه در آیه ۲۵ نیز به همین صورت است.

x- تحت‌اللفظی: کارگران بی‌عدالتی. داور، یهودیان بدکار را به عنوان وابستگان خود نمی‌شناسد: بدین معنی که برای تعلّق به قوم خدا کافی نیست که از نسل ابراهیم باشند (ر.ک ۳:۸؛ یو۸:۳۳-۴۱) بلکه باید عیسی را بپذیرند و توسط او که داور است شناخته شوند (آیات ۲۵-۲۷).

(متی ۸:۱۲، ۱۱)

۲۸ در آنجا گریه و فشار دندانها خواهد بود چون ابراهیم، اسحاق، یعقوب و همهٔ پیامبران را در ملکوت خدا و خود را بیرون رانده ببینید[y] ۲۹ و از خاور و از باختر، از شمال و از جنوب آمده[z] در ملکوت خدا بر سر سفره خواهند نشست.

(متی۱۹:۳۰؛ ۲۰:۱۶؛ مرقس۱۰:۳۱)

۳۰ و آنگاه بعضی از آخرین ها اوّلین و بعضی از اوّلین ها آخرین خواهند بود[a].»

عیسی رو در رو با مرگ[b]

۳۱ در همان ساعت، تنی چند از فریسیان[c] پیش آمده به او گفتند: «روانه شده از اینجا برو، زیرا هیرودیس می‌خواهد تو را بکشد.» ۳۲ و بدیشان گفت: «بروید به آن روباه[d] بگوئید: اینک من دیوها را می‌رانم و امروز و فردا شفا دادن ها به انجام می‌رسانم و روز سوم[e] برای من تمام می‌شود[f]. ۳۳ امّا امروز و فردا و روز بعد باید راه خود را دنبال کنم زیرا مناسب نیست که پیامبری بیرون از اورشلیم هلاک گردد[g].

مرثیه برای اورشلیم

(متی ۲۳:۳۷-۳۹)

۱۹:۱۴-۴۴

۳۴ ای اورشلیم، ای اورشلیم، تو که پیامبران را می‌کشی و کسانی را که بسوی تو فرستاده شده‌اند سنگسار می‌کنی، بارها خواستم فرزندانت را همانند مرغی که جوجه هایش را زیر بالهایش گردآوری می‌کند گرد آورم و نخواستید[h]! ۳۵ اینک

y- عیسی در اینجا ملکوت را به روش یهودیان به عنوان ضیافت مسیحائی معرفی می‌کند (اش ۲۵:۶؛ لو۱۴:۱۵، ۱۶-۲۴؛ ۲۲:۱۶، ۱۸، ۳۰) که در آنجا برگزیدگان در اطراف پیامبران و پدران قوم جمع شده‌اند (ر.ک ۲۲:۱۶). کسانی که به دعوت عیسی پاسخ نداده باشند از آن ضیافت طرد خواهند شد. متی این تهدید را به کلیه یهودیان خطاب می‌نماید (ر.ک مت۸:۱۲ توضیح r) در صورتی که منظور لوقا فقط شنوندگان بی ایمان عیسی می‌باشد.

z- منظور غیریهودیانی است که در ملکوت پذیرفته خواهند شد (ر.ک اش ۲:۲-۵؛ ۲۵:۶-۸؛ ۶۰؛ ۶۶:۱۸-۲۱).

a- ر.ک مت ۱۹:۳۰ توضیح i. این رأی قاطع در مت ۱۹:۳۰ و مر۱۰:۳۱ و مخصوصاً مت ۲۰:۱۶ قدری خفیف تر است: (بسیاری از...).

b- لوقا در مطالب قبلی (آیات ۲۳-۳۰) بی ایمانی اسرائیل را در دوران عیسی یادآوری کرده و با توجه به این موضوع در اینجا دو گفتار عیسی را دربارهٔ مرگ خود می‌آورد: یکی آیات ۳۱-۳۳ که مختص به خود لوقا است و دیگری آیات ۳۴-۳۵ که متی آن را در تاریخ دیرتری روایت نموده است.

c- ظاهراً این فریسیان موافق عیسی هستند (ر.ک ۷:۳۶ توضیح y). به هر صورت بعضی از مفسران اقدام آنان را خصومت‌آمیز می‌دانند.

d- هیرودیس در نظر عیسی نه مانند شیری خطرناک بلکه چون روباهی حیله گر است. (ربی های یهودی معمولاً برای نشان دادن شخص خطرناک، تصویر شیر بکار می‌بردند).

e- یعنی در مدت کوتاهی (اصطلاح معمول در زبان آرامی).

f- تحت اللفظی: من به پایان هستم که عبارتی مبهم بوده و ممکن است به مفهوم زمان و مطلق کلمات باشد (یعنی رسالت من پایان یافته است) یا اینکه اعلام نتیجه حاصل تعبیر شود (یعنی به هدف خود رسیده ام) نظیر آنچه در ۳۵:۲۲ و همچنین در یو۷:۳۰ و ۸:۲۰ ذکر شده است: تا زمانی که ساعت او نرسیده باشد دشمنان عیسی نمی‌توانند بر او دست یابند.

g- عیسی مرگ خود را در اورشلیم اعلام کرده و آن را با مرگ پیامبرانی که بنی اسرائیل کشته است مقایسه می‌نماید (ر.ک ۲۳:۶ توضیح r).

h- برابر این سخنان که متی آنها را در ضمن گفتار عیسی در اورشلیم آورده است چنین بر می‌آید که عیسی قبل از «هفته مقدس» رسالت خود را در اورشلیم انجام داده است. این موضوع ظاهراً خیلی نزدیک به حقیقت است (ر.ک یوحنا). ضمناً نشان می‌دهد که طرح اناجیل نظیر و مخصوصاً شرح مسافرت به اورشلیم در انجیل سوم بعدها آماده شده است (ر.ک مقدمه).

خانه شما به شما واگذاشته شده است[i]. به
شما می‌گویم: دیگر مرا نخواهید دید تا
[روزی] فرارسد که بگوئید[j]: مبارک باد
آن که به نام خداوند می‌آید[k]!»

شفای بیمار مبتلا به استسقا در روز سبت[l]

۱۴ ۱ باری چون در یک روز سبت برای
صرف غذا[m] به خانه یکی از
رؤسای فریسیان آمده بود، ایشان در کمین
او می‌بودند. ۲ و حال یک انسان مبتلا به
استسقا در برابر او بود. ۳ و عیسی به سخن
درآمده به عالمان شریعت[n] و فریسیان
مت۱۲:۱۲؛ مر۳:۴ گفت: «آیا در روز سبت[o] شفا دادن مجاز
است یا خیر؟» ۴ و ایشان خاموش ماندند و
او را گرفته شفا داد و روانه کرد. ۵ و به
آنان گفت: «کدام یک از شما اگر پسر[p] یا
گاوش در چاهی بیفتد، همان روز سبت
فوراً او را از آن بیرون نخواهد کشید[q]؟»
۶ و نتوانستند به آن پاسخ دهند.

انتخاب پایین‌ترین جایگاه

۷ و مثلی[r] برای مهمانان می‌گفت چون
مشاهده می‌کرد که چگونه نخستین
نشیمنگاه‌ها[s] را برمی‌گزینند. به ایشان
می‌گفت: ۸ «چون به عروسی دعوت شدی،
مرو در نخستین جایگاه دراز بکش، مبادا
شایسته‌تر از تو هم دعوت شده باشد. ۹ و امث۲۵:۶-۷
کسی که شما را، تو و او را دعوت کرده
است آمده به تو بگوید: جایت را به او بده،

i- ر.ک ار ۱۲:۷. خدا معبد خود را ترک نموده آن را دستخوش ویرانی خواهد کرد (ر.ک ۲۱:۶) تا بر قوم خود کیفر نازل سازد و این تهدید در الهامات پیامبران معمول بوده است (میک ۳:۱۲؛ ار۷:۱-۱۵؛ ۲۶؛ حزق ۸-۱۱).

j- در چندین نسخه خطی نظیر مت ۲۳:۳۹ نوشته شده است: تا اینکه بگوئید...

k- در اینجا لوقا اعلام می‌کند که شنوندگان با تحسین و هلهله مسیحائی که در مز۱۱۸:۲۶ آمده (ر.ک لو۱۹:۳۸) به عیسی درود خواهند گفت، بنابراین چنین به نظر می‌رسد که لوقا پذیرفته است قوم اسرائیل در زمان آخر توبه کرده به عیسی ایمان خواهد آورد (ر.ک ۲۱:۲۴؛ روم۱۱:۲۵-۲۷).

l- لوقا در طی روایت صرف غذا چندین نکته را ارائه می‌کند (۱۴:۱-۲۴) و تمام این مطالب خطاب به فریسیان است که به نظر لوقا نماینده واقعی افکار و نظریات قوم اسرائیل هستند. اولین قسمت روایت، شفا دادن در روز سبت است که نظیر ۶:۶-۱۱ و ۱۳:۱۰-۱۷ می‌باشد. استسقا از نظر لغوی به معنی آب خواستن، طلب آب کردن یا جمع شدن آب در شکم و نام مرضی است که بیمار آب زیاد خواهد.

m- ر.ک ۷:۳۶ توضیح y.

n- ر.ک ۷:۳۰ توضیح p.

o- ر.ک ۶:۷ توضیح w و ۱۳:۱۶ توضیح l.

p- در چندین نسخه خطی به‌جای این کلمه، الاغ نوشته شده یا به آن اضافه گردیده است که احتمالاً تحت تاثیر ۱۳:۱۵ می‌باشد.

q- لوقا در اینجا هما گفتار عیسی را ارائه می‌کند که متی در ۱۲:۱۱ آورده است (ر.ک توضیح u) ولی معلوم می‌شود که دربارهٔ عادات و رسوم اهالی فلسطین اطلاعات کمتری دارد، مثلاً متی نوشته است اگر در سوراخی بیفتد در صورتی که لوقا از چاهی سخن می‌گوید که در کشورهائی که می‌شناخته وجود داشته است؛ مخصوصاً ذکر می‌کند که پسر یا گاوی در آن افتاده باشد که از نظر عالمان شریعت و کسانی که شرع یهود را مو به مو رعایت می‌کردند دو مورد کاملاً مختلف است. بنابراین استدلال متی از آنچه لوقا گفته است قوی‌تر می‌باشد.

r- در اینجا کلمه مثل نظیر مر۷:۱۷ به معنائی است که در کتاب مقدس بکار می‌رود و به مفهوم اندرز حکیمانه است. در نظر اول در آیات ۸-۱۰ عیسی درسی دربارهٔ زیرکی در اجتماع می‌دهد، مانند آنچه در امث ۲۵:۶-۷ ذکر شده ولی اندرز او در آیه ۱۱ با درس تواضع و فروتنی پایان می‌یابد، درسی که با اشتغال خاطر دنیای یهود دربارهٔ رعایت سلسله مراتب اختلاف دارد (ر.ک مدارک قمران).

s- تحت‌اللفظی: رختخواب‌ها (ر.ک ۷:۳۶ توضیح z)، عیسی به همین گونه در ۲۰:۴۶ کاتبان را سرزنش می‌کند.

و آنگاه تو سراپا شرمگین گشته رفته آخرین
جایگاه را اشغال خواهی کرد. [۱۰]امّا چون
دعوت شدی، برو در آخرین جایگاه دراز
بکش، به طوری که آن کس که تو را دعوت
کرده است آمده به تو بگوید: ای دوست
من، بالاتر بفرمائید. آنگاه در برابر همه
کسانی که با تو بر سر سفره هستند برایت
افتخار خواهد بود. [۱۱]زیرا هر که خود را بالا
برد، پائین آورده خواهد شد ولی هر که خود مت۲۳:۱۲
را پائین آورد، بالا برده خواهد شد[t].»

دعوت از بینوایان

[۱۲]باز به آن کسی که از او دعوت کرده
بود[u] می‌گفت: «وقتی ناهار یا شامی
می‌دهی، دوستانت، برادرانت، بستگانت و
نزدیکان ثروتمند خود را دعوت مکن مبادا
ایشان هم به نوبه خود تو را دعوت کنند و
همانند آن را به تو پس بدهند. [۱۳]امّا وقتی
پذیرائی می‌کنی، فقیران، ناقص‌العضوها،
لنگان و کوران[v] را دعوت کن [۱۴]و
خوشبخت خواهی بود که چیزی ندارند به
تو پس بدهند[w] زیرا در روز رستاخیز
عادلان، به تو پس داده خواهد شد[x].»

مثل مهمانانی که به‌جای آنان بینوایان می‌آیند[y]
(متی ۲۲:۱-۱۰)

[۱۵]با این سخنان، یکی از مهمانان به او
گفت: «خوشا به حال آن که غذایش[z] را در
ملکوت خدا صرف خواهد کرد[a]!» [۱۶]به او
گفت: «مردی مهمانی شام بزرگی می‌داد که
بسیاری از مردم را بدان دعوت کرد. [۱۷]و در
ساعت شام برده‌اش را فرستاد تا به مهمانان
بگوید: بیایید[b] زیرا اکنون آماده است[c].
[۱۸]امّا همه یک‌صدا[d] شروع به
عذرخواهی کردند. نخستین به وی گفت:

t- این سخن حکیمانه که از حزق ۳۱:۲۱ الهام یافته اعتماد متکبرانه فریسیان را محکوم می‌کند (ر.ک ۱۵:۱۶) و همین نکته مجدداً در ۱۴:۱۸ خواهد آمد.
u- موضوع اول صرف غذا بوده و حال موضوع دوم یعنی دعوت کردن مطرح می‌شود. عیسی با استفاده از این فرصت دعوت می‌کند که نسبت به بینوایان گذشت و بخشندگی داشته و در پی منافع شخصی خود نباشند.
v- نصیحتی که عیسی می‌کند بر خلاف تمام آداب و رسوم و عادات معمولی است. کلیه مردمانی که در اینجا دعوت شده‌اند افراد بیچاره و بینوا هستند (ر.ک ۶:۲۰ توضیح).
w- عیسی برای کسانی که در پی منافع خود نیستند وعده‌ای می‌دهد (ر.ک ۶:۳۲-۳۴).
x- تعدادی از مفسران با تکیه به این متن و آیه ۳۵:۲۰ تصور کرده‌اند که لوقا رستاخیز گناهکاران را قبول ندارد (این نظریه در بعضی از محافل یهودیان آن دوران وجود داشته است) ولی لوقا در اع ۱۵:۲۴ از رستاخیز عادلان و گناهکاران سخن می‌گوید. بیانات او را در اینجا و در آیه ۳۵:۲۰ می‌توان چنین توضیح داد که فقط عادلان به زندگی واقعی می‌رسند.
y- این مثل در انجیل متی پس از ورود عیسی به اورشلیم ذکر شده و به صورت دیگری است. لوقا این مثل را به عنوان اعلام دعوت قوم جدید که از بینوایان یهودی و نیز غیریهودی تشکیل می‌شود ذکر می‌نماید.
z- تحت‌اللفظی: که نان خواهد خورد.
a- این جمله که نظیر مکا ۹:۱۹ نوید سعادت ابدی است، امید به شرکت در ضیافت مسیحائی را بیان می‌نماید (در مورد ضیافت مسیحائی ر.ک ۲۸:۱۳ توضیح y).
b- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: همه چیز آماده است (ر.ک مت ۴:۲۲).
c- بر طبق رسوم اهالی مشرق زمین به مهمانان از مدتها پیش خبر داده شده است و در آخرین لحظه میزبان خدمتکاری را به دنبال ایشان می‌فرستد (ر.ک استر۸:۵؛ ۶:۱۴) تا آنان را به مجلس ضیافت هدایت نماید.
d- دعوت شدگان بسیارند (آیه ۱۶) اما مثل طبق قاعده معمول بیش از سه تن را نشان نمی‌دهد (ر.ک ۱۰:۳۳ توضیح) سومین فرد حتی عذرخواهی هم نمی‌کند.

من کشتزاری خریده ام و باید رفته آن را
ببینم، خواهشمندم مرا معذور بداری ۱۹و
دیگری گفت: من پنج جفت گاو خریده ام و
می روم تا آنها را بیازمایم، خواهشمندم مرا
معذور بداری. ۲۰و دیگری گفت: من تازه
زن گرفته ام و برای همین نمی توانم بیایم[e].
۲۱و برده در بازگشت خود، این را به
خداوندش گفت. آنگاه خداوند خانه
خشمگین به برده اش گفت: سریعاً به
میدانها و کوچه های شهر برو و فقیران و
ناقص العضوها و کوران و لنگان[f] را به
اینجا بیاور. ۲۲و برده گفت: خداوندا آنچه
فرمان داده ای انجام شده ولی هنوز هم جا
هست. ۲۳و خداوند به برده گفت: به سر
کوره راهها و کنار پرچین ها[g] بیرون برو و
برای آنکه خانهٔ من پُر شود مجبور کن[h]
اشخاص وارد شوند، ۲۴زیرا به شما
می گویم، هیچ یک از این انسان هائی که
دعوت شده بودند از شام من نخواهند
چشید[i].»

چشم پوشی از همه چیز به خاطر پیروی از عیسی

۲۵جماعت بسیاری[j] با او راه می پیمودند
و رو برگردانده به ایشان گفت: ۲۶«اگر
کسی به سوی من آید و پدر و مادر و زن[l] و
فرزندان و برادران و خواهران و حتی جان
خود را منفور ندارد[k] نمی تواند شاگرد من ۱۸:۲۹
باشد ۲۷هر که صلیبش را برندارد و به ۹:۲۳؛ مت۱۰:۲۸
دنبال من نیاید نمی تواند شاگرد من باشد.
۲۸زیرا[m] کدام یک از بین شما اگر
بخواهد برجی بنا کند شروع نمی کند که
بنشیند تا هزینه آن را حساب کند که ببیند
آیا برای اتمام آن دارد؟ ۲۹مبادا اگر پی ها
را بریزد و نتواند تمام کند همه کسانی که
نگاه می کنند او را تمسخر کرده بگویند:

e- لوقا شاید کنایه ای از واقعه در ۱۴:۲۶ دارد.

f- فهرست این بدبختان همان است که در ۱۴:۱۳ در شهر گردآوری شده اند و لوقا در آنان به چشم درماندگان بی اسرائیل می نگرد (ر.ک ۶:۲۰ توضیح).

g- تحت اللفظی: حصارها. در این مورد با مت ۲۲:۹-۱۰ تفاوتی وجود دارد، بدین معنی که به جای مهمانانی که نیامده اند لوقا دستهٔ دیگری از جایگزینان را پیش آورده و آنان را از بیرون شهر وارد می کند و احتمالاً غیریهودیان را در نظر دارد.

h- منظور از مجبور کردن شدت عمل نیست بلکه دعوتی فوری و از روی عجله است (ر.ک ۲۴:۲۹؛ اع۱۶:۱۵). در بعضی از تفسیرهائی که بعدها شده است خواسته اند با توجه به این متن، گرایشهای اجباری را شرعی جلوه دهند ولی این مثل تفسیر مذکور را توجیه نمی کند و مخصوصاً اینکه با روح انجیل مغایرت دارد.

i- ر.ک ۱۳:۲۸-۲۹.

j- این قسمت به جمعیت مردمان خطاب می شود یعنی تمام پیروان عیسی که حضور داشته یا بعداً پیرو عیسی خواهند شد. در این قسمت آموزشهای مختلفی دربارهٔ شرایط شاگرد بودن گردآوری شده و موضوع اصلی این آموزشها بر محور از خود گذشتگی می باشد (آیات ۲۵-۲۶، ۳۳).

k- فعلی که در اینجا بکار رفته نظیر لحن عهد عتیق که در آن صفت تفضیلی وجود ندارد به معنی کمتر دوست داشتن است (ر.ک پید ۲۹:۳۱، ۳۳؛ تث ۲۱:۱۵-۱۶؛ اش ۶۰:۱۵؛ ملا ۱:۳ و لو۱۶:۱۳)؛ چنان که در مت ۱۰:۳۷ نیز چنین درک شده است. از سوی دیگر لوقا در ۱۸:۲۰ ده فرمان را در مورد وظایف فرزندان نسبت به والدین یادآوری خواهد کرد (خروج ۲۰:۱۲؛ تث ۵:۱۶).

l- بر خلاف مت ۱۰:۳۷ در اینجا لوقا محبت نسبت به زن را یادآوری می کند که آن هم بایستی پس از محبت مسیح باشد (ر.ک ۱۴:۲۰؛ ۱۸:۲۹).

m- دو مثلی که در آیات ۲۸-۳۰ و ۳۱-۳۲ (ر.ک ۱۱:۵ توضیح h) آمده مختص به انجیل لوقا است. چنین به نظر می رسد که در اصل نمونه ای بوده تا نشان دهد که پیش از هر اقدام مهمی بایستی تفکّر نمود و احتمالاً منظور از اقدام مهم، تعهد به پیروی از عیسی می باشد. لوقا آیه ۳۳ را به عنوان نتیجه گیری افزوده و آن را به صورت دعوت به از خود گذشتگی در آورده است.

[۳۰]اینک مردی که آغاز به بنا کرده و
نتوانسته آن را تمام کند!
[۳۱]یا کدام پادشاهی است که برای رفتن
به جنگ پادشاهی دیگر شروع نمی کند که
بنشیند تا بررسی کند آیا قدرت دارد با ده
هزار مرد به مقابله آن کسی برود که در
برابرش با بیست هزار می آید ؟ [۳۲]وگرنه
البته در وقتی که آن دیگری هنوز دور است
هیئتی می فرستد تا شرایط صلح را بپرسد.
[۳۳]پس هم چنین، هر که از بین شما اگر
از همهٔ اموال خود صرف نظر نکند
نمی تواند شاگرد من باشد[n].

مثل نمك بی‌مزه
(متی ۱۳:۵؛ مرقس ۵۰:۹)

[۳۴]نمک چیز خوبی است[o]، امّا اگر
نمک، خود بی مزه شود چه چاشنی به آن
خواهند زد؟ [۳۵]دیگر نه برای خاک و نه
برای کود مناسب است. آن را بیرون
می افکنند[p]. هر که برای شنیدن گوش
دارد، بشنود[q].»

عیسی و گناهکاران[r]

۱۵ [۱]باجگیران و گناهکاران[s] همگی[t]
نزد او می‌آمدند تا از او بشنوند.
[۲]و فریسیان و کاتبان زمزمه کرده
می گفتند: «او گناهکاران را می پذیرد و با
ایشان غذا می خورد[u]!» [۳]به ایشان این مثل
را گفت:

مثل برهٔ بازیافته[v]
(متی ۱۲:۱۸-۱۴)

[۴]«کدام یک از بین شما اگر صد بره حزق۱۶:۳۴
داشته باشد و یکی را گم کند، آن نود و نه را

n- در این آیه نتیجه ای که در آیات ۲۷،۲۶ گرفته شده مجدداً ذکر گردیده و از دو مثل قبلی به طرز جدیدی استفاده می کند و آنها را به صورت دعوت به صرف نظر کردن از تمام اموال خود ارائه می نماید، آموزشی که مورد علاقه لوقا می باشد (۱۳:۱۲-۳۴؛ ۱:۱۶-۱۳؛ ۲۴:۱۸-۳۰؛ ر.ک ۱۱:۵ توضیح).
o- ر.ک مت ۱۳:۵ توضیح l و مر۴۹:۹ توضیح.
p- مفهومی که لوقا برای نماد نمک قائل می شود روشن نیست. به هر صورت آن را چون اخطاری به شاگردان ارائه می کند که بی خاصیت نشوند و نسبت به خود و مخصوصاً به پیام انجیل وفادار باشند.
q- لوقا با تکرار اخطاری که در ۸:۸ آمده اهمیت دعوت عیسی را یادآوری و تاکید می نماید.
r- این باب با توجه به مقدمه و سه مثل دربارهٔ شادی بازیافتن آنچه گم شده است، نوشتهٔ ادبی منسجم و محکمی به شمار می آید (ر.ک نتیجه آیات ۶، ۹، ۳۲،۲۴). در این مثل ها ترتیب توالی تدریجی روشن و صریح است بدین معنی که یک بره از صد بره، سپس یک سکه از ده سکه و بالاخره یک فرزند از دو فرزند گم شده است. عیسی در مقابل عادلانی که خشمگین هستند چون وی گناهکاران را می پذیرد از مسرت خدا سخن می گوید که فرزندان گمشده اش را باز می یابد و از فریسیان دعوت می کند در این شادی شرکت کنند (مخصوصاً در صحنهٔ آخری آیات ۲۵-۳۲). دو مثل اولی که کاملاً موازی هستند (ر.ک ۵:۱۱ توضیح) نشان می دهد که پدر، گناهکار را جستجو می کند و در مثل سومی گناهکاری را که به سوی او بر می گردد با چه روحیه ای می پذیرد.
s- نظیر ۳۰:۵ و ۳۴:۷ نام باجگیران با گناهکاران علنی که فریسیان محکوم می کردند ذکر شده است.
t- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا کلمه همگی وجود ندارد ولی در نسخه های قدیمی نوشته شده است.
u- ر.ک ۲۹:۵-۳۰.
v- تصویر شبان و گلّهٔ او موضوعی رایج در نوشته های عهد عتیق است تا روابط خدا را با قوم خود نشان دهد (ر.ک ۳۲:۱۲ توضیح a). تصویر باز یافتن برهّای که گم شده است تشبیه معمولی نجات می باشد (میک ۶:۴-۷؛ ار۱:۲۳-۴؛ حزق ۱۱:۳۴-۱۶). میل مشابهی نظیر این مثل در انجیل متی آمده ولی متی آن را در مورد مسئولیت رهبران کلیسا نسبت به افراد حقیر جمعیت خود به کار برده است، در صورتی که لوقا در ضمن مثل نشان می دهد که خدا در جستجوی گناهکاران است و این نکته احتمالاً نزدیکتر به معنی اولیه این مثل می باشد.

در صحرا[w] نمی‌گذارد و به دنبال آن یکی که
گم شده است نمی‌رود تا آن را بیابد؟ ۵ و
چون آن را یافت شادمان بر روی دوشهایش
می‌نهد ۶ و در بازگشت به خانه خود، دوستان
و نزدیکان را دعوت کرده به ایشان می‌گوید:
با من شادی کنید[x] زیرا بره‌ام را که گم شده
بود یافته‌ام! ۷ به شما می‌گویم: این چنین در
آسمان[y] تنها برای یک گناهکار که توبه
می‌کند شادی بیشتری خواهد بود تا برای نود
و نه عادل که نیازی به توبه ندارند[z].

مثل سکّه بازیافته

۸ یا کدام زنی اگر ده درهم[a] دارد و یک
درهم گم کند، چراغی روشن نمی‌سازد و
خانه را جاروب نمی‌کند و با دقّت
نمی‌گردد تا آن را بیابد؟ ۹ و چون آن را
یافت، دوستان و نزدیکان خود را دعوت
کرده به آنان می‌گوید: با من شادی کنید
زیرا درهمی را که گم کرده بودم یافته‌ام!
۱۰ به شما می‌گویم: این چنین در نزد
فرشتگان خدا[b] تنها برای یک گناهکار که
توبه می‌کند شادی بوجود می‌آید.»

مثل پسر بازیافته[c]

۱۱ باز گفت: «انسانی دو پسر داشت.
۱۲ وکوچکتر به پدرش گفت: ای پدر، سهم
مرا از دارائی که به من می‌رسد بده[d]. وی
مایملک زندگی خود را بین ایشان تقسیم
کرد. ۱۳ و چند روز بعد، پسر کوچکتر همه
چیز را جمع کرده به سوی سر زمینی دور
دست عزم سفر نمود و در آنجا با زندگی در
بی‌بند و باری[e] دارائی خود را پراکنده
کرد. ۱۴ وقتی همه را خرج کرد قحطی
سختی در آن سرزمین روی داد و نیازمندی

w- صحرا چراگاه معمولی گله ها در فلسطین است و با کوهستانی که در مت ۱۲:۱۸ آمده است تطبیق می‌کند.

x- دعوت به شرکت در شادی که در آیات ۹، ۲۳-۲۴ و ۳۲ آمده به نظر لوقا نکته‌ای اساسی است و پاسخ نهائی عیسی را به زمزمه های فریسیان آماده می‌کند (آیات ۷، ۱۰؛ ر.ک آیه ۳۲).

y- در آسمان یعنی برای خدا. ر.ک ۱۱:۱۶ توضیح v.

z- اگر منظور لوقا عادلان واقعی باشد این اظهارات عجیب و بی سابقه است زیرا شادمانی خدا را در برابر توبه گناهکار و توجه او را به این امر بیان می‌کند. ولی شرایطی که لوقا برای این مثل قائل شده و انتقاداتی که از عدالت فریسی می‌کند (۳۲:۵؛ ۱۶:۱۵؛ ۱۸:۱۹؛ ر.ک ۲۰:۲۰) نشان می‌دهد که منظور او در اینجا بیشتر عادلان دروغینی است که بایستی لزوم توبه را دریابند.

a- این پول یونانی برابر دینار رومی است (ر.ک ۴۱:۷ توضیح) و برای زنی خانه دار که فقط ده سکه دارد گم کردن یکی از آنها مهم است.

b- منظور شادمانی خدا است (ر.ک ۸:۱۲ توضیح e) که فرشتگان در آن سهیم هستند.

c- این مثل مشهور مختص به لوقا است (و شباهت اندکی با مثل مت ۲۸:۲۱-۳۲ دارد) و شامل دو قسمت است که به وسیلهٔ شخصیت مرکزی پدر و رفتار کریمانه او کاملاً به یکدیگر مرتبط هستند و همچنین به وسیله یک دعوت نهائی (آیات ۲۴، ۳۲) که در شادی او شریک شوند (بدین سبب از عنوان «پسر گمشده» که معمولاً به این مثل داده می‌شود احتراز می‌گردد) قسمت دوم مثل که روایت را به پایان می‌رساند و به موضع اولیه این باب پاسخ می‌دهد (آیات ۱-۲) درس اساسی را که باید از این مثل فرا گرفت آشکار می‌کند: بدین معنی که از فریسیان دعوت می‌نماید در شادی خدا شریک شوند و در پذیرش گناهکارانی که به او روی می‌آورند قلبی به بزرگی قلب او داشته باشند.

d- این درخواست بی سابقه نیست (ر.ک بنسی ۲۰:۳۳-۲۴) ولی به نظر مورخان، مشروع بودن این تقاضا قابل بحث و تردید است. پسر جوان بعداً اقرار می‌کند که علیه پدر خود مرتکب گناه شده است (آیات ۱۸، ۲۱) ولی نوع گناه او مشخص نشده است.

e- عبارت لوقا به خوبی مشخص نیست، گاهی تحت تاثیر آیه ۳۰ آن را فسق ترجمه می‌کنند ولی آیا در آن آیه اظهارات برادر بزرگتر اغراق آمیز نیست؟

او شروع شد. ۱۵وی به یکی از شهروندان
آن سرزمین متوسّل شد، که او را برای
نگاهداری خوک‌ها[f] به کشتزارهایش
فرستاد. ۱۶و آرزویش این بود که شکمش[g]
را با خرنوبی[h] که به خوکان می‌دادند پُر
کند و کسی به او نمی‌داد. ۱۷به خود باز
آمده گفت[i]: چقدر اجرت بگیران پدرم نان
به وفور دارند و من در اینجا از گرسنگی
هلاک می‌شوم[j]! ۱۸می‌خواهم برخاسته نزد
پدرم بروم و به او بگویم:ای پدر علیه
آسمان[k] و نسبت به تو گناه کرده‌ام،
۱۹دیگر سزاوار نیستم که پسر تو نامیده
شوم. با من چون یکی از اجرت بگیران خود
رفتار کن. ۲۰برخاسته به سوی پدرش آمد.
چون هنوز دور می‌بود، پدرش وی را دیده
بر او ترحم کرد، دویده او را در آغوش خود
گرفت[l] و غرق در بوسه کرد. ۲۱پسر به او
گفت: ای پدر علیه آسمان و نسبت به تو
گناه کرده‌ام، دیگر سزاوار نیستم که پسر تو
نامیده شوم[m]. ۲۲امّا پدر به بردگان خود
گفت: زود زیباترین رداها[n] را آورده و به او
بپوشانید و انگشتری به انگشتش و
پاپوشهائی به پاهایش بکنید[o]. ۲۳و گوسالهٔ
پرواری را آورده ذبح کنید، بخوریم و جشن
بگیریم. ۲۴زیرا این پسر من که مرده بود، به
زندگی باز آمده است، گم شده بود،
بازیافته شده است[p] و آغاز به جشن کردند.
۲۵پسر بزرگش[q] در کشتزارها بود. در
بازگشت، چون به خانه نزدیک شد صدای
موسیقی و رقص شنید. ۲۶و یکی از
خدمتگزاران را صدا کرده پرسید چه خبر
است. ۲۷به او گفت: «این برادر تو است
که برگشته و پدرت گوساله پرواری را ذبح
کرده زیرا او را سلامت باز یافته است.
۲۸وی به خشم آمده از داخل شدن امتناع
می‌ورزید. پدرش خارج شده از او خواهش
کرد، ۲۹امّا او در پاسخ به پدرش گفت:
اینک سالهاست بی‌آنکه هرگز یکی از

f- به نظر یک فرد یهودی نگهداری از خوکها منتهای پستی و بی‌آبروئی است زیرا خوک را حیوان نجسی می‌دانند (تث ۸:۱۴).

g- در بسیاری از نسخه های خطی به جای: شکمش را پر کند، نوشته شده است: خود را سیر کند و مسلماً برای آن است که شدت و تندی این عبارت کاهش یابد.

h- میوهٔ درختی است که در اطراف مدیترانه می‌روید و برای خوراک دامها به کار می‌رود.

i- ر.ک ۱۷:۱۲ توضیح p.

j- در اینجا عیسی نمی‌خواهد احساسات این بدبخت را پاک جلوه دهد و موضوع مثل، توبه فرزند نیست بلکه بر محبت پدری متمرکز است.

k- آسمان یعنی خدا. ر.ک ۱۶:۱۱ توضیح v.

l- دویدن و شتاب در مورد یک فرد شرقی رفتاری استثنائی است ولی این عمل و تمام مطالب این آیه و دنبالهٔ مثل محبت پدر را نشان می‌دهد. بوسه های او نشانه بخشش و گذشت است (۲-سمو۳۳:۱۴).

m- در تعداد زیادی از نسخه های خطی در اینجا اضافه شده است: با من چون یکی از مزد بگیران خود رفتار کن. چنان که در آیه ۱۹ هم این جمله آمده است ولی متنی که کوتاهتر است بیشتر مورد تائید می باشد زیرا عجله پدر را نشان می‌دهد و اینکه طرز پذیرفتن او مانع از آن شده که پسرش به منتهی درجه تحقیر گردد.

n- تحت‌اللفظی: اولین ردا.

o- انگشتری نشانه اقتدار می باشد (پید۴۲:۴۱؛ استر۱۰:۳؛ ۸:۲؛ یع۲:۲)؛ پاپوش جزو پوشاک افراد آزاد بوده و از این حیث با بردگان تفاوت دارد.

p- این نکته که در آیات ۶ و ۹ ذکر شده و در اینجا تکرار می شود نشانهٔ پایان صحنه اول مثل است.

q- رفتار این شخص که گفتگوی او با پدرش دومین صحنه مثل را تشکیل می‌دهد کاملاً با رفتار فریسیانی که در آیه ۲ ذکر شده است تطبیق می کند.

دستورهای تو را زیر پا نهم به تو خدمت
کرده ام[r] و تو هرگز به من بزغاله ای نداده ای
تا با دوستانم جشن بگیرم. ۳۰و چون این
پسرت[s] پس از آنکه مایملک زندگی تو را
با روسپیان بلعیده برگشته است، به خاطر
او گوسالهٔ پرواری را ذبح می کنی! ۳۱به او
گفت: ای فرزند، تو همیشه با من هستی[t] و
هر آنچه از آن من است از آن تو است.
۳۲امّا بایستی جشن گرفته شادی می کردیم[u]
زیرا برادرت[v] که اینجا است، مرده بود و
زندگی را از سر گرفته، گم شده بود و باز
یافته شده است[w].»

مباشر هوشیار[x]

۱۶ ۱همچنین به شاگردان می گفت:
«مرد ثروتمندی بود که مباشری[y]
داشت و اتهاماتی نزد او مطرح کردند که
این [مرد] اموالش را پراکنده می سازد. ۲و
او را فراخوانده به او گفت: دربارهٔ تو چه
حرفی می شنوم؟ حساب مباشرت خود را
پس بده زیرا دیگر نمی توانی مباشرت
کنی. ۳مباشر به خود گفت[z]: چه کنم، زیرا
خداوندم مباشرت را از من می گیرد. آیا
بیل بزنم؟ توانش را ندارم. گدائی کنم؟
خجالت می کشم... ۴می دانم چه کنم تا
وقتی از این مباشرت برکنار شوم کسانی مرا

r- این اظهارات مسلماً صحیح است زیرا نظیر همان اعتمادی است که فریسیان به خود داشتند چون تمام مقررات تورات را انجام می دادند (ر.ک ۱۸:۹).
s- نمی خواهد او را به عنوان برادر خود بشناسد و دربارهٔ او با تحقیر سخن می گوید (ر.ک ۱۸:۹، ۱۱).
t- شادی و مسرت اصلی همین است و دعوتی است بر این که نباید فقط جنبه های شرعی و قانونی مورد توجه قرار گیرد بلکه قلب خود را برای قبول محبت بگشایند.
u- در تعداد زیادی از نسخه های خطی آمده است: می بایست جشن گرفته شادی می کردی.
v- پدر طرز خطاب تحقیرآمیزی را که در آیه ۳۰ آمده تصحیح می کند: یعنی پسری که بازگشته همچنان برادر پسر بزرگتر است.
w- این پایان و نتیجه گیری صحنه دوم مثل که به وسیله آیات ۹:۶،۲۴ آماده شده است پاسخ عیسی به زمزمه های فریسیان می باشد. وقتی که می بینند گناهکاران نزد عیسی می آیند آیا در شادی خدا که فرزندانش را باز می یابد شرکت می کنند؟
x- برای توضیح این مثل غالباً اشکالاتی به وجود می آید زیرا مانند این است که شخص متقلبی به عنوان نمونه و سرمشق ارائه شده باشد، ولی باید دانست که عیسی در مثل های دیگر تردیدی نکرده است که داوری خدا را به داوری یک قاضی بی عدالت تشبیه کند (۱۸:۱-۸)، یا اینکه به شاگردانش توصیه کند مثل مار هوشیار باشند (مت ۱۰:۱۶). بدیهی است که اطرافیانش را به ظلم و شرارت توصیه نمی کند. ضمناً در این مثل توجه داشته است مباشر را نادرست توصیف نماید (آیه ۸). بنابراین اگر به عنوان نمونه و سرمشق معرفی شده (ر.ک ۱۰:۳۰ توضیح j) فقط هوشیاری او مد نظر بوده است.
در دنباله مثل به صورت کنونی که در متن آمده، یک رشته احکام و دستورات دربارهٔ بکار بردن پول ذکر شده است (آیات ۹-۱۳). گاهی نمی توان دقیقاً تعیین نمود که مثل در کجا پایان یافته و توضیح و تفسیر آن از کجا شروع می شود. با این همه در انجیل لوقا می توان این نقطه را بین آیات ۸ و ۹ قرار دارد زیرا در آیه ۹ عیسی به عنوان متکلّم وحده به سخن پرداخته و از بحث هوشیاری به موضوع پول تغییر یافته است. به این ترتیب آیه ۸ نتیجه گیری و پایان مثل است و از شاگردان دعوت می شود در خدمت ملکوت به همان اندازه زیرک باشند که افراد متقلب این دنیا در معاملات نادرست، هوشیاری به خرج می دهند.
طبق آداب و رسومی که گاهی در فلسطین آن زمان رایج بود، مباشر حق داشت که از دارائی اربابش قرض بدهد و چون خود حقوق ثابتی نداشت، با افزودن بر قبض رسید، مبلغ قرض را اضافه می کرد تا هنگام وصول از مابه التفاوت آن سودی ببرد. در این مثل به احتمال قوی فقط پنجاه رطل روغن و هشتاد کیل گندم قرض داده بود و اکنون با کم کردن قبض رسید به مبلغ واقعی آن، خود را از منافع حاصله محروم می کند. نادرستی او در آیه ۸ در کم کردن از قبض نیست که فقط چشم پوشی از منافع فوری شخصی می باشد. این همان رفتار هوشیارانه ای است که اربابش آن را می ستاید. درواقع نادرستی و رفتار ناشایست او قبلاً باعث اخراج وی شده بود.
y- کلمه یونانی که در اینجا مباشر ترجمه شده گاهی کارپرداز، ناظر یا مدیر ترجمه می کنند (ر.ک ۱۲:۴۲ توضیح i).
z- ر.ک ۱۲:۱۷ توضیح p.

در خانهٔ خود بپذیرند[a]. ۵و یکایک
بدهکاران خداوندش را نزد خود فراخوانده
به اوّلی گفت: چقدر به خداوند من
بدهکاری؟ ۶او گفت: صد رطل[b] روغن. به
او گفت: رسیدت را بگیر، بنشین و زود
بنویس پنجاه. ۷بعد به یکی دیگر گفت: و
تو چقدر بدهکاری؟ او گفت: صد کیل[c]
گندم. به او گفت: رسیدت را بگیر و
بنویس هشتاد. ۸و خداوند[d] مباشر
بی‌عدالت[e] را از اینکه هوشیارانه[f] عمل
کرده بود تحسین نمود. زیرا پسران این
دنیا[g]، از پسران نور[i] نسبت به هم نسلان[h]
خود هوشیارتر هستند.

دربارهٔ پول فریبنده و ثروت واقعی[j]

۹و من به شما می‌گویم: برای خودتان
به وسیلهٔ ممونای[k] بی‌عدالتی دوستانی پیدا
کنید، تا اگر کم شود[l] اینان شما را در
خیمه های جاودانی[n] بپذیرند[m].

a- ترجمه دیگر: برای این که وقتی از مدیریت معزول شوم مردمانی باشند که مرا در خانه های خود بپذیرند.

b- کلمه یونانی که در اینجا رطل ترجمه شده واحد سنجش مایعات بوده و امروزه بین ۲۱ الی ۴۵ لیتر در نوسان است.

c- کلمه ای که کیل ترجمه شده برابر ده واحد قبلی یعنی ۲۱۰ الی ۴۵۰ لیتر می باشد.

d- احتمالاً منظور لوقا از کلمه خداوند، ارباب مباشر می باشد زیرا عیسی در آیه ۹ به صورت متکلّم دخالت کرده به سخن می پردازد ولی تعریفی که ارباب از این مرد دزد می کند شگفت‌انگیز است زیرا به حیف و میل اموال خود توجهی ندارد. باز احتمال دارد در مثل اولیه منظور از کلمه خداوند عیسی بوده که از مثل نتیجه گیری می نماید.

e- تحت‌اللفظی: مباشر بی‌انصاف، که البته کلمهٔ اخیر در توصیف مباشر است و او را به بی‌انصافی منسوب می‌کند ولی با توجه به زمینهٔ متن، این کلمه را باید نادرستی ترجمه کرد زیرا در آیات ۱۰-۱۲ این کلمه در مقابل درستی و امانت و اعتماد توصیف شده است.

f- این کلمه در نوشته های عهد عتیق در مورد هر نوع کاردانی و مهارت بکار رفته، اعم از اینکه در درستکاری یا در نادرستی باشد (ر.ک پید۳:۱).

g- پسران این دنیا یعنی گروهی از مردم که چیزی جز دنیای کنونی نمی شناسند و فقط برای این دنیا کار می کنند.

h- ترجمه دیگر: نسبت به همنوعان خود. این اصطلاح که مختص به زبان عبری است در متون قمران بکار برده شده و به معنی طبقهٔ خود می باشد.

i- ترجمه دیگر: آنان که به نور تعلق دارند. گروهی که نور خدا را دریافت می کنند. در قمران این افراد اعضای جمعیت هستند و در مقابل پسران ظلمت که رقیبان ایشان می باشند بکار رفته است.

j- احکام و آرائی که در آیات ۹-۱۳ آمده مطالبی مجزّی از یکدیگر هستند که در اینجا جمع شده تا مثل قبلی را به عنوان درسی دربارهٔ جنبه های مختلف پول تفسیر کنند. این مطالب مجزّی با یک رشته کلمات سامی که به صورت جناس آمده به یکدیگر پیوسته اند، مثلاً کلمهٔ پول (مَمونا که بت است: آیات ۹، ۱۱، ۱۳) و امین (آیات ۱۰، ۱۱، ۱۲) و واقعی (آیه ۱۱). کلمات اخیر از ریشهٔ کلمه عبری «آمان» مشتق شده اند. همچنین این آیات با کلمات متضادّی که در مقابل یکدیگر آمده به هم پیوسته اند، مثلاً نادرستی با امانت و حقیقت که در آیات ۱۰-۱۲ آمده است. در آغاز این بخش عیسی مجدداً به سخن در آمده تا مثل را تفسیر نماید.

k- کلمهٔ ممونا (که در آیات ۱۱ و ۱۳ نیز بکار رفته) ممکن است در اصل از سپرده ای که به امانت گذاشته شود آمده باشد و در اینجا به معنی پول است و به صورت قدرتی که دنیا را اسیر کرده نشان داده شده است.

l- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: تا وقتی از بین بروید.

m- این فعل که به صورت جمع آمده می توان فعل مفردی دانست که فاعل آن خدا است ولی از ذکر نام او احتراز می شود (ر.ک ۶:۳۸ توضیح e).

n- خیمه های جاودانی ترجمهٔ تحت‌اللفظی است و گاهی آن را مسکن های جاودانی ترجمه می کنند. اصطلاح خیمه های جاودانی که به مفهوم جایگاه نجات است نه در عهد عتیق، نه در ادبیات یهود و نه در عهد جدید وجود ندارد و ممکن است از تصویر جشن خیمه های یهودیان الهام شده باشد که پیش نمود دوران نجات است (ر.ک ۱۴:۱۶-۲۱). تمام آیه ۹ به نمونهٔ آیه ۴ بنا شده و دعوتی است که برای خود گنجی در آسمان بیندوزند (ر.ک ۱۲:۱۶ توضیح o) و این امر به وسیله صدقه دادن میسّر می شود (موضوعی که مورد توجه و علاقه لوقا است، ر.ک ۱۱:۴۱ توضیح d).

۱۰آن که در مورد کم امین[o] است در مورد
زیاد نیز امین است و هر که در مورد کم
بی‌عدالت[p] است در مورد زیاد نیز
بی‌عدالت است. ۱۱پس اگر خود را در
ممونای بی‌عدالتی امین نشان نداده‌اید چه
کسی ثروت واقعی را به شما خواهد سپرد؟
۱۲و اگر دربارهٔ ثروت کس دیگری خود را
امین نشان نداده‌اید، چه کسی مال خودتان
را به شما خواهد داد[q]؟

(متی ۶:۲۴)
۱۳هیچ خدمتگزاری نمی‌تواند دو
خداوند را خدمت کند، زیرا یا یکی را
منفور داشته و دیگری را محبت خواهد کرد
یا به یکی علاقمند شده و دیگری را خوار
خواهد شمرد. شما نمی‌توانید هم خدا و هم
ممونا را خدمت کنید[s].»

تورات و ملکوت

۱۴فریسیان[t] که دوستدار پول هستند[u]،
همهٔ[v] اینها را می‌شنیدند و او را مسخره
می‌کردند. ۱۵و به ایشان گفت: «شما از
کسانی هستید که خود را در برابر مردم عادل
جلوه می‌دهند[w]. امّا خدا قلبهای شما را
می‌شناسد[x]، زیرا آنچه در نظر[y] مردم ۱۱:۱۴؛ ۱۴:۱۸
والاست در برابر خدا قبیح است[z].

(متی ۱۱:۱۳، ۱۲)
۱۶تورات و پیامبران تا یحیی[a] می‌رسند،
از آن پس ملکوت خدا نوید داده شده است
و هر کس [بر آن] زور می‌آورد[b].

o- یا: وفادار.
p- ر.ک آیه ۸ توضیح e.
q- در چندین نسخه کهن نوشته شده است: مال خودمان را... که البته منظور عطیه ملکوت است (و احتمالاً در نسخه های خطی مذکور به مفهوم عطیهٔ کلیسا می باشد). بنابراین در آیات ۱۰-۱۲ پول وسیله آزمایش شاگردان و پیروان است.
s- در اینجا کلمهٔ خدمت کردن به معنی آئین عبادت و پرستش می باشد چنان که معمولاً در کتاب مقدس به این معنی آمده است. در برابر خدا، پول، خدائی دروغین می باشد و بر طبق مفاد این آیه خطر پول جدی تر از آن است که در آیات قبلی ذکر شده است زیرا می توان آن را به صورت بت پرستید.
t- احکام مختلفی که در آیات ۱۴-۱۸ ذکر شده منظور و هدف مشترکی دارند، بدین معنی که در این احکام وضع عیسی در برابر آئین یهود و تورات تعیین می شود؛ همچنین نتیجهٔ مثل بعدی آماده می شود (آیه ۳۱). ضمناً در اینجا فریسیان به عنوان نمایندهٔ افکار و نظریات یهود ظاهر می شوند.
u- عیسی در ۲۰:۴۷ سرزنش مشابهی به کاتبان خطاب خواهد کرد. ضمناً صحیح نیست که این سرزنش خطاب به تمام فریسیان محسوب گردد (ر.ک ۷:۳۶ توضیح y). در آیات ۱۴-۱۵ موضوع آیات ۹-۱۳ که دربارهٔ پول است تغییر یافته و به احکامی که بعداً می آید پرداخته می شود.
v- این کلمه در تعدادی از نسخه های خطی وجود ندارد.
w- ر.ک ۹:۱۸ و عالم شریعتی که در ۱۰:۲۹ ذکر شده، همچنین ۱۰:۲۰ توضیح w.
x- موضوعی از کتاب مقدس (۱-سمو۱۶:۷؛ مت ۲۴:۱۲) که لوقا در اع۱:۲۴؛ ۱۵:۸ بکار برده است.
y- یا: در بین.
z- این عبارت نظریه ای از کتاب مقدس است: ر.ک امث ۱۶:۵.
a- تفاوتی که در این مورد با مت ۱۱:۱۲ وجود دارد این است که به نظر لوقا یحیی تعمید دهنده مربوط به دوران عهد عتیق است (ر.ک ۳:۲۰ توضیح z) و آن دوران به پایان رسیده است.
b- این عبارت را می توان ترجمه کرد: که به زور وارد آن می شوند. تفسیر این عبارت مورد بحث می باشد (ر.ک مت ۱۱:۱۲ توضیح c). در اینجا با توجه به تمایلات لوقا که به تقوا و تقدس تشویق می نماید و با توجه به متنی که در ۱۳:۲۴ آورده می توان چنین درک کرد که به کوشش روحانی دعوت می نماید.

(متی ۵:۱۸)
۱۷آسان تر است که آسمان و زمین بگذرد
تا اینکه خط کوچکی[c] از تورات بیفتد.

[متی۵:۳۲؛ ۱۹:۹؛ مرقس۱۰:۱۱-۱۲)
۱۸هر که زنش را طلاق دهد و با دیگری
ازدواج کند مرتکب زنا می شود و هر که با
زنی که شوهرش طلاق داده ازدواج کند،
مرتکب زنا می شود[d].

مثل مرد ثروتمند و ایلعازر[e]

۱۹انسان ثروتمندی[f] بود که ارغوان و
کتان ظریف[g] می پوشید و هر روز جشنی با
شکوه برپا می کرد.
۲۰فقیری به نام
ایلعازر[h] به نزدیک دروازهٔ او دراز کشیده
بود که سراپا پوشیده از زخم بود
۲۱و بسیار
آرزو داشت که از آنچه[i] از سفرهٔ مرد
ثروتمند می افتد خود را سیر کند. علاوه بر
آن سگان[j] هم آمده زخمهایش را
می لیسیدند.
۲۲باری آن فقیر مُرد و به وسیلهٔ فرشتگان
به آغوش[k] ابراهیم برده شد. ثروتمند نیز
مرد و دفن گردید.
۲۳و در وادی مردگان[l]،
هنگامی که گرفتار عذابها می بود چشمها را
بلند کرده از دور ابراهیم و در آغوش وی
ایلعازر را می بیند.
۲۴و فریاد برآورده

c- تحت اللفظی: فقط یک خط (از حرفی). این رأی که رأی قبلی را تکمیل می کند در تأیید دائمی بودن تورات می باشد. منظور لوقا ارزش پیامبری این قانون است (ر.ک ۲۴:۲۷، ۴۴) و بدین ترتیب نتیجه مثل بعدی را آماده می کند (آیه ۳۰).

d- ممنوعیت طلاق که قبلاً طبق روایات یهود مجاز بوده یکی از موارد جدائی قاطع عیسی از قانون موسی می باشد (ر.ک مت۵:۳۱ توضیح g).

e- این مثل نظیر مثل ۱۵:۱۱-۳۲ از دو قسمت تشکیل می شود: در آیات ۱۹-۲۵ از موضوعی الهام گرفته شده که در مصر قدیم و در یهودیت شناخته شده بود و عبارت از تغییر وضعیتی است که گذشتن از این دنیا به دنیای آینده به وجود می آورد، همان نکته ای که در گفتار راجع به سعادتهای ابدی در ۶:۲۰، ۲۴ ذکر شده است. آیات ۲۷-۳۱ مهمترین درسی است که از این مثل گرفته می شود و بیان می کند که مهمترین نشانه ای که انسان را به طور قاطع به توبه هدایت می کند نوشته های مقدس است. درسی که از این مثل گرفته می شود روشن است: موضوع توبه فوریّت دارد و به این منظور باید از آنچه موسی و پیامبران گفته اند تبعّیت کرد.

f- در تعدادی از نسخه های خطّی نام او را تعیین کرده و «نِوِس» نوشته اند.

g- ترجمه دیگر: لباس زیر لطیف.

h- این مورد تنها موردی است که برای شخصی در مثل نامی تعیین شده است؛ ضمناً نام ایلعازر از نظر لغوی یعنی «خدا یاری می کند» و نام کاملاً مناسبی برای این مرد بینوا است. چون در این روایت موضوع دوباره زنده شدن او مطرح است (آیات ۲۷-۳۱) بسیاری از مفسّران تصور کرده اند که بین این مثل و واقعه ای که در باب ۱۱ انجیل یوحنا ذکر شده ارتباطی وجود دارد ولی در آنجا ایلعازری که ذکر شده بینوا نیست (ر.ک یو ۱۱:۱ توضیح g)

i- در تعداد نسبتاً زیادی از نسخه های خطی اضافه شده است: تکهّ هائی (ر.ک مت ۱۵:۲۷).

j- در کتاب مقدس، سگها چون حیواناتی نفرت انگیز و شریر بشمار آمده اند (مز۲۲:۱۷، ۲۱؛ امث ۲۶:۱۱؛ ر.ک مت ۷:۶).

k- کلمهٔ آغوش ترجمهٔ تحت اللفظی است و به معنی آن است که در ضیافتی که ابراهیم میزبان آن است به جایگاه والائی برده شده است (در مورد این ضیافت ر.ک ۱۳:۲۸ توضیح z). این اصطلاح یونانی مجدداً در یو۱۳:۲۳ در مورد شام آخر عیسی بکار رفته است.

l- تصویر وادی مردگان بر طبق تصور بعضی از محافل یهود می باشد (ر.ک مت۱۸:۱۵، ۲۱-۲۲)، بدین معنی که مردگان پیش از داوری (ر.ک آیه ۲۸) به طبقات مختلفی تقسیم شده و برای وصول به سعادت ابدی یا کیفر جاودانی تعیین می گردند (ر.ک ۲۳:۴۳ توضیح g). لوقا تنها انجیل نگاری است که وضعیت افراد را در دنیای دیگر بدین گونه ارائه می نماید. ولی با بکار بردن این تصاویر که در دوران او مرسوم بوده در پی آن نیست که دربارهٔ دنیای دیگر اطلاعاتی به خوانندگان خود بدهد بلکه تنها هدف او نشان دادن راه نجات به ایشان می باشد.

می گوید: ای ابراهیم، ای پدر، بر من رحم
کن و ایلعازر را بفرست تا سر انگشتش را
به آب تر کرده زبان مرا خنک سازد، زیرا
در این شعله رنج می کشم. امّا ابراهیم گفت:
[۲۵]ای فرزند من، به یاد بیاور که تو نیکی
ها را در زندگی خود دریافت کرده ای، به
همین گونه الیعازر بدی ها را. اکنون وی
اینجا تسلّی یافته[m] و تو در رنج هستی[n].
[۲۶]و دیگر اینکه بین ما وشما ورطه بزرگی
قرار گرفته تا کسی که بخواهد از اینجا
به سوی شما عبور کند نتواند و نیز از آنجا
به طرف ما عبور نکند[o]. [۲۷]گفت: پس ای
پدر، از تو خواهش دارم او را به خانهٔ پدرم
بفرستی، [۲۸]زیرا پنج برادر دارم، که به آنان
شهادت بدهد تا آنان نیز به این جایگاه
عذاب نیایند. [۲۹]و ابراهیم گفت: آنان
موسی و پیامبران را دارند، به آنان گوش
کنند. [۳۰]امّا او گفت: نه ابراهیم، ای پدر،
اگر کسی از نزد مردگان به سوی ایشان برود
توبه خواهند کرد. [۳۱]ولی به او گفت: چون
به موسی و پیامبران گوش نمی دهند، حتّی
اگر کسی از میان مردگان برخیزد، قانع
نخواهند شد[p].»

اخطار به شاگردان[q]
(متی۱۸:۶-۷؛ مرقس۹:۴۲)

۱۷ [۱]به شاگردانش گفت: «محال
است[r] که لغزش ها فرانرسد[s]، امّا
وای بر آن کسی که به وسیلهٔ او فرارسند،
[۲]برای او بهتر است که سنگ آسیابی به
گردنش آویخته و به دریا افکنده شود تا
این که موجب لغزش یکی از این کوچکان
گردد. [۳]مواظب خودتان باشید!

(متی۱۸:۱۵، ۲۱-۲۲)

اگر برادرت گناهی کند[t] او را نهیب بزن
و اگر توبه کرد او را ببخش. [۴]و اگر در
روز[u] هفت بار علیه تو گناه کند و هفت بار
به سوی تو بازگردد و بگوید: توبه کردم، تو
او را خواهی بخشید.»

m- در تعداد زیادی از نسخه های خطی نوشته شده است: در اینجا تسلّی می یابد.
n- ابراهیم اصل وارونه شدن وضعیت را پس از مرگ اعلام می نماید. این موضوع که معمولاً در دیگر مکاشفه های مربوط به زمان آخر تشریح شده حاوی تمام اندیشهٔ عیسی نیست. مثل با ذکر ضرورت توبه و ایمان برای فرار از محکومیت پایان می یابد.
o- این تصویر در صحنه های کتاب مقدس و نوشته های یهودیان که دنیای دیگر را ترسیم می نمایند وجود ندارد و نشان می دهد که سرنوشت آدمیان پس از مرگ برای همیشه تعیین و قطعی می شود.
p- این آیه نکته اصلی مثل است. قاطع ترین نشانه ای که موجب ایمان آوردن می شود نه معجزه ای مهم و برجسته بلکه نوشته های مقدس است (ر.ک ۲۴:۲۷، ۴۴)، یعنی نکات مذکور در پیام الهام شده، انسجام و ارتباط داشته باشد. عیسی در جای دیگری می گوید معجزات تأثیری بر شهرهای جلیل نداشته اند (ر.ک ۱۰:۱۳ توضیح k) و نشانه های روحانی بر نشانه های مادی برتری دارند (یو۱۴:۱۱؛ ۲۰:۲۹).
q- لوقا در اینجا چندین گفتار عیسی دربارهٔ زندگی در جامعه مسیحیان را جمع کرده است که عبارتند از: علل لغزش، بخشش برادرانه و ایمان.
r- متی با لحن جدی و خشکی که مختص زبان سامی است می گوید: لازم است؛ ولی لوقا با احتیاط بیشتری بیان می کند.
s- ر.ک مت ۵:۲۹ توضیح e.
t- در تعدادی از نسخه های خطی عبارت «علیه تو» افزوده شده است و بعضی از مفسرّان معتقدند با توجه به پایان این آیه و جمله مشابهی که در آیه ۴ آمده است افزودن این کلمه ضروری است.
u- می توان ترجمه کرد: در همان روز.

(متی۱۷: ۲۰)

[5]و رسولان[v] به خداوند گفتند: «به
ایمان ما بیفزای[w].» [6]خداوند گفت: «اگر
به اندازه دانه خردلی[x] ایمان می داشتید، به
این درخت توت[y] می گفتید: از ریشه کنده
شده در دریا کاشته شو و از شما اطاعت
می کرد!

خادمی که فقط وظیفه خود را انجام داده است

[7]کدام یک از میان شما، اگر برده ای
داشته باشد که شخم می زند یا دامها را
می چراند، در بازگشتش از کشتزار به او
خواهد گفت: زود باش بیا بر سر سفره
بنشین؟ [8]آیا برعکس به وی نخواهد گفت:
چیزی برای شام من تهیه کن و برای خدمت
به من کمر خود را ببند[z] تا اینکه خورده و
نوشیده باشم، بعد تو خواهی خورد و خواهی ۶:۳۲-۳۴
نوشید؟ [9]آیا از آن برده قدردانی می کند
که آنچه را دستور داده انجام داده است[a]؟
[10]هم چنین شما: وقتی همهٔ آنچه را که به
شما دستور داده شده به انجام رسانديد
بگوئید: ما بردگانی بی فایده[b] هستیم و آن
کاری را کرده ایم که می بایست کرده
باشیم.»

شفای ده جذامی و نجات تنها یك سامری

[11]باری چون به سوی اورشلیم راه
می پیمود از حدود سامره و جلیل[c]
می گذشت. [12]و به هنگام ورودش به یک
روستا، ده جذامی به پیشواز او آمده از دور
ایستادند[d]. [13]و صدای خود را بلند کرده
گفتند: «ای عیسی، ای سرور[e] بر ما رحم
کن!» [14]با دیدن این، به ایشان گفت:
«بروید و خود را به کاهنان نشان دهید[f].»
باری همین که می رفتند پاک شدند.
[15]یکی از آنان چون دید که شفا یافته

v- ر.ک ۶:۱۳ توضیح c.
w- همچنین می توان ترجمه کرد: به ما ایمان ببخش.
x- کوچکترین دانه از بین همه بذرها (مت ۱۳:۳۲؛ مر۴:۳۱).
y- در ترجمه یونانی عهد عتیق این کلمه معمولاً در مورد درختی بکار برده می شود که می توان آن را سپیدار ترجمه کرد که در مقایسه با خردل، تمایز بسیار زیادی دارد ولی در زبان یونانی معمول آن دوران می توان درخت توت نیز ترجمه کرد که در این صورت اختلاف آن با دانهٔ خردل کمتر خواهد بود.
z- ترجمه دیگر: لباس لازم برای خدمت کردن به من بپوشان. ر.ک ۱۲:۳۵ توضیح e.
a- «قدردانی»، تحت‌اللفظی: «فیض». در تعدادی از نسخه های خطی اضافه شده است: «فکر نمی کنم.»
b- تحت‌اللفظی: برای هیچ چیز خوب نیستیم (ر.ک مت ۲۵:۳۰). زمینهٔ این مثل که وجود برده تا حدودی مفید می باشد نشان می دهد که در بکار بردن این عبارت مبالغه شده است، با این همه در مورد شاگردان کاملاً تطبیق می نماید، زیرا کار هیچکس برای خدمت خداوند ضروری محسوب نمی شود.
c- انتظار می رود که در این عبارت نام جلیل پیش از سامره ذکر شده باشد و البته نمی توان آن را بین سامره و جلیل ترجمه کرد زیرا این دو منطقه هم مرز بوده و فاصله ای بین آنها وجود ندارد. ذکر راه پیمودن به سوی اورشلیم بخش جدیدی از مسافرت را آغاز می کند (۷:۱۱- ۱۹:۲۸) چنانکه در ۹:۵۱ و ۱۳:۲۲ نیز قبلاً یادآوری شده است.
d- جذامیان قانونی را که در لاو ۱۳:۴۶ ذکر شده است رعایت می کنند.
e- کلمهٔ سرور را بارها در انجیل لوقا شاگردان به عیسی خطاب می کنند (ر.ک ۵:۵c) و در اینجا تنها موردی است که فرد دیگری غیر از شاگردان با این کلمه خطاب می نماید.
f- ر.ک ۵:۱۴ (لاو۱۴:۲-۳).

است، با صدای بلند خدا را ستایش کنان
برگشت[g]. [۱۶]و به پاهای [عیسی] به سجده
افتاد در حالی که به وی شکرگزاری می کرد
و او یک سامری بود! [۱۷]عیسی به سخن
درآمده گفت: «مگر هر ده تن پاک نشده
بودند؟ پس نه تن دیگر کجا هستند؟
[۱۸]پس برای برگشتن و ستایش خدا جز این
بیگانه یافت نشد!» [۱۹]و به او گفت:
۷:۵۰؛ ۸:۴۸ «برخیز و برو، ایمانت تو را نجات داده
است!»

فرارسیدن پادشاهی خدا

[۲۰]چون فریسیان از او می پرسیدند که چه
وقت فرمانروائی خدا فراخواهد رسید[h] به
ایشان پاسخ داده گفت: «فرمانروائی خدا
به طریقی که بتوان ملاحظه کرد[i] نمی‌آید.
[۲۱]و نخواهند گفت: همانا اینجا است یا
آنجا است! زیرا اینک فرمانروائی خدا در
میان شما است[j].»

روز پسر انسان[k]

[۲۲]و به شاگردان گفت: «روزهائی خواهد
آمد که آرزوی دیدن یکی از روزهای[l] پسر
انسان را خواهید کرد و آن را نخواهید دید.

(متی۲۴:۲۶-۲۷)

[۲۳]و به شما خواهند گفت: اینک آنجا
است[m]! اینک اینجا است! آنجا نروید و
اینجا شتاب نکنید[n]، [۲۴]زیرا همان گونه که
آذرخش رخشنده از یک نقطه آسمان به
نقطه دیگر[o] می درخشد، پسر انسان نیز در
روز خود این چنین خواهد بود. [۲۵]امّا اوّل
۹:۲۲ باید رنج زیادی کشیده به وسیلهٔ این نسل
رانده شود.

g- ر.ک ۲:۲۰ توضیح i.

h- تعیین تاریخ فرارسیدن فرمانروائی خدا مسئله مهم یهودیان آن دوران است (ر.ک دان ۹:۲). ربی ها و نویسندگان ادبیات مکاشفه ای در جستجوی نشانه هائی هستند که به وسیلهٔ آنها تاریخ فرا رسیدن فرمانروائی خدا را بدانند.

i- عیسی می‌گوید نشانه های فرا رسیدن فرمانروائی خدا را با حواس ظاهری نمی توان ملاحظه کرد بلکه باید بوسیله ایمان دریافت. کافی است او را بپذیرند تا فرمانروائی را دریابند (ر.ک ۱۲:۵۴-۵۶).

j- ترجمه دیگر: در دسترس شما است. ولی این اشکال را دارد که فرمانروائی خدا تنها به صورت واقعیتی باطنی و خصوصی درک خواهد شد، در صورتی که بر طبق گفتار عیسی فرمانروائی خدا که مربوط به تمام قوم خدا است حقیقتاً در عمل نجات خود حاضر است (ر.ک ۱۱:۲۰) و در دسترس شما است.

k- لوقا پس از اینکه اظهار می کند فرمانروائی خدا در رسالت عیسی حاضر است (آیه ۲۱) جنبهٔ تکمیلی این فرمانروائی را به این صورت ارائه می نماید: تحقق یافتن نهائی فرمانروائی که غیر قابل پیش بینی است در باز آمدن پسر انسان در روز خود او خواهد بود. تعداد زیادی از مطالب مربوط به این صحنه در باب ۲۴ انجیل متی در گفتار مربوط به زمان آخر آمده است (۲۲:۲۶-۲۷، ۳۷-۳۹، ۱۷-۱۸، ۴۱، ۲۸). چنین به نظر می‌رسد که روی هم رفته لوقا شکل منبع اصلی این مطالب را بهتر حفظ کرده است، شاید به استثنای آیات ۲۵ (= لو۹:۲۲)، ۳۱-۳۲ (که در باب ۲۴ متی بهتر قرار دارد) و ۳۳ (=لو۹:۲۴).

l- اغلب تصوّر کرده اند منظور روزهای گذشته ای است که عیسی در میان بستگان خود زندگی می کرده ولی با توّجه به معنی کلی این گفتار و آنچه در آیه ۲۶ گفته شد در اینجا سخن از دوران باز آمدن نهائی پسر انسان می باشد.

m- در نسخه های خطی اکثراً جای این عبارات تغییر یافته و عبارات مختلفی افزوده شده است.

n- در نسخه های خطی معدودی یکی از این جمله ها حذف شده است. در اینجا نظیر ۹:۱۱ و ۲۱:۸۹ لوقا بر ضد این تصوّر که به زودی زمان آخر فرا خواهد رسید هشدار می دهد.

o- تحت اللفظی: از زیر آسمان به زیر آسمان. بنابرآنچه در آن دوران معتقد بودند نقاطی است که در آن نقاط پایه های گنبد آسمان بر روی زمین قرار دارد، بنابراین منظور افق می باشد.

(متی۲۴:۳۷-۳۹)

[۲۶]و همان گونه که در روزگار نوح انجام
شد، باز در روزهای پسر انسان نیز این چنین
خواهد شد. [۲۷]می خوردند و می نوشیدند و
زن یا شوهر می گرفتند[p] تا روزی که نوح
پید۷:۷ وارد کشتی شد و طوفان فرارسید که همه را
هلاک کرد. [۲۸]به همین گونه، همان طور که
در روزهای لوط انجام شد: می خوردند،
می نوشیدند، خرید و فروش می کردند،
می کاشتند و بنا می کردند. [۲۹]امّا در روزی
که لوط از سدوم بیرون شد، از آسمان آتش
و گوگرد بارید[q] که همه را هلاک کرد.
[۳۰]هم چنین خواهد بود روزی که پسر انسان
بایستی پدیدار شود.
مت۲۴:۱۷-۱۸؛ مر۱۳:۱۵-۱۶ [۳۱]در آن روز کسی که بر پشت بام و
وسایلش در خانه باشد برای برداشتن آنها
به پائین نرود و هم چنین کسی که در
کشتزار باشد سر به عقب برنگرداند[r]. پید۱۹:۱۷
[۳۲]زن لوط را به یاد آورید. [۳۳]هر که در پی پید۱۹:۲۶
حفظ[s] جانش باشد، آن را از دست خواهد ۹:۲۴؛ مت۱۰:۳۹؛ یو۱۲:۲۵
داد و هر که آن را از دست بدهد آن را زنده
خواهد کرد[t]. [۳۴]این را به شما می گویم: در
آن شب دو نفر در یک بستر خواهند بود،
یکی برگرفته[u] و دیگری گذاشته خواهد
شد. [۳۵]دو [زن] با هم آسیاب خواهند کرد، مت۲۴:۴۱
یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد
شد[v]. [۳۶][...]
[۳۷]و در پاسخ به او می گویند: «خداوندا
در کجا[w]؟» به ایشان گفت: «تن در هر
کجا باشد، کرکسان[x] هم در آنجا جمع
خواهند شد.»

p- تحت اللفظی: مردان ازدواج می کردند، زنان به ازدواج در می آمدند (ر.ک ۲۰:۳۴).
q- تحت اللفظی: بارانید. در پید ۱۹:۲۴ که در اینجا نقل شده خدا می باراند ولی عیسی بنا بر رسوم اهالی فلسطین نام خدا را ذکر نمی کند، وانگهی این متن شناخته شده و مشهور بوده است.
r- این هشدارها نشان می دهد که آن روز اجتناب ناپذیر و وحشتناک خواهد بود (ر.ک ار۴:۶؛ ۶:۱؛ ۴۸:۶؛ ۴۹:۸، ۳۰؛ ۵۱:۶). «وسایل»، تحت اللفظی: «اشیا».
s- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: نجات دادن، چنان که در لو ۹:۲۴ و متون موازی آن نیز چنین است. در اینجا لوقا کلمه ای را که در ترجمه یونانی عهد عتیق آمده بکار می برد که به معنی لغوی «به دست آوردن» یا «جان بدر بردن» است (یوشع ۶:۱۷؛ مز۷۹:۱۱؛ حزق ۱۳:۱۸-۱۹).
t- در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق این کلمه همان معنی را دارد که در توضیح قبلی ذکر شد (خروج ۱:۱۷، ۱۸، ۲۲؛ داور۸:۱۹؛ ۱-سمو۲۷:۹، ۱۱؛ ۱-پاد ۲۰:۳۱؛ ۲- پاد۷:۴؛ ر.ک اع۷:۱۹)، ولی در زبان عادی یونانیان بیشتر به معنی ایجاد حیات، زندگی تولید کردن است. این کلمه به ندرت در عهد جدید آمده و لوقا با بکار بردن آن، به زندگانی جدیدی می اندیشد که با فدا کردن زندگی زمینی به دست می آید.
u- یعنی به ملکوت برگرفته می شود (ر.ک ۱-تسا۴:۱۷) یا بالعکس برگرفته می شود تا از بین برده شود (ر.ک مت۱۳:۴۱-۴۳). به هر صورت تفاوتی در مفهوم این عبارت ایجاد نمی کند.
v- در تعداد زیادی از نسخه های خطی افزوده شده است: دو مرد در مزرعه خواهند بود یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد. در ترتیب شماره گزاری معمولی بندها این عبارت بند ۳۶ را تشکیل می دهد و احتمالاً از مت ۲۴:۴۰ گرفته شده است.
w- سؤال دربارهٔ محل، در مقابل سؤالی است که دربارهٔ تاریخ وقوع در آیه ۲۰ می باشد.
x- در صحنه های داوری که در عهد عتیق آمده اکثراً پرندگان شکاری دیده می شود (اش ۱۸:۶؛ ۳۴:۱۵-۱۶؛ ار۷:۳۳؛ ۱۲:۹؛ ۱۵:۳؛ حزق ۳۹:۱۷). در این متن تصویری که ذکر شده بدین معنی است که هیچ کس از داوری بر کنار نخواهد بود (ر.ک مت ۲۴:۲۸ توضیح v).

مثل قاضی بی‌اعتنا و بیوه‌زن مُصر[y]

۱۸ ۱به آنان مثلی گفت در بارهٔ اینکه
باید همواره نیایش کنند و مأیوس
نشوند[z]. می‌گفت: ۲«در شهری یک قاضی
بود که از خدا نمی‌ترسید و از هیچ انسانی
پروا نداشت. ۳و در این شهر بیوه‌زنی بود
که نزد او آمده می‌گفت: داد مرا از مدّعی
من بگیر. ۴و او مدّتی امتناع کرد. پس از
آن به خود گفت[a]: هرچند از خدا نمی‌ترسم
و از هیچ انسانی پروا ندارم، ۵چون این
بیوه‌زن باعث مزاحمت من شده، داد او را
خواهم گرفت تا مدام نیاید و سر مرا
بشکند[b].»

۶و خداوند[c] گفت: «بشنوید آنچه این
قاضی بی‌عدالت می‌گوید. ۷آیا خدا[d]
برگزیدگان خود را که روز و شب به سوی
او فریاد می‌کنند دادرسی نخواهد کرد،
زمانی که در مورد آنان صبر می‌کند[e]؟ ۸به
شما می‌گویم که به زودی[f] ایشان را دادرسی بنسی۳۵:۲۲
خواهد کرد. امّا وقتی پسر انسان بیاید، آیا
ایمان بر زمین خواهد یافت[g]؟»

مثل فریسی و باجگیر[h]

۹باز خطاب به بعضی‌ها که به خود یقین
می‌داشتند از اینکه عادل هستند و دیگران
را حقیر می‌شمردند[i] این مثل را گفت:
۱۰«دو انسان برای نیایش به معبد فراز

y- آیات ۲-۵ مثلی است که به احتمال قوی با ۱۱:۵-۸ دو مثل مشابه را تشکیل می‌داده است (ر.ک ۱۱:۵ توضیح h). در اینجا لوقا مثل را با آیه ۱ به عنوان مقدمه آورده و آیات ۶-۷ و همچنین آیه ۸ را به صورت خاتمه و نتیجه‌گیری از مثل به آن ضمیمه کرده است.

z- لوقا مفهومی را که برای مثل قائل می‌شود با اصطلاحاتی که مختص پولس می‌باشد بیان می‌کند، مثلاً همواره نیایش کنید (۲-تسا ۱۱:۱؛ فی ۴:۱؛ روم ۱۰:۱؛ کول ۳:۱؛ فیل۴)، یا دلسرد نشوید (۲-تسا ۱۳:۳؛ ۲- قرن ۱:۴، ۱۶؛ غلا ۹:۶؛ افس ۱۳:۳). لوقا پیرو گفتار قبلی و با نتیجه‌گیری که در آیات ۶-۸ ذکر کرده نکته اصلی نیایش را بازگشت عیسی در زمان آخر قرار داده است (ر.ک ۳۶:۲۱).

a- ر.ک ۱۷:۱۲ توضیح p.

b- ترجمه دیگر: مبادا بالاخره این بیوه‌زن بیاید و به صورت من بزند. ولی این ترجمه با متن مثل و وضعیت بیوه زن کمتر تطابق دارد. به هر صورت، قاضی به دلیلی که فقط جنبهٔ خودخواهی دارد تصمیم می‌گیرد، ولی دادخواهی بیوه زن بر اثر پافشاری او به نتیجه می‌رسد.

c- منظور عیسی است (ر.ک ۱۳:۷ توضیح t) که از مثل نتیجه‌گیری می‌کند.

d- عیسی تردیدی ندارد در اینکه خدا را به یک قاضی بی‌عدالت تشبیه کند (ر.ک ۱:۱۶ توضیح x)، ولی استدلال بر مبنای «اقوی دلیل» است بدین معنی که قاضی بی‌عدالت بالاخره با درخواست بیوه زن موافقت می‌کند، به دلیل بالاتر خدای عادل نیایش بندگان را اجابت خواهد کرد.

e- این جمله مبهم است و برخی از مترجمان ترجمه کرده‌اند: «در حالی که آنان را در انتظار نگه می‌دارد» یا اینکه «حتی اگر آنان را در انتظار نگه می‌دارد» یا «در حالی که نسبت به ایشان صبور است.» به هر صورت منظور تأخیر در باز آمدن عیسی و عدم دخالت ظاهری خدا است (مز۴۴:۲۴ توضیح s؛ ر.ک ۱۲:۱) که معمولاً در بین مسیحیان ناراحتی و تردید ایجاد می‌کند (۲-پطر ۹:۳؛ مکا ۶:۹-۱۱).

f- عیسی در اینجا فرا رسیدن داوری را اعلام می‌کند که خیلی زود خواهد بود چنان که در موارد دیگری نیز اعلام کرده است (مر۱:۹ توضیح v؛ ۳۰:۱۳ توضیح h). احتمالاً لوقا نظیر ۲۲:۱۷-۳۷ به داوری غیر منتظره‌ای می‌اندیشد که در آینده‌ای نا معیّن فرا خواهد رسید.

g- این رأی که شاید در اصل مستقل از مثل قبلی بوده نشان می‌دهد که در زمان آخر ارتداد و کفر پدیدار خواهد شد و این موضوع معمولاً در نوشته‌های مکاشفه‌ای مطرح می‌شود (ر.ک ۲-تسا ۳:۲؛ مت ۲۴:۱۰-۱۲).

h- در مورد نوع این مثلل ر.ک ۳۰:۱۰ توضیح j.

i- در اینجا لوقا هدف این مثل را بیان می‌کند که در آن از کسانی که عقیده دارند عادل هستند (ر.ک ۳۲:۵؛ ۷:۱۵) و می‌خواهند عدالت خود را نشان دهند (ر.ک ۱۵:۱۶؛ ۲۹:۱۰) ایراد می‌گیرد. این مثل برای لوقا، دعوت به فروتنی است.

آمدند، یکی فریسی بود و دیگری باجگیر.
[۱۱]فریسی ایستاده در دل خود چنین نیایش
می‌کرد: خدایا تو را سپاس می‌گویم که من
چون بقیّه انسانها نیستم که درنده خو، ظالم،
زناکار هستند یا حتّی چون این باجگیر.
[۱۲]هفته‌ای دو بار روزه می‌گیرم، عشریه همهٔ
آنچه دارم می‌پردازم[j]. [۱۳]باجگیر دورتر
ایستاده حتّی نمی‌خواست چشمانش را به
آسمان بلند کند، بلکه بر سینه کوبیده
می‌گفت: خدایا بر من گناهکار رحم کن[k].
[۱۴]به شما می‌گویم: او عادل شده[l] به خانهٔ
خود فرود آمد، دیگری خیر[m]. زیرا هر که
خود را بالا برد، پائین آورده خواهد شد، ۱۱:۱۴
ولی هر که خود را پائین آورد، بالا برده
خواهد شد[n].»

نمونهٔ کودکان

(متی۱۹:۱۳-۱۵؛ مرقس۱۰:۱۳-۱۶)

[۱۵]اطفال را نیز به حضورش می‌آوردند تا
آنان را لمس کند[o]. شاگردان با دیدن این،
ایشان را نهیب می‌زدند. [۱۶]امّا عیسی آنها
را نزد خود خوانده گفت: «بگذارید
کودکان نزد من آیند و مانع آنان مشوید
زیرا ملکوت خدا از آن همانند ایشان
است. [۱۷]آمین، به شما می‌گویم: هر که
ملکوت خدا را چون کودکی نپذیرد، وارد
آن نخواهد شد[p].»

صرف‌نظر از ثروت برای ورود به ملکوت

(متی۱۹:۲۶-۳۰؛ مرقس۱۰:۱۷-۳۱)

[۱۸]رئیسی[q] از او پرسیده گفت: «ای
استاد نیکو! چه باید کرد تا وارث زندگانی
جاودانی شد[r]؟» [۱۹]عیسی به او گفت:
«چرا مرا نیکو می‌نامی؟ هیچ کس جز خدا
نیکو نیست. [۲۰]تو فرمان‌ها را می‌دانی: زنا
مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ
مده، به پدر و مادرت احترام کن[s].» [۲۱]او
گفت: «این همه را از جوانی‌ام رعایت
کرده‌ام.» [۲۲]عیسی شنیده به او گفت: «باز

j- این فریسی واقعاً به آنچه دستورات شرعی فرقه فریسیان مقرر کرده عمل می‌کند (ر.ک۵:۳۳؛ ۱۱:۴۲) و لذا به عادل بودن خود اعتماد دارد، ولی چیزی از خدا طلب نمی‌کند.
k- مرد باجگیر هم درست می‌گوید: او گناهکار است، ولی این اعتراف صادقانه راه او را به سوی خدا و فیض او می‌گشاید.
l- عدالتی که فریسی مدّعی بود به وسیلهٔ اعمال خود به دست می‌آورد، عطیه‌ای است که فقط خدا می‌تواند ببخشد (ر.ک فی۳:۹).
m- تحت‌اللفظی: برخلاف آن دیگری.
n- این جملهٔ حکمت‌آمیز که در ۱۱:۱۴ نیز آمده به احتمال قوی به وسیلهٔ لوقا در اینجا افزوده شده است تا در این مثل توصیه و دعوت به فروتنی را نشان دهد.
o- روایت لوقا که در ۹:۵۰ از روایات متی و مرقس جدا شده بود مجدداً در اینجا به آنها می‌پیوندد.
p- ر.ک مر۱۰:۱۵ توضیح p. ملکوت، فیض و مرحمت است. بایستی آن را با ساده‌دلی و حق‌شناسی کودکی که چیزی را با تحسین و اعجاب می‌پذیرد پذیرا شد. عیسی این طرز رفتار را ضروری دانسته چنان که رفتار خود او و در برابر خدای پدر چنین است (۱۰:۲۱؛ مر۱۴:۳۶).
q- ترجمه دیگر: شخص معتبری. در مت۱۹:۲۰ این مرد به صورت مرد جوانی معرف شده ولی این توصیف که احتمالاً تغییری جزئی در روایت است، ممکن است اصالت کمتری داشته باشد.
r- در انجیل لوقا قبلاً این سؤال را در ۱۰:۲۵ یک عالم شریعت از عیسی پرسیده بود. پاسخی که عیسی می‌دهد از مورد سؤال رئیس فراتر رفته و مسئله ثروت را مطرح می‌کند (آیات ۱۸- ۲۷) سپس موضوع از خودگذشتگی شاگردان مطرح شده (آیات ۲۸- ۳۰) و در پایان مجدداً موضوع اولیه یعنی زندگی جاودانی می‌آید.
s- نقل قول از ده فرمان (خروج۲۰:۱۲- ۱۶؛ تث۵:۱۶- ۲۰).

چیزی کم داری، همه چیز خود را بفروش[t] و
به فقیران تقسیم کن که گنجی در آسمانها
خواهی داشت، پس آمده به دنبال من بیا.»
۲۳ با شنیدن این، او به شدّت اندوهناک
شد، زیرا بسیار ثروتمند بود.
۲۴ عیسی با دیدن او گفت: «چقدر سخت
است که پول داران به ملکوت آسمان وارد
شوند[u]! ۲۵ به راستی، گذشتن شتر از
سوراخ سوزن آسان تر است تا اینکه
ثروتمندی به ملکوت آسمان وارد شود!»
۲۶ آنان که شنیده بودند گفتند: «پس چه
کسی می تواند نجات یابد!» ۲۷ گفت:
«آنچه برای انسان ها غیر ممکن است برای ۳۷:۱
خدا ممکن است.»
۲۸ پطرس گفت: «اینک ما اموال خود را
گذاشته[v] به دنبال تو آمده ایم.» ۲۹ به
ایشان گفت: «آمین، به شما می گویم هیچ
کس خانه یا زن[w] یا برادران یا والدین یا
فرزندان را به خاطر ملکوت خدا ترک
نمی کند ۳۰ مگر اینکه در همین زمان بسیار
بیشتر[x] و در دوران آینده[y] زندگانی
جاودانی را دریافت نماید[z].»

آخرین اعلام رنج ها و رستاخیز
(متی ۲۰:۱۷-۱۹؛ مرقس ۱۰:۳۲-۳۴)

۳۱ دوازده تن را نزد خود فراخوانده به
ایشان گفت[a]: «اینک به اورشلیم فراز
می آییم، آنچه به وسیله پیامبران در بارهٔ پسر
انسان نوشته شده تحقّق می یابد[b]. ۳۲ زیرا
به ملّت ها تسلیم خواهد شد و مورد تمسخر و
توهین قرار گرفته سراپا پوشیده از آب دهان
خواهد شد ۳۳ و بعد از تازیانه زدن، او را به
قتل خواهند رساند[c] و روز سوم رستاخیز
خواهد کرد.» ۳۴ و ایشان از همهٔ اینها چیزی

t- ر.ک۵:۱۱ توضیح g.

u- این اظهارات تند، فقط نظریه ای عجیب نیست زیرا چه برای آدم ثروتمند و چه برای فرد بینوا، جز به وسیلهٔ فیض خدا نجات وجود ندارد (آیه ۲۷)؛ ولی دسترسی به این نجات برای شخص ثروتمند دشوارتر است. در زبانهای یونانی و آرامی، کلمات «شتر» و «طناب» شباهت زیادی به هم دارند. یونانی: kalemos/kalimos؛ آرامی: jomleh/jamleh. در اینجا واژهٔ دومی یعنی طناب بیشتر با موضوع تناسب دارد. در هر صورت، عیسی تأکید می کند که وارد شدن به ملکوت خدا برای انسان نه دشوار بلکه غیرممکن است.

v- لوقا که معمولاً تأکید می کند شاگردان «همه» چیز را ترک کرده اند (ر.ک۵:۱۱ توضیح g) برخلاف متی و مرقس در اینجا این نکته را ذکر نمی نماید. در این قسمت شرایط شاگردان را توصیف کرده و چنین به نظر می رسد که از آنچه در اع۴:۳۲ نوشته است یاد می کند که در آنجا ایمان داران کلیسای اورشلیم از داشتن اموال «شخصی» صرف نظر می نمایند.

w- لوقا تنها انجیل نگاری است که در اینجا ترک کردن «زن» را ذکر می کند (ر.ک۱۴:۲۶ توضیح l و مت۱۹:۱۰- ۱۲؛ ۱- قرن۷:۲۵- ۲۸).

x- تحت اللفظی: چندین برابر بیشتر. در تعدادی از نسخه های خطی کهن نوشته شده: هفت بار بیشتر (ر.ک بنسی۳۵:۱۰) که با متن انجیل متی (بسیار بیشتر) و انجیل مرقس (صدبار بیشتر) تفاوت دارد.

y- کلمه این دنیا که در مقابل دنیای آینده آورده می شود اندیشه ای معمولی در نوشته های مکاشفه ای یهود آن دوران می باشد (ر.ک مت۱۲:۳۲). لوقا این موضوع را به اشکال مختلف ارائه می کند (۱۶:۸؛ ۲۰:۳۴- ۳۵).

z- وعدهٔ عیسی در پایان گفتار خود، پاسخی به سؤال رئیس است (آیه ۱۸).

a- این اعلام رنجها و صلیب عیسی در متی و مرقس سومین اعلام می باشد. لوقا که مانند انجیل نگاران مذکور در ۹:۲۲ و ۴۴ روایت کرده است، سه اعلام دیگر: ۱۲:۵۰؛ ۱۳:۳۲- ۳۳؛ ۱۷:۲۵ در انجیل خود ذکر کرده و این امر نشان می دهد که برای راز رنجهای عیسی چقدر اهمیت قائل است.

b- با احتمال کمتری می توان ترجمه کرد: تمام آنچه که پیامبران به خاطر پسر انسان نوشته اند تحقق یابد؛ فقط لوقا در این آخرین اعلام رنجهای عیسی، پیشگویی های پیامبران را آورده است (ر.ک ۲۴:۲۵-۲۷، ۴۵-۴۶؛ اع۳:۱۸؛ ۱۳: ۲۷-۲۹ ...).

c- ترجمه دیگر: ایشان او را به قتل خواهند رسانید.

نفهمیدند و این سخن بر آنان پنهان می‌ماند
و نمی‌دانستند چه گفته شده است[d].

شفای یك مرد كور در اریحا[e]

(متی۲۰:۲۹-۳۴؛ مرقس۱۰:۴۶-۵۲)

۳۵ باری، چون به اریحا نزدیک می‌شد
کوری در کنار راه نشسته و گدائی
می‌کرد. ۳۶ چون شنید جمعیتی عبور می‌کند
پرسید چه خبر است. ۳۷ به او نوید دادند که
عیسای ناصری[f] است که می‌گذرد. ۳۸ و او
فریاد کشیده گفت: «عیسی، ای پسر داود[g]،
بر من رحم کن!» ۳۹ آنانی که پیشاپیش
می‌رفتند او را نهیب می‌زدند تا ساکت شود
امّا او بیشتر فریاد برمی‌آورد: «ای پسر داود
بر من رحم کن!» ۴۰ عیسی ایستاد و دستور
داد او را نزدش بیاورند. وقتی نزدیک شد
از او پرسید: ۴۱ «چه می‌خواهی برایت
بکنم؟» گفت: «خداوندا، که بینایی را
بازیابم!» ۴۲ و عیسی به او گفت: «بینایی
را بازیاب، ایمانت تو را نجات داده
۷:۵۰؛ ۸:۴۸؛ ۱۷:۱۹ است!» ۴۳ و در همان لحظه، بینائی را باز
یافت و در حالی که خدا را ستایش می‌کرد
به دنبال او رفت. و با دیدن این، همهٔ مردم
خدا را تمجید کردند[h].

زكا یا نجات یك ثروتمند[i]

۱۹ ۱ و به اریحا وارد شده [از شهر]
عبور می‌کرد ۲ و اینک مردی به نام
زکا و رئیس باجگیران و ثروتمند بود، ۳ و
کوشش می‌کرد که ببیند عیسی کیست امّا
به سبب جمعیّت نمی‌توانست زیرا کوتاه
قد بود. ۴ و جلو دویده بالای درخت
افرائی[j] رفت تا او را ببیند زیرا می‌بایست
از آنجا گذر کند، ۵ و چون عیسی به این
محل رسید، چشم‌ها را بلند کرده به او
گفت: «زکا عجله کن و پایین بیا زیرا باید
امروز در خانهٔ تو بمانم.» ۶ و او عجله کرده
پائین آمد و با شادی او را پذیرفت. ۷ همه
با دیدن این، زمزمه کرده می‌گفتند: «به
خانهٔ یک گناهکار وارد شده و مهمان
گشته است[k]!» ۸ امّا زکا ایستاده به
خداوند گفت: «خداوندا اینک نصف
اموالم را به فقیران می‌دهم و اگر به کسی
اجحاف کرده باشم به او چهار برابر پس

d- در مورد این واقعه فقط لوقا ذکر کرده است که دوازده تن موضوع رنجهای عیسی را درک نمی‌کنند چنان که قبلاً در ۹:۴۵ این نکته را ذکر کرده و در آنجا مطالب مر۹:۳۲ را تشریح کرده بود. بعضی از مفسران در این قسمت اشاره‌ای به مر۱۰:۳۵-۴۵ می‌بینند که لوقا آن را روایت نمی‌کند.

e- در مت۲۰:۲۹ و مر۱۰:۴۶ این معجزه هنگام خروج عیسی از اریحا رخ می‌دهد و در لوقا وقتی که به اریحا وارد می‌شود. محتمل است لوقا این قسمت را پیشتر آورده زیرا می‌خواسته بعداً موضوع توبهٔ زکا و مثل شاهزاده را ذکر نماید.

f- کلمهٔ ناصری به صورتی که در اینجا آمده شکل این کلمه به زبان آرامی است و به استثنای مت۲:۲۳ و ۲۶:۷۱ به ندرت در اناجیل نظیر به کار رفته ولی لوقا این کلمه را به همین صورت هشت بار در اعمال رسولان آورده است (ر.ک اع۲:۲۲ توضیح i؛ یو ۱۹:۱۱ توضیح w).

g- ر.ک۳:۲۳ توضیح f؛ و مت۹:۲۷ توضیح p. این فریاد شور و شوق مسیحایی صحنهٔ۱۹:۲۷-۴۰ را آماده می‌کند.

h- لوقا روایت معجزه را به طرز معمولی به پایان می‌رساند (ر.ک۲:۲۰ توضیح i) و آیه۱۹:۳۷ را آماده می‌نماید.

i- این روایت که مختص به انجیل لوقا است موضوع توبه را نشان می‌دهد، موضوعی که مورد علاقه و توجه لوقا است (ر.ک۵:۳۲ توضیح f). در پایان عزیمت عیسی به اورشلیم، توبهٔ یک باجگیر آشکار می‌کند که عیسی آمده است تا آن را که گم شده بود بیابد و نجات دهد (آیه۱۰).

j- این درخت ممکن است خیلی بزرگ شود ولی اولین شاخه‌های آن چندان بالاتر از زمین قرار نگرفته است.

k- یهودیان معتقد بودند که معاشرت با گناهکاران موجب ناپاکی می‌شود (۵:۳۰؛ ۷:۳۴؛ ۱۵:۲).

می دهم[l].» ۹ عیسی به او گفت[m]: «امروز[n]
نجات به این خانه آمده[o] زیرا او هم پسر
ابراهیم است[p]. ۱۰ چون پسر انسان آمده تا
آن را که گم شده بود بیابد و نجات دهد[q].»

مثل قنطارها[r]

شاهزاده‌ای که برای تاجگذاری می‌رود (متی۲۵:۱۴-۳۰)

۱۱ چون این را می‌شنیدند باز مثلی
گفت، زیرا به اورشلیم نزدیک می‌بود و
مردم می‌پنداشتند که در همان لحظه[s]
فرمانروائی خدا پدیدار می‌شود. ۱۲ پس
گفت: «انسان نجیب‌زاده‌ای به سرزمینی
دور دست رفت تا منصب پادشاهی[t]
دریافت کند و برگردد[u]. ۱۳ ده تن[v] از
بردگانش را خوانده به ایشان ده قنطار[w]
داد و به ایشان گفت: معامله کنید تا
برگردم. ۱۴ امّا هموطنانش از او متنفر
می‌بودند و از پشت سر او هیئتی فرستادند
تا بگویند: نمی‌خواهیم که او بر ما

l- زکا تصمیمی را که اکنون گرفته است اعلام می‌نماید، بدین معنی که با کمال بخشندگی، اموال خود را با فقیران تقسیم می‌کند و به کسانی که احیاناً اجحاف کرده باشد چهار برابر پس می‌دهد و این عمل بیشتر از قانون مقرر یهود است (خروج۲۲:۳، ۶؛ لاو۵:۲۱-۲۴؛ اعد۵:۶-۷؛ هم‌چنین ر.ک خروج۲۱:۳۷؛ ۲-سمو۱۲:۶؛ امث۶:۳۱)، ضمناً با کیفری که در مورد دزدی علنی در حقوق مدنی (جزایی) رومیان مقرر شده تطبیق می‌نماید و سخاوتی استثنایی می‌باشد.

m- ترجمه دیگر: عیسی دربارهٔ او گفت. زیرا تصور می‌کنند سخنان بعدی به حاضران خطاب شده است. ترکیب عبارت نظیر ۱۲:۴۱ و ۲۰:۱۹ است.

n- مفسران توجه نموده‌اند که لوقا در ۴:۲۱ (ر.ک توضیح همین آیه) در مورد نجات امروز تأکید دارد.

o- سخاوت زکا نشان می‌دهد که بخشایش و نجات را دریافته است و می‌توان با محبت زن گناهکار در ۷:۴۷ مقایسه کرد.

p- منظور اول، فرزند جسمانی بودن نیست (ر.ک۳:۸ و ۱۳:۲۷ توضیح x)، بلکه موضوع عضویت در قوم خداوند می‌باشد، ولی زکا با اینکه به سبب شغل خود گناهکار محسوب می‌شود (آیه ۷؛ ر.ک۵:۳۰؛ ۷:۴۴؛ ۱۵:۱) به علت بخشندگی، فرزند شایستهٔ ابراهیم، پدر ایمانداران به شمار می‌آید.

q- نتیجه گیری این واقعه نقش عیسی را در توبهٔ زکا نشان می‌دهد.

r- این مثل مشابه مثل قنطارها در انجیل متی است و مسلماً از همان منبع گرفته شده ولی لوقا آن را کاملاً تغییر داده است، بدین معنی که اولاً مثل را بلافاصله قبل از ورود شاهانه عیسی به اورشلیم آورده است؛ سپس نکاتی دربارهٔ تاریخ سلطنت آرکلائوس به آن افزوده (ر.ک آیه۱۲ توضیح u؛ آیه ۱۴ توضیح x؛ آیه ۲۷ توضیح e) و بالاخره مثل را کاملاً به طریق تمثیلی به کار برده است. مثل در اینجا و به صورتی که ارائه شده داوری شاهانه عیسی را اعلام می‌کند که پس از عزیمت و سپس بازگشت پرجلال خود و فرا رسیدن قطعی ملکوت خدا اعمال خواهد کرد.

s- شاگردان عیسی نظیر یهودیان دوران خود انتظار دارند فرمانروائی خدا پس از مدت کوتاهی فرا رسد (ر.ک اع۱:۶؛ مر۱۰:۳۷). لوقا مثل عیسی را طوری ارائه می‌کند که هشداری علیه این بی‌صبری است و نشان می‌دهد که شاگردان پیش از بازگشت خداوندشان مدتی طولانی فعالیت خواهند کرد (ر.ک۱۷:۲۳ توضیح n).

t- در اینجا نظیر آیه ۱۵، موضوع و مطالب متن ایجاب می‌کند کلمه‌ای که قبلاً در آیه ۱۱ «پادشاهی» ترجمه شده به «منصب پادشاهی» ترجمه گردد.

u- در امپراتوری روم موضوع انتصاب پادشاهان دست نشانده می‌بایست در روم به تصویب برسد. آیه ۱۴ نشان می‌دهد که این نکته از سرگذشت زندگی آرکلائوس الهام گرفته شده است، زیرا در سال ۴ پیش از میلاد، پس از مرگ پدرش هیرودیس کبیر به روم مسافرت کرده بود تا تأیید وصیت‌نامه پدرش را به دست آورد. این روایت مخصوصاً در مورد شهر اریحا مناسب است زیرا آرکلائوس در آنجا کاخ باشکوهی بنا کرده بود.

v- لوقا تعداد بردگان را ده تن ذکر کرده در صورتی که متی تعداد آنان را تعیین ننموده است، ولی در هر دو مورد برابر روش معمول در مثل‌ها (ر.ک۱۰:۳۳ توضیح m) فقط سه تن از بردگان حساب پس می‌دهند.

w- کلمه‌ای که قنطار ترجمه شده واحد توزین در بین اقوام سامی، تقریباً در حدود ۹۰۰ گرم و برابر یک شصتم تالان است ولی در اینجا قنطار واحد پول برابر صد درهم یا دینار می‌باشد (ر.ک ۷:۴۱ توضیح g و ۱۵:۸ توضیح a). بنابراین پولی که مدعی سلطنت به بردگان خود می‌سپارد خیلی کمتر از آن است که در انجیل متی ذکر شده است (در آنجا ارباب به یکی پنج تالان، به دیگری دو تالان و به سومی یک تالان می‌سپارد). احتمالاً لوقا می‌خواهد نشان دهد که کوشش و فعالیت بردگان به تناسب پاداش آنان نیست: «مقدار ناچیز» است (آیه۱۷؛ ر.ک۱۶:۱۰). بنابر انجیل لوقا پولی که هر یک از بردگان دریافت می‌کند

فرمانروائی کند[x]. ۱۵ باری، چون پس از
دریافت منصب پادشاهی برگشت، بردگانی
را که به ایشان پول داده بود، احضار کرد تا
بداند هر یک چه معامله‌هایی کرده است[y].
۱۶ اوّلی پیش آمده گفت: خداوندا[z]، قنطار
تو ده قنطار بهره داده است. و به او گفت:
۱۷ آفرین! ای بردهٔ خوب، چون در مقدار
ناچیز امین بوده‌ای[a]، اقتدار بر ده شهر را
در دست بگیر. ۱۸ و دوّمی آمده گفت:
خداوندا قنطار تو پنج قنطار بهره داده
است. ۱۹ به این یکی هم گفت: تو هم در
رأس پنج شهر باش. ۲۰ و دیگری آمده
گفت: خداوندا، اینک قنطار تو که در
پارچه‌ای ذخیره کرده بودم، ۲۱ زیرا از تو
می‌ترسیدم، چون تو انسان سخت‌گیری
هستی، آنچه را نسپرده‌ای برمی‌گیری و
آنچه را نکاشته‌ای می‌دروی[b]. ۲۲ به او
گفت: من تو را از دهان خودت داوری ایوب۶:۱۵
می‌کنم ای برده شریر، تو می‌دانستی که من
انسانی سخت‌گیر هستم، آنچه را نسپرده‌ام
برمی‌گیرم و آنچه را نکاشته‌ام می‌دروم.
۲۳ پس چرا پول من را نزد صرافی ننهادی تا
در بازگشت خود آن را با بهره‌اش پس
بگیرم؟ ۲۴ و به کسانی که در آنجا حاضر
بودند گفت: قنطارش را از او بگیرید و به
آن که ده قنطار دارد بدهید. و به او گفتند:
۲۵ خداوندا او ده قنطار دارد[c]!... ۲۶ به
شما می‌گویم: به هر که دارد داده خواهد
شد، امّا از آن که ندارد حتی آنچه دارد
گرفته خواهد شد[d]. ۲۷ اما دربارهٔ دشمنان
من، آنان که نخواستند من بر ایشان
فرمانروائی کنم، ایشان را به اینجا آورده و
آنان را در برابر من گردن بزنید[e].» ۲۸ این
را گفته پیشاپیش حرکت می‌کرد و به سوی
اورشلیم فراز می‌آمد[f].

یکی است که بایستی آن را به بهره برسانند ولی نتیجه‌ای که بدست می‌آورند متفاوت است و نتیجه سودآوری هر کدام را نشان می‌دهد. در انجیل متی مقدار سپرده‌ها متفاوت است ولی در مورد دو بردهٔ اولی بهره‌ها برابر هستند.

x- این واقعه در سال ۴ میلادی روی داد، بدین معنی که در پی مسافرت آرکلائوس به روم، پنجاه نفر از یهودیان به‌عنوان هیئت نمایندگی به روم رفته درخواست کردند پادشاهی او ملغی شود. لوقا این خاطره را ذکر می‌کند تا عدم قبول فرمانروائی عیسی به وسیلهٔ مقامات رسمی قوم اسرائیل را توصیف نماید.

y- در اینجا صحنه پس دادن حسابها آغاز می‌شود که در اناجیل متی و لوقا یکی است. هر دو انجیل نگار در این مورد داوری زمان آخر را در نظر دارند ولی با توجه به اوضاع و احوالی که در مثل انجیل لوقا آمده وی به سلطنت عیسی و فاجعه اسرائیل نیز می‌اندیشد.

z- این عنوان شاهانه برای کسی که مدعی سلطنت بوده و بالاخره به این مقام نائل شده است مناسب می‌باشد و برای عیسی شکوه و جلال در زمان آخر بسیار شایسته‌تر است. در متن مشابه انجیل متی که موضوع پادشاه در بین نیست همین کلمه استاد ترجمه می‌شود.

a- ر.ک آیه ۱۳ توضیح w. پاداشی که داده شده شاهانه است (ر.ک ۲-قرن۴:۱۷).

b- این نظر خدمتگزار تنبل و بدخواه است ولی پادشاه داوری خود را بر این مبنا قرار می‌دهد که او خدمتگزاری پُرتوقع است.

c- این آیه در تعدادی از نسخه‌های خطی وجود ندارد و احتمالاً بدین سبب در انجیل متی نیامده است ولی وجود این آیه در انجیل لوقا کاملاً تأیید شده و جنبهٔ به ظاهر متناقض داوری پادشاه را نمایان می‌کند.

d- این عبارت حکمت‌آمیز مسلماً مستقل و بدون ارتباط با این مثل وجود داشته زیرا با وضعیت مثل کاملاً تطبیق نمی‌کند و در آیه ۱۸:۸ نیز آمده است (در آنجا اندکی تغییر یافته) چنان که در متون موازی (مت۱۳:۱۲؛ مر۴:۲۵) نیز وجود دارد. مفهوم این عبارت آن است که اموال دنیوی جنبهٔ موقتی و گذرا دارند و بایستی از آنها بهره‌مند شد وگرنه از دست می‌روند.

e- نتیجه‌گیری بی‌رحمانه‌ای است (نظیر۱۴:۲۴) و ممکن است اشاره به انتقام آرکلائوس از مخالفان سلطنت خود باشد. در مثلی که لوقا ذکر کرده نتیجه‌گیری مثل نشان می‌دهد که داوری و محکومیت شدیدی دربارهٔ اسرائیل بی‌وفا اجرا خواهد شد و مخصوصاً منظور ویرانی اورشلیم است که در این انجیل بارها از آن یاد می‌شود (۱۹:۴۳-۴۴؛ ۲۱:۲۰-۲۴؛ ۲۳:۲۸-۳۱).

f- احتمالاً لوقا از مر۱۰:۳۲ استفاده کرده تا آخرین مرحلهٔ فراز آمدن عیسی را به اورشلیم توصیف نماید و استاد را به همان وضعی که در آغاز عزیمت بوده است مصمم نشان می‌دهد (۹:۵۱).

ورود مسیح پادشاه به اورشلیم[g] (متی۲۱:۱-۱۱، ۱۵-۱۷؛ مرقس۱۱:۱-۱۰؛ یوحنا۱۲:۱۲-۱۶)

۲۹باری چون به بیت فاجی[h] و بیت عنیا[i]
به نزدیک کوهی به نام «زیتون» رسید دو
تن از شاگردان را فرستاده گفت: ۳۰«به
روستائی که روبرو است بروید. وقتی وارد
آن شدید کرّه الاغی را بسته خواهید یافت
که بر آن هرگز انسانی سوار نشده است،
پس از آنکه باز کردید آن را بیاورید.
۳۱اگر کسی از شما پرسید: چرا باز
می‌کنید، بگوئید: زیرا خداوند[j] به آن نیاز
دارد.» ۳۲آنانی که فرستاده شده بودند،
چون رفتند، همان طور که به ایشان گفته
بود یافتند. ۳۳در حالی که کرّه الاغ را باز
می‌کردند، صاحبانش[k] به آنان گفتند:
«چرا کرهٔ الاغ را باز می‌کنید؟» ۳۴گفتند:
«زیرا خداوند به آن نیاز دارد.» ۳۵و آن را
نزد عیسی آوردند و رداهای خود را بر روی
کرّه الاغ انداخته، عیسی را بر آن سوار
کردند[l]. ۳۶در حالی که پیش می‌رفت، مردم
رداهای خود را در راه می‌گستردند. ۳۷چون
به سرازیری[m] کوه زیتون نزدیک می‌شد
تمام انبوه شاگردنش غرق در شادی،
به خاطر همهٔ [اعمال] مقتدرانه ای که دیده
بودند[n] به ندای بلند شروع به ستایش خدا
کردند. ۳۸می‌گفتند:

«مبارک باد او که می‌آید،
آن پادشاه،
به نام خداوند[o]!
آرامش در آسمان
و شکوه در اعلی علیین[p]!»

۳۹و برخی از فریسیان [در میان] جمعیت
به او گفتند: «ای استاد، شاگردانت را

g- این روایت که در هر چهار انجیل ذکر شده نشان می‌دهد چگونه عیسی خواسته است نبوت زکریا را به تحقق رساند (زک۹:۹-۱۰)، تنها اعلام مسیحایی که در طی آن مسیح در فروتنی معرفی می‌شود. در این روایت مشترک لوقا چندین نکته وارد کرده است که سلطنت عیسی را یادآوری و تأکید می‌نماید، مخصوصاً چندین اشاره به روایت مسح شدن سلیمان در ۱-پاد۱:۳۳-۴۰ می‌باشد. این روایت در انجیل لوقا افتتاح آخرین قسمت انجیل است که به تمامی در اورشلیم به وقوع خواهد پیوست.

h- (ر.ک مت۲۱:۱ توضیح v). دهکده‌ای در نزدیکی اورشلیم که بر کوه زیتون قرار دارد. ضمناً در متن موازی مت۲۱:۱ فقط نام این دهکده ذکر شده است.

i: نام دهی در دامنه شرقی کوه زیتون که نسبت به دهکده قبلی دورتر از اورشلیم است. نام این ده در مر۱۱:۱ ذکر شده است.

j- ر.ک ۷:۱۳ توضیح t. این تنها موردی است که متی و مرقس این عنوان را به عیسی می‌دهند.

k- همین کلمه در زبان یونانی در آیه۳۱ در مورد عیسی به کار رفته که به «خداوند» ترجمه شده ولی در اینجا که به صورت جمع آمده منظور صاحبان کرّه الاغ هستند و بدین سبب «صاحبان» ترجمه شده است.

l- چنین به نظر می‌رسد که روش نگارش لوقا اشاره‌ای به مسح و تقدیس سلیمان دارد (۱-پاد۱:۳۳).

m- چنین می‌نماید که این کلمه نیز مسح و تقدیس سلیمان را به یاد می‌آورد (۱-پاد۱:۳۸)، همچنین فریادهای شادی و هلهله شاگردان که بعداً می‌آید (۱-پاد۱:۴۰).

n- تفاوتی که در این مورد با انجیل های متی و مرقس وجود دارد، لوقا انگیزهٔ شور و شوق شاگردان را معجزاتی می‌داند که شاهد آنها بوده‌اند (ر.ک۲:۲۰ توضیح i).

o- در اینجا لوقا مانند متی و مرقس، مزمور۱۱۸:۲۶ را نقل می‌کند (ر.ک۱۳:۳۵ توضیح k) ولی از به کار بردن کلمه سامی هوشیعانا احتراز کرده و نظیر یو۱۲:۱۳ برای عیسی عنوان پادشاه را بکار می‌برد.

p- این هلهله و تحسین برابر «هوشیعانا در اعلی علیین» در اناجیل متی و مرقس است و سرود فرشتگان به هنگام تولد عیسی در ۲:۱۴ را به یاد می‌آورد ولی اکنون شاگردان آرامشی را که از سوی خدا به ایشان می‌رسد جشن گرفته و خداوند را تجلیل می‌کنند. این آرامش (ر.ک۱:۷۹ توضیح j) بایستی در ایمان پذیرفته شود و اورشلیم آن را رد خواهد کرد (آیه۴۲).

نهیب بزن[q].» ۴۰ و او پاسخ داده گفت: «به
شما می‌گویم، اگر ایشان ساکت شوند،
سنگها فریاد برخواهند آورد[r].»

عیسی بر اورشلیم می‌گرید

۱۳:۳۴-۳۵

۴۱ و چون نزدیک شد، با دیدن شهر بر
آن گریسته گفت[s]: ۴۲ «اگر تو نیز[t] امروز[u]
شرایط آرامش را می‌دانستی! امّا نه، این از
دیدگان تو پوشیده است. ۴۳ زیرا روزهائی
بر تو فرا خواهد رسید که دشمنانت دور تو
سنگرها[v] خواهند کشید و تو را محاصره
کرده و از هر سو بر تو فشار وارد خواهند
کرد[w]. ۴۴ و تو و در میان تو فرزندانت را مز۱۳۷:۹
بر خاک خواهند افکند و در تو سنگی بر
سنگی باقی نخواهند گذاشت زیرا زمانی را
که از تو دیدار شده است[x] درنیافته‌ای!»

ورود عیسی به معبد و نمایش اقتدار خود
(متی۲۱:۱۲-۱۳؛ مرقس۱۱:۱۵-۱۹؛ یوحنا۲:۱۳-۱۶)

۴۵ و به معبد[y] وارد شده شروع به بیرون
راندن فروشندگان کرد[z]. به آنان گفت:
۴۶ «نوشته شده است: و خانه من، خانهٔ
نیایش خواهد بود[a]، امّا شما آن را غار
راهزنان کرده‌اید[b].» ۴۷ و هر روز برای
آموزش در معبد می‌بود[c]. کاهنان اعظم و
کاتبان در صدد هلاک او بودند، همچنین

q- دخالت فریسیان اعم از اینکه به صورت اعتراض (مثلاً اعتراض کاهنان اعظم و کاتبان در مت۲۱:۱۵-۱۶) یا توصیه و دعوت به احتیاط باشد (مثلاً توصیه فریسیان در لو۱۳:۳۱) نشانهٔ بی‌ایمانی فریسیان است. این آخرین باری است که فریسیان در انجیل لوقا ظاهر می‌شوند و ظاهراً لوقا نمی‌خواهد فریسیان را در محکومیت عیسی شریک سازد (ر.ک۲۰:۲۰ توضیح w).
r- این عبارت مهم است و ممکن است از حب۲:۱۱ الهام گرفته شده باشد. منظور این است که هیچ چیز نمی‌تواند مانع آن شود که اورشلیم عیسی را تحسین ننماید. همچنین ممکن است از این عبارت ویرانی شهر را درک نمود (ر.ک آیه۴۴) اگر نخواهد پادشاه خود را بشناسد.
s- عیسی بر حال شهری که او را رد خواهد کرد گریه می‌کند. لوقا که سه بار ویرانی شهر را اعلام می‌کند (۱۹:۴۳-۴۴؛ ۲۱:۲۰-۲۴؛ ۲۳:۲۸-۳۱) در اینجا نخستین اعلام را می‌آورد. لوقا این واقعه را به‌عنوان یک داوری تاریخی که پیش‌نمود داوری روز آخر است می‌نگرد.
t- نظیر شاگردان که در عیسی آرامش یافته‌اند (آیات ۳۷-۳۸).
u- در تعدادی از نسخه‌های خطی در اینجا افزوده شده است: لااقل.
v- منظور بناها و استحکاماتی است که شهر را محاصره خواهند کرد.
w- لوقا وضعیت شهر اورشلیم را که رومیان در سال ۷۰ محاصره کردند توصیف می‌کند (ر.ک۲۱:۲۰-۲۴).
x- دیدار خدا از شهر (ر.ک۱:۶۸ توضیح t) در اینجا با ورود شاهانه عیسی انجام می‌شود و اورشلیم حال می‌باید او را بپذیرد.
y- در انجیل لوقا نظیر انجیل متی، وقوع این رویداد در همان روز ورود عیسی به اورشلیم است (در انجیل مرقس در فردای آن روز است). بدین سان عیسی ورود رسمی خود را به اتمام رسانده و مفهوم سلطنت خود را آشکار می‌کند. این سلطنت کاملاً در خدمت پدرش می‌باشد تا عبادت و نیایشی شایستهٔ او انجام گردد.
z- ر.ک مت۲۱:۱۲ توضیح g. لوقا کمتر از متی و مرقس دربارهٔ جزئیات این واقعه توضیح داده است (شاید بدین سبب که شدّت عمل عیسی را تخفیف دهد).
a- اش۵۶:۷. به نظر عیسی و همچنین به نظر اشعیای نبی معبد برای نیایش می‌باشد.
b- ار۷:۱۱. معاصران عیسی مانند کسانی که در دوران ارمیای نبی می‌زیستند منظور از وجود معبد را تغییر داده و از هدف اصلی منحرف شده بودند. معبد به ایشان داده شده تا محل شفاعت و بخشایش باشد (۱-پاد۸:۳۰-۴۰) در صورتی که آن را به صورت مأمنی در برابر خشم خدا درآورده بودند و تصور می‌کردند که به وسیله آن از کیفر مصون خواهند بود.
c- لوقا در اینجا نظیر ۲۰:۱ و ۲۱:۳۷-۳۸ روایت می‌کند که عیسی در اورشلیم آموزش می‌دهد ولی چنین به نظر می‌رسد که لوقا در اینجا مدتی را که برای آموزش در نظر گرفته بیشتر از سه روزی است که در مر۱۱:۱۲، ۲۰ آمده یا دو روزی که در مت۲۱:۱۸ ذکر شده است.

رؤسای قوم[d]. [۴۸]اما نمی‌دانستند چه
می‌توانند بکنند زیرا همهٔ قوم چشم به
دهانش دوخته به او گوش می‌دادند[e].

سؤال اعضای سانهدرین دربارهٔ اقتدار عیسی[f]

(متی۲۱:۲۳-۲۷؛ مرقس۱۱:۲۷-۳۳)

۲۰ [۱]باری، روزی[g] که در معبد قوم را
آموزش و نوید می‌داد، کاهنان
اعظم و کاتبان با مشایخ پیش آمدند. [۲]و به
او گفتند: «به ما بگو با چه اقتداری اینها
را می‌کنی[h]؟ یا چه کسی این اقتدار را به
تو داده است؟» [۳]در پاسخ به ایشان گفت:
«من هم می‌خواهم چیزی از شما بپرسم،
پس به من بگوئید: [۴]تعمید یحیی از
آسمان[i] بود یا از آدمیان؟» [۵]آنان بین خود
بحث کردند: «اگر بگوئیم از آسمان،
خواهد گفت: چرا به وی ایمان نیاوردید؟
[۶]اگر بگوئیم از آدمیان، همهٔ قوم ما را
سنگسار خواهند کرد، زیرا یقین دارند که
یحیی پیامبر است[j].» [۷]و پاسخ دادند که
نمی‌دانند از کجا می‌بود[k]. [۸]و عیسی به
ایشان گفت: «من نیز به شما نمی‌گویم که
با چه اقتداری اینها را می‌کنم.»

مثل باغبانان آدم کش

(متی۲۱:۳۳-۴۶؛ مرقس۱۲:۱-۱۲)

[۹]آنگاه شروع به گفتن این مثل به قوم
کرد[l]: «مردی تاکستانی کاشت[m]، بعد آن
را به باغبانان اجاره داد و برای مدّت نسبتاً
درازی به سفر رفت. [۱۰]و در وقت مناسب
برده‌ای نزد باغبانان فرستاد تا از میوهٔ
تاکستان به او بدهند، باغبانان پس از
کتک زدن، او را دست خالی بازگرداندند.
[۱۱]و باز بردهٔ دیگری فرستاد، او را هم
کتک زدند و با بی‌احترامی با او رفتار

d- لوقا برخلاف مرقس، رؤسای غیر مذهبی قوم را که اعضای سانهدرین هستند صریحاً جزو مسئولان مرگ عیسی نام می برد (ر.ک۲۳:۱۳، ۳۵؛ ۲۴:۲۰).

e- لوقا تأکید می کند که برخلاف نقشه های جنایتکارانه سران قوم، مردم نسبت به عیسی نظر موافق داشتند (ر.ک۲۰:۱۹؛ ۲۱:۳۸؛ ۲۳:۲۷، ۳۵).

f- هیئتی از افراد سه طبقه اعضای سانهدرین از عیسی می پرسند که با چه «اقتداری» خود را مسیح معرفی کرده و فروشندگان را از معبد اخراج می کند. عیسی قبل از پاسخ دادن به این بازجویان، درخواست می کند ابتدا نظر خود را دربارهٔ «مأموریت یحیی» بیان نمایند. با طرح این مسئله عیسی نمی‌خواهد از پاسخ دادن خودداری نموده شانه خالی کند بلکه مقدمه ای لازم و ضروری است، بدین معنی: برای اینکه اعضای سانهدرین بتوانند اقتدار عیسی را تشخیص دهند بایستی آماده باشند مأموریت یک پیامبر را بپذیرند، مخصوصاً پیامبری که پیشگام او است. این نکته در نظر لوقا اهمیت خاصی دارد و مأموریت یحیی را به مأموریت عیسی ارتباط می دهد (لو۱-۲؛ اع۱:۲۲؛ ۱۰:۳۷؛ ۱۳:۲۴-۲۵؛ ۱۹:۴).

g- در بعضی نسخه های خطی نوشته شده است: در یکی از روزه.

h- ر.ک مت۲۱:۲۳ توضیح n.

i- منظور خدا است. ر.ک۱۱:۱۶ توضیح v.

j- مردم مأموریت یحیی را پذیرفته و به این ترتیب مخالف فریسیان و عالمان شریعت بودند (لوقا این نکته را در ۷:۲۹-۳۰ ذکر کرده است). اعضای سانهدرین می ترسیدند اگر منشأ الهی تعمید پیشگام را نپذیرند خشم مردم را برانگیزند؛ در مورد عیسی نیز چنین واهمه ای را احساس می کردند (۲۰:۱۹؛ ۲۲:۲).

k- با این همه وظیفه ایشان بوده که در این باره اظهار نظر کنند.

l- در مورد این مثل ر.ک مت۲۱:۳۳ توضیح r.

m- لوقا نقل قول اش۵:۲ را مانند متی و مرقس ادامه نمی دهد ولی تا همین جا برای خوانندگان کتاب مقدس روشن است که منظور قوم اسرائیل می باشد.

کرده دست خالی او را بازگرداندند. ۱۲و
سوّمین را نیز فرستاد[n]، این یکی را هم
مجروح کرده به بیرون افکندند.
۱۳خداوند تاکستان گفت: چه کنم[o]؟
می‌خواهم پسر محبوب خود را بفرستم[p]،
شاید او را محترم شمارند. ۱۴امّا با دیدن
او، باغبانان در بین خود چنین حساب
می‌کردند: این وارث است، او را بکشیم تا
میراثش از آن ما گردد. ۱۵و او را از
تاکستان بیرون انداخته کشتند[q]. پس عبر۱۳:۱۲-۱۳
خداوند تاکستان با ایشان چه خواهد کرد؟
۱۶خواهد آمد و این باغبانان را به هلاکت
خواهد رساند و تاکستان را به کسان
دیگری خواهد داد.» آنان با شنیدن این
گفتند: «نه، هرگز[r].» ۱۷امّا وی در ایشان
نگریسته گفت: «پس این چیست که نوشته
شده است:

سنگی را که معماران رد کردند
همان است که سر زاویه شده است[s]

۱۸هر کسی که بر این سنگ بیفتد خرد
خواهد شد و آن کسی که این سنگ بر او
بیفتد وی را خرد خواهد کرد[t].»
۱۹و کاتبان و کاهنان اعظم کوشش
می‌کردند در همان ساعت بر وی دست دراز
کنند و از قوم ترسیدند[u] زیرا دانسته بودند
این مثل را در مورد ایشان گفته است.

دام گستردن برای عیسی دربارهٔ پرداخت مالیات به قیصر

(متی۲۲:۱۵-۲۲؛ مرقس۱۲:۱۳-۱۷)

۲۰و مترصد بوده[v]، جاسوسانی نزد او
فرستادند که به تزویر عادل باشند[w] تا غفلتاً

n- فقط لوقا در این مورد طرح معمولی سه نفر را در مثل ها حفظ کرده است (ر.ک۱۰:۳۳ توضیح m).
o- ر.ک۱۲:۱۷ توضیح p.
p- ر.ک مر۱۲:۶ توضیح h.
q- در مر۱۲:۸ پسر را کشته و سپس به خارج می اندازند؛ در اینجا نظیر انجیل متی او را به خارج انداخته و سپس می کشند ر.ک مت۲۱:۳۹ توضیح v.
r- با این اعتراض که فقط در انجیل لوقا روایت شده اعضای سانهدرین متوجه شده اند که عیسی تهدید می کند اقتدارشان بر قوم خدا از بین می رود (ر.ک آیه ۱۹ و متون موازی در متی و مرقس).
s- بسیاری از مترجمان این کلمه را «سنگ نوک بنا» ترجمه می کنند. این آیه که از مز۱۱۸:۲۲ نقل شده از اش۲۸:۱۶ الهام گرفته شده است و چنین به نظر می رسد که یهودیان آن دوران این مطلب را به عنوان وعدهٔ ساختن جامعهٔ مسیحایی درک می کردند. جامعهٔ مسیحیان اولیه از همان ابتدا این آیه را به رستاخیز عیسی، بنیانگذار قوم جدید خدا نسبت می داد (اع۴:۱۱؛ ۱-پطر۲:۴، ۷). بدین سبب این آیه از قدیم به مثل ملحق شده است.
t- این آیه که شاید مختص به انجیل لوقا است (ر.ک مت۲۱:۴۴ توضیح a) نقل قول مستقیم از نوشته های مقدس نیست بلکه از اش۸:۱۴-۱۵ (موضوع سنگی که مانع بر سر راه است) الهام گرفته و همچنین از دان۲:۴۴ (سنگ مسیحایی که امپراتوری های روی زمین را در هم می شکند). به دنبال آیه قبلی در اینجا اعلام می شود (نظیر اش۸:۱۴ و در کنار اش۲۸:۱۶) که عمل خدا هلاکت برای فرد بی ایمان و نجات برای ایماندار می باشد. این نظریه را قبلاً لوقا در ۲:۳۴ ارائه نموده و همین تصویر را در روم۹:۳۳ و ۱-پطر۲:۵-۸ می توان بازیافت.
u- در هر سه انجیل نظیر روایت شده است که چگونه مقامات یهودی که تصمیم داشتند عیسی را از بین ببرند از محبوبیت او در بین عامه مردم می ترسیدند. لوقا در مورد این محبوبیت (ر.ک۱۹:۴۸ توضیح e) و در مورد ترس مقامات یهودی تأکید دارد (۲۲:۲؛ اع۵:۲۶).
v- در چندین نسخه خطی نوشته شده است: و دور شده.
w- در مت۲۲:۱۶ و مر۱۲:۱۳ این اشخاص فریسیان و طرفداران هیرودیس هستند. لوقا تعیین نمی کند که این افراد به کدام گروه وابسته اند ولی چون می گوید سعی داشتند به صورت آدم های عادل باشند با آنچه در ۱۶:۱۵ و ۱۸:۱۹ دربارهٔ فریسیان گفته است تطبیق می نماید ولی به طوری که دیده شد (ر.ک۱۹:۳۹ توضیح q) لوقا نمی خواهد فریسیان را در محکومیت عیسی شریک قلمداد نماید.

سخنی از [دهان] او بگیرند[x] و او را به
اقتدار و قدرت تسلیم نمایند[y]. ۲۱و آنان
از او پرسیده گفتند: «ای استاد می‌دانیم که
به درستی سخن می‌گوئی و آموزش می‌دهی
و تبعیض قائل نمی‌شوی[z] بلکه برطبق
راستی راه[a] خدا را می‌آموزی. ۲۲آیا
پرداخت مالیات[b] به قیصر برای ما مجاز
است یا خیر؟» ۲۳امّا او مکر ایشان را
دریافته به آنان گفت: ۲۴«یک دینار به من
نشان بدهید. این صورت و این نوشته از آن
کیست؟» به او گفتند: «از قیصر». ۲۵به
ایشان گفت: «پس آنچه از آن قیصر است روم۱۳:۷
به قیصر و آنچه از آن خداست به خدا پس
بدهید». ۲۶و ایشان نتوانستند در برابر
مردم غفلتاً سخنی از [دهان] او بگیرند و
شگفت‌زده از پاسخ وی خاموش ماندند.

پرسش صدوقیان دربارهٔ رستاخیز
(متی۲۲:۲۳-۳۳؛ مرقس۱۲:۱۸-۲۷)

۲۷برخی از صدوقیان[c]، -آنان که ادعا
دارند رستاخیز وجود ندارد- پیش آمده
پرسیده گفتند: ۲۸«ای استاد، موسی برای
ما نوشته است: اگر برادر کسی مرد در حالی
که زنی داشته و بدون فرزند باشد،
برادرش آن زن را بگیرد و تباری برای
برادرش برانگیزاند[d]. ۲۹پس هفت برادر
بودند و اولّی زنی گرفته و بدون فرزند مرد
۳۰و دوّمی همچنین ۳۱و سوّمی هم او را
گرفت. همچنین هر هفت تن فرزندی باقی
نگذاشته، مردند. ۳۲سرانجام زن نیز بمرد.
۳۳حال این زن در رستاخیز زن کدام یک از
آنان خواهد شد[e]؟ زیرا هر هفت تن او را
همسر خود داشتند.» ۳۴و عیسی به ایشان
گفت: «پسران این جهان[f] زن یا شوهر[g]

x- ترجمه دیگر: «سخنی از او بگیرند» که صحت این ترجمه کمتر است (همچنین در آیه ۲۶).

y- در مورد این قسمت ر.ک مر۱۲:۱۳ توضیح l.

z- تحت‌اللفظی: «شخصیت را در نظر نداری» (ر.ک اع ۱۰:۳۴). ترجمه دیگر: «بی‌طرف هستی.» این اصطلاح چندین بار در ترجمه یونانی کتاب مقدس آمده است (لاو ۱۹:۱۵؛ مز ۷۲:۲؛ بنسی ۴:۲۷؛ ۳۵:۱۳؛ ۴۲:۱۰؛ ملا ۲:۹). پولس رسول این اصطلاح را در غلا ۲:۶ ذکر کرده ست (ر.ک روم۲:۱۱؛ کول۳:۲۵؛ افس۶:۹؛ یع۲:۱).

a- ترجمه دیگر: «راههای خدا.» (این اصطلاحی در زبان عبری است؛ ر.ک مز۲۵:۴، ۹؛ ۲۷:۱۱؛ ۵۱:۱۵ ...). در مورد به کار بردن این اصطلاح در کلیسای اولیه ر.ک اع۹:۲ توضیح b.

b- در مورد این کلمه که مالیات ترجمه شده است در مت۲۲:۱۷ و مر۱۲:۱۴ واژه‌ای به کار برده شده که اصلاً لاتین است و به صورت یونانی درآمده است، در صورتی که لوقا مانند پولس در روم۱۳:۷ کلمهٔ یونانی را ترجیح داده است.

c- صدوقیان که به طبقات بالای کاهنان یهود تعلق داشتند به رستاخیز مردگان باور نداشتند، باوری که دو قرن پیش از آن تاریخ با دانیال نبی پیدا شده بود (۱۲:۲-۳). عیسی مانند فریسیان این دیدگاه را می‌پذیرد (ر.ک اع۲۳:۸). صدوقیان به منظور انتقاد از این نظریه به روش تدریسی مثالی می‌آورند که این نظریه را تخطئه و مسخره می‌کند. عیسی در پاسخ آنان نمی‌توانست به نوشته دانیال تکیه کند زیرا مخالفان او مشروعیت و اصالت کتاب دانیال را قبول نداشتند، بنابراین بر مبنای تورات که سخن خدا و مسلم و بلامنازع است استدلال می‌کند: اگر خدا خود را دوست پدران قوم کهن برای همیشه است. ضمناً با اشاره‌ای ساده، نظریه مادّی بعضی از فریسیان را درباره رستاخیز به کلی ردّ می‌کند: کسانی که رستاخیز کرده‌اند نظیر فرشتگان هستند.

d- تث۲۵:۵-۶ که مفهوم آن به روش آزاد نقل شده است (ر.ک مت۲۲:۲۴ توضیح q).

e- تحت‌اللفظی: می‌شود.

f- ترجمه دیگر: پسران این دوران. اصطلاحی در زبانهای سامی است.

g- تحت‌اللفظی: ازدواج می‌کنند یا با آنان ازدواج می‌شود (همچنین در آیه بعدی؛ ر.ک لو۱۷:۲۷). در بعضی از نسخه‌های خطی کهن اضافه شده یا به‌جای جمله‌های مذکور آمده است: به دنیا می‌آیند و فرزند می‌آورند.

می‌گیرند، ۳۵امّا آنان که شایسته دسترسی
به آن جهان و برخاستن از میان مردگان
شده‌اند[h]، نه زن و نه شوهر می‌گیرند.
۳۶ زیرا دیگر نمی‌توانند بمیرند چون که با
فرشتگان[i] یکسان و پسران خدا هستند زیرا
پسران رستاخیزند[j]. ۳۷و دربارهٔ اینکه
مردگان قیام می‌کنند، موسی آن را در
قسمت مربوط به بوته نشان داده است،
وقتی که خداوند را «خدای ابراهیم و
خدای اسحاق و خدای یعقوب[k]»
می‌خواند. ۳۸باری خدا، [خدای] مردگان
نیست بلکه زندگان[l] زیرا همه برای او
زندگی می‌کنند[m].» ۳۹برخی از کاتبان به
سخن درآمده گفتند: «ای استاد، نیکو
گفتی[n].» ۴۰زیرا دیگر جرات نداشتند در
هیچ مورد از او سؤالی بکنند[o].

مسیح، پسر و خداوند داود
(متی۲۲:۴۱-۴۵؛ مرقس۱۲:۳۵-۳۷)

۴۱ به ایشان گفت[p]: «چگونه می‌توان
گفت که مسیح پسر داود است؟ ۴۲زیرا
داود خود در کتاب مزامیر می‌گوید:
خداوند به خداوند من گفته است:
به دست راست من بنشین
۴۳ تا دشمنانت را همچون زیرپایی
برای پاهایت بنهم[q].
۴۴اگر داود او را خداوند می‌نامد، پس
چگونه پسر او است؟»

برحذر بودن از کاتبان
(مرقس۱۲:۳۷-۴۰)

۴۵چون همهٔ قوم گوش می‌دانند به
شاگردان گفت: ۴۶«از کاتبان برحذر
باشید[r] که میل دارند با رداهای بلند
بگردند، سلام ها در میدانها و نخستین ۴۳:۱۱؛ مت۲۳:۶-۷
جایگاه‌ها در کنیسه‌ها و نخستین
نشیمنگاه‌ها[s] در ضیافتها را دوست دارند.
۴۷ایشان که اموال بیوه‌زنان را می‌بلعند و
به تظاهر دعاهای طولانی می‌کنند[t]. اینان
محکومیت شدیدتری خواهند داشت.»

h- ر.ک۱۴:۱۴ توضیح x. لوقا یادآوری می‌کند که پذیرفته شدن در دنیای آینده فیض بشمار می‌آید (ر.ک۲۱:۳۶).
i- ر.ک مت۲۲:۳۰ توضیح t.
j- این عبارت که اصطلاحی در زبانهای سامی است بدین معنی است که وارث دنیای جدید و زندگی در آن هستند.
k- خروج۳:۶.
l- ر.ک مت۲۲:۳۲ توضیح v.
m- همچنین می‌توان ترجمه کرد: همه به وسیلهٔ او زندگی دارند.
n- این گونه تحسین گفتن در اینجا مختص به انجیل لوقا است. کاتبان که اکثراً فریسی هستند به سبب اینکه عیسی صدوقیان یعنی رقیبان ایشان را مجاب کرده است او را تحسین می‌کنند. در مر۱۲:۳۲ نیز یکی از کاتبان به سبب اینکه عیسی نخستین فرمان خدا را توصیف و تعریف کرده است او را به همین گونه تحسین می‌نماید.
o- این نتیجه گیری با آنچه در آیه۳۹ ذکر شده است تطبیق نمی‌کند مگر اینکه در اینجا منظور وی صدوقیان باشد. در متون موازی مت۲۲:۴۶ و مر۱۲:۳۴ نتیجه گیری، بهتر با بحث و جدلهای قبلی تطبیق می‌نماید.
p- ر.ک مر۱۲:۳۵ f.
q- لوقا در اینجا دقیقاً متن یونانی مزمور۱۱۰:۱ را آورده است (ر.ک اع ۲:۳۴؛ عبر ۱:۱۳) در صورتی که در مت۲۲:۴۴ و مر۱۲:۳۶ چنین نیست.
r- در اینجا موضوع بدگمان بودن و دوری جستن از آنان نیست بلکه بایستی برحذر باشند از اینکه همانند آنان شوند.
s- تحت اللفظی: تختخواب ها (ر.ک۷:۳۶ توضیح z).
t- ر.ک مر۱۲:۴۰ توضیح i.

نذر بیوه زن
(مرقس۱۲:۴۱-۴۴)

۲۱ ۱چشمها را بلند کرده ثروتمندان
را دید که داده های خود را به خزانه
می انداختند. ۲همچنین بیوه زنی محتاج را
دید که دو پشیز می انداخت. ۳و گفت: «به
راستی به شما می گویم که این بیوه زن فقیر،
بیش از همه گذاشته است. ۴زیرا همهٔ آنان
از آنچه زیاده داشتند دادند[u]، امّا این زن از
نداری خویش: همهٔ دارائی که داشته
انداخته است.»

دربارهٔ ویرانی معبد[v]
(متی۲۴:۱-۲؛ مرقس۱۳:۱-۲)

۵چون برخی در بارهٔ معبد که با سنگهای
آراسته[w] و هدایای نذری[x] تزئین شده بود
می گفتند، گفت: ۶«روزهائی خواهد رسید
که از آنچه تماشا می کنید، سنگی بر سنگی
باقی نخواهد ماند: همه نابود خواهد شد[y].»

نشانهای نزدیك و دور روز داوری
(متی۲۴:۳-۸؛ مرقس۱۳:۳-۸)

۷آنگاه از او پرسیده گفتند[z]: «ای استاد،
پس چه زمانی این فرا خواهد رسید و نشانهٔ
آن چیست که در شرف وقوع باشد[a]؟»
۸گفت: «توجه کنید که مبادا گمراه شوید[b]
زیرا بسیاری به نام من آمده[c] خواهند گفت:
«من هستم» و «زمان آن نزدیک است[d].»
به دنبال ایشان نروید. ۹وقتی سخن از
جنگ ها و آشوب ها[e] بشنوید، وحشت
نکنید زیرا اوّل این باید فرا رسد امّا به این دان۲:۲۸،۲۹، ۴۵
زودی پایان نخواهد بود!» ۱۰آنگاه به

u- در تعدادی از نسخه های خطی کلمه خدا در اینجا افزوده شده است (یعنی پیشکشهای تقدیمی به خدا).

v- عیسی در هنگامی که ویران شدن معبد را اعلام می کند (آیه ۶) موقعیتی برای آخرین گفتار خود می یابد و در طی این گفتار مصائب و سختی های زمان آخر و بازگشت خود را در جلال پیش گویی می کند، سخنانی که به روش نوشته های مکاشفه ای دوران او است. در اناجیل متی و مرقس این گفتار مختص به شاگردان و بر کوه زیتون ایراد شده است؛ در انجیل لوقا عیسی گفتار خود را در معبد و به جمیع مردم خطاب می کند. لوقا اعلام های مربوط به زمان آخر (آیات۱۰-۱۱، ۲۵-۲۷) و وقایعی را که قبل از آن رخ می دهد (تعقیب و شکنجه شاگردان در آیات ۱۲-۱۹؛ ویرانی اورشلیم معبد، آیات۲۰- ۲۴) کاملاً از یکدیگر جدا می کند و گفتار را با تشویق به امیدواری و هوشیاری به پایان می رساند (آیات ۲۸-۳۶).

w- معبد که هیرودیس کبیر در حدود سال ۱۹ پیش از میلاد اقدام به بنای آن کرده بود (ر.ک یو۲:۲۰) در زمان عیسی بنایی نوساز بشمار می رفت.

x- این پیشکشی های ایمانداران (ر.ک۲-مک۲:۱۳) ممکن است قسمتهایی از ساختمان یا تزئینات بنا بوده باشد.

y- چندین نفر از پیامبران، ویرانی معبد سلیمان را اعلام کرده بودند (میک۳:۱۲؛ ار۷:۱-۱۵؛ ۲۶:۱-۱۹؛ حزق۸-۱۱) تا نشان دهند که خداوند پیمانی را که قوم پیشاپیش شکسته بود فسخ می کند؛ این تهدیدها در آن اوقات موجب انزجار و خشم شده بود (ار۲۶). عیسی اعلام می کند که معبد ویران خواهد شد زیرا قوم اسرائیل او را به عنوان فرستادهٔ خدا نپذیرفته و بدین گونه انزجار مشابهی برمی انگیزد (ر.ک مت۲۶:۶۱؛ ۲۷:۴۰ و متون موازی؛ اع۶:۱۴).

z- در اینجا لوقا تصریح نمی کند که این سؤال را شاگردان می کنند (در اناجیل متی و مرقس طرح سؤال به وسیله شاگردان تصریح شده است). بنابراین گفتار به جمعیتی که در معبد است خطاب می شود و بدین گونه آخرین گفتار عیسی در ملأ عام و وداع او با اورشلیم است که ویرانی آن را اعلام می کند.

a- در انجیل لوقا سؤال دربارهٔ تاریخ و نشانهٔ ویران شدن معبد است و همین نکات در انجیل مرقس مطرح گردیده است. در انجیل متی دربارهٔ تاریخ ویرانی معبد و در عین حال دربارهٔ نشانهٔ آمدن عیسی و فرارسیدن زمان آخر سؤال می شود. در انجیل لوقا و همچنین در اناجیل متی و مرقس عیسی راجع به نشانه های زمان آخر و آمدن پسر انسان پاسخ می دهد، ولی لوقا موضوع ویرانی اورشلیم را از آن دو نشانه کاملاً تفکیک نموده و از قبل در ۱۹:۲۷، ۴۴ دربارهٔ ویرانی معبد سخن گفته است.

b- ر.ک مت۲۴:۴ توضیح e.

c- منظور مسیح های دروغین هستند که نقش و اقتدار عیسی را به خود نسبت می دهند.

d- به نظر لوقا این استادان گمراهی، قریب الوقوع بودن پایان را اعلام می کنند (ر.ک۱۷:۲۳؛ ۱۹:۱۱).

e- لوقا در پایان این بند خواهد گفت که این رویدادها مربوط به زمان آخر نیستند بلکه جزو وقایع تاریخ می باشند و ممکن است آشوبهای نظامی و سیاسی را که در سال ۶۸ میلادی بر اثر مرگ نِرون امپراتور روم رخ داد در نظر داشته است.

ایشان می گفت[f]: «ملّتی بر ملّتی و مملکتی
اش۲۴:۱۹-۲۰؛ حجی۲:۶-۹؛ زک۱۴:۴-۵ ار۱۴:۱۲؛ ۱۵:۲؛ ۱۸:۲۱؛ حزق۵:۱۲؛ ۶:۱۱-۱۲ بـر مملـکتی قیـام خواهد کرد[g]. ۱۱زمین
لرزه های شدید و در جاهایی طاعون ها و
قحطی ها خواهد بود و از آسمان، چیزهای
ترسناک و نیز نشانه های بزرگی[h] خواهد
بود.

دوران قبلی: دوران ستمگری و شهادت

(متی۱۰:۱۷-۲۲؛ مرقس۱۳:۱-۱۳)

۱۲اما پیش از همه اینها[i] به خاطر نام من
بـر شما دست دراز کرده شما را شکنجه
خواهند کرد، شما را به کنیسه ها[j] و زندانها
تسلیم نموده شما را به حضور پادشاهان و
رهبران[k] هدایت خواهند کرد، ۱۳و این
برای شما به شهادت منتج خواهد شد[l].
۱۴پس در قلبهایتان[m] نگاه دارید که برای
دفاع از خود نباید پیشاپیش دلواپس باشید،
۱۵زیرا خودم به شما زبان[n] و حکمتی
خواهم داد[o] که هیچ یک از خصمان شما
نتواند مقاومت کند یا جواب دهد، ۱۶شما
۱۲:۵۱-۵۳؛ میک۷:۶ حتی به دست والدین و برادران و خویشان
و دوستان خود تسلیم کرده خواهید شد و
برخی از شما را به مرگ خواهند سپرد[p]،
یو۱۵:۱۸؛ ۱۷:۱۴ ۱۷و به خاطر نام من منفور همه خواهید شد
۷:۱۲ ۱۸امّا حتّی یک مو از سرتان از بین نخواهد
رفت. ۱۹به وسیلهٔ پایداری خود زندگی
خویش را به دست خواهید آورد[q].»

f- این جمله که به صورت مقدمه ای جدید است و مقدمه ای که در آیه ۱۲ آمده به خوبی نشان می دهد که لوقا نشانه های پایانی (آیات ۱۰-۱۱، ۲۵-۲۷) را از وقایع تاریخی که قبلاً رخ داده (آیات۱۲-۱۹، ۲۰-۲۴) کاملاً از یکدیگر متمایز می کند.

g- موضوعی که در نوشته های مکاشفه ای آمده است (ر.ک اش۱۹:۲؛ ۲-توا۱۵:۶).

h- در بعضی نسخه های خطی کلمات «از آسمان خواهد رسید» به «نشانه های بزرگی» مربوط می شود (احتمالاً تحت تأثیر مر۸:۱۱) یا اینکه مربوط به «چیزهای وحشتناک» است. به نظر برخی از مفسران ترکیب عبارت اخیر ترجیح دارد. لوقا نشانه های زمان آخر را مجدداً در آیات ۲۵- ۲۶ ذکر خواهد کرد.

i- عیسی به شاگردان خود هشدار می دهد که پیش از فرا رسیدن مرحله پایانی که به آن علاقمند هستند (آیه ۷) دورانی از تاریخ فرا خواهد رسید که مرحله شهادت همراه با تحمل مصائب و شکنجه ها است. و به همان گونه که مسیح باید رنج بکشد تا در جلال خود وارد شود (۲۴:۲۶) شاگردان هم بایستی پیروزمندانه این تجربه را از سر بگذرانند.

j- ر.ک مت۱۰:۱۷ توضیح i.

k- ممکن است در این مورد لوقا به صحنه ای که در اع۲۵:۱۳- ۲۶:۳۲ روایت کرده می اندیشد.

l- ترجمه دیگر: این به شما فرصتی برای شهادت خواهد بود. به نظر لوقا شهادت، مهمترین وظیفه دوازده رسول (۲۴:۲۸؛ اع۱:۸، ۲۲؛ ۲:۳۲؛ ۳:۱۵؛ ۴:۳۳؛ ۵:۳۲؛ ۱۰:۳۹؛ ۱۳:۳۱) و استیفان (اع۲۲:۲۰) و پولس (اع۲۲:۱۵؛ ۲۶:۱۶؛ ر.ک۱۸:۵؛ ۲۰:۲۱؛ ۲۲:۱۸؛ ۲۳:۱۱؛ ۲۶:۲۲؛ ۲۸:۲۳) می باشد و عبارت از آن است که رستاخیز عیسی و خداوندی او را اعلام کنند. کلمه یونانی که در اینجا شهادت ترجمه شده در نسل های بعدی به مفهوم شهید شدن به کار خواهد رفت.

m- کلمه «قلب هایتان» ترجمه تحت اللفظی است و گاهی آن را «سرتان» ترجمه می کنند (ر.ک۱:۶۶).

n- تحت اللفظی: دهان.

o- در اینجا وعده داده می شود که خود عیسی به کمک شاهدان خواهد آمد (ر.ک یو۱۴:۱۸-۲۱) در صورتی که در متون موازی نظیر لو۱۲:۱۱-۱۲ و همچنین در مت۱۰:۱۹-۲۰ و مر۱۳:۱۱-۱۲ وعدهٔ دخالت روح القدس داده می شود (ر.ک یو۱۵:۲۶-۲۷؛ ۱۶:۸-۱۱).

p- تفاوتی که در این مورد با مت۱۲:۲۱ و مر۱۳:۱۲ وجود دارد این است که لوقا تصریح می نماید که چون همگی کشته نخواهند شد (ر.ک۱۱:۴۹)، تعقیب و شکنجه شاهدان عیسی موجب خاموش شدن صدای آنان نخواهد گردید.

q- برابر تعدادی از نسخه های خطی می توان ترجمه کرد: به وسیلهٔ پایداری خود زندگی خویش را به دست آورید. در مورد کلمهٔ پایداری ر.ک ۸:۱۵ توضیح g.

داوری بر اورشلیم
(متی۲۴:۱۵-۲۱؛ مرقس۱۳:۱۴-۱۹)

۲۰ «چون اورشلیم را در محاصرهٔ
ارتش ها ببینید[r]، آنگاه بدانید که ویرانی[s]
آن نزدیک است. ۲۱در آن هنگام آنان که
در یهودیه باشند به کوهستانها بگریزند[t] و
آنان که در درون آن باشند دور شوند و
آنان که در دشت ها باشند به آن وارد
نشوند. ۲۲زیرا این روزهای انتقام است که تث۳۲:۴
باید در آن همهٔ نوشته ها[u] به تحقّق رسند.
۲۳وای بر [زنانی] که در آن روزها آبستن
باشند و آنانی که شیر دهند! زیرا وحشتی
بزرگ بر زمین و آن خشم علیه این قوم
خواهد بود. ۲۴و به زبانهٔ[v] دشنه خواهند
افتاد و به اسارت در همهٔ ملت ها[w] برده
خواهند شد و اورشلیم لگدکوب ملت ها زک۱۲:۳
خواهد شد تا دوران ملت ها به کمال
برسد[x].

آمدن پسر انسان
(متی۲۴:۲۹-۳۱؛ مرقس۱۳:۲۴-۲۷)

۲۵و در خورشید و ماه و ستارگان اش۱۳:۱۰؛ زک۳۲:۷ اش۳۴:۴ مز۶۵:۸-۹
نشانه ها[y] و بر زمین اضطراب ملت ها و
دلهره از غرش دریا و تلاطم آن خواهد بود،
۲۶در حالی که انسانها در انتظار آنچه بر
دنیا فرا خواهد رسید از ترس جان خواهند
داد زیرا نیروهای آسمانها متزلزل خواهند حجی۲:۶؛ یول۴:۱۶؛ بنسی۱۶:۱۸
شد[z]. ۲۷و آنگاه پسر انسان را خواهند دید
که با قدرت و شکوه بسیار در ابری تث۷:۱۳-۱۴ دان۷:۱۳
می آید[a].

r- متی و مرقس در متون موازی انجیل خود سختی های شدید زمان آخر را به روش ادبیات مکاشفه ای روایت می کنند. در اینجا لوقا ویرانی اورشلیم را اعلام کرده و این واقعه را به عنوان اعلام داوری نهایی می نگرد (ر.ک۱۹:۴۲ s).

s- کلمهٔ یونانی که در اینجا ویرانی ترجمه شده می توان تخریب، انهدام ... ترجمه کرد. این کلمه در نبوت دانیال ۹:۲۷ آمده و در مت۲۴:۱۵ و مر۱۳:۱۴ به کار برده شده است، ولی لوقا این کلمه را فقط به واقعه تاریخی ویرانی اورشلیم نسبت می دهد

t- در مورد توصیه و دعوت به فرار همگانی که پیام های داوری نهایی اعلام می شود ر.ک۱۷:۳۱ توضیح r. ولی در اینجا موضوع داوری تاریخی است.

u- لوقا به تهدیدهای پیامبران از جمله ارمیا و حزقیال می اندیشد که علیه اورشلیم بی ایمان نوشته اند. دربارهٔ «آن خشم» در آیه ۳ ر.ک اعد ۱۱:۱؛ میک ۷:۹؛ مز ۸۵:۵-۱۲؛ لو۳:۷؛ روم۲:۵؛ افس ۵:۶؛ ۱-تسا ۱:۱۰ و غیره.

v- تحت اللفظی: به دهان. این اصطلاح در کتاب مقدس معمول است (ر.ک پید۳۴:۲۶؛ یوشع۸:۲۴؛ ۱۹:۴۷؛ داور۱:۸؛ بنسی۲۸:۱۸؛ عبر۱۱:۳۴).

w- در این آیه نظیر آیه بعدی کلمه ای که آمده گاهی به معنی ملت های جهان و گاهی در مورد مشرکان دشمن اسرائیل به کار برده می شود.

x- تحت اللفظی: دورانهای ملت ها. چنین به نظر می رسد که این دوران مدّت بشارت و انتشار انجیل در بین غیریهودیان است (ر.ک لو۲۴:۴۷)؛ در پایان این دوران ممکن است اسرائیل به مسیح که قبلاً او را نپذیرفته بود روی آورد. پولس به طوری که در روم ۱۱:۲۵-۲۷ نوشته چنین امیدوار است و ظاهراً لوقا نیز در ۱۳:۳۵ (ر.ک توضیح k) با این نکته موافق است. مفسّران دیگری چنین درک می کنند که منظور، دوران تسلط غیریهودیان بر اورشلیم می باشد که خدا پایان آن را تعیین کرده است (ر.ک مکا۱۱:۲).

y- ر.ک آیات ۱۰-۱۱ و توضیحات g و h. متی و مرقس دوران نهایی زمان آخر را از سختی و مصیبت هایی که قبلاً روی می دهد کمتر از یکدیگر متمایز کرده اند.

z- ر.ک مت۲۴:۲۹ توضیح w.

a- تفاوتی که در اینجا با مت۲۴:۳۱ و مر۱۳:۲۷ وجود دارد، لوقا گرد آمدن برگزیدگان را روایت نمی کند، با اینکه از مفاد۱۳:۲۸-۲۹؛ ۱۴:۱۵-۲۴؛ ۲۲:۳۰ این نکته را در نظر داشته است. در اینجا لوقا تمام توجه خود را به آمدن پیروزمندانه مسیح معطوف می کند.

نزدیك شدن پادشاهی خدا
(متی۲۴:۳۲-۳۵؛ مرقس۱۳:۲۸-۳۱)

۲۸ چون فرا رسیدن این چیزها شروع
شود قد برافرازید و سرتان را بلند کنید
زیرا رهائی[b] شما نزدیک است». ۲۹ و به
ایشان مثالی گفت: «درخت انجیر و همهٔ
درختان[c] را ببینید. ۳۰ هر وقت جوانه
می‌زنند، با نگاهی بر آنها، خود درک
می‌کنید که تابستان نزدیک است. ۳۱ شما
نیز وقتی فرارسیدن آن را ببینید بدانید
که فرمانروائی خدا[d] نزدیک است.
۳۲ آمین، به شما می‌گویم که این نسل
نخواهد گذشت تا همهٔ این چیزها
فرا برسد[e]. ۳۳ آسمان و زمین خواهند
گذشت،امّا سخنان من نه، اینها نخواهند
گذشت[f].

توصیه به بیداری

۳۴ مراقب خود باشید مبادا قلبهایتان در
شکم بارگی و میخوارگی و نگرانی‌های
زندگی سنگین شود و ناگهان[g] آن روز روم۱۳:۱۳
چون دامی[h] به روتان بیفتد، ۳۵ زیرا بر همهٔ ۱-تسا۵:۳ اش۲۴:۱۷-۱۸
کسانی که بر روی تمامی زمین نشسته‌اند
فرود خواهد آمد. ۳۶ بیدار باشید و همه
وقت نیایش کنید[i] تا قدرت[j] گریز از همهٔ
اینها را که باید فرا رسد و پایداری در
حضور پسر انسان را داشته باشید[k].»

آخرین روزهای عیسی در معبد

۳۷ در طی روز در معبد آموزش می‌داد[l]
امّا شبها خارج می‌شد و در بیرون بر کوهی مت۲۱:۱۷
به نام زیتون سپری می‌کرد، ۳۸ و همهٔ قوم،
از بامدادان برای گوش دادن به او به
سویش در معبد می‌آمدند.

b- رهائی. این کلمه را غالباً پولس بکار می برد (۱- قرن ۱:۳۰؛ روم ۳:۲۴؛ ۸:۲۳؛ کول ۱:۱۴...) ولی این کلمه در اناجیل فقط در اینجا آمده است. ضمناً لوقا برای بیان این معنی، کلمات مشابهی در ۱:۶۸؛ ۲:۳۸؛ ۲۴:۲۱ آورده است.

c- لوقا مثالی را که عیسی آورده است، به خاطر کسانی که اهل فلسطین نیستند و درخت انجیر را نمی‌شناسند به درختان دیگر تعمیم می‌دهد.

d- در مت ۲۴:۳۳ و مر۱۳:۲۹ موضوع فرا رسیدن زمان آخر است و لوقا این مثال را در مورد فرا رسیدن فرمانروائی خدا بکار می برد.

e- ر.ک مر۱۳:۳۰ توضیح h.

f- در مت ۲۴:۳۶ و مر۱۳:۳۲ ذکر شده که پسر خدا، روز و ساعت فرا رسیدن این وقایع را نمی‌دانند ولی لوقا در اینجا متن مشابهی ندارد و ممکن است ذکر این نکته را در اع ۱:۷ جای داده باشد که در آنجا بی اطلاعی عیسای رستاخیز کرده دربارهٔ این مصائب مطرح نیست.

g- بر خلاف آیات ۱۱ و ۲۵ در اینجا موضوع ظهور نشانه ها مطرح نیست و می توان این نکته را با آنچه در ۱- تسا ۵:۳ آمده است مقایسه نمود.

h- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات «چون دامی» به آیه ۳۵ ملحق شده است، بدین صورت: « زیرا چون دامی فرود خواهد آمد.»

i- ر.ک دستور مشابهی که در اوضاع و شرایط مربوط به فرا رسیدن زمان آخر در ۱۸:۱ z وجود دارد.

j- در بعضی از نسخه های خطی مهم نوشته شده است: تا شایستگی گریز از... داشته باشید و برخی مفسران معتقدند که این عبارت کمتر با روش نگارش لوقا (۲۰:۳۵؛ اع۵:۴۱) تطبیق می‌کند.

k- منظور این است که بتوانند امتحان خطرناک داوری او را سپری کنند.

l- به طوری که برمی‌آید لوقا مدت اقامت عیسی در اورشلیم را بیشتر از مدتی می‌داند که از روایت‌های متی و مرقس می‌توان استنباط نمود. ر.ک ۱۹:۴۷ توضیح c.

توطئه علیه عیسی
(متی۲۶:۱-۵، ۱۳-۱۶؛ مرقس۱۴:۱-۲، ۱۰-۱۱)

۲۲ ۱[عید] فطیر[m] مسمی به گذر
نزدیک می شد ۲و کاهنان اعظم[n] و
کاتبان در پی آن بودند که چگونه او را
بکشند، زیرا از قوم می ترسیدند[o].
۳شیطان[p] در یهودای مسمی به اسخریوطی[q]
که از شمار دوازده تن می بود، وارد شد ۴و
او رفته با کاهنان اعظم و افسران[r] مذاکره
کرد که چگونه او را به ایشان تسلیم کند[s].
۵و آنان شاد شده قرار گذاشتند به او پول
بدهند. ۶و او پذیرفته در پی فرصتی مناسب
می بود تا در غیاب جمعیت او را به ایشان
تسلیم نماید.

تهیّه سفرهٔ جشن گذر
(متی۲۶:۱۷-۱۹؛ مرقس۱۴:۱۲-۱۶)

۷روز فطیر که در آن روز می بایست
[برهٔ] گذر را ذبح کنند فرا رسید. ۸و او
پطرس و یوحنّا[t] را فرستاده گفت: «بروید
برای ما گذر را تهیّه کنید تا آن را
بخوریم[u]. ۹به او گفتند: «درکجا می خواهی
تهیّه کنیم؟» ۱۰بدیشان گفت: «هنگام
ورود شما به شهر، اینک مردی که کوزهٔ
آبی[v] را حمل می کند به سوی شما خواهد
آمد. تا خانه ای که او وارد می شود به دنبال
او بروید. ۱۱و به صاحبخانه خواهید گفت:
استاد به تو می گوید: تالاری که بتوانم گذر
را با شاگردانم بخورم کجاست؟ ۱۲و او در
بالا خانه، تالاری بزرگ، مفروش نشان
خواهد داد، همان جا تهیّه ببینید[w].»
۱۳ایشان رفته همان گونه که به آنان گفته
بود یافتند و گذر را آماده کردند.

m- ر.ک مر ۱۴:۱ توضیح.
n- اعضای خانواده های اشرافی کاهنان (اع ۴:۶) یا شاید کسانی که مناصب عالی در سلسله مراتب کهانت داشتند.
o- مقامات یهودی می خواهند عیسی را از بین ببرند (کلمه ای که لوقا در ۲۳:۳۲؛ و نوزده بار در اعمال رسولان بکار برده است) ولی از مردم می ترسند (ر.ک ۲۰:۱۹ توضیح u) و لوقا نشان داده که مردم نسبت به عیسی نظر موافق دارند (ر.ک ۱۹:۴۸ توضیح e).
p- شیطان پس از وسوسهٔ اولی (۴:۱۳) از عیسی دور شده و اکنون برای حملهٔ نهائی پدیدار می شود، چنان که در یو ۱۳:۲، ۲۷ ذکر شده است (ر.ک لو ۲۲:۵۳).
q- ر.ک مت ۱۰:۴ توضیح a.
r- این افسران که فقط لوقا از آنان نام برده (در اینجا و در ۲۲:۵۲ به صورت جمع؛ در اع ۴:۱؛ ۵:۲۴، ۲۶ به صورت مفرد) مسئولان انتظامات معبد و احتمالاً از لاویان بودند.
s- ر. ک مت ۲۶:۲ توضیح x.
t- فقط لوقا نام این دو شاگرد را ذکر کرده است (ر.ک ۸:۵۱ توضیح t).
u- برابر انجیل لوقا، عیسی ابتکار آماده کردن گذر را دارد چنان که رقیبانش ابتکار توطئه بر ضد او را در دست دارند. گذر برای یهودیان دو معنی دارد: اول عید گذر و دوم بره ای که در طی آن قربانی می کردند و می خوردند.
v- ر.ک مر۱۴:۱۳ توضیح y.
w- طبق خروج ۱۲:۸،۱۵ می بایست بره، سبزیجات تلخ و نان فطیر تهیه نمود و یهودیان عادت داشتند که در آن مراسم شراب نیز بنوشند.

گذر نوین[x]

(متی۲۶:۲۷-۲۹؛ مرقس۱۴:۲۲-۲۵؛ ۱-قرنتیان۱۱:۲۳-۲۶)

۱۴ و چون ساعت فرا رسید، بر سر سفره
نشست[y] و رسولان با او. ۱۵ و بدیشان
گفت: «اشتیاق بسیار داشتم که پیش از رنج
کشیدن[z]، این گذر را با شما بخورم ۱۶ زیرا
به شما می گویم هرگز[a] دیگر آن را نخواهم
خورد تا آنکه در ملکوت[c] خدا به تحقق
رسد[b].» ۱۷ و جامی[d] برگرفت و
شکرگزاری کرده گفت: «این را بگیرید و
بین خود قسمت کنید ۱۸ زیرا به شما
می گویم که از این پس از محصول تاک
نخواهم نوشید تا اینکه فرمانروائی[e] خدا
فرابرسد[f].»
۱۹ و نان را گرفته شکرگزاری کرد، پاره
کرد و به ایشان داد و گفت: «این تن من
است[g] که برای شما داده شده است[h]، این
را به یاد من بکنید[i].» ۲۰ همچنین پس از
شام جام را [گرفته] گفت: «این جام عهد
جدید[j] در خون من است که برای شما
ریخته شده است.

x- در این قسمت لوقا چندین نکته را ذکر کرده که مختص به خود او است: مثلاً اظهار تمایل و آرزوی عیسی (بند ۱۵)، یادآوری گذر کهن که در ملکوت به کمال خواهد رسید (آیات ۱۶-۱۸). عباراتی که در مورد سپاسگزاری آورده نزدیک به عباراتی است که پولس بکار می برد (۱- قرن ۱۱:۲۳-۲۵).

y- تحت اللفظی: دراز کشید. ر.ک ۷:۳۶ توضیح z.

z- کلمه ای که در اینجا به کار رفته و رنج کشیدن ترجمه شده، عیسی فقط در مورد رنجهای خود بکار می برد و ممکن است اشاره به پیشگوئی های اش ۵۳:۴، ۸-۱۲ باشد. در بعضی موارد این کلمه معنی کلی رنجها را دارد (مت ۱۶:۲۱ و متون موازی؛ مت ۱۷:۱۲ و مر۹:۱۲؛ لو۱۷:۲۵) ولی در نوشته های لوقا به معنی صریح مرگ نیز آمده است (لو۲۴:۲۶، ۴۶؛ اع ۱:۳؛ ۳:۱۸؛ ۱۷:۳)؛ و احتمالاً در اینجا نیز به همین معنی است. ضمناً در نامه به عبرانیان همواره به مفهوم اخیر می باشد (ر.ک ۲:۱۸) چنان که در نخستین نامه پطرس (ر.ک ۲:۲۱) نیز اکثراً به همین معنی است.

a- کلمات «هرگز، دیگر» در بسیاری از نسخه های معتبر وجود ندارد.

b- مراسم شام گذر یادگار آزادی اسرائیل به هنگام خروج از مصر است (خروج ۱۲) در اینجا پیش نمود پیامبرانه ای از ضیافت مسیحائی است که قوم خدا در هنگام نجات نهائی خواهد داشت (در مورد این ضیافت ر.ک ۱۳:۲۸ توضیح z).

c- ملکوت اصطلاحی معمول در میان یهودیان بود که در اناجیل آمده است و نجات را به عنوان محل سعادت و آرامش در حضور خدا توصیف می نماید.

d- جام را به عیسی تقدیم می کنند زیرا وی میزبان ضیافت گذر است. لوقا تنها انجیل نگاری است که از این جام اولیه یاد کرده است زیرا متی و مرقس ضیافت گذر را توصیف نکرده اند.

e- کلمه یونانی که در اینجا فرمانروائی ترجمه شده همان کلمه ای است که در آیه ۱۶ نیز آمده است. ولی در اینجا به مفهوم محل و مکان نیست بلکه اقتدار و سروری خدا است که به صورت کامل در زمان آخر پدیدار خواهد شد.

f-متی و مرقس این گفتار امید بخش را پس از تقدیم جام سپاسگزاری روایت کرده اند (مت ۲۶:۲۹؛ مر۱۴:۲۵؛ ر.ک ۱- قرن ۱۱:۲۶).

g- در تعدادی از نسخه های کهن بقیه این آیه و آیه ۲۰ حذف شده ولی متن کامل به صورت کنونی مورد تأیید است. دلیل حذف قسمتهای مذکور ممکن است بدین سبب باشد که پس از آیه ۱۷ دوباره از جام دیگری صحبت نشود.

h- در اینجا نظیر آیه ۲۰ و در نامه های پولس، گفتار عیسی مستقیماً به حاضران خطاب می شود (در صورتی که در مت ۲۶:۲۸ و مر۱۴:۲۴ خون عیسی برای انبوه مردمان ریخته شده است). طرز ترکیب این عبارت ممکن است برای تصریح آئین نیایش باشد که به ایمانداران شرکت کننده در آئین نیایش خطاب می شود.

i- این عبارت که در نوشته های پولس نیز آمده است (۱- قرن ۱۱:۲۴-۲۵) در اناجیل متی و مرقس وجود ندارد. در این عبارت غذای سپاسگزاری به عنوان یادبود قربانی شدن عیسی، همانند غذای جشن گذر اسرائیل توصیف شده است (خروج ۱۲:۱۴؛ ۱۳:۹؛ تث ۱۶:۳).

j- فقط لوقا و پولس (۱-قرن ۱۱:۲۵) در اینجا صفت جدید را آورده اند که پیشگوئی معروف ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ را یادآوری می کند. قربانی شدن عیسی (خون او: خروج ۲۴:۸؛ ر.ک مت ۲۶:۲۸؛ مر۱۴:۲۴) آغاز این دوران نجات است.

اعلام خیانت

(متی۲۶:۲۰-۲۵؛ مرقس۱۴:۱۷-۲۱)

[۲۱] امّا اینک دست آن کس که مرا تسلیم می کند با من بر سر سفره است[k]. [۲۲] زیرا پسر انسان برابر آنچه مقرر است می رود[l]، امّا وای بر آن انسانی که به وسیلهٔ او تسلیم شده است!» [۲۳] و ایشان شروع کردند از خود بپرسند چه کسی از بین ایشان است که این را خواهد کرد.

اخطار و وعده به دوازده تن[m]

(متی۱۸:۱؛ ۲۰:۲۵-۲۸؛ مرقس۹:۳۴؛ ۱۰:۴۲-۴۵)

[۲۴] اختلافی نیز در بین ایشان به وجود آمد: در میان آنها چه کسی به نظر بزرگتر می بود؟ [۲۵] بدیشان گفت: «پادشاهان ملت ها بر آنان تسلط دارند و آنان که بر ایشان اقتدار دارند مایلند نیکوکار[n] نامیده شوند. [۲۶] در مورد شما چنین نیست، بلکه بزرگترین در بین شما باید به مانند جوان ترین[o] شود و آن که رهبری می کند به مانند آن که خدمت می نماید. [۲۷] زیرا چه کسی بزرگتر است، آن که بر سر سفره است یا آن که خدمت می کند؟ مگر نه آن که بر سر سفره است؟ و من در میان شما هستم همچون آن که خدمت می کند!

۳۷:۱۲؛ یو۱۳:۴-۵

(متی ۱۹:۲۸)

[۲۸] شما کسانی هستید که همواره در تجربه هایم[p] با من مانده اید. [۲۹] و من ملکوتی در اختیار شما می نهم[q] که پدرم در اختیار من نهاده است[r]، [۳۰] تا بر سفرهٔ من در ملکوت من بخورید و بنوشید[s] و برای داوری بر دوازده قبیله اسرائیل بر تخت ها بنشینید[t].

k- لوقا بر خلاف متی و مرقس اعلام خیانت را پس از دادن نان و شراب آورده و احتمالاً برای آن است که همهٔ گفتارهای مهم عیسی را پس از اقدام اساسی او در یک جا جمع کند. ضمناً تذکر می دهد که یهودا مانند رسولان دیگر در ضیافت عهد جدید شرکت داشته است.

l- لوقا بوسیله این عبارت که مختص به خود او است (ر.ک اع ۲:۲۳؛ ۱۰:۴۲؛ ۱۷:۳۱) برای خوانندگان یونانی عقیدهٔ یهودیان را تفسیر می کند که نوشته های مقدس به تحقق می پیوندد.

m- لوقا مانند یوحنا و بر خلاف متی و مرقس سلسله ای از سخنان عیسی را در ادامهٔ شام آخر روایت می کند که به عنوان وداع او بشمار می رود. بعضی از این سخنان مختص به انجیل لوقا است و چندین نکته از آنها در اوضاع و شرایط دیگری در اناجیل متی و مرقس ذکر شده است.

n- کلمه یونانی evergete که در اینجا نیکوکار ترجمه شده قرنها پیش از عیسی در دنیای یونانی به خدایان، قهرمانان و پادشاهان نسبت داده می شد.

o- طبق آداب و رسوم مردمان سرزمین فلسطین، جوان ترین به منزلهٔ آخرین فرد در سلسلهٔ مراتب بشمار می رفته و در کلیسای اولیه نیز به همین منوال بوده است (اع ۵:۶؛ ۱-پطر۵:۵...).

p- این کلمه مبهم ممکن است به معنی حمله و تعرض اشخاص باشد (۱۱:۱۶؛ اع ۲۰:۱۹) ولی حمله های شیطان را مستثنی نمی کند (۴:۱۳).

q- این عبارت در عین حال که بیان انعقاد پیمان است (آیه ۲۰) به صورت وصیت نامه نیز می باشد (عبر۹:۱۶).

r- ترجمه دیگر: همان طور که پدرم برای من ملکوت قرار داده است، من نیز برای شما قرار می دهم که بر سر سفرهٔ من بخورید... این ترجمه، مشارکت شاگردان در سلطنت عیسی را کمتر نشان می دهد. موضوع مشارکت، در روایات کهن ذکر شده (خروج ۱۹:۶) و همین نکته در عهدجدید نیز آمده است (۱- پطر ۲:۹؛ مکا۱:۵؛ ۱۰:۵؛ ۲۲:۵).

s- مانند آیه ۱۶، عیسی ملکوت را به صورت ضیافت مسیحائی توصیف می نماید (ر.ک ۱۳:۲۸ توضیح y). این ملکوت، ملکوت او است چنان که در ۱:۳۳؛ ۱۹:۱۲-۱۵ و ۲۳:۴۲ ذکر شده است.

t- با توجه به آیه قبلی، به نظر لوقا این سخنان به عنوان وعده مشارکت دوازده رسول در سلطنت عیسی بر قوم خدا می باشد (در زبان کتاب مقدس کلمهٔ داوری گاهی به معنی فرمانروائی آمده است: ر.ک داور ۳:۱۰؛ ۱۲:۷، ۸، ۱۱...). از متن مشابهی که در مت ۱۹:۲۸ آمده می توان استنباط کرد که رسولان در داوری نهائی زمان آخر شرکت خواهند داشت (ر.ک ۱-قرن ۶:۲؛ مکا ۲۰:۴).

اخطار به پطرس

۳۱[u]ای شمعون، ای شمعون[v] اینک شیطان شما را خوانده است تا شما را چون گندم از غربال رد کند[w]، ۳۲امّا من برای تو نیایش کرده ام تا ایمانت کم نشود[x] و تو چون برگشتی[y] برادرانت را مقاوم نما.»

(متی۲۶:۳۳-۳۴؛ مرقس۱۴:۲۹-۳۰)

۳۳وی به او گفت: «خداوندا آماده ام که با تو هم به زندان و هم تا به مرگ بروم.» ۳۴به او گفت: «پطرس به تو می گویم: امروز خروسی بانگ نخواهد زد تا اینکه تو سه بار، شناختن مرا انکار کرده باشی.»

در فوریت تجربه

۱۰:۴؛ ۹:۴ ۳۵و بدیشان گفت: «وقتی شما را بدون نقدینه، خورجین و پای پوش ها فرستادم آیا چیزی کم داشتید؟» ۳۶گفتند: «هیچ.» بدیشان گفت: «امّا اکنون[z] هر که نقدینه دارد، بردارد، همچنین آن که خورجین دارد مت۱۰:۳۴ و آن که دشنه ندارد ردایش را بفروشد تا یکی بخرد، ۳۷زیرا به شما می گویم که آنچه نوشته شده است باید در بارهٔ من به انجام رسد و آن این است: و با بی قانونان شمرده شده است[a]. زیرا آنچه در بارهٔ من است انجام می شود[b].» ۳۸گفتند: «خداوندا، اینک در اینجا دو دشنه هست.» به ایشان گفت: «کافی است[c].»

نیایش در کوه زیتون[d]

(متی۲۶:۳۶-۴۱؛ مرقس۱۴:۳۲-۳۸)

۳۹و چون خارج می شد برابر عادت به کوه زیتون[e] رفت و شاگردانش به دنبال او

u- در بعضی از نسخه های خطی در آغاز این آیه نوشته شده است: «خداوند گفت» و بعضی از مفسران معتقدند که افزودن این مقدمه با روش نگارش لوقا تطبیق می کند و آغازگر قسمت دوم گفتار عیسی است (آیات ۳۱-۳۴).

v- در انجیل لوقا بعد از دعوت دوازده تن، در جای دیگری این نام به پطرس داده نشده است. ذکر نام شمعون در اینجا نشان می دهد که این قسمت از منبع دیگری است (ر.ک ۶:۱۴ توضیح d).

w- تصویر غربال کردن به معنی تجربهٔ دشوار است (چنان که در عا۹:۹ آمده است). آیه بعدی نشان می دهد که موضوع تجربه ایمان شاگردان می باشد.

x- عیسی حتی پیش از آنکه انکار پطرس را اعلام نماید (آیه ۳۴) اظهار می کند که چرا این ضعف غیر قابل جبران نیست.

y- این جمله را می توان به طرق مختلفی درک و تعبیر کرد: مثلاً «هنگامی که به سوی خدا بازگشتی» (یا «توبه کردی»)؛ یا «وقتی که پس از متفرق شدن شاگردان به اورشلیم برگشتی»؛ «وقتی که راست شدی»؛ «وقتی که برادرانت را باز آورده باشی»؛ یا اگر تصور شود طرز بیان در زبانهای سامی است: «تو مجدداً به تقویت برادرانت آغاز کن.» برابر لو۲۴:۳۴ و برابر نوشته پولس (۱-قرن ۱۵:۵) پطرس نخستین کسی است که عیسی پس از برخاستن از میان مردگان بر او ظاهر شد. در اینجا و در مت ۱۶:۱۵-۱۹ ایمان پطرس نقش قاطعی در تشکیل جوامع مسیحی اولیه داشته است.

z- دوران جدیدی آغاز می شود که دوران تجربه و مبارزه خواهد بود، چنان که مطالب بعدی نشان می دهد.

a- اش ۵۳:۱۲. لوقا تنها انجیل نگاری است که وحی مربوط به خادم خدا را در مورد رنج های عیسی بکار می برد و مجدداً در اع۸:۳۲-۳۳ این نکته را ذکر کرده و به عیسی عنوان خادم می دهد: اع ۳:۱۳، ۲۶؛ ۴:۲۷، ۳۰ (ر.ک اع ۳:۱۳ توضیح r؛ ۸:۳۲ توضیح s).

b- انجام نکاتی که در این نوشته آمده تحقق پیشگوئی دربارهٔ عیسی و پایان رسالت او خواهد بود.

c- ادامه بحث دربارهٔ این سوءتفاهم بی فایده است: عیسی شاگردانش را تشویق نمی کند که اسلحه بردارند! بعضی از مفسران چنین تفسیر می کنند: دو دشنه کافی خواهد بود تا عیسی را به عنوان مجرم بشمار آورند.

d- این روایت در انجیل لوقا مشخصات چندی دارد: بر خلاف متی و مرقس، لوقا موضوع جدا شدن سه نفر از نزدیکان عیسی از دوازده تن را ذکر نمی کند، چنان که سه بار نیایش کردن عیسی و آخرین سخنان او را دربارهٔ فرا رسیدن ساعت روایت نمی نماید. بر عکس در آیات ۴۳-۴۴ ظهور فرشته و عرق ریختن چون قطره های خون را ذکر می کند. بالاخره در آغاز و پایان این مطالب دو بار هشدار می دهد که دچار وسوسه نشوند (آیات ۴۰ و ۴۶). ضمناً اصرار می کند که ایمانداران بایستی از این قسمت سر مشق بگیرند.

e- ر.ک لو۲۱:۳۷.

رفتند، ۴۰چون به آنجا رسید به ایشان
گفت: «نیایش کنید تا به وسوسه[g] وارد
نشوید[f].» ۴۱و تقریباً به اندازهٔ یک پرتاب
سنگ از ایشان دور شد و زانو زد و نیایش
کرده ۴۲می‌گفت: «ای پدر، اگر تو
می‌خواهی، این جام[i] را از من دور بدار[h]! با
این همه نه به ارادهٔ من باشد، بلکه [ارادهٔ]
خودت» انجام شود[j].» [k]۴۳و فرشته‌ای از
آسمان بر او پدیدار شد که او را تقویت
می‌کرد[l]. ۴۴و به اضطراب درآمده، با
شدت بیشتر نیایش می‌کرد و عرقش چون
قطره‌های خون شد که بر زمین می‌چکید.
۴۵و از نیایش خود برخاسته، به سوی
شاگردانش آمد و آنان را از اندوه به خواب
رفته یافت[m]. ۴۶و به ایشان گفت: «چرا
می‌خوابید؟ برخیزید و نیایش کنید تا به
وسوسه وارد نشوید.»

دستگیری عیسی
(متی۲۶:۴۷-۵۵؛ مرقس۱۴:۴۳-۴۹)

۴۷هنوز سخن می‌گفت که اینک جمعیتی
و آن یهودا نام، یکی از دوازده تن پیشاپیش
آنان می‌آمد و به عیسی نزدیک شد تا او را
ببوسد[n]. ۴۸عیسی به او گفت: «ای یهودا،
پسر انسان را با بوسه‌ای تسلیم می‌کنی!»
۴۹کسانی که در اطراف او بودند با دیدن
آنچه روی می‌داد گفتند: «خداوندا آیا به
دشنه بزنیم؟» ۵۰و یکی از آن میان، بردهٔ
کاهن اعظم را زد و گوش راستش را برید.
۵۱عیسی به سخن درآمده گفت: «تا
همین جا کافی است[o]» و گوش او را لمس
کرده وی را شفا داد. ۵۲عیسی به کاهنان
اعظم، افسران معبد و مشایخ، به آنان که
علیه او آمده بودند گفت: «همچون علیه
یک راهزن[p] با دشنه‌ها و چماق‌ها بیرون

f- «وارد شدن در وسوسه» ترجمه تحت‌اللفظی است. ترجمه دیگر: «تا به قدرت وسوسه دچار نشوید» (ر.ک مت ۶:۱۳ توضیح i).

g- این توصیه، پیشاپیش بیان دستوری است که در آیه ۴۶ آمده و مشابه آن در اناجیل متی و مرقس وجود دارد. مضمون این توصیه، آخرین تقاضای شاگردان را در مورد طرز نیایش کردن [در دعای ربانی] به یاد می‌آورد (۱۱:۴).

h- ترجمه دیگر: اگر تو می‌خواهی این جام را از من دور بداری (ر.ک مر۱۴:۳۶).

i- ر.ک مر۱۰:۳۸ توضیح b.

j- این درخواست، سومین درخواست نیایش شاگردان [در دعای ربانی] را در مت ۶:۱۰ به یاد می‌آورد؛ درخواستی که در لو۱۱:۲ وجود ندارد.

k- در تعدادی از نسخه‌های خطی معتبر آیات ۴۳-۴۴ حذف شده و احتمالاً بدین سبب که مفاد آنها ظاهراً با الوهیت عیسی تطبیق نمی‌کند.

l- این نکته یادآور یأس و دلسردی الیاس است که فرشته‌ای او را دلگرمی می‌داد (۱-پاد ۱۹:۴-۸)، همچنین می‌توان با مت ۴:۱۱ و یو ۱۲:۲۹ مقایسه کرد. در آیه ۴۴ «می‌چکید» به صورت تحت‌اللفظی: «نازل می‌شد.» در اناجیل متی و مرقس، بعد از پیروزی مسیح بر وسوسه‌ها «فرشتگان او را خدمت می‌کردند» (مت ۴:۱۱؛ مر ۱:۱۳) ولی در لوقا اشاره‌ای به حضور فرشتگان در خاتمهٔ وسوسه‌ها نیست، بلکه «شیطان تا زمان مناسب از وی دور شد» (لو ۴:۱۳ توضیح t). از دیدگاه لوقا فقط در باغ جتسیمانی که اوج وسوسه‌های شیطان است، فرشته بر عیسی ظاهر می‌شود.

m- در اینجا لوقا در پی آن است که عذری برای شاگردان ارائه کند، چنان که در ۲۴:۴۱ نیز چنین کرده است، مگر اینکه بخواهد یادآوری و تاکید نماید که آنان در غم استاد خود شریک هستند.

n- طرز سلام کردن شاگرد به استاد خود می‌باشد. این عمل بیش از آنکه نشانهٔ محبت باشد جنبهٔ احترام دارد.

o- عیسی از شاگردان خود می‌خواهد که دستگیر شدن او را بپذیرند زیرا چیزی است که مقرر گردیده است (آیه ۲۲)، چنان که در مت ۲۶:۵۴ و یو ۱۸:۱۱ ذکر شده است. بعضی از مفسران این جمله را نظیر آنچه در مت ۲۶:۵۲ آمده درک می‌کنند: «دیگر مقاومت نکنید.»

p- ر.ک مت ۲۶:۵۵ توضیح.

آمده اید! ۵۳در حالی که هر روز در معبد با
شما می بودم و شما بر من دست دراز
نکردید. امّا اکنون ساعت شما و اقتدار
تاریکی است[q].»

عیسی در چنگ محافظان. انکارهای پطرس

(متی۲۶:۵۷-۵۸؛ مرقس۱۴:۵۳-۵۴)

۵۴او را دستگیر کرده آوردند و به خانهٔ
کاهن اعظم[r] هدایت کردند. پطرس از دور
به دنبال می آمد. ۵۵چون آتش در میان
حیاط روشن کرده و با هم نشسته بودند
پطرس در میان آنان نشست.

(متی۲۶:۶۹-۷۵؛ مرقس۱۴:۶۶-۷۲؛ یوحنا۱۸:۱۷، ۲۵-۲۷)

۵۶کنیزی[s] که دید او در کنار شعله نشسته
است، چشمها را به او دوخته گفت: «این
یکی هم با او بود!» ۵۷امّا او انکار کرده
گفت: «ای زن، من او را نمی شناسم.»
۵۸و اندکی بعد کسی دیگر او را دیده
گفت: «تو هم از آنان هستی.» امّا پطرس
گفت[t]: «ای مرد، من از آنان نیستم.» ۵۹و
تقریباً پس از گذشت یک ساعت، دیگری
با اصرار تأکید می کرد: «به راستی، این
یکی هم با او بود، وانگهی جلیلی است[u].»
۶۰امّا پطرس گفت: «ای مرد نمی دانم چه
می گوئی[v].» و در همان لحظه در حالی که
حرف می زد خروسی بانگ زد. ۶۱و
خداوند روی برگردانده، به پطرس
نگریست[w]. و پطرس سخن خداوند را به
یاد آورد که به او گفته بود: «امروز پیش از
آنکه خروسی بانگ زند تو مرا سه بار
انکار خواهی کرد.» ۶۲و بیرون رفته، به
تلخی گریست.

(متی۲۶:۶۷-۶۸؛ مرقس۱۴:۶۵)

۶۳و مردانی که او را گرفته بودند وی را
مسخره کرده می زدند[x] ۶۴و پارچه ای بر او
انداخته از او پرسیده می گفتند: «پیامبری
کن، چه کسی تو را زده است؟» ۶۵و با
[کلمات] بسیار دیگری به او کفر
می گفتند.

q- پیروزی موقتی شیطان و اقتدار ظلمات (اع ۲۶:۱۸؛ کول ۱:۱۳).
r- تفاوتی که با اناجیل متی و مرقس وجود دارد، در اینجا عیسی را تمام شب در حیاط کاخ کاهن اعظم نگه داشته اند و پطرس در حضور او انکار می کند.
s- در انجیل لوقا، برخلاف اناجیل متی و مرقس، موضوع انکارهای پطرس پیش از حاضر شدن عیسی در برابر سانهدرین ذکر شده است.
t- ر.ک ۵:۲۰ توضیح s.
u- متی در ۲۶:۷۳ توضیح می دهد که پطرس را از لهجه اش شناختند.
v- در اناجیل متی و مرقس ذکر شده است که پطرس با قید سوگند انکار می نماید ولی در اینجا موضوع سوگند ذکر نشده و لوقا اهمیّت انکار او را تخفیف می دهد.
w- نگریستن عیسی را فقط لوقا روایت کرده است (ر.ک آیه ۵۴ توضیح r) و یادآور اخطار و وعده ای است که در آیات ۳۱-۳۴ ذکر شده است.
x- متی و مرقس توهین های مشابهی روایت کرده اند با این تفاوت که در مدت حاضر شدن عیسی در برابر سانهدرین روی داده است.

در برابر سانهدرین[y]
(متی۲۶:۵۹، ۶۳-۶۵؛ مرقس۱۴:۵۵، ۶۱-۶۴)

۶۶ و چون روز فرارسید، شورای مشایخ
قوم، کاهنان اعظم و کاتبان تشکیل شد و او
را به سانهدرین[z] خود هدایت کردند. ۶۷ و
گفتند: «اگر تو مسیح هستی به ما بگو.» به یو۱۰:۲۴
ایشان گفت: «اگر به شما بگویم، به آن
ایمان نخواهید آورد. ۶۸ و اگر از شما
سئوال کنم، پاسخ نخواهید داد[a]. ۶۹ از این
پس پسر انسان به دست راست قدرت
خدا[b] خواهد نشست.» ۷۰ همه گفتند:
«پس تو هستی آن پسر خدا[c]!» بدیشان
اظهار کرد: «شما خودتان می‌گوئید: من
هستم[d].» ۷۱ گفتند: «دیگر چه نیازی به
شهادت داریم؟ زیرا خود آن را از زبان او
شنیده‌ایم.»

عیسی در برابر پیلاطس
(متی۲۷:۲، ۱۱-۱۴؛ مرقس۱۵:۱-۵)

۲۳ ۱ و برخاسته، همه با هم او را نزد
پیلاطس هدایت کردند. ۲ شروع
کردند او را متهم نموده بگویند: «ما این
مرد را یافته‌ایم که ملت ما را تحریک ۱-پاد۱۸:۱۷-۱۸
[فاسد] می‌کند و مانع از پرداخت مالیات
به قیصر شده[e] و خود را مسیح پادشاه[f]
می‌خواند.» ۳ پیلاطس از او پرسیده گفت:
«آیا تو آن پادشاه یهودیان هستی؟» در
پاسخ به او اظهار کرد: «تو هستی که این را
می‌گوئی[g].» ۴ پیلاطس به کاهنان اعظم و

y- در اینجا روایت احضار عیسی در برابر سانهدرین به طور کلی با روایت‌های متی و مرقس تطبیق می‌کند (شهادت شاهدان حذف شده ولی به طوری که از آیه ۷۱ بر می‌آید شاهدانی وجود داشته‌اند)، ولی از نظر زمان وقوع حوادث تفاوت دارد (مثلاً جلسه‌ای که در اینجا به هنگام صبح تشکیل شده با جلسه شبانه‌ای که متی و مرقس روایت کرده‌اند تطبیق می‌نماید) همچنین طرز معرفی راز عیسی (پسر خدا که در عید گذر بر تخت نشسته است)، بالاخره در اینکه سانهدرین هیچگونه رأی محکومیتی نمی‌دهد.

z- این کلمه ممکن است به معنی مجمع سانهدرین یا محل تشکیل جلسهٔ آن باشد (اع ۴:۱۵). در انجیل لوقا فقط یک جلسهٔ سانهدرین ذکر شده که به هنگام صبح تشکیل شده در صورتی که بنا به روایت‌های متی و مرقس یک جلسه در شب [جلسه‌ای غیررسمی] و یک جلسه در صبح تشکیل گردید.

a- در تعدادی از نسخه‌های خطی کهن در اینجا نوشته شده است: «پاسخ نخواهید داد و مرا رها نخواهید کرد.» به هرصورت لوقا نشان می‌دهد که عیسی از نتیجه این بازجوئی آگاه است.

b- ترجمه دیگر: «به دست راست خدای قادر.» در اینجا عیسی با عبارات مزمور ۱۱۰:۱ اعلام می‌کند که بلافاصله ملکوت مسیحائی او افتتاح می‌شود، نکته‌ای که کلیسا آن را اعتراف و تصدیق خواهد کرد (اع ۲:۳۶؛ ر.ک لو۱۹:۱۲؛ ۲۴:۲۶). در متون موازی مت ۲۶:۶۴ و مر۱۴:۶۲ عیسی بازگشت پیروزمندانه خود در زمان آخر را اعلام می‌نماید.

c- عنوان پسر خدا که در اینجا آمده بیان عمیق‌تر عنوان مسیح موعود (آیه ۶۷) می‌باشد، در صورتی که این دو عنوان در مت ۲۶:۶۳ و مر۱۴:۶۱ یکی است و با هم آمده است. تفکیک و تمایز این دو عنوان که در لو ۱:۳۲،۳۵ و یو ۱۰:۲۴،۳۶ مشاهده می‌شود بیانگر تمامیت راز عیسی است (ر.ک ۱:۳۵ توضیح n).

d- می‌توان ترجمه کرد: «شما هستید که این را می‌گوئید.» ظاهراً به نظر می‌رسد که عیسی این عنوان را نمی‌پذیرد (ر.ک ۲۳:۳ توضیح g) در صورتی که مسلماً نظر لوقا در اینجا چنین نیست (۱:۳۵؛ ۳:۲۲).

e- لوقا قبلاً در ۲۰:۲۰-۲۶ نشان داده بود که ممکن است چنین اتهامی وارد کنند.

f- مخالفان عیسی، سلطنت مسیحائی او را به مفهوم سیاسی درک کرده و این موضوع را به عنوان لطمه به فرمانروائی روم ارائه می‌کنند (ر.ک اع۱۷:۷) و عیسی بر مبنای این اتهام محکوم خواهد شد (۲۳:۳۰).

g- پاسخ عیسی نظیر همان پاسخی است که به اعضای سانهدرین داده است (ر.ک ۲۲:۷۰ توضیح d) ولی نمی‌پذیرد که پادشاه یهودیان است، زیرا حکمران رومی از تعقیب اتهامی که اعضای سانهدرین وارد کرده بودند برای این عنوان معنی سیاسی قائل می‌شد (آیه ۲ توضیح f).

جماعت گفت: «در این مرد هیچ تقصیری
نمی‌یابم[h].» ۵امّا ایشان اصرار کرده
می‌گفتند: «مردم را تحریک می‌کند، در
سراسر یهودیه از جلیل شروع کرده تا به
اینجا آموزش می‌دهد.»

عیسی در برابر هیرودیس

۶با این سخنان پیلاطس پرسید آیا این
مرد جلیلی است ۷و چون شناخت که او زیر
اقتدار هیرودیس است او را نزد هیرودیس
که وی نیز در این روزها در اورشلیم می‌بود[i]
فرستاد. ۸هیرودیس با دیدن عیسی، بسیار
شاد گردید زیرا از مدّتها پیش می‌خواست
او را ببیند به سبب آنچه در بارهٔ وی
می‌شنید و امیدوار می‌بود که انجام
نشانه‌ای از او را ببیند. ۹پس سؤالهای
زیادی از او کرد امّا [عیسی] به او هیچ
پاسخی نداد. ۱۰با این همه کاهنان اعظم و
کاتبان همچنان در آنجا ایستاده او را به
شدّت متهم می‌کردند. ۱۱هیرودیس با
سربازانش پس از بدرفتاری و تمسخر،
جامهٔ فاخری بر او پوشانده[j] او را نزد
پیلاطس باز فرستاد. ۱۲و هیرودیس و
پیلاطس که قبلاً با یکدیگر دشمنی
داشتند، همان روز با هم دوست شدند.

عیسای بی‌گناه و محکوم

۱۳پیلاطس از کاهنان اعظم و روسا و قوم
دعوت کرده[k] ۱۴به ایشان گفت: «شما این
انسان را به عنوان منحرف کنندهٔ قوم نزد
من آورده‌اید و اینک من در برابر شما از او
سؤال کرده‌ام و در این انسان هیچ تقصیری
که بدان متهم می‌کنید نیافته‌ام ۱۵و نه
هیرودیس نیز، زیرا او را نزد ما باز فرستاده
است[l]. و اینک هیچ چیزی از او سر نزده که
مستوجب مرگ باشد. ۱۶پس او را تادیب
نموده رها خواهم کرد[m].

(متی۲۷:۱۵-۲۶؛ مرقس۱۵:۶-۱۵)

۱۷[...][n]. ۱۸امّا ایشان همه با هم فریاد
می‌زدند: «مرگ برای این انسان و باراباس
را برایمان رها کن.» ۱۹این یکی به سبب

h- پیلاطس از آغاز محاکمه بی‌گناهی عیسی را تشخیص داده و در آیات ۱۴ و ۲۲ آن را تکرار می‌کند (ر.ک اع۳:۱۳؛ ۱۳:۲۸؛ یو۱۸:۳۸؛ ۱۹:۴، ۶).

i- در مورد هیرودیس آنتیپاس، تیترارک جلیل ر.ک۳:۱ توضیح x. این شخص برای زیارت ایام گذر که یهودیان در اورشلیم جمع می‌شوند در این شهر بوده است. دخالت او را در جریان وقایع رنج‌های عیسی فقط لوقا روایت نموده (ر.ک اع۴:۲۷) و این موضوع را در ۹:۹ از پیش بیان کرده است.

j- این اتفاق که لوقا در ارتباط با هیرودیس شرح می‌دهد با آنچه در مت ۲۷:۳۱ و مر۱۵:۲۰ آمده و عیسی را در دیوان‌خانه پیلاطس در میان سربازان رومی نشان می‌دهد تطبیق می‌کند.

k- گاهی با استناد به بعضی از نسخه‌های خطی ترجمه می‌کنند: از کاهنان اعظم و روسای قوم دعوت کرده... طبق این نسخه‌ها فقط مقامات یهود، مسئول محکومیت عیسی معرفی می‌شوند (و همین مقامات در آیات ۱۸، ۲۱ و ۲۳ مداخله می‌کنند). این تعبیر با نظریه لوقا بهتر تطبیق می‌کند که معتقد است قوم در این جنایت شرکت نداشته است (۲۳:۲۷، ۳۵؛ ۲۴:۱۹-۲۰).

l- در تعدادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: «زیرا من شما را نزد او فرستاده‌ام.»

m- در اینجا و در آیه ۲۲ منظور از تأدیب، تازیانه زدن عیسی است برای اینکه از مجازات مرگ نجات یابد. ضمناً در اینجا و در یو۱۹:۱ این تنبیه ارتباطی با مجازات مرگ ندارد، در صورتی که در مت ۲۷:۲۶ و مر۱۵:۱۵ به عنوان بخشی از مجازات مرگ اجرا شده است (در آنجا اصطلاح «تازیانه زدن» بکار رفته است).

n- در چندین نسخه خطی پیش از آیه ۱۸ عبارتی به صورت‌های مختلف نوشته شده که چنین است: «باری در هر عید می‌بایست کسی را برای ایشان رها می‌کرد. این کلمات که در تعدادی از نسخه‌های خطی کهن وجود ندارد در ترتیب شماره گزاری معمولی آیات، آیه ۱۷ را تشکیل می‌دهد و ممکن است با توجه به مت ۲۷:۱۵ یا مر۱۵:۱۶ در اینجا منظور شده باشد.

شورش پدید آمده در شهر و قتل به زندان
افکنده شده بود. ۲۰ مجدداً پیلاطس که
می‌خواست عیسی را رها کند آنان را خطاب
کرد. ۲۱ امّا ایشان فریاد می‌زدند: «مصلو
بش کن! مصلوبش کن!» ۲۲ سومین بار
بدیشان گفت: «پس این مرد چه بدی کرده
است؟ من هیچ چیز در او نیافته‌ام که
تقصیری برای مرگ باشد، پس او را تأدیب
نموده رها خواهم کرد.» ۲۳ و آنان با صدای
بلند بی‌تابی کرده در خواست می‌کردند که
او مصلوب شود و صدای ایشان شدیدتر
می‌شد. ۲۴ و آنگاه پیلاطس تصمیم گرفت که
با درخواست آنان موافقت کند. ۲۵ آن کس
را که به سبب شورش و قتل به زندان افکنده
شده بود و آنان او را تقاضا می‌کردند، رها
کرد و عیسی را به ارادهٔ ایشان تسلیم نمود[o].

در راه صلیب
(متی۲۷:۳۲؛ مرقس۱۵:۲۱)

۲۶ و چون او را هدایت می‌کردند کسی به
نام شمعون قیروانی[p] را که از کشتزار
بازمی‌آمد، گرفته و صلیب را بر او نهادند
تا از پشت سر عیسی حمل کند. ۲۷ انبوه
فراوان قوم به دنبال او بودند، هم چنین
زنانی که سینه می‌زدند و بر او نوحه‌گری
می‌کردند[q]. ۲۸ عیسی به سوی آنان برگشته
گفت: «ای دختران اورشلیم بر من گریه
نکنید بلکه بر خودتان و فرزندانتان
بگریید! ۲۹ زیرا اینک روزهائی
فرا می‌رسند که در آن خواهند گفت: خوشا
به نازایان و بطن‌هائی که بچه نیاورده‌اند و
پستانهائی که شیر نداده‌اند[r]! ۳۰ آنگاه
شروع خواهند کرد به کوهها بگویند: بر ما
بیفتید! و به تپه‌ها: ما را بپوشانید[s]!
۳۱ زیرا اگر به چوب تر چنین می‌کنند، بر ۴۳:۶
خشک چه خواهد آمد[t]؟» ۳۲ دو بدکار[u] را
نیز برای اعدام با او می‌آوردند.

به صلیب کشیده شدن عیسی
(متی۲۷:۳۳-۴۴؛ مرقس۱۵:۲۲-۳۲)

۳۳ و چون به محلی مشهور به «جمجمه[v]»
رسیدند، او را در آنجا مصلوب کردند، هم
چنین بدکاران را، یکی را به راست و
دیگری را به چپ. ۳۴ عیسی می‌گفت[w]:

o- بدین گونه لوقا نشان می‌دهد که مسئولیت مقامات یهود بیشتر از پیلاطس می‌باشد که به تقاضای مجدد آنان تن در می‌دهد.
p- ر.ک مت ۲۷:۳۲ توضیح p. لوقا در اینجا افزوده است که شمعون صلیب را از پشت سر عیسی حمل می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که او را به عنوان شاگرد نمونه معرفی می‌نماید (ر.ک ۹:۲۳؛ ۱۴:۲۷).
q- این قسمت که مختص به انجیل لوقا است، یادآور زک ۱۲:۱۰-۱۴ می‌باشد (ر.ک لو۲۳:۴۸) و یادآوری و تاکید می‌کند که مردم نسبت به عیسی نظر موافق دارند (ر.ک ۲۳:۱۳ توضیح k).
r- ترجمه دیگر: «و زنانی که بچه نیاورده‌اند و شیر نداده‌اند» (ر.ک ۱۱:۲۷).
s- نقل قول از هو۱۰:۸.
t- منظور از چوب تر، درختی است که میوه می‌دهد و چوب خشک آن که بی‌حاصل است و باید قطع شده به آتش افکنده شود (۳:۹؛ ۱۳:۶-۹). در اینجا و در ۱۹:۴۱-۴۴؛ ۲۱:۲۰-۲۳ عیسی مجازات اورشلیم را اعلام می‌کند.
u- لوقا که این دو نفر را بزهکار توصیف می‌کند (در متی و مرقس: راهزن) تحقق یافتن نوشته‌های مقدس را که عیسی نقل کرده است یادآوری و تاکید می‌نماید (ر.ک ۲۲:۳۷= اش ۵۳:۱۲).
v- ر.ک مت ۲۷:۳۳ توضیح q.
w- این نیایش عیسی در تعدادی از نسخه‌های خطی کهن وجود ندارد، شاید بدین سبب که ویران شدن اورشلیم را نشانهٔ آن دانسته‌اند که خدا جنایت شهر را نبخشیده است. ولی این تقاضای بخشایش مسلماً نظر لوقا را بیان می‌کند چنان که نوشته است استیفان نیز به هنگام مردن به همین گونه رفتار کرده (اع ۷:۶۰) و برای اهالی اورشلیم در اع ۳:۱۷ همان عذر را قائل می‌شود (ر.ک ۱۲:۱۰ توضیح f).

«ای پدر، اینها را ببخش زیرا نمی دانند چه
می کنند.» و قرعه انداخته[x]، جامه هایش را
قسمت کردند. ۳۵ و قوم آنجا ایستاده تماشا مز۲۲:۸؛ ۷:۸۰
می کرد. رؤسا نیز او را تمسخر کرده[y]
می گفتند: «دیگران را نجات داده است،
اگر مسیح خدا[z] و آن برگزیده[a] است،
خودش را هم نجات دهد!» ۳۶ سربازان نیز
او را تمسخر می کردند: جلو آمدند و برای
او سرکه آورده ۳۷ می گفتند: «اگر تو پادشاه مز۶۹:۲۲
یهودیان هستی خود را نجات ده[b]!»
۳۸ کتیبه ای[c] نیز بالای سرش بود: «این
است پادشاه یهودیان.» ۳۹ یکی از بدکاران
آویخته بر صلیب، به او کفر می گفت:
«مگر تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات
ده[d].» ۴۰ امّا دیگری به سخن آمد و او را
نهیب زده گفت: «حتّی از خدا هم
نمی ترسی، در صورتی که همان محکومیت
را تحمل می کنی! ۴۱ برای ما عدالت است،
زیرا شایسته اعمال خود دریافت می کنیم،
امّا او هیچ کار ناشایستی نکرده است.»
۴۲ و می گفت: «ای عیسی! وقتی به
ملکوت[f] خود آئی مرا به یاد آور[e].» ۴۳ و
وی به او گفت: «آمین به تو می گویم: امروز
با من در فردوس[g] خواهی بود.»

مرگ عیسی

(متی۲۷:۴۵-۵۶؛ مرقس۱۵:۳۳-۴۱)

۴۴ و تقریباً ساعت ششم[h] بود و خورشید
کسوف کرده[k] تاریکی سراسر زمین[i] را تا
ساعت نهم[j] فراگرفت. ۴۵ آنگاه پرده معبد

x- این نکته در مز۲۲:۱۹ ذکر شده (چنان که در اناجیل متی و مرقس آمده است). هم چنین در آیات ۳۵، ۳۶، ۴۶ و ۴۹ اشارات دیگری به مزامیر می شود، چنان که به سفر خروج (آیه ۴۴) و کتاب زکریا (آیه ۴۸) اشاره شده است. اشاره به عهد عتیق برای آن است که نشان داده شود رنج های عیسی تحقق یافتن نوشته های مقدس است (ر.ک لو۲۴:۲۵-۲۷، ۴۴-۴۶).

y- لوقا در برابر تمسخر رؤسای قوم که از روی بی ایمانی است، سکوت آمیخته به احترام قوم را ذکر می کند.

z- ر.ک ۹:۲۰. در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: «مسیح پسر خدا» (ر.ک مت ۲۷:۴۰-۴۳).

a- این عنوان که در ۹:۳۵، کلام پدر به آن اشاره می کند یادآوری اش ۴۹:۷ می باشد. در آن متن خادم برگزیدهٔ خدا برای عمل نجات تعیین شده و مورد تحقیر انسان ها قرار می گیرد. این کلمه یکی از نامهای مسیح در مثل های خنوخ می باشد.

b- لوقا در آیات ۳۷، ۳۸ و ۴۲ نکاتی را دربارهٔ سلطنت عیسی جمع آوری کرده است.

c- در تعدادی از نسخه های خطی افزوده شده است: «با حروف یونانی، لاتین و عبری» (ر.ک یو۱۹:۲۰).

d- واقعه ای که در آیات ۴۰-۴۳ ذکر شده مختص به لوقا است که علاقمند به روایت صحنه های توبه می باشد (ر.ک ۷:۳۶-۵۰؛ ۱۹:۱-۱۰؛ اع ۹:۱-۲۵؛ ۱۰؛ ۱۶:۱۴-۱۵،۲۹-۳۴).

e- تقاضای این محکوم به صورت عبارات نیایشی است که در آئین یهود اکثراً افراد محتضر ذکر می کنند.

f- ترجمه دیگر: «وقتی چون پادشاه خواهی آمد.» در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: «وقتی (برای ورود) به ملکوت خود خواهی آمد.» ولی در اینجا منظور مقام و منصب پادشاهی است که عیسی در بازگشت خود خواهد داشت (ر.ک ۱۹:۱۲؛ ۲۴:۲۶).

g- به عقیده بعضی از یهودیان آن دوران، فردوس جائی است که افراد عادل پس از مردن در آنجا در انتظار رستاخیز هستند (این نظریه، بدون ذکر کلمه در لو۱۶:۲۲-۳۱ بیان شده است).

h- ترجمه دیگر: «تقریباً ظهر بود.»

i- یا تمام سرزمین. این عبارت خروج ۱۰:۲۲ را به یاد می آورد (بلای تاریکی قبل از مرگ نخست زادگان و عید گذر). همچنین ر.ک عا۸:۹-۱۰.

j- ترجمه دیگر: «تا ساعت سه.»

k- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: «و خورشید تاریک شد.» اصطلاحی که از کتاب مقدس گرفته شده است (اش ۱۳:۱۰؛ جا۲:۱۲؛ ر.ک مت ۲۴:۲۹؛ مر۱۳:۲۴). اما دربارهٔ کلمه ای که در اینجا «کسوف کرد» ترجمه شده، برخی از مفسران به استناد اینکه در عید گذر که مقارن با بدر کامل ماه می باشد کسوف روی نمی دهد، این کلمه را «ناپدید شد»

از میان دو پاره شد[l]، [۴۶]و عیسی با صدای
بلند فریاد زده گفت: «ای پدر! روح خود را
به دستهای تو می‌سپارم[m].» با گفتن این
درگذشت. [۴۷]یوزباشی با دیدن آنچه روی
داده بود خدا را تجلیل کرده می‌گفت:
«واقعاً این مرد عادل بود[n]!» [۴۸]همه
جماعت که به شتاب به این صحنه آمده
بودند به آنچه روی می‌داد نگاه می‌کردند و
زک۱۲:۱۰ سینه‌زنان برمی‌گشتند. [۴۹]همهٔ آشنایان او
مز۳۸:۱۲ دور ایستاده بودند و همچنین زنانی که از
جلیل به همراه او بودند و این را می‌دیدند.

خاکسپاری عیسی
(متی۲۷:۵۷-۶۱؛ مرقس۱۵:۴۲-۴۷)

[۵۰]و اینک مردی به نام یوسف که عضو
شورا، مردی نیکوکار و عادل می‌بود [۵۱]که
با تصمیم آنان و نیز با عملشان موافقت
نکرده بود، اهل رامه شهر یهودیان و در
انتظار فرمانروائی خدا بود، [۵۲]نزد پیلاطس
آمده جسد عیسی را طلبید [۵۳]و با پایین
آوردن[o] جسد [از صلیب] آن را در کفنی
پیچید ودر قبری تراشیده شده در صخره
نهاد که هنوز کسی آنجا گذاشته نشده بود.
[۵۴]و این روز تهیه[p] بود و سبت شروع به ۳-۲:۸
درخشیدن می‌کرد[q]. [۵۵]زنانی که از جلیل با
او آمده بودند به دنبال [یوسف] رفته، قبر
را مشاهده کردند و اینکه چگونه جسدش
را نهاده بود. [۵۶]آنان بازگشته گیاهان
خوشبو و عطرها آماده کردند و روز سبت
برطبق احکام آرامی گرفتند.

پیام به زنان در سر قبر
(متی۲۸:۱-۹؛ مرقس۱۶:۱-۸)

۲۴ [۱]و اولین روز هفته[r]، سپیده دم،
زنان گیاهان خوشبویی را که آماده
کرده بودند آورده به سر قبر آمدند[s].
[۲]سنگ جلوی قبر را غلطیده شده یافتند.
[۳]داخل شده، جسد خداوند عیسی[t] را

ترجمه می‌کنند در صورتی که به نظر مفسران دیگر لوقا به خوبی از این موضوع آگاه بوده ولی به هنگام توصیف دخالت‌های مهم خدا در امور دنیا، لحن گفتار پیامبران را به کار برده است.

l- ر.ک مر۱۵:۳۸ توضیح z.

m- عیسی با عباراتی از مز۳۱:۶ نیایش می‌کند و این مطالب را نظیر همه نیایش‌های خود با خطاب به پدر آغاز می‌نماید (۱۰:۲۱؛ ۲۲:۴۲؛ ۲۳:۳۴). آخرین سخنان او نظیر نخستین کلام او خطاب به پدر است (ر.ک ۲:۴۹ توضیح r).

n- یوزباشی با اظهار اینکه عیسی عادل است بر بی‌گناهی او تأکید می‌کند (چنان که پیلاطس در ۲۳:۴، ۱۴، ۲۲ اظهار نموده بود). لوقا از بکار بردن کلمهٔ پسر خدا که متی و مرقس بکار برده‌اند احتراز می‌کند زیرا این عنوان از زبان یک فرد بت‌پرست ممکن است مفهومی دو پهلو داشته باشد.

o- ترجمه دیگر: «او را از صلیب پائین آورد.»

p- یعنی روز تهیه سبت که روز جمعه بود (ر.ک مر۱۵:۴۲).

q- این عبارت ممکن است اشاره به پیدا شدن ستاره‌ای باشد که در اولین ساعات شب می‌درخشد و آغاز سبت را اعلام می‌کند یا چراغهائی که بدین مناسبت روشن می‌کنند.

r- برای مسیحیان این روز یک‌شنبه خواهد بود.

s- ر.ک ۲۳:۵۶. برابر انجیل لوقا و همچنین انجیل متی زنان می‌آیند تا تدفین عیسی را بوسیله تدهین تکمیل نمایند.

t- در اینجا تنها موردی است که لوقا در انجیل خود عنوان خداوند عیسی را بکار می‌برد در صورتی که بارها در اعمال رسولان آن را بکار خواهد برد (۱:۲۱؛ ۸:۱۶؛ ۱۱:۲۰؛ ۱۵:۱۱...). لوقا بدین وسیله وضعیت جدید عیسای رستاخیز کرده را یادآوری می‌کند.

نیافتند. [۴]باری چون نمی‌دانستند در این
باره چه فکر کنند[u]، اینک دو مرد[v] در
جامه درخشان نزد ایشان پیش آمدند. [۵]در
حالی که ترسان، سر خود را رو به زمین خم
کرده بودند، [مردان] به آنان گفتند: «چرا
آن زنده[w] را در میان مردگان می‌جوئید؟
[۶]او در اینجا نیست بلکه قیام کرده است[x].
به یاد آورید وقتی هنوز در جلیل[y] بود با
۲۲:۹ شما چگونه سخن می‌راند: [۷]می‌گفت: پسر
انسان بایستی به دست انسانهای گناهکار
تسلیم شود و مصلوب شده سومین روز
برخیزد.» [۸]و این سخنان او به یاد زنان
آمد. [۹]و از سر قبر بازآمده این همه را به
یازده تن و همه [شاگردان] دیگر نوید
دادند. [۱۰]اینان، مریم مجدلیه و یونا و
مریم[z] [مادر] یعقوب بودند. زنان دیگر نیز
که با آنان بودند همین را به رسولان
گفتند. [۱۱]اما این سخنان به نظرشان
یاوه‌گویی می‌آمد و به اینها ایمان
نمی‌آوردند. [۱۲a]پطرس برخاسته به سوی
قبر دوید و خم شده چیزی جز نوارها ندید.
و در شگفت از آنچه روی داده است به
خانهٔ خویش رفت.

ظهور بر شاگردان در راه عمواس

[۱۳]و اینک همان روز[b] دو [تن] از بین مر۱۶:۱۲-۱۳
ایشان به سوی روستایی به نام عمواس[c] که
در فاصلهٔ شصت استادی[d] اورشلیم بود
می‌رفتند. [۱۴]و بینِ خود از هر آنچه روی
داده بود صحبت می‌کردند. [۱۵]باری در
حالی که صحبت و بحث می‌کردند، عیسی
خود نزدیک شده با آنان راه می‌رفت [۱۶]اما
چشمان ایشان از بازشناختن او منع شده
بود[e].
[۱۷]به آنان گفت: «چون راه می‌روید چه
حرف‌هایی با هم ردوبدل می‌کنید؟» و

u- فقط لوقا بدواً ذکر می‌کند که زنان، بدن عیسی را نیافته و مشوش و متحیر شده بودند (ر.ک یو۲۰:۲) در صورتی که در اناجیل متی و مرقس نخستین واقعه پیام فرشتگان است.
v- زنان خواهند دانست که آنان فرشته هستند (آیه ۲۳). در متن موازی متی ۲:۲۸، ۵ از یک فرشته خداوند نام می‌برد، مرقس ۵:۱۶ مردی جوان با لباس سفید و یو۲:۲۰ دو فرشته ذکر می‌نماید که لباس سفید پوشیده‌اند.
w- عیسی اکنون زنده است و همین کلمه عنوان خدا را در عهد عتیق به یاد می‌آورد (یوشع ۱۰:۳؛ داور۸:۱۹؛ ۱-سمو۱۴:۳۹...).
x- در چندین نسخه خطی این عبارت حذف شده است.
y- در انجیل لوقا موضوع رفتن به جلیل چنان که در اناجیل متی و مرقس آمده روایت نشده است. به نظر لوقا تمام راز عید گذر در اورشلیم تحقق می‌یابد و رسولان از آنجا عزیمت می‌کنند تا انجیل را به جاهای دیگر ببرند (ر.ک لو۹:۵۱؛ ۲۴:۴۹؛ اع۱:۸).
z- در تعدادی از نسخه های خطی کلمه مادر یا دختر در متن تصریح شده تا جای ابهام و تناقضی نباشد.
a- این آیه در چندین نسخه خطی کهن وجود ندارد. ضمناً نکات متعددی در آن آمده که با یو۲۰:۳، ۵، ۱۰ مشترک می‌باشد.
b- این روایت مختص به انجیل لوقا است و احتمالاً از یک روایت قدیمی گرفته شده است. برابر این روایت عیسی بر دو تن از شاگردان که ناشناخته هستند ظاهر می‌شود. لوقا نشان می‌دهد چگونه عیسی این شاگردان را که ایمان خود را بر اثر فاجعه صلیب از دست داده‌اند (ر.ک آیات ۱۸، ۲۱) هدایت می‌نماید تا از طریق درک نوشته های مقدس و پاره کردن نان، ایمان خود را باز یابند (ر.ک آیات ۲۵-۲۷، ۳۲).
c- محلی که کاملاً مشخص نیست و تعیین موقعیت کنونی آن مورد بحث است. مخصوصاً تصور کرده‌اند منظور عموس می‌باشد که تقریباً در سی کیلومتری غرب اورشلیم قرار دارد.
d- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: یک صد و شصت استاد که با محل عموس تطبیق می‌کند ولی به طور کلی شصت استاد (که تقریباً برابر دوازده کیلومتر است) بیشتر مورد تأییدَ می‌باشد.
e- بی‌ایمانی ایشان مانع بازشناختن او بود (آیه۳۱) مگر وقتی که عیسی بوسیلهٔ نوشته های مقدس (آیات ۲۵-۲۷) آنان را به راز مرگ و رستاخیز خود آشنا کند و نیز نشانهٔ تقسیم نان را به آنان بدهد.

ایشان با ترشروئی ایستادند[f]. ۱۸یکی از
آنان به نام کلئوپاس به سخن درآمده به او
گفت: «تو واقعاً تنها غریبه ای در اورشلیم
هستی[g] که نمی داند این روزها در اینجا چه
روی داده است!» ۱۹و او بدیشان گفت:
«چه چیزهایی؟» به او گفتند: «آنچه
دربارهٔ عیسی ناصری[h] است که در عمل و
در سخن در برابر خدا و در برابر همه قوم
پیامبری[i] قادر بوده است، ۲۰و نیز چگونه
کاهنان اعظم و روسای ما او را تسلیم کردند
تا به مرگ محکوم شود و او را مصلوب
کردند. ۲۱ما امید داشتیم که او همان باشد
که به زودی اسرائیل را بازخرید خواهد
کرد، اما با این همه[j] اکنون سه روز است
که این چیزها روی داده است! ۲۲و با این
وجود چند زن از بین خودمان ما را
شگفت زده کرده اند. چون صبح زود که بر
سر قبر رفته ۲۳و جسد او را نیافته بودند،
آمده به ما گفتند که حتی رویائی از
فرشتگان دیده اند که می گفتند او زنده
است. ۲۴برخی از ما بر سر قبر رفتند و آن
را همان طور که زنان گفته بودند یافتند اما
خود او را ندیدند!»
۲۵و او به ایشان گفت: «ای قلبهای
جاهل و کند در ایمان آوردن به آنچه
پیامبران گفته اند! ۲۶مگر نمی بایست
مسیح برای وارد شدن در شکوه خود[k] این
چنین رنج بکشد؟» ۲۷و از موسی و همه
پیامبران[l] شروع کرده، در تمام نوشته های
مقدس آنچه را دربارهٔ او بود برایشان تفسیر
کرد.
۲۸و چون به آن روستایی که به آنجا
می رفتند نزدیک شدند چنین وانمود کرد
که دورتر می رود. ۲۹اما ایشان به زور[m]
می گفتند: «با ما بمان زیرا شامگاه
نزدیک است و هم اکنون روز پایین
می رود» و او وارد شد تا با آنان بماند.
۳۰باری چون با آنان بر سر سفره بود، نان
را گرفته، برکت داد و پاره کرده به آنان
می داد[n]. ۳۱چشمانشان باز شد و او را باز
شناختند... اما او از برابر ایشان ناپدید
شده بود. ۳۲و آنان به یکدیگر گفتند:

f- در تعداد نسبتاً زیادی از نسخه های خطی به جای این جمله نوشته شده است: «چرا ترشرو هستید؟»
g- منظور اقامت موقتی است: مسافران عمواس تصور می کنند که او برای زیارت ایام عید گذر به اورشلیم آمده است.
h- در تعدادی از نسخه های خطی این کلمه با املای سامی نوشته شده است (ر.ک ۱۸:۳۷ توضیح).
i- هنوز عیسی را به چشم یک پیامبر نگاه می کنند.
j- محکوم شدن عیسی به وسیله مقامات یهود و مصلوب شدن او موجب یأس و دلسردی شاگردان شده است و این نومیدی هنوز ادامه دارد زیرا سه روز پس از صلیب، خدا به خاطر پیامبر دخالت نکرده است.
k- ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۷:۲۵.
l- در اینجا منظور از موسی یعنی تورات که با کتابهای پیامبران قسمت اساسی نوشته های مقدس را تشکیل می دهد (۱۶:۱۶، ۲۹-۳۱؛ ۲۴:۴۴؛ اع ۲۴:۱۴؛ ۲۸:۲۳)، نوشته هائی که در جریان پرستش و عبادت در کنیسه می خوانند (اع ۱۳:۱۵).
m- این اصرار کاملاً با رسوم مهمان نوازی اهالی فلسطین تطبیق می کند (ر.ک ۱۴:۲۳)، برخی از مفسران چنین نتیجه می گیرند که مسافران به خانهٔ خود رسیده اند.
n- کمتر احتمال می رود که عیسی مراسمی مانند شام آخر را انجام داده باشد ولی در اینجا لوقا کلمات و عبارات آئین سپاسگزاری را بکار می برد (ر.ک ۲۲:۱۹ و ۹:۱۶) تا خوانندگان احساس کنند که پاره کردن نان (اع ۲:۴۲، ۴۶؛ ۲۰:۷، ۱۱) موجب ملاقات با عیسای رستاخیز کرده می شود به همان گونه که برای شاگردان عمواس رخ داده است.

«آیا قلبهایمان در درونمان نمی گداخت
وقتی در راه با ما حرف می زد و
نوشته های مقدس را برای ما می گشود؟»
[۳۳]و همان ساعت برخاسته به اورشلیم
بازگشتند و یازده [تن] و همراهانشان را
جمع شده یافتند [۳۴]که گفتند: «واقعاً
خداوند قیام کرده و توسط شمعون دیده
شده است[o]!» [۳۵]و ایشان آنچه را در راه
روی داده بود و اینکه چگونه با پاره کردن
نان[p] خود را به آنان باز شناسانید تعریف
کردند.

ظهور عیسی بر یازده رسول

[۳۶]در حالی که این را می گفتند، وی در
میان ایشان ایستاده به آنان گفت[q] :
«آرامش بر شما باد[r].» [۳۷]ایشان
وحشت زده و ترسان، می پنداشتند که
روحی را می بینند [۳۸]و او به ایشان گفت:
«چرا پریشان هستید و چرا تردید در
دلهایتان بالا گرفته است؟» [۳۹]دستها و
پاهایم را بنگرید[s] که من خودم هستم! مرا
لمس کنید و ببینید، روح نه گوشت دارد نه
استخوان، اما همان طور که می بینید من
آنها را دارم.» [t][۴۰]و با گفتن این، دستها و
پاهایش را به آنان نشان داد. [۴۱]چون در
شادی خود[u] هنوز هم ایمان نمی آوردند و
شگفت زده مانده بودند، به آنان گفت:
«آیا در اینجا چیزی برای خوردن دارید؟»
[۴۲]آنان یک تکه ماهی کباب شده[v] پیش
وی آوردند. [۴۳]و او آن را گرفته، در برابر
آنان خورد[w].
[۴۴]به ایشان گفت: «این است همان
سخنانی که به شما گفتم، وقتی هنوز با شما
بودم: هر آنچه در تورات موسی و پیامبران و
مزامیر[x] دربارهٔ من نوشته شده است باید به
تحقق برسد.» [۴۵]پس ادراک ایشان را

o- این واقعه جزو وقایعی ذکر شده که در ۱-قرن ۱۵:۵ آمده و در ۲۲:۳۱-۳۲ اعلام شده است. در آنجا با همین نام قدیمی شمعون است (ر.ک ۶:۱۴d).

p- این عبارت را می توان چنین درک کرد: «در ضمن پاره کردن نان» یا «به واسطهٔ پاره کردن نان.»

q- در این قسمت پایانی انجیل نشان داده شده است که چگونه عیسی یازده تن را در معنی کامل مژدهٔ عید گذر وارد می کند. لوقا این قسمت را با ترتیب منظمی انشا می کند: در آیات ۳۶-۴۳ عیسی به یازده تن نشانه هائی از واقعیت رستاخیز خود داده و بدین وسیله بر بی ایمانی آنان فائق می شود (ر.ک اع ۱:۳)؛ در آیات ۴۴-۴۹ به ایشان بصیرت درک نوشته های مقدس را داده (ر.ک آیات ۲۵-۲۷) و وظیفه آنان را به عنوان شاهدان رستاخیز تعیین می کند؛ در آیات ۵۰-۵۳ لوقا تجلی عیسی را به عنوان خداوندکه شاگردانش درک کرده اند بیان نموده و کتاب خود را به پایان می رساند.

r- این جمله که کاملاً مورد تأیید است در چندین نسخه خطی معتبر وجود ندارد. برخی از مفسرین معتقدند که این کلمات از یو۲۰:۱۹ اقتباس شده است.

s- منظور آثار و نشانه های مصلوب شدن است (ر.ک یو۲۰:۲۰).

t- در مورد این آیه که با یو۲۰:۲۰ تطبیق می کند می توان به همان گونه که دربارهٔ آیه ۳۶ گفته شد اظهار نظر کرد.

u- لوقا برای بی ایمانی یازده تن عذری موجه می آورد (ر.ک ۲۲:۴۵).

v- در تعدادی از نسخه های خطی که نسبتاً جدیدتر هستند افزوده شده است: و یک تکه عسل و احتمالاً از بعضی آئین های تعمید الهام گرفته است.

w- در اینجا نظیر آنچه در اع۱۰:۴۱ ذکر شده عیسای رستاخیز کرده غذا می خورد. لوقا بدین وسیله می خواهد حقیقت رستاخیز از جنبهٔ جسمانی را که درک آن برای خوانندگان یونانی او دشوار بوده نشان دهد (ر.ک اع۱۷:۳۲؛ ۱-قرن ۱۵:۱۲).

x- ذکر نوشته های مقدس به ترتیبی که از مزامیر نیز نام برده شود شگفت آور است (ر.ک ۲۴:۲۷ توضیح). در روایات عهد جدید برای اعلام رنجها و مصلوب شدن عیسی از مزامیر نقل قول و استفاده بسیار شده است (ر.ک ۲۳:۳۴ توضیح x) و لوقا در اعمال رسولان مرتباً از مزامیر به عنوان پیشگوئی راز مسیح نقل قول می کند.

گشود تا نوشته های مقدس را بفهمند. ۴۶و
به آنان گفت[y]: «این چنین نوشته شده
است که مسیح رنج کشیده و روز سوم از
میان مردگان برخواهد خاست. ۴۷و به نام
یو۲۰:۲۳ او توبه برای بخشایش گناهان[z]، از اورشلیم
مت۲۸:۱۹
اع۱:۸ شروع شده به همه ملتها نوید داده خواهد
شد. ۴۸بر اینها شما شاهد هستید[a]. ۴۹و
یو۲۰:۲۲ اینک من وعده پدر خود را بر شما
می فرستم. پس در شهر[b] بمانید تا
هنگامی که به قدرت از بالا پوشانیده
شوید[c].»
۵۰وی آنان را تا نزدیکی بیت عنیا[d] برد
و دستها را بلند کرده آنان را برکت داد.
۵۱باری چون ایشان را برکت می داد از آنان
جدا شده به آسمان برده شد[e]. ۵۲پس اع۱:۹-۱۱
ایشان در برابر او به سجده افتاده[f] با شادی
بسیار به اورشلیم بازگشتند. ۵۳و مدام در
معبد بوده خدا را ستایش می کردند[g].

y- آیات ۴۶-۴۸ شامل تمام موضوعاتی است که رسولان بشارت خواهند داد و در اعمال رسولان ذکر می شود: مثلاً بکار بردن و نقل نوشته های مقدس (اع ۲:۲۳-۳۲؛ ۴:۱۰-۱۱؛ ۱۳:۳۸-۳۹؛ ۱۸:۲۶)، نقش و وظیفه ای که به دوازده تن به عنوان شاهد محول گردیده است(۱:۸؛ ۲:۳۲؛ ۳:۱۵؛ ۵:۳۲؛ ۱۰:۴۱؛ ۱۳:۳۱).

z- در برخی از نسخه های خطی قدیمی نوشته شده است: «برای بخشایش» (ر.ک ۳:۳).

a- این کلمات اعلام نزول روح القدس است، ر.ک اع۱:۸؛ ۲:۳۳.

b- به نظر لوقا اورشلیم نقطه آغاز پیام نجات (۱:۵-۲۵) و هدف رسالت عیسی (۹:۵۱) بوده است و سپس مرکز انتشار رسالت رسولان خواهد بود (اع ۱:۸).

c- در مورد ارتباط بین روح القدس و قدرت ر.ک ۱:۳۵ و ۴:۱۴.

d- آیات ۵۰-۵۳ پایان و نتیجه گیری انجیل است: عیسای رستاخیز کرده شاگردان خود را برکت می دهد (ر.ک اع ۳:۲۶) و اینان او را به عنوان خداوند پرستش کرده و خدا را ستایش می نمایند. موضوع انجیل در آیه ۵۳ در معبد پایان می یابد همچنان که در آنجا آغاز شده بود (۱:۸).

e- اشاره به صعود عیسی در بعضی از نسخه های خطی کهن وجود ندارد، احتمالاً به این دلیل که با اع ۱:۳-۱۱ هماهنگ نیست (لوقا در کتاب اعمال این واقعه را در چهل روز دیرتر ذکر می کند) در اینجا لوقا اظهار می کند که تعالی عیسی از رستاخیز او جدائی ناپذیر است. روایت اعمال رسولان صعود عیسی را به عنوان پایان ظهور عیسای رستاخیز کرده و آغاز رسالت رسولان قرار می دهد.

f- روایت این عمل احترام آمیز شاهانه و ناشی از ایمان در بعضی از نسخه های خطی مهم وجود ندارد.

g- در تعداد زیادی از نسخه های خطی کلمه آمین افزوده شده و بدین وسیله جنبهٔ آیین پرستشی این متن را یادآوری و تاکید کرده اند.

پیشگفتار

انجیل یوحنا

یك انجیل

انجیل یوحنا بر طبق یکی از سنتهای بزرگ مسیحیان اولیه، روایتگر وقایعی است از ایام یحیی تعمید دهنده تا روزی که خداوند عیسی به شکوه پدر گذر نمود (اع۱:۲۱-۲۲). این اثر به عنوان یک شهادت معرفی شده و مسلماً یوحنا می‌خواسته انجیلی واقعی بنویسد. مؤلف پس از مقدمه ای رسمی و مجلل در باب الهیات (۱:۱-۱۸)، در قسمت اول به بیان وقایع و آموزه های مربوط به آن وقایع می پردازد (۱:۱۹-۱۲:۵۰) و در قسمت دوم وقایع مربوط به مصائب و مصلوب شدن و ظاهر شدنهای مسیح برخاسته از مرگ را مفصلاً روایت می نماید (۱۳:۱-۲۱:۲۵). یوحنا به طوری که در نتیجه گیری کوتاهی توضیح می دهد (۲۰:۳۰-۳۱)، بعضی از نشانه ها را انتخاب کرده و اهمیت و معنی آنها را یادآوری کرده است تا مسیحیانی که انجیل به آنان خطاب شده ایمان خود به عیسی مسیح پسر خدا را عمیق تر کرده و بدین گونه مشارکت با خدا را در زندگی خود توسعه دهند. یوحنا برای انجام این کار ضروری دیده که در مقابل انحرافات مختلفی که مسیحیت دوران او را تهدید می کرد موضع گرفته و از آن دفاع نماید.

ترکیب و ساختار انجیل

در اینکه مؤلف در نوشتن انجیل چه طرحی داشته و جزئیات آن چه بوده نمی توان به طور دقیق مطمئن بود. البته وی بیشتر وقایع را کاملاً متمایز و جدا از یکدیگر روایت می کند ولی معلوم نیست این وقایع را به چه ترتیب و توالی ذکر کرده و بر مبنای چه معیارهایی است. این مسئله بدان سبب دقیق و حساس است که برطبق یک نظریه، بخش هائی از آن به هنگام انتشار انجیل جابجا شده اند. مثلاً می توان باب پنجم را بین آیات ۷:۱۵ و ۷:۱۶ جای داد و با این تغییر، ترتیب قرار گرفتن مطالب از نظر جغرافیایی منظم و یکنواخت خواهد شد، بدین معنی که پس از اقامت در جلیل فعالیت طولانی در اورشلیم قرار خواهد گرفت (۴:۴۳-۵۴ و ۶:۱-۷:۱۳). بعضی از منتقدان در مورد این فرضیه فراتر رفته و تصور می کنند تعداد زیادی از مطالب جابجا شده و ترکیب و ساختار دیگری برای انجیل پیشنهاد می نمایند.

با این همه باید قبول کرد که این نظریه ها در روایات متون نقطهٔ اتکایی ندارند. به علاوه در این نظریه ها قوانین قابل انعطاف روایات شفاهی منظور نشده و به موضوع انشای زبان عبری که با روش منطق ما تطبیق نمی کند توجه نشده است.

برای کسانی که ترتیب و توالی کنونی مطالب کتاب را می پذیرند ترکیب و ساختار انجیل را به طریق مختلفی می توان توضیح داد ولی در هر صورت تقریباً پذیرفته شده است که انجیل به دو بخش تقسیم می شود و قبل از این دو بخش پیشگفتاری آمده است. ضمناً با توجه به مشخصات جغرافیایی یا ترتیب و توالی وقایع یا تکرار بعضی طرحهای ادبی (روایت - گفتار) به آسانی می توان تشخیص داد که متون مجزای متعددی وجود دارد. ولی این متون به چه ترتیبی نسبت به یکدیگر قرار گرفته اند؟ به نظر بعضی از نویسندگان، این انجیل بر مبنای طرحی معین و منطقی تنظیم شده و نظریات مهم الهیاتی به شیوه منظمی تشریح گشته است (روشنایی، زندگی، شکوه). کسان دیگری در این کتاب مراحل برخورد و رویاروئی تدریجی مسیح با «دنیا» را می بینند و آن را همچون نمایشنامه ای غم انگیز یا محاکمه ای می دانند که در جریان وقایع عید گذر به پایان می رسد. طرحهای دیگری پیشنهاد شده که بر مبنای موضوعات مربوطه است. طرفداران این طرحها نمی پذیرند که در انجیل یوحنا مجموعه ای با ترکیب منطقی و دقیق وجود داشته باشد بلکه به نظر آنان این کتاب نوعی نوشته ادبی است که یادآور تغییرات آهنگ موسیقی است. به طوری که نشان داده شده برخی فنون ادبی زبان سامی نظیر «ادخال» در این اثر بکار رفته است. بسیاری از دانشمندان اهمیت بعضی اعداد و جنبهٔ نمادین آنها را یادآوری کرده و طرحهایی بر مبنای اعداد سه و هفت ارائه داده اند. بالاخره برخی ادعا کرده اند که جریان وقایع با آنچه در سفر خروج آمده تطبیق می کند و بعضی از محققان فرضیه ای پیشنهاد کرده اند که بر طبق آن انجیل یوحنا تقلید و اقتباس از نوشته هایی است که در کنیسه های قدیم قرائت می شد.

تمام این نظریات جالب به نظر می رسند و گاهی ماهرانه و ظریف هستند ولی به ندرت می توان نظریه ای یافت که کاملاً و از هر حیث رضایت بخش باشد. اصولاً مسلم نیست که یوحنا در انشاء اثر خود از قواعد معینی پیروی کرده باشد یا حتی به طور قطعی انشاء اثر خود را به پایان رسانده باشد. به نظر ما انجیل چهارم حاوی قسمتهایی است که وقایع و آموزشهایی را یکی پس از دیگری ذکر می کند و گرچه بر مبنای طرحی دقیق نیست با این همه موضوع برخورد تدریجی عیسی و «دنیا» را توضیح داده و تشریح می نماید و از سوی دیگر پیشرفت آگاهی و معرفت ایمانداران را که امری دشوار است بدواً در جلیل و سپس در اورشلیم روایت می کند.

ارتباط با اناجیل نظیر

گرچه یوحنا در نظر دارد به طور کلی یک انجیل بنویسد با این همه اثر وی از بسیاری جهات متمایز از اناجیل نظیر است؛ در ابتدا تفاوتهایی که از نظر جغرافیایی و ترتیب و توالی وقوع حوادث وجود دارد موجب حیرت می شود. در اناجیل نظیر در ابتدا از دورانی طولانی در جلیل یاد شده، سپس یک راهپیمایی کم و بیش طولانی به سوی یهودیه و بالاخره اقامتی کوتاه در اورشلیم آمده است؛ در صورتی که در انجیل یوحنا تغییر مکانهای متعددی از یک منطقه به منطقه دیگر روایت شده و سپس حضوری دراز مدت در منطقه یهودیه و مخصوصاً در اورشلیم آمده است (۱۹:۱-۵۱؛ ۲:۱۳-۳:۳۶؛ ۵:۱-۴۷؛ ۷:۱۴-۲۰:۳۱). یوحنا از چندین بار برگزاری عید گذر یاد می کند (۲:۱۳؛ ۵:۱؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵) و بدین سان نشان می دهد که رسالت عیسی بیش از دو سال بوده است.

همچنین تفاوتهایی از نظر شیوهٔ نگارش و طرز انشاء مشاهده می شود: در اناجیل نظیر اکثراً متونی مختصر، نکات و گزیده هائی از حکمت و اندرز یا روایاتی از معجزه ها وجود دارد که حاوی اظهارات کوتاهی می باشد در صورتی که یوحنا تعداد محدودی از وقایع یا نشانه ها را ذکر کرده و اکثراً آنها را با گفتگوها و خطابه هائی روشن نموده است و در انجام این امر گاهی به لحظاتی دقیق و هیجان آور می رسد.

همچنین از ویژگی های یوحنا آن است که مطالب بدیع و شگفت انگیز بکار می برد. البته بسیاری از وقایعی را که اناجیل نظیر روایت کرده اند ذکر می کند، نظیر فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید عیسی در رودخانه اردن و فراخواندن نخستین شاگردان (۱۹:۱-۵۱)؛ متن مربوط به بیرون کردن سوداگران از معبد (۱۳:۲-۲۱)؛ شفای پسر یکی از افسران (۳۴:۴-۵۴)؛ شفای یک مفلوج (۱:۵-۱۵)؛ شفای یک نابینا (۱:۹-۴۱)؛ تکثیر نانها در کنار دریاچه و راه رفتن بر روی آب (۱:۶-۲۱)؛ مباحثه و مجادله در اورشلیم (۸:۷-۱۰)؛ تدهین در بیت عنیا و جریان وقایع عید گذر (۱۲-۲۱). ولی چنین به نظر می رسد که مطالب دیگری از روایات اناجیل نظیر در اینجا وجود ندارد مثل وسوسه در صحرا، تجلی مسیح، روایت مربوط به بنیان گذاری راز قربانی مقدس، اندوه عیسی در جتسیمانی، روایات متعددی دربارهٔ معجزات و بسیاری از تعالیم (از خطابه روی کوه و اکثر مثل ها گرفته تا خطابه دربارهٔ پایان روزگار)[1]. همچنین لحن و زبان در این انجیل با اناجیل نظیر تفاوت بسیار دارد: اصطلاح «ملکوت خدا» فقط یک بار بکار برده رفته است (۳:۳-۵)؛ یوحنا ترجیح می دهد در زندگی و از زندگی جاودان سخن بگوید و موضوعاتی از قبیل دنیا، نور و ظلمت، حقیقت و دروغ، شکوه خدا و شکوه ناشی از انسانها را دوست دارد.

گرچه مطالبی در روایات اناجیل نظیر هست که در انجیل چهارم وجود ندارد اما در عوض حاوی اطلاعات جدیدی است: نشانهٔ قانا (۱:۲-۱۱)، گفتگو با نیقودیموس (۱:۳-۱۱)، گفتگو با زن سامری (۵:۴-۴۲)، رستاخیز ایلعازر و نتایج آن (۱:۱۱-۵۷)، شستشوی پاها (۱:۱۳-۱۹) و نکات مختلفی در روایت مصائب و مصلوب شدن رستاخیز عیسی. همچنین ملاحظه می شود که برای روشن شدن وقایع ذکر شده خطابه ها و گفتگوهای طولانی آمده است از جمله گفتگو و خطابه مهم نهایی پس از شام آخر (۳۱:۱۳-۲۶:۱۷) که به استقبال دوران کلیسا می رود.

اکنون این سؤال پیش می آید که یوحنا تا چه اندازه با اناجیل نظیر آشنایی داشته است؟ تعداد زیادی از مفسران تصور کرده اند که از آنها آگاهی نداشته و فقط روایات مربوط به خداوند را می شناخته است چنانکه اناجیل نظیر هم به نوبهٔ خود به آنها اشاره و مراجعه کرده اند، با این همه بین اناجیل چنان ارتباط واضح و روشنی وجود دارد که کاملاً محتمل است یوحنا با انجیل مرقس و مخصوصاً انجیل لوقا آشنائی داشته ولی در مورد انجیل متی موضوع کاملاً روشن نیست[2]. به

۱- یافتن نکات و مواردی که در مجموعهٔ انجیل یوحنا با این مطالب تطبیق کند کار دشواری نیست مثلاً وسوسه از «دنیا» می آید، تجلی در تمام لحظات و مخصوصاً در رستاخیز مسیح وجود دارد. در مورد اندوه ر.ک۱۲:۲۷؛ در مورد راز قربانی مقدس ر.ک ۶:۵۱.

۲- یو۵:۸ و مر۲:۱۱؛ یو۶:۷ و مر۶:۳۷؛ یو۱۲:۳ و مر۱۴:۳؛ یو۱۲:۳-۴ و لو۷:۳۶-۴۴؛ یو۱۳:۲، ۲۷ و لو۲۲:۳؛ یو۲۲:۳؛ یو۱۳:۳۸ و لو۲۲:۳۴؛ یو۱۵:۲۰ و مت۱۰:۲۴-۲۵؛ یو۱۸:۱۰ و لو۲۲:۳۰؛ یو۱۸:۱۱ و مت۲۶:۵۲؛ یو۲۰:۲۳ و مت۱۸:۱۸.

هرصورت می توان گفت که یوحنا به خوبی می دانست مخاطبانش از روایات مهم اناجیل نظیر اطلاع دارند.

یوحنا سعی می کند مجدداً این روایات را ذکر کرده آنها را با اطمینان و آزادی بیشتر از نویسندگان قبلی توضیح دهد و تشریح نماید. به نظر او امانت در آن است که اهمیت و ارزش وقایع نجات را که در عیسی انجام می شود عمیقاً درک نمود و بیان کرد و شاید بتوان گفت چنین امانتی آفریننده است.

مسائل مربوط به نگارش

آیا عدم وابستگی انجیل یوحنا به روایات اناجیل نظیر به معنی استفاده از منابع دیگری است؟ آیا این کتاب از نظر ادبی اثری یکپارچه و یکدست است یا اینکه در نگارش آن از مدارک مختلفی استفاده شده است؟

و قبل از هرچیز این سؤال پیش می آید که اولین بار به چه زبانی نوشته شده است؟ در این انجیل اصطلاحات متعددی وجود دارد که مختص زبان آرامی است لذا بسیاری از دانشمندان از این فرضیه طرفداری می کنند که نسخه اصلی به زبان آرامی بوده و سپس به یونانی ترجمه شده است؛ دانشمندان دیگری چنین پنداشته اند که نویسندهٔ یونانی از برخی متون که به زبان آرامی بوده استفاده کرده است ولی با بررسی های دقیق تر این فرضیه ها کنار گذاشته شدند. انجیل یوحنا از نظر ادبی اثری یکدست و یکپارچه است و مستقیماً به زبان یونانی کم مایه ولی صحیح و به قاعده نوشته شده است، با این همه خواننده را شدیداً تحت تأثیر قرار می دهد و این از مختصات انجیل چهارم است. در این کتاب مخصوصاً کلمات و جناس هایی بکار برده شده که معادل آنها در زبان آرامی وجود ندارد و در ضمن از شیوهٔ نگارش و نکات ادبی که در آن بکار رفته می توان نتیجه گرفت که انشای آن یکدست می باشد. نکات بسیاری نشان می دهد این نویسنده که به زبان یونانی می نویسد اصلاً سامی نژاد است یا اینکه ترجمه یونانی عهد عتیق (هفتاد تنان) بر او اثر گذاشته است. البته ممکن است از منابع مخصوصی به ویژه از مجموعهٔ روایات معجزات استفاده کرده باشد ولی آنها را نیز به مانند روایات اناجیل نظیر آزادانه و بدون تکلف بسط و توضیح داده است. لازم به یادآوری است که یوحنا وابسته به محافل مسیحی بوده و در بعضی موارد از عبارات و اصطلاحات آیین نیایش و متون موعظه های مذهبی استفاده می کند، مثلاً چنین می نماید که کهن ترین قسمت مقدمه این انجیل از سرودی گرفته شده که یادآور نامه های دوران اسارت یا نامه های رسولی است و گفتار مربوط به نان زندگی طبق گفتارهای مذهبی کاهنان یهود تنظیم گشته است.

محیط اندیشه

هر اندیشه ای از طریق زبان بیان می شود و به محیط های فرهنگی بستگی دارد. در بیان هر اندیشه ای کلمات و مقولاتی بکار می رود که انعکاسی از نظریات و اشتغال خاطر مردمان آن محیط است. هرگاه اندیشه ای تازه و بدیع باشد بیان آن مستلزم ایجاد روابطی جدید بین کلمات و مطالب است و باید به وسیلهٔ مصالحی که از جاهای دیگر به عاریت گرفته می شود مطالب تازه ای اظهار گردد. کتاب مقدس از این قوانین مستثنی نیست. بنابراین ریشه سخنان و طرز بیان یوحنا را باید در تمدن و فرهنگهای مختلفی جستجو کرد که در نواحی شرقی امپراتوری روم در کنار یکدیگر

قرار داشته اند و انجیل در میان آنها به رشته تحریر درآمده است.

به نظر دانشمندان موارد تماس و ارتباط این انجیل با فرهنگهای مختلف خیلی زیاد و متنوع هستند. در ابتدا تأثیر تمدن و فرهنگ یونانی و سپس روابط فراوانی که با عهد عتیق و محافل مختلف دارد مشخص شده و حتی دریافته اند که ارتباط هایی با جریانهای فکری گنوسی[۳] وجود دارد.

الف) نفوذ تمدن یونانی: مسلم است که انجیل یوحنا بیشتر از اناجیل نظیر با فرهنگ یونانی که در خاورمیانه نفوذ کرده بود در ارتباط است. ابراز علاقه به موضوعات مربوط به شناخت حقیقت، بکار بردن عنوان یونانی **Logos** (سخن) و مخصوصاً کاربرد فراوان تمثیل، تحقیقات دانشمندان را در این طریق هدایت می کند. در این مورد مخصوصاً باید از فیلون اهل اسکندریه یاد کرد که در قرن اول میلادی به وسیله اقدامات وسیع و گسترده ای سعی کرده بود میراث مذهبی یهود را با تمدن و فرهنگ یونانی هماهنگ سازد. وی هر چند در آثار خود موضوع لوگوس را به طور مبهم ذکر نموده ولی جایگاه مهمی برای آن قائل شده است و این نکته نفوذ تمدن و فرهنگ یونانی را تأیید می کند. ظاهراً چنین به نظر می رسد که افکار فیلون در محافل یهودیان خارج از فلسطین (مهاجران یهودی) رواج داشته و موجب ایجاد سبکی در تحقیق و زندگی شده بود ولی دیدگاه کلی کاملاً متفاوت است، بدین معنی که در نوشته های یوحنا مدارج شناخت علوم و اندیشه های فلسفی منتهی به معرفت «هستی» وجود ندارد: به نظر او موضوع اصلی شناختن «پسر تن گرفته» در ایمان است. حتی موقعی که همان کلمات بکار می رود معانی آنها تغییر می کند: مثلاً کلمه لوگوس که یوحنا ذکر می کند مخلوق واسطه ای بین خدا و جهان نیست بلکه پسر ازلی است که در عمل خدا شراکت کامل دارد.

در آغاز قرن اخیر که اشکال رایج زندگی فلسفی و مذهبی شناخته شد و دریافتند که در آن دوران تا حدی تمایل به ایجاد وحدت بین عقاید و ادیان وجود داشته شباهت های دیگری در عبارات و بیان انجیل ملاحظه نمودند. بعضی چنین نتیجه می گرفتند که انجیل یوحنا اقدامی گسترده برای انطباق دادن مسیحیت با سایر ادیان است بدین معنی که نظریات مکاشفه ای و یهودی از آن حذف شده و به صورت عقیده ای عرفانی و شخصی تغییر یافته است.

ب) تأثیر و نفوذ یهودیت: ولی دیری نپایید که متوجه شدند انجیل چهارم در عهد عتیق و یهودیت ریشه دارد زیرا شیوهٔ نگارش و تعداد زیاد ترکیب عبارات سامی موجب شده بود تصور کنند که این انجیل در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده است. از سوی دیگر یادآوری و تأکید شده که در این انجیل اشاره به عهد عتیق اهمیت فراوانی دارد. گرچه یوحنا به ندرت صریحاً از عهد عتیق نقل قول می کند و گرچه در پی آن است که نظام کهن را از نظام نوین کاملاً جدا و متمایز سازد با این همه عبارات و اصطلاحات متعددی را از عهد عتیق بکار می برد مخصوصاً موضوعات ادبی که در نوشته های حکمت عهد عتیق آمده است نظیر آب، مائده آسمانی، مَنّ، شبان، درخت مو و معبد، چنانکه گویی یوحنا به موضوعات مذکور کاملاً آشنا بوده و مفاهیم مختلف آنها را می دانسته است

۳- نهضت های مذهبی که بین قرن اول پیش از میلاد و قرن چهارم میلادی شیوع داشت و نجات را از شناخت و معرفت اسرار الهی می دانستند و منکر ارزشهای دنیوی بودند.

ولی آنها را به طریق شخصی و به نحو بدیعی بکار برده است.

وانگهی متوجه شده اند که موارد ارتباط متعددی با یهودیت دوران انجیل نگار وجود دارد (نوع استدلال، روش انشا، اطلاعات و کلماتی که در آن زمان در محافل کاهنان یهود رایج بود). حتی بعضی ها تصور کرده اند که در این انجیل اشاراتی از آیین نیایش یهود وجود دارد یا از آن به عاریت گرفته شده است. آنچه مسلم است یوحنا کاملاً در جریان رسوم و عادات و افکار یهودیان فلسطین قرن اول میلادی بوده ولی به اختلافات عمیقی که آن را از مسیحیت جدا می کند کاملاً آگاه است. این جدائی عملاً انجام شده بود (ر.ک۹:۲۲؛ ۴۲:۱۲) و یوحنا که از دنیای متشرعان یهود و آداب نیایش مربوطه کاملاً فاصله گرفته بود نوآوری و تعالی دنیای تن گیری پسر خدا را روشن می کند.

مدارک قمران که پنجاه سال پیش کشف شده ما را با محیط یهودیان دیگری آشنا می کند که با انجیل چهارم قرابت هایی دارد. مثلاً مشاهده می شود که در زمینه های مذهبی و اخلاقی در هر دو طرف نوعی دوگانگی عوامل وجود دارد که در تقابل نور با ظلمت و حقیقت با دروغ بیان می شود. هر دو طرف معتقدند که جماعت آنها آغازگر ایام آخر هستند و کوشش دارند معنی مکتوم قرائنی را که در عهد عتیق آمده درک و کشف نمایند. چه در انجیل یوحنا و چه در اسناد قمران اهمیت زیادی برای «استاد آموزه» قائل شده و در مورد نقش روح حقیقت یا تسلی دهنده تأکید می کنند.

ولی در کنار این نکات مشترک، اختلافات متعددی نیز بین دو جماعت وجود دارد و جوّ محیط کاملاً متفاوت است. یوحنا به همان گونه که از روحیه مکاشفه ای بعضی مدارک قمران بدور است مقررات شدید شرعی را که در آن جماعت رعایت می کردند نمی پذیرد. نقش عیسی به کلی غیر از نقش «استاد عدالت» یا دو مسیح موعود فرقه قمران است. البته می توان مطابقت هایی در عبارات و هدفهای آنان پیدا کرد ولی مجموعهٔ گرایشهای این جماعتها اصولاً متفاوت است.

ج) افکار گنوسی: از دو قرن پیش به این طرف سعی شده که موقعیت انجیل را نسبت به جریان افکار گنوسی تعیین کنند. می دانیم که نظریات گنوسی ها به طور کلی به صورت آموزشی پنهانی ارائه می شد که پیروان خود را پس از چند دوره تصفیه، از طریق معرفت به حقایق مذهبی یا به وسیلهٔ خلسه به سوی نجات و رستگاری رهبری می کردند و در این عقاید نسبت به حقایق مادی و نفسانی نوعی نفرت واقعی تلقین شده و آنها را شرّ مطلق بشمار می‌آوردند. از طریق متونی که پس از قرن اول میلادی نوشته شده با گرایشهای گنوسی ها آشنایی داریم. این متون در اوضاع و احوالی نوشته شده که تحت نفوذ تمدن یونانی و کمابیش تحت تأثیر شرقیان بوده یا در محیطی مسیحی نگارش یافته است. ضمناً می توان تصور کرد که بعضی از روایات گنوسی که مربوط به دوران قدیم تری است با انجیل چهارم تلاقی داشته اند.

بررسی این مسئله بدان سبب حساس و دقیق است که منابع مربوطه خیلی نادر بوده و در تاریخهای بعدتری نوشته شده اند. چنانچه تسلیم تصور و خیال نشویم و بر مبنای مدارکی که بعدها نوشته شده قواعد و اصول گنوسی را در نظر بگیریم که بیشتر محافل مذهبی قرن اول میلادی را دربر می گرفته بایستی فقط بر رسالات شاخص «مجموعه قوانین رهبانی» تکیه نماییم. دو تا از

این رسالات (شمارهٔ ۱ و ۱۳) اصول و ترتیباتی نسبتاً روشن را ارائه می‌کنند. بدین شرح که انسانی الهی یا انسان اولیه سقوط کرده و در ماده آلوده و غوطه‌ور شده است؛ سپس اوضاع و احوال مراحل بالا رفتن او و به آسمانها توصیف شده که از میان جوّهای اهریمنی و تحت نظارت سیارات می‌گذرد. در این مدارک خدا به صورت «موجودی» اسرارآمیز، منبع نور و زندگی معرفی می‌شود و زندگی واقعی برای آدمیان آن است که در معرفت فوری و سعادت‌بخش به او ملحق شوند.

تعیین ارتباط بین نوشته‌های یوحنا و این رسالات دشوار است (و در صورتی که ارتباطی وجود داشته باشد کدام یک بر دیگری اثر گذاشته است؟)[۴]، ولی باید پذیرفت که در هر دو نظریات و بعضی عبارات مشترک هستند. یوحنا در محیطی مختلط و در هم پیچیده تربیت شده بود که در آن گرایشهای مختلفی با یکدیگر تلاقی و برخورد می‌کردند و اوضاع و شرایط این محیط او را برانگیخت تا ارتباط بین معرفت و زندگی الهی را که ممکن است به آدمیان ارزانی شود کاملاً روشن و نمایان سازد. ولی او به طرز شگفت‌انگیزی عمل کرده زیرا ایمان او به اینکه همه چیز را خدا آفریده منافی با بدبینی فلسفه ماوراءالطبیعه است و به نظر او تن‌گیری پسر جاودانی به جسم و وضعیت بشری معنی و مفهومی می‌دهد که به کلی با نظریات و افکار گنوسی‌ها تفاوت دارد.

د) نوآوری و اصالت یوحنا: با وجود کلیه مقایسه‌های دقیق و حساس نمی‌توان محیطی فکری تعیین کرد که یوحنا نظریات اساسی آن را پذیرفته باشد. چنین به نظر می‌رسد که وی در نقطه تلاقی جریانهای مهم فلسفی و مذهبی دوران خود می‌زیسته، احتمالاً در یکی از شهرهای بزرگی که در آنجا افکار یونانی با تصوف و عرفان شرقی برخورد و تلاقی داشته و حتی یهودیت هم تغییر یافته و نفوذ خارجی را پذیرفته بود. با این همه نباید اصالت و نوآوری عمیق افکار او را نادیده گرفت. زیرا اندیشه او به زندگی و گفتارهای جماعاتی که بدانها تعلق داشت وابسته است. وی قبل از هرچیز به وقایع اساسی و بنیادی مسیحیت اشاره می‌کند و از اصطلاحات و مطالبی که در ابتدا برای بیان الهیات مسیحی بکار می‌رفته استفاده می‌نماید. ضمناً ملاحظه شده که بعضی از نکاتی که وی ذکر کرده شبیه نوشته‌های پولس است مخصوصاً نامه‌هایی که وی در زندان نوشته و مدارکی که طبق روایات مربوط به افسس می‌باشد؛ همچنین یوحنا با متون مختلف آیین نیایشی آشنا است.

با این همه و با اینکه انجیل نگار در محیط مسیحیت آن دوران ریشه دارد مانع از آن نبوده که اثری شگفت‌انگیز و بدیع بوجود آورد که پخته و سنجیده و کاملاً مستقل از جریانهای فکری مختلفی باشد که بدانها برخورد کرده و برای آنها ارزش قائل بوده است. یوحنا همه چیز را با توجه به نظریه‌ای پیچیده که در عین حال خیلی ساده است یعنی واقعیت نقش عیسی، مسیح، پسر خدا (۲۰:۳۰) گرفته و تحلیل می‌کند.

انجیل چهارم و تاریخ

از آغاز قرن نوزدهم میلادی موضوع ارزش تاریخی انجیل چهارم مطرح گردید. همان‌طور که قبلاً ملاحظه شد انجیل یوحنا از بسیاری جهات متمایز از اناجیل نظیر است چنانکه بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح کردند که آیا جنبهٔ

۴- تأثیر انجیل یوحنا بر قسمتهایی از رسالهٔ ۱۳ بسیار محتمل است.

الهیاتی این کتاب برای پاسخ دادن به مطالب دیگری غیر از مسائل تاریخی است؟ آیا بکار بردن رموز و اشارات برای آن نیست که خواننده را به ماورای وقایع و گفتارها بدان گونه که در نخستین مرحله درک می شود هدایت نماید؟ لذا بسیاری از منتقدان ارزش انجیل چهارم را به عنوان مدرکی تاریخی صریحاً ردّ کردند و آن را رساله ای در بررسی و تحقیق یا حتی «فرضیه الهیاتی» بشمار آوردند. ولی بررسی دقیق تر روش نگارش اناجیل نظیر و هدف و منظور آنها، تفکر مجدد درباره روش تاریخی و مطالعه و تأمل در مورد اطلاعاتی که یوحنا داده است خواننده امروزی را وادار می کند که نظریه سابق را کنار بگذارد زیرا مسئله بغرنج تر از نظریات مذکور است.

یوحنا وقایع زیادی را ذکر می کند که اناجیل نظیر به نوبهٔ خود گزارش می نمایند و این موضوع مخصوصاً در مورد فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید در رودخانه اردن و چندین معجزه به ویژه تکثیر نانها صدق می کند (۱۹:۱-۵۱؛ ۱۳:۲-۲۱؛ ۶:۱-۲۱)؛ همچنین در مورد مجموعه روایات مربوط به مصائب و مصلوب شدن و رستاخیز عیسی (۱۲-۲۱). از مقایسه این قسمتها می توان نتیجه گرفت که منظور یوحنا آن است که وقایعی را ذکر نماید که در روایات آمده و شناخته شده است و این عمل را با امانت انجام می دهد. حتی در موارد بسیاری نکات تازه ای ذکر می کند که ارزش تاریخی آنها قابل توجه است مثلاً اطلاعات جغرافیایی و تاریخی و همچنین مطالبی دربارهٔ تشکیلات و نهادهای یهودیان و رومیان که نشان می دهد شرایط زندگی مردم را در آغاز قرن اول میلادی در فلسطین به خوبی می شناخته است.

درصورتی که پس از جنگ سالهای ۶۶-۷۲ میلادی این اوضاع سپری شده بود. بنابراین یوحنا دقت نموده که به اوضاع و شرایط واقعی تاریخ عیسی وابسته بماند: اکنون در برابر ما افسانه ای الهیاتی قرار ندارد بلکه انجیل از کسی سخن می گوید که زندگی کرده، مرده و در لحظهٔ دقیق و معینی رستاخیز کرده است (ر.ک۲:۲۰) و یوحنا به خوبی به روایات آن آشناست. این مؤلف خود را شاهد می نامد یا لااقل او را با این عنوان می شناختند (۳۵:۱۹؛ ۲۴:۲۱) و این متضمن صحت وقایع است یا اینکه حقایقی را شخصاً شناخته و گواهی کرده باشند. اگر پیام انجیل اساساً این است که «سخن تن گرفت و در میان ما ساکن شد» به طوری که «ما شکوه او را دیده ایم» می توان اهمیت منحصر به فرد حقیقت تاریخی وقایعی را که ذکر شده درک نمود. یوحنا معنی آنچه را در عیسی مسیح روی داده روشن می کند و بدین سبب کتاب او در ابتدا همچون رابطه بین مجموعه ای از نشانه ها ارائه می شود که از میان نشانه های بسیار انتخاب شده است (۳۰:۲۰-۳۱؛ ۲۵:۲۱). انجیل نگار با انجام این عمل همان روش سنتی کتاب مقدس را بکار می برد که سعی می کند رابطهٔ خدا و قوم او را مرحله به مرحله به عنوان روایت اعمال خدا در تاریخ آدمیان بنویسد. اسرائیل همواره برتری وقایع را بر «سخن»[5] پذیرفته است. «اندیشهٔ عبری که به وسیله کلمات، سنن و روایات تاریخی بیان می شود اساساً در جهت تلفیق عملی تفسیر مذهبی مطالبی که دریافت نموده حرکت می کند به طوری که ارتباط تاریخی همواره مقدم بر اندیشهٔ مذهبی است.»

۵- البته در آیین یهود، در دورانی که مؤخّر بر کتاب مقدس است تاریخ را اجرای طرحی می دانستند که به وسیله یک سخن بیان شده است.

زیرا کافی نیست که انجیل نگار وقایع را فقط به همان گونه که روی داده گزارش نماید بلکه بایستی در معنی و مفهوم آنها تعمق کرده (ر.ک ۹:۱-۴۱) اهمیت و ژرفای آنها را درک نماید تا شاگردان در راه معرفت پیشرفت کنند و برای زندگی جاودان آماده شوند. این نشانه ها روایت شده «تا شما ایمان بیاورید که عیسی، مسیح، پسر خدا است و برای اینکه با ایمان آوردن به نام او زندگی داشته باشید» (۲۰:۳۱). یوحنا به خوبی می داند که این شناخت تدریجی را جز با توجه به رمز وقایع عید گذر نمی توان بدست آورد. برای آنکه معنی عمیق زندگی عیسی و کوچکترین کارهای او روشن شود لازم بود که مسیح به وسیله صلیب به شکوه تمام بگذرد. در عین حال موهبت روح حقیقت که ثمرهٔ عید گذر است ضرورت داشت (۷:۳۹؛ ۱۶:۷؛ ۲۰:۲۲): زیرا روح القدس ایمانداران را به شناختن حقیقت و تمام حقیقت می رساند یعنی به درک آنچه حقیقت عمل عیسی پسر تن گرفته خدا است (۱۶:۵-۱۵). آنچه یوحنا تذکر داده و یادآوری می کند درک و شناسایی کامل تاریخ زندگی عیسی است (۲:۲۱-۲۲؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶-۲۷).

برطبق روش و سنت مهمی که در مسیحیت وجود دارد این ادراک به وسیله انتساب و مقایسه وقایع زندگی عیسی با وقایع و گفتارهای پیامبرانه عهد عتیق به دست می آید و بدین گونه مفهوم آنها روشن می شود (۲:۱۷؛ ۵:۳۷-۴۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۲:۱۶، ۳۷-۴۱؛ ۱۹:۲۴، ۲۸، ۳۶-۳۷). یوحنا بیش از هر کس دیگر تازگی حقایقی را که در عیسی تجلی می نماید دریافته و این حقایق را برابر طرحهایی که مختص مسیحیت است بیان می کند.

بنابراین ما در برابر اقدامی قرار داریم که کاملاً تاریخی است ولی با اقدامات و مقتضیات تاریخ نویسان معمولی تفاوت دارد. زیرا تاریخ نویسان وقایع را عیناً گزارش می کنند ولی به هیچ وجه مفهوم آنها را روشن نکرده و نمی گویند که در مجموعهٔ نظام نجات این وقایع در چه محلی قرار دارند. مفسران جدید ممکن است آن را تاریخ «اعلام منوّیات خدا» یا «تاریخ کیفی» بنامند. قبلاً مفسران کهن مسیحیت از «انجیل معنوی» نام می بردند (کلمان اهل اسکندریه). این ادراک عمیق مسیح و عمل او اکثراً به کمک ارائه تاریخ با رموز و اشارات انجام می شود. توجه شاگردان رفته رفته جلب شده و کشف می کنند که اعمال و سخنان درجات مختلفی دارد و مفهوم آنها همواره ماورای خود اعمال و سخنان است و بدین گونه اهمیت «نشانه» معلوم می شود که معانی مختلف و متعدد یک عمل یا یک گفتار را یادآوری می کند (۳:۱۴-۱۵؛ ۸:۲۸؛ ۱۲:۳۲) همچنانکه در برابر سخنان رقیبان نوعی تمسخر زیرکانه وجود دارد که ممکن است مفهومی غیر از آنچه می خواهند بگویند دربر داشته باشد (۷:۵۲؛ ۹:۲۴-۲۷؛ ۱۱:۴۹؛ ۱۲:۱۹؛ ۱۶:۳۰؛ ۱۹:۱۸-۲۲). فقط با تجربه روح القدس می توان هدف و منظور متن را دریافت.

نویسنده

از تمام این ملاحظات نتیجه می گیریم که انجیل یوحنا تنها شهادت یک شاهد عینی نیست که فردای وقوع رویدادها به یک باره نوشته شده باشد بلکه برعکس همه شواهد حاکی است که پس از تعمق طولانی تهیه شده است.

با این همه چنین به نظر می رسد که کتاب ناتمام مانده زیرا شیوه ارتباط دادن بعضی از

مطالب ناشیانه است و حتی بعضی از قطعات ارتباطی با ترکیب و مطالب سایر عبارات ندارد (۱۳:۳-۲۱، ۳۱-۳۶؛ ۱۵:۱). وضعیت طوری است که گویی نویسنده احساس نمی کرده هرگز آن را به پایان خواهد رساند و بدین گونه بی ترتیبی نسبی قسمتهای کتاب را می توان توضیح داد. محتمل است انجیل را به صورتی که امروزه در دست داریم شاگردان نویسنده منتشر کرده و باب ۲۱ و چندین تذکر به آن افزوده باشند (مثلاً ۲:۴ و شاید ۱:۴؛ ۴۴:۴؛ ۳۹:۷ب؛ ۲:۱۱؛ ۳۵:۱۹). و اما دربارهٔ روایت زن زناکار (۵۳:۷-۱۱:۸)، همه بر این عقیده اند که این قطعه از منبعی ناشناخته است که بعداً در انجیل گنجانیده شده است (با این همه جزو نوشته های رسمی و مورد قبول کلیسا است).

در مورد نویسنده و تاریخ نگارش چهارمین انجیل به هیچ وجه قرینهٔ صریحی در متن این اثر وجود ندارد و شاید تعمداً چنین است زیرا نباید توجه به شخصیت شاهد معطوف گردد بلکه به کسی توجه نمایند که زندگی و اعمال او را اعلام کرده و دربارهٔ او تعمق و نظاره نموده است (۲۹:۳؛ ۸:۱؛ ۴۱:۴). با این همه آیه ۲۴:۲۱ که به انجیل افزوده شده جای شکی باقی نمی گذارد که نویسندهٔ انجیل «شاگردی است که عیسی او را دوست می داشت» و همان کسی است که چندین بار در جریان وقایع عید گذر از او یاد می شود (۲۳:۱۳؛ ۲۶:۱۹؛ ۲:۲۰) و یقیناً منظور همان «شاگرد دیگری» است که در چندین متن ذکر شده بدون اینکه نام او آورده شود (۳۵:۱-۳۹؛ ۱۵:۱۸).

این شاگرد از قرن دوم میلادی به بعد در روایات کلیسا به نام یوحنا خوانده شده و هویت او را یکی از پسران زبدی تعیین کرده اند که یکی از دوازده رسول بود، ولی متنی از پاپیاس که اسقف هیراپولیس در فریجیه بوده و مربوط به حدود سالهای ۱۴۰ میلادی است در این مورد تردید ایجاد کرده و چنین می نویسد: «تردیدی به خود راه نخواهم داد که در تفسیرهای خود چیزی بگنجانم که روزی از قدما آموخته و به خوبی در خاطر خود حفظ کرده و از واقعیت آنها اطمینان دارم... حتی اگر کسی می آمد که پیرو قدما بوده است از گفته های قدما اطلاع بدست می آوردم: مثلاً آنچه آندریاس، یا پطرس، یا فیلیپس، یا توما، یا یعقوب، یا یوحنا، یا متی، یا یکی دیگر از شاگردان خداوند گفته بودند یا آنچه آریستیون و یوحنای پیر شاگردان خداوند می گویند» (اوزبیوس، جلد سوم تاریخ کلیسا ۳:۳۹-۴). بنابراین در نوشتهٔ پاپیاس یک نفر به نام یوحنا ذکر شده که رسول و یکی از دوازده تن است و یوحنای دیگری که پیر و شاگرد خداوند است. ولی موضوع نوشته ها در کار نیست بلکه پاپیاس مخصوصاً به «سخن زنده و پایدار» علاقمند است. در پایان قرن دوم میلادی ایرنائوس به صراحت می نویسد: «سپس یوحنا، شاگرد خداوند، همان کسی که بر سینهٔ او تکیه کرد در مدتی که در افسس می زیست انجیلی نوشت.» ایرنائوس خود را شاگرد پولیکارپ معرفی می کند که «از روابط خود با یوحنا و سایر شاگردان خداوند سخن می گفت...» (اوزبیوس، جلد پنجم تاریخ کلیسا ۶:۲۰-۸). به نظر ایرنائوس منظور یوحنا پسر زبدی و یکی از دوازده تن است. لازم به یادآوری است در این دوران کاملاً گرایش بر آن بود که علی رغم تردیدهایی که

وجود داشت نوشته های رسمی و مورد قبول کلیسا را به یکی از دوازده رسول نسبت دهند.

در مورد نویسندهٔ انجیل چهارم به طوری که ملاحظه می شود تقریباً اتفاق آراء وجود دارد بدین معنی که تمام نویسندگان کتابهای رسمی کلیسا (فهرست موراتوری، کلمان اهل اسکندریه، اوریجن، ترتولیان) نقش یوحنا را که یکی از دوازده تن بود ذکر کرده و این موضوع را قطعی می دانستند، فقط عده معدودی از مسیحیان روم که در اطراف کشیش کایوس گرد آمده بودند بدون آنکه به روایات استناد کنند اظهار تردید می کردند. در آغاز قرن ۱۹ میلادی، منتقدان این نظریه سنتی را مورد بحث قرار داده، تفاوتهای این انجیل با اناجیل نظیر و همچنین نظریات مشروح الهیاتی در این انجیل را یادآوری کردند. البته وقتی مؤلف را به عنوان شاهد عینی نمی پذیرفتند اکثراً ارزش تاریخی کتاب او را انکار می کردند و او را الهیدانی بشمار می آوردند که در حدود اواسط قرن دوم میلادی جریانهای فکری پطرس و پولس را با یکدیگر ترکیب و تلفیق نمود. در آغاز عکس العمل محافل کلیسا خیلی شدید بود زیرا در آن اوقات مسئله منابع انجیل یوحنا و ارزش شهادت او را کاملاً به یکدیگر وابسته می دانستند، چیزی نمانده بود که انتساب این متن به شخص یوحنای رسول به صورت مسئله ای ایمانی درآید. امروزه ما یاد گرفته ایم که مسائل را بهتر تشخیص دهیم و با پیشرفت هایی که در امر بررسی تاریخ و روشهای آن حاصل شده می توانیم از نظریات مختلف گذشته صرف نظر نماییم.

لازم به یادآوری است قطعه ای از انجیل چهارم (۱۸:۳۱، ۳۳، ۳۷-۳۸) در مصر کشف شده که بهترین متخصصان تاریخ آن را مربوط به سالهای ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلادی می دانند و بنابراین منتقدان مجبور شده اند به نظریات سنتی بازگشته تاریخ انجیل را حدود اواخر قرن اول میلادی بپذیرند. بسیار محتمل است که انجیل در یکی از کلیساهای آسیای صغیر که تحت نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی بوده (افسس) نوشته شده باشد. البته نمی توان فرضیه نگارش انجیل را به وسیلهٔ خود یوحنا کنار گذاشت ولی اکثر منتقدان این احتمال را نمی پذیرند. بعضی از آنان نام مؤلف را ذکر نکرده و او را فردی مسیحی توصیف می کنند که به زبان یونانی می نوشت و انجیل را در یکی از کلیساهای آسیا به رشته تحریر درآورد، یعنی در محلی که جریانهای مختلف فکری دنیای یهود و دنیای مشرق که تمدن یونانی را پذیرفته بود برخورد و رویارویی داشتند. منتقدان دیگری این نکته را می افزایند که نویسندهٔ انجیل وابسته به روایاتی است که مربوط به یوحنای رسول است و بدین سبب در این انجیل برای «شاگردی که عیسی دوست داشت» مقام ممتازی قائل شده اند و ضمناً چنین به نظر می رسد که این شاگرد را یوحنا پسر زبدی تشخیص داده اند؛ شگفت آنکه این شاگرد تنها رسول از بین رسولان مهمی است که هرگز نام او ذکر نشده.

الهیات

اندیشه و افکار یوحنا دربارهٔ الهیات را نمی توان به شکل یک نظریه کلی و ترکیبی ارائه نمود. وی که به سنت های بزرگ کتاب مقدس وفادار است در نظر ندارد مجموعه ای

از قواعد و اصول پیشنهاد نماید بلکه می‌خواهد وقایع مربوط به نجات را روشن کند. در این فکر نیست که یک اصل اساسی مقرر سازد که برمبنای آن اطلاعات موجود را طبقه بندی نمود بلکه تمام توجه او بر مسیح متمرکز است: بدین معنی که ایمانداران به شرط شناختن او و در همبستگی با او به زندگی جاودان دست یافته پدر را کشف خواهند نمود و در اینجا فقط به ذکر تعدادی از راههای وصول به آن اکتفا می‌شود.

البته طرح ازلی بودن - تن‌گیری پسر خدا مختص به انجیل چهارم نیست. همین موضوع در جاهای دیگر مخصوصاً در سرود فی۲:۶-۱۱ و در کول۱:۱۵ نیز آمده است ولی در آنجا برای رو در روی هم قرار دادن مصائب و مصلوب شدن مسیح در برابر رستاخیز اوست. یوحنا نظری وسیع‌تر دارد که مآلاً نظری سنتی‌تر است بدین معنی که مجموعهٔ زندگی عیسی (نشانه‌ها و گفتارها) را ملاحظه کرده و اهمیت وافری برای جریان این زندگانی درطی زمان قائل می‌شود (موضوع «ساعت»). از خلال وقایع زندگی عیسی که در عید گذر به اوج خود می‌رسد خدا در جهان تجلی می‌نماید (شکوه)، ولی این تظاهر امری مربوط به دنیا و دنیوی نیست بلکه دنیا را مورد بحث قرار داده و آن را استیضاح می‌کند. آنان که ایمان می‌آورند زندگی جدیدی آغاز خواهند کرد ولی دنیا به صورتی که هست آنچه را که متناسب و هماهنگ با او نباشد نخواهد پذیرفت و انجیل نتیجه این برخورد را که مصائب، صلیب و رستاخیز خواهد بود ذکر می‌کند. دنیا در «ساعتی» که تصور می‌کرد ب رکسی که اساساً نمی‌شناخت پیروز خواهد شد داوری و محکوم گردید.

یوحنا ازلی بودن مسیح را توصیف نمی‌کند و مثلاً گفتگوی آسمانی را که طی آن رسالت خود را دریافت می‌کند ذکر نمی‌نماید زیرا در اینجا سخن از افسانه و اسطوره نیست. برای کسانی که به وسیلهٔ ایمان و موهبت روح‌القدس در راه شناخت و معرفت پیش می‌روند پدر در وجود عیسی تجلی می‌نماید.

انجیل یوحنا

مقدمه[a]

۱ [1]در آغاز[b] سخن[c] بود ۵:۱۷؛ ۱-یو۱:۱-۲؛ مکا۱۹:۱۳
و سخن نزد خدا بود[d]
وسخن خدا بود.
[2]در آغاز او نزد خدا بود[e]. حک۹:۱؛ امث۸:۲۲؛ ۱-قرن۸:۶؛ کول۱:۱۶-۱۷؛ عبر۱:۲-۳؛ مکا۳:۱۴
[3]همه چیز به وسیلهٔ او پدیدار شد[f]
و بدون او هیچ چیز از آنچه پدید آمده
است، پدید نیامد.
[4]زندگی در او بود ، ۳:۱۱؛ ۵:۲۶؛ ۸:۱۲
و زندگی نور آدمیان بود[g]؛
[5]و نور در تاریکی می درخشد ۳:۱۹؛ ۱-یو۲:۸؛ ۱-تیمو۵:۴
و تاریکی بر آن دست نیافت[h].

a- چنین به نظر می رسد که پیشگفتار انجیل در دو مرحله تنظیم شده است: قسمت اول سرودی به افتخار مسیح است که به عنوان سخن الهی ستایش می شود و این قسمت شیوهٔ انجام پرستش مسیحیان افسس را به یاد می آورد (ر.ک کول۱:۱۵؛ ۱-تیمو۳:۱۶؛ عبر۱:۳-۴)؛ سپس انجیل نگار این قسمت را بسط و توسعه داده تا چند موضوع اساسی اثر خود را ارائه نماید.

b- در این عبارت که نخستین کلمات کتاب پیدایش به کار برده شده منظور از «آغاز» شروع دوران جهان نیست بلکه به «ازل» اشاره می کند. سخن به طرز والا و جاودانی وجود دارد و فعل بودن که به صورت ماضی استمراری بکار رفته این نکته را نشان می دهد.

c- در زبان یونانی، مسیح logos نامیده شده که «سخن» ترجمه شده است؛ این واژه را می توان «کلام» یا «گفتار» ترجمه نمود ولی در این طرز بیان بایستی تأثیر نوشته های عهدعتیق را که جنبهٔ تهذیب اخلاقی دارند درنظر داشت (امث۸:۲۳-۳۶؛ حک۷:۲۲-۸:۱؛ بنسی۲۴:۱-۲۲)، همچنین تأثیر نوشته های یهودیانی که نظریات یونانی گرایی داشتند: برابر این عقاید مسیح به عنوان پسر جاودانی بیانگر کامل پدر می باشد (ر.ک کول۱:۱۵: تصویر خدای نادیده؛ فی۲:۶ دربارهٔ وضعیت خدا؛ عبر۱:۳: درخشش شکوه پدر). پسر خدا از راه تن گیری، ظهور والای خدا در میان بشریت خواهد بود (ر.ک۱-یو۱:۲).

d- گاهی ترجمه می کنند: «به سوی خدامعطوف بود» زیرا حرف اضافه یونانی که در این جمله به کار رفته به مفهوم «توجه به سوی کسی» را نیز می رساند. سخن کاملاً از پدر که در اینجا خدا نامیده شده متمایز است ولی در شراکت کامل با او است چنان که انجیل نگار نشان خواهد داد (۵:۱۷-۳۰).

e- قبلاً در نوشته های عهدعتیق، آفرینش جهان به کلام خدا مربوط و وابسته بود (مز۳۳:۶، ۹؛ ۱۴۷:۱۵-۱۸؛ اش۴۰:۲۶؛ ۴۸:۳؛ حک۹:۱، ۹؛ ر.ک پید۱:۳) یا اینکه به حکمت الهی مربوط می شد (امث۸:۲۷-۳۰؛ حک۷:۱۲؛ ۸:۴؛ ۹:۹). تمام فعالیت های خلقت، عمل پدر و پسر است (ر.ک۱-قرن۸:۶).

f- فعل یونانی که در این مورد به کار رفته و «نمایان شد» ترجمه شده، همان فعلی است که در پید۱:۳ آمده و به خوبی مفهوم به وجود آمدن هر چیزی را از «نیستی مطلق» می رساند (ر.ک۱۷:۲۴). خود ماده هم آفریده شده است، بنابراین اثری از فلسفه ثنویت و وجود دو اصل و مبدأ نیست و افکار گنوسی منتفی می باشد.

g- سخن، منبع و منشأ هر چیزی است که آدمیان را قادر می سازد کاملاً و به تمام معنی زندگی کنند، زندگی مادی و جسمانی و همچنین *زندگی* که در ملاقات با خدا انجام می شود. ضمناً سخن *نوری* است که به آدمیان راه راستی را که باید ادامه دهند نشان می دهد (۸:۱۲).

h- کلمهٔ یونانی که در اینجا «دست یافتن» ترجمه شده گاهی «دریافتن» ترجمه می شود: ر.ک۱:۱۰-۱۳؛ افس۳:۱۸؛ فی۳:۱۲-۱۳؛ اع۱۰:۳۴؛ ۴:۱۳. آدمیان نخستین ظهور سخن را که در آفرینش پدیدار شده است درنیافته اند (ر.ک۱-قرن۱:۲۱؛ روم۱:۱۹-۲۳؛ حک۱۳:۱-۹). یا این که برابر یک روایت یونانی که به دوران اوریجن (Origenius) نسبت داده شده می توان چنین درک کرد که آدمیان موفق نشده اند نور را تسخیر کرده بر آن دست یابند (ر.ک ۷:۳۴؛ ۸:۲۱؛ ۱۲:۳۵).

مت۳:۱؛ مر۱:۴؛ لو۱:۱۳،۱۷، ۷۶؛ ۳:۲
۶ مردی پدیدار شد[i]، فرستاده از سوی خدا
که نامش یحیی بود.
۷ او برای شهادت آمد تا دربارهٔ آن نور
شهادت دهد،
تا همگان به وسیلهٔ او[j] ایمان آورند.
۸ او خود، آن نور نبود،
اما دربارهٔ نور باید شهادت می‌داد.
۳:۱۹؛۸:۱۲؛ ۱۲:۴۶؛ ۱-یو۲:۸؛ ۱۴:۱۷؛ ۱۷:۲۵
۹ سخن آن نور راستی بود
که هر آدمی را روشنی می بخشد[k]
چون به جهان درمی‌آید.
۱۰ او در جهان[l] بود
و جهان به وسیلهٔ او پدید آمد
و جهان او را نشناخت[m].
۱۱ به خانه خود آمد[n]
و کسانش او را نپذیرفتند.
۱۲ اما به همهٔ کسانی که او را پذیرا شده‌اند
و به نامش ایمان دارند[o]، اقتدار داده تا
غلا۳:۲۶؛ ۱-یو۵:۱۳
فرزندان خدا شوند[p]، ۱۳ آنانی که نه
زاده از خون، نه از ارادهٔ تن و نه از ارادهٔ
۳:۵-۶؛ یع۱:۱۸؛ ۱-یو۵:۱۸
آدمی، بلکه از خدا هستند[q].
۱۴ و سخن تن شد[r]
و در بین ما[t] ساکن گردید[s]
روم۱:۳؛ غلا۴:۴؛ فی۲:۷؛ ۱-تیمو۳:۱۶؛ عبر۲:۱۴؛ ۱-یو۴:۲؛ مکا۳:۲۱؛

i- تحت‌اللفظی: *مردی بود*.

j- منظور یحیی *تعمید دهنده* است (مر۱:۴ و متون موازی) [«یحیی» یا به عبارت صحیح تر «یوحنا» یعنی «یهوه رحمت کرده است»] که پیامبر بشمار می رود و اکنون آموزش او به عنوان شهادت کاملاً ارزش دارد (۱:۱۵؛ ۱:۱۹-۳۵؛ ۳:۲۳-۳۶؛ ۵:۳۳؛ ۱۰:۴۱). در اینجا تفاوت بین یحیی و عیسی که نور و آشکار کننده حقیقی است نشان داده می شود. [به احتمال قوی کلمه «عیسی» از اسم «عیسو» برادر یعقوب اقتباس شده که حق نخست‌زادگی خود را در ازای کاسه ای از آش عدس به او فروخت (پید۲۵:۳۰-۳۴). در زمان مسیح، اسم «یسوع» یعنی «یهوه نجات می‌دهد» (ر.ک مت۱:۲۱) بسیار رایج بود اما یهودیان به سبب دشمنی با مسیح و کلیسا نام او را به تمسخر «عیسو» یا «عیسی» نهادند].

k- در اینجا سخن به معنی *نور* و به دقیق‌ترین مفهوم این کلمه است. هر کس از هر تبار و از هر موقعیتی که باشد می‌تواند و بایستی دستورات او را دریافت کند تا به سوی تحقق و تمامیت زندگی خود هدایت شود. در این متن افزوده شده که از این پس این روشنایی در مسیح است، آن که به جهان می‌آید (ر.ک۶:۱۴). این عبارت را می توان به طریق دیگری که کمتر احتمال دارد ترجمه نمود: *هر آدمی را که به جهان می‌آید* روشنی می بخشد.

l- کلمهٔ یونانی که *جهان* ترجمه شده برای یونانیان همین مفهوم گیتی و جهان را دارد ولی از نظر یوحنا اکثراً به مفهوم آدمیان آمده است. این کلمه ممکن است آنچه را که مورد محبت خدا است برساند (۳:۱۶) یا اینکه به طریقی تشکیل شود که خدا و الهام‌های او را بپذیرد (ر.ک۱۲:۳۱ توضیح p؛ ۱-یو۲:۱۶).

m- قبلاً در عهدعتیق نپذیرفتن «حکمت خدایی» ذکر شده (بار۳:۱۰-۱۴؛ ۲۳:۳۱؛ امث۱:۲؛ ۴:۱؛ ۹:۱۰؛ ۳۰:۳؛ بنسی۶:۲۷؛ ۱۸:۲۸؛ ر.ک *خنوخ* ۴۲)؛ ولی در اینجا موضوع نپذیرفتن سخن جسم یافته است.

n- تحت‌اللفظی: به ملک شخصی خود آمد. ظاهراً منظور اسرائیل است که از نظر تاریخی مظهر بشریت می باشد و به تمامی متعلق به آفریدگار است.

o- ایمان به «نام پسر» عبارت از آن است که با اعتماد، قدرت شخص پسر را شناخته و به آن توسل جویند. نام، مظهر شخص می باشد (ر.ک۲:۲۳؛ ۳:۱۸؛ ۱-یو۳:۲۳؛ ۵:۱۳)؛ ایمان عبارت از وابستگی و رو آوردن به مسیح و شناختن او به عنوان پسر خدا و به عنوان مظهر الهامات اوست.

p- «فرزند خداشدن» (۳:۳-۷؛ ۱۱:۵۲؛ ۱-یو۳:۱-۲، ۱۰؛ ۵:۲، ۴، ۱۸) متضمن لیاقت و شایستگی است که از جانب خدا می‌آید.

q- در بعضی از ترجمه های لاتین و سُریانی و نقل قولهایی که پدران کلیسا کرده‌اند این فعل به صورت مفرد است. در این صورت منظور تولد جاودانی سخن یا بارداری عذرائی خواهد بود ولی تطبیق و مقایسه مجموعهٔ نسخه های خطی یونانی کاملاً این فعل را به صورت جمع تأیید می کند.

r- سخن در موقعیت بشری آغاز به هستی نموده است. این واقعه، لحظهٔ مهم و حساس در تاریخ نجات است و مسیحیان به آن گواهی می‌دهند. درنظر یوحنا کلمهٔ *تن* به معنی تمام وجود آدمی است که دچار ضعف است و به مرگ منجر می شود. احتمالاً این متن عکس‌العمل برضد ظاهرگرایانی است که طبق نظریه آنها تن گیری پسر خدا فقط به صورت ظاهر است (۱-یو۴:۲).

s- تحت‌اللفظی: «خیمه خود را برافراشت.» احتمالاً اشاره به معبد است (۱:۵۱؛ ۲:۲۰؛ ۴:۲۳-۲۴؛ خروج۲۵:۸؛ اعد۳۵:۳۴) که محل حضور خدا و ظهور شکوه اوست (خروج۴۰:۳۴-۳۵؛ ۱-پاد۸:۱۰-۱۳؛ اش۶:۱-۴).

t- منظور مردمان به طور کلی است (۱:۵، ۹-۱۳) و مخصوصاً شاگردان یا مسیحیان که این تجربه را درک کرده‌اند.

خروج۲۵:۸؛ تث۴:۷؛ اش۶۰:۱-۲؛ حزق۳۷:۲۷
و ما شکوه[u] او را تماشا کردیم،
شکوهی که پسری یکتا سرشار از فیض و
راستی[v] از پدر دارد.
۱۵ یحیی در باره او شهادت می‌داد و فریاد
می‌زد: «این همان است که گفته‌ام: آن
۱:۲۷، ۳۰؛ مت۳:۱۱؛ مر۱:۷
که پس از من می‌آید، پیش از من شده
زیرا پیش از من بوده است[w].»
۳:۳۴؛ کول۲:۹-۱۰
۱۶ زیرا از سرشاری[x] اوهمهٔ ما بهره بردیم و
فیض بیش از فیض[y]،
خروج۳۱:۱۸؛ ۳۴:۶؛ روم۶:۱۴؛ ۱۰:۴؛ یو۷:۱۹
۱۷ زیرا تورات به وسیله موسی داده شده، اما
فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح است.
۵:۳۷؛ ۶:۴۶؛ ۱۴:۹؛ ۱-تیمو۱:۱۷؛ ۶:۱۶؛ ۱-یو۴:۱۲؛ مت۱۱:۲۷؛ لو۱۰:۲۲
۱۸ خدا[z] را هرگز کسی ندیده است. یک
خدا، [همان] پسر یکتا[a] که در آغوش
پدر است وی او را شناسانید[b].

شهادت یحیی
(متی ۳:۱-۱۲؛ مرقس ۱:۲-۸؛ لوقا۳:۱۵-۱۷)

مت۳:۱-۶؛ مر۱:۲-۶؛ لو۳:۳-۶؛ ۱۵-۱۶؛
۱۹ و چنین است شهادت یحیی به هنگامی
که یهودیان[c] از اورشلیم، کاهنان و لاویان
یو۵:۳۳
را فرستادند تا از او بپرسند: «تو
کیستی[d]؟» ۲۰ و او اقرار کرد، انکار
۳:۲۸؛ اع۱۳:۲۵؛ مت۱۱:۱۴؛ ۱۷:۱۰-۱۳؛ مر۹:۱۳؛ تث۱۸:۱۵؛ ملا۳:۲۳-۲۴؛ یو۶:۱۴؛ ۷:۴۰؛ اع۳:۲۲؛ ۷:۳۷
نکرد، اقرار کرد: «من مسیح نیستم.»
۲۱ از او پرسیدند: «پس چه؟ آیا تو الیاس
هستی؟» گفت: «خیر، من نیستم». «آیا تو
آن پیامبری؟» پاسخ داد: «خیر[e].» ۲۲ پس
به او گفتند: «تو کیستی؟ تا به کسانی که
۸:۱۳
ما را فرستاده‌اند، پاسخ دهیم؟ از خود چه
مت۳:۳ و متون موازی
می‌گوئی؟» ۲۳ اظهار کرد: «من صدای آن

u- در نوشته های عهد عتیق کلمهٔ *شکوه* به چیزی اطلاق می شود که خدا به آدمیان پدیدار می کند؛ گاهی به معنی نوعی درخشندگی نورانی است که به آنچه مقدس است وابسته است و گاهی وقایعی است که از ورای آنها قدرت خدا ظاهر می گردد، یوحنا فعالیت های مختلف عیسی را که شکوه او را نشان می دهد توصیف خواهد کرد (۲:۱۱) و مخصوصاً واقعهٔ عید گذر (۱۳:۳۱؛ ۱۷:۲-۵؛ ۱۲:۲۳، ۲۸) و همچنین اتحاد و یگانگی شاگردان را ذکر خواهد کرد (۱۷:۲۲-۲۳).

v- عنوان پسر یکتا، فرزندی مسیح را توصیف می کند که کاملاً جنبهٔ بی همتا و یگانه دارد. این عنوان تأیید می کند که پسر در *فیض و راستی* کاملاً سهیم است. اصطلاح فیض و راستی از خروج۳۴:۶ آمده و در آنجا در توصیف احسان خدا می باشد،خدایی که عطایای خود را با کرم زوال ناپذیر خود می بخشد.

w- شهادت یحیی تعمیددهنده ارزش همیشگی خود را حفظ می کند. یحیی یادآوری می کند که عیسی با آن که از نظر تاریخی پس از او آمده اما به دلیل مأموریت و منشأ الهی خود از بنیان برتر از اوست.

x- شناختن سخن تن گرفته، جماعت ایمانداران را هدایت می کند که همواره بیش از پیش در تحقق یافتن نعمت های روحانی که در او و فقط در او وجود دارد شرکت داشته باشند.

y- به طوری که از ترکیب عبارت برمی آید منظور آن نیست که فیضی پس از فیض دیگر دریافت شده (مثلاً عهدعتیق و سپس عهدجدید دریافت شده یا این که مسیح و سپس روح القدس) بلکه امکان دریافت فیض خدا که مرتباً بیشتر و بیشتر می شود.

z- اصولاً آدمی قادر نیست به تنهایی موفق به شناختن خدا شود (تث۴:۱۲؛مز۹۷:۲) فقط می تواند اشتیاق و تمایل به شناخت خدا داشته باشد.

a- رک ۱۳:۲۳. در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: *آن خدا پسر یکتا*.

b- فقط پسر یکتا که کاملاً و بدون حد و حصر در زندگی پدر سهیم است می تواند آدمیان را به دانش و زندگی هدایت کند. عیسی به وسیله هستی و اعمال و گفتار خود مظهر بیان خدا خواهد بود.

c- در نوشته های یوحنا کلمه *یهودیان* گاهی در مورد افراد قوم بنی اسرائیل به طور کلی به کار می رود (۳:۲۵؛ ۴:۹، ۲۲ و غیره)؛ ولی در بیشتر موارد منظور او نمایندگان دنیایی هستند که بر اثر سوءتفاهم و نهایتاً دشمنی، علیه فرستادهٔ خدا باشند: در این معنی منظور از کلمهٔ یهودیان مخصوصاً مقامات رسمی می باشد (۲:۱۸؛ ۵:۱۰-۱۸؛ ۷:۱، ۱۳؛ ۹:۲۲ و غیره).

d- در اینجا بدون مقدمه به شهادت اصلی پرداخته می شود و در برابر نمایندگان مقامات عالیه شهادت داده شده و نقش شخص عیسی در برابر یحیی تعمید دهنده تعیین می گردد.

e- برابر ملا۳:۲۳و بنسی۴۸:۱۰-۱۱ و نوشته های دیگر کتاب مقدس *الیاس* نبی می بایست مجدداً و پیش از داوری نهایی بیاید و برای آخرین بار مردم را به توبه و بازگشت دعوت نماید (ر.ک مت۱۱:۱۴؛ ۱۷:۱۰). انتظار آمدن پیامبرِ ایام آخر در محافل مختلف شیوع داشته و شاید مستند به تث۱۸:۱۵ بوده است (ر.ک یو۶:۱۴؛ اع۳:۲۲).

کس هستم که در صحرا فریاد برمی‌آورد راه
خداوند را راست گردانید برابر آنچه
اشعیای پیامبر گفته است[f].» ۲۴و
فرستادگان از فریسیان بودند[g]. ۲۵ایشان از ۹:۱۶
او پرسیده گفتند: «اگر تو نه مسیح، نه مت۱۶:۱۴؛
الیاس و نه آن پیامبر هستی، پس چرا تعمید ۲۱:۲۵؛ مر۱۱:۳۰؛
می‌دهی؟» ۲۶یحیی در پاسخ ایشان گفت: لو۲۰:۴
«من در آب تعمید می‌دهم. در بین شما
کسی ایستاده که شما او را نمی‌شناسید، ۷:۲۷؛ مت۳:۶،۱۱؛
۲۷آن که پس از من می‌آید و من لایق آن ۱-یو۵:۶؛ لو۱۷:۲۱
نیستم که بند پای‌پوش او را باز کنم.» ۱:۱۵؛ ۳:۲۶؛
۲۸این در بیت‌عنیا در ماوراء اردن[h] که اع۱۳:۲۵
یحیی آنجا تعمید می‌داد، روی داد. ۱۰:۴۰؛ مت۳:۶،۱۳

بره خدا

۲۹روز بعد عیسی را می‌بیند که به ۱:۳۶؛ ۱۹:۳۶؛ پید۲۲:۱۳؛ اش۵۳:۴-۷؛
سویش می‌آید. پس گفت: «اینک بره ار۱۱:۱۹؛ اع۸:۳۲؛ ۱-قرن۵:۷؛
خدا[i] که گناه[k] جهان را برمی‌دارد[j]. ۳۰او ۱-پطر۱:۱۸-۱۹؛ ۲:۲۴؛
همان کسی است که درباره‌اش گفته‌ام: مکا۵:۶،۹،۱۲؛ مت۸:۱۷؛ ۱-
پس از من مردی می‌آید که پیش از من شده یو۳:۵؛ یو۴:۴۲؛ ۱:۱۵؛ ۸:۵۸
زیرا پیش از من بوده است[l]. ۳۱و من او را ۱:۲۶
نمی‌شناختم. اما چون باید بر اسرائیل ظاهر
شود لذا من که در آب تعمید می‌دهم
آمده‌ام.» ۳۲و یحیی شهادت داده گفت:
«من روح را دیدم که به مانند کبوتری از اش۱۱:۲؛
آسمان نازل شده بر وی ماند[m]. ۳۳و من او ۶۱:۱؛ مت۳:۱۶؛
را نمی‌شناختم ولی آن که مرا فرستاده تا در مر۱:۱۰؛
آب تعمید دهم، او به من گفته است: بر آن لو۳:۲۲
کس که ببینی روح فرود آمده و بر او
می‌ماند هم اوست که در روح‌القدس تعمید
می‌دهد. ۳۴و من دیده و شهادت می‌دهم:
او برگزیده خداست[n].» مت۳:۱۷؛ لو۲۳:۳۵؛ اش۴۲:۱

نخستین شاگردان

۳۵روز بعد، یحیی با دو تن از
شاگردانش باز در آنجا ایستاده بود.
۳۶با مشاهدهٔ عیسی که می‌گذشت گفت:
«اینک بره خدا». ۳۷و آن دو شاگرد این
گفتار را شنیده به دنبال عیسی رفتند.
۳۸چون عیسی دید به دنبال او می‌آیند مت۹:۲۲ و متون موازی

f- ر.ک اش ۴۰:۳.
g- ترجمه دیگر: «و فرستادگان فریسی بودند.»
h- این محل به نام بیت‌عنیا همان دهی نیست که ده ایلعازر و در نزدیک اورشلیم است (۱۱:۱، ۱۸) بلکه دهکده‌ای در ساحل شرق رود اردن می باشد که محل و موقعیت آن مشخص نیست. [طبق نظر بعضی از متخصصین، در برخی نسخ به جای بیت‌عنیا، بیت‌عبره نوشته شده که به معنی محل عبور می باشد].
i- این متن یادآوری مرگ عیسی به خاطر کفاره می باشد و دو تصویر مرسوم و مختلف را درهم می‌آمیزد: از یک سو تصویر خدمتگزار رنجور که در کتاب اشعیا آمده (اش۵۲:۱۳-۵۳:۱۲) که گناهان انبوه مردمان را بر عهده می گیرد و با آنکه بی گناه است خود را به مانند بره‌ای تقدیم می کند؛ از سوی دیگر تصویر بره عید گذر یهودیان که نماد باز خرید اسرائیل می باشد (خروج۱۲:۱-۲۸)؛ ر.ک ۱۹:۱۴-۳۶؛ ۱-قرن۵:۷؛ مکا۵:۶، ۱۲.
j- فعل یونانی که در این مورد بکار رفته به معنی از زمین بلند کردن است و می توان به مفهوم: یا *حمل کردن*، *به دوش گرفتن*، *یا بردن*، *حذف کردن*، *از بین بردن* به کار برد و یوحنا معمولاً به مفهوم اخیر بکار می برد (ر.ک ۲:۱۶؛ ۵:۸-۱۲؛ ۱۰:۱۸؛ ۱-یو۳:۵).
k- منظور از این کلمه که به صورت مفرد آمده، مجموع گناهان جهان است و شامل کلیه گناهان و نتایج و آثار آنها است.
l- ر.ک ۱:۱۵، ۲۷.
m- ر.ک مت۳:۱۶ توضیح z و یو۱۵:۴ توضیح h. کلمه یونانی meno در نوشته های یوحنا مکرراً آمده است: یو۱:۳۲، ۳۳، ۳۸،۳۹؛ ۲:۱۲؛ ۴:۴۰؛ ۸:۳۵؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۱:۵۴؛ ۱۴:۱۷، ۲۵؛ ۱۹:۱۳ به معنی ماندن در یک جا؛ یو۵:۳۸؛ ۶:۵۶؛ ۱۴:۲، ۱۰، ۲۳؛ ۱۵:۴-۷؛ ۱-یو۲:۶، ۱۴، ۲۴، ۲۷، ۲۸؛ ۳:۶، ۹، ۱۵، ۱۷، ۲۴؛ ۴:۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶؛ ۲-یو۲۰ به معنی ماندن در کسی؛ یو۸:۷، ۳۱؛ ۱۲:۲۴، ۴۶؛ ۱۵:۹،۱۰؛ ۱-یو۲:۱۰؛ ۳:۱۴؛ ۴:۱۶؛ ۲-یو۹ به معنی ماندن در یک حالت خاص؛ یو۳:۳۶؛ ۶:۲۷؛ ۹:۴۱؛ ۱۲:۳۴؛ ۱۵:۱۶؛ ۲۱:۲۲، ۲۳؛ ۱-یو۲:۱۷؛ مکا۴:۱۰ به معنی باقی ماندن.
n- در یکی از نسخه های خطی و تعدادی از ترجمه ها نوشته شده است: «برگزیده» یا «پسر برگزیده».

برگشته به آنان گفت: «در جستجوی چه
هستید؟» به او گفتند: «ربی -یعنی
استاد- کجا می‌مانی؟» ۳۹ به آنان گفت:
«بیائید و خواهید دید.» پس آنان آمدند و
دیدند در کجا می‌ماند و آن روز نزد او
ماندند؛ این در حدود ساعت دهم بود.
۴۰ آندریاس، برادر شمعون پطرس، یکی مت۴:‏۱۸-۲۰؛
از آن دو بود که [گفتار] یحیی را شنیده به مر۱:‏۱۶-۱۸؛ لو۵:‏۱-۱۱
دنبال [عیسی] رفته بود. ۴۱ او اول،
برادرش شمعون را یافته به او گفت: «ما ۲۵:۴؛
مسیح را یافته‌ایم!» -که به معنای ۱-سمو۲:‏۱۰؛ مز۲:۲
کریستوس می‌باشد[o]. ۴۲ او را نزد عیسی
برد. عیسی در او نگریسته گفت: «تو ۲۱:‏۱۵-۱۷؛
شمعون پسر یوحنا هستی. تو کیفا نامیده مت۱۰:۲؛ ۱۶:‏۱۶-۱۸؛
خواهی شد» که به معنای صخره است[p]. مر۳:‏۱۶؛ لو۶:‏۱۴
۴۳ روز بعد عیسی خواست به جلیل برود
و فیلیپُس را یافته به او گفت: «به دنبال ۱-پاد۱۹:‏۱۹؛
من بیا!» ۴۴ فیلیپس اهل بیت‌صیدا[q]، شهر مت۹:‏۹؛ ۲۱:‏۱۲
آندریاس و پطرس بود. ۴۵ فیلیپس، تث۱۸:‏۱۸؛
نتنائیل[r] را یافته به او گفت: «آن کسی را اش۷:‏۱۴؛ ۹:‏۶؛ ۵۳:‏۲؛ ار۲۳:‏۵؛
که موسی در تورات و همچنین پیامبران حزق۳۴:‏۲۳؛ یو۵:‏۳۹؛ اع۲۶:‏۲۲
درباره‌اش نوشته‌اند ما او را یافته‌ایم! او
عیسی، پسر یوسف از [شهر] ناصره ۷:‏۴۱،۵۲
است.» ۴۶ و نتنائیل به او گفت: «آیا
ممکن است از ناصره هم چیز خوبی در
بیاید؟» فیلیپس به او گفت: «بیا و
ببین[s].» ۴۷ عیسی نتنائیل را دید که
به سویش می‌آمد و در باره‌اش گفت:
«اینک به راستی یک اسرائیلی که بی‌ریا مز۳۲:‏۲؛ ۷۳:‏۱؛
است.» ۴۸ نتنائیل به او گفت: «از کجا پید۲۵:‏۲۷؛ ۳۲:‏۲۹؛
مرا می‌شناسی؟» عیسی در پاسخ به او صف۳:‏۱۳
گفت: «پیش از آنکه فیلیپس تو را
بخواند، وقتی زیر درخت انجیر بودی[t] تو را
دیدم.» ۴۹ نتنائیل به او پاسخ داد: «ربّی،
پسر خدا توئی! پادشاه اسرائیل توئی!» ۶:‏۶۹؛ ۱۱:‏۲۷؛ ۲-سمو۷:‏۱۴؛
۵۰ عیسی به سخن درآمده به او گفت: مز۲:‏۷؛ مت۱۴:‏۳۳؛
«چون به تو گفتم تو را زیر درخت انجیر ۱۶:‏۱۶؛
دیدم ایمان آوردی! باز برتر از این را مر۱:‏۱۱؛ ۳:‏۱۱؛ لو۳:‏۲۲؛ ۴:‏۴۱؛
خواهی دید.» ۵۱ و به او گفت: «آمین، اع۱۳:‏۳۳؛ صف۳:‏۱۵؛
آمین، به شما می‌گویم: خواهید دید که مت۲۷:‏۴۲؛ مر۱۵:‏۳۲
آسمان گشوده شده و فرشتگان خدا بر پسر پید۲۸:‏۱۰-۱۷؛
انسان بالا رفته و فرود می‌آیند[u].» اع۷:‏۵۶؛ یو۲۸:‏۱۲

o- شکی نیست که یوحنا انجیل خود را خطاب به کسانی نوشته که زبان یونانی را به‌خوبی صحبت می‌کردند، با این همه چندین بار (ر.ک ۱۹:‏۱۷؛ ۲۰:‏۱۶) کلمات عبری یا آرامی آورده که لازم دیده ترجمه کند (ر.ک۱:‏۳۸، ۴۱، ۴۲). شاید با این روش می‌خواهد تأکید کند که در لحظهٔ معینی از تاریخ، در فلسطین، واقعاً سخن خدا به صورت بشر درآمده است (۱:‏۱۴). در اینجا یوحنا ابتدا کلمه عبری *مسیح* را آورده و ترجمهٔ یونانی آن (کریستوس) را برای خوانندگان ذکر کرده که به معنی کسی است که تدهین شده است؛ برطبق روایات یهود این کلمه عنوان داود جدیدی است (ر.ک ۴:‏۲۵) که در پایان روزگار انتظار آمدن او را دارند.

p- عیسی به صورتی اسرارآمیز تمام کسانی را که به او نزدیک می‌شوند می‌شناسد (۱:‏۴۸؛ ۲:‏۲۵؛ ۴:‏۱۶-۱۹). وقتی به شمعون نام جدیدی می‌دهد (در زبان آرامی *کیفا*، در زبان یونانی *پطرس* که هر دو به معنی صخره است) برای او وظیفه جدیدی تعیین می‌نماید (ر.ک در مورد ابراهیم پید۱۷:‏۵).

q- بیت *صیدای جولیا* در شمال دریاچه طبریه قرار دارد (ر.ک مر۸:‏۲۲-۲۶؛ مت۱۱:‏۲۱).

r- بعضی از روایات او را با برتولمای رسول یکی دانسته‌اند ولی این موضوع مأخذ و مبنایی ندارد (ر.ک۲۱:‏۲).

s- *نتنائیل* که ظاهراً در بررسی نوشته‌های مقدس کوشش می‌کرده در مورد اطلاعاتی که می‌دهند بعداً نوعی تردید دارد ولی ملاقات با عیسی و شنیدن سخنان او موجب شناختن او و رسالت وی می‌شود.

t- [زیر درخت انجیر بودن] احتمالاً اشاره به زندگی است که به مطالعه نوشته‌های مقدس مصروف می‌شود. این اصطلاح در نوشته‌های کاهنان یهود کاملاً شناخته شده است که در آنها درخت انجیر به درخت شناخت نیک و بد تشبیه و مقایسه می‌شود.

u- مسیح در انجیل یوحنا به مانند اناجیل نظیر عنوان *پسرانسان* دارد. ولی منظره زمان آخر که در دان۷:‏۹-۱۵ یاد شده و عیسی در جریان محاکمه دربرابر سانهدرین وعده می‌دهد (مر۱۴:‏۶۲؛ مت۲۶:‏۶۴) از دیدگاه انجیل یوحنا از هم‌اکنون آغاز شده است. با توجه به حضور عیسی بر روی زمین *آسمانها* گشوده شده‌اند (اش۶۳:‏۱۹؛ مر۱:‏۱۰؛ لو۲:‏۹-۱۳) و ارتباط با خدا که رؤیای یعقوب اعلام می‌کرد (پید۲۸:‏۱۷) برای ایمانداران به صورت حقیقتی مداوم و پایدار درمی‌آید.

نخستین نشانه

۲ ۱و روز سوم[v]، عروسی ای در قانای ۲۱:۲؛ ۴۶:۴
جلیل بود و مادر عیسی آنجا بود.
۲عیسی و همچنین شاگردانش به عروسی
دعوت شده بودند. ۳و چون شراب رو به
اتمام بود مادر عیسی به او گفت: «شراب
ندارند.» ۴عیسی به او گفت: «این برای
من و تو چیست[w] ای زن؟ ساعت من هنوز ۲۶:۱۹؛ ۷:۳۰
فرا نرسیده است[x].» ۵مادرش به خادمین ۱-پاد۱۷:۱۸؛ مر۱:۲۴
گفت: «هرچه به شما بگوید بکنید.» ۶در پید۴۱:۵۵
آنجا برای تطهیر یهودیان شش سنگاب بود مر۷:۳-۴؛ یو۳:۲۵
که هر یک دو یا سه کیل[y] گنجایش داشت.
۷عیسی به آنان گفت: «این سنگابها را پر
از آب کنید» و ایشان لبالب پر کردند. ۸و
به ایشان گفت: «اکنون از آن بردارید و به
پیش خوان سالار ببرید.» ایشان بردند.
۹وقتی خوان سالار آبی را که شراب شده
بود چشید -و نمی‌دانست از کجاست اما
خادمین که آب برداشته بودند می‌دانستند-
خوان سالار داماد را خوانده ۱۰به او گفت:
«همه اول شراب خوب را پیش می‌آورند و
چون سرمست شدند، شراب کم ارزش تر
را. تو شراب خوب را تاکنون نگاه
داشته ای!» ۱۱این چنین بود نخستین از ۴:۵۴؛ ۱۲:۳۷؛ ۲۰:۳۰-۳۱؛
نشانه های[z] عیسی که آن را در قانای جلیل اش۸:۲۳؛ یو۱:۱۴، ۵۰؛
انجام داد و شکوه خود را نمایان ساخته ۱۱:۴۰؛
شاگردانش به او ایمان آوردند. ۱۲پس از ۱۲:۴۱؛ مت۴:۱۳
آن، وی به کفرناحوم فرود آمد همراه با
مادر، برادران[a] و شاگردانش و چند روز
بیشتر در آنجا نماندند.

v- *روز سوم:* سه روز پس از وعده ای که به نتنائیل داده شده و لذا هفت روز پس از صحنهٔ بیت‌عنیا (شهادت یحیی تعمید دهنده، ۱:۲۸). بنابراین انجیل به مانند کتاب پیدایش (باب اول) با یک هفته آغاز می‌شود، هفته ای (۱:۱۹، ۲۹، ۳۵، ۴۱، ۴۳؛ ۲:۱۱) که در روز هفتم به ظهور شکوه عیسی می‌رسد (۲:۱۱).

w- این جمله که عیناً و تحت اللفظی ترجمه شده گاهی [در زبانهای غربی برای تفهیم خوانندگان] این گونه ترجمه می‌کنند: *از من چه می‌خواهی؟* همین جمله در موارد دیگری ممکن است به مفهوم *به چه چیزی دخالت می‌کنی؟* باشد چنانکه در مر۱:۲۴ چنین است. این عبارت در بین یهودیان و همچنین در زبان یونانی متداول بوده و نشان می‌دهد که بین گفتگو کنندگان تفاوتی وجود دارد. در حقیقت عمل عیسی در سطحی انجام می‌شود که از انتظار معمول مریم بسیار فراتر است. بکار بردن عبارت *«ای زن!»* به هیچ وجه نشانه ای از عدم رعایت احترام ندارد (۱۹:۲۶) بلکه مخصوصاً با روش و رسوم یونانیان تطبیق می‌نماید (همچنین ر.ک۴:۲۱؛ ۸:۱۰؛ ۲۰:۱۳، ۱۵).

x- کلمه *ساعت* به طور کلی به مفهوم ظهور شکوه عیسی است و در بیشتر موارد منظور از ساعت، زمان گذر از راه صلیب است که زمان گذشتن به سوی شکوه پدر می‌باشد (۱۲:۲۳، ۲۷؛ ۱۳:۱؛ ۱۷:۱؛ ۷:۳۰؛ ۸:۲۰). همچنین ممکن است موقعیتی باشد که پدر معین کرده تا شکوه [رستاخیز] از قبل به وسیله نشانه ها ظاهر گردد. عیسی از مادر خود فاصله می‌گیرد (ر.ک ۲:۴۹) و بدین وسیله نشان می‌دهد معجزه ای که شکوه او را ظاهر خواهد ساخت (۲:۱۱) طبق ارادهٔ پدر انجام می‌شود. همین جمله را از نظر دستور زبان یونانی می‌توان این گونه ترجمه کرد: *آیا ساعت من فرا نرسیده است؟*

y- هرکیل در حدود چهل لیتر است و بنابر مقدار خیلی زیادی می‌باشد. [سنگاب به معنی خمره سنگی بزرگ می باشد].

z- در اناجیل نظیر کلمه *نشانه* در مورد کارهای فوق العاده ای بکار می‌رود که افتتاح دوران مسیحایی را نشان می‌دهند (مت۱۲:۳۸؛ ۱۶:۱-۴؛ مر۸:۱۱-۱۲؛ لو۱۱:۱۶، ۲۹)؛ بالعکس برای *معجزه* کلمه یونانی دیگری بکار برده اند که ترجمه تحت اللفظی آن *عمل قدرت* می‌باشد. یوحنا که روش عهد عتیق را اختیار کرده (اش۶۶:۱۹) *نشانه ها* را به عنوان اشارات و رموزی می نگرد که نشان می‌دهند در عیسی واقعه پایان روزگار روی داده و از همه مردمان دعوت می‌شود عیسی را به مقام فرزندی خدا درک نمایند. تغییر آب به شراب که در قانا روی داده است احتمالاً اشاره به گذشتن از عهدعتیق به عهدجدید می‌باشد (ر.ک مر۶:۲ توضیح n).

a- ر.ک مت ۱۲:۴۶ توضیح r.

پاکسازی معبد
(متی۲۱:۱۲-۱۷؛ مرقس۱۱:۱۵-۱۷؛ لوقا ۱۹:۴۵-۴۶)

۱۳جشن گـذر یـهـودیـان نـزدیـک بـود و ۲:۲۳؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵؛ ۱۲:۱؛
عیسی به اورشلیم فراز آمد. ۱۴و در معبد، مت۲۱:۱۲ و آیات بعد؛
فـروشـنـدگـان گـاو و گـوسفـنـد و کـبـوتـر و مر۱۱:۱۵-۱۷؛ لو۱۹:۴۵-۴۶
همچنین صرافان را یافت که نشسته اند[b].
۱۵از طناب تازیانه ای ساخته همه آنان را از
معبد براند یعنی گوسفندان و گاوان را و
نقدینه صرافان را بپراکند و پیشخوان
ایشان را واژگون کرد. ۱۶و به فروشندگان زک۱۴:۲۱
کبوتران گفت: «این را از اینجا بردارید و
دیگر خانه پدرم را خانهٔ سوداگری نکنید.» لو۲:۴۹
۱۷شاگردانش به خاطر آوردند که مکتوب
است: «غیرت خانه تو مرا خواهد خورد[c].» مز۶۹:۱۰
۱۸یهودیان به سخن درآمده به او گفتند:
«بـرای چـنـین کـارهـایی که می کـنی چه ۳:۲؛ ۴:۴۸؛ ۶:۳۰؛ ۲۰:۲۹؛ مت۱۶:۱
نـشـانه ای به مـا می دهی[d]؟» ۱۹عـیـسـی در
پاسخ به آنان گفت: «این قـدس را ویران مت۲۶:۶۱؛ ۲۷:۴۰؛
کـنیـد، سه روزه آن را قـائم خـواهم کرد[e].» مر۱۴:۵۸؛ ۱۵:۲۹؛
۲۰آنگـاه یـهـودیـان به او گـفـتـنـد: «ایـنک اع۶:۱۴
چهل و شش سال[f] کار شده که این قدس
بـنـا شـود و تـو سه روزه آن را قـائم خـواهی
کرد؟» ۲۱امـا او از قـدس تن خـود[g] سخن ۱-قرن۶:۱۹
می گفت. ۲۲وقتی که از میان مردگان قیام
کرد شاگردانش به خاطر آوردند که این را ۱۲:۱۶؛ ۱۴:۲۶؛ ۵:۳۹
می گـفـت و به نـوشـتـهٔ مـقـدس و به سـخـن
عیسی که گفته بود ایمان آوردند[h].

ایمانی که کافی نیست

۲۳چون در جشن گـذر در اورشـلیم بود،
بسیاری با دیدن نشانه هائی که انجام می داد
به نـام او ایـمـان آوردنـد[i]. ۲۴امـا عـیـسـی به ۴:۴۵؛ ۷:۳۱؛ ۱۱:۴۷-۴۸
آنـان اعـتـمـاد نـداشـت[j] زیـرا هـمه آنـان را ۶:۱۵

b- منظور حیواناتی است که مردم برای قربانی کردن می‌خریدند و سکه هایی که مجاز بودند به معبد تقدیم کنند و همهٔ اینها نشانه و مظهر ترکیب و نظامی است که از این پس کهنه شده و اعتباری ندارد. [بعضی از مفسرین به این نکته اشاره می کنند که کلمه ta در زبان یونانی دو معنی دارد: «رو» و «یعنی» که در این ترجمه از معنی دوم استفاده شده که نشان می‌دهد عیسی از تازیانه فقط برای بیرون راندن گاوان و گوسفندان استفاده کرده و نه آدمیان.]

c- شاگردان با یادآوری مز۶۹:۱۰ (ترجمه هفتاد تنان به زبان یونانی) معنی این واقعه را روشن می کنند. کلیسای اولیه جنبهٔ مسیحایی آن را تشخیص داده و در این واقعه اعلام رنجها و صلیب عیسی را دیده است (بکار بردن فعل به صورت آینده و محتوای کلی مطالب انجیل، این نکته را القا می نماید).

d- درنظر یهودیان، اقتداری که عیسی در مورد امور معبد ادعا می کند بایستی به وسیله عملی خارق العاده تأیید و ثابت شود (ر.ک مر۸:۱۱؛ مت۱۲:۳۸؛ ۱۶:۱؛ لو۱۱:۱۶، ۲۹-۳۰؛ ۱-قرن۱:۲۲).

e- عیسی نشانه ای اعلام می کند که به کلی در سطح دیگری غیر از سطح مخاطبان او است. عبارتی که اناجیل نظیر بکار برده اند (مر۱۴:۵۸؛ ۱۵:۲۹؛ مت۲۶:۶۱؛ ۲۷:۴۰) تغییر داده شده تا با جنبهٔ نمادینی که بعداً آمده تطبیق نماید: یهودیانند که معبد را ویران می کنند و عیسی قادر است آن را در مدت کوتاهی برپا کند.

f- ساختمان معبد هیرودیس در سال ۲۰-۱۹ پیش از میلاد مسیح آغاز شده بود (فلاویوس ژوزف، آثار باستانی یهود ۱۵:۳۸۰). انجیل نگار تاریخ فعالیت عیسی را در سالهای ۲۷-۲۸ میلادی تعیین کرده است. در این تاریخ ساختمان معبد به اتمام نرسیده بود اما قسمت اساسی آن ساخته شده بود.

g- بشریت عیسی جایگاه حضور و تجلی خدا در بین آدمیان است، بنابراین عیسی *معبد* واقعی است و از این پس عبادت و ستایش به او وابسته خواهد بود (۱۴:۱؛ ۵۱:۱؛ ۴:۲۰-۲۴).

h- شاگردان فقط پس از رستاخیز عیسی و اعطای روح القدس، وقایع، سخنان و زندگی زمینی عیسی را درک می نمایند (۱۲:۱۶؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶).

i- انجیل یوحنا همانند اناجیل نظیر شامل مطالب مختصر و چکیده آنها است و اشاره به *نشانه هایی* کرده که روایت نمی نماید (ر.ک۱۲:۳۷؛ ۲۰:۳۰). متی، مرقس و لوقا قسمت اعظم فعالیت های عیسی به استثنای رنجها و صلیب را در جلیل ذکر کرده اند در صورتی که یوحنا قسمت بیشتر اعمال او را در اورشلیم روایت می نماید.

j- فعل یونانی که معمولاً *ایمان آوردن* ترجمه می شود و در آیه۲۳ به همین معنی آمده گاهی با توجه به ترکیب عبارت و محتوای مطلب به مفهوم *اعتماد داشتن* است.

۲:۱ ۴۲،۴۷؛ ۱۶:۳۰ می‌شناخت[k]. ۲۵ و او نیازی نداشت که
کسی درباره آدمی شهادت دهد: زیرا او خود
می‌دانست در [باطن] آدمی چیست.

گفتگو با نیقودیموس

۷:۴۸، ۵۰-۵۲؛ ۱۲:۴۲-۴۳؛ ۱۹:۳۹ ۳ ۱ در میان فریسیان مردی به نام
نیقودیموس بود از بزرگان یهود[l].
۲ وی شبانه نزد عیسی آمده به او گفت:
«ربی ما می‌دانیم که تو از سوی خدا چون
مت ۲۲:۱۶؛ یو ۹:۱۶؛ اع ۱۰:۳۸ استاد آمده‌ای زیرا هیچکس نمی‌تواند این
نشانه‌ها را که تو انجام می‌دهی انجام دهد
مگر آنکه خدا با او باشد.» ۳ عیسی در
پاسخ به او گفت: «آمین، آمین، به تو
مت ۱۸:۳؛ لو ۱۷:۲۱؛ ۱-پطر ۱:۲۳؛ ۱-یو ۵:۱؛ یع ۱:۱۷-۱۸ می‌گویم: هیچکس نمی‌تواند ملکوت
خدا[n] را ببیند مگر آنکه از بالا[m] زاده
شود.» ۴ نیقودیموس به او گفت: «چگونه
ممکن است انسان زاده شود وقتی که
سالخورده باشد؟ آیا می‌تواند بار دیگر در
رحم مادرش وارد شده دوباره زاده شود؟»
۵ عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به تو
حزق ۳۶:۲۵-۲۷؛ مت ۱۹:۲۸؛ روم ۶:۴؛ افس ۵:۲۶؛ تیط ۳:۵؛ ۱-پطر ۱:۳؛ ۲-پطر ۱:۱۱ می‌گویم: هیچکس نمی‌تواند وارد ملکوت
خدا گردد مگر آنکه از آب[o] و روح زاده
شود. ۶ آنچه از تن زاده شده، تن است،
آنچه از روح زاده شده، روح[p]. ۷ تعجب
۶:۶۳؛ غلا ۶:۸؛ مز ۷۸:۳۹؛ ۱-قرن ۱۵:۴۴-۵۰ مکن اگر به تو گفتم: شما بایستی از بالا
زاده شوید. ۸ باد به هر جا که می‌خواهد
می‌وزد و تو صدای آن را می‌شنوی، اما
جا ۱۱:۵؛ بنسی ۱۶:۱۹؛ یو ۱۴:۱۷ نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا
می‌رود[q]. این چنین است هر که از روح
زاده شده باشد. ۹ نیقودیموس در پاسخ به
او گفت: «چگونه چنین امری می‌تواند
روی دهد؟» ۱۰ عیسی در پاسخ او گفت:

k- ر.ک ۱:۴۲ توضیح p. این آیه را می‌توان به طرق مختلفی درک کرد: ۱- عیسی به ایمان این مردان اعتماد ندارد زیرا شیفتگی در برابر کسی که اعمال خارق العاده انجام می‌دهد هنوز ایمان به سخنی که به صورت بشر مجسم شده نمی‌باشد. ۲- او اعتماد ندارد زیرا می‌داند که کسب ایمان، پیمودن راه درازی است و نه هدفی زودگذر و فوری.

l- این شخص عضو سانهدرین بود و به طوری که خواهد آمد تا حدودی از عیسی پیروی می‌کرد (۷:۴۸-۵۲؛ ر.ک ۱۲:۴۲)؛ و در تدفین وی نیز شرکت نمود (۱۹:۳۴). [در مورد سانهدرین ر.ک مر ۸:۲۱ توضیح l]

m- کلمهٔ یونانی anothen که در اینجا بکار رفته و «از بالا» ترجمه شده می‌تواند معانی مختلف داشته باشد: مثلاً از آغاز، مجدداً، از بالا... ضمن گفتگوی عیسی با نیقودیموس، یوحنا با استفاده از دو مفهوم اخیر عبارتی بکار برده که معنی دو پهلو دارد و هم به معنی «از بالا» و هم به معنی «مجدداً» می‌باشد.

n- مفهوم اصطلاح «ملکوت خدا» که یهودیان به کار می‌برند و به کرّات در اناجیل نظیر آمده، معمولاً در نظر یوحنا متضمن اتخاذ روشی در زندگی است که اصولاً تازگی دارد و این موهبت را نمی‌توان بدست آورد مگر آنکه از عالم بالا یعنی از سوی خدا عطا شود. یوحنا آن را *زندگی جاودان* یا *زندگی* به طور مطلق می‌نامد. موضوع دیگری که مطرح کرده یعنی تولد دوباره در تیط ۳:۵؛ ۱-پطر ۱:۲۳؛ ۱-یو ۲:۲۹؛ ۳:۹؛ ۴:۷؛ ۵:۱ نیز آمده است.

o- ذکر کلمه آب که اشاره به تعمید می‌باشد ممکن است یادآور ورود ایمانداران جدید به جمعیت شاگردان باشد. [لازم به یادآوری است کلمه یونانی pneuma که روح ترجمه شده و در آیه ۶ نیز آمده (آنچه از روح زاده شده) می‌توان روح یا روح القدس تعبیر کرد چنانکه در زبانهای غربی که حروف کوچک و بزرگ وجود دارد آن را با حروف بزرگ می‌نویسند.]

p- کلمه یونانی sarx که در اینجا *تن* ترجمه شده به مفهوم طبیعت بشری با امکانات و محدودیت‌های مربوطه می‌باشد و به طور کلی بیانگر زندگی زمینی است بدون اینکه هیچ گونه تحقیری برای آن قائل شود (ر.ک ۱:۱۴)؛ کلمهٔ *روح* (pneuma) قدرت الهی را نشان می‌دهد، منبع وجود و زندگی مسیحی و روش و رفتاری که متضمن آن است.

q- در نوشته‌های قدما اکثراً جنبهٔ اسرارآمیز *باد* را با عمل خدایی مقایسه و تشبیه کرده‌اند (جا ۱۱:۵؛ امث ۳۰:۴؛ بنسی ۱۶:۲۱). ضمناً کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار می‌رود هم به معنی باد و هم به معنی روح است و این مقایسه را تسهیل می‌کند.

«تـو اسـتـاد اسـرائـیل هـسـتی و این را
نمی دانی[r]! ۱۱آمین، آمین، به تو می گویم:
ما از آنچه می دانیم[s] سخن می گوئیم و به
آنچه دیده ایم شهادت می دهیم و شهادت
مـا را شـمـا نمی پـذیـریـد. ۱۲اگـر از امـور
زمینی به شما می گویم و ایمان نمی آورید،
وقتی از امور آسمانی به شما بگویم چگونه
ایمـان خـواهـید آورد[t]؟ ۱۳و هـیچکس به
آسـمـان بالا نـرفـته مگـر آن که از آسـمـان
فـرود آمـده [یـعـنی] پـسـر انـسـان که در
آسمان است[u]. ۱۴و همان گونه که موسی
مار را در صحرا بالا برد[v]، همچنین پسر
انسان نیز باید بالا برده شود[w]. ۱۵تا هر
که به او ایمـان آورد، زنـدگـانی جـاودانی
یـابـد. ۱۶زیـرا خـدا جـهـان را به قـدری
محبت نموده که پسر خود، آن یگـانه را
داده تـا هـر که به او ایمـان آورد هلاک
نشود بلکه زندگانی جاودانی یابد. ۱۷زیرا
خدا، پسر را به جهان نفرستاده تا جهان را
داوری کـنـد بـلـکه تـا جـهـان به وسیله او
نجـات یـابـد. ۱۸آن که به او ایمان آورد،
داوری نمی شـود، آن که ایمـان نـیـاورد
هم اکنون داوری شده است[x] زیرا به نام[y]
پسـر یگـانه خدا، ایمـان نیـاورده است.
۱۹داوری چنین است: نور به جهان آمده و
مردم تـاریکی ها را بیشتـر از نور محبت
کرده انـد زیـرا عمل ایشان شرورانه بوده
است[z]. ۲۰زیـرا هر کس بـدی می کـنـد از
نـور مـتـنـفـر است و به سـوی نـور نمی آیـد
مبادا اعمـالش سرزنش شود[a]. ۲۱اما آن

۳۰:۹؛ روم۲:۲۰-۲۱؛ ۳:۳۲؛ ۱۹:۵؛ ۱۶:۷؛ ۲۸،۲۶:۸؛ ۴۹:۱۲؛ ۲۴:۱۴؛ ۱-قرن۲:۱۴
۶:۶۰-۶۲؛ حک۹:۱۶ امث۳۰:۴؛ تث۳۰:۱۲؛ فی۳:۱۹؛ افس۴:۹
اعد۲۱:۸-۹؛ حک۱۶:۵-۷؛ یو۸:۲۸؛ ۱۲:۳۲،۳۴؛ ۳۲:۱۸
پید۲۲:۱۶؛ روم۵:۸؛ ۸:۳۲؛ مت۲۱:۳۷؛ ۱-یو۴:۹-۱۰
۱۲:۴۷؛ ۵:۲۲-۳۰؛ ۸:۱۵-۱۶؛ اع ۱۷:۳۱؛ ۲ـ قرن ۵:۱۹ ۳:۳۶؛ ۵:۲۴ مر ۱۶:۱۶ اع ۴:۱۲
۱:۵، ۹-۱۱ ۸:۱۲؛ ۱۲:۴۸؛ ۱ـ یو ۱:۷؛
افس ۵:۱۳؛ ایوب۲۴:۱۳-۱۷

r- انسان اگر به خود واگذار شده باشد نمی تواند امور مربوط به روح القدس را بشناسد. دانش اسرائیل هم از شناخت کامل این امر باز می ماند بلکه سخن عیسی لازم است زیرا که فقط او تجربه مستقیم و نزدیک از حقایق الهی دارد (۶:۴۳؛ ۱:۱۸) و این سخن بایستی در ایمان پذیرفته شود.

s- در اینجا که فعل به صورت جمع آمده آیا به سبب عظمت و جلال گوینـده است یا انعکاس گفتاری است که به وسیله آن شاگردان به اهمیت تجربه خود شهادت می دهند؟ همچنین می توان این گونه تفسیر کرد که شاگردان به نوبهٔ خود ندای عیسی را منعکس می نمایند (ر.ک۴:۲۲).

t- این آیه را به طرق مختلفی می توان درک و تعبیر نمود: ۱- در درک مکاشفه الهی درجاتی وجود دارد، تا بدین جا عیسی از امور *زمینی* سخن گفته است یعنی مسائلی که در این دنیا می گذرد (تولد نوین آدمیان در زندگی برطبق روح القدس) ولی لازم است نیقودیموس فکر و اندیشه خود را بگشاید تا راز عیسی، پسر خدا را شناخته (۳:۱۳) تعالی و شکوه او را بر روی صلیب درک نماید (۳:۱۴-۱۵). ۲- *امور زمینی* عبارت از شهادت عیسی است که جسم بشری یافته یا شهادت شاگردان او است در صورتی که *امور آسمانی* مربوط به عیسای صعود کرده و روح القدس می باشد (۳:۱۳).

u- در تعدادی از نسخ خطی که مربوط به اسکندریه است عبارت «که در آسمان است» وجود ندارد ولی در نسخه های دیگر و در ترجمه های پدران کلیسا این عبارت آمده است.

v- اشاره به *مار مفرغی* است که موسی در صحرا برپا کرده بود و مار زدگانی که با ایمان به آن نگاه می کردند شفا می یافتند (ر.ک اعد ۲۱:۴-۹؛ حک۱۶:۶-۱۰).

w- عیسی بر روی صلیب بالا برده خواهد شد، صلیبی که محل و نشانهٔ تعالی او در شکوه خواهد بود: ر.ک۸:۲۸-۳۰؛ ۱۲:۳۲-۳۴؛ ۱۸:۳۲. چنین می نماید که یوحنا علاقمند است اصطلاحات و عباراتی بکار برد که از آنها چندین مفهوم می توان درک کرد.

x- «هم اکنون داوری شده است.» به عقیده یهودیان و برطبق تعداد زیادی از متون عهد جدید داوری نهایی در پایان تاریخ خواهد بود در صورتی که به نظر یوحنا داوری هنگامی انجام می شود که آدمی در حضور عیسی (و مخصوصاً در برابر صلیب او ۱۶:۱۱) قرار گرفته پیام او را نپذیرد (ر.ک۳:۱۹-۲۱).

y- ر.ک۱:۱۲، توضیح o.

z- آدمیان برطبق این که می پذیرند یا رد می کنند به دو قسمت تقسیم می شوند (ر.ک۹:۳۹-۴۱؛ ۱۲:۳۷-۵۰).

a- کلام خدا ،کسی را که بدی می کند افشاء می نماید و همین امر، داوری یا محکومیت کسی است که خدا را نمی پذیرد.

طو ۶:۴ یونانی؛ ۱-یو ۱:۶؛ مت ۵:۱۴-۱۶ کس که راستی را برپا می‌دارد[b]، به سوی
نور می‌آید، برای آنکه نمایان شود که
کارهایش در خدا انجام می‌گردد[c].»

یحیی و عیسی

[22]بعد از آن، عیسی با شاگردانش به
سرزمین یهودیه آمد و در آنجا با آنان
۳:۲۶؛ ۴:۱-۲ اقامت کرده تعمید می‌داد. [23]یحیی نیز در
مت ۳:۶ عینون نزدیک «سالیم» تعمید می‌داد زیرا
در آنجا آب بسیار بود[d] و مردم آنجا حاضر
مت ۱۴:۳؛ لو ۳:۲۰؛ لو ۷:۱۸؛ یو ۱۲:۱۹ شده تعمید می‌یافتند. [24]زیرا یحیی هنوز
به زندان نیفتاده بود. [25]پس در آنجا بحثی
بین شاگردان یحیی و فردی یهودی[e] دربارهٔ
طهارت درگرفت. [26]و آنان به سوی یحیی[f]
آمده به او گفتند: «ربی آن کس که با تو در
آن سوی اردن بود، آن که دربارهٔ او شهادت
داده‌ای، اینک او تعمید می‌دهد و همه
به سوی او می‌آیند!» [27]یحیی پاسخ داده
۱۱:۱۹؛ ۱-قرن ۴:۷؛ عبر ۵:۴؛ یع ۱:۱۷ گفت: «انسان نمی‌تواند چیزی بگیرد، مگر
آنکه از آسمان به او داده شده باشد.
[28]شما خود شهادت می‌دهید که گفته‌ام:
۱:۱۹-۲۷؛ ملا ۳:۱؛ مت ۱۱:۱۰؛ مر ۱:۲؛ مت ۹:۱۵؛ مر ۲:۱۹ ''من مسیح نیستم. اما پیش از او فرستاده
شده‌ام.'' [29]آن که عروس را دارد، داماد[g]
است. اما دوست داماد[h] که در آنجا ایستاده
و به او گوش می‌دهد[i] از صدای داماد بسیار
شاد است[ii]. چنین است شادی من که به
۲-سمو ۳:۱ کمال است. [30]باید که او افزون شود و من
کاهش یابم.

آن که از بالا می‌آید

۸:۲۳؛ ۱-یو ۴:۵ [31]«آن که از بالا می‌آید، برتر از همه
است. آن که از زمین است زمینی است و
زمینی[j] سخن می‌گوید. آن که از آسمان
می‌آید[k] برتر از همه است. [32]به آنچه دیده

b- ترکیب این عبارت که یوحنا بکار برده کاملاً یهودی است. در نظر یهودیان این راستی در تورات نشان داده شده است (ر.ک۱۷:۷) به نظر یوحنا *راستی* را بر پا ساختن بدان معنی است که ارادهٔ خدا را به همان نحوی که درک می‌شود انجام دهند (ر.ک۱۸:۳۷)، بدین گونه به الهام کلام خدا که در عیسی داده شده ایمان آورده و به این ایمان عمل می‌کنند.

c- کسی که عمل خوب انجام می‌دهد هم‌اکنون به نحوی در شراکت با خدا است و این شراکت به ملاقات کامل که در پسر او انجام می‌شود منجر می‌گردد (۱۷:۶-۹).

d- یوحنا در اینجا اطلاعاتی را ذکر می‌کند که در اناجیل نظیر وجود ندارد؛ موقعیت [دقیق] این محل معلوم نیست. [کلمه آرامی «عینون» به معنی چشمه ها است. برخی از مفسرین، این محل را شهر سالیم در ۵ کیلومتری شرق شکیم در سامره می‌دانند (پید۳۳:۱۸-۱۹؛ یو۴:۵). ۹ کیلومتر دورتر از شهر سالیم، چشمه های (عینون) رودخانه «فارعه» به سوی رود اردن جریان دارد. طبق این تفسیر به نظر می‌آید که یحیی گاهی اوقات در سامره که چند کیلومتر دورتر از چاه یعقوب بوده فعالیت داشته است، نزدیک به جایی که عیسی با زن سامری ملاقات نمود. این تفسیر بعضی از کلمات عیسی در آن محل را توضیح می‌دهد (یو۴:۳۷-۳۸)].

e- در تعدادی از نسخ خطی نوشته شده است: *یهودیان*.

f- یوحنا به کرّات به یحیی تعمید دهنده اشاره می‌کند (ر.ک ۱:۶-۹، ۱۵، ۱۹-۳۴، ۳۵؛ ۵:۳۵؛ ۱۰:۴۱) و او را به عنوان شاهدی معرفی می‌نماید که گواهی می‌دهد عیسی پسر خدا است. شکی نیست که این متون انعکاس مشاجره و اختلافی است که با شاگردان یحیی وجود داشته زیرا برخی او را مسیح می‌دانستند (ر.ک اع۱۹:۱-۷). بنابراین یوحنا در نوشته های خود به طور غیرمستقیم بحث و استدلال نموده و اظهار می‌کند که عیسی فرستادهٔ خدا است و یحیی فقط شاهد او است.

g- در عهد عتیق گاهی اسرائیل به عنوان زوجهٔ خداوند بشمار آمده است (هو۲:۲۱؛ حزق۱۶:۸؛ اش۶۲:۴-۵). در عهد جدید کلیسا زوجهٔ مسیح است (۲-قرن۱۱:۲؛ افس۵:۲۵-۳۱؛ مکا۲۱:۲؛ ۲۲:۱۷). یوحنا عیسی را به عنوان رئیس قوم زمان آخر می‌شناسد.

h- برطبق رسوم و عادات یهودیان، در جشنهای عروسی، *دوستان داماد* وظایفی در ترتیب دادن جشن برعهده داشتند.

i- یحیی در وضعیت خدمتگزاری است؛ گوش دادن متضمن توجه داشتن و اطاعت کردن است.

ii- [تحت‌اللفظی طبق دستور زبان آرامی: از شادی شادمان است].

j- در ماورای گواهی یحیی تعمید دهنده، این قسمت شرح و توضیحاتی را که در۳:۱-۲۱ داده شده به پایان می‌رساند. *زمین* مظهر حیطهٔ مخلوقات و محدودیت‌های مربوط به آن است و در برابر *آسمان* یعنی خدا است، خدایی که فرستادهٔ او و عیسی در موقعیت او سهیم است.

k- در تعدادی از نسخ خطی جملهٔ «برتر از همه است» وجود ندارد.

۳:۱۱؛ و شنیده است شهادت می‌دهد و شهادتش
را هیچکس نمی‌پذیرد. [۳۳]آن کس که
۷:۲۸؛ ۱-یو ۵:۱۰ شهادتش را می‌پذیرد تأئید می‌نماید[l] که
خدا راست است. [۳۴]درواقع آن کس را که
۱:۱، ۳۲؛ ۳:۱۱؛ ۱۳:۳؛ خدا فرستاده است سخنان خدا را
۱۶:۲۷؛ می‌گوید[m] زیرا خدا روح را به اندازه
۱۷:۲، ۲۳؛ مت ۲۸:۱۸ نمی‌دهد[n]. [۳۵]پدر پسر را محبت می‌کند و
همه چیز را به دست او سپرده است[o]. [۳۶]آن
۵:۲۰؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۵:۹ که به پسر ایمان دارد، زندگی جاودانی
۳:۱۶-۱۸؛ دارد. آن که ایمان به پسر را نمی‌پذیرد
۱-یو ۵:۱۲؛ مت ۳:۷؛ زندگی را نخواهد دید بلکه خشم خدا بر او
روم ۲:۸؛ افس ۲:۳ می‌ماند[p].»

گفتگو با زن سامری

۴

[۱]چون خداوند دانست که فریسیان
شنیده‌اند که عیسی بیش از یحیی
۳:۲۲؛ مت ۳:۶ ۱-قرن ۱:۱۷ شاگرد تعلیم و تعمید می‌دهد،
[۲]هر چند خود عیسی نبود که تعمید می‌داد
بلکه شاگردانش، [۳]یهودیه را ترک کرد و ۱-قرن۱:۱۷
مجدداً به سوی جلیل رفت. [۴]می‌بایست از
میان سامره عبور می‌کرد[q]. [۵]پس به شهری لو ۹:۵۲-۵۵؛ ۱۷:۱۱
از سامره به نام «سوخار» در نزدیک ملکی پید ۳۳:۱۹؛ ۴۸:۲۲؛
که یعقوب به پسرش یوسف داده بود آمد. یوشع ۲۴:۳۲
[۶]چشمه یعقوب[r] در آنجا بود، پس عیسی، ۴:۱۲
خسته از راه روی، کنار چشمه نشسته بود و مر ۴:۳۸
این در حدود ساعت ششم بود[s]. [۷]زنی
سامری برای کشیدن آب آمد. عیسی به او ۱۹:۲۸
گفت: «به من آب بده». [۸]زیرا شاگردانش
برای خرید خوراکی به شهر رفته بودند. ۴:۳۱؛ ۶:۵؛ مر ۶:۳۷
[۹]پس زن سامری به او گفت: «چطور! تو لو ۹:۵۲-۵۳؛ ۱۰:۲۹-۳۷؛
که یهودی هستی از من که زنی سامری‌ام ۱۷:۱۱، ۱۹؛
آب می‌خواهی!» زیرا یهودیان با سامریان عز ۴:۳-۶؛ ۱۰:۱۰، ۴۴
مراوده ندارند[t]. [۱۰]عیسی در پاسخ او گفت:
«اگر موهبت خدا را می‌دانستی و کیست ۴:۲۶؛ ۷:۳۷-۳۸؛
آن که به تو می‌گوید آب به من بده، خودت اع ۸:۲۰
از او می‌خواستی و او به تو آب زندگی[u] ۶:۵۶؛ مکا ۲۱:۶؛ ۲۲:۱۷

l- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: *با مُهر* تأیید می‌کند.
m- به طوری که در سرتاسر انجیل چهارم آمده عیسی فرستادهٔ به اعلی درجه و پسر یکتا است. یوحنا اکثراً این کلمه را در مورد عیسی بکار می‌برد (ر.ک۵:۱۹-۳۰؛ ۹:۷).
n- می‌توان این عبارت را چنین درک کرد: فرستاده خدا، روح‌القدس را به فراوانی به ایمانداران می‌دهد.
o- گاهی ترجمه می‌کنند: *او همه چیز را به دست وی داده است*.
p- ایمان که عبارت از گرایش با توکل به شخص پسر است تنها شرط دریافت زندگانی جاودان می‌باشد. بالعکس امتناع از ایمان آوردن، آدمی را بلامحافظ در برابر خشم خدا قرار می‌دهد که داوری او بشمار می‌رود.
q- البته عیسی می‌توانست بدون اینکه از سرزمین سامره عبور کند به جلیل برود (بدین معنی که در امتداد درّه رود اُردن بالا برود)، ولی یوحنا می‌خواهد یکی از وقایع مهم رسالت عیسی را در سرزمین سامره روایت کند. شاید بدین سبب که جماعت ایمانداران او با محافل سامریان ارتباط و نزدیکی داشته یا اینکه ملاقات با زن سامری پیش‌نمودی از مأموریت کلیسا در مورد ملت‌های غیریهودی می‌باشد (ر.ک۴:۲۷-۳۸؛ ۱۲:۲۰-۲۴).
r- منظور آبی است که در ته چاهی نسبتاً عمیق غلیان می‌کند.
s- ساعت ششم یعنی ظهر و وسط روز که روشنایی به حدّاکثر می‌رسد.
t- انشعاب *سامریان* در دوران پس از تبعید یهودیان بوجود آمد. این انشعاب عکس‌العملی برضد اصلاحات و سخت‌گیریهای مربوط به آن بود و منجر به اختلافات شدید بین یهودیان و سامریان شده بود. یک فرد یهودی بایستی از هرگونه تماس با ناپاکان خودداری کند و البته به *دلیل بالاتر*، از آنان خوراکی درخواست ننماید (ر.ک بنسی۵۰:۲۵-۲۶؛ لو۹:۵۲؛ ۱۰:۳۳؛ مت۱۰:۵). [علاوه بر این یک مرد تنها اجازه صحبت کردن با زنی تنها را نداشت].
u- [تحت‌اللفظی: آب زنده (یعنی آبی که از سرچشمه جاری می‌شود.)] در نوشته‌های کهن تفاوت آبهای راکد (یا آبهای مرده) در برابر آبهای روان (یا آبهای زنده) موضوعی معمولی و شناخته شده است (ار۲:۱۳). عیسی نظیر موقعی که با نیقودیموس گفتگو می‌کرد از طریق سلسله مطالبی که در مخاطب خود سوءتفاهم ایجاد می‌کند خود را به صورت موجودی مرموز و عجیب می‌شناساند.

می‌داد.» ۱۱ زن به او گفت: «خداوندا[v]،
چیزی برای کشیدن آب نداری و چاه عمیق
است، پس این آب زندگی را از کجا ۶:۳۱-۳۲؛
داری؟ ۱۲ آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتر ۸:۵۳؛ مت ۱۲:۴۱-۴۲
هستی که این چاه را به ما داد و خودش و
پسرانش و دامهایش از آن نوشیدند؟»
۱۳ عیسی در پاسخ او گفت: «هر که از این ار ۲:۱۳
آب بنوشد، باز تشنه خواهد شد. ۱۴ اما
آنکه از آبی بنوشد که من به او خواهم داد، ۶:۳۵؛ ۷:۳۸؛
دیگر هرگز تا به ابد تشنه نخواهد شد: آبی اش ۴۴:۳؛ ۴۹:۱۰؛ ۵۸:۱۱؛
که من به او خواهم داد در او چشمه آبی
جوشان به سوی زندگی جاودان خواهد ۶:۳۴؛
گردید[w].» ۱۵ زن به او گفت: «خداوندا از
این آب به من بده تا دیگر تشنه نشوم و
برای کشیدن آب به اینجا نیایم.» ۱۶ به او
گفت: «برو شوهرت را صدا کن و به اینجا
بیا». ۱۷ زن در پاسخ او گفت: «من شوهر
ندارم.» ۱۸ عیسی به او گفت: «درست
گفتی که «شوهر ندارم» زیرا پنج شوهر[x]
داشته‌ای و آن که اکنون داری شوهرت
نیست. در این باره راست گفتی.» ۱۹ زن به

او گفت: «خداوندا می بینم که تو پیامبر مت ۱۶:۱۴؛ ۲۱:۴۶؛
هستی ...[y]. ۲۰ پدران ما در بالای این کوه[z] یو ۷:۴۰؛ ۹:۱۷
پرستش کرده‌اند و شما می‌گویید در
اورشلیم جائی است که باید در آنجا تث ۱۱:۲۹؛ ۱۲:۵-۱۴
پرستش کرد.» ۲۱ عیسی به او گفت: «ای یوشع ۸:۳۳ مز ۱۲۲:۱-۵
زن به [سخن] من ایمان بیاور، ساعتی
فرا می‌رسد که نه بر بالای این کوه و نه در
اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. اع ۶:۱۴
۲۲ شما آنچه را که نمی‌شناسید پرستش ۲ـ پاد ۱۷، ۲۷-۳۳؛
می‌کنید، ما آن را که می‌شناسیم پرستش اش ۲:۳؛
می‌کنیم زیرا نجات از یهودیان می‌آید. روم ۹:۳-۴؛ ۱۱:۱۸
۲۳ اما ساعتی فرامی‌رسد -و هم اکنون
است- که پرستش کنندگان راستین، پدر ۲:۲۱؛ ۵:۲۵؛
را در روح و راستی[a] پرستش خواهند کرد. افس ۲:۱۸؛ ۱ـ یو ۵:۶
زیرا پرستندگانی که پدر می‌جوید چنین
هستند. ۲۴ خدا روح است[b] و آنانی که او ۲ـ قرن ۳:۱۷؛
را می‌پرستند باید در روح و راستی روم ۱۲:۱؛ فی ۳:۳
بپرستند.» ۲۵ زن به او گفت: «می‌دانم که تث۱۸:۱۸، ۲۲؛
مسیح (که کریستُس می نامند) باید بیاید. یو ۱:۴۱؛ ۱۴:۲۶
وقتی او بیاید همه چیز را به ما نوید خواهد
داد». ۲۶ عیسی به او گفت: «من که با تو

v- عنوان «خداوند» در اینجا فقط جنبهٔ احترام دارد (ر.ک۴:۱۱، ۱۹، ۴۹؛ ۲۰:۱۵) و می توان آن را «*ای آقا*» ترجمه کرد.

w- در این سرزمین که در جوار صحرا قرار دارد*آب* مظهر تمام ارزشهای زندگی است (اش۱۲:۳؛ ار۲:۱۳؛ ۱۷:۱۳) و مخصوصاً مظهر فرزانگی (باروخ۳:۱۲؛ بنسی۱۵:۳؛ ۲۴:۳۰-۳۱) و مظهر شریعت یا روح القدس است (اش۴۴:۳؛ یول۳:۱). یوحنا در اینجا به موهبت روح القدس می اندیشد که زندگی جاودان می بخشد (ر.ک۷:۳۸-۳۹).

x- بعضی از مفسران در این نکته اشاره‌ای به پنج رب‌النوع سامریان می بینند که در ۲-پاد۱۷:۲۹-۴۱ ذکر شده است.

y- زن سامری متوجه می‌شود که عیسی اسرار زندگی او را می‌داند، پس به او به‌عنوان یک مرد خدا سلام کرده و درخواست می‌کند مسئله مهم و تعیین کننده مربوط به پرستش واقعی را روشن نماید (ر.ک۱:۴۲ توضیح p).

z- عبادتگاه کوه *جرزیم* را که مشرف بر شکیم کهن بود هیرکان در ۱۲۹ قبل از میلاد مسیح ویران کرده بود. این محل عالی‌ترین مکان پرستش برای سامریان بوده است. [پرستش کرده‌اند در ترجمهٔ تحت‌اللفظی: سجده کرده‌اند.]

a- موهبت روح‌القدس انسان را قادر می‌سازد که خدا را به‌عنوان پدر شناخته پرستش کند: و پرستش در راستی به همین معنی است. این روش پرستش از مشخصات زمان آخر است. از آن پس دوران هر نوع پرستش دیگری و مخصوصاً آنچه در معبد اورشلیم برگزار می‌شود کهنه شده و سرآمده است (ر.ک اع۷:۴۷-۴۸).

b- در اینجا منظور آن نیست که جنبهٔ غیرمادی خدا یادآوری و تأکید شود بلکه گفته می‌شود که او منبع موهبت‌های روحانی است که وجود هر آفریده‌ای را متعالی می‌سازند.

۹:۳۷؛ مر ۱۴:۶۱-۶۲ سخن می گویم من همان هستم[c].» ۲۷در
همان وقت شاگردانش آمدند و از اینکه با
زنی حرف می‌زد تعجب کردند، با وجود
این هیچ یک نگفتند: «چه می خواهی؟» یا
«چرا با او حرف می‌زنی[d]؟» ۲۸پس زن
کوزه اش را گذاشته به سوی شهر رفت و به
۷:۲۶؛ مت ۱۲:۲۳ مردمان گفت: ۲۹«بیائید انسانی را ببینید
که همه آنچه کرده ام به من گفته است. آیا
او مسیح نیست؟» ۳۰آنان از شهر خارج
شده به سوی او می‌آمدند. ۳۱در این بین
شاگردان از او خواهش کرده می گفتند:
«ربی بخور». ۳۲اما به ایشان گفت: «من
خوراکی برای خوردن دارم که شما
نمی دانید.» ۳۳آنگاه شاگردان به یکدیگر
می گفتند: «آیا کسی برای او چیزی برای
خوردن آورده است؟» ۳۴عیسی به ایشان
۱:۱؛ ۵:۳۰؛ ۶:۳۸-۴۰؛ ۱۷:۴؛ ۱۹:۳۰ گفت: «خوراک من این است که ارادهٔ آن
که مرا فرستاده انجام دهم و عمل او را
تحقق بخشم ۳۵آیا خودتان نمی گوئید:
مت ۹:۳۷-۳۸؛ لو ۱۰:۲؛ اع ۸:۲۵؛ مکا ۱۴:۱۵ چهار ماه دیگر موسم درو می‌رسد. اینک به
شما می گویم: چشمها را بلند کنید و
کشتزارها را تماشا کنید که برای درو کردن
سفید شده اند[e]. ۳۶از این پس دروگر مز ۱۲۶:۵-۶؛ اش ۹:۲
مزدش را دریافت می کند و میوه‌ای برای
زندگانی جاودانی برداشت می کند تا
بذرافشان و دروگر با هم شاد شوند. ۳۷زیرا
در این مورد راست گفته اند که: یکی بذر
می افشاند و دیگری درو می کند. ۳۸من میک ۶:۱۵؛ ۱-قرن ۳:۶
شما را فرستاده ام تا آنچه را که برای آن
زحمت نکشیده اید درو کنید. دیگران
زحمت کشیده اند و شما از زحمت ایشان اع ۸:۱۴-۱۷
بهره می برید[f].» ۳۹بسیاری از سامریان این
شهر به خاطر حرف این زن که شهادت
می داد «هر آنچه کرده ام به من گفته است»
به او ایمان آوردند. ۴۰پس وقتی سامریان لو ۹:۵۲؛ مت ۸:۳۴؛ اع ۱۰:۴۸؛ ۱۸:۲۰
نزد او آمدند از او خواهش کردند با ایشان
بماند و او دو روز در آنجا ماند. ۴۱و کسان
بیشتری به خاطر سخن وی ایمان آوردند. اع ۸:۸
۴۲و به آن زن می گفتند: «دیگر به خاطر
گفته های تو نیست که ایمان می‌آوریم.
خودمان شنیده ایم[g] و می دانیم که به راستی
او منجی جهان است[h].» ۳:۱۷؛ ۱-یو ۴:۱۴

c- عیسی در ماورای اظهاراتی که درباره مسیح بودن خود می نماید پاسخی می‌دهد که از نظر علم الهی ارزش و دامنه وسیع تری دارد زیرا عبارتی را که خدا به موسی اظهار کرده است: «من هستم»، عیسی در مورد خود بکار می برد (خروج۳:۱۴-۱۵؛ هو۱:۹؛ ر.ک۸:۲۴، ۲۸، ۵۸؛ ۱۳:۱۹).

d- تعجب شاگردان فقط بدین سبب نیست که گفتگوی مردی با زنی برخلاف عادات و رسوم آن دوران بوده بلکه تعجب می کنند که عیسی کلام خدا را به زنی اظهار می نماید، به علاوه این زن سامری است. شاگردان درنیافته اند که عیسی در جستجوی چیزی است که پدر جستجو می کند (ر.ک۴:۲۳).

e- با نگاه به کشتزارها به دقت می توان برآورد کرد که چه مدتی تا برداشت محصول مانده است ولی هنگام برداشت *محصول* زمان آخر آغاز شده و بایستی به تمام مناطق دنیا گسترش یابد (۴:۴۲). سامریان که نزدیک می شوند نخستین محصول و نوبر آن بشمار می‌آیند (ر.ک مت۹:۳۷-۳۸؛ لو۱۰:۲).

f- شاگردان عیسی دروگران زمان آخر خواهند بود. ایشان آنچه را که به قیمت رنج و زحمت دیگران کاشته شده است برمی چینند. این نکته اشاره به پیامبران کهن و مخصوصاً اشاره به [یحیی، ر.ک ۳:۲۲] و عیسی است.

g- شهادت زن سامری و نیز شهادت رسولان در اینده، حتماً منجر به ایمان نمی شود مگر اینکه موقعیتی برای ملاقات و برخورد با گفتار و شخص عیسی باشد.

h- عنوان منجی گاهی در عهد عتیق به خدا نسبت داده شده است (اش۱۹:۲۰؛ ۴۳:۳) ولی در دنیای یونانی گاهی این عنوان به امپراتور داده می شد. نویسندگان عهد جدید این عنوان را عموماً در مورد عیسی بکار برده اند (مت۱:۲۱؛ لو۱:۴۷؛ ۲:۱۱؛ اع۵:۳۱؛ ۱۳:۲۳؛ فی۳:۲۰) یوحنا تنها کسی است که عنوان منجی *جهان* بکار می برد (۱-یو۴:۱۴) و بدین وسیله جنبه عالمگیری نجات را یادآوری و تأیید می نماید؛ این عنوان که در پایان روایت زن سامری ذکر شده نشان می‌دهد که روایت ارزش نمادین دارد.

نشانهٔ دوم قانا

۴۳ پس از این دو روز از آنجا به جلیل
رفت. ۴۴ زیرا خود عیسی تأیید کرده بود[hh]
که هیچ پیامبری در موطن خود مورد تکریم مت ۱۳:۵۷؛
نیست[i]. ۴۵ پس هنگامی که به جلیل آمد، مر ۶:۴؛ لو ۴:۲۴
جلیلیان از او به‌خوبی پذیرایی کردند
به خاطر همه کارهایی که به هنگام جشن در ۲:۲۳
اورشلیم از او دیده بودند زیرا آنان نیز
برای جشن آمده بودند[j].
۴۶ پس بار دیگر به قانای جلیل که در ۲:۱-۱۱؛
آنجا آب را شراب کرده بود باز آمد. در مت ۸:۵-۱۳؛ لو ۷:۱-۱۰
آنجا یک افسر شاهی بود که پسرش در
کفرناحوم بیمار بود[k]. ۴۷ وقتی شنید که
عیسی از یهودیه به جلیل آمده است، به
سویش آمد و از او خواهش می کرد که فرود
آمده[l] پسرش را شفا دهد زیرا پسرش دم
مرگ بود. ۴۸ پس عیسی به او گفت: «اگر
نشانه ها و کرامات نبینید، ایمان نخواهید مت ۱۲:۳۸؛ ۱۶:۱-۴؛
آورد[m].» ۴۹ افسر شاهی به او گفت: مر ۸:۱۱-۱۲؛ لو ۱۱:۲۹-۳۲؛
«خداوندا پیش از آنکه کودکم بمیرد فرود حک ۸:۸؛ ۱ـ قرن ۱:۲۲
آی.» ۵۰ عیسی به او گفت: «برو، پسرت مت ۸:۱۰-۱۳؛
زنده است.» مرد به سخنی که عیسی به او مر ۷:۲۹؛ ۱ـ پاد ۱۷:۲۳
گفته بود ایمان آورده به راه افتاد. ۵۱ چون مر ۷:۳۰
به پایین می‌رفت بردگانش به استقبال آمده
به او گفتند که کودکش زنده است. ۵۲ پس
از آنان سؤال کرد در چه ساعتی حالش بهتر
شد؟ به او گفتند: «دیروز، ساعت هفتم بود
که تبش قطع شد.» ۵۳ آنگاه پدر دانست اع ۱۱:۱۴؛
که در همان ساعت عیسی به او گفته بود: ۱۶:۱۴-۱۵، ۳۱
«. . . پسرت زنده است» و او و تمام اهل
خانه[n] ایمان آوردند. ۵۴ این بود نشانه دوم ۲:۱۱
که عیسی در بازگشت از یهودیه به جلیل
انجام داد.

hh- [تحت‌اللفظی: شهادت داده بود.]

i- مفهوم این عبارت مبهم است زیرا یوحنا در هیچ مورد اشاره‌ای نکرده که در ناصره، عیسی را از روی بی ایمانی و با تردید پذیرفته باشند (ر.ک مت۱۳:۵۴-۵۸؛ مر۶:۱-۶؛ لو۴:۱۶-۳۰). بنابراین آیا می توان تصور نمود که اورشلیم را به‌عنوان موطن واقعی عیسی بشمار می‌آورد؟ اگر این افسر [ر.ک آیه ۴۶] فرد بت پرستی است می توان او را مظهر و نمایندهٔ دسترسی مشرکان به زندگی شناخت (منظور از خارجیان و مشرکان افراد غیریهودی هستند) و در مقابل بی‌ایمانی یهودیان (ر.ک ۱:۱۹ توضیح c؛ ۴:۱-۳).

j- ترجمه دیگر: *با این‌همه وقتی به جلیل رسید جلیلیان از او خوب پذیرایی کردند زیرا توانسته بودند همه آنچه را که عیسی کرده بود ببینند چون او هم برای جشن به اورشلیم رفته بود.*

k- این افسر وابسته به شخص پادشاه هیرودیس آنتیپاس است و در روایتی که در اینجا آورده شده چندین نکته وجود دارد که واقعه سنتوریون را به یاد می‌آورند (مت۸:۵-۱۳؛ لو۷:۱-۱۰).

l- شهر کفرناحوم در کنار دریاچه قرار دارد و در میان دامنه های ارتفاعات کاملاً محصور می باشد بنابراین برای رفتن به آنجا بایستی مدت زیادی در سرازیری پایین رفت.

m- ر.ک۲:۲۴ توضیح k. ایمانی که محدود به آن باشد که مرتباً تقاضای معجزه کنند کافی نیست بلکه فقط ایمان بدون تردید به عیسی و گفتار او به زندگی منجر می شود. در سرتاسر این روایت، ارتباط بین ایمان و زندگی و همچنین تقابل مرگ و زندگی ملاحظه می شود: عیسی سرچشمه آب زندگی (۴:۴-۲۶) کسانی را که به او ایمان می‌آورند از مرگ به سوی زندگی منتقل می سازد (ر.ک۵:۱۹-۳۰).

n- تحت‌اللفظی: *خانه‌اش*.

شفای یك مفلوج در اورشلیم

۵
[۱]پس از آن جشن یهودیان[o] بود و
عیسی به اورشلیم فراز آمد. [۲]باری
در اورشلیم نزدیک دروازه برّه ها استخری ۹:۷؛ نح ۳:۱، ۳۲
است که به عبری بیت حسدا[p] نامیده
می شود که پنج رواق دارد [۳]و در زیر آنها
انبوهی از بیماران، کوران، لنگان و عاجزان
بسر می بردند [که در انتظار غلیان آب
می بودند [۴]زیرا فرشته خداوند گاهگاهی در
استخر فرود آمده آب به حرکت درمی آمد،
پس اولین کسی که بعد از حرکت آب داخل
آن می شد، بیماریش هرچه بود بهبود
می یافت[q].] [۵]در آنجا مردی بود که سی و لو ۸:۲۹
هشت سال از بیماریش رنج می برد[r].
[۶]عیسی چون او را دید که دراز کشیده و
می دانست مدت درازی است که به این
حال است به او گفت: «آیا می خواهی بهبود
یابی؟» [۷][مرد] بیمار به او پاسخ داد:
«خداوندا[s] من کسی را ندارم که وقتی آب
به حرکت درمی آید مرا به استخر بیندازد و
تا خود به آنجا می روم، دیگری پیش از من
فرو رفته است. [۸]عیسی به او گفت: «قیام مت ۹:۶؛
کن! بستر خود را بردار و راه برو!» [۹]در مر ۲:۱۱؛ لو ۵:۲۴
همان دم مرد بهبود یافته بستر خود را
برداشته راه می رفت. آن روز یک روز ۹:۱۴؛
سبت بود، [۱۰]پس یهودیان به آن کس که لو ۱۳:۱۴
شفا یافته بود می گفتند: «روز سبت تو ار ۱۷:۲۱-۲۷؛
مجاز نیستی بستر خودت را حمل کنی[t].» خروج ۲۰:۸؛ مت ۱۲:۱-۸
[۱۱]اما او به ایشان پاسخ داد: «آن کس که
مرا بهبودی داده است او به من گفت: بستر
خود را بردار و راه برو» [۱۲]از او پرسیدند:
«کیست مردی که به تو گفت بستر خود را
بردار و راه برو.» [۱۳]اما آن که شفا یافته
بود نمی دانست او کیست زیرا عیسی ناپدید مت ۸:۱۸؛ ۱۳:۳۸؛
شده بود چون در آنجا ازدحام جمعیت بود. مر ۴:۳۶؛ ۷:۱۷؛
[۱۴]پس از آن عیسی او را در معبد یافت و به یو ۶:۲-۳، ۱۵
او گفت: «اکنون بهبود یافته ای، دیگر گناه مت ۹:۲؛
مکن مبادا به تو چیز بدتری برسد[u].» [۱۵]مرد اع ۳:۸

o- منظور یکی از جشن های مهم یهودیان است ولی به دشواری می توان تعیین کرد که کدام جشن می باشد. در بعضی از نسخ خطی، آن جشن بطور کلی ذکر شده که بایستی به مفهوم جشن گذر یهودیان تعبیر شود. در فاصله بین ۴:۵۴ و ۵:۱ و همچنین ۵:۴۷ و ۶:۱ موضوع مطالب سریعاً تغییر می کند، بدین سبب بعضی از مفسّران تصور می کنند که باب پنجم در اصل بین بابهای ۶ و ۷ یا در بین آیات ۷:۱۴ و ۷:۱۵ قرار داشته است (در این صورت قسمت ۷:۱۵-۲۴ نتیجه گیری مناسبی از مطالب ۵:۱۹-۴۷ خواهد بود) و از این رو جشنی که در ۵:۱ ذکر شده همان جشن گذر خواهد بود که در ۶:۴ آمده است.

p- نام این محل بیت *حسدا یا بیت زاتا*، نام یکی از محله های اورشلیم است که در شمال معبد قرار دارد. در حفاریهای جدید، خرابه های استخر کشف شده ولی از پنج رواق اثری به دست نیامده است. در این محل معبدی مختص سراپیس، رب النوع شفابخش یونانیان قرار داشته است.

q- پایان آیه ۳ و تمام آیه ۴ که در داخل قلاب گذاشته شده در تعدادی از نسخ خطی معتبر که خیلی قدیمی هستند وجود ندارد. این مطالب تذکر و توضیحی برای بقیه روایت است.

r- این روایت از بسیاری جهات موضوع شفای مفلوج در مر۲:۱-۱۲ و متون متوازی را به یاد می آورد. [عدد سی و هشت به تث۲:۱۴ اشاره دارد که زمان سرگردانی قوم برگزیده در صحراست. آیا انجیل یوحنا می خواهد اشاره نماید که این مرد مفلوج، نماینده و سمبل قوم برگزیده است که مسیح او را شفا داد؟]

s- ر.ک ۴:۱۱ توضیح v.

t- در میشنا [که مجموعه دستورات و مقررات شرعی یهودیان دکلمه و تشریح شده است] در مورد استراحت روز سبت تصریح گردیده که حمل بار ممنوع می باشد (شبّات ۷:۲).

u- در این متن اظهار نشده که بین گناه و بیماری ارتباط وجود دارد (ر.ک ۹:۳؛ ۱۱:۴)، [ر.ک ۷:۲۳] ولی چنین برمی آید که عمل عیسی منحصر به شفای جسمانی نیست بلکه کسی که به معجزه شفا یافته از این پس باید بر طبق موهبتی که دریافت کرده است زندگی کند. [کلمه بهبودی ۷ بار در این مورد و در مورد کور مادرزاد آمده است].

برفت و به یهودیان اعلام کرد که عیسی بود
که او را بهبودی بخشیده است. ۱۶به این ۱۱:۹
سبب یهودیان عیسی را آزار می‌دادند زیرا مت ۱۴:۱۲
این را در روز سبت انجام می‌داد. ۱۷اما به
ایشان پاسخ داد: «پدرم تاکنون کار
می‌کند، من نیز کار می‌کنم[v].» ۱۸به همین
سبب یهودیان، بیشتر در جستجوی آن بودند
تا او را بکشند زیرا نه فقط [قانون] سبت ۱:۷، ۱۹، ۲۵؛ ۳۳:۱۰؛ ۵۳:۱۱؛
را می‌شکست بلکه خدا را هم پدر خود مت ۵:۱۴؛ ۴:۲۶؛
می‌نامید و خود را با خدا برابر می‌کرد[w]. مر ۱:۱۴

اقتدار پسر

۱۹عیسی به سخن درآمده به ایشان گفت:
«آمین، آمین، به شما می‌گویم: پسر از پیش ۵:۳۰؛ ۸:۲۸
خود هیچ نمی‌تواند بکند مگر آنچه را که
می‌بیند پدر می‌کند، زیرا آنچه او می‌کند،
پسر نیز به همان‌گونه می‌کند[x]. ۲۰زیرا پدر ۳:۳۵؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۴:۱۲؛ ۱۵:۹؛
پسر را محبت می‌کند و همه آنچه را به ۱۷:۲۳-۲۴
جای می‌آورد به او نشان می‌دهد و برایش تث ۷:۱۰-۱۳؛ ۳۲-۳۹؛
کارهای بس بزرگتر از اینها نشان خواهد ۱-سمو ۲:۶؛ ۲-پاد ۵:۷؛
داد تا شما شگفت‌زده شوید[y]. ۲۱زیرا پدر روم ۴:۱۷؛ افس ۲:۵؛ یو ۱۱:۲۵

به همان‌گونه که مردگان را قیام می‌بخشد و
به آنها زندگانی می‌دهد، به همان‌گونه پسر
نیز به آنانی که بخواهد زندگانی می‌دهد[z].
۲۲زیرا پدر هیچکس را داوری نمی‌کند
بلکه همه داوری را به پسر سپرده است
۲۳تا همه پسر را تکریم کنند، چنان که پدر ۳:۱۷؛ ۵:۲۷؛ ۹:۳۹؛ ۱۲:۴۷؛
را تکریم می‌کنند، آن کس که پسر را تکریم اع ۱۰:۴۲؛ ۱۷:۳۱
نکند، پدری که او را فرستاده است تکریم فی ۲:۱۰-۱۱؛ لو ۱۰:۱۶؛
نمی‌کند. ۲۴آمین، آمین، به شما می‌گویم: ۱-یو ۲:۲۳
آن که سخن مرا می‌شنود و به آن که مرا
فرستاده است ایمان دارد زندگانی جاودانی ۳:۱۱، ۱۵-۱۶؛ ۸:۵۱؛ ۱۰:۲۷؛
دارد و به داوری نمی‌رود بلکه از مرگ به ۱۲:۴۴؛ ۱۸:۳۷؛
زندگانی گذر کرده است[a]. ۲۵آمین، آمین، ۱-یو ۳:۱۴
به شما می‌گویم: ساعتی فرامی‌رسد -و هم
اکنون است!- که مردگان[b] صدای پسر
خدا را خواهند شنید و آنان که شنیده ۵:۲۸؛
باشند، زندگانی خواهند کرد. ۲۶زیرا به ۱۱:۲۵-۲۸، ۴۳؛ مر ۵:۴۱؛ لو ۷:۱۴؛ ۸:۵۴
همان‌گونه که پدر زندگانی را در خود
دارد، همچنان آن را به پسر داده است که ۱:۴؛ ۳:۳۵؛ ۶:۵۳-۵۷
زندگانی را در خود داشته باشد ۲۷و به او
اقتدار داده تا داوری کند زیرا او پسر انسان

v- ربی های یهود فعالیت خلاّقه خدا را که در روز هفتم آفرینش پایان یافت (پید ۲:۲) از فعالیت مداوم داور متعال که دنیای آدمیان را بسوی تمامیت هدایت می‌کند متمایز می‌کردند. عیسی عمل خود را در همان سطح و در داخل عمل مداوم پدر قرار می‌دهد.

w- اظهارات عیسی متضمّن موقعیت الهی او و نیز فرزندی خدا به مفهوم واقعی کلمه است. این اظهارات موجب بحث و مجادله شده و منجر به توضیحاتی می‌شود که در آیات ۱۹-۳۰ آمده است ولی دورنمای مرگ عیسی نیز پدیدار می‌شود.

x- پسر در هیچ لحظه ای مستقلانه عمل نمی‌کند (۸:۲۸؛ ۷:۱۶-۱۸؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۴:۱۰؛ ۷:۲۸؛ ۸:۴۲؛ ۵:۳۰) و همچنین پدر هیچ عملی را به خود منحصر نمی‌نماید: عمل هر یک کاملاً در داخل عمل دیگری است. بنابراین فعالیت عیسی ظهور و تجلّی کامل فعالیت پدر است.

y- از کارهای رسالت عیسی بر روی زمین، برتر و بالاتر کارهایی است که مربوط به صعود و شکوه یافتن او می‌باشد یعنی داوری و زندگی جاودانی (ر.ک ۵:۲۱-۳۰؛ ۱۴:۱۲-۱۴؛ ۱۵:۲۰).

z- برابر روایات یهود، خدای زنده قادر است زندگی بدهد. کلمات «به آنانی که بخواهد» تاکید می‌نماید که این گزینش رایگان است.

a- کسانی را که پدر به وسیلهٔ عیسی فراخوانده و به پدر ایمان می‌آورند، زندگی خدایی دریافت می‌کنند و داوری زمان آخر دربارهٔ آنان نیست (رک ۳:۱۸).

b- در تمام این قسمت انجیل، نظیر ۱۱:۲۵-۲۶ یوحنا به روشهای مختلف کلمهٔ «مرگ» را به‌عنوان نماد بکار می‌برد و همچنین کلمه «مردگان» دربارهٔ کسانی است که دور از خدا زندگی می‌کنند و در برابر کلام خدا که می‌توانند به آنان مجدداً حیات بخشد مرده‌اند (ر.ک ۱۱:۲۶ توضیح v).

دان ۷:۱۰-۱۴ است[c]. ۲۸از این تعجب نکنید زیرا ساعتی
۱۱:۴۳-۴۴؛ لو ۱۴:۱۴؛ فرا می رسد که تمام کسانی که در قبرند،
مکا ۲۰:۱۳؛ ۱-تسا ۴:۱۶ صدای او را خواهند شنید ۲۹و بیرون
خواهند آمد. آنان که نیکی کرده اند برای
دان ۱۲:۲؛ مت ۱۶:۲۷؛ رستاخیز زندگانی و آنان که بدی کرده اند
۲۵:۴۶؛ اع ۲۴:۱۵ برای رستاخیز داوری[d]. ۳۰من چیزی از
۴:۳۴؛ ۵:۱۹؛ ۶:۳۸؛ پیش خود نمی توانم بکنم، برابر آنچه
لو ۲۲:۴۲ می شنوم داوری می کنم و داوری من عدالت
است زیرا ارادهٔ خود را نمی جویم، بلکه
ارادهٔ آن کس که مرا فرستاده است.

شهادت ها

۸:۱۳-۱۴ ۳۱اگر من درباره خودم شهادت بدهم،
۱:۱۵، ۳۴؛ ۳:۲۶؛ ۵:۳۶؛ شهادتم راست نیست. ۳۲دیگری درباره من
۸:۱۸؛ ۱۰:۲۵؛ ۱۵:۲۶؛ شـهادت می دهد و می دانم شـهادتی که
۱-یو ۵:۶-۹ درباره من می دهد راست است[e]. ۳۳شما
۱:۱۹-۲۷ مت ۱۱:۷-۱۱ کسانی به نزد یحیی فرستاده اید و او به
راستی شهادت داده است[f]. ۳۴اما من
شهادت انسان را نمی پذیرم بلکه این را
می گویم تا شما نجات یابید. ۳۵او چراغی
بود که می سوزد و می درخشد[g] و شما را ۱-یو ۵:۹
خوش آمد که دمی به درخشش او شادی ۱:۸؛
کنید[h]. ۳۶من شهادتی بزرگتر از [شهادت] مز ۱۳۲:۱۶-۱۷
یحیی دارم: کارهائی که پدرم به من سپرده
تا آنها را انجام دهم، همین کارها درباره من ۱-یو ۵:۹؛ مت ۹:۶؛
شهادت می دهند که پدر مرا فرستاده است. یو ۲:۱۱؛ ۳:۲؛ ۹:۱۶، ۳۳
۳۷و پدر که مرا فرستاده، او درباره من ۱۰:۲۵، ۳۸
شهادت داده است. شما هرگز نه صدای او ۶:۴۴-۴۵؛ ۸:۱۸؛
را شنیده اید و نه صورت او را دیده اید[i]. مت ۳:۱۷؛ تث ۴:۱۲
۳۸و سخن او را ندارید تا در شما بماند ۶:۲۹؛ ۸:۳۷؛ ۱-یو ۲:۱۴
زیرا شما به کسی که او فرستاده است ایمان
ندارید[j]. ۳۹نوشته های مقدس را کاوش
می کنید زیرا می پندارید که زندگانی لو ۲۴:۲۷، ۴۴؛ اع ۱۳:۲۷؛
جاودانی را در آنها خواهید داشت[k] و همین ۱-پطر ۱:۱۰-۱۱ مکا ۱۹:۱۰

c- در نبوتهای مربوط به ایام آخر در مکاشفه های یهودیان، «پسر انسان» وظایف داور اعلی را دارد (دان۷:۱۳؛ خنوخ۴۹:۲۷؛ ر ک ۵۱:۱).

d- در آیات ۲۸-۲۹ سخن از رستاخیز در روز آخر است (رک دان۱۲:۱-۳). یوحنا با آن که قسمت اساسی رستاخیز را که زندگی در شراکت با خدای زنده است در زمان حاضر تعیین می کند با این همه منظره رستاخیزی را که کاملاً در ایام آخر تحقق خواهد یافت حفظ می نماید.

e- برابر اصول و قواعد قضایی معمول، مخاطبان حق دارند شهادت هائی درخواست کنند که اظهارات عجیب و بی مانند عیسی را تأیید نمایند ولی در این وضعیت فقط شهادت خدا می تواند این اظهارات را تأیید کند (ر.ک مت۸:۱۳-۱۴).

f- به نظر عیسی شهادت یحیی تعمید دهنده فقط ارزش نسبی دارد با این همه عیسی از آن یاد می کند زیرا یهودیان تا حدّی آن را پذیرفته بودند (۱:۱۹-۳۴؛ ۳:۲۲-۳۰). ر.ک ۳:۲۶ توضیح f.

g- این عبارت بنسی۴۸:۱ را به یاد می آورد.

h- شهادت یحیی، آن طور که باید مورد قبول عامه واقع نشده بود زیرا قاعدتاً این شهادت بایستی مردم را به سوی عیسی هدایت می کرد در صورتی که عملاً فقط لحظه ای شور و هیجان ایجاد کرده بود.

i- نشانه ها و کارهایی که عیسی انجام می دهد متفقاً عمل پدر می باشند: بنابراین کسانی که اظهارات و ادّعای عیسی را مبنی بر مسیح بودن او نمی پذیرند قطع رابطهٔ خود را با خدا نشان می دهند زیرا هیچکس نمی تواند نشانه های عیسی را انجام دهد مگر اینکه از سوی خدا آمده باشد (۳:۲؛ ۹:۱۶، ۳۱). یهودیان می بایست او را به عنوان پسر خدا بپذیرند (رک ۵:۱۹-۳۰؛ ۱۰:۲۵-۳۸؛ ۱۴:۱۰-۱۲؛ ۱۵:۲۴).

j- ظهورهای قبلی الهی نظیر تجلّی خدا در سینا (آیه ۳۷ب؛ خروج۱۹:۱۶-۱۷) و دائمی بودن کلام خدا (آیه ۳۸الف؛ خروج۱۹:۵) به طوری که باید پذیرفته نشده بود و نشانهٔ این امر آن است که یهودیان در عیسی عمل خدا را نشناخته اند.

k- *نوشته های مقدس*، منبع زندگی حقیقی هستند (ر.ک تث۴:۱؛ ۸:۱، ۳؛ ۳۰:۱۵-۲۰؛ مز۱۱۹). در محافل ربی های یهود که دائماً در نوشته های مقدس کاوش می کنند این موضوع به فراوانی ذکر شده است.

نـوشــتـه هـا است که دربـاره من شــهــادت
می دهند[l]. [۴۰]و نمی خواهید بسوی من آئید
تا زندگی داشته باشید. [۴۱]من شکوهی را ۴۳:۱۲؛ ۱ـ تسا ۲:۶
که از مردم بیاید نمی پذیرم، [۴۲]اما شما را
شناختم که محبت خدا در درون شما ۱ـ یو ۲:۱۵؛ ۳:۱۷
نیست[m]. [۴۳]من به نام پدرم آمده‌ام و شما
مرا نمی پذیرید، اگر دیگری به نام خودش مت ۲۴:۵، ۲۴
بیاید او را خواهید پذیرفت[n]. [۴۴]چگونه
می توانید ایمان بیاورید، شما که شکوه را ۴۳:۱۲؛ روم ۲:۲۹؛ ۱ـ قرن ۴:۵
از یکدیگر می جوئید و شکوهی را که از
خدای یکتا می‌آید جستجو نمی کنید[o]!
[۴۵]مپندارید که من در مقابل پدر شما را
متهم خواهم کرد، متهم کننده شما موسی تث ۳۱:۲۶-۲۷
است که شما به او امید دارید[p]. [۴۶]اگر به
موسی ایمان می‌داشتید، به من هم ایمان تث ۱۸:۱۵؛ مت ۸:۱۰؛ لو ۲۴:۲۷؛
می‌آوردید، زیرا او درباره من نوشته است. اع ۳:۲۲؛ ۷:۳۷
[۴۷]اما اگر به نوشته های او ایمان ندارید، لو ۱۶:۲۷-۳۱
چگونه به سخنان من ایمان خواهید آورد.

عیسی جمعیت زیادی را غذا می‌دهد[q] (متی۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس۶:۳۰-۴۴؛ لوقا ۹:۱۰-۱۷)

۶ [۱]پس از آن عیسی به آن سوی مت۱۴:۱۳-۲۱؛ ۱۵:۳۲-۳۹؛
دریای جلیل یا طبریّه رفت. مر ۶:۳۲-۴۴؛ ۸:۱-۱۰؛
[۲]جمعیت زیادی به دنبال او می‌آمدند زیرا لو ۹:۱۰-۱۷؛ ۲ـ پاد ۴:۴۲-۴۴
نشانه هایی را که برای بیماران انجام می‌داد مت ۴:۴۵؛
مشاهده می‌کردند. [۳]عیسی از کوه بالا رفت ۸:۱؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۹:۲؛ ۲۰:۲۹؛
و در آنجا با شاگردانش نشست. [۴]جشن مر ۵:۲۴؛ لو ۹:۱۱
گذر یهودیان[r] نزدیک بود. [۵]چون چشمها را مت ۵:۱؛ ۲۴:۳؛
بلند کرده دید که انبوهی از مردم به سویش مر۳:۱۳؛ لو۲۲:۳۹
می‌آیند عیسی به فیلیپس گفت: «از کجا لو۲۲:۱؛ یو۲:۱۳؛
نان بخریم تا این مردم بخورند؟» [۶]این را ۱۱:۵۵

l- هرگاه نوشته های مقدس را در پرتو انسان شدن پسر خدا و صعود وی به آسمان بخوانیم در آنها سخنان و وقایعی ذکر شده که خدا به وسیلهٔ آنها آمدن پسرش را اعلام می کند تا تمامیت زندگی را بیاورد (رک۱:۴۵؛ ۲:۲۲؛ ۴:۲۰-۲۴؛ ۵:۴۷؛ ۱۲:۴۱؛ ۱۹:۲۸). عیسی یهودیان را سرزنش نمی کند که چرا در نوشته های مقدس کاوش می کنند بلکه بدین سبب که تشخیص نمی دهند این نوشته ها بر او شهادت می دهند.

m- به همان گونه که یهودیان کلام خدا را در خود ندارند فاقد محبت واقعی نسبت به او هستند (ر.ک۱۴:۲۱، ۲۳). عیسی از قلب ها آگاه است (۲:۲۵؛ ۳:۱۹-۲۱). این آیه را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: *امّا من دریافته‌ام که شما در خود محبت خدا را ندارید.*

n- آنان که *به نام خودشان* سخن می گویند به این دنیا تعلق دارند و به زبان دنیا سخن می گویند (۷:۶، ۱۷-۱۸)؛ دنیا آنچه را که با او هم‌آهنگ است دوست دارد و در آنها انعکاسی از تصویر خود می بینند (۱۵:۱۹). شکی نیست که منظور پیامبران دروغین است (۱۰:۸) ولی امکان دارد که منظور یوحنا شیطان باشد (ر.ک ۸:۴۱-۴۴) و بیشتر محتمل است که در اینجا دستوری کلّی بیان می کند.

o- ریشهٔ عمیق بی ایمانی در آن است که در جستجوی افتخار شخصی باشند و دنیا را به خاطر افتخار و شکوهی که در آن بدست آمده و سهمی برمی گیرند بپذیرند در صورتی که ایمان ایجاب می نماید بدون قید و شرط در صف خدا قرار گرفته فقط از او انتظار شکوه و جلال داشته باشند چنانکه خود عیسی چنین کرده است (۷:۱۸؛ ۸:۵۰-۵۴؛ ۱۲:۲۳، ۲۸، ۴۳؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۷:۱؛ ر.ک ۱-قرن۱:۲۹، ۳۱؛ ۳:۲۱؛ ۴:۷).

p- موسی واسطه و حامی اسرائیلیان در حضور خدا بشمار می‌آمد. عیسی او را همچون متّهم کننده یهودیان معرفی می کند زیرا معنی واقعی تورات را درنیافته اند که بایستی ایشان را به شناختن و مکاشفهٔ نهایی در عیسی هدایت نماید (۱:۱۷؛ ۶:۳۲؛ ۷:۲۲-۲۳؛ ۹:۲۸-۲۹).

q- موضوع تکثیر نانها و ماهی ها جایگاه مهمی در این انجیل و نیز در اناجیل نظیر دارد (مر۶:۳۵-۴۴؛ ۸:۱-۹؛ مت۱۴:۱۳-۲۱؛ ۱۵:۳۲-۳۸؛ لو۹:۱۰-۱۷؛ قبلاً در ۲-پاد۴:۴۲-۴۴ نیز ملاحظه شود). این نشانه، اوج فعالیت های عیسی در جلیل و نقطه پایانی آنها است، موقعی که بایستی بین ایمان آوردن یا نپذیرفتن آن یکی را انتخاب قطعی نمود.

r- یوحنا با اصرار یادآوری می کند که اعمال مهم عیسی در ایام جشن های یهودیان رخ داده است (جشن گذر ۲:۱۳-۲۳؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵؛ ۱۲:۱؛ ۱۳:۱؛ ۱۸:۲۸، ۳۹؛ جشن خیمه ها ۷:۲؛ جشن تطهیر و تقدیس معبد که یادآور پیروزی یهودای مکابی بر آنتیوخوس چهارم بود ۱۰:۲۲). جشن گذر واقعی، به جلال رسیدن پسر، برّه خدا است؛ جشن های یهودیان لحظاتی هستند که در آنها بی ایمانی بیشتر جلوه می کند (۱:۱۹ توضیح c).

برای آن می‌گفت تا او را امتحان کند، زیرا
خـودش می‌دانـست چه خـواهـد کـرد[s].
۷فیلیپس به او پاسخ داد: «دویست دینار[t]
نـان هم کفایت نمی‌کند تـا هـر یک کـمی
دریافت کـنـنـد.» ۸یـکی از شـاگـردانش، ۱:۴۰؛ مت ۴:۱۸؛ ۱۰:۲؛ مر ۱:۱۶؛ لو ۶:۱۴؛ ۹:۲۱-۱۳
آنـدریاس برادرشمعون پطرس به او گفت:
۹«در اینجا کودکی هست که پنج قرص نان
جو و دو ماهی کوچک دارد، اما بـرای این
همه مردم چیست؟» ۱۰عیسی گفت: «مردم
را بنشانید.» در آن محل علف زیادی بود.
پس نـشـسـتـنـد، در حـدود پـنج هـزار مـرد
بـودنـد. ۱۱پس عـیسی نـانـهـا را گـرفت و
شکـرگـزاری کـرده بین هم‌سفـره‌ها تـقـسیم
کرد. همچنین ماهی‌های کوچک را هر قدر
که می‌خـواسـتـنـد. ۱۲وقـتی سیـر شـدنـد به
شاگـردانش گفت: «تکه‌هائی را که زیادی
مانده جمع کنید تا چیزی از بین نرود[u].»
۱۳پس، آنها را جمع کردند و دوازده سبد
را با تکه‌های پنج قرص نان جو که پس از
خوردن باقی مانده بود پُر کردند. ۱۴پس
مردمان با دیـدن نـشانه‌هایی که انجام داده
بود می‌گفتند: «حقیقتاً این همان پیامبری ۱:۲۱؛ مت ۳:۱۱؛ تث ۱۵:۱۸-۱۸؛ اع ۳:۲۲؛ ۷:۳۷؛ مر ۱:۳۵
است که بـایـد به جهـان بـیـایـد[v]!» ۱۵پس
عـیـسی چـون دانـست که می‌آیـنـد تـا او را
گرفته پادشاه سازند بار دیگر به تنهائی به ۱۸:۳۶؛ ۱۲:۱۳
کوهستان رفت[w].

راه رفتن عیسی بر روی دریا (متی۱۴:۲۲-۲۷؛ مرقس۶:۴۵-۵۲)

۱۶هـنـگـامی که شـامـگـاه فـرا رسـیـد،
شاگردانش به سوی دریا پایین رفتند. ۱۷و
سوار قایق شده به آن سوی دیگـر دریا به
کفرناحوم می‌رفتند و تاریکی فرا رسیده
بود و هنوز عیسی به آنان نپیوسته بود. ۱۸و
دریا بر اثر وزش بادی شدید منقلب بود.
۱۹پس از آنکه بیست و پنج تا سی اِستاد[x] مز ۷۷:۲۰؛ ایوب ۹:۸؛ اش ۴۳:۱۶؛ مز۱۰۷:۲۵-۳۰
پارو زدند، عیسی را می‌بینند که بر روی
دریا راه می‌رود و به قایق نزدیک می‌شود،
پس ترسیدند. ۲۰اما او به آنان گفت: «من مت ۱۴:۲۷
هستم[y] نترسید!» ۲۱پس می‌خواستند او را

s- مسیح به طوری که یوحنا توصیف می‌کند همه چیز را می‌داند (۲:۲۵؛ ۴:۴۴؛ ۱۳:۱۱) ولی سؤالی که عیسی می‌کند برای آن است که طرز تفکّر شاگرد آزمایش شود؛ پاسخی که داده می‌شود عظمت نشانه را یادآوری و تأیید می‌کند.

t- مقدار پولی که ذکر شده مبلغ مهمی بشمار می‌رود زیرا یک دینار اجرت روزانه یک کارگر بوده است (مت۲۰:۲).

u- یوحنا در ذکر این روایت، صورت دعای سپاسگزاری را حفظ می‌کند. بنظر او تکثیر نانها قبل از هرچیز عملی است که جنبهٔ نماد دارد و مقدمه گفتاری است که در آیات ۲۶-۵۸ می‌آید: بدین معنی که عیسی نان حقیقی است که از آسمان فرود آمده و ایمانداران را سیر می‌کند (۶:۳۳). در آیه ۱۰ ذکر شده که «در آن محل علف زیادی بود». بنابراین واقعهٔ مذکور به احتمال قوی در فصل بهار و نزدیک به عید گذر یهودیان بوده و گفتگوی عیسی با یهودیان در ارتباط با موسی (آیات ۳۰-۳۳) بجاست.

v- نشانه‌ای را که عیسی انجام می‌دهد دربارهٔ شخصیت او و رسالتش سوء تفاهمی ایجاد می‌نماید بدین معنی که او را به عنوان پیامبر ایام آخر (ر.ک تث۱۸:۱۵) یا مسیح سیاسی می‌شناسند که بایستی به جهان آمده آزادی ملت اسرائیل را تأمین کند. بدین سبب در نظر دارند او را پادشاه اعلام نمایند ولی عیسی فقط بر روی صلیب خود را به عنوان پادشاه اعلام خواهد کرد (ر.ک ۱۹:۱۹).

w- عیسی در طی محاکمهٔ خود در برابر پیلاطس از ملکوتی سخن خواهد گفت که به این جهان تعلق ندارد (۱۸:۳۶)، مقام پادشاهی را که جمعیت در نظر دارد نمی‌پذیرد و از همین موقع با نظریهٔ عمومی دربارهٔ پایان جهان و مسیحایی دنیوی و سیاسی قطع رابطه شده است.

x- این مسافت در حدود پنج کیلومتر است و بنابراین می‌توان گفت در وسط دریاچه بودند.

y- ترجمهٔ دیگر: منم. به طوری که در مر۶:۵۰ ذکر شده عیسی خود را می‌شناساند. نام الوهیت را که در سفر خروج (۳:۱۴) آمده: *«من هستم»* یوحنا بیشتر بکار برده و تشریح نموده است و الوهیت عیسی را بیان می‌نماید (ر.ک ۴:۲۶؛ ۸:۲۴ توضیح i؛ ۸:۲۸، ۵۸؛ ۱۳:۱۹؛ ۱۸:۵، ۶، ۸)

به قایق سوار کنند، اما همان دم قایق به
جائی که می‌رفتند رسید[z].

عیسی، نان زندگانی

۲۲روز بعد جمعیتی که در آن سوی دریا
ایستاده بودند، دیدند که در آنجا جز یک
قایق کوچک وجود نداشت و عیسی با
شاگردانش سوارقایق نشده بود و تنها
شاگردانش رفته بودند. ۲۳ولی قایق‌هائی
از طبریه به نزدیک جائی آمدند که پس از ۶:۱۱
شکرگزاری خداوند[a] نان خورده بودند.
۲۴وقتی جمعیت دیدند که نه عیسی و نه
شاگردانش در آنجا نیستند سوار قایق‌های
کوچک شده به کفرناحوم در جستجوی
عیسی برآمدند. ۲۵و او را درآن سوی دریا مر ۱:۳۷
یافته به او گفتند: «ربّی کی به اینجا
رسیده‌ای؟» ۲۶عیسی در پاسخ ایشان گفت:
«آمین، آمین، به شما می‌گویم مرا جستجو
می‌کنید نه به سبب نشانه‌هائی که دیده‌اید،
بلکه به سبب نانها که خوردید و سیر
شدید[b]. ۲۷کار کنید نه برای آن خوراکی ۶:۱۱-۱۲
که از بین می‌رود، بلکه برای خوراکی که اش ۵۵:۲؛
جهت زندگانی جاودانی می‌ماند[c]، همان مت ۸:۲۰؛ ۱۶:۱۲؛
که پسر انسان به شما خواهد داد، زیرا یو ۴:۱۴؛ ۶:۵۰-۵۸
خدای پدر او را مُهر کرده است[d].» ۲۸پس
به او گفتند: «برای بجا آوردن کارهای خدا
چه باید بکنیم[e]؟» ۲۹عیسی درپاسخ به
ایشان گفت: «کار خدا آن است که به کسی مت ۱۶:۱-۴؛ مر ۸:۱۱؛
که او فرستاده ایمان بیاورید[f].» ۳۰پس به لو ۱۱:۲۹-۳۲؛ یو ۲:۱۱، ۱۸؛
او گفتند: «توچه نشانه‌ای می‌دهی تا ۱-یو ۳:۲۳؛
ببینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه کاری
انجام می‌دهی[g]؟» ۳۱پدران ما درصحرا مز ۷۸:۲۴؛ ۱۰۵:۴۰؛
«مَنّ» خوردند همان طور که نوشته شده خروج ۱۶: ۴، ۱۳-۱۵؛ اعد ۱۱:۷-۹؛
است: به ایشان برای خوردن، نانی رسیده نح ۹:۱۵

z- برخی از مفسرین این را پنجمین نشانه انجیل یوحنا می دانند(ر.ک مز۱۰۷:۲۳-۳۲).

a- کلمات «شکرگزاری خداوند» در بسیاری از نسخ خطی حذف شده است. این کلمات منظرهٔ سپاسگزاری [یعنی راز شام آخر] را که در تمام این بخش وجود دارد تشدید و تأکید می کنند.

b- در جریان واقعه تکثیر نان قدرت عیسی را شناختند و پذیرفتند و بلافاصله به معنی واقعی آن پی نبردند ولی بهره برداری فوری که می توانستند از آن بکنند علاقه آنان را جلب کرد. در صورتی که بالعکس ایمان بر اثر شناختن اعمال عیسی به عنوان نشانه بوجود می آید (رک ۲:۱۱).

c- نبایستی تنها به خوردن نان اکتفا کرده شیفته کسی باشد که نانها را تکثیر نموده است بلکه بایستی دریابد این عمل نماد و نشانهٔ چیست. بایستی درمی یافت عیسی آن کسی است که غذا می دهد و زندگی می بخشد. در نظر یوحنا *زندگی ابدی متعلق به کسانی است که با پدرآشتی کرده اند و در صمیمیت با او زندگی می کنند* و در این معنی *ایمان* و *زندگی* چیز واحدی هستند.

d- *پسرخدا* از آسمان می آید و نشانه هایی که انجام می دهد اعمالی هستند که به وسیلهٔ آنها خدا اصالت رسالت او را تضمین می نماید (۳:۳۳)، همچنین امکان می دهد که آدمیان به وسیلهٔ او زندگی جاودان یابند. بعضی از مفسران در این عبارت *«مُهر کرده است»* اشاره ای به تعمید یافتن عیسی تشخیص داده اند و چنین استدلال می کنند که همین کلمات در معنی تعمید بر طبق الهیات بکار برده (رک افس۱:۱۳؛ ۴:۳۰؛ مکا۷:۳-۴).

e- مخاطبان در پی آنند که کارهای خدائی انجام دهند در صورتی که عیسی می خواهد *ایمان بیاورند* و آنچه به ایشان عطا شده است *بپذیرند*. همین نکته تفاوت مهم بین دو فعل *انجام کار* و *ایمان آوردن* را نشان می دهد.

f- تنها *روش کارکردن برای خدا* این است که با او همکاری کنیم با ایمان آوردن به کسی که او را فرستاده است.

g- بنظر یوحنا تنها کسی واقعاً می بیند حقیقت کامل آن شخص را که نشانه های انجام می دهد و کشف کند و شخص توسط ایمان می بیند. تماشای بزرگترین کارهای شگفت انگیز چشمها را باز نمی کند و تقاضایی که از عیسی می کنند همواره موجب همین سوء تفاهم می شود: بدین معنی که از او انتظار دارند ادعاهای مسیح بودن خود را با معجزه هایی توجیه و ثابت کند و معجزه های او از آنچه قوم اسرائیل در گذشته شناخته بود فراتر رود در صورتی که در برابر نشانه ها بی بصیرت می مانند.

از آسمان داده است[h].'' » ۳۲پس عیسی به
ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما
می‌گویم، موسی نیست که به شما آن نانی
داد که از آسمان می‌آید بلکه پدر من به
شما آن نان راستین را که از آسمان می‌آید ۴۱:۶، ۵۱
می‌دهد[i]. ۳۳زیرا نان خدا، آن است که از
آسمان نازل می شود و به جهان زندگانی
می‌دهد.»
۳۴پس به او گفتند: «خداوندا از این یو ۱۱:۴
نان همیشه به ما بده.» ۳۵عیسی به ایشان ۱۵:۴؛ مت ۱۱:۶؛
گفت: «من آن نان زندگی هستم[j]، آنکه به لو ۳:۱۱ امث ۱:۹-۶
سوی من می‌آید گرسنه نخواهد شد و آنکه بنسی۱۹:۲۴-۲۲؛ اش ۱:۵۵-۳؛
به من ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد. یو۴۸:۶، ۵۱، ۵۸؛ ۱۰:۴-۱۴
۳۶اما به شما گفته‌ام: شما مرا دیده‌اید و
ایمان نمی‌آورید[k]. ۳۷هر آنچه پدر به من ۲۶:۶، ۲۹، ۴۰، ۶۴؛ ۱۵:۲۴؛ ۲۹:۲۰؛
می‌دهد به سوی من خواهد آمد و آنکه به مت ۱۳:۱۳

نزد من می‌آید او را بیرون نخواهم افکند[l]. ۲:۱۷، ۶-۸؛ مت ۲۸:۱۱؛
۳۸زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای اع ۱۴:۱۶
آنکه ارادهٔ خود را انجام دهم بلکه اراده آن ۳۴:۴؛ ۳۰:۵؛ مت ۳۹:۲۶؛
کس که مرا فرستاده است[m]. ۳۹باری مر ۳۶:۱۴؛ لو ۴۲:۲۲؛
چنین است ارادهٔ آن کس که مرا فرستاده که عبر ۹:۱۰
از آنچه به من داده است، هیچ چیز را از ۳۵:۳؛ ۲۸:۱۰-۲۹؛
دست ندهم[n] بلکه در واپسین روز ۱۲:۱۷؛ ۹:۱۸؛ ۵۴:۴۴:۶؛
برخیزانم[o]. ۴۰زیرا ارادهٔ پدر من چنین است ۲۴:۱۱؛ ۲۴:۵
که هر کس پسر را می بیند و به او ایمان
می‌آورد زندگانی جاودان داشته باشد و من
او را دروایسین روز برخیزانم.»
۴۱پس یهودیان درباره او زمزمه
می‌کردند[p]، زیرا گفته بود: «من نانی هستم ۳۳:۶، ۳۵، ۵۱، ۵۸
که از آسمان نازل شده‌ام» ۴۲و می‌گفتند:
«آیا او عیسی پسریوسف نیست که ما پدر و مت ۵۵:۱۳؛ مر ۳:۶؛
مادرش را می شناسیم؟ چگونه اکنون لو ۲۲:۴

h- بنظر بسیاری از حکمای یهود، عطیهٔ روزانه مائده آسمانی «منّ» که در صحرای سینا می رسید بزرگترین واقعهٔ شگفت‌انگیز دوران خروج بشمار می‌آمد (خروج۱۶:۱۵؛ اعد۱۱:۷؛ ۲۱:۵؛ تث۸:۳؛ حک۱۶:۲۰). یوحنا جمله ای از مز۷۸:۲۴ یا نح۹:۱۵ را نقل می کند. [کلمه من هو به معنی این چیست به استناد خروج ۱۰:۱۵ که در ترجمه قدیم من ترجمه شده. ر.ک یو ۶:۴۱، عبر ۹:۴، مکا ۲:۱۷]

i- وعده های پیمان و عهدعتیق در عیسی تحقق می یابد. به این ترتیب موسی (۱:۱۷؛ ۵:۴۵-۴۶؛ ۷:۱۹، ۲۴) یعقوب (۴:۴-۱۵) و ابراهیم (۸:۳۱-۵۹) به نظام کهنی تعلق دارند که دوران آن سپری شده است با توجه این که شهادت داده اند که نجات در عیسی می‌آید. به نظر نخستین مسیحیان عهدعتیق قبل از هر چیز پیشگویی تن گیری پسر خدا می باشد.

j- ترجمه تحت الفظی *من هستم آن نان زندگی*. یوحنا بارها این ترکیب کلام را بکار می برد که در آن عیسی خود را به عنوان کسی معرفی می کند که در خود کمال عطیه را برای ایمانداران می‌آورد (ر.ک۸:۱۲؛ ۱۰:۷، ۹؛ ۱۱:۲۵؛ ۱۴:۶؛ ۱۵:۱). عیسی *نان زندگی* است (ر.ک۶:۵) زیرا ایمان آوردن به او شرکت در زندگی حقیقی است.

k- ر.ک ۶:۳۰ توضیح g، عیسی شهادت می‌دهد کسی که حقیقتاً به او ایمان دارد می تواند مفهوم واقعی آنچه را همه دیده بودند دریابد زیرا ایمان قدرت نفوذ دید را تشدید می کند (رک ۹:۴۱).

l- کسانی که رو به سوی عیسی می‌آورند در حقیقت کسانی هستند که پدر به پسر عطا کرده است و بدین سبب پسر آنان را پذیرفته و حفظ می نماید (۱۷:۶-۱۵). یوحنا مجدداً اقتدار کامل و رایگان بودن فیض خدای پدر را تأیید می کند (ر.ک ۶:۲۸ توضیح e؛ ۶:۲۹ توضیح f).

m- ر.ک یو۴:۳۴؛ ۵:۱۹-۳۰. در هر مورد که یوحنا ذکر می کند پسر را پدر فرستاده است (ر.ک ۳:۳۴ توضیح m) یا از محبت پدر نسبت به پسر سخن می گوید مجدداً وحدت عیسی و خدا را بیان کرده و عیسی را به فرزندی خدا تأیید می نماید.

n- همین نکته در یو۱۰:۲۸-۲۹؛ ۱۷:۱۲؛ ۱۸:۱۹؛ ذکر شده است، ر.ک مت۱۸:۱۴.

o- یوحنا در عین حال که دربارهٔ کنونی بودن رستاخیز و زندگی جاویدان اصرار دارد منظرهٔ انتظار برای رستاخیز نهائی را حفظ می کند.

p- نظیر آنچه در خروج۱۶:۲-۸ آمده است جمعیت با زمزمه و بحث کردن ها بی ایمانی خود را ابراز می کند.

می گوید: از آسمان نازل شده ام[q]؟»
۴۳ عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «بین هم
زمزمه نکنید. ۴۴ هیچکس نمی تواند
به سوی من آید اگر پدر که مرا فرستاده ۶:۳۹-۴۰، ۵۴؛ ۱۱:۲۴؛
است او را به سوی خود نکشد[r] و من او را مت ۱۶:۱۷
در واپسین روز برخواهم خیزانید. ۴۵ در
[کتابهای] پیامبران نوشته شده است: و اش ۵۴:۱۳؛ ار ۳۱:۳۳-۳۴؛
همه بوسیله خدا آموزش خواهند یافت[s]. ۱-تسا ۴:۹؛ ۱-یو ۴:۱۲
هرکس پدر را شنیده و آموزش او را
دریافته است به سوی من می آید. خروج ۳۳:۲۰؛
۴۶ هیچکس پدر را ندیده است مگر آن یو ۱:۱۸؛ ۷:۲۹
کس که از نزد خدا می آید: او پدر را دیده
است[t]. ۴۷ آمین، آمین، به شما می گویم آن ۳:۱۵-۱۶، ۳۶
که ایمان دارد[u] زندگانی جاودانی[v] دارد.

۴۸ من نان زندگانی هستم. ۴۹ پدران شما ۶:۳۵، ۳۸، ۵۱، ۵۸
درصحرا «مَنّا» خوردند و مردند. ۵۰ چنین ۶:۳۱، ۴۸
است نانی که از آسمان نازل می شود، کسی
که از آن می خورد نمی میرد.
۵۱ من آن نان زنده هستم، نازل شده از مت ۲۶:۲۶؛
آسمان. اگر کسی از این نان بخورد جاودانه مر ۱۴:۲۲؛
زندگی خواهد کرد و[w] نانی که من خواهم لو ۲۲:۱۹؛
داد، تن[x] من است برای زندگانی جهان[y].» عبر ۱۰:۵، ۱۰
۵۲ پس یهودیان با هم مجادله کرده
می گفتند: «چگونه این مرد می تواند تن
خود را برای خوردن به ما بدهد؟» ۵۳ پس
عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به
شما می گویم اگر تن پسر انسان[z] را نخورید ۴:۱۴؛
و خون او را ننوشید در خود زندگانی ۵:۲۶؛ مت ۲۶:۲۶

q- یهودیان نمی توانند موقعیت بشری عیسی را با اصل و منبع خدایی او که اظهار می کند با یکدیگر سازش دهند: فقط ایمان که موهبتی خدایی است (۷:۱۷) درک آن را مقدور می سازد. در اینجا اشاره ای به آبستنی عذرایی نشده ولی اگر یوحنا این روایت را که متی و لوقا ذکر کرده اند می شناسد (و بعضی از مسیحیان یهودی الاصل با آن مخالفت داشته اند) در اینجا کنایه ای استهزا آمیز وجود دارد که نظیر نکته ای است که در ۷:۴۱ آمده است.

r- زمزمه و بحث ها بجایی نمی رسد بلکه عمل پدر، طرفداران خود را به جانب کسی می کشاند که در او تمامیت الهام خدا عرضه می شود (۳:۲۱)، ر.ک ۶:۳۷ توضیح l.

s- این عبارت توضیحی از اش۵۴:۱۳ گرفته شده است (رک ار۳۱:۳۳-۳۴؛ ۱-تسا۴:۹).

t- رک ۱:۱۸، یوحنا مفهوم غلطی را که ممکن است در تفسیر این عبارت درک شود رو می نماید: زیرا به وسیلهٔ عیسی که بدون واسطه و کاملاً پدر را می شناسد وعده ای که داده شده تحقق می پذیرد.

u- در تعدادی از نسخ خطی معتبر نوشته شده است: *آن کس که به من ایمان دارد.*

v- ر.ک ۵:۲۵ توضیح b؛ ۱۱:۲۶ توضیح v.

w- آخرین قسمت گفتار (قسمت آخر آیه ۵۱-۵۸ و احتمالاً ۴۸-۵۸) صریحاً به راز نماز و شام آخر تخصیص داده شده است. با اینکه عموم مفسران بطور کلی در ترکیب عبارات این قسمت انشای یوحنا را تشخیص می دهند ولی ممکن است که آیات مذکور بعداً به بقیهٔ باب افزوده شده باشد یا بالعکس یوحنا آنها را از روایت کهن تری گرفته باشد.

x- کلمه یونانی sarx *تن* به مفهوم آن چیزی است که واقعیت بشر را با امکانات و ناتوانیهای او می رساند (رک ۱:۱۴؛ ۳:۶؛ ۸:۱۵؛ ۱-یو۴:۲). ممکن است یوحنا روایت مستقلی را که مربوط به سنت نیایشی بوده حفظ کرده و کلمهٔ *تن* ترجمهٔ تحت اللفظی کلمهٔ آرامی besra باشد که عیسی در طی شام واپسین به کار برده است. یوحنا در مورد ارزش نجات بخش راز تن گیری اصرار می نماید.

y- یوحنا به روش خود عبارت سنی را حفظ کرده که بیان می کنند مرگ عیسی برای بازخرید گناهان جهان است. ضمناً بین این نکته که عیسی منبع زندگی جاویدان است و واقعهٔ مرگ او رابطه ای وجود دارد. بدین سبب موضوع نانی که خواهد داد مطرح است (رک ۱۰:۱۱، ۱۵؛ ۱۱:۵۰-۵۲؛ ۱۵:۱۳؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۱۴؛ ۱-یو۳:۱۶).

z- در اینجا موضوعاتی که در قسمت قبلی ارائه شده مجدداً ذکر می شود و در مقابل مجموعه نکاتی که قبلاً تشریح گردیده به صورت آداب دعای سپاسگزاری درمی آید.

نخواهید داشت. [۵۴]هر که تن مرا می‌خورد[a]
و خون مرا می نوشد زندگانی جاودانی دارد
۳۹:۶، ۴۰، ۴۴؛ ۱۱، ۲۴ و من او را در واپسین روز برخواهم
خیزانید[b]. [۵۵]زیرا تن من خوراک راستین و
خون من نوشیدنی راستین است[c]. [۵۶]هر که
۱۵:۴-۵؛ ۲۶:۵؛ ۱-یو ۲۴:۳ تن مرا می‌خورد و خون مرا می نوشد در من
می ماند و من در او. [۵۷]همان گونه که پدر،
آن زنده، مرا فرستاده و من به واسطهٔ پدر
زندگی می کنم، به همان گونه آن کس که
مرا می‌خورد او هم به واسطهٔ من زندگی
خواهد کرد[d]. [۵۸]چنین است نانی که از
آسمان نازل شده، نه همچون نانی که
پدرانتان خوردند و مردند. هر که این نان
را بخورد جاودانه زندگی خواهد کرد.» [۵۹]
این سخنان را هنگامی که در کنیسه
کفرناحوم آموزش می داد گفت.

تصمیم درباره ایمان

[۶۰]پس بسیاری از شاگردانش پس از
شنیدن، گفتند: «این گفتار سخت است!
چه کسی می تواند آن را گوش کند.» [۶۱]اما
عیسی که در درون خود می دانست که
شاگردانش در این باره زمزمه می کنند به
آنان گفت: «آیا این برایتان موجب لغزش
است؟ [۶۲]پس اگر ببینید پسر انسان را به ۱۳:۳؛ ۱۲:۳۲؛ اع ۹:۱-۱۱
جائی که اول بوده بالا برود چه[e]؟ [۶۳]روح
زندگانی بخش است، تن را فایده ای ۳۳:۱؛ ۳:۱۱؛ ۲-قرن ۶:۳؛ ۱۵:۴۵؛ غلا ۸:۶؛ ۱-پطر ۱۸:۳
نیست. سخنانی که من به شما گفته ام
روح اند و زندگانی اند[f]، [۶۴]اما در بین شما
هستند کسانی که ایمان نمی‌آورند.» زیرا
عیسی از همان آغاز می دانست چه کسانی ۴۸:۱؛ ۱۳:۱۱
ایمان نمی‌آورند و چه کسی او را تسلیم
خواهد کرد[g]. [۶۵]پس گفت: «بدین سبب

a- ترجمه تحت‌اللفظی این کلمه *جویدن* است. یوحنا مخصوصاً در آداب دعای سپاسگزاری کلماتی به کار می برد که جنبهٔ مادی و حقیقی دارند. بدین وسیله به خوانندگان بر ضد کسانی که برای رسالت عیسی فقط جنبهٔ تصوری و غیر واقعی قائل بودند هشدار می‌دهد. ضمناً برابر رسوم متداول، یهودیان می بایست غذای جشن فصح خود را به‌خوبی جویده و می‌خوردند.

b- پسر انسان از آسمان می‌آید و باز به آسمان بالا می‌رود و بنابراین آنانی که به او ایمان دارند و در این راز شرکت می کنند در زندگی آسمانی که در اوست با او سهیم خواهند بود. راز سپاسگزاری مایهٔ رستاخیز کسانی است که ایمان دارند (رک۶:۳۹، ۴۰، ۴۴؛ ۵:۲۱-۲۹).

c- در طی شام واپسین نان و شراب یعنی جسم و خون مسیح به طرز والایی هدف و منظور این غذا و آشامیدنی را که زندگانی می باشد تحقق می بخشد.

d- زندگی کردن یعنی مشارکت کامل با پسر و بنابراین با پدر. این مبادله که با علم و شناسایی و محبت متقابل انجام می‌شود به طرز مطمئن و قاطعی وعده داده شده است و در حال حاضر شرکت در شام آخر در زمان حال نشانهٔ ممتاز این مشارکت می باشد.

e- این عبارت ناتمام مانده است. مصلوب شدن عیسی در عین اینکه منتهای رسوایی است در نظر ایمانداران به‌عنوان بازگشت عیسی در شکوه و جلال پدیدار می‌شود، شکوهی که پیش از آفرینش از آن او بوده است (۱:۱۵؛ ۱۷:۵، ۲۴). بدین سان کلماتی که قبلاً بیان شده با توجه به شکوه یافتن عیسی و موهبت روح‌القدس که از آن ناشی می‌شود (۷:۳۹) تمام معنی و مفهوم خود را خواهند یافت. بایستی از ورای موقعیت زمینی عیسی و مصلوب شدن او (ر.ک ۱۳:۷) شکوه او را تشخیص داد و حقیقت و قدرت سخنان و رفتار او را باز شناخت. اگر آیات ۵۱-۵۸ جزء اصلی این گفتار باشد (ر.ک ۶:۵۱ توضیح w) می توان چنین درک کرد که برای شناختن قدرت زندگی بخش آیین سپاسگزاری بایستی قبلاً شکوه و جلال عیسی را درک کنند.

f- یوحنا که *تن* را در برابر *روح* آورده، در وجود آدمی دو قسمت تشخیص نمی‌دهد بلکه دو نوع زندگی کردن را توصیف می نماید. *تن*، انسانی است که با محدودیت امکان خود به‌خودش واگذار شده است. این انسان نمی تواند به‌خودی خود مفهوم عمیق سخنان و نشانه های عیسی را درک نماید و نمی‌تواند ایمان بیاورد (ر.ک ۶:۳۷ توضیح l) درصورتی که *روح* قدرت زندگانی است که آدمی را هدایت نموده چشمانش را باز می کند و او را قادر می سازد کلام خدا را که در عیسی بیان شده است تشخیص دهد. [می توان روح القدس را در نظر گرفت.]

g- ر.ک ۱:۴۲ توضیح p. اگر ایمان در برابر بیانات عیسی که موجب لغزش می شود مقاومت نکند بیهوده است. *او می‌دانست*

به شما گفته ام هیچکس نمی تواند به سوی
۶:۳۷، ۴۴ من آیـد اگـر این از پـدر به او داده نـشـده
باشد.»
لو ۹:۶۲ [۶۶]از آن به بعد بسیاری از شاگردانش از
او روگردان شدند و دیگر با او نرفتند.
لو ۲۲:۲۸؛ ۲ـ تیمو ۱:۱۵ [۶۷]پس عیسی به آن دوازده تن گفت: «آیا
شما نیز می خواهید بروید؟» [۶۸] شمعون
پطرس به او پاسخ داد: «خداوندا نزد چه
مت ۱۶:۱۶؛ اع ۵:۲۰؛ کسی برویم؟ سخنان زندگی جاودانی نزد
تث ۸:۳ توست. [۶۹]ما ایمان آورده ایم و دانسته ایم
۱۰:۳۶؛ ۱۹:۱۷ که تو قدوس خدا هستی[h].» [۷۰]عیسی به
مر ۱:۲۴؛ لو ۴:۳۴؛ ایشان پاسخ داد: «آیا من شما دوازده تن را
اع ۳:۱۴؛ ۱ـ یو ۴:۱۶ بـرنـگـزیـده ام؟ و یـکی از شـمـا ابـلـیس
۱۳:۱۸؛ لو ۶:۱۳ است[i].» [۷۱]او از یـهـودا [پسـر] شـمـعـون
۱۲:۴؛ اسخریوطی سخن می گفت زیرا هم او بود
۱۳:۲، ۲۷؛ مت ۲۶:۱۴ که باید او را تسلیم می کرد، او که یکی از
آن دوازده تن بود!

بی ایمانی برادران عیسی

۷ [۱]پس از آن عـیـسـی در جـلـیـل ۵:۱۸؛ ۷:۱۹، ۲۵؛
می گـشـت زیـرا نمی خـواست در ۸:۳۷، ۴۰؛ مر ۹:۳۰
یهودیه بگردد، چون که یهودیان می خواستند
او را بکشند[j]. [۲]جشن خیمه های[k] یهودیان خروج ۲۳:۱۶؛ لاو ۲۳:۳۴؛
نزدیک بود. [۳]پس برادرانش[l] به او گفتند: زک۱۴:۱۶-۱۹ مت۱۲:۴۶-۴۸؛ اع ۱:۱۴
«از این جا حرکت کن و به یهودیه برو تا
شـاگـردانت نـیـز کـارهـائی را که می کـنی
مشاهده کنند [۴]زیرا اگر کسی در جستجوی
آن است که شناخته شود در خفا رفتار
نمی کند. چون تو این کارها را می کنی خود
را به جهان نمایان کن[m]!» [۵]زیرا برادرانش
هم به او ایمان نمی آوردند. [۶]پس عیسی به
ایشان گفت: «وقت من هنوز نرسیده اما ۲:۴؛ ۷:۳۰؛
وقت شـمـا هـمیـشه وقت مـنـاسب است[n]. ۸:۲۰
[۷]جهان نمی تواند از شما متنفر باشد، اما ۱۵:۱۸؛
مرا منفور می دارد، زیرا درباره اش شهادت ۳:۱۹-۲۱

چه کسی *او را تسلیم خواهد* کرد: در اینجا یوحنا خیانت یهودا را اعلام می کند (۱۳:۱۱، ۱۸، ۲۱-۳۰). در انجیل یوحنا عیسی جریان مصائب و مصلوب شدن خود را هدایت می کند و ساعت آن را می داند (۴:۱۱؛ ۱۳:۱؛ ۱۸:۴) و به پیشواز آن می رود (ر.ک ۲:۴ توضیح x؛ ۱۲:۲۷ توضیح k).

h- در برابر رفتار کسانی که عیسی را ترک کردند، ایمان واقعی عبارت از گرویدن بدون قید و شرط به کسی است که سخنانش زندگی جاودان را وعده داده و می بخشد: او حقیقتاً فرستاده ای است که خدا او را تقدیس کرده (رک ۱۰:۳۶؛ ۱۷:۱۷-۱۹). این صحنه اعتراف و ایمان پطرس را به یاد می آورد (مت۱۶:۱۶-۲۳؛ مر۸:۲۷-۳۳؛ و مخصوصاً لو۹:۱۸-۲۲).

i- انتخاب دوازده تن توسط عیسی (۱۵:۱۶) آزادی آنان را سلب نمی کرد و مانع از آن نبود که یکی از آنان به عیسی خیانت کند. کسی که خیانت می کرد آلت دست شیطان شده است (۱۳:۲، ۲۷؛ رک ۸:۴۴).

j- ر.ک ۵:۱۸؛ ۷:۱۹، ۲۰، ۲۵؛ ۸:۳۷، ۴۰؛ ۱۱:۵۳؛ در این قسمت طولانی انجیل که وقایع در اورشلیم روی می دهد در همه جا تهدید مرگ وجود دارد.

k- جشن *خیمه ها* در اواخر تابستان در موسم انگور چینی برگزار می شد (ر.ک لاو۲۳:۳۳-۴۴؛ تث۱۶:۱۳-۱۶؛ خروج۲۳:۱۶) و مدت هشت روز ادامه داشت (اعد۲۹:۱۲-۳۹؛ ۲-مک۱۰:۶). در این جشن عمل نجات بخش خدا را در جریان خروج از مصر یادآوری و در ضمن برای برداشت محصول سالیانه شکرگزاری می کردند. این جشن جنبهٔ نبوتی داشت و نعمت های پربرکت دوران مسیحایی را اعلام می کرد (زک۱۴:۱۶-۱۹).

l- ر.ک مت۱۲:۴۶ توضیح n.

m- طبق برداشت اشتباه آمیز دنیوی، فقط ابراز قدرتی فوق العاده کافی خواهد بود تا اعتماد و احترام مردم به فرستادهٔ مسیحایی جلب شود (ر.ک ۲:۱۸؛ ۴:۴۸؛ ۶:۳۰؛ مت۱۲:۳۸-۴۰).

n- ترجمه تحت اللفظی: اما وقت شما همیشه آماده است. مراحل مختلف عمل عیسی به وسیلهٔ پدر که او را فرستاده تعیین شده و مخصوصاً لحظهٔ مناسب در اورشلیم برای عمل قطعی که عیسی آن را *ساعت* خود می ماند (۲:۴؛ ۵:۲۵، ۲۸؛ ۷:۳۰؛ ۸:۲۰؛ ۱۲:۲۳، ۲۷؛ ۱۳:۱؛ ۱۷:۱؛ مر۱۴:۳۵-۴۱). بالعکس مردمانی که از این دنیا هستند وقت را در اختیار خود دارند.

می‌دهم که کارهایش شرورانه است[o]. ۸ شما
به جشن فراز آئید، من به این جشن فراز
نمی‌آیم زیرا وقت من هنوز نرسیده است.»
۹ این را گفت و خودش در جلیل ماند.
۱۰ وقتی برادرانش به جشن فراز آمدند، او
هم نه نمایان بلکه در خفا فراز آمد[p].

آموزشهایی در طی جشن خیمه‌ها

۱۱ پس به هنگام جشن، یهودیان او را ۱۱:۵۶
جستجو می‌کردند و می‌گفتند: «او
کجاست؟» ۱۲ و در بین مردم درباره او
بسیار زمزمه می‌شد. برخی می‌گفتند: «مرد
خوبی است»، دیگران می‌گفتند: «خیر،
بلکه جمعیت را گمراه می‌کند.» ۱۳ با مت ۲۷:۶۳
این همه، هیچکس، از ترس یهودیان دربارهٔ
او آشکارا اظهاری نمی‌کرد[q]. ۹:۲۲؛ ۱۹:۳۸؛ ۲۰:۱۹
۱۴ هنگامی که هنوز در میانه جشن بودند
عیسی به معبد فراز آمده آموزش می‌داد.
۱۵ پس یهودیان شگفت‌زده می‌گفتند:
«چطور این مرد بدون آنکه درسی خوانده مت ۷:۲۸؛ ۱۳:۵۴-۵۷؛
باشد باسواد است[r]؟» ۱۶ پس عیسی در لو ۲:۴۷؛ اع ۴:۱۳
پاسخ به آنان گفت: «آموزش من از من ۱۲:۴۹؛ ۱۴:۱۰
نیست بلکه از آن کسی است که مرا
فرستاده است[s]. ۱۷ اگر کسی بخواهد ارادهٔ
او را بجا آورد خواهد شناخت که آیا این
آموزش از خداست یا اینکه من از خود
حرف می‌زنم[t]. ۱۸ کسی که از خود حرف ۸:۵۰؛ ۵:۴۱-۴۴
می‌زند، شکوه خود را می‌جوید، اما کسی
که شکوه فرستنده خود را می‌جوید او
راستین است و در او بی‌عدالتی[u] نیست.
۱۹ مگر تورات را موسی به شما نداده ۱:۱۷؛ اع ۷:۵۳؛
است؟ حال هیچکدام از شما به تورات روم ۲:۱۷-۲۳
عمل نمی‌کنید! چرا در جستجوی آن هستید
که مرا بکشید[v]؟» ۲۰ جمعیت پاسخ داد:
«تو دیو داری، چه کسی در جستجوی کشتن ۸:۴۸، ۵۲؛ ۱۰:۲۰؛
تو است؟» ۲۱ عیسی در پاسخ به آنان گفت: مت ۱۲:۲۴-۲۷
«من فقط یک کار انجام داده‌ام[w] و شما ۵:۱-۹، ۱۶
همگی از آن شگفت‌زده هستید. ۲۲ موسی پید ۱۷:۱۰-۱۳؛ لاو ۱۲:۳؛ اع ۷:۸؛ روم ۴:۱۱

o- فعالیت عیسی کینهٔ دنیا را برمی‌انگیزد (۱۵:۱۸-۲۵) زیرا این فعالیت خباثت واقعی اعمال دنیوی را برملا می‌کند (۳:۲۰-۲۱).

p- ر.ک ۲:۴ توضیح x. عیسی نه از درخواستهای مبهم مردمان بلکه از ارادهٔ پدرش پیروی می‌کند.

q- ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲؛ ۱۶:۲. بعد از این بایستی ایمان بر ترس از مجازات‌های یهودیان غالب شود. شکی نیست که در اینجا یوحنا اشاره به اقداماتی می‌کند که پس از سال ۷۰ میلادی، کنیسه بر ضد کسانی که به انجیل می‌پیوستند به عمل می‌آورد (ر.ک ۹:۲۲ توضیح r و ۱۱:۴۷ توضیح d).

r- ترجمه تحت‌اللفظی: *حروف الفبا را می‌شناسد*: این اصطلاح [نظیر اصطلاح فارسی باسواد] بدواً در مورد تحصیلات مقدماتی (یعنی خواندن و نوشتن) به کار می‌رفت و بعداً بتدریج مجموعهٔ آموزشهای مدرسه‌ای را دربرمی‌گرفت. از سوی دیگر چون در آموزشهای مدرسه‌ای در مورد شناختن قوانین تورات و روایات کاملاً تأکید می‌شد این اصطلاح به مفهوم آموزش متداول عالمان و کاتبان درآمد.

s- عیسی نه وابسته به سبک آموزشهای مدرسه‌ای است و نه وابسته به تحصیلاتی که پیش خود کرده باشد. آموزشی که او می‌دهد از شناسایی کامل و بلاواسطه پدر ناشی می‌شود. (ر.ک ۳:۱۱-۱۳، ۳۱-۳۶؛ ۵:۱۹-۲۳؛ ۱۲:۴۹-۵۰).

t- فقط کسانی که می‌پذیرند ارادهٔ پدر را انجام دهند آمادگی دارند مکاشفه راز الهی را پذیرفته و منشأ خدایی مشخص عیسی و آموزش او را قبول کنند.

u- گاهی این کلمه را *خدعه* یا *شیادی* ترجمه می‌کنند. [بی عدالتی]

v- کسانی که قصد دارند عیسی، فرستادهٔ پدر را نپذیرفته و او را بکشند، نشان می‌دهند که اصولاً به قوانین تورات که به آن می‌بالند ایمان ندارند (ر.ک ۵:۴۷؛ ۷:۴۹، ۵۱؛ ۸:۳۷-۴۱).

w- ظاهراً اشاره به شفای مفلوجی است که در ۵:۱-۱۵ روایت شده است.

ختنه را به شما داده است - نه آنکه ختنه
ازموسی باشد، بلکه از نیاکان[x] است- و مت۱۲:۱-۵، ۱۱، ۱۲؛
شما در روز سبت آدمی را ختنه می کنید. لو۱۳:۱۵-۱۶؛ ۱۴:۵؛
[۲۳]چون انسان در روز سبت هم ختنه می شود یو ۵:۸-۹
تا تورات موسی بی حرمت نگردد، شما بر
من آشفته اید چونکه انسانی را به تمامی در
روز سبت بهبودی بخشیده ام! [۲۴]دیگر به اش ۱۱:۳؛ زک ۷:۹؛
ظاهر داوری نکنید بلکه به عدالت داوری یو ۸:۱۵
کنید.»
[۲۵]پس برخی از اهالی اورشلیم می گفتند: ۵:۱۸؛ ۷:۱۹؛ ۸:۳۷، ۴۰
«آیا او همان کسی نیست که در جستجوی
کشتن وی هستند؟ [۲۶]اینک آشکارا سخن
می گوید و چیزی به او نمی گویند! آیا به
راستی رؤسا[y] دانسته اند که او مسیح
است؟ [۲۷]ولی ما می دانیم که او از کجاست ۹:۲۹
در صورتی که وقتی مسیح بیاید هیچکس
نخواهد دانست ازکجاست[z].» [۲۸]پس در
حالی که عیسی در معبد آموزش می داد ندا
کرده گفت: «شما مرا می شناسید و ۸:۱۹؛ ۹:۱۹؛ ۸:۲۶
می دانید از کجا هستم! ولی از طرف خودم
نیامده ام[a]، اما آن کسی که مرا فرستاده
راست است وشما او را نمی شناسید[b].
[۲۹]من او را می شناسم زیرا از او می آیم و ۸:۵۵؛ ۶:۴۶
اوست که مرا فرستاده است.» [۳۰]پس ۲:۴؛ ۷:۶، ۴۴؛ لو ۲۹-۳۰
ایشان در جستجوی آن بودند تا او را
بگیرند اما هیچکس بر او دست دراز نکرد
زیرا ساعت او هنوز نرسیده بود. [۳۱]از میان
جمعیت بسیاری به او ایمان آورده
می گفتند: «آیا وقتی مسیح بیاید نشانه های ۲:۱۱، ۲۳؛ ۸:۳۰؛ ۱۰:۴۲؛
بیشتری انجام خواهد داد از آنچه این یکی ۱۱:۴۵؛ ۱۲:۱۱، ۴۲
انجام داده است؟»
[۳۲]چون فریسیان شنیدند که مردم درباره مت ۱۱:۲؛ ۱۲:۲۳
او چه زمزمه می کنند، کاهنان اعظم و
فریسیان نگاهبانانی فرستادند تا او را
بگیرند[c]. [۳۳]پس عیسی گفت: «اندک ۱:۱۱؛ ۱۳:۳۳؛ ۵:۱۶
زمانی هنوز با شما هستم[d] و به سوی آن
کس می روم که مرا فرستاده است[e]. [۳۴]شما
مرا جستجو خواهید کرد و نخواهید یافت و

x- ترجمه تحت اللفظی: *پدران*. ر.ک پید۱۷:۱۰؛ روم۴:۱۱. در خط ۲۳ عیسی طبق عادت ربیون بیان می دارد: یهودیان ختنه را به عنوان شفا، برای یک عضو خاص در نظر می گرفتند پس اگر شفا دادن (ختنه کردن) یک عضو روز سبت مجاز بود صورت گیرد چقدر و بیشتر شفا دادن به یک انسان «به تمامی» می بایست مجاز باشد.

y- روایت مکتوب در این مورد قطعی و مشخص نیست: در بعضی نسخه خطی به جای کلمهٔ *رؤسا*، *کاهنان اعظم* و در نسخ دیگر *مشایخ* نوشته شده است. در دو نسخه خطی دیگر این کلمه حذف شده است.

z- در این متن مجدداً انعکاس بحث و مجادله ای که در قرن اول میلادی بین یهودیان و مسیحیان ادامه داشته به نظر می رسد ضمناً این عبارات نوعی لحن استهزاآمیز دارند: از یک دیدگاه اصل و تبار او مشهور است (ر.ک ۶:۴۲) چون انسان است از طرف دیگر اصل و تبار آسمانی او را هیچ کس نمی تواند درک کند.

a- گاهی این سخنان را چنین ترجمه می کنند: *شما مرا می شناسید، می دانید از کجا هستم! با این همه از طرف خودم نیامده ام.*

b- چون نمی توانند او را به عنوان فرستادهٔ خدا بشناسند و این نشان می دهد که واقعاً خدا را نمی شناسند.

c- فقط کاهن اعظم *نگهبانانی* در اختیار داشته است. بنابراین مقامات رسمی در جریان وقایعی وارد شده اند که به کشتن عیسی منتهی خواهد شد. ضمناً چنین به نظر می رسد که طرز رفتار و نظر نسبتاً مساعد جمعیت درباره او موجب شد مقامات رسمی در اتخاذ تصمیم خود تسریع نمایند (ر.ک ۱۱:۴۵-۴۶؛ ۱۱:۵۷؛ ۱۲:۱۸-۱۹).

d- رنجهای عیسی در جریان مصائب و صلیب او به طوری که در اناجیل نظیر اعلام شده (ر.ک مر۸:۳۱-۳۳//؛ ۹:۳۰-۳۲//؛ ۱۰:۳۳-۳۴//) در انجیل یوحنا وجود ندارد. عیسی عزیمت و بازگشت خود را به سوی پدر (۷:۳۳؛ ۸:۲۱؛ ۱۳:۳۳) و برافرازی خود را به آسمان اعلام می نماید (۳:۱۴؛ ۸:۲۲؛ ۱۲:۳۲).

e- ر.ک ۸:۱۴، ۲۱-۲۲؛ ۱۳:۳، ۳۳، ۳۶؛ ۱۴:۴-۵، ۲۸؛ ۱۶:۵، ۱۰؛ ۱۷:۱۱، ۱۳.

۸:۲۱؛ تث ۴:۲۹؛ امث ۱:۲۸ به آنجائی که من هستم شما نمی توانید
بیائید[f].» ۳۵پس یهودیان با خود گفتند:
«به کجا خواهد رفت که ما او را نخواهیم
یافت؟ آیا به میان کسانی که در بین
یونانیان[g] پراکنده اند خواهد رفت و به
یونانیان[h] آموزش خواهد داد؟ ۳۶معنی این
گفتار چیست که گفت: مرا جستجو نکرد و
نخواهید یافت و به آنجائی که من هستم
شما نمی توانید بیائید؟»

لاو ۳۶:۲۳؛ یو ۳۴-۳۱:۱۹؛ مکا ۶:۲۱؛ ۱۷:۲۲؛ اش ۳:۱۲؛ ۲۰:۴۳؛ ۳:۴۴؛ ۱:۵۵؛ ۱۱:۵۸؛ حزق ۱۲-۱:۴۷؛ یول ۱:۳؛ ۱۸:۴؛ زک ۱:۱۳؛ امث ۴:۱۸

آخرین روز جشن

۳۷در آخرین روز که روز بزرگ جشن
بود[i] عیسی در آنجا ایستاده ندا برآورد:
«اگر کسی تشنه است به سوی من بیاید و
بنوشد. ۳۸آن که به من[j] ایمان دارد برابر
آنچه در نوشته مقدس گفته شده از بطن او
نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد[k].»
۳۹این را درباره روح گفت که آنانی که به ۳۳:۱؛ ۱۶:۷؛ ۲۲:۲۰؛ اع ۴:۲
او ایمان می آورند بایستی دریافت کنند
چون هنوز روح نبود زیرا عیسی هنوز شکوه
نیافته بود[l].
۴۰پس در میان جمعیتی که این سخنان را
شنیده بودند گروهی می گفتند: «به راستی
او آن پیامبر است[m]!» ۴۱دیگران
می گفتند: «این مسیح است!» برخی دیگر تث۱۸:۱۵-۱۸؛ یو ۱۴:۶؛ اع ۲۲:۳؛ ۳۷:۷
می گفتند: «آیا مسیح باید از جلیل بیاید؟
۴۲آیا نوشته مقدس نگفته که مسیح از تبار ۲۹:۴؛ ۲۶:۷؛ اع ۲۲:۹
داود و از بیت لحم، روستائی که داود از مت ۶-۵:۲؛ ۲۷:۹؛ روم ۳:۱

f- این سخن که عمداً به طور دو پهلو بیان شده موجب تعبیرهایی نیشدار و کنایه آمیز خواهد شد، با این همه نبوت واقعی که بعداً به وقوع خواهد پیوست.

g- یا درجامعه مهاجرنشین یونانیان.

h- کمله یونانی در اینجا دو معنی دارد. خواه یهودیانی که در میان بت پرستان زندگی می کرده اند و یونانیان یهودی تبار بوده اند از جمله بت پرستانی بودند که به ایمان یهود گرویده اند. خواه به خود یونانیان: ر.ک ۲۰:۱۲؛ اع۲۰:۱۱؛ ۱:۶؛ ۲۹:۹). بیشتر محتمل است که منظور یوحنا معنی اخیر باشد. رسالت در بین خارجیان از مختصات دورانی است که پس از گذر عیسی به سوی آغاز می شود (ر.ک ۴:۳۵-۳۸؛ ۱۲:۲۰-۲۴).

i- منظور روز هفتم و احتمالاً روز هشتم ایام جشن است که مدّت هشت روز ادامه داشته و روز آخر را سوگّاح می نامیدند. در این روزها مراسم پاشیدن آب انجام می شد و شکی نیست که بدین سبب در سخنان عیسی آب به عنوان نماد و نشانه به کار برده شده است.

j- ترجمه دیگری امکان پذیر هست، «اگر کسی تشنه باشد نزد من بیاید و بنوشد. از کسی که به من ایمان دارد طبق گفته نوشته مقدس، نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد» ما در اینجا طبق قدیمی ترین سنت کلیسا که بیشتر با طرز نوشتن یوحنا تطبیق دارد این گونه می فهمیم: عیسی چشمه آب زنده می باشد برای کسانی که تشنه اند و به او ایمان می آورند. قسمت مهم سنت غربی نقطه آخر جمله چنین درک می شود که: «به سوی من بیاید و بنوشد» و سخن کتاب مقدس چنین به ایمان دار اطلاق می شود که خود چشمه آب زندگانی می گردد (ر.ک ۱۴:۴).

k- چنین به نظر می رسد که در اینجا نقل قول معینی نیست بلکه چکیده ای از متون مختلف می باشد که در آنها عطایای آسمانی را آب زندگانی بشمار آورده اند (ر.ک۴:۱۰-۱۵ توضیح u). می توان به زک۱۴:۸ اندیشید که در برگزاری آداب مذهبی جشن یهود به کار می رفته است.

l- ر.ک ۱:۴ توضیح u. به نظر یوحنا شکوه عیسی عبارت از چیزی است که او را به عنوان پسر خدا (۱:۱۴) و فرستادهٔ پدر ظاهر می کند. عیسی شکوهمندی خود را از آدمیان دریافت نمی کند (۵:۴۱) بلکه از پدر (۱:۱۴؛ ۸:۵۴) و پیش از آفرینش جهان دریافت می نماید (۱۷:۵). این شکوه در طی رسالت زمینی عیسی تجلی می نماید (۱:۱۴؛ ۲:۱۱؛ ۱۱:۴). برترین لحظهٔ *شکوهمندی* عیسی مرگ و رستاخیز اوست (۷:۳۹؛ ۱۲:۱۶، ۲۳؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۷:۵) که یوحنا آن را به طور کلی بارها با کلمات *بلند شدن* و *سرافرازی* ذکر کرده است (ر.ک ۸:۲۸توضیح l). در هر لحظه شکوه پدر بر روی پسر و شکوه پسر بر روی پدر انتقال یابد می کند (۱۱:۳۴؛ ۱۲:۲۳، ۲۸؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۷:۱).

m- ر.ک ۱:۲۱؛ ۶:۱۴-۱۵.

آنجا بود باید بیاید[n]؟» ۴۳به این ترتیب به
۱۱:۳؛ ۱۶:۹؛ ۱۹:۱۰ خاطر او در بین جمعیت تفرقه افتاد[o].
۴۴برخی از آنان می‌خواستند او را بگیرند
۳۰:۷ اما کسی بر او دست دراز نکرد.
۴۵پس نگهبانان به سوی کاهنان اعظم و
فریسیان آمدند و آنان به ایشان گفتند:
«چرا او را نیاوردید؟» ۴۶نگهبانان پاسخ
مت ۱۳:۵۴-۵۶ دادند: «هرگز انسانی چنین سخن نگفته که
این انسان می‌گوید!» ۴۷پس فریسیان در
پاسخ گفتند: «آیا شما نیز گمراه
۱۲:۴۲؛ مت ۲۱:۳۲؛ ۱-قرن ۱:۲۶ شده‌اید؟ ۴۸آیا در بین رؤسا یکی هست که
به او ایمان آورده باشد؟ یا از بین
فریسیان؟ ۴۹اما این انبوه که تورات را
نمی‌شناسند، ملعون‌اند[p].» ۵۰ نیقودیموس
۳:۱-۲؛ ۱۹:۳۹ یکی از آنان، آن کس که قبلاً نزد عیسی
آمده بود به ایشان گفت: ۵۱ «تورات ما
تث ۱:۱۶؛ ۱۷:۴ بدون آنکه [اظهار] کسی را شنیده و
دانسته باشد چه می‌کند؟ آیا از قبل او را
محکوم می‌کند؟» ۵۲در پاسخ به او گفتند:
«آیا تو هم از جلیل هستی؟ تفحص کن و ۱:۴۶؛ ۵:۳۹؛ ۷:۴۱
خواهی دید که از جلیل پیامبری
برنمی‌خیزد[q].» ۵۳هر یک به خانهٔ خود
رفتند.

زن زناکار

لو ۲۱:۳۷-۳۸



۱امّا عیسی به کوه زیتون رفت[r].
۲ولی صبحدم باز در معبد حاضر مت ۲۶:۵۵
شد و همه مردم به سوی او می‌آمدند و
نشسته به ایشان آموزش می‌داد. ۳کاتبان و
فریسیان زنی را که در حین زنا گرفتار شده لو ۷:۳۷-۵۰؛ اعد ۵:۱۲-۳۱
بود، نزد وی آوردند و او را در میان قرار
داده ۴به او گفتند: «ای استاد، این زن در
حین ارتکاب زنا گرفتار شده است؛ ۵باری
موسی در تورات به ما حکم کرده[s] که این لاو ۲۰:۱۰؛ تث ۲۲:۲۲-۲۴
چنین زنان را باید سنگسار کرد. پس تو چه
می‌گوئی؟» ۶این را می‌گفتند تا او را مت ۲۲:۱۵
تجربه کنند تا بتوانند برای اتهام او چیزی
داشته باشند. اما عیسی خم شده با انگشت

n- ر.ک ۲-سمو۷:۱۲-۱۷؛ مز۸۹:۴-۵؛ ار۲۳:۵؛ در مورد بیت لحم میک۵:۱. به نظر می‌رسد که رقیبان عیسی موضوع تولد او را در بیت‌لحم نمی‌دانند. آیا می‌توان تصور کرد که یوحنا به کنایه و مسخره این مطالب را نوشته است؟ به هرصورت باید توجه داشت که یوحنا در هیچ مورد از تولد عیسی در بیت‌لحم سخن نگفته است.

o- مکاشفه ای که در عیسی به ظهور می‌رسد موجب ایجاد *تفرقه* بین آدمیان می‌شود بسته به اینکه ایمان می‌آورند یا نه (ر.ک ۱۶:۹؛ ۱۹:۱۰؛ ۹:۴۱؛ ۹:۱-۱۳؛ ۱۹:۳-۲۱).

p- بیشتر کسانی که ایمان می‌آورند افراد تودهٔ عوام هستند (کسانی را که علمای دین یهود *مردم زمین* یا دهاتی می‌نامیدند) در صورتی که بی‌ایمانی طبقهٔ برگزیده رهبران یهود تشدید می‌شود. در مورد تحقیر مردمان جاهل طبقهٔ پایین (ر.ک ار۵:۱-۴) نوشته‌های ربیون یهود بسیار است.

q- در تمام این قسمت از انجیل یوحنا، مقامات رسمی اورشلیم، جلیل و اهالی جلیل را پست می‌شمارند تا جایی که برای آنان هیچ نقشی در تاریخ اسرائیل قائل نیستند (ر.ک ار۴۶). نبایستی فراموش کرد که اهالی یهودیه مسیحیان را اکثراً به نام جلیلیان می‌نامیدند. ضمناً گاهی با افراد فرقهٔ غیوران به همین گونه رفتار می‌کردند.

r- در تعدادی از نسخه‌های بسیار کهن خطی، قطعهٔ ۷:۵۳-۸:۱۱ وجود ندارد؛ در نسخه‌های دیگری این قطعه پس از آیه ۳۶ یا آیه ۴۴ یا در آخر انجیل آمده است. در نسخه‌های دیگری پس از لو۲۱:۳۸ قرار گرفته است. چنین به نظر می‌رسد که پدران یونانی کلیسا از وجود این قسمت اطلاع نداشته‌اند. ضمناً در متن این قسمت نیز تفاوتهایی مختلف دیده می‌شود و فاقد مشخصات شیوهٔ نگارش یوحنا است. بدین سبب می‌توان گفت که این قسمت در ابتدا جزو انجیل یوحنا نبوده و روایت مستقلی است که بعداً به انجیل یوحنا افزوده شده است؛ به هر صورت در مورد اصالت آن و مورد قبول کلیسا بودن تردیدی وجود ندارد.

s- ر.ک لاو۲۰:۱۰؛ تث۲۲:۲۲-۲۴.

بر روی زمین خطوطی ترسیم می‌کرد[t].
۷ چون در پرسش اصرار می‌کردند، قد
تث ۱۷:۷؛ مت ۷:۱-۵ راست کرده به آنان گفت: «آن کس که در
بین شما بی‌گناه است اول بر او سنگی
بیندازد[u]!» ۸ و باز خم شده بر روی زمین
می‌نوشت. ۹ وقتی که این را شنیدند، از
مت ۲۲:۲۲ مسّن‌ترین آنان شروع کرده، یک یک از
آنجا رفتند و او با آن زن که در میان بود،
تنها ماند. ۱۰ آنگاه عیسی قد راست کرده
به او گفت: «ای زن کجا هستند[v]؟ آیا
خروج ۶:۳۴؛ مز ۱۰۳: ۸، ۱۳-۱۴؛ یو ۵:۱۴ هیچکس ترا محکوم نکرده است؟» ۱۱ زن
گفت: «خداوندا هیچکس» و عیسی گفت:
«من نیز ترا محکوم نمی‌کنم، برو از حالا به
بعد دیگر گناه مکن.»

عیسی نور جهان

۴:۱، ۹؛ ۵:۹؛ ۴۶:۱۲؛ اش ۹:۱؛ ۶:۴۹؛ ۱:۶۰، ۳؛ مت ۱۴:۵؛ ۱-یو ۸:۲، ۱۱
۱۲ پس عیسی باز با ایشان سخن گفت:
«من نور جهان هستم. آن که به دنبال من
می‌آید در تاریکی راه نخواهد رفت بلکه نور
زندگانی را خواهد داشت[w].» ۱۳ پس
۳۱:۵ فریسیان به او گفتند: «تو درباره خودت
شهادت می‌دهی! شهادت تو راست[x]
۱۱:۳؛ ۳:۱۳؛ ۲۸:۱۴؛ ۲۸:۱۶ نیست!» ۱۴ عیسی در پاسخ به آنان گفت:
«حتی اگر درباره خودم نیز شهادت بدهم،
شهادت من راست است زیرا می‌دانم از کجا
آمده‌ام و به کجا می‌روم. اما شما نمی‌دانید
از کجا می‌آیم و به کجا می‌روم[y]. ۱۵ شما
۱-سمو ۷:۱۶؛ یو ۲۴:۷؛ ۴۷:۱۲ چون بشر[z] داوری می‌کنید. من هیچکس را
داوری نمی‌کنم؛ ۱۶ اما اگر من داوری کنم،
۳۰:۵، ۳۷؛ ۲۹:۸؛ ۳۰:۱۰ داوری من راست است[a] زیرا من تنها نیستم
بلکه من هستم و آن کس که مرا فرستاده
تث ۶:۱۷؛ ۱۵:۱۹؛ اعد ۳۰:۳۵ است[b]. ۱۷ و در تورات خود شما نوشته شده[c]
که شهادت دو شخص راست است. ۱۸ من
۳۲:۵، ۳۷؛ ۱-یو ۹:۵ دربارهٔ خودم شهادت می‌دهم و دربارهٔ من پدر
شهادت می‌دهد که مرا فرستاده است[d].»
۱۹ آنگاه به او گفتند: «پدرت کجاست؟»

t- از کلمه‌ای که در اینجا به کار رفته چنین برمی‌آید که عیسی خطوطی، یکی پس از دیگری رسم می‌کرده چنانکه گویی چیزهایی را می‌شمارد (گناهان هریک را؟): ر.ک ایوب۲۶:۱۳. این کلمه را گاهی ترجمه می‌کنند: خطوطی ترسیم می‌کرد. این آیه ممکن است عبارتی را که در ار۱۷:۳ آمده عیناً و کلمه به کلمه بیاد آورد: *آنان که از من دور می‌شوند بر روی زمین ثبت شده‌اند*.

u- عیسی با یادآوری مقررات شرعی (تث۱۷:۵-۷؛ خروج۲۳:۶-۷) از دامی که برایش گسترده‌اند احتراز می‌کند یا اینکه می‌خواهد به کسانی که اتهام وارد می‌کنند وضعیت گناهکار بودن خودشان را یادآوری نمایند (مت۷:۱-۲).

v- یعنی کاتبان و فریسیان که او را متهم می‌کردند.

w- دعوت پیروی از عیسی علاوه بر نخستین شاگردان (۳۷:۱، ۳۸، ۴۱، ۴۳؛ ۴:۱۰، ۲۷؛ ۲۶:۱۲؛ ۳۶:۱۳-۳۷؛ ۱۹:۲۱، ۲۲) به کلیه ایماندارانی خطاب می‌شود که از همه جا خواهند آمد؛ این ایمانداران بایستی در شخص عیسی *نوری* را بشناسند که به وسیلهٔ صلیب در شکوه پدر وارد شده است؛ یعنی آن کسی که راه وصول به زندگی واقعی را به نزد خدا ارائه نموده و وصول به آن را مقدور می‌سازد (۴:۱-۵، ۹؛ ۱۹:۳-۲۱؛ ۵:۹؛ ۹:۱۱-۱۰؛ ۳۵:۱۲-۳۶، ۴۶؛ ۶:۱۳؛ ۱-یو ۵:۱-۷؛ ۸:۲-۱۰).

x- گاهی این کلمه را *قابل قبول* ترجمه می‌کنند.

y- قاعده کلی (۳۱:۵) در مورد عیسی صدق نمی‌کند: زیرا فقط او می‌تواند بگوید که کیست، چون از پدر می‌آید و به پدر باز می‌گردد. انسانهای دیگر با وسایل بشری قادر نیستند به این روش دسترسی داشته باشند.

z- ترجمه تحت‌اللفظی: *برطبق تن*: یعنی برابر *موازین بشری* و در نتیجه قضاوت و داوری برحسب *ظواهر امر* می‌باشد (ر.ک ۱۴:۷؛ ۱-قرن۲۶:۱؛ ۸:۲-۱۶).

a- گاهی ترجمه می‌کنند: *داوری من مطابق حقیقت است*.

b- ر.ک ۲۲:۵-۳۰؛ ۳۹:۹؛ ۴۷:۱۲؛ ۱۶:۳-۲۱.

c- ر.ک تث۶:۱۷؛ ۱۵:۱۹؛ اعد۳۵:۳۰.

d- اصولی را که قانون تورات مقرر کرده رعایت شده ولی به طوری که شنوندگان برای درک آن آمادگی ندارند.

عیسی پاسخ داد: «شما نه مرا می‌شناسید و
۴۵:۱۲؛ ۷:۱۴؛ ۳۰:۱۶ نه پدرم را. اگر مرا می‌شناختید، پدرم را نیز
می‌شناختید.» [۲۰]این سخنان را در
«خزانه»[e] هنگامی که در معبد آموزش می‌داد
۳۰:۷؛ مر ۴۱:۱۲ بر زبان راند. کسی بر او دست دراز نکرد
زیرا ساعتش هنوز نرسیده بود.

عزیمت عیسی و داوری

۳۳:۷-۳۶؛ ۳۳:۱۳، ۳۶؛ [۲۱]پس عیسی باز به آنان گفت: «من
تث ۱۶:۲۴؛ می‌روم و شما مرا جستجو خواهید کرد و در
حزق ۲۰:۱۸؛ ۱۲:۳۳-۲۰ گناه خود خواهید مرد. به جائی که من
می‌روم شما نمی‌توانید بیائید[f].» [۲۲]پس
یهودیان می‌گفتند: «آیا می‌خواهد خود را
بکشد[g] که می‌گوید به جائی که من می‌روم
شما نمی‌توانید بیائید؟» [۲۳]و او به آنان
۱۰:۱؛ ۳۱:۳؛ ۱۴:۱۷ می‌گفت: «شما از پائین هستید، من از بالا
هستم. شما از این جهان هستید، من از این
جهان نیستم[h]. [۲۴]پس من به شما گفته‌ام که
در گناهان خود خواهید مرد زیرا اگر ایمان
نیاورید که «من هستم[i]» شما در گناهانتان ۱:۱؛ ۱۹:۱۳؛ ۶:۱۸؛
خواهید مرد.» [۲۵]پس به او می‌گفتند: «تو اش ۱۱:۴۳
کیستی؟» عیسی به آنان گفت: «همان که
[مکرر] به شما می‌گویم[j]. [۲۶]دربارهٔ شما
گفتنی و داوری بسیار دارم، اما آن کس که ۲۸:۷؛ ۴۸:۱۲-۵۰
مرا فرستاده راست است و من آنچه از او
شنیده‌ام به جهان می‌گویم[k].» [۲۷]آنان
ندانستند که به ایشان از پدر می‌گفت.
[۲۸]پس عیسی به آنان گفت: «وقتی پسر ۱۴:۳؛ ۱۹:۵؛ ۳۱:۱۲-۳۲؛
انسان را بالا ببرید، بدان هنگام خواهید مت ۲۰:۸
دانست که «من هستم» و من از خود هیچ
نمی‌کنم، بلکه برابر آنچه پدر به من آموخته
است سخن می‌گویم[l] [۲۹]و آن کس که مرا ۱۶:۸؛ ۳۰:۱۰؛ ۳۲:۱۶

e- مردم مجاز نبودند به ساختمانی که گنجینه معبد در آن حفظ می‌شد وارد شوند ولی نام گنجینه به محوطه‌ای که در اطراف ساختمان بود اطلاق می‌شد: مگر اینکه در اینجا منظور محلی در میدان زنان باشد که در آنجا صندوق‌های مخصوص جمع‌آوری پیش‌کشها قرار داشت (ر.ک مر۱۲:۴۱-۴۳؛ لو۲۱:۱-۴).

f- فقط پذیرفتن واقعی عیسی به وسیله ایمان می‌توانست آنان را از مرگ که نتیجهٔ گناه است بیرون آورد (در مورد کلمه مرگ ر.ک ۵:۲۵ توضیح b). بی‌ایمانی یا عدم ادراک کنونی هلاکت و گمراهی ایشان را قطعی می‌کند: نجات یعنی ایمان داشتن به عیسی و گذشتن با او به نزد پدر (ر.ک ۷:۳۳؛ ۹:۴۱؛ ۱۲:۳۱).

g- یهودیان تصور می‌کنند که عیسی خودکشی خواهد کرد و این امر در آیین یهود یکی از گناهان مهم به شمار می‌رود. چنانکه بارها در انجیل یوحنا آمده این عبارت مبهم و دوپهلو است (ر.ک ۷:۳۵): این سخنان را که گویندگان بدون آنکه مفهوم واقعی آنها را بدانند بر زبان می‌رانند خواننده درک می‌نماید بدین معنی که عیسی واقعاً زندگی خود را خواهد داد (۱۰:۱-۱۸). ضمناً در اینجا یوحنا با ظرافت از زبان یهودیان دربارهٔ عیسی پیشگویی می‌کند چنانکه بعدها از زبان دیگران نظیر قیافا (۱۱:۵۱؛ ۱۸:۱۴) و پیلاطس (۱۹:۲۲) خواهد کرد.

h- در مورد دو نوع زندگی ر.ک ۳:۳۱.

i- آزاد شدن از گناه و رهایی از مرگ منحصراً بسته به آن است که در ایمان عیسی را پذیرفته و بشناسند. در اینجا عیسی خود را با جملهٔ مرموز: *من هستم* توصیف و معرفی می‌کند. شاید می‌خواهد عبارات قبلی را یادآوری نماید که در طی آنها عمل خود را نجات آدمیان توصیف کرده است (نان، روشنایی). ولی بیشتر متحمل است که این عبارت، ترکیب کلامی را یادآوری نماید که بیشتر در ترجمهٔ یونانی کتاب مقدس به کار برده شده است (اش۴۳:۱۰؛ ۴۱:۴؛ ۴۶:۴؛ ۴۸:۱۲؛ تث۳۳:۳۹). در اش۴۳:۱۰ عبارت مذکور بدین معنی است: *من (تا ابد)* همین هستم. ممکن است اشاره به اظهارات مهمی است که در کوه سینا شده است: *من هستم که خواهم بود* (خروج۳:۱۴-۱۶)؛ در این صورت این عبارت وجود خدایی عیسی را بیان می‌کند که در سطح پدر قرار دارد و بنابراین مطلقاً امین و مورد اعتماد است.

j- این جمله را به طرق مختلف ترجمه کرده‌اند: *از همان آغاز مرتباً به شما گفته‌ام*؛ *روی هم رفته از چه چیزی سخن بگویم؟*؛ *بدواً آنچه به شما می‌گویم*؛ *از همان چه به شما گفتم*؛ عیسی در مورد هویت و رسالت خود مرتباً همان آموزش را بیان می‌کند ولی شنوندگان به طور کلی نشان می‌دهند که قادر به درک و شنیدن سخنان او نیستند.

k- ر.ک ۷:۱۷؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۴:۱۰.

l - عیسی که بر روی صلیب *بالا برده می‌شود* در شکوه و جلال نیز بالا برده می‌شود (۳:۱۴-۱۵؛ ۱۲:۳۲-۳۴) و الوهیت او نظیر حقیقت سخنان او بر همگان آشکار می‌گردد (ر.ک ۷:۳۹ توضیح l).

فرستاده با من است[m]، مرا تنها نگذاشته
زیرا همواره من چنان می‌کنم که خوشایند
او باشد.» [۳۰]چون این مطالب را می‌گفت
بسیاری به او ایمان آوردند[n].

۲:۲۳؛ ۷:۳۱؛ ۱۰:۴۲؛ ۱۱:۴۵؛ ۱۲:۱۱، ۴۲

فرزندان واقعی ابراهیم

[۳۱]پس عیسی به یهودیانی که به او ایمان
آورده بودند می‌گفت: «اگر شما در سخن
من بمانید[o]، شما به راستی شاگردان من
هستید. [۳۲]و راستی را خواهید شناخت[p] و
راستی شما را آزاد خواهد کرد[q].» [۳۳]به او
پاسخ دادند: «ما از تبار ابراهیم هستیم و
هرگز برده کسی نبوده‌ایم[r]، تو چگونه
می‌توانی بگویی: شما آزاد خواهید شد؟»
[۳۴]عیسی به آنان پاسخ داد: «آمین، آمین،
به شما می‌گویم هر کس گناهی مرتکب
شود برده گناه است. [۳۵]باری برده برای ابد
در خانه نمی‌ماند، پسر برای ابد [در آنجا]
می‌ماند. [۳۶]پس اگر پسر شما را آزاد کند،
شما به راستی آزاد خواهید بود[s]. [۳۷]می‌دانم
که شما از تبار ابراهیم می‌باشید[t] اما در
جستجوی کشتن من هستید زیرا سخن من
در شما نفوذ ندارد. [۳۸]آنچه من نزد پدرم
دیده‌ام، همان را می‌گویم و شما آنچه را از
پدر خود شنیده‌اید انجام می‌دهید.»
[۳۹]پاسخش داده گفتند: «پدر ما ابراهیم
است.» عیسی به آنان گفت: «اگر فرزندان
ابراهیم هستید کارهای ابراهیم را بکنید.
[۴۰]بلکه در عوض در جستجوی کشتن من
هستید. من انسانی هستم که راستی را که از

۳:۱۱؛ ۱۵:۷، ۱۴؛ اع ۱۱:۲۳؛ ۲-یو ۲

مت ۳:۹؛ نح ۹:۳۶

روم ۶:۱۷-۱۹؛ ۲-پطر ۲:۱۹؛ ۱-یو ۳:۸

پید ۲۱:۱۰؛ خروج ۲۱:۲؛ تث ۱۵:۱۲؛ ار ۲:۱۴-۱۵؛ غلا ۴:۳۰

روم ۶:۱۸، ۲۲؛ ۲-قرن ۳:۱۷؛ ۷:۲۳

۵:۱۸، ۳۸؛ ۷:۱۶، ۲۵؛ مت ۲۱:۳۳-۴۶

۳:۱۱؛ ۶:۴۵

پید ۱۵:۶؛ ۱۷:۲؛ مت ۳:۹؛ یو ۸:۳۳

m- عیسی عبارتی را که در عهدعتیق آمده در مورد خود به کار می‌برد. در آنجا گفته شده که خدا همراه و پشتیبان کسانی است که به رسالت مأمور می‌نماید (خروج۳:۱۲؛ یوشع۱:۵؛ ۱-سمو۱۰:۷؛ ار۱:۸؛ عا۵:۱۴) ولی این عبارت مفهوم والایی می‌گیرد (ر.ک ۱۶:۳۲)؛ متقابلاً عیسی به تمامی در خدمت پدر است (۴:۳۴؛ ۵:۳۰؛ ۶:۳۸).

n- ر.ک۲:۲۳؛ ۴:۳۹-۴۱؛ ۷:۳۱؛ ۱۰:۴۲؛ ۱۲:۱۱، ۴۲.

o- یعنی اگر به کسی که اظهار می‌کند کلام خدا یعنی حقیقت است بپیوندند: ر.ک ۸:۳۷؛ ۵:۳۸؛ ۶:۵۶؛ ۱۵:۷؛ ۲-یو۹.

p- به نظر یوحنا *حقیقت* یعنی واقعیت خدا زیرا خدا تمامیت زندگی حقیقی است و می‌تواند آدمیان را که آفریده در آن سهیم کند. این حقیقت در عیسی متظاهر می‌شود، بنابراین ایمان به او شناختن و پذیرفتن حقیقت است (۱:۱۴، ۱۷؛ ۱۴:۶، ۱۷؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷، ۱۳؛ ۱۷:۱۷-۱۹؛ ۱۸:۳۷-۳۸؛ ۱-یو۱:۶، ۸؛ ۲-یو۱).

q- در اینجا منظور یوحنا نه *آزادی* سیاسی و نه استقلال درونی می‌باشد که فرد عاقلی با تفکر درباره وجود بشری خود می‌تواند به این استقلال برسد. آزادی نسبت به دروغ (۸:۴۴) و در برابر مرگ (۸:۲۴، ۵۱) قابلیت زندگی کردن به تمامیت (۱۰:۱۰) در همبستگی با پسر و پدر است (۱۷:۳). این آزادی که مربوط به سرنوشت نهایی بشر است عطیه‌ای می‌باشد و به حقیقتی که از عیسی دریافت می‌شود وابسته است.

r- یهودیان به خوبی درک کرده‌اند منظور آن آزادی است که در ارتباط با خدا حاصل می‌شود (زیرا از نظر سیاسی اغلب اوقات تحت تسلّط دیگران بوده‌اند)؛ ولی این آزادی عطیه‌ای است که بایستی در ایمان به دست آید؛ فقط به سبب تعلق داشتن به تبار ابراهیم نمی‌توان خود را برتر از دیگران دانست زیرا آنان که به عیسی ایمان دارند ذریت واقعی ابراهیم را تشکیل می‌دهند (ر.ک مت۳:۹؛ روم۴؛ غلا۴:۲۱-۳۱).

s- آزادی یکی از جنبه‌های شرایط فرزندی و مخالف بردگی است. گناه که عبارت از عدم شناسایی خدا و جدایی از اوست حالت بردگی یا دیوانگی را می‌رساند. تنها پسر در موقعیت همبستگی با پدر به طور قطعی و مطمئن در خانه است (در مورد اختلاف پسر و خدمتگزار ر.ک پید۲۱:۱۰؛ ار۲:۱۴-۳: ۲۲؛ غلا۴:۱-۹؛ ۵:۱) و می‌آید تا ایمانداران در موقعیت او سهیم شوند.

t- *تبار ابراهیم* تنها یک واقعیت از نظر زیست شناسی یا جامعه شناسی نیست (یعنی کسانی که فقط فرزندان تنی ابراهیم بوده یا به سبب وابستگی به جامعهٔ یهود از نسل او به شمار آیند) بلکه ایجاب می‌کند که رفتاری برابر رفتار آن پیامبر داشته باشند. این برابری بایستی در عمل ابراز شود و اکنون با شناسایی و پذیرفتن فرستادهٔ خدا بیان گردد (ر.ک روم۴:۱، ۱۱-۲۵؛ ۹:۷؛ غلا۳:۶-۱۶). بالعکس اقداماتی که برای کشتن عیسی انجام می‌دهند نشانهٔ آن است که عوامل این اقدامات فقط از نظر جسمانی از تبار ابراهیم می‌باشند.

خدا شنیده ام به شما گفته ام. این را ابراهیم
خروج ۲۲:۴؛ تث ۶:۳۲؛ نکرده است[u]. ۴۱ شما کارهای پدرتان را
اش ۱۶:۶۳؛ ۸:۶۴؛ می کنید.» به او گفتند: «ما روسپی زاده
ملا ۱۰:۲ نیستیم[v]، ما فقط یک پدر داریم که خدا
۱-یو ۱:۵؛ یو ۳:۱۳؛ ۲۸:۱۸؛ ۸:۱۷ باشد.» ۴۲ عیسی به آنان گفت: «اگر خدا
پدرتان می بود، به من محبت می داشتید
زیرا من از خدا برون شده و می آیم، زیرا از
خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است.
مت ۷۳:۲۶؛ روم ۷:۸ ۴۳ چرا گفتار مرا درنمی یابید؟ زیرا
نمی توانید سخن مرا بشنوید[w]. ۴۴ شما،
پید ۴:۳؛ حک ۲۴:۲؛ پدرتان ابلیس است و می خواهید هوی و
روم ۱۲:۵؛ ۱-یو ۳:۸-۱۵ هوسهای پدرتان را انجام دهید. وی از
۱-پطر ۸:۵ همان آغاز قاتل بود[x] و در [طریق] راستی
نمانده بود زیرا در او راستی نیست، وقتی
دروغ می گوید از خودش می گوید زیرا او
دروغگو و پدر دروغ است[y]. ۴۵ اما چون من
غلا ۱۶:۴ راستی را می گویم، به من ایمان

۲-قرن ۲۱:۵؛ ۱-پطر ۲۴:۲؛ ۱-یو ۵:۳ نمی آورید. ۴۶ چه کسی از بین شما
می تواند درباره گناه مرا سرزنش کند[z]؟
۲۶:۱۰؛ ۳۷:۱۸؛ اگر من راستی را می گویم چرا به من ایمان
۱-یو ۶:۴؛ ۱۹:۵ نمی آورید؟ ۴۷ آن که از خداست، گفتار
خدا را می شنود. شما نمی شنوید زیرا از
خدا نیستید.» ۴۸ یهودیان در پاسخ به او
گفتند: «آیا ما درست نمی گوییم که تو
۹:۴؛ ۲۰:۷؛ لو ۵۲:۹ سامری هستی[a] و دیو داری[b]؟» ۴۹ عیسی
پاسخ داد: «من دیو ندارم، اما به پدرم
ملا ۶:۱ احترام می گذارم و شما به من بی حرمتی
۴۱:۵؛ ۱۸:۷؛ ۱-پطر ۲۳:۲ می کنید. ۵۰ من شکوه خود را نمی جویم.
کسی هست که در پی آن است و داوری
۱۱:۳؛ ۲۴:۵؛ ۲۵:۱۱؛ می کند. ۵۱ آمین، آمین، به شما می گویم
۲۳:۱۴؛ لو ۲۶:۲؛ اگر کسی سخن مرا نگاه دارد، هرگز تا به
عبر ۵:۱۱ ابد مرگ را نخواهد دید[c].» ۵۲ یهودیان به
۲۰:۷؛ ۲۰:۱۰؛ مر ۱:۹؛ او گفتند: «حال می دانیم که تو دیو داری.
اع ۲۲:۲ ابراهیم مرده است، پیامبران هم و تو

u- *ابراهیم* نمونهٔ کسانی است که به کلام خدا ایمان دارند: ر.ک پید۱۵:۶؛ بنسی۴۴:۲۰-۲۱؛ روم۴:۳، ۱۸، ۲۰؛ حب۱۱:۱۸-۱۹؛ یع۲:۲۱-۲۴.

v- یهودیان که خدا را منشأ قوم خود می شمارند، خدا را پدر خود می خوانند و تولدی را که بر اثر عمل فحشا است ردّ می کنند: معمولاً پرستش بتها و عدم وفاداری قوم را نسبت به خدا با کلمهٔ فحشا توصیف می کردند (هو۱-۳؛ ار۳:۱-۴؛ اش۵۷:۷-۱۳؛ حز۱۶:۳۳)؛ با این همه دین ایشان بت پرستی است زیرا با اینکه تصور می کنند به خدا وفادار می باشند از او جدا شده اند و اکنون شیطان پدر ایشان شده است (ر.ک ۱۹:۱۵).

w- این وضعیت که قادر نیستند حقیقت سخنان عیسی را بشناسند نشان می دهد که به دنیای خدا تعلق ندارند (ر.ک ۳۷:۱۸).

x- مخالفت با خدا در این نکته ابراز می شود که تصمیم دارند زندگی را که به انسان داده شده از بین ببرند (ر.ک پید۳ که در حک۱:۱۳-۱۶؛ ۲:۲۴ تفسیر شده؛ روم۵:۱۲؛ ۱-یو۳:۸-۱۵). قصد کشتن عیسی از همین میل به از بردن زندگی ناشی می شود.

y- *پدر دروغ است*، [اصطلاحی مختص زبانهای سامی چنانکه در زبان عربی هم اصطلاحاتی نظیر ابن الوقت، ابن السبیل، ابوجهل... به کار می برند و منظور آن است که دروغ گفتن خصیصهٔ ذاتی او می باشد.] گاهی این عبارت را در زبانهای غربی ترجمه می کنند: *پدر دروغگواست*. ابلیس به وسیلهٔ نپذیرفتن حقیقت مشخص می شود زیرا قادر نیست پای بند به حقیقت باشد و دروغ نشانهٔ اعمال او است (مکا۱۲:۹).

z- در اینجا گناه عبارت از خطا و دروغ می باشد زیرا نپذیرفتن حقیقت (۱۵:۲۴) و نپذیرفتن خدا است.

a- ر.ک ۹:۴ توضیح t. در نظر یهودیان *فرد سامری* نمونهٔ انسانی است که از قوم برگزیده جدا شده و تحت نفوذ فساد و هرزگی قرار دارد.

b- اتّهام دیو داشتن اتّهامی عادی و معمولی است: ر.ک مت۱۲:۲۴-۳۷؛ ۹:۳۴؛ ۱۱:۱۸-۱۹؛ لو۱۱:۱۵-۲۶؛ و همچنین ر.ک۷:۲۰؛ ۱۰:۲۰.

c- ر.ک ۸:۲۴، ۳۱؛ ۱۱:۲۵-۲۶.

می گوئی: اگر کسی سخن مرا نگاه دارد،
هرگز تا به ابد مرگ را نخواهد چشید[d].
[۵۳]آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرده است ۴:۱۲؛ مت ۱۲:۴۱
بزرگتر هستی؟ پیامبران نیز مرده اند. تو
خود را که می دانی؟» [۵۴]عیسی پاسخ داد:
«اگر من خود را شکوه دهم، شکوه من هیچ ۱۳:۳۲؛ ۱۷:۵
است، پدرم مرا شکوه می بخشد، همان که
شما می گوئید: «این خدای ماست.»
[۵۵]وشما او را نمی شناسید، اما من او را
می شناسم و اگر می گفتم او را نمی شناسم ۷:۲۸-۲۹؛ مت ۱۱:۲۷؛
همچون شما دروغگو بودم. اما من او را لو ۱۰:۲۲
می شناسم و سخن او را نگاه می دارم.
[۵۶]پدرتان ابراهیم از فکر دیدن روز من[e] به پید ۱۷:۱۷؛ مت ۱۳:۱۷
وجد آمد و آن را دید و شاد گردید[f].»
[۵۷]پس یهودیان به او گفتند: «تو هنوز
پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده ای؟»
[۵۸]عیسی به آنان گفت: «آمین، آمین، به ۱:۱؛ ۸:۲۴؛ ۱۳:۱۹؛
شما می گویم پیش از آنکه ابراهیم پدیدار اش ۴۳:۱۳
شود "من هستم.[g]"» [۵۹]پس سنگها ۱۰:۳۱، ۳۹؛ ۱۱:۸؛
برداشتند تا بر او پرتاب کنند، اما عیسی لو ۴:۲۹-۳۰
خود را پنهان کرده از معبد بیرون رفت.

شفای کور مادرزاد

۹ [۱]چون می گذشت انسانِ کور اع ۳:۲؛ ۱۴:۸
مادرزادی را دید. [۲]و شاگردانَش از
او پرسیدند: «ربی، چه کسی گناه کرده خروج ۲۰:۵؛ حزق ۱۸:۲۰؛
است، خودش یا والدینش تا اینکه کور لو ۱۳:۲-۴
زاده شود[h]؟» [۳]عیسی پاسخ داد: «نه او و ۵:۱۴؛ ۱۱:۴؛
نه والدینش، بلکه تا کارهای خدا در او لو ۱۳:۲
نمایان شود[i]! [۴]تا روز است ما[j] باید در ۱۱:۹-۱۰؛
کارهای آن کس که مرا فرستاده کار کنیم. ۱۲:۳۵-۳۶؛ ۴:۳۴
شب خواهد رسید که کسی نمی تواند
کارکند[k]. [۵]مادامی که در جهان هستم، من ۱:۴؛ ۸:۱۲؛ ۱۲:۶۴؛
نور جهانم[l].» اش ۴۹:۶
[۶]این را گفت و آب دهان به زمین مر ۸:۲۳
انداخته با آن گِل ساخت و گل را بر

d- گاهی ترجمه می کنند: *هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد* (ر.ک عبر۲:۹).

e- در نوشته های عهدعتیق سخن از *روز خداوند*، روز داوری و استقرار ملکوت مسیحایی است (عا۵:۱۸؛ اش۱۳:۶؛ حزق۳۰:۳؛ یول۱:۱۵و غیره). این اصطلاح در مورد آمدن عیسی به کار می رود (ر.ک لو۱۷:۲۴؛ ۱-قرن۱:۸؛ ۵:۵؛ ۲-قرن۱:۱۴).

f- شاید منظور رویایی پیامبرانه است که ابراهیم در انتظار و امید آمدن مسیح آن را تا اندازه ای دریافته باشد (ر.ک ۱۲:۴۱ درمورد اشعیا که شکوه او را دیده است)؛ ولی امکان دارد که ابراهیم اکنون آمدن عیسی را می بیند که امید او را برآورده می کند (ر.ک لو۱۶:۲۷).

g- ر.ک ۸:۲۸؛ ۱۳:۱۹؛ ۱:۱-۳. تأکید روشن و صریح بر وجود قبلی پسر جاودانی نسبت به ابراهیم که یک فرد بشری بود.

h- بنابر عقیده ای که در دنیای کهن شایع بود ارتباط نزدیکی بین *گناه* و *نقص عضو جسمانی* وجود دارد (خروج۹:۱-۱۲؛ مز۳۸:۲-۶؛ حزق۱۸:۲۰). در مورد کودکانی که ناقص الخلقه بدنیا می آمدند بعضی از کاهنان این امر را به خطای والدین کودک نسبت می دادند و کاهنان دیگری آن را به خطای خود کودک در بطن مادر مربوط می دانستند.

i- عیسی بی آنکه نظریه تازه ای ابراز نماید عقاید معمولی را ردّ می کند. او فقط نقص عضو را ملاحظه کرده و اقدامی می نماید تا تمامیت سلامت جسمانی این مرد تأمین شود. عیسی با این عمل نشانه ای ارائه می کند که منشأ الهی او را نشان داده و از آنان دعوت خواهد کرد نور حقیقی را دریافت کنند. ضمناً تحوّل از کور بودن به بینایی اشاره و رمزی از بی ایمانی و مرگ به ایمان و زندگی است. در این معنی مرد کور (که تنها مورد کورد مادرزاد در عهدجدید است) ممکن است به عنوان نمونه کسانی باشد که به ایمان دست می یابند.

j- ضمیر جمع «ما» که در این مورد به کار برده شده کاملاً مورد تأیید می باشد و نشان می دهد که جامعهٔ مسیحیان عمل خود را ادامه عمل مسیح می دانسته است: ر.ک۱۴:۱۰-۱۱.

k- اغلب اوقات دوران زندگانی و فعالیت انسان با یک روز کاری مقایسه شده است، به همین گونه فعالیت عیسی را که روشنایی جهان است می توان با یک روز مقایسه کرد.

l- فعالیت پدر برای صلاح و نجات آدمیان در عیسی تجلّی می کند که تنها وسیلهٔ نجات می باشد (۸:۱۲؛ ۱۲:۳۵).

چشمان کور مالید[m] ۷و به او گفت: «برو
اش ۸:۶؛ ۲ـ پاد ۵:۱۰؛ لو۱۳:۴ در استخر شیلوحا -یعنی فرستاده[n]- خود را
بشوی. پس او رفت و خود را شست و بینا
بازگشت.
اع ۳:۱۰ ۸همسایگان و کسانی که او را پیشتر
دیده بودند -زیرا وی گدا بود- می گفتند:
«آیا این همان نیست که نشسته گدائی
می کرد؟» ۹بعضی می گفتند: «همان
است!» برخی دیگر می گفتند: «خیر، ولی
شبیه اوست.» خودش می گفت: «من همان
هستم.» ۱۰پس به او می گفتند: «پس
چگونه چشمهای تو باز شد؟» ۱۱پاسخ داد:
«مردی که او را عیسی می نامند گلی ساخت
و به چشمانم مالید و به من گفت: "به
شیلوحا برو و خود را بشوی" من رفتم، خود
را شسته بینائی خود را باز یافتم.» ۱۲به او
گفتند: «او کجاست؟» جواب داد:
«نمی دانم.»
۱۳آن را که قبلاً کور بود به نزد فریسیان
۹:۵؛ مت ۱۲:۱۰؛ لو۱۳:۱۰؛ ۱۴:۱-۲ آوردند. ۱۴آن روز که عیسی گل ساخته و
چشمان او را باز کرده بود، روز سبت بود[o].
۱۵پس مجدداً، فریسیان نیز از او پرسیدند
که چگونه بینائی خود را باز یافته بود. به
آنان گفت: «به چشمهای من گِل نهاد و من
خود را شستم و می بینم.» ۱۶پس برخی از
فریسیان می گفتند: «این مرد سبت را ۱:۲۴؛ ۳:۲؛ ۵:۱۶، ۱۸؛
رعایت نمی کند، پس از نزد خدا ۷:۴۳؛ ۹:۳۱؛ ۱۰:۱۹
نمی آید[p].» دیگران می گفتند: «چگونه
یک مرد گناهکار می تواند چنین
نشانه هائی انجام دهد؟» و در بین آنان
تفرقه افتاد. ۱۷باز به کور گفتند: «تو
درباره او چه می گوئی از آن که چشمان تو
را باز کرد؟» گفت: «او پیامبراست[q].» ۴:۱۹؛ ۷:۴۰؛ مت ۲۱:۴۶
۱۸پس یهودیان پیش از آنکه والدین او را
بطلبند ایمان نیاوردند که کور بوده و
بینائی خود را باز یافته است. ۱۹از ایشان
پرسیده گفتند: «آیا این پسر شماست که
خود می گوئید کور به دنیا آمده است؟ پس
اکنون چگونه می بیند؟» ۲۰پس والدینش
پاسخ داده گفتند: «ما می دانیم که او پسر
ما است و کور به دنیا آمده ۲۱اما اکنون
چگونه می بیند، ما نمی دانیم؛ یا چه کسی
چشمان او را باز کرده است از آن هم چیزی
نمی دانیم. از خودش بپرسید. او به سنّی
رسیده، از خودش بپرسید!» ۲۲والدینش
چنین گفتند زیرا از یهودیان می ترسیدند،
چونکه یهودیان از پیش مقرر کرده بودند
اگر کسی او را مسیح بشناسد از کنیسه

m- در دوران کهن برای *آب دهان* خواص درمانی قائل بودند؛ عیسی این عمل متداول را انجام داده که اثری جدید به آن می دهد (ر.ک مر۷:۳۳؛ ۸:۲۳).

n- استخر *شیلوحا* در داخل شهر قرار داشته است (۲-پاد۲۰:۲۰؛ اش۸:۶؛ نح۳:۱۵)؛ یوحنا که اهمیت فراوانی برای موضوع رسالت قائل است با به کار بردن واژه *«فرستاده»* چنین تلقین می کند: به همان گونه که آب استخر فرستاده بینایی می دهد فرستادهٔ مسیحایی نور کلام خدا را می آورد.
[کلمهٔ سیلوحا که از کتاب مقدس فارسی قدیم گرفته شده غلط فاحش است و بهتر است شیلوحا نوشته شود زیرا: ۱- در زبانهای: آرامی، سریانی و کلدانی و همچنین زبان عبری شیلوحا نوشته و تلفظ می شود. ۲- این کلمه از ریشه ثلاثی مجرّد ش ل ح آمده که به معنی فرستادن است و کلمات شیلوحا و شلیحا اسم مفعول و به معنی مُرسل، فرستاده و... است.]

o- معالجه و درمان بیماران در روز سبت به جز در موارد خطرات شدید ممنوع بود (ر.ک ۵:۹).

p- ر.ک تث۱۳:۱-۶.

q- ر.ک ۴:۱۹؛ در اینجا نخستین مرحله از تفسیر نشانه ای است که عیسی انجام داده؛ او را به عنوان مرد خدا می شناسند که نیرویی مافوق امکانات بشری دارد (لو۲۴:۱۹). همچنین ر.ک ۵:۳۷ توضیح i.

۱۳:۷؛ ۱۲:۴۲؛ ۳۸:۱۹؛ ۱۹:۲۰ رانده خواهد شد[r]. ۲۳ بدین سبب بود که
والدینش گفتند: «او به سنّی رسیده، از
خودش بپرسید.»
۲۴ پس یهودیان یک بار دیگر مردی را
یوشع ۱۹:۷؛ مکا ۱۳:۱۱ که کور بود خواستند و به او گفتند: «خدا
را تمجید بگو[s]! ما می‌دانیم که این مرد
گناهکاراست.» ۲۵ پس پاسخ داد: «اگر او
گناهکاراست من نمی‌دانم. فقط یک چیز
می‌دانم: من کور بودم و اکنون می بینم.»
۲۶ پس به او گفتند: «به تو چه کرد؟ چطور
چشمان تو را باز کرد؟» ۲۷ به آنان پاسخ
داد: «قبلا به شما گفتم و شما گوش
ندادید. چرا می‌خواهید دوباره بشنوید؟
مگر شما نیز می‌خواهید شاگردان او
بشوید[t]؟» ۲۸ و ایشان دشنامش داده گفتند:
۲۷:۷-۲۸؛ ۱۴:۸ «تو شاگرد این مردی. ما شاگردان موسی
هستیم. ۲۹ ما می‌دانیم که خدا با موسی
تکلم کرده اما این یکی را ما نمی‌دانیم از
کجاست[u]!» ۳۰ مرد پاسخشان داد و گفت:
«جای تعجب همین جا است که شما
نمی‌دانید او از کجا است در حالی که
چشمان مرا باز کرده است. ۳۱ ما می‌دانیم
که خدا گناهکاران را مستجاب نمی کند[v] مز ۱۵:۳۴؛ ۱۸:۶۶؛
اما اگر کسی پارسا است و ارادهٔ او را انجام اش ۱۵:۱؛
می‌دهد او را مستجاب می کند[w]. ۳۲ هرگز امث ۲۹:۱۵
شنیده نشده است که کسی چشمان کور
مادرزادی را باز کرده باشد[x]! ۳۳ اگر این ۲:۳
شخص از جانب خدا نبود، هیچ
نمی‌توانست بکند[y].» ۳۴ به او پاسخ داده
گفتند: «تو از هنگام تولد در گناه هستی و مز ۵:۵۱-۷؛
تو به ما درس می‌دهی!» و او را بیرون یو ۲:۹
راندند.

r- در دوران عیسی یهودیان برای طرد بعضی از متخلفان و مجرمان اقداماتی به عمل می‌آوردند ولی اخراج واقعی مسیحیان فقط در اواخر قرن اول میلادی آغاز شد؛ محتمل است یوحنا اقداماتی را که یهودیان به تازگی اعمال می کردند (ر.ک ۱۲:۴۲؛ ۱۶:۲) و شاید در مورد بعضی از خوانندگانش اجرا شده بود به زمان گذشته مربوط کرده و نسبت داده است.

s- معمولاً به این ترتیب از کسی دعوت می‌کردند تا در زیر نظر خدا حقیقت را اظهار نماید بدون اینکه از اشکالات شخصی که احیاناً در پی داشته باشد اندیشناک باشد.

t- ر.ک ۱۹:۱ توضیح c: یوحنا در این روایت از شخصیت مرد نابینا استفاده کرده تا با ریشخند و طنز به اختلافات بین یهودیان و مسیحیان اشاره نماید.

u- ۶:۴۲؛ ۷:۲۷، ۴۲، ۵۲ را ملاحظه کنید. با توجه به اینکه در آیین یهود قانون تورات اهمیت شایانی یافته بود برای موسی به عنوان قانونگزار اعتبار و منزلت زیادی قائل می شدند. فریسیان او را استاد و مربّی عقاید و نظریات یهود به شمار می‌آوردند. چون عیسی حامل مکاشفه کلی و قطعی می باشد بنابراین با موسی اختلاف خواهد داشت (ر.ک۶:۳۲ توضیح i).

v- ر.ک ۵:۳۷ توضیح i. این موضوع حقیقتی معمولی و عادی است (اش۱:۱۵؛ مز۶۶:۱۸؛ ۱۰۹: ۷؛ امث۱۵:۲۹؛ ایوب۲۷:۹؛ ۳۵:۱۳؛ یو۱۶:۲۳-۲۷؛ ۱-یو۳:۲۱-۲۲).

w- یوحنا مختصات تقوی و پرهیزکاری را که یونانیان معتقد بودند با آنچه در کتاب مقدس به عنوان کمال مطلوب است و بیشتر در مورد اطاعت از خدا تأکید می نماید به هم آمیخته و یک‌جا آورده است.

x- در طو۷:۷؛ ۱۱:۷-۱۳؛ ۱:۱۴ سخن دربارهٔ کور مادرزاد نیست چنانکه روایات اناجیل نظیر موضوع کور مادرزاد نمی باشد (مر۸:۲۲-۲۶؛ مت۲۰:۲۹-۳۴؛ مر۱۰:۴۶-۵۲؛ لو۱۸:۳۵-۴۳). تحول از کوری به بینایی رمز و نشانه ای از گذشتن از بی‌ایمانی به ایمان و از ظلمات به روشنایی است، بنابراین نشانه ای که عیسی انجام داده تصویری از مجموعهٔ رسالت او می باشد (ر.ک ۶:۳۶).

y- در اینجا مرحلهٔ تازه ای در طریق ایمان است که نابینای سابق که قبلاً عیسی را به عنوان پیامبر شناخته بود (۹:۱۷) اعلام می کند تاکنون هیچکس در اسرائیل به مانند او مرد خدا نبوده است؛ به این ترتیب از عناوین کهن فراتر می رود.

[۳۵]عیسی چون شنید که او را بیرون
مت ۲۰:۸ رانده‌اند، او را یافته گفت: «آیا تو به پسر
انسان[z] ایمان داری؟» [۳۶]او پاسخ داده
گفت: «خداوندا او کیست تا من به وی
ایمان آورم؟» [۳۷]عیسی به او گفت: «هم تو
۲۶:۴ او را دیده‌ای و هم آن کس که با تو سخن
مت ۱۰:۸ می‌گوید همان است.» [۳۸]او اعلام کرد:
۱۷:۳؛ ۲۲:۵، ۲۷، ۳۰؛ ۱۲:۸، ۱۵؛ ۴۷:۱۲؛ «خداوندا ایمان آوردم» و در برابرش
سجده کرد. [۳۹]و عیسی گفت: «برای یک
مت ۱۳:۱۳ داوری من به این جهان آمده‌ام، تا آنکه
مت ۱۴:۱۵؛ ۱۶:۲۳، ۲۳-۲۶؛ لو ۳۹:۶ آنان که نمی‌بینند، بینا شوند و آنان که
می‌بینند، کور شوند[a].» [۴۰]فریسیانی که با
او بودند این را شنیده به او گفتند: «آیا ما
هم کور هستیم؟» [۴۱]عیسی به آنان گفت:
۳۶:۳؛ ۴۸:۱۲؛ ۲۲:۱۵؛ امث ۱۲:۲۶ «اگر کور بودید، گناهی نداشتید اما اکنون
چون می‌گوئید ما می‌بینیم گناهتان
می‌ماند[b].

مثل شبان نیکو

۱۰ [۱]«آمین، آمین، به شما می‌گویم
آن کس که از در به آغل گوسفندان میک ۱۲:۲
وارد نشود[c] بلکه از جای دیگر بالا رود او
دزد و راهزن است[d]. [۲]برعکس آن که از در
وارد شود شبان گوسفندان است. [۳]دربان،
برای او در را می‌گشاید و گوسفندان
صدایش را می‌شنوند و او هر یک از مز ۷:۹۵؛ اش ۱:۴۳
گوسفندانش را به نام صدا می‌کند[e] و آنها
را با خود بیرون می‌برد. [۴]وقتی همه آنها را
بیرون برد، پیشاپیش آنها راه می‌رود و
گوسفندان به دنبال او می‌روند زیرا
صدایش را می‌شناسند. [۵]به دنبال بیگانه ۲۷:۱۰
نخواهند رفت، بلکه از او فرار خواهند کرد
زیرا صدای بیگانگان را نمی‌شناسند.»
[۶]عیسی این مثل[f] را به آنان گفت اما
نفهمیدند از چه با آنان حرف می‌زد. [۷]پس ۲۵:۱۶
عیسی بار دیگر گفت: «آمین، آمین، به

z- در مرحلهٔ نهایی این واقعه، کوری که بر اثر معجزه شفا یافته شهادت خود را تا به آخر ادامه می‌دهد و مورد ستم و آزار قرار می‌گیرد، نظیر کلیسایی که یوحنا بنیان می‌گذارد و در آینده سرنوشت مشابهی خواهد داشت (ر.ک ۱:۱۵-۴:۱۶ الف). بدین معنی که عیسی با او برخورد می‌کند و خود را به عنوان *پسر انسان* به او آشکار می‌کند، یعنی کسی که از آسمان می‌آید تا مردمان را گرد آورده به آنان تعالی دهد تا در زندگی خدا سهیم شوند (۱:۵۱؛ ۳:۱۴-۱۵؛ ۶:۶۲-۶۳).

a- رسالت عیسی تغییر واقعی وضعیت‌ها را در این دنیا مشخص می‌کند. این موضوع در دو مورد در سطوح مختلف بیان می‌شود: بدین معنی که نابینایانی که به عیسی ایمان می‌آورند شفا یافته و به درک و شناسایی کلام خدا دست می‌یابند؛ برعکس آنانی که به خود می‌بالند که دانشمند هستند (ر.ک ۹:۱۶، ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۴)، حتی نمی‌توانند ببینند (۹:۱۴) کسی را که نور رستگاری و نجات را می‌آورد (۹:۵؛ ۸:۱۲)؛ این افراد خود را برای ابد در ظلمات و گمراهی زندانی می‌کنند (ر.ک ۳:۱۷-۲۱؛ مر۴:۱۱-۱۲). در مورد نظریه یوحنا راجع به داوری به ۳:۲۱ توضیح b مراجعه کنید.

b- اگر به مانند نابینایی که شفا یافته‌اند کور بودند گناهی نداشتند؛ ولی آنان، پُرمُدّعا برمبنای آنچه قبلاً داشتند به عیسی ایمان نمی‌آورند در صورتی که فقط او می‌تواند ایشان را از ورطهٔ گناه بیرون بکشد (ر.ک ۳:۳۶).

c- به هنگام شب معمولاً گوسفندان را در محوطه‌ای که دور آن دیوار کوتاهی کشیده شده بود می‌گذاشتند و نگهبانی از آنها حفاظت می‌کرد.

d- مثل اول (۱۰:۱-۵) در مقابل شبان که به طور معمولی وارد آغل گوسفندان می‌شود زیرا مأموریت یافته است به کسانی اشاره دارد که برخلاف قاعده عمل می‌کنند و می‌خواهند فقط منافع خود را تأمین نمایند و منظور فریسیان متشرعی هستند که در آیه ۹:۳۱ از آنان سخن به میان آمده و در ادامه بخش ۱۰:۱۱-۱۸ می‌آید که با سخن عیسی: «من شبان نیکو هستم» آغاز می‌شود. در مثل دوم (۱۰:۷-۱۰) اظهارات عیسی مبنی براینکه: «من در هستم» بحث و بررسی می‌شود؛ ر.ک ۱۰:۹ توضیح h.

e- در میان اسرائیل دو نوع انسان وجود دارد: آنان که واقعاً به شبان تعلق دارند و فقط به صدای او پاسخ می‌دهد و آنانی که پاسخ نمی‌دهند زیرا هرگز به او تعلق نداشته‌اند ر.ک ۱:۴۷ یا ۲۰:۱۶.

f- این سخنان اسراآمیز یا نمادین مبهم است. به نظر یوحنا این مثل طرز بیان مختص رسالت عیسی در این دنیا است؛ و آن را واقعاً نمی‌توان درک کرد مگر به وسیلهٔ ایمان و در پرتو اظهارات نهایی در هنگام صعود عیسی و عطای روح القدس.

شما می‌گویم من در گوسفندان هستم. ۸تمام
کسانی که پیش از من آمده‌اند، دزد و
راهزنان هستند[g] اما گوسفندان به آنان
گوش نکرده‌اند. ۹من در هستم[h]، اگرکسی
از راه من وارد شود نجات خواهد یافت[i] و
به درون آمده و بیرون خواهد رفت[j] و
چراگاهی خواهد یافت[k]. ۱۰دزد جز برای
دزدی و ذبح کردن و هلاک کردن نمی‌آید.
من آمده‌ام تا آنکه زندگانی داشته باشند و
آن را به فراوانی داشته باشند[l].
۱۱من شبان نیکو هستم[m]. شبان نیکو،
جان خود را به خاطر گوسفندانش
می‌دهد[n]. ۱۲مزدور که شبان نیست و
گوسفندان از آن او نیستند چون ببیند که
گرگ می‌آید گوسفندان را گذاشته
می‌گریزد و گرگ آنها را گرفته می‌پراکند
۱۳زیرا مزدور است و در پروای گوسفندان
نیست. ۱۴من شبان نیکو هستم و
گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان
من مرا می‌شناسند ۱۵همچنان که پدر مرا
می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم[o] و من
جان خود را به خاطر گوسفندان می‌دهم.
۱۶گوسفندان دیگری نیز دارم که از این
آغل نیستند، آنها را نیز باید راهنمائی
کنم. آنها صدای مرا خواهند شنید و آنگاه
فقط یک رمه خواهد بود و یک شبان[p].

۶:۱۴؛ مز ۱۱۸:۲۰
ار ۲۳:۱-۲؛ حزق ۳۴:۲-۳
۱۷:۳؛ مز ۲۳:۱-۳؛ اش ۴۹:۹-۱۰؛ اعد ۲۷:۱۷
اش ۴۰:۱۱؛ حزق ۳۴:۱۵؛ ۳۷:۲۴؛ بنسی ۱۸:۱۳؛ مکا ۷:۱۷؛ یو ۱۵:۱۳؛ ۱-یو ۳:۱۶؛ زک ۱۱:۱۷؛ اع ۲۰:۲۹؛ ۱-پطر ۵:۲-۳
۱۰:۲۷؛ ۱-قرن ۸:۲-۳؛ ۱۳:۱۲؛ غلا ۴:۹؛ ۲-تیمو ۲:۱۹؛ مت ۱۱:۲۵-۲۷؛ یو ۱۵:۱۳؛ ۱-یو ۳:۱۶
۵:۲۵؛ ۱۱:۵۲؛ ۱۸:۳۷؛ اش ۵۶:۸؛ ۱-پطر ۲:۲۵؛ خروج ۳۴:۲۳؛ ۳۷:۲۴

g- منظور پیامبران عهد عتیق نیستند بلکه مردانی که در دنیای یهود یا در بین مشرکان مدعی بودند با وسایل خودشان شناخت امور الهی و نجات را برای آدمیان می‌آورند.

h- در روایات یهود موضوع دری که راه وصول به حقایق آسمانی شود فراوان است (پید۲۸:۱۷؛ مز۷۸:۲۳؛ خنوخ۷۲:۷۵) چنانکه در اناجیل نظیر هم آمده است (مت۷:۱۳-۱۴؛ لو۱۳:۲۳؛ مت۲۵:۱۰؛ لو۱۱:۲۵)؛ در انجیل یوحنا، خود عیسی به وسیله تن گیری، محل کشف و پذیرفتن عطایای الهی است و مفهوم مثل دوم (آیات ۷-۱۰) همین است.

i- مسیح آدمیان را از مرگ نجات می‌دهد (ر.ک ۱۱:۲۶ توضیح v) و همچنین از هر چیزی که موجب هلاکت آدمی است (۳:۱۷).

j- شاگرد و پیرو عیسی که نجات یافته به آزادی و امنیت می‌رسد (ر.ک ۸:۳۲، ۳۶).

k- گاهی ترجمه می‌کنند: *و خوراکی خواهد یافت*.

l- در صورتی که نجات دهندگان دروغی اصولاً در صدد هلاکت و پراکنده کردن هستند، عیسی مأموریت شاگردانش را در زندگانی پدر سهیم ساخته و بدین وسیله آنان را کاملاً خشنود می‌کند.

m- تصویر *شبان که* گله را هدایت و محافظت می‌نماید گاهی در نوشته‌های عهد عتیق در مورد خدا بکار رفته است (مز۲۳:۱؛ اش۴۰:۱۱؛ ار۳۱:۹)، گاهی در مورد مسیح پادشاه (مز۷۸:۷۰-۷۲؛ حزق۳۷:۲۴) و زمانی در مورد متصدیان امور و مسئول در اسرائیل آمده است (ار۲:۸؛ ۱۰:۲۱؛ ۲۳:۱-۸؛ حزق۳۴). این تصویر اکثراً در اناجیل نظیر بکار برده شده (مر۶:۳۴؛ ۱۴:۲۷؛ مت۹:۳۶؛ ۱۸:۱۲-۱۳؛ ۲۵:۳۲؛ ۲۶:۳۱؛ لو۱۵:۳-۷). عیسی کاملاً وظیفه شبانی را تحقق می‌بخشد زیرا پسر انسان است که در اوضاع و شرایط آدمیان شرکت نموده تا آنان را به زندگانی جاودان هدایت نماید.

n- ترجمه تحت‌اللفظی: *جان خود را به خاطر گوسفندانش می‌گذارد*. این اصطلاح نزدیک به عبارتی است که مرقس در ۱۰:۴۵ آورده و دادن جان خود نوشته و چنین می‌نماید که از اش۵۳:۱۲ گرفته شده باشد. در صورتی که مزدور گوسفندان را به‌خاطر نفع خود فدا می‌کند عیسی وجود خود را تا مرگ تسلیم خواهد کرد تا شاگردان و پیروانش زندگی یابند (ر.ک ۶:۵۱؛ ۱۰:۱۵؛ ۱۱:۵۰-۵۲؛ ۱۸:۱۴).

o- در روایات کتاب مقدس از *شناسایی* بین اشخاص متضمّن وجود محبت بین آنان است: منبع و سرچشمهٔ شناسایی که عیسی را با کسانش مربوط می‌کند در محبتی است که پسر را با پدر می‌پیوندد. مرگ بر روی صلیب والاترین ابراز این محبت می‌باشد (۱۳:۱؛ ۱۵:۱۳).

p- این عبارت اشاره به رسالت جهانی (ر.ک ۴:۳۵-۳۸) و عمل مسیح است همچنان که اشاره به فعالیت او در فلسطین می‌باشد (ر.ک ۱۷:۲۰): آنان که در سرتاسر جهان از هم‌اکنون به طرز اسرارآمیزی کسان او بشمار می‌آیند (۱۱:۵۲) صدای او را در سخنان فرستادگان خواهند شناخت. وحدت آدمیان اعم از یهودی و یونانی به وسیلهٔ عیسی تحقق خواهد پذیرفت (ر.ک غلا۳:۲۸؛ کول۳:۱۱).

۱۷به همین سبب پدر مرا محبت می‌کند،
زیرا من جانم را می‌دهم تا آن را بازگیرم[q].
۱۸هیچکس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه
به خواست خود آن را می‌دهم[r]. من اقتدار فی ۲:۸-۹
دارم که آن را بدهم و اقتدار دارم تا آن را
بازگیرم. این فرمانی است که از پدرم ۸:۲۹؛ ۱۴:۳۱؛ ۱۵:۱۰
یافته‌ام.»
۱۹به سبب این سخنان باز در بین ۳:۱۱؛ ۷:۴۳؛ ۹:۱۶
یهودیان تفرقه افتاد. ۲۰بسیاری از بین آنان
می‌گفتند: «او دیو دارد و مجنون است! ۷:۲۰؛ ۸:۴۸؛ مر ۳:۲۱-۲۲؛
چرا به او گوش می‌دهید؟» ۲۱دیگران مت ۱۱:۱۸؛ لو ۷:۳۳؛
می‌گفتند: «این سخنان از دیوانه‌ای اع ۲۶:۲۴؛ ۳:۲؛ ۹:۳۰-۳۳
نیست. آیا دیو می‌تواند چشمان کوران را
باز کند؟»

اظهارات رسمی و اتهام کفرگویی

۲۲آنگاه دراورشلیم جشن تقدیس ۱ـ مک ۴:۳۶
[معبد][s] فرا رسید. زمستان بود ۲۳و عیسی
در معبد در زیر رواق سلیمان[t] می‌گشت. اع ۳:۱۱؛ ۵:۱۲
۲۴یهودیان او را احاطه کرده به او گفتند: ۸:۲۵؛ لو ۲۲:۶۷
«تا به کی جان ما را در تردید نگاه
می‌داری؟ اگر تو مسیح هستی آشکارا به ما
بگو[u].» ۲۵عیسی به آنان پاسخ داد: «این ۵:۳۶؛ ۱۰:۳۸
را به شما گفته‌ام و ایمان نمی‌آورید.
کارهائی را که من به نام پدرم انجام می‌دهم
خود بر من شهادت می‌دهند. ۲۶اما شما امث ۲۸:۵؛ ۱ـ قرن ۲:۱۴؛
ایمان نمی‌آورید زیرا شما از گوسفندان من یو ۶:۶۴؛ ۸:۴۵؛ ۱۰:۳-۴، ۱۴
نیستید[v]. ۲۷گوسفندان من صدای مرا ۸:۴۷؛ ۱۰:۳
می‌شنوند و من، آنها را می‌شناسم و آنها به
دنبال من می‌آیند ۲۸و من به آنها زندگانی ۳:۱۶؛ ۶:۳۹؛
جاودان می‌دهم و هرگز تا به ابد هلاک ۱۷:۲، ۱۲؛ ۱۸:۹؛
نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست روم ۸:۳۳-۳۹؛ ۱ـ پطر ۱:۵؛
من نخواهد ربود[w]. ۲۹پدرم که آنها را به
من داده از همه بزرگتراست و هیچکس ۳:۳۵؛ ۱۷:۲۴؛
نمی‌تواند [چیزی] از دست پدرم برباید[x]. اش ۴۳:۱۳؛ ۱:۱؛ ۱۷:۱۱، ۲۱
۳۰من و پدر یک هستیم[y].»

q- در نظر عیسی، رستاخیز او با جان دادن بر روی صلیب کاملاً به هم پیوسته است.

r- در روایتی که یوحنا وقایع مصائب و صلیب عیسی را ذکر می‌کند مخصوصاً آزادی مطلق عیسی را تأکید و یادآوری می‌نماید.

s- در اواخر ماه دسامبر یهودیان به یادبود بازسازی و تقدیس معبد جشن می‌گرفتند. توضیح آنکه پس از پیروزی یهودای مکابی بر آنتیوخوس چهارم، معبد را ترمیم و احیا کرده بودند (ر.ک ۱-مک۴:۳۶-۵۹؛ ۲-مک۱:۹، ۱۸؛ ۱۰:۱-۸). این عید را *حنوکاح* می‌نامیدند که تقلیدی از جشن خیمه‌ها بود و در آن چراغانی مقام مهمی داشت. در مورد جشن‌هایی که در انجیل یوحنا آمده ر.ک۶:۴ توضیح r.

t- مسیحیان اورشلیم اغلب در این محل جمع می‌شدند (ر.ک اع۳:۱۱؛ ۵:۱۲).

u- بار دیگر مقامات یهود، صریح‌تر از همیشه، از عیسی درخواست می‌کنند آشکارا و در ملاء عام جنبهٔ مسیحایی رسالت خود را تصدیق نماید (ر.ک ۲:۱۸؛ ۵:۱۶؛ ۸:۲۵). مجدداً در اینجا شیوهٔ نگارش طنزآمیز یوحنا مشاهده می‌شود زیرا عیسی از آغاز رسالت خود این موضوع را مرتباً تکرار کرده است. در اناجیل نظیر در روایت جریان محاکمه در برابر سانهدرین درخواست مشابهی وجود دارد (ر.ک مت۲۶:۶۳؛ مر۱۴:۶۱ و مخصوصاً لو۲۲:۶۷). چنین به نظر می‌رسد که در روایات یوحنا در تمام مدت زندگی عیسی محاکمه او جریان داشته و از این لحظه به بعد اتهام کفرگفتن منتشر شده و تصمیم به کشتن عیسی ابراز گردیده است.

v- عیسی اظهارات خود را به روشنی بیان کرده است ولی بدین سبب جنبهٔ واقعی رسالت او را درک نمی‌کنند که ایمان ندارند یا به عبارت دیگر به گله‌ای که پدر برایش آماده کرده تعلق ندارند (ر.ک ۶:۶۰-۶۴؛ ۸:۲۴-۵۹).

w- هیچ قدرت زمینی نمی‌تواند جایگزین نیروی مسیحایی شبان بشود و بنابراین ایمانداران اطمینان کامل دارند.

x- ر.ک اش۴۳:۱۳. در نسخ خطی دیگری این عبارت چنین است: *پدرم آنچه را به من داده از همه بزرگتر است.*

y- عیسی می‌تواند برای طرفداران خود حمایت مطلقی فراهم کند زیرا بدون هیچ‌گونه حدّ و حصری در قدرت پدر سهیم است (ر.ک ۵:۱۷-۱۹). این سخنان که تعمداً غیرصریح و مبهم هستند وحدت و یگانگی عمیق‌تری را می‌رسانند (ر.ک ۱۷:۱۱، ۲۲)؛ شنوندگان این نکته را درک کرده‌اند.

۵۹:۸ ۳۱بار دیگر یهودیان برای سنگسار
کردنش، سنگها آوردند ۳۲عیسی به آنان
پاسخ داد: «بسیار کارهای نیکو از سوی
پدر به شما نشان داده‌ام. برای کدام یک
از این کارها مرا سنگسار می‌کنید؟»
لاو ۱۶:۲۴؛ مت ۲۵:۲۶؛ مر ۶۴:۱۴؛ لو ۲۲:۷۰-۷۱؛ یو ۱۸:۵ ۳۳یهودیان به او پاسخ دادند: «برای کار
نیکو نی، بلکه به سبب کفر تو را سنگسار
می‌کنیم، زیرا تو که انسانی خود را خدا
می‌کنی[z].» ۳۴عیسی به آنان پاسخ داد:
مز ۶:۸۲؛ روم ۱۹:۳؛ ۱-قرن ۵:۸ «آیا در تورات[a] شما نوشته نشده است:
''من گفته‌ام: شما خدایانید[b]؟'' ۳۵اگر
[تورات] کسانی را که سخن خدا خطاب
به آنان بوده، خدایان نامیده است -و
مت ۱۸:۵؛ لو ۱۷:۱۶؛ ۱۷:۵-۲۰؛ ار ۵:۱ نوشته مقدس البته ممکن نیست نقض
شود!- ۳۶کسی را که پدرتقدیس کرده و
به جهان فرستاده، شما می‌گوئید: ''تو کفر
می‌گوئی'' زیرا گفته‌ام من پسرخدا هستم[d].
۳۷اگر من کارهای پدرم را به جا نمی‌آورم،
به من ایمان نیاورید. ۳۸اما اگرآنها را به
جا می‌آورم، حتی اگر به من ایمان
۱۱:۲؛ ۱۰:۱۴-۱۱؛ ۲۱:۱۷ نمی‌آورید به کارها ایمان آورید تا بدانید
و بشناسید که پدر[e] در من است و من در
پدر.» ۳۹باز در جستجوی دستگیری او
برآمدند و او از دست آنها بدر شد. ۴۰باز
۳۰:۷؛ ۲۰:۸، ۵۹؛ ۲۸:۱؛ مت ۱:۱۹؛ مر ۱:۱۰ به آن سوی اردن به جائی که یحیی قبلاً
درآنجا تعمید می‌داد رفت و درآنجا ماند.
۴۱و بسیاری نزدش آمده می‌گفتند:
«یحیی هیچ نشانه‌ای انجام نداده است،
اما یحیی هر چه درباره این یکی گفته بود
راست بود[f].» ۴۲و در آنجا بسیاری به او
ایمان آوردند.

عیسی مرده‌ای را زنده می‌کند

۱۱ ۱بیماری بود به نام ایلعازر[g]، اهل
لو ۳۸:۱۰-۳۹ بیت‌عنیا[h] که روستای مریم و
۱:۱۲-۸ خواهرش مرتا[i] بود. ۲این مریم همان بود که

z- اگر مقررات احکام شرعی درنظر گرفته شود *کفر گفتن* درصورتی است که نام خدا ذکر شود (*سانهدرین* ۵:۷). ولی در اینجا علت چنین اتهام مهمی آن است که عیسی در اظهارات خود به طور ضمنی ادعای موقعیت خدایی کرده و سپس صریحاً اعلام شده است (ر.ک مر۱۴:۶۱-۶۳ و متون متوازی).

a- کلمه‌ای که «تورات» ترجمه شده در اینجا به مفهوم مجموعهٔ نوشته های مقدس است (ر.ک ۴۹:۷؛ ۳۴:۱۲؛ ۲۵:۱۵). در مورد کلمه *«شما»* که دربارهٔ آن بحث می‌شود ر.ک۱۹:۱ توضیح c و ۳۲:۶ توضیح i.

b- مز۶:۸۲. مفسران یهودی معتقد بودند که این سخن نه تنها به داوران بلکه به عموم اسرائیلیان خطاب شده است لذا به دلیل بالاتر در مورد والاترین *فرستاده* صدق می‌کند. بنابراین دلیلی وجود ندارد که سخن از کفر گفتن در میان باشد.

c- فرستادهٔ منتخب خدا به طریق ممتازی در قدوسیت خدا سهیم است؛ ر.ک ار۵:۱؛ بنسی۷:۴۹؛ یو۶:۶۹؛ ۱۷:۱۷-۱۹.

d- عیسی بدون درنگ اظهار می‌کند که عنوان *پسرخدا* دارد. ضمناً با توجه به طرز عمل عیسی و عباراتی که وحدت او را با پدر بیان می‌نماید این عنوان اهمیت جدیدی خواهد داشت (۳۰:۱۰، ۳۸).

e- ر.ک ۱۴:۱۰-۱۱؛ ۱۷:۲۱؛ ۱-یو۳:۲۴؛ ۴:۱۵.

f- ر.ک۳:۲۶ توضیح f. عیسی به پره عزیمت می‌نماید (ر.ک ۱:۲۸). یوحنا در اینجا یعنی روز قبل از مرحلهٔ قطعی رسالت عیسی لازم می بیند گواهی یحیی را یادآوری نماید (ر.ک ۱:۱۹-۳۵؛ ۳:۲۲-۳۰؛ ۵:۳۳-۳۶).

g- نام *ایلعازر* که گاهی آن را به صورت مخفف لازار می‌گویند از نظر لغوی یعنی «خدا یاری می‌کند» [مترادف نامهای الهیار و خدایار در زبان فارسی]. این نام در قرن اول میلادی نسبتاً شایع بود و در مثل لو۱۶:۱۹-۳۱ نام فقیری است که پس از مرگ اجر و پاداش یافته است.

h- منظور قصبه‌ای در پره نیست بلکه دهکده‌ای در شرق کوه زیتون در نزدیکی اورشلیم است (مت۲۱:۱۷؛ ۲۶:۶؛ مر۱۱:۱، ۱۱-۱۲؛ لو۱۹:۲۹؛ ۲۴:۵۰).

i- لوقا نام این دو خواهر را در ۱۰:۳۸-۴۲ ذکر کرده است. در روایتی که یوحنا بیان می‌کند مریم زنی است که عیسی را با عطر تدهین کرده بود.

خداوند را به روغن معطر تدهین نموده
پاهایش را با موهای خود خشک کرده بود[j].
همان بود که برادرش ایلعازر بیمار بود.
۳ خواهران کسانی نزد او فرستاده تا
بگویند: «خداوندا ، اینک آن دوست تو ۳۶:۱۱
بیمار است.»
۴ چون عیسی شنید گفت: «این بیماری تا ۱۱:۲؛ ۹:۳۳؛ ۳۴-۳۳:۱۰
به مرگ نیست بلکه برای شکوه خداست
که به وسیله آن پسر خدا شکوه یابد[k].» تث ۳:۳۳؛ مر ۲۱:۱۰؛ ۲ـ یو ۱-۲
۵ باری عیسی به مرتا، خواهرش و ایلعازر
محبت داشت. ۶ پس چون شنید که او بیمار
است، باز دو روز دیگر در همانجا که بود
ماند. ۷ سپس بعد از آن به شاگردان گفت:
«باز به یهودیه برویم.» ۸ شاگردان به او
می‌گویند: «ربی به تازگی یهودیان در ۵۹:۸؛ ۳۱:۱۰؛ لو ۲۸:۲۲
جستجوی سنگسار تو بودند[l]؛ و تو دوباره به
آنجا می‌روی!» ۹ عیسی پاسخ داد: «آیا روز
دوازده ساعت نیست[m]؟ اگر کسی در روز ۹:۴؛ ۱۲:۸؛ ۳۵:۱۲؛
راه برود [پایش] نمی‌لغزد زیرا نور این مت ۲۲:۶-۲۳
جهان را می‌بیند[n]، ۱۰ اما اگر کسی شب راه ۳۵:۱۲؛ ۱ـ یو ۱۱:۲
برود می‌لغزد زیرا در او نوری نیست[o].»
۱۱ این را گفته، بعد به آنان گفت:
«ایلعازر دوست ما خفته است[p]. اما من
می‌روم تا او را از خواب برخیزانم.» ۱۲ پس مت ۲۴:۹؛ ۵۲:۲۷؛
شاگردان به او گفتند: «خداوندا اگر خفته مر ۳۹:۵؛ لو ۵۲:۸؛
است، نجات خواهد یافت.» ۱۳ عیسی از اع ۶۰:۷؛ ۲ـ قرن ۳۰:۱۱
مردن او گفته بود اما آنان می‌پنداشتند که
وی از آرامش خواب سخن می‌گوید. ۱۴ پس
آنگاه عیسی آشکارا به ایشان گفت: ۱۱:۲
«ایلعازر مرده است. ۱۵ به خاطر شما ۵:۱۴، ۳۱؛ ۲۴:۲۰-۲۹؛
خوشنودم؛ اگر آنجا نبودم برای این بود که مر ۳۲:۱۰؛ روم ۸:۶
ایمان بیاورید. اما به نزد او برویم.» ۱۶ توما
ملقب به «دیدیموس» (توام)[q] به شاگردان
دیگر گفت: «ما نیز برویم تا با او بمیریم[r].»

j- موضوع تدهین در بیت عنیا را که طبق روایات قبل از هفته مصائب و صلیب روی داد یوحنا بعداً روایت خواهد کرد (۱:۱۲-۱۸) و خوانندگان کاملاً از این موضوع اطلاع داشته اند (مت۲۶:۶-۱۳؛ مر۱۴:۳-۹؛ لو۷:۳۶-۵۰).

k- چون بیماری ایلعازر خطرناک است و چون عیسی در این مورد بهترین نشانهٔ معرف خود را انجام می‌دهد موقعیتی خواهد بود تا شکوه خدا را که شکوه خود او است نیز ظاهر سازد: برخاستن ایلعازر از مرگ آشکار می‌کند که عیسی پسر خدا است (ر.ک ۱۱:۲). ضمناً این بیماری نقطهٔ آغاز جریانی است که عیسی را به سوی مرگ رهبری می‌کند (۱۱:۴۵-۵۴) یعنی به سوی شکوهمندی بر روی صلیب و به وسیلهٔ صلیب. بدین گونه به کلیه ایمانداران امکان شرکت در رستاخیز عطا خواهد شد زیرا به وسیلهٔ صلیب کاملاً تجلی شکوه در پایان روزگار تحقق خواهد یافت (ر.ک ۱۲:۱۶، ۲۳، ۲۸؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۷:۱-۵).

l- ر.ک ۱۰:۳۱؛ ۵:۱۸؛ ۷:۱، ۱۹-۲۰، ۲۵؛ ۸:۳۷-۴۰. رفتاری که عیسی در نظر دارد متضمن خطر مرگ است و عیسی آن را عالماً و در کمال آزادی می‌پذیرد (۱۰:۱۸).

m- مدت کار روزانه از طلوع آفتاب تا غروب دوازده ساعت است؛ عیسی بایستی انجام رسالت خود را تا به پایانی که پدر معین کرده ادامه دهد، تا ساعتی که شب یا ظلمات فرامی‌رسد (۷:۸، ۳۳؛ ۱۳:۳۰؛ ۱۷:۱؛ لو۲۲: ۵۳).

n- عیسی برای آدمیان نوری می‌آورد تا بتوانند در کمال امنیت گام بردارند. خطر واقعی آن نیست که شاگردان تصور می‌کنند بلکه آن است که نتوانند نوری را که اکنون می‌درخشد ببینند یا اینکه مانع از اجرای عمل او تا به پایان باشند.

o- روشنایی خارجی که عیسی می‌آورد با روشنایی باطنی و درونی مکمل یکدیگرند (ر.ک مت۶:۲۳؛ لو۱۱:۳۵)؛ کلام خدا را فقط فرزندان روشنایی درمی‌یابند (ر.ک ۳:۱۹-۲۱).

p- *آرمیدن*: در زبانهای یونانی و عبری به جای کلمهٔ مُردن که زننده است واژهٔ آرمیدن بکار برده می‌شود. یوحنا که از *خواب* سخن می‌گوید در صورتی که ایلعازر مرده است یادآوری می‌نماید که سوءتفاهمی وجود دارد. ضمناً این نکته را تذکر می‌دهد که عیسی برای مردن مفهوم جدیدی می‌آورد (ر.ک۱۱:۲۶ v؛ مت۹:۲۴؛ مر۵:۳۹؛ لو۸:۵۲).

q- کلمهٔ یونانی didyme به معنی *توأم* است. این شاگرد که فقط نام او در فهرست اسامی دوازده رسول آمده (مت۱۰:۳؛ مر۳:۱۸؛ لو۶:۱۵؛ اع۱:۱۳) نقش مهمی در انجیل یوحنا دارد (۱۴:۵؛ ۲۰:۲۴-۲۹؛ ۲۱:۲).

r- در اینجا یوحنا نمی‌خواهد سرنوشت آینده شاگردان را اعلام کند بلکه اشتباه توما را یادآوری می‌کند که متوجه نیست برخاستن ایلعازر از مرگ موقعیتی برای شکوهمندی عیسی خواهد بود.

[۱۷] پس چون عیسی آمد، او را که از چهار
روز پیش در قبر بود، یافت. [۱۸] بیت‌عنیا مت ۱۷:۲۱ ؛۴۵:۱۱
نزدیک اورشلیم و در پانزده استادی[s] آن ۹:۱۲-۱۱، ۱۷-۱۹
بود. [۱۹] یهودیان بسیاری نزد مرتا و مریم
آمده بودند تا درباره برادرشان آنها را تسلی
دهند. [۲۰] پس وقتی مرتا شنید که عیسی لو ۱۰:۳۹-۴۰
می‌آید، به پیشواز او رفت، در حالی که
مریم همچنان در خانه نشسته ماند. [۲۱] پس ۳۲:۱۱
مرتا به عیسی گفت: «خداوندا اگر این جا
می بودی برادرم نمی‌مرد! [۲۲] و اکنون
می‌دانم آنچه از خدا بخواهی، خدا آن را به
تو خواهد داد.» [۲۳] عیسی به او گفت:
«برادرت برخواهد خاست.» [۲۴] مرتا به او
گفت: «می‌دانم که به وقت رستاخیز در روز دان ۱۲:۲؛ یو ۵:۲۸-۲۹؛
واپسین برخواهد خاست[t].» [۲۵] عیسی به او ۶:۳۹-۴۰؛ اع ۲۴:۱۵
گفت: «من هستم آن رستاخیز و زندگانی و
هر که به من ایمان دارد، حتی اگر بمیرد
زندگانی خواهد کرد[u]. [۲۶] و هر که زنده ۵:۲۴؛ ۸:۵۱
است و به من ایمان آورد، هرگز تا به ابد
نخواهد مرد[v]. آیا به این ایمان داری؟»
[۲۷] مرتا به او می‌گوید: «آری خداوندا،
ایمان دارم که تو مسیح، پسر خدا هستی که ۶:۱۴؛ ۱۰:۳۴؛ مت ۱۶:۱۶
باید به جهان بیاید[w].» [۲۸] مرتا این را گفته
رفت تا خواهرش را فرا خواند و در نهان به
او گفت: «استاد اینجاست و تو را
می‌خواند.» [۲۹] همین که شنید فوراً قیام
کرد و نزد او آمد. [۳۰] زیرا عیسی هنوز به ۲۰:۱۱
روستا نیامده بود بلکه همچنان در همان
جائی بود که مرتا او را دیدار کرده بود.
[۳۱] یهودیانی که با او در خانه بودند تا او را
تسلی دهند مریم را دیدند که به سرعت بلند
شده بیرون رفت. پس چون پنداشتند که به
سوی قبر می‌رود تا در آنجا بگرید به دنبال
او روان شدند. [۳۲] وقتی مریم به جایی آمد
که عیسی در آنجا بود، با دیدن او به
پاهایش افتاد و به او گفت: [x] «خداوندا ۲۱:۱۱
اگر اینجا می بودی برادرم نمی‌مرد!»
[۳۳] عیسی وقتی دید که او می گرید و
یهودیانی که او را همراهی کرده بودند نیز ۱۲:۲۷؛ ۱۳:۲۱؛
می‌گریند روحاً[y] مرتعش شد و به هم مت ۹:۳۰؛ مر ۳:۵؛
برآمده [۳۴] گفت: «او را کجا نهاده‌اید؟» به ۹:۱۹؛ ۱۲:۲۷؛ ۱۳:۲۱
او گفتند: «خداوندا بیا و ببین.» [۳۵] عیسی لو ۱۹:۴۱ ۱۱:۳

s- [استاد واحد طول که در حدود ۱۸۵ متر می باشد، بنابراین] بیت عنیا در حدود سه کیلومتری اورشلیم بوده است.

t- درَ محافلی که تحت تأثیر فریسیان بودند عقیده و امید به رستاخیز در پایان روزگار توسعه یافته بود (دان۱۲:۱-۳؛ ۲-مک۷:۲۲-۲۴؛ ۱۲:۴۴).

u- عیسی از پدر این قدرت را دریافت می کند تا کسانی را که به او ایمان می‌آورند به زندگی کامل و بنابراین به رستاخیز در پایان روزگار برساند (۵:۲۶-۲۹؛ ۶:۳۹-۴۰، ۴۴، ۴۵).

v- فعل مردن در آیه ۲۵ به معنی درگذشتن و پایان زندگی زمینی آدمی است درصورتی که در اینجا اشاره به زندگانی بدون ایمان است که از خدا قطع رابطه شده و مرگ واقعی باشد ر.ک ۵:۲۵ توضیح b. به نظر یوحنا برخاستن ایلعازر از مرگ تأکید می نماید که عیسی درست همان کسی است که ما را از مرگ به زندگی می گذراند.

w- مرتا با اعتراف و گواهی بر این که عیسی، مسیح و پسر خدا است می‌پذیرد که او و منشأ هر رستاخیزی است. *آن کسی است که باید به جهان بیاید*: ر.ک۶:۱۴؛ ۱:۹؛ مت۱۱:۳؛ لو۷:۱۹.

x- مریم در هنگام رسیدن به عیسی همان سخنانی را بر زبان می‌آورد که مرتا گفته بود. ضمناً افتادن به پاهای عیسی و تعظیم در برابر او نوعی پذیرایی دیگر است.

y- گاهی ترجمه می کنند: *باطناً مرتعش شده*... . این کلمه ممکن است به مفهوم خشمگین شدن در برابر ناله های کسانی که ایمان نداشته یا نومید هستند تعبیر شود یا اینکه به معنی تأثر شدید در برابر اندوه باشد. ر.ک۱۱:۳۸.

اشک ریخت. [۳۶]آنگاه یهودیان می‌گفتند:
«ببینید چقدر او را دوست می‌داشت.»
[۳۷]اما برخی از آن میان گفتند: «او که
چشمان کور را باز کرد آیا نمی‌توانست
[کاری کند] که این هم نمیرد؟» [۳۸]پس
عیسی بار دیگر در درون خود مرتعش شده
به سر قبر آمد و این غاری بود که سنگی بر مت ۲۷:۶۰؛
آن گذاشته بودند[z]. [۳۹]عیسی گفت: مر ۱۵:۴۶؛ لو ۲۳:۵۳؛ ۲۴:۲؛
«سنگ را بردارید!» مرتا خواهر متوفی به یو ۲۰:۱
او گفت: «خداوندا، چون روز چهارم است
دیگر بو گرفته است.» [۴۰]عیسی به او
گفت: «آیا به تو نگفتم اگر ایمان بیاوری ۱:۱۴؛ ۲:۱۱؛
شکوه خدا را خواهی دید؟» [۴۱]پس سنگ ۴:۲۳-۲۶
را برداشتند. عیسی چشمان خود را بلند
کرده[a] گفت: «ای پدر تو را شکر می‌کنم که ۱۷:۱؛
مرا مستجاب کرده‌ای. [۴۲]من می‌دانستم که مت ۱۴:۱۹؛ ۱ـ پاد ۱۸:۳۶-۳۷
همواره مرا مستجاب می‌کنی[b]. اما به‌خاطر
این جمعیت اطراف من سخن گفته‌ام تا ۶:۲۹؛ ۱۲:۳۰؛
آنان ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده‌ای.» ۱۷:۸، ۲۱؛ ۱ـ یو ۵:۱۴
[۴۳]و این را گفته با صدای بلند فریاد
برآورد: «ایلعازر بیرون! اینجا بیا!» ۵:۲۷-۲۹
[۴۴]مرده بیرون آمد، دستها و پاهایش
نوارپیچ بود و صورتش را دستمالی پوشانده ۱۹:۴۰؛
بود. عیسی به آنان گفت: «او را باز کنید و ۲۰:۶-۷
بگذارید برود.»

(متی۲۶:۱-۵؛ مرقس۱۴:۱-۲؛ لوقا۲۲:۱-۲)

[۴۵]بسیاری از یهودیان که به نزد مریم ۲:۲۳؛ ۷:۳۱؛
آمده و آنچه را عیسی کرده بود، دیده ۸:۳۰؛ ۱۰:۴۲
بودند به او ایمان آوردند. [۴۶]اما برخی از ۱۲:۱۱، ۴۲؛
میان ایشان نزد فریسیان رفته آنچه را عیسی لو ۱۶:۳۱
کرده بود به آنان گفتند[c]. [۴۷]پس کاهنان
اعظم و فریسیان شورائی[d] گرد آورده مت ۲۶:۳-۵؛
گفتند: «چه کنیم؟ این مرد نشانه‌های ۲۷:۱۸
زیادی انجام می‌دهد. [۴۸]اگر این گونه ۱۵:۲۴؛
رهایش کنیم، همه به او ایمان خواهند آورد اع ۴:۱۶؛ ۶:۱۳-۱۴
و رومیان خواهند آمد و مکان مقدس[e] و
ملت ما را از بین خواهند برد.» [۴۹]یکی از
میان آنان، «قیافا» که در آن سال ۱۸:۱۳؛ مت ۲۶:۳؛ لو ۳:۲

z- قبر ایلعازر ظاهراً حفره یا غار کوچکی است که در دیوارهٔ صخره‌ای کوه قرار دارد (ر.ک ۲۰:۱).
a- یهودیان بیشتر روی خود را به طرف معبد می‌کردند؛ بلند کردن چشمان به سوی آسمان، تا اندازه‌ای جزو آداب مذهبی مسیحیان خواهد بود (۱۷:۱؛ مر ۶:۴۱؛ لو ۱۸:۱۳؛ اع ۷:۵۵). [کلمه *مستجاب کردن* در ترجمه تحت‌اللفظی *شنیدن* است.]
b- چون همبستگی پدر با پسر دائمی و مستمر است بنابراین پدر در هر لحظه درخواست عیسی را شنیده و مستجاب می‌کند؛ و به همان‌گونه که به اطرافیان خود اعلام کرده در او امکان تعیین سرنوشت نهایی جهان تحقق می‌یابد (ر.ک ۳:۱۴؛ ۷:۱۵، ۱۶؛ ۱۶:۲۳-۲۴؛ ۱-یو۳:۲۱-۲۲؛ ۵:۱۴-۱۵). این نیایش نشان می‌دهد که با برخاستن ایلعازر از مرگ، ارتباط فرزندی عیسی نسبت به خدا را می‌توان دریافت. [ترجمهٔ تحت‌اللفظی مستجاب کردن: شنیدن.]
c- نشانه‌هایی که عیسی انجام می‌دهد واکنش‌های مختلفی ایجاد می‌کنند: کسانی ایمان می‌آورند و کسان دیگری شدیداً مخالفت می‌نمایند (ر.ک ۷:۳۴؛ ۹:۱۶؛ ۱۰:۱۹). آخرین نشانه موجب خواهد شد در اورشلیم تصمیم به کشتن عیسی گرفته شود.
d- این کلمه را می‌توان *سانهدرین* ترجمه کرد. در اینکه آیا اجتماع کاهنان اعظم و تعدادی از فریسیان بوده و آیا این مجمع جنبهٔ رسمی داشته است یا خیر؛ باید توجه داشت که پس از انهدام معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی فریسیان رهبری یهودیان را به دست گرفتند. ر.ک ۹:۲۲ توضیح r.
e- ترجمه تحت‌اللفظی: *محل*، که ممکن است منظور مجموعهٔ شهر اورشلیم و یا منحصراً معبد باشد (۲-مک۳:۱۲، ۱۸، ۳۰؛ اع۶:۱۳-۱۴؛ ۷:۷).

کاهن اعظم بود[f] به آنان گفت: «شما هیچ
نمی دانید، ۵۰ مگر فکر نمی کنید که برای
شما مفیدتر است یک انسان در راه قوم ۲ـ قرن ۵:۱۵
بمیرد، تا همه هلاک شوند[g]؟» ۵۱ این را
از خود نگفت اما چون در آن سال کاهن خروج ۲۸:۳۰؛ اعد ۲۷:۲۱؛
اعظم بود، نبوت کرد[h] که عیسی باید برای پید ۵۰:۲۰ ؛۴:۴۲؛
ملت بمیرد. ۵۲ و نه تنها برای ملت، بلکه ۱ـ یو ۲:۲ اش ۴۹:۵
همچنین تا فرزندان خدا که پراکنده اند
در یگانگی گرد هم آیند[i]. ۵۳ از همان روز
تصمیم به کشتن او گرفتند. ۵۴ عیسی
دیگر در میان یهودیان آشکارا رفت و آمد ۵:۱۸؛ ۷:۱، ۲۵؛
نمی کرد بلکه از آنجا به ناحیه ای نزدیک ۸:۳۷-۴۰؛ مت ۱۲:۱۴؛
بیابان به شهری به نام افرائیم[j] رفت و با ۱۴:۵
شاگردانش در آنجا ماند. ۲:۱۲؛ ۳:۲۲؛ ۷:۱

تدهین در بیت عنیا (متی۲۶:۶-۱۳؛ مرقس۱۴:۳-۹؛ ر.ک لوقا۷:۳۶-۳۸)

۵۵ [جشن] گذر یهودیان[k] نزدیک بود و
بسیاری از مردم از روستاها پیش از گذر ۲:۱۲-۱۳؛ ۶:۴؛
برای تطهیر خود به اورشلیم فراز آمدند[l]. اعد ۹:۶-۱۳؛ ۲ـ توا ۶:۷؛
۵۶ در جستجوی عیسی بودند و در معبد اع ۲۱:۲۴-۲۶
ایستاده به یکدیگر می گفتند: «چه ۷:۱۱
می پندارید؟ آیا اصلاً به جشن نخواهد
آمد؟» ۵۷ اما کاهنان اعظم و فریسیان دستور
داده بودند: اگر کسی بداند که او کجاست
باید خبر دهد تا او را دستگیر کنند.

۱۲ ۱ پس شش روز پیش از جشن گذر،
عیسی به بیت عنیا آمد، جائی که ۱۱:۱، ۴۳-۴۴؛ مت ۲۶:۶-۱۳؛
ایلعازر بود و عیسی او را از میان مردگان مر ۱۴:۳-۹
قیام بخشیده بود[m]. ۲ در آنجا برایش شامی
تهیه کردند و مرتا خدمت می کرد و ایلعازر ۱۱:۲؛
یکی از کسانی بود که بر سر سفره با او لو ۱۰:۴۰

f- *قیافا* از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی ریاست عالیه سانهدرین را برعهده داشت (لو۳:۲؛ اع۴:۶؛ ر.ک تاریخ کهن فلاویوس ژوزف ۱۸:۳۵)؛ نقش قیافا در مت۲۶:۳، ۵۷ و یو۱۸:۱۳-۱۴، ۲۴، ۲۸ ذکر و تأکید شده است. یوحنا که مصراً یادآوری می کند که *وی در آن سال کاهن اعظم بود* شاید می خواهد اهمیت بی نظیر سالی را که نجات انجام خواهد شد یادآوری نماید.

g- قیافا به بحث در این باره جنبهٔ سیاسی می دهد؛ به هرصورت دلایل هرچه باشد چون عیسی موجب بروز اختلالاتی است شایسته است او را از بین ببرند تا آرامش و نظم عمومی تأمین گردد.

h- این سخنان با توجه به وقایعی که بعداً روی می دهد در نظر شاگرد عیسی کاملاً معنی و مفهوم دیگری دارند بدین معنی که عیسی با مرگ خود نجات اسرائیل را تأمین می کند و تمام کسانی را که در سراسر دنیا در تابعیت پدر هستند به صورت یک ملت جمع می کند.

i- منظور قیافا آن بود که برای یهودیان اشکالاتی پیش نیاید. وی بدون اینکه بداند اعلام می کند که مرگ عیسی چه معنایی برای ایمانداران دربر خواهد داشت. در مورد مرگ به خاطر وحدت ر.ک ۱۰:۱۶؛ ۱۷:۱۹-۲۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۱:۱۱.

j- افراییم را اکثراً با دهی به نام *الطیبه* یکی دانسته اند که در حدود ۲۰ کیلومتری شمال شرقی اورشلیم در منتهی الیه سرزمین صحرایی قرار دارد.

k- ر.ک ۲:۱۳؛ ۶:۴. چنین به نظر می رسد که یوحنا جشن یهودیان را که از به دوران و نظم کهن تعلق دارد در برابر یگانه جشن گذر واقعی مسیح قرار می دهد (۱:۱۳).

l- شرکت در جشن مستلزم آن بود که از نظر شرعی *پاک* باشند و این پاکی با اجرای اعمال مذهبی مختلفی حاصل می شد (خروج۱۹:۱۰-۱۵؛ اعد۹:۹-۱۴؛ ۲-توا۳:۱-۳، ۱۷-۲۰؛ اع۲۱:۲۴-۲۶؛ ۲۴:۱۸؛ یو۱۸:۲۸).

m- ر.ک مت۲۶:۱۳؛ مر۱۴:۳-۹؛ لو۷:۳۶-۴۰.

لو ۷:۳۷-۳۸ بود. [3] پس مریم رطلی[n] از عطر سنبل
واقعی[o] گرانبها برداشته پاهای عیسی را
تدهین نمود و با گیسوانش پاهای او را
۶:۷۱ خشک کرد[p] و خانه را بوی عطر فرا
گرفت[q]. [4] یهودای اسخریوطی[r]، یکی از
شاگردانش، آن کس که او را تسلیم می کرد
گفت: [5] «چرا این عطر را به سیصد دینار[s]
مت ۱۹:۲۱؛ مر ۱۰:۲۱؛ لو ۱۸:۲۲ نفروختند تا به بینوایان داده شود؟» [6] این
را نه از آن رو گفت که در غم بینوایان بود،
۱۳:۱۰؛ ۱۳:۲۹؛ لو ۸:۳ بلکه چون او دزد بود و کیسه پول را در
دست داشت آنچه را در آن می انداختند
می ربود. [7] پس عیسی گفت: «او را بگذار،
این عطر را برای روز تدفین من نگاه
۱۹:۴۰ تث ۱۵:۱۱ داشته[t] [8] زیرا بینوایان را همیشه با خود
دارید امّا مرا برای همیشه ندارید[u].»
۱۲:۴۳-۴۴ [9] پس بسیاری از یهودیان دانستند که
[عیسی] در آنجاست. پس آمدند نه تنها
به خاطر عیسی بلکه همچنین برای دیدن
ایلعازر که از میان مردگان او را قیام
بخشیده بود. [10] کاهنان اعظم تصمیم به
کشتن ایلعازر نیز گرفتند. [11] زیرا بسیاری
۷:۳۱؛ ۱۱:۱۹، ۴۵ از یهودیان به خاطر وی می رفتند و به
عیسی ایمان می آوردند.

ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم (متی۲۱:۱-۱۱؛ مرقس۱۱:۱-۱۱؛ لوقا۱۹:۲۸-۴۰)

[12] روز بعد جمعیت زیادی که برای جشن
آمده بودند، وقتی دانستند که عیسی به
اورشلیم می آید [13] شاخه های نخل
مز۱۱۸:۲۵-۲۶؛ مت ۲۷:۴۲؛ مر ۱۵:۳۲؛ یو ۱:۴۹؛ ۱-مکا ۱۳:۵۱؛ مکا ۷:۹ برداشته[v] به استقبال او بیرون شدند و فریاد
برمی آوردند: «هوشیعانا!» «مبارک باد
آنکه به نام خداوند می آید[w]» و «پادشاه

n- کلمه یونانی که *رطل* ترجمه شده واحد رومی و برابر ۳۲۷/۴۵ گرم است.

o- این کلمه که فقط در مر۱۴:۳ و در اینجا بکار برده شده گاهی *ناب و خالص* ترجمه می کنند و در مورد مفهوم آن مفسران توافق ندارند. ظاهراً در زبان یونانی این کلمه از همان ریشه ایمان می آید و لذا می توان *واقعی* یا *حقیقی* ترجمه نمود ولی ممکن است نام گیاهی باشد که از آن عطر گرفته اند.

p- طبق اناجیل متی و مرقس، مریم عطر را بر سر عیسی می ریزد درصورتی که در اینجا بر روی پاهای عیسی ریخته و با خشک کردن با موهایش فروتنی و محبت کامل خود را ابراز می کند.

q- در ادبیات یهود عطری را که رایحه اش منتشر می شود با پرتو و درخشندگی زندگی عادلانه تشبیه و مقایسه کرده اند. ذکر این نکته که رایحهٔ عطر فضای خانه را پُر می کند ممکن است با مت۲۶:۱۳ و مر۱۴:۹ مقایسه شود که در آنجا گفته شده در هر جایی که انجیل موعظه شود این عمل مریم شناخته خواهد شد.

r- ر.ک ۶:۷۱. یوحنا توجه را به یهودای اسخریوطی جلب کرده و این اظهارات را به او نسبت می دهد درصورتی که مرقس گوینده این سخنان را *بعضی ها* و حتی *شاگردان* ذکر کرده است.

s- کلمه ای که *دینار* ترجمه شده واحد پول و احتمالاً برابر مزد روزانه یک کارگر بوده است. ر.ک ۶:۷ توضیح t و مر۱۴:۵.

t- ترجمهٔ دیگر: *او را به حال خود بگذارید! این رسم را به خاطر تدفین من رعایت می کند.* ولی معنی دقیق این عبارت مشخص نیست. به نظر بعضی از مفسران یوحنا که شکستن شیشهٔ عطر را ذکر نکرده در نظر داشته عطر برای تدفین ذخیره شود. به نظر بعضی دیگر منظور بیاد نگهداشتن خاطرهٔ این عمل است که پیشاپیش مراسم تدفین را نشان می دهد. متی و مرقس در این مورد اهمیت حضور عیسی و فوریت شناختن او را در ایمان تذکر و یادآوری می کنند. ر.ک ۱:۱۲ توضیح m.

u- ر.ک مت۲۶:۱۱؛ مر۱۴:۷.

v- این روش ورود پیروزمندانه سلاطین است، ر.ک ۱-مک۱۳:۵۱؛ ۲-مک۱۰:۷؛ مکا۷:۹.

w- ر.ک مز۱۱۸:۲۵-۲۶. هوشع*یانا* به مت ۲۱:۹ توضیح c توجه نمایید. این کلمات را که از مزمور۱۱۸ گرفته شده برای تقدیس رؤسایی که در رأس ملتزمین خود به معبد فراز می آمدند بکار می بردند. همین عبارت در مورد عیسی بکار برده شده که کاملاً والاترین کسی *است که می آید* (۶:۱۴؛ ۱۱:۲۷؛ ۱:۹) و با داشتن قدرت خدایی مأمور رسالت می باشد.

اسرائیل[x]!» ۱۴اما عیسی کرّه الاغی یافته بر
آن نشست، برابر آنچه نوشته شده است:
۱۵ای دختر صهیون مترس: اینک پادشاه
تو، سوار بر کرهٔ الاغی می‌آید[y]. ۱۶اول
شاگردانش این چیزها را نفهمیدند، اما ۲:۲۲؛ ۱۴:۲۶؛ مر۴:۱۳؛
وقتی عیسی شکوه یافت[z]، بدان هنگام لو۲۴:۴۵
به یاد آوردند[a] که این درباره وی نوشته
شده بود و این چیزها را برای او کرده
بودند[b]. ۱۷پس جمعیتی که با او بودند به ۱۱:۴۳-۴۴
هنگامی که ایلعازر را از قبر به بیرون
خوانده و او را از میان مردگان قیام بخشیده
بود شهادت می‌دادند. ۱۸همچنین جمعیتی
نیز بدین سبب به استقبال او می‌آمدند:
زیرا شنیده بودند که او این نشانه را انجام
داده است. ۱۹پس فریسیان در بین یکدیگر
گفتند: «می بینید که هیچ فایده‌ای ۳:۲۶؛
نمی برید، همه دنیا به دنبال او می رود[c]!» ۱۱:۴۷-۴۸؛ اع ۵:۲۸

شکوه و صلیب

۲۰در آنجا چند یونانی بودند، از آنانی ۷:۳۵؛ ۱۱:۵۵؛
که به هنگام جشن برای پرستش[d] فراز اع ۸:۲۷؛ ۲۴:۱۱
می‌آمدند. ۲۱پس اینان به سوی فیلیپس که
از بیت‌صیدای جلیل[e] بود پیش رفتند و از
او درخواست کرده گفتند: «ای سرور
می‌خواهیم عیسی را ببینیم.» ۲۲فیلیپس ۱:۴۴؛ ۷:۳۴؛ لو ۱۹:۳؛
آمده آن را به اندریاس گفت. اندریاس و ۲۳:۸
فیلیپس آمده آن را به عیسی گفتند.
۲۳عیسی در پاسخ ایشان گفت: «ساعتی که ۷:۳۹؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛
پسر انسان باید شکوه یابد فرا رسیده ۱۷:۱؛ مت ۸:۲۰
است[f]! ۲۴آمین، آمین به شما می گویم: اگر

x- موضوع عنوان پادشاه اسرائیل در سرتاسر انجیل آمده است مخصوصاً در قسمتی که راجع به مصائب عیسی و مصلوب شدن او است (۱:۴۹؛ ۶:۱۵؛ ۱۸:۳۳، ۳۷، ۳۹؛ ۱۹:۳، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱).

y- یوحنا نظیر انجیل نگاران دیگر که این روایت را آورده‌اند خلاصه پیام سروش مسیحایی زک۹:۹ را ذکر کرده و بدین وسیله روایت را مفهوم و روشن می کند. [ترجمه تحت‌اللفظی: کرّه خر یک خر ماده.]

z- عیسی به وسیله صلیب و صعود به آسمان شکوهمند شده است (ر.ک ۷:۳۹؛ ۱۷:۱).

a- یوحنا به مانند انجیل نگاران دیگر (مر۱۴:۷۲؛ مت۲۶:۷۵؛ لو۲۲:۶۰؛ ۲۴: ۶، ۸) متوجه است که بیشتر گفتارها و اعمال عیسی در مدت زندگی زمینی او درک نشده یا به‌خوبی آنها را درنیافته بودند. پس از مصلوب شدن عیسی و صعود او توانستند این وقایع را درک نموده و به معنی واقعی آنها پی ببرند و نبوت‌هایی را که در نوشته های مقدس آمده است به طرز جدیدی دریابند. این تذکر و یادآوری یوحنا بر اثر عمل روح‌القدس انجام می شود (۲:۲۲؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۱۲-۱۵).

b- فاعل این جمله یا شاگردان است که قسمتی از این وقایع را آماده کرده بودند (ر.ک مت۱۱:۱-۷) یا منظور جمعیت است که برای عیسی احتراماتی بجا می‌آوردند.

c- روش نگارش یوحنا آمیخته با طنز و استهزا است بدین معنی که خود فریسیان متوجه جنبهٔ جهانی عمل عیسی می باشند (ر.ک ۱۲:۳۲؛ مر۱:۳۷).

d- این اشخاص که فرهنگ یونانی داشتند و نسبت به نژاد یهود بیگانه بودند جدیداً به آیین یهود گرویده یا اینکه فقط به آن علاقمند بودند و به اورشلیم می‌آمدند تا در مراسم زیارت جشن گذر شرکت نمایند (اع۱۰:۲، ۲۲، ۳۵؛ ۱۳:۱۶، ۲۶). تمایل به پرستش خدای حقیقی (ر.ک ۴:۲۱-۲۳) آنان را هدایت می کرد که عیسی را ملاقات کنند (یا به عبارت بهتر او را ببینند).

e- ر.ک۱:۴۴ و ۶:۸. فیلیپس و اندریاس تنها شاگردانی هستند که نام یونانی دارند. ر.ک ۴:۲۷-۳۸؛ ۴:۴۲ توضیح h.

f- منظور لحظه ای قطعی است که عیسی در شکوه وارد می شود و شاگردانش را در آن سهیم خواهد کرد (۱۷:۱-۵، ۲۲، ۲۴؛ ۱:۱۴، ۱۶) شکوهی که پدر تعیین کرده و فرا رسیدن آن در پایان فعالیت زمینی عیسی است (۲:۴؛ ۷:۶، ۸، ۳۰؛ ۸:۲۰؛ ۱۱:۹؛ ۱۳: ۱؛ ۱۷:۱)، همچنین قبل از هر چیز ساعت خدمت تا مرگ بر روی صلیب است (قبلاً در مر۱۴:۳۵، ۳۷، ۴۱ آمده است).

اش۵۳:۱۰-۱۲؛ مت ۲۱:۱۶ دانه گندم که به زمین افتاده نمیرد، تنها
روم ۹:۱۴؛ ۱ـ قرن ۳۶:۱۵ می‌ماند اما اگر بمیرد، میوهٔ بسیار
مت ۳۹:۱۰؛ ۲۵:۱۶؛ می‌آورد[g]. ۲۵ هر که جان خود را دوست
مر ۳۵:۸؛ لو ۲۴:۹؛ دارد آن را از بین می‌برد و هر که از جان
۳۳:۱۷ خود در این جهان نفرت دارد[h] آن را برای
زندگانی جاودان نگاه خواهد داشت[i].
۲۶ اگر کسی به من خدمت می‌کند، پس مرا
۳۴:۷؛ ۳:۱۴؛ ۲۴:۱۷؛ هم پیروی کند و در آنجا که من هستم خادم
مت ۲۴:۱۶ من نیز همانجا خواهد بود[j]. اگر کسی به من
خدمت کند پدر او را محترم خواهد
۳۳:۱۱؛ ۲۱:۱۶؛ ۱۱:۱۸؛ مز ۳:۶؛ داشت.
۵:۴۲، ۱۱؛ مت ۳۸:۲۶؛ ۲۷ اکنون جان من مضطرب است و چه
مر ۳۴:۱۴؛ لو ۲۲:۴۰-۴۶؛ عبر ۵:۷-۸ بگویم؟ ای پدر، مرا از آن ساعت نجات
بده! اما به سبب همین تا این ساعت
آمده‌ام[k]. ۲۸ ای پدر، نام خود را
شکوهمند گردان[l].» پس ندایی از آسمان
رسید: «[او را] شکوه داده‌ام و باز شکوه ۵:۱۷؛ مت ۱۷:۳؛
خواهم داد[m].» ۲۹ پس جمعیتی که آنجا ۵:۱۷؛ مر ۱۱:۱؛
ایستاده بودند، شنیده گفتند که غرّش ۷:۶؛ لو ۲۲:۳؛
تندری بود. دیگران گفتند: «فرشته‌ای با ۳۵:۹
او حرف زده است.» ۳۰ عیسی پاسخ داده اع ۹:۲۳؛ لو ۴۳:۲۲
گفت: «این ندا نه به‌خاطر من، بلکه
به‌خاطر شما رسیده است[n]. ۳۱ اکنون ۴۲:۱۱
داوری[o] این جهان[p] است. اکنون رئیس ۱۹:۳؛ ۹:۳۹؛
این جهان بیرون افکنده خواهد شد[q]. ۳۰:۱۴؛ ۱۱:۱۶؛ لو ۱۸:۱۰؛ مکا۱۲:۹؛ ۱:۲۰-
۳۲ و من چون از زمین بالا برده ۱۴:۳؛ ۲۸:۸؛ ۳۲:۱۸؛ ۱۹:۲۱

g- تصویر *دانهٔ بذری که می‌میرد* برای آن که محصول فراوانی بدست آید در موعظه‌های انجیلی تصویری معمولی است (مر۴:۳-۹، ۲۶، ۳۱؛ مت۱۳: ۲۹-۳۰). علمای مذهبی یهود و پولس رسول (۱-قرن۱۵:۳۵-۴۴) این تصویر را در مورد صعود و شکوه یافتن بکار برده‌اند. مصلوب شدن و مصائبی که عیسی متحمل خواهد شد منجر به باروری رستاخیز او می‌شود تا کاملاً یهودیان و یونانیان در جامعه‌ای مسیحایی گرد هم آیند.

h- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: *نفرت داشتن*. فعلی که در اینجا آمده برابر روشی که در زبانهای سامی بکار می‌رود در مقابل دوست داشتن است و اکثراً به مفهوم *کمتر دوست داشتن* و به عنوان ارزشی والا بشمار نیاوردن است. [بنابراین می‌توان ترجمه کرد: هرکس در این جهان از جان خود دست بشوید] (پید۲۹:۳۱-۳۳؛ تث۲۱:۱۵؛ مت۶:۲۴؛ لو۱۶:۱۳؛ ۱۴:۲۶. لو۱۴:۲۶ توضیح k را ملاحظه کنید).

i- ر.ک مر۸:۳۵؛ مت۱۶:۲۵؛ لو۹:۲۴: شاگرد بایستی زندگانی خود را برطبق زندگی جدیدی که استاد بر او آشکار و به او عطا کرده است یکی کند و هماهنگ سازد.

j- رابطه بین *خدمت کردن* و *به دنبال عیسی رفتن* نکتهٔ اساسی در روایات انجیلی است (ر.ک مر۸:۳۴؛ مت۱۰:۳۸؛ لو۱۴:۲۷). خدمت عیسی متضمن آن است که شاگرد به روش خود در مرگ و رستاخیز او سهیم خواهد بود (ر.ک مر۱۰:۳۵-۴۵).

k- در اینجا یوحنا احساس اضطراب عیسی را در برابر مرگی که فرامی‌رسد ذکر می‌کند (ر.ک۱۱:۳۳-۳۸؛ ۱۳:۲۱) ولی احتضار او را در جتسیمانی روایت نخواهد کرد (مر۱۴:۳۲-۴۲؛ مت۲۶:۳۶-۴۶؛ لو۲۲:۳۹-۴۶) با اینکه به آن اشاره می‌نماید (۱۸:۱۱). یوحنا مخصوصاً علاقمند است اطاعت کامل عیسی را یادآوری کند که با شکوهمند کردن پدر، در کمال آزادی دوران مصائب و مصلوب شدن خود را آغاز می‌کند (ر.ک۱۰:۱۸ توضیح r).

l- *نام* مظهر و بیان تجلی شخص می‌باشد. عیسی که درخواست می‌کند نام پدر شکوهمند باشد می‌خواهد که خدا به عنوان پدر تجلی نماید (۳:۱۶؛ ۱۷:۱۲، ۲۶)، خدایی که به وسیلهٔ مرگ و رستاخیز پسرش عمل محبت خود را نسبت به آدمیان کامل می‌کند.

m- پس از تظاهر شکوه که با فعالیت زمینی عیسی و نشانه‌ها انجام می‌شود (۲:۱۱؛ ۵:۳۶؛ ۱۰:۳۸؛ ۱۱:۴، ۴۰) تجلی کامل به وسیله مرگ و رستاخیز (۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۷:۱؛ ۱۴:۱۰) و اعطای روح القدس خواهد رسید.

n- جمعیت بلافاصله ارزش و اهمیت دخالت خدا را درنیافته، با این همه قاعدتاً بایستی بدین وسیله معنی وقایع نجات را تشخیص می‌دادند و گرنه عیسی که با پدر یکی است نیازی به توضیح ندارد.

o- در اینجا داوری به معنی محکومیت است (ر.ک ۳:۱۹؛ ۳:۲۱ توضیح c؛ ۵:۲۹).

p- در روایات مکاشفه‌ای *این جهان* در مقابل جهان آینده است که در آن خدا حکمروایی خواهد کرد. این اصطلاح همچنین به مفهوم دنیای کنونی است که در آن قدرتهای مخالف فرمانروایی خدا تسلط دارند و در انجیل یوحنا به نامهای مختلف مجسم شده‌اند: مثلاً ابلیس (۶:۷۰؛ ۸:۴۴؛ ۱۳:۲)، شیطان (۱۳:۲۷)، سلطان این دنیا (۱۴:۳۰؛ ۱۶:۱۱).

q- برابر بعضی نسخ خطی *پایین افکنده خواهد شد*. البته عیسی نه برای داوری بلکه برای نجات آمده است (۳:۱۷-۲۱؛ ۱۲:۴۷)؛ با این همه پیروزی او به وسیله صلیب و بر روی صلیب به معنی شکست شیطان و انفصال از تسلط بر جهان است.

شوم[r]، همه را به سوی خود خواهم کشید[s].»
۳۳ این را گفت تا نشان دهد به چه مرگی
می بایست بمیرد[t]. ۳۴ پس جمعیت پاسخ
دادند: «از تورات[u] شنیده ایم که مسیح مز ۸۹:۴، ۳۶؛ ۱۱۰:۴؛
جاودان می ماند[v]، پس تو چگونه می گویی اش ۹:۷؛ دان ۷:۱۴؛
که: ''پسر انسان باید بالا برده شود؟'' این یو ۱۰:۳۴؛ روم ۳:۱۹؛
پسر انسان کیست؟» ۳۵ پس عیسی به آنان مت ۸:۲۰
گفت: «اندک زمانی نور در بین ۷:۳۳؛ ۸:۱۲؛
شماست[w]، تا وقتی نور را دارید راه بروید ۹:۴؛ ۱۲:۴۶؛ ۱۱:۱۰؛
مبادا تاریکی ها شما را دربر گیرند. و آن ۱-یو ۲:۱۱
که در تاریکی ها راه می رود نمی داند به اش ۵۰:۱۰؛ ار ۱۳:۱۶؛
کجا می رود. ۳۶ تا وقتی نور را دارید، به افس ۵:۸
نور ایمان بیاورید تا شما پسران نور
شوید[x].» عیسی چنین گفت و از آنجا رفت
و از ایشان پنهان شد.

خاتمه کتاب نشانه‌ها. شرایط ایمان حقیقی

۲:۱۱؛ تث ۲۹:۱-۳؛ ۳۷ هر چند آن همه نشانه ها را در برابرشان
مت ۱۱:۲۰ کرده بود، به او ایمان نمی‌آوردند ۳۸ تا گفتار
روم ۱۰:۱۶؛ عبر ۴:۲ اشعیای پیامبر به تحقق رسد که گفت:
«خداوندا چه کسی به پیام ما ایمان آورده و
بازوی خداوند به چه کسی الهام گردیده
است[y]؟» ۳۹ به همین جهت نمی توانستند
ایمان بیاورند زیرا باز اشعیا گفته است:
۵:۴۴ ۴۰ «چشمانشان را کور کرده و دلشان را
سنگ گردانیده تا با چشمان خود نبینند و با
مر ۸:۱۸ دلهایشان نفهمند و باز نگردند تا من آنان را
شفا دهم[z]. ۴۱ اشعیا این را گفته است زیرا
شکوه او را دیده و از او سخن گفته است[a].
۲:۲۳؛ ۷:۳۱، ۴۸؛ ۴۲ با وجود این حتی در بین رؤسا بسیاری به
۸:۳۰؛ ۹:۲۲؛ او ایمان آوردند اما به سبب فریسیان بروز
۱۰:۴۲؛ ۱۱:۴۵؛ ۱۲:۱۱ نمی‌دادند مبادا از کنیسه رانده شوند[b].

r- ر.ک ۳:۱۴ و ۸:۲۸؛ بالا رفتن بر روی صلیب را ایمانداران باید به عنوان بالا رفتن در شکوه به نزد پدر درک کنند. به طوری که اکثراً مشاهده می شود یوحنا اصطلاحاتی بکار می برد که معنی دو پهلو دارند.

s- ر.ک ۶:۴۴ که در آنجا پدر به سوی پسر می کشد.

t- ر.ک ۱۸:۳۲.

u- کلمه یونانی قانون که در اینجا تورات ترجمه شده به مفهوم مجموعه نوشته های مقدس و روایات است.

v- در تأیید این سخنان می توان اش۹:۶؛ مز۱۱۰:۴؛ دان۷:۱۴ را ذکر کرد ولی برطبق عقیده عمومی یهودیان تحقیر و سرشکستگی بر روی صلیب قابل تصور نبود.

w- ر.ک ۸:۱۲؛ ۹:۴-۵؛ ۱:۹؛ ۷:۳۳؛ ۱۳:۳۳.

x- منظور از *پسران نور* کسانی هستند که به وسیلهٔ ایمان در قلمرو نور وارد شده و زندگی می کنند (افس۵:۸؛ ۱-تسا۵:۵). این عنوان در نوشته های فرقهٔ اسنیان که در قمران کشف شده فراوان است و در آنجا منظور برگزیدگانی هستند که تورات را دقیقاً بررسی کرده و عمل می نمایند.

y- این عبارت که در ابتدای وحی دربارهٔ خدمتگزار رنجور است (اش۵۳:۱) یادآوری و تأکید می نماید کلام و عمل خدا که اشعیا بیان خواهد کرد نشنیده و بی مانند است. یوحنا این عبارت را در ستایش مسیحیت بکار می برد (ر.ک روم۱۰:۱۶).

z- یوحنا سخنان اشعیا (۶:۹-۱۰) را که نخستین الهیدانان مسیحی اکثراً بکار برده اند (مر۴:۱۱-۱۲؛ مت۱۳:۱۵؛ لو۸:۱۰؛ مر۸:۱۸؛ اع۲۸:۲۶-۲۷) به روش مخصوص خود گرفته و مفهوم آن را تشدید کرده است. اشعیای پیامبر در پیام خود اعلام می کند که کوری مانع از آن است دل خود را به عمل خدا بگشایند و مسیحیان بر مبنای این پیام ایمان نیاوردن اسرائیل را تفسیر می کردند (ر.ک ۹:۳۹-۴۱؛ ۳:۱۹-۲۱؛ ۹:۱-۱۱).

a- به نظر یوحنا شکوه الهی که به اشعیا آشکار می شد همان است که از این پس در عیسی خواهد درخشید (ر.ک ۸:۵۶؛ ۱-قرن۱۰:۴).

b- ایمان ارزش ندارد مگر درصورتی که بدون هیچ ملاحظه و پروایی باشد تا به جایی که در ملأ عام بیان و اظهار شود که ممکن است منجر به اخراج از جامعه اسرائیل گردد (ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۶:۱-۴).

[۴۳]زیرا شکوه آدمیان را بیشتر از شکوه خدا ۴۴:۵
دوست داشتند[c].
[۴۴]عیسی ندا داده[d] گفت: «هرکه به من ۲۴:۵؛ ۲۰:۱۳؛ مت ۴۰:۱۰
ایمان آورد، نه به من بلکه به فرستنده من
ایمان آورده است [۴۵]و هر که مرا می بیند، ۹-۷:۱۷
فرستنده مرا می بیند[e]. [۴۶]من، آن نور، به
جهان آمده ام تا همه کسانی که به من ایمان ۳: ۱۹؛ ۱۲:۸؛ ۵:۹
آورند، در تاریکی نمانند. [۴۷]و اگر کسی
سخنان مرا می شنود و آنها را رعایت ۱۱:۳، ۱۷؛ ۱۵:۸؛
نمی کند، او را داوری نمی کنم زیرا من لو ۲۱:۸؛ ۲۸:۱۱؛
برای داوری جهان نیامده ام، بلکه برای مت ۱۳:۱۸-۲۳
نجات دادن جهان[f]. [۴۸]هر که مرا طرد کند ۳۷:۸، ۴۷؛ لو ۱۶:۲۰؛
و سخنان مرا نپذیرد داوری کننده ای دارد: تث ۳۱:۲۶-۲۹
سخنی که من گفته ام در واپسین روز بر او
داوری خواهد کرد[g]. [۴۹]زیرا من از طرف
خودم سخن نمی گویم بلکه پدری که مرا
فرستاده است او مرا به من آنچه باید ۱۷:۷؛ ۱۰:۱۴؛ تث ۱۸:۱۸-۱۹
بگویم و بیان کنم، فرمان داده است. [۵۰]و
می دانم که فرمان او زندگانی جاودان ۱۱:۳، ۳۴؛ ۴۰:۶؛ ۲:۱۷؛
است. پس آنچه من می گویم همان است ۱ـ پطر ۱۱:۴
که پدر به من گفته است و من به همان طور
می گویم.»

شام آخر و شستشوی پاها[h]

۱۳ [۱]پیش از جشن گذر[i] عیسی که ۴۸:۱؛ ۴:۲؛ ۱۰:۱۸؛ ۲۸:۱۶؛ ۱۳:۱۵؛ ۹:۱۷؛
می دانست ساعت او برای مت ۲۶:۱۷:۴۵؛ مر ۴۱:۱۴؛ غلا ۲۰:۲؛ ۱ـ یو ۱۶:۳

c- ر.ک ۴۴:۵.

d- این مجموعه کوچک سخنان که مخصوصاً از گفتارهای عیسی است ظاهراً نتیجه گیری نخستین بخش انجیل است و به اظهارات عیسی در میان مردم خاتمه می دهد.

e- عیسی به خودی خود و به تنهایی چیزی نیست؛ ارتباط او با پدر بر این مبنا است که کسی که به او ایمان می‌آورد ضمناً ایمان خود را به پدر می‌دهد؛ یا به همین گونه می توان گفت کسی که او را می بیند در او پدر را می بیند (ر.ک ۳۸:۱۰؛ ۲۰:۱۳؛ ۷:۱۴-۱۱؛ ۱۹:۵-۳۰؛ ۱۸:۱).

f- کلام مستلزم توجه و اطاعت مستمر و مداوم است (ر.ک مت۲۴:۷-۲۷؛ لو۴۷:۶-۴۹). رسالت عیسی منحصراً به خاطر نجات است (۱۷:۳؛ ۱۵:۸) ولی کسی که این رسالت را نمی پذیرد خود را به گمراهی محکوم می نماید؛ زیرا واقعاً راه دیگری برای رسیدن به خدا وجود ندارد (۲۲:۵، ۲۷؛ ۱۶:۸، ۲۶).

g- آنچه را یهودیان دربارهٔ قانون تورات گفته و اظهار می کردند که قانون تورات در روز داوری میزان محکومیت خواهد بود یوحنا در مورد کلام عیسی می گوید (ر.ک مر۳۸:۸).

h- بابهای ۱۳ الی ۱۷ انجیل یوحنا مجموعه ادبی گسترده ای است که در آن مطالب مختلفی گردآوری شده است. در ابتدا روایت آخرین شامی که عیسی با شاگردانش صرف نمود و ارتباطی که با موضوع شستن پاها دارد (۱:۱۳-۳۰)، سپس مذاکرهٔ طولانی عیسی با اطرافیانش آمده است (۳۱:۱۳-۲۶:۱۷). در این بخش موضوعات متنوعی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند: مثلاً به خوبی روشن است که آیات ۲۷:۱۴-۳۱ در ابتدا پایان گفتار وداع بوده و پس از آن بایستی موضوع آمدن اشخاصی که مأمور دستگیری عیسی هستند ذکر شود (۱:۱۸-۱۱). یوحنا بابهای ۱۵-۱۷ را در این بخش وارد کرده تا نخستین مذاکره وداع را تشریح نماید (۳۱:۱۳-۳۱:۱۴). در بابهای ۱۳ الی ۱۷ عیسی به شاگردان خود و از ورای ایشان به ایمانداران همهٔ دورانها خطاب می نماید. برای ایشان توضیح می دهد در دورانی که با صعود شکوهمند او آغاز می شود وضعیت و شرایط آنان چگونه خواهد بود. بنابراین یوحنا بعضی از نگرانیهای مهم مخاطبان را دقیقاً تشریح خواهد کرد و لذا تعجبی ندارد اگر در تعدادی از نکات این بابها تقدم و تأخر تاریخی تطبیق نمی کند. مثلاً یوحنا از زبان عیسی نظر یک فرد ایماندار را پس از رستاخیز بیان می نماید که چگونه در پایان قرن اول میلادی با مشکلات کلیسا مواجه است.

i- در مورد جشنهای یهودیان که در انجیل یوحنا ذکر شده به ۴:۶ توضیح r مراجعه نمایید. معمولاً این شام را که یوحنا روایت می کند برابر آخرین شامی بشمار می‌آورند که در اناجیل نظیر آمده است. با این همه در اینجا موضوع غذای جشن گذر یا برقراری دعای سپاسگزاری صریحاً ذکر نشده است. دلیل اینکه چرا یوحنا این نکته را ذکر نکرده، نمی دانیم. چنین می نماید که مخصوصاً ترجیح داده در این باره در باب ششم به تفصیل توضیح دهد.

گذشتن[k] از این جهان به سوی پدر
فرارسیده است[j]، چون به خاصان خود که
در این جهان محبت داشت تا پایان
محبت نمود[l]. ۲ و در طی شام، چون قبلاً ۲۷:۱۳؛ مت ۲۶:۲۰؛
ابلیس به دل یهودای اسخریوطی [پسر] ۱-یو ۳:۱۶ ۲۷:۱۳؛
شمعون انداخته بود که او را تسلیم کند[m] مت ۲۶:۲۰ مر ۱۴:۱۷-۱۸؛
۳ و [عیسی] می‌دانست که پدر همه چیز را لو ۲۲:۳، ۱۴ ۱:۱؛ ۳:۳۵؛
به دست او داده[n] و او از خدا می‌آید[o] و ۱۶:۲۸؛ مت ۱۱:۲۷؛
به سوی خدا می‌رود[p]، ۴ از سر شام قیام لو ۱۰:۲۲
کرده، لباسش را به کناری گذاشت و لو ۱۲:۳۷؛ ۱۷:۷-۱۰
حوله‌ای برگرفته، آن را به کمرش گره زد.
۵ سپس در طشتی آب ریخته شروع به شستن ۱۲:۳؛ لو ۷:۴۴
پاهای شاگردان کرد[q] و آنها را با حوله‌ای
که به کمرش گره زده بود خشک کرد.
۶ پس چون به سوی شمعون پطرس آمد،
وی به او گفت: «خداوندا، تو پاهای مرا
می‌شویی[r]!» ۷ عیسی در پاسخ او گفت:
«آنچه من می‌کنم اکنون درک نمی‌کنی اما ۱۳:۱۲؛ ۱۴:۲۶
بعداً خواهی دانست.» ۸ پطرس به او گفت:
«نه، هرگز تا به ابد پاهای مرا نخواهی
شست!» عیسی به او پاسخ داد: «اگر تو را
نشویم با من سهمی نخواهی داشت[s].» ۲-سمو ۲۰:۱
۹ شمعون پطرس به او گفت: «خداوندا،
پس نه تنها پاهایم بلکه همچنین دست‌ها و
سر را!» ۱۰ عیسی به او گفت: «آن که
شستشو کرده نیازی به شستن خود ندارد[t]
بلکه کاملاً پاک است[u]. شما نیز پاک ۱۵:۳
هستید اما نه همه.» ۱۱ چون می‌دانست ۱:۴۸؛ ۶:۶۴، ۷۰-۷۱

j- عیسی کاملاً آگاه است که ساعت او فرامی‌رسد (۲:۴؛ ۷:۶؛ ۱۲:۲۳، ۲۷) و اهمیت و دامنهٔ وقایعی را که آغاز می‌شود به‌خوبی می‌داند و آنها را در کمال آزادی خواهد پذیرفت (۱۰:۱۸؛ ۱۸:۴؛ ۱۹:۲۸).

k- کلمهٔ عبری که در زبانهای غربی *«عید پاک»* ترجمه می‌کنند به معنی عبور و گذر است (خروج۱۲:۱۲-۱۳) چنین به نظر می‌رسد وقایعی که عیسی را از وضع حاضر به وسیله گذشتن از مرگ به سهیم شدن در شکوه پدر می‌رساند در نظر یوحنا (و در نظر اطرافیانش) گذر واقعی است و غیر از عید گذر یهودیان می‌باشد (۲:۱۳؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵).

l- از اینجا به بعد یوحنا تأکید خواهد کرد که معنی و مفهوم عمل عیسی و مخصوصاً مصائب و صلیب او محبت است (۱۳:۳۴؛ ۱۵:۹؛ ۱۷:۲۳؛ ۱-یو۳:۱۶؛ ر.ک غلا۲:۲۰؛ ۲-قرن۵:۱۴؛ روم۵:۸؛ ۸:۳۵؛ افس۳:۱۹؛ ۵:۱-۲). وقایع عید گذر آخرین صحنه و نشانهٔ والای این محبت است که نجات می‌دهد. [جملهٔ «تا پایان محبت نمود» را می‌توان «به حدّ کمال محبت نمود» ترجمه کرد.]

m- یوحنا در پشت صحنهٔ تاریخ، حضور قدرت فعال شیطانی را نشان می‌دهد (ر.ک ۶:۷۱؛ ۸:۴۴؛ ۱۲:۳۱؛ ۱۳:۲۷؛ ۱۶:۱۱؛ لو ۲۲:۳).

n- ر.ک ۳:۳۵؛ ۵:۱۹-۲۰، ۳۶؛ ۶:۳۷، ۳۹؛ ۱۷: ۱۱؛ مت۱۱:۲۷؛ لو۱۰:۲۲.

o- ر.ک ۸:۴۲؛ ۱۶:۲۷-۲۸؛ ۱۷:۸.

p- ر.ک ۷:۳۳-۳۴؛ ۱۶:۲۸؛ ۳:۱۳-۱۵؛ ۶:۶۲.

q- شستن *پاهای* کسی عملی پست و موهن بشمار می‌آمد به طوری که حتی این عمل را به برده‌ای یهودی تحمیل نمی‌کردند ولی همین عمل در مورد پدر یا نسبت به استاد به عنوان ابراز منتهای تقوی بشمار می‌رفت. رفتار عیسی را در این مورد می‌توان با طرز عمل نمونه پیامبران مقایسه و تشبیه نمود و در اینجا نشانه محبت عیسی است و مرگ او را اعلام می‌نماید (ر.ک آیه ۷).

r- پطرس که برطبق موازین بشری قضاوت می‌کند (۷:۲۴؛ ۸:۱۵) اجرای این عمل را نسبت به خود نمی‌پذیرد زیرا برخلاف تصویری است که از مسیح موعود دارد (ر.ک مت۱۶:۲۲).

s- پطرس اکنون با پذیرفتن عمل محبت‌آمیز و فروتنی عیسی خود را در خدمت او می‌گذارد (چنانکه جان خود را در این راه خواهد داد) و به این ترتیب زندگی جدید را درک کرده و در آن سهیم خواهد شد.

t- در نسخه خطی آمده است: هیچکس *نیازی به شستن ندارد به‌جز پاها*: هرچند این متن کوتاه تأیید نشده ولی بیشتر با روش نگارش و افکار یوحنا تطبیق می‌کند. در این مورد ممکن است که پطرس جنبهٔ مادی عمل عیسی را درنظر می‌گیرد درصورتی که هدف این عمل پاک شدن نیست بلکه مفهوم آن را به وسیلهٔ ایمان بایستی دریافت. ضمناً امکان دارد در اینجا اشاره‌ای به تعمید وجود داشته باشد.

u- کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته هم به معنی «پاک» و هم به معنی «خالص» است.

یکی او را تسلیم می‌کند. برای همین بود
که گفت: «همه شما پاک نیستید[v].»
۱۲پس وقتی پاهای آنان را شسته بود
لباس خود را در برکرده دوباره نشست و به
آنان گفت: «آیا آنچه برایتان کرده‌ام
فهمیدید؟ ۱۳شما مرا استاد و خداوند — مت ۳:۲۱؛ ۸:۲۳، ۱۰
می‌نامید و نیک می‌گویید زیرا همان هستم.
۱۴پس اگر من که خداوند و استاد هستم — لو ۲۲:۲۷؛ ۱-تیمو ۵:۱۰؛
پاهای شما را شسته‌ام، شما نیز باید پاهای — ۱-پطر ۵:۵؛ ۱-یو ۳:۱۶
یکدیگر را بشوئید. ۱۵زیرا این نمونه‌ای
است که به شما داده‌ام تا همچنان که با — ۳۴:۱۳؛ ۱۲:۱۵؛ لو ۲۲:۲۴-۳۰؛
شما کردم، شما نیز همان کنید[w]. ۱۶آمین، — فی ۲:۵-۸؛ افس ۵:۲؛
آمین، به شما می‌گویم، خادم بزرگتر از — کول ۳:۱۳؛ ۱-پطر ۲:۲۱؛
خداوند خود نیست و نه فرستاده بزرگتر از — ۱-یو ۲:۶
فرستندهٔ خود[x]. ۱۷چون این را بدانید، — مت ۱۰:۲۴؛ لو ۶:۴۰؛ یو ۱۵:۲۰
خوشا بر شما اگر چنین کنید[y]! ۱۸آنچه
می‌گویم دربارهٔ همهٔ شما نیست، من آنانی
را که برگزیده‌ام می‌شناسم[z]. اما برای آنکه — مز ۴۱:۱۰؛ یو ۶:۷۰؛
نوشته مقدس به تحقق رسد: آن که نان مرا — ۲-تسا ۲:۱۳؛ افس ۱:۴
می‌خورد پاشنه خود را علیه من بلند کرده
است[a]. ۱۹از هم اکنون آن را به شما
می‌گویم، قبل از آنکه پیش آید، تا ایمان — ۲۹:۱۴؛ ۴:۱۶؛ مت ۲۵:۳۴
بیاورید من هستم وقتی که فرا رسید[b].
۲۰آمین، آمین، به شما می‌گویم هر که
فرستادهٔ مرا بپذیرد، مرا پذیرفته است و هر
که مرا بپذیرد، فرستندهٔ مرا را پذیرفته — مت ۱۰:۴۰؛ مر ۹:۳۷؛ لو ۹:۴۸؛ ۱۰:۱۶؛ غلا ۴:۱۴
است[c].»

خیانت یهودا

(متی۲۶: ۲۰-۲۵؛ مرقس۱۴: ۱۷-۲۱؛ لوقا۲۲: ۲۱-۲۳)

۲۱عیسی این را گفته، روحاً مضطرب
گردید[d] و اظهار کرده گفت: «آمین،
آمین، به شما می‌گویم که یکی از شما مرا — مت۲۶:۲۱-۲۵؛ مر۱۴:۱۸-۲۱؛ لو۲۲:۲۱-۲۳
تسلیم خواهد کرد.» ۲۲شاگردان سردرگم
به یکدیگر می‌نگرند: از چه کسی سخن
می‌گوید. ۲۳بر سر سفره، یکی از
شاگردانش که عیسی او را محبت

v- عمل شستن پاها که عیسی انجام می‌دهد متضمن پاک شدن نیست چنانکه یهودا با آنکه شسته شد واقعاً پاک نگردید (ر.ک ۱-قرن۱۱:۲۶).

w- عمل شستن پاها اشاره و کنایه‌ای به قسمت اساسی زندگی عیسی و مصائب و صلیب او است، محبت ورزیدن به اندازه‌ای که پایین‌ترین خدمت را به خاطر نجات آدمیان می‌پذیرد. این طرز زندگی مبنا و پایه‌ای برای شاگردان است که چگونه در انجام وظیفه از خداوند پیروی نمایند (ر.ک ۱۳:۳۴؛ ۱۵:۱۲).

x- ر.ک مت۱۰:۲۴؛ لو۶:۴۰؛ ۲۲:۲۴-۳۰ وضعیت شاگرد یا فرستاده الزاماً بایستی نظیر وضعیت عیسی باشد به طوری که آنان را برانگیزد جان خود را در خدمت به برادران خود بدهند.

y- ر.ک مت۷:۲۱، ۲۴-۲۷؛ روم۲:۱۳؛ یع۱:۲۲، ۲۵. یوحنا دانستن را با انجام دادن کاملاً به یکدیگر می‌پیوندد (ر.ک ۳:۲۱؛ ۷:۱۷).

z- یعنی آنان را که واقعاً برگزیده‌ام (و یهودا از آنان نیست)، یا اینکه: من دلهای آنان را که برگزیده‌ام می‌شناسم و آنچه را که آماده می‌شود می‌دانم (که بیشتر محتمل است چنین تفسیر شود. ر.ک ۶:۷۰).

a- یوحنا به روش مخصوص خود مز۴۱:۱۰ را بکار می‌برد: «آن کس که نان مرا می‌خورد» یعنی آن کسی را که من پذیرا شده‌ام و با من زندگی می‌کند (ر.ک مر ۱۴:۱۸). «پاشنه خود را علیه کسی بلند کردن» یعنی رفتاری خصمانه داشتن و در صدد نابودی برآمدن.

b- گرچه خیانت یکی از شاگردان موجب حیرت و شگفتی است، این نکته که عیسی آن را اعلام می‌کند شاگردان دیگر را دلگرم می‌کند زیرا نشان می‌دهد که عیسی همه چیز را می‌داند و زندگی او با مشیت خدا که در نوشته‌های مقدس آمده تطبیق می‌نماید. (درمورد عبارت *«من هستم»* ر.ک ۸:۲۴؛ ۲۸:۵۸).

c- ر.ک مت۱۰:۴۰؛ مر۹:۳۷؛ لو۱۰:۱۶؛ رسالت شاگردان کاملاً در ادامهٔ رسالت عیسی است (۱۷:۱۷؛ ۲۰:۲۱).

d- ر.ک ۱۱:۳۳؛ ۱۲:۲۷. [عبارت «اظهار کرده» را می‌توان «شهادت داده» ترجمه نمود].

۲۶:۱۹؛ ۲:۲۰؛ ۷:۲۱، ۲۰ می کرد[e] به عیسی تکیه دارد[f]. ۲۴پس
شمعون پطرس به او اشاره می کند تا بداند
آن کیست که درباره اش حرف می زند.»
۲۵او بر سینه عیسی خم شده می گوید:
۲۰:۲۱ «خداوندا او کیست؟» ۲۶پس عیسی پاسخ
می دهد: «همان که برایش لقمه را خیسانده
و به او خواهم داد[g].» پس لقمه را خیسانده
آن را به یهودا [پسر] شمعون اسخریوطی
۲:۱۳؛ لو ۳:۲۲ می دهد. ۲۷و بعد از لقمه، شیطان در او
داخل شد. پس عیسی به او گفت: «آنچه
می کنی هر چه زودتر بکن.» ۲۸اما
هیچ یک از آنانی که سر سفره نشسته بودند
نفهمیدند چرا این را به او گفت. ۲۹چون
۶:۱۲ یهودا کیسه پول را با خود داشت برخی
پنداشتند که عیسی به او گفته بود: «آنچه
برای جشن لازم داریم بخر یا چیزی به
بینوایان بده.» ۳۰همین که لقمه را خورد،
خارج شد. شب بود[h]. ۱۲:۸؛ لو ۵۳:۲۲

آخرین گفتگو

۳۱پس وقتی که او خارج شد، عیسی
گفت: «اکنون پسر انسان شکوه یافته و ۲۳:۱۲؛ ۱:۱۷-۵؛ مت ۲۰:۸
خدا در او شکوه یافته است[i]؛ ۳۲اگر خدا ۱۴:۱؛ ۳۹:۷
در او شکوه یافته است، خدا نیز او را در
خود شکوه خواهد داد[j] و به زودی او را
شکوه خواهد داد[k]. ۳۳ای فرزندان
کوچک، اندک زمانی[l] باز با شما هستم. ۳۳:۷-۳۴؛ ۲۰:۸
مرا جستجو خواهید کرد و همچنان که به

e- این شاگرد که نام او هرگز ذکر نشده ظاهراً مورد محبت عیسی بوده و بنابراین به نیات او وارد است. این شاگرد بی نام در چندین جای انجیل یوحنا در ذکر وقایع مهم و اساسی دیده می شود (۲۶:۹-۲۷؛ ۲:۲۰-۱۰؛ و احیاناً ۱۵:۱۸-۱۶؛ ر.ک ۲۱: ۷، ۲۰). در روایات اکثراً او را با یوحنای رسول که در اناجیل نظیر ذکر شده یکی می دانند (ر.ک مر۱۹:۱-۲۹؛ ۱۷:۳؛ ۳۷:۵؛ ۲:۹، ۳۸؛ ۳۵:۱۰، ۴۱؛ ۳:۱۳؛ ۳۳:۱۴ و متون متوازی؛ اع۱۳:۱؛ ۱:۳، ۳، ۴، ۱۱؛ ۱۳:۴، ۱۹؛ ۱۴:۸؛ غلا۹:۲). چهره او مرموز و معمایی است: نمونهٔ فرد ایماندار (تنها شاگردی که در لحظهٔ مرگ عیسی پای صلیب است) و اکثراً او را در ارتباط با پطرس یا در همچشمی با او ذکر کرده اند (ر.ک ۲:۲۰-۱۰). معلوم نیست آیا انجیل نگار چهره ای نمونه و ممتاز بوجود آورده یا به وسیلهٔ او شخصیتی را ارائه می نماید که نقش مهم تاریخی ایفا کرده است.

f- ترجمهٔ تحت اللفظی: *در کنار عیسی دراز کشیده بود*. بنا به رسوم رومیان و یونانیان مهمانان بر روی تشکچه های تزئینی دراز کشیده و بر روی بازوی چپ تکیه می کردند. بنابراین شاگردی که در سمت راست عیسی موقعی که به طرف او خم می شود نزدیک به سینه او قرار می گیرد. این عبارت همچنین به مفهوم سادگی و صداقت در روابط دوستانه است (ر.ک ۱۸:۱).

g- ر.ک۱۸:۱۰ توضیح n و ۲۷:۱۲ توضیح w. مجدداً یوحنا با این تذکر یادآوری و تأکید می کند که عیسی ابتکار پذیرفتن مصائب و مصلوب شدن را دارد. منظور از *لقمه* قطعه ای از غذا است و معلوم نیست که نان باشد. با این همه برخی از مفسران تصور می کنند که منظور نانی است که در دعای سپاسگزاری داده می شود. (کلمه یونانی psomion که در این مورد *لقمه* ترجمه شده بعدها در کلیساهای مشرق در مورد نان مقدس بکار برده شده است).

h- این تذکر *«شب بود»* مخصوصاً جنبهٔ رمز و اشاره دارد. ساعت قدرت ظلمات است (لو۵۳:۲۲؛ یو۳۵:۱۲؛ ۲:۳؛ ۴:۹؛ ۱۰:۱۱؛ ۳۹:۱۹).

i- ر.ک ۱۴:۱ توضیح u و ۴:۱۱ توضیح k. در نوشته های مقدس شکوه عبارت از تجلی و تظاهر خدا است. عیسی با دادن جان خود عملی را که پدر به او محول کرده است انجام داده و به پایان می رساند و این عمل در نهایت فرمانبرداری است که گواه وحدت او با پدر و نشانهٔ الوهیت او است، ضمناً پدر را ظاهر ساخته و او را شکوهمند می کند.

j- جملهٔ *«اگر خدا در او شکوه یافته است»* در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد.

k- در کلمهٔ *اکنون* که در آیه ۳۱ آمده و مربوط به سرنوشت نهایی بشریت است موضوع دوجانبه ای وجود دارد؛ بدین معنی که عیسی با اطاعت کامل در خدمت تا مرحلهٔ مرگ که با فروتنی انجام می دهد خدا را شکوهمند می سازد و خدا با سهیم کردن او با خود یعنی شرکت دادن او در شکوه جاودانی خود و تجلیل او پاسخ می دهد (ر.ک ۱:۱۷-۵، ۲۲، ۲۴؛ ۲۳:۱۲، ۲۸؛ ۱۳:۱۴؛ ۸:۱۵).

l- ترجمه تحت اللفظی: *برای اندکی*. ر.ک۳۳:۷توضیح d، ۲۱:۸.

یهودیان گفته ام به جائی که من می روم،
شما نمی توانید بیایید[m]. به شما نیز اکنون
همان را می گویم.
[۳۴]به شما فرمانی نوین می دهم[n] که
یکدیگر را محبت نمایید. همچنان که من
شما را محبت نموده ام[o]، شما نیز یکدیگر
را محبت نمایید[p]. [۳۵]بدین طریق همه
خواهند دانست که شما شاگردان من
هستید[q] از اینکه به یکدیگر محبت داشته
باشید.»

۱۲:۱۵، ۱۷؛ لو ۱۰:۲۶-۲۷؛ ۱-یو ۲: ۷-۸، ۱۰؛ ۱۱:۳، ۲۳؛ ۱۰:۴، ۱۹؛ ۱:۵، ۳؛ ۲-یو ۵؛ ۱-قرن ۹:۲۱؛ غلا ۶:۲ اع ۴:۳۲؛ ۱-یو ۳:۱۴

(متی۲۶:۳۱-۳۵؛ مرقس۱۴:۲۷-۳۱؛ لوقا۲۲:۳۱-۳۴)

۷:۳۵-۳۶؛ ۲۱:۱۸-۱۹؛ لو ۲۲:۳۱-۳۴

[۳۶]شمعون پطرس به او گفت: «خداوندا
به کجا می روی[r]؟» عیسی پاسخ داد: «به
جایی که می روم تو اکنون نمی توانی به
دنبال من بیایی اما بعداً به دنبال من خواهی
آمد[s].» [۳۷]پطرس به او گفت: «خداوندا
چرا اکنون نمی توانم به دنبال تو بیایم؟ من
جانم را به خاطر تو خواهم داد.» [۳۸]عیسی
پاسخ داد: «تو جانت را به خاطر من خواهی
داد؟ آمین، آمین، به تو می گویم خروس
بانگ نخواهد زد پیش از آن که تو سه بار
مرا انکار کرده باشی.»

مت۲۶:۳۳-۳۵؛ مکا ۱۴:۲۹-۳۱؛ لو ۲۲:۳۱-۳۴ ۱۸:۲۷

عیسی، راه بسوی پدر

۱۴:۴۷؛ ۱۰:۲۸-۳۰؛ ۱۶:۳۳؛ ۲-قرن۲۰: ۱۷، ۲۰؛ خروج ۱۴:۳۱؛ مر ۱۱:۲۲ ۸:۳۵

۱۴ [۱]دیگر دل شما مضطرب نشود[t]. به
خدا ایمان آورید، به من نیز ایمان

m-شکوهمندی عیسی با عزیمت او یعنی با مرگ او (صعود او به آسمان) به نقطه اوج می رسد، توضیح l آیه ۲۸:۸ را ملاحظه کنید. این عزیمت که به یهودیان اعلام شده (۳:۷ و ۲۱:۸) او را از شاگردان جدا خواهد کرد: بایستی ارزش و اهمیت این غیبت را درک نمود (۱:۱۴، ۲۸؛ ۱۶:۱۶، ۱۹-۲۲؛ ۱۶:۲۰-۱۸). ولی عیسی به وسیله عزیمت و بازگشت به نزد پدر واقعاً در نزد شاگردان حضور خواهد داشت (۱:۱۴-۲۹).

n- در دنیای مشرکان نیز نظیر دنیای اسرائیل (لاو۱۹:۱۸) به دلایل مختلف دوستی و خدمت متقابل را بین افراد ستوده و توصیه می کردند. *فرمان عیسی تازگی دارد*، بدواً به این دلیل که برای ورود به جمعیتی که معتقد به واپسین روز داوری نهایی است شرط ضروری و اساسی می باشد. همچنین بدن سبب که مستلزم ابراز فروتنی و ارادهٔ به خدمت می باشد به طوری که افراد پایین ترین مقام را گرفته و برای دیگران جان خود را فدا کنند. از این پس این محبت نشانه حضور خدا در جهان خواهد بود (ر.ک ۱۷:۲۱-۲۳).

o- طرز زندگی عیسی نه تنها شیوه و قواعدی را ارائه می کند بلکه امکان زندگی کامل با محبت برادرانه و تهذیب متقابل را پایه گذاری می کند. یوحنا برخلاف اناجیل نظیر از محبت نسبت به همنوع سخنی نمی گوید بلکه سخن او دربارهٔ محبت متقابل بین شاگردان است.

p- محبت در جامعه ای به منتهای شکوفایی می رسد که در آن جامعه مبادله بخشش و پذیرش وجود داشته باشد.

q- وقتی که محبت برادرانه وجود داشته باشد والاترین نشانهٔ حضور محبت خدا در زندگی آدمیان است (ر.ک ۱۷:۲۱-۲۳؛ ۱۵:۱-۱۷).

r- پطرس سخنان عیسی را درست درک نکرده و به همان معنی می گیرد که یهودیان در ۳۵:۷ و ۲۲:۸ درک می کردند (ر.ک ۲۲:۸ توضیح g): او متوجه بود که عزیمت عیسی بازگشت او به سوی پدر است. چنین به نظر می رسد دستوری را که در مورد فعالیت شاگردان پس از عزیمت عیسی است نشنیده و مجدداً به اظهاراتی که در ۳۳:۱۳ مطرح شده برمی گردد (ر.ک مت۲۶:۳۳-۳۵؛ مر۱۴:۲۹-۳۱؛ لو۲۲:۳۳-۳۴).

s- زیرا عیسی پس از شکوهمندی خواهد آمد تا او را بازیابد (۱:۱۴-۴). پطرس در ایمان با همبستگی با عیسی خواهد زیست. ممکن است عیسی در اینجا اشاره به مرگ پطرس می نماید (۱۸:۲۱-۲۰) ولی کلمهٔ «بعداً» به مطالب آیات ۲:۱۴-۳ برمی گردد یعنی بازگشت عیسی بین کسان خود به وسیله روح القدس.

t- عزیمت عیسی و دورنمای تنها ماندن در وسط دنیایی از دشمنان در روحیه شاگردان اضطراب عمیقی ایجاد می کند که ممکن است به کلی آنان را فراگیرد (۲۷:۱۴؛ ۶:۱۶، ۲۰) عیسی به آنان دلگرمی داده و نشان می دهد که عزیمت او موجب خواهد شد ارتباط و همبستگی نزدیکتری با او و با پدر داشته باشند در حالی که روح القدس از ایشان حمایت خواهد کرد.

آوریـد[u]. ۲در خـانه پـدرم[v] مـسـکن‌هـای
بـسیـار است و گـرنه آیا به شـما می‌گفتم
می‌روم تـا جـائی بـرایـتـان تـهیه کنم[w]؟ ۳و
اگر بروم جائی برایتان تهیه کنم، باز آمده ۳۴:۷؛ ۲۶:۱۲؛ ۲۴:۱۷؛
شما را به نزد خود خواهم برد تـا آنجا که عبر ۶:۱۹-۲۰؛ فی ۱:۲۳؛
من هستم، شما نیز باشید[x]. ۴و به جایی ۱_ تسا ۴:۱۷
که من می‌روم شـمـا راه آن را می‌دانـیـد.»
۵توما به او گفت: «خداوندا نمی‌دانیم به
کـجـا می‌روی، پس راه را چـگـونه ۱۱:۱۶؛ ۱۳:۳۶؛
می‌دانیم!» ۶عیسی به او گفت: «من هستم ۲۰:۲۴-۲۹
راه[y] و راستـی و زنـدگـانی[z] و هیچ‌کس
به سوی پـدر نمی‌آیـد مگـر از طریق من. عبر ۱۰:۲۰؛ مت ۱۱:۲۷
۷اگـر مـرا می‌شـنـاختـیـد، پـدر مـرا نـیـز ۸:۱۹؛ ۱۲:۴۵؛ ۲_ قرن ۴:۴
می‌شـنـاخـتـیـد. از هم اکـنـون او را
می‌شناسید و او را دیده‌اید[a].» ۸فیلیپس
به او گفت: «خداوندا، پدر را به ما نشان خروج ۳۳:۱۸

u- این عبارت را می‌توان به طریق دیگری ترجمه کرد: *به خدا ایمان داشته باشید همچنین به من ایمان داشته باشید* یا اینکه: *شما به خدا ایمان دارید و به من ایمان دارید*. ایمان عبارت از اطمینان داشتن به خدا است که با کمکی که می‌دهد خود را آشکار می‌کند. به وسیله ایمان حتماً بر اضطراب فایق می‌آیند. ضمناً از این پس اطمینان نسبت به عیسی خواهد بود که پسر مجسم خدا است و تظاهر نهایی در او آشکار شده است (ر.ک ۵:۳۸؛ ۸:۴۶-۴۷).

v- چون *خانه* جایی است که به طور ثابت اقامت می‌کنند این کلمه در مورد معبد اورشلیم بکار برده می‌شد که محل حضور خدا در میان قوم خود بود (خروج۳۳:۷؛ ۴۰:۳۴-۳۸؛ اعد۷:۱۲؛ ۲-سمو۷:۱۳-۱۴؛ مز۶۹:۱۰ که در ۲:۱۷ نقل شده است)؛ بعداً این تصویر برای نشان دادن کبریائی وجود الهی بکار برده شده است: مثلاً خواهند گفت که خانه خدا در آسمانها مستقر شده است.

w- مفهوم این عبارت را می‌توان چنین استنباط کرد: *وگرنه آیا به شما می‌گفتم می‌روم تا جایی را که شما در آنجا خواهید بود آماده کنم.* یا اینکه *وگرنه به شما می‌گفتم می‌روم...* عیسی با گذشتن در شکوه تضمین می‌نماید که تمام ایمانداران جاودانه در همبستگی با پدر، در زندگی جدید باشند (ر.ک ۳:۳ توضیح n؛ ۱:۱۴، ۵۱؛ ۴:۲۱-۲۳؛ ۸:۳۵). در این متن تفاوتی بین جایگاه‌ها منظور نشده است.

x- بازگشت عیسی برای اینکه کسان و نزدیکان خود را در وضعیت شکوهمندی سهیم کند به نظر یوحنا منحصر به پایان روزگار نخواهد بود (ر.ک مت۱۶:۲۷؛ ۲۵:۳۱؛ ۱-تسا۴:۱۶-۱۷؛ ۱-قرن۱۱:۲۶؛ ۱۶:۲۲؛ مکا۲۲:۱۷، ۲۰؛ ۱-یو۲:۲۸)، بلکه از زمـان تـشـکـیل کـلـیـسـا است (۱۴:۱۸، ۲۳، ۲۸؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷، ۱۳، ۱۶-۳۰). افـعـالی که در این عـبـارت به‌طرز شگفت‌آوری به زمان حال و آینده به طوری که عیسی می‌گوید (یعنی وقایعی که پس از مرگ او برای جمعیت ایمانداران روی خواهد داد) برای یوحنا و خوانندگان او از هم‌اکنون زمان حال می‌باشد. ر.ک ۱:۱۳ توضیح h.

y- تصویر *راه دراز* و و دشواری که اسرائیل پیموده و در این باره با ایمان به خدا و به پشتیبانی او به سرزمین موعود برسد تصویری کهن و اشاره به دوران خروج از مصر است (تث۱:۳۰-۳۳؛ ۲:۱-۲؛ ۸:۲-۱۰؛ مز۷۷:۲۰؛ ۱۳۶). بعداً این تصویر در مورد قوانین تورات بکار برده شده و نشان می‌دهد چه طریقی را خداوند تعیین نموده است تا قوم خود را به پاداش جاودانی برساند (تث۳۲:۴؛ مز۲۵:۱۰؛ ۱۲۸:۱؛ ۱۴۷:۱۹-۲۰؛ باروخ۳:۱۳-۱۴، ۳۷؛ ۴:۱) در نوشته‌های عهدجدید باز هم همین تصویر بکار برده شده ولی تغییر یافته است. بدین معنی که عیسی برای گام برداشتن برطبق دستور خدا و برای ملاقات با خدا روش جدیدی می‌آورد (مر۸:۳۴؛ مت۱۶:۲۴؛ لو۹:۲۳؛ عبر۱۰:۲۰) به طوری که مسیحیت را در آغاز *طریق* یا *راه* می‌نامیدند (اع۹:۲؛ ۱۸:۲۵؛ ۲۴:۲۲) ولی این اصطلاح در انجیل یوحنا معنی عمیق‌تری می‌گیرد، بدین معنی که عیسی فقط راهی نیست که به وسیله آموزش او به زندگی هدایت می‌شوند بلکه راهی است که به پدر هدایت می‌کند زیرا خود او *حقیقت* و *زندگی* است (ر.ک ۱۰:۹).

z- عیسی *حقیقت* است زیرا به عنوان پسر مجسم خدا برای آدمیان ابراز کامل پدر می‌باشد و او را (۱۷:۸، ۱۴؛ ۱:۱۸) به وسیله فعالیت خود و گفتار خود به آدمیان می‌نمایاند. بدین‌گونه ایمانداران را در همبستگی با پدر وارد می‌کند که کمال و تحقق زندگی واقعی است (۱۷:۳؛ ۱:۴؛ ۳:۱۶؛ ۶:۴۰، ۴۷، ۶۳؛ ۱۱:۲۵). به نظر یوحنا بازگشت عیسی به منظور شراکت دادن کسان خود در شکوه، منحصر به پایان روزگار نیست.

a- در بعضی از نسخه‌های خطی چنین آمده است: *اگر شما مرا می‌شناسید پدر مرا هم می‌شناسید.* در عیسی که بر روی زمین است و خود را در وقایع عید گذر کاملاً می‌شناساند کاملاً خدا را می‌توان شناخت.

ده و همین برای ما کافی است[b].» ۹ عیسی
به او گفت: «مدت زمان درازی است که
با شما هستم و تو مرا نمی شناسی ای ۱۸:۱؛ ۴۵:۱۲؛ کول ۱۵:۱؛ عبر ۳:۱؛ بنسی ۱۴:۴
فیلیپس؟ آن که مرا دیده است، پدر را
دیده است. چرا می گویی: پدر را به ما
نشان ده[c]؟ ۱۰ آیا ایمان نداری که من در ۳۸:۱۰؛ ۴۹:۱۲؛ ۲۰:۱۴؛ ۲۱:۱۷
پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی را
که من به شما می گویم از خودم نیست[d] که
آنها را بر زبان می آورم. پدر که در من
می ماند، کارهای خود را انجام می دهد[e].
۱۱ به من ایمان آورید که من در پدر و پدر ۳۷:۱۰-۳۸
درمن است و گرنه به خاطر این کارها
ایمان بیاورید. ۱۲ آمین، آمین، به شما
می گویم آن کس که به من ایمان دارد،
همان کارهایی را خواهد کرد که من ۳۳:۷؛ ۱:۱۳؛ ۲۸:۱۴؛
می کنم و از آن بزرگتر نیز خواهد کرد زیرا مت ۱۰:۸؛ ۲۱:۲۱؛
من به سوی پدر می روم[f] ۱۳ و آنچه به نام لو ۶:۱۷
من درخواست کنید انجام خواهم داد[g] تا ۳۱:۱۳-۳۲؛ ۱۶:۱۵؛
پدر در پسر شکوه یابد[h]. ۱۴ اگر شما ۲۳:۱۶؛ ۱:۱۷؛
چیزی از من به نام من بخواهید آن را مت ۷:۷-۱۱؛ اع ۱۶:۳
انجام خواهم داد.

نوید روح القدس

۱۵ اگر مرا محبت می کنید، فرمانهایم را تث ۶:۴-۹؛ ۱۱:۷؛ ۱:۱۱؛
رعایت خواهید کرد ۱۶ ومن از پدر حک ۱۸:۶؛ یو ۱۰:۱۵؛
درخواست خواهم کرد و او مدافع[i] دیگری ۱-یو ۳:۵؛ ۲-یو ۶

b- در مورد دیدن و ایمان ر.ک ۳:۹ توضیح i. فیلیپس عمیق ترین اشتیاق آدمی را اظهار می کند (۴۴:۱؛ ۶:۵؛ ۲۲:۱۲)، اشتیاقی که فقط عیسی می تواند اجابت و تأمین نماید (۱۸:۱؛ ۴۶:۶...) ولی فیلیپس هنوز این نکته را درک نکرده است. وی همانند پطرس (۳۶:۱۳-۳۸) و توما (۵:۱۴ ر.ک ۱۶:۱۱ توضیح r) واقعاً عیسی را نشناخته است و با آنکه با آنان تفاوت دارد در مورد شخصیت عیسی در اشتباه است.

c- سرتاسر زندگی عیسی، گفتار و عمل او موقعیتی برای تجلی و تظاهر کامل پدر است زیرا به وسیله همبستگی توصیف ناپذیری با او یکی است (۱۷:۵-۳۰؛ ۳۰:۱۰). البته در اینجا گفته نشده است که از این پس به جای خدا عیسی بشر می باشد.

d- ر.ک ۱۷:۷-۱۸؛ ۲۶:۸؛ ۴۹:۱۲-۵۰.

e- در اینجا منظور مجموعهٔ اعمال نجات است که حساس ترین آنها ارائه نشانه ها می باشد (۱۸:۵؛ ۲۸:۸، ۴۲).

f- آنچه شاگردان انجام خواهند داد کارهای شگفت انگیز و حیرت آور نیست بلکه از روح القدس که مسیح اعطا می کند به فعالیت درمی آیند و به دنیا گواهی خواهند داد تا ایمان بیاورد (۲۱:۱۷-۲۳). عمل مهم و بزرگی که در رسالت عیسی انجام می شود ایجاد جمعیتی از ایمانداران یعنی کلیسا است که در دنیا حضور داشته و بر او گواهی دهند. *«زیرا من به سوی پدر می روم»* بدان معنی است که عمل خداوند از طریق شاگردان عیسی و به وسیله آنان گسترده خواهد شد (۱۷:۱۷-۱۸).

g- کلمهٔ *نام* در اینجا معرف شخصیت مسیح در موقعیت شکوهمندی او است و قدرتی که باید زندگی آدمیان را تغییر دهد. شاگردان اعمال مهمی را که بتوانند انجام خواهند داد یا با اتکا به او و از او درخواست خواهند کرد انجام دهد (ر.ک ۱۶:۱۵؛ ۲۳:۱۶-۲۴، ۲۶ که در آنجا سخن از نیایش به پدر با یاد کردن نام عیسی است؛ ۱-یو۵:۱۴ که درخواست کردن برطبق مشیت او است).

h- عمل مسیح که به نیایش پاسخ می دهد نشانهٔ شکوهی است (یا قدرت روحی است) که پدر به پسر عطا نموده و بنابراین نشانهٔ شکوه پدر است (۱:۱۷-۵؛ ۱:۱۴، ۱۶).

i- کلمه یونانی که در اینجا *«تسلی بخش»* ترجمه شده اصلاً واژه ای قضایی و به معنی کسی است که برای کمک به متهم و دفاع از او در دادگاه تعیین می شود. بنابراین نخستین مفهوم این کلمه وکیل مدافع است و با توجه به این معنی مفاهیم تسلی بخش یا واسطه و میانجی پیدا می شود. این کلمه در عهد جدید فقط در نوشته های یوحنا آمده که گاهی به مفهوم روح القدس (۱۶:۱۴، ۲۶؛ ۲۶:۱۵؛ ۷:۱۶) و زمانی به معنی مسیح است (۱-یو۱:۲). بعضی از مفسران این کلمه را نزدیک به کلمهٔ دیگری که در اع۴۰:۲ و ۱-قرن۳:۱۴ آمده دانسته اند که در مورد تشویق افراد مسیحی به پایداری در میان دشواریها است. در انجیل یوحنا بیشتر جنبهٔ قضایی مفهوم کلمه مطرح است بدین معنی که در محاکمهٔ گسترده ای که دنیا علیه شاگردان برپا کرده و پیروی می کند روح القدس شاگردان را یاری می نماید (۴:۱۶-۱۵) ولی در هر مورد که این کلمه بکار برده شده ممکن است اثری از مفاهیم دیگر که در بالا ذکر شده کمابیش وجود داشته باشد.

۲۶:۱۴؛ ۲۶:۱۵؛ ۶:۱۷ به شما خواهد داد تا جاودانه با شما باشد[j].
[۱۷]روح حقیقت که جهان نمی تواند بپذیرد
۱:۱۰؛ ۲۶:۱۵؛ ۱۳:۱۶؛ ۲-یو ۱-۲؛ مت ۲۰:۱۰؛ روم ۲۶:۸ زیرا او را نه می بیند و نه می شناسد[k]، اما
شما او را می شناسید زیرا نزد شما می ماند
و در شما خواهد بود[l]. [۱۸]من شما را یتیم
۳:۱۴، ۲۸ نخواهم گذاشت. به سوی شما می آیم.
[۱۹]بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا
۳۳:۷-۳۴، ۳۶؛ ۲۱:۸؛ ۱۶:۱۶؛ ۵۷:۶ نخواهد دید. اما شما مرا خواهید دید زیرا
من زنده ام و شما نیز زنده خواهید بود[m].
[۲۰]در آن روز[n] خواهید شناخت که من در
۱۰:۳۰، ۳۸؛ ۱۱:۱۷، ۲۱-۲۳ پدر هستم و شما در من و من در شما[o].
[۲۱]آن که فرمانهای مرا دارد و رعایت
می کند[p] کسی است که مرا محبت می کند
۲۷:۱۶؛ ۲۶:۱۷؛ بنسی ۱۴:۴ و آن که مرا محبت می کند مورد محبت
پدرم خواهد بود و من به او محبت خواهم
کرد و خود را به او نمایان خواهم ساخت.» اع ۱۰:۴۰-۴۱
[۲۲]یهودا، نه آن اسخریوطی[q]، به او گفت:
«خداوندا چه شده است که تو خود را به ما
خواهی نمایاند و نه به جهان[r]؟» [۲۳]عیسی
پاسخ داد و به او گفت: «اگر کسی به من
محبت دارد سخن مرا رعایت خواهد کرد و مکا ۳:۲۰؛ امث ۸:۱۷؛ ۲-قرن ۶:۱۶؛ افس ۳:۱۷
پدرم به او محبت خواهد کرد و ما به سوی
او خواهیم آمد و نزد او خواهیم ماند[s].
[۲۴]آن که به من محبت نمی کند، سخنان مرا
رعایت نمی نماید و سخنی که شما
می شنوید از من نیست، بلکه از پدر که مرا ۷:۱۶؛ ۱۴:۱۰
فرستاده است. [۲۵]این را به شما گفته ام در
حالی که نزد شما می ماندم [۲۶]اما آن مدافع،

j- اعطای روح القدس بدون محدودیت زمانی است، این موهبت همبستگی با مسیح را که روح القدس را عطا می کند تأمین می نماید (ر.ک مت۲۸:۲۰).

k- *روح القدس* به وسیله کسی که حقیقت است عطا شده و شاگردان را یاری می کند تا در امر معرفت پیشرفت کنند (۱۳:۱۶) و دربارهٔ او گواهی دهند (۲۷:۱۵؛ ر.ک ۱-یو۴:۶؛ ۵:۶). روح حقیقت برخلاف روح خطا (۱-یو۴:۵) و دروغ است (۴۴:۸) که بر دنیا تسلط دارد.

l- در بعضی از نسخ خطی این عبارت چنین است: *زیرا نزد شما جای دارد و در شما است.*

m- در حالی که جهان فقط با وسایل دانش خود قادر نخواهد بود عیسی را در ماورای مرگ او درک نماید (۳۴:۷؛ ۲۱:۸) شاگردان حضور مسیح برخاسته از مرگ را تجربه خواهد کرد (گاهی ترجمه می کنند: *شما مرا زنده خواهید دید*) و در زندگی جدید او سهیم خواهند شد؛ همچنین کسانی که بر مبنای گواهی ایشان ایمان خواهند آورد. این شناخت و این شرکت در زندگی مسیح برخاسته از مرگ در نظر یوحنا زندگی جاویدان بشمار می آید.

n- *«در آن روز»* عبارت و اصطلاح معمولی در نوشته های عتیق برای بیان فرارسیدن پایان روزگار و داوری نهایی است (اش۱۷:۲؛ ۴:۱-۲؛ ار۹:۴؛ زک۱۵:۲). پایان روزگار با صعود عیسی و رستاخیز عیسی آغاز می شود و ایمانداران در آن شرکت دارند. آنچه مهم و اساسی است از هم اکنون داده شده ولی دورنمای پایان آن هنوز گشوده باقی می ماند.

o- فقط به وسیلهٔ روابطی که شاگردان را با عیسی پیوند می دهد می توان حقیقت رابطه ای را که عیسی را با پدر متحد می کند درک و کشف نمود.

p- در اینجا عباراتی را که بکار رفته و به معنی مضاعف *شناختن و پایداری رعایت کردن* فرمانها است می توان با کلمات مضاعف گوش دادن و به خاطر نگهداشتن (۴۷:۱۲) و گوش دادن و ایمان آوردن (۲۴:۵) مقایسه نمود. این اطاعت بیان محبت و ایمان است. بدین وسیله می توان عملاً محبت پدر را از ورای تظاهرات مسیح درک نمود. گاهی کلمهٔ رعایت می کند را ترجمه می کنند: *نگه می دارد.*

q- ر.ک لو۶:۱۶ توضیح h؛ اع۱۳:۱؛ شاید منظور تدّی است که در مت۳:۱۰؛ مر۱۸:۳ آمده است.

r- پیش از وقایع عید گذر شاگرد عیسی هنوز درک نمی کند که نوع دیگری از وجود هم امکان دارد که شناخت دیگری به همراه داشته باشد.

s- عیسی به طور غیرمستقیم به سؤال پاسخ داده و اظهار می کند که او و پدرش جای خود را به نزد کسانی برقرار خواهند کرد که با رعایت سخن او محبت خود را واقعاً اظهار نمایند. بدین گونه آنچه ایمانداران عهد عتیق اشتیاق داشتند تحقق خواهد پذیرفت (ر.ک ۱-پاد۸:۲۷؛ حزق۳۷: ۲۶-۲۷؛ زک۲:۱۴).

یعنی روح القدس، که پدر به نام من خواهد
فرستاد[t] وی همه چیز را به شما خواهد
آموخت و آنچه را به شما گفته ام به شما
یادآوری خواهد کرد[u]. ۲۷آرامش به شما
می دهم، آرامش[v] خود را به شما می بخشم. ۱۴:۱-۳؛ ۱۶:۳۳؛
چنان که جهان می دهد من به شما ۲ـ تسا ۳:۱۶؛ روم ۵:۱؛
نمی دهم.. دلتان مضطرب و هراسان نشود. افس۲:۱۴-۱۸؛ فی ۴:۷
۲۸شنیده اید که به شما گفته ام: من می روم
و به سوی شما می آیم. اگر به من محبت ۱۴:۳؛ ۱۶:۶-۱۷؛
می کردید شادی می کردید که نزد پدر ۱۳:۱؛ ۲۰:۱۷
می روم، زیرا پدر از من بزرگتر است[w].
۲۹اکنون [این را] پیش از آن که روی دهد ۱۳:۱۹؛ ۱۶:۴
به شما گفته ام تا وقتی روی دهد ایمان
بیاورید[x]. ۳۰دیگر با شما زیاد سخن
نخواهم گفت زیرا رئیس این جهان ۶:۳۸؛ ۱۰:۱۸؛ ۱۲:۳۱؛ ۱۳:۲؛ ۱۶:۱۱
می آید[y]. البته علیه من هیچ [قدرت][z]
ندارد ۳۱اما برای اینکه جهان بشناسد که ۱۲:۴۹؛ ۱۵:۱۰
من پدر را محبت می کنم و برابر هر آنچه به
من فرمان داده است عمل می کنم[a]. مت ۲۶:۴۶؛ مر ۱۴:۴۲
برخیزید! از این جا برویم[b].

عیسی، تاک راستین

۱۵ ۱من تاک[c] راستین هستم و پدرم ار ۲:۲۱؛ مز ۸۰:۹-۲۰؛
باغبان[d] است. ۲هر شاخه ای در من بنسی ۲۴:۱۷؛ مکا ۱:۲۹

t- فرستادن روح القدس به وسیله پدر پاسخ به درخواست عیسی (یا به وسیله او) است (۱۴:۱۳-۱۴؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۶:۲۳-۲۶) و این ارتباط کامل با رسالت او دارد. به نظر یوحنا روح القدس را گاهی پدر می فرستد (۱۴:۱۶، ۲۶) و گاهی مستقیماً به وسیله خود عیسی فرستاده می شود (۱۵:۲۶).

u- شاگردانی که در زندگی زمینی عیسی شرکت داشته اند (۱۵:۲۷؛ اع۱:۲۱) آنچه را که گفته و انجام داده است به یاد دارند. روح مسیح برخاسته از مرگ آنان را هدایت خواهد کرد تا معنی عمیق اعمال او را دریابند (۲:۲۲؛ ۱۲:۱۶). بدین گونه با راهنمایی به درک حقیقت عیسی و مفهوم چیزهایی که مربوط به او است، روح القدس همه چیز را می آموزد (ر.ک ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۱۳-۱۵).

v- درمورد مفهوم کلمه ای که *آرامش* ترجمه شده ر.ک لو۱:۷۹ توضیح j و روم۵:۱توضیح y. در انجیل یوحنا آرامش همواره با شخص عیسی و حضور او پیوسته است (۱۴:۲۷؛ ۱۶:۳۳؛ ۲۰:۱۹، ۲۱، ۲۶).

w- این عبارت را نمی توان از محتوای مطالب دیگر و از مجموعه اندیشه های یوحنا جدا کرد؛ منظور روابطی نیست که پدر را با پسر در ارتباط کامل پیوند می دهند (۵:۱۹-۳۰؛ ۱۰:۳۰)، بلکه اطاعت پسر که موجب شکوهمندی او و به وسیله پدر خواهد شد و منبع زندگی برای شاگردان است (ر.ک۷:۱۶).

x- مقایسه و سنجش سخنان عیسی و وقایعی که روی می دهد شاگردان را رهبری خواهد کرد درک جدیدی از حقیقت بیابند (۲:۲۱-۲۲؛۱۳:۱۹؛ ۱۶:۴).

y- ر.ک ۱۲:۳۱؛ ۶:۷۰-۷۱؛ ۸:۴۱؛ ۱۳:۲۷.

z- جهان و کسی که آن را اداره می کند هیچ حقی بر عیسی ندارند زیرا بی گناه است (۸:۴۶؛ ۱۷:۱۴). مصائب و مصلوب شدن نتیجه ارادهٔ آزادانه عیسی است که بدین گونه اطاعت کامل و محبت خود را نسبت به پدر ابراز می نماید (۴:۳۴؛ ۵:۳۰؛ ۶:۳۸).

a- ر.ک ۱۳:۳۱ توضیح i.

b- در این بند نخستین گفتگوی عیسی با شاگردانش به پایان رسیده و قاعدتاً روایت مصائب و مصلوب شدن (بابهای ۱۸-۱۹) بایستی آغاز شود، ر.ک ۱۳:۱ توضیح l و مر۱۴:۴۲.

c- تصویر درخت *رَز* (مو، تاک) اکثراً به قوم اسرائیل اطلاق می شده تا نشان داده شود که مورد محبت و قوم برگزیده است: این درخت که به وسیلهٔ خدا کاشته شده و محافظت می گردد بایستی ثمرهٔ عدالت و تقدس به بار آورد ولی اگر به انتظار الهی پاسخ ندهد در داوری پایان روزگار تهدید به نابودی خواهد شد (اش۵:۱-۷؛ ار ۲:۲۱؛ حزق۱۵:۱-۸؛ ۱۹:۱۰-۱۴؛ مر۱۲:۱-۹؛ مت۲۱:۳۳-۴۱؛ لو۲۰:۹-۱۶؛ مت۲۰:۱-۱۶؛ ۲۱:۲۸-۳۲؛ لو۱۳:۶-۹). در انجیل یوحنا این تصویر مشروحاً توضیح داده شده و بسط یافته بدین معنی که درخت رَز حقیقی (که برخلاف اسرائیل کهن است) عیسی است و شاگردان که به وسیله ایمان اساساً به او وابسته اند بایستی ثمراتی ببار آورند.

d- ر.ک ۱-قرن۳:۶-۹.

۲۲:۹؛ مت ۳:۱۰؛ ۱۳:۱۵ که میوه نیاورد[e]، آن را می کند[f] و هر
شاخه ای که میوه آورد آن را هرس می کند
تا بیشتر ثمر دهد. ۳به خاطر سخنی که به
۱۳:۱۰؛ اع۱۵:۹ شما گفته ام شما هم اکنون پاک هستید[g].
۶:۵۶-۵۷؛ روم۱۱:۱۷-۱۸؛ ۲ـ قرن ۳:۵؛ فی ۲:۱۳ ۴در من بمانید همچنان که من در شما.
همان گونه که شاخه به خودی خود، اگر بَر
تاک نماند نمی تواند ثمر دهد، شما نیز
اگر در من نمانید[h]! ۵من تاک هستم[i]، شما
۱:۳؛ ۱۵:۱۶؛ ۱ـ قرن ۱۲: ۱۲، ۲۷ شاخه ها. آن که در من بماند و من در او،
میوهٔ بسیار می آورد زیرا جدا از من هیچ
نمی توانید بکنید[j]. ۶اما اگر کسی در من
حزق ۱۵:۱-۸ مت ۳:۱۰؛ ۷:۱۹؛ ۱۳:۴۲ نماند او را مثل شاخه بیرون می اندازند و
خشک می شود، و آنها را جمع کرده در
آتش می اندازند و می سوزند[k]. ۷اگر در
۱۴:۱۳؛ ۱۶:۲۳؛ مر ۱۱:۲۴ ۱ـ یو ۵:۱۴ من بمانید و سخنان من در شما بماند آنچه
می خواهید، بطلبید و به شما خواهد رسید[l].
مت ۵:۱۶؛ روم ۱۵:۱۴؛ فی ۱:۱۱ ۸این پدرم را شکوهمند می سازد که شما
میوهٔ بسیار بیاورید و شاگردان من خواهید
۱۰:۱۴-۱۵؛ ۱۳:۱؛ ۱۷:۲۳ بود[m]. ۹همچنان که پدر مرا محبت کرده،
من نیز شما را محبت کرده ام[n]، در محبت
من بمانید. ۱۰اگر فرمانهای مرا رعایت
۶:۳۸؛ ۸:۲۹؛ ۱۴:۱۵؛ ۱ـ یو ۲:۵؛ ۵:۳ کنید در محبت من خواهید ماند همچنان
که من فرمانهای پدرم را رعایت کرده ام و
در محبت او می مانم[o].

e- عبارت *«در من»* را می توان به دو نوع تعبیر و درک نمود: یا هر شاخه ای در من که ثمره نمی آورد... یا هر شاخه ای که در من ثمره نمی آورد... در اینجا ثمره با اشاره به ایمان واقعی (ر.ک۱۴:۲۱p) و شهادتی است که ادا می کند (درمورد اهمیت رسالتی ثمره ها ر.ک ۴:۳۰-۳۸ و ۱۲:۲۴).

f- به همان گونه که شاخهٔ درخت رَز در زندگی تنهٔ درختی که به آن متصل است سهیم می باشد فرد ایماندار با پیوستن به مسیح در زندگی واقعی یعنی زندگی خدا شرکت دارد: این مشارکت او را ملزم می کند برطبق روش تازه ای که عیسی ابراز کرده است زندگی نماید.

g- واژه یونانی که *«هرس کردن»* ترجمه شده می توان *پاک کردن* یا *تصفیه کردن* ترجمه نمود. پاک کردن اساساً به وسیله ایمان به کلام یا آموزش عیسی انجام می شود که مشیت خدا را در مورد نجات عرضه می کرد (۱۳:۱۰).

h- *ماندن* برای آدمی عبارت از آن است که به آنچه در گذشته داده شده علاقمند بوده، در زمان حال به آن علاقه داشته و آینده را به اقتضای آن در نظر بگیرد. فرد ایماندار نیز به همین معنی در کلام می ماند (۸:۳۱) چنانکه در محبت (۱۵:۹-۱۰)، در روشنایی (۱-یو ۲:۱۰) و در خدا می ماند (۱-یو۴:۱۳-۱۶). بالعکس از نظر خدا و عیسی، *ماندن* به مفهوم ادامه موهبت های نجات است که به ایمانداران عطا شده است (۱-یو۲:۲۷؛ ۳:۹-۱۵؛ ۴:۱۲-۱۵). فرد ایماندار به وسیله وفاداری زندگی خود را بلاعوض به مسیح می پیوندد که در او موهبت های خدا جاودانه عطا شده است، این وفاداری متضمن قدم برداشتن در راه ایمان است.

i- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده و *رَز* ترجمه کرده ایم هم به معنی *درخت مو* و هم *تنهٔ این درخت* است.

j- البته نمی توان ارزش خاص اقدامات بشری را نفی کرد و نادیده گرفت، با این همه بایستی اذعان کنیم که این اقدامات به خلاء و پوچی می انجامد اگر کسانی که آنها را انجام می دهند در همبستگی با مسیح نباشد زیرا فقط مسیح می تواند به زندگی ایشان ارزش جاودانی بدهد (ر.ک ۱:۳). ر.ک۶:۶۳ توضیح f.

k- همانطور که شاخه بی حاصل را بریده و از بین می برند به همان گونه شاگرد و پیرو بی وفا از جامعه مسیح برکنده می شود و از مشارکت در حقیقت دنیای فرجامین محروم خواهد شد.

l- فرد ایماندار به سبب پیروی ثابت از عیسی و فرمانبرداری از او هیچ ترسی از آینده احساس نمی کند زیرا می داند که نیایش او برمبنای معنویات الهی است مسلماً شنیده شده و پشتیبانی خواهد شد، ر.ک ۱۴:۱۳ توضیح g.

m- شکوه پدر که در عیسی تجلی می کند همچنین در کسانی که به سبب وابستگی به او ثمره هایی ببار می آورند تجلی می نماید.

n- محبت عیسی نسبت به پدر که توأم با اطاعت است با محبت پدر که او را شکوهمند می کند تطبیق می نماید. این محبت پایه و والاترین نمونهٔ زندگی مسیحی است که از این پس با محبت ابراز خواهد شد.

o- محبتی که پاسخ به محبت مسیح است عملاً به وسیله رعایت دستورات او اظهار می شود (۱۴:۱۵، ۲۱)، یعنی اجرای فرمانی که دربارهٔ محبت متقابل است (۱۵:۱۲؛ ۱۳:۳۴؛ ۱-یو۲:۳-۸؛ ۳:۲۲-۲۳).

۲۱:۱۶؛ ۱۳:۱۷؛ ۱ـ یو ۱:۴ [۱۱]این را به شما گفته ام تا شادی من در
شما باشد و شادی شما به کمال برسد[p].
۳۴:۱۳؛ ۱ـ یو ۳:۱۱، ۲۳؛ ۲ـ یو ۵؛ روم ۵:۶-۸ [۱۲]این است فرمان من: یکدیگر را محبت
کنید، همچنان که من شما را محبت
کرده ام[q]. [۱۳]هیچ کس محبتی بزرگتر از این
ندارد که جانش را به خاطر دوستانش
لو ۱۲:۴ بدهد[r]. [۱۴]شما دوستان من هستید، اگر
همان بکنید که به شما فرمان می دهم.
[۱۵]دیگر شما را خادمان[s] نمی خوانم، زیرا
خادم نمی داند خداوندش چه می کند،
بلکه شما را دوستان خوانده ام زیرا هر
آنچه از پدرم شنیده ام، آنها را به شما
شناساندم[t]. [۱۶]شما مرا برنگزیده اید، بلکه
۶:۷۰؛ ۱۳:۱۸؛ ۱۵:۵؛ من شما را برگزیده ام[u] و شما را
۱۳:۱۴-۱۴؛ ۱۶:۲۳؛ گمارده ام[v] تا بروید و میوه بیاورید و میوهٔ
تث ۷:۶؛ شما بماند[w]. بدین طریق آنچه از پدر به
۱ـ یو ۴:۱۰؛ روم ۶:۲۰-۲۳ نام من بخواهید آن را به شما خواهد داد[x].
۱۳:۳۴؛ ۱ـ یو ۳:۲۳ [۱۷]فرمان من به شما این است که یکدیگر
را محبت کنید.

نفرت جهان

مت ۱۰:۲۲؛ ۲۴:۹؛ [۱۸]اگر جهان از شما نفرت دارد، بدانید
لو ۶:۲۲؛ که پیش از شما از من نفرت داشته است[y].
یو ۱۷:۱۴؛ ۱ـ یو ۳:۱۳ [۱۹]اگر شما از جهان بودید، جهان آنچه از
۱۷:۱۴-۱۶؛ ۱ـ یو ۴:۵ آن او است[z] دوست می داشت اما چون از
جهان نیستید و من که شما را برگزیده ام،

p- *شادی* نشانه زندگی شکوفا می باشد و در عهد عتیق از مختصات دوران نجات و آرامش پایان روزگار بشمار آمده است (اش۹:۲؛ ۳۵:۱۰؛ ۵۵:۱۲؛ ۶۵:۱۸؛ صف۳:۱۴؛ مز۱۲۶: ۳-۵). همین موضوع مجدداً در انجیلها پیدا شده است (مت۲۵:۲۱، ۲۳؛ لو۱:۱۴؛ ۲:۱۰)؛ به نظر یوحنا شاگردان از هم اکنون در شادی مسیح که از مرگ برخاسته است سهیم هستند زیرا زندگی جدیدی را می گذرانند؛ این شادی بایستی آدمی را فراگیرد و بدین گونه به نوعی تمامیت برسد (ر.ک ۱۳:۱۷؛ ۱-یو۱:۴؛ ۲-یو۱۲) حتی در زمان تحمل رنجها می توان این شادی را داشت (۱۶:۲۰-۲۴؛ ۱۴:۲۸).

q- ر.ک ۱۳:۳۴.

r- اگر مرگ مسیح بر روی صلیب آخرین اظهار محبت او نسبت به پدر بوده (۱۴:۳۰)، ضمناً اوج محبت او نسبت به کسانی است که به دوستی خود پذیرفته است (۱۳:۱، ۳۴). این نکته پایه و مبنای قواعد محبت برادرانه است.

s- *برده* مجری دستوراتی است که اهمیت و معنی آنها را درک نمی نماید؛ بالعکس *دوست* با اطلاع کامل از دستورات اطاعت می نماید؛ عیسی با شاگردان خود همچون دوست رفتار کرده و تمام منویات پدر یعنی محبت بی پایان او را بر آنان آشکار کرده است. بنابراین اطاعت ایشان که عمل محبت است عملی آزادانه بشمار می آید (ر.ک ۸:۳۱-۳۶ با توجه به اختلاف خدمتگزار - پسر و ارتباط آزادی - شناخت حقیقت).

t- گرچه اظهارات عیسی به تمامی و کامل است ولی فقط به وسیلهٔ موهبت روح القدس درک خواهد شد (رک ۱۶:۱۳).

u- گرچه وجود هر محبتی مستلزم انتخاب آزادانه متقابل است با این همه یوحنا امتیاز مطلق *انتخاب* عیسی را یادآوری و تأکید نموده و بدین گونه نکته مهمی از عهد عتیق را یادآوری می کند (تث۷:۶-۸؛ عا۳:۲، ۷، ۱۵؛ اش۴۱:۸؛ ۴۳:۲۰؛ ۴۴:۲؛ ۴۵:۴؛ ۶۵:۹، ۱۵، ۲۲) که اناجیل نظیر به خوبی می شناسند (مر۳:۱۳؛ لو۶:۱۳). در انجیل یوحنا انتخاب عیسی بیان انتخاب پدر است (۶:۴۴؛ ۱۷:۲). انتخاب جاودانی در ایمانی که به ندای آسمانی پاسخ داده شده ابراز می گردد.

v- فعلی که در اینجا بکار برده شده و *«گماردن»* ترجمه گردیده نظیر واژه برابر عبری به معنی *«قرار دادن کسی در مأموریتی»* است در حالی که وسایل اجرای مؤثر آن را در اختیارش بگذارند (ر.ک اع۱۳:۴۷؛ ۲۰:۲۸؛ ۱-قرن۱۲:۲۸؛ ۲-تیمو۱:۱۱). بنابراین شاگردان به وسیله موهبتی از سوی خداوند مأموریتی دریافت کرده اند (۱۵:۳۲).

w- هدف این رسالت شرکت دادن آدمیان در زندگی جاودان است که در عیسی عطا می شود (ر.ک ۴:۳۶).

x- نیایشی که با اعتماد و توکل عیسی را به کمک می طلبد جنبهٔ اساسی دوستی و رسالت است. مؤثر بودن مأموریت رسولان اصولاً وابسته به این موضوع است (ر.ک ۱۴:۱۳؛ ۱۶:۲۴-۲۶).

y- شاگردان که پیوند حیاتی با عیسی دارند ستم هایی را که کینه و خصومت مردم جهان علیه او می انگیزند با مشقت تحمل می کنند: دشمنی دنیا در برابر خدا منظره اصلی تاریخ نجات بشمار می رود و هیچکس را از آن گریزی نیست (ر.ک ۵:۴۳ توضیح n: ۷:۷).

z- ر.ک ۷:۷.

از جهان برداشته ام، بدین سبب جهان از
۱۶:۱۳؛ مت ۲۴:۱۰؛ لو ۴۰:۶ شما نفرا دارد[a]. ۲۰سخنی را که به شما
گفته ام بیاد آورید: خادم بزرگتر از
خداوندش نیست. اگر مرا آزار داده اند،
شما را نیز آزار خواهند داد[b]، اگر سخن مرا
رعایت کرده اند[c] سخن شما را نیز رعایت
۱۹-۱۸:۸؛ ۳:۱۶؛ مت ۱۱:۵؛ اع ۴۱-۴۰:۵ خواهند کرد. ۲۱اما همه اینها را به سبب
نام من با شما خواهند کرد زیرا کسی را که
مرا فرستاده است، نمی شناسند[d] ۲۲اگر
۲۴-۲۱:۸؛ ۴۱:۹؛ ۹:۱۶ نیامده بودم و با آنان حرف نزده بودم،
گناهی نمی داشتند اما اکنون عذری بر گناه
۲۳:۵؛ ۳۰:۱۰؛ لو ۱۶:۱۰؛ ۱- یو ۲۳:۲ خود ندارند. ۲۳هر که از من نفرت دارد، از
پدر من نیز نفرت دارد[e]. ۲۴اگر در بین

۳۶:۶؛ ۴۱:۹؛ ۱۱:۱۴؛ مت ۲۵:۱۰؛ ۲۸-۲۴:۱۲ آنان[f] کارهائی نکرده بودم که هیچکس
دیگر نکرده، گناهی نمی داشتند، اما اکنون
دیده اند و از ما نفرت دارند، هم از من و
هم از پدرم. ۲۵اما این به خاطر تحقق یافتن
سخنی است که در تورات[g] آنان نوشته
مز ۱۹:۳۵؛ ۴:۶۹؛ روم ۱۹:۳ شده است: آنان بیهوده از من نفرت
دارند[h].
۲۶:۱۴؛ ۲۶چون آن مدافع که من از سوی پدر
مت۱۰:۱۹-۲۰؛ اع ۳۲:۵ برایتان خواهم فرستاد بیاید، روح راستی که
از پدر می آید[i] برای من شهادت خواهد
لو ۲:۱؛ اع ۸:۱، ۲۱-۲۲؛ ۳۲:۵؛ ۱- یو ۱۴:۴ داد[j]. ۲۷و شما نیز شهادت خواهید داد،
زیرا از آغاز با من هستید[k].

a- ر.ک ۱۴:۱۷.

b- ر.ک ۱۶:۱۳؛ مت۱۰:۲۴-۲۵. ستم و شکنجه هایی را که شاگردان متحمل می شوند نشانه واقعی تعلق ایشان به مسیح است که در سرنوشت او سهیم شده اند. این وقایع آنان را به هیچ وجه دلسرد نکرده بلکه پابرجا و استوارشان می نماید (ر.ک ۱-تسا۱:۶؛ ۱-پطر۴:۱۲-۱۹).

c- ترجمه دیگر: *اگر مواظب سخن من بوده اند مواظب سخن شما هم خواهند بود.*

d- شاگردان عیسی به وسیله وابستگی به او که آنان را برگزیده است با ذکر نام عیسی و به نام او سخن گفته و عمل می کنند، بنابراین وقتی که شاگردان را تعقیب و شکنجه می کنند می خواهند بر او صدمه وارد کنند (ر.ک مر۱۳:۱۳؛ مت۱۰:۲۲؛ لو۲۱:۱۷؛ اع۵:۴۱؛ مکا۲:۳، ۱۳؛ ۳:۸).

e- بالاترین گناه عبارت از نفی خدا است که در عیسی تجلی می نماید (به وسیله سخنان و به وسیله اعمال خود؛ ر.ک ۸:۲۱، ۲۴، ۳۴؛ ۹:۴۱؛ ۱۶:۹؛ مت۱۲:۳۱-۳۲؛ مر۳:۲۸-۲۹؛ لو۱۲:۱۰) زیرا گفتار عیسی که زندگی شاگردان بر آن گواهی می دهد آدمی و جهان را به طوری که در برابر خدا هستند نشان می دهد (ر.ک۳:۲۱ توضیح c؛ ۱۶:۵-۱۱). کسانی که ایمان ندارند با کینه توزی واکنش کرده و اظهار خواهند کرد.

f- ترجمه دیگری که می توان تصور کرد: *در میان آنان*، ر.ک ۱۴:۱۰-۱۲.

g- منظور از این کلمه به مفهوم کلی مجموعه نوشته های مقدس است (ر.ک ۱۰:۳۴؛ ۸:۱۷).

h- متنی که در اینجا نقل شده از دو منبع گرفته شده است: مز۳۵:۱۹؛ ۶۹:۵: شکایت و ناله بینوایانی را که به وسیله قدرتمندان و شریران ستم کشیده و رنج می برند عیسی در مورد خود بکار می برد (در بعضی محافل مزمور ۶۹ را با مفهوم مسیحایی تفسیر می کردند).

i- روح القدس که منبعث از پدر است به وسیله مسیح شکوه یافته که بدان کاملاً پیوند دارد فرستاده شده است (ر.ک ۱۶:۵-۱۵؛ ۱۴:۱۵-۱۷، ۲۵-۲۶؛ ۱-یو۳:۲۴؛ ۴:۱۳؛ تیط۳:۶). ر.ک ۱۴:۲۶ توضیح t.

j- روح القدس در برابر شاگردان بر عیسی گواهی می دهد و به وسیله ایشان در برابر جهانیان گواه است (۱۶:۵-۱۵).

k- گواهی این فرستادگان عمل کسانی است که از آغاز رسالت عیسی در زندگی او شرکت داشته اند (ر.ک اع۱:۲۱)، ولی این گواهی در عین حال عمل روح القدس حقیقت است که برای ایشان ذکاوت عمیق مسیح را فراهم می کند و به گفتار این مردان نیروی واقعی و حقیقت را می دهد (ر.ک اع۵:۳۲).

۱۶ ۱این را به شما گفتم تا دچار لغزش
۹:۲۲؛ نشوید[l]. ۲شما را از کنیسه ها بیرون
مت ۱۰:۱۷؛ اع ۲۶:۹-۱۱ خواهند کرد[m] و حتی ساعتی فرا می رسد
که هر کس شما را بکشد خواهد پنداشت
۸:۱۹؛ ۱۵:۲۱؛ که خدا را پرستش می کند[n]. ۳و این را
مت ۵:۱۱؛ ۲۴:۹؛ خواهند کرد زیرا نه پدر را شناخته اند و نه
اع ۸:۱ مرا. ۴اما این را به شما گفتم تا وقتی که
۱۳:۱۹؛ ۱۴:۲۹؛ ساعت آنها فرا برسد[o]، به یاد آورید که من
۱۶:۲۵؛ ۱۷:۱۲؛ مر ۱۳:۲۳ آن را به شما گفته ام[p].

عمل روح القدس

۱۳:۳۶؛ ۱۴:۵ از آغاز این را به شما نگفتم زیرا با شما
بودم. ۵اکنون به سوی آن کسی می روم که
مرا فرستاده است و هیچ یک از شما از من
نمی پرسد: «به کجا میروی؟» ۶اما چون
۱۶:۲۲؛ این را به شما گفتم، اندوه، قلبتان را پُر
مت ۱۷:۲۳ کرد[q]. ۷با این وجود من راستی را به شما
می گویم: به نفع شماست که من بروم[r]،
۱۴:۱۶، ۲۶؛ زیرا اگر نروم، آن مدافع به سوی شما
۱۵:۲۶ نخواهد آمد، اما اگر بروم او را برایتان
خواهم فرستاد. ۸همین که او بیاید، جهان
اع ۲۴:۲۵ را درباره گناه و عدالت و داوری سرزنش
خواهد کرد[s]. ۹درباره گناه: زیرا به من
۵:۳۸؛ ۶:۳۶؛ ایمان ندارند[t]. ۱۰درباره عدالت: زیرا
۷:۵، ۶۴؛ ۸:۲۱-۲۴؛ به سوی پدر می روم و شما دیگر مرا
۱۰:۲۶؛ ۱۲:۳۷؛ نخواهید دید[u]. ۱۱درباره داوری: زیرا
۱۵:۲۲ رئیس این جهان داوری شده است[v].
۱۲باز [سخنان] بسیار دارم که به شما

l- گاهی ترجمه می کنند: *تا در آزمایش از پا در نیایید* (ر.ک مر۶:۳؛ ۹:۴۲) . کلمهٔ یونانی skandalon که در اینجا بکار رفته به معنی دام، تله و به طور کلی هر مانعی است که موجب سقوط شود. این کلمه در زبان کتاب مقدس به مفهوم چیزی است که ایمان را در معرض آزمایش قرار دهد. کینه توزی جهانیان علیه عیسی و نزدیکان او مشکلاتی برمی انگیزد که ممکن است ایمان شاگردان را به معرض آزمایش درآورند. عیسی پیشاپیش در گفتار خود معنی این آزمایش را در مشیت خدا بیان کرده و بنابراین خواهند توانست پیروزمند از این آزمایش بدر آیند (ر.ک ۶:۶۱).

m- ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲.

n- در روایتی که شاید مربوط به فرقهٔ غیوران باشد گفته می شود: هرکس خون کافری را بریزد همچون کسی است که قربانی تقدیم نماید *(نومری رابا ۲۱:۴)*؛ به همین گونه ستم و شکنجه هایی که اعمال می شد شکل و صورت مذهبی می گرفت.

o- در اینجا یوحنا اشاره به وقایعی می کند که خوانندگان او به خوبی با آنها آشنا هستند زیرا در معرض شکنجه و تعقیب قرار دارند (ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲).

p- ر.ک ۲:۲۲ توضیح h و ۱۴:۲۹ توضیح x.

q- دورنمای عزیمت عیسی در بین شاگردان اندوهی ایجاد می کند (ر.ک ۱۶:۲۰-۲۲) که هر اندیشهٔ دیگری را تحت الشعاع قرار می دهد ولی هنگامی که بتوانند معنی و مفهوم این عزیمت را درک نمایند بر اندوه فائق خواهند آمد.

r- بهتر آن است که عیسی برود زیرا با عزیمت او و بلند شدن بر روی صلیب باز می گردد تا به وسیله روح القدس شاگردانش را همراهی کرده و به آنان زندگی ببخشد (ر.ک ۱۴:۲ توضیح w).

s- محکومیت و اعدام فجیع و ننگین عیسی قاعدتاً به نظر مردم بایستی دلیل شیادی و گناه او بشمار آمده باشد و در نتیجه حقانیت جهانیان باشد ولی مداخله روح القدس (که مخصوصاً گواهی شاگردان مشخص می نماید: ۱۵:۲۶) وضعیت را دگرگون خواهد کرد بدین معنی که نشان می دهد عیسی پس از مرگ شکوه یافته و بدینسان حقیقت دعوی و حقانیت عیسی آشکار گردیده است و به طرز مسلم و قاطع گناه جهان و محکومیت اداره کننده جهان را ثابت خواهد کرد.

t- *گناه* جهان قبل از هر چیز نپذیرفتن ایمان به عیسی و در نپذیرفتن روشنایی است (ر.ک ۳:۱۹-۲۱، ۳۶؛ ۸:۲۱-۲۴؛ ۹:۴۱؛ ۱۲:۴۶؛ ۱۵:۲۱-۲۵).

u- واقعه گذر عیسی به نزد پدر به وسیلهٔ صلیب (۱۳:۱؛ ۱۴:۲-۳؛ ۲۰:۱۷) پایان دورانی است که در آن مدت شاگردان از *دیدن* بهره می بردند (۱۴:۱۹؛ ۱۶:۱۶، ۱۷، ۱۹؛ ۷:۳۴؛ ۱۳:۳۳). این واقعه گواه قاطعی بر بی گناهی و حقانیت عیسی (ر.ک ۸:۴۶) و بنابراین حقیقت آموزش او است.

v- پیروزی عیسی الزاماً متضمن شکست و محکومیت قاطع کسی است که جهان را اداره می کرد (ر.ک ۱۲:۳۱-۳۲؛ ۱۴:۳۰؛ ۱۶:۳۳؛ ۱-یو۲:۱۳).

۱:۱۳، ۳۳؛ بگویم[w] اما اکنون نمی توانید آن را تحمل
۱۲:۱۴، ۲۸؛ ۲۸:۱۶؛ ۱۷:۲۰؛ کنید. ۱۳ پس وقتی بیاید، آن روح راستی،
روم ۲۵:۴ ۳۱:۱۲؛ شما را به سوی راستی[x] کامل رهنمون
۳۰:۱۴ ۱-قرن ۱:۳ خواهد شد[y]. زیرا از خود نخواهد گفت
۱۷:۱۴، ۲۶؛ ۲۶:۱۵؛ بلکه آنچه را شنیده همان را خواهد گفت و
۱-یو ۲۷:۲ آینده را به شما نوید خواهد داد[z]. ۱۴ او مرا
اش ۱۳:۵۲ شکوه خواهد بخشید، زیرا آنچه از آن من
است خواهد گرفت و به شما نوید خواهد
۱۰:۱۷ داد[a]. ۱۵ آنچه پدر دارد، از آن من است. به
همین سبب به شما گفتم آنچه از آن من
است می گیرد و به شما نوید خواهد داد.

از اندوه به شادمانی

۳۳:۷؛ ۱۹:۱۴ ۱۶ «بعد از اندک [زمانی] دیگر مرا
مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی خواهید
دید[b].» ۱۷ پس برخی از شاگردانش به
یکدیگر گفتند: «منظورش از این چیست
که به ما می گوید: بعد از اندکی[c] دیگر مرا
مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی مرا
خواهید دید؟ و نیز من به سوی پدر
می روم؟» ۱۸ پس آنان گفتند: «این اندک
که می گوید چیست؟ نمی دانیم دربارهٔ چه
می گوید.» ۱۹ عیسی که فهمید می خواهند
از او بپرسند به آنان گفت: «در بین هم ۱:۴۸؛ ۲:۹؛
درباره آنچه به شما گفتم جستجو می کنید. لو ۴۵:۹
من گفته ام: بعد از اندک [زمانی] دیگر
مرا مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی مرا
خواهید دید. ۲۰ آمین، آمین، به شما
می گویم: شما خواهید گریست و نوحه گری مر ۱۰:۱۶؛
خواهید کرد و جهان شادمانی خواهد نمود. لو ۳۵:۵؛ مکا ۱۰:۱۱
شما اندوهگین خواهید بود اما اندوه شما
به شادی بدل خواهد شد[d]. ۲۱ زن به هنگام اش ۸:۱۳؛ ۳:۲۱؛
زادن، اندوه دارد زیرا ساعتش فرارسیده ۱۷:۲۶-۱۸؛ میک ۹:۴؛
است اما وقتی کودک تولد یافت دیگر رنج ۱-تسا ۳:۵؛ روم ۲۲:۸

w- با آنکه عیسی همه چیز را به شاگردان اظهار کرده بود (۱۵:۱۵) روح القدس ایشان را در دورانی که فرامی رسد همراهی خواهد کرد و در مشکلاتی که پیش آید با توجه به سخنان عیسی راهنمایی خواهد کرد. فعل *تاب آوردن* اکثراً در اوضاع و احوال مصائب و مصلوب شدن عیسی بکار برده شده است (۱۷:۱۹-۱۸؛ لو۴۶:۱۱؛ ۲۷:۱۴؛ غلا۲۵:۶) و در اینجا بدان معنی است که شاگردان بایستی برطبق موهبت روح القدس مرگ و شکوهمند شدن عیسی را درک نموده و در آن شرکت داشته باشند (ر.ک ۷:۱۳، ۳۳).

x- در عهد عتیق این کلمه درمورد قانون تورات بکار برده شده است: ر.ک مز۵:۲۵.

y- موهبت روح القدس شاگردان را به درک کامل حقیقت که در پسر تجلی می کند خواهد رساند. به همان گونه مسیح پیوسته به پدر مراجعه کرده و از پدر سخن می گوید که او را فرستاده است (۱۷:۷-۱۸؛ ۴۹:۱۲؛ ۱۰:۱۴؛ ۵:۱۹-۲۰؛ ۲۸:۸) روح القدس به پسر مراجعه می کند. الهام و اظهار جدید دیگری غیر از آنچه مسیح داده است وجود نخواهد داشت.

z- منظور این است که خواهد گفت با توجه به آنچه در عیسی تحقق می یابد پایان روزگار چگونه صورت خواهد گرفت.

a- روح القدس مسیح را شکوهمند می کند زیرا شاگردان را به شناختن حقیقتی که در او تجلی می کند هدایت خواهد کرد و در عین حال با شکوهمند ساختن و متجلی کردن پدر عمل خود را به پایان می رساند. وحدت الهام کلام خدا بدین گونه پدیدار می شود.

b- در این عبارت فعل *دیدن* با دو زمان مختلف بکار برده شده: چنانکه گویی یوحنا یادآوری می کند طرز دیدن عیسی در این دوران که به پایان می رسد (ر.ک ۱۹:۱۴) غیر از منظره ای است که پس از شکوهمند شدن به شاگردان ارائه خواهد شد. دوران جدید دارای این مختصات خواهد بود که به طرز عمیق تر و نافذتری پسر تن یافته و شکوه یافته را خواهند شناخت. ر.ک ۲۲:۲ توضیح h.

c- در مورد کلمهٔ *اندکی* ر.ک ۳۳:۷، ۲۱:۸، ۳۳:۱۳: عیسی با این عبارت نزدیک شدن پایان عمل خود بر روی زمین و بازگشت به سوی پدر را اعلام می کرد. در مورد عدم تفاهم شاگردان ر.ک ۳۶:۱۳ توضیح r.

d- ناپدید شدن عیسی موجب اندوه شدید شاگردان خواهد شد در صورتی که کسانی که علیه او هم پیمان شده بودند شادی و پیروزی را خواهند شناخت، ولی در پرتو روشنایی رستاخیز شاگردان متوجه خواهند شد که شکست ظاهری عیسی و مرگ او در حقیقت شکوه یافتن و پیروزی او است همچنان که داوری کسانی است که او را محکوم کرده بودند. بر اثر این وقایع وضعیت جدیدی برای عیسی و طرفداران او ایجاد خواهد شد که آنان را سرشار از شادی خواهد کرد.

خود را به یاد نخواهد داشت از شادی اینکه
اش ۱۴:۶۶؛ یو ۱۹:۱۴؛ انسانی در جهان تولد یافت[e]. [۲۲] پس شما
۱۱:۱۵؛ ۲۰:۲۰؛ نیز اکنون اندوه دارید اما باز شما را خواهم
اع ۴۶:۲؛ ۲ـ قرن ۱۷:۴ دید و قلبتان شاد خواهد شد و هیچکس
شادی شما را از شما نخواهد گرفت[f] [۲۳] و در
۱۳:۱۴-۱۴، ۲۰؛ ۱۶:۱۵؛ آن روز[g] دیگر هیچ چیزی از من درخواست
۱ـ یو ۱۴:۵-۱۵ نخواهید کرد[h]. آمین، آمین، به شما می‌گویم
آنچه از پدر سؤال کنید آن را به نام من به
شما خواهد داد[i]. [۲۴] تاکنون هیچ چیز به نام
۱۱:۱۵؛ ۱ـ یو ۴:۱ من سؤال نکرده‌اید[j]، سؤال کنید و دریافت
خواهید کرد تا شادی شما کامل شود[k].

پیروزی بر جهان

۴:۱۶؛ [۲۵] همه اینها را با امثال به شما گفته‌ام،
مت۱۳:۳۴-۳۵؛ مر ۳۳:۴-۳۴ ساعتی فرا می‌رسد که دیگر با امثال با شما
سخن نخواهم گفت بلکه در آن وقت
آشکارا از پدر به شما نوید خواهم داد[l].
[۲۶] در آن روز به نام من سؤال خواهید کرد و ۲۳:۱۶
به شما نمی‌گویم که من از پدر برای شما
سؤال خواهم کرد. [۲۷] زیرا خود پدر شما را ۱۲:۱۴-۲۳؛ ۲:۳؛ ۴۲:۸؛
محبت می‌کند چون که شما مرا محبت ۳:۱۳؛ ۱۵:۲۱-۱۷
می‌کنید و ایمان دارید که من از نزد خدا
بیرون آمده‌ام[m]. [۲۸] من از پدر بیرون شده و ۱:۱؛ ۳:۱۳
به جهان آمده‌ام. باز جهان را ترک می‌کنم
و به سوی پدر می‌روم. [۲۹] شاگردانش به او
گفتند: «اینک حال آشکارا صحبت می‌کنی
و دیگر هیچ مثل نمی‌گویی! [۳۰] اکنون
می‌دانیم که تو همه چیز را می‌دانی و نیازی ۴۸:۱؛ ۲۴:۲-۲۵؛
نداری که از تو سؤال کنند[n]. از این رو ۱۹:۱۶
ایمان داریم که تو از خدا بیرون آمده‌ای.»

e- *دردهای شدید زایمان* (اش۳:۲۱-۴؛ ار۶:۳۰؛ هو۱۳:۱۳؛ میک۹:۴) با بدنیا آمدن انسان جدیدی به شادی تبدیل خواهد شد: این تصویر در نوشته های عهد عتیق در مورد وقایع دردناکی بکار برده شده که مقدمه دوران مسیحایی هستند (اش۱۶:۲۶-۲۰؛ ۷:۶۶-۱۴؛ ر.ک مر۸:۱۳؛ ۱-تسا۳:۵؛ روم۲۲:۸؛ مکا۲:۱۲). یوحنا این تصویر را در مورد وقایع مصائب و مصلوب شدن و شکوهمند شدن عیسی بکار می برد که شاگردان جریان آنها را طی خواهند کرد.

f- شناختن مسیح برخاسته از مرگ که به شاگردان عطا خواهد شد موجب مسرت آنان خواهد شد (۲۰:۲۰؛ ۱۳:۱۷؛ ۱-یو۴:۱؛ ۲-یو۱۲؛ مت۸:۲۸-۹؛ لو۴۱:۲۴) و این شادی بدان سبب بی‌آلایش خواهد بود که پیروزی قطعی عیسی وجود هرگونه تهدید واقعی را برای همیشه دور می کند.

g- *«بدان روز»* آغاز دوران پایان روزگار است (ر.ک مر۱۱:۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۳۲؛ ۲۵:۱۴؛ اع۱۷:۲؛ ۲-تیمو۱۲:۱، ۱۸و غیره).

h- این پرسش نشانه عدم ادراک است. ترجمه دیگر: *شما دیگر از من نیایش نخواهید کرد.*

i- ر.ک ۱۳:۱۴-۱۴؛ ۱۶:۱۵؛ ۲۴:۱۶، ۲۶. در تعدادی از نسخه های خطی آمده است: *آن را به نام من به شما خواهد داد.*

j- تا به این روز شاگردان درخواستی به نام او نکرده اند زیرا عیسی پس از گذشتن در شکوهمندی در نزد آنان حاضر خواهد بود و قدرت وساطت خود را اعمال خواهد کرد (۱۳:۱۴).

k- ر.ک۱۱:۱۵ توضیح p. این عبارت را می توان با مت۷:۷-۸، ۱۱؛ ۱۹:۱۸؛ لو۹:۱۱-۱۳ مقایسه کرد.

l- در اناجیل نظیر اهمیت آموزش به وسیله مثل ها یادآوری و تأکید شده است. این مثل ها که برای همگان گفته و ارائه می شد ایجاب می کرد که بعداً برای شاگردان توضیح داده شود تا به تدریج درک نمایند (ر.ک مر۱۱:۴-۱۲، ۳۳-۳۴؛ مت۱۱:۱۳-۱۳، ۳۴-۳۵؛ لو۱۰:۸؛ یو۶:۱۰). ولی در اینجا گفته می شود که مجموعهٔ آموزشهای عیسی در مدت رسالت در فلسطین تا اندازه ای غیرقابل درک هستند تا لحظه ای که به وسیله پرتو روشنایی وقایع عید گذر و موهبت روح القدس واقعاً به آنها پی ببرند (۱۹:۲، ۲۲؛ ۱۲:۱۴، ۱۶؛ ۴:۱۳-۷).

m- شفاعت مسیح به کلی فراتر از وساطت معمولی است. این شفاعت بدان سبب در مورد شاگردان تحقق می یابد که با ایمان گسترده و وسیع خود و به وسیله محبت به اندازه ای با عیسی پیوند دارند که مستقیماً در همبستگی او با پدر شرکت دارند (ر.ک ۳:۳۵؛ ۵:۲۰) مؤثر بودن نیایش *به نام عیسی* در چنین منظره ای روشن می شود (ر.ک ۱۳:۱۴-۱۴).

n- کسانی که شروع کرده بودند ایمان بیاورند (۶۹:۶) با توجه به تحولاتی که در عید گذر رخ داد می توانستند عیسی را عمیقاً درک کرده و بشناسند: زیرا متوجه می شدند که عیسی از حوادث و درون دلها اطلاع کامل دارد و بدون اینکه منتظر سؤالات ایشان باشد سخنانی اظهار می کند که پاسخ انتظار آنان است. کسانی که این نکته را درمی یابند قاعدتاً بایستی با شدت و صراحت بیشتری از او پیروی کنند ولی یوحنا در مورد شاگردان نوعی طنز بکار می برد زیرا بلافاصله کمی پس از ایمان قاطع، فرار ایشان روی می دهد.

۳۱عیسی به ایشان پاسخ داد: «اکنون ایمان
داريد؟ ۳۲اینک ساعتی فرا می‌رسد -و هم
اکنون آمده است!- که همهٔ شما به سوی
[خانهٔ] خود متفرق می‌شوید و مرا تنها
خواهید گذاشت[o]، اما من نه، تنها نیستم
زیرا پدر با من است[p]. ۳۳این را برای آن
به شما گفته‌ام تا در من آرامش[q] بیابید. در
جهان مصیبت[r] دارید. اما اعتماد داشته
باشید، من بر جهان پیروز شده‌ام[s].»

۸:۲۹؛ زک ۱۳:۷؛ مت ۲۶:۳۱؛ مر ۱۴:۲۷؛ لو ۲۲:۳۱-۳۲
۱۲:۳۱؛ ۱۴:۳۰؛ ۱-یو ۵:۴؛ ۲-تیمو ۳:۱۲؛ روم ۸:۳۷

نیایش عیسی

۱۷ ۱عیسی چنین گفت و چشمانش را
به آسمان بلند کرده[t] به سخن
درآمد: «ای پدر، ساعت فرا رسیده است،
پسرت را شکوه ده تا پسرت تو را شکوه
دهد[u]. ۲و همان‌گونه که او را بر هر بشری
اقتدار داده‌ای، تا آنچه به او داده‌ای، به
اینان زندگانی جاودان دهد[v]. ۳و زندگانی
جاودان چنین است که تو را بشناسند، تو
ای یگانه خدای حقیقی و کسی را که تو
فرستاده‌ای، عیسی مسیح را[w]. ۴من بر روی
زمین تو را شکوه دادم و کاری را که به من
داده‌ای تا انجام دهم به اتمام رساندم[x]. ۵و
اکنون ای پدر، مرا به نزد خود شکوه ده،
شکوهی که به نزد تو داشتم پیش از آنکه
جهان وجود داشته باشد[y].

۱۱:۱۴؛ ۲:۴؛ ۱۲:۲۳؛ ۱۳:۱، ۳۱-۳۲؛ مت ۲۶:۴۵؛ مر ۱۴:۴۱
۳:۳۵؛ مت ۲۸:۱۸
حک ۱۵:۳؛ ار ۲۴:۷؛ ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزق ۳۶:۲۵-۲۸؛ یو ۱۴:۷-۹؛ ۱-یو ۵:۲
۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۴:۱۳؛ ۴:۳۴؛ ۱۹:۳۰
۱:۱-۲؛ ۸:۵۸؛ ۱۷:۲۴؛ فی ۲:۶-۱۱؛ عبر ۵:۵

o- ایمانی کنونی شاگردان کافی نیست زیرا نمی‌توانند آزمون مصائب و مصلوب شدن عیسی را کاملاً تحمل نمایند و نیروهای شر آنان را متفرق خواهد کرد (ر.ک زک۱۳:۷؛ مر۱۴:۲۷؛ مت۲۶:۳۱؛ یو۱۰:۱۲) و هرکدام به طرفی خواهد رفت (زیرا عیسی آنان را گرد آورده و وحدت ایشان را ایجاد کرده است).
p- ر.ک ۸:۱۶، ۲۹؛ ۱۰:۳۰. ممکن است یوحنا خواسته است پیشاپیش از سوء تعبیر مر۱۵:۳۴ جلوگیری کند. حتی در تاریکترین لحظات مصائب و رنجهای عیسی خدا حضور دارد.
q- ر.ک: ۱۴:۲۷ توضیح v.
r- کلمه‌ای که در اینجا *«مصیبت»* ترجمه کرده‌ایم گاهی به معنی آزمایشهایی است که پیش از فرارسیدن پیروزی مسیحایی روی می‌دهد (مر۱۳:۱۹، ۲۴؛ روم۲:۹) و گاهی به مفهوم تعقیب و شکنجه‌هایی است که جمعیت مسیحیان تحمل می‌نمایند (مر۴:۱۷؛ اع۱۱:۱۹؛ ۱-تسا۱:۶؛ ۳:۳، ۷؛ ۲-تسا۱:۴-۵؛ ۲-قرن۱:۸؛ ۴:۲؛ ۴:۱۷؛ ۶:۴؛ ۷:۴؛ ۸:۲، ۱۳ و غیره). یوحنا دو مفهوم این کلمه را تلفیق کرده است بدین معنی که ستم‌هایی که به ایمانداران می‌رسد (ر.ک ۱۵:۱۸-۱۶:۴) نظیر رنجها و مصلوب شدن عیسی آزمایش پایان روزگار هستند که پیروزی نهایی را اعلام کرده و تحقق می‌بخشند موجب شادی هستند.
s- ر.ک ۱-یو۲:۱۳-۱۴؛ ۴:۴؛ ۵:۴-۵؛ مکا۲:۷، ۱۱، ۲۶؛ ۳:۵، ۱۲، ۲۱؛ ۵:۵؛ ۶:۲؛ یو۱۲:۳۱؛ ۱۴:۳۰-۳۱.
t- این حرکت که در بسیاری از آیین‌های پرستش وجود دارد نشان می‌دهد که در عزیمت به سوی آن که در آسمانها است تمام وجود آدمی متمرکز می‌باشد (مر۶:۴۱؛ لو۱۸:۱۳؛ ر.ک ۱۱:۴۱ توضیح a).
u- انتظار و امیدواری یهودیان معطوف به *ساعتی* بود که در پایان روزگار دخالت قطعی خدا بایستی فرا رسد (دان۸:۱۷-۱۹؛ ۱۱:۳۵، ۴۰، ۴۵؛ مت۲۴:۳۶، ۴۴، ۵۰). این ساعت که پدر مقرر کرده پیوسته در افق فعالیت عیسی است (۲:۴؛ ۵:۲۵؛ ۷:۶، ۳۰؛ ۸:۲۰؛ ۱۱:۹) و آن را به‌خوبی می‌شناسد و در کمال آزادی می‌پذیرد (۱۲:۲۳، ۲۷). این ساعت لحظه شکوهمندی پسر انسان است (ر.ک مت۱۹:۲۸؛ ۲۵:۳۱؛ مر۸:۳۸؛ ۱۳:۲۶؛ روم۸:۱۸) ولی شکوهمند شدن به وسیلهٔ اطاعت کامل، به وسیله محبت و در عین خوار شدن بر روی صلیب انجام می‌شود: بدین‌گونه مسیح پدر را شکوهمند می‌کند.
v- شکوهمندی عیسی متضمن قدرتی است که همه آدمیان را در وضعیت جدید خود شرکت دهد. زندگی جاویدان به وسیله کوششهای بشری حاصل نمی‌شود بلکه همچون موهبت رایگان خدا دریافت می‌گردد (۳:۳۵؛ ۵:۱۹-۳۰؛ ۱۳:۳؛ ۶:۴۲-۴۴).
w- زندگی جاویدان در شناسایی فوری پدر تحقق می‌پذیرد (که متضمن محبت متقابل است) و به‌دست نمی‌آید مگر به‌وسیله شناسایی مسیح که تجلی والای خدای یگانه است (۴:۱۴، ۳۶؛ ۶:۲۷؛ ۱۲:۲۵؛ ۱-یو۳:۱-۲؛ ۵:۱۲، ۳۰).
x- ر.ک ۴:۳۴؛ ۵:۳۰؛ ۶:۳۸؛ ۸:۲۹؛ ۹:۴؛ ۱۰:۳۷-۳۸؛ ۱۳:۱؛ ۱۹:۳۰.
y- منظور شکوهی است که پسر در وجود اصلی خود به نزد پدر داشته (ر.ک ۱:۱) یا شکوهی که پدر از آغاز برای او مقدر کرده بود. این شکوه که در سراسر زندگی زمینی عیسی آشکار می‌شد (۲:۱۱؛ ۱۱:۴) از زمان بالا شدن بر روی صلیب و رستاخیز با حشمت و جلال خواهد درخشید (ر.ک ۳:۱۴) و کسی خواهد شد که نام پدر را به والاترین طریقی متجلی خواهد کرد.

۶ نام[z] تو را به مردمانی که از جهان ۲۶:۱۷؛
برگرفتی تا به من دهی نمایاندم. آنان از آن خروج ۱۳:۳؛ عبر ۱۲:۲
تو بودند که تو به من داده‌ای و آنان سخن
تو را رعایت کرده‌اند[a]. ۷ اکنون می‌دانند
که هر آنچه به من داده‌ای از نزد تو می‌آید.
۸ زیرا کلامی را که به من داده‌ای، به ایشان
داده‌ام و ایشان آن را پذیرفته‌اند و به
راستی دانستند که من از نزد تو آمده‌ام و ۲:۳، ۱۱؛
ایمان آوردند که تو مرا فرستاده‌ای. ۹ من ۲۸:۱۶، ۳۰
برای آنان درخواست می‌کنم. برای جهان[b]
درخواست نمی‌کنم، بلکه برای آنان که تو
به من داده‌ای زیرا از آن تو هستند. ۱۰ و
آنچه از آن من است از آن تو است و آنچه ۱۵:۱۶؛
از آن تو است از آن من است و من در لو ۳۱:۱۵؛ ۲ـ تسا ۱۰:۱
ایشان شکوه یافته‌ام[c] ۱۱ و من دیگر در
جهان نیستم و ایشان در جهانند و من ۱:۱۳، ۳؛
به سوی تو می‌آیم. ای پدر قدوس[d] در نام ۲۸:۱۶
خود که به من داده‌ای[e] آنان را نگه دار تا ۳۰:۱۰؛
همچون ما یکی گردند[f]. ۱۲ وقتی با آنان ۲۱:۱۷؛ غلا ۲۸:۳
می بودم آنان را در نام خود که به من ۳۹:۶؛ ۲۸:۱۰؛ ۱۸:۱۳، ۱۹؛
داده‌ای، نگه می‌داشتم[g] و مراقبت کرده‌ام ۹:۱۸؛ مز ۹:۴۱؛
و هیچ یک از آنان هلاک نشده[h] مگر پسر ۸-۴:۱۰۹؛ اع ۱۶:۱
هلاکت[i] تا نوشته مقدس به تحقق برسد[j].
۱۳ اما اکنون به سوی تو می‌آیم و این چنین
در جهان سخن می‌گویم تا آنان در خود
شادی مرا به کمال داشته باشند[k]. ۱۴ من ۱۱:۱۵؛
سخن تو را به آنان داده‌ام و جهان از آنان ۱ـ یو ۴:۱
نفرت کرده است، زیرا از این جهان ۲۳:۸؛ ۱۸:۱۵-۱۹

z- رسالت عیسی اصولاً آن نیست که گفتار و سخنان تازه‌ای بیان نماید بلکه به وسیله سخنانی که می‌گوید و اعمالی که انجام می‌دهد و به وسیله وجود خود حقیقت پدر را بفهماند (ر.ک ۲۸:۱۲؛ ۳۸:۱۰؛ ۷:۱۴-۱۱؛ ۱۸:۱).

a- آدمی فقط به وسیله استعداد های فطری قادر نیست آنچه را در عیسی تجلی می‌نماید درک کند؛ بلکه بایستی قبلاً تحت نفوذ پدر باشد: ر.ک ۳۷:۶، ۳۹، ۴۴؛ ۲۹:۱۰؛ ۲:۱۷، ۹، ۱۲، ۲۴؛ این وضعیت برابر با خدمتگزاری صادقانه حقیقت می‌باشد (۲۱:۳؛ ۳۷:۱۸؛ ۱۷:۷؛ ۴۷:۱).

b- کلمه *جهان* در اینجا به مفهوم مجموعهٔ آدمیانی است که به سبب خودبینی خدا را نمی‌پذیرند؛ نیایش عیسی در اینجا فقط درباره کسانی است که از جهان گرفته شده‌اند تا جمعیت شاگردان عیسی را تشکیل دهند، ر.ک ۱۰:۱ توضیح l؛ ۱۹:۱۵.

c- با اینکه موهبت‌های معنوی که عیسی آورده است حقیقت همبستگی او را با پدر نشان می‌دهد با این همه شکوه واقعی ارائه قدرت نیست بلکه تظاهر وحدت و اشتراک محبت پدر و پسر است که شاگردان در آن سهیم بوده و بر آن گواهی می‌دهند.

d- قدوسیت پدر پایه و مبنای قدوسیت عیسی و تقدس شاگردان است که در آیات ۱۷، ۱۹ ذکر خواهد شد (ر.ک لاو۱۱:۴۴؛ ۲:۱۹؛ ۱-پطر۱:۱۶)؛ این طرز دعا کردن خیلی زود جزو آیین پرستش مسیحیان معمول گشت (دیداکه ۲:۱۰).

e- شاگردان با پذیرفتن عیسی و پیوستن به او که مظهر نام پدر است چنان در همبستگی او هستند که هیچ اقدام نیروهای این جهان قادر نخواهد بود آنان را از او جدا کند.

f- اتحاد و یگانگی در محبت متقابل نتیجه همبستگی و پیوندی است که پدر و پسر را متحد می‌کند (آیات۲۱-۲۳).

g- اضافه بر حمایتی که شاگردان در وقایع رنجها و مصلوب شدن عیسی خواهند داشت (ر.ک ۸:۱۸-۹) منظور از این گفتار تأیین و محافظت آنان در آزمایشهای پایان روزگار است که امکان دارد گناهکاران را در وضعیت مخالف زندگی واقعی محصور نماید.

h- در اینجا یوحنا اصطلاحی مرسوم بکار برده (۱۶:۳؛ ۳۹:۶؛ ۲۸:۱۰؛ ۲۵:۱۲؛ مت۷:۱۳؛ اع۸:۲۰؛ روم۹:۲۲؛ فی۳:۱۹) که آن را تصریح نمی‌کند.

i- پسر *هلاکت* [طرز بیان و اصطلاحی مختص زبانهای سامی است و در مورد کسی واجد صفتی و یا وابسته به چیزی است او را با عنوان پسر آن صفت یا پدر آن می‌نامند مثل ابن الوقت، ابن السبیل، ابوالهول، ابوجهل و غیره.] در اینجا منظور یهودای اسخریوطی است که تمام رفتار او به سوی هلاکت و نیستی متمایل است. ضمناً این اصطلاح جنبهٔ مکاشفه‌ای دارد (ر.ک ۷۰:۶؛ ۲-تسا۲:۳؛ ۱-یو۲:۱۸، ۲۲؛ ۴:۳).

j- ر.ک ۱۸:۱۳ که مز۴۱:۱۰ را نقل می‌کند.

k- شادی و سروری که از شنیدن گفتار عیسی حاصل می‌شود (۲۹:۳) به هیچ وجه به سبب عزیمت او به سوی پدر تهدید نمی‌شود زیرا انجیل همواره این شادی را در جمعیت ایمانداران تأمین می‌کند و روح القدس این جمعیت را هدایت کرده و از آن حمایت می‌نماید.

نیستند[l] همچنان که من از این جهان
مت ۶:‏۱۳؛ لو ۲۲:‏۳۲؛ ۲ـ تسا ۳:‏۳؛ ۱ـ یو ۵:‏۱۸ نیستم. [۱۵] برای آن درخواست نمی کنم که
آنان را از جهان برگیری، بلکه از شریر[m]
۲۳:‏۸ نگه داری. [۱۶] آنان از این جهان نیستند،
۱ـ پطر ۱:‏۲۲ همچنان که من از این جهان نیستم. [۱۷] آنان
۲۱:‏۲۰ را در راستی تقدیس[n] فرما: سخن تو
راستی[o] است. [۱۸] همچنان که تو مرا به
جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان
فرستادم[p] [۱۹] و به خاطر ایشان خود را
۱۸:‏۱۰؛ ۴:‏۲۳؛ ۱ـ قرن ۱:‏۳۰؛ عبر ۲:‏۱۱ تقدیس می کنم[q] تا آنان نیز در راستی
تقدیس گردند[r].

[۲۰] من فقط برای اینان درخواست ۱۷:‏۹؛
نمی کنم، بلکه همچنین برای کسانی که ۱ـ یو ۱:‏۳؛ روم ۱۰:‏۱۷
به وسیلهٔ سخن ایشان به من ایمان ۱۷:‏۱۱؛
می‌آورند[s] [۲۱] تا همگی یکی گردند ۱۰:‏۳۰، ۳۸؛ اع ۴:‏۳۲؛ غلا ۳:‏۲۸
همچنان که تو، ای پدر، در من هستی و من
در تو، آنان نیز در ما باشند تا جهان ایمان
آورد که تو مرا فرستاده ای[t]. [۲۲] و شکوهی ۱۷:‏۵؛ ۱:‏۱۴
را که به من داده ای، به آنان دادم تا آنان
یکی باشند همچنان که ما یکی هستیم[u]. ۱۵:‏۹؛
[۲۳] من در ایشان و تو در من، تا کاملاً یکی ۱ـ قرن ۶:‏۱۷؛ غلا ۲:‏۲۰
شوند، تا جهان بشناسد که تو مرا افس ۴:‏۱-۵

l- این گفتار عکس العملی علیه انتظار غیرعادی ایمانداران است و یادآوری و تأکید می نماید وظیفه جمعیت شاگردان آن است که در بین مردمان مظهر دنیای فرجامین باشند. این وظیفه مسلماً منجر به برخورد و مقابله با نیروی شرارت و کینه می شود و فقط با یاری پدر بر آن فائق خواهند شد (۱۵:‏۱۹-۱۶:‏۴).

m- ر.ک ۱۶:‏۱۱ کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده می توان به صورت تحت اللفظی «بد» یا «شریر» ترجمه کرد. [گاهی این کلمه را *سلطان این جهان* ترجمه کرده اند.] یوحنا نیروی بدی که آدمیان را تهدید می کند به صورت مجسم ذکر می نماید ر.ک ۱۲:‏۳۱؛ ۱۴:‏۳۰؛ ۱۶:‏۱۱؛ مت۶:‏۱۳؛ ۱۳:‏۱۹، ۳۸؛ ۲-تسا۳:‏۳؛ افس۶:‏۱۶؛ ۱-یو۲:‏۱۳-۱۴؛ ۳:‏۱۲؛ ۵:‏۱۸-۱۹.

n- *تقدیس کردن* یا *متبرک کردن* کسی عبارت از آن است که او را از دنیای کفر و بی دینی خارج کرده و در دایره و قلمرو خدا وارد نمایند. تقدیس کردن عمل پدر قدوس است (۱۷:‏۱۱).

o- وسیله و ابزار تقدیس کردن شاگردان، حقیقت خداست که در کلام مجسم او تجلی کرده است و با ایمان به او پیوسته اند.

p- تقدیس و متبرک شدن شاگردان را قادر می سازد رسالت خود را به انجام رسانند (ر.ک ۱۰:‏۳۶؛ ار۱:‏۵؛ بنسی۴۵:‏۴)، زیرا کسانی که برای بردن کلام اعزام می شوند از بین مردان دنیا انتخاب می شوند بدون اینکه به کلی از آنان مجزا باشند (روح القدس آنان را قادر خواهد کرد گواهی دهند. ر.ک ۱۵:‏۲۶-۲۷؛ ۲۰:‏۲۱-۲۲).

q- با توجه به اینکه کسی را به خدا تخصیص دادن و نذر کردن شامل تمام وجود او و اعمال و رفتار او می شود تفویض مرگ را نیز دربر می گیرد. در اینجا موضوع قربانی شدن به سبب نزدیک بودن تاریخ مصلوب شدن و با بکار بردن کلمات *«به خاطر ایشان»* یادآوری و تشدید شده است. عیسی با این گفتار ارادهٔ خود را بیان می کند که آزادانه زندگی خود را تقدیم می نماید (۱۰:‏۱۸؛ ۱۵:‏۱۳) تا شاگردان خود را تقدیس کند (ر.ک ۶:‏۵۱؛ ۱-قرن۱۱:‏۲۴؛ ۱۵:‏۳؛ مر۱۴:‏۲۴؛ لو۲۲:‏۲۰؛ عبر۲:‏۹؛ ۵:‏۱؛ ۹:‏۷؛ ۱۰:‏۱۲). بدین سبب اکثراً باب ۱۷ انجیل یوحنا را «نیایش کهانتی» نامیده اند.

r- تقدیس شاگردان سرانجام براساس قربانی بر روی صلیب و موهبت روح القدس به وسیله مسیح شکوهمند انجام می شود؛ بعضی از مفسران در مورد تقدیس بیشتر به مسئله تصفیه از گناه تأکید می کنند (۱۵:‏۳)؛ مفسران دیگری برای موهبت روحانی که به شاگردان عطا می شود اهمیت قائل می شوند زیرا آنان را به انجام رسالت خود قادر می سازد (۱۷-۲۰).

s- عیسی در نیایش خود کسانی را منظور می کند که در انجام رسالت او شرکت دارند، همچنین کسانی را که به وسیله گفتار خود در طی زمانهای مختلف و در سراسر جاهای دیگر جمعیت ایمانداران کلیسا را تشکیل خواهند داد (ر.ک ۴:‏۳۵-۴۲؛ ۱۰:‏۱۶؛ ۱۱:‏۵۲؛ ۱۲:‏۲۰، ۳۲؛ ۱۷:‏۲) این نکته متضمن نظریه انجیل است.

t- ایمانداران با پیوستن به عیسی در همبستگی محبت که پدر و پسر را پیوند می دهد شرکت دارند (۵:‏۱۹-۲۰؛ ۱۰:‏۱۵، ۳۰؛ ۱-یو۱:‏۳). از این پس ایمانداران به یکدیگر پیوسته اند که در نظر مردمان دنیا والاترین نشانهٔ مداخلهٔ فرجامین خدا و نشانهٔ صحت و واقعیت رسالت عیسی بشمار می رود.

u- شکوهی که عیسی از ورای صلیب از پدر دریافت می کند (آیات۱-۵) همبستگی و پیوند او را با پدر به مردمان نشان می دهد. ایمانداران که این نکته را دریافته و احساس می کنند خودشان در آن سهیم هستند و به نوبهٔ خود مظهر و تجلی شکوه مسیح می شوند: این امر عملاً با اتحادی که در محبت به یکدیگر دارند انجام می گردد.

فرستاده ای و به آنان محبت کرده ای
همچنان که به من محبت کرده ای. ۲۴ ای ۲۶:۱۲؛ ۱۴:۱؛ ۲۶:۱۰؛ ۵:۱۷؛
پدر آنچه به من داده ای، می خواهم در پید ۱۳:۴۵
آنجایی که من هستم، اینان نیز با من
باشند[v] تا شکوه مرا ببینند که تو به من
داده ای[w] زیرا تو پیش از پی افکنی جهان[x]
به من محبت داشته ای. ۲۵ ای پدر عادل[y]،
اگر جهان تو را نشناخته، من تو را ۱۰:۱؛ ۵۵:۸؛ مت ۲۷:۱۱؛
شناخته ام و اینان شناخته اند که تو مرا لو ۲۲:۱۰؛
فرستاده ای. ۲۶ من نام تو را به آنان
شناسانده ام و به آنان خواهم شناساند تا ۶:۱۷؛
محبتی که مرا به آن محبت کرده ای در آنان خروج ۱۳:۳؛ روم ۳۹:۸
باشد و من هم در آنان.»

دستگیری عیسی
(متی۲۶:۴۷-۵۶؛ مرقس۱۴:۴۳-۵۰؛ لوقا۲۲:۴۷-۵۳)

۱۸ ۱ عیسی این را گفته با شاگردانش مت۲۶:۳۰-۳۶؛ مر ۱۴:۲۶-۳۲؛
به سوی دیگر مسیل قدرون[z] لو ۲۲:۳۹؛ ۲ـ سمو ۱۵:۲۳
رفت. در آنجا باغی بود که با شاگردانش
وارد آن شد[a]. ۲ یهودا که او را تسلیم
می کرد نیز آنجا را می شناخت، زیرا عیسی
اغلب با شاگردانش در آنجا گرد هم لو ۲۱:۳۷؛ ۲۲:۳۹
می آمدند. ۳ پس یهودا دسته ای[b] با خود ۷:۳۲، ۴۵؛ مت۲۶:۴۷-۵۶؛
برداشت و به همراه نگاهبانان کاهنان مر ۱۴:۴۳-۵۰؛ لو ۲۲:۴۷-۵۳
اعظم و فریسیان، با فانوسها و مشعل ها و
اسلحه به آنجا آمد. ۴ پس عیسی که ۱:۴۸؛ ۱۲:۲۷؛ ۱۹:۲۸
می دانست بر او چه خواهد آمد[c]، بیرون
آمده به آنان گفت: «که را می جوئید؟»
۵ به او جواب دادند: «عیسای ناصری.»

v- شاگرد در وضعیت خداوند سهیم می باشد بدین معنی که در پذیرفتن تحقیر و سرافکندگی اطاعت می کند (۱۳:۳۳، ۳۶) و در شکوه و جلال شور و هیجان دارد (۱۲:۲۶؛ ۱۴:۳).

w- تأمل و تعمق در شکوه مسیح (ر.ک ۲-قرن۳:۱۸-۴:۶) ضمناً شناختن (شرکت در) محبتی است که پدر را با پسر می پیوندد: این امر پایه و انتهای هر وجود بشری است.

x- ر.ک ۱:۱-۵؛ ۱۷:۵.

y- اطلاق کلمه «عادل» در مورد خدا بیان راستی و اصالت داوری او است (مز۱۱۹:۱۳۷؛ تث۳۲:۴) ضمناً ممکن است به مفهوم درستی و رحمت او باشد (مز۷:۱۸؛ ۹:۵؛ ۹۶:۱۳؛ ۱۱۶:۵؛ ۱۲۹:۴؛ ۱۴۵:۱۷). ظاهراً در اینجا به معنی اخیر است (ر.ک روم۳:۲۶؛ مکا۱۶:۵).

z- دره ای که *مسیل قدرون*، شهر اورشلیم را از باغ زیتون جدا می کند (۲-سمو۱۵:۲۳؛ مت۲۶:۳۰؛ مر۱۴:۲۶؛ لو۲۲:۳۹).

a- در مت۲۶:۳۶ و مر۱۴:۳۲ سخن از ملکی به نام جتسیمانی است. یوحنا از این که عیسی در آنجا نیایش کرده چیزی نمی گوید (با این همه ر.ک ۱۲:۲۷؛ ۱۸:۱۱).

b- کلمه یونانی speira که در متن اصلی آمده و *دسته* ترجمه شده معمولاً در مورد یک قسمت از سربازان رومی (۱۰۰۰نفر) بکار می رود و چنین می نماید که به نظر یوحنا سربازان رومی در دستگیری عیسی شرکت داشته اند؛ ولی از همین عبارت می توان استنباط کرد که منظور دستجات یهودی و مخصوصاً افراد چریک وابسته به معبد است (یهودیه۱۴:۱۱؛ ۲-مک۸:۲۳؛ ۱۲:۲۰-۲۲)؛ با توجه به نشانه های مختلفی می توان گفت که ابتکار عمل از جانب بعضی مقامات یهودی بوده است. به هرصورت یوحنا به طرز استهزاآمیزی یادآوری می کند برای دستگیری عیسی که خودش را شخصاً تسلیم می کند چه نیرویی تجهیز شده است؛ ضمناً تظاهر شگفت انگیز نیروی الهی عیسی را که در آیه۶ ذکر شده آماده می کند.

c- عیسی به هیچ وجه غافلگیر نشده بلکه از اهمیت و قریب الوقوع بودن رنجها و مصلوب شدن خود آگاه است و بر این وقایع مسلط می باشد (ر.ک ۱۳:۱، ۳؛ ۱۲:۲۰-۲۸؛ ۱۰:۱۷-۱۸).

به آنان گفت: «من هستم[d].» یهودا نیز که
او را تسلیم می‌کرد با آنان ایستاده بود.
۶ پس وقتی به آنان گفت: «من هستم» آنان
عقب رفته به زمین افتادند. ۷ سپس باز از
آنان پرسید: «که را می‌جوئید؟» گفتند:
«عیسای ناصری.» ۸ عیسی پاسخ داد: «به ۷:۴۶؛ ۸:۲۴
شما گفتم که «من هستم»، پس اگر در
جستجوی من هستید اینان را بگذارید ۶:۳۹؛ ۱۷:۱۲
بروند» ۹ تا سخنی که گفته بود تحقق یابد:
«از آنان که به من داده‌ای هیچ یک را از لو ۲۲:۳۶، ۳۸
دست نداده‌ام[e].» ۱۰ پس شمعون پطرس که
دشنه‌ای داشت، آن را کشید و به برده
کاهن اعظم زده گوش راستش را برید. این
برده نامش ملوک[f] بود. ۱۱ عیسی به پطرس
گفت: «دشنه را در غلاف کن. آیا جامی را مت ۲۰:۲۲؛ مر ۱۰:۳۸؛ ۱۴:۳۶؛
که پدر به من داده است ننوشم[g]؟» لو ۲۲:۴۲؛ یو ۱۲:۲۷
۱۲ آنگاه دسته، فرمانده و نگاهبانان مت۲۶:۵۷-۷۵؛ مر۱۴:۵۳-۷۲؛ لو۲۲:۵۴-۷۲
یهودیان، عیسی را گرفتند و بستند.

در کاخ کاهن اعظم حنّا
(متی۲۶:۵۷-۵۸؛ مرقس۱۴:۵۳-۵۴؛ لوقا۲۲:۵۴)

۱۳ و نخست او را نزد حنا[h]، پدر زن ۱۸:۲۴؛ لو ۳:۲
قیافا که در آن سال کاهن اعظم بود[i] هدایت
کردند. ۱۴ قیافا همان کسی بود که این ۱۱:۴۹-۵۱
نصیحت را به یهودیان کرده بود که برای
شما مفیدتر است که تنها یک انسان در راه
قوم بمیرد[j].

d- در مورد وسعت و دامنهٔ معنی این جمله ر.ک ۸:۲۴، عیسی با این پاسخ هویت حقیقی خود را آشکار می‌کند و برای کسانی که مظهر نیروی اهریمنی هستند نزدیک شدن به او امری هولناک می‌شود. به همان‌گونه که در کوه مقدس خدا خود را به اسرائیل ظاهر می‌کرد (خروج۱۹:۲۲) یا در مورد صندوقچه پیمان که مقر او بشمار می‌رفت (۲-سمو۶:۷). یوحنا به همان‌گونه که در روایت عیسی ذکر می‌کند در اینجا قدرت، مقام والا و الوهیت عیسی را ظاهر ساخته و درخشان می‌نماید. در هر دو مورد قدوسیت از هرگونه کفر و پلیدی به دور است. اگر شاگردان می‌توانند در خلوص و صمیمیت عیسی وارد شوند بدان سبب است که *به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند* (۱۷:۱۷).

e- ر.ک ۱۷:۱۲؛ ۶:۳۹؛ ۱۰:۲۸؛ ۱۶:۳۲.

f- ر.ک مر۱۴:۳۶؛ لو۲۲:۴۲. یوحنا نظیر آنچه در مت۲۶:۳۹ ذکر شده یادآوری می‌کند عیسی پطرس را به سبب این عمل سرزنش کرده است: زیرا عیسی نه با خشونت بلکه با اختیار کامل در اطاعت عمل خود را به پایان خواهد رساند.

g- در مهمانی یهودیان به هنگام صرف غذا، پدر خانواده *جام* مهمانان را پُر می‌کرد. بدین سبب کسی که الهام خدا را دریافت می‌کند به مانند جامی تصویر شده است (مز۱۱:۶؛ ۱۶:۵). در نوشته‌های عهد عتیق اکثراً برای نشان دادن آزمونهای نهایی از جام تلخ یاد می‌شود (اش۵۱:۱۷، ۲۲؛ ار۲۵:۱۵، ۱۷، ۲۸؛ ۴۹:۱۲؛ مرا۴:۲۱؛ حزق۲۳:۳۱-۳۲). این اصطلاح را عیسی در مورد رنجها و مصلوب شدن خود بکار می‌برد (مت۲۰:۲۲-۲۳؛ مر۱۰:۳۸-۳۹)؛ و ممکن است یادآور نیایش جتسیمانی باشد (مت۲۶:۳۹؛ مر۱۴:۳۶؛ لو۲۲:۴۲)؛ یوحنا این نیایش را روایت نکرده ولی مخصوصاً درباره اراده و تصمیم آزادانهٔ عیسی تأکید می‌نماید (۱۲:۲۷ توضیح k).

h- یوحنا نظیر متی و مرقس دادرسی یهودیان را در دو مرحله مشخص کرده است که جلسهٔ اولی بدون اینکه صریحاً نام سانهدرین را ذکر کند به ریاست حنّا برگزار شده (۱۸:۱۳-۲۳) و سپس از شورایی سخن می‌گوید که به ریاست قیافا تشکیل گردید (۱۸:۲۴-۲۸) وانگهی جلسات این دادرسی منحصر به بازپرسی‌های سریع بوده است. به نظر یوحنا دادرسی واقعی در سرتاسر دوران رسالت عیسی انجام گردیده و تصمیم قبلاً اتخاذ شده بود (۱۸:۱۴ که یادآوری ۱۱:۴۹-۵۳، ۵۷ است؛ ۱۲:۱۰).

i- *حنّا* که به خانواده‌ای از صدوقیان تعلق داشته مقام کاهن اعظم را بین سالهای ۶ الی ۱۵ میلادی عهده‌دار بوده و پس از اینکه مقامات رومی او را برکنار کردند با این همه نفوذ مهمی بر امور داشته و کسانی که پس از او سمت کاهن اعظم را عهده‌دار شدند از خانواده او بودند. یوحنا *قیافا* را به عنوان داماد او معرفی می‌کند که محتمل و ظاهراً مقرون به حقیقت است.

j- ر.ک ۱۱:۴۹-۵۱.

(متی۲۶:۶۹-۷۰؛ مرقس۱۴:۶۶-۶۸؛ لوقا۲۲:۵۵-۵۷)

مت ۲۶:۵۸؛ مر ۱۴:۵۴؛ لو ۲۲:۵۴-۵۵ [۱۵]شمعون پطرس همراه با شاگرد
دیگری[k] به دنبال عیسی رفت. این شاگرد
با کاهن اعظم آشنا بود و با عیسی وارد
حیاط کاهن اعظم شد. [۱۶]در حالی که
پطرس در خارج نزدیک در ایستاده بود،
شاگرد دیگر که با کاهن اعظم آشنا بود
خارج شد و به دربان زن سخنی گفت و
پطرس را به درون آورد. [۱۷]پس آن کنیز
۱۸:۲۵ دربان به پطرس گفت: «آیا تو نیز از
شاگردان این مرد نیستی؟» او گفت: «از
آنان نیستم[l].» [۱۸]بردگان و نگاهبانان که
در آنجا بودند به خاطر سرما زغال افروخته
بودند و خود را گرم می کردند. پطرس نیز
در کنار آنان بود و خود را گرم می کرد.

(متی۲۶:۵۹-۶۶؛ مرقس۱۴:۵۵-۶۴؛ لوقا۲۲:۶۶-۷۱)

[۱۹]پس کاهن اعظم از عیسی درباره
شاگردان و آموزش او پرسید[m]. [۲۰]عیسی به
او پاسخ داد: «من آشکارا به جهان سخن ۷:۲۶؛ اش ۴۵:۱۹؛ ۴۸:۱۶؛ مت ۴:۲۳؛ ۲۶:۵۵؛ لو ۲۲:۵۳؛ اع ۲۶:۲۶
گفته ام[n]، من همواره در کنیسه و معبد در
جائی که همه یهودیان گرد می آیند آموزش
داده ام و هیچ چیزی در نهان نگفته ام. [۲۱]پس
چرا از من پرس و جو می کنی؟ از آنان بپرس
که شنیده اند چه گفته ام، اینک ایشان آنچه
من گفته ام می دانند[o].» [۲۲]چون این را
گفت، یکی از نگاهبانان که در آنجا ایستاده
بود به عیسی سیلی زده[p] گفت: «این طور به اع ۲۳:۲؛ مت ۵:۳۹
کاهن اعظم جواب می دهی؟» [۲۳]عیسی به او
پاسخ داد: «اگر بد گفته ام، شهادت بده چه
بدی گفتم، اما اگر درست گفته ام برای چه
مرا می زنی[q]؟» [۲۴]سپس حنا او را بسته نزد ۱۸:۱۳؛ لو ۳:۲
قیافا کاهن اعظم فرستاد.

(متی۲۶:۷۱-۷۵؛ مرقس۱۴:۶۹-۷۲؛ لوقا۲۲:۵۸-۶۲)

[۲۵]شمعون پطرس در آنجا ایستاده بود و
۱۸:۱۸ خود را گرم می کرد[r]. پس به او گفتند:
«آیا تو نیز از شاگردان او نیستی؟» او

k- چندان اسان نیست که بتوان هویت این شاگرد را تعیین نمود که می تواند به کاخ حنّا وارد شود. بعضی از مفسّران او را رفیق و همنشین پطرس می دانند، *شاگردی که عیسی به او محبت داشت*.

l- چنین به نظر می رسد که انکارهای سه گانه پطرس (آیات۱۷، ۲۶ و ۲۷) که در ۱۳:۳۶-۳۸ اعلام شده در برابر سه بار اظهار عیسی است که گفته *من هستم* (آیات۵، ۷ و ۸)، همچنین به سه بار گواهی یحیی تعمیددهنده (*من نیستم* ۱:۲۰-۲۱) و اظهارات سه گانه پطرس (۲۱:۱۵-۱۷) مراجعه کنید.

m- در اناجیل نظیر که حضور عیسی در برابر سانهدرین روایت شده جنبهٔ مسیحایی فعالیت های عیسی و موضوع کفر گفتن مورد توجه است (ر.ک مت۲۶:۵۷-۶۶؛ مر۱۴:۵۳-۶۴؛ لو۲۲:۶۶-۷۱)، یوحنا حضور او را در برابر حنّا یاد کرده و در آنجا سؤالها دربارهٔ آموزش عیسی است و اینکه شاگردان را به دور خود جمع می کند (ر.ک مر۱۴:۴۸-۴۹ //). اتهام کفر گفتن در طی دوران زندگی در میان مردم بر او وارد شده است (۱۰:۲۲-۴۲).

n- آموزش عیسی که در ملاء عام بدون تمایز به تمام آدمیان خطاب شده شامل عقاید و نظریات مخفی و باطنی نیست (۷:۲۶)، گرچه فقط به وسیله موهبت روح القدس می توان واقعاً به اعماق آنها پی برد (ر.ک ۱۶:۲۵).

o- عیسی که پیشنهاد می کند به کسانی مراجعه کنند که سخنان او را شنیده اند تقاضا دارد داوری واقعی انجام گردد (ر.ک ۷:۵۱-۵۲). مخصوصاً تأکید می نماید که تصمیم گرفته شده و اکنون فقط با یک داوری ساختگی صحنه سازی می کنند. ممکن است در این مورد یوحنا می خواهد به خوانندگان مسئولیت شان را در «داوری عیسی» که در سرتاسر تاریخ ادامه خواهد داشت یادآوری نماید.

p- ر.ک مت۲۶:۲۷؛ مر۱۴:۶۵.

q- ر.ک ۸:۴۶؛ وسایل خشونت به هیچ وجه ارتباطی با شناسایی حقیقت ندارد.

r- مت۲۶:۷۱-۷۵؛ مر۱۴:۶۹-۷۲؛ لو۲۲:۵۸-۶۲.

انکار کرده گفت: «از آنان نیستم.» مت ۲۶:۵۱؛
۲۶ یکی از بردگان کاهن اعظم، خویشان آن مر ۱۴:۴۷؛ لو ۲۲:۴۹-۵۰؛
کسی که پطرس گوش او را بریده بود یو ۱۸:۱۰
گفت: «آیا من تو را با او در باغ ندیدم؟» مت ۲۶:۳۴؛
۲۷ باز پطرس انکار کرد و در دم خروسی مر ۱۴:۳۰؛ لو ۲۲:۳۴؛
بانگ زد[s]. یو ۱۳:۳۸

عیسی در برابر پیلاطس[t] (متی۲۷:۱-۲،۱۱-۱۴؛ مرقس۱۵:۱-۵؛ لوقا۲۳:۱-۵)

۲۸ پس عیسی را از نزد قیافا به
دیوان‌خانه[u] هدایت کردند. صبح بود اما
آنان به دیوان‌خانه داخل نشدند مبادا نجس
شوند بلکه بتوانند [بره] جشن گذر را ۱۱:۵۵؛ مت ۲۶:۱۷
بخورند[v]. ۲۹ پس پیلاطس[w] به سوی آنان
بیرون آمده گفت: «چه اتهامی به این مرد
وارد می‌کنید؟» ۳۰ در پاسخ به او گفتند:
«اگر بدکار نبود او را به تو تسلیم
نمی‌کردیم.» ۳۱ آنگاه پیلاطس به آنان
گفت: «شما او را بگیرید و برطبق تورات ۱۹:۶؛
خود او را داوری کنید.» پس یهودیان به اع ۱۸:۱۵
او گفتند: «ما اجازه نداریم کسی را
بکشیم[x].» ۳۲ تا سخن عیسی که گفته بود به ۳:۱۴؛ ۸:۲۸؛
تحقق برسد تا نشان دهد به چه نوع مرگی ۱۲:۳۳؛ مت ۲۰:۱۹؛
می‌بایست بمیرد[y]. ۲۶:۲
۳۳ باز پیلاطس به دیوان‌خانه داخل شد.
عیسی را فراخوانده به او گفت: «آیا تو
پادشاه یهودیان هستی؟[z]» ۳۴ عیسی پاسخ

s- ر.ک ۱۳:۳۶-۳۸.

t- یوحنا در مورد حاضر شدن عیسی در برابر پیلاطس خیلی بیشتر از اناجیل نظیر اهمیت قائل می‌شود (۱۸:۲۸-۱۹:۱۶) بدین معنی که پیلاطس می‌آید و می‌رود (خارج می‌شود: ۱۸:۲۹، ۳۸؛ ۱۹:۴ و وارد می‌شود: ۱۸:۳۳؛ ۱۹:۹). در میان جمعیتی که رفته رفته خشن‌تر شده عیسی با آرامش کامل بر اوضاع مسلط است. در حقیقت عیسی سرتاسر این داوری را با سخنان و با سکوت خود رهبری می‌کند. یوحنا نشان می‌دهد که عیسی گرچه متهم است ولی کسانی را که ظاهراً متهم‌کننده هستند داوری می‌نماید؛ ر.ک ۱۳:۱۹ توضیح p.

u- *دیوان‌خانه* محل اقامت رسمی حکمران رومی بوده است. در اینکه دیوان‌خانه در کجا قرار داشته نظریات مختلفی وجود دارد. بعضی از مفسران معتقدند دیوان‌خانه در کاخ هیرودیس بوده و برخی دیگر محل آن را در دژ آنتونیا در نزدیکی معبد اورشلیم می‌دانند.

v- به نظر یهودیان محل سکونت مشرکان نجس بشمار می‌آمد (اع۱۱:۳؛ مت۸:۸)؛ یهودیان که می‌خواستند از هرگونه آلودگی برطبق شرع یهود برکنار باشند، مخصوصاً در وقتی که عید گذر یهود را جشن می‌گرفتند به محل اقامت حکمران وارد نمی‌شدند. یوحنا این موضوع را به طنز یادآوری می‌کند.

w- *پنطیوس پیلاطس* از سال ۲۶ تا ۳۶ میلادی حکمران یهودیه بود. تاریخ نویسان قرن اول میلادی او را همچون کارمند عالی‌رتبه‌ای توصیف کرده‌اند که نسبت به ملت یهود نظر مساعدی نداشته است (ر.ک همچنین لو۱۳:۱).

x- با توجه به قرائن و امارات بسیاری می‌توان تصور کرد که یهودیان در زمان عیسی در بعضی موارد حق اجرای حکم اعدام (سنگسار کردن) را حفظ کرده بودند (۸:۱-۱۱؟) ولی به طوری که از آیه۱۸:۳۲ برمی‌آید مصلوب کردن فقط در اختیار مقامات رومی بوده است.

y- ر.ک ۱۲:۳۲-۳۳؛ ۳:۱۴ توضیح w؛ ۸:۲۸. یوحنا در روایت رنجها و مصلوب شدن عیسی بارها یادآوری می‌کند که سرنوشت عیسی مطابق مطالبی است که در نوشته مقدس آمده است. قانون تورات که به استناد آن یهودیان عیسی را رد می‌کردند در حقیقت به نفع او و شهادت می‌داد.

z- *شاه*. این عنوان را عیسی در مورد خود بکار برده ولی در آیات۶:۱۵ و ۱:۴۹ به او نسبت داده شده است. برابر آنچه در اناجیل نظیر ذکر شده (مر۱۵:۲؛ مت۲۷:۱۱؛ لو۲۳:۳) این عنوان خلاصه اتهامی است که مقامات یهود بر او وارد می‌کردند (۱۸:۳۰، ۳۵). پیلاطس قاعدتاً بایستی این عنوان را به مفهوم سیاسی درک و تعبیر نماید: بدین معنی که محتمل است عیسی آشوبی برپا کرده و طرفدارانی جمع نماید تا رهبران یهودیان را که طرفدار رومیان هستند براندازند. به نظر یوحنا در رنجها و مصائب عیسی (بازگشت او به سوی پدر) و بر روی صلیب به طرز شگفت‌انگیزی سلطنت عیسی تأیید می‌شود، سلطنتی که مفهوم آن دیگر ابهامی ندارد (ر.ک۶:۱۵ توضیح w؛ ۱۸:۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۹؛ ۱۹:۳، ۱۲، ۱۵، ۱۹).

داد: «این را از خودت می‌گوئی یا دیگران
دربارهٔ من به تو این را گفته‌اند[a]؟»
[35]پیلاطس پاسخ داد: «مگر من یهودی
۱۱:۱ هستم؟ ملت تو و کاهنان اعظم تو را به من
تسلیم کرده‌اند. چه کرده‌ای؟» [36]عیسی
۳:۳، ۵: ۱۵:۶؛ ۳۲:۱۲؛ ۱۱-۱۰:۱۸؛ لو ۲۰:۱۷؛ ۱۲:۱۹ پاسخ داد: «ملکوت من از این جهان
نیست، اگر ملکوت من از این جهان بود،
برای آنکه به یهودیان تسلیم نگردم[b]،
نگهبانان من می‌جنگیدند، ولی درواقع
ملکوت من از این دنیا نیست.» [37]پس
پیلاطس به او گفت: «پس تو پادشاه
۳۳-۳۲:۳؛ ۴۷:۸؛ ۲۶:۱۰؛ ۱-یو ۱۹:۳؛ ۱-تیمو ۱۳:۶ هستی؟» عیسی پاسخ داد: «این را تو
می‌گوئی که من پادشاه هستم، من برای
همین زاده شده‌ام و برای همین به جهان
آمده‌ام تا بر راستی شهادت دهم[c]. هر که از
راستی است صدای مرا گوش می‌کند[d].»
اع ۲۵:۲۴؛ ۲۸:۲۶ [38]پیلاطس به او گفت: «راستی
چیست[e]؟»

(متی۲۷:۱۵-۳۱؛ مرقس۱۵:۶-۲۰؛ لوقا۲۳:۱۳-۲۵)

این را گفته باز به سوی یهودیان بیرون
رفت و به آنان گفت: «من هیچ تقصیری
نمی‌یابم. [39]اما شما رسمی دارید که برای
جشن گذر کسی را رها کنم. آیا می‌خواهید
پادشاه یهودیان را برای شما رها کنم؟»
[40]از سر نو فریاد برآورده گفتند: «نه او را،
بلکه برابا را!» باری برابا راهزن بود[f]. اع ۱۴:۳

۱۹ [1]پس پیلاطس عیسی را گرفته
[دستور داد] او را شلاقش بزنند. مت ۱۹:۲۰
[2]و سربازان تاجی از خار بافته آن را بر ۱-قرن ۲۳:۱؛ لو ۱۱:۲۳
سرش نهادند و ردائی ارغوانی بر تنش
کردند. [3]و به سویش آمده می‌گفتند: «سلام
ای پادشاه یهودیان[g]!» و سیلی‌هائی بر او ۲۲:۱۸؛ اش ۸:۵۰
می‌زدند. [4]پیلاطس باز خارج شد و به
ایشان گفت: «اینک او را نزد شما بیرون
می‌آورم تا بدانید که در او هیچ تقصیری ۳۸:۱۸؛ لو ۴:۲۳
نمی‌یابم.» [5]پس عیسی بیرون آمد در حالی
که تاج خار و ردای ارغوانی دربرداشت و

a- پیلاطس که قبول می‌کند فقط طبق اطلاعاتی که مقامات یهودی داده‌اند عمل نماید در وضعیت نادرستی قرار دارد و نخواهد توانست از این وضع خارج شود.

b- سلطنتی را که عیسی به طور غیرمستقیم به خود نسبت داده و ادعا می‌کند کاملاً غیر از سلطنتی است که هدفها و وسایل آن مربوط به این دنیا است. سلطنت او را نیازی به نیرو و روشهای معمولی در اقدام سیاسی نیست، بلکه این سلطنت را از خدا می‌گیرد. این پادشاهی را می‌توان *ملکوت یا فرمانروایی* ترجمه کرد.

c- برابر نظریاتی که در کتاب مقدس ابراز شده بین پادشاهی و حکمت ارتباطهایی وجود دارد (ر.ک ۲-سمو۱۴:۱۷-۲۰) سلطنت پایان روزگار را که در این ساعت عیسی در دنیا افتتاح می‌کند خشونت بکار نخواهد برد؛ بلکه برابر مشیت پدر که به او رسالت داده است با پذیرفتن حقیقت خدا تحقق خواهد بخشید، حقیقت خدا که در او یعنی در کلام مجسم تجلی می‌نماید (ر.ک ۱۴:۶؛ ۱۱:۳، ۳۲؛ ۸:۱۳-۱۴، ۴۶). در مورد کلمه *حقیقت* ر.ک ۶:۱۴ توضیح z.

d- کسانی که به فرستادهٔ خدا می‌پیوندند از هم اکنون در حیطهٔ نفوذ او هستند زیرا برابر حقیقت عمل می‌نمایند (ر.ک ۳:۲۱؛ ۶:۴۲؛ ۱۷:۲، ۶؛ ۱:۴۷).

e- این سؤال که پاسخی نمی‌طلبد نشان می‌دهد که کارمند رومی شخصاً فردی در دل شکاک است که از سوی دیگر نیروی سیاسی قادر نیست نظریه عیسی را دربارهٔ حقیقت درک نماید. به همان‌گونه که در ۴:۱۹، ۶ و لو۲۳:۴، ۱۴، ۲۲ آمده پیلاطس بی‌گناهی عیسی را تشخیص داده و با عباراتی که در ۱۸:۳۳ توضیح c ذکر شده بیان خواهد کرد.

f- ر.ک مت۲۷:۱۵-۲۶؛ مر۱۵:۶-۱۵؛ لو۲۳:۱۷-۲۴. یوحنا این قسمت را خیلی به اختصار ذکر کرده و یادآوری می‌نماید که یهودیان دزد راهزنی را بر عیسی که او را شورشی معرفی می‌کردند ترجیح داده‌اند زیرا دنیا طرفداران خود را می‌شناسد. ضمناً لازم به یادآوری است کلمهٔ یونانی lèstès که در اینجا *راهزن* ترجمه شده اکثراً در مورد فرقهٔ غیوران بکار می‌رفته که اقدامات سیاسی و مذهبی خشونت‌آمیز بکار می‌برند (ر.ک ۱۰:۸).

g- ر.ک مت۲۷:۲۷-۳۱؛ مر۱۵:۱۶-۲۰ و همچنین توضیح z مربوط به ۱۸:۳۳ را ملاحظه کنید.

۱:۲۹، ۳۶ [پـیلاطس] به آنـان گـفت: «ایـنک این
انـسـان[h]!» ۶پس هـمین که او را دیـدنـد،
کاهنان اعظم و نگـاهبـانان فـریاد برآورده
۱۸:۳۱؛ ۱ـ قرن ۱:۲۳ گفتند: «بر صلیب! بر صلیب!» پیلاطس به
آنان گفت: «خودتان او را گرفته مصلوبش
کنید، زیرا من در او تقصیری نمی یابم.»
لاو ۲۴:۱۶؛ یو ۵:۱۸؛ ۱۰:۳۳، ۳۵-۳۶؛ ۱۸:۳۱ ۷یهودیان به او پاسخ دادند: «ما قانونی
داریم و برابر این قانون او باید بمیرد زیرا
خود را پسر خدا کرده است[i].» ۸پس همین
که پـیلاطس این سـخن را شـنـیـد تـرسـان
گردید[j]. ۹و مجدداً به دیوان خانه وارد شد
مت۲۶:۶۲-۶۳؛ ۲۷:۱۲، ۱۴؛ مر ۱۴:۶۱؛ لو ۲۳:۹ و به عیسی گفت: «تو از کجا هستی[k]؟» اما
عیسی به او پاسخی نداد[l]. ۱۰پس پیلاطس
به او گـفت: «بـا من حـرف نمی زنی؟
...مگر نمی دانی که اقتدار دارم تو را رها
کنم و اقتدار دارم تو را مصلوب کنم؟»
۳:۲۷؛ ۱۰:۱۸؛ روم ۱۳:۱؛ ۱ـ تیمو ۶:۱۳ ۱۱عیسی به او پاسخ داد: «تو هیچ اقتداری
بر من نمی داشتی اگر از بالا[m] به تو داده
نشده بود. به همین جهت آن که مرا به تو
تسلیم کرده گناهی بس بزرگتر دارد[n].»
۱۲از این به بعد پیلاطس در جستجوی
۱۸:۳۷؛ لو ۲۳:۲؛ اع ۱۷:۷ رهایی او برآمد اما یهودیان فریاد کرده
می گفتند: «اگر این را رها کنی دوست
قیصر نیستی[o]، هر که خود را پادشاه کند با
قیصر ضدیت می کند.»
۱۳پس چون پیلاطس این سخنان را
شنید، عیسی را بیرون آورد و او را بر مسند
داوری که لیتوستروتوس[q] و به عبری گباتا

h- در اناجیل متی و مرقس موضوع تازیانه زدن و ناسزا گفتن به عیسی پس از محکومیت او ذکر شده است. در لو۲۳:۱۶-۲۲ پیلاطس پیش از محکومیت عیسی پیشنهاد می کند او را *گوشمالی دهد*. به طوری که یوحنا روایت می کند چنین می نماید پیلاطس امیدوار بوده است این عمل وسیله ای برای منصرف کردن یهودیان شود: بدین معنی که منظرهٔ مردی با وضعیت رقت انگیز و مسخره کافی خواهد بود که پوچ بودن ادعاهای احتمالی سلطنت او را نشان دهد. ولی مسلماً یوحنا به این وقایع با چشم دیگری نگریسته و تلقین می کند در وجود عیسی انسان واقعی را تشخیص دهند که در عین همین تحقیر شدن سلطنت مسیحایی را آغاز می نماید.

i- در اینجا موضوع اتهام جنبهٔ مذهبی می گیرد و به مسئله اصلی یعنی اظهار *پسر خدا* بودن پرداخته می شود (ر.ک ۵:۱۸-۲۰؛ ۱۰:۳۳) که کفر محسوب شده و برطبق قانون تورات مستوجب مرگ است (لاو۲۴:۱۶).

j- پیلاطس با شنیدن آخرین سخنان عیسی (۱۸:۳۷) بیشتر احساس می کند که در برابر پدیده های فوق بشری قرار گرفته که تهدید کننده و خطرناک می باشند.

k- یعنی *اصلاً اهل کجا هستی*؟ از اصل و نسب می توان سرشت کسی را شناخت (۲:۹؛ ۴:۱۱؛ ۷:۲۷-۲۸؛ ۸:۱۴؛ ۹:۲۹-۳۰).

l- سکوت عیسی را بدین گونه می توان توضیح داد که شرایط ایمان واقعی و شناخت حقیقت وجود ندارد (ر.ک مت۲۷:۱۴؛ مر۱۵:۴؛ لو۲۳:۹) و هیچ کلام و عبارتی جای آنها را نمی گیرد. ملاحظه کنید ۱۸:۲۸ توضیح v.

m- پیلاطس دربارهٔ *آنچه در بالا است* چیزی نمی داند، در مورد دامنهٔ قدرتی که به گمان او قدرت مطلق است نیز اشتباه می کند زیرا این قدرت به وسیله ارادهٔ بالاتری به او تفویض شده است (ر.ک ۱۰:۱۷-۱۸)؛ در اینجا نبایستی به جستجوی نظریه منشأ قدرت ها برآمد.

n- یهودا و رهبران یهودی مسلماً امکان بیشتری داشتند که حقیقت عیسی را دریابند (۶:۶۴، ۷۱؛ ۱۲:۴؛ ۱۳:۲، ۲۱؛ ۱۸:۳۰، ۳۵). در مورد گناه به عنوان نشناختن ر.ک ۸:۲۱-۲۴؛ ۹:۴۱؛ ۱۵:۲۲-۲۴؛ ۱۶:۸-۹؛ ۳:۳۶.

o- ممکن است دشمنان عیسی عنوان رسمی *دوست امپراطور* را یادآوری می کنند که پیلاطس احتمالاً به سبب دوستی و نزدیکی با سژان (Sejan) وزیر قیصر دریافت کرده بود. یهودیان با پیش آوردن جنبهٔ سیاسی موقعیت پیلاطس را مطرح ساخته و او را مجبور می کنند راه خود را انتخاب کند. به این ترتیب با آنکه بی گناهی عیسی بارها شناخته شده است (۱۸:۳۹؛ ۱۹:۴، ۶) دعوی اتهام به عیسی پذیرفته می شود.

p- ترجمهٔ دیگر: *بر مسند داوری نشست* (ولی این وقایع در خارج از کاخ روی می دهد چنانکه گویی قضاوت و رأی داوری وجود ندارد). ممکن است در اینجا انجیل نگار مجدداً اصطلاحی دوپهلو بکار می برد. در نظر مردمان دنیا پیلاطس داوری می کند؛ در صورتی که ایمان مفهوم عمیق تری درک می کند بدین معنی که پیلاطس بدون اینکه متوجه باشد عیسی را که داور واقعی است بر مسند می نشاند؛ بدینسان دنیا در اشتباه و حیرت است (۱۶:۸-۱۱) و اکنون نوبت داوری دنیا است (۱۲:۳۱) ر.ک ۱۱:۵۲ توضیح i؛ ۱۹:۵ توضیح h؛ ۱۹:۲۲ توضیح x.

می نامند، نشاند[p]. ۱۴هنگام تهیه [جشن]
گذر و نزدیک به ساعت ششم بود[r]. او به
یهودیان گفت: «اینک پادشاه شما.» ۱۸:۳۳-۳۷
۱۵پس فریاد برآوردند: «مرگ[rr]! مرگ!
مصلوبش کن.» پیلاطس به آنان گفت:
«آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟» کاهنان
اعظم پاسخ دادند: «پادشاهی جز قیصر
نداریم[s]!» ۱۶پس او را به ایشان تسلیم کرد
تا مصلوب شود.

مصلوب شدن و مرگ عیسی
(متی۲۷:۳۲-۴۴؛ مرقس۱۵:۲۱-۳۲؛ لوقا۲۳:۲۶-۴۳)

پس عیسی را با خود بردند. ۱۷و او که
خود صلیب را حمل می کرد[t] به سوی محلی پید ۲۲:۶
مسمی به «جمجمه» که به عبری
«جلجتا[u]» نامیده می شد بیرون رفت ۱۸و
در آنجا مصلوبش کردند. همچنین دو تن خروج ۱۲:۵۳
دیگر را با او، هرکدام در یک طرف و
عیسی در میان[v]. ۱۹پیلاطس اعلامیه ای
نوشته بود که آن را بالای صلیب
بگذارند. [بر آن] نوشته شده بود:
«عیسای ناصری[w] پادشاه یهود» ۲۰پس
این اعلامیه را بسیاری از یهودیان خواندند
زیرا محلی که عیسی در آنجا مصلوب شده
بود نزدیک شهر بود و به عبری، لاتین و عبر۱۳:۱۲-۱۳
یونانی نوشته شده بود. ۲۱پس
کاهنان اعظم یهودیان به پیلاطس
می گفتند: «نباید بنویسی پادشاه یهودیان،
بلکه این مرد گفته بود: من پادشاه
یهودیان هستم.» ۲۲پیلاطس پاسخ داد:
«آنچه نوشتم نوشتم[x].»
۲۳پس وقتی سربازان عیسی را مصلوب
کردند، لباسهایش را گرفته چهار بخش

q- ترجمه تحت اللفظی: سنگفرش؛ احتمالاً جایی است که با قطعات سنگی مفروش شده و یا موزائیک می باشد. کلمه جباتا (گباتا) که بعداً آمده نشان می دهد که محلی *بلندتر از سطح زمین* است.

r- تصمیم در موقع ظهر به هنگام تهیه جشن گذر یهودیان گرفته شده است: چنین می نماید که از این لحظه به بعد بره ها را برای تهیه جشن در معبد ذبح می کردند؛ تطبیق این تاریخها در نظر یوحنا ارزش نمادین دارد (ر.ک ۱۹:۳۶؛ ۱:۲۹).

rr- [فعل یونانی که در این مورد بکار رفته و به مرگ ترجمه شده کلمه ای است که به معنی تحت اللفظی باید ترجمه کرد: *بردار، نابود کن، از بین ببر، از میان بردار.*]

s- نپذیرفتن عیسی توأم با شناسایی قدرت عالیه و انحصاری امپراتور روم است: در این لحظه قطعی مقامات یهودی فرمانروایی مطلق خدا را بر اسرائیل انکار می کنند (داور۸:۲۳؛ ۱-سمو۸:۷).

t- برابر قوانین جاری محکوم بایستی شخصاً وسیله شکنجه را حمل می کرد. اناجیل نظیر روایت کرده اند که شخصی به نام شمعون قیروانی را وادار کرده بودند مدتی صلیب را حمل نماید (مت۲۷:۳۲؛ مر۱۵:۲۱؛ لو۲۳:۲۶): یوحنا این موضوع را عمداً حذف نموده است. آیا روایت یوحنا عکس العملی علیه نظریه ای است که در قرن اول میلادی پیدا شده بود و کسانی تصور می کردند عیسی مصلوب نشده و شمعون قیروانی را به جای او به صلیب کشیده اند؟

u- این نقطه بلندی کوچکی است که به فاصله کوتاهی از دیوار شهر قرار دارد (مت۲۷:۳۳؛ مر۱۵:۲۰؛ عبر۱۳:۱۲-۱۳). نام *جلجتا* (جمجمه) بدان سبب به این محل داده شده بود که این بلندی صخره ای به شکل جمجمه است.

v- مر۱۵:۲۷؛ مت۲۷:۳۸؛ لو۲۳:۳۳ تصریح می کنند که این دو نفر راهزن بوده اند در صورتی که بنا بر نوشتهٔ یوحنا مردان بینوایی هستند که عیسی در سرنوشت آنان سهیم شده است. کلمهٔ *«در میان»* نشان می دهد جایی است که پادشاه در آنجا قرار می گیرد (ر.ک ۱۸:۳۳ توضیح z).

w- یوحنا املای کلمهٔ *ناصری* را که بر روی لوحه نوشته شده nazoreen روایت می کند (ر.ک مت۲۷:۳۷؛ مر۱۵:۲۶؛ لو۲۳:۳۸) در مورد این کلمه به مت۲:۲۳ توضیح b مراجعه نمایید.

x- معمولاً نوشته ای علت محکومیت را تعیین می کرده است. یوحنا با یادآوری و با اصرار در مورد این نوشته جنبهٔ اشاره ای آن را تأکید می کند: عیسی به وسیلهٔ صلیب پادشاه مسیحایی می شود و این واقعه باید به تمام زبانهای جهان اعلام گردد (ر.ک ۱۱:۵۰-۵۲؛ ۱۲:۳۲؛ ۱۰:۱۴-۱۶). مجدداً پیلاطس بدون اینکه بداند نبوت می کند.

کردند. هر بخش برای یک سربازy،
همچنین پیراهنش را، اما پیراهن دوخت
نداشت و یک تکه از بالا به پائین بافته
شده بودz. ۲۴پس به یکدیگر گفتند:
«پاره اش نکنیم بلکه برای این قرعه مز ۱۹:۲۲
بیندازیم تا از آن که بشود.» تا نوشتهٔ
مقدس به تحقق رسد: «لباسهای مرا بین
خود بخش کرده بر جامهٔ من قرعه
افکندندa»، درست همان که سربازان
کردند.
۲۵نزدیک صلیب عیسی، مادرش، خواهر مت۲۷:۵۵-۵۶؛
مادرش، مریم [زن] کلوپا و مریم مجدلیه مر ۱۵:۴۰-۴۱؛ لو۲۳:۴۹؛
ایستاده بودندb. ۲۶عیسی با دیدن مادرشc ۴:۲؛ ۲۳:۱۳؛ ۲:۲۰؛
و به همراه او شاگردی که او را محبت ۷:۲۱، ۲۰
می کرد به مادرش گفت: «ای زن اینک
پسر توd.» ۲۷سپس به شاگرد گفت:
«اینک مادر تو» و از آن ساعت به بعد، آن ۳۲:۱۶؛ اع ۲۱:۶
شاگرد او را نزد خویش بردe.

(متی۲۷:۴۵-۵۶؛ مرقس۱۵:۳۳-۴۱؛ لوقا۲۳:۴۴-۴۹)

۲۸پس از آن عیسی که می دانست همه ۴:۱۸؛ ۳۹:۵
چیز تحقق یافته استf برای آنکه نوشته
[مقدس] به تحقق رسدg گفت:
«تشنه امh.» ۲۹در آنجا ظرفی پُر از سرکه
بود. پس بر سر شاخه ای از زوفاi، اسفنجی
پُر از سرکه به نزدیک دهانش بردند. ۳۰در
لحظه ای که عیسی سرکه را چشید گفت:

y- برطبق قانون رومیان.

z- یوحنا لباسهای رویی را از پیراهن زیر متمایز کرده است. پیراهن زیر یک پارچه است و پاره کردن آن مسخره و نامعقول خواهد بود. بعضی از مفسران این پیراهن را اشاره ای به لباس عیسی به عنوان کاهن اعظم تصور کرده اند زیرا وی از این پس کهانت جدید را عهده دار خواهد بود ولی این تفسیر چندان حقیقی به نظر نمی رسد. بلکه یوحنا این موضوع را روایت کرده تا نقل قول از نوشته مقدس را در آیه ۲۵ ذکر نماید. در این مورد ر.ک ۳۲:۱۸ توضیح y.

a- مز۲۲:۱۹.

b- اناجیل نظیر حضور زنان و از جمله *مریم مجدلیه* را ذکر کرده اند که در فاصله ای از صلیب بر روی تپه جلجتا ایستاده بودند (مت۲۷:۵۵-۵۶؛ مر۱۵:۴۰؛ لو۲۳:۴۹). یوحنا تنها انجیل نگاری است که روایت می کند زنانی در نزدیکی صلیب بودند. وی سه یا چهار زن را نام می برد، بسته به اینکه *خواهر مادر عیسی* و *مریم زن کلوپا* یک نفر یا دو نفر به حساب آورده شود.

c- ترجمه تحت اللفظی: *مادر*. از آیه۲۶ به بعد یوحنا دیگر نامی از زنان نیاورده و فقط از مریم و شاگرد مورد محبت عیسی سخن می گوید ر.ک ۲۳:۱۳ توضیح e.

d- ر.ک ۴:۲.

e- عیسی مریم و شاگرد محبوب خود را به یکدیگر می سپارد. برای این آیه تفسیرهای مختلفی قائل شده اند: ۱- عیسی به مریم مقام مادر ایمانداران داده است. روایات کاتولیک و ارتدکس از مریم به عنوان مادر روحانی سخن می گویند که در اینجا شاگرد عیسی نمایندهٔ آنان است. ۲- به طوری که بعضی از مفسران تصور می کنند این شاگرد فرد مشرکی بوده که به مسیحیت گرویده است و عیسی بدین وسیله مسیحیانی را که قبلاً مشرک بوده اند با مسیحیانی که یهودی بوده اند آشتی می دهد. ۳- ایمان واقعی که در پای صلیب پدید آمده آغاز روابط جدیدی می باشد.

f- یعنی عملی را که پدر به او مأموریت رسالت داده بود تا تحقق بخشد (۳۴:۴؛ ۳۸:۶؛ ۴:۱۷؛ ۱:۱۳) و بنابراین تحقق نوشته مقدس در جایی که اعلام شده بود.

g- ترجمه تحت اللفظی: *برای آنکه نوشته [مقدس] به پایان برسد...*

h- ر.ک مز۶۹:۲۲؛ ۲۲:۱۶.

i- این گیاه [که به عربی زوفا و در فارسی *مرزنگوش* نامیده می شود] دارای برگهای پُرزدار است و در مراسم مذهبی برای افشاندن آب بکار می رفته است (لاو۱۴:۴؛ مز۵۱:۹). ارتفاع آن از یک متر تجاوز نمی کند. بکار بردن آن در این موارد عجیب نیست و مسلماً به عنوان نشانه و رمزی از مراسم مذهبی عید گذر آمده است (خروج۱۲:۲۲). کلمهٔ یونانی javelot که در این مورد بکار رفته با تغییر جزئی می توان *نیزه* خواند. در مورد *سرکه* ر.ک مت۲۷:۴۸ توضیح b و مر۱۵:۳۶ توضیح x.

«[همه چیز] به تحقق رسید!» و درحالی که ایوب۱۹:۲۶-۲۷؛ لو ۱۲:۵۰؛
سرش را خم می‌کرد[j]، روح را تسلیم نمود[k]. ۲ـ تیمو ۴:۷؛ اع ۱۵:۱؛ یو ۴:۳۴

خون و آب

[۳۱]چون روز تهیه عید بود، برای آنکه در ۱۹:۱۴؛ تث۲۱:۲۲-۲۳؛
روز سبت بدنها روی صلیب باقی نمانند - غلا ۳:۱۳
زیرا این سبت روز بزرگی بود[l]- یهودیان از
پیلاطس درخواست کردند که ساق پاهای
آنها را بشکنند[m] و آنها را بردارند. [۳۲]پس
سربازان آمدند و ساقهای پای اولی را
شکستند، بعد دیگری را که با او مصلوب
کرده بودند. [۳۳]چون به عیسی رسیدند،
وقتی دیدند که قبلاً مرده است ساق پاهای
او را نشکستند. [۳۴]اما یکی از سربازان
نیزه‌اش را به پهلوی او فرو برد که در دم از ۷:۳۷-۳۹؛ ۱ـ یو ۵:۶-۸
آن خون و آب بیرون آمد[n]. [۳۵]و آن کس که
دیده است شهادت می‌دهد و شهادت او ۲۱:۲۴
راست[o] است، وانگهی وی می‌داند که
راست می‌گوید[p] تا شما هم ایمان بیاورید.
[۳۶]زیرا برای آنکه نوشته مقدس به تحقق
رسد این روی داده است: هیچ یک از
استخوانهایش شکسته نخواهد شد[q]. [۳۷]و
باز نوشته مقدس دیگری می‌گوید: آن کس
را که نیزه زده‌اند خواهند نگریست[r].

j- فعلی که به صورت معلوم آمده (فاعل عیسی است) نشان می‌دهد که عیسی تا آخرین لحظه بر اجرای رسالت خود تسلط کامل دارد (ر.ک ۱۰:۱۸).

k- یوحنا با آنکه اعطای روح‌القدس را به کلیسا درطی ظاهر شدن عیسی و در وقایع عید گذر تعیین می‌کند (۲۰:۲۲)، در اینجا شاید خواسته القا کند که عیسی با مرگ خود می‌تواند روح‌القدس را به جهان منتقل سازد (۷:۳۹؛ ۱۶:۵-۷).

l- در انطباق با تث۲۱:۲۲-۲۳.

m- برای اینکه مرگ تسریع شود.

n- مطالبی که در آیات۳۱-۳۳ آمده نقطهٔ اوج گواهی و تأیید نوشته مقدس است که در آیه۳۶ ذکر شده است (۱۸:۳۲ توضیح y را ملاحظه کنید). چنین به نظر می‌رسد که آیات۳۴-۳۵ بعدها در این انجیل وارد شده است. *از آنجا خون و آب بیرون آمد*: این پدیده را می‌توان به طریق طبیعی توضیح داد بدین معنی که بلافاصله پس از مرگ ممکن است هنوز خون جاری شود و آب نتیجه ترشح غشاء داخلی سینه باشد. بنابر یکی از روایات کاهنان بدن انسان از آب و خون تشکیل شده است؛ و جاری شدن این دو ماده نشانهٔ واقعیت مرگ می‌باشد: بنابراین نظریه‌ای که در قرن اول میلادی به وجود آمده و کسانی معتقد بودند عیسی فقط ظاهر یک انسان را داشته و مصلوب نشده و نمرده است منتفی خواهد بود (ر.ک۶:۵۱ توضیح y). یوحنا این پدیده را نشانه‌ای از موهبت روح‌القدس می‌شمارد: ر.ک آب در برابر روح‌القدس: ۴:۱۴؛ ۷:۳۸-۳۹؛ ۳:۵؛ خون در برابر زندگی جاویدان: ۶:۵۱-۵۵. در همین معنی همچنین ۱-یو۵:۶-۸ را ملاحظه کنید. مفسران متعددی قدم فراتر نهاده و آن را رمز و نشانه تقدیس می‌شمارند: آب -تعمید و خون -آیین سپاسگزاری؛ مفسران دیگری در اینجا پیدایش کلیسا را می‌بینند که حوّای جدید از پهلوی آدم جدید بوجود می‌آید.

o- *شاهد* دربارهٔ واقعه‌ای که از آن سخن می‌گوید باید آشنایی مستقیم و بلاواسطه داشته باشد و در عین حال عمیق آن را درک کرده باشد (ر.ک ۱:۷؛ ۳:۱۱؛ ۱۵:۲۶-۲۷). در اینجا ظاهراً همان شاگرد محبوب عیسی است (۱۹:۲۶-۲۷) که گواهی او مبنای روایات انجیل یوحنا است (۲۱:۲۴).

p- بنابر عادت یهودیان (۵:۳۱؛ ۸:۱۳) یوحنا شاهد دیگری در نظر دارد که حقیقت مطلق شهادت اولیه را تصدیق و تأیید کند. و در اینجا مسلماً شکوهمند است (که یوحنا اکثراً دربارهٔ او ضمیر مجلل ekeinos را بکار می‌برد: ۳:۲۸، ۳۰؛ ۷:۱۱؛ ۹:۲۸؛ ۱-یو۲:۶؛ ۳:۳، ۵، ۷، ۱۶؛ ۴:۱۷ و در اینجا «*وی*» ترجمه شده است)، به همان‌گونه که عیسی گواهی را که پدر دربارهٔ او داده است دارد، شاگردی که گواهی می‌دهد به‌خوبی می‌داند مسیح که او را فرستاده سخن او را تصدیق می‌نماید (ر.ک۵:۳۱-۳۲؛ ۸:۱۳-۱۴). بعضی از مفسران این گواهی را تأیید پدر تصور کرده‌اند؛ مفسران دیگری آن را تفسیر و توضیحی از جانب کاتب انجیل پنداشته‌اند که واقعیت گواهی را که ذکر می‌کند تأیید می‌نماید.

q- چنین می‌نماید که این عبارت نقل قول ترکیبی از مز۳۴:۲۱ (دربارهٔ اینکه دادگر رنجور حفاظت می‌شود) و خروج۱۲:۴۶ و اعد۹:۱۲ (درباره برّه عید گذر) است؛ ر.ک۱:۲۹.

r- ر.ک زک۱۲:۱۰: کسی را که دوران مسیحایی را پایه‌گذاری می‌کند در خدمتگزاری بینوا و نیزه زده تشخیص می‌دهند (ر.ک ۳:۱۴-۱۵؛ ۸:۲۸؛ ۱۲:۳۲)؛ و این وضع منظرهٔ سعادت ایمانداران و داوری گناهکاران خواهد بود (ر.ک مکا۱:۷).

خاکسپاری
(متی۲۷:‏۵۷-۶۱؛ مرقس۱۵:‏۴۲-۴۷؛ لوقا۲۳:‏۵۰-۵۶)

مت۲۷:‏۵۷-۶۱؛ مر۱۵:‏۴۲-۴۷؛ لو۲۳:‏۵۰-۵۵؛ یو۷:‏۱۳؛ ۹:‏۲۲؛ ۲۰:‏۱۹ [۳۸] پس از آن، یوسف اهل رامه که به
سبب ترس از یهودیان، در پنهان شاگرد
عیسی بود، از پیلاطس درخواست کرد بدن
عیسی را بردارد. و پیلاطس اجازه داد، پس
۳:‏۱-۲؛ ۷:‏۵۰ آمده بدنش را برداشت. [۳۹] نیقودیموس -
همان کسی که در آغاز شبانه نزد عیسی
مز۴۵:‏۹؛ مت ۲:‏۱۱ آمده بود[s]- نیز آمد، با خود مخلوطی از مرّ
و عود آورده بود که قریب صد رطل بود[t].
[۴۰] پس بدن عیسی را برداشته آن را به رسم
۱۱:‏۴۴ خاکسپاری یهودیان با مواد خوشبو با پارچه
بستند. [۴۱] در جایی که او مصلوب شده بود،
باغی بود و در آن باغ قبری تازه که هرگز
کسی درون آن گذاشته نشده بود. [۴۲] به
علت تهیه [عید] یهودیان، چون قبر نزدیک
بود عیسی را همانجا گذاشتند.

شاگردان بر سر قبر
(متی۲۸:‏۱-۱۰؛ مرقس۱۶:‏۱-۸؛ لوقا۲۴:‏۱-۱۲)

۲۰:‏۱۹؛ اع ۲۰:‏۷؛ مت۲۸:‏۱-۱۰؛ مر۱۶:‏۱-۸؛ لو۲۴:‏۱-۱۲ **۲۰** [۱] نخستین روز هفته، بامدادان
وقتی که هنوز هوا تاریک بود،
مریم مجدلیه[u]، به سر قبر آمد و دید که
سنگ قبر برداشته شده است. [۲] پس
۱۳:‏۲۳؛ ۱۸:‏۱۵؛ ۱۹:‏۲۶؛ ۲۱:‏۷، ۲۰ دویده نزد شمعون پطرس و شاگرد دیگری
که عیسی او را محبت می‌کرد[v] آمد و به
آنان گفت: «خداوند را از قبر برداشته‌اند
و نمی‌دانیم[w] او را کجا گذاشته‌اند.»
[۳] پس پطرس خارج شد، همچنین آن
شاگرد دیگر و بر سر قبر آمدند. [۴] هر دو با
هم می‌دویدند اما آن شاگرد دیگر در جلو
لو۲۴:‏۲۴؛ یو۱۸:‏۱۵ تندتر از پطرس می‌دوید و نخست بر سر
قبر آمد. [۵] خم شده نظر کرد که نوارها[x] در
آنجا مانده بود. با وجود این داخل نشد.
[۶] سپس شمعون پطرس نیز که به دنبال او
بود آمد و به درون قبر وارد شده دید که
نوارها در آنجا صاف گذاشته شده است،
۱۱:‏۴۴؛ ۱۹:‏۴۰ [۷] همچنین دستمالی که بر سرش بود، نه با
نوارها، بلکه جداگانه در جای دیگر
پیچیده شده بود. [۸] پس آنگاه شاگرد دیگر

s- ر.ک ۳:‏۱؛ ۷:‏۵۰.

t- مُرّ ماده صمغی خوشبویی است که برای معطر کردن مردگان بکار می‌رود (ر.ک مت۲:‏۱۱)؛ ماده دیگری که ذکر شده عود است (امث۷:‏۱۷؛ مز۴۵:‏۹)؛ وزن مواد معطر که صد رطل تعیین شده برابر ۳۲/۷۰۰ کیلوگرم بوده است.

u- ر.ک ۱۹:‏۲۵؛ در اناجیل نظیر سخن از چندین زن است که در بین آنان همواره *نام مریم مجدلیه* ذکر شده است (این زن اهل دهی در ساحل دریاچه طبریه بوده است، ر.ک مت۲۸:‏۱؛ مر۱۶:‏۱، ۹؛ لو۲۴:‏۱۰) او در جلجتا حضور داشته (مت۲۷:‏۵۶، ۶۱؛ مر۱۵:‏۴۰، ۴۷)؛ لوقا شاید او را همان زن گناهکاری می‌داند که در خانهٔ شمعون عیسی را با عطر تدهین کرده بود (لو۸:‏۲).

v- ر.ک ۱۳:‏۲۳ توضیح e.

w- فعلی که در اینجا به صورت جمع آمده ممکن است اثری از روایت قدیمی‌تری باشد که برطبق آن چندین زن بر سر گور آمده بودند (ر.ک ۲۰:‏۱۳). مریم دربارهٔ خالی بودن گور توضیحی می‌دهد و شاید این توضیح در محافل فلسطینیان تا اندازه‌ای مورد استقبال قرار گرفته بوده است.

x- کلمه یونانی othonia که در اینجا بکار برده شده ممکن است به معنی *نوارها* یا یک تکه پارچه کتان نسبتاً گرانبها باشد که برای کفن مردگان بکار می‌بردند.

که نخست بر سر قبر آمده بود به درون
آمد و دید و ایمان آورد[y]. [۹]زیرا هنوز
نوشته مقدس[z] را درک نکرده بودند که مز ۹:۱۶؛ لو ۲۴:۲۶-۲۷؛
برابر آن می بایست از میان مردگان اع ۲:۲۷، ۳۱؛ ۱-قرن ۱۵:۴؛
برخیزد[a]. [۱۰]پس شاگردان از آنجا رفته به یو ۵:۳۹
خانه خود بازگشتند.

مریم مجدلیه خداوند را می بیند (مرقس۱۶:۹-۱۱)

[۱۱]مریم بیرون، نزدیک قبر ایستاده
می گریست. پس همان طور گریان به سوی
قبر خم شد. [۱۲]و دید که دو فرشته عبر ۱:۱۴
سپید پوش، درجایی که بدن عیسی گذاشته
شده بود نشسته اند، یکی نزدیک سر و
دیگری نزدیک پاها[b].
[۱۳]و آنان به او گفتند: «ای زن چرا گریه
می کنی؟» به آنان گفت: «خداوندم را ۲:۲۰
برداشته اند و نمی دانم او را کجا
گذاشته اند.» [۱۴]این را گفت و چون روی
برگرداند عیسی را دید که در آنجا ایستاده
است. اما نمی دانست که او عیسی است.
[۱۵]عیسی به او گفت: «ای زن چرا گریه ۴:۲۱؛ لو ۲۴:۱۶؛
می کنی؟ که را می جوئی؟» چون ۲-قرن ۵:۱۶
می پنداشت او باغبان است به وی گفت:
«خداوندا، اگر تو او را برده ای به من بگو
وی را کجا گذاشته ای تا او را بردارم.»
[۱۶]عیسی به او گفت: «مریم!» و او روی
برگردانده[c] به عبری به وی گفت: «ربّونی» مر ۱۰:۵۱
(یعنی ای استاد). [۱۷]عیسی به او گفت:
«دیگر مرا لمس مکن[d] زیرا هنوز نزد پدر
بالا نرفته ام اما نزد برادرانم برو و به ایشان مز ۲۲:۲۳؛
بگو: به سوی پدر من و پدر شما، به سوی مت ۱۲:۴۹؛ ۲۸:۱۰؛
خدای من و خدای شما بالا می روم[e].» روم ۸:۲۹؛ عبر ۲:۱۱-۱۲
[۱۸]مریم مجدلیه آمده به شاگردان نوید داد:
«من خداوند را دیدم و به من چنین گفته
است.»

y- این شاگرد برخلاف مریم مشاهده می کند که در داخل گور خالی، پارچه ها با دقت تا شده است و متوجه می شود که بدن عیسی را نه دزدیده و نه به جای دیگر برده اند بلکه به وسیله ایمانَ دوباره زنده شدن او را درمی یابد.

z- با توسل به نوشته های مقدس می توان واقعهٔ رستاخیز عیسی را درک نموده و تفسیر کرد (ر.ک ۱-قرن۱۵:۴؛ اع۲:۲۴-۳۱؛ ۱۳:۳۲-۳۷؛ لو۲۴:۲۷، ۴۴-۴۶).

a- ترجمه تحت اللفظی: *برپا می ایستاد؛* آنکه در خواب مرگ دراز کشیده بود برپا می ایستد (آدم زنده به حال ایستاده است).

b- *دوفرشته* در دو انتهای سکویی که جسد را بر روی آن گذاشته بودند نشسته اند. یوحنا این موضوع را که جزو روایات اناجیل نظیر است حفظ کرده بدون آنکه دربارهٔ آن توضیح بیشتری بدهد (ر.ک مت۲۸:۲، ۵؛ لو۲۴:۲۳؛ مر۱۶:۵ دربارهٔ مرد جوانی سخن می گوید).

c- ر.ک ۱۰:۵؛ چون عیسی او را *به نام* می خواند، مریم او را می شناسد.

d- گاهی ترجمه می کنند: *مرا نگه مدار.* به هرصورت عیسی می خواهد به مریم یادآوری کند تغییراتی که در او ایجاد می شود به منظور اینکه به نزد پدر برود موجب ایجاد نوع جدید روابط خواهد شد (ر.ک ۱۶:۵-۷، ۲۰-۲۳؛ ۱۴:۲۸؛ ۲۷:۱۹).

e- تا اینجا هروقت عیسی از خدا سخن می گفت کلمهٔ *پدرم* را بکار می برد ولی اکنون در عین اینکه تفاوت قائل می شود برای نخستین بار از ارتباط پدر فرزندی خدا نسبت به شاگردان سخن گفته و آنان را برادران خود می نامد (مت۲۸:۱۰) در لابلای این عبارات که مورد پذیرفتن به فرزندی بیان می شود از عهد و پیمان جدید یاد شده که شاگردان به سبب پیوستگی با عیسی که در شکوه پدر وارد شده در عهد جدید سهیم هستند (۱:۱۲؛ ۱-یو۳:۱-۲).

شاگردان خداوند را می‌بینند
(متی۲۸:۱۶-۲۰؛ مرقس۱۶:۱۴-۱۸؛ لوقا۲۴:۳۶-۴۹)

[۱۹]شامگاه همان روز که نخستین روز ۲۷:۱۴؛ ۱۶:۱۶؛ ۱:۲۰؛
هفته بود[f] از ترس یهودیان، شاگردان در مر ۱۶:۱۴-۱۸؛ لو ۲۴:۳۶-۴۹
مکانی در بسته بودند که عیسی آمد[g] و در
میان ایستاده به آنان گفت: «آرامش بر شما ۱۱:۱۵؛ ۲۲:۱۶
باد!» [۲۰]و این را گفته، دستها و پهلویش را
به آنان نشان داد[h]. پس شاگردان به دیدن ۳۴:۱۹؛ ۲۰:۲۵، ۲۷؛
خداوند شاد شدند[i]. [۲۱]پس باز به آنان لو ۲۴:۱۶
گفت: «آرامش بر شما باد! همچنان که ۱۸:۱۷؛ مت ۲۸:۱۹؛
پدر مرا فرستاد من نیز شما را می فرستم[j].» مر ۱۶:۱۵؛ لو ۲۴:۴۷-۴۸
[۲۲]این را گفته، دمید[k] و به آنان گفت:
«روح القدس را دریافت دارید. [۲۳]گناهان ۷:۳۹؛ اع ۱:۸؛ پید ۲:۷؛
کسانی را که ببخشید بر ایشان بخشیده حزق ۳۷:۹؛ حک ۱۵:۱۱؛ ۱ـ قرن ۱۵:۴۵
خواهد شد و بر کسانی که باقی بگذارید
باقی خواهد ماند[l].» مت ۱۶:۱۹؛ ۱۸:۱۸

شهادت شاگردان و ایمان

[۲۴]توما یکی از دوازده تن، مشهور به ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۵؛ ۲۱:۲
«دیدیموس[m]» وقتی عیسی آمد با آنان
نبود. [۲۵]دیگر شاگردان به او می گفتند: ۳۴:۱۹؛ ۲۰:۲۰؛
«ما خداوند را دیده ایم!» اما به آنان ۱ـ قرن ۹:۱؛ ۱ـ یو ۱:۱
گفت: «اگر در دستهای او جای میخها را
نبینم، اگر انگشت خود را در جای میخها
فرو نبرم و اگر دست خود را پهلویش
نگذارم، یقین نخواهم کرد.» [۲۶]هشت روز
بعد باز شاگردان در درون بودند و توما با ۲۷:۱۴؛ ۱۹:۲۰
آنان. درها بسته بود که عیسی وارد شد و در
میان آنان قرار گرفت و گفت: «آرامش بر
شما باد[n]!» [۲۷]سپس به توما گفت:
«انگشت خود را اینجا جلو بیاور، این ۳۴:۱۹؛ ۲۰:۲۰، ۲۵؛
دستهای من است. دست خود را جلو بیاور مر ۱۶:۱۴؛ لو ۲۴:۲۵
و در پهلوی من بگذار. بی ایمان مباش، بل

f- وقتی شاگردان در شب نخستین روز هفته به دور هم گرد آمده اند احساس می شود که مسیح در میان آنان حاضر است (شاید در اینجا منظور اشاره ای به جلسات روز یکشنبه مسیحیان است).

g- در مورد علت *ترس از یهودیان* ر.ک ۱۹:۱؛ ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲؛ ۱۶:۲. مسیح برخاسته از مرگ می‌آید و در میان کسان خود جای می‌گیرد و آنان را مدام همراهی کرده و راهنمایی خواهد نمود (ر.ک ۱۴:۳، ۱۸-۱۹؛ ۱۶:۱۶).

h- آنچه لوقا در ۲۴:۳۹ ذکر کرده جنبهٔ ستایشی دارد؛ درصورتی که در اینجا یادآوری و تأکید می شود که بین عیسی که مصائب را تحمل کرده و آن که همواره با ایشان خواهد بود تداوم وجود دارد (ر.ک عبر۲:۱۸)، خداوند شکوهمند کلیسا کسی جز عیسی مصلوب نیست.

i- دیدار با مسیح برخاسته از مرگ سرچشمه شادی است (ر.ک ۱۵:۱۱؛ ۱۶:۲۰-۲۴؛ ۱۷:۱۳؛ مت۲۸:۸؛ لو۲۴:۴۱، ۵۲).

j- رسالت شاگردان پس از صعود پسر به آسمان آغاز می شود: ر.ک ۱۴:۱۲-۱۴ ولی مبنا و سرچشمه آن مجموعهٔ رسالت عیسی است (۱۷:۱۷-۱۹). یوحنا در مورد جهانی بودن این رسالت یادآوری و تأکید می نماید (ر.ک ۴:۳۵-۳۸؛ ۱۲:۱۹-۲۰).

k- فعل یونانی که در اینجا آمده یادآوری آفرینش نخستین انسان است (پید۲:۷) و چنین القا می کند که خلقت جدید و رستاخیزی واقعی می باشد (حزق۳۷:۹؛ روم۴:۱۷). روح القدس نیروی نجات بخشی خواهد بود که شاگردان در همبستگی با عیسی متجلی خواهند کرد (ر.ک ۱۵:۲۶-۲۷؛ ۱۷:۱۷-۱۹).

l- یوحنا عبارتی را که در روایات دیگر آمده است (ر.ک مت۱۶:۱۹ و ۱۸:۱۸) در روایت خود می‌آورد و بایستی مفهوم آن را تا حدّ امکان با توجه به نظریات خداشناسی خود او درک کرد: بدین معنی که شاگردان در تداوم و انتشار رسالت عیسی در جهان گناهان را بخشیده یا باقی خواهند گذاشت. بنابر روایات کاتولیک و ارتدکس، قدرت بخشایش گناهان به اعضای گروه رسولان داده شده است که در همبستگی با عیسی مأموریت رسالت دارند (۲۱:۱۵-۱۷). بنابر روایات پروتستان این قدرت و مأموریت رسالت به تمام شاگردان یعنی به همهٔ ایمانداران در همهٔ دورانها اعطا گردیده است (ر.ک ۱۷:۲۰ توضیح s) و تنها به پطرس (مت۱۶:۱۹) یا هر انجمن کهانتی دیگری داده نشده است (لو۲۴:۴۸)؛ مردمان با شنیدن گواهی آنان ایمان خواهند آورد (گناهانشان بخشیده خواهد شد) یا دچار لغزش می شوند (خودشان دربارهٔ خود داوری خواهند کرد و گناهانشان باقی خواهد ماند).

m- ر.ک ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۵؛ ۲۱:۲.

n- ر.ک ۱۴:۲۷ توضیح v؛ ۲۰:۱۹.

ایمان آور.» ۲۸توما به وی پاسخ داد: «ای
خداوند من و ای خدای من[o]!» ۲۹عیسی به
وی گفت: «چون مرا می بینی ایمان
می‌آوری، خوشا آن کسانی که ندیده‌اند و ۴۸:۴؛
ایمان آورده‌اند[p].» ۱-پطر ۸:۱

هدف نویسندهٔ انجیل

۳۰عیسی در برابر شاگردانش بسیار ۱۱:۲؛ ۳۷:۱۲؛
نشانه‌های دیگر به انجام آورد[q] که در این ۲۵:۲۱
کتاب نوشته نشده است، ۳۱اما آنهائی که
نوشته شدند برای آن است تا ایمان آورید[r]
که عیسی، مسیح و پسر خداست و ایمان ۱۵:۳؛
آورده در نام[s] او زندگانی داشته باشید. ۱-یو ۱۳:۵؛ اع ۱۶:۳

پیوست.
ظاهر شدن در کنار دریاچه

۲۱ ۱پس از آن[t] عیسی باز در ساحل
دریای طبریه خود را به شاگردان مت ۳۲:۲۶؛ ۷:۲۸
چنین نمایان کرد[u]. ۲شمعون پطرس، توما لو ۱:۵، ۱۱
مشهور به «دیدیموس»، نتنائیل از قانای ۱۶:۱۱؛ ۵:۱۴؛ ۲۴:۲۰؛ مت ۴۱:۴
جلیل، پسران زبدی و دو تن دیگر از
شاگردانش با هم بودند. ۳شمعون پطرس به
آنان گفت: «برای صید [ماهی] می‌روم.»
به او گفتند: «ما نیز به همراه تو می‌آئیم.»
به راه افتاده سوار قایق شدند و در آن شب لو ۵:۵
چیزی نگرفتند. ۴چون صبح شد، عیسی در
ساحل ایستاده بود. با وجود این شاگردان
نمی‌دانستند که او عیسی است. ۵پس
عیسی به آنان گفت: «بچه‌ها آیا چیزی ۱۴:۲۰؛
برای خوردن دارید؟» به او پاسخ دادند: لو ۱۶:۲۴
«خیر!» ۶به آنان گفت: «تور را به طرف لو ۴۱:۲۴
راست قایق بیندازید و خواهید یافت.» لو ۴:۵-۷
پس انداختند و به سبب زیادی ماهی‌ها،
دیگر توان کشیدن آن را نداشتند. ۷آن
شاگردی که عیسی او را محبت می‌کرد به
پطرس می‌گوید: «این خداوند است!» ۲۳:۱۳؛ ۲۶:۱۹؛
پس شمعون که شنید او خداوند است، ۲:۲۰؛ ۲:۲۱؛ ۲۰:۲۰؛ ۸:۲۰
لنگی به کمر بست -زیرا برهنه بود- و به مت ۲۹:۱۴
دریا پرید[v]. ۸شاگردان دیگر با قایق آمدند
زیرا از خشکی زیاد دور نبودند، مگر قریب

o- در این بیان ایمان که آخرین بیان ایمان در انجیل است عناوین *خداوند* و *خدا* در یک جا آمده است (ر.ک ۱:۱، ۱۸؛ ر.ک روم۹:۵) شاید انعکاس هلهله و فریادی است که در نیایش اظهار می‌شده است.

p- از این پس ایمان برمبنای دیدن نیست بلکه برمبنای گواهی کسانی است که دیده‌اند؛ به وسیله این ایمان، مسیحیان با مسیح برخاسته از مرگ در همبستگی عمیق هستند (۲۰:۱۷).

q- شکی نیست که این قسمت (آیات۳۱، ۳۲) پایان و نتیجه‌گیری انجیل بوده و یوحنا اظهار می‌کند منظور و هدف او از نوشتن انجیل چه بوده است.

r- منظور پیشرفت در امر ایمان است در مورد کسانی که به جمعیت ایمانداران تعلق دارند؛ ولی ممکن است قصد و منظور پیشرفت در امر رسالت باشد.

s- ایمان، اساساً دربارهٔ شناختن عیسی به عنوان پسر خدا و رسالت مسیحایی او است، به کسانی که به او ایمان می‌آورند در همبستگی با او زندگی جاودانی می‌دهد (ر.ک۱:۱۲-۱۶؛ ۱۶:۳ و غیره).

t- آخرین باب انجیل که پس از آیات۲۰:۳۰-۳۱ قرار گرفته به صورت ضمیمه‌ای بشمار می‌رود، در مورد منبع و منشأ این ضمیمه بحث و تردید وجود دارد زیرا در کنار قرائن ادبی که مختص یوحنا است عبارات و نظریات نسبتاً خاصی آمده است. می‌توان تصور کرد این ضمیمه را شاگردان انجیل نگار انشاء کرده‌اند و شاید همان شاگردانی که دو آیه قبلی را نوشته‌اند و به هرصورت آیات مذکور مسلماً به انجیل ضمیمه شده‌اند.

u- این قسمت را می‌توان با روایت صید معجزه‌آمیز لو۵:۱-۱۱ در آغاز رسالت در جلیل مقایسه کرد.

v- نظیر آیات۲۰:۲-۱۰ شاگردی که عیسی به او محبت داشته (و نمونهٔ شاگردان واقعی است) اولین کسی است که خداوند را شناخته و به پطرس اطلاع می‌دهد که به عجله می‌آید.

به دویست زراع[w] و تور ماهیان را
می‌کشیدند. ۹ پس چون به خشکی پیاده
شدند نگاه کردند در آنجا آتشی افروخته مت ۴:۱۱؛ لو ۲۴:۴۱-۴۳
بود و بر آن ماهی‌ها، و نان. ۱۰ عیسی به
آنان گفت: «از آن ماهی‌ها که هم اکنون
گرفته‌اید بیاورید.» ۱۱ پس شمعون پطرس
سوار قایق شده تور پر از ماهیان بزرگ را
به خشکی کشید: صد و پنجاه و سه! و با لو ۵:۶؛ ۲ـ توا ۲:۱۶
وجود آن همه تور شکافته نشد[x]. ۱۲ عیسی
به آنان گفت: «بیائید غذائی بخورید.»
هیچ یک از شاگردان جرائت نمی‌کرد از او
بپرسد: «تو کیستی؟» درحالی که ۴:۲۷
می‌دانستند او خداوند است. ۱۳ عیسی
نزدیک آمده نان را گرفته به آنان داد و ۶:۱۱؛ مت ۱۴:۱۹؛
همچنین ماهی را[y]. ۱۴ این بار سوم بود که ۱۵:۳۶؛ مر ۶:۴۱؛ ۸:۶؛
عیسای قیام کرده از میان مردگان، خود را به لو ۹:۱۶
شاگردان نمایان کرد. ۲۰:۱۹، ۲۶

وظیفه شبانی پطرس

۱۵ پس ازخوردن غذا، عیسی به شمعون ۱:۴۲؛
پطرس گفت[z]: «شمعون [پسر] یوحنا، آیا مت ۱۶:۱۷؛ لو ۷:۴۲-۴۳؛ ۲۴:۳۴؛
مرا بیش از اینها محبت می‌کنی؟» به او ۱ـ قرن ۱۵:۵
گفت: «آری خداوندا، می‌دانی که تو را
دوست دارم[a].» به او گفت: «بره‌های مرا اع ۲۰:۲۸؛ ۱ـ پطر ۵:۲
بچران[b].» ۱۶ باز بار دوم به او گفت:
«شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا محبت
می‌کنی؟» به او گفت: «آری خداوندا،
می‌دانی که تو را دوست دارم.» [عیسی] به
او گفت: «گوسفندان مرا شبانی کن[c].» ۱۳:۳۷-۳۸؛ ۱۸:۱۷، ۲۵-
۱۷ بار سوم به او گفت: «شمعون [پسر] ۲۷؛ لو ۲۲:۳۱-۳۲؛
یوحنا آیا مرا دوست داری؟» پطرس ۲ـ سمو ۵:۲؛ مز ۷۸:۷۱-۷۲
غمگین شد از اینکه بار سوم پرسیده بود آیا
مرا دوست داری، و به او گفت: «خداوندا
تو از همه چیز آگاهی. می‌دانی که تو را
دوست دارم.» عیسی به او گفت:
«گوسفندان مرا بچران. ۱۸ آمین، آمین، به

w- اندکی کمتر از یکصد متر.

x- ممکن است منظور یوحنا از این نکته اشاره به کلیسا باشد بدین معنی که شاگردان به دستور مسیح برخاسته از مرگ عمل کرده و دست بکار می‌شوند و برخلاف انتظار از هر طرف جمعیتی واحد و متحد گرد هم می‌آورند (یوحنا برخلاف لوقا یادآوری و تأکید می‌کند که تور ماهیگیری پاره نشد [و شاید پاره شدن تور هم اشاره‌ای به جدایی و تفرقه باشد]). در مورد عدد ۱۵۳ منظور و جنبه اشاره‌ای این رقم روشن نیست. به نظر ژروم قدیس، علمای علوم طبیعی دنیای قدیم ماهیان را به ۱۵۳ نوع تقسیم می‌کردند: بدین ترتیب تور ماهیگیری رسولان بایستی تمام خانواده‌های بشریت را در کلیسای واحدی گرد آورند (ر.ک مت۱۳:۴۷-۵۰).

y- ممکن است اشاره‌ای به صرف غذای سپاسگزاری باشد (ر.ک ۶:۱-۱۳): شاگردان دعوت شده‌اند و در غذایی که خداوند برپاخاسته از مرگ به آنان می‌دهد شرکت می‌کنند.

z- شکی نیست که تکرار این سخنان یادآور اظهارات تند پطرس (۱۳:۳۷؛ مت۲۶:۳۰-۳۵؛ مر۱۴:۲۶-۳۱؛ لو۲۲:۳۱-۳۴) و سه بار انکار کردن او است (۱۳:۳۸؛ ۱۸:۱۷، ۲۵-۲۷).

a- پطرس محبت خود را اعتراف می‌کند بدون اینکه ادعا داشته باشد که در این امر بیش از دیگران است، ضمناً یادآوری می‌نماید که مسیح از دلها آگاه است.

b- عیسی در عین حال فرستادهٔ پدر و شبان منحصر به فرد است (ر.ک ۱۰:۱۴-۱۶؛ لو۱۲:۳۲ توضیح a)، برمبنای محبت واقعی که پطرس اظهار و اعتراف کرده است وظیفه شبانی گله خود را به او واگزار می‌کند (ر.ک ۱۰:۱-۱۶). به همان گونه که مأموریت رسالت مفهومی ندارد مگر اینکه در پیوستگی با رسالت «پسر» مجسم باشد (۱۷:۱۷؛ ۲۰:۲۱)، به همان گونه وظیفه شبانی به وظیفه شبانی عیسی پیوستگی دارد (مت۱۰:۶؛ اع۲۰:۲۸-۲۹؛ ۱-پطر۵:۱-۴) در اینجا چنین می‌نماید که محبت به مسیح شرط چنین وظیفه‌ای است و روح این وظیفه خواهد بود و در روایات کاتولیک با توجه و اتکاء به این متن به تدریج نظریهٔ وظیفهٔ رسالت مجمع رسولان و پاپ که رئیس این مجمع است ایجاد شده است (ر.ک مت۱۶:۱۷-۱۹؛ لو۲۲:۳۱-۳۲).

c- تفاوتی که در واژه‌ها وجود دارد چندان اهمیتی نداشته و فقط به منظور زیبایی انشاء و نگارش است.

اع ۲۱:۱۱، ۱۴؛ مت ۱۶:۲۲؛ ۲۶:۳۹؛ ۲- پطر ۱:۱۴ تو می گویم وقتی جوان تر بودی، خودت کمر
خود را می بستی و به هر جا که می خواستی
قدم برمی داشتی. اما وقتی پیر شدی،
دستها را دراز خواهی کرد و دیگری کمر تو
را خواهد بست و تو را به جایی خواهد برد
۱۲:۳۳؛ ۱۳:۳۶؛ ۱۷:۱؛ ۷:۳۹ که نمی خواهی.» ۱۹این را گفت تا نشان
بدهد [پطرس] خدا را با چه مرگی شکوه
خواهد داد[d]. این را گفته به او گفت: «به
دنبال من بیا.»

شاگرد محبوب عیسی و گواهی او

۱۳:۲۳؛ ۱۹:۲۶؛ ۲۰:۲؛ ۲۱:۷؛ ۱۳:۲۵ ۲۰پطرس سر برگردانده آن شاگرد دیگر
را که عیسی وی را محبت می کرد دید که به
دنبال ایشان می آید -همانی که در سر شام
به سینه اش تکیه داشت و گفته بود:
«خداوندا کیست آن کس که تو را تسلیم
می کند؟» - ۲۱پس پطرس با دیدن او به
عیسی گفت: «خداوندا برای او چه [خواهد
شد]؟» ۲۲عیسی به او گفت: «اگر
۱۴:۳؛ مت ۱۶:۲۸ می خواهم تا زمانی که می آیم[e] او بماند تو
را چه؟ تو به دنبال من بیا[f].» ۲۳پس این
حرف بین برادران شایع شد که: «این
شاگرد نمی میرد.» اما عیسی به پطرس
نگفته بود: «او نمی میرد.» بلکه: «اگر
می خواهم تا زمانی که بیایم او بماند تو را
چه[g]؟»
۱۵:۲۷؛ ۱۹:۳۵؛ ۳ یو ۱۲ ۲۴این همان شاگردی است که درباره
اینها شهادت می دهد و آنها را نوشته است
و ما می دانیم که شهادت او حقیقی است[h].
۲۰:۳۰ ۲۵همچنین بسیاری چیزهای دیگر عیسی
کرده است که اگر یکایک آنها را
می نوشتند به گمانم کتابهایی که از آنها
نوشته می شد جهان گنجایش آنها را
نداشت[i].

d- به خوبی روشن است که نویسنده، این باب را پس از مرگ پطرس نوشته است. او می داند که زندگانی پطرس با شکنجه ای به پایان رسیده که در اینجا عیسی اعلام می کند. به نظر نویسنده این باب، و حتی اگر یوحنا نویسنده این باب باشد (ر.ک ۳۶:۱۳ توضیح s) آیه۳۶:۱۳ حتماً اشاره به مرگ پطرس است: و بدین گونه خواهد توانست خدا را شکوهمند سازد. *دراز کردن دستها* ممکن است اشاره به مصلوب شدن باشد.

e- یعنی تا بازآمدن مسیح؛ ر.ک به عبارتی که در پایان مراسم سپاسگزاری است (۱-قرن۱۱:۲۶) و کتاب مکاشفه هم با این عبارت پایان می یابد (مکا۲۲:۷، ۱۲، ۱۷، ۲۰).

f- این عبارت مبهم و مرموز است و مفهوم آن به دشواری درک می شود. می توان چنین دریافت که پطرس باید بدون اینکه به آنچه تصریح نشده توجه نماید رسالت خود را تعقیب کند. همچنین می توان تصور کرد که شاگرد محبوب عیسی که بهتر از هر کس دیگر به راز عیسی آشنا است همچنان حضور خود را در کلیسا ادامه خواهد داد به وسیله گواهی که در این کتاب ثبت شده است.

g- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات «تو را چه؟» وجود ندارد.

h- جمعیت مسیحیان که این نوشته را جمع آوری کرده به خوبی می دانند که گواهی دائمی و واقعی شاگرد محبوب عیسی است. لازم به یادآوری است تنها در باب ۲۱ ذکر شده که شاگرد محبوب همان گواهی است که جمعیت مسیحیان وابسته به یوحنا به او وابسته است؛ با وجود این به ۱۹:۳۵ توضیح q مراجعه نمایید.

i- این آیه در تعداد زیادی از نسخه های خطی حذف شده است. مدرک نوشته موجود نمی توانند تمام فعالیت های عیسی را ذکر کرده و روشن نماید و بنابراین ما را به خود مسیح احاله می کند.

پیشگفتار

اعمال رسولان

کتاب اعمال رسولان، همچون انجیل سوم، اثر لوقا می باشد. وی که یار و یاور پولس بوده، اتفاقاتی را در این کتاب به رشتهٔ تحریر درآورده که از آنها به خوبی مطلع بوده است. در حدود سال ۲۰۰ تمام کلیسا را اعتقاد بر این بود که این اثر رسولی جزئی از نوشته های مقدس است و به این دلیل معیار راستی و ایمان بوده است. از طرفی و خیلی زود - از قرن چهارم به بعد - کتاب اعمال در مراسم نیایش ایام عید گذر خوانده می شد. به این ترتیب کتاب اعمال، ایمان کلیسای قرون اول را روشنایی بخشیده، زندگی مسیحیان را از تعمید تا شهادت روشن کرده و راهنمایی می کرده است. همان شهادتی که استیفان که خود یکی از «هفت تن» است، اولین کسی بوده که با شهادت خود راه را نشان داده است. تصویر نخستین جامعه مسیحی، روح رهبانیت در حال نشو و نما را، الهام بخشیده و از آن پس کمترین جنبش اصلاحی یا تبشیری بوده که در آن به همراه نداهای انجیل و پولس، حسرت زندگی رسولی آنگونه که در متن اعمال رسولان آمده، دیده نشود.

پس از قرن هیجدهم برخی از وجوه اصالت این کتاب زیر سؤال برده شدند. چنانچه این زیر سؤال بردن دقیق بوده و فرضیه های روشنگرانه منتقدین به اصول جزمی تبدیل نشوند و حدود انتقادات شناخته شوند، آنگاه می توانند برای فهم اعمال رسولان مفید باشند.

متن اعمال

برای خواندن یک متن قدیمی، باید آن را تصحیح کرد و در مورد اعمال، کاری پیچیده است. اکثر نسخه های این کتاب به یکی از دو روایت اصلی محوری مربوط می شوند. یکی متن مشهور به سوری یا انطاکیه ای و دیگری متن مشهور به مصری یا اسکندریه ای. اما این دو متن آنقدر به هم نزدیک هستند که جایز است آنها را با هم تلفیق کرده و از آن تحت عنوان «متن جاری» نام برد و آنگاه آن را با روایت سومی که غربی نامیده می شود مقایسه نمود. بطور کلی به نظر می رسد که این روایات غربی نشان دهندهٔ متن اولیهٔ کتاب اعمال نمی باشند ولی با وجود این، قدمت و انتشار آن چه در شرق و چه در غرب و فواید تاریخی و نظری آن قابل توجه می باشند. به همین دلیل است که در توضیحات این ترجمه (خصوصاً در باب ۱۵) بسیاری از روایات نسخهٔ فوق نقل شده است.

کتاب اعمال از نقطه نظر ادبی

وحدت انکار ناپذیر در زبان و اندیشهٔ کتاب اعمال رسولان مانعی بر تقسیم این کتاب

به دو بخش متمایز نمی باشد. بخش اول (۱-۱۲ یا ۱۵) بصورت مجموعه ای است که عناصر آن به یکدیگر متصل نیستند، بلکه گویا در کنار هم چیده شده اند. اشاره های مربوط به گاه شماری خیلی نادر هستند، زبان رنگ سامی داشته و اندیشه ها بیشتر جنبهٔ دیرینه دارند. بر عکس، قسمت دوم (۱۳ یا ۱۶-۲۸) بافتی منسجم و منظم دارد، داده های گاه شماری متعددند و زبان آن بیشتر یونانی خالص است. در چهار مورد، روایات از ضمیر سوم شخص مفرد به اول شخص جمع تغییر می کنند (۱۶:۱۰ توضیح).

واحدهای ادبی که دارای یک حداقل وسعتی باشند و بتوان آن را تشخیص داد، تقریباً همگی یا گزارش تبشیری اند (۱:۲-۴۱ ؛ ۴:۸-۴۰ ؛ ۹:۳۲-۱۱:۱۸ ؛ ۱۳:۱ - ۲۱:۲۶) یا گزارش محاکم (۴:۱-۳۱ ؛۵:۱۷-۴۲ ؛ ۶:۸-۸:۱ ؛ ۱۲:۱-۷ ؛ ۲۱:۲۷ - ۲۶:۳۲) و آخرین محاکمه با یک گزارش طولانی از یک سفر (۲۶-۲۸) ادامه می یابد.

کوچکترین واحدهای ادبی را که با تجزیه و تحلیل در این مجموعه های پیچیده می توان تمیز داد، به دو بخش تعلق دارند: گزارش و سخنرانی.

گزارشات توأم با گفتگو و یا بدون گفتگو (۱۰:۲۵-۳۳ ؛ ۲۱:۳۷-۳۹ ؛ ۲۳:۱-۵ ؛ ۲۵:۸-۱۲ و غیره) بسیار متنوع می باشند (۱: ۶-۱۱ ؛ ۲: ۱-۱۳ ؛ ۳:۱-۱۰ ؛ ۴: ۱-۲۲ ؛ ۵:۱-۱۱،۱۷-۴۲ ؛ ۸:۵-۲۵ و غیره). امور خارق العاده در آن جایگاهی مهم دارند. مطالب فهرست وار و یا توضیحات کلی قسمت اول کتاب که به کلیسای اورشلیم (۴۲:۲ توضیح) مربوط می شوند، از نوع گزارش می باشند. تأکیدهای کوتاه پراکنده (۶:۷ ؛ ۹:۳۱ ؛ و غیره ؛ ۱۶:۵ ؛ ۱۹:۱۰،۲۰ ؛ و غیره) را نیز می توان به نقل واقعه نزدیک دانست.

سخنرانی ها نیز بسیار متنوع می باشند. بیشترشان توسط مسیحیان ارائه شده اند: سخنرانی تبشیری متنوع (۲:۱۴ توضیح؛ ۱۰:۳۶ توضیح؛ ۱۴:۱۵ توضیح)، دفاعیه در مقابل دادگاه های یهودی یا رومی (۴:۸-۱۲ ؛ ۵:۲۹-۳۲ ؛ ۷:۲ توضیح ؛ ۲۲:۱ توضیح)، سخنرانی خطاب به دیگر مسیحیان (۱:۱۶-۲۲ ؛ ۱۱:۴-۱۷ ؛ ۱۵:۷ توضیح ؛ ۱۵:۱۳ توضیح ؛ ۲۰:۱۸ توضیح). به این سخنرانی های مسیحی می توان نیایش ها (۴:۲۴ توضیح) و یک نامه (۱۵:۲۳،۲۹) را نیز اضافه کرد. از طرف دیگر چند خطابهٔ کوتاه (۵:۳۵-۳۹ ؛ ۱۹:۲۵-۲۷، ۳۵-۴۰ ؛ ۲۴:۲-۸ ؛ ۲۵: ۱۴-۲۱) و یک نامه (۲۳:۲۵ توضیح) به یهودیان و یا به افرادی از ملل غیر یهود نسبت داده می شوند.

مطمئناً مؤلف اعمال از منابعی استفاده کرده: نشانه های آن فراوان می باشند. این منابع کتبی بوده اند یا شفاهی؟ شاید هر دو. بهر حال این منابع به اندازهٔ کافی مورد اعتماد بوده اند. به احتمال زیاد همین ها هستند که تنوع دو بخش کتاب را باعث می شوند، بدون این که نظم یکسان تألیف کتاب را - که نتیجهٔ ویراستاری ادبی است - بهم بزنند. متأسفانه تشخیص دقیق و قاطع این منابع بس دشوار است، حتی در مورد یادداشت های راه یا سفرنامه نیز هر چند که گزارش های آن با ضمیر «ما» وجود چنین سفرنامه ای را تأیید می کند، ولی حدود دقیق آن مشخص نیست.

بر عکس به نحو بهتری می توان ریشهٔ این منابع را در زندگی کلیسای نخستین ردیابی کرد. هر کلیسا می بایستی خاطرات بنیادگزاری و تاریخش را نگه داری کند (ر.ک ۱- تیمو ۱:۲؛۶:۱ ؛ ۱- قرن ۲: ۱-۵ ؛ ۳:۵-۶ ؛ و غیره) و بعضی از وقایع پایه گزار خود را بشناسد (۱- تیمو ۲:۲ ؛ ۳:۱- ۲ ؛ ۲- قرن ۲۲:۱۱؛ ۱۲:۱۰ ؛ غلا ۱۵:۱ - ۱۴:۳ ؛ غیره ؛ عبر ۷:۱۳) این اطلاعات، آموزنده، اعجاب برانگیز یا زیبا، می توانسته از کلیسایی به کلیسای دیگری برود (۱ - تیمو ۸:۱ ؛ ۱۴:۲ ؛ ۱-قرن ۱:۱۶ ؛ ۲-قرن ۵:۸ ؛ غلا ۱۳:۱- ۲۳ ؛ ر.ک اعمال ۲۷:۱۴ ؛ ۳:۱۵-۴) و مراکزی مانند اورشلیم و یا انطاکیه (۱۹:۱۱ توضیح) احتمالاً موقعیت بهتری داشته و اطلاعاتی شفاهی یا کتبی از این نوع را دریافت کرده و نگه داری می کرده اند. همینطور باید اضافه کرد که چنانچه نویسنده «سفرنامه» همان نویسندهٔ اعمال باشد، این یار و یاور پولس خاطرات شخصی اش را نیز در اختیار خود داشته است.

کتاب اعمال و تاریخ

منابع کتاب اعمال هر چه باشند، موضوع ارزیابی تاریخی کتاب اعمال و قبل از هر چیز ارزش چهارچوبی که گزارشات و سخنرانی ها در آن قرار دارند، ممکن و لازم می باشد. از یک طرف داده های تاریخ عمومی و باستان شناسی، و از طرف دیگر داده های بقیهٔ عهد جدید و خصوصاً مراسلات پولس به ما اجازه می دهند تا این ارزیابی را از طریق مقایسه انجام داده، به دقیق بودن این چهارچوب و بعضی جزئیات آن پی ببریم. نتایج این ارزیابی ها بیشتر حکایت از درستی و صحت کتاب اعمال دارند و به ما اجازه می دهند عناصر یک گاه شماری - به اندازهٔ کافی استوار - را در بارهٔ ابتدای مسیحیت و زندگی و نامه های پولس برقرار کنیم. این موقعیت، مورخ را به اعتماد نسبت به داده های فراوان کتاب دعوت می کند، جایی که اثبات واقعه ها بر شواهد خارج از کتاب اعمال میسر نیست، باید به مطالب ثبت شده در این کتاب، با نگاه انتقادی در همین چارچوب اکتفا کند.

این نظر انتقادی، گاه و بیگاه اختلافات و تنش های موجود در گزارش ها را ضبط کرده، این موارد یا به عدم اطمینان و یا به نبود اطلاعات مؤلف مربوط می شوند و یا هم به مواردی مربوط می شوند که مؤلف عمداً داده های منابع را تفسیر یا دگرگون کرده است. راست نمایی گزارشات ملاک دیگری است ولی استفاده از آن خالی از اشکال نمی باشد، زیرا که دلایلی را به میان می کشد، که همگی جنبهٔ تاریخی ندارند. در اینجا مشکل ترین موارد مربوط به امور خارق العاده و خصوصاً معجزات می باشند. البته ممکن است و گاهی محتمل، که مؤلف و گاهی قبل از وی منابعش، بعضی از قسمت های گزارش را تأیید کرده باشند. ولی منتقدین نباید فراموش کنند که معجزه، نقش مهمی در مسیحیت نخستین داشته (روم ۱۸:۱۵ و بعد؛ ۲- قرن ۱۲:۱۲؛ عبر ۴:۲ ؛ ر.ک مر ۱۷:۱۶ و بعد). در این موارد به غیر از گرایش پولس، کتاب اعمال کاری جز ترسیم وقایع تأیید شده در جای دیگر - انجام نمی دهد.

واقعیت تاریخی سخنرانی ها، مشکلات پیچیده تری به دنبال دارد، پیچیده تر از آنچه

مربوط به بخش های گزارشی است. می دانیم که مورخین قدیم، کم و بیش سخنرانی افراد را ساخته و در دهان آنان می گذارند، و این را امری متعارف می دانسته اند. کوتاه بودن اکثر سخنرانی های اعمال مانع از آن می شود که آنرا رونویسی کلمه به کلمه و یا محافظهٔ تام بدانیم. عدم راست نمایی بعضی از موارد (۱۵:۱۵ توضیح؛ و غیره) و شباهتی خاص در زبان یا نظر بین سخنرانی ها و گزارشات، حاکی از دخالتی کم و بیش مهم از طرف مؤلف به هنگام تألیف سخنرانی ها می باشد. ولی این موارد سبب تکذیب ارزش سندی آنها نمی شوند. دلایل محکمی وجود دارند بر اینکه مثلاً ساختار کلی بر مبنای عناصر سخنرانی های تبشیری و یا سخنرانی های پولس به پیران افسس (۲۰:۱۸-۳۸) انعکاس دقیقی از انواع موعظه های مسیحی می باشد. در مورد سخنرانی های دیگر باید گفت که معمولاً راست نما هستند، ولی ارزیابی دقیق تاریخی آنان بستگی به اعتباری دارد که به اطلاعات مؤلف و خصوصاً به اطلاعات «سفرنامه» بدهیم.

آخرین جنبه کتاب اعمال که باید به آن اشاره کرد، سکوت های آن می باشد. به عنوان مثال این کتاب چیزی دربارهٔ تأسیس کلیساهای متعددی، که از آنها نام می برد، نمی گوید (۱۳:۲۸ توضیح) و کلمه ای در مورد درگیری های پولس با کلیسای قرنتس (۱:۱۹ توضیح) به میان نمی آورد. این سکوت ها و چندین مورد دیگر که هستند، نشان می دهند که کتاب اعمال نه یک تاریخ عمومی مسیحیت نخستین است و نه زندگی نامهٔ کامل پولس.

خدا شناسی کتاب اعمال

مطرح کردن کتاب اعمال صرفاً به عنوان مدرک تاریخی اشتباه است، چرا که آن تاریخی را که مطرح می کند، در پرتو ایمان آن را بیان و تفسیر می کند. در ابتدا، سخنرانی ها تاریخ گذشته را به نحو خود تعبیر می کند، تاریخی که به مناسبتی خاص به آن، یا به جزئی از آن اشاره می کند (۲: ۱۶-۲۱، ۳۳ ؛ ۴:۱۰-۱۲ ؛ ۱۷:۱۱ و بعدی ؛ و غیره). اما این تفسیر از روی ایمان در بخش گزارشات نیز، خود را نشان می دهد، جایی که خدا به عنوان یکی از عاملین گزارش دخالت می کند. او- خدا- توسط فرشته اش (۸:۲۳ توضیح)، توسط روحش (۸:۱ توضیح)، توسط مبشرین مسیحی (۱۵: ۴-۱۲ ؛ ۱۱:۱۹ ؛ و غیره) عمل می کند، رشد کلیساها کار اوست (۴۷:۲ ؛ ۲۱:۱۱و۲۳) ؛ و غیره. در این کتاب هدف گیری تاریخی، واضح تر از اناجیل در اهداف مذهبی جوش خورده، مانند مورخین قدیمی اسرائیل، مؤلف، مورخ است، ولی مورخی مؤمن. برای درک او باید ایمانش را به حساب آورد، ایمانش و محتویات ایمانش را، به عبارتی دیگر «الهیات» یا خدا شناسی وی را. این الهیات در همه جای کتاب حاضرند، ولی جوهر آن در سخنرانی ها و خصوصاً در سخنرانی های تبشیری موجود است.

تاریخ نجات

موعظهٔ مسیحی شامل اعلام تاریخ نجات است، تاریخی که خدا عامل اصلی آن است، خدایی که جهان را آفریده (۲۴:۱۷ ؛ و غیره) و قوم اسرائیل را برگزیده (۲۵:۳ ؛ ۱۷:۱۳ ؛

و غیره). بدین ترتیب در قلب تاریخ دنیا، قانون و کتب انبیاء جزئی از انجیل بوده و بخش اول آن را تشکیل می دهند (۱۷:۱۳-۲۲ ؛ ۲:۷-۵۰)، بخشی که شامل پیش نماها (۲۵:۷ توضیح) و خصوصاً وعده های پیامبران می باشد، وعده هایی که نقشهٔ خدا را به آگاهی می رسانند (۲۳:۲ توضیح).

زمان تحقق و اتمام (۱۸:۳ توضیح) وقتی آغاز می گردد که خدا عیسی را «مبعوث» می کند (۲۲:۳، ۲۶ ؛ ۲۳:۱۳) و زندگانی، موعظه ها و معجزات وی را (۲۲:۱ ؛ ۲۲:۲ ؛ ۳۶:۱۰-۳۸) بر عهدهٔ خود می گیرد، بدون آن که یهودیان را بر آن آگاهی باشد (۱۳:۳ توضیح) رنج و مرگ عیسی در تحقق مشیت خدا مداومت دارد و وقتی سرانجام خدا عیسی را از میان مردگان بر می خیزاند وی را «خداوند و مسیح» می گرداند (۳۶:۲ توضیح) و روح القدس موعود را به وی ارزانی می دارد (۳۳:۲) و آنگاه «وعده ای را که به پدران داده بود» به نوعی به صورت کمال تحقق فرا می رسد (۲۲:۱۳ و بعد). اما این وعده ای را که به قوم بنی اسرائیل و به بشریت (۳۹:۲ توضیح) تا « اقصای زمین » (۸:۱ توضیح) داده شده، تحقق آن خود گشایش گر زمان و مکانی است که در آن تاریخ نجات به راه خود ادامه می دهد. زمان حال آنچنان مورد توجه کتاب اعمال رسولان است (ر.ک لو ۲۱:۴ توضیح) که آینده را در یک نوع سایهٔ مبهمی ترسیم می کند (ر.ک ۱: ۷، ۱۰ و بعد) هر چند که آینده هنوز افق های نهایی کتاب است: روزی که خدا با فرستادن مسیح، «داور زندگان و مردگان»، تحقق مشیت خود را به پایان رساند (۴۲:۱۰ توضیح ؛ ر.ک ۲۰:۳).

امروز خدا

از نقطه نظر کتاب اعمال رسولان، آنچه را که بعد از رستاخیز دیده و می شنویم (۳۳:۲) همان مداومت تحقق [پیشگویی] سخنان پیامبران است (۲: ۱۶-۲۱ ؛ ۴۰:۱۳ و بعد ؛ ۱۵: ۱۵-۱۸ ؛ ۲۸: ۲۵-۲۷). خدا همواره عامل اصلی است و عیسی، با وجود ناپدید شدن، به همراهی خدا، محور رویدادها است: رسالت وی ادامه دارد (۲۶:۳)، روح القدس را ارزانی می دارد (۳۳:۲)، روحی که به کلیسا حیات می بخشد (۸:۱ توضیح) و خود، توسط پولس، «نور را به قوم و به ملت های [غیر یهود] اعلام» می کند (۲۳:۲۶). چنین دیدی از زمان حال تاریخ نجات - و این شایستهٔ توجه است - از سوی نویسندهٔ کتاب اعمال ابداع نشده، چرا که قبل از آن نزد پولس نیز به چشم می خورد. به نظر پولس، «وعده های خدا» در صلیب و رستاخیز عیسی «جواب مثبتی یافته اند» (۲- قرن ۲۰:۱)، و اهمیتی که پولس برای صلیب و رستاخیز قائل می شود، عیسایی که در وی وعده های خدا تأیید می شوند، پولس را به این هدایت می کند که با هدف یک «امروز» فکر و عمل کند (ر.ک ۲- قرن ۶،۲)، امروزی که هنوز نوشته های مقدس در آن تکمیل می شوند، تکمیلی در نجات به توسط ایمان، (غلا ۳: ۶-۹ ؛ روم ۱۷:۱ ؛ ۴ ؛ و غیره) به انجام می رسند. از نظر پولس و همینطور از نظر کتاب اعمال رسولان، موعظهٔ تبشیری، عین سخن خدا است که عمل کرده و منتشر می شود (۱- تسا ۱۳:۲ و بعد ؛ ۲- تسا ۱:۳ ؛ کول ۱: ۵-۶) و اصالت آن با نشانه هایی به اثبات می رسد (روم ۱۹:۱۵ ؛ ۲- قرن ۱۲-۱۲).

گرویدن پولس به عیسی بخشی از مشیت خداست (غلا ۱:۱۱ و بعد، ۱۵ و بعد ؛ و غیره).

زندگی کلیساها از دید او همچون ادامهٔ زمان عیسی است (۱- تسا ۱۴:۲ و بعد: ر.ک عبر ۲: ۳-۴). بنا بر این مؤلف کتاب اعمال رسولان، اولین شخصی نیست که اهمیت زمان حال را در طرح خدا دیده است، اما به این فعلیت یا «امروز خدا» از این روی اهمیت خاص بخشیده است که تصمیم به نوشتن کتاب اعمال به حکم ادامهٔ نگاشتن انجیل خود گرفته است (۱:۱).

سخن خدا و «فضای» آن: طرح [و ترتیب] کتاب اعمال رسولان

از دید کتاب اعمال، این «امروز» قبل از هر چیز زمان کلام خداست، نوید و شهادتی است که عیسای برخاسته از مرگ را خداوند و مسیح اعلام می کند. اگر چه نخستین شاهدان این ایمان، منحصراً دوازده رسول اند (۲:۱ توضیح ؛ ۲۲ توضیح) ولی استیفان، فیلیپس، برنابا و افراد دیگری با پولس در صف مقدم (۳۱:۱۲ توضیح) در امر اعلام سخن، که تا پایان کتاب طنین آن به گوش می رسد (۳۰:۲۸ و بعد) مشارکت دارند.

کتاب اعمال رسولان، وضوحاً، به فضای انسانی و جغرافیایی که این کلام در آن منتشر می شود، توجه می کند. در انجیل لوقا ظهور عیسی از ناصره شروع گردیده و در اورشلیم خاتمه می یابد. در کتاب اعمال، انجیل (خبر خوش) از اورشلیم حرکت کرده (۲ - ۵) به سامره و یهودیه (۱:۸ توضیح) رسیده سپس به فینیقیه، قبرس و سوریه (۱۱: ۱۹-۲۲) می رسد، جایی که از آنجا مجدداً به طرف آسیای صغیر و یونان حرکت می کند (۱۳-۱۸) و بعد از آن به رم می رسد (۳۰:۲۸ توضیح). این چنین، سیر سخن تا به «اقصای زمین» که خواست عیسای برخاسته از مرگ بود (۸:۱) و پیش نماد آن در روز جشن پنجاهه به ظهور پیوست (۱۰:۲ توضیح) به مرحله ای قطعی رسید. حال اگر انجیل همه جا اعلام می گردد برای آن است که مخاطب آن «همه بشریت» است (۳۱:۱۷): نخست قوم اسرائیل (۳۹:۲ توضیح ؛ ۳: ۲۵-۲۶)، سپس ملل غیریهود. طبق خواست خدا (۳۹:۲ ؛ ۱۵: ۷-۱۱، ۱۴) و خواست عیسی (۲۱:۲۲ توضیح) انتقال انجیل و نجات به غیر یهود (۴۶:۱۳ توضیح) موضوع اصلی کتاب را تشکیل می دهد. گرویدن کرنلیوس (۱:۱۰ توضیح) و رساندن نوید انجیل به یونانیان انطاکیه (۱۹:۱۱ توضیح) رسالت برنابا و پولس (۱:۱۳ توضیح) از نخستین مراحل این گشایش است که در انطاکیه و اورشلیم زیر سؤال برده شده و از این به بعد مورد تأیید قرار می گیرد (۱:۱۵ توضیح). و به این ترتیب پولس قادر به اجرای رسالت بزرگ خود می گردد (۳۶:۱۵ توضیح) که به یمن دورهٔ اسارتش (۳۳:۲۱ - ۱۴:۲۸) امکان می یابد تا پیام انجیل را بر حسب رسالت خاص خود تا رم، پایتخت ملت های غیر یهود (۳۱:۲۸ توضیح) برساند. مبهمات در جزئیات هر چه باشند، خطوط برجستهٔ طرح کتاب اعمال در این مراحل هم جغرافیایی و هم انسانی که مشخص کنندهٔ نشر سخن خداست به روشنی ظاهر می شود.

گرایش به ایمان، تعمید و موهبت روح القدس

موعظهٔ مسیحی شنوندگان را به گرویدن (۱۹:۳ توضیح)، و بیرون آمدن از جهالت (۱۷:۳ توضیح) و در یک کلام، به این ایمان که عیسی، خداوند و مسیح است(۳۶:۲ توضیح) دعوت می کند. با وجود این که ایمان، از دید کتاب اعمال رسولان، عملی است آزادانه از طرف انسان، ولی موهبتی است از طرف خدا (۳۱:۵ ؛ ۱۸:۱۱ ؛ ۹:۱۵ ؛۱۴:۱۶؛وغیره). تنها این خداست که «گشایندهٔ در ایمان است» (۲۷:۱۴) و توسط خداوند عیسی، نجات می دهد (۱۲:۴ توضیح ؛ ۱۱:۱۵). به موهبت دوگانهٔ الهی، عفو و بخشش گناهان (۲۶:۳ توضیح ؛ ۳۱:۵ ؛ ۴۳:۱۰ ؛ و غیره) و مشارکت در روح القدس که توسط عیسی بر ما فیضان می شود (۳۸:۲ ؛ ۴۵:۱۰ ؛ ۱۷:۱۱)، به طوری رازگونه، از سوی کلیسای آیینی دوگانه مربوط می شود: برای بخشایش گناهان، تعمید در آب «به نام عیسی مسیح» (۳۸:۲ توضیح ؛ ر.ک ۵:۱ توضیح ؛ ۵:۱۹ توضیح)؛ و برای موهبت روح القدس، دستگذاری (۶:۶ توضیح؛ ولی ر.ک به ۴۴:۱۰ توضیح). ایمان آورندگان نوین از این به بعد «تعمید یافته در روح القدس» هستند (۵:۱ ؛ ۱۶:۱۱) و در وعده ها شریک می شوند.

کلیساها، کلیسا، قوم خدا

بدین نحو گروندگان در جماعت هایی پذیرفته می شوند که کتاب اعمال در دادن عنوان «کلیساها» به آنان تأخیر نمی کند (۱۱:۵ توضیح ؛ ۳۸:۷ توضیح ؛ ۲۶:۱۱ توضیح). تکثر این جماعات، که در کتاب واضح است، مانع از آن نمی شود که آگاه به راه روی در یک «راه خدا» (۲:۹ توضیح) باشند که اعضایش هر جا که باشند، به یک نام نامیده خواهند شد که روزی عنوان همگی آنها «مسیحی» خواهد بود (۲۶:۱۱ توضیح ؛ ۲۸:۲۶) پس جای شگفتی نخواهد بود که واژهٔ «کلیسا» به معنای مجموع «کلیساها» نیز به کار برده شود. «کلیسای خدا که با خون خود آن را به دست آورده است» (۲۸:۲۰ توضیح ؛ ر.ک ۳۱:۹ توضیح). به هر حال روشن است که از دید مؤلف، مجموعهٔ ایمانداران تشکیل دهندهٔ تنها قوم یکتای خدا هستند که در آن ایمان است که مختونان و نامختونان را گردهم می آورد (۱۴:۱۵ توضیح ؛ ر.ک ۱۰:۱۸) در حالی که کسانی که «به عیسی گوش نداده باشند از میان آن بر کنده خواهند شد» (۲۳:۳ توضیح ؛ ر.ک ۴۶:۱۳ توضیح).

این قوم و این کلیساها از آن خدا است و به شیوهٔ خاص به وی و به خداوند عیسی نزدیک می باشند. تعدی به مسیحیان در حکم تعدی به شخص عیسی است (۵:۹ توضیح) و ورود به هر یک از این مجامع به مفهوم پیوستن به خداوند است (ر.ک ۴۷:۲ و ۱۴:۵ ؛ ۲۴:۱۱)، خداوندی که روحش تمام زندگی کلیسا را به حرکت درآورده و آن را رهبری می کند (۸:۱ توضیح ؛ ۵: ۳-۴، ۹ ؛ ۳۱:۹ ؛ ۲۸:۱۵ ؛ ۲۸:۲۰ ؛ و غیره).

حیات کلیساها

در همان حالی که مطالب فهرست وار کتاب اعمال خواننده را می گذارد که [امکان

آن می دهد تا] زندگی کلیساهای اولیه را آن طوری که بوده و یا می خواسته باشد، حدس بزند، در عین حال آنچه را به نظر نویسنده، آرمان جامعهٔ مسیحی بوده و می بایست به طرف آن برود، بطور کامل آشکار کرده است.

نخستین فهرست واره بیش از هر چیز متذکر سعی و کوشش در فراگیری «آموزش رسولان» می باشد (۴۲:۲) -که آموزش مسئولان دیگرِ کلیسا جایگزین آن خواهد شد (۲۲:۱۴ ؛ ۷:۲۰، ۱۸-۳۵ ؛ و غیره). این آموزه کاربرد پیامی را که گروندگان به آن ایمان آورده اند مداومت می دهد. احتمالاً «اخلاق» در این مقوله با تأکید بر محبت برادرانه (ر.ک ۳۵:۲۰) از جایگاه مهمی برخوردار است. «همرأیی برادرانه» به هر تقدیر از جنبه های زندگانی مسیحی است که بلافاصله پس از آموزه ها قرار دارد. همرأیی برادرانه، مبتنی بر « یک قلب و یک روح» است (۳۲:۴ ؛ ۴۴:۲ توضیح) -و بخش میانی کتاب در واقع تعریف می کند که چگونه این همرأیی کلیساها که در آن هم مختونان و هم نامختونان شرکت می کردند از هم پاشیدگی رهایی یافت (۱۵: ۱-۳۵). این همرأیی روحانی با به اشتراک گذاشتن اموال (۴۴:۲ توضیح) و یا حداقل با تقسیم کردن بین برادران (۳۶:۹ توضیح ؛ ۴۸:۱۰ توضیح ؛۳۴:۲۰ ؛ ۲۴:۲۱) یا بین کلیساها (۲۹:۱۱ توضیح) شکوفا می شود.

دو عنصر دیگر تشکیل دهندهٔ زندگی کلیساها که کتاب اعمال آنها را یادداشت می کند عبارتند از «پاره کردن نان و آیین نیایش» (۴۲:۲). منظور از پاره کردن نان حتماً همان مراسم شکرگزاری می باشد (۴۲:۲ توضیح : ۲:۱۳ توضیح ؛ ۷:۲۰ توضیحات). اما نیایش ها، صرفاً بخشی از آیین شکرگزاری، یا آیین تعمید (ر.ک ۱۶:۲۲) و آیین دستگذاری (۱۵:۸، ۱۷) نبوده بلکه سراسر زندگی روزمرهٔ کلیساها و مسیحیان را همراهی می کرد (۱۴:۱ ؛ ۲۴:۴ توضیح ؛ ۴۰:۹ ؛ ۹:۱۰ ؛ ۱۲: ۵-۱۲ ؛ و غیره).

دوازده رسول، هفت تن، پولس، پیامبران، پیران

در درون کلیساها گروه هایی از ایمانداران وجود دارند که مجری وظایف خاصی اند. قبل از همه گروه دوازده رسول (۲:۱ توضیح) در اطراف پطرس (۱۳:۱ ؛ ۱۴:۲ ؛ ۳:۵ ؛ ۲۹ ؛ ۳۲:۹ ؛ و غیره ؛ ۷:۱۵) در اورشلیم و در خارج این شهر جایی یگانه در نوع خود دارند. نقش آنان در رسالت اساسی شان که شهادت دادن (۸:۱ توضیح) و خدمت سخن (۲:۶) بوده فراتر رفته است(۴: ۳۳-۳۷ ؛ ۱۲:۵، ۱۸، ۴۰ ؛ ۲۷:۹ ؛ و غیره). حضورشان در اورشلیم - در ابتدا - بدون تردید حکایت از این دارد که احتمالاً این مجمع صدر مسیحی نقش مرکز و تنظیم کننده را ایفاء کرده است (۱۴:۸ ؛ ۳۲:۹ ؛ ۱:۱۱، ۲۷-۳۰ ؛ ۱۵: ۲-۳۶ توضیح). رسولان هستند، که غرق در مسئولیت های خارج از توان خود و در پی حفظ اساس آن، دست به ایجاد گروه هفت تن زدند (۱:۶ توضیح). از طرف دیگر این خود عیسی است که به پولس رسالتی را واگذار می کند که هر چند در نقشهٔ رسولان نیست (۳۱:۱۳ توضیح) ولی اهمیتش از آن کمتر نیست (۳۱:۲۲ توضیح) و از وی بنیانگذاری و

مسئولی برای کلیساها خواهد ساخت. پیامبران در طرحی دیگر قرار دارند...

پیامبران در طرحی دیگر قرار دارند، آنان هیچ گاه به عنوان منصوبین توسط انسان شناخته نمی شوند، آنان الهام یافتگان از روح می باشند و نقش مهمی را در زندگی کلیساها اجراء می کنند (۲۷:۱۱ توضیح). وقتی کتاب اعمال در چهار چوب کلیساهای متعلق به پولس، از پیران سخن می گوید، منظورش افرادی هستند که توسط پولس منصوب شده (۲۳:۱۴ توضیح) تا در غیاب وی سرپرستی کلیساها را بر عهده گیرند (۱۸:۲۰ توضیح، ۲۸ توضیح) با نبودن اطلاعاتی دیگر، در اطراف یعقوب می توان نقش و ریشه ای مشابه برای پیران اورشلیم (۳۰:۱۱ توضیح) (۱۸:۲۱ ؛ ر.ک ۱۷:۱۲ ؛ ۱۳:۱۵) تصور کرد. بدون آنکه نویسنده بر آن تأکید کند، نهاد کلیسا و کلیساهای محلی حداقل دارای یک نوع سازماندهی می باشند. با وجود این، نقش «برادران» ساده و کم اهمیت گرفته نشده است. این که این برادران پیامبر باشند یا نه، در چندین نوبت در تصمیمات مهم شرکت می کنند (۱۵:۱ و بعد ؛ ۳:۶ ؛ ۱۳: ۱-۳ ؛ ۲۳:۱۴ توضیح) و این یک تصمیم «روح» است که - با اجماع کل کلیسا - مجلس اورشلیم را به پایان می برد (۲۲:۱۵، ۲۳ توضیح، ۲۸): احتمالاً از نقطه نظر نویسنده، اداره و نظام ایده‌آل کلیسا در جهت همرأیی چنین است.

قانون موسی و ایمان به عیسی

باید مطلب دیگری را در بارهٔ خداشناسی کتاب اعمال - به دلیل اهمیت آن - جداگانه بررسی کرد، و آن نظر نویسنده است دربارهٔ تحول از یهودیت به مسیحیت و گذر از «نجات توسط قانون» (۵،۱:۱۵) به سوی «نجات توسط ایمان و فیض خدا» (۱۱،۹:۱۵)؟

در حضور فرماندار فلیکس پولس تأکید می کند- البته نه خالی از تناقض ظاهری - که با پیروی از «راه» و مسیحی بودن، کاملاً به ایمان و امید اسرائیل وفادار مانده است (۲۲:۲۶ توضیح). یهودیانی که به مسیحیت می گرویدند از عمل کردن به قانون موسی (۴۶:۲ توضیح) و ختنه و دیگر سنت های یهودی گری پرهیز نمی کردند (۵:۱۵ ؛ ۲۰:۲۱ و بعد). و پطرس نیز استثنا نبود (۱۴،۹:۱۰). شاید استیفان کمتر از آنچه دشمنانش می گفتند، با قانون موسی مخالفت می کرده (۱۳:۶ توضیح) و پولس ادعا کرده (۲۴:۲۱ ؛ ۸:۲۵) و خود را وفادار به قانون (۳:۱۶ توضیح ؛ ۲۶:۲۱ ؛ ۱۷:۲۲) نشان می دهد. کلیسای یهودی، با وجود کلیسا بودن، عمیقاً در یهودیت غوطه می خورد. به نظر می رسد که با انتقاد نکردن از این موقعیت، کتاب اعمال آنرا می پذیرد.

ولی این اسرائیل که هم اکنون از طریق عیسی «خداوند و مسیح» از وعده ها بهره می برد. بایستی - به طرقی که نه عیسی و نه خدا بر یهودیان آشکار ساخته اند ـ ملل غیر یهود را بپذیرد. خدا، خود برای گرایش اولین نامختونان، یعنی کرنلیوس و متعلقینش در قیصریه (۱:۱۰ توضیح) دخالت می کند. او به پطرس می فهماند که معاشرت با این آدم های پاک شده از طریق ایمان و همسفر شدن با آنان، باعث نجاست برای یک یهودی

نمی باشد (۲۸:۱۰ توضیح، ۳۵ توضیح). کلیسای یهودی - مسیحی اورشلیم این واقعه را قبول کرده و گرامی می دارد (۱۸:۱۱)؛ معذالک بعضی از اعضایش آن را یک استثنا می نامند: البته زمانی می رسد که می خواهند ختنه و قانون را به عنوان شرطی ضروری برای نجات (۵،۱:۱۵) بر یونانیان مسیحی شدهٔ انطاکیه (۱۱: ۲۰-۲۱) تحمیل کنند؛ احتمالاً این روش قاطعی بود برای حل مسائل مطرح شده در همزیستی و هم سفره شدن یهودی و غیر یهودی در کلیساها. به نظر نویسندهٔ کتاب اعمال راه حل این مسائل یکباره و برای همیشه در قیصریه داده شده و نویسنده با خرسندیه واضحی پیروزی در اورشلیم را شرح می دهد (۱۵: ۴-۲۹). درست است که این پیروزی از طریق یک سازش بدست آمده (۱۹:۱۵ توضیح، ۲۰ توضیح) - سازشی که همرأیی کلیسا را حفظ می کند، البته اساس حفظ شده: مختون یا نامختون، از طریق ایمان و فیض خداوند عیسی است که مسیحیان نجات می یابند (۱۱،۹:۱۵).

در این صورت یک یهودی مسیحی شده، چه دلیلی می تواند داشته باشد که به قانون و ختنه وفادار بماند؟ نویسنده دربارهٔ آن هیچ نمی گوید. شاید هم این سؤال را از خود نپرسیده است. به هر صورت نمی بایستی این سؤال برایش از اهمیت درجه یک برخوردار باشد، چرا که وضوحاً وی فکر می کند که در مقابل رد کردن انجیل توسط اکثریت یهودیان (۴۶:۱۳ توضیح) از این پس بایستی نجات را خصوصاً بلکه منحصراً (۳۰:۲۸ توضیح) به غیر یهودیان ارائه داد (۲۸:۲۸ توضیح).

کتاب اعمال برای که و برای چه؟

این مسئله که سر سخن نویسنده با کیست و چه اهدافی وی را به نوشتن این کتاب وادار کرده اند، برای فهم تاریخی و عقیدتی اثرش بسیار مهم می باشند. نویسنده، احتمالاً، یهودیان را از حلقهٔ خوانندگانش بیرون ندیده: بعضی از آنان، نسبت به وفاداری مسیحیان مختون به یهودیت و یا نسبت به موضوع به وقوع پیوستن و تکمیل نوشته های یهودی، احتمالاً حساسیت داشتند. ولی کتاب اعمال اساساً خطاب به خوانندهٔ یهودی نیست. نویسنده، بیشتر از حد به رد کردن انجیل توسط قوم اسرائیل و همینطور مسئولیتشان در مرگ عیسی (۲۳:۲؛ ۳: ۱۳-۱۵؛ ۱۳: ۲۷-۲۹) و مشکلاتی که مبشرین مسیحی با آن روبرو شدند اشاره می کند. نظریهٔ مخاطبین از ملت های غیر یهود منطقی تر به نظر می رسد. آخر سر، نجات به غیر یهودیان پیشنهاد شده (۲۸:۲۸). پولس، مبشر اصلی مسیحی، به خاطر تولدش شهروند رومی است (۳۷:۱۶ توضیح). توسط دادگاه های رومی بی گناه شمرده می شود (۱۵:۱۸ توضیح) و این کاملاً به حق است چرا که او مبشر «راهی» است که نه یک حرکت سیاسی آشوبگر است (۷:۱۷ توضیح) و نه مذهبی جدید و نامشروع (۱۳:۱۸ توضیح). هر چند که محتمل نیست کتاب اعمال جهت دفاعیه ای برای پولس در مقابل دادگاه امپراتور تألیف شده باشد، ولی دلایل زیادی بر این هست که نویسنده - در حالی که کتاب را می نوشته - به این فکر بوده باشد که ممکن است خوانندگانی که هنوز ایمان ندارند آنرا بخوانند و از آن استفادهٔ معنوی ببرند.

و اما بالاخره، خود محتویات کتاب، ایمانی که در آن به روشنی و بطور مداوم اظهار می شود، مسائلی که به آنها پرداخته شده، همگی نشان می دهند که قبل از هر چیز برای مسیحیان نوشته شده است. آیا هدف اولش این بوده که از نظریه های تبشیری پولس در مقابل یهودی - مسیحی ها (یعنی یهودیان گرویده به ایمان مسیح) دفاع کند؟ در این صورت احتمالاً وفاداری به یهودیتِ اولین نسل مسیحی بیشتر پوشانده می شد، چرا که این وفاداری چیزی جز دلیل و برهان اضافی به دست چنین مخالفان نمی داد. در حقیقت به نظر می رسد که مشغلهٔ اصلی وی اساساً مثبت است: او قبل از هر چیز کتاب اعمال را همچون انجیلش، برای آموزش و سرمشق دادن به مسیحیان، نوشته است. به این هدف است که انتشار کلام را تا روزی که با اطمینان و بدون مانع، در رم طنین می اندازد نقل می کند. با تأکید بر نقش ایمان، با جهت گیری های احتمالی «یهودی گرایی» (رنگ یهودی دادن به مسیحیت) مخالفت می کند. با محترم شمردن وفاداری به یهودیت مسیحیان مختون، بدون شک، انتقاداتی را که ممکن است از طرف برادران نامختون مطرح شود، بی رنگ می سازد. در حقیقت وی مرد اتحاد و ارتباط است که کلیسا را دعوت به زندگی به رهبری روح القدس می کند، همانند کلیسای اورشلیم که یک قلب و یک روح داشته است.

نویسنده و تاریخ تألیف اعمال رسولان

همان طور که این مقدمه نشان می دهد می توان مدت زیادی از کتاب اعمال صحبت کرد، بدون شناسایی نویسنده و یا تاریخ تألیف آن. ولی برای کسی که می خواهد کتاب را به خوبی و کمال درک کرده و بفهمد، مسئله شناسایی نویسنده اهمیت کمتری از شناسایی مخاطبین و اهداف نویسندهٔ کتاب ندارد.

نویسندهٔ کتاب اعمال، همان نویسندهٔ سومین انجیل می باشد. این باور طی قرن های متمادی در کلیسا مرسوم بوده است. مقایسهٔ مقدمه های دو کتاب نیز یگانگی نویسنده را می طلبد. هر دو به تئوفیلوس تقدیم شده اند (لو ۳:۱ ؛ اع ۱:۱) و مقدمهٔ اعمال به انجیل اشاره می کند (اع ۱:۱ توضیح). مطالعهٔ زبان و فکر هر دو اثر نیز موافق یگانگی نویسندهٔ آنها می باشد. ولی او چه کسی است؟ وجود ضمیر «ما» در بعضی از قسمت های کتاب، به ما تلقین می کند که وی از اطرافیان پولس بوده است. سه دلیل زیر: - کم رنگ بودن این تلقین، - جایی را که کتاب به سفرهای تبشیری پولس داده؛ - و تطبیق با افکار پولس، همگی ما را دعوت به این می کند که برای پیدا کردن نویسنده به این جهت برویم و «لوقا، پزشک عزیز...» (کول ۱۴:۴ ؛ فیل ۲۴) تقریباً تنها شخص ممکن می باشد. ولی داده های دیگری را نیز باید مورد نظر داشت. در چند موردی مهم، توافق بین افکار اعمال و افکار پولس در نامه هایش، مبهم به نظر می رسد، مثلاً در مورد مفهوم رسالت (۳۱:۱۳ توضیح) و نقش قانون، همینطور بعضی از تأکیدها و یا سکوت های اعمال واقعاً تعجب برانگیز می باشند: چطور این یاور پولس که از طرف دیگر بطور وضوح به مسائل گرایش غیر یهودیان توجه نشان می دهد، در مورد بحران غلاطیه هیچ سخنی

نمی‌گوید؟ این مسائل واقعی هستند. آیا با وجود این می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اعمال و انجیل سوم اثر یکی از همراهان پولس نمی‌باشند و بنابراین باید محتمل بودن لوقا را کنار گذاشت؟ حداقل می‌توان گفت که این قابل بحث است.

دربارهٔ تاریخ نوشتن کتاب، یک نکته روشن است: بنابر مقدمهٔ آن (۱:۱)، پس از انجیل لوقا نوشته شده است. مدت‌های طولانی، تعیین تاریخی دقیق، مسئله ساده به نظر می‌رسید. اگر مؤلف در مورد محاکمهٔ پولس در رم چیزی نمی‌گوید، در حالی که بخش فلسطینی همین محاکمه را بطور مفصل گزارش می‌کند، احتمالاً به این دلیل است که وقتی کتابش را می‌نوشته یعنی «دو سال» (۳۰:۲۸) پس از رسیدن پولس به رم - حدود سال‌های (۶۲-۶۳) - و قبل از پایان محاکمهٔ پولس، از آن بی خبر بوده است. ولی انجیل لوقا و بیشتر از آن انجیل مرقس که از آن نیز قدیمی‌تر است باید در تواریخی قدیمی‌تر نوشته شده باشند، ولی منتقدین جدید فکر می‌کنند که این را نمی‌توانند قبول کنند. از طرف دیگر، معلوم نیست چرا مؤلف منتظر پایان محاکمه (۳۰:۲۸ توضیح) نشده تا کتابش را بنویسد و یا حداقل به پایان ببرد؟ خوانندگانش از یک محکومیت (ر.ک ۲۲:۲۰ - ۲۴ ؛ ۲۱: ۱۱-۱۴) و یا از یک حکم برائت (۳۲:۲۶ ؛ ر.ک فیل ۲۲) متعجب نمی‌شدند. در حقیقت به محض رسیدن پولس به رم، توجه به محاکمه به موضوع اصلی کتاب معطوف می‌شود: اعلان مژده نیکو در رم و در اقصاء نقاط زمین (۳۰:۲۸ توضیح) توسط کسی که رسالت گواهی دادن و شهادت دادن را در رم همچون اورشلیم (۱۱:۲۳) دریافت کرده است. این تعبیر پایان کتاب اعمال به ما دیگر اجازه نمی‌دهد تاریخی دقیق برای تألیف آن تعیین کنیم. منتقدین معاصر، انجیل سوم را به سال‌های ۷۰ نسبت داده و مایل‌اند که نوشتن اعمال، به تاریخی در حدود سال ۸۰ با تقریبی در حدود ۱۰ سال نسبت داده شود.

باب روز بودن کتاب اعمال

به یک مفهوم می‌توان گفت که کتاب اعمال رسولان از تمام کتب عهد جدید بیشتر باب روز است چرا که زمان و مکانی را که برای کلام بکار می‌برد برای مسیحیان باز بوده و تا آمدن خداوند عیسی (۱۱:۱) باز خواهد بود. اگر امروز برادران یاد بگیرند که این کتاب را با هم و با حوصله مطالعه کنند، از آن خواهند آموخت و یا دوباره خواهند آموخت که باید همواره و با هم گواهان یا شاهدان آن برخاسته از مرگ باشند، شاهدانی تا اقصاء نقاط زمین در کلیساهایی که تنوع آنان نباید مانعی برای تشکیل شدن قوم واحد خدا باشد. و روح مقدسی را که خداوند عیسی، امروز همچون دیروز به آنها منتقل می‌کند، شاید به آنها تصمیماتی به اتفاق آراء (۲۵:۱۵) تلقین کند، تصمیماتی که به آنها اجازه خواهند داد تا با یکدیگر راه خداوند را ادامه دهند.

اعمال رسولان

پیش گفتار

لو۱:۱ **۱** ۱ ای تئوفیلس [حقیقتاً]کتاب اول
لو۲۴:۱۹ را تألیف کردم[a] دربارهٔ همه آنچه که
عیسی کرد و آموزش داد[b] از ابتدا، ۲ تا آن
روزی که پس از دادن دستورها به وسیلهٔ
۱:۲۵-۲۶، ۲:۱۴،۳۷؛ روح القدس، به رسولان[c] برگزیدهٔ خود[d] ، به
لو۲۴:۴۸-۴۹ لو۶:۱۳ بالا برداشته شد[e] ، ۳ پس از آنکه رنج کشید،
لو۲۴:۵۱؛ ۲-پاد۲:۹-۱۱ با برهان های فراوان به آنان زنده حاضر شد،
۱۰:۴۰-۴۱ ۱۳:۳۱ به مدت چهل[f] روز بر آنان پدیدار شده در
مورد امور پادشاهی خدا[g] می گفت.
لو۲۴:۴۲-۴۳ ۴ و چون با ایشان جمع شد، به ایشان
لو۲۴:۴۹ دستور داد: از اورشلیم دور نشوید بلکه در
انتظار آن وعدهٔ پدر، که از من شنیده اید،
بمانید. ۵ فی الواقع چون که یحیی با آب ۱۶:۱۱
تعمید داد، اما شما پس از اندک روزهایی، لو۳:۱۶
در روح القدس [h] تعمید خواهید یافت.

صعود به آسمان

۶ پس ایشان که دور هم گرد آمده بودند،
حقیقتاً از او سؤال کرده و می گفتند:
«خداوندا، آیا در این زمان، پادشاهی[i] را ۳:۲۱
دوباره برای اسرائیل برقرار خواهی کرد؟»
۷ به ایشان گفت: «بر شما نیست که زمانها
یا اوقاتی[j] را بدانید که پدر به قدرت خود

a- منظور انجیل لوقا است. اعمال رسولان به مانند جلد دوم اثری است که انجیل لوقا جلد اول آن باشد. ر.ک. مقدمه.
b- یعنی از آغاز مأموریت عیسی، دقیقاً از تاریخ تعمید او (ر.ک. ۱۰:۳۷؛ لو ۳:۲۳).
c- بر طبق انجیل لوقا، رسولان، عبارت از دوازده نفر از پیروان و همراهان عیسی است. دربارهٔ ایشان در لو ۶:۱۳ ذکر شده چنانچه در اع ۲:۶ و ۶ نیز آمده است. این بیان خاص لوقا (در تعریف رسول) احتمالاً اوّلین بیان در این مورد نیست.
d- ترجمهٔ دیگر: به وسیلهٔ روح القدس به بالا برداشته شد.
e- صعود عیسی به آسمان مجدداً در بندهای ۱۱ و ۲۲ با همین لغت ذکر خواهد شد.
f- چنین به نظر می رسد که لوقا رستاخیز و صعود عیسی را به آسمان محدود به یک روز کرده بود(لو۲۴:۵۱ توضیح). در صورتی که در اینجا این دو واقعه به فاصلهٔ چهل روز می باشد. این چهل روز را می توان به عنوان نمونه و مبنای مدّتی درک نمود که برای فرا گرفتن آموزش های مسیح رستاخیز کرده می باشد یا حدّاقل به عنوان مدّتی که به منظور استقرار مقام و اختیارات نخستین گواهان لازم بوده است ، ر.ک. ۱:۹ توضیح.
g- این نکته موضوع آموزش و موعظه عیسی در انجیل لوقا است (لو ۴:۴۳ توضیح) همچنین موعظه های رسولان که در اعمال رسولان ذکر شده است (اع ۸: ۱۲؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۹: ۸؛ ۲۰: ۲۵؛ ۲۸: ۲۳ و ۳۱).
h- ر.ک. توضیح مت ۳:۱۱. تعمید در روح القدس عنصر اساسی انجام یافتن نبوّت های پیامبران است (۱: ۸؛ ۲: ۳۳) و در اعمال رسولان با کلمات اعطا، آمدن ، دریافت روح القدس بیان می شود. و امّا اصطلاح تعمید با آب، از این پس به معنی تعمید به نام عیسی می باشد (۲: ۳۸؛ ۸: ۱۶؛ ۱۹: ۵) ذکر نام عیسی ، اعطاء روح القدس که پس از تعمید (۲: ۳۸؛ ۸: ۱۵ و ۱۷؛ ۹: ۱۷؛ ۱۹: ۶) و استثنائاً قبل از آن انجام می شود (۱۰: ۴۴-۴۸) مختص تعمید مسیحی است و این تعمید را از تعمید یحیی متمایز می سازد (ر.ک. ۱۹: ۵ توضیح).
i- این سؤال بیان آرزوی یهودیان و تحقق قریب الوقوع آن برای قوم اسرائیل بوده و به معنی استقرار مجدد حاکمیت ملی آن اظهار شده است (ملا ۳: ۲۳؛ بنسی ۳۶:۱-۱۷؛ مر ۱۹:۱۲)ر.ک. لو۱۹:۱۱ توضیح و ۲۱: ۸. پاسخ عیسی (بندهای ۷ و ۸) زمان و مکان گواهی رسولانی را یکجا افتتاح می کند: طرح و مفهوم کتاب اعمال رسولان دراین پاسخ خلاصه شده است.
j- یعنی مراحل اجرای مشیت الهی و محتوای آن به وسیلهٔ خدا و روح القدس به تدریج در جریان اعمال رسولان آشکار خواهد شد (بند۸توضیح). ر.ک. ۳: ۲۰، ۲۱؛ ۱۷:۷؛ ۱۷:۲۶، ۳۰).

مقرر کرده است. ۸اما چون روح القدس بر
شما می‌آید[k] قدرت خواهید یافت و شما
گواهان من[l] هم در اورشلیم و در تمام اش۴۳:۱۰
یهودیه و سامره و همچنین تا به آخرین نقطهٔ
زمین[m] خواهید بود.»
۹و چون اینها را گفت همچنان که
می نگریستند به بالابرده شد و ابری[n] او لو۲۴:۵۰-۵۱
را از [پیش] چشمانشان برگرفت. ۱۰و در
حین اینکه نگاهشان را بسوی آسمان
دوخته بودند، در حالی که او می رفت، لو۲۴:۴-۶
اینک دو مرد سفید پوش بر ایشان حاضر
شدند، ۱۱و گفتند که: «ای، مردان
جلیلی! چرا ایستاده به سوی آسمان
می نگرید؟ این عیسی که از نزد شما به
سوی آسمان برداشته شد پس به همان
گونه که او را مشاهده کردید که به سوی ۲۱:۳؛
آسمان رفت،خواهد آمد[o]. لو۲۲:۶۹

گروه رسولان

۱۲آنگاه به اورشلیم برگشتند، از کوهی
مشهور به کوه زیتون که نزدیک اورشلیم و
به فاصلهٔ یک راه سبت می باشد[p] ، ۱۳و
چون وارد شدند، به بالا خانه رفتند، جایی
لو۶:۱۳-۱۶؛ که در آنجا اقامت داشتند: پطرس و یوحنا
مر۳:۱۶-۱۹؛ مت۱۰:۲-۴ هر دو و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما
، برتولما، متی، یعقوب [پسر] حلفی و
شمعون غیرتمند و یهودا [برادر] یعقوب،
لو۸:۱۹ ۱۴همهٔ اینان با زنان و مریم مادر عیسی و
برادران او[q] ، مدام و یکدل نیایش
می کردند.

افزودن متیاس به گروه یازده رسول

۱۵و در آن روزها پطرس در میان برادران[r]
[که عدد اسامی شان نزدیک به صد و
بیست بود] برپاخاسته گفت: ۱۶«ای

k- بنابر مفاد اعمال رسولان ، روح القدس مبتکر و عامل واقعی مأموریت رسولان است ، چنانکه در ماموریت خود عیسی نیز بوده است (لو ۴:۱ توضیح). خاصیت قدرت روح القدس در رفتار بشر گاهی به نحو عجیبی پدیدار می شود: مثلاً سخن گفتن به زبان ها (۲: ۴) که تشبیه به موهبت نبوت است (۱۷:۲؛ ۲۸:۱۱؛ ۲۳:۲۰؛ ۴:۲۱، ۱۱) ولی بروز این قدرت بدون نظم و ترتیب نیست : بلکه روح القدس که به عیسی منتقل گردیده و به وسیلهٔ او منتشر گردیده (۳۳:۲) در ارتباط با تعمید به نام عیسی دریافت می گردد (۵:۱ توضیح)؛ و اساساً اعطاء روح القدس به منظور موعظه و گواهی دادن است (۸:۴، ۳۱؛ ۳۲:۵؛ ۱۰:۶) و در مورد مأموریت به نزد غیر یهودیان، روح القدس با دخالت در عمل و رفتار رسولان مستقیماً وارد صحنه می شود (۱۵:۸، ۱۷؛ ۲:۱۳، ۴؛ ۲۸:۱۵) و مثلاً در عمل و رفتار فیلیپس (۲۹:۸، ۴۰) و پطرس (۱۹:۱۰، ۴۴-۴۷؛ ۱۲:۱۱، ۱۵؛ ۸:۱۵) و پولس (۱۶:۶-۷؛ ۱:۱۹-۷، ۲۱؛ ۲۲:۲۰-۲۳؛ ۱۱:۲۱).

l- منظور از گواهی دادن در مورد مسیح قبل از هر چیز گواهی بر رستاخیز اوست (۲۲:۱توضیح) و در کتاب اعمال رسولان گواهان مسیح همان دوازده رسول هستند (۲۲:۱ توضیح؛ ۴۱:۱۰ توضیح) ولی کسان دیگری هم گواه او بشمار می آیند (۳۱:۱۳ توضیح؛ ۲۰:۲۲ توضیح).

m- یعنی از اورشلیم و یهودیان گرفته تا به همهٔ دنیا و قلمرو غیر یهودیان: این است میدان رسولان در گواهی دادن و طرح کتاب اعمال رسولان بدین گونه تعیین و مقرر شده است (ر.ک. مقدَمه)

n- در نوشته های عهد عتیق «ابر» یکی از عوامل تجلّی خدا (مثلاً خروج ۲۱:۱۳-۲۲) و نیز تجلّی پسر انسان است (کتاب دانیال ۱۳:۷) ر.ک. لو ۳۴:۹ توضیح ؛ ۲۷:۲۱؛ مر ۶۲:۱۴).

o- عیسی که پس از این غایب است، با این همه همیشه در زندگی کلیسا حضور خواهد داشت(ر.ک. مقدمه). لذا آمدن او به جای اینکه بازگشت باشد ، تجلی نهایی این حضور دائمی خواهد بود.

p- یعنی مسافتی را که یهودیان مجاز بودند در یک روز سبت راه پیمائی نمایند (اندکی کمتر از یک کیلومتر).

q- دربارهٔ وجود تعدادی از برادران خداوند ر.ک. ۱-قرن ۵:۹؛ مر ۳:۶؛ مت ۴۶:۱۲.

r- کلمهٔ برادران معمولاً در مورد مسیحیان و مخصوصاً مسیحیان اورشلیم بکار می رود (مثلاً ۱:۱۱؛ ۱۷:۱۲؛ ۲:۱۴؛ ۱۷:۲۱ ؛ ر.ک. ۲۶:۱۱ توضیح).

بـرادران! نـوشـتـه ای را که روح الـقـدس از
دهان داود دربارهٔ یهودا پیشگویی کرده بود
بـایـدبه انجـام بـرسـد. آن یکی که راهـنـمای لو۲۲:۴۷
آنـانی شـد که عیـسی را دسـتگـیـر کـردنـد.
[۱۷]چونـکه در شـمـار مـا بود و سهـمی از این
خـدمـت بـه او رسـیــده بـود. [۱۸]پس او[s] فی مت۲۷:۳-۱۰
الواقع با مزد بی‌عدالتی [خود] زمینی خرید
و به روی در افتاده از میان پاره شد و همه
روده هـایش پـراکـنـده شـدنـد. [۱۹]و تـمـام
ساکنان اورشلیم از آن با خبر شدند به طوری
که آن زمین را به لهجهٔ خود حقل دما یعنی مت۲۷:۸
زمین خون می نامیـدنـد. [۲۰]زیـرا در کـتـاب
مزامیر نوشته شده است:
«خـانه اش بـیـابـان شـود و هیچ کس در آن
ساکن نگردد و سمت او را کسی دیگر بگیرد[t].
[۲۱]پس بـایـد از بین مردانی که همراه ما
بوده اند، در تـمـام مدتی که خداوند عیسی
در میان مـا رفت و آمد کرده است[u] : [۲۲]از
[زمان آغاز] تعمید یحیی تا روزی که از لو۱۶:۱۶
میان ما به بالا برده شده، یکی از اینان با ما
گواه رستاخیز او شود[v].»

[۲۳]و دو نفـر را بـر پا داشـتـنـد: یوسف که
برسابا نامیده می شد و ملقب به یوستس بود
و [دیـگـری] مـتـیـاس. [۲۴]و نـیـایـش کـرده
گفتند: «خداوندا، تو که قلب همگان را ۱۵:۸؛ لو۱۶:۱۵
می‌شناسی، بنما کدام یک از این دو را
برگزیده ای، [۲۵]تا جای خدمت و رسالتی را ۶:۴، ۱:۱۷
بگیرد که یهودا از آن منحرف شده و به جای
خودش رفت[w].» [۲۶]و بین ایشان قرعه
کشیدند و قرعه به [نام] متیاس افتاد و او به
یازده رسول پیوست.

آمدن روح القدس

۲ [۱]و چون که روز پنجاهه[x] فرا رسید
همگی در یکجا دور هم جمع بودند.
[۲]و ناگهان از آسمان صدایی مثل هجوم باد
شدیدی رسید و تمام خانه ای[y] را که در آن ۴:۳۱
نشسته بودند پر کرد؛ [۳]و زبانه هایی مثل یو۳:۸
آتش[z] که از هم جدا می شدند بر ایشان ظاهر تث۴:۱۲
گردید و روی هر یک از آنان [یک زبانه] اعد۱۱:۲۵
قرار گرفت. [۴]و همهٔ ایشان از روح القدس پر
شده شروع کردند به سخن گفتن به زبان های

s- بندهای ۱۸ و ۱۹ جملهٔ معترضه ای در میان سخنرانی پطرس است. ر.ک. مت ۲۷:۳-۱۰ که بر طبق آن کاهنان اعظم زمین را خریداری کرده اند.
t- مز ۶۹:۲۶ و ۱۰۹:۸ .
u- ترجمهٔ دیگری: در مدّتی که در راس ما راه می رفت. (ر.ک. اعد۲۷:۱۷؛ اع ۹:۲۸).
v- همراهی عیسی در زمان زندگی او و پس از مرگ او (۱:۱-۳؛ر.ک، ۱۰:۴۱) شرط لازم بوده جهت مشارکت در جمع دوازده رسول و در ماموریت اصلی آنان (۱:۸) که ارادهٔ خدا (۱۰:۴۱) بوده و عبارت از گواه بودن است: ۲:۳۲؛ ۳:۱۵؛ ۴:۲۰، ۳۳؛ ۸:۲۵؛ ۱۰:۳۹-۴۲؛ ۱۳:۳۱ توضیح).
w- منظور از این عبارت سرنوشت یهودا و کیفری است که استحقاق آن را داشته است. ر.ک. لو ۱۶:۲۸.
x- روز پنجاهه: نام یکی از عیدهای یهودیان است که پنجاه روز پس از عید گذر برگزار می شد و به یادبود پیمانی بود که در سینا بین خدا و قوم اسرائیل بسته شده بود. در این روز تعداد زیادی از یهودیان از سرزمین های دیگر آمده و در اورشلیم جمع می‌شدند. صحنهٔ اعطای اولیهٔ روح القدس بوسیلهٔ عیسی در چنین روزی بوده است (۲:۳۳). اعطای این موهبت، همزمان با شکوفایی عجیب سخن آغاز شده است. ضمناً بر طبق انجیل لوقا موعظه و آموزش عیسی در ناصره آغاز گردیده (لو ۴:۱۶-۳۰) و در اینجا موعظهٔ رسولان (۲:۱-۴۱) در اورشلیم شروع می شود (ر.ک. ۱:۸).
y- مسلماً همان محلّی است که در۱:۱۳-۱۴ ذکر شده، جایی که رسولان برای گردهمائی و نیایش در آنجا جمع می شده اند.
z- زبانه های آتش، پس از هجوم باد شدید، اشاره به منبع قدرت واحدی می کند که موهبت سخن گفتن به زبان های جدید و تکلم به روشی نو را عطاء می کند.

دیگر[a]، بر طبق آنچه روح[القدس] به ایشان
عطاء می کرد تا بیان کنند.
۵باری در اورشلیم مردان پارسای یهودی از
تمام امت های زیر آسمان سکونت داشتند[b].
۶چون این صدا در رسید، انبوه مردم جمع
شده و متحیر بودند، زیرا [وقتی که ایشان
سخن می گفتند]هر کدام لهجهٔ [مخصوص]
خود را از ایشان می شنید. ۷باری مبهوت
مانده، و در حال تعجب می گفتند: «مگر
همهٔ اینان که سخن می گویند جلیلی نیستند؟
۸نیز چگونه است که هر یک از ما
[صدایشان را] به لهجهٔ محل تولدمان[bb]
می شنویم؟ ۹پارت ها و مادها و عیلامیان و
اهالی بین النهرین و یهودیه همچنین
کاپادوکیه، پنطس و آسیا. ۱۰و فریجیه و
همچنین پمفلیه، مصر و نواحی لیبی که در
نزدیکی قیروان است و رومیانی[c] که در
اینجا سکونت داریم، ۱۱همچنین یهودیان و
[هم] نوگرایان[d]، اهالی کریت و عرب ها
می شنویم که اینان به زبان های ما از اعمال
عظیم خدا سخن می گویند.» ۱۲باری همگی ۴۶:۱۰
شگفت زده و حیران به یکدیگر می گفتند:
«معنای این چیست؟» ۱۳و دیگران استهزا
کنان می گفتند [که] «ایشان از شراب ۱-قرن۱۴:۲۳
شیرین آکنده شده اند.»

سخنرانی پطرس

۱۴اما پطرس که با یازده تن ایستاده بود،
صدای خود را بلند کرده به ایشان اظهار کرد[e]:
«ای مردان یهودیه[f]! و همهٔ اهالی

a- پدیده ای که بوجود آمده یادآور موهبت زبانها است: بدین معنی که رسولان تا اندازه ای به روش پیامبران کهن سخن می گویند (ر.ک. اعد۱۱:۲۵-۲۹؛ ۱-سمو ۱۰:۵-۶؛ ۱-پاد ۲۲:۱۰) و به مانند مسیحیان نخستین هستند که در حال شور و هیّجان و تحت تأثیر روح القدس صداها و کلماتی بر زبان می آورند (ر.ک. ۱۰:۴۶؛ ۱۹:۶؛ ۱-قرن ۱۲ تا ۱۴) و حالت خاصّ خلسه است (۱۳:۲). ولی سخن گفتن به زبان های دیگر آن است که به زبان هایی سخن گویند که اقوام دیگر درک نمایند و به نظر نویسندهٔ اعمال رسولان، مهمترین جنبهٔ پدیده است. ضمناً موهبت روح القدس موجب می شود وحدت زبان ها که در هنگام بنای برج بابِل از بین رفته بود مجدداً بر قرار شود (پید ۱۱:۱-۹) و بدین گونه این موهبت شکل آتیِ مأموریت جهانی رسولان را تجسّم می کند (۸:۱).

b- ترجمهء دیگر: یهودیانی از همهٔ امّت ها که به سبب پارسایی در اورشلیم اقامت اختیار کرده بودند. به هر صورت منظور فقط زائران یهودی نیستند که به مناسبت عید پنجاهه به اورشلیم می آمدند بلکه یهودیانی که از تمام نقاط دنیا آمده و در اورشلیم مقیم شده بودند.

bb- ترجمهٔ تحت اللفظی: به لهجهٔ خودمان که در آن متولّد شده ایم .البته منظور اهالی شبه جزیرهٔ آسیای صغیر است.

c- در اینجا نام دوازده امّتی ذکر شده که از سرزمین های شرقی تا به مغرب می زیستند و یهودیه تقریباً در مرکز آنها قرار دارد و احتمالاً منظور تمام دنیای مسکون آن دوران است.

d- منظور از کلمهٔ نوگرایان که در اینجا و در ۵:۶ آمده کسانی هستند که از زمان تولد یهودی نبوده و بعداً به قوم برگزیده پیوسته بودند، این افراد نه تنها قوانین یهود را رعایت می کردند بلکه ختنه را پذیرفته بودند. برای مفهوم وسیع تر کلمه ر.ک. ۴۳:۱۳ توضیح.

e- سخن پطرس، طرح موعظهٔ رسولانی را ارائه می دهد که خطاب به یهودیان است. در این طرح، تعدادی از وقایع ذکر می شود که در اظهارات دیگرِ پطرس (۳:۱۳ـ۲۶؛ ۴:۱۰-۱۲؛ ۵:۳۰-۳۲؛ ۱۰:۳۶-۴۳) و در بیانات پولس در انطاکیه (۱۳:۱۷-۴۱) بدان اشاره می شَود. این وقایع قبل از هر چیز مصلوب شدن عیسی (۲۳:۲) و رستاخیز او بوسیلهٔ خدا (۲۴:۲) و احتمالاً یادآوری مأموریت او بر روی زمین (۲۲:۲) و یا آمدن نهایی او است. وقایعی که در ضمن این موعظه اعلام می شوند در ادامهٔ عهد عتیق (ر.کَ. ۱۳:۱۶-۲۵) و اجرای پیشگویی های پیامبران (۲:۱۶؛ ۲۴-۲۵،۳۱ ر.ک. ۳:۱۸ توضیح) است که در عیسی تحقّق یافته و عیسی به عنوان خداوند و مسیح شناخته شده است (۲:۳۶ توضیح). ارائهٔ این طرح کلی خدا (۲: ۲۳ توضیح) با دعوت به توبه کردن و ایمان آوردن پایان می یابد (۲:۳۸؛ ۳:۱۹ توضیح). در مورد موعظهٔ رسولان به غیر یهودیان (ر.ک. ۱۴:۱۵ توضیح ۱۷:۲۲ توضیح).

f- این کلمه که معمولاً یهودیان ترجمه می شود، در اینجا به مفهوم تحت اللفظیِ اهالیِ یهودیه آمده است.

اورشلیم، این را خوب بدانید و سخنان مرا
گوش بگیرید، [۱۵]زیرا نه چنانکه شما می
پندارید، ایشان مست نیستند، زیرا سومین
ساعت روز است[g]؛ [۱۶]اما بوسیلهٔ پیامبر
یوئیل چنین گفته شده است[h]:
[۱۷]و خدا می گوید که در روزهای آخر
چنین خواهد بود
از روح خود بر روی هر تنی فیضان خواهم
کرد
و پسران و دختران شما نبوت ها خواهند
کرد
و به جوانان شما الهام ها خواهد شد
و پیران شما رویاها خواهند دید،
[۱۸]و در آن روزها حتی بر خدمتگزارانم و
برکنیزانم روح خود را فیضان خواهم کرد
اعد۱۱:۲۹ و ایشان نبوت خواهند کرد،
[۱۹]و در بالا شگفتی هایی در آسمان
خواهم نهاد و در پایین نشانه هایی بر روی
زمین که خون و آتش و ستون های دود است،
[۲۰]خورشید به ظلمت و ماه به خون تغییر
خواهد یافت،
عا۵:۱۸-۲۰ پیش از آنکه روز بزرگ و پر شکوه
خداوند بیاید،
۱۲:۴؛ روم۱۰:۱۳؛ ۱-قرن۱:۲ [۲۱]و چنین خواهد بود که هر کس که نام
خداوند را یاد کند، نجات خواهد یافت.
[۲۲]ای مردان اسرائیل! این سخنان را
گوش کنید: عیسی ناصری[i]، مردی که
بوسیلهٔ خدا در بین شما تعیین شد، با
معجزه ها و شگفتی ها و نشانه هایی[j] که خدا
بوسیلهٔ او در بین شما انجام داد، چنانکه
خودتان می دانید؛ [۲۳]او راکه بر طبق مشیت
و پیش دانشی خدا[k] تسلیم گردید، به دست
بی قانونان[l] به صلیب کشیده و کشتید،
مز۱۸:۴-۶ یونانی [۲۴]خدا او را برخیزانیده، از دردهای مرگ
رهانیده است، زیرا ممکن نبود گرفتار آن
بماند. [۲۵]زیرا داوٌد در بارهٔ او می گوید[m]:

g- یعنی ساعت ۹ صبح.

h- متن بند ۱۷-۲۱ که از روایت یونانی عهد عتیق (هفتاد تنان) نقل شده (یول ۳:۱-۵) قسمتی اضافه بر متن عبری دارد و شاید از منبعی مربوط به اعمال رسولان است. در مورد اضافه شدن نبوت خواهد کرد (بند ۱۸) ر.ک. ۲۷:۱۱ توضیح).

i- کلمه ای که ناصری ترجمه شده، در متن یونانی به طرز مخصوصی نوشته شده و با املاء کلمهٔ ناصری در جاهای دیگر تفاوت دارد و منبع و مفهوم آن معلوم نیست (مت ۲۳:۲ توضیح) و به این صورت در کتاب اعمال رسولان در مورد عیسی بکار برده شده است (۲:۲۲؛ ۳:۶؛ ۴:۱۰؛ ۶:۱۴؛ ۲۲:۸؛ ۲۴:۵؛ ۲۶:۹؛ لو ۱۸:۳۷ توضیح) ر.ک. اع ۲۴:۵ توضیح).

j- این عبارت که با سبکی رسمی انشاء شده احتمالاً از عهد عتیق الهام گرفته شده است (خروج ۷:۳؛ تث ۴:۳۴؛ ۶:۲۲ و غیره ر.ک. اع ۲:۱۹؛ ۷:۳۶) و اساساً در مورد شفا یافتن هایی است که بوسیلهٔ عیسی انجام شده است (ر.ک. ۱۰:۳۸). عبارت های مشابهی که مختصرتر بوده و با دو کلمه بیان شده مربوط به معجزه هایی است که خدا بوسیلهٔ آنها به موعظه های رسولی اعتبار خواهد داد: ۲:۴۳؛ ۴:۳۰؛ ۵:۱۲؛ ۶:۸؛ ۱۴:۳؛ ۱۵:۱۲ ر.ک. ۳:۲ توضیح.

k- از نظر اعمال رسولان، تاریخ نجات بر طبق طرح و نقشه ای انجام می شود که مشیت خدا مقرر کرده است (۲۱:۱۴؛ ۲۲:۱۴) و به دست او تحقّق می یابد (۴:۲۸، ۳۰؛ ۱۱:۲۱؛ ۱۳:۱۱). تحقّق این طرح که در عهد عتیق آغاز شد (ر.ک. ۱۳:۳۶) و پیش دانشی خدا، ادامهٔ آن را از زبان پیامبران اعلام نموده است (۳:۱۸ توضیح)، تا آمدن عیسی به مرحلهٔ قطعی خود رسیده (ر.ک. ۴:۲۸، ۳۰) و بر طبق زمانها و لحظه هایی است که خدا مقرّر کرده است (۱:۷). ضمناً مخالفت ها (۵:۳۸ و بندهای بعدی) یا محدودیت فهم آدمیان (۳:۱۸ توضیح) مانع از تحقّق یافتن این طرح که حتمی الاجراء است نخواهد بود (۳:۲۱ توضیح). اعلام کردن طرح خدا نخستین وظیفهٔ مبلّغ مذهبی است (۲۰:۲۷) که نکات اصلی آن را در موعظه های خود یادآوری می نماید (۲:۱۴ توضیح).

l- یعنی غیر یهودیان.

m- این نقل قول از ترجمهٔ یونانی مز ۱۶:۸-۱۱ است.در متن عبری، بجای کلمهٔ یونانی که اینجا پوسیدگی ترجمه شد (بندهای ۲۷ و ۳۱)، گوری آمده است و به موضوع رستاخیز اشاره می شود.

همواره خداوند را در مقابل خود می‌دیدم
زیرا به دست راست من است تا دچار لرزش
نشوم،
[۲۶]بدین سبب قلب من شادمان است و
زبان من هم به وجد درآمده و حتی تن من
نیز در امید ساکن خواهد بود؛
[۲۷]زیرا تو روح مرا در دنیای مردگان رها
نخواهی کرد و نخواهی گذاشت که قدوس ۳۷-۳۴:۱۳
تو[n] پوسیدگی را ببیند؛
[۲۸]تو راههای زندگی را به من
شناسانده‌ای، با چهره‌ات [روح] مرا از
شادی سرشار خواهی کرد.
[۲۹]مردان!ای برادران می‌توانم با اطمینان
در برابر شما، دربارهٔ داود نیای بزرگ
خودمان بگویم که او نیز مرده و دفن شده و
قبر او تا به امروز در بین ماست. [۳۰]پس چون
پیامبر بود و می‌دانست که خدا برای او قسم
خورده که از ثمرهٔ کمر[o] او بر روی تخت او
بنشاند، [۳۱]دربارهٔ رستاخیز مسیح پیش بینی
کرده و گفته که نه به دنیای مردگان رها
می‌شود و نه تن [و گوشت] او پوسیدگی می
بیند. [۳۲]این عیسی را خدا برخیزانیده که
همگی ما گواه هستیم[p] . [۳۳]این چنین با دست
راست خدا[q] برافراشته شده و روح موعود را
[آن که] مقدس [است] از نزد پدر دریافت
کرده و این را که شما نیز ملاحظه می‌کنید و ۴:۱
می‌شنوید، فیضان کرده است. [۳۴]زیرا داود
که به آسمان بالا نرفته است، خودش
می‌گوید[r] : خداوند به خداوند من گفت:
درسمت راست من بنشین،
[۳۵]تا[وقتیکه] دشمنانت را همچون
چهارپایهٔ زیر پاهای تو قراردهم[s]. لو۴۳:۲۰
[۳۶]پس تمام خاندان اسرائیل با اطمینان مت۱۰:۶؛ ۲۴:۱۵
بدانند: نیز خدا همین عیسی را که مصلوب

n- در متن عبری به جای قدوس تو (ر.ک. ۳۵:۱۳)، وفادار تو آنکه فدایی تو، آمده است (ر.ک. ۱۴:۳ توضیح).

o- یعنی از نسل او. مز ۱۳۲:۱۱؛ ۲سمو ۷:۱۲-۱۳ . ر.ک. مز ۸۹:۴-۵.

p- این جمله را به دو نوع می توان تفسیر کرد :ما گواه عیسی هستیم (۱: ۸) یا ما گواه رستاخیز (۵: ۳۲) عیسی هستیم .

q- یعنی بوسیلهٔ دست راست خدا (و نه: به دست راست خدا) بر شده است، چنانکه در مز ۱۱۸:۱۶ (ر.ک. اع ۳۱:۵)، در صورتی که در مز۱۱۰:۱ منظور قرارگاهِ دستِ راستِ خداست. در اینجا هم مفهوم رستاخیز و هم صعود عیسی استنباط می شود.

r- مز ۱۱۰:۱.

s- خدا با برخیزانیدن عیسی از میان مردگان، او را شکوهمند ساخته و با عنوان خداوند بدست راست خود نشانده است همچنان که در مزمور۱۱۰ذکر شده (و در بند ۳۴ و بندهای بعدی نقل گردیده است)، همچنین او را عنوان مسیح داده چنانکه در مزمور۱۶ (نقل قول در بندهای ۲۵-۲۸) و مزمور ۱۳۲ (نقل قول در بند ۳۰) ذکر می نمایند. با اعلام اجرای این طرحِ خدا، موعظه های رسولی به اوج خود می رسد (ر.ک. ۱۴:۲ توضیح) عیسی، مسیح است یعنی پادشاه و مسیح موعودی که نوشته های مقدس اعلام کرده بودند و مبلّغان و واعظان مسیحی آنرا به یهودیان اعلام کرده و ثابت می نمایند (۴۲:۵؛ ۲۲:۹؛ ۳:۱۷؛ ۵:۱۸، ۲۸). لقب و عنوان خداوند همچنین متضمّن مفهوم مسیحایی (خداوند من است که در مز۱۱۰:۱ آمده به معنی پادشاه و مسیح رجوع می دهد) است ولی از این معنی فراتر می رود، در کتاب اعمال رسولان در طی روایت ها خدا با کلمهٔ خداوند نامیده شده است زیرا در ترجمهٔ یونانی کتاب مقدس یهوه را که نام مختصر خدا است، خداوند ترجمه کرده اند. ولی بمانند انجیل لوقا (۱۳:۷ توضیح) در کتاب اعمال رسولان این عنوان و لقب به عیسی هم داده شده است به طوری که به دشواری می توان گفت که منظور از کلمهٔ خداوند دقیقاً کیست. این ابهام به راز عیسی در روابط او با خدا اشاره می کند (ر.ک. ۴۱:۵ توضیح). به هر صورت در موعظه ها و آموزش های رسولی در هر مورد سخن از خداوند عیسی مسیح است (۳۱:۲۸) تا همه بتوانند به او (۱۷:۱۱) یعنی در عیسای خداوند ایمان بیاورند (۲۱:۲۰؛ ر.ک. روم ۹:۱۰؛ ۱-قرن ۳:۱۲؛ فی ۱۱:۲). ر.ک. ۲۰:۹ توضیح (پسر خدا).

کرده اید، او را خداوند و مسیح قرارداده
است.»

نخستین گرویدن ها

مز۱۰۹:۱۶ ۳۷ایشان با شنیدن این (سخنان)، پریشان دل
شده و به پطرس و رسولان دیگر گفتند:
«مردان! ای برادران، چه باید کرد؟» ۳۸و
۵:۳۱؛ ۱۳:۳۸؛ لو۲۴:۴۷ پطرس به ایشان [گفت]: «توبه کنید و هر
یک از شما، برای بخشایش گناهانتنان به
نام عیسی مسیح تعمید[t] گرفته و شما موهبت
روح القدس[u] را دریافت خواهید کرد،
اش۵۷:۱۹ ۳۹زیرا این وعده برای شما[v] و فرزندان شما
یول۳:۵ است و تمامی آنان که دور هستند[w]،
آنهایی که خداوند، خدای ما ایشان را
خواهد خواند.» ۴۰و با سخنان بسیار دیگر
و با اصرار ایشان را شهادت داده، گفت:
مت۱۷:۱۷؛ تث۳۲:۵؛ فی۲:۱۵؛ غلا۱:۴ «خود را از این نسل کج [رفتار] نجات
دهید.» ۴۱پس حقیقتاً آنانکه سخن او را
پذیرفتند، تعمید یافته و در آن روز تا حدود
سه هزار نفس[x] [به ایشان] افزوده شدند.

نخستین جمعیت مسیحیان[y]

۴۲و ایشان در آموزش رسولان و در همرأیی
۲:۴۶؛ ۲۰:۷-۱۱؛ لو۲۴:۳۵ و پاره کردن نان و نیایش پابرجا بودند.
۴۳و هر کسی در درون خود می ترسید،چون
شگفتی ها و نشانه های بسیاری بوسیلهٔ
رسولان روی می داد. ۴۴و همهٔ ایمانداران[z]
با هم بودند[a] در همه چیز یکسان و مشترک
بودند[b]. ۴۵و املاک و دارایی های خود را
می فروختند و آنها را بین همه بر طبق نیاز

t- تعمید به نام عیسی مسیح داده می شود (ترجمهء تحت اللفظی: در جهت نام عیسی مسیح یا به منظور نام عیسی مسیح). یا اینکه تعمید با یادآوری نام خداوند عیسی دریافت می شود: ۸:۱۶؛ ۱۰:۴۸؛ ۱۹:۵؛ ۲۲:۱۶. این عبارات نشان می دهند شخصی که تعمید یافته در ارتباط نزدیک با نام، یعنی شخص عیسای رستاخیز یافته است (ر.ک. ۳:۱۶ توضیح).

u- ر.ک. ۱:۵ توضیح.

v- کلمهٔ شما، شامل مخاطبانی است که پطرس مخصوصاً آنان را مسئول مرگ عیسی می داند (بند ۲۳).

w- منظور از این اصطلاح که از اش ۵۷:۱۹ اقتباس شده، غیر یهودیان است (ر.ک. ۲۲:۲۱). طرح مختصر مأموریت رسولی را می توان بدین گونه خلاصه نمود: اوّل یهودیان و سپس غیر یهودیان. ر.ک. ۳:۲۶ توضیح.

x- افزوده شدن تعداد افراد کلیسا مخصوصاً در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است: بند۴۷؛ ۴:۴؛ ۵:۱۴؛ ۶:۱-۷؛ ۹:۳۱؛ ۱۱:۲۱-۲۴؛ ۱۶:۵.

y- در کتاب اعمال رسولان سه بار در مورد زندگی جمعیت مسیحیان اورشلیم توضیحاتی داده شده که بندهای۴۲ تا ۴۷ نخستین توضیح اجمالی در این باره است(ر.ک. ۴:۳۲ توضیح؛ ۵:۱۲ توضیح). این توضیحات مختلف عناصر مشترکی دارند و ترکیب عبارات و انشاء آنها مشابه است به طوری که می توان آنها را مجموعهٔ واحدی بشمار آورد. در هریک از این توضیحات با توجه به اوضاع و احوال مربوطه در بارهٔ یک موضوع تاکید می شود (چنانکه در اینجا تاکید بر وحدت و شکوفایی جمعیت است). ضمناً یادآوری مختصری دربارهٔ موضوع های دیگرهم می شود؛ مثلاً فعّالیت رسولان در اجرای معجزه ها (بند ۴۳) که در ۵:۱۲-۱۵ مشروح تر ذکر گردیده و اشتراکی ساختن اموال (بندهای ۴۴-۴۵) که در۴:۳۲-۳۵ تشریح شده است.

z- این کلمه نام جدیدی برای مسیحیان است (ر.ک. ۱۱:۲۶ توضیح). کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار رفته اسم فاعل فعل ایمان داشتن است (۴:۳۲؛ ۱۸:۲۷؛ ۱۹:۱۸؛ ۲۱:۲۰). این کلمه قدیمی است (ر.ک. ۱-تسا ۱:۷؛ ۲:۱۰، و غیره). بکار بردن این کلمه که در تمام صفحه های کتاب اعمال رسولان آمده، گواه بر اهمیتی است که مسیحیان اولیه برای ایمان در عیسی قائل بودند.

a- کتاب اعمال رسولان بر نکات اصلی زندگی مسیحیان اولیه تاکید نموده تا به حدّی که آنها را تا به حدّ کمال ارائه می نماید (ر.ک. ۴:۳۲ توضیح؛ ۶:۱ توضیح). این نکات عبارت از وحدت (ر.ک. ۲:۱)، اتّفاق آراء (۲:۴۶؛ ۴:۲۴؛ ۵:۱۲؛ ۱۵:۲۵)، همرأیی برادرانه (۲:۴۲)، مشترک ساختن اموال (ر.ک. ۴:۳۲ توضیح؛ ۹:۳۶ توضیح) است. این جمعیت سرمشق برای همهٔ ایمانداران و همهٔ کلیساها می گردد (۱۱:۲۹ توضیح) که اتحاد آنها نظریهٔ مهم و اساسی کتاب اعمال رسولان است (ر.ک. مقدمه).

b- آموزش رسولان و همرأیی برادرانه (ر.ک. ۴۴ توضیح) دو جزء مهم زندگی جمعیت مسیحیان وظاهراً آیین نیایش آنان بشمار می رود. این آیین شامل مواردی چند از جمله پاره کردن نان - یعنی آیین سپاسگزاری ـ و نیایشهاست. ترجیحاً نیایشهای خاص مسیحیان(ر.ک. ۴:۲۴ توضیح) و نه عبادات یهودی که ایمانداران اوّلیه در آن هنوز شرکت می کردند (بند۴۶ توضیح).

هر یک تقسیم می کردند. [۴۶] هر روز متفقاً در
معبد[c] پا بر جا بودند و در خانه نان را پاره
کرده و غذا را با خوشی و سادگی دل صرف
۲۱:۴؛ ۱۸:۱۱، ۴۸:۱۳؛ ۲۰:۲۱؛ ۱-قرن ۱۸:۱؛ ۲-قرن ۱۵:۲ می کردند. [۴۷] خدا را ستایش می کردند و در
نزد تمامی مردمان[d] مورد لطف بودند، و
خداوند هر روز نجات یافتگان را به جمعیت
ایشان می افزود.

شفا دادن یک مرد فلج در معبد[e]

۳:۱۰، ۹، ۳۰؛ عز۵:۹؛ تث۲۱:۹ **۳** [۱] و در ساعت نهم[f]، پطرس و یوحنا[g]
با همدیگر جهت نیایش به معبد
۸:۱۴؛ یو۱:۹ می رفتند، [۲][h] و مردی لنگ مادرزاد[j] در آنجا
بود که هر روز او را آورده[i] نزدیک در معبد
که زیبا[k] نامیده می شد می گذاشتند تا از
کسانی که وارد معبد می شوند صدقه
بخواهد. [۳] چون پطرس و یوحنا را دید که
وارد معبد می شوند، [از آنها] صدقه
خواست. [۴] اما پطرس، با یوحنا، چشم بر او
۹:۱۴ دوخته گفت: «به ما نگاه کن» [۵] و او متوجه
ایشان شده، انتظار داشت چیزی از ایشان
دریافت نماید. [۶] اما پطرس گفت: «طلا و
نقره در اختیار من نیست اما آنچه دارم به تو
۴:۱۰؛ ۹:۳۴؛ ۱۸:۱۶؛ ۱۳:۱۹؛ ۲۲:۲ می دهم: به نام عیسی مسیح[l] ناصری برخیز و
راه برو!» [۷] و دست راستش را گرفته، او را
۱۰:۱۴ بلند کرد؛ و در همان لحظه پاها و مچ
پاهایش محکم شدند. [۸] با یک جهش ایستاد
۱۰:۱۴ و راه می رفت، [سپس] با ایشان وارد معبد
۴۷:۲ شد، [در حالی که] راه می رفت و می جست
و خدا را ستایش می کرد. [۹] و همهٔ مردم او را
دیدند که راه می رود و خدا را ستایش
می کند[m]. [۱۰] و چون او را می شناختند:
لو۱۸:۲؛ ۳۶:۴؛ ۹:۵؛ ۲۶:۵ همان که برای [دریافت] صدقه نزدیک در

c- ایمانداران به معبد می رفتند تا در نیایش شرکت کرده و به آموزش رسولان گوش دهند؛ (ر.ک. ۱:۳؛ ۵:۱۲، ۲۰-۲۱، ۴۲).
d- ترجمه های دیگر: فیض، راه ایشان را به نزد قوم باز می کرد. ر.ک. ۳۳:۴ توضیح.
e- در اینجا مطالبی آغاز می شوند که به صورت مجموعهء تألیفی است و شامل این موارد است: روایت یک معجزه (۱:۳-۱۰)، و یک سخنرانی تبشیری که ارزش و اهمیت این معجزه را توضیح می دهد (۱۱:۳-۲۶)، و بازداشت و محکمه ای که در پی آن روی داده است (۱:۴-۲۳)، و انجام نیایشی (۲۴:۴-۳۰) که با دریافت روح القدس و از سرگرفتن موعظه شروع می شود (۳۱:۴).
f- یعنی: ساعت سه بعد از ظهر.
g- پطرس و یوحنّا در بین دوازده رسول، دو نفر اوّلی هستند ۱۳:۱ (ر.ک. لو۵۱:۸ توضیح) این دو رسول یک «زوجی» را تشکیل می دهند (۷:۴، ۱۳، ۱۹) که در آن یوحنّا نقشی بدون سخن دارد (۳:۴، ۱۲؛ ۷:۴-۸، ۱۳، ۱۹).
h- در کتاب اعمال رسولان، این روایت، نخستین روایت معجزه است که در اینجا شروع می شود (۱:۳-۱۱). این معجزه را که پطرس انجام داده شباهت هایی، با یک معجزهٔ دیگر که توسط پولس انجام شده دارد (۸:۱۴-۱۰؛ ر.ک. ۱۵:۵ توضیح؛ ۶:۱۳-۱۲؛ ۱۶:۱۶ و بندهای بعدی؛ ۷:۲۰-۱۲). نشانه ها و کارهای شگفت انگیز دیگری همراه با موعظه های رسولی روی خواهد داد (۲۲:۲ توضیح و ۶:۸-۸، ۱۳؛ ۱۱:۹ و بندهای بعدی). بدین گونه خدا اعتبار مبلّغین و موعظه هایشان را تأیید می نماید (۳۰:۴؛ ۳:۱۴، ۲۷؛ر.ک. ۲قرن ۱۲:۱۲؛ عبر ۴:۲) همچنانکه در مورد عیسی بود (۲۲:۲ توضیح)؛ همچنین ۱۰:۳ توضیح و ۲۱:۴ توضیح را ملاحظه کنید.
i- در ترجمه های دیگر قید «هر روز» وجود ندارد.
j- ترجمهٔ تحت اللفظی: از زمان رَحم مادرش.
k- احتمالاً دری است که آنرا در قَرنتی می نامیدند و به محوطهٔ زنان باز می شد. منظور از معبد در اینجا محوّطهٔ مقدّس معبد می باشد که فقط یهودیان مجاز بودند به آنجا وارد شوند.
l- وقتی که گفته می شود بنام عیسی یعنی با قدرت عیسی (ر.ک. ۱۸:۱۶) که در متن ۱:۳ الی ۳۱:۴ موضوع اصلی است. همچنین به بند ۱۶:۳ توضیح توجه کنید.
m- ر.ک. ۲۱:۴ توضیح و ۱۰:۳ توضیح.

زیبای معبد می نشست، از آنچه بر او رسیده
بود پر از حیرت و تعجب شدند[n].

سخنرانی پطرس

۱۱و چون او از پطرس و یوحنا جدا
۱۲:۵؛ یو۱۰:۲۳ نمی شد، تمام مردم[o] حیرت زده به طرف
ایشان به رواقی موسوم به سلیمان[p]
دویدند. ۱۲پطرس که چنین دید به مردم
گفت: «ای اسرائیلیان، چرا از این امر
تعجب می کنید و چرا به ما خیره شده اید
مثل اینکه با قدرت یا تقوای خودمان، او را
۱۵:۱۴؛ ۲۶:۱۰ قادر به راه رفتن کرده ایم؟
۱۳خدای ابراهیم و خدای اسحق و
خدای یعقوب، خدای پدران ما، که خروج۳:۶،۱۵؛ اش۵۲:۱۳
خدمتگزار خود[q]، عیسی را شکوهمند
ساخته[r]، آنکه شما او را بالفعل تسلیم ۲:۲۳؛۱۳:۲۸؛ لو۲۲:۶؛
کرده اید و در مقابل پیلاطس که قصد ۲۴:۲۰؛ ۱-قرن۱۱:۲۳؛
داشت او را رها کند، انکار نموده اید. اش۵۲:۱۳
۱۴اما شما آن مقدس و آن عادل[s] را انکار لو۲۳:۱۳-۲۳
کرده و برای خود تقاضای عفو قاتلی را لو۲۳:۲۰-۲۵
نمودید، ۱۵در حالی که بانی زندگی[t] را
کشتید، او را که خدا از میان مردگان ۲:۲۴؛ ۳:۲۶؛ ۱۳:۳۲؛ ۱۷:۳۱
برخیزانید که ما گواه آن هستیم؛ ۱۶و با ۱:۸،۲۲؛ ۲:۳۲؛
ایمان به نام اوست[u]، که نامش[v] این ۵:۳۲؛ ۱۰:۳۹؛ ۱۳:۳۱؛
[مرد] را که می بینید و می شناسد، ۱-قرن۱۵:۱۵ ۳:۷
استحکام بخشیده، و این ایمانی که از ۳:۱۰

n- معجزه های رسولان نظیر معجزه های عیسی (لو ۵:۲۶؛ ۷:۱۶ و غیره) کسانی که شاهد آنها هستند سردرگم کرده و برایشان مسئله ایجاد می کند. فقط بوسیلهٔ ایمان می توان به ارزش و اهمیت آنها پی برد (۲:۱۱ و بندهای بعدی، ۴۱؛ ۹:۳۵، ۴۲؛ ۱۳:۱۲؛ ۱۹:۱۷ و بندهای بعدی) و خدا را ستایش نمود که موجد این معجزه ها است (۴:۲۱ توضیح). بدون ایمان این معجزه ها مانند پرسشی است که پاسخی ندارد (۲:۱۳؛ ۸:۱۳؛ ۱۴:۱۱، ۱۸؛ ۲۸:۶).

o- در متن نسخهٔ «غربی» عبارت بدین صورت است: چون پطرس و یوحنّا خارج می شدند او هم با ایشان بیرون آمد بدون اینکه آنان راَ رها کند؛ ایشان حیران شده توقف کردند بنابراین صحنهٔ وقایعِ بعدی در خارج از معبد اتّفاق افتاده است (۳:۲ توضیح)

p- این رواق احتمالاً در کنار شرقی صحن غیر یهودیان قرار داشته است.

q- عنوان خدمتگزار که شاید مختصّ آیین نیایش بوده، عیسی را به عنوان خدمتگزاری ارائه می نماید که در اش۵۲:۱۳ الی ۵۳:۱۲ ذکر شده است (ر.ک. ۸:۳۲، توضیح؛ لو ۲۲:۳۷ توضیح). این عنوان که تنها در کتاب اعمال رسولان بکار رفته، عنوانی کهن است (۳:۳۶؛ ۴:۲۷، ۳۰) ر.ک. ۳:۱۴ توضیح؛ ۳:۱۵ توضیح.

r- خدا که با برخیزاندن عیسی از میان مردگان او را شکوهمند نموده، وعده هائی را که به پدران داده بود انجام داده است (ر.ک. ۳:۱۸ توضیح؛ ۳: ۲۵ توضیح).

s- این عنوان ها که به مسیح داده شده اند، دو عنوان کهن هستند (ر.ک. ۲:۲۷؛ ۷:۵۲؛ ۱۳:۳۵؛ ۲۲:۱۴؛ر.ک. ۳:۱۳ توضیح؛ ۳:۱۵ توضیح؛ اش۵۳:۱۱) و در اینجا در مقابل و در تضاد کامل با کلمهٔ جنایتکار بکار برده شده اند.

t- عنوان «رئیس زندگی» که به مسیح داده شده مورد مشابهی در نوشته های عهد جدید ندارد به جز در ۵:۳۱ و عبر ۲:۱۰؛ ۱۲:۲. ظاهراً عنوانی کهن است (ر.ک. ۳:۱۳ توضیح؛ ۳:۱۴ توضیح) و احتمالاً بدین معنی است که عیسی نخستین بهره مند از زندگی وحتی می شود گفت بنیانگزار زندگی است (ر.ک. ۲۶:۲۳ توضیح).

u- منظور «ایمان در عیسی» است که این معجزه را ممکن ساخته است (یادداشت های بعدی را ملاحظه نمایید): بدین معنی که ممکن است ایمان مرد افلیج و انتظاری که داشته (۳:۵) و ایمانی که برای پطرس لازم بوده است تا این نخستین معجزه را انجام دهد. (لو ۱۷:۶؛ ر.ک. ۱-قرن ۱۲:۹؛ ۱۳:۲).

v- در اینجا نام، مترادف (ر.ک. ۳:۶ توضیح؛ ۴:۷) با شخص عیسی رستاخیز یافته است که عامل حقیقی این معجزه است (۴:۱۰؛ ر.ک. ۴:۳۰). حتی به معنی عمیق تر، این نام است که برای آدمیان نجات می آورد (۴:۱۲ توضیحَ) و معجزه هایش جز تصویری از آن نیست. رسولان به خاطر این نام رنج می برند (۵:۴۱؛ ر.ک. ۲۱:۱۳) و ایمانداران به این نام تعمید می یابند (۲:۳۸ توضیح) و به این نام توسّل می جویند (۹:۱۴، ۲۱؛ ۲۲:۱۶؛ ر.ک. ۲:۲۱)؛ ر.ک. ۵:۴۱ توضیح. این نظریهء خداشناسی دربارهٔ نام، در بین نوشته های عهد جدید، شاخص کتاب اعمال رسولان است و ریشه های کهن دارد(ر.ک. فی ۲:۹ و بندهای بعدی).

طریق او[w] می‌آید به این [مرد] که در
جلو شماست سلامت کامل داده است.
۲۷:۱۳، ۳۰:۱۷؛ ۱۷ و اکنون، ای برادران، می‌دانم که هم
لو۲۳:۳۴؛ ۱-تیمو۱:۱۳ شما و هم رؤسایتان به سبب نادانی[x]
چنین [رفتار] کرده‌اید. ۱۸ و خدا آنچه
۲۷:۱۳-۲۹؛ لو۲۴:۲۷؛ ۱-قرن۱۵:۳ را که از دهان [زمان] همهٔ پیامبران
پیشاپیش اعلام کرده بود، مبنی بر اینکه
مسیح او رنج خواهد کشید[y]، این چنین به
۲۶:۳؛ ۳۸:۲؛ ۳۱:۵؛ ۴۳:۱۰؛ انجام رسانید[z]. ۱۹ پس توبه کنید و
۳۸:۱۳؛ ۱۸:۲۶ بگروید[a]، تا گناهانتان زدوده
شوند؛ ۲۰ تا اینکه اوقات طراوت[b] در

۲-پطر۳:۱۲ ۲۲:۲ حضور خداوند فرارسند، و آن را که
پیشاپیش [به عنوان] مسیح برای شما
تعیین شده بفرستد: عیسی را ۲۱ که تا
مت۱۷:۱۱؛ ۲۸:۱۹ زمان اعادهٔ همه چیز[c]، آسمان[d] باید او را
لو۱:۷۰ بپذیرد و خدا از زبان انبیاء مقدس خود
از زمانهای کهن در بارهٔ او سخن گفته
است. ۲۲ زیرا موسی گفته[e] است که
خداوند خدا از بین برادران شما، نبیّ به
مانند من برایتان بر خواهد انگیخت: به
لو۹:۳۵ تمام آنچه به شما خواهد گفت گوش
خواهید کرد، ۲۳ و واقع شود که هر نفسی که

w- ترجمهٔ دیگری: ایمان به او. در این عبارت ضمیر «او» یا به جای «نام» آمده، ویا (با احتمال بیشتر) به جای «عیسی» . بدین معنی ایمانی که مَرد را شفا داده (ر.ک. لو ۸:۴۸ و بندهای دیگر)، این ایمان، خود از عیسی ناشی شده است.

x- نادانی: عبارت نشناختن مشیّت خدا است که توسط پیامبران اعلام شده است (۳:۱۸؛ ر.ک. ۲-قرن ۳:۱۴-۱۶). اینکه نادانی، عذری محسوب شود (ر.ک. ۲۳:۲۴ توضیح) مانع از آن نیست که خطایی بشمار آید که یهودیان را از خدا دور می نماید (ر.ک. ۱۳:۲۷ توضیح) همانطوری که نوعی دیگر از نادانی، غیر یهودیان را از خدا دور می نماید (ر.ک. ۱۷:۳۰ توضیح). ولی هم یهودیان و هم غیر یهودیان فقط بوسیلهٔ توبه و آمرزش از اینَ وضعیت بیرون آیند (۳:۱۹ توضیح).

y- ر.ک. ۴:۲۶ توضیح.

z- این اظهارات جنبهٔ بنیادی و اساسی ایمان و پیام رسولی را توضیح داده، تصریح می کند (ر.ک. ۲:۱۴ توضیح)؛ بدین معنی که خدا پیشگویی های خود و وعده های عهد عتیق را به انجام رسانده است (ر.ک. ۱-قرن ۱۵:۳-۴). این وقایع با آمدن عیسی آغاز شده (۳:۲۶؛ ۱۳:۲۳)، با رنج و عذاب او (۱:۱۶؛ ۴:۲۵-۲۸؛ ۱۳:۲۷-۲۹) و رستاخیز او (۲:۳۲-۳۴؛ ۳:۱۳ توضیح؛ ۱۳:۳۲-۳۷) و با بخشایش گناهان (۱۰:۴۳) و اعطای روح القدس (۲:۱۶-۲۱، ۳۳) و انجام موعظه های رسولی (۱۳: ۴۰ و بعد، ۴۶ و بعد؛ ۲۸: ۲۵-۲۸) و تشکیل کلیسا (۱۵: ۱۴-۱۹) ادامه داشته و سرانجام با آمدن شکوهمند مسیح به پایان خواهند رسید (۳:۲۰-۲۱).

a- ترجمهء دیگر: [به خدا] باز بیائید. این دعوت به گرایش برای بخشایش گناهان، نتیجه گیری عادی سخنرانی های تبلیغی است (۲:۳۸؛ ۳:۲۶؛ ۱۰:۴۳؛ ۱۳:۳۸؛ ۱۷:۳۰). گرایشی را که رسولان توصیه می کنند به مفهوم تغییرات برونی است که انسان را از نادانی (۳:۱۷ توضیح) به ایمان و نزدیک شدن به خدا می رساند (۲۶:۱۸-۲۰). برای یهودیان، نزدیک شدن به خدا عبارت از برگشتن به سوی اوست (۹:۳۵) و برای غیر یهودیان، آمدن به سوی خدا است (۱۴:۱۵؛ ۱۵:۱۹).

b- ترجمهٔ دیگر: لحظات آسایش، راحتی. زیرا آمدن عیسی وجود و زندگی آدمیان را تغییر خواهد داد.

c- اعادهٔ وضع همه چیز، گرچه این اصطلاح را می توان به مفهوم نظریه ای در سطح کاینات درک نمود (ر.ک. ۲-پطر ۳:۱۳؛ مکا۲۱:۱-۵)، ولی در اینجا و در بند ۳:۲۵ آن را باید بیشتر در مورد اسرائیل محدود دانست. کلمهء همه چیز دربارهٔ استقرار مجدد سلطنت در خاندان داود (ر.ک. ۱:۶؛ لو ۱:۶۹) و قوم پراکندهٔ اسرائیل است که پیامبران استقرار مجدّد آنان را اعلام کرده اند. ر.ک. مت ۱۷:۱۱.

d- باید آسمان اورا بپذیرد: در کتاب اعمال رسولان، اکثراً، نظیر اینجا عباراتی بکار برده شده که نوعی لزوم و ضرورت را بیان می کنند (ر.ک. لو۲:۴۹؛ ۴:۴۳؛ ۹:۲۲ و غیره). مثلاً: چنین واقعه ای باید روی دهد، یا فلان مرد باید چنین کاری انجام دهد. در بعضی از موارد این ضرورت در نتیجهء آموزش عیسی است (۲۰:۳۵؛ ر.ک. ۱۴:۲۲) ولی به طور کلی مستقیماً مربوط به طرح خدا است (ر.ک. ۲:۲۳ توضیح) که به دنبال نوشته های عهد عتیق اعلام شده (۱:۱۶، ۲۰؛ ۱۷:۳) که اکنون به بعضی از انسانها الهام گردیده (۹:۶، ۱۶؛ ۱۹:۲۱؛ ۲۳:۱۱؛ ۲۷:۲۴) است. یا اینکه بوسیلهٔ ایمان و در ایمان، درک و شناخته شده است (۵:۲۹؛ ۴:۱۲؛ ۱۶:۳۰).

e- این نقل قول، مجموعه ای از منابع مختلف است (تث ۱۸:۱۵، ۱۸ و بندهای بعدی؛ لاو ۲۳:۲۹) و در اینجا عیسی همچون پیامبری به مانند موسی معرفی شده است: ر.ک. ۷:۲۵ توضیح، ۳۷؛ یو ۱:۲۱؛ ۶:۱۴؛ ۷:۴۰.

به آن نبی گوش ندهد از میان قوم
ریشه کن خواهد شد[f]. ۲۴و امّا همهٔ ۴۳:۱۰؛ ۲۰:۱۳
پیامبران از سموئیل گرفته تا آنانکه بعداً عبر۱۱:۳۲
سخن گفته اند نیز این روزها را اعلام
کرده اند. ۲۵شما پسران انبیاء و پیمانی ۸:۷؛ روم۹:۴-۵؛
هستید که خدا برای پدرانتان منعقد افس۲:۱۲
ساخته[g]، در حالی که به ابراهیم گفت: از
نسل تو، همهٔ خانواده های [روی] زمین
برکت خواهند یافت[h]. ۲۶خدا، نخست، ۳:۲۰؛ ۷:۳۵، ۱۰:۳۶؛
به خاطر شما[i]، خدمتگزار خود را لو۴:۱۸؛ اش۶۱:۱
برانگیخت[j] و فرستاد تا با برگرداندن هر ۱-پطر۳:۹؛ روم۱۵:۲۹
کدامتان از شرارت هایتان[k] شما را برکت حزق۳:۱۸؛ ۱۸:۲۷-۳۰؛
دهد.» ۳۳:۱۲-۱۹

پطرس و یوحنا در مقابل سانهدرین

۴ ۱چون ایشان با مردم سخن ۵:۲۴-۲۶؛ ۱۶:۲۰؛
می گفتند، کاهنان و سرپرست معبد لو۲۲:۴-۵۲
و صدوقیان سررسیدند، ۲سخت مضطرب ۵:۱۷؛
چون آنها مردم را آموزش می دادند و ۲۳:۶-۸؛ لو۲۰:۲۷-۳۹
رستاخیز مردگان را در عیسی اعلام ۲۶:۲۳؛ ۱-قرن۱۵:۲۰-
می کردند[l]، ۳آنها را دستگیر کرده و چون ۲۳؛ کول۱:۱۸؛
عصر شده بود تا روز بعد به زندان مکا۱:۵
انداختند. ۴اما بسیاری [از آنان] که سخن
را شنیدند ایمان آوردند و تعداد این مردان
نزدیک پنج هزار بود[m].
۵باری، روز بعد رؤسای [یهود] و ۴:۲۶ (مز۲:۲)؛
پیران و کاتبان در اورشلیم گرد ۵:۲۱؛ لو۲۲:۶۶
آمدند. ۶همچنین حنا کاهن اعظم و قیافا لو۳:۲؛ یو۱۸:۱۳، ۲۴،
و یوحنا و اسکندر و تمام آنانکه از ۲۸
خانواده کاهن اعظم بودند. ۷و آنها را در
میان گذاشته از آنان پرسیدند: «شما با
چه قدرتی یا به چه نامی[n] این کار را ۳:۱۲؛ لو۲۰:۲
کرده اید؟» ۸آنگاه پطرس، سرشار از
روح القدس، به ایشان گفت: «ای ۹:۱۷؛ ۱۳:۹؛ لو۱۲:۱۱-۱۲؛
رؤسای قوم و ای پیران، ۹اگر امروز از ما ۲۱:۱۵
در بارهٔ عملی نیک، نسبت به مردم علیل ۱۰:۳۸

f- به عبارت دیگر: فقط یهودیانی که عیسی را پذیرفته و یا خواهند پذیرفت جزء قوم خدا خواهند ماند؛ ر.ک. ۱۴:۱۵ توضیح.

g- ذکر پیمانی که خدا با پدران نموده است اشاره به خدای پدران (بند ۱۳:۳) را روشن می کند. اصطلاح «پسران پیمان» در نوشته هایی که در قمران بدست آمده گواهی و تأیید شده است.

h- در متنی که نقل شده (پید ۲۲:۱۸؛۱۲:۳) سخن از «همهٔ امّت های روی زمین» است و نظریه ای است که همهٔ جهان را در بر می گیرد (ر.ک. ۳:۸-۲۹). در اینجا که به جای کلمهٔ «امّت ها»، «خانواده ها» بکار برده شده است، نشان می دهد که اگر منحصراً خطاب به اسرائیل نباشد ولی بدواً در مورد اسرائیل است (ر.ک. ۳:۲۶ توضیح) و به هر صورت متبارک شدن به اسرائیل خطاب شده است. ۳:۲۶ ر.ک. ۵:۳۱ توضیح.

i- در این صورت خدا اولویّت اسرائیل را در تاریخ نجات اظهار نموده است (ر.ک. ۲:۳۹ توضیح؛ ۱۳:۴۶ توضیح). ترجمهٔ دیگر: «بخاطر شماست که خدا خدمتگذارش را اول برانگیخته و بعد فرستاده».

j- این کلمهٔ برانگیخت به بند ۳:۲۲ برمی گردد. به معنیِ برخیزانیده هم آمده است. خدا، اول، خدمتگذار خود را برانگیخته و برخیزانید.

k- توبه و گرایش، عطیّهٔ خدا، و عیسی خدمتگذار او است(ر.ک. ۵:۳۱؛ ۱۰:۳۶؛ ۱۱:۱۸؛ و غیره). ولی می توان عبارت را چنین ترجمه و تفسیر کرد: تا هر یک از شما را متبارک گرداند، اگر از خطاهای خود بر گردید. ترجمهٔ دیگر: تا هر کدام از شما را برکت دهد اگر از شرارتهایتان بر گردید.

l- فرقهٔ صدوقیان که به رستاخیز عمومی معتقد نبودند (ر.ک. ۲۳:۶ توضیح) نمی توانستند رستاخیز مخصوص و ممتاز عیسی را بپذیرند (۲۶:۲۳ توضیح).

m- این بند به مانند جملهٔ معترضه ای است. می توان فهمید که تعداد مسیحیان به پنج هزار نفر رسید. ر.ک. ۲:۴۱ توضیح.

n- در قسمت های بعدی، نام عیسی موضوع اصلی بحث خواهد شد. ر.ک. ۳:۱۶ توضیح.

که سبب نجات[o] وی شده، سؤال
می شود، [۱۰] [پس] همهٔ شما و تمام قوم
اسرائیل بداند که بوسیلهٔ نام عیسی مسیح ۲۲:۲
ناصری که شما او را مصلوب کرده اید و ۲۳:۲-۲۴؛ ۱۳:۳-۱۵؛
خدا او را از بین مردگان برخیزانیده ۳۰:۵؛ ۲۸:۱۳-۳۰
است، توسط اوست[p] که این شخص در
مقابل شما تندرست ایستاده است. [۱۱] او
سنگی است که شما سازندگان، آن را ۱۶:۳ لو۱۷:۲۰؛
خوار کردید و سنگ سرزاویه شده روم۳۳:۹؛ ۱۱:۱۰؛
است[q]. [۱۲] و در هیچ کس دیگر نجات ۱-پطر۴:۲-۷ مت۲۱:۱
نیست[r]، زیرا نامی دیگر در زیر آسمان به
آدمیان داده نشده[s] که بوسیلهٔ آن می باید
نجات یابیم. [۱۳] پس چون اعتماد به نفس[t]
پطرس و یوحنا را ملاحظه کردند و لو۲۱:۱۰؛ ۱-قرن۲۳:۱۴؛
فهمیدند که آدمیان بی سواد و ساده ای ۲-قرن۶:۱۱
هستند تعجب کردند و دانستند که ایشان
همراهان عیسی بودند. [۱۴] البته چون
شخص[انسان] شفا یافته را در کنار
ایشان ایستاده می دیدند، نمی توانستند لو۱۵:۲۱
به ضدّ چیزی بگویند.
[۱۵] پس فرمان دادند که ایشان از
سانهدرین خارج شوند و با یکدیگر
مشورت می کردند؛ [۱۶] می گفتند با این یو۴۷:۱۱-۴۸
اشخاص [انسان ها] چه کنیم؟ زیرا این
حقیقتاً بر تمام ساکنان اورشلیم آشکار
شده که توسط ایشان نشانه ای قابل توجه
روی داده و ما نمی توانیم آنرا انکار
کنیم. [۱۷] اما برای این که بیشتر در بین
مردم منتشر نشود آنان را تهدید کنیم که
دیگر به این نام[u] با هیچ کس سخن
نگویند. [۱۸] و ایشان را خوانده و ملزم
کردند که به هیچ وجه به نام عیسی[v] زبان ۲۸:۵
باز نکنند و آموزش ندهند. [۱۹] اما پطرس
و یوحنا به سخن آمده گفتند: «اگر در
مقابل خدا درست است که گوش دادن به
شما را بر گوش دادن به خدا ترجیح دهیم ۲۹:۵
،[پس] داوری کنید! [۲۰] زیرا ما لو۲۲:۷؛ ۲۴:۱۰
نمی توانیم آنچه را دیده و شنیده ایم بیان

o- یعنی شفا یافته، ولی این تندرستی اگر نشانهٔ نجات نباشد، تصویری از آن است (۱۲:۴ توضیح ر.ک. ۹:۱۴؛ ۱۶:۳ توضیح؛ لو ۳۶:۸ توضیح).
p- بوسیلهٔ نام یا بوسیلهٔ عیسی که به هر صورت معنی آن یکی است (۱۶:۳ توضیح).
q- مز ۲۲:۱۱۸؛ ضمناً لو ۱۷:۲۰ توضیح را ملاحظه کنید.
r- این جمله در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد.
s- ترجمهٔ دیگری: زیرآسمان هیچ اسمِ دیگری نیست که به بشر اهدا شده باشد و برای نجات ما لازم باشد. تنها عیسی، نجات دهنده است (۳۱:۵؛ ۲۳:۱۳). اینْ نجات در عهد عتیق اعلام شده (۲۱:۲؛ ۴۷:۱۳) و نمودارهای آن داده شده است (ر.ک. ۲۵:۷) و در ضمن موضوع اصلی بحرانی است که در باب ۱۵ اعمال رسولان آمده است (۱:۱۵، ۱۱)؛ نجات بوسیلهٔ موعظهٔ رسولی اعلام شده (۱۴:۱۱؛ ۲۶:۱۳) و راه نجات (۱۷:۱۶؛ر.ک. ۲:۹ توضیح) برای همهٔ افراد بشر (۴۷:۱۳) باز می شود، البته به شرط ایمان (۳۰:۱۶ و بعد) و یهودی بودن دیگر مطرح نیست. ر.ک. ۱:۱۵، ۷ توضیح.
t- داشتن اعتماد به نفس نشانهٔ اطمینان درونی و مرئی است که از اختصاصات موعظه های رسولی است حتی وقتی که در موقعیت های دشواری قرار دارند و این موضوع از آغاز کتاب اعمال رسولان (۲۹:۲) تا پایان کتاب (۳۱:۲۸) تأیید می شود. اطمینان و اعتماد به نفس رسولان بر مبنای خدا، بر پایهٔ نام و به اتکای خداوند است که حضَور او بوسیلهٔ نشانه ها و شگفتی ها تجلّی می نموده و همراهِ موعظهٔ رسولان است (۲۹:۴، ۳۱ و بعد؛ ۲۷:۹ و بعد؛ ۳:۱۴) و همچون حالت و صورتی از ایمان جلوه می نماید.
u- یعنی تهدید کردند که رسولان دیگر از نام یعنی از عیسی و از عیسای رستاخیز یافته سخن نگویند (ر.ک. ۱۶:۳ توضیح).
v- یا: ملزم کردند که به هیچ وجه نام عیسی را بر زبان نیاورند و آموزش ندهند.

نکنیم[w].» ۲۱اما ایشان را تهدید کرده و
رها نمودند، چیزی نیافتند، چگونه
ایشان را تنبیه کنند چونکه [می
ترسیدند] از مردم که همگی خدا را برای
آنچه فرا رسیده بود، ستایش[x]
می کردند. ۲۲زیرا شخصی [انسانی] که لو۱۹:۴۸
برایش معجزهٔ شفا شده بود بیشتر از چهل
سال داشت.

جمعیت مسیحیان در نیایش

۲۳چون آزاد شدند، به نزد کسان خود
رفتند و هر چه را که کاهنان اعظم و پیران
به ایشان گفته بودند نقل کردند. ۲۴اینان
وقتی شنیدند، یک دل صدای خود را به
سوی خدا بلند کرده گفتند[y]: «ای ۱۵:۱۴؛ ۲۴:۱۷؛
خداوند حاکم! تو که آسمان و زمین و مز۱۴۶:۶؛ نح۹:۶؛
دریا و هرچه را در آنها است مکا۱۴:۷
آفریده ای، ۲۵[تو] که بوسیلهٔ روح القدس
از دهان پدر ما داود، خدمتگزارت[z]
گفته ای:
چرا امت‌ها خروشیده و قوم‌ها بیهوده فکر
کنند؟
۲۶پادشاهان زمین صف‌آرایی کرده، رئیسان
بر ضد خداوند و بر ضد مسیح[a] او گرد آمده اند.
۲۷زیرا در حقیقت در این شهر لو۲۳:۱۲ لو۱۸:۳۲؛
هیرودیس و همچنین پنطیوس پیلاطس با ۱۳:۲۳-۳
امت‌ها و اقوام اسرائیل[b] علیه خدمتگزار
قدوس تو، عیسی که مسح کرده بودی،
گرد آمده اند، ۲۸تا آنچه را دست تو و ۲:۲۳؛ ۳:۱۸؛
مشیت [تو] قبلاً تعیین کرده بود، انجام ۱۳:۲۷-۲۹؛ لو۲۲:۲۲؛
دهند. ۲۹و اکنون، خداوند! به تهدیدهای ۲۴:۲۶ لو۷:۳۰
ایشان بنگر و به بردگانت عطا کن تا با
اعتماد به نفس[c] تمام سخن تو را اعلام
کنند، ۳۰با دراز کردن دستت برای شفا

w- رسولان عیسی را قبل (۱:۲۲ توضیح؛ ۱۰:۳۹) و بعد از مرگ او (۱:۳؛ ۱۰:۴۱ و بعد) دیده و سخنان اورا شنیده بودند و به او ایمان آوردند. قبل از هر چیز به عنوان گواه و شاهد (۱:۲۲ توضیح) عیسای رستاخیز یافته و نجات دهنده نمی توانستند ساکت بنشینند (۴:۱۰-۱۲) و گواهی ندهند (۱:۲۲ توضیح).

x- در کتاب اعمال رسولان به مانند انجیل لوقا (لو ۲:۲۰ توضیح) موضوع ستایش خدا و تکریم او خیلی ذکر شده است. پس از ستایش کردن، جمعیّت مسیحیان نخستین (۲:۴۷) و ستایش شخص علیل شفا یافته (۳:۸-۹) و سپس ستایش کرنیلیوس (۱۰:۴۶) و غیر یهودیان دیگر (۱۳:۴۸؛ ر.ک. ۱۹:۱۷) جمعیّت مسیحیان نخستین به خاطر این گرایش ها خدا را می ستاید (۱۱:۱۸؛ ۲۱:۲۰)، زیرا در این وقایع دخالت خدا را تشخیص می دهند و ستایش کامل خدا مستلزم داشتن ایمان است (ر.ک. ۱۳:۴۸) و بوسیلهٔ ایمان می توان عمل خَدا را در بافت تاریخ تشخیص داد. (بر عکس این وقایع در ۱۲:۲۳).

y- در کتاب اعمال رسولان تعداد کمی از نمونه های نیایش مسیحیت وجود دارد: دو نیایش به خدا خطاب می شوند (۱:۲۴ و بعد؛ ۴:۲۴-۳۰) و در دو نیایش کوتاه خداوند عیسی را می خوانند (۷:۵۹ و بعد). در دو نیایشی که به خدا خطاب می شوند طرز ترکیب و ساختار آنها یکی است و به این معنی که ابتدا خدا را با عبارتی کم و بیش مفصّل خطاب کرده (۱:۲۴ توضیح؛ ۴:۲۴-۲۸) سپس موضوع درخواست بیان می شود (۱:۲۴-۲۵؛ ۴:۲۸-۳۰).

z- مز ۲:۱-۲(ر.ک. مز ۲:۷ که در۱۳:۳۳ و لو ۳:۲۲ نقل گردیده است).

a- ترجمهء دیگر: بر ضدّ مسح شدهء او. با توجه به اینکه در بند ۲۷ هم آنکه مسح کرده بود آمده است بعضی از مترجمان این ترجمه را ترجیح می دهند. در مزمور ۲:۱-۲ سخن در بارهء مسح کردن پادشاهان اسرائیل است که اکنون به صورت پیش نماد مسح کردن عیسی به نظر می رسد (۱۰:۳۸).

b- چنین به نظر می رسد که هیرودیس، پیلاطس و رؤسای اسرائیل (ر.ک. ۴:۵) با پادشاهان و رؤسایی که در مزمور ۲:۲ ذکر شده است تطبیق می نماید (۴:۲۶). ضمناً منظور از کلمهء امّت ها و اقوام که در مزمور آمده است فقط امّت های غیر یهود بودند که در اینجا با کلمهء امّت ها ذکر شده اند.

c- ر.ک. ۴:۱۳ توضیح.

دادن و انجام دادن نشانه ها و شگفتی ها[d]
به نام خدمتگزار قدوست، عیسی.» [۳۱]و
چون نیایش کردند، جایی که درآن جمع
شده بودند تکان خورد و همگی ایشان
۴-۱:۲؛ سرشار از روح القدس[e] شده و سخن خدا
۴۶-۴۴:۱۰ را با اعتماد به نفس اعلام می کردند.

تقسیم اموال، برنابا، حنانیا و سفیره[f]

۴۲:۲ [۳۲]و انبوه آنانی که ایمان آورده بودند یک
لو۲۸:۱۸ دل و [یک] روح داشتند، هیچکس هیچ
۴۴:۲ جزئی از اموالش را شخصی نمی گفت بلکه
ایشان در همه چیز شریک بودند.[۳۳]ورسولان
با قدرتی بزرگ، رستاخیز خداوند عیسی
۳۶:۲ [مسیح] را گواهی می‌دادند و فیضی عظیم بر
همهٔ ایشان بود[g].[۳۴]زیرا یک نفر در بین
ایشان نیازمند نبود؛ زیرا تمام آنانی
که مالک زمین ها یا خانه ها بودند،
می فروختند و بهای فروش[h] را می‌آوردند
[۳۵]و جلوی پای رسولان می گذاشتند و طبق ۴۵:۲
نیاز هر کس توزیع می شد.
[۳۶]و یوسف- لاوی و قبرسی الاصل- که
رسولان او را برنابا[i] لقب داده بودند و
ترجمهٔ آن پسر تسلی است،[۳۷]مزرعه ای در
اختیار داشت که فروخته و پول[j]آن را آورده
و جلوی پای رسولان نهاد.

۵ [۱] اما مردی به نام حنانیا با توافق
زنش سفیره، ملکی را فروخت،[۲]و
از بهای آن [مقداری را] را با همدستی
زنش برای خود برداشته[k] و قدری را آورده
در جلوی پای رسولان نهاد.[۳]اما پطرس
گفت: «ای حنانیا! چرا شیطان قلب تو را لو۳:۲۲
پرکرده است تا به روح، [آن که] مقدس[l]

d- همچنانکه قبلاً خدا بخاطر عیسی شگفتی ها انجام داده بود (۲:۲۲ توضیح؛ ۲:۳ توضیح).

e- این ریزش و پراکندن روح القدس وقایع روز پنجاهه را به یاد می آورد (۲:۱-۴) زیرا روح القدس همواره در کلیسا حاضراست. ر.ک. ۴۶:۱۰ توضیح.

f- دومین گزارش اعمال رسولان (۴:۳۲-۳۵؛ ر.ک. ۴۲:۲ توضیح) با یادداشت مختصری دربارهء برنابا شروع می شود (۴:۳۶-۳۷) وَ سپس روایت قضیهء حنّانیا و سفیره آمده است (۵:۱-۱۱). موضوع اصلی این مجموعه (۴:۳۲- ۱۱:۵) اشتراک اموال افراد جمعیت است (ر.ک. ۳۳:۱۲؛ ۲۲:۱۸؛ یو ۶:۱۲). ولی لازم به یادآوری است که انجام این عمل به اختیار و داوطلبانه بوده (۵:۴) و به طوری که در گزارش ذکر گردیده (۴:۳۲-۳۴) شامل کلیهء افراد جمعیت نبوده است؛ در صورتیکه در جمعیت قمران اجباری بوده است.

g- مطالب این بند با موضوعِ گزارش (۴:۳۲، توضیح سابق) ارتباطی ندارد، ممکن است در نگارش افزوده شده باشد (ر.ک. ۴۲:۲ توضیح). قدرت بزرگی که در این بند ذکر شده احتمالاً از آن رسولان نیست (ر.ک. ۱۲:۳) بلکه از خداست که نشانه ها و شگفتی ها را انجام می دهد (ر.ک. ۲:۳ توضیح)؛ همچنین فیض عظیم، منبع بشری ندارد (= تقبّل مردم، ر.ک. ۴۷:۲ ؟؛ ۱۳:۵) بلکه فیض از سوی خداست که موعظهٔ رسولی را پشتیبانی می کند (۴:۳۰؛ ۶:۸؛ ۱۱:۲۳؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۴۰).

h- یا شاید: بهای آن را دریافت می کردند (ر.ک. ۳۷:۴ توضیح)

i- نخستین باری است که از یکی از چهره های برجستهء جمعیت اوّلیهء مسیحیان یاد می شود (۲۲:۱۱). برنابا که در صفحات بعدی به عنوان رسولی توصیف شده (۴:۱۴ توضیح) با پولس آشنا شده و از او پشتیبانی می کرد (۲۷:۹؛ ۲۵:۱۱؛ باب ۱۳-۱۴) و با عقاید و رسالت و مأموریت پولس موافق بود (۲:۱۵،۱۲؛ ر.ک ۱-قرن ۶:۹)، بجز در مورد مرقس (۱۵:۳۵-۳۹).

j- یا شاید: و وجه آن را دریافت کرده (ر.ک. ۳۴:۴ توضیح).

k- فعلی که در این مورد بکار رفته همان است که گناه عخان را در یوشع ۱:۷ توصیف می کند. در هر دو واقعه ای که روایت شده است موضوع هلاک شدن گناهکاران و ترس عظیمی که بر مردم مستولی شده به طرز مشابهی به هم پیوسته اند.

l- ترجمهٔ دیگر: به روح القدس دروغ بگویی. فریب دادن روح القدس یا دروغ گفتن به روح القدس مورد مشابهی در نوشته های مقدس ندارد (ر.ک. بند۴ توضیح)؛ ولی در جمعیت قمران، دروغ گفتن در مورد اموال و دارایی پیروان (ر.ک. ۳۲:۴ توضیح)، نخستین خطایی بشمار می آمد که بر طبق قواعد و مقررات آن جمعیّت مستوجب بازخواست و تنبیه بود.

[است] دروغ گویی و قسمتی از بهای زمین
را [به نفع خود] برداری؟ ۴ آیا وقتی که
بوده، از آن تو نبوده؟ و وقتی که فروخته
شده در اختیارت[m] نبوده؟ پس چطور این
عمل را در قلبت نهادی؟ نه به انسان ها،
بلکه به خدا دروغ گفتی.» ۵ و حنانیا با
۴۳:۲، ۱۱:۵ شنیدن این سخنان افتاده و جان داد و همه
کسانی را که از این با خبر شدند ترسی
عظیم فراگرفت. ۶ اما جوانان برخاسته، او را
کفن کرده و به بیرون برده دفن کردند.
۷ و تقریباً سه ساعت که گذشت، بعداً نیز
زنش که نمی دانست چه روی داده است،
وارد شد. ۸ و پطرس به او جواب داده گفت:
«به من بگو، آیا به همین قدر زمین را
فروخته اید؟» و او گفت: «آری، به همین
۱۰:۱۵ قدر!» ۹ و پطرس به او [گفت]: «چرا بین
شما توافق شده که روح خداوند[n] را امتحان
کنید؟ ببین پاهای آنانکه شوهرت را دفن
کرده اند به آستانهٔ در است و تو را خواهند
برد!» ۱۰ و در همان لحظه به پاهای او افتاده
و جان داد و جوانان که وارد شده بودند او
را مرده یافته و بیرون برده در کنار شوهرش
دفن کردند. ۱۱ و ترس عظیمی تمام کلیسا[o]
و همهٔ کسانی را که این چیزها را شنیدند
فراگرفت.

معجزات رسولان[p]

۱۲ و توسط دست های رسولان نشانه ها و
شگفتی های بسیار در میان مردم انجام می
۱۱:۳؛ یو۲۳:۱۰ شد و همهٔ[q] ایشان متفقاً در [زیر] رواق
سلیمان بودند. ۱۳ اما از دیگران هیچ کدام
جرأت نمی کرد به ایشان ملحق شود: ولی
مردم ایشان را تکریم می کردند. ۱۴ [بیشتر]
و بیشتر به انبوه مردان و زنان مؤمن به
خداوند افزوده می شد[r]. ۱۵ به طوری که
حتّی بیماران را به میدان ها آورده و روی

m- اشتراک در اموال عملی به اختیار و آزادانه بود (ر.ک. ۳۲:۴ توضیح). گناه این زن و شوهر دروغ گفتن است و بدین سبب واجد اهمیت است که در مورد دخالت روح القدس می باشد (ر.ک. بند۳ توضیح؛ بند ۹ توضیح؛ لو ۱۰:۱۲ توضیح).

n- در اینجا هم روح خداوند به صورت شخصی مجسم شده است (ر.ک.بندهای ۳ و ۳۲) که در مقابل دروغ با شدت و سرعت عکس العمل نشان می دهد و قدرتی است که در زندگی جمعیت فعال است و کاملاً حضور دارد.

o- در اینجا برای نخستین بار کلمهٔ کلیسا پیدا شده که از این پس یا به معنی اجتماع ایمانداران در محل معیّنی است، یا گروهی که در شهری تشکیل می شود و یا اینکه شامل مجموعهٔ جمعیّت های مسیحیان است (۳۱:۹ توضیح؛ ۲۶:۱۱ توضیح؛ ۲۸:۲۰ توضیح). در دنیای یونانی کلمهٔ ekklesia به معنی مجلس شورای شهروندی بوده که در دادن رأی شرکت می کردند؛ و درمیان لغت های کتاب مقدس، این کلمه در مورد اجتماع قوم اسرائیل بکار برده شده، مخصوصاً موقعی که در صحرای سینا بودند (ر.ک. ۳۸:۷ توضیح). قابل توجه آن است که نویسنده، کلمهٔ کلیسا را وقتی بکار می برد که قبلاً گروه نخستین شاگردان اورشلیم را به عنوان اتّحاد ایماندارانی توصیف می کند که از گواهی رسولان بر مبنای ایمان به مسیح رستاخیز یافته به وجود آمده و روح القدس محرک آن است.

p- در اینجا سوّمین گزارش اعمال رسولان ارائه می شود (ر.ک. ۴۲:۲ توضیح) و موضوع اصلی آن فعّالیت رسولان در اجرای معجزه ها است. امکان این فعالیت (۴۳:۲؛ ۳۳:۴) نتیجه و پاسخ به نیایشی است که در ۳۰:۴ آمده است. بندهای ۱۲ [نیمهٔ دوّم] و ۱۴ یادآوری اوّلین گزارش اعمال رسولان است و تسلسل منطقی بین بند ۱۲ [نیمهٔ اوّل] و ۱۵-۱۶ را قطع می نماید.

q- منظور تمام ایمانداران بوده و منحصر به رسولان نیست.

r- ترجمهٔ دیگر: مردان و زنان بسیاری بوسیلهٔ ایمان به خداوند به جمعیت می پیوستند. ترجمهٔ دیگری که کمتر محتمل است: با ایمان آوردن به خداوند، به جمعیّت می پیوستند. ر.ک. ۲۴:۱۱ زیرا پیوستن به جمعیّت مسیحیان، همانا پیوستن به خداوند است و بدین ترتیب نوعی یگانگی بین خداوند و ایمان آورندگان به خداوند تلقین می گردد (ر.ک. ۵:۹ توضیح).

تختخواب ها و بسترها می گذاشتند تا وقتی
که پطرس عبور می کند اقلاً سایه اش[s] بر
یکی از آنان بیفتد.[۱۶] و همچنین انبوهی از
اطراف شهرهای اورشلیم، بیماران و آنان را
لو۶:۱۹ که از ارواح پلید در رنج بودند می‌آوردند و
همگی آنان شفا می یافتند.

دستگیر شدن و رهایی یافتن رسولان

[۱۷] اما کاهن اعظم و همهٔ کسانی که با او
بودند - یعنی فرقهٔ صدوقیان[t] - بپا خاسته،
سرشار از حسادت بودند،[۱۸] و رسولان را
دستگیر کرده و به زندان عمومی
انداختند[u].[۱۹] اما در هنگام شب فرشتهٔ
خداوند[v] درهای زندان را گشود و ایشان را
خارج کرده و به آنان گفت:[۲۰] «بروید و
۱۵:۳، ایستاده در معبد همهٔ سخنان این زندگی[w]
۱۸:۱۱، ۴۸-۴۶:۱۳ را به مردم بگوئید!»[۲۱] وقتی این را
شنیدند از سپیده دم وارد معبد شده و به
۲:۴ آموزش پرداختند.
اما کاهن اعظم، و آنانکه با او بودند
رسیده، سانهدرین و تمام شورای فرزندان[x]
اسرائیل را احضار کرده و فرستادند تا ایشان
[رسولان] را از زندان بیاورند.[۲۲] ولی
نگهبانان که به آنجا رسیدند آنها را در زندان
نیافتند، برگشته و خبر دادند،[۲۳] گفتند: «
زندان را یافتیم که با امنیت کامل بسته بود و
زندانبانان جلو درهای آن ایستاده، ولی
[درها را] باز که کردیم هیچ کس را در داخل
نیافتیم.»[۲۴] و فرماندهٔ معبد و کاهنان بزرگ
چون این سخنان را شنیدند، در بارهٔ این
چیزها بهت‌زده شدند: این ها چه می توانند
باشد؟»[۲۵] اما کسی رسید و به آنها خبر داد:
«مردانی را که شما در زندان انداخته بودید،
اینک در معبد ایستاده و مردم را آموزش می
دهند.»[۲۶] پس فرماندهٔ [معبد] با نگهبانان
رفته و آنها را آورد، [البته] بدون خشونت
چون از سنگباران[y] شدن توسط مردم
می ترسیدند.
[۲۷] آنها را آورده و در سانهدرین نهادند.
کاهن اعظم از آنها سؤال کرده و
گفت:[۲۸] «ما وضوحاً شما را از تعلیم به این ۱۸:۴
نام ممنوع کردیم و اینک شما اورشلیم را از
آموزشهایتان پر کرده و می‌خواهید خون این
مرد را بر گردن ما بنهید[z].»[۲۹] اما پطرس و ۱۴:۲

s- ر.ک. پولس در ۱۹:۱۱-۱۲.
t- صدوقیان، بیشتر از فریسیان متشکل بوده و حزبی واقعی بشمار می رفتند که قدرت و نفوذ زیادی داشتند و مخصوصاً با شاگردان عیسی دشمن بودند (ر.ک. ۲:۴ توضیح).
u- اصطلاح زندان عمومی نشان می دهد که بازداشت و زندان رسولان سخت تر از آنست که در بند ۳:۴ ذکر گردیده است.
v- بعضی از مفسّران آن فرشتهٔ خداوند ترجمه می کنند. این اصطلاح در نوشته های عهد عتیق به مفهوم فرستادهٔ خدا است و دخالت مخصوص خدا را به نفع قوم خود به صورت یک شخص مجسم می کند (ر.ک. ۸:۲۳ توضیح).

w- همهٔ سخنان این زندگی: ترجمهٔ تحت اللفظی است و این اصطلاح به هدف اصلیِ موعظهٔ رسولی اشاره می کند. اصطلاحِ مشابهی در بند ۲۶:۱۳ آمده است.
x- کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار برده شده به معنی مجمع سالخوردگان یا مجلس سنا است و تنها موردی می باشد که این کلمه در نوشته های عهد جدید بکار می رود، در صورتی که در زبان یونانی کلمه ای متداول است. احتمالاً نویسنده، این کلمه را به منظور توضیح نام سانهدرین برای خوانندگان غیر یهود بکار می برد.
y- کلمهٔ سنگباران مخصوصاً به جای سنگسار ترجمه شده زیرا سنگسار کردن مقررات و ترتیبات معیّنی داشته است.
z- یعنی ما را مسئول مرگ او کنید. ر.ک. مت ۲۵:۲۷؛ اع ۶:۱۸ توضیح.

۱۹:۴ رسولان در جواب گفتند[a]: «ترجیحاً باید از
خدا اطاعت کرد تا اینکه از انسان ها.
۳۹:۱۰، ۳۰ خدای پدرانمان، عیسایی را که شما با
۲۹:۱۳؛ غلا۳:۱۳؛ تث۲۱:۲۳ آویزان کردن از دار کشته اید، برخیزانیده؛
۳۱ این اوست که خدا او را با [دست]
۳۳:۲، ۱۹:۳، راست خود به مقام رئیس و ناجی ارتقاء
۳۶:۱۰، ۱۸:۱۱ داده تا توبه و بخشش گناهان را به اسرائیل
۲۸:۱۵ بدهد[b]. ۳۲ و ما گواهان این امور هستیم،
[ما] و روح [القدس] که خدا به
مطیعانش عطاء کرده[c].»
۳۳ و آنان با شنیدن [این] دلریش شده و
می خواستند اینها را بکشند. ۳۴ اما یک
فریسی به نام غمالائیل[d] - عالم
قانون[شریعت یهود] و محترم در نزد تمام
مردم در سنهدرین، بپاخاسته و دستور داد تا
رسولان را اندک زمانی بیرون برند. ۳۵
آنگاه به ایشان[سانهدرین] گفت: «ای
اسرائیلیان مواظب آنچه که می خواهید با
۹:۸ این مردان کنید باشید. ۳۶ زیرا این اواخر
تیودا[e] برخاسته و خود را کسی می گفت و
تقریباً چهارصد تن به او پیوستند، او کشته
شد و تمام متعلقینش منهدم شده و از بین
رفتند. ۳۷ پس از او در ایام سرشماری،
یهودای جلیلی[f] بپاخاست و عده ای را به
دنبال خود کشید، او از بین رفت و تمام
متعلقینش پراکنده شدند. ۳۸ و اکنون به
شما می گویم از این انسانها دور شوید و
آنان را به حال خود بگذارید زیرا اگر این
رأی یا عمل از انسانها باشد، از بین خواهد لو۲۰:۴
رفت. ۳۹ اما اگر از خدا باشد، شما
نخواهید توانست ایشان را از بین ببرید.
مبادا نیز زمانی معلوم شود که با خدا می
جنگید.» ۲-مک۱۹:۷
و ایشان با او موافقت کردند. ۴۰ و پس
از احضار رسولان و کتک زدن آنان،
ایشان را از سخن گفتن به نام عیسی منع
کرده آزاد نمودند. ۴۱ پس آنان از حضور
سانهدرین خارج شدند. شادمان از اینکه
[محاکمه شده و] مستحق این بوده که ۱۳:۲۱؛
بخاطر نام[g] با آنان رفتار تحقیرآمیز ۱-پطر۱۳:۴؛ ۳-یو۷

a- بندهای ۲۹-۳۲چکیده ای از موعظهٔ رسولی است که بر محور مطالب اساسی آیین است. ر.ک. ۱۴:۲ توضیح.
b- چنین می نماید که در اینجا مجدداً مأموریت نجات بخشِ عیسَی فقط در موردِ قوم اسرائیل است. ر.ک. ۲۵:۳ توضیح؛ ۳۹:۲ توضیح).
c- منظور، اطاعت از مشیّت خدا است (۲۳:۲ توضیح) که همان ایمان می باشد (ر.ک. ۳۸:۲).
d- آنچه دربارهٔ غمالائیل، اَستاد و معلّم سولس طرسوسی (پولس) می دانیم (۳:۲۲) با دخالتی که در اینجا خواهد کرد تطبیق می نماید. وی یک فرد فریسی است با افکار باز و آزاد.
e- بر طبق آنچه فلاویوس یوسفوس (مورّخ مشهور یهودی که در فلسطین، در قرن اوّل می زیسته و آثارش فقط به صورت ترجمه های یونانی و لاتین در دست است) نوشته است، تیودا ادّعای پیامبری داشته و به پیروان خود وعده می داد که آنان را از رودخانهٔ اردن عبور خواهد داد بدون اینکه پاهایشان تَر شود. همچنانکه یوشع، آزاد کنندهٔ سرزمین موعود، انجام داده بود. کتاب اعمال رسولان تاریخ فعّالیت کوتاه او را در گذشتهٔ نسبتاً دوری، قبل از سرشماری (بند ۳۷)، تعیین نموده (ر.ک. لو۲:۲ توضیح)، در صورتی که یوسفوس تاریخ آن را احتمالاً به اشتباه سال های ۴۴-۴۶ میلادی ذکر کرده است.
f- این واقعه را مورّخ یهودی یوسفوس (ر.ک. توضیح قبلی) هم گواهی کرده است، طغیان پیروان یهودای جلیلی، در سال ۴ یا ۶ مسیحی ایجاد شده و در لو ۲:۲ ذکر گردیده است. این طغیان موجد نهضتی به نامَ زلوت گردید و بر خلاف آنچه ظاهراً غمالائیل می گوید، زود خاتمه نیافت.
g- یعنی برای عیسای جلال یافته. کلمهٔ نام را یهودیان در موردخدا بکار می برند و نامیدن عیسی بدین گونه برای آنست که گفته شود، او خداوند است (ر.ک. ۲: ۳۶ توضیح؛ ۱۶:۳ توضیح).

شود. [42] و هر روز در معبد و در خانه از
تعلیم و نوید دادن مسیح عیسی باز
نمی ایستادند[h].

تشکیل گروه هفت نفری[i]

۲۹:۹، ۲۰:۱۱ **۶** [1] و در آن روزها شاگردان زیاد
می شدند. و یونانی گرایان بر ضد
عبرانیان[k] به زمزمه پرداختندزیرا از
بیوه های ایشان در خدمت روزانه غفلت
۳۵:۴ می شد[l]. [2] پس آن دوازده[m]، جماعت
شاگردان[n] را احضار کرده گفتند: «شایسته

نیست که نام سخن خدا را برای خدمت خروج۱۸:۱۷-۲۳
سفره ها[o] ترک کنیم؛ [3] پس ای برادران، در ۲۲:۱۰، ۲:۱۶، ۱۲:۲۲
بین خودتان هفت مرد را که مشهور به لو۲:۴۰
نیکی بوده و سرشار از روح و حکمت
باشند، جستجو کنید تا ما آنان را برای این
کار تعیین کنیم؛ [4] و اما ما، پیوسته در ۲:۴۲،
نیایش و در خدمت سخن خواهیم بود.» [5] ۲۰:۲۴، ۲۱:۱۹
و تمام جماعت را از این سخن خوش آمد و
استیفان که مردی سرشار از ایمان و روح
القدس بود و فیلیپس و پروخرس و
نیکانور و تیمون و پرمیناس و نیقولاوس[p] ۲ :۱۱

h- اعلام کردن این موضوع که مسیح موعود، همان عیسی است.

i- در طرح کلی کتاب اعمال رسولان، تشکیل گروه هفت نفری (۶:۱-۷)، روایت سرگذشت استیفان و تعقیب و شکنجه ای که در پی آن می آید (۶:۸ الی ۸:۴)، نقطهٔ تحوّلی بشمار می رود: بدین معنی که اشاعهٔ انجیل که از اورشلیم آغاز شده است، از این پس در بین امّت های دیگر (غیر یهود) نیز ادامه خواهد یافت (ر.ک. ۱:۶ توضیح).

j- کلمهٔ شاگردان، یکی از عناوینی است که مسیحیان یکدیگر را به این عنوان می نامیدند (ر.ک. ۱۱:۲۶ توضیح) و در اینجا برای نخستین بار بکار برده شده است.این کلمه در خارج چهارچوب اوّلیهٔ فلسطین متداول شد(ر.ک. ۹:۱، ۲۶؛ ۱۶:۱؛ ۱۸:۲۳).

k- تمایزی که بین عبرانیان و یونانی گرایان (یا هلنیستْ ها) در جمعیت مسیحیان اوّلیه وجود دارد، انعکاس وضعیتی است که از مختصات یهودیت در اورشلیم بوده است (ر.کَ. ۹:۲۹ توضیح). کتاب اعمال رسولان، تنها مدرکی است که از این دو گروه سخن می گوید و به دشواری می توان گفت چه مشخّصاتی این دو گروه را از یکدیگر متمایز می کرده است. ممکن است محلّ تولّد معیار این تفاوت بوده، بدین معنی که عبرانیان در فلسطین و یونانی گرایان در خارج از فلسطین متولّد شده بودند، ولی این شرط لازم نبوده است چنانکه پولس با اینکه در طرسوس زاده شده و در اورشلیم تعلیم و تربیت یافته بود، خود را عبرانی می نامید (۲-قرن ۱۱:۲۲؛ فی ۳:۵)؛ زبان مادری یا زبان معمولی افراد که آرامی یا یونانی بوده، ممکن است دومین شاخصِ این تمایُز بوده و کتاب مقدس را به هر دو زبان، عبری یا یونانی می خواندند. به طور کلی یونانی گرایان افرادی بوده اند کهَ در درک آیین یهود افکار بازتری از عبرانیان داشته اند و بعداً هم در جمعیت مسیحیان یونانی گرایان در مورد ایمان خود همین روش را ادامه داده اند (ر.ک. توضیح بعدی؛ ۶:۸ توضیح).

l- این اختلاف ها با تشکیل یک گروه برای خدمت سفره ها مرتفع خواهند شد (بند ۲ توضیح) و شاید نویسنده در این اقدام مبنای تشکیل خدمت شمّاسی را می بیند (فی ۱:۱) که از خدمت رسولیِ نیایش و سخن جدا می شود (بند ۴). در حقیقت این اختلاف ساده و بی اهمیت نشان دهندهٔ تیرگی روابطی بوده که در داخل جَمعیت مسیحیان وجود داشته تا بدانجا که در خارج از جمعیت نیز احساس می شده است. چنین به نظر می رسد که بعد از استیفان (۶:۸ توضیح)، مسیحیان یونانی گرا هستند که هدف اصلی ضدیّت و دشمنی مقامات یهودی اورشلیم می شوند (۸:۱ توضیح). ضمناً بدنبال فیلیپس (۸:۵) که یکی از افراد گروه هفت نفری (بند ۵) بوده و مثل استیفان از خدمت سفره به خدمت سخن در آمده بود، یونانی گرایان انجیل را به خارج از اورشلیم و فلسطین به نزد غیر یهودیان می برند. (ر.ک. ۱۱:۱۹ توضیح؛ ۱۱:۲۰ توضیح).

m- ر.ک. ۱:۲ توضیح.

n- مجموع شاگردان. اجتماع کلیّهٔ افراد کلیسا است که برای مشورت گرد هم آمده بودند. ر.ک. بند ۵؛۱۵:۱۲، ۳۰.

o- خدمت سفره ها که احتمالاً در هنگام صرف غذا همراه با اجراء آیین سپاسگزاری بوده (۲:۴۲ توضیح)، شاید شامل ادارهء امور اموال مشترک هم می شده است بحدّی که رسولان از ماموریت اصلی خود که اعلام سخن خدا است دور می شدند.

p- این هفت نفر نام های یونانی دارند بنابراین محتمل است که هر هفت نفر یونانی گرا بوده و از گروه خود دفاع می کردند و این امر قابل بحث و تردید است زیرا اگر این هفت نفر نقش حَکَمیت و داوری داشته اند بایستی از عبرانیان و یونانی گرایان تشکیل شده باشند یا احیاناً عبریانی که نام یا لقب یونانی داشته اند.

نوگرویده اهل انطاکیه - را برگزیدند. ۶
آنان را در حضور رسولان بر پا داشتند و
[ایشان] نیایش کرده، دست‌ها را بر آنان اعد۲۷:۱۸-۲۰
نهادند[q].
۷ و سخن خدا پیشرفت می‌کرد و در ۴۱:۲
اورشلیم تعداد شاگردان به غایت زیاد
می‌شد و انبوهی از کاهنان[r] اطاعت از
ایمان می‌کردند.

فعالیت استیفان و بازداشت او

۸ و استیفان[s] که سرشار از فیض و ۱۲:۵
قدرت بود، شگفتی‌ها و نشانه‌هایی
بزرگ در بین مردم انجام می‌داد. ۹ اما
چند نفر از کنیسه‌ای به نام آزاد شدگان[t]
و قیروانیان و [اهالی] اسکندریه و اهالی
قیلیقیا و آسیا به پا خاسته با استیفان
مباحثه می‌کردند، ۱۰ ولی قدرت نداشتند
با حکمت و روحی که بوسیلهٔ آن سخن لو۲۱:۱۵
می‌گفت مقاومت نمایند. ۱۱ آنگاه مردانی
را اجیر کردند که بگویند «ما شنیده‌ایم
که او سخنان کفرآمیز علیه موسی و خدا
می‌گوید.» ۱۲ و مردم و مهتران و کاتبان
را تحریک کردند و آمده او را دستگیر
نموده و به سانهدرین بردند. ۱۳ و
شاهدان دروغین[u] را بر پا داشته که
می‌گفتند: «این انسان [مرتباً] سخنانی
علیه این مکان مقدس و قانون [یهود][v]
می‌گوید. ۱۴ زیرا شنیده‌ایم که او
می‌گفت «این عیسی ناصری، این مکان ۲۲:۲
را خراب خواهد کرد و رسومی را که
موسی به ما منتقل نموده است تغییر
خواهد داد.» ۱۵ و همهٔ آنانکه در جلسهٔ
سانهدرین بودند نگاه‌ها را به سوی
[استیفان] دوخته و چهرهٔ او را همچون
چهرهٔ فرشته‌ای دیدند[w].

q- عمل دست نهادن بر روی کسی، مکرراً در کتاب اعمال رسولان می‌آید. در اینجا به مناسبت آغاز خدمتی است که برای جمعیت انجام می‌شود؛ در جاهای دیگر در مورد اعطاء موهبت روح مقدّس و بلافاصله پس از تعمید دادن است (۱۷:۸؛ ۶:۱۹؛ ر.ک. ۱۷:۹)، یا به منظور شفا دادن (۱۲:۹، ۱۷؛ ۸:۲۸) و یا به منظور اعزام کسی به مأموریتی است (۳:۱۳).

r- هزاران کاهن در اورشلیم وجود داشته اند.

s- نخستین فرد گروه هفت نفری (بند ۵) استیفان است که دربارهٔ او روایتی طولانی (۸:۶ الی ۲:۸) ذکر شده و محتوای آن (بند ۱۳ توضیح) نشان می‌دهد که نویسندهٔ اعمال رسولان برای او اهمیت شایانی قائل است. با طرز رفتار او نسبت به معبد اورشلیم و قوانین یهود (بند ۱۳ توضیح) و با تفسیری که از تاریخ اسرائیل می‌کند (۲:۷توضیح) آشکار است که به احتمال قوی یونانی گرا بوده است.

t- یعنی یهودیان آزاد شده از اسارت. منظور یهودیانی بودند که خود یا اجدادشان پس از اسارت و بندگی آزاد شده بودند؛ مثلاً یهودیانی که پمپه، امپراتور روم در سال۶۳ پیش از میلاد به اسارت به روم برده بود. این گروه نظیر گروه های دیگری که ذکر شده در اورشلیم کنیسه ای مخصوص به خود داشتند.

u- قضیهٔ گواهان دروغین (بند ۱۱) و اتهام های مبالغه آمیزی که مطرح کرده اند (ر.ک. توضیح بعدی) محاکمهٔ عیسی را به یاد می‌آورد (مت ۶۱:۲۶؛ مر ۵۸:۱۴ ر.ک. یو ۱۹:۲) که در انجیل لوقا ذکر نشده است. نتیجهٔ محاکمهٔ استیفان هم انعکاسی از محاکمهٔ عیسی است (۵۶:۷ توضیح؛ ۵۹:۷ توضیح).

v- البتّه استیفان با معبد موافق نبود (۷: ۴۸ توضیح)، ولی قوانین یهود را به عنوان سخنان زندگی توصیف می‌کرد (۷: ۳۸ توضیح)، بدون اینکه آنها را با همان شدت و سختی رقیبانش تفسیر نماید. پولس را هم به گناه های مشابهی متّهم می‌کردند. (۲۸:۲۱)

w- روایت محاکمهٔ استیفان که با این کلمات قطع شده مجدداً در بند۷: ۵۵، پس از سخنرانی استیفان ادامه می‌یابد.

سخنرانی استیفان

۷ ۱ و کاهن اعظم گفت: «آیا چنین
۱۳:۳؛ مز۲۹:۳ است؟» ۲ و او گفت:[x] «ای مردان،
ای برادران و ای پدران، گوش کنید: خدای
شکوه بر پدر ما ابراهیم که در بین النهرین
بود، پیش از آنکه در حران سکونت کند[y]،
پید۱۱:۳۱-۱:۱۲ ظاهر گردید؛ ۳ و به او گفت: «از سرزمین
خودت و بستگانت خارج شو و به زمینی که
به تو نشان خواهم داد، برو!» ۴ آنگاه [او]
پید۱:۱۲ ازسرزمین کلدانیان بیرون آمده، در حران
سکونت گزید؛ و از آنجا، پس از مردن
پید۵:۱۲ پدرش، [خدا] او را به این سرزمین کوچ
داد که اکنون در آن سکونت دارید. ۵ و در
تث۵:۲ اینجا، میراثی و جای پایی به او نداد اما
پید۷:۱۲، ۱۵:۱۳، ۱۸:۱۵ وعده داد که آن را به او، وپس از او به
تبارش به مالکیت دهد، با اینکه او را
فرزندی نبود. ۶ و خدا به او چنین گفت که
تبار او در سرزمین بیگانه مقیم خواهد شد و
آنان را به بندگی خواهند کشید و مدت
چهار صد سال با آنان بدرفتاری خواهند
کرد. ۷ و خدا گفت: «امتی را که ایشان را به
بندگی خواهد کشید، من داوری خواهم
کرد[z]، و پس از آن بیرون خواهند آمد و مرا
در همین مکان پرستش خواهند کرد.» ۸ و ۱۳:۶، ۲۸:۲۱
به پیمان ختنه را داد، و بدین سان
[ابراهیم] اسحاق را آورد و او را در پید۱۷:۱۰-۱۴
هشتمین روزختنه کرد و اسحاق یعقوب را و پید۴:۲۱
یعقوب، دوازده نیاکان را.
۹ و نیاکان بر یوسف حسد برده، او را به پید۱۱:۳۷-۲۸
مصر فروختند. اما خدا با او بود. ۱۰ و او را پید۳۹:۲،۳، ۲۱، ۲۳
از همهٔ محنت هایش آزاد کرد و در برابر
فرعون، پادشاه مصر به او فیض و حکمت پید۳۷:۴۱-۳۹
عطاء نمود که او را بر مصر و بر تمام
خاندان خود رئیس کرد. ۱۱ اما یک قحطی
بر تمام مصر و بر کنعان فرا رسید و محنتی پید۵۴:۴۱، ۵:۴۲
عظیم بود و پدران ما آذوقه ای
نمی یافتند. ۱۲ و یعقوب که شنید در مصر پید۱:۴۲-۲
غلّه هست[zz] برای بار اول پدران ما را[به
آنجا] فرستاد. ۱۳ و در دومین [سفر]،
یوسف، خود را به برادرانش شناسانید و پید۳:۴۵-۴
دودمان یوسف بر فرعون آشکار پید۱۶:۴۵
گردید. ۱۴ و یوسف، پدرش یعقوب و تمام پید۹:۴۵-۱۱، ۱۸-۱۹، ۲۷:۴۶
بستگانش را که هفتاد و پنج نفر بودند فرا
خواند. ۱۵ و یعقوب به مصر فرود آمد و او و پید۵:۴۶-۶، ۳۳:۴۹

x- سخنرانی استیفان، طولانی ترین قسمت کتاب اعمال رسولان است که اهمیت آن را نشان می دهد. این سخنرانی شاملِ مروری بر تاریخ گذشتهٔ اسرائیل است که از ابراهیم گرفته (۱-۸) به سلیمان و بنای معبد رسیده (بندهای ۴۶-۴۹) و بالاخره قسمتی طولانی دربارهٔ موسی دارد (بندهای ۱۷-۴۳) و ظاهراً او را به عنوان چهرهٔ اعلام کنندهٔ عیسی ارائه می نماید (بَند ۲۵ توضیح). ولی در این مرور تاریخ، به مانند موعظه های رسولان (۱۳:۱۷-۲۲؛ ۱۴:۲ توضیح) فقط به یادآوری نعمت های خدا اکتفا نشده بلکه بلافاصلهَ به صورت کیفرخواستی علیه اسرائیل درآمده که همواره در مقابل روح القدس مقاَومت کرده است (بند۵۱؛ ر.ک. به بندهای ۲۷، ۳۵، ۳۹، ۴۲ و ۵۲) و علیه معبدی که بیش از اندازه برای آن ارزش قائل می شدند (۴۸:۷ توضیح).

y- بر طبق پید ۳۱:۱۱ ظاهر شدن خدا بر ابراهیم در حرّان روی داده است ولی در اینجا استیفان، نظیر موارد دیگری در سخنرانیِ خود از یک روایت خارج از کتاب مقدس پیروی می کند که فیلون و یوسفوس هم آن را گواهی کرده اند.

z- پید ۱۵: ۱۳-۱۴. و خروج ۱۲:۳ ولی در آنجا سخن از این کوه است در صورتی که استیفان می گوید در این مکان یعنی اورشلیم و معبد (ر.ک. بندهای ۶، ۱۳، ۱۴)، البته اگر منظور مکان مرموزی نباشد که در بند ۴۹:۷ ذکر شده است (ر.ک. ۴۸:۷ توضیح).

zz- ترجمهٔ دیگر: در مصر روزی هست.

پدران ما مردند. [۱۶]و آنان را به شکیم
منتقل کرده و در مقبره‌ای گذاشتند که
ابراهیم از پسران حمور در شکیم به بهای
نقره خریده بود[a].
[۱۷]و چون زمان وعده‌ای که خدا به
ابراهیم سوگند یاد کرده بود نزدیک
می‌شد، قوم در مصر زیاد شده و افزایش
یافت، [۱۸]تا این که پادشاه دیگری [بر خروج۱:۷-۸
مصر] برخاست که یوسف را نشناخته
بود. [۱۹]او با قوم ما حیله نموده، با پدران ما خروج۱:۱۰-۱۱، ۲۲
بدرفتاری کرد [دستور داد] اطفال خود را
بیرون اندازند تا زنده نمانند. [۲۰]در این
وقت موسی زاده شد و زیبایی خدایی خروج۲:۲؛ عبر۱۱:۲۳
داشت[aa]. او سه ماه در خانهٔ پدر، بزرگ
شد. [۲۱]چون به بیرون گذاشته شد، دختر
فرعون او را برداشته و به عنوان پسر خودش خروج۲:۳-۱۰
بزرگ کرد. [۲۲]و موسی [در] تمام حکمت
مصریان[b] تربیت یافت، در سخنان و اعمال
خود توانا بود[c].

[۲۳]و چون چهل سالگی اش[d] تمام می‌شد
به دلش برآمد که از برادرانش، پسران
اسرائیل دیدار کند. [۲۴]و چون دید به یکی خروج۲:۱۱-۱۲
ظلم می‌شود، دفاع کرده، با زدن مصری
انتقام مظلوم را گرفت. [۲۵] و فکر می‌کرد که
[شاید] برادران [او] بفهمند که خدا
بوسیلهٔ دست او، ایشان را نجات می‌دهد[e]،
اما نفهمیدند. [۲۶]و روز بعد توسط کسانی
که نزاع می‌کردند دیده شد[f] و برای اینکه خروج۲:۱۳
ایشان را آشتی دهد گفت: «ای مردان، شما
برادر هستید، چرا بر یکدیگر ظلم
می‌کنید؟» [۲۷]اما آن که به همسایه خود ظلم خروج۲:۱۴؛ لو۱۲:۱۴
می‌کرد او را پس زده[g] گفت: «چه کسی تو
را رئیس و داور بر ما تعیین کرده
است؟ [۲۸]آیا می‌خواهی مرا بکشی، به همان
گونه که دیروز مصری را کشته‌ای؟ [۲۹]پس خروج۲:۱۵
موسی از این سخن فرار کرد و در سرزمین
مدیان غریب شد، جایی که در آنجا دو پسر خروج۳:۱-۲
آورد.

a- در بعضی از نسخه های خطی: پسران حموز شکیم. در این بند موضوع غار مکفیلا که بوسیلهٔ ابراهیم خریداری شده (پید ۲۳:۲ الی۲۰) به جای مزرعه ای که یعقوب در شکیم خریده بود ذکر شده همچنین تدفین یعقوب در مکفیلا (پید ۵۰: ۷ الی ۱۳) به جای تدفین یوسف در شکیم (یوشع ۲۴:۳۲) آمده است. این اختلال از روایتی شفاهی ناشی شده که محتملاً از منبع سامری می باشد.

aa- ترجمهٔ دیگر: به فضل خدا نیکو منظر بود.

b- این موضوع هم محتملاً از روایتی یهودی است (ر.ک. ۲-تیمو ۳:۸) و موسی ممکن است با حکمت افسانه ای مصر آشنا بوده باشد (اش ۱۹:۱۱) که برای معاصرین استیفان شامل علوم سحر و جادو بوده است. (ر.ک. ۷:۱۱، ۱۲، ۲۲ و غیره).

c- این اظهارات نظیر چیزی است که شاگردان عمواس می گفتند (لو ۲۴:۱۹). آیا موسی به عنوان چهرهٔ نجات بخش معرفی می شود (ر.ک. بند ۲۵ توضیح)؟

d- ر.ک. بند ۳۰ . در روایات یهود، زندگی موسی را به دوره های چهل ساله تقسیم می کردند (خروج ۷:۷؛ تث ۳۴:۷).

e- در سطور قبلی، عیسی به مانند پیامبری چون موسی ارائه شده (۳:۲۲ توضیح؛ ر.ک. ۷:۳۷) و در اینجا موسی همچون تجسّم قبلی عیسی ظاهر می شود (ر.ک. بند۲۲ توضیح). نجات را می آورد (بند ۲۵)، رئیس و داور است (ر.ک. ۱۰:۴۲ توضیح) نجات بخش است (بند ۳۸) و مخصوصاً با مخالفت اسرائیل مواجه می باشد (ر.ک. بند۲ توضیح)؛ بند ۲۷ توضیح).

f- ترجمهٔ تحت اللفظی: ظاهر شد. که اشارهٔ پوشیده ای به ظاهر شدنهای مسیح رستاخیز یافته است (ر.ک. بند۲۵ توضیح).

g- این موضوع در بندهای ۳۵ و ۳۹ مجدداً خواهد آمد. موسی هم بمانند عیسی رد و انکار شده است: ۳:۱۳، ۱۴؛ ر.ک. ۲۵ توضیح.

[۳۰] و چـون چـهل سـال سـپـری شـد در
صحرای کوه سینا، فرشته ای در شعلهٔ آتش
بوته ای بر او ظاهر گشت. [۳۱] و موسی از خروج۳:۴
دیدن این رؤیا تعجب کرد، چون نزدیک
رفت تا ملاحظه کـند، صـدای خـداونـد
رسـیـد: [۳۲] «من خـدای پـدرانت، خـدای
ابراهیم و اسحاق و یعقوب[h] هستم» و موسی
لرزان شـده جرأت نمی کرد بـنگـرد. [۳۳] و
خـداونـد به او گـفت: «کـفش هـایت را از
پاهایت بیرون بیاور، زیرا جایی که بر روی
آن ایـسـتـاده ای، سـرزمـین مـقـدسی
است[i]. [۳۴] همانا بدرفتاری به قوم خود را در
مصر دیـده ام و نـالهٔ ایـشان را شنـیده ام و
فـرود آمـده ام تـا ایـشان را نجـات دهم؛ و
اکنون بیا که تو را به مصر می فرستم[j].»
[۳۵] هـمـین موسی را که انـکـار کـرده می
گفتند: «چه کسی تو را رئیس و داور تعیین خروج۲:۱۴
کرده است؟»، همو را خدا به عنوان رئیس
و رهایی بخش[k] فـرسـتـاده است، بـا دست
فـرشـتـه ای که در بـوتـه بـر او ظـاهـر
گشت. [۳۶] او ایشان را بیرون آورد و به مدت
چهل سال در سرزمین مصر و دریای سرخ و خروج۷:۳، ۱۴:۲۱؛
در صحرا، شگفـتی ها و نشانه هایی اجرا اعد۱۴:۳۳؛ اع۲:۲۲
می کرد[l]. [۳۷] همان موسی است که به پسران
اسرائیل گفت: «خدا از بین برادران شما،
برایتـان پیامبری به مـانـنـد من بر خـواهد
انـگـیـخت[m]. [۳۸] او است که در هـنـگـام
اجتماع[n] در صحرا، با فرشته که روی کوه ۷:۵۳؛ غلا۳:۱۹؛
سینا[o] با او سخن می گفت و همین طور با عبر۲:۲
پدران ما بود که گفتار زندگی[p] را دریافت خروج۱۹:۱-۶، ۲۰:۱-۱۷؛
کرد تا به شما بدهد؛ [۳۹] همان که پدران ما روم۱۰:۵؛ غلا۳:۱۲
نخواستند مطیع او باشند بلکه او را رد
کـرده در قـلب هـایـشـان به مـصـر گـرایش اعد۱۴:۳
کـردنـد. [۴۰] به هـارون گـفـتـنـد: بـرای مـا
خدایانی بساز که در جلو ما راه بروند، زیرا
این موسی که ما را از سرزمین مصر بیرون
آورده، نمی دانیم او را چه شده است[q]. [۴۱] و
در آن روزها گوساله ای ساختـنـد و به آن خروج۳۲:۴-۶
بت، قـربـانی تـقـدیم کـردنـد و از اعـمـال
دست های خود شادی می کردند. [۴۲] و خدا
روی برگرداند و واگذاشت تا ایشان لشگر
آسمان[r] را بپرستند و بر طبق آنچه در کتاب

h- خروج ۳:۶.
i- خروج ۳:۵.
j- خروج ۳:۳، ۱۰.
k- ترجمهٔ دیگر: آزادی بخش. یا نجات بخش بمانند عیسی (ر.ک. لو۱:۶۸؛ ۲:۳۸). ر.ک. بند۲۵ توضیح.
l- بمانند عیسی (ر.ک. ۲:۲۲ توضیح)؛ ر.ک. بند ۲۵ توضیح.
m- تث ۱۸:۱۵؛ ر.ک. اع۳:۲۲ توضیح؛ ۷:۲۵ توضیح.
n- اشاره به دعوت قوم در صحرای سینا است که در خروج ۱۹:۷-۱۵ آمده است (ر.ک. تث ۹:۱۰؛ ۱۰:۴). آیا این اجتماع کلیسا نشانی از کلیسای اورشلیم است؟ (ر.ک. ۵:۱۱).
o- این نقش واسطه، مأموریت عیسی را به یاد می آورد (ر.ک. بند۲۵ توضیح).
p- ترجمهٔ تحت اللفظی: الهام زنده. این کلمات موعظه های رسولان را در بند ۵:۲۰ به یاد می آورد. بکار بردن این اصطلاح در مورد قوانین یهود (لو ۱۰:۲۶-۲۸) نشان می دهد که گواهان دروغین در مورد دشمنی استیفان با قوانین یهود مبالغه می کردند (۶:۱۱، ۱۳، ۱۴).
q- خروج ۳۲:۱، ۲۳.
r- منظور ستارگان هستند که در بند بعدی اشاره به پرستش آنها شده است.

انبیاء نوشته شده است:
«ای خاندان اسرائیل، آیا در مدت چهل
سال در صحرا فدیه ها و قربانی هایی به من
تقدیم کرده اید؟
۴۳و شما خیمهٔ مُلک و ستارهٔ خدای خود
ریفان و تصویرهایی را که ساخته بودید
حمل کرده اید تا آنها را پرستش نمایید، و
من شما را به ماورای بابل تبعید خواهم
کرد[s].»
۴۴خیمهٔ شهادت در صحرا با پدران ما خروج۲۷:۲۱
بود، بر طبق آنچه [گوینده] به موسی
دستور داده، آن را مانند نمونه ای که خروج۲۵:۹،۴۰؛ عبر۸:۵
دیده بود بسازد. ۴۵که نیز پدران ما آن را
دریافت کرده با یوشع به ملک ملت هایی یوشع۲۳:۹؛ ۱۸:۲۴
که خدا از جلو پدران ما به عقب رانده یوشع۳:۱۴-۱۷
بود وارد کردند [و چنین شد] تا روزهای
داود، ۴۶که مشمول لطف خدا شد و
درخواست کرد که مسکنی برای خدای ۲-سمو۷:۱۲-۱۶؛ مز۱۳۲:۱-۵
یعقوب[t] بیابد. ۴۷و سلیمان برای او
خانه ای بنا نمود. ۴۸اما باریتعالی در خانهٔ ۱-پاد۶:۱-۱۴، ۸:۱۹-۲۰
دست ساخت[u] سکونت نمی کند، ۱۷:۲۴، ۱۹:۲۶؛
همانطور که نبی می گوید: مر۱۴:۵۸؛ عبر۹:۱۱،۲۴
۴۹«آسمان برای من تخت و زمین
چهارپایهٔ زیر پاهای من است، چه خانه ای
برای من بنا خواهید کرد یا چه جایی برای
آسایش من است؟ [خواهد بود]
۵۰ مگر دست من همهٔ اینها را نساخته است[v]؟
۵۱ای گردنکشان، وای نامختونان خروج۳۲:۹
گوش و دل، شما همواره با روح [آن که] لاو۲۶:۴۱؛ ار۹:۲۶، ۶:۱۰
مقدس [است] مخالفت می کنید[w]،
چنان که پدران شما این چنین بودند،
شما هم هستید. ۵۲کدام یک از انبیاء را ۲-توا۳۶:۱۶؛ مت۲۳:۳۴-
پدران شما جفا نکردند؟ و آنان را که ۳۵؛ ۱-تسا۲:۱۵-
پیشاپیش، آمدن عادل[x] را اعلام ۱۶
می کردند کشتند، و اکنون شما خائنان و
قاتلان او شده اید. ۵۳[شما] که قانون را غلا۳:۱۹؛
از طریق فرشتگان دریافت کرده و نگه عبر۲:۲ ۱۰:۱۵
نداشته اید.»
۵۴آنها وقتی این را شنیدند دلریش
شده و علیه او دندانها را
می فشردند، ۵۵اما او که سرشار از
روح القدس بود، به سوی آسمان
نگریسته، شکوه خدا را دید و عیسی را
که در سمت راست خدا ایستاده بود. ۵۶و
گفت: «اینک آسمان ها را نظاره می کنم
که گشوده شده اند و پسر انسان[y] در دان ۷:۱۳

s- نقل قول از ترجمهٔ یونانی عهد عتیق: عا ۵:۲۵-۲۷. در این نقل قول که استیفان آن را قدری تغییر داده است، بت پرستی مصرّانه در قوم اسرائیل تقبیح شده و زمینهٔ بقیهٔ سخنرانی را دربارهٔ مکان مقدس آماده می سازد (بندهای ۴۴-۵۰).

t- در بعضی از نسخه های خطی قدیمی: برای خاندان یعقوب.

u- ترجمهٔ تحت اللفظی: ساخته های دست. در اینجا استیفان همان استدلالی را بکار می برد که پولس در موعظه های خود به روش یهودیان در مقابل معبدهای مشرکان (۱۷:۲۴ توضیح) و در مقابل بت های ایشان بکار می برد (۱۷:۲۹ توضیح). بنابراین وضعیت استیفان در مقابل معبد خیلی ملاحظه کارانه است (ر.ک. ۷:۷ توضیح).

v- اش ۶۶:۱-۲.

w- که همواره به وسیلهٔ موسی و پیامبران سخن می گفته است (بند ۵۲) و اکنون هم بوسیلهٔ سخنرانی و اعلام کنندگان انجیل سخن می گوید (ر.ک. بند۵۵).

x- ر.ک. ۳:۱۴ توضیح.

y- تنها موردی که به عنوان پسر انسان خارج از انجیل یا از زبان عیسی ذکر می شود و ظاهراً اشاره به یکی از اظهارات عیسی در طی محاکمهٔ او است (لو ۲۲:۶۹؛ر.ک. اع۶:۱۳ توضیح).

سمت راست خدا ایستاده است.» ۵۷ و
آنها با صدای بلند فریاد برآورده،
گوش های خود را گرفته و یکدل بر او
هجوم آوردند.۵۸ و او را از شهر بیرون ۱۹:۱۴؛ لو۴:۲۹؛
رانده سنگسار کردند، و شاهدان عبر۱۳:۱۲ تث۱۷:۷
جامه های خود را جلوی پای جوانی به نام
سولس[z] انداختند.۵۹ و در حالی که
سنگسارش می کردند، استیفان نیایش
کنان می گفت: «ای خداوند عیسی، روح لو۲۳:۴۶؛ مز۳۱:۶
مرا بپذیر[a]. ۶۰ سپس زانو زده با صدای
بلند فریاد برآورد: «خداوندا، این گناه
را بر ایشان مگیر.» و چون این را گفت،
به خواب فرو رفت[b].

نخستین شکنجه بر کلیسا

۸ ۱ و سولس با قتل او موافق بود. و
در آن روز جفای[c] شدیدی علیه ۱۹:۱۱
کلیسای اورشلیم[d] اتفاق افتاد به طوری که
همگی به استثنای رسولان[e] در نواحی
یهودیه و سامره پراکنده شدند.۲ و مردانی
پارسا استیفان را دفن کرده و بر او زاری پید۵۰:۱۰
بسیار کردند.۳ اما سولس به کلیسا صدمه ۴:۲۲، ۲۶:۱۰-۱۱؛
می زد. به وسیلهٔ وارد شدن خانه ها، مردان ۱-قرن۱۵:۹؛ غلا۱:۱۳،۲۳؛
و زنان را در بند کشیده و به زندان تسلیم فی۳:۶
می کرد. ۴ حقیقتاً [اما] آنان که پراکنده
شده بودند، هر جا که می رفتند نوید سخن
را اعلام می کردند.

z- کتاب اعمال رسولان یادآوری می کند که سولس در هنگام مرگ استیفان حضور داشته (۲۲:۲۰؛ ۲۶:۱۰) و بدین وسیله می‌خواهد تلقیین کند که این واقعه در او اثر گذاشته است.

a- در اینجا و در بند ۶۰ سخنان استیفان، که خطاب به عیسی است، ما را به یاد سخنانی می اندازد که عیسی بر روی صلیب به زبان آورده و مختص به انجیل لوقا است (لو ۲۳:۳۴ و ۴۶). در اینجا شهادت نخستین شهید مسیحیت در پیروی و به مانند مرگ عیسی ارائه شده است ر.ک. ۶:۱۳ توضیح.

b- ترجمهٔ بالا تحت اللفظی است. ترجمهٔ دیگر: مُرد (فوت کرد).

c- از آخر بند ۱ تا بند ۴، پرداختن به مرحلهٔ مهمی از اعمال رسولان است (۸:۵ الی ۱۱:۲۶)، بدین معنی که انجیل پس از اورشلیم (ر.ک. ۱:۸) از یک محل به محل دیگری رفته (۸:۴) و مخصوصاً بوسیلهٔ فیلیپس به سامره (۸:۵-۴۰)، سپس با پطرس به قیصریه (۹:۳۲ الی ۱۱:۱۸) و با یونانی گرایان به انطاکیه می رسد (ر.ک. ۶:۱ توضیح). از سوی دیگر آن کسیکه بعدها رسول ملتها می شود، به مسیحیت می گرود و آغاز به موعظه می کند (۹:۱-۳۰). به طوری که مشاهده می شود شکنجه ای که بر مسیحیان وارد می شده، بدون اینکه خواسته باشند موجب انتشار سریع رسالت می شود (۸:۱ب و ۴). نویسنده این پدیده را به واقعهٔ شهادت استیفان مربوط می کند (۸:۲). از سوی دیگر سولس شکنجه گر است، ناخودآگاه بسوی مسیحیت گرایش می کند (۸:۳).

d- در اینجا نخستین باری است که پس از کلمهٔ کلیسا نام محل جغرافیایی ذکر شده، و احساس می شود که کلیساهای محلّیِ دیگری تأسیس خواهند شد (ر.ک. ۱۱:۲۲؛ ۱۳:۱).

e- تا اینجا فقط پطرس و یوحنا (۴:۱-۲۲؛ ۵:۱۷-۴۲) و سپس استیفان مورد تعقیب و شکنجه بودند و نخستین بار است که این فشار متوجه کلیسا و یا بهتر بگوییم قسمتی از کلیسا می شود (احتمال دارد که یونانی گرایان هدف این اقدامات بوده اند ۶:۱ توضیح). در اینجا منظور از کلمهٔ «رسولان»، رسولان و ایمانداران عبرانی است که وفاداری شان به یهودیگری محلی ، آنان را از شکنجه و آزار در امان نگه می داشت.

سخن خدا در سامره

۵ اما فیلیپس[f] که به شهری از سامره[g] وارد
شده بود، مسیح[h] را به ایشان اعلام می‌کرد.
۶ اما جمعیت متفقاً به [سخنان] فیلیپس
گوش دادند [چون] کراماتی را که انجام می
داد، می شنیدند و می دیدند. ۷ زیرا از افراد
بسیاری که ارواح پلید داشتند، این ارواح با
صدای بلند فریاد برآورده و خارج می‌شدند.
و بسیاری از مفلوجان و لنگان شفا یافتند. ۸ و
در آن شهر شادی عظیمی[i] روی داد.
۹ اما مردی به نام شمعون در آن شهر قبلاً
۳۶:۵ بود که جادوگری می کرد و مردم سامره را
مبهوت نموده، او خود را شخص بزرگی
می‌خواند. ۱۰ و همه از خرد و بزرگ به او
توجه می کردند، می گفتند که این قدرت
خدا است، [قدرتی] که بزرگ[j]
می نامندش. ۱۱ و به او توجه می کردند،
زیرا از مدتی طولانی بوسیلهٔ جادوگری‌های
خود، آنان را مبهوت کرده بود. ۱۲ اما وقتی
فیلیپس مژدهٔ نیکو دربارهٔ ملکوت خدا و نام
عیسی مسیح[k] را به ایشان اعلام کرد ایمان
آوردند و مردان و زنان تعمید می‌یافتند.
۱۳ و شمعون هم خود ایمان آورد و چون
تعمید یافت به همراه فیلیپس ماند و از
دیدن کرامات و معجزه‌های بزرگی که روی
می‌داد مبهوت می بود.
۱۴ اما رسولان که در اورشلیم بودند وقتی
شنیدند سامره سخن خدا را پذیرفته است، ۱:۱۱، ۱۱:۱۷
پطرس و یوحنا را به آنجا فرستادند. ۱۵ و
چون آمدند، برای ایشان نیایش کردند تا
روح‌القدس را دریافت نمایند. ۱۶ زیرا هنوز
بر روی هیچ یک از ایشان نزول نکرده بود و ۴۴:۱۰، ۱۵:۱۱
فقط به نام خداوند عیسی تعمید یافته
بودند. ۱۷ آنگاه آنها دستها را روی آنها
می‌گذاشتند[l] و آنان روح‌القدس را دریافت
می‌کردند.
۱۸ اما شمعون که دید با گذاشتن
دستهای رسولان، روح [القدس] داده
می‌شود، پولی به ایشان تقدیم کرد، ۱۹
[و] گفت: «به من هم این قدرت را
بدهید تا روی هر کس دست‌ها را
بگذارم، روح‌القدس را دریافت
کند». ۲۰ ولی پطرس به او گفت: «پول تو
با خودت نیست باد! زیراتصور کرده‌ای

f- فیلیپس یکی از هفت نفر مأموران خدمت سفره ها و احتمالاً یونانی گرا بوده است (۵:۶ توضیح). وی مژده را (۵:۸، ۱۲، ۳۵، ۴۰) به سامره برده است (۵:۸-۲۵)، جایی که قبلاً توجه لوقا را جلب کرده بود (۵۲:۹ توضیح). همچنین پس از تعمید دادن خواجه سرای حبشی (۲۶:۸-۳۹)، نوید را به شهرهای دیگر تا قیصریه (۴۰:۸) می بَرَد. و روزی پولس او را در قیصریه می یابد که با عنوان مروّج نوید خدمت می کند، عنوانی که کاملا شایستهٔ او است (۸:۲۱).

g- مثلاً شهر سوخار (یو ۵:۴) یا شهر دیگری است. در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: شهرِ سامره؛ در این صورت منظور شهر سباسْت است، یعنی سامرهٔ جدید، که بوسیلهٔ هیرودیس کبیر ساخته شده بود.

h- منظور مسیح موعود است (۳۶:۲ توضیح) که سامریان هم انتظار او را داشتند (یو ۲۵:۴).

i- مثل لوقا (۱۴:۱ توضیح) اعمال شادی را اغلب ذکر کرده است (۴۱:۵؛ ۳۹:۸؛ ۲۴:۱۱؛ ۴۸:۱۳-۵۲؛ ۳:۱۵، ۳۱؛ ر.ک. ۷:۲۰ توضیح. منظور شادی دورهٔ مسیحایی می باشد، شادیِ نجات در ایمان.

j- شمعون را تجلّی مستقیم و عظیمِ قدرت خدا می دانستند.

k- ر.ک. ۱۶:۱۳ توضیح.

l- ر.ک. ۶:۶ توضیح. روح القدس که به کلیسای اورشلیم داده شده بدین گونه به سامریانی که تعمید یافته اند منتقل گردیده است. ضمناً فرستادگان رسولان یعنی پطرس و یوحنا (بند ۱۴) به مأموریت فیلیپس اعتبار کاملاً رسولانی می بخشند.

به وسـیـلهٔ پـول مـوهـبـت خـدا را بـدست
۱۸:۲۶؛ تث۱۲:۱۲؛ ۲۹:۱۴ مز۳۷:۷۸ می‌آوری[m]. [۲۱]برای تو سهمی یا بهره‌ای
در این امـر نـیست. زیـرا دل تـو در بـرابـر
خــدا، راست نمی بــاشــد. [۲۲]از این بــد
جنسی خود توبه کن و به خداوند نیایش
نمـا، شـایـد این طـرح دل تـو بـخـشـیـده
تث۱۸:۲۹ شود. [۲۳]زیرا می بینم که گرفتار زهرهٔ تلخ
و اسیر بی عدالتی هستی». [۲۴] اما شمعون
پــاسخ داده گــفـت: «شــمـــا بــرای من،
[خودتان] نزد خداوند نیایش کنید تا از
آنچه گفتید چیزی بر من نرسد».
[۲۵]ایــنــان پس از شـهــادت دادن و اعلام
سخن خداوند به اورشلیم بر می‌گشتند و در
بسیاری از دهات سامریان مژده نیکو را
اعلام می کردند.

فیلیپس و خواجه سرای حبشی

[۲۶]و فرشتهٔ خداوند[n] به سخن درآمده، به
فیلیپس گفت: «برخیز و به سوی جنوب[o]،
به راهی که از اورشلیم به غزه می‌رود برو و
این راه بیابانی است. [۲۷]و او برخاسته به‌راه
افتاد. و آنگاه مردی حبشی، که خواجه سرا
و کارمند عالیرتبهٔ کنداکه[p] ملکهٔ حبشیان و
رئیس تمام خزانهٔ او بود، برا ی پرستش به
اورشلیم آمده بود[q]. [۲۸]و او در راه بازگشت،
روی ارابهٔ خود نشسته، [کتاب] اشعیای
نـبی را می‌خـوانـد. [۲۹]و روح [القـدس] به
فـیـلـیـپس گـفت: جـلـو بـرو و به آن ارابه
بپیوند. [۳۰]فیلیپس پیش دویده و شنید که
او [کتـاب] اشعیای نـبی را می‌خواند[r] و
گـفت: «آیـا آنـچه را که می‌خـوانی نـیـز
می فهمی؟» [۳۱]و او گفت: «چطور بتوانم،
اگـر کـسی مـرا راهـنـمـایی نـکـنـد؟» و از
فـیـلـیـپس دعـوت کـرد سوار شـده و بـا او
نشست. [۳۲] و قسمتی از نوشتهٔ [مقدس] را
که می‌خواند این بود:
« مانند گوسفندی به کشتارگاه برده شده
و مانند بره‌ای بی‌زبان جلوی آنکه پشمش
را می‌چیند، دهان خود را نمی‌گشاید.
[۳۳]در سرافکندگی [او]، حق از او گرفته
شده از تبار او چه کسی سخن خواهد گفت
زیـرا زنـدگی او از زمـین بـرگـرفـته شـده
است[s].» [۳۴]خواجه سرا به سخن درآمده به
فیلیپس گفت: «بفرما، پیامبر دربارهٔ چه
کسی این را می گـویـد؟ در مورد خـودش یا
در بارهٔ دیگری؟» [۳۵]پس فیلیپس دهان خود

m- در قرون وسطی در زبان های اروپائی اصطلاحِ simonie (روشِ شمعونی) به رفتاری اطلاق می شد که در آن ، مقدسات با پول مبادله می شد و این عمل را محکوم می کردند.
n- ر.ک. ۸:۲۳ توضیح. فرشتهٔ خداوند در بندهای ۲۹ و ۳۹ روح القدس می شود (ر.ک. ۱:۱۰ توضیح).
o- ترجمهٔ تحت اللفظی: برخیز و برو، این عبارت به روش بیان زبان های سامی است و در بند ۱۱:۹ نیز آمده است. کلمه ای را که به طرف جنوب ترجمه شده می توان در حدود نیمروز ترجمه کرد، ر.ک. ۶:۲۲.
p- این کلمه اسَم خاص نیست، بلکه عنوان ملکهٔ حبشه است چنانکه کلمهٔ فرعون، عنوان پادشاه مصر بوده است.
q- یا برای زیارت.
r- به صدای بلند می خواند. در دوران کهن عادت بر این بود که به صدای بلند بخوانند.
s- نقل قول از ترجمهٔ یونانی اش ۵۳:۷-۸ . در کتاب اعمال رسولان تنها مورد (ضمناً ر.ک. ۱۳:۳ توضیح) نقل قول سروشی است که در اش ۱۳:۵۲تاَ ۱۲:۵۳ آمده و در مورد خدمتگزار رنجور است. این سروش نقش مهمی در درک و اعلام اولیه رنج ها و مصلوب شدن عیسی داشته است. ملاحظه کنید لو ۳۷:۲۲ توضیح؛ مت ۱۷:۸ توضیح؛ روم ۱۶:۱۰ و ۲۱:۱۵؛ ۱پطر ۲۴:۲، ۲۵).

لو۲۷:۲۴ را گشوده[t] و از این نوشتهٔ [مقدس] آغاز
کرده[u] نوید عیسی را به او اعلام نمود. ۳۶و
چون راه را ادامه می دادند به قدری آب
رسیدند و خواجه سرا گفت: «اینک آب،
۴۷:۱۰، ۱۷:۱۱ چه چیزی مانع از آن است که تعمید یابم؟»
۳۷[و فیلیپس گفت: «اگر از [صمیم] قلب
ایمان بیاری ممکن است» و او جواب داد:
«ایمان دارم که عیسی مسیح پسر
خداست.»[v]] ۳۸و دستور داد ارابه را
نگهدارند و فیلیپس و خواجه سرا، هر دو
نفر در آب[w] فرو رفتند و او را تعمید
داد. ۳۹و وقتی که از آب بیرون آمدند، روح
۱-پاد۱۲:۱۸ خداوند فیلیپس را بر گرفت و خواجه سرا
دیگر او را ندید، در حالیکه شادمان به راه
خود می رفت. ۴۰اما فیلیپس در اشدود پیدا
۱-سمو۵:۱-۷ شد و همچنان که می گشت در تمام شهرها
پیام نیکو را اعلام می کرد تا این که به
قیصریه رسید[y].

دعوت پولس[z]

۹ ۱ اما سولس که هنوز تهدید و قتل
نسبت به شاگردان[a] خداوند را می
دمید، به کاهن اعظم نزدیک شد، ۲و از او ۱-مک۱۵:۱۵-۲۴؛
نامه هایی خطاب به کنیسه های دمشق ۲۲:۵؛ ۲۱:۲۸
درخواست کرد تا اگر کسانی را بیابد که از
[اهل] این طریق[b] هستند، مرد یا زن، بند ۳:۸
کشیده به اورشلیم بیاورد.
۳در هنگام پیمودن راه، او چون نزدیک ۲۲:۶؛ ۱-قرن۹:۱، ۱۵:۸؛ غلا۱:۱۲، ۱۵
دمشق رسید، ناگهان در اطراف او نوری
درخشید که از آسمان می آمد. ۴و به زمین
افتاده، صدایی شنید که به او می گوید:
«سولس، سولس[c]، چرا مرا شکنجه

t- این اصطلاح در کتاب مقدس (ر.ک. دان ۱۰:۱۶؛ ایّوب ۳:۱؛ و غیره) برای تاکید در مورد اهمیت مطالبی است که بیان خواهد شد. ر.ک. ۱۰:۳۴.

u- ر.ک. ۳:۱۸ توضیح.

v- بند ۳۷ مخصوصاً در نسخه های خطی غربی گواهی شده است (از قرن دوم میلادی) و بدین صورت آمده: اگر از صمیم قلب خود ایمان داری، مجاز است. خواجه سرا پاسخ داد: ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خدا است. این جملات احتمالاً انعکاس عبارات کهنی هستند که در هنگام تعمید دادن بیان می کردند. ر.ک. ۹:۲۰ توضیح.

w- منظور تعمیدی است با فرو رفتن در آب (ر.ک. ۹:۱-۱۰). ضمناً تصویر تدفین در روم ۶:۴ نیز مستلزم این نوع آئین است.

x- شادمانی بر اثر ایمان (۸:۸ توضیح) که پس از ناپدید شدن فیلیپُس هنوز باقی مانده است شاید به علّت همین ناپدید شدنِ شگفت آور است.

y- پطرُس هم به قیصریه خواهد آمد (۱۰:۲۴-۲۸) و پولس هم در اینجا در خانهٔ فیلیپس منزل خواهد کرد (۲۱:۸).

z- موضوع گرویدن سولس - پولس به مسیحیت سه بار در کتاب اعمال رسولان روایت شده که در اینجا نخستین آنها آغاز می شود (۹:۱-۱۹). دو روایت دیگر (۲۲:۴-۲۱؛ ۲۶:۹-۱۸) جزء سخنرانی های پولس ذکر شده است. این روایَت که سه بار تکرار می شود و تفاوت های قابل ملاحظه ای با یکدیگر دارند، نَشان می دهد که به نظر لوقا این واقعه اهمیت شایانی دارد (ر.ک. ۱۰:۱ توضیح)، زیرا با اینکه ماوراء چهل روز روی داده است (۳:۱ توضیح) با این همه دخالت کم اهمیتی نیست و عیسی پس از برخاستن از میان مردگان به پولس مأموریت داده است که نامش را به پیشِ ملت های غیر یهود ببرد (بند ۱۵).

a- ر.ک. ۶:۱ توضیح.

b- کلمهٔ طریق معمولاً به معنی طرز عمل و رفتار است (ر.ک. اش۳۰:۲۱؛ امث ۱۵:۱۰). ولی کتاب اعمال رسولان و فقط این کتاب، مفهوم جدیدی برای این کلمه قائل شده است، زیرا یکی از کلمه هایی است (ر.ک. ۱۱:۲۶ توضیح) که در مورد مسیحیان بکار می رود (۹:۱۹، ۲۳؛ ۲۲:۴؛ ۲۴:۱۴، ۲۲)، چونکه مسیحیان طریقی را پیروی می کنند که طریق خداوند، طریق خدا (۱۸:۲۵، ۲۶؛ ر.ک. مت ۲۲:۱۶؛ مز ۲۷:۱۱ و غیره) و طریق نجات است (۱۶:۱۷؛ ر.ک. مت۲۱:۳۲).

c- در متن یونانی اعمال رسولان، نام عبرانیِ پولس، به صورتی که می توان تا حد امکان در زبان یونانی تلفظ کرد (ر.ک. بند۱۷) ذکر شده است.

می کنی؟[5] و گفت: «خداوندا، تو
کیستی؟» [گفت:] «من همان عیسایی
لو ۱۶:۱۰ هستم[d] که تو او را شکنجه می کنی[e]. [6] اما
برخیز و به شهر وارد شو و به تو خواهند
گفت چه بایستی بکنی.» [7] و مردانی که با
او راه می پیمودند توقف کرده، [از حیرت]
خاموش مانده بودند، چون که صدا را
می شنیدند اما کسی را نمی دیدند[f]. [8] و
سولس از زمین برخاست: اما با این که
چشمانش باز بود چیزی نمی دید[g]. پس
دست او را گرفته به دمشق بردند، [9] و سه روز
شد که نابینا بود و نمی خورد و نمی آشامید.
[10] در دمشق شاگردی به نام حنانیا[h] بود و
خداوند در رؤیایی به او گفت: «ای
حنانیا»، او گفت: «خداوند، اینک
من.» [11] و خداوند به او [گفت]: «برخیز و
به خیابانی که آن را راست می نامند برو، و
در خانهٔ یهودا، سولس نام طرسوسی را
جستجو کن، زیرا او در حال نیایش
است. [12] و در [رؤیایی] دیده است[i] که
مردی به نام حنانیا وارد شده و دست ها را
بر روی او گذاشته است تا دوباره
ببیند.» [13] پس حنانیا پاسخ داد:
«خداوندا، در بارهٔ این مرد خیلی شنیده ام
که چقدر به مقدسان[j] تو در اورشلیم بدی
رسانده است. [14] و در اینجا، از طرف
کاهنان اعظم اختیار دارد همهٔ آنانی را که روم ۱۰:۱۲؛ ۱-قرن ۱:۲
نام تو را می خوانند[k] به بند بکشد.» [15] و
خداوند به او گفت: «برو، زیرا این ظرف ار ۲۵:۵۰
برگزیدهٔ من است تا نام مرا[l] به مقابل امت ار ۱۰:۱
ها و همچنین پادشاهان و پسران اسرائیل
ببرد. [16] زیرا من به او نشان خواهم داد همهٔ
آنچه را که باید به خاطر نام من رنج ۲۶:۱۵؛ ۱۳:۲۱، ۴۱:۵
بکشد.» [17] پس حنانیا رفته و به خانه وارد

d- اصطلاح من هستم، در اینجا نظیر موارد دیگر (لو ۸:۲۱؛ ۷۰:۲۲؛ ۳۹:۲۴؛ یو ۲۰:۶، ۳۵؛ و غیره) کلماتی مبنی بر تجلّی و مکاشفهٔ الهی است.

e- این خداوند است که در وجود شاگردانش تعقیب و شکنجه را تحمّل می نماید. ر.ک. ۱۴:۵ توضیح.

f- فقط پولس، خداوند را دید (ر.ک. بند۲۷) و همراهان او در حاشیهٔ واقعه قرار داشتند (ر.ک. ۹:۲۲).

g- پولس بر اثر درخشش نورانی تجلّی خدا نابینا شده بود (ر.ک. ۱۱:۲۲).

h- حنّانیا اصلاً یهودی بوده (۱۲:۲۲) چنانکه سایر شاگردان دمشق هم یهودی بوده اند (۱۹:۹)، زیرا در غیر این صورت، نویسنده که به گرویدن افراد سایر ملّت ها توجه داشته، آن را یادآوری می کرد. ضمنا دربارهٔ تأسیس کلیسای دمشق اطلاعی در دست نیست.

i- کلمهٔ در رؤیائی فقط در بعضی از نسخه ها آمده است. دو رؤیا به موازات هم آمده و دخالتِ خدا را در اعزام به مأموریت به سوی ملّت ها را نشان می دهد. ر.ک. ۱۹:۱۰-۲۰ .

j- کلمهٔ مقدّسان، نام دیگری برای مسیحیان است (ر.ک. ۲۶:۱۱ توضیح). این اسم که به ندرت دراعمال رسولان بکار برده شده (۳۲:۹، ۴۱؛ ۲۶:۱۰، ۱۸)، در نوشته های پولس فراوان است (روم ۷:۱؛ ۱-قرن ۲:۱؛ ۱:۶، ۲؛ ۳۴:۱۴؛ و غیره)، ر.ک. کلمهٔ تقدیس شده (۳۲:۲۰ توضیح). در آیین یهود، به طور کلی این صفت را به اعضای جمعیت مسیحیانی که خواهد آمد اطلاق می کردند (دان ۱۸:۷ توضیح)، ولی جمعیت قمران این صفت را پیشاپیش به خود نسبت داده بودند. مسیحیان خود به خوبی آگاهند که هم اکنون جمعیت مسیحایی را به دورِ عیسی، مسیح موعود ، مقدس به تمام معنا، تشکیل داده اند. ۱۴:۳ توضیح.

k- طرز دیگری (ر.ک. ۲۶:۱۱ توضیح) برای نامیدن مسیحیان (ر.ک. ۲۱:۹؛ ۱۶:۲۲) که مسلماً از یول ۵:۳ اقتباس شده است.

l- منظور از بردن نام من کمتر به مفهوم انتقال و اعلام نام می باشد و بیشتر به معنی گواهی و اعتراف است، در حالی که متهم شده و تحت تعقیب و شکنجه قرار می گرفت (ر.ک. ۱۲:۲۱-۱۹) چنانکه در بند بعدی تاکید خواهد شد. به این ترتیب همان کسی که تعقیب و شکنجه می داد، اکنون خود مورد تعقیب و شکنجه قرار دارد.

شـد و دست‌هـا را بـر روی او گـذاشـته[m]
گـفت: «ای بـرادر سـولس، خـداونـد مـرا
فـرسـتـاده است، عـیـسی که در راهی که
می‌آمدی بر تو ظاهر شده، تا دوباره بینایی ۳۱:۱۳
را باز یابی و پر از روح‌القدس باشی.» [۱۸]و
همان دم از چشمان او به مانند فلس‌هایی[n] طو۱۱:۱۲-۱۵
افتاده و بینـایی را باز یـافت و بپاخاسته
تعمید داده شد. [۱۹]و با خوردن غذا دوباره
نیرو گرفت.

موعظهٔ سولس در دمشق

و او چـنـد روزی بـا شـاگـردان در دمـشق
گذراند. [۲۰]و بلافاصله در کنیسه ها موعظه
می‌کـرد به عـیـسی که او پـسـر خـدا[o]
است. [۲۱]و هـمهٔ کـسـانی که می‌شـنـیـدنـد
مبهوت [متحیر] بوده و می‌گفتند: «آیا این
همان نیست که با خوانـندگان این نام در غلا۱:۱۳،۲۳ ۹:۱۴، ۲۲:۱۶
اورشلیم بدرفتاری می‌کرد و به این خاطر به
اینجا نیامده بود تا ایشان را به بند کشیده
و به نزد کاهنان اعظم ببرد؟» [۲۲]اما قدرت
سولس [هر روز] بیشتر می‌شد و با ثابت ۲۸:۱۸
کـردن مسیح بـودن عـیسی یـهـودیـان سـاکن
دمشق را منکوب می‌کرد.
[۲۳]اما چون روزهای بـسیـاری گـذشت[p]،
یـهـودیـان بـا هم تـصـمـیم گـرفـتـنـد او را ۲۰:۳،۱۹؛ ۲۳:۳۰
بـکـشـنـد. [۲۴]ولی سولس بـر دسیسهٔ ایـشان
مطلع شد و ایشان نیز شب و روز هم دروازه
هـا را مـراقـبـت می‌کـردنـد تـا او را
بـکـشـنـد. [۲۵]پس شـاگـردان[q]، شبـانه او را
گرفته، در زنبیلی گذاشته و از طریق حصار
او را پایین آوردند.

سولس در اورشلیم

[۲۶]و وقـتی که به اورشـلـیم آمـد کـوشش
می‌کرد به شـاگـردان بپیوندد، و همه از او
می‌تـرسیـدنـد، چون باور نـداشتـنـد که او
شاگرد است. [۲۷]ولی برنابا[r] او را همراه خود
به نزد رسولان[s] آورد و به ایشان توضیح داد
چگـونه [سـولس] در راه، خداونـد را دیـده
که بـا او سخن گـفته[t] و چگـونه در دمشق بـا
اطـمـیـنـان[u] به نـام عـیـسی سـخـن گـفـته
است. [۲۸]و در اورشلیم با ایشان بوده و رفت روم۱۵:۱۹

m- چنین به نظر می رسد که در آنجا گذاشتن دست ها با عمل شفا دادن و اعطای روح القدس ارتباط دارد ر.ک. ۶:۶ توضیح.
n- عبارت را بایستی چنین درک کرد : گویا بلافاصله فلس هایی از چشمانش افتاد.
o- عنوان پسر خدا در جای دیگر (به استثنای بند ۳۷:۸ که در بعضی از نسخه های خطی وجود دارد)، در کتاب اعمال رسولان به عیسی داده نشده، مگر اینکه نقل قول در۳۳:۱۳ را نیز در نظر بگیریم. به هر جهت در هر دو مورد پولس این عنوان را بکار برده. که در نامه های خود آنرا اکثراً می آورد (۱-تسا ۱:۱۰؛ غلا ۱:۱۶؛ ۲:۲۰؛ و غیره). بکار بردن این عنوان به موازات عنوان مسیح موعود (بند ۲۲)، مفهوم مسیحایی آنها را تاکید و یادآوری می نماید. ۱:۳۲ توضیح؛ ۱:۳۵ توضیح.
p- آیا نویسنده از مسافرت پولس به عربستان اطلاع داشته؟ (غلا ۱:۱۷).
q- در بعضی از نسخه های خطی آمده است: شاگردانش۱۴:۲۰ توضیح. قضیهٔ فرار از دمشق را پولس در ۲-قرن ۱۱:۳۳ یادآوری کرده است .
r- ر.ک. ۴:۳۶ توضیح.
s- بندهای ۲۷-۳۰ در مورد روابط پولس با رسولان و با اورشلیم یادآوری و تاکید می کنند (این موضوع را با آنچه در غلا ۱:۱۸-۲۴ آمده است مقایسه نمایید).
t- ترجمهٔ دیگر: که او [سولس] با [خداوند] سخن گفته.
u- ر.ک. ۴:۱۳ توضیح.

و آمد می کرد و با اطمینان به نام خداوند
سخن می گفت. ۲۹ و نیز او با یونانی
گرایان[v] سخن می گفت و بحث می کرد. اما
ایشان در صدد کشتن او برآمدند ۳۰ ولی
برادران که پی بردند، او را به قیصریه برده
و [از آنجا] او را به طرسوس فرستادند[w].
۳۱ انگاه کلیسا[x] حقیقتاً در تمامی یهودیه
و جلیل[y] و سامره آرامش یافت، در ترس از ۳۲:۲۰
خداوند بنا می شد و رفتار می کرد و به وسیلهٔ ۲:۱۰
تسلی روح القدس افزایش می یافت[z]. ۴۷:۲، ۵:۱۶

شفا یافتن اینیاس در لده

۳۲ اما پطرس که به همه جا می رفت[a]، به
نزد مقدسان ساکن لده[b] نیز وارد شد. ۳۳ و
در آنجا شخصی به نام اینیاس را یافت که
برای هشت سال بر روی بستری خوابیده،
فلج بود. ۳۴ و پطرس به او گفت: «ای ۶:۳-۷؛ مر۲:۱۱
اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا می دهد،
برخیز و خودت بسترت را جمع کن»، و
همان‌دم او برخاست. ۳۵ و تمام ساکنان لده
و سارون او را دیده و به خداوند گرویدند.

برخاستن طابیتا از مرگ در یافا

۳۶ و در یافا شاگردی به نام طابیتا بود
که ترجمه آن غزال[c] است. او سرشار از
اعمال نیک و صدقه[d] دادن بود. ۳۷ و در آن
روزها بیمار شده و مرد. پس از شستن او
را در بالاخانه گذاشتند. ۳۸ لده در نزدیکی
یافا است[e] و شاگردان که اطلاع یافتند
پطرس در آنجا است، دو مرد را به نزد او
فرستاده درخواست کردند که «در آمدن به
نزد ما تأخیر مکن!». ۳۹ پس پطرس
برخاسته با ایشان آمد. وقتی که رسید او
را به بالا خانه بردند و همهٔ بیوگان حاضر،
گریان لباس ها و جامه هایی را که غزال،
وقتی با آنها بوده، درست می کرده به او

v- منظور یونانی گرایان یهودی هستند که مخالفت شدید ایشان با پولس نشان می دهد که چندان با پیام رسولان موافقت نداشتند. ر.ک. ۶:۱ توضیح.

w- طرسوس شهر زادگاه پولس در ایالت قِلیقیه است (۳:۲۲) که در آنجا چندین سال اقامت خواهد کرد. (ر.ک. ۱۱:۲۵؛ غلا ۱:۲۱).

x- کلمهٔ کلیسا - اگر روایت بعضی از نسخه ها را که آنرا به صورت جمع (کلیساها) نقل می کنند رد کنیم - در اینجا به معنی مجموعهٔ کلیساها است (ر.ک. ۵:۱۱ توضیح). این یکی از دو موردی است در کتاب اعمال رسولان در دو مورد، یکی در اینجا، دیگری در ۲۰:۲۸، اصطلاح کلیسای خدا بمعنی مجموعهٔ کلیساها آمده است.

y- در مورد ایجاد کلیسایی در جلیل، اطلاعی در دست نیست.

z- ذکر توسعه و افزایش آرامِ کلیسا (ر.ک. ۲:۴۲ توضیح)، مقدّمه ای بر ذکرِ مسافرت های پطرس و همراهانش می باشد (۹:۳۲ توضیح).

a- ترجمهٔ دیگر: اما پطرس که مرتباً جابه جا می شد.

b- نویسنده از وقایع مسافرت های پطرس فقط دو معجزه را ذکر کرده است (۹:۳۲-۴۲) که از نظر زمینهٔ وقایع و شکل، بعضی از معجزه های عیسی را به یاد می آورند (ر.ک. ۳:۲ توضیح). این دو روایت (ر.ک. ۹:۴۳ و ۱۰:۵-۶) مقدمهٔ واقعهٔ مهمی است که در قیصریه روی می دهد (۱۰:۱ توضیح).

c- در متن یونانی Dorcas (دورکاس) آمده، ترجمهٔ نام عبری طابیتا؛ ر.ک. ۱:۲۳؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۳:۱، ۹.

d- ذکر صدقه ها شاید یادآوری صدقه های کرنیلیوس است (۱۰:۲ توضیح). به هر صورت در آیین یهود برای صدقه دادن ارزش قائل بودند (طو ۴:۷-۱۱؛ر.ک. مت۶:۱-۴) و در مسیحیت نوعی توزیع ثروت بشمار می رود (ر.ک. ۲:۴۴ توضیح)، که لوقا به آن علاقمند است (لو۱۱:۴۱ توضیح).

e- در حدود بیست کیلومتر.

لو۸:۵۱-۵۲ نشان می دادند. [۴۰] پس پطرس همگی آنان
را به بیرون راند و به زانو درآمده نیایش
کرد و به سوی جسد برگشته گفت: «ای
مر۵:۴۱ طابیتا، برخیز!» او چشمان خود را باز کرد
و چون پطرس را دید، نشست. [۴۱] و وی
دست به آن [زن] داده، او را بلند کرد و
مقدسان و بیوگان را صدا کرده، او را به
ایشان زنده سپرد. [۴۲] و در تمام یافا، از این
امر اطلاع یافته و بسیاری به خداوند ایمان
۱۰:۵ آوردند. [۴۳] و وی روزهای زیادی را در یافا،
پیش دباغی به نام شمعون اقامت نمود.

رؤیای کرنیلیوس در قیصریه[f]

۱۰ [۱] و در قیصریه[g] مردی بود به نام ۸:۴۰،
کرنیلیوس، فرمانده یک سپاه صد ۲۳:۲۳،۳۳
نفری به نام ایتالیانی[h]. [۲] وی با تمام ۲۷:۱؛ لو۷:۲
خانوار[i]ش متقی و خدا ترس[j] بوده، به ۱۰:۲۲،۳۵،
مردم[k] صدقه فراوان می‌داد و همواره به ۱۳:۱۶،۲۶،۵۰
هر نوع خدا را عبادت می کرد. [۳] حدود ۱۶:۱۴،
ساعت نهم روز[l]، در رؤیا[m] به وضوع ۹:۳۶؛ لو۷:۵ لو۲:۳۷، ۱۸:۱؛ مز۳۴:۲ ۳:۱ ۱۸:۹

f- مرکز (۱۰:۴۴-۴۸) و اوج (۱۱:۱۸) طولانی ترین گزارش اعمال رسولان (۱۰:۱ - ۱۱:۱۸)، اوّلین تعمیدهای غیر یهودیان است. ورود غیر یهودیان به زندگی نوین (۱۱:۱۸) توسط پطرس پذیرفته شد (۱۰:۴۸؛ ۱۱:۱۵-۱۷) و سپس کلیسای اورشلیم (۱۱:۱-۱۸) آنرا تأیید کرد. به نظر می رسد این واقعه از نظر محلی، نتیجهٔ فوری نداشت ولی این سابقهٔ اساسی و آیندهٔ پر شکوهی را تشکیل می دهد (۱۵:۷ توضیح؛ ۱۵:۱۴ توضیح). این رویداد را با اصرار بعنوان ابتکار خود خدا معرفی کرده اند، خدائی که معمولاً دخالت های اصلی اش را دو بار نقل کرده ویاد آوری می کنند: رؤیای کرنیلیوس (۱۰:۳-۸ = ۱۰:۳۰-۳۳ ر.ک. ۱۱:۱۳) و رؤیای پطرس (۱۰:۹-۱۶ = ۱۱:۵-۱۰ ر.ک. ۱۰:۲۸)، دخالت های کم اهمّیت (۱۰:۲۰، ر.ک. ۱۱:۱۲) و یا پراهمّیت روح (۱۰:۴۴-۴۶ ر.ک. ۱۱:۱۵). از طرفی، این طرح خدا فقط بطور تدریجی (۱۰:۵، ۱۷، ۲۰، ۳۳ و ۴۵؛ ۱۱:۳) بر ذینفعانی که آنرا اجراء می کردند آشکار می شد. ذینفعانی که با فهم تدریجیِ آن از طریق یک رشته تبادلات در قیصریه (۱۰:۱-۸)، در یافا (۱۰:۹-۲۳) و باز هم در قیصریه (۱۰: ۲۴-۴۸) و بالاخره در اورشلیم (۱۱:۱-۱۸) آنرا به انجام می رسانند.

g- بخش اوّل از این مجموعهٔ ۹:۱ - ۱۱:۱۸ در قیصریه به وقوع پیوسته (ر.ک. ۸:۴۰ توضیح) رؤیای کرنیلیوس (۱۰:۱-۸) تکرار و یادآوری می شود (ر.ک. توضیح قبلی) به تناوب بین فرشته و روح توجه کنید. (ر.ک. ۸:۲۶ توضیح؛ ۸:۲۳ توضیح).

h- احتمالاً گروهان دوّم ایتالیانی که اصولاً از بین ایتالیائی ها استخدام می شدند.

i- در اینجا و همینطور در ۱۱:۱۴؛ ۱۶:۱۵ و ۳۱؛ ۱۸:۸ (ر.ک. ۱قر ۱:۱۶) منظور از خانوار، تمامیِ خانواده، غلامان و حتی همکاران و یا دوستان (ر.ک. ۱۰:۷ و ۲۴) می باشند. معمولاً تمام خانوار گرایش نموده و تعمید می گرفتند (۱۶:۱۵، ۳۱، ۳۴؛ ۱۸:۸؛ ۱قر ۱:۱۶).

j- یا: متدیّن و خداترس. تقوی (۳:۱۲؛ ۱۰:۷؛ ر.ک. ۱۷:۲۳) کلمه و مفهوم یونانی است که مسیحیت ابتدائی با تأخیر آنرا پذیرفته است. (۱-تیمو ۲؛ تیط؛ ۲ پطر) ترس از خدا اصطلاحی یهودی است که اعتقاد به خدای اسرائیل را همراه دارد. این امر وفاداری به تمام خواسته های عهد در رابطه با خدا و دیگری را شامل می شود و منتهی به شناختی شده که بر مبنای آن و گاهی بر خلاف ظواهر، دنیا هدف و جهتی دارد. (امث ۱:۷؛ بنسی ۱:۱۱-۲۰) بنا بر این جای تعجب نیست که در اعمال ۹:۳۱، برای بیان تمام ایمان و زندگی کلیسا کفایت کند. منظور ازخداترسان افرادی هستند که به یهودیت گرویده (۱۳:۱۶، ۲۶؛ ر.ک. ۱۸:۷: پرستندگان خدا) بدون این که به مرحلهٔ ختنه برسند(۲:۱۱ توضیح). کرنیلیوس و متعلّقینش جزء این دسته (۱۰:۲۲-۳۵) هستند که تعدادِ زیادی از گروندگان به مسیحیت را تشکیل می دهند (۱۳:۴۳ توضیح).

k- احتمالاً این صدقات، هدایایی بوده که به امت یهودی قیصریه داده می شده است (ر.ک. ۷:۵). این سخاوت ها هستند که نظر خدا را به کرنیلیوس جلب می کنند (۱۰:۴، ۳۱) ر.ک. ۹:۳۶ توضیح.

l- یعنی ساعت سه بعد از ظهر.

m- کلمهٔ رؤیاها در اعمال رسولان خیلی بکار برده میشود: ۷:۵۵-۵۶؛ ۹:۱۰ و ۱۲؛ ۱۰:۱۷ و ۱۹؛ ۱۱:۵؛ ۱۲:۹؛ ۱۶:۹ و ۱۰؛ ۱۸:۹ توضیح). ولی هیچ وقت این کلمه برای ظهور عیسی بر دوازده رسول بکار برده نشده است.

فـرشتهٔ خدا[n] را دیـد که نـزد او آمد وبه او
گفـت: «ای کرنیلیوس!» [۴] پس با چشمانی
خیره شده (بر فرشته) و ترسان گفت: «ای
خـداونـدا! چه شـده؟» و او وی را گـفت: خروج۱۷:۱۴؛ بنسی۳۵:۹، ۵۰:۱۶؛
«دعاها و صدقات تو جهت یادگاری[o] به طو۱۲:۱۲-۱۵؛
پیشگـاه خدا برآمدند[۵] و حالا[p] کسانی به مر۱۴:۹
یـافـا بفـرست و شـمعـونی را که ملقب به لو۶:۱۴؛
پـطرس است طلب کن. [۶] او نـزد شـمعـون مت۱۶:۱۸؛ یو۱:۴۲
دبـــاغ که خــانه اش نـــزدیک دریـــاست، ۱۸:۱۰،۲۳،۳۲
ســــکــــونت دارد.» [pp] [۷] و پس از رفتن
فـرشــته ای که بـا او صـحـبـتی کـرد،
[کرنیلیوس] دو نفر از خدمتکاران و یک
سرباز متقی از آنهایی را ملازم او بودند[q]
صـدا زد [۸] و بـعـد از آنـکه هـمه چـیـز را
برایشان نقل کرد آنها را به یافا فرستاد.

رؤیای پطرس در یافا

[۹] و فـردای آن روز وقـتی که ایـنـهـا راه
می پیمودند و به شهر نزدیک می شدند،
پـطرس حدود سـاعت ششم[r] به پـشت بـام ۲۲:۶؛ یو۴:۶-۸
رفت تا نیایش کند. [۱۰] پس خیلی گرسنه
شده و می خواست چیزی بخورد. در حالی
که [آن را] تهیه می کردند، وی به خلسه[s] ۷:۵۶؛
فرو رفت. [۱۱] و او آسمان را گشوده دید، و حزق۱:۱؛ مت۳:۱۶؛ یو۱:۵۱
شیئی مثل یک سفرهٔ بزرگ که چهار گوشهٔ ۹:۱۵؛ حزق۱
آن گرفته شده بود پایین می‌آمد و بطرف
زمین نـازل می شـد[t]. [۱۲] در داخل آن هـمهٔ
چهارپایان و خزندگان روی زمین و مرغان پید۱:۲۴؛
هوا قرار داشتند[u]، [۱۳] و ندایی به وی رسید: روم۱:۲۳ حزق۲:۸
«برخیز پطرس، بُکُش و بخور!» [۱۴] اما
پطرس گفت: «نه، نه! خداوندا. زیرا من

n- فرشتهٔ خدا (بندهای ۷:۳ و ۲۲؛ ۱۳:۱۱) در بند ۳۰ تبدیل به مردی می شود. (ر.ک. لو۲۴:۴ و ۲۳)؛ ر.ک. اع ۸:۲۳ توضیح.

o- یادبود. مثل یک بنای یادبود یا جشنی برای بزرگداشت (یوشع ۷:۴؛ خروج ۱۴:۱۲). شاید هم قربانی (لاو ۲:۲) یا نیایشی (طو ۱۲:۱۲) که مخصوصاً برای جلب رضایت خدا باشد. در هر صورت منظور این است که دعاها و صدقات کرنیلیوس (۲:۱۰ توضیح) در خاطرهٔ خدا حاضرند (ر.ک. ۳۱:۱۰).

p- و حالا شروع مقطعی تعیین کننده را نشان می دهد که با تعمید گرفتن تمام خواهد شد (ر.ک. ۴۸:۱۰). متن در مورد انتظارات کرنیلیوس هیچ نمی گوید، مگر چند نسخه خطّی که در آخر بند۶ اضافه کردند: او آنچه را باید انجام دهی به تو خواهد گفت (ر.ک. ۶:۹) جزئیات بعداً توضیح داده شده (۲۲ توضیح) همه چیز با تبادلات مهمان نوازانه همراه است. ر.ک. ۶:۱۸، ۲۳ و ۳۲.

pp- در برخی نسخه ها، در ادامه، عباراتی افزون تر دارد.

q- در شرق قدیم و در عهد عتیق، رسولان همیشه دو نفرند (به عنوانِ دو شاهد). در اینجا یک سرباز همراهشان است. (ر.ک. ۱۰:۱۹:۱۱:۱۱).

r- تقریباً ظهر، ساعت غذا خوردن (ر.ک. ۶:۲۲) ساعت معمولی عبادت نبوده است.

s- کلمهٔ «خُلسه» در عهد جدید خیلی نادر است. منظور از آن واخوردگی کامل است که رویا سبب آن است (۹:۱۸ توضیح). رؤیائی که در آن خدا و یا عیسی خواسته هاشان را ابراز می دارند. (۱۱:۵؛ ۲۲:۱۷؛ر.ک. ۸:۱۶) همین کلمه یکی از کلماتی است که تعجب عمیق حاصل از دیدن یک معجزه را بیان می کند. (۳:۱۰ توضیح؛ لو ۵:۲۶).

t- از قسمت پائین می آمد؛ متن و تفسیر این بند نامطمئن می باشد. بنظر می رسد که پطرس خیمهٔ وسیعی را دیده (عبادتگاه سماوی؟) که بالای آن به آسمان و پائینِ آن به چهار نقطهٔ زمین (چهار جهت اصلی) می رسد. در یکی از نسخه های مهم دیگرَ به نظر می رسد که این چادر در هوا توسطَ چهار گوشهٔ آن معلّق است، بدون اینکه مفهوم سفره را داشته باشد. بعضی از ظواهر این رؤیا، رؤیای حزقیال (باب ۱) را به یاد می آورند: آسمان باز، عدد چهار، حضور حیوانات (توضیح بعدی را ببینید)، صدا[ی خدا].

u- این شمارش، همانند تکرار تقریبی آن در ۶:۱۱، شمارش سفْر پیدایش ۱:۲۱ تا ۲۴ .ر.ک. ۶:۷؛ ۷:۱۴) را تداعی می کند. علیرغم کمبودها، هر دو متن تمام حیواناتِ مخلوق خدا را دَر نَظر دارند. ر.ک. توضیحات بندهای ۱۴ و ۱۵.

حزق۱۴:۴ هیچگاه چیز کثیف و یا نجسی
نخورده ام[v].» [15] و از نو، بار دوم، صدایی
۹:۱۵؛ به او گفت: «آنچه را که خدا پاک اعلام
پید۹:۳؛ مت۱۱:۱۵؛ کرده[w]، تو آنرا کثیف مخوان!» [16] و این سه
روم۱۴:۱۴؛ ۱-تیمو۴:۴؛ بار اتفاق افتاد. و بلافاصله آن شیء بطرف
افس۲۹:۴ پید۳۲:۴۱ آسمان بالا برده شد.
[17] اما در حالی که پطرس، مردد، از خود
تعبیر این رؤیا را می پرسید، اینک
فرستادگان کرنیلیوس، که در بارهٔ خانهٔ
شمعون تفحص کرده بودند، به جلوی در
۱۳:۱۲ ورودی رسیدند. [18] و صدا زده و سؤال
کردند: «آیا شمعون ملقب به پطرس در
اینجا سکونت دارد؟» [19] و چون هنوز
پطرس در حال تفکر راجع به رؤیا بود، روح
به او گفت: «اینک دو نفر[x] تو را جستجو
۲۱:۱۰، ۱۲،۱۰:۹ می کنند. [20] پس بلند شو، پائین برو و بدون
ملاحظه کاری[xx] همراه آنان برو، زیرا منم[y]
که آنان را فرستاده ام.» [21] پس پطرس ۱۲:۱۱، ۹:۱۵
بطرف این مردان[yy] پائین رفت و گفت:
«اینک منم آن کسی که شما در جستجویش
هستید. سبب آمدن شما چیست؟» [22] و آنها
گفتند: «فرمانده کرنیلیوس، مردی متقی و لو۱:۶، ۲:۲۵، ۲۳:۵۰
خدا ترس، او که تمام امّت یهود درباره اش
شهادت نیک می دهند، توسط فرشتهٔ مقدس
با خبر شده که تو را نزد خانه خود بخواند و
سخنانت[z] را بشنود.» [23] پس [پطرس] آنان
را به خانه خوانده و از آنان پذیرایی نمود.
روز بعد بلند شده با آنان رفت و چند تن
از برادران اهل یافا[a] نیز با وی رفتند. [24]
روز بعد به قیصریه رسیدند. و کرنیلیوس در
حالی که [تمام] اقوام و دوستان صمیمی اش
را فراخوانده بود منتظر آنان بود. [25] و وقتی
پطرس داخل شد، کرنیلیوس به دیدارش
آمده[b]، خود را به پاهایش انداخته، تعظیم عبر۷:۱-۱۰

v- پطرس، بُعد فرمانی را که صدا به او داد، نفهمید (ر.ک. توضیح بعدی) همچون یهودی پارسا به دستورات باب ۱۱ لاویان که حیوانات پاک و نجس را از یکدیگر تمییز داده، و این آخری ها را ممنوع کرده و آنها را سرچشمهٔ نجسی برای مراسم مذهبی می داند، وفادار مانده است.

w- تحت اللفظی: پاک کرده. بنابراین صدای بند ۱۳ به نیابت از طرف خدا صحبت کرده و فرمان بکُش و بخور دلیلی است مبنی بر اینکه از این به بعد تفاوت بین حیوانات نَجس و حیوانات پاک برداشته شده. (ر.ک. ۱۵:۲۰ توضیح). آخرین بُعد این مکاشفه در بند۲۰ تلقین شده در بند ۲۸ تا ۳۴ (توضیحات) تأئید می شود.

x- در بعضی از روایات مردان و یا سه مرد نوشته شده.

xx- یا: بدون شک و تردید. ر.ک. ۹:۱۵ توضیح .

y- به یقین روح از طرف خدا صحبت می کند. وی به پطرس تلقین می کندکه آن تقیُّد مذهبی را که در مورد حیوانات بکار برده، نباید در مقابل انسان ها تکرار کند(بند۱۴) این جوابی است به سؤالاتِ بی جوابِ پطرس که مفهوم رؤیا را از خود می پرسید (بندهای ۱۷-۱۹). وی این جواب را درک می کند، چرا که با وجودیهودی بودن، از نامختونان پذیرایی می کند(بند۲۳)، افرادی که طبق قانون مذهبی نباید با آنان مراوده کند (ر.ک. ۲۸ توضیح). در نتیجه منظورِ رؤیای پطرس انسان ها می شوند.

yy- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است.

z- کلمه ای که اینچنین ترجمه شده (ر.ک. ۱۰:۳۷ و ۴۴؛ ۱۱:۱۴ و ۱۶ و غیره) گاهی معنیِ اتّفاق دارد و گاهی معنیِ کلام و گاهی هر دو بطور همزمان. در اعمال رسولان، اغلب به معنی یک اتفاق - دخالت خدا در تاریخ، که توسط کلام توضیح داده شده باشد. بند ۵ نمی گوید که کرنیلیوس چه انتظاری می بایست از پطرس داشته باشد (۱۰:۲۴) در اینجا موضوع انتظار بطور مرموز گفته شده(ر.ک. بند۳۳) و فقط در بندهای ۳۷ تا ۴۴واضح گردیده.

a- این برادران همراه پطرس، گواهانی بر عطیهٔ روح به امت های غیر یهود می باشند (۱۰:۴۵؛ ۱۱:۱۲).

b- روایت نسخهٔ غربی: وقتی پطرس به قیصریه نزدیک شد، یکی از خدمتکارانش جلو دویده و رسیدنش را اعلام کرد. کرنیلیوس بیرون شتافته به استقبالش آمد.

۱۵:۱۴؛ نمود. [26] اما پطرس او را بلند کرده گفت:
لو۴:۸؛ مت۸:۲، ۱۸:۹ «برخیز که من هم یک انسانم!» [27] و در حالی
۱۵:۱۴، ۲۲:۱۲؛ که با وی صحبت می کرد وارد شد و بسیاری
مکا۱۹:۱۰؛ ۹:۲۲ را یافت که [در آنجا] جمعند. [28] و به آنان
اعلام کرد: «شما می دانید که تماس و یا
نزدیک شدن به بیگانگان برای یک یهودی
۱۴:۱۰، ۹:۱۱، ۹:۱۵؛ عملی نامشروع است، ولی خدا به من نشان
غلا۲:۱۲-۱۶ داده که نباید هیچ انسانی را کثیف و یا
۱۰:۲۰، ۱۲:۱۱ نجس نامید[c]. [29] نیز به این خاطر است که
بدون چون و چرا، و به در خواستتان آمده ام.
بنا بر این از شما می پرسم: به چه خاطر مرا
به این جا آورده اید؟» [30] و کرنیلیوس گفت:
«چهار روز قبل در همین ساعت، در حالی که
لو۴:۲۴ در خانه ام نیایش می کردم، در ساعت نهم،
مردی با لباس های نورانی روبروی من
لو۱:۱۳ ایستاد[31] و گفت: «کرنیلیوس! دعاهایت
مستجاب شده و در پیشگاه خدا، صدقات تو
بخاطر آورده شده است. [32] پس کسی را
بفرست تا از یافا، شمعون ملقب به پطرس را
که نزدیک دریا درخانهٔ شمعون دباغ سکونت
دارد، بیاورند. [33] در همان لحظه به دنبالت
فرستادم و تو خوب کردی که رسیدی، پس فی۴:۱۴
اکنون همهٔ ما در پیشگاه خدائیم[d] تا آنچه را یو۶:۶۸
که بوسیلهٔ خداوند به تو دستور داده شده
بشنویم.»

سخنرانی پطرس در خانهٔ کرنیلیوس

[34] پس پطرس دهان[e] گشوده گفت: ۸:۳۵، ۱۴:۱۸
«براستی می فهمم که خدا اصلاً تبعیض[f] تث۱۰:۱۷؛ غلا۲:۶؛
قائل نمی شود. [35] ولی در هر امتی، کسی که روم۲:۱۱؛ افس۶:۹؛
از او بترسد و به عدالت عمل کند دلپذیر کول۳:۲۵؛ ۱-پطر۱:۱۷
اوست[g]. [36][h] [این چنین است] کلامی[i] را ۲۶:۱۳؛
که او به پسران اسرائیل فرستاده، و [به مز۱۰۷:۲۰، ۱۸:۱۴۷
آنان] مژده نیکوی صلح را از طریق عیسی اش۷:۵۲؛ روم۱۰:۱۵
مسیح که خداوند همگی است، اعلام کرده روم۱۰:۱۲
است[j].

c- در اینجا پطرس مفهوم عمیق رؤیایش را بیان می کند: دیگر نباید نامختونان را نَجس به حساب آورد. با لغو تمایُز بین حیوانات پاک و نجس، خدا، امکان نجاست مسری (ر.ک. لاو۱۱) را که مشرکان با خَوردن حیوانات نجس به آن گرفتار می شدند، لغو می کند، و به این ترتیب آن مانع اصلی که یهودیان را از معاشرت با مشرکان باز می داشت (ر.ک. بند۲۰ توضیح) از بین می رود. خصوصاً تناول غذا با آنان (۳:۱۱). در نظر خدا، تنها ارزش اخلاقی و مذهبیِ مردم به حساب می آید (۳۵:۱۰ توضیح).

d- در بعضی از نسخه ها: در مقابل خدا. اصطلاحی متداول که شاید از بند ۳۱ گرفته شده است.

e- ر.ک. ۳۵:۸ توضیح.

f- تحت اللفظی: خدا بین افراد تمایز نمی گذارد (لو ۲۱:۲۰). او تعلقات ملی و موقعیت اجتماعی را به حساب نمی آورد (ر.ک. توضیح بعدی).

g- یا: او مطبوع خدا است. بنا براین، این پاکی و یا نجاست نیست که شخص را در مقابل خدا همچون یک قربانی، دلپسند می گرداند (فی ۱۸:۴؛ ۱-پطر ۵:۲) بلکه ترس خدا (ر.ک. بند۲ توضیح) و عدالت (یعنی کیفیت کلی زندگی مذهبی و اخلاقی) و بطور عمیق تر ایمان به عیسی است که قلوب یهودی و غیر یهودی را پاک می گرداند (۹:۱۵) ر.ک. روم ۱۸:۱۴ جایی که از غذاهای پاک و نجس صحبت می شود. حالا مفهوم رؤیا کاملاً روشن می شود.

h- تأکید اساسی در بندهای ۳۴-۳۵، نمونهٔ جدیدی از مواعظ رسولی است (۱۴:۲ توضیح). پس از اعلام مفهوم آمدن عیسی (۳۶)، مراحل رسالتش بطور خلاصه و مطابق اناجیل نظیر (۳۷ تا اوایل ۳۹). تا فرجام آن یعنی مرگ و رستاخیز و ظاهر شدن ها و سپردن رسالت به رسولان (آخر ۳۹ تا ۴۲) نقل شده و در پایان دعوتی ضمنی به ایمان [به عیسی]. دعوتی مؤید با گواهی پیامبران (بند ۴۳). آشفتگی روحی پطرس در این بندهای ۳۶-۳۹ ملموس است.

i- پیام نجَات که خدا توسط آن صلح بینَ خود و آدمیان را اعلام می کند (اش ۷:۵۲؛ مز ۲۰:۱۰۷؛ ۱۸:۱۴۷).

j- اگر در ابتدا، پیام برای یهودیان بوده (۴۶:۱۳ توضیح)، ولی حالا، بدون تمایز برای همه است، زیرا عیسی خداوندِ همگی است (۳۶:۲توضیح).

لو۴:۱۴، ۵:۲۳ ۳۷شما آنچه را در تمام یهودیه اتفاق
افتاده می‌دانید[k]، که در جلیل شروع
۲۲:۱،۱۳:۲۴؛ لو۲۴:۴۷ شده[l]، بعد از تعمیدی که یحیی[یوحنای
تعمید دهنده] اعلان می‌کرد. ۳۸عیسی از
ناصره که خدا او را آن طوری در روح
۴:۲۷؛ لو۴:۱۶-۲۱؛ اش۶۱:۱ مقدس و قدرت[m] مسح کرد، که در حالی
که راه می‌رفت، اعمال نیک انجام
۲:۳۳،۳۸؛ لو۷:۲۲-۲۳؛ اش۲۹:۱۸، ۳۵:۵ می‌داد[n] و تمام آنانی را که توسط شیطان
اذیت می‌شدند شفا می‌داد زیرا که خدا
با وی بود.
لو۲۲:۲۵ ۳۹و ما شاهدیم[o] تمام آنچه را که او در
لو۴:۳۵-۳۶، ۹:۶، ۱۳:۱۶ سرزمین یهودیان و در اورشلیم انجام داده.
یو۳:۲ همان را که آنها[p] نیز به دارآویخته و
۵:۳۰؛ غلا۳:۱۳؛ تث۲۱:۲۳ کشتند. ۴۰همان کس را خدا روز سوم[q]
برخیزانده[qq] و [امکان] ظاهر شدن را به
۱:۳، ۱:۲۲، ۲۲:۱۴ او داد، ۴۱نه به تمام مردم، بلکه به
شاهدانی که از قبل توسط خدا انتخاب
۱:۴؛ لو۲۴:۳۰، ۴۲؛ مر۱۶:۱۴؛ یو۲۱:۱۲ شده بودند[r]، به ما که بعد از رستاخیز وی
از بین مردگان، با او خورده و
۳:۱۵، ۴:۱۰، آشامیده‌ایم[s]. ۴۲و به ما دستور داد که به
۳:۲۹-۳۰، ۱۷:۳۱ مردم اعلام کرده و شهادت دهیم که اوست
۱۳:۴۶ ۲:۳۶، که توسط خدا [به عنوان] داور زندگان و
۷:۲۷، ۱۷:۳۱ مردگان[t] منصوب شد. ۴۳تمام انبیاء بر او
۴:۱۰-۱۲؛ لو۲۴:۴۷ شهادت می‌دهند[u] که هر کس به او ایمان
۱۳:۳۹، آورد توسط نام او بخشش گناهانش را
۱۵:۹-۱۱؛ روم ۱۰:۹-۱۳ دریافت کند[v].»

k- این تأئید، بطور همزمان، دو هدف دارد: اتّفاقات قبلی و اتّفاقات بعدی. نه تنها شنوندگان، فرزانگی کافی را دارند که آنچه را به آن اشاره خواهد شد بدانند، بلکه می توانند مفهوم وقایع را آنطوری که در بند۳۶ و تمام سخنرانی هست قبول کنند. به یک مفهوم از ابتدا مؤمن هستند و با این عنوان (ر.ک. ۱۷:۱۱) است که روح را دریافت می کنند (۴۴ر.ک. ۱۵:۱۱).

l- ر.ک. آیه ۲۲ توضیح.

m- ر.ک. ۴:۱۸ تا ۲۱ (نقل قول اش ۶۱:۱) که تلقینی است مبنی بر این که نزول روح بر عیسی در هنگام تعمید (لو ۳:۲۱-۲۲) یک مسح است. همین روح برنامختونان مؤمنی که به پطرس گوش فرا می دهند نزول می کند (بند۴۴) ر.ک. ۱:۸ توضیح.

n- یا: به عنوان نیکوکار. عنوان نیکوکار گاهی به فرمانروایان یونانی اطلاق می شد(ر.ک. لو ۲۲:۲۵).

o- ر.ک. ۱:۲۲ توضیح؛ ۱:۸ توضیح.

p- منظور از آنها احتمالاً یهودیان است ولی بدون اینکه در این مورد پافشاری شود(ر.ک. ۲:۲۳؛ ۳:۱۳-۱۵؛ ۱۳:۲۸).

q- این دقّت ترتیب زمانی که در فرصت مناسب، موعظهٔ رسولی (ر.ک. ۱۵:۴ و ۱) به آن اشاره می کرد، تنها در این قسمت اعمال رسولان آمده است. (ر.ک. لو ۹:۲۲؛ ۱۳:۳۲؛ ۱۸:۳۳؛ ۲۴: ۷ و ۴۶).

qq-تحت اللفظی: او را به پا کرده.

r- اینچنین، سوای گروه گواهان ممتاز، امت یهود تنها یک برتری دارد: اینکه اوّلین مقصد پیامی باشد (بندهای ۳۶ و ۴۲) که پطرس آنرا در این زمان به ملل غیر یهود اعلام می کند. ر.ک. ۴۳ توضیح.

s- متن روایت غربی ادامه می دهد: و اینکه مدت چهل روز در ارتباط نزدیک با وی زندگی کردیم.

t- منصب قاضی فقط در دو قسمت اعمال رسولان به عیسی اطلاق شده (ر.ک. ۷:۲۵ توضیح): یکبار در این بند و دیگری در ۱۷:۳۱ (ر.ک. ۲-تیمو ۴:۱؛ ۱-پطر ۴:۵؛ر.ک. مت ۲۵:۳۱ تا ۴۶). در ایمان یهود، قضاوت، خاص خداست (روم ۲:۱۶؛ ۳:۶؛ ۱-پطر ۱:۱۷ و غیره) این قضاوت زندگان و مردگان یقیناً در آخرین برگشت (۱:۱۱) عیسی اجرا خواهد شد. (ر.ک.مردگان و زندگان در ۱-تیمو ۴:۱۳-۱۸)؛ ولی همینطور برای مؤلّف یک واقعیت زمان حاضر هم هست، همیطور که برای ۲-تیمو ۱:۵؛ ۱-پطر ۴:۱۷؛ یوحنا، و غیره.

u- در این گفتار، این تنها موردی است که در آن از یک وجههٔ اساسی موعظهٔ رسولی، که محقّق شدن نبوت هاست (۳:۱۸ توضیح) بطور واضح کمک گرفته شده است. مؤلّف به متون انبیاء در رابطه با ایمان و بخشش گناهان فکر می کند. (مثل متونی که در روم۱:۱۷؛ ۹:۳۳؛ ۱۰:۱۳ و غیره آمده اند.)

v- این سخن، حرفی را که موعظه با آن آغاز می شود، تکمیل می کند (۳۵ توضیح) و به سخنی اشاره می کند که به گزارش دربارهٔ کرنیلیوس خاتمه می دهد(۱۱:۱۸). به هر کسی، یهودی یا غیر یهودی (ر.ک. ۱۷:۱۱) که به عیسی مرده و برخواسته از مرگ، خداوند همه، ایمان آورد، نجات عطا می شود. تنها ایمان است که قلوب همگی را تزکیه می دهد (۹:۱۵ توضیح).

آمدن روح بر غیر یهود

۱۵:۱۱، ۱۶:۸، ۶-۵:۱۹ [۴۴] پطرس هنوز در حال گفتن این کلمات
بود که روح القدس است بر تمام آنانی که
کلام را گوش می کردند نازل شد[w]. [۴۵] و
۱۷:۲-۲۱، ۳۳؛ روم ۵:۵؛ تیط ۶:۳ تمام مؤمنان اهل ختنه که همراه پطرس
بودند از آنکه موهبت روح القدس حتی
روی [اشخاصی] از امت ها[ی غیر یهود]
۱۱:۲، ۱۹:۶ پخش شده مبهوت ماندند. [۴۶] زیرا
[صدای] آنها را می شنیدند که با زبان ها
سخن رانده و خدا را تمجید می کردند[x]،
پس پطرس [صحبت را] ادامه داده
۳۶:۸، ۱۷:۱۱ گفت: [۴۷] «آیا کسی می تواند کسانی را که
همچون ما نیز، روح مقدس را دریافت
کرده اند، از آب تعمید محروم کند[y]؟» [۴۸] و
او دستور داد که آنها را به نام عیسی مسیح
۱۹:۹، ۱۴:۲۸، ۱۶:۱۵، ۲۱:۴، ۲۸:۱۴ تعمید دهند[z]. پس آنها از وی خواهش
کردند تا چند روزی [نزد آنان] بماند[a].

گزارش پطرس در اورشلیم

۱۱

۴۵:۱۰ [۱] پس رسولان و برادرانی که در
یهودیه بودند، از اینکه حتی
[افرادی از] امت ها[ی غیر یهود] کلام خدا
۱۴:۸، ۱۵:۷، ۱۷:۱۱؛ ۱-تسا ۶:۱، ۱۳:۲ غلا ۱۲:۲ را پذیرفته اند با خبر شدند. [۲] و وقتی پطرس
به اورشلیم مشرف شد، اهل ختنه با وی به
مقابله برخاسته[۳b] می گفتند: «تو نزد ختنه
۲۸:۱۰-۴۸ نشدگان[c] رفته و با آنها غذا خوردی[d]!» [۴] اما
پطرس گزارش مفصل را برایشان شروع کرد،
[۵] گفت: «من در شهر یافا در حال نیایش
۱۱:۱۰ بودم، در حال خلسه فرو رفته، رؤیایی دیدم:
شیئی مثل یک سفرهٔ بزرگ که از چهار
گوشه گرفته شده باشد، پائین می آمد، از
آسمان نازل شده و به من رسید، [۶] در حالی
که چشمانم به آن خیره شده بودند، مشاهده
پید ۱۴:۷ کرده و چهارپایان زمین و حیوانات وحشی و
خزندگان و پرندگان آسمان را دیدم[e]. [۷] و
همینطور صدایی شنیدم که به من گفت:

w- در حالی که هنوز پطرس سخنرانیِ خود را تمام نکرده، یا بهتر بگوییم اندکی از شروع آن می گذرد - (۱۵:۱۱) خدا (و خداوند عیسی ۳۳:۲) با پخشِ روحَ نشان می دهد که خود ابتکار این امر مهم را در دست دارد، هر چند که در این مورد موعظهٔ رسولی نقشی ناگزیر اجراء می کند.

x- این جمله روایت پنجاهه را تداعی می کند (۱۴:۲؛ ۱۷:۱۱): و اکنون پنجاههٔ مللِ غیر یهود است (ر.ک. ۱۵:۱۱؛ ۱۹:۲ توضیح).

y- جلو آب را بگیرند که آنها تعمید داده نشوند. در اینجا عطیهء روح قبل از تعمید به وقوع پیوسته و منوط به دست گذاری نیست (۶:۶ توضیح). با دست گذاری ویا بدون آن، عطیهء روح از خدا است.

z- در اینجا مثل مواردی دیگر (۱۹:۵؟؛ ۱-قرن ۱۴:۱ و ۱۷)، رسولان خود تعمید نمی دهند(ر.ک. ۱۲:۸، ۳۶).

a- اشتراک در زندگی و احتمالاً در سُفره (میزِ غذا) که با مهمان نوازی همراه است، وجود کلیسای جدید قیصریه را مشخص می کند.

b- نسخهٔ غربی: پس از مدّتی نسبتاً طولانی، پطرس تصمیم به رفتن به اورشلیم گرفت. برای استوار کردن برادران، آنان را مخاطب قرار داد (سپس رفت) از دشت و صحرا حرکت کرده و با سخنرانی های متعدّد تعلیم می داد. آنگاه که پیش آنان رسید، فیض خدا را به آنها اعلام کرد. ولی برادرانِ مختون با او به مشاجره بر خاستند.

c- تحت اللفظی: مردانی که هنوز غلافشان را دارند.

d- به نظر می رسد که در این مرحله مؤمنین مختون اورشلیم، به نامختونیِ غیر یهودیِ گرویده به مسیحیت هنوز چندان اهمّیتی را نمی دادند که بعدها اهمیت دادند (۱:۱۵ توضیح). پطرس، بویژه بواسطهٔ هم سَفره شدن با مشرکین سرزنش می شود. هم سفره شدن مهم ترین منبع نجسی برای یهودیان به حساب می آید (۲۸:۱۰ توضیح): در حقیقت این مشکل حادی برای امّت مسیحی است. امّتی که بطور عادی، مراسم نیایش شکرگزاری در چارچوبِ سُفرهٔ غذای وی قرار دارد (۷:۲۰ توضیح).

e- ر.ک. ۱۲:۱۰ توضیح.

۱۳:۱۰ «برخیز! پطرس، بُکُش و بخور!»[۸] اما من
گفتم: «نه، نه! خداوندا، زیرا هیچ گاه آنچه
۱۴:۱۰ کثیف یا نجس باشد به دهان من وارد
نشده!»[۹] پس بار دوم صدایی از آسمان
۱۵:۱۰ تکرار کرد، گفت: «آنچه را که خدا پاک
اعلام کرده تو [دیگر] کثیف مخوان!»[۱۰] و
۱۶:۱۰ این [اتفاق] سه بار واقع شد و همه چیز
دوباره به آسمان بالا کشیده شد.[۱۱] و اینک
۱۷،۷:۱۰ در همان لحظه، سه مرد که از قیصریه برایم
۱۹:۱۰ فرستاده شده بودند، به در خانه ای آمدند
که ما در آنجا بودیم[f].[۱۲] و روح به من گفت:
۲۳:۱۰، ۴۵ «بدون ملاحظه کاری[g] همراهشان برو»، و
این شش برادر نیز همراه من آمدند و ما[h]
۲۰:۱۰، ۹:۱۵ به خانهٔ آن مرد وارد شدیم.[۱۳] و او ما را
۳:۱۰،۲۲، ۳۰-۳۳ آگاه کرد که چگونه در خانه اش فرشته را
۲۲:۱۰ دیده که ایستاده بود و گفته: «کسانی به
یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس را
۱۲:۴ بطلب! [۱۴] او با تو سخنانی خواهد گفت که
۲:۱۰؛ ۱-قرن۱:۱۶ به [فیض] آنها [تو] نجات خواهی یافت،
۳۴:۱۰،۴۴ تو و تمام خانوارت[i].[۱۵] و در حالی که شروع
۲:۱-۴ به سخن کرده بودم، آن روح که مقدس

است بر آنها نازل شد[j]، همانطوری که بر ما
در ابتدا.[۱۶] پس بخاطر آوردم کلام خداوند لو ۲۲:۶۱، ۶:۲۴؛
را که می گفت: یحیی حقیقتاً با آب تعمید یو ۱۴:۲۶
می دهد اما شما در روح مقدس تعمید ۱:۵؛ لو ۳:۱۶
خواهید یافت.[۱۷] پس اگر خدا به آنان ۱۵:۸-۹؛ روم ۹:۲۴
همان عطیه ای را داده که به ما نیز که به
خداوند عیسی مسیح[k] ایمان آورده ایم، پس ۹:۲۴؛ ۱۱:۱۷؛
من که هستم که با خدا بتوانم مخالفت ۱۵:۸-۹
کنم[l]؟»[۱۸] پس آن ها با شنیدن این، آرام ۵:۳۹، ۱۵:۱۰
گرفته و در حالی که خدا را تجلیل می ۲۱:۱۴؛
کردند، می گفتند: «پس خدا به امت روم ۱۵:۷-۱۳ ۵:۳۱
ها [غیر یهود] هم آن توبه زندگی [بخش] را ۲:۳۸، ۳:۱۵، ۵:۲۰، ۱۳:۴۶،
داده است[m].» ۱۴:۲۷

بنیان گذاری کلیسا در انطاکیه[n]

[۱۹] پس آنانی را که [غم و] اندوه متعاقب ۸:۱-۴
جریان استیفان پراکنده ساخته بود، تا
فنیقیه، قبرس و انطاکیه می گشتند و کلام را
به هیچ کس جز یهودی اعلام نمی کردند. ۲۱:۳، ۷، ۲۷:۳
[۲۰] پس اما چند نفری که از اهالی قبرس و ۴:۳۶، ۱۳:۴، ۲۱:۱۶
قیروان بوده و به انطاکیه آمده بودند، با

f- روایتی دیگر: تآنجایی که بودیم.
g- یا: بدون قضاوت و تفاوت قائل شدن. این عبارت، عبارت ۲۰:۱۰ را تداعی می کند و زمینهٔ ۹:۱۵ را آماده می نماید.
h- کلمهٔ ما تأکیدی است براین که پطرس تنها نبوده (ر.ک. ۱۰َ:ت۲۳ توضیح).
i- وابستگی کرنیلیوس به خانوارش (۲:۱۰ توضیح)، موازی با وابستگیِ پطرس به برادران اهل یافا (۱۲ توضیح) می باشد ر.ک. ۱۶:۱۵ و ۳۱ و بعد؛ ۱۸: ۸).
j- ر.ک. ۱۰:۴۶ توضیح.
k- ر.ک. ۱۰:۴۳ توضیح.
l- تحت اللفظی: جلوی خدا را گرفتن (ر.ک. ۱۰:۴۷ توضیح).
m- تحت اللفظی: گرویدن به زندگی. داستان کرنیلیوس (۱:۱۰ توضیح) اینچنین شروع یا خاتمه می یابد. بطور یکسان برای یهودیان و غیر یهودیان، زندگی و گرایشی که به آن منتهی می شود، یک عطیهٔ الهی است. در سطور بعد پطرس آنرا فیض خداوند عیسی می نامد (۱۵:۱۱).
n- با رسیدن نوید (انجیل) به سامره (۸:۵ توضیح) و به لطف خدا، به اوّلین اهالیِ ملت های غیر یهود (۱:۱۰ توضیح)، مؤلّف به پراکندگان اورشلیم بر می گردد: بعضی به ابتکار خویش، خبرِ خداوند بودن عیَسی را به مشرکان انطاکیه (پایتخت سوریه) اعلام می کنند. این واقعهٔ قاطع، سبب یک سری مبادلات بین اینَ شهر و اورشلیَم شده و بویژه پولس را که مدتی طولانی ناپیدا بود وارد صحنه می کند (۹:۳۰). این شهر بزرگ مشرک، انطاکیه، علیرغم بدنامی اش، از این به بعد مرکز تبلیغیِ مهمّی خواهد بود (۱۳:۱-۳؛ ۱۴:۲۶-۲۸؛ ۱۵:۳۵-۳۶؛ ۱۸:۲۲).

یونانی‌ها[o] نیز صحبت کرده، مژده نیکوی ۱:۱۳؛ مت ۳۲:۲۷؛
خداوند مسیح را [به آنها] می‌دادند. ۲۱و مر ۲۱:۱۵
دست خداوند همراه آنان بود[p] و تعداد ۳۶:۲، ۵۹:۷، ۳۶:۱۰
بسیاری ایمان آورده، به خداوند گرویدند. لو ۶۶:۱؛ ۲-سمو ۱۲:۳
۲۲اما خبر ایشان به گوش کلیسای مستقر در ۴:۴، ۷:۶، ۵:۱۶
اورشلیم رسید و برنابا را به انطاکیه ۱۴:۸، ۱:۱۱ ۳۶:۴
فرستادند[q]. ۲۳وقتی که رسید و فیض خدا ۱۴:۸ ۸:۸
را دید، شادمان شده و همه را نصیحت کرد ۴۳:۱۳، ۲۲:۱۴
که با قلبی استوار به خداوند ملحق
بمانند. ۲۴زیرا که او مردی نیکو، پر از روح ۳:۶؛ لو ۵۰:۲۳
مقدس و ایمان[r] بود. گروهی بسیار برای ۵:۶ ۴۱:۲-۴۷،
خداوند اضافه شد. ۲۵برنابا در جستجوی ۱۴:۵ ۲۷:۹-۳۰؛
سولس به طرسوس[s] رفت. ۲۶و او را پیدا غلا ۱۸:۱-۱:۲
کرده و به انطاکیه آورد. پس ایشان یک
سال تمام در کلیسا[t] جمع شده جمعیت زیادی
را تعلیم دادند؛ و در انطاکیه بود که برای
اولین بار شاگردان[u] را مسیحی نامیدند.

عمل برای امداد

۲۷ و در آن ایام انبیایی از اورشلیم به
انطاکیه آمدند[v]. ۲۸و یکی از آنان به نام
آغابوس به پا خاسته و از طریق روح[w] اعلام ۱۰:۲۱-۱۴

o- احتمالاً یونانی گرایانی هستند (۱:۶ توضیح). یکی از هفت نفر از اهالی انطاکیه بود (۶: ۵). برنابا (۳۶:۴) و مناسون (۱۶:۲۱) قبرسی الاصل بودند. لوکیوس (۱:۱۳) از اهالی قیروان بود.

p- خداوندی که بطور مستقیم گرایش کرنیلیوس و متعلّقینش را فراهم آورده، چیزی را جز تأییدِ ابتکار مبلّغین انطاکیه، نمی تواند انجام دهد.

q- گرایشِ غیریهودیان به عیسی توجه کلیسای اورشلیم را (ر.ک. ۱:۱۱) به خود جلب می کند. کلیسایی که بار دیگر بدین مناسبت وظیفه اش را در مورد برقراری و تداوم روابط با کلیساهای دیگر ابراز می دارد. در باب های قبل، رسولان شخصاً این ارتباط را بر عهده داشتند (۱۴:۸؛ ۳۲:۹)؛ در اینجا به دلایلی نامشخّص (زبان؟ فاصله؟ شهر غیر یهودی؟) اوّلین کلیسا فقط یک نماینده می فرستد. پطرس، شخصاً در زمانی نامعلوم، به انطاکیه آمد (غلا ۱۱:۲ و بعد).

r- بنابراین، این روح مقدس است که از طریق برنابا ابلاغ مژدهٔ نیکو را به غیریهودیان بطور مؤثّر تأیید و تقویت می کند.

s- سولسی که در این گزارش، بعد از طرسوس از او سخنی به میان نمی آید (۳۰:۹) بنابر غلا ۱۸:۱؛ ۱:۲، این غیبت پولس احتمالاً ده سال به درازا کشیده است. اقدام برنابا به پولس اجازه می دهد که رسالتش را که مأموریت به پیشِ مللِ غَیر یهود می باشد شروع کند(۱۵:۹) - در حقیقت، اگر در این مدت پولس غیریهودیان را مخاطب موعظهٔ خویش قرار داده بود، اعمال رسولان به آن اشاره ای می کرد.

t- در اینجاست که برای نخستین بار کلمهٔ کلیسا (۱۱:۵ توضیح) به امّتی خارج از فلسطین، امّتی شامل مختون و نامختون، اطلاق می شود. این کلمه، که در گزارش کرنیلیوس دیده نمی شود احتمالاً بی منظور نیست، (ر.ک. توضیح بعدی). از این به بعد متداول ترین لفظ است برای تعریف جمع ایمانداران.

u- بازهم عبارتی جدید برای آنانی که مؤلف با عباراتی چون برادران (۱۵:۱ توضیح)، مؤمنان (۴۴:۲ توضیح) و شاگردان (۱:۶ توضیح)، طریق (۲:۹ توضیح)، قدیسین (۱۳:۹ توضیح) و غیره مشخص کرده و خواهد کرد. مسیحی ترجمهٔ کلمهٔ یونانی Christianos که از نام مسیح Christos مشتق شده. در حالی که تمام تسمیه های دیگر (و یا تقریباً تمامشان ر.ک. ۵:۲۴ توضیح) از خود ذینفعان صادر شده است، کلمهٔ مسیحی که در محافل غیر مسیحی بوجود آمده، به معنی طرفدار و یا مرید مسیح است. ظهور این کلمه دال بر این است که کلیسای انطاکیه در نظر مردم، به عنوان یک فرقهٔ یهودی شناخته نمی شده (ر.ک. ۵:۲۴) بلکه بصورت یک گروه جدید که خود را وابسته به مسیح می داند شناخته می شده است. (۲۸:۲۶؛ ۱-پطر ۱۶:۴).

v- احتمالاً به ابتکار خودشان. بنابراین ابتدا در کلیسای اورشلیم (ر.ک. ۳۲:۱۵؛ ۱۰:۲۱) و پس از آن در انطاکیه (۱:۱۳) و افسُس (۶:۱۹) و قیصریه (۹:۲۱)، انبیایی مسیحی بوده که نبوت می کردند. این نبوت مسیحی، توسط روح مقدّس (۲۸: ۱:۱۳ و ۲؟؛ ۶:۱۹؛ ۱۱:۲۱) القاء می شد و به نظر می رسد که نبوت ذکر شده در ۱۸:۲ را به انجام می رساند. انبیای مسیحی همچون انبیای عهد قدیم، گاهی از آینده خبر می دادند (۲۸: ۲۱:۱۰-۱۴)، که با توجه به وضع موجود، سرگرمی یا پشتیبانی را بهمراه داشت (۳۲:۱۵؛ ر.ک. ۱-قرن ۱:۱۴ توضیح).

w- تحت اللفظی: توسّط روح یا در روح (ر.ک. بند۲۷ توضیح).

کرد[x] که قحطی بزرگی در تمام زمین اتفاق
خواهد افتاد. این همان است که در زمان
غلا ۲:۱۰؛ روم ۱۵:۲۶ ۲-قرن ۸:۴، ۹:۱-۱۳ روم ۱۵:۳۱ کلودیوس[y] اتفاق افتاد. ۲۹ و شاگردان
تصمیم گرفته که هر یک مطابق
امکاناتشان، سهمی را برای خدمت به
برادران ساکن یهودیه بفرستند[z]. ۳۰ این کار
را نیز با فرستادن آن به پیران[a] توسط برنابا
و سولس[b] انجام دادند.

اعدام یعقوب، دستگیری و رهایی پطرس

۲۳:۱۹ **۱۲** ۱ و در این زمان[c] پادشاه
هیرودیس[d] تصمیم به بدرفتاری با
بعضی از اعضای کلیسا گرفت. ۲ و یعقوب
۱۳:۱؛ مر ۱۰:۳۵-۴۰ برادر یوحنا را با شمشیر کشت. ۳ و با دیدن
اینکه این عمل مورد پسند یهودیان است،
دستگیری پطرس را نیز بر آن اضافه کرد. و
لو۲۲:۱ ایام فطیر[e] بود. ۴ او را گرفته و به زندان
انداخت، و حفاظت از وی را به چهار
دسته‌ی چهار سربازه سپرد و هدفش این
بود که بعد از [عید] گذر او را در نزد مردم
۷:۲۶؛ لو ۲۲:۴۴؛ یع ۵:۱۶؛ یهودیه ۴:۹ به نمایش گذارد. ۵ پس پطرس در زندان
نگهداری می شد، در حالی که کلیسا به
شدت برای او خدا را نیایش می کرد.
۶ باری، چون هیرودیس می‌خواست وی
را محاکمه کند، آن شب پطرس با دو زنجیر
۵:۱۸-۲۴، ۱۶:۲۵ بسته شده بین دو سرباز خوابیده بود، در
حالی که محافظانی جلوی درب، زندان را

x- روایت غربی: شادی فراوانی بود. در حالی که ما دور هم جمع بودیم، یکی از پیامبران به نام آغابوس صحبت کرد و گفت . ضمیر «ما» که در این روایت دیده می شود، در رابطه با «ما»هایی است که متشخّص بعضی از قسمت های نیمهٔ دوّم این کتاب هستند (۱۶:۱۰ توضیح).

y- در واقع در سال های ۴۶-۴۸، قحطی حادی در بعضی از نقاط امپراتوری بوقوع پیوست.

z- رابطهٔ اورشلیم و انطاکیه یک جانبه نیست. در جاهای دیگر ابتکار عمل از اورشلیم به انطاکیه بود (۲۲، ۲۷) ولی در اینجا ابتکار یک جانبه شروع می شود، و بدین ترتیب، هم خوانی که متشخّص امت نخستین است توسعه می یابد (۲:۴۴ توضیح).

a- و چرا نه به رسولان؟ مؤلّف آنرا نمی گوید. در اینجا برای اوّلین بار از این گروه پیران کلیسای اورشلیم سخن به میان می آید. همراه رسولان و پس از آنان، این گروه نقش مهمّی در شورای اورشلیم بر عهده خواهد داشت (۱۵:۲، ۴، ۶ و غیره؛ ۱۶:۴) بعدها این گروه به تنهایی و در کنار یعقوب دیده خواهد شد (۲۱:۱۸). به گروه های مشابهی در خارج اورشلیم در کلیساهای لستره، قونیه، انطاکیهٔ پیسیدیه (۱۴:۲۳) و افَسُس (۲۰:۱۷) اشاره شده ولی یقیناً این به معنای آن نیست که این چنین گروه هایی در کلیساهای دیگر وجود نداشته. سکوَت اعمال رسولان فقط قیاساتی را در مورد منشاء این نهاد مجاز می کند. احتمالاً قرینی است برای شورای پیران [یا معتمدین] که در رأس جوامع یهودی بوده: در اورشلیم این پیران [یا معتمدین] بعد از کاهنان بزرگ قرار می گرفتند (۴:۲۳؛ ر.ک. ۵:۸؛ ۲۳:۱۴؛ ۲۵:۱۵) تقریباً مثل پیران مسیحی پس از رسولان. در مورد انتصاب پیران به ۱۴:۲۳ توضیح و در مورد نقش آنها به توضیح ۲۰:۱۸ مراجعه شود.

b- دوّمین آمدن پولس به اورشلیم (ر.ک. ۹:۲۶-۳۰). آیا این همان سفری است که در غلا۲:۱ آمده؟ (ر.ک. ۱:۱۸)؟ توضیحات ۱۲:۲۵ و ۱۵:۳ را بخوانید.

c- بار دیگر در اورشلیم (بندهای ۱-۱۹) بیدادگری علیه رسولان (ر.ک. ۸:۱ توضیح) شروع می شود: مرگ یعقوب، دستگیریِ مجدّد و آزادی معجزه آسای پطرس (ر.ک. ۴:۱ و ۵:۱۸-۱۹) که سپس ناپدید می شود (۱۲:۱۷ توضیح). هیرودیس، ستمگر، در قیصریه می میرد (بندهای ۲۰-۲۳؛ر.ک. توضیح بعدی). پولس و برنابا به انطاکیه (۲۴-۲۵) برمی گردند و از آنجا برای رسالت خواهند رفت (۱۳:۱ توضیح).

d- هیرودیس اغریپاس اوّل، برادرزادهٔ هیرودیس آنتیپاس (لو ۲۳:۸-۱۲) در سال ۴۱ پس از دسیسه های مختلف در رُم، شاه یهودیه و سامره شد. سیاست وی پشتیبان یهودیتی از نوع فریسیان بود(ر.ک. بندهای ۳ و ۱۱). دربارهٔ مرگش به توضیح بند۲۲ مراجعه شود.

e- این هفت روز با بزرگداشت عید گذر شروع می شدند(ر.ک. بند۴). بنابراین پطرس تقریباً در همان فصلی از سال دستگیر می شود که عیسی دستگیر شده بود (لو ۲۲:۴۱).

نـگـهـبـانی می کـردنـد. ۷ و ایـنـک فـرشـتـه ۱۵:۶، ۹:۳، ۲۲:۶، ۲۶:۱۳؛ لو ۲:۹
خـداونـد[f] ایـسـتـاده و نـوری در [سـلـول]
درخشید. به پهلوی پطرس زده، وی را بیدار
کرد درحالی که می گفت: «برخیز، زود!» و
زنجیرها از دستهایش افتاد. ۸ و فرشته به او
گفت: «کـمـربـنـدت را بـبـنـد و نـعـلـیـنـت را
بپوش!» او چنین کرد. و[باز] به او گفت:
«ردایـت را بـپـوش و به دنـبـالـم بـیـا!» ۹ و
[پطرس] بیرون رفت و او را دنبال کرده،
بـدون آنـکه بـدانـد که آنـچه توسط فـرشـتـه
واقع می شـود حـقـیـقـت دارد، پس خـیـال
می کـرد که رؤیـائی می بـیـنـد. ۱۰ و از اولین ۱۰:۳، ۱۸:۹
نگهبانی گذشته، سپس از دومی و جلوی در
آهـنی که به شـهـر مـشـرف است، آمـدنـد.
[درب] به خودی خود از پیشاپیششان باز ۵:۱۹، ۱۶:۲۶
شد[g]. بیرون رفته در خیابانی به پیش رفتند
و بلافـاصـلـه فـرشـتـه او را تـرک کـرد. ۱۱ و
پطـرس به خود آمده گفت: «حالا حـقـیـقـتـاً
می دانم که خداوند فرشته اش را فرستاده و
مرا از دست هیرودیس و آنچه مردم یهود در
انـتـظـار آن بـودنـد، بـیـرون کـشـیـده است.

۱۲ چون این را فـهـمـیـد به خـانـهٔ مریم مادر
یـوحـنـا مـلـقـب به مـرقـس[h] آمـد، مکـانی که
تعداد زیادی در آنجا گرد هم آمده، و نیایش
می کـردنـد. ۱۳ چون او در خـانـه را کـوبـیـد ۱۰:۱۷
کـنـیـزی به نـام رودا به درب آمـد تـا [به او]
گوش کند. ۱۴ او صدای پطرس را شناخت و لو ۲۴:۴۱
از خوشحالی [فراوان] درب را باز نکرد،
بـلـکه بـطـرف داخل دویـد تـا خـبـر دهـد که
پطرس جلوی درب ایستاده است. ۱۵ و آنها
به او گـفـتـنـد: «تـو دیـوانه ای!» ولی او بـا
اصـرار [از گـفـتـهٔ خـود] دفـاع می کـرد که
اینچنین است و آنها گفتند: «این فرشتهٔ[i]
او است!» ۱۶ اما پطرس پیوسته [درب را
باز هم] می کوبید. وقتی که آنها [درب را]
بـاز کـردنـد، او را دیـده و مـبـهـوت شـدنـد.
۱۷ ولی [پـطـرس] بـا دست اشـاره کـرده که ۱۳:۱۶، ۲۱:۴۰
ساکت شوند و برایشان نقل کرد که چطور
خداوند او را از زندان آزاد کرده و گفت: ۱۵:۱۳، ۲۱:۱۸؛
«این را به یـعـقـوب و بـرادران اطلاع ۱-قرن ۱۵:۷
دهید[j].» سپس از آنجا خارج شده به مکانی ۱:۲۵
دیگر رفت[k].

f- ر.ک. ۲۳:۸ توضیح. این فرشته بار دیگر در بند ۲۳ برای زدن هیرودیس دخالت خواهد کرد (در هر دو مورد یک فعل بکار برده شده).

g- در ۵:۱۹ درب با عملی از طرف فرشته باز می شود و در ۱۶:۲۶ پس از لرزشِ زمین.

h- برای مشخّص کردن این مریم، مؤلف از پسر وی نام می برد. پسری را که خوانندگان احتمالاً می شناختند. (همین روش در مر۱۵:۲۱ و ۴۰ بکار رفته). یوحنا ملقب به مَرقُس که برای اوّلین بار در اینجا دیده می شود، ابتداء همراه پولس برنابا (اندک زمانی: ۱۲:۲۵؛ ۱۳:۱۳) و سپس همراه برنابا (۱۵:۳۷-۳۹) به مأموریت رسولانی می رفته است. وی که پسر عموی برنابا می باشد بعدها در کنار پولس (کول ۴:۱۰؛ فیل۲۴) و پطرس (۱پطر ۵:۱۳) دیده می شود. سبک خیلی زندهٔ این گزارش، گزارشیِ که مرقس در آن دیده می شود، روش ممیَّز انجیلی را که به وی منسوب است تداعی می کند.

i- یعنی چیزی مثل شَبَه وی. ر.ک. مت۱۷:۱۰؛ عبر ۱:۱۴؛ طو ۵:۱۴.

j- تا اندازه ای مانند زَنانی که گور خالی را به یازده رسول خبر دادند (لو ۲۴:۹) چیزی که با یادآوری آغازین مصلوب شدن عیسی در تفاوت است. توضیح بند ۳ را ببینید.

k- یا سرنوشت دیگری. چیزی که در نهایت می توان اشاره ای به شهادت پطرس باشد. به هر صورت، پطرس بار دیگر در اعمال رسولان (ر.ک. غلا۲:۷؛ ا-قرن ۹:۵ ؛ ۱-پطر) پیدا نمی شود مگر در ۱۵:۷-۱۱ برای نتیجه گیری نهاییِ تعمید کرنیلیوس. از این به بعد کتاب به طرف اعلان نوید [انجیل] به غیر یهودیان سوق داده می شود و فقط از پولس صحبت می کند (ر.ک. غلا۲:۹ - ۱۰؟).

۵:۲۱-۲۳ [۱۸]روز شد و اضطراب میان سربازان
کم نبود: «پطرس را چه
شده؟»[۱۹]هیرودیس او را طلبید و چون
او را نیافت از نگهبانان بازپرسی نمود و
۱۶:۲۷، ۲۷:۴۲ دستور داد آنها را [برای مجازات]
ببرند[l]. [آنگاه] از یهودیه به قیصریه
رفت، جایی که در آن اقامت گزید.

مرگ هیرودیس

[۲۰] اما [هیرودیس] به شدت از مردم
صور و صیدون خشمناک بود. اینها با
اتفاق نظر نزد او آمده و پس از آنکه
بلاستس، خدمتکار پادشاه را متقاعد
ساختند، طلب صلح کردند چونکه
دیارشان از دیار پادشاه آذوقه تأمین
می کرد[m]. [۲۱]و در روز معین[n]،
هیرودیس، لباس سلطنتی بر تن کرده و بر
مسند حکومت نشسته، آنان را خطاب
کرد. [۲۲]و مردم فریاد می زدند[o]: «صدای ۱۴:۱۵، ۲۸:۶؛ ۲-مک ۹:۱۲
یک خدا و نه صدای یک انسان!»[۲۳]ولی
در همان لحظه فرشتهٔ خداوند او را زد،
چونکه خدا را تمجید نکرد. پس کرم او ۲-سمو ۲۴:۱۶؛ ۲-پاد ۱۹:۳۵؛ ۲-مک ۹:۵-۹
را خورد و مرد.
[۲۴]اما کلام خداوند رشد کرده و چند ۶:۷، ۱۹:۲۰
برابر می شد. [۲۵]و [از طرف دیگر] برنابا
و سولس، بعد از انجام دادن خدمت[p]، از ۱۱:۲۹
آنجا به اورشلیم[q] برگشته، یوحنای ملقب
به مرقس را همراه خود آوردند.

l- برای اعدام آنان.

m- کشمکش بین شهرهای آزاد ساحلی و شهرهای دیگر که تولیدکنندگان گندم هستند، گندمی که محتاج به آن هستند، در عهد عتیق نیز دیده می شود: ۱ پاد ۹:۱۱؛ حزق ۲۷:۱۷. نگارش این قطعهٔ کوتاه در مورد تاریخ سیاسی و اقتصادی، مقدمه ای است بر گزارش مرگ هیرودیس.

n- در روز معیّن برای بزرگداشت پایان موفّقیت آمیز مذاکرات. تشریفات این مراسم ما را به فکر یک جشن می اندازد. شاید جشنی که چهار سال یکبار برای بزرگداشت بنای قیصریه توسط هیرودیس کبیر برگزار می شد. به هر صورت یوسفوس، مورّخ یهودی، مرگ هیرودیس را به این جشن مرتبط می کند (بند۲۲ توضیح).

o- در جوامع ملتَ های مشرک، حکمرانان را بسهولت تا حد خدائی بالا می بردند. این هلهله و شادباش چیزی بالاتر از یک تملّق ساده است. هلهله هایی که صدای نرون امپراتور را صدایی خدایی می نامد برای اعمال رسولان، این کفر است. یوسفوس مرگ هیرودیس را چنین نقل می کند:هنگام طلوع، ملبّس به لباسی تماماً از نقره و پارچه ای نفیس وارد تئاتر شد. پس مبتلا به شکم درد شدیدی شده و سه روز بعد مُرد. یعنی سه روز بعد از جشن یادبود پایه گزاری قیصریه (بند ۲۱ توضیح) در آوریل سال ۴۴َ. به لحاظ الهیات گزارش اعمال رسولان به اندازه کافی به موارد مربوطه در گزارش مرگ آنتیوخوس اپیفانس شباهت دارد (۲۹:۱-۲۸).

p- مسلماً منظور خدمتی است که کلیسای انطاکیه (۱۱:۲۹ توضیح) به آنها واگزار کرده است. دو عنصر یادداشت مربوط به این سفر در متن ۱۲: ۱-۲۳ از هم جدا شده اند. آیا مؤلف می خواهد بگوید که پولس و برنابا منتظر حرکت پطرس و مرگ هیرودیس در آوریل ۴۴ بوده اند تا به انطاکیه برگردند؟ ویا نوعی بازی با جملات است برای گفتن اینکه مثلاً حرکت آتیِ پولس برای رسالت، مشروط به ناپدید شدن پطرس است (بند ۱۷ توضیح). جوابگویی مشکل است.

q- برواتیی دیگر بعد از اتمام خدمتشان در اورشلیم. متن را از لحاظ دستوری می توان اینطور ترجمه کرد: پس از آنکه خدمتشان را تمام کردند به اورشلیم برگشتند. ولی این ترجمه با توجه به بقیهٔ متن غیر ممکن است (ر.ک. ۱۱:۳۰). احتمالاً این ابهام متن است که پیدایش روایتی همچون: وقتی کارشان تمام شد، آنها از اورشلیم به انطاکیه دوباره عزیمت کردند را توجیه می کند.

به مأموریت فرستادن برنابا و پولس[r]

۱۳ ۱ اما در کلیسای موجود در انطاکیه، ۱۹:۱۱، ۲۶
انبیاء و استادانی[s] بودند: برنابا، ۳۶:۴
شمعون ملقب به نیجر، لوکیوس قیروانی،
نیز مناحم از ندیمان هیرودیس حکمران و مر۱۴:۱
سولس[t]. ۲ آنها در حالی که به خدمت[u] ۲۵:۱۱-۲۶، ۳۰
خداوند مشغول بوده و روزه می گرفتند،
روح [آن که] مقدس [است] گفت:
«برنابا و سولس را برای امری[v] که آنها را ۲۶:۱۴
[به آن] خوانده ام، پس برای من جدا
کنید!» ۳ بنا براین پس از روزه گرفتن و
نیایش، دست ها را بر آنها گذاشته[w] و آنها
را روانه کردند. ۲:۱۸

در قبرس: سرجیوس پولس و علیمای جادوگر

۴ پس آنها که از جانب روح القدس ۲۰:۱۱
فرستاده شدند به سلوکیه رسیدند و از آنجا
بادبان ها را به طرف قبرس برافراشتند. ۵ و
با وارد شدن به سلامیس، در کنیسه ها[x]، ۱۲:۱۲
سخن خدا را به یهودیان اعلام می کردند و
یوحنا نیز دستیارشان بود. ۶ و پس از عبور از ۹:۸، ۱۹:
تمام جزیره تا پافس، در آنجا مردی را ۱۳، ۱۸-۱۹ مت ۱۵:۷
یافتند، جادوگر و نبی دروغین یهودی که
نامش باریشوع بود. ۷ او همراه با سرجیوس
پولس والی، که مردی فهمیده بود، می بود.
همان برنابا و سولس را نزد خود خوانده و لو۴:۱۴، ۵:۲۳
خواست کلام خدا را بشنود. ۸ ولی علیمای
جادوگر، که این ترجمهٔ اسمش است[y]، با ۲۲:۱، ۲۴:۱۳؛ لو۴۷:۲۴
آنان مخالفت می کرد و به دنبال آن بود تا
والی را از ایمان منحرف کند. ۹ ولی سولس ۸:۴
که پولس هم می باشد[z]، سرشار از
روح القدس، چشم ها را براو دوخت ۱۰ و
گفت: « ای پر از مکر و خباثت، پسر ۸:۲۰-۲۳

r- تعمید کرنیلیوس و ابلاغ انجیل به غیر یهودیان انطاکیه (۱۹:۱۱ توضیح) میوه هایشان را به بار می آورند. بزودی پولس و برنابا، اوّلین سفر بزرگ رسالتی شان را به سرزمین غیر یهودی جنوب آسیای صغیر (۱:۱۳ الی ۲۸:۱۴) آغاز خواهند کرد. این روح است که آنها را به رسالت می فرستد، لیکن از طریق کَلیسایَ انطاکیه (۳:۱۳-۴). بنابراین، پولس و برنابا گزارش کارشان را به کلیسا خواهند داد (۲۷:۱۴-۲۸)، گزارش کاری که در تمام مدتِ آن روح (۹:۱۳، ۵۲) و خدا (۱۱:۱۳؛ ۳:۱۴، ۲۳، ۲۷) همراه آنان عمل خواهند کرد.

s- اسم این اساتید فقط در اینجا آمده است؛ ولی به اقرن ۲۸:۱۲؛ افس ۱۱:۴؛ عبر ۱۲:۵؛ یع ۱:۳(؟) رجوع کنید. گاهی همین کلمه به معنیِ معلّم یا علّامه آمده است. بنابراین مشخّصهٔ این معلمین، برخورداری از آن عطیهٔ الهی است که مربوط به زیرکی(تیزفهمی) و آموزش ایمان می شود. در مورد پیامبران به توضیح ۲۷:۱۱ رجوع کنید.

t- در حالی که برنابا در اوّل ردیف آمده، پولس در آخر آن قرار دارد. از اینجا به بعد تا بند ۹(ر.ک. توضیح) پولس به عنوان همکار (بندهای ۲ و ۷) برنابا به کارش ادامه می دهد.

u- یا آئین عبادت. ریشهٔ یونانیِ این کلمه (leitourgia) به معنای جشن همگانی که مخارج آن بر عهدهٔ یکی از ثروتمندان بود. یهودیان اینِ کلمه را برای خَدمت کاهنان در معبد به کار می بردند (ر.ک. ۲-توا ۱۰:۱۳؛ عبر ۱۱:۱۰؛ روم ۱۶:۱۵) در اینجا احتمالاً منظور، آئینِ سپاسگزاری است (۷:۲۰ توضیح).

v- این کلمه که در۲۶:۱۴ نیز آمده است، رسالت مشترک برنابا و پولس را در۳۵:۱۵ تمام شده در نظر دارد. رسالت مختصّ پولس بعد از آن شروع می شود.

w- ر.ک. ۶:۶ توضیح. در اینجا، این عمل، آغاز یک مأموریتِ مشخّص را نشان می دهد.

x- اعلانی که ترجیحاً برای یهودیان است، روش ثابت پولس میَ باشد که همواره به آن عمل خواهد کرد. ر.ک. ۱۴:۱۳؛ ۱:۱۴؛ ۱۳:۱۶؛ ۲:۱۷، ۱۰، ۱۷؛ ۴:۱۸، ۱۹؛ ۸:۱۹؛ ۱۷:۲۸، ۲۳. اساس آن در ۴۶:۱۳ اعلام شده. ر.ک. ۲۶:۳ توضیح.

y- توضیح کم و بیش مبهم است. احتمالاً باید اینطور فهمید که علیما (از ریشهٔ سامی به معنای پنهان کردن) به کلمهٔ جادوگر، مردِ چیزهای پنهان، برگردانده شده است.

z- مؤلف که تا اینجا نام یهودی سولس را به کار می برده، از این به بعد نام لاتینی پولس را به کار می برد. (در مورد نام های

شیطان، دشمن هر راستی، آیا از منحرف
کردن راه های راست خداوند باز
نمی ایستی؟ ۱۱ و اینک دست خداوند روی
تو قرار گرفته: کور شده و مدتی خورشید را
نخواهی دید.» در همان لحظه تاریکی و
ظلمت بر او افتاد، به هر طرف رفته،
راهنمایی طلب می کرد. ۱۲ پس با دیدن
آنچه اتفاق افتاده بود، والی ایمان آورده و
از آموزش خداوند متحیر بود.

سخنرانی پولس در انطاکیه پیسیدیه

۱۳ پس پولس و همراهانش از پافس سوار ۳۸:۱۵
کشتی شده بسوی پرجه در پمفیلیه آمدند.
ولی یوحنا از آنان جدا شده و به اورشلیم[a]
برگشت. ۱۴ و آنان از پرجه عبور کرده به
انطاکیهٔ پیسیدیه رسیدند. روز سبت به
کنیسه وارد شده و نشستند. ۱۵ و پس از
خواندن قانون [تورات] و انبیاء رؤسای
کنیسه نزد ایشان فرستاده گفتند: «ای
برادران، چنانچه بین شما کلامی برای
نصیحت[b] مردم هست، بفرمائید.» ۱۶ و
پولس بپا خاسته، بادست اشاره ای داد و
گفت[c]:
«اسرائیلیان و خدا ترسان[d]، گوش کنید!
۱۷ خدای این قوم، اسرائیل، پدران ما را
انتخاب کرده و این قوم را در مدت
اقامتشان در مصر سرافراز گردانید. و آنان
را از آنجا با بازوان افراشته بیرون آورد.
۱۸ و به مدت تقریباً چهل سال، آنان را در خروج ۶:۱-۶
صحرا تحمل[e] کرده [و مواظبشان] بود.
۱۹ سپس هفت امت را در دیار کنعان از بین تث۱:۳۱
برده و مملکتشان را [به اینها] به ارث خروج ۳۵:۱۶ تث ۱:۷
داد، ۲۰ برای تقریباً مدت چهار صد و پنجاه
سال[f]. و پس از این و تا آمدن سموئیل
نبی، داوران را به آنان داد. ۲۱ پس از آن
پادشاهی خواستند و خدا برای چهل سال
شاؤل پسر قیس - مردی از طایفهٔ بنیامین -
را به آنان داد[g]. ۲۲ سپس او را رانده و ۱-سمو ۱۲:۱۶-۱۳

دوگانه ر.ک. ۳۶:۹ توضیح) این تغییر نام پولس برای نشان دادن دو مورد است: یکی برای تماس با دنیای رسماً غیر یهودی و دیگری برای نشان دادن لحظه ای است که از آن به بعد پولس نقش اوّل را در رسالتش همراه برنابا به عهده می گیرد (بندهای ۴۲، ۴۶، ۵۰، ۳:۱۴، ۱۹-۲۱) ر.ک. بند۱ توضیح.

a- پولس این ترک کردن یوحنا (ملقّب به مرقس) را بخاطر خواهد آورد (۳۸:۱۵) ر.ک. ۱۲:۱۲ توضیح.

b- منظور خطبه ای است که معمولاً در کنیسه بعد از قرائت کتاب، ایراد می شود. ر.ک. لو۴:۱۶-۲۲. از طرف دیگر این نصیحت یا تشویق برای نشان دادن دو مورد می تواند باشد:یکی برای عمل روح مقدس (۳۱:۹) و دیگری برای سخن رسالتی (۳۱:۱۵) برای مسیحیان. این کلمه در نوشته های پولس فراوان دیده می شود.

c- بند ۱۶ تا ۴۱: تنها نمونهٔ موعظهٔ کامل و تحلیلی پولس به یهودیان در اینجا آغاز می شود (ر.ک. ۱۴:۲ توضیح). قسمت دوّم (بندهای ۲۶-۳۹) این موعظه از طرح موعظهٔ پطرس تقلید می کند، موعظه ای که مرکزیت آن رستاخیز عیساست. قسمت آخر (بندهای ۳۸-۳۹) آن شامل عنصری به روش خاص پولس می باشد: برائت از طریق ایمان و نه از طریق قانون. قسمتِ اوّل (بندهای ۱۷-۲۵) موعظهٔ پولس، شباهتی خاصّ به گفتار استیفان دارد (ر.ک. ۲:۷ توضیح).

d- ر.ک. ۲:۱۰ توضیح.

e- روایتی دیگر: او آنها را تحمّل کرد. نقل از تث۱:۳۱ ترجمهٔ یونانی.

f- تقریباً ۴۰۰ سال اقامت در مصر (پید ۱۳:۱۵؛ خروج ۱۲:۴۰-۴۱) و ۴۰ سال راه روی در بیابان (تث ۷:۲). سنن یهودی در این مورد با هم تفاوت هایی دارند (ر.ک. ۱۷:۳).

g- این طبقه بندی زمانی، بطور مستقیم از کتاب مقدس نمی آید. پولس از طایفهٔ بنیامین (روم ۱:۱۱ و فیل ۵:۳) برخاسته و نام این نخستین شاه را برخود داشته است.

داوود را برای شاهی ایشان برانگیخت و در
مورد او شهادت داده گفت: «داوود پسر
یسی را، مردی مطابق قلبم یافتم[h] که تمام
خواسته های مرا انجام خواهد داد.» [۲۳]و از
تبار او است که خدا بر حسب وعدهٔ ۳۰:۲
[خویش] برای [نجات] اسرائیل[i]،
منجی ای آورده[j]: عیسی. [۲۴][درست] قبل لو ۱:۷۶؛ ملا ۱:۳
از آمدنش، یحیی[یوحنای تعمید دهنده][k]
تمام مردم اسرائیل را دعوت به تعمیدی
برای توبه می کرد. [۲۵]و چون راه یحیی به
پایان می رسید، گفت: «آنکه شما
می پندارید، من او نیستم[l]. ولی بعد از من
کسی می آید که من قابلیت باز کردن
بندهای کفش هایش را ندارم.» لو ۳:۱۵، ۱۶؛ یو ۱:۲۰، ۲۷
[۲۶] ای مردان، برادران [شما] پسران نسل
ابراهیم و شما حضار خدا ترس، برای ۲:۱۰
شماست که این کلام نجات[m] فرستاده شده
است. [۲۷]در حقیقت آنانی که در اورشلیم
زندگی می کنند و رؤسایشان، نه این
[عیسی] را شناختند، و نه صدای انبیاء را
که هر سبت می خوانند و با محاکمهٔ او ۲:۲۳، ۳:۱۸
[عیسی] به آنها تحقق[n] دادند. [۲۸]و بدون
اینکه دلیل مرگ [در او] پیدا کنند، از ۳:۱۳-۱۴؛ لو ۲۳:۴، ۲۲
پیلاطس خواستند او را بکشد. [۲۹]و بعد از اع ۵:۳۰، ۱۰:۳۹؛
به انجام رسانیدن تمام آنچه در مورد او تث ۲۱:۲۳
نوشته شده، او را از دار پائین آورده و در
قبر گذاشتند. [۳۰]ولی خدا او را از میان
مردگان برخیزانید. [۳۱]و در مدت روزهای ۱:۳
بسیار، بر آنانی که همراه وی از جلیل به
اورشلیم رفته بودند ظاهر می شد،
همین هایی که اکنون شاهدان وی در نزد
مردم اند[o]. ۱:۲۲
[۳۲]و ما مژدهٔ نیکو را به شما اعلام
می کنیم: وعده ای که به پدران ما داده شده
بود [۳۳]که خدا، با برخیزانیدن عیسی، آن را
برای ما که فرزندان آنانیم، انجام داد، ۲:۳۹

h- مز ۸۹:۲۱ و ۱-سمو ۱۳:۱۴؛ پایان موعظه از جایی دیگر گرفته شده (اش ۴۴:۲۸؟). یادآوریِ مختصر تاریخ اسرائیل (بندهای ۱۷-۲۲) به داود خاتمه داده می شود. اسلاف داودیِ عیسی، جای مهمی در موعظه هایَ خطاب به یهودیان دارد (۲:۲۵-۳۲، ۳۴؛ ر.ک. ۷:۴۶).

i- تحت اللفظی: عیسی مثل ناجی برای اسرائیل.

j- روایتی دیگر: فراهم ساخته. مثل بندهای ۲۲ و ۳۰ (ر.ک. ۳:۲۶ توضیح).

k- تعمید و گواهی یحیی تعمید دهنده (۱:۵؛ ۱۰:۳۷؛ ۱۹:۳-۵) به زمان وعده تعلق دارند (ر.ک. لو۱۶:۱۶ توضیح) زمان نجات، پس از یحیی و با آمدن عیسی شروع می شود (ر.ک. بند۲۶).

l- یعنی من مسیح نیستم (لو ۳:۱۵؛ ر.ک. یو ۱:۱۹-۲۰؛ ۳:۲۸).

m- تحت اللفظی: «کلام این نجات» (ر.ک. ۵:۲۰) به روایتی دیگر: «برای شما» به جای «برای ما».

n- در بندهای ۲۷-۲۹ بر سه دلیل تأکید شده: بی اطلاعی، مسؤلیت فعّال جمعیت اورشلیم و رؤسایشان، به انجام رسیدن کتاب. در اینجا بطور خیلی واضح تر از ۳:۱۷ توضیح، بی اطلاعی یهودیان به عنوان ارتکاب کج فهمی مقصّرانه معرّفی می شود.

o- همزمان با ثبت کردن اینکه فعالیت ۱۲ رسول محدود به مردم اسرائیل است (ویا اینطور به نظر می رسد)، پولس به اینکه والاترین شاهدین هستند اعتراف می کند. مؤلف من بعد و با طیب خاطر، به این نکته اشاره می کند که پولس نیز از خدا و عیسی رسالتی دریافت کرده که خصوصاً بطرف غیریهودیان برود و اینکه او این رسالت را به انجام خواهد رساند (۱۸:۵؛ ۲۳:۱۱؛ ۲۶:۲۲؛ ۲۸:۲۳) ر.ک. ۲۲:۲۱ توضیح. ولی اگر باید مثل ۱۲ رسول (۴:۲۰) آنچه را دیده و شنیده (۲۲:۱۵) بازگو کند، پولس همان چیزهایی را که آنها شنیده و دیده اند، ندیده و نشنیده است (۱:۲۲ توضیح). ظاهر شدن عیسی بر پولس که سبب گرایش وی است، بیشتر با ظاهر شدن های بعدی در ارتباط است (۲۶:۱۶؛ ر.ک. ۹:۱۸ توضیح) تا با ظاهر شدن ها بر شاهدان ۴۰روز (ر.ک. ۱:۹ توضیح). پولس چیزها را نوعی دیگر می بیند (۱-قرن ۱۵:۸-۹؛ر.ک. ۹:۱؛ غلا ۱:۱۶-۱۷. درمورد استیفان به عنوان شاهد ر.ک. ۲۲:۲۰ توضیح.

همانطوری که در مزمور دوم[p] نوشته شده:
تو پسر منی، من امروز تو را تولید کردم.
[۳۴]و اینکه خدا وی را از میان مردگان
برخیزانیده تا دیگر بازگشت به پوسیدنی
نباشد، برای همین است که گفته[q]:
«من مقدساتی از داود به شما خواهم
داد، چیزهای مطمئن.»
[۳۵]و نیز به این خاطر است که در جای
دیگر می گوید[r]:
۳۱:۲ «قدوست را نخواهی گذاشت که
پوسیدگی را ببیند.»
[۳۶]باری، زیرا داود پس از آنکه در نسل
خود به طرح خدا خدمت کرد، به خواب
رفته و به پدرانش پیوست و پوسیدگی را
دید، [۳۷]ولی آن که خدا او را برخیزانیده،
پوسیدگی را ندید. [۳۸]پس ای مردان،
برادران این را بدانید: توسط او بخشش
گناهان به شما اعلام شده، از تمام آنچه با
۱۰:۱۵ قانون موسی نتوانسته اید عادل[s] بشمار
آیید[۳۹]هر که به او ایمان آورد، عادل بشمار
آید، [۴۰]مواظب باشید مبادا آنچه در
[کتب] انبیاء گفته شده به وقوع پیوندد[t]!
[۴۱]بنگرید! ای تحقیر کنندگان! متعجب
شده و نا پدید شوید! زیرا که من در ایام
شما کاری انجام می دهم، کاری که اگر آنرا
برایتان نقل می کردند، بدان ایمان
نمی آوردید.» [۴۲]در حالی که خارج
می شدند، از ایشان خواستند تا سبت آینده
این سخنان را به ایشان بگویند. [۴۳]و آنگاه
که جمعشان پراکنده شد، بسیاری از
یهودیان و نوگروندگان خداپرست[u] به
دنبال پولس و برنابا افتاده و این دو در
صحبت هایشان، آنان را ترغیب می نمودند
۲۳:۱؛ ۲۲:۱۴، ۲۶؛ ۴۰:۱۵، ۳۲:۲۰ که در فیض خدا باقی بمانند.

پولس و برنابا به سوی ملت‌ها می روند

[۴۴]اما سبت بعد، تقریباً تمام شهر جمع
۱۷:۵، ۵:۱۷ شدند تا کلام خدا را بشنوند. [۴۵]ولی
۶:۱۸، ۳۷:۱۹، ۱۱:۲۶ یهودیان با دیدن این جمعیت، پر از
حسادت شدند و به آنچه که پولس می گفت
کفر گفته، مخالفت می کردند[v]. [۴۶]اما

p- مز ۷:۲؛ این نقل قول (ر.ک. ۵:۱؛ ۵:۵) رستاخیز عیسی را بعنوان نشاندن وی بر کرسی مسیحایی اعلا، ارائه می دهد (۳۶:۲ توضیح؛ ر.ک. ۲۲:۳ توضیح؛ روم ۴:۱).

q- اش ۳:۵۵؛ واقعیت های مقدسی که به داود وعده داده شده اند، خود عیسی است ـ که مقدّس مطلق است ـ (بند ۳۵؛ ۱۴:۳ توضیح) و تبرئۀ کاملی که او فراهم می کند (بند۳۸-۳۹).

r- مز ۱۰:۱۶ در بندهای بعدی، این متن همانطوری تفسیر شده که در۲:۲۵-۳۱.

s- مثل موارد زیادی در اعمال رسولان (۳۸:۲؛ ۳۱:۵؛ ۴۳:۱۰؛ ۱۸:۲۶) نجات (بند ۲۳، ۲۶) اعلام شده و آورده شده توسط عیسی، ابتدا بخشش گناهان نامیده شده. سپس با بی قدرتی قانون (ر.ک. ۳:۲۱-۳۱ و غیره) تبرئه (ر.ک. ۲۴:۳ توضیح) عطاء شده به هر انسانی که ایمان دارد (ر.ک. ۱۶:۱ و غیره) کلمات و فکر پولس به پیش کشیده می شوند.

t- حب ۵:۱. این یادداشت تهدید آمیز در پایان کتاب پاسخی می یابد(۲۶:۲۸، ۲۷ = اش ۹:۶-۱۰).

u- این کلمۀ «نوگروندگان» در اینجا (ر.ک. ۱۱:۲ توضیح) به معنی خداترسان (۲:۱۰ توضیح) است. منبعد این تسمیه با کلمۀ پرستندگان جانشین خواهد شد (۵۰:۱۳؛ ۱۴:۱۶؛ ۴:۱۷، ۱۷؛ ۷:۱۸) این نامختونانی که در ایمان یهود شریک بودند، می بایست اعضای زیادی را به جمعیت های پولسی داده باشند.

v- یا کفر گوئی هایی و اگر نه تنها به پولس حمله می کردند ولی همینطور به مسیح که پولس او را اعلام می کرد (ر.ک. ۶:۱۸؛ ۱۱:۲۶).

پولس و برنابا با اطمینان خاطر گفتند:
«نخست می بایست کلام خدا به شما اعلام
شود؛ اما چون شما آن را رد کردید و خود را
شایستهٔ حیاط جاویدان نمی دانید، همانا ما ۶:۱۸، ۲۸:۲۸
به سوی امت ها[ی غیر یهود] می رویم[w].
[۴۷]چون خداوند، این چنین به ما امر
نموده[x]:
«تو را نور امت ها گرداندم تا به اقصاء ۸:۱
نقاط زمین برای نجات باشی.»
[۴۸]و با شنیدن این، [افراد] امت ها،
شادان[y]، کلام خداوند را تمجید می
نمودند و تمام آنهایی که برای زندگی
جاودانی[z] برگزیده شده بودند، ایمان
آوردند.
[۴۹] و کلام خداوند در تمام آن ناحیه
منتشر می شد. [۵۰]اما یهودیان چند زن پارسا
و همین طور [افراد] سرشناس شهر را اغوا ۴:۱۷، ۱۲
کردند و اینها برای شکنجه دادن پولس و
برنابا شورش کرده و آنها را از سرزمین
های خود بیرون راندند. [۵۱] و این ها خاک ۶:۱۸، ۲۳:۲۲
پایشان را بر آنها افشانده و به قونیه لو ۹:۵، ۱۱:۱۰
آمدند[۵۲]و شاگردان، [خود] پر از شادی و
روح القدس بودند[a].

پولس و برنابا در قونیه

۱۴ [۱] اما در قونیه نیز وارد کنیسه
یهودیان شده و طوری صحبت
کردند که جمع زیادی از یهودیان و
یونانیان[b] ایمان آوردند. [۲]اما یهودیانی که
ایمان نیاورده بودند، روح ملت ها[ی غیر
یهود] را منقلب ساخته، آنها را علیه برادران
شوراندند. [۳] پس مدت مدیدی[پولس و
برنابا]توقف کرده، به خداوندی که به
کلام فیضش گواهی می داد، شجاعانه سخن ۳۲:۲۰
می گفتند؛ و او علایم و شگفتی ها عطا می ۱۲:۳، ۱۱:۱۹
کرد که به دست ایشان انجام می شد. [۴]و
بین بسیاری در شهر اختلاف افتاد: بعضی
حقیقتاً طرفدار یهودیان بودند و بعضی
طرفدار رسولان[c]. [۵]و چون از امت ها[ی
غیر یهود] و یهودیان با رؤسایشان تصمیم
به توهین و سنگسارشان گرفته بودند،
[۶][رسولان] به محض اینکه متوجه شدند،

w- در اینجا تصمیم ایجاد رخنه ای در ارجحیت یهودیان(ر.ک. ۳۹:۲ توضیح، ۲۵:۳ توضیح؛ ۳ ۲۶ توضیح) و بردن انجیل به نزد ملل غیر یهود، بصورت واضح و دردناک دیده می شود. همین روشی به پیش مشرکین در ۶:۱۸(ر.ک. ۱۹:۸-۹) و ۱۷:۲۸، ۲۸ آمده. ولی۲۷:۲۸ توضیح.
x- اش ۶:۴۹، در لوقا ۳۲:۲ در مورد مسیح بکار برده شده.
y- ر.ک. ۸:۸ توضیح.
z- این اصطلاح متداول یهودی، یک مقدّر از قبل (ر.ک. ۲۰:۱۰) را دخالت نمی دهد، چیزی که جایی برای آزادیِ انسانی باقی نمی گذارد (ر.ک. بند۴۶).
a- یعنی: شادی داده شده توسط روح (ر.ک. ۱-تیمو ۶:۱؛ غلا ۲۲:۵).
b- این کلمهٔ «یونانیان» که در۱۱ :۲۰ آمده، از این پس برای مشخص کردن غیریهودی می شود. ۴:۱۸؛ ۱۹ :۱۰، ۱۷؛ ۲۱:۲۰.
c- در اینجا مثل بند ۱۴، رسولان را باید به معنی اصلیِ فرستاده فهمید (ر.ک. ۱۶:۱۳). برنابا و پولس توسط کلیسای انطاکیه به رسالت فرستاده شده اند (۱۳: ۱-۴؛ر.ک. ۲قرن ۲۳:۸). این مفهوم گسترده باید خیلی قدیمی باشد، به هر صورت این مورد کاربرد کلمهٔ رسول در اینجا، مخالف کاربردهای دیگری است که مؤلف در کتابش به کار می برد. در موارد دیگر عنوان رسولان مخصوص دوازده نفر به کار برده شده: فرستادگان به طور مشخّص. (۱، ۲ توضیح و ۲۶:۱؛ ۳۷:۲و ۴۲؛ ۳۳:۴ و غیره؛۴:۱۶) به توضیح ۲۱:۲۲ رجوع شود.

به لیکاؤنیه و لستره و دربه و تمام ناحیهٔ آن
پناهنده شدند۷ و در آنجا مژدهٔ نیکو را
اعلام می کردند.

شفای لنگ مادرزاد در لستره؛ موعظه پولس

۸در لستره مردی عاجز نشسته بود با پاهای
معیوب و لنگ مادرزاد که هیچ وقت راه
نرفته بود. ۹به سخن پولس گوش می داد. ۴:۳
وی نگاهی بدو انداخت و [چون] دید که
ایمان[d] [لازم] جهت نجات را دارد، ۱۰با
صدایی قوی گفت: «سرپا شو، درست
بایست!» پس او جهید و شروع به راه رفتن
کرد[e].
۱۱و با دیدن آنچه که پولس انجام داده
بود، جمعیت صدا را بلند کرده وبه زبان
لیکاؤنی[f] می گفتند: «خدایان شبیه به
انسان شده، نزد ما نزول کرده اند.» ۱۲و
برنابا را زئوس و پولس را هرمس نامیدند
زیرا که وی سخنگوی[g] اصلی بود.
۱۳و کاهن [معبد] زئوس جلوی
شهر[h]، گاوان و تاج های گل به دروازه ها
آورده[i]، می خواست با جمعیت، قربانی
تقدیم کند. ۱۴ولی با شنیدن آن، رسولان،
برنابا و پولس، جامه هایشان را [بر تن]
چاک داده به طرف جمعیت دویده در حالی مت ۶۵:۲۶
که فریاد می زدند: ۱۵و گفتند «ای[j] مردم
چکار می کنید؟ ما همسرشت[jj] شما و
هم چون شما انسان هستیم. [انسان هایی] ۱۲:۱۴، ۲۶:۱۰
که شما را از بیهودگی ها نصیحت
می کنند[k] تا به خدای زنده که آسمان و ۱۹:۳؛ ۱-تسا ۹:۱
زمین و دریا و هر آنچه را در آن است ۲۴:۱۴؛ ۲۴:۱۷؛
آفریده، بگروید. ۱۶در نسل های گذشته، خروج ۱۱:۲۰؛ مز ۶:۱۴۶
تمام امت ها را گذاشت که به راه های خود ۳۰:۱۷؛ روم ۲۵:۳
بروند. ۱۷با وجود این با کارهای نیکش از
گواهی دادن به خویش کوتاهی نکرد، از ۲۶:۱۷؛
آسمان باران و فصل های پر بار به شما داد مز ۸:۱۴۷؛ ار ۲۴:۵
و دل شما را از خوراک و شادمانی پر
کرد.» ۱۸و با گفتن این [سخنان] به مز ۱۶:۱۴۵
دشواری مردم را از تقدیم قربانی باز مز ۱۱:۱۶
داشتند.
۱۹پس از آن یهودیانی از انطاکیه و قونیه
آمده، مردم را با خود متحد کردند، و پولس
را سنگسار کردند و بدین گمان که او مرده ۲-قرن ۲۵:۱۱

d- شفا یافتن به عنوان جوابی به ایمان؛ ر.ک. ۱۶:۳ توضیح.
e- این گزارشِ شفاء یافتن به چندین لحاظ، شفا یافتن دیگری را که در۳:۲-۹ آمده به خاطر می آورد. ر.ک. ۲:۳ توضیح.
f- لهجهٔ محلّی. رسولان به خاطر نفهمیدن، عکس العمل فوری نشان نمی دهند.
g- اسطورهٔ فریجی دربارهٔ فیلمون و بوسیس که زئوس و هرمِس به دیدارشان رفتند، می توان ساده لوحان را به طرف اینطور برداشتی سوق دهد.
h- معبد زئوس که جلوی دروازه های شهر بنا شده.
i- یا: جلو دروازه های معبد. قربانی ها در خارج از معبد انجام می گرفتند.
j- تحت اللفظی: مردان، یا دوستان!
jj- تحت اللفظی: ما تابع شرایطی مثل شرایط شما هستیم.
k- این سخنرانی کوتاه (بندهای ۱۵-۱۷) اوّلین نمونه ای است که دیگر خطاب به یهودیان نیست (۱۴:۲ توضیح) بلکه خطاب به یونانیان است، کسانی که عقیدهٔ یهود را قبول ندارند. اوّل خدای آفریدگار و کمک رسان با عباراتی از کتاب مقدس (موارد مشابه ببینید که نشانیِ آن در حاشیه آورده شد) بدون اینکه هیچ اشاره ای به تاریخ اسرائیل یا پیامبران، اعلام می شود. این موعظه، چیزی جز طرحیِ پایان نیافته می باشد، طرحی که بعداً در موعظهٔ آتن از نو گرفته و توسعه داده شده است. (۲۲:۱۷ توضیح).

[جنازهٔ] او را به خارج از شهر کشاندند.
[۲۰]اما شاگردان[l] دور او را گرفتند و بلند
شده وارد شهر شد. و فردای آن روز همراه
برنابا عازم دربه شد،

بازگشت از مأموریت

[۲۱]پس از نوید دادن در این شهر و شاگرد
ساختن بسیاری به لستره و قونیه و انطاکیه
برگشتند. [۲۲]روح شاگردان را تقویت کرده ۲۳:۱۸، ۳۲:۱۵
آنان را نصیحت نمودند که به ایمان[m] ۲۳:۱۱، ۴۳:۱۳
پایدار بمانند و اینکه باید با [تحمل]
مصیبت‌های فراوان به ملکوت خدا راه مت ۱۴:۷؛ ۱-تسا ۳:۳
یابیم. [۲۳] و آنها برای هر کلیسا پیرانی
منصوب کرده[n] و پس از دعا و روزه آنها را
به خداوندی سپردند که به او ایمان
آورده اند.

[۲۴] و از پیسیدیه گذشته به پمفیلیه
آمدند. [۲۵]و پس از اعلام کلام در پرجه، به
اتالیه فرود آمدند. [۲۶]از آنجا بادبان ها را
به طرف انطاکیه برافراشتند، جایی که در ۴۰:۱۵
آن به فیض خدا سپرده شده بودند برای
امری که [تازه] به انجامش رسانیده ۲:۱۳
بودند. [۲۷]و به [هنگام] رسیدنشان کلیسا
را گردآوری کرده و تمام آنچه را خدا با
آنها کرده بود بازگو کردند و اینکه او
[خدا] در ایمان را بروی امت ها [ی غیر
یهود] باز کرده است[o]. [۲۸]آنگاه مدتی
مدید با شاگردان ماندند.

اختلاف در انطاکیه بر سر موضوع ختنه[p]

۱۵
[۱]و چند نفر که از یهودیه[q] آمده ۵:۱۵-۲۴؛ غلا ۲:۵
بودند[r] به برادران آموزش می دادند

l- روایتی دیگر: شاگردانش؛ رک ۲۵:۹ توضیح.
m- در اینجا ایمان و زندگی مسیحی مترادف می باشند.
n- تنها اطلاع داده شده توسط اعمال رسولان در مورد انتصاب پیران که در اینجا برای اوّلین بار در خارج از اورشلیم دیده می شوند (توضیح ۳۰:۱۱). ممکن است که کلیساها در انتخابشان شرکت می کرده اند (ر.ک. ۶:۵-۶؛ ۲:۱۶-۳) ولی در هر صورت تصمیم نهایی با رسولان (ر.ک. تیمو ۵:۱) و به نوعی با روح مقدّس (۲۸:۲۰) بوده است. در مورد نقش پیران به توضیح ۱۸:۲۰ رجوع کنید.
o- به نحوی معنی دار، تصویر در باز، که همینطور در ۱قرن۹:۱۶؛ ۲قرن۱۲:۲؛ کول۳:۴، دیده می شود، دقیقاً در وسط کتاب اعمال به میدان می آید. دسترسی غیر یهودیان به ایمان ۴۵:۱۰؛ ۱:۱۱ و ۱۸ اعلام شده، نقطهٔ عطفی است که دو قسمت کتاب به آن تکیه دارند.
p- روایتی که در اینجا آغاز می شود (۱:۱۵-۳۵) قسمت مهم طرح کتاب اعمال رسولان و عبارت از شرح گشوده شدن دَر ایمان بر روی ملّت ها است (۲۷:۱۴ توضیح)، دری که در حقیقت نزدیک بود مجدّداً مسدود شود (۳۵:۱۵ توضیح). مَسیَحیان موفّق می شوند قوم خدا باقی مانده و نامختونان در ایمان و نجات به مختونان بپیوندند (۱۴:۱۵ توضیح). این بحران در انطاکیه آغاز (۱:۱۵-۴) و در آنجا پایان می یابد (۳۰:۱۵-۳۵) ولی اوج بحران و نتیجه گیری از آن در اورشلیم است (۵:۱۵-۲۹). در آنجا یک سخنرانی از پطرس (۷:۱۵-۱۱) و یک سخنرانی از یعقوب آمده (۱۳:۱۵-۲۱) و نامه ای (۲۳:۱۵-۲۹) که مطالب روایتی را به یکدیگر پیوند می دهد (۴:۱۵-۶؛ ۱۲-۱۳، ۲۲-۲۳). از نظر وحدت سبک ادبی، این مجموعه روایت ها مسئله هایی مطرح ساخته و ارتباط آن با فصل دوّم نامه به غلاطیان هم مورد بحث است.ممکن است نویسندهٔ کتاب، خواسته یا ناخواسته، به روش خود وقایعی را گردآوری و ارائه کرده باشد که در حقیقت کمابیش پراکنده و پیچیده تر بوده اند.
r- روایت نسخهٔ خطی غربی: بعضی ایمانداران که از منشاء فریسی بودند پایین آمدند آنگاه؛ ر.ک. ۵:۱۵.
q- به طوری که از ادامهٔ روایت بر می آید (۲۴:۱۵) منظور مسیحیانی هستند که مختون بوده اند. آیا بایستی این موضوع را با آنچه پولس در غلا ۲:۱۱-۱۴ ذکر نموده، یکی دانست؟ پاسخ به این سؤال دشوار است زیرا روایت کتاب اعمال رسولان

۱۴:۶، ۲۱:۲۱؛ که «اگر بر طبق آئین موسی ختنه نشده اید[s]
پید ۱۷:۹-۱۴؛ لاو ۱۲:۳ نمی توانید نجات یابید[t].» ۲ و چون
۱۵:۷ مخالفت و مباحثهٔ نسبتاً شدیدی بین ایشان
۱۱:۳۰ و پولس و برنابا روی داد، تصمیم گرفتند که
غلا ۲:۱ پولس و برنابا و چند نفر دیگر از بین ایشان
به نزد رسولان و پیران برای بحث در بارهٔ
۱۱:۳۰ این مسئله به اورشلیم مشرف شوند[u]. ۳ پس
۱-قرن ۱۶: ۶، ۱۱؛ کلیسا برای اینان وسیله فراهم کرده[v] از
۲-قرن ۱:۱۶ فنیقیه و سامره عبور نموده، مبدّل شدن
۱۴:۲۷، ۱۵:۴، ۱۲ امتها را تعریف می کردند و شادی عظیم به
تمام برادران می دادند[w]. ۴ چون به اورشلیم
رسیدند، توسط کلیسا، رسولان و پیران،
پذیرفته شدند[x] و ایشان هر آنچه را خدا با ۱۴:۲۷، ۱۵:۱۲
آنان انجام داده بود گزارش نمودند.

نتیجهٔ اختلاف: جمعیت اورشلیم

۵ اما چند تن از آنان که از فرقهٔ فریسیان[y]
بوده و ایمان آورده بودند برخاسته[z] گفتند که ۱۱:۲؛ غلا ۲:۴-۵
باید ایشان را ختنه کنند و دستور دهند قانون ۱۵:۱
موسی را رعایت نمایند. ۶ پس رسولان و
پیران[a] گرد آمدند[b] تا در بارهٔ این سخن
بررسی نمایند. ۷ پس از اینکه مباحثهٔ زیادی

مربوط به قبل از بحث های مهمّ اورشلیم است (اع ۱۵:۴-۲۹) در صورتی که به نظر می رسد روایت پولس مربوط به بعد از بحث ها می باشد (غلا ۲:۱-۱۰) که مسائلی که مطرح شده متفاوت هستند و در روایت کتاب اعمال پطرس ظاهر نمی شود مگر برای اینکه بیانات بندهای ۷-۱۱ را اظهار نماید.

s- در روایت نسخهٔ غربی: اگر خود را ختنه نکنید و اگر بر طبق دستور موسی رفتار نکنید (ر.ک. ۱۵:۱۰ توضیح).

t- علاوه بر مَسائلی که همسفره شرن مسیحیان مختون و مسیحیان نامختون ایجاد می کرد(۱۱:۳ توضیح)، اکنون یک سؤال مطرح شده است: بدین معنی که چگونه می توان نجات یافت؟ (ر.ک. ۴:۱۲ توضیح) و اگر بدون ختنه شدن و بدون رعایتِ قوانینِ تورات غیرممکن است (۱۵:۵، ۱۰ توضیح)، پس ایمان به چه درد می خورد؟ (۱۵:۹)

u- در روایت نسخهٔ خطی غربی (بجای تصمیم گرفتند)، زیرا پولس با شدت از این نظر پشتیبانی می کرد که بایستی به همان طوری که وقتی ایمان آورده بودند باقی بمانند (ر.ک. ۱قرن ۷:۱۷-۱۸) ولی آنانکه از اورشلیم آمده بودند، پولس، برنابا و چند نفر دیگر را ملزم کردند که به اورشلیم مشرّف شده با رسولان و پیران ملاقات کنند تا دربارهٔ این اختلاف نظر داوری نمایند. در اینجا به نظرِ پولس، ملزم ساختن اجرای ختنه بدان معنی بود که روشی را مجدّداً بحث و بررسی نمایندَکه مأموران تبلیغ پذیرفته و برنابا بهَ نام کلیسای اورشلیم تصدیق کرده بود (۱۱:۲۲-۲۴) و در سطحی وسیع انجام می گرفت (۱۳-۱۴).

v- یا: ایشان را بدرقه نمود (در راه؛ ر.ک. ۲۱:۵).

w- بنا بر این برادران با نظریات پولس و برنابا موافقت دارند، با بعضی موارد تطبیق و برابری که بین اع ۱۵:۴-۲۹ و غلا ۲:۱-۱۰ وجود دارد چنین تصوّر مَی شود اقامت پولس در اورشلیم که در این دو متن ذکر شده یکی هستند ولی روایت کتاب اعمال رسولان در مورد مسافرت سومی است (ر.ک. ۹:۲۶-۳۰؛ ۱۲:۲۵ توضیح) در صورتی که روایت نامه به غلاطیان دربارهٔ دوّمین مسافرت او است (ر.ک. ۱:۱۸)، از سوی دیگر، این دو روایت، تفاوت های مهمّی دارند و چنانچه دربارهٔ همان وقایع باشند منظور و هدف کاملاً متفاوت است.

x- در روایت نسخهٔ غربی: سخاوتمندانه پذیرفته شدند (ر.ک. ۲۱:۱۷). در متن نسخهٔ خطی غربی پس از این تاکید خواهد داشت که اختلافاتی که در انطاکیه ایجاد شده بود مرتفع شده و تمام کلیسا راه حلّ پیشنهادی را به اتّفاق آراء پذیرفته است.

y- تحت اللفظی: عضو فرقهٔ فریسیان.

z- در روایت نسخهٔ خَطی غربی چنین است: آنان که ایشان را ملزم کرده بودند پیران را ملاقات نمایند، یعنی آنان که عضو فرقهٔ فریسی بودند بپاخاسته، علیه رسولان دخالت کردند. ر.ک. ۱۵:۱ توضیح.

a- چنین به نظر می رسد که این اجتماع محدود و منحصر به رسولان و پیران است (ر.ک. ۲:۲، ۶) در صورتی که بعداً ذکر خواهد شد که تمام جمعیت مسیحیان حضور داشته اند (۱۵:۱۲، ۲۲ و بند بعدی)؛ می توان پرسید که آیا اختلاف به سبب بی توجهی در تنظیم و انشاء مطالب است؟ یا این که قطعاتی از منابع مختلف است که دو جلسهٔ مختلف را روایت کرده اند؟ ر.ک. توضیح بعدی.

b- در روایت نسخهٔ خطی غربی چنین است: رسولان و پیران با مجموعهٔ [برادران] گرد آمدند. ر.ک. توضیح قبلی.

۲:۱۵ روی داد، پطرس برخاسته[c] به ایشان گفت[d]:
غلا ۹:۲، ۱۱ «ای مردان! برادران، می‌دانید که از همان
۱۸-۵:۱۱، ۱۴:۱۵ روزهای کهن، خدا از میان شما انتخابی کرد
که از دهان من، امت ها[غیر یهود] سخن
۱:۱۱ انجیل را بشنوند، و ایمان آورند. ۸ و خدایی
۲۴:۱ که قلب‌ها را می‌شناسد، با دادن روح [آن
که] مقدس [است] به ایشان گواهی داد،
همان طوری که به ما داده [گواهی داده بود][e]
۳۴:۱۰، ۴۷-۴۴ ۹ و هیچ فرقی[f] بین ما و نیز ایشان نگذاشته،
۹:۱۱، ۱۵:۱۰ چونکه به وسیلهٔ ایمان قلب‌های ایشان را
۱۸:۱۱؛ روم ۲۲:۳ پاک کرده است[g]. ۱۰ پس اکنون چرا خدا را
۹:۵ غلا ۱۶:۲ به آزمایش در می‌آورید تا یوغی بر روی
غلا ۱:۵؛ مت ۳۰-۲۹:۱۱ گردن شاگردان گذاشته شود که نه پدران ما و
نه ما توانسته ایم تحمل کنیم[h]؟ ۱۱ ولی ما

ایمان داریم که به فیض خداوند عیسی[i] نجات
یافته ایم، به همان گونه که ایشان نیز[نجات ۱۸:۱۱
یافته اند]. »
۱۲ پس تمام جمعیت ساکت شده[j] و به غلا ۱:۲
برنابا و پولس گوش می‌دادند که آنچه را
که خدا، از نشانه ها و شگفتی ها بوسیلهٔ
ایشان در بین امت ها انجام داده بود،
وصف می کردند[k].
۱۳ پس از ساکت شدن ایشان، یعقوب ۱۷:۱۲، ۱۸:۲۱؛ غلا ۹:۲
شروع به سخن کرده گفت[l]: «ای مردان!
برادران، به من گوش دهید! ۱۴ شمعون ۲-پطر ۱:۱
برایتان گفت که خدا چطور امت ها[ی غیر
یهود] را درنظر آورده و از آنان قومی را که
به نامش باشد برگرفته است[m]. ۱۵ و سخنان

c- در روایت نسخهٔ خطی غربی در اینجا اضافه شده است: روح القدس دخالت کرد ضمناً در این نسخهٔ خطی، دربارهٔ دخالت روح القدس برای راه حلّ نهایی مرتباً اصرار و تأکید خواهد شد.

d- پطرس توضیح خواهد داد که گرویدن کرنیلیوس متضمّن چه نتایج عقیدتی دائمی خواهد بود (ر.ک. ۱:۱۰ توضیح؛ ۱۸:۱۱ توضیح): بدین معنی که برای مختونان و همچنین نامختونان موهبت روح القدس (۸:۱۵)، بخشایش گناهان (۹:۱۵)، نجات (۱۱:۱۵) عمل خدا است بوسیلهٔ ایمان و بوسیلهٔ فیض خداوند عیسی (۹:۱۵، ۱۲). بنابراین منوط کردن نجات به ختنه، به معنای تحریک کردن خداست (۱۰:۱۵).

e- در روایت نسخهٔ خطی غربی: به همهٔ ایشان روح القدس را داده است همچنانکه به ما (ر.ک. بند۷ توضیح).

f- یا: «بدون ملاحظه کاری». بدون هیچ تفاوت، تقریباً به معنی اصطلاحی دیگر است که در بند ۲۰:۱۰ آمده. (ر.ک. ۱۲:۱۱).

g- معنی رؤیایی که پطرس در قیصریه دیده بود همین است (۳۵:۱۰ توضیح؛ ۴۳:۱۰ توضیح).

h- منظور از این یوغ فقط ختنه شدن نیست بلکه شامل تمام دستورات قوانین یهود می شود (ر.ک. ۵:۱۵؛ غلا ۳:۵) بنابراین پطرس موافق است که وضع کنونی در مجموع پذیرفته شود (ر.ک. ۲:۱۵ توضیح) و مسیحیان نامختون ملزم نیستند از قوانین یهود پیروی و تبعیت نمایند.

i- روایت نسخهٔ غربی: خداوند عیسی مسیح.

j- در روایت نسخهٔ غربی: چون پیران با پطرس موافق بودند تمام جمعیت ساکت شده

k- بدین ترتیب مشاهده می شود که خدا فعّالیت تبلیغ انجیل را ضمانت کرده است (ر.ک. ۲:۳ توضیح) که از ملت ها چیزی جز ایمان آوردن نمی خواهد (۱۳: ۳۸ و بند بعدی؛ ۱۳: ۱۲-۴۸؛ ر.ک. غلا۲: ۲).

l- یعقوب سخنان پطرس را تصدیق خواهد کرد (۱۴:۱۵(و این سخنان را با استدلال و تکیه بر نوشته های مقدّس تأیید خواهد کرد (۱۵:۱۵-۱۸). ولی نتیجه گیری های یعقوب (۱۹:۱۵) به پایهٔ پیشرفتهٔ نظریات پطرس نمی رسید (۱۰:۱۵ توضیح) و بیشتر الزام های مسیحیانی را در نظر می گیرد که پای بند به دستورات و مقرّرات آیینِ یهودی هستند (ر.ک ۱۹:۱۵؛ ۲۱:۲۱، ۳۵؛ غلا ۱۲:۲).

m- یعنی قومی که اختصاصاً به او تعلّق داشته باشد. ارزش حقیقی این اظهارات مهّم (ر.ک زک ۱۵:۲) با مطالبی که از کتاب عاموس نقل شده و در پی آنها می آید، تصریح می شود. در این نقل قول دو کلمه بکار برده شده که ملّت ها و نام می باشند: بدین معنی که ملت ها، خداوند را جستجو کرده و به آیین می گروند (۱۷:۱۵) و بدین گونه به قوم اسرائیل می پیوندند (۱۶:۱۵؛ ر.ک. ۶:۱)، قوم اسرائیل که خود توبه کرده و از وعده هایی که داده شده برخوردار می شود (ر.ک. ۳۹:۲؛ روم

انبیاء بنا بر آنچه نوشته شده با این مطابقت
می کنند[n]:
۱۶ «پس از این بر خواهم گشت، و خیمهٔ
افتاده شدهٔ داود و ویرانه های آن را دوباره
بنا خواهم کرد[o] و خواهم ساخت،
۱۷ تا بقیهٔ انسان ها خداوند را جستجو
کنند، و همین طور تمام امت هایی که به
نام من نامیده شده اند[p] [اینها را] خداوند
ایشان را اینطور فرمود ۱۸ [او] که همهٔ این
چیزهایی را که انجام داده از ازل می دانسته ۱۵:۱۰،۲۸

است[q].» ۱۹ به این سبب است که رأی من[r]
۱۹:۳ این است که آنهایی را از امت ها که به خدا
روی می‌آورند نباید مشوش کرد ۲۰ و اما
۱۵:۲۹، ۲۱:۲۵ فقط برایشان بنویسیم[s] که از آلودگی های
بتان، و از زنا و از [گوشت حیوان] خفه[t]
شده و از خون دوری کنند[u]. ۲۱ چرا که
۱۳:۱۵، ۲۷؛ ۲-قرن ۳:۵ موسی، از نسل های قدیم در هر شهری
مخبرانی داشته که از وی خبر می داده اند،
چونکه در کنائس هر سبت او را قرائت
می کنند[v].»

۱۶:۱۱ و بند بعدی؛ ۱۵:۸-۱۲). از آن پس قوم خدا از مختونان و نا مختونانِ ایمان آورده تشکیل می شود (ر.ک افس۲:۱۴؛ ۱-پطر ۲:۱۰).

n- نقل قول از ترجمهٔ یونانی عا ۹:۱۱. انتساب این عبارت به یعقوب، از روی متنی عبری غیرممکن می شد زیرا در پایانْ نقل قول عبری چنین است (۱۵:۱۷): از آن زمان بقیهٔ ادوم و ملّت ها را تصرّف خواهند کرد.

o- ترجمهٔ تحت اللفظی: باز خواهم آمد و دوباره بنا خواهم کرد.

p- ترجمهٔ تحت اللفظی: « که بر روی ایشان نام من برده شده است » (چنانکه برای تصرّف و مالکیت انجام شود). در نوشته های عهد جدید این اصطلاح فقط در یع ۲:۷ بکار برده شده است.

q- پایان نقل قول به مانند انعکاسی از اش ۴۵:۲۱ است؛ این عبارت خیلی مبهم است. مثلاً در بعضی از نسخه های خطّی غربی نوشته شده است: از ازل عمل خداوند را می دانسته است.

r- یعقوب از یهودیان درخواست خواهد کرد تا از ختنهٔ الزامی صرف نظر نمایند (۱۵:۱۹) و از ملّت هایی که به آیین گرویده اند خواهد خواست تا بعضی از الزامات شرعی پذیرفتنی، تبعیت کنند. یهودیان متوجه خواهند شد که قوم خدا از مختونان و نامختونان تشکیل می شود و نوگرایانَ ملّت هَا، روابطِ انسانی در داخل این قوم را تسهیل خواهند کرد (ر.ک. ۱۵:۲۰ توضیح).

s- ترجمهٔ دیگر: بر ایشان [کتباً] حکم کَنیم.

t- ممنوعیت هایی که ذکر می شود (ر.ک. ۱۵:۲۹) عبارتند از: - * نخست مصرف گوشت حیواناتی که ملت ها برای بتان قربانی می کنند (ر.ک. ۱-قرن ۸:۱۰؛ مکا۲:۲۰)، * دوم فساد اخلاقی است و احتمالاً در اینجا منظور وصلت هایی است که از نظر قوانین یهود غیر شرعی است (ر.ک. ۱۸:۶-۱۸). * سوّمین ممنوعیت مصرف گوشت حیواناتی است که بر طبق مقررات شرعی ذبح نشده اند و مسلماً ممنوعیت * چهارم هم در همین مورد است (ر.ک. لاو۱۷:۱۰-۱۶) مگر اینکه در مورد آدم کشی باشد (پید ۹:۵-۶). این مقرّرات و ممنوعیت ها جنبهٔ آداب دارند و چنین به نظر می رسد که مخصوصاً برای آن بوده که مسیحیان نامختون برای برادران یهودی مخصوصاً به هنگام صرف غذای دسته جمعی باعث آلودگی و ناپاکی نباشند (۱۱:۳ توضیح؛ ر.ک. ۲:۱۲). این چهار دستور ممنوعیت تقریباً در هفت دستور نوح پیدا می شود که در نوشته های کاهنان همانطوری به امت ها تحمیل شده است که همچنین به یهودیان(ر.ک. ۹:۳-۷).

u- در روایت نسخهء خطی غربی: از آلودگی های بت پرستی بپرهیزند، از فساد اخلاقی و از خون و از رفتار با دیگران به طریقی که نمی خواهند با خودشان چنان رفتاری شود (در بعضی از نسخه های خطی کلمهٔ «فساد اخلاقی» حذف شده است): ر.ک. ۱۵:۲۹ توضیح. چون در این ممنوعیت ها سخنی دربارهٔ گوشت حیوانات خفه شده نیست و در پایان جمع بندی حکیمانه طرز رفتار با دیگران ذکر شده (ر.ک. مت۷:۱۲) می توان چنین استنباط کرد که فقط جنبهٔ آیین مذهبی ندارند بلکه دستورات اخلاقی هستند و بنابراین کلمهٔ فساد اخلاقی مفهوم کلی پیدا می کند وخون به معنی آدم کشی می آید.

v- یعقوب یادآوری می کند که از دوران کهن، هر هفته قرائت موسی یعنی قسمتی از اسفار پنجگانه در کنائس انجام می گرفت. بنابراین راه حلی را که پیشنهاد می کند موجب تعجب مشرکانی که به مسیحیت گردیده اند نخواهد شد زیرا مسائل قانونی را که باعث اختلاف بین یهودیان و یونانیان شده می شناسند. می توان گفت که این نکته لااقلّ یکی از جنبه های احتمالیِ این استدلالِ مبهم است.

تصمیمات و نامه شورا

۱۱:۵ ۲۲آنگاه رسولان و پیران، با تمام کلیسا،
تصمیم گرفتند از بین خودشان مردانی را
انتخاب کرده و آنها را همراه پولس و برنابا
به انطاکیه بفرستند: یهودا ملقب به برسابا و
سیلاس، مردانی معتمد در بین برادران
بودند[w]. ۲۳به دست ایشان نوشتند[x]: «از
رسولان و پیران[y]، برادران، سلام بر شما
برادرانی که در انطاکیه و سوریه و قیلیقیه
بوده و از امت ها[ی غیر یهود] می آیید[z].
۲۴مطلع از اینکه چند نفری از بین ما، با
سخنانشان شما را مشوش کرده و روحتان را
۱:۱۵؛ غلا ۷:۱ منقلب ساخته اند[a]، بدون اینکه از ما دستور
گرفته باشند، ۲۵ما یک دل تصمیم گرفتیم
چند مردی را [از بین خود] برگزیده و آنها
را به نزد شما بفرستیم، همراه برنابا و پولس،
عزیزان ما، ۲۶انسان هایی که جانشان را
برای نام خداوند ما عیسی مسیح تسلیم ۲۴:۲۰
کرده اند[aa]. ۲۷بنابراین یهودا و سیلاس را ۱۳:۲۱
می فرستیم که شفاهاً [با سخن خود] همین
چیزها را بر شما اعلان کنند: ۲۸زیرا روح
[آن که] مقدس [است]، و ما[b] خودمان
مصلحت دیدیم که ضمناً باری جز ضروریات
بر دوش شما ننهیم[c]. ۲۹از گوشت قربانی ۱۰:۱۵، ۱۴
شده برای بت ها، از خون و [گوشت ۲۰:۱۵، ۲۵:۲۱
حیوانات] خفه شده و از فساد اخلاق[d] پرهیز
کنید، با خویشتن داری [در این امور] خوب
عمل می کنید[e]. به سلامت باشید.»

w- از یهودای برسابا در جای دیگری ذکری نشده. سیلاس یا سیلوَن همکار پولس خواهد شد (۴۰:۱۵؛ ر.ک. ۱-تسا ۱:۱؛ ۲-تسا ۱:۱؛ ۲-قرن ۱۹:۱) و همچنین با پطرس همکاری خواهد کرد (۱-پطر ۱۲:۵) وی با نظریات پولس در مورد اشاعه و تبلیغ انجیل هم آهنگ بوده (ر.ک. ۳۱:۱۵ و بند بعدی) و به زبان یونانی آشنا بوده است.

x- ترجمهٔ دیگر: این نامه به ایشان سپرده شد. در رَوایت بعضی نسخه های خطّی «غربی»: به دست ایشان نامه ای نوشتند که حاوی این بود. بدین ترتیب می توان درک کرد که انشَاء نامه هم به ایشان محول شده بود (ر.ک در مورد سیلاس ۱-پطر ۱۲:۵ توضیح). در این نامه پس از عنوان (۲۳:۱۵)، دلایلی تشریح شده (۲۴:۱۵) و دو تصمیم که اتخاذ گردیده است: یکی اعزام نمایندگان (۱۵:۲۵-۲۷) و دیگری دستورها و ممنوعیت هایی است که بایستی رعایت گردد (۲۸:۱۵ و بند بعدی).

y- روایتی که محتمل تر است: رسولان و پیران، برادران سلام می کنند یا رسولان و پیران سلام می کنند. ر.ک ۲۸:۱۵ توضیح.

z- منشاء بنیانگزاری کلیساهای سوریه (غیر از انطاکیه) و قیلیقیه نامعلوم است. بنابر کتاب اعمال رسولان تصمیم هایی که در اورشلیم اتّخاذ گردید بوسیلهٔ پولس به کلیساهای پمفلیه، پیسیدیه و لیکائونیه ابلاغ گردید (۱۶:۱-۴). این نامه به کلیساهای مذکور خطاب نشده؛ چنانکه شاید به کلیساهای سوریه و قیلیقیه هم ابلاغ نشده است (۴۱:۱۵ توضیح). با این همه تقریباً چنین می نماید که پولس مدت ها بعد، از وجود تصمیم های اورشلیم آگاه می شود و در نامه های او هیچ اشاره ای به آنها نکرده است (ر.ک غلا۲:۱-۱۰ یا ۱-قرن ۸-۱۰ که در آنها موضوع گوشت حیوان هایی که برای بتان قربانی می شود مطرح گردیده است). شاید منشاء این نامه که در کتاب اعمال رسولان ذکر شده است عین آنچه این کتاب تعریف کرده نباشد.

a- در برخی نسخه ها، عباراتی اضافه دارد.

aa- در روایت نسخهٔ خطی غربی: عیسی مسیح به منظور هرگونه آزمایشی.

b- روح القدس الهام کنندهٔ تصمیمی است که اتخاذ می شود(ر.ک. ۱۳:۱-۴). ضمیر ما (خودمان)، به معنی رسولان و پیران است یا اینکه منظور همهٔ جمعیت مسیحیان است: بستگی به این دارد که کدام نسخهٔ خطّی انتخاب شود (ر.ک. ۲۳:۱۵ توضیح).

c- در این نامه پیشنهادهای یعقوب پذیرفته شده است (۲۰:۱۵ توضیح).

d- در روایت نسخهٔ خطّی غربی: پرهیز کردن از گوشت های قربانی مشرکان، از خون، از فساد اخلاق و از رفتار با دیگران به نوعی که آن را برای خود نخواهند (در بعضی از نسخه های خطی کلمهٔ ازفساد اخلاق وجود ندارد، در نسخه های دیگری، حیوانات خفه شده یا گوشت خفه شده ذکر گردیده است) ر.ک ۲۰:۱۵ توضیح.

e- ترجمهء دیگر: خوب خواهید بود. در بعضی از نسخه های خطّی غربی چنین ادامه می یابد: و به وسیلهٔ روح القدس بُرده خواهید شد.

۳۰پس آنان، پس از اینکه آنها را عازم
کردند، به انطاکیه رفتند، جمعیت را گرد
آورده و نامه را تسلیم کردند. ۳۱آن را
خواندند و از دلگرمی شادمان شدند[f]. ۴۱:۱۵
۳۲یهودا و سیلاس که خود نیز نبی[g]
بودند، برادران را با موعظه های متعدد
نصیحت کرده و تقویت نمودند. ۳۳پس
از مدتی، در سلامتی از برادران رخصت
گرفته، به سوی فرستادگان خود، عازم
شدند. [۳۴ h] ۳۵اما پولس و برنابا در
انطاکیه اقامت گزیدند و با بسیاری دیگر
نیز، تعلیم و مژده نیکو به کلام خداوند
می دادند[i].

عزیمت پولس به همراهی سیلاس[j] برای مأموریت

۳۶و چند روز بعد پولس به برنابا
گفت: «برگردیم به شهرهایی که در آنجا
کلام خداوند را اعلام کرده ایم، از
برادران دیدار کرده ببینم [حالشان]
چطور است.» ۳۷از طرف دیگر برنابا نیز ۱۲:۱۲
می خواست یوحنای ملقب به مرقس را
همراه بیاورد. ۳۸ولی نظر پولس این بود
که نباید شخصی را که در پمفیلیه از آنان
جدا شده و درکار همراهشان نبوده،
همراه ببرد[k]. ۳۹پس اختلاف آن چنان
بالا گرفت که از یکدیگر جدا شدند. و
برنابا، مرقس را برداشته به طرف قبرس
سوار کشتی شد. ۴۰اما پولس، سیلاس را
برگزیده برادران او را به فیض خدا
سپرده، عازم شد[l]. ۲۶:۱۴

همکاری تیموتاؤس با پولس و سیلاس

۴۱و از سوریه و قیلیقیه عبور کرده، ۲۳:۱۵
کلیساها را تقویت می نمود[m].

۱۶ ۱و وی نیز به دربه و سپس به
لستره رسید. شاگردی بنام

f- مخاطبین این نامه، از اینکه مجبور به ختنه نشوند خوشوقت خواهند بود تا اینکه مجبور به پیروی از این دستورها باشند. نظریهٔ پولس هم به همین منوال است (ر.ک. ۱:۲-۱۰). چنانچه این متن مربوط به وقایعی باشد که در اع ۱۵ذکر شده است.)

g- در روایت نسخهٔ غربی: نبی و پُر از روح القدس بودند.

h- در روایتِ نسخهٔ غربی: سیلاس تصمیم گرفت بماند و فقط یهودا رفت (ر.ک. ۴۰:۱۵).

i- بر بحران فَایق شده اند و دروازهٔ ایمان به روی امت ها باز ماند (ر.ک ۲۷:۱۴ توضیح). بدین گونه سخن خداوند راهِ خود را از سر خواهد گرفت.

j- در اینجا قسمت جدیدی از اعمال رسولان آغاز می شود که عبارت از مأموریت بزرگ پولس است (ر.ک ۷:۲-۹). پولس از انطاکیه به راه می افتد (۳۵:۱۵، ۴۰؛ ر.ک ۱۹:۱۱ توضیح) ولی در حقیقت نقطه عظیمت او اورشلیم است (ر.ک روم ۱۹:۱۵) که در آنجا آزادی سخن خداوند حفظ شده و مجدداً در ۱۵:۲۱-۲۶ به آنجا بر می گردد. و اقامت کوتاهی که پولس در انطاکیه داشته -شاید بعد از مسافرت به اورشلیم- (۲۲:۱۸ توضیح) مأموریت بزرگ رسالتی را به دو دوره تقسیم می کند.

k- در روایت نسخهٔ غربی : کاری که برای آن اعزام شده بودند. (ر.ک ۳:۱۳، ۵، ۱۳).

l- پولس به اتّفاق همراهانش بدواً از کلیساهای نوبنیاد بازدید کرد و آنها را استوار نمود (۴۱:۱۵ الی ۵:۱۶)، سپس به مقدونیه (۶:۱۶ الی ۱۵:۱۷) و به آتن و بالاخره به قرنتس می رود (۱:۱۸-۱۷). این پیشروی مهمِّ انتشار انجیل به سوی مغرب که مستقیماً مشیّت و ارادهٔ خدا بوده (۶:۱۶-۱۰) برای نخستین بار مبلّغان مسیحیت راَ در مواجههَ و مقابله با مقامات رومی (۱۶:۱۶-۴۰؛ ۱۲:۱۸-۱۷) و فرهنگ یونانی قرار میدهد (۱۶:۱۷-۳۴).

m- در نسخه های خطی غربی اضافه شده است: دستورهای پیران، یعنی تصمیم هایی را که در اورشلیم اتّخاذ شده بود به آنان ابلاغ می کرد (ر.ک ۴:۱۶).

تیموتاؤس در آنجا بود، پسر زنی یهودی
۳:۶، ۲۲:۱۲؛ ایمان‌دار ولی از پدر یونانی[n]، ۲که برادران
لو ۵:۷ ۲-تیمو ۱۱:۳ لستره و ایقونیه از او تعریف می کردند.
۳پولس خواست که وی همراهش بیاید. او
را برداشته و به خاطر یهودیانی که در آن
۱-قرن ۹: ۲۰-۲۱ حدود بودند وی را ختنه کرد، چون همه
۱۵:۲، ۴، ۲۲، ۲۳ می‌دانستند که پدرش یونانی بوده است[o].
۱۸:۲۱، ۱۵:۲۳-۲۹، ۲۵:۲۱ ۴و در حین عبور از شهرها[p]، تصمیمات
اتخاذ شده توسط رسولان و پیران اورشلیم[q]
را به [برادران] ابلاغ می کرد[r] تا طبق آنها
عمل شود. ۵پس حقیقتاً [هر روز] کلیساها کول ۵:۲؛ ۱-پطر ۹:۵
در ایمان مستحکم[s] و از لحاظ شمار
[اعضاء] روز به روز افزون می شدند[t].

فراخوانی پولس به مکادونیه

۶روح مقدس مانعشان شده کلام را در ۲۳:۱۸؛ غلا ۱۳:۴-۱۵
آسیا[v] اعلان کنند، و بنا براین از منطقهٔ
فریجیه و غلاطیه[u] عبور کردند. ۷با رسیدن روم ۹:۸؛ فی ۱۹:۱؛
به مرزهای میسیا[w]، سعی می کردند به ۱-پطر ۱۱:۱
بطینا[x] بروند ولی روح عیسی[y] به آنان

n- در اینجا نخستین بار نام تیموتائوس ذکر شده که در طی مأموریت بزرگ رسالت پولس همراه او خواهد بود (۱۷: ۱۴-۱۵ ؛ ۱۸: ۵ ؛ ۱۹: ۲۲ ؛ ۲۰: ۴). مادرش که اصلاً یهودی بود، او را ختنه نکرده بود و با مردی مشرک ازدواج کرده بود ؛ تیموتاؤس دستورات و مقررات شرع یهود را چندان رعایت نمی کرد ؛ وی شاگرد محبوب پولس رسول خواهد شد (فی ۲: ۱۹-۲۴) و مأموریت های حساسی را انجام خواهد داد (ا-تسا ۳: ۲-۶ ؛ ۱-قرن ۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۰-۱۱).

o- دامنه و اهمیت این نکته به خوبی روشن نیست. احتمالاً چنین تلقین می کند که یهودیان می توانستند از خود بپرسند که آیا پدر تیموتائوس گزاشته بود پسرش را ختنه کنندیا خیر؟ پسری که از نظر حقوق یهود، یک فرد یهودی بشمار می آید. تصمیم پولس این وضعیت را روشن می کند. نویسندهء اعمال رسولان از موارد دیگری یاد خواهد کرد که پولس نشان می دهد که به یهودیگری وفادار است (۱۸: ۱۸ توضیح ؛ ۲۱: ۲۱ توضیح). همچنانکه مسیحیان اورشلیم وفادار بودند (۲: ۴۲ توضیح ؛ ۴۶ توضیح). ولی در بارهء دلایل این تبعیت و وفاداری بوضوح سخنی نمی گوید (رک ۱-قرن ۹: ۲۰). شاید در این مورد تأکید می نماید تا نشان دهد کلیسای اورشلیم و مأموریت رسالت پولس در ادامهء یکدیگرند. مقدّمهء اعمال رسولان را ملاحظه کنید.

p- در متن نسخهٔ خطی غربی: در ضمن گذشتن از شهرها با اطمینان کامل دربارهٔ خداوند عیسی مسیح موعظه می کردند در حالی که تصمیم ها را ابلاغ می نمودند.

q- ر.ک ۱۱: ۳۰ توضیح ؛ ۱۴: ۲۳ توضیح ؛ ۲۰: ۱۸ توضیح.

r- ترجمهٔ دیگر: تصمیم ها را به ایشان ابلاغ می کردند (ر.ک ۱۵: ۴۱ توضیح). کلمهٔ ایشان در اینجا به معنی مسیحیان این شهرها است. ر.ک ۱۵: ۲۳ توضیح ؛ ۲۱: ۲۵ توضیح.

s-ر.ک ۱۴: ۲۲ توضیح ؛ ۱۰: ۴۳ توضیح.

t- این بند به صورت چکیده و خلاصه ای است که آغاز کتاب را به یاد می آورد (۲: ۴۲ توضیح). در بندهای ۱-۵ نویسنده تلقین می کند که مبلّغان انجیل با اقدام و به راه افتادن در راه های جدید، همواره در همبستگی و همرأیی با کلیسای اورشلیم عمل می کنند.

u- احتمالاً باید راه پولس و تیموتاؤس را اینچنین درک کرد (بندهای ۶-۱۰): پولس میل داشته به سوی مغرب برود (توضیح بعدی) ولی روح القدس مانع شده بود، لذا راه خود را عوض کرده به طرف شمال رفته و پس از عبور از فریجیه به سوی شمال شرقی، ناحیهٔ غلاطیه می رود (در مورد غلاطیه، به مقدّمهٔ نامه به غلاطیان رجوع کنید) سپس می‌خواست راه خود را به سوی شمال ادامه داده به طرف بطینا برود و مجدّداً به وسیلهٔ روح القدس ممانعت می شود. راه دیگری ندارد غیر از آنکه خدا تعیین می کند، یعنی از طریق میسیا به ترواس و اروپا برود.

v- کلمهٔ «آسیا» به معنی آسیای صغیر است و در اینجا منظور ناحیهٔ بین افسُس و ازمیر است در صورتی که متصرفات رومیان در آسیا شامل ایالت های دیگری می شد که از آن جمله ناحیهٔ میسیا بوده است.

w- ترجمهٔ دیگر: به مقابل میسیا. حتی می توان ترجمه کرد: در میسیا. میسیا، قسمتی از آسیای صغیر است که در کنار دریای مرمره و قسمت شمال شرقی دریای اژه قرار دارد.

x- بطینا که در همسایگی میسیا قرار دارد در کنار دریای سیاه واقع شده است.

y- روح عیسی: اصطلاحی منحصر به فرد در انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان. ر.ک. فی ۱: ۱۹. در بعضی از نسخه های خطی: روح خداوند یا روح. در مورد روح و مأموریت تبلیغی ر.ک ۱: ۸ توضیح.

اجازه نداد. ۸بنا براین از کنارهای میسیا
عبور[z] کرده و در ترواس[a] فرود آمدند. ۹و ۱۹:۱۰؛ ۹:۱۸
شبی، پولس رؤیایی[b] دید: مردی مقدونی
آنجا ایستاده از او خواهش کرده و می
گفت: «به مقدونیه بیا و به کمک ما
بشتاب!» [c]۱۰ و به محض اینکه آن رؤیا را
دید، متقاعد به اینکه خدا[d] ما[e] را خوانده
تا انجیل را به آنها ابلاغ کنیم، کوشش
کردیم به طرف مقدونیه حرکت کنیم.

ایمان آوردن لیدیه در فیلیپیه

۱۱پس از ترواس به دریا زده، یکسره به
طرف ساموتراکی و روز بعد به طرف
نیاپولیس رفتیم. ۱۲از آنجا به سوی
فیلیپس، که اولین شهر ناحیهٔ مقدونیه[f] و
مهاجر نشین رومی[g] است [رفتیم] و چند
روزی در این شهر ماندیم. ۱۳و در روز
مز ۱۳۷ سبت، از دروازهٔ شهر خارج شده به کنار
رودخانه ای که فکر می کردیم [h]محلی برای
نیایش[i] بود، رفتیم. نشسته و با زنانی که
در آنجا گرد آمده بودند صحبت کردیم.
۱۴و در آنجا زنی به نام لیدیه، فروشندهٔ
پارچهٔ ارغوانی، از [اهالی] شهر طیاتیرا[j]
و پرستندهٔ خدا[k]، گوش می کرد. که
خداوند قلبش را گشود، تا به آنچه پولس
می گوید متوجه شود. ۱۵و وقتی او و

z- ترجمهٔ دیگر: از کنار میسیا عبور کرده
a- ترواس: بندری در شمال غربی آسیای صغیر که از دوران آگوستوس امپراتور رُم مهاجرنشین رومی بوده است. ر.ک ۱۶: ۱۱ ؛ ۲۰: ۵، ۶ ؛ ۲-قرن ۲: ۱۲.
b- تحت اللفظی: شبی بر پولس رؤیایی ظاهر شد. ر.ک ۱۸: ۹ توضیح.
c- بند ۱۰ طبق یک نسخهٔ غربی چنین است: چون بیدار شد رؤیای خود را برایمان تعریف کرد و فهمیدیم که خداوند ما را می خواند که به مردم مقدونیه انجیل را بشارت دهیم.
d- در بعضی نسخه های خطّی: خداوند.
e- اگر متنِ نسخهٔ غربی ۱۱: ۲۸(رک توضیح) اصیل نباشد، اینجا (۱۶: ۱۰-۱۷) اولّین روایتی است در اعمال رسولان که از ضمیر اوّل شخص جمع («ما») استفاده می کند. و سه روایت دیگر هم خواهند بود که عبارتند از: ۲۰: ۵-۱۵ ؛ ۲۱: ۱-۱۸ ؛ ۲۷: ۱ الی ۲۸: ۱۶. در این مورد به مقدّمهٔ کتاب مراجعه نمایید.
f- اگر نویسنده می خواسته بگوید که فیلیپی حکومت نشینِ ناحیهٔ مقدونیه بوده، اشتباه کرده است زیرا مقدونیه از چهار ناحیه تشکیل می شده و فیلیپی، جزء منطقه ای است که حکومت نشینِ آن آمفی پولیس بوده است. همچنین شاید می توان چنین تفسیر کرد: نخستین شهری است که در ورود به این ناحیه وجود دارد وانگهی این عبارت مبهم و نامعلوم است. چنانچه متنِ نسخهٔ خطی را که نوشته: «شهر اولِ ناحیهٔ مقدونیه»، بپذیریم، از لحاظِ تاریخی صحیح تر است ولی این نسخه های خطّی زیاد معتبر نیستند.
g- مهاجرنشینِ رومی. فیلیپس در چند کیلومتری از ساحل و نه چندان دور از بندر نیاپولیس بر سر راه اگناتا به دریای آدریاتیک قرار داشت. این شهر به عنوان مقرِ مهاجرنشینانِ رومی بیش از یک قرن از تشکیل آن می گذشت و بعضی ساکنان شهر را سربازانِ قدیمیِ امپراتور آنتوان و دهقانانِ ایتالیاییِ تشکیل می دادند. ادارهٔ امور شهر کاملاً رومی بود (بند ۲۰-۲۱). اهالیِ شهر به خود می بالیدند که از شهروندیِ رومی برخوردار بودند. و روحیه ای داشتند که پولس هنوز با آن آشنا نبود(رک بند۲۱).
h- در بعضی از نسخه های خطّی: بنابر معمول [رسوم]
i- این محلّ نیایش احتمالاً یک کنیسه نبوده است زیرا در آیینِ نیایشی که پولس و همراهانش شرکت می کنند از نوعِ نیایشِ کنیسه ای نبوده است (برای نیایش در کنیسه وجود ده نفر ضروری بوده است).
j- طیاتیرا در آسیای صغیر مرکز صنایعِ رنگرزی بوده است. پارچه های ارغوانی رنگ (رنگ قرمز مایل به بنفش) که مورد توجه وعلاقه و گران بهابوده اند که از این شهر به جاهای دیگر صادر می شده اند.
k- ترجمهٔ تحت اللفظی: خداترس یا خداپرست. رک ۱۳: ۴۳ توضیح.

۲:۱۰؛ ۱۴:۱۱؛ ۳۱:۱۶ خانوارش[l] تعمید یافتند، این درخواست
فی۴:۱۰-۱۹ را کرد: «اگر مرا ایماندار به خداوند
لو۲۳:۱۴، ۲۹:۲۴ می‌دانید، به خانه‌ام وارد شده و بمانید»
و ما را مجبور کرد[m].

بازداشت و آزادی پولس در فیلیپی[n]

۱۶ باری، [یک روز] وقتی که به محل
۲۴:۱۹ نیایش[o] می‌رفتیم، کنیزکی که روح
غیب‌گویی[p] داشت و با غیب‌گویی سود
زیادی برای اربابان خود فراهم می کرد، به
۱۵:۱۹؛ مر ۲۴:۱ دیدار ما آمد. ۱۷ [و در حالی که] به دنبال
ما و پولس می آمد، فریاد می‌زد: «این
انسان ها، بردگان خدای باریتعالی هستند
که راه[q] نجات را به شما[r] اعلام می کنند».
۱۸ و این [کار] را برای چندین روز انجام
داد. و اما پولس که آزرده شده بود برگشته
به روح گفت: «به نام عیسی مسیح به تو امر ۳:۶، ۱۶
می کنم، از او خارج شو.» و او در همان
ساعت بیرون آمد. ۱۹ و اربابان او که
دیدند امید سودشان از بین رفته، پولس و
سیلاس را گرفته، به میدان شهر[s]، به پیش
مقامات بردند. ۲۰ و با بردن ایشان به نزد
فرماندهان[t] گفتند: «این مردان در شهرمان
آشوب ایجاد می کنند. یهودیانی هستند،
۲۱ و رسومی را ترویج می کنند که برای ما
که رومی هستیم نه مجاز است بپذیریم و نه
انجام دهیم[u].» ۲۲ و انبوه مردم علیه ایشان
شوریدند، و فرماندهان دستور دادند ۲-قرن ۲۵:۱۱؛ فی ۳۰:۱؛
لباس های ایشان را کنده و چوب بزنند، ۱-تسا ۲:۲
۲۳ و پس از اینکه آنان را شدیداً مجروح ۴:۱۲-۵
کردند، آنان را به زندان افکنده و به

l- در مورد تعمید تمام افراد خانواده رک ۱۰: ۲ توضیح.

m- در مورد مهمان نوازی رک ۱۰: ۲، ۶، ۴۸ توضیح. پولس ترجیح می داد شخصاً احتیاجات خود را برآورد (رک ۲۰:۳۴ توضیح) و احتمالاً به همین سبب لیدیه اصرار می کرده است. لازم به یادآوری است که کلیسای فیلیپی نسبت به پولس با سخاوت بوده است (فی ۴: ۱۵-۱۶).

n- پس از دخالت های الهی که پولس را به سوی مقدونیه رهبری کرده (بندهای ۶-۱۰). در اینجا دربارهٔ تأسیس کلیسای فیلیپی اصرار و تأکید شده (بندهای ۱۱-۱۵) و بوسیلهٔ قدرت مسیح، مأموریت تبلیغ کنندگان انجیل دوباره تأیید می شود (۱۶-۱۸ و ۲۵-۳۴). مسیحیت که در یک شهر رومی در مقابله و مواجهٔ با شرک و بت پرستی است (بند ۱۲ توضیح) در این مبارزه پیروز می شود.

o- ر.ک ۱۶: ۱۳ توضیح.

p- ترجمهٔ تحت اللفظی: روح پیتون داشت. توضیح آنکه بر طبق اساطیر یونان، پیتون، مار بزرگی در معبد دلف و محافظ آن بوده است و این کلمه، بعداً به معنی هر گونه روح غیب گویی بکار برده شده است.

q- رک ۹: ۲ توضیح.

r- در بعضی نسخه های خطّی: به ما اعلام می کنند.

s- در شهرهای یونان، میدانی در مرکز شهر قرار داشته که در آنجا معاملات و خرید و فروش انجام می گردید و محاکمه و دادرسی برگزار می شد. در شهرهای بزرگ مثل آتن، رواقهای میدان، محل بحث و مذاکره و مبادلهٔ افکار فیلسوفان و روشن فکران بوده است. رک ۱۷: ۱۷.

t- کسانی بودند که قضاوت در محاکم را بر عهده داشتند.

u- نویسنده که معمولاً نظر مساعد و خیرخواهی رومیان را نسبت به مسیحیان یادآوری می کند، در اینجا استثنائاً یک مورد مخالفت اهالی رُم را ذکر می کند ولی به طوری که نشان خواهد داد موارد شکایت (اختلال نظم عمومی و تبلیغ آیین) مبنایی ندارد. زیرا اگرچه تبلیغات انجیلی مسیحیان با روحیهٔ رومیان موافق نبود، با این همه هنوز رسماً منع نشده بود. دلیل حقیقی این مخالفت نارضایتی اربابان کنیز بود که منافع خود را از دست می دادند.

زنـدان بـان سـپـردنـد که از آنـان شـدیـداً
مـراقـبـت کـنـد. ۲۴او که چـنـین دسـتـوری
دریافت کرده بود ایشان را به زندان درونی
انداخته و پاهایشان را با کنده بست[v].
۲۵ [w]و حدود نیمه شب، پولس و سیلاس،
افس ۵:۱۹؛ کول ۳:۱۶ نیایش کنان، خدا را با سرود می ستودند و
زنـدانـیـان بـه آنـان گـوش می دادنـد. ۲۶و
۴:۳۱ ناگهان تکان شدیدی روی داد به طوری که
بنیاد های زندان[x] تکان خوردند و بلافاصله
همهٔ درهای زندان گشوده شدند و تمام
بندها باز شدند[y]. ۲۷ اما زندان بان که
بیدار شده و دید دروازه های زندان گشوده
است، به خیال اینکه زندانیان فرار کرده اند
شمشیر کشیده و می خواست خود را بکشد[z].
۲۸اما پولس با صدای بلند صدا زده گفت:
«به خودت آسیبی مرسان، چونکه همگی در
اینجا هستیم». ۲۹وی مشعل ها طلبیده،
شتابان و لرزان در مقابل پولس و سیلاس بر
زمین افتاد. ۳۰و ایشان را بیرون برده گفت:
۲:۳۷ «ای سروران، چه باید کنم تا نجات یابم[a]؟»
۴:۱۲ ۳۱و آنان گفتند: «به خداوند عیسی ایمان
آور[b] و نجات خواهی یافت. تو و
۱۰:۲، ۱۱:۱۴، ۱۶:۳۱ خانواده ات[c].» ۳۲و به او سخن خداوند را
گفتند [و همینطور] به تمام کسانی که در
خانهٔ او بودند. ۳۳و در همان ساعت شب
آنان را با خود برد، زخم های ایشان را شست
۸:۳۶، ۳۸ و همان ساعت وی و خویشان او همه تعمید
یافتند. ۳۴و آنان را به خانهٔ [خود] برده،
۲:۴۶، سفره را گشود و از اینکه به خدا ایمان آورده
۸:۸، ۳۹ بودند با تمام خانوارش در شادی بودند.
۳۵ [d]اما با فرا رسیدن روز، فرماندهان
مأموران[e] فرستاده گفتند: «این آدم ها را
آزاد کنید!» ۳۶و زندان بان این سخنان را
به پولس باز گفت: «فرماندهان
فرستاده اند که خلاص شوید. پس اکنون
خارج شده در آرامش بروید[f]!» ۳۷ اما

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: به چوب بست. منظور چوبِ بزرگی بود که در دیوار کار گذاشته بودند و پاهای زندانیان را به آن می بستند تا نتوانند فرار کنند.

w- چنین می نماید که موضوعِ آزاد شدن معجزه آسا (بندهای ۲۵-۳۴، رک۵: ۱۹-۲۱ ؛ ۱۲: ۷-۱۱) بعداً به روایت اخراجِ روح غیب گویی از کنیز افزوده شده است: ادامهء این روایت در بندهای ۳۵-۴۰ از سر گرفته می شود، بدون این که اشاره ای به آزاد شدنِ معجزه آسا شود.

x- ترجمهٔ تحتَ اللفظی: ساختمان زندان.

y- گرچه در این ناحیه زمین لرزه وَاقعهٔ نادری نیست، ولی به نظر نویسنده در این مورد معجزه بشمار می آید.

z- در آن دوران، هرگاه زندانیان فرار می کردند، زندانبانان را به همان کیفرِ زندانیانِ فراری محکوم می کردند: رک ۱۲: ۱۹و ۲۷: ۴۲.

a- از فکر جان به در بردن، به فکرِ نجات جاودانی می رسد. رک ۴: ۹ توضیح.

b- در موردِ ایمان: ۱۰: ۴۳ توضیحَ و در مورد شهادت اصولِ ایمان ۲: ۳۶ توضیح ؛ ۸: ۳۷ توضیح، رک روم ۱۰: ۹.

c- در موردَ تعمید یافتن تمامِ افراد خانواده ۱۰: ۲ توضیح.

d- بر طبقَ بعضی نسخه های خطّی، بند ۳۵ چنین است: چون روز فرا رسید، فرماندهان در همانجا در میدانِ عمومی گرد آمدند و به یاد زمین لرزه ای که روی داده بود با ترس فراوان، مأموران را فرستادند تا بگویند:این آدمیان را که دیَروز تحویل گرفته ای آزاد کن.

e- همچنان که در شهرِ رُم معمول بود، هر یک از داورانِ شهر فیلیپی دو نفر مأمور داشت که به همراه او بودند و هر یک از آنان یک دسته ترکه که مَظهر و نشانهٔ قدرت بوده در دستَ داشت. چنین به نظر می رسد که لوقا در مورد تأسیسات اداری شهر فیلیپی به خوبی اطّلاع داشته است.

f- در بعضی نسخه های خطّیِ غربی: بیرون شده و بروید.

پولس به آنها گفت: «[با وجود اینکه]
۲۵:۲۲، ۲۷:۲۳ شهروند رومی[g] هستیم، ما را در ملأ عام
بدون داوری چوب زده و به زندان
انداخته اند و حالا در خفاء ما را بیرون
می‌آورند... نخیر! بایستی خودشان بیایند
ما را آزاد کنند.» ۳۸ و مأموران این سخنان
را به اطلاع فرماندهان رساندند و آنان
۲۹:۲۲ چون شنیدند که رومی هستند، وحشت
کردند. ۳۹ و آمدند و نصیحت کردند[h] و
آنان را بیرون آورده خواهش کردند شهر را
ترک کنند. ۴۰ وقتی از زندان بیرون آمدند
۲۳:۱۱، ۱۵:۱۳، ۲۲:۱۴، ۳۲:۱۵، ۱:۲۰، ۲ به [خانهٔ] لیدیه وارد شدند و برادران را
دیده، نصیحت کرده و رفتند.

دشواری ها در تسالونیکی

۱۷ ۱ پس از گذار از امفیپولیس و
۱-تسا ۲:۲ اپلونی به تسالونیکی، جایی که در
آن کنیسهٔ یهودیان بود، رسیدند. ۲ و طبق
۱۴:۱۳ عادت [خویش]، پولس به نزد ایشان وارد
شده و به مدت سه سبت، از نوشته ها[ی
مقدس] برای آنها دلیل آورد. ۳ [او آنها
[نوشته ها] را برایشان] باز کرده و ثابت
می کرد که می بایست مسیح رنج کشیده و
۹:۲۰، ۱۸، ۵:۱۸، ۲۳:۲۶؛ لو ۲۶:۲۴ از میان مردگان برخیزد و «این مسیح،
عیسی است که من برایتان وعظ می کنم[i].»
۴۳:۱۳، ۲۴:۲۸ ۴ و چند نفر از بین آنها قانع شده با گروهی
عظیم از یونانیان خدا پرست، و بسیاری از
بانوان سرشناس[j]، به پولس و سیلاس
پیوستند[k].
۴۵:۱۳؛ ۱-تسا ۱۵:۲ ۵ اما یهودیان حسد برده و چند نفر از
ارازل و اوباش بازار را برداشته، ایجاد
ازدحام کرده و شهر را به آشوب کشیدند.
به خانهٔ یاسون تاخته تا آنان را [پولس و
سیلاس] در میانهٔ مردم ببرند[l]. ۶ و چون
ایشان را نیافتند، یاسون و چند نفر از
روم ۲۱:۱۶ برادران را به پیش حاکمان شهر[m] کشیده،
۲۰:۱۶، ۵:۲۴ فریاد می‌زدند: «اینان که تمامی دنیا را زیر
و رو کرده، نیز اینجا آمده اند ۷ و یاسون از

g- پولس حقوقِ مدنی رُم را یادآوری می کند که بر طبق آن تازیانه زدنِ یک فرد رومی ممنوع بوده است و بدین سبب فرماندهان ترسیده بودند (رک ۲۲: ۲۹). پولس که عنوانِ «شهروند» رومی داشت در مواردِ دیگری از این عنوان استفاده خواهد کرد (۲۲: ۲۵، ۲۹ ؛ ۲۳: ۲۷).
h- ترجمهٔ دیگر: از ایشان عذرخواهی کردند. متن نسخهٔ خطّی غربی بند ۳۹ چنین است: و با دوستان متعدّد به زندان آمده از آنان خواهش کردند که از زندان خارج شوند و می گفتند: «در موردِ شما، نمی دانستیم که مردمان عادلی هستید». پس ایشان را از زندان خارج کرده و چنین خواهش کردند: «از این شهر خارج شوید، مبادا کسانی که علیهِ شما فریاد می زنند دوباره جمع شوند!».
i- استناد به نوشته های پیامبرانهٔ کتاب مقدس که عیسی، همان مسیح [موعود] است، یکی از قسمت های مشخّصِ موعظهٔ به یهودیان است (۱۴:۲ توضیح؛ ۳۶:۲ توضیح؛ ۱۸:۳ توضیح).
j- نویسنده، به طور کلّی بر گرایشِ زنان و خصوصاً زنان «سرشناس» تأکید می کند. در امپراتوری روم، زنان در پیشرفت و موفّقیت ادیان شرقی و مخصوصاً یهودیگری نقشِ مهمّی داشتند و بیشتر از مردان به سوی ادیان مذکور جلب می شدند و اکثراً مأموریتِ واعظان مسیحی را تسهیل می کردند. نویسنده، مسلّماً با این محافل آشنا بوده است (۵۰:۱۳؛ ۱۲:۱۷؛ ر.ک لو۸: ۱-۳؛ ۳۸:۱۰-۴۲) در بین گروندگان به مسیحیت در تسالونیکی می توان از ارسترخس و سِکُندُس نام برد (۴:۲۰؛ کول۴: ۱۰).
k- یا: توسّط پولس و سیلاس متقاعد شدند.
l- ترجمهء دیگر: برای محاکمه در جلوی مجلسِ شهر.
m- داورانِ شهر تسالونیکی را به زبان یونانی پُلیتارخِس می نامیدند، یعنی رئیسِ شهر.

آنان پذیرایی کرده و همگی شان بر خلاف
۸:۲۵ فرمان های قیصر عمل کرده می گویند
پادشاهی دیگر وجود دارد، عیسی[n].» [۸]و
این اظهارات، انبوه مردم و رؤسای شهر را
آشفته کرد. [۹]و [فقط] پس از گرفتن
ضمانت از طرف یاسون و دیگران، ایشان
را آزاد کردند.

پذیرش خوب در بیریه

۲۵:۹، ۱۴:۱۳، ۲۳:۲۳، ۳۱ [۱۰]و بلافاصله برادران، پولس و سیلاس
را شبانه به بیریه فرستادند. چون بدانجا
رسیدند، به طرف کنیسهٔ یهودیان رفتند.
[۱۱]و ایشان نجیب تر از [یهودیان]
تسالونیکی بودند؛ آنان سخن را با نهایت
شوق پذیرفتند، هر روز نوشته [های
مقدس] را بررسی می کردند که آیا این
چیزها به همین گونه بوده است[o]. [۱۲]پس
۱۴:۱، ۳۴:۱۷ بسیاری از بین ایشان ایمان آوردند و از
زنان ممتاز یونانی و از مردان؛ بسیاری.
[۱۳]اما وقتی که یهودیان تسالونیکی
دانستند که در بیریه هم سخن خدا بوسیلهٔ
پولس اعلام شده است، نیز به آنجا آمدند،
انبوه مردمان را تحریک و آشفته کردند.
۱۹:۱۴ [۱۴]آنگاه بلافاصله برادران، پولس را به
طرف دریا روانه کردند و سیلاس و
تیموتاؤس در آنجا ماندند[p]. [۱۵]و آنانکه به
همراه پولس بودند، او را تا آتن رسانیدند
و با گرفتن این دستور برای سیلاس و
تیموتاؤس که هر چه زودتر به سوی او
بیایند، عزیمت کردند.

پولس و فیلسوفان آتن

[۱۶]در حالی که پولس در آتن[q] در انتظار
ایشان بود، از ملاحظهٔ این شهر پر از بت،
روحش در درون به غضب آمده بود. [۱۷]پس
در واقع، در کنیسه با یهودیان و خداپرستان
و هر روز در میدان شهر[r] با عابرین مباحثه
می کرد. [۱۸]همچنین بعضی نیز از
۱-قرن۱:۲۲ فیلسوفان اپیکوری و رواقی[s] با او مبادلهٔ نظر
می کردند و بعضی ها می گفتند که «این

n- بنابر این مدّعی بودند که مسیحیت، نهضتی شورش طلب است که عیسی را به عنوان «بسیلئوس» (پادشاه یا امپراتور) می شناسند که رقیب قدرت امپراتور است (ر.ک لو۲:۲۳ توضیح؛ یو ۱۲:۱۹). ظاهراً مسیحیانَ از این عنوانِ مبهم برای عیسی اجتناب می کردند و عنوان های «مسیح» یا «خداوند» را ترجیح می دادند (ر.ک ۳۶:۲ توضیح). مسلّماً یهودیانِ تسالونیکی هم از معنیِ این عنوان ها که مفهومِ «شاهی» دارند استفاده کرده و اتهام خود را ساخته و پرداخته بودند.

o- یعنی اگر عیسی واقعاً مسیح موعود بود. (ر.ک بند۳ توضیح).

p- آزار و اذیت مسیحیان در تسالونیکی ادامه خواهد یافت (۱-تسا ۱۴:۲) و امّا تیموتاؤس، یا در آتن به پولس ملحق شده و یا به همراه او به آتَن رفته و از آنجا به تسالونیکی عزیمت نموده است (۱- تسا ۱:۳-۶). نویسنده جریانِ وقایع را خلاصه می کند.

q- آتن که پس از ایجاد و توسعهٔ امپراتوری روم، از نظرِ سیاسی تنزل کرده بود، به عنوانِ مرکز علم و فرهنگِ یونانی باقی مانده بود. این شهر صحنهٔ نخستین برخورد (۱۶:۱۷-۳۴) بین انجیل و افکار و فلسفهٔ مللِ غیرِ یهود خواهد شد.

r- پولس از همان اوّل، هم به یهودیان و هم به ملّت ها خطاب می نماید که روشی بدیع و منحصر به فرد است (ر.ک ۴۶:۱۳ توضیح). در مورد میدانِ عمومیِ شهر (یونانی «آگورا») ر.ک ۱۹:۱۶ توضیح.

s- در آن دوران مکتب های فلسفیِ اپیکوری و رواقی رایج ترین مکتب های فلسفی بودند. این مکتب های فلسفی عمیقاً مغایر یکدیگر بودند و مسیحیت باَ وجودِ اینکه با بعضی از جنبه های آنان موافق بود و استفاده می کرد، ولی با آنچه بینِ آنانَ مشترک بود برخورد منفی می کرد، ردّ خدایی شخصی که کاملاً متمایز از جهان باشد و افکار انسان مدارانه و منطق گرایی عمومی، از آن جمله اَست.

درهم و برهم‌چین چه می‌خواهد بگوید[t]؟» و
دیگـران [می‌گفتـنـد]: «به نظر می‌آیـد که
مـبلغ خـدایان اجنبی» است، زیرا عـیسی و
رستاخیز را اعلام می‌کرد[u]. [۱۹]پس او را با
خود گـرفته به مقـابل مـجمع داوران[v] [؟]
آورده گـفـتـنـد: «آیـا می‌تـوانیـم بـدانـیم این ۱۲:۱۳؛ ۲۲:۲۸
آموزش جـدیـد که تـو صحبتش را می‌کنی،
چیست؟ [۲۰]زیرا چیزهای عجیبی به گوش ما
می‌رسانی، پس می‌خواهیم بدانیم که اینها
چه مفـهـومی دارد.» [۲۱]زیـرا هـمهٔ آتـنـیـان و
خارجیان مقیم سرگرمی دیگری نداشتند جز
اینکه چیزهای تازه را بگویند یا بشنوند.

[۲۲]پس پولس در وسط[w] مجمع داوران بپا
خاسته گفت: «ای مردم آتن، می‌بینم که در
هر مورد بسـیار متدیّن می‌باشید. [۲۳]زیرا
وقـتی می‌گـشتم و بـنـاهای مقـدس شـما را
تماشا می‌کردم، حتی قربانگاهی یـافتم که
بر روی آن نوشته شده بود تقدیم به خدای
ناشناخته[x]. پس آنچه را که بـدون شناختن ۱۷:۳؛ ۱۷:۱۴؛
می‌پـرسـتـیـد، [آن است که] من به شـمـا غلا ۸:۴
اعلان می‌کنم[y]. [۲۴]خـدایی که جـهـان و هر ۲۴:۴؛ ۴۸:۷؛ ۱۵:۱۴؛
چه را که در آن است آفریده، او که خداوند ۱-پاد۸:۲۷؛ مز ۶:۱۴۶؛
آسـمـان و زمـین است نه در معـابـدی که به اش ۶۶:۱-۲
دست هـا[ی آدمی] سـاخـتـه شـده سـکـونـت ۴۸:۷؛ ۲۶:۱۹

t- ترجمهٔ تحت اللفظی : آنکه دانه ها را می چیند. در توصیفِ پرنده ای است که همه چیز را می رباید و ورّاجی می کند. به دشواری می توان گفت منظور کدام پرنده است.

u- کلمهٔ رستاخیز به عنوانِ نامِ ربّ النوعیِ جدید گرفته شده که شریک عیسی است. فکر و نظریهٔ یک رستاخیزِ جسمانی برای یونانیان غریب و نامأنوسَ بوده و زندگی پس از مرگ را به صورتِ نامیرائی روح درک می کردند.

v- کلمهٔ یونانی مجمع داوران ترجمه شده: آریوس پاگُس است که می توان «تپّهٔ مریخ» ترجمه کرد. این تپه در مغرب اکروپل قرار دارد و شورای عالیِ آتن، قبل از اینکه در میدانِ عمومی شهر تشکیل شود، بر روی این تپه تشکیل می شده است. در اینجا ممکن است منظورَ همان تپه باشد که محلّ ساکتَ و آرامی است، آنرا انتخاب کرده بودند ولی به احتمالِ بیشتر منظور، شورای داوران باشد که در آن موقع بیشتر وظیفهٔ مذهبی و «فرهنگی» بر عهده داشته است. نویسنده، مخصوصَاً بر گواهی دادن در برابر مقاماتِ رسمی تأکید می کند (۸:۴-۱۲؛ ۲۷:۵-۳۳؛ و غیره؛ ر.ک ۱۵:۹؛ لو ۱۲:۲۱). داوران بدون اینکه بخواهند، موضوع را رسَیدگی و داوری نمایند، میل دارند دربارهٔ این عقیدهٔ جدید و عواقبی که در پی خواهد داشت اطلاعاتی کسب کنند (در بند۳۴ ذکر شده که یکی از اعضای مجمع به مسیحیت گرویده است).

w- یا: در مقابل. در بین سخنرانی های مفصّل پولس که در کتاب اعمال رسولان ذکر شده (۱۳:۱۶-۴۱؛ ۲۰:۱۸-۳۵؛ ۲۲:۱-۲۱؛ ۲۴:۱۰-۲۱؛ ۲۶:۲-۳۳) این یکی که در اینجا آغاز شده، مشخّصاً نمونهٔ موعظهٔ به امت ها است (ر.ک ۱۵:۱۴ توضیح؛ ۱-تسا ۱:۹-۱۰؛ عبر ۶:۱-۲). در این سخنرانی، پس از مقدّمه ای که به موضوع خدای ناشناخته می رسد (بند ۲۲-۲۳)، پولس می گوید که این خدا، همان خدایِ خلاق و بخشنده ای است (بندهای ۲۵-۲۹) که قبلاً در لستره به امت ها اعلام کرده بود(۱۵:۱۴ توضیح) و سپس مستقیماً انجیل را ارائه می کند (بندهای ۳۰ و ۳۱) که باید گفت از جنبهٔ نسبتاً مخصوصی ارائه شده است (بند ۳۱ توضیح). در سخنرانیِ پولس به امت ها، چندین موضوع وجود دارد که معمولاً در موعظهٔ یهودیان به غیر یهودیان وجود داشته (بندهای ۲۴ توضیح؛ ۲۵ توضیح؛ حک۱۳-۱۴؛ روم ۱:۱۹-۲۵؛ افس ۴:۱۷-۱۹)؛ ضمناً برای اینکه شنوندگان خود را کمک کند تا از جهالت بیرون آیند (بند ۳۰ توضیح) پولس کوشش می کند در بین عقایدِ بُت پرستی نکاتی مشابه پیام خود بیابد (بند ۲۳ توضیح، و غیره).

x- یا: به خدایی که نمی توان شناخت. معمولاً بنای قربانگاهی را به خدایان ناشناخته تقدیم می کردند تا مطمئن شوند از لطف خدایانی که فراموش کرده ویا نمی شناسند برخوردار شوند ولی پولس درَ این عبارت به صورت مفرد (خدای ناشناخته) ذکر کرده است. شاید عبارتی به این صورت وجود داشته، گرچه تاکنون در کتیبه های قدیمی مشاهده نشده است و شاید پولس در سخنرانیِ خود بدین گونه بکار برده تا شنوندگانِ خود را برای اعلام خدای اسرائیل و عیسی آماده نماید که به نوعی بدون اینکه هنوز آنراَ بشناسند تکریم می کنند.

y- ترجمهٔ دیگر: آن را که شما بدون شناختن تکریم می کنید، همان است که اعلام کردم.

داردz، ۲۵و نه نیاز به چیزی داردa که به
اش ۴۲:۵؛ ار ۲۷:۵ وسیلهٔ دستان آدمیb به او خدمت شود، او
حک۱۳:۱۰ که به همگان زندگی و نفس و همه چیز
می دهد.
۱۴:۱۵-۱۷؛ ۲۶و از یک فردc تمام نسل انسان ها را
پید ۱۰؛ تث ۳۲:۸ که بر تمامی روی زمین سکونت دارند
آفریده و زمان های معینd و حدود سکونت
اش ۵۵:۶، ۶۵:۱؛ ایشان را مقرر کرده است. ۲۷تا خداe را
حک ۱۳:۱-۹؛ روم ۱:۱۹-۲۰ بجویند هر چند به نوعی کورمال در پی او
بگردند و بتوانند او را بیابند که البته از هر
یک از ما به دور نیستf.

۲۸زیرا در او زنده ایم و حرکت می کنیم
و هستی داریمg، چنانکه شاعرانی از بین
شما هم گفته اند: چون که از نژاد او هم
هستیمh.
۲۹چون از نژاد خدائیم، نشاید خیال
کنیم که الوهیتi شباهتی به طلا یا به نقره
یا سنگ حجاری شده با هنر و اندیشهٔ اش ۴۰:۱۸-۲۰؛ حک ۱۳:۱۰
انسانی داشته باشد، ۳۰اینک خدا از
دوران جهالتj چشم پوشیده به تمام
انسان ها در همه جا حکم به توبه کردن
می کند. ۳۱زیرا روزی را مقررکرده است

z- این موضوع جدلی که قبلاً در نوشته های عهد عتیق بکار برده شده (۱-پاد ۸:۲۷؛ اش ۶۶:۱-۲) و در موعظه های یهودیان به امت ها از آن استفاده کردند، در اینجا توسّط موعظه گران مسیحی خطاب به امت های غیر یهود و گاهی حتی به یهودیان بکار برده می شود (۷:۴۸ توضیح). ر.ک یادداشت بعدی. ضمناً موضوع مشابهی در نظریات فیلسولان رواقی نیز وجود دارد.

a- در اینجا باز موضوعی از نوشته های عهد عتیق بکار برده شده (مز۵۰:۸-۱۳؛ ار ۷:۲۲) که با افکار و نظریات سنِک، فیلسوف رواقی رومی که در آن دوران آنرا تشریح کرده بود، پیوستگی دارد.

b- اشاره به ساختن بُتان است. موضوعی که در سخنرانی های واعظان یهودی و سپس مسیحی خطاب به امت ها بکار برده شده است (ر.ک ۱۹:۲۶).

c- ترجمهٔ دیگر: از یک اصل در بعضی نسخه های خطی: از یک خون بدین ترتیب باورهای سنّتی در مورد آدم ابوالبشر، به نظریات رواقیان که معتقد به وحدت نوع بشر بودند، می پیوندند.

d- ترجمهٔ دیگر: «برای امت ها زمانهایی مقرر کرده که بین ایشان توزیع شده است»، در این صورت بیشتر از نظم جهانی، دربارهٔ تاریخ تأکید می شود ولی متنی که به موازات این بند در ۱۴:۱۷ آمده، بیشتر فکر فصول سال را تلقین می نماید. ضمناً موضوع نظم جهان، اساس و موضوع مرکزی فلسفهٔ رواقیان است.

e- در بعضی از نسخه های خطی: الوهیت را ر.ک بند ۲۹:توضیح.

f- از مفاد این متن بر می آید که ملت ها بوسیلهٔ ملاحظه و بررسی آفرینش، می توانستند خدا را کشف نمایند. نظریهٔ مشابهی در روم ۱:۱۹-۲۰ اظهار شده ولی در چهار چوبی واقع بینانه تر و توأم با بدبینی است. (ر.ک روم ۱:۳۰ توضیحات، با این همه بند ۳۰ توضیح را ملاحظه نمایید).

g- در این عبارت از شاعری بنام اپیمنید (قرن ششم پیش از میلاد) الهام گرفته شده است. عوامل سه گانهٔ افلاطونی، یعنی زندگی، حرکت و هستی، در اینجا بکار برده شده اند و به موازات چیزی است که در بند ۲۵ ذکر شده است.

h- این عبارت نقل قول از کتاب پدیده ها، نوشتهٔ آراتوس (قرن سوّم پیش از میلاد) است. و این نظریه نزدیک به افکار و عقاید کلمنت، فیلسوف رواقی است. متن نوشتهٔ آراتوس بدین معنی است: ما اصل و مبنای خود را از او داریم و مسلّماً به نحوی تفسیر شده که با آفرینش انسان به صورت خدا که در سفر پیدایش ذکر شده، نزدیک باشد(پید ۱:۲۶؛ ر.ک ۲-پطر ۱:۴؛ ۱-یو ۳:۲).

i- بوسیلهٔ کلمه الوهیت (ر.ک بند۲۷ توضیح)، که مفهومی کلّی و عمومی دارد، می توان از تنوّع خدایان مختلف امت ها به یگانگی خدا رسید، امت ها، خدایان را به صورت انسان مجسّم می کردند؛ اکنون با توجه و رعایت همین اصول، در اینجا روشی مخالف به ایشان پیشنهاد می شود.

j- جهالت یهودیان از آن است که پیشگویی های پیامبران را درک نکردند (۳:۱۷ توضیح؛ ۱۳:۲۷) و جهالت امت ها، آن است که بوسیلهٔ ملاحظهٔ آفرینش، خدا را کشف ننمودند. از طرز بیان پولس، در اینجا چنین استنباط می شود که امت ها مسئول جهالت خویش هستند (ر.ک بند۲۷ توضیح).

۱۰:۴۲؛ مز ۹:۹، ۹۶:۱۳ ۱-تسا ۱:۱۰

که در آن [روز بـایـد] دنـیـا در عـدالت[k]
بوسیلهٔ مردی [l]داوری شود که تعیین نموده
و همه را دلیل داد به اینکه او را از میان
مردگان[m]برخیزاند.»

۱-قرن ۱:۲۳، ۱۵:۱۲

۳۲وقـتـی که «رسـتـاخـیـز مـردگـان» را
شنیدند، بعضی‌ها مسخره می کردند بعضی
دیگر گفتند: «دراین باره یک بار دیگر هم
به تـو گـوش خواهیم داد.» ۳۳بـدین گـونه
پـولس از مـیـان ایـشـان خـارج شد[n]. ۳۴اما
چند مرد به او پیوسته ایمان آوردند، در بین
ایشان نیز دیونیسیوس آریوپاغی[o]، و زنی
بنام دامرس و دیگران با ایشان بودند.

تأسیس کلیسای قرنتس

۱۸
۱پس از آن آتن را تـرک کـرده، به
قـرنـتـس[p] رفت. ۲و یک یـهـودی،
بنـام اکیلا را که [اصلاً] اهل پـنطس بود،
یافت که به تازگی با همسرش پرسکله[q] از
ایتالیا آمده بود زیرا کلودیوس فرمان داده
بود که تمام یـهودیان، رم را ترک کنـند[r].
وی پیش آنها رفت، ۳و چون از همان حرفهٔ
[ایشان] بود در پیش ایشان مانده و کار می
کرد[s]. زیرا حرفه شان خیمه دوزی بود[t]. ۴و
هر روز سبت در کـنیسه مبـاحثه می کرد تـا
یـهـودیـان و یـونـانـیـان را قـانع کـنـد[u]. ۵اما

۲۰:۳۴؛ ۱-قرن ۴:۱۲، ۹:۶-۱۴؛ ۲-قرن ۱۱: ۷-۱۲؛ غلا ۶:۶

k- در این سخنرانی که به امت ها خطاب شده (ر.ک ۱۵:۱۴ توضیح)، پولس نه از زندگی و نه از مرگ عیسی سخنی به میان می آورد(ر.ک موعظه به یهودیان ۱۴:۲ توضیح؛ ۱۶:۱۳ توضیح). بلکه عیسی مستقیماً به عنوان انسانی ارائه می شود (ر.ک ۲۳:۲) که جهان را داوری خواهد کرد(ر.ک ۴۲:۱۰ توضیح). رستاخیزِ او تأیید شده ولی به عنوان ضمانتی بر این مأموریت داوری که خداوند به عیسی واگذار کرده است.

l- در بعضی از نسخه های خطّی: بوسیلهٔ یک انسان که عیسی است.

m- ر.ک بند ۱۸توضیح.

n- پس از موفّقیتی ظاهراً ناچیز (بند ۳۴) آیا به این دلیل در قرنتس به موعظه ای پرداخته که بی ملاحظه و گستاخانه تر است؟ (۱-قرن ۱:۲-۵؛ ر.ک۱:۱۷-۱۸، ۲۲-۲۵). به هر صورت یونانی گرایان و مخصوصاً یونانیان در مقابلِ انجیل مقاومت خواهند کرد.

o- دیونیسیوس آریوپاغی که بعدها به او، به غلط نوشته های مشهوری را نسبت خواهند داد، نمونهٔ فردی از جامعهٔ ممتاز یونانی است که به مسیحیت گرویده است. ر.ک۱۳:۱۲؛ ۱۷:۴ توضیح.

p- قرنتس، شهر مهاجر نشینِ رومی، مرکز ایالت اخائیه بود که ژولیوس قیصر آنرا بنیان گذاری کرده بود و یک مرکزِ مهم تجاری بشمار می رفت. این شهر در دو طرف یک زبانهٔ خاک دو بندرگاه داشت. اهالی شهر، از مردمان مختلف تشکیل شده بودند ولی بیشتر از نژاد لاتینی و ربّ النّوع آفرودیت، یعنی مظهر زیبایی و عشق را می پرستیدند و بدین خاطر شُهرتِ خوبی نداشتند. با این همه، آیینِ مسیحیت در این شهر بیشتر از آتن و در بینِ مردمِ عامّی ریشه گرفت (۱-قرن ۱:۲۶).

q- آکیلا و پریسکله برای پولس، همکاران ارزشمندی خواهند بود، نخست در قرنتس و افسس (۱۸:۱۸-۱۹؛ ۱-قرن ۱۶:۱۹). و سپس در رُم (روم ۱۶:۳، ر.ک ۲-تیمو ۴:۱۹).

r- این فرمان که در تاریخ ۴۹-۵۰ میلادی صادر شده بود، بوسیلهٔ مورخِ لاتینی سوئتون هم ذکر شده ولی معلوم نیست تا چه مدّتی و تا چه اندازه مراعات می شده است (ر.ک ۱۷:۲۸؛ روم ۱۶:۳).

s- در بعضی نسخه های خطی: کار می کردند.

t- خیمه ها را با چرم و یا به احتمال بیشتر با پارچه هایی از موی بُز می بافتند. ساختنِ خیمه، فنِّ مخصوصِ ناحیهٔ قیلیقیه، موطن پولس بوده است. چونکه کاهنانِ یهودی، معمولاً یک حرفهٔ دستی انجام می دادند و پولس اجرای این حرفه را وسیله ای می دانست که باری بر دوشِ دیگران نباشد و بتواند انجیل را به رایگان اعلام نمایند. ر.ک ۲۰:۳۴ توضیح.

u- در نسخهٔ خطیِ غربی: هر سبت (شبات) به کنیسه وارد شده، شروع به سخن کرده، نام خداوند عیسی را معرّفی می نمود و کوشش داشت نه تنها یهودیان، بلکه یونانیان را هم متقاعد کند.

وقتی که سیلاس و تیموتاؤس از مقدونیه
آمدند[v]، پولس با شهادت دادن نزد یهودیان ۱-تسا ۲:۹؛ ۲-تسا ۳:۸
که عیسی، همان مسیح است، وقف کلام ۹:۲۰؛ ۲۶:۲۳؛ لو ۲۴:۲۶
شده بود. ۶ اما در برابر مخالفت و ۱۳:۱۴؛ ۱۹:۸
کفرگویی[w] ایشان لباس های خود را تکان ۱۳:۵۱، ۲۲:۲۳؛
داده[x] آنان را گفت: «خون شما به گردن لو ۹:۵، ۱۰:۱۰-۱۱
خودتان[y]، من پاکم و از این به بعد به نزد
امت ها[ی غیر یهود] خواهم رفت[z].» ۷ و از ۱۳:۴۶؛ ۲۸:۲۸
آنجا رفته به خانهٔ شخصی به نام تیتوس
یوستوس[a] که خداپرست و منزلش در جوار
کنیسه بود، وارد شد. ۸ اما کرسپس رئیس ۱-قرن ۱:۱۴
کنیسه با تمام [افراد] خانواده‌اش[b] به
خداوند ایمان آورد و بسیاری از قرنتیان
شنیده، ایمان آورده و تعمید یافتند. ۹ و
شبی در [حالت] رؤیا[c]، خداوند به پولس
گفت: «مترس بلکه سخن بگو و خاموش اش ۴۱:۱۰؛ ار ۱:۸
نمان، ۱۰ چون که من با تو هستم و هیچ کس ۱-قرن ۲:۳
به تو تعرضی نخواهد کرد که آزار برساند ۱۵:۱۴؛
زیرا مردم بسیاری در این شهر دارم»[d]. یو ۱۰:۱۶؛ ۱-قرن ۱۶:۹
۱۱ پس او یک سال و شش ماه در بین ۱۹:۱۰
ایشان اقامت کرد و سخن خدا را آموزش
می‌داد.

حاضر شدن پولس در برابر غالیون

۱۲ اما غالیون حاکم اخائیه بود[e]، یهودیان ۱۳:۷؛ ۱۹:۳۸
یکدل علیه پولس برخاسته و او را به دادگاه
کشیدند[f]. ۱۳ می گفتند: «این شخص به
مردم تلقین می کند که بر خلاف قانون،
خدا را بپرستند[g].» ۱۴ چون پولس
می‌خواست دهان باز کند که غالیون به

v- ر.ک ۱۷:۱۴ توضیح. در همان وقت (بند ۱۲ توضیح) پولس نامهٔ اوّل به تسالونیکیان را نوشت (۱-تسا ۱:۱؛ ۳:۱-۶) و اندکی بعد، نامهٔ دوّم به تسالونیکیان (ر.ک ۲-تسا ۱:۱).
w- ترجمهٔ دیگر: و ناسزا می گفتند. ر.ک ۱۳:۴۵ توضیح.
x- این عمل نشانهٔ قطعِ رابطه است. یعنی آنجا را ترک می کنند و حتی گرد و غبارِ آن محلّ را بر جای می گذارند، ر.ک ۱۳:۵۱؛ ۲۲:۲۳.
y- یعنی تنها شما مسئولِ هر آنچه بر شما رسد، خواهید بود [هر چه بر سرتان آید، تنها شما مسئولِ آن هستید] (ر.ک ۵:۲۸ توضیح؛ ۲۰:۲۶).
z- ر.ک ۱۳:۴۶ توضیح.
a- در نسخهٔ خطیِ دیگری: تیتوس یوستوس (بجای تیتیوس یوستوس) این شخص، احتمالاً نامختون بوده و پولس با اقامت در خانهٔ او، با کنیسه قطع رابطه کرد. ر.ک ۱۰:۲۸ توضیح.
b- ر.ک ۱۰: ۲توضیح.
c- مأموریت رسالت پولس بوسیلهٔ رؤیایی آغاز شده (۹:۱۰، ۱۲ توضیح؛ ۲۶:۱۹؛ ۲۳:۱۱) به همین گونه ادامه دارد (۱۸:۹ ؛ ۲۰:۱۶؛ ر.ک۱۳:۳۱ توضیح) و بوسیلهٔ خدا هدایت می شود (۱۶:۹ الی ۱۰، ۲۷:۲۴؛ ر.ک ۱۰:۳ توضیح). و در زندگیِ خود بوسیلهٔ روحِ مقدّس عمل می کند (۸:۱ توضیح).
d- ترجمهٔ تحت اللفظی: افراد زیادی برای من است. ر.ک ۱۵:۱۴توضیح.
e- بوسیلهٔ یک سنگ نبشته که در خرابهٔ دلف بدست آمده، می توان دوران حکومت غالیون، برادر سنک را تعیین نمود که در سال های ۵۱-۵۲ یا ۵۲-۵۳ میلادی بوده است. حضورِ پولس در برابرِ دادگاه، مسلماً در پایانِ اقامت ۱۸ ماهه در قرنتس بوده است (بندهای ۱۱، ۱۸). بنابر این پولس بین سال های ۵۰ تا ۵۲ میلادی در قرنتس اقامت داشته است.
f- تحت اللفظی: به رواق. معمولاً داوری در تالاری انجام نمی شد بلکه محلِّ داوری و مسند قضاوت زیر ایوانی یا رواقی بود.
g- قانونِ رُم، دینِ یهود و قوانینِ شرعیِ یهود را تا اندازه ای به رسمیت می شناخت. در اینجا برای اینکه پولس را به جرمِ نابخشودنی که(ر.ک ۱۷:۷ توضیح) توهینِ جدیدی به امپراتوری رُم می باشد، متهّم کنند. رقیبانش، مسیحیت را به عنوانِ دینِ دیگری غیر از یهودیگری معرّفی کرده اند و این اتهام چندان اشتباه نبود (ر.ک ۱۱:۲۶ توضیح). ولی غالیون با نظرِ ایشان موافق نبود (بند ۱۵ توضیح).

یهودیان گفت: «ای یهودیان، چنانچه به
بی‌عدالتی و یا عمل شریر مربوط می‌شد، به
طریق عقل متحمّل شما می شدم ۱۵ولی
۲۹:۲۳، ۱۸:۲۵-۱۹؛ یو ۳۱:۱۸ چون که مباحثه ها بر سر نظریه ها[h] و نام ها
و یک قانون که [قانون] شما است، مربوط
می‌شود، خودتان ببینید[i]. من نمی‌خواهم
داور چنین چیزهایی باشم. ۱۶و ایشان را از
دادگاه راند. ۱۷و همگی[j] سوستانیس،
۱-قرن ۱:۱ رئیس کنیسه، را گرفته و او را در مقابل
دادگاه می‌زدند و برای غالیون هیچکدام از
این چیزها اهمیتی نداشت.

عبور پولس از انطاکیه

۱۸و پولس باز هم روزهای بسیاری[در
آنجا] ماند. و سپس با برادران وداع کرده و
با پرسکله و اکیلا ازطریق دریا به سوی
روم ۱:۱۶ سوریه رفت و در کنخریه[k] موی سر خود را
تراشید چون که نذر[l] کرده بود. ۱۹و به
۱۴:۱۳، ۱۷:۱۷؛ ۴:۱۸، ۸:۱۹ افسس رسیدند، جایی که ایشان را در آنجا
گذاشت و خودش به کنیسه وارد شده با
یهودیان مباحثه می کرد[m]. ۲۰و ایشان
درخواست کردند برای مدت بیشتری بماند
روم ۱:۱۰، ۳۲:۱۵ و نپذیرفت، ۲۱اما وداع کرده گفت:
[mm]«اگر خدا بخواهد دوباره به نزد شما
خواهم آمد» و با کشتی از افسس دور شد.
۲۲و در قیصریه پیاده شده رفت و پس از
[دیدار و] احوالپرسی از کلیسا[n] به انطاکیه
۵:۱۶-۶ آمد. ۲۳و پس از گذراندن مدتی، عزیمت
کرد[o] و متوالیاً از ناحیهٔ غلاطیه و فریجیه
[p]گذشته، همهٔ شاگردان را استوار می کرد.

h- ترجمهٔ دیگر: کلمات.

i- منظور از نام هایی که غالیون ذکر نموده مسلّماً عنوان هایی است که به عیسی می دادند. بر خلاف اتّهاماتی که به پولس می‌زدند، غالیون مسیحیت را به عنوان قضیه ای می دانست که مربوط به جامعهٔ یهود و قوانین آن است و مسیحیت، نوع دیگری یهودیگری است که از همان رسمیت قانونی یهود برخوردار است و بنابر این اتّهام رقیبان پولس ارتباطی با قوانین رُم ندارد (ر.ک ۱۹:۲۵). نویسندهٔ کتاب اعمال رسولان در سرتاسر کتاب خود (۳۵:۱۶-۳۹؛ ۸:۱۷-۹؛ ۳۷:۱۹-۳۸؛ ۲۴: ۲۰-۲۲؛ ۳۱:۲۶-۳۲) تصمیم ها و آراء مقامات رسمی را ثبت کرده است که با این قرار منع تعقیب، همسوئی دارند. ضمناً نشان می‌دهد اتّهام هایی که علیهِ مسیحیت و مخصوصاً علیهِ پولس می شود، بیهوده بوده و هم اینکه مقامات قضاییِ رُم در داوریِ خود، بی طرف بوده اند.

j- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده: همهٔ یونانیان؛ یا بعضی دیگر: همهٔ یهودیان.در موردِ اوّل منظور آن نیست که نزاعی بینِ یهودیان بوده بلکه عملِ خصمانه ای علیه آنان بوده است.

k- کنخریه، نام بندرگاه شهر قُرنتس در کنار دریای اژه است.

l- منظور، نذری بوده که موی سرِ خود را در مدّت معینی کوتاه نکنند (اعد۶:۹-۱۸) ممکن است با نذرِ دیگری که در۲۱:۲۳-۲۷ ذکر شده اشتباه شود، در حالی که نذری که در کنخریه شده بود، در اورشلیم انجام خواهد یافت.

m- ترجمهٔ دیگر: و خطاب به یهودیان سخنرانی کرد.

mm- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر دارد.

n- بیشتر منظور، کلیسای اورشلیم است تا کلیسای قیصریه. لوقا، دیدارِ اورشلیم را به تسامح گذرانده، زیرا نقشهٔ او این است که پولس را از اورشلیم روانه کرده و دوباره به آنجا برگرداند (۳۶:۱۵ توضیح و یادداشتِ بعدی). پس از دیدار و احوالپرسی: پس از سلام کردن بر کلیسا.

o- در اینجا، پس از یک سال اقامت در انطاکیه، مسافرتی آغاز می شود که معمولاً آن را سوّمین سفرِ بشارتی می نامند (۲۳:۱۸-۱۴:۲۱) ولی بیشتر دوّمین دورانِ مسافرتِ طولانی پولس است (ر.ک یادداشتِ قبلی) و روایت بر روی افسس متمرکز می باشد (۱:۱۶ توضیح).

p- ر.ک ۶:۱۶ توضیح.

آپلس در افسس و قرنتس

۲۴و یک یهودی بنام آپُلُس[q]، اهل
اسکندریه، که مردی دانشمند[r] و در
نوشته ها [ی مقدس] وارد بود، به افسس
رسید. ۲۵وی در مورد راه خداوند اطلاع ۳:۱۹؛ روم ۱۱:۱۲
یافته بود[s] و با روحی پر حرارت[t]، دربارهٔ
آنچه مربوط به عیسی بود به دقت سخن
گفته و آموزش می داد و فقط ازتعمید یحیی
آگاه بود. ۲۶و وی دلیرانه در کنیسه آغاز به
موعظه کرد. اما پرسکله و اکیلا به او گوش
داده او را به نزد خود آوردند و با دقت
بیشتر[u] راه خدا را به او ارائه نمودند.
۲۷چون او می خواست به اخائیه برود،
برادران او را تشویق کرده و به شاگردان
نوشتند که او را بپذیرند[v] چون به آنجا
رسید، به فیض خدا[w] برای آنانکه ایمان روم ۱:۱۶؛ ۲-قرن ۱:۳؛ کول ۴:۱۰
آورده بودند خیلی سودمند بود. ۲۸زیرا
یهودیان را در برابر مردم با قوت تمام رد ۹:۲۰؛ ۳:۱۷، ۵:۱۸؛ ۸:۱۹
کرده و به وسیلهٔ نوشته ها نشان می داد که
عیسی، مسیح است[x].

آمدن پولس به افسس

۱۹ ۱و چون آپلس در قرنتس بود، ۲۷:۱۸
پولس از مناطق مرتفع عبور کرده به
افسس رسید[y] و در آنجا چند تن از
شاگردان را یافت، ۲و به ایشان گفت:
«موقعی که ایمان آوردید، آیا روح القدس ۱۷:۸؛ ۴۴:۱۰
را دریافت کردید؟ [ایشان] به او
[گفتند]: «نه حتی شنیده بودیم که
روح القدسی بوده[z].» ۳و او گفت: «پس

q- ممکن است آپلس وضع موفقیت آمیزی در قرنتس داشته (۱۸:۲۷-۲۸) یا اینکه در کلیسا موجب بحث و گفتگو شده بود (۱-قرن ۱:۱۲؛ ۳:۴-۶؛ ۱۶:۱۲)؛ ر.ک تیط ۳:۱۳. بعضی از صاحب نظران تصّور کرده اند که او نویسندهٔ نامه به عبرانیان باشد.
r- یا اینکه سُخَنوَر، فصیح.
s- در نسخهٔ خطیِ غربی: به او اطلاع داده شده بود، در موطنِ خودش، یعنی در اسکندریه. بر طبق این روایت، ایمانِ مسیحیت خیلی زود به مصر رسیده است. به هر صورت مسیحیت اپلس از نوعی ابتدایی و کهن است که می توان آنرا مسیحیَت پیش از عید پنجاهه توصیف کرد، زیرا با تعمیدِ مسیحیت آشنا َنیست (ر.ک ۲:۳۸). ر.ک ۱۹:۲ توضیح، ۱۸، ۲۸ توضیح. در مورد کلمهٔ راه، ۹:۲ توضیح.
t- ترجمهٔ دیگر: سوزان از روح القدس. ولی از بقیهٔ متن حدّ اقلّ چنین بر می آید که هنوز اَپُلُس روح القدس را دریافت نکرده بود.
u- منظور از به دقّت بیشتر تکمیل در اطلاعات و نه در فهم است.
v- در نسخهٔ خطیِ غربی: قرنتیانی که در افسس اقامت داشته و سخنان او را شنیده بودند، از او دعوت کردند که با ایشان به موطنِ ایشان بیاَید: افسسیان، با موافقت خودش به شاگردانش قرنتس نوشتند که از او خوب پذیرایی نمایند.
w- ترجمهٔ دیگر: به وسیلهٔ فیض [خدا].
x- ر.ک ۲:۳۶ توضیح. توجه شودَ که اَپُلُس فقط به یهودیان خطاب می کند.
y- بر طبقِ نسخهٔ خطیِ غربی: در حالی که پولس بر طبقِ طرحِ خودش می خواست به اورشلیم برود، روح القدس به او گفت: به آسیا برگرد!لذا با عبور از مناطقِ مرتفعِ داخلی، به افسُس رسید؛ ر.ک ۱۹:۲۱. بنابر این پولس، با آمدن از فریجیه (۱۸:۲۳) از طریق مناطق کوهستانیِ داخلیَ به مرکزِ ایالت آسَیایی رسیده است، به جایی که قبلاً یک بار هم به آنجا رفته بود (۱۸:۱۹-۲۱). در کتاب اعمال رسَولان مشروحاً از انتَشار و تبلیغ انجیل در افسس یاد شده است (۱۹:۱-۳۹). افسس، یکی از بزرگترین مراکز تجاری و مذهبیِ دنیای رومی-یونانی بوده و اقامتِ پولس در آن شهر بیش از دو سال طول کشیده است (۱۹:۱۰ توضیح) ولی در این کتابَ فقط چند واقعه از این دو سال ذکرَ شده که چندان به هم مربوط نیستند (ر.ک ۲۰:۱۸-۳۵). پولس نامهء اول به قرنتیان، احتمالاً نامه به غلاطیان و شاید هم نامه به فیلیپیان را در همین افسس نوشت. این نامه ها و همچنین نامهٔ ۲-قرنتیان که در اندکی بعد در مقدونیه نوشته شده (ر.ک ۲۰:۱)، جنبه های دیگری از رسالتِ پولس در افسس را نشان می دهند (همچنین افسس و مکا ۲:۱-۷ را ملاحظه کنید).
z- ترجمهٔ دیگری: ما حتّی از وجودِ روح القدس سخنی نشنیدیم. ولی غیر محتمل است که این شاگردان، این ایمانداران (بندهای

چه تعمیدی یافته اید؟» و آنان گفتند:
«تعمید یحیی[a].» ۴و پولس گفت: «یحیی
تعمید دهنده یک تعمید توبه داده، به قوم ۵:۱؛ ۳۷:۱۰
می گفت به کسی که بعد از او خواهد آمد، ۱۳:۲۴-۲۵؛ لو ۳:۳؛ ۱۵-۱۸
یعنی عیسی، ایمان آوردند. ۵و با شنیدن
[این سخنان]، به نام خداوند عیسی تعمید ۲:۳۸؛ ۸:۱۶، ۱۰:۴۸
گرفتند[b]. ۶و وقتی پولس دست ها را بر ۸:۱۷
روی ایشان گذاشت، روح [آن که مقدس
است] بر روی ایشان آمد، و به زبان ها ۲:۴؛ ۱۰:۴۶
سخن می گفتند و نبوت می کردند[c]. ۷و
جملگی آن مردان حدود دوازده نفر بودند.

موعظهٔ پولس در افسس

۸پس به کنیسه وارد شده، مدت سه ماه ۹:۲۰، ۱۳:۵-۱۴، ۱۴:۱؛ ۱۷:۲؛ ۱۸:۵؛ ۱۹:۸
دلیرانه سخن می گفت، مباحثه می کرد و
[آنان را] در بارهٔ ملکوت خدا قانع می
نمود. ۹ اما چون بعضی ها سر سخت شده و
قبول نمی کردند [ایمان بیاورند]، و در
برابر انبوه مردم[d] از راه [خدا] بد می ۹:۲
گفتند، آنان را ترک کرده، شاگردان را جدا
کرد و هر روز در مدرسهٔ طیرانس[e] مباحثه
می کرد. ۱۰و دو سال چنین طول کشید[f]، به
طوری که همهٔ ساکنان آسیا[g]، چه یهودیان و
چه یونانیان سخن خداوند را شنیدند.

وقایع ناگوار عزایم خوانان یهودی

۱۱و خدا، با دستان پولس، معجزاتی نه
چندان عادی انجام می داد، ۱۲به طوری که
حتی لُنگ یا دستمال هایی را که با پوست
او تماس یافته بود، بر روی بیماران
می گذاشتند و بیماری ها از آنان دور شده ۵:۱۵؛ لو ۸:۴۴
و ارواح شریر می رفتند. ۱۳همچنین بعضی ۵:۱۶؛ ۱۶:۱۶-۱۸
از عزایم خوانان دوره گرد یهودی[h] بر روی
کسانی که ارواح شریر داشتند، نام خداوند ۳:۱۶

۱، ۲) از وجود روح القدس بی اطلاع باشند؛ بلکه احتمال است که دربارهٔ موهبت روح القدس پس از عیدِ پنجاهه چیزی نشنیده بودند (ر.ک ۷:۳۹)، و ایمان ایشان بی شباهت به ایمان اپُلُس نیست (۱۸:۲۵ توضیح).

a- تاریخ و محلِ این تعمید معلوم نیست وَلی این نوع تعمید مانع از آن نبوده که این افسسیان، لااقل به نوعی مسیحی شناخته شوند (یادداشت قبلی: ر.ک یو ۳:۲۲؛ ۴:۱-۲).

b- در اینجا تَعمیدِ مسیحی کاملاً از تعمیدِ یحیی متمایز می شود، حتی بدونِ دست گذاری که بعداً می آید (۱:۵ توضیح؛ ۶:۶ توضیح).

c- تا اندازه ای نظیر آنچه در قیصریه روی داده است (۱۰:۴۶)؛ ر.ک ۲:۴ توضیح و ۱۱:۲۷ توضیح.

d- به مانند قرنتُس (۱۸:۶-۷) در اینجا نیز پولس به علت مخاصمات بعضی از اعضای جمعیتِ یهودیان به ناچار با آنان قطعِ رابطه می کند (۱۳:۴۶ توضیح) ولی هنوز شنوندگانِ یهودی خواهد داَشت. (۱۹:۱۰)

e- احتمالاً منظور، مدرسهٔ چند نفر استاد فصاحت بوده که تالارِ خود را در اختیار او گذاشته و یا به او اجاره می دادند. در یک نسخهٔ خطّی تصریح شده از ساعت پنجم تا ساعتِ دهم روز، یعَنی بینِ ساعات ۱۱ صبح تا ۴ بعدازظهر که کارهای عادی برای ناهار و خوابِ بعد از ظهر متوقّف می شدند.

f- به این مدّت دَو سال، سه ماه دیگر که در۱۹:۸ روایت گردیده افزوده می شود. ضمناً در بند ۲۰:۳۱، پولس خواهد گفت که سه سال در اَفسس مانده استَ.

g- این اظهار گرچه فقط در مورد ایالت آسیایی بوده و شاملِ تمام آسیای صغیر نمی شود، با این همه اظهاری خوش بینانه است . ضمناً ممکن است بنیانگزاری کلیسَاهای کولسی (کول۱:۷)، لاَؤدیکیه و هیراپولیس (کول۴:۱۳، ۱۵؛ ر.ک مکا ۳:۱۴-۲۲) در این زمان بوده است.

h- همانطور که در فلسطین وجود داشته (لو ۹:۴۹؛ مت ۱۲:۲۷)، شاید روش های این عزایم خوانان نزدیک به روش های سحر و جادو بوده است (ر.ک ۱۹:۱۹). (عزایم جمعِ عزیمه، به معنیِ دعاها و وردهایی است که در گذشته برای رفعِ بیماری و دفعِ ارواحِ شریر می خواندند و بر روی بیماران و مبتلایان به ارواحِ شریر می دمیدند).

عیسی را یاد کرده می گفتند: «شما را به
نام آن که پولس اعلام می کند سوگند
می‌دهیم.» ۱۴ و یک کسی، اسکیوا، کاهن
اعظم یهودی، هفت پسر داشت که این کار
را می کردند[i]. ۱۵ اما روح که شریر بود به
۱۷:۱۶ ایشان جواب داده گفت: «هم عیسی را
می شناسم و می‌دانم پولس کیست. ولی شما
کیستید؟» ۱۶ و آن مرد که آن روح که شریر
است در او بود، بر روی ایشان جسته چنان
علیه شان قوی شد که بر همگی آنان فایق
آمد به طوری که برهنه و مجروح از آن خانه
فرار کردند. ۱۷ و این به آگاهی همه
یهودیان و همچنین یونانیان ساکن افسس
۴۳:۲؛ ۵:۵-۱۱ رسید و ترس، همهٔ آنان را فرا گرفت و نام
خداوند عیسی را به بزرگی می‌خواندند[j].
۱۸ و انبوهی از ایمانداران[k] می‌آمدند
اعمال خود را اعتراف کرده و اظهار می
کردند[l]. ۱۹ و تعداد زیادی از
سحر کنندگان[m]، کتابهای خود را آورده
در مقابل همه می سوزاندند و قیمت آنها
را حساب کردند، پنجاه هزار سکهٔ نقره
بود. ۲۰ بدین گونه بر طبق نیروی
خداوند، سخن پیشرفت کرده، قوت
می گرفت[n].

آشوب در افسس و عزیمت پولس

۲۱ پس از انجام این [امور]، پولس در
روح القدس تصمیم گرفت[o] از مقدونیه و
اخائیه[p] گذشته به اورشلیم برود و می گفت:
«پس از رفتن به آنجا باید رم را هم
ببینم[q].» ۲۲ پس دو نفر از ملازمان خود،
فی ۱۹:۲؛ ۱-قرن ۱۷:۴ تیموتاؤس و ارسطوس را به مقدونیه
فرستاد و خودش مدتی در آسیا توقف نمود.
۱:۱۲ ۲۳ [r] و در این موقع، یک آشفتگی، نه
۲:۹ چندان کوچک، در مورد راه [خدا] روی
داد. ۲۴ زیرا نقره کاری به نام دیمیتریوس

i- کاهن اعظم یهودی به نام اسکیوا ناشناخته است. در نسخهٔ خطّیِ غربی: در بینِ ایشان [هفت] پسران کاهن اسکیوا می خواستند به همین طریق عمل کنند. عادت بر این داشتند که برای دفعِ ارواحِ شریر به بیمار نزدیک شده و بر روی او نام را بر زبان آورده می گفتند: به تو امر می کنیم به نامِ عیسی که پولس (رسول) اعلام کرده است، خارج شوی.

j- در اینجا تجلیل و تکریم در مورد خدا نیست (۲۱:۴ توضیح؛ ر.ک ۱۱:۱۹) بلکه نام عیسی (۱۶:۳ توضیح) را به عنوانِ خداوند (۳۶:۲ توضیح) تجلیل می کنند و مورد عبادت قرار می دهند.

k- در نسخهٔ خطّیِ غربی: انبوهی از ایمان آورندگان؛ یعنی کسانی که ایمان می آوردند، بنابراین، عملِ ایشان همزمان با گرویدن به آیین بوده و نه اینکه مؤخر بر آن باشد.

l- منظور، عملیات سحر و جادو است.

m- ترجمهٔ تحت اَللفَظی: بسیار بیهودگی ها می پرداختند، که طرز بیانِ زیباتری برای همین معنی است. در آن زمان، کتاب های جادوی افسس مشهور بودند.

n- یعنی انتشار و موعظهٔ انجیل با موفّقیت انجام می گردید. ر.ک ۷:۶؛ ۲۴:۱۲.

o- ترجمهٔ دیگر: در روح خود تصمیم گرفت. ر.ک ۲۲:۲۰.

p- هنگامی که پولس نامهٔ ۱-قرن را می نوشت، طرح مسافرت او به همین ترتیب بود (۱-قرن ۵:۱۶-۶؛ ر.ک ۲-قرن ۱۵:۱ و مطالبِ بعدی) ولی در این کتاب اعمال رسولان چیزی دربَارهٔ علّتِ مسافرت به اورشلیم ذکر نشده است که برای بردنِ اعانهٔ کلیساهای منتسب به او بوده است (ر.ک ۱۷:۲۴ توضیح).

q- ر.ک روم ۱۲:۱ و مطالبِ بعدی؛ ۲۳:۱۵. چنین به نظر می رسد که پولس در مورد مسافرت به اورشلیم دغدغهٔ خاطری ندارد (ر.ک اع ۲۲:۲۰ و بندهای بعدی).

r- روایت طولانی که از اینجا آغاز می شود بار دیگر نشان می دهد که از نظر قوانین رومی بر موعظهٔ مسیحی اعتراضی وارد نبوده است.

که معبدهایی نقره‌ای[s] برای ارطامیس
۱۶:۱۶ می‌ساخت و برای صنعتکاران استفاده‌ای نه
چندان ناچیز داشت[t]. [۲۵]آنان را با
کارگرانی که [پیشه‌های] مشابهی داشتند
جمع کرده گفت: «ای مردان، شما می‌دانید
که رفاه ما از این درآمد است، [۲۶]و ملاحظه
می‌کنید و می‌شنوید که می‌گویند که این
پولس، انبوه عظیمی از مردم را نه تنها از
افسس، بلکه تقریباً از تمام آسیا متقاعد
کرده و منحرف نموده است، می‌گوید
اینهایی که با دست ها ساخته شوند،
خدایان نیستند[u].» [۲۷]این خطری است که
۱۹:۱۶ نه فقط کسب ما را بی اعتبار می‌کند بلکه
نزدیک است معبد رب‌النوع بزرگ
ارطامیس هم هیچ بشمار آید و همچنین
عظمت او که تمام آسیا و زمین مسکون[v]
می‌پرستند، از بین برود.
[۲۸]و وقتی که شنیدند، سرشار از خشم
شده، فریاد برآورده می‌گفتند: «بزرگ
است ارطامیس افسسیان! [۲۹]و شهر، پراز
تشنج شد. آنان نیز متفقاً به طرف
تئاتر تاختند و غایوس و ارسترخس[w] را که
اهل مقدونیه و از همراهان پولس بودند،
دستگیر کردند. [۳۰]اما پولس می‌خواست به
میان انبوه مردم برود، اما شاگردان او را
نگذاشتند. [۳۱]و بعضی از رؤسای [مذهبی]
آسیا[x] هم که دوست او بودند به نزد او
فرستاده خواهش می‌کردند با رفتن به
تئاتر، خود را به خطر نیندازید.
[۳۲]پس کسان دیگری فریاد می‌زدند،
زیرا جمعیت خیلی متشنج بود و بیشتر آنان
نمی‌دانستند به چه سبب جمع شده‌اند.
[۳۳]پس از میان جمعیت، اسکندر[y] را
برکشیدند که یهودیان او را پیش انداخته
بودند. و اسکندر با دست اشاره کرده
می‌خواست در مقابل مردم دفاعیه‌ای ارائه
کند. [۳۴]چون شناختند که او یهودی است ۲۰:۱۶
تقریباً مدت دو ساعت همگی به یک صدا
فریاد می‌زدند: «بزرگ است ارطامیس
افسسیان!» [۳۵]و منشی[z]، مردم را ساکت
کرده گفت: «ای مردان افسسی، در بین
انسان‌ها، کیست که نداند که شهر افسس
حافظ معبد[a] ارطامیس بزرگ و (مجسمهٔ
او) که از آسمان افتاده است[b]، می‌باشد؟

s- در این مورد، منظور، ساختن ماکت معبد بزرگ ارطامیس می باشد که درآمد فراوانی هم داشته است (۲۷:۱۹). ربّ النوعی به این نام که اهالیِ افسس می پرستیدند ارتباطی با باکرهٔ شکارچیِ یونانیان نداشته و قابلِ مقایسه با آن نبوده است بلکه ربّ النوعی شرقی و مظهر باروری بوده است.

t- ترجمهٔ دیگر: برای صنعت کاران کاری ارزشمند و قابلِ توجّه بود.

u- در حقیقت، یکی از موارد تکراری در موعظه های پولسَ به امت ها، باطل بودنِ بت ها می باشد (۲۵:۱۷ توضیح).

v- دیمیتریوس برای اثبات نَظریهٔ خود تا اندازه ای مبالغه می کند.

w- ر.ک ۴:۲۰؛ ۲:۲۷؛ ۴:۱۷ توضیح.

x- هر سال شهرهای آسیای صغیر، سه یا چهار نفر را به عنوان رؤسای آسیا انتخاب می کردند که در محلّشان سرپرستیِ آیینِ پرستشِ امپراتور و روم را بر عهده داشتند. این شخصیتهای عالی رتبه پس از خاتمهٔ مأموریت هم، این عنوان را حفظ می کَردند.

y- ترجمهٔ دیگر: با شخصی به نام اسکندر به توافق رسیدند. در نسخهٔ خطیِ دیگر: شخصی به نام اسکندر را به پیش انداختند. درست معلوم نیست به چه هدفی این فرد یهودی (۳۴:۱۹) در این امر دخالَت کرده است.

z- منشی دیوانیِ یا به قولِ امروز رئیسِ دفَتر، با وجود اینکه بالاترین مقام دولتی نبود، ولی در جلسات مجمعِ عمومیِ مردم، شخصیت مهمّی بوده است.

a- ترجمهٔ دیگر: شهر مقدّس.

b- عقیدهٔ مردم بر این بوده است.

[۳۶]بنابراین چون این چیزها انکار ناپذیر
است شما باید آرام بگیرید و هیچ کار
گستاخانه ای نکنید. [۳۷]زیرا شما مردانی
را آورده اید که نه بی حرمتی و
نه کفرگویی به [رب النوع] ما کرده اند.
[۳۸]پس واقعاً اگر دیمیتریوس و
صنعتکارانی که با او هستند ادعایی
دارند، [روزهایی که] جلسهٔ داوری
تشکیل می شود و پروکنسول ها هستند،
باید علیه یکدیگر اقامه اتهامات
نمایند[c]. [۳۹]اما اگر چیز بیشتری می
جویید، در مجلس قانونی حل خواهد
شد. [۴۰]زیرا در واقع برای ما این خطر
هست که در رابطه با شورش امروز متهم
شویم، چون که هیچ دلیلی وجود ندارد که
بتوانیم برای این اجتماع شورشی عذری
بیاوریم.» و چون این چیزها گفته شد،
جمعیت را متفرق کرد.

از افسس تا ترواس از طریق یونان و مقدونیه

۲۰ [۱]و پس از آنکه غریو [حضار] تمام
شد، پولس شاگردان را خواسته و ۱۶:۴۰
پس از نصیحت آنان را سلام گفته و بیرون
رفت که به سوی مقدونیه[d] برود. [۲]و این ۲-قرن۲:۱-۱۳؛ ۷:۵
بخش ها را با نصیحت کردن [برادران] با ۱۶:۴۰
سخنرانی های بسیار در نوردیده و به یونان
آمد، [۳] و سه ماه را [e] [در آنجا] سپری کرد. ۱-قرن ۱۶: ۵-۷؛
یهودیان علیه وی توطئه کردند، وی در حالی ۲-قرن ۲: ۱۲-۱۳؛
که از طریق دریا بسوی سوریه می رفت، فی ۱:۲۵-۲۶
متعاقد شد که از راه مقدونیه[f] بازگردد. [۴]و ۹:۲۳؛ ۲۱:۲۷؛ ۲۳:۱۲-۲۲؛ ۲۵:۳
سوپاترس [پسر] پیروس، اهل بیریه، و
ارسترخس و سکندس اهل تسالونیکی، و
غایوس اهل دربه[g]، و تیموتاؤس، و از
آسیا: تیخیکس و تروفیمس وی را
همراهی[h] می کردند. [۵]اینان[i] نیز که پیش
رفته بودند، در ترواس منتظر ما[j] بودند. [۶]و
اما ما، بعد از ایام فطیر[k] از [شهر] فیلیپی ۲-قرن ۲:۱۲

c- ترجمهٔ دیگر: باید طرفین به پیشِ قاضی بروند.
d- در این بند، مسئلهٔ غوغا و شورش پایان می یابد و مجدّداً به روایتِ مسافرت پولس پرداخته می شود (ر.ک ۱۹:۲۱-۲۲). توجّه نویسنده معطوف به اورشلیم (ر.ک ۱۹:۱ توضیح)، بازداشتِ پولس و آخرین مسافرتِ وی به رُم می شود. در آن موقع، پولس دوّمین نامه به قرنتیان را می نویسد.
e- محلّ این اقامت، مسلّماً در قرنتس و احتمالاً در زمستان سال های ۵۷-۵۸ بوده است، در اینجا عللِ مسافرت پولس ذکر نگردیده است که بحران قرنتس جمع آوریِ اعانه برای اورشَلیم بوده است(ر.ک۲۴:۱۷ توضیح).
f- بند ۳، بر طبقِ نسخهٔ خطّی غربی، به این صَورت است: سه ماه. چون یهودیان علیهِ او توطئه می کردند، خواست به مقصد سوریه به کَشتی سوارَ شود. روح [َالقدس] گفت از طریقِ مقدونیه برگردد.
g- در نسخهٔ خطّی غربی به جای دُربه، شهر دوبرس ذکَر شده که در ایالت مقدونیه و در فاصله بینِ فیلیپی و آمْفیپولیس قرار دارد. اگر این شخص که غایوس نام دارد، اهلِ مقدونیه باشد، احتمالاً همانَ است که در ۱۹:۲۹ ذکرَ شده است.
h- در بسیاری از نسخه های خطّی اضافه شدِه است: همراهان او تا آسیا (ر.ک۲-قرن ۸:۱۸-۲۲)
i- در مورد سوسیپاترُس ر.ک روم۱۶:۲۱؟ در مورد اَستَرَخُس ر.ک۱۹:۲۹. در مورد غایوس ر.ک یاداشت قبلی. در مورد تروفیمُس ر.ک۲۱:۲۹ و ۲-تیمو ۴:۲۰. در مورد تیخیکُس ر.ک افس۶:۲۱؛کول ۴:۷؛۲-تیمو ۴:۱۲؛ تیطَ ۳:۱۲. احتمالاً تمامِ این افراد از طرف کلیساهای خود مأمور بوده اَند اعانه ای را که جمع شده بود به اورشلیم ببرند (ر.ک۲-قرن ۸:۱۶ الی ۹:۵)ر.ک بند۳ توضیح.
j- اینجا آغاز دوّمین قسمتی است که روایت با ضمیر اوّل شخصِ جمع ما شروع می شود (۲۰:۵-۱۵)ر.ک ۱۶:۱۰ توضیح.
k- ر.ک ۲۱:۳ توضیح. از این نکته بر می آید که پوَلس عیدِ گذَرِ یهود را برگزار کرده است ر.ک۱۶:۳ توضیح؛ا-قرن ۵:۷).

سوار بر [کشتی] شده و طی پنج روز در
۴:۲۱؛ ۱۴:۲۸ ترواس به آنان پیوستیم، جائی که در آن
هفت روز اقامت کردیم.

رستاخیز افتیخس در ترواس

۱-قرن ۱۶:۲ [l]۷ و در [روز] اول هفته[m]، [در حالی
که] برای پاره کردن نان[n] جمع شده بودیم،
پولس که روز بعد قصد عزیمت داشت، با
ایشان گفتگو[o] می کرد و گفتارش را تا نیمه
شب به درازا کشاند. ۸و در بالاخانه ای[p]
که جمع شده بودیم، چراغ های زیادی وجود
داشت. ۹و جوانی بنام افتیخس کناره پنجره
نشسته و به خواب سنگینی فرو رفته بود،
گفتگوی پولس بیشتر به درازا کشید و او که
در خواب سنگین بود، از طبقهٔ سوم به پایین
افتاد و [او را] مرده برداشتند. ۱۰اما پولس
که پایین رفته بود، خود را بر روی او
انداخته[q] و او را در آغوش گرفته گفت: مر ۵:۳۵-۴۳
«غوغا نکنید! چون که جان او در او
است[r].» ۱۱سپس به بالا آمده و نان را
پاره کرد و خورد و تا مدتی دراز، تا
روشنایی صبح همچنان گفتگو می کرد و
بدین گونه عزیمت کرد. ۱۲اما آن پسر را
زنده بردند و این تسلی کوچکی نبود.

از ترواس به میلیتس

۱۳ اما ما که جلوتر رفته بودیم به [مقصد]
آسوس به کشتی سوار شدیم، جایی که می
باید پولس را از آنجا برداریم زیرا تصمیم
گرفته بود خود پیاده[s] به آنجا برود. ۱۴و
چون در آسوس به ما پیوست، او را برداشته
به متیلینی رفتیم. ۱۵و از آنجا، فردای آن

l- روایت مسافرت پولس که مجدّداً در بند۱۳ ادامه می یابد با قضیهء زنده شدن افْتیخُس قطع شده است. در اینجا پولس نیایش کرده و نام عیسی را نخوانده است(ر.ک۱۶:۱۸؛ ۱۶:۳ توضیح) ولی بعضی از حرکات الیاس را انجام داده است (ر.ک۱-پاد ۱۷:۱۷-۲۴؛ ۲-پاد ۴:۸-۳۷).

m- یعنی روزِ رستاخیزِ عیسی (لو ۲۴:۱) که بعداً روز خداوند خوانده خواهد شد (مکا۱:۱۰ = یکشنبه) در اینجا، چنانکه از متن بر می آید، عصرِ روزِ شنبه و شب، دور هم جمع شده بودند تا این روز را متمایز نموده و تجلیل کنند(ر.ک۱-قرن ۱۶:۲؛ ر.ک یاداشت بعدی) در صورتی که روز سبت یهودیان از غروب آفتاب روز گذشته (جمعه) آغاز می شود.

n- در اینجا منظور آیینِ سپاسگزاری است(ر.ک لو۲۴:۳۰ توضیح) که قبلاً در اورشلیم انجام می گردید (۲:۴۲ توضیح، ۴۶). در اورشلیم هم به مانند اینجا این آیینِ در خانه، یعنی محلّ زندگیِ خصوصی برگزار می شد (۲:۴۶). عمل پاره کردن نان (ر.ک۱-قرن ۱۱:۲۳-۲۵)، احتمالاً همراه با صرف غذا (بند ۱۱؛ر.ک ۲:۴۶؛ ۶:۲ توضیح؛ ۱۱:۳ توضیح؛ ۱-قرن ۱۱:۱۷-۲۲) همچنین نیایش ها (۲:۴۲)، موعظه (بندهای ۹، ۱۱؛ر.ک۲:۴۲؟) و شاید گفتگو و مذاکره بین مسیحیان بوده است (ر.ک یادداشت بعدی). و چنین به نظر می رسد در محیطی خوش برگزار می شده (۲:۴۶؛ر.ک۱۶:۳۴؟) چنانکه مجموعهٔ زندگی کلیسا توأم با شادی بوده است (۸:۸ توضیح). جاهای دیگری در کتابِ اعمالِ رسولان که اشاره به آیینِ سپاسگزاری می شود، عبارتند از: ۶:۲ توضیح؛ ۱۳:۲ توضیح؛ ۱۶:۳۴؛ ۲۷:۳۵ توضیح.

o- ترجمهٔ دیگر: سخنانی به برادران خطاب می کرد. در کنارِ موعظه، برگزاری آیینِ سپاسگزاری، در صورتِ لزوم، شاملِ گفتگو و تبادلِ نظرهایی بینِ حاضران می شده و اگر منظور از کلمهٔ پرستش که در۱۳:۱-۴ بکار رفته، برگزاری آیینِ سپاسگزاری باشد، در این صورت تأییدی است بر همزمان بودن سپاسگزاری و تبادلِ نظر (۱۳:۲ توضیح؛ر.ک۱-قرن ۱۴).

p- یعنی بالاترین طبقهٔ خانه (ر.ک۱:۱۳؛ لو ۲۲:۱۲).

q- ترجمهٔ دیگر: بر روی او خم شد. دراین صورت، این روایت بیشتر معجزه های الیاس و الیشع را به یاد می آورد(ر.ک بند۷ توضیح).

r- ترجمهٔ تحت اللفظی: روح او در او است که بدان معنی نیست که هنوز زنده است بلکه زندگی را باز یافته است (ر.ک بند۹). در نظرِ نویسنده، این واقعهٔ زنده شدن دوباره نظیرِ عملی است که پطرس در مورد طابیتا انجام داده بود (۹:۳۶-۴۳).

s- ترجمهٔ دیگر از راهِ خشکی بیاید. فعلی که در این مورد بکار رفته، ممکن است به معنیِ پیاده آمدن هم باشد.

روز از طریق دریا به مقابل خیوس رسیدیم.
روز بعد به سوی ساموس راندیم و روز پس
از آن به میلیتس[t] رسیدیم. [۱۶]زیرا پولس
تصمیم گرفته بود از [مقابل] افسس با
کشتی عبور کند بطوری که مقدور باشد در
آسیا درنگ ننماید[u] و تعجیل می کرد اگر
برایش ممکن باشد روز پنجاهه به اورشلیم
برسد.

وداع پولس با قدیمی های افسس در میلیتیس

[۱۷]و از میلیتیس به افسس فرستاده، ۳۰:۱۱
پیران افسس[v] را احضار کرده بود. [۱۸]و
وقتی به نزد او رسیدند به ایشان گفت[w]:
«شما می دانید از اولین روزی که به آسیا ۱۹:۱۸؛ ۱۰:۱۹؛
وارد شدم در تمام مدت با شما چگونه ۱-تسا ۵:۱
رفتار کرده ام، [۱۹]در کمال فروتنی در فی ۱۸:۳
خدمت خداوند بوده و در اشک ها و ۲-قرن ۸:۱؛ ۲۴:۱۱
آزمون هایی که به وسیلهٔ توطئه های یهودیان ۱-تسا ۲:۱۰-۱۲
بر من رسید، [۲۰]چگونه در هیچ مورد
مضایقه نکرده ام[x]، چیزهای مفید را چه در
ملأ عام و چه در خانه به شما گفته و تعلیم
داده ام، [۲۱]و به یهودیان و یونانیان، توبه به ۱۰:۱۹
سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی را ۱۹:۳؛ ۱۵:۱۴ ۳۱:۱۶
شهادت می دادم[y].

[۲۲]و اینک اکنون بوسیلهٔ روح [القدس][z]
بسته شده به اورشلیم می روم و بدون اینکه
بدانم چه چیزهایی برایم پیش خواهد آمد،
[۲۳]جز اینکه در هر شهری، روح القدس به
من شهادت داده، می گوید که بندها و
مصیبت ها در انتظار من است. [۲۴]ولی به
هیچ وجه زندگی خود را گرانمایه ۲۶:۱۵؛ فی ۲۳:۱
نمی شمارم، بطوریکه راهم را به پایان برده ۱-قرن ۹:۲۴-۲۷؛
و خدمتی را که خداوند عیسی بر عهدهٔ من فی ۳:۱۲؛ ۲-تیمو ۴:۷

t- در بعضی از نسخه های خطّی اضافه شده است: در تروجیلیون توقّف نموده ولی در تمامِ نسخه های خطّی وجود ندارد با اینکه این توقّف تا اندازه ای محتمل است.

u- ر.ک ۱۶:۶ توضیح.

v- ترجمهٔ دیگر. پولس پیران کلیسای افسس را احضار کرده بود.

w- پس از گفتارهای پولس به یهودیان (۱۳:۱۶-۴۱) و به ملّت ها (۱۴:۱۵-۱۷؛ ۱۷:۲۲-۳۱) در اینجا نویسنده گفتاری را که به مسیحیان و حتی مشخصاً به رهبران کلیسا خطاب شده است ارائه می نماید (بندهای ۱۸-۳۵). این گفتار در عینِ حال که گفتار وداع است و از بسیاری جهات گفتارهای عهد عتیق و یهودیگری را به یاد می آورد(ر.ک۲-تیمو)؛ موعظه ای به مسئولان کلیسا است که شباهت هایی با ۱-تیمو، تیط و ۱-پطر ۵:۱-۴ دارد. پس از یادآوریِ گذشتهٔ خود در آسیا، (بندهای ۱۸-۲۱) پولس به حال و آینده می پردازد (۲۲-۲۸). سپس شنوندگان خود را به هوشیاریَ (بندهای ۲۰-۳۲) و محبت برادرانه (بندهای ۳۳-۳۵) تشویق می کند. قبلاً که مطالبی در موردِ پیران ذکر شده بود (۱۱:۳۰ توضیح؛ ۱۴:۲۳ توضیح) چیزی دربارهٔ مسئولیت و وظایفِ دقیقِ آنان گفته نشد. در اینجا مَلاحظه می شود که پولس به هنگام عزیمت قطعیِ خود (بندهای ۲۲-۲۵) آنان را مأمورَ می کنَد که در افسس به عنوان «پیران» همان کاری را انجام دهند که خود وی در خدمت به نوید نیکو و کلیسا انجام می داده است(ر.ک بند۲۸ توضیح). این احتمالاً همان چیزی است که قبلاً به هنگام حرکت از افسس از آنان درخواست کرده(۲۰:۱ البته در آنجا به سمَت پیران اشاره ای نمی شد). اهمیتی که نویسنده به این نصایح می دهد، نشان آن است که از نظر وی خیلی بیشتر از مورد خَاصّ آن می باشد.

x- این عبارت که ترجمهٔ آن دشوار است، بدان معنی اَست که پولس، نه چیزی را پنهان کرده و نه برای خود نگهداشته است. ر.ک۲۰:۲۷.

y- در مورد گرویدن و ایمان ر.ک۳:۱۹ توضیح؛ ۲:۴۴ توضیح؛ ۳:۱۶ توضیح؛ ۱۰:۴۳ توضیح.

z- ترجمهٔ تحت اللفظی: به وسیلهٔ روح[القدس] به زنجیر شده؛ و نه اینکه در روح به زنجیر شده ر.ک بند۲۳: ۲۱:۱۱ و ۸:۱ توضیح.

۱۶:۲۶-۱۸ قرار داده به انجام برسانم: شهادت دادن به
نوید فیض خدا.
۲۵ و اکنون می دانم که دیگر چهرهٔ مرا
نخواهید دید[a]، همگی شما که از بینتان
۸:۱۹؛ ۳۱:۲۸ گذشته ام و ملکوت[b] را اعلام کرده ام.
۲۶ بدین سبب در این روز به شما شهادت
۶:۱۸ می دهم که از خون همهٔ شما بری هستم[c].
۲۰:۲۰ ۲۷ زیرا در موعظهٔ همه ارادهٔ خدا به شما،
کوتاهی نکرده ام. ۲۸ پس مواظب خودتان و
[مواظب] تمام رمه ای[d] باشید که
روح القدس شما را بر آن ناظر[e] تعیین
نموده تا کلیسای خدا[f] را که بوسیلهٔ خون
خود[g] بدست آورده شبانی کنید. ۱-پطر ۲:۹؛
۲۹ زیرا من می دانم که پس از مفارقت[h] مز ۷۴:۱-۲ ۱-تیمو ۳:۲؛ تیط ۱:۷؛
من گرگ هایی سهمگین به نزد شما وارد ۱-پطر ۲:۱۲ ۵:۲۸؛
شده و رمه را بر سر جایش باقی نخواهند لو ۲۲:۲۰؛ افس ۱:۷؛
گذاشت. ۳۰ و از میان خودتان مردانی ۱-پطر ۱:۲
برخواهند خاست که (مطالب) منحرف مت ۷:۱۵؛ یو ۱۰:۱۲؛
خواهند گفت برای اینکه شاگردان را به ۲-تیمو ۴:۲-۴
دنبال بکشند. ۳۱ بدین سبب هوشیار بوده و غلا ۴:۱۷؛ ۱-تیمو ۴:۱-۲؛
به خاطر داشته باشید که سه سال، شب و ۱-یو ۲:۱۹
روز با اشک ها از یادآوری به هر یک باز مر ۱۳:۳۵

a- متن این عبارت مبهم و ترجمهٔ صحیح آن دشوار است ولی مفهوم کلی عبارت روشن است.
b- ر.ک ۱:۳ توضیح.
c- یعنی هر آنچه را توانسته ام انجام داده ام و از این پس هر کسی مسئول سرنوشت خود است. ر.ک ۱۸:۶ توضیح.
d- در نوشته های عهد عتیق، کلمهٔ «رمه» به صورت استعاره در مورد قوم خدا بکار برده شده و در انجیل ها، گروهی از شاگردان را تعیین می کند (لو۱۲:۳۲ توضیح). در اینجا اگر در مورد کلیسا نباشد، لااقلّ به یک کلیسای محلی اطلاق شده است. شاید برای اینکه نشان دهد که عیسی چوپانِ والا و به عبارتی چوپان منحصر به فرد کلیسا است (ر.ک ۱-طر ۲:۲۵؛ ۵:۴؛ عبر ۱۳:۲۰). نویسنده این عنوان را برای پیرَان قائل نشده است.
e- کلمهٔ یونانی که در اینجا ناظر ترجمه شده است و کلمهٔ اُسْقُف از آن مشتقّ شده اند، به معنیِ بازرس است و گاهی محافظ و نگهبان ترجمه می کنند (کلمه ای که به همین معنی به هر یک از مسئولان جمعیت قُمْران اطلاق می شده است.) در اینجا این کلمهٔ استعاره، مسئولیت دسته جمعیِ پیران را در مقابلِ کلیسا تعیین می نماید. رَ.ک۱-پطر ۵:۲(که در آنجا به صورت فعلِ نگهداشتن، مراقبت کردن در موردِ پیران بکار برده شده بود) و۱-پطر ۲:۲۵ (که این کلمه در آنجا به صورت اسم در موردِ مسیح شبان آمده است.) این مسئولیت نظیروظیفهٔ چوپان نسبت به رمهٔ خود می باشد، بنابر این مسئولیتی کلی و مخصوصاً مربوطِ به وحدت و محافظت کلیسا (بند ۲۹ توضیح) و اعلام انجیل است (بند ۱۸ توضیح) در اینجا این کلمه شاید عنوانِ شغل و وظیفهٔ معیّن و مداومی در جمعیت بوده است (ر.ک فیِ ۱:۱؛ ۱-تیمو ۳:۲؛ تیط ۱:۷). بعدها این کلمه در مورد مسئولِ یک کلیسای محلّی بکار رفته (اسقف)است.
f- بجای کلمهٔ خدا در نسخه های خطی مختلف نوشته شده است: خداوند (عیسی)، (عیسی) مسیح، خداوند، خداوند (و) خدا. این تفاوت ها به علّت دشواری که در یادداشتِ بعدی ذکر شده پدید آمده است، اصطلاحِ «کلیسای خدا» در کتاب اعمال رسولان منحصر به فرد است ولی کلمهٔ کلیسا در جاهای دیگر آمده است (۵:۱۱ توضیح؛ ۱۱:۲۶ توضیح) در صورتی که در نوشته های پولس فراوان است، چه به صورت مفرد (۱-قرن ۱:۲؛ ۲-قرن ۱:۱ و غیره) یا به صورت جمع (۱-تسا ۲:۱۴؛ ۲-تسا ۱:۴). در اینجا مفهوم این اصطلاح مسلماً شامل کلیسای محلّیِ افسس می شود ولی وضع عباراتَ و لحنِ رسمیِ کلام(ر.ک افس۱:۱۴؛ ۵:۲۵-۲۷) این فکر را القا می کند که در آخرین باریَ که در کتاب اعمال رسولان بکار می رود این معنیِ محدود در واقع به معنیِ گسترده تری اشاره می کند (ر.ک۹:۳۱ توضیح) و «کلیسا»، مجموعهٔ قوم خدا می باشد (۱۵:۱۴ توضیح).
g- ترجمهٔ بالا شایدَ بهتر از: بوسیلهٔ خونِ (پسر) خود باشد زیرا به آسانی یک عبارت استعاره منحصر به فرد و جسورانه حذف می شود که بر طبقِ آن کلمهٔ خون هم به معنیِ وجود پسر خودش (ر.ک۱۷:۲۶ توضیح؟) و هم به معنیِ خونِ این پسر است. در نسخه های خطی که کلیسا به عنوانِ کلیسای خدا بلکه کلیسای پسر است (ر.ک یادداشت قبلی) روشِ دیگری برای اجتناب از عبارت استعاره است.
h- این عزیمت را پولس مفارقت قطعی می شمارد (بند ۲۵).کلمهٔ یونانی که در اینجا مفارقت ترجمه شده و در گفتارهای وداع بکار برده می شود، طرز بیانِ زیبایی برای مفهومِ مرگ است.

۱۰:۱۹ نایستاده‌ام. ۳۲و اکنون شما را به خدا
۲-قرن ۴:۲ ۱-تسا ۱۱:۲ می‌سپارم[i] و به سخن فیض[j] او که می‌تواند
۲۳:۱۴؛ ۴۰:۱۵ افس۲:۲۰-۲۲؛ [ساختمان را] بنا[k] کند و در بین
۱-پطر ۵:۱ همهٔ تقدس یافتگان، به شما میراث عطا
نماید[l].
تث۳۳:۳ یع ۵:۲-۳ ۳۳نقره یا طلا یا لباس کسی را طمع
نکرده‌ام. ۳۴[بلکه] خودتان می‌دانید که
این دست‌ها احتیاجات من و آنان را که با
۳:۱۸؛ ۱-تسا ۹:۲ من هستند فراهم کرده‌اند[m]. ۳۵به هرگونه
به شما نشان داده‌ام که با زحمت‌کشی این
چنین، باید به یاری ناتوانان[n] آمد و سخنان
خداوند عیسی را به یاد آورد که خودش
گفته است: خوشبختی بیشتر در دادن است
تا در دریافت کردن[o].»
۳۶و چون این چیزها گفته شده، او زانو به
زمین زده با همگی ایشان نیایش کرد[p].
۳۷و همگی گریهٔ بسیار کرده و به گردن
پولس آویخته، او را می‌بوسیدند، ۳۸بسیار
روم ۱۶:۱۶؛ ۱-قرن ۲۰:۱۶ اندوهگین شدند مخصوصاً به سبب سخن
او که گفته بود دیگر چهرهٔ او را نخواهند
دید. پس او را تا کشتی مشایعت نمودند.

رفتن پولس به اورشلیم

۲۱ [q]۱ و پس از جدا شدن از ایشان،
[چنین شد که] ما راه دریا را گرفته
مستقیماً به کوس و فردای آن روز به رودس
و از آنجا به پاترا[r] آمدیم. ۲و یک کشتی
پیدا کرده که به فینیقیا می‌رفت سوار شده
و به راه افتادیم. ۳و وقتی قبرس دیده شد،
آن را درطرف چپ گذاشته به سوی سوریه

i- دشمنان: دو نوع خواهند بود، بعضی از خارج می‌آیند و به مانند گرگ هایی در آغل گوسفندان نفوذ خواهند کرد (بند۲۹) و بعضی دیگر از داخل، جمعیت را آشفته خواهند کرد (بند۳۰).

j- ترجمهٔ دیگر: به سخن فیض می سپارم. ر.ک بند۲۴؛ ۳:۱۴؛ لو ۴:۲۲.

k- البته آنچه را که خدا بنا می کند ساختمان و بنای جمعیت یعنی کلیسا است (ر.ک۱-قرن ۵:۳، ۱۷؛ ۱-پطر ۴:۲-۱۰).

l- ترجمه ای که بیشتر تحت اللفظی است: میراثی بدهد (یا سهمی از ارث) بین تمام تقدیس شدگان. منظور از تقدیس شدگان (ر.ک۱۸:۲۶)کسانی بودند که مقدس می شدند، یعنی مسیحیان (۱۳:۹ توضیح). بنابراین خدا است که با ورود آدمیان به کلیسا موافقت می کند. ولی در اینجا به مانند ۸:۲۰(ر.ک افس۱:۱۸) بهتر است درک شود که خدا موافقت می کند که آدمیان سهمی در نجات داشته باشند (ر.ک افس۱:۱۴؛ ۵:۵؛ کول۳:۲۴؛ عبر ۹:۱۵؛ ۱-پطر ۴:۱)همچنانکه ابراهیم سرزمین موعود را دریافت کرد، (ر.ک اع۷:۵؛ غلا ۳:۱۸؛ عبر ۱۱:۸). اصطلاحِ «در بینِ مقدّسان، سهم یا حصّه ای (از میراث) داشتن»، اصطلاحی سنّتی بوده است. (حک۵:۵؛ قمران).

m- ر.ک ۳:۱۸ توضیح. پولس با دست های خود کار می کرد تا نیازمندی های خود را رفع نماید (۱-تسا ۹:۲؛ ۲-تسا ۸:۳؛ ۱-قرن ۱۲:۴؛ ۱۳:۹-۱۵)؛ ضمن اینکه گاهی کمک دیگران را هم می پذیرفت (فی ۱۵:۴-۱۹؛ر.ک۲-قرن ۹:۱۱). در اینجا نتیجهٔ کار کردن او، نیازمندی های همراهانش را نیز تأمین می نماید.

n- احتمالاً بینوایان و کسانی هستند که از نظر مالی ناتوان می باشند ولی همچنین می توان فکر کرد منظور،کسانی باشند که از نظر ایمانی ناتوان هستند (روم ۱:۱۴، ۲۰-۲۱؛ ۱:۱۵؛ ۱-قرن ۷:۸-۱۰؛ ۲۲:۹ر.ک۶:۹، ۱۵) و به سببِ مال پرستی پیران (هر چند ظاهری) دچار لغزش می شدند. (ر.ک۱-پطر ۳:۵).

o- این سخن خداوند که در انجیل ها ذکر نشده (ر.ک۱۶:۱۱)، اندرزهای مشابهی را به یاد می آورد که در دنیای یونانیِ آن دوران نقل می شده است. در نوشته های پولس ممکن است کلمهٔ خداوند به مفهومِ سننِ انجیلی باشد(ر.ک۱ قرن ۷:۱۰، ۱۲، ۲۵؛ ۲۳:۱۱).

p- مسیحیان، پیش از آنکه از یکدیگر جدا شوند، نیایش می کردند (ر.ک۲۱:۵-۶).

q- در اینجا سوّمین قسمتی از کتاب است که با ضمیرِ اوّل شخص ما روایت می شود (۲۱:۱-۱۸) ۱۶:۱۰را ملاحظه کنید.

r- در بعضی نسخه های خطی: به پاترا و میره آمدیم.

۱۹:۱۱؛ لو ۱۷:۶؛ مت ۲۱:۱۵؛ مر ۸:۳؛ ۳۱-۲۴:۷ در دریا پیش رفتیم و در صور[s] پیاده شدیم
زیرا در آنجا بود که کشتی [باید] بار خالی
می کرد. ۴ پس از پیدا کردن شاگردان،
هفت روز در آنجا ماندیم و آنان با [الهام]
از روح[t] به پولس می گفتند که به اورشلیم
۲۳-۲۲:۲۰ نرود[tt].» ۵ و وقتی که آن روزها به پایان
رسید ما روانه شده به راه افتادیم و همگی
با زنان و کودکان تا بیرون شهر ما را
۳۶:۲۰ مشایعت کردند. پس از زانو زدن بر ساحل
و نیایش کردن، ۶ از یکدیگر وداع کرده و
سوار کشتی شدیم اما آنان به خانهٔ خود
بازگشتند. ۷ و ما پس از پایان دادن به سفر
دریا از صور به پتولامئیس رسیدیم و به
برادران سلام کرده یک روز نزد ایشان
ماندیم.

۵:۶؛ ۴۰:۸، ۲۲:۱۸؛ ۳۰:۹ ۸ و فردای آن روز به راه افتادیم. به
قیصریه آمدیم و به خانهٔ فیلیپس نوید
دهنده[u] که یکی از هفت نفر بود وارد شده
و نزد او ماندیم. ۹ و او را چهار دختر باکره
بود که نبوت می کردند[v]. ۱۰ و در مدت
۲۸:۱۱ چند روزی که آنجا ماندیم، یک نبی بنام
آغابوس از یهودیه رسید[vv].» ۱۱ و به نزد ما
آمده، کمربند پولس را گرفته پاها و
دست های خود را بست[w] و گفت: «روح
[آن که] مقدس [است][x] چنین می گوید:
مردی که این کمربند از آن او است،
یهودیان در اورشلیم بدین گونه او را بسته و ۲۳:۲۰؛ لو ۳۲:۱۸
به دست امت ها تسلیم خواهند کرد.» ۱۲ و
وقتی این را شنیدیم، ما و همچنین برادران
آنجا[y]، او را درخواست کردیم که به
اورشلیم نرود.» ۱۳ نگاه پولس پاسخ داد:
«چه می کنید؟ چرا گریان شده و دل مرا ۴۱:۵؛ ۲۴:۲۰؛
می شکنید زیرا حاضرم نه فقط در بند شوم
بلکه حتی به خاطر نام خداوند عیسی در
اورشلیم بمیرم.» ۱۴ چون قانع نمی شد آرام لو ۱۲:۲۱؛
شده گفتیم: «آنچه ارادهٔ خداوند است روم ۳۱:۱۵ لو ۴۲:۲۲
بشود!»

۱۵ پس از این روزها، آماده سفر شده به لو ۵۱:۹
اورشلیم[z] رفتیم.» ۱۶ اما شاگردان قیصریه
هم با ما آمدند، ما را به خانهٔ مناسون نامی
برده، که اهل قبرس و شاگردی قدیمی بود.

s- با اینکه صور اهمیتِ سابقِ خود را از دست داده بود، با این همه بندر فعّال در منطقهٔ فینیقیه بشمار می رفت. انتشارِ انجیل در این شهر به وسیلهٔ مسیحیانی انجام شده بود که از اورشلیم پراکنده شده بودند (۱۹:۱۱-۲۰ توضیحات).
t- احتمالاً پیامبرانی هستند (ر.ک بند۱۱؛ ۲۷:۱۱ توضیح و ۸:۱ توضیح).
tt- تحت اللفظی: بالا نرود - یا: مشرف نشود.
u- ر.ک ۵:۸ توضیح. این عنوان مسلماً به سببِ فعّالیت و موفّقیت های او داده شده است که می توان آن را بشارت دهنده، مبلّغِ انجیل، نویددهنده، اعلام کنندهٔ انجیل نیز ترجَمه کرد (ر.ک افس۱۱:۴؛ ۲-تیمو ۵:۴).
v- در موردِ پیامبران، ملاحظه کنید ۲۷:۱۱ توضیح؛ در موردِ پیامبرانِ زن: ۱-قرن ۵:۱۱؛ ۳۳:۱۴-۳۵؛ر.ک۱-تیمو ۱۱:۲-۱۲.
vv- تحت اللفظی: پائین آمد.
w- در اینجا نبوّت کردن، نظیرِ پیامبران کهن با اعمال و حرکاتی همراه است.
x- ر.ک۲۷:۱۱ توضیح، ۸:۱ توضیح.
y- تحت اللفظی: آنهای آنجا (آنجائی ها).
z- نظیرِ همان عبارتی است که در مورد رفتن عیسی به اورشلیم روایت شده است (مواردِ برابر را در انجیل ها ملاحظه کنید).

ملاقات پولس و یعقوب در اورشلیم

[۱۷]چون به اورشلیم[a] رسیدیم، برادران ما
را با شادی پذیرفتند. [۱۸]و فردای آن روز،
پولس با ما به نزد یعقوب وارد شد و تمام
پیران آمدند. [۱۹]و پس از سلام کردن به
ایشان، چیزهایی را که خدا بوسیلهٔ خدمت ۱۵:۳-۴، ۱۲
او در بین امت ها انجام داده بود، بطور
مفصل نقل کرد[b]. [۲۰]و آنان وقتی او را
شنیدند، خدا را تجلیل کرده[c] و به او
گفتند: «ای برادر، ملاحظه می کنی چندین ۱۱:۲؛ ۱۵:۱-۵؛
هزار نفر از یهودیان ایمان آورده اند و غلا ۲:۱؛ ۵:۱
همگی طرفداران غیور قانون هستند.
[۲۱]باری در مورد تو به آنها گفته اند که تو
ترک موسی را به تمام یهودیانی که در میان
امت ها هستند تعلیم می دهی، می گویی
کودکانشان را ختنه نکنند و بر طبق رسوم
رفتار ننمایند[d]. [۲۲]چه باید کرد؟ به هر
صورت خواهند شنید که تو آمده ای.
[۲۳]پس آنچه به تو می گوییم، انجام بده! ما
چهار مرد داریم که نذری بر عهده ایشان اعد ۶:۱۳-۲۰
است. [۲۴]پس آنان را برداشته و با ایشان
خود را تطهیر کن و خرج سر تراشیدنشان[e]
را بده. و همه خواهند فهمید چیزهایی را
که دربارهٔ تو شنیده اند درست نیست بلکه
تو هم همچون رعایت کنندهٔ قانون عمل می ۱۸:۱۸؛ ۱-قرن ۹:۲۰
کنی. [۲۵]و در مورد اینهایی که از امت های
غیر یهود بوده و ایمان آورده اند، تصمیم ۱۵:۱۹-۲۰، ۲۸-۲۹
گرفته و نوشته ایم[f] که ایشان از [گوشت]
قربانی شده برای بتان و خون و حیوانات
خفه شده و زنا کردن پرهیز نمایند[g].»
[۲۶]آنگاه پولس آن مردان را برداشته و روز
بعد با ایشان خود را تطهیر کرد و به معبد
وارد شده و تکمیل ایام طهارت[h] را اعلام
نمود تا برای هر یک از ایشان هدیه تقدیم
شود.

a- بدین گونه پولس کار بزرگ رسالتی را که روز بعد از جلسهٔ مجمع اورشلیم آغاز شده بود، به پایان می رساند (۱۵:۳۶ توضیح). روایتی که آغاز می شود (بندهای ۱۸-۲۵)، بسیاری از نکات یادآوریِ مجمعِ اورشلیم است (بندِ ۱۹ توضیح؛ بند ۲۵ توضیح) که ترتیباتِ مقررِ آن مربوط به یهودیان (بندهای ۲۰-۲۴) و همچنینِ مَسیحیانی که از امت ها بودَند می شود (بندَ ۲۵). ضمناً اشاره ای هَم به قَضیهٔ استیفان شده است (بند ۲۱ توضیح).

b- این وضعیت شباهت کاملی با وضعِ ۱۵:۱۲ دارد (ولی به ۱۴:۲۷ و ۱۵:۳رجوع کنید).

c- بنابراین قبول دارند که خدا درگرویدنِ امت های غیرِ یهود به آیین، دخالت می کند (و ظاهراً در این باره خیلی تأمل نمی نمایند).

d- یعنی بر طبق دستورات قانون [تورات] رفتار کنند (ر.ک۱۵:۱، ۵) حتی یهودیِ صادق به سهولت می توانست از آموزشِ پولس نتیجه گیری نماید که نجات به وسیلهٔ ایمان است و نیازی به ختنه کردن و اَجرای اعمالِ درج شده در قوانینِ توراتَ نیست (روم ۲:۲۵-۲۹؛ ۳:۲۱-۲۶؛ ۱۰:۴؛ غلا ۳:۲۲). در حقیقت، پولس بیشتر در این فکر بوَد که افرادی از امت هَا را که به مسیحیت می گرویدند از قید قانون آزاد نماید تا اینکه یهودیانی را که ایمان می آوردند از آن منحرف سازد، به شرطی که بپذیرند که این موضوعِ، مسئلهَ اساسی نیست. به نظرِ نویسندهٔ اعمالِ رسولان، پولس در پذیرفتنِ پیشنهاداتی که می کردند (بندهای ۲۳-۲۵) مسلماً تظاهر نمی نماید (ر.ک۱۶:۳َ توضیح).

e- ممکن است خود پولس هم نذری کرده بود که می خواست انجام دهد(ر.ک۱۸:۱۸ توضیح). وی هزینه های مربوط را خواهد پرداخت که منجر به قربانی های نهایی خواهد شد (بند ۲۶).

f- در بعضی نسخه های خطی چنین است: نباید تذکری به تو بدهند زیرا به ایشان نوشته ایم .

g- چنین به نظر می رسد که پولس در اینجا از وجودِ نامه ۱۵:۲۳-۲۹ اطلاع می یابد؛ر.ک۱۵:۲۳ توضیح.

h- این رسم که تاریخِ تقدیمِ قربانی را تعیین نمایند در جایی دیگر به نظر نرسیده است. و شاید فراوانیِ قربانی ها ایجاب می کرده است که قبلاً تعیینَ نمایند. آدابِ تطهیر هفت روز طول کشیده است (بند ۲۷).

بازداشت پولس در کنیسه[i]

[۲۷]چون مدت هفت روز داشت به پایان
می‌رسید، یهودیان آسیایی، او را در معبد
دیده، انبوه مردم را شورانده و او را دستگیر ۱۲:۶؛
کردند، [۲۸]فریاد می‌زدند: «ای مردان مت ۲۶:۵۹؛ ۴۰:۲۷
اسرائیل، کمک کنید! این همان انسانی
است که علیه قوم و قانون و این مکان[j] در
همه جا به همه تعلیم می‌دهد، و علاوه
براین یونانیان را هم به معبد وارد کرده و
این مکان مقدس را آلوده نموده است.»
[۲۹]زیرا قبلاً تروفمیس افسسی را با او در ۴:۲۰؛
شهر دیده بودند و گمان می‌کردند پولس او ۲-تیمو ۴:۲۰
را به معبد وارد کرده است. [۳۰]و تمامی شهر
تحریک شده و مردم از هر طرف دویده و
پولس را گرفته، او را از معبد بیرون
کشیدند و بلافاصله درهای معبد بسته شد.
[۳۱]چون پی کشتن او بودند، خبر به فرماندهٔ
دستهٔ [سربازان] رسید که تمام اورشلیم در
تشنج است. [۳۲]همان‌دم سربازان و افسرانی
برداشته بر آنان شتافت، و آنان با دیدن
فرمانده و سربازان، از زدن پولس باز
ایستادند. [۳۳]آنگاه فرمانده سربازان
نزدیک شده او را گرفت و دستور داد با دو
زنجیر ببندند. و می‌پرسید «او کیست؟ و
چه کرده است؟» اما [۳۴]در انبوه مردم
فریادهای مختلف زده می‌شد، چون به علت
غوغا نمی‌توانست چیز مطمئنی بفهمد،
دستور داد او را به قلعه ببرند[k]. [۳۵]و وقتی
روی پله‌ها بود، طوری شد که سربازان به
سبب خشونت انبوه مردم او را حمل می
کردند، [۳۶]زیرا گروهی از مردم به دنبالش لو ۱۸:۲۳
بودند و فریاد می‌زدند: «او را از بین ببر!»

گفتار دفاعی پولس در برابر یهودیان

[۳۷]چون داشت به قلعه برده می‌شد،
پولس به فرمانده سربازان گفت: «آیا اجازه
دارم چیزی به تو بگویم؟» و او گفت: «آیا
تو زبان یونانی می‌دانی؟ [۳۸]پس تو آن
مصری نیستی که چند روز پیش چهار هزار ۵:۳۶-۳۷
مرد آشوبگر[l] را تحریک کرده و به صحرا
برده بود؟» [۳۹] اما پولس گفت: «من فی ۹:۱۱؛ ۲۲:۳
الواقع یهودی هستم، از طرسوس قیلیقیه،
شهروند شهری که بدون شهرت نیست،
خواهش می‌کنم به من اجازه بده با مردم
حرف بزنم.» [۴۰]پس از اینکه او اجازه داد،

i- با ازدحام و شورشی که متعاقباً روی می دهد (بندهای ۲۷-۳۶)، طرح ها (۱۹:۲۱؛ ۲۰:۱۶)، حدس های پولس (۲۰:۲۲، ۲۵؛ ۲۱:۱۳) همچنین پیشگوئی هایی که دربارهٔ او شده است به تدریج تحقّق می یابند. پولس تا پایان کتاب اعمال رسولان همچنان در بازداشت و دربرابر دادگاه خواهد بود: در اورشلیم (۲۱:۳۳ الی ۲۳:۳۰)، در قیصریه (۲۳:۳۱ الی ۲۶:۳۲) و بالآخره پس از مسافرتی طولانی (۲۷:۱ الی ۲۸:۱۴)، در رُم (۲۸:۱۷ الی ۳۰).

j- این اتهام (ر.ک بند۲۱ توضیح، ۲۴:۶)، همان اتهامی را بیاد می آورد که بر استیفان وارد کرده بودند (۶:۱۱-۱۳ توضیح). افراد امت های غیر یهود اجازه نداشتند به معبد وارد شوند و از اولین صحن (که صحن خارجیان نامیده می شد) فراتر روند و اگر بَه قسمتِ داخلی معبد وارد می شدند، این عمل بی حُرمتی محسوب شده و مستوجبِ مرگ بود. این موضوع بر روی لوح ها در جاهای لازَم نوشته شده بود.

k- قلعهٔ آنتونیا که هیرودیس ساخته بود، مشرف به گوشهٔ شمالِ غربیِ معبد بود. پادگانِ رومیان، یعنی دستهٔ سربازانِ امدادی در آن قلعه استقرار داشت.

l- منظور، یهودیانی افراطی و مخالف با رومیان اشغالگر که مرتباً به شورش علیهِ رومیان می پرداختند. ماجرای فردِ مصری را یوسفوس، مورّخِ یهودی، ذکر کرده اَست.

پولس ایستاده بر روی پله ها، با دست به
۱۷:۱۲؛ ۱۶:۱۳؛ ۳۳:۱۹ مردم اشاره کرد، و سکوتی عظیم برقرار شد
به زبان عبری خطاب کرده گفت[m]:

۲۲

۲:۷ ۱ «مردان! برادران و پدران، حالا
به دفاعیه ام گوش کنید!» ۲ وقتی
شنیدند که به لهجهٔ عبرانی به ایشان خطاب
می کند بیشتر آرام گرفتند. [پس] گفت:
غلا ۱:۱۴؛ روم ۱۰:۲؛ فی ۳:۶؛ ۱-توا ۹:۲۸ ۳ «من یهودی هستم، و در طرسوس قیلیقیه
زاده شده ام: اما در این شهر تربیت[o]
یافته ام، پیش پاهای غمالائیل[p] بر طبق
دقت قانون اجداد تعلیم یافته ام، نسبت به
خدا غیور بوده ام چنانکه امروز همگی شما
۹:۱-۲، ۲۶:۹-۱۱؛ ۱-قرن ۱۵:۹؛ غلا ۱:۱۳-۲۳؛ فی ۳:۶ هستید. ۴ من این راه[q] را تا حد مرگ
شکنجه داده ام. مردان و حتی زنان را به
بند کشیده و به زندان انداخته ام؛ ۵ چنان
که کاهن اعظم و تمام مجمع پیران شاهد من
هستند، حتی از ایشان نامه هایی برای
۸:۳؛ ۹:۲ برادران دمشق دریافت کرده به آنجا می
رفتم تا کسانی را نیز که در آنجا بودند به
بند کشیده و به اورشلیم بیاورم تا مجازات
شوند.
[r]۶ باری، در حالی که در راه بودم و حدود
ظهر، وقتی به دمشق نزدیک می شدم،
ناگهان از آسمان نوری عظیم در اطراف من
درخشید. ۷ و به زمین افتادم و صدایی به
من می گفت: «ای شاؤل، ای شاؤل، چرا
مرا شکنجه می کنی؟» و ۸ پاسخ دادم:
«خداوندا، تو کیستی؟» و او به من گفت:
۲۲:۲ «من[آن] عیسی ناصری هستم که تو او را
شکنجه می کنی.» و ۹ آنان که با من بودند
حقیقتاً نور را دیدند، اما صدای کسی را که
با من سخن گفت نشنیدند[s]. پس ۱۰ گفتم:
«خداوندا، چه باید بکنم؟» و خداوند به
من گفت: «بلند شو! به دمشق برو و در
آنجا از آنچه که باید انجام دهی با تو سخن
خواهند گفت». ۱۱ چون به سبب تابش آن
نور، نمی دیدم، با هدایت دستان همراهانم
به دمشق رسیدم.
۱۲ و حنانیا نامی [آنجا بود]، مردی پارسا
۳:۶؛ ۲:۱۶ بر طبق قانون که تمام اهالی یهودی [به
خوبی او] شهادت می دادند[t]؛ ۱۳ به سوی من
آمد و ایستاده گفت: «ای برادر شاؤل بینایی
را بازیاب!» و من در همان دم بینایی را باز
یافته به او [نگریستم]. و ۱۴ او گفت:

m- یعنی احتمالاً به زبان آرامی.
n- در پیِ این دفاعیه که به یهودیان خطاب می شود (۲۲:۱-۲۱) دو خطابهٔ دیگر خواهد آمد که یکی به فیلکسِ والی (۲۴:۱۰-۲۱) و دیگری به اغریپاسِ پادشاه خطاب می شود (۲۶:۲-۲۳). ر.ک ۲۳:۱، ۶. سبک این گفتارها و محتوای آنها با وضعیت شنوندگان وفق داده شده است و بدین سبب تفاوت های قابلِ ملاحظه ای با یکدیگر دارند و همچنین با ۹:۱-۱۹ که روایتِ مربوط به گرایشِ پولس به آیین است. این تفاوت ها در خطابهٔ اوّلی (۲۲:۶-۱۶ و آخرینِ آنها (۲۶:۱۲-۱۷) است.
o- زاده شده تربیت یافته تعلیم یافته همین طرح و ترتیب در شرح زندگیِ موسی آمده است ۷:۲۰-۲۲.
p- تحت اللفظی: به پای غمالائیل. در موردِ غمالائیل، ر.ک ۵:۳۴ توضیح.
q- ر.ک ۹:۲ توضیح.
r- این روایت گرایشِ پولس را با ۹:۳-۱۹ و ۲۶:۱۲-۱۸ مقایسه کنید (ر.ک بند۱ توضیح).
s- در اینجا وضعیت نظیر ۹:۷ ولی به روشی وارونه است. اشاره شده به اینکه همراهان شاؤل نمی دانند دقیقاً چه می گذرد(ر.ک یو۱۲:۲۹-۳۰).
t- در اینجا حنّانیا نه به عنوانِ یک شاگرد (۹:۱۰)، بلکه به عنوان یک یهودیِ نمونه. و پولس یهودیان را خطاب می کند. ضمناً خواننده، مطالب روایتِ ۹:۱۰-۱۶ را می داند.

غلا ۱:۱۵ «خدای پدران ما تو را تعیین کرده است که
ارادهٔ او را بدانی و آن عادل را ببینی و
۳:۱۴؛ ۷:۵۲ صدایی[u] را که از دهانش بیرون می‌آید
بشنوی، [۱۵]زیرا در مقابل همهٔ انسان ها[v]
چیزهایی را که دیده و شنیده ای برای او
شاهد[w] خواهی بود. [۱۶]و اکنون چرا تأخیر
می کنی؟ برخیز و تعمید بگیر و با یاد کردن
نام او گناهانت را بشوی[x] ! [۱۷]باری در
برگشت به اورشلیم[y] آن گاه که در معبد
نیایش می کردم دچار خلسه شدم، [۱۸]و او را
دیدم که به من می گفت: «بشتاب زود و از
اورشلیم به سرعت خارج شو، زیرا شهادت تو
را در بارهٔ من نخواهند پذیرفت». [۱۹]و من
گفتم[z] : «خداوندا، ایشان می دانند که
همین من بودم که در هر کنیسه، ایمانداران
به تو را به زندان انداخته و می زدم». [۲۰]و
هنگامی که خون استیفان، شاهد[a] تو ریخته
شد، من خودم نیز ایستاده بودم و تأیید می
۷:۵۸، ۸:۱ کردم و از لباس های قاتلان او محافظت
می کردم. [۲۱]و به من گفت: «برو، چونکه
ار ۱:۵ من، تو را به سوی امت ها، به دور دست
خواهم فرستاد[b] .»
[۲۲]و آنان تا این سخن به او گوش داده و
[آن وقت] صدای خود را بلند کرده گفتند:
«چنین کسی را از روی زمین بردار! زیرا
۲۱:۳۶؛ ۲۵:۲۴ شایسته نیست که او زندگی کند.» [۲۳]چون
ایشان فریاد برآورده و لباس های خود را
پرت کرده و گرد و خاک به هوا
می پاشیدند[c]، [۲۴]فرماندهٔ[سربازان] دستور
داد که او را به قلعه ببرند و گفت با تازیانه[d]
او را بازپرسی کرده تا بفهمد به چه دلیلی
علیه او چنین فریاد می زدند. [۲۵]و وقتی او

u- ترجمهٔ دیگر: و گفتار او را بشنوی.
v- یعنی یهودیان و امت ها [ی غیر یهودی].
w- در مورد مفهوم واژهٔ توصیفی شاهد (گواه)ر.ک۱:۲۲ توضیح؛ ۱۳:۳۱ توضیح؛ ۲۲:۲۱ توضیح.
x- ر.ک ۱:۵ توضیح؛ ۳:۱۶ توضیح؛ ۹:۱۴ توضیح.
y- روایت واقعهٔ رؤیای پولس (ر.ک۹:۱۸ توضیح) در اینجا جای وقایعی را گرفته که در۹:۲۶-۳۰ ذکر گردیده است. پولس فقط به سبب توطئهٔ یهودیان، اورشلیم را ترک نگفته بلکه بر طبق دستور صریح خداوند است. ر.ک بند۲۱ توضیح.
z- پولس جواب می دهد که گواهی او در اورشلیم، که خود قبلاً مسیحیان را شکنجه می داده و بعداً به این آئین گرویده، قدرت بیشتری خواهد داشت.
a- کلمهٔ شهید، مانند معادل یونانی آن، هم به معنی گواه دهنده آمده و هم به معنی شهید، کسی که با مرگ خود شهادت می دهد (ر.ک۱۳:۳۱). در اینجا از هم اکنون تقریباً معنی دوم شهید را دارد. ر.ک۷:۵۹ توضیح.
b- گفتار دفاعی پولس که بوسیلهٔ یهودیان قطع شده با یادآوری مأموریت رسالت خود به نزد امت ها پایان می یابد، بدون اینکه عزیمت خود را به طرسوس ذکر کند (ر.ک۹:۳۰). در روایت های دیگری که سخن از گرویدن پولس به آیین است، مأموریت رسالت به جای اینکه نظیر این مورد بوسیلهٔ خداوند در اورشلیم به او محول شده باشد یا توسط عیسی در راه دمشق به پولس محوّل شده است (۲۶:۱۷-۱۸) و یا بوسیلهٔ خداوند به حنانیا اعلام شده است (۹:۱۵)ر.ک۲۲:۱۵ توضیح. در این مورد، نکتهٔ اساسی که پولس در نامه هایش اظهار می کند اینست که مأموریت از جانب خدا آمده است (غلا ۱:۱۵-۱۶؛کول۱:۲۵ و غیره). به هر صورت پولس که شهادت دهنده (بند۱۵ توضیح) و فرستاده می باشد، حقّاً می تواند خود را رسول بنامد (۱-قرن ۹:۱؛ ۱۵:۹؛ غلا ۱:۱۷؛ ۲:۸) ولی به مفهوم گسترده تری از آنچه در کتاب اعمال رسولان است (۱:۲ توضیح؛ ۱۴:۴ توضیح).
c- مفهوم این حرکات روشن نیست (ر.ک۱۳:۵۱) و احتمالاً به معنی همان فریادهایی است که در بند۲۲ ذکر شده و یهودیان می خواهند خود را و زمین معبد را از وجود پولس خلاص کنند.
d- تازیانه زدن روشی عادّی در تحقیق و باز جویی از متّهمان بوده است.

را برای شلاق[e] زدن دراز کردند، پولس به
افسری که حاضر بود گفت: «آیا مجاز
هستید یک مردی رومی را تازیانه بزنید، آن ۳۷:۱۶
هم بدون قضاوت؟» ۲۶چون افسر این را
شنید، پیش فرمانده رفته، او را خبر کرده
گفت: «چه می‌خواهی بکنی؟ زیرا این مرد،
رومی است.» ۲۷و فرمانده نزد او رفته به او
گفت: «بگو به من آیا تو رومی هستی؟» و
او گفت: «آری!» ۲۸و فرمانده پاسخ داد:
«من این حق شهروندی را با مبلغ هنگفتی به
دست آورده‌ام[f].» لیکن پولس گفت: «و اما
من [آن را] از تولد دارم.» ۲۹پس همان دم
آنان که می‌خواستند از او بازجویی کنند دور
شدند و فرماندهٔ [سربازان] همین که
دانست که یک رومی است ترسید، زیرا
همچنین او را بسته بود.

پولس در برابر سانهدرین

۳۰فردای آن روز چون خواست مطمئن
بداند که چرا بوسیله یهودیان وی را متهم
می‌کنند [بندهایش را] باز کرد و فرمانده
۲۱:۵؛ ۶:۱۲؛ مت ۱۰:۱۷ دستور داد تمام سانهدرین بیایند و پولس را
پایین آورده در میانشان قرار داد.

سانهدرین و پولس

۲۳ ۱پولس بر سانهدرین نگاه دوخته
۲۴:۱۶؛ ۲-قرن ۱:۱۲ گفت: «ای مردان، برادران، من تا
به امروز با وجدان درست برای خدا رفتار
کرده‌ام. ۲کاهن اعظم حنانیا[g] به حاضرانی[h]
که نزدیک او بودند دستور داد به دهانش
یو ۱۸:۲۲-۲۳ بزنند. ۳آنگاه پولس به او گفت: «ای دیوار
مت ۲۳:۲۷ سفید شده[i]، خدا تو را خواهد زد و تو
نشسته‌ای تا مرا بر طبق قانون داوری کنی و
لاو ۱۹:۱۵ بر خلاف قانون دستور می دهی مرا بزنند!»
۴و حاضران گفتند: «آیا کاهن اعظم خدا را
دشنام می‌دهی؟» و ۵پولس گفت: «ای
برادران من، نمی‌دانستم که کاهن اعظم
است زیرا[j] که نوشته شده است از رئیس
قوم خود بد نخواهی گفت[k].»
۵:۱۷-۳۴؛ ۲۶:۶؛ مت ۱۰:۱۶؛ فی ۳:۵ ۶چون پولس می‌دانست که یک قسمت
مجلس صدوقیان و قسمت دیگر فریسیان
می‌باشند[l] در سانهدرین فریاد برآورد: «ای

e- ترجمهٔ دیگر: چون می خواستند او را بر روی زمین ببندند تا تازیانه بزنند.

f- فرماندهٔ سربازان به نام کلودیوس لیسیاس مقام شهروندیِ رومی را در دوران امپراتوری کلودیوس کسب کرده بود (۴۱-۵۴ میلادی). رسم بر این بود معمولاً کسانی که این مقام را بدست می آوردند، نامِ امپراتور روم را که فرمانروایی داشت برای خود می گرفتند ولی احتمالاً پولس این مقام را از یکی از اجداد خود داشت، زیرا موقعی که سزار علیهِ فارناس به آسیای صغیر لشکرکشی کرد، به یهودیان ایالت قیلیقیه مقام و حقِ شهروندیِ رومی عطاء کرده بود.

g- حنانیا، پسرِ نبده، از سالِ ۴۷ میلادی سمت کاهن اعظم داشت و در سال ۵۹ میلادی یا شاید زودتر، سال های ۵۱ یا ۵۲ برکنار شده بود (که در اینِ صورت قبل از حاضر شدنِ پولس در برابرِ سانهدرین است). در سال ۶۶ میلادی، در آغاز شورش علیه رومیان، یهودیان حنّانیا را در مجرای فاضلاب کشتند.

h- یا: معاونینی که نزد او بودند.

i- مفهوم این استعاره کاملاً روشن نیست. مسلماً حنّانیا را به دیواری سُست و ناپایدار تشبیه کرده که نمای ظاهری آن را سفید کرده باشند ولی ظاهرِ زیبا مانع از فرو ریختنِ تدریجی آن خواهد شد (ر.ک حزق۱۳:۱۰-۱۴) می توان پرسید: آیا این سخن اعلام پیشگوییِ عاقبتِ غم انگیزِ حنّانیا است؟ (ر.ک بند۲ توضیح).

j- خروج ۲۲:۲۷.

k- یا: لعنت نخواهی کرد.

l- پولس با زیرکی خود را فریسی می خواند (ر.ک۲۶:۵؛ فی ۳:۵). ولی در حقیقت مسیحیت وارثِ چندین نکته از معتقدات فرقهٔ فریسیان است.

مردان، برادران، من فریسی و پسر فریسیان
هستم و برای امید و رستاخیز مردگان[m]
داوری می شوم.» ۷چون او این را گفت،
بین فریسیان و صدوقیان اختلاف روی داد
و در آن جمعیت تفرقه افتاد. ۸زیرا از یک
مت ۲۳:۲۲ طرف صدوقیان می گویند نه رستاخیز، نه
فرشته، نه روحی[n] هست؛ از طرف دیگر
فریسیان هر دو را قبول دارند. و ۹داد و
فریاد بلند شد و بعضی از کاتبان فرقهٔ
۳۴:۵ فریسیان برخاسته شدیداً[o] اعتراض کرده
می گفتند: «در این انسان هیچ چیز بدی
نمی یابیم. و اگر یک روح یا یک فرشته[p]
با او سخن گفته باشد؟...» ۱۰چون
اختلاف بالا گرفت فرماندهٔ سربازان ترسید
مبادا پولس به وسیلهٔ آنان تکه تکه شود. به
دستهٔ سربازان دستور داد پایین آمده او را
از میان ایشان برگیرند و به قلعه بیاورند.
۱۱اما با فرا رسیدن شب، خداوند بر او ۹:۱۸
ظاهر[q] شده گفت: «شجاع باش! زیرا همان
طور که در اورشلیم به همه چیز دربارهٔ من
شهادت داده ای، به همان گونه در رم هم ۱۶:۲۸-۳۱
باید شهادت دهی.»

توطئهٔ یهودیان بر ضد پولس

۱۲چون روز فرا رسید، یهودیان[r] توطئه ۹:۲۳-۲۹؛ ۳:۲۰؛ ۳:۲۵
نموده[s] قسم خورده، بر خویشتن لعن کرده[t]
که نخورند و نیاشامند تا اینکه پولس را
بکشند. ۱۳و آنانکه این توطئه را کردند

m- صدوقیان، برخلاف فریسیان، بعضی از اعتقادات نظیر رستاخیز مردگان و وجود فرشتگان را نمی پذیرند (ر.ک یادداشت بعدی). این اعتقادات، در دوران متأخر در یهودیگری پیدا شده و بدین سبب در نوشته های عهد عتیق نیامده یا به ندرت گواهی شده است، با توجه به اینکه یهودیان نوشته های کتاب مقدس را الهامی و برحق می شمردند. بدین سبب، برای صدوقیان، ممکن نبود ایمان به عیسی را که نخستین برخاسته از مرگ است بپذیرند (۲:۴ توضیح؛ ۲۳:۲۶ توضیح). بالعکس امکان داشت که این ایمان با معتقدات فریسیان در مورد رستاخیز مردگان تطبیق نماید (۱۵:۲۴ توضیح؛ ۶:۲۶-۸؛ ۲۰:۲۸).

n- در اینجا و در بند ۹، روح به طور مبهم و نامشخص برابر با فرشته است. موضوع وجود فرشتگان را گرچه فرقهٔ صدوقیان بدعت دانسته و رد می کردند با این همه در یهودی گری به طور کلی پذیرفته شده و در نوشته های مکاشفه ای و نزد فرقه اسنیان به اوج شکوفایی رسیده بود. در کتاب اعمال رسولان این موضوع به اعتدال ذکر شده و نزدیک به مطالبی است که در کهن ترین اسفار کتاب مقدس آمده است. در سخنرانی استیفان، فرشته ای در بوته سوزان بر موسی ظاهر می شود (۳۰:۷-۳۵)، همچنانکه در خروج ۱:۳-۲ هم فرشته ای بر روی سینا به موسی سخن می گوید ۳۸:۷، ۵۳): این روشی است که در یهودیگری بکار می برند تا حقیقت مداخلهٔ خدا را بیان کنند ضمن اینکه مقام والای خدایی که نهان است رعایت گردد. در جاهای دیگری از کتاب اعمال رسولان (۱-۱۲) اکثراً سخن از فرشته خداوند (۱۹:۵؛ ۲۶:۸؛ ۷:۱۲-۱۱، ۲۳) یا فرشتهٔ خدا است (۳:۱۰، ۷، ۲۲؛ ۱۳:۱۱). این اصطلاح از نوشته های عهد عتیق می آید (پید ۷:۱۶؛ داور ۳:۱۳-۲۱؛ و غیره). گاهی این اصطلاح فقط به جای خدا بکار برده شده (۱۹:۵ v؛ ۱۰:۱۲ g، ۲۳). گاهی چنین می نماید که موجودی «شخصی» و مرئی نظیر انسان را تعیین می کند (۳:۱۰ n؛ ۱:۱۰؛ ۶:۱۵). در یک مورد فرشته خداوند، روح می شود (۲۶:۸ n) پس از فصل ۱۲ در اعمال رسولان فقط یک مورد سخن از فرشته است (۲۳:۲۷)؛ و دخالت خدا به روح القدس نسبت داده می شود (ر.ک ۸:۱ h؛ ۹:۱۸ c).

o- دومین باری است که فریسیان (ر.ک ۳۴:۵) به حمایت از یک فرد مسیحی دخالت کرده و نویسنده ذکر می نماید: ر.ک بند ۱۴ u؛ لو ۳۶:۷ y. ضمناً افرادی از فرقه فریسیان به مسیحیت گرویده بودند (۵:۱۵).

p- در بعضی نسخه های خطی: ...یا یک روح به او سخن گفته است. با خدا جنگ نکنیم. (ر.ک ۳۹:۵). این تذکر که فرشته یا روحی به پولس سخن گفته است آیا اشاره به ظاهر شدن عیسی بر پولس است؟

q- ر.ک ۹:۱۸ c.

r- در نسخه های خطی دیگری: بعضی از یهودیان...

s- یا: انجمنی کردند.

t- یعنی اگر تعهدّی را که می کنند انجام ندهند به لعنت گرفتار شوند.

بیش از چهل نفر بودند. [۱۴]ایشان به نزد رؤسای کاهنان و پیران[u] رفته و [به آنان] گفتند: «[ای پیران]، ما قسم خوردیم که چنانچه پولس را نکشیم و [قبل از آن] چیزی بخوریم، از دین خارج شده محسوب شویم[v]. » [۱۵]پس اکنون شما با سانهدرین به فرماندهٔ سربازان بگویید او را به نزد شما بیاورد چونکه باید در مورد امور او دقیق تر تحقیق کنید و ما آماده هستیم پیش از آنکه نزدیک شود او را از بین ببریم.» [۱۶]اما پسر خواهر پولس از این کمین کردن آگاه شده، آمد و به قلعه وارد شد و به پولس خبر داد. [۱۷]و پولس یکی از افسران را صدا زده گفت: «این جوان را به نزد فرمانده ببر چون که خبری دارد که به او اطلاع دهد.» [۱۸]پس او را با خود برداشته به نزدیک فرماندهٔ سربازان برده و گفت: «پولس زندانی، مرا خوانده و درخواست کرد این جوان را به نزد تو بیاورم چون چیزی دارد که به تو بگوید.» [۱۹]پس فرماندهٔ سربازان دست او را گرفته به کناری کشیده پرسید چه چیزی داری که به من اطلاع دهی؟ [۲۰]و او گفت: «یهودیان تصمیم گرفته اند از تو درخواست کنند فردا پولس را به سانهدرین بیاوری چونکه باید چیزی دقیق تر دربارهٔ او تحقیق کنند، [۲۱]پس فریب ایشان را باور نکن چون بر ضد او کمین می کنند و بیشتر از چهل نفر ایشان هم قسم شده که چیزی نخورند و نیاشامند تا اینکه او را از بین برده باشند و اکنون آماده در انتظار قول تو هستند.» [۲۲]پس فرماندهٔ سربازان آن نوجوان را روانه کرده سفارش کرد: «چیزهایی را که به من خبر دادی به کس دیگر مگو!»

انتقال پولس به قیصریه

[۲۳]و دو افسر را خوانده گفت: «از سومین ساعت شب[w] دویست سرباز، و هفتاد سوار و دویست نیزه دار[x] حاضر کنید که به قیصریه بروند. [۲۴]و مرکب هایی آماده باشند تا پولس[y] را سوار کرده [صحیح و]سالم به نزد والی فیلکس[z] ببرند[a].» [۲۵]و نامه ای بدین شکل نوشت[b]: [۲۶][از] کلودیوس لیسیاس به عالیجناب والی فیلکس، سلام! [۲۷]این مرد را یهودیان گرفته و می خواستند از بین

u- توجه نمایید که سخنی از کاتبان نیست یعنی قسمتی از اعضای سانهدرین که بیشتر از فریسیان بودند (ر.ک بند ۹ o).
v- ترجمهٔ تحت اللفظی: ما به وسیله لعنت متعهد شده ایم.
w- ترجمهٔ دیگر: از ساعت نُه شب.
x- به نظر می آید که این عده خیلی زیاد است ولی اهمیت شخصیت زندانی را نشان می دهد. کلمهٔ یونانی که نیزه دار ترجمه شده از نظر تحت اللفظی: افراد کمکی است. این کلمه که اصطلاحی نظامی است، مبهم و غیرواضح است.
y- ترجمهٔ تحت اللفظی: حیواناتی برای سوار کردن پولس و بُردن او.
z- آنتونیوس فلیکس، برادر پالاس وزیر امپراتور نرون، برده ای آزاد شده بود که از سال ۵۲ تا ۵۹ یا ۶۰ میلادی سمت حکمران منطقه یهودیه را داشت. ر.ک ۲۴:۲۴.
a- در بعضی از نسخه های خطی اضافه شده است: فلیکس می ترسید مبادا یهودیان پولس را گرفته بکشند و خودش هم متهم به دریافت رشوه شود.
b- نامهٔ لیسیاس مطابق نامه های رسمی یونان و با زیرکی انشاء و تنظیم شده است. ذکر متن نامه اینجا برای آنست که بار دیگر بی طرفی مقامات دولتی روم، تزویر مقامات یهودی و بی گناهی پولس نشان داده شود.

ببرند با دستهٔ سربازان رفته، او را از ایشان
۱۵:۱۸؛ ۱۹-۱۸:۲۵ گـرفـتم چـون دانـسـتم رومی[c] است. [۲۸]و
می‌خواستم بدانم چه شکایتی دارند که او را
متهم می‌کنند. او را به مقابل سانهدرین
ایشان آوردم، [۲۹]که نیز دریافتم در مورد
۳۱:۲۶؛ مسائلی مربوط به قانون ایشان[d] متهم می
۱۸:۲۸؛ لو ۱۵:۲۳ کنند، اما هیچ اتهامی سزاوار مرگ یا
زنجیر ندارد[e]. [۳۰]چون به من خبر رسید
علیه این مرد توطئه‌ای در جریان است،
بلافاصله به نزد تو فرستادم و به متهم
کنندگان هم امر کردم که آنچه را علیهٔ او
دارند، در مقابل تو بگویند[f].»

[۳۱]پس سربازان بر طبق دستوری که
دریافت کرده بودند، پولس را برداشته،
شبانه به آنتیپاترس رساندند. [۳۲]و فردای
آن روز، سواران را گذاشتند که با او بروند
و خودشان به قلعه برگشتند[g]. [۳۳]و آنان به
قیصریه وارد شده نامه را به والی سپردند و
پولس را هم نزد او حاضر کردند. [۳۴]پس
[وی] نامه را خواند و سؤال کرد از چه لو ۶:۲۳
ایالتی است و اطلاع یافت که از قیلیقیه
است، [۳۵]گفت: «وقتی که متهم کنندگان تو
حاضر شوند نیز سخنان تو را خواهم
شنید.» دستور داد او را در دیوانخانهٔ
هیرودیس[h] نگاه دارند.

ادعانامهٔ ترتلس[i]

۲۴ [۱]و پنج روز بعد حنانیا کاهن اعظم با
چند نفر از پیران و وکیلی به نام
ترتلس رسیدند[j] و علیه پولس به حکمران ۲:۲۵
شکایت کردند. [۲]پس از احضار او، ترتلس
آغاز به اتهام زدن کرده گفت[k]: «آرامش ۱۰:۲۴
کاملی که بوسیلهٔ تو به دست آوردیم و
اصلاحاتی که با توجه تو برای این امت
ایجاد شده[l]، [۳]به تمامی و در هر جا[m]، ای
عالیجناب فیلکس، با سپاسگزاری کامل
می‌پذیریم. [۴]و برای اینکه بیشتر مزاحم
نباشم خواهش می‌کنم با گذشت خود، ۳-۲:۲۶

c- ترجمهٔ دیگر: همشهری رومی است. در اینجا لیسیاس چیزی دربارهٔ زندانی کردن و تازیانه زدن پولس نمی‌گوید.
d- در بعضی نسخه های خطی: مربوط به قوانین ایشان و موسی و کسی به نام عیسی است.
e- ر.ک ۱۵:۱۸. اظهارات مقامات رسمی در مورد بی‌گناهی پولس یادآوری می‌شود (ر.ک ۱۸: ۱۵ i).
f- در بعضی نسخه های خطی افزوده شده است: خداحافظ.
g- منظور قلعه معبد است ۳۴:۲۱ k.
h- کاخی که هیرودیس بنا کرده بود و محل اقامت والی و حکمران یهودیه شده بود.
i- روایت حاضر شدن پولس در برابر فیلکس (۲۳-۱:۲۴) با مهارت و هنرمندی تنظیم شده است. لوقا بدون اینکه روایت را طولانی کند هیچ قسمتی از جلسهٔ محاکمه را حذف ننموده است مثلاً کیفرخواست یا ادعانامه، خطابهٔ دفاعیه و رأی داوری. بار دیگر (ر.ک ۹:۲۳) بی‌گناهی پولس پذیرفته شده است، در این کتاب دو بار دیگر هم این نکته تأیید خواهد شد (ر.ک ۱۹-۱۸:۲۵؛ ۲۶: ۳۲-۳۱). ر.ک ۱۵:۱۸ i.
j- یعنی به قیصریه آمدند. در مورد حنانیا ۲:۲۳ g.
k- بر طبق مقررات حقوق قضایی دوران کهن ادعانامه یا کیفر خواست را طرف مخالف بیان می‌کند. ترتلس پس از سخنانی برای جلب نظر مساعد فیلکس (بندهای ۳-۱۴) و قبل از نتیجه گیری (بند ۸)، دو مورد شکایت را عنوان می‌نماید که عبارتند از بر هم زدن نظم عمومی در جمعیت های یهودی (بند ۵) و هتک احترام به معبد (بند ۶)، این خطابهٔ کوتاه مطابق اصول علم فصاحت و سخن پردازی دوران کهن تهیه شده است.
l- این موضوع برخلاف حقیقت است. ظاهراً فلیکس حکمرانی (۲۴:۲۳ z) بی‌ملاحظه و شدیدالعمل بوده است.
m- بعضی از مترجمان کلمات: «به هرگونه و در هرجا» را به عبارت قبلی مربوط می‌کنند یعنی... برای این ملّت به هرگونه و در هرجا ایجاد شده است.

مختصری به ما گوش بدهید[n]. ۵ زیرا این مرد
را یافتیم که طاعون است، و تحریک هایی
۶:۱۷ نزد همهٔ یهودیان ساکن زمین برمی انگیزد و
۱۴:۲۴؛ ۲۲:۲۸ سردستهٔ فرقهٔ نصرانیان است[o]. ۶ همچنین
۱۳:۶-۱۴؛ ۲۸:۲۱؛ ۸:۲۵ خواسته است معبد را آلوده کند اما او را
دستگیر کرده ایم. [۷...[p]] ۸ خودت می دانی
در مورد همهٔ آنچه ما او را متهم می کنیم از
وی سؤال کرده و مطمئن شوی.» ۹ و یهودیان
نیز او را تأیید کرده اظهار می نمودند که
چنین است.

دفاع پولس

۱۰ پس از اینکه حکمران به پولس اشاره
کرد که صحبت کند، وی پاسخ داد[q]:
«برای اینکه می دانم سال های بسیار، تو
۴:۲۴؛ ۲:۲۶ داور[r] این امت هستی، من با خشنودی خاطر
ازخود دفاع می کنم ۱۱ همانطور که می توانی
از آن [خود را] مطمئن کنی، بیش از
دوازده روز[s] نیست که من برای پرستش به
اورشلیم رفته ام ۱۲ و نه در معبد، نه در ۱۶:۲۰؛ ۲۳:۲۱-۲۶
کنیسه، نه در شهر، مرا نیافته اند که با
کسی بحث کرده و یا تودهٔ مردم را
برانگیخته باشم. ۱۳ در مورد آنچه اکنون مرا
متهم می کنند [هم]، نمی توانند برای تو
دلیلی بیاورند[t]. ۱۴ با وجود این به تو اقرار
می کنم که بر طبق راهی که ایشان فرقه[u]
می نامند، من خدای پدران را پرستش
می کنم و به تمام آنچه در قانون و
[کتاب های] انبیاء نوشته شده ایمان ۲۳:۲۸؛ روم ۲۱:۳
دارم[v]. ۱۵ این امید را از خدا دارم چنان که
اینان هم دارند که رستاخیزی برای عادلان و ۶:۲۳؛ ۶:۲۶-۸؛ ۲۰:۲۸
همچنین ظالمان خواهد بود[w]. ۱۶ بدین

n- ترجمهٔ دیگر: برای اینکه مزاحم تو نباشم، گفتار من کوتاه خواهد بود و با گذشتی که در تو سراغ داریم خواهشمندم به آن توجه نمایی.

o- در اینجا کلمهٔ «نصرانی» واژه جدیدی است که در مورد مسیحیان بکار برده می شود (ر.ک ۲۶:۱۱ u). کلمه ای را که فرقه ترجمه شده (ر.ک بند ۱۴) در مورد صدوقیان (۱۷:۵) و فریسیان (۵:۱۵) بکار رفته است ولی در اینجا با مفهومی تحقیرآمیز بکار برده شده است ضمناً اینجا تنها موردی است که در نوشته های عهد جدید مسیحیان، نصرانی یعنی منسوب به ناصره خوانده شده اند چنانکه عیسی را ناصری خوانده اند (۲۲:۲ i).

p- در تعدادی از نسخه های خطی در اینجا افزوده شده است: «و ما می خواستیم او را برطبق قوانین خودمان داوری کنیم ولی [فرمانده] سربازان دخالت کرده او را با شدّت بسیار از دست ها ما گرفت و به متهم کنندگان دستور داد به حضور تو بیایند» در این صورت کسی را که در بند ۸ پیشنهاد می کنند از او سؤال شود، فرماندهٔ سربازان است و نه اینکه پولس باشد.

q- خطابهٔ دفاعی پولس نظیر ادعانامه ترتلس (بند ۲ k) نمونه زیبایی از هنر بلاغت دوران کهن است. پولس پس از سخنانی سنجیده و معتدل برای جلب نظر مساعد فیلکس (بند ۱۰) اولین مورد شکایت یهودیان را مطرح می کند (بندهای ۱۱-۱۳) و سپس اظهار می کند برطبق «راه» به ایمان یهود وفادار مانده است (بندهای ۱۴-۱۶؛ ۳:۱۶ o) بالاخره به موضوع شکایت دوم می پردازد یعنی آنچه در معبد (بندهای ۱۷-۱۹) و در سانهدرین (بندهای ۲۰-۲۱) روی داده است.

r- ترجمهٔ دیگر: تو داوری را تأمین می کنی. در نسخه خطی غربی: تو داور عادل هستی.

s- البته باید هفت روزی که در ۲۷:۲۱ ذکر شده به پنج روزی که در ۱:۲۴ آمده است افزوده شود با این همه با توجه به مفاد ۷:۲۱، ۱۸، ۲۷ و ۱۲:۲۳، ۳۲ روش محاسبه دیگری پیشنهاد شده است.

t- پولس بر این اصل بنیادی حقوق قضایی تکیه می نماید که بایستی مجرمیّت ثابت شود و نه اینکه کسی مجبور باشد بی گناهی خود را ثابت نماید.

u- در مورد کلمه «راه» ر.ک ۲:۹ b و در مورد «فرقه» ر.ک ۵:۲۴ o.

v- در مورد ارزش و اهمیت این اظهارات یادداشت ۲۲:۲۶ c را ملاحظه نمایید.

w- ر.ک ۶:۲۳ m. چنین به نظر می رسد که در یهودیگری رستاخیز مردگان را به دو صورت درک کرده و توضیح می دادند یکی اینکه رستاخیز مردگان فقط برای عادلان خواهد بود (ر.ک لو ۱۴:۱۴ x؛ ۲-مک ۱۴:۷) و برطبق نظریه دیگر همه آدمیان دوباره زنده شده و داوری خواهند شد. در اینجا سخن دربارهٔ نظریه اخیر است.

سبب کوشش می‌کنم تا همواره در مقابل
خدا و انسان ها ضمیری بدور از لغزش ۱:۲۳؛ ۲-تیمو ۳:۱
داشته باشم. [۱۷]و پس از سال های بسیار
آمدم صدقه ها و هدیه هایی[x] به قوم خود[y] ۲۹:۱۱؛ ۲۵:۱۲؛
بدهم. [۱۸]در طی این امور مرا تطهیر شده در ۲۳:۲۱-۲۶
معبد یافته اند، بدون اینکه ازدحام یا ۲۳:۲۱-۲۶
شورشی باشد. [۱۹]ولی چند نفر از یهودیان
آسیا... اینان باید در مقابل تو حاضر شوند ۲۷:۲۱
و اگر چیزی علیه من دارند مرا متهم کنند.
[۲۰]یا اینکه اینان که در اینجا هستند،
بگویند وقتی در برابر سانهدرین حاضر
شدم چه بی عدالتی در من یافته اند؟
[۲۱]مگر اینکه در مورد تنها سخنی باشد که
در میان ایشان ایستاده فریاد برآوردم: برای
رستاخیز مردگان است که امروز در مقابل ۶:۲۳؛ ۱۵:۲۴
شما داوری می شوم[z].
[۲۲]آنگاه فیلکس که از آنچه مربوط به
راه[a] است به دقت آگاه بود [داوری را] به
تعویق انداخته گفت: «وقتی که لیسیاس
فرماندهٔ سربازان بیاید امور مربوط به شما
را تحقیق خواهم کرد.» [۲۳]و به افسر دستور
داد او را نگهداشته و تا اندازه‌ای آزاد ۳۱:۲۸
بگذارد و از خدمت نزدیکانش به وی،
ممانعت به عمل نیاورند.

پولس در زندان

[۲۴]و چند روز بعد فیلکس با همسرش
دروسلا[b] که یهودی بود، آمده، پولس را
احضار کرد و در مورد ایمان به مسیح عیسی
[سخنان] او را شنید. [۲۵]اما چون در مورد
عدالت، خویشتن داری و داوری آینده
گفتگو می کرد، فیلکس، ترسان شده[c] مر ۶:۱۷-۲۰
پاسخ داد فعلاً برو چون فرصتی یافتم تو را ۳۲:۱۷
باز خواهم خواند. [۲۶]ضمناً نیز امیدوار بود
که از پولس پولی به او برسد، بدین سبب
بارها او را احضار کرده و با او گفتگو
می کرد. [۲۷]اما پس از اینکه دو سال[d]
گذشت پورکیوس فستوس[e]، جانشین

x- مسلماً پولس اشاره به هدیه های پایان تطهیر می کند (۲۴:۲۱، ۲۶).
y- تنها موردی است که در کتاب اعمال رسولان (ر.ک غلا ۱۰:۲؛ ۱-قرن ۱۴:۱۶؛ ۲-قرن ۸-۹؛ روم ۲۵:۱۵-۲۸) و بنا به اظهار پولس، جمع‌آوری اعانه موجب اصلی آمدن او به اورشلیم است ولی لوقا به علّت نامعلومی این نکته را ذکر نکرده حتی اگر هریک از نویسندگان قصد و منظور جداگانه ای داشته اند، ضمناً این اعانه برای مسیحیانی بوده که قبلاً یهودی بودند و پولس اظهار می کند برای قوم خودش بوده و محتمل است آن را به مالیاتی تشبیه می کند که یهودیان در تمام امپراتوری روم و در فلسطین به معبد می پرداختند (ر.ک مت ۲۴:۱۷).
z- پولس با مهارت نتیجه گیری می کند به طوری که مجدداً بحث و مجادله ۶:۲۳-۹ از سر گرفته شود دعوی و اتهام به اصول معتقدات مختص یهود کشانده شود که از نظر رومیان فاقد ارزش و اهمیت قضایی بوده است.
a- ر.ک ۲:۹ b.
b- دروسلا دختر کهتر پادشاه اغریپاس بوده که با پادشاه امس (شهری در سوریه) ازدواج کرده بود و فیلکس با توطئه های توأم با رسوایی او را ربوده بود. با این وضعیت می توان اضطرَاب و ترس فیلکس را درک نمود موقعی که پولس موضوع خویشتن داری و کفّ نفس و داوری نهایی را مطرح می کند (بند ۲۵) (ر.ک مر ۶:۱۷-۲۰).
c- ترس فیلکس از داوری نهایی شاید هم به سبب آنست که می بینید پولس مسائل زندگی خصوصی او را مطرح می نماید (یادداشت قبلی را ملاحظه نمایید و بند ۲۷ d).
d- منظور پایان دوران حکمرانی فیلکس است و نه اینکه مدّت بازداشت احتیاطی موقت پولس باشد (ر.ک ۳۰:۲۸ u).
e- اطلاعات کمی دربارهٔ پورکیوس فستوس وجود دارد. این شخص از سال ۵۹ یا ۶۰ میلادی سمت حکمرانی یهودیه را داشت، وی فرزند خانواده‌ای مشهور و سرشناس و شخص درستکاری بوده و به پولس اجازه داده بوَد محل دادرسی خود را انتخاب نماید؛ ر.ک ۹:۲۵-۱۲.

فیلکس شد اما فیلکس که می‌خواست بر
یهودیان منت گذارد پولس را در بازداشت
نگه داشت[f].

پولس در مقابل فستوس، تقاضای دادرسی از امپراتور

۲۵ [1]پس از رسیدن فستوس به ایالت،
بعد از سه روز از قیصریه به
اورشلیم رفت. [2]کاهنان اعظم و بزرگان
یهودی علیهٔ پولس به او شکایت کرده[g] و
التماس می‌کردند [3]علیه او [و] در خواست ۲۵:۱۵
داشتند لطف کرده او را به اورشلیم روانه
کند[h]، چونکه کمین کرده بودند تا در بین ۲۳:۳۰
راه، او را از میان ببرند[i]. [4]اما فستوس
پاسخ داد که باید پولس در قیصریه
نگهداشته شود چونکه خودش هم بزودی
آنجا را ترک خواهد کرد. [5]پس گفت:
«آنهایی از بین شما که شایسته هستند
همراه من بیایند[j]، و اگر چیزی ناشایست در ۲۳:۳۰
این مرد هست، او را متهم کنند.»
[6]چون حداکثر هشت یا ده روز درمیان
ایشان گذرانده بود[k] به قیصریه آمد و
فردای آن روز بر مسند دادگاه جلوس کرده
دستور داد پولس آورده شود. [7]وقتی او
رسید، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند
اطراف او ایستاده اتهام‌های زیاد و سنگینی
می‌آوردند که قادر نبودند ثابت کنند[l]. ۲۴:۵-۶
[8]پولس از خود دفاع می‌کرد[m] که «نه
نسبت به قانون یهودیان، نه نسبت به معبد، ۶:۱۳
نه نسبت به قیصر[n] گناهی کرده‌ام.» [9]اما
فستوس که می‌خواست به یهودیان لطفی ۱۲:۳؛ ۲۴:۲۷
بکند به پولس پاسخ داده گفت: «آیا
می‌خواهی به اورشلیم رفته در آنجا در بارهٔ
این چیزها در مقابل من محاکمه شوی[o]؟»
[10]اما پولس گفت: «من در مقابل دادگاه
قیصر ایستاده، در آنجا باید محاکمه شوم،
به یهودیان هیچ آسیبی نرسانده‌ام هم چنان
که نیز تو خیلی خوب می‌دانی. [11]پس اگر
حقیقتاً ناشایستی کرده و چیزی سزاوار
مرگ مرتکب شده‌ام، مردن را رد
نمی‌کنم[p]. و اما چنانچه اتهامات ایشان
بی‌پایه باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند مرا به ۲۵:۷

f- در نسخه خطی غربی چنین است: و پولس را به سبب دروسلا در زندان گذاشت.
g- همان اقداماتی که یهودیان نزد فیلکس کرده بودند (ر.ک ۲۳:۳۰ و ۲۴:۱).
h- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: درخواست کردند علیه او (پولس) این مرحمت را که پولس منتقل شود...
i- همان نقشهٔ توطئه که در ۲۳:۱۲-۲۲ داشتند.
j- ترجمهٔ دیگر: ...به من ملحق شوند تا به قیصریه پایین برویم.
k- ذکر این نکته و کلمهٔ «فردای آن روز» نشان می‌دهد که فستوس می‌خواهد سریعاً موضوع پولس را فیصله دهد.
l- به مانند متهم کنندگان عیسی (لو ۲۳:۱۴-۱۵؛ مر ۱۴:۵۵-۵۹).
m- سه نکته‌ای که در دفاع پولس ذکر شده نشان می دهد که متهم کنندگان یهودی مجموعه اتهام‌هایی را که تا آن وقت علیه پولس (و علیه مسیحیان) اقامه می کردند مجدداً از سر می گیرند یعنی: جرم‌هایی علیه قوانین یهود (۶:۱۱، ۱۳ v؛ ۱۸:۱۳ g؛ ۱۸:۱۵ i؛ ۲۱:۲۱، ۲۸ j؛ ۲۳:۲۹) در صورتی که روم این قوانین را به رسمیت شناخته بود؛ تعرض‌های مستقیم به امپراتور یعنی به قوانین روم (۱۶:۲۱ u؛ ۱۷:۷ n؛ ۱۸:۱۳ g؛ ۲۴:۵) پولس می‌خواهد در مورد مجموعه این اتهام‌ها و شکایت‌ها (که در بند ۷ تأکید شده است اساس و پایه‌ای ندارند) در دادگاه امپراتور داوری شود (بند ۱۱).
n- در آن موقع نرون امپراتور روم بود (۵۴ الی ۶۸ میلادی). در اینجا و در متون بعدی (۱۷:۷؛ ۲۳:۱۰-۱۲، ۲۱؛ ۲۰:۳۲؛ ۲۷:۲۴؛ ۲۸:۱۹) کلمهٔ امپراتور با عنوان امپراتوری «قیصر» ترجمه شده است.
o- فستوس به علّت ضعف روحی و اراده، پولس را آزاد نمی کند و نه اینکه مجرمیت او را پذیرفته باشد.
p- این طرز استدلال از زمان سقراط معمولی است و پولس در مورد ارزش قوانین بحث و ایرادی ندارد.

ایشان بسپارد، به قیصر دادخواهی
می‌کنم[q].» [۱۲]آنگاه فستوس با مشاور خود
گفتگو کرده پاسخ داد: «از قیصر دادخواهی
کرده‌ای، به حضور قیصر خواهی رفت.»

پولس در مقابل اغریپاس و برنیکی

[۱۳]پس از گذشت چند روز، پادشاه
اغریپاس[r] و برنیکی برای سلام کردن به
فستوس به قیصریه رسیدند[s]. [۱۴]و چون
چند روزی در آنجا ماندند فستوس امور
مربوط به پولس را برای پادشاه شرح داده
گفت: «در اینجا مردی است که به وسیلهٔ ۲۷:۲۴
فیلکس زندانی شده است، [۱۵]در مورد او،
هنگامی که به اورشلیم رفتم، کاهنان اعظم و
پیران یهود شکایت کرده و تقاضای ۲۴-۲:۲۵
محکومیت او را داشتند. [۱۶]به ایشان پاسخ
دادم عادت رومیان این نیست که هیچ
انسانی را پیش از آنکه متهم در مقابل متهم
کنندگان فرصت داشته و بتواند در مورد
شکایت از خود دفاع نماید، تسلیم نمایند[t].
[۱۷]پس آنان همراه من آمدند[u] و روز بعد
بدون تأخیر بر مسند داوری نشسته و دستور
دادم آن مرد آورده شود. [۱۸]دور او متهم
کنندگان ایستاده[v] هیچ اتهامی - از آن
اعمال شر که می‌پنداشتم - نیاوردند. بلکه
۱۵:۱۸؛ ۲۹:۲۳ [۱۹]مسائلی چند دربارهٔ دین[w] خودشان علیه
۱۸:۱۷؛ ۱۰:۲۰؛ او داشتند[x] و در مورد کسی به نام عیسی که
لو ۲۴:۵-۲۳؛ ۲-قرن ۴:۱۳ مرده و پولس اظهار می‌کرد زنده است. و
[۲۰]در این مسئله شک داشتم، پرسیدم آیا
۹:۲۵ می‌خواهد به اورشلیم رفته و در این موارد
۱۲-۱۱:۲۵ محاکمه شود. [۲۱]اما پولس درخواست کرده
بود برای تصمیم آگوستوس[y] نگه داشته
شود، فرمان دادم تا او را نگه دارند تا که
او را به حضور قیصر بفرستم.» [۲۲]و
اغریپاس به فستوس[گفت]: «می‌خواستم

q- موضوع درخواست رسیدگی و دادخواهی از امپراتور سؤالهای تاریخی و قضایی متعددی را مطرح می‌کند. در چه مواردی چنین درخواستی امکان داشته است؟ آیا فقط کسانی که رومی بوده یا عنوان همشهری رومی داشتند می‌توانستند به این دادگاه عالی متوّسل شوند؟ آیا فقط قبل از صدور رأی دادگاه چنین درخواستی ممکن بوده است؟ آیا پس از چنین درخواستی، قانون دادگاه را ملزم می‌کرده به آن ترتیب اثر بدهد؟ به هرصورت در کتاب اعمال رسولان شرح و توضیح ترتیبات و مقررات رویه قضایی مورد توجه نیست بلکه بی‌گناهی پولس و عمل خدا را در این وقایع نشان داده و روشن می‌کند.

r- مارکوس یولیوس اغریپاس دوم، پسر هیرودیس اغریپاس است (ر.ک ۱۲:۱-۵، ۱۹-۲۳) وی در سال ۲۷ میلادی متولد شده و در حدود سال ۱۰۰ میلادی درگذشته است. از سال ۵۰ میلادی پادشاه کاسیس واقع در لبنان شده و بعدها ادارهٔ سرزمین های دیگری به او واگذار گردید. برنیکی که خواهر اغریپاس دوم و دروسلا است (ر.ک ۲۴:۲۴) در آن تاریخ بیوه بوده و در دربار برادرش زندگی می‌کرد. عشقی که تیتوس امپراتور روم به او خواهد داشت مشهور است.

s- آیا این دیدار از روی ادب و نزاکت یا نشانه انقیاد و اطاعت بوده است؟

t- در اینجا فستوس اصل عدالت را با کلمات و عباراتی صریح بیان می‌کند که رومیان واقعاً رعایت می‌کردند و نویسنده آن را تحسین می‌کند.

u- ترجمهٔ دیگر: در اینجا حاضر شدند ر.ک ۵:۲۵ j.

v- یا: که احضار شده بودند.

w- کلمه‌ای را که دین ترجمه شده می‌توان خرافات ترجمه کرد، ولی چون روی سخن فستوس با یک نفر یهودی است باید «دین» ترجمه نمود.

x- فستوس که رومی است در مقابل قوانین مخصوص یک دین بیگانه، خود را به دور نگه می‌دارد.

y- کلمه اغسطس یا اگوست عنوانی به معنی: همایون، خجسته، شکوهمند است (ضمناً عنوان امپراتور روم اکتاویوس آگوستوس هم بوده است) در اینجا به معنی «عام» است و بدین سبب گاهی آن را اعلیحضرت ترجمه می‌کنند.

لو ۲۳:۸ من هم [حرف های] این انسان را بشنوم.»
وی گفت: «فردا او را خواهی شنید.»
۲۳ پس روز بعد، اغریپاس و برنیکی با
لو ۲۱:۱۲؛ مت ۱۰:۱۸؛ تشریفات کامل[z] و با فرماندهان سربازان و
مر ۱۳:۹ مردان سرشناس شهر در تالار جلسه وارد
شدند و فستوس دستور داد پولس را
آوردند. ۲۴ و فستوس گفت[a]: «ای پادشاه
اغریپاس و ای تمام مردانی که با ما حاضر
هستید، ملاحظه کنید، آن کسی را که تمام
تودهٔ یهودیان[b] دربارهٔ او به من مراجعه
۲:۲۵، ۷، ۱۵، ۱۷ کرده، [همانطور] در اورشلیم که در اینجا
۲۲:۲۲ نیز فریاد می‌زدند او دیگر نباید زندگی
۲۳:۹؛ ۲۶:۳۱؛ ۲۸:۱۸ کند. ۲۵ اما من فهمیدم چیزی سزاوار مرگ
انجام نداده است[c]، و[چون] خودش از
آگوستوس[d] تقاضای دادرسی نموده تصمیم
گرفته ام او را بفرستم. ۲۶ اما در بارهٔ او چیز
مطمئنی ندارم که به خداوندگار[e] بنویسم،
بدین سبب او را به نزد شما و مخصوصاً به
حضور تو، ای پادشاه اغریپاس آورده ام تا
چون بازجویی شود چیزی برای نوشتن داشته
باشم. ۲۷ زیرا به نظر من نامعقول است یک
زندانی را بفرستم و شکایت های علیه او را
تعیین نکرده باشم.

سخنرانی پولس در مقابل اغریپاس

۲۶ ۱ پس اغریپاس به پولس گفت: «به
تو اجازه داده می شود در مورد ۱۳:۱۶؛ ۲۱:۴۰
خودت سخن بگویی.» آنگاه پولس دست
را دراز کرده دفاع[f] [خود] را ارائه کرد.
۲ «ای پادشاه اغریپاس، خودم را خوشبخت
می پندارم که در مورد همه چیزهایی که
توسط یهودیان به آن متهم هستم امروز می
باید در حضور تو از خود دفاع نمایم[g]،
خصوصاً ۳ تو که به تمام آنچه مربوط به
رسوم یهودیان و همچنین چیزهای مورد

z- نویسنده بیش از آنکه به جزئیات اقدامات قضایی بپردازد نشان می دهد که موضوع مسیحیت در چه جلسه ای مطرح می شود. پولس به مانند عیسی درمقابل پادشاهی یهودی حاضر شده است (لو ۲۳:۶-۱۲).

a- در این فصل، سومین باری است که دربارهٔ بی گناهی پولس تأکید می شود (ر.ک ۲۵:۱-۱۲ و ۱۴-۲۱) تکرار مطالب روشی است که لوقا عمداً برای تأیید و تأکید وقایع مهم بکار می برد (ر.ک موضوع دریافت الهام پولس، قضیه کرنلیوس، بند ۲۵ c).

b- با کلمات «تمام تودهٔ یهودیان» که تعمیم داه شده (ر.ک بند ۲)، مسئولیت های یهودیان در دادرسی طولانی پولس تأیید می شود.

c- سوّمین باری است که بی گناهی پولس اعلام می شود و از زبان یک افسر یا کارمند عالیرتبه رومی است (ر.ک ۲۳:۲۹ و ۲۵:۱۸). ر.ک به سه باری که پیلاطس بی گناهی عیسی را اظهار کرده بود (ر.ک لو ۲۳:۴، ۱۴، ۲۲ و اع ۱۳:۲۸ b).

d- ترجمهٔ دیگر: چون که از اعلیحضرت... ر.ک ۲۵:۲۱ y.

e- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: خداوند. از زمان فرمانروایی کلودیوس، همچون مالک‌الرقاب مطلق جهان، امپراتور را با این عنوان می نامیدند. البته این عنوان متضمن آن نیست که امپراتور دارای سرشت الهی است. با این همه به روش ملّت های شرقی شکوه و جلال خدا را به او نسبت می دهد ر.ک ۱۲:۱۲ o.

f- نظیر همان حرکتی است که در ۱۳:۱۶ و ۲۱:۴۰ انجام داده است.

g- این مدح و ثنای رسمی (بندهای ۲-۲۳) از نظر شکل دقیق تر و سنجیده تر از قبلی است (۲۴:۱۰-۲۱) ضمناً آخرین مدحی است که پولس بیان کرده و آن را به شخصیتی سلطنتی خطاب نموده است. پولس روایت وقایع مربوط به گرویدن خود را (در بندهای ۹-۱۸) در اینجا (ر.ک ۹:۱-۱۸؛ ۲۲:۳-۱۶) به مانند قسمتی از ارائه خود منظور نموده است بر اینکه ایمان در مسیح برخاسته از مرگ متضمن در امیدواری اسرائیل است (بندهای ۴-۸) و موعظهٔ او محتوای دیگری ندارد جز آنچه در نوشته های مقدس اعلام شده است (بندهای ۱۹-۲۳).

بحث آشنا هستی، بدین سبب خواهشمندم
با حوصله به من گوش فرا داری.
۴ از آغاز جوانی در میان امت خود، نیز در
اورشلیم[h] بسر می بردم؛ پس فی الواقع تمام
یهودیان زندگی مرا می دانند. ۵ از اول مرا
می شناسند و اگر بخواهند می توانند
شهادت دهند که بر طبق صحیح ترین[i] فرقهٔ
دین خود [همچون] فریسی زندگی کرده ام.
۶:۲۳؛ ۲۱:۲۴ ۶ و اکنون به علت امیدواری به وعده ای[j] که
بوسیلهٔ خدا به پدران ما داده شده مقابل
دادگاه هستم؛ ۷ [وعده ای] که همهٔ دوازده
قبیلهٔ ما به شدت، شب و روز [خدا را]
خدمت می کنند و امیدوار آمدن آنند. ای
۱۵:۲۴ پادشاه، به سبب این امیدواری، بوسیلهٔ
یهودیان متهم شده ام[k]. ۸ چرا در بین شما
روم ۱۷:۴؛ عبر ۱۹:۱۱ آن که خدا مردگان را برخیزاند باور
نکردنی قضاوت شده است[l]؟
۹ باری پس من، به نظرم رسید که بایستی
۲۲:۲ علیه نام[m] عیسی ناصری مخالفت بسیار
کرد. ۱۰ و در اورشلیم چنین کردم و از
کاهنان اعظم قدرت یافته بسیاری از
مقدسان[n] را نیز به زندان انداختم و چون
آنان را می کشتند، رأی موافق می دادم[o].
۱۱ و در همه کنیسه ها بارها آنان را
مجازات کرده مجبور می کردم کفر[p] بگویند
و در شدت جنونی که علیه ایشان داشتم تا
به شهرهای خارج آنان را تعقیب می کردم.
۱۲ در این میان که با قدرت و فرمان از ۲:۹
کاهنان اعظم به دمشق می رفتم، ۱۳ ای
پادشاه! در راه، در وسط روز، نوری لو ۹:۲
درخشان تر از خورشید دیدم که از بالای
آسمان آمد و من و همراهان مرا احاطه
کرد[q]. ۱۴ و چون همگی مان به زمین
افتادیم، صدایی شنیدم که به من به لهجهٔ
عبرانی[r] می گفت: «شائول، شائول، چرا مرا
شکنجه می دهی؟ برای تو دشوار است در
مقابل سر نیزه[s] لگد بزنی» ۱۵ اما من گفتم:
«خداوندا، تو کیستی؟» و خداوند گفت:

h- ر.ک ۳:۲۲. در اینجا پولس در مورد تولدش در طرسوس سخنی نمی گوید. مطالب خود را مختصر کرده است برای اینکه مخصوصاً دربارهٔ فعالیت هایش در اورشلیم یادآوری و تأکید نماید (ر.ک ۲۰:۹، ۲۱، ۲۶ o).
i- ترجمهٔ دیگر: دقیق ترین و سخت ترین جنبهٔ دین خود...
j- این امیدواری که بوسیله وعده به پدران گشوده شده (ر.ک ۳:۲۵-۲۶) به نظر پولس در رستاخیز مردگان متمرکز است که قبلاً در عیسی تحقق یافته است (بند ۲۳ d؛ بند ۲۶ f).
k- ر.ک ۶:۲۳ m.
l- با این اصرار که نه دربارهٔ رستاخیز نهایی بلکه در مورد قدرت حیات بخشی خدا است اظهارات مربوط به رستاخیز عیسی در بند ۲۳ آماده می شود.
m- ر.ک ۱۶:۳ v.
n- بکار بردن کلمهٔ مقدسان موجب تأکید بیشتری به مجرمیت پولس می شود (۱۳:۹ j).
o- رأی موافقی که در مورد قتل استیفان داده بود یکی از این موارد بوده است (۱:۸).
p- کفر گفتن، عبارت از لعنت کردن نام عیسی بوده است (ر.ک ۴۵:۱۳ v؛ ۱-قرن ۳:۱۲).
q- در اینجا گفته می شود که روشنایی تمام حاضران را احاطه کرد و فقط منحصر به پولس نبود (۳:۹؛ ۶:۲۲، ۹): شاید تجسم قبلی نوری است که در ۲۳ ذکر می شود.
r- تصریح «زبان عبری» مختص به این روایت است (ر.ک ۴:۹؛ ۷:۲۲) و توضیحی برای بکار بردن نام «شائول» است.
s- کلمه ای که در اینجا سرنیزه ترجمه شده، در حقیقت سیخک یعنی سیخ کوچک است که گاوچران بوسیله آن گاو را وادار به حرکت کرده و هدایت می نماید. این ضرب المثل که از منشأ یونانی است در روایت های برابر دیگر نیامده و بدین معنی است

«من آن عیسی هستم که تو او را شکنجه
می‌کنی. ۱۶اما برخیز! و روی پاهایت
بایست[t]! زیرا بدین سبب بر تو ظاهر
شده‌ام که تو را خدمتگزار و شاهد چیزهایی
تعیین کنم که مرا برای آنها دیده‌ای[u] و
آنچه را که [باز هم برای آنها] بر تو ظاهر
خواهم شد[v]. ۱۷و تو را رهایی خواهم داد از ۹:۱۵؛ ۲۲:۱۵؛ ۲۶:۲۰
قوم و از امت هایی که تو را به سوی آنها[w]
می‌فرستم، ۱۸تا اینکه چشمانشان را باز
کنی تا از ظلمت به سوی روشنایی و از
تسلط شیطان به سوی خدا برگردند و به
وسیلهٔ ایمان به من[x] بخشایش گناهان و ۱۳:۴۷؛ ۱-تسا ۱:۹
میراثی در بین مقدسان[y] دریافت کنند.» ۲۰:۳۲؛ کول ۱:۱۲
۱۹بدین سبب، ای پادشاه اغریپاس،
نسبت به رؤیای آسمانی نافرمانی نبرده‌ام؛
۲۰بلکه نخست به آنان که در دمشق
بودند، سپس به اورشلیم و به تمام ۹:۲۷-۲۹؛ روم ۱۵:۱۹
سرزمین یهودیه[z] و امت ها، موعظه
می‌کردم توبه کنند و به سوی خدا
بازگشت نموده[a]، اعمال شایسته توبه[b] را
بجا آورند. ۲۱به سبب این چیزها یهودیان ۲۴:۱۹
در معبد مرا گرفته و سعی کردند مرا از ۲۱:۳۰-۳۱
بین ببرند. ۲۲اما تا امروز با کمکی که از
خدا یافته‌ام ایستادگی کرده به خرد و
بزرگ شهادت داده‌ام و غیر از آن ۲۴:۱۴
چیزهایی را که انبیاء و موسی گفته‌اند ۱۷:۲-۳؛ لو ۲۴:۴۶
باید روی دهد نگفته‌ام[c]، ۲۳که مسیح
باید رنج بکشد و نخستین برخاسته از

که مقاومت گاو در مقابل دستورهای گاوچران بیهوده است. در این روایت فقط بحران روحی و درونی پولس توصیف نشده بلکه وضعیت حقیقی او است. یعنی پولس در مخالفت با نیروی مقاومت ناپذیری که در او ظاهر شده وضع خود را وخیم تر خواهد کرد.

t- اشاره به دریافت الهام حزقیال است (حزق ۲:۱، ۳)؟ سخنان عیسی که در اینجا می‌آید بر مبنای دو نکته ترتیب یافته اند و آنها را کلید و مفتاح عبارت می یابیم: یکی: «امت مشرک» که الهام یافتن ارمیا را بیاد می‌آورد (۱:۵، ۷-۸، ۱۰) و دیگری «روشنایی (ملّت ها)» است که به برگزیدن خدمتگزار در کتاب اشعیا برمی‌گردد (اش ۴۲:۶-۷، ۱۶). در اینجا عیسی به پولس خطاب می نماید، همچنانکه خدا به پیامبرانش در هنگام فرستادن آنان خطاب می کرد و اعزام به مأموریت نزد امت ها به تمامیت رساندن نبوّت ها در عهد عتیق است (ر.ک ۱۵:۱۴ m؛ ۱۳:۴۷ x؛ ۲۸:۲۵-۲۸). در مورد لحظه و زمان این مأموریت ۲۲:۲۱ b؛ (ر.ک ۲۲:۱۷).

u- در نسخهٔ خطی دیگری: رؤیایی که داشته ای.

v- ر.ک ۱۳:۳۱ o؛ ۹:۱۸.

w- ضمیر موصول که در اینجا آمده نشان می‌دهد که منظور از امت ها نه فقط مشرکان است بلکه شامل یهودیان (قوم) هم می‌شود.

x- ر.ک ۱۳:۳۸ s؛ ۲:۴۴ a.

y- ر.ک ۲۰:۳۲ l.

z- در بعضی نسخه های خطی: سرزمین یهودیان. این موعظهٔ پولس در یهودیه با مفاد غلا ۱:۲۲ تطبیق نمی کند. شاید نویسنده در اینجا طرح اعزام رسولان را به مأموریت ۱:۸ را یادآوری کرده تا نشان دهد که پولس پس از دوازده رسول مجری این طرح است.

a- ر.ک ۳:۱۹ a.

b- ترجمه دیگر: زندگی به طرزی که پاسخ به این توبه کردن باشد.

c- در اینجا پولس ایمان خود را به تمامیت رسیدن نوشته های مقدس به حدّ نهایت می رساند (ر.ک ۳:۱۸ z). به یک معنی انجیل چیزی به عهد عتیق نمی افزاید زیرا هرچه اظهار می شود (بند ۲۳) قبلاً اعلام شده است (ر.ک یادداشت قبلی). و منظور آنست که نشان داده شود چقدر ایمان مسیحیت بدرستی و کاملاً متضمّن در ایمان اسرائیل است (ر.ک بند ۲۸ g).

میان مردگان[d] باشد و روشنایی[e] را به قوم
و امت ها اعلام نماید.» ۴۷:۱۳؛ لو ۹:۲
۲۴وقتی با این چیزها دفاع خود را ارائه
کرد، فستوس به صدای بلند گفت: «ای
پولس، تو مجنون هستی، دانش بسیار تو
را به جنون کشانده است.» ۲۵اما پولس
گفت: «ای فستوس عالیقدر، من مجنون
نیستم بلکه سخنانی را از حقیقت و از
حکمت بیان می کنم، ۲۶زیرا پادشاهی که در
مقابل او با اطمینان سخن می گویم از این
چیزها آگاه است چون معتقدم چیزی از اینها
بر او مخفی نیست و در گوشهٔ خلوتی روی
نداده است[f]. ۲۷ای پادشاه اغریپاس، آیا به
انبیاء ایمان داری؟ می دانم که ایمان
داری...» ۲۸اما اغریپاس به پولس [گفت]:
«با همین اندک، می خواهی مرا قانع کرده و
مسیحی کنی[g]؟» و۲۹پولس [گفت] : «از
خدا التماس دارم که به اندک یا بسیار، نه
تنها تو بلکه همهٔ آنهایی نیز که به من گوش
می دهند هم چنان که من نیز هستم بشوند[h]، ۲۹:۲۳
به استثنای این زنجیرها...»
۳۰پادشاه برخاست، همچنین حکمران
و برنیکی و آنانی که با ایشان بودند، ۳۱و
در حین رفتن بین خودشان صحبت کرده
می گفتند که این انسان سزاوار هیچ مرگ
یا بندی نیست. ۳۲و اغریپاس به فستوس
گفت: «این انسان، اگر از قیصر
دادخواهی نکرده بود، می توانست آزاد
شود.»

سوار شدن به کشتی به مقصد رم[i]

۲۷ ۱و چون تصمیم گرفته شد به مقصد
ایتالیا به کشتی سوار شویم[j]، پولس و
به علاوه چند زندانی دیگر را به افسری از

d- ترجمهٔ دیگر: و او که نخستین برخاستهٔ از میان مردگان است... در اینجا رستاخیز عیسی همچون نخستین تحقق یافتن و اجرای قبلی امید بزرگ اسرائیل است (ر.ک ۲:۴ j؛ ۱۳:۳ q؛ ۱-قرن ۱۵:۲۰؛ کول ۱:۱۸). (ر.ک بندهای ۶ j و ۸ l). در اینجا مشاهده می شود که ایمان مسیحی در ایمان یهود متضمن است (ر.ک یادداشت قبلی و بند ۲۸ g).

e- یعنی نجاتی که اعلام آن نه به پولس نسبت داده شده (۴۷:۱۳ x) و نه به موعظه های مسیحی (۱۲:۴۱ s) بلکه مستقیماً منسوب به عیسی است (ر.ک ۳:۲۶). این آخرین بار بکار بردن کلمهٔ «روشنایی» در کتاب اعمال رسولان است که در خارج از روایت های (۷:۱۲؛ ۲۹:۱۶) مربوط به دریافت الهام پولس نیامده است (بندهای ۱۳ q؛ ۱۸؛ ۹:۳؛ ۴۷:۱۳؛ ۶:۲۲، ۹، ۱۱).

f- زیرا مرگ و رستاخیز عیسی و همچنین اعلام روشنایی (بند ۲۳) از اورشلیم گذشته (بند ۴ h) سپس در یهودیه و در تمام دنیا اعلام گردیده است (بند ۲۰).

g- ترجمهٔ دیگری که کمتر محتمل است: باز هم اندکی و تو مرا قانع می کنی که یک مسیحی ساخته ای. اغریپاس به خوبی روش استدلال پولس را درک کرده است که می خواهد بگوید کسی که به پیامبران ایمان دارد (بند ۲۷) مسیحی است (بند ۲۲ c) ولی این طرز استدلال را که به نظرش زیاد سهل و ساده است نمی پذیرد. پولس از کلمهٔ تحقیرآمیز «اندک» استفاده می کند که مجدداً دعوت نهایی به توبه و گرایش را پیشنهاد کند (ر.ک یادداشت بعدی).

h- کسی به وسیله یک انسان مسیحی نمی شود بلکه این امر با دخالت خدا انجام می شود (ر.ک ۱۸:۱۱ m) سخنان دفاعی پولس بدین گونه و به مانند موعظه عادی با دعوت به توبه و گرایش پایان می پذیرد (۱۹:۳ a).

i- نتیجه دادخواهی پولس از امپراتور (۲۵:۱۱؛ ۲۶:۳۲)، فرستادن او به روم و تحقق یافتن یک نقشه رسالتی (۱۹:۲۱) و اجرای مشیت الهی است (۲۳:۱۱). این مسافرت طولانی خالی از خطرها و مرارت ها نخواهد بود (۲۷:۱-۲۸:۱۶) ولی ظاهراً به نظر نویسنده، خدا جریان وقایع را هدایت می نماید. (بندهای ۹ v؛ ۲۴ g؛ ۳:۲۸ r).

j- در اینجا مجدداً روایت با ضمیر اول شخص جمع «ما» است و تا رسیدن به روم به همین ترتیب ادامه خواهد یافت. نویسنده خود را همچون یکی از شرکت کنندگان در این مسافرت ارائه کرده و روایتی دقیق و زنده می دهد.

لشکریان اغسطا[k] به نام یولیوس سپردند. [۲]و
به یک کشتی ادرامیتینی[l] که قرار بود به
طرف بنادر آسیا حرکت کند سوار شدیم. از
۱۹:۲۹؛ ۴:۲۰؛ فیل۲۴ ساحل دور شدیم. ارسترخس مقدونی از
تسالونیکی همراه ما بود. [۳]و روز بعد در
صیدون[m] پیاده شدیم و یولیوس که نسبت به
پولس با انساندوستی[n] رفتار کرده اجازه داد
۲۳:۲۴؛ ۱۶:۲۸، ۲۳، ۳۰ به نزد دوستانش رفته از توجهات [ایشان]
برخوردار شود. [۴]از آنجا روانه شده و [از
طول ساحل] زیر قبرس[o] گذشتیم چون بادها
مخالف بودند. [۵]و از دریای کنار کیلیکیه و
پامفیلیه گذشته و در میرای[p] لیکیه پیاده
شدیم[q]. [۶]و در آنجا، افسر، یک کشتی از
اسکندریه[r] را یافت که به ایتالیا می‌رفت و
ما را بر آن سوار کرد. [۷] و برای بسیاری
روزها به آهستگی رفته و به دشواری برابر
قنیدس[s] رسیدیم، ولی چون باد به ما رخصت
نمی داد [در طول ساحل در] زیر [جزیرهٔ]
کرت بدر مقابل سلمونی[t] راندیم. [۸] و به
دشواری از کنار ساحل آن گذشته به مکانی
رسیدیم که آن را بندرهای نیکو می نامند و
نزدیک شهر لسائیه[u] است.

[v][۹]چون مدت زیادی گذشت و حالا
دریانوردی خطرناک شد، زیرا اکنون حتی
[ایام] روزه[w] نیز گذشته بود، پولس
هشدار داده، [۱۰]به ایشان گفت: «ای
مردان! می بینم که دریانوردی بدون
خسارت و ضایعات بسیار نه فقط برای بار
و کشتی بلکه هم برای جان های ما نخواهد
بود.» [۱۱]ولی افسر بیشتر به ناخدا و ملاح ۲-قرن ۲۵:۱۱

k- شاید یک واحد نظامی مخصوص در خدمت امپراتور بوده است.

l- ادرامیتین شهری در ساحل غربی آسیای صغیر و در مقابل جزیرهٔ لسبوس است. کشتی های تجارتی علاوه بر حمل بار، مسافرینی هم می گرفتند.

m- صیدون شهری در فنیقیه است که امروزه هم دارای اهمیت است. در مورد اشاعه انجیل در این شهر ر.ک ۱۹:۱۱. منظور از دوستان پولس که در اینجا ذکر شده مسلماً مسیحیان شهر هستند.

n- ر.ک ۳۱:۲۷، ۴۳ نویسنده مخصوصاً نظر مساعد افسر را نسبت به مسیحیان (۱:۱۰؛ ۱۷:۲۳؛ ر.ک ۲۲:۲۵-۲۶) یا نسبت به عیسی یاد می کند (لو ۵:۷ n؛ ۴۷:۲۳ n).

o- منظور ساحل شمالی قبرس است و باد از مغرب است.

p- در بعضی نسخه های خطی: پس از پانزده روز پیاده شدیم.

q- میرا در لیکیه محل توقف معمولی مسافرت بین مصر و یونان بوده است. ر.ک ۱:۲۱.

r- کشتی های تجارتی اسکندریه متعدد و مهم بوده اند. این کشتی ها گندمی را که مصر به امپراتوری روم می داد حمل می کردند. ر.ک بند ۳۸.

s- در انتهای جنوب غربی آسیای صغیر.

t- در جنوب جزیرهٔ کریت.

u- در ساحل جنوبی جزیره.

v- روایت طوفانی که در اینجا آغاز می شود از نوع ادبیات معین و متداول دوران کهن است (مز ۱۰۷؛ یون ۱؛ اُدیسه؛ انئید). برطبق این طرح ادامه می یابد: نخست شرحی دربارهٔ دریانوردی (بندهای ۹-۱۱). طوفان هیچ امیدی باقی نمی گذارد (۱۳-۲۰)، فرشته ای دلگرمی داده و پولس دخالت می نماید (۲۱-۲۶) بالاخره کشتی به شن نشسته و متلاشی می شود (۲۷-۴۴) ولی فکر اساسی در این روایت آنست که خدا پولس را به سوی مقصدی که تعیین شده یعنی روم هدایت می کند. (بندهای ۲۴-۲۵)

w- منظور عید استغفار است که در ماه سپتامبر برگزار می شد. معمولاً از ماه سپتامبر تا فوریه یا مارس دریانوردی نمی کردند. شاید پولس الهام یافته و برخلاف نظر دریانوردان حرفه ای حق داشته است (بند ۲۱ f).

باشی[x] اعتماد می کرد تا به گفته های پولس. [۱۲]اما چون بندر برای [گذراندن] زمستان مناسب نبود، اکثراً بر این رأی بودند تا از آنجا عزیمت نمایند و اگر بتوانند برای [گذراندن] زمستان به فینیکس برسند که بندری در کرت می نمود، به طرف جنوب غربی و به طرف شمال غربی[y].

طوفان

[۱۳]چون نسیم ملایمی از جنوب وزید، گمان کردند که به مقصد رسیده اند [پس لنگر] برداشته و کناره کرت را می پیمودند. [۱۴]اما پس از مدت کوتاهی [ناگهان] باد طوفانی که شمال شرقی[z] نامیده می شد بر آن[جزیره] وزیدن گرفت، [۱۵]و کشتی را برد آن طوری که نمی توانست در مقابل باد مقاومت کند، [پس خود را] رها کرده، همراه [باد]رانده می شدیم[a]. [۱۶]پس در پناه جزیره ای به نام کودا رانده و با دشواری توانستیم بر زورق تسلط پیدا کنیم. [۱۷]آن را بالا کشیده[b]، طناب های کمکی به دور کشتی کشیدند[c] و چون می ترسیدند مبادا در [خلیج]سیرتس[d] فرو روند، لنگر شناور را به پایین انداختند[e] و بدین گونه به هر طرف رانده می شدند. [۱۸]و روز بعد چون طوفان به شدت ما را می کوبید [مقداری] از بار را بیرون ریختند؛ [۱۹]و روز سوم با دست های خود تجهیزات کشتی را دور انداختند. یون ۱:۵
[۲۰]چون روزهای بسیار نه خورشید و نه ستارگان ظاهر شدند و طوفانی بزرگ [بر ما] افتاد، دیگر هر گونه امید به اینکه ما نجات یابیم از بین رفته بود.

[۲۱]نیز مدتی طولانی غذا نخورده بودند. آنگاه پولس در میان ایشان ایستاده گفت: «ای مردان[f]! می بایستی به من گوش می کردید و از کرت عزیمت نمی کردیم و این خسارت و زیان را نداشتیم. [۲۲]اما اکنون به شما نصیحت می کنم که دلگرم باشید زیرا هیچ خسارتی به [جان] شما نخواهد رسید. تنها کشتی [از بین خواهد رفت]، [۲۳]زیرا

x- بعضی از مترجمان این کلمه را نمایندهٔ مالک مال التجاره یا نمایندهٔ صاحب کشتی ترجمه کرده اند.
y- ترجمهٔ دیگر: «که به سوی جنوب غربی و شمال غربی باز است». این جمله را می توان همچنین درک کرد: که «به سوی جنوب غربی و شمال غربی مسدود است» که از نظر جغرافیایی مناسب تر است ولی معنی عبارت را نقض خواهد کرد. این بندر که از طرف مغرب به خوبی محفوظ نیست، لااقل از بادهای شمال و شمال شرقی ایمن است؛ در مورد تعیین محل دقیق این بندر نظرهای مختلفی وجود دارد.
z- باد شمال شرقی که کشتی را به سوی آفریقا می راند است.
a- در نسخه خطی غربی: ... بر اثر باد رانده می شدیم و بادبانها را پیچیده بودیم.
b- معمولاً زورق در پی کشتی کشیده می شد.
c- در دوران کهن طنابهایی به دور بدنه کشتی کشیده و محکم می بستند تا بر اثر ضربه های امواج قطعات مختلف بدنهٔ کشتی از هم جدا نشده و متلاشی نگردد.
d- خلیج سیرنائیک (قیروان) در ساحل آفریقا.
e- قطعه چوبی بزرگی که در عقب کشتی بر روی آب شناور بوده و کشیده می شد تا کشتی را در امتداد جریان باد نگه دارد.
f- : «ای دوستان من،» پولس با توجه به اینکه نظریه او «پیشگویی او» تحقق یافته است با اطمینان و قدرت سخن می گوید. این بار اظهارات او (بند ۹ v) صریحاً منسوب به دخالت الهی است و دعوت ضمنی به ایمان آوردن به خدا می باشد.

۹:۲۳ دیشب از خدایی که متعلق به اویم و او را
عبادت می کنم فرشته ای بر من ظاهر شده،
۹:۱۸؛۱۵:۹؛ مت۱۰:۱۸ [۲۴]می گفت: مترس، ای پولس، تو باید[g] در
برابر قیصر حاضر شوی و اینک خدا تمام
همسفران تو را به تو بخشیده است. [۲۵]پس،
ای مردان! جرأت داشته باشید زیرا به خدا
ایمان دارم که همان گونه که به من گفته شده
است انجام خواهد شد. [۲۶]ولی باید[h] در
جزیره ای ما بیفتیم.

نجات یافتن از کشتی غرق شده

[۲۷]و چون چهاردهمین شبی بود که
[بی اختیار] در [دریای] آدریاتیک[i] رانده
می شدیم در نیمه شب بعضی از ملوانان
گمان کردند به خشکی نزدیک می شوند.
[۲۸]و عمق سنجی کرده دریافتند بیست
قامت است. و اندکی دورتر شده دوباره
عمق سنجی کرده، دریافتند پانزده قامت
است. [۲۹]و چون می ترسیدند مبادا به
جاهای صخره ای بیفتیم، از عقب کشتی
چهار لنگر انداخته و [خیلی] آرزو داشتند
روز فرارسد. [۳۰]اما ملوانان در پس آن
بودند که از کشتی فرار کنند و به بهانهٔ
کشیدن لنگرهای جلو، زورق را به دریا
پایین داده بودند. [۳۱]پولس به افسر و
سربازان گفت: «اگر اینان روی کشتی
نمانند شما نمی توانید نجات یابید.»
[۳۲]پس سربازان طناب های زورق را بریده
و گذاشتند بیفتد.
[۳۳]و پولس تا فرا رسیدن روز همه را
تشویق می کرد غذا بخورند. می گفت:
«امروز چهاردهمین روز است که غذا نخورده
انتظار می کشید و هنوز چیزی نخورده اید.
[۳۴]بدین سبب به شما توصیه می کنم غذا
بخورید، چونکه برای نجات شما است، زیرا
هیچ مویی از سر شما نخواهد افتاد.» [۳۵]و مت ۱۰:۳۰
پس از گفتن این چیزها در مقابل همه نانی
گرفته، خدا را سپاس گفته، آن را پاره کرده
و شروع به خوردن کرد[j]. [۳۶]پس آنان نیز
همگی دلگرم شده غذا گرفته خوردند. [۳۷]و
همه نفوس در کشتی دویست و هفتاد و شش
نفر بودیم. [۳۸]پس از اینکه از غذا سیر شدند
[بار] گندم را به دریا ریخته، کشتی را سبک
کردند.
[۳۹]و چون روز شد، آن زمین را
نمی شناختند اما متوجه خلیجی شدند که
ساحلی [شنی] داشت و می خواستند اگر
بتوانند کشتی را به طرف آن برانند.
[۴۰]پس لنگرها را [از دو طرف] بریده، به
دریا انداختند و هم زمان بندهای سکان ها[k]
را باز کرده و بادبان مقدم[l] کشتی را در
مقابل بادی که می وزید برافراشتند و به

g- «باید»، این ضرورت به طرح مشیت خدا برمی گردد (۲۱:۳؛ ۲۳:۲) ر.ک ۱:۲۷.
h- در مورد این ضرورت ر.ک به یادداشت قبلی.
i- منظور دریایی که امروزه آدریاتیک نامیده می شود نیست بلکه سرتاسر دریای بین یونان و جزیره سیسیل است.
j- در نسخه خطی «غربی»: به ما هم داد. با این تذکر که در نسخه «غربی» آمده است نویسنده به جنبهٔ آیین سپاسگزاری این عمل تأکید می نماید در صورتی که مسلماً برای پولس فقط نان خوردن عادی است.
k- ترجمهٔ تحت اللفظی: ترمزهای سکانها. که عبارت از پاروهای بزرگ و پهنی بوده که با طنابهایی بسته شده بودند.
l- بادبان کوچکی که در جلو کشتی است.

۱۹:۱۲؛ ۲۷:۱۶

سوی ساحل راندند. [۴۱] اما در وسط جایی
افتادند که بین دو دریا[m] بود، کشتی را به
جانب گل راندند و جلو [کشتی] سریعاً [به
گل] چسبیده، بی حرکت ماند[n] و عقب
کشتی، از شدت امواج متلاشی شد. [۴۲] و
سربازان قصد داشتند زندانیان را بکشند
تا کسی با شنا کردن فرار نکند. [۴۳] اما افسر
که می‌خواست پولس را نجات دهد، مانع
طرح ایشان شده و دستور داد نخست آنان
که شنا بلد هستند در آب پریده خود را به
خشکی برسانند، [۴۴] و بقیه، بعضی‌ها [بر]
روی تخته‌ها، بعضی‌ها بر روی چیزهایی از
کشتی[o]، و بدینسان همگی صحیح [و
سالم] به خشکی رسیدند.

پولس در جزیرهٔ مالت

۲-قرن ۲۶:۱۱ **۲۸** [۱] و پس از اینکه نجات یافتیم،
۲۶:۲۷ دریافتیم که این جزیره مالت نامیده
می‌شود. [۲] و بومیان[p] نسبت به ما[q]،
۲-قرن ۲۷:۱۱ انسانیتی غیر معمول ابراز داشتند، زیرا به
سبب بارانی که می‌آمد و به سبب سرما،
آتشی روشن کرده و همگی ما را پذیرا
شدند. [۳] چون پولس مقداری چوب خشک
جمع کرده و بر روی آتش گذاشت، یک
افعی بر اثر حرارت از آنها بیرون آمده به
دستش محکم شد[r]. [۴] و وقتی بومیان دیدند
جانور از دستش آویزان است به یکدیگر
گفتند: «حتماً این آدم جنایتکاری است که
از دریا نجات یافته [اما] عدالت[s]
نمی‌گذارد زنده بماند.» [۵] اما او جانور را
لو ۱۹:۱۰؛ مر ۱۸:۱۶ در آتش تکاند، صدمه ای متحمل نشد.
[۶] آنان منتظر بودند که [باید] ورم کند یا
ناگهان افتاده بمیرد، مدت زیادی انتظار
کشیدند و چون ملاحظه کردند هیچ ناراحتی
بر او نرسیده است تغییر عقیده داده و
۲۲:۱۲؛ ۱۱:۱۴ گفتند او یک خدا است.
[۷] و در اطراف آن محل، املاکی[t] از آن
رئیس جزیره[u] به نام پوبلیوس بود که ما

m- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: جایی در میان دو جریان آب.
n- یادآوری داستان اُدیسه: ۵۴۶:۹.
o- یا اینکه می‌توان درک و ترجمه کرد (به احتمال کمتر): و بعضی‌ها که به وسیلهٔ کارکنان کشتی حمایت می‌شدند.
p- این کلمه یونانی را گاهی وحشیان یا بربریان ترجمه کرده‌اند که صحیح نیست زیرا یونانیان این کلمه را در مورد کسانی بکار می‌بردند که به زبانی دیگر سخن می‌گفتند (ر.ک روم ۳۴:۱). در جزیرهٔ مالت اهالی به زبانی از ریشه زبان اهالی کارتاژ سخن می‌گفتند.
q- برخلاف فصل ۲۷، در اینجا و در بند ۷ منظور از ضمیر «ما» فقط مسیحیان هستند و نویسنده دیگر چیزی در مورد همراهان پولس نمی‌گوید (ولی ر.ک ۱۶:۲۸).
r- این روایت معجزه (بندهای ۳-۶؛ ر.ک لو ۱۹:۱۰؛ مر ۱۸:۱۶) و روایت بعدی (۷-۱۰) نشان می‌دهند که خدا همیشه با پولس است (ر.ک ۱:۲۷ j).
s- ترجمهٔ دیگر: عدالت الهی، در نظر یونانیان عدالت نام رب‌النوعی بود که فرار از او امکان نداشت. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا اهالی جزیرهٔ مالت هم بر این عقیده بوده‌اند؟
t- برطبق روایات این ملک در محلی به نام سن پُل میلتی (یعنی خوشامد یا پذیرا) قرار داشته که در نخستین شیب‌های تپه‌های مورموراد و چندان اَز خلیج کوچکی به دور نیست و ممکن است این خلیج محل غرق کشتی باشد. کاوشهای جدیدی که شده نشان می‌دهند که این روایات کهن لااقل مربوط به قرن چهارم میلادی است.
u- ترجمه تحت‌اللفظی: از آنِ نخستینِ جزیره. که عنوان صحیح و رسمی بالاترین مقام دولتی جزیرهٔ مالت در دوران تسلط رومیان بوده است.

۴۸:۱۰؛ را پذیرا شده و سه روز با مهربانی به ما
۱۵:۱۶؛ ۱۴:۲۸ منزل داد. ۸ و چنین شد که پدر پوبلیوس
۶:۶؛ لو ۴:۴۰؛ به علت تب و اسهال [مزمن] بستری بود،
مر ۹:۲۹؛ یع ۱۴:۵ پولس [به نزد او] وارد شده و نیایش
کرده و دست‌ها را بر او نهاده[v] او را شفا
داد. ۹ پس از این رویداد بقیه هم که در
۱۵:۵-۱۶؛ ۷:۸ جزیره بیماری‌هایی داشتند [پیشش]
می‌آمدند و شفا[w] می‌یافتند. ۱۰ آنان نیز
به ما احترام[x] زیاد گزاردند و چون
۳۴:۲۰ عزیمت کردیم نیازمندی‌های ما را فراهم
کردند.

مسافرت از مالت به رم

۱۱ و پس از سه ماه[y] سوار کشتی شدیم
که از اسکندریه می‌آمد و زمستان را در
جزیره گذرانده بود و علامت جوزا
داشت[z]. ۱۲ و در سراکوس پیاده شده
سه روز ماندیم. ۱۳ از آنجا با حرکت به
موازات ساحل[a] به ریغیون رسیدیم و پس
از یک روز باد جنوب برخاسته، روز بعد
به پوطیولی[b] رسیدیم. ۱۴ در آنجا
برادرانی یافته که از ما دعوت کردند که ۶:۲۰؛ ۴:۲۱
هفت روز نزد ایشان بمانیم و بدین گونه
به رم رسیدیم[c]. ۱۵ و در آنجا برادران[d] که
در مورد ما شنیده بودند تا میدان اپیوس
و سه میکده[e] به پیشواز ما آمدند و چون
پولس آنان را دید خدا را سپاس گفته
دلگرم شد[f].

v- ترجمهٔ دیگر: بوسیله نیایش و گذاشتن دست‌ها. در مورد این عمل ر.ک ۶:۶ q.

w- این نوع اظهارات کلی در جاهای دیگر کتاب اعمال رسولان آمده است (۷:۸؛ ۱۱:۱۹-۱۲؛ ر.ک ۹:۳۱؛ ۱۲:۲۴؛ ۱۹:۲۰) و تا اندازه‌ای روایت‌های مهم اجمالی آغاز کتاب را به یاد می‌آورد (z ۴۲:۲) ر.ک لو ۴:۴۰؛ ۵:۱۵؛ ۷:۲۱. نویسنده این معجزه‌ها را (ر.ک بند ۳ r) به موعظه‌ای ارتباط نداده وانگهی در طول روایت مسافرت از قیصریه تا روم هیچ موعظه‌ای به معنی واقعی کلمه روایت نشده است و فقط در شهر روم است که اعلام انجیل از سر گرفته می‌شود (۲۸:۲۳-۳۱).

x- و شاید با هدایای متعددی.

y- محتملاً در ماه مارس یا فوریه. ر.ک ۲۷:۹ w.

z- کلمه یونانی که جوزا ترجمه شده نام تعدادی از ستارگان است که یکی از دوازده برج نجومی را تشکیل می‌دهند ضمناً برطبق اساطیر یونانیان، دو پسر رب النوعی زئوس را (کاستور و پلوکس) به این نام می‌خواندند. حتماً تصویر نقاشی شده یا مجسمهٔ آنها در عقب کشتی علامت مشخصهٔ کشتی بوده است. پرستش این دو رب‌النوع در مصر شایع بوده است.

a- درک و ترجمهٔ این متن مبهم و نامعلوم است چنانکه می‌توان ترجمه کرد: طنابهای مهار کشتی را گشوده...

b- فاصله بین ریغیون و پوطیولی در حدود ۳۵۰ کیلومتر است. بندر پوطیولی در خلیج ناپل قرار دارد و در آن تاریخ بندر اوستی که کلودیوس ایجاد کرده و ترتیب داد هنوز رونق و اشتهار پوطیولی را نپوشانده بود. دربارهٔ بنیانگزاری و منشأ جمعیت مسیحیان پوطیولی چیزی نمی‌دانیم و در کتاب اعمال رسولان نام چندین جمعیت ذکر شده بدون اینکه منشأ و آغاز تشکیل آنها تعیین شده باشد مثلاً: جمعیت دمشق ۹:۱۰؛ یافا ۹:۴۱؛ قیلیقیه ۱۵:۲۳؛ جلیل ۹:۳۱؛ اسکندریه ۱۸:۲۴، ۲۵ (بنابه نسخه های مختلف)؛ افسس ۱۸:۲۷؛ پتولامس ۲۱:۷؛ روم ۲۸:۱۵.

c- نویسنده پیشاپیش آنچه را در بند ۱۶ خواهد گفت اظهار می‌کند؛ شاید منظورش اینست که مسافرت عملاً به پایان رسیده است، زیرا اگر شخصی از پوطیولی، از طریق جاده کالپانا و سپس جاده آپیا، پیاده به روم می‌رفت پنج روز طول می‌کشید. (تقریباً ۲۰۰ کیلومتر).

d- در آن موقع، از چند سال پیش یعنی از حدود سال ۵۰ میلادی (۱۸:۲) برادرانی در روم بودند ولی نویسنده چیزی دربارهٔ منشأ کلیسای پایتخت امپراتوری نمی‌گوید (ر.ک بند ۱۳ b).

e- میدان یا استادیوم آپیوس در حدود ۶۵ کیلومتری روم و «سه میکده» در حدود ۴۹ کیلومتری روم قرار داشته است.

f- از این اظهارات می‌توان حدس زد که پولس دلواپس بوده و از نخستین تماسهای خود با کلیسای روم چندان اطمینان نداشته است. روم ۱:۱-۱۵ (ر.ک ۱۵:۲۰).

پولس در رم

[۱۶ ff]و وقتی به رم وارد شدیم اجازه دادند
پولس با سرباز محافظ در [خانهٔ] خودش ۲۳:۲۴؛ ۳۰:۲۸
بمـانـد[g]. [۱۷]و پس از سه روز او بـزرگـان
یهودی[h] را احضار کرده و چون ایشان جمع
شدند گفت: «ای مردان، برادران! من که ۸:۲۵
هـیچ چـیـزی عـلـیه قـوم یـا رسـوم اجـداد ۳۳:۲۱؛ ۲۴:۲۲؛ ۲۷:۲۳
نکرده ام از زمانی که در اورشلیم مرا تسلیم
دستان رومیان کرده اند، زندانی هستم؛ [۱۸] ۲۶:۲۴؛ ۱۲:۲۵؛ ۳۲:۲۶
که آنان از من باز جویی کرده و چون هیچ
عـلـتـی بـرای اعـدام در من نـیـافـتـنـد
می‌خواستند مرا رها کنند. [۱۹]ولی چون ۱۱:۲۵، ۲۱، ۲۵؛
یـهودیـان مخالفت کردنـد مجبور شدم از ۳۲:۲۶
قیصر دادخواهی کنم بدون اینکه قوم خود
را به چیزی متهم نمایم[i].
[۲۰]پس بدین سبب تقاضا کرده ام شما
را ببینم و با شما صحبت کنم زیرا به
سبب امید اسرائیل است که این زنجیر بر
من است[j].» و [۲۱] آنان به او گفتند: «ما
نه نامه هایی دربارهٔ تو از یهودیه دریافت ۲:۹؛ ۵:۲۲
کرده ایم و نه هیچ کدام از برادران که به
اینجا رسیده دربارهٔ تو خبری داده یا
[چیز] بدی گفته است. [۲۲]اما سزاوار
دانستیم آنچه را فکر می کنی از خودت
بشنویم زیرا فی الواقع ما می دانیم درباره
این فرقه[k] که در همه جا با مخالفت
روبرو می شود.» [۲۳]پس روزی را برای او
تعیین کرده، تعداد زیادتری به منزلش به
نزد او آمدند. وی توضیح داده ملکوت[l] ۲۵:۲۰؛ ۳۱:۲۸
خدا را شهادت می‌داد و از صبح تا شام
در مورد عیسی با استناد به قانون موسی و ۲:۱۷، ۱۱؛
انبیاء سعی در قانع کردن ایشان داشت[m]. لو ۳۱:۱۸؛ ۲۷:۲۴، ۴۴
[۲۴]و بعضی ها حقیقتاً با این گفته ها قانع
شده، دیگران ایمان نیاوردند[n]. [۲۵]چون ۷:۲۳
با یکدیگر موافق نبودند[o] از هم جدا
شدند، در حالی که پولس فقط یک سخن
اضافه کرد: «روح [القدس] بوسیلهٔ
اشعیای نبی خوب به پدران شما گفته

ff- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون در ابتدای آیه آمده است.

g- پولس از ترتیبات مساعدی برخوردار بوده که به زندانی اجازه می‌داده است در جایی که می‌خواهد سکونت نماید و تحت محافظت یک سرباز به کارهای خود بپردازد. در اینجا لوقا مجدداً موقعیت مقامات رومی و وضع پولس را که زندانی است یادآوری می کند. در بعضی از نسخه های خطی ذکر شده که پولس را در محوطه ساختمان حکومتی جا داده بودند در نسخه های دیگری نوشته شده است خارج از اردوگاه، و ممکن است این اطلاعات صحیح باشد.

h- در روم نظیر جاهای دیگر (۴۶:۱۳ w) پولس نخست به یهودیان و سپس به امت ها خطاب می کند (۲۸:۲۸-۳۱).

i- در یکی از نسخه های خطی غربی در اینجا افزوده شده است: بلکه فقط برای اینکه روح خود را (یعنی جان خود را) از مرگ نجات دهم.

j- امید اسرائیل، رستاخیز مردگان است که برخاستن عیسی از میان مردگان تحقق قبلی آن است (۶:۲۶ j).

k- ر.ک ۵:۲۴ o.

l- ر.ک ۳:۱ g.

m- ر.ک ۳:۱۷ x. چکیده پیام مسیحیت به روش بیان مختص لوقا است.

n- بدین گونه نویسنده بار دیگر ذکر می کند (ر.ک ۱:۱۴-۲؛ ۴:۱۷-۵، ۱۲؛ ۶:۱۸-۸) که یهودیان در برابر انجیل (ر.ک بند ۲۹ t) توافق نظر ندارند و سپس یادآوری و تأکید می نماید که روی هم رفته وضع قوم یهود (بند ۲۶) نپذیرفتن و انکار است (بند ۲۵ p).

o- خیلی محتمل است که منظور یهودیان باشند (ر.ک یادداشت قبلی)؛ ولی ممکن است به این مفهوم هم درک نمود که یهودیان با پولس موافق نبودند.

است[p]:
۲۶«به سوی این قوم برو و بگو: به گوش
خود خواهید شنید و هیچ نخواهید فهمید
و نگاه کرده می نگرید و هیچ نخواهید
دید،
۲۷چون دل این قوم کدر شده،
گوش هایشان سنگین شده
و چشمان خود را بسته اند
مبادا با چشمان [خود] ببینند
و به گوش ها[یشان] بشنوند
و از دل بفهمند و بازگردند[q]
و من آنان را شفا دهم[r]؟»
۲۸پس بر شماست که آن را بدانید که ۱۳:۴۶؛ ۶:۱۸
این نجات خدا بر امت ها فرستاده شده[s] و
ایشان[هم] خواهند شنید. [۲۹][t]... ۳۰وی ۲۸:۱۶،۲۳
دو سال تمام در خانهٔ اجاره ای خود ماند[u] و
همهٔ کسانی را که به نزد او می آمدند
می پذیرفت[v]، ۳۱ملکوت خدا را اعلام

p- اکنون نویسنده متن کتاب اشعیا را عیناً نقل می نماید (ر.ک لو ۸:۱۰ a) اش ۶:۹-۱۰؛ این متن «صحیح» و بجا است زیرا اکنون تحقق می یابد (همچنانکه حب ۱:۵ در ۱۳:۱۴)؛ ر.ک مت ۱۳:۱۴-۱۵؛ مر ۴:۱۲؛ یو ۱۲:۴۰. انکار انجیل بوسیله این قوم، در حقیقت بدین معنی است که اکثریت یهودیان نمی پذیرند و بدین گونه واقعه ای که قبلاً در نوشته های مقدس اعلام شده (۳:۱۸ z) و جزو طرح مشیت خدا است تحقق می یابد (۲:۲۳ k) ر.ک بند ۲۷ r.

q- هرگاه مجموعه قوم یهود را در نظر بگیریم، توبه و گرایشی را که موعظه مسیحیت می خواهد نمی پذیرد (۳:۱۹ a).

r- اگر نقل قول اش ۶:۹-۱۰ از متن عبری گفته شده بود چنین خاتمه می یافت: «و شفا نیابند» (ر.ک مت ۱۳:۱۵) ولی نویسنده مثل اکثر اوقات (مثلاً ر.ک ۱۵:۱۵ n) از ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) پیروی می کند که در آن امیدی که برای اسرائیل گشوده است در اش ۶:۱۱-۱۳ پیشاپیش اظهار گردیده و ترجمه شده است: و (=امّا) آنان را شفا خواهم داد. اگر نویسنده این متن را به همان گونه که نقل می نماید درک کرده بود فکر او به همان سمتی متوجه بوده که در روم ۱۱:۱۱-۱۵ ذکر شده و در آنجا انکار اسرائیل قطعی نیست. ولی در حقیقت نویسنده مخصوصاً معنی کلی این نقل قول را درنظر گرفته است (اگر نگوییم منحصراً) (ر.ک یادداشت بعدی) و بدین سبب ترجمه کرده است آیا آنان را شفا خواهم داد؟ و در این عبارت با وجود تهدید، امکان یک دعوت و پذیرش آخری منتفی نیست (ر.ک بند ۳ v).

s- این آخرین باری است که در کتاب اعمال رسولان ذکر می شود انجیل به امت ها اعلام می گردد (ر.ک ۱۳:۴۶ w) و بدین سبب لحنی رسمی دارد. انکار و سنگدلی اسرائیل چه قطعی باشد یا نباشد (ر.ک یادداشت قبلی) نجات خدا را (ر.ک اش ۴۰:۵ ترجمه یونانی) برای امت ها می گشاید و ایشان برخلاف قوم گوش خواهند کرد (ر.ک بند ۲۷).

t- در تعداد زیادی از نسخه های خطی در اینجا نوشته شده است: در موقعی که این را به ایشان می گفت یهودیان رفتند و بین خودشان مجادله بزرگی داشتند.

u- بنابراین پولس مدت دو سال آزاد و تحت نظر بوده است (بند ۱۶ g). اظهارات اخیر از نظر محاسبهٔ زمانی مورد بحث است و سؤالاتی را مطرح می نماید. آیا کتاب اعمال رسولان در پایان این دو سال و پیش از اتمام محاکمه پولس نوشته شده است؟ آیا پولس در این موقع آزاد شده بود چون هیچ شاکی یهودی خود را معرفی نکرده بود؟ (ر.ک ۲۴:۲۷ e)، یا اینکه در این موقع پولس داوری شده و محکومیت یافته بود؟ مقدمه کتاب را ملاحظه کنید. آنچه روشن است، نویسنده کمتر به سرنوشت پولس پرداخته تا اینکه موعظه و اعلام ملکوت خدا را (ر.ک ۱:۳) در روم، پایتخت دنیای مشرکان ذکر نماید، آن هم بوسیله کسی که مأموریت شخصی او تبلیغ انجیل در این دنیا بوده است (۲۲:۲۱ b؛ ر.ک روم ۱:۵، ۱۴-۱۵). اعلام انجیل تا به اقصی نقاط زمین، به طوری که عیسای برخاسته از مرگ می خواست (۱:۸ m؛ ر.ک مقدمه) بدین سان به مرحله ای رسیده بود، بدون اینکه مرحلهٔ نهایی باشد (ر.ک روم ۱۵:۲۳-۲۴) مرحله ای قطعی بشمار می رفت (ر.ک ۲۸:۳۱ w).

v- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: یهودیان و یونانیان. این تفاوت نسخه ها هرچه باشد مسئله ای واقعی مطرح می کند: بدین معنی که وقتی نویسنده از «همه کسانی که به نزد پولس می آمدند» سخن می گوید آیا منظورش فقط امت ها هستند؟ (بند ۲۸). یا یهودیانی هم بودند که از روحیه سنگدلی اسرائیل به دور شده بودند؟ فرضیهٔ اخیر با روش و دورنمای اساسی کتاب بهتر تطبیق می کند (۱۱:۱۸؛ ۱۵:۱۱، ۱۴).

۳:۱؛ ۸:۱۹؛ ۲۵:۲۰؛ ۲۳:۲۸ ۱۳:۴ می‌کرد و دربارهٔ خداوند عیسی مسیح با
کمال اطمینان و بدون مانعی آموزش
می‌داد[w].

w- کلمات «با اطمینان کامل» راجع به هیئت و رفتار پولس است (ر.ک ۱۳:۴) و کلمات «بدون مانع» آخرین احترام و ستایش ضمنی است که نویسنده از عدالت عاقلانه رومیان می‌نماید (ر.ک ۱۵:۱۸)، ولی چنین به نظر می‌رسد که نویسنده در این نتیجه‌گیری می‌خواهد مخصوصاً تأکید نماید که با وجود تعقیب و شکنجه‌ها و دشواری‌هایی که در سرتاسر کتاب گفته شده است سخن خدا به زنجیر کشیده نشده (۲-تیمو ۹:۲) و برای همه کسانی که آن را می‌خواهند (یادداشت قبلی) تا به اقصای زمین طنین انداز خواهد شد (بند ۳۰). ضمناً در بعضی از نسخه‌های خطی غربی، این بند و کتاب چنین پایان یافته است: «و می‌گفت: او است مسیح عیسی، پسر خدا، که بوسیلهٔ او داوری تمام دنیا آغاز خواهد شد». آینده در برابر سخن خدا است تا به روزی که در این نسخه‌ها یاد شده است.

پیشگفتار
نامه به رومیان

در بین تمام نامه های پولس رسول، نامه به رومیان بدون تردید مهمترین نامه بشمار می رود. این نامه نه فقط طولانی تر از دیگر نامه ها است بلکه از نظر محتوای اصول دین یکی از غنی ترین آنها است تا جایی که اغلب آن را رسالهٔ تحقیقی و کتابی آموزشی بشمار آورده اند که بهتر از سایر نامه ها تهیه و تنظیم گردیده است. کالوین تأکید می کرد که این نامه به طرز منظمی تهیه شده است. بالاخره از لحاظ تاریخی هیچ نامهٔ دیگری چنین تأثیر و نفوذی نداشته است. حتی یکی از دانشمندان علوم الهی پروتستان اخیراً مدعی شده بود که تاریخ کلیسا با تاریخ تفسیر این نامه درهم آمیخته است (که البته تا حدی اغراق آمیز است). در حقیقت این نامه همواره محل و موقعیت مخصوصی در تاریخ تفاسیر داشته، کسانی چون اوریجن، کریسوستوم، تئودوره، آمبروزیاستر، پلاجیوس، آگوستین، آبلار و آکویناس و غیره این نامه را به طور منظم یا جسته گریخته تفسیر کرده اند. اما بویژه در دو مرحله از تاریخ کلیسا تفسیر این نامه نقشی طبیعی داشته؛ یکی در قرن پنجم میلادی به هنگام بحران پلاجیانیسم و بحث و جدالهایی که دربارهٔ رایگان بودن امر نجات درگرفته بود و دیگری در قرن شانزدهم، هنگامی که نهضت پروتستان آغاز گردید.

به نظر بسیاری از مورخان، تفسیر نامه به رومیان بوسیله لوتر که در سال ۱۵۱۶ انجام گردید درحقیقت نقطهٔ آغاز نهضت پروتستان بوده است. کالوین نیز به هنگام تفسیر نامه به رومیان که نخستین تفسیر او دربارهٔ کتاب مقدس است در سال ۱۵۳۹ دومین چاپ کتاب خود را به نام «نهاد دین مسیح» تهیه کرده، در آن نکات اصلی عقاید و نظریات خود را تصریح کرد. پروتستانها برای این نامه ارزش خاصی قائل بوده، لوتر در این باره می گفت: «این نامه در حقیقت قلب و چکیدهٔ همه کتابها است.» کالوین نیز اظهار می کرد: «هرکس به درک واقعی آن دست یابد مثل این است که دری بر روی او گشوده شده تا به مخفی ترین گنجینهٔ نوشته های مقدس وارد شود.» به نظر ملانکتون که بزرگترین اثرش «کلیات علوم الهی» در حقیقت توضیحی دربارهٔ نامه به رومیان است، این نامه «خلاصهٔ آموزه مسیحی را دربر دارد». بنابراین نوشته لوتر دربارهٔ اصول مسیحیت، در حقیقت اصول مندرج در نامه به رومیان است.

از آن تاریخ به بعد مفسران و دانشمندان علوم الهی پروتستان مرتباً این نامه را تفسیر کرده اند. در این مورد بویژه از تفسیر کارل بارت (۱۹۱۹) یاد می کنیم که بر اندیشهٔ علم الهی معاصر تأثیر قاطع داشته است.

دانشمندان علوم الهی پروتستان که برای این نامه امتیاز قایل شده‌اند بدون تردید به نوعی «یک سو نگری» کشانیده شده‌اند. مفسر پروتستان بنام لنارد تردیدی نکرده که آن را «عدم تعادل» بخواند. از سوی دیگر دانشمندان علوم الهی کاتولیک نیز به صورتی اغراق آمیز دربارهٔ آموزش نخستین نامه به قرنتیان اصرار کرده‌اند.

به علت نقشی که نامه به رومیان در تاریخ کلیسای چهار قرن اخیر ایفا کرده است می‌توان دریافت به چه سبب مسئولان «ترجمه بین الکلیسائی کتاب مقدس» (TOB) تصمیم گرفته باشند کار خود را از ترجمه نامه به رومیان آغاز نمایند. به نظر آنان ممکن بود ترجمهٔ این نامه همچون تجربه و آزمایشی بشمار رود زیرا معتقد بودند اگر ترجمه این نامه به صورت متن قابل قبول همگان ارائه شود ترجمهٔ بین الکلیسائی کتاب مقدس با موانع لاینحلی برخورد نخواهد کرد. و مخصوصاً معتقد بودند که این اقدام از نظر علم الهی دارای اهمیت است. برابر عبارت مناسبی که یک کشیش پروتستان به نام بوگنر در این مورد بیان کرده است: «متنی که موجب تفرقهٔ ما بود بایستی متن تفاهم و نزدیکی ما گردد.»

جایگاه این نامه در زندگانی پولس

وقتی پولس این نامه را بر طرتیوس تقریر می‌کرد (۲۲:۱۶) محتملاً در قرنتس نزد غایوس «میزبان خود و همهٔ کلیسا» بسر می‌برد (۲۳:۱۶؛ ر.ک ۱-قرن۱:۱۴-۱۵) وی در شرف حرکت به سوی اورشلیم بود (برخی گمان می‌کنند که قبلاً حرکت کرده بود) تا اعانه‌ای را که در مقدونیه و اخائیه جمع کرده بود برای مقدسین اورشلیم که در فقر بسر می‌بردند ببرد (۱۵:۲۵-۲۶). در این موقع سه ماه را در قرنتس گذرانده (اع ۲۰:۳)، در پایان سومین سفر رسولی خود بود. چند ماه پیش در طی این مسافرت نامه‌های خود را به قرنتیان، غلاطیان و شاید به فیلیپیان نوشته بود و بنابر این در پایان دورانی پر جنب‌وجوش از فعالیت نامه نگاری و آموزش علم الهی بود. چنین برآورد می‌کرد که وظیفهٔ خود را در شرق به پایان رسانیده (۱۵:۱۹-۲۰)، از آن پس قصد داشت نوید (انجیل) را به غرب ببرد. پیشاپیش روحش به سوی روم و اسپانیا متوجه بود (۱۵:۲۴). با این همه از نتیجهٔ سفر خود به اورشلیم نگران بود و مشکلاتی را که بر سر راهش پیدا خواهد شد پیش بینی می‌کرد (۱۵:۳۰-۳۱). در کتاب اعمال رسولان به این ترس‌ها اشاره شده در جایی که آمده است: «اینک پای بند روح القدس بدون آنکه بدانم چه بر سرم خواهد آمد به اورشلیم می‌روم. روح القدس از شهری به شهری به من شهادت داده می‌گوید که بندها و مرارتها در انتظار من است...» (اع ۲۰:۲۲-۲۳).

هرگونه ترتیبی که برای تاریخ وقوع حوادث پذیرفته شود سال نوشتن نامه به رومیان ۵۷ یا ۵۸ میلادی و به هرحال در آغاز بهار می‌باشد یعنی در موقعی از سال که پس از فصل نامساعد زمستان، مجدداً کشتیرانی منظم از سر گرفته می‌شود. اصالت و انتساب این نامه به پولس هرگز محل تردید نبوده، تنها دو باب آخر از نظر نقد ادبی قابل بحث می‌باشند زیرا نقل و استنساخ نسخه‌های خطی

در مورد این دو باب نامطمئن است (ر.ک باب ۱۵ توضیح g).

هدف و موقعیت نگارش نامه

گرچه اوضاع و شرایط نگارش نامه به رومیان شناخته شده است جوهر و طبیعت این نامه همچنان معما و مبهم است: آیا در برابر ما کتابی تحقیقی و آموزشی به صورت رساله قرار دارد یا واقعاً این نامه نوشته ای است که در مورد اوضاع و مسائل روزانه نگارش یافته است؟ به عبارت دیگر آیا پولس می خواسته است با تقریر این نامه حقیقت انجیل را به کلیسای روم آموزش دهد یا اینکه می دانسته احتیاجهای مخصوصی در آن کلیسا وجود دارد و می خواسته بدواً راه حلهای عملی برای آنها ارائه نماید؟

الف) نوشته ای دربارهٔ اصول دین

تا پایان قرن نوزدهم میلادی بسیاری از مفسران نامه به رومیان را چون یک رساله و کتاب تحقیقی و آموزشی بشمار می‌آوردند و در نظر آنان نوشته ای به صورت نامهٔ سرگشاده دربارهٔ اصول دین بود. درنظر پولس اعلام مسافرت آینده اش به روم فقط بهانه ای می باشد زیرا وی این جامعه (کلیسا) را نمی شناخته، اقتدار مستقیمی بر آن نداشته است، وانگهی نگران بوده چنان که گفته است «مبادا بر روی پی هایی که دیگری نهاده بنا کنم.» (۲۰:۱۵) بنابراین نیازی نداشته است مسائل عینی و واقعی آن جامعه را مطرح سازد یا در دفاع از شخص خود در بحث و مجادله ای درگیر شود. بلکه از فرصت مغتنمی که پیش آمده استفاده نموده است تا نوشته ای به کلیسای روم بفرستد و به رومیان و از ورای آنان به همهٔ ایمانداران، مسائل مهمی را که در آن موقع درنظر داشته است مطرح ساخته با خیال راحت و به طرز منظم تری پیام نامهٔ به غلاطیان را آغاز کند.

درواقع مقایسه این دو نامه ضرورت دارد. مضامین مهم نظریات پولس در علم الهی در هردو نامه وجود دارد مثلاً عادل گردانیدن انسان، رستگاری، تورات موسائی، ایمان مسیحی، ارزش رسالتی تصویر ابراهیم و غیره. ولی تفاوت بین این دو نامه هم چشمگیر می باشد. هرقدر احساس می شود که نامه به غلاطیان تحت تأثیر شور و هیجان نوشته شده است به همان اندازه مشاهده می شود که در نامهٔ دوم لحن سخن آرام، آموزنده و بی پیرایه است و حاوی نظریات والایی می باشد. این همان پیام است ولی به صورتی مشروح تر، گسترده تر، بدون بحث و جدال و با آرامش نگاشته شده است. حتی گفته شده است نامهٔ به غلاطیان همچون سیلابی کوهستانی است که جوشان و خروشان به پیش می تازد و نامه به رومیان همان سیلاب پس از رسیدن به بستر خود در دشت است که با عظمت و آرامش به پیش می رود.

شکی نیست که پولس در سراسر نامه کسی را به شدت مورد خطاب قرار می دهد بدون اینکه او را به طور مشخص تعیین نماید. کافی است این نامه با توجه و دقت خوانده شود تا از کثرت مواردی که رسول نکات علم بیان را بکار برده، کلمات ندا، تعجب، جملات معترضه و یا مطالب بین هلالینی که آورده است حیرت کنیم. پولس در هیچ یک از نامه هایش به این اندازه روشهای

سخن پردازی و بلاغت را بکار نبرده است. مثلاً عباراتی نظیر: «پس چه خواهم گفت؟»، »آیا نمی دانید؟» «ای انسان، هر که هستی...». اما فراوانی همین عبارات و جمله های سخنوری ثابت می کند که پولس به مخاطبی فرضی خطاب می نماید چنانکه در روشهای فلسفی آن دوران معمول بوده است.

این نامه که بیشتر جنبهٔ معنوی و عقیدتی دارد و فرا زمانی، فرا مکانی است نشان می دهد به چه سبب آن را به صورت نوعی «مجموعهٔ علم الهی» ملاحظه کرده اند با این همه نمی توان آن را «خلاصه عقاید مسیحیت» و یا ترکیبی از نظریات پولس در علم الهی بشمار آورد زیرا مطالب بسیاری ناگفته می ماند. آنچه جالب توجه است بین نامه به رومیان و نامه های به قرنتیان تفاوت فوق العاده ای از نظر روش نگارش و حتی موضوع مطالب وجود دارد با این که نامه های مذکور در یک زمان نوشته شده اند. در نامه های به قرنتیان دو موضوع مشابه مورد توجه می باشد بدین معنی که پولس در این نامه ها از اقتدار رسول بودن خود دفاع می کند و برای یگانگی و اتحاد و تهذیب کلیسای قرنت مبارزه می نماید درصورتی که می توان گفت در نامه به رومیان اصولاً صحبتی از کلیسا نیست و یا لااقل به صراحت سخنی دربارهٔ کلیسا گفته نشده است مگر در توصیه های عملی که در بابهای آخر نامه آمده است. آموزش مهمی که در نامه به قرنتیان دربارهٔ راز نان و جام آمده است (۱-قرن ۱۱:۱۷-۳۴) مطلقاً معادلی در نامهٔ به رومیان ندارد. اگر در نامه های به قرنتیان روح القدس سرچشمهٔ موهبت های روحانی جوامع مسیحی و خدمات مقرر می باشد در باب هشتم نامه به رومیان منبع آزادی و نیایشهای فردی است. با این همه نامه های به قرنتیان انعکاسهایی در نامه به رومیان دادند از جمله هم در نامه به رومیان و هم در نامه های به قرنتیان تصویر کلیسا به عنوان تن مسیح ذکر شده (۱-قرن ۱۲:۱۲-۲۷؛ روم ۱۲:۴-۶) و از مسیح، به عنوان آدم ثانی یاد شده است (۱-قرن ۱۵؛ روم ۵).

اگر چه نتوان نامه به رومیان را خلاصه ای از اندیشه های علم الهی پولس بشمار آورد و البته معادل نظریه قطعی مسیحیت به معنای جدید این واژه دانست با این همه همان طور که پولس دوبار از «انجیل من» نام برده است شاید بتوان نامه به رومیان را بیان انجیل پولس خواند (۲:۱۶؛ ۱۶:۲۵) آنچه را که خودش قلب و کُنه نویدی می داند که به ملت ها اعلام می نماید.

ب) نوشته ای به اقتضای وقایع روزانه

جنبهٔ کلی و معنوی نامه به رومیان مانع از آن نیست که این نامه در تاریخ معینی نگارش یافته و به مسائل مهمی که در برابر کلیسا قرار داشته پاسخ داده باشد. به نظر برخی از مفسران موضوع کلیسا با این که واژهٔ آن در نامه وجود ندارد دورنما و هدفی است که افکار و اندیشه های اساسی نامه به سوی این هدف هدایت می شود. پولس از خطری که در آن اوقات حیات کلیسا را تهدید می کرد آگاه بود بدین معنی که احتمال داشت به دو جامعه مجزی تقسیم گردد: یکی جامعه مسیحیان یهودی تبار که وارث کنشت یهود بودند و دیگری مشرکانی که به مسیحیت گرویده

بودند و پولس خود را رسول آنان می‌دانست و این جامعهٔ مسیحیان غیر یهودی، هم نسبت به جامعهٔ سابق بی ارتباط است و هم از پیوند با گذشته محروم است. بحرانهای جدیدی که کلیساهای غلاطیه و قرنتس را تکان می‌داد پولس را در مورد اهمیت وضعیت متقاعد می‌کرد. هنگامی که پولس این نامه را می‌نوشت اطمینان نداشت در اورشلیم چگونه از او استقبال خواهد شد بنابراین می‌توان دریافت در نامه‌ای که به عده زیادی از خوانندگان می‌نویسد وحدت الهام را در عهد عتیق و انجیل یادآوری کرده، وعده‌های قطعی که به اسرائیل داده شده است و نقش آن را در تاریخ نجات ذکر نماید. می‌توان گفت نامهٔ به رومیان از نظر عقیدتی به نوعی نشانه جنبه عملی گردآوری اعانه می‌باشد، اعانه‌ای که برای رفع نیازهای جامعه مسیحیان یهودی تبار جمع شده بود تا نشان دهد مؤمنانی که از تبار مشرکان می‌باشند با مؤمنان فلسطینی تعاون و همبستگی دارند.

وانگهی آیا این نکته صحیح است که گفته می‌شود مخاطبان اولیه این نامه بر موضوع اصلی و شکل نامه تأثیری نداشته‌اند؟ در این صورت نامه به رومیان در بین آثار ادبی پولس اثری استثنایی تلقی خواهد شد زیرا تمام نامه‌های دیگرش بنا به مقتضیات و بر اثر نیازهای واقعی کلیسایی نوشته شده که برای آن کلیسا ارسال گردیده است. آیا نمی‌توان گفت که نامه به رومیان هم انعکاسی از وضعیت کلیسای روم در سالهای ۵۷-۵۸ میلادی می‌باشد؟

بسیاری از پژوهشگران در این طریق تحقیقاتی به‌عمل آورده‌اند. با این همه وضع دقیق کلیسای روم در موقعی که پولس خطاب به آن می‌نوشته و ترکیب و گرایشهای آن کلیسا برای ما زیاد روشن نیست بنابراین توضیحاتی که پیشنهاد شده فقط فرضیه‌های پژوهشگران بشمار می‌آیند. در خود نامه هم در این مورد نشانه‌ای روشن و صریح وجود ندارد. در این نامه پولس علت آمدن خود را فقط میل و علاقه شدیدی ذکر می‌کند که برای «تقویت» ایمان مسیحیان روم دارد. آیا نمی‌ترسد مسیحیان طرفدار آئین یهود عقاید خود را در روم منتشر کنند؟ همچنانکه در غلاطیه و قرنتس پراکنده‌اند؟ آیا می‌خواهد رومیان را در برابر اقدامات آنان حفظ نماید؟ گرچه این موضوع غیرممکن نیست با این همه چیزی در نامه وجود ندارد که دال بر تعقیب این نظر باشد (با این همه خط های۱۶:۱۷-۲۶ را ملاحظه کنید علی‌رغم این که لحن جدی این قسمت با لحن معتدل بقیهٔ نامه متفاوت است).

از میان کلیه فرضیاتی که درنظر گرفته شده یکی شایان توجه است. از آغاز قرن نوزدهم میلادی بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح کرده‌اند که آیا منظور و هدف نامه به رومیان مصالحه و آشتی نیست؟ زیرا می‌دانیم تعداد مهاجران یهودی ساکن رُم زیاد بوده تا به‌جایی که کلودیوس امپراتور روم در سال ۴۱ میلادی فرمانی مبنی بر اخراج آنان صادر کرده بود و شاید این فرمان به‌علت بروز اغتشاشاتی بوده که بر اثر اعلام انجیل مسیح ایجاد شده بود. همچنین می‌دانیم که مسیحیان یهودی‌تبار نیز از این فرمان در امان نماندند مثلاً «اکیلا» و «فرسکا» به‌سوی قرنتس رفتند (اع ۱۸:۲). دیری نگذشت که این فرمان لغو

شده، بسیاری از یهودیان مجدداً به روم بازگشتند و وقتی پولس نامه خود را می نوشت «اکیلا» و «فرسکا» مجدداً در روم بسر می برند (۳:۱۶). اکنون می توان این پرسش را مطرح نمود آیا مسیحیانی که از تبار مشرکان بودند نسبت به برادران یهودی تبار خود که مراجعت می کردند به نظر تحقیر نگریسته، خود را برتر از آنان می دانستند؟ (ر.ک ۱۱:۱۷-۲۵؛ ۳:۱۴، ۱۰؛ ۱۵:۲۵-۲۷). به این ترتیب آیا کلیسای رُم به دو قسمت تقسیم گردیده، از یکدیگر جدا شده بودند؟ یک گروه گروندگان از شرک و گروه دیگر گروندگان از آیین یهود بودند. ممکن است پولس در برابر چنین وضعی آنان را هدایت کرده باشد که متقابلاً یکدیگر را پذیرفته، از اتحاد و یگانگی اساسی خود آگاه شوند. در این صورت نقطهٔ اوج نامه، خط ۷ باب ۱۵ می باشد در جایی که می گوید: «یکدیگر را بپذیرید به همان گونه که مسیح هم شما را به خاطر شکوه خدا پذیرفته.» و همهٔ شرح و توضیحات قبلی نامه به منظور رسیدن به این نتیجه عملی بوده است.

شواهد مختلفی نشان می دهد که این فرضیه تا حدی محتمل و نزدیک به حقیقت است، مثلاً متوجه شده اند که رسول دائماً «یک چشم به سوی مسیحیان یهودی تبار داشته است و چشم دیگر به سوی مؤمنانی که از میان مشرکان بودند» (فلدرر). در حقیقت کلمات «یهودیان- یونانیان» و مشابه آنها به دفعات در این نامه بکار برده شده است (۱:۱۴-۱۶؛ ۲:۹، ۱۰، ۲۵-۲۷؛ ۳:۹-۲۹؛ ۴:۹-۱۲؛ ۹:۲۳؛ ۱۰:۱۲؛ ۱۱:۱۳-۲۵؛ ۱۵:۸ و خط های بعدی) آنچه شگفت انگیز است این است که نامه به «کلیسای خدا» خطاب نگردیده، در صورتی که در کلیه نامه های پولس این عنوان مخاطب ذکر می شود لذا به سهولت می توان توضیح داد که شاید پولس خود را در برابر جامعه ای متحد احساس نمی کند. بالاخره شرح و بسط مفصلی که در بابهای ۹-۱۱ دربارهٔ قوم خدا و سرنوشت بنی اسرائیل آمده است این نظریه را توجیه و تقویت می نماید. هرگاه این نظریه صحیح باشد نامهٔ به رومیان به طرز والایی جنبهٔ همگانی یا بین الکلیسایی خواهد داشت، به معنی امروز کلمه (œcuménique). ولی این نظر هرچقدر هم جالب و گیرا باشد به صورت فریضه ای ساده باقی می ماند. با توجه به این که پولس هیچ اشارهٔ دقیقی به وضع کلیسای روم نکرده است. نمی توان گفت که این فرضیه قابل اطمینان است با وجود این همین نکته کاملاً نامهٔ به رومیان را خیلی روشن می کند و به این نامهٔ دشوار و معمایی جذابیت نویی می بخشد.

طرح نامه

هیچ یک از نوشته های دیگر پولس به اندازه نامه به رومیان به این خوبی طرح ریزی نشده و ترکیبی چنین دقیق و مستحکم ندارد. گرچه همه مفسران در این نامه و در نامه های دیگر دو بخش را تشخیص می دهند که یکی بخش عقیدتی (۱-۱۱) و دیگری بخش تشویق و اندرزها است (۱۲-۱۶) ولی هنگامی که می خواهند طرح دقیق نامه را تعیین نمایند مفسران با هم توافق ندارند. بدین سبب برخی از مفسران به این نتیجه رسیده اند که این نامه طرح و ترکیب دیگری جز طرح یک گفتگو

ندارد. در این باره گفته شده است نامه به رومیان فقط نامه‌ای است که از «گفتگوی مداوم با یهودیان» حاصل گردیده است.

با این همه بسیاری از مفسران معتقدند که این نامه دارای طرحی استوار و سنجیده است مشروط بر این که پذیرفته شود که نه از نظر سبک نگارش و نه از نظر تداوم اندیشه‌ها کاملاً یکدست نیست. اصولاً پولس در ردیف سخنوران نامی بشمار نمی‌آید و فوران سخنوری او را که تقریر می‌کرده است نمی‌توان به عبارات مجزایی تقسیم کرد. به نظر مفسران پولس می‌خواسته است بدواً به موضوع گناه بپردازد (۱:۱-۳:۲۰) سپس دربارهٔ برائت از گناه و عادل گردانیدن انسان (باب ۳:۲۱ تا ۴:۲۵) و بالاخره در مورد تقدیس (بابهای ۵-۸) بحث نماید اما بنابراین فرضیه پایان نامه ضمیمه هایی است که یکی پس از دیگری آمده، مستقل از بخش عقیدتی می‌باشد.

برطبق بررسیهای جدید طرح و ترکیب دیگری برای این نامه پیشنهاد شده است که به نظر می‌رسد به طرح مرکزی پولس خیلی نزدیک‌تر بوده، بیشتر منطبق با شیوهٔ پیامبران عهد عتیق است و در این روش کمتر به تشریح منطقی موضوع پرداخته می‌شود و بیشتر تکرار و تمرکز بر موضوع مورد نظر است. اکنون برحسب مثال یکی از طرحهایی را که اخیراً پیشنهاد شده است ذکر می‌کنیم. برابر این طرح نامهٔ به رومیان پریشانی و درماندگی بشریت را در چهار مرحله تشریح کرده، پیروزی انجیل را بر این درماندگی بیان می‌کند: ۱- درماندگی مشرکان و یهودیان به سبب محکومیت الهی (۱:۱۸-۳:۲۰) و به فیض عیسی مسیح، برائت و عادل گشتن برای همه کسانی که به وی ایمان دارند (۳:۲۱-۴:۲۵). ۲- درماندگی بشریت که وابسته به آدم نخستین است (۵:۱-۱۴) و نجات انسان به وسیله پیوستگی به عیسی مسیح (۵:۱۵-۶:۲۳؛ در باب ۵ دو موضوع درماندگی و نجات کاملاً به هم آمیخته اند.) ۳- درماندگی انسان که بردهٔ مقررات قانون است (۷:۱-۲۵) و رهایی انسان به وسیله روح‌القدس (۸:۱-۳۹). ۴- درماندگی قوم بنی‌اسرائیل در نپذیرفتن عیسی (۹:۱-۱۰:۲۱) و دسترسی نهایی قوم اسرائیل جدید که مرکب از یهودیان و غیر یهودیان است به نجات و رستگاری (۱۱:۱-۳۶). این طرح که البته طرحی فرضی است دارای دو امتیاز می‌باشد و این نکته را نشان می‌دهد که توضیح و تشریح درماندگی و نجات در چهار مورد با کلمات و عباراتی که از نوع و منشأ مختلف هستند بیان شده است. در مورد اولی واژه‌های قضایی بکار رفته، در مورد دوم واژه‌هایی که جنبهٔ قدوسیت دارند، در مورد سوم کلمات روحانی و در مورد چهارم کلمات تاریخی. ضمناً نشان می‌دهد که چگونه بابهای ۹ الی ۱۱ از نظر ترکیب تألیفی به اقامهٔ براهین (استدلال) در بابهای ۱ الی ۸ مربوط می‌گردد. با این همه این طرح در مورد دو نکته قانع کننده نیست زیرا اگرچه باب های ۹ الی ۱۱ با اقامهٔ دلایل درهم می‌آمیزد ولی نشان نمی‌دهد که این باب ها نسبتاً مستقل از بقیه نامه بوده، مجموعهٔ جداگانه و به هم پیوسته می‌باشند به طوری که می‌توان گفت جداگانه نوشته شده و بعداً در این قسمت از نامه گنجانیده شده باشند. زیر طوری نیستند که الزاماً باید در دنبالهٔ مطالب

باب های ۱ الی ۸ آورده شوند. و اصولاً موضوع اصلی باب های مذکور که در ۱۶:۱-۱۷ اعلام گردیده عدالت نوینی است که مسیح برای آدمیان آورده است. از سوی دیگر در این طرح نقش رابط باب ۵ نشان داده نشده است. زیرا بسیاری از مفسران متذکر شده اند که از آغاز باب ۵ نظریه نسبتاً جدیدی پیدا می شود بدین معنی که از آغاز این باب موضوع برائت و عادل گردانیدن امری متعلق به گذشته و انجام شده می باشد و افعالی که در مورد برائت و عادل گردانیدن بکار برده شده به صورت ماضی مطلق هستند. موضوع ایمان که مجدداً در خط ۲:۵ ذکر شده جای خود را به امید می دهد و موضوع غرور، سربلندی و جلال که با کلمهٔ یونانی Kaukhèsis بیان شده است تغییر یافته و مفهوم مثبتی می گیرد و در اینجا «غرور» فقط توکل به خدا را بیان می نماید. بالاخره موضوع اساسی نامه از خط ۱۱:۵ تا باب ۸ برائت و عادل گردانیدن نیست بلکه زندگانی است؛ بوسیلهٔ تعمید زندگی ما با مسیح آغاز می شود (باب ۶). موهبت و حضور فعال و حیات بخش روح القدس نشانهٔ پیوند ما با مسیح شکوهمند و با زندگانی ربانی مسیح بپاخاسته است (باب ۸).

در استدلالهای بابهای ۱ الی ۸ یک پیشرفت تدریجی وجود دارد و اگر این نکته آشکار و روشن نیست به خاطر آن است که پولس مطالب دشواری را تقریر می کرده است و اکثراً رشته استدلالها و افکار متعدد را تعقیب می نموده که درهم پیچیده و به هم تنیده بودند. به هرصورت طرحی که در چهار مجموعه بزرگ است این مزیت را دارد که نشان می دهد چگونه پولس علاقمند بوده انجیل را نوبت به نوبت به مسیحیان یهودی تبار و آنان که قبلاً مشرک بوده اند خطاب کند و بالاخره اندیشه و اندرز بزرگ اختتامی (۱:۱۲-۲۷:۱۶) را بیان کرده آنان را تشویق نماید در واقعیت محبت روزانه زندگی نمایند و هرگونه ادعائی را به کنار گذارند. این مسیحیان درپی آن خواهند بود که به دیگران نیکی کنند و از آنچه پیوستگی و همبستگی بین آنان و همه آدمیان را تهدید می کند دوری نمایند. بدین سان در مدتی که در این دنیا هستند تحقق تاریخ را اعلام و طراحی خواهند کرد (۱۱:۱۳-۱۴) با این نظر پنجمین قسمت نامه به چهار قسمت نخستین ارتباط داشته، پیوند می خورد.

علم الهی در نامه به رومیان

قبلاً گفته ایم که اگر در نامه به رومیان همه مضامین علم الهی و نظریات پولس مطرح نشده است، مطالبی که بررسی گردیده عمیقاً و با وضوح و قدرتی منحصربه فرد انجام گردیده است. پولس در هیچ جای دیگر چنین آمرانه از قدرت فیض، لعنت گناه، برائت یا عادل گردانیدن بوسیلهٔ ایمان، زندگی با مسیح از مرگ بپاخاسته و عمل روح القدس... سخن نمی گوید. در اینجا صحبت از آن نیست که به طور خلاصه از غنای اندیشه ای بحث شود که اختلافات جزیی هرگز شدت و صحت آن را تضعیف نمی کند و ظرافت و دقت آن در هیچ جا از قدرت آن نمی کاهد. با یادداشت ها و توضیحاتی که مخصوصاً در مورد این نامه به وفور داده شده است خواننده می تواند

همه موضوع های مهم پولس را درجایی که در متن آمده است پیدا کند. این یادداشت ها نوعی واژه نامه و شامل لغاتی است که پولس بکار برده، در ادامه و پیوند با فکر و اندیشه پولس می باشد و آنها را در پایین صفحات این کتاب می توان یافت.

باید بگوییم که برای ما اعم از کاتولیک، ارتدکس یا پروتستان خیلی ارزشمند می باشد که گام به گام به غنای پیام پولس پی ببریم. ما همگی در این امر متحد و مشترک هستیم که یکی از نکات مهم پیام اولیه را مشترکاً درک کرده، تصمیم مشترک داریم امروزه آن پیام را پذیرا بوده، از آن بهره مند باشیم، پیامی که به یمن وجود پولس سراسر حوزهٔ مدیترانه را فرا گرفته است. اکنون با حق شناسی به صدای مفسران بزرگ این نامه درطی قرون گوش فرا داده، با خوشه چینی از خرمن سنتها و روایات مربوطه احساس کرده ایم که امتیاز ترجمه این متن که در گذشته موجب اختلاف نظرها بوده با توضیحاتی که مشترکاً و با اتحاد معنوی عمیق تهیه کرده ایم یک فیض و یک برکت می باشد. به نظر گروه ترجمه شورای بین الکلیسائی ترجمه این نامه به منزلهٔ تجربه و آزمایشی بشمار می رفت که ترجمه بین الکلیسائی کتاب مقدس با موفقیت انجام گردد. گروه ترجمه و تمام کسانی که موجب تشویق بوده اند آرزو دارند که خوانندگان بویژه گروههای شوراهای بین الکلیسائی در این شادی و بهره ای که گروه ترجمه از کار خود گرفته اند با ایشان سهیم باشند.

نامه به رومیان

عنوان و سلام

۱
[۱] پولس[a]، خدمتگر مسیح عیسی[b]،
رسول[c] فراخوانده، به کنار نهاده
شده برای انجیل خدا[d]، [۲] که آن را از پیش
به وسیله انبیایش در نوشته های مقدس[e]
وعده داده بود. [۳] دربارهٔ پسرش[f] که برحسب

a- خدمتگر، این واژه در متن اصلی به معنی برده هم به کار برده شده است و در اینجا احتمالاً اشاره به خدمتگران بزرگ عهدعتیق می باشد.

b- مسیح عیسی. در نامه های پولس، عیسی مسیح به صورتهای مختلف نامیده شده است: مسیح، مسیح عیسی، عیسای مسیح، عیسی مسیح. [کلمه مسیح در این موارد گاهی در متن اصلی با حرف تعریف آمده که در فارسی برابر آن وجود ندارد و گاهی بدون حرف تعریف ذکر شده است]. با توجه به این که در ترجمهٔ این عناوین در روایات فرقه های مختلف مسیحیت روشهای مختلفی وجود دارد (کاتولیکها بیشتر کلمه مسیح را با حرف تعریف و فرقهٔ پروتستان بدون حرف تعریف به کار می برند) لذا حتی المقدور آنچه به معنی و مفهوم متن اصلی یونانی نزدیک تر می باشد ترجمه شده است.

c- ترجمه تحت اللفظی: رسول به وسیلهٔ دعوت. همچنین ر.ک ۱-قرن۱:۱. همین عنوان به قدیسان یعنی مسیحیان نیز نسبت داده شده است مثلاً در روم۱:۷ و ۱-قرن۱:۲: مقدسان فراخوانده.

d- انجیل. این واژه ترجمهٔ کلمه یونانی است که به معنی «خبر خوش» می باشد. از ریشهٔ یونانی این کلمه در نوشته های عهد عتیق زیاد به کار برده نشده و بدین سبب در مواردی که برای اعلام و پیشگویی آمدن مسیح آمده است بایستی مورد توجه قرار گیرد (اش۵۲:۷؛ ۶۱:۱ که در روم۱۰:۱۵ و لو۴:۱۸-۱۹ نقل شده است) مسلماً به همین دلیل نویسندگان عهد جدید این واژه را به معنی دقیق (و تقریباً فنی) به کار برده اند که عبارت از: خبرخوشی است که خدا به جهان اعلام می کند و عیسی مسیح را می فرستد تا ملکوت او را مستقر سازد. (بدین سبب با توصیفهای مختلفی ذکر گردیده مثلاً: نوید خدا روم۱:۱؛ مر۱:۱۴؛ نوید عیسی مسیح: روم۱۵:۱۹؛ مر۱:۱؛ نوید ملکوت: مت۴:۲۳ ...). بدعت کلمهٔ «نوید» بیش از هرچیز مربوط به شخص عیسی مسیح است: بدین معنی که نبوت های عهدعتیق قبلاً محبت و بخشایش خدا را اعلام می کنند که به همهٔ آدمیان ارزانی شده است ولی اکنون این وعده ها در عیسی مسیح تحقق می پذیرد. بدین سبب رسول در بند۲ اصرار می نماید که خدا او یعنی پولس را به کنار نهاده است تا نوید را که از پیش به وسیله پیامبرانش اعلام شده بود به آدمیان اعم از یهودیان و مشرکان برساند.

e- به طوری که در یادداشت قبلی گفته شد رسول دربارهٔ وحدت اساسی دو عهد اصرار می ورزد و این نکته شایان تذکر است زیرا پولس نامهٔ خود را به مسیحیانی خطاب می کند که برخی از آنان قبلاً یهودی و برخی دیگر مشرک بوده اند و می خواهد که همگی آنان خود را وارث وعده هایی بدانند که در عهد عتیق آمده است.

f- بندهای ۳ و ۴ که بدون تردید به صورت عباراتی از بیان ایمان هستند دقیقاً مطابق و مشابه می باشند (ر.ک لو۳:۲۳ f). عیسی برحسب تن از تبار داود زاده شده و برحسب روح، به وسیله رستاخیز از میان مردگان، با قدرت، پسر خدا تعیین گردیده است. به نظر برخی ممکن است پولس دو سرشت مسیح را متوالیاً در بند ۳ (سرشت انسانی) و بند ۴ (سرشت الهی) درنظر داشته است ولی چنین می نماید که در این دو بند پولس شخصیت عیسی ناصری را در وضعیت و شرایط بشری درنظر می گیرد. پیش از عید گذر، نشانهٔ این وضعیت، ضعف و فروتنی جسم و تن است (بند ۳) و پس از عید گذر نشانهٔ آن آغاز بهره مند از تمامیت مزایای الهی (با قدرت) می باشد. پولس اظهار می کند که عیسی در شرایط زمینی پسر خدا بود (بند ۳: پسرش) و در بند روم۹:۵ الوهیت او را ذکر خواهد کرد. ولی به هنگام رستاخیز به عنوان پسر خدا با عنوان جدید مسیحایی تعیین می شود و مأموریت دارد ایمانداران را در فرزندی خدا سهیم سازد (روم۸:۲۹؛ غلا۴:۵-۷) و وظیفه خود را به عنوان خداوند زندگان و مردگان انجام دهد (روم۱۴:۹). این منظره همان است که در گفتار اعمال رسولان آمده است (اع۲:۳۶).

تن[g] از تبار داود زاده شد، ۴بر حسب روح در پی رستاخیز[ش][i] از مردگان،
تقدیس،[h] پسر خدا، در قدرت تعیین شد و عیسی مسیح خداوند ما، ۵که به وسیلهٔ او

g- «تن» که ترجمهٔ کلمهٔ یونانی sarx می باشد بیش از ۲۰ بار در این نامه به کار برده شده است.
۱- در یک رشته از متنها کلمهٔ «تن» همان طور که اکثراً در عهدعتیق آمده به معنی فرد بشری است که از نعمت های آفریدگار خود سرشار است ولی موجودی شکننده می باشد که همواره مرگ او را تهدید می نماید. هر «تن» یعنی هر بشری نظیر گلی صحرایی است (اش۴۰:۶). در عین حال که تاج عظمت بر سر دارد، قدرت و عمر او محدود است و عیسی به این معنی «برحسب تن از تبار داود زاده شده» (روم۱:۳) یعنی در سرنوشت پادشاهی و دردناک خود کاملاً انسان به شمار می رود و برحسب تن یک فرد اسرائیلی در بین اسرائیلیان می باشد (روم۹:۵). رسول مخصوصاً اصطلاح «هر تنی» را که در عهد عتیق آمده بکار می برد تا نفیاً بیان کند «هیچ تنی» یعنی هیچ کس با اجرای امور شرعی نمی توانـد رستگار شود (روم۳:۲۰؛ غلا۲:۱۶) و هیچ کس (هیچ تنی) در حضور خدا مباهات ننماید (۱-قرن۱:۲۹). در این متنها آدمی به صورت موجودی از گوشت و خون ارائه گردیده (۱-قرن۱۵:۵۰؛ غلا۱:۱۶؛ افس۶:۱۲) که در مشکلات زندگی رها شده، از همین منبع، نیرو و کمک می یابد و این امر نه به وسیلهٔ تکیه بر خود بلکه فقط با اتکاء به آفریدگارش می باشد. بدین سان اکثراً در نوشته های پولس کلمه «تن» به معنی جسم رنجور مسیح و یا جسم رسول می باشد (کول۱:۲۲-۲۴؛ ۲-قرن۱۲:۷؛ غلا۴:۱۳-۱۴؛ فی۱:۲۲-۲۴) در متنهای اخیر از سیاق مطلب چنین برمی آید: وقتی «تن» رنج می برد آدمی در قلب و روح و همچنین جسم خود متألم است. بالاخره همین «تنی» که آدمی نمی توانـد به آن اعتماد داشته باشد انسان مذهبی است که به دشوارترین انضباط های خود مباهی و سرفراز است. پولس در مقابل فرد فریسی، که خود شخصاً بوده است کسانی را ارائه می کند که به مانند او به جای آن که به «تن» یعنی موفقیت مذهبی خود اعتماد داشته باشند به عیسی مسیح اعتماد می نمایند (فی۳:۳-۷).
۲- در یک رشته متن های دیگر رسول به وسیله این واژه نه فقط حدود طبیعی را که آفریدگار برای وضعیت آدمی تعیین کرده است ارائه می نماید بلکه وضعیت انسان را در زیر سلطهٔ گناه و مرگ و حتی فاقد شایستگی به سبب گناه و مرگ نشان می دهد. پولس نمی گوید که تن (یا جسم) با گناه یکی است. وی هرگز تن را به عنوان اصل مادی در برابر اصل دیگری که روح یا جان باشد قرار نمی دهد. اگر تن یعنی ضعف آدمی موجب ناراحتی و اضطراب می باشد در صورتی است که اسیر یا مسکن نیروهای مخرب نظیر گناه، شهوات و هیجانها و مآلاً مرگ باشد، آموزشی که از فصل۷ نامه برمی آید چنین است: هنگامی که ما در تن بودیم هیجانهای گناهکار از اعضای بدن ما به منظور مرگ استفاده می کردند (روم۷:۱۵) بدین گونه رسول من را با این جسم و تن اسیر شده یکی بشمار آورده، اظهار می کند هیچ چیز خوبی در من یعنی در جسم من جای ندارد (روم۷:۱۸) و به وسیلهٔ تن و جسم، من تابع و مطیع گناه هستم (روم۷:۲۵).
۳- در سومین رشته از مطالب نامه، رسول آزاد شدن جسم را به وسیله روح القدس توصیف می نماید و برمبنای این آزادی که انجام می شود توصیه نموده، اندرز می دهد که مسیحیان نه بر مبنای تن بلکه برطبق روح القدس زندگی کنند و این موضوع اهم مسایل در فصل هشتم نامه می باشد. پولس پس از این که اظهار می کند که خدا در جسم مصلوب مسیح گناه را (و نه جسم را) محکوم کرده است (۸:۳) مخاطبان خود را در برابر انتخاب قاطعی قرار می دهد بدین معنی که اگر اصرار دارند برطبق جسم زندگی کنند خدا از آنان خشنود نخواهد بود و به سوی مرگ خواهند رفت ولی اگر از روح القدس که در آنان است اطاعت نمایند به طرف زندگی خواهند رفت، زندگی که در رستاخیز عیسی آشکار گردیده است (روم۸:۱۱) لازم به تذکر است که در اینجا پولس دو نوع انسان را توصیف نمی نماید که یکی جسمانی و دیگری روحانی باشد بلکه هر فرد مسیحی را در برابر این دو امکان قرار می دهد و بدین سبب در بندهای ۱۲-۱۳ هشدار می دهد. با این همه لحن پیروزمندانه ای که در سرتاسر این فصل وجود دارد نشان می دهد که جسم و روح دو نیروی متساوی نیستند که آدمی در میان آنها دو تکه شده باشد. با محکوم شدن گناه در جسم مصلوب (بند ۳) و رستاخیز عیسی در جسم خود (بند ۱۱) دوران جدید آزادی قطعی آغاز گردیده است و زمان ثمره های جسم جای خود را به زمان ثمره های روح داده است (غلا۵:۱۳-۲۵). اگر هنوز فرد مسیحی در جسم زندگی می کند ولی برطبق جسم زندگی نمی نماید زیرا متعلق به آن کسی است که خود را به خاطر او به دشمنان تسلیم کرده است (غلا۲:۲۰). ولی لازم است کسی که زندگی را با روح القدس آغاز نموده آن را با تن به پایان نرساند و این اخطار اهمیت شایانی دارد.
h- این اصطلاح که ترجمهٔ تحت اللفظی است از عهد عتیق می آید؛ اش۶۳:۱۰؛ مز۵۱:۱۳. گاهی روح قدیس ترجمه می شود.
i- گاهی ترجمه می کنند به وسیله رستاخیزش. به هرصورت در اینجا تأکید در مورد کلمات با قدرت می باشد. عیسی به وسیله رستاخیز پسر خدا نشده است بلکه خدا در رستاخیز او را به مقام ارجمند و والا بلند کرده (فی۲:۹) و به او جلال و افتخار (۱-پطر۱:۲۱) و اقتدار اعلی داده است (افس۱:۲۰-۲۳).

فیض و رسالت[j] یافته ایم تا همهٔ امت ها را
به خاطر نامش به اطاعت از ایمان[k] در
آوریم. ۶ شما نیز از جمله آنان
فراخواندگان[l] عیسی مسیح هستید، ۷ به همهٔ
محبان خدا که در روم هستند، به مقدسان
فراخوانده[m]، به شما فیض و صلح از سوی
خدا، پدر ما و از خداوند عیسی مسیح.

پولس و مسیحیان روم

۸ نخست خدای خود را شکر می کنم به
وسیله عیسی مسیح برای همه شما، چون که
ایمان شما در سراسر جهان منتشر شده
است. ۹ زیرا خدا شاهد من است که او را
در روحم[o] در انجیل پسرش خدمت
می کنم[n]، چقدر پیوسته به یاد شما هستم،
۱۰ همواره در دعاهایم تمنا می کنم که شاید

j- ترجمه تحت اللفظی: فیض و رسالت به منظور اطاعت از ایمان در بین تمام مشرکان، از این عبارت نبایستی چنین استنباط کرد که از یک سو فیض و از سوی دیگر رسالت دریافته ایم. پولس رسالت خود را عطیه مخصوصی از فیض خدا می شمارد (ر.ک روم۱۲:۳؛۱۵:۱۵؛ ۱-قرن۳:۱۰؛ غلا۲:۸-۹).

k- ایمان، در پاسخ به انجیل (روم۱:۱ d) آدمی را کاملاً متعهد می کند بدین سبب همواره اطاعت است (ایمان که اطاعت است). ایمان متضمن آن است که آدمی آزادانه دربرابر خدایی که وفادار و حقیقی است سر فرود آورد، خدایی که با نو کردن آدمی فرصت می دهد تا از ارادهٔ او اطاعت نماید ر.ک روم۶:۱۵-۲۰. برای درک مجموعه نظریات پولس درباره ایمان ر.ک روم۱۰:۹ z.

l- همچنین می توان درک کرد: فراخواندگان به عیسی مسیح یعنی شما که ندای خدا را دریافته به عیسی مسیح تعلق دارید.

m- ترجمه تحت اللفظی: به مقدسان فراخوانده یا مقدسان به وسیله فراخواندن. ر.ک روم۱:۱ c؛ خروج۱۹:۵-۶؛ دان۷:۱۸؛ اع۹:۱۳؛ ۱-پطر۱:۱۶؛ ۲:۹-۱۰. برابر نوشته های عهد عتیق مقدس بودن عبارت از تخصیص یافتن و نذر شدن به خدا است. به عقیدهٔ نویسندگان عهد جدید آدمی را نه به سبب این که از نظر مذهبی یا اخلاقی کامل است مقدس می گویند بلکه بر اثر الهامی که خدا او را به عنوان عضوی از ملت متبارک فراخوانده و مأموریتی به او واگذار کند ر.ک ۱-قرن۱:۲. البته بدیهی است که این الهام مستلزم مقدس بودن زندگی است (روم۶:۱۹، ۲۲؛ ۲-قرن۱:۱۲؛ ۷:۱ و غیره). ر.ک روم۶:۱۹ l؛ ۱۵:۲۵ h.

n- ر.ک روم۱۵:۱۶ x.

o- روح. پولس این کلمه را در چهار معنی اصلی و مهم به کار می برد که عبارتند از: روح خدا یا روح القدس (بیش از ۲۰ بار در عبارات نامهٔ به رومیان)، روح انسان (در حدود ۱۵ بار در مجموع نامه های پولس و از جمله در اینجا)، روح دنیایی یا روح بدی که به صورتهای مختلف آمده است (روم۸:۱۱؛ ۱-قرن۲:۱۲؛ افس۲:۲؛ ۲-تیمو۱:۷). نَفَس نابود کنندهٔ خداوند (۲-تسا۲:۸ نقل قول از اش۱۱:۴). در اینجا به نظری اجمالی دربارهٔ اندیشهٔ پولس اکتفا می شود.
۱- گاهی به دشواری می توان تشخیص داد که در بعضی متون منظور از روح مفهوم این کلمه از نوع اول و یا دوم می باشد مثلاً در روم۱۲:۱۱ و حتی به عقیده بعضی از نویسندگان در روم۸:۴ (اطاعت از جسم یا از روح) یا در ۸:۵ (کسانی که برطبق جسم زندگی می کنند و کسانی که برطبق روح زندگی می نمایند؛ همچنین ر.ک ۲-قرن۶:۶؛ افس۴:۳ و غیره). مشکلی که در کار مترجمان غربی وجود دارد این است که کلمه روح به طور مختلف و نامنظم با حروف بزرگ یا حرف کوچک نوشته شده است و این اشکال مشکل بزرگتری ایجاد می کند بدین معنی که در نظر پولس رابطهٔ حقیقی بین روح خدا (یعنی روحی که از خدا می آید و خدا می دهد) و روح آدمی (که به هر فردی تعلق دارد) چیست؟ (روم۱:۹؛ ۸:۱۶؛ ۱-قرن۲:۱۱؛ ۵:۳-۴؛ غلا۶:۱۸؛ فی۴:۲۳؛ ۱-تسا۵:۲۳؛ فیل۲۵، و غیره). در ترجمه فارسی هرگاه این کلمه با حرف بزرگ نوشته شده است به فارسی به صورت روح (القدس) برگردانده می شود برخی از مفسران تأکید کرده اند که بین روح آدمی و روح خدا که آن را برانگیخت و هدایت می کند ارتباط عمیقی وجود دارد. برخی دیگر این نکته را یادآوری می کنند که پولس متوجه بوده است که این دو روح را از یکدیگر مشخص و متمایز نماید (مثلاً در روم۸:۱۶ ر.ک به ترجمهٔ متن). درپی آنچه در عهد عتیق آمده، پولس رسول کمتر دربارهٔ بستگی ذاتی بین روح خدا و روح آدمی اصرار ورزیده و بیشتر به اقتدار و تسلط کامل روح خدا بر روح انسان پرداخته است. وانگهی روح خدا نه فقط روح آدمی (روم۸:۱۶) و یا قلب او (روم۵:۵) را در اختیار می گیرد بلکه تمام وجود او را تصاحب می کند. روح القدس در مسیحیان (روم۸:۹) و حتی در جسم آنان جای گزیده (۱-قرن۶:۱۹) چنان که در کلیسا اقامت دارد (۱-قرن۳:۱۶). فعلی که جای گزیدن و اقامت داشتن ترجمه می شود در جزو کلمات دیگر اصلاً

الآن یا بعد، اگر فرصت مناسبی بیابم، به
خواست خدا نزد شما بیایم. ۱۱زیرا اشتیاق
شدیدی به دیدار شما دارم تا به شما نعمتی
روحانی برای مقاوم ساختن شما[p] برسانم.
۱۲بلکه به وسیلهٔ ایمان یکدیگر که بین
شما و من است[q] در نزد شما با هم دلگرم
شویم. ۱۳ای برادران نمی‌خواهم که بی خبر
باشید. بارها نیت کرده‌ام به نزدتان بیایم،
و تا کنون منع گردیده است، تا ثمره‌ای
چند از بین شما همچون از امت های دیگر
حاصل کنم. ۱۴خود را مدیون هم یونانیان[r]
و بربرها، هم حکیمان[s] و جاهلان می‌دانم.
۱۵از این رو رغبت شدید من بر آن است
که برای شما نیز که در روم هستید نوید
دهم.

از عهد عتیق گرفته شده، حضور روح‌القدس را به صورت واقعی و حقیقی توصیف می‌نماید، (روح‌القدس خارج از کسی که در او جای گزیده است نمی‌ماند) ولی همواره از او متمایز است (یعنی هرگز با آنچه در آن اقامت نموده یکی نمی‌شود) و این نکته به همان‌گونه که در مورد جسم آدمی صادق است دربارهٔ جسم کلیسا می‌باشد.

۲- برابر نظریه پولس دامنهٔ عملیات روح خدا (یا روح مسیح: روم۸:۹؛ فی۱:۱۹؛ غلا۴:۶ و غیره) نامحدود است درصورتی که در نوشته‌های عهد عتیق و در انجیلها، روح‌القدس بیشتر اوقات در معجزه‌ها و نشانه‌های فوق‌العاده ظاهر می‌گردد، در اینجا سرتاسر زندگانی عادی کلیسا و ایمانداران را به حرکت درآورده، جان و توان می‌بخشد. روح‌القدس که در رستاخیز عیسی حضور داشته (روم۱:۴) چنانکه در رستاخیز پایانی حاضر خواهد بود (روم۸:۱۱) در مقابل اسلوب عهد عتیق روش و هنجار عهد جدید را توصیف و مشخص می‌کند (غلا۳:۳؛ ۴:۲۹؛ حزق۳۶:۲۷)، ایمان را به وجود آورده، آن را تأیید می‌کند (۱-تسا۱:۵؛ ۸:۴؛ غلا۳:۲؛ ۱-قرن۱۲:۳)، نیایش و دعای فرزندی خدا را برمی‌انگیزد (غلا۴:۶؛ روم۸:۱۵-۱۶؛ افس۶:۱۸)، زندگانی جدید را در شادمانی (۱-تسا۱:۶؛ روم۱۴:۱۷) و محبت (غلا۵:۱۶-۲۵) به منظور حصول تقدس (۲-تسا۲:۱۳) ایجاد می‌نماید. به همین‌گونه در کلیسا تنوع موهبت‌های الهی و یگانگی آنها تظاهر همان روح‌القدس را بیان می‌کنند (۱-قرن۱۲) زیرا فقط یک جسم و فقط یک روح‌القدس وجود دارد (افس۴:۴) و چون سه نوع خدمات اساسی را که پولس ذکر نموده (رسولان، پیامبران، معلمان) روح‌القدس داده است می‌توان گفت که پایه و زیربنای کلیسا و همچنین عملیات اتفاقی و خارق‌العاده کلیسا (نظیر به زبانهای مخصوص سخن گفتن، نبوت، موهبت شفا دادن و غیره) نیز تظاهرات روح‌القدس می‌باشند.

۳- پولس رسول اکثراً مجبور شده بود دخالت کرده، وحدت روحی و معنوی (فی۲:۱-۲؛ ۱-قرن۳:۱-۴) و نظم را در کلیساها مستقر سازد. وی در انجام این عمل یادآوری می‌کرد که اگر زندگی روحی و معنوی از جریان زندگی عیسی مسیح منفصل گردد اصلیت و واقعیت خود را از دست می‌دهد. پولس در مرحلهٔ نخست مخصوصاً به قرنتیان یادآوری می‌کرد که اگر روح‌القدس آنان را از موهبت‌های خود سرشار کرده است بدواً برای رسالت داده شده است تا فیض‌هایی را که در عیسی مسیح به آدمیان عطا شده است شناخته، آنها را به دیگران بشناسانند (۱-قرن۲:۱۰-۱۶) و این امر رابطهٔ بین روح‌القدس، عمل تاریخی مسیح و خدمات کلیسایی را تصریح می‌کند. در مرحلهٔ دوم در نامه به رومیان نشان می‌دهد که روح آزادی، روح پذیرش فرزندی خدا و روح نیایش تضمین‌های (روم۸:۲۳) دنیای جدید می‌باشند و مسیحیان به وسیله او در زندگی مسیح برخاسته از مرگ سهیم می‌باشند (روم۸:۱۱) می‌توانند و موظفند با بردگی‌های شرع و جسمانی قطع رابطه نمایند و این امر رابطه بین روح‌القدس، رفتار کنونی ایمانداران و تجلیل نهایی آنان را تصریح می‌نماید.

p- همین فعل (مقاومت) در ۱-تسا۳:۲، ۱۳؛ ۲-تسا۲:۱۷، ۳:۳ آمده است.

q- در اینجا تکرار و توضیح اضافی ارادی می‌باشد.

r- پولس در این اظهارات مجموعهٔ بشریت را درنظر دارد که از امت‌های متمدن (یونانیان) و سایر امت‌ها (بربرها) تشکیل می‌شده است. بالعکس در بند ۱۶ از نظر مذهبی و علم الهی ملاحظه کرده، یهودیان یعنی قوم برگزیده را از سایر اقوام بشریت متمایز می‌سازد و آنها را (دارای هر درجه از فرهنگ باشند) با کلمهٔ یونانیان مشخص می‌نماید (رک ۱:۱۶، ۲:۹-۱۰، ۳:۹، ۱۰:۱۲...). یونانیان ملتهای دیگر را بربر می‌نامیدند و این کلمه ارتباطی با اقوام بربر آسیای مرکزی ندارد.

s- گاهی این کلمه را مردمان تحصیل کرده ترجمه می‌کنند ر.ک ۱:۲۲؛ ۱-قرن۱:۱۹-۲۰، ۲۵-۲۷.

عدالت خدا

۱۶زیرا از انجیل[t] شرمندگی ندارم، چون
که قدرت خداست برای نجات هر
ایماندار[u]، اول یهودی و سپس یونانی[v]
است. ۱۷زیرا در آن عدالت خدا[w] به وسیله
ایمان [و] برای ایمان[x] مکشوف می‌گردد
برابر آنچه نوشته شده است: که عادل غلا ۳:۱۱؛ عبر ۱۰:۳۸
به وسیلهٔ ایمان خواهد زیست[y].

گناه مشرکان

۱۸چون که خشم خدا[z] از آسمان ضد هر
بی‌دینی و بی‌عدالتی آدمیانی که راستی را
اسیر بی‌عدالتی نگه می‌دارند مکشوف
می‌گردد[a]. ۱۹زیرا آنچه را از خدا می‌توان
شناخت برای ایشان آشکار است[b]: خدا آن
را بر ایشان آشکار ساخته است. ۲۰زیرا از
زمان آفرینش جهان [صفات] نامرئی او[c]
یعنی قدرت جاودانی و الوهیت او به وسیله
اعمالش درک و دیدنی شده‌اند[d]. پس

t- انجیل. ر.ک روم۱:۱ d.

u- هر کسی که ایمان دارد. این کلمات محدود کننده نیستند بدین معنی که به نظر پولس دعوت به ایمان جنبهٔ جهانی دارد و به وسیله تبلیغ و گفتار هر فرد انسانی ممکن است به ایمان روی آورد ر.ک روم۱۰:۱۴-۱۶.

v- ر.ک روم فصلهای ۹-۱۱ و مخصوصاً ۱۱:۱۱-۱۴ همچنین روم۲:۹-۱۰؛ اع۱۳:۴۶.

w- منظور عدالتی نیست که برابر اعمال اجر و مزد توزیع نماید بلکه عدالت نجات بخش خداست که وعده‌ها را بنا به لطف و مرحمت خود به انجام می‌رساند.

x- این عبارت را می‌توان از ایمان به ایمان ترجمه کرد. عبارتی مبهم می‌باشد و ترکیب مشابه آن در ۲-قرن۲:۱۶؛ ۳:۱۸؛ ۴:۱۷ آمده است. در مورد این قسمت از عبارت تفسیرهای متعددی پیشنهاد کرده‌اند مثلاً: از وفاداری خدا به ایمان ایماندار (بارت) (Barth)، از ایمان سخنران به ایمان شنونده، از ایمان کهن به ایمان نو (ترتولیان) (Tertulien)، از ایمان خالص به ایمان شکل یافته (توما آکویناس) یعنی از پیوستن سادهٔ نیروی ادراک تا به ایمانی که در محبت به دیگران شکفته شود. کالوین از پیشرفت مداومی که هر روز در هر ایمانداری به وجود آید سخن می‌گوید.

y- این جمله از متن یونانی حب۲:۴ نقل شده است و گاهی آن را چنین ترجمه کرده‌اند: آن که عادل است، به وسیله ایمان خواهد زیست و چنین استدلال می‌شود که انجیل اظهار عدالت خدا و قدرت خدا برای نجات ایماندار است. در این نقل قول که سخن از زندگی است انعکاسی از سرنوشت آدمی در پایان روزگار وجود دارد؛ برای مجموعه نظریات پولس درباره ایمان ر.ک روم۱۰:۹ z.

z- در عهد عتیق هم خشم خدا و عدالت نجات بخش او با هم آورده شده است (ر.ک میک۷:۹؛ صف۳:۱-۱۰) این دو موضوع در گفتارهای انجیل نیز به هم پیوسته‌اند. در نوشته‌های پولس ر.ک ۱-تسا۱:۱۰.

a- این فعل که نظیر بند ۱۷ به صورت زمان حال به کار برده شده آثار دائمی خشم الهی را در میان بشریت گناهکار توصیف می‌کند و فقط از تظاهر خدا در عیسی مسیح می‌توان به دامنهٔ آن پی برد.

b- برخی این جمله را چنین ترجمه می‌کنند: در ایشان آشکار است یعنی به وسیله نیروهای درونی ایشان. ولی با توجه به محتوای بقیه این فصل چنین تفسیری توصیه نمی‌شود.

c- ترجمه تحت‌اللفظی: چیزهای نامرئی او.

d- پولس اظهار می‌کند که اگر مشرکان خدا را شناخته‌اند (بند ۲۱) در پی این شناسایی رفتاری که نتیجهٔ آن باشد اتخاذ نکرده‌اند (پرستش، سپاسگزاری) بنابراین عذری ندارند (بند ۲۰) و مورد غضب خدا می‌باشند (بند ۱۸) سپس چنین استدلال کرده، نتیجه می‌گیرد (بندهای ۱۹ و ۲۰) که خدا به وسیله اعمال آفرینش خود را بر آدمیان آشکار ساخته است. در نخستین انجمن اسقفها در واتیکان (شورای اول واتیکان) با استناد به همین متن گفته شده بود گرچه ممکن است عملاً خدا را نشناسند ولی قاعدتاً با استدلال بشری مسلماً می‌توان شناخت (دنزینگر چاپ سی و دوم شماره‌های ۳۰۰۴-۳۰۰۵) و پروتستانها در اینجا مخصوصاً جنبهٔ جهانی دین را یادآوری کرده، می‌گویند شناخت واقعی خدای حقیقی در خارج از الهام مسیح غیرممکن است و احساسات طبیعی مذهبی آدمیان آنان را به سوی خرافات و گمراهی روحی می‌کشاند (ر.ک کالوین، کتاب نهاد I، ۱، ۲ و ۴).

عذری ندارند. ۲۱چون با شناختن خدا، نه
او را به عنوان خدای شکوهمند شناخته اند
و نه از او شکرگزاری کرده اند. برعکس در
استدلالهای خود بیهوده شده و قلب
بی ادراکشان تاریک گردیده است[e]. ۲۲با
ادعای این که حکیم هستند ابله شده اند.
۲۳شکوه خدای زوال ناپذیر را با تصاویر
نمایشگر آدم زوال پذیر، پرندگان،
چهارپایان و خزندگان مبادله کرده اند[f].
۲۴بدین سبب خدا ایشان را به هوس
های دلهایشان به ناپاکی رها کرده، [g] که در
میان خود به جسمهای خود بی حرمتی کنند.
۲۵ایشان که حقیقت خدا[h] را با دروغ مبادله
کرده، آفریده را به جای آفریننده ای
خدمت و عبادت کرده اند که تا ابد
متبارک است. آمین. ۲۶بدین سبب خدا
ایشان را به شهوات ننگین رها کرده است
زیرا زنانشان روابط طبیعی را با روابط
برخلاف طبیعت مبادله نموده اند، ۲۷و
همچنین مردان نیز روابط طبیعی با زن را

خروج ۳۲؛
تث ۴:۱۶-۱۸؛
ار ۲:۱۱؛
حک ۱۱:۱۵؛
۱۲:۲۴؛
۱۴:۲۲-۳۱

افس ۴:۱۹

ترک کرده، در تمایل شدید نسبت
به یکدیگر سوخته، روابط شرم آور مرد با
مرد داشته اند و کیفر در خور گمراهی خود
را دریافت می نمایند. ۲۸و چون آنها
شایسته ندانستند تا شناخت خدا را حفظ
کنند؛ خدا آنها را به ذهن مردودشان رها
کرد تا آنچه را روا نیست انجام دهند.
۲۹آنان که سرشار از هر بی عدالتی،
شرارت، طمع و خباثت هستند؛ مملو از
حسد، قتل، ستیزه جویی نیرنگ و بد
خویی، سخن چینان، ۳۰بدگویان، متنفر از
خدا، گستاخ، خودستا، لاف زنان، مبدعان
شر، نافرمانان به والدین ۳۱بی ادراک،
بی وفا، بی عاطفه و بی رحم هستند. ۳۲و با
آن که حکم[i] عادلانه خدا را می شناسند که
کسانی چنین اعمالی بکنند سزاوار مرگ
هستند نه فقط این کارها را می کنند بلکه
کسانی را که مرتکب آنها می شوند تأیید
می نمایند.

۱۳:۱۳؛
۱-قرن ۵:۱۰-
۱۱،
۶:۹-۱۰؛
غلا ۵:۱۹-۲۱؛
افس ۵:۳-۵؛
۱-تیمو ۱:۹-۱۰
۲-تیمو ۳:۲-۴؛
تیط ۳:۳؛
۱-پطر ۴:۳؛
مکا ۲۱:۸،
۲۲:۱۵

e- علم و دانش و احساسات مذهبی منجر به آن نشده است که آدمیان خدای زنده را تجلیل نمایند. این اظهارات از نوشته هایی گرفته شده که در دفاع از یهودیگری در برابر بت پرستی نگارش یافته است. در حک۱۳:۱-۹ این موضوع به تفصیل تشریح گردیده است: مشرکان که شگفتی های جهان را تحسین می کنند بایستی به این نتیجه می رسیدند که خالق آنها را بشناسند.
باری، گنجینه هایی از علم را صرف کردند تا دربارهٔ آفرینش و اسرار آسمانی آن بررسی کرده، آنها را به مقام خدایی بشناسند ولی نخواستند خدای خالق را بشناسند بدین سبب در دیوانگی خود عذر و بهانه ای ندارند. همچنین ر.ک ۱-قرن۱:۲۱.
آنچه قابل توجه است وضع پولس در برابر ادیان مشرکان می باشد که کاملاً جنبهٔ منفی دارد. پولس از اشتباهات و مبالغه های فاحش و زننده آنان استفاده می کند تا نشان دهد که مشرکان در برابر خدای انجیل گناهکار می باشند.

f- عطف به مز۱۰۶:۲۰ که اشاره به واقعه گوساله طلایی (زرین) است. پولس موضوع را گسترده و تعمیم داده و بتهای دیگر را ذکر کرده است و هدف او ملتهای دیگر بوده است.

g- این اصطلاح به دفعات در عهد عتیق آمده است (ر.ک داور۲:۱۴، ۳:۸؛ مز۱۰۶:۴۱) همچنین در بندهای ۲۶ و ۲۸ نیز می آید. باید دانست نپذیرفتن خدای واقعی و فرو رفتن در بت پرستی فقط وضع روحی و ذهنی نمی باشد زیرا نتایج اخلاقی این وضع به زودی فرا می رسد. هنگامی که بشریت دیگر خالق خود را نمی پرستد مثل این است که از محور اصلی خود منحرف شده باشد و به عقیده پولس این انحراف کیفر منصفانه نشناختن و نپذیرفتن خدا است.

h- منظور حقیقتی نیست که خدا اظهار کرده است بلکه خدای حقیقی است که در مقابل بتهای دروغی می باشد (ر.ک ار۱۰:۱۰-۱۴؛ ۱۶:۱۹-۲۱؛ ۱۵:۵۱-۱۹؛ ۱-تسا۱:۹).

i- احتمالاً منظور پولس قضاوت و داوری وجدان بشری است (ر.ک روم۲:۱۴-۱۶) و ممکن است منظور او قوانینی باشد که مقامات دنیوی وضع کرده اند: آنان در خدمت خدا هستند تا غضب او را نسبت به بدکار اظهار کنند (روم۱۳:۴).

داوری عادلانهٔ خدا

۲ ۱از این روی ای انسان، هر کسی که
باشی، تو که داوری می کنی عذری
نداری؛ زیرا با داوری کردن دربارهٔ مت ۷:۲
دیگری خودت را محکوم می کنی، چون تو
که داوری می کنی همان کارها را انجام
می دهی. ۲باری، می دانیم ضد کسانی که
چنین می کنند، داوری خدا بر طبق حقیقت
اعمال می شود. ۳پس، ای انسان که دربارهٔ
آنان که چنین می کنند داوری می کنی و
خودت همانها را انجام می دهی، آیا تصور
می کنی از داوری خدا فرار خواهی کرد؟ ۴یا
این که غنای مهربانی، گذشت و شکیبایی حک ۱۱:۲۳؛ ۲-پطر ۳:۹-۱۵
او را حقیر می شماری، نمی دانی که مهربانی
خدا تو را به توبه[j] می کشاند؟ ۵اما به سبب
سنگدلی تو و قلبی که توبه نمی کند[k] برای

صف ۱:۱۴-۱۸؛ ۲-تسا ۱:۶-۱۰؛ مکا ۱۱:۱۸ خودت ذخیره ای از خشم جمع می کنی، برای
روز خشم[l] که داوری منصفانه خدا پدیدار
مز۶۲:۱۳؛ امث۲۴:۱۲؛ مت۱۶:۲۷؛ مکا۲:۲۳؛ ۱-پطر ۱:۷ خواهد شد، ۶که به هر کس برابر اعمالش[m]
باز پس خواهد داد: ۷زندگی جاودان برای
آنان که با ثبات قدم در کار خیر، در پی
شکوه و افتخار و فسادناپذیری هستند؛ ۸اما
به مردمان اهل مجادله که در برابر حقیقت
نافرمان و فرمانبردار بی عدالتی هستند،
خشم و غضب [باد]. ۹اندوه[n] و اضطراب
اش ۸:۲۲ برای جان هر کسی[o] که بد می کند، بدواً
۱:۱۶؛ ۳:۹ برای یهودی و سپس برای یونانی[p]؛
۱۰شکوه و افتخار و آرامش بر هر کسی که
نیکی می کند، بدواً بر یهودی و سپس بر
یونانی؛ ۱۱زیرا پیش خدا[q] تبعیضی وجود
ندارد. ۱۲زیرا همه آنان که بدون قانون
گناه کرده اند، نیز بدون قانون[r] از بین

j- کلمه یونانی را که به توبه برگردانده شده می توان به مفهوم ندامت، پشیمانی از گناه، تغییر عقیده، تغییر روحیه ... ترجمه کرد. نخستین مسیحیان این کلمه را در موارد زیر بکار می بردند: گاهی (نظیر این مورد) با توجه به اشتقاق کلمه و منحصراً ریشه یونانی آن به معنی تغییر روحیه است ولی هرگز به مفهومی که گاهی در بین یونانیان بکار می رفته یعنی تغییر رأی نمی باشد؛ بلکه به علت روحیه ملت های سامی به معنی حرکتی است که تمام وجود آدمی را شامل می شود. گاهی این کلمه با توجه به اینکه هنوز اثری از ریشهٔ کلمه عبری دارد به معنی برگشتن و عمل تغییر هدف و تغییر مسیر می باشد. بنابراین توبه عبارت از لطف و مرحمتی است که در عیسی مسیح به آدمیان اعطا شده است تا از بدی روی گردان شده، به سوی خدا روی آورند. در این متن نیکی و احسان خدا به سوی توبه هدایت می نماید.

k- در بند قبلی همین کلمهٔ یونانی به توبه برگردانده شده است بنابراین ترجمه تحت اللفظی در اینجا «قلب بی توبه» است.

l- یعنی داوری واپسین. ر.ک حزق۷:۱۹؛ صف۲:۲-۳؛ مکا۶:۱۷.

m- مز۶۲:۱۳؛ ر.ک مت۱۶:۲۷ x.

n- اندوه. برای توضیح دربارهٔ مفاهیمی که این کلمه در نوشته های عهد عتیق دارد ر.ک روم۵:۳ c. در اینجا معنی کلمه نزدیک به مفهومی است که در نوشته های یهودیان معاصر مسیح به کار رفته یعنی مصیبت هایی که در واپسین روزگار برای کافران منظور شده است.

o- ترجمه تحت اللفظی: برای هر نفس انسانی.

p- همین عبارت در روم۱:۱۶ و ۲:۱۰ آمده است. ر.ک اع۳:۲۶؛ ۱۳:۴۶.

q- ترجمه تحت اللفظی: به نزد خدا. یعنی برای کسی رجحان (یا رعایت) وجود ندارد. این عبارت یونانی اصلاً در عهد عتیق به کار برده شده است. ر.ک لاو۱۹:۱۵؛ تث۱۰:۱۷؛ اع۱۰:۳۴؛ غلا۲:۶؛ افس۶:۹؛ کول۳:۲۵؛ یع۲:۱؛ ۱-پطر۱:۱۷.

r- در این قسمت (بندهای ۱۲-۱۴) پولس می خواهد نشان دهد که از نظر مُجرمیت، قانون موسی تفاوت اساسی بین یک فرد یهود و یک فرد مشرک قائل نمی شود و هر دو گناهکار و مورد خشم خدا هستند. یهودیان برطبق قانون موسی داوری و محکوم خواهند شد زیرا از این قانون تخلف کرده اند (بندهای ۱۲؛ ۱۷-۲۴). وقتی که پولس اظهار می کند مشرکان قانون ندارند (بندهای ۱۲، ۱۴) منظورش این است که ارادهٔ خدا را به وسیلهٔ قانونی الهی که نظیر قانون موسی الهام شده باشد نمی شناسند. در این مورد نظر پولس، قانون بشری، قانونی جزایی یا مدنی نیست بلکه رأی و قضاوت وجدان است که در دل آدمی نوشته شده است و به جای قانون موسی به شمار می آید (بند۱۵). در معنی محدود این کلمه می توان گفت که در اینجا سخن از «قانون طبیعی» است.

خواهند رفت؛ و همهٔ آنان که با قانون گناه
کرده اند به وسیله قانون داوری خواهند شد.
[۱۳]درحقیقت آنان که قانون را می شنوند به
مت ۲۱:۷؛ یع ۱:۲۲-۲۵ نزد خدا عادل نیستند؛ کسانی عادل خواهند
شد که به قانون عمل می کنند. [۱۴] بنابراین،
امت هایی که قانون ندارند و به حسب آنچه
اع ۳۵:۱۰ را قانون مقرر کرده[s] عمل می کنند آنان
بدون داشتن قانون، خودشان قانون هستند؛
[۱۵]زیرا نشان می دهد، عمل قانون در
۳۲:۱ قلبشان نوشته شده، همچنین وجدانشان نیز
شاهد می آورد[t] و افکارشان در میان
یکدیگر متهم یا دفاع می کند[u]. [۱۶] در
۱ـ قرن ۵:۴ روزی که بر طبق انجیل من، خدا به وسیله
مسیح عیسی اسرار مردمان[v] را داوری خواهد
کرد.

نافرمانی اسرائیل

[۱۷]اما اگر تو که خود را یهودی[w] می نامی
و بر قانون تکیه داری و به خدا تفاخر اش ۱:۴۸-۴؛
می کنی،[x] [۱۸]ارادهٔ او را می دانی و به وسیله مت ۳:۸-۹؛ یو ۸:۳۳-۳۹
قانون آموزش یافته و نیز چیزهای بهترین را
بر می گزینی، [۱۹]اطمینان داری خود مت ۱۵:۱۴؛
راهنمای نابینایان، نور ظلمتیان، [۲۰]مربی یو ۹:۴۰-۴۱ مت ۲۳؛
نادانان[y]، آموزگار کودکان، در قانون مظهر لو ۱۸:۹-۱۲؛ یو ۳:۱۰
دانش و حقیقت هستی: [۲۱]پس تو که
دیگری را تعلیم می دهی، خودت را تعلیم مز ۵۰:۱۶-۲۱
نمی دهی؟ تو که موعظه می کنی که نباید
دزدی کرد، می دزدی؟ [۲۲]تو که می گویی
زنا نکنند، زنا می کنی؟ تو که از بتان
نفرت داری معبدها[z] را غارت می کنی؟
[۲۳]تو که به قانون تفاخر می کنی، با تخلف
از قانون، خدا را بی حرمت می سازی؟ [۲۴]
پس برابر آنچه نوشته شده است: به علت یع ۲:۷؛ ۲ـ پطر ۲:۲
شما نام خدا در بین امت ها[a] به کفر برده ار ۹:۲۴-۲۶؛ ۱-قرن ۷:۱۹؛
می شود. [۲۵]البته اگر به قانون عمل می کنی غلا ۵:۳-۶

s- ترجمه تحت اللفظی: چیزهای قانون.
t- می توان گفت که وجدانشان به این عمل که قانون مقرر کرده است گواهی می دهد. یا این که به خود مشرکان گواهی می دهد.
u- تفسیر این متن دشوار است و ممکن است چنین ترجمه و تعبیر کرد: به همان گونه که قضاوت های درونی، سرزنش یا ستایشی که بعضی نسبت به دیگران دارند.
v- ترجمه تحت اللفظی: چیزهایی که از آدمیان پنهان است. احتمالاً این بند به بند ۱۳ مربوط می شود و برای این که این ارتباط نشان داده شود جمله [چنین خواهد شد] را که در متن یونانی وجود ندارد به آن افزوده اند.
w- ر.ک غلا۲:۱۵؛ فی۳:۵.
x- ترجمه تحت اللفظی: تو در خدا مباهات می کنی. ر.ک ۴:۲ d.
y- ترجمه تحت اللفظی: بدون شعورها. این کلمه که تقریباً در هریک از صفحه های کتب قوانین عهد عتیق آمده در توصیف کسی است که وجود خدا و مخصوصاً اقتدار او را نمی پذیرد (مز۱:۱۴) و به همین دلیل به تمایلات ناپسند خود میدان می دهد (امث۲۳:۱۰) و بنابراین مقبول خدا نخواهد بود (جا۳:۵). این شخص مشرکی است که از حالت فساد خود آگاه بوده و به آن می بالد. کلمه ای که در لو۱۲:۲۰ و ۱-قرن۱۵:۳۶ آمده است خیلی نزدیک به این معنی است: آدمی که به هیچ وجه توجهی به قدرت خدای قادر متعال ندارد، خدایی که قادر است مژده را دوباره جان بدهد. در این مورد پولس این صفت را در معنایی به کار می برد که اندکی تفاوت دارد زیرا در مورد اشخاصی است که نیاز به آموزش دارند. بدین سبب کلمهٔ «نادانان» پیشنهاد شده است. ضمناً عبارت طولانی بندهای ۱۷-۲۰ ناتمام مانده است.
z- بدون شک منظور تجارت یا خرید و اختفای بُتها یا اشیاء نذری است که مشرکان به معابد خود تقدیم می کردند. در ورای مطالبی که پولس خطاب می کند می توان اشارهٔ به تث۷:۲۵ را تشخیص داد.
a- ترجمه از متن یونانی اش۵:۵۲ که موضوع اظهارات پیامبرانه معروفی است. ر.ک حزق۳۶:۲۰-۲۲.

ختنه کردن مفید است[b] ولی اگر از قانون
تخلف می‌کنی ختنهٔ تو نامختونی می‌شود.
۲۶پس اگر [شخص] ختنه نشده‌ای
دستورات قانون را رعایت کند آیا نامختون
بودن او ختنه شدن به شمار نخواهد رفت؟
۲۷و آن کسی که جسماً* ختنه نشده نیز
قانون را به کار می‌بندد[c]، دربارهٔ تو
قضاوت خواهد کرد، تو که با وجود نوشته و
ختنه شدن، متخلف از قانون هستی. ۲۸زیرا
یهودی آن کسی نیست که چنین به نظر
می‌آید و ختنه آن چیزی نیست که در جسم
اع ۷:۵۱؛ افس ۲:۱۱؛ فی ۳:۲-۷؛ کول ۲:۱۱ به نظر می‌رسد. ۲۹بلکه آن کسی یهودی
است که در درون خود چنین است و ختنه
قلبی است، چیزی که مربوط به روح است
۷:۶؛ ۲ـ قرن ۳-۶ نه به لفظ[d]. و این شخص ستایش خود را نه
از مردمان بلکه از خدا دریافت می‌کند.

جنبهٔ همگانی نافرمانی

۳ ۱پس برتری یهودی چیست؟ یا
فایدهٔ ختنه چیست؟ ۲بسیار از ۹:۴-۵
هرجهت؛ نخست زیرا پیامهای[e] خدا به تث ۴:۶-۸، ۳۲:۷-۱۱؛
ایشان سپرده شده است. ۳پس چگونه مز ۱۴۷:۱۹-۲۰، ۱۰۳:۷؛
است: اگر بعضی از آنان بی‌وفا شده‌اند، یو ۴:۲۲
آیا بی‌وفایی ایشان وفاداری خدا را زایل
خواهد کرد؟ ۴هرگز! بلکه خدا راستگو
شناخته شود[f] و هر انسانی دروغگو، ۹:۶؛ ۱۱:۲۹؛ مز ۸۹:۳۱-۳۸،
چنان که نوشته شده است: تا در سخنانت ۱۰۰:۵، ۱۱۹:۸۹-۹۰؛
عادل شناخته شوی و چون تو را داوری هو ۱-۳؛
می‌کنند[g] پیروزمند باشی. ۵ولی اگر ۱ـ یو ۱:۹؛ مکا ۱۹:۱۱
بی‌عدالتی ما عدالت خدا را ثابت می‌کند، مز ۱۱۶:۱۱؛ یو ۳:۳۳
چه خواهیم گفت؟ آیا خدا که خشم می ۶:۱۹؛ غلا ۳:۱۵؛
گیرد بی‌عدالت است؟ (بسان آدمیان سخن روم ۱:۱۷-۱۸
می‌گویم[h].) ۶هرگز چنین نیست! در این

b- ختنه کردن که نشانهٔ پیمان اتحاد بین خدا و قوم اوست موجب افتخار مشروع یهودیان بوده است. ضمناً نبایستی اشتباه کرد تصور بر این که ختنه کردن تضمین مسلم نجات است و مباهات کردن به آن نشانهٔ تعلق به ملت برگزیده است امری متفاوت است که به سهولت ممکن است چنین تصوری پیش آید. پولس اکثراً هموطنان خود را ملامت می‌کند که این نکته را درک نکرده، به جسم اعتماد می‌کنند (فی۳:۳-۷). در اینجا استدلال به طریق دیگری است و مفهوم دیگری دارد و پولس مخصوصاً در مورد بی‌منطقی و مجرمیت یهودیان اصرار می‌نماید که با وجود ختنه شدن از خدا اطاعت نمی‌کنند.

c- در اینجا منظور فرد مسیحی نیست که قبلاً مشرک بوده است چنان‌که تعداد زیادی از مفسران پیشنهاد کرده‌اند بلکه با توجه به اوضاع و احوال این متن، موضوع دربارهٔ فرد مشرکی است که طبیعتاً اعمالی را که تورات مقرر داشته انجام می‌دهد (ر.ک ۲:۱۴). همین نظریه در انجیلها ذکر شده است مت۱۲:۴۱؛ لو۱۱:۳۲.

d- ر.ک مت۶:۴، ۶، ۱۸. در عهد عتیق نیز در تشریح این نظریه که ختنهٔ واقعی موجب وفاداری به خداست از ختنهٔ قلبی سخن گفته شده است (ر.ک ار۴:۴؛ ۹:۲۵؛ تث۱۰:۱۶؛ ۳۰:۶) این نظریه که برای ختنه جنبهٔ روحانی قایل شده باشند در بین دستجات زیادی از یهودیان تعلیم داده می‌شد. مخصوصاً یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند (دان۳:۳۸-۴۰؛ بنسی۳۵:۱-۱۰، به گواهی فیلون در قرن اول میلادی و گواهی ژوستین در قرن دوم میلادی مراجعه کنید).

e- کلمهٔ یونانی که در این مورد به کار رفته است و پیام‌ها ترجمه کرده‌ایم در حقیقت به معنی سخنان کوتاهی است که از غیب می‌رسد و در نوشته‌های یونانی بیشتر به همین مفهوم به کار می‌رود ولی با توجه به ریشه و اشتقاق کلمه می‌توان «سخنان» ترجمه کرد و به مفهوم آن‌چه خدا گفته است یعنی فرمانها، وعده‌های خدا و آنچه از زبان پیامبران گفته است می‌باشد. ر.ک اع۷:۳۸؛ عبر۵:۱۲؛ ۱-پطر۴:۱۱.

f- در اینجا راستی و راستگوئی به معنایی است که در کتاب مقدس آمده است و بیشتر به مفهوم پایداری خدا در وفای به عهد و پیمان است و برخلاف سستی و عدم وفاداری آدمیان می‌باشد. ر.ک مز۱۹:۱۰؛ دان۴:۳۷؛ مکا۳:۷؛ ۶:۱۰.

g- مز۵۱:۶ ترجمه یونانی.

h- ترجمه تحت اللفظی: بنابر انسان.

* ترجمه تحت اللفظی: و آن کسی که به طبیعت ختنه نشده است.

صورت خدا دنیا را چگونه داوری خواهد
کرد؟[i] [۷] ولی اگر به وسیله دروغ من راستی
خدا برای شکوه او افزون می شود، پس
چرا من همچون گناهکاری داوری خواهم
شد؟ [۸] چنانکه به ما افترا زده و برخی ادعا
می کنند ما چنین می گوییم که آیا بدی
نمی کنیم تا خوبی حاصل گردد؟ محکومیت ۶:۱، ۱۵
ایشان رواست[j]. [۹] پس چگونه است؟ آیا ما
برتری داریم[k]؟ به هیچ وجه[l]! زیرا پیشتر ۱:۱۸-۲:۲۴، ۱۱:۳۲؛
ادعا کردیم که یهودیان و یونانیان همگی غلا ۳:۲۲
زیر گناه هستند. [۱۰] چنان که نوشته شده بنسی ۱۷:۲۰؛ ۱-یو ۱:۸-۱۰
است:

هیچ فرد عادلی وجود ندارد، حتی یک
نفر،
[۱۱] کسی نیست که دریابد، کسی نیست
که خدا را بجوید
[۱۲] همه گمراه شده اند، همه با هم فاسد
شده اند.
کسی نیست که خوبی بکند حتی نیست
یک نفر[m]
[۱۳] گلویشان قبر گشوده!
با زبانهای خود نیرنگ به کار می برند.
زهری از افعی ها به زیر لبهای ایشان
است،[n]
[۱۴] دهانشان انباشته از نفرین و تلخی[o]
است.
[۱۵] پاهایشان برای ریختن خون چالاک امث ۶:۱۸
هستند؛
[۱۶] در راههایشان ویرانی و بیچارگی
است.
[۱۷] و راه صلح را، ایشان نمی شناسند[p]. لو ۱:۷۹
[۱۸] در برابر چشمانشان ترس خدا
نیست[q].
[۱۹] باری می دانیم که آنچه قانون ۲:۱۲؛ ۳:۹؛ پید ۶:۱۱-۱۲
می گوید[r]، به کسانی خطاب می کند که
تابع قانون هستند، تا هر دهانی بسته شود و
همه دنیا تحت داوری خدا درآید. [۲۰] زیرا ۴:۱۵؛ ۷:۷؛ غلا ۲:۱۶
بر طبق اعمال قانون [تورات] هیچ تنی در

i- بنا بر منطق بشری چنین برمی‌آید که خدا نمی تواند بر گناهکاری خشم گیرد زیرا شخص گناهکار با گناه خود عظمت عدل الهی را آشکار می کند. بنابراین نتیجه گرفته می شود که خدا نمی تواند داور مطلق دنیا باشد ولی به نظر پولس چون این نتیجه گیری را نمی توان پذیرفت مقدمه های این استدلال هم اشتباه است. در این که گناه موجب ظهور عدالت خدا شود مانع از آن نیست که گناه تابع خشم خدا و داوری او باشد.

j- این عبارت اشاره به ایراداتی است که مسیحیان یهودی الاصل به تعبیری که پولس از انجیل داشت می گرفتند که برمبنای لطف و فیض الهی می دانست. این دو ایراد مجدداً در روم۶:۱ و ۶:۱۵ ذکر شده و دربارهٔ آنها بحث گردیده است.

k- البته در این جا منظور از «ما» یهودیان است.

l- در نخستین بندهای فصل سوم، پولس موضوع امتیاز و برتری یهودیان را مطرح ساخته، برتری که واقعی است زیرا خدا آنان را در طرح نجات خود متمایز نموده است. حتی بی وفایی ملت برگزیده موجب شده است نشان داده شود چه عطایای عالی دریافت کرده بودند ولی قوم بنی اسرائیل به سبب این بی وفایی گناهکارانه در ردیف مشرکان قرار می گیرد. همهٔ آدمیان تحت تسلط گناه هستند و درنظر خدا تعلق یا عدم تعلق به ملت برگزیده موجب امتیاز و برتری نمی باشد. ترجمه دیگر مطلقاً نخیر.

m- مز۱۴:۱-۳ ترجمه یونانی = مز۵۳:۲-۴ ترجمه یونانی.

n- مز۵:۱۰ ترجمه یونانی؛ ۱۴۰:۴.

o- مز۱۰:۷ ترجمه یونانی.

p- اش۵۹:۷-۸.

q- مز۳۶:۲.

r- در اینجا منظور از کلمه قانون مجموعهٔ عهد عتیق است چنان که در ۱-قرن۱۴:۲۱، ۳۴ نیز به همین مفهوم می باشد. به نظر پولس رسول قانون [تورات] به عنوان پیام انبیا ارزش داد. محکومیت مشرکان قبلاً پذیرفته شده بود و اکنون موضوع محکومیت یهودیان است و چنین نتیجه گرفته می شود: تمام دنیا در مقابل خدا مجرم است.

برابر او تبرئه نخواهد شد[s]؛ زیرا از قانون
[فقط] شناخت گناه می‌آید[t].

تحقق عدالت به‌وسیلهٔ ایمان

۱:۱۶-۱۷؛ ۱-یو ۴:۹-۱۰ [21]ولی اکنون بدون قانون [تورات]
عدالت خدا ظاهر شده است که قانون و
انبیاء به آن شهادت می‌دهند، [22]اما عدالت
خدا به وسیلهٔ ایمان در عیسی مسیح[u] برای
کلیه کسانی است که ایمان دارند. زیرا
تفاوتی وجود ندارد؛ [23]چون همگی گناه
کرده اند و از شکوه[v] خدا محروم هستند.
[24]به فیض او به رایگان تبرئه[vv] شده اند[w] ۵:۱؛ ۲-قرن ۵:۱۹؛ افس ۲:۴-۱۰

s- مز۱۴۳:۲.
t- ترجمه تحت‌اللفظی: زیرا به وسیله قانون شناخت گناه (ر.ک روم۷:۴ q).
u- برخی ترجمه می‌کنند: به وسیله ایمان به عیسی مسیح. ر.ک غلا۲:۱۶ b.
v- شکوه و جلال به معنایی که در کتاب مقدس آمده به عنوان تظاهر و ابلاغ تقدس و جلال الهی است. حضور او در میان قوم در درون خیمه مخصوص در صحرای سینا (خروج۴۰:۳۴-۳۵) و در معبد بیت‌المقدس (۱-پاد۸:۱۱) یکی از امتیازات قوم بنی‌اسرائیل می باشد (روم۹:۴). قوم بنی اسرائیل به سبب گناه از حضور این شکوه محروم شده بوده (حزق۱۰:۱۸-۱۹؛ ۱۱:۲۲-۲۳) ولی در دوران مسیحایی این شکوه باز خواهد گشت (حزق۴۳:۱-۹) و یکی از ویژگی‌های جامعهٔ جدید، مقدس و تطهیر شده خواهد بود (اش۶۰:۱)؛ این شکوه همه ملت‌ها را جلب خواهد کرد که به سوی او براه خواهند افتاد. (اش۶۰:۳) پولس موضوع محرومیت از این شکوه و عطای آن را در مورد همهٔ آدمیان تعمیم می‌دهد و آن را به شخص مسیح و عمل او مربوط می سازد. عیسی صاحب شکوه است (۱-قرن۲:۸). شکوه خدا بر روی چهره مسیح است (۲-قرن۴:۶) زیرااو تصویر خدا است (۲-قرن ۴:۴)همهٔ مردمان به وسیلهٔ گناه خود از این شکوه محروم هستند (روم۳:۲۳) ولی آن به وسیله عیسی مسیح به ایمانداران ابلاغ شده است و در انتظار شکوه کامل که در پایان روزگار می باشد (روم۸:۱۸، ۲۱، ۳۰) از هم‌اکنون پیشاپیش از آن بهره مند می باشند زیرا به تصویر مسیح تغییر یافته اند (۲- قر۳:۱۸).
vv- این کلمه که گاهی به عدالت شناختن، عادل شناختن، ... ترجمه می‌شود از ریشه یونانی کلمه عدل مشتق می‌گردد ولی در حقیقت به معنی عبور یک فرد از مرحلهٔ گناه و محکومیت به مرحله رستگاری می باشد و در این متن به کلمات تبرئه و برائت برگردانده شده است.
w- کلمهٔ یونانی که به صورت فعل است و در اینجا به تبرئه کردن ترجمه شده است، همچنین مشتقات این کلمه به صورت اسم لااقل چهل بار در نامه به رومیان به کار برده شده است. ضمناً در سایر نامه ها مخصوصاً نامه به غلاطیان و نامه به فیلیپیان نیز آمده است. پولس رسول موضوع را در چهار جهت مهم و اساسی تشریح می‌کند:
۱- خدا عادل است (روم۱:۱۷؛ ۳:۵، ۲۱، ۲۶؛ ۱۰:۳؛ ۲-قرن۵:۲۱) بدین معنی که نسبت به خود و مشیتی که دربارهٔ نجات آدمیان داشته وفادار است: بنابراین بیش از آنکه جنبهٔ توزیعی داشته باشد عدالتی مطلق، فرمانروایانه و نجات بخش است، و عامل ثابت و دائمی عمل تاریخی خدا می باشد، و بدین گونه نشان می‌دهد که چیست؛ این عدالت در عیسی مسیح به انسان متظاهر (پدیدار) شده و به وسیله انجیل ابلاغ گردیده است (روم۱:۱۷).
۲- این عدالت عملاً دربارهٔ انسان گناهکار انجام می شود (روم۳:۲۳-۲۴) انسانی که به سبب گناه خود مورد خشم خدا است (روم۱:۱۸؛ ۲:۵). این عدالت در داوری ملاطفت‌آمیز خدا به نقطه اوج خود می‌رسد و ایجاب نمی کند مگر اینکه آدمی با فروتنی آن را بپذیرد، یعنی اطاعت از ایمان(روم۱:۵). بنابراین هرگونه تبرئه ای که منشأ آن خود آدمی باشد مردود است (روم۳:۱۹-۳۰؛ ۴:۲-۱۰؛ ۹:۳۰-۳۱؛ ۱۰:۳-۴؛ غلا۲:۱۶؛ فی۳:۶-۹).
۳- با این همه عمل رایگان خدا که آدمی را تبرئه می‌کند در او زندگی تازه‌ای ایجاد می‌نماید و مسیح که این عدالت رایگان را به انسان ابلاغ می‌کند در وجود او زندگی روح‌القدس (روم۸:۲) وتقدس را (۱-قرن۱:۳۰) افتتاح می‌نماید. کسی که به عدالت شناخته شده به خدمت عدالت درمی‌آید که عبارت از زندگی کردن به نوعی است که مورد تصویب خدا (روم۶:۱۳-۲۰) است و ثمره های شکوه خدا را دربر دارد (روم۷:۴؛ فی۱:۱۱).
۴- نکته دقیق‌تر موضوع ارتباط این تبرئه رایگان و نخستین با داوری نهایی است. از یک سو رسول اکثراً دربارهٔ اهمیت اعمال، تبعیت از قانون محبت و داوری اصرار می کند که در آن هرکسی برطبق کارهای خود داوری خواهد شد (روم۲:۵-۶، ۱۲-۲۷؛ ۱۴:۱۰-۱۲؛ ۲-قرن۵:۱۰). از سوی دیگر در موارد اساسی که از این داوری، یاد کرده است اعتماد خود را برپایه و مبنای اعمال قرار نداده بلکه بر خدایی اعتماد می کند که تبرئه می نماید و بر مسیح که مرده و برای همه شفاعت می نماید (روم۸:۳۰-۳۹؛ فی۳:۸-۱۴).

به موجب بازخریدی[x] که در مسیح عیسی
لاو ۱۶:۱۲-۱۶؛ عبر۹:۱-۵،۱۵؛ ۱-یو۲:۲؛ ۴:۱۰؛ افس ۷:۱ است، ۲۵ که خدا [او را] به عنوان مقام
آمرزش[y] به وسیله خون او و به طریق ایمان
عرضه نموده است. بدین گونه عدالت خود
را آشکار کرد زیرا در تحمل خویش،
گناهان قبلی را بی کیفر گذاشت. ۲۶ [یعنی]
در زمانی که خدا چشم پوشی می کرد؛ اع ۱۷:۳۰
بنابراین عدالت خود را در حال حاضر نشان
می دهد درحالیکه هم خودش عادل است و هم
کسی را که به عیسی ایمان دارد[z] تبرئه

x- واژه یونانی که به صورت اسم در این مورد بکار رفته نُه بار در عهد جدید آمده است. و فعلی که از همین کلمه مشتق می شود بارها در نوشته های عهد عتیق بکار برده شده است و به معنی آزادی، خلاصی و رهایی است که خدا به قوم خود عطا کرده است: مثلاً رهایی از بردگی در مصر (تث۷:۸؛ ۱۵:۱۵ و غیره) آزادی از اسارت در بابل (اش ۱۴:۴۱؛ ۴۳:۱ و غیره) و یا به معنی عمیق تر رهایی از گناه (مز۱۳۰:۸). این آزادی مسیحایی در عیسی مسیح تحقق پذیرفته است (۱-قرن۱:۳۰؛ کول۱:۱۴) و عبارت از بخشایش گناهان است (کول۱:۱۴؛ افس۱:۷) و هدف آن تشکیل ملتی جدید است که به خدا تعلق دارد (افس۱:۱۴؛ ر.ک خروج۱۹:۵) درصورتی که قبلاً بردهٔ گناه و مرگ بوده است (روم۶:۶، ۲۰: ۲۱) این رهایی هدیه رایگانی است که خدا به آزادی مطلق در عیسی مسیح عطا می کند (افس۱:۷). فرد ایماندار به وسیله مرگ و رستاخیز مسیح از هم اکنون از این بخشایش بهره مند می باشد (روم۳:۲۴؛ کول۱:۱۴؛ افس۱:۷؛ ۱-قرن۱:۳۰) ولی این رهایی فقط در پایان روزگار به صورت قطعی و کامل درخواهد آمد. (افس۱:۱۴) و شامل جسم آدمی خواهد شد (روم۸:۲۴) چنانکه کلیه آفرینش را دربر خواهد گرفت (روم۸:۲۲). در واژه ای که پولس برای رهایی بکار می برد کلمه فدیه یعنی بهایی که برای آزادی زندانی یا برای بازخرید اسیر می پردازند مستقر است و در ریشهٔ آن وجود دارد و این نکته از فکر و اندیشهٔ رسول بیرون نیست ولی برای جنبه های مختلف آن ارزشهای متفاوتی قائل است. پولس اکثراً اظهار می کند که فرد مسیحی خریداری یا بازخرید شده است (۱-قرن۶:۲۰؛ ۷:۲۳؛ غلا۳:۱۳؛ ۴:۵) ولی این اصطلاح بیش از هرچیز بدان معنی است که فرد مسیحی به خدا تعلق دارد و از بردگی و اسارت گناه و مرگ رها شده است. اگر بهای این بازخرید را یادآوری می کند (۱-قرن۶:۲۰؛ ۷:۲۳) برای آن است که در مورد گرانبها بودن این بازخرید اصرار کند به طوری که خدا در محبت خود تردیدی نداشته و پسر خودش را تسلیم کرده است (روم۵:۸؛ ۸:۲۳): بدین معنی که بهای این بازخرید خون عیسی یعنی زندگی او است که به وسیله محبت تسلیم گردیده است (افس۱:۷؛ ر.ک ۱-پطر۱:۱۹). ولی در این تشبیه فراتر نرفته است: بدین معنی که جنبه معامله و کسی که به او فدیه پرداخته می شود در ابهام باقی مانده است. اما در این که خدا چگونه بازخرید ما را در مسیح انجام می دهد، پولس آن را هم به کمک عبارات قضایی بیان می کند (روم۸:۳ با فرستادن پسر خود در موقعیت جسم گناهکار ما خدا گناه جسمانی را محکوم کرده است؛ ر.ک همچنین به ۲-قرن۵:۲۱ و غلا۳:۱۳) و هم با اصطلاحاتی که در قربانیها به کار می رود (۳:۲۵؛ کفاره ۸:۳: قربانی برای گناه) و بالاخره با کلماتی که در مشارکت بکار برده می شود (۶:۴-۱۰: اگر ما کاملاً سهیم و مشابه در مرگ او بوده ایم به همان گونه در رستاخیز او سهیم خواهیم بود، بند۵). در اینجا موضوع این نیست که از بین این سه نوع عبارت کدام را انتخاب نمود، بلکه ارزش هرسه نوع را تشخیص داده، شاید آنهایی را که جنبهٔ قربانی دارند ترجیح داده است مثلاً اینکه می گوید: مسیح به وسیله قربانی خود با بشریت گناهکار شریک و وابسته گردیده، سرور بشریت جدیدی می شود که در زندگی او شریک است درحالی که خود را به خدا تقدیم نموده، به سبب محبت به خدمت آدمیان درآمده است. (ر.ک افس۵:۱-۲؛ روم۱۲:۱) ر.ک یادداشت های مربوط به روم۳:۲۵؛ ۶:۷، ۱۰؛ ۷:۴؛ ۸:۳، ۴).

y- ترجمه تحت اللفظی: که خدا قرار داده است آمرزشی. کلمهٔ یونانی که در اینجا وسیلهٔ آمرزش ترجمه شده است در ترجمه یونانی عهد عتیق وسیله اجرای مراسم مذهبی در معبد بیت المقدس، محل پاشیدن خون قربانی ها در عید سالیانه کفاره می باشد. درطی این مراسم گناهان قوم اسرائیل بخشیده می شده است (لاو۱۶). بنابراین پولس در این مراسم تمثیلی (تصویری) از قربانی مسیح را می بیند. مسیح به وسیلهٔ خون خود یعنی تقدیم قربانی خود، بخشایش خدا به وسیله ایمان را به ما ابلاغ می نماید و فقط به وسیله ایمان می توانیم از این بخشایش و از این نجات بهره مند شویم. مفسران دیگری این کلمه را به صورت اسم معنی (وسیله استغفار) و بدون اشاره به وسیله آمرزشی معبد بیت المقدس تعبیر می نمایند.

z- صلیب مسیح نشان می دهد که عدالت خدا در دوران گذشته چه بوده است (عدالتی نجات بخش که به فیض خود وعده ها را تحقق می بخشد ر.ک روم۱:۱۷ w). پولس با تکیه به یکی از نکات عهد عتیق اظهار می کند که خدا در دوران گذشته با رحمت از خشم خود جلوگیری می کرد و گناهان را بدون کیفر می گذاشت (خروج۳۴:۶-۷؛ مز۱۰۳:۸؛ اش۴۸:۹؛ ار۱۵:۱۵). این شکیبایی مفهومی نداشت مگر اینکه در نظر داشته باشیم بخشایش قطعی در مسیح انجام خواهد شد. اکنون این عدالت در صلیب مسیح متظاهر (پدیدار) شده است. که به وسیله آن خدا از راه لطف انسان گناهکار را تبرئه می کند.

می کند. [۲۷]پس چه جای لاف زنی است؟
۱۷:۲؛ ۳-۲:۴، موردی ندارد. به وسیلهٔ کدام قانون؟
۲:۵؛ ۱۸:۱۱؛ ۱-قرن۱: ۳۱-۲۹؛ [قانون] اعمال؟ خیر، بلکه به وسیله قانون
افس ۹:۲؛ غلا ۱۴-۱۳:۶ ایمان[a]. [۲۸]زیرا ما معتقدیم که آدمی
به وسیله ایمان[b] و بدون اعمال قانون
[تورات] تبرئه می شود. [۲۹]یا این که [خدا]
۱۲:۱۰ فقط خدای یهودیان است؟ آیا از آن امت ها
هم نمی باشد؟ آری از آن امت ها هم هست،
۱۱:۴ [۳۰]زیرا خدا یکی است، که مختون را بنا بر
ایمان و نامختون را از طریق ایمان تبرئه
۴-۳:۸؛ مت ۱۹-۱۷:۵ خواهد کرد. [۳۱]پس آیا قانون [تورات] را از
طریق ایمان از بین می بریم؟ هرگز! بالعکس
قانون [تورات] را تأیید می نماییم.

ابراهیم ایماندار

۴ [۱]پس در اینکه جد جسمانی ما اش ۲-۱:۵۱؛ مت ۱۰-۷:۳
ابراهیم چه یافته است[c] چه خواهیم
گفت؟ [۲]البته اگر ابراهیم به سبب اعمال
برائت یافته است، دلیلی برای تفاخر[d] دارد،
اما نه در نزد خدا. [۳]زیرا نوشته [مقدس] چه
می گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و این ۲ـ مک ۵۲:۲
برای او همچون عدالت[e] به حساب آمد. پید ۵-۱:۱۲؛ غلا ۹-۶:۳؛ یع ۲۴-۲۰:۲

a- گاهی ترجمه می کنند: آیا جای به خود بالیدن هست؟ چنین چیزی مردود است! وانگهی به چه عنوان؟ اعمال؟ به هیچ وجه بلکه به نام ایمان.

b- مارتین لوتر هنگامی که نامهٔ به رومیان را ترجمه می کرد یک کلمه در اینجا افزوده و نوشته بود انسان فقط به وسیله ایمان تبرئه می شود. الحاق این کلمه در آغاز نهضت پروتستان موجب بحث و جدالهای شدیدی شده بود با این همه برخلاف اندیشه و فکر پولس نیست زیرا منظور وی در این قسمت آن است که در تبرئه فرد گناهکار اعمال او هیچ نقشی ندارند و در نظر پولس تنها راه وصول به رحمت خدا ایمان است. ضمناً از نظر زبانشناسی، هم الحاق این کلمه لازم می باشد زیرا پولس به مانند یک فرد سامی می اندیشد و در زبان آرامی کلمه «فقط» را حذف می کنند درصورتی که در زبانهای غربی ذکر این کلمه ضروری است.

c- متن این بند در نسخه های دست نوشته مشخص نیست. در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: چه خواهیم گفت از ابراهیم جد جسمانی (تنی) ما؟ وقتی که پولس از ابراهیم جد ما سخن می گوید اجباراً فقط خطاب به مسیحیان یهودی الاصل نیست بلکه می توان تصور کرد همبستگی خود را با ملت یهود نشان می دهد و یا اینکه ابراهیم را به عنوان پدر تمام ایمانداران از هر ریشه و تباری که باشند به حساب می آورد که موضوع اصلی این فصل می باشد. با ارائه چهره ابراهیم هدف پولس این نیست که کوچکترین مخالفتی با نوشته های عهد عتیق داشته باشد بلکه برائت بوسیلهٔ ایمان را موضوع اساسی عهد عتیق معرفی می نماید. و بدین وسیله از نظر علم الهی وحدت عهد عتیق و عهد جدید را ثابت می کند. چهرهٔ ابراهیم قبلاً در غلا۳: ۶-۹ ارائه شده است.

d- این کلمه را که پولس بکار می برد میتوان به فارسی: تفاخر، مباهات، افتخار کردن و غیره ترجمه کرد (ر.ک روم۲: ۱۷، ۲۳؛ ۲۷:۳؛ ۵:۲، ۳، ۱۱؛ ۱۵:۱۷). این موضوع اکثراً در نوشته های پولس می آید چنانکه بعضی آن را موضوع اصلی افکار و نظریات او می دانند. رودلف بولتمن دانشمند علوم الهی آلمانی (۱۹۷۶-۱۸۸۴) می نویسد: «جوهر و ریشه گناه عبارت از ادعایی (تفاخر) است که آدمی در برابر خدا به سبب درستی عدالت در اعمال خود (در نزد یهودیان) و یا به اتکای حکمت خود (در مورد یونانیان) برای خود ارزش قائل گردد... در این صورت آدمی فراموش می کند که آنچه هست و آنچه دارد، همه را مرهون فیض خدا می باشد... و ایمان، دقیقاً پی بردن به این نکته و دریافت و پذیرفتن همه چیز از طریق این فیض و از این خدا است.» از یک سو عمل خدا در عیسی مسیح هرگونه تکبری را در آدمی از بین می برد مخصوصاً هنگامی که تکبری مذهبی باشد (روم۳: ۲۷؛ ۱-قرن۱: ۲۹، ۳۱؛ غلا۶: ۱۳). از سوی دیگر در عمل عیسی مسیح به آدمی اعتماد جدیدی (تفاخر) داده شده است (روم۵: ۲؛ غلا۶: ۱۴ و غیره) چنانکه در رنجها و شادیهای رسالت انجیل داده شده است (فی۱: ۲۶؛ ۲: ۱۶؛ ۲-قرن۱: ۱۲؛ ۷: ۴؛ ۱۱: ۳۰؛ ۱۲: ۹؛ ۱-تسا۲: ۱۹). ضمناً در تمام این متون کلمه یونانی بکار برده شده یکی است که در ترجمه های جدید به کلمات و اصطلاحات مختلفی برگردانده شده است.

e- پید۱۵: ۶. ترجمه تحت اللفظی: ایمان به حساب ابراهیم گذاشته شده است. ولی بدان معنی نیست که ایمان به عنوان عملی قانونی مستحق عدالت است. زیرا محتوای مطالب نشان می دهد این کلمات که شکل و جنبهٔ قضایی و مالی دارند برای آنست که موافقت مستقل خدا را نسبت به یک فرد ایماندار بیان کنند که عدالتی مخصوص به خود ندارد (روم۹: ۲۲-۲۳؛ غلا۳: ۶؛ یع۲: ۲۳). به طوری که از بندهای ۷و۸ برمی آید به نظر پولس ایمانی که به حساب ابراهیم گذاشته شده بوسیله بخشایش خدا است. این بخشایش نافذ و مؤثر است و کسی را که مشمول بخشایش می شود تغییر داده، در او زندگی توأم با عدالت آغاز و افتتاح می نماید (ر.ک روم۳: ۲۴ w).

۴ باری برای کسی که عملی می کند،
دستمزد، چون فیضی به حساب نیامده ۶:۱۱؛
است، بلکه یک بدهی است. ۵اما برای آن مت ۲۰:۱-۱۶؛ لو ۱۷:۷-۱۱
کسی که عملی نمی کند[f] ولی ایمان دارد به غلا ۲:۱۶
آن کسی که بی دین را تبرئه می نماید
ایمانش همچون عدالت[ee] به حساب می
آید. ۶ و اما داود خوشبختی انسانی را که
خدا، بدون اعمال،او را عادل به حساب
آورده،[g] بیان می کند:
۷خوشا به آنان که خطاهایشان بخشیده و
گناهان پوشیده[h] شده است!
۸خوشا بر مردی که خدا گناهی بر او
به حساب نمی آورد![i]
۹اما آیا این خوشبختی برای مختون
است؟ یا همچنین برای نامختون؟ زیرا ما
می گوئیم: ایمان[j] برای ابراهیم عدالت
به حساب آمد. ۱۰ولی چگونه به حساب
آمد؟ وقتی که مختون بود، یا نامختون؟
مختون؟ خیر، بلکه نامختون[k]. ۱۱و نشانهٔ
مختون بودن را به عنوان مُهر عدالت ایمان[l] پید ۱۷:۹-۱۴؛ غلا ۳:۷-۹
دریافت کرد، و آنچه را که وقتی هنوز
نامختون بود دریافت کرده بود. بدینسان
پدر همهٔ نامختونانی شد که ایمان دارند و
بدین وسیله عدالت به حساب ایشان
می آید، ۱۲همچنین پدر مختونان، آنان که
نه تنها مختون هستند بلکه در همان رد
پاهای ایمان پدر ما ابراهیم قدم برمی دارند
وقتی که هنوز نامختون بود[m].
۱۳زیرا بوسیلهٔ قانون [تورات] نبوده
است که به ابراهیم یا تبارش وارث بودن پید ۱۲:۲-۳؛ ۲۲:۱۵-۱۸؛
جهان وعده داده شده است بلکه بوسیلهٔ عبر ۱۱:۸-۱۲؛ غلا ۳:۱۵-۱۶
عدالت به ایمان[n]. ۱۴زیرا اگر آنان به
موجب قانون [تورات] وارث هستند ایمان غلا ۳:۱۸
پوچ و وعده باطل می شود؛ ۱۵چون که
قانون [تورات] موجب خشم می باشد. در ۳:۲۰؛ ۵:۲۰-۲۱؛ ۷:۷-۱۳؛
جائی که قانون [تورات] نیست، تخلف هم غلا۳:۱۰،۱۹-۲۲

ee- کلمه یونانی که در اینجا عدالت ترجمه شده و با توجه به ترکیب عبارت گاهی به برائت، تبرئه، عادل، به عدالت شناختن و غیره برگردانده می شود کلمهٔ مخصوص مذهبی است و به مفهوم «عبور یک فرد از مرحلهٔ گناه و محکومیت به مرحلهٔ توبه و درستی و صحت عمل» می باشد، بنابراین در فارسی نمی توان واژه ای بکار برد که تمام مفاهیم مذکور را دربر داشته باشد. ضمناً در ترجمهٔ کتاب مقدس به زبان عربی کلمهٔ بِر به جای آن گذاشته شده که در فارسی نیز بکار برده می شود و ابرار به معنی نیکان از آن مشتق می گردد.

f- این بدان معنی نیست که در ایمان، آدمی غیرعامل باقی می ماند. بلکه ایمان تمام وجود آدمی را برانگیخته و تشویق به فعالیت در محبت می کند (غلا۵:۶) ولی به هیچ وجه عمل شرعی بشمار نمی آید.

g- پولس با یادآوری از مقصری که بخشیده شده است ثابت می کند که بدون اعمال می توان عادل به حساب آمد.» (لاگرانژ La-grange دومینیکن ۱۹۳۸-۱۸۵۵).

h- برابر کلمات و اصطلاحاتی که معمولاً در عهد عتیق بکار می رود این کلمه بدان معنی است که نه تنها گناهان «پوشیده شده اند» به طوری که خدا یا آدمی آنها را نمی بینند، بلکه به کلی از بین رفته اند و دیگر وجود ندارند (ر.ک مز۳۲:۱؛ ۸۵:۳؛ امث۱۰:۱۲؛ یع۵:۲۰؛ ۱-پطر۴:۸) و چنانکه در اینجا با مفهوم بخشایش نزدیک است.

i- مز۳۲:۱-۲.

j- پیدایش۱۵:۶.

k- گاهی ترجمه می کنند: ولی در چه شرایطی بود؟ پیش از مختون یا پس از آن؟ نه، پس از آن بلکه پیش از آن.

l- ترجمه دیگر: به عنوان مُهر عدالت که بوسیله ایمان دریافت شده. ر.ک روم۳:۴ e.

m- ترجمهٔ دیگری که با توجه به اوضاع و احوال این متن نمی توان توصیه کرد: پدر مختونان، یعنی نه تنها آنان که به امت مختونان تعلق دارند بلکه آنان که قدم برمی دارند بر روی ردپای... . در این صورت کسانی که بر روی ردپا قدم برمی دارند مشرک هستند درصورتی که برابر ترجمه ای که پذیرفته شده است این افراد یهودی می باشند.

n- «بدین ترتیب رایگان بودن عطیه و عظمت مقام بخشایشگر حفظ شده است» (لیونه) Lyonnet

نیست[o]. ۱۶ بدین سبب از ایمان [همه چیز
می‌آید][p] تا بر طبق فیض باشد و وعدهٔ غلا ۳:۲۳-۲۹
[خدا] برای همهٔ تبارها، نه تنها آنانی که
در قانون، بلکه آنانی که در ایمان ابراهیم
هم استوارند، باشد؛ او که پدر همهٔ ما
است. ۱۷ برابر آنچه نوشته شده است: تو را تث ۳۲:۳۹؛ حزق ۳۷:۱-۱۰؛
پدر تعداد زیادی از ملت‌ها ساخته‌ام[q]، عبر ۱۱:۱۹
[پدر ما] در مقابل آن [خدایی] که به او
ایمان آورد، خدایی که مردگان را زنده
می‌کند و نیستی‌ها را همچون هستی
می‌نامد[r]. ۱۸ او که برخلاف هر امیدی،
امیدوار بوده،* ایمان آورد چنانکه پدر
امت‌های بسیاری شد برابر آنچه گفته شده
است: تبار تو چنین خواهد بود[s]. ۱۹ و بدون پید ۱۷:۱، ۱۵-۲۲؛
اینکه در ایمان خود ضعیف شود ملاحظه عبر ۱۱:۱۱-۱۲؛ مر ۹:۲۳-۲۴
کرد که جسمش مرده، در حدود یک صد
سال داشت و بطن سارا هم مرده است[t]. عبر ۶:۱۵، ۱۱:۳۲-۴۰؛
۲۰ اما در وعدهٔ خدا، تردیدی بر اثر یو ۸:۵۶
بی‌ایمانی نکرد، بلکه بوسیله ایمان تقویت
شده خدا را شکوه داد[u]. ۲۱ و کاملاً یقین ار ۳۲:۱۷-۲۴؛ پید ۱۸:۱۴؛
داشت آنچه را وعده داده است، قادر به لو ۱:۳۵-۳۸
انجام آن نیز می‌باشد. ۲۲ بدین سبب این ۴:۱۵؛ ۱ـ قرن ۱۰:۶
برای او عدالت به حساب آمد[v]. ۲۳ باری
تنها دربارهٔ او نوشته نشده است: این برای
او عدالت به حساب آمد. ۲۴ بلکه برای ما ۴:۱؛ ۱ـ پطر ۱:۳، ۲۱
نیز باید به حساب آید، ما که ایمان داریم به
آن که عیسی خداوند ما را از میان مردگان
برخیزانده است، ۲۵ آن که به خاطر ۱ـ قرن ۱۵:۱۷؛ کول ۲:۱۱-۱۳
خطاهای[w] ما تسلیم کرده شده و برای
برائت ما رستاخیز کرده است[x].

o- پولس تاریخ نجات را طوری درک و تعبیر می‌کند که نقش هر یک از عوامل: وعده، ایمان و قانون در آن معین و مشخص است؛ میراث بوسیله ایمانی که برمبنای وعده‌ها است دریافت گردیده است؛ قانون بعداً می‌آید (غلا۳:۱۷). وانگهی این قانون هم، در طرح مشیت نجات خدا وارد و منظور خواهد شد زیرا تخلف و تخطی را آشکار می‌کند و گناه را که موجب خشم الهی است افشا می‌نماید (ر.ک روم۳:۲۰) تمام این نکات مشروحاً در روم۷:۸-۱۲ توضیح داده خواهد شد: قانون آدمی را مجبور می‌کند که خود را گناهکار بشناسد و بدین‌گونه صلیب عیسی مسیح را اعلام می‌نماید (در مورد خشم الهی که در این نامه ذکر شده است ر.ک به روم۱:۱۸؛ ۲:۵؛ ۳:۵؛ ۴:۱۵؛ ۵:۹؛ ۹:۲۲؛ ۱۲:۱۹ و غیره.)

p- گاهی ترجمه می‌کنند: بوسیله ایمان وارث می‌شوند.

q- پید۱۷:۵. اشاره به قدرت خلاقیت خدا است که نه تنها در آفرینش ملاحظه گردیده بلکه در عمل نجات در ابراهیم و سارا آغاز می‌شود (ر.ک بندهای ۱۸ الی ۲۲).

r- گاهی ترجمه می‌کنند: آنچه را وجود ندارد به هستی می‌خواند.

s- پید۱۵:۵.

t- دچار مرگ: ابراهیم و سارا به سنی رسیده بودند که نمی‌توانستند فرزندانی بیاورند. بنابراین پولس به این معنی حقاً جسم آنان را همچون مرده می‌بیند.

u- جمله اخیر اصطلاحی «مختص به کتاب مقدس است (یوشع۷:۱۹؛ ۱-سمو۶:۵ و غیره) تا وضعیت آدمی را توصیف نماید که می‌پذیرد هرآنچه دارد مدیون خدا است و فقط بر او تکیه دارد» (لیونه).

v- پید۱۵:۶.

w- اش۵۳:۶، ۱۲ ترجمهٔ یونانی؛ روم۸:۳۲.

x- ارتباط بین رستاخیز عیسی و برائت به طُرق مختلفی درک و استنباط شده است. لیونه Lyonnet می‌نویسد: «عدالت، نخستین شرکت (مشارکت) در زندگی عیسای برخاسته از مرگ است.» لنهارت Lennhardt نوشته است: «ما، نظیر ابراهیم بوسیله ایمان به خدای وعده‌ها برائت یافته‌ایم؛ به نظر ما وعده‌ها در رستاخیز مسیح آشکار و خلاصه شده است.» کلمه‌ای که در بند ۲۴ «برخیزانده» و در بند ۲۵ «رستاخیز کرده» ترجمه شده در یونانی به معنی «بالا بردن» بالا رفتن، بیدار کردن و بیدار شدن هم آمده است.

* به این معنا: او در نا امیدی، امیدوار بوده است (این توضیح آورده شده است زیرا که ترجمه تحت اللفظی بسیار مبهم است.)

انسان برائت یافته، آشتی کرده و نجات یافته

۳:۲۴-۳۰؛ ۹:۳۰؛ فی ۳:۹
۵ ۱ ما که بوسیله ایمان برائت
یافته ایم با خدا در صلح[y] بسر
اش ۵۳:۵؛ افس۲:۱۴-۱۷؛ کول ۳:۱۵ می بریم به توسط خداوند ما عیسی مسیح.
۲ که از طریق او به وسیلهٔ ایمان به فیضی[z]
افس ۲:۱۸؛ ۳:۱۲؛ یو ۱۴:۶ دسترسی یافته ایم که در آن ایستاده ایم و به
۸:۱۷-۱۸؛ امید[a] به جلال خدا افتخار کنیم[b]. ۳ نه تنها
کول ۱:۲۷؛ تیط ۲:۱۳ این؛ ما به مصیبت ها نیز افتخار می کنیم[c]
۸:۱۸؛ ۲ـ قرن ۴:۱۷، زیرامصیبت پایداری ایجاد می کند،
۱۲:۹-۱۰؛ یع ۱:۲-۴؛ ۴ پایداری، تجربه[d] و تجربه امیدواری
۱ـ پطر ۱:۶-۷ [ایجاد می کند]. ۵ و امیدواری موجب
عبر ۶:۱۸-۱۹؛ شرمساری نیست زیرا محبت خدا[e] در
مز ۲۲:۶؛ ۲۵:۳؛ ۸:۹-۱۶؛ دلهای ما افشانده شده به وسیله
روح القدس که به ما عطا گردیده است. ۶ غلا۴:۶؛ تیط ۳:۵-۷؛
هنگامی که هنوز ناتوان بودیم[f]، در زمان ۱- یو۴:۱۳؛ ۳:۲۵؛
مقرر، مسیح به خاطر بی دینان جان سپرد. غلا ۱:۴؛ تیط ۲:۱۴؛
۷ البته به سختی به خاطر عادلی، کسی ۱ـ پطر ۳:۱۸
حاضر به مردن است؛ شاید به
خاطر[فرد]خوبی، کسی جرأت کند که
بمیرد. ۸ ولی خدا بدین گونه محبت خود را ۸:۳۲؛ غلا ۲:۲۰؛ افس ۵:۲؛
به ما تأیید می کند که وقتی هنوز گناهکار ۱ـ تیمو ۲:۶؛ تیط۳:۴-۷؛
بودیم مسیح به خاطر ما مُرد. ۹ پس چقدر یو ۳:۱۶؛ ۱۵:۱۳؛ ۱ـ یو ۳:۱۶؛ ۴:۱۰
بیشتر، اکنون که به وسیلهٔ خون او برائت
یافته ایم به وسیلهٔ او از خشم نجات خواهیم ۱:۱۸؛ ۲:۵، ۸؛
یافت. ۱۰ زیرا اگر وقتی دشمنان بودیم ۱ـ تسا ۱:۱۰؛ ۵:۹
به وسیلهٔ مرگ پسرش با خدا آشتی ۲ـ قرن ۵:۱۸-۱۹
کرده ایم چقدر بیشتر پس از آشتی به وسیله افس ۲:۱۶؛ کول ۱:۲۰-۲۲

y- در برخی از نسخه های خطی نوشته شده است. در صلح بسر بریم. ولی این جمله متن با محتوای سایر مطالب تطبیق نمی کند. پولس کمتر به فکر آن است که ایمانداران را تشویق کند تا در جستجوی صلح باشند بلکه بیشتر می‌خواهد به آنان بگوید که هم اکنون در عیسی صلح به ایشان عطا شده است (افس۲:۱۴) صلح نعمت بزرگی است که با آمدن مسیح به آدمیان عطا می شود و فقط حالت روحی ساده ای نیست(۱-پاد۵:۲۶ k؛ لو۱:۷۹ j؛ افس۲:۱۴ l).

z- فیضی که در آن قرار گرفته ایم وضعیت جدید ایمانداری می باشد که به رایگان در عیسی مسیح برائت یافته است. (روم۳:۲۴). مخلوق جدیدی بشمار می رود (۲-قرن۵:۱۷) کلمات: با ایمان در تعدادی از نسخه های خطی حذف شده است.

a- اگر آدمی هیچ مُجوزی نمی تواند ارائه کند تا او را شایستهٔ برائت نماید (روم۳:۲۷؛ ر.ک لو۱۸:۹-۱۴) فرد ایماندار نمی تواند به اعمال خود افتخار نماید، در عوض می تواند به امیدواری افتخار کند زیرا امید به مانند ایمان فقط به رحمت خدا و وفاداری او در انجام وعده هایش متکی است ر.ک روم۴:۲ d.

b- تحقق یافتن وعدهٔ خدا که در عمل بازخرید عیسی آغاز شده کاملاً به تمامیت نخواهد رسید، مگر در جلال و افتخار یعنی در نجات نهایی (روم۸:۱۱، ۱۸-۲۵). برائت یافتن مقدمه این نجات است و نجات نهایی به صورتی که در پایان روزگار فرا می رسد موضوع و هدف امید می باشد (روم۸:۲۴).

c- مصیبت در عهد عتیق این کلمه مخصوصاً سختی ها و مرارت های قوم و مردمان پرهیزگار را توصیف می کند، چنان که در مزامیر منظور از این کلمه بدبختی های فرد عادل است (مز۳۷:۳۹؛ ۵۰:۱۵). در یهودیگری مصیبت ها یکی از نشانه های پایان روزگار بشمار می رود (دوران مسیحایی برقرار نمی شود مگر پس از دردهای زایمان)، و این سختی باز هم باید فرا رسد. به نظر مسیحیان این مصیبت و دوران پایان روزگار فرا رسیده است: در نوشته های عهد جدید و مخصوصاً در نامه های پولس این کلمه نقش مهمی دارد. موقعیت ایمانداران و مخصوصاً رسولان بر آنست که با سختی آشنا شوند (ر.ک اع۱۱:۱۹؛ ۵:۱۷-۶؛ ۲-قرن۱:۴-۵؛ فی۴:۱۴) و حتی وضعیتی است که مأموران تبلیغ وپیروان را از آن گریزی نیست (یو۱۶:۳۳؛ اع۱۴:۲۲؛ ۱-تسا۳:۳). در نوشته های عهد جدید اشاره به پایان روزگار به موضوع مصیبت ها می پیوندد که در تعدادی از متن ها می توان ملاحظه کرد (مت۲۴:۹-۲۸؛ مکا۱:۹؛ ۷:۱۴). پولس می گوید که فرد ایماندار مسیحی مباهات خود را نه در خود مصیبت ها قرار می دهد و نه در کوششهایی که برای فایق شدن بر آنها باشد؛ بلکه تمام اعتماد خود را در فیض خدا می گذارد که مخصوصاً در ضعف آدمی بیشتر نمایان می شود (۲-قرن۱۲:۹-۱۰).

d- گاهی ترجمه می کنند: وفاداری که آزمایش شده است. منظور آزمایشی است که به وسیلهٔ آن می توان دریافت آیا شخصی یا چیزی بعضی صفات یا صلاحیت ها را دارا می باشد یا خیر؟ (۲-قرن۸:۲؛ ۱-پطر۱:۶-۷).

e- منظور محبتی است که خدا نسبت به ما دارد و نه محبتی که ما نسبت به خدا داریم. و این بند در بین تمام نوشته های عهد جدید بندی است که صریح تر ارتباط بین محبت و روح القدس را بیان می نماید.

f- یعنی قدرت نداشتیم که خود را از گناه خلاص کنیم.

زندگی[g] او نجات خواهیم یافت. ۱۱ و نه
این تنها، ما نیز به خدا افتخار می کنیم
به وسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح که اکنون
به وسیله او آشتی کرده ایم.

آدم و عیسی مسیح

۱۲ زیرا[h] همان گونه که گناه به وسیله یک
انسان در دنیا وارد شد و به وسیلهٔ گناه[i]،
مرگ و بدینسان مرگ به همهٔ انسانها
رسیده چون همگی گناه کرده اند[j]...

پید ۲:۱۷؛ ۳:۱۹؛ حک ۲:۲۴؛ ۱-قرن۱۵: ۲۱-۲۲، ۴۵؛ روم ۶:۲۳؛ غلا ۶:۷-۹؛ یع ۱:۱۵

g- ایمانداران از هم اکنون به وسیله خون یعنی مرگ مسیح (بندهای ۹-۱۰) برائت یافته (بند۹)، با خدا آشتی کرده (بند های ۱۰-۱۱) سرشار از امید در انتظار نجات در واپسین روزگار هستند که آخرین ثمرهٔ رستاخیز مسیح است (بند ۱۰). پولس هرگز مرگ مسیح را از رستاخیز او جدا نمی کند (ر.ک ۴:۲۵). منظره ای که در بندهای ۹-۱۱ ذکر شده همان است که در روم۵: ۲ و۸: ۱۱ آمده است.

h - «سراسر بند های ۱۲-۲۱ دو ترکیب و نظام در برابر یکدیگر قرار گرفته است که گناه و فیض می باشد. در این بندهای مهم و اساسی که بند های دشواری هستند پولس کمتر برآن است که شباهت کامل و برابری بین آدم و مسیح برقرار کند تا این که اختلاف و تضاد بین وضعیت آنها را تأیید نموده، برتری مسیح را بر آدم نشان دهد. مضافاً در تمام این قسمت مسیح و اعمال او مرکز افکار پولس می باشد و آدم به عنوان کسی ارائه می شود که تسلط و فرمانروایی را برقرار کرده است، تسلطی که مسیح بشریت را از آن رها کرده است.

i-لیونه می نویسد: «گناه، آدمی را از خدا جدا می کند، این جدایی مرگ است یعنی مرگ روحی و جاودانی که مرگ جسمانی نشانهٔ آن می باشد، ر.ک حک۲:۲۴؛ عبر۶:۱.» در این قسمت گناه و مرگ به طرز گیرائی به صورت شخصیت هایی مجسم شده اند.

j- دشواری هایی که در ترجمه و تفسیر پایان بند۱۲ وجود دارد مشهور است. کلمهٔ یونانی را که «چون» ترجمه شده است به طُرق مختلفی می توان درک نمود: (در متن ترجمه های مزامیر همان گونه): ۱) به صورت یک حرف ربط (به مفهوم: زیرا، چون، به دلیل این، وانگهی، به این ترتیب) که از نظر قواعد دستور زبان مفهوم و قابل قبول بوده، در متون مشابه نیز به همین معنی است ۲-قرن۵:۴؛ فی۳:۱۲؛ ۴:۱۰؛ ۲) همچنین این کلمه را می توان به صورت ضمیر موصول ترجمه کرد که به جای آدم گذاشته شده باشد (به مفهوم: که به سبب او، که به دلیل او، که در او). ۳) یا به صورت ضمیر موصولی که بجای مرگ آمده است (که به سبب آن، که به ملاحظهٔ آن). بدیهی است که پذیرفتن هریک از مفاهیم مختلف موجب تفسیر دیگری می شود ولی به هرصورت این تفسیر نکته ای ظریف و دقیق است.

- به نظر پدران کلیسای لاتین و همچنین به نظر لوتر قبل از هرچیز در اینجا اظهار می شود که تمام آدمیان به طرز اسرارآمیزی در نفس عمل گناه آدم وارد هستند (در ترجمه لاتینی عهد جدید، ولگات، حتی ترجمه شده است: آدم که در او تمام آدمیان گناه کرده اند). در این نوع تفسیر می توان چنین استنباط کرد که آدم ابوالبشر به تمام تبار خود میراث مرگ را منتقل نموده، یا اینکه کلیه گناهان بشریت پیشاپیش در عصیان آدم جای داشته است.

- به نظر بعضی از پدران کلیسای یونان و برخی مفسران کاتولیک (نظیر لاگرانژ و لیونه) و مفسران پروتستان (مانند کالون، میشل) منظور پولس در اینجا گناهان شخصی هریک از آدمیان است که مرتکب می شوند (ر.ک روم۳:۲۳) و بوسیلهٔ ایشان نیروی گناه که آدم به دنیا وارد کرده بود آثار مرگ را تولید می نماید.

- به هرصورت از متن این بند و آن چه از ترکیب عبارات و مطالب بندهای ۱۲-۱۸ برمی آید بین تخلف آدم و گناهان شخصی هر فرد آدمی ارتباط و پیوستگی وجود دارد ولی لازم به یادآوری است که پولس در اینجا مستقیماً در مورد نوع دقیق این ارتباط و پیوستگی آن سخنی نمی گوید. ضمناً باید توجه داشت که به نظر پولس و معاصران او آدم فقط شخصیتی تاریخی نیست بلکه شخصیتی است که تمام بشریت را شامل می شود و پولس با این عنوان در او تصویر مسیح را می بیند.

- تعداد زیادی از مفسران پروتستان معاصر قدمی فراتر رفته اند مثلاً لین هارت نوشته است: «پولس این وضعیت را به خطای آدم مربوط و منسوب می کند ولی نبایستی این نظریه را دقیقاً به مفهوم محدود تاریخی استنباط کرد. قبلاً یادآوری شده است که شخصیت آدمی موضوع اندیشه و نظریه ای است که برای او مختصات موجودی ارائه داده شده که مظهر تمام جامعه است و شامل کلیه افراد می شود. مطلبی از سفر پیدایش که پولس در اینجا در نظر داشته است در فصل هفتم نیز به کار برده شده است و پولس این مطالب را در آنجا با آزادی بکار برده است و با وضعیتی تطبیق داده است که نشان می دهد از بررسی سفر پیدایش بیشتر نکات کلی و عمومی علم الهی را آموخته، نه آنکه فقط شرح داستان واقعه ای را خوانده باشد که یک بار در جای معینی و برای شخص به خصوصی رخ داده است. پولس در اینجا هنگامی که از گناه و مرگ سخن می گوید شیوهٔ افسانه ای و اساطیری بکار می برد که نمایانگر تفسیری است که از سفرِ پیدایش درنظر دارد و در آن بیان ترکیب و سازمان اساسی بشریت را می خوانده است.

۱۳زیرا[k] قبل از قانون [تورات] در دنیا
۱۵:۴ گناه بود ولی وقتی قانون نباشد گناه
به‌حساب نمی‌آید[l]؛ ۱۴با این همه مرگ
ازآدم تا موسی فرمانروایی کرده است حتی
بر تمام کسانی که گناهی نظیر تخلف آدم
نکرده‌اند، او [آدم] که تصویر[m] کسی
است که باید می‌آمد.
۱۵ولی عطیه نظیر خطا نیست، زیرا اگر به
سبب خطای یک نفر بسیاری مرده‌اند،
چقدر بیشتر فیض خدا و عطیه‌ای که در
فیض یک انسان [یعنی] عیسی مسیح[n]،
وجود دارد، برای بسیاری [o] فراوان شد .
۱۶ براستی این فیض، نظیر عواقب گناه
یک فرد نیست، زیرا از طریق گناه یک
فرد، داوری به محکومیت انجامید، اما در
پی خطاهای بسیار، فیض به برائت می
انجامد. ۱۷ زیرا اگر به سبب خطای یک
فرد، به وسیله یک فرد مرگ فرمانروایی
کرده است، چقدر بیشتر آنان که به فراوانی
فیض و عطیهٔ عدالت را دریافت می‌کنند،
بوسیله یک نفر، عیسی مسیح، در زندگی ۲-تیمو ۲:۱۲؛ مکا ۲۰:۴-۶
فرمانروایی خواهند کرد.
۱۸ پس بدینسان[p] همانطور که بسبب
خطای یک فرد، برای همهٔ انسان ها
محکومیت بود، به همین گونه نیز با عمل
عادلانهٔ یک فرد، برای همهٔ انسان ها برائت
حیات است.
۱۹زیرا به همان گونه که به سبب اش ۵۳:۱۱؛ فی ۲:۸؛ عبر ۵:۸
نافرمانی یک انسان، بسیاری گناهکار
گردیدند به همین گونه بسبب فرمانبرداری
یک [انسان]بسیاری تبرئه خواهند شد.
۲۰البته در قانون[تورات] آمده است تا ۱۵:۴، ۷:۷-۸؛ غلا ۳:۱۹

k- مقایسه و تشبیهی که در بند ۱۲ آغاز شده در اینجا پایان نیافته است و مجدداً در بندهای ۱۵و۱۸ از سرگرفته خواهد شد.
- به نظر بعضی از مفسران بندهای ۱۳-۱۴، توضیح پایان بند ۱۲ است: چون همگی گناه کرده اند. پولس که از جنبهٔ قضایی این مسئله بحث کرده چنین استدلال می‌کند: کسانی که در فاصله بین دوران آدم و موسی زندگی کرده‌اند حتی درصورتی که گناهکار بودند نمی‌توانستند برطبق قانونی که شامل شخص ایشان شود به کیفر مرگ برسند زیرا قانونی وجود نداشت. لذا این مردمان نه به سبب گناه خودشان بلکه به علت گناه آدم به مرگ گرفتار می‌شدند.
- به نظر مفسران دیگر بند ۱۳ این اعتراض را بیان می‌کند: چگونه ممکن است که مرگ کیفر گناه باشد و حال آن که قانونی وجود نداشته است؟ پولس در بند ۱۴ چنین پاسخ می‌دهد: گناهانی را که مردم قبلاً در دوران بین زمان آدم و موسی مرتکب شده بودند، در خود این گناهان قوت مرگ وجود داشته و مرگ حکم محکومیتی نیست که از خارج صادر شده باشد، بلکه نتیجهٔ سرشت گناه است که فرمانروایی آن به وسیله آدم برقرار گردیده است.
- به هرصورت چنین به نظر می‌رسد که پولس قبل از هرچیز اظهار می‌کند اگر مرگ بر همهٔ مردمان، حتی پیش از موسی فرمانروایی کرده بدان سبب است که دانسته یا ندانسته در ترکیب و نظام (تدبیر) مرگ محصور بوده‌اند (روم۱۱:۳۲؛ غلا۳:۲۲) ترکیب و سازمانی که آدم افتتاح کرده بود تمام بشریت گناهکار را دربر می‌گیرد، بشریتی که تا فرا رسیدن پیروزی مسیح تابع قدرت مرگ بوده است.
l- گاهی ترجمه می‌کنند: نمی‌توان مجازات کرد.
m- کلمهٔ یونانی را که در این مورد بکار رفته می‌توان «نمونه» ترجمه کرد. (ر.ک ۱-قرن۱۰:۶) قبلاً پولس آدم را به‌عنوان اولین انسان، چهره‌ای از مسیح یعنی «نخستین زاده از همه مخلوقات» ارائه می‌کند (کول۱:۱۵؛ ر.ک روم۸:۲۹)؛ ولی مخصوصاً به‌عنوان کسی که ترکیب و نظام جهانی گناه و مرگ را افتتاح کرده است، آدم مقدمه منفی کسی است که ترکیب نظام جهانی فیض را افتتاح می‌نماید. ضمناً پولس کمتر به تشابه بین آدم و مسیح توجه نموده تا به تفاوت‌ها و اختلافاتی که آنان را از یکدیگر متمایز می‌کند (ر.ک بند ۱۵).
n- ترجمه دیگر: فیض خدا، فیضی که در یک فرد انسان یعنی عیسی مسیح عطا می‌شود.
o- یعنی تمام آدمیان (ر.ک بند ۱۸).
p- پولس پس از استدلال‌های محکمی که در سه بند بالا بکار برده به مقایسه‌ای که در بند ۱۲ آغاز شده ادامه می‌دهد.

خطا فراوان گردد[q] ولی در جایی که گناه
فراوان شده فیض بسیار فراوان شده است،
[21]تا همچنان که گناه در مرگ[r] فرمانروایی
کرده است، پس فیض هم به وسیله عدالت
۲۳:۶ برای زندگی جاودان به وسیله عیسی مسیح
خداوند ما فرمانروایی کند.

مردن و زندگی با عیسی مسیح

۶

۸:۳ [1]پس چه خواهیم گفت؟ آیا در گناه
بمانیم تا فیض افزون گردد؟
[2]چنین مباد! ما که در گناه مرده ایم چگونه
هنوز در آن زندگی کنیم؟ [3]یا اینکه
غلا ۲۷:۳ نمی دانید[s] ما همگی که در عیسی مسیح
تعمید یافته ایم، در مرگ او تعمید
یافته ایم؟ [4]پس ما بوسیله تعمید در مرگ
کول ۱۲:۲؛ ۲-تیمو ۱۱:۲ او مدفون شده ایم[t] تا همانگونه که مسیح از
میان مردگان بوسیله شکوه[u] پدر برخاسته
است، ما هم در زندگی تازه ای گام برداریم.
فی ۱۰:۳-۱۱ [5]زیرا اگر[v] در شباهت مرگ او[w] متحد
افس ۶:۲ شده ایم، اما همچنین در رستاخیزی [مشابه
با او، متحد] خواهیم شد[x]. [6]این را
کول ۹:۳-۱۰؛ ۲۲:۴-۲۴؛ می دانیم که انسان کهنِ ما با [او] مصلوب
غلا ۲۴:۵؛ ۱۴:۶ شده است، که این جسمِ گناه[y] از بین برود
تا ما دیگر اسیر گناه نباشیم؛ [7]زیرا آن که
مرده است، از گناه بری شده است.[z] [8]ولی
اگر با مسیح مرده ایم، ایمان داریم[a] که با او
همچنین زندگی خواهیم کرد، [9]چون که
اع ۳۴:۱۳ می دانیم مسیح، از میان مردگان برخاست،

q- پولس نمی گوید که منظور و هدف قانون گناه، به همین معنی می باشد. اگر وجود قانون موجب شده است که گناه پدیدار شده فراوان گردد برای آن است که مآلاً فیض در عیسی مسیح خیلی فراوان شود. نظریه پولس دربارهٔ قانون در فصل هفتم (۷) تشریح و تصریح خواهد شد.

r- گاهی ترجمه می کنند: برای مرگ.

s- این نظریه فقط مختص به پولس نیست. بعضی از مفسران تصور می کنند حتی در جمعیتی که بوسیله پولس به ایمان نگرویده بودند با این نظریه آشنایی داشته اند به نظر مفسران دیگر، این سئوال فقط روشی در بلاغت و طرز بیان است در این صورت آموزشی تازه خواهد بود.

t- بیشتر مفسران این نکته را اشاره به تعمید با فرو بردن کامل در آب تشخیص می دهند.

u- یعنی با قدرت متعالی پدر. معمولاً خدا با تجلی قدرت نجات، شکوه خود را متظاهر می کند یعنی به عنوان خدا تجلی می نماید (ر.ک خروج۱۵:۷؛ یو۴۰:۱۱) ر.ک به روم۲۳:۳ v.

v- در اینجا و در بند ۸ کلمه اگر حرف ربط است و به مفهوم شرطی نیست بلکه به معنی چونکه درک شود.

w- ترجمه تحت اللفظی: اگر ما نهال واحدی شده ایم با مشابهت مرگ او. همچنین جمله را می توان تعبیر کرد: اگر بوسیلهٔ مرگی نظیر مرگ او [با او] موجود واحدی شده ایم.

x- توجه کنید افعالی که بکار برده شده از نظر زمان متفاوت هستند، در مورد مرگ فعل به زمان ماضی و در مورد رستاخیز به زمان مستقبل است. ر.ک بند ۸. در کول۱۲:۲ هردو فعل به زمان ماضی است. ولی در روم۱۱:۶ مشاهده می شود که گرچه مشابهت با مسیح برخاسته از مرگ فقط در باز آمدن مسیح کامل خواهد شد ولی هم اکنون این مطابقت وجود دارد.

y- در اینجا منظور از جسم آن نیست که متمایز از روح باشد بلکه تمام وجود آدمی است که در جسم و بوسیله جسم خود عمل می کند، مکانی که برای وجود او و عمل او و حضور او در دنیا لازم است (ر.ک روم۱۲:۱ i). بنابراین دو اصطلاح جسم گناه و انسان کهن برابر می باشند.

z- ترجمه تحت اللفظی: از گناه تبرئه شده است. تعبیر این بند دشوار است. می توان گفت تبرئه شده است یعنی دیگر حسابی ندارد. در این صورت نظریه ای قضایی خواهد بود که ارزش کلی خواهد داشت: یعنی به وسیله مرگ عمل کیفر منتفی می شود. یا اینکه بهتر است فعل را به همان معنایی که پولس در جاهای دیگر بکار برده بگیریم در این صورت تعبیر خواهد شد: آن کسی که مرده است (با مسیح بند ۸، ر.ک بند ۵) از گناهی که بر انسان کهن تسلط داشته آزاد گردیده، عادل شده است.

a- زندگی تازه ای که در این دنیا آغاز می شود (بندهای ۴، ۱۱) و با رستاخیز از میان مردگان پایان می پذیرد (بندهای ۵، ۸)، واقعیتی است که فقط در ایمان می توان آن را دریافت.

دیگر نمی‌میرد؛ دیگر مرگ بر او تسلطی
ندارد. 10 زیرا با مردن، به یکبارگی از
۱-پطر ۳:۱۸؛ عبر ۹:۲۶ گناه[b] مرده است، ولی در زنده بودن، برای
خدا زنده است. 11 و بدینسان شما براستی
۱-پطر ۲:۲۴ خودتان را مرده در گناه بشمار آورید[c] ولی
زنده برای خدا در مسیح عیسی.
پید ۴:۷ 12 پس گناه در جسم فانی شما[d]
فرمانروایی نکند[e] تا از هوسهای آن تبعیت
نمایید. 13 هیچ یک از اعضای خود را
[همچون] اسلحه بی‌عدالتی برای گناه عرضه
نکنید؛ بلکه بمانند زنده‌هایی [برخاسته] از
میان مردگان خود را به خدا عرضه نمایید و
اعضای شما اسلحه‌ای برای عدالت خدا
غلا ۵:۱۸ [باشند]. 14 زیرا گناه بر روی شما تسلطی
نخواهد داشت[f]، زیرا تحت [تبعیت] قانون
نیستید، بلکه تحت فیض [قرار دارید].

در خدمت عدالت

15 پس چه [بگوئیم]؟ آیا گناه خواهیم
کرد، زیرا تحت [تبعیت] قانون نبوده بلکه
تحت [تبعیت] فیض هستیم؟ چنین مباد!
16 آیا نمی‌دانید که اگر خود را [به عنوان]
یو ۸:۳۴ برده در اختیار کسی می‌گذارید تا از او
اطاعت کنید شما بردهٔ کسی هستید که از او
اطاعت می‌کنید، خواه از گناه برای مرگ،
یا از اطاعت برای عدالت.[g] 17 ولی شکر
خدا را! پس از آنکه برده گناه بوده‌اید، از
قلب[h] از نوع آموزشی[i] که به آن سپرده شده
غلا ۵:۱۳؛ یو ۸:۳۶ بودید اطاعت کرده‌اید؛ 18 آزاد شده از
گناه، بردهٔ عدالت شده‌اید. 19 (بدلیل
ضعف نفسانی[j] شما، کاملاً به شیوهٔ بشری
با شما سخن می‌گویم.) زیرا به همان‌گونه
که اعضای خود را به عنوان برده ناپاکی و

b- ر.ک روم۸:۳ جمله: از گناه مرده است ترجمه تحت‌اللفظی است: یعنی مسیح از گناه بری و برکنار شده است؛ مسیح که هرگز با گناه آشنا نبوده خود را با بشریت گناهکار شریک و وابسته کرده است (۲-قرن۵:۲۱). بوسیله مرگ خود (و رستاخیز خود) کسانی را که به او پیوسته‌اند از تسلط گناه رهایی می‌بخشد.

c- ترجمه دیگر: توجه کنید که شما به گناه مرده‌اید. در این ترجمه، تفسیری که فقط جنبهٔ روانشناسی دارد به کنار گذاشته می‌شود. منظور آن نیست که خود را مرده تصور کنند بلکه این نکته را که مرده‌اند جدی تلقی کرده، به عنوان مطلبی واقعی بپذیرند.

d- ر.ک بند ۶،y. تا وقتی که جسم فانی به لباس جاودانی ملبس نشده (ر.ک ۱-قرن۱۵:۵۴) فرد مسیحی کماکان تمایلی به گناه دارد (ر.ک غلا۵:۱۴-۱۶)؛ ولی به موهبت مسیح از این پس می‌تواند بر او پیروز شود.

e- این فعل به صورت امر است و فقط بیان آرزویی نبوده بلکه الزامی می‌باشد. (در زندگی خودمان) بدان‌گونه که از این پس هستید باشید. (بند۱۱) یعنی مرده در گناه و زنده در مسیح. این نکته موضوع مهمی در نوشته‌های پولس است. ر.ک کول۳:۳، ۵ (شما مرده اید... بمیرانید...)؛ فی۳:۱۲-۱۵.

f- این فعل که به صورت مستقبل آمده در عین حال واقعیت مسلم و الزام را می‌رساند.

g- در اینجا عبارت پولس عیناً نقل شده است ولی به‌خوبیروشن است که ارباب دومی اطاعت نیست (زیرا از اطاعت اطاعت نمی‌کنند) بلکه از خدا اطاعت می‌نمایند.

h- این تذکر مهم است. زیرا واژه‌های مربوط به برده را که بطرز نامناسبی به عدالت (بندهای ۱۶، ۱۸، ۱۹) و به خدا (بند۲۲) نسبت داده است تصحیح می‌نماید زیرا منظور خدمتی آزادانه در محبت است.

i- ترجمه متن بالا تحت‌اللفظی است. منظور نخستین گفتار و موعظه در مسیحیت است که سخنران هرکسی باشد محتوای اصلی گفتار یکی است (۱-قرن۱۵:۱۱). بدین ترتیب پولس صحت و درستی آموزشی را که رومیان دریافت کرده‌اند می‌پذیرد با آنکه این آموزش از او نیست (روم۱۵:۱۵؛ ۱۶:۱۷). پولس می‌خواسته است نشان دهد که با پیام‌آوران دیگر انجیل توافق و هم‌آهنگی دارد (غلا۲:۲).

j- ترجمه تحت‌اللفظی: من بشری سخن می‌گویم بسبب ضعف تن شما. پولس بسبب آنکه لحن نامناسبی بکار برده معذرت می‌خواهد (ر.ک بند ۱۷ h). نقصی که در لحن گفتار پولس است یا به سبب ضعف ادراک شنوندگان است و یا بدلیل رازی است که به هیچ زبان بشری نمی‌توان بیان کرد به طوری که کاملاً رضایت بخش باشد و یا به سبب هر دو علت است.

۱:۱۲ بی قانونی به منظور بی قانونی[k]
عرضه کرده اید پس اکنون اعضای خود را به
منظور تقدس[l] به عنوان برده به عدالت
تقدیم کنید. ۲۰زیرا هنگامی که برده گناه
بودید، نسبت به عدالت آزاد بودید. ۲۱در
آن وقت چه ثمره ای داشتید؟ آنچه اکنون
از آنها شرمسارید زیرا پایان آنها مرگ
است[m]. ۲۲ولی اکنون که از گناه آزاد
شده اید و بردهٔ خدا شده اید برای تقدس،
یو ۸:۱۵-۱۶ ثمره خود را دارید و پایان آن زندگی
۱۲:۵، ۲۱؛ جاودان است. ۲۳زیرا اجرت گناه مرگ
غلا ۶:۸؛ یع ۱:۱۵ است، اما که عطیه خدا، زندگی جاودان در
مسیح عیسی خداوند ما است[n].

آزاد شدن فرد مسیحی از قانون تورات

۷ ۱ای برادران آیا نمی دانید -زیرا به
کسانی سخن می گویم که قانون
تورات را می شناسند[o]- که این قانون مادام
که انسان زنده است بر او حکمفرما است؟
۱-قرن ۳۹:۷ ۲بدین سان زن شوهردار بوسیلهٔ قانون به
شوهر زنده، وابسته است ولی اگر شوهر
بمیرد، از قانون شوهرش رها می شود. ۳پس
بنابر این در زنده بودن شوهرش اگر به مرد
دیگری تعلق بگیرد او را زناکار خواهند
خواند ولی اگر شوهر بمیرد، او از قانون
آزاد شده است و با تعلق داشتن به مرد

k- کلمهٔ یونانی را که پولس در اینجا ناپاکی بکار برده و بی قانونی ترجمه شده است دوباره بکار برده و به همین ترتیب دوبار در ترجمه آمده است.

l- لین هارت می نویسد: « در مقابل بی قانونی که بردهٔ گناه در آن فرو می رود تقدس قرار دارد. قوم اسرائیل «مقدس» است زیرا قومی است که خدا برگزیده است، قومی که با خدا ارتباط نزدیک دارد؛ بنابراین تقدس قوم اسرائیل کار خدا است ولی اسرائیل بایستی بوسیله اطاعت و اجرای عدالت به این گزینش پاسخ دهد. تقدس عبارت از طرز رفتاری است که بوسیلهٔ آن کسی که در نتیجه عمل خدا و تعلق قوم برگزیده مقدس است، به دعوت الهی با اطاعت شخصی عملاً پاسخ می دهد به همین گونه فرد ایماندار مقدس است زیرا به جسم مسیح تعلق دارد و به عنوان کسی که ایمان دارد و تعمید یافته است ملک انحصاری مسیح گردیده است؛ به او تعلق دارد، همچنانکه یک عضو به بدن متعلق است. چنین وضعیتی در زندگی با اطاعت حاصل خواهد شد و عملاً آنچه را صواب است تحقق خواهد بخشید. اعضای بدن فرد ایماندار اعضای مسیح شده اند (۴:۱۲-۵؛ ۱-قرن۶:۱۵؛ ۱۲:۱۲-۲۷). بنابراین فرد ایماندار باید در راه تقدس پیش برود تا تقدسی که قبلاً بوسیله مسیح عیسی عطا شده است تحقق بخشد. کلمه یونانی که «اکنون» ترجمه شده است تأیید می کند که موقعیت کنونی ایماندار به همانگونه که عمل مسیح تعیین کرده است زمینهٔ تشویق به پیشروی در راه تقدس با اجرای عدالت است (ر.ک عبارت مکا۲۲:۱۱: آنکه مقدس است باز هم خود را مقدس سازد).»

- این نکته را بیفزاییم که برطبق مفاد فصل های نامه به رومیان، این تقدس چیز دیگری نیست به جز تحقق بخشیدن واقعی و عملی به زندگی جدیدی که به هنگام تعمید در مسیح داده شده است (بند۴). ر.ک روم۷:۱ m و ۲۵:۱۵ h.

m- گاهی ترجمه می کنند: پس در آن موقع چه ثمره هایی داشتید؟ امروز شرمسارید زیرا پایان آنها مرگ است.

n- بندهای ۲۱و۲۲ کاملاً شبیه و به موازات یکدیگرند بدین معنی که مرگ نتیجه و عاقبت گناه است و زندگی جاویدان عاقبت تقدس می باشد. ولی بند ۲۳ تفاوت آنها را نشان می دهد: جریانی که به مرگ منتهی می شود تابع روش عادلانهٔ پاداش دادن است (مزد، اجرت) درصورتی که آنچه به زندگی جاویدان هدایت می کند عمل رحیمانه و رایگان خدا است (عطیه رایگان). دربارهٔ نقش اعمال آدمی در این جریان، نظریات کاتولیک و پروتستان متفاوت است.

o- رومیان در مورد آشنایی به علوم حقوقی شهرت داشتند. ترجمهٔ دیگر: من به انسانهایی عالم (آشنا) به قانون سخن می گویم که در این صورت منظور قانون موسی است. در آموزش مذهبی مسیحیان حتی موقعی که به افراد مسیحی آموزش داده می شد که قبلاً به دین یهودی نبودند مرتباً اشاره و مراجعه به عهد عتیق می شد.

دیگری زناکار نیست. ۴همچنین ای
برادران من، شما هم[p] نسبت به قانون
[تورات][q] بوسیله جسم مسیح مرده اید[r] تا
شما به کس دیگری متعلق باشید، به آن
کس که از بین مردگان برخاسته است تا
ثمره برای خدا بیاوریم. ۵زیرا وقتی در تن
بودیم، هیجانهای گناه آلود، که بوسیله
قانون [تورات] [s] در اعضای ما عمل
می کردند[t] تا برای مرگ ثمر آوریم. ۶ولی
اکنون از قانون [تورات] رها شده ایم، که
مرده بودیم با چیزی که ما را در بند نگه
می داشت به طوری که در تازگی روح
(معنی) و نه در کهنگی لفظ خدمت
می کنیم[u].

۶:۵-۶؛ ۸:۱۱-۲۲؛ ۲ـ قرن ۵:۱۵
۶:۲۰-۲۱
۲:۲۹؛ ۶:۱۲-۱۴؛ ۲ـ قرن ۳:۶

p- در این مورد نبایستی جزئیات را مقایسه نمود؛ در مثالی که پولس می آورد مرگ شوهر، زن را آزاد می کند (بندهای ۲-۳)؛ در انطباق با این مثال، فرد مسیحی که با مسیح می میرد، مسیح او را آزاد می سازد (بند۴). و مقایسه فقط در این نکته است که: ارتباطی که بوسیله قانون ایجاد شده بوسیله مرگ قطع می شود.

q- در اینجا منظور قانون موسی است ولی باید متوجه بود که نظر پولس فقط به جنبه های کهنه و متروک این قانون محدود نمی شود (مثل ختنه کردن، مقررات نیایش، مقررات مربوط به اغذیه). تنها مثال روشن و صریحی که ارائه می دهد از ده فرمان گرفته شده است (بند۷) و یادآوری فرمانی است که خدا به آدم [ابوالبشر] داده است (ر.ک بندهای ۹-۱۱ یادداشت های a،z،y). پولس قانون موسی را به عنوان قانون اخلاقی که از سوی خدا آمده است می نگرد، قانونی که از خارج بر آدمیان ابلاغ می شود. آنچه دربارهٔ این قانون می گوید در مورد هر دستور اخلاقی صادق است که فقط راهی را که آدمی باید بپیماید نشان می دهد بدون اینکه نیروی اجرای آن را داده باشد. پولس در این فصل و در آغاز فصل بعدی، در خارج از قانون موسی سه قانون دیگر تشخیص می دهد که عبارتند از: قانون گناه که در اعضای بدن من وجود دارد (بند ۲۳، ر.ک بندهای ۲۲ و ۲۵)، قانون روح القدس که در عیسی مسیح زندگی می دهد (روم۸: ۲) و قانونی که ذکاوت من آن را تصویب می کند (بند۲۳). دو قانون اولی اصول فعال و نیرومندی هستند که آدمی را وادار می کنند چنین یا چنان رفتار نماید؛ قانون سومی را باید با قانون درونی مشرکان مقایسه کرد (روم۲:۱۲ r و۱۵ t)؛ قانونی که روشن می کند و محکوم می نماید ولی آدمی را در بیچارگی خود باقی می گذارد. قانون موسی هم به همین گونه است: قانونی مقدس است (روم۷:۱۲) ولی اگر ملاحظه شود فقط شناسایی گناه را دربر دارد (می دهد) (روم۳:۲۰). ر.ک روم۲:۱۲؛ ۴:۱۵ o.

r- ملاحظه کنید که مطالب این قسمت به موازات فصل ششم می باشد که در آنجا پولس نشان می دهد فرد مسیحی، در مرگ با مسیح، به گناه مرده است. در اینجا رسول توضیح می دهد که فرد مسیحی در مرگ با مسیح به قانون مرده است. این مطالب را به دوگونه می توان تفسیر نمود: ۱- فرد مسیحی به وسیلهٔ جسم مسیح به قانون مرده است بدین معنی که مسیح به جای فرد ایماندار و به نام او حکم مرگی را که برطبق قانون علیه گناهکار صادر شده متحمل گردیده است. از این پس در مورد کسی که به مسیح پیوسته است قانون هیچ گونه وظیفه و اجباری تعیین نمی کند. ۲- فرد مسیحی به وسیله پیوستن به مسیح که مرده و دوباره زنده شده است (بند ۴) دیگر در جسم زندگی نمی کند (بند ۵)، بلکه در روح القدس زندگی می کند(بند ۶، ر.ک روم۸:۹) قانون روح القدس که زندگی می دهد، مرا در عیسی مسیح از قانون گناه و مرگ رهایی بخشیده است (روم۸:۲)؛ فرد مسیحی عدالتی را که قانون مقرر کرده است انجام می دهد (روم۸:۴) یعنی مقررات و الزامات اخلاقی قانون موسی را با نیروی فعالی که مختص این زندگی جدید است انجام می دهد؛(ر.ک یادداشت قبلی q) در صورتی که قبلاً در تحت تسلط جسم (روم۸:۵-۷)، واگذار شده به قانون گناهی که در اعضای او وجود داشته(روم۷:۲۳) بوسیلهٔ قانون خدا محکوم بود، قانونی که او را گناهکار اعلام کرده، به مرگ مجازات می کرد بدون اینکه نیرویی بدهد که از این وضع خارج شود. بنابراین به قانونی مرده است که دیگر حکم محکومیتی علیه او اجرا نمی کند (روم۸:۱).

s- ترجمه تحت اللفظی: هیجانهایی گناه آلود به وسیله قانون (عمل می کنند یا صدمه می زنند). در بندهای ۷ الی ۱۴ این عبارت تشریح خواهد شد.

t- این اصطلاح به مفهوم مجموعهٔ وجود آدمی است به طوری که در دنیا عمل می کند. در اینجا اعضای آدمی تحقیر شده است و ممکن است در راه ناپاکی و بی نظمی عمل کنند و یا در خدمت عدالت باشند(روم۶:۱۸-۱۹).

u- در اینجا پولس بنابر عادت خود موضوع بعدی را که در فصل ۸ تشریح خواهد آمد اعلام می کند (چنانکه در روم۶:۱۴ موضوع فصل هفتم را اعلام می کرد). در مورد تمایز بین معنی ظاهری- روح القدس ر.ک ۲-قرن۳. منظور اختلاف بین قانون مکتوب موسی و قانون روح القدس است (روم۸:۲) و به هیچ وجه تمایز بین «معنی ظاهری و لفظی» قانون و«روح» آن قانون نیست.

نقش قانون تورات

[۷]پس چه خواهیم گفت؟ آیا قانون گناه ۲۰:۳
است؟ هرگز چنین مباد! ولی گناه را
نشناخته ام[v]مگر بوسیلهٔ قانون. و البته من
طمع را نمی شناختم اگر قانون نگفته بود:
طمع نخواهی ورزید[w]. [۸]و گناه بوسیله فرمان یع ۱:۱۴-۱۵؛ روم ۴:۱۵؛ ۵:۱۳-۲۰
فرصت جسته در من هرگونه طمع پدید آورد ۱ـ قرن ۱۵:۵۶
زیرا بدون قانون گناه مرده است[x]. [۹]من در
گذشته بدون قانون زنده بودم[y] اما فرمان
آمده، گناه جان گرفته است،[z] [۱۰]و من لاو ۱۸:۵؛ تث ۴:۱؛
مرده ام و فرمانی که برای زندگی بود، در من ۵:۳۲-۳۳؛ حزق ۲۰:۱۱
مرگ را یافت[۱۱] زیرا گناه فرصت یافته
بوسیله فرمان مرا فریب داده[a] و بوسیله آن پید ۳:۱۳؛ ۲ـ قرن ۱۱:۳؛
مرا کشته است. [۱۲]پس در واقع قانون مقدس عبر ۳:۱۳
است و فرمان مقدس، عادلانه و خوب است. تث ۴:۸

انسان تحت تسلط گناه

[۱۳]آنگاه آیا آنچه خوب است برای من
مرگ شده است؟ هرگز! بلکه این گناه،
برای آنکه گناه بودنش ظاهر شود به وسیلهٔ
آنچه خوب است موجب مرگ من شده
است تا گناه بوسیله فرمان بی نهایت
گناهکار گردد[b]. [۱۴]زیرا می دانیم که قانون
روحانی است ولی من از تنم (جسمانی) و مز ۵۱:۷؛ یو ۳:۶؛
فروخته شده به گناه هستم. [۱۵]چون آنچه غلا ۵:۱۷
می کنم درک نمی نمایم، زیرا آنچه را
می خواهم، عمل نمی کنم بلکه آنچه نفرت
دارم انجام می دهم[c]. [۱۶]باری اگر آنچه را

v- معنی ضمیر من که در اینجا بکار برده شده بوسیله اشاره به آدم ابوالبشر و خطای او در بندهای ۹:۱۱-۲۴ روشن شده است، منظور هر انسانی است که به مانند آدم ابوالبشر درگیر با قانون، تجاوز از آن و گناه می باشد.

w- خروج ۲۰:۱۷؛ تث ۵:۲۱.

x- «بدون قانون... رفتار آدمی تابع هیچ معیاری نیست، معیاری که به اعمال انسان ارزش اخلاقی و مذهبی می دهد» (لین هارت). ر.ک به بند ۹ y.

y- احتمالاً پولس به دوران قبل از ارتکاب اولین گناه آدمی می اندیشید ولی به نوعی در مورد هر انسانی صادق است. ر.ک بند ۷ v. پولس طبیعت این زندگی پیش از ارتکاب گناه را تعیین نمی کند. به نظر او سرشت این زندگی با مرگ روحی و معنوی که در پی دارد تباین و اختلاف دارد.

z- این عبارت نظیر آنچه در بند ۸ آمده است (بدون قانون، گناه مرده است) به خوبی نشان می دهد که قانون رفتار گناه آمیز بوجود نمی آورد: بلکه این رفتار را برملا کرده، آن را به همان گونه که هست نشان می دهد زیرا طبیعت اعمال آدمی را که تحت سلطهٔ قانون گناه است ظاهر می سازد، قانونی که در اعضای او وجود دارد (بند ۲۳).

a- این عبارت از پید ۳:۱۳ است. آدمی با پیروی از قانون گناه که او را به مرگ رهبری می کند فریب خورده است نظیر حوا که بوسیله مار فریب خورده بود. بدین گونه مرگ را می گزینند درصورتی که خدا او را به زندگی دعوت می نماید.

b- ترجمه تحت اللفظی: تا او به منتهی درجه گناهکار پدیدار گردد. در اینجا گناه به سبب آثاری که بر روی آدمی دارد به صورت مشخص مجسم شده، این تجسم تا بند ۲۰ ادامه می یابد.

c- به نظر بیشتر مفسران کهن و تعدادی مفسران جدید در اینجا و در بندهای بعدی سخن دربارهٔ مسیحیان است. ولی بیشتر دربارهٔ انسان گناهکاری است که هنوز بوسیلهٔ ایمان رستگار نشده است. البته وضعیتی که در اینجا توصیف شده مجدداً در زندگی فرد ایماندار به شکل دیگری آمده است (غلا ۵:۱۷). البته اختلاف و معارضه ای که در بندهای ۱۵ الی ۲۴ ذکر شده نبایستی از نظر روانشناسی تجزیه و تحلیل کرد و یا تصور شود توصیفی از یک تجربه شخصی پولس است. بلکه منظور نگاهی بر انسان گناهکار است که فقط پرتو ایمان آن را امکان پذیر ساخته است. در زندگی، انسانی که بردهٔ گناه باشد فقط ایمان می تواند بعضی جنبه های زندگی را که خودش نمی تواند معنی آن را درک کند برای او ظاهر ساخته، آشکار کند. اندیشهٔ پولس را تقریباً بدقت می توان با کلمهٔ «انتقال» بیان کرد (منظور معنی عمیق این کلمه می باشد که به مفهوم تعلق یافتن به دیگری است) گناه، آدمی را منتقل می کند یعنی او را در سرنوشتی وارد می کند که برخلاف تمایلات باطنی او است و برخلاف الهام درونی است که خدا او را بدان دعوت می کند. این اختلاف و تعارض را پولس آشکار و روشن می کند و نشان می دهد که آدمی مایل به نیکی است و نیکی را آرزو می کند بدون اینکه موفق شود از بدی احتراز نماید فعل خواستن که در بندهای ۱۵: ۱۹، ۲۰-۲۱ آمده است همین آرزو را بیان می کند و ضمیر من که در بندهای ۱۷ و ۲۰ بکار برده شده انسانی است که به این «انتقال» پی برده، آن را

که نمی‌خواهم انجام می‌دهم، می پذیرم که
قانون خوب است[d]. [۱۷] ولی اکنون من آن را
انجام نمی‌دهم، بلکه گناهی که در من جای
دارد[e] [انجام می دهد]. [۱۸] زیرا می‌دانم که
در من، تن من، خوبی جای ندارد. البته پید ۶:۵؛ ۸:۲۱
ارادهٔ خوبی کردن در دسترس من است ولی
نه اجرای آن* . [۱۹] زیرا خوبی را که
می‌خواهم نمی کنم ولی بدی را که
نمی‌خواهم می کنم. [۲۰] باری اگر آنچه را غلا ۵:۱۷
نمی‌خواهم می کنم، من انجام نمی‌دهم،
بلکه آن گناهی که در من جای دارد[انجام
می دهد]. [۲۱] پس برای من که می‌خواهم
خوبی بکنم این قانون را درمی یابم[f] که بدی
کردن در دسترس من است. [۲۲] زیرا برحسب
انسانیت باطنی[g] از قانون خدا خوشنودم. ۲ـ قرن ۴:۱۶؛ افس ۳:۱۶
[۲۳] ولی قانون دیگری در اعضای خود[h] می
بینم که با قانون ذکاوت من[i] در مبارزه غلا۵:۱۷
است و مرا در زیر قانون گناه که در اعضای
من است اسیر می سازد. [۲۴] ای بیچاره مز ۲۲:۱-۱۲؛ ۱۰۷:۶-۱۳، ۱۹، ۲۸
[من] انسان هستم! چه کسی مرا از این
جسم مرگ رهائی خواهد بخشید[j]؟ [۲۵] اما ۵:۲۱؛ ۶:۲۳؛ ۱ـ قرن ۱۵:۵۷
شکر خدا را به وسیله عیسی مسیح، خداوند
ما! پس بدین سان، من خودم، حقیقتاً با
ذکاوت، قانون خدا را بنده هستم اما به
جسم، قانون گناه را[k].

آزادی بوسیله روح‌القدس

۸ [۱] پس اکنون برای آنان که در مسیح
هستند هیچ محکومیتی نیست.
[۲] زیرا قانون روح[l] زندگی در مسیح عیسی تو ۲ـ قرن ۳:۱۷؛ غلا ۵:۱۸؛
را[m] از قانون گناه و مرگ آزاد کرده اع ۱۳:۳۸-۳۹
است.[n] [۳] زیرا آنچه برای قانون تورات که عبر۷:۱۸

می شناسد بدون اینکه بتواند از آن بگریزد (بند۱۸). انسان در این معنی می شناسد که قانون خوب است (بند ۱۶). بین محتوای قانون و آنچه را آدمی میل طبیعی واقعی خود می شناسد مقارنت و انطباق وجود دارد (بندهای ۲۲-۲۳).

d- ترجمه تحت‌اللفظی: من موافقم با قانون که خوب است.

e- قصد پولس در اینجا و در بند ۲۰ آن نیست که مسئولیت انسان گناهکار را کاهش و تخفیف دهد (ر.ک بند۱۵ c).

* دو کلمه ای که «خوبی» ترجمه شده است در اصل یونانی، مختلف اما مترادف می باشند، که به دفعات تکرار شده است.

f- کلمهٔ قانون در اینجا به معنی معمولی کلمه و مفهوم معتدل و ملایم آن آمده است بنابراین جمله را می توان ترجمه کرد: زیرا دائماً اوضاع چنین می گذرد.

g- این اصطلاح که اصلاً در فلسفه یونان بکار رفته، سپس در زبان عادی مردم وارد شده است به معنی قسمتی از وجود آدمی است که عقلانی و منطقی می باشد (ر.ک بند۲۳: قانون ذکاوت من)، در این مورد تجدید انسان بوسیله روح‌القدس منظور نشده است، بلکه انسان باطنی حالتی از انسان کهن یعنی انسان گناهکار است.

h- این اصطلاح به مفهوم تمام وجود آدمی است که در اینجا به عنوان بردهٔ گناه می باشد. در این متن همان معنی کلمهٔ جسم را دارد که در بندهای ۵ و ۱۸ آمده است.

i - ترجمهٔ تحت‌اللفظی: قانون ذکاوت من. در مورد این اصطلاح و در مورد اصطلاح قانون گناه که در اعضای من است، ر.ک بند ۴ q.

j- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: در جسم این مرگ: این طرز بیان از زبانهای سامی گرفته شده است. ر.ک روم۱۲:۱ i. این عبارت رامی توان به طرز مفصل تر و مشروح تر چنین ترجمه کرد: که مرا از آن «منی» که در اندرون من و اسیر گناه و محکوم به مرگ است آزاد خواهد کرد تا بتوانم «من» جدیدی در عیسی مسیح بشوم (روم۸:۱) و بوسیلهٔ روح‌القدس تغییر یابم (روم۸:۵-۱۱).

k- این عبارت آخری بهتر بود بعد از بند۲۳ آمده باشد. ولی هیچ یک از نسخه های خطی این متن چنین فرضیه ای را تأیید نمی کند.

l- این عبارت خلاصه ای است از آنچه در ار۳۱:۳۳ و حزق۳۶:۲۷؛ ۳۷:۱۴ آمده است. فرد ایماندار به وسیله روح خدا که عیسی داده است تغییر یافته و نو شده است و می تواند از ارادهٔ خدا تبعیت نماید و این اراده اجبار و فشاری نیست که از خارج بر او تحمیل می شود بلکه قانون درونی زندگی جدید او است.

m- در بعضی از نسخه های خطی بدین صورت است در بعضی دیگر: ما را ... آزاد کرده است، در بعضی مرا ... آزاد کرده است.

n- بعضی ترجمه می کنند: در مسیح عیسی آزاد کرده است.

زیرا آنچه از قانون غیر ممکن بود، چونکه
جسم ضعیف بود، خدا [انجام داده است][o]:
غلا ۳:۱۳؛ ۲ـ قرن ۵:۲۱؛ با فرستادن پسر خودش در نظیر جسم گناه[p]
عبر ۲:۱۴-۱۸؛ ۴:۱۵ و برای گناه، گناه را در جسم محکوم کرد[q].
مت ۵:۱۷ ۴ تـا عـدالت[r] قـانـون، در مـا که نه بـرطبق
جسم، بـلکه بـرطبق روح[s] رفتار می کنیم
غلا ۵:۱۶-۲۳ انجـام گـردد. ۵ زیـرا آنـان که بـرطـبق تن[t]
هستند در چیزهای تن می اندیشند؛ اما
۶:۲۱ آنـان که بـرطـبق روح، در چیـزهای روح.
۶ زیرا اندیشه جسم مرگ است؛ اما اندیشه
یع ۴:۴ روح، زنــدگی و آرامش. ۷ بــدین سـبب
اندیشهٔ تن، دشمنی نسبت به خداست زیرا
۱ـ یو ۲:۱۵-۱۶ تابع خدا نیست، نمی تواند هم باشد. ۸ پس
آنان که در تن هستند نمی توانند خوشایند
خدا باشند.
۹ امـا شمـا در تن نـیستـیـد بـلکه در روح
[هستیـد]، در واقع اگر روح خـدا در شمـا
سکونت دارد[u]. اما اگر کسی روح مسیح را
ندارد به او تعلق ندارد. ۱۰ و اگر مسیح در
شما است، حقیقتاً جسم به سبب گناه مرده ۱ـ قرن ۳:۱۶
است امـا روح به سـبب عـدالت زنـدگی
است[v].
۱۱ و اگـر روح آن کسی که عـیـسی را از
میان مـردگان برخیزانـد در شمـا سکونت
دارد، آنکه مسیح عیسی را از میان مردگان ۱ـ قرن ۶:۱۴؛ ۲ـ قرن ۴:۱۴
برخیـزانـد، جسم های فـناپـذیـر شمـا را هم
به وسیله روح خود که در شما سکونت دارد
زنده خواهد کرد.
۱۲ پس بنـابر این ای برادران، ما مدیون
تن نـیستـیم تـا برطبق تن زندگی کـنیم[w].
۱۳ زیرا اگـر برطبق جسم زندگی می کـنید
باید بمیرید؛ ولی اگر به وسیله روح، اعمال
جسم را بـکشید[x]، زندگی خواهیـد کرد.
۱۴ زیـرا هـمه آنـان که به وسـیـله روح خـدا

o- ترجمه های دیگر: در مورد گناه، به ملاحظهٔ گناه (که باید جبران کرد). بعضی از مفسران بر آنند این عبارت اصطلاحی فنی است که در کتاب مقدس به زبان یونانی در مورد قربانی کردن بکار برده شده است (ر.ک اش۵۳:۱۰).
p- ترجمهٔ دیگر: با فرستادن پسر خودش در موقعیت جسم گناهکار ما. مسیح سرنوشت وضعیت گناهکاری ما را برعهده می گیرد بدون اینکه خودش به هیچ وجه گناهکار باشد (۲-قرن۵:۲۱).
q- این محکومیت که در جسم مسیح مصلوب انجام گردیده قطعی و منحصربه فرد است و بر تسلّط گناه بر جسم ایماندار پایان می‌دهد زیرا فرد ایماندار در عملِ اطاعت مسیح سهیم شده است.
r- این عدالت عبارت از تطبیق یافتنِ با مشیت خدا است (ر.ک روم۵:۱۸). به نظر کسان دیگری حکم محکومیت است (ر.ک روم ۱:۳۲) که قانون برضد فرد گناهکار صادر شده و مسیح به نام ما به آن تن در داده است.
s- تحت اللفظی: که برطبق جسم راه نمی‌رویم بلکه برطبق روح.
t- ترجمه بالا تحت اللفظی است و گاهی ترجمه می کنند: آنان که تحت تسلّط جسم هستند... آنان که تحت تسلّط روح هستند.
u- این جمله را گاهی ترجمه می کنند: چون که روح خدا در شما جای دارد.
v- ترجمه دیگر: اگر مسیح در شما است جسم شما درواقع به سبب گناه به سوی مرگ می‌رود اما روح القدس به سبب عدالت، زندگی شما است. برطبق این ترجمه وجود کنونی به سبب گناه و مرگ که در دنیا وارد شده اند به سوی مرگ می‌رود (ر.ک روم۵:۱۲) اما وجود نو در روح القدس به سوی زندگی جاودان می‌رود، به لطف عدالت نجات بخش خدا که مسیح را زندگی می‌دهد، مسیح که از میان مردگان برخاسته، دیگر نخواهد مُرد (روم۶:۹). مفسران دیگری چنین درک می کنند: کسی که به عدالت شناخته شده است، جسم او «کالبدی برای گناه» است و گناه جز کالبدی در برابر خود ندارد که نمی تواند از آن استفاده کند (روم۶:۶؛ ۷:۸). درصورتی که برابر ترجمهٔ بالا منظور از روحی که در این بند ذکر شده روح آدمی است. در مورد معنی جسم ر.ک روم۶:۶ y.
w- قسمت مکمل این عبارت مستتر است یعنی: بلکه مدیون روح القدس هستیم تا برطبق روح زندگی کنیم.
x- کلمه یونانی که در اینجا جسم ترجمه شده، منظور آن طرز زندگی است که فقط متمرکز بر جسم باشد (ر.ک روم۶:۶).

رهبری می شوند؛ آنان پسران خدا هستند.
غلا ۴:۷؛ ۲ـ تیمو ۱:۷ ۱۵ زیرا روح بردگی دریافت نکرده اید[y] تا
باز بترسید بلکه روح فرزندخواندگی
غلا ۴:۶ دریافت کرده اید که به وسیله آن فریاد
برمی‌آوریم: «ابا[z]! ای پدر!» ۱۶ خود
روح با روح ما گواهی می دهد که ما
فرزندان خدائیم[a]. ۱۷ باری اگر فرزندانیم،
وارثان هم هستیم، در واقع وارثان خدا[b]،
هم ارث با مسیح، اگر واقعاً[c] با او رنج
لو ۲۴:۲۶؛ ۱ـ پطر ۴:۱۳ می بریم تا با او شکوهمند هم باشیم[d].

شکوهی که فرا می‌رسد

۱۸ زیرا به نظر من، رنجهای دوران حاضر،
با شکوهی که در ما ظاهر خواهد شد[e] قابل
قیاس نیست. ۱۹ زیرا[f] انتظار آفرینش
ظهور[g] پسر خدا را انتظار می کشد. ۲۰ زیرا
جا ۱:۲؛ پید ۳:۱۷ آفرینش تابع بیهودگی[h] گردیده است، نه به
میل بلکه به سبب کسی که[i] او را تابع
[بیهودگی] کرده بود، در امید، ۲۱ که
۲ـ پطر ۳:۱۲-۱۳؛ مکا ۲۱:۱ آفرینش هم از بردگی فساد[j] آزاد خواهد شد
در آزادی شکوهمند فرزندان خدا[k].

y- گاهی ترجمه می کنند: زیرا روحی که شما را برده نماید دریافت نکرده اید... روحی که شما را فرزندخوانده نماید...

z- این کلمه که به زبان آرامئی است بیان صمیمیت مملو از محبت و الفت عیسی و پدرش می باشد (مر۱۴:۳۶؛ ر.ک مت ۱۱:۲۵؛ لو۲۲:۴۲ و غیره)، ضمناً ما را که رابطهٔ فرزندخواندگی یافته ایم در این خصوصیت شریک می سازد (ر.ک غلا۴:۶). ممکن است در اینجا پولس اشاره به آغاز دعای ای پدر ما برابر انجیل به روایت لوقا می نماید (لو۱۱:۲).

a- به نظر بعضی از مفسران جملهٔ: روح‌القدس با روح ما گواهی می‌دهد شامل دو گواهی جداگانه و متمایز است چنان‌که در تث۱۹:۱۵ ذکر شده و در یو۸:۱۷ نقل گردیده است؛ مت۱۸:۱۶؛ ۲-قرن۱۳:۱ لذا ترجمه می کنند: روح‌القدس به روح ما گواهی می‌دهد که موضوع گواهی مضاعف منتفی است.

b- در عهد عتیق منظور از میراث تصاحب سرزمین موعود است (تث۴:۲۱) و موضوع مرگ کسی در میان نیست. در عهد جدید سرزمین موعود شامل مجموعه نعمت‌های الهی است و عبارت از ملکوت (مت۲۵:۳۴) و زندگی جاودان است (مت۱۹:۲۹). پدر کلید نعمت‌های خود را به پسرش که از میان مردگان برخاسته، به وسیله او به ایمانداران منتقل می نماید.

c- بعضی ترجمه می کنند: چون که با او رنج می بریم... (ر.ک بند ۹).

d- در این عبارت حرف ربط «تا» بدان معنی نیست که فرد مسیحی به‌خاطر شکوه یافتن رنج می برد (چنان‌که گویی لازم بوده است عیسی در طلب رنج باشد به منظور اینکه شکوه کسب نماید). این کلمه ارتباط لازم بین دو جنبهٔ یک راز منحصربه فرد یعنی مرگ و رستاخیز را برای فرد ایماندار و همچنین برای مسیح بیان می کند (ر.ک فی۳:۱۰-۱۱).

e- ر.ک ۲-قرن۴:۱۷. این شکوه هم‌اکنون در مسیح رستاخیز یافته و حتی به نوعی در فرد مسیحی وجود دارد (۲-قرن۳:۱۸) ولی هنوز متظاهر نشده است. پولس نه فقط از تظاهر شکوه بلکه از الهام و کشف آن سخن می‌گوید زیرا آدمی درحال حاضر نمی تواند درخشندگی شکوه آینده را درک نماید. ضمناً تجلی شکوه از طریق آدمی به تمام آفرینش خواهد رسید (ر.ک بندهای بعدی) ر.ک روم۳:۲۳ v.

f- کلمهٔ «زیرا» ابعاد تجلی شکوه خدا و وسعت جهانی آن را تصریح و روشن می کند.

g- مسلماً منظور تجلی و تظاهر شکوه است (بند ۱۸).

h- این وضعیت نتیجه و بر اثر گناه آدمی است که آفرینش را برضد مشیت الهی و در خدمت خودخواهی و ارادهٔ قدرت‌طلبی خود بکار می برد. به نظر مفسران دیگری این وضع از مختصات فسادپذیری و موقتی بودن حقایق مخلوق می باشد.

i- ظاهراً منظور خدا است (ر.ک پید۳:۱۷) که در داخل مشّیت نجات خود، گناه آدمی را که مسئول واقعی این انقیاد است کیفر می‌دهد (ر.ک روم ۱۱:۳۲). در نظر بعضی از مفسران نیز منظور خدا است ولی این وضعیت ارتباطی با گناه آدمی ندارد (ر.ک بند ۲۰ h). بالاخره به نظر بعضی دیگر منظور آدم ابوالبشر یا منظور شیطان است.

j- کلمه فساد در اینجا ظاهراً به همان معنای بیهودگی و بطالت است (ر.ک بند ۲۰ h).

k- ترجمهٔ دیگر: تا به آزادی و شکوه فرزندان خدا برسد. قبلاً در نوشته های عهد عتیق آموزش داده می شد که جهان مادی در پایان روزگار در شکوه قوم خدا سهیم خواهد شد (اش۱۵:۳۳؛ ۶۵:۱۷). در اینجا این اظهارات نتیجه و اثر شکوهمند شدن جسم ایماندار مسیحی است (بندهای ۱۷، ۲۳) شکوهمندی که ثمرهٔ صلیب و رستاخیز عیسی است (ر.ک ۱-قرن۱:۱۸-۲۰).

۲۲زیرا[l] می‌دانیم که تاکنون تمام آفرینش
با هم ناله ها و دردهای زایمان[m] دارند.
۲ـ قرن ۱:۲۲ ۲۳و نه تنها [این]، بلکه ما هم که نوبر
۲ـ قرن ۵:۲-۵؛ فی ۳:۲۰-۲۱ روح[n] را داریم، در انتظار فرزندخواندگی[o]
و بازخرید تن خود در درون خودمان
می نالیم. ۲۴زیرا در امید[p] است که نجات
یافته‌ایم. باری امید مشاهده شده دیگر
امید نیست. چه کسی باز امیدوار است به
چیزی که می بیند[q]؟ ۲۵ولی اگر به آنچه
نمی بینیم امیدواریم، آن را با مقاومت
انتظار می کشیم.
یع ۴:۳-۵ ۲۶و همچنین[r] روح نیز به یاری ناتوانی ما
می‌آید. زیرا نمی‌دانیم آن طور که باید دعا
کنیم؛ ولی خود روح با ناله های
توصیف ناپذیر[s] میانجیگری می کند.
۲۷و آن که دلها را کاوش می کند، می داند
اندیشه روح [القدس] چیست زیرا برطبق
خدا، به‌خاطر مقدسان میانجیگری می کند.
۲۸وانگهی می‌دانیم که برای آنان که خدا
را دوست می دارند، همه چیز با یکدیگر
در کار است، برای نیکویی آنان که بر طبق
مشیّت[او][t] فرا خوانده شده‌اند. ۲۹زیرا
کسانی را که پیشاپیش شناخته است[u]
همچنین آنان را قبلاً تعیین نموده تا مطابق
صورت[v] پسرش باشند تا وی نخست زاده
در بین برادران متعدد باشد؛ ۳۰و آنانی را
که قبلاً تعیین نموده، آنان را نیز فراخوانده
است؛ و آنانی را که فراخوانده، آنان را
عادل هم شناخته است و آنانی را که عادل
شناخته، شکوهمند هم ساخته است[w].

l- این نکته را بوسیله کلام مُنزل می‌دانیم (مخصوصاً اشاره به پید۳:۱۷).

m- این اصطلاح که در کتاب مقدس آمده است (مثلاً ار۱۳:۲۱؛ اش۶۶:۶-۸) درعین حال وضع دردناک کنونی و انتظار شکوهمندی آینده را تعیین می کند. در تمام این قسمت (بندهای ۱۹-۲۲) قویاً تأیید شده است که دنیای مادی و بی‌روح در شکوهمندی جسم آدمی در مسیح رستاخیز کرده شریک خواهد شد. ضمناً این اظهارات در نوشته های پولس بیان ایمان است و نبایستی آن را با اندیشه های فلسفی دربارهٔ مفهوم و آیندهٔ جهان مخلوط کرد.

n- اینجا که سخن دربارهٔ نوبر است منظور یک قسمت از موهبتی است که پیشاپیش داده شده و تضمین موهبت کامل در آینده است (ر.ک ۱- قرن۱۵:۲۰؛ روم۱۱:۱۶).

o- فرزندخواندگی قبلاً بدست آمده است (بند ۱۵). آنچه امید و انتظار داریم آثار کامل آن است که عبارت از بازخرید و نجات جسم ما است. کلمهٔ فرزندخواندگی در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد، بعدها برای توضیح افزوده شده است.

p- نجات ما نظیر فرزندخواندگی قبلاً بدست آمده است (ر.ک بند ۲۳ o) ولی ما در انتظار و به امید تحقق یافتن کامل آن هستیم.

q- پولس با کلماتی که مربوط به مشاهده و رؤیت است اظهار می کند آنچه را که ما معمولاً با کلمات حضور و تعلق بیان می کنیم.

r- کلمه همچنین، شباهت ناله ها را نشان می‌دهد: تمام آفرینش ناله می کنند (بند۲۲)، ما مسیحیان در درون خود می نالیم (بند ۲۳)، روح القدس با ناله های توصیف ناپذیر ... (بند۲۶).

s- ظاهراً منظور فعالیت روح القدس است که در بند ۱۵ ذکر شده است (ر.ک غلا۴:۶) همچنین ر.ک ۱-قرن۲:۱۰-۱۳.

t- در بعضی از نسخه های خطی کلمه خدا وجود ندارد و چنین ترجمه شده است: وانگهی می‌دانیم که همه چیز به نفع آنان که خدا را دوست دارند هم‌آهنگ می شود. یا اینکه: خدا در همه چیز به نفع آنان که او را دوست دارند همکاری می کند.

u- برطبق مفهوم کلمه عبری که در اینجا شناختن ترجمه شده است منظور گزینش در محبت است (ر.ک پید۱۸:۱۹).

v- مسیح تصویر کامل پدر است (کول۱:۱۵). پدر تصویر پسرش را در تمام کسانی که در فرزندی او شرکت دارند ایجاد می‌نماید (روم۸:۱۶-۱۷). این برابری با تصویر پسر با تغییر درونی و تدریجی انجام می گردد (۲-قرن۳:۱۸) و تا بازآمدن مسیح به کمال و تمامیت نخواهد رسید (۱-قرن۱۵:۴۹).

w- پولس چندان در این فکر نیست که توالی زمانی بین مراحل مختلف را نشان دهد، مراحلی که ممکن است بعضی از آنها بر یکدیگر منطبق باشند؛ بلکه حرکتی را ارائه می نماید که به سوی سرانجامی منجر می گردد و عبارت از شکوهی است که از هم‌اکنون مسیح را دربر دارد و بوسیله او به ما منتقل خواهد شد. مسلم بودن این سرانجام دلیل بکار بردن فعل به صورت ماضی است که ثمره های نوبر آن را هم‌اکنون به وسیله روح القدس داریم (بند ۲۳). ر.ک ۲-تسا۲:۱۳-۱۴؛ افس ۱:۱۱-۱۳.

ستایش محبت خدا

۳۱ پس به این چیزها چه خواهیم گفت؟ اگر
خدا به جانب ما است، چه کسی برضد ما
است[x]! ۳۲ او که پسر خودش را[y] معاف ۶:۵-۱۱؛ یو ۱۶:۳
نداشته، بلکه او را به خاطر همهٔ ما تسلیم
نموده[z]، چگونه با [وی] همه چیزها را به ما اش ۸:۵۰
نخواهد داد؟ ۳۳ چه کسی برگزیدگان خدا را
متهم خواهد کرد؟ خدا، که عادل می شمارد[a]؟
۳۴ چه کسی محکوم خواهد کرد؟ مسیح عیسی
که مرده است، یا بلکه نیز (از میان مردگان)
برخاسته است، که به دست راست خدا است
که نیز خاطر ما میانجیگری می کند[b]! ۳۵ چه عبر ۲۵:۷
کسی ما را از محبت مسیح جدا خواهد کرد؟
اندوه یا اضطراب یا تعقیب یا گرسنگی یا
برهنگی یا خطر یا دشنه؟ ۳۶ برابر آنچه نوشته
شده است: به خاطر تو همهٔ روز ما را
می کشند، ما را چون گوسفندان کشتارگاه ۱_قرن ۹:۴؛ ۲_قرن ۱۱:۴
بشمار می آورند[c]. ۳۷ ولی در همهٔ اینها ما
زیاده پیروزمندیم به وسیلهٔ [آنکه] ما را
دوست داشته است. ۳۸ آری من اطمینان
دارم: نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه
حکمفرمایان، نه چیزهای حال، نه چیزهای
آینده، نه قدرتها، ۳۹ نه بلندی، نه ژرفا[d]، نه
هیچ آفریدهٔ دیگری نخواهد توانست ما را از
محبت خدا که در مسیح عیسی خداوند ما
است[e] جدا سازد.

برگزیدن و گناه اسرائیل

۹ ۱ من حقیقت را در مسیح می گویم[f]،
دروغ نمی گویم، وجدان من در
روح القدس[g] به من شهادت می دهد: ۲ که
اندوهی بزرگ در خود دارم و رنجی مداوم[h]

x- کلماتی که در این بند بکار برده شده محیط دادرسی در دادگاه را القا می کنند ر.ک ایوب۱-۲؛ زک۳.
y- این عبارت قربانی کردن اسحق را به یاد می‌آورد (ر.ک پید۱۶:۲۲).
z- ر.ک اش۶:۵۳ به زبان یونانی: و خدا او را به خاطر گناهان ما تسلیم نموده است.
a- گاهی ترجمه می کنند: خدا رستگار می کند.
b- بعضی ترجمه می کنند: عیسی مسیح که مرده ... چه کسی برای ما شفاعت می کند؟ (ر.ک اش۵۰:۸-۹؛ ۱۲:۵۳).
c- مز۲۳:۴۴.
d- پولس نیروهایی نظیر کرّوبی، شیطانی و نجومی را برمی شمارد که ممکن است دشمن انسان باشند.
e- گاهی ترجمه می کنند: از محبت خدا که در عیسی مسیح خداوند ما تجلی کرده است...
f- پولس در نظر دارد اظهارات مهمی بیان کند که مورد علاقه مخصوص او است و نمی‌خواهد کسی دربارهٔ آنها تردید نماید بدین سبب نه فقط به درستی و امانت خودش تکیه دارد بلکه مسیح و روح القدس را به عنوان دو گواه قاطع به شهادت می‌خواند (ر.ک ۲-قرن۱۷:۲؛ غلا۲۰:۱). ممکن است در این امر، رسول به دو شاهدی که قانون تورات مقرر کرده است می اندیشد (تث۱۵:۱۹).
g- ترجمه دیگر: یا به توسط روح القدس. در اینجا پولس وجدان خود را درنظر نداشته بلکه روح القدس از طریق وجدان او گواهی می دهد (ر.ک روم۱۶:۸ a).
h- در فصلهای قبلی پولس نشان داده است که نظریه برائت رستگاری بوسیله ایمان مطابق با آموزشهای عهد عتیق است (ر.ک روم۱۷:۱؛ ۲۱:۳-۱:۴-۲۵). در فصلهای ۹ الی ۱۱ نشان می‌دهد که این نظریه با طرح خدا برای اسرائیل هم تطبیق می کند و با این ترتیب می تواند به این سئوال دردناک پاسخ دهد که: اسرائیل که قوم برگزیده و قوم وعده است تحقق یافتن وعده را در عیسی مسیح نشناخته است و ظاهراً با بی‌وفایی خود از نجات و رستگاری برکنار می‌ماند، آیا سخن خدا در این مورد توفیق نیافته است؟ پولس به این سئوال پاسخ می‌دهد: نخیر، چنین نیست (روم۶:۹)، مرحلهٔ کنونی طرح خدا برابر مرحله قبلی است: در داخل قوم برگزیده موضوع رایگان بودن این گزینش برجا است. در هریک از مراحل تاریخ قوم اسرائیل، فقط یک قسمت از فرزندان تنی ابراهیم مشمول گزینش هستند: مثلاً اسحق و نه اسماعیل (روم۷:۹-۹)، یعقوب و نه عیسو (روم۱۰:۹-۱۳)، و اکنون تعدادی باقیمانده اند (بقیه) (روم۱:۱۱-۵) به مانند دوران الیاس (روم۲:۱۱-۵) و اشعیاء (روم۲۷:۹-۲۹):

در دل خود. ۳ آری، آرزو داشتم خودم نفرین
شده[i] از مسیح جدا گردم، به خاطر برادرانم،
بستگان بر حسب تنم[j]، ۴ ایشان که اسرائیلی
هستند[k]، به ایشان فرزندخواندگی و شکوه و
پیمانها و قانونگذاری، آیین پرستش و
وعده ها تعلق دارد، ۵ و نیاکان[l] از آن ایشان
هستند و مسیح برحسب تن از آنان است. او
که برتر از همه است، خدای متبارک برای
روزگاران. آمین[m]!

خروج ۳۲:۳۲؛ ۱ـ قرن ۲۲:۱۶
پید ۱۲:۲-۳؛ خروج ۴:۲۲؛ ۱۹:۵-۶؛ تث ۷:۶؛ هو ۱۱:۱ اع ۱۳:۱۷؛ روم ۳:۲؛ افس ۲:۱۲
۱:۳؛ غلا ۴:۴؛ مت ۱:۲-۱۶؛ لو ۳:۲۳-۳۴

۶ اما چنین نیست که سخن خدا لغو شده
باشد. زیرا همهٔ آنانی که از اسرائیل[n]
هستند اسرائیل[o] نیستند، ۷ زیرا نه همگی
از نسل ابراهیم فرزند می باشند؛ بلکه تو در
اسحق نسلی به نام خود خواهی داشت[p]،
۸ یعنی: فرزندان تن [جسمانی] نیستند که
فرزندان خدا بشمار می‌آیند بلکه فرزندان
وعده به عنوان تبار شمرده می شوند. ۹ زیرا
سخن وعده چنین است: در همین فصل

۱:۲۵؛ ۱ـ یو ۵:۲۰؛ تیط ۲:۱۳؛ یو ۱:۱
اعد ۲۳:۱۹؛ اش ۵۵:۱۰-۱۱؛ عبر ۴:۱۲
۲:۲۸-۲۹؛ غلا ۳:۷، ۲۹؛ ۴:۲۱-۳۱؛ مت ۳:۹؛ یو ۸:۳۱-۴۴

باقیمانده (بقیه) یهودیان به مسیح می پیوندند. ولی دیگر یهودیان کماکان نقشی در طرح خدا برعهده دارند. عدم اطاعت ایشان آزادی گزینش الهی را آشکار می کند که به اختیار انجام می گردد و ارتباطی با اعمال ندارد (روم۹:۱۱-۱۲). در عهد عتیق بدین گونه بود (روم۹:۱۰-۱۷)، چنانکه اکنون نیز چنین است (روم۹:۲۳-۳۴) و همه‌چیز به نجات اینان و آنان می انجامد (روم۱۱:۳۰-۳۲): خدا همه آدمیان را درحال عدم اطاعت قرار داده است تا همگان را مشمول رحمت خود سازد.

i- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده است و معمولاً به نفرین شده، لعنت و تکفیر ترجمه می شود فقط به معنی طرد و اخراج از کلیسا نیست. کلمه عبری «حرم» که در عهد عتیق برابر این واژه است متضمن نابودی کامل دشمنان خدا و اموال ایشان است (تث۷:۲۶). در نوشته های عهد جدید به مفهوم لعنت است و کسی که به لعنت گرفتار می شده استنه فقط از جامعهٔ مسیحیت طرد می گردیده بلکه خود او ملعون بشمار می آمده است(اع۲۳:۱۲؛ غلا۱:۸؛ ۱-قرن۱۲:۳؛ ۱۶:۲۲). این اظهارات شدید پولس نشان می دهد که چقدر نسبت به قوم یهود علاقه و محبت دارد.

j- کلمه ای که بستگان جسمانی ترجمه شده است همچنین به معنی خانواده، قبیله و قوم است و نمی توان راز اسرائیل را از جنبه «نژادی» به مفهوم امروزی کلمه درنظر گرفت.

k- یعنی کسانی که از نسل یعقوب هستند؛ می دانیم که خدا یعقوب را به نام اسرائیل خوانده بود (پید۳۲:۲۹). لیونه می نویسد: «کلیه امتیازات دیگر از این امتیاز ناشی می شود: امتیاز فرزند خوانده خدا بودن که به موجب آن قوم برگزیده، پسر نخست‌زادهٔ خدا می شود (خروج۴:۲۲) این شکوه که خدا در میان قوم خود مسکن می گزیده است و قوم با او همبستگی دارد (اش۴۰:۵؛ مز۸۵:۱۰)... عهد و پیمانهایی که با ابراهیم برقرار شده (پید۱۵:۱۸)، و با یعقوب- اسرائیل (پید۳۲:۲۹) با موسی (خروج۲۴:۷-۸)، با داود (۲-سمو۷:۱۱-۱۶؛ مز۸۹:۲۹) برقرار شده است، پرستشی که به‌خدای حقیقی انجام می شود، قوانینی که بیان مشیت او است، وعده هایی که درباره آمدن مسیح موعود به یهودیان داده شده است ؛ پیامبرانی که امانت‌دار سخن خدا هستند و برترین امتیاز که افتخار تولد مسیح در میان قوم است.»

l- این کلمه نه فقط چهره های بزرگ سفر پیدایش را تعیین می کند (نظیر ابراهیم، اسحق، یعقوب و پسران او)؛ در اینجا بایستی آن را به مفهوم کلّی «نیاکان» گرفتَ.

m- بعضی از مفسران این عبارت را پس از کلمه مسیح قطع کرده اند و پایان بند را به عنوان عبارتی که در حمد و ستایش به پدر خطاب شده باشد گرفته و چنین ترجمه می کنند: آنکه خدای برتر از همه است جاودانه مقدس باد! آمین. با آنکه این طرز تفسیر را می توان در نوشته های مشابه یافت (روم۱:۲۵؛ ۲-قرن۱:۳؛ ۱۱:۳۱؛ افس۱:۳)، ولی در مورد عبارت بالا به دشواری از نظر دستور زبان یونانی قابل توجیه است؛ از سوی دیگر با مفهوم مطالب دیگر متن کمتر مناسبت دارد.

n- یعنی از یعقوب (ر.ک پیدایش۳۲:۲۹؛ روم۹:۴ k).

o- یعنی قوم واقعی وعده، اسرائیل خدا (غلا۶:۱۶)، که اسرائیل برحسب روح است و در مقابل اسرائیل برحسب جسم است (۱- قرن۱۰:۱۸).

p- پیدایش۲۱:۱۲. ترجمه تحت‌اللفظی: در اسحق نسلی برای تو نامیده خواهد شد. در ترجمه این قسمت عین عبارت پولس رعایت شده است ولی به‌خوبی واضح است که در اینجا و در هر عبارت دیگری که رسول کلمه نسل را بکار می برد (مثلاً روم۴:۱۳، ۱۶، ۱۸؛ ۹:۸، ۲۹؛ ۱۱:۱) یادآوری می کند که در بین فرزندان ابراهیم فقط کسانی نسل حقیقی او هستند که درپی او، به مانند او به سخن خدا ایمان آورده اند و قوم وعده، فرزندان خدا می شوند (بند۸).

بازخواهم آمد و سارا پسری خواهد داشت[q].
و [۱۰]تنها این نه؛ بلکه همچنین رفقه فقط با
یک مرد، اسحق پدر ما، هم بستر شد[r]
[۱۱]زیرا در وقتی که [کودکان] هنوز بدنیا
نیامده بودند، و خوب و بدی نکرده بودند،
تا طبق اختیار، مشیّت خدا پایدار باشد، ۱۱:۵-۷؛ ۱-تسا ۴:۱؛ ۲-پطر ۱:۱۰
[۱۲][مشیتی که] نه از اعمال است، بلکه از
او که دعوت می کند، به او گفته شد: پسر
ارشد خدمتگزار جوان تر خواهد شد[s]،
[۱۳]چنانکه نوشته شده است: یعقوب را
دوست داشته ام؛ اما از عیسو بیزار بوده ام[t].
[۱۴]پس چه خواهم گفت؟ آیا نزد خدا
بی عدالتی وجود دارد؟ هرگز چنین مباد! تث ۳۲:۴؛ مز ۳۶:۷؛ ۸۹:۱۵؛ ۱۱۹:۷۵
[۱۵]زیرا به موسی می گوید: من رحمت
خواهم آورد به هر کس که رحمت می آورم؛
رأفت خواهم داشت[u] به هر کس که رأفت
دارم. [۱۶]پس بدین گونه نه خواستن، نه
دویدن است[v]، بلکه رحمت آوردن خدا
است[w]. [۱۷]زیرا نوشته [مقدس] به فرعون ۱۱:۳۱؛ ۹:۱۵؛ افس ۲:۴؛ تیط ۳:۵
می گوید: بنابر این برای این تو را
برانگیخته ام تا در تو قدرت خود را نشان
دهم، و تا نام من در سراسر زمین[x] اعلام
گردد. [۱۸]پس بدین سان به هرکس که
می خواهد رحمت می آورد و هرکه را
بخواهد سنگدل می کند[y]. خروج ۴:۲۱؛ ۷:۳

اختیار کامل خدا

[۱۹]پس تو به من خواهی گفت: « به چه
سبب باز سرزنش می کند[z]؟ زیرا چه کسی
در مقابل ارادهٔ او مقاومت می کند؟ »
[۲۰] حقیقتاً تو کیستی، ای انسانی که در
برابر خدا ایستاده می گویی؟ آیا شیئ حک ۱۲:۱۲؛ ایوب ۱۱:۱۷؛ ۳۸:۲

q- پید۱۸:۱۰، ۱۴.

r- یا به عبارت دیگر: که فقط از یکی حامله شده بود، اسحق پدر ما. موضوع دو فرزند توأم، عیسو و یعقوب که در اینجا ذکر شده به طرز برجسته ای آزادی و اختیار گزینش خدا را نشان می دهد. هردو پسر اسحق با مقام و عنوان برابر، پسران ابراهیم و فرزندان وعده بشمار می آمدند به مفهومی که در بندهای ۷ و ۸ ذکر گردیده است. با این همه حتی پیش ازتولدشان، مشیت خدا بر این قرار گرفت که فقط فرزندان یعقوب پسران وعده خواهند بود و این تصمیم بیشتر غیرمنتظره است زیرا در مورد فعلی فرزند کهتر بر پسر ارشد ترجیح داده شده است. (ر.ک بند ۱۲).

s- پید۲۵:۲۳.

t- ملا۱:۲-۳. یعقوب را دوست داشته و از عیسو نفرت داشته ام. اصطلاحی در زبانهای سامی است که باید ترجمه کرد: یعقوب را بر عیسو ترجیح داده ام (ر.ک پید۲۹:۳۱ و لو۱۴:۲۶ که بوسیله مت۱۰:۳۷ روشن می شود). در اینجا قضاوتی دربارهٔ دو پسر اسحق نیست بلکه موضوع مقامی است که فرزندان هر یکی از آنان در تاریخ نجات داشته و نقشی که ایفا خواهند کرد.

u- خروج۳۳:۱۹. به اعتراضی که در بند ۱۴ شده است در بند ۲۰ پاسخ واقعی داده خواهد شد. در اینجا پولس به ذکر نمونهٔ تازه ای از آزادی و اختیار کامل عمل خدا قناعت می کند. در این فصل بدواً موضوع نجات ابدی افراد مطرح نیست بلکه جایی که این افراد در طرح خدا برای قوم اسرائیل دارند و بوسیله این قوم برای بشریت در نظر است مطرح می باشد.

v- به عبارت دیگر: نه بستگی به اراده و نه کوششهای آدمی دارد.

w- در اینجا نظیر بند ۱۸ موضوع تقدیس یا نجات نهایی در کار نیست بلکه گزینش مطرح است. پولس می خواهد اظهار کند که کوششهای بشری برای نیل به رستگاری ناتوان بوده و کافی نیست. مضافاً در جاهای دیگر می گوید انسانی که به فیض خدا رستگار شده است از کوشش و مبارزه معاف نخواهد بود. (روم۶:۱۳-۱۹؛ ۱۲:۱۱؛ ۱-قرن ۹:۲۴-۲۷؛ فی۳:۱۲-۱۴).

x- خروج۹:۱۶. این بند را می توان بوسیله فصلهای ۷ الی ۱۵ سفر خروج تشریح نمود.

y- پولس در نظر ندارد برای فرعون مجرمیت شخصی و یا تقبیح اَبدی قائل گردد بلکه اظهار می کند که رفتار ظالمانه او جزو طرح عالی خدا بوده است بدین معنی که فرعون بدون اینکه خود بداند با سرسختی به تحقق یافتن وعده های خدا یاری رسانده و همکاری کرده است.

z- یا می توان ترجمه کرد: از چه چیزی شکایت دارد؟

مصنوع به صانع[a] خود خواهد گفت: «چرا
مرا این چنین ساخته ای؟» ۲۱یا کوزه گر[b] اش ۲۹:۶؛ ار ۱۸:۶؛ بنسی ۱۳:۳۳ حک ۱۵:۷
اختیار گِل رُس را ندارد تا از یک خمیره
ظرفی براستی برای [مصرف] عالی و
دیگری برای [مصرف] پست بسازد؟
۲۲باری، اگر خدا می خواهد خشم خود را
نشان داده و قدرت خود را بشناساند، با
شکیبایی زیاد ظرفهای خشم[c] را که برای روم ۲:۴؛ ۳:۲۵-۲۶
نابودی آماده شده بود تحمل کرده است،
۲۳[اگر خواسته است] تا غنای شکوه خود
را نسبت به ظرفهای رحمت[d] بشناساند، که ۸:۲۹-۳۰؛ افس ۱:۳-۱۲؛ ۲:۱-۷؛ فی ۴:۱۹
قبلاً برای شکوه آماده کرده بود، ۲۴که ما
را نه فقط از بین یهودیان بلکه از بین امت
ها فراخوانده است[e]... ۲۵ چنانکه در
هوشع هم می گوید: آن را که قوم من نبود،
قوم خود[f] خواهم خواند و آنکه[زنی] ۱-پطر ۲:۱۰
محبوب نبود، محبوب؛ ۲۶و آن خواهد
شد، درجائی که به ایشان گفته شده
بود: شما قوم من نیستید، آنجا پسران
خدای زنده[g] نامیده خواهند شد. ۲۷ و
اشعیا دربارۀ[h] اسرائیل فریاد برمی آورد:
هرچند تعداد پسران اسرائیل مانند ریگ
دریا باشد [فقط] بقیه[i] نجات خواهند ۱۱:۵
یافت؛ ۲۸زیرا خداوند قطعی و برنده
سخن خود را بر روی زمین[j] اجرا خواهد
کرد. ۲۹و برابر آنچه اشعیا پیشگویی کرده
است: اگر خداوند ارتشها برای ما یک
نسل[k] نگذاشته بود مانند سدوم می شدیم اش ۱:۹
و نظیر غموره[l] بودیم.

a- اش ۲۹:۱۶؛ ۴۵:۹.
b- در نوشته های عهد عتیق اکثراً تصویر کوزه گر تسلّط کامل خدا را بر آدمی بیان می کند (پید ۲:۷؛ اش ۲۹:۱۶؛ ۴۱:۲۵؛ ۴۵:۹؛ ۶۴:۷؛ ار ۱۸:۶؛ بنسی ۳۳:۱۳؛ حک ۱۵:۷).
c- یعنی آدمیان به سبب نشناختن راههای خدا و علاقمندی به گناه موجب خشم خدا بوده اند و آماده و مهیای گمراهی هستند. پولس احتراز می کند از اینکه بگوید آدمیان بوسیلهٔ خدا برای گمراهی ساخته شده اند، بدون اینکه ارتباطی به طرز رفتارشان داشته باشد.
d- یعنی آدمیان که مورد مرحمت رایگان خدا هستند. در اینجا، برخلاف بند قبلی پولس اظهار می کند که ظرف های رحمت به منظور وصول به شکوه بوسیله خدا ساخته شده اند.
e- در اینجا عبارت ناتمام و معلّق مانده است؛ موارد قطع ناگهانی مطلب در نوشته های پولس زیاد است (روم ۵:۱۲؛ ۱۵:۲۳-۲۴؛ ۲-قرن ۵:۶-۷؛ افس ۳:۱).
f- هو ۲:۲۵. هوشع در این پیام اعلام می کند اسرائیل خطاکار مورد عفو و عنایت قرار می گیرد. قوم برگزیده که به سبب گناهانش مدّتی بوسیله خدا طرد شده بود در روز گرایش و بخشایش مجدداً قوم خدا یعنی قوم او خواهد شد پولس این سخنان را با جرأت و اطمینان در مورد مشرکان بکار برده است و می نویسد آنان که قوم خدا نبودند در عیسی مسیح قوم او خواهند شد.
g- هو ۲:۱،
h- یا به خاطر.
i- موضوع «باقیمانده» اهمیّت شایانی در موعظه های پیامبران دارد. بدین معنی که مرتباً اعلام کرده اند فقط اقلیت کوچکی از قوم اسرائیل (باقیمانده) مفهوم تجربه ها و آزمونها را درک کرده، ارشاد می شوند و از نعمت هایی که در پایان روز و با آمدن مسیح موعود وجود دارد برخوردار خواهند شد (عا ۳:۱۲؛ ۵:۱۵؛ اش ۴:۳؛ ۶:۱۳؛ ۱۰:۲۰؛ میک ۴:۶-۷؛ صف ۳:۱۲-۱۳؛ ار ۲۳:۳؛ حجی ۱:۱۲؛ زک ۸:۶-۱۱؛ ۱۳:۸-۹؛ ر.ک مز ۱۸:۲۸؛ ۷۳:۱).
j- اش ۱۰:۲۲-۲۳.
k- در اینجا مجدداً موضوع «باقیمانده» مطرح است.
l- اش ۱:۹.

۳۰ پس چه خواهیم گفت؟ امت هایی که
در پی عدالت[m] نبودند، عدالت را بدست
آوردند، منظور، عدالتی که از ایمان[n]
است؛ ۳۱ اما اسرائیل که از یک قانون روم ۱۰:۲-۹؛
عدالت پیروی می کرد[o] به آن قانون ۷:۱۱؛ لو ۹:۱۸-۱۴
نرسیده است[p]. ۳۲ چرا؟ زیرا آن را نه از
ایمان بلکه از اعمال[q] طلبیده؛ ایشان به
سنگ مانع تصادم کردند. ۳۳ برابر آنچه
نوشته شده است: اینک در صهیون سنگی
مانع قرار می دهم و صخره ای لغزاننده و اش ۱۴:۸؛
هر کس به او ایمان بیاورد[r] شرمساری ۱-پطر ۶:۲؛ لو ۳:۲-۴؛
نخواهد داشت[s]. مت ۴۲:۲۱

۱۰ ۱ ای برادران حقیقتاً، آرزوی قلبم و
نیایش به خدا به خاطر، ایشان
است، برای نجات. ۲ زیرا شهادت می دهم
که برای خدا شوق دارند؛ ولی نه بر طبق اع ۳:۲۲؛ ۲-قرن ۱۴:۳؛
درایت[t]. ۳ زیرا چون ناآگاه از عدالت خدا ۱-تیمو ۱۳:۱
و طالب برقرار کردن عدالت خود هستید، ۳۱:۹؛
مطیع عدالت خدا[u] نشدند؛ ۴ زیرا فی ۹:۳؛ لو ۱۵:۱۶؛
سرانجام[v] قانون [تورات]، مسیح ۱۴-۹:۱۸؛ غلا ۲۴:۳؛
می باشد، تا عدالت به هر کسی که ایمان ۲-قرن ۱۶:۳؛ عبر ۱۳:۸؛
دارد [داده شود]. اع ۳۹:۱۳؛ روم ۲۱:۳
۵ زیرا موسی عدالت از قانون [تورات]
را می نویسد: انسانی که به آن عمل کند
به وسیله عدالت زندگی خواهد داشت[w]. غلا ۱۲:۳
۶ ولی عدالت از ایمان چنین می گوید: در
قلب خود مگو چه کسی به آسمان بالا
خواهد رفت یعنی تا مسیح را پایین آورد؛
۷ یا چه کسی به هاویه پایین خواهد رفت[x]؟
یعنی تا مسیح را از میان مردگان بالا

m- پولس نسبت به یهودیان مقایسه می کند و تعمیم داده می گوید امت ها در جستجوی عدالت نبوده اند؛ البته منظور عدالت اخلاقی نیست که بعضی از امت ها به آن اشتیاق داشته اند بلکه منظور عدالت مذهبی است.
n- کاملاً روشن است که رستگاری و برائت از جانب خدا می آید و به هیچ وجه حاصل عمل بشری نیست. ولی رستگاری که خدا عطا می کند و آدمی دریافت می نماید در ایمان و بوسیله ایمان است (روم۳:۲۱-۲۶).
o- به عبارت دیگر: که یک قانون عدالت جستجو می کرد.
p- به عبارت دیگر: که از کنار آن قانون گذشته است. اسرائیل موفق نشده است به هدفی که قانون باید هدایت کند دست یابد؛ از یک طرف بدین سبب که قانون را رعایت نکرده است (مت۲۳:۳؛ اع۱۵:۱۰؛ روم۲:۲۱-۲۳) و از سوی دیگر زیرا هدف نهایی قانونی را درک ننموده است.
q- ترجمه تحت اللفظی: زیرا نه از ایمان بلکه همچون از اعمال است. پولس به شیوهٔ منظمی دربارهٔ مجموع جامعهٔ اسرائیل که وفادار نمانده است قضاوت می کند به جای آنکه هریک ازاعضای آن جامعه را قضاوت نماید؛ به نظر او یهودیان حتی پس از مسیح برای وصول به رستگاری و برائت چشم امید به اعمال داشتند.
r- در این بند، مفهوم این اصطلاح چنین است: کسی که بر آن تکیه می کند بر روی آن پی ریزی می کند (بوسیله ایمان).
s- اش۲۸:۱۶.
t- ترجمه تحت اللفظی: ولی این شوق نه برطبق دانش است.
u- پولس به سبب استدلال خود موضوع را تعمیم می دهد. آیین یهود به خوبی عدالتی را که از خدا می آید شناخته است ولی توجه نکرده است که این عدالت در مسیح تجلی نموده و نه در قانون.
v- کلمه یونانی که در اینجا سرانجام ترجمه شده است ممکن است به مفهوم هدف، پایان و به انجام رساندن و تحقق بخشیدن باشد.
w- لاو۱۸:۵. پولس این موضوع را به روشنی بیان می کند که: قانون که کاملاً انجام شود منجر به عدالت می گردد (ر.ک غلا۳:۱۲). ولی عملاً هیچکس نمی تواند آن را کاملاً انجام دهد. در بعضی نسخه ها نوشته شده است: آن کسی که این چیزها را انجام دهد به وسیله آنها زندگی خواهد داشت.
x- تث۹:۴ (در قلب خود بگو... که به سبب عدالت من است) و تث۳۰:۱۲-۱۳. به عقیدهٔ پولس عدالتی که از ایمان ناشی می شود قبلاً در عهد عتیق دربارهٔ قانون سخن گفته است. بنابراین ظاهر شدن قانون و ظهور مسیح را با یکدیگر مقایسه می کند و ظاهراً به رستاخیز خداوند اشاره می نماید چنان که در بند ۹ تأیید شده است. مفسران دیگری این بند را به مفهوم اشاره به تجسم خدا در جسم مسیح درک کرده اند.

بیاورد. ۸اما چه می‌گوید؟ سخن نزد تو
است، در دهان تو و در قلب تو[y]، یعنی
سخن ایمانی که ما اعلام می‌کنیم. ۹زیرا اگر
تو به اظهار زبان خود[yy] اقرار کنی که عیسی
خداوند است و اگر در قلب خود ایمان
داری[z] که خدا او را از میان مردگان

اع ۲:۳۶؛ ۲ـ قرن ۳:۱۲؛ فی ۲:۱۱

y- تث۳۰:۱۴.

yy- ترجمه تحت‌اللفظی: به دهان خود.

z- ایمان عملی است که به وسیله آن آدمی خود را به خدا تفویض می‌نماید که تنها عامل نجات در عیسی می‌باشد.

۱- ایمان، پاسخ به پیام نیکوی نجات است که آورندگان پیام ابلاغ می‌نمایند (روم۱۰:۱۴-۱۵). این افراد کاری نمی‌کنند جز اینکه پیامی که از سوی خدا آمده است اعلام نمایند (غلا۱:۱۱-۱۲) و باید به همین عنوان پذیرفته شود (۱-تسا۲:۱۳). زیرا ایمان نه بر مبنای حکمت بشری، نه برمبنای اعتبار و نفوذ رسولان بلکه بر اساس قدرت خدا می‌باشد (۱-قرن۲:۱-۵؛ ۱-تسا۱:۵).

۲- موضوع مختص ایمان این راز است که خدا مسیح را از میان مردگان برخیزانده و او را خداوند و منجی تمام آدمیان کرده است (روم۴:۲۴؛ ۱۰:۹؛ ۱-قرن۱۲:۳؛ ۱۵:۱-۱۱؛ فی۲:۸-۱۱؛ ر.ک اع۲:۳۲؛ ۱۷:۳۱). نجاتی خارج از عیسی مسیح وجود ندارد (روم۳:۲۳-۲۶؛ ۱-قرن۱:۳۰-۳۱؛ غلا۲:۱۶؛ افس۱:۳-۱۱؛ ر.ک اع۴:۱۲). و ایمان داشتن پاسخ به نوید نجات است (روم۱:۱۶؛ ۱-قرن۱۵:۱-۲؛ فی۱:۲۷؛ افس۱:۱۳).

۳- ایمان، که عبارت از پیوستن هوش و درایت به انجیل است، درعین حال تبعیت آدمی از خدا در اطاعت کامل است (روم۶:۱۷؛ ۲-قرن۱۰:۴-۵؛ ۲-تسا۱:۸؛ ر.ک اع۶:۷). پولس می‌تواند از اطاعت ایمان سخن گوید یعنی همین اطاعتی که ایمان است (روم۱:۵؛ ۱۶:۲۶). آدمی در ایمان به خدا توکل می‌کند، و می‌داند که خدا به وعده‌های خود وفادار است (روم۳:۳-۴؛ ۱-قرن۱:۹؛ ۲-قرن۱:۱۸؛ ۱-تسا۵:۲۴) و قادر است آن وعده‌ها را انجام دهد (روم۴:۲۱).

۴- آدمی را خدا به وسیله ایمان تبرئه می‌کند (روم۱:۱۷؛ ۳:۲۱-۲۶). عدالت واقعی عدالتی است که در ایمان ناشی می‌شود (روم۱۰:۶)، به وسیله ایمان داده شده (روم۳:۲۵)، و چون از سوی خدا می‌آید بر ایمان متکی است (فی۳:۹) و نه هرآنچه آدمی ادعا می‌کرد در اعمال خود می‌یابد (روم۳:۲۰-۲۸؛ ۹:۳۲؛ غلا۲:۱۶؛ ۳:۶-۹؛ فی۳:۹). عدالتی که بوسیله ایمان دریافت می‌شود عطیه‌ای رایگان است که آدمی نباید به آن تفاخر نماید (روم۳:۲۷؛ ۴:۲-۵؛ ۵:۱۷؛ افس۲:۸-۹؛ اع۱۵:۱۱). و تنها برائت نیست که عطیه‌ای از خدا است؛ بلکه همان ایمانی که بوسیله آن نجات می‌یابند و در نتیجه مشیّت و اختیار آزادانه خدا لطف و موهبت بشمار می‌آید (۲-تسا۲:۱۳). والاترین عمل ایمان یعنی تصدیق خداوندی عیسی (روم۱۰:۹) برای انسان امکان ندارد مگر در روح القدس (۱-قرن۱۲:۳).

۵- در برائتی که از طریق ایمان حاصل می‌شود وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده بود تحقق می‌یابد (روم۴:۱-۲۵؛ غلا۳:۶-۱۸). تودهٔ مردمانی که ایمان دارند، از هر اصل و تباری که باشند اعم از یهودی یا غیر یهودی تبار واقعی ابراهیم بشمار می‌آیند. و به همان گونه که اسرائیل به نجات خوانده شده است اکنون آنان نیز دعوت گردیده‌اند (روم۱:۱۶؛ ۳:۲۹؛ ۹:۳۰؛ ۱۶:۲۶؛ غلا۳:۸؛ ر.ک اع۱۵:۱۱). بدین گونه وعده‌ای که در پید۱۷:۵ داده شده است تحقق می‌یابد درجایی که می‌گوید: من تو را پدر ملت‌های متعددی کرده‌ام (روم۴:۱۷؛ غلا۳:۸).

۶- عدالتی که به وسیله ایمان دریافت می‌شود بخشایش گناهان (روم۶:۱۱-۱۴؛ غلا۵:۲۴؛ کول۲:۱۲-۱۳)، آشتی با خدا (۲-قرن۵:۱۸-۲۱؛ افس۳:۱۲؛ کول۱:۲۲-۲۳) و پیوند با عیسی مسیح است (افس۳:۱۷). این عدالت آغاز زندگی روح است (غلا۳:۲-۵؛ ۵:۵-۶؛ افس۱:۱۳-۱۴). پولس ایمان و تعمید را با یکدیگر مربوط می‌سازد. غلا۳:۲۶-۲۷ و کول۲:۱۲ بدین منی که ایمانداران هنگامی که بوسیله تعمید در جامعهٔ مسیحیت وارد می‌شوند ایمان را که تصمیم قلبی و تصدیق شفاهی است رسماً ابراز می‌نماید (روم۱۰:۱۰).

۷- با اینکه ایمان معرفت واقعی می‌باشد (فی۳:۸-۱۰) با این همه در این دنیا روشنایی کامل نیست (۱-قرن۱۳:۱۲)؛ بلکه بعداً شکفته شده به صورت مشاهده روشن درمی‌آید (۲-قرن۵:۷). درحال حاضر ایمان به امید وابسته است (روم۵:۱-۲؛ ۱-قرن۱۳:۱۳؛ غلا۵:۵)؛ به وسیلهٔ محبت رفتار می‌کند (غلا۵:۶). اکثراً ایمان، امید و محبت با یکدیگر ذکر شده است (روم۵:۱-۵؛ ۱-قرن۱۳:۱۳؛ افس۱:۱۵-۱۸؛ ۴:۲-۵؛ کول۱:۴-۵؛ ۱-تسا۱:۳؛ ۵:۸). در این زندگی ایمان همراه با تجربه‌ها و آزمونها است (فی۱:۲۹؛ افس۶:۱۶؛ ۱-تسا۳:۲-۳؛ ۲-تسا۱:۴) و فرد ایماندار در میان این آزمونها باید مستحکم و پابرجا بماند (۱-قرن۱۶:۱۳؛ کول۱:۲۳؛ ۲:۵-۷). ایمان همچون گنجینه‌ای بی‌جان نیست بلکه یک زندگی بشمار می‌آید (روم۱:۱۷) که مدام نمو کرده و توسعه می‌یابد (۲-قرن۱۰:۱۵؛ ۱-تسا۳:۱۰؛ ۲-تسا۱:۳).

برخیزانده است، نجات خواهی یافت.
[۱۰]زیرا با قلب و به منظور عدالت ایمان
می‌آورند، و به منظور نجات به زبان[zz]
اعلام می‌کنند. [۱۱]زیرا نوشته [مقدس]
می‌گوید: هرکس به او ایمان آورد شرمسار
نخواهد شد[a]. [۱۲]زیرا تمایزی بین یهودی و ۱۶:۱؛
نیز یونانی وجود ندارد[b]: زیرا همان ۲۲:۳-۲۹؛ غلا ۲۸:۳؛ اع ۳۴:۱۰؛
خداوند، خداوند همه است و به همگانی که ۱۵:۹-۱۱
او را یاد می‌کنند بسی کریم است، [۱۳]زیرا روم ۳۳:۱۱
هرکه، هر کسی که به هر حال نام خداوند را
یاد می‌کند نجات خواهد یافت[c]. [۱۴]پس
چگونه یاد خواهند کرد آن را که ایمان عبر ۶:۱۱؛ اع ۳۱:۸
نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان خواهند داشت
به آنکه [از او چیزی] نشنیده‌اند[d]؟ و
چگونه خواهند شنید بدون اینکه کسی اعلام
کرده باشد؟ [۱۵]و چگونه اعلام خواهند کرد
اگر فرستاده نشده باشند؟ چنان‌که نوشته
شده است: چه زیبا است پاهای آنان که به
نویدهای نیکو[e] چیزهای نیکو را اعلام ۲ـ تسا ۸:۱؛
می‌کنند! [۱۶]ولی همه از انجیل [نوید عبر ۲:۴؛ یو ۲۶:۱۰
نیکو][ee] شنوایی نداشته‌اند. زیرا اشعیا
می‌گوید: خداوندا، چه کسی به گفتار ما
ایمان آورده است[f]؟ [۱۷]پس ایمان از شنیدن
می‌آید و شنیدن به وسیلهٔ گفتار مسیح[g].
[۱۸]اما من می‌گویم: مگر نشنیده‌اند[h]؟
البته[شنیده اند]! صدایشان به سراسر زمین
و گفتارشان تا انتهای دنیا رفته است[i]. [۱۹]اما
من می‌گویم: مگر اسرائیل درک نکرده بود؟
بدواً موسی می‌گوید: من حسادت شما را ۱۱:۱۱-۱۴
به وسیله آنچه قومی نیست[به شمار نمی
آید] برمی‌انگیزم و شما را به وسیلهٔ قومی
بی‌درایت خشمناک می‌کنم[j]. [۲۰]و اشعیا نیز
جسورانه می‌گوید: مرا یافته‌اند آنان که در
طلب من نبودند، به کسانی پدیدار شده‌ام ۳۰:۹

zz- تحت اللفظی: دهان.
a- اش۱۶:۲۸.
b- بنابراین در نجات یا در محکومیت تفاوتی بین یهودیان و غیریهودیان وجود ندارد (ر.ک روم۲۲:۳).
c- یول۳:۲۲ به زبان عبری= ۵:۳ یونانی. (ر.ک مز۸۶:۵؛ اع۲:۲۱) عنوان خداوند که در عهد عتیق فقط دربارهٔ خدا بکار برده شده است در اینجا در مورد عیسی آمده و نشان می‌دهد که در نظر مسیحیان اولیه از همان آغاز عمل مسیح همان عمل خدا است. لین هارت در این باره می نویسد: «بکار بردن واژهٔ واحد نشان دهنده مداومت عهد و پیمان است.»
d- بدون اینکه آن را شنیده باشند.: به نظر پولس در گفتار رسولان، خود مسیح سخن می گوید.
e- اش۵۲:۷؛ این عبارت یک پیام آزادی می باشد که به اسیران اعلام شده بود. قبلاً یهودیان آن را در ارتباط با انتظار مسیح موعود تفسیر می‌کردند و احتمالاً در پذیرفتن واژهٔ انجیل در عهد جدید و بوسیله مسیحیان مؤثر بوده است (ر.ک روم۱:۱ d).
ee- یعنی انجیل.
f- اش۵۳:۱ این نقل قول بندهای ۱۹-۲۱ را اعلام می‌کند.
g- در اینجا کلمه شنیدن را می توان به مفهوم شنیدن پیام و اطاعت کردن از آن درک کرد این جمله را می توان به دو نوع استنباط نمود: گفتاری که از مسیح می‌آید یا گفتاری که دربارهٔ مسیح است. بعضی از مفسران چنین درک کرده اند: برطبق فرمان مسیح (ر.ک بند ۱۵ e). کلمه یونانی که گفتار ترجمه شده است بدواً از زبان یونانی به مفهوم آنچه می شنوند، آن را گوش می کنند بوده (چنانکه لوتر ترجمه کرده است: ایمان از آنچه می شنوند می‌آید). در اینجا تعمداً هنر جناس بکار برده شده زیرا نظیر زبان فارسی کلمه گوش کردن هم به معنی شنیدن و هم به معنی اطاعت کردن است (بند ۱۵). ر.ک ۵:۱ k.
h- جملهٔ مگر شنیده اند؟ منظور شنوندگان و در اینجا یهودیان می باشند.
i- مز۱۹:۵. صدایشان، منظور صدای کسانی است که نوید را ابلاغ می‌کردند.
j- تث۳۲:۲۱. بدواً موسی می گوید؛ یعنی من بدواً آنچه را موسی گفته است (قانون تورات) نقل می‌کنم، سپس آنچه اشعیا گفته است (کتب پیامبران). در این دو متن نکته زیر یادآوری و تأیید شده است: اسرائیل می توانسته است درک کند ولی نپذیرفته است و توبه و گرایش ملت های غیریهودی، بی وفایی یهودیان را بیشتر آشکار می نماید.

که جویای من نبودند[k]. [۲۱]ولی خطاب به
اسرائیل می گوید: همهٔ روز، دستهایم را
به سوی ملتی نافرمان و سرکش دراز کرده ام[l].

خدا اسرائیل را دور نیفکنده است

ار ۳۷:۳۱ — **۱۱** [۱]پس می گویم: آیا ممکن است خدا
۲ـ قرن ۱۱:۲۱؛ فی ۳:۵-۷ — قوم خود را بدور افکنده باشد[m]؟
هرگز! زیرا نیز خود من اسرائیلی ام، از نسل
۱ـ سمو ۱۲:۲۲؛ مز ۹۴:۱۴ — ابراهیم، از قبیله بنیامین. [۲]خدا قوم خود را
بدور نیفکنده است[n] ، که از پیش شناخته
است[o]. یا اینکه نمی دانید نوشتهٔ [مقدس]
در مورد ایلیا چه می گوید، چگونه علیه
اسرائیل به خدا شکایت می کند[p]:
[۳]خداوندا، ایشان پیامبران تو را کشته اند،
قربانگاههای تو را ویران کرده اند؛ و من
تنها مانده ام و قصد جان مرا دارند[q]. [۴]ولی
پاسخ الهی به او چه می گوید [r]؟ من
هفت هزار مرد برای خود نگهداشته ام، که
در برابر بعل[s] زانو خم نکرده اند. [۵]پس به
همین گونه، نیز در حال حاضر،
باقیمانده ای برگزیده بوسیلهٔ فیض وجود
داشته است[t]. [۶]ولی اگر بوسیلهٔ فیض است
بوسیلهٔ اعمال نیست[u]؛ وگرنه دیگر فیض،
فیض نیست[v]. [۷]پس چگونه است؟ آنچه را
اسرائیل می جوید نیافته است: [w] اما
برگزیدگان، یافته اند[x]. و دیگران سختدل
شده بودند، [۸] چنانکه نوشته شده است:
خدا تا به امروز به ایشان روحی خموده داده

k- اش۶۵:۱.
l- اش۶۵:۲. این مطالب که از کتاب اشعیا نقل قول شده است اندیشهٔ سهیم شدن ملل غیریهودی را در میراث اسرائیل مطرح می نماید، این مسئله در فصل یازدهم مفصلاً تشریح خواهد شد. قبلاً مفسران یهودی این عبارت را در خطاب به ملت های غیریهودی درک و تفسیر می کردند.
m- پاسخ به این سؤال در سرتاسر این فصل داده شده است که می توان چنین خلاصه کرد: نخیر! خدا قوم خود را به دور نیفکنده است زیرا وضعیت کنونی با مندرجات عهد عتیق تطبیق می نماید. موضوع گزینش باقیمانده ای است (بند۵) که نمایندهٔ تمام قوم اسرائیل می باشد (بند۱۶) و تضمین نجات نهایی مجموعه قوم است (بندهای ۲۵-۳۲). برطبق عهد عتیق این باقیمانده قبلاً وجود داشته (بندهای ۲-۴) و پولس در موقعی که این نامه را می نویسد خودش گواه زندهٔ مداومت این باقیمانده می باشد.
n- ۱-سمو۱۲:۲۲؛ مز۹۴:۱۴.
o- ر.ک روم۸:۲۹ u.
p- ترجمهٔ تحت اللفظی: آنچه نوشتهٔ [مقدس] در ایلیا می گوید، چگونه علیه اسرائیل با خدا گفتگو می کند.
q- ۱-پاد۱۹:۱۰، ۱۴.
r- ترجمهٔ دیگر: ولی خدا به او چه پاسخ می دهد؟
s- ۱-پاد۹:۱۸.
t- در اینجا پولس مجدداً به نظریه ای که قبلاً تشریح شده برمی گردد (روم۹:۶-۱۳). تمام تبار اسرائیل جزو قوم اسرائیل بشمار نمی آیند. در تمام ادوار تاریخ نجات، خدا فقط با فیض خود از بین بازماندگان اسرائیل کسانی را می گزینند که واقعاً از گزینش بهره مند می شوند.
u- ترجمه تحت اللفظی: دیگر به دلیل اعمال نیست. کلمهٔ دیگر در اینجا بدان معنی نیست که قبلاً چنین بوده است زیرا گزینش هرگز وابسته به اعمال نبوده است ر.ک روم۹:۶-۱۳.
v- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: و اگر به وسیله اعمال است دیگر فیض نیست به عبارت دیگر عمل دیگر عمل نیست.
w- ترجمه تحت اللفظی: آن را گزینش یافته است. برطبق محتوای متن، منظور برگزیدگانی هستند که به اسرائیل تعلق دارند درصورتی که این اظهارات معنی عمومی تری دارد.
x- ر.ک روم۹:۳۰-۳۳ که در آنجا همین موضوع در مورد تفاوت بین یهودی و مشرک مطرح شده در صورتی که در اینجا فقط قوم اسرائیل مطرح بوده و تفاوت بین برگزیدگان و دیگر افراد اسرائیل است.

است، چشمانی که نبینند و گوشهایی که
نشنوند[y]. ۹ و داود می‌گوید: میز[z] ایشان
برای تله‌ای و برای دامی، و برای مانعی و
برای عقوبتی[a] باشد! ۱۰ چشمان ایشان تار
گردد تا نبینند و همواره کمرهاشان را
خمیده گردان[b]! ۱۱ پس می‌گویم: آیا لغزیده
اند تا سقوط کنند[c]؟ هرگز! ولی به سبب
خطای ایشان[d]، نجات به ملت‌ها [رسیده] تا
حسادت ایشان[e] تحریک گردد. ۱۲ باری اگر
خطای ایشان موجب ثروت دنیا و شکست
ایشان[f]، ثروت امت‌ها است پس چقدر
بیشتر تکامل ایشان[g] [خواهد شد]؟
۱۳ زیرا به شما، ای امت‌ها[h] می‌گویم:
پس چقدر حقیقتاً از آنجا که من[i] رسول
امت‌ها هستم، خدمت خود را شکوهمند
می‌شناسم[j]، ۱۴ به امید این که حسادت
کسانی را که از گوشت و خون من[k] هستند
تحریک کنم و چندتایی از بین آنان را
نجات دهم[l]. ۱۵ زیرا اگر وازدن ایشان[m] ۱ـ قرن ۹:۲۲
[موجب] آشتی جهان[n] بوده است، پذیرش
[مجدد ایشان] به جز زندگی از بین
مردگان[o] چه خواهد بود؟

y- اش۲۹:۳ و تث۲۹:۳ که به طور آزاد نقل شده‌اند.
z- منظور از میز ایشان ممکن است به مفهوم ثروت ایشان و جنبهٔ نامطلوب و بد آن باشد (در مز۶۹:۲۳ که دراینجا نقل شده است میز مترادف با فراوانی است). همچنین ممکن است برطبق تفسیر تارگوم میز به معنی میزی باشد که بر روی آن قربانی انجام می‌شده است. در این صورت وابستگی به جنبهٔ مادی اجرای قربانی در نیایش می‌باشد. (در مورد تارگوم، لازم به یادآوری است در قرن ششم پیش از میلاد، پس از دوران تبعید در بابل، یهودیان به جای زبان عبری، زبان آرامئی را در کنیسه بکار می‌بردند، لذا اسفار کتاب مقدس را به زبان آرامئی ترجمه و تفسیر کردند که آن را تارگوم می‌نامند. ضمناً کلمه ترجمه نیز از ریشه همین کلمه است).
a- ترجمه تحت‌اللفظی: یک پاداش (که منظور پاداش بی‌وفایی ایشان است) ضمناً نبایستی معنی تحت‌اللفظی تمام کلمات این نقل قول را درنظر گرفت زیرا پولس مفهوم کلی محکومیت را درنظر داشته است.
b- مز۶۹:۲۳-۲۴.
c- ترجمهٔ دیگر: آیا برای یک سقوط قطعی است؟ در اینجا تفاوت بین سقوطی است که براثر تصادم با مانعی ایجاد شود و سپس برخیزند (لغزیدن) و سقوطی که امید برخاستن وجود نداشته باشد (افتادن).
d- با توجه به کلمهٔ یونانی که در اینجا بکار برده شده است و ریشهٔ لغوی آن، می‌توان ترجمه کرد: قدم نادرست ایشان.
e- گاهی ترجمه می‌کنند: تا حسادت اسرائیل تحریک گردد. این حسادت تا کنون به وسیلهٔ مخالفت با انجیل ابراز شده است (ر.ک اع۱۳:۴۵؛ ۱۷:۵). ولی پولس امیدوار است که نتیجه معکوس خواهد داشت.
f- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده هم به معنی سقوط و زوال و هم به معنی تقلیل است. باری سقوط و زوال اسرائیل عبارت از این است که فقط عده قلیلی ایمان آورده‌اند.
g- گاهی ترجمه می‌کنند: شرکت کامل ایشان در نجات چه‌ها نخواهد کرد؟ کلمه یونانی را که تکامل ترجمه شده است و گاهی تمامیت ترجمه می‌کنند به مفهوم زیادی و افزونی کیفی و کمّی است و در مقابل کلمه سقوط و تقلیل می‌آید (ر.ک توضیح f).
h- منظور مسیحیانی هستند که قبلاً مشرک و بت‌پرست بوده‌اند.
i- به نظر پولس، رسالت او به نزد ملت‌ها با راز اسرائیل بستگی دارد.
j- گاهی این جمله را ترجمه می‌کنند: شکوه رسالت خود را ابراز می‌کنم.
k- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: گوشت من، گاهی ترجمه می‌کنند: از خون من هستند.
l- وضعیت کنونی که فقط عده قلیلی به مسیح می‌گروند در مقابل وضعیت آینده ارائه می‌شود که گرویدن شامل تمام قوم یهود خواهد شد (بندهای ۱۳، ۱۵).
m- البته بدور افکندن ایشان نیست زیرا برخلاف بند ۱ خواهد بود. گاهی ترجمه می‌کنند: به کنار گذاشتن ایشان.
n- معنی این عبارت در ۲-قرن۵:۱۷-۲۱ تصریح شده است.
o- ترجمهٔ دیگر: گذشتن از مرگ به زندگی. اگر به کنار گذاشتن اسرائیل منبع چنین نعمتی برای جهان شده است، نعمتی که از پذیرش مجدد اسرائیل حاصل شود خیلی بیشتر خواهد بود؛ نوعی زندگی خواهد بود که وضعیت قبلی نسبت به آن حکم مرگ

۱ـ قرن ۷:۱۴ ۱۶ و اگر ثمرهٔ نوبر، مقدس است نیز
خمیره، و چنانچه ریشه مقدس است[p]، نیز
شاخه ها. ۱۷ باری اگر چندتایی از شاخه ها
بریده شده اند و تو، که یک درخت زیتون
افس ۲:۱۱-۲۲ وحشی هستی، تو را از بین [شاخه های]
دیگر پیوند زده اند و با آنها از شیرهٔ بارور
زیتون[q] سهمی گرفته ای، ۱۸ در برابر
شاخه های [دیگر] خودستایی مکن. حتی
اگر به خود ببالی[r]؛ تو حامل ریشه نیستی
یو ۴:۲۲ بلکه ریشه تو را [حمل می کند]. ۱۹ آنگاه
خواهی گفت: «شاخه ها را بریده اند تا مرا
پیوند بزنند». ۲۰ خیلی خوب! آنان را
به سبب بی ایمانی قطع کرده اند و تو
به سبب ایمان برپا ایستاده ای[s]. غره مشو[t]؛
بلکه بترس! ۲۱ زیرا اگر خدا شاخه های
مطابق طبیعی[u] را معاف نکرده است نه،
پس چگونه تو را معاف خواهد کرد[v].
۲۲ پس مهربانی و سختگیری خدا را ببین:
برای آنان که حقیقتاً سقوط کرده اند
سختگیری ولی برای تو مهربانی است اگر
در مهربانی[w] باقی بمانی وگر نه تو نیز قطع
خواهی شد. ۲۳ ولی ایشان نیز اگر در
بی ایمانی پایداری نکنند، پیوند زده
خواهند شد در مقتدر، زیرا خدا قادر است
دوباره ایشان را پیوند بزنند. ۲۴ زیرا اگر تو
از درخت زیتون وحشی مطابق طبیعت قطع
شده ای و برخلاف طبیعت به درخت زیتون
پرورش یافته پیوند یافته ای، چند مرتبه
بیشتر آنان که مطابق طبیعت[x] هستند، به
درخت زیتون خویش پیوند خواهند شد.

را خواهد داشت. در فصل ۳۷ حزقیال در مورد استقرار مسیح در اسرائیل نظریه مشابهی بیان شده است. بسیاری از مفسران این نکته را اشاره ای به رستاخیز مردگان در واپسین روز تشخیص داده اند.

p- ترجمه تحت اللفظی: هرچقدر نوبرها مقدس، خمیره هم. اشاره به اعد۱۵:۱۹-۲۱. تقدیس قسمت ممتاز، مجموعه را به نحوی تقدیس می نماید. در اینجا منظور مقدس بودن اخلاقی نیست بلکه رابطهٔ مخصوص تعلق داشتن به خدا است که به وسیله تقدیس یعنی گزینش و عهد و پیمان حاصل می گردد. ثمره های نوبر نظیر ریشه احتمالاً مظهر باقیمانده وفاداری است که در ابتدا بوسیله پیامبران بزرگ و اکنون بوسیله یهودیانی که مسیحی شده اند نشان داده شده است.

q- ترجمه تحت اللفظی: تو از بین آنان پیوند شده ای و در ریشه از روغن درخت زیتون سهیم گشته ای. این متن دشوار، و شایسته تغییر یافته است. در بعضی از نسخه های خطی کلمه ریشه حذف شده و در بعضی نسخه های دیگر وجود دارد مثلاً: از ریشه و از روغن درخت زیتون... به هرصورت در مفهوم عبارت شکی وجود ندارد.

r- گاهی ترجمه می کنند: تو خوب می توانی به خود ببالی. یا به طوری که در بعضی از نسخه های خطی است: اگر تو به خود می بالی. در این صورت معنی عبارت چنین است: اگر می خواهی به خود ببالی ممکن است ولی باید بدین سبب باشد که جزو گزینش اسرائیل هستی.

s- ر.ک اش۷:۹: اگر ایمان ندارید پایداری نخواهید کرد. تحت اللفظی: بلند مشو.

t- ایمان به دلیل سرشت خود با غرور و هرگونه خودبینی مخالف است (ر.ک روم۲:۴ d).

u- پولس در سخنان خود از تمثیل استفاده می کند. شاخه های طبیعی آنهایی هستند که معمولاً بر روی درخت می رویند و پولس نمی خواهد بگوید که اسرائیل طبیعتاً شایستهٔ گزینش می باشد.

v- در بعضی از نسخه های خطی چنین است: مواظب باش که تو را نیز معاف نکنند.

w- یعنی اگر در این عقیده ثابت قدم باشی که مهربانی رایگان تنها منبع نجات است و اگر هرگونه غرور و خودبینی را بدور اندازی.

x- آیا این امر با روشهای درختکاری تطبیق می کند یا خیر؟ به هرصورت این تمثیل را باید با توجه به هدفی که پولس در نظر دارد تفسیر نمود یعنی مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند هرگونه خودبینی و تحقیر اسرائیل را در خود از بین ببرند. ضمناً بند ۲۴ بایستی با توجه به نظریه ای که پولس دائماً اظهار کرده است درک گردد: برای فرد یهودی نظیر یک مشرک، گزینش در عیسی مسیح موهبتی می باشد.

نجات اسرائیل

[۲۵]زیرا، ای برادران، نمی‌خواهم که شما
این راز را ندانید، تا مبادا خود را خردمند ۱۶:۱۲
بپندارید[y]: زیرا سختدلی در قسمتی از
اسرائیل پیش آمده است تا که تمامیت[z]
امت ها وارد شوند. [۲۶]و بدین گونه تمام
اسرائیل نجات خواهند یافت[a] برابر آنچه
نوشته شده است: نجات دهنده از صهیون
خواهد آمد، بی دینی ها را از یعقوب خواهد
برداشت. [۲۷]و پیمان من با ایشان این
است، هنگامی که گناهانشان را خواهم
زدود[b]. [۲۸] برطبق انجیل به سبب[bb] شما
دشمنان، ولی برابر گزینش به سبب پدران[c] تث ۳۷:۴
محبوب هستند. [۲۹]زیرا موهبت ها و دعوت
خدا غیرقابل برگشت است. [۳۰]زیرا اعد ۱۹:۲۳
به همان گونه که در گذشته به خدا نافرمانی
کرده اید و اکنون در پی نافرمانی ایشان
رحمت کسب نموده اید، [۳۱] پس ایشان هم
اکنون، پیرو رحمتی که به شما شده است
نافرمانی کرده اند تا به نوبهٔ خود[d] نیز آنها
رحمت[e] کسب کنند. [۳۲]زیرا خدا همه را در
نافرمانی محصور کرده است تا به همگی غلا ۲۲:۳
رحمت آورد.
[۳۳]وه! از ژرفای ثروت و حکمت و دانش مز۱۳۹:۶؛۱۷-۱۸
خدا! چقدر داوریهای او کاوش ناپذیر و حک ۱:۱۷
راههای او غیرقابل نفوذ هستند! [۳۴]زیرا چه
کسی فکر خداوند را شناخته است؟ یا چه ۱ـ قرن ۲:۱۱؛ ار ۲۳:۱۸؛
کسی مشاور او شده است[f]؟ [۳۵]یا چه کسی ایوب ۱۵:۸
نخست به او داده است بلکه عوض دریافت
کند؟[g] [۳۶]زیرا همه چیز از او و بوسیلهٔ او و ۱ـ قرن ۸:۶؛ کول ۱:۱۶-۱۷؛
به خاطر اوست. شکوه [بر او] به روزگاران عبر ۲:۱۰
و روزگاران باد. آمین!

y- یعنی به ضرر اسرائیل برای خود عنوان و شکوهی قائل شوید ر.ک بند ۲۰.

z- گاهی ترجمه می کنند: مجموعهٔ ملت ها. تشخیص معنی این عبارت دشوار است. برابر نظریه مفسران متعددی ممکن است پولس فرا رسیدن دورانی را اعلام می کند که همه ملت های روی زمین مسیحی شده باشند ولی مفاد ۲-تسا۲:۳-۴ با این تفسیر تطبیق نمی نماید. ضمناً مقایسه با روم۱۵:۱۹ وادار می کند برای کلمه تمامیت که پولس بکار برده است جنبهٔ کیفیتی قائل شده، این جمله را تحقق کامل مشیت خدا درک نماییم. ر.ک روم۱۱:۱۲؛ لو۲۱:۲۴.

a- در اینجا تمام اسرائیل در مقابل باقیمانده ای است که در بند ۵ ذکر شده و قسمتی از اسرائیل که در بند ۲۵ آمده است. منظور از تمام اسرائیل فرداً فرد یهودیان نیست بلکه اسرائیل به صورت یک مجموعه می باشد. بین ورود مشرکان و گرایش اسرائیل ارتباطی هست که جنبهٔ توالی زمانی نداشته و تابع سببیت است (ر.ک بند ۳۱) و به نظر می رسد، منظور ارتباطی است که بین بی وفایی اسرائیل و گرایش مشرکان وجود دارد (بند ۱۱). مفسران دیگری چنین درک می کنند: منظور از تمام اسرائیل، مجموعه ایمانداران است که قبلاً یهودی و یا مشرک بوده اند.

b- اش۵۹:۲۰-۲۱؛ ر.ک اش۲۷:۹. ترجمه تحت اللفظی: هنگامی که گناهانشان را زدوده باشم. جملهٔ اولی این بند به صورت تعجب است: یعنی درخشندگی پیمان من با ایشان چنین خواهد بود! پولس این مطالب را با توجه به درک کامل پیامهای پیامبرانه ای ذکر می کند که فقط افشای راز (بند ۲۵) آن را مقدور ساخته است.

bb- این کلمه حرف اضافه ای در زبان یونانی است و دوبار در این بند بکار برده شده است. گاهی کلمه اولی را به خاطر و کلمه دومی را به سبب ترجمه می کنند.

c- با اینکه قسمت اول و دوم این بند از نظر اولی به صورت موازی ذکر شده اند منظور و هدفی متفاوت دارند: اصطلاح به سبب پدران به معنی به سبب استحقاق پدران نیست بلکه به سبب وعده ای است که به پدران داده شده است (ر.ک بند ۲۹ و تث۴:۳۷؛ ۹:۵).

d- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا کلمه اکنون و یا به جای آن کلمه بعداً آمده است.

e- ساختمان دشوار این عبارت به سبب پیچیدگی ارتباط و سببیتی است که پولس بین تاریخ دو طرف قائل می شود.

f- اش۴۰:۱۳.

g- ایوب۴۱:۳.

نیایش معنوی: زندگی نو

۱۲
[۱]پس ای بـرادران، پس شـمـا را
تـشویق می کنم[h]، به خاطر مراحم
خدا، بـدنهـای خودتان را[i]، قربـانی زنده،
مقـدس، پسندیدهٔ خدا تقدیم نمایید؛ که از
شمـا پرستش معنوی است[j]. [۲]و خود را با
این زمانه آهنگ نکنید[k] بلکه با تجدید
ذهن، [خودتـان را] تغییر دهیـد تـا شـمـا
تـشـخیص دهیـد، مشیت خـدا چیست،
[آنچه] نیکـو و[خدا]پسنـدیـده و کـامل
است.

۱۱:۶، ۱۳، ۱۹، ۱۶:۱۵؛ ۱ـ پطر ۵:۲
۱۴:۸-۱۶، ۲۶-۲۷؛ غلا ۴:۱؛ افس ۲۳:۴؛ ۱ـ پطر ۱۴:۱ ۲ـ قرن ۱۸:۳؛ ۱۷:۵ فی ۱۰:۱

[۳]زیـرا بـنـابـر فـیـضی که به من داده شـده
است به هـر یک از شـمـا می گـویم: بیش از
آنچه معقـول است ادعای عقل نکنیـد بلکه
طوری فکر کنید که عاقلانه باشد[l]، هرکدام
به اندازهٔ ایمانی که خدا سهم داده است.[m]
[۴]زیرا به همان گونه که در یک بدن، اعضای
مـتـعـددی داریم و این اعضـاء هـمه وظـیفه
واحدی ندارند، [۵]ما نیز که متعدد هستیم، در
مسیح یک جسم، و منفرداً اعضای یکدیگر[n].
[۶]ولی بـنـابـر فـیـضی که به مـا داده شـده
موهبت های مختلفی داریم: اگر [موهبت]

۱ـ قرن ۶:۴؛ ۲ـ قرن ۱۳:۱۰؛ فی ۳:۲
۱ـ قرن ۱۷:۱۰؛ افس ۲۳:۱؛ ۴:۴-۲۵؛ ۳۰:۵

h- از اینجا قسمت پند و اندرز نامه آغاز می شود (ر.ک مقدمه). در ابتدای این نامه و در فصلهای ۹-۱۱ رحمت خدا مطرح شده است (ر.ک روم۱۱:۳۲) و در پاسخ به رحمت الهی ایجاب می نماید که حالت فداکاری و تقدیم خود در جمعیت های مسیحیان ابراز گردد (ر.ک روم۶:۱۹).

i- ترجمهٔ دیگر: خود را تقدیم کنید. در اینجا منظور بدنی نیست که متمایز از روح باشد بلکه منظور تقدیم تمام وجود آدمی است که در بدن و بوسیلهٔ بدن عمل می کند؛ این بدن مکانی است که برای وجود آدمی و فعالیت او و ارتباط با خدا با آدمیان و فعالیت او و ارتباط با خدا با آدمیان و جهان لازم است. ما بوسیلهٔ بدن خود اعضای مسیح به شمار می آییم (۱-قرن۶:۱۵) بدن برای خداوند و خداوند برای بدن است (۱-قرن۶:۱۳). بدین سبب باید همراه با مسیح بدن خود را به عنوان قربانی تقدیم کنیم. بدن شما معبد روح القدس است و شما دیگر به خود تعلق ندارید. پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید (۱-قرن۶:۱۹-۲۰).

j- اصطلاح پرستش معنوی را می توان برطبق اشتقاق و ریشه کلمه پرستش منطقی و معقول ترجمه کرد که به معنی مطابقت با سرشت خدا و آدمی است. ضمناً باید به خاطر داشت که نویسندگان یهودی و یونانی اکثراً این کلمهٔ توصیفی را در اوضاع و شرایط مشابه در عبارات بکار برده اند تا تفاوت بین پرستش ظاهری و پرستش حقیقی را که در آن تمام وجود آدمی درگیر است نشان دهند. پیامبران نیز همین گونه پرستش را از قوم اسرائیل مطالبه می کردند (هو۶:۶). همچنین ر.ک ۱-پطر۲:۲.

k- مسیحیان اولیه این نظریه را از یهودیان گرفته اند که در تاریخ جهان دو دوران بزرگ وجود دارد: زمان حاضر که در آن، بدن علناً فرمانروایی می کند و زمانی که خواهد آمد که در آن خدا ملکوت خود را متجلی خواهد کرد. ولی به نظر پولس و بیشتر نویسندگان مسیحی اولیه دوران آینده از تاریخ آمدن مسیح آغاز شده است. زمانه کنونی که زمانهٔ گناه است فقط به صورت موقتی و معلّق باقیمانده است؛ پایان آن مسلّم است و پیش بهای دوران آینده پرداخت شده است بنابراین فرد مسیحی اجازه نمی دهد که حقیقتی منفی و پلید که به زودی نابود خواهد شد روش زندگی او را تعیین کند.

l- با اینکه در این عبارات جناس بکار برده شده است ولی منظور پولس فقط جمله پردازی و سخن سنجی نیست بلکه در اینجا و در بندهای بعدی بشدّت با کجرویهایی نظیر پرمدّعایی و جاه طلبی مبارزه می کند که مدام جمعیت های مسیحی را تهدید می نمایند. وی مسیحیان را به تواضع، محبت و خدمت برادرانه تشویق می کند.

m- در این باره لین هارت می نویسد: «در اینجا کلمه ایمان یا بجای ثمره های ایمان یعنی موهبت بکار برده شده است و یا ایمان به عنوان حالت وجودی است و کلمهٔ ایمان به مفهوم در ایمان است. عقل و فرزانگی عبارت از این خواهد بود که آدمی خود را با شرایط مختلفی که خدا بدون تمایز کهتری یا مهتری به هرکس داده است تطبیق دهد زیرا همه آنها فیض می باشد. ولی میزان ایمان در افراد متفاوت است زیرا تحول و تکامل آن در همه افراد به یک اندازه نیست.»

n- در فصل ۱۲ نخستین نامه به قرنتیان همین تصویر برای نشان دادن این استدلال بکار برده شده است، مخصوصاً از بند ۱۲ به بعد.

پیامبری است برطبق ایمان[o] [انجام شود]؛
۷ اگر خدمتی[p] است در خدمتگزاری، اگر
آموزش دادن است در آموزش. ۸ اگر تشویق
کردن است در تشویق. آن که می دهد با
گشاده دلی بدهد[q]، آن که سرپرستی می کند[r]
با شوق بکند؛ آن که رحمت می آورد با
عا ۱۵:۵ شادی انجام دهد. ۹ رخصت دهید محبت
بدون ریا باشد. از شرارت متنفر [باشید]،
به نیکی بچسبید. ۱۰ با محبتی برادرانه
فی ۳:۲ فدایی یکدیگرباشید، در احترام به یکدیگر
پیشدستی کنید، ۱۱ در شوق کاهل نباشید،
با روحی پُرشور، خداوند را خدمت کنید[s].
اع ۱۴:۱؛ کول ۲:۴ ۱۲ در امیدواری شادمان، در رنج بردبار، در
دعا کردن ثابت قدم باشید. ۱۳ در
۱ـ پطر ۹:۴ نیازمندیهای مقدسان[t] سهیم شوید، در
مت ۳۸:۵-۴۸ مهمان نوازی کوشا باشید. ۱۴ برای آنان که

به شما جفا کنند برکت بطلبید؛ برکت
بطلبید. ۱۵ با آنانکه که شادی می کنند
شادی کنید، با آنانکه می گریند، گریه ۱ـ قرن ۲۶:۱۲؛ بنسی ۳۴:۷
کنید. ۱۶ با یکدیگر هم رأی باشید، در پی
سرافرازی نباشید. بلکه به سوی حقیر
متمایل شوید. خود را خردمند مپندارید[u].
۱۷ در برابر بدی به هیچ کس بدی مکنید، اش ۲۱:۵
مقابل همه انسان ها نیکی را در نظر ۱ـ تسا ۱۵:۵؛ ۱ـ پطر ۹:۳
بگیرید[v]. ۱۸ اگر ممکن است تا آنجا که به ۲ـ قرن ۲۱:۸ عبر ۱۴:۱۲
شما مربوط است با همه انسان ها در صلح
باشید. ۱۹ ای محبوبان، خودتان انتقام مت ۳۹:۵-۴۴؛
نکشید بلکه بگذارید خشم [خدا] عمل
کند[w] زیرا نوشته شده است: خداوند
می گوید: «انتقام با من است! منم که پاداش عبر ۳۰:۱۰؛ لاو ۱۸:۱۹
خواهم داد[x].» ۲۰ اما اگر دشمنت گرسنه
است به او غذا بده؛ اگر تشنه است به او

o- ترجمه تحت‌الفظی: برطبق شباهت ایمان. این عبارت را به دو نوع می توان درک و تعبیر کرد:
۱- ایمان به معنی عینی کلمه، که البته منظور مجموعهٔ عقایدی نیست که ایمان مسیحیت را تشکیل می دهد بلکه معنی کلی تر است و برطبق ایمان = در هم آهنگی با ایمان کلیسا است یعنی در همبستگی با ایمانداران است، در این صورت اندرزی که داده است کاملاً در ردیف توضیحات دیگر می باشد. بدین معنی که مسیحیان یک بدن واحد را تشکیل می دهند که اعضای آن وظایف مختلفی برعهده دارند ولی این تفاوت ها هرگز نباید موجب شود که کسی از دیگران پیشی گرفته، از موهبت مخصوصی که دارد به خود ببالد؛ بلکه همه امور در همبستگی و اتحاد ایمانداران انجام می شود و فروتنی قاعده و روش این همبستگی است.
۲- هرگاه ایمان را به معنی ذهنی کلمه بگیریم در این صورت برطبق ایمان به معنی: به نسبت ایمانی است که هر فرد دریافت نموده است باید و خیلی نزدیک به نکته ای است که پولس در بند ۳ گفته یعنی هرکدام به اندازهٔ ایمانی که خدا سهم داده است.
p- کلمه ای که در اینجا خدمت ترجمه شده است باید به مفهوم فنی کلمه گرفته شود: خدمت شماسی و خدمت کمک و یاری به تیره بختان.
q- کلمه ای که در اینجا گشاده دلی ترجمه شده اصلاً در زبان یونانی به معنی پاکی، بدون آمیختگی و سادگی است (چنانکه در علم شیمی سخن از جسم بسیط و خالص است). بنابراین کسی که بخشش می کند باید این عمل را بدون درنظر گرفتن فکر بخصوصی، بدون انتظار پاداش و عوض انجام دهد. ر.ک مت۶:۲۲.
r- منظور کسی است که کلیسا را سرپرستی می کند (ر.ک ۱-تسا۵:۱۲) و یا کسی که در جمعیت مسیحیان توزیع و تقسیم عطایا را سرپرستی می نماید. ممکن است این دو وظیفهٔ توأم بوده است.
s- در بعضی از نسخه های خطی بجای خداوند را خدمت نمایید نوشته شده است وقت را خدمت نمایید و برخی از مفسّران آن را تفسیر کرده اند: به فرا رسیدن فرصت مناسب متوجه باشید (ر.ک افس۵:۱۶).
t- در مورد کلمه مقدّسان ر.ک روم ۷:۱ m و ۲۵:۱۵ h.
u- امث۳:۷.
v- در ترجمه یونانی کتاب مقدس امث۳:۴.
w- ترجمه تحت اللفظی: جا برای خشم بگذارید، که البته منظور خشم خدا است.
x- تث۳۲:۳۵.

آب بده؛ زیرا اگر چنین کنی اخگرهای
افروخته برروی سرش انباشته خواهی کرد[y].
۲۱ بوسیله بدی، مغلوب مشو؛ بلکه با
نیکی بر بدی غالب شو.

آموزش در مورد اولیای اُمور

مت ۲۲:۱۶-۲۱؛ ۱ـ تیمو ۲:۱-۲؛ تیط ۳:۱؛ ۱-پطر۲:۱۳-۱۷؛ امث ۸:۱۵؛ یو ۱۹:۱۱

۱۳ ۱ هر شخصی فرمانبردار[z] اقتدارهای
برتر باشد؛ زیرا اقتداری نیست،
اگر بوسیلهٔ خدا نباشد، و آنهایی که
هستند بوسیلهٔ خدا برقرار شده اند.
۲ بدین گونه آنکه در برابر اقتدار مخالفت
می کند با خواست خدا ایستادگی
می نماید، و آنان که ایستادگی می کنند بر
خودشان حکم خواهند کرد. ۳ زیرا کارهای
نیکو را از فرمانروایان ترسی نیست، بلکه
بد را [ترسی است]. بلکه برای آنکه بد
می کند. اما آیا می خواهی از اقتدار
نترسی، نیکی بکن و از او ستایش خواهی
داشت؛ ۴ زیرا وی، خدمتگزار خدا برای تو،
به نیکی است[a]. ولی اگر بدی کنی، بترس،
زیرا خدمتگزار خدا است تا خشم [خدا]
را ضدّ هرکسی که بدی می کند اعمال
نماید[b]. ۵ بدین سبب لازم است، نه فقط
به سبب خشم، بلکه همچنین به سبب ۱ـ پطر ۲:۱۹
وجدان، فرمانبردار باشد[c]. ۶ چونکه به این
دلیل نیز مالیات می پردازید؛ زیرا
حکمرانان[d] کارمندان خدا هستند، در
همین امر، پیوسته حاضر به خدمت
می باشند. ۷ به همهٔ آنان، آنچه حق ایشان
است بدهید: به آنکه باید مالیات پرداخت،

y- مز۲۵:۲۱-۲۲ ترجمه یونانی. آیا منظور پولس از نقل این مثل چیست؟ به دو نوع مختلف می توان تفسیر کرد: پولس فکر می کند نیکی و محبّت کسی که مورد تعدّی قرار گرفته، شرارت شخص ظالم را بیشتر نمایان کرده و تنبیه الهی را تشدید می نماید یا اینکه بالعکس فکر می کند که ظالم به سبب محبت مظلوم غافلگیر و متأثر شده به حدّی که رنج می کشد (اخگر افروخته) و توبه می کند.

z- کلمهٔ یونانی که در اینجا بکار برده شده به معنی حق اجرای عمل، در نتیجه امکان انجام عمل، یا قدرت و اقتدار (نظامی یا کشوری) می باشد. در این صورت به مفهوم اشخاص و مؤسساتی است که این قدرت و اقتدار را اجرا می کنند و آن را در فارسی اولیای اُمور یا مقامات دولتی می نامیم.
محتمل است و امکان دارد پولس همان عقیده یهودیان را داشته که برطبق آن یک موجود آسمانی، فرشته ای خوب یا بد، مظهر و نماینده مقامات زمینی در عالم بالا است و اعمال آنان را الهام می کند (ر.ک دان فصل ۱۰: فرشته های ایران و یونان). در این صورت می توان دریافت به چه سبب همین کلمه گاهی طبقه ای از فرشتگان را تعیین می کند بدون اینکه به روشنی اختصاصات هر طبقه را مشخص نماید. ر.ک کول۱:۱۶؛ اریکه ها، خداوندی ها، قدرت ها، اقتدارات؛ افس۶:۱۲ قدرت ها، اقتدارات، فرمانروایان این قرن ظلمات، ارواح شریری که در آسمانها هستند. ر.ک همچنین عناصر در غلا۴:۳، ۹؛ کول۲:۲۰. با توجّه به این مطالب متن بالا به دو گونه تفسیر می شود: این قدرتها هم قدرتهای فرشتگان و هم طرف زمینی آنها هستند.

a- ترجمهٔ دیگر: زیرا او در خدمت خدا، برای وادار کردن تو به نیکی است.

b- ترجمهٔ تحت اللفظی: زیرا او در خدمت خدا است، انتقام گیرنده برای خشم ضد آن که بدی می کند. در مورد این کلمهٔ «انتقام» الهی. ر.ک ۱۲:۱۹. نظم اجتماعی و سیاسی به منظور صلاح و نیکی و رفع بدی است. اقتداری که ضامن نظم عمومی است، خدمتگزار خدا برای بهبود همگانی بوده و لذا نقشی کاملاً مثبت در زندگی آدمیان دارد. بدین سبب مسیحیان باید از آن تبعیت کنند. به هرصورت این اظهارات رسولی، اقتدار مطلقی که منشأ خدایی داشته باشد مقرر نمی نماید؛ برعکس مقامات را تابع موازینی می کند که خارج از ارادهٔ آنان است و عبارت از خیر و صلاح می باشد و مقامات مذکور مجاز نیستند خیر و صلاح را رأساً و به ارادهٔ خود تعیین و مشخص نمایند. به نظر پولس این امر با مشیّت خدا تطبیق می کند.

c- این تبعیت و اطاعت فقط بر اثر ترس از مجازات نبوده بلکه برمبنای الزامات وجدان مسیحی است که طبق بندهای قبلی یادآوری می نماید اگر خدا نخواسته بود اقتداری وجود نمی داشت. با این همه تذکّر وجدان مانع از آن است که اندرز پولس به عنوان اطاعت کورکورانه تلقی شود. رسول به خوبی می تواند با ادعاهای غیرقابل قبول قدرت حاکم رومیان به شدّت مخالفت نماید (ر.ک ۱-قرن۱۲:۳ که در آنجا احتمالاً اشاره به پرستش امپراتور است. زیرا رومیان اظهار می کردند امپراتور خداوند است و ملزم می کردند هرگونه سروری و خداوندی دیگر انکار و نفی گردد).

d- ترجمه تحت اللفظی: آنان.

مـالـیـات؛ به آنکه عـوارض[e]، عـوارض؛ از
آنکه باید ترسید، بترسید؛ به آنکه باید
احترام گذاشت، احترام بگذارید[f].

محبت متقابل و مراقبت مسیحیان

۸ به هیچکس بدهکاری نداشته باشید،
یو ۳۴:۱۳؛ کول ۱۴:۳؛ ۱ـ یو ۱۱:۴ مباد جز اینکه به یکدیگر محبت کنید[g]؛
زیرا آنکه به دیگری[h] محبت می کند قانون
[تورات] را کاملاً اجرا کرده است[i]. ۹ زیرا
[فرمانهای]:
زنا نخواهی کرد، نخواهی کُشت، دزدی
نـخـواهی کـرد، طـمع نـخـواهی کـرد، و اگـر
مت۱۹:۱۸-۱۹ و متون موازی؛ حک ۱۸:۶؛ ۱ـ قرن ۱۳:۴-۷ فـرمـان دیـگـری هـست، این سـخن خلاصه
می شود: در این همسایه ات را مانند خودت
محبت خواهی داشت[j]. ۱۰ محبت به همسایه
بدی نمی کند؛ پس محبت به تحقق رسانیدن
قانون [تورات] است. ۱۱ و این را می دانید
افس ۵:۸-۱۶؛ ۱ـ تسا ۵:۴-۸؛ ۱ـ قرن ۷:۲۶، ۲۹ وقت آن فرا رسیده، که اکنون ساعتی است
که شما از خواب خود بیدار شوید[k] ؛ زیرا
اکنون نجات ما نزدیک تر از زمانی است که
یو ۱۲:۸؛ ۱ـ یو ۸:۲ ایمان آورده ایم. ۱۲ شب رو به پایان است، و
روز نـزدیـک است. پس اعـمـال ظـلـمت را
۲ـ قرن ۷:۶؛ افس ۶:۱۱-۱۷ بـدور انـدازیم و اسلحهٔ نور را دربـر کـنیم.
۱۳ همچنان در روز، با شایستگی رفتار کنیم:
۱:۲۹؛ لو ۳۴:۲۱ نه عیاشی و میگساری، نه فحشاء و هرزگی،
نه نزاع و حسادت، ۱۴ بلکه خداوند عیسی
غلا ۲۷:۳؛ افس ۲۴:۴ مـسیح را دربـر کـنیـد و بـرای خـواهش تن،
دوراندیشی نکنید.

نیرومندان و ضعیفان

۱۴ ۱ و کسی را که در ایمان[l] ضـعـیف
۱ـ قرن ۸:۷-۱۳؛ روم ۷:۱۵ است، نه برای بحث عقاید[m] پذیرا
شوید. ۲ حقیقتاً آن یکی خیال می کند از
۱ـ قرن ۲۵:۱۰ همه چیز[n] می تواند بخورد، درصورتی که

e- منظور حقوق گمرکی است که به صورت مالیات غیرمستقیم دریافت می شود.

f- ترجمهٔ تحت اللفظی: به همگی بدهید آنچه را که طلب ایشان است: به آنکه مالیات، مالیات؛ به آنکه عوارض، عوارض؛ به آنکه ترس، ترس؛ به آنکه احترام، احترام.

g- حتی اگر بتوان همه وظایف اجتماعی (بدهکاری ها) را انجام داد، برای فرد مسیحی یک وظیفه مهمتر و اساسی باقی می ماند که محبّت به همنوع خود می باشد.

h- گاهی ترجمه می کنند: همنوع، همسایه.

i- اگر تنها محبت به همنوع را بتوان انجام کامل قانون تورات بشمار آورد بدان سبب است که قانون مذکور علّت نهایی دیگری نداشته و هدف آن محبّت است. ر.ک غلا۵:۱۴ و عیسی قانون را به همین گونه خلاصه می کند (مت۲۲:۳۷-۴۰) وقتی که می گوید: فرمان دومی (محبت به همنوع) نظیر فرمان اولی (دوست داشتن خدا) است.

j- خروج۲۰:۱۳-۱۷؛ تث۵:۱۷-۲۱؛ لاو۱۹:۱۸.

k- در بعضی از نسخه های خطی آمده است: که از خواب خود بیدار شویم.

l- در این فصل منظور پولس بعضی از مسیحیان می باشد که هنوز از گرویدن به انجیل کاملاً نتیجه نگرفته اند. با اینکه ایمان آورده اند، تصور می کنند کماکان مجبور به رعایت مقررات شرعی آیین یهود هستند (ر.ک کول۲:۱۶-۲۳؛ ۱-تیمو۴:۳-۵؛ تیط۱:۱۵). پولس به همان گونه که در ۱-قرن۸:۷-۱۳ و ۱۰:۱۴-۳۳ در مورد گوشت های قربانی شده برای بُتان گفته است، در اینجا توصیه می کند که هرکس برطبق معتقدات خود رفتار کند (بندهای ۵-۶) و از سوی دیگر اقویا و ضُعفا از داوری کردن یکدیگر پرهیز نمایند. زیرا همهٔ مسیحیان، به هر اندازه که در مرحله ایمان پیش رفته باشند، بوسیله محبت برادرانه می توانند در صلح و اتحّاد با یکدیگر زندگی نمایند.

m- کسی که ایمانی روشن دارد نباید دربارهٔ معتقدات وجدانی افراد ضعیف، بحث و مجادله کرده و آنها را تحقیر نماید. کلمهٔ یونانی را که عقاید ترجمه شده است بعضی از مفسران دقت و دغدغه خاطر در رعایت نظریات ترجمه می کنند. به هرصورت مفهوم کلام پولس جرّوبحث در نظریات و آراء وجدانی است.

n- ترجمهٔ تحت اللفظی: یکی ایمان دارد [که می تواند] هر چیزی بخورد. فعل ایمان داشتن و کلمه ایمان که در بندهای ۲۲ و ۲۳ آمده به مفهوم خاصی بکار رفته و منظور ایمان نجات بخش نیست (که در بندهای ۳:۲۱-۲۶ ذکر شده است)، بلکه داوری در

ضعیف سبزیجات می‌خورد. ۳ آنکه می‌خورد
کسی را که نمی‌خورد تحقیر نکند، و آنکه
کول ۲:۱۶-۲۱ نمی‌خــورد کــسی را که می‌خــورد داوری
ننماید؛ زیرا خدا او را پذیرفته[o] است. ۴ تو
یع ۴:۱۱؛ مت ۷:۱ کیستی که خدمتگزار[p] کسی دیگر[q] را
داوری می‌کنی؟ [خدمتگزار] بایستد و یا
بیفتد، به اربابش [مربوط] است، اما
ایستاده خواهد ماند، زیرا خداوند می‌تواند
او را نگهدارد. ۵ آن یکی ارزش یک روز[r] را
غلا ۴:۱۰؛ کول ۲:۱۶ بیش از روز دیگر می‌داند، آن دیگری همه
[روزها] را یکسان می‌شمارد. هرکس در
عقیدهٔ خود ثابت بماند[s]، ۶ آنکه در اندیشه
روز است به‌خاطر خداوند در اندیشه است؛
۱ـ قرن ۱۰:۳۰؛ ۱ـ تیمو ۴:۴ و آنکه می‌خورد، به‌خاطر خداوند می‌خورد،
زیرا از خدا سپاسگزاری می‌نماید؛ و آنکه
نمی‌خورد، به‌خاطر خداوند نمی‌خورد، و از
خدا سپاسگزار است. ۷ زیرا هیچ‌یک از ما
به‌خود زنده نیست، و به‌خودش نمی‌میرد؛ ۸
۱۱:۶؛ ۱ـ قرن ۳:۲۳؛ ۲ـ قرن ۵:۱۵؛ غلا ۲:۲۰ و زیرا اگر زندگی می‌کنیم برای خداوند
است که زندگی می‌کنیم، و اگر می‌میریم
برای خداوند می‌میریم. و پس چه زندگی
کنیم، و چه بمیریم از آن[t] خداوندیم. ۹ زیرا
اع ۱۰:۴۲؛ فی ۲:۱۱ برای این مسیح مرد و زندگی از سر[u] گرفته
است، تا هم بر مردگان و زندگان خداوندی
نماید. ۱۰ اما تو، چرا برادر خود را داوری
می‌کنی؟ یا تو نیز چرا برادر خود را تحقیر
اع ۱۷:۳۱؛ مت ۲۵:۳۱-۴۶؛ ۲ـ قرن ۵:۱۰ می‌نمایی؟ زیرا همگی در برابر کرسی
داوری خدا[v] حاضر خواهیم شد؛ ۱۱ زیرا
نوشته شده است: خداوند می‌گوید: به‌حق
که من زنده‌ام[w]، که هر زانویی در مقابل من

اعمال و رفتاری است که از این ایمان ناشی می‌شود. کسی که از نظر ایمانی نیرومند است می‌داند که مجبور به رعایت مقررات شرعی نیست درصورتی که آنکه ضعیف است تصوّر می‌نماید باید کماکان از این دستورات اطاعت کند.

o- اگر آنانکه قوی‌ترند در صدد تحقیر برادرانی باشند که تجربه کمتری دارند و دقت زیاد آنان را در امور مذهبی استهزاء کنند، برادران ضعیف نیز به نوبهٔ خود کسانی را محکوم خواهند کرد که به سبب داشتن ایمان تصوّر می‌نمایند می‌توانند مقررات اخلاقی را نادیده بگیرند. پولس به هر دو گروه یادآوری می‌نماید که فقط به فیض الهی به برائت دست یافته‌اند و رفتارشان باید از محبت مشابهی الهام گیرد.

p- فرد نیرومند و فرد ناتوان، هردو خدمتگزار خدا هستند (بندهای ۷-۹) که داوری مختص او است. (ر.ک مت۷:۱؛ ۱-قرن۴:۵؛ یع۴:۱۲).

q- ترجمهٔ دیگر: توکیستی که خدمتگزاری را داوری می‌کند که از آنِ تو نیست (یعنی خدمتگزار خدا است).

r- ترجمهٔ دیگر: در نظر یک نفر بین روزها تفاوت هست. در این فصل پولس کلمهٔ یونانی داوری کردن را در مفاهیم مختلف بکار می‌برد: گاهی نظیر مورد بالا به معنی تشخیص دادن، گاهی به معنی قدر دانستن و پنداشتن (بند ۱۳ ب)، گاهی به معنی تعیین ارزش (بند ۱۰) و بالاخره گاهی به معنی محکوم کردن بکار می‌برد (بند ۳). ممکن است در اینجا پولس به طرز عمل کسانی اشاره می‌نماید که برطبق آیین یهود رفتار می‌نمایند.

s- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: هرکس در (یا بوسیلهٔ) روح خود مملو باشد، چنین می‌نماید که پولس می‌خواهد بگوید هرکس در فکر خود پایدار بماند و کاری به کار دیگران نداشته باشد.

t- همین نکته که اقویا و ضعفا، همگی به خداوند تعلق دارند (بند ۴) بیش از نظریات اخلاقی فردی اهمیت دارد.

u- با ذکر تصویر خدمتگزار و ارباب (خداوند. ر.ک بند ۴)، پولس یادآوری می‌کند که مسیح با برخاستن از میان مردگان، خداوند شکوهمندی شده است که در برابر او هر زانویی باید خم شود (فی۲:۱۰-۱۱).

v- داوری نهایی حق منحصر و مخصوص خدا است (۱۲:۱۹). مسیح برخاسته، خداوند مردگان و زندگان در این امتیاز با پدر سهیم است (اع۱۷:۳۱؛ روم۲:۱۶؛ ۲-قرن۵:۱۰؛ ر.ک مت۲۵:۳۱-۴۶).

w- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: خداوند می‌گوید من زنده‌ام... عبارتی به صورت سوگند است که بارها در عهد عتیق آمده است و گاهی ترجمه می‌کنند: به زندگی خود سوگند یاد می‌کنم...

خم خواهد شد، و هر زبانی خدا را ستایش[x]
خواهد کرد. ۱۲ پس بنابر این هر یک از ما
۵:۲-۶، ۱۶؛ عبر ۱۳:۴ در خصوص خودش، حساب را به خدا خواهد
داد.
۱۳ پس یکدیگر را داوری نکنیم، بلکه
۱ـ قرن۸:۹-۱۳؛ مت ۶:۱۸ بهتر آنکه حکم کنید درمقابل برادر [خود]
سنگ لغزش[y] یا مانعی نگذارد. ۱۴ من
اع ۱۵:۱۰؛ مت ۱۱:۱۵؛ می‌دانم و در خداوند عیسی مطمئنم[z] که
۱ـ قرن ۲۳:۱۰؛ ۱ـ تیمو ۴:۴؛ هیچ چیز به خودی خود پلید نیست؛ اگر
تیط ۱۵:۱ کسی تصور کند که چیزی پلید است، برای
او پلید است. ۱۵ باری، اگر برادرت
به سبب خوراکی آزرده خاطر است، تو دیگر
برطبق محبت رفتار نمی‌کنی. آن کسی را
۱ـ قرن ۸:۹-۱۳ که مسیح به خاطر او مرده است با غذای
خودت نابود مکن. ۱۶ پس مگذارید آنچه
برای شما نیکو است[a] [انگیزهٔ] کفرگویی

۱ـ قرن ۸:۸؛ غلا ۵:۲۲؛ [دیگران] شود. ۱۷ زیرا ملکوت خدا،
۱ـ تسا ۶:۱ خوراکی و آشامیدنی نیست، بلکه عدالت،
صلح و شادمانی در روح‌القدس است.
۱۸ چون کسی که در این چیزها به مسیح
خدمت می‌کند، مورد پسند خدا و مقبول
مردمان[b] است. ۱۹ پس بنابراین، در
جستجوی صلح و تهذیب[c] برای یکدیگر
۱۲:۱۷-۱۸؛ ۱ـ قرن ۷:۱۵؛ باشیم. ۲۰ به خاطر غذا عمل خدا [d] را خراب
روم ۲:۱۵؛ ۱ـ قرن ۲۶:۱۴؛ مکن. زیرا همه چیز پاک است؛ اما بد
افس ۴:۱۲-۱۶؛ تیط ۱۵:۱ است برای انسانی که به خاطر لغزش می
۱ـ قرن ۱۳:۸ خورد[e]. ۲۱ خوب است گوشت نخوری،
شراب ننوشی و نه به آنچه برادرت را می
۱-قرن۱۰:۲۵-۲۷؛ لغزاند. ۲۲ ایمانی[f] را که داری، در نزد خود
۳۱:۱۱ در حضور خدا نگهدار. خوشا بر آنکه در
آنچه موافق می‌شمارد خود را محکوم
نمی‌کند. ۲۳ اما آنکه شک دارد اگر

x- اش۴۹:۱۸؛ ۴۵:۲۳. متن اشعیاء را که در اینجا نقل شده، پولس در مورد مسیح شکوهمند در فی۲:۱۰-۱۱ آورده است.

y- در کتاب مقدس، سنگ مانع و سنگ تصادم، سنگی است که بر سر راه موجب لغزش و اکثراً سقوط می‌شود (ر.ک ۵:۲۹؛ ۱۸:۶؛ ۱-قرن۸:۱۳؛ ۱-یو۲:۱۰).

z- ممکن است که پولس در اینجا اشاره به یکی از سخنان مسیح می‌نماید (ر.ک مر۷:۱۵-۲۳؛ لو۶:۴) گاهی این عبارت را ترجمه می‌کنند: من می‌دانم و بوسیلهٔ خداوند عیسی یقین دارم که... باید گفت که بند ۱۴ نظیر جملهٔ معترضه‌ای در سلسلهٔ استدلالهای پولس است و از نظر منطقی مطالب بند ۱۳ در بند ۱۵ ادامه می‌یابد.

a- گاهی ترجمه می‌کنند: امتیاز شما را... در این عبارت کلی به نظر لیونه منظور آزادی و امتیازی است که افراد مسیحی قدرتمند برای خود قائل بوده اند و به طرز غرض‌آلودی تفسیر می‌کردند». بعضی از مفسران چنین استنباط کرده اند: آنچه به چشمان شما نیکو است، به هرصورت منظور امتیازی نیست که برای عدّه محدودی قائل شده باشند زیرا در این مورد مزیّتی برای کسی در کلیسا وجود ندارد. در بعضی نسخه ها چنین است: که نیکویی ما را بد نگویند.

b- قبلاً در فصل ۱۲، پولس در این اندیشه بود که مشاهده کند مسیحیان با همهٔ مردمان، با توافق زندگی نمایند (۱۲:۱۷-۱۸) و در این مورد بارها در نامه های رسولی، دغدغهٔ خاطر خود را یادآوری کرده است. (۱-تیمو۲:۲؛ ۶:۱؛ تیط۲:۹-۱۰).

c- کلمه‌ای که در اینجا تهذیب ترجمه شده است فقط منحصر به آن نیست که به دیگران سرمشق خوبی داده شود بلکه به مفهوم معمولی که پولس بکار می‌برد هدف بنای جامعهٔ مسیحیت می‌باشد یعنی کلیسایی که جسم مسیح است (ر.ک روم۱۵:۲؛ ۱-قرن۳:۹؛ ۵:۱۴، ۱۲، ۲۶؛ ۲-قرن۱۳:۱۰؛ افس۲:۲۱؛ ۴:۱۲، ۱۶، ۲۹).

d- منظور از «عمل خدا» در اینجا یا برادری است که از نظر ایمانی ضعیف است و یا عمل عظیمی است که بنای جامعه مسیحیت می‌باشد و در بند قبلی ذکر گردیده است.

e- احسان برادرانه ممکن است اقتضا کند کسی که از نظر ایمانی نیرومند است از امتیازی که در بند ۱۶ ذکر شده صرف نظر کند. پولس همین وضعیت و موقعیت را در ۱-قرن۸:۱۳ اتخاذ نموده است.

f- ترجمهٔ دیگر: اطمینانی که ایمان به تو می‌دهد. در اینجا منظور عقاید و نظریات عملی است که از ایمان الهام می‌گیرند (ر.ک بند ۱، l. m). این بند مربوط و خطاب به همهٔ مسیحیان است، اعّم از آنانکه از نظر ایمانی نیرومند و یا ضعیف باشند. همگی آنان باید رفتاری برطبق داوری وجدان داشته باشند، وجدانی که بوسیله ایمان روشن شده است.

۱ـ قرن ۸:۷؛ یع ۴:۱۷ بخورد، محکوم است، زیرا از ایمان نیست،
و هر چه که از ایمان نیست گناه است.

۱۵ ۱[g] و ما توانمندان باید ضعف های
ناتوانایان را بر دوش بگیریم[h] و در
۱ـ قرن ۱۰:۳۳ پی خوشایند خود نباشیم. ۲هر یک از ما
همسایه را خشنود سازد، برای نیکی و
به منظور تهذیب[i]. ۳زیرا مسیح نیز در پی
خوشایند خود نبود؛ بلکه برطبق آنچه نوشته
شده است: «ناسزاهای ناسزاگویان تو بر
روی من افتاده است[j]». ۴باری آنچه قبلاً
۱ـ قرن ۱۰:۱۱ نوشته شده، همه به منظور آموزش ما قبلاً
نوشته شده تا به وسیلهٔ مقاومت و به وسیلهٔ
تسلی نوشته های [مقدس] امیدواری داشته ۲ـ تیمو ۳:۱۶؛ ۱ـ مک ۱۲:۹؛ ۲ـ مک ۱۵:۹
باشیم. ۵باشد حالا خدای مقاومت و تسلی
به شما عطا کند[k] که برطبق مسیح عیسی[l] با فی ۲:۱؛ اش ۱:۴۰
یکدیگر همرأی باشید، ۶تا، به یک دل و
به یک زبان[m]، خدا و پدر خداوند ما،
عیسی مسیح را تجلیل کنید.

پذیرش برادرانه

۷بدین سبب یکدیگر را بپذیرید به
همان گونه نیز که مسیح هم شما[n] را برای
شکوه خدا[o] پذیرفته است. ۸زیرا می گویم[p]
مسیح به خاطر راستی خدا، خدمتگزار [اهل]

g- دو فصل آخری نامهٔ به رومیان (فصلهای ۱۵ و ۱۶) از نظر نگارش مسئله ای را مطرح می کنند. البته در اصالت و انتساب آنها به پولس شکی وجود ندارد ولی رونویس کنندگان نسخه های خطی چندان مطمئن نبوده اند و در مقابله و مقایسهٔ آنها مشاهده می شود که نامهٔ به رومیان بدون این دو فصل هم وجود داشته است. از طرف دیگر چون نامهٔ به رومیان در وسط شرح مطالب (روم۱۴:۲۳) قطع می شود، فقدان این دو فصل از اول نبوده و فصل ۱۵ مسلماً قسمتی از نامه است. آیا دربارهٔ فصل ۱۶ هم می توان چنین گفت؟ لحن تند و شدیدی که در ۱۶:۱۷-۲۰ وجود دارد با لحن کلی نامه تفاوت دارد و این نکته موجب شگفتی شده است. همچنین متوجه شده اند بعضی از مطالب این فصل با نامه های رسولی شباهت دارند (ر.ک روم۱۶:۱ پاورقی o): ضمناً این سؤال پیش می آید که پولس چطور این همه اشخاص را می شناخته (۱۶:۱-۱۶)، در شهری که هرگز به آنجا نرفته بوده است. ولی باید گفت که تغییر لحن در نامه های پولس فراوان است و قسمتی از فصل ۱۶ که خیلی نزدیک به نامه های رسولی است (۱۶:۱۷) در داخل نامه مورد مشابه دیگری دارد (۶:۱۷) و امکان دارد پولس، اشخاصی را که به آنان سلام می کند در جای دیگری غیر از رُم ملاقات کرده باشد. مضافاً بر اینکه لزومی ندارد همهٔ ایشان را شخصاً بشناسند. هرگاه فرض کنیم که فصل ۱۶ نامهٔ به رومیان بدواً یادداشت جداگانه ای بوده و سپس به نامه افزوده شده است دیگری ایجاد کرده و مسئله را حل نمی کند. تنها مطالب ستایشی که در پایان نامه آمده است (روم۱۶:۲۵-۲۷) مسئلهٔ واقعی بوجود آورده است زیرا موضوع و شیوهٔ نگارش این مطالب بیشتر به نامه های دوران زندان پولس شبیه است (نامه به افسسیان - نامه به کولُسیان) و بسیاری از اصطلاحات، غیر از کلماتی است که معمولاً پولس بکار می برده ولی این اختلافها قطعی نیست.

h- البته منظور آن است که ایشان را کمک کنیم ناتوانی های خود را تحمل نمایند. ر.ک غلا۶:۲.

i- ر.ک ۱۴:۱۹ c. کلمهٔ یونانی که نیکی ترجمه شده است تحت اللفظی به معنی مشارکت دسته جمعی افراد برای کمک به دیگران است.

j- مز۶۹:۱۰. این مزمور رنجهای عادل ستمدیده را توصیف می کند و از اوایل دوران مسیحیت این مزمور را در مورد مسیح بکار برده اند. به نظر پولس این رنجها که نتیجهٔ جدیت در راه شکوهمندی خدا است (مز۶۹:۱۰ الف) نشان می دهد که عیسی درپی آنچه خوشایند خودش باشد نبوده است.

k- ر.ک اش۴۰:۱.

l- پولس از خوانندگان تقاضا نمی کند اختلاف نظرهای خود را به کنار بگذارند بلکه مجدداً اندرزهای بند ۲ را از سر می گیرد. ر.ک روم۱۲:۷.

m- ترجمهٔ تحت اللفظ: با یک فکر، با یک دهان.

n- نسخه های خطی دیگر: مسیح ما را برای شکوه...

o- هدف نهائی عمل مسیح شکوهمندی خدا است و این امر در زندگی شخصی هر فرد مسیحی یا در زندگی اجتماعی مسیحیان است (بند ۶).

p- بندهای ۸ و۱۲، مطالب بند ۷ را تصریح می کنند بدین معنی که: مسیح، شما مسیحیان رُم را که مشرک بودید فقط به سبب رأفت و رحمت خود پذیرفته است و شما هم باید در روابط بین یکدیگر از طرز رفتار مسیح پیروی کنید.

ختنه شده تا وعده هائی را که به پدران داده مت ۲۴:۱۵
شده است تأکید کند[pp]. ۹ اما امت ها،
به سبب رحمت او خدا را تجلیل می کنند
برای اینکه نوشته شده است: «بدین سبب
تو را در بین امت ها[q] و به خاطر نام تو خواهم
سرود[r]». ۱۰ و باز هم اقرار می کنم می گوید:
«ای امت ها، با قوم او[s] شادی کنید». ۱۱ و
باز هم: ای ملت ها، همگی خداوند را
ستایش کنید، و همه اقوام او را ستایش
کنند[t]». ۱۲ و باز اشعیاء می گوید: از ثمرهٔ[tt]
«یسّا» خواهد بود و آنکه برای فرمانروائی
بر امت ها برمی خیزد [u] و امت ها بر او امید
خواهند بست[v]». ۱۳ و خدای امید شما را از
هر شادی و صلح در ایمان آکنده کند تا به
قدرت روح القدس سرشار در امید باشید.

مأموریت پولس

۱۴ اما ای برادران من، همچنین خود من
درباره شما مطمئنم که نیز خودتان آکنده از
نیکی و محشون از هر دانش هستید و
می توانید به یکدیگر نصیحت کنید. ۱۵ اما
در قسمتی به شما جسورانه تر نوشته ام[w] تا
یادآوری کنم به شما، به سبب فیضی که
به وسیلهٔ خدا به من داده شده است، ۱۶ که
خدمتگزار مسیح عیسی در امت ها باشم، به
مأموریت مقدس انجیل خدا بپردازم تا
تقدیمی امت ها که به وسیلهٔ روح القدس فی ۱۷:۲
تقدیس شده است پذیرفته گردد[x].
۱۷ بنابراین در آنچه خدمت برای خدا است
در مسیح عیسی تفاخر دارم. ۱۸ زیرا جرأت
نمی کنم از چیزی سخن گویم، جز آنچه
مسیح به وسیلهٔ من[y] انجام داده تا ملت ها در
سخن و در عمل به اطاعت درآیند[z]، ۱۹ به
قدرت نشانه ها و شگفتی ها، به قدرت
روح [القدس][a]. بدین طریق من از
اورشلیم[b] و اطراف آن تا ایللُوریکُن اعلامِ

pp- ترجمهٔ تحت اللفظی: مسیح خدمتگزار اهل ختان شده تا وعده های پدران را به انجام برساند.
q- کلمهٔ یونانی که در اینجا آمده می توان «مشرکان» ترجمه کرد، در بندهای بعدی ملت ها ترجمه می شود، زیرا همین کلمه موقعی که در برابر یهودیان (پرستندهٔ خدای واقعی) می آید، مشرکان ترجمه می شود و وقتی در برابر قوم یهود بیآید منظور ملّت های دیگر است.
r- ۲-سمو۲۲:۵۰ و مز۱۸:۵۰.
s- تث۳۲:۴۳.
t- مز۱۱۷:۱.
tt- ترجمهٔ تحت اللفظی: ریشه.
u- این فعل «برخاستن» به معنی «برخاستن از میان مردگان» هم می باشد. و همین معنی مضاعف در اع۳:۲۲ که تث۱۸:۱۵ را نقل می کند نیز آمده است.
v- اش۱۱:۱۰.
w- پس از اخطارهائی که پولس در فصل ۱۴ به مخاطبان خود خطاب کرده است (بندهای ۴، ۱۰، ۱۳، ۱۵) در اینجا آموزشهائی را که دریافت کرده اند یادآوری نموده، می خواهد اعتماد خود را به آنان اظهار کند.
x- نکته اصلی در این بند اینست که هدف مأموریت رسالت پولس، آوردن مشرکان به حالت تقدیم قربانی معنوی به خدا است (ر.ک روم۱۲:۱). بدین سبب کلمات تقدیم قربانی و آئین نیایش عهد عتیق را در مورد مأموریت خود بکار می برد (ر.ک ۹:۱). در اینکه پولس در این بند واژه های مختص وظایف کهانت را بکار برده باشد نظریات مختلف وجود دارد.
y- ترجمهٔ دیگر: زیرا جرأت نخواهم کرد چیزی ذکر کنم که مسیح به وسیلهٔ من نکرد...
z- البته منظور اطاعت ایمانی است. ر.ک ۱:۵؛ ۱۶:۲۶.
a- نسخهٔ دیگر: به وسیلهٔ قدرت روح [خدا]. یا: روح القدس.
b- اورشلیم مرکز اشاعه انجیل است. ر.ک اع۱:۸.

انجیل مسیح را تکمیل کرده ام[c]، [۲۰]و بنابر
۲-قرن۱۰:۱۵-۱۶ این اشتیاق داشته ام انجیل را در جایی که
نام مسیح ذکر شده نوید ندهم تا بر روی
پی ریزی دیگری[d] بنا نکرده باشم، [۲۱] بلکه
برطبق آنچه نوشته شده است: «آنان که به
ایشان از او نوید داده نشده است خواهند
دید و آنان که [از آن] نشنیده اند خواهند
فهمید[e]».

طرح های پولس

۱۳:۱ [۲۲]بدین سبب نیز بارها از آمدن من به
نزد شما مانع پیش آمده است. [۲۳]ولی
اکنون که موقعیت [کاری] در این مناطق
ندارم و از سالهای بسیاری میل شدید به
آمدن به نزد شما دارم، [۲۴]وقتی که به
اسپانیا[f] بروم... زیرا امیدوارم درحال
عبور شما را ببینم و توسط شما به آنجا
۱-قرن ۱۶:۶ همراهی[g] بشوم اگر بدواً تا اندازه ای از
اع ۱۹:۲۱ شما سیر شده باشم. [۲۵]ولی اکنون برای
خدمت به مقدسان[h] به اورشلیم می روم.
[۲۶]زیرا مقدونیه و اخائیه خشنودند
اعانه ای[i] برای بینوایانی از مقدسان
اورشلیم جمع کنند. [۲۷]زیرا خشنودند و آن
۱-قرن ۹:۱۱؛ غلا ۶:۶ را به ایشان مدیون هستند. زیرا اگر امت
ها در نعمت های معنوی ایشان شرکت
نموده اند[j] باید به ایشان نیز در چیزهای
دنیوی خدمت کنند. [۲۸]پس، این را که
تمام کردم و ثمرهٔ [این اعانه] را به ایشان
تسلیم نمودم[k] با عبور از نزد شما به اسپانیا
خواهم رفت، [۲۹]و می دانم که با آمدن به
نزد شما با تمامیت برکت مسیح خواهم
آمد[l].
[۳۰]ولی ای برادران، شما را تشویق
می کنم، بوسیلهٔ ما عیسی مسیح و بوسیلهٔ

c- بنابر یکی از خصوصیت های اعلام انجیل که رسمیت و قانونی بودن است، به عقیدهٔ پولس پس از اینکه انجیل در شهرهای بزرگ نوید داده شود، به همه اعلام گردیده است بنابراین مأموریت رسالت او پایان یافته (بند ۲۳) و وظیفهٔ ادامه و اشاعه کار خود را به شاگردان خود محول می نماید.

d- ترجمهٔ دیگر: بر روی پایه ای که کس دیگر قرار داده است.

e- اش ۵۲:۱۵ (آخرین سرودِ خدمتگزار)، عبارتی پیامبرانه که پولس تا اندازه ای آزادانه نقل می کند.

f- این جمله ناتمام است.

g- منظور این است که او را در این مسافرت کمک کنند اعم از اینکه کسی را با توشه راه و یا توصیه و سفارش و غیره به همراه او بفرستند.

h- مسیحیان اورشلیم حقّ مخصوصی داشتند که مقدسان نامیده شوند (۱-قرن۱۶:۱؛ ۲-قرن۸:۴ و ۹:۱۲) چونکه اعضای کلیسای مادر و نمایندهٔ باقیماندهٔ مقدس اسرائیل بشمار می‌آمدند سپس این عنوان از کلیسای اورشلیم به تمام مسیحیان اطلاق گردیده است (روم۱:۷؛ ۱۲:۱۳).

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: همرائی کنند. با توجه به موضوع متن، کلمهٔ یونانی که در اینجا «اعانه جمع کنند» ترجمه می شود به معنی همبستگی برادرانه می باشد. پولس اهمیت زیادی برای جمع کردن اعانه قائل بوده است. ر.ک ۱-قرن۱۶:۱-۴؛ ۲-قرن۸-۹؛ غلا۲:۱۰.

j- ترجمهٔ تحت اللفظی: همرائی داشته اند. ر.ک بند ۲۶ i.

k- ترجمهٔ تحت اللفظی: «و پس از مُهر کردن این ثمره». این اصطلاح نشان می دهد که به نظر پولس جمع آوری اعانه اقدامی رسمی است و نشانهٔ بارز همبستگی دو جمعیت مسیحیان است: مسیحیانی که قبلاً یهودی بوده و مسیحیانی که مشرک بوده اند. بعضی از مفسران مفهوم این عبارت را چنین درک می کنند: و ثمرهٔ این اعانه را با امانت بدیشان تسلیم کردم.

l- این عبارت معنی مضاعف دارد: مسیح مسافرت پولس را برکت می دهد و پولس حامل این برکت برای رومیان است.

محبت روح [القدس] با دعاهای یکدیگر،
نزد خدا برای من کوشش کنید[m]، [۳۱]تا از
بی‌ایمانان در یهودیه بگریزیم و خدمت[n] اع ۳:۲۰؛ ۲۱:۱۰-۱۱؛
من بـرای اورشـلیم از طـرف مـقـدسـان ۱۷-۳۶
به‌خوبی پـذیرفته شود. [۳۲]تا با شادی نزد
شما بیایم و اگر خدا بخواهد در بین شما
بـیـاسایم. [۳۳]و خـدای صلح بـا همهٔ شـما ۲ـ قرن ۱۱:۱۳؛ فی ۹:۴
باشد! آمین!

سلام‌های شخصی

۱۶ [۱]و به شما، خواهرمان فیبی را که
خادمه[o] کلیسا در کنخریه[p] است اع ۱۸:۱۸
توصیه می‌کنم. [۲]که او را به طرزی شایستهٔ
مقدسان[q] در خداوند بپذیرید و در هرکاری
که به شـما نـیاز داشته باشد به او کمک
کنید زیرا همچنین حامی[r] بسیاری و خودم
بوده است.
[۳]به پریسکـا و آکیلا، همکاران من در اع ۲:۱۸؛ ۱۸، ۲۶؛
مـسیح عـیسی سلام کـنـیـد. [۴] که بـرای ۲ـ تیمو ۱۹:۴؛
[نجات] جان من، گردن خود را نهادند و ۱ـ قرن ۱۹:۱۶
نه تنها من بلکه همه کلیساهای امت از
ایشان سپاسگزارند. [۵]همچنین به کلیسای
در خانهٔ ایشان سلام کنید. اپـیـنطس[s]
محبوب من را سلام کنید که نوبر آسیا ۱ـ قرن ۱۵:۱۶
برای مسیح[t] است. [۶] مریم را سلام کنید
که خیلی برای شما زحمت کشیده است.

m- ر.ک کول۱:۲ و ۱۴:۴: وظیفهٔ رسالت همچون مبارزه‌ای ست. این متن اهمیت نیایش را در توسعه و انتشار انجیل نشان می‌دهد.

n- کلمهٔ یونانی که خدمت ترجمه شده است هم به معنی کمک مادی و هم به معنی مأموریت حامل آنست. به نظر پولس وقتی که ایمانداران اورشلیم این کمک را می‌پذیرند نشانهٔ آن است که مسیحیانی که قبلاً مشرک بودند به طور قطعی در اتحاد با کلیسای مادر (اورشلیم) پذیرفته می‌شدند.

o- فیبحی که احتمالاً برندهٔ این نامه است، خادمه یا خدمتگزار نامیده می‌شود و همین عنوان در نوشته‌های عهد جدید به پولس، به آپولس، به ×تیخلس و ×بغراس داده شده است (ر.ک ۱-قرن۳:۵؛ ۲-قرن۳:۶؛ ۶:۴؛ افس۳:۷؛ ۶:۲۱؛ کول۱:۷، ۲۳، ۲۵). بعضی از مفسران با توجه به تفسیری که از ۱-تیمو۳:۱۱ می‌شود تصور می‌کنند این کلمه وظیفه شماس را تعیین می‌کند که زنی آن را برعهده دارد. مفسران ارتباط و شباهتی را که بین فصل ۱۶ نامه به رومیان و لحن و مسائلی که در نامه‌های رسولی وجود دارد یادآوری و تأیید می‌کنند و لذا گاهی منجر به تأیید این نظریه می‌شود که فصل ۱۶ در ابتدا جزو نامه به رومیان نبوده و بعداً به آن افزوده شده است. با این همه ر.ک اولین یادداشت فصل ۱۵.

p- کنخریه بندر شرقی قرنت است که پولس پس از دومین مسافرت انجیلی خود از آنجا به سوی سوریه عزیمت کرد (اع۱۸:۱۸). [لکایون بندر غربی کرنت بوده]

q- مقدسان: ر.ک روم۷:۱، پاورقی m و ۲۵:۱۵ h.

r- کلمهٔ یونانی که «حامی» ترجمه شده است در اصطلاح حقوقی کسی است که نمایندهٔ افراد خارجی بوده که تضمین قضائی نداشته‌اند، ولی در اینجا که سخن دربارهٔ زنی است این معنی منتفی است. فیبحی احتمالاً شخص عالیرتبه‌ای بوده و در موارد مختلف توانسته بود به نفع مسیحیان دخالت نماید و بدین وسیله از لحاظ مختلف سزاوار حق شناسی آنان بوده است.

s- در بندهای ۵ الی ۱۵ رسول نام بسیاری از اعضای جمعیت مسیحیان رُم را ذکر می‌کند. متأسفانه دقیقاً نمی‌توان گفت این افراد چه کسانی هستند، تنها چیزی که از این صورت اسامی می‌توان استنباط کرد تفاوت و اختلاف زیاد در وضعیت و اصل و نسب و تبار این افراد است: بعضی از این نخستین مسیحیان بدون شک اصلاً یونانی بوده‌اند (اپلس، ×اپنیط، ×نیرگسون، تریفنوس و تریفوسوس): بعضی دیگر از ریشهٔ رومی بوده‌اند (جولیه، روفوس، که شاید برطبق مر۱۵:۲۱ - پسر شمعون قیروانی بوده، اوربانوس). و بالاخره برخی دیگر از آنان یهودی بودند (اندرنیکوس، آکیلا، ارستبولس، یونیاس، مریم، پریسکا). بعضی از این مسیحیان ظاهراً شخصیت‌های عالی‌رتبه‌ای بوده‌اند مثل اریستوبلس که ممکن است از خانوادهٔ هیرودیس بوده است. بعضی دیگر برعکس برده و یا بردهٔ آزاد شده بودند (آمپلیاتس، اسنکریطس، هرماس، هرودیون، نره، المپاس، پطروباس، پرسیس، فیلالُگس، فلیگون، استاخیس). به هرصورت تصویر گیرائی از تنوع کلیسا در اینجا ظاهر می‌شود که به وسیلهٔ ایمان واحدی بر همرائی عیسی مسیح گرد آمده بودند.

t- اپینطس حتماً یکی از نخستین گروندگان آسیای صغیر به مسیحیت بوده است و پولس به او به‌عنوان کلیه گروندگان ناحیهٔ آسیای صغیر سلام می‌کند.

[۷] اندرنیکوس و یونیاس، بستگان من[u] و ۳:۹؛ ۲ـ قرن ۸:۲۳
رفقـای من را در زنـدان سلام کنیـد که از
رسولان[v] برجسته هستند که حتی پیش از
من در مسیح بوده اند. [۸] امپلیاتس محبوب
من را در خداوند سلام کنید. [۹] اوربانوس
همکار ما در مسیح و استاخیس محبوب من
سلام کنـیـد. [۱۰] آپِـلیس آزموده شده در
مسیح را سلام کنید. کسان آریستوبولس را
سلام کنید. [۱۱] خویشاوند من هیرودیون را
سلام کنیـد. کسان نارکیسوس را که در
خداوند هستند سلام کنید. [۱۲] تریفَینا و
تریفوسا را که در خداوند زحمت می کشند
سلام کنید. پرسیس عزیزم که در خداوند مر ۱۵:۲۱
خیلی زحمت کشیده است را سلام کنید.
[۱۳] روفُس، برگزیدهٔ خداوند را، همچنین
مادر او و مرا سلام کنید. [۱۴] آسنکریتس،
فلیگون، هرمس، پطروباس و هرماس و
بـرادران بـا ایـشـان را سلام کـنـیـد.
[۱۵] فیلولوگوس و یولیا را نیریاس و خواهرش
و اولمپاس و همهٔ مقدسان با ایشان را سلام
کنید. [۱۶] یکدیگر را با بوسه ای مقدس ۱ـ قرن ۱۶:۲۰؛ ۲ـ قرن ۱۳:۱۲؛ ۱ـ تسا ۵:۲۶؛ ۱ـ پطر ۵:۱۴؛
سلام کنید. همهٔ کلیساهای مسیح به شما اع ۲۰:۳۷؛ لو ۷:۴۵؛ ۲۲:۴۸
سلام می کنند.
[۱۷] ای برادران، و توصیه می کنم شما را
مواظب کسانی باشید که خلاف آموزشی که ۶:۱۷؛ مت ۷:۱۵-۲۰؛ تیط ۳:۱۰؛ ۲ـ یو ۷-۱۰
شما دریافت کرده اید اختلافات و موانع
ایجاد می کنند و از ایشان روی گردان
شوید. [۱۸] زیرا چنین کسانی نه خداوند ما فی ۳:۱۹؛ کول ۲:۴؛ تیط ۱:۱۰-۱۴
مسیح را خدمت می کنند بلکه شکم خود را
و با سخنان شیوا وستایش آمیز ساده دلان
را می فریبند. [۱۹] زیرا فرمانبرداری شما به ۱:۸؛ ۱ـ قرن ۱۴:۲۰؛ ار ۴:۲۲؛ مت ۱۰:۱۶
همه رسیده است لذا در مورد شما شادمانم.
میل دارم برای نیکی هوشیار و در مورد بدی
بی غل و غش باشید[w]. [۲۰] بزودی خدای فی ۴:۹؛ پید ۳:۱۵
صلح، شیطان را به زیر پاهای شما خرد
خواهد کرد. فیض خداوند ما عیسی با شما
باد!
[۲۱] همکار من تیموتاؤس به شما سلام اع ۱۶:۱-۳؛ ۲ـ قرن ۴:۱۷؛ اع ۱۳:۱۱؛
می کند، همچنین لوکیوس، یاسون و ۱۷:۵؛ ۲۰:۴
سوسیپاتروس، بستگان من [به شما سلام کول ۴:۱۸؛ ۲ـ تسا ۳:۱۷؛ غلا ۶:۱۱
می کنند]. [۲۲] من، طرتیوس[x] که این نامه را
نوشته ام در خداوند به شما سلام می کنم.

u- آندرینیکوس و یوناس (که احتمالاً زن و شوهر هستند) یهودیانی می باشند که با پولس خویشاوندی دارند (مثل هیرودیون در بند ۱۱؛ یاسون و ×سوسپاتروس در بند ۲۱). کلمه ای که در اینجا بستگان ترجمه شده است همچنین به معنی خانواده، ایل و تبار و قوم و نژاد است (ر.ک روم۹:۳ j). در اینجا پولس نشان می دهد با بعضی از مسیحیان یهودی الاصل که در روم و قرنت می زیستند ارتباط شخصی خانوادگی دارد.

v- در اینجا اندرنیکوس و یوناس به عنوان «رسولان برجسته» معرفی شده اند زیرا جزو نخستین نسل پیروان مسیح بوده و در راه رسالت و انتشار انجیل با فعالیت شرکت می کردند و به همین سبب زندانی شده بودند. در اینجا مشاهده می شود که در ابتدا عنوان «رسول» مختص و منحصر به دوازده شاگرد مسیح نبوده است.

w- ترجمهٔ تحت اللفظی: دانا برای خوبی و پاکی (یا خالص) از بدی. ممکن است این عبارت مؤثر اشاره به سخنی باشد که عیسی گفته و در مت۱۰:۱۶ آمده است. از مسیحیان دعوت می شود مراقب بوده و همواره در اندیشهٔ نیکوئی گفتار و کردار خود باشند و برعکس از بدی احتراز نمایند.

x- برخلاف معمول، ×طرتیوس که منشی پولس است به جمعیت مسیحیان روم شاید او را می شناسد سلام می کند. در اینجا لازم به یادآوری است پولس نامه های خود را دیکته می کرده است و به همین سبب گاهی در شیوهٔ نگارش مهارت وجود ندارد، عبارتها پیچیده و مشکل و یا تکراری است. همچنین گاهی رشتهٔ کلام قطع شده و یا در یک عبارت موضوع سخن ناگهان تغییر می یابد.

[۲۳]غایوس، میزبان من[y] و تمام کلیسا به
شما سلام می کنند. آراستوس، صندوقدار
شهر به شما سلام می کند، همچنین برادر
کوارتوس[z].

۱ـ قرن ۱۴:۱؛ اع ۲۲:۱۹، ۲۹؛ ۲ـ تیمو ۲۰:۴

مدح و ستایش

[۲۴]و به آن کس که قدرت دارد برطبق
انجیل من و ندای عیسی مسیح شما را
استوار کند، برطبق اظهار رازی که از
مدت های جاویدان در سکوت نگهداری
شده بود، [۲۵]ولی اکنون به وسیلهٔ نوشته های
انبیاء و برطبق فرمان خدای جاویدان
آشکار شده و به اطلاع همهٔ امت ها رسیده
است تا [ایشان را] به اطاعت ایمان
درآورد[a]؛ [۲۶] خدای، حکیم یگانه را،
به وسیلهٔ عیسی مسیح به روزگاران شکوه
باد! آمین[b]!

افس ۲۰:۳؛ یهو ۲۴-۲۵؛ ۱ـ قرن ۷:۲؛ کول ۲۶:۱؛ ۲:۲-۳

افس ۹:۱، ۵:۳-۹؛ مکا ۷:۱۰ ۲ـ قرن ۵:۱۰؛ ۵:۱؛

۳۳:۱۱-۳۶؛ ۱-قرن۱:۲۴-۲۵ غلا ۵:۱؛ افس ۲۱:۳؛ فی ۲۰:۴؛ ۲ـ تیمو ۱۸:۴؛ مکا ۶:۱؛ ۱۲:۷

y- جمعیت مسیحیانِ قرنت ظاهراً در خانهٔ غایوس (که نام او در ۱-قرن۱:۱۴ آمده است) جمع می شده اند.

z- در بعضی از نسخهَ های خطی پس از بند ۲۳ نوشته شده است: «لطف خداوند ما عیسی مسیح با همهٔ شما باد، آمین!» ولی در نسخه های خطی مهم این عبارت که تکرار قسمت آخر بند ۲۰ است وجود ندارد.

a- ر.ک روم۱:۵ k.

b- در بعضی نسخه های خطی بندهای ۲۵-۲۷ در جاهای مختلفی آمده است و در اصالت این عبارات زیبای مدح و ستایش جای بحث است. محتوای این بندها بیان تحسین و شگفتی کلیسا در برابر رازی است که نوشته های پیامبرانه (گواهی های عهد عتیق و عهد جدید) آن را تأیید کرده اند و در سراسر جهان منتشر شده است. اهمیت این بندها در کلمات «اکنون، آشکار شده» می باشد؛ کلیسا که به سوی گذشته می نگرد شادمان است در دورانی زندگی می نماید که نام عیسی مسیح اظهار شده و این نام از این پس کلید تاریخ جهان و سرنوشت بشریت است.

پیشگفتار

اولین نامه به قرنتیان

جامعه قرنتس [1]

پولس از سال ۵۰ تا ۵۲ برای اعلام انجیل به مدت ۱۸ ماه در قُرِنتُس بسر برده است (اع۸:۱-۸). برابر برخی برآوردها که محل تردید است، قرنتس در آن زمان بیش از نیم میلیون جمعیت داشت که دو سوم آن را بردگان تشکیل می‌دادند. این شهر در سال ۱۴۶قبل از میلاد ویران و صد سال بعد بوسیلهٔ سزار بازسازی گردید و شهر جدیدی بوجود آمد که رونق بی نظیرِ خود را مدیون وضع جغرافیائی و دو بندرش بود. یکی بندر «کنخره» (Cenchrees) در ساحل دریای اژه (خلیج سارونیک) و دیگری «لخه» (Lechee) در ساحل دریای آدریاتیک (خلیج قرنتس).

قرنتس دارای ویژگی های کلیهٔ بنادر بزرگ در همهٔ ادوار بود: جمعیتی بسیار در هم داشت که از همه نژادها و مذاهب در کنار هم بسر می بردند و تفریحگاه های پر ریخت و پاش و عیاشی برای ملاحانی که پس از ماه ها دریانوردی، حریص لذاتِ دنیوی بودند. آیین اصلی قرنتس، پرستشِ «آفرودیت» بود که معبدی را به او تخصیص داده بودند و خدمه معبد خود را وقف فحشای مقدس گردانیده بودند. قبلاً در زمان «آریستوفان» (نویسندهٔ قرن پنجم قبل از میلاد) اصطلاحِ «زندگی به شیوه قرنتیان» دارای معنیِ تحقیرآمیزی بود که توضیح آن روشن است. نتیجهٔ قابلِ پیش بینیِ آن، ثروت بی‌حساب یک اقلیت و فقر اکثریت بود. ضمناً باید اضافه کرد که این شهر جهان وطنِ مرکزی فرهنگی بود و بسیاری از گروه های فکریِ متنوع در آنجا حضور داشتند. در قرن دوم، قَرنتس به خاطر تعداد مدارس، فیلسوفان، اادیبان و اهل قلم که در هر گوشه و کنار خیابان ها یافت می‌شدند مورد ستایش قرار می گرفت. همچنین قرنتس یک مرکز مذهبی بود که اجرای آیین های عبادتی رازگونهٔ شرقی در آنجا جاذبه های مؤثری بوجود آورده بود.

با ترکیبِ خاص خود، جامعه مسیحی که برای شنیدنَ گفتارهای پولس گرد می‌آمد، بازتاب درست آن شهر بود. در آن میان از غنی و فقیر وجود داشت (۱۱:۲۱-۲۲)، اما اغنیا اقلیتِ ناچیزی را تشکیل می‌دادند (۱:۲۶)، اکثریتِ این جامعه از افراد خُرده پا، غلامان (۷:۲۱) و خلاصه افراد مورد تنفرِ جامعه بودند (۱:۲۸).

این مسیحیان جامعهٔ زنده و پر شوری را تشکیل می‌دادند اما بسیار در معرض خطر

۱- شهری در مجاورت آتن و واقع در مجمع الجزایر پلوپونز.

فساد زندگانی و محیط اطراف بودند، چه فساد اخلاق جنسی، (۶:۱۲-۲۰)، نزاع و نفاق های شخصی(۱:۱۱-۱۲؛ ۶:۱-۱۱)، فریبائی حکمت های فلسفی مشرکان که در کلیساها با جلای مصنوعیِ مسیحی نفوذ کرده (۱:۱۹تا۲:۱۰) و ایقان بنیانی ایمان جدید را در معرض تباهی قرار داده بود (باب۱۵)، همچنین جاذبه های مذاهب رازپروری که بیم می رفت رفتارهای بی نظم و ترتیب آنها در مجامع مسیحی نیز سرایت پیدا کند (۱۴:۲۶-۳۸). درخت مسیحی که نشانده شده بود سالم و تنومند بود اما ریشه هایش در زمینی دویده بود که با آن همسانی نداشت. وضعِ بس نامتعادل و ناهنجاری بود که روح القدس با فیضان وسیع موهبت های استثنائیِ خود به یاری آمد (۱۲-۱۴) و پولس در نامه های خود با فراهم آوردن خاک مرغوب مسیحی در صدد اصلاح آن برآمده بود.

این است آنچه در این نامه مورد توجه قرار می گیرد. اینجا پولس به طور زنده مسائل ناشی از گنجانیدن ایمان مسیحی در یک فرهنگ مشرک و وسائلی را که برای حل این مشکلات بکار برده است به ما نشان می دهد.

اوضاع و احوالی که موجب ارسال نامه گردید

پیش آمدهایی که بین نخستین گفتار پولس در قرنتس و ارسال این نامه به قرنتیان فاصله انداخته است، به این صورت خلاصه می شود. پولس پس از عزیمت، با جامعهٔ مسیحی که خود پی افکنده بود در تماس باقی مانده بود. همانطور که از ۵:۶-۱۳ برمی آید پیش از نامهٔ اول به قرنتیان نامهٔ دیگری (که اغلب آن را نامهٔ قبل از نامه های رسمی Precanonique می نامند) ارسال گردیده بوده است که محفوظ نمانده است. پولس در آن نامه، علاوه بر دیگر مطالب، دربارهٔ روابط مسیحیان با «هرزگان» تذکراتی داده است. این نامه که برخی از پژوهشگران را نظر بر آن است که بخشی از آن را در نامه دومِ به قرنتیان (۶:۱۴الی۷:۱) یافته اند، احتمالاً دنبالهٔ یک یادداشت فرستاده شده از سوی قرنتیان، حاوی پرسش هائی بوده است که پولس به آنها پاسخ داده است. علاوه بر این از روایات کتاب اَعمال رسولان (۱۸:۲۴-۲۸) می دانیم که یک واعظ مسیحیِ برجستهٔ دیگری بنام اَپُلُس، از یهودیانِ شهر اسکندریه که به ایمان جدید روی آورده و در افسُس بصورت قطعی توسط آکیلا و فرسکا به آئین مسیح گرویده و دارای معرفی نامه از طرف ایشان، به قرنتس آمده بود، در آن شهر به نیکی پذیرفته شده بود. در کتاب اعمال رسولان آمده است که اَپُلُس سخنگوئی فصیح و دارای معلومات بسیاری دربارهٔ کتاب مقدس بوده و در قرنتس یکی از تکیه گاه های بزرگ یاریِ قرنتیانِ مسیحی، بویژه در اختلاف هایشان با یهودیان، بوده است. احتمالاً او از پولس که دارای فصاحت بیانی نبود، بیشتر مقبول گردیده بوده است (۲-قرن۱۰:۱۰). از همین جا برمی آید که گروهی بوجود آمده بودند که اعلام موجودیت کرده و خود را رقیب کسانی می دانستند که مدعیِ شاگردی پولس بودند (۱:۱۲). اَپلس مسلماً روی خوشی به این گروه بندی نشان نداده و اقامتش در قرنتس کوتاه بوده است. وقتی پولس نخستین نامه خود را به قرنتیان می نوشت، اپلس در افسُس به نزدش بود و

علی‌رغم تشویق های پولس، از بازگشت به قرنتس انصراف حاصل می کند تا مبادا آن گروهی را که خود را به وی منتسب می داشتند مورد تأیید قرار داده باشد (۱۲:۱۶). در برابر این گروه که خود را به اپلس بسته بودند، گروهِ پولس، گروهِ کیفا و گروهِ مسیح قرار داشتَ (۱-قرن۱:۱۲). گروه اوّل احتمالاً از کسانی تشکیل می شد که در تبعیت پولس بودند و تعلق خاطر آنان به او دارای مشخصات ایمانی و آیینی فرقه ای بود.

گروه دوم کسانی بودند تابع مسیحیانی که در قرنتس موقتاً آمده بودند و خود را وابستهٔ پطرس رسول می دانستند (کیفا اسم آرامی است معادل پطرس). شاید خود پطرس هم زمانی به قرنتس آمده باشد. آنچه از ۵:۹ برمی‌آید به نظر می‌رسد که قرنتیان وی را بخوبی می شناخته اند. اما در بارهٔ «طرفداران مسیح» فرضیات گوناگونی ارائه گردیده است: یا اینان یهودیانی بودند که در عیسی جز مسیح موعود یهود نمی دیدند، یا عارفان غنوسی که خود را روحاً به مسیح مرتبط می دانستند و هر گونه تشکیلات کلیسایی را طرد کرده بودند. شاید هم این گروه هرگز وجود خارجی نداشته است. «من از آن مسیح» (۱۲:۱) ممکن است به سادگی تذکری از سوی یک ناسخ باشد که در متن وارد شده است یا پاسخ پولس به ادعاهای این گروه بوده است. این گروه بندی ها بدون ارتباط با جاذبه هائی که در قرنتس وجود داشت نبوده است. از جمله طرفداران حکمت باطنیِ فلاسفه عرفانی. این درگیری های عَقیدتی پولس را بر آن واداشت تا در نامهٔ خود هر دو مضمون را یکجا بیاورد: گروه بندی ها و حکمت های کاذب که خود در برابر آنها حکمتِ مسیح و حکمت صلیب را برافراشتَه است. (۱۰:۱الی۴:۳).

این وضع خطرناک جامعهٔ مسیحی باید زمانی به اطلاع پولس رسیده باشد که وی برای سومین بار در سفرش در افسس بسر می برد(اع باب۱۹). نخست از سوی اپلس و سپس توسط ساکنان خلوئیه (Chloe، ر.ک۱۱:۱، توضیح «l») خبرهای ناراحت کنندهٔ دیگری نیز مسلماً از همان مجاری به وی رسیده بود. از جمله موضوع زنای با محارم: مردی که با زنِ پدرش روابط نامشروع داشت (۱:۵-۱۳).وَ یا اقامهٔ دعاوی متقابل مسیحیان در محضر دادگاه های مشرکان (۱:۶-۱۱)یا مواردی از هرزگی و فسق و فجور (۱۲:۶-۲۰) یا اغتشاش و بی نظمی بهنگام برپائی آئین شکرگزاری در گردهمائی های آئین های نیایشی (۲:۱۱-۴۲) یا اشتباهات عقیدتی دربارهٔ قیامِ مردگان (باب ۱۵). از سوی دیگر مداخلهَ پولس، بوسیلهٔ میانجیگری قرنتیان که خود به پولس دربارهٔ برخی مسائل نوشته بودند حل و فصل می‌گردید. از جمله می توان مسائل مربوط به رهبانیت و ازدواج را متذکر گردید (ر.ک۱:۷) و یا مشروعیت مصرف گوشت های قربانی به پای بتان را. آیا خوردن چنین گوشت هائی مجاز است یا خیر؟ (ر.ک۱:۸) یا موهبت های روحانی: سلسله مراتب آنها، کاربرد آنها (ر.ک۱:۱۲)، اینها مسائلی هستند که در نامه پولس مطرح و به آنها پاسخ داده شده است. پولس خواهان آن است که تندروی ها را عنان زده، صلح را برقرار داشته

و نظم و هماهنگی را در جامعه مسیحی مستقر گرداند و به پرسش های بسیاری که در زندگانی روزمرهٔ مسیحیان قرنتس پیش می آمد پاسخ گوید. تاریخ تحریر این نامه را می توان بهار سال۵۶ دانست (ر.ک اشاره به جشن گذر در ۵:۷-۸).

طرح نامه و روش های نگارش

بر خلاف نامهٔ به رومیان، تقسیم بخش های مختلف نامهٔ نخستین به قرنتیان هرگز محل بحث قرار نگرفته است و این امری بدیهی است. پولس فقط به موضوع های مختلفی که در بالا ذکر شد یکی پس از دیگری می پردازد. آیا می توان این بخش های فرعی را در تقسیم بندی های مهمتری، گروه بندی کرد؟ در این باره اغلب یک طرح دو بخشی را پیشنهاد کرده اند: گروه بندی ها و لغزش ها از یک سو (باب های۱ الی ۶)، راه حل مربوط به مسائل گوناگون که جامعهٔ مسیحی مطرح کرده است از سوی دیگر (باب های۷ الی ۱۵). البته محل تردید است که رجوع به محاکم مشرکان (۶:۱-۱۱)، امری جنجالی تر از گروه بندی ها در برپائی مراسم شکرگزاری (۱۱:۱۷-۳۴) یا رفتار کسانی که ناتوانان را به «لغزش» می کشانند (۸:۷-۱۳) پنداشته شده باشد. بهتر آن است که چنین قبول کنیم که پولس به مسائل و موضوعات مختلفی که در این نامه مطرح گردیده به ترتیبی که به ذهنش می آمده است، پرداخته است. می توان به بخش های فرعی زیر، بدون آنکه بتوان از یک طرح به معنای واقعی آن سخن گفت اشاره کرد:

سلام و شکر گوئی ها

۱- گروه بندی ها در جامعهٔ مسیحی قرنتس (۱:۱۰ الی ۴:۲۱)

۲- موارد زنای با محارم (۵:۱-۱۳)

۳- رجوع به دادگاه های مشرکان (۶:۱-۱۱)

۴- روسپیگری (۶:۱۲-۲۰)

۵- ازدواج و رهبانیت(باب ۷)

۶- گوشت قربانی شده به پای بتان (۸:۱ الی ۱۱:۱۰)

۷- برگزاری مجامع مذهبی (۱۱:۲ الی ۱۴:۴۰)

۸- قیام مردگان (باب ۱۵)

۹- توصیه ها، سلام ها و نتیجه گیری (باب ۱۶).

توجه شود که برخی بخش ها تشکیل دهندهٔ موضوعات مشابه اند و با وجود این، تفاوت هائی با هم دارند و دارای اهمیت یکسان نیستند. این چنین سه چهارم بخش ۷ (برگزاری مجامع مذهبی) به موهبت های روحانی تخصیص داده شده است (باب های ۱۲ الی ۱۴) و در این خصوص سرانجام برتری محبت را بر تمام مواهب خدا که پولس ستایش آن را در سرایشی معروف در باب۱۳ می سراید، نشان می دهد. در نخستین ربع این بخش۷، از پوشش زنان و برگزاری آئین خوان خداوند به سرعت رد شده است. لذا در این بخش هیچ اندیشهٔ هدایت کننده یا تفکر بصورت مجموعهٔ از پیش گفته شده که موضوع ها را تنظیم نماید وجود ندارد.

شیوه ای که پولس اندیشهٔ خود را در درون یک موضوع شرح و بسط می دهد، گاهی برای یک روحیه و ذهن عقل گرای معاصر حیرت آور است. اغلب در نوشته های پولس وجود یک برگردانِ از نوع 'A.B.A دیده شده است. همچنین در باب۷، پولس نخست عقیده خود

را دربارهٔ ازدواج و تجرد بیان کرده، (A: ۱-۱۶) سپس اصول اولیه و بنیادی را شرح می دهد: هر کس در وضعی بماند که بهنگام فراخوانی خداوند داشته است (B: ۱۷-۲۴). سرانجام در پرتو این اصل، به تدقیق و تعمق آموزهٔ خود می پردازد (A': ۲۵-۴۰). در توصیف مخصوص به گوشت های قربانی شده به پای بتان (۱:۸ الی ۱:۱۱) و موهبت های روحانی (باب۱۲ الی ۱۴) نیز به طرحی مشابه برخورد می گردد. اصل B به ترتیب هم حاوی ارجحیت محبت و خدمت به انجیل است (۸:۷-۱۳، ۲۴:۱۰) و سپس همبستگی موجود بین اعضای بدن واحدی (۱۲:۱۲-۲۶).

تشخیص ساختار بخش نخست (۱۰:۱ الی ۲۱:۴، گروه بندی های جامعهٔ مسیحی قرنتس) مشکل تر است. این همان طرح بنیانیِ A.B.A' است اما با شرح و بسط بیشتری. بدون آنکه در صدد مطرح کردن شرح تفصیلی طرح این فصول که حاوی انحراف مکرر از اصل مطلب است برآئیم می توان روش کلی را به وضوح مطرح ساخت. نخست تقسیم بندیِ دو بخشی به چشم می رسد: اول، گفتارِ آموزه ای (۱۰:۱ الی ۲۳:۳) و سپس گفتار واعظانه یا نصیحت دهنده ای جهت اجرای اصول مهم بیان شده (باب ۴). در بخش نخست ساختار مذکور به شکل طرح A' ,BA' ,AA' درمی آید. در آغاز به دو بی نظمی اشاره گردیده است: تفرقه (A، ۱۰:۱-۱۶)؛ یعنی هوشمندی استدلالیِ این دوران (A: ۱۷:۱-۲۵). اصلِ اساسی B که از آن به بعد پولس انحراف های آن را برملا و محکوم می کند، در ۳۰:۱ شرح داده شده است: هستیِ مسیحی، در مسیح مستقر است که سرچشمهٔ منحصر بفردِ حکمت و نجات است. از این به بعد پولس ویژگی های حکمت حقیقی را می تواند ترسیم کند: این حکمت موهبت روح است، (A'، ۲:۶-۱۶) و فضاحت تفرقه را برملاء می کند. این تفرقه ها بر خلاف هویت جامعهٔ مسیحی اند که بر سنگ پایهٔ واحدی، یعنی مسیح بنا شده است (A'،۳:۱ الی ۱۶:۳). یک ساختار جدید به صورت «جناس متقابل» (Chiasm) در بخش نتیجه گیری (۱۸:۳-۲۳) که هر دو مضمون آغازین را از سر گرفته است، دیده می شود (تفرقه و حکمتِ کاذب)، اما در جهت معکوس: آن کس که خود را به شیوهٔ این دنیا حکیم می پندارد، موهبت حکمتِ مسیح را - حتی اگر دیوانه اش پندارند- بپذیرد. (۱۸:۳). سرانجام بجای تفرقه که مسیحیان را بردگان انسان ها می کند، (۱۲:۱، «من از آن پولس هستم، من از آن اپلس هستم، من از آن کیفا هستم») تعلق تنها به مسیح، به مسیحیان نه فقط آزادی و اتحاد در مسیح را اعطا می کند بلکه تسلط بر همه چیز را: «همه چیز از آن شماست... جهان، زندگانی یا مرگ، زمان حال یا آینده همه از آن شماست» و انسان هائی که از خود برده می سازند در حقیقت خدمتگر خویش اند: «همه چیز از آن شماست، پولس، اپلس، کیفا...» (۲۲:۳).

ساختار A',B,A در بخش دیگر نیز دیده می شود: از جمله در خوانِ خداوند (۱۷:۱۱-۳۴) بندی که یادآور رازِ سپاسگزاری است (۲۳:۱۱-۲۶) نشان دهندهٔ حقیقت بنیانی است (B) که در پرتو آن بی نظمی های مطرح شده در آغاز (A، ۱۷:۱۱-۲۲) قابل

سرزنش و اصلاح می باشند (A'، ۱۱:۳۴-۲۸). سرود محبت (باب ۱۳) بر همین الگو بنا گردیده است. پس از شرح و بسطی درباره برتریِ محبت که بدون آن موهبت های روحانیِ هر چند عالی اما بی فایده اند(A: بندهای ۱-۳) نوبت به توصیف آثار برخاسته از محبت می رسد (B: بندهای۴-۷). در بخش نتیجه، پولس می تواند به شیوه ای عمیق تر مضمون برتری محبت را از سر گیرد که هرگز در طول زمان زایل نخواهد شد در صورتی که بقیه، همه اش، از بین خواهد رفت.

مسائل مهم مورد بررسی

مسائل مهم خاصی که پولس در این نامه مورد بررسی قرار داده است مشتق از یک مسئلهٔ بس اساسی است که در تمام اعصارِ تاریخِ کلیسا، بخصوص در فعالیتِ تبشیریِ مطرح بوده است که امروز نیز بیَش از هر زمانی مطرح است و آن «فاصلهٔ فرهنگی» است، یعنی مسئلهٔ ریشه دواندن پیام مسیحی در فرهنگی غیر از آن فرهنگی کهَ قبلاً این پیام در آن شکوفائی کرده بود. در این جا موضوع عبارت از گذر فرهنگ فلسطینی یهودی تبار (Judéo-Palistinien) به فرهنگ یونانی است که با تحرکی بس متفاوت شکل پذیرفته است که نه تنها بیم آن می رود که پیام را مخدوش کند، بلکه عمیقاً به مانند روند همسان گرائی در زیست شناسی، همسانی یابد. فرهنگ یونانی، که از رگ و ریشهٔ فرهنگی مشرک بوده است از پیام انجیلی فقط آن را برگرفته بود که در هماهنگی با اصول خود بود و بقیه را به کنار نهاده بوده است. این چنین پدیده هائی که اغلب بوجود آمده است بویژه در برخی از جریان های غنوسی مسیحیِ قرن دوم و در طی ادوار، در کشورهائی که با شتاب پیام انجیلی را دریافت کرده بودند و نتیجه آن ابقای آئین شرک سابق که به طور سطحی با عناصر برگرفته از ایمان مسیحی شکل پذیرفته بوده است. در برابر این مسئله، رفتار پولس هم مستحکم و هم انعطاف پذیر است: با شجاعت درباره جنبه انقطاع از آئینِ قدیم پای می فشرد و بدونِ گذشت، رفتار و عقیدت هائی را که با پیاَم اعلام شدهٔ خود غیرقابل سازش باشد، محکوم می کند. اما وقتی تعرض و تناقضی در کار نباشد وی روحیه ای موافق تر دارد.

اکنون در نظر داریم به طور گذرا مسائل مهم مورد بررسی در این نامه را از این دید مرور کنیم.

آنچه مربوط به مسئلهٔ گروه بندی و تفرقه در جامعهٔ مسیحی و حکمت راستین و کاذب است، غیر قابل اجتناب بود که مسیحیان در معرض وسوسه قرار گیرند و ایمان خود را در الگوی مکاتب بیشمار مختلف ابراز کنند. از این رو به سخنگویانی نظیر اپلس می گرائیدند که مانند خطیبان درخشان یونانی با استفاده از ابزار فصاحت و بلاغت حضار را جذب می کرد. در نتیجه گروه بندی و تفرق ایجاد می شد و هر کس طرفداری از این و آن بین سخنوران می کرد. واکنش پولس بسیار جدی بود. وی در برابر این جریان ها بشدت مخالفت ورزید زیرا در آن خطر تنزل ایمان مسیحی را به یک حکمت فلسفیِ بشری و رقابت مکاتب را که نتیجه آن بود بخوبی می دید. همّ و غمِ وی بر آن بود تا حکمت

بشری را در مقابل «دیوانگی» نوید انجیل قرار دهد(۱:۱۷- ۲۵). این اندیشهٔ دائم او از نظر هدف اصلی، زیاده روی نیست: پولس بنحوی اقدام می کرد که «ایمانِ شما، نه بر مبنایِ حکمت آدمیان، بلکه برَ قدرت خدا باشد» (۲:۵). اما ضمناً در این اندیشه نیز بود که جستجو و تشنگیِ حکمت اصیل را که در قرنتس بود، دچار سرخوردگی نگردد. برای همین سعی در معرفی حکمت راستین به خوانندگانِ خود می کند که فَرایندِ یک جستجوی فلسَفیِ بشری نیست، بلکه موهبتی است از سوی خدا در روح القدس. (۲:۶-۱۶).

مسائلِ مربوط به اخلاق در قلمروِ روابط جنسی از تلاقی ایمان نوین و تأثیر فَرهنگ محیط، چه از فرط شهوترانی رایج (۵:۱-۱۳؛ ۶:۱۲-۱۹؛ ر.ک۶:۱۴ توضیح)، چه بخاطر خوار داشتن تن و جسم که در برخی از گرایش های فلسفیِ زمان رواج داشت (ر.ک۷:۱، توضیح) و احتراز از ازدواج را یک آرمان مطلق جلوه داده بودند بر می خاست. دل نگرانیِ پولس در برابر این افراط و تفریط ها ارائهٔ طریق صواب است. بر محکوم کردن قطعیِ هر نوع بی نظمی در امور جنسی اصرار می ورزد. مشروعیت و ارزش ازدواج را یادآوری می کند و رهبانیت و پرهیز از روابط زناشوئی را تجلیل می کند(باب۷). اصلی که باعث ایجاد این تشخیص ها است همانی است که در ۶:۱۲ گفته شده و در ۱۰:۲۳ تکرار گردیده است: «همه چیز مجاز است اما همه چیز برای من مفید نیست». فرد مسیحی از هر گونه قید و بند قانونی آزاد است ولی این آزادی باید در جهت هر چیزی مورد استفاده قرار گیرد که با زندگیِ نوین در روح سازگار باشد.

این همان اصلی است (ر.ک۱۰:۲۳) که مسئلهٔ گوشت های قربانیِ بتان را حل می کند (باب۸ الی۱۰). در اینجا نیز در برابر وضعی قرار داریم که ایمان مسیحی باید جانب موافق یا مخالف جنبه ای از فرهنگ محیط را بگیرد. در اینجا نیز اصلِ حلِ مشکل، همان است: آنچه راه را بر ایمان می بندد، ممنوع است و این همانا موضوع مشارکت در خوراکی های مذهبی مشرکان است (ر.ک ۱۰:۱۴-۲۲). برعکس خوردن گوشتی که بازماندهٔ مراسم قربانیِ مشرکان است، چه در خانه و چه در نزد دیگری از نقطه نظرِ مسیحی امر کاملاً علی السویه ای است (۸:۷-۸) اما ملاحظهٔ دیگری بر پیروان مسیح تحمیل می گردد: محبت برادرانه، مانع از آن است که شخص باعث لغزش ناتوانان گردد. (۸:۹-۱۳).

بی نظمی در مجامعِ مذهبی (باب۱۱ الی ۱۴)، یکی دیگر از اثرهایی نفوذ رفتار محیط فرهنگی و مذهبیِ مشرکان بر زندگی مسیحی است. چه موضوعِ عبارت از رفتارهای غیر مطلوب در برپایی آیین راز سپاسگزاری، که رسوم مشکوک غذاهای تقدیمی مشرکان در آن سرایت کرده بود(متی۱۱:۲۱)، چه عبارت از جوّ مجامع آیین های عجیب و غریبی است که بدون شک مسیحیان، پیش از گرویدن به ایمان جدید، در آنها شرکت می کردند، هدف پولس همواره همان است که بود: حفظ ویژگی و اصالت خاص عبادت مسیحی که قابل انطباق و سازش با آداب و رسوم مذهبی محیط نبوده، بلکه باید منعکس کنندهٔ رازی باشد که بدان روی آور گردیده است، یعنی اتحاد

جامعه در شخص مسیح. و پایه های بنیانی در فایدت اشتراک و هم پیوندی (۱۲:۱۲-۳۰) و تهذیب جامعهٔ مسیحی (۱۴:۱-۱۹) و برتر از همه محبت (۱۳:۱-۱۳) از این اصل بر می خیزد.

سر انجام در باب ۱۵ باز به تضاد پیام مسیحی با طرز تفکر و روحیهٔ محیط بر می خوریم. اعتقاد به قیام مردگان با سنت یهود که انسان را به طور واحدی در تمامیتش مطرح می کرد انطباق داشت ولی در فرهنگ متأثر از فلسفهٔ ثنویت، به موانعِ فکری بر می خورد. در مورد این نقطهٔ صعب الادراک پولس می توانست در برابر محدودیت های آمادگی فکریِ خوانندگانش همانطور که در اوضاع و احوالِ مشابه نویسندهٔ کتاب حکمت و فیلون کرده بودند، بر زندگانی جاودان جان ها اصرار کرده باشد. ولی برعکس، در بارهٔ موضوع مورد اختلاف رستاخیز مردگان، با قوت تأکید می ورزد. وی در صدد آن بر نمی آید که از دید فلسفی آن را به اثبات برساند، اما می گوید که «اگر رستاخیز مردگان وجود ندارد، پس مسیح هم برنخاسته است» (۱۵:۱۳-۱۶) بنابراین ایمان قرنتیان پوچ است(۱۵:۱۴).

کاملاً مشهود است که در این نکته اخیر مسئله ای وجود دارد که با واژه هائی مشابه امروز نیز مطرح است. نخستین نامهٔ پولس به قرنتیان شاید از همهٔ نامه های دیگر پولس امروز با معنی تر باشد. بدون تردید راه حل های مطرح شده گاهی با شرایط فرهنگی متفاوت از فرهنگ ما رقم زده شده است (ر.ک۱۱:۲-۱۶)، اما در وضعی که پولس با آن رو در رو در آمده بود، همان وضعِ کنونی ماست و اصولی که تعیین کنندهٔ پاسخ های اوست مطلقاً ارزش های خود را از دست نداده است.

اولین نامه به قرنتیان

سلام و سپاسگزاری

۱
۱ از پولس که به ارادهٔ خدا، رسول[a]
مسیح عیسی خوانده شده و از برادر
سوستانیس[b]، ۲ به کلیسای خدا[c] که در
قرنتس است، به آنان که در مسیح عیسی ۱ـ قرن ۶:۱۱
مقدس شده اند، خوانده شده اند مقدس
باشند با تمام آنان که در همه جا نام عیسی
مسیح را یاد می کنند[d] [که خداوند] ما و
ایشان[e] است؛ ۳ فیض و صلح بر شما [باد]
از سوی خدا، پدر ما و از خداوند عیسی
مسیح!
۴ خدا را[f] همیشه دربارهٔ شما سپاسگزارم؛
به خاطر فیض خدا که به شما در مسیح
عیسی عطا شده است؛ ۵ زیرا شما در
همه چیز در او ثروتمند شده اید، در هر
سخن و در هر دانشی، ۶ برطبق اینکه گواهی
مسیح در شما استوار گردیده است[g].
۷ به طوری که فاقد هیچ موهبتی[gg] نیستید،
در انتظار ظاهر شدن[h] خداوند ما عیسی
مسیح. [۸ او] که نیز شما را استوار خواهد
کرد تا به پایان، در روز خداوند ما عیسی
مسیح[i] بی نقص باشید. ۹ وفادار است[j]
خدایی که بوسیلهٔ او خوانده شده اید به
همرأیی پسرش عیسی مسیح، خداوند ما.

فی ۳:۲۰؛ لو ۱۷:۳۰؛ ۲ـ تسا ۱:۷؛ ۱ـ پطر ۱:۷، ۱۳

۱۰:۱۳؛ ۲ـ قرن ۱:۱۸؛ ۱ـ تسا ۵:۲۴؛ ۲ـ تسا ۳:۳؛ عبر ۱۰:۲۳ روم ۸:۱۷

تفرقه در کلیسا

۱۰ اما ای برادران، شما را تشویق می کنم
به نام خداوند ما عیسی مسیح، همگی

a- ر.ک روم ۱:۱ c.
b- شاید همان کسی است که در اع ۱۸:۱۷ ذکر شده است.
c- کلیسای خدا یا جمعیت خدا. در بکار بردن این اصطلاح از نوشته های عهد عتیق الهام گرفته شده است مثلاً: جمعیت خداوند (تث ۲۳:۲-۹) و عبارت از اجتماع قوم بوده که بوسیله خدا احضار شده بود. در اینجا منظور کلیسای محلی است که عملاً اجتماع می کردند؛ ولی ارتباط آن با کلیسای جهانی در اینجا کاملاً اظهار و تأکید شده است.
d- این اصطلاح از کتاب یوئیل ۳:۵ آمده که می گوید: هرکس نام خداوند را یاد کند نجات خواهد یافت. در نوشته های عهد جدید این اصطلاح نقل شده است و آنچه در عهد عتیق در مورد خدا گفته شده به عیسی منتقل می شود (اع ۲:۲۱؛ روم ۱۰:۱۳؛ و غیره).
e- ترجمهٔ دیگر: که خداوند ایشان و ما است. ترجمهٔ دیگر: که در سرزمین ایشان و در نزد ما است.
f- در بعضی از نسخه های خطی: خدای من...
g- ترجمهٔ دیگر: چون گواهی که به مسیح داده شد در شما استوار گردیده است. همچنین می توان درک کرد: در نزد شما، در این صورت اشاره به معجزه هایی است که همراه با موعظه پولس بوده است.
gg- ترجمهٔ دیگر: فاقد هیچ عطیه ای نیستند. ترجمهٔ دیگر: فاقد هیچ استعدادی نیستند.
h- منظور ظاهر شدن شکوهمند در پایان روزگار است.
i- روز خداوند، نام دیگر برای بیان همان حقیقتی است که در بند ۷ ظاهر شدن گفته شده است. این اصطلاح از نوشته های عهد عتیق می آید؛ ر.ک عا ۵:۱۸.
j- وفاداری خدا به وعده ای که داده است موضوع مهمی در نوشته های عتیق است و این امر در دعوت آدمیان به همرائی با مسیح و شرکت با او در فرزندی خدا و در زندگی او تحقق می پذیرد.

روم ۱۶:۱۲؛ ۵:۱۵؛ ۲ـ قرن ۱۳:۱۱؛ فی ۲:۲، ۲:۴
یک چیز بگویید[k]، دربین شما تفرقه ای
نباشد؛ بلکه با یکدیگر متحد باشید، در
یک فکر و در یک عقیده. [۱۱]زیرا، ای
برادران من، بوسیلهٔ مردم خلوئی[l] درباره
شما مرا معلوم شده است که در بین شما
نفاق هایی است. [۱۲] لیکن این را می گویم
که هریک از شما می گوید: «من حقیقتاً از
پولس هستم»[m] - «و من از آپولس» - «و
۲ـ قرن ۷:۱۰ من از کیفا» - «و من از مسیح»[n]. [۱۳]آیا
مسیح تجزیه شده است؟ آیا پولس به خاطر
شما مصلوب شده است؟ یا اینکه بنام پولس
تعمید یافته اید؟ [۱۴]خدا را سپاسگزارم از
اینکه هیچ یک از شما را تعمید نداده ام بجز
کریسپس و قایوس[o]، [۱۵]تا کسی نگوید که
بنام من تعمید یافته است. [۱۶]و خانوادهٔ
استیفان را نیز تعمید داده ام[p]. وانگهی نمی
دانم اگر کس دیگری را تعمید داده باشم.
[۱۷]زیرا مسیح مرا نفرستاده است که تعمید
دهم بلکه انجیل را اعلام کنم و نه با حکمت
سخن[q]، تا صلیب مسیح بیهوده نباشد[r].

حکمت و دیوانگی

[۱۸]زیرا سخن صلیب برای آنان که همانا
۲ـ قرن ۱۵:۲؛ ۳:۴ هلاک می شوند دیوانگی[s] است ولی برای
روم ۱۶:۱ آنان که نجات می یابند، یعنی ما قدرت
اش ۱۱:۱۹-۱۲ خدا است. [۱۹]زیرا نوشته شده است:
حکمت حکیمان را نابود خواهم کرد، و
هوشمندی هوشمندان را به دور خواهم
افکند[t]. [۲۰]حکیم کجا است؟ کاتب کجا
است؟ مناظرهٔ این دوران کجا است؟ آیا
خدا حکمت[u] این دنیا را دیوانه نکرده
است؟ [۲۱]زیرا چون برچسب حکمت خدا،
دنیا، خدا را از طریق حکمت[v] نشناخته
است، [بلکه] بوسیله دیوانگی موعظه،

k- ترجمهٔ دیگر: متفق القول باشید. ترجمهٔ دیگر یک دل و یک زبان باشید.
l- برطبق فرضیه جالبی، زنی تاجر بوده که کارمندانش بین قرنتس و جایی که پولس بوده رفت و آمد می کرده اند.
m- ترجمهٔ دیگر: من به پولس تعلق دارم. برای معنی این جمله ر.ک m ۲۳:۳.
n- در مورد اپلس و کیفا (یعنی پطرس) ر.ک مقدمه. و امّا در مورد طرفداران مسیح در قرنتس، با وجود نظریات بسیاری که فرض شده است نمی توان گفت چه کسانی بوده اند و شاید منظور پولس گروه چهارمی نیست بلکه پاسخ پولس به کسانی است که خود را طرفدار اپلس یا کیفا می دانسته اند.
o- در مورد کرسپس ر.ک اع ۸:۱۸ و در مورد قایوس روم ۲۳:۱۶.
p- ر.ک ۱۵:۱۶، ۱۷، این عبارت نشان می دهد که پولس نامه های خود را دیکته می کرده و احیاناً اشتباه را تصحیح می نموده است. ولی در اینجا آنچه را که بار اول گفته است تصحیح نکرده است. ر.ک ۲۱:۱۶.
q- ترجمهٔ دیگر: حکمت سخنرانی. در اینجا حکمت به معنی مهارت آمده است و منظور پولس فن سخنوری است که در نزد یونانیان مورد توّجه بوده و برای آن قواعد معیّن و دقیقی داشتند.
r- نظریه ای که در این بند اظهار شده است در ۱:۲-۵ تشریح خواهد شد. در بند ۵:۲ توضیح داده می شود به چه سبب حکمت سخنوری، صلیب مسیح را از بین خواهد برد.
s- کلمه دیوانگی در اینجا و در تمام این قسمت نامه به مفهوم بی لیاقتی و حماقت بکار برده شده است.
t- اش ۱۴:۲۹. قبلاً در هنگام مهاجمهٔ آشوریان، خدا اعلام می کرد که فقط حساب های حکمت بشری اسرائیل را نجات نخواهد داد. در ینجا نیز همین موضوع مطرح شده است.
u- در تمام این قسمت، از حکمت که فعالیت قوّه عاقله بشری است به طور مطلق انتقاد نمی شود بلکه پولس حکمتی را که پُرمدّعا بوده است و آن را اصل منحصربه فرد و نهایی بدانند نمی پذیرد و افشاء می کند.
v- منظور حکمت خدا است که در آفرینش جهان تجلّی کرده است ر.ک روم ۱۹:۱-۲۰ و نزدیک به مفهوم این متن است. ولی مفسّران دیگری این جمله را چنین درک و ترجمه کرده اند: بوسیلهٔ ترتیب حکمت خدا یا در زمان حکمت خدا.

خوشایند خدا بوده است ایمان آورندگان را
نجات دهد. ۲۲چون که نیز یهودیان مت۱۲:۳۸؛ ۱۶:۱؛ یو ۲:۱۸؛ ۴:۴۸؛ ۶:۳۰
نشانه هایی می طلبند و یونانیان حکمت
می جویند[w]، ۲۳اما ما مسیحی[x] را اعلام
می کنیم که مصلوب شده است، همانا
یهودیان را رسوایی و مشرکان را دیوانگی
است، ۲۴امّا برای آنانکه خوانده شده اند،
چه یهودیان و چه یونانیان، مسیح قدرت
خدا و حکمت خدا است[y]؛ ۲۵زیرا [آنچه]
دیوانگی خدا است از انسان ها حکیم تر
است و [آنچه] ناتوانی خدا است از انسان
ها نیرومندتر است[z].

حکمت و دیوانگی در پی ریزی کلیسا

۲۶ زیرا، ای برادران فراخوانده شدن
خود را بنگرید[a]: که نه بسیاری از حکیمان
برحسب جسم[b] [حکیم هستند]، نه بسی
قدرتمندان و نه بسیاری نجیب زادگان
هستند. ۲۷امّا آنچه در دنیا دیوانه است
خدا برگزید تا حکیمان را شرمنده سازد؛ و
آنچه در دنیا ناتوان است خدا برگزید تا
نیرومندان را شرمنده سازد؛ ۲۸و [آنچه]
در دنیا اشراف زادگی ندارد[c]، و [آنچه را]
حقیر می شمارند، خدا برگزیده است و
آنچه نیست هست کرد تا آنچه را که هست
باطل سازد، ۲۹تا هیچ آفریده ای[d] در برابر
خدا افتخار نکند. ۳۰اما از او، شما در
مسیح عیسی هستید[e]، که بوسیلهٔ خدا[f] برای
روم ۱۰:۴؛ کول ۲:۳ ما حکمت، عدالت و نیز تقدّس بازخرید[g]
گردید، ۳۱تا برطبق آنچه نوشته شده است:
۲_قرن ۱۰:۱۷؛ غلا ۶:۱۴ آنکه می بالد، از خداوند ببالد[h].

w- مآلاً تقاضای هردو طرف (یهودیان و یونانیان) یکی است و هردو طرف اطمینان و امنیت بشری می خواهند: نشانه و معجزه ای تقاضا می کنند تا ضامن صحت و اصالت پیام باشد و عقاید و نظریاتی تقاضا دارند که از نظر فراست بشری رضایت بخش باشد. این تقاضاها به نظر پولس مستوجب نکوهش است، نه به سبب خود تقاضاها (و عجیب آنکه بوسیله صلیب مسیح برآورده خواهند شد. بند ۲۴) بلکه بدین دلیل که این تقاضاها شرایط مقدّم بر قبول ایمان هستند.

x- مسیحی، یعنی یک مسیح یعنی آنکه برای ایمانداران مسیح موعود است (بند ۲۴).

y- در نظر اول، اعلام صلیب و موعظه دربارهٔ آن برخلاف چیزی است که مردم انتظار دارند. زیرا بجای نشانهٔ قدرت خدا موضوع سقوط و بجای حکمت، دیوانگی است ولی هنگامی که این تاریکی برطرف شود و ایمان آورده و بپذیرند صلیب همچون تحقق والای این انتظار جلوه خواهد کرد که حکمت و قدرت برتر است.

z- این مقررات عمل الهی (بندهای ۱۸-۲۵) در مورد برگزیدن قرنتیان (بندهای ۲۶-۳۰) و موعظه پولس بکار برده خواهد شد. (۲:۱-۵).

a- ترجمهٔ دیگر: ای برادران، ملاحظه کنید، شما که دعوت را دریافت کرده اید چه کسانی هستید.

b- ترجمهٔ دیگر: نه بسیاری از حکیمان به نظر آدمیان، ر.ک روم ۱:۳ g قسمت اول.

c- ترجمهٔ تحت اللفظی: آنکه تولّد ندارد (یعنی از خاندان نجبا و اشراف زادگان نیست) درمقابل کسانی که از خانوادهٔ نجیب زادگان هستند بند ۲۶.

d- ترجمهٔ تحت الفظی: تا هیچ جسمی... ر.ک روم ۱:۳ یادداشت g، قسمت اول.

e- این فعل را باید به معنی واقعی و کامل کلمه گرفت: خدا شما را برگزیده است، شما که به نظر دنیا وجود نداشتید (بندهای ۲۶-۲۹)، شما را برگزیده تا در عیسی مسیح وجود داشته باشید. بنابراین به خود ببالید نه بسبب آنچه خودتان هستید و در نظر مردمان هستید بلکه به سبب آنچه در عیسی مسیح و به نظر خدا هستید (بندهای ۲۹، ۳۱).

f- درمقابل حکمت بشری که پُرمدعا و به عنوان دستور و مقررات مطلق است حکمتی در مشیت خدا درکار است که در عیسی تجسّم یافته و در برگزیده شدن مسیحیان قرنتس آشکار می شود.

g- ر.ک روم ۳:۲۴ x.

h- ار ۹:۲۲_۲۳، نقل قول آزاد.

حکمت و دیوانگی سخنان پولس در قرنتس

۲ ۱اما من، ای برادران، [چون] به نزد
شما آمدم، با تفوق سخن یا حکمت[i]
نیامدم تا به شما گواهی[j] خدا را اعلام کنم.
۲زیرا قصد نکرده ام هیچ چیز در میان شما
بدانم جز عیسی مسیح، و او را مصلوب شده.
۳و خودم با ناتوانی، و در ترس و لرز زیادی
به نزد شما آمدم. ۴و سخن من و ندای من با
سخنان مقنع حکمت[k] نبود؛ بلکه نمایاندن
روح [القدس][kk] و قدرت بود. ۵تا ایمان
شما، نه بر [مبنای] حکمت انسان ها، بلکه
بر قدرت خدا[m] باشد. ۱ـ تسا ۵:۱

حکمت خدا

۶اما ما در میان اشخاص کامل[n] از حکمت
سخن می گوئیم ولی نه از حکمت این زمانه و
نه از حکّام این زمانه[o] که از بین ۱۵:۲۴-۲۵؛ افس ۱۲:۶
می روند. ۷بلکه از حکمت خدا سخن
می گوییم که مرموز و پنهانی[p] و همان که روم ۱۶:۲۵؛ افس ۹:۱؛ ۳:۴، ۵، ۹؛ کول ۱:۲۶-۲۷
پیش از روزگاران، خدا برای شکوهمندی ما
مقدّر کرده است، ۸[حکمتی] که هیچیک از
حکّام این زمانه نشناخته است زیرا اگر
می شناختند، خداوند شکوه را مصلوب
نمی کردند. ۹ولی بر طبق آنچه نوشته شده
است [اعلام می کنیم]: آنچه را چشم ندیده و
گوش نشنیده و بدل انسانی بَر نشده، هر آنچه
خدا برای آنان که به او محبت دارند[q] آماده
کرده است. ۱۰زیرا خدا به وسیلهٔ
روح[القدس] بر ما مکشوف کرده است؛ زیرا
روح [القدس] همه چیز، حتی اعماق[r] خدا را
سنجش می کند. ۱۱زیرا چه کسی در میان
انسان ها، امور انسان را می شناسد مگر روح
انسان که در او است؛ همچنین نیز هیچ کس

i- پولس اعتبار و نفوذ سخن و حکمت بشری را در برابر سخن و حکمتی که از خدا آمده است می‌آورد (ر.ک بندهای۴، ۷) ر.ک ۱:۳۰ f.

j- در بعضی از نسخه های خطی به جای گواهی خدا، راز خدا نوشته شده است.

k- این متن از نظر قواعد دستور زبان مبهم و دشوار است بدین سبب در این مورد تردیدهایی وجود دارد ولی به هرصورت در مفهوم آن شکّی نیست.

kk- این تظاهر روح القدس را مسلماً به عنوان معجزه هایی بشمار می‌آورد (وانگهی در باب ۱۸ اعمال ذکر نگردیده است)، بلکه این تظاهر عبارت از فعالیت روح القدس در پولس و در قرنتیانی است که به مسیحیت گرویده اند (ر.ک ۱۴:۲۵، ۱-تسا۱:۵).

m- پولس گفتارهایی را که برمبنای حکمت بشری بوده و بوسیلهٔ کلمات قانع کننده ادا می شود نمی پذیرد (بند۴) زیرا ایمان به صورت گرویدن خواهد بود که کاملاً بشری است (بند۵) گفتار او نوعی استدلال و اثبات است (بند۴) ولی ارائه و اثبات قدرت روح القدس است که از سوی خدا می‌آید و مستلزم نوع دیگری از گرایش یعنی گرایش روح می باشد.

n- ترجمه دیگر: مسیحیان بالغ. منظور از اشخاص کامل گروه ممتاز و برتری از گرونده‌گان به مسیحیت نیستند که جرگهٔ خاصی تشکیل دهند بلکه کسانی است که در زندگی مسیحیت بحدّ کمال رسیده باشند. این اصطلاح در برابر کودکان در مسیح، در بند۳:۱ آمده است. ر.ک همچنین ۱۴:۲۰.

o- شکی نیست منظور از حکام این زمانه قدرتهای شرّ فوق الطبیعه و عوامل آنها هستند یعنی مقامات و قدرتهای غیرمذهبی که در مخالفت خود با مسیح و انجیل محصور بودند (بند ۸).

p- ترجمه دیگر. مرموز و مستور مانده است. منظور حکمتی اسرارآمیز نیست که بصورت معمّا باشد بلکه حکمتی است که با رمز بیان می شود به مفهومی که پولس درک می نماید یعنی سرّ مشیت نجات که در مسیح تحقق یافته است. ر.ک روم ۱۶:۲۵-۲۷.

q- در اینجا دو عبارت از اش۶۴:۳ و ار ۳:۱۶ گرفته شده و با هم تلفیق گردیده است، برطبق روشی که در آن دوران در بین یهودیان مرسوم بود و مجموعه های امثال و حکم تهیه می کردند (مثلاً کتابی به نام شهادت نامه).

r- منظور کلی بندهای ۱۰ الی ۱۶ این است که منبع و منشأ این حکمت خدا است (بندهای۱۰-۱۱) و فقط بوسیله کسی ابلاغ می شود که روح خدا را دریافت کرده است (بندهای ۱۲-۱۳) و به کسانی ابلاغ می گردد که ایشان هم روح خدا را دریافت کرده اند و می توانند این حکمت را درک نمایند؛ در غیر این صورت این حکمت برای ایشان دیوانگی است (بندهای ۱۴-۱۶).

امور خدا را نمی‌شناسد مگر روح خدا.
[۱۲] باری ما، روح جهان را دریافت نکرده‌ایم
بلکه روح [القدس] را که از خدا می‌آید تا
موهبت‌هائی را که خدا به ما عطا نموده است
بشناسیم. [۱۳] که نیز ما از آن سخن می‌گوئیم،
نه با سخنانی که به وسیله حکمت انسانی
آموخته شده بلکه آنچه روح [القدس]
می‌آموزد که با روحانی ها[s] ، ر وحانی ها را
بیان می‌کند. [۱۴] اما انسان نفسانی[t] آنچه را
از روح خدا است نمی‌پذیرد: زیرا برای او
دیوانگی است، و نمی‌تواند بشناسد چون که
با روح قضاوت می‌کنند. [۱۵] اما، انسان
روحانی همه چیز را قضاوت می‌کند و خودش
بوسیلهٔ کسی قضاوت نمی‌شود[u]. [۱۶] زیرا چه
کسی فکر خداوند را شناخته است تا به او
تعلیم دهد[v]؟ اما ما، فکر مسیح را در دست
داریم.

نقش سخنرانان انجیل

۳ [۱] اما، ای برادران، من نتوانسته‌ام به
شما همچون به افراد روحانی سخن
عبر ۵:۱۲-۱۴؛ ۱-پطر ۲:۲ گویم بلکه همچون به افراد جسمانی[w]،
همچون به کودکانی در مسیح. [۲] به شما شیر
نوشانیده‌ام، نه خوراک [معمولی]؛ زیرا
هنوز نمی‌توانستید[x] چنانکه اکنون هم
نمی‌توانید. [۳] چون که هنوز جسمانی
هستید. زیرا همین که در بین شما حسادت
و نزاع وجود دارد، آیا جسمانی نیستید و بر
طبق بشری[y] رفتار نمی‌کنید؟ [۴] زیرا وقتی
که کسی می‌گوید: من از آنِ پولس هستم،
دیگری: من از اپلس، آیا بشرَ نیستید[z]؟
[۵] پس اپلس کیست؟ و پولس کیست؟
خدمتگزارانی که بوسیله آنان ایمان
ار ۱:۱۰ آورده‌اید و بهر کدام برابر آنچه خداوند
عطا کرده است. [۶] من کاشته‌ام، اپلس
آبیاری کرده ولی خداست که رشد می‌داده
است. [۷] بدن گونه، نه آن که می‌کارد چیزی
است، نه آن که آبیاری می‌کند؛ بلکه خدا
که رشد می‌داده است. [۸] لکن آنکه می‌کارد
و آنکه آبیاری می‌کند یکی هستند[a]، و هر
کدام مزد خود را بر طبق زحمت خود
دریافت خواهد کرد. [۹] زیرا ما همکاران[b]

s- این متن دشوار است و گاهی ترجمه می‌کنند: ما بزبانی که حکمت بشری می‌آموزد سخن نمی‌گوییم بلکه بزبان روح و با کلماتی که روحانی هستند. ترجمهٔ دیگر: امور روحانی را به روحانی تلفیق می‌دهیم.
t- انسان نفسانی در برابر انسان روحانی یعنی کسی که بوسیله روح خدا هدایت می‌شود.
u- یعنی بوسیله کسی که روحانی نباشد. بنابراین قرنتیان نفسانی نبایستی پولس را قضاوت کنند (۱:۳). ولی در فصل ۱۴ پولس نشان خواهد داد برای مسیحیانی که از روح‌القدس الهام می‌گیرند مقرراتی وجود دارد. همچنین ر.ک ۱۲:۱۰، ۱-تسا ۵:۱۹-۲۲.
v- اش ۴۰:۱۳.
w- در مورد مفهوم کلمه جسمانی ر.ک روم ۱:۳ g. چنین بنظر می‌رسد که در اینجا کلمه جسمانی به معنی انسانی است که فقط به طبیعت خود رها شده است. (نفسانی) و در بند ۲:۱۴ ذکر شده است؛ و همچنین ر.ک۳:۳: آیاجسمانی نیستند و برطبق بشری رفتار نمی‌کنید؟
x- یعنی نمی‌توانستید تحمل کنید.
y- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: برطبق انسان.
z- ترجمهٔ تحت‌اللفظی. آیا انسان نیستند؟ ترجمهٔ دیگر: آیا کاملاً بروش انسانی رفتار نمی‌کنید؟
a- در اینجا بررسی و تفکر دربارهٔ وحدت وظایف کشیشان و جنبهٔ الهی آن آغاز می‌شود که در فصل ۱۲ ادامه خواهد یافت.
b- ترجمهٔ دیگر: در عمل خدا با هم کار می‌کنیم . شرکت خدا و انسان در این عمل مشترک بدون هیچ گونه ابهام در بندهای ۶-۷ تصریح شده است. ر.ک ۱-تسا ۳:۲؛ مر۱۶:۲۰؛ ۳-یو ۸. پولس دو تصویر کاشتن و بنا کردن را از نوشته های عهد عتیق

خدائیم، شما مزرعهٔ خدا، عمارت خدائید.
[10]بر طبق فیضی که خدا که به من عطا روم ۳:۱۲
کرده است، همچون معماری دانا پی‌ریزی
کرده‌ام، و دیگری بر روی آن ساخته است.
امّا هرکس، متوجه باشد که چگونه عمارت
می‌کند. [11]زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند پایهٔ
دیگری قرار دهد در کنار آن‌چه قرار داده
شده است که عیسی مسیح است. [12]اگر
کسی بر روی آن پایه با طلا، نقره، احجار
کریمه، چوب، علف، کاه[c] بسازند، [13]کار
هر کدام آشکار خواهد شد زیرا روز[d]
[داوری] آن را نشان خواهد داد، چون که
در آتش ظاهر خواهد شد[e] و خود آتش،
کار را خواهد سنجید که چگونه است.
[14]اگر کار کسی که بر روی پی‌ریزی ساخته
است باقی بماند، وی پاداشی دریافت
خواهد کرد. [15]اگر [نتیجه] کارش نابود
شده است خسارت آن را تحمل خواهد
کرد[f]، با این همه خودش نجات خواهد
یافت پس اما چنان که از آتش گذشته
باشد. [16]آیا نمی‌دانید که شما قدس خدا خروج ۱۷:۱۵؛ ۱ـ قرن ۱۹:۶؛ ۲ـ قرن ۱۶:۶؛ ۱ـ تسا ۸:۴
هستید و روح خدا در شما مسکن دارد[g]؟
[17]اگر کسی قدس خدا را نابود کند[h] خدا
او را نابود خواهد کرد؛ زیرا قدس خدا
مقدس است[i] که شما[j] هستید.
[18]نباید کسی خودش را بفریبد، اگر کسی
در بین شما هست که می‌پندارد در این ۱:۲۰-۲۵؛ ۲:۶؛ ۴:۱۰
زمانه حکیم است، دیوانه گردد تا حکیم
شود. [19]چون که حکمت این جهان به نزد
خدا دیوانگی است زیرا نوشته شده است:

گرفته است. مخصوصاً در کتاب ارمیا مأموریت پیامبر با تصاویر مذکور از ریشه کندن در برابر کاشتن و خراب کردن در برابر بنا کردن بیان شده است. ولی پولس هرگونه مأموریت انهدام و خرابی را نفی می‌نماید (ر.ک ۲-قرن ۸:۱۰؛ ۱۳:۱۰) اما نظیر کتاب ارمیا که عمل کاشتن و بنا کردن هم عمل و خدا و هم عمل پیامبر است (ر.ک ار ۱:۱۰)، پی‌ریزی قوم جدید خدا عمل خود خدا و عمل رسولان است که برای شرکت در این عمل آن فراخوانده شده‌اند.

c- این مواد به ترتیب مقاومت در برابر آتش ذکر شده و پولس با توجه به این نکته انتخاب و ذکر کرده است بدون اینکه مواد مذکور برای ساختمان بنا مناسب باشند. ضمناً نباید پرسید که پولس کدام یک از آنها را برای نشان دادن عمل اپلس آورده است وانگهی پولس نسبت به او اعتماد دارد (۱۲:۱۶).

d- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: روز ر.ک ۱:۸ i.

e- آتش نشانه و مظهر عامل پاک کننده‌ای است که معمولاً پیامبران ذکر کرده‌اند زیرا با سوزاندن و از بین بردن مواد زاید، عناصر قیمتی را تصفیه و پاک می‌نماید (اش ۱:۲۵؛ ار ۶:۲۹-۳۰؛ ملا ۳:۲-۳).

f- معمولاً اصطلاح های «پاداشی دریافت کردن در برابر خسارتی تحمل کردن» با اصطلاحهای «نجات یافتن در برابر نابود شدن» تطبیق می‌کنند. (مر ۸:۳۳ و متون مشابه). ولی در اینجا چنین نیست و داوری دربارهٔ اشخاص نبوده بلکه دربارهٔ اعمالشان است. بدین سبب پولس تصریح می‌کند که کارگر نجات خواهد یافت، حتی اگر جان بدر بردن او در آخرین لحظه باشد چنانکه از آتش سوزی نجات یافته و یا از میان شعله های آتش بگذرد.

g- پولس در تصویر کلیسا که ساختمان خدا است فراتر رفته و آن را قدس خدا می‌نامد. ضمناً کلمه «ساختمان» به مفهوم بنایی پایان یافته، کامل و قطعی است و سکونت خدا به صورت تودهٔ ابر با شکوهی نیست که مظهر حضور او باشد بلکه روح خدا است که در جمعیت سکونت گزده است و بدین طریق وعده‌های عهد و پیمان جدید تحقق می‌یابد (ر.ک حز ۳۶:۲۷).

h- پس از کسانی که با مصالحی بنا می‌کنند که باقی می‌ماند (بند۱۴) و آنانکه با مصالحی می‌سازند که در برابر آتش مقاومت نمی‌نماید (بند۱۵). اکنون سخن از کسانی است که بجای ساختن نابود می‌کنند. اینان عمل کفرآمیز و بی‌حرمتی کرده، کیفر خواهند یافت. ر.ک طرز بیان ادبی مشابهی که در مر ۸:۳۸ و متون مشابه انجیلها بکار برده شده است.

i- این عبارت متضّمن این معنی است که جمعیت مسیحیان اختصاص به خدا دارد و نذر شده به خدا است بنابراین هر صدمه‌ای که بر آن وارد شود اهانت و بی‌حرمتی به خدا تلقی می‌شود که مستوجب مرگ است.

j- ترجمهٔ دیگر: و شما مقدس هستید.

[خدا] حکیمان را با نیرنگ خودشان
می‌گیرد[k]. ۲۰و همچنین: خداوند
استدلالهای حکیمان را می‌شناسد که بیهوده
هستند[l]. ۲۱پس هیچ کس به انسان ها فخر
نکند. زیرا همهٔ چیزها از آن شما است.
۲۲چه پولس، چه اپلس، چه کیفا، چه جهان،
چه زندگانی چه مرگ، چه اکنون، چه
آینده، همه از آن شما است. ۲۳ولی شما از
آن مسیح و مسیح از آن خدا است[m].

روابط پولس با قرنتیان

۴ ۱پس باید ما را انسانی همچون
خدمتگزاران مسیح و ناظران اسرار
لو ۱۲:۴۲؛ ۱۶:۱-۸؛ تیط ۱:۷؛ افس ۳:۲ خدا بشمارند[n]. ۲باری، بالاخره آنچه از
ناظران خواسته می‌شود اینست که هر یک
[از آنان] را وفادار یابند. ۳اما برای من
کم اهمّیت دارد که به وسیلهٔ شما یا در روز
[جلسهٔ دادگاه] انسانی[o] داوری شوم، حتی
من دربارهٔ خودم داوری نمی‌کنم. ۴زیرا در
خودم هیچ [عیبی] نمی‌شناسم ولی از این
حیث تبرئه نشده‌ام؛ بلکه داوری کنندهٔ من
خداوند است. ۵پس پیش از وقت دربارهٔ
مت ۱:۷ چیزی داوری نکنید تا اینکه خداوند بیاید
که هم اسرار ظلمات را روشن خواهد کرد و
روم ۲:۱۶، ۲۹ هم تمایل‌های دلها را آشکار خواهد نمود. و
آنگاه هرکسی ستایش [خود] را از خدا
خواهد داشت.
۶اما ای برادران، [تمام] این چیزها را
به‌خاطر شما، در مورد خودم و اپلس
نسبت دادم[p] تا درباره ما یاد بگیرید[q]. نه
ماورای آنچه نوشته شده است، تا هیچ
یک تفاخر نکنید، برای یکی بر دیگری.

k- این کلمات از کتاب ایوب ۵:۱۳ به طور آزاد نقل شده است.

l- مز ۹۴:۱۱، ترجمهٔ یونانی.

m- بندهای۲۲-۲۳ را باید با توّجه به بند ۱:۱۲ درک کرد که تقریباً به همان‌گونه و با همان کلمات بیان می‌شود:
هریک از شما چنین می‌گوید: «من از آن پولس هستم، من از اپلس، من از کیفا» و رسول پاسخ می‌دهد: «نخیر! بر عکس، شما به این اشخاص تعلق ندارید بلکه ایشانَ خدمتگزار شما هستند. ایشان بمانند سایر مخلوقات آفرینش در خدمت شما هستند تا شما در خدمت بوده و بوسیله مسیح در خدمت خدا باشید».

n- دو عنوان: خدمتگزار مسیح و ناظر اسرار خدا که پولس ذکر می‌کند نامتجانس بوده و اختلاف دارند (کلمهٔ یونانی را که خدمتگزار ترجمه شده تنها موردی است که پولس بکار می‌برد و در انجیلها به معنی کارمندان طبقهٔ پائین آمده است).
به هرصورت بکار بردن این دو عنوان مختلف را می‌توان توجیه کرد زیرا در دوران توسعهٔ فرهنگ یونانی به خدمتگزارانی که اصلاً پایین بودند گاهی مسئولیت‌های مهمی محوّل می‌کردند. اصطلاح اسرار خدا را باید با اعماق خدا (۲:۱۰) و موهبت‌های اعطائی خدا (۲:۱۲) نزدیک و به یک معنی گرفت که به پولس الهام شده است و باید به دیگران بشناساند. این اصطلاح به دفعات در نوشته‌های قمران آمده است.

o- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: روز، پولس به استهزاء می‌گوید که یک دادگاه بشری گمان می‌کند مجاز است موضوعی را داوری کند که فقط در صلاحیت روز خداوند یعنی داوری نهایی است.

p- این نکته یک اصل کلی است که همگی خدمتگزارانی هستیم که به مسیح تعلق داریم (۳:۲۱) و هرآنچه داریم آن را دریافت کرده‌ایم (۴:۲). همچنین می‌توان این اصل را در مورد مأموریت رسالت ذکر کنیم (۳:۵-۱۶).

q- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: کلمهٔ نه در بالای آنچه نوشته شده. مشکل بتوان معنایی برای این عبارت تصور کرد. بعضی از مفسران فرضیه‌ای پذیرفته‌اند دایر بر اینکه یکی از رونویس کنندگان، در حاشیه دربارهٔ طرز مخصوص نوشتن، این عبارت را یادداشت کرده است: (کلمهٔ «نه» در بالای «به» نوشته شده) و سپس ممکن است رونویسی کنندهٔ نادانی این عبارت را در متن وارد کرده باشد. بعضی از مفسران دیگر تصور می‌کنند این عبارت ضرب‌المثلی است که با اوضاع و احوال تطبیق می‌کرده و برای پولس و خوانندگان نامهٔ او کاملاً روشن بوده است در صورتی که ما امروز مفهوم آن را نمی‌دانیم.

۷زیرا چه کسی تو را برتری می‌دهد؟ و چه
داری که دریافت نکرده‌ای؟ اما اگر نیز
دریافت کرده‌ای چرا می‌بالی چنان که
دریافت نکرده باشی؟ ۸هم‌اکنون سیر
مکا ۱۷:۳ شده‌اید! هم‌اکنون ثروتمند شده‌اید! و
بدون ما سلطنت می‌کنید[r]! کاش سلطنت
می‌کردید تا ما هم حداقل با شما سلطنت
می‌کردیم! ۹زیرا به نظر من، خدا ما رسولان
روم ۳۶:۸؛ ۱ـ قرن ۳۱:۱۵؛ ۲ـ قرن ۱۱:۴؛ عبر ۳۳:۱۰ را به پائین‌ترین مرتبه مانند محکومان به
مرگ نشان داده است چون که تماشائی[s]
جهان و فرشتگان و انسان‌ها شده‌ایم. ۱۰ما
به سبب مسیح دیوانه‌ایم، اما شما در مسیح
هوشیارید؛ ما ناتوانیم ولی شما قدرتمند،
شما شکوهمند ولی ما بی‌حرمت هستیم[t].
۲ـ قرن ۸:۴-۱۲؛ ۴:۶-۱۰؛ ۲۷-۲۳:۱۱ ۱۱تا بدین ساعت هم گرسنه‌ایم، هم
تشنه‌ایم، هم برهنه‌ایم، هم سیلی خورده‌ایم و
هم سرگردانیم، ۱۲و با دست‌های خود کار
کرده زحمت می‌کشیم؛ دشنام شنیده، دعای
خیر می‌کنیم؛ ۱۳جفا دیده، صبر می‌کنیم،
به ما افتراء می‌زنند، ما تسلی می‌دهیم. به
مانند زباله‌های[u] جهان شده‌ایم و تاکنون
مطرود همگان.

توجّه پدرانه پولس

۱۴برای شرمنده کردن شما نیست که
۲ـ قرن ۱۳:۶؛ ۱ـ تسا ۷:۲ اینها را می‌نویسم بلکه همچون به کودکان
محبوب خود پند می‌دهم، ۱۵زیرا اگر
ده‌هزار معلم[v] هم در مسیح داشته باشید اما
چندین پدر ندارید چون که شما را به وسیلهٔ
۱ـ تسا ۱۱:۲؛ فیل ۱۰ انجیل[w] در عیسی مسیح من آورده‌ام[ww].
۱۶پس شما را تشویق می‌کنم: از من تقلید
کنید[x]. ۱۷به همین سبب تیموتاؤس را به
۲ـ تیمو ۲:۱ نزد شما فرستاده‌ام که فرزند محبوب من و
وفادار در خداوند[y] است: او طریقه‌های
[رفتار] مرا در مسیح عیسی به شما
یادآوری خواهد کرد به همان گونه که
همه‌جا، در هر کلیسا [آنها را] آموزش
می‌دهم. ۱۸اما چون به نزد شما نمی‌آیم،
بعضی‌ها مغرور شده‌اند. ۱۹ولی اگر
خداوند بخواهد بزودی به نزد شما خواهم

r- یعنی شما مدعی هستید که خودتان، بدون ما، در ملکوت آسمانها مستقر شده، سلطنت می‌کنید.

s- این کلمه یادآور میدانهای بازی است که در آنجا در مقابل تماشاچیان محکومان را جلو حیوانات وحشی می‌انداختند.

t- این قسمت لحنی استهزاآمیز داشته و یادآوری موضوع‌های فصلهای ۱ و ۲ است: بدین معنی که عظمت‌های آدمیان در برابر خدا به هیچ است (قرنتیان) و آنچه در نظر خدا عظمت دارد (پولس) آدمیان تحقیر می‌کنند.

u- دو کلمه‌ای که در این مورد آمده همچنین افراد زبون و بینوائی را تعیین می‌کند که به هزینهٔ شهر نگهداری و تغذیه می‌شدند تا در هنگام فرا رسیدن بلیه‌های عمومی به عنوان کفارّه قربانی شوند.

v- کلمهٔ یونانی که در اینجا معلّم ترجمه شده است به معنی برده‌ای است که از کودک ارباب خود مراقبت می‌کرده و در بازگشت به خانه او را همراهی می‌نموده است. عبارتی که در اینجا آمده لحن استهزاء و تحقیر دارد. ر.ک غلا ۲۴:۳ f.

w- در اینجا کلمه انجیل با معنی دیگری که اندکی تفاوت دارد بکار برده شده است و گاهی در نامه‌های پولس مشاهده می‌شود. بدین معنی که انجیل غیر از پیام نوید و محتوای آن (ر.ک روم ۱:۱ d) در اینجا به معنی اعلام پیام است (ر.ک ۱-قرن ۱۲:۹؛ ۲-قرن ۱۸:۸؛ غلا ۷:۲؛ افس ۶:۳؛ فی ۵:۱؛ ۲۲:۲؛ ۳:۴، ۱۵؛ ۱-تسا ۳:۳؛ فیل ۱۳) که می‌توان در فارسی پیام انجیل را ابلاغ کردن ترجمه کرد.

ww- فعل یونانی که آورده‌ام ترجمه شده است به معنی فرزند آوردن، زادن و... است.

x- پولس از قرنتیان درخواست می‌کند از او تقلید کنند زیرا خودش از مسیح تقلید می‌نماید (۱:۱۱). بدین گونه قرنتیان از مسیح تقلید خواهند کرد (ر.ک ۱-تسا ۶:۱ j؛ فی ۵:۲).

y- در مورد مأموریت تیموتاؤس ر.ک اع ۲۱:۱۹-۲۲.

آمد و نه فقط سخنان آنان که مغرورند بلکه
قدرت ایشان را خواهم شناخت[z]. [۲۰] زیرا
مت ۷:۲۱ ملکوت خدا در سخن نیست بلکه در
قدرت است. [۲۱] چه می‌خواهید؟ آیا با یک
۲ـ قرن ۱۰:۲ چوبدست به نزد شما بیایم، یا با محبت و
غلا ۶:۱ با روح نرمخوئی؟

یك مورد فحشاء

۵ [۱] خلاصه، شنیده می‌شود در بین شما
[بقدری] زناکاری[a] هست که حتی
نزد امّت ها مانند این زناکاری وجود ندارد؛
تا به جائی که کسی زنِ پدرِ خود را[b] دارد! [۲] و
شما که مغرور هستید، وَ حتی بیشتر، عزا
نگرفته اید تا آنکه چنین عملی کرده از میان
شما برداشته شود[c]! [۳] زیرا من، که جسماً کول ۲:۵
غایب و روحاً حاضر بودم، هم اکنون چنان که
حاضر باشم کسی را که چنین عملی مرتکب
شده است داوری کرده ام. [۴] به نام خداوند
عیسی، شما و روح من با یکدیگر[d]، با
توانائی خداوند ما عیسی، [۵] چنین کسی،
برای نابودی جسم [تن] به شیطان سپرده
شود، تا اینکه روح او در روز خداوند نجات
یابد[e]. [۶] افتخار شما نیکو نیست. آیا
نمی دانید که اندکی خمیرمایه، همهٔ خمیر را
ور می‌آورد؟ [۷] خود را از خمیرمایهٔ کهنه
پاک کنید تا خمیری تازه شوید، چونکه
هم اکنون فطیر هستید[f]، زیرا [قربانی] عید
گذر ما، مسیح ذبح شده است، [۸] بنابراین،

z- ترجمهٔ دیگر: اعمال ایشان را خواهیم شناخت. منظور آن است که ملاحظه کند نیروی روح القدس در ایشان چه چیزهایی انجام می دهد (ر.ک ۲:۴؛ ۱-تسا ۵:۱) و بدواً بایستی اعمالی باشد که گواه بر گرایش ایشان است.

a- کلمهٔ یونانی که در اینجا زناکاری ترجمه شده است منحصراً به معنی زناکاری نبوده و مفهوم کلّی تری دارد و شامل کلیه اعمال فحشا و بی ترتیبی در امور جنسی است.

b- یعنی با زن پدر خودش ازدواج کرده است. این نوع وصلت برطبق شریعت یهود مجاز نبوده (لاو ۱۸:۸) و در قوانین حقوق رومیان نیزَ ممنوع بوده است. ولی بعضی از کاهنان یهود در مورد مشرکانی که به آئین یهود می گرویدند این نوع وصلت را اجازه می دادند و بدین سبب است که جمعیت مسیحیان قرنت در برابر این وضعیت عکس العملی نشان نداده بودند. به هرصورت نمونهٔ خوبی برای نشان دادن تجاوز از مقررات اخلاقی است و نشان می دهد که در قرنت در بین کسانی که خود را از «طبقهٔ منوّرالفکر» می پنداشتند چه گرایشهایی پیدا شده بود.

c- قرنتیان از مدت ها پیش بایستی مجرم را طرد می کردند و او را همچون مرده ای بشمار آورده، برایش ماتم می گرفتند چنانکه در مرگ برادری ماتم می گیرند.

d- ترجمهٔ دیگر: به نام خداوند عیسی و با قدرت او در طی یک گردهم‌آئی که روحاً در میان شما خواهم بود. پولس از مجمع جمعیت مسیحیان درخواست می کند (بند۴) رأیی را که صادر کرده است تصویب کنند (بند ۳) ولی این رأی به نام عیسی و به قدرت او صادر شده است (ر.ک مت ۱۸:۱۸).

e- به نظر پولس، مجرم به طرز غیرمستقیم به شیطان تسلیم شده است و کسی که از جمعیت مسیحیان طرد می شود از وسایل دفاعی که جمعیت برای مقابله با شیطان دارد محروم می گردد و بنابراین به قدرت او تسلیم می شود. ولی این کیفر جنبهٔ «معالجه ای» دارد زیرا رنج هایی که بر اثر عمل شیطان ایجاد می گردد فرد گناهکار را به توبه و گرایش و بالنتیجه به نجات در روز خداوند یعنی داوری نهائی می رساند.

f- ترجمهٔ تحت اللفظی: چون که شما بدون خمیرمایه هستید. در اینجا خمیرمایه به عنوان مظهر و نشانهٔ فساد گرفته شده است (ر.ک مت ۶:۱۶ و مشابه آن در انجیلهای دیگر؛ به معنی مخالف مت ۳۳:۱۳ و مشابه آن در انجیلهای دیگر) در صورتی که نان فطیر (بدون خمیرمایه) مظهر پاکی و درستکاری است (بند ۸). ضمناً در اینجا یک نمونهٔ دستور دادن آمرانه پولس مشاهده می شود: آنچه واقعاً هستید باشید، بر اثر همسان شدن با مسیح، زندگی خود را به همان گونه انجام دهید. ر.ک روم ۶:۱۱-۱۲؛ کول ۳:۳-۵.

عید[g] را برگزار کنیم، نه با خمیرمایهٔ کهنه،
نه با خمیرمایهٔ بدخواهی و شرارت بلکه با
فطیرهای پاکی و حقیقت.
۹ در نامه به شما نوشته ام[h] با زناکاران
روم ۱:۲۹-۳۱ معاشرت نکنید[i]. ۱۰ نه مطلقاً با زناکاران
این جهان یا با طمعکاران و آزمندان، یا
بت پرستان، زیرا در این صورت باید از
جهان خارج شوید. ۱۱ بلکه الآن به شما
نوشته ام حتی با آنکه خود را برادر می نامد[j]
اما زناکار است معاشرت نکنید یا با آنکه
طمعکار یا بت پرست یا فحّاش یا
دائم الخمر یا آزمند است و حتی با چنین
آدمی غذا نخورید. ۱۲ زیرا مرا چه کار
کول ۴:۵؛ ۱-تسا ۴:۱۲ است آنان را که در خارج هستند[k] داوری
کنم؟ آیا شما آنان را که در داخل هستند
داوری نمی کنید؟ ۱۳ ولی آنان را که در
خارج هستند خدا داوری خواهد کرد. شرور
را از میان خودتان بردارید[l].

۶

۱ هنگامی که یکی از شما اختلافی
با دیگری دارد، آیا جرأت می کند
به مقابل بیدادگران[m] و نه قدسیان به
داوری برود؟ ۲ یا اینکه نمی دانید که
دان ۷:۲۲ قدسیان[n] جهان را داوری خواهند کرد؟ و
اگر جهان به وسیله شما داوری می شود آیا
برای کوچکترین داوری ها ناشایست
هستید؟ ۳ آیا نمی دانید که ما فرشتگان[o] را
داوری خواهیم کرد؟ پس چقدر بیشتر امور
این زندگی را؟ ۴ سپس وقتی دربارهٔ امور
این زندگی داوری می کنید آیا کسانی را که
برای کلیسا ارزشی ندارند[p] [در مقام
داوری] می نشانید! ۵ برای شرمندگی شما

g- منظور عید گذر یهودیان است که به زودی فرا می رسد. از جملهٔ مراسم یهودیان در عید گذر اینست که نانهای تخمیر شده را که در خانه باقی مانده است جستجو کرده از بین می برند (ر.ک بند ۷)، برّه عید گذر را ذبح می کنند (ر.ک بند ۷) و به جای نان معمولی نان فطیر می خورند (بند ۸). این کارها تصاویری از واقعیت قاطع مسیح است که برّه حقیقی عید گذر می باشد، به وسیلهٔ او خمیرمایهٔ کهنه گناه به کلی نابود شده و زندگی با تقدس و پاکی که نشانهٔ آن نان فطیر است در عید گذر مقدور گردیده است.

h- نامه ای که قبلاً پولس به قرنتیان نوشته بود و از بین رفته است. ر.ک مقدمه.

i- همان کلمه ای است که در بند ۱:۵ آمده و در یادداشت a توضیح داده شده است.

j- یعنی یک نفر مسیحی ر.ک اع ۱۵:۱. در این اوقات عنوان مسیحی در بین یهودیان معمول بوده است و اعضای قوم خدا را به این نام می خواندند. ضمناً مسیحیان که فرزندان خدا شده اند برای عنوان «مسیحی» واقعیت و ژرفای بیشتری می دهد.

k- منظور غیرمسیحیان هستند. این اصطلاح هم در بین یهودیان معمول بوده است ر.ک مر ۴:۱۱ p.

l- تث ۱۷:۷.

m- ترجمهٔ تحت اللفظی: بی عدالت ها. یعنی آنان که به وسیله ایمان در عیسی مسیح برائت نیافته اند. ر.ک روم ۱:۸. در این قسمت (بندهای ۱-۱۱) پولس مخصوصاً قرنتیان را ملامت می کند که نمی توانند اختلافات بین خود را به طرز مسالمت آمیز فیصله دهند. استدلالی که بکار برده شده فقط به همین منظور است و نباید آن را به عنوان اصول مطلق بشمار آورد: ضمناً پولس اعتبار و منشأ الهی سازمانهای کشوری را می شناسد. (روم ۱۳:۱-۷).

n- یعنی اعضای جمعیت مسیحیان. ر.ک روم ۱:۷ m؛ ۱۵:۲۵ h.

o- منظور فرشتگان مغظوب خدا هستند.

p- این عبارت که پولس تحت تأثیر هیجان فکری خود بیان کرده است باید با توجه به فصل ۱۳ نامه به رومیان (روم ۱۳:۱-۷) خوانده شود و مخصوصاً بند ۷ آن فصل که تصریح می کند مسیحیان باید مزد و حقوق مقرر مقامات کشوری و قضائی را بپردازند. این عبارت را همچنین می توان ترجمه کرد: اگر شما مرافعه هائی از این قبیل دارید کسانی را به عنوان داور تعیین نمائید که به نظر کلیسا اهمیتی ندارند، یعنی کسانی که اهمیت کمتری در بین مسیحیان دارند. و برای داوری های کم اهمیت کافی خواهد بود (بند ۳).

می‌گویم. پس آیا در بین شما یک فرزانه[q]
نیست که بتواند [اختلاف] میان برادر خود
را داوری نماید؟ [۶]ولی برادری علیه برادری
به دادگاه می‌آید، آن هم در برابر
بی‌ایمانان؟ [۷]البته الآن روی‌هم‌رفته برای
شما شکست است که بین خودتان
مرافعه‌هائی داشته باشید. چرا بیشتر
بی‌عدالتی را تحمّل نمی‌کنید؟ چرا بیشتر مت ۵:۳۹-۴۲؛ ۱-تسا ۵:۱۵؛ ۱-پطر ۳:۹
محرومیت را نمی‌پذیرید؟ [۸]بلکه شما
بی‌عدالتی می‌کنید و محروم می‌سازید، آن
هم برادران را. [۹]یا اینکه نمی‌دانید که
بیدادگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد؟ ۱۵:۵۰
گمراه نشوید: نه بی‌عفّتان، نه بت‌پرستان، روم ۱:۲۹-۳۱؛ ۱۳:۱۳؛ غلا ۵:۱۹-۲۱
نه زناکاران، نه مخنّثان، نه لوّاطان، [۱۰]نه
دزدان، نه آزمندان، نه میخوارگان، نه
فحّاشان، نه اخاذی کنندگان وارث ملکوت
خدا نخواهند شد. [۱۱]و بعضی از شما چنین
بودید؛ اما شسته شده‌اید، اما مقدس
شده‌اید، اما به‌وسیله نام خداوند ما عیسی
مسیح و به روح خدای ما؛ برائت یافته‌اید.

همه‌چیز برای من مجاز است

[۱۲]همه‌چیز برای من مجاز است[r] اما ۱۰:۲۳
همه‌چیز مفید نیست[s]؛ همه‌چیز برای من مجاز
است اما من تحت تسلطِ هیچ‌چیز نخواهم بود. ۷:۲۳-۳۵
[۱۳]خوراک‌ها برای شکم و شکم برای
خوراک‌ها است و خدا هم این و هم آن را
نابود خواهد کرد. و تن برای بی عفّتی نیست
بلکه برای خداوند است و خداوند برای تن؛
[۱۴]و خدا که خداوند را برخیزانیده نیز ما را ۱۵:۱۵؛ روم ۸:۱۱؛ ۲-قرن ۴:۱۴
به‌وسیله قدرت خود برخواهد خیزاند[t]. [۱۵]آیا
نمی‌دانید که تن‌های شما اعضای مسیح
هستند؟ پس آیا اعضای مسیح را برمی‌آورم[u] روم ۱۲:۵
تا اعضای بی عفّتی بکنم؟ هرگز چنین مباد!
[۱۶]یا اینکه نمی‌دانید که پیوستن به یک بی
عفّت[با او] یک تن[جسم] است؟ زیرا گفته
شده است: دو جسم [تن]یکی خواهد بود[v].
[۱۷]اما پیوستن به خداوند [با او] یک روح
است[w]. [۱۸]از بی عفّتی بگریزید. هر گناهی
که احیاناً آدمی بکند خارج از تن[جسم]
است ولی آنکه بی عفّتی می‌کند علیه

q- پولس با اشاره به قرنتیان که مدعی عقل و حکمت بودند آنان را استهزاء می‌کند.

r- شکی نیست این عبارت از پولس است که قرنتیان آن را به معنی مفهوم دیگری می‌گرفتند.

s- این عبارت چکیده و خلاصه اصول اخلاقی است که پولس اظهار می‌نماید. به جای طرح مسئله آنچه مجاز و آنچه ممنوع است باید دانست چه چیزی موافق یا مخالف با زندگی جدید فرد مسیحی است که به وسیلهٔ روح القدس تغییر یافته است. ر.ک روم ۷-۸.

t- شکی نیست پولس با قرنتیان که بین احتیاجات غذایی و زندگی جنسی هیچ تفاوتی قائل نبودند مخالف است (بند ۱۳) و به ایشان چنین پاسخ داده و خطاب می‌کند: احتیاجات غذایی مربوط به دنیای کنونی بوده است و با آن نابود خواهند شد. درصورتی که زندگی جنسی جسم آدمی را درگیر می‌کند یعنی شخص تمام بدن خود را به دیگری ارائه می‌نماید (ر.ک ۱:۱۲ i). بدین‌گونه کسی که کاملاً با مسیح رستاخاسته موافق است باید زندگی جنسی او به طوری باشد که شایسته یکی از اعضای مسیح است (بند ۱۲).

u- فعل یونانی که در این مورد بکار رفته است به معنی برکندن، بلند کردن یا برداشتن است بنابراین بین اتحاد و وابستگی به مسیح با وابستگی و آمیزش جنسی غیرمشروع تناقض مطلق وجود دارد. برعکس برطبق این استدلال، اتحاد زناشویی مسیحیان باید با تعهد به اتحاد و وابستگی با مسیح باشد. ر.ک ۱-تسا ۴:۴ i.

v- ر.ک پید ۲:۲۴.

w- پیوستگی با یک فاحشه جنبهٔ جسمانی دارد و بدین سبب پولس می‌گوید: «[با او] یک تن است» در صورتی که پیوستن به مسیح، اتحاد روحی است و گفته است: «[با او] یک روح است».
لازم به یادآوری است در متن یونانی کلمه‌ای که در بندهای ۱۶-۱۸ تن ترجمه شده همان کلمه‌ای نیست که در عبارت سفر پیدایش نقل می‌شود (بند ۱۶ ب) و بدین سبب ترجمه شده است: «دو جسم یکی خواهد بود». بکار بردن این سه کلمه (تَن، جسم و روح) نشان می‌دهد که تأکید در مورد معنی و مفهوم این کلمات نیست بلکه تأکید دربارهٔ «یکی بودن با» می‌باشد.

تن[جسم] خود گناه می نماید[x]. ۱۹یا اینکه
۱۶:۳ نمی دانید که تن [جسم]شما، معبد
روح[القدس] در شما است و [آن را] از
۲۳:۷؛ ۱-پطر ۱:۱۸-۱۹ خدا دارید؟ و شما از آنِ خود نیستید. ۲۰زیرا
شما به قیمتی خریده شَده اید[y]، پس خدا را
در تن [جسم]خود شکوهمند سازید[yy].

پاسخ به سؤالهائی دربارهٔ ازدواج

۷ ۱اما دربارهٔ آنچه نوشته اید[z]، برای
انسان خوب است که از زن پرهیز
کند[a]. ۲ولی به سبب بی عفّتی ها، هر مرد
باید زن خود را داشته و هر شخصی
[زنی]شوهر خود را داشته باشد[b]. ۳شوهر
وظیفهٔ خود را نسبت به زنش انجام دهد، و
همچنین نیز زن نسبت به شوهر خود. ۴زن
اختیار بدن [جسم]خود را ندارد، بلکه شوهر
[دارد]. و همچنین نیز شوهر اختیار بدن
[جسم]خود را ندارد بلکه زن [دارد][c].
۵خود را از یکدیگر محروم نکنید، مگر به
هر حال برای مدت معینی، با همآهنگی
مشترک، تا با فراغت به نیایش بپردازید؛ و
دوباره همانطور با هم باشید تا شیطان شما
را به سبب عدم خویشتن داری وسوسه
نکند[d]. ۶اما این را که می گویم امتیازی

x- در اینجا هنر بکار بردن مفاهیم متناقض در برابر یکدیگر، به روش زبانهای سامی دیده می شود (ر.ک روم ۱۳:۹؛ مت ۳۱:۱۲): بدین معنی که اگر کسی به عیاشی و هرزگی بپردازد بر ضد بدن خود بیشتر گناه می کند تا آنکه گناه دیگری بکند. ناپاکی با سرنوشت جسم یک فرد مسیحی که عضو مسیح است مغایر و متناقض است.

y- ترجمه دیگر: کسی قیمت بازخرید شما را پرداخته است. ر.ک روم ۲۴:۳ x.

yy- در بعضی نسخه ها، عبارتی افزون دارد.

z- قرنتیان به پولس نامه نوشته اند تا نظر او را دربارهٔ بعضی نکات بپرسند. در این نامه نظریات پولس دربارهٔ ازدواج و بکارت (فصل ۷)، در مورد گوشت هائی که برای خدایان بت پرستان ذبح شده (فصل ۸ و بعدی)، در مورد پدیده های روحی (فصلهای ۱۲-۱۴)، و بالاخره دربارهٔ جمع آوری اعانه برای کلیسای اورشلیم (۱:۱۶-۱۲) ذکر شده است.

a- در آن تاریخ گرایش به «اصل تقدم روح» (یا گنوستیک و عرفان) که جنبهٔ جسمانی انسان را تحقیر می کرد موجب شده بود که دو نوع انحراف مختلف و متضاد به وجود آید: در یک سو توجه به زهد و ریاضت که هرگونه زندگی جنسی را طرد کرده، نمی پذیرفت (ر.ک تاریخ فرقهٔ کاتار که در قرن ۱۲ میلادی در جنوب فرانسه ایجاد گردید)، از سوی دیگر کشیده شدن به عیاشی و خوشگذرانی بی بند و بار که آن را به عنوان نشانهٔ کامل آزادی می پنداشتند. اگرچه بعضی از قرنتیان اصل «هرچیز برای من مجاز است» را پذیرفته بودند (۱۲:۶؛ ۲۳:۱۰)، برخی دیگر فکر می کردند: برای آدمی بهتر است که از زن پرهیز نماید. ولی این نظریه با اصل کلی که در پید ۱۸:۲ آمده مغایرت دارد زیرا می گوید: خوب نیست که آدمی تنها باشد. بدین ترتیب پولس این نکته را به استثنای موارد مردان مجرد و کسانی که زنشان مرده است با احتیاط تمام ذکر کرده است (بند ۸). لازم به یادآوری است پولس برای قرنتیان رساله ای دربارهٔ ازدواج و بکارت ننوشته است بلکه موارد مختلفی را که واقعاً وجود داشته است مطرح می نماید: اشخاصی که ازدواج کرده اند (بندهای ۲-۱۱)، و از جمله کسانی که همسرشان مسیحی نیست (بندهای ۱۲-۱۶)، کسانی که با جنس مخالف رابطه نیافته، بکر مانده اند (بندهای ۲۵-۳۵)، کسانی که نامزد شده اند (برابر تفسیری که از بندهای ۳۶-۳۸ بشود)، کسانی که همسرشان فوت کرده است (بندهای ۳۹-۴۰). در بندهای ۱۷-۲۴ که در مرکز این فصل است اصل کلی که حاکم بر راه حل های مختلف است بیان شده است: بدین معنی که هرکس در همان وضعیتی بماند که در موقع گرویدن به مسیحیت در آن وضع بوده است. ولی طرح این متن به هیچ وجه شدید و قاطع نیست: بلکه فکر و استدلال مرتباً از موضوع ازدواج به تجرّد اختیاری رفته و برمی گردد و به این ترتیب نشان داده شده است که ارزش این دو وضعیت را جدا از یکدیگر نمی توان درک کرد.

b- این اندرز به تمام کسانی خطاب شده است که موهبت مجرّد ماندن را درنیافته اند و پولس در اینجا فقط به کسانی که متأهل هستند توصیه می کند از نزدیکی با همسر خود پرهیز و خودداری نکنند.

c- در روابط زناشویی، از خودگذشتگی قانون کلی است و هیچ گونه خودخواهی روا نیست. در همین باره در افس ۲۵:۵ رفتار مسیح به عنوان نمونه به همسران پیشنهاد خواهد شد.

d- ترجمهٔ تحت اللفظی: از ترس اینکه شیطان شما را وسوسه نکند به دلیل عدم خویشتن داری شما.

است[e]، نه یک فرمان. ۷اما میل دارم که
همهٔ مردمان نیز به مانند خودم باشند؛ ولی
هرکس موهبت [مخصوص] خود را از خدا
دارد، حقیقتاً یکی چنین، و دیگری چنان[f].
۸اما به مجرّدان[g] و به بیوه‌زنان می‌گویم:
برای ایشان خوب است چنانچه مثل من نیز
بمانند. ۹ولی اگر نمی‌توانند خویشتن‌داری ۱-تیمو ۱۴:۵
کنند، ازدواج نمایند: زیرا بهتر است
ازدواج کنند تا اینکه بسوزند[gg]. ۱۰اما به
آنان که ازدواج کرده‌اند توصیه می‌کنم، نه
من بلکه خداوند[h]: زن از شوهر جدا نشود،
۱۱ولی نیز اگر جدا شده است، مجرد
بماند، یا اینکه با شوهر خود آشتی نماید و
شوهر زن خود را رها نکند. ۱۲و به دیگران
من می‌گویم و نه خداوند: اگر برادری زنی
بی‌ایمان دارد و آن زن راضی است با او
سکونت نماید، او را رها نکند؛ ۱۳و زن
اگر شوهری بی‌ایمان دارد که راضی به
سکونت با او است، شوهر را رها نکند.
۱۴زیرا شوهر بی‌ایمان به وسیلهٔ زن [خود]
مقدس شده[i]، و زن بی‌ایمان به وسیلهٔ
برادر[j] مقدس گردیده؛ پس وگرنه کودکان
شما ناپاک می‌بودند درصورتی که اکنون
مقدس هستند[k]. ۱۵ولی اگر فرد بی‌ایمان
جدا می‌شود، جدا شود[l]؛ در چنین وضعی
برادر یا خواهر مقید نیستند[ll]؛ و خدا روم ۱۹:۱۴
به خاطر صلح شما را خوانده است، ۱۶زیرا،
ای زن، تو چه می‌دانی که آیا شوهرت را
نجات خواهی داد؟ یا، ای شوهر، تو چه
می‌دانی آیا زنت را نجات خواهی داد؟

در صدد تغییر وضعیّت نباشید

۱۷از سوی دیگر، هرکدام همچنان که
خداوند سهم داده، هر کدام چنان که خدا
خوانده است بنابر این رفتار کند. و
بدین‌گونه در تمام کلیساها دستور می‌دهم.
۱۸اگر کسی که خوانده شده است مختون روم ۲:۲۵-۲۷؛ غلا ۵:۶؛ ۶:۱۵
بوده، خود را نامختون نشان ندهد[m]. اگر
کسی که خوانده شده، نامختون بوده است
خود را مختون ننماید. ۱۹ختان هیچ نیست

e- آنچه را پولس موافقت می‌کند لحظاتی از خویشتن‌داری در زندگی زناشویی است ولی آن را الزامی نمی‌نماید. به نظر مفسران دیگری آنچه را به عنوان امتیاز اجازه می‌دهد، خود ازدواج است.

f- به طوری که ملاحظه می‌شود پولس بکر ماندن را کَه موهبتی الهی است در مقابل ازدواج نمی‌آورد که وضعیتی عادی است؛ بلکه هر دو وضعیت عطیه‌های الهی و موهبت بشمار می‌آیند.

g- کلمهٔ یونانی را که در اینجا مجرّدان ترجمه می‌شود پولس برای تعیین کلیه کسانی آورده است که همسری ندارد: یعنی مجرّدان، بیوه‌شدگان، کسانی که از همسر خود جدا شده‌اند. ر.ک بندهای ۱۱-۳۴.

gg- یعنی در آتش اشتیاق بسوزند.

h- ر.ک مر ۱۰:۹-۱۲ و به همین نکته در انجیلهای دیگر.

i- منظور مقدس بودن اخلاقی نیست بلکه تعلق به جمعیت مسیحیان است که جمعیتی از مقدسان می‌باشد. زیرا شوهر و زن به وسیله ازدواج جسم واحدی شده‌اند (پید ۲:۲۴؛ ر.ک ۱-قرن ۶:۱۶) و همسر بنحوی از تقدس جمعیت بهره‌مند می‌شود.

j- به وسیلهٔ برادر، یعنی به وسیله فرد مسیحی که شوهر او شده است.

k- ر.ک یادداشت i بالا، بنابر علم مردم شناسی، در نظر ملّت‌های سامی، فرزندان با پدر و مادر خود یک موجود بشمار می‌آیند.

l- همین کلمهٔ جدا شدن در بند ۱۱ بکار برده شده و در آنجا پولس صریحاً ازدواج تازه‌ای را نفی می‌کند. اسپیک می‌نویسد: «پولس فقط حق جدا شدن را با کلمات روشن و به صراحت مجاز می‌شمارد».

ll- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: برده نیستند.

m- یعنی مختون بودن خود را پنهان نکند، همان عملی که در ۱-مک ۱:۱۵ ذکر شده است.

و نامختونی هیچ نیست؛ بلکه رعایت
فرمانهای خدا [به حساب می‌آید].
[۲۰] هرکس در همان حالی بماند که در آن
خوانده شده است. [۲۱] اگر برده [بودی]
خوانده شده‌ای، نباید برایت پروائی باشد.
افس ۶:۶؛ فیل ۱۶ اما حتی اگر بتوانی آزاد شوی [از وضع
بردگی خود] ترجیحاً بهره برگیر[n]. [۲۲] زیرا
بردهٔ خوانده شده در خداوند، آزاد شدهٔ
خداوند است؛ همچنین آزادهٔ خوانده شده،
۶:۲۰ بردهٔ مسیح است. [۲۳] شما به بهای خیلی
گران خریداری شده‌اید، بردهٔ انسان ها
۷:۱۷ نشوید[o]. [۲۴] ای برادران، هر کدام به همان
حالی که خوانده شده است در آن، پیش
خدا باقی بماند.

در مورد مجرّدان، نامزدان و بیوگان

[۲۵] اما دربارهٔ افراد بکر[p]، فرمانی از
خداوند ندارم، با این همه به عنوان کسی
که به وسیلهٔ رحمت خدا مورد اعتماد است
نظری می‌دهم. [۲۶] پس گمان می کنم، این
نیکوست به سبب پریشانی کنونی[q] برای
انسان خوب است که چنین باشد. [۲۷] اگر به
زنی پیوند داری در صدد جدائی مباش؛ اگر
به زنی پیوند نداری، زنی جستجو مکن.
[۲۸] با این همه اگر نیز ازدواج بکنی، گناه
نمی‌کنی؛ و اگر دوشیزه ازدواج کند، گناه
نمی‌کند. اما اینان در فشار خواهند بود[r]،
لیکن من شما را از آن برکنار می‌دارم.
[۲۹] اما ای برادران، این را به شما
می‌گویم: وقت تنگ است[s]؛ تا از این پس روم ۱۳:۱۱
نیز کسانی که زنی دارند مثل این باشد که
ندارد. [۳۰] و گریه کنندگان مثل اینکه
نمی‌گریند؛ و شادی کنندگان مثل اینکه
شادی نمی‌کنند؛ و خریداران مثل اینکه
ندارند. [۳۱] و آنان که از جهان بهره ۱-یو ۲:۱۵-۱۷
می‌گیرند، مثل اینکه بهره نمی‌گیرند. زیرا
چهرهٔ این جهان می‌گذرد[t]. [۳۲] اما می‌خواهم
بی‌دغدغه خاطر باشید. [مردی که] ازدواج
نکرده نگران امور خداوند است،

n- این عبارت را همچنین می توان تفسیر کرد: از موقعیت خودت استفاده کن تا خود را آزاد کنی. ولی با توجه به موضوع و ترتیب عبارات ترجمهٔ بالا پذیرفته شده است.

o- یعنی پیش‌داوریهای آدمیان را نپذیرید که می‌خواهند شما را از وضعیتی که به هنگام فراخواندن داشته‌اید منصرف کنند.

p- کلمهٔ یونانی که بکر ترجمه شده، به هر پسر یا دختر جوانی اطلاق می شود که هنوز ازدواج نکرده است و به طوری که از بندهای ۲۷ و ۲۸ برمی‌آید منظور از افراد بکر هم پسران و هم دختران جوان است.

q- شکی نیست منظور پولس پریشانی‌هایی است که بر اثر گرایش و وفاداری به مسیح در خانواده‌ها ایجاد می شد و در لو ۱۲:۵۱-۵۳ و موارد مشابه سایر انجیلها ذکر شده است. ضمناً کلمهٔ یونانی که در این بند آدمی ترجمه شده به معنی مرد یا زن نیست بلکه شامل کلیه افراد بشر می‌شود و بایستی به این مفهوم درک گردد.

r- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: اینان در جسم خود محنت خواهند داشت. ترجمهٔ دیگر: اما افراد متأهل آزمونهای دشواری را تحمّل خواهند کرد. کلمهٔ یونانی که در این بند در فشار ترجمه شده است معمولاً به معنی محنت، فلاکت، مضیقه... است ولی با توجه به موضوع عبارت این مفاهیم مناسب نیستند. در مورد موضوع این بند که به نظر پولس دارای اهمیت است ر.ک روم ۳:۵ c؛ ۱-تسا ۳:۳ d.

s- این جملهٔ بلیغ، اصطلاحی است که در فن کشتی‌رانی بکار می‌رود. ترجمهٔ تحت‌اللفظی: زمان بادبانهای خود را پیچیده است. ترجمهٔ بالا: وقت تنگ است به خوبی مفهوم آن را می‌رساند. به هرصورت هرچقدر مدّتی که به باز آمدن مسیح باقی مانده باشد با برخاستن مسیح از میان مردگان جهان آینده از هم‌اکنون حاضر است.

t- در بندهای ۲۹-۳۱ که شیوهٔ سخن پردازی بکار برده شده، پولس نه فقط توصیه می کند نسبت به حقایق زندگی دنیوی بی‌اعتنا باشند بلکه هوشیار بوده و مراقبت نمایند در این گرفتاریها غرق نشده، فرو نروند زیرا حقایق اساسی در جای دیگری است.

[که] چگونه خوشایند خداوند باشد. ۳۳و [برعکس] آنکه ازدواج کرده، نگران امور جهان است، [که] چگونه خوشایند زنش باشد. ۳۴و بدین سان بین دو امر مردّد است[u]. زنی که ازدواج نکرده و دوشیزه است نگران امور خداوند است تا در جسم و روح مقدس باشد[v]، اما آنکه ازدواج کرده نگران امور جهان است و چگونه خوشایند شوهر باشد. ۳۵اما این را برای نفع شما می‌گویم، نه اینکه دامی به روی شما بیندازم بلکه به منظور شایستگی و ملازمت خداوند، بدون تشویش[w].

۳۶با این همه اگر کسی تصوّر می‌کند که نسبت به دوشیزهٔ خود[x]، اگر از سنّ بلوغ می‌گذرد و باید چنین شود، به طرز مناسب رفتار نمی‌کند، آنچه می‌خواهد انجام دهد؛ گناهی نمی‌کند: ازدواج کنند. ۳۷اما آنکه در دل خود استوار است، اجباری ندارد بلکه در اراده، به اختیار خود تصمیم قلبی گرفته است [تا] دوشیزهٔ خود را نگاه دارد، خوب خواهد کرد. ۳۸لذا نیز آنکه دوشیزهٔ خود را به عقد ازدواج درآورد خوب می‌کند، و آنکه به عقد ازدواج درنمی‌آورد بهتر خواهد کرد.

روم ۷:۲

۳۹یک زن تا موقعی که شوهرش زنده است به او پیوند دارد؛ ولی اگر شوهر بمیرد، او آزاد است با هرکه می‌خواهد ازدواج نماید، ولی در خداوند[y]. ۴۰ولی به نظر من خوشبخت‌تر است اگر همان طور بماند؛ من هم فکر می‌کنم روح خدا را دارم. ۲ـ قرن ۷:۱۰

u- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: تقسیم شده است. در نسخه خطی دیگر: ... در پی آن است خوشایند زن خود باشد... و بین زنی که ازدواج کرده است و یک دوشیزه تفاوتی نیست. زنی که ازدواج نکرده در اندیشهٔ امور خداوند است.

v- منظور مقدس بودن اخلاقی نیست بلکه تمام وجود شخص، اعّم از جسم یا روح در خدمت خداوند باشد.

w- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: به منظور آنچه شایسته و به‌جا، بدون کش‌وواکش، به نزد خداوند، ضمناً با توجه به محتوای کلام و طرز بیان که به روش زبانهای سامی است کلمهٔ شایسته را بایستی به مفهوم صفت تفضیلی: شایسته‌تر درک نمود.

x- ترجمهٔ دیگر: نامزد خود. در درک و تفسیر بندهای ۳۶-۳۸ این فصل اشکالی وجود دارد زیرا کلمهٔ یونانی که دوشیزه ترجمه شده ممکن است به معنای مختلف دوشیزه، دختر، باکره، نامزد... گرفته شود. در بیشتر کلیساها طوری تفسیر می‌کنند که مربوط به پدری است و در درون وجدان خود فکر می‌کند آیا دختر خود را به شوهر بدهد یا خیر؟ در این صورت ترجمهٔ بندهای مذکور چنین خواهد بود: ۳۶- با این همه اگر کسی فکر می‌کند که در مورد دختر خود به طور شایسته رفتار نکرده، اگر دختر از سن بلوغ گذشته و وظیفهٔ او ایجاب می‌نماید، آنچه می‌خواهد انجام دهد، گناهی نمی‌کند: ازدواج کنند. ۳۷- ولی آنکه در دل خود تصمیم قاطع اتخاذ کرده، بدون هیچ بار و با داشتن ارادهٔ کامل، در اندرون دل خود تصمیم می‌گیرد دختر خود را نگاه دارد، این شخص خوب رفتار خواهد کرد. ۳۸- بدین سان آنکه دختر خود را شوهر می‌دهد خوب می‌کند، و آنکه شوهر نمی‌دهد بهتر رفتار خواهد کرد.

ضمناً لازم به یادآوری است بعضی از دختران باکره، عفاف و پاکدامنی خود را تحت حکایت مرد موثق و مطمئنی قرار داده و با او در یک‌جا زندگی می‌کردند که البته این وضع، نزدیکی و صمیمیت خطرناکی ایجاد می‌کرد. بدین سبب بعضی از مفسران تصور کرده‌اند بندهای ۳۶-۳۸ مربوط به این وضعیت است در صورتی که این رسم به قرون بعدی است و نوشته‌های کلیسا وجود آن را در قرون بعدی گواهی می‌کند. در تفسیر بندهای مذکور ساده‌تر آنست که فکر کنیم پولس پس از سخن گفتن دربارهٔ همسران و دربارهٔ کسانی که بکر هستند و پیش از آنکه به موضوع بیوگان بپردازد در اینجا دربارهٔ کسانی سخن می‌گوید که در هنگام گرایش به مسیحیت نامزد بوده‌اند؛ و چون نامزدی طبعاً وضعیتی موقتی است با اصلی که سه بار تکرار کرده (بندهای ۱۷، ۲۰ و ۲۴) و گفته است: فرد مسیحی باید در همان وضعی بماند که به هنگام خواندن خدا بوده است تطبیق نمی‌کند. بدین سبب راه حلّی را که رسول پیشنهاد می‌کند برطبق همان اصلی است که در بندهای ۸-۹ ذکر نموده است.

y- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: ولی فقط در خداوند. یعنی باید شوهری مسیحی بگیرد.

گوشت‌های قربانی شده برای بُتان

۸ ۱ اما در مورد قربانی های بُتان[z]،
[این را] می‌دانیم که همگی دانش
داریم. [اما] دانش مغرور می کند[a]
درصورتی که محبت تهذیب می نماید.
۲ اگر کسی می پندارد که چیزی می داند،
هنوز چنان که باید بداند نمی داند؛ ۳ اما
اگر کسی به خدا محبت دارد، به وسیلهٔ او
شناخته شده است. ۱۲:۱۳؛ غلا ۴:۹
۴ پس در مورد مصرف قربانی های بُتان،
می دانیم که بت در جهان به چیزی نیست و
خدایی جز یکی نیست. ۵ و زیرا با اینکه چه
در آسمان و چه بر روی زمین هستند که
خدایان خوانده می شوند، چنانکه خدایان
بسیار و خداوندان بسیاری هستند[b]. ۶ ولی
برای ما یک خدا هست، پدری که همه چیز
[از او می‌آید] و ما برای او [هستیم] و
یک خداوند، عیسی مسیح، که همه چیز و
ما، توسط او[c].
۷ اما همگی دانش ندارند. بعضی ها بنا
به عادت به بُت[d]، هنوز زیرا قربانی[e] را
می‌خورند و چون وجدانشان ضعیف است
آلوده گردیده است. ۸ اما خوراک ما را به عبر ۹:۱۳
خدا نزدیک نخواهد کرد[f]. و نه اگر نخوریم
چیزی کم داریم، و نه اگر بخوریم افزوده
می شویم[g]. ۹ اما مواظب باشید مبادا که این
حق شما به طوری وسیلهٔ لغزش ناتوانان
بشود. ۱۰ زیرا اگر کسی تو را که دانش
داری ببیند در معبد بُتان [بر سفره ای]
نشسته ای، آیا او که وجدان ناتوان دارد در
مورد خوردن قربانی های بُتان تهذیب
خواهد شد[h]؟ ۱۱ زیرا به سبب دانش تو

z- این گوشت اضافی بود که در مراسم پرستش بت‌پرستان بکار برده نشده و در بازار به فروش می‌رسید (۲۵:۱۰) یا اینکه در مؤسسات مربوط به معبد مصرف می‌شد (۱۰:۸). قرنتیان تردید داشتند آیا می توانند این گوشت‌ها را خریده و بخورند بدون اینکه در گناه بت‌پرستی شرکت کرده باشند. وقتی این سؤال را از پولس کرده بودند به طوری که در فصلهای ۱۴-۱۵ نامه به رومیان ذکر شده پاسخ می‌دهد: فرد مسیحی آزاد است ولی مروّت و نوع‌دوستی ایجاب می‌کند نظریات کسانی را که در امور مذهبی دقیق و موشکاف هستند رعایت کرده و آنان را دچار لغزش نکنند. لازم به یادآوری است پولس به تصمیمی که در کلیسای اورشلیم گرفته شده و در اع ۲۸:۱۵-۲۹ آمده است اشاره نمی نماید.

a- منظور دانشی است که در خدمت احسان و نوع‌دوستی نباشد وگرنه دانش موهبتی الهی بشمار می‌رود (۸:۱۲).

b- البته منظور خدایان و رب‌النوع‌ها و قهرمانان اساطیر مشرکان است و پولس در آنها واقعیت‌ها و اصول ارواح ناپاک و دیوان را می بیند (۱۰:۲۰-۲۱).

c- در متن یونانی این عبارات غالباً فعل حذف شده است ولی در ترجمه برای سهولت درک مطلب فعل اضافه شده است. جملهٔ دومی را می توان چنین درک کرد: و یک خداوند، عیسی مسیح که به وسیلهٔ او همه‌چیز به وجود می‌آید و به وسیلهٔ او ما [به سوی پدر] می‌رویم. در اینجا نظیر کول ۱:۱۵-۲۰ مسیح به طوری ارائه می شود که سابق بر خلقت جهان و آفرینندهٔ آن است.

d- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: به سبب عادت تاکنون به بت. در نسخهٔ دیگری: بعضی‌ها تاکنون با وجدان بُت (یعنی با اعتقاد به اینکه باز هم اکنون در بت‌پرستی شرکت نمایند).

e- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: می‌خورند به عنوان گوشت‌های قربانی شده.

f- ترجمهٔ دیگر: یک خوراک نیست که ما را در برابر خدا حاضر خواهد کرد (که البته مستتر است: در روز داوری).

g- ترجمهٔ دیگر: اگر از آن نخوریم چیزی کم نداریم و اگر از آن بخوریم چیزی بدست نمی‌آوریم.

h- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: آیا وجدان او، آنکه ناتوان است طوری ساخته نخواهد شد که گوشت‌های قربانی شده را بخورد؟ در اینجا و در بند بعدی در برابر رفتار کسانی که فکر می کنند وجدان ناتوانان را می سازند (تهذیب می کنند) سخنان پولس مسخره‌آمیز و نیشدار است زیرا این افراد وجدان ناتوانان را جریحه‌دار می سازند (بند ۱۲).

آنکه ناتوان است گمراه می شود، برادری
که مسیح به خاطر او مرده است! ۱۲ و این
چنین گناه کردن علیه برادران و جریحه دار
کردن وجدان آنها که ناتوان است [این]
علیه مسیح است که گناه می کنید.
۱۳ بدین سان اگر خوراکی برادرم [i] را دچار
روم ۱۴:۲۰-۲۱ لغزش کند تا ابد گوشت نخواهم خورد تا
اینکه برادرم را به لغزش نیندازم.

پولس از حقوق خود صرف نظر کرده است

۹ ۱ مگر من آزاد نیستم[j]؟ مگر رسول
۸:۱۵ نیستم؟ مگر عیسی، خداوندمان را
ندیده ام؟ آیا شما عمل من درخداوند
نیستید؟ ۲ اگر برای دیگران رسول نیستم،
لااقل برای شما هستم؛ زیرا مُهر[k] رسالت
من، شما در خداوند هستید. ۳ دفاع من در
برابر کسانی که مرا داوری می کنند این
است: ۴ آیا اجازهٔ خوردن و آشامیدن
۲_تسا ۹:۳ نداریم[l]؟ ۵ آیا حق نداریم یک خواهر[m]
[دینی] یک زن را به مانند رسولان دیگر و
برادران خداوند و کیفا به همراه ببریم؟ ۶ یا
اینکه، فقط من و بارنابه[n] حق نداریم کار
نکنیم؟ ۷ کیست، هرگز به هزینهٔ خود
خدمت نظامی کند؟ چه کسی تاکستانی
می کارد و میوهٔ آن را نمی خورد؟ یا اینکه
چه کسی گله ای را می چراند و از شیر آن
گله نمی خورد؟ ۸ آیا اینها را که می گویم
برطبق روش انسانی است؟ یا اینکه قانون
[تورات] اینها را نمی گوید؟ ۹ زیرا در
قانون موسی نوشته شده است: گاوی را که
خرمن می کوبد پوزه بند نخواهی زد[o]. آیا
خدا در اندیشهٔ گاوان است؟ ۱۰ یا اینکه
مطلقاً به خاطر ما سخن می گوید؟ زیرا
به خاطر ما نوشته شده است تا آنکه شخم
می زند با امید شخم بزند و خرمن کوب با
روم ۱۵:۲۷؛ فی ۴:۱۶-۱۷ امید به اینکه سهم خود را برگیرد. ۱۱ اگر
برای شما [نعمت های] روحی کاشته ایم،
آیا زیاده است از شما [نعمت های]
جسمانی درو کنیم؟ ۱۲ اگر دیگران در چنین
حقی بر شما شریکند، آیا ما بیشتر نداریم؟
ولی ما از آن حق استفاده نکرده ایم؛ بلکه
همه چیز را تحمل می کنیم تا مانعی در راه
انجیل مسیح نگذاریم.
تث ۱۸:۱-۳ ۱۳ آیا نمی دانید آنانکه در آداب نیایشی
معبد خدمت می کنند [از آنچه از معبد

i- با عمل کردن بر ضد وجدان خود که خوردن گوشت های قربانی شده را منع می نماید مرتکب گناه می شود.
j- پولس خود را به عنوان نمونه و سرمشق ارائه و دستور می دهد که طرز رفتار توانمندان نسبت به ناتوانان چگونه باشد. در مورد اعلام انجیل از حقوق خود صرف نظر کرده است: با اینکه نسبت به همه آزادم خود را بردهٔ همه کرده ام (۹:۱۹). امّا با ذکر این نکته به هیجان درآمده و مطلب به شکل انحراف از موضوع درآمده است (۹:۱-۲۳).
k- مُهر کردن معمولاً برای گواهی صحت و اعتبار مدرکی می باشد؛ چنانکه وجود جمعیت مسیحیان قرنت دالّ بر آنست که پولس وظیفهٔ رسالت خود را به خوبی انجام داده است.
l- در این جمله مستتر است: به هزینهٔ شما.
m- ترجمهٔ تحت اللفظی: یک زن خواهر. همچنین باید درک نمود: و از شما بخواهم وسایل زندگی او را فراهم کنید. بعضی فکر می کنند منظور همسران اشخاصی هستند که ذکر شده است؛ همچنین ممکن است زنان مسیحی باشند که فرستادگان مسیح را یاری می کردند، چنانکه برطبق لو ۸:۲-۳ زنانی به همراه عیسی بوده و به او کمک می کردند. در مورد مأموریت و فعالیت کیفا (یعنی پطرس) و همچنین برادران خداوند اطلاعات دقیق تری نداریم.
n- در مورد بارنابه ر.ک اع ۴:۳۶-۳۷؛ ۱۱:۲۵-۲۶؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۵:۳۶-۳۹.
o- تث ۲۵:۴.

است] تغذیه می‌نمایند، آنانکه به [امور]
قربانگاه می‌پردازند از قربانگاه سهم
می‌گیرند؟ [۱۴]بدین‌گونه خداوند هم به
اعلام کنندگان انجیل دستور داده است از
انجیل امرار معاش نمایند[p]. [۱۵]اما من از
هیچ یک از اینها استفاده نکرده‌ام، و اینها
را نمی‌نویسم تا در مورد من چنین باشد[q]؛
زیرا برای من ترجیحاً بهتر است بمیرم[r] تا ۲ـ قرن ۱۱:۱۰
اینکه... پس این سرفرازی مرا هیچ کس
بی‌ارزش نخواهد کرد. [۱۶]زیرا اگر نوید
می‌دهم، سرافرازی نیست؛ زیرا ضرورتی
است که بر من تحمیل شده است. زیرا،
وای! بر من است اگر نوید ندهم! [۱۷]زیرا
اگر به میل خودم این را انجام می‌دادم، افس ۳:۲
مزدی می‌داشتم، اما اگر برخلاف میل من
است، وظیفه‌ای[s] به من سپرده شده است.
[۱۸]پس مُزد من چیست؟ اینست که با نوید
دادن به رایگان[t] انجیل را ارائه کنم[tt].
[۱۹]زیرا با اینکه نسبت به همه آزادم، خود
را بردهٔ همه کرده‌ام، تا بسیاری را بدست
آورم. [۲۰]و برای یهودیان مثل یک یهودی
شده‌ام، تا یهودیان را بدست آورم؛ به
تابعانِ قانون مثل تابع قانون شده‌ام، با
اینکه خودم تابع قانون نیستم، تا تابعانِ
قانون را بدست آورم. [۲۱]با بی‌قانون[u] مثلِ
بی‌قانون شدم با اینکه بی‌قانون خدا نیستم روم ۱۴:۱؛ ۱:۱۵
بلکه تحت قانون مسیح هستم[v]، تا اینکه
بی‌قانونان را بدست آورم. [۲۲]با ناتوانان،
ناتوان شده‌ام تا ناتوانان را بدست آورم،
برای همگان خود را همه‌گونه کرده‌ام تا به
هرگونه تعدادی را نجات دهم. [۲۳]اما تمام
اینها را به‌خاطر انجیل کرده‌ام تا در آن
سهیم باشم.

انضباط ورزشکاران

[۲۴]آیا نمی‌دانید تمام آنان که در میدان
می‌دوند، حقیقتاً همگی می‌دوند اما یکی
جایزه را می‌برد[w]. پس شما هم بدوید تا
بدست آورید. [۲۵]و هر که تلاش می‌کند
[در ورزش] از همه‌چیز خودداری می‌کند؛

p- ر.ک لو ۷:۱۰. یکی از موارد نادری (با ۷:۱۰-۱۱ و ۱۱:۲۳-۲۵) که در آن پولس صریحاً به یکی از سخنان عیسی استناد می‌کند.
q- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: این را نمی‌نویسم تا در مورد من چنین باشد.
r- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: زیرا برای من بهتر خواهد بود که بمیرم از اینکه... عبارت قطع شده است.
s- کلمهٔ یونانی که وظیفه ترجمه شده است یادآور مشغلهٔ کسی است که می‌توان کارپرداز یا ناظر نامید (ر.ک ۱:۴). این شخص برده‌ای بود که در مقابل آنچه اجباراً انجام می‌داد فردی دریافت نمی‌کرد درصورتی که یک فرد آزاد می‌توانست کار را قبول کرده، یا نپذیرد و در برابر انجام کار پاداشی مطالبه نماید.
t- توجه کنید که عبارات متضّادی تعمّداً بکار رفته است: «مزد من چیست؟ اینکه مزدی نگیرم.»
tt- در سایر نسخه ها، عباراتی اضافه دارد.
u- منظور از بی‌قانونان مشرکانی هستند که هیچ‌گونه قانونی که خدا اظهار کرده است ندارند.
v- به معنایی که در ۱:۱۱ و غلا ۲:۲۰ آمده است.
w- کلماتی که در این قسمت از نامه (بندهای ۲۴-۲۷) بکار رفته اکثراً اصطلاحات ورزشی است؛ شاید بدین سبب که هر دو سال یک بار در فصل بهار مسابقه های ورزشی در ناحیهٔ برزخ قرنت انجام می‌گردید. این قسمت کاملاً مربوط به گوشت‌های قربانی شده برای بتان است. پولس می‌گوید به همان‌گونه که در مسابقه های ورزشی، دوندگان خود را از هرچیز محروم می‌کنند تا جایزهٔ مسابقه را ببرند، اشخاص توانمند هم باید با رحم و شفقت حقوق خود را فدا کنند تا اجر و پاداش آسمانی دریافت نمایند.

اما اینان برای آنکه تاجی فناپذیر دریافت
نمایند، اما ما برای یک [تاج] فناناپذیر.
یع ۱:۱۲؛ ۱-پطر ۵:۴ [۲۶]پس من بدین گونه می‌دوم، نه چون
بدون مقصد؛ بدینسان مُشت‌زنی می کنم،
نه چون [کسی که] به هوا مُشت بزند. [۲۷]اما
بدن خود را فرسوده می کنم[x] و آن را در
مهار نگه می‌دارم[y] مبادا پس از آنکه برای
دیگران اعلام کننده بودم[z] خودم برکنار
شوم.

نمونهٔ اسرائیل در صحرا

روم ۱:۱۳ **۱۰** [۱]زیرا ای برادران[a]، نمی‌خواهم که
شما بی‌خبر باشید: که پدران ما
همگی زیر [سایه] ابر بودند و همگی از
دریا عبور کردند، [۲]و همگی در ابر و در
دریا[b]، در موسی تعمید یافته اند[c]، [۳]و
همگی همان خوراک روحی را خورده اند
[۴]و همگی همان نوشابه روحی[d] را
آشامیده اند؛ زیرا از یک صخرهٔ روحی که
به همراه ایشان می‌آمد[e] می‌آشامیدند، و عبر ۳:۱۷؛ یهو ۵
اما این صخره مسیح بود. [۵]ولی از بیشتر
ایشان خدا خشنود نبود، زیرا در بیابان
انداخته شدند[f]. [۶]و این امور برای ما
نمونه ها شد[g] تا ما خواستار بدی‌ها
نباشیم چنانکه آنان خواستار بودند. [۷]و
نه به مانند بعضی از آنان بُت‌پرست ۱-یو ۵:۲۱
شوید چنانکه نوشته شده است: قوم برای
خوردن و برای آشامیدن نشست و برای
تفریح برخاستند[h]. [۸]بی عفتی نکنیم
چنانکه بعضی از ایشان بی عفتی کردند و

x- عبارتی که در اینجا بکار رفته اصطلاحی فنی در مسابقهٔ مشت‌زنی است. ترجمهٔ تحت‌اللفظی: من می‌زنم بدنم را زیر چشمان.

y- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: من اسیر می کشَم. همچنانکه در مسابقهٔ مشت‌زنی و کُشتی گرفتن کسی را که شکست خورده بود آنکه پیروز شده بود به روی زمین می کشید.

z- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: چنانکه مأمور اعلام، نتیجه بازیهای ورزشی را اعلام می کند.

a- توضیحات بندهای ۱-۳ مستقیماً مربوط به کلمهٔ «برکنار شوم» است که در پایان فصل قبلی آمده است زیرا خطر برکنار شدن وجود دارد و کافی است که تاریخ اسرائیل ملاحظه شود ولی پولس مخصوصاً می‌خواهد با مثالی از سِفر خروج به قدرتمندانی که در فصل ۸ ذکر شده است خطرهای تکبّر و پُرمدعایی را نشان دهد.

b- موسی تصویر مسیح است. ابر (خروج ۱۳:۲۱) و عبور از دریای احمر (خروج ۱۴:۲۲) تصاویر تعمید مسیحی هستند. بدین سبب اصطلاح تعمید یافتن در موسی از روی تعمید یافتن در مسیح گرته برداری شده است.

c- در نسخه های دیگری: خود را تعمید دادند. (برطبق رسوم یهودیان، فرد ایماندار شخصاً در آب فرو می رفت).

d- پس از تصاویر تعمید، در اینجا تصویر مائدهٔ آسمانی (خروج ۱۶:۴-۳۵) و آبی که از صخره فوران می کند (خروج ۱۷:۵-۶؛ اعد ۲۰:۷-۱۱) تصاویر آیین سپاسگزاری هستند. این خوراک و این نوشابه، روحی نامیده شده زیرا تصویرهای آیین سپاسگزاری بوده، مسیح بوسیله آنها به آدمیان وجود روحی خود را عطا می نماید. در این تصاویر، از هم‌اکنون آن کسی که اعلام می‌شود به نوعی وجود دارد: بدین سبب قبلاً صخره مسیح بود. پولس از خوانندگان دعوت می کند محتاط و فروتن باشند: زیرا عبریان بمانند ایشان از همین عطایا بطریق مجازی بهره‌مند شده اند: که عبارت از تعمید و آیین سپاسگزاری است با این همه طرد شده اند (ر.ک ۱۱:۳۲ l).

e- پولس از یکی از روایات کاهنان الهام گرفته است که برطبق آن صخرهٔ اعد ۲۰:۸ بدنبال اسرائیل می‌آمد.

f- اعد ۱۴:۱۶.

g- این قسمت متضمّن دو تصویر از نوع نوشته های عهد عتیق است. وقایعی که ذکر شده جنبه هایی از راز مسیحیت را نشان می‌دهند (بندهای ۱-۴)، از وسی دیگر رفتارهایی را به عنوان نمونه ارائه می نماید که نباید از آنها تقلید کرد و به عنوان هشدار ذکر گردیده است (بندهای ۶-۱۱).

h- خروج ۳۲:۶. ترجمهٔ تحت‌اللفظی: بازی کنند. ولی به طوری که برمی‌آید به مفهوم پرداختن به کارهای ناشایست است.

[فقط] در یک روز بیست سه هزار نفر به
مت۷:۴ و متون موازی خاک افتادند[i]. ۹ خداوند[j] را هم به آزمایش
نگذاریم چنانکه بعضی از آنان آزمایش
کردند و به وسیله مارها هلاک شدند[k].
۱۰ غرغر نکنید، چنانکه بعضی از ایشان
غرغر کردند و به وسیلهٔ نابود کننده[l] به
عبر۱۱-۸:۳ هلاکت رسیدند. ۱۱ و این امور نمونه بر
ایشان روی داد و به خاطر آموزش ما نوشته
۱-پطر۷:۴؛ ۱-یو۱۸:۲ شده اند که به پایان دورانها می رسیم.
۱۲ بدین سان آنکه خود را ایستاده
روم۲۰:۱۱؛ غلا۱:۶ می پندارد مراقب باشد به خاک نیفتد.
۱۳ آزمایشی بر شما نرسیده به جز آنکه
۹:۱؛ ۲-قرن ۱۸:۱؛ بشری است[m]. اما خدا وفادار است: اجازه
۱-تسا ۲۴:۵؛ نخواهد داد فراتر از آنچه می توانید به
۲-تسا ۳:۳؛ عبر ۲۳:۱۰ آزمایش درآئید، بلکه با آزمایش نیز
وسیله ای فراهم می کند که از آن بیرون
۲-پطر ۹:۲ آئید تا بتوانید تحمل کنید.

با دیوها همرائی مکنید

۱۴ بدین سبب ای محبوبان من، از
بُت پرستی بگریزید. ۱۵ [به شما] همچون
به خردمندان سخن می گویم؛ خودتان آنچه
را می گویم داوری کنید. ۱۶ جام تبرّکی را
روم ۵:۱۲؛ که برکت می دهیم[n] آیا همرائی به خون
افس ۲۳:۱؛ ۴:۴، ۲۵؛ ۳۰:۵ مسیح نیست؟ نانی را که تکّه می کنیم آیا
همرائی به جسم مسیح نیست؟ ۱۷ چون
لاو ۶:۷ [فقط] یک نان، [پس] ما یک جسم[p] در
تعداد زیادی هستیم[o]، زیرا همگی در
همین یک نان شرکت می کنیم[q].
۱۸ اسرائیل را برطبق جسم [تن] ملاحظه
کنید[r]. مگر آنان که قربانی را می خورند
مز ۳۷-۳۶:۱۰۶ در همرائی با قربانگاه نیستند؟ ۱۹ پس چه
می گویم؟ که گوشت قربانی شده چیزی
است؟ یا اینکه بُت چیزی است[s]؟ ۲۰ اما
آنچه را قربانی می کنند[t] برای دیوها و نه
برای خدا [قربانی می کنند]. باری،
۲-قرن ۱۶-۱۵:۶ نمی خواهم که شما با دیوان در همرائی
باشید. ۲۱ شما نمی توانید [هم] جام
خداوند را بیاشامید و [هم] جام دیوها را.
۱-تیمو ۴-۳:۴ شما نمی توانید [هم] در سفرهٔ خداوند

i- اشاره به اعد ۹:۲۵ که تعداد تلفات را ۲۴۰۰۰ ذکر کرده است.
j- در بعضی از نسخه های خطی: مسیح.
k- اعد ۶-۵:۲۱.
l- فرشتهٔ مرگ، فرشته ای است که مأمور اجرای کیفرهایی است که خدا مقرر می کند. نام فرشتهٔ مرگ در خروج ۲۳:۱۲ ذکر شده در مورد مرگ نخستین زاده های مصریان ولی در روایت اعد ۱۵-۶:۱۷ ذکر نگردیده است.
n- جام تبرّک را برکت دادن. ظاهراً تکرار بیهودهٔ کلمه ای است که در فنّ کلام حشو قبیح می نامند ولی در اینجا می توان توضیح داد: بدین معنی که جام تبرّک اصطلاح مخصوصی در آیین مذهبی یهودیان در هنگام صرف غذای عید گذر بوده است و برکت می دهیم از کلمات سپاسگزاری است که عیسی بیان کرده است. (ر.ک مر ۲۳:۱۴ و موارد مشابه در انجیلهای دیگر).
o- ترجمه تحت اللفظی: ما که تعداد زیادی هستیم.
p- ترجمهٔ دیگر: زیرا همگی یک نان هستیم، یک جسم. استدلالی که در بندهای بعدی می شود در صورتی مناسب و بجا است که اصطلاح یک جسم به مفهوم یک جسم واحد با مسیح درک گردد چنانکه در ۱۶:۶ و در ۱۷:۶ کلمه [با او] مستتر است.
q- در همرائی با جسم مسیح، مسیحیان در جسم واحد مسیح یکی هستند. لازم به یادآوری است در توضیح نظریات و افکار مذهبی پولس، ارتباط بین شام آخرین عیسی و وحدت کلیسا به طریق مختلفی تعبیر و درک می شود.
r- ترجمهٔ دیگر: پسران اسرائیل را ملاحظه کنید (ر.ک روم ۴:۹، برادران من، آنانکه از نظر جسم از نژاد منند) که غیر از اسرائیل خدا است (ر.ک غلا ۱۶:۶ d).
s- ترجمهٔ دیگر: یا اینکه گوشت قربانی شده یا بُت ارزشی دارند؟
t- ترجمهٔ تحت اللفظی: امّا ایشان قربانی می کنند... (در بعضی نسخه ها: امّا مشرکان قربانی می کنند...).

شرکت کنید و [هم] در سفرهٔ دیوها. [۲۲]یا
ملا ۱:۷، ۱۲ اینـکه می‌خـواهـیم رشک خـداونـد[u] را
برانگیزیم؟ آیا تواناتر از او هستیم؟

همه چیز برای شکوه خدا

۱۲:۶ [۲۳]«همه چیز مجاز است»[v] ولی همه چیز
روم ۱۹:۱۴ تـهذیب نمی‌کـنـد[vv]. [۲۴]هـیچ کس در پی
[سود] خودش نباشد، بلکه [در پی سود]
دیگری. [۲۵]هـر آنـچه در بـازار فـروختـه
می‌شود، بخورید بدون اینکه هیچ مسئله‌ای
به سبب وجدان داشته باشد؛ [۲۶]زیرا زمین
و محتوای آن از آنِ خداوند است[w]. [۲۷]اگر
کسی از بـین بی‌ایمـانـان شـمـا را دعـوت
می‌کـند و می‌خواهیـد [به آنجا] بـروید،
هرچه در آنجا دارند بخوریـد بـدون اینکه
هیچ مسئله‌ای از نظر وجدان باشد. [۲۸]ولی
روم ۱۴:۱۴-۱۵ اگر کسی به شما بگوید: «این را در قربانی
ذبح کرده‌اند»، به‌خاطر کسی که به شما
تــذکــر داده و [به ســبب] وجــدان از آن
روم ۱۴: ۳، ۷، ۱۳ نخـوریـد[ww]، [۲۹]امـا وجـدان که می‌گـویم
[وجدان] خودتان نیست بلکه آنِ دیگری
است؛ زیـــرا که به چه دلـــیل آزادی من
به وسیـلهٔ وجـدان دیـگـری داوری شـود؟
[۳۰]اگـر بـا سـپـاسـگـزاری سـهم خـود را
برمی‌گیرم، چرا برای آنچه من سپاسگزاری
می‌کـنم بـر من افتـرا زنـنـد[x]؟ [۳۱]پس اگـر
می‌خـوریـد یـا اینـکه می‌آشامیـد و هـرچه
می‌کنید، همه را برای شکوه خدا بکنید.
[۳۲]و برای یـهودیـان، و یـونـانـیـان و بـرای
کلیسای خدا موجب لغزش نباشید. [۳۳]به
مانند من نیز [باشید] که در همه مورد در
[پی] خوشایند [همگان هستم]، نه در پی
سود خود، بلکه [در پی سود] تعداد زیادی
فی ۱۷:۳؛ ۲ـ تسا ۷:۳، ۹ تا نجات یابند.

۱۱ [۱]پیروی کنندگان[y] من شوید چنان
که من هم از مسیح هستم.

مرد و زن در برابر خداوند

۲ـ تسا ۱۵:۲
[۲]و شـمـا را سـتـایش می‌کنم که در همه
افس ۱۵:۴ مورد به یاد من هستید و سنت‌ها را به طوری
افس ۲۳:۵ که به شما ابلاغ کرده‌ام حفظ می‌کنید. [۳]با
این همه می‌خواهم بدانید که: سرِ هر مرد
مـسیح است؛ و سـرِ زن، مـرد است؛ و سـرِ

u- در نوشته‌های عهد عتیق رشک عبارت از خشم خدا نسبت به افرادی از قوم خدا است که بتان را پرستش می‌کنند. (تث ۱۶:۳۲، ۲۱ و غیره.)
v- ر.ک ۱۲:۶ r، s.
vv- در سایر نسخه ها، ابتدای این آیه حاوی عبارتی بیشتر است.
w- مز ۱:۲۴.
ww- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون دارد.
x- بعضی از مفسران می‌پندارند که آخر بند ۲۹ و بند ۳۰ اعتراضی است که نسبت به پولس کرده بودند و به آن پاسخ نمی‌دهد؛ ولی بهتر است تصور نمود که بین دو عبارت بند ۲۹ نکته‌ای بدین شرح مستتر است: «بدین گونه با مروّت و احسان رفتار کنید و نه اینکه خود را تابع داوری کس دیگری نمایید زیرا به چه دلیل آزادی من...». مفسران دیگری چنین استنباط می‌کنند که پولس از قدرتمندان درخواست می‌نماید اجتناب کنند از اینکه مورد داوریهای نامساعد (بند ۲۹) و سرزنشهایی (بند ۳۰) از جانب ناتوانایان قرار گیرند.
y- ترجمهٔ دیگر: تقلید کنندگان... ر.ک ۱۶:۴ x.

مسیح خدا است. ۴هر مردی که با سرِ[z]
پوشیده دعا می‌کند یا پیامبری می‌نماید سر
خود را بی‌اعتبار می‌کند. ۵و هر زنی که با
سرِ برهنه دعا می‌کند یا پیامبری می‌نماید،
سرِ خود را بی‌اعتبار می‌کند؛ زیرا چنان
است که [سر] تراشیده باشد. ۶زیرا اگر
زنی نیز سرِ خود را نپوشانده پس سرِ خود را
هم بتراشد! با این همه اگر برای زنی
شرم‌آور است که موهای خود را کوتاه کرده
یا بتراشد، پس سرِ خود را بپوشاند! ۷اما
حقیقتاً مرد نباید سرِ خود را بپوشاند،
پید ۱:۲۷؛ ۵:۱ [زیرا] تصویر و شکوه خدا است؛ و زن
شکوه مرد است. ۸زیرا مرد از زن نیست،
پید ۲:۲۲-۲۴ بلکه زن از مرد است؛ ۹و همچنین مرد برای
زن آفریده نشده است بلکه زن برای مرد.
۱۰بدین سبب زن باید بر روی سر
اقتداری[a] داشته باشد، به‌خاطر فرشتگان[b].
۱۱بنابراین در خداوند[c] نه زنی بدون
مرد و نه مردی بدون زن. ۱۲زیرا به
همان‌گونه که زن از مرد می‌آید به
همان‌گونه نیز مرد به وسیله زن[cc]؛ و همگی
از خدا [هستند]. ۱۳خودتان داوری کنید،
آیا شایسته است زنی با سر برهنه به خدا
نیایش کند؟ ۱۴آیا خود طبیعت به شما
نمی‌آموزد که حقیقتاً مرد اگر گیسو بلند
باشد برایش شرم‌آور است؟ ۱۵ولی اگر
زنی گیسوی بلند دارد برایش شکوهی است
زیرا برای پوشش [به او] داده شده است.
۱۶اما اگر کسی خود را ستیزه جو
می‌شمارد، به هر باره نه ما چنین رسومی
داریم، نه کلیساهای خدا.

شام خداوند

۱۷و چون به توصیه می‌پردازم، شما را
ستایش نمی‌کنم از اینکه نه برای بهتر بلکه
برای بدتر [وضعی] گرد هم می‌آئید. ۱:۱۱-۱۲
۱۸زیرا بدواً وقتی در کلیسا به گردِ هم
می‌آئید، می‌شنوم در بین شما تفرقه‌هائی
هست و تا حدّی باور می‌کنم. ۱۹زیرا باید
هم در بین شما انشعاباتی هم باشد تا آنان
که نیز آزمایش خود را داده‌اند در بین شما
به‌خوبی دیده شوند[d]. ۲۰پس موقعی که در
یک محل به دور هم گرد می‌آئید برای
خوردن شام خداوند نیست. ۲۱زیرا هرکس

z- در تمام این قسمت (بندهای ۱-۱۶) پولس کلمهٔ یونانی را که هم معنی سر و هم معنی رئیس است به صورت جناس و به مفهوم دوپهلو بکار برده است. به هرصورت نظر پولس مبهم است و استدلالهایی که می‌کند بر مبنای رسوم و عادات دوران او است.

a- ترجمهٔ دیگر: باید بر روی سر خود یک نشانهٔ اقتدار بپوشد. کلمهٔ یونانی را که اقتدار ترجمه می‌شود، مدت‌ها به مفهوم اقتداری تفسیر می‌کردند که شوهر نسبت به زن خود اعمال می‌نماید. باری در نوشته‌های عهد جدید این کلمهٔ یونانی هرگز به معنی قدرت و تسلّطی نیامده است که کسی تحمّل نماید بلکه قدرتی است که کسی اعمال می‌کند (اکثراً در مورد شاگردان عیسی، قدرتی است که بوسیله خدا یا مسیح به ایشان تفویض می‌گردد). گرچه منظور واقعی و عملی اندرزهای پولس مبهم و نامعلوم است باید گفت که پولس از زنان قرنت دعوت می‌کند لباسی بپوشند که شایسته فعالیت آنان در جمعیت مسیحیان باشد (نیایش، پیامبری).

b- در تث ۱۵:۲۳، حضور خدا در میان اردوی اسرائیلیان ایجاب کرده است توصیه شود آراستگی و ادب رعایت گردد. در نوشته هایی که از قمران بدست آمده است مشاهده می‌شود برای حفظ احترام به مقام والای الوهیت بجای نام خدا، فرشتگان ذکر گردیده است. در اینجا هم شاید همین رویّه را بکار برده است.

c- ترجمهٔ دیگر: بنابراین در برابر خداوند...

cc- زن از مرد می‌آید (ر.ک پید ۲:۲۱، ۲۲)، به همان‌گونه مرد بوسیله زن زائیده می‌شود.

d- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: تا آنانکه آزمایش شده‌اند ظاهر شوند.

قبلاً شام خودش را می‌خورد[e] و حقیقتاً یکی
گرسنه است و دیگری سرمست[f]. ۲۲ زیرا
مگر خانه هائی برای خوردن و آشامیدن
ندارید؟ یا اینکه کلیسای خدا را تحقیر
می‌کنید و [می‌خواهید] آنان را که چیزی
ندارند شرمنده کنید؟ به شما چه بگویم؟ آیا
در این مورد شما را ستایش کنم؟ ستایش
نمی‌کنم.
۲۳ زیرا من آنچه را از خداوند دریافت
کردم[g] نیز آن را به شما ابلاغ کردم[h].
خداوند عیسی در شبی که تسلیم کرده شد
نان را برگرفت. ۲۴ و شکر کرده تکّه نمود
و گفت: این جسم من برای شما است[i].
این را به یاد من بکنید[j]. ۲۵ و همچنین
خروج ۸:۲۴؛ ار ۳۱:۳۱؛ زک ۹:۱۱؛ ۲ـ قرن ۶:۳ بعد از خوردن شام جام را [برگرفته]
گفت: این جام پیمان جدید در خون من
است. هربار که بنوشید به یاد من این
کار را بکنید. ۲۶ زیرا هربار که این نان
مت ۲۶:۲۹؛ مکا ۲۲:۲۰ را می‌خورید و جام را می‌آشامید مرگ
خداوند را اعلام می‌کنید تا اینکه بیاید.

۲۷ بدین سان کسی که نان را می‌خورد یا
جام خداوند را ناشایست می‌آشامد عبر ۶:۶؛ ۱۰:۲۹
نسبت به جسم و خون خداوند مجرم ۲ـ قرن ۱۳:۵
خواهد بود. ۲۸ اما انسان خود را آزمایش
کرده و سپس از این نان بخورد و از این
جام بیاشامد. ۲۹ زیرا آنکه می‌خورد و
می‌آشامد اگر جسم[k] را تشخیص نمی‌دهد
محکومیت خود را می‌خورد و می‌آشامد.
۳۰ بدین سبب در بین شما بسیاری بیمار
و علیل هستند و تعدادی زیاد مُرده‌اند. روم ۱۴:۲۲
۳۱ اگر ما خودمان را آزمایش کنیم داوری
نخواهیم شد. ۳۲ ما که به وسیله خداوند عبر ۱۲:۵-۸
داوری شده‌ایم، تعلیم یافته‌ایم تا با دنیا
محکوم نشویم[l]. ۳۳ بنابر این ای برادران،
وقتی که برای خوردن به گرد هم می‌آئید
منتظر یکدیگر باشید. ۳۴ اگر کسی
گرسنه است در خانه بخورد تا برای
محکومیت به گرد هم نیائید و امّا چیزهای
دیگر را هنگامی که بیایم ترتیب خواهم
داد.

e- شام خودش در مقابل شام خداوند بند ۲۰ آمده است.
f- بجای اینکه همگی گردهم آمده و آنچه دارند با هم صرف کنند گروههای جداگانه ای تشکیل می شود که بلاشک با طبقات اجتماعی تطبیق می نماید. به این ترتیب در مورد عدم تساوی افراد تأکید می شود درصورتی که مخصوصاً منظور این است که تفاوتها از بین برود.
g- یعنی سخنی را که دریافت کرده ام منشأ آن از خداوند است.
h- سخنی را که پولس دربارهٔ آخرین شام عیسی ذکر می کند خیلی نزدیک به لو ۲۲:۱۴-۲۰ است.
i- در نسخه های خطی دیگری: این جسم من، تکّه شده برای شما یا این جسم من، داده شده برای شما.
j- ر.ک لو ۲۲:۱۹ i.
k- پولس تصریح نمی کند در اینجا دربارهٔ کدام جسم سخن می گوید و چنین به نظر می رسد برای اینکه خوانندگان را به تفکّر و تعمق وادار کند آن را به طوری ذکر نموده است که هرکس به نوعی که بخواهد تعبیر نماید. شاید آن را به معنی کلّی کلمهٔ «جسم» یعنی «حقیقتی که سخن دربارهٔ آن است» آورده است. در بعضی از نسخه های خطی جسم خداوند نوشته شده که البته جنبهٔ تفسیر دارد.
l- کیفرهایی که در بند ۳۰ ذکر گردیده به این منظور است که موجب توبه و گرایش شوند. اگر فرد ایماندار پیش از آنکه نان و شراب سپاسگزاری را دریافت کند خودش را آزمایش می کرد (بند ۲۸) نیازی به ذکر این کیفرها نبود. کیفرهای الهی به طرز شدیدی وادار می کنند تا این آزمایش سودمند انجام گردد تا از این محکومیت مسلّم و قطعی احتراز گردد (بند ۳۲).

موهبت‌های روح‌القدس

۱۲ ۱دربارهٔ [موهبت‌های] روحی[m]،
ای برادران، نمی‌خواهم که شما
بی‌خبر باشید. ۲می‌دانید: در موقعی که
شما از امت ها بودید، چگونه به طرف بُتان
زبان بسته[n] بُرده می‌شدید. ۳بدین سبب به
شما اطلاع می‌دهم: هیچکس که بوسیله
روح خدا به سخن درآید نمی‌گوید: «لعنت روم ۹:۱۰؛ فی ۱۱:۲؛
بر عیسی»[o]، و هیچکس نمی‌تواند بگوید: اع ۳۶:۲
«خداوند عیسی» مگر به وسیله روم ۶:۱۲
روح‌القدس.
۴البته موهبت‌های مختلفی هست[p]، اما
روح[القدس] یکی است؛ ۵و خدمت‌های
مختلفی هست اما خداوند یکی است؛ ۶و
اعمال مختلفی هست و امّا همان خدا است
که همه‌چیز را در همه عمل می‌کند. ۷به
هرکس تظاهر [روح‌القدس] داده شده
است برای سود همگان. ۸زیرا حقیقتاً
به وسیله روح [القدس] به یکی سخنی[q] از
حکمت داده شده است؛ و به دیگری
برطبق همان روح [القدس] سخنی از
دانش[r]؛ ۹به دیگری به وسیلهٔ همان
روح [القدس] ایمان[s] [داده شده]؛ و به
دیگری به وسیلهٔ همان روح [القدس]
موهبت‌های شفا دادن؛ ۱۰و به دیگری
اجرای معجزه‌ها؛ و به دیگری نبوّت؛ به

m- در فصلهای ۱۲-۱۴ پولس به سؤالهایی پاسخ می‌دهد که مربوط به وجود پدیده‌های روحی در قرنتس است (ر.ک ۱:۱۴، ۳۷): بدین معنی که در اجتماعات مسیحیان بعضی از مردان و زنان قرنتس الهام یافته و به سخن گفتن می‌پرداختند تا خدا را ستایش کرده یا دیگران را به راه راست تشویق نمایند. این سخنان را یا به زبان شرکت کنندگان در جلسه ادا می‌کردند (پیامبری) و یا به زبانی نامفهوم، با هجاهایی بی‌سر و ته بیان می‌نمودند (که موهبت سخن گفتن به زبانهای دیگر می‌نامیدند). پولس پیش از آنکه جنبهٔ مثبت این پدیده را بپذیرد (فصل ۱۴) به ارزیابی هریک از پدیده‌ها پرداخته و می‌گوید آنچه برای جمعیت سودمندتر است موهبت‌های فیض الهی است (ر.ک بندهای ۴ و ۳۱)؛ ضمناً تعداد این موهبت‌ها خیلی بیشتر و متنوع‌تر از تظاهرات جالبی است که مورد علاقه قرنتیان است. بالاخره همهٔ این مظاهر فراوان زندگی که بوسیله روح‌القدس الهام می‌شود باید با محبت شکل گیرد زیرا محبت، در این تنوع، وحدت جمعیت را حفظ خواهد کرد (فصل ۱۲).

n- این عبارت از نظر قواعد دستور زبان مبهم و دشوار بوده به طوری که بعضی از مفسّران بر مبنای حدس و گمان در آن تصحیحاتی پیشنهاد کرده‌اند ولی مفهوم کلی آن روشن است: بدین معنی که ممکن است در دنیای بت‌پرستی شاید پدیده‌های مشابهی باشیم بنابراین هنگامی که الهام می‌شود باید تشخیص داده شود آیا روح‌القدس درکار است و یا نتیجه عمل نیروها و قدرتهای دیگری است. ضمناً برای این تشخیص وجود معیارهایی ضرورت دارد؛ در بند ۳ نخستین دلیل را بیان ایمان اعلام می‌نماید.

o- ترجمهٔ دیگر: بر عیسی لعنت باد! ر.ک ۲۲:۱۶ i.

p- ترجمهٔ دیگر: موهبت‌های فیض الهی مختلفی وجود دارد. پولس این موهبت‌ها را با انجام (خدمات) و روش‌های اجرا در یک ردیف قرار می‌دهد و مجموعهٔ این فعالیت‌های کلیسا را نه فقط به روح‌القدس نسبت می‌دهد بلکه به خداوند (عیسی) و خدای (پدر) منسوب می‌داند و از هم‌اکنون موضوع‌های مهم تمثیل بدن را که تنوع و وحدت است اعلام می‌نماید (ر.ک تناقض بین تنوع و یکی بودن).

q- ترجمهٔ دیگر: به یکی پیامی از حکمت داده شده است.

r- حکمت و دانش، صفات پایدار و دائمی نبوده بلکه موهبتی گذرا از جانب روح‌القدس می‌باشند. حکمت به طوری که در ۶:۲ ذکر گردیده به معنی شناخت عمیق مشیت خدا است و مشکل بتوان محتوای دانش را دقیقاً تعیین نمود. حروف اضافه مختلفی که در این مورد بکار برده شده (بوسیله روح‌القدس... برطبق... در...) نشان می‌دهد که به انحاء مختلف روح‌القدس به اعضای جمعیت موهبت‌هایی عطا می‌نماید ولی هیچ یک از این موهبت‌ها، خود روح‌القدس نیستند و تنها موهبتی که می‌توان آن را با روح‌القدس یکی دانست محبت است.

s- منظور ایمانی است که به حدّ فوق العاده باشد. ر.ک ۲:۱۳. ایمانی که کوهها را به حرکت درمی‌آورد.

دیگری تشخیص ارواح[t]، به دیگری انواع
زبانها، و به دیگری ترجمه زبانها. ۱۱ امّا
روم ۱۲:۳ همه اینها را همان یک روح [القدس]
عمل می کند و به هرکس جداگانه چنان که
می خواهد تقسیم می نماید،

تنوّع اعضاء و وحدت جسم

روم ۱۲:۴-۵ ۱۲ زیرا به همان گونه که بدن یکی است
و اعضای زیادی دارد، و تمام اعضای بدن
که بسیارند یک بدن[u] هستند؛ به
همین گونه مسیح[v] [است]. ۱۳ و در واقع ما
همگی در یک روح [القدس]، در یک بدن
غلا ۳:۲۸ تعمید یافته ایم، چه یهودیان، چه یونانیان،
چه بردگان، چه [مردان] آزاد و همگی از
یک روح [القدس][w] سیراب شده ایم. ۱۴ و
در واقع بدن فقط یک عضو نیست بلکه
بسیار[x] است. ۱۵ اگر [احیاناً] پا می گفت:
«چون من دست نیستم، از بدن نیستم» با
این همه آیا جزو بدن نیست[y]؟ ۱۶ و اگر
[احیاناً] گوش می گفت: «چون من چشم
نیستم، از بدن نیستم» با این همه آیا جزو
بدن نیست؟ ۱۷ اگر تمام بدن چشم باشد،
شنوائی کجا است؟ اگر همه شنوائی است،
بویائی کجا؟ ۱۸ ولی اکنون خدا هریک از
آن اعضا[z] را در بدن گذاشته به طوری که
خواسته است. ۱۹ و اگر همه فقط یک عضو
[بود] بدن کجا؟ ۲۰ بلکه اکنون اعضای
بسیاری هست و [فقط] یک بدن[a]. ۲۱ پس
چشم نمی تواند به دست بگوید: «به تو
نیازی ندارم» یا اینکه به نوبهٔ خود سر به
پاها بگوید: «به شما نیازی ندارم».
۲۲ بلکه بسیار بیشتر اعضای بدن که به نظر
می رسد ضعیف ترند[b]، ضروری هستند.
۲۳ و آنهائی را که در بدن پست تر
می پنداریم، شریف تر می شماریم و آنهائی
را که قبیح ترند آراستگی بیشتری دارند.
۲۴ و آنچه در ما آراسته است نیازی [به
اینها] ندارد امّا خدا بدن را طوری ترتیب

t- در اینجا هم فرد ایماندار باید استعداد و قابلیتی به درجهٔ عالی داشته باشد (۱۴:۲۹؛ ر.ک ۱-تسا ۵:۲۱).

u- پولس در اینجا موضوعی را مطرح می نماید که در دوران نفوذ تمدّن یونانی شناخته شده بود بدین معنی که معتقد بودند بدن انسان تصویری از پیکر اجتماع است و از اعضای مختلف و متفاوتی تشکیل گردیده که همه اعضا باید برای وصول به هدف مشترک وحدت داشته باشند (ر.ک نظریه «یکی در برابر همه» یا «یکی در برابر بسیار»). ولی پولس با توجه به تجربه مسیحیت خود و اجرای آیین سپاسگزاری «جسم مسیح» این تصویر را کاملاً تغییر می دهد.

v- یعنی او (مسیح) یکی است و اعضای متعددی دارد، نظیر بدن که قبلاً ذکر شده است.

w- این بند از نظر فحوای مطلب، جملهٔ معترضه ای بشمار می رود زیرا جزو روایت تمثیل نیست ولی از همین حال و پیشاپیش توضیحی از نظر خداشناسی دربر دارد و از تعمید و آیین سپاسگزاری یاد می کند. قسمت اول این بند به موازات مطالب ۱۰:۲ است که گفته شد: «همگی در موسی. در ابر و در دریا تعمید یافتند» و «آشامیدن نوشابه روحی» (۱۰:۴) اشاره ای به آیین سپاسگزاری بود.

x- نخستین قسمت تمثیلی که دربارهٔ بدن است (بندهای ۱۴-۲۰ الف) لزوم تنوع را تشریح می نماید.

y- در اینجا نظیر بند بعدی می توان درک کرد: با این همه آیا جزو بدن نیست؟

z- خدا که برطبق متن پید ۲:۷ بدن انسان را ساخته و شکل داده است.

a- در دومین قسمت تمثیل بدن (بندهای ۲۰ ب-۲۶) موضوع همکاری اعضای مختلف بدن تشریح می شود که هیچ یک از آنها بدون دیگری کاری نمی توانند انجام دهند بلکه شادی خود را در وحدت با یکدیگر می یابند.

b- منظور پولس در اینج مسلماً مسیحیانی هستند که در ۸:۷-۱۳ آنان را ناتوانایان خوانده و اصرار نموده است وجدان ایشان رعایت گردد.

داده که به آنچه پست‌تر است شأن بالاتری
داده شود. ۲۵تا در بدن تفرقه‌ای نباشد
بلکه اعضاء به یک اندازه در اندیشه
یکدیگر باشند. ۲۶و اگر [فقط] یک عضو
رنج می‌کشد همهٔ اعضا با آن رنج می‌برند، لو ۲۶:۲۴
همچنین اگر [فقط] یک عضو تجلیل شده
است[c] همه اعضا با آن شاد شوند. ۲۷باری
شما بدن مسیح هستید و به سهم [d] اعضا[ی روم ۵:۱۲؛ ۱ـ قرن ۱۷:۱۰
او]. ۲۸و آنان را که حقیقتاً خدا در کلیسا افس ۲۳:۱؛ ۴:۴، ۲۵؛ ۵:۳۰
مقرر داشته[e]، اول [به عنوان] رسولان، دوم
[به عنوان] انبیاء[f]، سوّم [به عنوان]
آموزگاران [مذهبی][g]... پس معجزه‌ها،
سپس موهبت‌های شفا دادن، کمک‌ها،
حکمرانان، انواع زبانها. ۲۹آیا همگی
رسول هستند؟ آیا همه نبی‌اند؟ آیا همه
آموزگارند؟ آیا همه معجزه‌ها [می‌کنند]؟
۳۰آیا همه موهبت‌های شفا دادن دارند؟ آیا
همه به زبانها سخن می‌گویند؟ آیا همه
ترجمه می‌کنند؟ ۳۱اما با جدّیت جویای
موهبت‌های بزرگتر باشید و من به شما باز
هم راه والاتری نشان می‌دهم.

محبت برادرانه

۱۳ ۱اگر به زبانهای انسان‌ها و
فرشتگان سخن بگویم،
امّا اگر محبت ندارم[h]،
چون مفرغی[hh] شده‌ام که صدا کند یا مز ۵:۱۵۰
سنجی که بانگ برآورد.
۲و اگر موهبت نبوّت داشته
و همه رازها و تمامی معرفت را بشناسم،
و اگر ایمان کامل دارم تا بدانجا که
کوهها را جابجا کنم[i]،
امّا اگر محبت ندارم
و هیچ نیستم.
۳اگر همه اموال خود را تقسیم کنم[j]،
و اگر بدن خود را به شعله‌های آتش
بسوزانم[k]،
اگر محبت ندارم

c- پولس در اینجا با بکار بردن افعال رنج بردن و شکوهمند شدن موضوع تمثیل را به کنار گذاشته است زیرا این افعال در جای دیگر مرگ و رستاخیز مسیح را بیان می‌کنند.
d- کلیسا بدن مسیح است زیرا هر فرد مسیحی عضوی از مسیح می‌باشد. عبارت: «هریک به سهم خود اعضای او هستید» را بایستی به مفهوم «اعضای مسیح هستید» درک نمود چنانکه «شما بدن مسیح هستید».
e- بندهای ۲۸-۳۰ نخستین قسمت تمثیل بدن را در مورد کلیسا بکار می‌برد. به همان‌گونه که خدا اعضایی در بدن قرار داده است (بند ۱۸) آدمیان را در کلیسا آماده کرده است و وظایفی را که آدمیان انجام می‌دهند نمی‌توان منحصر به یکی دانست زیرا نامعقول خواهد بود (بندهای ۲۹-۳۰).
f- ر.ک ۱:۱۴ r.
g- منظور کسانی هستند که مسئولیت آموزش مذهبی ایمانداران را برعهده دارند.
h- این فصل به صورت سرودی دربارهٔ محبت و دومین قسمت تمثیل بدن است که بحث دربارهٔ همکاری اعضای مختلف و وحدت آنها است. به نظر پولس محبت اجازه می‌دهد که اعضای کلیسا برای صلاح عمومی با یکدیگر همکاری نمایند. این سرود سه قسمت می‌شود: برتری محبت (بندهای ۱-۳)، اعمال محبت (بندهای ۴-۷)، همیشگی بودن محبت (بندهای ۸-۱۳). در تمام این فصل گرچه سخن دربارهٔ محبت برادرانه است و از محبت خدا مستقیماً ذکری نشده است ولی به طور ضمنی همواره وجود دارد، مخصوصاً در بند ۱۳ که محبت را در ارتباط با ایمان و امیدواری آورده است.
hh- ترجمهٔ دیگر: چون فلزی...
i- ر.ک مر ۲۳:۱۱.
j- ترجمه تحت‌اللفظی: اگر همه اموال خود را لقمه لقمه تقسیم کنم.
k- ترجمه تحت‌اللفظی: تا سوخته شوم. ولی در بعضی از نسخه‌های خطی که خیلی تأیید شده است و برخی از ناشران آن را ترجیح

هیچ بهره ای نمی برم.
۴ محبت شکیبا است[l]؛ محبت مهربان
است،
محبت حسادت ندارد، به خود نمی بالد،
باد نمی کند؛
۵ [رفتار] ناروا نمی کند، در پی سود خود
نیست،
برآشفته نمی شود، به بد نمی اندیشد[m]؛
۶ از بی عدالتی شاد نمی شود،
بلکه حقیقت موجب شادی اوست.
۷ همه چیز را تحمّل می کند[n]، همه چیز را
باور می کند، به همه چیز امیدوار است،
به همه چیز صبر می کند.
۸ محبت هرگز ساقط نمی شود.
چه آنکه نبوّت ها، از بین خواهند رفت.
آنچه زبانها است، پایان خواهند یافت.
آنچه معرفت است، از بین خواهد رفت.
۹ زیرا ما جزئی دانش داریم، و جزئی نبوّت
می کنیم.

روم ۱۳:۱۰
روم ۱۲:۹؛ ۲ـ قرن ۸:۱۳

۱۰ و چون کامل بیاید، جزء از بین خواهند
رفت.
۱۱ و هنگامی که کودک بودم، چون کودکی
سخن می گفتم،
چون کودکی می اندیشیدم، چون کودکی
استدلال می کردم؛
هنگامی که مردی شدم، چیزهای کودکی
را از بین بردم.
۱۲ زیرا اکنون از ورای آینه، به طور ابهام
می بینم[o]،
اما در آن وقت روبه رو [خواهیم دید]؛
اکنون جزئی می شناسم؛
امّا در آن وقت کاملاً خواهم شناخت
همان طور که نیز کاملاً شناخته خواهم
شد.
۱۳ و اکنون ایمان و امیدواری و محبت باقی
می مانند[p]
و بزرگترینِ این سه محبت است.

۳:۸؛ غلا ۴:۸-۹
کول ۱:۴-۵؛ ۱ـ تسا ۱:۳؛ ۵:۸

می دهند چنین آمده است: تا بدان مباهات کنم. در این صورت مفهوم عبارت چنین خواهد بود: حتی اگر خود را تسلیم می کردم (یعنی همچون برده ای فروخته می شدم تا ثمرهٔ فروش من به مستمندان داده شود) اگر برای آن است که بدان مباهات کنم، بدون محبت بهره ای نمی برم.

l- در اینجا محبت به صورت مجرد و اسم معنی ذکر نشده بلکه بوسیله یک سلسله افعال که آمده است نشان داده می شود که محبت واقعاً منشأ چه اعمالی می باشد.

m- ترجمهٔ دیگر: کینه به دل نمی گیرد.

n- ترجمه تحت اللفظی: همه چیز را می پوشاند.

o- به جای اینکه خدا را به طور غیرمستقیم و مبهم و از ورای آینه ای که همان مخلوقات هستند بشناسند در زندگی جاویدان او را مستقیماً (رو به رو) و به طور روشن خواهند شناخت. فلاسفه کهن برای اینکه از شناخت حقیقت سخن گویند تصاویر مشابهی بکار می بردند (ر.ک غار افلاطون). توضیح آنکه افلاطون در جلد چهارم کتاب جمهوریت وضع انسان را در برابر طبیعت چنین توصیف می کند: در داخل غاری آتش بزرگی افروخته شده و زندانیانی که به زنجیر هستند، پشت به آتش نشسته اند. در فاصله بین زندانیان و آتش کسانی عبور می کنند و چیزهایی را با خود حمل می نمایند و سایهٔ این افراد و اشیاء بر روی دیوار می افتد. زندانیان که هرگز غیر از این سایه ها چیزی ندیده اند آنها را به عنوان حقایق تصوّر می کنند ولی البته این دانش سطحی و ظاهری است. حال اگر یکی از زندانیان را از غار بیرون آورده، به روشنی درآورند مبهوت شده، یقین خواهد کرد آنچه را که قبلاً می دیده واقعی تر از چیزهایی است که به او نشان می دهند ولی کم کم عادت می کند و پس از اینکه بتواند اشیاء را تشخیص دهد خورشید را به عنوان مرکز و منشأ روشنی ها خواهد شناخت.

p- برخلاف حقایقی که از بین خواهد رفت (بندهای ۸-۱۰)، ایمان، امیدواری و محبت از هم اکنون ما را در حیطهٔ حقایقی وارد

نبوت کردن و به زبانها سخن گفتن

۱۴ [۱] محبت را جستجو کنید؛ و مشتاق
[موهبت‌های] روحانی[q] باشید، و
مخصوصاً که نبوّت نمایید[r]. [۲] زیرا آنکه به
زبان سخنانی می‌گوید به انسان ها سخن
نمی‌گوید، بلکه به خدا است؛ چون کسی
نمی‌فهمد: با اینکه روحاً از رازهایی سخن
می‌گوید[s]. [۳] اما آنکه نبوّت می‌کند، به
انسان ها از تهذیب و از تشویق و از تسلی
سخن می‌گوید. [۴] آنکه به زبان سخنانی
می‌گوید خود را تهذیب می‌کند، اما نبوّت
کننده کلیسا را تهذیب می‌نماید. [۵] البته
می‌خواهم که شما همگی به زبانها سخن اعد ۲۹:۱۱
بگویید، اما بیشتر اینکه نبوت نمایید؛
چونکه نبوت کننده برتر[ss] از آن است که
به زبانها سخن می‌گوید، مگر اینکه ترجمه
نماید تا کلیسا تهذیب یابد. [۶] اما اکنون،
ای برادران، اگر به نزد شما بیایم و به
زبانها سخن گویم، چگونه برایتان سودمند
خواهم بود، اگر به شما نه به مکاشفه یا به
دانش یا به نبوّت یا به آموزش سخن
بگویم؟ [۷] حتی چیزهای بی جان که صدایی
می‌دهند، چه نی لبک، چه چنگ: اگر در
صداها فرق نکند، چگونه دانسته خواهد
شد نی لبک یا چنگ [نواخته شده] است؟
[۸] و حقیقتاً اگر شیپور صدایی مبهم بدهد،
چه کسی برای نبرد آماده خواهد شد؟ [۹] پس
اگر شما هم به زبان سخنی نامفهوم بگویید،
چگونه آنچه می‌گویید درک خواهد شد؟
زیرا به هوا سخن خواهید گفت. [۱۰] اگر چه
بسیار انواع تکلم در جهان وجود دارد، حتی
هیچ یک بدون معنی نیست. [۱۱] پس اگر من
قدرت تکلم را ندانم، برای آنکه سخن
می‌گوید بیگانه[t] خواهم بود، و آنکه سخن
می‌گوید برای من بیگانه[است]. [۱۲] پس
شما هم: که مشتاق موهبت‌های روحی
هستید، در پی ان باشید که برای تهذیب
کلیسا به فزونی داشته باشید. [۱۳] بدین
سبب آنکه به زبان سخنانی می‌گوید، دعا
کند که بتواند ترجمه نماید. [۱۴] زیرا اگر به
زبان نیایش می‌کنم، روح من نیایش
می‌کند، امّا فراست من بی ثمر است[u].

می‌کنند که هرگز از بین نرفته، جاودانی می‌مانند. کسان دیگری چنین تفسیر می‌کنند: در زندگی فعلی (یعنی هم اکنون) ایمان، امیدواری و محبت حقایقی هستند که مآلاً به حساب می‌آیند.

q- ر.ک ۱:۱۲ m.

r- در نوشته های عهد جدید، نظیر عهد عتیق وقتی سخن از نبوّت است، منظور اصلی پیشگویی دربارهٔ حوادث آینده نیست (اع ۲۸:۱۱ w، x، y)؛ پیامبر، مرد یا زنی است (ر.ک ۱-قرن ۵:۱۱) که تحت تأثیر روح القدس بنام خدا سخن می‌گوید و در اوضاع کنونی راز نیست خدا را ابراز می‌نماید (۲:۱۳)، پیامبر تهذیب می‌کند، اندرز می‌دهد، تشویق می‌کند (بند ۳)، رازهای دلها را مکشوف می‌سازد (بند ۲۵).

s- ترجمه تحت‌اللفظی: وی رازهایی بوسیله روح می‌گوید. منظور روح آدمی است که مرکز تظاهرات موهبت زبانهای غیرفعال انتقال می‌باشد و در برابر آن، فراست تنها وسیله انتقال و ارتباط با دیگران است. ولی این روح بوسیله روح‌القدس به فعالیت درمی‌آید.

ss- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: بزرگ تر.

t- کلمهٔ یونانی که بیگانه ترجمه شده به کسانی اطلاق می‌گردید که زبان یونانی نمی‌دانستند.

u- ر.ک بند ۲ s. ترجمه تحت‌اللفظی: روح من دعا می‌کند، امّا فراست من بی ثمر است. در این بند برخلاف روم ۱۶:۸؛ غلا ۱۸:۶ و فی ۳۲:۴ فراست من در مقابل روح من آمده است، زیرا در روح کسی که به زبانها سخن می‌گوید روح القدس جای

[۱۵]پس چه باید کرد[uu]؟ با روح نیایش
افس ۵:۱۹ خواهم کرد، اما با فراست هم نیایش خواهم
کرد؛ سرودی با روح خواهم گفت، اما سرودی
هم بوسیلهٔ[v] فراست خواهم گفت. [۱۶]دیگر اگر
تو، روحاً [دعای] تبرّکی می گویی[w]، آنکه در
مقام یک ناوارد[x] جای دارد، چگونه به
۲ـ قرن ۱:۲۰ [دعای] سپاسگزاری تو «آمین» خواهد
گفت، چونکه نمی داند تو چه می گویی؟
[۱۷]البته، حقیقتاً [تو آئین] سپاسگزاری خوبی
می کنی، اما آن دیگری تهذیب نشده است.
[۱۸]خدا را سپاسگزارم که بیشتر از همهٔ شما به
زبانها سخن می گویم؛ [۱۹]اما در یک کلیسا
ترجیح می دهم پنج کلمه با فراست خود
بگویم[y]، تا دیگران را نیز آموزش دهم، تا
اینکه ده هزار کلمه به زبانی.
روم ۱۶:۱۹؛ افس ۴:۱۴؛ فی ۳:۱۵ [۲۰]ای برادران، در فهم [همچون] اطفال
نباشید؛ البته برای شیطنت چون کودکان
خُردسال[z] رفتار کنید، اما برای فهم
[مردان] کامل باشید. [۲۱]در قانون
[تورات] نوشته شده است: خداوند
می گوید: به وسیله کسانی که زبان دیگری
دارند و به وسیله لب های بیگانگان به این
قوم سخن خواهم گفت، و حتی بدین گونه
سخن مرا نخواهند شنید[a].
[۲۲]پس بدین سان، زبانها نشانه هایی
هستند نه برای ایمانداران بلکه برای
ناباوران؛ اما نبوّت برای ناباوران نیست،
بلکه برای ایمانداران. [۲۳]پس اگر تمام
اع ۲:۱۳ کلیسا جایی جمع شده و همگی به زبانها
سخنانی بگویند، و افراد ناوارد یا بی ایمان
وارد شوند، آیا نخواهند گفت که شما
دیوانه اید؟ [۲۴]اما اگر همه نبوت کنند و فرد
بی ایمان یا ناواردی داخل شود، همگی او را
مجاب کرده، همگی او را داوری خواهند
کرد. [۲۵]اسرار قلب او آشکار می شود، و
بدین سان، به روی دراُفتاده خدا را پرستش
خواهد کرد و اعلام خواهد نمود که حقیقتاً
۲-پطر ۱:۲۱ خدا در میان شما است[b].

گرفته است ولی آنچه را که روح القدس به روح او الهام می کند باید بوسیله فراست خود به صورت مفهوم و قابل انتقال درآورد. شکی نیست که پولس به همین منظور عمل «مترجمی» را یادآوری کرده است و برمی انگیزد.

uu- ترجمهٔ تحت اللفظی: پس، چه هست؟

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: بوسیلهٔ روح دعا خواهیم کرد، امّا بوسیله فراست هم دعا خواهیم کرد؛ بوسیله روح آواز خواهیم خواند، امّا بوسیله فراست هم آواز خواهیم خواند.

w- ترجمه تحت اللفظی: اگر در روح تبرّک می کنی.

x- ترجمه تحت اللفظی: آنکه جای ناوارد را پُر می کند (کلمه یونانی که ناوارد ترجمه شده از اصطلاحات فلسفی و مذهبی آن دوران بوده است) و منظور کسانی هستند که فقط به گوش دادن اکتفا کرده، کاملاً به عضویت در جمعیت درنیامده، هنوز به طور قطعی مسیح را انتخاب نکرده بودند (بندهای ۲۳-۲۴) و بدلیل بالاتر سخن گفتن به زبانها را نمی دانستند.

y- ترجمهٔ دیگر: پنج سخن خردمندانه بگویم.

z- اطفال هنوز نیروی قضاوت ندارند و نمی توانند عمل بد انجام دهند. پولس از مسیحیان دعوت می کند از کودکان تقلید نمایند. در مورد نکتهٔ دوم، نه در مورد اولی، ر.ک مر ۱۴:۱۰ و مطالب مشابه در انجیلهای دیگر.

a- اش ۲۸:۱۱-۱۲. این نقل قول با متن عبری و ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) تطبیق نمی کند. اوریژن که در قرن سوم میلادی می زیسته اظهار می کند این متن ترجمهٔ دیگر یونانی کتاب مقدس است که در زمان او وجود داشته است.

b- ارتباط بین نکته اساسی که در بند ۲۲ ذکر شده و نتیجه گیری آن را در بندهای ۲۳-۲۵ به دشواری می توان درک کرد و چنین می نماید که نتیجه گیری با اصلی که اظهار شده است مغایرت دارد. درحقیقت سخن گفتن به زبانها نشانه ای برای ناباوران سخت گیر و متعصّب است (بندهای ۲۲-۲۳) که ایشان را در بی ایمانی خود سختگیرتر می کند (بند ۲۱: خداوند می گوید سخن مرا نخواهند شنید؛ بند ۲۳: آیا نخواهند گفت که شما دیوانه اید؟)؛ درصورتی که پیامبری نشانه ای برای آنان است که

ترتیب نیایش و نظم در کلیسا

۲۶ پس، ای برادران، چه باید کرد[bb]؟
هنگامی که به دور هم گرد می‌آیید، هرکدام
سرودی دارد، اموزشی دارد، مکاشفه‌ای
دارد، سخنی دارد، تفسیری دارد؛ همه روم ۱۴:۱۹؛ افس ۴:۱۲
به منظور تهذیب باشد. ۲۷ اگر کسی به
زبانی سخن می‌گوید، دو نفر یا حداکثر سه
نفر، و به نوبت باشد؛ و کسی ترجمه
نماید. ۲۸ اما اگر مترجمی نیست، در کلیسا
ساکت بمانند؛ و هرکس به خود یا به خدا
سخن بگوید. ۲۹ در مورد انبیاء، دو یا سه
نفر از ایشان سخن بگویند، و دیگران
داوری کنند[c]. ۳۰ و اگر به کس دیگری که
نشسته است مکاشفه‌ای برسد، [نفر] اولی
ساکت شود[d]. ۳۱ شما، همگی می‌توانید،
یکی پس از دیگری نبوّت کنید، تا همه
آموزش یافته و همه تشویق شده باشند.
۳۲ و ارواح انبیاء تابع انبیائند[e]. ۳۳ زیرا
خدا، [خدای] بی‌نظمی نیست، بلکه
[خدای] صلح است.
به مانند تمام کلیساهای مقدسان[f]،
۳۴ زنان در کلیساها ساکت بمانند، زیرا به
ایشان اجازه داده نشده است سخن بگویند؛
بلکه باید فرمانبردار باشند، چنانکه قانون
[تورات] هم [این را] می‌گوید[g]. ۳۵ اما اگر
می‌خواهند چیزی یاد بگیرند، در خانه از
شوهرخودشان بپرسند؛ زیرا برای یک زن
شرم‌آور است که در کلیسا سخن بگوید[h].
۳۶ آیا سخن خدا از [نزد] شما بیرون آمده
۱-یو ۴:۶ است؟ یا اینکه تنها به شما رسیده است[i]؟
۳۷ اگر کسی می‌پندارد که نبی است یا
روحانی است، [باید] چیزهایی را که به
مت ۲۱:۱۶ و متون موارزی لو ۲۴:۳۴؛ شما می‌نویسم به عنوان فرمان خداوند
بپذیرید[j]. ۳۸ اما اگر کسی نمی‌پذیرد،

به ایمان دست یافته و از وضعیت بی‌ایمانی (بند ۲۴) به وضع ایماندارانی می‌رسند (بند ۲۲) زیرا به ایشان دلیلی برای باور کردن ارائه می‌شود (بند ۲۴). کلمه یونانی که در بند ۲۲ ناباور ترجمه شده در مورد کسی است که در بی‌ایمانی خود سختگیر و خیره سر است؛ ولی همین کلمهٔ یونانی که در بندهای ۲۳-۲۴ آمده است بی‌ایمان ترجمه شده و به مفهوم کسی است که هنوز ایماندار نشده است.

bb- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: پس، ای برادران، چه هست؟

c- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: و دیگران تشخیص دهند. ر.ک ۱۲:۱۰ t.

d- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: اگر مکشوف شده (چیزی) به کس دیگری که نشسته است، اولی ساکت شود.

e- ترجمهٔ دیگر: پیامبر بر روح پیامبری که او را می‌انگیزد حکمفرما است. این نشانه‌ای است که به وسیلهٔ آن می‌توان پیامبر واقعی را از هذیان‌گویی پیامبران دروغی تشخیص داد، که در آنها استدلال بکار برده نمی‌شود.

f- ر.ک روم ۱:۷؛ ۱۵:۲۵؛ ۱-قرن ۶:۱.

g- بعضی از مفسّران تصوّر می‌کنند اشاره به پید ۳:۱۶ است.

h- در بعضی از نسخه‌های خطی بندهای ۳۳ ب-۳۵ پس از بند ۴۰ قرار دارند. بدین سبب بعضی از مفسّران تصوّر می‌کنند نکته‌ای است که احتمالاً جای آن تغییر داده شده است زیرا در اینجا موضوع بحث دربارهٔ پیامبران را قطع می‌کند (بندهای ۲۹-۳۳ الف... ۳۷-۴۰)؛ وانگهی این بندها با مطالب ۱۱:۵ مغایرت دارند و چنین به نظر می‌رسد که این فصل‌ها خارج از موضوع هستند و اصولاً نقش زنان در کلیسا مطرح نشده است. مضافاً بر اینکه پولس عادت ندارد در مورد ترتیب و انضباط در کلیسا به قانون تورات اشاره نماید. ممکن است وقتی نامه‌های پولس را به صورت مجموعه گردآوری می‌کردند، این نکته جزو آنها وارد شده و شاید تحت تأثیر ۱-تیمو ۳:۱۱-۱۲ بوده است.

i- ترجمهٔ دیگر: آیا منشأ سخن خدا از نزد شما است؟ و تنها شما آن را یافته‌اید؟ پولس با این سخنان به مخاطبان خود یادآوری کرده و می‌فهماند: اگر عبارت بیشتری دارند در این صورت نظر خود را به کلیساهای دیگر تحمیل نمایند.

j- ر.ک ۷:۱۰، ۱۲ که در آنها پولس نظریات خود را از فرمانهای خداوند متمایز کرده است. در اینجا پولس متوجه است که به نام خداوند سخن می‌گوید. ر.ک لو ۱۰:۱۶.

خودش پذیرفته نمی شود[k].
۱ـ تسا ۵:۲۰ ۳۹پس ای برادران، مشتاق نبوت کردن
باشید، و مانع از سخن گفتن به زبانها
نشوید. ۴۰اما همه با شایستگی و با ترتیب
بگذرد.

رستاخیز مسیح

غلا ۱:۱۱ **۱۵** ۱ای برادران، به شما اعلام می کنم
انجیلی را که به شما نوید داده ام و
دریافت کرده اید و در آن پابرجا هستید.
۲که به وسیلهٔ آن نیز نجات یافته اید، اگر با
کلماتی که به شما نوید داده ام حفظ نمایید؛
وگرنه بیهوده ایمان آورده اید[l]. ۳زیرا
نخست آنچه را نیز دریافت کرده بودم به
شما سپردم[m]: که مسیح برطبق نوشته ها[ی
مقدس[n]] به خاطر گناهان ما[o] مرده است،
یو ۱۵:۲۱ ۴و اینکه دفن شده و اینکه در روز سوم
برطبق نوشته ها[ی مقدس][oo] برخاسته
لو ۲۴:۳۶؛ یو ۲۰:۱۹، ۲۶؛ یو ۲۱:۱، ۱۲ است، ۵و اینکه به کیفا و سپس بر دوازده
نفر ظاهر شده است.
۶سپس به بیش از پانصد نفر از برادران
در یک موقع ظاهر شده که بیشتر آنان تا
حالا باقی هستند[p] اما تعدادی مرده اند[q]،
اع ۹:۳-۷ ۷سپس بر یعقوب ظاهر شده، سپس بر تمام
افس ۳:۸ رسولان[r]؛ ۸و آخر همه، چون بر طفل سقط
اع ۸:۳؛ غلا ۱:۱۳؛ فی ۳:۶؛ ۱ـ تیمو ۱:۱۳ غلا ۱:۱۵ شده ای[s] بر من ظاهر گردیده است. ۹زیرا
من کمترین رسولان هستم؛ که شایسته نیستم
۲ـ قرن ۱۱:۵ رسول نامیده شوم، چون که کلیسای خدا را
شکنجه کرده ام. ۱۰اما به فیض خدا، هستم
آنکه هستم و فیض او به من بیهوده نبوده
است: بلکه بیش از همهٔ ایشان زحمت
کشیده ام، البته نه من، بلکه فیض خدا که

k- ترجمه دیگر: اگر کسی آن را درک نمی کند بدین سبب است که خدا او را نمی شناسد. در بعضی از نسخه های خطی فعل به صورت امر می باشد: اگر کسی نمی خواهد بپذیرد، آن را نپذیرد.

l- در این فصل با اشتباه آنانکه منکر رستاخیز مردگان هستند مبارزه می کند (بند ۱۲). بدین منظور از اظهارات اساسی اعلام انجیل آغاز کرده (بندهای ۳-۴) و توضیحاً ظاهر شدنهای مسیح از مرگ برخاسته را می شمارد (بندهای ۵-۱۱)) و اظهار می کند نظریه ای که با آن مخالف است چه نتایجی دربر دارد (بندهای ۱۲-۳۴) سپس به مخالفت هایی که دربارهٔ «چگونگی رستاخیز» ابراز شده است پاسخ می دهد (بندهای ۳۵-۵۸).

m- کلماتی که در اینجا بکار برده شده: (دریافت کردن، حفظ کردن، سپردن) کلمات فنی است که در سخنان کاهنان بکار می رود و در اینجا در مورد سخن زنده انجیل آمده است (بند ۱) و در موضوع اساسی اظهاراتی است (بند ۱۱) که پولس و سایر رسولان اعلام کرده و پیروان به آن ایمان آورده اند (بندهای ۲، ۱۱) و بوسیلهٔ آن نجات خواهند یافت (بند ۲). ر.ک ۱۱، ۲۳.

n- عبارت های متشکل به این صورت از همین زمان معمول گردیده است. این عبارات هستند مرکزی بیان ایمان را در کلیسای اولیه تشکیل خواهند داد.

o- ارزش نجات بخشی مرگ مسیح نکته ای است که در اعلام انجیل ذکر شده و قبل از پولس اظهار گردیده است (ر.ک روم ۳:۶ s).

oo- ر.ک.o .

p- منظور این است که هنوز زنده اند و می توانند آنچه را دیده اند گواهی دهند. پولس بدین وسیله به مخاطبان خود می گوید که عقیدهٔ ایشان در مورد رستاخیز مبنا و پایهٔ محکمی دارد.

q- ترجمهٔ تحت اللفظی: بخواب رفته اند. این طرز بیان در بندهای ۱۸، ۲۰، ۵۱ نیز بکار برده شده است. این اصطلاح که در دنیای مشرکان معمول بوده متضمّن هیچ گونه امیدی به رستاخیز نبوده است ولی چون در زبان یونانی یک کلمه هم به معنی بیدار شدن و هم به معنی رستاخیز است بدین سبب نویسنده به جای کلمهٔ مرده اند کلمه به خواب رفته اند را بکار می برد تا در مقابل بیدار شدن و رستاخیز باشد. ر.ک ۱-تسا ۱۳:۴.

r- چنین به نظر می رسد که کلمه رسولان در اینجا شامل عدّه ای بیش از دوازده نفر باشد (بند ۵). در مورد ظاهر شدن های مسیح. دشوار و شاید بیهوده است که بتوان آنها را با ظاهر شدنهای مذکور در انجیلها تطبیق داد.

s- کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته به معنی طفلی است که قبل از موعد، مثلاً ششماهه بدنیا آمده و ناقص باشد پولس

بـا من است. [۱۱] پس چه من و چه ایـشـان
چنین اعلام می‌کنیم و شما چنین ایمان
آورده اید[t].

رستاخیز مردگان

[۱۲] اما اگر اعلام شده که مسیح از میان
مردگان برخاسته است چگونه بعضی از بین
شما می‌گویند که رستاخیز مردگان وجود
ندارد؟ [۱۳] اما اگر رستاخیز مردگان وجود مت ۲۲:۲۳ و متون موازی؛
ندارد و نه حتی مسیح برخاسته است[u]. [۱۴] و اع ۴:۲؛ ۱۷:۳۲
اگر مسیح برنخاسته است پس نیز اعلام ما
بیهوده است همچنین ایمان شما بیهوده
است[v]. [۱۵] و نیز گواهان دروغی[w] خداییم،
زیرا دربارهٔ خدا گواهی داده ایم که مسیح را
برخیزانیده است حال آنکه او را
برنخیزانیده، بعد در صورتی که مردگان
برنمی‌خیزند. [۱۶] زیرا مردگان برنمی‌خیزند،
مسیح هم برنخاسته است. [۱۷] و اگر مسیح
برنخاسته است، ایمان شما بیهوده است،
هنوز شما در گناهان خود هستید[x]. [۱۸] پس
آنان نیز که در مسیح خوابیده اند، نیست
شده اند. [۱۹] اگر فقط به‌خاطر این زندگی، ۱ـ تسا ۴:۱۴
امید خود را در مسیح گذاشته باشیم، قابل
ترّحم‌ترین تمام انسان ها هستیم[y]. [۲۰] اما روم ۵:۱۲، ۱۸
اکنون مسیح از میان مردگان برخیزانیده شده
است، نوبر[z] آنان که مرده اند. [۲۱] زیرا چون
به وسیله یک انسان مرگ [آمده است] روم ۸:۱۱
به وسیله یک انسان هم رستاخیز مردگان
[می‌آید]. [۲۲] زیرا به همان‌گونه که همگی ۱ـ تسا ۴:۱۵ کول ۳:۴
در آدم [ابوالبشر] می‌میرند، پس نیز همگی
در مسیح زندگی بازخواهند یافت[a]. [۲۳] اما
هر کدام به مرتبهٔ خود؛ مسیح به‌عنوان نوبر،
بعداً آنانکه از مسیح هستند، به هنگام آمدن ۴:۹؛ روم ۸:۳۶؛ ۲ـ قرن ۴:۱۱
او[b]. [۲۴] و سپس پایان خواهد بود، هنگامی

بدین وسیله یادآوری می‌کند که تولد او به آیین مسیحیت جنبهٔ غیرعادی داشته و چون قبلاً کلیسای مسیح را تعقیب و شکنجه می‌کرده است شایستگی ندارد.

t- این اظهارات از نظر اتحاد و یگانگی کلیساها ارزشمند است. تمام کلیساها مسیح برخاسته را گواهی کرده و یک پیام را اعلام می‌نمایند و همه پیروان مسیح ایمان واحدی را بیان می‌کنند. بنابراین غیرممکن است که در جستجوی اتحاد و یگانگی از دست رفته برنیاییم.

u- اگر رستاخیز مردگان غیرممکن است پس در این مورد مخصوص که مسیح از میان مردگان برخاسته است نیز غیرممکن است. تفسیر دیگر: رستاخیز مسیح معنی و مفهوم ندارد مگر اینکه آن را نوبر رستاخیز خودمان بدانیم و اگر آن را بپذیریم رستاخیز ما مفهومی نخواهد داشت؛ ولی این نظریه از بند ۲۰ به بعد اظهار شده است.

v- در ایمان مسیحیت و سخنانی که دربارهٔ آن موعظه می‌شود موضوع اصلی رستاخیز مسیح است و تمام جنبه های دیگر سخنرانیها و ایمان مفهومی ندارند مگر در صورتی که در ارتباط با آن باشند. اگر این موضوع وجود ندارد همه چیز در هم فرو می‌ریزد.

w- ترجمهٔ تحت اللفظی: ما علیه خدا گواهی داده ایم.

x- به نظر پولس آنچه گناه را از بین می‌برد، زندگی جدید فرد مسیحی در محبّت و شرکت او در زندگی مسیح برخاسته از مرگ است (ر.ک روم ۷:۴ q، r). اگر مسیح از میان مردگان برنخاسته است گناه باقی مانده و نتیجه آن هلاک است (بند ۱۸).

y- ترجمهٔ دیگر: اگر در این بند زندگی فقط امید در مسیح گذاشته ایم قابل ترحم ترین تمام آدمیان هستیم که مفهوم آن مآلاً همان است.

z- ر.ک روم ۸:۲۳ n و ۱۱:۱۶ p.

a- نظریه ای که در بندهای ۲۰-۲۱ آمده است مجدداً در روم ۵:۱۲-۲۱ ذکر شده و پولس آن را تشریح خواهد کرد (ر.ک توضیحاتی که در ذیل این قسمت داده شده است). پولس نشان خواهد داد که ذکر آدم ابوالبشر در مقابل مسیح فقط از نظر مادی و جسمی نیست (یعنی مرگ در مقابل رستاخیز جسمانی) بلکه این مقایسه و مقابله از نظر انسان به طور کلی است (یعنی مرگ جاودانی در گناه درمقابل زندگی جاویدان در عدالت است). این نظریه در اینجا به طور ضمنی ارائه گردیده است.

b- توجه نمایید که پولس در اینجا رستاخیز گناهکاران را درنظر نمی‌گیرد چنانکه در یو ۵:۲۹؛ اع ۲۴:۱۵ ذکر شده است. ر.ک دان ۱۲:۲.

که ملکوت را به خدا و پدر تسلیم خواهد
افس ۲۱:۱؛ کرد پس از آنکه هر تسلط و هر اقتدار و
روم ۳۸:۸؛ افس ۹:۲ قدرتی را از بین برده باشد[c]. ۲۵زیرا باید
لو ۲۷:۱۹ سلطنت کند تا هنگامی که همه دشمنان را
مت ۴۴:۲۲ به زیر پاهای او بگذارد[d]. ۲۶ آخرین دشمن،
مکا ۱۴:۲۰؛ مرگ، نابود می شود. ۲۷زیرا همه را به زیر
۴:۲۱ عبر ۸:۲ پاهای او گذاشته است[e].
اما وقتی گفته می شود[f] همه چیز تابع
است، روشن است به استثنای آن کسی
است که همه چیز را به تبعیت او درآورده
است. ۲۸اما وقتی که همه چیز تابع او
شدند، آنگاه پسر نیز، خود را در تبعیت آن
کسی قرار می دهد که همه چیز را به تبعیت
کول ۱۱:۳ او درآورده است، تا خدا همه در همه
باشد.
۲۹وگرنه آنانکه به جای مردگان تعمید
می یابند چه بهره ای دارند[g]؟ اگر مردگان
تماماً برنمی خیزند، چرا نیز به جای آنان
تعمید می یابند[h]؟ ۳۰و ما، چرا هر ساعت
با خطر روبه رو هستیم؟ ۳۱[ای برادران]،
اطمینان می دهم به وسیله افتخاری که [از
شما] در مسیح عیسی خداوند ما دارم، من
هر روز می میرم. ۳۲اگر برطبق انسانی[i] در
افسس[j] با وحوش مبارزه کرده ام، برایم چه
فایده ای دارد؟ اگر مردگان برنمی خیزند،
بخوریم و بیاشامیم، چون فردا خواهیم مرد[k].
۳۳گمراه نشوید: هم نشینان بد عادات خوب
را فاسد می کنند[l]. ۳۴بیدار شوید چنانکه
شایسته است، و گناه مکنید، زیرا بعضی ها
معرفت خدا را ندارند، این را برای
شرمسار کردن شما می گویم.

بدنهای رستاخیز کرده

۳۵اما بعضی خواهند گفت: چگونه یو ۲۴:۱۲
مردگان برنمی خیزند؟ و با چه جسمی باز
می آیند؟ ۳۶ای سفیه! آنچه را که تو
می کاری، اگر نمیرد جان نمی گیرد، ۳۷و
آنچه تو می کاری نه همان جسمی[m] که
خواهد شد، میکاری بلکه[فقط]دانهٔ
ساده ای است خواه ممکن است که از گندم
یا [گیاه] دیگری؛ ۳۸و خدا به او جسمی
می دهد که خواسته است، و به هریک از

c- سه کلمه تسلط، اقتدار و قدرت تمام نیروهای دشمن خدا را اعم از انسانی یا کرّوبی شامل می شود (ر.ک ۱-قرن ۶:۲؛ کول ۱۵:۲).
d- به طوری که از محتوای مطلب برمی آید (بندهای ۲۷-۲۸) باید چنین درک کرد: تا هنگامی که خدا همه دشمنانش را به زیر پاهای مسیح بگذارد. ر.ک مز ۱:۱۱۰.
e- مز ۷:۸.
f- عیسی در برابر پدرش حاضر خواهد شد تا تحقق و انجام مأموریت خود را اعلام نماید، ترجمهٔ دیگر وقتی که او خواهد گفت. ترجمهٔ دیگر: وقتی که نوشته مقدس می گوید که همه چیز تابع شده است.
g- ترجمهٔ تحت اللفظی: چه خواهند کرد؟
h- معلوم نیست منظور از این عمل چه بوده و چگونه انجام می شده است. پولس دربارهٔ ارزش این اقدام داوری نمی کند ولی می گوید در موردی که مردگان رستاخیز نمی کنند این عمل نامعقول و نامربوط است.
i- ترجمهٔ تحت اللفظی: اگر در افسس به روش انسانی علیه وحوش مبارزه کرده بودم به چه درد من می خورد؟
j- مبارزه با وحوش را که پولس ذکر می کند بایستی به معنی مجازی درک کرد زیرا پولس عنوان همشهری دومی داشته و ممکن نیست او را به جلو حیوانهای وحشی انداخته باشند.
k- اش ۱۳:۲۲.
l- این جمله نقل قول از شاعر یونانی مناندر (قرن چهارم پیش از میلاد) است.
m- ترجمهٔ دیگر: همان گیاهی نیست.

بذرها جسمی مخصوص[n]. ۳۹تمام جسم
ها[تن ها]یکی نیستند، بلکه جسم انسان
ها، حقیقتاً دیگر، و جسم[تن] دام ها دیگر،
و جسم[تن] پرندگان دیگر و از آن ماهیان
دیگر. ۴۰همچنین جسم های[o] آسمانی
هست و اجسام زمینی، اما حقیقتاً درخشش
[جسم های][p] آسمانی دیگر است و از آن
[جسم های] زمینی دیگر. ۴۱درخشش[pp]
خورشید دیگر است، و درخشش ماه دیگر،
و درخشش ستارگان دیگر. زیرا ستاره، از
ستاره در درخشش متفاوت است.
۴۲رستاخیز مردگان نیز به همین گونه
است: در فسادپذیری کاشته شده و در
فسادناپذیری برمی خیزند؛ ۴۳در ذلّت
فی ۳:۲۱ کاشته شده و در شکوه برمی خیزند؛ در
ناتوانی کاشته شده و در توانایی
برمی خیزند؛ ۴۴با جسم نفسانی[q] کاشته
شده، با جسم روحی برمی خیزند. اگر
جسمی نفسانی هست، [جسمی] روحی هم
هست. ۴۵پس چنین نوشته شده است:
نخستین انسان، آدم [ابوالبشر]، از روحی
زنده[r] پدید آمد؛ و آخرین آدم از روحی که
جان می بخشد. ۴۶ولی در اول [جنبهٔ]
روحی نیست بلکه نفسانی است و سپس
روحی. ۴۷نخستین انسان که از خاک گرفته
شد زمینی است، دومین انسان از آسمان
می آید. ۴۸به مانند آنکه خاکی است،
خاکیان نیز چنان هستند؛ و به مانند آنکه
پید ۳:۵ آسمانی است آسمانی ها نیز چنان هستند.
۴۹و به همان گونه که ما تصویر خاکی
۱ـ قرن ۶:۹، ۱۰ برداشته ایم تصویر آسمانی هم خواهیم
داشت[s]. ۵۰اما ای برادران، این را
می گویم: گوشت و خون[t] نمی توانند
ملکوت خدا را به ارث برند، نه فساد
[نمی تواند] فسادناپذیری را به ارث برد.
۵۱اینک رازی[u] به شما می گویم: ما
همگی نخواهیم خوابید، بلکه همگی تغییر
خواهیم یافت. ۵۲در یک لحظه، به یک
چشم به هم زدن، به آخرین شیپور[v]، زیرا
۲ـ قرن ۴:۵ شیپور نواخته خواهد شد و مردگان،
فسادناپذیر بپا خواهند خاست و ما تغییر
مت ۱:۲۸ و متون موازی خواهیم یافت[w]. ۵۳زیرا این فسادپذیر باید

n- برطبق نظریه عمومی آن دوران جوانه زدن و رویندگی بذر یک پدیدهٔ طبیعی نبوده بلکه نتیجهٔ عمل معجزه آسای الهی است. ر.ک ۲-مک ۷: ۲۰-۲۳.

o- کلمه جسم ها در اینجا به مفهوم حقایق مادی است.

p- ترجمهٔ دیگر: اجسام آسمانی و اجسام زمینی وجود دارد و درخشش یکسانی ندارند.

pp- کلمه یونانی که در بندهای ۴۰ و ۴۱ آمده و به فارسی درخشش ترجمه شده است همان کلمه ای است که جاهای دیگر کتاب مقدس به شکوه برگردانده می شود.

q- ترجمهٔ دیگر: جسم حیوانی. منظور انسانی است که فقط از امکانات طبیعی برخوردار بوده و محکوم به مرگ باشد.

r- پید ۲:۷. ترجمهٔ دیگر: آدم ابوالبشر موجودی حیوانی واجد جان بود. این عبارت را هم می توان در مورد انسان و هم در مورد حیوانات بکار برد (پید ۱:۲۰).

s- ترجمهٔ دیگر: به همان گونه که تصویر انسان خاکی بوده ایم همچنین به تصویر انسان آسمانی خواهیم بود.

t- در اینجا هم منظور انسانی است که فقط از امکانات طبیعی برخوردار بوده و ضعیف و فناپذیر است.

u- ر.ک ۱-قرن ۴:۱ n؛ روم ۱۱:۲۵.

v- شیپور یکی از وسایلی است که در روایات مکاشفه ای تصویر می شود: مت ۲۴:۳۱؛ ۱-تسا ۴:۱۶. و نشانهٔ اعلام رسمی ارادهٔ خدایی است. ر.ک هفت شیپور که در مکاشفه یوحنا ذکر گردیده است: مکا ۸:۶-۱۱:۱۹.

w- پولس به عنوان کسی سخن می گوید که فکر می کند در لحظهٔ بازگشت مسیح زنده خواهد بود ولی این اعتقاد را جزو پیام خود اعلام نمی نماید. ر.ک ۱-تسا ۴:۱۵.

فسادناپذیری برگیرد و این فناپذیر،
فناناپذیری برگیرد.
۵۴اما هنگامی که این فسادپذیر،
فسادناپذیری برگرفته و این فناپذیری
فناناپذیری برگیرد آنگاه سخنی که نوشته
شده است روی خواهد داد: مرگ در
پیروزی فرو خورده شده است[ww]. ۵۵ای
مرگ، پیروزی تو کجا است؟ ای مرگ،
نیش[x] تو کجا است؟ ۵۶اما نیش مرگ
[همان] گناه است و قدرت مرگ، قانون
[تورات است][y].
۵۷اما سپاس خدا را که به وسیله خداوند
ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌دهد!
۵۸سپس ای برادران محبوب من، پابرجا،
تزلزل ناپذیر باشید، همواره در عمل کول ۲۳:۱
خداوند بیفزایید و بدانید که زحمت شما
در خداوند بیهوده نیست.

جمع‌آوری اعانه برای کلیسای اورشلیم

۱۶ ۱اما در مورد جمع‌آوری اعانه برای
مقدّسان[z]، شما هم به مانند آنچه به
کلیساهای غلاطیه دستور داده‌ام انجام
دهید. ۲اول هر هفته، هریک از شما [در اع ۷:۲۰
خانهٔ خود] آنچه توانسته است صرفه‌جویی
کند به کنار بگذارد، نه اینکه وقتی من
آمدم [اعانه] جمع‌آوری شود. ۳و وقتی ۲ـ قرن ۸:۲۰-۲۱
آمدم، آنان را که شما شایسته بدانید با
نامه هایی خواهم فرستاد تا بخشش های شما
را به اورشلیم ببرند. ۴و اگر مناسب باشد
که من هم [به آنجا] بروم با من خواهند
رفت. اع ۲۱:۱۹

طرح‌های مسافرت

۵و چون از مقدونیه عبور کنم، نزد شما
خواهم آمد زیرا از مقدونیه عبور می کنم ۶و
احتمالاً نزد شما اقامت کرده، یا حتی
زمستان را خواهم گذراند، تا هر جا اگر
خواهم رفت، شما مرا همراهی کنید[a].
۷چونکه الآن نمی‌خواهم شما را فقط در
ضمن عبور ببینم زیرا امیدوارم مدت زمانی
نزد شما بمانم، اگر خداوند اجازه دهد.
۸اما تا عید پنجاهه در افسس خواهم ماند.
۹زیرا دری بزرگ و مؤثر برایم باز شده
است[b] و رقیبان متعددند. ۱۰و اگر
تیموتاوس بیاید[c] مواظب باشید که

ww- کلمهٔ یونانی را که در اینجا فرو خورده شده ترجمه گردیده است می توان غرقه شده، بلعیده شده، فرو برده شده، نابود شده ترجمه کرد.

x- اش ۸:۲۵؛ هو ۱۴:۱۳ که به طرز آزاد نقل شده است.

y- این عبارت خلاصهٔ نظریه ای است که در فصلهای ۵-۷ نامه به رومیان تشریح خواهد شد و با عبارات سپاسگزاری نظیر عبارات سپاسگزاری اینجا پایان خواهد یافت (ر.ک روم ۲۵:۷ و ۱-قرن ۵۷:۱۵).

z- ر.ک روم ۷:۱ m و ۲۵:۱۵ h. منظور از مقدّسان در اینجا مسیحیان اورشلیم است که نیاز داشتند برایشان اعانه جمع کنند. پولس برای این امر اهمیت شایانی قائل بوده و آن را نشانهٔ همبستگی بین کلیسای اورشلیم و کلیساهایی که از دنیای مشرکان آمده بود می دانست چونکه کلیسای اورشلیم به عنوان کلیسای اصلی (مادر) بشمار می‌آمد. در مورد این جمع‌آوری اعانه ر.ک روم ۲۵:۱۵-۲۶؛ ۲-قرن ۸-۹؛ غلا ۲:۱۰؛ اع ۱۷:۲۴.

a- ر.ک روم ۲۴:۱۵ f.

b- این اصطلاح مورد علاقه پولس بوده و آن را بارها بکار برده است: ۲-قرن ۱۲:۲؛ کول ۳:۴؛ اع ۲۷:۱۴؛ مکا ۸:۳ و عملی را نشان می دهد که حاکی از مشیت خدا بوده و برای رسول زمینهٔ رسالت غیرمنتظره ای را می گشاید.

c- ر.ک ۱۷:۴.

بی‌دغدغه در نزد شما باشد زیرا مثل من نیز
برای عمل خداوند کار می‌کند؛ [۱۱]بنابراین
هیچ‌کس او را تحقیر نکند[d]. بلکه او را
همراهی کنید[e] تا به‌راحتی به نزد من بیاید؛
زیرا او را با برادران انتظار می‌کشم. [۱۲]اما
در مورد برادر اَپلس، او را خیلی تشویق
کرده‌ام تا با برادران به نزد شما بیاید اما به
هیچ وجه نخواسته است اکنون بیاید، اما
وقتی فرصتی بیابد خواهد آمد[f].

آخرین توصیه‌ها و سلام‌ها

[۱۳]بیدار باشید، در ایمان پایدار باشید،
مردان باشید، نیرومند باشید. [۱۴]همه‌چیز به ۱۵:۵۸؛ غلا ۵:۱؛
نزد شما در محبت انجام شود. [۱۵]و ای ۲ـ تسا ۲:۱۵؛ افس ۶:۱۰
برادران، توصیه ای دارم: می‌دانید که
خانواده استیفان اولین نوبر اخائیه[g] هستند و
خویشتن را به خدمت مقدّسان سپرده اند، ۱ـ قرن ۱:۱۶ روم ۱۶:۵
[۱۶]تا شما هم از چنین کسانی پیروی کنید و از
جمله هرکس که با ایشان کار کرده و زحمت
می‌کشد.
[۱۷]و از آمدن استیفان و فرتانوس و
اخائیکوس خوشوقتم زیرا غیبت شما را
جبران کرده‌اند؛ [۱۸]زیرا ایشان روح من و
[همچنین از آنِ] شما را آرامش
بخشیده‌اند. پس [قدرِ] چنین [کسانی] را روم ۱۶:۳
بشناسید.
[۱۹]کلیساهای آسیا[h] به شما سلام روم ۱۶:۵
می‌کنند. آکیلا و پرسیکا با کلیسایی که در روم ۱۶:۱۶؛ ۲ـ قرن ۱۳:۱۲؛ ۱ـ تسا ۵:۲۶؛ ۱ـ پطر ۵:۱۴
خانهٔ ایشان [جمع می‌شوند] در خداوند به
شما خیلی سلام می‌کنند. [۲۰]همه برادران به
شما سلام می‌کنند. به یکدیگر با بوسه‌ای غلا ۶:۱۱؛ کول ۴:۱۸؛ ۲ـ تسا ۳:۱۷؛ فیل ۱۹
مقدّس سلام کنید.
[۲۱]سلام به دست خودِ من، پولس است.
[۲۲]اگر کسی به خداَوند محبت ندارد
ملعون باد[i]! «مارانا‌تا»[j].
[۲۳]فیض خداوند عیسی با شما باد.
[۲۴]محبت من با همهٔ شما در مسیح عیسی
است[k].

d- ۱-تیمو ۴:۱۲ شاید اشاره به این متن است (هیچ‌کس سن تو را تحقیر نکند). ولی در موقعی که پولس این نامه را می‌نوشته است تیموتاؤس ۱۵ سال با او همکاری داشته است. احتمال دارد که تیموتاؤس قدرت سخنوری نداشته است و از نظر فرهنگ فلسفی ضعیف بوده در صورتی که قرنتیان شایق به این امور بودند.

e- همین اصطلاح: همراهی کنید در بند ۶ آمده است.

f- اَپلس که همکار امین و مورد اعتماد پولس بوده است میل ندارد با حضور خود در قرنت مسیحیانی را که طرفدار و وابسته به او بودند تقویت نماید.

g- ر.ک ۱:۱۶.

h- منظور ایالتی در ساحل مدیترانه در آسیای صغیر است که شهر افسس حاکم نشین آن ایالت بوده و پولس نامهٔ خود را در آنجا نوشته است.

i- کلمه ای که در اینجا ملعون ترجمه شده و معمولاً نفرین شده ترجمه می‌شود در نوشته های عهد عتیق به معنی قتل‌عام دشمنان به فرمان خدا است (تث ۷:۲ و غیره). ولی به مفهوم وسیع تر به کسی یا چیزی اطلاق می‌شود که پلید و شنیع باشد (تث ۷:۲۶).

j- مارانا‌تا اصطلاحی در زبان آرامی و به معنی: ای خداوند ما، بیا است. این اصطلاح جزو عبارات آئین سپاسگزاری در کلیسای اولیه وارد شده بود (ر.ک کتاب دیداکه ۱۰:۶)؛ ر.ک مکا ۲۲:۲۰. این عبارت را می‌توان: ماران آتا نیز خواند که در این صورت به معنی: خداوند می‌آید است.

k- ترجمهٔ دیگر: به همهٔ شما محبت دارم در عیسی مسیح. در برخی نسخه ها، در انتها «آمین» آمده است.

پیشگفتار

دومین نامه به قرنتیان

در بین نامه های پولس دومین نامه به قرنتیان بیشتر یک نوشته مبارزه ای و تلقین کننده است تا نظریه پردازی ای منظم چون نظراتی که در نامه به رومیان مطرح گردیده است. پولس رسول برای دفاع از رسالت خویش در برابر رقیبان و برای تأکید تعلق منحصربه فرد خویش به مسیح، در این نامه سبکی زنده و هیجان آور بکار می برد. با خویشتن داری، پولس در تشویقها و تحریضهایش لحنهای متفاوتی را از محبت و سرزنش، خشم و ملاطفت درهم می آمیزد. به هر قیمتی شده است خواهان حفظ وحدت جامعه مسیحی قرنت و مشارکت در پایه گذاری عمیق آن است.

متنی منقح که اغلب مورد تفسیر قرار گرفته است

این نامه که از دستنوشته های قرن سوم بویژه بر پاپیروس چستر بتی Chester Beatty فراهم آمده است دارای متنی به غایت محکم است. پیش از آن، از آغاز قرن دوم، در دست نوشته های اینیاس انطاکی روایاتی از آن دیده می شود. به این ترتیب این نامه باید از آغاز در مجموعه نوشته های پولس وجود داشته می بوده است. یوحنا کریستوسوم (یوحنای فم الذهب) توماس آکینی، لوفور، اتاپلس، اراسم، کالون و چه بسیاری دیگر بر آن شرح و تفسیر نگاشته اند.

بهترین نمونه سبک پولس

نامه دوم به قرنتیان بهتر از شرح منطقی نامه به رومیان یا پاسخ به پرسشهای (تنظیم) نخستین نامه به قرنتیان است، نامه دوم به قرنتیان بازگو کننده سبک و قوت بیان در تنظیم جملات پولس است. در این نامه تقابل اندیشه و واژه یکی پس از دیگری جایگزین یکدیگر می شوند. (۵:۱ و ۱۷-۲۲ و ۲۴، ۱:۲ و ۱۶، ۳:۳ و ۶ و ۹ و ۱۳، ۴:۱۰-۱۱ و ۱۸، ۵:۱۵ و ۱۷، ۸:۹، ۹:۵، ۱۲:۶-۱۰) و برخی از جملات آن بس مشهور گردیده اند: «نوشته می کُشد اما روح زندگانی می دهد» (۶:۳). «خداوند ما عیسی مسیح... که بخاطر شما خود را فقیر کرد، درحالی که دارا بود تا شما را با فقرش دارا کند» (۹:۸). برای مبارزه و حتی محکوم کردن ضعف قرنتیان، پولس هزل و جد را با قدرت درهم می آمیزد. برای کشف دو شاهکار کوتاه ادبی کافی است فصول ۸ و ۹ نامه دوم به قرنتیان خوانده شود.

آنچه بر پولس خرده می گرفتند عدم فصاحت و بلاغت وی در سخنوری بود. اکنون بنگرید چگونه بر این امر دست پیش را می گیرد: «اگر من درباره سخن مردی ناواردم

درباره دانش این چنین نیست، در همه چیز و برای همه کس آن را بر شما پدید آورده ام» (۶:۱۱). از لحاظ تنوع امکانات اصطلاحات به کار رفته، نامه دوم به قرنتیان اغلب از دیگر نامه ها برتر است. (مثلاً ۴:۷-۱۰ و ۱۶:۱۷، ۳:۶-۱۰).

گیرندگان نامه

گیرندگان این نامه، همان گیرندگان نامه اول به قرنتیان اند. آنچه درباره جامعهٔ آن زمان قرنت گفته شده است به قوت خود باقی است (ر.ک مقدمه اول قرن، پاراگراف اول). برعکس اوضاع و احوالی که موجب ارسال نخستین نامه گردیده است (ر.ک مقدمه اول قرن، پاراگراف دوم) بسط و تحول بیشتری یافته است. در نامه دوم خصلت و وضع روحی گیرندگان این گونه مورد دقت قرار گرفته است: آیا این یکی از ویژگیهای آنان است که با روحیه مخالفت جویی با رسالت پولسی مقابله کنند؟ به این موضوع بعداً خواهیم پرداخت (پاراگراف۴). بنظر می رسد که در برابر پولس مدعیان گوناگونی قرار گرفته بوده اند: درواقع گیرندگان نامه و پولس رسول متوجه وخامت بحران روابط خود بودند. حسادت، نزاع و همچنین تمایل آنان به ترک ایمان این جا و آن جا مشهود است. سرانجام درباره جمع آوری اعانه در جهت کمک به «قدیسان» که در نامه نخستین به قرنتیان فصل ۱۶ ذکر آنان رفته است در دو یادداشت که پولس به این امر اختصاص داده (۲-قرن۸:۹... ر.ک پاراگراف ۵) نشان دهنده این است که سخاوتمندی اهالی قرنت بیشتر لفظی است تا عملی و روحیه سازماندهی آنان بیشتر در جهت واداشتن دیگران به امر جمع آوری اعانه همگانی است که ابتکار آن را برعهده گرفته اند. آیا پیش از پولس درباره یونانیان گفته نشده بوده است که یونانیان فقط حاضر به قبول این خطرند که تماشاگر سخنران و شنونده بازیگر باشند؟! در این صورت چرا قرنتیان میراثی ولو اندک از این خصیصه نبرده باشند؟

مدعیان پولس

شناسایی دقیق مدعیان پولس مشکل است. آیا آنان بخشی از جامعه مسیحی یا در شمار گیرندگان نامه بوده اند یا آنکه اهالی قرنت تنها کمابیش تحت تأثیر آنان بوده اند؟ آیا آنان متشکل از گروههای همگن بوده اند؟ یا متشکل از گروههایی متعدد بوده اند که تنها نقطه مشترک آنان مخالفت با پولس بوده است؟ یا همان طرح کنندگان پرسشهایی اند که پولس در ۱-قرن مبادرت به پاسخ به انها کرده است؟

در مورد تمام این پرسشها، مجموعه نامه دوم به قرنتیان حاوی پاسخهایی چند است: یکی از اعضای مسیحی جامعه قرنت توهین شنیعی به پولس کرده بود. این توهین (۲-قرن۲:۵) نه تنها شخص پولس را که بسیاری و شاید همه جامعه مسیحی را متأثر گرداند. مرتکب این حرکت ممکن است یکی از «غنوسیها»ی قرنت بوده باشد. برای چنین شخصی قبل از هر چیز نجات مبتنی بر شناخت است و مجموعه هستی بشری را متعهد نمی گرداند. آیا این همان شخصی است که در ۱-قرن۵:۱-۱۳ مرتکب زنای با محارم بوده است؟ احتمال آن وجود دارد. مسلماً پولس وی را در شمار خطاکاران گذشته ای که از سر گناه، وقاحت و هرزگی خود نگذشته بودند

آورده است (۲-قرن ۱۲:۲۱). باز در اینجا به گرایشهای غنوسی که در ۱-قرن به پس رانده شده بود مواجه می گردیم. این غنوسیها درباره خود وعظ می کردند (۵:۴) و خود را در نقش منجی آینده می دیدند (۵:۱۰-۱۳).

خواندن ۲-قرن ۱۳:۱۰ پرده از چهره مدعیان دیگری برمی دارد که ویژگی انان الهامات یهودیشان بود. از اینان نمی توان سردرآورد که بدقت دانسته شود که اعضای این فرقه از خادمان مسیح اند یا مسیحیان یهودی تبار یا آنکه به کل یهودی باقی مانده بوده اند. در ۱۱:۲۱-۲۳، پولس خود را در برابری با آنان به رخ می کشاند و مدعیان وی بنظر می رسند به جامعه ای تعلق دارند که: «عبری، از اعقاب ابراهیم، خادمان مسیح»اند. با وجود این کاذب اند، رسولانی کاذب که به لباس رسولان مسیح درآمده اند (۱۱:۱۳). آنان ضمناً به اعتمادی افراطی نسبت به خود نیز تکیه می کنند. آیا متن فرمان صادره از مجمع اورشلیم را درباره تعیین(اع۱۵، غلا۲)حداقل رعایت فرایض برای مشرکان را کافی نمی دانستند؟ آیا خواهان تحمیل مجموع اعمال و فرایض یهودیان بر کسانی که از تبار دیگر محسوب می گردیدند، بوده اند؟ بنظر می رسد که همینطور بوده است. تنها به فرستادگان پطرس که پولس همواره محترم می داشت نبوده است که ایرادهای شدیداللحن خود را به آنها خطاب می کرد و نه تنها به مأموران اعزامی یعقوب که از اورشلیم آمده بودند، بلکه بیشتر (خطابش به یهودیان با گرایشهای «غیوران» بود (ر.ک اع۲۱:۲۰-۳۶) که آیین مسیحیت را پذیرفته بودند) و مع الوصف همچنان به آن فرقه تعلق خاطر داشتند. پولس برتری مطلق و قطعی پیمان نوین را بر پیمان قدیم (۲-قرن۳:۱-۱۸) به آنها تذکر می دهد. این برای نخستین بار است که مجموعه نوشته های مقدم بر عهد جدید، «عهد عتیق» خوانده می شود (۳:۱۴).

زمان و اوضاع و احوال

درباره اوضاع و احوال نگارش و زمانهای ممکن ارسال نامه دوم به قرنتیان نمی توان نظری داد مگر بعد از توجه به نامه نخستین به قرنتیان ۵:۹ و همچنین نامه دوم به قرنتیان ۲:۳ و ۷:۸ که از موضوع نامه های مفقود شده در آنها ذکری بمیان آمده است. آیا آن نامه ها کاملاً مفقود گردیده اند یا آن چنان که برخی اظهار نظر کرده اند با جستجو در نامه های برحق کلیسایی باید آنها را یافت؟

رساله دوم به قرنتیان درواقع متشکل از یک نامه است؟ آیا نباید از فصل ۱۰تا۱۳ آنرا همان نامه گم شده دانست؟ درواقع از سه بخش (فصول۱-۷، ۸-۹ و ۱۰-۱۳) آخرین فصل را می توان مجموعه ای جداگانه محسوب داشت. درواقع این بخش دفاعیه ای شدیداللحن از رسالت پولس است. اگر نامه دوم به قرنتیان تقطیع گردد، این بخش آخری می تواند در حکم آن نامه ای باشد که برای غمگین کردن قرنتیان نوشته شده که در ۲قرن ۲:۴-۹ و ۷:۸-۱۲ مورد اشاره قرار گرفته است. اما این امر در حد یک فرض باقی می ماند، تنها نکته ای که یقین است، این است که پولس لااقل چهار نامه به کلیسای قرنت ارسال داشته است.

اگر آنها را A, B, C, D بنامیم، A که نامه اول است مفقود گردیده است. اشاره به آن را در ۱-قرن۵:۹ باز می یابیم. B، دومین نامه همین نخستین نامه به قرنتیان است که نامه ای

برحق کلیسایی است C، سومین نامه ای است که آن هم مفقود گردیده است بشرط آنکه ۲قرن۱۰-۱۳ تمام یا بخشی از این نامه ای که «با اشکها نوشته شده است» نباشد. D، (برابر انتخاب بند C) هم مرکب از ۲-قرن۱-۱۳ و هم از ۲قرن۱-۹ است.

تاریخ تحریر آنها را چگونه می توان تعیین کرد؟ نامه به رومیان یا در سال۵۷ یا۵۸ در آغاز بهار بهنگام اقامت کوتاه پولس در قرنت تقریر گردیده است. مجموعه مبادلات نامه های رسول با کلیسای قرنت باید قبل از این تاریخ به انجام رسیده باشد. با در نظر گرفتن زمان اقامت لازم برای تهیه نامه به رومیان و زمانی را که بصورت اجتناب ناپذیر آخرین نامه به قرنت رسیده و نتایج مطلوب را بار آورد، باید ارسال این نامه را (D) لااقل چهار پنج ماهی پیشتر، چه در تراس، چه در مقدونیه، هنگامی که پولس به سوی قرنت حرکت کرده بود یعنی پایان سال۵۶ (یا پایان۵۷) دانست.

از طرفی دیگر، باید یادآور بود که پولس قرنت را در جریان تابستان سال۵۲ ترک و به صوب افسس عازم شده است و یکسال بعد در سال ۵۳ در آنجا رحل اقامت افکنده است. اخبار خطرناک درباره وضع اهالی قرنت باید چند هفته یا چند ماهی دیرتر در سال ۵۴ رسیده باشد. لذا بین سال ۵۴ و یا به یقین بیشتر حداکثر تا پایان ۵۶ (۵۷) بوده است که مجدداً مبادلات رسالتی برقرار می گردد.

دنباله روی داده ها به شرح زیر بوده است: پولس در مدت اقامت خود در افسس از بی نظمی و هرج و مرج خطیری در کلیسای قرنت باخبر می گردد. در آنهنگام نخستین نامه خود را به قرنت می نگارد (A) (نامه ماقبل برحق Precanonique) مفقود شده که در ۱-قرن۵:۹ اشاره گردیده و به اهالی قرنت تأکید می کند که با افرادی که هرزگی آنان زبانزد همگان است، معاشرت نکنند. این نامه اول تأثیر بزرگی بر جای نمی نهد، مدتها بعد پولس تیموتاوس را برای یادآوری از آموزشها و عقیدت خود به قرنت گسیل می دارد. (۱-قرن۴:۱۷).

از آن زمان پرسشها بصورت کتبی برای پولس مطرح می گردد (۱-قرن۷:۱) وی آنها را نکته به نکته با ارسال نامه ۱-قرن (B) پاسخ می گوید و این امر احتمالاً در جریان تابستان سال۵۵ اتفاق می افتد.

سپس تیطس افسس را به قصد قرنت ترک می کند: قصد وی اقدام در جهت جمع آوری اعانه ای است که در ۱-قرن۱۶:۱-۴ از آن سخن بمیان آمده است، اما بمحض رسیدن با وضعی روبرو می گردد که مأیوس کننده است: دو نامه A,B و دیدار تیموتاوس نتوانسته بود نتایج مورد نظر را به بار آورد.

لذا پولس تصمیم می گیرد که شخصاً طی مسافرتی سریع به قرنت برود یعنی سفر دوم. (نخستین مسافرت، مسافرت بنیان گذاری جامعه مسیحی و کلیسای قرنت بود ۲-قرن۱۲، ۴۱، ۳۱، ۱) باید به سرعت تصمیم گرفته باشد زیرا همانطور که از ۲-قرن۲:۱ برمی آید وی بدون مقدمات قبلی درباره نیات خود تصمیم نمی گرفت. زمان بسیار پرآشوبی فرارسیده بود و پولس ناگهان بسوی افسس حرکت کرد. به هنگام بازگشت سومین نامه را نوشت (C) تا نامه جدی را که با دیدگانی اشک آلود نوشته بود (مورد اشاره در ۲-قرن۲:۳-۴).

برای غلبه بر این شکست، پولس تیطس را که مذاکره کننده ای قوی و سیاستمدار بود مأمور رفتن و اخذ تماس با قرنتیان می گرداند. آیا تیطس مأمور بردن این نامه سوم با خود بود یا آنکه پولس آن را بلافاصله پس از عزیمت وی نگاشته و ارسال داشته بود؟ هیچ معلوم نیست. پولس برای شناخت رفتار قرنتیان و واکنش آنان پس از نامه اش متعاقب مأموریت تیطس، همچنان بی قرار است.

اما وضع چنان بود که ناچار از ترک افسس بود. به تراوس آمده و سپس رو به مقدونیه آورد و اینجا است که سرانجام تیطس حامل اخبار خوب رسید (۲-قرن۷:۱۳).

پولس با رضایت خاطر دفاعیه ای آرام از رسالت خود نگاشته و در آن درباره جمع آوری اعانه استمداد می طلبد (فصول۸ و ۹ فصل نهم ممکن است در حکم یادداشتی مستقل از فصل۸ باشد). این همان نامه مشهور به نامه دوم قرنتیان است (D). تیطس به قرنت رفته و آمدن آتی پولس را که در آمدن به قرنت درنگ نمی ورزد، سال۵۶ (یا۵۷) رو به اتمام بود. بهنگام این اقامت سوم است که پولس با ذهنی باز و آماده نامه به رومیان را می نگارد.

ساختار نامه

در نامه دوم به قرنتیان سه بخش بزرگ طراحی گردیده است:

۱- پولس و روابط وی با جامعه مسیحی قرنت: (۱:۱-۷، ۱۶).

پولس که در خطر مرگ در آسیا بود (۸:۱) تعویق سفر موعودش نه بعلت سهل انگاری که بعلت تمایلش به بخشایش (۱۱:۱- ۱۳:۲) بوده است. از ۱۴:۲ تا ۴:۷ به عظمت مأموریت رسالتی اشاره دارد: وی بر برتری مأموریت پیمان نوین نسبت بر پیمان عتیق تأکید می ورزد (۱۴:۲-۶:۴). سپس بیم و امید مورد اعتماد این مأموریت را برمی نگارد (۷:۴-۱۰:۵) که در زمان حاضر چون سفارتی برای مسیح و یک صلح جویی با جهان پدیدار می گردد (۱۱:۵-۲۱). مشکلات بمثابه انگیزه ای قوی در پیش راندن پولس برای گشودن قلب خویش به قرنتیان است (۱:۶-۴:۷). از ۴:۷ تا ۱۶:۷ پولس یادآور می شود چگونه پس از یک حسن خاتمه بحران، تیطس در مقدونیه به وی ملحق می گردد.

۲- تعالیم دوگانه مربوط به جمع آوری اعانه به نفع کلیسای اورشلیم: فصول ۸ و ۹

۳- فصول ۱۰ تا ۱۳ تشکیل دهندهٔ شرح مبسوطی با سبکی هیجان آور و گاه تند اما همواره سرشار از حس حقیقت جویی و ایمانی است که پولس طی آن از اصالت ماموریت خود دفاع می کند. کافی است از ۱۱:۲۲-۳۳ تا ۱:۱۲-۱۰ را خوانند تا به قدرت انجیل در جریان زندگی پولس پی برد.

رسول عیسی مسیح

جاذبه عمیق نامه دوم به قرنتیان در بهم آمیختن رویدادهای بشری و حضور فعال خداوند است. این چنین نیست که از سویی شرحی عقیدتی و از سوی دیگر تعمقی درباره زندگانی مطرح باشد، بلکه تنها جریانی بس قوی، تنها یک قوه محرکه قوی است که عمیقاً شخص عیسی و عمل فعلی آن را به زندگانی حاضر مسیحیان کلیسای قرنت و بویژه پولس متحد می دارد.

عمل روح القدس و عمل مسیح اغلب بهم پیوسته است (۲۱:۱، ۱۸:۳) و گاه عمل خدا بدان افزوده می گردد چون در ۲۱:۱-۲۲. به این ترتیب مسیح، روح القدس، خدا با هم در رابطه ای بسیار تنگاتنگ چون در ۳:۳ و ۱۳:۱۳ قرار دارند. این ضوابط نقش پرداز آن چیزی است که در قرن آتی آنرا تثلیث خواهند نامید اما این نقش هم متکی بر تنوع و هم وحدت عمل هر سه : خدا، مسیح و روح القدس است که در زندگانی افراد و جوامعی که ایمان دارند، برای هدایت عمل نجات و تحقق آن مداخله می کند.

موضوعی هست که جالب توجه است: پولس تکیه کلامش بر مسیح است. وفور اشارت «در مسیح» تاکید بر رابطه اشتراک فعلی و ضابطه «با مسیح» تاکیدی بر اشتراکی آتی بسیار تنگاتنگتر پس از گذر از مرگ و قیام است. پولس یک شیوه تشریح اقرار به ایمان به مسیح را با فراخنائی قابل ملاحظه یافته است: «مسیح تصویر خداست» (بازتاب خداست) (۴:۴). در یک ضابطه منحصر بفرد از «تصویر خدا»، رسول ویژگی خاص شخص مسیح را تشریح می کند. مسیح شخصی واقعی به مانند آدم، تصویر (بازتاب) خداست. مسیح آن کسی است که بر روی زمین، خدا را مکشوف گردانیده است: وی تصویر خدا است یعنی ان کس که در وی هر انسانی می تواند خدا را ببیند.

همچنین مرگ و زندگانی عیسی همواره با نتایج فعلی آن بر رسول، بر جامعه مسیحی یا مسیحیان در ارتباط قرار داده شده است.

نامه دوم به قرنتیان بمعنای اخص کلمه نامه رسالتی است. رسول در موکب پیروزمند مسیح پیش می رود و همه جا عطر شناسائی وی را که عطر زندگانی است، می پراکند (۱۴:۲-۱۷). وی با تقدیر مسیح مشارکت بعمل می‌آورد و در تن خویش مرگ عیسی مسیح را حمل می کند تا سرانجام زندگانی عیسی در آن پدیدار گردد. پیام رسالتی وی یک نامه زنده است: جامعه قرنت، «نامه ما شما هستید» این است اعلام پولس به قرنتیان (۲:۳). پولس اصطلاح بجا را در بیان عظمت و شکنندگی مأموریت خود یافته بود: «این اندوخته را در ظرف گلین (سفالین) داریم»[1] (۷:۴) و قوت و شمارش دقیق مذکور در ۴:۶-۱۰ قدرت و حدود رسالت وی را نشان می دهد. خصلت انسانی وی با همهٔ تفاصیلی که رسول درباره زندگانی گذشتهٔ خود در خدمت مسیح مشخص است (۲۲:۱۱-۳۱) و توالی خطرهای رنج و درماندگی را که وی باید شخصاً تحمل کند بما یاد می دهد! اما به مردی که خداوند گفته است: «فیض من تو را بسنده است، زیرا قدرت در ضعف بکمال می رسد.»[2] (۹:۱۲). پولس برای مسیح در سفارت است (۲۰:۵). او می بیند که مأموریت آشتی بوی سپرده شده است (۱۸:۵) زیرا وی قابلیت آن را یافته بود که خادم پیمانی نوین باشد (۶:۳).

عهد عتیق

با تاکید بر این نکته که قرنتیان به یک نامه مسیح با اعتماد به مأموریتش مبدل شده اند، دید پولس قدیس چنین است که

۱- «حمل گنجینه ای در ظرف گلین» = (T. O. B.)

۲- «فیض من ترا بسنده است، زیرا قدرت من در ضعف به کمال می رسد.» = (T. O. B.)

پیمان نوینی را که ارمیا نبی اعلام کرده است (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۳) به تحقق رسیده است. این پیمان در حکم تکمله یا تنقیح پیمان عتیق نیست زیرا اگر نقاش و نقش همان اند، با وجود این از لوح سنگی گذشته و به لوح تن و از کتاب گذشته به قلب روی آورده ایم و آن دیگر محدود به قوم بنی اسرائیل نیست. این پیمان برای همه کسانی که عمل روح القدس را در خود به انجام برسانند، گشایشگر عهد جدیدی است. برای نشان دادن اینکه چگونه این پیمان واقعاً نوین است، پولس مقایسه ای گیرا بین پیمان منعقده در گذشته با موسی و پیمان نوین را تشریح می کند. این برای اولین بار است که پیمان موسی پیمان قدیم نامیده شده و کتاب مقدس یهودیت دارای عنوان «عهد عتیق» گردید (۳:۱۴) از این پس فعل و انفعال خدا در قلب است، دوران روح القدس فرا رسیده است. پیمان نوین نمی تواند تنها در بند یک نوشته محدود شود (۳:۶) همانگونه که برای عهد عتیق این چنین بوده است، زیرا روح القدس زندگانی می بخشد. (۳:۶).

تنها يك كليسا

مقارن سال ۵۵، یعنی یک نسل پس از مرگ و قیام عیسی مسیح این خطر بسیار بود که هر جامعه مسیحی محلی خصلتهای ویژهٔ خود را به قیمت پیوند بین همهٔ کلیساها برای خود مشخص گرداند. برای پولس رسول، دوران نجات بخش مسیحائی فرارسیده بود. (ر.ک اشعیا ۶۰-۶۲). باز پیشنهاد جمع آوری اعانه است که برخی آن را «همگانی» نامیده اند، زیرا در جهت ارزش نهادن به رابطه بین همهٔ کلیساهای زاده از رسالت و قدیسان اورشلیم که تحت فشار قحطی اند، قرنتیان برای جمع آوری این اعانه بر هم پیشی می گیرند. آنان نخستین کسانی اند که پیشنهاد تشکیل سازمانی را می کنند که به دیگر کلیساها نیز گسترش می یابد. به دیگران سخاوتمندی را پیشنهاد کردن آسانتر است تا آدم خود سخاوتمند باشد: از دید پولس یاریهای متقابل به نشان اشتراک عمیق تلقی می گردد: یک جامعهٔ خدا که در قرنت است، همانی است که در جاهای دیگر هم هست جمع آوری اعانه باید به نشان اتحاد در برابر پراکندگی و تأکید بر اتحاد قوم جدید، چه یهودی و چه یونانی باشد.

ارزش فعلی

عصر ما عصر اطلاعات دقیق و آگاهیهای مربوط به شرح حال زندگانی افراد است (بیوگرافی) نامه دوم به قرنتیان به این انتظار مثبت پاسخ می دهد و اطلاعات دقیقی از زندگانی پولس را در بر دارد. این نامه ممکن است مورد علاقهٔ روان شناسان، روانکاوان، مفسران، الهی شناسان، مورخان یا بطور ساده هر خواننده ای قرار گیرد که انسانی بغایت زنده، با یک شبان یا رسولی در برخورد با مسائل جدید و سخت را باز می یابد.

سرانجام در این دوران آغازین جامعه مسیحی همه چیز در معرض کاویدن و جستجو است زیرا همه چیز را باید یافت.درباره این نکته، نامه دوم به قرنتیان می تواند حاوی مشخصات و طرحهائی از راه حل کلیساها که در محیطی متغیر در جستجوی اشکال نوینی از وفاداری و ایمان اند، باشد.

دومین نامه به قرنتیان

عنوان و سلام

روم۱:۱؛ ۱-قرن۱:۱ **۱** ۱پولس، رسول مسیح عیسی[a]، به
ارادهٔ خدا و تیموتاؤس برادر[b]، به
کلیسای خداکه در قرنتس است[c]، با همه
مقدسانی که در تمام اخائیه هستند[d]؛
روم۱:۷ ۲فیض و صلح از سوی خدا، پدر ما و از
خداوند[e] عیسی مسیح! بر شما [باد]

مشارکت در رنجها و تسلاها

افس۱:۳ ۳متبارک باد خدا و پدر خداوند ما
روم۱۵:۵ عیسی مسیح، پدر رحمت ها و خدای
پُرتسلّی، ۴که ما رادر تمام مصیبت مان[f]
تسلی می دهد، تا ما بتوانیم آنها را در همهٔ
مصیبت ها تسلّی دهیم، به آن تسلّی که خود
تسلّا یافته ایم، از خدا. ۵زیرا همچنان
کول۱:۲۴؛ فی۱:۲۰ که رنجهای[g] مسیح برای ما بی اندازه هستند
به همان گونه تسلّی[h] ما بوسیله مسیح نیز بی
اندازه است. ۶ و اگر ما مُصیبت‌زده هستیم،
به خاطر تسلّی و نجات شما است. اگر ما
تسلّی یافته ایم به خاطر تسلّی شما است که
همان رنج هایی را که ما هم داریم با مقاومت
تحمّل می کنید. ۷و امید ما دربارهٔ شما

a- مسیح عیسی. ر.ک روم ۱:۱ b. پولس در نامه های خود گاهی عنوان مسیح عیسی بکاربرده: ۲- قر ۱:۱، ۱۹؛ ۴:۵ وگاهی عیسی مسیح: ۲-قرن ۱:۲، ۳؛ ۱۳:۵، ۱۳؛ ولی بیشتر اوقات فقط عنوان مسیح بکار برده است: ۲-قرن ۱:۵، ۲۱؛ ۲:۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷؛ ۳:۳، ۴، ۱۴، و غیره مخصوصاً در مواردی که با حروف اضافه «در» و به صورت «در مسیح» نوشته است. در صورتی که بندرت فقط نام عیسی را آورده است: ۴:۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۱:۴. و این در موردی است که سخن از موعظه، زندگی یا مرگ عیسی است. چنین به نظر می رسد که پولس موقعی عنوان مسیح عیسی بکار می برد که فکر می کند خطاب به شنوندگان یهودی است و می گوید: مسیح موعود، عیسی است. در صورتی که برای شنوندگان یونانی عنوان عیسی مسیح بکار برده که رفته رفته به صورت اسم خاص در می آید.

b- تیموتاؤس اهل لستره، اع ۱۶:۱ در دومین و سومین پولس به همراه او بوده است. وی در پی ریزی کلیسای قرنتس شرکت داشته: اع ۱۸:۵؛ ۲-قرن ۱:۱۹ و مخصوصاً ارتباط رسول را با این کلیسا حفظ می کرده است: ۱-قرن ۴:۱۷؛ ۱۶:۱۰-۱۱.

c- شهر قرنتس که در سال ۱۴۶ پیش از میلاد مسیح بوسیلهٔ کنسول رومی مومیوس با خاک یکسان شده بود مجدداً در سال ۴۴ پیش از میلاد بوسیله قیصر روم یولیوس بنا شده و سریعاً به صورت شهر بزرگی درآمده و پایتخت ایالت اخائیه گردید. اهالی این شهر که از نقاط مختلف آمده بودند و جمعیّت مختلطی را تشکیل می دادند ر.ک اع ۱۸:۱ p.

d- اخائیه یکی از ایالت های تابع امپراتوری روم و شامل سرزمین های یونان قدیم بوده است.

e- کلمه یونانی که به فارسی خداوند ترجمه می شود، برای ترجمهٔ نام خدا که در کتاب مقدس عبری آمده بکار می رود، بکار بردن این کلمه در مورد عیسی اعتراف به الوهیت مسیح است، اع ۲:۳۶؛ ۱-قرن ۱۲:۳؛ ۲-قرن ۴:۵؛ فی ۲:۱۱.

f- ترجمهٔ تحت اللفظی: آنان را که در هر مصیبتی هستند. این مصیبت ها از گرفتاری های ازدواج گرفته ۱-قرن ۷:۲۸، تا بینوایی، ۲-قرن ۸:۲، و خطر مرگ ۲-قرن ۱:۸، با اضطراب های مربوط به آن است، ۲-قرن ۱:۴، و عبارت از مصیبت هایی است که بر رسول و یا فرد ایماندار می رسد. ر.ک روم ۵:۳ c.

g- پولس در مورد مقایسه و مبادلهٔ وضعیت بین مسیح و قرنتیان اصرار می کند. در اینجا موضوع رنج ها و تسلّی ها است؛ در ۲-قرن ۵:۲۱، گناه و عدالت خدا؛ در ۲-قرن ۸:۹ بینوایی و ثروت؛ در ۲-قرن ۱۳:۴ ناتوانی و قدرت است؛ ر.ک ۴:۱۲؛ ۱۱:۲۹؛ ۱۲:۹. ضمناً همین مبادله وضعیت که بین مسیح و فرد ایماندار وجود دارد بین رسول و مسیحیان بوجود می آید: ۱-قرن ۱۱:۱؛ ۱۲:۲۶.

h- کلمه تسلّی که در کتاب اشعیاء آمده (۴۰:۱) و در مورد استقرار مجدّد اسرائیل بکار برده شده در نوشته های عهد جدید به مفهوم شادی و دلگرمی است که نوید انجیل و روح القدس را می آورند.

موکّد است: زیرا می‌دانیم همان‌طور که در
رنج ها [ی ما] مشارکت دارید همینطور نیز
تسلّی خواهید داشت. [۸]زیرا نمی‌خواهیم،
ای برادران که در مورد مصیبتی که در آسیا[i]
به ما رسید بی‌خبر بمانید که بی اندازه،
بیش از نیروهای خود فرسوده شدیم، تا
به حدّی که حتی از جان [خود] نومید
بودیم.
فی۲:۲۷ [۹]با این همه خود را محکوم به مرگ
می‌دانستیم تا بر خود اعتماد نداشته باشیم
بلکه بر خدا که مردگان را بر می‌خیزاند. روم۴:۱۷
[۱۰]آنکه از چنین مرگی ما را رهایی خواهد
بخشیده[j] و رهایی خواهد بخشید، که
امیدواریم تا باز هم رهایی خواهد بخشید،
[۱۱]شما نیز ما را با نیایش یاری کنید تا
فیضی که بوسیله اشخاص متعدّد برای ما
می‌رسد موجب سپاسگزاری[k] بسیاری برای
ما باشد.

تغییر برنامه سفر

[۱۲]زیرا افتخار ما این است: [l] گواهی ۲:۱۷؛ ۱-قرن۱:۱۷؛ ۲:۱
وجدان ما که با سادگی[m] و صفائی که از
سوی خدا می‌آید و نه با حکمت بشری بلکه
با فیض خدا، در دنیا و مخصوصاً نسبت به
شما رفتار کرده‌ایم. [۱۳]زیرا چیزی به شما
نمی نویسم جز آنچه شما می‌خوانید و یا
درک می‌کنید[n] و امیدوارم که کاملاً درک
خواهید کرد، [۱۴]چنانکه تا حدّی هم ما را
درک کرده‌اید که موجب افتخار شما
هستیم، همچنان که شما هم برای ما در روز[o]
خداوند ما عیسی[p] [خواهید بود]. [۱۵]و با
چنین اعتمادی در ابتدا می‌خواستم به نزد
شما بیایم تا فیض دومی داشته باشید[q]، [۱۶]
و از نزد شما به مقدونیه بگذرم و دوباره از
مقدونیه به نزد شما بیایم و شما [مرا]
به سوی یهودیه همراهی کنید[r]. [۱۷]وقتی این
را می‌خواستم آیا سهل انگاری کرده ام؟ یا
آنچه را قصد کرده ام برطبق بشری [تن]

i- منظور یکی از ایالت‌های امپراتوری روم در آسیای صغیر است که پایتخت آن افسس بوده است. چنین به نظر می‌رسد خطری که در اینجا ذکر شده غیر از شورشی است که در اع ۱۹:۲۳-۴۰ و وقایعی که در ۱-قرن ۱۵:۳۲ آمده است. آیا می‌توان این خطر را با آنچه در فی ۱:۱۲-۳۰ ذکر شده است مربوط دانست؟ به هرصورت بازداشت پولس در اورشلیم به تحریک یهودیان ایالت آسیای صغیر خواهد بود. اع ۲۱:۲۷؛ ۲۴:۱۹.

j- ترجمه تحت‌اللفظی: از چنین مرگ هایی... بکار بردن کلمه به صورت جمع طرز بیان درزبانهای سامی است.

k- پولس به قرنتیان در مورد سپاسگزاری خیلی اصرار می‌کند. ر.ک ۴:۱۵؛ ۹:۱۱-۱۲.

l- ر.ک روم ۴:۲ d و همچنین در این نامه مخصوصاً در فصل ۱۰،۱۲ موارد بسیاری وجود دارد که رسول، به کلیسای خود افتخار می‌کند که به لطف مسیح ایجاد شده‌اند .

m- در بعضی از نسخه های خطی به‌جای کلمه سادگی، قدوسیت آمده است.

n- پولس در سخنرانی ها و نامه های خود فقط یک انجیل را اعلام می‌کند: ۲-قرن ۱۱:۴؛ غلا ۱:۶-۹؛ ۲:۲، ۵؛ بدین‌گونه به کسانی که او را به دو روئی متهم می‌کنند پاسخ می‌دهد: ۲:۱۷؛ ۴:۲.

o- روز خداوند روزی است که برطبق نوشته های عهد عتیق در انتظار آن روز هستند. در عهد جدید روز خداوند به عنوان روز مسیح ذکر شده یعنی روز بازگشت و حضور مسیح و در عین حال روز رستاخیز و داوری است. ۱-قرن ۱:۸؛ ۵:۵.

p- در نسخه های خطی دیگری: در روز خداوند عیسی خواهید بود.

q- در نسخه های خطی دیگری: تا برای شما مضاعفی فراهم کند.

r- طرح مسافرت پولس که در ۱-قرن ۱۶:۵-۶؛ ذکر شده بود تغییر یافته است. بدواً قرار بود خط سیر پولس مقدونیه- قرنتس- یهودیه باشد درصورتی که در اینجا قرنتس- مقدونیه- قرنتس- یهودیه است. در حقیقت پولس به‌خاطر رعایت کلیسای قرنتس منصرف خواهد شد که بدواً از قرنتس بگذرد: ۱:۲۳؛ ۲:۱.

قصد کرده ام تا در من، بلی، بلی، و نه، نه
۱-قرن۱۰:۱۳ باشد[s]؟ ۱۸ اما به وفاداری خدا [سوگند]
که سخن ما با شما [هم] بلی و هم نه
نیست. ۱۹زیرا پسر خدا، عیسی مسیح که از
طریق ما، به وسیلهٔ من و سلوانس[t] و
تیموتاؤس بین شما اعلام کرده ایم بلی و نه
نبوده است بلکه در او بلی بوده است. ۲۰
زیرا چونکه [تمام] وعده های خدا در او:
بلی است: پس به وسیلهٔ او آمین[u] ما هم به
۱-یو۲:۲۷ خدا برای شکوه [او] است. ۲۱ وآنکه ما را
با شما در مسیح استوار ساخته وما را تدهین
نموده[v] خدا است، ۲۲آنکه نیز ما را مُهر
زده و در دلهای ما تضمین[w] روح [القدوس]
را نهاده است. ۲۳اما من بر جان خود خدا را
۱:۶؛ ۱-پطر۵:۲-۳ گواه می خوانم که برای رعایت حال شما
دیگر به قرنتس نیامده ام. ۲۴نه برای آنکه
صاحب ایمان شما باشیم بلکه در شادی شما
شریک هستیم زیرا [به خوبی] در ایمان
پایداری می کنید.

۲ ۱پس، پیش خودم چنین تصمیم
گرفتم که در حال غمگینی[x] دوباره
به نزد شما نیایم[y]. ۲زیرا اگر شما را نیز
غمگین کنم چه کسی [می تواند] به من
شادی دهد غیر از آنکه او را غمگین
کرده ام[z]؟ ۳و من این را نوشته ام[a] تا مبادا
۱۰:۱۳ در وقت آمدن، به سبب آنان که باید مرا
شاد کند غمگین شوم با اینکه در مورد همهٔ
شما یقین دارم[b] که شادی من، [شادی]
همهٔ شما است. ۴زیرا با محنت زیاد و

s- ترجمهٔ تحت اللفظی: بلی، بلی و نه، نه. ممکن است منشأ این سخنان از یع ۵:۱۲ باشد. ر.ک مت ۵:۳۷. رقیبان پولس او را متّهم می کردند که مدام نقشه های خود را تغییر می دهد درصورتی که فقط تغییر اوضاع و وقایع او را مجبور به این کار می کرده است.

t- سلوانس دو نام داشته است: یکی، نامی از ریشهٔ عبری که سیلاس بوده و دومی نامی لاتینی که به صورت یونانی درآمده بود: سیلون (اع ۱۵:۲۲-۴۰؛ ۱۶:۱۹-۲۹ و غیره). وی در اعلام نوید انجیل در قرنتس شرکت داشته است: اع ۱۸:۵؛ ۱-تسا ۱:۱؛ ۲-تسا ۱:۱؛ ر.ک ۱-پطر ۵:۱۲.

u- آمین (راست راست، یقین است)، یکی از چهار کلمهٔ آرامی است که در زبان یونانی جزو عبارات و اصطلاحات نیایشی عهد جدید حفظ شده است. این کلمه وفاداری به خداوند و ایمان شخصی را بیان می کند. عیسی برخلاف روش کاهنان سخنان خود را با این کلمه آغاز می کرد: آمین به شما می گویم... در انجیلهای همگونه بیش از پنجاه مورد این کلمات به این صورت آمده است. در انجیل چهارم کلمهٔ آمین دوبار ذکر می شود تا اظهارات را تأیید کرده، به آنها جنبهٔ رسمی بدهد: آمین، آمین به شما می گویم... یو ۱:۵۱ ولی کلمه آمین اکثراً در پایان آیین نیایش بکار برده می شود و آیین نیایش سپاسگزاری نمونه ای از آنست. ر.ک روم ۱۶:۲۷؛ ۱-قرن ۱۴:۱۶؛ مکا ۵:۱۴. یوحنا در مکاشفه این کلمه را مانند پولس بکار برده است و عیسی را آمین خواهد نامید: مکا ۳:۱۴.

v- تدهین (بند۲۱) و مُهر (بند۲۲) مربوط به اظهاراتی دربارهٔ تثلیث: مسیح، خدا و روح القدوس می باشند قبلاً در عهد عتیق این نشانه ها را به فوران روح القدوس مربوط می کردند، باری آنچه در یول ۳:۱-۲ اعلام شده بود اکنون تحقق یافته است. همچنین ممکن است این کلمه ها اشاره به آیین ها و رازهای مذهبی مخصوصاً راز تعمید باشد.

w- در اینجا و در ۵:۵ کلمه تضمین یا بیعانه آمده است؛ ر.ک افس ۱:۱۴. در جاهای دیگری کلمهٔ نوبر: روم ۸:۲۳. زیرا موهبت روح القدس تضمین و نوبر شکوه آسمانی است.

x- در ۷:۱۰ پولس دو نوع غمگینی را از یکدیگر متمایز می کند: غمگینی برطبق خدا و غمگینی برطبق دنیا. غمگینی اوّلی باید موجب ندامت و توبه شود.

y- ر.ک ۱:۱۶ r.

z- به پولس شدیداً توهین شده و ظاهراً یکی از مخالفان او که شاید یهودی بوده منکر عنوانها و اختیارات رسولی او است. پولس حاضر است این توهین را بخشیده و نادیده بگیرد ولی باید بدواً وضیعت را روشن کند.

a- در مورد این نامه که گم شده است، ر.ک مقدمه.

b- ترجمهٔ دیگر: با اینکه از شما اطمینان داشتم.

۸:۷؛ اع۲۰:۳۱ اضطراب دل و در میان اشکهای بسیار به
شما نوشته ام، نه برای اینکه غمگین باشید
بلکه تا بدانید چه محبت بی اندازه ای
نسبت به شما دارم.

عفو پولس

۱-قرن۵:۲ [5] و اگر کسی موجب غمگینی شده[c]، مرا
غمگین نکرده است بلکه اگر مبالغه نکنم تا
حدّی همهٔ شما را [غمگین کرده است].
[۶] برای چنین شخصی کافی است که
اکثریت[d] [شما او را] مجازات کنند،
کول۳:۱۳ [۷] بدین سان بهتر است برعکس او را
بخشیده و نصیحت کنند مبادا چنین شخصی
بر اثر اندوهی مفرط فرو اُفتد. [۸] به این دلیل
به شما اندرز می دهم با او، محبت را تثبیت
۷:۱۵؛ ۱۰:۶ کنید[e]. [۹] زیرا برای این نیز به شما نوشته ام
تا به تجربه بدانم آیا شما از هر جهت مطیع

هستید. [۱۰] اما به هرکس شما ببخشید من هم مت۱۰:۴۰
[می بخشم]؛ زیرا اگر بخشیده ام چنانکه
موردی برای بخشیدن داشته ام، به خاطر شما
در حضور مسیح است، [۱۱] تا نگذاریم شیطان
از ما بهره برداری کند؛ زیرا از اندیشه های
او بی خبر نیستیم[f].

پریشانی و آرامش پولس

[۱۲] اما برای انجیل مسیح به ترواس[g] آمده
بودم و [با اینکه] دری برای من گشوده بود،
[۱۳] روحم راحت نبود، زیرا برادرم تیطس را
نیافتم، پس از ایشان وداع کردم، به
مقدونیه[h] آمدم: [۱۴] اما سپاس خدای را که ۲-تیمو۴:۱۰؛ تیط۱:۴
همواره در مسیح ما را به پیروزی[i] می کشاند
و عطر دانش خود را در همه جا به وسیله ما
ظاهر می کند. [15] زیرا ما برای خدا عطر ۱-قرن۱:۱۸
خوب مسیح هستیم، در بین آنان که نجات

c- ر.ک بند ۲ z. حتماً منظور توهینی است که به شخص او شده و غیر از مواردی است که پولس در ۱-قرن ۵:۱ و فی ۱:۱۵-۱۷ ذکر می نماید.

d- ترجمه تحت اللفظی این کلمه یونانی: بیشتر، اغلب و اکثر است. و در اینجا به صورتی که آمده است به مفهوم جمعیت (و نه فقط اکثریت) است. ر.ک به اصطلاح عبری متعدّدها که در مقررات جمعیت قمران ذکر شده است.

e- جمعیت های اولیه مسیحیان در برابر خطاهای بزرگ مجبور بودند اقدامات انضباطی شدید اتخاذ نمایند. مثلاً پولس در موردی که کسی با محارم خود مرتکب زنا شده بود دستور می دهد با گناهکاران قطع رابطه کنند. ۱-قرن ۵:۱-۱۳؛ ر.ک مت ۱۸:۱۵-۱۷؛ ۱-قرن ۱۱:۳۰-۲۲؛ ۳-یو ۱۰. ولی محبت برادرانه باید موجب تخفیف مجازات ها گردد.

f- شیطان می خواهد مسیحیان را فریفته و از راههای حقیقت خارج کند: لو ۲۲:۳۱؛ روم ۱۶: ۱۷-۲۰؛ ۲-قرن ۶:۱۴-۱۶؛ ۱۱:۳-۱۵.

g- ترواس، همان شهری است که پولس درضمن دومین مسافرت خود، در آنجا در رؤیا دید یکی از اهالی مقدونیه از او دعوت می کند از اروپا عبور نماید: اع ۱۶:۸-۱۱ و در سومین سفر خود از آنجا عبور کرد: اع ۲۰: ۵-۱۲، ضمناً برطبق ۲-تیمو ۴:۱۳ می دانیم که پولس روای خود و نوشته هایش را در آنجا در خانهٔ کرپس گذاشته بود. چون پولس در آنجا از کشتی پیاده می شود بنابراین باید بندر اسکندریه ترواس باشد و نه شهر ترواس که در داخل سرزمین قرار داشته است. پولس می خواسته است قبل از هرچیز در این مسافرت به پیشواز تیطس برود. ۲-قرن ۷:۵؛ ر.ک ۷:۶ o.

h- بند ۷:۵ در ادامهٔ منطقی ۲:۱۲-۱۳ است: وقتی به ترواس رسیدم... روحم راحت نبود زیرا برادرم تیطس را نیافتم. ۷:۵: در حقیقت پس از رسیدن به مقدونیه راحتی نیافتیم... ۶- امّا خدا که آدمیان را تسلی می دهد، ما را بوسیلهٔ رسیدن تیطس تسلّی داد.
با این گسیختگی مطلب در ۲:۱۳ که بعداً در ۷:۵ ادامه می یابد بعضی از مفسران چنین نتیجه می گیرند که ۲:۱۴-۷:۴ نامهٔ دیگری در مدح و ستایش وظیفه رسالت بوده است ولی می توان آن را به عنوان جملهٔ معترضه ای طولانی تصوّر کرد که از سایر جمله های معترضه گفتارهای شفاهی پولس اندکی طولانی تر است.
کسانی که ۲:۱۴-۷:۴ را یک نامهٔ جداگانه می پندارند آن را در دنباله ۱-قرن و قبل از «نامهٔ در میان اشگها» (۲-قرن ۱۰-۱۳) قرار می دهند. ر.ک. مقدمه

i- در بندهای ۱۴ و ۱۶ از رسوم و تشریفاتی الهام گرفته شده که پس از پیروزی برگزار می کرده اند در این تشریفات همراهان و ملتزمان به همراه خدمتگزاران پیشاپیش فرمانده پیروزمند عطر می پراکندند.

می یابند و آنان که گمراه می شوند؛ [16]زیرا
بـعـضی هـا را بـوی مـرگ به سـوی مـرگ و لو۲:۳۴
دیگران را عطر زندگی به سوی زندگی، آیا
چه کسی قادر به این است[ii]؟ ۲:۱؛ ۱۳:۱۱؛ ۱-تسا۲:۵
[17]زیرا بمانند بسیاری نیستیم که سخن
خدا را معامله می کنند بلکه در پاکی [و ۱-پطر۴:۱۱
صفای کامل] از سوی خدا و در حضور خدا
در مسیح سخن می گوییم.

خدمت پیمان نوین

۳ [1]آیا دوباره آغاز می کنیم خودمان ۱۲:۵؛ ۱۲:۱۰؛ روم۱۷:۱؛ ۳:۸؛ ۱-قرن۱:۳۰؛ غلا۳:۱۳؛
خود را توصیه نمائیم؟ یا اینکه مثل
بعضی ها احتیاج به نامه توصیه[j] برای شما فی۳:۹
یا از طرف شما داریم؟ [2]نامهٔ ما، شما ۱-قرن۹:۲
هستید که در دلهای ما[k] نوشته شده و همهٔ
انسان ها شناخته و خوانده اند[l]. [3]شما چون
یک نامهٔ مسیح ظاهر شده اید خدمت کرده
شده به وسیلهٔ ما، نه با مرکب بلکه با روح
خدای زنده نوشته شده، نه بر روی الواح
سنگی[m] بلکه بر روی الواح دلهای گوشتی.
[4]و چنین است اعتمادی که بوسیله مسیح در ار۳۱:۳۳؛ حزق۳۶:۲۶
نزد خدا داریم. [5]نه اینکه از خودمان قادر
باشیم ادعا کنیم چیزی چنانکه از خود ما یو۱۵:۵
است؛ بلکه قدرت ما از خدا می آید،
[6]که ما را قادر ساخته است خدمتگزار ار۳۱:۳۱
پیمانی نو[n] باشیم، نه به ظاهر کلمه[o] بلکه به

اسیران جنگی که قبل از آنان می آمدند اکثراً پس از اجرای مراسم کشته می شدند. تصاویر این بندها از مراسم ورود پیروزمندانه گرفته شده است.

ii- کلماتی که در بند های ۱۴-۱۶ آمده و گاهی عطر و در مورد دیگری بو ترجمه شده از ریشهٔ واحدی هستند و قاعدةً بایستی به یک کلمه فارسی برگرداند؛ ولی چون در مورد مرگ نمی توان کلمهٔ عطر را بکار برد ناچار بوی مرگ ترجمه شده است.

j- در سال چنین نامه های توصیه در آن دوره، حتی در کلیسا متداول بوده است. ر.ک اع ۱۸:۲۷؛ روم ۱۶:۱؛ کول ۴:۱۰؛ ۳-یو ۹-۱۲.

k- در بعضی از نسخه های خطی: در دلهای شما...

l- کلمه های شناخته و خوانده در زبان یونانی از یک ریشه هستند. در اینجا پولس ضمن بکار بردن فن جناس، مخاطبان خود را به نامه همانند کرده است.

m- الواح سنگی اشاره ای به اعطای قوانین در کوه سینا است: ر.ک خروج ۲۴:۱۲؛ ۳۱:۸؛ ۳۴:۲۸-۲۹.

n- پیمان نو یا عهد جدید: این کلمه در کتاب مقدس به معنی و مفهوم معینی بکار برده شده ولی در زبان یونانی مفهوم وصیت نامه را نیز دربر دارد. پولس با ذکر مرگ عیسی که پیمان نو را بنیان گزاری کرده است مفهوم قضایی و حقوقی وصیت نامه را به این کلمه افزوده است: لو ۲۲:۲۰؛ ۱-قرن۱۱:۲۵؛ ۲-قرن ۳:۱۴؛ عبر ۸:۸؛ ۹:۱۵؛ ۱۲:۲۴. یک رشته اختلاف زیر تفاوت بین این دو عهد را به طور برجسته نمایان می کند:

عهد عتیق	عهد جدید
الواح سنگی	الواح= دلهای گوشتی، ۳:۳ خدمت عهد جدید ۳:۶
ظاهر کلمه می کُشد ۳:۶	معنی و روح زنده می کند ۳:۶
خدمت مرگ ۳:۷	خدمت روح ۳:۳، ۸
خدمت محکومیت ۳:۹	خدمت عدالت ۳:۹
زایل شدنی ۳:۱۱	آنچه می ماند ۳:۱۱
عهد عتیق با پوششی خوانده می شود ۳:۱۴	روشنایی دانش ۴:۶
شکوه زایل شدنی ۳:۷	شکوه خدا ۴:۶
بر روی چهره موسی ۳:۷	بر روی چهره مسیح ۴:۶

o- منظور از ظاهر کلمه (ترجمه تحت اللفظی: حرف) قانون موسی است زیرا انسان را ملزم به اطاعت می کند در صورتی که آدمی قادر به پیروی آن نیست و در نتیجه به مرگ کشانیده می شود، روم ۷:۵. آیین یهودا در دوران پولس از ریشه های اصلی خود بریده و جدا شده بود و مراعات دقیق و کلمه به کلمه قانون تورات این آیین را به صورت مرده درآورده بود، ۲-قرن ۳:۱۴.

معنی آن؛ زیرا ظاهر کلمه می‌کُشد، اما معنی
آن زنده می‌کند[p]. ۷ باری، اگر خدمت مرگ،
که با حروف بر روی سنگها کنده شده،
درشکوهمندی چنان بوده که پسران اسرائیل
نمی‌توانستند بر چهرهٔ موسی خیره شوند[q]،
به سبب شکوه چهره‌اش، که زایل شدنی بود،
۸ چگونه خدمت روح بیشتر شکوهمند
نخواهد بود؟ زیرا ۹ اگر خدمت محکومیت
شکوهمند بوده، [پس] چقدر بیشتر خدمت
عدالت شکوه فراوان‌تری دارد؟ ۱۰ و زیرا
آنچه در این مورد شکوهمند شده، به سبب
این شکوه فوق‌العاده شکوهمند نشده است.
۱۱ زیرا، اگر آنچه زایل شدنی بود در شکوه
[ظاهر گردید]، پس آنچه می‌ماند چقدر
بیشتر شکوهمند[خواهد بود]! ۱۲ پس ما که
چنین اُمیدی داریم با اعتماد زیاد رفتار
می‌کنیم، ۱۳ و نه بمانند موسی[r] که پوششی بر
روی چهرهٔ خود می‌گذاشت تا پسران اسرائیل
بر آنچه زایل شدنی است خیره نشوند...
۱۴ امّا افکار ایشان سخت شد. زیرا تا به
امروز در قرائت عهد عتیق[s] همان پوشش مر۴:۱۲؛ اع۲۸:۲۷؛
باقی است بدون اینکه [پوشش] برداشته روم۱۱:۷-۸؛
شود. زیرا در مسیح زایل شده است[t]. ۱۵ امّا عبر۸:۱۳
تا به امروز وقتی که [کتاب] موسی را
می‌خوانند پوششی بر روی قلب[u] ایشان اع۱۵:۲۱
گذاشته می‌شود. ۱۶ و چنانچه وقتی بسوی
خداوند برمی‌گردند[v] پوشش برداشته
می‌شود. ۱۷ اما خداوند روح

لازم به یادآوری است عهد جدید متنی نیست که عهد عتیق را تکمیل کرده باشد بلکه تحول و گذشتن است از آنچه نوشته شده به روح و معنی کلمه یعنی آنچه واقعاً در دل می‌گذرد. بدون روح، متن می‌کُشد اما بدون متن، روح خاموش خواهد ماند. ار ۳۱:۳۱؛ حزق ۳۶:۲۶.

p- ترجمهٔ تحت‌اللفظی قسمت آخر این بند: نه از حرف بلکه از روح؛ زیرا حرف می‌کُشد امّا روح زنده می‌کند.

q- پولس نکات مختلفی را دربارهٔ نقش موسی تشریح می‌نماید: قوانین را دریافت می‌کند؛ خروج ۳۴:۲۹-۳۵؛ خدمت مرگ که کلمه به کلمه بر روی الواح سنگی کنده شده است، خروج۳۲:۱۶؛ ۳۴:۱-۴؛ درخشندگی موقتی چهرهٔ موسی که در اثر ملاقات او با خدا حاصل شده است، خروج ۳۴:۲۹-۳۵، و پولس این امتیاز شخصی را که به موسی داده شده است در برابر موهبتی که به کلیه مسیحیان عطا شده است می‌آورد، ۲-قرن ۳:۱۸.

r- برطبق سفر خروج، درخشندگی خدایی که از چهرهٔ موسی ساطع می‌شود بوسیلهٔ حجاب و پوششی از نظر اسرائیلیان پنهان می‌ماند. ولی پولس در این مورد از طرز تفسیر کاهنان پیروی کرده و توضیح دیگری می‌دهد: بدین معنی که پوشش موسی برای آنست که موقتی بودن این درخشندگی شکوه خدا مخفی بماند.

s- ر.ک بند ۶ n. در اینجا نخستین باری است که اصطلاح عهد عتیق در یکی از نوشته‌های مسیحی بکار برده می‌شود.

t- ترجمهٔ دیگر: بر ایشان آشکار نشده است که این پیمان بوسیله مسیح از بین رفته است.

u- یهودیانی که در زمان پولس می‌زیستند تصویری از موسی مجسم می‌کردند که با آنچه در اسفار پنجگانه آمده و به نظر پولس کاملاً ارزشمند است خیلی تفاوت دارد: موسی نخستین رئیس و رهبر اسرائیلیان بوده است و او را به عنوان بنیانگذار ملّت خود می‌شناختند. او را دیگر به عنوان کسی که فقط ارادهٔ خدا و کلام او را نوشته است نمی‌شناختند بلکه کلام او ارزشی نزدیک به کلام خدا پیدا کرده بود. پدر همه پیامبران، پادشاه و کاهن محسوب می‌شد به طوری که قدرت و نبوغ او از حدود اسرائیل فراتر رفته و قانون تورات مقامی والا احراز کرده بود تا بدانجا که رعایت این قوانین و یا تخلّف از آنها موجب نزدیک شدن به خدا و یا محرومیت از حضور خدا می‌شد. به این ترتیب موسی سرور قانونگزاران و بهترین مفسّر مشیّت خدا بشمار می‌رفت.

تصویر پوشش که در این بندها ذکر شده ممکن است اشاره به دو مورد متمایز باشد: یا پوششی است که موسی بر روی چهرهٔ خود می‌گذاشت (بند ۱۳ r) و یا پوششی نیایشی که در قرن اول میلادی برای فرد یهودی که در کنشت کتاب مقدس را قرائت می‌کرد بکار می‌رفت.

v- توبه و گرایش راه ما را بسوی تأمل به شکوه خدا در مسیح می‌گشاید و به ما اجازه می‌دهد که بوسیله روح‌القدس آن را به آزادی منعکس نمائیم، ۲-قرن ۴:۴-۶.

یو۴:۲۴؛ روم۸:۲؛ ۱-قرن۶:۱۷ است[w]؛ و در جایی که روح خداوند است،
در آنجا آزادی است. ۱۸ و همگی ما که با
چهرهٔ بی پوشش، شکوه خداوند را منعکس
می کنیم[x]، به همین تصویر تغییر شکل
یافته ایم، از شکوه به شکوه[y]، همچون بوسیله
خداوند، که روح [است].

حضور مسیح در خدمت رسالت

۴ ۱ بدین سبب ما که این خدمت را
داریم، چون با رحمت دریافته ایم
مأیوس نمی شویم[z]، ۲ بلکه [امور] پنهانی
شرم آور را رها کرده ایم، با مکر رفتار
نمی کنیم و سخن خدا را تحریف
نمی نماییم[a]. بلکه با اظهار حقیقت، خود را
به وجدان همه انسان ها در حضور خدا مقبول
می کنیم. ۳ اما اگر انجیل ما نیز پوشیده است
برای آنانکه گمراه هستند پوشیده بوده است، ۲-تسا۲:۱۱
۴ در ایشان که خدای این دنیا[b] ذهن های بی
ایمانشان را کور ساخته، تا درخشندگی نور
انجیل شکوه مسیح را که تصویر خدا است[c]
نبینند. ۵ زیرا ما، خودمان را اعلام نمی کنیم
بلکه عیسی مسیح خداوند را[d]؛ امّا خود ما ۴:۱۱
بردگان شما به خاطر عیسی، هستیم. ۶ چون
خدا که گفته است: «از ظلمات نور ۳:۱۸؛ اش۹:۱؛ پید۱:۳؛ ۱-پطر۲:۹
بدرخشد، همان است که در دلهای ما
درخشیده[e] تا دانش شکوه خدا را که بر

w- خداوند روح است. این بند به انواع مختلف تفسیر شده است ولی تعبیری که برمبنای فحوای کلام است بیشتر محتمل و نزدیک به حقیقت می باشد. به طوری که در این قسمت نامه ذکر شده موسی وابسته به ظاهر کلمه است درصورتی که برعکس خداوند (مسیح) معنی و روح نوشته های مقدس را بیان کرده و خود را در آنها تشخیص داده و اعلام نموده است و آزادی را که اعطا می کند آزاد شدن از ظاهر کلمه است، روم ۸:۲؛ غلا ۵:۱.

x- انعکاس دائمی درمقابل درخشندگی موقتی چهره موسی است. واژهٔ منعکس می کنیم ترجمهٔ کلمه ای یونانی است که به ندرت بکار برده می شود و برای آن دو معنی مختلف قائل شده اند. بعضی از مفسّران معنی این کلمه را: تماشا کردن همچون در یک آینه پیشنهاد کرده اند و عطف به مفاد ۱-قرن ۱۳:۱۲ می نمایند؛ مفسران دیگری این کلمه را منعکس کردن، پرتو افکندن بمانند یک آینه تفسیر کرده اند. باری فعلی را که پولس بکار برده در زبان یونانی به طوری صرف شده که نشان می دهد فاعل فعل شخصاً علاقمند به انجام عمل است و نه اینکه خارج از اراده اش بر او عارض شده باشد. بنابر این ترجمهٔ کامل عبارت چنین خواهد بود: ما نظاره می کنیم و منعکس می سازیم. آنچه در دوران موسی غیرممکن بود در مسیح امکان می یابد، آنچه را آدمی نظاره می کند منعکس می سازد.

y- ترجمهٔ دیگر: با شکوهی که همواره بیشتر می شود، شکوه منشأ و پایان تغییر شکل است، ر.ک روم ۱:۱۷؛ ۲-قرن ۲:۱۶؛ ۴:۱۷. اصطلاح از شکوه به شکوه را گاهی از شکوه مسیح به شکوه مسیحیان درک کرده اند.

z- پولس این عقیده قاطع خود را در بندهای ۸-۱۱ تشریح می کند. هیچ چیزی نمی تواند مانع از آن شود که مسیح زندگی خود را متظاهر سازد، ۴:۱۶.

a- این توضیح ادامه خواهد یافت پس از اینکه مجدداً پولس صداقت خود را ابراز نماید و قبلاً نیز در ۲:۱۷ آن را تأکید نموده است.

g- خدای این دنیا= پادشاه این دنیا، ر.ک ۱-قرن ۲:۶؛ یو ۱۲:۳۱. ضمیر اشاره این نشان می دهد که منظور دنیای کنونی و حاضر است. قلمروی که نشانهٔ گناه داشته و از خدا جدا است؛ این اصطلاح درمقابل قرن آینده و مخالف با آن است. ضمناً این متن تنها موردی است که از شیطان با عنوان خدا یاده شده است.

c- ذکر تصویر خدا که در بند ۴ آمده بایستی با ارتباط یادآوری آفرینش بند ۶ درنظر گرفته شود. در آنجا مسیح به عنوان بهترین مظهر انسانی ظاهر می گردد که تصویر کامل خداست. ر.ک کول ۱:۱۵.

d- عبارت: عیسی مسیح خداوند است اعتراف اصلی و اساسی در بیان ایمان است. روم ۱۰:۹؛ ۱-قرن ۱۲:۳؛ ۲-قرن ۱:۲؛ فی ۲:۱۱.

e- این عبارت نقل قول عین کلمات پید ۱:۳ نیست بلکه نوعی ارائه آن به روش کاهنان است. ترجمهٔ دیگر: همان است که در دلهای ما درخشانیده...

[روی]چهرهٔ مسیح[ee] است روشن سازد». [۷]
ا ما این گنجینه[eee] را ما در ظرف های گِلی[f]
داریم تا این قدرت فوق العاده از خدا باَشد
۱:۸؛ ۷:۵ ونه از ما. [۸]ما از هرجهت مُصیبت‌زده هستیم[g]
ولیِ له نیستیم؛ تردید داریم ولی نومید نیستیم؛
۱۶:۴؛ [۹]شکَنجه شده ایم ولی نه متروک؛ افکنده
۱-قرن۱۵:۳۱؛ فی۳:۱۰ شده ایم ولی ازبین نرفته ایم؛ [۱۰]همواره
احتضار[gg] عیسی را در جسم داریم، تا زندگی
عیسی هم در جسم ما ظاهرگردد. [۱۱]زیرا ما که
زنده ایم، دائماً به خاطر عیسی به مرگ تسلیم
شده ایم، تا زندگی عیسی نیز در جسم [تن]
فانی ما ظاهرشود. [۱۲]بدین سان مرگ در ما
بکار است و زندگی در شما[h]. [۱۳]امّا چون
همان روح ایمان را داریم برطبق آنچه نوشته
مز۱۱۶:۱۰ شده است: ایمان آورده ام بدین سبب سخن
گفته ام، ما هم ایمان داریم و بدین سبب سخن
می گوییم، [۱۴]چون که می دانیم آنکه خداوند

عیسی را برخیزاند ما را هم با عیسی برخواهد روم۸:۱۱
خیزاند و با شما در نزدیکی [او] خواهد
گذاشت[i]. [۱۵]زیرا که همه چیز به خاطر شما،
تا فیضی که چند برابر شده، به وسیلهٔ
سپاسگزاری تعداد زیادی، شکوه خدا را ۱:۱۱
افزون سازد.

اطمینان به رستاخیز در برابر ترس از مرگ

[۱۶]بدین سبب مأیوس نمی شویم. بلکه حتّی
اگر انسانیّت بیرونی ما [j]زوال یابد، درون ما کول۳:۹
روزبروز تجدید می شود. [۱۷] زیرا لحظه ای
کوتاه[jj] مُصیبت ما، زیاده بر زیاده وزنی روم۸:۱۷؛
جاودانی از شکوه دارد[k]، [۱۸] ما به چیزهای عبر۱۲:۱۱؛ ۱-پطر۱:۶
مرئی نمی نگریم بلکه به چیزهای نامرئی [می
نگریم]؛ زیرا چیزهای مرئی موقتی و ۵:۷؛
نامرئی ها جاودانی هستند[l]. کول۱:۱۶

ee- در برخی نسخه ها: عیسی مسیح...

eee -ترجمهٔ دیگر: امّا ما این اندوخته را...

f- اصطلاح ظرف های گِلی ممکن است اشاره ای به ضعف و ناپایداری شخصی پولس باشد، ر.ک ۲-قرن ۱۲:۷-۱۰؛ غلا ۱۴:۴، همچنین ممکن است این اصطلاح را به معنی جسم گِلی درک کرد که اشاره به روایت پید ۷:۲ است و در روم ۹:۲۱-۲۳؛ ۱-قرن ۱۵:۴۷؛ ۱-تسا ۴:۴ نقل قول شده است.

g- تمام این تصاویر یادآوری مراحل مختلف مبارزه کسانی است که در میدانهای نمایش رومیان با یکدیگر یا با حیوانهای درنده مبارزه می کردند و در این مبارزه رسول بدون فیض و لطف خداوند محکوم به مرگ می شد.

gg- ترجمهٔ دیگر: رنج های عیسی...

h- ر.ک ۵:۱ g. پولس چندین بار مشکلات و تجربه های رسالت خود را به قرنتیان یادآوری می کند که درمقابل نتایج مثبتی است که از این رسالت بدست آورده است: ۶:۴؛ ۱۱:۲۳-۳۳.

i- در اینجا نظیر ۵:۱۰ در مورد داوری تأکید نمی شود بلکه به مانند ۱-قرن ۶:۱۴ پیروزی ایمانداران را یادآوری می کند.

j- پولس در روم ۷:۲۲ اصطلاح انسان درونی را در مورد بشری عاقل و باهوش بکار برده است. در اینجا اختلاف بین نموّ روحی و ضعف و تحلیل قوای جسمی است: ر.ک روم ۸:۱۸-۱۹. ضمناً شباهتی بین انسان بیرونی و انسان کهن وجود دارد: افسس ۴:۲۲؛ کول ۳:۹. پولس گاهی، نظیر اینجا اختلاف بین انسان درونی و انسان بیرونی را بکار می برد، گاهی اصطلاح در جسم خود را درمقابل خارج از جسم خود می‌آورد: ۱-قرن ۱۲:۲ و زمانی انسان کهن را در قابل انسان نو می گذارد: افس ۴:۲۲-۲۴ یا کول ۳:۹-۱۰، این اصطلاح ها بدون اینکه با هم برابر باشند منظور اینست که بر اثر عمل خلّاقه و حضور خداوند در انسان عادی جهشی برای تغییر و تحوّل انجام می شود.

jj- ترجمهٔ دیگر: زیرا لحظه ای سبک...

k- در پایان این بند دو کلمه یونانی بکار برده سده تا معنی و مفهوم یک کلمه عبری شکوه را برساند این کلمه عبری در عین حال بمعنی وزن، درخشندگی، جلال ، حضور و قدرت می باشد.

l- مقابله و اختلاف بین مرئی و غیرمرئی نیست بلکه بین آنچه تاکنون ملاحظه شده است و آنچه در انتظار آن هستند ولی هنوز پدیدار نگردیده است.

ایوب۴:۱۹؛ حک۹:۱۵؛ اش۳۸:۱۲؛ ۲-پطر۱:۱۳
۵ [۱]زیرا می‌دانیم که اگر خیمه ای که
خانهٔ[m] زمینی ما است نابود شود،
بنائی از خدا داریم، خانه ای جاودانی در
آسمانها [داریم] که بدست آدمی ساخته
روم۸:۲۳ نشده است. [۲]و پس در این [حال] ناله
می‌کنیم، اشتیاق داریم [که بر روی آن
دیگری]، خانهٔ آسمانی خود را دربر
۱-قرن۱۵:۵۳؛ ۱-تسا۴:۱۵ کنیم[mm]، [۳]زیرا وقتی نیز دربر کنیم برهنه
نخواهیم بود[n]. [۴]زیرا چون، ما که در این
خیمه هستیم، مضمحل شده[nn] ناله می‌کنیم؛
زیرا نمی‌خواهیم آن را درآریم[o] ، بلکه بر
روی آن دربر کنیم، تا آنچه فناپذیر است
به وسیلهٔ زندگی فرو برده شود. [۵]و آنکه ما
را برای این مهیّا کرده خدا است، آنکه به
۱:۲۲ ما تضمین روح [القدوس] را داده است.
[۶]پس همواره با اعتماد بسپاریم، و اینکه
می‌دانیم با بسر بردن در جسم، در تبعید و
دور از خداوند هستیم، [۷]زیرا به وسیله
۱-قرن۱۳:۱۲؛ عبر۱۱:۱۳ ایمان و نه برطبق مرئی راه می‌رویم[p]...
[۸]بنابراین سرشار از اعتماد و بیشتر خشنودیم
از جسم تبعید شده و در نزد خداوند بسر
بریم[q]. [۹]و بدین سبب چه در اینجا بسر بریم
و چه در تبعید، آرزو داریم خوشایند او
باشیم. [۱۰]زیرا همگی ما باید در برابر
روم۱۴:۱۰؛ ۱-قرن۳:۱۱-۱۵ دادگاه مسیح ظاهر شویم[r]، تا هرکدام آنچه
افس۶:۸ را بوسیلهٔ جسم، از خوب یا بد[s] کرده است
باز یابد.

خدمت رسالت آشتی

[۱۱]پس چون ترس از خداوند را
می‌شناسیم[t]، در پی قانع کردن انسان ها
هستیم. امّا به خدا آشکار شده ایم ، و

m- در اینجا زندگی شخص با یک مسکن و یک لباس مقایسه و تشبیه شده که دو چیز ضروری برای زندگی روزمرّه هستند. دشواری درک این متن در مخلوط کردن تصویرها است: زیرا سخن از جای گرفتن و مستقر شدن در یک لباس و پوشیدن و دربر کردن یک خانه است.

mm- ترجمه دیگر: بپوشیم.

n- در بندهای ۲،۳، رسول بیم دارد که در وضعیّتی بینابین قرار گیرد: برهنه یعنی بدون مسکن و بدون لباس بماند و لذا ترجیح می‌دهد بلافاصله به وضیعت نهایی، رستاخیز درآید: ر.ک ۱-قرن ۱۵:۴۴-۴۵. در اینجا کلمه پوشیده به معنی مطلق آمده درصورتی که در نوشته های عهد عتیق و عهد جدید همواره با کلمه ای متمم بکار برده می‌شود. پدرانِ کلیسا، از روی مقایسه و تطبیق با قسمتهای دیگر این عبارت را چنین درک و تفسیر کرده اند: پوشیده از عدالت خدا.

nn- ترجمه تحت‌اللفظی این کلمه: سنگین.

o- فکر و نظریه ای که در بند ۴ ذکر شده مطالب بند ۳ را تکمیل می‌کند. برای اینکه انقطاع و گسیختگی در وضیعت حاصل نشود، نبایستی لباس خود را بدر آرند بلکه بلافاصله زندگی را دربر کنند و با امیدی که از هم‌اکنون روح القدوس داده است می‌توانند بر ترس از عُریان ماندن و فانی شدن فایق آیند: بند ۵.

p- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: زیرا بوسیله ایمان می‌گردیم نه بوسیلهٔ رؤیت. ر.ک ۴:۱۸. این جمله معترضه، رشتهٔ استدلال را قطع می‌نماید.

q- با اُمید در مسیح می‌توان مرگ را پذیرفته و حتّی آن را آرزو کرد و از مرحلهٔ همرایی به حضور نایل گردید. در فی ۱:۲۱-۲۳ تعمق این رابطه تصریح می‌شود. در وصول به رستاخیز نهایی، مرگ یک مرحلهٔ مثبت است.

r- عمل داوری که در اینجا ذکر شده فقط دربارهٔ مسیحیان است در صورتی که در فصل ۲ نامه به رومیان داوری یهودیان و مشرکان مطرح است. در این داوری عمل هرکسی ارزیابی می‌شود: بندهای ۸ -۹، ۱-قرن ۳:۱۱-۱۵. ضمناً تصریح نشده است که این داوری درموقع رستاخیز عمومی است، ر.ک ۱:۱۴o ویا اینکه پس از مرگ انفرادی می‌باشد.

s- در این متن فقط نیکی در برابر بدی‌آمده‌است درصورتی که در ۱-قرن ۳:۱۱-۱۵ یک رشته درجات و انواع مختلف در این داوری منظور شده است.

t- در بند ۳:۱ پولس دربارهٔ توصیه خود سخن می‌گفت. در اینجا مجدداً این موضوع مطرح می‌شود.

۱۳:۱؛ ۲:۴ امیدواریم نیز که در وجدانهای شما هم
۱:۳ آشکارا بوده ایم. ۱۲ دوباره خودمان را به
شما توصیه نمی کنم، ولی به شما فرصت
می دهم که دربارهٔ ما به خود افتخار کنید، تا
بتوانید در مقابل آنانکه در ظاهر و نه در دل
افتخار می کنند[u]، پاسخ دهید[v]. ۱۳ در
حقیقت اگر ما از خود بی خود شده ایم[w]
به خاطر خدا بوده است؛ اگر متعادل هستیم،
به خاطر شما است. ۱۴ زیرا محبّت مسیح ما
را می فشارد، تشخیص اینکه یک نفر
به خاطر همگان مُرده است؛ پس همه
روم۵:۱۸ مرده اند. ۱۵ و او به خاطر همگان مرده
است، تا زندگان، دیگر به خاطر خود
روم۶:۱۱؛ ۱۴:۷-۸ زندگی ننمایند، بلکه به خاطر آنکه برای
ایشان مرده و برخیزانده شده است[x].

۱۶ بدین سان، ما از این پس کسی را
برحسب جسم [تن] نمی شناسیم[y]. حتی اگر
مسیح را برحسب جسم[تن] شناخته ایم[yy]،
اما اکنون دیگر او را [بدین گونه]
نمی شناسیم. ۱۷ بنابراین اگر کسی در مسیح
است، آفریدهٔ جدیدی است[z]: آنچه کهن غلا۶:۱۵؛ مکا۲۱:۵
است گذشته، اینک نو شده است. ۱۸ و
همهٔ اینها از خدا می آید که به وسیلهٔ مسیح اش۴۳:۱۹؛ مکا۲۱:۵
ما را با خود آشتی داده و به ما خدمت آشتی روم۵:۱۰
را عطا کرده است[a]. ۱۹ یعنی که خدا در
مسیح بود، دنیا را با خود آشتی داده، کول۱:۲۰
خطاهای ایشان را به ایشان به حساب
نگرفته و در ما سخن آشتی نهاده است.
۲۰ پس بنابراین سفیران مسیح هستیم،
چنانکه خدا به وسیلهٔ ما تشویق می کند. به افس۶:۲۰

u- ترجمه تحت اللفظی: آنانکه افتخارشان از صورت و نه از دل است.

v- این سخنان انتقادی درباره کسانی است که ارزش خود را به رُخ دیگران می کشند و مجدداً در ۱۰:۱۲ خواهد آمد.

w- این بند پاسخ به سرزنش هایی است که رقیبان می کردند. زیرا رؤیاها و حالات جذبهٔ پولس را، ر.ک ۱۲:۱ بد تعبیر کرده و به عنوان دلیل و نشانهٔ دیوانگی می گرفتند. پولس این دیوانگی ظاهری را در رابطهٔ با خدا، درمقابل فرزانگی خود در ارتباط با قرنتیان می آورد.

x- کوتاه فکری و اختلاف ها درمقابل آنچه اساسی است مفهومی ندارد. پولس کوشش می کند خوانندگان نامه را به شناخت راز مسیح رهبری نماید زیرا مرکز تمام افکار و نظریات او است.

y- ترجمهٔ دیگر: کسی را به طریق بشری نمی شناسیم.

yy- اصطلاح برحسب جسم ممکن است مربوط به شناختن باشد و می گوید با نگاههای بشری و به روش انسانی. یا اینکه این اصطلاح به مسیح برمی گردد و منظور مسیح از نظر تاریخی است.

در مورد اول چنین درک و تفسیر می شود: اگر با نگاههای بشری مسیح را شناخته ایم؛ در این صورت اشارهٔ پولس به اعمال تعقیب و شکنجه ای است که قبل از گرویدن به مسیح انجام می داده است. ر.ک ۱-قرن ۱۵:۸-۹؛ غلا ۱:۱۳. در مورد دوم می گوید. مسیح را از نظر جسمی و تاریخی شناخته است؛ ولی در هیچ یک از نامه های پولس اشاره ای وجود ندارد که این نکته را تأیید نماید. ممکن است ضمیر افعال شناختن به کسانی برمی گردد که رقیبان پولس بوده و افتخار می کردند شخصاً عیسی را شناخته اند. به هرصورت مبنا و پایهٔ رسالت، ظاهر شدن مسیح پس از رستاخیز خود بوده و نه اینکه شناختن او از نظر تاریخی مبنای رسالت باشد.

z- ترجمهٔ دیگر: اگر کسی در مسیح آفریدهٔ جدیدی است. آنکه کهن است گذشته و همه چیز نوشته است. در بعضی از نسخه های خطی کلمهٔ همه چیز وجود ندارد در این صورت چنین می شود: اگر کسی در مسیح آفریدهٔ جدیدی است، (دنیای) کهن گذشته، اینک (دنیای) نو پدیدار شده است. ر.ک روم ۸:۱۸-۳۰.

a-کلمه آشتی ممکن است برای قرنتیان یادآوری خاطرهٔ تاریخی معیّنی بوده است. توضیح آنکه درموقع بازسازی شهر قرنتس، ر.ک ۱:۱ c، قیصر، امپراتور روم وضیعت آشتی اعلام کرد و تمام کسانی را که در یونان و سرتاسر امپراتوری سوابق خوبی نداشتند و از عفو عمومی استفاده می کردند به قرنتس می پذیرفتند. در اینجا تصویر آشتی در مورد مسیح بکار برده شده است ولی بند ۲۱ نشان می دهد چقدر این آشتی برای خدا تمام شده است، زیرا مسیح را قربانی گناهان ما کرده است.

روم۱:۱۷؛ ۳:۸؛ ۱-قرن۱:۳۰؛ غلا۳:۱۳؛ فی۳:۹

خاطر مسیح [از شما] خواهش می کنیم: با
خدا آشتی کنید. [۲۱] آنکه گناه را نشناخته
بود[b]، به خاطر ما [او را قربانی] گناه
ساخت، تا ما در او عدالت خدا شویم.

۶

[۱] چون که [با او] همکاری می کنیم،
[از شما] درخواست داریم که فیض
خدا را به بیهودگی دریافت ننمایید.
[۲] زیرا می گوید:

در لحظه مناسب تو را اجابت کرده ام، و
در روز نجات تو را یاری کرده ام[c].
اینک اکنون لحظهٔ مناسب؛
اینک اکنون روز نجات.

[۳] [ما] برای هیچ کس موجب لغزش
نمی شنویم، تا خدمت ما بی اعتبار نشود[d].
[۴] برعکس، در همه مورد خود را به عنوان
خدمتگزاران خدا[e] توصیه می کنیم:

در پایداری زیاد،
در مصیبت ها،
در دهشت ها،
در تشویق ها،
[۵] در ضربه ها،
در زندان ها،
در آشوب ها،
در زحمت ها،
در بیدارخوابی ها،
در روزه گرفتن ها؛
[۶] بوسیله منزّه بودن، غلا۵:۲۲؛ روم۱۲:۹
بوسیله دانش،
بوسیله شکیبایی،
بوسیله مهربانی،
بوسیله روح القدوس،
بوسیله محبّتی بی ریا، روم۱۲:۱۳
[۷] بوسیلهٔ سخن حقیقت،
بوسیلهٔ قدرت خدا؛
بوسیلهٔ سلاحهای تعرّضی و تدافعی
عدالت[f]؛
[۸] در شکوه[g] و بی احترامی،
در اشتهار بد و نیک؛
همچون گمراه کنندگان و راستین هستیم؛
[۹] همچون گمنامان، و به خوبی شناخته
شده ایم؛
همچون [مردمان] مردنی و اینک
زنده ایم؛
همچون تأدیب شدگان امّا اعدام
نشده اند؛
[۱۰] همچون غم زدگان، و همواره شادمان
هستیم؛
همچون درماندگان، و بسیاری را ۸:۹؛ فی۴:۱۲
ثروتمند می کنیم؛
همچون بی چیزان، امّا همه چیز داریم.

b- ر.ک روم ۳:۸ ؛ غلا ۱۳:۳. قربانی مسیح به کلّی از قربانیهای دیگری که برای گناهان انجام می گردید برتر و بالاتر است و آنها را بی ارزش و باطل کرده است، قربانیهایی که اکثراً در نوشته های عهد عتیق بحث و سخن درباره آنها است.
c- نقل قول از اش ۸:۴۹. دوران نجات که فاصلهٔ بین مرگ و رستاخیز مسیح و بازآمدن او است فرصتی برای توبه و گرایش مشرکان و یهودیان است: لو ۲۴:۲۱؛ روم ۱۱:۲۵-۳۲؛ افس ۱۲:۲-۱۸.
d- ر.ک ۸:۲۱.
e- مطالبی که در بندهای ۴ و ۵ شمرده شده همان نکاتی است که در ۲-قرن ۱۱:۲۳-۲۷ می آید؛ منتهی در اینجا با توضیح و صراحت کمتری است و با کلماتی موزون ذکر شده اند.
f- ترجمهٔ تحت اللفظی: سلاحهای دست راست و دست چپ عدالت. منظور سلاح هایی که مثل شمشیر بدست راست می گیرند. (سلاح تعرّضی) و سلاحهایی که مثل سپر به دست چپ گرفته می شود (سلاح تدافعی)، ر.ک افس ۶:۱۶-۱۷ که از حک ۵:۱۷-۲۱ الهام گرفته است.
g- در بندهای ۸-۱۰ ظاهر مأموریت رسالت درمقابل واقعیت عمیق این مأموریت ذکر گردیده است.

۱۱در کمال آزادی سخن گفته ایم[h]، ای
قرنتیان، دل ما وسیع شده است. ۱۲در نزد مز۱۱۹:۳۲
ما در تنگی نیستید؛ بلکه در درون خودتان
در تنگی هستید. ۱۳پس همینطور باز پس
بدهید؛ [به شما] همچون به کودکان ۱-قرن۴:۱۴
سخن می گویم، شما هم وسیع [دل]
باشید[i].

ضرورت انتخاب

۱۴با بی ایمانان در یوغ ناموزون نشوید.
زیرا چه رابطه ای بین عدالت و بی قانونی؟
یا چه پیوندی بین روشنائی با ظلمات
[است؟] ۱۵و چه تفاهمی بین مسیح و
بلیعال[j]؟ یا چه سهمی برای ایماندار با
بی ایمان [است؟]
۱۶و چه توافقی قدس خدا با بت ها ۱-قرن۳:۱۶؛ ۶:۱۹
[دارد]؟ زیرا ما قدس خدای زنده هستیم،
بنابر آنچه خدا گفته است:
در میان ایشان سکونت خواهم کرد و راه
خواهم رفت؛
و خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم
من خواهند بود.
۱۷بدین سبب از میان ایشان بیرون شوید
و به کنار بروید،
خداوند می گوید: و به ناپاک دست
مزنید،
و من شما را خواهم پذیرفت[k].
۱۸و من برای شما پدر خواهم بود، و شما
برای من پسران و دختران، خداوند قادر
متعال می گوید.

۷ ۱پس ای محبوبان، [ما که] چنین
وعده هایی داریم، خود را از هر ۲-پطر۱:۴
آلودگی جسم و روح پاک کنیم[l]، با ترس از
خدا مقدس ساختن [خود] را به انجام
برسانیم.

شادی پولس در برابر توبهٔ قرنتیان

۲جایی [در دل خود] برای ما باز کنید[m].
ما به کسی بی عدالتی نکرده ایم، کسی را
تباه نکرده ایم، از کسی بهره برداری اع۲۰:۳۳
نکرده ایم. ۳[این را] برای محکوم کردن

h- ترجمهٔ تحت اللفظی: دهان ما بسوی شما باز شده است.

i- از مدّت ها پیش مفسّران متوّجه شده بودند که رشته کلام در بند ۶:۱۳ قطع شده و مجدداً در بند ۷:۱ از سرگرفته می شود. ضمناً چون افکار و نظریاتی که در بندهای ۶:۱۴-۱۷ ذکر شده با سایر مطالب التصاق ندارد تصور می رود بعداً افزوده شده باشد مگر اینکه این بندها جملهٔ معترضه ای باشد که پولس عادتاً درضمن کلام بکار می برد.

j- کلمهٔ بلیعال از ریشهٔ عبری واژه ای است که به معنی بی ارزش، نیستی کامل بوده و گاهی به جای کلمه بُت یا شیطان بکار برده شده است. در وصایای دوازده پاتریارخ که کتابی ساختگی است کلمهٔ بلیعال را به جای نام شیطان آورده اند و در نوشته های قمران (مقرّرات جمعیت) کلمهٔ بلیعال به عنوان اسم خاص روح ظلمات بکار برده شده است.

k- بندهای ۱۶ب - ۱۸ مجموعه ای از نقل قولهایی است که از منابع مختلف گرفته شده اند: بند ۱۶ از حزق ۳۷:۲۷ و لاو ۲۶:۱۲؛ بند ۱۷ از اش ۵۲:۱۱؛ ار ۵۱:۴۵؛ حزق ۲۰:۳۴؛ بند ۱۸ از ۲-سمو ۷:۱۴؛ اش ۴۳:۶؛ ار۳۱:۹؛ هو ۲:۱. احتمالاً جزوه هایی به صورت مجموعه نقل قول ها وجود داشته و در سخنرانی های مذهبی از مطالب آنها استفاده می شده است.

l- در نوشته های پولس اکثراً جسم و روح به صورت دو قدرت مخالف یکدیگر ذکر می شود درصورتی که در اینجا سخن از دو نوع فعالیت انسان یعنی فعالیت جسمانی و فعالیت روحی او است. ر.ک روم ۱:۳ g؛ ۹:۱ o.

m- شرح و توضیحاتی که در بند ۶:۱۳ قطع شده بود در اینجا مجدداً ادامه می یابد. ضمناً جملهٔ: جایی در دل خود برای ما باز کنید. اشاره به بند ۶:۱۱ نیست بلکه آغاز بحث و استدلالی است مثل اینکه بگوید: اکنون به آنچه می گویم توجه کرده و آن را درک نمایید.

نمی گویم، زیرا که قبلاً گفته ام که شما در
دلهای ما هستید، در مردن با یکدیگر و در
زندگی با یکدیگر.
۲-تسا ۴:۱ ۴ نسبت به شما اعتماد من زیاد، در مورد
شما افتخار من زیاد است. سرشار از تسلی
هستم؛ در تمام مصیبت خودمان بیش از
اندازه شادمانم. ۵ در حقیقت، وقتی به
مقدونیه رسیدیم، جسم [تن] ما هیچ قرار
۴:۱؛ ۸:۴ نداشت[n]؛ بلکه از هرجهت مصیبت ها
داشتیم: در خارج مشاجره ها؛ در داخل
اش۴۹: ۱۳ ترس ها. ۶ امّا آنکه فروتنان را تسلّی
می دهد، خدا، ما را با فرا رسیدن تیطس[o]
تسلّی داده است، ۷ و نه فقط با فرا رسیدن
او، و بلکه با تسلّایی که او را تسلّی
داده اید. [او به ما] اشتیاق شما، ندبه های
شما، حمیّت شما را نسبت به من اعلام
کرده، به طوری که شادی بیشتری دارم.
۸ زیرا اگر هم شما را با نامه غمگین
کرده ام، پشیمان نیستم. و اگر پشیمان بودم-
زیرا که ملاحظه می کنم که این نامه[p] حتی
اگر برای لحظه ای شما را غمگین کرده
است، ۹ اکنون شادمانم، نه به خاطر اینکه بنسی ۳۰:۲۳
شما را غمگین کرده ام بلکه به سبب اینکه
برای توبه غمگین شده اید. زیرا برطبق
[مشیت] خدا غمگین شده اید[q] به طوری که
از ما خسارتی بر شما نرسیده است. ۱۰ زیرا
غم برطبق [مشیّت] خدا، توبهٔ نجات بخش
دارد و پشیمانی به بار نمی آورد؛ اما غم دنیا،
مرگ به بار می آورد. ۱۱ اینک ببینید که این
غم، برطبق خدا، در نزد شما چه به بار آورده
است:

چه شوقی! چه بگویم؛
چه دفاعی!
چه خشمی!
چه ترسی!
چه اشتیاقی!

n- نظریاتی که در بند ۱۳:۲ اظهارشده بود در اینجا مجدداً مطرح می گردد. پولس، وقتی به شهر ترواس رسیده، تیطس را در آنجا نمی یابد و مدّت کوتاهی در آنجا توقف کرده بلافاصله بسوی مقدونیه رهسپار می شود. در اینجا وضعیت خود را هنگام رسیدن به مقدونیه تشریح می کند. ر.ک ۱۳:۲ h.

o- تیطس (ر.ک ۱۳:۲) در برقراری روابط بین پولس و قرنتیان، در مدّت اقامت او در افس نقش مهمّی ایفا کرده و مسلماً میانجی و نمایندهٔ پولس قبل از آمدن وی به قرنتس بوده است. از بندهای ۱۴:۷-۱۵ به خوبی برمی آید که این مأموریت را به خوبی انجام داده و مراجعت پولس را به قرنتس تسهیل نموده است.
در کتاب اعمال رسولان از این دوست و همکار پولس ذکری به میان نیامده است و فقط بوسیلهٔ مطالب نامه های عهد جدید وی را می شناسیم. تیطس در مجمعی که در اورشلیم تشکیل شده بود به همراه پولس شرکت کرده (غلا ۲:۱-۳)؛ و برابر ۲-قرن ۱۳:۲؛ ۶:۸، ۱۶، ۲۳؛ ۱۸:۱۲ جمع آوری اعانه برای مسیحیان اورشلیم را ترتیب داده است. بطوری که از نامه های رسولی برمی آید پس از این وقایع به کریت عزیمت نموده و در آنجا نامه ای دریافت کرده است که به نام او است و سپس به دالماسی رفته است (۲-تیمو ۴:۱۰). پولس به خوبی تشخیص داده بود که تیطس دارای مشخصات و صفات لازم برای وساطت و میانجی گری است: بدین معنی که در انجام مأموریت محکم و پایدار بوده و در عین حال با صبر و حوصله است، در وضیعت های مهم و حساس به خوبی می تواند نظریات مختلف را با یکدیگر سازش داده، صلح و آشتی برقرار نماید، همچنان که پس از قطع رابطهٔ رسول با جمعیت مسیحیان قرنتس عمل کرده بود، کاملاً قادر است صورتجلسه بحث و مذاکرات مهم را یادداشت و ثبت نماید. در دومین نامه به قرنتیان لااقل سه بار از عمل تیطس یاد شده است. وی تنها شریک و همکار پولس در قرنتس بوده که جمع آوری اعانه را ترتیب داده، پس از «نامهٔ اشکها» مجدداً ارتباط با قرنتیان را برقرار نموده، و قبل از اینکه پولس و نمایندگان کلیساها به قرنتس برسند در جمع آوری اعانه تسریع نموده و آن را به انجام رسانده است. ر.ک ۲ـ قر ۱۵:۷ t.

p- در مورد نامه ای که در اشکها نوشته شده، ۴:۲. ر.ک مقدمه.

q- ر.ک ۱:۲ y.

چه غیرتی!
چه کیفری!
به هرصورت خود را ثابت کرده اید که در
این امر منزّه هستید[r]. ۱۲ بدین سبب اگر
به شما هم نوشته ام، نه به خاطر آن کسی که
آزرده است نیز نه به خاطر آنکه آزرده شده[s]،
بلکه به خاطر آنکه در برابر خدا بر شما
آشکار شود شوقی که شما نسبت به ما دارید.
۱۳ بدین سبب ما تسلّی یافته ایم. و بر این
تسلای ما، شادی دیگری افزوده شده که
۱۳:۲؛ ۱-قرن۱۶:۱۸ خیلی بیشتر است، شادی تیطس که روحش
از همهٔ شما آرامش یافته است. ۱۴ زیرا اگر
۲۴:۸ در همه چیز دربارهٔ شما به او افتخار کرده ام
شرمنده نیستم؛ برعکس چنانکه همواره به
شما حقیقت را گفته ایم، افتخار کردن ما در
نزدیک تیطس هم حقیقت بوده است. ۱۵ و
رقّت او نسبت به شما خیلی زیادتر می شود،
۹:۲؛ ۶:۱۰ وقتی اطاعت همهٔ شما را به یاد می آورد،
چگونه با ترس و لرز[t] او را پذیرفته اید.
۱۶ خوشوقتم از اینکه از هرجهت بر شما
غلا۵:۱۰ اعتماد دارم.

تشویق در جمع آوری اعانه

۸ ۱ و ای برادران، به شما آگاهی روم۱۵:۲۶؛ ۱-قرن۱۶:۱-۵؛ غلا۲:۱۰
می دهیم که فیض خدا به کلیسا های
مقدونیه عطا شده است[u]. ۲ زیرا در امتحان
شدید مصیبت، خوشی ایشان فراوان، و از
زیادی درماندگی ایشان، ثروت بخشندگی
شان بسیار شد. ۳ زیرا برطبق مقدورات،
شاهدم و فراتر از مقدورات خود، به اختیار،
۴ با اصرار زیاد، این فیض و شراکت در
خدمت برای مقدسین را از ما درخواست
کرده اند[v]. ۵ و نه چندانکه انتظار داشتیم، ۱:۹
بلکه بدواً خودشان را به خداوند دادند و به
ما بر حسب ارادهٔ خدا [دادند]. ۶ به طوری
که ما هم تیطس را تشویق کردیم همان طور
که شروع کرده است در نزد شما هم این
[عمل] فیض را به انجام رساند[w]. ۷ ولی
همچنان که [شما] در همه مورد به فراوانی
دارید: در ایمان، در سخنوری، در دانش، ۱-قرن۱:۵
در هرگونه شوق، و در محبّتی که از ما به
شما رسیده است، باید که از این فیض هم
به فراوانی داشته باشید. ۸ این را همچون

r- همهٔ این وقایع به آشتی انجامیده است و چنین به نظر می رسد که تمام قرنتیان نسبت به رسول نظر مساعد یافته اند. ر.ک ۷:۳-۴.
s- منظور از آنکه آزرده شده پولس است (ر.ک ۲:z ۲؛ ۵:c ۲)؛ ولی شاید از ورای نمایندهٔ خود آزرده شده بوده است.
t- ترس ولرز: اصطلاحی است که معمولاً درمورد توصیف حالت انسان درمقابل عظمت و جلال الهی بکار می رود: ۱-قرن ۳:۲؛ افس ۶:۵؛ فی ۱۲:۲، البته بکار بردن این اصطلاح در اینجا شگفت آور است زیرا تیطس را خدمتگزارانش به مانند شخص خداوند پذیرفته اند: چون خود را گناهکار احساس کرده و در انتظار اعلام رأی او بودند. بنابراین مأموریت تیطس فراتر از یک مأموریت میانجی گری است. وی نمایندهٔ پولس رسول و بنابراین به نمایندگی کلیه رسولان است. غلاطیان هم پولس را به همین گونه خواهند پذیرفت و او را به عنوان یک فرشتهٔ خداوند، به عنوان شخص مسیح عیسی خواهند گرفت (غلا ۱۴:۴).
u- کلیساهای مقدونیه همواره بخشندگی خود را نشان داده اند: ۲-قرن ۹:۱۵؛ ۹:۱۱ـ ۷؛ فی ۱۰:۴-۱۸. پولس که هرگونه کمکی را از طرف قرنتس برای خودش رد می کرد با این همه کمک مقدونیه را پذیرفته است، ۸:۳.
v- جمع آوری اعانه برای کلیسای اورشلیم برای آنست که نشان داده شود پیشگویی اش ۶۰-۶۲ در مورد اتحاد یهودیان و ملّت های دیگر تحقق یافته است. پولس متعهد شده بود به این کلیسا کمک نماید، غلا ۱۰:۲.
w- در این بند نکته هایی به اشاره ذکر شده است: تیطس به قرنتیان کمک خواهد کرد تا جمع آوری اعانه را که خودشان در نظر داشتند انجام دهند... در مورد دیگران ر.ک بند ۱۰. بدین سبب در بندهای ۷-۸ توصیه هایی می کند.

دستوری نمی‌گویم؛ بلکه به خاطر اشتیاق
دیگران، تا واقعیت محبّت شما را ثابت
مت۸:۲۰؛ فی۲:۷ می‌کنم. [۹]زیرا فیض خداوند ما عیسی مسیح
را می‌شناسید[x]، که به خاطر شما[y] خود را
درمانده کرد، با اینکه ثروتمند بود، تا شما
بوسیله این درماندگی ثروتمند شوید.
[۱۰]و این نظری است که در این باره
می‌دهم؛ زیرا برای شما سودمند است که از
سال گذشته نه فقط آن را انجام دادید، بلکه
نیز [خودتان] خواستید اقدام کنید. [۱۱]پس
اکنون هم انجام دادن آن را به پایان
مر۱۲:۴۴ برسانید، تا بمانند رغبت در اراده، پس
اجرای آن نیز برطبق آنچه دارید انجام
گردد. [۱۲]چون که اگر رغبت وجود دارد،
برطبق آنچه دارند به خوبی پذیرفته می‌شود،
۵:۷؛ ۲-تسا۱:۷ نه برطبق آنچه ندارند. [۱۳]زیرا نه اینکه
دیگران را تسکین [باشد] اما برای شما
فشار، بلکه یکسان بودن است: [۱۴] درحال
۱۲:۹؛ روم۱۵:۲۶ حاضر، زیادتی شما برای آنانکه کمبود
دارند[z]، تا زیادتی ایشان هم برای کمبود
شما باشد. و بدین گونه یکسانی باشد،
[۱۵]چنانکه نوشته شده است: آنکه بسیار
خروج۱۶:۱۸ داشت زیاده نداشت، و آنکه کم داشت کمی
نداشت[a]. [۱۶]اما فیض[b] بر خدا که همان
شوقی را نسبت به شما در دل تیطس گذاشته
است[c]: [۱۷]که از یک طرف درخواست مرا
پذیرفته است. از سوی دیگر با شوق بیشتر،
به اختیار خود به سوی شما آمده است. [۱۸]و
به همراه او برادری را می‌فرستم که تمام
اع۲۰:۴؛ ۲-قرن۳:۱۶؛ غلا۲:۱۰ کلیساها در مورد انجیل از او ستایش
می‌کنند[d]. [۱۹]و فقط این نیست؛ بلکه [به
اتفاق آراء]، به وسیله کلیساها همچون
همسفر ما تعیین شده در این عمل فیض که
بوسیلهٔ ما انجام می‌شود، برای شکوه خود
امث۳:۴ خداوند و [ارضای] شوق ما است.
[۲۰]احتراز می‌کنیم از این که مبادا کسی ما را
ملامت کند که چنین وجه کلانی بوسیلهٔ ما
اداره می‌شود؛ [۲۱]زیرا توجه داریم، نه فقط به
آنچه به چشمان خداوند بلکه به چشمان
انسان ها [خوب] است. [۲۲]و برادر خودمان
را با ایشان می‌فرستم[e] که در بسیاری موارد،
اکثراً اشتیاق او را امتحان کرده‌ایم، ولی
اکنون به سبب اعتماد زیادی که به شما دارد
خیلی مشتاق تر است. [۲۳]و امّا تیطس،

x- عبارت زیبایی در توصیف مسیح است، نظیر آنچه در فی ۲:۶-۸ آمده است.
y- در بعضی از نسخه های خطی: که به خاطر ما...
z- ترتیب مشارکت در اموال و قحطی که در اع ۱۱:۲۸ روایت شده است کلیسای اورشلیم را دچار فقر کرده بود. در نامه به غلاطیان اعضای کلیسای اورشلیم درمانده توصیف شده اند (غلا ۲:۱۰) و این کلمه، کلماتی عبری را در عهد عتیق به یاد می‌آورد که می توان مسکین، فلاکت بار... ترجمه نمود.
a- نقل قولی از خروج ۱۶:۱۸ که نشان می‌دهد چگونه نوعی تساوی و یکسانی در توزیع مائده آسمانی ایجاد شده است. در اینجا مشاهده می شود کلیساهایی را که پولس تشکیل می‌داد چه سازمان مادّی داشته و چگونه دربین آنها تعاون و همکاری برقرار بوده است.
b- در بندهای ۱۶-۲۴ سخن از مأموریت جدید تیطس است که آن را با اشتیاق پذیرفته است.
c- در بعضی از نسخه های خطی: ... در دل تیطس می گذارد:
d- چرا نام این برادر که به عنوان نماینده کلیسا انتخاب شده و به همراه پولس اعزام گردیده است ذکرنشده است؟ بعضی از مفسّران با توجه به عبارت در مورد انجیل نامهای لوقا، ارسترخس و غیره را پیشنهاد کرده اند بدون اینکه علّت عدم ذکر نام او توضیح داده شود.
e- هویت این برادر معلوم نشده است.

شریک و همکار من به نزد شما است؛ در
مورد برادران ما، ایشان فرستادگان[f]
کلیساها، شکوه مسیح [هستند]. ۲۴ پس
دلیل محبّت خود را به ایشان ابراز کنید و در
برابر کلیساها نشان دهید چرا به شما افتخار
می‌کنیم[g].

نیت بخشندگی اخائیه و تأخیر در انجام آن

۹ ۱ حقیقتاً در مورد خدمت نسبت به ۸:۴،۲۰
مقدّسان[h]، برای من زائد است که به
شما بنویسم[i]، ۲ زیرا اشتیاق شما را می‌دانم،
که بابت شما پیش مقدونیان به آن افتخار
می‌کنم [به ایشان می‌گویم]: «اخائیه از
سال گذشته آماده است.» و اشتیاق شما
عدّه زیادی را تحریک کرده است. ۳ با
این همه برادران را [به نزد شما] می‌فرستم،
تا افتخار کردن ما دربارهٔ شما در این مورد ۸:۲۴
بیهوده نباشد، [و شما] به همان‌گونه که
گفته‌ام آماده باشید. ۴ مبادا چنانکه اگر
مقدونیان با من آمده و شما را آماده نیابند،
به سبب این اطمینان ما شرمنده شویم، برای
اینکه نگوییم شما [شرمنده شوید]. ۵ پس
فکر کرده‌ام لازم است از برادران دعوت
کنم پیشاپیش به نزد شما بیایند و
بخشندگی شما را که وعده داده شده قبلاً
آماده کنند، تا همچون یک بخشندگی و نه
همچون یک خسّت باشد.
۶ و این [را بگویم]: امث۱۱:۲۴،۲۵؛ ۱۹:۱۷
آنکه با امساک می‌کارد
با امساک هم محصول برمی‌دارد
و آنکه با گشاده‌دستی می‌کارد
با گشاده‌دستی هم محصول برمی‌دارد[j].
۷ پس هرکس چنانکه قبلاً در دل خود
تصمیم گرفته است، نه با غمگینی و یا
الزام؛ زیرا خدا به بخشندهٔ شادمان محبت
دارد[k]. ۸ و خدا قادر است برای شما هرگونه
فیضی را فراوان سازد، تا در همه وقت،
همه چیز کافی داشته و برای هر عمل خیر
زیاده داشته باشید، ۹ چنانکه نوشته شده مز۱۱۲:۹
است:
او توزیع کرده، به فقیران داده است؛
عدالتش جاودانه باقی است[l].
۱۰ امّا آنکه بذر برای بذرافشان و نان اش۵۵:۱۰؛ هو۱۰:۱۲
برای خوراک تهیه می‌کند[m] بذر شما را
تهیه و افزون خواهد کرد. و محصول‌های

f- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: رسولان ولی در اینجا به مفهوم نمایندگان است. کلمهٔ رسولان در اینجا کسانی مثل دوازده رسول (اع ۱:۲۱-۲۲) یا گواه مسیح برخاسته از مرگ به مانند پولس نیستند بلکه افرادی هستند که در کلیسا مأموریت مخصوصی به آنان محوّل می‌شود مثلاً بردن اعانه به کلیسای اورشلیم. لازم به یادآوری است در آیین یهودیگری ترتیبات مشابهی وجود داشته است.

g- در اینجا قسمتی از این نامه که متجانس و مربوط به هم است (فصلهای ۱-۸) پایان می‌یابد.

h- چنین به نظر می‌رسد که فصل ۹ یادداشتی جدا و مستقل از بند ۸ است. ظاهراً این یادداشت در مورد جمع‌آوری اعانه (ر.ک روم ۱۵:۲۵؛ ۱-قرن ۱۶:۱-۴؛ غلا۲:۱۰) پس از ۲-قرن ۸ خطاب به قرنتیان و یا به کلیه کلیسای اخائیه (۹:۲) خطاب شده است. به لحن کلام پولس که در بندهای ۱-۷ انتقادآمیز است توجه نمایید.

i- مقدسان: چنانکه در ۱-قرن ۱۶:۱ بکار برده شده، این کلمه فقط به مفهوم اعضای کلیسای مسیحیان جمعیت اورشلیم است. ر.ک اع ۹:۱۳. ولی پولس از این به بعد آن در مورد کلیه مسیحیان تعمیم می‌دهد ۲-قرن۱:۱؛ روم ۱۶:۲.

j- نقل قول آزاد از ترجمه یونانی امث ۲۲:۸. ر.ک امث ۱۱:۲۴.

k- ادامه همین متن ترجمه یونانی امث ۲۲:۸.

l- نقل قول آزاد از ترجمهٔ یونانی مز ۱۱۲:۹.

m- اشاره به اظهارات پیامبرانه اش ۵۵:۱۰ است که در آنجا باران نعمت‌ها را فراهم می‌کند.

عدالت شما را رشد خواهد داد. ۱۱در همه
مورد برای هر بخشندگی ثروتمند خواهید ۱:۱۱؛ ۱۵:۴
شد، آنچه بوسیلهٔ ما موجب سپاسگزاری به
خدا خواهد بود. ۱۲زیرا انجام این خدمت
نه تنها برای تأمین نیازمندیهای مقدّسان
است؛ بلکه نیز موجب سپاسگزاری خیلی
بیشتری نسبت به خدا می باشد. ۱۳ با
اثبات این خدمت، خدا را به خاطر اطاعت ۱:۱۱
شما در اعتراف به انجیل مسیح تجلیل
می کنند و [به خاطر] بخشندگی و
مشارکت با ایشان و با همگان[n]. ۱۴و دعای
ایشان دربارهٔ شما، [نشانه] علاقهٔ
[شدیدشان] نسبت به شما است، به سبب
فیض فوق العاده ای که خدا به شما انجام
داده است. ۱۵سپاس بر خدا، به سبب
موهبت وصف ناپذیر او.

پولس به اتهام‌های علیه رسالت خود پاسخ می‌دهد

۱۰ ۱امّا من، پولس، شخصاً بوسیله مت۱۱:۲۹؛ ۱-قرن۲:۳
مهربانی و رأفت مسیح از شما
درخواست می کنم، من که از یک طرف در
مقابل شما فروتن، ولی دور از شما نسبت
به شما جسور هستم[o]. ۲و خواهش می کنم:
وقتی حاضر شدم، جسارت نکنم، با
اعتمادی که در نظر دارم علیه آنان که به ۱۱:۱۰؛ ۱-قرن۴:۲۱
نظرشان می رسد برطبق بشری[تن][p] رفتار
می کنیم، با جرأت عمل نمایم. ۳زیرا اگر
بشری [طبق تن] رفتار می کنیم، برطبق
بشری [تن] مبارزه نمی کنیم. ۴چونکه ۶:۷؛ روم۱۳:۱۲
سلاحهای مبارزهٔ ما بشری [طبق تن]
نیستند، ولی قادرند برای خدا استحکامات
را فرو کوبند[q]. استدلالها[ی باطل] را اش۲:۱۱-۱۸
واژگون می کنیم. ۵و هر [قدرت]
متکبری[qq] را که علیه شناخت خدا
برمی خیزد، و هر فکری را برای تبعیّت از
مسیح جلب می کنیم. ۶و آماده ایم ، همین ۲:۹؛ ۷:۱۵
که اطاعت شما کامل گردد، هر عدم اطاعت
را تنبیه کنیم. ۷به حقایق اُمور توجه کنید[r].
اگر کسی خودش یقین دارد از آنِ مسیح ۱۱:۲۳؛ ۱-قرن۱:۱۲
است[s] مجدداً خود بیندیشد که همینطور ما
هم به مانند او به مسیح [تعلق داریم]. ۸در ۱۱:۱۶؛ ۱۲:۶
واقع حتی اگر [کمی] بیش از اندازه به ۱۳:۱۰؛ ار۱:۱۰
اقتدار خود افتخار می کنم، دربارهٔ اقتداری
که خداوند برای تهذیب و نه برای فرو
کوبیدن شما به ما عطا کرده است، شرمنده ۱۰:۱؛ ۱۱:۶
نخواهم بود. ۹ که نمی خواهم همچنان
بوسیله نامه ها[ی خود] شما را بترسانم.

n- ر.ک ۸:۴ v.

o- در اینجا موضوعی مطرح شده است و تشریح می گردد که تا پایان نامه ادامه دارد و در مدح و ستایش مأموریت رسالت است. وضعیت نامه با آنچه در فصلهای ۱-۸ آمده است تفاوت دارد: بدین معنی که پولس علیه رقیبانش از خود دفاع می کند زیرا وی را سرزنش می کردند وقتی که نزدیک است و حضور دارد فروتن است درصورتی که وقتی دور است جسارت دارد.

p- ترجمه تحت اللفظی: برطبق جسم، این اصطلاح برای بیان طرز تفکّر و رفتار انسان گناهکار است و درمقابل کسی که بوسیله روح مسیح جان تازه گرفته است آمده است. ر.ک ۵:۱۶ y. به همین نکته در مورد بشر، و بر طبق بشری، (بند ۳) است.

q- استحکامات. تصویری از انسانی است که کاملاً به خود اعتماد دارد ولی نسبت به خدا مسدود است، این موضوع از نوشته های عهد عتیق گرفته شده است. ر.ک اش ۲:۱۳-۱۵.

qq-ترجمهٔ تحت اللفظی: مرتفع.

r- ترجمه تحت اللفظی: به چیزهای مقابل بنگرید. ترجمه دیگر: شما به ظاهر امور می نگرید.

s- منظور نویسنده مشخص نیست: آیا کسانی هستند که خود راه از مسیح می دانستند (۱-قرن ۱-۱۲)، یا کسانی که از نظر تاریخی عیسی را شناخته بودند (۲-قرن ۵-۱۰) و یا مسیحیانی که مدعی بودند بدون واسطه رسول مستقیماً الهام می گیرند.

[۱۰]زیرا می گویند: «نامه ها وزین و توانا
هستند امّا حضور جسم ناتوان[t] و سخن ناچیز
است». [۱۱]پس چنین کسی فکر بکند: به ۲:۱۰؛ ۲۰:۱۲؛
همان گونه که بوسیله نامه هایمان در سخن ۱۰،۲:۱۳
هستیم، وقتی غایب هستیم به همان گونه،
چون حاضر شویم در عمل خواهیم بود[u].
[۱۲]البته ما جرأت نداریم خود را با بعضی از
ایشان که خود را توصیه می کنند مقایسه و ۱:۳؛ ۱۲:۵
برابر کنیم، امّا ایشان که خود را با خودشان
قیاس کرده و با خودشان مقایسه می نمایند،
فهم ندارند. [۱۳]اما ما فراتر از حدود [به
خود] افتخار نمی کنیم بلکه برطبق اندازهٔ روم۳:۱۲
قاعده ای که اندازهٔ خدا سهم ما کرده است:
تا به [نزد] شما برسیم[v]. [۱۴]زیرا از حدّ
خود تجاوز نمی کنیم چنانکه [گویی] به
[نزد] شما نرسیده ایم؛ واقعاً نیز با انجیل
مسیح به [نزد] شما رسیده ایم[w]. [۱۵][ما]
بیش از اندازه از زحمات کس دیگری[x] روم۱۵:۲۰
فخر نمی کنیم؛ و امیدواریم به [لُطف]
توسعهٔ ایمان شما، برطبق قاعدهٔ خودمان به
غایت بزرگ شویم، [۱۶]تا که انجیل را در
[سرزمین های] فراتر از شما ندا دهیم، و نه
برطبق قاعدهٔ کس دیگری، از کارهای آماده
شده افتخار کنیم. [۱۷]امّا آنکه [به خود]
افتخار می کند، در خداوند به خود افتخار
کند[y]. [۱۸]زیرا آنکه خود را توصیه می کند
کارآزموده نیست، بلکه آنکه خداوند
توصیه می نماید.

اصالت مأموریت پولس رسول در مقابل رقیبانش

۱۱ [۱]ای کاش اندکی جهالت مرا تحمّل
کنید! و امّا مرا تحمّل نمائید. [۲]زیرا
با اشتیاقی خدایی مشتاق شما هستم؛
چونکه شما را به مردی نامزد کرده ام، تث۴:۲۴؛ افس۵:۲۵-۲۷
همچون باکره ای پاک[z] به مسیح تقدیم
نموده ام. [۳]امّا می ترسم مبادا که به مانند
حوّا، که مار با حیلهٔ خود او را فریفت، پید۳:۱-۱۳؛ ۱-تیمو۲:۱۴
افکار شما از سادگی[a] [و پاکی] نسبت به
مسیح دور شده و فاسد گردد. [۴]اگر حقیقتاً
کسی بیاید و عیسای دیگری غیر از آنکه ما غلا۱:۶-۹
اعلام کرده ایم[b] اعلام نماید، یا
روح [القدس] دیگری غیر از آن که دریافت
کرده اید، دریافت نمایید، یا انجیلی غیر از

t- نام پولس از نظر لغوی در زبان یونانی به معنی ضعیف، بی وقار... است و احتمالاً در این عبارت برای اشارات بکار رفته است. ر.ک ۱-قرن ۲:۱-۵. پولس به سرزنشی که در ۱۱:۶ ذکر شده است پاسخ می دهد.
u- تهدید به تنبیه و سرزنش. ر.ک ۸:۲.
v- در اینجا با طرز و عباراتی که مختص خود اوست، از موضوع حدودی که نبایستی فراتر رفت، در افتخار و با اعتماد به نفس، به موضوع حدّ و اندازه می پردازد یعنی حیطه ای که خدا مقرر کرده و سهم داده است. در بندهای ۱۴-۱۶ این موضوع که در روم ۱۵:۲۰ هم آمده است تشریح می شود.
w- در اینجا که فعل رسیده ایم به صورت جمع آمده، معلوم نیست نوعی جمع است که گاهی به سبب ادب یا تکلّف در مورد فاعل مفرد بکار برده می شود (یعنی تنها پولس رسیده است) یا اینکه فعل مذکور به صورت جمع حقیقی است و پولس با همکارانش رسیده اند (مثلاً به همراه تیموتاؤس. ر.ک ۲-قرن ۱:۱).
x- ر.ک روم ۱۵:۱۷-۲۱، ۲۸-۲۹.
y- ار ۹:۲۲، همین نقل قول در ۱-قرن ۱:۳۱ آمده است.
z- منظور عروسی روحانی و موضوعی است که در کتاب مقدس بکار برده می شود. ر.ک افس ۵:۲۷.
a- در بعضی از نسخه های خطی اضافه شده است: و پاکی.
b- پولس تصور نمی کند که ممکن است دو انجیل وجود داشته باشد. غلا ۱:۷-۹.

آن که پــذیــرفــته ایــد، به خــوبی تحــمّل
۱۱:۱۲ می کنید. ۵ با این همه می پندارم ابداً از این
۱۰:۱۰؛ ۱-قرن۱:۲ «رسولان والا[c]» کمتر نباشم. ۶ و اگر نیز در
مورد سخن ناواردم، در مورد دانش چنین
نیست؛ در همه مورد همه چیز را برای شما
آشکار کرده ایم. ۷ یا اینکه گناهی کرده ام،
خود را حقیر ساخته ام تا شما سرافراز
اع۱۸:۳؛ ۱-قرن۹:۱۲ باشید، زیرا انجیل خدا را به رایگان به
۸:۱-۲؛ فی۴:۱۰-۱۵ شما اعلام کرده ام؟ ۸ از کلیساهای دیگر
گرفته ام[d]، [از آنان] مزدی پذیرفته ام تا به
شما خدمت کنم. ۹ و نزد شما که حاضر
۱۳:۱۲ بودم و نیازمند بودم، بر هیچ کس بار
ننهادم: زیرا برادرانی که از مقدونیه آمده
بودند نیازمندی های مرا برآوردند، و در هر
چیز از بار نهادن[e] بر شما خودم را نگاه
داشتم و خواهم داشت. ۱۰ به حقیقت مسیح
که در من است[f]، این افتخار برای من در
نواحی اخائیه ممنوع نخواهد بود. ۱۱ چرا؟
برای اینکه به شما محبّت ندارم؟ خدا
می داند! ۱۲ لیکن آنچه می کنم، نیز خواهم
کرد، تا این فرصت را بگیرم از آنانکه در
۵:۱۱ پی فرصت هستند تا فخر کنند که بمانند ما
نیز یافت شوند. ۱۳ زیرا این اشخاص
رسولان دروغی هستند، کارگران حیله گر،
که ظاهر رسولان مسیح[g] را گرفته اند. ۱۴ و
۲:۱۷؛ فی۳:۲ شگفت آور نیست؛ زیرا شیطان[h] هم ظاهر
فرشته روشنایی را می گیرد. ۱۵ پس امر
بزرگی نیست اگر خدمتگزاران او هم ظاهر
۲-تیمو۴:۱۴؛ ۲-پطر۲:۱ خدمتگزاران عدالت را بگیرند؛ پایان
ایشان برطبق اعمالشان خواهد بود.

رنج های رسول

۱۶ مجدداً می گویم: کسی نپندارد که من
۶:۱۲ نادان هستم؛ وگرنه، البته مرا مانند نادان
بپذیرید، تا من هم بتوانم اندکی افتخار
کنم[i]. ۱۷ آنچه می گویم، برطبق خداوند
نمی گویم بلکه بر اثر نادانی است، در این
اطمینان که افتخار ماست. ۱۸ چون بسیاری
برطبق بشری [تن، به خود] افتخار می کنند
غلا۶:۱۳؛ فی۳:۴ من هم [به خود] افتخار خواهم کرد. ۱۹ زیرا
شما نادانان را با طیب خاطر تحمّل
می کنید، با اینکه فرزانه هستید! ۲۰ چونکه
۱-قرن۱:۲۶ تحمّل می کنید، اگر کسی شما را برده
سازد، اگر کسی [شما] را بدرد، اگر کسی
غارت کند، اگر کسی تکبّر کند، اگر کسی
به صورتتان سیلی بزنند. ۲۱ با شرمساری
می گویم[j]: گویی که ما ضعیف بوده ایم... با
این همه در هر مورد که کسی افتخار کند، با

c- این اشخاص چه کسانی هستند؟ حتماً طرفداران آداب و رسوم یهود و وفادار به قانون تورات بودند که مقام رسالت پولس را قبول نداشتند و بدون اینکه مدرک نمایندگی از جایی داشته باشند برای خود مقامی قایل بودند. این کلمه را می توان: رسولان سترگ، رسولان اعظم و... ترجمه کرد.
d- ر.ک ۱:۸ n. ترجمه تحت اللفظی: کلیساهای دیگر را تاراج کرده ام.
e- عادت پولس بر این بود که هنگام اقامت در قرنتس از دسترنج خود زندگی نماید. اع ۱۸:۳؛ ۲۰:۳۴ m؛ ۱ -قر ۴:۱۲.
f- مسیح در من: طرز بیان تجربهٔ باطنی و شخصی پولس است. غلا ۲:۲۰؛ فی ۱:۲۱.
g- رسول رقیبان خود را سرزنش می کند که کلام خدا را با تزویر تغییر داده اند و تحریف می کنند: ر.ک ۲:۱۷؛ فی ۳:۲ و عتاب و خطاب عیسی به فریسیان که در لو ۱۶:۱۵ آمده است.
h- ر.ک ۲:۱۱ f. اشاره به روایت های کاهنان است.
i- ترجمه تحت اللفظی: درحقیقت افتخارم.
j- ترجمه تحت اللفظی: به شرم. که می توان ترجمه کرد: شرم من یا شرم شما؛ زیرا رسول هم ناتوانی خود را ملامت می کند و هم از قرنتیان تنقید کرده است آنان را سرزنش می نماید.

نادانی می گویم، من هم افتخار خواهم کرد.
[۲۲]آیا ایشان عبرانی هستند؟ من هم
[هستم]! آیا ایشان اسرائیلی[k] هستند؟ من
هم! آیا ایشان از تبار ابراهیم هستند؟ من
هم! [۲۳]آیا ایشان خدمتگزاران مسیح
هستند؟ چون بی عقل سخن می گویم، من ۱۰:۷
خیلی بیشتر در مشقت ها،
خیلی بیشتر در زندانها[l]،
خیلی بیشتر در ضربه ها، جراحت ها،
اکثراً در خطر مرگ مکرّر.
[۲۴]پنج بار از یهودیان چهل [ضربه
شلاق] منهای یک[m] دریافت کردم؛
[۲۵]سه بار مرا ترکه زدند،
یک بار سنگسار شدم[n]؛
سه بار کشتی شکسته شدم[o].
یک شب و یک روز در ورطهٔ هلاک
[دریای عمیق] گذراندم[p]. [۲۶]اکثراً
مسافرتهای پیاده [می کردم]،
در خطرهای رودخانه ها [بودم]،
در خطرهای راهزنان،
در خطرهایی از هم وطنانم[pp]،
در خطرهای از امّت ها، اع۱۳:۵۰؛ ۲۰:۳
در خطرهایی در شهر،
در خطرهایی در صحرا،
در خطرهایی بر روی دریا،
در خطرهایی در بین برادران دروغین!
[۲۷] زحمت و مشقّت، اکثراً در بیدار
خوابی ها، در گرسنگی و تشنگی، اکثراً در ۶:۵؛ ۱-قرن۴:۱۱-۱۲
روزه داری ها، در سرما و برهنگی! [۲۸]به
علاوه، بدون این چیزها، نگرانی هر روز
من، اندیشه دربارهٔ کلیساها است! [۲۹]چه اع۲۰:۱۸-۲۱
کسی ناتوان است که من ناتوان نباشم؟
چه کسی دچار لغزش می شود و من ۱-قرن۹:۲۲
نمی سوزم؟ [۳۰]اگر باید به چیزهایی افتخار
کرد، من به ناتوانی خود افتخار خواهم
کرد. [۳۱]خدا و پدر خداوند عیسی که ۵:۱۲
به روزگاران مبارک است، می داند که
دروغ نمی گویم. [۳۲]در دمشق، حکمران
پادشاه حارث، شهر دمشقیان[q] را می پایید
تا مرا دستگیر کند، [۳۳]و از پنجره ای، در
زنبیلی از دیوار مرا بزیر آوردند و از
دست های او فرار کردم.

k- در بحث و مجادله ها، اکثراً رسول مجبور شده عناوین یهودی خود را یادآوری کند: اع ۲۱:۳۹؛ ۲۲:۳؛ ۲۳:۶؛ روم ۱۱:۱؛ غلا ۱:۱۵؛ فی ۳:۵-۶؛ یا اینکه عنوان رومی خود را ذکر کند: اع ۱۶:۳۷؛ ۲۲:۲۵-۲۸.

l- از زندانی شدن پولس قبل از آنکه در فیلیپس زندانی شود اطلاعی نداریم (اع ۱۶:۲۳)، شاید در افسس هم بوده است (۱-قرن ۱۵:۳۲).

m- ترجمه دیگر: سی و نه ضربه، برابر مقرارتی که در تث ۲۵:۳ آمده است تعداد ضربه ها نباید از چهل ضربه تجاوز نماید. بدین سبب پس از ضربه سی ونهم مجازات را متوقف می کردند، ما از اوضاع و احوالی که در آن وضعیت شکنجه ها بر پولس وارد شده است اطلاع نداریم.

n- از شکنجه ها و مصائبی که در اینجا پولس مشروحاً برشمرده است فقط یک مورد شلاق خوردن بی قانونی در فیلیپس را می شناسیم (اع ۱۶:۲۲) و سنگسار شدن در لستره در اعمال رسولان ذکر شده است (اع۱۴:۱۹).

o- این شکستن کشتی ها درجایی گزارش نشده اَست.

p- منظور از ورطه هلاک احتمالاً در دریا پس از شکستن کشتی و یا طوفان است. ترجمهٔ دیگر: بر روی ورطهٔ هلاک.

pp- ترجمهٔ تحت اللفظی: خطرهایی از نژاد (من). که منظور هم نژادان پولس یعنی یهودیان است.

q- ترجمهٔ دیگر: شهر را محافظت می کرد. این واقعه در اع ۹:۲۴-۲۵ روایت شده است و منظور از پادشاه، حارث چهارم سلطان کشور ناباد است که از سال ۹ پیش از میلاد تا ۳۹ میلادی سلطنت کرد، این روایت فقط اندکی به تاریخ زندگی پولس می افزاید.

الهام‌ها و مکاشفه‌ها امتیاز پولس است

۱۲ ۱ باید به خود افتخار کرد؟ برایم
فایده‌ای ندارد، امّا به رؤیاها و
مکاشفه های خداوند می آیم[r]. ۲من، در
مسیح یک انسان را می شناسم[s] که چهارده
سال پیش[t]، آیا در جسم [خود] بود؟
نمی دانم؛ آیا بیرون از جسم [خود] بود؟
نمی دانم؛ خدا می داند، چنین کسی تا به
آسمان سوم برده شد[u].
۳و این را می دانم که این انسان یا در جسم
[خود]، یا بدون جسم [خود]؟ نمی دانم؛ خدا
می داند، ۴که به بهشت برده شد[v]، و لو۲۳:۴۳؛ مکا۲:۷
سخنانی وصف ناپذیر شنید که انسانی مجاز
نیست بگوید. ۵به این انسان من افتخار
خواهم کرد؛ اما دربارهٔ خودم، جز به
ناتوانی های خود افتخار نخواهم کرد. ۶زیرا
اگر می خواستم افتخار کنم، نادان نبودم: ۱۶:۱۱
چونکه حقیقت را می گفتم. امّا خوداری می
کنم، مبادا کسی مرا برتر از آنچه در من
می بیند یا از من می شنود بپندارد[w]. ۷و برای
اینکه از فراوانی زیاد[x] این مکاشفه ها مغرور
نشوم، خاری[y] در جسم [تن] من گذاشته شده
است، یک فرشتهٔ شیطان که مرا سیلی بزند[z]،
تا به خود مغرور نشوم! ۸در این مورد، سه بار
به خداوند التماس کرده ام، تا از من دور
گردد. ۹ولی به من گفته است: «فیض من تو مت۲۶:۳۹-۴۴
را کافی است؛ زیرا قدرت در ناتوانی کامل
می شود[a].» پس با شادی زیاد به ۷:۴
ناتوانی های خود بیشتر افتخار خواهم کرد، تا
قدرت مسیح بر روی من قرار گیرد.
۱۰بدین سبب در ناتوانی ها، فی۴:۱۳
در توهین ها،
در مصیبت ها،
در شکنجه ها،
و فشارها،
به خاطر مسیح راضی هستم،
زیرا وقتی ناتوانم، در آن حال نیرومندم.

r- پولس واقعهٔ جادّه دمشق و ظاهر شدن مسیح از مرگ برخاسته را (۱-قرن ۹:۱؛ ۱۵:۸) از رؤیاها و مکاشفه هایی که بعداً داشته کاملاً از یکدیگر متمایز نموده است (اع ۱۶:۹؛ c ۹:۱۸؛ ۱۸:۲۲؛ ۲۳:۱۱).
s- پولس به نوعی شرم دارد از اینکه دربارهٔ خودش سخن بگوید.
t- چهارده سال پیش، درحدود سالهای ۴۲ یا ۴۳ میلادی است، هنگامی که پولس قبل از نخستین مسافرت خود در قلیقیا یا انطاکیه اقامت داشته است.
u- ترجمهٔ تحت اللفظی: ربوده شد. یهودیان تعداد آسمانها را بین پنج الی ده آسمان تصور می کردند و معمولاً هفت آسمان ذکر کرده اند، ضمناً بهشت را در آسمان سوم می دانستند.
v- فعل یونانی که در اینجا و در بند ۲ آمده است به معنی تحت اللفظی ربوده شدن است. این کلمه از زمان حزقیال اصطلاحی معمولی دربیان جذبه های روحانی پیامبران بکار برده شده است: ر.ک حزق ۳:۱۲.
w- ترجمهٔ دیگر: آنچه می شنوند دربارهٔ من گفته می شود.
x- طرز نقطه گذاری و جدا کردن کلمات و عبارات در نوشته های کهن معیّن و دقیق نبوده و ممکن است قسمت اول بند ۷ را به بند ۶ متصل نمود.
y- در این مورد فرضیه های مختلفی تصور شده و در بین آنها وجود بیماری مزمن بیشتر محتمل است. ر.ک غلا ۴:۱۳-۱۵.
z- فرشتهٔ شیطان به رسول سیلی می زند چنانکه سربازان رومی به صورت سیلی می زدند. کلمهٔ سیلی زدن در اینجا مفهوم صحیح شدت ضربات را نمی رساند؛ زیرا کسانی که در میدانهای نمایش عمومی با یکدیگر مبارزه می کردند برای سیلی زدن دستکش های فلزی و سربی در دست داشتند.
a- در اینجا هنر جناس بکار برده شده است زیرا یک کلمه هم به معنی بیماری و هم به معنی ناتوانی است و می توان عبارت را چنین تعبیر و درک کرد: معجزهٔ من در بیماری انجام می شود.

درستی و امانت پولس نسبت به قرنتیان و پریشانی‌های او

[11]نادان شده‌ام! شما مرا وادار کرده‌اید.
درحقیقت بایستی بوسیلهٔ شما ستایش
۵:۱۱ می‌شدم. زیرا در هیچ مورد از این «رسولان
روم۱۹:۱۵؛ ۱-قرن۴:۲؛ ۱-تسا۵:۱ والا[b]» کمتر نیستم، اگر حتّی چیزی نیستم.
[12]حقیقتاً نشانه‌های رسول در میان شما با
مداومت تمام انجام شده است: نشانه‌ها و
نیز شگفتی‌ها و معجزه‌ها. [13]زیرا که از
کلیساهای دیگر چه [چیزی] کمتر
۹:۱۱ داشته‌اید، جز اینکه من خودم باری بر
[دوش] شما نبوده‌ام. این بی‌عدالتی را بر
من ببخشید!
[14]اینک این بار سوم است[c]، که آماده
شده‌ام به نزد شما بیایم؛ و باری بر [دوش]
شما نخواهم بود؛ زیرا درپی اموال شما
نیستم بلکه درپی شما [هستم]. چونکه
فرزندان نباید برای والدین پس‌انداز کنند
فی۱۷:۲ بلکه والدین برای فرزندان. [15]امّا من، با
طیب خاطر خرج خواهم کرد و برای
روح‌های شما [خود] را مصروف خواهم
کرد. آیا با محبّت بیشتر نسبت به شما،
[بایستی به من] محبت کمتری داشته
باشم[d]؟ [16]امّا باشد! من باری بر شما
نبوده‌ام؛ ولی چون زرنگ هستم، شما را با
حیله گرفته‌ام. [17]آیا بوسیله یکی از آنان که
۱۳:۱۲ نزد شما فرستاده‌ام از شما بهره برداری
کرده‌ام؟ [18]به تیطس اصرار کرده و با او
برادر[e] را فرستاده‌ام[f]. آیا تیطس از شما
بهره برداری کرده است؟ آیا [با یکدیگر]
با یک روح قدم برنداشته‌ایم، در یک
طریق نبوده است؟ [19]تمام این مدت فکر
می‌کنید که در مقابل شما از خود دفاع ۱۷:۲؛ ۱:۳
می‌کنیم. درمقابل خدا در مسیح سخن
می‌گوییم. ای محبوبان، لیکن همه چیز
برای تهذیب شما است. [20]درحقیقت
می‌ترسم مبادا وقتی به نزد شما برسم، شما
را چنانکه می‌خواهم نیابم، و مرا چنانکه ۱۱:۱۰؛ روم۲۹:۱؛
می‌خواهید نیابید؛ شاید نزاع، حسادت، ۱-قرن۶:۴
غضب‌ها، مبارزه‌ها، تفتین‌ها،
سخن‌چینی‌ها، غرورها، آشوب‌ها باشد؛
[21][می‌ترسم] مبادا وقتی مجدداً بیایم،
خدای من درمقابل شما مرا سرافکنده ۱:۲؛ ۲:۱۳
سازد، و برای بسیاری از آنان که قبلاً گناه
کرده و از ناپاکی و بی‌عفتی و عیاشی که
کرده بودند توبه نکرده‌اند عزا بگیرم.

آخرین تذکّرات پیش از بازگشت رسول

۱۳ [1]این سوّمین بار است که به نزد شما
می‌آیم. هر امری برمبنای سخن دو و ۱۴:۱۲
سه گواه ترتیب داده خواهد شد[g]. [2]سابقاً
گفته‌ام و پیشاپیش می‌گویم همچنان که بار
دوّم که حاضر بوده‌ام [گفته‌ام] و هر چند

b- ر.ک ۵:۱۱ o.
c- بنابراین پولس دوباره در قرنتس بوده است، اولین بار اقامت او برای تشکیل و بنیان‌گزاری کلیسا (اع ۱۸) و در بند ۲:۱۳ به سفر دوم اشاره شده است. طرح مسافرت سوم در ۲-قرن ۲۳:۱؛ ۱:۲؛ ۱:۱۳ و همچنین در ۱-قرن ۵:۱۶ ذکر گردیده است.
d- ترجمهٔ دیگر: اگر به شما محبت بیشتری داشته باشم آیا به من کمتر محبّت خواهید داشت؟
e- ر.ک ۱۸:۸، ۲۲.
f- ترجمهٔ دیگر: و برادری [که از او سخن گفته‌ام].
g- نقل قول از تث ۱۵:۱۹ که در مت ۱۶:۱۸ هم آمده است و نشان می‌دهد که کلیسا اصطلاحات قضائی را آز آیین یهود گرفته بود.

اکنون غایب هستم آنان را که قبلاً گناه
کرده اند و همهٔ دیگران را اگر که باز آیم،
مدارا نخواهم کرد[h]، ۳چون شما دلیل
۶-۵:۳ جستجو می کنید که مسیح در من سخن
می گوید، او که نسبت به شما ناتوان
نیست، بلکه در میان شما قدرتمند است[i].
روم۶:۸-۱۱ ۴و زیرا از ناتوانی خود مصلوب شده است،
ولی با قدرت خدا زندگی می کند. و در
حقیقت ما نیز در او ناتوانیم، ولی از قدرت
خدا نسبت به شما، با او زنده خواهیم بود.
۱-قرن۱۱:۲۸؛ غلا۶:۴ ۵خودتان، خود را امتحان کنید که آیا در
ایمان هستید. خود را آزمایش کنید. یا
اینکه خودتان تشخیص نمی دهید که عیسی
مسیح در شما است؟ اگر مردود نیستید؟[j].
۶امّا امیدوارم دریابید، که ما مردود
نیستیم[k]. ۷و از خداوند مسألت دارم که
شما هیچ بدی نکنید؛ نه تا ظاهر شود که ما
پذیرفته شده ایم، بلکه تا شما خوب بکنید،
حتی اگر ما پذیرفته نشویم[l]. ۸زیرا هیچ
۱۱:۱۰؛ ۲۱:۱۲ قدرتی علیه حقیقت نداریم، بلکه به منظور
۱-قرن۱۳:۶ حقیقت [است]. ۹و هر بار که ما ناتوانیم[m]
امّا شما قوی هستید خوشوقتیم. و آنچه
نیایش می کنیم برای تکامل شما است.
۱۰بدین سبب وقتی غایب هستم این چیزها
۱۱:۱۰؛ ۸:۱۰ را به شما می نویسم، تا وقتی حاضر شدم
مجبور به عمل قاطع نباشم، برطبق اقتداری
که خداوند برای تهذیب و نه فرو کوفتن به
من داده است. ۱۱وانگهی، ای برادران،
شاد باشید؛ کامل باشید؛ تشویق نمایید.
فی۳:۱؛ ۴:۴ هم فکر باشید[n]؛ در صلح باشید و خدای
افس۴:۲-۳؛ محبت و صلح با شما خواهد بود. ۱۲با
روم۱۵:۵؛ روم۱۵:۳۳ بوسه ای[o] مقدس به یکدیگر سلام کنید.
همهٔ مقدسان به شما سلام می کنند.
روم۱۶:۱۶؛ ۱۳فیض خداوند عیسی مسیح و محبّت خدا
۱-قرن۱۶:۲۰؛ ۱-تسا۵:۲۶ و مشارکت روح القدوس با همهٔ شما
فی۲:۱ باشد[p].

h- تفاوت لحن کلام را با فصل ۷ ملاحظه نمایید.
i- ترجمهٔ دیگر: قدرت خود را در شما نشان می دهد.
j- پولس اشاره به آزمایشی می کند که قبل از انتخابات داوطلبان می گذرانند. اگر قرنتیان خود را اصلاح نمایند پولس نیازی به داوری آنان نخواهد داشت.
k- پولس در مورد خودش همان کلمه هایی را بکار می برد که در بند ۵ در مورد قرنتیان بکار برده است.
l- اگر قرنتیان خود را تغییر داده و اصلاح نمایند، دخالت آمرانه پولس بیهوده خواهد بود. ر.ک بند ۵ j. پولس اکثراً کلماتی بکار می برد که در زبان یونانی از نظر قافیه، وزن و ریشه لغوی مشابه هستند و هنر جناس محسوب می شود.
m- ر.ک ۱۰:۱۰ t؛ ۱۲:۹.
n- ترجمهٔ دیگر: با یکدیگر موافق باشید.
o- بوسهٔ مقدس، جزو آداب نیایش مذهبی و نشانه و مظهر اتحاد است. ر.ک روم ۱۶:۱۶.
p- این کلمات که صریح ترین عبارت در عهد جدید دربارهٔ تثلیث است احتمالاً از منشأ آیین نیایش است.

پیشگفتار
نامه به غلاطیان

برای درک نامه به غلاطیان لازم است وضعیت تاریخی کلیساهایی که پولس به آنها می‌نویسد شناخته شود، بحرانی که وادار می‌کند تا رسول دخالت نموده، این نامه را بنویسد واقعه‌ای نیست که فقط جنبهٔ محلی داشته باشد بلکه لحظه مهمّی از توسعهٔ کلیسای نوبنیاد است. در این موقع کلیسا راه قطعی خود را انتخاب می‌کند تا به حقیقت انجیل وفادار بماند و به نام همان وفاداری در همه دورانهای تاریخ خود، آن را تجدید نماید.

در اینجا پس از ارائه آنچه درباره وضعیت تاریخی می‌دانیم، یعنی اطلاعاتی که از کتاب اعمال رسولان و متن این نامه برمی‌آید، نشان خواهیم داد چگونه رسول از حقیقت انجیل که در غلاطیه در مخاطره بود دفاع می‌کند و مراحل رسالهٔ او را تعیین می‌کنیم. بالاخره خواهیم گفت به‌چه سبب این نامه جنبهٔ کنونی و دائمی دارد.

شرایط و اوضاع بحران در غلاطیه

بوسیله اطلاعاتی که در کتاب اعمال رسولان ذکر شده، نقش پولس را در توسعهٔ کلیسا به‌خوبی می‌دانیم: وی رسول ملّت‌ها است و به طرز مخصوصی به سوی مشرکان اعزام شده است (اع ۹:۱۵؛ ۲۲:۲۱؛ ۱۷:۲۶). ولی مأموریت او مرتباً با مخالفت مسیحیانی برخورد می‌کند که قبلاً یهودی بوده‌اند و لوقا نظر آنان را چنین خلاصه می‌کند: «اگر برطبق رسوم موسی، خودتان را ختنه نکنید نمی‌توانید نجات یابید» (اع ۱:۱۵). بدین گونه طرفداران رسوم یهود (یهودی‌گرایان) می‌خواهند یوغ قوانین موسی را به مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده‌اند تحمیل نمایند. برطبق کتاب اعمال رسولان، پطرس با ایشان موافق نیست؛ وی که بوسیله روح‌القدس هدایت شده است می‌داند که خدا، بدلیل ایمان آوردن به مسیح، به مشرکان و به یهودیان روح‌القدس را عطا می‌کند (اع ۱۰:۱۷؛ ۱۵:۷-۱۱). و امّا یعقوب، وی ورود مشرکان را در کلیسا می‌پذیرد، فقط از ایشان درخواست می‌کند بعضی از قواعد عملی را که مجمع اورشلیم ضرورت آنها را اعلام خواهد کرد رعایت نمایند (اع ۱۵:۱۹، ۲۱، ۲۸). اعمال رسولان، مسافرت‌های مختلف پولس را به غلاطیه ذکر کرده است. پولس درطی نخستین سفر تبلیغی خود انجیل را در نواحی واقع در جنوب ایالت رومی غلاطیه ترویج داده بود. این نواحی عبارت از پیسیدیه، لیکائونیه و فریجیه بودند (۱۴:۳-۱۴:۲۵). سپس درطی دومین و سومین مسافرت، دوبار از غلاطیه شمالی عبور کرده است (اع ۱۶:۶؛

۲۳:۱۸). این ناحیه که بین کاپادوکیه و دریای سیاه قرار دارد شامل مناطق اطراف آنقره است (که امروزه آنکارا می نامند)؛ اهالی این منطقه از نژاد سِلت و تنها مردمی بودند که می توان به معَنی واقعی کلمه «غلاطیان» نامید.

وقایعی را که پولس در نامه به غلاطیان ذکر کرده یا روایت می نماید باید در چهارچوب چنین محیطی درنظر گرفت. ولی آیا واقعاً در چنین محیطی روی داده است؟ اگر گواهی پولس که شاهد این وقایع بوده با گزارش لوقا تفاوت دارد آیا می توان تصور کرد که گواهی پولس یا روایت لوقا اشتباه است؟ ولی برطبق یک انتقاد صحیح باید پرسیده شود آیا بدلیل آن نیست که هدف و منظور آنان متفاوت بوده است و ایشان وقایعی را به دو نحو مختلف ارائه کرده اند.

پولس گواهی صادق و امین است ولی فقط مطالبی را گزارش می کند که مربوط به هدف مورد نظر او است. لوقا اطلاعات و مطالب مطمئنی را به دقت جمع کرده است ولی منظور او نشان دادن عمل روح القدس در توسعهٔ کلیسا است و نه اینکه اخبار و وقایع دوران اولیه کلیسا را گزارش نماید بنابراین مدارکی از منابع مختلف و مربوط به تاریخهای مختلف را جمع کرده و آنها را به واقعه معینی مربوط نموده است چنانکه احتمالاً در مورد مجمع اورشلیم چنین است، بدین سبب می توان درک کرد به چه سبب تشکیل این مجمع در غلا ۲:۱-۱۰ و فصل ۱۵ اع به انحاء مختلفی ارائه گردیده است.

با این همه می توان با استفاده از کتاب اعمال رسولان، اطلاعات تاریخی این نامه را تکمیل کرده، وضعیت بُحران غلاطیه را تعیین نمود. آیا پولس این نامه را به چه کسی می نویسد؟ تاریخ نگارش نامه اش چیست؟ منظور او چه اشتباهاتی است و چه رقیبانی این عقاید و نظریات نادرست را منتشر می کردند؟ با توّجه به وضعیتی که پولس به آن اشاره کرده و مخاطبانش بخوبی آن را می شناختند ولی برای ما مبهم است، فرضیه های متعددی پیشنهاد شده است و بعضی از این فرضیه ها مبنای تفسیری دربارهٔ تاریخ مسیحیت ابتدائی شده است ولی ما فقط فرضیه های مهمی را که پایه اساسی در متن ها دارند ذکر خواهیم کرد.

مخاطبان این نامه چه کسانی هستند؟ در قرن ۱۹ میلادی کوشش می کردند ثابت کنند که نامه به کلیساهای غلاطیه جنوبی خطاب شده است در این صورت ممکن است نامه اندکی پس از اولین مسافرت تبلیغی نوشته شده و اولین نامه پولس باشد که در سال ۴۹ میلادی از انطاکیه فرستاده است. همچنین می توان تاریخ نگارش نامه را به بعد از مسافرتی که در اع ۶:۱۶ ذکر شده است به عقب برد. ولی بیشتر مفسران جدید، از موضع متفق القول قدما پشتیبانی می کنند که برطبق آن: پولس این نامه را به غلاطیان شمالی نوشته است (تنها کسانی که می توان «غلاطیان» نامید) و بعد از دومین باری که به نزد ایشان مسافرت کرده بود (غلا ۱۳:۴) و در اع ۲۳:۱۸ ذکر گردیده است. پولس در پایان اقامت طولانی خود در افسس (احتمالاً درطی زمستان ۵۶-۵۷ میلادی) و فقط شش ماه قبل از نامه به رومیان این نامه را نوشته است و بدینسان می توان شباهت بین این دو نامه را توضیح داد.

چه کسانی مسئول بحران هستند و چه عقاید نادرستی آموزش می‌دهند؟ ظاهراً یک نکته روشن است: اختلالگرانی را که پولس برملا می‌کند می‌خواهند به مشرکانی که به مسیحیت گرویده‌اند اجرای قوانین موسی را تحمیل نمایند (۳:۲-۳؛ ۲۱:۴؛ ۴:۵) و مخصوصاً آنان را به ختنه شدن وادار نمایند (۳:۲-۴؛ ۲:۵؛ ۱۲:۶). ممکن است یهودی‌گرایانی باشند که در کتاب اعمال رسولان از ایشان یاد شده و نظریه ایشان در ۱:۱۵ خلاصه شده است. ولی آیا بایستی به همین پاسخ اکتفا کرد؟

زیرا این نامه علیه آن نوعی از آزادی هشدار می‌دهد که به بی بندوباری اخلاقی بکشد (غلا ۱۳:۵). بنابراین آیا پولس دو نوع رقیب نداشته است؟ این فرضیه را کسانی پیشنهاد می‌کنند که طرفداران بی بندوباری اخلاقی و یهودیگرایان را یکی نمی‌دانند ولی نشانه‌ای وجود ندارد بر این که رسول مجبور بوده در دو جبهه مبارزه نماید.

لذا فرضیه دیگری پیشنهاد شده است: امکان دارد که یهودیگرایان فقط طرفدار اجرای قوانین یهود از نظر آیین نیایش بوده، فکر می‌کردند از الزامات اخلاقی یهودیگری معاف هستند؛ در این صورت با نوعی عقیدهٔ تلفیق ادیان سروکار داریم نظیر آنچه در نامه به کولسیان ذکر شده است (کول ۱۶:۲-۲۳)؛ زیرا در هر دو نامه سخن از آئینی است که آدمی را اسیر عناصر دنیا می‌کند (غلا ۳:۴، ۹؛ کول ۲۰:۲)؛ مضافاً بر اینکه پولس به غلاطیان می‌گوید: کسانی که ختنه کردن را موعظه می‌کنند ایشان را به آئینی برمی‌گردانند که قبل از گرویدن به مسیحیت داشتند (۸:۴-۱۰). از سوی دیگر رسول یادآوری می‌کند کسانی که ختنه می‌شوند مجبورند با وفاداری کامل از قوانین یهود تبعیت نمایند (۳:۵؛ ر.ک ۱۰:۳)، درصورتی که رقیبان او خلاف آن را آموزش می‌دهند. و در حقیقت رسول در نتیجه‌گیری نامه ایشان را صریحاً متهم می‌کند با اینکه ختنه کردن را تحمیل می‌کنند قوانین یهود را رعایت نمی‌نمایند (۱۳:۶).

این فرضیه جالب است، با این همه ضروری نیست و بدون استفاده از این نظریه می‌توان مفهوم نامه را درک کرد. هشدار علیه بی بندوباری اخلاقی را می‌توان بدین‌گونه توضیح داد که کلیساهای غلاطیان از مشرکانی تشکیل شده بود که به مسیحیت گرویده بودند ولی به ناگهان روحیه و رفتارشان تغییر نکرده بود بنابراین لازم بود پولس مفهوم آزادی فرزندان خدا را بر ایشان روشن و تصریح کند. ضمناً اگر ضاهراً پولس مقررات آئین بت‌پرستی را در یک ردیف قرار می‌دهد بدان سبب نیست که یهودیگرایان آنها را با یکدیگر می‌آمیختند بلکه پولس می‌خواهد نشان دهد که هردو طرف غلاطیان را به اسارتی برمی‌گردانند که مسیح از آن آزاد کرده بود و رسول تا بدان پایه خواهد رفت که حتی بگوید بازگشت به مراسم آیین مشرکان بهتر است زیرا از کلیسا خارج می‌شوند و دیگر با ایجاد آشفتگی انجیل را تباه نخواهند کرد (۱۲:۵).

معنی بحران: انتخاب درمقابل انجیل منحصر به‌فرد

غلاطیان تحت تأثیر نفوذ رقیبان پولس متوجه نیستند که اگر ختنه شرط نجات باشد، ایمان ایشان در خطر است. رسول ایشان را آگاه می‌کند که باید راه خود را انتخاب نمایند و این امر شایان اهمیت است. این نکته یک مسئلهٔ شخصی نیست و اگر واعظان دیگری را بر او ترجیح می‌دهند به او زیانی نمی‌رساند (۱۲:۴). بلکه مسئله حقیقت انجیل منحصر به فرد مطرح است، حقیقت آزادی است که این انجیل اعلام می‌کند، حقیقت صلیب عیسی است که منبع این آزادی است و این آزادی، خصیصهٔ زندگی جدید فرزندان خدا است.

انجیل اعلام نجاتی رایگان و جهانی است که دنیایی نو ایجاد می‌نماید. یهودیگرایان (مسیحیانی که قبلاً یهودی بوده ولی پس از گرایش به مسیحیت هنوز معتقدند که باید مقررات قوانین یهود رعایت شود) هنوز در دنیای کهن زندگی می‌کنند و می‌خواهند غلاطیان را به آنجا ببرند؛ بدین سان با اعلام به اینکه از عهدعتیق هستند انجیل را تباه می‌کنند. برعکس پولس نشان می‌دهد که عهد عتیق مفهوم حقیقی خود را نمی‌یابد مگر وقتی که مسیح وعده های آن را به تمامیت برساند. طرز استدلال او، که درک آن برای ما دشوار است، مغایرت دنیای کهن و دنیای نو را از سه نظر روشن می‌کند:

نخست موضوع منبع و سرچشمه نجات است بدین معنی که باید بین جسم و روح، یکی را انتخاب کرد. در دنیای کهن آدمی مدعی است به کس دیگری نیاز ندارد و بوسیله اعمالش نجات می‌یابد؛ پولس چنین حالتی را «جسم» می‌نامد. ورود در دنیای نو، انتظار داشتن نجات از روح‌القدس است و پذیرفتن آن به عنوان فیضی که خدای پدر بوسیله مسیح عطا می‌کند.

دومین نکته تاریخ نجات است. بین قوانین تورات و ایمان بایستی یکی را انتخاب کرد. این قوانین مربوط به مرحله‌ای است که افراد را برای آمدن نجات دهنده آماده می‌کند، و این قوانین قومی را که آن را دریافت کرده از سایرین جدا می‌نماید و در این امر هدفی آموزشی وجود دارد. ایمان راه وصول به دنیای نو را مقدور می‌سازد زیرا آدمیان را با نجاتی که عیسی باعث آن شده و به رایگان به همهٔ آدمیان عطا کرده است آشنا می‌کند.

بالاخره نکته سومی اینست که در دنیای کهن، آدمیان اسیر گناه هستند و سرچشمهٔ گناه، جسم است؛ در دنیای نو آدمیان بوسیله روح‌القدس آزاد شده‌اند که ایشان را قادر می‌سازد با محبت ارادهٔ خدا را انجام دهند. آزاد هستند زیرا فرزندان خدا هستند و از زندگی پسر خدا زندگی می‌کنند. این آزادی که ثمرهٔ انجیل منحصربه فرد است بوسیله یهودیگرایان تباه خواهد شد.

ترکیب نامه و روش نگارش آن

پولس به‌خوبی می‌داند که «کودکان او» در مخاطره قرار دارند (۱۹:۴)، بنابراین به «فرزندان خود» رساله‌ای دربارهٔ موضوع مذهبی ارائه نمی‌کند، بلکه آنچه ارائه می دهد، حقیقتی است که اعلام کرده و از ان تاریخ راهی را که پیموده‌اند روشن کرده است

(۷:۵). این حقیقت یک واقعه می باشد: بدین معنی که خدا در عیسی مسیح دخالت نموده است تا آدمیان را از گناه آزاد کند. پولس غلاطیان را در برابر این حقیقت، در برابر عیسی مسیح مصلوب قرار می دهد.

در مرحلهٔ نخست به ایشان یادآوری می کند (فصلهای ۱، ۲) که منشأ مأموریت او عیسی مسیح است که نقطه اصلی پیام او است. در مرحلهٔ دوم (فصلهای ۳ تا ۶) نشان می دهد که عیسی مسیح با اجرای مأموریت نجات، معنی تاریخ را بدین گونه تعیین کرده است: بوسیلهٔ او و در او، آدمیان که زندگی جدیدی یافته اند به وحدت خود رسیده اند و آفرینش که تجدید شده است به تمامیت خود می رسد.

با شرح و توضیحاتی که در مورد مقابلهٔ سه زوج (جسم- روح، قوانین یهود- ایمان، دنیای کهن- دنیای نو) داده شده این مراحل به یکدیگر پیوند می یابند و مقابله و مقایسه عوامل مذکور، جنبه های مختلف انتخاب مهمی را که انجیل به هر انسانی پیشنهاد کرده است نشان می دهد.

ساختمان و ترکیب مطالب نامه به شرح زیر است:

۱- مرحلهٔ نخست: ۱:۱ الی ۲۱:۲

الف) مقدمه (۱:۱-۱۰).

۱:۱-۵، عنوان نامه که در آن دو موضوع مرحلهٔ نخست اعلام شده است یعنی مأموریت پولس (بندهای ۱-۲) و انجیلی که توسط او اعلام می گردد (بندهای ۳-۴).

۱:۶-۱۰، شرح وضعیت، انجیل یکتا و منحصر به فرد تباه شده است.

ب) مأموریت پولس (۱:۱۱ الی۲:۱۰).

۱:۱۱-۲۴، پولس از مسیح رستاخاسته مأموریت دریافت کرده است که انجیل را به مشرکان اعلام نماید. انتخاب او بدین منظور بوده و به فیض خدا خوانده شده است.

۲:۱-۱۰، نجات به همهٔ آدمیان به رایگان عطا شده است، بنابراین مشرکان مجبور نیستند موضوع ختنه را رعایت نمایند این نکته حقیقت انجیل است و پطرس و کلیسای اورشلیم آن را در حضور همه پذیرفته اند.

ج) انجیل پولس (۲:۱۱-۲۱)

با این همه بر اثر فشار یهودی گرایان، همان فشاری که غلاطیان تحمل می کنند، پطرس به این حقیقت و به انتخاب نشی از آن وفادار نمانده است. پولس به این حقیقت پای بند است و این انتخاب اساسی را بوسیلهٔ مقابلهٔ ایمان در برابر قوانین یهود تشریح نموده و تصریح می کند. این انتخاب بدان سبب است که مسیح مصلوب زندگی خود را به خاطر هریک از ما داده است. اگر کسی راه دیگری را انتخاب کرده، بخواهد بوسیله اعمال و با اجرای قوانین یهود به برائت دست یابد، مرگ مسیح را بیهوده و بی فایده می کند؛ ولی کسی که بپذیرد بوسیلهٔ مسیح تبرئه شود و هیچ ادعائی مبنی بر این که خودش خود را نجات می دهد نداشته باشد، نشان می دهد که مرگ مسیح ثمربخش بوده است و چنین فردی از زندگی محبت بار پسر خدا زندگی می نماید.

۲- مرحلهٔ دوم ۳:۱ الی ۶:۱۸

الف) مقدمه (۳:۱-۵)

پولس در برابر مسیح مصلوب که غلاطیان از او روح القدس را دریافت کرده اند به ایشان عتاب و خطاب کرده، می گوید که انتخاب

ابلهانه ایشان موجب خواهد شد مجدداً به «جسم» برگردند.

ب) بحث دربارهٔ ایمان و نقش قانون یهود در تاریخ نجات (۶:۳ الی ۷:۴).

۶:۳-۱۴، برطبق مشیت و طرح خدا، وعده‌ای که به ابراهیم ایماندار داده شده است مربوط به مسیح است و بوسیلهٔ او به تمام ایمانداران، بدون استثناء مربوط می‌شود. نجاتی که وعده داده شده است بوسیله اعطای روح‌القدس تحقق می‌یابد.

۱۵:۳-۲۹، قوانین یهود به‌عنوان شرط اعطای این موهبت داده نشده است؛ بلکه به گناهکاران تحمیل گردیده تا اسارت و بندگی ایشان را به گناه ظاهر نماید و نشان دهد که نجات در ایمان به مسیح است؛ بوسیلهٔ عیسی مسیح و در او، آزاد و متحد خواهند شد زیرا فرزندان خدا خواهند بود.

۱:۴-۷، انجام و تمامیت تاریخ نجات، در عیسی مسیح است که آدمیان را بوسیلهٔ اعطای روح‌القدس از اسارت و بندگیِ دنیا، به آزادیِ فرزندان خدا تغییر می‌دهد.

ج) تشویق و موعظه به اینکه به بردگی باز نگردند (۸:۴ الی ۱۲:۵).

۸:۴-۲۰، پولس به‌خاطر کودکان خود آشفته خاطر است؛ انجیل، ایشان را آزاد کرده بود و کسانی می‌خواهند آنان را به بردگی بکشند.

۲۱:۴-۳۱، برای آزاد بودن بایستی زادهٔ ابراهیم بود، نه برحسب جسم بلکه برطبق روح

۱:۵-۱۲، پولس زندگی جدید را در عیسی مسیح چنین توصیف می‌کند: در اینکه غلاطیان آزاد بمانند، خود را به عطیه رایگانی که مسیح داده است بگشایند و به روح‌القدس که به ایشان عطا کرده تا ایمان آورند، محبت داشته و امیدوار باشند.

د) آزادی حقیقی ثمرهٔ روح‌القدس است که آدمی را از جسم رهایی می‌بخشد (۱۳:۵ الی ۱۰:۶).

۱۳:۵-۵، در این بندها اختلاف اساسی بین جسم و روح تشریح می‌شود.

۲۶:۵ الی ۱۰:۶، روح‌القدس آدمی را در محکومیت آزاد می‌کند تا به قانون مسیح وفادار باشد.

هـ- نتیجه (۱۱:۶-۱۸)

پولس مجدداً غلاطیان را در برابر صلیب مسیح قرار می‌دهد؛ این صلیب به دنیای کهن و شرّی که در مقدمه یاد شده است (۴:۱) پایان داده است. نجاتی را که مسیح مصلوب انجام داده گشایش و آغاز آفرینشی جدید است، آفرینشی که ایمان، امکان ورود به آن را مقدور می‌سازد، آفرینشی که در آن، آدمی از قوانین آزاد شده است زیرا برطبق روح‌القدس زندگی می‌کند.

ساختمان و ترکیب نامه بدین صورت است، وحدت نامه در این است که پولس هدف معینی را تعقیب می‌کند درحالی که موضوع‌های دیگری را که برشمرده‌ایم تشریح می‌نماید: بدین معنی که نشان می‌دهد خدا بوسیله صلیب مسیح مفهوم و مسیر تاریخ را تعیین کرده، طرح و مشیت خود را در نجات رایگان و جهانی تحقق می‌بخشد.

پولس برای اعلام راز مسیح، که به نظر یهودیان واقعه‌ای «ننگ‌آور» بوده، عبارت‌های خشن و جسورانه‌ای بکار می‌برد که می‌توان آنها را تجاوزی در گفتار بشمار آورد که به جدل و مشاجره منجر می‌شود و در

تعبیر و تفسیر آنها باید لحن ملایم تری بکار برده شود. درصورتی که برعکس این عبارات را به همین شکل و همین شدّت بیان الهام هایی می دانیم که رسول از روح القدس دریافت تا راز مسیح را شناخته، آن را اعلام کند.

شیوهٔ نگارش این نامه و عقاید و نظریاتی که در آن ذکر شده عیناً نظریات و شیوه نگارش پولس است به طوری که ندرتاً در اصالت انتساب نامه به پولس تردید کرده اند و امروزه این امر غیرقابل انکار است. شخصیت پولس در سرتاسر این نامه به چشم می خورد: علاقه و محبتی که به کودکان خود ابراز می نماید، از خودگذشتگی کاملی که در انجام مأموریت خود دارد، نیرویی که مقاومت عوامل دنیایی را در مقابل حقیقت انجیل در هم می شکند.

نامه‌ای که همواره جنبهٔ کنونی دارد

نامه به غلاطیان به مسیحیان همهٔ دورانها اخطار و خطاب می کند. همچنین به کلیسا خطاب کرده می پرسد آیا فرد مسیحی واقعاً ایمانداری است که ایمانش او را از هر ترسی آزاد ساخته است؟ آیا کلیسا در وضعیت تاریخی غلاطیان قرار دارد؟ البته امروز دیگر مسیحیانی وجود ندارند که طرفدار اجرای قوانین یهود باشند و مسیحیان باکی ندارند در زندگی با مشرکان سهیم شده، با آنان بر سر یک سفره بنشینند. ولی آیا مؤسسات مسیحی اکثراً مسیحیان را در داخل سرحداتی محصور نمی کنند که در داخل آن به نجات خود مطمئن بوده، قانون مسیح را با سربلندی اجرا نمایند و فقط وضعیتی به قاعده نسبت به خدا داشته باشند؟ کلیسا که در روز پنجاهه بوسیله روح القدس آغاز شده است نمی تواند بوسیله اعمال خود و بوسیله ترکیب و نظام بشری، یعنی «جسمی» به کمال خود دست یابد؛ زیرا آدمیان را به بردگی خواهد کشید بجای آنکه به فرزندان خدا ایمان و آزادی تعلیم دهد.

بنابراین کلیسا باید از خود بپرسد آیا هدف تأسیسات کلیسا تشکیل جمعیتی است که وحدت آن برمبنای انجیل یکتا است، جمعیتی که روح القدس آن را بروی همگان می گشاید و به خدمت همگان می گمارد، جمعیتی که از برادران جهانی تشکیل شده باشد. این سؤال همواره جنبهٔ کنونی دارد، زیرا دعوت به اصلاح و بهبود که همواره تجدید می گردد به نیروی انجیلی است که مدام حقیقت را در آن باز می یابیم.

نامه به غلاطیان

عنوان نامه.
منابع و محتوای انجیل پولس

روم۱:۱؛ غلا۱:۱۱-۱۲؛ اع۲۰:۲۴ **۱** ^۱از پولس رسول[a]، نه [رسول] از
طرف انسان ها، و نه از طرف یک
انسان، بلکه از طرف عیسی مسیح و خدای
روم۱:۴ پدر، که او را از میان مردگان برخیزانیده
اع۱۶:۶؛ ۱۸:۲۳؛ است، ^۲و [از سوی] همهٔ برادرانی[b] که با
۱-قرن۱۶:۱؛ من در کلیساهای غلاطیه اند؛ ^۳فیض بر شما
۲-تیمو۴:۱۰؛ ۱-پطر۱:۱ [باد] و صلح از سوی خدا، پدر ما و از
۲:۲۰؛ خداوند عیسی مسیح. ^۴که خود را به خاطر
۱-تیمو۲:۶؛ تیط۲:۱۴ ۱-یو۵:۱۹ گناهان ما تسلیم کرده است تا ما را از این
دنیای شرّ کنونی[c] بیرون بکشد، برطبق
روم۱۶:۲۷ ارادهٔ خدا، پدر ما[d]، ^۵که بر او شکوه به
روزگاران و روزگاران باد. آمین!

وضعیت: غلاطیان را از انجیل یکتا منحرف می کنند

^۶شگفتی دارم که به این زودی از آن کسی
که شما را به فیض مسیح خوانده است[e] به ۱:۱۵؛ ۵:۸
انجیل دیگری[f] روی بیاورید. ^۷که چیز
دیگری نیست به جز اینکه بعضی ها شما را
پریشان می کنند و می خواهند انجیل مسیح اع۱۵:۲۴
را تغییر دهند. ^۸ امّا حتی اگر ما یا فرشته ای ۲-قرن۱۱:۴؛ ۱-قرن۱۶:۲۲؛
از آسمان، انجیلی برخلاف آن که به شما روم۹:۳
نوید داده ایم اعلام کند. لعنت[g] بر او باد!
^۹همان طور که قبلاً گفته ایم و اکنون باز هم
می گویم: اگر کسی به شما انجیلی خلاف آن
دریافت کرده اید اعلام کند، لعنت بر او
باد! ^۱۰ زیرا[h] اکنون آیا درپی قانع کردن ۱-تسا۲:۴

a- پولس، ضمن اینکه خود را به عنوان رسول می خواند در توضیح مأخذ رسالت خود می گوید: به مانند دوازده نفری که قبل از او فرستاده شده بودند (غلا ۱:۱۷)، او را مسیح رستاخاسته بلافاصله اعزام کرده است.

b- پولس که مقام و عنوان رسالت خود را ذکر کرده اکنون اتحاد و همبستگی خود را برای دفاع از انجیل با ایماندارانی که پیرامون او هستند بیان می کند و این تنها موردی است که در عنوان نامه این نکته را گفته است. ضمناً تفسیری از انجیل مختص به خود پیشنهاد نمی کند.

c- ترجمهٔ تحت اللفظی: در دنیای حاضر، شرّ. منظور دنیای قدیمی است که همواره حاضر و تابع شیطان یعنی شریر است (ر.ک مت ۶:۱۳؛ ۱۳:۳۸) ولی اکنون در مسیح مقهور گردیده است.

d- بندهای ۳ و ۴ انجیل را خلاصه می کنند و مسیح مصلوب در مرکز آن قرار دارد. مسیح با واقعهٔ یکتای رستاخیز خود یک گسیختگی و یک گذر انجام داده است: بدین معنی که ما را از دنیای کهن و همهٔ عناصر آن بیرون کشیده (غلا ۴:۳، ۹-۱۰)؛ و به دنیای آفرینش جدید وارد کرده است (غلا ۶:۱۵).

e- همچنین می توان ترجمه کرد: از آن کسی که شما را بوسیله فیض خوانده است، مسیح (ر.ک روم ۱:۶).

f- در نامه های دیگر پولس، پس از عنوان نامه و سلام، معمولاً سخنانی در سپاسگزاری از خدا است ولی در اینجا به جای سپاسگزاری، عتاب و خطابی شدید و آمیخته به استهزاء آمده است. انجیل یکتا و منحصربه فرد، اعلام زندگی جدیدی است که بوسیله مسیح داده شده است. اگر در پیامی تازگی و رایگان بودن نجات ملحوظ نباشد، آن پیام انجیل نیست چنانکه پولس بلافاصله در بند ۷ یادآوری می نماید.

g- لعنت. به معنی کیفری است که کسی را از قوم خدا طرد می کند و عجیب آنکه پولس این کیفر را در مورد بازگشت به دستورات و مقررات قوانین یهود می آورد. به نظر پولس این بازگشت موجب تباهی انجیل و محروم شدن از فیض است.

h- کلمه زیرا استقلال فکری پولس را نشان می دهد. اگر پولس لعنت و نفرین نثار می کند برای آنست که باکی ندارد ناخوشایند آدمیان باشد. بنابراین به خاطر خوشایند مشرکان نیست که ایشان را از اجرای مقررات شرعی یهود معذور ساخته و آزاد می کند، بلکه فقط برای آنست که به انجیل وفادار بماند.

انسان ها یا خدا هستم؟ یا در جستجوی
خوشایند انسان ها؟ اگر تا به حال،
خوشایند انسان ها را می خواستم،
خدمتگزار مسیح نخواهم بود.

ظاهر شدن پسر خدا و رسالت پولس

۱۱ چون که، ای برادران، به شما اعلام
می کنم، انجیلی که بوسیلهٔ من نوید داده
شده برطبق بشری نیست[i]. ۱۲ زیرا که من ۱-تسا۲:۱۳
آن را نه از یک انسان دریافت کرده، نه ۱:۱؛ مت۱۶:۱۷
آموزش یافته ام، بلکه بوسیله یک مکاشفه
عیسی مسیح است[j].
۱۳ چون که رفتار مرا در گذشته در
یهودیگری شنیده اید: که بر کلیسای خدا اع۸:۳؛ ۲۲:۴-۵؛
به شدّت جفا کرده و در صدد نابودی آن ۲۶:۹-۱۱؛ ۱-قرن۱۵:۹
بودم، ۱۴ و در یهودی گری خیلی بیشتر از فی۳:۶؛ اع۲۲:۳؛
همسالان تبار خود پیشرفت داشتم و در مر۷:۳
سنّت هایی که از پدران من است متعصّب تر
بودم. ۱۵ با این همه وقتی آن که مرا از رَحِم اش۴۹:۱؛
مادرم به کنار گذاشته است صلاح دید، به ار۱:۵؛ غلا۱:۶؛ ۱-قرن۱۵:۱۰
فیض خود مرا فراخواند، ۱۶ که پسرش را اع۹:۳-۶؛
بر من مکشوف سازد تا او را در بین امت ها ۲-قرن۹:۱؛ ۲-قرن۴:۶؛
نوید دهم، بلافاصله با گوشت و خون[k] اع۲۲:۲۱؛ غلا۲:۷
مشورت نکردم. ۱۷ و بدون آنکه به
اورشلیم، به سوی آنان که پیش از من
رسولان بودند، فراز آیم، اما به عربستان[l]
رفتم و دوباره به دمشق برگشتم. ۱۸ سپس،
بعد از سه سال به اورشلیم فراز آمدم تا با اع۹:۲۶
کیفا[m] آشنا شوم و پانزده روز به نزد او
ماندم؛ ۱۹ اما از سایر رسولان، کسی را بجز
یعقوب[n]، برادر خداوند ندیدم. ۲۰ اما مر۶:۳؛
آنچه به شما می نویسم، اینک در برابر خدا اع۱۲:۱۷؛ غلا۲:۹
[می گویم]، دروغ نیست. ۲۱ سپس به
مناطق سوریه و کلیکیه رفتم. ۲۲ و برای اع۹:۳۰
کلیساهای یهودیه که در مسیح هستند،
چهره ای ناشناس بودم. ۲۳ و فقط
می شنیدند: تعقیب کنندهٔ گذشته، اکنون اع۹:۲۱
ایمانی[o] را اعلام می کند که در گذشته از
بین می برد. ۲۴ و به سبب من خدا را تجلیل
می کردند.

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: برطبق انسان. منشأ انجیل بشری نیست و بدین سبب با تمایلات بشری تطبیق ندارد بلکه زندگی و وجود او را بسوی سمت جدیدی هدایت می نماید.

j- مکاشفه و الهام مستقیمی که پولس دریافت کرده است از عیسی مسیح است؛ مسیح مصلوب پس از رستاخیز بر او ظاهر شده است. پولس الهام دریافتی خود را در بند ۱۵ ذکر کرده و با اشاره به الهام ارمیا (ار ۱:۵) و الهام خدمتگزار در اش ۴۹:۱ یادآوری می کند که مأموریت رسالت او برای اعلام به مشرکان است. (غلا ۱:۱۵-۱۶).

k- ترجمهٔ دیگر: بدون اینکه به مشورت انسانی متوّسل شوم. با گوشت و خون مشورت نکردم. این طرز بیان کاملاً مختص زبانهای سامی است که اصطلاح گوشت و خون را در مورد انسان از نظر نیروهای جسمی او بکار می برند بنابراین جمله را می توان چنین تفسیر نمود که پولس با هیچ فرد انسانی، بدون توجه به عقاید و حالات روحی و معنوی او مشورت نکرده است.

l- در مورد دلایل عزیمت پولس به عربستان از روایت اعمال رسولان (۹:۱۵-۳۰) استنباط می شود که خواسته است مأموریت رسالت خود را در بین مشرکان آغاز نماید.

m- کیفا نام دیگر پطرس است.

n- ترجمهٔ دیگر: هیچ رسول دیگری به جز یعقوب ندیدم. می دانیم که یعقوب یکی از «ارکان» جمعیت مسیحیان اورشلیم بوده ر.ک غلا ۲:۹؛ اع ۱۲:۱۷؛ ۱۵:۱۳؛ ۲۱:۱۸. دلیل و نشانه ای وجود ندارد که وی یکی از دوازده نفر رسولان عیسی باشد ولی عنوان رسول فقط مختص به دوازده نفر نبوده است. ر.ک ۱-قر ۱۵:۷.

o- در اینجا کلمه ایمان نه تنها عقیده ای است که باور داشته باشند بلکه به مفهوم یک زندگی است که ایمان مرکز و عامل اصلی آن باشد. ر.ک ۳:۲۳ e.

توافق در اورشلیم: وحدت کلیسا و آزادی مسیحی

۲ [۱] سپس، بعد از چهارده سال[p]
مجدداً با بارنابا به اورشلیم فراز اع۱۵:۲؛
آمدم؛ تیطس را هم با خود آورده بودم. ۳۶:۴؛ ۳۰:۱۱
[۲] ولی من درپی مکاشفه ای فراز آمدم[q]، و
انجیلی را که به امت ها نوید می دهم به ۱-قرن۱۵:۱۱؛
ایشان و خصوصی به سرشناسان ارائه کردم، غلا۱۱:۴؛ فی۱۶:۲
مبادا به سختی بیهوده بدوم و دویده باشم.
[۳] اما حتّی تیطس[r] که با من بود و یونانی
است مجبور نشد خود را ختنه کند. [۴] لیکن اع۱۵:۱،۲۴؛
به سبب برادران دروغین که پنهانی نفوذ غلا۱:۷؛ ۵:۱؛ فی۳:۸-۹
کرده بودند[s] تا آزادی ما را که در مسیح
عیسی داریم خبرچینی کرده، ما را به بردگی
بکشند. [۵] که حتّی یک ساعت هم بوسیله
اطاعت تمکین نکردیم[t] تا حقیقت انجیل ۲:۱۴؛ ۵:۷
برای شما بماند. [۶] امّا از کسانی که معتبرند
که چیزی باشند[u] - برای من تفاوتی نمی کند تث۱۰:۱۷؛
قبلاً چه بودند، زیرا خدا نه صورت انسان روم۲:۱۱
را می پذیرد- سرشناسان،[v] چیزی به من
نرساندند. [۷] بلکه برعکس، دیدند که اعلام ۱:۱۶؛
انجیل به نامختونان به من سپرده شده است روم۱:۵-۶؛ ۱۵:۱۵-۱۹
همچنانکه [مورد] مختونان به پطرس، [۸]
زیرا آن که پطرس را برای رسالت به
مختونان تعیین کرده است، مرا هم برای امت
ها[تعیین نموده] [۹] و یعقوب و کیفا و یوحنا
که ستونهای [کلیسا] بشمار می آیند، فیضی اع۱۲:۱۷
را که به من داده شده تصدیق کردند و
دست راست خودشان را به [نشانه]
همرائی[w] به من و بارنابا دادند تا ما برای

p- در این مورد این سؤال مطرح می شود که در آغاز چهارده سال چه واقعه ای بوده است؟ آیا گرویدن پولس یا نخستین سفر او به اورشلیم است؟ به هرصورت مسافرتی که در اینجا مطرح شده همان است که در فصل ۱۵ اعمال رسولان روایت شده است.

q- پولس که بوسیله روح القدس هدایت می شد ضرورت این مسافرت را درک کرده، می دانست که اگر خود او با کلیسای اورشلیم در ارتباط و همرائی نباشد موعظهٔ او بی نتیجه خواهد بود. وانگهی نباید فراموش کرد که کلیسای انطاکیه خواستار این مسافرت بوده است. ر.ک اع ۱۵:۲.

r- تیطس. شریک و همکار پولس است. ۲-قر ۸:۲۳. حضور او در اورشلیم گواه زنده ای است بر اینکه تصمیم گرفتند آزادی مسیحیت حفظ شود: زیرا وی مجبور نشد مختون گردد.

s- در متن یونانی اولین جملهٔ این بند بدون فعل ذکر شده و لذا گاهی در ترجمه اضافه می کنند: ممکن است به سبب برادران دروغی باشد که نفوذ کرده بودند. به هرصورت موضوع این بند صریحاً مربوط به بند قبلی است و مفهوم آن چنین است: اگر تیطس را ختنه می کردند، این عمل بر اثر نفوذ کسانی انجام می شد که مخالف آزادی در مسیحیت بودند و از آنان در بند ۷:۱ یاد شده است. به عقیدهٔ ایشان مشرکان نمی توانستند به نجات دست یابند مگر اینکه از دستورات قوانین یهود تبعیت کنند و ایمان مسیح برای دسترسی به نجات کافی نیست.

t- ترجمهٔ دیگر: حتّی به خاطر مصالحه ای موقتی، به این اشخاص تمکین نکردیم تا حقیقت انجیل... معنی و مفهوم این بند کاملاً روشن است: پولس حاضر نشده است گذشت و مصالحه ای را بپذیرید که حقیقت انجیل را به خطر می اندازد. در بعضی از نسخه های خطی نفی فعل حذف شده و به جای تمکین نکردیم، تمکین کردیم آمده است و در نتیجه بعضی از پدران لاتینی کلیسا مفهوم این بند را برعکس گرفته اند. لازم به یادآوری است که در این صورت بند ۴ به آسانی به بند ۵ متصل می شود و محتمل است که بدین سبب یکی از رونویس کنندگان، نفی فعل را حذف کرده باشد.

u- در اینجا پولس جمله های معترضه ای می آورد که بین دو خط (-) گذاشته شده و سپس دربارهٔ موافقت سرشناسان به سخنان خود ادامه می دهد.

v- درمقابل سرشناسان و شخصیت های مهم (ر.ک ۲:۶، ۹)، یعنی دوازده تن رسولان و کسانی که در کلیسا مقام و اقتداری داشتند پولس وضعیتی اختیار می کند که انعکاس دو نکته ای است که درنظر دارد: از یک طرف به خاطر وحدت کلیسا می خواهد از موافقت ایشان مطمئن گردد، از طرف دیگر به خاطر آزادی مسیحیت می گوید: نمی خواهد موافقت آنان را فقط بدلیل جنبه های بشری و اقتدار و موقعیتی که برای خود ایجاد کرده اند بپذیرد.

w- ترجمهٔ تحت اللفظی: یک دست همرائی به ما دادند.

امت ها و ایشان برای مختونان[x] باشند.
اع۱۱:۲۹-۳۰؛ ۱-قرن۱۶:۱ ۱۰فقط بینوایان را به یاد داشته باشیم که
البته غیور به انجام دادن این کار بوده ام.

اختلاف در انطاکیه: حقیقت انجیل و فیض ایمان

۱۱ اما وقتی که کیفا به انطاکیه آمد[y]، در
برابر او مقاومت کردم، زیرا درخور سرزنش
بود. ۱۲چون، پیش از آنکه کسانی از نزد
اع۱۰:۲۸؛ ۳:۱۱ یعقوب بیایند، او با امت ها غذا می خورد و
وقتی که آمدند خود را پنهان کرده و به کناری
رفت [زیرا] از مختونان می ترسید. ۱۳و
یهودیان دیگر هم با وی ریاکاری کردند،
به طوری که بارنابه هم به ریاکاری ایشان
۲:۵؛ کشیده شد. ۱۴امّا وقتی که دیدم با ثبات
۳:۲۸؛ ۵:۷؛ به سوی حقیقت انجیل[z] قدم برنمی دارند، در
روم۱۵:۷-۹ برابر همه به کیفا گفتم: «اگر تو که یهودی
هستی، همچون مشرک و نه همچون یهودی
زندگی می کنی، چگونه امت ها را به یهودی
شدن مجبور می نمایی؟ ۱۵ما از طبیعت
یهودی هستیم و نه از امت های گناهکار[a]؛
مر۲:۱۵ ۱۶چون می دانیم که انسان به وسیلهٔ اعمال
۳:۱۱؛ قانون [تورات] آمرزیده نمی شود مگر اینکه
روم۳:۲۰،۲۸؛ ۹:۳۰؛ بوسیله ایمان مسیح عیسی[b] [آفرینش یابد]
افس۲:۸؛ اع۱۵:۱۰-۱۱ نیز ما در مسیح عیسی ایمان آورده ایم تا
بوسیلهٔ ایمان مسیح و نه بوسیلهٔ اعمال قانون

x- در موافقتی که در اورشلیم بدست آمد، دو حوزهٔ رسالت تعیین و مشخص گردید و این موضوع پاسخ به برگزیده شدن اسرائیل و نشانهٔ این گزینش یعنی ختنه شدن بود (اع ۷:۸) که منسوخ می گردید، زیرا در انجیل اعلام شده بود: در مسیح مصلوب، یونانیان به مانند یهودیان می توانند فرزندان خدا شوند. عمل پولس و مقامات کلیسای اورشلیم، موافقتی را که از وضعیت موقتی حاصل شده بود تثبیت می کرد ولی این عمل تصمیم به همرائی و همبستگی عمیق تری را بیان می نمود و خدمت به بینوایان نشانهٔ این همرائی بود (ر.ک ۱-قر ۱:۱۶).

y- اعلام سخن خدا به یونانیان در انطاکیه آغاز گردید و اولین بار بود که ایمانداران را بنام «مسیحیان» می خواندند. ر.ک اع ۱۹:۱۱-۲۶.

z- پولس قبلاً در مورد حقیقت انجیل سخن گفته است (۵:۲). به نظر او این اصطلاح اساس و پایهٔ اتحاد ایمانداران و منبع آزادی ایشان است. این حقیقت عبارت است از الهام انجیل است که عیسی را نجات دهندهٔ جهانی اعلام می کند. دیگر یهودی و یونانی وجود ندارد (۲۸:۳)؛ بلکه فقط یک قوم خدا است و اشتراک همهٔ افراد این قوم در زندگی و شرکت در غذا خوردن، نشانهٔ وحدت خواهد بود. چنین به نظر می رسد که پطرس الهامی را که در این مورد در قیصریه دریافت کرده بود از یاد برده است (اع ۲۸:۱۰). شاید نمی خواهد مسیحیانی را که قبلاً یهودی بوده اند آزرده کند، کسانی که کلیسا را هنوز در داخل محدودهٔ اسرائیل می دانستند. ولی به هرصورت نمی توانستند واقعه صلیب را که درنظر یهودیان رسوائی بوده نادیده بگیرند، زیرا صلیب مبدأ این وضعیت است (غلا ۵:۱۱).

a- ر.ک ۲:۱۷ d.

b- ایمانِ عیسی مسیح. ایمانِ مسیح. در اینجا و همچنین در ۲:۲۰؛ ۳:۲۲؛ روم ۳:۲۲، ۲۶؛ فی ۳:۹، کلمات ایمان و مسیح به صورت مضاف و مضافٌ الیه آورده شده است و اگر آن را بنابر معمول ایمان در مسیح ترجمه نماییم فقط یکی از مفاهیم مضاف و مضاف الیه بیان می شود که البته مفهومی واقعی و غیرقابل انکار است یعنی ایمانی است که موضوع آن عیسی مسیح است. ولی در این صورت دو مفهوم دیگر مضاف و مضاف الیه نادیده گرفته می شود، در صورتی که با ترکیب عبارات و موضوع متن مباینتی ندارد: یکی به مفهوم ایمانی که منبع و منشأ آن عیسی مسیح باشد و دیگری ایمانی که عیسی مسیح عامل آن باشد زیرا آن را به وجود می آورد. از سوی دیگر، مسیح ایمان کاملی در پدر خود دارد، خود را به او سپرده و با مقام فرزندی از او اطاعت می نماید. بوسیلهٔ همین ایمان است که عیسی ما را شایسته آمرزش می کند و عادل بشمار می آییم و این ایمان موجب انجام مأموریت نجات او می شود. این اظهارات با مفاد روم ۱۹:۵ تطبیق می کند که در آنجا گفته شده است: ما بوسیلهٔ اطاعت مسیح، عادل شناخته می شویم. به هرصورت عبارت: ایمانِ عیسی مسیح، به صورت مضاف و مضاف الیه ترجمهٔ تحت اللفظی متن یونانی است و با این ترجمه می توان هریک از سه مفهوَمی را که تشریح شده است درک نمود بدون اینکه هیچ یک از آنها نادیده گرفته شود.

آمرزیده شویم؛ زیرا بوسیله این اعمال قانون
هیچ بشری آمرزیده نخواهد شد[c]. [۱۷] با
این همه اگر در جستجوی آمرزش یافتن در
۱-قرن۹:۲۱؛ مت۱۱:۱۹ مسیح، خود را نیز گناهکار بیابیم[d]، پس
مسیح در خدمت گناه است. هرگز ممکن
است! [۱۸] زیرا اگر آنچه را که ویران کرده ام،
دوباره آن را بنا کنم، ثابت می کنم خود
روم۷:۴-۶؛ ۶:۱۰-۱۱؛ متخلف هستم. [۱۹] چون که من بوسیله قانون،
۸:۱۴ به قانون مرده ام، تا برای خدا زندگی کنم[e].
۱۴:۶ با مسیح مصلوب شده ام؛ [۲۰] زندگی می کنم،
روم۸:۱۰؛ فی۱:۲۱؛ امّا دیگر من زندگی نمی کنم بلکه مسیح در
۲-قرن۱۰:۳ من[زندگی می کند][f]. و آنچه اکنون زندگی
می کنم در تن، در ایمان زندگی می کنم، ۲-قرن۵:۱۴-۱۵
ایمان به پسر خدا[g] که به من محبت داشته و یو۱۳:۱؛ ۱۷:۲۳؛ غلا۱:۴؛
خود را به خاطر من تسلیم نموده است. تیط۲:۱۴
[۲۱] فیض خدا را رد نمی کنم؛ زیرا اگر عدالت
بوسیله قانون [تورات] می آید، پس مسیح ۴:۵
به خاطرِ هیچ مرده است.»

سرچشمه موهبت روح القدس

۳ [۱] ای غلاطیان بی خرد! چه کسی
شما را افسون کرده است، [شما] ۱-قرن۲:۲؛ غلا۶:۱۴
که زیر چشمان [خود] منظرهٔ عیسی مسیح
مصلوب را داشته اید[h]؟ [۲] فقط می خواهم

c- مز ۱۴۳:۲. ترجمهٔ تحت اللفظی: هیچ جسمی آمرزیده نخواهد شد. ترجمهٔ دیگر: هیچکس آمرزیده نخواهد شد. در مورد موضوع: آمرزش و عادل شناخته شدن ر.ک روم ۳:۲۴ w.

d- به نظر فرد یهودی هر فردی که مشرک است گناهکار است و لذا ناپاک می باشد و اگر کسی با او بر سر یک سفره نشسته و غذا بخورد، ناپاک خواهد شد ر.ک مر ۲:۱۶؛ ولی به نظر فردی یهودی که به مسیح ایمان آورده است و می دانند که ایمان به مسیح کافی است تا مشرکان عادل شناخته شوند، غذا خوردن با مسیحیانی که قبلاً مشرک بودند موجب ناپاکی نیست بلکه برعکس این عمل نشانهٔ آن است که در جستجوی عدالت هستند، عدالتی که فقط مسیح منبع و منشأ آن است. خودداری از این همرائی، برگشتن از ایمان به مسیح است و موجب می شود نیروی قانون تورات برقرار گردد، نیرویی که مسیح آن را از بین برده بود (غلا ۲:۲۱).

e- پولس به اندازه ای افکار و نظریات خود را خلاصه می کند که مبهم و تاریک شده، درک آنها دشوار می گردد. در اینجا می خواهد بگوید که مرگ و رستاخیز مسیح در وجود او تحقق یافته است. باری دلیل مرگ مسیح، قانون (تورات) بوده است زیرا بنام آن قانون او را محکوم کردند؛ ولی در نتیجه این عمل آدمیان از سلطهٔ قواعد قانون و از ملعنتی که بر ایشان می آورد آزاد گردیدند. بدین سبب پولس که در اتحاد و همبستگی با مسیح مصلوب است می گوید که بوسیله قانون و به قانون مرده است. هدف این اتحاد و همبستگی با مسیح مصلوب، همرائی با رستاخیز او است و به فیض این همرائی. پولس برای خدا و خدمت به خدا زندگی می نماید.

f- پولس در این بند مهم و اساسی. در عین حال که تجربهٔ شخصی خود را یادآوری می کند، وجود و زندگی فرد مسیحی را که در همرائی با پسر خدا است تعریف و توصیف می نماید. منظور از این وجود، زندگی جسمانی شخص و مزایایی که بهره مند می شود نیست (ر.ک فی ۳:۴-۱۱) زیرا وی مرده است و پولس در نتیجه گیری نامهٔ خود ذکر خواهد کرد (ر.ک غلا ۶:۱۴). با این همه در شرایط فناپذیر انسان گناهکار زندگی محسوب می شود، زندگی که در جسم است. درصورتی که هم اکنون زندگی مسیح شکوهمند در وجود فرد ایماندار است، زیرا ایمان آدمی را به محبت رایگان و نجات بخش پسر خدا می گشاید.

g- ترجمهٔ تحت اللفظی: ایمانِ پسر خدا. ر.ک ۲:۱۶ b.

h- در اینجا پولس صلیب مسیح را ذکر کرده، از رفتار کسانی یاد می کند که ادعا می کنند به وسیله انجام دستورات تورات برائت حاصل خواهند کرد و لذا صلیب مسیح را بی فایده می دانند ضمناً مدّعی هستند کسانی که مقررات تورات را رعایت نکنند از نجات محروم خواهند بود. پولس نشان خواهد داد که چنین رویه ای غیرقابل توجیه است: اولاً از نظر غلاطیان که تجربه خودشان باید این نکته را روشن کرده باشد (۳:۱-۵)؛ ثانیاً از نظر تورات نیز این رویه غیرقابل توجیه است زیرا به کسانی که به دین یهود می گرویدند باید تفهیم می کرد که نجات فقط وابسته به ایمان در مسیح است و به کلیه ایمانداران عطا شده است (۳:۶-۴:۷) زیرا مسیح مصلوب با تحقق بخشیدن به وعدهٔ تقدیس و تبرّکی که به ابراهیم داده شده (۳:۸، ۱۴، ۱۸)، یهودیان و مشرکان را متّحد می کند (۳:۲۶-۲۹)، به ملعنتی که قانون تورات برای گناهکاران می آورد پایان می دهد (۳:۱۰، ۱۳، ۲۲؛ ۴:۵) و روح القدس را می دهد که آدمی را از یوغ قدرتهای این دنیا آزاد کرده، او را پسر خدا می کند (۴:۳، ۹).

۱۶:۲؛ ۶:۴؛ این را از شما اطلاع یابم: آیا روح [القدس][i]
اع۱۱:۱۷ را به وسیله اعمال تورات دریافت کرده اید یا
به وسـیلۀ شـنیـدن ایمـان[j]؟ ۳پس این قـدر
فی۱:۶ بی‌خـرد هسـتیـد؟ بـا آغـاز کردن به وسـیلۀ
روح [الـقـدس]، اکـنـون به وسـیلۀ جـسم به
پایـان می‌رسـانیـد[k]؟ ۴این قدر بیهوده رنج
کشیده اید[l]! اگر حقیقتاً نیز بیهوده بوده
۱-قرن۲:۱۲؛ ۲-قرن۱:۲۲ است[m]. ۵زیـرا آنـکه روح [الـقـدس] را به
شما عطا می‌کند و در بین شما معجزه هایی
انجام می‌دهد، آیا به وسیله اعمال تورات یا
به وسیلۀ شنیدن ایمان است؟

وعده به ابراهیم ایمـاندار و برائت مشرکان بدون قانون تورات

روم۴:۳ ۶همین گونه که ابـراهیم[n] به خـدا ایمان
آورد و بـرای او عـدالت به شـمـار آمـد[o].
۷پس بدانید آنان که با ایمان هستند، آنان
پـسـران ابـراهیم می‌بـاشـنـد. ۸و نـوشـتـه
[مقدس] پیش بینی کرده که خدا به وسیله
ایمـان امت هـا را عـادل خـواهـد شـمـرد،
پیشاپیش این مژده را به ابراهیم اعلام کرده
است که: تـمـام امت هـا در تـو مـبـارک اع۳:۲۵
خواهند شد[p]. ۹پس اهل ایمان با ابراهیم روم۴:۱۶؛ عبر۲:۱۶
ایمـاندار متـبـارک هسـتـنـد. ۱۰زیـرا تـمام
آنان که [اهل] اعمال تورات هستند مورد ۳:۵؛
لعنت اند زیرا نوشته شده است: لعنت بر یع۲:۱۰؛ اع۱۵:۱۰
کـسی که در تـمـام آنـچه در کـتـاب تـورات
نوشته شده ثـابت نمی‌مانـد تـا بـدان عمل
کند[q]. ۱۱و اینکه بوسیله تورات هیچ کس ۱۶:۲؛
نزد خدا عادل نخواهد شد [امری] آشکار روم۳:۲۰؛ ۱:۱۷
است زیـرا عـادل بـوسـیـلۀ ایمـان زنـدگـانی
خواهد کرد[r]. ۱۲باری تورات برمبنای ایمان

i- در مورد معنی کلمه روح القدس ر.ک روم ۹:۱ o.
j- ترجمه تحت اللفظی: به دلیل گوش دادن ایمان. این اصطلاح را می‌توان با آنچه در روم ۶:۱۰ آمده و از اش ۱:۵۳ نقل شده است مقایسه نمود. این اصطلاح یادآور واقعۀ نجات یعنی محتوای پیامی است که باید پذیرفت و باور کرد و به معنی رفتاری برمبنای ایمان است که آدمی نجاتی را که عمل خدا به وسیله مسیح است پذیرا گردد. در بندهای ۱-۵ پولس به غلاطیان نشان می‌دهد که به سبب این رفتار ایمانی که در برابر واقعه نجات دارند و در برابر مسیح مصلوب که پولس در زیر چشمانشان ارائه کرده است (بند ۱) مواهب روح القدس را دریافت می‌کنند (بند ۲) و نیروی روح القدس همچنان در ایشان عمل می‌کند (بند ۵)؛ بنابراین دیوانگی است (بندهای ۱ و ۳) اگر مفهوم این آزمون را درنیابند: آنچه آغاز نجات ایشان بوده کماکان منبع و منشأ تکامل ایشان خواهد بود. چگونه ممکن است ادعا کنند که به وسیله اعمال خود به این حدّ کمال توانند رسید؟ چنین هیئت و رفتار، یک انسان نفسانی است (بند ۳).
k- ترجمۀ دیگر: آیا اکنون جسم شما را به کمال می‌رساند؟ زیرا کلمه یونانی که در متن بالا به پایان رسانیدن ترجمه شده است ممکن است به مفهوم به کمال رساندن درک گردد. در مورد کلمۀ دیگری که جسم ترجمه شده ر.ک روم ۳:۱ g.
l- منظور از رنج کشیدن که گاهی آزمون یا تجربه ترجمه می‌کنند عمل روح القدس در زندگی جمعیت مسیحیان است. ر.ک ۱-قرن ۱۲:۴-۱۱.
m- در داوری خـدا، سقـوط و از دست دادن فـیض بـدتـر از آنست که آن را دریافت نکـرده بـاشـنـد. این جـمـله را گـاهی تـرجـمه می‌کنند: با این همه اگر بیهوده است. به هرصورت نشان می‌دهد که پولس نسبت به مخاطبان خود همان اعتمادی را دارد که در ۱۰:۵ نیز بیان می‌کند.
n- پولس در اینجا از ابراهیم یاد می‌کند زیرا وی پدر قوم برگزیده است و در او مشیّت خدا آشکار شده است که هدف آن نجات همگانی و جهانی است (۸:۳) و تنها شرط تحقق یافتن این هدف ایمان است (۹:۳). ر.ک روم ۴.
o- پید ۶:۱۵.
p- پید ۳:۱۲.
q- تث ۲۶:۲۷، ر.ک ۳:۵.
r- این نقل قول (حب ۴:۲) به مـانـنـد خلاصه ای از پیـام نویـد پـولس است (روم ۱۷:۱) بـدین معنی که ایمـان آدمی را به سوی زنـدگی که در مـسیح است می‌گـشـایـد؛ درصـورتی که قـانـون تـورات او را زنـدانی کـرده، در مـلـعـنت می‌گـذارد. ر.ک ۱۰:۳، ۱۲؛ ۲۳:۳ e.

نیست[s] اما کسی که آن را بکار می بندد روم۱۰:۵
بوسیلهٔ آنها زندگی خواهد کرد[t]. ۱۳ مسیح
ما را از ملعنت تورات بازخریده و به خاطر ۵:۴؛
ما خودش لعنت شده است[u] زیرا نوشته روم۸:۳؛ ۲-قرن۵:۲۱
شده: ملعون باد کسی که به دار آویخته اع۵:۳۰
شود[v]! ۱۴ برای اینکه برکت ابراهیم در
مسیح عیسی به امت ها برسد و بوسیلهٔ
ایمان وعده روح [القدس] را دریافت کنیم. اع۲:۳۳؛ روم۵:۵؛ افس۱:۱۳

نسل ابراهیم: مسیح و ایمانداران

۱۵ ای برادران، به طرز یک انسان سخن
می گویم: همان طور که [وقتی] وصیت[w]
یک انسان معتبر شناخته شود هیچ کس آن
را ردّ نمی کند یا چیزی نمی افزاید. ۱۶ باری
به ابراهیم و نسل او وعده ها داده شده پید۱۲:۷؛ ۱۳:۱۵؛ ۱۷:۷
است[x]. نمی گوید و به نسل ها، چنان که
برای جمعی باشد، بلکه چنان که برای مت۱:۱؛ پید۳:۲۹
یکی، و به نسل تو که مسیح است. ۱۷ باری
این را می گویم: وصیتی را که قبلاً به وسیلهٔ
خدا معتبر شناخته شده، تورات که چهارصد خروج۱۲:۴۰
و سی سال بعد[y] صادر گردیده فسخ
نمی کند تا وعده را باطل نماید. ۱۸ زیرا ۳:۲۹
اگر میراث به وسیله تورات است به وسیلهٔ
وعده نیست؛ لیکن خدا به وسیله وعده آن روم۴:۱۴؛ ۱۱:۶
را به ابراهیم عطا کرده است. ۱۹ پس تورات
برای چیست[z]؟ به علّت تخلّف ها افزوده روم۴:۱۴-۱۵؛ ۵:۲۰؛ ۷:۷
شده تا نسلی که به آن وعده مقرر شده بود
بیاید. و آن به وسیله فرشتگان[a]، بدست اع۷:۳۸،۵۳؛ عبر۲:۲؛ غلا۴:۳

s- منظور این است که دو مرحله از تاریخ نجات می باشند و پولس ارتباط این دو مرحله را در بندهای ۱۹ و بعد از آن روشن خواهد کرد.

t- لاو ۱۸:۵.

u- ترجمه دیگر: عیسی پرداخته است تا ما را از ملعنت تورات آزاد کند. در مورد موضوع بازخرید ر.ک روم ۳:۲۴ x.

v- در بند ۱۰ پولس موضوع ملعنت گناهکاران را به وسیله قانون تورات ذکر کرده است (تث۲۷:۲۶). اگر در اینجا از چوبه دار یاد می کند که بر روی آن ملعون در معرض دید همگان قرار داده شده است (تث ۲۱:۲۳) بدان سبب است که مسیح این مرگ ملعنت‌آمیز را پذیرفته تا ما را از گناهی که موجب این لعنت است آزاد کند، عیسی به بهای جان خود آزادی ما را پرداخته است (۲:۲۰-۲۱). این قیمت به کسی پرداخته نشده است بلکه نشانهٔ محبّت خدا نسبت به گناهکاران است. ر.ک روم ۵:۸؛ افس ۲:۴-۵.

w- در اینجا پولس با مهارت کلمه ای بکار می برد که هم به معنی «وصیت» و هم «پیمان» است. ر.ک عبر ۹:۱۵ r.

x- پولس مفهوم انتخاب ابراهیم را در طرح نجات جهانی به طرز نمایانی ارائه می نماید: ابراهیم انتخاب شده است تا از نسل او کسی زاده شود که در او همهٔ آدمیان از هر نژادی یکی باشند (۳:۲۸). اگر پولس تصریح می کند که نسلهای متعددی نیست شاید بدین علت است که در کلیسا هرگونه تفاوت و تمایزی را بین مختونان و مشرکان منتفی سازد ر.ک ۵:۲۰؛ ۳:۹، ۲۸-۲۹.

y- این رقم مربوط به کتاب مقدس به زبان یونانی است (خروج ۱۲:۴۰-۴۱) و مدّت اقامت قوم اسرائیل را در مصر و کنعان تعیین می کند؛ درصورتی که در متن عبری کتاب مقدس ۴۳۰ سال فقط مدت اقامت در مصر است.

z- استقرار قانون تورات فقط مرحله ای موقتی از تاریخ نجات بوده است که با آمدن مسیح این مرحله پایان پذیرفت. پولس می گوید قانون افزوده شده است و می توان ترجمه کرد: در کنار قرار گرفته است و بدین گونه تفاوت جزئی که در مفهوم فعل یونانی وجود دارد بیان می شود زیرا پولس اظهار می کند که قانون تورات در حاشیهٔ طرح نجات است و نقش آن مستقیماً آزادی بخش نیست بلکه به سبب تخلّفات دخالت می کند. هرگاه این اصطلاح را با توجه به روم ۴:۱۵؛ ۵:۲۰؛ ۷:۷-۱۳ تعبیر کنیم چنین معنی می دهد که قانون تورات گناهکار را مسئول تر کرده، انگیزه تخلف می شود. بنابراین باید به آدمی بندگی و عبودیّت او را نشان داده، موجب شود که انسان در انتظار منجی خود باشد.

a- این نکته را که قانون تورات به وسیله فرشتگان اعلام شده است فقط پولس اظهار نکرده است. ر.ک اع ۷:۳۸، ۵۳؛ عبر ۲:۲. ولی یهودیان از این موضوع نتیجه می گرفتند که منشأ قانون تورات قدرت الهی است. در صورتی که پولس نتیجه می گیرد که تورات آدمی را بردهٔ فرشتگان می کند و موسی واسطه است. بنابراین مسیح با آزاد کردن آدمیان از قید تورات آنان را از این وابستگی آزاد خواهد کرد. ر.ک کول ۲:۱۵. این نتیجه گیری که مختص به پولس است زمینهٔ استدلال مطالبی است که در بند ۲۰ می آید.

واسطه ای اعلان شده است. ۲۰باری [آن]
واسطه یکی نیست درصورتی که خدا یکی
است[b] . ۲۱پس تورات برضد وعده های روم۳:۳۰؛ افس۲:۱۴-۱۵
خداست؟ هرگز! زیرا اگر قانونی داده شده
است که قادر است زندگی بخشد در این
صورت عدالت واقعاً از قانون می آید.
۲۲ولی نوشته [مقدس] همه چیز را تحت روم۸:۳؛ اع۱۳:۳۸-۳۹
گناه بسته است[c] تا به وسیله ایمان در عیسی
مسیح[d] وعده به ایمانداران داده شده باشد.
۲۳اما بیش از آنکه ایمان[e] بیاید، ما
تحت نگهبانی قانون [تورات] زندانی روم۳:۹-۱۹؛ ۱۱:۳۲
بودیم برای اینکه ایمان باید آشکار گردد.
۲۴به طوری که تورات، معلّم[f] ما به مسیح ۴:۲؛ روم۱۰:۴
شده است تا به وسیله ایمان به عدالت
شناخته شویم. ۲۵اما چون ایمان آمد دیگر
زیر نظر معلّمی نیستیم. ۲۶زیرا همگی شما
به وسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا ۴:۵؛ یو۱:۱۲
هستید. ۲۷زیرا همگی که در مسیح تعمید روم۶:۳-۴؛
یافته اید، مسیح را دربر کرده اید[g]. ۲۸دیگر ۱۳:۱۴؛ افس۴:۲۴
نه یهودی، نه یونانی هست، نه برده، نه ۱-قرن۱۲:۱۳؛
[مرد] آزاد هست، نه مرد، نه زن هست زیرا روم۱۰:۱۲؛ کول۳:۱۱
همهٔ شما در مسیح عیسی یکی هستید. یو۱۷:۲۱
۲۹اما اگر شما از مسیح هستید، پس از نسل روم۴:۱۶؛ غلا۴:۷؛
ابراهیم و برطبق وعده وارث هستید. روم۸:۱۷

b- تفسیرهای متعددی که از این بند شده اکثراً متضمّن نکاتی است که به دشواری می توان پذیرفت. ظاهراً نخستین عبارت این بند را نبایستی به عنوان بیان یک حقیقت کلی بگیریم که بگوید: «وجود یک واسطه ایجاب می کند که دو طرف دعوی وجود داشته باشد» بلکه این عبارت مربوط به واسطه بودن موسی در اعلان و انتشار قانون تورات است: یعنی موسی بنام فرشتگان و فرشتگان متعدد سخن می گفته است. باری خدا یکی است (تث ۶:۴). بنابراین موسی واسطه خدا نبوده است. البته قانون تورات خدایی است از این نظر که اقتدار فرشتگان از خدا ناشی می شود ولی قانون تورات آثاری دارد که بیان طرح خدای یکتا نیست، خدایی که می خواهد آدمیان را آزاد کرده، متحد سازد: قانون تورات قوم خدا را بردهٔ عناصر دنیا می کند (۴:۳) و بشریت را به دو قسمت تقسیم کرده، یهودیان را در برابر مشرکان قرار می دهد. بدین سبب پولس این حقیقت مهم و اساسی را یادآوری می نماید که خدا یکی است (چنان که در روم ۳:۳۰ نیز اظهار خواهد کرد)؛ در هر دو مورد این اظهارات برای آنست که ثابت کند خدای یکتای همهٔ آدمیان می خواهد آنان را نجات دهد، نه به وسیله قانون تورات که آدمیان را اسیر کرده، بین ایشان تفرقه می اندازد، بلکه به وسیلهٔ پسر یکتای خود، عیسی که آزادی می بخشد و متحد می کند، به وسیله ایمان (۳:۲۲، ۲۶، ۲۸؛ روم ۳:۲۹-۳۰؛ افس ۲:۸؛ ۱۱-۱۸). به همین دلیل در نامه ۱-تیمو ۲:۵ عیسی مسیح به عنوان واسطه منحصر به فرد بین خدا و آدمیان خوانده شده است.

c- همین اظهارات در روم ۱۱:۳۲ وجود دارد. پولس در روم ۳:۹-۱۹ آن را توضیح داده است و تشریح خواهد کرد.

d- ترجمه تحت اللفظی: ایمان عیسی مسیح. ر.ک ۲:۱۶ b.

e- در نوشته های پولس کلمهٔ ایمان بنابر موقعیت و محتوای کلام مفاهیم مختلفی دارد. در اینجا منظور ترتیبات ایمانی است که با آمدن مسیح آغاز شده است. این وضعیت که به اصول و ترتیبات قانون تورات خاتمه می دهد ایمان را آشکار می کند یعنی نه تنها نظریه و عقیده دربارهٔ مشیت خدا کاملاً آشکار شده و به عنوان موضوع اعتقاد پیشنهاد گردیده است بلکه حالت و رفتار گشایش به موهبت خدا و گشایش به روح پسرش ایجاد شده است. با این رفتار ما به وسیله مسیح و در فرزندخوانده های خدا می شویم (۳:۲۶؛ ۴:۶-۷).

f- کلمه یونانی که در متن معلّم ترجمه شده است به معنی مراقب یا مبصر دانش آموزان است ولی در زمان پولس این اصطلاح برای کسی نبوده است که آموزگار یا معلّم باشد بلکه این عنوان به برده ای اطلاق می شده است که از کودکان مراقبت کرده، آنان را به نزد آموزگار در دبستان هدایت می کرده است.

g- بندهای ۲۶و۲۷ نزدیک به مفهوم بند ۲:۲۰ هستند. در آنجا می توان به معنی واقعی تصویر دربر کردن پی برد. در این بند گفته نشده است که ارتباط بین مسیح و فرد تعمید یافته ارتباطی خارج از وجود آدمی است، بلکه نشان می دهد که تسلّط و نفوذ مسیح به تمام و کامل است و فرد تعمید یافته را به صورت خود تغییر شکل می دهد. ر.ک کول ۳:۱۰، بند ۲۸ تصریح می کند که تمام تفاوتهای بین آدمیان موجب تفرقه و جدایی آنان نخواهد بود؛ زیرا مسیح همه کسانی را که با زندگی او همبستگی یافته اند کاملاً متحد می کند. ر.ک کول ۳:۱۱.

ازبردگی قانون تورات به آزادی فرزندان خدا

۴ ۱ باری می گویم تا مدّتی که وارث
صغیر است با اینکه مالک
همه چیز است در هیچ مورد تفاوتی با
یک برده ندارد؛ ۲ ولی تا تاریخی که پدر
معین کرده است[h] تحت [نظر] سرپرست ها ۲۵:۳
و ناظران است. ۳ همچنین ما نیز وقتی
صغیر بودیم زیر عوامل دنیوی[i] بودیم. ۴ ولی
هنگامی که تمامیّت زمان فرا رسید[j]، خدا کول۲:۲۰؛ غلا۳:۲۳
پسر خود را فرستاد که از زنی زاده شده، مر۱:۱۵؛ افس۱:۱۰؛
تحت قانون [تورات] زاده شده است، ۵ تا روم۱:۳؛ یو۱:۱۴؛
کسانی که تحت قانون [تورات] بودند لو۲:۲۱
بازخرید شوند، برای اینکه ما ۳:۱۳-۲۶؛ مت۳:۱۵-۱۷
فرزندخواندگی[k] دریافت کنیم. ۶ و چون
شما پسران [خدا] هستید، خدا روح پسر
خود را در دلهای ما فرستاده است که فریاد روم۸:۱۵-۱۶
می زند: «ابا، ای پدر[l]!» ۷ به طوری که تو
دیگر برده نیستی بلکه پسری، و اگر پسر
هستی، بوسیلهٔ خدا[m] وارث هم هستی. یو۱۵:۱۵؛ غلا۳:۲۹؛ روم۸:۱۷

دل پریشانی پولس: غلاطیان در خطر بازگشت به بردگی

۸ امّا در آن زمان که خدا را حقیقتاً
نمی شناختید، آنانی را که بر طبق طبیعت ۱-قرن۸:۴-۵؛
خدا نبودند بندگی می کردید[n]. ۹ اکنون که ۲-توا۱۳:۹؛ اش۳۷:۱۹؛
خدارا می شناسید، و بلکه بوسیله خدا ار۲:۱۱
شناخته شده اید[o]، چگونه باز به سوی این ۱-قرن۸:۳؛ ۲:۱۲

h- در اینجا پولس دربارهٔ مقررات حقوقی یهودیان یونانی گرا سخن می گوید (یهودیانی که خارج از فلسطین می زیستند و به زبان یونانی سخن می گفتند)، برطبق این مقررات، سن بلوغ فرزندان را پدرشان تعیین می کرد.

i- اصطلاح عوامل دنیا در ۹:۴ و کول ۸:۲، ۲۰ نیز آمده است. به طوری که از فحوای کلام برمی آید منظور پولس عوامل و عناصر مادی نیست که به عقیده قدما جهان را تشکیل می داده است، بلکه منظور قدرت هایی است که در دنیا در فعالیت هستند، قدرت هایی که آدمی اسیر آنها بوده قبل از اینکه مسیح آمده و او را آزاد کند. از یک سو بت پرستی انسان را اسیر نیروهای کیهانی کرده بود و این نیروها را خدا و رب النوع بشمار می آورد، از سویی دیگر سیستم قوانین موسی، اسرائیلیان را بردهٔ فرشتگان می ساخت (۱۹:۳) زیرا برابر احادیث یهود، فرشتگان بر دنیای مادی و مخصوصاً ستارگان حکومت می کردند. بدین سبب پولس تعمداً رسوم مذهبی مشرکان و رسوم مذهبی یهودیان را در یک ردیف قرار می دهد زیرا می خواهند رسوم مذهبی یهود را به غلاطیانی که قبلاً مشرک بوده اند تحمیل نمایند؛ درحقیقت رسم مشرکان و هم اسرائیلیان انسان را تابع و وابسته به آفریده های دیگری می دانستند (مثلاً سرپرست هایی که در بند ۲:۴ ذکر شده است)، درصورتی که فرد ایماندار باید فقط به خالق خود وابسته باشد، خالقی که انسان به فیض مسیح فرزند او شده است.

j- در عهد عتیق اظهار شده است که خدا در طول تاریخ، نجات آدمیان را آماده می کند. این نجات را بوسیله عیسی انجام می دهد به طوری که وقتی عیسی می آید تمامیت زمان انجام شده است. ر.ک مر ۱۵:۱.

k- در بند ۴ پولس آمدن پسر خدا را ذکر می کند که از زنی زاده شده و تحت قانون زاده شده است. (ترجمهٔ تحت اللفظی: شده از زنی، شده تحت قانون)، اگر بدین گونه می آید تا زندگی کرده، جسماً بمیرد بدین سبب است که خدا او را فرستاده است تا ما را ازگناه آزاد سازد، با آزاد کردن از گناه، ما را از قانون تورات هم آزاد می کند زیرا دیگر قانون بر فرد گناهکاری، که محکوم می کرد تسلطی ندارد، همچنین بر کسی که روح القدس از زندگی پسر خدا به او زندگی داده است اثری ندارد (۱۸:۵؛ روم ۱۴:۶) ر.ک ۱۳:۳ u. در اینجا به جای تصویر بلوغ قانونی، تصویر پسرخواندگی آمده است، زیرا وضعیت جدید ما را بهتر توصیف می نماید که فقط بوسیلهٔ فیض در زندگی پسر خدا سهیم می باشیم. ر.ک روم ۱۵:۸.

l- روح القدس که به مانند پسر فرستاده شده است در ژرفای وجود فرد ایماندار وضعیت او یعنی زندگی جدید او را تأیید می نماید.

m- ترجمهٔ دیگر: بوسیلهٔ عمل خدا.

n- خدا را با هیچ گونه قدرتی، حتی قدرتهای نامرئی دنیای آفرینش نمی توان مقایسه کرد و یکی گرفت زیرا مکاشفه و شناخت خدا، آدمی را از این قدرتها آزاد می کند، قدرتهایی که همواره آدمیان خواسته اند به عنوان خدا بشناسند ر.ک پید.

o- در کتاب مقدس شناخت خدا به صورت رابطه ای ملموس و شخصی بیان می شود. پولس می گوید که ابتکار این ارتباط از خدا می آید بدین معنی که غلاطیان خدا را می شناسند زیرا به ایشان محبت داشته است (ر.ک ۱-قر ۳:۸).

عوامل ناتوان و بینوا[p] برمی‌گردید، که
دیگر می‌خواهید دوباره بردگی کنید؟
اش۱:۱۳؛ کول۲:۱۶؛ روم۱۴:۵ ۱۰ شما، روزها، و ماه ها، و فصل ها و سال
ها را نگاه می‌دارید[q]. ۱۱ درباره شما می
فی۲:۱۶ ترسم، ممکن است مبادا بیهوده به خاطر
شما رنج کشیده باشم.
۱-قرن۴:۱۶؛ ۹:۲۱-۲۲ ۱۲ شما همچون من بشوید [اکنون] که من
هم چون شما هستم[r]؛ ای برادران، از شما
خواهش می‌کنم، شما به من هیچ بدی
۱-قرن۲:۳ نکرده اید[s]. ۱۳ اما می‌دانید: که تن من
درحال ناتوانی بود. [وقتی] اوّلین بار نوید
انجیل را به شما آوردم، ۱۴ و تن مرا که برای
شما آزمایش بود نه تحقیر کردید و نه از آن
متنفر شدید[t] بلکه مرا، همچون فرشتهٔ خدا،
۱:۸؛ مت۱۰:۴۰؛ یو۱۳:۲۰ همچون مسیح عیسی پذیرا شدید[u]. ۱۵ پس
آن شادی شما کجاست؟ زیرا به شما گواهی
می‌دهم: اگر ممکن بود چشمانتان را
درbیاورید آنها را به من می‌دادید. ۱۶ پس با
۵:۷؛ عا۵:۱۰ گفتن حقیقت به شما، آیا دشمن شما شده ام؟
۱۷ علاقه ای که به شما نشان می‌دهند
۱:۷ برای خوبی نیست بلکه می‌خواهند شما را
از ما جدا کنند تا به ایشان علاقمند شوید.
۱۸ اما خوب است [کسی] مورد علاقه باشد
وقتی که برای خوبی است و همیشگی است
و نه فقط که من به نزد شما هستم. ۱۹ ای
۱-قرن۴:۱۵؛ روم۸:۹-۱۰ فرزندان من، که [برای شما] دوباره درد
زایمان را تحمّل می‌کنم، تا مسیح در شما
شکل بگیرد[v]، ۲۰ اما میل دارم اکنون نزد
شما باشم و لحن خود را عوض کنم، زیرا
درباره شما متحیرّم.

دو پیمان: قانون تورات که بردگی می‌آورد و فیض آزادی‌بخش

۴:۹ ۲۱ به من بگویید، شما که می‌خواهید
تحت قانون [تورات] باشید، آیا قانون
[تورات] را نمی‌شنوید[w]؟ ۲۲ زیرا نوشته

p- ر.ک ۴:۳ i.

q- آیا منظور از این عبارت محاسبه ایام برای تعیین عیدهای یهودیان است یا اینکه پولس اشاره به رسوم طرفداران تلفیق عقاید و ادیان می‌کند که با پرستش ارتباط دارد. اگر چنین باشد، پولس در اینجا هم با همان خطاهایی سروکار دارد که در کول ۲:۱۶-۲۳ ذکر کرده است (مقدمه).

r- پولس به خداوند تأسّی می‌کند که در شرایط زندگی انسان گناهکار شرکت نموده تا او را نجات دهد. خود را هرگونه برای همگان می‌کند و به مانند همان کسانی می‌شود که به آنان نجات را اعلام می‌نماید. ر.ک ۱-قر ۹:۲۰-۲۲.

s- اگر پولس شکایت می‌کند به خاطر خودش نیست و به سبب بدیهایی نیست که به او کرده باشند.

t- ترجمهٔ تحت اللفظی: تُف کردید. لازم به یادآوری است کسانی معتقد به خرافات بوده تصوّر می‌کنند هنگام برخورد با وقایع و مناظر بد و ناهنجار، مثلاً در برخورد با بعضی بیماران، اگر تُف بکنند از آن بدی‌ها و بیماریها در امان خواهند ماند. ظاهراً غلاطیان بایستی به سبب بیماری پولس از او دوری می‌کردند. ولی شخص پولس ایشان را به انجیل وابسته نکرده است بلکه حقیقت انجیل آنان به پولس علاقمند نموده است. امّا به چه دلیل، همین حقیقت، اکنون ایشان را به مخالفت او واداشته است؟ به سبب کسانی که انجیل را تباه کرده، می‌خواهند محبّت غلاطیان را به خود جلب نمایند. به طوری که پولس در نتیجه گیری نامه خواهد گفت (۶:۱۳) این اشخاص در پی کسب شکوه برای خود هستند.

u- پولس نه تنها پیام‌آوری بود که به مانند فرشته ای از آسمان می‌آید (در زبان یونانی کلمه فرشته به معنی پیام‌آور است). ر.ک غلا ۱:۸، بلکه کسی است که به هنگام ناتوانی، مسیح عیسی، زنده بر او ظاهر گردیده است. ر.ک ۱-قر ۲:۳-۵؛ ۲-قر ۴:۱۰-۱۲.

v- ر.ک ۴:۱۵. غلاطیان به پولس مدیون هستند از اینکه در زندگی مسیح زیست می‌نمایند (۲:۲۰) زیرا به ایشان انجیل را اعلام کرده است و زحمت می‌کشد تا حقیقت آن را حفظ نماید (ر.ک۲-قر ۴:۱۰-۱۲؛ کول ۱:۲۴-۲۵).

w- در این بند پولس کلمه قانون را در دو معنی مختلف بکار می‌برد: در مورد اول قانونی است که دستوراتی مقرر می‌کند، در مورد دوم قانونی است که الهام می‌نماید، فرشته ای که مشیت خدا را اعلام می‌کند. پولس به کسانی که می‌خواهند اسیر و برده مقررات قانون شوند، توصیه می‌کند تابع حقیقتی باشند که الهام می‌نماید.

شده است که ابراهیم دو پسر داشت: یکی از
کنیز و یکی از [زن] آزاد. [۲۳]ولی [آنکه] پید۱۷:۱۶؛ روم۹:۷-۹
حقیقتاً از کنیز بود برحسب جسم[تن] زاده
شده، امّا [آنکه] از [زن] آزاد، برحسب
وعده. [۲۴] اینها کنایه است[x] زیرا این دو ۱-قرن۱۰:۶
[زن مظهر دو] پیمان می باشند، حقیقتاً یکی
از کوه سینا می‌آید، برای بردگی می زاید که ۱:۵
هاجر است[y]. [۲۵]زیرا هاجر، کوه سینا در
عربستان است؛ و با اورشلیم کنونی تطبیق یو۸:۳۳-۳۵
می کند، زیرا با فرزندانش در بردگی عبر۱۲:۲۲؛ مکا۳:۱۲؛
هستند. [۲۶]اما اورشلیم بالا آزاد است که ۲:۲۱-۱۰
مادر ما است؛ [۲۷]زیرا نوشته شده است:

شادی کن، ای سترون، [تو] که
نمی زائیدی
فریاد شادی برآر، تو که دردهای زایمان
را نمی شناسی؛
زیرا بسیاری از فرزندان [زن] ترک شده
از [اولاد] آنکه شوهر دارد بیشترند[z].

[۲۸] اما شما، ای برادران، برطبق اسحاق روم۹:۷
فرزندان وعده هستید. [۲۹]ولی به همان‌گونه
که در آن وقت، آنکه برحسب جسم [تن]
زاده شده بود آن‌را که برحسب روح بود
شکنجه می کرد اکنون نیز چنین است. ۲:۲۱
[۳۰]ولی نوشته [مقدس] چه می گوید؟ کنیز
و پسرش راطرد کن زیرا پسر کنیز با پسر
[زن] آزاد ارث نخواهد برد[a]. [۳۱] بدین ۲۹:۳
سبب ای برادران، ما فرزندان یک کنیز
نیستیم بلکه از یک [زن] آزاد هستیم.

در ایمان به منجی یکتا پابرجا باشید

۵ [۱]مسیح ما را به‌خاطر آزادی آزاد ۴:۲؛ ۱۳:۵؛
کرده است[b]؛ پس پایداری کنید و یو۸:۳۶
دوباره زیر یوغ بردگی گرفتار نشوید. ۹:۴
[۲]اینک، من، پولس به شما می گویم: اگر خود
را ختنه کنید، مسیح به درد شما نخواهد ۶:۱
خورد[c]. [۳]و مجدداً اظهار می کنم به هرکسی
که خود را ختنه می کند: مدیون است که همه

x- کلمهٔ کنایه به‌خوبی منظور پولس را نشان می دهد که استدلال منطقی نمی کند بلکه در اینجا به عنوان تمثیل می گوید: کسی که جسماً پسر ابراهیم یا پسر هاجر باشد در وضع تابعیّت و الزام باقی می ماند که وضیعتی مختص پیمان کهن است؛ ولی اگر برطبق روح القدس پسر ابراهیم است به مانند اسحاق آزاد شده و برای او وصول به اورشلیم آسمانی و ملکوتی که میراث موعود است مقدور خواهد بود. ر.ک ۱۸:۳، ۲۹؛ ۸:۶.

y- در بعضی از نسخه های خطی کلمه هاجر در آغاز این بند آمده به طوری که باید ترجمه نمود: زیرا نام هاجر مظهر کوه سینا در عربستان است. و این زن با اورشلیم کنونی تطبیق می کند زیرا با فرزندانش برده هستند. درک مفهوم این عبارت دشوار است بدین سبب گاهی در ترجمه کلمه هاجر و قسمتی از عبارت را حذف می کنند.

z- اش ۱:۵۴.

a- پید ۱۰:۲۱.

b- به‌خاطر آزادی آزاد کردن. مسلماً این عبارت یک ترکیب کلام مختص زبانهای سامی است تا به کلمهٔ آزادی شدّت بیشتری داده شود. پولس می خواهد بگوید که مسیح ما را کاملاً آزاد ساخته است، و نباید از این موهبت محروم بمانیم (ر.ک ۹:۴)، برای آن اهمّیت قایل باشیم (ر.ک ۱۳:۵).

c- پولس مجدداً به غلاطیان یادآوری می کند طریق خود را انتخاب نمایند و در این مورد لحن «سودگرایی» بکار می برد که با منظور او تطبیق می کند. (سودگرایی: نظریه ای است مبنی بر اینکه سود سرچشمه خوشبختی است؛ عمل خوب آنست که موجب سود رساندن شود و عمل بد آنکه باعث زیان خود یا دیگران گردد). غلاطیان تصوّر می کنند ممکن است ختنه کردن برای ایشان سودمند باشد و پولس پاسخ می دهد که در این صورت مسیح به درد شما نخواهد خورد زیرا از آزادی که به شما می دهد سود نمی برید. بنابر این باید از این پس همه مقررات قوانین تورات را رعایت نمایید (ر.ک ۱۰:۳). در بند بعدی این نکته را یادآوری می کند.

[قانون تورات] را انجام دهد. [۴] [شما] که
بوسیله قانون [تورات] درپی برائت هستید،
[رابطهٔ] خود را با مسیح قطع کرده اید؛ از ۱-تسا۲:۱۴
فیض ساقط شده اید. [۵] زیرا، ما بوسیله روم۱۰:۳
روح القدوس از ایمان، عدالت را انتظار روم۸:۲۳-۲۵؛
داریم[d]. [۶] چون در مسیح عیسی، نه ختنه شدن ۲-قرن۱:۲۲؛ ۵:۱-۵
ارزشی دارد و نه نامختون بودن، بلکه [فقط] ۶:۱۵؛
ایمانی که به وسیلهٔ محبت عمل می کند[e]. ۱-قرن۷:۱۹؛ ۱-تیمو۱:۵؛
[۷] شما خوب می دویدید! چه کسی شما را یع۲:۲۲ یو۸:۳۲؛
مانع اطاعت از حقیقت شده است[f]؟ [۸] این غلا۲:۱۴
ترغیب[نا فرمانی] از سوی آنکه شما را ۱:۶
می خواند نیست. [۹] با اندکی خمیرمایه، ۱-قرن۵:۶
همهٔ خمیر وَر می آید[g]. [۱۰] دربارهٔ شما، من
به خداوند اعتماد دارم که به طرز دیگری ۲-قرن۷:۱۶
فکر نخواهید کرد. لیکن آنکه شما را
پریشان می کند، هرکه باشد محکومیت ۱:۷؛
خواهد داشت. [۱۱] اما ای برادران، اگر من ۱-قرن۳:۱۷
هنوز ختنه کردن را توصیه می کنم، چرا اع۲۱:۲۱
هنوز در شکنجه هستم؟ پس رسوائی صلیب
از بین رفته است[h]! [۱۲] کاش اما آنانکه شما ۱-قرن۱:۲۳
را پریشان خاطر می کنند، خود را اخته فی۳:۲
می کردند[i].

جسم و روح

[۱۳] امّا شما، ای برادران، [شما را] به
آزادی فراخوانده اند، ولی این آزادی را ۵:۱

d- ترجمه تحت اللفظی: امید عدالت. در این عبارت فشرده و کوتاه، کلمهٔ امید، چیزی است که انتظار دارند و عبارت از ملکوت است. کلمه عدالت، عطیه رایگانی است که فرد ایماندار از مسیح دریافت می کند. این فیض که او را فرزند خدا کرده است به سوی میراثی که انتظار دارد هدایت می نماید و فیضی را که دریافت کرده بذر برای شکوهی است که انتظار دارد.

e- در بند های ۵ و ۶ زندگانی مسیح تعریف و توصیف شده است. فرد مسیحی کسی است که عمل روح القدوس را می پذیرد و بوسیله ایمان خود را به این عمل تسلیم می کند و با محبّت کردن در آن شرکت می نماید؛ بالاخره از روح القدوس انتظار رستاخیز و زندگی درملکوت خدا را دارد. بنابراین ایمان، محبت و امید مختصات فرد مسیحی هستند و زیربنای زندگی جدید او را تشکیل می دهند (ر.ک ۱-تسا ۱:۳؛ ۱-قر۱۳:۱۳؛ روم ۵:۱-۵).

f- حقیقت انجیل چیزی نیست که انسان مالک آن شود بلکه الهامی است که باید از آن پیروی نمایند. اگر آدمی را از جسم آزاد می کند برای آن است که بتواند جنبشی را که قوّه محرکه روح مسیح داده است ادامه دهد (ر.ک فی ۳:۱۲-۱۷). و آزادی مسیحی همین است که در فصلهای ۵ و۶ هدف آن تشریح شده (۵:۱۳) و شرایط آن روشن گردیده است (۵:۲۴).

g- این ضرب المثل در ۱-قر ۵:۶ نیز آمده و هشداری است، بدین معنی که اشتباه کوچکی که ظاهراً نتیجهٔ کمی دارد ممکن است زندگانی تمام جمعیتی را به خطر اندازد.

h- اگر صلیب و مصلوب شدن در نظر یهودیان مایهٔ رسوایی و افتضاح است (۱-قر ۱:۲۳) بدین سبب است که مناعت و افتخاری را که در وفاداری به قوانین خود داشتند از بین می برد. وانگهی چگونه می توان از کسی که مصلوب شده انتظار نجات داشت درصورتی که برطبق قوانین ایشان. شخص مصلوب، ملعون بشمار می رود (ر.ک ۳:۱۳)؟ از سوی دیگر اعلام و موعظه دربارهٔ صلیب، از نظر بشری امنیّت یهودیان را دچار مخاطره می کند؛ تجربه های قبلی نشان داده است که ایمان آوردن به مسیح موجب تعقیب و شکنجه ایمانداران می شود (۶:۱۲). برعکس عمل ختنه کردن، در عین حال که آدمی را تابع قوانین موسی می نماید، در دنیایی که مؤسسات یهود را به رسمیت می شناسد، او را در امنیت قرار می دهد. پولس برای آرام کردن و تسکین یهودیان که او را تعقیب می کنند باید درضمن موعظه دربارهٔ ایمان به مسیح، ختنه کردن را توصیه نماید (ر.ک اع ۲۱:۲۱)؛ باری بعضی از مفسران ادعا کرده اند پولس بدین گونه رفتار می کند به دلیل اینکه ختنه شدن تیموتاؤس را پذیرفته و اجازه داده بود (اع ۱۶:۳). ولی چگونه می توانست چنین راه حل واسطه ای را بپذیرد زیرا در این صورت مرگ مسیح را بی نتیجه می کرد و راه وصول به فیض او را که در مصلوب شدنش ظاهر شده بود مسدود می کرد (۲:۲۱؛ ۵:۴).

i- احتمالاً پولس اشاره به رسومی می کند که در غلاطیه در بین بت پرستان وجود داشته است و کسانی در پرستش ربة النّوع سیبل (ربة النّوع باروری) انجام می داده اند. پولس که این رسوم را با ختنه کردن مقایسه و برابر می کند نه فقط نشان می دهد که ختنه کردن ارزشی ندارد بلکه اعلام می نماید کسانی که ختنه کردن را ستوده و توصیه می کنند بهتر است این رسوم بت پرستی را رعایت نمایند؛ بدین سان لااقل انجیل را تباه نخواهند کرد، چنانکه اکنون می کنند.

روم۶:۱۵؛ ۱-پطر۲:۱۶ فرصتی برای [ترضیهٔ] تن مکنید بلکه
بوسیلهٔ محبت، بردهٔ یکدیگر شوید[j].
مت۲۲:۴۰؛ ۱۴زیرا کلیه قانون [تورات] در این یک
روم۱۳:۸-۱۰؛ یع۲:۸ کلمه به تمامیت می‌رسد: به همسایه خود
بمانند خودت محبّت خواهی داشت[k].
۱۵ولی اگر یکدیگر را می‌گزید[kk] و
می‌خورید، مواظب باشید مبادا بوسیله
یکدیگر از بین بروید. ۱۶اما می‌گویم:
۵:۲۵؛ روم۸:۵ برطبق روح رفتار کنید، هوس نفسانی[تن]
انجام نخواهید داد. ۱۷زیرا تمایل تن علیه
روح است و روح علیه تن: چونکه اینها
روم۷:۱۴ و آیات بعد مخالف یکدیگرند، به طوری که آنچه
می‌خواهید نمی‌کنید[l]. ۱۸ولی اگر بوسیلهٔ
روم۶:۱۴؛ ۷:۴؛ ۸:۱۴؛ غلا۲:۱۹ روح رهبری شده اید، تحت قانون [تورات]
نیستید[m].
روم۱:۲۸ و آیات بعد ۱۹باری اعمال تن آشکارند؛ عبارتند از
بی عفتی، ناپاکی، هرزگی، ۲۰بُت پرستی،
جادوگری، کینه توزی ها، ستیزه جویی،
حسادت، خشم ها، نزاع ها، اختلاف ها،
انشعاب ها، ۲۱رشک ها، مستی ها، عیاشی
ها و چیزهای مشابه اینها، پیشاپیش به شما
خبر می‌دهم، چنانکه قبلاً خبر داده ام:
آنانکه چنین چیزها می‌کنند وارث ملکوت ۱-قرن۶:۱۰؛ افس۵:۵؛ مکا۲۲:۱۵
خدا نخواهند بود[n].
۲۲ولی ثمرهٔ روح[o]، محبّت، شادی، ۲-قرن۶:۶؛ افس۵:۹
صلح، شکیبایی، نیکی، رأفت، وفاداری.
۲۳لطافت، خویشتن داری است، علیه چنین
چیزها، قانون [شریعت]وجود ندارد[p]. ۲۴ ۱-تیمو۱:۹
آنانکه از مسیح عیسی هستند، تن را با روم۶:۷؛ ۸:۱۳؛
هوسها و امیال آن مصلوب کرده اند[q]. غلا۲:۱۹؛ کول۳:۵؛
۲۵اگر ما برطبق روح زندگی می‌کنیم، ۱-پطر۲:۱۱
به همان گونه از روح پیروی کنیم. ۵:۱۶؛ روم۸:۴

j- ر.ک ۵:۱ و ۵:۷ f. آزادی حقیقی مشروط بر، آزاد شدن از جسم و آزاد شدن از امیال و هوسهای جسمانی است. هدف آزادی واقعی، شکوفا شدن محبت در خدمت به همگان است.

k- پولس به مانند عیسی (مر ۱۲:۳)، آنچه را که خدا مقرر نموده در فرمانی که در لاو ۱۹:۱۸ آمده است خلاصه می‌کند و آنها را باید بدین گونه درک کرد: هرکس همنوع خود را دوست بدارد، قانون تورات را اجرا می‌کند (روم ۱۳:۸-۱۰).

kk- ترجمهٔ تحت اللفظی: گاز می‌گیرید.

l- موعظه و تشویق به تقوی و نیکی کردن کافی نیست. انسان، حتی اگر بخواهد، قادر نیست خود را از وجود نفسانی خود یعنی از وجود گناهکار خود آزاد کند (روم ۷:۱۴-۲۳). و فقط با دخالت روح القدس می‌تواند برطبق الهام و ندای درونی خود رفتار نماید. این بندها به خوبی نشان می‌دهند که جسم و روح دو قسمت از وجود شخص نیستند و اصطلاحات: برطبق جسم و برطبق روح، دو طریق مختلف و مخالفی هستند که هر انسان ممکن است انتخاب نماید.

m- آزاد شدن از قوانین تورات بدان معنی نیست که باید هرچه را قانون محکوم کرده اجرا نمود، بلکه آزاد شدن از جسم و اعمال جسمانی است که مستوجب محکومیت هستند. ر.ک ۵:۲۳؛ ۴:۵ k.

n- به طوری که ملاحظه می‌شود بی نظمی های رفتار آدمی شامل چهار گروه است: ناپاکی که محبت بشری را تباه می‌کند، بت پرستی و جادوگری که تباهی در پرستش خدا است، تفرقه ها که نشان دهندهٔ فقدان محبت است و زیاده روی هایی که در صرف غذا روی می‌دهد و انحطاط انسان را نشان می‌دهد.

o- درمقابل اعمال جسمانی، پولس ثمرهٔ منحصربه فرد روح القدس را که محبّت است ذکر می‌کند. آنچه را که بعداً برمی شمارد نشانه های فرمانروایی محبت هستند: شادی و صلح؛ تجلّیات این محبت: شکیبایی، نیکی و رأفت؛ و بالاخره شرایط ایجاد و شکوفایی آن: وفاداری، لطافت و خویشتن داری است؛ زیرا ایمان منبع و ریشه محبت است (۵:۶) و امّا لطافت طرز رفتار افراد متواضع است زیرا در راهی که پدر آسمانی هدایت می‌کند قدم برمی دارند، رفتاری که مختص مسیح است (مت ۱۱:۲۹).

p- ر.ک ۱-تیمو ۱:۹. رفتاری را که روح القدس الهام می‌کند هرگز مستوجب محکومیت نیست. بعدها اگوستین در زمینهٔ سخنان پولس اظهار خواهد کرد: «محبّت داشته باش و هرچه خواهی بکن».

q- در تکمیل بند قبلی، در اینجا شرایط اساسی آزادی مسیحیت یادآوری می‌شود: روح القدس با مصلوب کردن ما با مسیح آزادی ما را تحقق می‌بخشد (۲:۱۹).

قانون مسیح

۲۶ لاف زن نباشیم، یکدیگر را خشمگین
فی۲:۳ نکنیم، به یکدیگر حسد نورزیم.
۶ ۱ اما ای برادران، اگر از انسانی در
مت۱۸:۱۵؛ ۲-تسا۳: ۱۴-۱۵؛ یع۵:۱۹-۲۰ هر خطایی گرفتار شود، شما که
روحانی هستید[r]، مَثَل او را با روح مهربانی
اصلاح کنید؛ مواظب باش: مبادا خودت نیز
۱-قرن۱۰:۱۲ وسوسه نشوی. ۲ بارهای یکدیگر را به دوش
روم۱۵:۱؛ یو۱۳:۳۴؛ روم۸:۲ بکشید، و بدین گونه قانون مسیح را[s] انجام
خواهید داد. ۳ زیرا اگر کسی که چیزی
۱-قرن۳:۱۸؛ ۴:۷ نیست [خود را] چیزی می پندارد[t]، خود را
فریب می دهد. ۴ زیرا هرکسی عمل خود را
۱-قرن۱۱:۲۸؛ ۲-قرن۱۳:۵ بیازماید، در این صورت تنها برای خودش و
نه برای دیگری موجب افتخار خواهد بود[u]؛
۱-قرن۴:۴-۷ ۵ زیرا هرکس بار خود را به دوش خواهد
۱-قرن۳:۸؛ روم۱۴:۱۲ کشید[v]. ۶ اما آنکه سخن [خدا] را آموخته
است آموزنده را در همه نعمت های خود[w]
روم۱۵:۲۷؛ ۱-قرن۹:۱۱-۱۴ سهیم سازد. ۷ گمراه نشوید: خدا را تمسخر
ایوب۱۳:۹؛ ۴:۸؛ امث۲۲:۸ نمی توان کرد. زیرا انسان آنچه را که نیز
می کارد، درو خواهد کرد. ۸ زیرا آنکه در
روم۶:۲۱-۲۲؛ یو۳:۶؛ ۶:۲۷ جسم [تن]خود می کارد از جسم[تن] پلیدی
درو خواهد کرد و آنکه در روح می کارد از
۲-تسا۳:۱۳ روح زندگی جاودان درو خواهد کرد. ۹ و از
نیکی کردن مأیوس نشویم زیرا اگر ضعیف
نشویم در موقع معیّن درو خواهیم کرد.
۱-تسا۵:۱۵ ۱۰ پس بنابر این تا فرصت داریم به همه
نیکی کنیم[x] نیز مخصوصاً به آنانکه خانوادهٔ
ایمانی [ما] هستند.

صلیب مسیح و آفرینش جدید

۱-قرن۱۶:۲۱ ۱۱ ببینید با چه حروف درشتی[y] با دست
خودم به شما می نویسم! ۱۲ همهٔ آنان که
۳:۳؛ فی۳:۱۸-۱۹؛ کول۲:۱۸؛ غلا۵:۱۱ می خواهند از نظر جسمانی [تن]خوب
به نظر بیایند، اینان شما را مجبور به ختنه
می کنند محض اینکه به سبب صلیب
۵:۱۳؛ روم۲:۲۱ مسیح[z] عیسی تعقیب نشوند. ۱۳ زیرا خود

r- ر.ک ۱-قر ۲:۱۴-۱۵.
s- قانون مسیح. قانون روح زندگی است (روم ۸:۲)، روحی که زندگی مسیح را منتقل می سازد. این قانون، قانونی باطنی است که الهام کننده زندگی خود مسیح است. تبعیت از این قانون، تطبیق یافتن با مسیح بوسیله روح او است: چنانکه پولس چنین کرده (۱-قر ۹:۲۱) و تعلیم داده است (فی ۲:۵-۸).
t- غلاطیان هم به مانند قرنتیان نیاز دارند که به ایشان هشدار داده شود (۱-قر ۴:۷) که از بدترین نوع تکبّر احتراز کنند، تکبّری که از مواهب رایگان خدا حاصل شود.
u- هر فرد مسیحی از ثمره ای که روح القدس برایش آورده تا شبیه مسیح باشد می تواند خشنود بوده و به خود ببالد (۲:۲۰؛ ۶:۱۴-۱۵؛ ر.ک روم ۵:۳-۵)؛ ولی وقتی که خود را با دیگران مقایسه کند نشانهٔ آن است که مجدداً تحت تسلط جسم قرار گرفته است.
v- در اینجا پولس داوری خدا را یادآوری می نماید که هرکسی در برابر او باید دربارهٔ رفتار خود پاسخ بدهد (ر.ک بندهای ۷-۱۰) ولی این امر با آنچه قبلاً گفته شده است منافات ندارد: بدین معنی که ما برطبق قانون مسیح که محبت است داوری خواهیم شد که وادار می کند دیگران را نیز برعهده بگیریم.
w- همین روش در روم ۱۵:۲۷ و ۱-قر ۹:۱۱ پیشنهاد شده است و دستوری از جانب خود خداوند می باشد. (۱-قر ۹:۱۴؛ لو ۱۰:۷).
x- پولس که تعلیم می دهد باید فقط متکی به فیض خدا بود، دعوت به بیحالی و بی حسّی نمی کند بلکه وفاداری فعّال را توصیه می نماید و در این مورد باید به خدا پاسخ دهیم (ر.ک فی ۲:۱۲؛ ۳:۱۲-۱۴).
y- نوشتن با حروف درشت وسیله ای بوده است تا در مورد آنچه نوشته شده تأکید شود، پولس عبادت های قاطعی را با حروف درشت نوشته است که نتیجه گیری نامه و خلاصهٔ انجیل او است.
z- ر.ک ۵:۱۱ h.

آنها که مختونان قانون را رعایت نمی‌کنند
بلکه می‌خواهند شما ختنه شوید تا
جسم[تن] شما وسیلهٔ افتخارشان باشد[a].
[14] و من، مباد، مگر جز به صلیب خداوند روم۳:۲۷؛ ۱-قرن۱:۲۳، ۲۷،
ما عیسی مسیح افتخار کنم که بوسیله آن ۳۱؛ ۲:۲
دنیا برای من مصلوب شده است و من برای ۱۹:۲
دنیا[b]. [15] زیرا نه ختنه به چیزی است، نه ۵:۶؛ ۱-قرن۷:۱۸-۱۹،
نامختونی، بلکه آفریدهٔ نو[c]. [16] و همهٔ آنان ۳۱؛ ۲-قرن۵:۱۷؛ مکا۲۱:۵
که از این قاعده پیروی خواهند کرد، صلح و مز۱۲۵:۵؛ ۱۲۸:۶؛ روم۱۱:۱-۵
رحمت بر ایشان و بر اسرائیل خدا[d] باد!
[17] از این پس هیچ کس موجب زحمت
من نشود: زیرا من در جسم خود آثار
[جراحت‌های]عیسی[e] را دارم. [18] ای ۲-قرن۴:۱۰؛ ۶:۴-۵
برادران[f]، فیض خداوند ما عیسی مسیح با فی۴:۲۳؛ فیل۲۵؛ ۲-تیمو۴:۲۲
روح شما باد! آمین!

a- کسانی که ختنه کردن را توصیه و تشویق می‌کنند فقط برای آنست که به شور و حرارت در تبلیغ آیین یهود افتخار نمایند. عیسی به همین سبب فریسیان را سرزنش می‌کرد (مت ۲۳:۱۵). واعظان انجیل باید هشیار بوده، طوری رفتار نکنند که مستحق چنین سرزنشی باشند. پولس به علّت دیگری هم رقیبان خود را سرزنش می‌کرد زیرا در اندیشهٔ آن نبودند که به قوانین یهود وفادار باشند و این بی‌ایمانی بر اثر ریاکاری به دوش فریسیان، در تظاهر به شور و حرارت است، یا نتیجه عقاید طرفداران تلفیق ادیان است که از قوانین تورات فقط آنچه را که به دردشان می‌خورد می‌پذیرند.

b- ر.ک ۶:۱۵ c.

c- رسول در مقدمه نامه خود اعلام کرده بود: مسیح بوسیله مرگ خود آدمیان را از دنیای شرّ آزاد می‌کند (۱:۴)، و در نتیجه‌گیری نامه اظهار می‌کند: مسیح بوسیله صلیب خود آدمیان را در آفرینشی جدید وارد می‌نماید. پولس که آفرینش جدید را در مقابل دنیای کهن می‌آورد برای آخرین بار به غلاطیان نشان می‌دهد چه نکتهٔ اساسی وی را از رقیبانش متمایز می‌سازد. رقیبان او از دنیای قدیمی هستند: با توصیه و تشویق بر ختنه کردن می‌خواهند خود را از تعقیب و شکنجه مصون نگهدارند (بند ۱۲؛ ر.ک ۵:۱۱) و به موفقیت تبلیغات مذهبی خود افتخار نمایند (بند ۱۳)؛ امنیّت و افتخار ایشان از آن دنیایی «جسمانی» است که به خود می‌پردازد و از آفریدگار خود جدا است (ر.ک ۴:۳، ۸-۹). در صورتی که پولس اطمینان و شادی خود را از صلیب مسیح دارد زیرا فقط صلیب است که او را کاملاً آزاد می‌کند. بوسیله صلیب می‌تواند از جاذبهٔ گیرای دنیا بگریزد، دنیایی که از این پس برای او مرده است، بوسیلهٔ صلیب از غم و اندیشه امنیت برای شخصیت جسمانی خود آزاد شده است زیرا این شخصیت جسمانی با مسیح مصلوب شده است (بند ۱۴؛ ر.ک ۲:۱۹؛ ۵:۲۴). آنچه درنظر رسول اهمیت دارد اینست که فیض مسیح را دریابد و بدین‌گونه در آفرینش نو وارد شود تا بتواند برای خدا و در همبستگی با پسر رستاخاسته‌اش زندگی نماید (بند ۱۵؛ ر.ک ۲:۱۹-۲۱؛ ۵:۶؛ فی ۳:۳-۱۱).

d- اسرائیل خدا چیست؟ آیا باید آن را به مفهوم قوم جدید خدا، یعنی کلیسا درک کرد که در مقابل اسرائیل جسمانی باشد و در ۱-قر ۱۰:۱۸ ذکر گردیده است؟ بر این نظریه دو اعتراض وارد است. از یک طرف، در اینجا پولس اسرائیل خدا و مجموعه ایمانداران را پهلوی یکدیگر آورده بدون اینکه آنها را یکی بگیرد، از طرف دیگر با اینکه پولس دوست دارد موارد متناقض را درمقابل یکدیگر ذکر کند، در هیچ مورد اسرائیل خدا را در مقابل اسرائیل جسمانی نمی‌آورد. مضافاً بر اینکه هرگز کلیسا را بنام «اسرائیل نو» نمی‌خواند، بنابراین تصور می‌کنیم که در نظر او اسرائیل خدا مجموعهٔ اسرائیلیانی هستند که بر مسیح مصلوب گردیده و در همرائی با مشرکانی که ایمان آورده‌اند قوم واقعی خدا را تشکیل می‌دهند (ر.ک روم ۹-۱۱).

e- پولس اثر رنجهایی را که به‌خاطر وفاداری به مسیح و در خدمت به مسیح تحمّل کرده است در جسم خود دارد و اینها نشانه‌های اتحاد و همبستگی او با مسیح مصلوب هستند. ر.ک ۲-قر ۱۱:۲۳-۲۸.

f- این نامهٔ پولس تنها نامه‌ای است که کلمه برادران در سلام و درود پایانی نامه آمده است و مسلماً در اظهار این کلمه قصد و منظوری داشته است. پولس درخواست می‌کند که احساس برادری در بین غلاطیان به کمال و تمامیت برسد و تنها منبع این احساس را که فیض خداوند عیسی است بدست آورند.

پیشگفتار
نامه به افسسیان

موضوع و محتوای نامه

موضوع اصلی نامه به افسسیان مشیّت خدا (راز) است که از ازل مقرّر شده، به روزگاران پنهان بوده و در مسیح انجام گردیده است. این مشیت به رسول مکشوف گردیده و در کلیسا ابراز و منتشر شده است. کلیسا به عنوان یک حقیقت جهانی است که هم بر روی زمین و هم در آسمانها برقرار شده یا بهتر است گفته شود تحقق فعلیت عمل خدا یعنی آفرینش جدید است. کلیسا از آغاز و از رأس خود که مسیح است توسعه و گسترش می یابد تا به ابعاد نهایی که خدا پیش بینی و مقرر کرده است برسد و نویسنده نگاه ایمانداران را به سوی این منظرهٔ وسیع و گسترده جلب می نماید، او تحقق یافتن این فعالیت را با تصویر جسم مسیح و تصویر بنای خانهٔ خدا، یکی پس از دیگری بیان می کند. مسیحیان بوسیلهٔ تعمید جزو این جسم شده اند و در این جسم، اسرائیل و ملّت های دیگر متحد می شوند؛ درصورتی که خود مسیحیان بوسیلهٔ ستایش، شناخت و اطاعت مخلوقات جدیدی می شوند و هستهٔ مرکزی اتحاد جهانی می گردند.

این نامه به دو قسمت مساوی تقسیم می شود که به آسانی می توان تشخیص داد:

۱- در قسمت اول (۱-۳) با شیوهٔ نگارش مخصوصی که هم جنبهٔ آیین نیایش و هم آموزشی دارد گفته می شود که کلیسا نتیجه و پایان عمل خدا است. این قسمت با یک دعای تبرّک از نوع دعاهای آداب نیایش آغاز می شود (و به نظر بعضی از مفسّران تا آخر فصل ۳ ادامه دارد). در این قسمت تقدیس فیض نامحدود خدا (۳:۱-۱۴) قطعه ای است که بهتر از قطعات دیگر توصیف و بیان شده است. سپس دعایی در تمجید مسیح که سرور جهان و رأس کلیسا است ذکر می شود (۱۵:۱-۲۳). فصل دوم تحوّل عظیمی را که در مسیح اجرا شده است یاد می کند: آنچه مرده بود، زنده شده (۱-۱۰)، آنچه تجزیه شده و فرسوده بود آشتی کرده است (۱۱-۲۲)؛ بوسیلهٔ فیض، نجات به همگان رسیده است و بدین سان همه مردمان در مسیح متولد شده اند. از این پس مانعی بین اسرائیل و ملّت های دیگر وجود ندارد و آشتی ایشان، اعلام صلح و آشتی کلیه جهان است. عامل این آشتی، پولس رسول است و در فصل سوم مقام او در اجرای مشیّت الهی بیان شده است (۲:۳-۱۳) بالاخره قسمت اول نامه با دعای پرستش که سرایش سرود محبت بی اندازه مسیح است پایان یافته (۱۴:۳-۱۹)، با ستایش مسیح خاتمه می پذیرد (۲۰:۳-۲۱).

۲- قسمت دوم نامه را (فصل های ۴-۶) می توان تشویق تعمید شدگان نامید، تشویق به طاعت و تقوی که از برگزاری آیین نیایش حاصل می شود. بدین سبب از بنای جسم مسیح و نمو و توسعهٔ آن یاد می کند که بوسیله خدمتگزارانی انجام می گردد که به کلیسا داده شده است (۴:۱-۱۶). در دستورهای بعدی همان آموزشهای مذهبی اولیه از سر گرفته می شود یعنی: دعوت به ترک زندگانی گذشته برای ورود در زندگی جدید که بوسیله دربر کردن مسیح (۴:۱۷-۳۱) و تأسّی به خدا (۴:۳۲-۵:۲) و گذشتن از ظلمات به روشنایی حاصل می شود (۵:۳-۲۰). تصویر روابط جدیدی که در مسیح ایجاد شده است (۵:۲۱-۶:۹) شامل همان توضیحاتی است که به خوبی می دانیم و تصویر اتّحاد زناشویی مسیح با کلیسای او است (۵:۲۵-۳۲)، بالاخره موضوع دعوت می رسد به اینکه اسلحه مسیحیت را بپوشند تا مبارزه ضد قدرتهای آسمانی را پشتیبانی نمایند (۶:۱۰-۱۷). این تصاویر و این موضوع ها از نوشته های عهد عتیق و گاهی از نوشته های قمران و حتی از فلسفه عامیانه گرفته شده است ولی در این نامه ها نوری که از مسیح ساطع می شود، آنها را روشن می کند. نامه به افسسیان با تشویق به نیایش (۶:۱۸-۲۰) و پیامهای کوتاهی خاتمه می یابد (۶:۲۱-۲۲) که سلام های پایانی را دربر دارند (۶:۲۳-۲۴).

اوضاع و احوال و مختصات نامه

الف) نامه به افسسیان جزو نوشته هایی است که آنها را نامه های دورهٔ زندان می نامند. چهارچوب تاریخی این نامه همان زمینهٔ تاریخی نامهٔ به کولسیان و نامه به فیلمون است، پولس زندانی است (افس ۳:۱؛ ۴:۱؛ ۶:۲۰؛ ر.ک فیل ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۷؛ کول ۴:۳، ۱۰، ۱۸)، در پیرامون او همان همراهان هستند و تیخکس را به همان وظیفه مأمور می کنند (کول ۴:۷-۸؛ افس ۶:۲۱-۲۲).

ب) مقایسه و تشابه با نامه به کولسیان مشکلی پیش می آورد زیرا ملاحظه می شود که در نامه به افسسیان تمام اطلاعات تاریخی تقریباً کلمه به کلمه از نامه به کولسیان گرفته شده است (افس ۶:۲۱-۲۲)، به اضافه رسول شخصاً مخاطبان نامه به افسسیان را نمی شناسد (۱:۱۵)، درصورتی که پولس مدتی طولانی در افسس اقامت داشته است؛ بنابراین نامه به کلیسای افسس خطاب نمی شود. وانگهی در نسخه های خطی از همان بند اولی هشدار داده می شود، زیرا بسیاری از آنها نام افسس را حذف کرده اند (ر.ک افس ۱:۱ a). از دوران قدیم بعضی از مفسّران تصوّر کرده اند این نامه به کلیسای لاودیکیه، که در نزدیکی کولسی است خطاب گردیده است که برطبق کول ۴:۱۶ نامه ای از رسول دریافت کرده بودند و ما هرگز آن نامه را درجای دیگری نیافته ایم.

ج) ارتباط و شباهت بین نامه های به افسسیان و کولسیان در مورد انشاء نامه ها نیز وجود دارد مثلاً: بکار بردن شرح و بسطی که جنبهٔ آیین نیایش دارند، طرز ترکیب کلام که خیلی مفصل است، بکار بردن کلمات مترادف فراوان، کلمات متمّم که بدنبال یکدیگر می آیند، جمله هایی که به اسم مفعول ختم می شوند، شباهت کلمات، مطالبی که تأثیر

کتابهای حکمت عهد عتیق را نشان می دهند. ضمناً مختصات نامه به کولسیان در این نامه تشدید شده، عباراتی که تأثیر زبانهای سامی را دارند فراوان ترند.

د) توضیحاتی که در این دو نامه مشابه و موازی هستند، به شرح زیر است:

نامه به افسسیان	نامه به کولسیان
۱:۶-۷	۱:۱۳-۱۴
۱:۱۳	۱:۵
۱:۱۵	۱:۹
۱:۱۵-۱۶	۱:۳-۴
۲:۱، ۵	۲:۱۳
۲:۲-۳	۳:۷
۴:۱۵-۱۶	۲:۱۹
۴:۲۲-۲۴	۳:۹-۱۰
۵:۶	۳:۶
۵: ۱۹-۲۰	۳:۱۶-۱۷
۵:۲۱-۶:۹	۳:۱۸-۴:۱
۶:۱۸-۲۰	۴:۲-۴
۶:۲۱	۴:۷

ارتباط بین این دو نامه «به افسسیان و کولسیان» یکی از معمّاهای عهد جدید است که هنوز برای آن پاسخ رضایت بخشی نیافته اند. و اینک فرضیه هایی که پیشنهاد شده است:

۱- تعداد اندکی از مفسّران معتقدند که نامه به افسسیان به قلم پولس بوده ولی نویسنده نامه به کولسیان آن را دستکاری کرده است و تغییر داده تا ارزش و وزن بیشتری به پیام خود بدهد.

۲- نظریه رایج بر این است که دو نامه به افسسیان و کولسیان، دو پیام هستند که رسول تقریباً همزمان برای دو کلیسای مجاور یکدیگر فرستاده است و با الهام از نخستین نامه (کول)، نامه دومی (افس) را انشاء کرده است. در این صورت نامه به افسسیان آخرین مرحلهٔ تفکر رسول است. زیرا پولس رسول که در رُم زندانی است، شاید می خواسته نظریات نهایی خود را دربارهٔ راز نجات و کلیسا به صورت بخشنامه اظهار نماید.

۳- درنظر مفسّران دیگری، پولس پس از انشاء و تنظیم نامه به کولسیان به منشی یا یکی از شاگردان نزدیک خود دستور داده است پیام دومی تهیه نماید و بدین گونه می توان شباهت متون و اختلاف های آنها را درک کرد، همچنین بعضی انحراف هایی که در نامه به افسسیان مشاهده می شود.

۴- بالاخره دلایل متعدد مهمی، تعدادی از دانشمندان را بر آن داشته، تاریخ نگارش این نامه را دیرتر، یعنی دوران متأخر بر رسولان بدانند ولی آن را نشأت گرفته از محافلی بدانند که کاملاً تحت تأثیر آموزش های رسولان بوده اند.

به طوری که از مختصات این نامه برمی آید می توان حدس زد که این نامه یک دعای تقدیس و موعظه و تشویق به تقوی است که در برگزاری آیین نیایش، شفاها ایراد شده باشد و سپس آن را به صورت نامه درآورده اند تا جزو مجموعهٔ نامه های پولس قرار دهند. از سوی دیگر ملاحظه می شود که نامه به افسسیان موضوع هایی را که در جاهای دیگر تشریح شده مجدداً مطرح می نماید ولی به طوری که نمی توان گفت ارتباط این نامه با نامه های به رومیان، ۱-قرنتیان، غلاطیان و حتی کولسیان یک ارتباط و وابستگی مستقیم است بلکه یادآوری و تذکر مطالبی است که از

موعظه های رسولان ناشی می شود. با اینکه نامه به کولسیان از نظر هنجار و شیوهٔ نگارش بیش از سایر نامه به پولس نزدیک تر است، نامهٔ به افسسیان از نظر موضوع های مورد علاقهٔ پولس غنی تر است. (مثلاً: نجات بوسیلهٔ فیض، قوم خدا و روح القدس در نامه به کولسیان مطرح نمی شوند). همچنین در نامه به افسسیان نکاتی مشابه با نوشته های قمران فراوان تر است. باری در آموزش های مذهبی نسل دوم مسیحیان، نظریات و عقاید اسنیان بیشتر مؤثر بوده است. بالاخره نکته قابل توجه، نقشی است که نوشته های کتابهای حکمت در این نامه دارند و قبلاً در نامه به کولسیان محسوس بوده است. مثلاً حکمتها و عباراتی دربارهٔ حکمت، دربارهٔ راز و دربارهٔ تمامیت بیشتر بکار برده شده است و شاید این نکته نشانه از وجود نظریاتی باشد که به تدریج به عقاید گنوستیک منجر شد.

هرگاه تاریخ نگارش این نامه را متأخر بر دوران رسولان بگیریم، ارتباط های بین این نامه و نامه های رسولی را می توان توضیح داد و اگر آنها را متأخر بر پولس و روایات یوحنا بدانیم، در این صورت می توان گفت در محیط مشترکی که شهر افسس است نوشته شده اند. ولی مخصوصاً با بررسی نظریات علوم الهی می توان ویژگی مخصوص نامه را تعیین کرد.

علم الهی در نامه: نظریات پولس و افق جدید

به هرصورت افکار و نظریات پولس کاملاً در این نامه اثر گذاشته اند و بدون این نظریات مسئله ای وجود ندارد. ذیلاً این نظریات را برمی شماریم:

- عمل بزرگ خدا که در عیسی انجام شده، در مرکز این پیام است؛ تعمید به معنی شرکت قطعی مسیحیان در سرنوشت مسیح است.

- در این متن، مهم ترین نکته اعلام و اقامهٔ فیض الهی است، از تقدیس ابتدایی گرفته (۳:۱-۱۴) تا تشویق نهایی (۱:۲-۱۰؛ ۷:۴).

-اینکه همه دنیا با همدیگر آشتی کنند وابسته به واژگون کردن سدّی است که اسرائیل را از سایر ملّت ها جدا می کند؛ از این پس افراد ملت های دیگر، شهروندان ملکوت خدا با حقوق کامل هستند (۱۱:۲-۲۲).

- خدمت پولس، انجام مأموریتی است که خدا محوّل کرده است (۲:۳-۱۳).

- کلیسا به عنوان قوم خدا و همچنین به عنوان جسم مسیح تعریف شده است. ضمناً افکار و نظریاتی که در نامهٔ به افسسیان آمده، جزو هیچ اندیشه و تفکر جهان شناسی بشمار نمی آید؛ الهام و مکاشفهٔ سخن خدا برطبق نظریه یا نظام مخصوصی عطا نشده است بلکه در جمعیت مسیحی و بوسیلهٔ جمعیت است که مفهوم «راز» مشخص می گردد.

با این همه نظریاتی که میراث پولس است تغییر مهمی پیدا می کنند که نمی توان آنها را به موضوع هایی که در نامه به کولسیان آمده، مربوط دانست. توضیحات جدیدی که در آن نامه آغاز شده بود از این پس به اندازه ای تشدید گردیده که به صورت مجموعهٔ جدید و بدیعی درمی آید. امید و انتظار به پایان روزگار از بین نرفته است؛ با این وصف بجای انتظار بی صبرانه اکنون ـ آینده، نجات، امری است که در مسیح تحقق یافته، در کلیسا مکشوف شده است و بایستی بوسیله نموّ و

توسعه جسم مسیح به ابعاد کامل خود برسد که تا به کرات آسمانی منعکس می شود (۱:۲۲؛ ۴:۸-۱۰). نجات به صورت حقیقتی درمی آید که در راه کامل شدن است. فرد مسیحی، هم اکنون نجات یافته است (افس ۲:۸)، تعمید شدگان «دوباره زنده شده» و در شکوه «با مسیح بالا برده شده اند».

همچنین در نامه به افسسیان اعلام فیض مربوط به موضوع پایان روزگار و محاکمه بزرگ قوم خدا توسط او نیست. مقوله های حقوقی جای خود را به «عرفان» داده اند: ما در آغاز تحوّلی هستیم که مسیحیان را به ادیان مدعی نجات نزدیک خواهد کرد و رابطهٔ بین اسرائیل و ملّت ها نیز چنین است. در نامه به رومیان، اتحاد با تجمع کلیه قبایل اسرائیل و تمام ملت ها انجام می شود ولی این ملت ها از یکدیگر متمایز باقی می مانند، درصورتی که در نامه به افسسیان این اتحاد بوسیله الحاق انجام می شود به طوری که هرگونه تفاوت از بین رفته، اختلافات مربوط به دوران گذشته خواهد بود. از یک طرف انتظار مکاشفه ای برای آخرین گرویدن اسرائیل و دلواپسی رسول برای قوم خود و از طرف دیگر اطمینان قطعی برخورد و ملاقاتی که هم اکنون در کلیسا تحقق یافته است. در نامهٔ به رومیان طرز استدلال حقوقی است و در نامهٔ به افسسیان، آشتی هم جنبهٔ اخلاقی و هم جنبهٔ جهانی دارد (ر.ک روم ۹-۱۱ و افس ۲:۱۱-۲۱).

در نامه های قبلی، به طور کلی کلیسا به مفهوم جمعیت های مسیحی محلی بکار برده می شد؛ درصورتی که در نامه به افسسیان، پیرو نامهٔ به کولسیان، کلیسا به صورت یک حقیقت جهانی است و تقریباً به مانند حکمت خدا به صورت یک شخصیت مجسّم گردیده است. مسائلی که در اولین نامه به قرنتیان به صورت واقعی و ملموس دربارهٔ کلیسای محلّی تشریح می گردید، در نامهٔ به افسسیان همان مسائل جهانی می شوند. و کلیسا که پدیده ای موقتی در تاریخ شمرده می شد به صورت جاودانی ظاهر می شود. در نامهٔ به کولسیان انبوه مردمان می آمدند و در مسیح ساکن می شدند؛ اینک کلیسا انبوه مردمانی است که به مسیح تعلق دارد. اظهاراتی که دربارهٔ مسیح، رئیس و سرور جهان بیان می شد، در اینجا دربارهٔ کلیسا است. موضوع جسم مسیح که کاملاً با موضوع خانهٔ خدا آمیخته شده، در اینجا با عبادتی نهایی توصیف می گردد و با توضیحات تازه ای دربارهٔ راز اتحاد مسیح با کلیسای خود، که نمونهٔ اتحاد زناشویی است مشروح تر شده در آن، فرمانروایی مسیح و مسئولیت کلیسا ابراز می گردد.

نویسندهٔ نامه به افسسیان، اعم از اینکه پولس در پایان دوران رسالت خود باشد، یا یکی از منشیان او که به دستور او نوشته باشد، و یا اینکه یکی از وارثان او و در موقعیت بحرانی کلیسا باشد، پس از دوران رسولان این نامه را نوشته است؛ به هرصورت نویسندهٔ این نامه کسی است که در کنار متی، لوقا و یوحنّا یکی از بزرگترین پاسخ هایی را مطرح می کند که مسیحیان آن دوران برای آیندهٔ خود بدنبال آن بودند؛ وی می خواهد ایمانداران را کاملاً متوجه آن چیزهایی نماید که پس از مرگ و صعود مسیح به آسمان تغییر یافته بود. نویسنده عطیّه خدا را که از این پس در تشکیل کلیسا ثبت شده است ارزیابی کرده و تقدیس می نماید و درک می کند که کلیسا وضعیّتی غیرقابل برگشت ایجاد کرده است.

به هرصورت شایسته است نامهٔ به افسسیان نه تنها به عنوان نامه ای که به مناسبت اوضاع و احوال نوشته شده بلکه همچون نوشته ای غنایی و آموزشی دربارهٔ ایمان مسیحیت قرائت گردد.

نامه به افسیان

خطاب و تحیت

۱

[۱]پولس، رسول مسیح عیسی به ارادهٔ
خدا، به مقدسان[a] و ایمانداران
مسیح عیسی. [۲]فیض و صلح از سوی خدا، کول۱:۱-۲
پدر ما، و از خداوند عیسی مسیح بر شما
باد!

فیض نامحدود

[۳]متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی ۲-قرن۱:۳؛ ۱-پطر۱:۳
مسیح[b]،
که ما را از هر برکت روحانی در غلا۳:۱۴
آسمانهای علّیین[c]
در مسیح برکت داد.
[۴]بدین گونه ما را قبل از بنیان گذاری جهان روم۸:۲۸-۳۰؛ یو۱۷:۲۴؛ ۲-تسا۲:۱۳؛ افس۵:۲۷؛ کول۱:۲۲
در او برگزید، تا مقدس و بی عیب،
در محبّت[d] نزد او باشیم،
[۵]ما را به کنار گذاشته است[dd]
تا بوسیلهٔ عیسی مسیح، برطبق طیب روم۸:۱۵-۱۶؛ غلا۴:۴؛ یو۱:۱۲؛ ۱-یو۳:۱
خاطر ارادهٔ او، پسرخوانده باشیم[e].
[۶]در ستایش شکوه فیض او[f]
که در محبوب [خود][g] به ما عطا کرده فی۱:۱۱ لو۱:۲۸ کول۱:۱۳؛ مت۳:۱۷؛

a- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: به مقدسانی که (در افسس) هستند. در بسیاری از نسخه های خطی کلمهٔ در افسس حذف شده است و بعضی از پدران کلیسا وجود این کلمه را نپذیرفته اند. ضمناً کلمهٔ هستند در تمام نسخه ها گواهی و تأیید شده، لذا تصور می رود که این نامه به صورت بخشنامه بوده، بدین سبب جای مخاطب نامه را خالی گذاشته بودند.

b- سرتاسر بندهای ۳-۱۴ عباراتی در مدح و ستایش هستند که بدون انقطاع انتشار فیض خدا را توصیف می کنند. این قسمت جزو نوعی از ادبیات است که در متبارک خواندن خدا بکار می رود (ر.ک ۲-قرن ۱:۳؛ ۱-پطر ۱:۳) و در نوشته های مذهبی یهودیان متداول است. در این عبارات فاعل فعل خدا است، و درضمن بیان عمل خدا مرتباً و به تناوب کلمهٔ در مسیح (در او) ذکر شده است و به فواصل مرتب عباراتی در تجلیل از خدا می‌آید (ر.ک بندهای ۶، ۱۲ و ۱۴). متبارک خواندن خدا با توجه به جنبه های عمل او که از یکدیگر جدا نیستند ذکر گردیده است: موضوع گزینش (بندهای ۴-۵)، رهایی و نجات (بازخرید) (بندهای ۶-۷)، تلخیص و یک جا کردن (بندهای ۸-۱۰)، میراث موعود (بندهای ۱۱-۱۲) و موهبت روح القدس (بندهای ۱۳-۱۴). این مطالب با کلماتی بیان شده که مختص به نوشته های عهد عتیق است. ضمناً در این نامه منظرهٔ قوم خدا در کتاب مقدس به طرز جالب و بدیعی با نظریه جدید که کلیسا جسم مسیح است تلفیق گردیده است.

c- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: در نواحی آسمان ها. این اصطلاح یونانی مختص به این نامه است (افس ۱:۲۰؛ ۲:۶؛ ۳:۱۰؛ ۶:۱۲). نویسنده نوبت به نوبت اظهار می کند که دنیای آسمانی جایگاه مسیح، کلیسا و پیروان و همچنین جایگاه ارواح شرّ است (ر.ک ۶:۲). در اینجا برطبق این اصطلاح مقدسان در پیروزی مسیح که فاتح نیروهای آسمانی است شریک هستند.

d- در محبت. اصطلاحی که معمولاً در پایان دعای برکت یهودیان ذکر می شود. با این همه بعضی از مفسرّان این کلمه را به جملهٔ اول بند ۵ متصل نموده اند: در محبت ما را برگزیده است یا در محبت ما را مقدّر کرده است.

dd- ترجمهٔ دیگر: ما را از پیش مقدّر کرده است.

e- افعال یونانی که در این عبارات بکار رفته با پیشوند «پیش» (یعنی پیشاپیش، قبلاً، از ازل) مرتباً تأکید می کنند که ابراز فیض، ابتکار مطلق خدا است و اینکه خدا ما را برگزیده است و پیشاپیش به کنار گذاشته، وعدهٔ فرزندخواندگی است. ولی این امر مسئولیت را تخفیف نداده، برعکس ما را موظف و مکلّف می سازد (ر.ک پایان دعای برکت. بندهای ۱۱-۱۴).

f- ستایش شکوه فیض او. این کلمات همچون برگردان دعای برکت مرتباً تکرار می شوند و نشان می دهند که شکوه خدا هدف اصلی و منبع آن نیست و ارادهٔ آزاد است.

g- محبوب خود. ر.ک روایت های مربوط به تعمید عیسی مت ۳:۱۷. ر.ک کول ۱:۱۳ o.

است.
کول۱:۱۳-۱۴، ۲۰؛ روم۳:۲۴-۲۵ [۷]در او، بوسیلهٔ خونش بازخرید و بخشش
کول۱:۲۰ خطاها را داریم،
۷:۲ برطبق غنای فیض او،
[۸]که در حکمت تمام
کول۱:۹ و بصیرت برای ما فراوان کرده است،
۳:۳، ۹؛ روم۱۶:۲۵ [۹]با شناساندن راز اراده خود[h]
۱۱:۳ که به طیب خاطر در خود مشیت کرده بود.
مر۱:۱۵؛ غلا۴:۴ [۱۰]برای انتظام تمامیت زمانها[i]:
کول۱:۱۶-۱۷ تا همه چیز در مسیح[j] جمع گردد
در او آنچه در آسمانها و آنچه بر روی
زمین است.
کول۱:۱۲ [۱۱]هم در او، ما به عنوان میراث او[k] گزیده
شده ایم،
۳:۱۱؛ ۱-قرن۱۲:۶ چون پیشاپیش مقدّر شدیم،
برطبق آن که
هرچیز را برطبق ارادهٔ رأی خود انجام
می دهد.
[۱۲]تا در ستایش شکوه او باشیم، ما که
۲:۱۲ پیشاپیش امید خود را در مسیح
گذاشته ایم[l].
کول۱:۵-۶ [۱۳]شما هم سخن حقیقت را شنیده اید که
انجیل نجات شما است،
۴:۳۰؛ ۲-قرن۱:۲۲ هم چنین [پس از اینکه] به او ایمان
۳:۱۴ آوردید، به وسیله روح القدس موعود به
شما مهر زده شده است، [۱۴]که ضمانت

h- ر.ک افس ۳:۳ b.

i- به منظور انتظام تمامیت زمان. این عبارات را به دو نوع درک و تفسیر کرده اند: ۱- به معنی آنچه در غلا ۴:۴ آمده، یعنی هنگامی که تمامیت زمان فرا رسیده، خدا پسرش را فرستاده است. در این صورت منظور تجسم خدا در مسیح و پایان دوران عهد عتیق است. ۲- در مفهوم دیگری که مختص این نامه است بدین معنی که تمامیت زمان دوران کلیسا است که با رستاخیز آغاز شده است و انتظام آن، روشی است که خدا تاریخ را به پایان می رساند.

j- ترجمهٔ تحت اللفظی: همه چیز را در مسیح جمع و تلخیص کردن. کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار رفته است متضمّن دو نکته است: یکی خلاصه کردن، از سر گرفتن و یک جا کردن (و کلمه فصل و باب کتاب از این کلمه می اید)، و مفهوم دیگر، تحت ریاست قرار دادن (که از ریشهٔ کلمهٔ رأس و رئیس مشتق می شود).
این بند از زمان ایرنه نقش مهمی در علم خداشناسی داشته است (موضوع تلخیص).

k- ترجمهٔ تحت اللفظیَ: در او، بوسیلهٔ تقدیر تعیین شده ایم (در بعضی از نسخه های خطی: در او، ما دعوت شده ایم.) با توجه به مفاد نوشته های عهد عتیق این عبارت را می توان به دو گونه استنباط کرد:
۱- در او، ما هم میراث خود را دریافت کرده ایم.
۲- در او، ماهم به عنوان میراث او انتخاب شده ایم.
در مورد اول منظور سرزمین موعود است که خدا به عنوان سهم میراث قوم خودش برای اسرائیل تعیین کرده بود (تث ۱۸:۳). این نظریه به عهد جدید منتقل گردیده با این تفاوت که سرزمین موعود آسمان است (ر.ک میراث آسمانی) و پولس با این نکته آشنا است (روم ۸:۱۷؛ غلا ۳:۲۹؛ ۴:۷) و در بند ۱۴ تصریح خواهد شد (بیعانهٔ میراث) همچنین در بند ۱۸ (یادداشت های p، q و r). دراستنباط دوم بر این نکته تأکید می شود که خود اسرائیل سهمی است که خدا کسب کرده تا ملک خاص او و سهم او باشد (خروج ۳۴:۹). ر.ک بند ۱۴ n.

l- بعضی از مفسّران تصوّر می کنند در بندهای ۱۱ و ۱۲ نظریه شرکت اسرائیل با سایر ملّت ها مطرح شده است، نظریه ای که در این باره اهمیت شایانی دارد. ولی اگر منظور از ضمیر ما که در اینجا آمده، نویسنده و مسیحیان یهودی الاصل باشد در این صورت با ضمیر شما که در بند ۱۳ آمده است و خطاب به خوانندگانی است که قبلاً مشرک بوده اند اختلاف خواهد داشت. در این صورت انتظار مسیح (مسیح موعود) مربوط به قوم اسرائیل است (ر.ک افس ۲:۱۲). مفسّران دیگری فکر می کنند این دعای برکت مربوط به کلیه مسیحیان است (ر.ک مقدمه) و برطبق معمول این دعا اکثراً با جملات خطاب و عتاب پایان می یابد و بدین سبب ضمیر شما بکار برده شده است. در این صورت تمایز اسرائیل از سایر ملّت ها از فصل ۲ آغاز می شود و موضوع امیدواری، انتظار فرا رسیدن پایان (ر.ک بند ۱۰) و مربوط به تمام مسیحیان است.

میراث ما است[m]، برای بازخرید آنچه ۲-قرن۵:۵؛ روم۸:۱۴-۱۷، ۲۳-۲۵
خدا به منظور ستایش شکوه خود کسب
کرده است[n].

نیایش روشن ساختن

[۱۵]بدین سبب من هم که ایمان شما را به کول۱:۴-۹؛
خداوند عیسی و محبت شما[o] را برای همه فیل۴،۵؛ روم۱:۸-۹
مقدسان شنیدم، [۱۶]از سپاسگزاری برای شما
و بیاد آوردن [شما]در دعاهای خود باز
نمی ایستم، [۱۷]تا خدای خداوند ما عیسی ۳:۱۴-۱۹
مسیح، پدر شکوهمند[oo]، به شما روحی از اش۱۱:۲؛ حک۷:۷؛
فرزانگی و مکاشفه در شناسایی خود عطا ۱-قرن۲:۱۰؛ ۱-یو۵:۲۰
کند؛ [۱۸]چشمان دل شما را روشن سازد[p]، تا افس۳:۹ ۲-قرن۴:۴-۶
بدانید دعوت او چه امیدی[q] را برای شما افس۴:۴؛ کول۱:۵،۲۷
می گشاید و ارزش شکوهی[qq] که شما را در کول۱:۱۲؛ تث۳۳:۳-۴؛
بین مقدسان[r] وارث آن می کند چیست، [۱۹]و حک۵:۵ اع۲۰:۳۲
عظمت فوق العادهٔ قدرت او نسبت به ما کول۲:۱۲؛ ۲-قرن۱۳:۴
ایمانداران، برطبق شدت نیروی عمل او، ۳:۲۰؛ روم۸:۱۱؛
[۲۰]که آن را در مسیح به کار انداخت، از ۱-قرن۶:۱۴؛ فی۳:۱۰
میان مردگان برخیزانیده و به دست راست روم۱:۴ کول۳:۱
خود[s]، در آسمانهای علیّین نشاند، [۲۱]برتر از
هر سروری، اقتدار، نیرو[t] و حاکمیت و هر کول۱:۱۵-۲۰؛ ۲:۱۰؛
نامی که بتوان نامید، نه فقط در این دنیا ۱-قرن۱۵:۲۴-۲۵؛
بلکه در دنیای آینده است. [۲۲]و همه چیز را فی۲:۹؛ عبر۱:۳-۴؛
به زیر پاهای او گذاشته[u] و [همچون] سر مت۲۸:۱۸ کول۱:۱۸
والای کلیسا همه چیز را به او داده است،
[۲۳] که جسم او است، و تمامیت[v] آن که ۴:۱۰؛ کول۱:۱۹؛
همه را در همه پُر می کند. یو۱۷:۲۱-۲۳

m- تصویر مُهر کردن در مورد روح القدس بکار می رود (بند ۱۳) و نظیر ۲-قرن ۱:۲۲ با بیعانه و پیش پرداخت ارتباط دارد (۲-قرن ۵:۵).

n- ترجمهٔ تحت اللفظی: رهایی اکتساب که اصطلاحی مبهم است و مفسّران به طرز مختلفی درک و تفسیر کرده اند مثلاً: ضمانت میراث ما است تا به هنگام رهایی نهایی که در آن موقع، با ستایش شکوه او، کسب خواهیم کرد. یعنی رهایی که در تملّک میراث در ساعت آزادی نهایی حاصل گردد. در ترجمهٔ متنِ بالا چنین درک و تفسیر شده است: آزادی در بدست آوردن قومی که خدا برای خود کسب نموده تا آزادی نهایی که ما را کاملاً تصاحب خواهد کرد (ر.ک افس ۱:۱۱ k؛ ۱-پطر ۲:۹).

o- در بسیاری از نسخه های خطی کلمات محبت شما حذف شده است.

oo- ترجمهٔ تحت اللفظی: پدر شکوه. اصطلاحی مختص زبانهای سامی است برای اینکه گفته شود مظهر شکوه و جلال است، چنانکه در عربی ابوالمجد ترجمه کرده اند.

p- ترجمهٔ دیگر: دل شما را به روشنایی خود بگشاید. ترجمهٔ بالا تحت اللفظی و اصطلاحی مختص به کتاب مقدس است. ر.ک مز ۱۳:۴؛ ۱۹:۹.

q- در مورد مفهوم کلمهٔ امید ر.ک کول ۱:۵ e.

qq- ترجمهٔ تحت اللفظی: و ثروت شکوهی...

r- منظور از مقدسان، اعضای قوم خدا یعنی کسانی هستند که تعمید یافته اند (ر.ک ۱:۱) ولی در این نامه که موضوع دنیای آسمانی مطرح شده است و با ادبیات دوران متأخر یهود و مخصوصاً نوشته های قمران ارتباط دارد ممکن است منظور از مقدسان، فرشتگان و جمعیت آسمان باشد (ر.ک کول ۱:۱۲ n). همچنین تصور کرده اند که ممکن است منظور مسیحیان یهودی الاصل باشند که بقیهٔ قدوسیت اسرائیل می باشند و مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند به آنان پیوسته اند. (ر.ک افس ۱:۱۲ l و روم ۱۵:۲۵ h). به طور کلی در افسسیان و کول سیان مسیحیان را مقدسان نامیده اند و این کلمه جای برادران را گرفته است.

s- مز ۱۱۰:۱.

t- ر.ک کول ۱:۱۶ s.

u- مز ۸:۷.

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: تمامیت آنکه از همه چیز کاملاً پُر است. در اینجا نظیر افس ۳:۱۹ و ۴:۱۳ کلیسا به عنوان تمامیت مسیح نامیده شده است (ر.ک کول ۱:۱۹ w). کلیسا بوسیله مسیح سرشار از ثروت های زندگی الهی است و چنانکه در کول ۲:۹-۱۰ اظهار شده خودش مملوّ از خدا است. در اینجا به بیان یوحنای قدیس می پیوندیم که می گوید: پدر در پسر است، پسر در شاگردان است و شاگردان در دنیا هستند (یو ۱۷:۱۱، ۲۰-۲۶؛ ر.ک یو ۱:۱۶).
درک این بند که دشوار است به چندین گونه تفسیر می شود. به هرصورت بهتر است از ترجمهٔ کلمهٔ تمامیت به مکمّل خودداری شود (کلیسا مکمّل مسیح است). بعضی از مفسران پیشنهاد می کنند ترجمه شود: تمامیّت آنکه همه چیز را در همه پُر

از مرگ به زندگی

تیط۳:۳-۷ **۲** [۱] و شما در خطاها و گناهانتان مرده
۵:۲؛ کول۲:۱۳ بودید [۲] و در گذشته، در آنها برطبق
کول۳:۷ دوران[w] این جهان راه می‌رفتید، برطبق
۱۲:۶؛ حکمران قدرت جوّ[x]، آن روح که اکنون در
۲-قرن۴:۴؛ یو۱۲:۳۱ بین پسران نافرمانی[y] در کار است... [۳] در
۶:۵ بین آنان ما همگی[z]، در گذشته در
روم۲؛ ۹:۳،۲۳ هوس های جسمانی خود رفتار می کردیم،
خواسته های نفسانی[a] و افکار [بد] را
انجام می‌دادیم، و بمانند دیگران به حسب
کول۳:۶ طبیعت فرزندان خشم بودیم[b]. [۴] امّا خدا که
۱-پطر۱:۳؛ یو۳:۱۶-۱۷ از نظر رحمت غنی است، به سبب محبّت
عظیمی که به ما محبت کرده است، [۵] در آن ۱:۲؛ کول۲:۱۳؛
حال که بوسیلهٔ خطاها مرده بودیم، ما را با لو۱۵:۲۴،۳۲؛ روم۶:۱۳
مسیح[c] زنده کرد، -شما بوسیله فیض، ۸:۲؛ اع۱۵:۱۱
نجات یافته اید[d]! - [۶] ما را با او برخیزانیده کول۳:۱-۴؛ روم۸:۱۱
و ما را با مسیح در آسمانهای علّیین نشانده افس۱:۱۹
است، [۷] تا در روزگاران آینده[e] فراوانی
غنای فیض خود را نشان دهد، بوسیله ۷:۱
مهربانی که نسبت به ما در مسیح عیسی
دارد. [۸] زیرا شما بوسیلهٔ فیض از طریق روم۳:۲۴؛ ۹:۱۶؛
ایمان نجات یافته اید. و این موهبت از شما غلا۲:۱۶
نیست بلکه از سوی خدا است. [۹] نه به یو۴:۱۰؛ عبر۶:۴
اعمال است تا کسی به خود افتخار نکند. روم۳:۲۸؛ ۲-تیمو۱:۹؛ ۱-قرن۱:۲۹؛ غلا۶:۱۴

می کند (یعنی کلیسا، تمامیت مسیح آن را جان بخشیده و به کمال می‌رساند. ر.ک ۴:۱۳). یا اینکه تمامیت آنکه هر چیز را در همه پُر می کند (یعنی کلیسا، که تمامیّت مسیح است، خودش از هر حیث در جهان وارد می شود ر.ک ۴:۱۰).

w- ترجمهٔ دیگر: شما از خدای این دنیا پیروی می کردید. کلمهٔ یونانی که در اینجا دوران ترجمه شده است به معنای: قرن، دنیا، دور زمانه و روزگار آمده است (ر.ک ۱:۲۱؛ ۲:۷؛ ۳:۹، ۱۱) و چنانکه از بقیه مطالب برمی‌آید در اینجا به صورت شخصیتی مجسّم شده و نیرویی فوق بشری را نشان می‌دهد که در عین حال جنبهٔ فضایی و موقتی دارد و تمام گرایش های دنیایی خصومت خدا در او جمع شده است. در آیین های گنوستیک این کلمه نقش اساسی دارد. معمولاً این کلمه را برطبق جریان این دنیا ترجمه می کنند.

x- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: رئیس قدرت هوا. در نظر قدما، جوّ هوا از سطح زمین تا کرهٔ ماه ادامه دارد و برطبق نامه به افسسیان، حوزهٔ قدرتهای مخالف است که بین خدا و آدمیان قرار دارند.

y- ترجمهٔ دیگر: در بین نافرمایان در کار است... این عبارت تمام نشده است. فکری که در بند آغاز شده، مجدداً در بند ۵ ادامه خواهد یافت. این اصطلاح را می توان ترجمه کرد: در نافرمایان.

z- یهودیان و سایر ملّت ها همگی به یک نوع داوری می شوند و مشمول یک خشم هستند. ر.ک روم ۱:۱۸؛ ۳:۲۰.

a- کلمه ای که نفسانی ترجمه شده و پس از کلمهٔ خواسته ها آمده است، در ترجمه تحت‌اللفظی (اراده های جسم ما) است. در مورد مفهوم جسم، تن، نفس ر.ک روم ۱:۳ g.

b- ترجمهٔ دیگر: و به مانند دیگران به حسب طبیعت به خشم اختصاص داشتیم. فرزندان خشم (مثل پسران نافرمانی در بند ۷) اصطلاحی مختص زبانهای سامی است و به کسی اطلاق می شود که صنعتی را به کمال حائز باشد و گاهی او را پدر آن صنعت می نامند مثل کلمات ابوجهل، ابن الوقت، ابن السبیل و در این نامه پسران نافرمانی و فرزندان خشم و غیره. کلمهٔ به حسب طبیعت را گاهی به مفهوم بر اثر تولّد تعبیر کرده اند و در اینجا موضوع گناه اولیه آدم ابوالبشر درک می شود(ر.ک روم ۵:۱۲ j) امّا در اینجا درمقابل کلمات بوسیلهٔ فیض و خشم خدا آمده، لذا مستقیماً نتیجه گناهان فردی است.

c- در بعضی از نسخه های خطی: در مسیح زنده کرد.

d- فعل یونانی که در اینجابکار برده شده وضعیت کنونی را بیان می کند که در نتیجه عملی در زمان گذشته بوجود آمده است. در نامه به افسسیان سخن از نجات و رستاخیز ایمانداران و صعود ایشان به آسمانها است (بند ۶) و این امور به صورت حقایق کنونی و فعلی هستند. این نظریه که نجات تحقق یافته است قبلاً در کول ۲:۱۲ n مطرح شده، از مختصات نامه های به افسسیان و کولسیان است درصورتی که پولس در نامه های قبلی اظهار می کرد این امر در آینده رخ می‌دهد (ر.ک افعالی که به زمان مستقبل در روم ۶:۳-۱۱؛ ۸:۱۱، ۱۷-۱۸ آمده است) و به صورت امیدواری بیان گردیده است (روم ۸:۲۴).

e- ترجمهٔ دیگر: در قرن های آینده. چنین به نظر می رسد که کلمهٔ دوران یا روزگار، زمان محدودی داشته، جاودانی نیست با این همه بعضی از مفسران برای این کلمه جنبهٔ تجسّم شخصیت قائل شده، ترجمه کرده اند: در بین دورانهای آینده (ر.ک ۲:۲ w).

۲-قرن۱۷:۵؛ غلا۱۵:۶ [10] زیرا ما، ساختهٔ او، آفریدهٔ در مسیح
تیط۱۴:۲ عیسی هستیم تا در اعمال نیکی که خدا قبلاً
آماده کرده است سلوک نمائیم[f].

همگی در مسیح

[11] بدین سبب به خاطر بیاورید که در
۸:۵ گذشته که شما در جسم[جزو]امتها
روم۱۷:۱۱ بودید[g]، یعنی نامختون نامیده می شدید
کول۱۱:۲ بوسیلهٔ اهل ختنهٔ جسمانی، که مختون نامیده
می شدند؛ [12] در آن زمان بدون مسیح[h]،
کول۲۱:۱؛ ۱۸:۳؛ روم۵-۴:۹ محروم از شهروندی اسرائیل، بیگانه از
پیمانهای وعده، امیدی نداشته، در جهان
۱-تسا۱۳:۴ بدون خدا[i] بودید. [13] امّا اکنون در مسیح
اع۲۳-۲۲:۱۷ عیسی، شما که قبلاً دور بودید، بوسیلهٔ خون
اش۱۹:۵۷؛ اع۳۹:۲ مسیح[j] نزدیک شده اید. [14] زیرا او صلح ما
کول۲۰:۱؛ ۱۴:۲ است، او که هردو را یکی کرده[k]، دیوار
اش۵:۹ جدایی[l] کینه را نابود ساخته است،
کول۱۴:۲ *[15] قانون فرمانها با دستورات آن[m] را در
مت ۹:۵ تن خود از بین برد، تا از آن دو[n] در خود
حزق۱۷:۳۷ یک انسان نو[o]، در صلح بسازد، [16] و هر دو
کول ۱۰:۳؛ ۲-قرن۱۷:۵ را بوسیله صلیب، در یک جسم[p] با خدا
کول۲۰:۱ آشتی داده، کینه را در آن[q] کشت. [17] و او

f- ترجمهٔ دیگر: اعمال نیکی که برای آنها خدا پیشاپیش آماده کرده است تا در آنها متعهد شویم. نجات و زندگی جدیدی که از نتیجه آن حاصل می شود و اعمال نیکی که مربوط به آن است همگی از فیض والای خدا است. فرد مسیحی بایستی آنچه را خدا آماده کرده است تشخیص داده، انجام دهد. در بندهای ۸-۱۰ در چند عبارت قاطع، فیض خدا ذکر شده و در نامه های به رومیان و غلاطیان تشریح گردیده است. ولی موضوع برائت و عادل شناخته شدن که در نامه های مذکور مبنای استدلال و بحث بوده در منظرهٔ نامه به افسسیان مطرح نمی شود.

g- ترجمهٔ دیگر: شما که نشانهٔ مشرک بودن را در جسم خود داشتید.

h- گرچه در متن یونانی بدون مسیح ذکر شده است ولی ندرتاً بدون مسیح موعود ترجمه می کنند زیرا در این بند سخن از مزایای قوم اسرائیل است. وعده ای که به ابراهیم داده شده بود (پید ۱۸:۱۸) و انتظار قوم اسرائیل برمبنای آن است که در پیمانهای بعدی گواهی و تأیید شده است.

i- مشرکان، خدانشناس بودند زیرا با تمام خدایانی که داشتند به هیچ وجه خدای زنده و واقعی را نمی شناختند (۱-تسا ۹:۱). از طرف دیگر مشرکان هم مسیحیان را «بی خدا» بشمار می آوردند زیرا نه معبد و نه بت هایی داشتند.

j- آغاز نقل قول اش ۱۹:۵۷. ر.ک بند ۱۷.

k- ترجمهٔ تحت اللفظی: از دو چیز یک چیز کرده است. البته منظور این است که یهودیان و مشرکان را به صورت یک قوم درآورده است.

l- دیوار جدایی. ترجمهٔ تحت اللفظی: جدار محوّطه (که البته منظور جدار محوطه و حصار است). منظور از دیوار جدایی: ۱- به قانونی تعبیر شده است که در بند ۱۵ ذکر شده است افراد نجس و پاک را بوسیلهٔ مقررات و دستورات مذهبی و شرعی از یکدیگر جدا می کرد؛ ممکن است سدّی باشد که مانع از ورود مشرکان به قدس اورشلیم بوده است و در صورت عدم رعایت مستوجب مرگ می شده است؛ ۲- یا اینکه اشاره به دیوار آسمانی باشد که حصاری غیرقابل عبور بین دنیای زمینی تشکیل می داده است و نظریه ای از مذاهب سرّی بوده است، به هرصورت طرز ترکیب عبارت دشوار است و بعضی از مفسّران تصور می کنند کلمهٔ کینه تفسیری است که بعداً به متن افزوده شده است تا مفهوم اصطلاح دیوار جدایی را توضیح دهد.

صلح که تمامیّت نجات مسیحایی است (ر.ک اش ۵:۹، ۶؛ میک ۴:۵؛ ۱-پاد ۲۶:۵ k) در بنیان گذاری کلیسا تحقق می یابد و متقابلاً صلح که در قوم خدا تثبیت و مُهر شده است واکنش جهانی دارد.

* در برخی ترجمه ها، بندهای ۱۴ و ۱۵ متفاوت تقسیم بندی شده اند.

m- ترجمهٔ تحت اللفظی: قانون فرمانها در دستورات. قانون تورات و مقررات و دستورهای شرعی مربوطه قوم اسرائیل را در وضعیتی مخصوص محصور می کرد که قابل مصالحه با سایر ملّت ها نبودند و در اینجا به عنوان منبع کینه متقابل محسوب می شود.

n- ترجمهٔ دیگر: تا یهودیان و مشرکان...

o- دربارهٔ انسان نو ر.ک کول ۱۰:۳ q. نامه به افسسیان در اینجا انسان نو را با جسم مسیح یکی می کند: زیرا در او یهودیان و ملت های دیگر، بدون تمایز متحد شده اند تا با هم در زندگی جدیدی زیست نمایند.

p- بعضی از مفسّران تصور می کنند منظور جسم مسیح برخاسته از مرگ است و مفسران دیگری این کلمه را کلیسا تعبیر می نمایند. به هرصورت این دو تفسیر نبایستی متناقض باشند.

q- منظور از آن (صلیب) است و یا اینکه این کلمه را او ترجمه کرده و (مسیح) دانسته اند.

آمد تا صلح را به شما که دور بودید اعلام ؛۱۵:۶
نماید، و صلح را به آنانکه نزدیک بودند[r]؛ اش۵۲:۷؛ زک۹:۱۰
۱۸زیرا بوسیلهٔ او، ما هر دو به یک روح ؛۱۲:۳
در نزد پدر[s] دسترسی داریم. ۱۹بدین سان، روم۵:۲؛ ؛۱۵:۸
دیگر شما غریب و مقیم[t] نیستید، بلکه عبر۷:۲۵؛ ؛۱۰:۱۹-۲۰؛ ۱-پطر۳:۱۸
شهروندان مقدسان[u]، و اهل خانهٔ خدایید. ۶:۳
۲۰که بر روی شالودهٔ رسولان و انبیاء[v] بنا غلا۴:۲۶؛ فی۳:۲۰؛ عبر۱۲:۲۲-۲۳
شده اید و مسیح عیسی خود سنگ زاویهٔ[w]
آن است. ۲۱که در او هر ساختمانی با هم ۱-قرن۳:۹-۱۰؛ مت۱۶:۱۸؛
[x] آراسته، همچون معبدی مقدس در مکا۲۱:۱۴ اش۲۸:۱۶ ۱-پطر۲:۶
خداوند توسعه می یابد، ۲۲در او شما نیز ۴:۱۵-۱۶؛ کول۲:۱۹
با هم بنا شده اید تا در روح مسکن خدا ۱-قرن۳:۱۶؛ ۲-قرن۶:۱۶؛
شوید. یو۲:۲۱ ۱-پطر۲:۵

پولس در خدمت راز مسیح

۳ ۱بدین سبب من، پولس، زندانی ۴:۱؛ کول۴:۱۸
مسیح عیسی، برای شما، امتها[y]...
۲زیرا نظام فیض خدا را که به خاطر شما
به من محوّل شده است[z] شنیده اید، ۳که کول۱:۲۵-۲۹
این، بوسیلهٔ مکاشفه[a] به من الهام

r- اش ۵۷:۱۹. این عبارات جزو تعلیمات رسولان است که البته جدا از تعلیمات خود عیسی نیست (ر.ک بندهای ۱۳ و ۱۴). این نقل قول صریح از کتاب اشعیا در حقیقت مراجعه به مجموعهٔ فصلهای ۵۶ و ۵۷ کتاب آن پیامبر است. وی فرا رسیدن روزی را اعلام می کند که پسران بیگانگان به اسرائیل خواهند پیوست تا در معبد به خداوند خدمت نمایند و از همان عنوانی که یهودیان دارند برخوردار خواهند بود.

s- آشتی کردن، دسترسی ایمانداران را به پدر مقدور می سازد و در عین حال آنان را با یکدیگر متحد می کند. در نامهٔ به رومیان دسترسی به پدر نتیجه قطعی تبرئه و عادل شناخته شدن است (روم ۵:۲). این موضوع مجدداً در این نامه می آید. افس ۳:۱۲ (ر.ک i).

t- این کلمه را گاهی مهاجر ترجمه می کنند و منظور کسانی هستند که اجازه داشتند در سرزمین مقدس اقامت نمایند دون اینکه از حقوق کامل شهروندی برخوردار باشند درصورتی که مسافرانی که از این سرزمین عبور می کردند غریب یا بیگانه نامیده می شدند.

u- مقدّسان ر.ک ۱:۱۸ r.

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: شما بر روی پی ریزی رسولان بنا شده اید... در نامه به افسسیان جمعیت مسیحیان همچون خانهٔ خدا و معبد پایان زمان تصویر شده است و این موضوع بین مسیحیان اولیه و جمعیت قمران مشترک است. منظور از کلمهٔ پیامبران کسانی هستند که در جمعیت اولیه مسیحیان بودند و نبایستی آن را به مفهوم پیامبران عهد عتیق درک کرد. در افس ۴:۱۱-۱۲ در ذکر خدمتگزاران کلیسا بلافاصله پس از رسولان از پیامبران یاد شده است؛ با رسولان در مکاشفهٔ راز خدا سهیم هستند (۳:۵) و با ایشان پایهٔ جمعیت مسیحیان را تشکیل می دهند. پولس در ۱-قرن ۳:۱۰-۱۱ این نقش پایه و اساس را برای خود مسیح قائل شده است. بدین سان نامه به افسسیان بیشتر با مفاد مت ۱۶:۱۸ مشابه و نزدیک است.

w- سنگ زاویه سنگی است که بنّایان به علت شکل مناسب در زاویه و نبش ساختمان بکار می برند. سنگ دیگری که در بنای ساختمانهای سنگی اهمیت دارد سنگی است که در رأس سقف قوسی بکار برده می شود زیرا وقتی دو طرف قوس را بالا می برند آخرین سنگی که در رأس قوس قرار گرفته، آنها را به یکدیگر متّصل می کند باید به ابعاد و شکل معیّن باشد و آن را سنگ کلید قوس می نامند. در متن بالا بعضی از مفسّران تصور می کنند منظور سنگ زاویه است و برخی دیگر آن را سنگ کلید قوس می دانند که رأس ساختمان است و مجموعهٔ سقف را نگه می دارد معنی اخیر با موضوع فرمانروایی مسیح بیشتر تطبیق می کند که در این نامه مهم ترین نکته است (۱:۲۲) ر.ک ۱-پطر ۲:۴-۸.

x- در بعضی از نسخه ها: تمام ساختمان... توجه نمایید در بندهای ۱۹-۲۲ شش کلمه بکار رفته است که همه از ریشهٔ لغوی خانه آمده است.

y- این عبارت ناتمام مانده، مجدداً در بند ۱۴ ادامه می یابد.

z- ترجمهٔ تحت اللفظی: اگر لااقل از نظام فیض خدا اطلاع داشتید که دربارهٔ شما به من داده شده است. در این عبارت طولانی دو اصطلاح مختص پولس با یکدیگر تلفیق شده است: فیض (خدا) که به من داده شده است (روم ۱۲:۳؛ ۱۵:۱۵؛ ۱-قرن ۳:۱۰؛ غلا ۲:۹) که با کول ۱:۲۵ «نظام خدا که به من داده شده است». منظور از این نظام روشی است که خدا در اجرای طرح بازخرید پیروی می کند و وظیفه و نقش پولس را در این مشیّت تعیین می نماید.

a- کلمهٔ یونانی که در اینجا مکاشفه ترجمه شده است در نوشته های عهد جدید سه مفهوم اساسی دارد: ۱- آمدن عیسی در شکوه (ر.ک ۱-قرن ۱:۷؛ ۲-تسا ۱:۷)؛ ۲- الهام رسالت در مورد انجیل و مأموریت کسی که حامل این رسالت است (غلا ۱:۱۲، ۱۶؛ روم ۱۶:۲۵)؛ ۳- مکاشفه پیامبرانه که دربارهٔ جنبه ای از ارادهٔ خدا و اطاعت مسیحی است (مثلاً ۱-قرن ۱۴:۶؛ غلا ۲:۲). در این بند مکاشفه به مفهوم الهام رسالت است.

غلا۱:۱۲-۱۶ گردید[b]، چنان که مختصری نوشته ام. [۴]از
۱:۹-۱۰؛ کول۱:۲۶ آنچه می‌خوانید، می توانید درک مرا در
روم۹-۱۱ راز مسیح بفهمید، [۵]از آنچه در نسلهای
دیگر برای فرزندان آدمیان شناخته نشده
کول۱:۲۶؛ روم۱۶:۲۵-۲۶ بود چنانکه اکنون به رسولان مقدس او و
به پیامبران[c] بوسیله روح، آشکار شده
۱۳:۲، ۱۸-۱۹ است، [۶]اینکه امتها شریک در میراث و
شریک در جسم و بوسیله انجیل در مسیح
عیسی، شریک در سهم وعده هستند، [۷]که
کول۱:۲۳-۲۵ من برطبق موهبت فیض خدا، خدمتگزار
آن شده ام، آن که برطبق عمل قدرت او به
من داده شـــــــده است. [۸]به من، که

کوچکترین همه مقدسانم، این فیض عطا ۱-قرن۱۵:۹-۱۰؛
شده است که به امتها غنای نفوذناپذیر ۱-تیمو۱:۱۵
مسیح را[d] نوید دهم [۹]و [برای همگان] غلا۱:۱۶؛ ۸:۲ افس۱:۷
روشن کنم[e] نظام رازی[f] را که از روزگاران، کول۱:۲۶؛ روم۱۶:۲۵
در خدا، آنکه همه چیز را آفریده، پنهان ۱-قرن۲:۷-۹؛
بوده است، [۱۰]تا اکنون به حکمرانان و ۱-پطر۱:۱۲ ۱:۴-۱۱
قدرتهایی که در آسمانهای علّیین هستند حک۷:۲۷؛ روم۱۱:۳۳-۳۶
حکمت های مختلف خدا[g]، بوسیلهٔ کلیسا
شناسانده شود، [۱۱]برطبق مشیت که از ۱-پطر۳:۱۸
روزگاران، در مسیح عیسی، خداوند ما عبر۴:۱۶؛ ۱۰:۱۹
مقرر کرده است[h]، [۱۲]که در او ما جسارت
و اطمینان به دسترسی[i] بوسیلهٔ ایمانِ در او

b- موضوع اساسی نامه های به افسسیان و کولسیان راز مشیّت جاودانی خدا است که در گذشته از آدمیان پنهان بوده اکنون اظهار گردیده است (افس ۱:۹-۱۰؛ ۳:۳-۱۰؛ کول ۱:۲۶-۲۷؛ ر.ک قبلاً روم ۱۶:۲۵-۲۶؛ ۱-قرن ۲:۷-۹). این نظریه بیش از آنکه ناشی از یهودیان یونانی زبان باشد مربوط به نوشته های مکاشفه ای یهود است (ر.ک دان ۲:۲۱-۲۳، ۲۸-۳۰، ۴۷؛ کتاب هنوخ و متون قمران). آنچه از مفاد این نامه برمی آید این راز در عیسی مسیح به تمامیّت رسیده، همه آثار و نتایج آن در نتیجهٔ مأموریت ظاهر می شوند که عبارتند از: دعوت مشرکان به نجات، آشتی یهودیان و ملّت ها که در یک جسم متحد شده اند، اتحاد و وصلت مسیح با کلیسای خود، اطاعت تمامی جهان از مسیح. موضوع را مختص به انجیل پولس است و مربوط به مأموریت منحصربه فرد او و در بین رسولان است، نظریاتی که در افس ۲:۱۱-۲۲ اظهار شده مجدداً در افس ۳:۱-۱۳ ذکر می شود درحالی که بر شخص پولس متمرکز خواهد شد.

c- رسولان مقدس و پیامبران: ر.ک ۲:۲۰. متن مشابهی در کول ۱:۲۶ (ر.ک یادداشت b) آمده و در آنجا اظهار شده است که مکاشفه و الهام به (تمام) مقدسان اظهار گردیده، در اینجا نامه به افسسیان بدین گونه صریحاً تفسیر می نماید.

d- در این نامه نوبت به نوبت سخن از غنای نفوذناپذیر مسیح (۳:۸)؛ حکمت های مختلف خدا (۳:۱۰)؛ بالاخره «چهار بُعد» است (۳:۱۸). منبع این مطالب نوشته های حکمت کتاب مقدس است: مثلاً مصدر نفوذ کردن، کلمهٔ حکمت و ابعاد در کتاب بن سیراخ در یک جا جمع شده است (بنسی ۱:۳) درجایی که می گوید: بلندی آسمان، وسعت زمین، ورطه و حکمت، چه کسی می تواند در آنها نفوذ کند؟

e- در بعضی از نسخه های خطی: برای همگان روشن کنم...

f- ترجمهٔ دیگر: روشن کنم چگونه خدا راز را تحقق می بخشد.

g- قدرتهای مسئول قانون تورات و محافل مذهبی یهود قبل از دوران مسیحیت (ر.ک کول ۱:۱۶ s) از جریان طرح الهی بی خبر بودند (۱-قرن ۲:۸). کلیسا که یهودیان و سایر ملّت ها را متحد می ساخت، آخرین تجلی مشیت خدا بوده، به عبارت دیگر تجسّم حکمت بشمار می رفت. با توجه به این نکته قدرت درمی یابند که بشریت جدید مستقیماً در مسیح به خدا دسترسی دارد (ر.ک بندهای ۱۰ و ۱۱) و نقش مبهم و موقتی ایشان پایان یافته است.

h- ترجمهٔ دیگر: آماده کرده است.

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: آزادی و دسترسی. در اینجا دو کلمه مهم بکار برده شده، کلمه اولی که آزادی ترجمه کرده ایم به مفهوم آزادی در گفتار بوده، وضعیت کسی است که می تواند هرچه می خواهد بگوید. به نظر مفسران مفهوم این کلمه گاهی تأکید بر اینست که شخص صادق بوده و بی پرده سخن می گوید، گاهی بر اینکه گوینده جرأت سخن گفتن دارد، گاهی به سبب آزادی گفتار و گاهی آنچه می گوید جنبهٔ عمومیّت و آشکارا دارد (ملاحظه کنید افس ۳:۱۲؛ ۶:۲۰؛ کول ۲:۱۵؛ ر.ک یو ۱۶:۲۵، ۲۹؛ اع ۴:۳۱؛ ۲-قرن ۳:۱۲)؛ کلمه دوّم که جزو لغات آیین نیایش یا دربار سلطنتی بکار می رود متضمّن مفهوم دسترسی به حضور خدا یا پادشاه است (ر.ک ۲:۱۸؛ روم ۵:۲؛ همچنین ر.ک ۱-پطر ۳:۱۸؛ عبر ۴:۱۶؛ ۱۰:۱۹).

داریم. [۱۳] همچنین درخواست می کنم از
کول۱:۲۴ رنجهایی که به خاطر شما می کشم و شکوه
شما است، مأیوس نشوید!

شناختن محبت مسیح

[۱۴] بدین سبب نزد پدر زانو می زنم،
۱:۱۷-۱۸؛ مت۱۱:۲۵ [۱۵] آنکه هر خانواده ای در آسمانها و بر روی
زمین از او نام گرفته است[j]: [۱۶] تا برطبق
غنای شکوه خود به شما عطا کند که بوسیله
کول۱:۱۱ روح او در قدرت نیرومند شده، انسان
حک۱:۴؛ باطنی[k] باشید؛ [۱۷] بوسیله ایمان، مسیح در
یو۱۴:۲۳؛ روم ۸:۱۱؛ دلهای شما جای گیرد؛ در محبت ریشه و
کول۱:۲۳؛ ۲:۷؛ مز۸۹:۳ بنیان بگیرد، [۱۸] تا نیروی آن را داشته
کول۲:۲-۳؛ ایوب۱۱:۸-۹ باشید، با تمام مقدسان بدانید پهنا، درازا،
بلندی و ژرفا چیست[l]، [۱۹] و محبت مسیح را
بشناسید که فراتر از شناسایی است تا از ۱-قرن۱۳؛ غلا ۴:۹
همهٔ تمامیت خدا سرشار شوید[m]. کول ۲:۹

[۲۰] به آنکه می تواند برطبق قدرتی که در روم۱۶:۲۵-۲۷؛ یهو۲۴
ما عمل می کند برتر از همه، بسی فراتر از کول۱:۲۹
آنچه می خواهیم یا تصور می نماییم انجام
دهد، [۲۱] بر او، شکوه در کلیسا[n] و در مسیح
عیسی برای همه نسلها در روزگاران و
روزگار[باد]. آمین!

خطاب به تعمید شدگان: بنا کردن جسم مسیح در اتّحاد

۴ [۱] پس من که در خداوند[o] زندانی کول۳:۱۲-۱۵؛ فی۲:۱-۴
هستم، شما را تشویق می کنم،
شایستهٔ دعوتی که خوانده شده اید[p] رفتار ۱:۳؛ کول۴:۱۸
نمایید، [۲] با فروتنی تمام و ملاطفت، با کول۱:۱۰

j- ترجمهٔ دیگر: کسی که هر [مقام] پدری نام خود را از او می گیرد. (در اینجا با کلمه های پدری و خانواده که در زبان یونانی از یک ریشه هستند هنر جناس بکار برده شده است). پدر که در عیسی مسیح متظاهر شده است منشأ هر گروه آدمیان یا فرشتگان است. این نیایش که قبلاً شروع شده و در ۲:۳ قطع شده بود ادامهٔ نیایشی است که در ۱:۱۶-۲۳ آمده است و با مدح و ستایش خداوند قسمت اول نامه را به پایان می رساند.

k- منظور از این اصطلاح قسمت منطقی انسان است (ر.ک روم ۷:۲۲ g) و در مقابل انسان بیرونی بکار برده شده که جسم فناپذیر او است (۲-قرن ۴:۱۶). این موضوع از فلسفه عامه یونانی گرفته شده، سوای نظریه انسان نو در مقابل انسان کهن است که نظریه یهودیان است. با این همه پیش می آید که انسان باطنی تقریباً با انسان نو یکی گرفته شود چنانکه در ۲-قرن ۴:۱۶، در اینجا و در افس ۳:۱۶ بدین گونه است به هرصورت اصطلاح انسان باطنی بیشتر مربوط به علم انسان شناسی بوده، نزدیک به مفهوم کلمهٔ دل در بند ۱۷ است.

l- ذکر ابعاد مختلف و شمارش آنها که در نامه به افسسیان آمده از نوشته های حکمت کتاب مقدس گرفته شده است تا یادآوری و تأکید شود که حکمت خدا و راههای آن را نمی توان دریافت: ر.ک ایوب ۱۱:۵، ۸ که می گوید: حکمت... بالاتر از آسمانها است... ژرف تر از جایگاه مردگان، طولانی تر از زمین و عریض تر از دریا است (ر.ک همچنین افس ۳:۸ d). در اینجا چهار بُعد به صراحت و روشنی تشریح نشده و مسلماً ابعاد مشیّت اسرارآمیز خدا است (ر.ک افس ۳:۱-۱۳) و مهمتر از همه محبت او است که در بند ۱۸ آمده است. در یک تفسیر کهن موضوع چهار بُعد با شروع از صلیب توضیح داده شده است که مظهر و نشانهٔ عمل مسیح در توسعهٔ وحدت کلیساها (ر.ک افس ۲:۱۳-۱۷) و جنبهٔ جهانی آن است (ر.ک کول ۱:۲۰). بعضی از مفسران این موضوع را با بعضی از نظریات و اظهارات علمای اخلاق نزدیک دانسته اند که مربوط به تمامی جهان است.

m- ترجمهٔ تحت اللفظی: تا شما از همهٔ تمامیّت خدا سرشار باشید. در اینجا هم نظریه ای که در کول ۲:۹-۱۰ آمده بیان می شود (ر.ک افس ۱:۲۳ v): بدین معنی که در تمامیتی که مسیح از خدا دریافت کرده است و به جسم خود منتقل می نماید ایمانداران شرکت می کنند. همچنین می توان چنین درک کرد: سرشار برای ورود در همهٔ تمامیّت خدا. در بعضی از نسخه های خطی: تا اینکه همهٔ تمامیت خدا پُر شود.

n- کلیسا شکوه خدا را متجلّی می کند به همان گونه که تجسّم حکمت جاودانی او است. ۳:۱۰.

o- اصطلاح: در خداوند را می توان به جملهٔ شما را تشویق می کنم ارتباط داد. به این ترتیب: من که زندانی هستم شما را در خداوند تشویق می کنم.

p- درمقابل مخالفت (بندهای ۱-۳) و کفر و الحادی که کلیسا را تهدید می کند (بندهای ۱۴-۱۶) نویسندهٔ نامه از منابع اتحاد سخن می گوید که عبارتند از: حضور فعّال روح القدس، خداوند و پدر (بندهای ۴-۶) و فعّالیت متمرکز خدمتگزاران کلیسا (بندهای ۷-۱۳). این اتحاد در نیروی رشد و توسعه کلیسا تحقق می یابد (بندهای ۱۲، ۱۳، ۱۵-۱۶).

شکیبایی یکدیگر را در محبت تحمل غلا۶:۲
کنید، ۳ کوشش کنید یگانگی روح را فی۱:۲۷
بوسیلهٔ رشتهٔ صلح حفظ نمایید[q].
۴ یک جسم و یک روح هست، چنانکه ۱-قرن۸:۶؛ ۱۲:۴-۶؛
شما هم بوسیلهٔ خوانده شدن، در یک امید مت۲۳:۸-۱۰
دعوت شده اید؛ ۵ یک خداوند، یک ایمان، ۲:۱۶-۱۸؛
یک تعمید؛ ۶ یک خدا و پدر همه، که بر روم۱۲:۵؛ ۱-قرن۱۰:۱۷؛ ۱۲:۱۲-۱۳
فراز همه و در میان همه و در همه است[r]. کول۱:۵
۷ امّا به هریک از ما، برطبق اندازهٔ مر۱۲:۲۹؛ یو۱۰:۱۶؛ ۱-قرن۱:۱۳
موهبت مسیح، فیض عطا شده است[s]. روم۱۱:۳۶
۸ بدین سبب می گوید: روم۵:۱۵؛ ۱۲:۳-۶؛ ۱-قرن۱۲:۱۱

به سوی بلندی، بالا رفته، اسارت را اسیر کول۲:۱۵
ساخته
به آدمیان عطیه ها داد[t].
۹ بالا رفته است یعنی چه؟ جز اینکه به یو۳:۱۳؛
نواحی زیرین زمین[v] پایین رفته است[u]. روم۱۰:۶-۷؛ فی۲:۷-۸
۱۰ آنکه به پایین رفته همان است که بالای
همهٔ آسمانها است، تا همه چیز[w] را پُر کند، روم۱۲:۶-۸؛ ۱-قرن۱۲:۲۸
۱۱ و هم او است که عطا کرده بعضی ها
رسولان، بعضی دیگر انبیاء، بعضی دیگر
بشارت دهندگان، بعضی دیگر شبانان و
معلّمان باشند، ۱۲ و مقدسان را برای عمل

q- ضرورت توافق و یکدلی در جمعیت، انعکاسی از اتحاد جهانی است (کول ۱:۲۰) و مشارکت یهودیان و سایر ملّت ها در ایجاد یک قوم منحصربه فرد خدایی است.

r- ترجمهٔ تحت اللفظی: که بر فراز همه، در خلال همه و در همه است. ترجمهٔ دیگر: یک خدا و پدر همه، که بر همه فرمانروا است، بوسیله همه عمل می کند و در همه هست. بند ۴ تا ۶ اظهارات مختصر و کوتاهی است که جنبهٔ آیین نیایشی دارد و بیشتر با کلمات و اصطلاحات سه تایی بیان می شود. این قسمت نامه احتمالاً عبارات یک بیان اصول ایمان تعمیدی بوده که نویسنده آن را تغییر داده است. اصرار و تأکیدی که بر کلمهٔ «یک» می شود بیان اصول ایمان اسرائیل را به یاد می آورد. تأثیر این قسمت نامه در بیان اصول ایمانی که در نیقیه تهیه شده کاملاً آشکار است. بند ۶ که در ستایش خدا پایان می یابد از عبارات و اصطلاحات علمای علم اخلاق گرفته شده است. ضمناً در این قسمت بعضی از مطالب را که لحن جدل و مباحثه دارند بایستی نادیده گرفت.
کلمهٔ امید (بند ۴) به معنی آن چیزی است که انتظار آن را دارند (ر.ک کول ۱:۵ e؛ افس ۱:۱۸)؛ کلمهٔ ایمان در اینجا به مفهوم بیان اصول ایمان است.

s- شرح و توضیحاتی که در بندهای ۷-۱۶ داده شده از یک طرف جنبهٔ آموزشی داشته، راز کلیسا را توضیح می دهد، از سوی دیگر با هشدارهایی که داده شده جنبهٔ موعظه و اندرز دارد ضمناً از نظر شیوهٔ نگارش و طولانی بودن مطالب به صورت آیین نیایش است (از بند ۱۰ تا بند ۱۶ یک عبارت است!)

t- در مز ۶۸:۱۹ گفته نشده است که: به آدمیان عطیه ها داده است، بلکه برعکس می گوید: تو در بین آدمیان عطیّه ها گرفته ای. شکی نیست که پولس این عبارت را از یک تفسیر یهودی گرفته است و در آن تفسیر مفهوم مزمور را به اقامت موسی بر روی کوه سینا منسوب کرده اند: «تو به آسمان بالا رفته ای... تورات را فرا گرفته ای و آن را به آدمیان هدیه کرده ای.» (متن تارگوم دربارهٔ مزامیر). هنگامی که مسیح در عید گذر با جلال و شکوه به آسمان بالا رفته است (بندهای ۹-۱۰) روح القدس را عطا کرده است (در صورتی که عید پنجاهه جشن اعطای قانون تورات بوده). در اینجا نویسنده نامه به افسسیان از آمدن روح القدوس یاد نمی کند بلکه خدمتگزاران مختلفی را برمی شمارد که به کلیسا «عطا شده اند» تا بنای آن را تحقق بخشند.

u- در بعضی از نسخه های خطی: بدواً پایین رفته است.

v- ترجمهٔ دیگر: جز اینکه بر روی زمین پایین آمده است. یک تفسیر از مزموری که نقل شده چنین است: مسیح که با حشمت و جلال شاهانه به بالا برده شده همان کسی است که خود را حقیر ساخته است. به نظر بعضی از مفسّران منظور از فرود آمدن به روی زمین است و نه به جهنّم یا جایگاه مردگان (زیرا زمین نسبت به آسمان پایین محسوب می شود). (ر.ک روم ۱۰:۶-۷). افعال فرود آمدن و بالا رفتن کلماتی را به یاد می آورند که یوحنّا بکار برده است (یو ۳:۱۲، ۱۳؛ ۶:۵۱-۶۲) و به نظر بعضی از مفسّران این کلمات مسیری است که به عقیدهٔ پیروان گنوستیک در سرتاسر جهان طی می شود.

w- مسیح جهان را پُر می کند زیرا کلیسا را پُر می کند (ر.ک افس ۱:۲۲-۲۳). این امر بوسیلهٔ خدمتگزاران کلیسا تحقق می پذیرد که پس از بند ۱۰ ذکر شده است.

خدمت در بنای جسم مسیح[x] مجهز نمایند، ۲-تیمو۳:۱۷
۱۳تا اینکه همگی ما، به یگانگی ایمان و ۱-قرن۱۴:۲۶؛ ۱-پطر۲:۵
شناختن پسر خدا و [مقام] مرد بالغ[y] به کول۱:۲۸
اندازهٔ قامت مسیح در تمامیت آن برسیم. لو۲:۵۲؛ غلا۴:۱۹
۱۴ تا بیش از این کودکانی نباشیم[z]، ۲-تیمو۴:۳-۴؛ عبر۱۳:۹
دستخوش امواج، و هر باد عقیدتی ما را روم۱۶:۱۹؛ ۱-قرن۳:۱-۳؛
ببرد، بوسیله شیّادی آدمیان در خدعه به ۱۴:۲۰؛
گمراهی؛ ۱۵ بلکه حقیقت را در محبت بیان عبر۵:۱۱-۱۴
کرده[a] ،از هر حیث به سوی او که سَر است، ۱:۲۲؛ کول۱:۱۸
یعنی مسیح[b] رشد نماییم، ۱۶از او تمامی
جسم، بوسیلهٔ پیوندهایی که دارد به هم
متصل و متحد شده، هرکدام[c] به اندازهٔ
فعالیت خود رشد جسم را ایجاد می کند تا
خود را در محبت بنا نماید[d]. ۲:۲۰

در گذشته و اکنون

۱۷این را می گویم و در خداوند شهادت
می دهم: دیگر به مانند امت ها رفتار نکنید روم۱:۱۸-۳۲
که در بیهودگی ذهن خود رفتار می نمایند[e]. ۱-پطر۴:۳
۱۸فکرشان تاریک شده، به علت جهالتی که
سبب سختی دلشان است از حیات خدا ۲:۱۲؛ مر۳:۵؛
بیگانه گردیده اند. ۱۹ بی حس شده، به کول۱:۲۱ ۱-پطر۱:۱۴

x- مجداً موضوع فراوانی عطایای مسیح مطرح می شود. در بند ۷ فیضی که به هرکدام عطا شده است ذکر گردیده ولی در نامه به افسسیان برعکس ۱-قرن ۱۲ و روم ۱۲:۳-۸ عطایا و موهبت های مختلف ذکر نشده بلکه در مورد ابتکار خداوند تأکید گردیده است که به کلیسا اشخاص مورد نیاز را عطا کرده است تا آن را بنا نمایند. مشاهده می شود در بین خدمتگزاران ترتیب در تقدم وجود دارد و برای مقام رسالت برتری قائل شده و مخصوصاً در مورد خدمتگزاری سخن تأکید گردیده است که بدون شک از فحوای کلام الهام می گیرد (بندهای ۱۳-۱۵).
این بند را می شود به طرز دیگری درک کرد: برای تکامل مقدّسان، به منظور عمل خدمتگزاری، به منظور تهذیب... در این صورت سه هدف درنظر گرفته شده؛ و تعمید شدگان استفاده می نمایند و نه اینکه عوامل عمل خدمتگزاری باشند.

y- ترجمهٔ تحت اللفظی: مرد به تمام (کامل). بعضی از مفسران تصور می کنند منظور از مرد بالغ در اینجا کلیسا است ولی چون در مقابل کلمه کودکان (بند ۱۴) آمده و معنی دقیق کلمه یونانی مرد است (در مقابل زن) نشان می دهد که منظور انسان بالغ در مقابل کودک است.

z- با توجه به تمام نوشته های پولس، کودک همواره به عنوان عدم بلوغ روحانی و عدم بلوغ فکری است (۱-قرن ۳:۱؛ ۱۳:۱۱؛ غلا ۴:۱، ۳). و ما نبایستی به مانند کودکان بمانیم. با این همه با دعوت انجیل مغایرتی ندارد که از ما دعوت می کند تغییر یافته، همچون کودکان خردسال باشیم.

a- ترجمهٔ دیگر: در محبّتی حقیقی زندگی کنیم.

b- این عبارت را همچنین درک کرده اند: همه چیز را (جهان) به سوی او که رأس است یعنی مسیح رشد دهیم.

c- ترجمهٔ دیگر: برطبق فعالیتی که به اندازهٔ هرکدام بخش شده است (ر.ک ۴:۷). در نسخهٔ دیگری: به اندازهٔ هر عضو (لازم به یادآوری است دو کلمه یونانی عضو و بخش شبیه به هم بوده، فقط در یک حرف اختلاف دارند). این بند مفاد همان کول ۲:۱۹ است که به آن شرح و بسط بیشتری داده شده است.

d- سه موضوع جسم مسیح آنچه مختصراً در ۱-قرن ۱۲:۴-۵ ذکر شده در اینجا شرح و توسعه جدیدی داده می شود. در نامه به افسسیان با اظهار بر اینکه مسیح رأس است، با اظهاراتی دربارهٔ راز و مأموریت کلیسا بر فرمانروایی مسیح و مسئولیت جسم تأکید می نماید و در زمینه ای دورنمای جهانی زندگی را بیان می نماید که قوم خدا را جان می بخشد. نظریه رشد و توسعه که در کول ۲:۱۹ آغاز شده، تمام اهمیت خود را بدست می آورد. اُمید پایان دوران جهان شکل تازه ای گرفته است: بدین معنی که در انتظار بازگشت مسیح این توسعه جسم ادامه دارد تا اینکه کاملاً تحقق پذیرد. بالاخره ملاحظه می شود که موضوع جسم و رشد آن با موضوع خانهٔ خدا و بنای آن تلفیق گردیده است (ر.ک افس ۲:۲۰-۲۲ و یادداشت بند ۲۰ g).

e- از اینجا سخنان و مطالبی آغاز می شود که جنبه اندرز و تشویق داشته، کاملاً نمونهٔ آموزش اخلاقی جمعیت اولیه مسیحیان است. این مطالب از نوشته های عهد عتیق گرفته شده است (مز ۴:۵؛ زک ۸:۱۶؛ ر.ک بندهای ۲۵-۲۶)، ولی مخصوصاً انعکاسی از موضوع های جاری در نوشته های متأخر یهودیان و مخصوصاً نوشته های قمران است. روش معمولی که دو طریقه یا دو روحیه را درمقابل یکدیگر قرار داده، با هم مقایسه کنند در اینجا به صورت مقابله و مقایسه بین وجود کهن و وجود نو ارائه شده است. ر.ک ۵:۸ u.

کول۳:۵ هرزگی پرداخته اند تا در هرگونه ناپاکی
کول۲:۶-۷ حرص بورزند[f]. ۲۰امّا شما مسیح را
یو۱۴:۶ بدین گونه نیاموخته اید[g]، ۲۱اگر لااقل به
او گوش داده و در او تعلیم یافته اید، برطبق
حقیقتی که در عیسی هست[h]: ۲۲باید رفتار
کول۳:۸-۱۰ پیشین خود و انسان کهن را که با هوس های
فریبنده خود را فاسد می کند به دور
روم۱۲:۲ اندازید. ۲۳با روح ذهن خود را تازه کنید
پید۱:۲۶ ۲۴و انسان نو را دربر کنید که برطبق خدا
لو۱:۷۵ در عدالت و قدوسیت حقیقت آفریده شده
است[i].
۲۵بدین سبب دروغ را به دور افکنده،
هرکدام به همسایهٔ خود[j] حقیقت را بگویید
روم۱۲:۵؛ ۱-قرن۱۲:۱۲ زیرا ما اعضای یکدیگر هستیم.
۲۶خشمگین شوید امّا گناه نکنید[k]، تا
خورشید با خشم شما غروب نکند، ۲۷و به
ابلیس مجال ندهید[l]. ۲۸آنکه دزدی
می کرد، دیگر دزدی نکند، بهتر آنکه با
دست های خود[m] زحمت کشیده کار نیکو اع۲۰:۳۴-۳۵؛ ۲-تسا۴:۱۱
کند، تا چیزی داشته باشد به آنکه نیاز دارد
بدهد. ۲۹سخن بدی از دهانتان بیرون ۵:۴؛ کول۳:۸؛
نیاید، بلکه اگر نیاز است [سخن] خوبی مت۱۵:۱۱؛ یع۳:۱۰-۱۲
[بیرون آید] تا تهذیب کند و به شنوندگان
فیض بدهد. ۳۰روح القدس خدا[n] را کول۴:۶
غمگین نکنید، که بوسیلهٔ او برای روز ۱-تسا۵:۱۹
بازخرید ممهور شده اید. ۳۱هر تلخی، و ۱:۱۳-۱۴
خشم، و غیظ، و فریاد، و کفرگویی با کول۳:۸
هرگونه شرارت از نزد شما برداشته شود.
۳۲با یکدیگر مهربان و همدرد باشید، کول۳:۱۲-۱۳
یکدیگر را ببخشایید چنانکه خدا در
مسیح[o] شما را بخشیده است.

f- ترجمهٔ دیگر: تا بدانجا که کاملاً به هرنوع ناپاکی در حص بپردازند. در این سه بند نکات مهم مطالبی که در مورد طرز رفتار مشرکان در روم ۱:۱۸-۳۲ مشروحاً آمده است خلاصه می شود.
g- اشاره به آموزش های مذهبی است که منجّر به تعمید می شود. در مطالب بعدی کلمات و اصطلاحی بکار برده شده که مختص تعمید است، چنانکه در کول ۳ نیز چنین است (انسان کهنه را از خود بیرون کردن برای پوشیدن انسان نو. ر.ک کول ۳:۱ k).
h- حقیقتی که در عیسی هست، پیام مرگ و رستاخیز او است ر.ک ۴:۲۴ i. در اینجا تنها موردی است که نام عیسی، تنها و بدون توصیف آمده است. هدف این عبارت ممکن است مخالفانی باشد که عیسی را به عنوان منجی آدمیان نمی پذیرفتند (آنانکه تمایلات گنوستیک داشتند)؟
i- در امتداد مطالب و نظریات نوشته های حکمت کتاب مقدس و نوشته های مکاشفه ای (ر.ک نوشته های قمران)، نویسنده در این نامه چندین بار برای کلمه حقیقت، تمامیت معنی را قائل شده است که طرز بکار بردن یوحنا را بیاد می آورد: و عبارت از مکاشفه و الهامی متمرکز بر عیسی است که موجب توافق کامل آدمی با عمل خدا می باشد (ر.ک مخصوصاً افس ۱:۱۳؛ ۴:۱۵، ۲۱، ۲۴؛ ۶:۱۴).
j- زک ۸:۱۶.
k- ترجمهٔ یونانی مز ۴:۵.
l- ر.ک ۶:۱۱. در نامه هایی که منسوب به پولس است، کلمه ابلیس در جای دیگری غیر از اینجا بکار برده نشده است. ولی این کلمه شش بار در نامه های رسولی آمده است (۱-تیمو ۳:۶، ۷، ۱۱؛ ۲-تیمو ۲:۲۶؛ ۳:۳؛ تیط ۲:۳).
m- ترجمهٔ تحت اللفظی: خوب کار کردن با دست های خود. این فعل یونانی را می توان کردن یا کار کردن ترجمه کرد. بدین سبب گاهی عبارت را چنین درک می کنند: بهتر آنکه به خود زحمت داده شرافتمندانه با دست های خود کار بکند. به هرصورت ترجمهٔ تحت اللفظی این بند مبهم است، در بعضی از نسخه های خطی جای کلمات دست های خود و خوب عوض شده و در بسیاری از نسخه ها این کلمات وجود ندارند. ترکیب عبارت تلفیقی از ۱-قرن ۴:۱۲ و غلا ۶:۱۰ است.
n- ممکن است اشاره به اش ۶۳:۱۰ باشد: نافرمانی کردند و روح القدس او را غمگین نمودند. این عبارت در نوشته های یهود به صورت دیگری هم ارائه شده که مدارک قمران آن را تأیید می کند و برطبق آن روح القدس که به آدمیان عطا شده است (یا حکمت، ر.ک حک ۱:۵) بر اثر طرز رفتار انسان غمگین یا شاد می شود.
o- در بعضی از نسخه های خطی: خدا در مسیح ما را بخشیده است.

۵ ۱پس مثل فرزندان محبوب، به — مت۵:۴۸؛ ۱-قرن۱۱:۱؛
خدا تأسّی کنید[p]، ۲با محبت رفتار — روم۱۵:۱۴؛ ۱-یو۳:۱۶
کنید چنان که مسیح به شما[q] محبت داشته — ۵:۲۵؛ غلا۲:۲۰
و خود را به خاطر ما، چون عطر خوش بو[r]، — فی۴:۱۸
هدیه و قربانی به خدا تسلیم کرده است. — عبر۱۰:۱۰
۳بی عفتی و هر ناپاکی یا حرص در بین — کول۳:۵
شما حتی ذکر نشود، چنانکه شایسته
مقدّسان است، ۴و سخنان شرم‌آور و — ۴:۲۹؛ کول۳:۸
حرف های مهمل یا شوخی های ناهنجار که — کول۱:۳؛ ۳:۱۵
شایسته نیست، بلکه سپاسگزاری، ۵زیرا
این را مسلّم بدانید هر بی عفتی یا ناپاک — کول۳:۵؛ ۱-قرن۶:۹-۱۰
یا حریص که یک بت پرست است میراثی
در ملکوت مسیح[s] و خدا ندارد. ۶هیچ کس — ۴:۱۴؛ کول۲:۴،۸؛
با سخنان بیهوده شما را فریب ندهد، زیرا — کول۳:۶ ۲:۲
بدین سبب خشم خدا بر پسران نافرمانی[t]
می‌آید. ۷پس همدست ایشان نشوید. ۸در — ۲-قرن۶:۱۴-۱۶
گذشته شما ظلمت بودید، ولی اکنون در — کول۱:۱۳؛ ۱-تسا۵:۴-۸
خداوند نور هستید؛ همچون فرزندان نور[u]
رفتار کنید. ۹زیرا ثمرهٔ نور، در همهٔ — لو۱۶:۸؛ یو۱۲:۳۶
نیکی، عدالت و حقیقت است. — غلا۵:۲۲
۱۰تشخیص دهید آنچه خوشایند خداوند — روم۱۲:۲
است، ۱۱و در اعمال بی ثمر ظلمت — ۲-یو۱۰-۱۱
شرکت نکنید، بلکه آنها را افشا کنید.
۱۲زیرا آنچه بوسیله ایشان در نهان انجام
می شود، حتی گفتن آنها شرم‌آور است.
۱۳امّا تمام این چیزهای افشا شده بوسیلهٔ
نور آشکار شده است، ۱۴زیرا هرچه — یو۱:۵
آشکار شده نور است[v]. بدین سبب
می گوید:

ای خفته، بیدار شو، — یو۵:۲۵؛ روم۱۳:۱۱؛
از میان مردگان برخیز، — ۲-قرن۳:۱۸؛
و مسیح بر تو خواهد درخشید[w]. — عبر۱۰:۳۲

۱۵پس درست مواظب باشید چگونه — کول۴:۵
رفتار می نمایید؛ نه مانند بی حکمتان بلکه

p- در نوشته های عهد جدید، تقلید کردن از خدا موضوعی استثنایی است. پولس در نامه های خود اظهار می کند که از مسیح تقلید می نماید و همین طور به پیروان خود اظهار می کند از خودش تقلید نمایند. (۱-تسا ۱:۶-۷؛ ۱-قرن ۱۱:۱).

q- در بعضی از نسخه های خطی: چنانکه مسیح به ما محبت داشته.

r- یادآوری از متن های خروج ۲۹:۱۸؛ مز ۴۰:۷ و حزق ۲۰:۴۱.

s- این اصطلاح در نوشته های عهد جدید منحصربه فرد است. نامه به افسسیان ملکوت مسیح و ملکوت خدا را با هم یکجا آورده درصورتی که در ۱-قرن ۱۵:۲۴-۲۸ کاملاً از یکدیگر متمایز هستند.

t- در مورد نافرمانان ر.ک ۲:۲ v.

u- در این قسمت تصاویر معمولی آموزش مذهبی تعمید ذکر شده است: بدواً سخن از لباسی است که ترک می کنند و لباسی که دربر می کنند (۴:۲۲-۲۵)، سپس موضوع تأسّی به خدا (۵:۱) و بالاخره اختلاف بین ظلمات و روشنایی مطرح گردیده که مختص نوشته های قمران و مسیحیان اولیه است (یع ۱:۱۷-۱۸؛ ۱-پطر ۲:۹؛ ۱-یو ۱:۵-۷). ضمن اندرزها و دستورات مثبتی که داده شده «صورت اسامی عیب ها» ذکر گردیده که جزو آموزش های مذهبی معمولی است و در نوشته های مذهبی می توان یافت.

v- معنی این بندهای مشکل ظاهراً چنین است: نور افکندن بر روی گناه و روشن کردن آن آشکار می کند که سزاوار تقبیح است. مضافاً بر اینکه آنچه روشن شود در این روشنایی شرکت می کند و این روشنایی همان مسیح است. ر.ک یو ۳:۲۰-۲۱ که در آنجا همین نکته به طرز دیگری مطرح و تشریح شده است.

w- این عبارت نقل قول از متن ناشناخته ای است و شاید یک سرود قدیمی مسیحی است (ر.ک ۱-تیمو ۳:۱۶) و می توان تشخیص داد که از کتاب اشعیا الهام گرفته شده است (اش ۲۶:۱۹؛ ۵۱:۱۷؛ ۵۲:۱؛ ۶۰:۱).
کلمنت اسکندریه عبارت را چنین ادامه می دهد: این خورشید رستاخیز که پیش از شیطان آورده شده، بوسیله اشعه خود زندگی عطا کرده است. در بعضی از نسخه های خطی که پدران کلیسا گواهی کرده اند چنین است: از میان مردگان برخیز و تو مسیح را لمس خواهی کرد. یا اینکه: و مسیح تو را لمس خواهد کرد. در بین سخنانی که دربارهٔ تعمید است کلمهٔ روشنایی اهمیت فراوانی دارد (عبر ۶:۴؛ ۱-پطر ۲:۹).

۱-قرن۷:۲۶،۳۱ همـچـون حکـیـمـان[۱۶]که از زمـان حـاضـر
استـفـاده می‌کـنـنـد[رفـتـار کـنـیـد][x]، زیـرا
[این] روزها شرّ هستند. [۱۷]بنابراین نادان
نـبـاشـیـد، بـلـکه ارادهٔ خـداونـد را درک
امث۲۳:۳۱ نمایید. [۱۸] مست شراب مشوید که بی بند
و بـاری است، بـلـکه از روح پُـر شـویـد،
[۱۹]بـین خـودتـان، بـا مـزامـیـر، سـرودهـا و
مز۳۳:۲-۳ آوازهای روحانی[y] گفتگو کنید و خداوند
را از تَه دل بسرائید و ترنم کنید. [۲۰]به نام
کول۳:۱ خـداونـدِ مـا عـیـسی مـسـیح، به خـدا و پـدر
همواره و برای همه چیز سپاسگزاری کنید.

روابط جدید

۱-پطر۵:۵ [۲۱]در ترس از مسیح از یکدیگر اطاعت
کول۳:۱۸-۱۹ کـنـیـد[z]. [۲۲] ای زنـان، همـچـون خـداونـد،
مطیع شوهران خود باشید. [۲۳]زیرا شوهر ۱-قرن۱۱:۳
سر زن است همچنانکه مسیح سر کلیسا، کول۱:۱۸
او که نجات دهـنـدهٔ جسم[a] است. [۲۴] امّا
همچنانکه کلیسا تابع مسیح است، همچنان
زنـان در هـر مـورد نـسـبـت به شـوهـران
[باشند]. [۲۵]ای شوهران به زنان محبت
داشته باشید چنانکه مسیح به کلیسا محبت ۵:۲
داشته و خود را به خاطر او تسلیم کرده
است[b]، [۲۶]تا او را مقدس سازد با پاک
کردن به شست‌وشوی با آب بوسیله کلام[c] عبر۱۰:۱۰،۱۴؛ ۱۳:۱۲؛
[۲۷]تا این کلیسا را شکوهمند، به خود یو۱۷:۱۹؛ ۱-قرن۶:۱۱؛
عرضه نماید؛ بدون لکه یا بدون چین یا ۷:۱۴
چیزی مثل آن، بلکه مقدس و بی عیب ۲-قرن۱۱:۲ مز۴۵:۱۴
باشد. [۲۸]بدین سان شوهران باید به زنان غزل۴:۷ ۱:۴؛ کول۱:۲۲
خود محبت داشته باشند، چنانکه به جسم ۱-قرن۷:۴

x- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: زمان را بازخرید کنید. همین اصطلاح در کول ۴:۵ آمده ولی در اینجا مفهوم وسیع‌تری دارد (و بدین سبب به طرز دیگری ترجمه می‌شود). منظور از روزهای شرّ یا روزهای بد، روزهایی است که این نامه نوشته می‌شده، یا به طور کلی روزهای کلیسا است. این نکته در نوشته‌های حکمت کتاب مقدس آمده (جا ۹:۱۰) ولی در اینجا معنی پایان دوران جهان را گرفته است.

y- ر.ک کول ۳:۱۶ c.

z- در نامه به افسسیان موعظه‌های کول ۳ در مورد روابط جدید مجدداً مطرح گردیده است (کول ۳:۱۸ b). با این همه در این نامه شرح مخصوصی دربارهٔ اتّحاد مسیح و کلیسا داده شده که به این فصل ابعاد جدیدی می‌دهد.

a- تعداد زیادی از مفسّران این بند را به طوری نقطه‌گزاری کرده‌اند که چنین خوانده می‌شود: چون مسیح رئیس کلیسا است، او نجات دهندهٔ جسم خود است، امّا چون کلیسا تابع مسیح است... بدین وسیله می‌خواهند نقش ریاستی را که مسیح بر کلیسا اجرا می‌کند و همان نقش شوهر نسبت به زن است، از نقش نجات‌دهنده متمایز و جدا کنند زیرا نقش اخیر را نمی‌توان در مورد شوهر نسبت به زن قایل گردید. امّا ذکر این تمایز معنی و تعبیر متن را دگرگون می‌کند زیرا نقش اقتدار مسیح بر کلیسا جنبهٔ استیلایی ندارد بلکه برمبنای محبّتی است که نجات‌دهندهٔ جسم خود می‌باشد و به‌خاطر آنکه به او محبت دارد خود را تسلیم می‌نماید. بندهای ۲۸ و ۲۹ نشان می‌دهند که اگر شوهر نجات‌دهنده زن نیست (و این معنی از کلمهٔ امّا در آغاز بند ۲۴ مستفاد می‌شود) نقش او به عنوان رئیس هم برمبنای محبت و از خودگذشتگی است.

b- رابطهٔ ازدواج برمبنای رابطهٔ مسیح و کلیسا است و ضمناً رابطهٔ اخیر را روشن می‌کند. در این توضیحات که مختصراً در ۲-قرن ۱۱:۲ مطرح شده، مجدداً سخنان پیامبران را دربارهٔ پیمان وصلت خدا با قوم اسرائیل می‌گوید(ر.ک هو ۱-۳ و غیره). ولی در این نامه (بندهای ۲۸-۳۱) موضوع را با روایت آفرینش زن (پید ۲:۲۱-۲۴) آمیخته که در آنجا زن به عنوان گوشت و خون (جسم) شوهر و همچون شخصیت دوم او ارائه گردیده است. در اینجا موضوع کلیسا به عنوان جسم مسیح به طرز کاملی بیان می‌شود. ضمناً نظریه‌ای که مسیح را رأس کلیسا می‌داند و طرح موضوع زن و شوهر به روشنی نشان می‌دهد که اقتدار مسیح برمبنای قربانی شدن او و با مسئولیت کلیسا ارتباط متقابل داشته، در این نکته ابهام و تمایزی نیست.

c- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: با پاک کردن بوسیلهٔ شست‌وشوی آب در یک سخن. قبلاً حزق ۱۶:۹ تصویر شست‌وشو را در مورد ورود اسرائیل در پیمان بکار برده بود. ضمناً بنابر رسوم شرقیان عروس را قبلاً به حمام برده، آرایش می‌نمایند. به هرصورت در اینجا کاملاً روشن است که اشاره به تعمید است (تیط ۳:۳-۷)؛ و این عمل تنها یک بار برای کلیه کلیسا بر روی صلیب تحقق یافته است. ضمناً پاک شدن بوسیله سخن هم در انجیل چهارم ذکر شده است (ر.ک یو ۱۵:۳؛ همچنین ر.ک یو ۱۳:۶، ۱۱). در اینجا ذکر کلمه سخن را به عنوان یادآوری بیان اصول ایمان فردی که تعمید می‌یابد درک کرده‌اند.

خود دارند. آنکه به زن خود محبت دارد،
به خود محبت دارد. [29]زیرا هرگز کسی تن
خود را منفور نداشته بلکه آن را تغذیه و ۱-تسا۲:۷
مواظبت می نماید همچنانکه مسیح نسبت
به کلیسا است. [30]زیرا ما اعضای جسم او روم۱۲:۵؛ ۱-قرن۶:۱۵؛ ۱۲:۲۷
هستیم[d]. [31]بدین سبب، آدمی پدر و مادر
خود را ترک خواهد کرد و به زن خود مت۱۹:۵؛ ۱-قرن۶:۱۶
خواهد پیوست و هر دو در یک تن خواهند
بود[e]. [32]این راز بزرگی است؛ من دربارهٔ ۳:۳؛ مکا۱۹:۷
مسیح کلیسا سخن می گویم[f].
[33]به هرصورت، هریک از شما همچون
خود به زن خویش محبت کند و زن باید
شوهر خود را حرمت نهد.[g]

۶

[1]ای فرزندان، از پدر و مادرتان کول۳:۲۰-۲۱
[در خداوند][h] اطاعت کنید، زیرا
این عدل است. [2]به پدر و مادرت احترام مت۱۵:۴
کن - این اولین فرمان همراه با وعده است،
[3]تا خوشبخت باشی و مدّت درازی بر روی
زمین زندگی کنی[i]. [4]و ای پدران، فرزندان
خود را خشمگین نکنید؛ بلکه با تأدیب و تث۶:۷، ۲۰-۲۵؛ امث۱۹:۱۸
تذکّر خداوند بار آورید[j].
[5]ای بردگان، از خداوندان
تن(جسمانی)[k]، با ترس و لرز[l]، در کول۳:۲۲-۴:۱
ساده دلی خود، اطاعت کنید، چنانکه نسبت
به مسیح[مطیع هستید]. [6]نه چونکه تحت
نظر هستید، برای خوشایند آدمیان باشد،
بلکه همچون بردگان مسیح که ارادهٔ خدا را
به جان و [ll] انجام می دهند. [7]با خیرخواهی،
خدمت کنید، چنانکه خدا را، نه انسان را،
[8]می دانند که اگر کسی خوبی بکند، آن را
از خداوند بازخواهد یافت، چه برده و چه ۲-قرن۵:۱۰
آزاد باشد. [9]و ای خداوندان به همانگونه
با ایشان رفتار کنید. از تهدید خودداری
نمایید؛ و بدانید که خداوند ایشان و شما
در آسمانها است و در نزد او تبعیض نیست.

d- پس از اعضای جسم او، در یک نسخه خطی قدیمی اضافه شده است: که از گوشت و استخوانهایش گرفته شده (پید ۲:۲۳) و نقل قولی را که در بند بعدی آمده است تأیید می کند (پید ۲:۲۴).
e- پید ۲:۲۴.
f- متفکران یهودی دربارهٔ آغاز کتاب پیدایش غور کرده اند تا معنی ژرف آن را درک نمایند (ر.ک مواردی که در ۱-قرن ۲:۱۱-۱۶؛ ۱۵:۴۴-۴۶ به آنها اشاره شده است). ولی چنین به نظر می رسد که این نامه با هرگونه تفسیر دیگری مخالف بوده و درمقابل آنها توضیح پید ۲:۲۴ را آورده و به عنوان نظر رسولان اعلام می کند. پولس که الهام راز را دریافته است در اینجا جنبهٔ جدیدی از آن را درمی یابد که عبارت از اتّحاد وصلت مسیح در کلیسا است و اتّحاد زناشویی انعکاسی از آن است. بنابراین موضوع سخنان و نصایح اخلاقی نبوده بلکه مسئله ژرفای راز است که مفهومی مختص مسیحیت دربر دارد.
g- ترجمهٔ دیگر: «و زنی از شوهر خود بترسد». واژه یونانی به معنی ترس است و همان کلمه ای است که در بند ۲۱ آمده است.
h- کلمات: در خداوند در تعداد زیادی از نسخه های خطی وجود ندارد.
i- خروج ۲۰:۱۲.
j- خداوند مربّی حقیقی است و والدین ابراز و عوامل تربیت بشمار می روند. ر.ک امث ۳:۱۱-۱۲ که در عبر ۱۲:۵-۶ عیناً نقل شده است.
k- ترجمهٔ تحت اللفظی: خداوندان برطبق جسم.
l- این اصطلاح که در کتاب مقدس بکار رفته و نشان می دهد که آدمی در اوضاع و شرایط مختلف در برابر خدا چگونه است (۱-قرن ۲-۳؛ ۲-قرن ۷:۱۵؛ فی ۲:۱۲).
ll- ترجمه تحت اللفظی: ارادهٔ خدا را از ژرفای روح خود انجام می دهد.

مبارزه ایمان

کول۱۱:۱ [۱۰]به هرحال، در خداوند و در نیروی
۲-قرن۷:۶ اقتدار او خود را تقویت کنید. [۱۱]اسلحهٔ
کامل خدا را دربر کنید، تا بتوانید در برابر
۴:۱۰ نیرنگ های ابلیس[m] پایداری نمایید.
مت۲۹:۱۲ ۱-پطر۵:۸-۹ ۲۱:۱ [۱۲]زیرا کشتی ما[o] علیه خون و تن نیست[n]،
بلکه علیه رؤسا، علیه اقتدارها، علیه حکام
۲:۲ جهان این ظلمت، علیه ارواح شرارت در
آسمانهای علیّین است[p]. [۱۳]بدین سبب
اسلحه کامل خدا را برگیرید، تا بتوانید در
روز شرّ مقاومت کرده، همه چیز را انجام
داده پایداری کنید. [۱۴]پس بر پای بایستید!
کمر خود را به حقیقت ببندید[q]، زره
روم۱۵:۱۰ ۱۷:۲ عدالت[r] را بپوشید، [۱۵]و کفش آمادگی[s]
انجیل صلح را به پاها کنید. [۱۶]علاوه بر
این همه سپر ایمان را بگیرید، که بوسیله
آن می توانید تمام تیرهای آتشین شریر را
خاموش کنید. [۱۷]و کلاه خُود نجات[t] و هو۵:۶؛
شمشیر روح را که سخن خدا است[u] عبر۱۲:۴؛ مکا۱۶:۱
دریافت کنید. [۱۸]با هرگونه نیایش و کول۴:۲-۴
التماسی، در هروقت بوسیله روح دعا کنید، لو۱:۱۸؛ ۱-تسا۱۷:۵
و بدین منظور مراقب باشید برای تمام
مقدّسان اصرار والتماس نمایید، [۱۹]و برای
من نیز تا هروقت دهان خود را باز می کنم، روم۳۰:۱۵ لو۱۵:۲۱؛
به من سخنی داده شود[v] تا با جسارت[w] راز اع۲۹:۴
انجیل[x] را بشناسانم، [۲۰]که سفیر در زنجیر اع۳۱:۲۸؛ فی۲۰:۱ ۳:۳
آن هستم. تا بتوانم با جسوری[y] چنانکه باید ۲-قرن۲۰:۵ کول۱۸:۴؛ فی۱۳:۱
سخن بگویم.

پیام شخصی

کول۴:۷-۸ [۲۱]برای اینکه شما هم آنچه در مورد من
است بدانید و آنچه می کنم، همهٔ آنها را

m- تصویر اسلحه از نوشته های عهدعتیق گرفته شده است که نشان می دهد خدا خود را برای سرکوبی دشمنان مسلح می کند. ر.ک اش ۴:۱۱-۵؛ ۵۹:۱۶-۱۸؛ حک ۵:۱۷-۱۳. اجزاء مختلف این سلاحها که مجموعه ای تشکیل می دهند در آموزشهای مذهبی پولس به مسیحیان نسبت داده می شود. ر.ک ۱-تسا ۸:۵. در روم ۱۲:۱۳، ۱۴ این تصویر با تصویر لباسها ترکیب شده است. نبرد فرزندان روشنایی علیه فرزندان ظلمت از نوشته های معروفی است که در قمران کشف شده است. در مورد ابلیس ر.ک ۴:۲۷ l.

n- ترجمهٔ دیگر: مقابلهٔ ما در برابر آدمیان نیست. اصطلاح گوشت و خون در نوشته های کتاب مقدس برای نشان دادن نیروهای آدمیان است که در مقایسه با نیروهای مافوق دنیای زمینی چیزی به حساب نمی آیند.

o- در بعضی از نسخه های خطی: مبارزهٔ شما.

p- ترجمهٔ دیگر: در آسمانها یا در آسمانهای علّیین. ر.ک افس ۳:۱ c. در اینجا تنها موردی است که محل اقامت شر در آسمانها تعیین شده است. ر.ک افس ۲:۲ x.

q-اش ۵:۱۱.

r- اش ۵۹:۱۷؛ حک ۵:۱۸.

s- اش ۵۲:۷؛ نا ۲:۱. منظور از این اصطلاح جدیت در اعلام انجیل است یا جنبشی که انجیل در زندگی ایجاد می کند.

t- اش ۵۹:۱۷.

u- در این بند خلاصه و آمیخته ای از اظهارات پیامبران ذکر شده است (اش ۱۱:۴؛ ۴۹:۲؛ هو ۶:۵).

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: در گشودن دهانم به من سخن داده شود. این عبارت مت ۵:۲ را بیاد می آورد که می گوید: عیسی با گشودن دهان با این کلمات آموزش می داد؛ منظور الهام مستقیم خدا است.

w- ترجمهٔ تحت اللفظی: با سخن گفتن آزادانه. ر.ک افس ۳:۱۲ i؛ ۶:۲۰؛ کول ۲:۱۵.

x- کلمه انجیل در تعداد زیادی از نسخه های خطی حذف شده است.

y- ر.ک بند ۱۹ w.

برادر محبوب و خدمتگزار باوفا در
خداوند، تیخیکس[z] به شما خواهد
شناسانید. [۲۲]که به همین سبب به نزد شما
فرستاده‌ام تا بدانید دربارهٔ ما و دلهای شما
تسلّی یابد.

[۲۳]صلح بر برادران[باد]، و محبت با
ایمان از سوی خدای پدر و از خداوند
عیسی مسیح. [۲۴]فیض به همهٔ آنانی که ۱-پطر۱:۸
خداوند ما عیسی مسیح را در فساد ناپذیری
محبت می کنند[a].

z- در مورد نقش تیخکس ر.ک کول ۴:۷ n؛ اع ۲۰:۴ i.
a- ترجمه تحت‌اللفظی: که خداوند ما عیسی مسیح را در فسادناپذیری دوست دارند. این جمله را همچنین می‌توان این گونه درک کرد: که خداوند ما عیسی مسیح را که فسادناپذیر است دوست دارند. یا اینکه فیض بر شما باد... و همچنین فسادناپذیری.

پیشگفتار

نامه به فیلیپیان

پایه‌گذاری کلیسای فیلیپی

شهر فیلیپی که امروز ویرانه ای بیش نیست در دوران کهن شهری آباد بوده است. این شهر در پای سلسله کوههای پانژه در دوازده کیلومتری دریا قرار داشته و بر دشتی کاملاً مزروع مشرف بوده است؛ در ضمن کانهای نقره و طلا شهر را ثروتمند می کرده است. هنگامی که فیلیپ دوم، پدر اسکندر این منطقه را به مقدونیه ضمیمه کرد، شهر را بازسازی کرده، در آن استحکاماتی ایجاد نموده و بنام خود نامید (قبلاً به نام کِرِنیدِس نامیده می شد که در زبان یونانی به معنی چشمه ها است). آگوستوس امپراتور روم در سال ۳۱ قبل از میلاد برای این شهر امتیازات فراوانی قایل شده و آن را به صورت مهاجرنشین رومیان درآورد و سربازان قدیمی بسیاری در آنجا سکونت اختیار کردند.

پولس درطی دومین مسافرت تبلیغی انجیل در سال ۴۹ یا ۵۰ میلادی به آنجا آمد و در این سفر سیلاس، تیموتاؤس و احتمالاً لوقا به همراه او بودند. زیرا روایتی که از اینجا شروع می شود (اع ۱۶:۱۰) با فعل اول شخص جمع است. در اینجا است که نخستین بار پولس، انجیل را در قارهٔ اروپا اعلام کرد. تعداد یهودیان در این شهر اندک بوده و کنیسه ای برای خود نداشتند، لذا جلسات اجتماع خود را در بیرون شهر، در کنار چشمه و یا در کنار گانتریتس (در دو کیلومتری، مغرب) تشکیل می دادند. در بین آنان، پولس چند نفر را تعمید داد. یکی، زنی بنام لیدیه فروشنده مخمل بود که با شور و حرارت به آیین مسیحیت گرویده و پولس را در منزل خود مسکن داد. با این همه مشکلاتی بوجود آمد. با پولس بد رفتاری کرده و او را به زندان انداختند بنابراین مجبور شد شهر را ترک کند ولی بدنبال خود جمعیت کوچکی گذاشت که بیشترشان مشرکان و بت پرستان سابق بودند (ر.ک اع ۱۶:۱۱-۴۰؛ ۱-تسا ۲:۲).

ارسال نامه

با محبت و صمیمیتی که در این نامه اظهار می شود (ر.ک مثلاً ۱:۳-۸؛ ۴:۱)، می بینیم که پولس علاقه مخصوصی به این کلیسا داشته است و مدام ارتباط و تماس با این کلیسا را حفظ کرده است؛ تنها جمعیتی است که چندین بار هدایای آنان را پذیرفته است. (۴:۱۵؛ ۲-قرن ۱۱:۸-۹). زیرا قاعدهٔ مرسوم پولس بر این بود که انجیل را «به رایگان» اعلام نماید (۲-قرن ۱۱:۷؛ ر.ک ۱-تسا ۲:۹؛ ۲-تسا ۳:۷-۹؛ ۱-قرن ۴:۱۲؛ ۹:۱۵؛ ۲-قرن ۱۱:۹) اگر با فیلیپیان به طرز دیگری رفتار می کند مسلماً به سبب

رفتار آنان است که خیلی برادرانه بوده است. فیلیپیان، بار اول در طی مسافرت او از مقدونیه به یونان به او کمک کرده بودند. بعداً که اطلاع می یابند مجدداً در زندان است و منبع درآمدی ندارد، هدیه هایی گرد آورده و اپافرودیت را مأمور می کنند برای او ببرد و سپس در خدمت او باقی بماند. ولی اپافرودیت بیمار شده و میل دارد به خانه باز گردد. پولس او را می فرستد و نامه را به او می سپارد و در نامه از دوستان خود تشکر می کند، از احوال خود خبر می دهد و نقشه های آینده خود را به اطلاع ایشان می رساند. با توجه به تشویق ها و سفارش هایی که برای خط مشی صحیح جمعیت می دهد، پولس در هیچ یک از نامه هایش، به استثنای نامه به فیلمون، به این اندازه خودمانی و صمیمی نیست.

زندانی شدن پولس

هنگامی که این نامه نوشته شد پولس در زندان است و نمی داند چگونه قضاوت خواهد شد. بنابر این نوشتهٔ او جزو نامه های دوران زندان محسوب می شود. بنابر آنچه در اعمال رسولان آمده است، ما به غیر از زندانی شدن او در فیلیپی، زندانی شدن او را در قیصریه می دانیم که تا شهر روم ادامه یافته است و در نامه از «نگهبان حکومتی» سخن می گوید (۱۳:۱) و از خانهٔ قیصر یاد می کند (۲۲:۴) و بنابراین بیشتر تصور می شود که نامه در روم نوشته شده است (اع ۱۶:۲۸، ۳۰-۳۱). اگر این فرضیه را بپذیریم می توان گفت که جنبهٔ محبت آمیز نامه، گذشت (۱۵:۱)، وابستگی در برابر خطر و مرگ (۲۱:۱) به سبب کهولت رسول بوده است.

با این همه اکثر مفسرّان عصر حاضر تصوّر می کنند که نامه در شهر افسس نوشته شده، در همان موقعی که دو نامه به قرنتیان را نوشته است.

در اعمال رسولان به جز چند حادثهٔ مخصوص از زندگی رسولان که برای ترسیم جریان پیشرفت انجیل است گزارش نشده، و از اقامت پولس در افسس که بیش از دو سال طول کشیده تقریباً چیزی نمی دانیم (اع ۸:۱۹-۱۰). باری پس از نامه های قرنتیان، پولس حتی قبل از قیصریه چندین بار زندانی شده (۲-قرن ۲۳:۱۱) و در افسس دچار خطرهای شدیدی گردیده است (۱-قرن ۳۲:۱۵؛ ۲-قرن ۸:۱؛ ر.ک ۲-قرن ۸:۴-۱۰؛ ۹:۶) و در نامه سخن از چندین بار رفت و برگشت است.

فیلیپیان اپافرودیت را فرستاده اند و پولس او را برگردانده است، تیموتاؤس باید دنبال او بیاید و اخباری خواهد آورد. خود پولس آزاد شده و به فیلیپس خواهد رفت. هر چقدر هم که بگویند در آن دوران رفت و آمد بین مقدونیه و روم آسان بوده (از طریق شاهراه اگناتیا) با این همه مبادله های مکرر و متعدد را اگر بین فیلیپی و افسس باشد بهتر می توان توضیح داد. از سوی دیگر نقشه های پولس در مورد تیموتاؤس با آنچه در ۱-قرنتیان ابراز شده تطبیق می کند: یعنی تیموتاؤس را از راه مقدونیه به قرنتس فرستاده و همچنین آمدن خود را اعلام کرده است (۱-قرن ۱۷:۴-۱۹؛ ۵:۱۶-۱۰) و این نکته را نوشته های اعمال رسولان تأیید می نماید که تصمیم گرفته است همان راه را پیروی کند (اع ۲۰:۱۹)، سپس این سفر را انجام می دهد (اع ۱:۲۰-۲)،

بعداً فکر می کند مأموریت او در این نواحی خاتمه یافته است و آرزویی ندارد جز اینکه به روم و سپس به اسپانیا برود (روم ۱۹:۱۵-۲۰، ۲۲-۲۸).

ذکر کلمهٔ کارمندان حکومتی، دلیل بر این نیست که این نامه در روم نوشته شده باشد: در دوران پولس این کلمه را در مورد محل اقامت فرماندار یا خدمتگزارانش و دادگاه و زندانش هم بکار می بردند و در مورد شهر افسس هم چنین بوده است. و امّا کلمه «اشخاص خاندان قیصر»، لزوماً اقوام و بستگان قیصر نیستند؛ ممکن است بردگان او و آزادشدگان بدست او باشند و این افراد در افسس زیاد بوده اند خیلی محتمل است که بسیاری از آنان به مسیحیت گرویده و طبعاً در ارتباط با پولس بوده اند.

اگر نشانه های دیگری داشتیم که پولس در افسس زندانی شده است، معلوم می شد که این نامه مدتی پیش از دو نامه قرنتیان از این شهر ارسال شده است. در وضع حاضر و اطلاعاتی که داریم غیر ممکن است این موضوع را به طوری قطعی حل کنیم و جای تأسف است زیرا با تعیین محل نگارش نامه می توان تاریخ تقریبی نگارش آن را تعیین نمود. اگر نامه در افسس نوشته شده باشد مربوط به سالهای ۵۶ یا ۵۷ میلادی خواهد بود. در این موقعیت سخنان پولس را که پیر شده است نمی شنویم بلکه وی مردی در حین مبارزه است؛ بدین گونه می توان توضیح داد به چه دلیل بستگی این نامه با نامه های بزرگ پولس و حتی با دو نامه به تسالونیکیان بیشتر است تا با نامه هایی که در دوران زندان نوشته شده اند.

صحت و اصالت نامه

هرگز کسی اصالت نامه به فیلیپیان را جداً انکار نکرده است درصورتی که بعضی از مفسران در وحدت آن تردید داشته و تصور می کنند اختلاط دو یا چند نامهٔ کوچک جداگانه بوده است، گرچه همهٔ آنها را پولس به فیلیپیان خطاب کرده است. بعضی از مفسران آنها را نامهٔ تشکر و سپاسگزاری تشخیص داده اند (۱:۱-۳:۱؛ ۴:۱۰-۲۳) و همچنین نامه هشدار در مقابل آنان که هنوز آداب و مقررات یهودی را مراعات می کردند (۳:۱-۴:۹). البته گسیختگی بین بندهای ۱:۳ و ۲:۳ ناگهانی و شدید است ولی اگر پولس نامهٔ خود را دیکته می کرده و در چندین بار نوشته می شده می توان این گسیختگی را توضیح داد. کسان دیگری نامه را به نوع دیگر تقسیم کرده و قطعات کوچکتری تصور می نمایند ولی هیچ فرضیه، طوری نیست که کاملاً یقین حاصل شود. ضمناً ملاحظه می شود که موضوع شادی در سرتاسر این نامه آمده و نشانه های دیگری هم وحدت کامل این چهار فصل را نشان می دهند و نمی توان آن را ترکیب و اختلاطی از تکّه های مختلف پنداشت.

جریان و تحوّل افکار

این نامه به صورت رساله ای نیست که با طرحی منطقی تنظیم شده باشد بلکه می توان جریان افکار را به طوری که عناوین فرعی نشان می دهد پیروی نمود.

پولس با اینکه دور است خود را نزدیک به دوستانش احساس می نماید. در آغاز نامه موضوعی را شروع می کند که در سرتاسر نامه

حضور دارد و این موضوع هم رأیی برادرانه در مسیح است که منبع شادی می باشد. وی که زندانی است نمی‌داند چه سرنوشتی خواهد داشت. ولی سرانجام زندانی شدنش هر چه باشد، مطمئن است که موضوع انجیل از این وقایع نیرومندتر بیرون خواهد آمد و هم اکنون نشانه های پیروزی مسیح را می بیند. آرزومند است وظیفهٔ رسالت خود را مجدداً بدست گیرد و از دوستانش دعوت کند مبارزهٔ خود را دلیرانه انجام دهند و در این مبارزه وحدت در فروتنی و خدمت را حفظ کنند. برای تشویق ایشان، رسول متنی را که اهمیت خاص دارد نقل می نماید و عبارت از سرود دربارهٔ مسیح، خادم رنجدیده است که خدا به عنوان خداوند دنیا مقرر کرده است. (۲-۶-۱۱). جمعیت مسیحیان در هم رأیی با مسیح پیروزمند بایستی با قدرت و امانت گواهی خود را اظهار نماید. سپس پولس نقشه های مربوط به تیموتاؤس و اپافرودیت را ذکر می کند.

در فصل سوم، ناگهان به خوانندگان خود هشدار می‌دهد که در مقابل مفسدان طرفدار آداب یهود مراقب باشند و این همان انحرافی است که در نامه به غلاطیان با آن مبارزه شده است. آیا فیلیپیان به این تبلیغات برخورد کرده بودند؟ مسلّم نیست زیرا پولس در آغاز نامه چیزی در این باره نمی گوید. بیشتر محتمل است که می‌خواهد به ایشان هشدار قبلی بدهد زیرا در کلیساهای دیگر عواقب نامطلوب این تمایلات را ملاحظه کرده است. پولس برخورد خود را با مسیح رستاخیز کرده یادآوری می کند که او را وادار کرده به هرگونه برتری خواهی، پشت پا بزند و حال آنکه قبلاً فریسی تمام عیار بوده است. بوسیلهٔ مسیح گرفتار شده و در پیروی از مسیح و به الهام او مبارزهٔ دشوار ایمان را انجام دهد. از دوستانش می‌خواهد که به همین گونه رفتار کنند. ایشان که شهروندان دنیای جدید هستند، دنیایی که خدا آماده می کند و در شکوه به پایان خواهد رساند.

پس از این اظهارات مجدداً پولس موعظه و تشویق به توافق، به صلح و شادی را از سر می گیرد. با کلماتی ظریف از دوستان خود به سبب کمکی که کرده اند تشکر می نماید و به آنان سفارش می کند دربارهٔ سرنوشت او دغدغه خاطر نداشته باشند.

بدین گونه نامه به پایان می رسد، نامه ای که در بین نوشته های پولس با نامه فیلمون بیشتر لحن و روش یک «نامه» را دارد. سخنان خصوصی و نظریات و نصایح دوستانه در سرتاسر نامه با یادآوری موضوع های مهم نظریات و افکار پولس درهم آمیخته است.

نامه به فیلیپیان

عنوان نامه

روم۱:۱ **۱** ۱ از پولس[a] و تیموتاؤس[b]، بردگان
مسیح عیسی، به همهٔ مقدسان[c] در
مسیح عیسی که در فیلیپی هستند و به
اسقفان و شمّاسان[d]؛ ۲ فیض بر شما و صلح
از سوی خدا، پدرِ ما و از خداوند عیسی
مسیح!

سپاسگزاری و نیایش

۳ هر بار که از شما یاد می کنم[e] به خدای ۱-تسا۱:۲؛
خود سپاس می گذارم. ۴ همواره، در هر روم۱:۸؛
نیایش خود، برای همهٔ شما با شادی[f] افس۱:۱۶
نیایش می کنم، ۵ به سبب مشارکتی که شما روم۱۵:۲۵-۲۷؛ غلا۲:۹؛
از اولین روز[g] تاکنون در انجیل[h] ۱-یو۱:۳
داشته اید، ۶ بر این اعتقاد دارم: آنکه چنین یو۴:۳۴؛ ۶:۲۸-۲۹؛
عمل نیکی را در شما شروع کرده است[i]، روم۱۴:۲۰؛ ۱-قرن۱:۸؛ ۱-تسا۵:۲۴

a- در اینجا نظیر ۱-تسا ۱:۱ و ۲-تسا ۱:۱ پولس ضرورتی نمی بیند که عنوان رسالت خود را ذکر کند و مسلماً بدین سبب که کسی مقام رسالت او را انکار نمی نماید، فقط خود را برده و خدمتگزار مسیح می نامد. همین کلمه در ۷:۲ نیز خواهد آمد که در مورد مسیح بکار برده خواهد شد.

b- تیموتاؤس همواره مورد اعتماد پولس بوده و بدون شک در بنیان گزاری کلیسای فیلیپی شرکت داشته است (اع ۱۶:۱، ۱۲؛ ر.ک ۱۷:۱۴-۱۵؛ ۱۸:۵). پولس در طی سومین مسافرت خود، قبل از اینکه از آسیا به مقدونیه برود، تیموتاؤس و ارسطوس را می فرستد (اع ۱۹:۲۱-۲۲ و آیا همان اعزام است که در فی ۲:۱۹ ذکر گردیده است؟). حتی اگر تیموتاؤس در نگارش این نامه شرکت نداشته، با این همه در کنار پولس بوده است.

c- ر.ک روم ۱:۷ m.

d-ترجمه تحت اللفظی: ناظران و خدمتگزاران. اولین باری است که این دو عنوان در نوشته های عهد جدید (و فقط در نامه ها) بکار برده شده است درصورتی که در دنیای یونانی و در بین یهودیان معمول بوده است. ممکن است کسانی که به این عنوان نامیده شده اند هدایایی را که برای پولس فرستاده شده بود دریافت کرده و نظارت می کردند (ر.ک ۱-تیمو ۳:۱ z).

e- سپاسگزاری برای نیکی های گذشته با حرارت ابراز می شود و طبعاً برای ایشان نیایشی پُرشور می کند (ر.ک ۴:۶؛ روم ۱:۹-۱۰).

f- شادی موضوعی است که مرتباً در این نامه تکرار می شود و حال آنکه پولس در زندان است و محکومیت به مرگ او را تهدید می کند و دغدغه خاطر او به خاطر کلیسا است با این همه شادی او در مسیح است (۱:۱۸، ۲۵؛ ۲:۲، ۱۷-۱۸، ۲۸-۲۹؛ ۳:۱؛ ۴:۱، ۴، ۱۰) ترجمه تحت اللفظی او یک روح و یک جان.

g- یعنی لحظه ای که مسیحی شده اند.

h- ترجمهٔ تحت اللفظی: همرأیی شما در انجیل. فیلیپیان در عمل خدا که انجیل است شرکت کرده اند (ر.ک روم ۱:۱ d) مأموریتی که به پولس و همکارانش واگذار شده (۲:۲۲؛ ۴:۳) زیرا با ایمان زندهٔ خود آن را پذیرفته و در راه مسیح مبارزه کرده و رنج کشیده اند (۱:۲۷-۳۰) به رفع نیازمندیهای رسول پرداخته اند (۴:۱۶-۱۸). در سطرهای بعدی کلمه همرأیی که گاهی مشارکت ترجمه شده است (ر.ک اع ۲:۴۲ z) به مفهوم شرکت و اتحاد و با رنجهای مسیح خواهد آمد (۳:۱۰) و همچنین هر نوع مبادله و ارتباطی که بین پولس و کلیسای فیلیپی وجود دارد (۲:۱؛ ۴:۱۴).

i- ترجمهٔ دیگر: کسی که در شما یک عمل عالی را آغاز کرده است. یعنی کار اعلام انجیل که به رسولان محوّل شده است (بند ۵) کار نیکی است زیرا عمل خدا است (ر.ک ۲-قرن ۸:۶). خدا و مسیح در زندگی کلیسا و زندگی فرد ایماندار عمل می کنند (۱:۱۱، ۲۸؛ ۲:۱، ۱۳؛ ۳:۳، ۱۰؛ ۴:۱۳، ۱۹) و این اعتقاد مسلّم کاملاً مفهوم نیایش را روشن می کند ۱:۳-۱۱ (ر.ک ۲:۱۳، ۳۰).

[آن را] تا روز مسیح عیسی[j] کامل خواهد
کرد. [۷]همچنین برای من سزاوار است که
دربارهٔ شما چنین فکر کنم[k]، چون که شما
را در دل[l] خود دارم، همه شما که در زنجیر افس۳:۱-۲
بودن من و در دفاع و پشتیبانی از انجیل از
فیض من[m] سهم دارید، [۸]زیرا خدا گواه من روم۱:۹؛ ۱-تسا۲:۵
است که در مسیح عیسی شدیداً به همهٔ شما
شتیاق[n] دارم.
[۹]و بدین سبب نیایش می کنم که محبت ۱-تسا۲:۳؛ کول۱:۹-۱۰
شما بیش از پیش در شناخت و روشن بینی فیل۶
فراوان گردد، [۱۰]تا چیزهای برتر[o] را ۱-تسا۵:۲۱؛ روم۲:۱۸؛ عبر۵:۱۴
تشخیص داده، برای روز مسیح، پاک و ۱-تسا۳:۱۳؛ ۵:۲۳؛ افس۱:۴
بی نقص باشید. [۱۱]سرشار از ثمرهٔ عدالت[p] افس۵:۹؛ عبر۱۲:۱۱؛ یع۳:۱۸
که بوسیلهٔ عیسی مسیح برای شکوه و افس۱:۶، ۱۲، ۱۴
ستایش خدا[q] [برای ما می آید].

زندانی شدن پولس و پیشرفت انجیل

[۱۲]اما ای برادران، می خواهم شما بدانید
که آنچه بر من می رسد[r] بیشتر به پیشرفت[s] ۱:۲۵؛ اع۸:۱، ۴
انجیل منتهی شده است، [۱۳]به طوری که در
تمام دیوانخانه[t] و همهٔ دیگران آشکار شده
است که به خاطر مسیح در زنجیرها هستم.
[۱۴]و بیشتر برادران، در خداوند بوسیلهٔ
زنجیرهای من اعتماد بهم رسانیده، جرأت
افزون تری دارند که بدون ترس سخن[u] را ۱-تسا۲:۲؛ اع۲۸:۳۱

j- منظور روز داوری، نظیر روز خداوند در نوشته های عهد عتیق است (ر.ک عا ۵:۱۸) که در آن روز عمل خدا (۱:۶) و عمل مسیح (۲:۳۰) به تمامیت می رسد. چنانکه در نخستین نامه ها نیز ذکر شده است این روز را با شور و حرارت انتظار می کشند و مسیحیان با افزایش محبت خود را برای آن روز آماده می کنند (۱:۹-۱۰). ر.ک ۲:۱۶؛ ۳:۲۰؛ ۴:۵.

k- در این نامه ده بار یک فعل یونانی و مشتقات آن بکار برده شده و در اینجا فکر کردن ترجمه گردیده است (و همین کلمه ۲۳ بار در نامه های پولس آمده است). معنی این کلمه آماده بودن، متمایل شدن است و بدین سبب ممکن است احساسات یا وضعیت های مختلفی را توصیف نماید. بدین دلیل برگرداندن آن به یک کلمهٔ فارسی که همیشه بتوان بکار برد غیرممکن است (۲:۲-۵؛ ۳:۱۵-۱۹؛ ۴:۲، ۱۰).

l- برطبق نوشته های کتاب مقدس، قلب آدمی مرکز شخصیت او و جای احساسات و تمایلات و ابتکارها و افکار او است.

m- ترجمهٔ دیگر: از فیضی که به من عطا شده است سهم دارید. این عبارت مخصوصاً (ر.ک روم ۱:۵ j) رایگان بودن مأموریت رسالت را تأیید می کند ولی در اینجا پولس اصرار دارد (ر.ک ۱:۵) سهمی را که فیلیپیان در فیض دارند یادآوری نماید (ر.ک ۱:۲۷-۳۰).

n- ترجمهٔ تحت اللفظی: احشاء مسیح عیسی. که البته اصطلاحی مختص زبانهای سامی و به مفهوم احساسات درونی است و این عبارت مبنا و پایهٔ نکته ای است که در ۱:۷ آمده است: در دل من و آن را تکمیل می کند. این عواطف گرم ماوراء هرگونه احساسات عادی است. محبت پولس (ر.ک محبوبان ۲:۱۲؛ ۴:۱) از محبت عیسی ناشی می شود.

o- تشخیص دادن رفتاری که باید پیروی شود بستگی به رشد و افزایش محبت دارد که هر موقعیتی را به خوبی می بیند (روم ۱۲:۲).

p- کلمه یونانی که در اینجا سرشار ترجمه شده است به مفهوم تمامیّت کنونی و اجرای کامل در سرانجام است (ر.ک ۲:۲؛ ۴:۱۸-۱۹). واژهٔ ثمره که به صورت مفرد آمده، مجموعهٔ ثمره ها است بدون اینکه یکایک آنها ذکر گردد (ر.ک غلا ۵:۲۲؛ افس ۵:۹)، و کلمه عدالت به مفهومی است که یهودیان درک می کنند یعنی زندگی برطبق ارادهٔ خدا که برای فرد مسیحی از عمل عیسی مسیح منتج می گردد (ر.ک ۳:۶-۱۰).

q- این عبارت مدح و ستایش (که در نسخه های خطی به صورت های مختلف آمده است) علّو مقام مطلق خدا را تأکید می نماید که منشأ (۱:۶) و هدف هر عملی است. ر.ک ۲:۱۲؛ ۱-قرن ۱۵:۲۸، ۵۷.

r- منظور بازداشت و زندانی شدن است.

s- کلمهٔ یونانی که پیشرفت ترجمه شده است به مفهوم واقعی کلمه، به جلو رفتن است (ر.ک ۱:۲۵).

t- درصورتی که پولس این نامه را در افسس نوشته باشد، منظور کارمندان اقامتگاه حکمران است. ر.ک مقدمه.

u- در بعضی از نسخه های خطی کلمهٔ خدا یا خداوند افزوده شده است.

اعلام کنند. [۱۵]البته بعضی ها[v] به سبب
حسادت و نزاع و بعضی هم با حُسن نیت
مسیح را اعلام می کنند. [۱۶]رفتار اینان
به سبب محبّت است چون می دانند که من
برای دفاع از انجیل اینجا هستم، [۱۷]دیگران
از جاه طلبی، مسیح را اعلام می نمایند، نه
به پاکی و تصوّر می کنند موجب فشارهایی
به زنجیرهای من می شوند. [۱۸]پس چه! جز
اینکه به هرصورت، چه بهانه و چه حقیقت
باشد، مسیح اعلام می شود، و من از آن
شادم و بلکه شاد خواهم بود. [۱۹]زیرا
می دانم که به وسیله نیایش شما و یاری ۲-تسا۳:۱؛ ۲-قرن۱:۱۱؛ روم۱۵:۳۰
روح عیسی مسیح، به نجات من منتهی[w]
خواهد شد. [۲۰]برطبق انتظار شدید و
امیدواری خود، در هیچ شرمنده نخواهم بود ۲-قرن۳:۱۲
بلکه با اطمینان کامل[x]، همیشه و اکنون،
چه بوسیله زندگی و چه بوسیله مرگ[y]،
مسیح در جسم من متعالی خواهد بود.
[۲۱]زیرا برای من زندگی کردن مسیح است و غلا۲:۲۰؛ روم۸:۱۰-۱۱؛ کول۳:۳-۴
مُردن بهره ای است. [۲۲]امّا اگر زندگی
کردن در جسم[z]، عمل مرا ثمربخش
می کند، پس نمی دانم چه چیز را انتخاب روم۱:۱۳؛ یو۱۵:۱-۸، ۱۶
کنم؛ [۲۳]زیرا میان این دو در فشار هستم:
میل دارم برگردم تا با مسیح باشم[a] که خیلی ۲-تیمو۴:۶
بهتر است؛ [۲۴]امّا ماندن در جسم[b]، به خاطر
شما لازم تر است. [۲۵]و بر این اعتقاد،
می دانم که خواهم ماند و نزد همهٔ شما[c]
برای پیشرفت و شادی ایمان شما بسر ۲-تسا۱:۳
خواهم برد، [۲۶]تا به سبب حضور مجدّد در
بین شما، افتخار شما به من در مسیح عیسی
افزون گردد[d].

v- بندهای ۱۵-۱۸ به صورت جمله معترضه ای است. کسانی از اطرافیان پولس از زندانی شدن او استفاده کرده درصددند مقام و اختیارات رسالت او را از بین برده و برای خود اهمیتی کسب نمایند ولی چون در این مورد برعکس آنچه در قرنتس و غلاطیه روی داده بود، حقیقت انجیل در مخاطره نیست، پولس موضوع را جدّی نمی گیرد و بالعکس شادمان است زیرا با وجود همهٔ این مسائل، انجیل اعلام شده است. ضمناً در اینجا موضوع مسیحیانی درکار نیست که طرفدار حفظ آداب و مقررات یهودیگری بودند ۳:۲-۳، ۱۸-۱۹.

w- ترجمهٔ یونانی ایوب ۱۳:۱۶. این نقل ما را به وضعیت زندانی متوجه می کند و شاید روابط دشوار بین ایوب و دوستانش را به یاد می آورد. منظور از کلمهٔ نجات ممکن است خروج از زندان (زنده) باشد و هم بازخرید و نجات نهایی (ر.ک ۱:۲۸؛ ۳:۲۰).

x- این عبارت را می توان چنین درک و تفسیر کرد: به طوری که همه دیده و بدانند.

y- پولس که مطمئن نیست زنده یا مرده از زندان خارج خواهد شد غور و تعمّق دربارهٔ زندگی در مسیح می نماید. به عقیدهٔ او زندگی و مرگ جسمانی همواره با راز مسیح ارتباط دارد. جسم تقدیس شدهٔ فرد مسیحی (۱-تسا ۴:۲-۴؛ ۵:۲۳) به مسیح تعلق دارد (۱-قرن ۶:۱۲-۲۰) و بنابراین مسیحیان در مصائب و رنجها و مرگ و همچنین رستاخیز او شریک هستند.

z- ترجمهٔ دیگر: در این دنیا.

a- پولس میل مفرطی احساس می کند (کلمه یونانی که در اینجا بکار برده شده به معنی طمع و آرزوی شدید است و بخوبی مترجم احساسات پولس است) که بلافاصله پس از مرگ (با او باشد: ۱-تسا ۴:۱۷؛ ۵:۱۰؛ ۲-تسا ۲:۱؛ روم ۱۴:۸) به مسیح بپیوندد ولی توضیح نمی دهد که این اتحاد به چه صورتی است. همین میل مفرط در ۲-قرن ۵:۶-۹ اظهار شده است. با این همه درجای دیگری از رستاخیز نهایی مردگان سخن می گوید (۱-تسا ۴:۱۳-۱۸) که پس از داوری جهانی خواهد بود ۱-قرن ۱۵:۱۲-۲۳؛ روم ۱۴:۱۰.

b- ر.ک بند ۲۲ z.

c- پولس که مخصوصاً در فکر انجام فوری مأموریت است به سرنوشتی که خیلی بهتر است و محکومیت به مرگ است نمی اندیشد (در ۲:۱۷ مجدداً در این باره سخن خواهد گفت)، نمی خواهد کسانی را که به او نیاز دارند به حال خود رها کند. اگر فرضیه زندانی شدن اولی را در افسس بپذیریم این انتظار او مستجاب شده است (اع ۲۰:۱-۶).

d- دلیل مهم شکوهمندی فیلیپیان همرأیی با مسیح است که بوسیلهٔ مراجعت پولس به فیلیپی (به فیض من: ترجمهٔ تحت اللفظی: در من) تشدید خواهد شد. در جاهایی (۲:۱۶؛ ر.ک ۱-تسا ۲:۱۹) زندگی جمعیت مسیحیان موجب شکوهمندی پولس است (ر.ک روم ۴:۲ d).

ثبات و پایداری در مبارزه

۲۷ فقط [به طرز] شایستهٔ انجیل مسیح[e]
رفتار کنید تا اینکه چه آمده و شما را ببینم
و چه غایب باشم دربارهٔ شما چیزهایی
بشنوم که با یک روح پایداری می کنید و ۱-تسا۳:۸؛ غلا۵:۱
به خاطر ایمان[f] انجیل، [یک دل] و یک افس۴:۳-۴
جان به همراه یکدیگر مجاهده می نمایید،
۲۸ و بدون اینکه در هیچ مورد بوسیله
دشمنان وحشت‌زده شوید، که نشانهٔ تباهی ۲-تسا۱:۵
ایشان است، و امّا برای شما نجات[g] از
سوی خدا است، ۲۹ زیرا در مورد مسیح
[این فیض] به شما عطا شده است، نه فقط
در او ایمان داشته باشید بلکه به خاطر او مت۵:۱۰-۱۲؛ اع۵:۴۱؛
رنج بکشید. ۳۰ در حالی که همان مبارزه را ۱-پطر۱:۶-۷
می کنید که در من دیده اید[h] و اکنون
می شنوید که در من است.

توافق و فروتنی

۲ ۱ پس اگر تسلّایی در مسیح هست،
اگر دلداری در محبّت، اگر همرأیی
روح القدس[i]، اگر رقّت و دلسوزی هست، لو۱:۷۸؛ کول۳:۱۲
۲ مرا از شادی سرشار کرده، یک جور فکر[j]، ۲:۴؛ روم۱۵:۵؛
یک جور محبت، یک جور روح، یک جور ۱-قرن۱:۱۰-۱۶ ۲-قرن۱۳:۱۱
احساس داشته باشید، ۳ هیچ چیزی با ۱:۱۷
خودخواهی یا با عجب [بیهوده] نکنید، بلکه غلا۵:۲۶
با فروتنی، دیگران را برتر از خود بشمارید. ۲:۲۱
۴ هرکس ملاحظهٔ امور خود را نجوید، بلکه
نیز هر یک [از شما] از آنِ دیگران را[k] یو۱۳:۱۵؛ ۱-یو۲:۶

e- ترجمه تحت اللفظی: به روش شهروندان در بین مردم زندگی کنید. فرد مسیحی شهروند ملکوت آسمانها است (افس ۲:۱۹)، ملکوتی که خداوند آن، عیسی مسیح نجات بخش است (فی ۳:۲۰) و اساسنامهٔ آن انجیل می باشد. فرد مسیحی اگر توّجه نماید بوسیله فیض می تواند به وضعیتی شایسته یعنی برطبق این انجیل زندگی نماید (۱-تسا ۲:۱۲؛ ۲-تسا ۱:۱۱؛ افس ۴:۱؛ کول ۱:۱۰).

f- در این عبارت دو ابهام وجود دارد: می توان گفت: بوسیله ایمان یا به خاطر ایمان. از سوی دیگر منظور از انجیل یا موعظه ای است که موجب ایمان می شود و یا پیامی است که بوسیلهٔ ایمان پذیرفته شده است (به همین گونه در کول ۱:۲۳ که اصطلاح امیدواری انجیل آمده است)، به طوری که ایمان عطیه ای است (۱:۲۹) و درعین حال یک اصل پایداری و مبارزه می باشد.

g- پایداری تزلزل ناپذیر گروه کوچک ایمانداران را در برابر دشمنان خود باید نشانهٔ داوری و پیروزی خدا در پایان روزگار شمرد (ر.ک ۲-تسا ۱:۴-۱۰). در اینجا مجدداً عمل خدا، نظیر ۱:۶-۱۱ نشان داده شده و تأیید گردیده است.

h- پولس در جریان نخستین سفر خود به فیلیپی تعقیب شده و به زندان افتاده بود (اع ۱۶:۱۹-۴۰؛ ۱-تسا ۲:۲). بعداً مشکلات و تعقیب مسیحیان مرتباً ادامه داشته (ر.ک ۲-قرن ۱۱:۲۴-۱۲:۱۰) و فیلیپیان که این وضعیت را به خاطر مسیح تحمل می کنند در مبارزهٔ او شریک هستند (۱ک۷، ۲۷؛ ر.ک کول ۱:۲۹؛ ۲:۱؛ ۴:۱۲).

i- با مقایسه با ۲-قرن ۱۳:۱۳، در آغاز این بند ملاحظه می شود که اشاره به پسر و پدر (که اکثراً به او محبت نسبت داده می شود) و اشاره به روح القدس است.

j- پولس به تجربه می داند، چقدر به آسانی منازعه ها و ضدیت ها در میان جمعیت های مسیحیان ایجاد می شود و نشانه های شروع این اختلافات را در جمعیت فیلیپیان مشاهده کرده است (۱:۲۷؛ ۲:۱۴؛ ۴:۲)، لذا مخاطبان خود را به اتّحاد و توافق با یکدیگر تشویق می کند. این نوع موعظه ها و تشویق ها در نامه های پولس فراوان است (ر.ک روم ۱۲:۱۶؛ ۱۵:۵؛ ۲-قرن ۱۳:۱۱) و شادی مطمئنی که در سرتاسر نامه حکمفرما است مخالف با این موعظه ها نیست. وحدت بین افراد هنگامی تحقق خواهد یافت که زندگی با فروتنی، از خود گذشتگی و خدمتی باشد که مسیح سرمشق و نمونه آن را داده است.

k- ترجمهٔ تحت اللفظی: آنچه از آنِ خود و آنچه از آنِ دیگران. ترجمهٔ دیگر: کسی فقط به خود ننگرد بلکه به دیگران. بنابراین منظور فقط منافع اشخاص نیستَ بلکه عطیه هایی کَه دریافت کرده و خدماتی که انجام داده است؛ این عبارت را می توان: اموال خود و اموال دیگران نیز ترجمه کرد؟ ر.ک ۱-قرن ۱۰:۲۴-۳۳؛ ۱۳:۵.

[بـجـویـد]. ۵در [بین] خودتان همان
اندیشه‌ای[l] را داشته باشید که در مسیح
عیسی نیز[m] بود:
۶او که، به صورت خدا بود[n]، کول۱:۱۵؛ یو۱:۱-۲؛ ۱۷:۵؛ عبر۱:۳؛ ۱-یو۱:۱-۲
برابر بودن با خدا را به چنگ
نگرفت[o]، ۲-قرن۸:۹
۷بلکه خود را تهی کرده[p]،

صورت برده گرفت، مت۲۰:۲۸
و به مانند انسان‌ها[q] شد. روم۸:۳؛ عبر۲:۱۷؛ ۱-تیمو۲:۵
و ظاهر او همچون یک انسان گردید[r]،
۸خود را پایین آورد[s]، عبر۲:۹؛ ۵:۸؛ مت۲۶:۳۹؛ یو۴:۳۴؛ ۶:۳۸؛
و تا به مرگ فرمانبردار شد، روم۵:۱۹
مرگ بر روی صلیب! اع۲:۲۳؛
۹بدین سبب نیز خدا او را بسی بالا برده[t] ۲-قرن۱:۱۷-۱۸ ۲:۲

l- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: این ترتیبات را داشته باشید (ر.ک ۱:۷ k)، (و در نتیجه در بین خودتان). حرف اشارهٔ این آنچه را که بعداً می‌آید به موعظه و تشویق قبلی مربوط می‌کند.

m- ترجمهٔ دیگر: چنانکه در عیسی مسیح رفتار می‌کنند. در اینجا می‌توان به‌جای فعل ماضی مطلق (بود) فعل مضارع (هست) گذاشت، زیرا ترتیباتی را که پولس به آنها اشاره می‌کند همواره حاضر و مؤثر هستند. بندهای ۶-۱۱ به اندازه‌ای از نظر شیوهٔ نگارش و محتوی با آنچه قبلاً آمده تفاوت دارند که به آسانی می‌توان تصوّر کرد یک سرود بسیار کهن مسیحی است که شاید پولس با اندکی دستکاری نقل می‌نماید. حتی کسانی این قسمت را به صورت مصراع‌ها و بیت‌ها تصور و پیشنهاد کرده‌اند ولی هیچ یک از این پیشنهادها مسلّم نیست. بایستی لااقل به تفاوت بین دو حرکت توّجه نمود که: خود را پایین آوردن مسیح به ارادهٔ خود او است (بندهای ۶-۸) و بالا برده شدن او بوسیلهٔ خدا است (بندهای ۹-۱۱).

n- ترجمهٔ دیگر: او که در وضعیت خدا است. کلمهٔ یونانی که در اینجا و در بند ۷ آمده و شکل یا صورت ترجمه می‌شود فقط به مفهوم صورت ظاهری نیست بلکه تجلّی عمق وجود می‌باشد. یا اینکه ممکن است اشاره به پید ۱:۲۷؛ ۵:۱ صورت خدا باشد، یعنی وجود خود خدا در مسیح است. هرگاه به‌جای کلمه صورت، وضعیت ترجمه شود، در بند ۷ نیز به همین ترتیب ترجمه می‌شود.

o- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: برابر بودن با خدا را غنیمتی نشمرد. این جمله را به دو نوع مختلف تفسیر می‌کنند. به نظر بعضی از مفسّران مقام و موقعیت الوهیت، وضعیت مسیح قبل از تن گیری او است و تن گیری نخستین شکل پایین آمدن مسیح می‌باشد. در این صورت برابری با خدا، چیزی است که باید نگهداشت و نه اینکه آن را بدست آورد. درصورتی که کلمهٔ یونانی که در اینجا آورده شده از نظر لغوی به معنی: طعمه، صید، غنیمت... و چیزی است که باید بدست آورد. در این صورت، پرتو وجود خدا، (صورت خدا) در رفتار مسیح بر روی زمین به‌جای خودخواهی و نافرمانی، فروتنی و اطاعت را برگزید. مقایسه این دو مورد متفاوت بین آدم و مسیح که در اینجا آغاز شده در وضعیت‌های مشروح تری بوسیلهٔ پولس از سر گرفته خواهد شد (روم ۵:۱۴؛ ۱-قرن ۱۵:۴۵-۴۷).

p- خود را تهی کردن (ر.ک ۱-قرن ۹:۱۵؛ ۲-قرن ۹:۳). تهی شدن یا نابود شدن بدین معنی نیست که عیسی دیگر خدا نبوده یا به صورت خدا نیست، بلکه در همین پایین آوردن خود، وجود الوهیت و محبت خدا ظاهر می‌شود. پایین آمدن مسیح در پنج فعل که بعداً ذکر شده توصیف می‌گردد: مسیح وضعیت (تحت‌اللفظی: شکل، بند ۶ a) خدمتگزار می‌گیرد (یا بهتر بگوییم وضعیت برده می‌گیرد). در این مورد مسلماً منظور پولس خدمتگزار رنجبری است که در اش ۵۲:۱۳-۵۳:۱۲ توصیف شده است. بعضی از مفسّران کلمه تهی شدن را ترجمه‌ای از متن عبری اش ۵۳:۱۲ ب دانسته‌اند (که ترجمهٔ تحت‌اللفظی آن چنین است: روحش را در مرگ تهی کرده است) و از ترجمه یونانی که در هفتادتنان آمده به متن اصلی نزدیک تر و تحت‌اللفظی تر است.

q- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: به شباهت (یا همانندی) آدمیان شد (در بیشتر نسخه‌های خطی کلمه آدمیان به همین صورت (جمع) آمده است)، یعنی مسیح به صورت تمامی بشریت درآمده است.

r- مجدداً شباهت و همانندی ظاهری مسیح تکرار شده تا موضوع پایین آمدن که در بند ۸ می‌آید، آماده شود.

s- اگر تن گیری نخستین جنبهٔ تهی شدن است، خود را پایین آوردن دوّمین جنبهٔ آن است. مسیح به مانند خدمتگزاری که در فصل ۵۳ اشعیا ذکر شده، اطاعت از ارادهٔ پدرش را برای پایین آمدن انتخاب کرده است (روم ۵:۱۹؛ ۶:۱۶-۱۸) و حتی اطاعت را تا به مرگ ادامه می‌دهد (ر.ک خروج ۵۳:۸، ۱۲)، آن‌هم به مرگی بر روی صلیب که مختص جنایتکاران است (عبر ۱۲:۲). و این امر افتضاح و رسوایی صلیب است که یکی از نکته‌های اساسی موعظه‌های پولس بشمار می‌رود (۱-قرن ۱:۱۸-۲۵؛ ۲:۱-۲؛ غلا ۶:۱۴).

t- کلمهٔ یونانی که بسی بالا برده ترجمه شده است. تنها موردی است که در نوشته‌های عهد جدید بکار می‌رود (ر.ک ترجمه

یو۱۲:۳۲؛ اع۲:۲۴، ۳۲-۳۳؛ لو۲۴:۴۶
و نامی به او بخشیده[u] که برتر از هر
نامی است،
۱۰تا به نام عیسی،
افس۱:۲۰-۲۳؛ عبر۱:۳-۴
هر زانویی در آسمان و بر زمین و در زیر
زمین[v] خم شود[w]،
روم۱:۴؛ روم۱۱:۳۶؛ ۱-قرن۱۵:۲۴-۲۸
۱۱و هر زبانی[x] اقرار کند که عیسی مسیح
خداوند است[y]،
برای شکوه خدای پدر[z].

وظیفهٔ مسیحیان

۱۲پس، ای محبوبان من، چنانکه در
همه وقت اطاعت کرده اید[a]، نه فقط در
حضور من، بلکه خیلی بیشتر اکنون که
غایب هستم، [برای] نجات خودتان با ترس
اش۱۹:۱۶؛ ۱-قرن۲:۳؛ ۲-قرن۷:۱۵؛ ۱-تسا۲:۱۳؛ عبر۱۳:۲۱؛ افس۲:۱۰
و لرز[b] کار کنید؛ ۱۳زیرا خداست که به
حسب خشنودی [خود][c]، عمل کردن و
خواستن را در شما به عمل می آورد.
۱۴[پس] همه چیز را بی شکوه و بدون
اعد۱۴:۲، ۹
مجادله انجام دهید[d]. ۱۵تا بی کم و کاست
و ساده دل، فرزندان بدون نقص[e] خدا
باشید، در میان یک نسل کج رفتار و تباه،
که در آن میان همچون مشعل هایی در جهان

یونانی مز ۹۶:۹؛ در اش ۵۲:۱۳ کلمهٔ بالا برده). به نظر پولس این بالا بردن که عمل والای پدر است در ردیف برخاستن از میان مردگان و تجلّی مسیح می باشد (۱-تسا ۱:۱۰؛ روم ۱:۴ i). ر.ک اش ۵۳:۱۰-۱۲.

u- نه تنها نام، بلکه مقامی حقیقی داده است (ر.ک افس ۱:۲۱؛ عبر ۱:۴). منظور پولس در اینجا نام و عنوان خداوند است (ر.ک بند ۱۱؛ اع ۲:۲۱، ۳۶) که چون به عقیدهٔ یهودیان نبایستی نام خدا بر زبان جاری شود در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق به جای نام خدا کلمهٔ خداوند گذاشته شده است (خروج ۳:۱۵ b). بدین گونه مقام و مرتبت خداوندی در عیسی که به این اندازه تحقیر شده است ظاهر می گردد.

v- سه قسمتی که ذکر شده مجموعهٔ جهان آفرینش است (ر.ک مکا ۵:۳، ۱۳). ذکر زیرِ زمین مربوط به ساکنان جایگاه مردگان است و منظور ارواح شریر و دیوها نیست.

w- اش ۴۵:۲۳. خدمتگزار از تمامی جهان بالاتر برده شده است (۳:۲۱؛ ر.ک افس ۱:۲۰-۲۱؛ ۴:۱۰؛ کول ۱:۱۸-۲۰) تا اعمال پرستش و ستایشی که فقط نسبت به خدا انجام می شود (ر.ک روم ۱۴:۱۱؛ افس ۳:۱۴) از این به بعد به خداوند عیسی نیز خطاب گردد که خدا در او ظاهر شده و عمل می کند (ر.ک افس ۱:۲۰-۲۱).

x- در بعضی نسخه های خطی: و هر زبانی اقرار خواهد کرد.

y- ترجمهٔ دیگر: که خداوند عیسی مسیح است. این عبارت بیان اساسی ایمان مسیحیت است (اع ۲:۳۶؛ روم ۱۰:۹؛ ۱-قرن ۱۲:۳؛ ر.ک مکا ۱۹:۱۶).

z- خدای پدر که عیسی را بالا برده است هر شکوهی را دریافت می کند، وقتی نامی را که عطا کرده است بپرستند و اقرار کنند. بنابراین تجلیل پسر به او منتهی می شود (بندهای ۹-۱۱) و همچنین پایین آمدن او (بندهای ۶-۸) ر.ک ۱:۱۱ q.

a- منظور اطاعت از خدا است که مسیح نمونه و سرمشق این اطاعت را داده است (بند ۸) وانگهی مفهوم این کلمه نزدیک به ایمان است (روم ۱:۵ k). پولس حق دارد دیگران را بدین گونه ملزم نماید زیرا خودش با اجرای مأموریت در اطاعت زندگی می نماید (ر.ک ۳:۱۷؛ ۴:۹).

b- ترس و لرز، دو کلمه ای که در کتاب مقدس و در آیین یهود مشهور است (چنانکه در زبان فارسی هم این دو کلمه را با هم می آورند) و نشانهٔ ضعف و ناتوانی است که آدمی درمقابل خدای زنده و مقدس احساس می نماید، خدایی که لزوم اطاعت دستورات خود را بوسیله اطاعت مسیح نشان می دهد (بند ۸).

c- بعضی از مفسران این کلماتِ را: که به اندازهٔ ارادهٔ شما درک و ترجمه می کنند. در این عبارات تسلسل و به هم پیوستگی عجیب و غیرعادی است زیرا می گوید: عمل کنید چون که خدا در شما عمل می کند. اراده و فعالیت مسیحیان قسمتی از عمل خدا است (۱:۶؛ ر.ک ۱-قرن ۱۵:۵۸) که بوسیلهٔ مشیّت نجاتش در مسیح، هدایت می شود.

d- محتملاً اشاره به بی ایمانی عبرانیان در صحرای سینا است (ر.ک ۱-قرن ۱۰:۱۰).

e- یادآوری این سه صفت که از اختصاصات زندگی فرد مسیحی در دنیا است (بی کم و کاست بودن، سادگی یا ساده دلی، بی نقص بودن) طنین پایان روزگار را دارد (۱:۱۰؛ ۲:۱۶؛ ر.ک ۱-تسا ۳:۱۳؛ ۵:۲۳). در عبارات بعدی از ترجمهٔ یونانی

یو۸:‏۱۲؛ ۱۲:‏۳۵-۳۶؛ ۱-تسا۵:‏۵؛ افس۵:‏۸-۱۱ می درخشید. ۱۶ سخن زندگی را محکم
نگاهدارید، تا موجب افتخار من[f] در روز
مسیح باشد که نه بیهوده دویده ام و نه
اش۴۹:‏۴؛ ۱-تسا۲:‏۱؛ ۳:‏۵ بیهوده زحمت کشیده ام[g]. ۱۷ ولی حتّی اگر
۱-قرن۱:‏۸ [خونم] بر روی قربانی و خدمت ایمان
خروج۲۴:‏۶-۸؛ عبر۹:‏۱۹؛ ۲-تیمو۴:‏۶ شما[h] ریخته شود، شادمانم و با همهٔ شما
شادی می کنم؛ ۱۸ و همچنین شما هم
شادمان باشید و با من شادی کنید.

مأموریت تیموتاؤس و اپفرودتس

۱۹ اما در خداوند عیسی امیدوارم
۱:۱ به زودی تیموتاؤس را به نزد شما بفرستم،
تا من هم با اطلاع از شما تسلّی یابم[i].
۲۰ زیرا کس دیگری را ندارم که همین
احساسات [من] را داشته باشد که
به راستی دربارهٔ شما اندیشد؛ ۲۱ چونکه
۲:۴ همه درپی امور خود هستند، و نه در [پی]
امور عیسی مسیح[j]. ۲۲ اما آزمون او را می
دانید [گذرانیده]: مانند فرزندی نسبت به ۱-قرن۴:‏۱۷؛ ۱-تیمو۱:‏۱۸
پدر، با من برای انجیل بندگی کرده است. ۱:‏۱، ۵
۲۳ پس در واقع امیدوارم بی درنگ او را
بفرستم همین که دربارهٔ امورم ببینم چه می
شود. ۲۴ اما در خداوند معتقدم که خودم ۱:‏۲۵
نیز به زودی خواهم آمد.
۲۵ با این همه لازم دیده ام اپفرودتس[k]، ۴:‏۱۸
برادر و همکار و همقطار مبارزه خود را که ۴:‏۳
شما برای برآوردن نیازمندی من
فرستاده اید، به نزد شما بفرستم: ۲۶ چونکه
چنان به همه اشتیاق داشته و مضطرب بود
از اینکه اطلاع یافته اید بیمار شده است.
۲۷ و در حقیقت بیمار و خیلی نزدیک به
مرگ بود؛ امّا خدا بر او رحم آورد، نه فقط
بر او، بلکه بر من هم، تا غمی بر روی غم
نداشته باشم. ۲۸ پس با شتاب او را

تث ۳۲:‏۵ الهام گرفته شده است (ر.ک مت ۱۲:‏۳۹؛ اع ۲:‏۴۰) و اختلاف بین روشنایی و ظلمات را نشان می دهد (پید، ترجمه یونانی ۱:‏۱۴-۱۶؛ مت ۵:‏۱۴).

f- گواهی جمعیت موجب افتخار و سربلندی رسول است. در ۱:‏۲۶ گفته بود که حضور او شکوه جمعیت را افزایش خواهد داد ر.ک ۱-تسا ۲:‏۱۹.

g- کار دشوار رسالت با کوشش ورزشکاران در میدان ورزشی مقایسه شده است (غلا ۲:‏۲؛ ۱-قرن ۹:‏۲۴-۲۶؛ ۲-تیمو ۴:‏۷؛ اع ۲۰:‏۲۴). پولس اندیشناک است ولی اضطراب او انگیزهٔ کوشش است زیرا می داند مآلاً در برابر دادگاه خدا داوری خواهد شد. تصویر مسابقهٔ ورزشی را مجدداً در مورد زندگی فرد مسیحی خواهد آورد (۳:‏۱۲-۱۶).

h- منظور از خدمت ایمان فیلیپیان چیست؟ (آیا ایمان ایشان با تمام آثار آن است و یا زندگی پولس است که در خدمت ایشان است و یا این هردو را خدمت ایمان می نامد؟). در اینجا پولس خدمت ایمان را به یک قربانی تشبیه می کند که برطبق رسوم معمول یهودیان و یونانیان هدیه ای به آن می افزودند و در اینجا خون رسول، هدیه است که ریخته می شود و پولس در بیان این نکته به محکومیت مرگ خود می اندیشد (ر.ک ۲-تیمو ۴:‏۶). در اینجا کلمات و اصطلاحات آداب مذهبی مفهوم معنوی و روحانی دارند و پولس با اعلام انجیل یکی از اعمال نیایش را در روح اجرا می کند که عهد و پیمان جدید است (ر.ک ۳:‏۳؛ ۴:‏۱۸).

i- بندهای ۱۹-۲۴ بیش از آنکه نقشه و طرح بشری باشد، امیدواری در خداوند است تا رابطه و همرأیی پولس با دوستان فیلیپی او محکم تر شود و این بار پولس در انتظار نتیجه مساعدی است. شاید منظور اجرای همان طرحی است که در اع ۱۹:‏۲۱-۲۲ ذکر شده است. ر.ک مقدمه.

j- در اینجا مجدداً پولس نومیدی و انتظار بیهودهٔ خود را ابراز می کند (ر.ک ۱:‏۱۵-۱۷ و در مورد این اصطلاح ر.ک ۲:‏۴)، گرچه بکار بردن کلمه همه تا اندازه ای مبالغه آمیز است.

k- این همکار پولس را غیر از اینکه نامش در این نامه ذکر شد نمی شناسیم (مگر اینکه نام اپفراس که در کول ۱:‏۷؛ ۴:‏۱۲؛ فیل ۲۳ آمده نام همین شخص باشد که به صورت کوتاه تر تلفظ شده است). این شخص از طرف کلیسای فیلیپی مأمور بوده است کمک هایی را که برای پولس زندانی جمع شده بود برای او ببرد (پولس حق شناسی خود را در ۴:‏۱۰-۲۰ اظهار خواهد کرد)

می فرستم، تا با دیدن او باز شادمان شوید
و من کمتر غمگین باشم. ۲۹پس او را در
خداوند، با شادی تمام بپذیرید، و چنین
کسانی را محترم بشمارید؛ ۳۰زیرا به خاطر ۱-قرن۱۶:۱۶
عمل مسیح[l] به مرگ نزدیک شده بود، و ۶:۱
زندگی [خود] را به خطر انداخته است تا کول۱:۲۴
کسری خدمت شما را به من پُر کند.

عدالت حقیقی و توجه به‌سوی مسیح

۳ ۱وانگهی ای برادران من، در ۱-تسا۵:۱۶؛ ۲-قرن۱۳:۱۱
خداوند شادی کنید[m]. [از طرفی]
نوشتن همان چیزها برای من حقیقتاً زحمتی
ندارد[n]، اما برای شما [باعث] اطمینان
است. ۲مواظب سگان باشید[o]! مواظب
کارگران بد[p] باشید! مواظب مختونان
دروغی[q] باشید! ۳زیرا ما مختون هستیم که
خدا را بوسیله روح[r] می پرستیم و در مسیح روم۱:۹؛ ۱:۱۲
عیسی افتخار می کنیم و در جسم اعتماد
نداریم[s].
۴با اینکه من هم در جسم اعتماد دارم.
اگر کسی دیگر تصوّر می کند در جسم
اعتماد دارد، من بیشتر [دارم][t]: ۵[چونکه]
در روز هشتم مختون شده ام[u]، از زادگان
اسرائیل، از قبیلهٔ بنیامین[v]، عبرانی از
[نسل] عبرانی[w]، نسبت به قانون[تورات]

سپس بیمار شده و می خواهد به خانهٔ خود برگردد. او فرستادهٔ اعزامی کلیسای فیلیپی است و تنها فرستادهٔ کلیساها است که نامش را می دانیم (۲-قرن ۸:۲۳) ولی ر.ک اع ۴:۲۰.

l- در بعضی نسخه های خطی: عمل خداوند.

m- چنین به نظر می رسد که این کلمات برای سلام و درود پایان نامه است (ر.ک ۱:۴، ۴، ۱۰)، ولی در عبارت بعدی به شرح و بسط دیگری پرداخته شده که محتوی و لحن جداگانه ای دارد و نشان می دهد که پولس مجدداً دیکته کردن نامه را ادامه می دهد و یا اینکه این قسمت نامه قبلاً متن های مستقلی بوده که بعداً به هم آمیخته اند. ر.ک مقدمه.

n- درحقیقت آنچه بعداً ذکر می شود قبلاً در فصلهای ۱ و ۲ گفته نشده است. بنابراین ممکن است پولس اشاره به نامه های دیگری می کند که امروزه مفقود شده و یا اینکه منظور او تعلیمات شفاهی است که قبلاً داده است.

o- یهودیان سگ را حیوان ناپاکی می دانستند و گاهی آن را با خوک مقایسه می کردند (مت ۷:۶؛ ۲-پطر ۲:۲۲). همچنین گاهی مشرکان را به این نام می خواندند (مت ۱۵:۲۶؛ مکا ۲۲:۱۵). در اینجا پولس این سخنان ناسزا را در مورد چه کسانی می گوید؟ آیا عید یهودیان است؟ یا مسیحیانی که هنوز به آداب و رسوم یهود معتقد و وفادار بودند؟ یا اینکه اشاره به نوعی هرزگی و بی بند و باری است؟

p- منظور پولس توطئه کنندگانی بدون هدف هستند (ر.ک ۲-قرن ۱۱:۱۳) و نه کسانیکه به اعمال خود بیهوده پای بند باشند.

q- ترجمهٔ تحت اللفظی: بُرش یا بُریدگی. کلمه ای تحقیر کننده است که پولس در مورد مجموعهٔ کسانی می برد که پای بند به ختنه جسمانی هستند (ر.ک غلا ۵:۱۲). رسول درمقابل ختنه جسمانی، ختنه حقیقی را ذکر می کند که ختنه قلبی است (روم ۲:۲۹ d؛ تث ۱۰:۱۶) و از آن مسیح است (کول ۲:۱۱) و نتایج آن بوسیلهٔ ایمان بدست می آید (بندهای بعدی).

r- در بعضی از نسخه های خطی: ما که در روح (یا بوسیله روح القدس) خدا را می پرستیم. ر.ک ۲:۱۷.

s- در اینجا و در بند بعدی منظور از کلمهٔ جسم ضعف بشری است که به صورت پرمدّعایی درمی آید (ر.ک روم ۱:۳ g) و با رعایت دستورات شرعی یهود، مخصوصاً ارتباط دارد که پولس قبل از شناختن مسیح به آن افتخار می کرد (ر.ک غلا ۶:۱۳-۱۴؛ ۱-قرن ۱:۳۱).

t- پولس هرگز گذشتهٔ خود را به عنوان یهودی انکار نکرده و در بحث و مشاجرات خود از آن یاد نموده است (غلا ۱:۱۳-۱۴؛ روم ۱۱:۱؛ ۲-قرن ۱۱:۲۲؛ ر.ک اع ۲۲:۳-۵؛ ۲۶:۴-۷) ولی در هیچ مورد به این اندازه عنوان های خود را ذکر نکرده است.

u- برطبق مقررات قانون تورات (لاو ۱۲:۳؛ پید ۱۷:۱۲؛ ر.ک لو ۱:۵۹؛ ۲:۲۱).

v- قبیله بنیامین در بین تمام قبایل دیگر یهود مورد احترام بوده است. این قبیله به پادشاهان سلسله داود وفادار بوده و شهر مقدس اورشلیم و معبد را حفظ می کرده است. شاؤل نخستین پادشاه اسرائیل از این قبیله بوده و پولس نام اصلی خود را از او دارد (شاؤل). (اع ۷:۵۸).

w- پولس در شهر طرسوس، در یک خانواده فلسطینی متولد شده و در شهر اورشلیم بزرگ شده بود و به زبان آرامی سخن می گفت (اع ۲۱:۳۹-۴۰؛ ۲۲:۲-۳؛ ۲۶:۴).

فریسی[x] بودم؛ ۶از نظر تعصّب [دینی]،
کلیسا را تعقیب می‌کردم[y]؛ برطبق عدالت ۱-تیمو۱:۱۳-۱۴
در قانون، بی نقص شده بودم[z]. روم۲:۱۷
۷امّا اینها که برایم منافعی بود، به سبب
مسیح[a] به نظرم زیان آمد. ۸ولی بیشتر،
همه‌چیز را به خاطر ارزش والای شناخت[b] افس۳:۱۹؛ ۱۳:۴؛
مسیح عیسی، خداوند من زیان می‌دانم. ۲-پطر۳:۱۸
به سبب او همه‌چیز را پلید می‌دانم [و فدا
کرده‌ام] تا مسیح را بدست آورم، ۹و [خود
را] در او بیابم، نه با عدالت خودم، آنکه از مت۵:۲۰؛ روم۳:۲۱-۲۲؛
قانون [تورات] ناشی می‌شود، بلکه با آنکه ۳:۱۰؛ غلا۲:۱۶؛
بوسیله ایمان در مسیح[c] از خدا می‌آید، ۳:۲۱-۲۲
عدالتی که برمبنای ایمان است[d]؛ ۱۰برای
شناختن او و قدرت رستاخیز او و رفاقت با روم۶:۴-۹؛ ۱-قرن۶:۱۴؛
رنجهای او، تا با مرگ او همانند باشم[e]، ۲-قرن۴:۱۱-۱۴
۱۱تا اگر به هر وسیله بتوانم[f] به رستاخیز از یو۱۱:۲۴-۲۶؛ روم۸:۱۱،۱۷
بین مردگان نایل شوم. ۱۲نه اینکه هم‌اکنون ۱-قرن۱۴:۲۰؛ کول۱:۲۸
رسیده باشم یا کامل شده باشم[g]؛ بلکه ادامه
می‌دهم تا کاملاً بگیرم[h] زیرا که [من] هم غلا۴:۹؛
بوسیلهٔ مسیح [عیسی] گرفتار شده‌ام. ۱۳ای ۱-یو۴:۱۰،۱۹؛ ۱-قرن۸:۳
برادران، نمی‌پندارم کاملاً گرفته باشم. فقط
یک چیز دارم: از یک سو آنچه در عقب
است فراموش کرده و از سوی دیگر به طرف
جلو بکشم، ۱۴به سوی هدف ادامه می‌دهم، ۲:۱۶
به سوی جایزه‌ای که خدا مرا در بالا در مسیح
عیسی می‌خواند. ۱۵پس همهٔ ما که کامل

x- پولس جزو طبقه‌ای از یهودیان فریسی بود که دستورات قانون تورات را دقیقاً رعایت می‌کردند (اع ۲۲:۳؛ ۲۳:۶؛ ۲۶:۵) و برطبق مندرجات انجیلها عیسی بارها با فریسیان مخالفت کرده بود.

y- این حسّ وفاداری و تعصّب (غلا ۱:۱۳، ۲۳؛ ۱-قرن ۱۵:۹؛ اع ۸:۳؛ ۹:۱-۲، ۱۳-۱۴) بعداً به خدمت کلیسا درآمد (۲-قرن ۱۱:۲).

z- ر.ک غلا ۱:۴. سیر افکار و نظریاتی که در بندهای بعدی می‌آید نظیر مت ۵:۱۷-۳۸ است.

a- هنگامی که پولس در جادّه دمشق به ناگهان عیسی را ملاقات کرد (اع ۹:۴-۵ و متن‌های مشابه؛ غلا ۱:۱۵) تمام امتیازات خانوادگی، تربیتی و کوشش‌های مذهبی و اخلاقی او فرو ریخت. از آن پس این امتیازات نه تنها بی‌اهمیت و بی‌ارزش بودند بلکه زیان داشته موجب تکبّر روحی می‌شدند که به افکار فیض مسیح منجر می‌گردید. اعتماد در جسم نه فقط بوسیله ایمان تقلیل می‌یابد بلکه باید از بین برود.

b- کلمهٔ شناخت به مفهوم عمیق این کلمه است که در کتاب مقدس بکار برده می‌شود و نه فقط شناسایی و آشنایی ذهنی است بلکه رابطهٔ خصوصی و اساسی است که در بندهای ۱۰-۱۱ تصریح خواهد شد.

c- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: ایمانِ مسیح. ر.ک غلا ۲:۱۶ b.

d- پولس که از گذشتهٔ یهودیَ بودن خود یاد می‌کند موقعیتی است که دو نوع عدالت را به طرز قابل توجهی تعریف و توصیف نماید: یک عدالت از قانون تورات ناشی می‌شود و عدالت دیگر عطیه الهی است که بوسیله ایمان به مسیح حاصل می‌شود. این نظریه مشروحاً در نامه‌های رومیان و غلاطیان بحث و بررسی خواهد شد.

e- ترجمهٔ دیگر: تا در مرگ او همانند او شوم (ر.ک ۲:۶ o). بندهای ۱۰-۱۱ آنچه را که در سرود مسیح گفته شده بود در مورد فرد مسیحی بکار می‌برد ۲:۶-۱۱. شناخت مسیح، بدست آوردن مسیح، خود را در مسیح یافتن به معنی وارد شدن در وقایع گذشته‌ای است که حضور انها فعّال است. رستاخیز مسیح فعلیّت داشته و کنونی است و فرد مسیحی حقیقتاً در آن شرکت دارد همچنان‌که در رنجها و مرگ او سهیم است (ر.ک ۲-قرن ۴:۱۰) و این امر بوسیله از خودگذشتگی و وارستگی (۳:۷-۸) بوسیلهٔ مبارزه رسالت (۱:۳۰) و احیاناً بوسیله شهادت بدست می‌آید (۲:۱۷).

f- این اظهارات نشانهٔ تردید نیست زیرا پایه و مبنای امیدواری انسان عطیه واقعی خدا است، با این همه انتظار کشیدن موجب تضعیف اعتقاد و اطمینان می‌شود و انگیزهٔ مبارزه خواهد بود.

g- پولس به‌خوبی آگاه است که مورد لطف و فیضی قرار گرفته است ولی می‌داند که دلیل بر این نیست از هر کوششی خودداری نماید. اگر در بند ۱۵ می‌گوید: ما که کامل هستیم شاید به مسخره است و در اینجا به همین گونه است (ر.ک ۱-قرن ۲:۶). اگر هنوز به هدف نرسیده و فیلیپیان هم نرسیده‌اند؛ از آنان دعوت می‌کند به مانند خودش به پیش بروند.

h- آنچه را که پولس باید بگیرد، به آن دست یابد و به آن برسد در عبارات قبلی گفته شده و عبارت از مسیح و رستاخیز او است.

هستیم، چنین فکر کنیم؛ و اگر در موردی
طور دیگر فکر می کنید، خدا در آن مورد
شما را روشن خواهد کرد، ۱۶ به هرصورت تا
به جایی که رسیده ایم، در همین [خط][i] قدم
برداریم.
۱۷ای برادران [با هم] به من تأسّی کنید[j]
و به کسانی نگاه کنید[jj] که برطبق نمونهٔ ما
رفتار می کنند. ۱۸زیرا بسیاری[k] هستند که
اکثراً به شما می گفتم، و اکنون گریان
می گویم، که [همچون] دشمنان صلیب غلا۵:۱۱؛ ۱-قرن۱:۱۷-۱۸
مسیح هستند. ۱۹ پایان ایشان تباهی، خدای ۲۸:۱ روم۱۶:۱۸
[ایشان] شکم[l]، و افتخار در شرمندگی
ایشان است[m]، برطبق چیزهای زمینی مت۶:۱۹؛ کول۳:۲؛
می اندیشند. ۲۰زیرا شهروندی ما در یو۳:۱۲ افس۲:۶؛
آسمانها است، و از آنجا نیز منجی، خداوند عبر۱۲:۲۲
عیسی مسیح[n] را انتظار داریم، ۲۱که جسم روم۸:۱۹-۲۳
خواری ما را تغییر داده همانند جسم شکوه[o] روم۸:۲۹
خود خواهد کرد، بر طبق نیروی فعّالی که ۲:۱۰-۱۱؛ افس۱:۱۹؛
قادر است همه چیز را مطیع خود سازد. ۱-قرن۱۵:۲۷؛ عبر۲:۸

۴ ۱ پس ای برادران محبوب و مورد
اشتیاق من، شادی و تاج سر من، ۱-تسا۲: ۱۹-۲۰
ای محبوبان در این راه در خداوند پایداری
کنید.

توافق، شادی و صلح

۲ایودیه را تشویق می کنم و سنتیخی[p] را
تشویق می کنم همین فکر را در خداوند ۲:۲
داشته باشند. ۳و از تو، ای همکار[q] واقعی،
درخواست می کنم به آنان که در انجیل به
همراه من مجاهده کرده اند مدد برسانی؛
همچنین اکلیمنتس و همکاران دیگر من که ۲:۲۵
نام هایشان در کتاب زندگی است[r].

پولس به جلو می شتابد زیرا پاسخ به فراخوان او است (۳:۱۴) و خودش گرفتار شده است یعنی در راه دمشق مسیح او را گرفته است.

i- این عبارت با اینکه دقیق و صریح است ابهام داشته و در بسیاری از نسخه های خطی به طرق مختلف آن را تکمیل کرده اند.

j- فیلیپیان باید به طریقی که پولس در مسیح زندگی کرده و برای او مبارزه می کند به او تأسی کنند (ر.ک ۴:۹؛ ۱-قرن ۴:۱۶ q؛ ۱-تسا ۱:۶ j).

jj- ترجمهٔ دیگر: دقت کنید، چشم بدوزید.

k- در اینجا هم پولس با ابهام سخن گفته بدون اینکه توضیح دهد «بسیاری» چه کسانی هستند ولی با سرزنشهایی که به ایشان کرده و اضطرابی که احساس می نماید، همان رقیبانی هستند که در بندهای ۲-۵ ذکر شده است.

l- احتمالاً منظور پولس موضوع رعایت دستورات غذایی و حلال و حرام یهودیان است (لاو ۱۱؛ روم ۱۴).

m- ممکن است منظور پولس «ختنه» باشد: بند ۳. بعضی از مفسّران تصور می کنند بندهای ۱۸-۱۹ دربارهٔ کسانی است که زندگی بی بند و بار داشته و به عیّاشی و هرزگی می پرداخته اند.

n- فرد مسیحی به جای اینکه خود را مسحور و گرفتار دنیا سازد، به خداوند تعلق دارد و میهن او ملکوت خدا است: ر.ک ۱:۲۷ e؛ ۳:۱۴.

o- ترجمه تحت اللفظی: به همان شکلی که جسم او... جسم رستاخیز کردهٔ عیسی مسیح که شکوه خدا در آن می درخشد، شکلی است که جسم خود ما مطابق آن خواهد بود (بند ۱۰؛ کول ۳:۱-۴؛ ۱-قرن ۱۵:۴۲-۴۹، ۵۳: جسم روحی یا جسم غیرمادی).

p- نام این دو نفر مسیحی، توافق و هم آهنگی را بیاد می آورد (ایودیه در زبان یونانی به معنی راه آسان و سنتیخی به معنی ملاقات است) و پولس به طنز، تناسب بین نام و رفتار این دو نفر را یادآوری می کند. ما از اشخاصی که در بندهای ۲-۳ نام برده شده اند چیزی نمی دانیم؛ گرچه بنابر یک روایت کهن و در تعقیب نوشته های اوریجن، اکلیمنتس همان کسی است که بعدها به نام اکلیمنتس روم خواهد بود.

q- ممکن است کلمهٔ یونانی سوزیگوس (یعنی همکار) نام خاص کسی است و در اینجا پولس ارزش لغوی نام او را تأکید و یادآوری کرده است.

r- کتاب زندگی تصویری معمول در نوشته های عهد عتیق و یهودیان است: ر.ک مکا ۳:۵ y.

۴همواره در خداوند شادی کنید؛ و باز
هم خواهم گفت: شادی کنید. ۵اعتدال شما
را[s] همه مردمان بشناسند. خداوند نزدیک ۳:۲۰؛
است[t]. ۶هیچ نگران نباشید؛ ولی در همه یع۵:۸؛ ۱-پطر۴:۷؛ مکا۳:۱۱؛
مورد، بوسیله نیایش و خواهش با ۲۲:۲۰
سپاسگزاری، تقاضاهای خود را به خدا مت۶:۲۵-۳۴
عرض کنید. ۷و صلح خدا که از هر فراستی یو۱۴:۲۷؛
برتر است دلها و ادراک شما را[u] در مسیح کول۳:۱۵
[عیسی] حفظ خواهد کرد.
۸وانگهی ای برادران، آنچه حقیقی است،
آنچه شرافتمندانه است، آنچه عدالت است، روم۱۲:۲؛ ۱-تسا۴:۱۱
آنچه پاک است، آنچه دوست داشتنی است،
آنچه قابل تحسین است، اگر فضیلتی[v]
هست و اگر ستایشی هست منظور شما
باشد. ۹آنچه را یاد گرفته اید و دریافت ۳:۱۷؛ ۱-تسا۴:۱
کرده اید و از من شنیده و دیده اید، به آنها ۱-تسا۵:۲۳؛ روم۱۵:۳۳
عمل کنید و خدای صلح با شما خواهد بود. ۱۶:۲۰

حق‌شناسی برای هدیه‌های دریافتی

۱۰اما بسیار شادمان شدم در خداوند از
اینکه بالاخره احساسات شما نسبت به من
شکوفا گردید[w]؛ البته به فکر [من] بودید
ولی موقعیت نداشتید. ۱۱این را نه به سبب
نیازمندی خود می گویم، زیرا یاد گرفته ام در
وضعیتی که هستم راضی باشم[x]؛ ۱۲می دانم
همچنین در تهیدستی باشم، می دانم
همچنین در فراخی باشم، در هر چیز و همه ۱-تیمو۶:۶؛ عبر۱۳:۵
چیز آموخته ام[y] سیر باشم و گرسنه باشم، در
فراوانی باشم و در نیازمندی. ۱۳بوسیله
آنکه[z] مرا تقویت می کند، قادر به همه چیز ۲-قرن۱۲:۹-۱۰
هستم. ۱۴با این همه خوب کردید در مضیقهٔ کول۱:۱۱
من سهیم شدید. ۱۵و ای فیلیپیان، شما نیز
می دانید که در آغاز انجیل[a]، هنگامی که از ۱:۵
مقدونیه خارج شدم، هیچ کلیسایی به جز

s- بوسیلهٔ نشانه هایی که به آنان خواهید داد.
t- ر.ک مت ۳:۲ h.
u- در بعضی از نسخه های خطی: دلهای شما و جسم های شما.
v- در نامه های پولس، اینجا تنها موردی است که این کلمه بکار رفته، کلمهٔ مهمی که در بین علمای اخلاق یونان معمول و متداول بوده است. شش خصلتی را که قبلاً برشمرده است دلیل بر این است که مشرکان برای این فضایل قابل ستایش قدر و قیمت و اعتبار قایل هستند ولی بند ۹ نشان می دهد که ایمانداران برطبق سنت و روش خود با همین ارزشها زندگی می کنند (۲-تسا ۲:۱۵؛ ۳:۶)، همچنانکه خود پولس در مسیح زندگی می نماید (۳:۱۷) و بدین گونه وارستگی که در ۳:۷-۸ ذکر شده است کامل می گردد.
w- منظور کمک هایی است که اپفرودتس آورده، در موقعی که پولس کاملاً به آنها احتیاج داشته است (۲:۲۵-۳۰؛ ۴:۱۸). در سرتاسر این قسمت، پولس با لحنی مناسب و کاملاً دقیق (که در نامه به فیلمون هم وجود دارد) با توجه به مأموریت رسالت، هم استقلال و هم حق شناسی خود را بیان می کند.
x- کلمهٔ یونانی که در اینجا آمده و معنی تحت اللفظی آن خودکفایی است در نزد علمای اخلاق یونان به مفهوم استقلال شخص عاقل در اوضاع و شرایط زندگی و زیر و بالای آن است. درصورتی که استقلال و خودکفایی پولس، کیفیت و منشأ دیگری دارد و آن را منحصراً از طرف کسی می داند که او را تقویت می کند. بند ۱۳.
y- ترجمهٔ تحت اللفظی: آشنا به اسرار شده ام. این اصطلاح مختص به معتقدان به مذاهب سرّی و پنهانی است و در اینجا فقط به معنی: آموخته ام آنچه را همه نمی دانند است.
z- پولس بدون اینکه نامی ذکر کند به مسیح رستاخیز کرده و عمل قدرت خدا در او می اندیشد (ر.ک ۳:۱۰، ۲۱). در برخی نسخه ها، بجای «آنکه»، «مسیح» آمده است.
a- یعنی درطی مأموریت رسالت پولس در مقدونیه (اع ۱۶-۲۱)، یا در شهر فیلیپی، یا در شهرهای دیگری که بعداً از آنجا عبور کرده است. منظور از آغاز انجیل، لحظه ای است که به مسیحیت گرویده اند(ر.ک ۱:۵).

شما به‌حساب بدهی و بستانکاری[b] من
شریک نشد؛ ۱۶زیرا حتی [قبلاً]در
تسالونیکی یک بار و دوبار برای
نیازمندیهای من فرستاده اید[c].
۱۷نه اینکه من درپی هدیه باشم، بلکه
روم۲۷:۱۵؛ ۱-قرن۱۱:۹ ثمره ای که در حساب شما فراوان شود[d].
۱۸ اما همه چیز دارم، بلکه فراوان دریافت
کرده ام و در فراخی هستم چون که از
افس۲:۵ اپفرودتس، از نزد شما[دریافت کرده ام]
پید۲۱:۸؛ خروج۱۸:۲۹ روم۱:۱۲-۲ عطر خوش بو را که قربانی مقبول خدا و
خوشایند [او] است[e]. ۱۹و خدای من، همه
روم۴:۲؛ ۲۳:۹؛ ۳۳:۱۱؛ افس۸:۳ نیازمندیهای شما را برطبق غنای خود، در
شکوه[f] مسیح عیسی کامل خواهد کرد. ۲۰و
برخدا و پدر ما، شکوه به روزگاران و
روزگاران باد! آمین. ۱:۱۱؛ ۲:۱۱؛ روم۲۷:۱۶؛ افس۲۱:۳

سلام و درود پایانی

۲۱به هر مقدس در مسیح عیسی سلام
کنید. برادرانی که با منند به شما سلام روم۷:۱
می کنند. ۲۲تمام مقدسان و مخصوصاً
آنانکه جزو خانهٔ قیصر[g] هستند به شما
سلام می کنند.
۲۳فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما
باد![gg]

b- پولس اصطلاحی بکار می برد که معمولاً در معامله های تجارتی بکار برده می شود تا در مورد مبادله نعمت های روحانی و نعمت ها مادی که بین او و مسیحیان فیلیپی انجام می شود یادآوری و تأکید نماید (۵:۱ g؛ ۱-قرن ۱۱:۹). این هدیه ها تنها چیزی است که پولس پذیرفته است. ر.ک مقدمه.
c- پولس پس از عزیمت از تسالونیکی احتمالاً باز هم کمکی از آنان در قرنتس دریافت خواهد کرد (۲-قرن ۱۱:۸-۹).
d- هدیه هایی که مسیحیان داده اند، ثروت روحانی ایشان می شود، زیرا خدا در این مبادله ها بکار است (۱۹:۴).
e- پولس در مورد این هدیه های برادرانه لحن نیایشی عهد عتیق را بکار برده که در نوشته های عهد جدید معنی و مفهوم روحی و معنوی گرفته است (ر.ک ۱۷:۲-۱۸، ۲۵، ۳۰).
f- ترجمهٔ دیگر: باشکوه و جلال. بعضی از مفسّران شکوه آسمانی درک کرده اند.
g- این کلمه ممکن است چنین تصوّری القاء نماید که پولس نامه را در روم نوشته است (ر.ک مقدمه)، ولی این اصطلاح شامل کلیه کارمندان امپراتور می شود (اعم از نظامیان، کارمندان دولتی، بردگان و بردگانی که آزاد شده اند) و در هر شهری که حکمران رومی سکونت داشته این افراد در خدمت او بوده اند.
gg- در برخی نسخه ها، «آمین» آمده است.

پیشگفتار
نامه به کولسیان

محتوای نامه

نامه به کولسیان، رساله کوتاهی است (چهار فصل) که از نظر شرح و بسط در علم الهی، وسیع و گسترده است و جزو نامه هایی است که معمولاً «نامه های دوران زندان» می نامند.

این نامه، بنابر معمول با کلمات نیایش مختص نامه ها آغاز می شود (۱:۱-۲۰)؛ سپس چنین ادامه می یابد: سلام و سپاسگزاری به سبب پیشرفتی که در انجیل حاصل شده است (۳-۸) ودعا و نیایش برای ایمانداران (۹-۱۲) و در پی آنها سرودی در ستایش مسیح به عنوان سرور جهان، که به خوبی لحن نامه را نشان می دهد (۱۳-۲۰). بندهای ۲۱-۲۳ اخطار به مخاطبان نامه است و پس از اخطار، خدمت رسالت، یادآوری شده که مأموریت در اجرای همان مطالبی است که در سرود آمده است یعنی: پولس باید سخنان و مصائب مسیح را به انجام برساند تا شکوه خدا در بین ملّت ها تجلّی نماید (۱:۲۴-۲:۵).

از ۲:۶ تا ۳:۴ هشداری به جمعیت مسیحیان کولسی است که منظور و انگیزهٔ ارسال این نامه است: بدین معنی که چون معلمانی «ملحد» به کولسی وارد شده و عقاید و دستورات دینی دیگری توصیه کرده اند، در برابر خطر آنها به کلیسا هشدار داده می شود. در وسط این قسمت که جنبهٔ بحث و جدل دارد مجدداً پیروزی مسیح بر قدرتهای آسمانی تجلیل می شود، پیروزی که ایمانداران بوسیلهٔ تعمید خود در آن شرکت دارند (۲:۶-۱۵) و در مقابل هر اقدامی که برای اسارت انجام شود آزادی مسیحیت را پی ریزی می نماید. (۲:۱۶-۳:۴).

سپس موعظه و نصیحت، جنبهٔ کلی می گیرد (۳:۵-۴:۶) و در مورد تعمید، یادآوری و چنین تأکید می نماید: ایمانداران انسان کهن را بدر کرده و انسان نوی را پوشیده اند که زندگی او در جمعیت مسیحی بوسیله طرز رفتار و آیین نیایش تحقق می یابد. (۳:۵-۱۷).

آنگاه در مورد روابط با دیگران توصیه هایی می شود که عبارت از مناظر معمولی زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی است که «در خانواده» است و لذا مفهوم جدیدی دارد (۳:۱۸-۴:۱). بالاخره نامه با دعوت به مراقبت و هوشیاری و دعوت به نیایش کردن (۴:۲-۴) و تذکر در مورد روابط با غیرمسیحیان (۴:۵-۶) و فهرست طولانی سلام ها و پیامهای شخصی (۴:۷-۱۷) و با سلام پایانی رسول خاتمه می یابد (۴:۱۸).

بحران در کولسی

۱- اطلاعاتی که از این نامه برمی‌آید: کولسی شهری است که در ناحیه فریجیه (آسیای صغیر) در ۲۰۰ کیلومتری مشرق افسس قرار دارد. پولس هرگز به این شهر نیامده است (۱:۲-۴:۱) و در مدّت طولانی که در افسس اقامت داشته (اع ۱۹)، یکی از شاگردان او بنام اپفراس که اصلاً اهل کولسی است (۲:۴) جمعیت مسیحیان کولسی وهمچنین جمعیت‌های هیراپولس و لاودیکیه را تشکیل داده که دو شهر مجاور یکدیگر بوده اند و در دره لیکوس قرار دارند. کلیسای لاودیکیه یکی از «هفت کلیسا» یی است که در مکاشفه یوحنا ذکر شده و تصور می کنند نامه ای که «نامه به افسسیان» خوانده می شود احتمالاً به کلیسای لاودیکیه خطاب گردیده است (کول ۱۶:۴؛ ر.ک مقدمه نامه به افسسیان). برطبق مندرجات این نامه، اپفراس که آمده بود تا در زندان پولس را ملاقات نماید، وضعیت وخیم کولسی را به اطلاع او می رساند (۷:۴) و پولس، تیخکس را که حامی این نامه است (۷:۴-۸؛ ر.ک افس ۲۱:۶) با اونسیموس اعزام می نماید (۹:۴) تا در جریان آزمونی که این کلیساها می گذرانند نماینده و سخنگوی رسول باشند، زیرا این کلیساها را خود پولس تشکیل نداده بود و بند و زنجیر زندان مانع ازآن بود که مستقیماً و اساساً دخالت نماید.

۲- این نامه به صورت بحث و مجادله ای روحانی و علم الهی است. زیرا گرچه پولس قبلاً با مشکلات زیادی روبرو شده بود، برخلاف آنچه در قرنتس یا غلاطیه روی می داد، در اینجا ظاهراً مسائل مربوط به اشخاص مطرح نبود (یعنی رقابت‌های افراد یا انکار رسالت پولس). باوجود بررسی های متعددی که به عمل آمده هنوز به روشنی معلوم نیست چه افکار و نظریاتی در کولسی شایع شده بود. در اطلاعات ما از بررسی مفادنامه برآمده که مطالب آن اکثراً به صورت اشاره ای است و مفهوم بعضی کلمات و اصطلاحات برای ما مبهم است. گاهی نمی توان تشخیص داد اظهاراتی که می شود باید در حساب معلّمان جدید گذاشته شود یا بیان نظریه و قضاوت رسول است. (مثلاً ۱۸:۲، ۲۱، ۲۳). گرایش اصلی طرفداران این نهضت عبارت از این بوده که از انجیل رسولان فراتر بروند و به نظر ایشان غور و تعمق دربارهٔ دنیای فرشتگان، اعمال ریاضت و رعایت بعضی از مقررات شرعی باید ایمان به مسیح را تکمیل نماید و به ایمانداران شناخت عالی تری از رازها بدهد و زندگی مذهبی که برطبق آرزوی قلبی ایشان است فراهم نماید. در این عقاید، بعضی ازآثار «انجیل یهودی‌گرایانه» را می توان یافت که پولس در نامه به غلاطیان با آن مبارزه می کرد ولی این «انجیل» تحوّل یافته، بیشتر اثر عقاید و نظریات مذاهب پنهانی را داشت، و ملاحظه می شود که گرایشهایی بوده که به طریقهٔ گنوستیک قرن دوم میلادی منجر خواهد شد. با بروز این عقاید کلمات و اصطلاحاتی بوجود آمده که آثار آنها را در نوشته های متأخر بر عهد جدید و خارج از آنها می توان یافت.

مختصّات نامه

نامه کولسیان که تحت تأثیر برخورد مسیحیت با این عقاید نوشته شده نسبت به نامه های قبلی پولس بدعت و شگفتی مخصوص دارد:

الف) مشاهده می شود که روش نگارش تغییر یافته است؛ این تغییرات که در نامه به افسسیان تشدید می شود عبارتند از: تراکم کلمات مترادف، فراوانی کلماتی که با مضاف الیه هستند، مطالب مشروح در مورد آئین نیایش (۳:۱، ۸:۹-۲۰)، عباراتی که مبهم و گاهی اشتباه‌آمیز هستند (۱۸:۲-۱۹، ۲۰-۲۳)، افزایش جمله های معترضه، ترکیب عبارات با بکار بردن اسم مفعول یا ضمایر موصول ...

ب) از نظر بکار بردن کلمات هم تحوّلی مشاهده می شود. کلماتی که سابقاً پولس بکار برده است مثلِ رأس، جسم؛ اقتدارها و نیروها، عوامل؛ راز، نظام، تمامیت، حکمت، غنا، شناخت و غیره؛ در این نامه، فکر به طرز بی سابقه ای در اطراف آنها متشکل می شود (وانگهی تأثیر نوشته های حکمت کتاب مقدس را می توان ملاحظه نمود). ضمناً دربارهٔ مسیحیان بیشتر کلمه «مقدّسان» بکار برده می شود.

ج) حتی افکار و نظریات پولس هم تغییر یافته که گاهی خیلی مختصر است و بنظر نمی‌آید ولی وضعیت جدیدی را اعلام می کنند. از جمله تغییرات و مواردی که تأکید می شود به شرح زیر است:

- بالارفتن مسیح ابعاد کیهانی گرفته، به عنوان رأس جهان و قدرتها و به عنوان رأس کلیسا تجلیل می شود؛

- مفهوم کلیسا تغییر می یابد بدین معنی که در ۱-قر۱۲ کلیسا به عنوان جسم، وحدت مسیحیان را با رعایت تفرّع آنان در داخل جمعیت بیان می کرد، در این نامه کلیسا وسعت و ابعاد جهانی می گیرد و بیشتر از آنچه در ۱-قر بیان شده است کلیسا (جسم) از مسیح (رأس) متمایز است؛

- در اینجا به جای مقوله های موقتی و آخرتی، مقوله های فضائی (در بالا، در پایین) بکار برده می شود. ملکوت بر فراز ما قرار دارد، همچون حقیقتی که مشرف بر ما است (۳:۱؛ ۳:۱-۴) بجای آنکه در جلو ما باشد، همچون حقیقتی که فرا می رسد (ر.ک مر۱:۱۵)؛

- در نتیجه در مفهوم تعمید از نظر علم الهی تغییر مهمی حاصل شده است. در فصل ۶ نامه به رومیان، پولس اتحاد ما را با مرگ مسیح با فعل ماضی بیان می کرد و شرکت ما با رستاخیز مسیح با فعل مستقبل بیان شده بود. در نامه به کولسیان اظهار شده، کسی که تعمید شده است مرده و هم‌اکنون با مسیح دوباره زنده شده است (ر.ک ۲:۱۲ پاورقی u ؛ ۳:۱)؛

- نظریه جامعیت و موضوع های حکمت و الهام جای موضوع های قضائی را گرفته که به نظر پولس همراه با عمل روح القدس است. انجیل بتدریج «راز» می شود،

همهٔ این مختصّات در نامه به افسسیان هم پدیدار خواهند شد: به طوری که شباهت در شیوهٔ نگارش و نظریات این دو نامه مسئله مخصوصی بوجود آورده است (ر.ک مقدمه نامه به افسسیان).

اصالت و هویت نامه

عوامل مهمی که در بررسی هویت و اصالت مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از: ۱- دلایل و معیارهایی که از نظر ادبی و علم الهی وجود دارد و به طور خلاصه ذکر کرده‌ایم. بنابر اهمیّتی که به این دلایل قائل شده اند و بنابراینکه به شباهت‌ها یا اختلافات این نامه با نامه‌های دیگر توّجه و تأکید گردیده، می‌توان گفت که منسوب به پولس رسول است که در پایان دوران زندگی خود نگاشته است؛ یا اثریکی از شاگردان نزدیک او است؛ و یا اینکه اثری متأخر بر دوران رسولان است و بعضی از مفسّران آن را «مکتب پولس» نامیده‌اند. ۲- نکاتی که رابطهٔ بین نامه کولسیان و نامه‌های دیگر را تعیین می‌کنند. و این اطلاعات مختلط و پیچیده هستند: زیرا شباهت و بستگی نامه کولسیان با نامه‌های دیگری است که در تاریخهای مختلف نوشته شده‌اند. مثلاً یک موضوع مثل «عوامل دنیا» و بعضی از ترکیب عبارات این نامه را به نامه غلاطیان نزدیک می‌کنند (ر.ک غلا ۴:۱-۱۱ و کول۲:۶-۲۳). ازسوی دیگر نامه کولسیان با نامه فیلمون و نامه افسسیان اوضاع و احوال مشابه و یکسانی ارائه می‌کنند یعنی: پولس زندانی است (فیل ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۳؛ افس ۳:۱؛ ۴:۱؛ ۶:۲۰)، در هر سه نامه پولس به تیخکس و اونیسمس مأموریت مشابهی می‌دهد (فیل ۱۲؛ افس ۶:۲۱-۲۲). ضمناً نامهٔ کولسیان بی‌ارتباط با نامهٔ فیلیپیان هم نیست که نامه‌ای از دوران زندان است. بهرصورت این نکات دلایل قاطعی نیستند و می‌توان تصوّر کرد که از یک نامه به نامهٔ دیگر منتقل شده باشند. ۳- بالاخره کیفیت واقعی بُحران کولسی. دراین مورد هم به دشواری می‌توان تاریخ صحیحی تعیین نمود. زیرا با توجه به اشارهٔ مبهمی که به نظریات و عقاید و اجرای آداب مذهبی شده است و مدّتی که این نهضت‌های مقدّماتی گنوستیک در ایمان مسیحیت سرایت کرده بودند به درستی نمی‌توان گفت در چه تاریخی این برخورد ایجاد گردیده است.

با درنظر گرفتن مجموعهٔ این اطلاعات سه نوع راه‌حل پیشنهاد شده است:

الف) عقیدهٔ رایج بر این است که پولس نامه‌های کولسیان، فیلمون و افسسیان و همچنین نامه به فیلیپیان را درآخرین قسمت دوران رسالت خود یعنی موقعی که اولین بار در رُم زندانی بوده نوشته است (سالهای ۶۱ تا ۶۳ میلادی). و نامه به کولسیان نخستین طرح مجموعه نظریات او در علم الهی است و این نظریات در نامه به افسسیان شکوفا خواهد شد. در این نامه افکار رسول اوج گرفته، بیشتر به آیندهٔ دور می‌نگرد تا مفهوم جهانی صلیب و صعود مسیح را متجلّی ساخته، آخرین نتایج راز نجات را در کلیسا آشکار کند. بدین‌سان می‌توان تغییر روش نگارش پولس و تحوّل افکار او را توضیح داد. فرضیه‌ای دایر بر اینکه پولس نامه کولسیان را در مدّت زندانی بودن خود در قیصریه نوشته باشد در چهارچوب تاریخی مشابهی خواهد بود. بحران غلاطیه نشان می‌دهد که تغییر و تحوّل افکار پولس نسبتاً زود انجام شده بود.

ب) بسیاری از آنان‌که این نامه را منسوب به پولس می‌دانند معتقدند که با نامه فیلیپیان و نامه فیلمون نوشته شده است ولی نه در پایان دوران رسالت او بلکه در بُحبوحه

فعالیّت رسالت و ادبی او و جزو نوشته هایی است که در مــدّت اقــامت طــولانی خــود در افــسس نــوشــته است (از ســال ۵۴ تــا ۵۷ میلادی) و می توان تصوّر کرد که در این مدّت یک بار زندانی شده باشد (در مورد مشکلات رسول در شهر افسس ر.ک ۱-قر ۱۵:۳۲؛ ۲-قر ۱:۸-۱۰). بدین گونه می توان روابط نزدیک و مداوم رسول را با کلیساهای ناحیه درک کرد ولی در این صورت مدّتی که برای تهیه و تنظیم و انشاء نامه به کولسیان لازم است رعایت نمی شود و به ناچار باید تاریخ نگارش نامه را از نامه افسسیان دور کرد که در این صورت باید نامه افسسیان را نوشتهٔ کسی غیر از پولس رسول دانست.

ج) در طرف مقابل کسانی هستند که به سبب وضعیت کلیسا و شکل و محتوای نامه، آن را نوشته ای منسوب به نسل متأخر بر رسولان می دانند. اندیشه و انتظارات فرا رسیدن پایان روزگار تخفیف یافته، کلیسا در برابر نخستین حملات عقاید گنوستیک از اقتدار مقام رسالت کمک خواسته، صحت مأموریت و موعظه اپفراس را که به نام پولس سخن می گوید پذیرفته است، وانگهی مقام و اعتباری راکه اپفراس در پایان قرن اول میلادی درنظر مسیحیان احراز کرده بود ذکر می کند (ر.ک ۲-پطر ۳:۱۵-۱۶).

وسعت دامنهٔ نامه

گرچه در مورد تاریخ نگارش نامه و انتساب آن نظریات مختلف وجود دارد ولی همه مفسّران متفق القول هستند که نامه به کولسیان اصولاً همان پیامی را پیروی می کندکه پولس در موقعیت های دیگری بیان نموده است یعنی: ما کاملاً در مسیح سرشار شده ایم. او برای عدالت ما همه چیز است (غلاطیان، رومیان)، برای سرنوشت ما، مرگ ما و زندگی ما همه چیز است (کولسیان)، مبادا کمترین تماسی با چرخ و دنده های قانون تورات بگیریم زیرا موجب بازگشت به اسارت خواهد بود (غلا)! مبادا در کنار فرمانروایی مسیح، در بالا یا پایین فرمانروایی او، نوعی پرستش قدرتها را بیفزاییم: زیرا به مفهوم بازگشت به اسارت خواهد بود (کول)! همان سرود آزادی مسیحیت بلند می شود. همان توسّل به تعمید به عنوان واقعهٔ قاطع و غیرقابل برگشت که ما را از هر عدالت دیگری بی نیاز و منفک ساخته است (غلا، روم) واز هر قدرت دیگری غیر از قدرتهای مسیح منفک ساخته است (کول). گرچه سابقاً در نامه های پولس سخن دربارهٔ زمان و موضوع آمدن مسیح بوده و لحن نامهٔ به کولسیان بیشتر دربارهٔ فضا و تجلیل مسیح به عنوان رأس و فرمانروای جهان است ولی همواره یک موضوع اعلام می گردد، بدین معنی که: مسیح یک بار و برای همگان مرده و دوباره زنده شده است و به یک باره ما به او پیوسته و با او متحد شده ایم. زندگی ما که به زندگی اوپیوسته است پیروزمندانه در «جایگاههای آسمانی» مستقر گردیده، درجایی که قدرتها فعالیّت دارند و ممکن است آزادی را تهدید نمایند. این اظهارات برای برانگیختن ما به فرار نیست بلکه به منظور رهبری ما به زندگی واقعی است چنانکه در پایان نامه ذکر شده است.

هنگامی که اشاره به قدرت هایی می شود که در دنیای ماوراء زمین سکونت دارند یا

سخن از فرشتگان و نیروهایی است که بر مسیر سیارگان و بر سرنوشت ها مسلّط هستند، در نظر اول چیزی غریب تر از این مطالب برای ما وجود ندارد ولی اگر اندکی به این نکات گوش کرده و دربارهٔ پاسخ های رسول غور و تعمق نمائیم، طنین انعکاس آنها را درمی یابیم. نام آن قدرتها عوض شده، اقداماتی که برای هم‌آهنگی با قدرتها یا رها شدن از آنها انجام می گردد تغییر یافته است و با این همه کولسیان برادران ما هستند. برای انسان قرن بیستم و فرد مسیحی این دوران دشوار است که احساس نماید بازیچهٔ دست نیروهایی است که سیّاره ما را در راه تحوّلی غیرقابل برگشت می کشانند. نجات انسان دیگر منحصر به اطاعت شخصی از یک قانون و یا اصول اخلاقی نیست که اکثراً مورد قبول نیستند بلکه نجات در رهایی از فشار دیوانگی است که ما را تهدید می نماید. برای ما هم این سؤال قاطع که رابطهٔ بین مسیح و جهان است می باشد: بین آنچه از جهان دیده و احساس می کنیم و انجیلی که به ما بشارت داده شده، دریافت کرده ایم چه ارتباطی ممکن است وجود داشته باشد؟

نامه به کولسیان

عنوان و سلام

افس۱:۱-۲؛ ۱-قرن۱:۱-۲ **۱** [۱]پولس، رسول مسیح عیسی به
خواست خدا، و برادر تیموتاوس[a]،
[۲]به برادران ایمانی در مسیح[b]، قدیسانی که
در کولس هستند؛ از سوی خدا، پدرمان[c]
فیض و آرامش بر شما باد.

شکرگذاری برای انجیل

افس۱:۱۵-۱۶؛ فیل۴-۵ [۳]به خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح،
روم۱:۸-۹؛ ۱-تسا۱:۲؛ شکر کرده[d] همواره برایتان دعا می کنیم،
کول۱:۱۲؛ ۲:۷؛ ۳:۱۷؛ [۴]از وقتی که ایمان شما را به مسیح عیسی و
۴:۲؛ محبتی را که برای همه قدیسان دارید
افس۵:۴، ۲۰؛ ۱-پطر۱:۳-۴ شنیده ایم [۵]به سبب امیدی که در آسمانها
برایتان تخصیص داده شده است[e]، که قبلاً
افس۱:۱۳ در سخن حقیقت، انجیل، شنیده اید [۶]که به
شما رسیده است[f]، همانگونه که در سراسر
جهان[ff] نیز بارور و افزایش می یابد[g]، ۱:۱۰؛ مر۴:۸
به همان سان نیز در بین شما، از روزی که
فیض خدا را درحقیقت شنیدید و
شناخته اید [۷]چنانکه از اپفراس[h]، همقطار
خدمتی محبوب ما[i] آموخته اید، که برای ۴:۱۲؛ فیل۲۳
شما خدمتگزار باوفای مسیح است [۸] و ما
را از محبتی که شما در روح [القدس]
دارید[j] آگاه کرده است.

نیایش برای کلیسا

[۹]برای همین است که ما هم، از روزی که افس۱:۸، ۱۵-۱۶
این را شنیده ایم، از نیایش برای شما باز
نمی ایستیم و درخواست می کنیم که شما در
شناخت اراده او [خدا] از حکمت تمام و

a- تیموتاوس: ر.ک به اع ۱:۱۶ n.
b- همچنین می توان ترجمه کرد: به برادران در مسیح،قدیسان و وفادارانی، که ساکن کولس اند.
c- در نسخه های خطی متعددی در اینجا اضافه شده است: و خداوند عیسی مسیح.
d- شکر کردن (ترجمه تحت اللفظی: سپاسگزاری). این عبارت که در آغاز نامه های رسولان متداول است (روم ۱:۸) در اینجا اهمیت خاصی داشته و لحن نامه را تعیین می کند (ر.ک ۱:۱۲؛ ۲:۷؛ ۳:۱۵-۱۷، ۴:۲).
e- دربارهٔ سه کلمه: ایمان، محبت و امید ر.ک ۱-قرن ۱۳:۱۳P. در اینجا این سه فضیلت از نظر اهمیت در یک سطح قرار ندارد. زیرا کلمه امید پس از «به سبب» آمده و معنی تازه ای گرفته است: و کمتر به مفهوم امید می باشد تا محتوای آنچه انتظار می رود (افس ۱:۱۸؛ عبر ۶:۱۹؛ ۱-پطر ۱:۴).
f- گاهی ترجمه می کنند: که به شما رسیده است همان گونه که در سراسر جهان .
ff- در آن ثمر می آورد.
g- انجیلبه مانند قدرتی که در حرکت به سوی جلو است نشان داده شده. فرارسیدن انجیل با تصاویر باروری و توسعه توضیح داده شده، همین تصاویر در بندهای بعدی مجدداً درباره خود کولسیان بکار برده می شود (۱:۱۰).
h- بدین سان پیام اپفراس (ر.ک مقدمه) ارزش و صلاحیت رسالتی دارد و تأکید این نکته حائز اهمیت است زیرا در این نامه علیه عقاید جدید و بدعت مبارزه می شود.
i- یعنی جانشین ما است. تفسیر دیگر: که برای شما است یعنی عامل باوفای مسیح به نزد شما است.
j- ترجمه تحت اللفظی: محبت شما در روح القدس. این تنها مورد اشاره به روح القدس در این نامه است. در بند ۳:۱۶ کلمهٔ روحی که منسوب به روح القدس است ذکر گردیده است.

ادراک روحانی سرشار باشید[k]. ۱۰ شایستهٔ
خداوند رفتارکنید، که از هرحیث خوشایند افس۴:۱؛ ۱-تسا۲:۱۲؛
[او] باشید؛ در هرعمل خوب ثمر ببار فی۱:۲۷
آورید و در شناخت خدا رشد کنید. ۱۱ بر
طبق نیروی شکوه او، در کمال قدرت، افس۱:۱۹؛ ۳:۱۶؛ ۶:۱۰
نیرومند شوید و پابرجا و شکیبا.

در ستایش مسیح سرور جهان

با شادی[l]، ۱۲ پدر را سپاسگزار باشید، افس۱:۱۱،۱۸؛ تث۳۳:۳-۴؛
که شما را شایسته نموده است[m] تا بخشی حک۵:۵؛ اع۲۰:۳۲؛
از میراث[n] قدیسان را در نور داشته باشید. ۲-پطر۱:۴ خروج۱۴:۳۰؛
۱۳ که ما را از قدرت تاریکی رهایی اع۲۶:۱۷-۱۸ افس۵:۸؛
بخشیده و به ملکوت پسر محبت خود[o] یو۸:۱۲؛ ۱-پطر۲:۹
منتقل کرده است. ۱۴ که در او بازخرید و مت۳:۱۷ افس۱:۷؛
بخشایش گناهان را داریم. روم۳:۲۴ فی۲:۶
۱۵ او[p] چهرهٔ خدای[q] نادیده،
نخست‌زاده[r]، تمام آفرینش است

k- در نامه به کولسیان علاقه مخصوصی در بکار بردن این واژه‌ها ابراز گردیده (ر.ک ۲:۲-۳) بخصوص که موضوع مبارزه، وصول به ادراک می‌باشد. در این نامه حکمت به عمل تاریخی خدا در مسیح کاملاً پیوند داده شده و مربوط به طرز رفتار روزانه است که از آن ناشی می‌شود.

l- با شادی: گاهی این کلمه را به آغاز بند ۱۲ مربوط می‌کنند.

m- در بعضی از نسخه‌های خطی ضبط شده است: ما را شایسته نموده است. تفاوتی که در ضمیرهای شخصی نسخه‌ها مشاهده می‌شود نشان می‌دهد که رونویس کنندگان تردید داشته‌اند ضمناً طرز ترغیب رسول را روشن می‌کنند بدین معنی که نویسنده نامه از یک سو با صلاحیت و اقتدار به نام مسیح سخن می‌گوید و در عین‌حال خود او مسئول همان فیضی است که دریافت کنندگان نامه دریافت می‌کنند (۱:۷، ۱۲؛ ۲:۱۳؛ ۳:۴).

n- در کتاب عهد عتیق سهمیه‌ای از ارض موعود به هر خانواده اسرائیل تخصیص داده شده، به این ترتیب هر خانواده شریک در میراث عمومی بشمار می‌آید (یوشع ۱۴:۱-۵). از این پس مشرکان نیز در میراث ملکوت شریک هستند (افس ۱:۱۱-۱۴؛ ۲:۱۱-۲۲). در نوشته‌های قمران این میراث متضمن شرکت جامعه زمینی در جامعهٔ آسمانی است و چنین نوشته شده است: «به کسانی که خدا برگزیده است مستملکه‌ای جاودانی داده، میراث آنان را جزو سهمیه قدیسان، با پسران آسمانها قرار داده و جمعیت ایشان را برطبق آرمان جامعه سهیم کرده است» (مقررات جمعیت قمران ۱۱:۷و۸). در این معنی بعضی از محققان قدیسان را به مفهوم فرشتگان می‌دانند (ر.ک ایوب ۵:۱؛ زک ۱۴:۵) در نامه‌های کولسیان و افسسیان منظور از قدیسان اعضای قوم خدا و به عبارت دیگر تعمیدیافتگان می‌باشند.

o- این عبارت اصطلاح پسر محبوب را به یاد می‌آورد که در روایت‌های تعمید عیسی (متی ۳:۱۷؛ //) و در عنوان نامه به افسسیان ۱:۶ آمده است. به همان‌گونه که در نامه به رومیان ۱:۴ ذکر شده منظور کسی است که قیام از مرگ او را بر سریر فرزندی یکتا جای داده است.

بندهای ۱۲ تا ۱۴ این نامه مطالب مشابهی با اع ۲۶:۱۸ دارند که عبارتند از: قدرت ظلمات، انتقال از یک قلمرو به قلمرو دیگر، میراث، بخشایش گناهان، ورود به جامعه قدیسان.

p- بندهای ۱۵ الی ۲۰ (و به نظر برخی بندهای ۱۲ الی ۲۰) سرودی در وصف عظمت جهانی مسیح است (ر.ک به دو قطبی که در این سرود ذکر شده است: منظور از او مسیح است بدون اینکه نامش ذکر شده باشد و قطب دیگر همه به مفهوم جهان می‌باشد. نخستین قسمت این سرود دربارهٔ آفرینش (او چهرهٔ خدای نادیده ...) و قسمت دوم دربارهٔ رستاخیز است (او که مبدأ ...). ولی مطالب این دو قسمت در یکدیگر آمیخته شده و موضوع رستاخیز در مطالب مربوط به آفرینش پراکنده ذکر شده است.
منبع این قطعه مورد بحث است، برخی از محققان آن را اقتباس از یک سرود به زبان یونانی می‌دانند که تحت تأثیر اندیشه‌های رواقی و حتی گنوستیک نوشته شده باشد. به نظر بعضی دیگر که بیشتر نزدیک به حقیقت است این سرود منظومه‌ای مسیحی است که تحت تأثیر کتب حکیمانه عهد عتیق تنظیم گردیده است مثلاً از کتاب حکمت: مسیح چهرهٔ خدا است (حک ۷:۲۶)، او پیش از هر آفریده‌ای است (امث ۸:۲۲-۲۶)، او نقش فعالی در آفرینش دارد (امثال ۸:۲۷-۳۰)، و آدمیان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند (امث ۸:۳۱-۳۶)، در نوشته‌های عهد جدید دو سرود دیگر در ستایش نقش جهانی مسیح آمده است: یوحنا ۱:۱-۱۸؛ عبر ۱:۱-۴ (ر.ک به اعتراف ۱-قرن ۸:۶).

عبر۱:۶؛ روم۸:۲۹ [۱۶]زیرا همه چیزها در او آفریده شده
چه در آسمانها و چه بر روی زمین،
افس۱:۱۰ دیدنی ها و نادیدنی ها،
چه اریکه ها[s]، چه سروری ها، چه
افس۱:۲۱ پیشوایی ها، چه قدرتها،
همه چیز به وسیله او و به خاطر او
آفریده شده است،
[۱۷]و او پیش از همه است[t]

و قوام همه چیز در او است[u]. یو۸:۵۸؛ ۳:۳۱
[۱۸]و او سر جسمی است که کلیسا[v]
می باشد، افس۱:۲۲؛ ۴:۱۵؛ ۵:۲۳
او که مبدأ،
نخستزاده از بین مردگان است، مکا۳:۱۴
تا در همه چیز ردهٔ نخستین را داشته اع۲۶:۲۳؛ روم۸:۲۹؛ ۱-قرن۱۵:۲۰؛ مکا۱:۵
باشد؛
[۱۹]زیرا پسند [خدا] بوده است

لازم به یادآوری است مسیح به عنوان رئیس و سرور جهان تجلیل می شود و یک رشته اشارات در توضیح این موضوع ذکر گردیده است. ضمناً در زبان عبری واژه های آغاز، نوبر و رئیس از یک ریشهٔ لغوی مشتق می شود که کلمه سر می باشد و این نکته کلید درک این قطعه است.
در این منظومه کلیه این اضهارات با شروع از رویداد تاریخی اصلی بیان می شود و نظیر مجموعه نوشته های عهدجدید، نجات و آفرینش و اعتراف به خداوندی مسیح به عنوان نجات بخش را در یکجا جمع می کند.
ممکن است این سرود قسمتی از آیین تعمید دادن بوده است. (در قسمتهای بعدی، تعمید نقش عمده ای خواهد داشت. ر.ک فصل ۲). در وضعیت فعلی مطالب این قسمت برای آن است ما را از اشتباهاتی که در کولس شیوع داشته است برحذر دارد. (اصرار بر موضوع موجودات آسمانی است که آفریده شده و در مسیح آشتی کرده اند).

q- چهرهٔ خدا. نظیر انسان که به صورت خدا آفریده شده است (پیدایش ۱:۲۶) ولی همچنین به مانند حکمت (ر.ک یادداشت قبلی، p). به نظر افلاطون این چهره همانا جهان است، فیلون philon آن را با سخن و پولس آن را با عیسی یکی می داند (ر.ک ۲-قرن ۴:۴).

r- نخست زاده در میان قوم اسرائیل متضمن برتری و تقدیس است (خروج ۱۳:۱۱-۱۶) همچنین نقش ممتاز حکمت را در آفرینش بیان می نماید (امث ۸:۲۲).

s- در مقابل اندیشه ها و نظریات کولسیان در این نامه اظهارات رسولان دربارهٔ قیام مسیح و پیروزی او بر نیروهای نامرئی تشریح شده است (فی ۲:۱۰-۱۱؛ ۱-پطر ۳:۲۲؛ ۱-تیمو ۳:۱۶، با مراجعه به مز ۱۱۰:۲). هسته مرکزی فهرست مطالب که در پولس برمی شمارد (روم ۸:۳۸؛ ۱-قرن ۱۵-۲۴؛ افس ۱:۲۱؛ ۳:۱۰؛ ۶:۱۲؛ کول ۱:۱۶؛ ۲:۱۵) فرمانروایان و قدرتها می باشند، فهرستی که در افس ۱:۲۱ ذکر شده با آنچه در کول ۱:۱۶ آمده است از این لحاظ متمایز است که به جای قدرتها، سلاطین ذکر گردیده است. این موجودات آسمانی، قدرتهای مربوط به فرشتگان یا ستارگان بودند در ادارهٔ امور دنیای مادی و دنیای مذهبی ماقبل مسیحیت شرکت داشته اند و مخصوصاً از قانون موسی (غلا ۳:۱۹) و نظام مربوطه محافظت می کرده اند. (کول ۲:۱۵ y).

t- این کلمه هم به معنی برتری و هم سبقت در زمان است.

u- این موضوع از فلسفه رواقیان که جهان را به عنوان مجموعه ای خدایی و به هم پیوسته می دانستند. در کتابهای حکمت و بن سیراخ این موضوع با یکتاپرستی کتاب مقدس تطبیق و تلفیق داده شده است، بنسی ۴۳:۲۶؛ حکمت ۱:۷. و پسر به عنوان وسیله ربط و الصاق همه چیز ارائه می گردد.

v- چنین به نظر می رسد که در اینجا واژهٔ کلیسا به منظور توضیح آورده شده است زیرا ممکن است کلمه جسم به مفهوم جهان و مبهم باشد؛ در فصل ۱۲ نامه به رومیان و فصل ۱۳ نخستین نامه به قرنتیان جسم به معنی جامعهٔ پیروان می باشد؛ در نامه های به کولسیان و افسسیان، مسیح که رئیس قدرتها و جهان است رأس مقتدر و زندگی بخش کلیسا می شود که بیشتر جنبهٔ تجسم شخصی گرفته است (افس ۱:۲۲؛ ۴:۱۵-۱۶؛ ۵:۲۳؛ کول ۱:۱۸؛ ر.ک ۱-قرن ۱۲: ۲۱ که در آن رأس فقط یکی از اعضای جسم می باشد).

مز۱۳۲:۱۳-۱۴؛ مر۱:۱۱ — که تمامیت[w] در او جای می گیرد
کول۲:۹؛ افس۱:۲۳؛ ۴:۱۰؛ یو۱:۱۶ — [۲۰] و به وسیلهٔ او همه چیز را با خود آشتی
دادهٔ[x]،
افس۱:۱۰؛ ۲:۱۶ — صلح را به وسیله خون صلیب او[y] برقرار
افس۲:۱۴-۱۷؛ روم۵:۱ — نموده،
افس۱:۷؛ ۲:۱۳ — به وسیله او چه در چیزهایی که بر روی
زمین و چه در چیزهایی که در آسمانها
است.
افس۲:۱۲؛ ۴:۱۸ — [۲۱] و شما که در گذشته، به وسیله اعمال
بد، بیگانه و در فکر دشمن بوده اید [۲۲] اما
روم۵:۱۰ — اینک او شما را در جسم خود به وسیلهٔ مردن
افس۲:۱۴-۱۶؛ روم۷:۴؛ ۸:۳ — آشتی داده است[z]، تا در برابر او مقدس،
یو۱:۱۴ — بی عیب و بی تقصیر حاضر شوید، [۲۳] اگر
۱:۲۸؛ افس۱:۴؛ ۵:۲۷؛ — لااقل در ایمانی که با بنیانی استوار و
۲-قرن۱۱:۲ — محکم است پایدار باشید، و بدون تزلزل از
افس۳:۱۷؛ ۱-قرن۱۵:۵۸ — اُمید انجیلی که شنیده اید [و] به هر
۱:۵ — آفریده ای در زیر آسمان اعلام شده است،
مر۱۶:۱۵؛ ۱-تیمو۳:۱۶ — که من، پولس، خدمتگزار آن گردیده ام.

مبارزهٔ رسول

[۲۴] اینک از دردهایی که به خاطر شما
افس۳:۱،۱۳؛ اع۹:۱۶؛ — [دارم] شادی می کنم، و کمبود رنج های
۲-قرن۴:۱۰-۱۲ — مسیح را به خاطر جسم او که کلیسا است[a] در
۲۳:۱۱؛ ۲-تیمو۲:۱۰ — تن خود تکمیل می کنم [۲۵] که من خادم [آن]

w- ترجمه تحت اللفظی: پُر بودن. در متن اصلی کلمه خدا نیامده و مستتر است. بعضی تصور می کنند کلمهٔ تمامیت فاعل این جمله است و لذا ترجمه می نمایند: زیرامورد پسند تمامیت بوده است که در او جای گیرد. این کلمه که قبلاً در نامه های پولس بکار رفته در نامه های به کولسیان و افسسیان اهمیت بیشتری گرفته است پیش از آنکه در آیین گنوستیک نقش قابل ملاحظه ای بگیرد. در نوشته های عهدجدید موضوع تمامیت تعیین شده است (مثلاً تمامیت زمان، تمامیت ملت ها، تمامیت قانون، تمامیت خدا ...)؛ ولی در اینجا که به صورت مطلق بکار برده شده لحنی غیرعادی دارد. و با توجه به مفاد بند ۲:۹ آن را به مفهوم تمامیت الوهیت می توان درک کرد یعنی تمام آنچه را که خدا می خواهد از خود، در مسیح به ما منتقل نماید تا ما را در او وارد ساخته و کامل نماید؛ در این صورت کلمه تمامیت نزدیک به واژهٔ دیگر یونانی خواهد بود که روح القدس ترجمه می شود. بعضی از مفسران کلمهٔ تمامیت را «جهان سرشار از حضور خدا» می گیرند. در این مورد به مفعول بودن این کلمه در یونانی استناد می کنند (آنچه پُر است) و با توجه بر متون عهد عتیق که جهان پُر از حضور و شکوه خدا را ستایش می نمایند (اش ۶:۳؛ مز ۲۴:۱).
به هرصورت اهمیت کلمه تمامیت هرچه باشد نکته اساسی بند ۱۹ آنست که اظهار می شود این تمامیت در مسیح جای دارد. قبلاً در مزمور ۶۸، بند ۱۷ به نحو مشابهی اظهار شده بود که خداوند بر روی کوه صهیون جای گرفته بود: «پسند خدا بوده است که در آن جای گیرد». و حکمت که می آید تا بر روی زمین ساکن شود (بنسی ۲۴:۷، ۸، ۱۰؛ با ۳:۳۸؛ ر.ک یو ۱:۱۴)، درعین حال مسکن و جایگاه خدا بر روی زمین است، جایگاه مواهب و پُر از مواهب مسیحایی است که به شاگردانش منتقل می سازد (امث ۸:۱۲-۲۱).
x- در اینجا فاعل جمله خدا است که آشتی می دهد (روم ۵:۱۰؛ ۲-قرن ۵:۱۸-۲۰) و موضوع آشتی به حداکثر گسترش یافته، آسمان و زمین را دربر گرفته است.
y- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: به وسیله او که ممکن است به وسیله خون صلیب او توضیح داده شده است.
z- ترجمه تحت اللفظی: شما را آشتی داده است (یا برطبق برخی نسخه ها شما آشتی کرده اید) در جسم تن او. «جسم تن» یا «تن جسمانی» اصطلاحی نادر است ولی برابر متونی که در قمران بدست آمده تأیید گردیده است. همین اصطلاح با مفهوم استخفاقی در ۲:۱۱ بکار برده شده و در اینجا منظور جسم مادی مسیح است.
a- این بند که به انواع مختلف تفسیر شده دشوار است. در اینجا منظور رنجهای عیسی برای زدودن گناهان نیست بلکه آزمونهایی مربوط به پایان روزگار (ر.ک روم ۳:۵ c) و در نتیجه اعلام ندای انجیل است (مر ۱۳:۵-۱۰). چون رسول به منظور تحقق بخشیدن به سخن خدا خوانده شده است (بند ۲۵) در مقابل مقدر است آلام مسیح را تا به انتها تحمل نماید (اضطراب، ضعف، تعقیب و شکنجه ...). این مصائب، آلام مسیح است زیرا عیسی نخست به خاطر اعلام ملکوت تحمل نموده است (ر.ک ۲-قر ۴:۱۰-۱۲) و همچنین بدین سبب که مسیح در رسول خود زندگی می کند، رسول خوانده شده است در سرنوشت خداوند خود سهیم باشد. (با پیوستن کلمات تن خود با رنجهای مسیح به مفهوم محدودتری می رسیم: بدین معنی که آنچه از رنجهای مسیح باقی مانده من در جسم خود به انجام می رسانم؛ در این مورد به خوبی روشن است که پولس فقط به تنها مأموریت خود که رسول ملتها است می اندیشد.) - در یک تفسیر کهن (آگوستن) که مورد توجه و قبول محققان است رنج کشیدن در همبستگی با خداوند به تمام مسیحیان و به سود جامعهٔ مسیحیان و به سود جامعهٔ کلیسایی توسعه داده شده است: پاسکال دانشمند فرانسوی قرن ۱۷ میلادی می نویسد: «عیسی تا پایان جهان در احتضار خواهد بود.»

شده ام بر حسب نظارت خدا، به من برای
شما محول شده، [یعنی] اعلام کامل سخن افس۳:۲؛ اش۴۲:۱-۴؛
خدا[b]، من خدمتگزار شده ام [26] رازی[c] که از روم۱۵:۱۶-۲۱ مر۱۳:۹-۱۰؛
[بدو] روزگاران و از نسل ها[d] پنهان نگاه اع۲۰:۲۴؛ ۲-تیمو۴:۱۷
داشته شده بود، و اینک به قدیسانش[e]
آشکار گردیده است، [27] خدا اراده کرده
است به ایشان بشناساند که غنای شکوه این افس۳:۳-۹؛ روم۱۶:۲۵-۲۶؛
راز در بین امت ها[f] چیست که این است: ۱-قرن۲:۷؛ تیط۱:۲-۳
مسیح در شما[g]، امید شکوه! [28] [او است ۴:۳؛
]که ما اعلام می کنیم، به هر انسانی اخطار افس۱:۱۸؛ روم۵:۲؛
کرده، و هر انسانی با هر حکمتی را آموزش ۸:۱۹-۲۱ ۳:۱۶
می دهیم، تا هر انسانی را در مسیح به کمال افس۴:۱۳
ارائه نماییم [29] و بدین سبب من زحمت
می کشم تا برطبق فعالیت او که در من به
قوّت عمل می کند، مبارزه نمایم. افس۳:۷؛ فی۴:۱۳

۲

[1] زیرا می خواهم شما بدانید، برای ۴:۱۳-۱۶؛ مکا۱:۱۱؛
شما و اهالی لائودیکیه، و برای ۳:۱۴
تمام آنان که چهرهٔ جسمانی [تنی] مرا
ندیده اند[h] چه مبارزه ای می کنم [2] تا قلبشان
تسلّی یابد، در محبت، [صمیمانه] اتحاد و افس۳:۱۸-۱۹
همهٔ غنای درایت، شناخت راز خدا یعنی افس۳:۴
مسیح[i] را به کمال داشته باشند [3] که در امث۸:۱-۳۶
[او] تمام گنجینه های حکمت و دانش
نهفته است[j] [4] این را می گویم تا کسی نتواند
شما را با حرفهای [به ظاهر] متقاعد کننده
فریب دهد[k] [5] زیرا با آنکه جسماً [در تن] ۲:۸؛ افس۵:۶؛
غایبم اما، روحاً با شمایم و خوشوقتم نظم و روم۱۶:۱۸
استحکام شما را در ایمان شما به مسیح، ۱-قرن۵:۳-۴
می بینم[l]. ۱-پطر۵:۹

b- این کلمات را می توان ترجمه کرد: وظیفه ای که خدا به من محول نموده: به تمامیت رساندن سخن خدا دربارهٔ شما است. منظور از توسعه دادن مسافرت برای تبلیغ مذهبی است و رسول انجیل را تا اقصی نقاط زمین به میان مشرکان می رساند، و مفهوم تشدید کردن آنست که هر فرد انسانی را به وسیله اندرز و آموزش به مرتبه کمال در برابر خدا برساند. (بند ۲۸).

c- راز: ر.ک افس ۳:۳ b.

d- ترجمه تحت اللفظی: از زمان نیروهای جاودانی و نسلها. به نظر برخی از مفسران این کلمات مفاهیم مجردی هستند که به صورت شخصیتهای مجسم شده اند چنانکه فلاسفه گنوستیک دانش را به صورت شخصیتی مجسم می نمودند. در این صورت بایستی ترجمه کرد: رازی که از روزگاران و نسلها پنهان بود.

e- منظور از قدیسان ممکن است رسولان و پیامبران باشد (افس ۳:۵)، ولی بند ۲۷ نشان می دهد که به مفهوم تعمیدیافتگان است (کول ۱:۲).

f- حضور مسیح در میان مشرکان کولس گواه بر آنست که مشیت خدا (راز) به هدف خود واصل شده است: تجلی شکوه او در بین امت ها (ر.ک اع ۱۳:۴۷ و آنچه از عهد عتیق در روم ۱۵:۷-۱۳ نقل قول شده است).

g- یا دربین شما.

h- ترجمهٔ تحت اللفظی: که چهرهٔ مرا در جسم ندیده اند. نامهٔ کولسیان از این حیث نظیر نامه رومیان است که رسول هردو نامه را به کلیسایی خطاب می نماید که خودش تأسیس نکرده و هنوز از آنها بازدید به عمل نیاورده است. ر.ک مقدمه.

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: راز خدا: مسیح. در نسخه های خطی این عبارت به صورتهای مختلفی آمده است: مثلاً خدا؛ مسیح خدا که به معنی مسیح است؛ راز خدا و مسیح و غیره. در کول ۴:۳ و افس ۳:۴ سخن از راز مسیح است. متن عبارت نشان می دهد ترکیب کلام هنوز آماده نشده است.

j- در این بند موضوعی از نوشته های حکیمانه کتاب مقدس گرفته شده است (امث ۲: ۳-۶) که در آن حکمت را به گنجینه های پنهانی تشبیه کرده و با دانش سهیم می نماید. در اینجا موضوع به وسیلهٔ اش ۴۵:۳ بیان شده است.

k- نخستین باری است که با کلمات تند و شدید از عقایدی که در کولس شایع شده بود یاد می شود. وانی که به این عقاید توجه کنند به بردگی کشانده خواهند شد (بند ۸). پولس رسول مبارزه می کند تا آنان را در آزادی که در مسیح دریافت کرده اند و با تعمید ممهور و تثبیت شده است نگهدارد و این نکته نقطه عطف ثابت مطالبی است که به دنبال می آید.

l- در اینجا نظیر بند ۱ عبارات و تشبیهاتی که بکار برده شده از اصطلاحات نظامی است.

کاملاً در مسیح

افس۴:۲۰-۲۱ ۶ پس چون شما مسیح عیسی، خداوند را
پذیرا شده اید در او گام بردارید[m]. ۷ و در
افس۲:۲۰-۲۲؛ او ریشه گرفته، ساخته شده اید، و آن
۱۷:۳؛ یهو۲۰ چنان که به شما تعلیم داده شده در ایمان
پایدار بمانید، سرشار از سپاسگزاری
باشید[n]. ۸ مواظب باشید مبادا کسی شما را
افس۵:۶؛ ۲-تیمو۴:۳ بوسیله فلسفه[o] و فریب توخالی، برطبق
مت۱۵:۶ رسوم انسان ها، بر اصول دنیایی[p] و نه
۲:۲۰؛ غلا۴:۳ برطبق مسیح بدام نیندازد. ۹ زیرا الوهیت
۱:۱۹؛ جسماً[q] همهٔ کمال در او جای دارد، ۱۰ و
۲:۱۷؛ یو۱:۱۴ شما [همه چیز] را به تمامیت در او دارید[r]
که رئیس[s] هر سروری و قدرت است.
۱۱ و همچنین در او ختنه شده اید، افس۱:۲۱-۲۳؛ ۳:۱۹؛ یو۱:۱۶
ختنه ای که بدست انجام نشده [بلکه آنچه افس۲:۱۱؛ ار۴:۴؛
شما را] از جسم نفسانی[t] درآورده است: در روم۲:۲۵-۲۹؛ فی۳:۳
ختان مسیح است ۱۲ در تعمید با او دفن ۹:۳
شده اید و همچنین به وسیله ایمان در
فعالیت خدا در او برخاسته اید، [خدا که] ۱-پطر۳:۲۱؛
وی را از میان مردگان برخیزانیده است[u]. روم۶:۴-۱۱ کول۳:۱؛
۱۳ و شما که [به وسیله] خطاها و نامختونی افس۱:۱۹-۲۰؛ ۲:۵-۶؛
جسم خود مرده بودید، او شما[v] را دوباره با روم۸:۱۱؛ فی۳:۱۰-۱۱
خود[w] زنده کرده افس۲:۱-۵
[و] تمام خطاهای ما را بخشیده است:

m- کلمهٔ یونانی که به پذیرا شدن برگردانده شده به مفهوم انتقال پیام رسولان است (۱-قر ۱۱:۲۳؛ ۱۵:۱-۳). مسیح موجودی افسانه ای نیست که جزو سلسله مراتب فرشتگان باشد بلکه به طوری که رسولان در گفتار خود ذکر می کنند کسی است که مصلوب شده و از میان مردگان برخاسته است.

n- گاهی ترجمه می کنند: سرشار از حق شناسی باشید. ولی برطبق برخی از نسخه های خطی می توان ترجمه کرد: با سپاسگزاری در آن (ایمان) پیشرفت کنید و یا با سپاسگزاری در او (مسیح) پیشرفت کنید.

o- منظور از فلسفه که در نوشته های عهد جدید فقط در اینجا ذکر شده است جریانهای بزرگ فکری نیست بلکه بهره گیری مذهبی از بعضی عقاید نظری است.

p- ترجمه تحت اللفظی: عناصر دنیا، ر.ک ۲:۲۰؛ غلا ۴:۳ i.

q- کلمه یونانی که در اینجا به کمال ترجمه شده و گاهی تمامیت ترجمه می کنند ر.ک ۱:۱۹ w در اینجا با قید جسماً و متمم الوهیت تغییر می یابد. بنابراین می توان ترجمه کرد کمال و تمامیت الوهیت جسماً در او جای دارد. گاهی کلمهٔ جسماً را به مفهوم واقعاً درک کرده اند زیرا در بند ۱۷ سایه در برابر جسم (مسیح) و تصویر در برابر واقعیت آمده است، ولی در اینجا منظور پولس از جسم مسیح، شخص مسیح برخاسته از مرگ و کلیسا می باشد: ترکیب عبارات و کلام نشان می دهد که زندگی الوهیت در مسیح متمرکز است و از طریق او بر تمام تعمید شدگان منتشر می گردد.
هرگاه دربارهٔ اهمیت جهانی که واژه های تمامیت و جسم دارند تأکید شود این بند را چنین تفسیر می کنند: در مسیح تمامیت دنیای الوهیت و مجموعهٔ دنیای آفرینش جمع شده است.

r- این عبارت که هاوی نکته ای از بحث و مشاجره است به طرز جالبی پیام این نامه را خلاصه می کند. کمال و تمامیت در مسیح و فقط در مسیح است! بعضی از مفسران چنین درک و تفسیر کرده اند: شما در او سهیم در تمامیت هستید.

s- ترجمهٔ تحت اللفظی: سر. به نظر بعضی ها به دشواری می توان پذیرفت قدرتها از جسمی تشکیل داده باشند که مسیح سرِ آن باشد. در این بند موضوعهای مربوطه در مورد وضعیت کولسیان بکار برده شده است.

t- همین اصطلاح در بند ۱:۲۲ آمده است ولی در اینجا جسمی است که اسیر نفس می باشد و جسم گناه شده است (روم ۶:۶ y).

u- متن اساسی دربارهٔ تعمید که متضمن شرکت ما در مرگ و رستاخیز می باشد. در فصل ششم نامه به رومیان موضوع شرکت در مرگ مسیح با جمله ای به زمان گذشته بیان شده بود (با مسیح مرده ایم)، درصورتی که شرکت در رستاخیز در آینده ای مشترک با مسیح افتتاح می گردید (با او زندگی خواهیم کرد) (روم ۶:۵ x). در اینجا مردن و رستاخیز به موازات یکدیگر آمده بدین معنی که ما با مسیح مرده ایم و با مسیح برخاسته ام و هر دو فعل به زمان ماضی است: در نامه های قبلی موضوع بدین گونه پیشاپیش بیان نمی شد و هدف کاملاً روشن است بدین معنی که به مسیحیان گفته شود که در برابر هر قدرت و نسبت به هر قدرتی آزاد می باشند. پولس در نامه به افسسیان از این هم فراتر خواهد رفت: ر.ک افس ۲:۵-۶ d.

v- در بعضی از نسخه های خطی: خطاهای شما را بخشید (ر.ک ۱:۱۲ m).

w- چنین به نظر می رسد که بندهای ج ۱۳-۱۵ از سرودی مذهبی گرفته شده است که در ستایش پیروزی صلیب و با لحن و روشی مهیج سروده شده بوده است و واژه های شگفت و بدیعی در آن بکار رفته که نوبت به نوبت واژه های قضایی و نظامی می باشند.

افس۲:۱۴-۱۶ [14]مدرکی که علیه ما نوشته شده بود[x]
پاک کرده با احکامی که برضد ما بود،
و آن را با میخکوب کردن آن به صلیب
از بین برد.
افس۱:۲۱؛ ۱-قرن۱۵:۲۴؛ ۱-پطر۳:۲۲؛ مکا۱۲:۷-۸ [15]سروری ها و قدرتها را برکنده[y]،
[و] آنها را در ملأ عام رسوا کرده
[و] در رکاب پیروزمندانه خود[z] به
همراه آورده است.
روم۱۴؛ ۱-قرن۸؛ ۱۰:۱۴-۳۳ [16]هیچکس نباید شما را به سبب
خوراک و یا آشامیدنی و یا در مورد عید یا
هلال ماه یا[روز] سبت محکوم کند[a] [17]که غلا۴:۱۰
[اینها] سایه ای است از آنچه خواهد آمد، عبر۸:۵؛ ۱۰:۱
اما واقعیت از مسیح است[b] [18]مبادا کسی
شما را از آن محکوم کند، به سبب اینکه در ۲:۲۳
«خفیف کردن خود» و «پرستش
فرشتگان» خشنود است، و عرق در آنچه
دیده، به وسیله افکار نفسانی، مغرور از افس۴:۱۷-۱۹
تکبری بی جا است[c] [19] و به سر ارتباط
ندارد، که تمام بدن با بندها و مفاصلی[d] افس۲:۲۱
که دارد تأمین یافته به هم پیوسته است،

x- ترجمه دیگر: به ضرر فرمانها، مدرک اتهامی را که علیه ما بود باطل کرد. یا اینکه: مدرک اتهامی را که موجب فرمانها علیه ما بود باطل کرد. مدرکی که علیه ما نوشته شده بود و یا متضمن وام ما بود، ممکن است به مفهوم قانون موسی و یا دفتر حسابی باشد که خدا اعمال آدمیان را در آن ثبت می کند (ر.ک مز ۱۳۹:۱۶ و دعای یهودیان: «با رحمت عظیم خودت همه مدارکی که ما را متهم می کنند پاک کن»). در مورد تصویر مدرکی که علیه ما نوشته شده و یا وامی که داریم نبایستی خیلی تأکید شود؛ این تصویر پیوستن به فرمانهای خدا است (اعم از اینکه به وسیلهٔ قوانین موسی یا از طریق وجدان باشد، ر.ک روم ۲:۱۴-۱۶) و علیه کسانی است که امضا کرده، از عهدهٔ آن برنمی آیند.

y- تفسیر دیگر: سروری ها و قدرتها را نفی کرده (با قطع علاقه از جسم نفسانی، ر.ک بند ۱۱، که بر آن تسلط داشتند). به هر صورت آزاد شدن آدمی از الزامات مهلک هر سیستم که برمبنای قانون است (بند ۱۴) متضمن انفصال موجودات آسمانی است که در «نظم» کهن سروری داشتند (ر.ک غلا ۳:۱۹ a, z).

z- ترجمه تحت اللفظی: بر ایشان به وسیله آن پیروز شده است (یعنی به وسیلهٔ صلیب که در بند ۱۴ ذکر شده است) و یا: بر ایشان به وسیله او (مسیح) پیروز شده است. تصویری که در ۲-قرن ۲:۱۴ بکار برده شده اندکی تفاوت دارد و تصویر ورود پیروزمندانه در روم قدیم است که سردار رومی حرکت می کند درحالی که دشمنان اسیر شده پیشاپیش او راه می روند.

a- پس از ذکر جنبهٔ عقیدتی نظریات جدیدی که علمای دروغی توصیه می کردند، اکنون دستورات عملی آنان ذکر می شود (ریاضت، آیین پرستش). توجه نمایید که این دستورات چقدر تحت تأثیر روشهای مذهبی یهودیان است.

b- ترجمه تحت اللفظی: اما جسم از مسیح [است]. در اینجا کلمه جسم که به دو معنی بکار برده شده در کنار هم قرار گرفته است. از یک سو جسم به معنی مجازی در مقابل سایه آمده چنان که واقعیت در مقابل تصویر می آید (ر.ک عبر۸:۵؛ ۱۰:۱). از سوی دیگر این کلمه جسم مسیح را تعیین می کند که با توجه به مسیح برخاسته از مرگ و کلیسا مجد کمال واقعیت فرجامین و پایان روزگار است.

c- این بند تقریباً غیرقابل ترجمه است و شاید تغییر یافته است. در اینجا پولس ادعا و جنبهٔ اسرارآمیز عقاید جدید را تقبیح می کند (ر.ک ۲:۲۱-۲۳ j, i, h, g). اشکالات درک و تفسیر این بند به شرح زیر است:
۱- اصطلاحی که ترجمه می شود: در آن خوشنود است (اصطلاح زبان عبری است که در مز۱۴۷:۱۰ نیز به طرز مشابهی در عبارت بکار رفته است) ممکن است ارزش دستوری قید داشته و به معنی خودسرانه یا مستبدانه باشد در این صورت باید ترجمه کرد: مبادا کسی شما را با ادعای «خفیف کردن خود و ... از پیروزی محروم سازد.
۲- کلمه ای که «خفیف کردن خود» ترجمه شده است (تحت اللفظی: فروتنی) در اینجا مفهوم نامناسبی داشته و در ردیف همان واقعیت پرستش فرشتگان است. به نظر پولس کسانی که چنین دستوراتی را رعایت می کنند خود را تحت تابعیت عوامل واسطهٔ آسمانی قرار می دهند.
۳- اصطلاح: غرق در آنچه دیده (رؤیاهایی که در آن فرشتگان نقشی دارند) ظاهراً از طرز بیان اسراری گرفته شده است که در بین طرفداران تمدن و فرهنگ یونانی شیوع داشته و شاید اشاره به رؤیای هنگام پذیرش در آیین های اسرارآمیز و پنهانی است. در بعضی از نسخه های خطی فعل این جمله به صورت منفی است: غرق در آنچه ندیده است.

d- همچنین ترجمه می کنند: که کلید جسم او به وسیله بندها و مفاصلی که به فراوانی به هم پیوسته است. ترکیب جمله کاملاً طبق قوانین دستور زبان نیست. موضوع جسم ممکن است آغاز تشریح مطالب کنایه باشد (سر، بندها و اعضا) که در افس ۴:۵-۱۶ ادامه خواهد داشت.

رشد می کند به رشدی [که] از خداست.

آزادی تعمید یافتگان

۲۰ اگر شما با مسیح[e] از عناصر دنیایی
مرده اید، پس چرا، چنان که گویی در دنیا
زندگی می کنید[f] به این دستوراتش عمل ۸:۲؛ غلا۴:۳
می نمایید[g] [که می گوید]: ۲۱ «مگیر،
نچش، دست مزن»، ۲۲ در مورد این چیزها ۱-تیمو۴:۳؛ ۱-قرن۸:۸
که بر اثر استعمال از بین می روند؟ [اینها]
برطبق دستورات و آموزشهای انسانها است[h] مت۱۵:۶،۹
۲۳ که به حکمت شهرت دارند با «عبادت
اختیاری»، و «خود را پست شمردن»،
و «تحقیر جسم» [i]، ولی هیچ کدام ارزشی
نداشته و فقط برای ارضای جسمانی هستند[j]. روم۱۳:۱۴

۳

۱ پس اگر شما با مسیح رستاخیز ۲:۱۲؛ افس۲:۶
کرده اید، در جستجوی امور علوی مت۶:۲۰-۲۳؛
باشید[k]، در آنجا که مسیح به دست راست فی۳:۲۰-۲۱؛ یو۳:۳۱
خدا نشسته است؛ ۲ به امور علوی فکر افس۱:۲۰
کنید، نه به اموری که در روی زمینی
هستند[l] ۳ زیرا شما مرده اید، و زندگی شما
با مسیح در خدا پنهان است ۴ وقتی مسیح غلا۲:۲۰؛ فی۱:۲۱
که زندگی شما[m] است، متجلی شود[n]،
پس شما نیز با او در شکوه متجلی خواهید روم۸:۱۹؛ ۱-تسا۴:۱۷؛ ۱-پطر۱:۶-۸؛ ۱-یو۳:۲
شد.

از انسان کهن به انسان نو

۵ پس اعضایی را که در روی زمین روم۶:۶-۱۱؛ ۸:۱۳؛ غلا۵:۲۴
دارید[o] بکُشید: بی عفتی، ناپاکی، هوس، مر۹:۴۳-۴۷

e- در این توضیحات مرتباً بر موضوع تعمید تکیه می شود و با اصطلاحات مختص به آن متوالیاً برمی خوریم مثلاً: مردن با مسیح (۲:۲۰)، رستاخیز با او (۳:۱)، کشتن آنچه در ما دنیوی است (۳:۵)، انسان کهن را از خود بیرون آوردن و برکندن (۳:۸-۹؛ ر.ک به افس ۴:۲۲)؛ در بر کردن انسان نو (۳:۱۰) با همه مشخصاتی که دارد (۳:۱۲). نخستین نکته متفاوت از دو نکته متفاوتی که ذکر شده (مرگ -رستاخیز) دربارهٔ عقاید و رسوم مذهبی است که در کولس شیوع داشته، و تفاوت های دومی (از خود بیرون آوردن -دربر کردن مربوط به اصول اخلاقی مسیحیت است.

f- گاهی ترجمه می کنند: چنانکه زندگی شما وابسته به دنیا است.

g- بعضی از مفسران قسمت اول بند ۲۲ را به عنوان اندرزهای علمای کولس درک کرده و چنین ترجمه می نمایند: «استعمال همهٔ این چیزها به هلاکت منتهی می شود».

h- ترجمه تحت اللفظی: برطبق فرمانها و عقاید آدمیان. اشاره به اش ۲۹:۱۳ (ر.ک متی ۱۵: ۹). این اصطلاح مربوط به فعلی است که در بند ۲۰ آمده: به دستوراتش عمل نمایید و از منهیاتی که در بند ۲۱ برشمرده و تذکری که در ۲۲ داده می شود جدا است.

i- این بند ساختار و اصطلاحات فنی آن ایجاد معضل می کند. برابر آنچه از این صفات اخیر به عنوان صفاتی که مجتهدان به آنها می بالند یا چون اعمالی که پولس آنها را برملا می گرداند معانی مساعد و یا تخفیفی و رذیلانه می یابند: دینی که با آزادی انتخاب شده است یا عبادت اجباری، زهد و پارسائی (تحت اللفظ: فروتنی) به معنای علاقمندی به عبادت یا متشرع بودن و تظاهر به آن، سخت گیری به بدن توأم با ریاضت یا نفرت از بدن.

j- به ترجمه دیگر: عاری از هر ارزشی فقط برای اطفای گستاخی های نفسانی

k- ترجمهٔ تحت اللفظی: چیزهای بالا. یعنی زندگی جدیدی که در عیسی مسیح پیدا شده است و در برابر دنیای کهن (چیزهای پایین، بند ۲) است. در اینجا ارزش امور و «واقعیت های زمینی» را نمی کاهد. بیان این موضوع متکی به نقل قول مزمور ۱:۱۱۰ است که به کرات در نوشته های عهد جدید ذکر می شود.

l- گاهی ترجمه می کنند: هدف شما در بالا است نه در روی زمین.

m- در بعضی از نسخه های خطی: زندگی ما.

n- موضوع مقابله آسمان در برابر زمین که در اینجا مطرح شده است اختلاف گذشته در برابر آینده را از بین نمی برد: در این نامه در مورد انتظار آمدن مسیح شکوهمند اصرار می شود.

o- ترجمه تحت اللفظی: اعضای شما، آنهایی که در روی زمین هستند. ر.ک روم ۷:۵ که در آنجا منظور از اعضا آنچه در وجود ما بیشتر در ارتکاب گناه شرکت دارد. بعضی از مفسران برای این اصطلاح معنای گنوستیک قائل شده اند بدین معنی که پنج عضو به ترتیب انسان کهن و انسان نو را تشکیل می دهند (ر.ک به پنج رذالت و پنج فضیلتی که در بندهای ۵ و ۱۲ ذکر شده است).

افس۲-۳: ۶:۵؛ روم۱:۱۸ افس۲:۱-۲ طمع مفرط، و حرص، که بت پرستی است:
[۶]که به سبب آنها خشم خدا می آید[p] [۷] که
شما نیز در گذشته به همین گونه رفتار
می کردید، وقتی در آن [بی نظمی ها]
افس۴:۲۲-۲۵؛ روم۱۳:۱۲؛ یع۱:۲۱؛ ۱-پطر۲:۱؛ عبر۱۲:۱ زندگی می نمودید [۸]اما اکنون، شما نیز
همهٔ اینها را به دور اندازید: خشم، غیظ،
شرارت، دشنام، گفتارهای شرم آوری که از
افس۴:۲۹، ۳۱؛ ۴:۵ دهان شما برآید [۹] به یکدیگر دروغ
نگویید، [زیرا] انسان کهن را با اعمال او
از خود بیرون کرده اید [۱۰]و [انسان] نو[q]
۲-قرن۴:۱۶؛ پید۱:۲۶؛ کول۱:۱۵ را دربر کرده اید، که به خاطر معرفت
تجدید می یابد، به صورت آنکه او را
۱-قرن۱۲:۱۳؛ غلا۳:۲۷-۲۸؛ روم۱۰:۱۲ آفریده است [۱۱]آنجا یونانی یا یهودی
نیست، مختون یا نامختون، غیریونانی[qq]،
سکائی[r]، برده، آزاد، بلکه مسیح که همه و
در همه است[s].
افس۴:۱-۳؛ فی۲:۱-۴ [۱۲]پس به مانند برگزیدگان قدیس و
افس۴:۳۲؛ غلا۵:۲۲ محبوب خدا[t] احساسات دلسوزی[u]،
مت۱۱:۲۹ مهربانی، فروتنی، نرم خویی و شکیبایی[v]
مت۶:۱۴؛ دربر کنید [۱۳]اگر کسی علیه دیگری شکایتی
۱۸:۲۱-۳۵؛ ۲-قرن۲:۵-۱۱ دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً
افس۵:۲؛ ببخشید. به همان گونه که خداوند بر شما
یو۱۵:۱۲؛ روم۱۵:۷ بخشیده است، شما نیز همان کنید
[۱۴]علاوه بر همهٔ اینها محبت را که رابطهٔ
روم۱۳:۸-۱۰؛ کمال[w] است [دربر کنید] [۱۵]و در قلوبتان
افس۲:۱۴؛ فی۴:۷ صلح مسیح فرمانروایی کند، زیرا که نیز
افس۴:۴ فراخوانده شده بودید در یک جسم و
افس۵:۴ سپاسگزار باشید[x].

p- در تعدادی از نسخه های خطی، نظیر افس ۶:۵ در اینجا افزوده شده است: بر روی کسانی که مقاومت می کنند. در این صورت مفهوم عبارت بعدی تغییر می یابد: و شما نیز در گذشته با چه کسانی معاشرت می کردید.

q- اصطلاح انسان نو (که در اینجا و در افس ۲:۱۵؛ ۴:۲۴ آمده است) نشان می دهد که بر اثر تعمید تغییر اساسی در وجود آدمی ایجاد می شود. در عهد عتیق اعلام شده است که انسان تحت تأثیر روح القدس تغییر یافته و نو می شود و به او قلبی نو داده می شود تا بتواند خدا را بشناسد (حز ۳۶:۲۶-۲۷؛ ر.ک مز ۵۱:۱۲). انسان که در مسیح یعنی ابوالبشر ثانی و چهرهٔ خدا (کول ۱:۱۵) مجدداً آفریده شده به سوی بشریت و انسانیت واقعی رهبری می شود: زیرا برطبق خدا در عدالت و تقدس آفریده شده است (افس ۴:۲۴) و به وسیله اطاعت به سوی معرفت حقیقی قدم برمی دارد (کول ۳:۱۰، ر.ک پید ۲:۱۷). این انسان نو، جامعهٔ بشری جدید را تشکیل می دهد که ماورای اختلافات کهن نژادی، فرهنگی و طبقاتی است (کول ۳:۱۱)؛ بنابراین درعین حال خاصیت اجتماعی (کلیسا) و فردی و شخصی (فرد تعمید یافته) دارد.

qq- منظور از کلمهٔ یونانی Barbares که در اینجا بکار برده شده کلیه ملت های غیرقانونی مانند: کلدانیان، آسوریان، پارسیان، مادها، پارت ها، عربها ... است. بعدها این کلمه در مورد ملت های وحشی و غیروحشی بکار برده شده است.

r- ساکنان سواحل شمالی دریای سیاه که به عنوان عقب مانده ترین ملتها بشمار می آمدند.

s- ترجمه دیگر: او همه چیز در همه چیز است. با استفاده از این بند یکی از موضوعهای آموزش مذهبی تعمید با عبارت جدیدی بیان می شود: ر.ک ۱-قرن ۱۲:۱۳ w؛ غلا ۳:۲۸. بنا بر مفاد این بند، در مورد کسانی به وسیله تعمید انسان نو را دربر کرده اند، انواع طبقات بشریت بدون اینکه از بین بروند قدرت مختص و قاطع خود را از دست می دهند. از این نظر مسیح هم اکنون همه چیز در همه است تا اینکه در ملکوت خدای پدر، خودش همه چیز در همه بشود (۱-قرن ۱۵:۲۸).

t- این اوصاف، مختصات قوم عهد و پیمان است که فراخوانده شده اند از طرز رفتار خدا در مسیح پیروی کنند.

u- ترجمهٔ تحت اللفظی: اندرون رحمت.

v- برطبق روشی که در بین یهودیان متأخر و فیلسوفان یونانی معمول بوده است، پس از ذکر «رذیلت ها» اکنون «فضیلت ها» برشمرده می شود. ضمناً نبایستی این فضیلت ها را از یکدیگر مجزی نمود زیرا مجموعهٔ آنها طرز رفتار انسان نو می باشد.

w- ترجمهٔ دیگر: رابطهٔ کامل. محبت در اینجا نظیر ۱-قرن ۱۳ موهبت به اعلی درجه است. گاهی مفهوم این عبارت را چنین درک کرده اند که محبت تمام فضیلت های مسیحیت را به یکدیگر می پیوندد همچنان که کمربند لباس تازه ای را می بندد و نگه می دارد و گاهی چنین استنباط می کنند که محبت همچون وسیله رابطه ای است که اعضای یک جسم را به یکدیگر متصل می کند (بند ۱۵).

x- ترجمهٔ تحت اللفظی: آیین سپاسگزاری (ر.ک ۳/۱ d).

افس۲۹:۴؛ کول۲۸:۱؛ روم۱۴:۱۵؛ ۱-تسا۱۱:۵ ۱۶سخن مسیح[y] به فراوانی در شما[z] جای
گیرد؛ با حکمت تمام تعلیم بگیرید و
یکدیگر را آگاه کنید[a]. با سپاسگزاری[b]
افس۲۰-۱۸:۵؛ ۱-قرن۱۵:۱۴ نسبت به خدا در مزامیر، سرودها و آوازهای
مذهبی الهام یافته از روح القدس[c] در
۱-قرن۲۸:۱۵ قلوبتان بسرایید. ۱۷و اگر هرآنچه
می کنید، در گفتار یا در عمل همه به نام
روم۷:۱۴؛ ۱-قرن۳۱:۱۰ خداوند عیسی [و] به وسیلهٔ او سپاس
خدای پدر را بجا آورید.

روابط جدید

۱۸ای زنان، خودتان مطیع همسران خود
افس۳۳-۲۲:۵؛ ۱-قرن۷: ۳:۱۱؛ ۱-پطر۷-۱:۳؛ تیط۵:۲ باشید[d]، آنچنان که در خداوند شایسته
است. ۱۹ای شوهران، به زنان [خود] محبت
نمایید و نسبت به ایشان خشن نباشید.
افس۴-۱:۶؛ ۱-پطر۵:۵؛ عبر۱۱-۶:۱۲ ۲۰ای فرزندان، به والدین در همه چیز
گوش دهید، زیرا این خوشایند خداوند
است. ۲۱ای پدران، فرزندان خود را به
ستوه نیاورید که مبادا دلسرد شوند.
افس۹-۵:۶؛ لاو۴۳:۲۵؛ ۱-قرن۲۳-۲۱:۷؛ ۱-تیمو۲-۱:۶؛ ۲۲ای بردگان، در همه چیزها[به] مالکانِ

تیط۱۰-۹:۲؛ فیل؛ ۱-پطر۲۰-۱۸:۲ برطبق جسم[تن][e]، گوش دهید، نه بدان
سبب که شما را می بینند، چنانکه خوشایند
مردمان باشد، بلکه با سادگی دل،
خداترسی[f]. ۲۳اگر هرآنچه می کنید، با
تمام جان خود کار کنید، چنانکه برای
خداوند و نه برای آدمیان است،
۲۴درحالی که می دانید از خداوند میراث را
به پاداش[g] دریافت خواهید کرد. در خدمت
خداوند مسیح باشید[h]؛ ۲۵زیرا آنکه
تث۱۷:۱۰؛ ۱-پطر۱۷:۱؛ روم۱۱:۲ بی عدالتی کند، آن بی عدالتی [خود] را باز
خواهد یافت و در این هیچ تبعیضی نیست.

۴ ۱ای اربابان، با بردگان [خود] به
عدالت و برابری رفتار کنید
[چون] می دانید که شما نیز خداوندی در
آسمان دارید.

نگرانیهای رسول و پیامهای شخصی

افس۲۰-۱۸:۶؛ روم۱۲:۱۲؛ فی۶:۴؛ ۱-تسا۱۸-۱۷:۵ ۲در دعا کردن مداومت داشته باشید؛ با
سپاسگزاری کردن، در آن هوشیار باشید؛

y- در بعضی نسخه های خطی: خداوند یا خدا نوشته شده است.
z- یا در میان شما.
a- این مطالب که در ۲۸:۱ آمده و اختصاصاً مربوط به مأموریت رسول است مجدداً در اینجا به جمعیت مسیحیان خطاب می شود.
b- ترجمهٔ دیگر: حق شناسی ...
c- ترجمهٔ تحت اللفظی: آوازهای روحانی. منظور مزامیری نیست که منحصراً در کتاب مقدس آمده است. بلکه سه کلمه مزامیر، سرودها و آوازها ممکن است آهنگهایی باشد که در هنگام برگزاری آداب مذهبی تحت تأثیر الهام روح القدس بالبداهه سروده شود (ر.ک ۱-قرن ۱۲:۷-۸؛ ۱۴:۲۶).
d- پولس در اینجا دستورات اخلاقی را که در فلسفه متداول آن دوران بیان شده بود مجدداً ذکر و یادآوری می نماید با این همه با مراجعه مداوم به خداوند مفهوم این دستورات عمیقاً تغییر می کند. ضمناً این نکته قابل توجه است که در محیط خانواده کسانی که به عنوان اعضاء مقتدر بشمار می آیند (شوهران، پدر و مادر و مالکان) و اعضایی که ضعیف محسوب می شوند (زوجه ها، فرزندان و بردگان) نسبت به یکدیگر متقابلاً وظایفی برعهده دارند.
e- گاهی ترجمه می کنند: به مالکان خود در این دنیا.
f- مسیح خداوند تنها مالک و سرور واقعی است (کلمهٔ یونانی که در مورد مالک آمده همان کلمه ای است که برای خداوند بکار برده می شود کوریوس Kyrios).
g- تفاوت که در مسیحیت وجود دارد: برده به عنوان وارث به شمار می آید، در مورد تفاوت بردگی با میراث ر.ک غلا ۱:۴-۲.
h- ترجمهٔ دیگر: به او خدمت کنید.

مت۲۶:۴۱؛ ۱-تسا۵:۶ [۳]ضمناً برای ما نیز دعا کنید، تا خدا درِ
روم۱۵:۳۰؛ ۲-تسا۳:۱ سخن بر ما بگشاید[i]، تا راز مسیح را که
به خاطر آن نیز در بند هستم اعلام کنیم، [۴]تا
آن را چنانکه باید من اظهار کنم[j].
روم۱۲:۱۷؛ ۱-پطر۲:۱۲ [۵] فرصت را بخرید[k] نسبت به آنان که
افس۴:۲۹ بیرون هستند[l] با حکمت رفتار نمایید.
[۶]سخن شما همواره مطلوب[m] ، با چاشنی
۱-پطر۳:۱۵ نمک باشد [تا]شما بدانید به هر کدام
چگونه باید پاسخ داد.
افس۶:۲۱؛ ۲-تیمو۴:۱۲ [۷] در مورد من، تیخیکس[n] برادر محبوب،
و خدمتگر امین[o] و همقطار من در خداوند،
همه چیز را به شما خواهد گفت [۸] که او را
به سوی شما می فرستم تا بدانید به کجا
رسیده ایم[p] و دلهای شما را تقویت کند؛
[۹]اُنیسیمس[q] برادر باوفا و محبوب که از
[کَسان] شما است،ایشان شما را از همه
چیز در اینجا آگاه خواهند کرد.
[۱۰]اریسترخس، که هم‌زنجیر من در فیل۲۴
اسارت است به شما سلام می‌رساند؛ و اع۱۹:۲۹ فیل۲۴؛
مرقس[r] پسرعموی برنابا که دربارهٔ او اع۱۲:۱۲؛ ۲-تیمو۴:۱۱؛
دستوراتی دریافت کرده اید، اگر به نزد شما ۱-پطر۵:۱۳ اع۴:۳۶
بیاید او را پذیرا شوید؛ [۱۱]و یسوع ملقب بر
یوستوس[s] [به شما سلام می‌رساند]، اینان
تنها مختونانی هستند که برای ملکوت خدا

i- گاهی ترجمه می کنند: تا خدا دری برای موعظهٔ ما بگشاید. همین تصویر در طرز بیان در ۱-قرن ۱۶:۹؛ ۲-قرن ۲:۱۲؛ مکاشفه ۳:۸ نیز بکار برده شده است.

j- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: چنانکه بایستی از آن سخن بگویم. فعل بایستی هنگامی که در انجیلها مصائب و رنجها و مصلوب شدن اعلام می شود بکار برده شده است مثلاً: «بایستی که پسر انسان رنج بکشد و بمیرد» (ر.ک متی ۱۶:۲؛ مر ۸:۳۱؛ لو ۹:۲۲، ۱۷:۲۵، ۲۴:۲۶؛ اع ۱۷:۳). مفسران دیگری این عبارت را چنین درک می کنند: چنانکه بایستی از آن سخن بگویم: یعنی با کلماتی که شایسته و مناسب باشند.

k- یا از فرصتی که به شما داده شده است استفاده کنید. بعضی از مفسران تصور می کنید منظور فرصتی است که قبل از بازگشت مسیح داده شده است. مفسران دیگری می پندارند فرصت‌هایی است که در زندگی جاری داده شده تا انجیل را اعلام کنند. ر.ک افس ۵:۱۶ که در آنجا نیز همین طور بیان با مفهوم کلی تری آمده است. به همین سبب تفاوتهایی جزئی در ترجمه های مختلف این متن وجود دارد.

l- منظور از آنانکه بیرون هستند کسانی است که مسیحی نیستند و در اینجا به طرز بی طرفانه ای از آنان یاد شده است (۱-قرن ۵:۱۲-۱۳؛ ۱-تسا ۴:۱۲؛ ۱-تیمو ۳:۷ ؛ ر.ک مر ۴:۱۱). این کلمه نظیر برادران از کلماتی است که در آیین یهود بکار برده می شود. ضمناً توصیه هایی که در بندهای ۵ و ۶ می شود، اندرزهایی به روش حکمای اسرائیل است که گفته اند: سخنان نه فقط بایستی به نیکویی گفته شوند بلکه مملّو از لطف هم باشند (امث ۱۰:۳۲؛ جا ۱۰:۱۲) و به‌جا و به موقع اظهار گردند (امث ۱۵:۲۳، ۲۵:۱۱). بنا به گفتهٔ پیشینیان، گفتگو بایستی لطف و ملاحت یعنی مهربانی و بذله گویی را درهم آمیزد. تمام این اندرزهای آداب معاشرت در اینجا تغییر شکل یافته اند مثلاً موقع شناسی مسیحیت (از فرصت استفاده کنید) از الهام لطف و مهربانی ناشی می شود و نمک عبارت از حکمت انجیلی است (متی ۵:۱۳؛ مر ۹:۵۰؛ لو ۱۴:۳۴).

m- گاهی ترجمه می کنند: سخن شما همواره با مهربانی باشد.

n- در مورد تیخکس ر.ک اع ۲۰:۴ i. بعضی او را به عنوان حامل این نامه و شاید نامهٔ به افسسیان می دانند (ر.ک افس ۶:۲۱-۲۲).

o- ترجمهٔ دیگر: مأمور باوفای (پولس قدیس).

p- در بعضی از نسخه های خطی: تا خبر از شما بگیرد (ولی پولس قبلاً به وسیله اپفراس خبر دریافت کرده بود ر.ک ۱:۸).

q- اونیسمیس (ر.ک نامه به فیلمون). بنابراین از اهالی کولس بوده است.

r- مرقس (ر.ک اع ۱۲:۱۲ i) لابد با رسول آشتی کرده است (ر.ک اع ۱۵:۳۶-۳۹) در این بند ۱۰ بستگی او با برنابا تصریح شده است. درباره ارسترخس ر.ک اع ۱۹:۱۹ w.

s- یکی از شاگردان است که شخص ناشناسی می باشد.

همخدمت هستند، برای من تسلی بوده اند.
۱:۷؛ فیل۲۳ [۱۲]اپفراس که از[کسان] شما است[t] به
شما سلام می رساند؛ [این] بردهٔ مسیح
عیسی، همواره در دعاها برای شما کوشش
می کند[u] تا شما استوار بوده و در جمیع
ارادهٔ خدا تام و تمام باشید [۱۳]زیرا دربارهٔ
او گواهی می دهم که خیلی برای شما و
۱:۲ همچنین برای [اهالی] لائودیکیه و
فیل۲۴؛ ۲-تیمو۴:۱۱ هیراپولیس[v] زحمت می کشد. [۱۴]لوقا، این
فیل۲۴؛ ۲-تیمو۴:۱۰ پزشک[w] عزیز، همچنین دیماس[x] به شما
سلام می رسانند.

[۱۵]به برادران لائودیکیه و نومفاس[y] و
فیل۲؛ روم۱۶:۵ کلیسایی که در خانه او است سلام برسانید.
[۱۶]و وقتی این نامه در نزد شما خوانده شد
۱-تسا۵:۲۷ بدهید تا در کلیسای لاودیکیه نیز خوانده
شود. و [نامه] لائودیکیه[z] را که شما هم
بخوانید.
[۱۷]و به ارخیپس[a] بگویید: «مواظب باش
فیل۲ تا آن خدمتی که در خداوند دریافته ای،
درست انجام دهی.»
۱-قرن۱۶:۲۱؛ غلا۶:۱۱؛ ۲-تسا۳:۱۷ افس۳:۱؛ ۴:۱؛ ۶:۲۰؛ فیل۱:۹،۱۰،۱۳؛ فی۱:۷،۱۳؛ ۲-تیمو۱:۸؛ ۲:۱۹ [۱۸]سلام با دست من است، من که پولس
هستم[b]. بندهای مرا به خاطر داشته باشید.
فیض با شما باد! [آمین][bb]

t- درمورد اپفراس ر.ک مقدمه.

u- ر.ک روم ۱۵:۳۰ و نمونه هایی که در کتاب مقدس وجود دارد: درمورد ابراهیم (پید ۱۸:۱۷-۳۲)، در مورد یعقوب (پید ۳۲:۲۹) و در مورد موسی (خروج ۳۲:۱۱-۱۴).

v- در مورد ارتباط بین کلیساها ر.ک مقدمه.

w- بدین گونه از نامه به کولسیان درک می شود که لوقا پزشک بوده است.

x- فقط نام دیماس به اختصار ذکر گردیده است؛ برابر ۲-تیمو ۴:۹ این شخص بعداً از مسیحیت روگردان خواهد شد.

y- این شخص ناشناس است و معلوم نیست مرد یا زنی است زیرا در بعضی از نسخه های خطی در خانهٔ آن مرد و در نسخه های دیگر در خانهٔ آن زن نوشته شده است. در تعدادی از نسخه هایم در خانهٔ ایشان ذکر شده است.

z- نامه ای که به لاودیکیه نوشته شده گم شده است، مگر اینکه نظیر بعضی از مفسران بپذیریم که همان نامه به افسسیان است. این بند به خوبی نشان می دهد که بین جمعیت های مسیحیان نامه هایی ردّ و بدل می شده و آغاز تشکیل مجموعهٔ نامه های عهد جدید بوده است.

a- در مورد ارخپس ر.ک فیل ۲. دربارهٔ این مأموریت اطلاع دیگری در دست نیست.

b- معمولاً نامه های رسولی به وسیله یک منشی تحریر می شده است (روم ۱۶:۲۲؛ ۱-پطر ۵:۱۲) و مصنّف نامه که آن را دیکته می کرده برای تصدیق صحت و اصالت، چند کلمه به خط خودش می افزوده است (ر.ک ۱-قرن ۱۶:۲۱؛ غلا ۶:۱۱-۱۸؛ ۲-تسا ۳:۱۷).

bb- در بعضی از نسخه ها: آمین.

پیشگفتار

نامه ها به تسالونیکیان

شهر تسالونیك و بنیانگذاری کلیسا

پولس در سال ۵۰ میلادی، درطی دومین مسافرت رسالت خود، به تسالونیک پایتخت ایالت مقدونیه رسید و این نخستین شهر بزرگ اروپایی بود که پولس به آن وارد می شد. تسالونیک در قرن چهارم پیش از میلاد بنا شده و سریعاً اهمیت یافته بود. به سبب موقعیت جغرافیایی که در منتهی الیه خلیج ترمائیک قرار داشت به صورت بند مطمئنی در آمده بود؛ ضمناً شاهراه اگناتیا که دریای اژه را به دریای آدریاتیک متصل می کرد از کنار تسالونیک می گذشت و بدین سبب این شهر همچون دروازهٔ طبیعی برای دشتی حاصلخیز و تمام سرزمین های داخلی بشمار می رفت. شهر تسالونیک در دوران تسلط مقدونیان و سپس تحت تسلط رومیان نقش مهمی ایفا کرد، مخصوصاً در جریان شورشی که در سال ۱۴۹ پیش از میلاد روی داد و مردم می خواستند از فشار روزافزون یوغ اسارت رومیان خود را رها سازند. اندکی بعد رومیان مقدونیه را به صورت یک ایالت رومی درآوردند و شهر تسالونیک را که پرجمعیت ترین شهر مقدونیه بود به عنوان مرکز ایالت انتخاب کردند. در سال ۴۲ پیش از میلاد، تسالونیک موقعیت جدیدی یافته و به صورت شهر آزاد درآمد و امپراتوری روم برای این شهر حکمرانی مخصوص با عنوان پروکنسول تعیین نمود. شهر رفته رفته بزرگ تر می شد و تأسیسات بندری وسیعی ایجاد می گردید. در موقعی که پولس به این شهر وارد می شد، تسالونیک مرکز تجاری پُر رونقی شده بود که تعداد زیادی از خارجیان در آنجا اقامت داشتند و از جمله گروه مهمی از مهاجران یهودی در آنجا مستقر شده بودند.

بنابر مندرجات کتاب اعمال رسولان، می دانیم که پولس به همراه سیلاس و تیموتاؤس از فیلیپی به این شهر آمده بود (اع ۱:۱۷-۱۰). و شاید مدّت اقامت پولس در این شهر، به طوری که در اعمال رسولان ذکر شده منحصر به سه سَبت نبوده است (اع ۲:۱۷). زیرا در آنجا به شغلی اشتغال یافته (۱-تسا ۹:۲) و چندین بار از فیلیپیان کمک هایی دریافت کرده (فی ۱۶:۴) و موفق شده است یهودیان و پیروان مذاهب دیگر و مخصوصاً مشرکان را به انجیل دعوت نماید (ر.ک ۱-تسا ۹:۱). ولی به سبب عکس العمل یهودیان فعالیت او قطع شده و به ناچار شهر را سریعاً ترک کرده بود. زیرا یهودیان آشوب برپا کرده و مدّعی بودند که واعظان مسیحی برخلاف فرمان امپراتور روم رفتار می کنند و تعدادی از مسیحیان را به دادگاه کشیدند (اع ۵:۱۷-

۹). برادران مسیحی تسالونیک واعظان و سخنرانان را شبانه به پیریه فرستادند ولی یهودیان تسالونیک هم به آنجا آمده و مانع از سخنرانی پولس شدند.

بدین گونه مشاهده می شود که پولس مجبور شده است جمعیتی را که تازه تشکیل داده است ترک گوید و دغدغه خاطر او را درک می کنیم زیرا در موقع تعقیب و آزار، این مسیحیان جدید را به حال خودشان رها کرده است و بدین سبب هنگامی که به تسالونیکیان نامه می نویسد لحن شدیدی در مورد یهودیان بکار می برد (۱-تسا ۲:۱۵-۱۶ W).

نامه اول به تسالونیکیان

آنچه موجب حیرت خواننده می شود، تفاوت فاحشی است که در لحن نامه اول به تسالونیکیان با نامه های دیگر پولس وجود دارد. در این نامه، رسول به مسئله عقیدتی معیّنی توجهی نداشته و چیزی دربارهٔ این گونه مسائل مطرح نمی کند و قبل از هرچیز احساسات خود را به جمعیتی ابراز می نماید که به تازگی تأسیس نموده و اندکی بعد ترک کرده است. از اخبار خوبی که بالاخره دریافت کرده است راضی و خوشحال است چونکه پس از مدتی اضطراب می بیند ایمان جدید کلیسای نوبنیاد به اطراف منتشر می شود و بدین سبب سپاسگزاری خود را با عباراتی طولانی بیان می نماید (سرتاسر بندهای ۲-۱۰ فقط یک عبارت طولانی است). در این نامه پولس نیازی نداشته است اشتباهاتی را تصحیح کند زیرا می داند که برادران تسالونیک در راهی صحیح قدم برمی دارند و در مقابل آزمون به خوبی مقاومت کرده اند.

تنها چیزی را که باید به ایشان توصیه نمود اینست که در این طریق پایداری کرده و به پیشرفت های جدیدی نایل شوند. البته پولس با بی صبری منتظر است که دوباره به نزد تسالونیکیان برگردد و آنچه را از نظر ایمانی کم دارند تکمیل نماید (۳:۱۰)، ولی دلواپس نیست: مخاطبانش وفادارند، می دانند از این پس چگونه زندگی کنند؛ و نیازی نیست که دوباره به ایشان گفته شود (۴:۹؛ ۵:۱). کلیسای تسالونیک در امید به بازگشت مسیح شکوهمند که بارها اعلام شده بود زندگی می کرده (۱:۱۰؛ ۲:۱۹؛ ۴:۱۶) و نشان داده است که با وجود تمام موانع، انجیل به عمل خود ادامه می دهد.

شادمانی، اطمینان خاطر و شور و حرارت در این نامه با بیانی ساده و روشن اظهار شده است و نامهٔ اول به تسالونیکیان به مانند پیامی دقیق و محبت آمیز است که پدری برای فرزندانش بفرستد (ر.ک ۲:۱۱-۱۲)، پدری که به خوبی می داند بر چه مشکلاتی باید فایق شوند. با خواندن این نامه، شور و حرارت نخستین مبارزه ها و هیجان نخستین پیروزی های آغاز تاریخ کلیسا کاملاً احساس می شود و آدمی در آنها عظمت آغاز وقایع را مشاهده می کند.

تاریخ نگارش نامه

نامهٔ اول به تسالونیکیان نه تنها نخستین نامه ای است که پولس نوشته است بلکه قدیمی ترین نوشتهٔ عهد جدید است. احتمالاً پولس این نامه را در آغاز سال ۵۱ میلادی (در حدود بیست سال پس از مرگ عیسی) فرستاده است، یعنی اندکی پس از ورود به قرنتس که

در آنجا تیموتاؤس برایش اخباری از تسالونیک آورده بود. البته در این تاریخ احادیث و روایات انجیلی متشکّل شده بود ولی انجیلها به صورتی که در دست داریم هنوز نوشته نشده بود. در بعضی از متن های دیگر عهد جدید، احادیث قدیمی تری گزارش شده است ولی از نظر ادبی، اولین نامه به تسالونیکیان، نخستین مدرک مسیحیت بشمار می رود.

دومین نامه به تسالونیکیان

عقیدهٔ عمومی بر این است که رسول، نامه دوم به تسالونیکیان را اندکی پس از نامهٔ اولی فرستاده است. با اینکه هر دو نامه به امضای یک نفر است و هردو را کلیسای کهن به عنوان نامهٔ پولس پذیرفته با این همه در مورد اصالت نامهٔ دوم به تسالونیکیان چند مسئله مطرح شده است: یکی اینکه در حدود پانزده کلمه در نامهٔ دومی بکار رفته که درجای دیگری از نوشته های پولس نیامده است ولی این مسئله اهمیتی ندارد زیرا در نامهٔ اول به تسالونیکیان تعداد این نوع کلمات بیشتر است. دیگر اینکه در نامهٔ دومی برای بعضی کلمات مفهومی قائل شده که برابر با همان مفهومی نیست که در نامه های دیگر پولس دارند؛ این نکته هم نشانه و دلیل کافی نیست که انتساب این نامه را به رسول نپذیرند. ولی بررسی دقیق و مقایسه این دو نامه توجه ما را به دو نکته جلب می کند:

۱- از نظر ادبی شباهت بین دو نامه کاملاً مشخص است. چنین به نظر می رسد که بعضی از اصطلاحات یا بندهای کامل نامهٔ دوم از نامهٔ اولی گرفته شده و این نکته مخصوصاً مربوط به سه فصل دومین نامه است (به استثنای دستور مخصوصی که در ۲-تسا ۲:۱-۱۲ وجود دارد). برای درک این نکته می توان متن های زیر را با یکدیگر مقایسه کرد:

۱-تسا ۱:۲-۳	و	۲-تسا ۱:۳
۱-تسا ۲:۱۲	و	۲-تسا ۱:۵
۱-تسا ۳:۱۳	و	۲-تسا ۱:۷
۱-تسا ۳:۱۱-۱۳	و	۲-تسا ۲:۱۶-۱۷
۱-تسا ۲:۹	و	۲-تسا ۳:۸
۱-تسا ۵:۲۳	و	۲-تسا ۳:۱۶
۱-تسا ۵:۲۸	و	۲-تسا ۳:۱۸

اکثراً سعی می کنند تشابه و برابری دو نامه را بدین گونه توضیح دهند که در فاصله زمانی خیلی کوتاهی نوشته شده اند، ولی اگر زمان بین ارسال دو نامه خیلی کوتاه است باید چنین پنداشت که وضعیت در تسالونیک ناگهان تغییر کرده بوده است. درصورتی که با توجه به مفاد نامهٔ اولی چنین تغییری پیش بینی نمی شده است. بنابراین مشکل بتوان توضیح داد که رسول به اشخاص معینی در فاصله چند هفته نامه هایی خطاب کرده باشد که نامهٔ اولی لحنی مؤثر و هیجان آمیز داشته و در نامهٔ دومی به قدری طرز بیان رسمی و شیوهٔ نگارش رقیق تر باشد که خواننده دومین نامه را دچار حیرت نماید.

۲- در نامه دوم به تسالونیکیان آموزشی که در مورد وقایع پایان روزگار داده شده (ر.ک به مطالب بعدی) از آنچه در نامه اولی (۱-تسا ۵:۱-۶) دربارهٔ فرا رسیدن ناگهانی روز خداوند است ذکری نمی کند. این نکته بدان سبب شگفت آور است که در نامهٔ اولی آموزش داده شده پس از وضعیت صلح ظاهری به ناگهان ویرانی فرا خواهد رسید در صورتی که در نامهٔ دوم توالی مراحل مختلف تاریخ بشری قبل از ظهور شکوهمند مسیح توصیف

شده است. به این نکته می توان توضیح داد که در نوشته های مکاشفه ای همواره دو موضوع: ناگهانی بودن وقایع و نشانه های قبلی آنها درهم آمیخته است چنانکه در متن های انجیلی هم مشاهده می شود (ر.ک مر ۱۳ و متن های مشابه در انجیلهای دیگر). با این همه اگر پولس در این موقعیت آموزشی در مورد پایان روزگار داده است (۱-تسا ۱۳:۴-۳:۵؛ ۱-قرن ۲۰:۱۵-۲۴) در این آموزش جایی برای دوران بی دینی و آمدن ضد مسیح نگذاشته است و کاملاً روشن است که نامه دومی اصولاً بدین منظور مکاشفه ای ارائه گردد (۱:۲-۱۲). اگر منظور آن بوده که آموزش قبلی تصریح و تصحیح گردد چرا آن را به صورت یادآوری سادهٔ آموزشی ارائه می نماید که در آن آموزش، نوشته یا شفاهی، اصرار می شود که فرا رسیدن روز خداوند غیرمترقبه است «بمانند دزدی که در شب ی آید».؟ بنابراین، مسئله به همین صورت باقی است ولی مسلماً نکته مهمی نیست زیرا در احادیث کهن ذکری از آن نشده است. نامهٔ دوم به تسالونیکیان مسلماً پاسخی به وضعیت معیّن جمعیت مسیحیان است که در گوشه و کنار نگران بودند از اینکه روز خداوند به آن زودی که تصور می کردند فرا نرسد. خیلی محتمل است که در این وضعیت یک نویسندهٔ مسیحی، یک فرد مسئول جمعیت که وارد به آموزشهای پولس بوده فکر کرده باشد که بنام رسول تفسیر غلط و خطرناکی را در مورد بازگشت مسیح تصریح نماید. با این فرض مشکلاتی که ذکر شده برطرف می گردد. ضمناً نبایستی تصور کرد که این عمل جنبهٔ تقلب و تهیه مدارک جعلی داشته است چنانکه در دنیای ادبیات امروزی چنین اقدامی را تقلّب بشمار می آورند. لازم به یادآوری است در ادبیات یهودی و مسیحی بارها از این روش استفاده شده است تا آموزش معمولی و سنتی را عمیق تر کرده و تصحیح نمایند. به هرصورت دومین نامه به تسالونیکیان، با وجود موارد ابهام و اشاره های مکاشفه ای، نقش مهمی در تاریخ کلیسا داشته است زیرا نگذاشته است مسیحیان از مبارزه ای که در دنیا انجام می دهند دور شوند و یادآوری می کند که امیدواری مسیحیت از هوشیاری روزانه جدا نیست.

تجربهٔ رسالت پولس

در نامهٔ اول به تسالونیکیان و مخصوصاً در سه فصل اولی، پولس مطالب خود را با افعال زمان حال بیان می کند ولی مرتباً به سوی زمان گذشته برمی گردد. در هر پیچ و خم متن نامه به افعالی نظیر «بیاد آوردن» یا «دانستن» برمی خیزیم که به مفهوم «بخاطر آوردن» وقایع مختلفی است (۳:۱، ۴، ۵؛ ۱:۲، ۲، ۵، ۹، ۱۱؛ ۳:۳، ۴، ۶؛ ۲:۴؛ ۲:۵)، زیرا روابط کنونی رسول با مخاطبانش مفهومی ندارند مگر با توجه به آنچه در چند ماه پیش با یکدیگر گذرانیده اند. ریشهٔ این روابط در تجربه مشترکی است که پولس با برادران گذرانیده و در تشکیل جمعیتی که بوسیله اعلام انجیل بوجود آمده است. خوشبختانه بوسیله این یادآوری های زمان گذشته، ما اطلاعات ارزشمندی در دست داریم، زیرا پولس هرگز مطالب خصوصی و شخصی را به این دقّت دربارهٔ گرایش مردم به ایمان مسیحیت ذکر نکرده است.

با اعلام انجیل، تسالونیکیان زندگی خود را تغییر داده اند: از این پس منتظر آمدن عیسی هستند، پسری که خدا از میان مردگان برخیزانیده است و پولس به سبب ایمان ایشان و محبّت ایشان خدا را سپاس می گوید (۳:۱). این تغییر اساسی که در زندگی تسالونیکیان ایجاد شده، از ابتکار خدا و از همان انتخاب محبت‌آمیزی ناشی می شود که اسرائیل را قوم برگزیده کرده بود. (۴:۱؛ ۱۲:۲). پولس به خوبی می داند که گرایش تسالونیکیان نتیجه سخنان بشری او نیست، وانگهی هرگز در جستجوی موفقیت شخصی نبوده است، و نخواسته است خوشایند آدمیان باشد (۳:۲). سخن او، در حقیقت سخن خود خدا بوده و قدرت خدا توانسته است این یونانیان را قادر سازد «از بتان روی برگردانده و به خدمت خدای زنده و حقیقی درآیند» (۹:۱). بنابراین، این سخن فقط گفتار سادهٔ انسانی نیست که بخواهد چیزی دربارهٔ خدا بگوید؛ بلکه سخن خدا است، دخالت خدا بوسیلهٔ روح القدس او است که به خاطر شنوندگان پولس اظهار می شود؛ و ایمان ایمانداران مؤثر بودن آن را نشان می دهد (۱۳:۲).

این سخن را پولس به نام «انجیل» (خدا) هم می خواند (۴:۲، ۹). وانگهی این کلمه چیزی جز پیام رسالت نیست، مژده و خبر خوشی که بزودی برای قرنتیان خواهد آورد (۱-قرن ۱:۱۵ و بندهای بعدی) و شاید آنچه در ۱-تسا ۹:۲-۱۰ بیان شده اصطلاح قدیمی تر آن است. با اعلام رستاخیز عیسی، رسول همکار خدا می شود (۲:۳) زیرا خدا است که بوسیلهٔ روح القدس، با قدرت تمام در اعلام آن عمل می کند (۵:۱). بدین سان پولس واقعه ای را بیان می کند که بسی شگفت انگیز است، به همان گونه که سخن خدا در میان آزمونها و مصائبی که ایمان در عیسی می‌آورد (۱۴:۲) «در شادی روح القدس» پذیرفته می شود (۶:۱). و این عمل فقط محدود به ایجاد و تشکیل جمعیت ایمانداران نیست: بلکه در میان تمام مبارزه ها و همهٔ آزمونهایی که تعدادشان برای مسیحیان نوگرا کم نیست، دعوت به ایمانی فعال تر، دعوت به محبتی سرشارتر و بخشنده تر و دعوت به امیدی که از بین نمی رود مرتباً طنین انداز است.

اکنون چه می توان گفت جز اینکه قدرت خدا که رستاخیز عیسی را انجام داده، از این پس در موعظهٔ رسولان اثر می کند؟ آنچه در این عمل اعلام کردن اظهار شده قدرت خدا است که بر مرگ پیروزی می یابد و زندگی می بخشد، قدرتی که بت پرستان را به خدمتگزاران خدای زنده تبدیل می کند و حتی بیشتر از این، قدرتی است که در ایشان آنچه را در عیسی تحقق بخشیده است انجام می دهد. بدین دلیل پولس در اولین نامه به تسالونیکیان بی محابا، با اطمینان قطعی، با رضایت خاطر و یقین به ایمان سخن می گوید (ر.ک ۷:۳). و حتی وجود جمعیت مسیحیان تسالونیک را امید خود، شادی خود و افتخار خود می شمارد و در حضور خداوند عیسی، وقتی که بیاید، پاداش او خواهد بود (ر.ک ۱۹:۲). در موقعیت های دیگری اعتراف خواهد کرد که فقط یک دلیل برای افتخار کردن دارد: که صلیب خداوند ما عیسی مسیح و یا به عبارت ساده تر «عیسی مسیح» است (۱-قرن ۷:۵). باری نامهٔ اول به تسالونیکیان نشان می دهد که چگونه پولس، در

امید خود، جمعیت مسیحیان را که در مسیح در آن بکار است با خود مسیح یکی می داند. و از ملکوتی که خواهد آمد شکوهی را که انتظار دارد (۱۲:۲) هم اکنون مساعده ای از آن را کسب کرده که عبارت از برانگیختن و ایجاد ایمان در دل آدمیان است. هم اکنون خدا، همکار خود را به نوعی شکوهمند ساخته است چنانکه می گوید: «آری شمایید که افتخار ما و شادی ما هستید.» (۲۰:۲).

پولس در فعالیت رسالت خود، فعلّیت راز مرگ و رستاخیز مسیح را تجربه کرده است: زیرا این واقعه چیزی نیست که فقط به گذشته تعلق داشته باشد. جمعیت های مسیحیان و خود پولس با این آزمون که همان آزمون عیسی است روبرو هستند (۶:۱؛ ۱۴:۲). و در این تاریخ که مرگ در فعالیت است، پولس فوران زندگی و شکوه مسیح برخاسته از مرگ را دیده است.

آموزش دربارهٔ پایان روزگار

الف) نامهٔ اول به تسالونیکیان: گرچه در سه فصل اول این نامه یادآوری وقایع گذشته است و لحن این نامه آن را در نامه های دیگر مجزا و متمایز می سازد ولی محتوی آموزش مخصوصی دربارهٔ فرجام شناسی یعنی وقایع پایان روزگار است. این آموزش منحصر به دستورات معین و دقیق مندرج در ۱۳:۴-۱۱:۵ نیست زیرا امید به بازگشت مسیح اعتقاد مسلّمی است که در سرتاسر نامه مرتباً ذکر می شود (ر.ک ۱۰:۱؛ ۱۹:۲؛ ۱۳:۳) و پایه و مبنای طرز رفتار مسیحیان است: بدین معنی که فرد مسیحی کسی است در این انتظار بسر می برد. روز خداوند که در نوشته های عهد عتیق اعلام شده روزی است که خدا به عنوان داوری کنندهٔ عادلان و بی دینان ظاهر می شود، به نظر پولس روز مسیح است، روزی که او با شکوهی که در خور پسر خدا است خواهد آمد تا ایمانداران را نجات بخشیده و شریران را تباه سازد و در آن روز مسیحیان باید بی عیب و نقص باشند.

مضافاً بر اینکه انتظار می رود آن روز پس از مدّت کوتاهی فرا می رسد (چنانکه می گوید: ما زنده ها که تا فرا رسیدن روز خداوند زنده مانده باشیم ۱۵:۴)؛ لازم به یادآوری است نسل اول مسیحیان و پولس معتقد بودند که بازگشت خداوند نزدیک است و در این مورد سؤالهای مخصوصی مطرح شده بود که بایستی رسول به آنها پاسخ داده و نظر خود را تصریح نماید، تسالونیکیان می پرسیدند: سرنوشت مسیحیانی که پیش از بازگشت خداوند می میرند چه خواهد بود؟ آنانکه آمدن شکوهمند خداوند را نمی بینند، آیا پایین تر از مسیحیانی خواهند بود که هنوز زنده اند؟ به طوری که مشاهده می شود خیلی زود این سؤال در جمعیت های مسیحیان مطرح شده بود. رسول توّهم و ترس مخاطبان خود را برطرف می کند (۱۳:۴-۱۸) و آنان را امیدوار می سازد. این امید برمبنای رستاخیز مسیح و قدرت خدا است که عیسی را برخیزانیده است. یک فرد مسیحی برای همیشه نمی میرد، مسیح برخاسته از مرگ، پیروان خود را فراموش نخواهد کرد و همگی آنان در روز بزرگ و در شکوه شرکت خواهند داشت. یعنی در لحظه ای که فرا می رسد نخست مسیحیانی که مرده اند برخواهند خاست و به همراه مسیحیانی که زنده اند به دیدار خداوند خواهند رفت تا جاودانه با او بمانند.

پولس با ذکر یکی از سخنان خداوند آموزش می دهد (ر.ک ۴:۱۵ v) و تصاویر رمزی متداول در نوشته های مکاشفه ای یهودیان را بکار می برد (صدای فرشته و شیپور خدا که مشیّت الهی را اعلام می نماید). نکته قابل توجه آن است که پولس ضرورتی نمی بیند در مورد تصریح زمانها و لحظه ها تأمّل نماید و فقط فرا رسیدن ناگهانی آن را یادآوری می کند که «به مانندی دزدی در شب خواهد آمد. مردم تصوّر خواهند کرد در صلح و آرامش بسر می برند و آنگاه ویرانی بر ایشان خواهد رسید (۵:۲-۳) ولی تنها اندیشهٔ مسیحیان این خواهد بود همواره آماده باشند تا سرور و استاد خود را بپذیرند و پیوسته هشیار بمانند.

ب) نامهٔ دوم به تسالونیکیان: در این نامه دغدعه خاطر نویسنده چیز دیگری است؛ بدین معنی که بعضی از مسیحیان با اطمینان و یقین بر اینکه بازگشت مسیح قریب الوقوع است چنان رفتار می کنند که گویی روز خداوند هم اکنون فرا رسیده است، حتی آموزش رسول را که بدرستی درک نکرده اند بکار می برند (۲-تسا ۲:۱-۲)، اعضای جمعیت در بی نظمی زندگی می کنند (۳:۶)، و احتمالاً مشکلات و فشارهای زندگی روزمره را نادیده گرفته و کار مشغله خود را رها کرده اند (۳:۱۰-۱۲). جزئیات دقیقی که در فصل ۲ آمده دربارهٔ وقایعی است که باید قبل از آمدن خداوند روی دهد و ذکر آنها پاسخی برای این وضعیت است. منظور این است از اقدامات پیشدستی و تصورات فریبنده جلوگیری گردد و با هرگونه خیال واهی مبارزه شود. زیرا اگر مسیح باید بیاید و بی دینان را کیفر داده و ایمانداران را در شکوه خود شرکت دهد (۱:۸-۱۰)، این آمدن تحقق نخواهد یافت مگر پس از یک رشته آشوبهایی که در نوشته های مکاشفه ای یهودیان، در مورد وقایع پایان روزگار همواره اعلام شده است و همچنانکه بنابر مفاد انجیلها، خود عیسی اعلام نموده است (ر.ک مر ۱۳ و متن های مشابه در انجیلهای دیگر). جریان وقایع پایان روزگار را به شرح پایین می توان خلاصه کرد:

۱- هم اکنون شیطان در این دنیا در فعالیت است. نشانهٔ آن تعقیب و شکنجه هایی است که مسیحیان تحمّل می کنند و دنیا بین ایمانداران و بی دینان تقسیم شده است. ولی این بی دینی رفته رفته بیشتر خواهد شد و دروغ و بی عدالتی شیوع خواهد یافت. بالاترین خطر، فریب و گمراهی (افکار باطل) خواهد بود زیرا ممکن است غلط را به جای صحیح و بی عدالتی را بجای عدالت بگیرند.

۲- پس دوران ارتداد فرا می رسد، وقتی که در لحظهٔ معین شخصی بنام «بی دین» ظهور می کند. وی که ضد مسیح واقعی است مظهر تمام قدرت های شرّ و بدی خواهد بود. بوسیلهٔ معجزه ها و کارهای شگفتی که انجام می دهد کسانی را که دوستدار حقیقت نیستند بکلّی گمراه خواهد کرد (۲:۱۰). وی با تکبّر خود را حتی خدا خوانده و در معبد جلوس خواهد کرد.

اگر در هنگام نوشتن نامه این «بی دین» هنوز نیامده است بدلیل آنست که کسی و چیزی مانع از آمدن او است (ر.ک ۲:۶، ۷ یادداشت های q، r، s)، بدون اینکه بتوان گفت منظور چه کسی است ولی مسلماً مخاطبان نامه، این اشاره را درک می کرده اند. به هرصورت کاملاً روشن است

که به نظر نویسنده بین تاریخ نوشتن نامه و موقعی که «بی دین» قدرت شیطانی خود را ظاهر کند مدتی نامعلوم خواهد گذشت که مربوط به وجود این مانع مرموز است.

۳- فقط پس از آمدن این «بی دین»، خداوند ظاهر شده و این دشمن را نابود خواهد کرد.

بنابراین کسانی که در تسالونیک تصوّر می کنند می توانند چنان زندگی کنند که گویی روز خداوند فرا رسیده است، آموزش رسول را فراموش کرده اند (۳:۲)، در اشتباهند زیرا در منتهای شادی به مبارزه ها و آشوب های پایان روزگار نمی اندیشند درصورتی که قبل از پیروزی نهایی مسیح، مبارزه مسیحیان دشوارتر خواهد بود و بیش از هر قدرت باید بصیرت و هشیاری داشته باشند. البته انجیل دعوت کرده است که مسیحیان در شکوه مسیح سهیم باشند (۱۴:۲) ولی قبل از شکوه، تعقیب و شکنجه و رنج است (۱:۴-۵) و نمی توان آنها را پشت سر گذاشت مگر اینکه در محبت، ایمان و پایداری پیشرفت نمود.

در مقایسه با نامهٔ اولی، در دومین نامه به تسالونیکیان موضوع نزدیک شدن پایان روزگار مسلّم و قطعی نیست بلکه به همین دلیل که اوایل دوران دشوار مکاشفه ای است باید از هرگونه تغییری در وضعیت موجود و نظم مستقر در جمعیت و جامعه جلوگیری شود (مثلاً امتناع از کار کردن). با این همه کسانی می خواهند چنان زندگی نمایند که گویی پیروزی حاصل شده است (و حال آنکه هنوز تحقق نیافته است) پولس می گوید باید از ایشان احتراز شود (۶:۳) و در صورت لزوم با آنان قطع رابطه شود (۱۴:۳). زیرا در آخرین پرده این نمایش غم انگیز وضعیت تغییر خواهد کرد ولی هنوز به پردهٔ ماقبل آخر نرسیده ایم. به طوری که مشاهده می شود دومین نامه به تسالونیکیان، نخستین نوشته ای است که این مسئله را به این صورت و با این کلمات مطرح می کند، مسئله را به این صورت و با این کلمات مطرح می کند، مسئله ای که مسیحیت درطی نسلها مطرح خواهد کرد هربار که در چهارچوب ارائه مکاشفه ای دربارهٔ ایمان و امید خود بیندیشد.

هر دو نامه به تسالونیکیان، گواهی های مهم و ارزشمندی دربارهٔ کلیسای کهن و امیدواری آن کلیسا بشمار می روند. با اینکه در این نامه ها شرح و بسط طولانی دربارهٔ امور عقیدتی وجود ندارد با این همه نبایستی آنها را نوشته های بی اهمیت و کوچکتر پنداشت زیرا به سادگی هرآنچه دربارهٔ ایمان مشترک نخستین مسیحیان است ذکر می کنند و تجربیات نخستین مأموران رسالت را بیان می نمایند: محبت خدایی که ما را می خواند، خداوندی مسیح که بازگشت او با شور و حرارت انتظار می رود، عمل سرشار روح القدس که در اعلام سخن خدا و در زندگی جمعیت ها در فعالیت است، اعتقاد کامل و یقین به رستاخیز، پایداری در برابر تعقیب و شکنجه ها، محبت برادرانه که مسیحیان و جمعیت ها را به یکدیگر وابسته می سازد... چگونه ممکن است که فرد مسیحی پیوسته به این سرچشمه برنگردد؟ چگونه ممکن است در دوران خود، همواره با همین امید و همین شور و حرارت فرا خواندن به زندگی را درنیابد؟

اولین نامه به تسالونیکیان

عنوان و سلام

اع۱۵:۴۰؛ ۱۶:۱ **۱** ۱ از پولس[a]، سیلوانس و
تیموتاؤس[b] به کلیسای[c]
تسالونیکیان که در خدای پدر و در خداوند
عیسی مسیح است؛ فیض و صلح[d] بر شما باد!

ایمان تسالونیکیان در انجیل

۱۳:۲؛ فی۱:۳-۴ ۲ همواره دربارهٔ همگی شما خدا را
سپاسگزاریم[e]، در نیایشهای خود [از شما]
یاد می‌کنیم، ۳ بی وقفه عمل ایمان شما را به
یاد می‌آوریم و از زحمت محبّت، و از
شکیبایی امید در خداوند ما عیسی مسیح[f]، ۵:۸؛ ۱-قرن۱۳:۱۳
در حضور خدا که پدر ما است. ۴ و می‌دانیم،
ای برادران محبوب خدا، که برگزیدگان او
هستید[g]. ۵ زیرا انجیل ما[h] نه فقط با سخن
بلکه در قدرت[i] و در روح القدس و در ۲:۱۳؛ ۱-قرن۲:۴-۵
اطمینان تمام به شما رسیده است. همچنانکه
می‌دانید چگونه به‌خاطر شما نزدیک شما

a- در اینجا پولس، برخلاف اکثر موارد، عنوان رسالت خود را ذکر نمی‌کند زیرا در تسالونیک و در فیلیپی در مورد مقام رسالت او بحثی نبوده درصورتی که بعداً در قرنتس و در نزد غلاطیان، کسانی منکر رسالت او خواهند بود.

b- هنگامی که پولس این نامه را می‌نویسد، سیلوانس و تیموتاؤس در نزد او هستند. ر.ک مقدمه.

c- در اینجا کلمهٔ کلیسا به مفهوم جمعیت محلی مسیحیان بکار برده شده است. ر.ک ۱-قرن ۱:۲ c.

d- در تعدادی از نسخه‌های خطی در پایان این بند نوشته شده است: از سوی خدا، پدر ما و از خداوند عیسی مسیح، ر.ک ۲-تسا۱:۲.

e- پولس در نامه‌های خود، به استثنای نامه به غلاطیان، معمولاً پس از اینکه به مخاطبان سلام می‌کند از خدا سپاسگزاری می‌نماید و حق‌شناسی و شادی خود را به سبب عمل خدا در جمعیت مسیحیان اظهار می‌کند، زیرا مسیحیان جدید به تعداد زیاد به پیام انجیل پاسخ داده‌اند. در اینجا سپاسگزاری شرح و بسط یافته و تا پایان فصل ۳ ادامه دارد و فرصتی است که پولس اوضاع و شرایط گرویدن تسالونیکیان را یادآوری نماید.

f- ترجمهٔ دیگر: که خداوند ما عیسی مسیح می‌آید. ترجمهٔ تحت‌اللفظی: ... امید خداوند ما عیسی مسیح. فکر می‌کنیم کلمات: خداوند ما عیسی مسیح به صورت متمّم سه کلمه ایمان، امید و محبت آمده اَست و پولس در موارد بسیاری این طرز ترکیب کلام را بکار می‌برد تا نشان دهد که مسیح با روش مخصوص خود، در رابطهٔ با پدرش و با آدمیان، امکان به زندگی را گشوده است که به مانند او با ایمان، محبت و امید باشد. ر.ک ۱-قرن ۱۳:۱۳ p.

g- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: می‌دانیم... گزینش شما را. در نوشته‌های عهد عتیق، گزینش از امتیازات اسرائیل است و بدین سبب قوم برگزیده نامیده می‌شود. خدا این قوم را نه به سبب شایستگی مخصوصی بلکه فقط به سبب فیض خود از میان اقوام دیگر برگزیده است. اکنون پولس برای جمعیت مسیحیان که از منشأ یونانی (و نه یهودی) هستند همان امتیاز را قائل می‌شود که از محبت رایگان خدای نجات بخش ناشی می‌شود. ر.ک ۲-پطر ۱:۱۰ که در آنجا کلمهٔ گزینش برابر و مترادف با فراخواندن آمده است. همچنین ر.ک روم ۱۱:۵ t.

h- ترجمهٔ دیگر: زیرا اعلام انجیل ما، در نزد شما فقط سخنرانی نبود، بلکه قدرت، عمل روح‌القدس و انجام شگفت‌انگیز.

i- قدرتی که در اعلام انجیل وجود دارد، نباید حتماً به مفهوم معجزه درک شود، گرچه این کلمه وقتی در زبان یونانی به صورت جمع می‌آید اکثراً به معنی معجزه‌ها است مثلاً در ۱-قرن ۲:۱-۴ و روم ۱:۱۶. پولس می‌گوید که در عمل اعلام و موعظهٔ انجیل، قدرت خدا در کار است و چنانکه در نوشته‌های عهد عتیق آمده روح خدا و در اینجا روح‌القدس عامل اصلی این فعالیت است. منظور از اصطلاح: اطمینان تمام یا انجام شگفت‌انگیز، موفقیت غیرمنتظره و غیرقابل توصیفی است که در انتشار سخن خدا، با وجود اوضاع و شرایط نامساعد حاصل می‌شود. ر.ک بند ۶ و بندهای بعدی؛ ۲:۱۴ و بندهای بعدی.

۲-تسا۳:۹ شده ایم. ۶ و شما تأسی کنندگان به ما و
خداوند شده اید،[j] در محنت زیاد، سخن[k] را
لو۸:۱۳ با شادی روح القدس پذیرفته اید، ۷ به طوری
که شما برای تمام ایمانداران در مقدونیه و
در اخائیه[l] نمونه ای شده اید. ۸زیرا سخن
خداوند از [نزد] شما نه فقط در مقدونیه و
روم۱:۸ در اخائیه طنین انداز شده بلکه در همه جا
ایمان شما نسبت به خدا منتشر گردیده است
به طوری که نیازی نداریم از آن هیچ سخن
بگوییم. ۹چون خود ایشان در مورد ما اعلام
می کنند چگونه به نزد شما وارد شدیم و
یو۱۷:۳؛ چگونه شما از بت ها به سوی خدا بازگشته
اع۱۴:۱۵؛ ۱۷:۲۲-۳۱ اید[m] تا بردهٔ خدای زنده و حقیقی شوید،

۱-قرن۱:۷؛ تیط۲:۱۳ روم۲:۵؛ ۵:۹ ۱۰ و در انتظار پسرش از آسمانها باشید، او
که عیسی از مردگان برخیزانده تا ما را از
خشمی[n] که می آید برهاند.

فعالیت رسالت پولس

۲ ۱زیرا، ای برادران، خودتان
می دانید که آمدن ما به نزد شما
بیهوده نبوده است. ۲ بلکه هر چند،
به طوری که می دانید، قبل از آن در
اع۱۶:۲۰-۲۴ فیلیپی[o] رنج کشیده [و] توهین شده ایم، ما
اع۱۷:۱-۵ در خدای خود اطمینان یافته ایم تا انجیل
خدا را در مبارزهٔ بزرگی به شما اعلام کنیم.
۳زیرا موعظهٔ ما نه از گمراهی، نه از ناپاکی

j- در بند ۵ به جای فعل آمدن، فعل شدن بکار برده شده زیرا همین فعل در بند ۶ آمده است در جایی که می گوید: و شما تأسی کنندگان به ما و همچنین به خداوند شده اید. تسالونیکیان به رسولان تأسی کرده اند زیرا به مانند ایشان به خاطر انجیل رنج تحمل کرده اند. ر.ک ۱-قرن ۴:۱۶ x. ضمناً در بند ۲:۱۴ پولس خواهد گفت که تسالونیکیان به کلیساهای یهودیه تأسی کرده اند یعنی به مانند ایشان به سبب انجیل تعقیب و شکنجه شده اند. به طوری که ملاحظه می شود در اولین نوشته های پولس کلمهٔ تأسی کردن بدان معنی نیست که سعی کنند رفتار و فضایل اخلاقی کسی را تقلید نمایند بلکه منظور آن است که هر فرد پیرو مسیح همان اوضاع و شرایط «خدمتگزار رنجبر» را بپذیرد که همان وضعیت عیسی بوده است چنانکه گفته است: «اگر مرا تعقیب و شکنجه کرده اند، شما را هم تعقیب و شکنجه خواهند کرد» (یو ۱۵:۲۰، ر.ک مت ۱۰:۱۸ و متن های مشابه).

k- سخن. واژه ای که در نوشته ها و ادعیات مسیحیان اولیه به صورت کلمه ای فنّی بکار برده شده و بارها در انجیل ها مخصوصاً در توضیحات داستان تمثیلی مرد بذرافشان و متن های مربوط به آن آمده است. ر.ک مر ۴:۱۴، ۲۰، ۳۳ و متن های مشابه در انجیلهای دیگر. وقتی که این کلمه به تنهایی و بدون مضاف الیه می آید تقریباً مترادف با کلمهٔ انجیل است. ر.ک غلا ۶:۶؛ فی ۱:۱۴؛ کول ۴:۳؛ ۲-تیمو ۴:۲؛ اع ۶:۴. ولی اکثراً با کلمهٔ دیگری تکمیل می شود مثلاً سخن خدا یا سخن خداوند. ر.ک ۱:۸؛ ۲:۱۳؛ ۴:۱۵؛ ۲-تسا ۳:۱. این کلمات تصریح می کنند که منشأ اسن سخن، که بوسیله آدمیان به آدمیان دیگری خطاب می شود، الهی است. در اینجا پولس همان موضوعی را مطرح می کند که در انجیلهای همگونه در توضیحات تمثیل مرد بذر افشان ذکر شده و عبارت از پذیرش سخن مأموران رسالت است. سخن ثمری به بار نمی آورد مگر در نزد کسانی که با وجود تحمّل رنجها و مصائب، آن را با شادی می پذیرند. چنین پذیرش کاملی امکان ندارد مگر در صورتی که این سخن را به عنوان سخن خدا بشناسند و نه اینکه تصوّر شود سخنی دربارهٔ خدا است که سخنرانان در ضمن اظهار عقاید مذهبی خود بیان می نمایند. ر.ک. ۲:۱۳.

l- مقدونیه و اخائیه نام دو ایالت یونانی تحت ادارهٔ رومیان بوده است و مفهوم عبارت این است که در سرتاسر یونان، تسالونیکیان نمونهٔ ایمان بوده اند.

m- ترجمهٔ دیگر: چگونه از بتان روی گردان شده اید و به سوی خدا روی آورده اید. ر.ک ۲:۴ p. بندهای ۹-۱۰ به مانند خلاصه ای از موعظه و اعلام انجیل به مشرکان است. از آنان دعوت می نماید به خدای یگانه بگروند زیرا تنها خدایی است که باید به او خدمت کرد، به پسرش که از میان مردگان برخیزانیده ایمان آورد (ر.ک روم ۱:۴ h) و در انتظار نجاتی بود که به هنگام آمدن شکوهمند خود خواهد آورد.

n- خشمی که در موقع محکومیت گناهکاران در مراجعت خداوند ظاهر خواهد شد. ر.ک ۱-تسا ۵:۹. ولی پولس تصریح می کند که این خشم می آید و در حال فرا رسیدن است، ر.ک ۱-تسا ۲:۱۶؛ روم ۱:۱۸ z.

o- ر.ک اع ۱۶:۱۹-۲۴.

و نه از حیله است. ۴ امّا چون خدا ما را به
تجربه گذاشته تا انجیل را به ما بسپارد[p]، به ۱-تیمو۱:۱۱
همین گونه ما نه برای خوشایند انسان ها غلا۱:۱۰
بلکه برای خدا سخن می گوییم که دلهای ما ار۱۱:۲۰؛ ۲-قرن۵:۹
را می‌آزماید. ۵ زیرا به طوری که می دانید،
هرگز با چاپلوسی سخن نگفته ایم، نه با
بهانه ای طمع داشته ایم، خدا شاهد است؛
۶ در پی افتخار از انسان ها نبوده ایم، نه از یو۵:۴۱،۴۴
شما و نه از دیگران، ۷ [درصورتی که]
می توانستیم به عنوان رسولان مسیح خود را
تحمیل کنیم[q]. امّا در میان شما کودکانی[r]
بوده ایم. بمانند دایه ای[s] که از فرزندان غلا۴:۱۹
خود مواظبت می کند، ۸ بدین گونه با علاقه
فراوانی که به شما داریم، می خواستیم نه
فقط انجیل خدا را به شما تسلیم کنیم بلکه
نیز جانهای خود را، زیرا برای ما محبوب
شده بودید. ۹ زیرا، ای برادران، دشواری و
خستگی ما را بیاد دارید؛ با کار کردن شب ۱-تسا۴:۱۱؛ ۲-تسا۳:۷-۹
و روز تا باری بر هیچ یک از شما نباشیم[s]،
انجیل خدا را به شما اعلام کرده ایم.
۱۰ شما شاهدید و خدا هم [شاهد است]،
چقدر نسبت به شما ایمانداران مقدس،
عادلانه و بی عیب بوده ایم. ۱۱ چنانکه
می دانید، چگونه برای هر یک از شما
به مانند پدری نسبت به فرزندانش[t]،
۱۲ شما را تسلّی و دلداری داده و توصیه
کرده ایم تا به روش شایسته خدا رفتار ۱-قرن۴:۱۵
کنید[u] که شما را به ملکوت و شکوه خود ۲-تسا۱:۵
می خواند. ۱-پطر۵:۱۰

p- ترجمهٔ تحت اللفظی: همان طور که بوسیلهٔ خدا آزمایش شده ایم برای اینکه انجیل به ما سپرده شود به همان گونه سخن می گوییم... در اینجا پولس دو حالت را با یکدیگر مقایسه می نماید: یکی حالتی که قبلاً داشته، وقتی که خدا او را آزمایش کرده بود تا انجیل را به او بسپارد و دوّم حالتی که اکنون دارد و انجام وظیفه می کند؛ و می گوید که این دو حالت یکی است و تغییری نکرده است. امروز به مانند روزی که مورد «آزمایش» بوده، هرگز درپی آن نبوده است که مورد قبول طبع آدمیان قرار گیرد بلکه خوشایند خدا باشد، زیرا قلب رسول همواره در برابر خدا گشوده و عریان است، خدایی که دلها و درون آدمیان را به خوبی سنجیده و می شناسد.

q- می توان ترجمه کرد: ما که می توانستیم باری بر دوش شما باشیم. ر.ک بند ۹ و ۱-قرن ۹:۱-۱۸. ولی پس از ذکر افتخارهای بشری، این عبارت را باید به معنی وسیع تری گرفت، با این همه نمی توان اشاره به اُمور مادّی و هزینهٔ معاش را کاملاً نادیده گرفت.

r- کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار رفته، با حذف یا افزودن یک حرف، دو معنی مختلف پیدا می کند بدین سبب برطبق تعدادی از نسخه های خطی باید آن را کودکان خردسال ترجمه نمود و برطبق نسخه های خطی دیگری مهربانی فراوان ترجمه می شود. به نظر بعضی از مفسّران کلمهٔ مهربانی با ترکیب عبارات متن مناسب تر است زیرا پولس خود را با مادر، دایه و یا پدری مقایسه می کند و مقایسه با کودکان مطرح نیست. ضمناً منظور از کلمهٔ مهربانی، طرز رفتاری نیست که بتوان بوسیلهٔ آن به کسی موعظه و نصیحت نمود بلکه نوعی مهربانی، مختص کسانی است که قدرت و مقامی دارند و نمی خواهند با خشونت نظر خود را به زیردستان تحمیل نمایند.

s- پولس، چندین بار با مناعت طبع یادآوری می کند که نخواسته است به جمعیت هایی که خودش تشکیل داده از نظر مادّی وابسته و نیازمند باشد. ر.ک ۲-تسا ۳:۷-۹؛ ۱-قرن ۴:۱۲؛ ۲-قرن ۱۱:۷-۱۰؛ ۱۲:۱۳-۱۸؛ اع ۲۰:۳۳-۳۵، ولی با این همه موقعی که در تسالونیک انجیل را اعلام می کرد کمکی را که فیلیپیان فرستاده بودند پذیرفته بود. (فی ۴:۱۵-۱۶).

t- پولس از بند ۷ به بعد مرتباً کلمات و اصطلاحاتی بکار می برد که در زمینهٔ مهر و محبت است: مثلاً در بند ۷ کلمه کودکان (در بعضی از نسخه های خطی: مهربانی)، در بند ۸، کلمات علاقه فراوان و محبوب آمده است و حتّی خود را با دایه ای مقایسه می کند که از کودکان خود مواظبت می نماید و یا اینکه نسبت به آنان به مانند پدری حقیقی رفتار کرده است، بالاخره این اظهارات محبت‌آمیز در بند ۸ به اوج خود می رسد وقتی که می گوید حاضر است جان خود را به خاطر ایشان بدهد. ر.ک یو ۱۵:۱۳.

u- ترجمهٔ تحت اللفظی: قدم بردارید.

ستایش مجدد ایمان تسالونیکیان

[۱۳]و بدین سبب ما هم خدا را پیوسته
سپاسگزاریم، چون سخن خدا را که دریافت مر۴:۱۶
کرده بودیم به گوش شما می رسانیدیم، شما
آن را نه به مانند سخن انسان ها پذیرفتید
بلکه برطبق اینکه حقیقتاً سخن خدا است و اع۱۱:۱
در شما ایمانداران عمل می کند. [۱۴]زیرا، فی۲:۱۳
ای برادران، شما تأسی کنندگان[v] به
کلیساهای خدا شده اید، آنهایی که در
یهودیه در مسیح عیسی هستند، چون که شما
هم از هموطنان[vv] خود همان رنج ها را اع۱۷:۱۳
کشیده اید که ایشان نیز از طرف
یهودیان[کشیده اند]، [۱۵]آنان که خداوند اع۲:۲۳؛ مر۱۰:۳۴
عیسی و پیامبران خود را کشته و ما را
تعقیب کرده اند، و بر خدا خوشایند نبوده و
مخالف همهٔ انسان ها هستند، [۱۶]ما را مانع
شده اند به امت ها سخن بگوییم تا نجات
یابند. بدین سان پیوسته به گناهان خود پید۱۵:۱۶؛
می افزایند[w]؛ ولی خشم خدا برای همیشه[x] متی۲۳:۳۲ روم۱:۱۸
بر ایشان فرا رسیده است.

قصد مراجعت به تسالونیک، مأموریت تیموتاؤس

[۱۷]با این همه، ای برادران، که مدّتی از
شما محروم بودیم، از روی شما و نه از
دل[y]، به حدّ زیاد کوشش داشتیم با اشتیاق

v- ر.ک ۱:۶ j.

vv- ترجمهٔ تحت اللفظی: از قبیلهٔ خود...

w- ترجمهٔ تحت اللفظی: گناهان خود را کامل می کنند. در اینجا قضاوت شدید و سخنان تندی را دربارهٔ یهودیان اظهار می نماید که می توان درک نمود. زیرا پولس همواره به یهودی بودن خود افتخار کرده و امتیاز اسرائیل را یادآوری و تأیید نموده است، موقعی که از خشم یا شکوه و افتخار سخن گفته، نخست برای یهودی و سپس برای یونانی بوده است ر.ک روم ۲:۹-۱۰ و درطی مأموریت رسالت خود، همیشه پیام نجات را بدواً به یهودیان خطاب کرده است و برطبق کتاب اعمال رسولان همواره به همین ترتیب عمل می کرده است مثلاً در قبرس (اع ۱۳:۵)، در انطاکیه پیسیدیه (اع ۱۳:۱۴-۴۳)، در ایقونیه (۱۴:۱)، در فیلیپی (اع ۱۶:۱۳)، در تسالونیک (۱۷:۲)، در بیریه (۱۷:۱۰)، در قرنتس (۱۸:۴)، در افسس (۱۹:۸) و بالاخره در رم (۲۸:۱۷-۲۴)، ولی هربار (ر.ک اع ۱۳:۴۵-۵۰؛ ۱۴:۱۲، ۱۹؛ ۱۷:۵، ۱۳؛ ۱۸:۱۲) یهودیان که در شهرهای یونانی نفوذی داشتند مانع از موعظه به مشرکان شده، برای او مشکلاتی ایجاد می کردند و حتی موجب تعقیب و بدرفتاری با او می شدند. بدین سبب می توان گفت به چه سبب چنین کلمات تند و شدیدی بکار می برد. پولس از کور باطنی برادران خود خشمگین است. یهودیان که باید خودشان حامل پیام انجیل باشند در همه جا مانع کار او بودند، همچنان که در دوران گذشته مانع پیام پیامبران بوده، سپس مانع عیسی شده بودند. با این همه پولس موقعی که از سرنوشت قوم برگزیده سخن می گوید هرگز دلیل امتناع موقتی اسرائیل را باعث محکومیت و مرگ مسیح در اورشلیم یا تعقیب و شکنجه مسیحیان نمی داند. در غلا ۴:۲۱-۳۱ و مخصوصاً در روم ۹-۱۱ مشروحاً توضیح می دهد: اسرائیل با نپذیرفتن پیام انجیل موقتاً خارج از نجات قرار گرفته ولی همواره این نجات به اسرائیل عرضه خواهد شد (روم ۹:۲ h) و اسرائیل از آن استفاده خواهد کرد زیرا عطایا و دعوت خدا غیرقابل برگشت هستند. (روم ۱۱:۲۹) و در هر دورانی وجود داشته چنانکه در این مرحلهٔ تاریخ و در دوران قبلی بوده اند (ر.ک پذیرش و رفتار نامناسبی که به موعظه پیامبران داشته اند).

x- ترجمهٔ دیگر: خشم بر روی ایشان افتاده است. این عبارت (با تصریح خشم خدا که در بسیاری از نسخه های خطی است) در کتاب وصایای دوازده پیامبر بزرگ آمده است (ر.ک لاو ۶:۱۱)، در آنجا هدف خشم خدا خارجیان یعنی سی شمی ها هستند که فرزندان یعقوب با آنان بدرفتاری کرده بودند. اگر پولس این عبارت را از آنجا گرفته باشد معنی و مفهوم آن در جهت مخالف بکار می برد.
اصطلاحی را که برای همیشه ترجمه شده است گاهی مُدام یا برای پایان ترجمه می کنند.
نکته قابل توجه: برابری و مقایسه این متن با ۱:۱۰ بدین معنی است که ایمان در عیسی از خشم رهایی می بخشد ولی ایجاد مانع درمقابل نجات موجب افتادن به زیر این خشم می شود. ر.ک ۱:۱۰ n.

y- ترجمهٔ تحت اللفظی: محروم از روی شما و نه از دل.

زیاد، روی شما را ببینیم! ۱۸ بدین سبب
خواسته بودیم به نزد شما بیاییم، حقیقتاً من
پولس، و یک بار و دو بار[z]، و شیطان ما را
فی۱۶:۲ مانع شد. ۱۹زیرا کیست امید ما، شادی ما
یا تاج شکوه، آیا شما نیستید؟ درمقابل
خداوند ما عیسی، هنگامی که بیاید[a].
فی۱:۴ ۲۰زیرا شما شکوه و شادی ما هستید.

۳ ۱بدین سبب چون نمی‌توانستیم
بیشتر صبر کنیم، تصمیم گرفتیم در
آتینا تنها[b] بمانیم، ۲و تیموتاؤس، برادر ما
۱-قرن۹:۳ و همکار خدا[c] را در انجیل مسیح
فرستادیم، تا شما را تقویت کرده و در مورد
ایمان به شما تسلّی دهد، ۳تا هیچ کس از
اع۲۲:۱۴ این مصیبت‌ها[d] متزلزل نشود. زیرا خودتان
می‌دانید که برای همین تعیین شده‌ایم. ۴و
زیرا وقتی که نزد شما بودیم به شما
پیشگویی می‌کردیم که باید مصیبت‌هایی را
تحمل نماییم؛ و نیز بطوری که می‌دانید
روی داده است. ۵ بدین سبب من هم که
نمی‌توانستم بیشتر صبر کنم، فرستاده‌ام تا
از ایمان شما بدانم؛ مبادا که وسوسه کننده
شما را وسوسه کرده باشد و زحمت ما
بیهوده شود.

۶باری اکنون تیموتاؤس از نزد شما به
اینجا آمده و برای ما خبرهای خوشی از
ایمان و محبت شما آورده است و اینکه
همواره خاطرهٔ خوبی از ما دارید و میل
زیادی به دیدن ما دارید همچنانکه ما هم
نسبت به شما داریم.

۷بدین سبب ای برادران، در نهایت فشار
و مصیبت خودمان، به علت ایمانتان، در ۲-تسا۴:۱
شما تسلّی یافته‌ایم؛ ۸زیرا، اکنون زندگی
می‌کنیم، چونکه شما در خداوند پایداری
می‌نمایید. ۹زیرا در مورد شما، چه
سپاسگزاری می‌توانیم از خدا بکنیم،
به علت تمام شادی که در برابر خدای ما
به علّت شما خوشوقت هستیم؟ ۱۰شب و
روز بی‌نهایت نیایش می‌کنیم تا روی شما
را ببینیم و کمبودهای ایمان شما را تکمیل
نماییم[e].

z- ترجمهٔ دیگر: چندین بار. همچنین می‌توان تصوّر کرد که منظور دوبار است.

a- کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار برده شده به مفهوم بازگشت شکوهمند عیسی در پایان روزگار است. ر.ک ۱۳:۳؛ ۲۳:۵؛ ۲-تسا ۱:۲-۸؛ ۱-قرن ۲۳:۱۵ و مت ۳:۲۴ c.

b- وقتی پولس می‌گوید: تنها بمانیم یا منظور تنها خود او است و در این صورت سلوانس و تیموتاؤس بعداً برطبق اع ۵:۱۸ در قرنتس به او خواهند پیوست؛ یا منظور از کلمه تنها پولس و سلوانس است و تیموتاؤس و سلوانس برابر دستوراتی که در اع ۱۵:۱۷ ذکر شده در آتینا به او پیوسته‌اند و در آنجا دربارهٔ مسافرت تیموتاؤس به تسالونیک تصمیم گرفته شده است.

c- این کلمه در نسخه‌های خطی مختلف به صورت‌های متفاوت است: خدمتگزار خدا؛ همکار ما؛ خدمتگزار خدا و همکار ما؛ خدمتگزار خدا و همکار ما؛ خدمتگزار و همکار خدا. در مورد معنی این کلمات ر.ک ۱-قرن ۹:۳ b.

d- یهودیان در ادبیات مکاشفه‌ای خود چنین مجسّم می‌کردند که پیش از پایان روزگار آزمون‌ها و مُصیبت‌هایی بر ایمانداران فرا می‌رسد تا اینکه مسیح موعود آمده و سلطنت نماید ر.ک مر ۱۳ و متن‌های مشابه. پس از مرگ و رستاخیز مسیح، مسیحیان تصور می‌کردند که این دوران نهایی فرا رسیده است و منتظر آمدن خداوند در این دوران بودند ر.ک ۱۹:۲؛ ۲-تسا ۲:۲.
کلمهٔ یونانی که مصیبت‌ها ترجمه شده گاهی تجربه‌ها، آزمون‌ها ترجمه می‌شود (۲-تسا ۶:۱) و به معنی سختی و محنت و... است این کلمه مختص نوشته‌های مکاشفه‌ای و به مفهوم مجموعهٔ وقایع نامطلوب و خصمانه است. به نظر پولسَ زندگی در آزمونها وضعیت معمولی مسیحیان قبل از آمدن مسیح است. ر.ک اع ۲۲:۱۴.

e- کمبودهای ایمان شما... پس از اینکه پولس از ایمان تسالونیکیان ستایش کرده این اظهارات موجب شگفتی است ولی کلمهٔ ایمان را به طریق‌های مختلف می‌توان درک و ملاحظه کرد: ایمان نه فقط آن عمل اساسی است که بدان وسیله انسان خود را به خدا یعنی تنها عامل نجات در عیسی مسیح واگذار می‌کند بلکه بسط و توسعهٔ این عمل یعنی نتایجی است که از ایمان برای زندگی عملی حاصل می‌شود و جزو آموزشهای مذهبی است. پولس به مسائل مربوط به طرز رفتار عملی ایمانداران خواهد پرداخت و از هم‌اکنون خوانندگان خود را به پیشرفت‌هایی متوجه می‌کند که از ایشان انتظار دارد. ر.ک روم ۹:۱۰ z.

۲-تسا۲:۱۵ [۱۱]اما خود خدا و پدر ما و خداوند ما،
عیسی راه ما را به سوی شما هدایت نماید.
۵:۱۵ [۱۲]و خداوند شما را رشد دهد و محبت
[شما] را نسبت به یکدیگر و نسبت به
همه افزایش دهد، همچنانکه ما نیز نسبت
به شما [داریم]؛ [۱۳]تا دلهای شما را تقویت
۵:۲۳؛ نماید تا در تقدّس در برابر خدا و پدر ما
۱-قرن۱:۸؛ بی نقص باشید، هنگام آمدن خداوند عیسی
زک۱۴:۵؛
دان۷ با تمام مقدسانش[f].

زندگی که خوشایند خدا است: پاکی، محبت برادرانه

۴ [۱]وانگهی، پس ای برادران، از شما
درخواست می کنیم و در خداوند
عیسی تشویق می نماییم: به همان گونه که از
ما یاد گرفته اید که چه نوع باید شما رفتار
کنید و خدا را راضی کنید، پس اما
همانطور زیادتر ترقّی نمایید.
[۲]زیرا شما می دانید چه دستورهایی
به واسطه خداوند عیسی[g] به شما داده ایم.
[۳]زیرا این است اراده خدا [یعنی] قدوسیت افس۱:۴
شما[h]: از زنا خودداری کنید، [۴]هریک از اع۱۵:۲۰،۲۹؛
شما بداند چگونه جسم[i] خود را مقدّس و ۲-قرن۶:۱۲-۲۰
۱-قرن۷:۲

f- روش نگارش در این بند خیلی «مقطّع» است زیرا پولس اصطلاحات معیّن و آماده ای را یکی پس از دیگری می آورد: مثل دلهای شما را تقویت کند، در برابر خدا بی نقص، هنگام آمدن خداوند. با همه مقدسانش اصطلاحی متداول است که پولس بکار می برد: ر.ک تث ۳۳:۳؛ زک ۱۴:۵؛ دان ۷:۲۵-۲۷. این مقدسان چه کسانی هستند ممکن است منظور فرشتگانی باشند که در قسمتهای مختلف عهد عتیق و عهد جدید ذکر شده است (ایوب ۵:۱؛ ۱۵:۱۵؛ مز ۸۹:۶، ۸؛ بنسی ۴۲:۱۷؛ دان ۴:۱۰، ۱۴، ۲۰؛ ۸:۱۳؛ مت ۲۵:۳۱؛ مر ۸:۳۸؛ اع ۱۰:۲۲؛ مکا ۱۴:۱۰ و ممکن است منظور پولس ایمانداراننند که همیشه ایشان را به این نام می خواند ولی باید هر دو معنی را درنظر داشت زیرا در محافل یهود اظهار شده که مقدسان با فرشتگان همرأیی داشته اند و در روز داوری مقدسان به فرشته تغییر می یابند. ر.ک هنوخ ۳۹:۵؛ ۵۱:۴. در بعضی نسخه کلمه آمین در پایان آمده است و احتمالاً برای استفاده متن در آیین نیایش می باشد.

g- کلیسای اولیه هم مسیح برخاسته از میان مردگان را خداوند می دانستند و هم عیسی مسیح تاریخی را که بر روی زمین زندگی کرده بود. دستوراتی را که پولس از طرف خداوند عیسی و به نام او می دهد (ترجمهٔ تحت اللفظی: بوسیله خداوند عیسی) ممکن است برمبنای سرمشق ها و آموزشهایی باشد که داده است ولی ممکن است طرز رفتاری است که روح او تلقین می نماید، روح او که در رسولان و در جمعیت های مسیحیان زندگی می نماید.

h- این کلمه یادآوری عمل خدا است، خدایی که ما را مقدّس می کند زیرا منشأ هر تقدّسی است برابر آنچه خداوند می گوید: «مقدس باشید زیرا من مقدّسم» ر.ک لاو ۱۹:۲؛ مت ۵:۴۸ و روم ۶:۱۹ .

i- ترجمه تحت اللفظی: هریک از شما بداند چگونه طرف خودش را در تقدّس و احترام بدست آورد. کلمه یونانی که جسم ترجمه شده است از نظر لغوی به معنی ظرف، ظروف آشپزخانه... است ولی در اینجا به کنایه بکار برده شده و مترجمان آن را به روشهای مختلف ترجمه کرده اند:
یکی به معنی جسم (نظیر ترجمهٔ بالا) و اکثراً در زبان یونانی به این معنی بکار برده می شود (ر.ک ۲-قرن ۴:۷). در این صورت منظور نگهداری جسم خود و به عبارت دیگر تسلط کامل بر آن است.
مفهوم دیگر این کلمه را زن درک کرده اند چنانکه در ۱-پطر ۳:۷ (ر.ک امث ۵:۱۵) و در بعضی از متون کاهنان به این معنی گرفته شده است. ولی این معنی تصریح همان معنی اولی یعنی ظرف = جسم است زیرا در بین اقوام سامی، مرد زن را به عنوان جسم خود و گوشت و خون خود می داند چنانکه در پید ۲:۲۳ ذکر شده است. به عبارت دیگر شوهر دارای دو جسم است: جسم خودش و جسم همسرش. بنابراین مفهوم اخیر به نظر ما مناسب تر است زیرا نه فقط فعل بدست آوردن که در این عبارت آمده در زبان یونانی در مورد زن گرفتن نیز بکار می رود (ر.ک ۱-قرن ۷:۲) بلکه با موضوع کلام و ترکیب عبارت بیشتر تطبیق می نماید و پولس نظیر ۱-قرن ۷ آزادی و بی بندوباری مشرکان را در امور جنسی (که در متن بالا زنا کردن ترجمه شده است) درمقابل تسلّط بر نفس (جسم خود را نگهدارد) نمی آورد بلکه درمقابل ازدواج می آورد که فرد مسیحی بدان وسیله می تواند مقدس بودن و تعلق خود را به خدا حفظ نماید. در آن دوران، در شهری که مردم بت پرست و مشرک بودند برای فردی که به مسیحیت گرویده بود انتخاب همسر مسئله دشواری بوده و پولس مجبور شده است توجه خوانندگان را به این مسئله جلب نماید.

محترم نگهدارد، ۵ تسلیم هیجانهای طمع
مز۷۹:۶؛ ار۱۰:۲۵ نشوید، و درست به مانند امّت هایی که
خدا را نمی شناسند[j]. ۶ هیچ کس در این
کار[k] به برادرش تعدّی و از او بهره برداری
مز۹۴:۱-۲؛ تث۳۲:۳۵ نکند زیرا خداوند در مورد همهٔ اینها انتقام
می گیرد[l]، چنانکه نیز قبلاً به شما گفته و
گواهی کرده ایم. ۷ چون که خدا ما را به
ناپاکی نخوانده است، بلکه به مقدس
لو۱۰:۱۶ شدن[m]. ۸ کسی که این [دستور]ها را رد
بکند، انسانی را رد نمی کند بلکه خدا را
حزق۳۷:۱۴ نیز[رد می کند]که به ما، روح القدس خود
را می دهد[n].

۹ و در مورد دوستی برادرانه، شما نیازی
ندارید که به شما بنویسند؛ زیرا خودتان از
یو۶:۴۵ خدا آموخته اید که به یکدیگر محبّت داشته
باشید، ۱۰ و همین کا را نسبت به همهٔ
برادرانی که در سراسر مقدونیه هستند
می کنید. لیکن ای برادران، شما را تشویق
می کنیم بیشتر پیشرفت نمایید؛ ۱۱ و بر آن
باشید که در آرامش بسر برید؛ و هر کدام ۲-تسا۳:۶-۱۲
به کارهای خود بپردازد و با دست های خود
کار کند، همان طور که به شما دستور
داده ایم[o]، ۱۲ تا در نزد آنان که در خارج
هستند با شایستگی رفتار کرده و بدین سان مر۴:۱۱
به کسی نیاز نخواهید داشت[p].

رستاخیز از میان مردگان و انتظار روز خداوند

۱۳ نمی خواهیم، ای برادران، که ندانید در
مورد کسانی که می خوابند[q]، تا مبادا نیز
به مانند دیگران که امیدی ندارند[r] غمگین
شوید. ۱۴ زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مر۹:۳۱؛ اع۲:۲۴

j- ر.ک مز ۷۹:۶؛ ار ۱۰:۲۵؛ طوبی ۵:۸، ۹ (ترجمهٔ یونانی).

k- بعضی از مترجمان این کلمه را در این منافع ترجمه می کنند ولی کمتر احتمال دارد که پولس در اینجا ناگهان موضوع رعایت اصول اخلاقی را در منافع تجارتی مطرح سازد درصورتی که در بند بعدی مجدداً سخن از ناپاکی است.

l- ر.ک مز ۹۴:۱؛ بنسی ۵:۳؛ تث ۳۲:۳۵.

m- در این ملاحظه می شود که خدا ما را به دو چیز مختلف می خواند که پاک بودن و مقدس بودن است. به طوری که از بیان پولس برمی آید خدا ما را در وضعیت «ناپاکی» یافته و بدواً ما را به پاک بودن خوانده است سپس کسی را که خوانده شده به مقدس بودن می خواند. بنابراین دعوت خدا موجب تغییر و تحوّل ما است.

n- در بعضی از نسخه های خطی این عبارت چنین است: ... که به شما روح خود، روح القدس را داده است. عبارتی که برای اعطای روح القدس بکار برده شده متن حزق ۳۶:۲۷ و ۳۷:۱۴ را به یاد می آورد.

o- در جامعهٔ مشرکان، کار کردن بر عهدهٔ بردگان بوده است و بدین گونه از وضعیت و موقعیت اجتماعی مسیحیان تسالونیک اطلاع می یابیم. پولس می ترسد که انتظار مراجعت قریب الوقوع مسیح، مسیحیان را از اشتغالات معمولی خود منحرف سازد. ر.ک ۲-تسا ۲:۲ و ۳:۷-۱۰.

p- این عبارت را باید با توجه به اوضاع و احوال مربوطه درک نمود: پولس نمی گوید که فرد مسیحی نیازی به برادران خود ندارد بلکه نباید به علّت خبط و خطای خود و یا به سبب کاهلی باری بر دوش دیگران باشد. ر.ک ۲:۹ و ۲-تسا ۳:۶-۱۲.

q- ترجمهٔ تحت اللفظی: آنانکه می خوابند. همین اصطلاح خوابیدن در بند بعدی نیز بکار برده شده است زیرا در نزد یهودیان و یونانیان، خوابیدن تصویر معمول و متداول برای مردن است و می توان دریافت که بیدار شدن هم تصویری از رستاخیز باشد. ر.ک ۵:۱۰.

مسئله ای که موجب اشتغال خاطر مسیحیان تسالونیک شده این است: مسیحیانی که در این موقع می میرند و آخرین نسل مسیحیان هستند آیا آمدن خداوند را نخواهند دید؟ مرگ هایی که در کلیسای اولیه روی می داد حتماً ایمانداران را آشفته خاطر کرده بود.

r- در اینجا دیگران، کسانی هستند که در بند ۱۲ ذکر شده است در خارج هستند و منظور مشرکانند (ر.ک ۵:۶). در آن دوران به استثنای بعضی محافل گنوستیک، یونانیان دیگر عقیده به زندگی پس از مرگ نداشتند و زندگی جاودانی را که ادیان شرقی وعده می دهند باور نمی کردند.

مـــرده و دوبـــاره بـــرخـــاســـتـه است[s]،
به همین گونه[t] نیز آنانکه بوسیله عیسی
خوابیده اند، خدا [آنان را] با او باز خواهد
آورد[u]. [15]چون که این را بوسیله سخن
خداوند[v] به شما می گوییم: که ما، زنده ها ۱-قرن۷:۱۰
که برای آمدن خداوند مانده باشیم[w] از ۱-قرن۱۵:۵۱
آنان که خوابیده اند سبقت نخواهیم جست.
[16]زیرا با دستوری که خود خداوند می دهد، مت۲۴:۳۰-۳۱
به صدای فرشته، به شیپور خدا، [خداوند] ۱-قرن۱۵:۵۲؛ خروج۱۹:۱۳
از آسمان فرود خواهد آمد، و آنان که در ۱-قرن۱۵:۲۳
مسیح مرده اند، بدواً برخواهند خاست.
[17]سپس ما زندگان، که مانده ایم، همگی با
آنان، در ابرها[x] به ملاقات خداوند در هوا خروج۱۹:۱۷
برده خواهیم شد؛ و بدین سان همیشه با
خداوند خواهیم بود[y]. [18]پس بوسیلهٔ این یو۱۲:۲۶؛ ۱-تسا۵:۱۰
سخنان به یکدیگر تسلّی دهید.

۵

[1]اما ای برادران، در مورد زمان ها و اع۱:۷؛
لحظه ها، نیازی ندارید که به شما تث۲:۲۱؛ مت۲۴:۳۶
بنویسند زیرا[2] خودتان کاملاً می دانید: که
روز خداوند[z] پس به مانند دزدی در شب فرا ۱-قرن۱:۸؛ ۲-تسا۲:۲
می رسد[a]. [3]زیرا وقتی که می گویند: صلح و لو۱۲:۳۹-۴۰؛ مت۲۴:۴۳
امنیت، [در آن وقت] به ناگهان به تباهی بر ار۶:۱۴

s- در زبان یونانی کلمهٔ مخصوصی به مفهوم دوباره زنده شدن وجود ندارد و در نوشته های عهد جدید که به زبان یونانی است معمولاً کلمه برخاستن بکار برده اند ولی پولس بندرت این کلمه را بکار برده است و بجای آن فعل بیدار شدن را آورده که فاعل آن عیسی و عامل آن خدا است و محتمل است که در اینجا پولس عبارتی را آورده باشد که در قدیم در اعلام ندا بکار می رفته است.

t - در اینجا ترکیب عبارت قطع شده و قاعدتاً باید ادامه کلام چنین باشد: به همین گونه ما ایمان داریم آنانکه... ولی پولس بلافاصله پاسخی را که خوانندگان انتظار دارند می دهد یعنی: مسیحیانی که مرده اند در آمدن خداوند شرکت خواهند داشت. بنابراین برخاستن آنان متصوّر است و در بند ۱۶ صریحاً ذکر می شود.

u -ترجمهٔ دیگر: آنانکه به خاطر عیسی مرده اند، خدا آنان را به عیسی خواهد پیوست. عبارت: آنانکه بوسیلهٔ عیسی خوابیده اند به دشواری تفسیر می شود. اکثراً تصور می کنند منظور کسانی است که در عیسی مرده اند یعنی در ایمان به عیسی و در یگانگی با او مرده اند. یا اینکه این عبارت را به موازات با آموزش پولس دربارهٔ رستاخیز می آورند بدین معنی که مسیحیان به وسیلهٔ عیسی دوباره زنده می شوند و بوسیله او هم می میرند. به عبارت دیگر مرگ ایمانداران، مرگی نیست که ایشان را از خدا جدا سازد. بعضی از مفسران کلمات بوسیلهٔ عیسی را به فعلی که در پایان بند آمده متصل می کنند یعنی آنان را بوسیلهٔ عیسی بازخواهد آورد. ضمناً این فعل مهمترین کلمه ای است که در عهد عتیق عمل خدا را در خروج اسرائیلیان از مصر بیان می کند. وقتی که این فعل با حرف اضافه با می آید به معنی هدایت و همراهی کردن است تا با هم باشند با هم مجتمع شده و به هم بپیوندند.

v- منظور از سخن خداوند هم اظهاراتی است که در بند ۱۵ و هم آنچه در بند ۱۶ آمده و درباره ارتباط بین آمدن پسر انسان و رستاخیز مردگان است. بعضی از مفسّران در این باره به مت ۲۷:۱۶ و ۳۰:۲۴ فکر می کنند و برخی دیگر به یکی از سخنان عیسی که در انجیلها ذکر نشده ولی پولس بوسیله روایات کلیسای اولیه آن را می دانسته است.

w- ترجمه تحت اللفظی: ما، زنده ها، باقیمانده ها کلمهٔ اخیر یادآوری «باقیمانده اسرائیل» است که به ایشان وعدهٔ زندگی داده شده است. برطبق ۴ عز ۲۴:۱۳ «آنان که باقی بمانند خوشبخت تر از مردگان خواهند بود». ولی عقیده پولس چنین نیست.

x- پولس توصیف این وضعیت را به نوشته های مکاشفه ای یهودیان مدیون است: خدا، شیپور، فرود آمدن از آسمان و ابرها جزو تظاهرات مختص این نوشته ها است و پوشش ادبی نوعی ادراک و تصوّر دنیا و روابط آن با خدا هستند؛ ارزش این مطالب باید بیش از آنکه به عنوان حقایق تاریخی و پیشگوییِ مشروحی گرفته شود، از نظر رمز و اشاره تلقی گردد. تمام این صحنه از تظاهر الهی در کوه سینا (خروج ۹:۱۹-۲۵) الهام گرفته شده است زیرا برطبق عقاید یهودیان آمدن نهایی خدا باید نظیر نخستین تظاهر مجلل و باشکوه او باشد.

y- اگر فرد مسیحی بوسیله ایمان در مسیح زندگی می کند، رستاخیز او را موجودی با مسیح می سازد، به طوری که مشاهده می شود پولس حروف اضافه مختلفی بکار می برد (در مسیح، با مسیح) تا نشان دهد که همرأیی با خداوند پیشرفت می کند، خداوندی که در انتظار آمدن او هستند. زیرا زندگی در مسیح نخستین مرحلهٔ جریانی است که به زندگی با مسیح و همرأیی کامل با خداوند پیروزمند بر مرگ و بر بدی می رسد.

z- روز خداوند: ر.ک ۱-قرن ۸:۱ i.

a- عیسی سخنانی مشابه بیان کرده است: ر.ک مت ۴۳:۲۴؛ لو ۳۹:۱۲-۴۰. چنین می نماید که پولس در بندهای ۱-۵ سخنان عیسی را درنظر و به خاطر دارد، سخنانی که در گفتارهای مکاشفه ای انجیلها روایت شده است. ر.ک مر ۱۳ و مشابه در انجیلهای دیگر.

روی ایشان فرود می‌آید، به مانند دردهای مت۲۴:۸؛ ار۴:۳۱
زه زایمان، و از آن گریز نخواهد داشت!
۴ امّا شما، ای برادران، شما در ظلمت یو۱۲:۴۶
نیستید تا روز [خداوند]، چون دزدی شما
را غافلگیر کند؛ ۵ زیرا همگی پسران یو۸:۱۲؛ افس۵:۸
روشنایی و پسران روز هستید، ما، از [آن]
شب یا ظلمت نیستیم[b]. ۶ پس بنابراین
به مانند دیگران نخوابیم بلکه بیدار باشیم[c] ۱-پطر۵:۸
و هشیار باشیم. ۷ زیرا آنانکه می‌خوابند،
شب می‌خوابند، و آنانکه مست می‌شوند،
شب مست می‌شوند. ۸ ما که از آنِ روز اش۵۹:۱۷؛ حک۵:۱۸؛
هستیم هشیار باشیم، زره ایمان و محبت و افس۶:۱۱-۱۷
امید نجات[d] را [مانند] کلاه خود بپوشیم. ۱-قرن۱۳:۱۳؛ ۱-تسا۱:۳
۹ زیرا خدا ما را برای خشم مقرر نکرده
است بلکه برای دریافت نجات، بوسیله
خداوند ما، عیسی مسیح [مقرّر کرده]، ۱۰ که
به خاطر ما مرده است، تا چه بیدار بمانیم[e] و
چه بخوابیم، متفقاً با او زندگی کنیم.
۱۱ بدین سبب به یکدیگر تسلّی دهید و ۱۴:۴
هریکی دیگری را تهذیب کند، چنانکه نیز
می‌کنید.

موعظه‌های پایانی و سلام‌ها

۱۲ اما ای برادران، از شما درخواست
می‌کنیم از آنانکه در بین شما زحمت
می‌کشند و از[آنان که] در خداوند در عبر۱۳:۱۷؛ ۱-تیمو۵:۱۷
رأس شما هستند[f] و به شما تذکّر می‌دهند،
قدردانی کنید. ۱۳ و آنان را به خاطر عمل
ایشان، بی‌اندازه در محبت قدر بدانید. در غلا۶:۶
بین خودتان در صلح باشید[g].

b- پسر روشنایی، پسر ظلمات... اصطلاحی مختص زبانهای سامی و بدان معنی است که شخص تحت نفوذ حقیقی مثل روشنایی یا ظلمات... و یا تحت نفوذ شخصی است و به او تعلق یافته و واقعاً با او موافق و همراه است؛ ر.ک لو ۱۶:۸؛ یو ۱۲:۳۶. در اینجا پولس اختلاف بین روز و شب، روشنایی و ظلمات را ذکر می کند که در نوشته های قمران مطرح شده است ولی این نظریه که در متن های قمران گواهی و پذیرفته شده است و بر مبنای اصل ثنویت (دوگانگی) است، در نوشته های عهد عتیق بدین صراحت و قاطعیت بیان نگردیده است. برطبق این نظریه آدمیان به دو نوع تقسیم می‌شوند. نیکان و بدان. و بوسیله او «روح» مخالف یکدیگر به فعالیت در می‌آیند. بدان در راه شرّ و بدی می افتند که آنان را به تباهی می کشاند و دیگران به راه نیکی می‌روند که به نجات منتهی می گردد. ر.ک مت ۷:۱۳-۱۴.

c- آموزش عیسی دربارهٔ وقایع پایان روزگار همواره با دعوت به بیدار بودن و هشیاری پایان می یابد. حالت هشیاری که درمقابل خواب ذکر شده وضعیت فرد مسیحی است که در انتظار بازگشت خداوند خود بسر می برد. ر.ک به گفتارهای مکاشفه ای: مر ۱۳:۳۳-۳۷؛ مت ۲۴:۴۲-۴۴؛ لو ۲۱:۳۶؛ همچنین ر.ک به داستان های تمثیلی متعددی که دربارهٔ موضوع آمدن مسیح است: مت ۲۵؛ لو ۱۲:۳۵-۴۶. به‌خوبی درک می شود که بر اثر تداعی معانی و تسلسل افکار، پولس خوابیدن در هنگام شب را که حیطهٔ فرمانروایی شرّ است درمقابل بیدار بودن و هوشیاری می‌آورد حتّی اگر پیوستگی مطالب چندان رعایت نشده است، زیرا سخن از مست شدن در خواب است.

d- ر.ک ۱-تسا ۱:۳؛ ۱-قرن ۱۳:۱۳ p. در متن اش ۵۹:۱۷ که در اینجا آورده شده است پولس به‌جای عدالت، ایمان و محبت و امید ذکر کرده است. این تغییر در متن نوشته عهد عتیق نشان می‌دهد که درنظر پولس شخص عادل یعنی کسی که خدا عدالت و آمرزش خود را به او ارزانی داشته، از ایمان و محبت و امید زندگی می کند.

e- چه بیدار بمانیم و چه بخوابیم. پولس مجدداً موضوع خواب و بیداری را که در آغاز این فصل و در ۴:۱۳-۱۷ آمده است ذکر می کند. بنابراین بیداری کنایه از زندگی بوده و عبارت بدین معنی است: چه هنوز زنده باشیم و چه در هنگام آمدن خداوند قبلاً مرده باشیم.
در جملهٔ: متفقاً با او زندگی می کنیم، منظور زندگی کنونی نیست که در پیوستگی با مسیح می باشد، همچنین زندگی واسطه ای بین مرگ و رستاخیز نیست بلکه همرأیی با خداوند مسیح رستاخاسته، در روز آمدن او است چنانکه در ۴:۱۷ y ذکر شده است.

f- آنانکه در رأس شما هستند. فعل یونانی که در این عبارت بکار برده شده به معنی ایستادن است و مفهوم حرف اضافه ای که آمده مبهم بوده و می توان به معنی جلو، در رأس، برای، یا به خاطر درک نمود. بنابراین مسلّم نیست که منظور نویسنده رؤسا یا رهبران باشد. سه فعل که در اینجا برای توصیف مسیحیانی ذکر شده است مشاغل و وظایفی را تعیین می نمایند و نباید به مفهوم عنوانهایی درک شود. ر.ک روم ۱۲:۸ «آنکه می دهد و آنکه رحمت می‌آورد».

g- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: با ایشان در صلح باشید، یعنی با رؤسای جمعیت مسیحیان.

۱۴لیکن ای برادران، شما را تشویق
می‌کنیم به آنانکه بی‌سامان هستند[h]
روم۱۴:۱ یادآوری نمایید، ضعیف دلان را دلداری
دهید، ضعیفان را پشتیبانی کنید، نسبت به
همه شکیبا باشید. ۱۵مواظب باشید که
کول۳:۱۲-۱۳ کسی درمقابل بدی، کسی را بدی نکند،
بلکه همواره نسبت به یکدیگر و نسبت به
فی۴:۱ همه درپی نیکی باشید.
افس۵:۲۰ ۱۶همیشه شادمان باشید. ۱۷پیوسته
نیایش کنید. ۱۸در هر مورد سپاسگزاری
کنید؛ زیرا ارادهٔ خدا نسبت به شما در
مسیح عیسی چنین است.
۱-قرن۱۴:۱ ۱۹روح[hh] را خاموش نکنید. ۲۰نبوّت ها
را خوار مشمارید[i]. ۲۱همه‌چیز را
بیازمایید، آنچه خوب است نگهدارید.
۲۲از هرگونه شرّی پرهیز کنید[j]. ایوب۱:۱،۸
۲۳اما خدای صلح، خودش شما را به
تمامی مقدس سازد و تمامی [وجود] شما،
روح و جان و جسم شما[k] برای آمدن
خداوند ما عیسی مسیح، بدون نقص حفظ
گردد. ۲۴آن که شما را می‌خواند وفادار ۲-تسا۳:۳
است که نیز انجام خواهد داد.
۲۵ای برادران، برای ما هم نیایش کنید.
۲۶به همهٔ برادران با بوسه‌ای مقدس سلام روم۱۶:۱۶
کنید.
۲۷به نام خداوند شما را سوگند می‌دهم:
این نامه برای تمام برادران خوانده شود[l].
۲۸فیض خداوند ما، عیسی مسیح با شما
باد[m]!

h- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: در بی نظمی هستند. معنی دقیق این کلمه را به دشواری می‌توان تعیین کرد. ممکن است منظور پولس کسانی باشند که کار نمی‌کنند (ر.ک ۲-تسا ۳:۶، ۷، ۱۱)؛ یا کسانی که هیجان‌زده و آشفته زیرا فکر می‌کنند آمدن خداوند قریب‌الوقوع است.

hh- ترجمهٔ دیگر: روح‌القدس...

i- در اینجا منظور پولس پیامبری‌های دوران عهد عتیق نیست بلکه آنچه را که پیامبران مسیحی برای تشویق و راهنمایی جمعیت مسیحیان اظهار می‌کردند. ر.ک ۱-قرن ۱۲:۱۰، ۲۹؛ ۱۳:۲؛ ۱۴:۳ و بند بعدی.

j- در کلیساهای یونانی تظاهرات روحی افراد از قبیل: پیامبری کردن، به زبانهای ناشناس سخن گفتن و غیره به اندازه‌ای سریع منتشر شده و نتایجی به بار آورده بود که توجه پولس را جلب کرد. ر.ک ۱-قرن ۱۲-۱۴. در اینجا طرح اولیه مقرراتی مشاهده می‌شود که بعداً برای کلیسای قرنتس تعیین خواهد کرد تا جمعیت مسیحیان درمقابل این پدیده‌های روحی حالت و وضعیت مثبتی داشته باشند: بدین معنی که این پدیده‌ها را باید محترم شمرد ولی همهٔ آنها از مسیحیت نیستند مضافاً بر اینکه باید «تشخیص ارواح» را انجام داد تا روح نیکو از بیهوده تشخیص داده شود.

k- بعضی از مفسّران عبارت را به این صورت درک و تفسیر می‌کنند: تمامی وجود شما یعنی روح، جان و جسم... و این طرز تقسیم وجود انسان به سه عنصر، نظریه و روش فلاسفه یونان بوده درصورتی که روش معمولی پولس نیست. هرگاه معنی این بند را بدین گونه بپذیریم، موردی استثنایی و منحصربه فرد در تمام نوشته‌های عهد جدید خواهد بود. برای رفع این اشکال، مفسران دیگری، کلمهٔ اول (روح) را به مفهوم خود شخص گرفته و چنین ترجمه کرده‌اند: تمامی شخص شما: روح و جسم... و بدین گونه طرز ارائه وجود انسان برطبق عقاید و نظریات یهودیان و پولس رعایت می‌گردد. در ترجمهٔ بالا، بدون اینکه ذکر شود وجود آدمی از سه عنصر تشکیل می‌شود، هر سه کلمه روح، جان و جسم، یکی پس از دیگری آمده و ممکن است یکی از این سه کلمه به نظر پولس تمامی وجود آدمی بوده است. بنابراین دیگر نیازی نیست از عقاید انسان شناسی یونانیان استفاده شود که وجود انسان را به سه قسمت تقسیم می‌کردند وانگهی سه قسمت را با این کلمات تعیین و بیان نمی‌کردند.

l- از این سوگند دادن رسمی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در کلیسای تسالونیک بین رهبران کلیسا و تمامی سایر اعضا اختلافاتی وجود داشته است (ر.ک بندهای ۱۲-۱۳). درخواست رسمی پولس بر اینکه نامه برای تمام برادران خوانده شود موجب خواهد شد کسانی که کلیسا را رهبری می‌کنند با تکیه به اقتدار و مقام رسول، ارزش و موقعیت خود را تقویت و تثبیت نمایند.

m- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی در پایان نامه کلمهٔ آمین افزوده شده است و این نکته نشانهٔ دیگری است بر اینکه در آیین نیایش خوانده می‌شده است.

دومین نامه به تسالونیکیان

عنوان نامه و سلام

اع۱۵:۴۰؛ ۱۶:۱؛ ۱-تسا۱:۱ **۱** ۱ [از] پـولس و سـلـوانس و
تیموتاؤس، به کلیسای تسالونیکیان
که در خدا، پدر ما و در خداوند عیسی
مسیح است! ۲ فیض و صلح بر شما از پدر
ما خدا و خداوند عیسی مسیح[باد][a]!

ایمان در عین مصائب و شکنجه‌ها: داوری

۳در مورد شما، ای برادران، ما باید
۱-تسا۳:۶؛ ۱۲ پیوسته چنانکه شایسته است خدا را
سپاسگزاری کنیم، زیرا ایمان شما رشد
می‌کند و محبت هریک از جمیع شما
نسبت به یکدیگر افزایش می‌یابد؛
۱-تسا۲:۱۹-۲۰ ۴ به طوری که به سبب پایداری و ایمان
شما، در میان تمام شکنجه‌ها و
مصیبت‌هایی که تحمّل می‌کنید[b]، خود ما
در کلیساهای خدا به شما افتخار می‌کنیم:
۵دلیل بر داوری عادلانه خدا است که
شایسته ملکوت خدا شوید، که به‌خاطر آن ۱-تسا۲:۱۲
نیز رنج می برید[c]. ۶در واقع اگر بر آنان که ۱-تسا۲:۱۴؛ ۳:۴
به شما مصیبت می‌رسانند، مصیبت
برسد،در برابر خدا عادلانه است۷و بر شما فی۱:۲۸
مصیبت‌کشان با ما[d] آرامش برسد، به هنگام
ظهور خداوند عیسی[e]، که از آسمان با ۱-قرن۱:۷
فرشتگان قدرت خود [می‌آید]، ۸در آتشی ۲-پطر۳:۷-۱۲
شعله ور[f]، تا از خدانشناسان[g] و از نافرمانان اش۶۶:۱۵
انجیل خداوند ما عیسی[h] انتقام بگیرید. ار۱۰:۲۵ روم۱:۵
۹اینان به هلاکت جاودانی تنبیه خواهند
شد، از روی خداوند و از شکوه قدرت اش۲:۱۰،۱۹،۲۱

a- ر.ک ۱-تسا ۱:۱ a، b، c، d.
b- این سخنان سپاسگزاری شامل همان موضوع های مهم: ایمان، محبت و پایداری است که قبلاً در نامهٔ اول به تسالونیکیان ذکر شده بود. ر.ک ۱-تسا ۱:۳.
c- کسانی که به خاطر ملکوت متحمّل رنجهایی می شوند در روز داوری خدا اجر و پاداش مساعدی خواهند داشت (ر.ک مت ۵:۱۰) و در ضمن ستمکاران و شکنجه کنندگان به کیفر خواهند رسید (ر.ک فی ۱:۲۸). در بندهای بعدی این نظریه شرح و بسط می یابد.
d- روز آخرین دخالت خدا در تاریخ آدمیان، روزی است که می توان آن را «تغییر عظیم» نامید: بدین سبب که در آن روز به ستم کشیدگان صلح و آرامش عطا می شود و ستمکاران دچار فلاکت و پریشانی می شوند. در این مورد ر.ک ۱-تسا ۳:۳ d.
e- منظور روز خداوند است که برطبق آنچه در ۱-تسا ۴:۱۶ توصیف شده متجلّی خواهد شد و در آن روز عیسی به همراه فرشتگانی از اسمان خواهد آمد (ر.ک ۱-تسا ۳:۱۳ f). در صحنهٔ ۱-تسا سخنی دربارهٔ داوری نیست بلکه فقط موضوع رستاخیز ذکر گردیده است، در صورتی که در اینجا پولس از رستاخیز یاد نمی کند زیرا موضوع بحث دربارهٔ مردگان نیست.
f- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: آتشی از شعله. آتش از علائم معمولی است که در مورد ظهور و تجلّی خدا بکار برده شده است ر.ک خروج ۳:۲؛ اش ۶۶:۱۵؛ دان ۷:۹-۱۱.
g- ر.ک ار ۱۰:۲۵. این اصطلاح قبلاً در ۱-تسا ۴:۵ بکار برده شده است.
h- بعضی از مفسّران چنین تصوّر می کنند که دو اصطلاح خدانشناسان و نافرمانان انجیل با دو نوع آدمیان تطبیق می کند و پولس در ادامه نوشته های عهد عتیق که اکثراً افراد بشریت را به دو نوع: یهودیان و مشرکان تقسیم می کنند آورده است. ولی این نکته مسلّم نیست. در مورد فرمانبرداری از انجیل ر.ک روم ۱:۵ k.

مز۸۹:۸ یونانی؛ ۳۵:۶۸ یونانی او[i]، ۱۰ هنگامی که خواهد آمد تا در مقدسان
خود شکوه یابد و در تمام ایمان آورندگان[j]
تحسین شود. زیرا شما در آن روز، شهادت ما
را باور کردید. ۱۱ بدین سبب پیوسته برای
شما نیایش می کنیم: تا خدای ما شما را
شایسته ندای خود بداند و در شما هر ارادهٔ
نیکی و عمل ایمان را با قدرت کامل
اش۶۶:۵؛ ار۱۷:۲۲،۲۴ سازد[k]. ۱۲ تا نام خداوند ما عیسی مسیح در
شما شکوه یابد و شما در او، برطبق فیض
خدای ما و خداوند عیسی مسیح.

آنچه پیش از آمدن خداوند روی خواهد داد

۱-قرن۱۵:۲۳؛ ۱-تسا۴:۱۵-۱۷ **۲** ۱ اما ای برادران، از شما درخواست
می کنیم در مورد آمدن خداوند ما،
عیسی مسیح و تجمّع ما به نزد او: ۲ که شما
خیلی زود در فراست پریشان نباشید، مت۲۴:۳۱
دلواپس نباشید، نه بوسیلهٔ یک روح، نه
بوسیله یک سخن، نه بوسیلهٔ نامه ای که ۲:۲: ۱۷:۳
گویی از ما رسیده دایر بر اینکه هم اکنون ۱-قرن۱:۸؛ ۱-تسا۵:۲
روز خداوند است[l]. ۳ مبادا کسی شما را
فریب دهد، هیچکس در راه؛ زیرا [آن روز
نخواهد آمد] اگر ابتدا ارتداد نیاید و
انسان بی انصافی[m]، پسر هلاکت[n] ظهور
ننماید؛ ۴ که او مخالفت می کند و خود را
بالاتر می افرازد [بر ضد] هر که خدا نامیده دان۱۱:۳۶
می شود[o] یا هرچه مورد پرستش باشد تا
به جایی که در معبد خدا[p] حزق۲۸:۲
نشسته و خود را می نماید که خداست.

i- ر.ک ترجمه یونانی اش ۲:۱۰، ۱۹، ۲۱. ترجمهٔ دیگر: درخشندگی جلال او. در روز خداوند، خدا این قدرت مطلق را متجلّی خواهد کرد که با جلال تطبیق می نماید. شکوه این قدرت چیزی به جز تجلّی تابناک نیست.

j- ترجمهٔ دیگر: ... در تمام ایمان آورندگان ستایش شود. متن این بند را می توان به دو نوع درک و تفسیر نمود: یا خدا در میان مجمع مقدّسان شکوه یافته و او را تحسین می کنند و یا اینکه ایمانداران شکوه می یابند و شکوهی را که در آنان تحسین می کنند بر روی خدا منعکس می شود که به نفع ایشان چنین داوری مساعد کرده است. گاهی این تفسیر دوم را ترجیح می دهند زیرا با مفاد نظریات بندهای قبلی بیشتر تطبیق می کند.

k- کلمهٔ یونانی که در اینجا اراده ترجمه شده (و می توان تمایل ترجمه کرد)، تمایل درونی است که به سوی نیکی سوق داده شود. این اراده را اکثراً به خدا نسبت می دهند و در این صورت مفهوم حسن نیت الهی و ارادهٔ نجات دادن می گیرد. به همین سبب بعضی از مفسّران در اینجا، این اراده را به خدا نسبت داده، به صورت بالا ترجمه می کنند. در مورد عمل ایمان ر.ک ۱-تسا ۱:۳.

l- ترجمهٔ تحت اللفظی: از یک نامه چنانکه از ما آمده است. در این بند عبارت گویی از ما رسیده مربوط به نامه است و احتمال دارد اشاره به نامه ای جعلی باشد ولی بعضی از مفسران طوری تفسیر می کنند که عبارت گویی از ما رسیده به هر سه کلمهٔ: سخن، روح و نامه برمی گردد. شکی نیست که رسول امکان آمدن آینه خداوند را درخلال آموزشهای شفاهی و در نامه های خود اظهار می کرد: ر.ک ۱-تسا ۲:۱۹؛ ۳:۱۳؛ ۴:۱۵-۱۷؛ ۵:۴. ولی بعداً تسالونیکیان چنین استنباط کرده بودند که دوران ممتاز تاریخ نجات آغاز شده است و هم اکنون در این دوران زندگی می کنند.

m- در تعداد زیادی از نسخه های خطی نوشته شده است: انسان گناه.

n- شخص مورد بحث شیطان نیست بلکه ضد مسیح، مسیح دروغی است.

o- ر.ک دان ۱۱:۳۶.

p- ر.ک حزق ۲:۲۸. در اینجا کلمه ارتداد به معنی آنست که آدمیان خدا را ترک کنند و برطبق نوشته های مکاشفه ای یهودیان این پدیده جزو وقایع پایان روزگار است. در این متن کلمات ارتداد، انسان بی انصافی و پسر هلاکت به طوری بکار برده شده است مثل اینکه اشخاص یا حقایقی هستند که مخاطبان نامه آنها را به خوبی می شناسند. ضمناً به طوری که ملاحظه می شود به روش بیان در زبانهای سامی به جای انسان بی انصاف، انسان بی انصافی و به جای شخصی که هلاک می شود، پسر هلاکت بکار برده شده است.

[5]آیا به یاد ندارید که [وقتی] هنوز نزد
شما بودم، این را به شما می‌گفتم؟ [6]و
اکنون[q] می‌دانید آنچه او را نگه می‌دارد،
به طوری که در موقع خود ظاهر گردد[r].
[7]زیرا هم اکنون راز آن بی‌انصافی بکار
است: فقط وقتی که حالا نگهدارنده او از
بین برود[s]، [8]آنگاه آن بی‌انصاف ظاهر
خواهد شد که خداوند[t] او را با نفس دهان
خود[u] هلاک خواهد کرد و با جلوهٔ آمدن مز۳۳:۶
[خود][v] از بین خواهد برد. [9]که فرا
رسیدن [او] برطبق فعالیت شیطان، همراه
با هرگونه [اعمال] قدرت و نشانه‌ها و مت۲۴:۲۴
شگفتی‌های دروغین است، [10]و به هر
فریبکاری بی‌عدالتی برای گمراهان است ۱-قرن۱:۱۸
زیرا محبت حقیقت را نپذیرفته‌اند تا ایشان
نجات یابند[w]. [11]و بدین سبب خدا
فعالیتی گمراه کننده به ایشان می‌فرستد تا
دروغ را باور می‌کنند، [12]تا همهٔ آنان که یو۳:۱۹؛ ۹:۳۹
حقیقت را باور نکرده‌اند بلکه به
بی‌عدالتی خرسند هستند محکوم گردند.

q- می‌توان حرف قید اکنون را به فعل او را نگه می‌دارد متّصل نموده و ترجمه کرد: و می‌دانید آنچه اکنون او را نگه می‌دارد.

r- در بعضی از اساطیر کهن نام غولی افسانه‌ای ذکر شده که بوسیلهٔ ربّ‌النوعی مهار گردیده است. یهودیان همین افسانه را در نوشته‌های مکاشفه‌ای خود بکار می‌برند مثلاً بهیموت یا لویاتان که از آغاز آفرینش جهان مقهور و به زنجیر کشیده شده، در پایان روزگار آزاد می‌شود و بالاخره از بین می‌رود ولی هنوز در این موقع نگهداشته شده است. لازم به یادآوری است لویاتان، غول دریایی اساطیر فنیقیان در کتاب مقدس به عنوان مظهر شرارت ذکر شده است. ر.ک مکا ۲۰:۷-۱۰.

s- توجه نمایید: آنچه او را نگه می‌دارد (بند ۷) چیزی است که مانع از ظهور انسان بی‌انصافی است در صورتی که نگهدارنده او شخصی است. در اینجا برای مخاطبان نامه توضیح داده می‌شود به‌چه دلیل باز آمدن خداوند هنوز روی نداده است و با اینکه بارها سعی کرده‌اند آن را تفسیر نمایند برای ما نامعلوم و مبهم است ولی می‌توان فکر کرد که مخاطبان نامه آن را درک کرده بودند: به هرصورت پیش از آمدن خداوند باید انسان بی‌انصافی ظاهر شود ولی چیزی و کسی ظهور این ضد مسیح را به تأخیر می‌اندازد. در مورد این مانع توضیحات مختلفی داده شده که بعضی از آنها عبارتند از:
۱- آنچه او را نگه می‌دارد امپراتوری رم است و آنکه نگهدارنده او است امپراتور است زیرا نظم و آرامش را تأمین می‌نماید و بنابراین از هرگونه شورش و جنگی که برحسب روایات نشانه پایان است جلوگیری می‌کند. نظریه اکثر مفسّران و مخصوصاً مفسّران قدیمی چنین است.
۲- آنچه او را نگه می‌دارد موعظه‌ها و رسالت پولس است و آن که نگهدارنده او است خود پولس است. در این تفسیر توجه زیادی به سخنان عیسی شده که گفته است پایان تاریخ فرا نمی‌رسد مگر پس از اینکه انجیل به تمام امت‌های مشرک اعلام شده باشد. ر.ک مر ۱۳:۱۰؛ مت ۲۴:۱۴. ولی پولس در جای دیگری مدّعی ایفای چنین نقشی نشده است.
گرچه در این مورد درمقابل معمایی قرار داریم ولی از نظر درک صحیح نظریات عهد جدید دربارهٔ پایان روزگار حلّ این معما ضرورتی ندارد: زیرا آمدن خداوند پس از دوران ارتداد و ظهور انسان بی‌انصافی خواهد بود و هیچ یک از این دو پدیده ظاهر نشده و نشانه‌های مکاشفه‌ای پایان تاریخ دیده نمی‌شود. بنابراین باید در انتظار باز آمدن خداوند بود که نه تاریخ و نه ساعت آن را می‌دانیم. ر.ک مر ۱۳:۲۸-۳۸ و ۱-تسا ۵:۱-۱۱.
امّا دربارهٔ راز انسان بی‌انصافی، نویسنده‌ای بنام ریگو می‌نویسد: «در نوشته‌های پولس، راز عبارت از چیزی، کسی یا نظریه‌ای پنهانی است که برای درک انسانی قابل وصول نباشد.» و موضوع انسان بی‌انصافی رازی است که جزو اسرار طرح نجات خدا است و برای ما حیرت‌آور بوده و به دشواری می‌توان دریافت. این بی‌انصافی که مظهر همهٔ بدی‌ها و شرارت‌ها است آشکار نشده و فرمانروایی او کامل نگردیده است و فقط هنگامی کاملاً روشن شده، عمل او جهانی خواهد شد که ظهور نماید.

t- در بعضی از نسخه‌های خطی: خداوند عیسی.

u- ر.ک اش ۱۱:۴. هلاک و ویران کردن بوسیله نَفَس از نکاتی است که در نوشته‌های مکاشفه‌ای یهودیان آمده است (ر.ک ۴ عزرا ۱۳:۱۰).

v- جلوهٔ آمدن خود. منظور از این اصطلاح ممکن است اولین لحظهٔ بازگشت خداوند باشد.

w- حقیقی که می‌تواند نجات دهد حقیقت انجیل است زیرا عیسی را به عنوان کسی معرفی می‌کند که باید به او ایمان آورده، او را دوست داشت. بنابراین زندگی فرد مسیحی، گسیختن از هرگونه جاذبه‌هایی است که او را به اشتباه یا دروغ می‌کشانند و مهمترین فعالیت‌های شیطان بشمار می‌آیند (ر.ک بند قبلی و یو ۸:۳۴-۴۴).

پایداری در ایمان

[13]ولی ما باید پیوسته خدا را به‌خاطر
شما سپاسگزاری کنیم، ای برادران محبوب
از خداوند، زیرا خدا شما را از آغاز[x] برای ۱-تسا۱:۴
نجات بوسیله [عمل] تقدیس روح و ایمان
در حقیقت برگزیده است. [14] بدین سبب
شما را بوسیلهٔ انجیل ما فرا خوانده است تا ۱-تسا۲:۱۲
شکوه[y] خداوند ما عیسی مسیح را بدست
آورید. [15]پس بنابراین، ای برادران،
پایدار باشید و سنت‌هایی را که بوسیله ۱-قرن۱۱:۲
سخن و بوسیله نامه[z] از ما فرا گرفته اید
رعایت نمایید. [16]خود خداوند ما عیسی
مسیح، و خدا، پدر ما که به ما محبت داشته
و با فیض خود تسلّی جاودانی و امیدواری
خوبی به ما عطا کرده است، [17]دلهای شما
را تسلّی دهد و در هرکار و سخن نیک
تقویت نماید[a].

تشویق به نیایش و کار کردن

۳ [1] به هرحال، ای برادران برای ما کول۴:۳؛ افس۶:۱۹؛ مز۱۴۷:۱۵
نیایش کنید: تا سخن خداوند به
سیر خود ادامه دهد و همچنان که نیز در نزد
شما است شکوه یابد، [2]و تا ما از انسان
های شریر و ناشایست رهایی یابیم: زیرا
ایمان برای همه نیست[b]. [3] اما وفادار است ۱-تسا۵:۲۴
خداوند که شما را تقویت خواهد کرد و از
شریر[bb] حراست خواهد نمود. [4] اما به مت۶:۱۳
شما، در خداوند اعتماد داریم: و آنچه را
که [به شما] دستور می‌دهیم انجام می‌دهید ۱-تسا۴:۱
و انجام خواهید داد. [5] و خداوند دلهای
شما را به سوی محبّت خدا و به سوی
مقاومت مسیح[c] هدایت نماید!
[6] و به شما، ای برادران، دستور
می‌دهیم، بنام خداوند ما عیسی مسیح، از
هر برادری که در بی‌نظمی[d] رفتار می‌نماید
و نه برطبق آن سنتی که از ما دریافت ۲-تسا۲:۱۵
کرده اید[e] دوری کنید. [7]چون که خودتان
به‌خوبی می‌دانید چگونه به ما تأسّی کنید:
زیرا در نزد شما بی‌نظمی نداشتیم، [8] نان
کسی را به رایگان نخورده ایم؛ بلکه با
زحمت و دشواری شب و روز، کار کرده ایم ۱-تسا۲:۹؛ ۴:۱۱
تا باری بر هیچ یک از شما نباشیم[f].
[9] نه بدان سبب که اقتدار آن را نداشته مت۱۰:۱۰
باشیم؛ بلکه می‌خواستیم خودتان را چون

x- کلمه یونانی را که از آغاز ترجمه شده است ممکن است به طرز دیگری خواند که به معنی نوبر خواهد بود و بنابراین ترجمه می‌شود: خدا شما را به عنوان نوبر برگزیده...

y- ر.ک ۱-تسا ۲:۱۲ و ۲-تسا ۱:۱۰ j. شکوه اختصاصاً از آن مسیح رستاخاسته است ولی از ایمانداران دعوت می‌کند که با شرکت در همان زندگی که بوسیله روح القدس احیا شده است دَر شکوه او سهیم باشند.

z- می‌توان تصور کرد که منظور نخستین نامه به تسالونیکیان باشد یا نامه‌های دیگری که احیاناً پولس به ایشان نوشته باشد (ر.ک مقدمه). ضمناً همین نامهٔ دوم را نیز می‌توان مستثنی کرد. منظور از سنّت‌ها که در این بند ذکر شده حقایقی دربارهٔ زندگی مسیحی است که در کلیسای اولیه فرا گرفته اند و سپس به جمعیت‌های مختلف آموخته شده است.

a- ترجمهٔ دیگر: شما را تسلّی دهد و در آنچه به منظور نیکی می‌کنید و آنچه می‌گویید تقویت نماید.

b- ترجمهٔ دیگر: زیرا همه ایمان ندارند.

bb- این کلمه را می‌توان شریر یا شرارت ترجمه کرد. ر.ک مت ۶:۱۳ و ۱-تسا ۵:۲۲.

c- منظور از مقاومت مسیح، پایداری در انتظار روز خداوند است یا بهتر است به مقاومتی که مسیح به عنوان سرمشق داده است تعبیر نمود (ر.ک ۱-تسا ۱:۳).

d- ر.ک ۱-تسا ۵:۱۴ h.

e- ر.ک ۲:۱۵ z. در اینجا کلمهٔ سنّت به صورت مفرد است و ظاهراً در زبان یونانی مترادف با کلمهٔ سنّت‌ها (به صورت جمع) می‌باشد و منظور مجموعهٔ آموزشهای پولس است. در بعضی از نسخه‌های خطی این کلمه کرده اند است.

f- ر.ک ۱-تسا ۲:۹ s.

سرمشقی به شما داده باشیم تا به ما تأسی
کنید. [۱۰]زیرا نیز وقتی نزد شما بودیم، به
شما دستور می‌دادیم: اگر کسی نمی‌خواهد
کار بکند، غذا هم نخورد! [۱۱] باری،
می‌شنویم که بعضی‌ها در بین شما در
بی‌نظمی رفتار می‌کنند، کار نمی‌کنند
بلکه به همه چیز دخالت می‌نمایند[g]. [۱۲] اما
به این اشخاص دستور می‌دهیم، و [ایشان
را] در خداوند عیسی مسیح تشویق پید۳:۱۹
می‌نماییم که در آرامش کار بکنند تا نان
خودشان را بخورند.
[۱۳] اما شما، ای برادران، از خوبی کردن
خسته نشوید. [۱۴] ولی اگر کسی از سخن ما
بوسیلهٔ [این] نامه اطاعت نمی‌کند،
یادداشت کنید و با او معاشرت ننمایید ۱-قرن۵:۹
تا شرمسار گردد. [۱۵]و به او همچون دشمنی
نظر نکنید، بلکه همچون برادری به او ۱-تسا۵:۱۴؛ مت۱۸:۱۵-۱۸
یادآوری نمایید.

دعای برکت و سلام

[۱۶] اما خداوند صلح، خودش به شما، ۱-تسا۵:۲۳
پیوسته و در هر صورت، همه حال[h] صلح
بدهد. خداوند با همهٔ شما باد!
[۱۷]سلام، بدست خود من، پولس است. غلا۶:۱۱
این نشانه‌ای در هر نامه است: بدین گونه
می‌نویسم[i]. [۱۸]فیض خداوند ما عیسی مسیح
با همهٔ شما باد[j]!

g- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: کار نمی‌کنند بلکه به همه طرف کار می‌کنند. در زبان یونانی فعل دومی به مفهوم دخالت در همه امور است.
h- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: در همه جا.
i- ترجمهٔ دیگر: بدین گونه هر نامه را امضاء می‌کنم: این خطّ من است. ر.ک ۱-قرن ۱۶:۲۱؛ غلا ۶:۱۱؛ کول ۴:۱۸.
j- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی اضافه شده است: آمین. ر.ک ۱-تسا ۵:۲۸ m.

پیشگفتار

نامه های شبانی

در بین نوشته های پولس، دو نامه به تیموتاؤس و نامه به تیطس، چه از نظر ادبی و چه از نظر اصول مذهبی گروه مخصوصی را تشکیل می دهند. اگر یادداشت کوچک، خطاب به فیلمون به کنار گذاشته شود، تنها نامه هایی هستند که به کسان معیّنی با ذکر نام آنان خطاب شده اند. از آغاز قرن هجدهم میلادی که دو تن از دانشمندان (د.ن. بردوت و پ. آنتون) این نامه ها را «نامه های شبانی» نامیدند، این عنوان متداول گردیده است، زیرا در حقیقت حاوی دستوراتی خطاب به «شبانان» کلیسا می باشند.

مخاطبان نامه ها

تیموتاؤس

در مورد تیموتاؤس اطلاعاتی در دست داریم که مستقیماً بوسیله لوقا در اعمال رسولان و بوسیله خود پولس در نامه ها داده شده است.

پولس نخستین بار تیموتاؤس را در شهر لستره، در ایالت لیکائونیه ملاقات کرد؛ این شهر مهاجرنشین رومی را آگوستوس، امپراتور روم در حدود سال ۶ پیش از میلاد مسیح پایه گزاری کرده بود و تیموتاؤس که بعدها بهترین «معاون» پولس گردید (اع ۱۹:۲۲) از خانواده ای مستطیع و مرفّه این شهر بود. پدرش را «یونانی» می خواندند (اع ۱۶:۱)، درمقابل، افراد محلی که به لهجهٔ لیکائونی سخن می گفتند، اعتبار و شهرت خوبی نداشتند. همچنین تصور می کنند که مشرک بوده است زیرا تیموتاؤس برطبق قوانین یهود در روز هشتم تولد ختنه نشده بود. مادرش افنیکی، زنی یهودی بود که به مسیحیت گرویده (اع ۱۶:۱) و مادربزرگش لوئیس که ایمانی قاطع داشت (۲-تیمو ۱:۵)، نوشته های مقدس را از آغاز جوانی به او آموخته بودند (۲-تیمو ۳:۱۵).

هنگامی که تیموتاؤس فعالیت خود را با پولس شروع کرد نسبتاً جوان بود -البته جوانی را باید برطبق مفهوم آن دوران درک نمود که کلمه جوان را در مقابل قدیمی می آوردند (۱-تیمو ۵:۱؛ تیط ۲:۶؛ ۱-پطر ۵:۱) بنابراین جوانی شامل یک قسمت از سالهایی می شده که امروزه سنین بلوغ می نامیم- به هرصورت ۱۵ سال بعد هنوز پولس به او می نوشت: «هیچ کس نباید جوانی تو را تحقیر کند» (۱-تیمو ۴:۱۲؛ ر.ک ۵:۱؛ ۲-تیمو ۲:۲۲)، هیئت و رفتاری محجوب و متین داشت (ر.ک ۱-قرن ۱۶:۱۰؛ ۲-تیمو ۱:۸).

تیموتاؤس بنیه ای ضعیف داشته و بارها دچار نقاهت می شد. می دانیم چگونه رسول در این مورد او را با محبت سرزنش کرده و می نویسد: «فقط آب نیاشام، به خاطر

معده ات و ناتوانی های مکرّت اندکی شراب بنوش» (۱-تیمو ۵:۲۳). پولس، برای اینکه با مسیحیان یهودی الاصل مسائلی ایجاد نگردد، او را ختنه کرد (اع ۱۶:۳) و در تاریخی که نمی دانیم از طرف گروه پیران کلیسا دست گذاری دریافت کرد (۱-تیمو ۴:۱۴؛ ۲-تیمو ۱:۶).

فعالیت رسالتی این شاگرد تحت تأثیر رسالت استادش قرار گرفت و پولس او را با مهربانی «برادر ما، همکار خدا در موعظهٔ انجیل عیسی مسیح» می خواند (۱-تسا ۳:۲). اکثراً او را در مسافرتهای رسالتی خود به همراه می برد (ر.ک اع ۱۷:۱۴-۱۵؛ ۱۸:۵؛ ۲۰:۴؛ ۲-قرن ۱:۱۹) و هنگامی که پولس بسیاری از نامه های خود را می نویسد تیموتاؤس را در کنار او می یابیم. مثلاً نامه های اول و دوم به تسالونیکیان (۱-تسا ۱:۱؛ ۲-تسا ۱:۱)، دومین نامه به قرنتیان (۲-قرن ۱:۱)، نامهٔ به رومیان (روم ۱۶:۲۱)، نامه به فیلیپیان (فی ۱:۱)، نامه به کولسیان ۱:۱) و نامهٔ به فیلمون (فیل ۱)؛ همچنین به او مأموریت های مخصوصی در مقدونیه واگذار کرد (اع ۱۹:۲۲)، مخصوصاً به نزد تسالونیکیان که در مورد بازگشت مسیح پریشان خاطر بودند، فرستاد تا آنان را «در ایمان پایدار کرده و دلگرم سازد» (۱-تسا ۳:۲، ۶) و نیز او را به نزد قرنتیان اعزام کرد تا «قواعد رفتار در مسیح» را به همان گونه که خود «در همه جا و در همهٔ کلیساها» آموزش داده بود یادآوری نماید (۱-قرن ۴:۱۷؛ ر.ک ۱۶:۱۰). این شواهد و اطلاعات که بر حسب حسن تصادف در نوشته های عهد جدید آمده نشان می دهند که پولس و تیموتاؤس در مأموریت رسالت، همکاری نزدیک داشته اند. در محبت پولس نسبت به تیموتاؤس خللی وجود نداشت هنگامی که در پایان زندگی پولس، دژخیم به در زندان او می آید، وی میل دارد برای آخرین بار تیموتاؤس را ببیند (۲-تیمو ۴:۹، ۲۱)، او را که «فرزند حقیقی من در ایمان» می نامد (۱-تیمو ۱:۲).

تیطس

در مورد تیطس فقط اطلاعات کمی در دست است زیرا لوقا در اعمال رسولان نام او را هرگز ذکر نمی کند. وی در خانواده ای «یونانی» بدنیا آمد یعنی کسانی که مشرک بودند (غلا ۲:۳) و مسلماً بوسیله خود پولس به مسیحیت گرویده بود (ر.ک تیط ۱:۴). که او را با خود به مجمع اورشلیم برد (غلا ۲:۱-۳). وی مجبور نشد مثل تیموتاؤس خود را ختنه کند (ر.ک غلا ۲:۳). دخالت تیطس در حل کردن جدال قرنتس خیلی مؤثر و قاطع بود و وضعیت را کاملاً در جهت پولس تغییر داده (ر.ک ۲-قرن ۷:۷) و توانست علاقه و محبت قرنتیان را به خود جلب نماید. به طوری که وقتی پولس به قرنتیان نامه می نوشت این گواهی عالی را دربارهٔ تیطس می دهد: «او (تیطس) به ما اشتیاق شما، اشک های شما و حمیّت شما را نسبت به من اعلام کرده به حدّی که من باز هم شادی بیشتری یافتم... روحش از همهٔ شما آرامش یافته است... و رقت او نسبت به شما خیلی زیاد است، وقتی اطاعت همهٔ شما را به یاد می آورد که با چه ترس و لرزی او را پذیرا شده اید (۲-قرن ۷:۷، ۱۳، ۱۵).

پولس فضایل و خیرخواهی او را قدر

دانسته و به وی مأموریت به پایان رساندن سازمان دهی جمعیت های مسیحی جزیرهٔ کرِت را سپرده (تیط ۵:۱). طبق۲-تیمو ۱۰:۴، احتمالاً تیطس مدتی در رم با پولس در زمان حبس دوم او بسر می برد و سپس به دالماسی عزیمت کرده است.

تاریخ و محل نگارش نامه‌ها

دومین نامه به تیموتاؤس

دومین نامه به تیموتاؤس بیش از نوشته های دیگر اطلاعات دقیق بدست می دهد و ظاهراً آخرین نامهٔ شبانی است. پولس در این نامه می نویسد: «مسابقهٔ دوی خود را به پایان رسانده ام» (۷:۴) و بنابراین درست قبل از مردن رسول نگارش یافته است.

آیا این اطلاعات را می توان به عنوان حقایق تاریخی پذیرفته و تاریخ شهادت پولس را دقیقاً تعیین نمود؟ ظاهراً امری دشوار است و دو راه حل وجود دارد:

- راه حلّ اول در صورتی است که اصالت نامه های شبانی را پذیرفته و در نتیجه قبول کنیم که پولس بار دومی هم زندانی شده و در این دوران تعقیب و شکنجهٔ مسیحیان بدستور نرون (بین سال ۶۴ و تابستان ۶۸)، شاید در سال ۶۷ میلادی به شهادت رسیده است (ر.ک گواهی اوسبیوس قیصری، تاریخ مسیحیت، قسمت دوم، ۵:۲۵). بنابراین دومین نامه به تیموتاؤس هم در این تاریخ نگاشته شده است.

راه حل دوم در صورتی است که اصالت کامل نامه های شبانی پذیرفته نشود و این نامه ها در تاریخ دیرتری، مثلاً در پایان قرن اول یا نیمهٔ اول قرن دوم میلادی نوشته شده باشند.

با تجزیه و تحلیل مطالب نامه ها نمی توان به طور قاطع یکی از این دو راه حل را پذیرفت و در هر دو صورت باید از اظهار نظر قاطع پرهیز کرد.

نکاتی که در این مسئله وجود دارد از این قرارند: دوّمین نامه به تیموتاؤس طوری ارائه می شود چنانکه در رم نوشته شده است (۱۷:۱) و در موقعی که پولس در شرایط بسیار سختی زندانی بوده است: بدین معنی که «نظیر یک مجرم» به زنجیر است (۹:۲)؛ به نظر او این زندانی شدن جنبه افتضاح و رسوایی دارد؛ دو بار از تیموتاؤس درخواست می کند از وضعیت او شرمنده نباشد (۸:۱، ۱۲) بلکه به اونیسفوروس تأسّی نماید که از زنجیرهای او خجلتی نداشته (۱۶:۱) و با «شور و شوق» در جستجوی او برآمده و در زندان پایتخت روم او را یافته است. وانگهی رسول در مورد پایان محاکمه خود و نتیجه آن هیچ گونه امید و رؤیای واهی ندارد. می داند که زمان عزیمت او نزدیک است و از هم اکنون به عنوان قربانی خود را تقدیم کرده است تا خونش ریخته شود(۶:۴). خود را بی نهایت تنها احساس می کند: دیماس «به خاطر محبت به دنیای کنونی» او را ترک کرده، کریسکیس به غلاطیه و تیطس به دالماسی رفته است (۱۰:۴). می نویسد: «در اولین باری که باید از خود دفاع می کرد، هیچ کس به او کمک نکرده و همه او را ترک گفته اند» (۱۶:۴). فقط لوقا به نزد او مانده (۱۱:۴) است. از تیموتاؤس تقاضا می کند هرچه زودتر (۹:۴)، پیش از زمستان نزد او بیاید (۲۱:۴).

در کتاب اعمال رسولان، به زندانی شدن پولس در رم اشاره می شود (اع باب های

۲۸،۳۰) که آن نخستین حبس نامیده می شود و حدوداً در سال های ۲۸ تا ۳۰ اتفاق افتاد. شرایط این حبس با آنچه در (۲-تیمو) ذکر شده تطبیق نمی نماید. زیرا در مورد نخستین زندان، پولس در خانه ای که اجاره کرده است سکونت دارد و می تواند به آزادی کسانی را که می آیند بپذیرد. بنابراین یا بایستی بپذیریم که پولس یک بار دیگر هم زندانی شده و درطی آن نامهٔ به تیموتاؤس را نوشته است و در اعمال رسولان سخنی از این زندانی شدن نیست یا اینکه اطلاعات تاریخی نامه به تیموتاؤس را رد کرده و اصالت کامل نامه را نپذیریم.

اینک نشانهٔ دیگری که در نامهٔ به تیموتاؤس وجود دارد: پولس از تیموتاؤس درخواست می کند ردایی را که در ترواس در خانهٔ کارپوس گذاشته و کتابها و مخصوصاً پارشمن ها را به همراه بیاورد (۱۳:۴). باری نمی توان این اقامت در ترواس را با آن که لوقا در اع ۵:۲۰ ذکر کرده است یکی دانست. زیرا بر طبق اع ۳۰:۲۸، این اقامت پنج سال پیش از پایان نخستین حبس بوده است و نمی توان تصور کرد که پولس یک ردای زمستانی را پنج سال نزد دوست خود کارپوس گذاشته باشد.

نکتهٔ دیگر اینکه پولس می نویسد تروفمیس را بیمار در میلیتس گذاشته است (۲۰:۴). باری این واقعه با آنچه در اع ۲۹:۲۱ ذکر شده تطبیق نمی کند زیرا مشاهده می کنیم که همین تروفمیس پیش از زندان اولی پولس در کمال سلامتی با او در اورشلیم گردش می کند.

به سبب تمام این دلایل، اقامت پولس را در رم که در (۲-تیمو) ذکر شده نمی توان با آنچه لوقا در اع ۳۰:۲۸ نقل کرده یکی دانست. بدین سبب بعضی از مفسّران از فرضیه امکان زندانی شدن دوم در رم طرفداری می کنند.

نخستین نامه به تیموتاؤس و نامه به تیطس

در این دو نامه همان کلماتی بکار رفته و همان موضوع هایی مطرح شده است که در نامهٔ دوم به تیموتاؤس وجود دارد. بنابراین می توان گفت که در همان دوران نوشته شده اند. اطلاعاتی که بوسیله آنها بتوان تاریخ نگارش را دقیقاً تعیین نمود مبهم و نامطمئن هستند. فقط می توان گفت که این دو نامه، نه در طی سومین مسافرت رسالتی و نه قبل از آن نوشته شده و نه اینکه پس از دومین نامه به تیموتاؤس نوشته شده باشند.

برطبق ۱-تیمو ۳:۱ پولس به مقدونیه عزیمت کرده و تیموتاؤس را در افسس می گذارد تا امور جمعیت را اداره نماید. کمتر محتمل است که این اقامت تیموتاؤس در افسس در مدّت «سومین» مسافرت رسالتی باشد زیرا در تمام این مسافرت، تیموتاؤس در کنار پولس است. مضافاً بر اینکه اشتباهاتی که در جمعیت افسس نفوذ کرده و پولس در سخنرانی خداحافظی خود به قدیمی ها گوشزد و پیش بینی کرده بود (اع ۲۹:۲۰) ایجاب می کند که کلیسای افسس از مدتی پیش پایه گزاری شده باشد. بنابراین مجدداً بایستی یکی از دو راه حل قبلی را انتخاب نمود؛ یعنی یا ارزش تاریخی این اطلاعات را رد کرد و یا فرض نمود که پولس، پس از دوران حبس نخستین در رم ، که در حدود سال ۶۳ میلادی

پایان یافته، مجدداً به مأموریت رسالت پرداخته و پس از سال ۶۳ میلادی و پیش از نامهٔ دوم به تیموتاؤس این نامه را نوشته است.

همین فرضیه را می توان در مورد نامه به تیطس تصوّر کرد. برابر مفاد تیط ۵:۱ پولس تیطس را در جزیرهٔ کرت گذاشته است تا سازمان کلیسای آنجا را که پایه گزاری کرده بود به پایان برساند. در جریان مسافرت، به تیطس نامه نوشته (تیط ۱۲:۳) و از او درخواست می کند که در نیکوپولیس به او ملحق شود تا زمستان را بگذرانند. اگر این اطلاعات صحیح باشند این فعالیت رسالتی قاعدتاً در سالهای بین ۶۳ و ۶۷ میلادی و بعد از آزاد شدن پولس از زندان رخ داده است.

محتوای نامه‌های شبانی و نظریات پولس

در اینکه نامه های شبانی متجانس هستند بحثی وجود ندارد ولی اگر آنها را با سایر نامه های پولس مقایسه نماییم، از یک سو شباهت های واضحی می بینیم و از سوی دیگر تفاوت های محسوسی و تفسیر این دوگانگی به نظریات کاملاً مخالف یکدیگر می انجامد.

شباهت‌ها

بعضی از مفسّران گفته اند: «در بین آثار پولس، غیر از نامه های بزرگ او، عقاید و نظریات او در هیچ جا نظیر نامه های شبانی به روشنی ظاهر نمی شود» زیرا در حقیقت تعداد زیادی از اظهارات مهم پولس را در آنها می توان یافت، مثلاً: رحمت خدا در عیسی مسیح ظاهر شده است، که برای نجات گناهکاران آمده است (۱-تیمو ۱۲:۱-۱۷)؛ انسان بوسیله فیض نجات یافته است (تیط ۷:۳) و بوسیله ایمان (۱-تیمو ۱۶:۱؛ ۲-تیمو ۱۵:۳)؛ آمرزش و تبرئه بوسیله اعمال مردود است (تیط ۵:۳؛ ۲-تیمو ۹:۱)؛ تعمید با نجات، ارتباط نزدیک دارد (تیط ۵:۳)؛ نجات آدمیان بر طبق طرح جاودانی خدا انجام می گردد («رازی» که اکنون آشکار شده است. ۱-تیمو ۱۶:۳). به این اظهارات بایستی اندرزهایی را که به بردگان خطاب می شود اضافه نمود (۱-تیمو ۱:۶-۲) و وضعیتی که باید در مقابل اولیای امور اتخاذ گردد (۱-تیمو ۱:۲؛ تیط ۱:۳)؛ ضمناً دربارهٔ فایدهٔ رنج هایی که رسول به خاطر صلاح ایمانداران متحمل می شود تأکید گردیده است (۲-تیمو ۱۰:۲)؛ یادآوری احساسات رسول (نظیر فروتنی ۱-تیمو ۱۲:۱-۱۴، یا محبت نسبت به تیموتاؤس ۱-تیمو ۲:۱، ۱۸؛ ۲۳:۵؛ ۲-تیمو ۲:۱؛ ۴:۱؛ ۹:۴، ۲۱؛ و غیره)؛ ملاطفت و مراعات نسبت به کسانی که گمراه می شوند (۲-تیمو ۲۵:۲). فهرست شباهت هایی که بین این نامه ها و عقاید و نظریات پولس وجود دارد به اندازه ای طولانی است که بایستی پذیرفته شود نامه های شبانی «لااقل» در محیطی نوشته شده اند که مربوط به پولس است.

تفاوت‌ها

با این همه نظریات خداشناسی که در نامه های شبانی ذکر شده با جریان عقاید مهم پولس تفاوت هایی هم دارند که کمتر از شباهت ها نیستند و گرچه اظهارات مهم پولس دربارهٔ نجات، در نامه های شبانی هم آمده ولی

با کلمات دیگری بیان شده اند. ایمان به جای آنکه به عنوان رابطهٔ بین فرد ایماندار و مسیح تلقی شود بیشتر وابستگی و وفاداری به عقیدهٔ معینی (۱-تیمو ۱:۴؛ ۶:۲۱)، یا به «عقیدهٔ صحیح» (۱-تیمو ۱:۱۰؛ ۲-تیمو ۴:۳) و یا به «امانتی» دارد که به کسانی چون تیموتاؤس سپرده شده است (۱-تیمو ۶:۲۰؛ ر.ک ۲-تیمو ۲:۲). همچنین توّجه کرده اند که در این نامه ها در مورد اجرای «اعمال خیر» تأکید و اصرار می شود (۱-تیمو ۶:۲۰؛ ر.ک ۲-تیمو ۲:۲). همچنین توجه کرده اند که در این نامه ها در مورد اجرای «اعمال خیر» تأکید و اصرار می شود (۱-تیمو ۲:۱۰؛ ۵:۱۰-۲۵؛ و غیره) و همچنین در مورد نوعی ادراک اصول اخلاقی که آن را «اخلاق جا افتاده» توصیف کرده اند و درمقابل الزامات اخلاقی قاطع و اصولی نامه های بزرگ پولس است: به جای ایمان در مقام اول «پارسایی» قرار دارد، کلمه ای که مرتباً در نامه های شبانی بکار می رود، در صورتی که در نامه های دیگر پولس وجود ندارد.» محبّت به جای آنکه حاکم بر فضایل دیگر باشد تدریجاً به صورت فضیلتی جزو فضایل دیگر بشمار می آید (۱-تیمو ۴:۱۲)، روح القدس به صورت فرعی ذکر شده و مشاهده می شود که فیض در قلمرو نسبتاً محدودی منظور می گردد (تیط ۲:۱۱-۱۲). بالاخره یادآوری می کنند که انتظار فرا رسیدن پایان روزگار تضعیف گردیده و بیشتر بر لزوم زندگی با تقوی در زمان کنونی تأکید می شود (تیط ۲:۱۱-۱۴). تمام این نکات گواه بر آن است که این نامه ها مربوط به دورانی متأخر و دیرتر است، یعنی هدف اصلی آنان، دیگر استقرار پایه های ایمان نیست بلکه استحکام و پایداری کلیسا و سازمان دادن آن برای مقابله با عقاید باطلی است که کلیسا را تهدید می نماید.

سازمان کلیسا

در موقعی که اغلب رسولان از بین رفته اند، بیشتر تأکید بر مسئولیت رهبران کلیساها، یعنی ناظران (که بعدها «اسقفان» نامیده شده اند، ر.ک. ۱-تیمو ۳:۱، فیل ۱:۱ و توضیح) و پیران می شود. از این نظر وضعیتی که در نامه های شبانی منعکس شده وضع پایان قرن اول میلادی است، ولی در این موقع هنوز تشکیل سازمان اسقفی واحدی با قدرت متمرکز، چنانکه بعدها ایجاد خواهد شد مطرح نیست زیرا وظایف ناظران (اسقفان) و پیران عملاً یکی است (ر.ک ۱-تیمو ۳:۱ z). هم ناظران و هم پیران مسئولیت دارند همان آموزش امانتی را که دریافت کرده اند دقیقاً به دیگران تحویل دهند و سرمشق زندگی مقدس خود را به موعظه و آموزش اضافه کنند (۱-تیمو ۳:۱-۷؛ تیط ۱:۵-۹) و ایمانداران را در مقابل اقدامات معلّمان دروغین، در ایمان استوار سازند. و امّا خدمتگزاران کلیسا (شماسان) که ایشان هم باید زندگی نمونه ای داشته باشند (۱-تیمو ۳:۸-۱۳) مأموریت خدمات مخصوصی نسبت به بیماران و بینوایان دارند. قابل توجه آن است که خدمات پیامبری یا موهبتی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است، شاید به سبب بی نظمی هایی که در مورد این خدمات در جمعیت قرنتس ایجاد شده بود.
به طور کلی هنوز حدود خدمات مختلف مذهبی به طور مشخص تعیین نگردیده است؛

و فقط آغاز نهضت سازمان دادن است که بعداً بر اثر رسوم تثبیت خواهد شد.

عقاید باطل

عقاید باطلی که نامه های شبانی مرتباً برضد آنها هشدار داده و دعوت به پایداری در عقاید می کنند به طور کلی و مبهم توصیف شده اند به طوری که نمی توان این عقاید را با عقاید گنوسی که از اختصاصات قرن دوم میلادی است یکی دانست. معلّمان دروغین که ظاهراً در داخل کلیسا نیز فعالیت می کنند، تحت تأثیر عقاید متمایل به یهودی گری بوده و مخصوصاً یهودیانی هستند (تیط ۱:۱۰) که خود را معلّم قوانین یهود می دانند (۱-تیمو ۱:۷)؛ این افراد در مورد قوانین مذکور بحث و مجادله به راه می اندازند (تیط ۳:۹) و به اساطیر یهودی (تیط ۱:۱۴) و به افسانه ها و شجره نامه ها متوسل می شوند (۱-تیمو ۱:۴). ولی ممکن است آموزشهای ایشان مقدمه ای از عقاید ثنویت گنوستیک هم باشد: مثلاً منع ازدواج و بعضی از مقررات حلال و حرام بودن غذاها (۱-تیمو ۴:۳).

گرچه ممکن است منشأ مقررات مذکور محافل یهودی باشد. همچنین این نکته که کسانی مدعی بودند رستاخیز قبلاً روی داده است (۲-تیمو ۲:۱۸) ممکن است از منابع گنوستیک باشد، ضمناً این عقاید باطل با بی بند و باری اخلاقی همراه بوده است (ر.ک فهرست های صفات رذیله که چندین بار در نامه های شبانی ذکر شده است. این فهرست ها را در محافل رواقیان کاملاً می شناختند و بوسیله یهودیانی که در سرزمین های دیگر پراکنده شده و با فلسفه رواقیان تماس داشتند در نامه های ما وارد شده اند. از این لحاظ تأثیر و نفوذ فلسفهٔ رواقیان در نامه های شبانی کاملاً محسوس است).

ستایش خدا در نامه‌های شبانی

اگر فقط دربارهٔ عناوین اسقفان و قدیمی ها و یا دربارهٔ عقاید باطلی بحث شود که نامه های شبانی برملا می کنند، مسائل خداشناسی و دامنه وسعت آنها نادیده خواهد ماند. لازم است به انعکاس طنین آیین نیایش و ستایش کلیسای کهن هم که در این نامه ها وجود دارد توّجه شود. این ستایش مخصوصاً در قطعاتی از سرودهای مذهبی اولیه که در نامه های شبانی آمده آشکار است (۱-تیمو ۲:۵-۶؛ و غیره). بعضی از آنها انعکاسی از سرودهای مذهبی یونانی هستند که در آیین مذهبی کنشت یهودیان پراکنده معمول بوده است (۱-تیمو ۱:۱۷؛ ۶:۱۵-۱۶). در ستایش های دیگری سخن از عظمت مسیح و عمل او است و از منابع مسیحی می باشند. (۱-تیمو ۳:۱۶؛ ۲-تیمو ۲:۱۱-۱۳).

اصالت نامه‌های شبانی

کلیساهای مسیحی نامه های شبانی را به عنوان مدارک قانونی و برحق پذیرفته اند یعنی جامعهٔ مسیحیت که بوسیله روح مسیح هدایت می شود در این نامه ها سخن خدا را می شناسد ولی مسئله اصالت نامه ها کماکان مطرح می ماند. آیا پولس آنها را نوشته است؟ در حقیقت به طوری که قبلاً گفته شد اگر در مورد تاریخ نگارش آنها تردیدی وجود دارد برای آن است که این مسئله به اصالت نامه ها

بستگی دارد و دلایل بسیاری موجب این تردید می باشد.

بدواً دلایلی را که خارج از متن نامه ها هستند تشریح می کنیم: بعضی از این دلایل کاملاً در جهات اثبات اصالت نامه ها هستند:

کلمنت رم ، پولیکارپ ازمیر، ایگناتیوس انطاکیه نامه های شبانی را شناخته و ذکر کرده اند و این بدان معنی است که در احادیث و رسوم کلیساهای رم ، ازمیر و انطاکیه به عنوان نوشته های برحق شناخته شده بودند. فهرست مدارک برحق موراتوری که حدود سال ۱۸۰ میلادی تنظیم گردید آنها را جزو نوشته های پولس منظور نموده است. کلمنت اسکندریه بیش از چهل بار آنها را ذکر کرده، ایرینیوس قسمتهایی از نامه های شبانی را گرفته، آنها را صریحاً به پولس منسوب می کند این بدان معنی است که در نیمه دوم قرن دوم میلادی این نامه ها، نظیر ده نامهٔ دیگر پولس به عنوان نوشته های برحق و منسوب به او پذیرفته و شناخته شده بودند.

شاید کمی زود به این نتیجه گیری رسیده ایم. به هرصورت دلیلی که برمبنای شباهت نامه های شبانی با نامه های ایگناتیوس و پولیکارپ ارائه می شود چندان قاطع نخواهد بود اگر فرض کنیم که منشأ تمام این نوشته ها منابع مشترک و مقدّم بر نامه های شبانی است. و امّا در مقابل فهرست نوشته های برحق موراتوری می توان فهرست مارسیون را ذکر کرد که در حدود نیمه قرن دوم میلادی نامه های شبانی را در فهرست خود نمی پذیرد. البته مطالبی دربارهٔ محکومیت عقاید باطل و الحاد و ستایش از عهد عتیق که در این نامه ها وجود دارد مورد پسند ملحدی چون مارسیون نبوده که تمام عهد عتیق را یکجا رد می کرده است. از نظر بحث و انتقادی که بر مبنای بررسی متن نامه ها باشد وضعیت به همین اندازه مبهم است. بدواً اختلاف و تفاوتی که در بکار بردن کلمات وجود دارد: از مجموعه ۹۰۲ کلمه ای که در نامه های شبانی بکار برده شده، ۳۰۵ کلمه در جای دیگر از نوشته های پولس نیامده و ۱۷۵ کلمه در هیچ جای دیگر نوشته های عهد جدید بکار برده نشده است و این تعداد خیلی زیاد است. نکتهٔ دیگر تعداد واژه های یکتا در این نامه ها است (یعنی کلماتی که فقط یک بار در نوشته ای بکار برده شده باشد). باری در نامه های شبانی در مقابل هر ۱/۵۵ بند یکی از این کلمات بکار برده شده در صورتی که در اولین نامه به قرنتیان به ازاء هر ۵/۳۳ بند یک واژهٔ یکتا آمده و در دومین نامه به قرنتیان این نسبت، یک واژهٔ یکتا در هر ۳/۶۶ بند است. از این مقایسه ها چه نتیجه ای می توان گرفت؟

برای این محاسبه نبایستی اهمیت زیادی قائل شد زیرا بعضی از واژه های یکتا فقط در مورد مخصوص و اتفاقی بکار برده می شوند مثل کلمهٔ معده (۱-تیمو ۲۳:۵)، مادربزرگ (۲-تیمو ۵:۱)، پارشمن(یعنی کاغذ پوستی، ۲-تیمو ۱۳:۴)، یا اصطلاحاتی هستند که از زبان لاتینی اقتباس شده، مثل « زندگی براه بردن »(۱-تیمو ۲:۲)، «بدکار»(مجرم) (۲-تیمو ۹:۲) که بکار بردن آنها را می توان به سبب اقامت پولس در رم توجیه کرد و بالاخره کلماتی که از ترجمه یونانی کتاب مقدس گرفته شده و معمولاً بر قلم کسانی که با ترجمه یونانی کتاب مقدس آشنا هستند جاری می شود.

و امّا واژه های یکتای قابل توجه دیگری هستند که بایستی توضیح داده شود. این کلمات ممکن است هم مربوط به موضوع مورد بحث بوده و هم ناشی از نویسنده باشند.

موضوع مورد بحث در این نامه ها موضوع به خصوصی است: کلیسا را که خانۀ خدا است چگونه باید رهبری کرد؟ و پولس هرگز موضوع را به این اندازه درنظر نگرفته بود. بنابراین وضعیت جدید، بکار بردن کلمات جدیدی را ایجاب نموده است. محققان متوجه شده اند که ۵۰ واژۀ یکتا مربوط به عقاید باطل، ۲۹ تای آنها مربوط به مختصات خدمتگزاران جمعیت، ۶۱ کلمه دربارۀ وظایف و سجایای تیموتاؤس و تیطس و ۹۰ کلمه در مورد سازمان کلی کلیسا است.

نویسنده هم از دوران نگارش نامه های بزرگ تغییر یافته است. طبیعی است که فرد متفکر توانایی نظیر پولس دچار تصلب و فرسودگی پیری نشده و تحوّلی که در بکار بردن کلمات جدید مشاهده می شود طبیعی باشد. این تحوّل مختص و منحصر به نامه های شبانی نیست و در طول تمام آثار و نوشته های پولس به چشم می خورد به طوری که حتی نمی توان ثابت کرد که نخستین نامه به تسالونیکیان و نامه به کولسیان به قلم همان کسی باشد که نخستین نامه به قرنتیان را نوشته است.

از سوی دیگر پولس پیر شده، روش نگارش او کُند و بدون جلا گردیده و بیشتر جنبۀ اندرزهای اخلاقی دارد. در دومین نامه به تیموتاؤس لااقل در ۳۰ مورد فعل امر بکار برده شده است. پولس فریادهای پُرهیاهوی دومین نامه به قرنتیان و سخنان انفجاری نامه به غلاطیان را فراموش کرده است. دانشمندی بنام لوازی می نویسد: «در اینجا پولس را در هیئت و رفتار کسی می بینیم که رسوم و عادات متداول را پذیرفته و با روش نگارش ساده و پدرانه ای به یک تیموتاؤس که واقعیت ندارد نامه می نویسد.» علاقه به روشنی و منظم بودن مطالب، بکار بردن لحن مخصوص و کلمات نادری را ایجاب می نماید و چنین تحوّلی در طرز بیان نویسنده ای که رو به پیری می رود طبیعی است. ازدیاد واژه های یکتا در آثار نویسندگانی که پیر می شوند، در همۀ دورانها از افلاطون گرفته تا شکسپیر ملاحظه می شود.

بالاخره یادآوری می کنند که مسلماً منشی در نوشتن این نامه ها نقش مهمی داشته است و به نظر (ا.ارمیاس) این دلیل حائز اهمیت فراوانی است. با توّجه به اینکه افراد متعددی در محیط محدودی زندانی بوده اند، کثافت و تاریکی زندانها، دشواری نوشتن برطبق فنون کهن که مسلماً چندین روز برای نوشتن دومین نامه به تیموتاؤس لازم بوده است می توان تصور کرد که منشی در انجام این وظیفه چه سهم عمده ای داشته است. در کنار قسمت هایی که پولس شخصاً دیکته کرده است مثلاً ۲-تیمو ۴:۶-۱۸، منشی با توجه به آموزش رسول و مذاکراتی که با او داشته قسمت های طولانی را تحریر نموده است همچنین به ابتکار خود در نامه های شبانی قطعات سرود مذهبی را وارد کرده است: ۱-تیمو ۱:۱۷؛ ۳:۱۶؛ ۶:۱۵-۱۶ و ۲-تیمو ۲:۱۱-۱۳ که از منابع آیین نیایش هستند. نکات دیگری را که دربارۀ اصالت نامه ها است می توان سریع تر مرور کرد. به طوری که قبلاً دیده ایم بین تعلیمات نامه های شبانی و نظریات کلی پولس تفاوت های مهمی وجود

دارد. ولی آیا می توان این نکته را دلیل قاطعی علیه اصالت نامه ها دانست؟ کسانی چنین پنداشته اند. ولی باید قبول کرد که این نامه ها در دوران کهولت رسول نوشته شده یعنی در موقعی که وی با مسائل و مشکلات دیگری روبرو بوده است، غیر از آنچه در دوران نگارش نخستین نامه ها داشته است.

همچنین در این نامه ها علیه «عقاید گنوستیک» مبارزه می شود و بعضی از محققان این نکته را دلیلی بر عدم اصالت نامه ها بشمار آورده اند (زیرا عقاید گنوستیک مربوط به قرن دوم میلادی است و نشان می دهد که تاریخ نگارش نامه ها خیلی دیرتر بوده است). ولی عقاید باطلی که در نامه های شبانی به آنها اشاره شده است متخصصات متعددی از یهودیگری دارند و به طور مشخص مختصات گنوستیک قرن دوم میلادی را نشان نمی دهند. بنابراین نهضت عقاید باطلی که در نامه ها ذکر شده کاملاً ممکن است در زمان پولس رسول وجود داشته است.

نامه های شبانی نشان می دهند که توسعهٔ سازمان کلیسا به حدّی رسیده که نامه های دیگر پولس را هنوز نمی شناختند. بعضی از مفسّران تصور می کنند دستوراتی که در این مورد داده شده انعکاسی از اشتغال خاطر و نگرانی پولس قبل از مردن است. در این مورد نیز نمی شود از این گفتار و دستورات پولس در انکار اصالت نامه های شبانی استفاده نمود.

ما دربارهٔ اطلاعات تاریخی که در نامه های شبانی داده شده و تطبیق آنها با آنچه در اعمال رسولان آمده است سخن نگفته ایم. در حقیقت فرضیه «دومین» زندانی شدن پولس فقط بدین سبب طرح شده است که بتوان زندگی پولس را در چهارچوب تاریخ برطبق مفاد نامه های شبانی منظور نمود. این نکته بدان معنی نیست که این زندانی شدن روی نداده است. زیرا پایان کتاب اعمال رسولان که نخستین زندانی شدن پولس را ذکر می کند الزاماً پایان زندگی پولس نیست. بنابراین استدلال عدم اصالت این نامه ها قابل درک و توجیه نیست و این نکته حتی به نفع اطلاعات موجود در نامه های شبانی است و بدون اینکه دلایل محکمی موجود باشد، نبایستی حمل بر عدم راستی تعلق به پولس شود.

اکنون چه نتیجه ای می توان گرفت؟ زیرا آنانکه اصالت نامه های شبانی را انکار می کنند و آنانکه می پذیرند دلایل معتبری دارند. کسان دیگری تصور می کنند وضعیت واسطه ای که اصالت قسمتی از نامه ها پذیرفته شود بهترین راه حلّ خواهد بود. مثلاً می توان تصوّر کرد که یکی از طرفداران و ستایندگان پولس، به منظور احتیاجات کلیسای زمان خود، خواسته است مدرکی به صورت وصیت نامهٔ معنوی رسول تنظیم نماید. امّا در مورد جزئیات محسوس و مادّی که در نامه ها ذکر شده است (مثل ردای زمستانی و پارشمن که درترواس بجا مانده است)، این جزئیات را از نامه هایی واقعی اخذ کرده و در نامه های شبانی وارد کرده باشند.

اولین نامه به تیموتائوس

عنوان و سلام

کول۲۷:۱ **۱** ۱از پولس، رسول مسیح عیسی،
برطبق امر خدا نجات دهندهٔ ما[a] و
اع۱:۱۶؛ فی۲۳-۱۹:۲ مسیح عیسی امید ما؛ ۲به تیموتائوس،
تیط۴:۱ فرزند حقیقی من در ایمان، فیض، رحمت،
صلح[b] از سوی خدای پدر و از مسیح عیسی،
خداوند ما!

معلّمان دروغین به احسان زیان می‌رسانند

اع۱:۲۰ ۳اگر در موقع عزیمت خود به مقدونیه، از
تو درخواست کرده‌ام، در افسس بمانی[c]،
برای آنست که به بعضی‌ها دستور بدهی
عقیدهٔ دیگری را آموزش ندهند[d]. ۴و به
۷:۴؛ تیط۱۴:۱ داستانها و شجره نامه های بی پایان[e]
تیط۹:۳ پای بند نباشند که بیشتر موجب
مباحثه هایی باشند تا اینکه نظام خدا در
ایمان. ۵اما منظور از [این] دستور محبّتی
است که از دلی پاک، از وجدانی نیکو و از
ایمانی بی‌ریا برمی‌آید. ۶از اینها، بعضی‌ها
دور شده و به سوی یاوه گویی منحرف ۲۱:۶
گردیده‌اند: ۷[کسانی که] می‌خواهند معلّم ۲۰:۶؛ تیط۱۰:۱
قوانین[f] باشند، نمی فهمند چه می گویند و
نه چیزی را که تأکید می نمایند.

نقش حقیقی ایمان

۸با این همه می‌دانیم که قانون خوب
است[g]، اگر کسی آن را قانونی بکار برد، ۹
این را می‌دانیم که قانون برای عادل
موضوعیت ندارد، بلکه برای بی قانونان
[است]، و نافرمانان، برای بی‌دینان، و روم۲۹:۱
گناهکاران، برای کفرگویان، و بی‌حرمتی
کنندگان، برای قاتلان پدر و قاتلان مادر،
برای آدم کشان، ۱۰برای بی عفتان، لوّاطان،

a- در نامه های شبانی عنوان «نجات دهنده» برای خدا است (۱-تیمو ۱:۱؛ ۳:۲؛ ۱:۴؛ تیط ۳:۱؛ ۱۰:۲؛ ۴:۳) و همچنین در مورد مسیح بکار برده می شود (۲-تیمو ۱۰:۱؛ تیط ۴:۱؛ ۱۳:۲؛ ۶:۳). در نوشته های دیگر عهد جدید این عنوان مختص به عیسی است (به استثنای لو ۴۷:۱ و یهو ۲۵)؛ ر.ک لو ۱۱:۲ z.

b- در اینجا در بیان درود و سلام سه کلمه فیض، رحمت و صلح وجود دارد که فقط در اینجا و در ۲-تیمو ۲:۱؛ ۲-یو ۳ آمده است. در صورتی که در نامه های پولس معمولاً کلمات فیض و صلح بکار برده می شود (ر.ک روم ۷:۱؛ ۱-قرن ۳:۱؛ ۲-قرن ۲:۱ و غیره).

c- ر.ک مقدمه.

d- ترجمهٔ تحت اللفظی: چیز دیگری را آموزش ندهند.

e- احتمالاً یهودیان در مورد پیشوایان بزرگ مذهبی و قهرمانان عهد عتیق اظهاراتی می کرده اند و بعدها طرفداران عقاید گنوستیک از این مطالب الهام گرفته و بهره برداری می کردند.

f- این اصطلاح فرضیه ای را تأیید می کند که منظور پولس رقیبان یهودی او هستند. ر.ک مقدمه.

g- این کلمات انعکاس مطالبی هستند که در نامه به رومیان آمده است (ر.ک روم ۱۲:۷، ۱۴، ۱۶)؛ ولی در اینجا وضعیت تفاوت دارد بدین معنی که قوانین یهود برای آن نیست که گناه آدمی را برملا کند بلکه وسیله ای ضروری است تا کسانی را که در بی نظمی زندگی می کنند به اطاعت وادار نماید (ر.ک بندهای ۹-۱۰).

آدم فروشان[h]، دروغگویان، سوگندخورندگان
به دروغ و هر آنچه برخلاف تعلیم صحیح
است[i]، [11]برطبق انجیل شکوه خدای متبارک ۲-قرن۴:۴ ۱۵:۶
که به من سپرده شده است. ۱-تسا۴:۲؛ تیط۱:۳

ستایش رحمت مسیح

[12]سپاسگزاری می‌کنم از آن که مرا
تقویت کرده، از مسیح عیسی خداوند ما، از
اینکه مرا شایسته اعتماد دانسته و به خدمت اع۹:۱۵؛ غلا۱:۱۵-۱۶
گماشته است، [13]من که قبلاً کفرگو،
شکنجه‌گر و گستاخ[j] بودم. امّا بر من
رحمت آوردند، زیرا جاهل بوده و بر اثر
بی‌ایمانی [رفتار] می‌کردم، [14]و فیض
خداوند ما، بسیار فراوان با ایمان و محبتی
که در مسیح عیسی است افزوده گردید. روم۵:۲۰؛ ۱-قرن۱۵:۱۰
[15]اینک سخنی مطمئن[k] که شایستهٔ
پذیرش کامل است: مسیح عیسی در جهان لو۱۵:۲؛ ۱۹:۱۰
آمده است تا گناهکاران را که نخستین ایشان
من هستم نجات دهد[l]؛ [16]امّا بدین سبب بر
من ترّحم شد، تا نخست در من، مسیح عیسی
شکیبایی کامل [خود را] به عنوان نمونه
نشان دهد به آنان که به [منظور] زندگی
جاودان در وی ایمان می‌آورند.
[17]باری بر پادشاه روزگاران،
که فسادناپذیر، نامرئی، خدای یکتا
است،
افتخار و جلال روم۱۶:۲۷
به روزگاران و روزگاران باد! آمین[m]!

مبارزه‌ای شایسته انجام دادن

[18]این دستور را به تو، ای فرزند،
تیموتائوس می‌سپارم تا برطبق
پیشگویی‌هایی که دربارهٔ تو شده است[n]
بوسیلهٔ آنها به مبارزهٔ شایسته‌ای مبارزه کنی، ۶:۱۲؛
[19]ایمان و وجدان خوبی داشته باشی. زیرا ۲-تیمو۴:۷ ۳:۹
بعضی‌ها آن را به دور انداخته از نظر ایمان
شکسته کشتی شدند. [20]در بین ایشان
هیمنائوس و اسکندر، که به شیطان تسلیم ۱-قرن۵:۵
کرده‌ام، تا تنبیه شوند و دیگر کفر نگویند[o].

نیایش در عبادت

۲ [1]پس تشویق می‌کنم که قبل از
هرچیز، برای همهٔ انسان‌ها
خواهش‌ها، نیایش‌ها، شفاعت‌ها، افس۶:۱۸؛ فی۴:۶

h- ترجمهٔ دیگر: برده فروشان.
i- این عبارت مختص به نامه های شبانی است (ر.ک ۲-تیمو ۳:۴؛ تیط ۱:۹؛ ۲:۱) و ارتباط بین تعلیم عقاید صحیح و زندگی اخلاقی را تأیید می نماید (ر.ک ۱-تیمو ۶:۳؛ ۲-تیمو ۱:۱۳؛ تیط ۱:۱۳؛ ۲:۸).
j- اشاره به اینکه پولس پیش از گرایش به مسیح کلیسا را تعقیب و شکنجه می کرد (ر.ک اع ۹:۱-۲؛ غلا ۱:۱۳؛ فی ۳:۶).
k- این عبارت پنج بار در نامه های شبانی بکار برده شده است (۱-تیمو ۱:۱۵؛ ۳:۱؛ ۴:۹؛ ۲-تیمو ۲:۱۱؛ تیط ۳:۸). و برای آنست که بر جنبهٔ رسمی اظهارات تأکید شود.
l- ارزش مفهوم واقعی این اظهارات با آنچه در بند بعدی می‌آید روشن می شود (بند ۱۶). منظور از اینکه پولس نخستین گناهکاران محسوب شود آنست که وضعیت او نشان می دهد تا چه اندازه انسان مورد رحمت خداوند است لذا این مسئله مطرح نیست که آیا واقعاً پولس بزرگترین گناهکار بوده زیرا با گناهکاران دیگر مقایسه نمی شود.
m- منبع این عبارت ستایش و تجلیل خداوند احتمالاً آیین نیایش است (ر.ک ۶:۱۵-۱۶ s). در نامه های شبانی بارها عبارت های معمول آیین نیایش بکار برده می شود (۲:۵-۶؛ ۵:۲۱؛ ۶:۱۵-۱۶؛ ۲-تیمو ۱:۹-۱۰؛ ۲:۸؛ ۴:۱).
n- اشاره به نقشی است که پیامبران در تقدیس و دست‌گذاری تیموتاؤس داشته اند (ر.ک ۴:۱۴؛ اع ۱۳:۱-۳).
o- نام هیمینائوس در ۲-تیمو ۲:۱۷ و نام اسکندر در ۲-تیمو ۴:۱۴ نیز ذکر شده است. منظور پولس که می گوید آنان را به شیطان تسلیم کرده است مسلماً اخراج از جمعیت مسیحیان است (ر.ک ۱-قرن ۵:۵).

تیط۱:۳ سپاسگزاریها انجام شود[p]، ۲برای پادشاهان
و تمام آنان که در مقام بالا هستند[q]، تا یک
زندگی آسوده و آرام در کمال پارسایی و
شایستگی داشته باشیم. ۳این در مقابل
خدا، ناجی ما، خوب و مورد قبول است،
۲-پطر۳:۹ ۴که می‌خواهد همهٔ انسانها نجات یابند و
یو۸:۳۲ به شناسایی حقیقت برسند. ۵زیرا
روم۳:۲۹-۳۰ [تنها] یک خدا
عبر۸:۶؛ ۹:۱۵؛ ۱۲:۲۴ و [تنها] یک میانجی
بین خدا و انسانها،
یک انسان هست: مسیح عیسی،
مت۲۰:۲۸؛ غلا۱:۴؛ تیط۲:۱۴ ۶که خود را به فدیه برای همگان داده
است[r].
این که شهادت[s] به زمانهای مقدر است[t]،
۷و برای آن، من به عنوان واعظ و رسول و
معلّم امّت ها در ایمان و حقیقت تعیین شده اع۹:۱۵؛ غلا۲:۷-۸؛ ۱-تیمو۱:۱۱؛ ۲-تیمو۱:۱۱
ام. حقیقت را می گویم و دروغ نمی گویم.

زنان و مردان در مجامع عبادتی

۸پس می‌خواهم که مردان در هرجایی[u] به
نیایش پردازند، دستهای مقدس را بدون
خشم و بی‌گفتگو بلند کنند،
۹همچنین زنان[v] نیز با لباسی آراسته، با ۱-پطر۳:۲-۴
حیا و متعادل خود را آرایش کنند، نه با
زلفهای بافته و طلا یا مرواریدها یا لباس
گرانبها، ۱۰بلکه آنچه مناسب زنانی است ۵:۱۰
که بوسیله اعمال خیر، اظهار خدا ترسی
می‌کنند[w].
۱۱زن با سکوت و فرمانبرداری تمام
آموزش فرا گیرد. ۱۲همچنین اجازه

p- نیایش ایمانداران برای «همه انسان ها» است (بند ۱). این نیایش به مانند وجود کلیسا جنبهٔ جهانی دارد و برطبق ارادهٔ نجات بخشی خدا است که شامل «همه انسان ها» می شود (بند ۴). همچنین شفاعت مسیح که «خود را به‌خاطر همگان فدا کرده است» (بند ۶).

q- باید به‌خاطر داشت در موقعی که پولس درخواست می کرد برای تمام کسانی که مقامی بالا دارند نیایش نمایند، نام امپراتور رُم نِرون بوده است.

r- چنین به نظر می رسد که این عبارت از بیان ایمانی گرفته شده که در جمعیت معمول بوده است. بیان ایمان دیگری را در ۱-تیمو ۳:۱۶ می‌خوانیم. قربانی مسیح به عنوان «فدیه برای همگان»، یادآور چهرهٔ خدمتگزار خدا در کتاب اشعیا است (اش ۵۳:۱۱-۱۲؛ مت ۲۰:۲۸).

s- عیسی که خود را به عنوان فدیه برای همگان می‌دهد بدین وسیله شهادت می‌دهد که مشیّت خدا برای نجات بخشیدن جنبهٔ جهانی دارد و نشان می‌دهد که شاهد امین وفادار پدر است (مکا ۱:۵؛ ۳:۱۴). در برابر پیلاطس هم در بیانات قاطع خود که بیان ایمان زیبایی است صریحاً شهادت می‌دهد (۱-تیمو ۶:۱۳). در تفسیر دیگری کلمهٔ شهادت را مترادف با انجیل گرفته‌اند (برطبق مفهومی که پولس بکار می برد) و یا اینکه به معنی اعلام فرمانروایی خدا تقسیم کرده‌اند: که در این صورت موعظهٔ رسول خواهد بود.

t- به زمانهای مقدّر یا به طوری که در ۱-تیمو ۶:۱۵ و تیط ۱:۳ آمده است: در زمانهای او وقتی است که خدا یقین کرده و تمامیت زمان است (غلا ۴:۴). در حقیقت تمامیت زمان با انجام اظهار و مکاشفه محبت خدا تطبیق می نماید (ر.ک روم ۵:۶-۸).

u- در هرجایی (نظیر ۱-قرن ۱:۲؛ ۲-قرن ۲:۱۴؛ ۱-تسا ۱:۸) یعنی در هرجایی که انجیل اعلام شده است. بعضی از مفسّران این عبارت را چنین می‌خوانند: در هرجایی به سوی آسمان بلند کنند. در این صورت طرز نیایشی است که رسول خواسته است در تمام کلیساها به یک نوع انجام شود. ولی این تفسیر که توصیه رسول را به صورت دستور طرز انجام نیایش تعبیر می کند با مطالب بندهای قبلی که جنبهٔ جهانی دارند تطبیق نمی کند.

v- ترجمهٔ دیگر: و امّا دربارهٔ زنان. یعنی زنان هم به مانند مردان در نیایش به خدا شرکت می نمایند.

w- اوضاع و احوال اجتماعی و مذهبی که جمعیت اولیه مسیحیان داشتند در این توصیه های رسول اثر گذاشته اند. لازم به یادآوری است که در این مورد موضوع اساسی پارسایی و خداپرستی است که بوسیله اجرای اعمال خیر بیان و اظهار می شود و حتی اگر درطی قرون و اعصار طرز بیان و اظهار تغییر نماید موضوع اساسی به قوّت خود باقی می ماند.

۱-قرن۱۴:۳۴-۳۵ نمی‌دهیم که زن آموزش بدهد یا بر مردی
تسلّط یابد بلکه سکوت نماید. [۱۳] زیرا
پید۲:۱۸-۲۴ نخست آدم و سپس حوّا شکل گرفته است،
۱-قرن۱۱:۸-۹ [۱۴] و آدم فریفته نشد بلکه زن فریب خورده
پید۳:۶؛ ۲-قرن۱۱:۳ و به تخلف پرداخت؛ [۱۵] با این همه بوسیله
مادر شدن ایمن خواهد بود، اگر در ایمان و
محبّت و تقدس با فروتنی بماند[x].

اسقفان

۳ [۱] این سخن مطمئن است[y]: اگر
کسی به وظیفه اسقفی[z] تمایل دارد،
کار خوبی آرزو می‌کند. [۲] پس اسقف باید
۱۲:۳؛ تیط۱:۶ ملامت ناپذیر، [فقط] شوهر یک زن[a]،
میانه رو، خویشتندار، آبرومند، مهمان نواز
باشد و بتواند آموزش دهد، [۳] نه میخواره،
نه ستیزه جو، بلکه مهربان، ملایم، بی‌علاقه
به پول باشد، [۴] خانه خود را به‌خوبی اداره
کند، فرزندان [خود] را با شایستگی در
فرمانبرداری نگهدارد، [۵] امّا اگر کسی ۱۲:۳
نمی‌داند خانهٔ خود را [به‌خوبی] اداره
کند، چگونه می‌تواند از کلیسای خدا
مواظبت نماید؟ [۶] نوگرویده نباشد تا
مغرور نشود و در محکومیت ابلیس[b] سقوط
نماید. [۷] امّا نیز لازم است به گواهی آنان که
در خارج هستند خوب باشد تا در سرزنش و روم۱۲:۱۷؛ ۲-قرن۸:۲۱
در دام ابلیس نیفتد.

خدمتگزاران کلیسا

[۸] همچنین خدمتگزاران [کلیسا][c] شایسته
باشند، نه به دو گونه سخن گویند، نه اینکه
خیلی شرابخوار بوده و نه درپی سودهای
شرم‌آور باشند. [۹] راز ایمان را در وجدانی ۱۹:۱
پاک نگهدارند. [۱۰] و امّا اینان قبلاً
آزمایش شده سپس خدمتگزاری [کلیسا]

x- در تمام این قسمت (بندهای ۱۱-۱۵) باید اوضاع و احوال اجتماعی آن دوران، آموزشهای کاهنان و منظور و هدف فوری این نامه از یکدیگر تفکیک شده و در نظر گرفته شود. به هرصورت اگر در این مورد مسائل کنونی شرکت زنان را در اجرای وظایف مذهبی منعکس کنیم اشتباه خواهد بود. پولس با ذکر اینکه زن بوسیله مادر شدن ایمن خواهد شد(بند ۱۵) در اینجا با عقاید باطلی مبارزه می‌کند که ازدواج را منع می‌کردند (۱-تیمو ۴:۳). و وقتی که درخواست می‌کند زنان آموزش را با سکوت دریافت نمایند با پُرگویی، عدم سرّ نگهداری و سخن گفتن بدون تعقّل مخالف بود (۱-تیمو ۵:۱۳). به همان گونه که در تیط ۲:۳-۵ ذکر شده، در اینجا هم پولس در مورد آزادی زنان که در انجیل منظور و ثبت شده (غلا ۳:۲۸) می‌خواهد راه افراط و زیاده روی را بربندد.

y- ر.ک ۱:۱۵ k.

z- در هنگام نگارش این نامه کلمه اسقف به همان مقام و وظایفی که امروزه اسقفان برعهده دارند اطلاق نمی‌شده است، بلکه اسقفان یا ناظران اداره و رهبری جمعیت مسیحیان را برعهده داشتند و مشکل بتوان گفت بین اسقفان و قدیمی‌ها چه تفاوتی بوده است (ر.ک تیط ۱:۵-۷؛ اع ۲۰:۱۷-۲۸).

a- به عقیدهٔ مفسران منظور رسول رفتار ناشایست و مغایر با اصول اخلاقی است (ولی آیا معلوم نیست که باید از چنین رفتاری خودداری نمود؟)؛ یا اینکه منظور منع ازدواج مجدد پس از درگذشت همسر می‌باشد؛ و یا مخالفت با کسانی است که همسر خود را طلاق داده باشند تا زن دیگری بگیرند (ر.ک مر ۱۰:۱-۱۱ و متون مشابه) ولی در موارد دیگری اصطلاح شوهر تنها یک زن یا زن تنها یک شوهر بکار برده شده است (ر.ک ۱-تیمو ۵:۹) و این اصطلاح ها در نوشته های یهودیان و مشرکان نیز آمده و به معنی محبت هر شوهر نسبت به همسر درک می‌شود.

b- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: محکومیت ابلیس. در این کلمات که به صورت مضاف و مضاف‌الیه آمده معلوم نیست محکومیت علیه ابلیس است یا اینکه ابلیس کسَی را که سقوط نماید محکوم می‌کند. به هرصورت نکته مهم این است که شخص نوگرویده بر اثر تکبّر ممکن است منظور ابلیس را اجرا نماید (ر.ک بند ۷).

c- خدمتگزاران (یا شماسان، دستیاران) مخصوصاً مأموریت رسیدگی به امور فقیران و بیماران را برعهده داشتند. درجای دیگری هم عنوان اسقفان و خدمتگزاران با هم ذکر شده است. فی ۱:۱.

را انجام دهند، بی عیب باشند.
تیط۳:۲ ۱۱زنان هم[d]، متین، نه بدگو، قانع و از
هرحیث وفادار باشند.
۲:۳ ۱۲خدمتگزاران [کلیسا] شوهر [فقط]
۴:۳ یک زن باشند[e]، فرزندان و خانه های خود
را به‌خوبی اداره نمایند. ۱۳زیرا آنان که
خدمتگزاری [کلیسا] را خوب انجام دهند
موقعیت خوبی[f] [برای خود] کسب
می‌نمایند و اطمینان بزرگی[g] در ایمان در
مسیح عیسی بدست می‌آورند.

راز پارسایی

۱۴اینها را به تو می نویسم و امیدوارم
به زودی به سوی تو بیایم[gg].
۱۵با این همه اگر تأخیر کنم، تا بدانی در
افس۲:۱۹-۲۲ خانهٔ خدا چگونه باید رفتار کرد که کلیسای
خدای زنده و ستون و ثبات حقیقت[h] است.
۱۶و به اقرار همگان راز پارسایی عظیم
است[i]:
یو۱:۱۴ او که در جسم ظاهر شد،
در روح [القدس][j] به عدالت شناخته شد،
بوسیلهٔ فرشتگان دیده شد،
در بین امّت ها اعلام گردید،
در جهان [به او] ایمان آوردند،
مر۱۶:۱۹؛ اع۱:۹ در شکوه به بالا برده شد.

هرآنچه خدا آفریده نیکو است

۴ ۱اما روح [القدس] به صراحت
۲-تیمو۳:۱؛ ۲-پطر۲:۱؛ ۳:۳؛ ۱-یو۲:۱۸؛ یهو۱۸ می گوید: در روزگاران واپسین،
بعضی‌ها از ایمان دور خواهند شد و به ارواح
گمراه و آموزشهای دیوان بستگی خواهند
یافت، ۲بوسیله ریاکاری دروغگویانی که در
وجدان خود داغ‌زده شده‌اند[k]، ۳ازدواج را
پید۹:۳؛ کول۲:۱۶-۲۳ منع می‌کنند و پرهیز از غذاهایی[l] را توصیه
می‌کنند که خدا آفریده است تا ایمانداران و
روم۱۴:۶؛ ۱-قرن۱۰:۳۰-۱ حقیقت شناسان با سپاسگزاری مصرف

d- منظور همسران خدمتگزارانند (که به شوهران خود کمک می‌کردند) و یا زنانی که وظیفهٔ خدمتگزاری را در کلیسا انجام می‌دادند (ر.ک روم ۱۶:۱ o).

e- ر.ک ۳:۲ a.

f- خدمتگزاری که وظیفه خود را با کمال وفاداری انجام می‌دهد در کلیسا مورد احترام خواهد بود (ر.ک مر ۱۰:۴۳-۴۴ و متون مشابه).

g- اطمینان در برابر آدمیان و در برابر خدا.

gg- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: بزودی به سوی تو بروم.

h- بعضی از مفسران تصور می‌کنند که منظور از ستون و ثبات حقیقت، تیموتاؤس است.

i- جمله هایی که از اینجا آغاز می‌شود قطعه ای از یک سرود مذهبی در ستایش مسیح است. در متن یونانی ضمیرهایی که در این جمله ها بکار رفته به صورت مفرد مذکر است و به‌خوبی نشان می‌دهند که سخن دربارهٔ مسیح است. ولی در بعضی از نسخه های خطی ضمیرهای مذکور مفرد خنثی است و در این صورت به پارسایی برمی‌گردد. به هرصورت در توجیه کلی تن تغییری حاصل نمی‌شود.

j- ترجمهٔ دیگر: بوسیلهٔ روح‌القدس به عدالت شناخته شد که اشاره به رستاخیز است. ر.ک روم ۱:۴.

k- در وجدان خود داغ زده شده‌اند. داغ زدن نشانهٔ ننگینی بوده که در قدیم بر مجرمان و بردگان فراری بدین وسیله نشانه می‌زده‌اند.

l- حرام یا حلال بودن غذاها، مقرراتی است که از محافل یهود ناشی شده است و پولس چندین بار یادآوری و تأکید می‌کند که در این مورد مسیح آزادی آورده است (روم ۱۴؛ کول ۲:۲۰-۲۳؛ تیط ۱:۱۳-۱۵). ممنوع بودن ازدواج ممکن است از محافلی ناشی شده باشد که تحت تأثیر عقاید گنوستیک بوده‌اند. یا اینکه بعضی از محافل مسیحیان که سخن عیسی را درباره رستاخیز کنندگان به غلط تفسیر می‌کردند، درجایی که گفته است: نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند (مر ۱۲:۲۵). باری بعضی از مرتدان مدعی بودند که رستاخیز هم‌اکنون روی داده است (۲-تیمو ۲:۱۸).

پید۱:۳۱؛ روم۱۴:۱۴ نمایند. [۴]چون که هرچه را خدا آفریده، نیکو
است و چیزی مطرود نیست وقتی که با
سپاسگزاری مصرف گردد: [۵]زیرا بوسیلهٔ کلام
خدا و نیایش[m] تقدیس می شود.
[۶]با ارائه اینها به برادران، خدمتگزار
خوب[n] مسیح عیسی خواهی بود که از سخنان
ایمان تغذیه یافته و از تعلیم نیکویی کاملاً
۴:۱؛ ۶:۲۰؛ پیروی کرده ای. [۷]و امّا داستانهای کفرآمیز
۲-تیمو۲:۱۶؛ تیط۱:۱۴ پیرزنان را به دور بینداز،

فایدهٔ پارسایی

و خودت در پارسایی[o] ممارست کن.
[۸]زیرا ممارست جسمانی برای چیز اندکی
۶:۶ سودمند است، ولی پارسایی برای همه چیز
سودمند است[p] که وعدهٔ زندگی از
هم اکنون و در آینده را دارد.
۱:۱۵؛ ۳:۱؛ ۲-تیمو۲:۱۱؛ تیط۳:۸ [۹]این سخن مطمئن[q] و شایستهٔ پذیرش
کامل است؛ [۱۰]زیرا برای این زحمت
می کشیم و مبارزه می کنیم چون که همه
امید [خود را] در خدای زنده گذاشته ایم
که نجات دهندهٔ همهٔ انسان ها و مخصوصاً
ایمانداران است. [۱۱]اینها را دستور بده و ۲:۳-۴
بیاموز.

نمونهٔ وفاداری

[۱۲]هیچ کس نباید جوانی تو را تحقیر تیط۲:۱۵
کند؛ بلکه برای ایمانداران در گفتار، در
رفتار، در محبت، در ایمان و در پاکی نمونه تیط۲:۷-۸
باش. [۱۳]تا وقتی که من بیایم به خواندن[r]،
به تشویق کردن و به آموزش دادن توّجه
کن. [۱۴]از فیضی[s] که در تو هست و بوسیله ۱:۱۸؛ ۲-تیمو۱:۶؛ اع۶:۶؛ ۸:۱۷
نبوّت با دست گذاری مجمع قدیمی ها[t] داده
شده است غفلت مکن. [۱۵]به اینها توّجه
کن، در این باره بکوش تا پیشرفت تو بر
همه ظاهر گردد.
[۱۶]به خودت و به آموزش توّجه کن و در

m- پولس اشاره به نیایش هایی می کند که قبل و بعد از صرف غذا انجام می دادند. در این نیایشها سخنانی از نوشته های مقدس ذکر می گردید. (ر.ک مز ۲۴:۱ و ۱-قرن ۱۰:۲۶).

n-در اینجا کلمهٔ خدمتگزار به معنی کلی آمده و منحصر به مفهوم شماس نیست.

o- کلمهٔ پارسایی ۱۵ بار در نوشته های عهد جدید آمده است: یک بار در اعمال رسولان (۳:۱۲)، چهار بار در دومین نامهٔ پطرس (۱:۳، ۶، ۷؛ ۳:۱۱) و ده بار در نامه های شبانی (۱-تیمو ۲:۲؛ ۳:۱۶؛ ۴:۷، ۸؛ ۶:۳، ۵، ۶، ۱۱؛ ۲-تیمو ۳:۵؛ تیط ۱:۱). به نظر یکی از صاحب نظران کلمهٔ پارسایی در نامه های شبانی به همان مفهومی است که پولس آن را زندگی در مسیح می نامد. مفسّران دیگری توّجه کرده اند که «در نامه های شبانی اخلاق به همان شدّت و قدرتی نیست که در نامه های بزرگ پولس ذکر و تشریح شده است».

p- در مجموعه نوشته های پولس تصاویر ورزش و مقایسه با آن زیاد بکار رفته است (غلا ۲ک۲؛ ۵:۷؛ ۱-قرن ۹:۲۴-۲۷؛ فی ۲:۱۶؛ ۳:۱۲-۱۴؛ ۲-تیمو ۴:۷؛ عبر ۱۲:۱). پولس مخالفتی با ورزش ندارد و فقط در اینجا می خواهد تفاوت بین تمرین ورزشی و اجرای پارسایی را یادآوری نماید.

q- ر.ک ۱:۱۵ k.

r- ترجمهٔ دیگر: خواندن نوشته های مقدس. منظور قرائت نوشته های مقدس است که در مجامع نیایشی عمومی در کنشت انجام می شده است (ر.ک لو ۴:۱۶-۲۱؛ اع ۱۳:۱۴-۱۶). بعضی از مفسران تصور می کنند که در اینجا اشاره نه فقط به قرائت متن هایی از عهد عتیق است بلکه قرائت نامه های پولس و نوشته های دیگر مسیحی هم می باشد.

s- موهبت فیض. در نامه های شبانی ۱-تیمو ۴:۱۴ و ۲-تیمو ۱:۶ این کلمه فقط در این دو مورد اعطای مقام روحانی بکار برده شده است.

t- این عبارت را می توان درک کرد: با دست گذاری برای ورود در بین مجمع قدیمی ها. در مورد دست گذاری و قدیمی ها ر.ک ۵:۱۷ d؛ ۵:۲۲ j.

آنها پایدار باش، زیرا با این عمل خودت و
کسانی را که به توگوش می‌دهند نجات
خواهی داد.

انواع مختلف ایمانداران

لاو۱۹:۳۲ **۵** [۱]پیرمرد را ملامت مکن، بلکه [او
را] به مانند پدری تشویق نما،
جوانان را به مانند برادران، [۲] [زنان]
مسنّ را به مانند مادران، [دختران] جوان[u]
را به مانند خواهران، با پاکی تمام.

بیوه‌زنان

[۳]به بیوه‌زنان، آنانکه حقیقتاً بیوه
هستند[v] احترام کن. [۴]اما اگر بیوه‌زنی
فرزندان یا نوادگانی دارد، باید بدواً یاد
بگیرند نسبت به خانوادهٔ خود با تقوی عمل
کنند و به والدین خود عوض بدهند؛ زیرا
این در حضور خدا، مورد قبول است. [۵]اما
آنکه حقیقتاً بیوه است و تنها مانده، به خدا ار۴۹:۱۱
امید دارد، و شب و روز به خواهش‌ها و لو۲:۳۷
نیایش‌ها ادامه می‌دهد. [۶]ولی آنکه در
عیّاشی زندگی می‌کند، [گرچه] زنده،
[امّا] مرده است. [۷]و اینها را دستور بده تا مکا۳:۱
ایشان بی سرزنش باشند. [۸]ولی اگر کسی
برای بستگان خود، مخصوصاً آنانکه از
خانهٔ او هستند مواظبت نمی‌کند، ایمان را
نفی کرده و از یک بی‌ایمان بدتر است.
[۹]بیوه‌زنی که کمتر از شصت سال نباشد و
یک شوهر کرده باشد[w]، ثبت نام[x]، شود.
[۱۰]در اعمال نیک شهرت داشته باشد، اگر
فرزندانی ببار آورده، اگر غریبان را
مهمان نوازی کرده، اگر پای مقدّسان را عبر۱۳:۲
شسته[y]، اگر رنج دیدگان را یاری کرده و اگر
به هر کار نیکی پرداخته باشد. [۱۱]امّا زنان
بیوهٔ جوان‌تر را مپذیر. زیرا وقتی سرکشی
ایشان را از مسیح جدا می‌نماید، می‌خواهند
ازدواج کنند، [۱۲]محکوم می‌شوند زیرا
ایمان اولیه را[z] از دست داده‌اند. [۱۳]و در
عین حال نیز بیکاره‌اند، یاد می‌گیرند از
خانه‌ای به خانه‌ای بروند. و نه فقط بیکاره
اند، بلکه نیز پُرگو هستند. و به هر کاری
دخالت کرده و چیزهای ناشایست می‌گویند. ۲-تسا۳:۱۱
[۱۴]پس می‌خواهم که [زنان] جوان ازدواج
کنند، فرزندانی بیاورند، خانهٔ خود را اداره
کنند و موقعیتی به خصم برای دشنام تیط۲:۸
ندهند[a]. [۱۵]زیرا قبلاً بعضی‌ها به دنبال

u- یا زنان جوان.
v- یعنی بیوه‌زنانی که از هرگونه کمک خانوادهٔ خود محروم هستند ٠ر.ک بندهای ۴-۵) و زندگی ناشایسته‌ای ندارند (ر.ک بند ۶).
w- ر.ک ۳:۲ a.
x- منظور ثبت نام بیوه‌زنانی است که کلیسا به ایشان کمک می‌کرده و ضمناً در جمعیت مسیحیان انجام بعضی خدمات را برعهده داشتند.
y- یکی از عادات و رسوم مهمانداری که در کتاب مقدس ذکر شده (ر.ک لو ۷:۴۴) و عیسی هم به‌عنوان سرمشق انجام داده بود (ر.ک یو ۱۳:۴-۵).
z- ترجمهٔ دیگر: تعهد اولیه خود را فسخ کرده‌اند یعنی از تصمیم خدمتگزاری به مسیح در جمعیت منصرف شده‌اند.
a- ترجمهٔ دیگر: فرصتی برای بدگویی خصم نباشد. در اینجا منظور از خصم یا مجموعهٔ دشمنان مسیحیت است و یا اینکه می‌توان کلمه خصم را به مفهوم شیطان تفسیر کرد.

شیطان منحرف شده اند. ۱۶اگر [زن]
ایمان داری[b] بیوه هایی [در خویشاوندی
خود] دارد، به آنان کمک کند و سربار به
کلیسا نباشند تا اینکه به بیوه زنان حقیقی
کمک نماید[c].

قدیمی ها

۱۷ قدیمی ها[d] که ریاست را به خوبی
انجام می دهند باید شایسته افتخار
مضاعفی[e] باشند مخصوصاً آنانکه در سخن[f]
و آموزش زحمت می کشند. ۱۸زیرا نوشته
[مقدس] می گوید:
به گاوی که گندم را می کوبد پوزه بند
نخواهی زد.
و کارگر سزاوار مزد خویش است[g].
۱۹علیه یک قدیمی اتهامی را نپذیر مگر
اینکه دو یا سه گواه باشد[h].
غلا۲:۱۴ ۲۰آنان را که گناه می کنند، در برابر همه
توبیخ کن، تا دیگران هم ترس داشته
باشند. ۲۱تو را در برابر خدا، مسیح عیسی
و فرشتگان برگزیده[i] سوگند می دهم که
اینها را بدون پیش داوری و یا جانب داری
مراعات کنی.
۲۲دست ها را به شتاب بر کسی مگذار[j] و
در گناه دیگران شریک مشو. خودت را
پاک نگهدار.
۲۳فقط آب نیاشام: بلکه به سبب معده و
ناتوانی های مکرّر، اندکی شراب مصرف
کن.
۲۴گناهان بعضی از مردمان پیش از
داوری آشکار است؛ در مورد دیگران نیز
بعداً معلوم می شود[k]. ۲۵همچنین اعمال
نیک هم [پیشاپیش] آشکارند و آنهایی که مت۵:۱۶
طور دیگری هستند [آشکار نیستند]، نمی
توانند پنهان بمانند.

بردگان

۶ ۱تمام آنان که به عنوان بردگان زیر تیط۲:۹-۱۰
یوغ هستند اربابان خود را شایسته
هر نوع احترام بدانند، تا نام خدا و آموزش روم۲:۲۴

b- ممکن است منظور زن ایمانداری باشد که خودش بیوه است. در بعضی از نسخه های خطی: اگر مرد ایماندار یا زن ایمانداری... در این صورت یادآوری دستوراتی است که در بندهای ۴ و ۸ ذکر شده است.
c- یعنی کلیسا بتواند به بیوه زنان حقیقی کمک نماید.
d- گرچه مهمترین وظیفه یک قدیمی (یا اسقف) ریاست و سرپرستی جمعیت مسیحیان بوده، با توجه به پایان این بند ملاحظه می شود که وظایف سخنرانی و آموزش را نیز انجام می داده اند.
e- یا پاداش مضاعفی باشند. ر.ک بند ۱۸.
f- ترجمهٔ دیگر: مخصوصاً آنان که در خدمت سخن و آموزش زحمت می کشند.
g- در این بند فقط نقل قول اولی از عهد عتیق گرفته شده است (تث ۲۵:۴؛ ر.ک ۱-قرن ۹:۹). نقل قول دوم از سخنان عیسی است (لو ۷:۱۰؛ ر.ک مت ۱۰:۱۰) که احتمالاً یک ضرب المثل عامیانه و شناخته شده را بیان کرده است.
h- تث ۶:۱۷؛ ۱۵:۱۹؛ ر.ک مت ۱۶:۱۸؛ ۲-قرن ۱:۱۳.
i- فرشتگان برگزیده درمقابل فرشتگان مغضوب آمده که سقوط کرده اند؛ ر.ک ۲-پطر ۴:۲؛ یهو ۶.
j- به نظر بعضی از مفسّران ممکن است این عمل در مورد فرد گناهکاری انجام شده که توبه کرده است. ولی در جاهای دیگر نامه های شبانی عمل دست گذاری در مورد تقدیس و تعیین کسی برای خدمت در کلیسا انجام می شود (ر.ک ۱۴:۴؛ ۲-تیمو ۶:۱) و در اینجا می توان به همین معنی درک نمود.
k- نکته ای که در این بند آمده در ادامه دستورات احتیاطی است که در بند ۲۲ ذکر شده است: بدین معنی در مورد کسی که برای خدمت انتخاب می شود نبایستی فقط به قضاوت ظاهری اکتفا نمود بلکه تشخیص و قضاوت صحیح مستلزم تحقیق و بررسی دقیق است.

بی‌حرمت نشود. ۲ و آنان که ارباب
ایمانداری دارند نبایستی ایشان را که
برادر هستند حقیر شمارند، بلکه به آنان
بیشتر خدمت کنند زیرا ایمانداران و
محبوبانی[l] هستند که از خدمت نیکوی
[ایشان] استفاده می‌نمایند[m].

پارسایی حقیقی

اینها را بیاموز و تشویق کن. ۳ اگر کسی
آموزش دیگری می‌دهد، و سخنان [صحیح] غلا۱:۸-۹
خداوند ما عیسی مسیح را و تعلیم مطابق ۱:۱۰؛ ۲-تیمو۱:۱۳
پارسایی را نپذیرد، ۴ بر اثر غرور [کور شده
است]، چیزی نمی‌داند، بلکه در مباحثات و
مجادلات بیمار است، که از آن ناشی
می‌شود: ستیزه، ناسزاها، بدگمانی‌ها،
۵ کشمکش‌ها بین کسانی که فراست ایشان
تباه شده، از حقیقت محروم مانده، و تصوّر ۲-تیمو۳:۸
می‌کنند که پارسایی منبع استفاده
است[mm]. ۶ با این همه پارسایی با قناعت
منبع سود بزرگی است[n]، ۷ زیرا ما چیزی به فی۴:۱۱-۱۲؛ عبر۱۳:۵
دنیا نیاورده‌ایم، [و] نمی‌توانیم چیزی حتی ایوب۱:۲۱؛ جا۵:۱۴
ببریم. ۸ اما اگر خوراک ها و پوشاک هایی
داریم، به اینها اکتفا خواهیم کرد. ۹ اما آنان
که می‌خواهند ثروتمند شوند در آزمون، در
هوس و دام امیال بسیار بی‌معنی و مضرّ می
افتند که آدمیان را در ویرانی و هلاک غرق
می‌کنند. ۱۰ زیرا ریشهٔ همه بدی‌ها پول
دوستی است[o]؛ بعضی‌ها که به آن تمایل
یافته‌اند، دور از ایمان گمراه شده‌اند و با
رنج های بسیار خود را سفتند.

بیان اصول ایمان

۱۱ باری تو، ای انسان خدا، از این چیزها غلا۵:۲۲؛ ۲-تیمو۲:۲۲؛
بگریز و عدالت، پارسایی، ایمان، محبّت، تیط۲:۲
شکیبایی و مهربانی بجوی. ۱۲ در راه ایمان ۲-تیمو۴:۷
مبارزهٔ خوبی بکن[oo]؛ و زندگی جاودانی را
که به آن خوانده شده‌ای برگیر، و نیز
اعتراف خوبی کرده‌ای[p] که در برابر
شاهدان زیادی اعتراف کرده‌ای. ۱۳ این را
در مقابل خدا سفارش می‌کنم که به همه
چیز زندگی داده است، و مسیح عیسی که در اع۱۷:۲۵
برابر پنطیوس پیلاطس با اعتراف نیکویی یو۱۸:۳۶-۳۷

l- این کلمه را می‌توان به دو نوع تفسیر و درک کرد: آنانکه محبوب (برادران) هستند یا اینکه محبوب (خدا) می‌باشند.

m- مفهوم دیگر این جمله: که کوشش دارند خوب رفتار کنند. پولس اکثراً در اندیشهٔ وضعیت و سرنوشت بردگان بوده است (۱-قرن ۷:۲۱-۲۴؛ غلا ۳:۲۸؛ افس ۶:۵-۹؛ کول ۳:۲۲-۲۵؛ تیط ۲:۹-۱۰؛ فیل ۱۰:۱۷؛ ر.ک ۱-پطر ۲:۱۸-۲۰).
پولس در اینجا بردگی را به عنوان نظم مستقر اجتماعی بشمار نمی‌آورد بلکه از وظیفه بردگان مسیحی در وضعیت موجود سخن می‌گوید. به طوری که یکی از دانشمندان نوشته است: آزادی که مسیح آورده «آزادی جسم» نیست. بلکه برده بایستی به طوری به ارباب خود خدمت نماید که نام عیسی شکوهمند گردد.

mm- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است.

n- برای کسی که به آنچه دارد راضی است. ترجمه تحت‌اللفظی: خودکفایی دارد. از زمان افلاطون خودکفایی حالت و وضعیت کسی محسوب می‌شده که از هرحیث به دیگران نیاز نداشته باشد و به آنچه دارد راضی باشد.

o- این جمله ضرب‌المثلی است که در ادبیات و نوشته های آن دوران معمول بوده و در اینجا پولس آن را تأیید می‌کند.

oo- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: مبارزه کن، مبارزهٔ زیبای ایمان.

p- شاید بیان اصول ایمان است که تیموتاؤس هنگام تعمید خود ذکر کرده است. گاهی ترجمه می‌کنند: و برای آن اعتراف ایمان خوبی که...

شـهـادت داده است[q]: [۱۴]این فـرمـان را
بی نقص و بدون عیب برای خودت نگهدار
تث۱۰:۱۷؛ ۲-مک۱۳:۴؛ مز۱۳۶:۳؛ مکا۱۷:۱۴ تا ظهور خداوند ما عیسی مسیح، [۱۵]که
[ظهور او را] در زمانهای معیّن[r]،
تنها فرمانروای متبارک، پادشاه
پادشاهان
و خداوند خداوندان نشان خواهد داد.
[۱۶]تنها او جاودانی است،
مز۱۰۴:۲ در روشنایی غیرقابل دسترس جای دارد،
خروج۳۳:۲۰؛ یو۱:۱۸ که هیچ انسانی ندیده و نتواند دید.
بر او افتخار و قدرت جاودانی باد.
آمین[s]!

اندرز به ثروتمندان

مز۶۲:۱۱؛ لو۱۲:۱۶-۲۱ [۱۷]به ثروتمندان دوران کنونی سفارش
کن که متکبّر نباشند، امید خود را در
ناپایداری ثروت نگذارند، بلکه در خدا
[گذارند] که همه چیز را به فراوانی داده
است تا از آنها بهره مند شویم؛ [۱۸] نیکی
کنند و در اعمال خیر غنی شوند؛ بخشنده
[و گشاده دست] و آماده تقسیم [با
دیگران] باشند[t]. [۱۹] برای خود بنیاد مت۶:۲۰
نیکویی برای آینده بنهند، تا از زندگی
حقیقی برخوردار شوند.

سلام پایانی

[۲۰]ای تیموتاؤس، این امانت[u] را
نگهدار، از گفتارهای بیهودهٔ بیحرمتی و از ۱:۶؛ تیط۱:۱۰
مخالفت های به ظاهر علمی[v] بپرهیز. [۲۱]که
بعضی ها اینها را اعلام کرده، از ایمان دور ۱:۶؛ ۲-تیمو۲:۱۸
شده اند.
فیض بر شما باد![vv]

q- تیموتاؤس در اعتراف ایمان خود از اظهارات عیسی در برابر پنطیوس پیلاطس سرمشق گرفته است (یو ۱۸:۳۶-۳۷).

r- در زمانهای معین یا در زمانهای خود (نظیر بند ۲:۶) یعنی موقعی که خدا، فرمانروای مطلق زمان و تاریخ بخواهد پسر خود را ظاهر سازد.

s- این جمله ها که در مدح و ستایش خدا است احتمالاً از مجموعهٔ نیایش هایی گرفته شده که در کنشت های دنیای یونانی معمول بوده است. اظهار سلطنت و فرمانروایی جهانی خدا (ر.ک تث ۱۰:۱۷؛ مز ۱۳۶:۳؛ ۲-مکا ۱۳:۴) مخالفت با آیین پرستش است که مشرکان نسبت به امپراتور انجام می‌دادند؛ اظهار و تأیید مقام والای خدا و اینکه غیرقابل دسترسی است درمقابل اظهارات پیروان عقاید گنوستیک است که مدّعی «شناخت» خدا بودند (ر.ک ۶:۲۰).

t- فعل یونانی که در این جمله بکار برده شده به معنی مشارکت و پیوند است. فرد مسیحی در نیازمندیهای برادر خود شرکت می نماید (ر.ک روم ۱۲:۱۳). مشارکت و همرأیی با دیگران یکی از مختصات جمعیت اولیه مسیحیان بوده است (اع ۲:۴۲-۴۴).

u- این امانت مجموعه پیام نیکویی است که مبنای ایمان مسیحی است. تیموتاؤس که خدمتگزار سخن است باید این امانت را درمقابل هرنوع عقاید و نظریات «به ظاهر علمی» حفظ نماید.

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: معرفت دروغین یا گنوسی دروغین. ر.ک مقدمه.

vv- در برخی نسخه ها، «آمین» آمده است.

دومین نامه به تیموتائوس

عنوان نامه و سلام

۱ [۱]از پولس، رسول مسیح عیسی، به
ارادهٔ خدا، برطبق وعدهٔ زندگی[a]
که در مسیح عیسی است؛ [۲]به تیموتاؤس، ۱-قرن۴:۱۷
فرزند محبوب: فیض، رحمت، صلح از
سوی خدای پدر و از مسیح عیسی خداوند
ما [باد]!

سپاسگزاری

[۳]خدا را سپاس می‌گذارم، و او را در
پیرو نیاکان [خود][b] با وجدانی پاک فی۳:۵
پرستش می‌کنم، وقتی که همواره در اع۲۳:۱؛ ۲۴:۱۶
نیایش‌های خود شب و روز تو را به یاد
می‌آورم، [۴]میل شدیدی به دیدن تو دارم،
اشکهای تو را بیاد می‌آورم[c]، تا از شادی
سرشار شوم. [۵]خاطرهٔ ایمان بی‌ریای تو را ۴:۹
به یاد می‌آورم، که بدواً در مادربزرگ تو اع۱۶:۱
لوئیس و در مادر تو افنیکی جای داشت، و
مطمئنم که در تو هم هست.

تشویق به مبارزهٔ صحیح برای انجیل

[۶]بدین سبب به تو یادآوری می‌کنم: که
موهبت خدا را[d] که به وسیلهٔ دست‌گذاری
من[e] در تو هست [بیشتر] بیفروزی. [۷]زیرا
خدا به ما روح ترس عطا نکرده است، بلکه روم۸:۱۵
[روح] قدرت و محبت و میانه روی را عطا
کرده است]. [۸]پس از گواهی به خداوند ما روم۱:۱۶
شرم نداشته باش، و نه از من که زنجیری او
هستم[f]، بلکه با من به‌خاطر انجیل رنج
بکش، برطبق قدرت خدا، [۹]که ما را نجات
داده و با ندای مقدّسی[g] فرا خوانده، نه
برطبق اعمال ما، بلکه برطبق مشیّت خود و افس۲:۸-۹؛ تیط۳:۵
فیضی که در مسیح عیسی پیش از روزگاران
جاودان به ما عطا کرده است، [۱۰]امّا اکنون تیط۲:۱۱؛ افس۱:۹-۱۰
ظهور[h] نجات‌دهندهٔ ما عیسی مسیح پدیدار
شده، که [از یک طرف] مرگ را از بین
برده و [از سوی دیگر] بوسیلهٔ انجیل، ۱-قرن۱۵: ۵۴-۵۷؛
زندگی و فسادناپذیری را درخشان کرده عبر۲:۱۴

a- یعنی پولس برطبق وعده زندگی رسول است و کلمات برطبق وعدهٔ زندگی مربوط به مشیّت خدا نمی‌شود.
b- این اظهار نشان می‌دهد که مسیحیت در ادامه یهودیگری است و ایمان به یک خدا مبنای این مداومت است.
c- منظور اشکهایی است که تیموتاؤس ریخته است در موقعی که پولس شهر افسس را ترک می‌کرده (ر.ک ۱-تیمو ۱:۳).
d- ر.ک ۱-تیمو ۴:۱۴ s.
e-اشاره به موقعی است که پولس به همراه مجمع قدیمی‌ها تیموتاؤس را برای مقام و مأموریتش تقدیس کرده بودند (۱-تیمو ۴:۱۴).
f- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: زندانی او. پولس به‌خاطر مسیح (برطبق ۱:۱۷، ر.ک مقدمه) در روم زندانی است. ر.ک افس ۳:۱؛ فیل ۱:۹.
g- این ندا مقدس است چونکه از سوی خدای مقدس می‌آید، زیرا ما را از دنیا جدا کرده و برای خدمت به این خدای مقدس به کنار می‌گذارد.
h- در اینجا این کلمه مربوط به نخستین ظهور مسیح و جسم گرفتن او است. در جاهای دیگر در مورد آمدن او و در واپسین روزگار هم بکار رفته است (ر.ک ۱-تیمو ۶:۱۴؛ ۲-تیمو ۴:۱، ۸؛ تیط ۲:۱۳).

۱-تیمو۷:۲ است، [۱۱]که بـرای آن، من [به عـنـوان]
منادی، رسول و معلّم تعیین شده ام. [۱۲]برای
سبب همین چیزها هم رنج می کشم[i]؛ اما
شرم ندارم، زیرا می دانم در چه کسی ایمان
دارم، و مطمئنم که قادر است امانت مرا[j] تا
به آن روز[k] نگه دارد.
۱-تیمو۳:۶ [۱۳]سرمشق بگیر از سخنان صحیحی که
در ایمان و محبت در مسیح عیسی از من
۱-تیمو۲۰:۶ شنیدی، [۱۴]این امانت نیکو را بوسیله روح
القدس که در ما جای دارد نگهدار.

گواهی بر وفاداری در محبّت

[۱۵]می دانی که همهٔ آسیایی ها از من
۱۶:۴ روگردان شده اند، در بین آنان فیجلس و
هرموجنس هستند.
[۱۶]خداوند بر خانهٔ انیسیفوروس[l] رحمت
کند، زیرا اکثراً مرا تازه کرد و از زنجیر من
شرم نداشته است؛ [۱۷]بلکه به رسیدن به
روم، با کوشش [زیاد] مرا جستجو کرده و
پیدا نموده است. [۱۸]خداوند به او عطا کند
که در آن روز به نزد خداوند[m] رحمت
یابد. و هرآنچه در افسس خدمت انجام
داده، تو بهتر می دانی.

سهم خود را از رنجها برگیر

۲ [۱]پس تو، ای فرزند من، در فیضی
که در مسیح عیسی هست خود را
تقویت کن؛ [۲]و آنچه را که از طریق
شاهدان[n] زیادی از من شنیده ای، به مردانی
وفادار بسپار که قادر باشند به دیگران هم
آموزش دهند. [۳]به مانند [یک] سرباز ۱-تیمو۱۰:۴
خوب مسیح عیسی، در رنج سهیم باش[o].
[۴]کسی که چون سرباز خدمت می کند، خود
را به امور زندگی گرفتار نمی نماید، تا
رضایت آنکه او را سپاهی ساخته جلب
کند، [۵]و همچنین اگر کسی مسابقه می ۱-قرن۲۵:۹
دهد، جایزه دریافت نمی کند[oo] اگر برطبق
مقررات مسابقه نداده باشد. [۶]کشاورزی که ۱-قرن۱۰-۷:۹
زحمت می کشد، باید بدواً سهم خود را از
میوه ها برگیرد. [۷]آنچه را که می گویم درک
کن، زیرا خداوند در همه چیز به تو فراست
خواهد داد.

مسیح از مرگ برخاسته را به یاد آر

[۸]از عیسی مسیح به یاد آر،
که از میان مردگان برخاسته،
از نسل داود است[p]،

اع۳۰:۱۳؛ روم۴:۱؛ ۱-قرن۲۰،۴:۱۵ مت۱:۱؛ روم۳:۱

i- رنج های دوران زندان. ر.ک بند ۸.
j- ترجمهٔ دیگر: امانتی که به من سپرده شده است. (ر.ک ۱-تیمو ۶: ۲۰ u). برطبق تفسیر دیگری ممکن است منظور امانتی باشد که پولس به مسیح سپرده است.
k- یعنی روز داوری. (آخرین روز). ر.ک ۸:۴.
l- فیجلس، هرموجنس و انیسیفوروس را نمی دانیم چه کسانی هستند. نام انیسیفوروس مجدداً در ۱۹:۴ ذکر شده است.
m- دوبار کلمه خداوند که در این بند آمده ممکن است مربوط به پدر و پسر باشد.
n- یا به تصدیق شاهدان، یا همچنین: در حضور و به تصدیق شاهدان. می توان درک کرد که تصدیق شاهدان متعدد، پیام پولس را تأیید و تقویت می نماید. یا اینکه به نظر تیموتاؤس، تصدیق و گواهی شاهدان دیگر منبع دیگری از پیام انجیل می باشد؛ زیرا تیموتاؤس غیر از پولس، از برنابا و از مادر و مادر بزرگ خود نیز آموزش فرا گرفته بود. از سوی دیگر پولس علاقمند بود اضافه بر گواهی خود، گواهی اعضای دیگر جمعیت را ذکر نماید (۱-قرن ۳:۱۵-۱۱).
o- یا سهم خود را از رنجها با من برگیر. ر.ک ۸:۱.
oo- ترجمهٔ تحت اللفظی: تاج افتخار نمی گیرد.
p- جزو بیان اصول ایمان است (ر.ک روم ۳:۱-۴) که منبع آن محافل مسیحی یهودی الاصل می باشد.

بـرطـبق انجیل من ۹که به‌خـاطـر آن رنج
افس۳:۱؛ فی۱:۱۲-۱۴ می‌کشم تا به‌جایی که همچون بدکاری در
بند هستم؛ امّا سخن خدا در بند نیست.
۱۰بدین سبب به‌خاطر برگزیدگان، همه چیز
کول۱:۲۴ را تحمّل می‌کنم، تا ایشان هم نجاتی را که
۱-تیمو۳:۱؛ ۴:۹ در مسیح عیسی است با شکوه جاودانی
تیط۳:۸ بدست آورند. ۱۱اینک سخنی مطمئن[q]:
روم۶:۵ زیرا اگر [در حقیقت] ما با او مرده‌ایم،
با او هم زندگی خواهیم کرد؛
روم۸:۱۷ ۱۲اگر هم با او پایداری می‌کنیم[r]،
با او هم فرمانروایی خواهیم کرد؛
مت۱۰:۳۳؛ لو۱۲:۹ اگر او را انکار کنیم،
او هم ما را انکار خواهد کرد؛
روم۳:۳-۴؛ ۱-قرن۱:۹ ۱۳اگر ما وفادار نباشیم،
او وفادار می‌ماند؛
اعد۲۳:۱۹؛ تیط۱:۲؛ عبر۶:۱۸ زیرا نمی‌تواند خود را انکار کند[s].

سخن حقیقت را به‌درستی عطا کردن

۱۴اینها را یادآوری کن، و در برابر خدا
حکم کن که در مورد کلمات جدال نکنند،
که فایده‌ای ندارد جز اینکه شنوندگان را
تباه سازد. ۱۵ شتاب کن که به حضور خدا
خود را [آدمی] مجرّب ارائه کنی، کارگری تیط۲:۷-۸
که شرمنده نیست و سخن حقیقت را
به‌درستی توزیع می‌کند. ۱۶و از
یاوه‌گویی‌های کفرآمیز بپرهیز: زیرا موجب ۱-تیمو۴:۷
افزونی بی‌دینی می‌شوند، ۱۷و سخن ایشان
به مانند قانقاریایی چراگاه خواهد داشت.
که از جمله هیمینائوس و فلیطس[t] هستند،
۱۸که از حقیقت گمراه شده‌اند، می‌گویند ۱-تیمو۶:۲۱
رستاخیز اینک روی داده است[u]، و ایمان
بعضی‌ها را دگرگون می‌کنند.

بنیادی که خدا گذاشته است

۱۹با این همه بنیاد محکمی[v] که خدا افس۲:۲۰
گذاشته پایدار است، و این مهر را دارد:
خداوندکسان خود را می‌شناسد؛ یو۱۰:۱۴؛ ۱-قرن۸:۳
و هرکه نام خداوند[vv] را می‌آورد، اش۲۶:۱۳ یونانی
از بی‌عدالتی دور می‌شود[w].
۲۰ اما در خانه‌ای بزرگ، فقط ظرف‌های اش۲۹:۱۶

q- ر.ک ۱-تیمو ۱:۱۵ k. سرودی که متعاقباً می‌آید در «مدح و ستایش شهید» است. فرد مسیحی که به هنگام تعمید در مرگ مسیح شرکت و همرأیی می‌کند (ر.ک روم ۶:۸) در نتیجه در زندگی مسیح برخاسته از مرگ شرکت خواهد داشت.

r- ترجمهٔ دیگر: اگر با او رنج می‌کشیم. که در اینجا به مفهوم: اگر با او مقاومت و پایداری می‌کنیم آمده است.

s- در اینجا برابری مصرع‌ها به هم خورده و قطع شده است. به نظر یکی از دانشمندان مسیحی «در مورد محبّت نجات‌دهنده، «استدلال و منطق از بین می‌رود.» و در ماوراء گناهکاران به وعده‌های خود وفادار می‌ماند.

t- نام هیمینائوس قبلاً در ۱-تیمو ۱:۲۰ آمده است؛ ولی فلیطس ناشناخته است.

u- به طوری که استنباط می‌شود هیمینائوس و فلیطس فقط رستاخیز روحانی در هنگام تعمید را می‌پذیرفتند (روم ۶:۱-۱۱؛ کول ۲:۱۲-۱۳؛ ۳:۱؛ افس ۲:۵) و منکر رستاخیز جسمانی بودند که امید مسیحیت است (یو ۱۱:۲۵). و مخصوصاً بدین سبب که رستاخیز جسمانی با افکار و عقاید فلسفی یونان تطبیق نمی‌کرد (ر.ک اع ۱۷:۳۲).

v- منظور از بنیاد محکم یا جمعیت مسیحیان افسس است که خیانت و انحراف‌های بخصوصی نمی‌توانست بنیاد آن را متزلزل سازد زیرا جزو کلیسا بود (۱-تیمو ۳:۱۵)، یا اینکه منظور مسیح و رسولان او است که پایهٔ این کلیسا بشمار می‌آید (۱-قرن ۳:۱۱؛ افس ۲:۲۰؛ مکا ۲۱:۱۴).

vv- در برخی نسخه‌ها، به جای «خداوند»، «مسیح» آمده است.

w- نقل قول اولی: خدا کسان خود را می‌شناسد (اعد ۱۶:۵) ابتکار خدا را یادآوری و تأیید می‌کند و نقل قول دوم (که نقل قول آزاد اعد ۱۶:۲۶ و افس ۲۶:۱۳ است) درمورد پاسخ آدمی تأکید می‌نماید. این دو گفتار به مانند مُهر مخصوصی صحّت و اصالت مبنایی را که خدا گذاشته است گواهی می‌کنند.

زرّین و سیمین وجود ندارد، بلکه چوبی و
سفالی هم هست؛ آنها برای تشریفات[ww] و
اینها برای [موارد] معمولی[x]. ۲۱پس اگر
کسی خود را از این چیزها پاک کند، ظرفی
برای افتخار خواهد بود، تقدیس شده، مفید
برای ارباب، و آماده برای هر عمل نیکو. ۱۷:۳

خادم خداوند

۲۲اما، از هوس های جوانی بگریز. و
عدالت، ایمان، محبت، صلح بجوی با آنان ۱-تیمو۶:۱۱؛ غلا۵:۲۲
که با دلی پاک خداوند را یاد می کنند. ۲۳و
از مباحثه های بی معنی و احمقانه را میپذیر؛ ۱-تیمو۱:۴؛ ۷:۴
چون که می دانی مشاجره ها تولید می کنند.
۲۴اما بردهٔ خداوند نبایستی مشاجره کند، ۱-تیمو۳:۲-۳؛ تیط۱:۷
بلکه نسبت به همه مهربان باشد، بتواند
آموزش دهد، بدی را تحمل نماید؛ ۲۵با
ملایمت به مخالفان آموزش دهد: شاید خدا
به ایشان توبه عطا کند، شناخت حقیقت را ۱-تیمو۲:۴
۲۶و به خود آیند، و از دام ابلیس که به
خواست او گرفتار شده بودند، خارج شوند.

کافران واپسین روزگار

۳ ۱اما این را بدان که در روزهای
واپسین زمان های دشواری فرا
خواهند رسید. ۲زیرا انسان ها خودپرست، ۱-تیمو۴:۱
پول دوست، لاف زن، مغرور، کفرگو، روم۱:۲۹-۳۱
سرکش نسبت به والدین، ناسپاس، ناپاک
خواهند بود، ۳بی عاطفه، سنگدل، غیبت گو،
ناپرهیزکار، بی رحم، متنفر از نیکی،
۴خیانت کار، گستاخ، مغرور، عیّاشی را
بیشتر از خدا دوست خواهند داشت، ۵ظاهر
پارسایی را نگهداشته، امّا قدرت[y] آن را مت۷:۱۵،۲۱؛ تیط۱:۱۶
انکار می کنند هم از آنان روگردان شو.
۶زیرا در بین ایشان کسانی هستند که به تیط۱:۱۱
خانه ها راه می یابند، ضعیفه هایی را که بار
گناهان داشته، مجذوب هوسهای گوناگون
هستند، اسیر می کنند، ۷آنان که همواره یاد
می گیرند و هرگز نمی توانند به شناخت ۲۵:۲
حقیقت برسند. ۸به همان گونه که ینیس و
یمبریس[z] با موسی مخالفت کردند، اینان هم
با حقیقت مخالفند، انسان هایی که فراست
ایشان فاسد شده و از نظر ایمان مردود ۱-تیمو۶:۵
هستند[a]. ۹امّا دیگر پیشرفت نخواهند کرد؛
زیرا جهالت ایشان بر همه آشکار خواهد شد
چنانکه نیز [در مورد آن دو مرد] شد.
۱۰باری تو، مرا پیروی کرده ای در
آموزش، رفتار، نیّت، ایمان، شکیبایی،
محبّت، استقامت، ۱۱شکنجه ها، رنج ها اع۱۳:۵۰؛ ۱۴:۵،۱۹
چنانکه در انطاکیه، در ایقونیه، در لستره [بر
من]رسید؛ چه شکنجه هایی که تحمّل کردم
و خداوند از همهٔ آنها مرا رهایی داد. ۱۲و
اما همهٔ آنان که می خواهند با پارسایی در یو۱۵:۲۰؛ اع۱۴:۲۲
مسیح عیسی زندگی کنند، شکنجه خواهند
شد. ۱۳امّا انسان های بد و حقّه باز از بد

ww- ترجمهٔ تحت اللفظی: آنها برای افتخار، اینها برای بدون افتخار.
x- در روم ۹:۲۱ پولس همین دو کلمه افتخار و بدون افتخار را برای مقایسه مشابهی بکار برده است.
y- یعنی نیروی تغییر حالتی که فرد مسیحی حقیقی در همرأیی با مسیح احساس می کند.
z- نامی که در احادیث یهود به جادوگران مصری قائل شده اند. ساحرانی که در سِفرِ خروج ذکر شده است (ر.ک خروج ۷:۱۱، ۲۲؛ و غیره).
a- ترجمهٔ دیگر: در ایمان ناپایدار هستند. یا از نظر ایمانی رانده شده اند.

بدتر خواهند شد، گمراه می‌کنند و
۲:۲ گمراهند[b]. ۱۴ امّا تو، در چیزهایی که
آموخته‌ای و معتقدی پایدار باش، چون
می‌دانی از که یاد گرفته‌ای[c]، ۱۵ و از کودکی
یو۵:۳۹ نوشته‌های مقدس را می‌شناسی؛ [اینها]
می‌توانند به تو حکمت برای نجات بدهند،
بوسیله ایمان در مسیح عیسی. ۱۶ هر نوشتهٔ
۲-پطر۱:۲۱ [مقدس]، الهام خدا[d] و مفید برای آموزش،
روم۱۵:۴ برای توبیخ، برای اصلاح [و] برای تأدیب
در عدالت است، ۱۷ تا انسان خدا کمال
۲:۲۱ یافته و برای هر کار نیک مجهّز گردد.

اعلام سخن خدا

۴ ۱ تو را سوگند می‌دهم در حضور خدا
اع۱۰:۴۲؛ ۱-پطر۴:۵ و مسیح عیسی که باید زندگان و
مردگان را داوری کند، و به ظهور او و
اع۲۰:۲۰،۳۱ ملکوت او: ۲ سخن را ندا بده، در موقع
مناسب و نامناسب آماده باشی، اصلاح کن،
۱-تیمو۴:۱ سرزنش و تشویق کن، با شکیبایی تمام و
آموزش. ۳ زیرا زمانی خواهد رسید که تعلیم
صحیح را تحمّل نخواهند کرد، بلکه برطبق
هوسهای خودشان و خارش گوش[e]، برای
خود معلمان بسیار خواهند گرفت. ۴ و [از
طرفی] گوش از حقیقت برگردانده، از طرف
دیگر به سوی افسانه‌ها برخواهند گشت. ۱-تیمو۴:۱
۵ امّا تو، در همه‌چیز هوشیار باش؛ رنج را
تحمّل کن؛ عمل [انتشار] انجیل را به‌جای
آر؛ خدمت خود را به تمامی انجام بده.

زمان عزیمت من فرا رسیده است

۶ زیرا من، هم‌اکنون ریخته می‌شوم[فدا فی۲:۱۷
می‌شوم]، و لحظهٔ رحلت من فرا رسیده
است[f]. ۷ به مبارزه خوب، مبارزه کرده‌ام، ۱-تیمو۱:۱۸؛ ۶:۱۲
[مسابقهٔ] دو را به پایان رسانده، ایمان را
حفظ کرده‌ام. ۸ از این پس تاج عدالت برایم ۱-قرن۹:۲۵؛ فی۳:۱۴؛
ذخیره شده، که در آن روز خداوند، داور یع۱:۱۲؛ ۱-پطر۵:۴؛
عادل، نه تنها به من خواهد داد، بلکه به مکا۲:۱۰
تمام آنان که محبت به ظهور او داشته‌اند. ۱-تیمو۶:۱۴

آخرین توصیه‌ها

۹ شتاب کن که زود به سوی من بیایی، ۱:۴
۱۰ زیرا دیماس به‌خاطر محبت دنیای کنونی
مرا ترک کرده و به تسالونیکی رفته است،
کریسکینس[g] به غلاطیه[h] و تیطس به ۲-قرن۸:۲۳؛ غلا۲:۳؛ تیط۱:۴

b- ترجمهٔ دیگر: دیگران را گول زده و خودشان گول خورده‌اند؛ که ممکن است خود یا بوسیلهٔ ابلیس گول خورده باشند.
c- اشاره به لوئیس و افنیکی (ر.ک ۱:۵) و خود پولس است.
d- هر نوشتهٔ [مقدس] الهام خدا است... منظور نوشته‌های عهد عتیق است (ر.ک بند ۱۵) و شاید بعضی از نوشته‌هایی است که در عهد جدید می‌یابیم (ر.ک ۱-تیمو ۵:۱۸ g).
e- به سبب خارش گوش یا برای اینکه گوشهای ایشان قلقلک شود. یعنی برای اینکه سخنانی بشنوند که مطابق با هوس‌های ایشان باشد.
f- پولس برای اینکه مرگ خود را اعلام کند دو تصویر بکار می‌برد که مطابق با طرز تفکّر او است زیرا قبلاً این تصاویر را در نامه به فیلیپیان بکار برده است. اولین تصویر ریختن و افشاندن بر روی قربانی است چنانکه در فی ۲:۱۷ ذکر شده است: بدین معنی همچنانکه شراب، آب یا روغن بر روی حیوانات قربانی شده می‌افشاندند (خروج ۲۰:۴۰؛ اعد ۲۸:۷)، خون او هم بر روی قربانی شهید او افشانده خواهد شد؛ تصویر دوم عزیمت او نظیر آنچه در فی ۱:۲۳ آمده است؛ کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده در مورد کشتی است موقعی که طنابهای مهار را قطع کرده و بادبان را برمی‌کشد تا به وسط دریا عزیمت نماید یا موقعی که سربازان چادرهای خود را جمع کرده و اردوگاهی را ترک کنند.
g- دیماس: ر.ک کول ۴:۱۴؛ فیل ۲۴؛ نام کریسکیس در جای دیگری نیامده است.
h- احتمالاً منظور کشور گُل (فرانسه امروزی) است، زیرا در دوران پولس و حتی قرن دوم میلادی نویسندگان یونانی کشور گُل را بنام غلاطیه می‌خواندند ولی سرزمینی را که امروزه بنام غلاطیه می‌شناسیم «غلاطیه‌ای که در آسیا است» می‌نامیدند.

دلماطیه. ۱۱تنها لوقا با من است. مارکوس
را با خود برداشته و بیاور، زیرا برای (کول۴:۱۴؛ فیل۲۴؛ اع۱۲:۱۲،۲۵؛ ۱۳:۱۳؛ ۱۵:۳۷-۳۹؛ کول۴:۱۰؛ فیل۲۴؛ اع۲۰:۴؛ افس۶:۲۱-۲۲؛ کول۴:۷-۸)
خدمت من سودمند است. ۱۲امّا تیخیکس[i]
را به افسس فرستادم.
۱۳ردایی را که در تروآس نزد کرپس
گذاشتم، وقت آمدن با خود بیاور، همچنین (اع۲۰:۶)
کتابها، مخصوصاً پارشمن ها را. (۱-تیمو۱:۲۰)
۱۴اسکندر مسگر[j] خیلی به من بدی کرد؛
خداوند برطبق اعمالش به او عوض خواهد
داد[k]. ۱۵تو هم از او بپرهیز، زیرا با سخنان
ما بشدّت مخالفت کرده است.
۱۶در [طی] اولین دفاع من، هیچکس از
من پشتیبانی نکرد، بلکه همه مرا ترک
کردند. مبادا به‌حساب ایشان گذاشته (۱:۱۵)
شود[l]! ۱۷امّا خداوند با من ایستاده و مرا
تقویت کرده است تا بوسیله من ندا [پیام] (مت۱۰:۱۹؛ کول۴:۳)
تحقق یابد و تمام امت ها آن را بشنوند. و (مز۲۲:۲۲؛)
من از دهان شیر رهایی یافته ام. (دان۶:۲۱)
۱۸خداوند مرا از هر عمل بدی رهایی
خواهد داد و برای ملکوت آسمانی خود (روم۱۶:۲۷)
نجات خواهد داد. شکوه بر او به روزگاران
روزگاران باد. آمین!

سلام‌های پایانی

۱۹به پریسکا و اکیلا[m] و خانواده
انیسیفوروس[n] سلام برسان. ۲۰ارستس[o] در
قرنتس مانده است؛ امّا تروفیمس[p] را
بیمار در میلیتس گذاشته ام.
۲۱شتاب کن پیش از زمستان بیایی.
افبوس و پوریس و لینس و کلادیه[q] و همه
برادران به تو سلام می کنند.
۲۲خداوند با روح تو باد! فیض بر شما
باد[r]! [rr]

i- ر.ک تیط ۳:۱۲ u.
j- ر.ک ۱-تیمو ۱:۲۰.
k- مز ۲۸:۴ یا ۶۲:۱۳. ر.ک مت ۱۶:۲۷ x.
l- این سخنان غم انگیز و دردناک که با آرامش اظهار می شود شاید آخرین صفحه ای است که پولس دیکته می کند و موضوع فرد عادلی را یادآوری می کند که همه او را ترک کرده اند و مرگ عیسی بر روی صلیب تصویر کامل آن است. امّا در اینجا هم نظیر وضعیت عیسی در عین تنهایی، خدا حضور دارد.
m- فرسکا و اکیلا: اع ۱۸:۲، ۱۸، ۲۶؛ روم ۱۶:۳؛ ۱-قرن ۱۶:۱۹. این زن و شوهر از عزیزترین دوستان پولس بودند. در اوضاع و شرایطی که نمی دانیم زندگی پولس را نجات داده بودند (روم ۱۶:۴).
n- نام انیسیفوروس قبلاً در ۱:۱۶ ذکر شده است.
o- ارستس: اع ۱۹:۲۲؛ روم ۱۶:۲۳.
p-تروفمیس اهل افسس بوده است: اع ۲۰:۴؛ ۲۱:۲۹.
q- این چهار نفر، که یکی از آنان زن است، اعضای کلیسای روم بوده و با تیموتاؤس در دوران نخستین زندان پولس آشنا شده بودند.
r- آخرین سخنان پولس است که بدست ما رسیده است.
rr- در برخی از نسخه ها، «آمین» آمده است.

نامه به تیطس

عنوان و سلام

روم۱:۱؛ فی۱:۱ **۱** ۱از پولس، بردهٔ خدا[a] و رسول عیسی
مسیح، به حسب ایمان برگزیدگان
خدا و شناخت حقیقت برطبق پارسایی،
۲برای زندگی جاودانی، آنچه خدایی که نمی
۲-تیمو۲:۱۳ تواند دروغ گوید پیش از روزگاران ازل
وعده کرده است، ۳ و او که، در زمانهای
اع۱:۷ معیّنی[b] سخن خود را ظاهر ساخته است، در
۱-تیمو۱:۱ پیامی که برطبق فرمان خدای نجات‌دهندهٔ ما
به من سپرده شده است.
۲-قرن۲:۱۳؛ ۸:۲۳؛ ۴به تیطس، فرزند واقعی من برطبق
غلا۲:۳؛ ۲-تیمو۴:۱۰ ایمان مشترک، فیض و صلح از سوی خدای
۱-تیمو۱:۲ پدر و مسیح عیسی، نجات‌دهندهٔ ما [باد][c].

سازمان کلیسای کریت

۵تو را بدین سبب در کریت گذاشتم، تا
آنچه باقیمانده را اصلاح نمایی[d] و در
شهر، قدیمی‌ها را[e] استوار کنی، چنانکه به
تو دستور داده‌ام.
۶ اگر کسی بی‌آلایش، شوهر یک زن
است[f]، فرزندان با ایمان دارد، متهم به
هرزگی و تمرّد نیست، ۷زیرا اسقف باید
به‌عنوان پیشکار خدا بی‌آلایش باشد: نه
گستاخ، نه خشمگیر، نه می‌خواره، نه
ستیزه‌جو، نه در پی سود شرم‌آور، ۸ بلکه
۱-تیمو۳:۲-۷؛ ۲-تیمو۲:۲۴-۲۶ مهمان نواز، خیرخواه، معتدل، عادل،
مقدس، خویشتن‌دار، ۹وابسته به سخن
۱-تیمو۱:۱۰؛ ۲-تیمو۴:۳؛ مطمئن و برطبق تعلیم، تا بتواند در تعلیم
تیط۲:۱ صحیح تشویق کند و مخالف گویان را ردّ
نماید.

معلمان دروغن

۱۰زیرا متمرّدان، یاوه سرایان و
فریبکاران نیز بسیار هستند، مخصوصاً در

a- ترجمهٔ دیگر: خدمتگزار خدا.
b- ترجمهٔ دیگر: در زمانهای معین شده یا در زمانهای خود ر.ک ۱-تیمو ۲:۶ t. خدا در زمانهای گذشته بوسیلهٔ پیامبرانش بارها سخن گفته بود (عبر ۱:۱). امّا در ظهور پسرش، سخن او به منتهای اوج می‌رسد (۱-قرن ۲:۷-۹؛ روم ۱۶:۲۵-۲۶؛ کول ۱:۲۶؛ افس ۳:۵-۹). وی سخنی است که سکوت خدا را درهم شکسته (ایگناتیوس اهل انطاکیه خطاب به ماگنزیان ۸:۱). «رازی را که در دورانهای ازلی در سکوت نگهداشته بود آشکار می‌کند (روم ۱۶:۲۵).
c- با اینکه این نامه خیلی مختصر و کوتاه است، عنوان نامه مفصل، متراکم و رسمی است و این نکته موجب شگفتی است (فقط در نامه به رومیان عنوان، مهم‌تر است). تصور می‌شود که پولس غیر از کلیسای کریت که تیطس آن را اداره می‌کند، این نامه را به کلیساهای دیگر نیز خطاب می‌نماید و می‌توانند این اصول را در سازمان دادن جمعیت‌های خود بکار برند (بند ۵). به طوری که می‌دانیم رسول علاقمند بوده است نامه‌های او از جمعیتی به جمعیت دیگر فرستاده شود (ر.ک ۴:۱۶).
d- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: تا به پایان برسانی ترتیب دادن آنچه باقی مانده است. پولس کسی است که «نهال می‌کارد» (۱-قرن ۳:۶؛ ۲-قرن ۱۰:۱۶؛ روم ۱۵:۲۰-۲۱). وی با اعلام پیام نیکو پایه‌های جمعیت را بنا می‌کند ولی ادامه کار و به پایان رساندن آن را به دیگران واگزار می‌نماید.
e- در مورد قدیمی‌ها و استیفان ر.ک ۱-تیمو ۳:۱ z.
f- ر.ک ۱-تیمو ۳:۲ a.

بین ختنه شدگان[g]. ۱۱که باید دهانشان را
بست[h]؛ آنانکه خانواده ها را زیر و رو ۲-تیمو۳:۶
می کنند، برای سود شرم آوری آنچه ۱-پطر۵:۲
نبایستی تعلیم می دهند. ۱۲یکی از ایشان
که پیامبر خودشان است گفته است:

اهالی کریت همیشه دروغگو،
حیوانهای پلید، شکم پرست تنبل
هستند[i].

۱۳این گواهی درست است. بدین دلیل
ایشان را به سختی توبیخ کن، تا در ایمان ۲-تیمو۴:۲
سالم باشند، ۱۴به داستانهای یهودی و ۱-تیمو۴:۷
دستورات افرادی که از حقیقت روگردانند،
وابسته نباشند.

۱۵برای پاکان همه چیز پاک است[j]، اما
برای آنانکه آلوده شده اند و برای
بی ایمانان هیچ چیز پاک نیست بلکه
فراست و وجدان ایشان هر دو آلوده شده
است. ۱۶اعتراف می کنند که خدا را ۲-تیمو۳:۵؛
می شناسند با این همه بوسیلهٔ اعمال [او ۱-یو۱:۶؛ ۴:۲
را] انکار می نمایند: منفور و متمرّد و برای
هر عمل نیک مردود هستند.

کهن سالان

۲ ۱امّا تو، آنچه برطبق تعلیم صحیح[jj] ۱-تیمو۱:۱۰؛ ۲-تیمو۴:۳؛
است بگو. ۲پیر[مردان][k]، متین، تیط۱:۹ ۱-تیمو۵:۱-۲
لایق، متعادل، صحیح در ایمان، در محبّت و ۱-تیمو۶:۱۱
در مقاومت[l] باشند؛

۳[زنان] پیر هم، در روش [زندگی] ۱-تیمو۳:۱۱
شایستهٔ امور مقدس، نه غیبت گو، نه اسیر
افراط در شراب [بلکه] معلّمان تعلیم خوب
۴تا به جوانان یاد دهند شوهر خود را دوست
بدارند، کودکان را دوست بدارند، ۵متعادل،
منزّه، خانه دار، نیکو، مطیع شوهران خود افس۵:۲۲؛ کول۳:۱۸
باشند تا سخن خدا بی حُرمت نشود[m].

جوانان

۶جوانان را هم تشویق کن که عاقلانه رفتار
کنند. ۷ [امّا] خودت را در همه چیز ۲-تسا۳:۷؛ ۱-تیمو۴:۱۲؛ ۱-پطر۵:۳

g- منظور یهودیان است. دشمنی ایشان نسبت به پولس بدین سبب بود که می خواستند کماکان مقررات و دستورات آیین یهود مراعات شود (ر.ک اع ۱۵:۱).

h- ترجمهٔ تحت اللفظی: باید به ایشان پوزه بند زد.

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: شکم های تنبل. این نقل قول از شاعری از اهالی کریت به نام اپیمنید کنوسُس است که در قرن چهارم پیش از میلاد می زیسته است. این اظهارات موهن و زننده با اندرزهای ملایم و ملاطفَت آمیزِ پولس در ۲-تیمو ۲:۲۴ داده است تطبیق نمی کند و می توان گفت عکس العمل رسول علیه فساد اخلاق معلمان دروغین است که برای کسب سودی شرم آور مطالبی آموزش می دهند که نبایستی بدهند (بند ۱۱).

j- این اصل از سخنان عیسی گرفته شده است که می گوید: اینک همه چیز برای شما پاک خواهد بود (لو ۱۱:۴۱) و پولس قبلاً در روم ۱۴:۲۰ نقل کرده است.

jj- کلمه یونانی که «صحیح» ترجمه شده و در بند ۲ (صحیح در ایمان) و بند ۸ (سخن صحیح) نیز آمده است به معنی تحت اللفظی «سالم» است که البته به مفهوم سلامت معنوی بکار برده شده است.

k- پولس وظایف افراد طبقات مختلف را تعیین می کند. ولی نبایستی چنین نتیجه گرفت که اصول اخلاقی مخصوصی برای زنان مسن وجود دارد و اصول دیگری برای جوانان است. فقط یک انجیل وجود دارد و هرکس برطبق وضعیت خود برابر آن زندگی می کند.

l- سه کلمه ایمان، امید و محبت را معمولاً با هم می آورد (۱-تسا ۱:۳؛ ۵:۸؛ ۱-قرن ۱۳:۷، ۱۳؛ روم ۵:۱-۵؛ کول ۱:۴، ۵). در اینجا نظیر ۲-تسا ۱:۳-۴ و ۱-تیمو ۶:۱۱ به جای امید، مقاومت آمده که یکی از جنبه های آن است.

m- کلمات در همه چیز یا مربوط به پایان بند ۶ است و یا مربوط به آغاز این بند است.

سرمشق اعمال نیک نشان بده: در تعلیم
[تو] بی فسادی، وقار [باشد]، [8]در سخن
۱-تیمو۵:۱۴ صحیح، بی سرزنش، تا مخالف شرمنده
۱-پطر۲:۱۵ شده نتواند بدی دربارهٔ ما بگوید.

بردگان

افس۶:۵-۸؛ ۱-تیمو۶:۱؛ ۱-پطر۲:۱۸ [9]بردگان اربابان خود را در همه چیز
اطاعت کرده، خوشایند بوده، مخالف گو
نباشند، [10]دزدی نکنند، بلکه ایمان نیکو
۱-تیمو۱:۱۰ را نشان دهند، تا عقیده به خدای
نجات دهنده ما را در همه چیز بیارایند.

ملّتی که از آن او است

[11]زیرا فیض خَدای نجات دهنده برای
همه انسان ها ظاهر شده است، [12]به ما
۱-یو۲:۱۶ آموزش داده تا به بی دینی و هوسهای دنیا
۱-قرن۱:۷؛ فی۳:۲۰؛ ۲-تیمو۴:۸ پشت پا زده، با فرزانگی و با عدالت و با
پارسایی در روزگار کنونی زندگی کنیم.
[13]در انتظار امید خوش[o]، و تظاهر شکوه
خدای بزرگ و نجات دهندهٔ ما، عیسی
غلا۱:۴؛ ۲:۲۰؛ ۱-تیمو۲:۶؛ مز۱۳۰:۸؛ خروج۱۹:۵؛ تث۴:۲۰؛ ۷:۶؛ ۱۴:۲؛ حزق۳۷:۲۳؛ ۱-پطر۲:۹؛ افس۲:۱۰؛ ۱-پطر۳:۱۳ مسیح باشیم[p]. [14]که خود را به خاطر ما
داده، تا ما را از هر بی عدالتی رهایی دهد و
برای خود مردمی برگزیده را پاک گرداند
که برای اعمال نیک کوشا باشد.
[15]از اینها، سخن بگو، تشویق کن و با
اقتدار تمام بازخواست کن. هیچ کس تو را
۱-تیمو۴:۱۲ تحقیر ننماید!

وظیفهٔ ایمانداران

روم۱۳:۱؛ ۱-پطر۲:۱۳؛ ۱-تیمو۲:۲ **۳** [1]به ایشان یادآوری کن که از رؤسا
و اولیای امور تبعیت کرده، اطاعت
نمایند، برای هرعمل نیک آماده باشند.
[2]به هیچ کس دشنام ندهند، ستیزه جو
فی۴:۵ نباشند، با گذشت باشند، در برابر همهٔ
آدمیان مهربانی نشان دهند.
۱-قرن۶:۱۱؛ افس۲:۲؛ ۵:۶ [3]زیرا ما هم در گذشته نادان، متمرّد و
گمراه بودیم، بردهٔ هوسها و امیال مختلف،
در شرارت و طمع زندگی می کردیم، بیزار
از یکدیگر متنفّر بودیم. [4]ولی هنگامی که
۳:۱؛ ۲:۱۱ نیکی و محبت نجات دهندهٔ ما، خدا نسبت
افس۲:۸-۹؛ ۲-تیمو۱:۹ به انسان ظاهر شد، [5]نه به سبب اعمال
عدالتی که ما انجام داده بودیم، بلکه برطبق
افس۵:۲۶ رحمت خود ما را با شست وشوی احیا[q] و نو
یو۳:۵ شدن روح القدس نجات داد، [6]که بوسیله
یول۲:۲۸؛ اع۲:۴؛ عیسی مسیح نجات دهندهٔ ما، به فراوانی بر
روم۳:۲۴ ما افشاند، [7]تا بوسیله فیض [او] به عدالت
روم۸:۱۷،۲۴ شناخته شده، برطبق امید وارث زندگی
جاودانی شویم[r].
۱-تیمو۱:۱۵ [8]این، سخن مطمئن است، و در این
موارد می خواهم قویاً تأکید کنی تا آنانکه به
خدا ایمان دارند در اندیشهٔ اعمال نیک
باشند. اینها برای انسان ها نیک و سودمند
است.
۲-تیمو۲:۱۴، ۱۶،۲۳ [9]امّا از مباحثات احمقانه، شجره نامه ها[s]،
جدالها دربارهٔ قانون بپرهیز: زیرا بی فایده

o- در اینجا به مفهوم چیزی است که فرد مسیحی انتظار دارد.
p- ترجمهٔ دیگر: و تظاهر شکوه خدای بزرگ ما و نجات دهنده عیسی مسیح باشیم. ولی به طوری که از ساختمان این عبارت در زبان یونانی و طرز بکار بردن کلمه تظاهر در نامه های شبانی برمی آید (ر.ک ۲-تیمو ۱:۱۰) متن ترجمه بالا مناسب تر و کاملاً در تأیید الوهیت مسیح است.
q- اشاره به تعمید است.
r- متن یونانی این عبارت را می توان به دو نوع تحت اللفظی خوانده و تفسیر نمود: وارث برطبق امید زندگی جاودانی یا وارث، برطبق امید، از زندگی جاودان.
s- ر.ک ۱-تیمو ۱:۴ e.

و باطل هستند. ۱۰ انسان بدعت‌گزار[t] را
پس از یکی، دو اخطار دور کن، ۱۱ زیرا
مت۱۸:۱۵-۱۷ می‌دانی که چنین موجودی فاسد است و
گناه می‌کند و محکوم است.

سفارش‌ها و سلام‌ها

۱۲ وقتی ارتیماس یا تیخیکس را به سوی
تو بفرستم[u]، سعی کن به سوی من به
نیکوپولیس[v] بیایی، زیرا تصمیم گرفته‌ام
زمستان را در آنجا بگذرانم.
۱۳ برای زیناس قانوندان و اپلس[w] با
کوشش وسایل مسافرت را آماده کن، تا
چیزی کم نداشته باشند. ۱۴ [افراد] ما هم
باید در اعمال خیر فرا گیرند که برای
احتیاجات ضروری ایستادگی کنند[x]، تا
بی‌ثمر نباشند.
۱۵ همه آنان که با منند به تو سلام
می‌کنند. به آنان که ما را در ایمان دوست
دارند سلام کن.
فیض بر همهٔ شما باد![xx]

t- کلمهٔ یونانی که بدعت‌گزار ترجمه شده است از ریشهٔ انتخاب کردن می‌آید و بدعت‌گزار کسی است که در بین حقایق فقط بعضی از آنها را انتخاب می‌کند و بدین طریق موجب انشعاب در کلیسا می‌شود.

u- نام ارتیماس، در نوشته های عهد جدید فقط در اینجا آمده است، ولی نام تیخکس قبلاً در ۲-تیمو ۴:۱۲ و همچنین در اع ۲۰:۴؛ افس ۶:۲۱؛ کول ۴:۷ ذکر شده است.

v- در دوران کهن چندین شهر به این نام خوانده می‌شد. نیکوپولیس که در این متن ذکر شده ممکن است شهری در ناحیه اِپیر در ساحل غربی شبه جزیره یونان باشد.

w- نام زیناس در جای دیگری از نوشته های عهد جدید نیامده است. در مورد اپلس ر.ک اع ۱۸:۲۴؛ ۱-قرن ۱:۱۲؛ ۳:۴-۶ و غیره.

x- منظور تأمین احتیاجات برادرانی است که فاقد وسایل ضروری بودند (ر.ک بند ۱۳).

xx- در برخی از نسخه ها، «آمین» آمده است.

پیشگفتار

نامه به فیلمون

از کلیه نامه هایی که از پولس در دست داریم، این نامه کوتاهترین آنها است. با این همه فقط یادداشت ساده ای نیست زیرا پولس در این نامه تمام رسوم نامه نگاری متداول آن دوران را رعایت کرده است. همچنین گرچه شخصی ترین نامه های پولس است با این همه نمی توان آن را «نامه ای خصوصی» بشمار آورد زیرا پولس آن را به «کلیسایی که در خانهٔ فیلمون جمع می شوند» نیز خطاب می نماید (بند ۲). آیا دلیل واقعی این نیست که در جسم مسیح امور شخصی، دیگر جنبهٔ خصوصی ندارند؟

احساسات و عواطفی که پولس در این نامه بیان می کند همواره موجب شگفتی بوده است. وی هرگز تا به این اندازه سعی نکرده است که مقام و اقتدارش به پیروان تحمیل نگردد. پولس در این نامه دستور نمی دهد بلکه استدعا می کند، پیشنهاد می نماید و چیزی را تحمیل نمی کند. به همین سبب «موریس گوگِل» این یادداشت را «شاهکار حقیقی ذوق و دل» توصیف کرده است. آنچه مسلم است پولس این نامه را از رم یا قیصریه نوشته و به هرصورت همزمان با نگارش نامه به کولسیان بوده است: در آن موقع پولس زندانی است (کول ۴:۳، ۱۰، ۱۸؛ فیل ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۸) و همان همراهان در پیرامون او هستند (کول ۴:۷-۱۴؛ فیل ۲۳-۲۴). ولی مخاطب این نامه را نمی شناسیم و نامش در جای دیگری نیامده است. ظاهراً یکی از اعضای مهم جمعیت مسیحیان کولسی بوده و جمعیت مذکور از موقعیت و نفوذ و ثروت او بهره مند بوده است. (بندهای ۵-۷). وی بوسیلهٔ پولس به مسیحیت گرویده و رسول این نکته را با ظرافت به او یادآوری می کند (بند ۱۹) و برای او اعتبار و احترام زیادی قائل است تا به جایی که او را «همکار محبوب» خود می داند (بند ۱).

اوضاع و شرایط در هنگام نوشتن نامه

اوضاع و شرایط در هنگام نوشتن نامه تا اندازه ای مبهم و تاریک است ولی با توجه به اشاره های مختلفی که پولس در این نامه می کند می توان وضعیتی مجسم و فرض نمود که نزدیک به حقیقت باشد.

اونیسیموس، بردهٔ فیلمون، بر اثر خطای مختصری از پیش ارباب خود فرار کرده است (بند ۱۸) و در اوضاع و شرایطی که گزارش نشده، پولس را ملاقات کرده، به او پیوسته و به مسیحیت گرویده است (بند ۱۰)، از سوی دیگر پولس هم به اونیسیموس علاقمند شده، او را نزد خود نگهداشته و همکار خود کرده

است چنانکه در نامه به کولسیان او را «برادر باوفا و محبوب» می‌خواند (۹:۴). ولی ادامهٔ این وضعیت دقیق و حساس است زیرا بدون اینکه موافقت فیلمون را جلب نماید و یا حتی به او اطلاع داده باشد بردهٔ فراری را به‌خدمت خود گرفته است و ممکن است فیلمون به سبب رفتار بی‌ملاحظهٔ پولس اعتماد خود را نسبت به او از دست بدهد. مضافاً بر اینکه از نظر قانونی و حقوق فردی، نگهداشتن یک بردهٔ فراری تخلف مهمی بوده، پولس در این مورد شریک جُرم بشمار می‌آید و امکان دارد اونیسیموس را تعقیب کرده، دستگیر نمایند و به عنف به نزد اربابش ببرند که مجاز است او را شدیداً تأدیب نماید. بدین سبب می‌توان درک کرد که چرا پولس تصمیم گرفته اونیسیموس را به نزد اربابش روانه کند. با این همه فقط به فرستادن او اکتفا نکرده بلکه این یادداشت را هم به فیلمون خطاب می‌نماید و خواهش می‌کند که بردهٔ خود را نه فقط به مانند «یک برادر محبوب» بپذیرد (بند ۱۶) بلکه مثل اینکه خود پولس است (بند ۱۷). پولس به صراحت درخواست نمی‌کند که اونیسیموس را آزاد نماید ولی شکی ندارد که فیلمون بیشتر از آنچه درخواست کرده است انجام خواهد داد (بند ۲۱)، و فیلمون باید درک کند که مفهوم کلمه «بیشتر» چیست. به هر صورت پولس به روشنی می‌فهماند که انتظار دارد اونیسیموس، اعم از اینکه آزاد بشود یا نشود به منظور خدمت انجیل به نزد او برگردانده شود.

ارزش نظریات عقیدتی نامه

گاهی تعجب می‌کنند از اینکه نامه‌ای «خصوصی» که چندان حاوی عقاید قاطع مذهبی نیست جزو نوشته‌های برحقّ کلیسا منظور شده باشد. ولی شاید کلیسای کهن این یادداشت را پذیرفته زیرا حاوی چیزی دربارهٔ وضع مسیحیت درمقابل بردگی است و این نکته را در جای دیگری نیافته است. این فرضیه را می‌توان پذیرفت ولی نباید تفسیر این نامه مختصر را به صورت رساله‌ای دربارهٔ «بردگی از نظر انجیل» درآورد. زیرا وقتی که پولس این نامه را می‌نوشت منظور او مورد معیّن و مخصوصی بود و بدین سبب در این، بیش از نامه‌های عقیدتی خود از روابط بین ارباب و برده سخن گفته است.

در قسمت‌های مختلفی که پولس در نامه‌های خود به روابط بین اربابان و بردگان می‌پردازد ممکن است با لحنی فاقد جرأت و صراحت جلوه نمایند (۱-قرن ۷:۲۰-۲۴؛ افس ۶:۵-۹؛ کول ۳:۲۲-۴:۱). شکی نیست که بردهٔ دنیای کهن در اظهارات این بندها، تأیید موقعیت بشری و مناعت خود را می‌یافته است. ولی پولس نظام بردگی را به طور اصولی نفی نمی‌نماید، گرچه با کمال جرأت اطمینان می‌دهد که در مسیح تمام مرزها از بین رفته است و دیگر «نه برده و نه آزاد» وجود دارد (غلا ۳:۲۸). به مسیحیان روم، چه بردگان و چه اربابان می‌نویسد: «محبت برادرانه، با علاقه و ارتباط مشترک شما را به یکدیگر پیوند دهد» (روم ۱۲:۱۰). و اطمینان می‌دهد که «در برابر خدا» و «در مسیح» در میان گروه برادرانه و مخصوصاً جمعیت نیایش کنندگان، تمام

ایمانداران برابر و برادرند. با این همه چنین می نماید که از نظر حقوق مدنی، خارج از جامعه مسیحیت و در زندگی مدنی هیچگونه نتیجه ای نمی گیرد.

البته منظور پولس دو وضعیت مختلف یعنی «در برابر خدا» و «در برابر آدمیان» است و اکثراً چنین درک و تفسیر کرده اند که به نظر پولس بردگی دو جنبهٔ کاملاً متمایز دارد. ولی در نامه به فیلمون این دو وضع از یکدیگر تفکیک نشده است. اگر پولس در جایی مستقیماً نگفته است اساس بردگی که در همه جا مرسوم است باید منسوخ گردد نمی توان ادعا کرد که می گوید برده باید همیشه برده باشد و در همان موقعیتی که در جامعه دارد باقی بماند چنانکه گویی این وضعیت از عالم بالا برایش تعیین گردیده است و نمی توان در آن تغییری قائل گردید. مفسّری بنام تئوپریس چنین استنباط کرده، می نویسد: «در حقیقت پولس به هیچ وجه این دو جنبه را در کنار هم قرار نمی دهد: زیرا حس برادری و وحدت در مسیح خیلی مهم تر و مؤثرتر از رابطهٔ برده و ارباب است و آن را از بین برده به طرز دیگری انجام می دهد. اونیسیموس نه فقط یک فرد برابر و یک عضو دیگر کلیسا محسوب خواهد شد بلکه عضو خانوادهٔ فیلمون و برادر او خواهد بود. بنابر این اثری از جنبهٔ تسلّط و سروری باقی نخواهد ماند و اونیسیموس برادر به معنی کامل کلمه خواهد بود». پولس یادآوری و تأکید می کند که فیلمون باید اونیسیموس را «به عنوان انسان و به عنوان مسیحی» (بند ۱۶) برادرانه بپذیرد.

تئوپرس همچنین می نویسد: «اگر عهد جدید به معنی امروزی کلمه انقلابی نیست از عقاید و رسوم کهن هم طرفداری نمی کند و محافظه کار نیست زیرا هر نظم اجتماعی را از هم گسیخته و با ترکیب و ساختمان این دنیا می داند.

اصالت نامه به فیلمون

اصالت این نامه به ندرت مورد تردید بوده است. مفسّری بنام پ. بنوا می گوید: نمی توان تصوّر کرد کس دیگری آن را نوشته باشد زیرا زبان او، شیوهٔ نگارش او و قلب او است. با این همه کسانی که بخواهند اصالت نامه به کولسیان را نفی نمایند مجبورند در مورد اصالت این نامه هم مشکوک باشند زیرا به طوری که دیدیم این دو نامه چنان به هم پیوسته اند که نمی توان دربارهٔ آنها نظریات مخالف و متفاوتی ابراز نمود.

نامه به فیلمون

کول۴:۱۰؛ فی۱:۷ ۱ پولس، زندانی مسیح عیسی[a]، و برادر
تیموتاؤس، به فیلمون محبوب و همکار ما،
روم۱۶:۵؛ کول۴:۱۵-۱۷ ۲و به اپفیه، خواهر ما، و به ارخپس، همرزم
ما، و به کلیسایی که در خانهٔ تو است[b]؛
۳فیض و صلح از سوی خدا، پدر ما، و
خداوند عیسی مسیح! بر شما [باد].
روم۱:۸ ۴خدای خود را همواره سپاس می گویم،
کول۱:۳،۴،۹ تو را در نیایش های خود یاد می کنم؛
۵[زیرا] می شنوم محبّت و ایمان تو را که
به خداوند عیسی و برای همه مقدسان
غلا۵:۶ داری[c]: ۶تا همرأیی تو در ایمان در
شناساندن همهٔ خوبی که در ما برای مسیح
هست مؤثر گردد[d]! ۷زیرا به سبب محبّت تو
شادی بزرگ و دلگرمی داشته ام، چون که،
۲۰:۱۲ ای برادر، قلب مقدّسان بوسیله تو تسکین
یافته است.
۸بدین سبب [با اینکه] اعتماد بسیاری
در مسیح دارم تا به تو آنچه شایسته است
دستور بدهم، ۹به خاطر محبت، ترجیحاً
درخواست می کنم، از جمله یکی مثل [من
درخواست می کند] پولس پیر که اکنون
زندانی مسیح عیسی هم هستم، ۱۰از تو
درخواست می کنم، در مورد اونیسیموس، ۱-قرن۴:۱۵؛ کول۴:۹
فرزندم که در زنجیرها او را آورده ام،
۱۱[آن که] قبلاً برای تو بی فایده بود، امّا
اکنون چه برای تو و چه برای من بسیار مفید
است[e]. ۱۲او را به نزد تو می فرستم، او که
قلب من است[f]، ۱۳من می خواستم او را نزد
خودم نگهدارم، تا به جای تو در زنجیرهای
انجیل[g] به من خدمت کند، ۱۴امّا
نمی خواستم بدون نظر تو کاری بکنم: تا
[این عمل] خیر تو مانند برطبق اجبار
نباشد بلکه به اختیار [باشد]. ۱۵زیرا
شاید بدین سبب او مدّتی از تو جدا شده تا

a- پولس زندانی است ولی خود را در دست های مسیح می داند (۹، ۱۳، ۲۳). به نظر او زندانی شدنش واقعه ای تصادفی نیست بلکه قسمتی از مأموریت رسالت او است و شرکت او در رنجهای مسیح است (کول ۱:۲۴) و در نتیجه مفهوم پیروزی را دارد.

b- در آغاز مسیحیت، جمعیت مسیحیان در خانهٔ یکی از افراد سرشناس مسیحی تشکیل می گردید. تصور می رود که اپفیه همسر فیلمون و ارخپس پسر ایشان بوده و این شخص ظاهراً وظیفه ای در کلیسای کولسی انجام می داده است (کول ۴:۱۷). به هرصورت با توّجه به نقشی که فیلمون دارد، رفتار او نسبت به بردهٔ فراری نتایج مهم و مخصوصی برای گواهی مسیحیت داشته است.

c- در این عبارت: «محبت (قبل از ایمان) و ایمان به خداوند عیسی و برای همه مقدسان داری» ظاهراً پولس می خواهد یادآوری و تأکید نماید که رفتار نسبت به خداوند مستلزم آن است که همان رفتار را نسبت به برادران داشته باشند.

d- ترجمهٔ تحت اللفظی: باشد که همرأیی ایمان تو مؤثر باشد در شناخت هر نیکی در ما. عبارتی دشوار است پولس امیدوار است که ایمان فیلمون (که بر اثر محبت عمل می کند) برای همه مسیحیان نشانهٔ مؤثر زندگی نوی باشد که از انجیل حاصل می گردد و بدین گونه برای اشاعه انجیل بکار رود.

e- در این عبارت هنر تجنیس بکار برده شده زیرا در زبان یونانی اونیسیموس به معنی مفید است.

f- در بعضی از نسخه های خطی چنین است: او را به نزد تو می فرستم، و تو، به مانند قلب خودم بپذیر.

g- ترجمهٔ دیگر: در زندانی که به سبب انجیل در آن افتاده ام. (ر.ک بند ۱ a).

۱-قرن‌۷:۲۲؛ او را برای همیشه بپذیری، ۱۶نه به‌عنوان
یک برده، بلکه بیشتر از یک برده، یک
برادر محبوب، خیلی بیشتر برای من و بلکه
چقدر بیشتر برای تو، چه در جسم[تن] و
[چه] در خداوند[h]!
روم‌۱۵:۷ ۱۷پس اگر مرا شریک خود می‌دانی[i]، او
را بپذیر چنانکه من هستم. ۱۸اما اگر
خطایی به تو کرده است یا وامی دارد، آن را
غلا۶:۱۱ به‌حساب من بگذار؛ ۱۹من، پولس، بدست
خود نوشتم[j]: خودم خواهم پرداخت. تا
نگویم به تو که خود را هم به من
بدهکاری[k]. ۲۰آری، ای برادر، من می‌توانم
از تو خدمتی در خداوند بپذیرم؛ در مسیح
قلب مرا تسکین بده. ۲۱با اطمینانی که به
اطاعت تو دارم به تو نوشتم، نیز می‌دانم که
بیشتر از آنچه می‌گویم خواهی کرد. ۱-تیمو۶:۲
۲۲همچنین برای من مسکنی آماده کن،
زیرا امیدوارم به نیایشهای شما، به شما
بخشیده شوم. ۲۳اپفراس، هم‌زندان من در کول۱:۷؛ ۴:۱۲
مسیح عیسی، به تو سلام می‌کنند. اع۱۲:۱۲؛ ۲۷:۲؛
۲۴مارکوس، اریسترخوس، دیماس، لوقا، کول۴:۱۴؛ ۲-تیمو۴:۱۱
همکاران من [سلام می‌کنند]. ۲۵فیض
خداوند عیسی مسیح با روح شما باد[l]!

h- ترجمهٔ دیگر: هم به‌عنوان یک انسان و هم به‌عنوان یک مسیحی. پولس از فیلمون درخواست می‌کند که اونیسیموس را از نظر ایمانی همچون برادری بداند و از تنبیه او چنانکه قانوناً مجاز است نیز صرف نظر نماید. بدین سان انجیل به طور ضمنی مخالف با اساس بردگی است.

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: پس اگر تو مرا در همرأیی (با خودت) ملاحظه می‌کنی.

j- با اینکه پولس معمولاً نامه‌های خود را دیکته می‌کند (روم ۱۶:۲۲ x)، در اینجا ان چند کلمه را بدست خودش می‌نویسد تا بر اهمیت تعهد خود تأکید نماید.

k- فیلمون بوسیله پولس به مسیحیت گرویده است. وی دیگر به خودش تعلق ندارد و نمی‌تواند چیزی را از انجیل و پیام‌آور انجیل امتناع نماید.

l- ترجمهٔ دیگر: فیض خداوند عیسی مسیح با شما باد! کلمهٔ یونانی که در متن بالا روح ترجمه شده است در اینجا به مفهوم انسانی است که از مسئولیت‌های خود نسبت به خدا و نسبت به برادرانش آگاه است.

پیشگفتار

نامه به عبرانیان

نامه به عبرانیان ممکن است خوانندهٔ امروزی را دچار شگفتی نماید زیرا کسی که این نامه را می‌خواند گاهی احساس تحسین و ستایش می‌کند و زمانی دچار حیرت می‌شود.

در قسمت‌هایی از این نامه انبوهی نظریات مذهبی به اندازه‌ای است و چنان عمیقاً جنبه انسانی دارند که آدمی ناچار به تحسین می‌شود. نویسنده با عبارات و اصطلاحات بی‌نظیر، مقام والای مسیح را اعلام می‌کند و درعین‌حال اتحاد و همبستگی عیسی را با «برادرانش» بیان می‌نماید. آشنایی عمیقی که نویسنده از نوشته‌های عهدعتیق دارد. در هر سطر این نامه به‌چشم می‌خورد و پند و موعظه‌های او از محبت و علاقه‌اش به کلیسا سرچشمه می‌گیرند.

با این همه بعضی از جنبه‌های این نامه موجب حیرت است: مثلاً نویسنده قسمت زیادی از نامه را به ذکر مراسم مذهبی کهن و قربانیهای حیوانات تخصیص داده و از سوی دیگر با مهارت فکری، متن‌ها و وقایع را به روش رمز و اشاره تفسیر می‌کند تا تلقین نماید که بین حقایق زمینی و نمونه‌های آسمانی، بین وقایع تاریخی و ابدیت الهی روابطی وجود دارد. بسیاری از خوانندگان با خواندن این مطالب احساس می‌کنند سردرگم شده‌اند و اگر برای درک مطلب بخواهند مجدداً متن را خوانده و دقیقاً بررسی نمایند، شیوهٔ نگارش جذّاب نامه بر دشواریهای آنان می‌افزاید.

وانگهی حتی منشأ و منبع این اثر، مسایل پیچیده‌ای ایجاد می‌کند و از همان قرون اولیه میلادی بحث‌ها و تردیدهایی به وجود آورده است و این بحث و مجادله‌ها در دوران پیدایش نهضت پروتستان از سر گرفته شده و تشدید گردیده است زیرا می‌پرسیدند: این نامه از چه کسی است؟ آیا می‌توان آن را به نام پولس رسول منسوب نمود یا خیر؟ به‌چه دلیل خیلی کم به نامه‌های طولانی پولس شباهت دارد؟ به چه کسی خطاب شده و در چه موقعیتی بوده است؟ آیا واقعاً یک نامه رسولی است؟

پیش از آنکه مطالب ارزشمند این نوشته ذکر شده و سریعاً بررسی گردد لازم است بدواً این سؤال‌ها مورد توجه قرار گیرد.

بحث دربارهٔ منشأ نامه به عبرانیان

در مدّت چهار قرن اولیه میلادی، در وضعیت نامه به عبرانیان مرتباً تغییراتی حاصل شده بود و باید یادآوری شود که در این مورد موقعیت کلیساهای شرقی و کلیساهای غربی متفاوت بود.

در کلیساهای شرق همواره نامه به عبرانیان را به‌عنوان یکی از نامه‌های پولس پذیرفته

بودند ولی این نظریه و سنّت قاطع مانع از آن نبود که مفسّران قدیمی به تفاوتهای این نامه با نامه های دیگر پولس توجه نکرده باشند.

برای توضیح و توجیه این تفاوتها، کلمنت اسکندرانی نامه به عبرانیان را به عنوان متنی ارائه می کند که پولس به زبان عبری نوشته است و سپس آن را به زبان یونانی برگردانده و تلفیق داده اند (ر.ک تاریخ مذهبی به قلم اوزبیوس جلد ۶؛ ۱۲:۴). وی تصور می کند که در این نامه روشِ نگارشِ لوقا را تشخیص داده است. اندکی بعد، اوریجن تفاوت نامه به عبرانیان را با سایر نامه های پولس بیشتر تشخیص داده و چنین توضیح می دهد: افکار و نظریاتی که در این نامه ذکر شده شایسته و در ردیف افکار پولس رسول است ولی روشن است که انشاء نامه از او نیست؛ بلکه نامه به عبرانیان اثر یکی از شاگردان پولس است که آموزشهای او را با امانت ولی به روش خود بیان کرده است. امّا در اینکه این شاگرد چه کسی است؟ اوریجن اعتراف می کند که نمی داند (ر.ک همان کتاب جلد ۶؛ ۲۵:۱۱-۱۳). و با اینکه این نکته را نمی داند تغییری در عقیده خود نداده و کماکان این متن را جزو نوشته های مقدس می شمارد مفسران دیگر کلیساهای شرقی، توجهی به جنبهٔ ادبی نامه نداشتند و با توجه به سنت کلیساهای خود، پذیرفته بودند که این نامه اثر پولس رسول است.

وضع کلیساهای غربی فرق داشت. بدین معنی که گرچه از پایان قرن اول میلادی این نامه را می شناختند زیرا در نامهٔ مشهوری که کلمنت اسقف رم به کلیسای قرنتس نوشته بود ظاهراً از این نامه استفاده شده است. با این همه آن را بدون اشکال نپذیرفته بودند و به سبب تردیدهایی که در انتساب نامه به پولس وجود داشت در پذیرفتن آن به عنوان یک نوشتهٔ الهامی مردد بودند و چون بعضی از فرقه ها از مطالب این نامه استفاده می کردند مزید بر این سؤظن می گردید؛ توضیح اینکه به فصل هفتم نامه استناد می کردند تا در مورد ملکیصدق برای اثبات نظریات خود بهره برداری های عجیبی نمایند ضمناً کسانی که در عقاید خود سخت گیر بودند به مفاد عبر ۶:۴-۶ و ۲۶:۱۰ استناد کرده و نمی پذیرفتند مسیحیانی که در دوران تعقیب و شکنجه ها از مسیحیت روگردان شده اند بخشیده شوند. طرفداران عقاید آریوس به بند ۲:۳ این نامه استناد می نمودند تا ثابت کنند که «سخن» یک مخلوق است. بنا بر گواهی فیلاستر اهل برشیا (ر.ک مجموعه متون پدران لاتینی کلیسا گردآوردهٔ مینی: جلد ۱۲) به تمام این دلایل در پایان قرن چهارم میلادی نامه به عبرانیان را در کلیساها قرائت نمی کردند. از سوی دیگر جروم قدیس متوجه شده بود که رومیان این نامه را منسوب به پولس رسول نمی دانند (کتاب مردان مشهور رُم؛ ۵۹) وانگهی خودش برای تعیین هویت نویسندهٔ نامه چندان اهمیتی قایل نبود.

به نظر او سنت کلیساهای یونانی که همواره این نامه را جزو نوشته های الهامی پذیرفته بودند تضمین قاطعی بشمار می رفت. نظر آگوستین قدیس نیز چنین بود (ر.ک کتاب پاداش گناهان و تعمید کودکان ۵۰:۱). فهرست «نوشته های مقدس» که در پایان قرن چهارم میلادی تنظیم و مقرر گردید به این بحث ها و تردیدها پایان داد زیرا نامه

به عبرانیان صریحاً جزو این فهرست منظور شده بود ولی چون در فهرست مذکور، این نامه جزو نامه های پولس در یک جا قرار گرفته بود، انتساب این نامه به پولس بیشتر مورد توجه قرار گرفته و تأیید می گردید. در قرون وسطی در «تفسیر معمولی کتاب مقدس» وضعیتی نزدیک به نظریه کلمنت اسکندرانی را پذیرفت: بدین معنی که نامه به عبرانیان اثر پولس رسول است که لوقا پس از مرگ رسول آن را با امانت به یونانی ترجمه کرده است.

در دوران آغاز نهضت پروتستان

پس از پایان قرون وسطی و در آغاز رنسانس بحث و بررسی در این مورد از سر گرفته شد. انعکاسی از این مباحثه ها در تفسیری است که لوتر در سالهای ۱۵۱۷-۱۵۱۸ از نامه به عبرانیان کرده است، در همان سالی که اعلامیه ویتنبرگ را منتشر نمود. وی توضیح می دهد که این متن از پولس رسول است و حتی در آن نظریه اساسی پولس را تشخیص داده می نویسد: «این نامه پولس درمقابل افتخار به عدالت بشری که برطبق قوانین یهود باشد از فیض الهی ستایش می کند.» ولی به عبارتی نظیر عبر ۳:۲ توجه را جلب می نماید که نویسنده نامه ذکر می کند انجیل را بوسیله شاگردان عیسی دریافت کرده است و «دلیل محکمی» است بر این که نامه از آن پولس نباشد زیرا پولس در نامه به غلاطیان به طرز دیگری سخن می گوید. برعکس لوتر در بند ۱۹:۱۳ دلیل دیگری می بیند که در تأیید انتساب نامه به پولس است زیرا از زندانی شدن خود یاد کرده است.

چند سال بعد، هنگامی که لوتر ترجمهٔ عهد جدید را ارائه می کند، موقعیت خود را در مورد نامه به عبرانیان چنین توصیف و تعیین می نماید: «این نامه اثر پولس نیست و اثر هیچ یک از رسولان هم نیست با این همه نویسندهٔ گمنام نامه با مهارت بسیار از مفاد نوشته های مقدس استفاده کرده است». ولی به عقیدهٔ لوتر چند قسمت از این نامه دشواریهایی ایجاد می نمایند: مثلاً نویسنده امکان گرایش کسانی را که پس از تعمید در گناه می افتند نمی پذیرد (۶:۴-۶؛ ۱۰:۲۶؛ ۱۲:۱۷). آنگاه لوتر چنین نظر می دهد که نامه عبرانیان مجموعهٔ قطعات مختلفی است که از منابع متعدد گردآورده اند.

کالوَن در مورد این نامه نظر مخالفی ابراز نمی کند و می گوید که مسلماً نامه به عبرانیان جزو نوشته های مقدس رسولان است و اظهار می کند که اگر در گذشته، اصالت نامه مورد تردید قرار گرفته است بر اثر عمل شیطان بوده است. با این همه آن را اثر پولس قدیس نمی شمارد.

بعداً مفسران پروتستان عقاید و نظریات مختلفی ابراز کردند و در قرن هفدهم میلادی مجدداً نظریه انتساب نامه به پولس تقریباً به اتفاق آراء پذیرفته شد، سپس نظریه مخالف قوت گرفت.

دانشمندان علوم الهی کاتولیک که بیشتر وابسته به گواهی احادیث بودند به دفاع از انتساب نامه به پولس پرداختند. با این همه لازم به یادآوری است که انجمن علمای مذهبی ترنت نپذیرفت در مورد صحت انتساب نامه به پولس صریحاً اظهار نظر نماید. و این نکته موجب گردید که بعضی از مفسران کاتولیک (مثلاً استیوس) از این نظر پشتیبانی نمایند

که یکی از شاگردان پولس نویسندهٔ این نامه شگفت انگیز و استثنایی است. در آغاز قرن بیستم، کمیسیون کتاب مقدس رُم پس از بحث و مذاکره، کاتولیک ها را منع می کرد از اینکه انتساب نامه را به پولس نفی کنند ولی می توانستند دربارهٔ انتساب انشاء نامه به کس دیگری سخن گویند. مفسّران جدیدتر کاتولیک موضوع انتساب نامه را به پولس به مفهوم وسیع تری درک می کنند: مثلاً یکی از برجسته ترین مفسران معتقد است که این نامه را آپولس پس از شهید شدن پولس تهیه و تنظیم کرده است (س. اسپیک، نامه به عبرانیان، جلد ۱، صفحه های ۲۶۰-۲۶۱).

موضوع اصالت نامه

در حقیقت دلایل متعددی وجود دارد که مخالف با انتساب این نامه به پولس است. روش کلی نامه به عبرانیان با روحیه و اخلاق پولس رسول تطبیق نمی کند. شیوهٔ نگارش خیلی آرام و ملایم است، انشاء نامه خیلی منظم است و نویسنده کاملاً خود را به کنار کشیده و از شخصیت خود چیزی نمی گوید (ر.ک ۳:۲)، و می توان ملاحظه کرد که در انتخاب کلمات، طرز بکار بردن آنها، و حتی طرز درک و استنباط راز مسیح تفاوت های متعددی وجود دارد.

اصطلاحاتی نظیر «مسیح عیسی» یا «در مسیح» که در نوشته های پولس فراوان است در این نامه یافت نمی شود. قسمت هایی از عهد عتیق که در این نامه آمده است هیچ وقت به عنوان «نوشته های مقدس» (یا «نوشته شده» یا «نوشته مقدس می گوید») ذکر نمی شود بلکه نویسنده با عنوان «سخنان» (یا «می گوید») نقل می کند. در این نامه همواره سخن از جلوس و تاجگزاری آسمانی مسیح است و فقط یک بار درباره برخاستن از میان مردگان (۲۰:۳) می باشد ولی در این مورد هم عبارات معمولی بکار برده نشده است. بالاخره نحوهٔ ارائه مسیح به عنوان کاهن در این نامه منحصر به فرد است و در سایر نوشته های عهد جدید وجود ندارد. خلاصه نویسندهٔ این نامه شخصیتی است که خیلی با پولس رسول تفاوت دارد.

بعضی از مفسران حتی فراتر رفته و اظهار کرده اند که محتوای این نامه با افکار و نظریات پولس ارتباطی ندارد که البته اظهاراتی مبالغه آمیز است زیرا می توان ملاحظه کرد در موارد متعدد و مهمّی بین نامه به عبرانیان و نظریات مذهبی پولس بستگی وجود دارد: ۱- در این نامه مصائب و مصلوب شدن مسیح به صورت اطاعت داوطلبانه ارائه شده است، عبر ۸:۵ و ۹:۱۰ نظیر فی ۸:۲ و روم ۱۹:۵. ۲- در این نامه بی تأثیر بودن قوانین کهن و الغاء آنها به شدّت تأیید شده است. عبر ۹:۷-۱۱ و ۱:۱۰-۱۰ که قابل مقایسه با غلا ۲۱:۳-۲۵ یا روم ۱۵:۴؛ ۲۰:۵ نیست و در هیچ کاری از نوشته های عهد جدید موضوع به این صراحت اعلام نشده است. ۳- متقابلاً در نامه های دیگر پولس (۱-قرن ۷:۵؛ روم ۲۵:۳ و مخصوصاً افس ۲:۵) با موضوع اصلی نامه به عبرانیان نکات مشابه وابستگی دارد. مقایسهٔ غلا ۲۰:۲ و افس ۲:۵، ۲۵ به خوبی نشان می دهد که چگونه جنبهٔ قربانی و کاهنی بازخرید تدریجاً در محافل وابسته به پولس تشریح شده و توضیح داده شده است.

۴- بالاخره می توان ملاحظه کرد که در

مورد شناخت مسیح، نزدیکی و وابستگی زیادی بین نامه به عبرانیان و نامه های دوران زندان پولس وجود دارد: مثلاً پسر تصویر خدا است، بالا رفتن او برتر از فرشتگان، نامی که پس از قربانی شدن دریافت می کند. با تمام این ملاحظات مهم و اساسی نمی توان سنت کلیساهای شرقی را نادیده گرفت که این نامه را اثر پولس می دانند. بلکه باید پذیرفت که نامه به عبرانیان بوسیله یکی از همراهان پولس انشاء شده است.

امّا در مورد تعیین نام نویسنده نمی توان چیزی گفت زیرا در احادیث کهن هم در بین فرضیه های مختلف تردید داشته اند مثلاً نام های لوقا، کلمنت رُم یا برنابا را پیشنهاد می کردند درصورتی که برای هیچ یک از آنها دلایل کافی وجود ندارد. بدین سبب مفسران جدید کسان دیگری را جستجو کرده اند. آنچه را که لوتر پیشنهاد می کند ظاهراً بیشتر مقرون به حقیقت است و نام آپولس است زیرا اصلاً یهودی بوده، در شهر اسکندریه تعلیم و تربیت یونانی فرا گرفته به نوشته های مقدس آشنا بوده و به فصاحت شهرت داشته است (اع ۱۸:۲۴-۲۸؛ ۱-قرن ۳:۶)، و این مختصات کاملاً با مختصات نویسندهٔ نامه به عبرانیان تطبیق می کند، زیرا لحن نامه از بسیاری جهات با لحن نوشته های فیلون اسکندرانی نزدیکی دارد. امّا هیچ گونه گواهی قدیمی در این مورد وجود نداشته و نوشته ای که مسلماً اثر آپولس باشد در دست نیست تا بتوان با نامه به عبرانیان مقایسه نمود و این فرضیه را نمی توان بررسی و تحقیق نمود و ناچار بایستی ندانستن نام نویسنده را پذیرفت.

رساله به عبرانیان سخنرانی مذهبی یا نامهٔ رسولی است؟

حتی در اینکه از نظر ادبی چه نوع نوشته ای است اختلاف وجود دارد. معمولاً آن را نامه به عبرانیان می نامند ولی مثل یک نامه آغاز نمی شود و نمی توان گفت که قسمت اولی آن گم شده و یا حذف شده باشد زیرا اولین عبارت (۱:۱-۴) آغاز عالی و مناسبی است ولی نه اینکه به صورت آغاز نامه ای باشد بلکه یک سخنرانی مذهبی است و مجموعهٔ انشاء این اثر هم مشخصات یک سخنرانی را دارد. نویسنده هرگز نمی گوید که می نویسد بلکه همواره سخن می گوید (۲:۵؛ ۵:۱۱؛ ۶:۹؛ ۸:۱؛ ۹:۵؛ ۱۱:۳۲). در متن نامه هیچ نکته ای که فقط جنبهٔ مکاتبه ای داشته باشد وجود ندارد و بایستی به آخرین بندهای نامه برسیم تا لحن کلام تغییر یابد: ۱۳:۲۲-۲۵ که به صورت پایان یک نامه است؛ در این قسمت چند کلمه، اخبار و اطلاعاتی برای کسانی فرستاده شده که در جای دیگر اقامت دارند سپس سلام و درودهای معمولی و سخنی دربارهٔ آرزوی فیض برای مخاطبان آمده است. ولی قبل از رسیدن به این قسمت پایانی که به هیچ وجه لحن خطابه و سخنرانی ندارد یک عبارت رسمی آمده (۱۳:۲۰-۲۱) که کاملاً به شکل پایان واقعی خطابه است. بنابراین در نوشته ای که در دست داریم دو قسمت متمایز تشخیص داده می شود: از یک طرف یک خطابه مذهبی که بایستی شفاهاً بیان شود (۱:۱-۱۳:۲۱) و از سوی دیگر یادداشت کوچکی که به آن افزوده شده است (۱۳:۲۲-۲۵). می توان گفت که خطابهٔ مذهبی درمقابل جمعیت ایمانداران، در

یک یا چند محل بیان شده و علاوه بر آن به صورت نوشته برای مسیحیان دیگر ارسال گردیده است و بدین مناسبت چند کلمه اخبار و سلام به آن افزوده شده است. امکان دارد که متن خطابه و یادداشت کوچک بدست اشخاص مختلفی نوشته شده باشد. اگر شیوهٔ نگارش خطابه طوری است که نمی توان آن را به پولس رسول منسوب کرد، در مورد یادداشت چنین چیزی نمی توان گفت.

مخاطبان نامه

در این نوشته هیچ نشانهٔ دقیقی دربارهٔ مخاطبان نامه وجود ندارد. عنوان «به عبرانیان» جزو متن نامه نیست. این کلمه از زمان قدیم وجود داشته و به احتمال قوی وقتی که این نوشته را جزو نامه های رسولان یکجا جمع کرده اند این عنوان انتخاب شده است. معنی آن هم روشن و مشخص نیست. مفسران قدیمی چنین استنتاج می کردند که مخاطبان نامه اصلاً یهودی و ساکن فلسطین بوده و به زبان عبری سخن می گفتند ولی امروزه دیگر این نظریه را نمی پذیرند زیرا همه قبول دارند که متن یونانی نامه به صورتی نیست که بتوان گفت از زبان دیگری ترجمه شده باشد.

نویسندگان جدید از این نظریه پشتیبانی می کنند که نامه به یهودیان غیرمسیحی، مخصوصاً به اعضای فرقهٔ قمران خطاب شده است: ولی این فرضیه غیرمحتمل است زیرا در نامه دعوت به گرایش وجود ندارد بلکه مخاطبان را به پایداری و پیشرفت در ایمان می خواند (۶:۳؛ ۱۲:۵؛ ۶:۹-۱۲ و غیره)، وانگهی اگر این نامه روابط غیرقابل انکاری با نوشته هایی دارد که در قمران، نزدیک بحرالمیت کشف شده است، روابط کاملاً نمایانی هم با یهودیگری یونانی گرایان دارد، مضافاً بر اینکه تصوّر کرده اند تأثیر عقاید گنوستیک در این نامه پیدا شده است. از تمام مقایسه های مختلف چنین برمی آید که از منابع متعدد پرباری بهره گرفته است. این نامه در محیطی تهیه شده است که به نفوذهای مختلفی حساس بوده است و به جمعیت هایی از مسیحیان خطاب می شود که بتازگی تأسیس نشده اند (۱۲:۵؛ ۷:۱۳) ولی البته تشکیل آنها را نبایستی به دورانهای اولیه کلیسا در فلسطین رسانید (ر.ک ۳:۲). ملایمت لحن آغاز نامه (۱۰:۶؛ ۳۲:۱۰-۳۴) جای خود را به نوعی خستگی می دهد (۱۱:۵؛ ۲۵:۱۰؛ ۳:۱۲). دورنمای مشکلات جدید وسوسهٔ نومیدی برمی انگیزد (۳۵:۱۰-۳۶؛ ۱۲: ۴، ۷). و به این موضوع خطر انحرافهای عقیدتی افزوده می شود که کمابیش جنبهٔ تمایل به روشهای یهودیگری دارند (۹:۱۳). به هرصورت نفوذ نظریات یهودی مسیحی بر این جمعیت ها عمیقاً اثر گذاشته است.

اوضاع و شرایط و تاریخ ارسال نامه

در پایان نامه اوضاع و شرایط معینی ذکر شده است ولی به طرز معمایی، به طوری که نمی توان زمان و محل این اوضاع را تعیین نمود. تیموتاؤس در کجا و در چه تاریخی آزاد شده است؟ و از چه وضعیتی آزاد شده است؟ پاسخ به این سؤالها را نمی دانیم. ذکر «آنانکه از ایتالیا هستند» برای ما چیزی روشن نمی کند زیرا نمی دانیم در موقع نوشتن این یادداشت این اشخاص در کجا بوده اند و این نکته که مخاطبان نامه بعضی از ایمانداران

اهل ایتالیا را می‌شناختند کافی نیست که هویّت ایشان معلوم شود.

تاریخ نگارس نامه را هم به روشهای مختلفی برآورد نموده اند. مثلاً مفسری که به بعضی عبارات نامه، با هنجار قدیمی توجه کند تاریخ نامه را خیلی بیشتر و قبل از نامه های طولانی پولس تعیین می نماید. مفسران دیگری تاریخ نگارش آن را به پایان قرن اول میلادی و حتی دیرتر عقب می برند. چون کلمنت اسقف رُم در حدود سال ۹۵ میلادی از این نامه استفاده کرده است نمی توان تاریخ نگارش آن را خیلی دیرتر تعیین نمود. از سوی دیگر دربارهٔ شناخت مسیح، شباهت و نزدیکی هایی بین دو نامه و نامه های دوران زندان پولس وجود دارد و این نکته تاریخی نزدیک به شهادت پولس را القاء می کند. می توان تصوّر کرد که تاریخ نگارش نامه در سالهای قبل از انهدام معبد اورشلیم، یعنی سال ۷۰ میلادی بوده است زیرا نویسنده از آداب نیایش معبد یاد کرده و آن را به عنوان حقیقتی که همواره فعلیت دارد ذکر می نماید (۱۰:۱-۳).

طرز ترکیب و ساختمان نامه

نقصان اطلاعات ما دربارهٔ تاریخ نگارش نامه به عبرانیان اشکال مهمی ایجاد نمی کند زیرا شیوهٔ نگارش این اثر آن را از وقایع مخصوص مستقل می سازد و اهمیّت بیشتری دارد که نکات عمدهٔ ترکیب و ساختمان آن را تشخیص دهیم. در دوران کهن این نامه را به دو قسمت تقسیم می کردند که یک قسمت جنبهٔ عقیدتی دارد (۱:۱-۱۰:۱۸) و دیگری جنبهٔ اخلاقی دارد (۱۰:۱۹-۱۳:۲۵). ولی این نوع تقسیم با قصد و نیّت نویسنده به خوبی تطبیق نمی کند زیرا از همان ابتدای نامه تشریح مطالب عقیدتی و موعظه ها را نوبت به نوبت و یکی پس از دیگری می آورد (ر.ک ۲:۱-۴؛ ۳:۷-۴:۱۶؛ ۵:۱۱-۶:۱۲) و علاقمند است که ایمان و زندگی مسیحی را کاملاً متحد سازد.

تقسیم دیگری به سه قسمت که عبارتست از: ۱- سخن خدا (۱:۱-۴:۱۳)؛ ۲- مقام کهانت مسیح (۴:۱۴-۱۰:۱۸)؛ ۳- زندگی مسیحی (۱۰:۱۹-پایان) ممکن است ارزش بیشتری داشته باشد زیرا بعضی ملاحظات واقعی منظور گردیده ولی در این تقسیم مجموعهٔ اطلاعات در نظر گرفته نمی شود.

بررسی دقیق تری نشان می دهد که در ترکیب و ساختمان نامه، روش ثابت و مستحکمی بکار رفته که با روشهای ادبی سنتی کتاب مقدس (بکار بردن «جمله معترضه»، «کلمهٔ کلید» و ترکیب های متقارن) بستگی دارد و در فاصله بین آغاز خطابه و نتیجه گیری آن پنج قسمت وجود دارد که یکی پس از دیگری نویسنده اعلام شده است (ر.ک یادداشت های ۱:۴ توضیح k؛ ۲:۱۷ توضیح m؛ ۵:۱۰ توضیح i؛ ۱۰:۳۶ توضیح k، ۳۹ توضیح m؛ ۱۲:۱۲-۱۳ توضیح o).

۱) در قسمت اول (۱:۵-۲:۱۸) نویسنده علاقمند است نام مسیح را تعریف کند یعنی مسیح را نسبت به خدا (۱:۵-۱۴) و نسبت به آدمیان (۲:۵-۱۸) تعیین نماید. بدین منظور از مقایسه با موقعیت فرشتگان استفاده می کند. این توضیحات به بیان مقام کهانت مسیح منتهی می شود (۲:۱۷).

۲) سپس در قسمت دوم (۳:۱-۵:۱۰)

تحقق دو شرط اساسی که برای نیل به هر مقام کهانت است نشان داده شده و عبارتند از اینکه: مسیح در نزد خدا مقام و اعتبار دارد (۳:۱-۶) و با آدمیان تعاون مشترک دارد (۴:۱۵-۵:۱۰). موقعیت او قابل مقایسه با وضع موسی (۳:۲) و هارون است (۵:۴). در بین این دو مقایسه، نویسنده موعظه ای طولانی دربارهٔ وفاداری مسیحیت وارد می کند (۳:۷-۴:۱۴).

۳) در قسمت سوم نامه (۵:۱۱-۱۰:۳۹) این نظریه به تمامیت بیان شده است زیرا مشخصات مخصوص مقام مسیح را به عنوان کاهن تشریح و روشن می کند: بدین معنی که می گوید مسیح، کاهن اعظمی از نوع جدید است (۷:۱-۲۸)؛ قربانی شخصی او به کلی غیر از رسوم کهن است و دسترسی و ورود به قدس واقعی را گشوده است (۸:۱-۹:۲۸)؛ حقیقتاً بخشایش گناهان ما را کسب کرده است (۱۰:۱-۱۸). بنابراین قربانی او به اسلوب کهانت قدیمی، قوانین کهن و عهد عتیق پایان داده است. قسمت سوم نامه که مهمترین قسمت آن است شامل یک مقدمه (۵:۱۱-۶:۲۰) و یک نتیجه گیری است (۱۰:۱۹-۳۹).

۴) در قسمت چهارم (۱۱:۱-۱۲:۱۳) برای اینکه مسیحیان را در راهی که قربانی مسیح گشوده است هدایت نماید در مورد دو جنبهٔ اساسی زندگی معنوی و روحانی تأکید می نماید که عبارتند از: ایمانی نظیر ایمان قدما (۱۱:۱-۴۰) و استقامت و پایداری لازم (۱۲:۱-۱۳).

۵) بالاخره قسمت آخر نامه (۱۲:۱۴-۱۳:۱۸) تصویری از زندگی مسیح ترسیم کرد. و از ایمانداران دعوت می کند که با تصمیم قاطع به راه راست قدوسیت و صلح وارد شوند.

مقام کهانتی مسیح

به آسانی می توان دریافت نکته مهمی را که نامه به عبرانیان از نظر عقیدتی آورده است قبل از هرچیز ارائه روحانیت و کهانت راز مسیح است. زیرا نامه به عبریان تنها نوشتهٔ عهد جدید است که در آن به مسیح عنوانهای کاهن و کاهن اعظم داده شده است. و این نکته اهمیت زیادی دربر دارد. زیرا رابطهٔ بین ایمان مسیحیت و آیین نیایش را بیان می کند با توجه به اینکه آیین نیایش یکی از جریانهای اساسی سنت کتاب مقدس بوده و شامل مراسم مذهبی و قربانی ها، کهانت و قدس خدای اسرائیل است.

در نظر اول شخص عیسی و عمل او ارتباطی با این نحوهٔ بیان و اظهار مذهبی ندارد زیرا جزو طبقه کاهنان نبوده و هرگز ادعای خدمت کهانت را نکرده بود. و امّا در مورد مصلوب شدن وی بر روی تپّه جلجتا، این واقعه به صورت ظاهر هیچ گونه جنبهٔ آیین نیایش نداشته بلکه مرگ عیسی به صورت مجازات قانونی و شرعی ارائه گردیده و عمل قضایی و ننگ آور محسوب می شد که محکوم را از قوم خدا طرد و خارج می کرد درصورتی که قربانی کردن عمل نیایشی بشمار می رفت که شکوهمند بوده و موجب پیوند و اتّحاد با خدا می شد.

برای اینکه جنبهٔ قربانی، مصائب و مصلوب شدن مسیح و رستاخیز او کاملاً روشن شود لازم است در دو مورد از نظریات معمولی

فراتر رفت: از یک طرف کوته فکری معمولی در مورد اجرای مراسم مذهبی به کنار گذاشته شود و از سوی دیگر، ماورای ظواهر امر ژرفای مفهوم عمیق این واقعه درک گردد. تحت تأثیر الهام های پیامبران (اش ۵۳:۱۰) و سخنان عیسی (۱-قرن ۲۵:۱۱) و همچنین به راهنمایی اوضاع و شرایطی نظیر تقارن مصائب و صلیب مسیح با عید گذر، افکار مسیحیان به این روشنایی گشوده شد. (ر.ک ۱-قرن ۷:۵؛ روم ۲۵:۳؛ افس ۲:۵؛ ۱-پطر ۱۹:۱). و اظهار این موضوع در نامه به عبرانیان به صراحت قاطع و مطلوب رسید. ولی بدون مقایسه دقیق با رسوم مذهبی کهن و قربانیهای حیوانات چنین نتیجه ای حاصل نمی گردید. به طوری که قبلاً گفته شد این اظهارات ممکن است خواننده امروزی را دچار حیرت نماید. ولی باید دانست که نویسنده در این مرحله توقف نمی نماید بلکه بدین سبب آن را مطرح می کند تا فرد ایماندار را به ماوراء آن بکشاند.

نویسنده، انجام کامل مقام کهانت را در مسیح شکوهمند و در پایان مصائب و صلیب او تشخیص می دهد زیرا مسیح شکوهمند، پسر خدا و برادر آدمیان امکان دسترسی آدمیان را نزد خدا تأمین می کند؛ بنابراین کاهن اعظم است. مقام روحانی او در جانشینی هارون (۴:۵-۵) ولی فراتر از آن است. بنابر گواهی مز ۱۱۰ خدا می خواست کاهنی از نوع جدید «در ردیف ملکیصدق» برانگیزد (۱:۷-۲۸). مرگ مسیح و شکوه یافتن او یک قربانی واقعی است و حتی می توان گفت: تنها قربانی حقیقی که جانشین همه قربانی های قدیمی است. آن قربانیها محدود به سطح زمینی بودند، یک رشته اعمال معین و قراردادی که نمی توانستند وجدان را عمیقاً پاک کنند (۹:۹؛ ۱:۱۰-۴) و نه اینکه آدمی را تا به خدا بالا ببرند. برعکس مرگ مسیح هدیهٔ شخصی کاملی است (۱۴:۹)؛ تمام وجود آدمی را گرفته و به تمامی در تابعیت مشیت خدا قرار می دهد (۸:۵؛ ۹:۱۰-۱۰). در عین حال او را از سر تا ته نو کرده در محرمیت خدا می گذارد. مسیح بوسیلهٔ مرگ خود کاهن آسمانی شده (۲۴:۹)، گناهان را زدوده و پیمانی نو و جاودانی بنیاد نهاده است (۱۵:۹؛ ۲۰:۱۳). خون او، راه وصول ما را به خدا تضمین کرده است (۱۹:۱۰). همهٔ اینها عملی خدایی است، عطیه ای از خدا به آدمیان، زیرا خدا است که در پسرش این تغییر بنیادی را در آدمی تحقق بخشیده است (۱۰:۲).

موقعیت مسیحی

موقعیت مسیحی، قبل از هرچیز بوسیله ارتباطی که از طریق روحانیت با خدا دارد تعیین می شود. لازم به یادآوری است آیین نیایش کهن مربوط به استغفار (لاو ۱۶) که اقدامات بی حاصل و فقط تجسّم قبلی بود (عبر ۹:۹؛ ۱:۱۰) با قربانی منحصربه فرد مسیح، حقیقتی کامل شده است. «ما کاهن اعظمی داریم» (۱:۸؛ ر.ک ۱۴:۴-۱۵؛ ۲۱:۱۰)، کاهن اعظمی که یک بار در قدس حقیقی وارد شده است (۱۲:۹) و از این پس نمایندهٔ ما به نزد خدا است (۲۵:۷؛ ۲۴:۹). او راه را برای ما گشوده است؛ و از ما دعوت می شود به دنبال او با اطمینان نزدیک شویم (۱۶:۴؛ ۱۹:۷؛ ۲۲:۱۰). گناه منسوخ گردیده

(۲۶:۹؛ ۱۲:۱۰)؛ دشمن مقهور شده (۱۴:۲) و آزادی قطعی حاصل گردیده است (۱۵:۲؛ ۱۲:۹). مسیحیان از هم‌اکنون در نعمت‌های دنیای آینده سهیم هستند (۴:۶-۵)؛ به مالکیت ملکوت قطعی دست می‌یابند (۲۸:۱۲). و برای ایشان دوران جدید از هم‌اکنون آغاز گردیده است (۲:۱؛ ۲۶:۹).

این بدان معنی نیست که هم‌اکنون به مقصد رسیده‌اند. ندای آسمانی ایشان هنوز کاملاً تحقق نیافته است (۱:۳). زندگی ایشان همچنان در دنیای زمینی که در آن شهری بادوام ندارند می‌گذرد و متوجه به شهر آینده است (۱۴:۱۳). در انتظار ظهور ثانوی نجات‌بخش خود هستند (۲۸:۹). نزدیکی آن روز را مشاهده می‌کنند (۲۵:۱۰، ۳۷)، ولی هنوز از تمام روشنایی آن برخوردار نیستند.

رابطهٔ ایشان با خدا، رابطه‌ای نزدیک حقیقی است ولی این رابطه در ایمان به ایشان عطا شده است. فقط با ایمان هم‌اکنون در آرامش خدا وارد می‌شوند (۳:۴). ولی اگر بگذارند بی‌ایمانی در دلشان راه یابد از مسیح (۱۴:۱۳) و از خدا جدا خواهند شد (۱۲:۳؛ ۳۸:۱۰) و منجر به هلاکت می‌شوند (۳۹:۱۰). وقتی که نویسنده از ایمان سخن می‌گوید دو نظریه نسبتاً مختلف را با یکدیگر می‌آمیزد. یکی نظریه ذهنی که محتوای ایمان را یقین و مشخص می‌کند (۱:۱۱ ب، ۳، ۶). و دیگری نظریه وجودی که فعالیت ایمان را نشان داده و آن را با امید تشبیه و مقایسه می‌نماید (۱:۱۱ الف، ۸-۱۰ و غیره). بدین ترتیب دو نوع روحیه و طرز تفکّر یونانی و یهودی در کنار یکدیگر ظاهر می‌شوند.

همین نکته را در شرح و توضیحات دیگر می‌توان ملاحظه کرد. مثلاً آیین نیایش کهن به دو گونه روایت شده است. نویسنده در این آیین‌ها، هم انعکاس حقیقت تغییرناپذیر آسمانی را نشان می‌دهد (۵:۸؛ ۲۴:۹) و هم تجسّم قبلی واقعه‌ای را «که خواهد آمد»، یعنی قربانی شدن مسیح که دامنه و وسعت پایان روزگار را دارد (۹:۷-۱۲). بدین سان نامه شکل مخصوص پیچیده و پرباری گرفته است. همچنین ملاحظه می‌شود که نویسنده اشتغال خاطر همیشگی را که وصول به ارزشهای جاودانی است با تأثیر قاطع یک واقعه تاریخی به هم می‌آمیزد، واقعه‌ای که «یک بار» روی داده (۲۶:۹، ۲۸)، و «فقط یک بار برای همه» (۲۷:۷؛ ۱۲:۹؛ ۱۰:۱۰). آمیختن این دو منظرهٔ عجیب که به نظر می‌رسد سازش ناپذیر هستند مسلماً تیزهوشی روح او را نشان می‌دهد و همچنین مخصوصاً نشانهٔ ژرفای ایمان او است.

نظریه پولس در مورد مغایرت بین ایمان و اعمال خیر در هیچ‌جای نامه به عبرانیان به چشم نمی‌خورد و نویسنده از آن سخنی نمی‌گوید بلکه نشان می‌دهد که ایمان بوسیله عمل بارور می‌شود و هرآنچه ارزشمند است و در نوشته‌های عهد عتیق تحقق یافته، مبنای آنها ایمان بوده است. از طرفی دیگر مصراً تأکید می‌کند در وضعیتی که در مقابله با آزمونها هستیم بایستی ایمان ما دو برابر بیشتر پایداری نماید (۱۲:۶؛ ۳۶:۱۰؛ ۱:۱۲-۱۳). اگر مسیح رنج و مرگ بشری را بر خود پذیرفته و آن را راه شکوهمندی خود (۹:۲) و وسیله نجات ما کرده است (۸:۵-۹)، برای آن نیست که خود ما از مواجهه با آنها معاف باشیم بلکه بتوانیم با امیدواری کامل با آنها

روبه رو شویم (۱۲:۲-۳).

با اینکه درباره یک قربانی منحصربه فرد، یعنی قربانی مسیح اصرار و تأکید می کند با این همه زندگی هر فرد مسیحی را به عنوان تقدیم «قربانی ها» (به صورت جمع) ارائه می نماید (۱۶:۱۳). ایمانداران را وادار کند که بوسیله عیسی مسیح، پیوسته «قربانی ستایشی» به سوی خدا بالا ببرند (۱۵:۱۳) و از طرف دیگر اظهار می کند که زندگی در خدمت برادرانه و احسان، ارزش قربانی کردن را دارد (۱۶:۱۳). فرد مسیحی به نمونه و سرمشق از قربانی مسیح و در همبستگی با او، نیایش را عملی در حاشیهٔ زندگی نمی انگارد بلکه بوسیله نیایشی واقعی خود را به خدا ملحق می سازد. این بدان معنی نیست که فرد مسیحی سراپا در شهر زمینی غرقه گردد (ر.ک ۱۲:۱۳-۱۴) و یا اینکه هر جمعیت مسیحی منحل شود؛ برعکس، نویسنده لزوم التصاق و همبستگی بین مسیحیان: توجه و مواظبت از یکدیگر (۱۲:۳؛ ۱:۴، ۱۱؛ ۲۴:۱۰؛ ۵:۱۲)، حضور مداوم در اجتماع های مسیحیان (۲۵:۱۰) و اطاعت از رهبران (۱۷:۱۳) را یادآوری می نماید و بارها و بارها اهمیت موعظه را گوشزد می کند (۱:۲، ۳؛ ۲:۴؛ ۱۱:۵؛ ۷:۱۳). زیرا خیالی واهی است که کسی ادعا کند به خدا می توان رسید بدون اینکه به مسیح و به برادران خود پیوسته باشند. به طوری که مشاهده می شود نامه به عبرانیان تصویری روشن و کاملاً متعادل از زندگی مسیحی ارائه می نماید.

رابطهٔ منطقی عهد عتیق و عهد جدید

جنبهٔ دیگری از آموزش نامه به عبرانیان درخور توجهی مخصوص است. نامه به عبرانیان شاید بهتر از دیگر نوشته های عهد جدید نشان می دهد چگونه نوشته های مقدس کهن در مسیح به تمامیت رسیده اند و مجموعهٔ روایت هایی که این تمامیت مسیحی را مشخص می سازند آشکار می کند. این روایت ها مجموعه ای از مطالب درهم و پیچیده و حتی ضد و نقیض است، زیرا گاهی اثبات و نفی را به هم می پیوندند و به نتیجه ای غیرمنتظره می رسانند. مهمترین نمونهٔ آنها موضوع قربانی مسیح است: به یک معنی مردن مسیح بر روی صلیب نفی آیین نیایش کهن است و چنین می نماید که ابداً با آن ارتباطی ندارد و حتی از بسیاری جهات مخالف آن است. با این همه با نگاهی دقیق می توان مداومت عمیقی را کشف نمود. زیرا از یک سو و از سوی دیگر هدیه ای به خدا تقدیم می شود که به ریختن خون منتهی می گردد و منظور آن است که بخشایش گناهان حاصل گردد. ولی چقدر در مورد مسیح برتر و والاتر است! بجای ذبح حیوانات در اینجا هدیه خود است که به منتهی درجهٔ خود رسیده، در اطاعتی کامل نسبت به خدا و در تقارن و همبستگی کامل با برادران خود انجام می گردد. بدین سان اکنون منظور و هدف آیین نیایش کهن یک باره برای همیشه حاصل شده و در نتیجه تمام رسوم آیین نیایش قدیمی کهنه و منسوخ گردیده است.

این مثال تنها مورد منحصر به فرد نیست. نویسنده از آغاز تا پایان اثر خود، وعده ها را درمقابل تحقق یافتن آنها آورده، تجسم های

قبلی کهن را درمقابل تمامیت و انجام آنها می‌آورد و پیوسته روایت‌های مختلفی را ارائه می‌کند که مربوط به جریان تحقق منظور خدا است. نویسنده احساس دقیقی دربارهٔ مداومت این طرح دارد. طرحی که وحدت عهد عتیق و عهدجدید است. ولی بیشتر متوجه است که نوآوری و جنبهٔ نهایی و پایانی الهامی را نشان دهد که مسیح آورده است.

نتیجه

اگرچه برای بررسی متن نامه به عبرانیان تا اندازه‌ای کوشش لازم است، بزودی پاداش این کوشش حاصل می‌شود. در این نوشتهٔ عهدجدید چنان علاقهٔ شدیدی به همرأیی با خدا ابراز می‌شود، چنان عقاید و نظریات عمیقی دربارهٔ شفاعت مسیح می‌توان یافت و چنان تفاهم واقعی از مشکلات زندگی مسیحی وجود دارد که آدمی از مراجعه به این اوراق اساسی خسته نمی‌شود. مسلماً آنچه این نامه برای ما می‌آورد امروزه گرانبهاتر از همیشه است. نامه به عبرانیان به مسیحیانی خطاب می‌شود که سرگردان بوده و ممکن است گرفتار دلسردی شوند و داروی حقیقی را برای این گونه بیماری ارائه می‌کند؛ نه اینکه موعظه های مبهم اخلاقی باشد بلکه کوشش جدید برای تعمّق و تفکر در ایمان به مسیح است.

نامه به عبرانیان

خدا بوسیلهٔ پسرش به ما سخن گفته است

۱
۱[پس از اینکه] سابقاً خدا
چندین بار و به چندین گونه،
بوسیله انبیاء[a] به پدران[b] سخن گفته است،
۲در این روزهای پایانی[c] بوسیلهٔ پسری[d] با
ما سخن گفته که او را وارث[e] همه چیز کرده
و بوسیلهٔ او نیز روزگاران[f] را آفریده است. ۸:۲؛ مت۱۸:۲۸
۳[این پسر] که درخشش شکوه و نقش یو۱:۳؛ کول۱:۱۶
گوهر او است[g] و همه چیز را با سخن ۲-قرن۴:۴
قدرتمند خود[h] حمل می کند، [پس از کول۱:۱۷؛ حک۸:۱
اینکه] گناهان را پاک کرد[i]، بدست راست ۲۶،۱۴:۹

a- ترجمه تحت اللفظی: در [کتابهای] پیامبران. این عبارت در کتاب مقدس معمول نیست و معمولاً می نویسند: به وسیلهٔ پیامبران.

b- پدران. منظور اجداد قوم اسرائیل یعنی نسلهای گذشته است (ر.ک ۹:۳؛ ۹:۸). مسیحیان، حتی آنانکه در اصل مشرک بوده اند به خوبی می دانند که به قوم اسرائیل وابسته اند (ر.ک روم ۴:۱۶-۱۸؛ ۱۱:۱۷؛ ۱-قرن ۱:۱۰).

c- ترجمهٔ دیگر: در دوران پایانی که ما هستیم. اصطلاح در روزهای پایانی که در ترجمهٔ یونانی کتاب مقدس بکار می رود ترجمهٔ یک اصطلاح عبری است که کمتر مشخص و دقیق است و زمانی را تعیین می کند که خدا دخالت قطعی خواهد کرد (ر.ک حزق ۳۸:۱۶؛ دان ۲:۲۸ و بند ۴۵ ترجمه یونانی؛ ۱۰:۱۴؛ میکا ۴:۱). با افزودن کلمهٔ «در این» نویسنده اظهار می کند که دوران پایانی از این پس حاضر است و مسیح این دوران را افتتاح نموده است. ر.ک اع ۲:۱۷؛ ۱-قرن ۱۰:۱۱؛ ۱-پطر ۱:۲۰.

d- پس از پیامبران که اکثراً «خدمتگزاران» نامیده می شوند (ار ۷:۲۵؛ ۲۵:۴) یک پیام آور آخری آمده که پسر است (ر.ک مر ۱۲:۲-۶). کلمهٔ پسر در متن اصلی بدون حرف تعریف آمده و لذا عبارت های بعدی صفات او ذکر می شود؛ و خواننده منتظر توضیحات بعدی دربارهٔ او است.

e- در این پسر وعده ای که به پدران داده شده است به مرحلهٔ تحقق نهایی می رسد. وی ذریّه ممتاز پیامبران بزرگ است (پید ۱۵:۳-۴؛ بنسی ۴۴:۲۱؛ روم ۴:۱۳) و از نسل داود است (مز ۲:۸) که به او سلطنت جهانی وعده داده شده بود (ر.ک دان ۲:۴۴؛ ۷:۱۴).

f- کلمهٔ یونانی Aïon که معمولاً دنیاها ترجمه می کنند اصلاً به معنی: دوران، ابدیّت می باشد و بدین سبب روزگاران ترجمه شده است. در اینجا نویسندهٔ نامه به جنبهٔ مسیحایی موضوع، جنبهٔ روایات و نوشته های حکمت کتاب مقدس را افزوده است: بدین معنی که پسر به مانند حکمت در آفرینش جهان شرکت داشته است (ر.ک امث ۸:۲۷، ۳۱؛ حک ۷:۲۱؛ ۹:۹؛ عبر۱۱:۳).

g- چنین به نظر می رسد که نویسنده در بکار بردن این کلمات و عبارات از توصیف تجسّم حکمت الهی الهام گرفته است: حک ۷:۲۵-۲۶. ضمناً برای بیان ارتباط پسر با خدا مؤثرترین واژه ها را انتخاب نموده است.

h- ترجمهٔ تحت اللفظی: با سخن قدرت خود. به طوری که مشاهده می شود در نوشتهٔ یونانی تحت تأثیر شیوهٔ بیان و نگارش عبرانیان از مفهوم اسم ذات به معنی نظری می پردازد. این عبارت را باید به مفهوم با سخن قدرتمند خود یا با قدرت سخن خود درک نمود. ضمناً منظور از ضمیر خود ممکن است خدا یا پسر باشد. قدرت الهی چنان است که برای ادارهٔ دنیا به هیچ کوششی نیاز ندارد: فقط یک سخن کافی است. ر.ک مز ۳۳:۹.

i- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: بوسیلهٔ خودش.

۱:۸؛ ۱۰:۱۲؛ ۲:۱۲؛ مر۱۶:۱۹ افس۱:۲۱
کبریا، در مقام های بلند[j] نشست، ۴ به قدری
برتر از فرشتگان که نامی[k] به ارث برده که
خیلی عالی تر از [نام] ایشان است.

پسر خدا برتر از فرشتگان

۵ زیرا به کدام یک از فرشتگان یک بار
گفته است[l]:
۵:۵؛ اع۱۳:۳۳
تو پسر منی،
من تو را امروز تولید کرده ام[m]؟
و همچنین:
من برای او پدری خواهم بود
و او برای من پسری خواهد بود[n].
۶ و همچنین موقعی که نخست‌زاده را به کول۱:۱۸
دنیا وارد می کند[o] می گوید:
و همه فرشتگان خدا او را پرستش ۱-پطر۳:۲۲
کنند[p].
۷ و در مورد فرشتگان می گوید:
فرشتگان خود را بادهایی می کند[q]
و خدمتگزارانش را شعلهٔ آتش می سازد[r]،
۸ امّا در مورد پسر:

j- این عبارت معمولاً در روایات در تجلیل مسیح بکار رفته است و از مز ۱:۱۱۰ گرفته شده که در آنجا به معنی آسمانی آمده است: در بلندی‌ها (ر.ک مت ۶۴:۲۶). مز ۱۱۰ در جاهای دیگر نیز نقل خواهد شد (ر.ک عبر ۱۳:۱ x).

k- نام. معرّف اهمیت و ارزش یک فرد و مقام او نسبت به دیگران است. نویسنده برای تعیین موقعیتی که پسر پس از بازخرید گناهان کسب نموده است وی را با فرشتگان مقایسه می کند، زیرا تا آن زمان فرشتگان به عنوان بهترین موجوداتی بشمار می‌آمدند که آدمیان را نجات می دهند (ر.ک کتاب قاعدهٔ جنگ ۶:۱۷ که در نوشته های قمران کشف شده و در آن امید به آزادی آدمیان بیان گردیده که خدا بوسیله فرشتگان انجام می‌دهد). در پایان این مقدمه، نویسنده موضوعی را که از ۵:۱ تا ۱۸:۲ تشریح خواهد کرد آغاز می نماید.

l- فعل گفتن به‌جای فعل نوشتن آمده و بدون اینکه فاعل فعل ذکر شود و این روش در نقل قول برخلاف روش معمولی نویسنده است و با طرز نگارش پولس تطبیق می کند.

m- مز ۷:۲. این عبارت و نقل قول بعدی که در مورد اعلام پادشاهی پسر و به عنوان جانشینی داود است و به مفهوم مسیحایی درک می شوند، در اینجا به طور ضمنی برای تجلیل مسیح آمده است (ر.ک روم ۳:۱-۴؛ اع ۳۳:۱۳).

n- ۲-سمو ۱۴:۷؛ ۱-توا ۱۳:۱۷.

o- دربارهٔ این بند بحث و اظهار نظرهای مختلفی شده است: ۱- بعضی آن را دربارهٔ سکونت روح خدا در جسم مسیح می دانند، ۲- برخی دربارهٔ بازگشت مسیح درک کرده و چنین ترجمه می نمایند: امّا موقعی که از نو نخست‌زاده را به دنیا وارد می‌کند... ۳- بعضی دیگر این بند را مربوط به تاجگذاری و اعلام سلطنت مسیح در شهر آسمانی به هنگام تجلیل در عید گذر می‌گیرند (ر.ک افس ۲۰:۱-۲۱؛ فی ۹:۲-۱۰). معنی اخیر با موضوع عبارت و متن کلام بهتر تطبیق می کند: در اینجا کلمهٔ نخست‌زاده اشاره به جلوس و تاجگذاری است (ر.ک مز ۲۸:۸۹ که مطالب ۲-سمو ۱۴:۷ را تشریح کرده و در بند ۵ آمده است). کلمهٔ یونانی که دنیا ترجمه شده به معنی تحت‌اللفظی دنیای مسکون است و غیر از کلمه یونانی دیگری است که معمولاً دنیا یا جهان ترجمه می شود و در اینجا به معنی شهری است که خواهد آمد (ر.ک اش ۴:۶۲ ترجمهٔ یونانی؛ مز ۹:۹۶-۱۱ ترجمهٔ یونانی)؛ نویسنده این معنی را در ۵:۲ تأیید می نماید.

p- تث ۴۳:۳۲ ترجمهٔ یونانی، که یکی از متن های عبری کشف شده در قمران آن را تأیید می نماید. در این جملهٔ ضمیر او در متن اصلی به جای کلمهٔ خدا آمده که دخالت نهایی را انجام می دهد، ولی در اینجا نویسنده ضمیر او را برای پسر درک می نماید که خدا به او انجام دخالت نهایی را محول کرده است.

q- در این نقل قول که از ترجمهٔ یونانی کتاب مقدس گرفته شده جای دو کلمه بادها و فرشتگان وارونه شده و متن عبری چنین است: آنکه بادها را پیام‌آوران [فرشتگان] خود می کند؛ لازم به یادآوری است در زبان عبری یک کلمه هم به معنی روح و هم به معنی نسیم و باد است درصورتی که در زبان یونانی از یکدیگر متمایز هستند. موضوع اینکه در خدمت خدا قرار دارند در هر دو متن عبری و یونانی وجود دارد.

r- مز ۴:۱۰۴.

تخت تو، ای خدا، روزگار پس از روزگار[s]
و عصای درستی، عصای سلطنت تو است[t].
۹ تو به عدالت محبت داشته
و از بی قانونی متنفّری؛
بدین سبب، خدا، خدای تو
تو را به ترجیح از شریکانت[u] با روغن
شادی مسح کرده است.
۱۰ و تو، خداوندا، در اوایل، زمین را
پی ریزی کردی
و آسمانها اعمال دست های تو هستند. یو۱:۳
۱۱ آنها از بین خواهند رفت و تو باقی
می مانی
و همه مانند ردا کهنه خواهند شد.
۱۲ و ایشان را به مانند جامه ای درهم خواهی
پیچید[v]
و به مانند ردایی تغییر خواهند یافت ۱۲:۲۶-۲۷
امّا تو همان هستی و سالهای تو پایان ۱۳:۸
نخواهند یافت[w].
۱۳ و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفته
است:
به دست راست من بنشین
تا دشمنانت را چهارپایهٔ زیر پاهای تو
قرار دهم[x]؟
۱۴ آیا همگی ارواحی نیستند که برای
خدمتگزاری [اختصاص داشته و] به خاطر
کسانی که باید وارث نجات باشند اعزام مز۹۱:۱۱؛ اع۱۲:۱۱
شده باشند[y]؟

اهمیت قطعی نجاتی که اعلام شده است

۲ ۱ بدین سبب ما باید به آنچه
شنیده ایم توجه بیشتری داشته
باشیم، مبادا هرگز دچار انحراف شویم،
۲ زیرا اگر سخنی که به وسیلهٔ فرشتگان گفته
شده[z] تأیید گردد و هر تجاوز و نافرمانی،
جزایی عادلانه دریافت نماید، ۳ چگونه رها ۱۰:۲۹؛ ۱۲:۲۵
خواهیم شد اگر از چنین نجات عظیمی
غفلت نماییم، آن که در آغاز بوسیله خداوند
اعلام گردیده و برای ما بوسیله آنانکه
شنیده اند تأیید شده است، ۴ خدا بوسیله

s- مز ۴۵:۷. این عبارت نیز در مورد جلوس به مقام سلطنت آمده است. در اینجا به پادشاه، الوهیم یعنی خدا خطاب می شود و این کلمه در مورد مسیح تمامیّت شگفت انگیزی می گیرد زیرا تاج گزاری و جلوس به مقام سلطنت زمینی نبوده بلکه آسمانی است.
t- در بعضی از نسخه های خطی: عصای سلطنت او است.
u- مز ۴۵:۷-۸.
v- در بعضی از نسخه های خطی بجای درهم خواهی پیچید نوشته شده: عوض خواهی کرد که از اش ۳۴:۴ الهام گرفته شده است. در قسمت دوم این عبارت: به مانند ردا در مزمور ۱۰۲:۲۷ ب وجود ندارد. بسیاری در نسخه های خطی نامه به عبرانیان نیز این کلمه را حذف کرده اند.
w- مز ۱۰۲:۲۶-۲۸. این مزمور دربارهٔ خدا و پایان جهان سروده شده است. چون مسیح پس از رنجها و مصائب خود فرمانروایی بر دنیا را دریافت نموده است، این موضوع دربارهٔ او است.
x- مزمور ۱۱۰:۱. ترجمهٔ تحت اللفظی: تا اینکه دشمنانت را همچون چهارپایهٔ پاهایت قرار دهم. این مزمور که دربارهٔ تاج گزاری پادشاه سروده شده مفهومی مسیحایی دربر دارد و پادشاهی کاهن را ارائه می نماید. مزمور ۱۱۰ مبنایی از نوشته های مقدس در تأیید نظریه این نامه است (ر.ک ۵:۶، ۱۰؛ ۶:۲۰؛ ۷:۱۱-۲۸؛ ۱۰:۱۱-۱۲).
y- در اینجا نویسنده از نقل قولی که در بند ۷ آمده است الهام می گیرد. تفاوت بین مسیح که به مقام سلطنت جلوس می کند و فرشتگانی که به خدمت فرستاده شده اند خیلی زیاد است. در اینجا مجدداً موضوع ارث مطرح می شود (ر.ک ۱:۲، ۴) ولی این بار مسیحیان وارث خواهند شد. لازم به یادآوری در نوشته های عهد عتیق موضوع دریافت سرزمین به عنوان میراث مطرح است درصورتی که در اینجا نویسنده به میراث جنبهٔ معنوی داده و مسیحیان نجات را به ارث دریافت می کنند.
z- اشاره به الهامی است که در صحرای سینا رسیده بود (ر.ک غلا ۳:۱۹؛ اع ۷:۵۳).

نشانه ها و همچنین شگفتی ها و هر نوع
۱-قرن۱۲:۱۱ معجزه ها[a] و توزیع [عطایای] روح القدس
برطبق ارادهٔ خود گواهی کرده است.

برادر آدمیان

۵زیرا دنیای[مسکون] آینده[b] را که از آن
سخن می گوییم فرمانبردار فرشتگان نساخته
است، بلکه کسی در جایی شهادت داده،
گفته است:

۶چیست انسانی که او را به یاد می آوری
یا پسر انسانی که به او توجه می نمایی؟
۷تو او را از فرشتگان[c] اندکی پایین تر
ساختی و با جلال و افتخار، او را
تاجگذاری کردی[cc]؛
۱-قرن۱۵:۲۷؛ افس۱:۲۲ ۸همه را به زیر پاهای او نهاده ای[d].

زیرا همه چیز را به فرمان او گذاشته است
و هیچ چیز را نافرمان او نگذاشته است.
باری اکنون هنوز نمی بینیم که همه چیز
به فرمان او باشد. ۹اما آنکه نسبت به
فرشتگان اندکی پایین تر بوده[e]، عیسی را
می بینیم که به سبب [تحمّل] رنج مرگ، تاج فی۲:۸-۹
جلال و افتخار دریافته است[f] تا با فیض
خدا[g] به خاطر هرکسی مرگ را چشیده باشد. ۲-قرن۵:۱۴
۱۰زیرا آنکه همه برای او و همه بوسیله
او است و انبوهی از پسران را به سوی لو۱۳:۳۲
شکوه رهبری می نماید شایسته بود رئیس
نجات آنان را بوسیلهٔ رنج ها به کمال
برساند[h]. ۱۱زیرا آنکه مقدس می کند و
آنانکه مقدس هستند همگی از یک [منشأ]
هستند[i]؛ بدین دلیل عار ندارد از اینکه مت۲۸:۱۰؛ یو۲۰:۱۷

a- ر.ک ۱۶:۱۷-۱۸، ۲۰؛ اع ۱۲:۵؛ روم ۱۵:۱۹؛ ۲-قرن ۱۲:۱۲.
b- ترجمهٔ تحت اللفظی: دنیای مسکون که می آید. ر.ک ۱:۶ o.
c- در زبان عبری کلمه الوهیم اسم جمع است که اکثراً به صورت مفرد و به معنی خدا بکار می رود. ولی ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) آن را به صورت جمع: موجودات آسمانی درک کرده و فرشتگان ترجمه نموده اند.
cc- در برخی نسخه ها، جمله ای بیشتر است
d- مز ۸:۵-۶، ۷ ب. در بعضی از نسخه های خطی تمام عبارت مزمور ۸، بدون حذف بند ۷ الف آن ذکر شده است. در این مزمور هدف آدمی در جهان آفرینش توصیف می شود (ر.ک پید ۱:۲۶).
e- از نظر مفهوم فضایی یعنی: در سطحی اندکی پایین تر؛ یا از نظر مفهوم زمانی: در مدّت زمانی کوتاه.
f- آرمان و هدف آدمی کاملاً در راز مسیح تحقق می پذیرد.
g- در متن نسخه های دیگری: بدون خدا یا غیر از خدا آمده است که البته با موضوع متن نامه و عبارت تطبیق نمی نماید (ر.ک ۲:۱۰). اوریجن چنین درک کرده است: برای هر موجودی غیر از خدا (ر.ک ۱-قرن ۱۵:۲۷). کسان دیگری تصور می کنند مربوط به سخنان مسیح بر روی صلیب می باشد (مت ۲۷:۴۶).
h- ترجمهٔ دیگر: به تمامیت رهبری نماید. فعل یونانی که در این مورد بکار رفته نقش مهمی در این نامه دارد ولی بعضی از جنبه های مفهوم کلمه در ترجمه ها ندیده گرفته می شود زیرا در این کلمه مفهوم وصول به یک هدف نیز وجود دارد و در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) در مورد تعیین و انتصاب به مقام روحانی آمده است. نویسندهٔ نامه همواره این کلمه را در مورد ارتباط با خدا آورده و در بیان راز شکوهمندی مسیح (۲:۱۰؛ ۵:۹؛ ۷:۲۸) و در مورد بیان انجام کامل هدف غایی آدمی بکار می برد (۱۰:۱۴؛ ۱۱:۴۰؛ ۱۲:۲۳) بنابراین مفهوم کلمه منحصربه پیشرفت ساده ای در کمال اخلاقی نیست با این همه متضمن این موضوع می باشد، بلکه به معنی تغییر و دگرگونی کامل انسان است که او را به سوی خدا بالا می برد. با اجرای مراسم مذهبی قدیمی نمی توانستند به این تغییر دست یابند (۷:۱۱، ۱۹؛ ۹:۹) زیرا عملی خدایی است (۲:۱۰) ولی در رنجها و مصائب و مصلوب شدن مسیح این عمل انجام گردیده است (۲:۱۰؛ ۵:۸-۹)، ضمناً این تغییر وضعیت جنبهٔ روحانی داشته (۵:۹ h؛ ۷:۱۱ f) و بوسیله مسیح به کسانی که به او پیوسته اند منتقل می شود (۱۰:۴؛ ۱۲:۲).
i- این به اشکال مختلفی تفسیر شده است. بعضی از مفسران منشأ مشترک را خدا دانسته اند (ر.ک ۱-قرن ۸:۶) مفسران دیگری منشأ مشترک را آدم ابوالبشر یا ابراهیم و یا نژاد بشری تصوّر کرده اند. نویسنده می خواهد تأکید نماید که بین مسیح و آدمیان همبستگی وجود دارد.

ایشان را برادران بنامد. [12] [هنگامی که]
می‌گوید:
نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد
و در میان کلیسا تو را ستایش خواهم
نمود[j].
[13] و باز هم:
من به او اعتماد خواهم داشت[k].
و باز هم:
اینک من، و فرزندانی که خدا به من
داده است[l].
[14] پس چون فرزندان در خون و گوشت
شریک هستند او هم بدین ترتیب در آنها
سهیم گردید تا بوسیلهٔ مرگ آن را که بر روم۳:۸
مرگ قدرت دارد، یعنی ابلیس را ناتوان حک۲۴:۲؛ ۱-یو۸:۳
سازد. [15] و آنان را که در تمام زندگی
به سبب ترس از مرگ گرفتار بردگی
بودند[m] رهایی بخشد. [16] زیرا حقیقتاً نه
به خاطر فرشتگان به یاری می‌آید بلکه
برای تبار ابراهیم به یاری می‌آید. اش۸-۹:۴۱
[17] سپس باید از هر حیث [خود را]
همانند برادرانش بکند تا کاهن اعظمی[n] فی۷:۲
رحیم و وفادار در امور خدا باشد برای
اینکه کفاره[o] گناهان قوم[p] را بدهد.
[18] زیرا به همین سبب که خودش به تجربه
گذاشته شده و رنج کشیده است می‌تواند
آنان را که به تجربه درآمده‌اند یاری
نماید.

مقایسهٔ عیسی با موسی

۳ [1] بنابراین، ای برادران مقدّس،
شما که از فراخوانی آسمانی سهم
دارید، دربارهٔ رسول[q] و کاهن اعظم ۱۴:۴
اصول ایمان[r] خود، عیسی بیندیشید:
[2] نسبت به آنکه او را برقرار کرده[s] اش۷:۱۷

j- مز ۲۳:۲۲. مزموری که دربارهٔ عادل رنجور و مظلوم است و در روایت مصائب عیسی به او نسبت داده شده است (ر.ک مت ۳۵:۲۷، ۳۹، ۴۳، ۴۶)، بندی که ذکر شده مربوط به آزادی است که انتظار می‌رود و لذا در مورد مسیح از مرگ برخاسته است.
k- ۲-سمو ۳:۲۲ یونانی. فریاد اعتماد پیروزمندانه قهرمان خدا است؛ در اش ۱۷:۸ نیز آمده است.
l- اش ۱۷:۸. قهرمان خدا فرد پیروزمندی یکّه و تنها نیست بلکه با کسانی که به او سپرده شده‌اند متحد است.
m- ر.ک روم ۲۱:۵.
n- در اینجا نویسندهٔ نامه نکته اصلی نامهٔ خود را وارد می‌کند. ر.ک مقدمه.
o- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: کفاره دادن. این کلمه گاهی به مفهوم تحمّل کردن کیفر که حتی بدون رضایت خاطر باشد درک و ترجمه می‌شود که با توجه به مفاد متن صحیح نخواهد بود، درصورتی که در متن عهد عتیق به مفهوم پاک کردن و تصفیه کردن است که خدا برای قوم خود درنظر گرفته است (ر.ک لاو ۲۰:۴؛ ۶:۱۶؛ ۱۱:۱۷). در اینجا بیان می‌کند قدرتی را که مسیح برخاسته از مرگ داشته می‌تواند آدمیان را از گناهانشان آزاد نماید (ر.ک ۲۵:۷؛ ۱۴:۹؛ ۱-یو ۱-۲:۲).
p- این بند آغاز توضیحی است که متعاقباً می‌آید. در مورد وفادار در امور خدا از بند ۱:۳ توضیح داده می‌شود و در مورد کاهن اعظم رحیم از بند ۱۵:۴ تا ۱۰:۵ تشریح خواهد شد.
q- منظور از رسول نمایندهٔ صلاحیتدار خدا به نزد مردمان است و یا نمایندهٔ مردمان به نزد خدا است.
r- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: کاهن اعظم بیان ایمان. برای این اصطلاح چند تفسیر پیشنهاد شده است: ۱- کاهن اعظمی که به او ایمان داریم. ۲- کاهن اعظمی که در بیان اصول ایمان به این عنوان نامیده شده است. ۳- کشیش اعظمی که به وسیلهٔ او بیان اصول ایمان ما پذیرفته می‌شود و در ایمان به خدا می‌گرویم. تفسیر اولی غیر صریح و خیلی مبهم است؛ برای تفسیر دومی مدرک و دلیلی وجود ندارد و هیچ یک از عبارات بیان اصول ایمان را نمی‌شناسیم که در آن عیسی به عنوان کاهن اعظم نامیده شده باشد. ولی تفسیر آخری بیشتر با منظور و مفاد نامه تطبیق می‌نماید. ر.ک ۱۲:۲؛ ۱۳:۵؛ ۱-پطر ۲۱:۱.
s- فعل یونانی که برقرار کردن ترجمه شده است در ترجمهٔ تحت‌اللفظی: انجام دادن و کردن می‌باشد می‌توان گفت که در اینجا اشاره به برخاستن مسیح از میان مردگان، یا آفرینش جدیدی است که خدا انسان نو آفریده است (ر.ک افس ۲۴:۴). همچنین می‌توان تعبیر کرد: آنکه کاهن اعظم را برقرار کرده است.

وفادار[t] است همچنانکه موسی نیز در تمام
خانهٔ او بود[u]. ۳زیرا بیشتر از موسی شایستهٔ
شکوه بوده به همان اندازه که بیشتر از
خانه، سازندهٔ آن احترام دارد[v]. ۴زیرا هر
خانه بوسیله کسی ساخته شده ولی آنکه همه
را ساخته، خدا است[w]. ۵و موسی حقیقتاً در
تمام خانهٔ او به مانند خدمتگزار[x] وفادار
بوده است تا دربارهٔ آنچه گفته شود گواهی
دهد؛ ۶امّا مسیح همچون پسر در خانهٔ او ۱-تو۱۷:۱۲-۱۴ افس۲:۱۹-۲۲؛ ۱-پطر۲:۵
بود. و ما خانهٔ او هستیم، اگر اعتماد
[کامل] و سربلندی امید را حفظ کنیم[y].

ورود در آرامش خدا بوسیلهٔ ایمان

۷بدین سبب چنانکه روح القدس می گوید:
امروز اگر صدای او را می شنوید،
۸دلهای خود را سخت مکنید به مانند
[هنگام] کشمکش در روز تجربه در
صحرا[z]،
۹که در آنجا پدران شما را با آزمایشی به
تجربه گذاشتند.
۱۰و [ایشان] چهل سال اعمال مرا دیده
بودند[a].
بدین سبب به این نسل خشمگین شدم
و گفتم: ایشان همواره دل گمراه دارند
و آنها راههای مرا نشناخته اند.
۱۱به طوری که در خشم خود سوگند
خوردم[b]:
[خواهیم دید] اگر هرگز در آرامش من
وارد خواهند شد[c].
۱۲ملاحظه کنید، ای برادران، که مبادا
هرگز در هیچ یک از شما قلب بد، بی ایمان ۸:۳؛ ۲۲:۱۰؛ ۱۵:۱۲
باشد که از خدای زنده[d] دور شود. ۱۳ بلکه

t- ترجمهٔ دیگر این کلمه: معتبر. به عقیده بعضی از مفسران کلمهٔ وفادار با موضوعی که به آن اشاره می شود (اعد ۱۲:۷) کمتر ارتباط دارد و واژهٔ معتبر بهتر تطبیق می نماید زیرا مفهوم مقام و اقتدار دربر دارد.
u- ر.ک اعد ۱۲:۷.
v- برخلاف موسی که خود را واقعاً متمایز از خانهٔ خدا نمی داند، عیسی مقام سازنده و بنا کننده دارد (ر.ک ۲-سمو ۷:۱۳).
w- برطبق این استدلال که با کلمات مناسب انشاء شده است مسیح سازندهٔ خانهٔ خدا و در همان مقام خدا است (ر.ک ۱:۱۰).
x- کلمهٔ یونانی که در اینجا آمده و خدمتگزار ترجمه شده است مفهوم افتخارآمیز دارد و در عهد جدید فقط در اینجا بکار برده شده است.
y- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: تا پایان پابرجا بمانیم؛ نظیر عبارت بند ۳:۱۴.
z- در این مطالب که از مزامیر نقل قول می شود، متن عبری به وقایع مسّا و مریبه اشاره می نماید ولی در متن یونانی صریحاً به آنها اشاره نشده است.
a- در متن عبری این مزمور پایان بند بعد از کلمه اعمال آمده به طوری که چنین درک می شود: با اینکه اعمال مرا (یعنی معجزه هایی که در هنگام خروج از مصر انجام گردید) دیده بودند و موضوع مدّت چهل سال مربوط به دوران بعدی است (ر.ک ۳:۱۷)، درصورتی که در اینجا منظور از اعمال همان کیفری است که خدا در مدّت چهل سال بر ایشان روا داشته است (ر.ک اعد ۱۴:۳۲-۳۴).
b- مأمورانی را که برای شناسایی و اکتشاف به سرزمین موعود فرستاده بودند در بازگشت موجب دلسردی و نومیدی قوم شدند به طوری که از پذیرفتن عطیهٔ خدا امتناع کردند و بدین گونه خشم خدا برانگیخته شد. تمام توضیح هایی که بعد از این می آید مربوط به این موضوع است. در این بند صریحاً به اعد ۱۴:۲۱-۲۳ اشاره شده است.
c- مز ۹۵:۷، ۱۱. در متن یونانی کلمات خواهیم دید وجود ندارد بلکه متن عبری که یک عبارت کوتاه آمیخته به نفرین است کلمه به کلمه و ضعیف ترجمه شده است. متن کامل عبارت عبری تقریباً چنین است: «خدا مرا چنین و چنان کند اگر...» (ر.ک ۱-سمو ۱۴:۴۴؛ ۲۵:۲۲؛ ۲-سمو ۳:۳۵؛ ۲-پاد ۶:۳۱).
d- ر.ک اعد ۱۴:۹، ۱۱؛ تث ۱:۲۸، ۳۲؛ مز ۱۰۶:۲۴.

هر روز یکدیگر را تشویق کنید تا وقتی که
بتوان «امروز[e]» گفت، تا هیچ یک از بین
۷:۳؛ ۲-قرن۶:۱-۲ ۲-تسا۲:۱۰ شما به سبب فریب گناه سخت[دل] نشود.
[14]زیرا ما شریک مسیح شده ایم اگر تا
فی۳:۱۲ پایان نخستین اعتماد [خود] پابرجا بمانیم.
[15]چونکه گفته شده است:
۸-۷:۳ امروز اگر صدای او را می شنوید
دلهای خود را سخت مکنید، بمانند
هنگام کشمکش.
[16]زیرا چه کسی [از ایشان] پس از
شنیدن کشمکش کردند؟ بلکه موسی همگی
ایشان را از مصر بیرون نیاورد؟ [17]و به چه
۱۰:۳ کسی چهل سال خشمگین شد؟ به آنانی نبود
که گناه کردند و اجسادشان در صحرا
افتاد[f]؟ [18]و به چه کسانی سوگند یاد کرد که
۱۱:۳؛ تث۱:۲۶ به آرامش او وارد نخواهند شد مگر نه آنان
که نافرمان بودند؟ [19]و می بینیم که به سبب
بی ایمانی نتوانستند وارد شوند[g].

۴
اعد۱۴:۳۱ [1]پس بترسیم، چون وعده داده شده
است به آرامش او وارد خواهیم
شد، مبادا هرگز هیچ یک از شما تصوّر
کند[h] از این محروم است. [2]و زیرا به ما هم
مثل آنان[i]، پیام نیکو داده شده؛ ولی سخنی
را که شنیدند برای ایشان فایده‌ای نداشت
[زیرا] نزد آنانکه آن را شنیدند با ایمان
آمیخته نشد[j]. روم۱۰:۱۶
[3]زیرا ما ایمانداران، در این آرامش وارد
می شویم بنابر اینکه گفته است:
به طوری که در خشم خود سوگند خوردم: ۱۱:۳
[خواهیم دید] اگر هرگز در آرامش من
وارد خواهند شد[k].
با اینکه اعمال او از پی ریزی جهان پایان
یافته بود، [4]زیرا در جایی دربارهٔ هفتمین
روز گفته است: و خدا در هفتمین روز از
همه اعمال خود آرامش یافت[l]. [5]و در
این باره باز هم: [خواهیم دید] اگر هرگز در
آرامش من وارد خواهند شد،
[6]و چون قرار است بعضی از ایشان در آن
وارد شوند و آنانکه در ابتدا پیام نیکو را
دریافت کرده امّا به سبب نافرمانی وارد
نشدند، [7][خدا] باز هم روزی را مقرر کرد،
امروز، وقتی که پس از مدّتی از زبان داود
می گوید چنانکه قبلاً گفته شد:
امروز اگر صدای او را می شنوید ۸-۷:۳

e- ترجمه تحت‌اللفظی: تا مدتی که امروز خوانده می شود. این اظهار در مزمور آمده است و منظور روز پذیرش در آرامش خدا است (۷:۴؛ ۲۵:۱۰) روزی که برعکس برای بی ایمانان روز محکومیت خواهد بود (۲۷:۱۰). و بدین سبب نویسنده نامه شدیداً توصیه کرده و اندرز می دهد.
f- ر.ک اعد ۲۹:۱۴، ۳۲.
g- ر.ک اعد ۳۹:۱۴-۴۵ و تث ۴۱:۱-۴۵.
h- کلمهٔ یونانی که تصور کند ترجمه شده است ممکن است به دو معنی درک گردد: یقین داشته باشد یا بر او ثابت شود خطاکار است. بعضی از مفسران با توجه به موضوع متن، مفهوم اخیر را پذیرفته اند.
i- از اسرائیلیان دعوت شده بود به سرزمین موعود وارد شوند (ر.ک اعد ۳۰:۱۳؛ ۷:۱۴-۹؛ تث ۲۱:۱، ۲۹). پیام نیکوی انجیل که از ایمانداران دعوت می نماید به ملکوت خدا وارد شوند، در اینجا با آن دعوت مقایسه شده است.
j- ر.ک ۱۱:۱۴؛ تث ۳۲:۱. در نسخه دیگری: زیرا در شنوندگان ایمان نفوذ نکرده بود، نسخهٔ دیگر: زیرا به وسیلهٔ ایمان با شنوندگان سخن آمیخته نشده اند.
k- مز ۱۱:۹۵؛ ر.ک عبر ۱۱:۳ و ۵:۴.
l- پید ۲:۲. در مقایسه و سنجش با پید ۲:۲، نویسنده معنی عبارتی را که در مزمور آمده است بررسی و تشریح می نماید. این آرامش را می توان به معنی سعادت زمینی درک نمود که خدا به آن برکت می دهد. نویسنده آن را با زندگی خدا ارتباط داده و تفسیری «آسمانی» تلقین می کند. ر.ک ۱:۳.

دلهای خود را سخت مکنید[m].
۸ زیرا اگر یوشع به ایشان آرامش داده
بود، بعد از آن [خدا] از روز دیگری سخن
۲۵:۱۰ نمی گفت[n]. ۹ بنابراین برای قوم خدا
استراحت سبت باقی می ماند. ۱۰ زیرا
آنکه در آرامش او وارد می شود، خودش هم
از کارهایش آرامش می گیرد چنانکه خدا از
کارهای خود [آرامش گرفت][o].
۱۱ بنابراین کوشش کنیم در این آرامش
وارد شویم تا مبادا کسی در آن نافرمانی
عبرت آمیز سقوط کند[p].
۱۲ زیرا سخن خدا زنده و فعّال است، و
افس۶:۱۷؛ حک۱۸:۱۵-۱۶ بُرّنده تر از هر شمشیر دو دم[q] و تا جدا
کردن روح از جان، مفاصل و نیز مغز
ار۱۷:۱۰ استخوانها نفوذ می کند و نیت ها و افکار
دل را تشخیص می دهد[r]. ۱۳ و در مقابل او
آفریده ای نامرئی وجود ندارد[s]: بلکه
همه چیز عریان و بی پرده است[t] به چشمان
آن که باید به او حساب پس بدهیم. روم۱۴:۱۲

پیوستن به مسیح، کاهن اعظم

۱۴ چون کاهن اعظمی کبیر داریم که
آسمانها را پیموده، عیسی، پسر خدا است،
پس اصول ایمان خود را محکم نگهداریم[u].
۱۵ زیرا کاهن اعظمی نداریم که نتواند به
ناتوانی های ما دلسوزی کند، بلکه از هر
حیث به مانند[ما] تجربه دیده است غیر از ۲:۱۷-۱۸
گناه[v]. ۱۶ پس با اطمینان به سوی تخت
فیض پیش برویم تا رحمت دریافته و فیض
کمکی را به موقع بیابیم.

m- مز ۹۵:۷-۸؛ ر.ک عبر ۳:۷-۸، ۱۵.

n- بنا به نظریه معمولی، ورود به سرزمین کنعان برای اسرائیلیان ورود در آرامش و استراحت بود (ر.ک یوشع ۲۱:۴۴؛ ۲۲:۴؛ ۲۳:۱). نویسنده با استدلال و تفسیر ماهرانه از این نظریه فراتر می رود. چون در این مزمور که مدّتها پس از تصرف کنعان سروده شده به طور ضمنی درک می شود که آرامش خدا هدفی است که هنوز حاصل نگردیده است و نویسنده چنین نتیجه می گیرد که ورود اسرائیلیان به کنعان ورود در آرامش خدا نبوده و تجسم قبلی آن می باشد.

o- این بند را اکثراً به عنوان اشاره به ورود هر فرد مسیحی به آسمان درک می کردند ولی بهتر می توان تفسیر کرد که منظور ورود خود مسیح می باشد (ر.ک ۴:۱۴؛ ۹:۲۴) و منظور آرامش او است (ر.ک ۱۰:۱۱-۱۳).

p- گاهی ترجمه می کنند: تا کسی به همین گونه سرمشق نافرمانی نشده و سقوط نکند. ترجمهٔ دیگر: تا همین نمونهٔ نافرمانی کسی را به سقوط نکشاند.

q- هشدار در مورد بی ایمانی با یادآوری جنبهٔ داوری سخن خدا پایان می یابد. ر.ک یو ۱۲:۴۸.

r- ترجمه و تفسیر دیگر: تا به حدّ تقسیم روح از جان. نویسنده بین جان که اصل زندگی مادی و نفسانی است و روح که مایهٔ زندگی معنوی است تفاوت قایل است (ر.ک ۱-تسا ۵:۲۳؛ ۱-قرن ۲:۱۴؛ ۱۵:۴۵-۴۶).

s- در این جمله طرز بیان در زبان یونانی به طوری است که ضمیر او ممکن است مربوط به خدا یا سخن باشد، لذا مفهوم عبارت تا اندازه ای مبهم است.

t- ترجمهٔ تحت اللفظی: تحت تسلط و گردنش گرفته شده. فعل یونانی که در اینجا آمده در مورد کشتی گرفتن بکار می رود، موقعی که گردن رقیب خود را بگیرند به طوری که نتواند تکان بخورد یا وقتی که می خواهند حیوانی را ذبح نمایند و او را محکم مهار نمایند. موضوع عریان بودن را گاهی مکشوف کردن ترجمه می نمایند.

u- نویسنده گاهی می گوید که مسیح رفته و در آسمانها جلوس کرده است (۱:۸؛ ۹:۲۴؛ ر.ک مز ۱۱:۴؛ ۱-پاد ۸ک۳۰-۳۹) و گاهی می گوید در ماوراء آسمانها. (در اینجا و ۷:۲۶؛ ر.ک مز ۸:۲؛ ۱۱۳:۴). صورت مختلف این اظهارات نشان می دهد که نبایستی آنها را به معنی مادی و فیزیکی سفر کیهانی درک نمود (در مورد آسمان کیهانی ر.ک ۱:۱۰-۱۲؛ ۱۲:۲۶-۲۷)؛ در این عبارات شکوهمندی مسیح برخاسته از مرگ که موضوعی روحی است بیان می شود (ر.ک ۱-قرن ۱۵:۴۴-۴۵). این شکوهمندی در نزد خدا به مسیح اقتدار کامل می دهد، که تکیه گاه مستحکمی برای ایمان است. ر.ک ۳:۱-۶.

v- تجربه های زمینی عیسی، او را به آدمیان نزدیک کرده و پایهٔ اعتماد آدمیان شده است. این تجربه ها ضمناً او را از خدا دور

مسیح، کاهن اعظم مشفق

۵ [۱]زیرا هر کاهن اعظمی[w] از بین ۵:۵،۱۰؛ ۸:۳
انسان ها گرفته شده، برای انسان
ها تعیین گردیده است در ارتباط به خدا، تا
هدایا و قربانیهایی برای گناهان تقدیم
نماید. [۲]می تواند نسبت به نادانان و ۴:۱۵؛
گمراهان[x] مدارا[y] نماید، چون هم خودش از ۲:۱۷-۱۸
ناتوانی احاطه شده است، [۳] و بدین سبب ۷:۲۸
می باید[قربانیهایی] برای گناهان تقدیم
کند، پس هم برای خودش چنانکه برای
قوم[z]. [۴] و هیچ کس برای خود چنین
افتخاری قایل نمی شود بلکه مثل هارون[a]
نیز بوسیله خدا خوانده می شود.
[۵]به همین گونه نیز مسیح به خود افتخاری
قایل نشده است که کاهن اعظم شود؛ بلکه
اوست که به وی گفته است: تو پسر منی؛
من تو را امروز تولید کرده ام[b]،
[۶]چنانکه [باز] هم در جای دیگر
۷:۱-۲۸ می گوید: تو همواره برابر طبقهٔ ملکیصدق[c]
کاهن هستی. [۷]او[d] در روزهای بشریت

نکرده اند بلکه برعکس او را تا خدا بالا برده اند زیرا عیسی به گناه تسلیم شده است. ر.ک ۷:۲۶؛ ۹:۱۴؛ یو ۸:۴۶؛ ۲-قرن ۵:۲۱؛ ۱-یو ۳:۵. به این ترتیب مسیح که نزدیک به آدمیان و نزدیک به خدا است، مسیح شکوهمند کاهن اعظم کامل است.

w- برطبق نوشته های عهد عتیق وظایف کهانت سه جنبهٔ اساسی دارد: ۱- کاهن کسی است که جزو خانه خدا بوده و اجازه دارد به باریتعالی نزدیک شود (خروج ۲۸:۴۳؛ ۲۹:۳۰؛ اعد ۱۸:۱-۷)؛ کاهن به خدا مراجعه کرده، نیّات و قوانین او را اعلام می نماید (تث ۳۳:۸ و بندهای بعدی؛ لاو ۱۰:۱۱؛ ملا ۲:۷)؛ ۳- قربانی ها تقدیم می کند (لاو ۱؛ ۴؛ ۹؛ و غیره).
دو وظیفه اولی که شرکت در شکوه و اقتدار خدا است به چهرهٔ موسی وابسته بوده است (عبر ۳:۱)؛ و این مشخصات با مسیح که به آسمان صعود کرده است کاملاً تطبیق داشته و صدق می کند (۴:۱۴؛ ۸:۱-۲).
در اینجا نویسنده به جنبهٔ سوم وظایف کاهن پرداخته و آن را به چهرهٔ هارون منسوب می کند، ضمناً در مورد جنبهٔ بشری کهانت که با گناهان آدمیان ارتباط دارد تأکید می نماید. در اجرای آیین تقدیم قربانی همبستگی عمیق کاهن اعظم و آدمیان درمقابل خدا بیان می شود.

x- بنابر اعد ۱۵:۲۲-۳۱ فقط گناهانی بوسیله تقدیم قربانی بخشیده می شود که بدون آگاهی کامل مرتکب شده باشند و گناهان دیگر معمولاً موجب هلاک گناهکار می شوند. ولی این تمایز در لاو ۱۶:۱۶، ۳۴ تصریح نشده است. وانگهی که بر اثر نادانی مرتکب شوند ممکن است به معنی خیلی وسیعی درک گردد. ر.ک لو ۲۳:۳۴؛ اع ۳:۱۷.

y- کلمه یونانی که مدارا ترجمه شده است در اینجا به معنی داشتن احساسات معتدل است؛ در جاهای دیگر همین کلمه در مورد خویشتن داری و تسلط بر نفس به هنگام اندوه یا خشم بکار می رود.

z- مشارکت کامل کاهن اعظم با بشریت بدین وسیله تأکید می شود که بایستی برای خودش هم قربانی تقدیم نماید (لاو ۹:۷-۸؛ ۱۶:۶، ۱۱).

a- شرایط نیل به مقام کهانت داشتن حالت فروتنی و تبعیت درمقابل خدا است. خدا کسانی را که مدعی بودند مقام کهانت را کسب کرده اند تا از آدمیان دیگر برتر باشند طرد کرده بود (اعد ۱۶:۱۷).

b- مز ۲:۷؛ همین متن قبلاً در ۱:۵ نقل شده است.

c- مز ۱۱۰:۴. اولین بند این مزمور در مورد تاج گزاری مسیح و در عبر ۱:۳ و ۱:۱۳ نقل شده است (ر.ک به یادداشت های این دو بند). در بند ۴ اظهار شده است پادشاهی که تاج گزاری کرده بوسیلهٔ خدا به عنوان کاهن نامیده شده است. منظور از برابر طبقه ملکیصدق یعنی جزو طبقه و نظام کاهنان ملکیصدق.

d- بندهای ۷ الی ۱۰ محتوی خلاصه ای از شناخت مسیح است. در این بندها مصائب مسیح و صلیب به صورت تضرعی تقدیمی توصیف شده است که با احترام به ارادهٔ خدا آمیخته است؛ ر.ک جتسیمانی، مت ۲۶:۳۹ و متون مشابه در انجیلهای دیگر. نویسنده در عین حال اظهار می کند که این نیایش مستجاب شده است و لازم بوده که مسیح رنج کشیده و فرمانبرداری نماید. مستجاب شدن نیایش عبارت از تغییر حالتی است که با وجود مرگ و درخلال آن انجام گرفته است، به طوری که در سرود شناخت مسیح در فی ۲:۶-۱۱ آمده است فرمانبرداری مسیح منجر به شکوهمندی شده است ولی در اینجا با کلمات و عبارات

مز۲۲:۲۵؛ خود[e] نیایش ها و تضرّعاتی با فریاد بلند و
مت۲۷:۴۶؛ اشکها تقدیم کرد، به آنکه می توانست از
یو۱۲:۲۷ مرگ نجاتش دهد؛ و به دلیل تقوایش[f]
مز۶۸:۲۱
۲:۱۰؛ مستجاب گردید. ۸ هر چند پسرش بود، از
فی۲:۸؛ مشقت هایی که کشید اطاعت آموخت[g]؛ ۹ و
روم۵:۱۹ کمال یافته[h]، برای تمام آنانکه از او
فرمانبرداری کردند، موجب نجات جاودانی
۵:۱؛ ۸:۳ شد، ۱۰ بوسیلهٔ خدا به عنوان کاهن اعظم
طبقهٔ ملکیصدق اعلام گردید[i].

بررسی دربارهٔ زندگی مسیحی

۱۱ در این مورد، سخن طولانی داریم و
دشوار بتوان توضیح داد[j]، زیرا شما برای
شنیدن کاهل شده اید. ۱۲ حال آنکه نیز زمان
بایستی شما را استاد می کرد، زیرا باز نیاز
دارید نخستین عناصر الهامات خدا را به شما
بیاموزند و نیازمند به شیر شده اید، نه غذای
جامد، ۱۳ زیرا کسی که [هنوز] سهمیهٔ شیر
دارد نسبت به کلام عدالت[k] ناآزموده است،
چون کودک است. ۱۴ امّا غذای جامد برای
کاملان است، حواس ایشان بر اثر ممارست
ورزیده شده تا خوب را از بد تشخیص دهد.

۶ ۱ بدین سبب، سخن اولیه[l] دربارهٔ
مسیح را گذاشته و به آنچه کامل
است بپردازیم، بدون اینکه مجدداً پایه را
بر[m] توبه از اعمال مرگ و ایمان به خدا

کهانت بیان می گردد: بدین معنی که به جای پرستش و تعظیم به عنوان خداوند (فی ۲:۱۱) مسیح چون آزادی بخش و نجات بخش شناخته شده و کاهن اعظم اعلام گردیده است.

e- در روزهای جسم خود.

f- ترجمه تحت اللفظی: ترس احترام آمیز او. ترجمهٔ دیگر: فرمانبرداری او. ترجمهٔ دیگر: از ترس رهایی یافته.

g- ترجمهٔ تحت اللفظی: بوسیلهٔ چیزهایی که تحمّل کرد فرمانبرداری آموخت. در متن یونانی کلمات رنج کشیدن و فرمانبرداری کردن موزون و هم قافیه هستند بدین سبب در ترجمه فارسی کلمات مشقّت و اطاعت انتخاب شده است که با هم موزون هستند.

h- ترجمهٔ دیگر: و تا به تمامیت خود هدایت شد (ر.ک ۲:۱۰ h). کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده به دو گونه درک می شود. بدواً تغییر عمیقی را بیان می کند یعنی: بنا به ارادهٔ خدا، بوسیله فرمانبرداری مسیح، طبیعت بشری در محک مصائب ذوب شده است ر.ک ۹:۱۰-۱۰. ولی همین کلمه یادآوری نیل به مقام کهانت است زیرا در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) به این معنی آمده است (ر.ک خروج ۲۹؛ لاو ۸). ضمناً تمامیت یافتن و کمال مسیح بوسیلهٔ مصائب شرطی کهانت او است.

i- این اعلام نهایی نکته های اصلی و مرکزی نامه را اعلام می نماید که به ترتیب در ۷:۲۸؛ ۹:۲۸؛ و ۶:۲۰ ذکر گردیده و در فصلهای ۸-۹، ۱۰ و ۷ تشریح شده است.

j- چنین به نظر می رسد که دشواری کار به سبب پیچیدگی موضوع نبوده بلکه عدم علاقه و پژوهش روحی مخاطبان می باشد. زیرا نویسنده ایشان را با کودکان شیرخوار مقایسه کرده است و امیدوار است بالغ شوند. پولس رسول در مورد قرنتیان نیز همین تصویر را بکار برده است که تصویری عادی در آن دوران بوده است (۱-قرن ۲:۶، ۱۴:۱۶؛ ۳:۱-۲). ظاهراً مخاطبان نامه به عبرانیان از مدّتها پیش به کلیسا تعلق داشته اند ولی به جای اینکه به نوگرایان به مسیحیت آموزش دهند کمتر از ایشان برای پیشرفت در زندگی مسیحی جدیت دارند.

k- ترجمهٔ دیگر: استدلال در مورد آنچه مقرون به عدالت است. بعضی از مفسران تصور می کنند این اصطلاح دربارهٔ نظریه و عقاید مذهبی است که مختص مسیحیان کامل می باشد و نویسنده می خواهد ارائه نماید.

l- با اینکه مخاطبان استعداد زیادی ندارند با این همه نویسنده به بررسی و پژوهشی می پردازد که در نتیجه آنان را از نظر ایمان به مرحلهٔ بلوغ و کمال برساند.

m- آغاز شش فصل این نامه آموزش مذهبی مهم و اساسی دربردارند که عبارت از این است: توبه از اعمال مرگ در درجه اول اهمیت قرار دارد. برطبق مفاد بند ۹:۱۸، خون مسیح ما را از اعمال مرگ تصفیه و پاک می نماید تا بتوانیم به خدای زنده خدمت کنیم. منظور از اعمال مرگ، اعمالی است که با زندگی واقعی تطبیق ندارند و اعمال بی حاصل ظلمات هستند (افس ۵:۱۱؛ ر.ک روم ۸:۶، ۱۳؛ غلا ۵:۱۹).

بگـذاریم، [۲]و بـر آمـوزش تـعـمـیـدها[n]،
دست گذاشتن[o]، رستاخیز مردگان و داوری
جاودانی. [۳]و این را انجام خواهیم داد اگر
خدا اجازه دهد.
[۴]زیرا غیرممکن است کسی یک بار نور ۲۶:۱۰
را دریافته[p]، و موهبت آسمانی را چشیده و ۱-پطر۳:۲
در روح‌القدس سهیم گردیده، [۵]و سخن
نیکوی خدا را چشیده، و نیروهای جهان
آینده را دریافته باشد[q]، [۶]با این همه سقوط
کرده و [دوباره] توبهٔ خود را تجدید نماید.
زیرا بدینسان خودشان پسر خدا را
[دوباره] بر روی صلیب گذاشته و در
معرض ناسزاها قرار می‌دهند[r].
[۷]زیرا زمینی که بارانی را که بارها بر آن
می افتد، جذب می کند و برای آنان که نیز
زراعت کرده محصول مفید بار می‌آورد، سهم
برکت خود را از خدا دریافت می نماید؛ [۸]امّا
اگر خار و خس تولید کند بی ارزش و قریب پید۳:۱۷-۱۸
به ملعنت است که پایان آن سوختن است.
[۹]با اینکه چنین سخنانی گفتیم، اما ای
محبوبان، دربارهٔ شما [به دریافت] چیزهای
بهتر و قرین به نجات، متقاعدیم[s]. [۱۰]زیرا
خدا بی انصاف نیست که عمل شما را
فراموش کند و محبتی که برای نام او ابراز
کرده اید و خدمتی که به مقدسان[t] کرده و ۳۲:۱۰-۳۴
باز هم می کنید. [۱۱]امّا میل داریم هریک از
شما همان جدیّت را برای تضمین تمامیّت ۲۳:۱۰
امید تا پایان ابراز نمایید. [۱۲]به طوری که ۱۱:۵
کاهل نشوید امّا از آنان که بوسیله ایمان و ۱-قرن۱۱:۱ ۷:۱۱-۹
صبر وارث وعده ها هستند تقلید کنید.

n- آنچه موجب شگفتی است، کلمه تعمیدها به صورت جمع آمده است. آیا اشاره به مراسم تطهیر و شست‌وشوهایی است که یهودیان و مشرکان انجام می‌داده اند؟ آیا منظور مجموعه اعمالی است که قبل و بعد از تعمید مسیحی انجام می شود؟ یا اینکه اگر اَپلس نویسندهٔ نامه به عبرانیان باشد، منظور او تعمید یحیی و تعمید مسیحی می باشد؟ ر.ک اع ۱۸:۲۵؛ ۱۹:۱-۵.

o- قرار دادن دست‌ها، ارتباط یافتن با روح‌القدس است (اع ۸:۱۷؛ ۱۹:۶؛ همچنین ر.ک ۱-تیمو ۴:۱۴؛ ۵:۲۲).

p- دریافت نور اشاره به روشن شدن ایمان است (افس ۱:۱۸؛ ۳:۹؛ ۵:۱۳-۱۴) و شاید با تعمید ارتباط دارد؛ موهبت آسمانی ممکن است یادآوری شرکت در شام آخرین عیسی باشد.

q- نیروهای جهان آینده هم‌اکنون در جمعیت مسیحیان بکار هستند و دخالت این نیروها گواه بر آنست که قربانی شدن مسیح اوضاع زندگی بشریت را به کلی دگرگون کرده است: دوران جدیدی آغاز شده است (ر.ک ۱:۲؛ ۹:۱۱).

r- ترجمهٔ این عبارت به طور کلی که در بالا آمده با نظریه ای که در ۱۰:۲۹ ذکر می‌شود تطبیق می کند ولی این عبارت را به طرز دیگری نیز ترجمه و تفسیر می نمایند غیرممکن است بار دیگر به تجدید و تحوّل دست یابند زیرا برای توبهٔ خود، پسر خدا را دوباره به روی صلیب گذاشته و در معرض ناسزاها قرار می‌دهند. این طرز ترجمه با آنچه در ۹:۲۵-۲۸ و ۱۰:۲۶ آمده است مطابقت می نماید. لازم به یادآوری است مفسّران در تفسیر این عبارت متفق‌القول نیستند و اختلاف نظرهایی وجود دارد. ر.ک مقدمه.

به هرصورت در این عبارت طولانی غیرممکن بودن توبهٔ دوم مطرح شده و با اینکه به صراحت اظهار نگردیده است وضعیت تیره و تاریکی ارائه می شود ولی در اینجا موضوع اصول آیین مطرح است و نه داوری دربارهٔ مجرمان است بلکه فقط پند و اندرزی است که هشدارهای شدید دربر دارد، وانگهی در پایان نامه برکت دادن بر نفرین و لعنت می‌چربد (۶:۹) و نویسندهٔ نامه تصریح می کند که نسبت به مخاطبان نظریه مثبت و موافقی دارد و فقط مایل است ایشان را علیه سستی احتمالی تقویت نماید زیرا نتایج این ناتوانی ممکن است غیرقابل ترمیم گردد.

s- در بندهای ۶:۷-۸ نویسنده دو نوع وضعیت خوب و بد را با یکدیگر مقایسه می نماید و در اینجا در مورد وضعیت بهتر بحث می‌کند. مجدداً در ۶:۱۲ که از وارث وعده ها سخن می گوید به این نکته اشاره می نماید.

t- قدیسان اصطلاحی معمولی برای تعیین پیروان مسیحی است. پولس رسول این اصطلاح را بارها بکار برده است (رک روم ۱۲:۱۳؛ ۱۵:۲۵). این کلمه گاهی در مورد اعضای کلیسای اورشلیم بکار رفته و به اعضای کلیسای ناحیه یهودا گسترش یافته است (مثلاً ۲-قرن ۹:۱۲؛ روم ۱۵:۲۶) در این صورت عنوانی افتخاری است و مقامی را که این کلیسا در جامعه مسیحیان یعنی کلیسای مسیح دارد تعیین می نماید.

وعده خدا و امیدواری

۱۳ زیرا وقتی خدا به ابراهیم وعده می داد
چون بوسیله شخصی بزرگتر نمی توانست روم۴: ۲۰؛ پید۲۲: ۱۶
سوگند یاد کند بوسیلهٔ خود سوگند یاد
کرده، ۱۴ گفت:

هر آینه تو را مسلماً برکت خواهم داد
و تو را بسی افزون خواهم کرد[u]:

۱۵ و بدین سان [ابراهیم] با صبر، وعده ۱۱:۹،۱۳،۳۳،۹ ۳
بدست آورد. ۱۶ چون انسان ها بوسیلهٔ
بزرگتر سوگند می خورند و هر مرافعه بین
ایشان با تأیید سوگند پایان می یابد؛
۱۷ بدین سبب خدا که خواسته است
تغییرناپذیری نیّت خود را به وارثان وعده ۹: ۱۵؛ ۱۰: ۳۶
نشان دهد، سوگند در میان قرار داد[v]، ۱۸ تا
به وسیلهٔ دو چیز[w] تغییرناپذیر که ممکن اعد۲۳: ۱۹
نیست خدا در آنها دروغ بگوید، تسلّای
خاطر نیرومندی داشته باشیم، ما که پناه
آورده ایم تا در اُمیدی که به ما عرضه شده
است، پابرجا باشیم. ۱۹ [این امید را][x] ۱۰: ۲۳
همچون لنگری برای جان داریم که مطمئن و ۱۰: ۲۰؛ لاو۱۶: ۲،۱۲
استوار است و بر درون پرده[y] نفوذ می کند،
۲۰ در آنجایی که عیسی چون پیشرویی برای ۴: ۱۴؛ ۹: ۲۴
ما وارد شده و کاهن اعظم جاودانی در طبقه
ملیکصدق[z] گردیده است.

ملکیصدق

۷ ۱ زیرا این ملکیصدق[a]، پادشاه پید۱۴: ۱۷-۲۰
سالیم، کاهن خدای متعال، به
ملاقات ابراهیم رفت وقتی که او از شکست
دادن پادشاهان برمی گشت و او را برکت
داد[b]، ۲ و ابراهیم ده یک همه چیز را برای او
کنار گذاشت، آن که نامش اول ترجمه شدهٔ
پادشاه عدالت و همچنین پادشاه سالیم یعنی
پادشاه صلح است، ۳ بدون پدر[c]، بدون

u- پید ۱۲:۱۷ یونانی.
v- ترجمهٔ تحت اللفظی: خود را واسطه قرار داد. ر.ک یادداشت بعدی.
w- این دو چیز عبارت از وعدهٔ خدا و سوگند خدا است. بدین طریق، خدا هم شاهد و هم ضامن وعدهٔ خود می شود.
x- ر.ک ۱:۲. لنگر مظهر امیدواری و تصویر معمولی در ادبیات یونانی است. نمونه هایی از آن در دخمه های مقابر کشف شده است که نشان می دهد لنگر را به عنوان مظهر مسیحیت بکار می برده اند.
y- منظور پردهٔ معبد است که قدس الاقداس را می پوشاند ر.ک ۳:۹. در اینجا به مدخل درگاه خدا می اندیشد ر.ک ۲۴:۹؛ ۲۰:۱۰.
z- این بند یادآوری موضوعی است که در ۵:۱۰ پایان می یابد و موضوعی را اعلام می نماید که در بند ۱:۷ آغاز می شود و نقش اصلی را ملکیصدق دارد.
a- بند اول این فصل با عبارتی و با ذکر نام ملکیصدق آغاز می شود و در بند ۱۰:۷ با عبارتی در همین باره پایان می یابد. این روش وارد کردن یک موضوع به صورت «جمله معترضه» در کتاب مقدس نادر نیست و مخصوصاً در نامه به عبرانیان به دفعات این روش بکار برده شده است.
b- در اینجا نویسنده به روایت پید ۱۷:۱۴-۲۰ اشاره می کند و برای قسمت دوم مطالب خود (۱۱:۷-۲۸) نکته ای را که در مز ۴:۱۱۰ آمده است نقل می نماید: برابر طبقه ملکیصدق.
c- برطبق یکی از اصول تفسیری کاهنان یهود، نویسنده نکاتی از روایت پید ۱۴ را که حذف شده یا به سکوت برگزار گردیده است یادآوری کرده و بر آنها تأکید می نماید تا از چهرهٔ معمایی و پیامبرانه ملکیصدق تصویری در ماوراء زمان و تاریخ ترسیم نماید و در این تصویر تجسّم قبلی عیسی مسیح را تشخیص می دهد.

۱۶:۷ مـادر، بـدون تـبـار، بـدون ابـتـدای ایّـام نه
پایان زندگی دارد، بلکه به پسر خدا[d] شبیه
شده و همواره کاهن[e] می ماند.
۴ ببینید[f] چه بزرگ است آنکه ابراهیم
اعد۱۸:۲۱ پاتریارخ[ff] ده یک از بهترین غنیمت را به
او داد! ۵ و آنانکه پسران لاوی بوده و
کهانت دریافت می کنند دستور دارند
برطبق قانون [تورات] از مردمی یعنی از
برادران خود ده یک بگیرند، با اینکه
ایشان از کمر ابراهیم بیرون آمده اند[g].
۶ امّا او که از تبار ایشان نیست ابراهیم را به
پرداخت ده یک ملزم کرد و دارندهٔ وعده ها
را برکت داد. ۷ و بدون هیچ اعتراض[gg]،
[آنکه] پایین تر است بوسیله بالاتر تبرّک
می شود. ۸ و فی الواقع در اینجا انسان های
فناپذیر ده یک دریافت می کنند؛ امّا در
آنجا کسی که گواهی شده زنده است
[دریافت می نماید]. ۹ و مثل اینکه گویا
می توان گفت بوسیلهٔ ابراهیم نیز از لاوی
که ده یک[h] می گیرد، ده یک گرفته شد؛
۱۰ زیرا هنوز در کمر[i] جدّ خود بوده وقتی که
ملکیصدق به ملاقات او آمد.

کاهن اعظم به‌طریقهٔ ملکیصدق ۶:۸

۱۱ پس حقیقتاً اگر کهانت لاویان به کمال
رسیده بود[j]- زیرا قانونی که به قوم داده

d- در متونی که در غارهای قمران کشف شده چند قطعه مهم وجود دارد که حاکی از نفوذ چهرهٔ ملکیصدق در آن دوران است. در یکی از این متون که تفسیر تورات است (میدراش) و در غار شماره ۱۱ پیدا شده است کلمهٔ ملکیصدق به روشنی خوانده می‌شود. به نظر بعضی از نویسندگان این مطالب در مورد ملکیصدق به عنوان موجودی خدایی، منجی آسمانی است و چهرهٔ میکائیل فرشته را به یاد می‌آورد.
مورّخ یهودی یوسفوس برای یوحنّا هیرکان عنوان «کاهن خدای متعال» قائل شده است (که ملکیصدق را به یاد می‌آورد). (جلد ۱۶ تاریخ یهود ۲:۶).

e- کتاب مقدس برای کهانت ملکیصدق زمان محدودی قایل نشده و این نکته وی را از کهانت کاهنان اعظم یهود که وقتی می‌میرند کهانت ایشان پایان می‌یابد متمایز می‌کند (اعد ۲۰:۲۴-۲۸). همین موضوع در مورد کهانت مسیح برخاسته از مرگ صدق می‌نماید. بدین سبب نویسنده در این مورد خیلی اصرار و تأکید می‌کند. ۸:۷، ۱۵-۱۷؛ ۷:۲۳-۲۵.

f- در بندهای ۷:۴-۱۰ نویسنده از موضوع دریافت ده یک که ملکیصدق از ابراهیم گرفته است استفاده نموده تا برتری کهانت او را بر لاویان که از تبار ابراهیم هستند ثابت نماید. در توضیحات بعدی (۷:۱۱-۲۸) که همانندی مسیح با ملکیصدق بوسیله مز ۱۱۰:۴ گواهی می‌شود چنین استدلال و نتیجه‌گیری خواهد کرد که چون مسیح از طبقه ملکیصدق است بنابراین کهانت او برتر از کهانت لاویان می‌باشد.

ff- یهودیان، پیشوایان مذهبی خود را، از ابراهیم تا موسی که عمر طولانی می‌کردند به‌عنوان پاتریارخ می‌نامیدند. این کلمه را می‌توان اسقف ایالتی، پدر طایفه، شیخ و غیره ترجمه نمود. امروزه سران کلیسا را در کلیساهای شرقی به این عنوان می‌خوانند.

g- ترجمهٔ دیگر: که از نسل ابراهیم هستند. ر.ک ۷:۱۰ i.

gg- ترجمهٔ دیگر: بدون هیچ تناقض، بدون هیچ مناقشه، یعنی شکی نیست که...

h- در روایت پید ۱۴:۲۰ نخستین باری است که موضوع پرداخت ده یک به کاهنان ذکر شده است.

i- کلمه یونانی را که به فارسی کمر ترجمه کرده‌ایم اصلاً به معنی کلیه ها است. در دوران کهن کلیه ها را مرکز قدرت جسمانی می‌دانستند و تصور می‌کردند تمام نسل آیندهٔ هر مرد در کلیه های او جای دارد. ر.ک پید ۳۵:۱۱؛ ۱-پاد ۸:۱۹ و چون ملکیصدق از ابراهیم ده یک گرفته است برتری خود را نسبت به تمام نسل ابراهیم که هنوز به صورت نطفه در کلیه های او بوده تأیید کرده است.

j- کلمهٔ یونانی که به کمال رسیدن ترجمه شده است در اسفار پنجگانه تورات همیشه به معنی اجرای مراسم تقدیس کاهنان لاوی بکار برده می‌شود (ر.ک ۵:۹ h). نویسنده با توجه به مفاد مزمور ۱۱۰ که در آن نوع دیگری از کهانت اعلام شده است در بکار بردن این کلمه برای مراسم تقدیس کاهنان اعتراض کرده و اظهار می‌نماید که مراسم تقدیس لاویان شایستهٔ نام به کمال رسیدن نیست و لذا جای آن را کهانت بهتری گرفته که کهانت مسیح است زیرا تنها کاهن اعظم واقعاً کامل است. (۷:۲۸).

شده برمبنای آن است، چه نیازی [است] به
مز۱۱۰:۴ اینکه باز کاهن دیگری برطبق طبقه
ملکیصدق بپاخیزد و نه اینکه از طبقه
هارون نامیده شود؟ [۱۲]چون که اگر کهانت
تغییر یابد، به ناچار نیز در قانون هم تغییری
حاصل می‌شود. [۱۳]زیرا کسی که درباره‌اش
این چیزها گفته می‌شود به قبیلهٔ دیگری
تعلق دارد که هیچ کس از آن [قبیله] در
قربانگاه خدمت نکرده است. [۱۴]چون
آشکار است که خداوند ما از یهودا[k]
برآمده و برای آن قبیله موسی دربارهٔ
کاهنان چیزی نگفته است. [۱۵]و بیشتر
روشن است اگر به مانند ملکیصدق کاهن
دیگری برمی‌خیزد، [۱۶]که نه برطبق قانون
دستور جسمانی[l] بلکه برطبق نیروی یک
زندگی فناناپذیر [کاهن شده است].
[۱۷]زیرا چنین گواهی شده است:
مز۱۱۰:۴ تو کاهن جاودانی
برابر طبقه ملکیصدق[m] هستی.

روم۷:۱-۳ [۱۸]بدین سان حقیقتاً دستور قبلی به دلیل
ناتوانی و بیهودگی آن منسوخ گردیده
است. [۱۹]زیرا قانون [تورات] هیچ چیز را
به کمال نرسانیده و اُمید بهتری آورده که
۱۸:۶ به وسیلهٔ آن به خدا نزدیک شویم.
یع۴:۸ [۲۰]و تا آنجا که[n] بدون یاد کردن سوگند
[این امر انجام نشود] زیرا آنان
حقیقتاً بدون یاد کردن سوگند کاهن
شده‌اند، [۲۱]امّا [او] با یاد کردن سوگند،
بوسیلهٔ آنکه به او گفته است: خداوند
سوگند خورده و از آن برنخواهد گشت: تو
جاودانه کاهنی[o]، [۲۲]بنابراین عیسی نیز
۲۴:۱۲؛ ضامن[p] پیمان بسیار بهتری شده است. [۲۳]
لو۲۲:۲۰؛ ۲-قرن۳:۶ و فی الواقع آنان [به تعداد] زیاد کاهن
شده‌اند زیرا مرگ مانع از ماندن[pp] ایشان
۸:۱۳ می‌شد؛ [۲۴]امّا او چون که جاودان می‌ماند
او کهانت انحصاری[q] دارد. [۲۵]و بدین
۱۴:۱۰ سبب می‌توانند کسانی را که به وسیلهٔ او
به سوی خدا پیش می‌روند کاملاً نجات

k- خداوند ما، نظیر ملکیصدق از خانواده کاهنان نبوده و صریحاً گواهی شده که به قبیلهٔ یهودا تعلق داشته است: مت ۱:۲؛ لو ۳:۳۳؛ مکا ۵:۵. تعلق خداوند به قبیلهٔ یهودا در این متون تأیید گردیده ولی نمی‌توان گفت نویسنده نامه به عبرانیان انجیلهای متی، لوقا و مکاشفهٔ یوحنا را می‌شناخته است. ضمناً متون بسیاری که عیسی را از نسل داود اعلام کرده‌اند این نظریه را تأیید می‌کنند (روم ۱:۳؛ لو ۱:۳۲؛ مت ۹:۲۷؛ ۲-تیمو ۲:۸) زیرا داود از قبیله یهودا بوده است.

l- ترجمهٔ دیگر: قانون پدر فرزندی بشری.

m- مز ۱۱۰:۴. ر.ک عبر ۵:۶؛ ۶:۲۰.

n- نویسنده پس از اینکه اختلاف و تفاوت دو کهانت را نشان داده (۷:۱۱-۱۹)، اکنون برتری کهانت جدید را یادآوری می‌کند (ر.ک مقدمه) و برای اثبات این امر دو دلیل ارائه می‌نماید: یکی اینکه ضمانت خدایی رسمی‌تر است (۷:۲۰-۲۲) و دیگر اینکه جاودانی است (۷:۲۳-۲۵). دلیل اولی در بند ۶:۱۷ آماده شده و دلیل دومی (۷:۲۰-۲۲) و دیگر اینکه جاودانی است (۷:۲۳-۲۵). دلیل اولی در بند ۶:۱۷ آماده شده و دلیل دومی در بندهای ۷:۸، ۱۵-۱۷ پیش بینی شده بود.

o- نویسنده، بسته به اینکه بر چه نکته‌ای تأکید دارد، نقل قول مز ۱۱۰:۴ را شرح و بسط می‌دهد.

p- شخصیت مسیح شکوهمند او را ضامن پیمان قطعی بین خدا و آدمیان می‌کند زیرا از طرفی خودش یک فرد انسانی است و از طرف دیگر به وسیلهٔ خود خدا به عنوان کاهن اعظم تغییر ناپذیر تعیین گردیده است. بنابراین آدمیان از این پس در وجود او ضامن و جوابگویی به نزد خدا دارند.

pp- یعنی مرگ مانع از ادامهٔ حیات و ادامهٔ کهانت ایشان می‌شد.

q- کلمهٔ یونانی که در بالا انحصاری ترجمه شده است درجای دیگری از کتاب مقدس نیامده است. مفهوم این کلمه از نظر ریشه و اشتقاق: کسی که در کنار او نمی‌توان راه رفت. در ترجمه لاتینی کتاب مقدس (وولگات) این کلمه را همواره و جاودان ترجمه کرده‌اند.

دهد زیرا همواره زنده است تا به خاطر
۱۴:۴ ایشان شفاعت نماید[r]. ۲۶زیرا که چنین
کاهن اعظمی شایسته ما است: مقدس،
بی‌گناه، بی‌آلایش، جدا از گناهکاران و از
آسمانها فراتر شده است. ۲۷او که مجبور
۳:۵؛ لاو۱۶:۶،۱۵ نیست هر روز به مانند کاهنان اعظم اول
برای گناهان خود و سپس برای [گناهان]
قوم قربانی تقدیم نماید؛ زیرا این را یک
بار و برای همه با تقدیم خود انجام داده
است. ۲۸چونکه قانون [تورات] انسان
۲:۵ هایی را کاهن اعظم تعیین می نماید[s] که
ناتوانی دارند، امّا سخن سوگند[t] که پس از
قانون [تورات] است پسری را تعیین نموده
که جاودانه به کمال است.

کاهن اعظم ما و آیین پرستش زمینی

۸

۱:۳؛ ۱۴:۴ ۱اینک نکتهٔ سرآمد این گفته ها
چنین است که ما کاهن اعظمی داریم
که به دست راست تخت کبریا در آسمانها
بنسی۱۰:۲۴ نشسته است، ۲[همچون] خدمتگزار قدس
و خیمهٔ حقیقی، آنکه خداوند [آن را] برپا
کرده است و نه [یک] انسان[u]. ۳زیرا هر
۱:۵-۳ کاهن اعظمی برای تقدیم هدایا و قربانیها
تعیین شده است؛ بنابراین لازم است [خود]
او نیز چیزی برای تقدیم کردن داشته باشد.
۴پس اگر بر روی زمین بود[v]، حتی کاهن
۸:۱۰ نبود، چون [کسانی] هستند که برطبق قانون
[تورات] هدیه ها تقدیم نمایند[w]. ۵و اینان
۱:۱۰ ۲۳:۹ رونوشت[x] و سایه ای از چیزهای آسمانی را
می پرستند، برطبق [آنچه بوسیله] ندای
۹:۲،۸؛ ۱۳:۱۰ الهی به [موسی خبر داده شد]، هنگامی که
می خواست خیمه را ترتیب دهد: زیرا گفت:
نگاه کن،

r- در اینجا منظور از شفاعت فقط تقاضای ساده ای نیست که مسیح در روزهای بشری خود می کرد (۷:۵)، بلکه شفاعت اقدام شخصیتی است که کاملاً مجاز به این کار است (ر.ک ۲:۳) و در مورد کسانی که مسئولیت آنان را برعهده دارد، نزد مقام صاحب قدرت وساطت می نماید. بنابراین برای شفاعت در نزد خدا هیچکس بهتر از مسیح شکوهمند نیست زیرا به دست راست خدا بر تخت جلوس کرده است (ر.ک روم ۳۴:۸؛ عبر ۲۴:۹؛ ۱-یو ۱:۲).

s- برای پایان دادن به این نتیجه گیری که به دقت انشاء شده است (۲۶:۷-۲۸) در این بند مجدداً تفاوت بین دو نوع کهانت مطرح گردیده ولی بر جنبهٔ مثبت کهانت دوم تأکید می شود و موضوع یاد کردن سوگند، جاودانی بودن این کهانت و تمامیت و کمال آن یادآوری می گردد (ر.ک ۹:۵).

t- ترجمهٔ تحت اللفظی: سخنِ یاد کردنِ سوگند. منظور خدا یاد کرده و در مز ۱۱۰: ۴ ذکر شده است و این موضوع مؤخّر بر قانون تورات موسی است. نویسنده دقتَ نموده ترتیب توالی لحظات الهام سخن خدا را یادآوری و ذکر کند. ر.ک ۴:۷؛ ۹:۸؛ ۱۱:۴۰.

u- مجدداً در اینجا دو موضوعی را که در مزمور ۱۱۰ ذکر شده است باز می یابیم که عبارت از جلوس بر تخت سلطنت و کهانت است (ر.ک عبر ۱:۳؛ ۶:۵). نویسنده می‌خواهد نشان دهد که کهانت مسیح بوسیله چه قربانی انجام گردیده است. خیمه واقعی در بند ۱۱:۹ و قدس در بند ۲۴:۹ ذکر و توصیف خواهد شد.

v- ترجمهٔ تحت اللفظی: پس اگر او روی زمین بود. در آغاز این شرح و توضیح که نسبتاً جنبهٔ منفی دارد، نویسنده از ذکر نام مسیح خودداری می نماید و از بند ۱۱:۹ نام او را ذکر خواهد کرد.

w- جزو آداب کهانت زمینی قدیمی، مسیح و هدیهٔ او منظور نشده است. نویسنده در این باره نظر خود را در بند ۲۴:۹ تکمیل خواهد کرد.

x- کلمهٔ یونانی که در اینجا و همچنین در بند ۲۳:۹ آمده است به معنی نشانه، تصویر و نمونه است.

همه چیز را برطبق نمونه ای که روی کوه
به تو نشان داده شده خواهی کرد[y].
۶ اما اکنون [کاهن اعظم ما] خدمتی بس
برتر دریافته زیرا واسطهٔ پیمانی بهتر است
که برمبنای وعده های بهتری است[z]. ۲۲:۷؛ ۱۵:۹؛ ۲۴:۱۲

اعلام تغییر پیمان

۷ زیرا اگر نخستین [پیمان][a] بی نقص
بود، جای آن نبود که در جستجوی [پیمان]
دوّمی برآیند. ۸ باری آنان را نکوهش کرده
می گوید:
«اینک روزهایی فرا می رسند، خداوند
می گوید
و با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا
پیمان جدیدی برقرار خواهم کرد،
۹ نه برطبق پیمانی که با پدرانشان بستم،
روزی که دست ایشان را گرفتم
تا از سرزمین مصر بیرون آیند
زیرا ایشان در پیمان من باقی نمانده
اند،
خداوند می گوید، من هم به ایشان
بی توجه بوده ام.
۱۰ زیرا اینک پیمانی با خاندان اسرائیل
خواهم بست، پس از این روزها، خداوند
می گوید
قانون های خود را در ذهن ایشان خواهم
گذاشت
و آنها را بر دلهایشان[b] خواهم ۱۶:۱۰
نوشت،
و من خدای ایشان خواهم بود ۲-قرن۶:۱۶؛ مکا۳:۲۱
و ایشان قوم من خواهند بود.
۱۱ و هیچ کس به همسایه خود،
هیچ کس به برادر خود آموزش نخواهد
داد که بگوید: خداوند را بشناس؛
زیرا همگی از کوچکترین تا بزرگترین،
ایشان مرا خواهند شناخت[c].
۱۲ زیرا برای بی عدالتی های ایشان
باگذشت خواهم بود
و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم
داشت[d].»

y- خروج ۴۰:۲۵. در اینجا عبارات و انشاء نویسنده تا اندازه ای پیچیده است. زیرا از یک طرف شباهت بین زمین و آسمان را ذکر کرده و یادآوری می نماید که حقایق آسمانی مقدّم بر امور زمینی و کامل تر از آنها بوده و به عنوان نمونهٔ چیزهایی هستند که در روی زمین ایجاد شده اند. ولی مقایسه و شباهتی در جهت مخالف نیز ذکر می کند، مقایسه بین طرح اولیه امور زمینی و تحقق قطعی آنها که بعداً و مؤخر بر آن است (ر.ک ۱:۱۰).
ذکر این دو نوع وضعیت مختلف که یکی جنبهٔ متعادل داشته، هرچه را خدایی است نمونه و الگوی هر حقیقتی می شمارد و وضعیت دیگر که جنبهٔ فعّال دارد و علاقمند به مراحل متوالی تاریخ نجات است از مشخات نامه به عبرانیان است (ر.ک ۱:۱۱. ر.ک مقدمه).
در تشریح و توضیحاتی که بعداً می آید مقایسه و تشبیه اولی در مورد قدس و یا قدس الاقداس بکار رفته است بدین معنی که قدس زمینی رونوشتی از مسکن خدا است که البته به صورت ناقص می باشد (۲۴:۹). مقایسه دومی در مورد خیمهٔ اولی (۲:۹) و آیین پرستش مربوطه (ر.ک ۹:۸-۱۰) بکار برده شده و چنین نتیجه می گیرد که: نخستین خیمهٔ زمینی و آیین های پرستش کهن فقط تجسّم قبلی از خیمهٔ کامل تری بوده اند (ر.ک ۱۱:۹ m) و با قربانی مسیح تنها راهی هستند که دسترسی به قدس حقیقی را میسر می سازند.
z- تغییر آیین پرستش و تقدیم قربانی لازم بود تا ارتباط بین آدمیان و خدا بر مبنای بهتری برقرار گردد (ر.ک ۱۲:۷، ۱۸-۱۹).
a- منظور پیمانی است که خدا با قوم اسرائیل در سینا منعقد کرده است (ر.ک ۹:۸؛ خروج ۲۴:۳-۸).
b- ترجمهٔ دیگر: در دلهایشان. پیمان جدید یک پیمان حقوقی ظاهری نیست بلکه در درون روح های آدمیان قرار گرفته است. در این عبارت که از اصل عبری به زبان یونانی ترجمه شده ترتیب و توالی کلمات تغییر یافته است.
c- در پیمان جدید، هر فردی ارتباط شخصی با خدا دارد (ر.ک مت ۲۳:۸؛ ۱-تسا ۹:۴؛ ۱-یو ۲۷:۲؛ ۵:۲۰).
d- ار ۳۱:۳۱-۳۴. پیمان جدید بخشایش گناهان را می آورد. ر.ک ۱۷:۱۰-۱۸.

[13]با [سخن] گفتن از [پیمان] جدید،
۲-قرن۳:۶،۱۴ اولی را کهنه ساخته است؛ باری آنچه کهنه
و فرسوده است بزودی از بین می‌رود.

آئین قدیم

۹ [1]هر آینه [پیمان] اولی هم مقررات
پرستشی، و قدس زمینی داشت.
خروج۴۰:۱۷-۱۹، ۲۲-۲۴ [2]زیرا یک خیمهٔ اولی مستقر شده بود[e] که
در آن چراغ و میز و نانهای آمادهٔ تقدیم بود:
آن را قدس می‌نامند. [3]در پشت پردهٔ دوم
خروج۲۶:۳۳ خیمه‌ای که قدس الاقداس[f] نامیده
می‌شود، [4]با یک مجمر طلایی[g] و
خروج۴۰:۲۱ صندوقچه پیمان کاملاً پوشیده از طلا
خروج۱۶:۳۴ [بود] و در آن یک کوزهٔ طلایی حاوی مَنّ و
اعد۱۷:۲۳-۲۵ چوبدستی هارون [بود] که گل کرده بود و
الواح پیمان[h] [بود]. [5]و بر فراز [صندوقچهٔ
خروج۴۰:۲۰؛ ۱-پاد۸:۹؛ پیمان]، فرشته‌های شکوه که بر کرسی
خروج۲۵:۱۸-۲۲ رحمت سایه می‌افکنند. که جای آن
نیست دربارهٔ آنها اکنون به تشریح سخن
گفته شود. [6]این چیزها که بدین گونه مستقر
شده بود، کاهنان پیوسته در خیمهٔ اولی وارد
می‌شوند تا خدمات [پرستشی] را انجام
لاو۱۶:۲،۳۴ دهند؛ [7]امّا در [خیمهٔ] دومی فقط یک بار
در سال کاهن اعظم [وارد می‌شود]؛ آن هم
با خونی که به خاطر خود و برای گناهان
۱۰:۱۹ نادانی مردم تقدیم نماید[i]، [8]روح القدس
بدین وسیله نشان می‌دهد تا هنگامی که
هنوز خیمهٔ اولی برپا است راه قدس ظاهر
نشده است[j]. [9]این تمثیلی برای زمان حاضر
است که برطبق آن هدیه‌ها و قربانیهای
۱۰:۱-۴،۱۱ تقدیمی نمی‌توانند وجدان پرستش کننده
۱۳:۹؛ لاو۱۱:۲ را به تکامل برسانند[k]؛ [10]و در آنها فقط در
مورد غذاها، و نوشابه‌ها، و شست و شوهای
مختلف[است]: مقررات بشری که تا دوران
درست شدن تحمیل شده است.

قربانی مسیح

۸:۱ [11]امّا مسیح آمده است که کاهن اعظم
نیکی‌های آینده است[l] از طریق خیمه‌ای
بزرگتر و کامل‌تر که بدست [آدمیان]

e- توصیف خیمهٔ پیمان برمبنای قانون موسی است، خروج ۲۵:۲۶؛ ۴۰. و به معبد سلیمان مربوط نیست ۱-پاد ۶-۸.
f- نویسنده در مورد تمایز بین اولین و دومین قسمت محل پرستش تأکید می‌نماید (ر.ک خروج ۲۶:۳۳). این تمایز با تمایز بین خیمه و قدس تطبیق می‌کند. خیمه، راه وصول است. درصورتی که قدس یا اتاق مقدس، هدف و مقصدی است که بایستی به آن رسید. ر.ک ۹:۱۱-۱۲.
g- آیا منظور قربانگاه مخصوص سوزاندن بخورها است؟ برابر مفاد خروج ۳۰:۶؛ ۴۰:۲۶ این قربانگاه در قدس الاقداس قرار نداشته است. در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) کلمه یونانی که در اینجا آمده بکار نرفته است. آیا منظور نوعی بخورردان است؟ ر.ک خروج ۳۰:۳۶؛ لاو ۱۶:۱۲. ضمناً بخوردان نشانه و علامتی از مقام کهانت بشمار می‌رود. ر.ک لاو ۱۰:۱-۳؛ اعد ۱۶؛ ۱۷:۹-۱۵.
h- در مورد کوزهٔ طلایی و منّ: ر.ک خروج ۱۶:۳۲-۳۴؛ چوبدستی هارون: اعد ۱۷:۱۶-۲۵؛ الواح پیمان: خروج ۲۵:۱۶-۲۱؛ ۴۰:۲۰؛ تث ۱۰:۵؛ ۱-پاد ۸:۹.
i- این آیین، مرسوم سالیانه توبه و پشیمانی بزرگ بود: لاو ۱۶.
j- خیمهٔ اولی به قدس حقیقی راه نداشت بلکه فقط به یک خیمهٔ دوم که بدست آدمیان ساخته شده می‌رسید. ر.ک ۹:۲۴.
k- عدم امکان وصول به قدس واقعی، درحقیقت به سبب ناقص بودن قربانی‌ها بوده است.
l- ر.ک ۶:۵؛ ۱۰:۱. در تعدادی از نسخه‌های خطی معتبر متن بدین صورت است: ...نیکی‌های رسیده است. در هر دو صورت منظور حقایق قطعی و حقایق دنیای آینده است که از این پس به لطف قربانی مسیح راه وصول به آنها به روی ایمانداران گشوده شده است.

ساخته نشده یعنی از این آفرینش نیست[m] ،
۹:۲۴-۲۶ [12]نه به خون بزها و گوساله ها بلکه بوسیلهٔ
خون خودش،او وارد شد، یک بار برای
۹:۵؛ ۱۴:۱۰ همه به قدس؛ آزادی جاودانی را کسب
لاو۱۶:۱۴-۱۶ کرده است[n]. [13]زیرا اگر خون بزها و
گوساله ها و خاکستر ماده گوساله را که بر
روی آنانکه آلوده شده می پاشند[o] از نظر
۱۰:۱۰؛ ۱-پطر۱:۱۹؛ ۱-یو۱:۷ پاکی جسم[p] مقدس می سازد، [14]چقدر
بیشتر خون مسیح که بوسیله روح جاودانی،
۱:۶ خودش را بدون نقص[q] به خدا تقدیم کرد
وجدان ما را از اعمال مرگ پاک خواهد
کرد تا به خدای زنده خدمت نماییم!

پیمانی که با خون مهر شده

۸:۶-۷؛ مت۲۶:۲۸ [15]و بدین سبب وی میانجی پیمانی نو
است[r] تا با مرگ[خود] که برای بازخرید
تخلّف های اولین پیمان رخ داده، آنانکه
خوانده شده اند بتوانند میراث جاودانی
موعود را دریافت کنند. [16]زیرا جایی که
وصیّتی است، مرگ کسی که آن[وصیّت]
را ساخته ضروری است. [17] زیرا که وصیّت
بعد از مرگ اثبات می شود، پس تا وقتی که غلا۳:۱۵
وصیت کننده زنده است قدرت ندارد[s].
[18]بدین دلیل آن [پیمان] اولی بدون خون
گشایش نیافته بود. [19]زیرا [وقتی] موسی
همه دستور را برطبق قانون [تورات] به تمام خروج۲۴:۳-۸
قوم اعلام کرد، خون گوساله ها و بزها را
گرفته با آب و پشم ارغوانی و زوفا بر روی لاو۱۴:۴-۷؛ اعد۱۹
کتاب و تمام قوم پاشید، [20][درحالی که]
می گفت: این خون پیمانی است که خدا
برای شما مقرر کرده است[t]. [21]و خون را
همچنین بر روی خیمه و همه اشیاء پرستش
پاشید. [22]و برابر قانون [تورات] تقریباً
همه چیز با خون پاک می شودو بدون ریختن
خون بخشش وجود ندارد. [23]پس اگر لاو۱۷:۱۱؛ اعد۳۵:۳۳
تصاویر چیزهایی که در آسمانها هستند لازم ۵:۸

m- این خیمه جای خیمهٔ اولی را می گیرد (۹:۸)؛ و بوسیلهٔ خون مسیح راه وصول به قدس حقیقی است. چنین به نظر می رسد که نویسنده راز جسم مسیح شکوهمند را درنظر دارد، معبدی که بدست آدمی ساخته نشده، و آفرینش جدید است؛ ر.ک ۱۰:۲۰؛ مر ۱۴:۵۸؛ یو ۲:۱۹-۲۱؛ ۲-قرن ۵:۱۷. تفسیر دیگر: ممکن است خیمه عبادت از آسمانهایی است که مسیح از آنها عبور کرده است؛ ر.ک ۴:۱۴ l.

n- آزادی قطعی یا نجات و بازخرید جاودانی درمقابل آزادی های موقتی آمده است که در طول تاریخ اسرائیل روی داده است. ر.ک خروج ۶:۶-۷؛ داور ۲:۱۶-۲۳.

o- ر.ک اعد ۱۹:۲-۱۲.

p- ترجمهٔ دیگر: با پاک کردن جسم ایشان، آنان را مقدّس می سازد. منظور از پاک کردن جسم، شست شوها و پاک شدن شرعی برای شرکت در آیین نیایش کهن بوده است.

q- حقیقت قربانی شدن مسیح کمتر از قربانیهای کهن نیست: زیرا خون او ریخته شده است. ولی کاملاً بالاتر و برتر و غیرقابل مقایسه با آنها است. زیرا تعهّد شخصی موجودی بی گناه است که روح القدس محرّک او است و بدین سبب در تصفیه و پاک کردن وجدانها و متحد ساختن آدمیان با خدا مؤثر است.

r- در متن یونانی به طوری که در بالا ترجمه شده سخن از پیمانی نو است چنانکه در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) به معنی پیمان خدا با قوم خود گرفته شده است ولی همین کلمه در اصطلاح و زبان عادی به مفهوم وصیت نامه بکار می رود. ظاهراً نویسنده می خواهد از معنی مضاعف این کلمه بهره برداری نماید. ضمناً در ترجمهٔ این عبارت گاهی هر دو معنی را ذکر کرده و چنین ترجمه می نمایند: و بدین سبب وی میانجی پیمانی نو، وصیت نامه ای جدید است. ر.ک غلا ۳:۱۵-۱۷.

s- پیمانی را که خدا خواسته و در زبان یونانی نام وصیت نامه دارد ممکن نیست کمتر از یک وصیت نامه ثبات و استحکام داشته باشد. بنابراین، این پیمان هم باید بر مبنای حقیقت تغییرناپذیر مرگ باشد.

t- خروج ۸:۲۴. اولین کلمه این نقل قول تغییر یافته و به جای اینک، «این» گذاشته شده است؛ و با سخنان عیسی در شام آخرین تطبیق می نماید.

است بـدین طـریق پـاک شـونـد، چـیـزهـای
آسـمـانی[u] امّا به قـربـانـیـهـای بـهـتـر از ایـنـهـا
باشد.

ورود مسیح به آسمان

۲:۸ [۲۴]زیرا مسیح در قدس های ساخته دست
[آدمیان] که تـصـاویر [سادهٔ] قـدس های
واقعی است وارد نشده است بلکه در خود
آسـمـان، تـا اکـنـون درمـقـابل چـهـرهٔ خـدا
به خـاطـر مـا حـاضـر گـردد. [۲۵]و نه آن که
چندین بار خود را تقدیم نماید همچـنانکه
۷:۹ کـاهن اعظم [می کـنـد و] هـرسـال بـا خـون
بـیـگـانه ای در قـدس وارد می شـود.
[۲۶]به عـبارت دیـگـر بـایـستی چـنـدین بار از
پی ریـزی دنـیـا رنج می کـشـیـد درصـورتی که
۱-پطر۱:۱۹-۲۰ فـقـط یک بـار در پـایـان روزگـاران ظـاهـر
گـردیـده است تـا بـا قـربـانی خـود گـنـاه را از
بـین بـبـرد. [۲۷]و به هـمـان گـونه که در مـورد
انسان ها مقرر است فقط یک بار بمیرند و
پس از آن داوری است، [۲۸]همچـنین مسیح
روم۲:۵-۱۰؛ یو۵:۲۸-۲۹ نـیـز یک بـار تـقـدیم شـد تـا گـنـاهـان تـعـداد

زیادی را حمل نماید و بار دوم ظاهر خواهد اش۵۳:۱۲؛ ۱-پطر۲:۲۴؛ ۱-تسا۱:۱۰؛ فی۳:۲۰
شـد، بـدون گـنـاه، بـر آنـان که در انـتـظـار
نجات هستند.

یگانه قربانی مؤثر

۱۰ [۱]زیرا قانون[v] سایه ای از چیزهای ۵:۸
نیک آیـنـده است و نه تـصـویری از ۱۱:۹
آن چیزها، [پس] هرسال همان قربانی ها را ۱۸:۷ لاو۱۶:۳۴
پیوسته تقدیم می کنند که هرگز نمی توانند
آنـان را که [به سـوی خـدا] پیش می رونـد
کامل سازد[vv]. [۲]وگرنه آیا تقدیم قربانی ها
قطع نمی شد زیرا آنان که این پرستش را
انجام می دهند هیچ کدام وجدان گناهان را
نداشته و یک بار برای همیشه پاک شده
بودند؟ [۳]امّا بوسیلهٔ این [قربانی ها] هرسال لاو۱۶:۲۱
گناهان یادآوری می شود،
[۴]زیرا غیرممکن است خون گاوها و بزها ۹:۹، ۱۳؛ ۱۰:۱، ۱۱
گـنـاهـان را پـاک کـنـد[w]. [۵]بـدین سبب در
ورود به دنیا [مسیح] می گوید:
قربانی و تقدیمی را تو نخواسته ای؛
امّا برای من جسمی تهیه کرده ای[x]؛

u- تطبیق دادن تصاویر ۹:۱۹-۲۱ با چیزهای آسمانی چنین تلقین می کند که این چیزها عبارت از خیمهٔ نو (ر.ک ۹:۱۱)، قوم جدید (ر.ک ۳:۱)، انجیل پیمان نو و آنچه در آیین پرستش مسیحی بکار می رود هستند. این چیزها که بدواً در دنیای گناهکار وارد شده بودند نیاز داشتند بوسیله قربانی مسیح تغییر یابند تا هدف آسمان آنها تحقق پذیرد.

v- البته منظور قانون موسی است و مخصوصاً به طوری که زندگی مذهبی قوم یهود را در چهارچوب مقررات و آداب و اعیاد مختلفی تنظیم می کرد.

vv- بعضی از مفسّران چنین درک می کنند که در اینجا منظور زائرانی هستند که به سوی قربانگاه پیش می روند. در این صورت اضافه کردن [به سوی خدا] ضرورتی ندارد.

w- قبلاً پیامبران گفته بودند قربانیهای حیوانات بیهوده و بی فایده است (اش ۱:۱۱-۱۳؛ ار ۶:۲۰؛ ۷:۲۲؛ هو ۶:۶؛ عا ۵:۲۱-۲۵؛ میک ۶:۶-۸). ولی در این نوشته ها سخن از منسوخ کردن قربانی ها در آیین نیایش نبوده بلکه بحث دربارهٔ عدم صداقت در برابر خدا بود. درصورتی که در اینجا نویسندهٔ نامه نظریهٔ اساسی تری اتخاذ کرده و می گوید: فقط آن قربانی مؤثر است که واقعاً شخصی باشد. ر.ک ۹:۱۴ q.

x- این عبارت از ترجمهٔ یونانی مز ۴۰:۷ نقل شده است. در متن عبری مزمور سخن از گوش ها است درصورتی که در ترجمهٔ یونانی جسم ذکر کرده اند. نویسندهٔ نامه این نقل قول را اشاره به راز سکونت روح خدا در جسم مسیح می داند. در بند ۱۰ که جسم عیسی مسیح ذکر شده مجدداً همین نظریه ابراز می شود، مخاطبان این نامه از هم اکنون در نظام جدیدی زندگی می نمایند که با تقدیم مسیح برقرار گردیده است.

[۶]قربانیهای سوختنی
و [قربانیهای] برای گناه را نپسندیده ای؛
[۷]آنگاه گفته ام:
اینک می آیم،
در طومار کتاب دربارهٔ من نوشته شده
است،
تا ارادهٔ تو را، خدایا، انجام دهم[y].
[۸]قبلاً می گوید:
قربانی ها و تقدیمی ها و قربانیهای
سوختنی و [قربانی های] برای گناه را
تو نخواسته ای و آنها را نپسندیده ای
که اینها بر طبق قانون [تورات] تقدیم
می شود؛
[۹]آنگاه گفته است:
اینک می آیم ارادهٔ تو را انجام دهم.
۷:۱۸-۱۹ [پرستش] اولی را برداشته تا دومی را
۲:۱۱؛ ۱۳:۱۲؛ افس۵:۲،۲۶ مقرر کند. [۱۰]بنابراین اراده، ما مقدس شده
ایم بوسیله تقدیم جسم عیسی مسیح، یک بار
برای همه [بوده].
خروج۲۹:۳۸ [۱۱]و هر کاهنی هر روز بر پای می ایستد تا
خدمت را انجام داده و چندین بار همان
قربانی ها را تقدیم نماید که هرگز نمی توانند
گناهان را بردارند. [۱۲]ولی او پس از اینکه
قربانی یگانه ای برای گناهان تقدیم کرد،
برای همیشه بدست راست خدا نشسته
است[z]. [۱۳]از این پس منتظر است دشمنانش
به زیر پای او گذاشته شوند. [۱۴]زیرا با
تقدیمی یگانه ای، کسانی را که مقدس
شده اند برای همیشه کامل ساخته است. ۷:۲۵
[۱۵]همین را روح القدس به ما نیز گواهی
می دهد؛ زیرا پس از اینکه گفته است:
[۱۶]پس از این روزها پیمانی با ایشان خواهم
بست،
خداوند می گوید:
قانونهای خود را بر روی دلهایشان
می گذارم
و آنها را بر روی ذهنشان خواهم نوشت؛
[۱۷]و از گناهانشان و از بی قانونی های
ایشان دیگر به یاد نخواهم آورد[a].
[۱۸]باری در جایی که بخشش هست دیگر
تقدیمی برای گناه نیست[b].

دعوت به زندگی شرافتمندانه مسیحی

[۱۹]پس، ای برادران، با اطمینان داشتن
به ورود به قدس[c]، بوسیلهٔ خون عیسی، ۹:۱۲
[۲۰]این راه را که برای ما گشوده است، راهی
است نو و زنده از ورای پرده، یعنی جسم خود[d] ۶:۱۹ زک۶:۱۱-۱۳

y- مز ۴۰:۷-۹، ترجمهٔ یونانی.
z- در بندهای ۱۲ و ۱۳ که از مز ۱۱۰:۱ الهام گرفته شده سخن از سلطنت مسیح است (ر.ک ۱:۱۳؛ ۱:۸).
a- ر.ک ار ۳۱:۳۳-۳۴؛ عبر ۸:۱۰-۱۲.
b- متن این بند در بحث و مجادله ها بکار برده شده است. پرتستانها از فحوای این عبارات استفاده کرده و به نظریه کاتولیک ها که آیین سپاسگزاری را به صورت یک قربانی ارائه می کنند اعتراض نموده اند. در صورتی که کاتولیک ها پاسخ داده اند که آیین سپاسگزاری قربانی دیگری به جز قربانی بر روی صلیب نیست بلکه آیین و رسومی مذهبی است که این قربانی یگانه و منحصربه فرد را به صورت فعلیّت درمی آورد.
c- منظور قدس آسمانی است (عبر ۹:۲۴) که ورود به آن قبلاً غیرممکن بوده و با پرده ای مقایسه می شود که با عبور از آن به قدس زمینی وارد می شوند و از این پس به فیض مسیح ورود به آن آزاد است. (ر.ک مر ۱۵:۳۸؛ عبر ۴:۱۶؛ ۶:۱۹-۲۰؛ ۷:۱۹).
d- ترجمهٔ دیگر: ...از ورای پرده، یعنی بشریت او. ر.ک ۹:۱۱ m. این مسیری است که به نجات و رستگاری رهبری می نماید (ر.ک یو ۱۴:۶).

۲-۱:۳؛ ۱۵-۱۴:۴ ۱۶:۴ ۲۱ و [همچنان] کاهنی اعظم بر خانهٔ خدا
[داریم]، ۲۲ با دلی راستین در اطمینان
کامل ایمان تقرّب جوییم، دلی که از ضمیر
حزق۲۵:۳۶؛ افس۲۶:۵ ۱۴:۴ آلوده پاک شده و جسمی که با آب پاک
شسته شده است. ۲۳ اظهار امید خود را
محکم نگهداریم، زیرا وفادار است آنکه
وعده داده است. ۲۴ یکدیگر را در تحریض
به محبّت و اعمال خیر مراقبت کنیم.
۲۵ جمعیت خود را ترک نکنیم چنانکه
بعضی ها عادت دارند بلکه [خود را] تسلّی
دهیم، و همان گونه که می بینید روز بیشتر
نزدیک می شود[e].
۸-۴:۶ ۲۶ زیرا اگر پس از پذیرفتن شناخت
حقیقت تعمداً[f] گناه کنیم دیگر برای گناهان
اش۱۱:۲۶ قربانی نمانده است، ۲۷ بلکه انتظار قطعی
داوری هولناک و شدّت آتشی که باید
اعد۳۰:۱۵ مخالفان را فرو خورد. ۲۸ اگر کسی قانون
موسی را لغو شمارد با [گفتهٔ] دو یا سه
۳:۲؛ ۲۵:۱۲ گواه بی رحمانه کشته می شود[g]. ۲۹ پس
۲۰:۹؛ ۲۰:۱۳؛ مت۲۸:۲۶؛ ۱-قرن۲۷:۱۱ آنکه پسر خدا را پایمال کرده و خون پیمان
را که در آن تقدیس شده پلید شمارد و به
روح فیض توهین کند فکر می کنید شایستهٔ
چه مجازات بدتری خواهد بود؟ ۳۰ زیرا
می شناسیم آن را که گفته است:
انتقام با من است! من باز پس خواهم داد.
و همچنین:
خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد[h].
۳۱ ترسناک است افتادن در دست های مت۲۸:۱۰
خدای زنده!
۳۲ اما روزهای نخستین را به یاد آرید که
روشنایی را دریافتید[i]، در مبارزهٔ بزرگی
رنج ها تحمّل کردید[j]، ۳۳ گاهی در معرض
تماشا، با ناسزاها و همچنین شکنجه ها و
گاهی با آنانکه چنین [با ایشان] رفتار
می شد شریک می شدید. ۳۴ زیرا با اسیران ۳:۱۳
همدردی کرده اید و غصب اموال خود را با
شادی پذیرفته اید [زیرا] می دانستید
خودتان ثروتی بهتر دارید که باقی می ماند.
۳۵ پس اطمینان خود را از دست مدهید که ۶:۱۱
اجر بزرگی دارد. ۳۶ زیرا نیاز به مقاومت
دارید[k]، تا با انجام ارادهٔ خدا، وعده را باز ۱۵-۱۲:۶؛ لو۱۹:۲۱
یابید.
۳۷ چون که باز، پس از اندک [مدّتی][l]
آنکه باید بیاید خواهد رسید و دیر

e- منظور روز خداوند است (۱-تسا ۵:۲) و روز مداخلهٔ عظیم الهی است (ر.ک اش ۱۲:۲؛ یول ۱:۱۵-۲:۱۱؛ صف ۱:۱۴-۱۸؛ ملا ۳:۱۹-۲۱). در روم ۱۳:۱۲ نیز به همین معنی گفته می شود که روز نزدیک می شود (ر.ک حزق ۷:۱۰-۱۲؛ عبر ۳:۱۳ e؛ ۴:۷). در بندهای ۲۴-۲۵ سخن از حالت روحی مخاطبان و دریافت کنندگان نامه است. آیا سردی و بی علاقگی است؟ آیا ترس از تعقیب و شکنجه است؟ در بندهای ۳۲-۳۶ نیز دربارهٔ دوران سختی که با مبارزه ای سنگین و دردناک همراه است یاد شده است و ممکن است این دشواری ها نشانه و مقدمه فرا رسیدن روز موعود باشند.

f- در این قسمت همان مسایلی مطرح شده که در ۶:۴-۸ آمده است (ر.ک ۶:۶ r). بی حرمتی به روح فیض را می توان با کفر گفتن علیه روح القدس مقایسه کرد که برطبق انجیلهای همگونه هرگز بخشیده نخواهد شد. (مت ۱۲:۳۱ و متون مشابه در انجیلهای دیگر).

g- اعد ۳۵:۳۰؛ تث ۱۷:۶.

h- این دو نقل قول از تث ۳۲:۳۵-۳۶ در تأیید استدلال ذکر شده است.

i- ر.ک ۶:۴.

j- بندهای ۳۲-۳۵ یادآوری وضعیت دشواری است که با ذکر نکته هایی ترسیم گردیده است: مبارزهٔ سنگین، دشنام و شکنجه، اسارت، غصب اموال. این وضعیت مخاطبان نامه نظیر وضعیتی است که در ۱-تسا ۲:۱۴ ذکر شده است.

k- موضوع پایداری و مقاومت در ۱۲:۱-۱۳ تشریح خواهد شد.

l- اش ۲۰:۲۰، ترجمهٔ یونانی.

نخواهد کرد.
۳۸ عادل من به وسیلهٔ ایمان زندگی خواهد
کرد؛
ولی اگر روی گردان شود،
جان من از او خشنود نخواهد بود[m].
۳۹ البته ما، از ارتداد نیستیم تا هلاک
شویم، بلکه از ایمان، تا جان [خود] را ۱-پطر۱:۹
نگهداریم[n].

آنچه را که ایمان داده است

۱۱ ۱ اما حال ایمان وثیقه[o] [چیزهایی]
است که انتظار می رود، دلیل روم۸:۲۴-۲۵
اموری که غیرمرئی هستند[p]. ۲ زیرا بوسیلهٔ ۳۹:۱۱
آن قدما[q] گواهی شده اند. ۳ بوسیلهٔ ایمان
درک می کنیم که دنیاها بوسیله سخن خدا ۲:۱؛ پید۱
تشکیل گردیده[r]، به طوری که آنچه مرئی
است از آنچه ظاهری نیست آفریده شده
است. پید۴:۴
۴ بوسیلهٔ ایمان هابیل[s] قربانی بهتری از
قائن به خدا تقدیم کرد، بوسیله آن [ایمان]
گواهی شد که وی عادل است، خدا عطایای
او را گواهی کرد و بوسیلهٔ آن [ایمان] با ۲۴:۱۲
اینکه مرده است، هنوز سخن می گوید. پید۵:۲۴
۵ بوسیلهٔ ایمان، خنوخ منتقل گردید تا
مرگ را نبیند، و او را نمی یافتند، زیرا خدا
او را منتقل کرده بود[t]. چونکه قبل از انتقال

m- حب ۳:۲-۴، ترجمهٔ یونانی؛ روم ۱۷:۱؛ غلا ۱۱:۳. نویسنده ترتیب عبارات متن را تغییر داده است تا هرگونه شُبهه و ابهام مرتفع گردد. در ترجمهٔ یونانی این رسالت جملهٔ اگر روی گردان شود بلافاصله پس از دیرنخواهد کرد آمده است.

n- موضوع ایمان در ۱:۱۱-۴۰ تشریح خواهد شد.

o- در بندهای ۱-۳ دربارهٔ ایمان و گواهی و تأیید الهی اصرار و تأکید شده و اصول تفسیری که ارائه می گردد در تمام مواردی که متعاقباً ذکر شده صدق می کند. نویسندهٔ نامه، نظیر پولس در روم ۸:۲۴-۲۵؛ ۱-قرن ۱۲:۱۳ و ۲-قرن ۱۸:۴ آنچه را که فعلیت دارد و تحقق یافته درمقابل آنچه هنوز وقوع نیافته است می آورد. نوح در بند ۷:۱۱ نخستین نمونهٔ کسی است که بوسیله ایمان، آنچه را غیرمرئی است درمی یابد.

p- در اینجا که ایمان به صورت مطلق و مجرّد، بدون ارتباط با شخص ذکر شده، با امیدواری ارتباط داده شده و به سوی آینده و آنچه نامرئی است متوجه است. در نوشته های عهد جدید نظریات مختلف دیگری آمده که این نظریه را تکمیل می کنند. پولس مخصوصاً ایمان را همچون ارتباط شخصی بین پیروان و خداوندشان ارائه می کند. یعقوب اظهار می نماید که فقط ایمان معنوی به وجود خدای یگانه کافی نیست و الزاماً باید با اعمال توأم باشد (یع ۱۴:۲، ۲۶). کلماتی را که نویسنده در این بند بکار برده است می توان به چندین طریق معنی و تفسیر نمود: مثلاً کلمه ای را که وثیقه ترجمه کرده ایم ممکن است به معنی گرفت باشد (کریزوستوم، آگوستین و توماس داکن تفسیر کرده اند: ایمان در ما نعمت های روحانی را که انتظار می رود ایجاد می کند)؛ همچنین می توان به معنی تضمین، قباله مالکیت گرفت (گریگوری نیسایی، کالوَن و چند تن از مفسران جدید)، معنی اخیر که بوسیلهٔ مدارک خطی کهن تأیید شده بیشتر محتمل و قابل قبول است. ولی بیشتر مفسران (مثل اراسموس، لوتر، زوینگلی و بسیاری از مفسرّان جدید) معنی اطمینان کامل را ترجیح داده و پذیرفته اند. در مورد واژهٔ دوم که در متن بالا دلیل ترجمه شده است مفسران اعتقاد درونی را پیشنهاد کرده اند که مربوط به خود شخص است ولی معنی معمولی این کلمه: دلیل، برهان، استناد و وسیلهٔ دانستن است. پدران کلیسای یونان بر این اصرار دارند که ایمان امکان مشاهدهٔ امور غیر مرئی را میسر می سازد (ر.ک ۲۷:۱۱). نویسنده مخصوصاً جنبهٔ عجیب و بدیع ایمان را نشان داده است: فرد ایماندار مالک است بدون اینکه تصرّف نماید، می شناسد بدون اینکه ببیند. مثالهایی که متعاقباً ذکر می کند تمام قدرت زندگی را که ایمان دربر دارد نشان خواهند داد.

q- این روش که در مورد شخصیت های عهد عتیق، یکی پس از دیگر مرور شود، در روایات یهود امری عادی است (بنسی ۴۴-۵۰؛ یهودیه ۸:۲۵-۲۷؛ ۱-مک ۲:۵۱-۶۴).

r- این اظهارات را که دربارهٔ مبانی ایمان آمده است می توان با ۲:۱ f و ۳:۱ h مقایسه کرد. نویسنده اشاره به مطالب سِفر پیدایش می نماید (پید ۱؛ ر.ک مز ۶:۳۳، ۹).

s- هابیل. برطبق پید ۴:۴-۱۰ اولین کسی است که به سبب وفاداری به خدا کشته شده است؛ این موضوع در مت ۳۵:۲۳ نیز ذکر گردیده است. نویسنده نامه به عبریان ضمن اینکه مطالب سفر پیدایش را نقل می کند مفاد آن را اندکی تغییر می دهد: برطبق پید ۱۰:۴ خون هابیل فریاد می کشد در صورتی که در اینجَا هابیل با اینکه مرده است سخن می گوید.

t- برابر پید ۵:۱۱-۲۴ خنوخ بوسیلهٔ خدا منتقل شده است و این انتقال در بنسی ۱۶:۴۴ و ۱۴:۴۹ نیز روایت گردیده است. مفاد مز ۱۷:۱۸؛ ۱۶:۴۹؛ ۲۴:۷۳ و حک ۱۱:۴ نیز اشاره به این واقعه است.

گواهی شد که خوشایند خدا بود. ۶ باری،
بدون ایمان غیرممکن است خوشایند بود؛
زیرا آنکه به سوی خدا پیش می‌رود باید
ایمان داشته باشد که او هست و پاداش
دهنده آنانی است که او را می‌جویند[u].
۷بوسیلهٔ ایمان، نوح دربارهٔ آن چیزهایی پید۶:۱۳-۲۲؛ ۱:۷
که هنوز دیده نمی‌شد، وحی دریافت کرد،
با خداترسی برای نجات خانواده‌اش
سفینه‌ای ساخت؛ بوسیلهٔ آن [ایمان] دنیا
را محکوم نمود[v] و برطبق ایمان وارث روم۳:۲۲
عدالت گردید.
۸بوسیلهٔ ایمان، ابراهیم که خوانده شده
بود[w] اطاعت کرد، به سوی مکانی رفت که پید۱۲:۱-۴
می باید به ارث دریافت نماید، و رفت
بدون اینکه بداند به کجا می‌رود. ۹ بوسیلهٔ
ایمان در سرزمین موعود، همچون در پید۲۶:۳
سرزمینی خارجی ساکن شد، با اسحاق و
یعقوب که ایشان هم وارثان وعده‌ها بودند پید۲۳:۴؛ ۱۲:۳۵
زیر خیمه‌ها سکونت گزید؛ ۱۰زیرا در
انتظار شهری با زیربناها[x] بود که خدا
معمار و سازندهٔ آن است.
۱۱همچنین بوسیله ایمان، خود سارا که پید۱۷:۱۹؛ ۲:۲۱
نازا بود، قدرت بنیانگزاری تباری[y] دریافت
کرد، با اینکه زمان عمرش گذشته بود، زیرا
آن را که وعده داده بود باوفا می‌دانست؛
۱۲همچنین بدین سبب، [تنها] از یک نفر،
که در نشانهٔ مرگ بود[yy]، و از نظر تعداد
به مانند ستارگان آسمان و همچون ریگ پید۱۵:۵
کنارهٔ دریا، بی شمار[z] متولد گردید.
۱۳اینان همگی در ایمان مردند، بدون
آنکه وعده‌ها را دریافت نمایند، ولی از
دور آنها را[zz] دیده و سلام کرده و دریافته
بودند که بر روی زمین خارجی و مسافر پید۲۳:۴؛ ۱-توا۲۹:۱۵
هستند. ۱۴در حقیقت، آنانکه چنین
چیزهایی می‌گویند، آشکارا نشان می‌دهند
که در جستجوی یک سرزمین پدری هستند.
۱۵و حقیقتاً اگر بیاد می‌آوردند از جایی که
از آن خارج شده بودند، وقت داشتند به

u- این عبارت یکی از متون نوشته‌های مقدس است که بیشتر در موقع مباحثه‌های «لزوم ایمان برای نجات» استفاده شده است. وانگهی ملاحظه می‌شود که این عبارت محتوای ایمان را از نظر روحانی بیان می‌کند و نویسنده کلمات و عباراتی کلی اظهار نموده و حتی نام مسیح را ذکر نکرده است (ر.ک یو ۲۰:۳۱؛ ۱-یو ۵:۱، ۵). نویسنده که مراحل الهام‌های خدایی را به خوبی می‌شناسد احتراز دارد از اینکه برای خنوخ ایمان صریح در عیسی مسیح قائل شود (ر.ک روم ۴:۱۷، ۲۴).

v- پی ۶:۵-۱۰:۳۲. سفینه‌ای که نجات می‌دهد ضمناً سفینه‌ای است که محکوم می‌کند: یک عمل اکثراً نتیجه‌های مضاعف، مثبت و منفی دربر دارد (ر.ک ۲-قرن ۱:۱۵-۱۶).

w- از دوران مهم ابراهیم (پید ۱۲-۲۵) نویسنده مفهوم پاتریارخ را نشان داده است (پید ۱۲:۱-۴)، بدون اینکه مراحل زندگی چادرنشینی او را ترسیم نماید: این مراحل عبارتند از شکیم، بیت‌ئیل، حبرون، بئرشبع و حتی مدّتی اقامت در مصر. ولی معنی و مفهوم آنها را ذکر می‌نماید: بدین معنی که گرچه وعده محکم و استوار است محل سکونت آن موقتی و ناپایدار است.

x- این شهر اورشلیم آسمانی است (ر.ک ۱۱:۱۶؛ ۱۲:۲۲؛ مکا ۲۱:۲، ۱۰-۲۷) که از هر بنای زمینی مستحکم‌تر و واقعی‌تر است (ر.ک عبر ۱۲:۲۷-۲۸) و شهر داود فقط تصویر قبلی آن است (مز ۴۸:۹؛ ۸۷:۱، ۵؛ اش ۲۸:۱۶؛ ۵۴:۱۱).

y- عبارتی که در اینجا ذکر شده است: قدرت بنیانگزاری تباری دریافت کرد، در متن یونانی بیشتر به ابراهیم منسوب می‌شود تا اینکه به سارا نسبت داده شود ولی چون در تمام نسخه‌های خطی نام سارا ذکر شده، نمی‌توان به جای آن نام ابراهیم گذاشت. نویسنده موضوع خندیدن را حذف نموده ولی در پید ۱۷:۱۷-۱۹؛ ۱۸:۱۲-۱۵؛ ۲۱:۷۱ به علل مختلف دیگری ذکر شده است.

yy- ترجمهٔ دیگر: هم اکنون چنانکه گویی مرده است؛ که هم اکنون مرگ او را نشان کرده است.

z- نویسنده نقل قول پید ۲۲:۱۷ را بکار می‌برد که دو مظهر و نشانهٔ تعداد خیلی زیاد را یکجا جمع می‌کند: یعنی ذرات گرد و خاک (پید ۱۳:۱۶؛ ۳۲:۱۳؛ ۴۱:۴۹) و ستارگان (پید ۱۵:۵؛ ۲۶:۴).

zz- یعنی وعده‌ها را دیده و به آنها سلام کرده بودند.

آنجا برگردند. [۱۶]امّا اکنون، [سرزمین
پدری] بهتری، یعنی آسمانی می‌خواهند.
بدین سبب خدا شرمنده نیست خدای ایشان
خوانده شود؛ زیرا [هم اکنون] برایشان
شهری آماده کرده است.
پید۲۲:۱-۱۴؛ یع۲:۲۱ [۱۷]بوسیلهٔ ایمان، ابراهیم که به آزمایش
گذاشته شده بود، اسحاق، پسر یگانه را
چون قربانی تقدیم کرد؛ [۱۸]او که وعده‌ها را
دریافت کرده بود، و به او گفته شده بود:
در اسحاق تباری برای تو خوانده خواهد
شد[a].
[۱۹]می اندیشید[b] که خدا قادر است حتی
از میان مردگان برخیزاند. در نتیجه
[پسرش را] بازیافت و در این نشانه‌ای
بود.
[۲۰]اسحاق[c] بوسیلهٔ ایمان و به منظور
آینده، یعقوب و عیسو را برکت داد.
[۲۱]بوسیلهٔ ایمان، یعقوب درحال مرگ،
پید۴۸:۱۵ هر یک از پسران یوسف را برکت داد و
درحالی که بر نوک چوبدستی خود تکیه
کرده بود به‌زانو درآمد[d]. [۲۲]بوسیلهٔ ایمان،
پید۵۰:۲۴ یوسف در پایان خود، خروج بنی اسرائیل را
ذکر کرده و در مورد استخوانهایش
دستورهایی داد.
[۲۳]بوسیلهٔ ایمان، موسی را پس از تولد، خروج۲:۲
والدینش مدّت سه ماه پنهان نگهداشتند،
چون می‌دیدند که کودک نیکو منظر است؛
و از فرمان پادشاه نترسیدند. [۲۴]موسی که خروج۱:۲۲
بزرگ شد، بوسیلهٔ ایمان نپذیرفت که پسر خروج۲:۱۱-۱۵
دختر فرعون نامیده شود، [۲۵]ترجیح داد که
به همراه قوم خدا خود با او بدرفتاری شود
تا اینکه موقتاً از گناه بهره‌مندی داشته
باشد؛ [۲۶]رسوایی مسیح را ثروتی بزرگتر از
گنجینه‌های مصر می‌شمرد[e]، زیرا به پاداش
نظر داشت. [۲۷]بوسیلهٔ ایمان مصر را ترک خروج۲:۱۵
کرد، بدون اینکه از غضب پادشاه بترسد؛
چنانکه گویی نامرئی را می‌بیند محکم
برجای ایستاد.
[۲۸]بوسیلهٔ ایمان، عید گذر و پاشیدن خروج۱۲:۱۲-۱۳، ۲۲-۲۳
خون را انجام داد، تا هلاک کنندهٔ
نخست‌زادگان ایشان را نگیرد[f].
[۲۹]بوسیلهٔ ایمان از دریای سرخ مثل زمینی
خشک گذشتند، مصریان که کوشیدند خروج۱۴:۲۲،۲۷
[بگذرند] فرو رفتند. [۳۰]بوسیلهٔ ایمان،
باروهای اریحا فرو ریختند، وقتی که یوشع۶:۲۰
[مدّت] هفت روز به دور آن گشته بودند.

a- پید ۲۱:۱۲.
b- پولس رسول در روم ۴:۱۷ ایمان ابراهیم را در خدا یادآوری می‌کرد که: مردگان را زنده می‌کند و آنچه را که نیست به هستی می‌خواند. در اینجا نویسنده همین موضوع را با نوع رستاخیز اسحاق ارتباط می‌دهد که از مرگ مصون مانده است.
c- پید ۲۷:۲۸-۲۹، ۳۹-۴۰؛ ولی ر.ک عبر ۱۲:۱۶-۱۷.
d- در اینجا نویسنده مفاد پید ۴۷:۳۱ را از روی ترجمهٔ یونانی آن نقل نموده که گرچه ترجمه‌ای تقریبی است ولی مفهوم آن کاملاً روشن است. بدین معنی: کسی که درحال مرگ بازماندگان را برکت می‌دهد، بدین وسیله ایشان را وارث وعده‌ها می‌نماید.
e- بایستی منتظر بود تا به مثالها و مواردی از زندگی موسی برسیم تا برای نخستین بار نام مسیح ذکر شود. ولی در سرتاسر این فصل مسیح به صورت ضمنی و مستتر وجود دارد: در تقدیم قربانی هابیل، صعود خنوخ به آسمان، نجات نوح از طوفان، تولد معجزه‌آسای اسحاق، باز یافتن مجدد زندگی او که نوعی رستاخیز است و انتقال وعده‌ها. موسی شخصیتی کاملاً مناسب بوده و موقعیتی است که در اینجا به روشنی ذکر شود. وی آزاد کننده و میانجی قوم خدا بوده و با رنجها و آزمونهایی که تحمل نمود، در نقش کسی که پیشگام نجات است (ر.ک ۲:۱۰؛ اع ۷:۳۵) تحقیرهای مسیح را بر خود پذیرفت (ر.ک مز ۸۹:۵۱؛ خروج ۵۳). وی فرزند خواندگی بشری را با امتیازاتی که دربر داشت نپذیرفته، فرزندخواندگی الهی را ترجیح داد.
f- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: تا نابودکنندهٔ نخست‌زادگان، آنان را لمس نکنند. ر.ک خروج ۱۲:۱۳، ۲۳.

یوشع۲:۱-۲۲؛ ۶:۱۷،۲۳ [۳۱] بوسیلهٔ ایمان، راحاب روسپی با یاغیان
هلاک نگردید، [زیرا] جاسوسان را با
صلح پذیرفته بود.
[۳۲] و دیگر بیشتر چه بگویم؟ زیرا وقت
داور۶:۱۱ نخواهم داشت تا از جدعون و باراق و
داور۴:۶ داور۱۵:۲۰ شمشون و یفتاح و داود و همچنین از
داور۱۲:۷ ۱-سمو۱۲:۱۱ سموئیل و انبیاء مشروحاً سخن گویم، [۳۳] که
بوسیله ایمان کشورها گرفتند، عدالت اجرا
نمودند، وعده ها دریافتند، دهان شیران را
دان۶:۲۳ بستند، [۳۴] التهاب آتش را خاموش کردند، از
دان۳:۲۳-۲۵ دم[ff] شمشیر گریختند، پس از ناتوانی نیرو
گرفتند، در جنگ توانمند شدند، ارتشهای
بیگانگان را به عقب راندند. [۳۵] زنان،
۱-پاد۱۷:۲۳؛ ۲-پاد۴:۳۶ مردگان خود را بوسیلهٔ رستاخیز باز یافتند. و
۲-مکّ۶:۱۸-۷:۴۲ بعضی دیگر شکنجه شدند[g]، آزادی خود را
نپذیرفتند تا اینکه بهتر، رستاخیز بدست
ار۲۰: ۳۷؛ ۳۸ آورند؛ [۳۶] و بعضی دیگر، آزمون استهزا و
شلاقها، و همچنین بندها و زندان را
۲-توا۲۴:۲۱ پذیرفتند؛ [۳۷] سنگسار شدند، ارّه شدند[h]،
۱-پاد۱۹:۳ به شمشیر کشته شدند؛ در پوست های
گوسفندان و پوستهای بزان، محروم [از
هرچیز و]، ستم کشیده، آزار دیده[به هرسو
رفتند]، [۳۸] ایشان که دنیا شایستگی آنان را
نداشت! در صحراها سرگردان [بودند]، در
کوهها و غارها و شکافهای زمین. [۳۹] و همه
آنان، با آنکه به سبب ایمان گواهی خوبی
دریافته بودند، از وعده استفاده نکردند؛
[۴۰] زیرا خدا برای ما چیز بهتری پیش بینی
می کرد، تا بدون ما به کمال دست نیابند.

تحمّل آزمونها

۱۲ [۱] پس ما نیز که چنین توده ای[hh] از
گواهان گرداگرد خود داریم، هر بار
سنگین و گناهی که دور ما را گرفته است
بدور اندازیم، با صبر[i]، تلاشی را که در
پیش داریم انجام دهیم[ii]، [۲] به عیسی، پیشوا ۱۰:۲
و کامل کنندهٔ ایمان نظر بدوزیم که به جای
شادمانی[j] که در برابر خود داشت، صلیب را فی۲:۸؛ عبر۱۳:۱۳
تحمّل کرده، شرمساری را ناچیز شمرد، و
بدست راست تخت خدا نشسته است[k].
[۳] پس حقیقتاً فکر کنید به آنکه از [طرف]
گناهکاران چنین ضدیّتی را تحمّل کرده تا لو۲:۳۴

ff- ترجمهٔ تحت اللفظی: از دهانهای شمشیر گریختند.
g- ۲-مک ۶:۳۰. اشاره به نوعی شکنجه است که تقریباً چنین بود: محکوم را بر روی یک چرخ می بستند سپس با ضربات چوب اعضای او را می شکستند و او را چهار پاره می کردند.
h- در نوشته های عهد عتیق چنین شکنجه ای ذکر نشده ولی در کتاب صعود اشعیا که از نوشته های ساختگی مربوط به عهد عتیق بوده و اوریجن از آن یاد کرده است، ذکر شده که منشی، اشعیا را با ارّه به دو قطعه کرده بود. در مورد قساوت های منسّی ر.ک ۲-پاد ۲۱:۱۶.
hh- ترجمهٔ تحت اللفظی: تودهٔ ابری از گواهان...
i- طاقت و پشتکار در مبارزه و مسابقه های ورزشی از صفات ورزشکاران است. این تصویر در نوشته های عهد جدید بکار برده شده است: عبر ۱۰:۳۲؛ ۱-قرن ۹:۲۴-۲۷؛ فی ۳:۱۲؛ ۱-تیمو ۶:۱۲؛ ۲-تیمو ۲:۵.
ii- ترجمهٔ تحت اللفظی: بدویم، که اشاره به مسابقه های ورزشی است.
j- ترجمهٔ دیگر: از شادی صرف نظر کرده... این عبارت را می توان درک کرد: به خاطر شادی که برایش معیّن شده بود.
k- آزمون پیروزمندانه مصائب و مصلوب شدن مسیح با کسب جلال و شکوه به پایان می رسد. ر.ک ۳:۱؛ ۸:۱؛ ۱۰:۱۲. سرودی که در فی ۲:۶-۱۱ آمده است تصویر مشابهی از این روایت کوتاه و گیرا می دهد. ولی در اینجا شادی که به مسیح عرضه می شود دقیقاً تعیین نشده و می توان پرسید آیا قدوسیت او قبل از آمدن بر روی زمین بوده یا موفقیت مسیحایی که می توانسته است کسب کند.

شـمـا دچـار زحـمـت نـبـوده و در نـفـس خـود
۳۶-۳۲:۱۰ دلسـرد نـباشـیـد. [۴]شـمـا هـنـوز تـا [به پای]
خون[l] عـلیه گـناه مقـاومت نـکـرده اید، [۵]و
نصیحتی را فـراموش کـرده اید که با شـما
مانند پسران خطاب می کند :
ای پسرم، تأدیب[m] خداوند را دست کم
مگیر،
و چون بوسیلهٔ او سرزنش یابی دلسرد مشو؛
[۶]زیرا کسی را که خـداوند [به او] محبت
دارد، تأدیب می نماید؛
هـر پـسـری را که می پـذیـرد تـازیـانه
می زند[n]!
[۷] اگر شـما متحمل تأدیب شوید؛ خدا
همـچـون نـسبت به پـسران بـا شـمـا رفـتار
می کـند. زیـرا کـدام پـسری است که پـدر
تأدیب نـنمـایـد؟ [۸]اما اگـر شـما بـدون این
تـأدیب هـستـیـد که همه از آن سهم دارند،
پس شما حرامزاده اید و پسران نیستید.
[۹]وانگهی حقیقتاً برای تأدیب خود پدران
جـسـمـانی داشـتـه و به ایـشـان احـتـرام
می گذاشتیم؛ به دلیل بالاتر نبایستی از پدر
ارواح فرمانبرداری کنیم، تا زندگی داشته
باشیم؟ [۱۰]زیرا فی الواقع ایشان ما را برای
چـنـد روزی تـأدیب می کـردنـد، چـنـانـکه
به نـظـرشـان مـنـاسب بـود؛ درصورتی که
[تأدیب خدا] به خـاطـر سود مـا است تـا در
قدوسیت او شریک شویم. [۱۱]هر تأدیبی، به
واقع در مـوقع خـود به نـظـر نمی رسـد که
شادی انگیز باشد، بلکه غم انگیز است؛ با
این همه بعداً برای آنان که اجرا شده میوهٔ
صـلح است و عـدالت به بـار می آورد.
[۱۲]بدین سبب دست های افتاده و زانوهای
سست را درست کنید؛ [۱۳]و کوره راهها را
برای پاهایتان راست کنید[o] تا آنکه لنگ
است منحرف نشود بلکه ترجیحاً شفا یابد.

وفاداری به دعوت مسیحی

مز۳۴:۱۵؛ روم۱۲:۱۸ [۱۴]صلح با همگان و تقدس را جستجو
نمـایـیـد، که بـدون آن کـسی خـداونـد را
نخواهد دید. [۱۵]مراقب باشید مبادا کسی
از فیض خدا محروم نگردد، ریشهٔ تلخی[p]
تث۲۹:۱۷ که جوانه می زند موجب آزار نشده جمعیتی
را آلوده نسازد؛
[۱۶]کسی بی عفت نباشد، کُفر نگـوید
پید۲۵:۳۳ همچـنانکه عیسو فقط به خاطر یک غذا
[حق] نـخـستزادگی خـود را فـروخت.
پید۲۷:۳۰-۴۰ [۱۷]زیـرا می دانـیـد که بـعـداً وقتی خواست
وارث بـرکت شـود، مـردود گـردیـد[q]؛ زیـرا
فرصت توبه کردن نیافت با اینکه با اشکها
آن را جستجو کرده بود.
خروج۱۹:۱۶،۱۸؛ ۲۰:۱۹؛ تث۵:۲۳ [۱۸]زیـرا به [حـقـیـقـتـی] مـلـمـوس
نـرسـیـده ایـد[r]: و به آتش افـروخـته و به

l- اشاره به امکان شهید شدن است.
m- در بندهای ۵ الی ۸ تأدیب کردن گواه بر پیوند پدر فرزندی است. این آزمون ضروری است.
n- این قسمت را با ۸:۵ مقایسه کنید. عبارت: ای پسرم... نقل قول از امث ۳:۱۱-۱۲ است.
o- این اصطلاح ها که از اش ۳:۳۵ و امث ۴:۲۶ گرفته شده است مجدداً تصویر مسابقهٔ دو را مطرح می کند (ر.ک بند ۱) و آخرین قسمت این نامه را اعلام می نماید.
p- این عبارت که از ترجمهٔ یونانی تث ۱۷:۲۹ گرفته شده است هشداری است که ۶:۴-۸ و ۱۰:۲۶-۳۱ را به یاد می آورد.
q- عیسو نمونهٔ کسی است که خودش خود را مردود ساخته است. ر.ک ۶:۶.
r- نویسنده با یادآوری الهام و مکاشفه کوه سینا، یادآوری و تأکید می کند که وقایع و پدیده هایی که در فصل ۱۹ سِفر خروج گزارش شده است سرشت زمینی داشته و منظرهٔ وحشتناکی بوجود می آوردند.

تـاریـکی و به ظـلـمـات و به طـوفـان، ۱۹و
صدای شیـپـور و فـریـاد سخـنـان چـنـانـکه
شنوندگان درخواست کردند که دیگر به آن
سخنی افزوده نشود؛ ۲۰زیرا این فرمان را
تحمّل نمی‌کردند:
[هرکس] حتی اگر حیوانی به کوه دست
بزند سنگسار خواهد شد[s].
۲۱و این منظره به قدری ترسناک بود که
موسی گفت:
شدیداً به ترس افتاده‌ام و لرزان شده‌ام[t]!
۲۲امّا شما، به کوه صهیون، و شهر خدای
زنده، اورشلیم آسمانی، به هزاران فرشته، ۱۴:۱۳؛ غلا۴:۲۶؛ مکا۲۱:۲
به مجلس جشن نزدیک شده‌اید[u]، ۲۳و به
کلیسا و مجمع نخست‌زادگان که در آسمان
ثبت شده است[v]، و خدا که داور همگان
است، و به ارواح عـادلانی که به کـمـال
رسیده‌اند، ۲۴و به میانجی پیمانی نو[w]، به
عیسی و خون افشانده‌ای که بهتر از آنِ ۲۲:۷؛ ۱۵:۹ ۴:۱۱
هابیل سخن می‌گوید[x].

۲۵زنهار! از آنکه سخن می‌گوید رو
مگردانید. زیرا آنانکه هشدار دهندهٔ الهی ۳:۲؛ ۲۸:۱۰-۲۹
را بر روی زمین رد می‌کردند از [مجازات]
فرار نکردند[y]، پس به دلیل بالاتر اگر
[سخنگوی] آسمانها را برگردانیم.
۲۶آن‌که صدایش زمین را به جنبش
درآورد، پس امّا اکنون این وعده را داده
است، می‌گوید: باز هم، یک بار نه تنها
زمین بلکه آسمان را نیز من به لرزه
درخواهم آورد[z]. ۲۷و این [کلمات]:
«باز هم یک بار» نشان می‌دهند
چیزهایی که به جنبش درمی‌آیند تغییر
خواهند یافت، زیرا آفریده شده‌اند تا
آنهایی که تزلزل ناپذیرند باقی بمانند. مز۹۶:۹-۱۱
۲۸بدین سبب، چون ما ملکوتی
تزلزل ناپذیر دریافت می‌کنیم[a]، شکر را دان۷:۱۸
بجا آوریم بوسیلهٔ پرستشی که پسند خدا
باشد، با ترس و تقوی؛ ۲۹زیرا خدای ما، تث۴:۲۴
آتشی نابود کننده است[b].

s- نقل قول آزاد از خروج ۱۹:۱۲-۱۳.
t- تث ۹:۱۹.
u- در مورد مسیحیان برعکس، همه‌چیز آسمانی و روحانی است. ر.ک افس ۲:۶.
v- آیا منظور طبقه‌ای از فرشتگان است یا اینکه خود مسیحیان هستند؟ ر.ک اعد ۳:۱۲-۱۳؛ یع ۱ک۱۸؛ لو ۱۰:۲۰.
w- در زبان یونانی دو کلمه برای بیان تازگی وجود دارد. یک کلمه برای بیان حقیقتی نو و نوآوری است (ر.ک اع ۱۷:۲۱)؛ کلمهٔ دیگر، که در اینجا بکار برده شده برای بیان صباوت و جوانی انسان است. عهدی را که مسیح بنیان‌گزاری کرده است در عین حال که عهدی نو است (۸:۸-۹؛ ۹:۱۵)، درخشنده از جوانی است (۱۲:۲۴).
x- این متن را می‌توان با ۱۰:۲۰ مقایسه کرد و تلقین می‌کند که خون پیمان نو با اقتدار بیشتری از خون هابیل سخن می‌گوید (ر.ک پید ۴:۱۰)؛ و کسی که این خون را بی‌حرمت کند مسئولیت خیلی مهمتری دارد.
y- پیمان کهن نوعی طرز رفتار در زندگی مقرر می‌کرد که فقط طرح ساده‌ای از رفتار مسیحی بود.
z- ر.ک حجی ۲:۶.
a- نویسنده برای اینکه بگوید محتوای میراث وعده‌ها چیست اصطلاح دریافت ملکوت را بکار می‌برد که از دان ۷:۱۸ گرفته شده است: و مقدسّان، عالم علّیین را دریافت می‌کنند و آن را به روزگاران و روزگاران مالک خواهند بود. همچنین ر.ک عبر ۱:۸ که در آنجا گفته شده به پسر، ملکوت را تملّک می‌نماید.
b- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: آتش بلعنده. آتش که تصویری از خدا است به‌عنوان نشانه و مظهر قدوسیت زنده و پاک کننده ارائه می‌شود. ر.ک خروج ۲۴:۱۷؛ تث ۴:۲۴.

جمعیت حقیقی

۱۳ ۱محبت برادرانه[c] باقی بماند.
۲مهمان نوازی[d] را فراموش نکنید،
پید۱۸:۲؛ ۱۹:۲ چونکه از این طریق بعضی، ندانسته
۱۰:۳۴؛ ۱۱:۳۶ فرشتگانی را پذیرا شده اند. ۳از زندانیان[e]
به یاد آورید چنانکه گویی [خودتان] با
آنان زندانی هستید، از آنانکه بدرفتاری
می بینند، مانند شما که خودتان جسمی
افس۵:۵؛ ۱-قرن۶:۱۳-۱۹ دارید[ee]. ۴بوسیله همگی به ازدواج حُرمت
گذاشته شود و بستر [ازدواج] بی آلودگی
باشد، چونکه خدا بی عفتان و زناکاران را
۱-تیمو۶:۶-۱۰ داوری خواهد کرد. ۵با رفتاری بدون
پول دوستی، به آنچه دارید راضی باشید
زیرا خودش گفته است:
هرگز تو را رها نخواهم کرد،
هرگز تو را ترک نخواهم کرد[f]؛
۶به طوری که به جرأت ما می گوییم:
خداوند یاور من است؛
ترسی نخواهم داشت.
انسان به من چه می تواند بکند[g]؟
۷رهبران خود را به یاد آورید[h]، آنان که
کلام خدا را به شما اعلام کرده اند، و
رفتارشان را ملاحظه کرده[i]، از ایمان
[ایشان] تقلید نمایید. ۸عیسی مسیح[j]، ۱۲:۱
دیروز و امروز و به روزگاران، همان است.
۹به آموزش های گوناگون و بیگانه کشیده
نشوید؛ زیرا خوب است که قلب بوسیله
فیض استحکام یابد، نه به وسیلهٔ غذاهایی ۱-قرن۸:۸
که سلوک کنندگان آنها بهره ای ۱۸:۷؛ ۱۰:۹
نبرده اند[k]. ۱۰ما قربانگاهی داریم[l] و کسانی

c- در اینجا منظور از محبّت برادرانه، محبّت بین مسیحیان است که برادر نامیده می شوند. پولس این نکته را در ۱-تسا ۹:۴ و در روم ۱۲:۱۰ ذکر می کند (ر.ک ۱-پطر ۲۲:۱؛ ۲-پطر ۷:۱؛ ۱-یو ۳:۱۰-۱۸).

d- در تمثیل هایی که لوقا روایت کرده، برای مهمان نوازی اهمیت قایل می شود (تمثیل سامری نیکو ۱۰:۳۴؛ کسی که تقاضای دوست را می پذیرد ۱۱:۵؛ مهمانان ۱۴:۱۲)، ضمناً در تمثیل داوری سخن از مهمانی و پذیرفتن خود عیسی است (مت ۲۵:۳۵-۴۳). ظاهراً در این نامه بیشتر از اشاره به پید ۱۸-۱۹ اشاره به طوبی ۵-۷ است. لازم به یادآوری است در دورانهای کهن بدون مهمان نوازی، مسافرت مداوم امکان نداشته است.

e- این سؤال پیش می آید که آیا مسیحیانی در زندان بوده اند؟ زیرا فحوای این متن چنین القاء می کند.

ee- در این بند منظور از کلمهٔ بدرفتاری اعمالی نظیر زدن و آسیب وارد کردن بر جسم است و بدین سبب می گوید: شما هم جسمی دارید.

f- این متن مطالب تث ۶:۳۱ را به یاد می آورد. ولی نه در متن عبری کتاب مقدس و نه در ترجمهٔ یونانی آن به این صورت نیست. باری فیلون این عبارت را عیناً با همین کلمات نقل نموده است لذا چنین استنباط می شود که قبلاً ترجمهٔ یونانی در اسکندریه انتشار داشته است.

g- مز ۶:۱۱۸.

h- کلمه رهبران در نوشته های عهد جدید به ندرت بکار برده شده است. بعدها این کلمه در کلیسای یونان به رهبران صومعه ها اطلاق خواهد شد.

i- ترجمهٔ دیگر: ملاحظه کنید چگونه زندگی ایشان به پایان رسیده است. این عبارت ممکن است یادآوری شهید شدن آنان باشد. ر.ک عبر ۱۰:۳۲-۳۳.

j- این عبارت که بیان ایمان است طبعاً پس از بند ۷: از ایمان ایشان تقلید نمائید، آمده است.

k- می دانیم که در بعضی از محافل برای رعایت مقررات تغذیه اهمیت زیادی قایل بودند (ر.ک روم ۱۴:۲-۲۱؛ کول ۲:۱۶، ۲۱؛ ۱-تیمو ۴ک۳). در پیمان کهن، در این مورد دستورات دقیقی داده شده است (لاو ۱۱)؛ و در مورد معنی دقیق این دستورها غور می کردند.

l- کسانی که آیین پرستش لاویان را انجام می دهند به قربانگاه مسیحیان دسترسی ندارند. آیا در این بند اشاره به آیین سپاسگزاری است؟ و یا بیشتر موضوع قربانی بر روی صلیب مطرح است (۱۳:۱۱-۱۲)؟

که در خیمه خدمت می‌کنند اختیار ندارند
از آن [قربانی‌ها] چیزی بخورند. [۱۱] زیرا ۵،۴:۸
اجسام حیواناتی که کاهن اعظم خونشان را
برای [بخشایش] گناهان به قدس می‌برد،
در بیرون از اردوگاه سوخته می‌شود.
[۱۲] بدین سبب عیسی هم، برای اینکه مردم
را با خون خود تقدیس نماید، بیرون از یو۱۹:۱۷،۲۰
دروازه رنج کشید[m]. ۲۶:۱۱
[۱۳] پس شرمساری او را بر خود گرفته، از
اردوگاه به سوی او بیرون رویم؛ [۱۴] زیرا در
اینجا شهر ثابتی نداریم، بلکه [شهر] آینده ۱۰:۱۱؛ ۲۲:۱۲
را جستجو می‌کنیم. [۱۵] بوسیلهٔ او، همواره
یک قربانی ستایش[n] به خدا تقدیم کنیم،
یعنی ثمرهٔ لب‌ها[o] که نام او را اقرار
می‌کنند. [۱۶] خیرات و تعاون مشترک را فی۴:۱۸
فراموش نکنید، زیرا خدا از چنین
قربانی‌ها خشنود است. [۱۷] از رهبران خود ۱-تسا۵:۱۲
اطاعت کنید[p] و از ایشان تمکین نمایید؛
زیرا به‌خاطر جان های شما بیدارند،
چنانکه باید حساب پس بدهند: تا این را
با شادی و نه با ناله انجام‌دهند زیرا که برای
شما بهره‌ای نخواهد داشت. [۱۸] برای ما
نیایش کنید زیرا متقاعدیم. البته وجدانی
خوب داریم، و می‌خواهیم در هر مورد خوب
رفتار کنیم. [۱۹] ولی مصرّانه خواهش می‌کنم
این [نیایش] کنید تا زودتر به شما باز
آورده شوم[q]. فیل۲۲

آرزوی نهایی

[۲۰] اینک خدای صلح[r]، که شبان
بزرگ گوسفندان، خداوند ما عیسی را
به وسیله خون پیمانی جاودانی از میان خروج۲۴:۸؛ مز۲۴:۵؛ مز۲۳:۱
مردگان برخیزانید، [۲۱] شما را مستعّد
هرچه نیکو است سازد تا ارادهٔ او را
انجام دهید؛ و آنچه به نظر او خوشایند
است در ما تحقق یابد، بوسیلهٔ عیسی ۹:۱۰،۳۶
مسیح که بر او شکوه در روزگاران و روم۱۶:۲۷
روزگاران باد. آمین!

ارسال نامه

[۲۲] لکن ای برادران، از شما درخواست
می‌کنم این سخن موعظه[s] را تحمّل
نمایید؛ زیرا نیز مختصراً به شما
نوشته‌ام. [۲۳] بدانید که برادر ما

m- به لاو ۲۷:۱۶ مراجعه نمایید و توضیحاتی که قبلاً در عبر ۷:۹ داده شده است.
n- مز ۱۴:۵۰، ۲۳.
o- ر.ک هو ۳:۱۴.
p- در بندهای ۱۷ و ۱۸ موضوعی که در ۷:۱۳ آمده است مطرح می‌شود (طرز رفتار نسبت به رهبران و دعوت بر اینکه دربارهٔ آنان تأمّل و تعمق کنند).
q- فعلی که در اینجا آمده به صورت اول شخص مفرد است و بهتر از بند ۱۸:۱۳ با مطالب ۲۲:۱۳-۲۵ تطبیق می‌نماید. ضمناً بدان معنی نیست که نویسندهٔ نامه در زندان است بلکه اوضاع و شرایط مخصوصی مانع از آمدن او بوده است.
r- نویسنده نامه را با عباراتی رسمی به پایان می‌رساند که آمیخته‌ای از سخنان نیایشی، آرزو و ستایش خدا است. عبارت: شبان گوسفندان را از میان مردگان برخیزانند از اش ۱۱:۶۳ الهام گرفته شده است. کلمه صلح اشاره به عبر ۱۴:۱۲ است؛ آنچه به نظر او خوشایند است به ۲۸:۱۲ و ۱۶:۱۳؛ انجام دادن ارادهٔ او عبارتی متداول است و به ۹:۱۰، ۳۶ برمی‌گردد، در صورتی که خون پیمان قبلاً در ۲۹:۱۰ ذکر گردیده است (ر.ک ۲۴:۱۲؛ ۱۱:۱۳-۱۲).
s- ترجمهٔ دیگر: این موعظه را تحمّل کنید (ر.ک اع ۱۵:۱۳). بندهای ۲۲-۲۵ لحنی غیر از مطالب قبلی دارند. چنین به نظر می‌رسد که این قسمت پس از پایان یافتن نامه، افزوده شده است و به صورت یک یادداشت کوچک است که احتمالاً بدست پولس نوشته شده است. بدین سان روایتی را که نامه منسوب به پولس است تأیید می‌نماید. (ر.ک مقدمه).

تیموتاؤس[t] آزاد شده است. اگر به زودی
بیاید، با او شما را خواهم دید. ۲۴ به
تمام رهبران خود و تمام مقدّسان سلام
کنید. آنانکه از ایتالیا هستند[u] به شما
سلام می کنند.
۲۵ فیض بر همهٔ شما باد[v]! کول۴:۱۸؛ تیط۳:۱۵

t- در نوشته های عهد جدید فقط از یک نفر بنام تیموتاؤس یاد شده که شاگرد پولس و همسفر او بوده است. در این بند نام هیچ یک از مخاطبان نامه ذکر نگردیده و ممکن است بدین سبب است که در دوران تعقیب و شکنجه مسیحیان نوشته شده است. ر.ک ۱۰:۳۲-۳۴.

u- اصطلاح: آنانکه از ایتالیا هستند، الزاماً کسانی نیستند که ساکن ایتالیا باشند بلکه ممکن است کسانی از اهالی ایتالیا باشند که در یکی از ایالت های تابع امپراتوری روم استقرار داشته اند.

v- نامه های پولس معمولاً با آرزوی فیض برای خوانندگان پایان می یابند. ر.ک کول ۴:۱۸. در برخی نسخه ها، در انتهای آیه، «آمین» آمده است.

پیشگفتار

نامه یعقوب رسول

نامه یعقوب در نظر اول نکته مرموزی ندارد زیرا با عبارات مکاتبه ای آغاز می شود که در آنها نویسنده نام خود را ذکر کرده و نشان می دهد که فردِ مسیحی نسبتاً مهمی است. این نامه به زبان یونانی فصیحی نگاشته شده است، مطالب کوتاهی در فصلهای ۲ و ۳ به روش «هجایی» ذکر شده که اکثراً فلاسفه عامی بکار می بردند و نویسنده موقعی که از کتاب مقدس نقل می نماید، نه از متن عبری بلکه از ترجمه یونانی (هفتادتنان) است. همه این نشانه ها دلیل بر آن است که این نامه از منبع یهودیانی است که در دنیای یونانی زبان پراکنده بوده و به زبان یونانی سخن می گفتند و آنان را «یهودیان یونانی گرا» می خوانیم. در فصل ۲ نامه بحث و مشاجره پرشوری آمده (بندهای ۱۴-۲۶) و در مخالفت با تعبیر نابجای نظریات پولس است که گفته بود نجات به وسیله ایمان و بدون توجه به اعمال است. بدین سبب به اطمینان می توان گفت که نامه مدتی پس از اواسط قرن اول میلادی نگارش یافته، در دورانی که هم‌زمان با موفقیت های بزرگ پولس در اجرای مأموریت رسالت بوده است. از سوی دیگر، در این نامه هیچ گونه اشاره ای به وضعیت سیاسی نشده و از معبد اورشلیم ذکری به میان نیامده است، بنابراین نگارش نامه هم‌زمان با شورش یهودیان (سالهای ۶۶-۷۰ میلادی) و ده سال بعد از آن نبوده است. بالاخره در نامه یعقوب، تشریح نظریات عقیدتی، به نظر آنچه در نامه های پولس یا یوحنا آمده و موجب جذابیت و همچنین دشواریهای آنها شده است وجود ندارد و فقط شامل یک رشته آموزشهای اخلاقی است که گاهی متعارف و معمولی هستند و به هر صورت از اصول اخلاقی یهودیان یونانی گرای آن دوران گرفته شده است.

چند مسئله

با این همه ورای این وضوح ظاهری، مسئله های دشواری پنهان شده است و بطوری که از احادیث و روایات دورانهای بعدی برمی آید کلیساها این مسائل را درک کرده و بدین سبب تردید داشتند نامه یعقوب را به همان اهمیت نامه های پولس بپذیرند در حالی که نخستین نامه پطرس و نخستین نامه یوحنا از قرن دوم میلادی بعنوان نوشته برحق پذیرفته شده بود، نامه یعقوب تدریجاً و از اوایل قرن سوم میلادی جزو نوشته های عهد جدید منظور گردید و فقط در پایان قرن چهارم میلادی، پس از مذاکرات و مباحثه های طولانی در کلیساهای غربی بعنوان نوشته برحق پذیرفته شد. در صورتی که کلیساهای شرقی قبلاً و به اتفاق آراء آن را پذیرفته بودند. می دانیم که لوتر بحث درباره این نامه را مجدداً مطرح کرده بود، زیرا

به نظر او جنبه «رسالتی» این نامه اندک بود، تا به جایی که گاهی آن را نوشته ای یهودی می دانست که بایستی از نوشته های برحق به کنار گذاشته شود. با اینکه از نظریه او پیروی نشد، اشکالی که در پذیرش نامه یعقوب در طی قرنها وجود داشته قابل توجه است: زیرا این اثر خارج از جریانهای بزرگ خداشناسی مسیحیت قرن اول میلادی قرار دارد.

انتساب نامه به یعقوب، برادر خداوند هم مسئله ای ایجاد می کند، حتی اگر این یعقوب را غیر از یعقوب پسر حلفای که یکی از دوازده رسول بوده است بدانیم (ر.ک مر ۱۸:۳ و موارد مشابه در انجیلهای دیگر). به طوری که از مفاد نامه بر می آید نویسنده نامه شخصیت مهمی در کلیسای اورشلیم (ر.ک غلا ۱۹:۱؛ ۹:۲؛ اع ۱۷:۱۲؛ ۱۳:۱۵-۲۱؛ ۱۸:۲۱-۲۵) یک فرد فلسطینی تمام عیار است که با فرهنگ یونانی آشنا نیست (ر.ک مخصوصاً اوزبیوس تاریخ مذهبی جلد ۲، ۴:۲۳-۱۸). اکنون چگونه می توان تصور کرد که اثری بنویسد که به این اندازه یونانی است؟ بنابراین اگر انتساب نامه را به یعقوب به معنی تحت اللفظی کلمه بگیریم ظاهراً صحیح نیست ولی این انتساب به اندازه ای قدیمی و مورد قبول عموم بوده که نمی توان آن را انکار کرد؛ ضمناً باید توجه نمود که در نامه یعقوب همه چیز جنبه یونانی ندارد: مثلاً در بین کلمات و ترکیب عبارات آثاری از کلمات و اصطلاحات زبان سامی وجود دارد و نمی توان گفت که همه این موارد تأثیر ترجمه یونانی هفتادتنان باشد: در فصلهای ۱ و ۴-۵ منحصراً اندرزهای کوتاهی در کنار یکدیگر آمده و به وسیله کلمات کوتاهی (واژه های اتصال) به یکدیگر متصل می شوند و این روش نگارش با قواعد نویسندگی یونانی گرایان چندان تطبیق نمی کند؛ ضمناً از تشابهی که با کتاب بن سیراخ وجود دارد می توان استنباط کرد که تماسهایی با کتابهای حکمت یهودیان وجود داشته است بالاخره اهمیتی که به موضوع های پایان روزگار و مخصوصاً داوری نهایی داده شده است (۱۲:۲-۱۳؛ ۱۲:۴؛ ۹:۵-۱۲) افکار و عقاید یهودیان فلسطینی و آموزشهای عیسی را به یاد می آورد. بنابراین ممکن است یعقوب، برادر خداوند، اثر خود را بر این نامه گذاشته باشد، بعضی از مفسران تصور می کنند که منشی یونانی زبانی را مأمور کرده است تا این نامه را بر طبق آموزشهای او و به نام او بنویسد، مفسران دیگری معتقدند که بیشتر محتمل است احادیثی از سخنان یعقوب، نظیر احادیث انجیلهای نظیر، البته به مقیاس کوچکتری وجود داشته و نویسنده ای بر طبق مرسوم نویسندگی آن دوران خواسته است اثر خود را به نام شخصیت معروفی نوشته باشد. در این صورت تاریخ نگارش نامه بین سالهای ۸۰ الی ۹۰ میلادی خواهد بود.

مفسران جدید به نکته دیگری در نامه یعقوب توجه کرده اند: نامه به «دوازده قبیله ای که در پراکندگی هستند» خطاب شده و اگر به مفهوم تحت اللفظی این عنوان گرفته شود، خطاب به یهودیان است و ضمناً فقط دو بار نام عیسی مسیح ذکر شده است. (۱:۱، ۱:۲) و این تذکرها به اندازه ای مختصر و گذرا هستند که بعضی از منتقدان فکر می کنند بعداً به نامه اضافه شده تا یک نوشته کاملاً یهودی را به صورت مسیحی درآورند. البته این فرضیه را نمی توان پذیرفت زیرا در بندهای ۱۴:۲-۲۶ بحث درباره نظریات پولس است و بنابراین مربوط به دوران متأخر

برنامه های او است. ولی مسئله واقعی این است که نویسنده نامه به چه کسی خطاب می نماید که برای او شخصیت مسیح چنین نقش مبهم و بی اهمیتی دارد؟ بدون شک به مسیحیانی خطاب می کند که فرهنگ یونانی دارند و روابط خود را با کنشتهایی که قبلاً به آنها تعلق داشتند حفظ کرده اند ولی خیلی محتمل است که نامه را به یهودیانی خطاب می نماید که فرهنگ یونانی داشته و شاید علاقمند به عقاید و نظریات فرقه اسنیان بوده اند و نویسنده امیدوار است ایشان را به آیین مسیحیت جلب نماید و بدین سبب بر مواردی که با مسیحیان مشترک است تأکید می نماید: مثل علاقه به قوانین اخلاقی، آرمان فقر، تشدید انتظار پایان روزگار و ایمان به خدای یکتا که در عهد عتیق اظهار شده است.

وضعیت نامه

عاملی که بیش از هر چیز دیگر مسیحیان و یهودیان آن دوران را به یکدیگر نزدیک می کرد رعایت اصول اخلاقی بود بدین سبب در این نامه اهمیت فوق العاده ای به مسائل اخلاقی داده شده است و همچنین موعظه های یعقوب که مخلوطی از موضوع های یهودی و موضوع های یونانی است شبیه نصایح و اندرز یهودیان یونانی گرا شده است؛ ولی اصول اخلاقی را که نویسنده می آموزد منحصر به تکرار نکات معمولی نیست که مورد قبول همه باشد بلکه جنبه های مخصوص و بی سابقه ای دارد که به وسیله آنها بهتر می توان وضعیت نامه را تعیین نمود، مثلاً سه مورد توضیحاتی که از ۱:۲ تا ۱۳:۳ در مورد طرز برگزاری آیین پرستش داده شده و شامل: تعیین جای ایمانداران در کلیسا (۲:۱-۱۳). ترتیب برگزاری آیین پرستش (۳:۱-۱۳) آثار و نتایج عملی نیایش برادرانه (۲:۱۴-۲۶). در این سه قسمت علیه عادات بدی بحث و استدلال می شود که احتمالاً در بعضی از کلیساهای وابسته به پولس و همانهایی که به کلی با یهودی گری قطع رابطه کرده بودند وجود داشته است. نکته عجیب دیگری از اصول اخلاقی که یعقوب ذکر می کند حملات بی نهایت شدید علیه ثروتمندان است (۱:۹-۱۱؛ ۲:۵-۷؛ ۴:۱۳-۱۷؛ ۵:۱-۶). و این حملات به اندازه ای شدید و صریح است که نمی توان فقط به گفتار تعبیر کرد. از دو یا سه نکته از این قسمتها چنین استنباط می شود که انتقادهای شدید یا قسمتی از آنها برضد افراد معتبر و سرشناس یهودی است (۲:۶-۷؛ ۵:۶). بنابراین نویسنده نامه ی یعقوب، مبارزه ای در دو جبهه انجام می دهد، از یک طرف علیه کلیساهایی که کاملاً وابسته و در تبعیت از یادگار پولس بودند و از طرف دیگر علیه ثروتمندان یهودی. و امیدوار است که با این عمل مسیحیان دیگر را با یهودیان کم بضاعت متحد سازد که به نظر او مجموعه «دوازده قبیله پراکنده» را تشکیل می دهند. البته امکان چنین اقدامی در سالهای ۶۰-۶۵ میلادی قابل ادراک بود در صورتی که این اقدام متأخر بر سال ۸۰ میلادی است و پیش از آنکه کنشت های پراکنده قاطعانه به عقاید فرقه فریسیان بپیوندند. این موضوع مربوط به تمام یهودیان پراکندۀ یونانی زبان است، با این همه ممکن است نامه در یکی از شهرهای یونانی زبان فلسطین مثل قیصریه یا طبریه نگاشته شده باشد. خواننده امروزی که عادتاً یهودی گری و مسیحیت را از یکدیگر جدا و متمایز می داند به

دشواری این فکر و روحیه را درک می کند که اقدام به نزدیک کردن و اتحاد مسیحیت با یهودی گری کرده باشند. با این همه در دورانی که مذاکره برای وحدت کلیساها یا رفع اختلافات بین یهودی گری و مسیحیت در جریان است، در دورانی که بعضی ملتها در فراوانی و نعمت و بعضی دیگر در فقر و محرومیت بسر می برند، مسلماً نامه یعقوب می تواند به ما درسی بیاموزد. جای خوشحالی است که از یک طرف پروتستانها دیگر این نامه را بعنوان «رساله کاهی» (لوتر) و اثری بی اهمیت نمی شمارند و ایراد نمی گیرند به چه سبب درباره شناخت مسیح یا نجات بوسیله بازخرید در این نامه بحث کافی نشده است، از طرف دیگر کاتولیکها متوجه شده اند بهتر می توان از آن استفاده کرد تا اینکه فقط برای توجیه تقدیس بیماران باشد (ر.ک ۵:۱۴-۱۵) یا اینکه در استدلال علیه نظریه پروتستانها در مورد نجات به وسیله ایمان به کار برده شود.

تقسیمات نامه

بیهوده نباید در جستجوی طرح دقیق و معینی باشیم که نامه بر طبق آن تنظیم شده باشد زیرا بجز تغییرات شیوه نگارش که در بندهای ۱:۲ و ۱۳:۳ مشاهده می شود طرح دیگری وجود ندارد. قسمت مرکزی نامه که بین این دو بند قرار دارد شامل سه شرح و توضیح نسبتاً به هم پیوسته است و این توضیحات با موضوع انتقادی مشترک: یعنی طرز برگزاری آیین پرستش در بعضی از کلیساهای وابسته به پولس ارتباط دارند و مرتباً شیوه های مختلف علم بیان را در «هجو کردن» بکار می برند: مثلاً سؤالهایی که به خوانندگان خطاب شده یا بحثهایی که با مخاطب فرضی انجام می گردد و غیره. ولی فصل اول نامه فقط یک رشته اندرزهای کوتاه است که ظاهراً ارتباطی با یکدیگر ندارند و اکثراً یک «واژه اتصال» پایان عبارتی را به آغاز عبارت بعدی پیوند می دهد مثلاً کلمه «پایداری» بین بندهای ۳-۴؛ «خطا» بین بندهای۴ـ۵؛ «آزمون» و «وسوسه» (که در زبان یونانی از یک ریشه اند) بین بندهای۱۲-۱۳؛ «دین» بین بندهای ۲۶-۲۷ و غیره. قسمت سوم نامه که از بند ۱۴:۳ آغاز می شود خیلی بیشتر ناموزون است و توضیحات نسبتاً مفصلی را با اندرزهای مجزا به هم می آمیزد. (۱:۴-۱۰، ۱۳-۱۷؛ ۱:۵-۶، ۷-۱۱). این بی ترتیب بودن ارائه مطالب در موعظه، معمولی است و مانع از آن نیست که نویسنده با مهارت، فنون مختلف نگارش ادبی از قبیل تکرار کلمات مشابه، رعایت قافیه و کلمات و عبارات موزون و غیره را بکار برد. وانگهی ممکن است که این بی ترتیبی در اثر و انعکاس احادیثی باشد که نویسنده در قسمتی از نامه خود از آنها استفاده کرده است. اعم از اینکه این احادیث از سخنان عیسی بوده، (زیرا در موارد بسیاری شباهت بین گفتار عیسی بر روی کوه با نامه یعقوب وجود دارد). یا اینکه احادیث مزبور از سخنان یعقوب باشد. زیرا این احادیث بنای ادبی نداشتند و نویسنده ضرورتی ندیده است به آنها چنین ترکیب و بنایی بدهد: ضمناً فکر کرده برای چنین نوشته ای که فقط تأثیر مجموعه کلی و چگونگی جزئیات اهمیت دارد، تهیه طرح منظمی زاید خواهد بود، مضافاً بر اینکه همین بی ترتیبی نامه، بی قاطعیت و بدون جاذبه نیست.

نامه یعقوب رسول

عنوان نامه و سلام

۱

[۱]از یــعــقــوب که بــرده خــدا[a] و
خـداونـد[b] عـیسی مـسیح است، به
دوازده قبیله ای که در پراکندگی هستند[c]، یو۷:۳۵؛ اع۱۵:۲۳
سلام!

تکامل به وسیله آزمون

[۲]ای بــرادران من، هــنــگــامی که در
آزمون های[d] مختلف می افتید، [آنها را] روم۵:۳-۵؛ حک۳:۵
شادی به تمام بینگارید. [۳]چون که می دانید
آزمون[e] ایمان شما[f]، پایداری تولید مت۵:۱۰-۱۲؛ ۱-پطر۱:۱۶؛
می کند. [۴]اما پایداری [باید] عمل کاملی ۴:۱۲-۱۳
باشد تا شما کامل[g] و به تمامی باشید و ۱-پطر۱:۷ مت۵:۴۸
چیزی کم نداشته باشید.

نیایش ایمان

[۵]با این همه اگر کسی از شما فاقد امث۲:۳-۶
حکمت است[h] از خدا که بی حساب[i] و
بدون سرزنش به همه می دهد درخواست مت۷:۷
نماید[j] و به او داده خواهد شد. [۶]اما با

a- یعقوب به مانند پولس (روم ۱:۱؛ فی ۱:۱) و سایر نویسندگان عهد جدید (۲-پطر ۱:۱؛ یهو ۱:۱) خود را برده عیسی مسیح می خواند بدون اینکه خود را با عنوان رسول ذکر نماید (ر.ک ۱- قرن ۷:۱۵). ضمناً برخلاف یهودا هویت خود را دقیقاً تصریح نمی کند زیرا شخصیت معروف و سرشناسی است.

b- از آغاز نامه که به عیسی عنوان خداوند داده شده نشان می دهد که منشأ نامه مسیحی است. ولی این عنوان فقط در یک قسمت دیگر صریحاً به عیسی داده شده است (۱:۲؛ ر.ک ۵:۱۴-۱۵)؛ و در جاهای دیگری که عنوان خداوند آمده است (۱:۷؛ ۳:۹؛ ۴، ۱۰، ۱۵؛ ۵:۴، ۱۰، ۱۱) منظور خدای پدر است.

c- این اصطلاح در ۱-پطر ۱:۱ نیز بکار برده شده ولی در اینجا مفهوم وسیع تری دارد: بدین معنی که منظور مسیحیانی هستند که قبلاً جزو کنشتهای یهودی خارج از فلسطین بوده اند و حتی شاید به بعضی از یهودیان این مناطق اطلاق می شود. نویسنده در دنباله نامه به مخاطبان عنوان برادرانی داده که در کنشت ها جمع می شوند (۲:۲) و کلیساها را تشکیل می دهند (۵:۱۴).

d- در بندهای ۲ و ۱۲ منظور از آزمونها برخوردها و مخالفتهایی است که از خارج می آیند در صورتی که در بندهای ۱۳-۱۴ کلماتی که از همین ریشه آمده به معنی طمع و وسوسه ای است که از درون خود انسان ناشی می گردد. آزمون ها وسیله آموزشی الهی هستند که نسبت به مسیحیان اعمال می شوند (ر.ک پید ۴؛ ۲:۲۱؛ ۵:۱۱) در صورتی که خدا آدمی را به وسوسه نمی کشاند (ر.ک مت ۶:۱۳).

e- پیوستگی و تسلسل مطالب با آنچه در روم ۵:۳-۴ است(ر.ک ۲-پطر ۱:۵-۷) شباهت و ضمناً اختلافاتی دارد. شکی نیست که یعقوب نکته ای از موعظه های مشترک یهودی و مسیحی را ذکر می کند. آزمون وسیله ای است که نمودار ایمان می باشد و فرد مسیحی در برخورد با دشواریها و مخالفتها با پایداری ثمره ای کامل به یاد می آورد (ر.ک بند ۱۲؛ ۵:۱۱؛ لو ۸:۱۳-۱۵).

f- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده: اصالت ایمان شما.

g- ر.ک ۳:۲.

h- ر.ک ۳:۱۳.

i- ترجمه دیگر: باسادگی. ترجمه دیگر: با بخشندگی. خدا که بی حساب و با سادگی می دهد بدان معنی است که شرطی قائل نمی شود (ر.ک روم ۱۲:۸؛ ۲-قرن ۱۱:۳؛ کول ۳:۲۲). این نکته که خدا با سادگی می دهد برخلاف و در مقابل وضعیت انسانی است که روح دوگانه دارد و مردد و ناپایدار است (ر.ک بند ۸؛ بنسی ۲۰:۱۴-۱۵).

j- ر.ک ۴:۲-۳.

مر۱۱:۲۴ ایمان درخواست کند و در هیچ چیز تردید
ننماید زیرا تردید کننده به مانند موج دریا
افس۴:۱۴ به باد رانده شده و متلاطم می‌شود. [۷]پس
چنین انسانی تصور نکند که چیزی از طرف
۳:۸،۱۶ خداوند دریافت خواهد کرد؛ [۸]مردی که
روح دوگانه دارد[k] و در همه رفتارهای خود
ناپایدار است.

فقیر و ثروتمند

[۹]برادر حقیر[l] به تعالی خود افتخار کند،
[۱۰]بر عکس، ثروتمند از پایین آمدن خود،
مز۱۰۲:۵،۱۱؛ اش۴۰:۶-۷؛ ۱-پطر۱:۲۴؛ مر۴:۶ زیرا به مانند گل خودرو درگذر است.
[۱۱]چونکه آفتاب طلوع می‌کند و با باد
سوزان گیاه خشک می‌شود؛ و گل او می‌افتد
و زیبایی ظاهر او از بین می‌رود؛ و همینطور
ثروتمند در اقدام‌های خود افسرده می‌شود.

زندگی یافتن به وسیله آزمون

[۱۲]خوشا مردی که آزمون را تحمل دان۱۲:۱۲؛ ۱-قرن۹:۲۵؛ ۲-تیمو۴:۸؛ ۱-پطر۵:۴؛ مکا۲:۱۰
می‌کند[m]! چونکه آزموده شده است تاج
زندگی را دریافت خواهد کرد که
[خداوند] به آنان که او را دوست دارند ۲:۵؛ روم۸:۲۸
وعده کرده است[n].

وسوسه انسان و عطیه خدا

[۱۳]هیچکس که به آزمون گذاشته شده،
نگوید: «از طرف خدا به آزمون گذاشته
شده‌ام»؛ زیرا خدا به دور از آزمونهای بد
است[o] و خودش کسی را به آزمون
نمی‌گذارد. [۱۴]بلکه هر کس بر اثر طمع روم۷:۷-۱۱
خود به آزمون در می‌آید[p] که او را کشیده و
به طعمه جلب می‌نماید؛ [۱۵]سپس طمع که
ایجاد شده، گناه به بار می‌آورد، و گناه که

k- ر.ک ۴:۸.

l- در بندهای ۹-۱۰ موقعیت اجتماعی افراد مختلف جمعیت‌های مسیحیان ذکر شده که وضعیتهای نامساوی داشتند (ر.ک ۲:۱-۷؛ ۵:۱-۶؛ ۱-قر ۱:۲۶-۲۹؛ ۱۱:۲۱-۲۲). ممکن است پایین آمدن موقعیت فرد ثروتمند بدین سبب بوده که بر اثر گرویدن به مسیحیت دیگر از مراعات و احترامی که در محافل مربوط قبلی خود داشته برخوردار نیست، ضمناً با ورود در جمعیت قسمتی از دارایی خود را در این راه صرف و فدا کرده است. تناقض بین تعالی و تنزلی که در این بندها در مقابل هم آمده باید از نظر زندگی پس از پایان روزگار ملاحظه شود: بدین معنی که فرد مسیحی بینوا، به میراثی که به او وعده داده شده افتخار می‌کند در صورتی که فرد ثروتمند دیگر نمی‌تواند به ثروتهای ناپایدار افتخار نماید (ر.ک ۵:۱-۳).

m- این اظهار که درباره خوشبختی جاودانی است دنباله عبارات متداول و معمولی موعظه‌های اخلاقی عهد عتیق است و به کسی که راه خدا را پیروی می‌کند سعادت جاودانی وعده می‌دهد (ر.ک بند ۲۵). برطبق نوشته‌های عهد جدید این سعادت جاودانی زندگی اخروی در پایان روزگار است و مخصوصاً به کسانی وعده داده شده است که آزمونها را تحمل می‌نماید (ر.ک ۵:۱۱؛ مت ۵:۱۰-۱۲؛ لو ۱۲:۳۷-۳۸؛ ۱-پطر ۳:۱۴؛ ۴:۱۴؛ مکا ۳:۱۴؛ ۱۶:۱۵).

n- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی کلمه [خداوند] در متن نامه نوشته شده است.

o- ترجمه تحت اللفظی: زیرا خدا آزمون نشده از بدی‌ها است. در این جمله فعل به صورت مجهول بکار رفته و منظور این است که: بدی را به خدا دسترسی نیست؛ در صورتی که در عبارت: خدا نمی‌تواند برای بدی وسوسه کند (ر.ک ولگات) فعل به صورت معلوم است. به هر صورت نویسنده بلافاصله می‌گوید: و خودش کسی را به آزمون نمی‌گذارد.

p- خدا نمی‌تواند وسوسه کند: زیرا نسبت به بدی بیگانه است و لذا کسی را به بدی کردن وادار نمی‌نماید (ر.ک بنسی ۱۵:۱۱-۱۳). انسان مجذوب و فریفته «رب النوع» طمع می‌شود، طمع بمانند سایر هوی و هوسهای نفسانی است که در درون اعضای آدمی با یکدیگر در کشمکش هستند (۴:۱۲) و همان نقشی را دارد که یهودیان آن دوران «تمایلات بد» می‌نامیدند و در نوشته مکشوفه در قمران «روح فساد و ظلمات» خوانده شده است (مقررات ۳:۱۸-۴:۲۶؛ ر.ک روم ۷:۷-۸؛ ۱-یو ۲:۱۶-۱۷). این طرز ادراک و ملاحظه که کاملاً با موضوع آزمون وسوسه تفاوت دارد و آزمون وسوسه را از عمل خدا به دور و بر کنار می‌شمارد تا اندازه‌ای از نوشته‌های عهد عتیق متفاوت است (مثلاً تث ۱۳:۴). و کاملاً مربوط به موضوع انسان گناهکاری است که بین قدرتهای نامریی تقسیم شده است (خدا و دنیا، ۴:۴؛ خدا و ابلیس ۴:۷).

به پایان خود رسید، مرگ ایجاد می کند[q].
غلا۶:۷-۸ ۱۶ای برادران محبوب من، گمراه نشوید:
مت۷:۱۱ ۱۷هر عطیه نیکو و هر هدیه کامل[r] از بالا و
۳:۱۵،۱۷؛ یو۳:۳ از پدر روشنایی ها[s] نازل می شود که در نزد
او تغییری و سایه ای از تحوّل نیست[t]. ۱۸به
یو۱:۱۳ مز۱۱۹:۴۳ مکا۱۴:۴ اراده [خود] ما را به وسیله یک سخن
حقیقت[u] آفریده است، تا ما به نوعی نوبر
آفریدگان او باشیم.

گوش دادن به سخن و بکار بستن آن

۳:۱-۲؛ جا۵:۱؛ ۷:۹ ۱۹ای برادران محبوب من، بدانید که[v]
هر انسان [باید] در گوش دادن شتابان، در
بنسی۵:۱۳؛ مت۵:۲۲؛ افس۴:۲۶ روم۱:۱۷ سخن گفتن کند، در خشم کند باشد؛
۲۰زیرا خشم مرد، عدالت خدا را انجام
نمی دهد[w]. ۲۱بدین سبب، هر پلیدی و
بقیه شرارت را رها کنید[x]، با فروتنی

q- با اینکه در مورد ارتباط گناه و مرگ نوعی شباهت با نامه به رومیان وجود دارد (روم ۵:۱۲؛ ۶:۲۳؛ ۷:۱۳)، در اینجا گناه قدرتی نیست که خارج از وجود انسان باشد بلکه همان عمل خطایی است که انجام می شود (ر.ک ۲:۹؛ ۴:۱۷؛ ۵:۱۵-۱۶، ۲۰). و هنگامی که گناه به تمامیت می رسد مرگ ایجاد می نماید. همین ارتباط بین گناه و مرگ در ۵:۲۰ ذکر شده است. ضمناً منظور فقط مرگ جسمانی نیست بلکه مرگ نهایی و نیستی ابدی است که در مقابل زندگی جاودانی می باشد. این زندگی هم اکنون به وسیله سخن حقیقت در خود ایماندار ایجاد شده (بند ۱۸) و خدا به آنانی که او را دوست دارند وعده کرده است (بند ۱۲).

r- نخستین کلمات این بند در متن یونانی به صورت منظوم و با قافیه (شش هجایی) است. شاید نویسنده اصطلاحی به صورت ضرب المثل را درباره ارزش عطیه نقل کرده ولی افزوده که عطیه کامل فقط از سوی خدا می آید.

s- خدا، خداوند است (ر.ک ۱:۱)، پدر است (۱:۲۷؛ ۳:۹)، خدای یکتا که در بیان ایمان یهود ذکر می شود (۲:۱۹؛ ر.ک ۴:۱۲). پدر روشنایی ها است زیرا ستارگان را آفریده است (ر.ک پید ۱:۱۴-۱۸؛ ولی این عنوان در مورد خدا فقط در ترجمه ارمنی مکاشفه موسی آمده است ۳۶:۳۸؛ در نوشته های قمران، تصورات جمعیت ۳:۲۰، سلطان روشنی بر ضد فرشته ظلمات است). اگر خدا پدر روشنایی ها است، خودش روشنایی است (ر.ک ۱-یو ۱:۵)؛ نویسنده هرگونه دوگانگی را در مورد خدا و عمل او نفی می کند (ر.ک بند ۱۳) و او را از تفرقه و دورویی که مختص مرد گناهکار است بر کنار می دارد (ر.ک ۴:۴). همچنین خدا به هر کس که درخواست کند می دهد (ر.ک بند ۵؛ ۵:۱۵). همواره آماده برای بخشیدن است (۵:۱۱). اما داور هم هست (۵:۸-۱۰؛ ر.ک ۴:۱۲)، به فقیرانی که در معرض آزمون ها هستند سلطنت می دهد و از ثروتمندانی که از قانون او سرپیچی کرده اند حساب می گیرد.

t- عبارت آخری این بند در نسخه های خطی به چهار صورت مختلف نوشته شده که هیچ یک از آنها کاملاً قانع کننده نیست و ممکن است این متن مختصری تغییر یافته باشد.

u- منظور از سخن حقیقت بیش از آن که سخنی خلاقه باشد محتملاً آموزشی است که ایمانداران دریافت می کنند و ایشان را به نجات رهبری می کند. شکی نیست که منظور از این سخن حقیقت که به ابتکار و اراده خدا است یادآوری انجیل است (ر.ک ۱-پطر ۱:۲۳-۲۵؛ کول ۱:۵؛ افس ۱:۱۳؛ ۲-تیمو ۲:۱۵)، ولی یک حکمت زندگی هم هست (ر.ک ۳:۱۴؛ ۵:۱۹) که نویسنده آن را قانون آزادی می نامد (بند ۲۵؛ ۲:۱۲). در حالی که طمع مرگ به بار می آورد این سخن به مسیحیان موجودیت می بخشد تا همچون نوبرهای آفرینش جدید باشند.

v- آغاز این بند در نسخه های خطی به صورتهای مختلف است و آنچه بهتر گواهی و پذیرفته شده چنین است: در نتیجه، ای برادران محبوب من، فراموش نکنید که ...

w- در اینجا عدالت خدا همان معنایی نیست که پولس در مورد نجات اظهار نموده است (ر.ک روم ۱:۱۷؛ ۳:۲۴). بلکه شامل مجموعه الزامات سخن یا حکمت الهی (ر.ک ۳:۱۸) و مخصوصاً قانون متعالی محبت است (ر.ک ۲:۸) که خشم تجاوز به آن محسوب می شود. با پذیرفتن این الزامات، آدمی عادل بشمار می آید (ر.ک ۲:۲۱-۲۵) و به نیایش خود نیرو می بخشد (ر.ک ۵:۱۶). در مورد این طرز ادراک عدالت و همچنین رفتار برطبق ایمان، مطالب مشابهی در انجیل متی آمده است (مت ۵:۶، ۱۰، ۲۰؛ ۶:۳۳؛ ۱۲:۳۶-۳۷).

x- این عبارت جزو موعظه و اندرزهای به تعمید یافتگان است (ر.ک ۱-پطر ۲:۲؛ روم ۱۳:۱۲؛ افس ۴:۲۲، ۲۵؛ کول ۳:۸؛ عبر ۱۲:۱).

سخنی را که در شما کاشته شده و می تواند
روح های شما را نجات دهد بپذیرید. لو۸:۱۳؛ عبر۱۳:۲۲
۲۲لکن سخن را بکار بندید و نه اینکه فقط ۱۱:۴؛
گوش کنید و خود را فریب دهید. ۲۳زیرا[y] مت۷:۲۱،۲۶؛ لو۱۱:۲۸؛
اگر کسی سخن را بشنود و بکار نبندد، او ۴۷:۱۲؛ روم۲:۱۳؛ ۱-یو۳:۱۸
به مانند مردی است که چهره طبیعی[yy] خود
را در آینه می نگرد؛ ۲۴زیرا خودش را ۱-قرن۱۳:۱۲
نگریسته و می رود، و بلافاصله فراموش
می کند چگونه بوده است. ۲۵اما آنکه به
قانونی کامل که آزادی است[z] متمایل شود. روم۸:۲؛ ۱-پطر۲:۱۶
[فقط] شنونده فراموشکار نباشد بلکه مت۷:۲۴-۲۷؛
بکار ببندد[a]، او در بکار بستن آن لو۱۰:۳۷
خوشبخت خواهد بود. ۲۶اگر کسی تصور یو۱۳:۱۷
می کند متدین[b] است، اما زبان خود را نگه ۲:۳،۶،۸؛
نمی دارد، دل خود را فریب می دهد[c] دین مز۳۴:۱۴؛ ۳۹:۲؛ ۱۴۱:۳؛
چنین کسی باطل است. ۲۷دین[d] پاک و ۱-پطر۳:۱۰
بی آلایش به نزد خدا و پدر چنین است:
یتیمان و بیوگان را، به [هنگام] سختی
ایشان دیدار کردن و خود را بدون آلودگی[e] مت۲۵:۳۵-۳۶؛ مر۱۲:۴۰
[به دور] از دنیا[f] نگهداشتن.

جانبداری از ثروتمندان تجاوز به قانون است

۲ ۱ای برادران من، تبعیض[g] را با ۲:۹؛ ایوب۳۴:۱۹؛
ایمان خداوند شکوه ما، عیسی اع۱۰:۳۴
مسیح نیامیزید. ۲زیرا اگر در اجتماع
شما[h] مردی با انگشتری طلا و لباس
درخشان وارد شود و همچنین فقیری با
لباس کثیف وارد شود؛ ۳و به آنکه لباس
درخشان پوشیده نگاه کرده و بگویید:
«تو، در اینجا در جای خوب بنشین» و به
فقیر بگویید: «تو [در آنجا] بایست» یا
اینکه: «بنشین پایین زیر پایی من»[i]،
۴آیا در بین خودتان تبعیض نمی کنید و
داورانی با استدلالهای غلط[ii] نمی شوید؟
۵گوش کنید، ای برادران محبوب من؛

y- در بعضی از نسخه های خطی کلمه زیرا حذف شده است.
yy- ترجمه تحت اللفظی: چهره تولد خود را ...
z- ر.ک ۱۲:۱۲.
a- ر.ک ۱۴:۲.
b- در چند نسخه خطی افزوده شده است: در بین شما.
c- ترجمه دیگر: خود را فریب می دهد.
d- در اینجا مجدداً سخنانی با لحن پیامبرانی آمده است که پرستش واقعی را از عدالت نسبت به افراد حقیر منفک و جدا نمی دانستند (ر.ک اش ۱:۱۱-۱۷، ۲۳؛ ار ۵:۲۸؛ حزق ۲۲:۷؛ زک ۷:۱۰). پاکی که در این پرستش ضروری است محبت می باشد (ر.ک ۴:۸؛ مر ۷:۱-۲۵).
e- بجای بدون آلودگی ... و نگهداشتن در یکی از نسخه های خطی نوشته شده است: ایشان را از دنیا حفظ کردن.
f- ر.ک ۴:۴.
g- کلمه یونانی که تبعیض ترجمه شده است به معنی رعایت و جانبداری از اشخاصی است که برخلاف ایمان در خداوند عیسی مسیح می باشد، زیرا تنها شکوهی که برای فرد ایماندار مهم است شکوه خداوند است. خدا هیچ گونه تبعیضی مخصوصاً در اجرای داوری قائل نمی شود (ر.ک روم ۲:۱۱؛ افس ۶:۹؛ کول ۳:۲۵؛ ۱-پطر ۱:۱۷) و فرد ایماندار هم نمی تواند بنحو دیگری رفتار نماید.
h- ترجمه تحت اللفظی: در کنشت شما.
i- در تعدادی از نسخه های خطی بر طبق متن بالا است، در نسخه های متعدد دیگری: «تو در آنجا بایست یا در اینجا بنشین در پایین زیر پایی من». منظور از زیرپایی، چهارپایه یا کرسی کوچک است که بر روی آن می نشینند.
ii- ترجمه تحت اللفظی: استدلال های شریر.

مگر خدا آنان را که از نظر دنیا فقیرند ۱:۹؛ مت۵:۳؛ لو۶:۲۰؛
انتخاب نکرده است[j] تا در ایمان ثروتمند ۱-قرن۱:۲۶-۲۸؛ مکا۲:۹
و وارث آن ملکوتی باشند که به
دوستداران خود وعده کرده است؟ [۶] اما ۱:۱۲؛ ۱-قرن۲:۹
شما فقیر را تحقیر می‌کنید! آیا ۱-قرن۱۱:۲۲
ثروتمندان نیستند[k] که به شما ستم
می‌کنند؟ و آنها شما را به محاکم
می‌کشند؟ [۷] آیا ایشان نیستند که نام ۱-پطر۴:۱۴
زیبایی[l] را که بر شما گذاشته شده بی
حرمت می‌کنند[m]؟ [۸] البته اگر شما آن لاو۱۹:۱۸؛ مت۲۲:۳۹؛
قانون سلطنتی را[n] بر طبق نوشته مقدس[o] مر۱۲:۳۱؛ لو۱۰:۲۷
انجام می‌دهید که: به هم نوع خود به
مانند خودت محبت خواهی کرد، خوب
عمل می‌کنید؛ [۹] اما اگر تبعیض می‌کنید،
گناهی انجام می‌دهید توسط قانون، شما لاو۱۹:۱۵؛ تث۱:۱۷
بعنوان متجاوز توبیخ می شوید. [۱۰] زیرا مت۵:۱۹
هر که تمامی قانون را نگاه می‌دارد، اما
فقط در یک مورد لغزش می‌کند، در مورد
تمامی آن مجرم است[p]. [۱۱] زیرا آنکه
گفته است: زنا مکن، همچنین گفته خروج۲۰:۱۳-۱۴ تث۵:۱۷-۱۸
است: قتل مکن، پس اگر زنا نمی‌کنی
اما قتل می‌کنی، متجاوز به قانون
شده‌ای[q]. [۱۲] پس طوری سخن بگویید و
طوری عمل کنید چنانکه بر طبق یک ۱:۲۵
قانون آزادی باید داوری شوید[r]. [۱۳] زیرا مت۵:۷؛
داوری در مورد کسی که ترحم نکرده ۱۸:۲۹،۳۴-۳۵؛ ۲۵:۴۵-۴۶
است بدون ترحم است؛ ترحم بر داوری
پیروز می شود[s].

j- از هم اکنون عمل خدا عبارت از انتخاب فقر دنیایی، همچون ثروت در ایمان است، در حالی که ثروتمندان گنجینه ای می‌اندوزند که کاملاً تهدید می‌شود (ر.ک ۱:۱۱؛ ۵:۱-۳). این انتخاب متضمن تعهد میراثی در پایان روزگار است. (ر.ک ۱:۱۲؛ مت ۲۵:۳۴؛ ۱-قرن ۶:۹-۱۰؛ ۱۵:۵۰؛ غلا ۵:۲۱).

k- منظور ثروتمندانی هستند که جای خود را در کنشت مسیحیان دارند و یعقوب بطور کلی ثروتمندان را جدا نمی‌کند. وی درباره این نوع افراد نظریات یکسان و یکنواختی دارد.

l- منظور نام خداوند عیسی مسیح است (ر.ک بند ۱)، نامی که در هنگام تعمید فرد ایماندار یاد می‌شود (ر.ک اع ۲:۳۸؛ ۱۰:۴۸)، و ثروتمندان با تعقیب شکنجه فرد عادلی که به مسیح تعلق دارد این نام را بی‌حرمت می‌نمایند (ر.ک ۵:۶؛ مت ۱۰:۲۲؛ ۲۴:۹).

m- ترجمه های دیگر: بدنام می‌کنند، هتاکی می کنند.

n- در بندهای ۸-۱۲ قانون سلطنتی، قانون (ر.ک ۴:۱۱) و قانون آزادی (ر.ک ۱:۲۵) مساوی و به یک ارزش ذکر شده‌اند. ذکر قانون آزادی در آیین یهود سابقه دارد: زیرا قانون یهود به اشخاصی که از آن تبعیت می کردند آزادی می‌داد (ر.ک یو ۸:۳۱-۳۵). ولی منظور یعقوب تفسیر مسیحی قانون است؛ این قانون از یک طرف نزدیک و شبیه به سخن حقیقت است (ر.ک ۱:۱۲-۲۴) و از سوی دیگر مهمترین عمل این قانون محبت به دیگران است (ر.ک ۱:۲۶-۲۷)، و در بین فرمانها، مقام و ارزش سلطنتی و والاتر دارد (چنین بنظر می‌رسد که این طرز استنباط بهتر از تفسیری است که قانون سلطنتی را قانون ملکوت تعبیر می‌نماید). ضمناً همان نظریه مت ۱۹:۱۸-۱۹ (ر.ک ۵:۲۱-۴۸) است و می توان آن را نزدیک به موضوع تمامیت قانون دانست که در غلا ۵:۱۴؛ روم ۱۳:۹-۱۰ آمده و یا فرمان جدیدی که در یو ۱۳:۳۴-۳۵ ذکر شده است. این قانون کامل است (ر.ک ار ۲۵) زیرا اظهار کامل اراده خدا است و قبلاً هم منظور و هدف قانون موسی بود: کسی که آن را اجرا می کند حتی اگر باز هم بلغزد (ر.ک ۳:۲) می تواند از داوری باکی نداشته باشد. (ر.ک بند ۱۳؛ ۱-یو ۳:۱۴-۲۰؛ مت ۶:۱۴-۱۵؛ ۱۸:۲۳-۲۵).

o- ترجمه تحت اللفظی: بر طبق نوشته. ترجمه دیگر: بر طبق متن.

p- در اینجا یکی از اصول آیین یهود را ذکر می کند (ر.ک غلا ۳:۱۰ که در آن تث ۲۷:۲۶ نقل شده است). بدین معنی که سرپیچی از یکی از دستورات به مفهوم تجاوز و تخطی از اراده کسی است که عامل و آفریننده تمام قوانین است. به هر صورت بطوری که از فحوای عبارت برمی‌آید در اینجا منظور دستوراتی است که محبت نسبت به همنوع را بیان می کنند.

q- در دو نسخه خطی قدیمی نوشته شده: تو قانون را نفی کرده‌ای. ترجمه دیگر: از قانون تخلف کرده‌ای.

r- ر.ک ۵:۹.

s- در چند نسخه خطی نوشته شده: باشد که ترحم داوری را به هیچ شمارد!

بدون اعمال نیک، ایمان مرده است

۱۴ای برادران من، چه فایده ای دارد اگر
کسی می گوید ایمان دارد ولی اعمالی
ندارد[t]؟ آیا ایمان می تواند او را نجات
دهد؟ ۱۵اگر برادری یا خواهری برهنه است
و فاقد غذای روزانه است، ۱۶و کسی از
بین شما به ایشان بگوید: «به
سلامت[بروید]، [خود را] گرم کنید، و
[خود را] سیر کنید» اما نیازمندیهای جسم
را به ایشان ندهد؛ چه فایده ای دارد؟
۱۷ایمان هم به همین گونه است: اگر اعمال ۱-یو۳:۱۷
ندارد، [ایمان] در خود[u] مرده است. ۲:۲۰،۲۶
۱۸اما کسی خواهد گفت[v]: «تو ایمان
داری و من اعمال دارم! ... ایمان خود را
بدون اعمال به من نشان بده؛ و من به
وسیله اعمالم، ایمان [خود] را به تو نشان
خواهم داد». ۱۹تو ایمان داری که خدا
یکتاست. خوب می کنی. دیوان هم ایمان مت۸:۲۹؛ مر۱:۲۴؛ ۷:۵؛ لو۴:۳۴
دارند ... و می لرزند. ۲۰آیا می خواهی
بفهمی، ای انسان تهی [مغز]، که ایمان
بدون اعمال بی فایده است[w]؟ ۲۱ابراهیم،
پدر ما[x] مگر به وسیله اعمال به عدالت

t- بندهای ۱۴-۲۶ درباره موضوع اساسی این نامه یعنی اعمال و ایمان است، موضوعی که زمینه و پایه زیرین تمام نامه به شمار می رود (ر.ک ۱:۳-۶، ۲۵؛ ۳:۱۳). چنین بنظر می رسد که نویسنده مخالف با نظریه پولس است که اظهار می کند فقط به وسیله ایمان می توان به عدالت شناخته شد (ر.ک روم ۳:۲۸؛ غلا ۲:۱۶)، زیرا می گوید ایمان نمی تواند بدون اعمالی نجات دهد و ایمان بدون اعمال مرده است (ر.ک بندهای ۱۷، ۲۶). ولی اعمالی را که یعقوب از آنها سخن می گوید همان «اعمال قانون» نیستند که در نامه های به غلاطیان و به رومیان اظهار شده است بلکه اعمالی ثمره ایمان هستند که به نظر خود پولس هم ایمان باید آنها را به وجود بیاورد (ر.ک روم ۲:۶؛ ۱۵-۱۶؛ غلا ۵:۶؛ افس ۲:۸-۱۰؛ کول ۱:۱۰؛ ۱-تسا ۱:۳؛ ۲-تسا ۱:۱۱). یعقوب بدون اینکه ایمان و اعمال را یکی بداند درباره ایمانی اصرار و تأکید می نماید که در اعمال و بوسیله اعمال به تمامیت می رسد و مخصوصاً در محبت به همنوع و در نیایش انجام می یابد. اعتماد کردن به سخن حقیقت که تنها وسیله نجات فرد گناهکار است، همچنین اطاعت از اراده الهی در امور مربوط به زندگی است. در این نامه درباره طرز رفتار و عمل فرد ایماندار به طوری تأکید شده که نشان می دهد با محافل مسیحی یهودی الاصل ارتباط دارد و نظیر مواردی در انجیل متی است (۵:۱۶، ۲۰؛ ۷:۱۲-۲۱؛ ۱۲:۲۷؛ ۵۰:۱۸؛ ۲۳-۳۵؛ ۲۵:۳۱-۴۶). ولی نباید فراموش کرد که فرد عادل را خدا ایجاد کرده و مفتخر می کند: و در بند ۲۲ که اظهار شده است ایمان به وسیله اعمال کامل شده و به تمامیت می رسد مستقیماً اختلافی به نظریات و موقعیت پولس ندارد.
نظریه ای که در این نامه ارائه می شود خیلی بعد از اظهار نظریات مبهم و متغیر پولس ابراز گردیده است. پولس در مقابله با طرفداران یهودی گری که می خواستند ایمان را در میان اعمال تحلیل و محو نمایند از تقدم ایمان دفاع می کرد و ایمان را از ثمرات آن که اعمال می باشد مجزی و منفک می نمود: در صورتی که یعقوب ارزش و موقعیت ایمان و اعمال ایمانی را با در نظر گرفتن نکات انتقادی پولس، با یکدیگر تطبیق داده و ظاهراً با تفسیر مبالغه آمیز آموزش پولس مخالفت کرده است.

u- همچنین می توان ترجمه کرد: کاملاً مرده است.

v- تفسیر بندهای ۱۸-۱۹ مشکل است و مفسران در مورد طرز تفکر و استدلال نویسنده عقاید مختلفی دارند، به نظر بعضی از مفسران در اینجا سخنگویی نظر نویسنده را ابراز می کند و در نظر مفسران دیگری فرد مخالفی است که سخن می گوید و بحث و استدلال به عقاب و خطاب در بند ۲۰ منتهی می شود (روش نگارش در تأیید این تفسیر است). مخالف گوی فرضی با این اظهارات نویسنده را وادار می کند بپذیرد با اینکه مرد عمل است ایمان هم دارد و در نتیجه تصدیق کند که به سبب همان ایمان، وجدان خوبش مطرح و مورد بحث است نویسنده این بحث را قطع کرده و نشان می دهد که در هیچ موردی نمی توان ایمان را از اعمال تفکیک و مجزی نمود چنانکه نوشته های مقدس آن را تأیید می کنند.

w- در تعدادی از نسخه های خطی: مرده است.

x- همچنان که پولس در همین مسئله ایمان و اعمال مورد ابراهیم را ذکر کرده بود (روم ۴؛ غلا ۳:۶-۹) یعقوب هم او را که چهره معمولی روایات یهود است بعنوان شاهد می آورد و به او عنوانهای پدر (مت ۳:۹؛ لو ۱۶:۲۴، ۲۷، ۳۰؛ یو ۸:۳۹، ۵۳؛ ر.ک روم ۴:۱۶-۱۸) و دوست خدا می دهد (۲-توا ۲۰:۷؛ اش ۴۱:۸؛ ۵۱:۲ ترجمه یونانی؛ دان ۳:۳۵ ترجمه یونانی). در روش استدلال خود بر موضوع قربانی ابراهیم تکیه کرده، آن را عمل ایمان تفسیر می کند و ضمناً در نقل قول خود مفاد پید ۱۵:۶ و

پید۲۲:۹-۱۲ شناخته نشد[y]، وقتی که پسر خود اسحق را
بر روی قربانگاه تقدیم کرد؟ ۲۲ می بینی که
ایمان به همراه اعمال او فعالیت می کرد، و
به وسیله اعمال، ایمان به تمامیت رسید،
۲۳ و نوشته مقدس[z] به تمامیت رسید که
پید۱۵:۶ می گوید: و ابراهیم به خدا ایمان آورد[a] و
این بعنوان عدالت به حساب او گذاشته شد
و دوست خدا نامیده گردید. ۲۴ می بینید
یو۸:۳۹؛ روم۴:۱۲ که انسان، به وسیله اعمال به عدالت
شناخته می شود[b] و نه [تنها] به وسیله
یوشع۲:۴،۱۵؛ ۶:۱۷ ایمان. ۲۵ و همچنین نیز راحاب فاحشه[c]،
آیا نه این است که به وسیله اعمال به
عدالت شناخته شد[d]؟ زیرا فرستادگان[e] را
پذیرفته و از راه دیگری ایشان را به بیرون
فرستاد؟ ۲۶ به همان گونه که جسم بدون
روح مرده است، پس همچنین ایمان بدون ۲:۱۷،۲۰
اعمال مرده است.

شما که آموزش می‌دهید زبان خود را نگهدارید

۳ ۱ بسیار[f] معلم نباشید[g]، ای ۱:۱۹؛ ۳:۱۳
برادران من، زیرا می دانید که ما
داوری سخت تری خواهیم داشت
۲ چونکه همگی بسیار می لغزیم. اگر
کسی در گفتار لغزش نمی کند مردی بنسی۱۴:۱
کامل است[h] و می تواند تمامی جسم را ۱:۲۶

فصل ۱:۲۲ را به یکدیگر ارتباط می دهد؛ در صورتی که پولس از نخستین متن خود ثابت می کند که ایمان آوردن ابراهیم قبل از ختنه و اعمال دیگر قانون بوده است (ر.ک پید ۱۷). بدین ترتیب یعقوب از روش تفسیر یهود استفاده کرده (ر.ک بنسی ۴۴:۲۰؛ ۱-مک ۵۲:۲؛ عبر ۱۷:۱۱) تا کسانی را که از تفسیر پولس استفاده مفرط می کردند مجاب نماید.

y- ترجمه دیگر: ... مگر عدالت خود را به اعمال مدیون نبود ...

z- ترجمه دیگر: متن. ترجمه تحت اللفظی: نوشته.

a- ترجمه دیگر: در خدا ایمان داشت ...

b- ترجمه دیگر: عدالت خود را مدیون به اعمال است.

c- در حالی که عبر ۳۱:۱۱ راحاب را به سبب ایمانش ستایش می نماید یعقوب در مورد مهمان نوازی او و از اسرائیلیان اصرار و تأکید کرده است (ر.ک نخستین نامه کلمنت به قرنتیان ۱۲ و شاید مت ۳۱:۲۱). با توجه به اینکه یهودی گری راحاب را به عنوان کسی که تازه به آیین یهود گرویده است می شناسد تشبیه و مقایسه او با ابراهیم تا اندازه ای حیرت‌آور است شاید بدین گونه می توان توضیح داد که مخالفان استدلال کرده، بر مبنای یوشع ۲:۹-۱۳ می گفتند که راحاب تنها به وسیله ایمان نجات یافته است.

d- ترجمه دیگر: آیا نه اینست که عدالت خود را مدیون اعمال بود؟

e- در بسیاری از نسخه های خطی: جاسوسان را.

f- ترجمه دیگر: همگی معلم نباشید.

g- بطوری که از محتوای نامه بر می آید در میان جمعیت مسیحیان معلمانی هستند و نویسنده نامه هم یکی از آنان است و قدیمی ها بر معلمان سمت ریاست و رهبری دارند (ر.ک ۵:۱۴). عنوان قدیمی ها دوران نگارش نامه های شبانی و اعمال رسولان را به یاد می‌آورد در صورتی که معلمان نخستین بار در جزو نامه های پولس ظاهر می شوند (روم ۷:۱۲؛ ۱-قرن ۲۸:۱۲-۲۹؛ افس ۱۱:۴). این اخطار که به معلمان خطاب شده در ادامه هشدار شدید درباره زبان است؛ زیرا معلمان به سبب وظیفه ای که بر عهده دارند دارای مسئولیت مهمی هستند (ر.ک لو ۲۷:۲۰ درباره کاتبان). کسانی که آموزش می دهند بایستی زبان خود را در اختیار و تسلط خود داشته باشند.

h- کلمه کامل چندین بار در نامه یعقوب بکار برده شده و یا برای توصیف عطیه خدا و قانون آزادی است (۱۷:۱، ۲۵)، یا در توصیف عملی است که ایمان را کامل می نماید (۴:۱؛ ۲۲:۲). موضوع کامل بودن طرز رفتار انسان که در پاسخ به کامل بودن راه خدا است از آیین یهود گرفته شده است (مخصوصاً از نوشته های قمران؛ ر.ک مقررات جمعیت: ۱:۱-۱۵؛ ۸:۴-۱۰، ۲۰-۲۳). بر طبق مت ۴۸:۵؛ ۲۱:۱۹ فرد ایماندار به وسیله اجرای قوانینی به کمال می رسد که عیسی آنها را به تمامیت رسانده است.

مز۳۲:۹ مهار نماید. ۳و اگر[i] مهارهایی به دهان های
اسبان می گذاریم، تا از ما اطاعت کنند و
تمام جسم آنها را به راه می بریم. ۴ همچنین
کشتی ها را ببینید، هر چقدر بزرگ باشند
و به وسیلهٔ بادهای سخت [آنها را] برانند
به وسیله سکانی کوچک به هر طرفی که
ارادهٔ کشتیبان بخواهد، هدایت می شوند،
همچنان ۵زبان هم عضو کوچکی است اما به
چیزهای بزرگ مباهات می کند. ببینید
چگونه آتش کوچکی جنگل بزرگی را
امث۲۷:۱۶؛ بنسی۱۳:۵یونانی می سوزاند. ۶و زبان آتشی است، جهانِ
بی عدالتی است[j]، زبان[k] در بین اعضای ما
مت۱۲:۳۶-۳۷؛ ۱۵:۱۱،۱۸،۱۹ قرار گرفته، تمامی جسم را آلوده می کند و
جریان هستی را شعله ور می سازد[l] و از جهنم
شعله ور شده است. ۷زیرا هر نوع حیوانهای
وحشی و همچنین پرندگان و خزندگان و
پید۹:۲ همچنین حیوانهای دریایی به وسیله نوع
انسان رام می شوند و رام شده اند. ۸اما
زبان را هیچ کسی از انسان ها نمی تواند رام
۱:۸؛ ۳:۱۶؛ مز۱۴۰:۴؛ روم۳:۱۳ کند، بلایی ناآرام[m]، و مملو از زهر
مرگ آور. ۹به وسیله او [زبان]
خداوندمان و پدر را ستایش می کنیم[n] و به
وسیله او انسان هایی را که به شباهت خدا
آفریده شده اند لعنت می کنیم. ۱۰از همان
پید۱:۲۶-۲۷؛ ملا۲:۱۰ روم۳:۱۴؛ افس۴:۲۹ دهان [هم] ستایش و [هم] لعنت خارج
می شود. ای برادران من، نباید چنین باشد.
۱۱آیا چشمه از یک منفذ [آب] شیرین و
تلخ جاری می کند؟ ۱۲ای برادران من، آیا
مت۷:۱۶-۱۹؛ ۱۲:۳۳ درخت انجیر می تواند زیتون هایی تولید
کند یا [درخت] مو انجیرهایی [تولید
نماید][o]؟ آب شور هم نمی تواند [آب]
شیرین تولید نماید. ۱۳آیا در بین شما کسی
۳:۱ ۲:۱۸ حکیم و مجرب است؟ پس با رفتار نیک
مت۱۱:۲۹ خود نشان دهد که اعمالش فروتنی
حکمت[p] را دارد.

حکمت زمینی و حکمت عالم بالا

۱-قرن۳:۳؛ افس۴:۳۱ ۱۴اما اگر در دل حسادت تلخ و [حس]
مجادله دارید به خود مباهات نکنید و بر ضد
۱:۵،۱۷؛ ۱-قرن۲:۱۴؛ ۱-تیمو۴:۱ حقیقت دروغ نگویید. ۱۵این حکمتی نیست
که از [عالم] بالا فرود می آید بلکه زمینی،
حیوانی، دیو منشی است ۱۶زیرا هر جا که

i- در تعدادی از نسخه های خطی این بند با کلمه اینک آغاز می شود.
j- ر.ک ۴:۴.
k- در تعدادی از نسخه های خطی در اینجا کلمه همچنین آمده است.
l- این عبارت مبهم است. نویسنده کلمه های بسیاری می آورد تا نشان دهد که زبان چه خسارتهای فراوانی می تواند به بار آورد. تصویر جهنم در این بند از روایات یهود گرفته شده و اصطلاح جریان هستی از فرهنگ یهودیان یونانی زبان است (بعدها آن را رواقیان یونانی خواهند گرفت).
m- در تعدادی از نسخه های خطی: بلایی بدون لجام.
n- مسلماً منظور نویسنده معلمانی هستند که با زبان خود خدا را ستایش کرده، آدمیانی را که به صورت او آفریده شده اند لعنت می نمایند و بدینسان صلح و آرامش جمعیت را مختل می نمایند.
o- در تعدادی از نسخه های خطی، در ابتدای این بند کلمه همچنین افزوده شده و در تعدادی از آنها بلافاصله نوشته شده است: هیچ چشمه ای نمی تواند آب شیرین و آب شور بدهد.
p- عقاب و خطاب به معلمان با ستایش از حکمت ادامه می یابد (بندهای ی۱۳-۱۷)، حکمت که منبع هر آموزشی است یعقوب علاقمند است دو نوع حکمت را در برابر یکدیگر آورده و مقایسه نماید: حکمت معلمان دروغین که حکمتی زمینی، حیوانی و دیو منش (شیطانی) است و مربوط به دنیای دروغ و بر ضد حقیقت است، حکمت انسان کامل که به مانند سخن حقیقت از عالم بالا می آمد و ثمره های صلح به بار می آورد. (ر.ک مت ۵:۹؛ عبر ۲:۱۱؛ ۱-پطر ۳:۱۰-۱۱)، همچنین رحمت (ر.ک ۲:۱۳)، و مهربانی (ر.ک ۱:۲۱؛ مت ۵:۴؛ ۱- پطر ۳:۴، ۱۶) ببار می آورد. این فهرست ثمره های حکمت واقعی، روش موعظه اخلاقی را به یاد می آورد (ر.ک غلا ۵:۲۲-۲۵).

۸:۱؛ ۸:۳ حسادت و مجادله هست، آنجا بی نظمی و هر
عمل بد است [۱۷]اما حکمت [عالم] بالا بدواً
۱۷،۵:۱ پاک است سپس صلح آمیز، با گذشت،
آشتی پذیر، پر از رحمت و ثمره های نیکو،
اش۳۲:۱۷؛ مت۵:۹؛ فی۱:۱۱؛ عبر۱۲:۱۱ بدون تبعیض و بی ریا است. [۱۸]و میوه
عدالت، در صلح کاشته شده، برای
آنانکه [عمل] صلح انجام می دهند.

دوست جهان، دشمن خدا است

۴ [۱]از کجا جنگها و از کجا است
مشاجره هایی که در بین شما
روم۷:۲۳؛ ۱-پطر۲:۱۱؛ مت۵:۲۱-۲۲؛ ۱-یو۳:۱۵ است[q]؟ بنابر این آیا از آن نیست که
کامجویی های شما در اعضای شما مبارزه
می کنند؟ [۲]شما هوس می کنید، و ندارید؛
می کشید و حسد می ورزید، و نمی توانید
بدست آورید، مشاجره می کنید و جنگ
می نمایید. بدست نمی آرید، زیرا شما
درخواست نمی کنید. [۳]درخواست می کنید[r] مت۷:۷
و دریافت نمی نمایید، زیرا بد درخواست
می کنید، تا برای کامجویی های خود خرج
کنید، [۴]ای زناکاران[s]، آیا نمی دانید که مت۶:۲۴؛ لو۶:۲۶؛ ۱-یو۲:۱۵
دوستی جهان دشمنی به خدا است؟ آنکه
می خواهد دوست جهان باشد دشمن خدا روم۸:۷
می شود[t]. [۵]یا اینکه فکر می کنید که نوشته
[مقدس] بیهوده می گوید: [خدا] به روحی
که در ما نهاده است[u] شدیداً علاقمند
است[v]؟ [۶]اما فیضی که می دهد بزرگتر ایوب۲۲:۲۹؛ ۱-پطر۵:۶
است؛ بدین سبب می گوید: خدا مخالف

q- مشاجره ها و تفرقه های افراد جمعیت مسیحیان مستقیماً نتیجه زبانهای زبان و معلمان دروغین است. بهر صورت اشاره بر کامجویی هایی که در درون اعضا مبارزه می کنند (ر.ک ۴:۱) و به دنیا و ابلیس فرصت می دهند آدمی را تحت تسلط بگیرند نشانه آن است که حکم و کیفر جدید مطرح شده که منبع آن روایات است.

r- در این نامه دو کلمه مختلف برای مفهوم شفاعت بکار برده شده است: یکی فعل درخواست کردن (ر.ک ۵:۱) و دیگری نیایش کردن (۵:۱۳-۱۸)و هر دو کلمه به یک معنی در نوشته های عهد جدید بکار برده شده است؛ و شاید تفاوت کلمه نشانه آن است که این احکام از روایات مختلفی گرفته شده است.

s- در تعداد زیادی از نسخه های خطی این بند با خطاب مضاعفی آغاز می شود: ای مردان و ای زنان زناکار، از اینجا، نویسنده تعابیر شدیدی بکار برده است و بجای کلمه: ای برادران، مشاجره کنندگان را زناکار، گناهکار و آدمیانی با روح مضاعف می خوانند (بندهای ۸-۹). صفت: زنان زناکار، سخنان پیامبران را بیاد می آورد که علیه قوم بی وفا به پیمان به اسرائیل پرخاش می کردند زیرا به عهد و پیمان وفادار نبود (ر.ک هو ۱:۳) یا سخنان عیسی که به نسلی خطاب می شد که پیام او را نمی پذیرفتند (ر.ک مت ۱۲:۳۹؛ ۱۶:۴). این کلمات ممکن است خطاب به جمعیتها و یا خطاب به افراد باشد.

t- همانطور که مضرات زبان در مقایسه و تناقض دو نوع حکمت درک می گردید. تفرقه در بین جمعیت با مقابله و اختلاف بین دوستی دنیا و محبت به خدا توضیح داده می شود. این مقابله و ارائه اختلاف در نوشته های یهود سنتی است (مثلاً در دستورها و قواعد قمران ۳:۱۸-۴:۲۶؛ ۱۱:۶-۱۰ دو روح در برابر یکدیگر آورده شده که یکی پسران روشنایی و دیگری پسران ظلمت را رهبری می کند). همین طرز ارائه و بیان به اشکال مختلف در نوشته های عهد جدید هم آمده است: (در نوشته های پولس مقابله جسم و روح: در نوشته های یوحنا تناقض و اختلاف ظلمات و روشنایی) ولی بدان معنی نیست که تنوینی باشد و بر طبق آن اساساً دنیای شر و بدی را قرار دهد. بلکه انتخاب قاطعی را بیان و پیشنهاد می کند که بین اطاعت از خدا و بردگی تحت قدرت مخالف وجود دارد. در این وضعیت دوستی به دنیا نشانه یک قلب مردد و بلاتکلیف است (ر.ک ۱:۸؛ ۳:۶).

u- ترجمه تحت اللفظی: با حسادت، خواهان روحی است ... کسان دیگری ترجمه کرده اند: روحی که خدا در ما قرار داده است با حسادت خواهان است. ولی بطوری که از فحوای عبارت برمی آید در این عبارت خدا فاعل این حسادت است و پایه و مبنای دعوت به گرایش است که به بی ایمانان خطاب می شود (بندهای ۷-۹). برابر تفسیر بعضی از نسخه های خطی: روحی را که خدا با حسادت می جوید روح القدس نیست بلکه روحی است که در آدمیان نهاده است.

v- در تعدادی زیادی از نوشته های عهد عتیق اکثراً سخن از حسادت خدایی (یا غیرت خدایی) است ولی عین این عبارت را در هیچ جا نمی توان یافت. آیا نقل قول از کتابی ساختگی است؟ (مکاشفه موسی ۳۱:۴۲) یا تعبیری از نوشته های تفسیری یهودیان از تورات است. پید ۶:۳؛ خروج ۲۰:۵ و یا ایوب ۱۴:۱۵؟

مـغـروران است، امـا به فـروتـنـان فـیض
خروج۲۰:۵ می‌دهد[w]. [۷]پس از خدا فرمانبرداری کنید؛
اما ابلیس را مقاومت نمایید، و از شما فرار
خواهد کرد. [۸]به خدا نزدیک شوید، و او به
شما نزدیک خواهد شد، ای گناهکاران،
افس۶:۱۲؛ ۱-پطر۵:۸-۹ دستهای خود را پاک کنید، و ای روحهای
زک۱:۳؛ ملا۳:۷ مضاعف[x]، دلها را منزه سازید[y]. [۹]خوار
شوید، و ماتم بگیرید و گریه کنید[z]، خنده
اش۱:۱۶ شما به ماتم و شادی به غم متبدل شود. [۱۰]در
ایوب۵:۱۱؛ لو۱۴:۱۱؛ ۱-پطر۵:۶ برابر خداوند فروتنی کنید و او شما را
سرافراز خواهد کرد.

تو که هستی که همنوع را داوری می‌کنی؟

لاو۱۹:۱۶؛ مت۷:۱-۵ [۱۱]ای برادران، از یکدیگر بدگویی
مکنید[a]. آنکه از برادری بد می‌گوید یا[b]
برادر خود را محکوم می‌کند، از قانون بد
می‌گوید و قانون را محکوم می‌کند[c].
باری، اگر تو قانون را محکوم می‌کنی،
۱:۲۲ قانون را بجا نمی‌آوری[d]، بلکه داور آن
مت۷:۱؛ ۱۰:۲۸ هستی. [۱۲]قانونگزار و داور[e] فقط یکی
روم۲:۱؛ ۱۴:۴ است، آنکه می‌تواند نجات دهد و تباه
سازد. اما تو که هستی که همسایه[f] را
داوری کنی؟

هشدار! ای سوداگران!

امث۲۷:۱؛ لو۱۲:۱۸-۲۰ [۱۳]اکنون، شما می‌گویید: «امروز یا
فردا[g] به فلان شهر خواهیم رفت، و در آنجا
یک سال سپری خواهیم کرد، و معامله
مر۸:۳۶ خواهیم کرد و سود بدست خواهیم آورد».
[۱۴]شما که نمی‌دانید فردا زندگی شما
مز۳۹:۶،۱۲؛ ۹۰:۵ چیست! زیرا، شما بخار [آب] هستید[h]، که
برای لحظه‌ای پدیدار، و سپس ناپدید
اع۱۸:۲۱ می‌شود. [۱۵]بجای اینکه شما بگویید: «اگر

w- مز ۳:۳۴.
x- کلمه یونانی که در اینجا آمده و به معنی دو رویی نسبت به خدا و یا نسبت به آدمیان است قبل از نامه یعقوب در جای دیگری به چشم نمی‌خورد ولی بعداً در خطابه ها و موعظه های تشویقی مسیحیت بکار برده شده است (مثلاً هرماس، شبان، دستور ۹، که در آن موضوع دورویی وابسته به دو خواهش نفسانی است). ولی تصویر قلب دوگانه (تحت اللفظی: روحهای مضاعف) از روایات یهود گرفته شده است (مثلاً نوشته های قمران: دستورها و قواعد ۴:۱۳-۱۶) و با ریاکاری مربوط می‌شود که در انجیل متی اعلام و افشاء شده است (ر.ک ۶:۲، ۵، ۱۶؛ ۱۵:۷؛ ۲۵:۱۳-۱۵) و منظور کسی است که دلش می‌خواهد بین محبت به خدا و دوستی با دنیا سازشی برقرار کند و بدین سان در ایمان خود، در نیایش و در رفتار خود در نوسان است. این شخص متضاد انسان کامل است که سعی می‌کند سادگی خدا در وجودش منعکس گردد. (ر.ک ۱:۵-۸؛ ۵:۱۲).
y- ر.ک ۱:۲۰-۲۷.
z- فروتنی و سرشکستگی فرد گناهکار در اینجا موجب ندامت و پشیمانی است و منجربه تغییر وضعیتی در پایان روزگار می‌شود (ر.ک ۱:۹-۱۰؛ لو ۶:۲۱، ۲۵)، در صورتی که خطاب و عتابی که در بند ۵ می‌آید به هیچگونه ندامتی منتهی نمی‌شود.
a- ر.ک ۱:۲۶؛ ۳:۹-۱۰.
b- در تعدادی از نسخه های خطی: آنکه از برادری بد می‌گوید و برادر خود را محکوم می‌کند.
c- ر.ک ۲:۱۰-۱۱ در اینجا که نویسنده مقام یک برادر را با قوانین یکی کرده با کلمات گیرایی مقام والای محبت را بیان می‌نماید.
d- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: و دیگر قوانین را بجا نمی‌آوری.
e- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات قانونگزار و داور حذف شده است.
f- در تعدادی از نسخه های خطی: اما تو که هستی که دیگری را داوری کنی؟
g- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: امروز و فردا به فلان شهر ...
h- در بسیاری از نسخه های خطی چنین نوشته شده است: و شما که نمی‌دانید فردا چه خواهد بود. زیرا زندگی شما چه خواهد بود؟ چنین بنظر می‌رسد که در متن این عبارت تغییراتی حاصل شده و مغشوش گردیده است.

خداوند بخواهد، زنده خواهیم ماند و نیز
چنین یا چنان خواهیم کرد». ۱۶اما، اکنون
به خودستایی های خود افتخار می کنید[i]! و
هر افتخاری که چنین است شرّ است.
لو۴۷:۱۲ ۱۷آنکه خوبی بداند و نکند، برایش گناه
می باشد[j].

وای بر شما! ای ثروتمندان

لو۲۴:۶ **۵** ۱اکنون، ای ثروتمندان[k]! گریه
کنید و بر بدبختی هایی که بر شما
می رسد، نالان شوید. ۲ثروت شما فاسد و
لباسهایتان بید خورده شده اند. ۳طلای شما
بنسی۹:۲۹-۱۱ و نقره زنگ زده، و زنگ آنها گواه ضد شما
اش۲۷:۳۰؛ مز۱۰:۲۱ خواهد بود و جسمهای [تن های]شما را
چون آتش خواهد خورد. شما در آخرین
لاو۱۳:۱۹؛ تث۱۴:۲۴-۱۵؛ ملا۵:۳ روزها گنجینه اندوخته اید! ۴ببین، اجرت
کارگرانی که کشتزارهایتان را درو کرده اند
پید۱۰:۴؛ اش۷:۵ و آن را نگهداشته اید[l]. فریاد می زند، و
سروصدای درو کنندگان به گوشهای
خداوند ارتشها رسیده است. ۵شما بر روی
ار۱:۱۲-۳؛ ۳۴،۲۵؛ زمین با لذات و خوشی زندگی کرده اید:
لو۱۹:۱۶-۲۵ دلهای خود را در روز کشتار[m] سیر کرده اید!
۶شما عادل[n] را محکوم کرده و کشته اید،
بی آنکه با شما مقاومت کند.

شکیبا باشید، خداوند نزدیک می شود

لو۱۹:۲۱؛ عبر۳۶:۱۰-۳۹ ۷پس، ای برادران[o]، تا فرا آمدن
خداوند[p] شکیبایی کنید. ببینید که کشاورز

i- یعقوب، سوداگرانی را که به خاطر افتخارهای بیجا، نقشه هایی برای ثروتمند شدن دارند سرزنش می کند (ر.ک عا ۵:۸؛ بنسی ۱۰:۱۱-۱۱؛ ۲۴:۳۸-۳۴؛ مکا ۱۱:۱۸-۱۷) و در برابر این خودستایی ها (ر.ک ۱- یو ۱۶:۲) یعقوب آن سرفرازی را واقعی می شناسد که از ایمان ناشی می گردد (۰:۱-۱۰؛ ر.ک روم ۲:۵-۳، ۱۱؛ ۱-قرن ۳۱:۱؛ ۲-قرن ۱۷:۱۰-۱۸؛ ۹:۱۲-۱۰).

j- عبارت این بند که به صورت کلمات قصار است پیوستگی محکمی با مطالب قبلی ندارد ولی شکی نیست که بنظر نویسنده اخطاری به گروه سوداگران می باشد.

k- اکنون یعقوب دیگر به برادرانی که دعوت به گرایش و توبه شده اند نمی پردازد (۱۰:۱؛ ۲:۲) بلکه بر ثروتمندانی پرخاش می کند که بر فقیران فشار و ستم وارد می نمایند. بدین معنی که مزد ایشان را نپرداخته و خود را ثروتمند می کنند، بدین گونه همان فریاد پیامبران را از سر می گیرد (ر.ک اش ۸:۵-۱۰؛ ار ۲۶:۵-۳۰؛ عا ۴:۸-۸؛ ۶:۲-۷). اندوخته و گنجینه های ثروتمندان که به وسیله حشرات و زنگ زدگی نابود شده است (ر.ک مت ۱۹:۶) در داوری پایان روزگار علیه ایشان گواهی خواهد داد.

l- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده: دزدیده اید.

m- در تعداد زیادی از نسخه های خطی: ... به مانند روز کشتار سیر کرده اید! منظور از کشتار ذبح حیوانات برای برگزاری سور و مهمانی بوده است و در اینجا تصویر فشار و ستمی است که ثروتمند بر بینوایان اعمال می نماید (ر.ک مز ۲۳:۴۴ که در روم ۳۶:۸ نقل قول شده است).

n- منظور از عادلی که در برابر شرارت مقاومت نمی کند (ر.ک مت ۳۹:۵) گروهی از مردمان است (ر.ک مز ۳۷؛ حک ۱۲:۲-۲۰) و بطوری که بعضی از مفسران تصور می کنند، عیسی نیست.

o- در این قسمت آخر نامه که پایان روزگار در افق ترسیم می شود، نویسنده مجدداً به ایمانداران خطاب می کند تا آنان را به شکیبایی (بندهای ۷-۱۱) و نیایش (بندهای ۱۳-۱۸) تشویق نماید. شکیبایی و نیایش دو اندرز سنتی هستند که در خطابه های مسیحی منظور می شوند (ر.ک ۱-تسا ۱:۵-۱۱، ۱۷-۱۸؛ مت ۴۱:۲۶). شکیبایی به مانند پایداری و مقاومت (ر.ک ار ۳-۴؛ کول ۱۱:۱) و استحکام قلب (ر.ک ۱-تسا ۱۳:۳) وضعیت و حالت مناسب دوران مشکلات و تجربه های ناگواری است که پیش از باز آمدن مسیح روی خواهد داد. به این موضوع های مهم، موضوع های دیگری افزوده می شود (بندهای ۱۲؛ ۱۹-۲۰). نوع انشاء که ظاهراً به صورت دستور قاطعی بیان می شود در موعظه های تشویقی رایج است.

p- برخلاف عادت پولس (ر.ک ۱-قرن ۲۳:۱۵؛ ۱-تسا ۱۹:۲؛ ۱۳:۳؛ ۱۵:۴؛ ۲۳:۵؛ ۲- تسا ۱:۲، ۸) و سایر نوشته های عهد جدید (مت ۳:۲۴، ۲۷، ۳۷، ۳۹؛ ۲- پطر ۱۶:۱؛ ۴:۳؛ ۱-یو ۲۸:۲) در اینجا فرا رسیدن پایان روزگار مربوط به آمدن خدا و نه باز آمدن مسیح است (ر.ک ۲-پطر ۱۲:۳) زیرا از فحوای عبارت برمی آید که منظور از کلمه خداوند، خدا است (بندهای ۹، ۱۱) و در این مورد نظر یعقوب نزدیک تر به محافل یهودی است. ضمناً افق و منظره پایان روزگار با کلمات و

مر۴:۲۶-۲۹ میوه گرانبهای زمین را انتظار می کشد و در
تث۱۱:۱۴؛ ار۵:۲۴؛ یول۲:۲۳ شکیبایی است تا باران پیشرس و بارش آخر
[فصل] فرا رسد[q]. [۸]شما هم شکیبایی
۱-تسا۳:۱۳ کنید؛ دلهایتان را استوار سازید، زیرا آمدن
فی۴:۵ خداوند نزدیک شده است. [۹]ای برادران،
نسبت به یکدیگر شکوه مکنید، تا محکوم
مر۱۳:۲۹؛ مکا۳:۲۰ نگردید؛ ببینید که داور جلو دروازه ها
ایستاده است [۱۰]ای برادران، از رنج و
شکیبایی انبیاء[r] سرمشق بگیرید، که به نام
خداوند سخن گفته اند. [۱۱]ببینید، ما
می گوییم خوشا بر آنانکه مقاومت کردند.
دان۱۲:۱۲ شما مقاومت ایوب[s] را شنیده اید، و به
ایوب۱:۲۱-۲۲ سرانجام رساندن خداوند[t] را دیده اید، زیرا
مز۱۰۳:۸ خداوند[u] مهربان و مشفق است[v].

آری شما، آری باشد

[۱۲]ای برادران من، و قبل از هر چیز،
سوگند[w] یاد مکنید، نه به آسمان، نه به
زمین، نه هر سوگند دیگری که باشد، و
آری شما، آری، و نه [شما]، نه [باشد]،
تا تحت محکومیت[x] نیفتید.

نیایش کنید

[۱۳]اگر یکی از شما رنج می کشد، مز۵۰:۱۵
نیایش کنید[y]، اگر کسی شادی دارد، اع۱۶:۲۵
مزمورهایی ترنم کند[z]. [۱۴]اگر کسی در
بین شما بیمار است، قدیمی های کلیسا
را بخواند تا برایش نیایش کنند[a] و بر او
به نام خداوند با روغن[b] مسح نمایند:

اصطلاحات متعددی بیان شده است (روزهای واپسین ۵:۳؛ نجات ۱:۲۱؛ ۲:۱۴؛ ۴:۱۲؛ ۵:۲۰؛ تاج زندگی ۱:۱۲؛ ملکوت ۲:۵؛ داوری ۲:۱۲-۱۳؛ ۵:۱۲؛ جهنم ۳:۶). این نامه در زمانی یا در محیطی نوشته شده است که موضوع تأخیر بازگشت مسیح شکل حادی ایجاد نمی کرده است (به مانند مت ۲۵:۵، ۱۹ یا ۲- پطر ۳:۸-۹).

q- در تعداد زیادی از نسخه های خطی نوشته شده است: تا بارانهای پیشرس و دیررس را دریافت نکرده است و در نسخه های دیگری: تا محصولهای پیشرس و دیررس را دریافت نکرده است.

r- نشان دادن سرمشق انبیاء بر طبق روش و سنتهای یهودی است که آنان را بعنوان شهید به شمار می‌آورند (ر.ک مت ۵:۱۲؛ ۲۳:۲۹-۳۱؛ اع ۷:۵۲؛ روم ۱۱:۳؛ ۱-تسا ۲:۱۵؛ عبر ۱۱:۳۶-۳۸).

s- جای شگفتی است که یعقوب، ایوب و نه عیسی را بعنوان نمونه و سرمشق پایداری ارائه می کند (ر.ک عبر ۱۲:۱-۴) وانگهی تنها موردی در تمام نوشته های عهد جدید است که نام ایوب ذکر می شود. این تذکر بیشتر بدان سبب است که در آیین یهود، ایوب بعنوان نمونه شکیبایی شناخته شده و نه اینکه بخواهد صبر ایوب را با رنجها و مصائب عیسی مقایسه و تطبیق دهد.

t- این «هدف» یا سرانجام که خدا برای ایوب در نظر داشته اشاره به برکت یافتن نهایی ایوب است ایوب ۴۲:۱۰-۱۷.

u- در تعدادی از نسخه های خطی کلمه خداوند حذف شده است.

v- خروج ۳۴:۶؛ مز ۱۰۳:۸؛ ۱۱۱:۴.

w- چنین به نظر می رسد که این دستور درباره سوگند یاد نکردن نظیر آنچه در مت ۵:۳۴-۳۷ آمده، از روایاتی الهام گرفته باشد که سابقه آن را در بعضی جریانهای فکری آیین یهود می توان یافت (بنسی ۲۳:۹-۱۱؛ فیلون، احکام دهگانه، ۸۴؛ نوشته داماس ۱۵:۱-۵).

x- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: در ریاکاری.

y- در اینجا منظور نیایشی انفرادی و شخصی است در صورتی که در بند ۱۴، نیایش در کلیسا است.

z- ر.ک روم ۱۵:۹؛ ۱-قرن ۱۴:۱۵؛ افس ۵:۱۹-۲۰؛ کول ۳:۱۶-۱۷.

a- در تعدادی از نسخه های خطی: بر روی او نیایش کنند، پس از اینکه مسح روغن کرده اند ...

b- مبنا و ریشه تدهین کردن قبل از نیایش هم پزشکی (ر.ک لو ۱۰:۳۴) و هم مذهبی است. مرقس اجرای آن را در شفا دادنهای دوازده رسول ذکر می کند (مر ۶:۱۳). چون این عمل، نظیر تعمید به نام خداوند انجام می شود. نشانه ایمان کلیسا بر خداوند برخاسته از میان مردگان است و جنبه آداب مذهبی دارد. در چهاردهمین جلسه مجمع اسقفان ترنت، وابستگی این متن به راز تدهین بیماران اظهار شده است ولی این نکته را بطور کلی، سنت پروتستانها نپذیرفته است.

[۱۵]و نیایش ایمان، دردمند را نجات
خواهد داد و خداوند او را بلند خواهد
کرد[c]؛ و اگر گناهانی کرده باشد، بر او
بخشیده خواهد شد. [۱۶]پس گناهان را به
یکدیگر اعتراف کنید[d] و برای یکدیگر اع۵:۱۲
نیایش نمایید تا شفا یابید. نیایش یک
عادل فعال نیروی زیادی دارد. [۱۷]الیاس[e]، ۱-پاد۱۷:۱؛ بنسی۴۸:۱
انسانی از سرشت ما بود و با خواهش
نیایش کرد تا باران نبارد و سه سال و مکا۱۱:۶
شش ماه بر روی زمین باران نبارید. [۱۸]و ۱-پاد۱۸:۴۲
مجدداً نیایش کرد، و آسمان باران داد، و
زمین ثمره خود را رویانید.

گمراه شدگان را باز گردانید

[۱۹]ای برادران من، اگر کسی در بین
شما، به دور از حقیقت گم شود[f] و یکی غلا۶:۱
دیگر او را باز گرداند، [۲۰]بدانید[g]، کسی
که گناهکاری را از گمراهی برمی‌گرداند، مز۵۱:۱۵
زندگی او را از مرگ نجات داده[h] و گناهان مز۳۲:۱
افزونی را خواهد پوشاند[i].

c- فعلهای نجات دادن و بلند کردن ممکن است یا به مفهوم بهبودی بیمار باشد و یا اینکه بدون شفا یافتن در پایان روزگار نجات یابد. با این همه اگر بعضی از روایتهای معجزه های انجیل در نظر گرفته شود (ر.ک مر ۵:۳۴، ۴۱ «ایمانت تو را نجات داده است ... بپا خیز!»؛ لو ۱۷:۱۹ «برخیز! ... ایمانت تو را نجات داده است!») می توان تصور کرد که در اینجا منظور قدرت خداوند در شفا دادن بیمار و نجات یافتن فرد گناهکار است. ارتباط بین بیماری و گناه در طرز تفکر کتاب مقدس عمیقاً ثبت شده است و بدین گونه می توان توضیح داد چرا عهد جدید بخشایش گناهان و شفای جسم را همچون نشانه رستاخیز مربوط می داند که هم اکنون در اعمال مسیح در فعالیت است.

d- در این بند سه موضوعی که در بند قبلی است یعنی بخشایش گناهان، نیایش و شفا یافتن مجدداً ذکر شده است. بنا به عقیده بعضی از مفسران ممکن است اعتراف به گناهان مربوط به تدهین باشد ولی بیشتر چنین بنظر می رسد که موضوع بخشایش گناهان یادآوری موعظه و تشویق به اعتراف گناهان را موجب شده باشد (ر.ک دان ۹:۴-۲۰؛ بار ۱:۱۴-۲:۱۰؛ مت ۳:۶؛ اع ۱۹:۱۸؛ قواعد و دستورهای قمران ۱:۲۳-۲:۱).

e- موضوع نیایش، با یادآوری نام الیاس به منتهی درجه اهمیت می رسد. لازم به یادآوری است که در روایات یهود نمونه های زیادی از پیامبران وجود دارد که به خاطر قوم وساطت می نمایند (ر.ک پید ۱۸:۲۲-۲۳؛ خروج ۳۲:۱۱-۱۴، ۳۰-۳۹) یعقوب یادآوری و تأکید می کند که نیایش فرد عادل که با چنین قدرتی عمل می نماید نظیر نیایش یک انسان برای برادرانش می باشد (ر.ک حک ۷:۳؛ اع ۱۴:۱۵). شخصیت الیاس هم در روایات و سنن یهود (ر.ک لا ۳:۲۳؛ بنسی ۴۸:۱-۱۱؛ مر ۹:۱۱-۱۳) و هم در بین مسیحیان اولیه مورد توجه و علاقه بوده است (چنانکه الیاس را که باید بیاید با یحیی تعمید دهنده یکی می گرفتند) ضمناً موضوع سه سال و شش ماه روایات یهود که در نوشته های عهد عتیق وجود ندارد، در لو ۴:۲۵ ذکر شده است.

f- در یک نسخه خطی کهن نوشته شده: اگر یکی از شما از راه دور شده است. در نسخه های دیگری ... از راه حقیقت دور شده است.

g- در تعدادی از نسخه های خطی: بداند. در یک نسخه قدیمی کلمه بدانید حذف شده است.

h- در تعدادی از نسخه های خطی: زندگی را نجات خواهد داد، در نسخه های دیگری: یک زندگی را از مرگ گناهکار برخواهد کند.

i- بنظر یعقوب بازگشت برادر گمراه شده به حقیقت، همچون یک نجات واقعی از مرگ به شمار می رود (ر.ک مت ۱۸:۱۲-۱۳؛ ۱-یو ۵:۱۶). ظاهراً گناهان پوشانده شده، یعنی بخشیده شده گناهان برادری است که گمراه شده بود (ر.ک ۱-پطر ۴:۸ که بین نقل قول امث ۱۰:۱۲ را دارد) و نه اینکه گناهان برادری که او را به حقیقت بر می گرداند (ر.ک حزق ۳:۲۰-۲۱؛ ۱-تیمو ۴:۱۶)، یعقوب با بکار بردن کلمه گناهان افزون، شاید گناهان هر دو را تعیین می کند (ر.ک ۳:۱۲).

پیشگفتار
اولین نامه پطرس

نخستین نامه پطرس چندان مورد توجه علمای خداشناسی نیست زیرا با مقایسه با مجموعه نوشته های عهد جدید در توضیح و تشریح مسائل عقیدتی، آموزش بخصوصی ندارد. قسمتی از این نامه که مخصوصاً جلب توجه می کند موضوع «مقام کهانت سلطنتی» و ذکر موعظهٔ مسیح در جهنم است. امّا در مورد بقیه نامه به سهولت می توان نشان داد که نزدیک و شبیه به مطالب انجیلهای نظیر، سخنرانی های اعمال رسولان و موعظه و اندرزهای پولس قدیس است. با این همه همین امر که نامهٔ ما با نوشته های مختلف عهد جدید موضوع های مشابهی را مطرح می کنند نشان می دهد که در دوران رسولان آموزش مذهبی و امور اساسی زندگی مسیحی چگونه بوده است. مفسّران زیادی به این نکته توجه کرده و بدین سبب از چندین سال پیش بررسی این نامه نظر متخصصان را جلب کرده است.

مخاطبان نامه

برای تعیین هویت دقیق مخاطبان نامه، در این نامه اشاره های کمی وجود دارد. نامه خطاب به مسیحیانی است که در پنج ایالت رومی آسیای صغیر بسر می برند «برگزیدگانی غریب که در پراکندگی هستند» (۱:۱). کلمهٔ پراکندگی که در این مورد بکار برده شده (در زبان یونانی: دیاسپورا) اصلاً به یهودیانی اطلاق می شود که در خارج از فلسطین بسر می برند و در نظر اول چنین می نماید که در اینجا منظور مسیحیانی هستند که قبلاً یهودی بوده اند. ولی در حقیقت خیلی محتمل است که این اصطلاح به صورت رمز و اشاره در مورد مسیحیانی بکار برده شده باشد که در دنیا پراکنده اند (ر.ک ۱۱:۲) و اکثریت آنان قبلاً مشرک بوده اند. زیرا طرز زندگی سابق ایشان که در نامه ذکر شده بیشتر با زندگی مشرکان تطبیق می نماید تا اینکه مربوط به یهودیان باشد (۱۴:۱، ۱۸؛ ۳:۴)، با این همه این مسیحیان با نوشته های مقدس آشنا بوده اند و اطلاعات زیادی که در نامه دربارهٔ مطالب عهد عتیق داده شده است این امر را ثابت می کند.

جمعیت های مسیحی که نامه به آنان خطاب شده است اکثراً در نتیجه رسالت پولس تأسیس شده بودند یعنی یا مستقیماً خود پولس و یا همکاران او که از مراکز اصلی به ایالات مختلف آسیای صغیر رفته بودند (مثلاً اپفراس که انجیل را به کولسی برده بود. کول ۷:۱). به طوری که از مفاد نامه برمی‌آید سازمان خدمات کلیسا نسبت به زمان نگارش نامه های شبانی کمتر متشکّل و آماده بوده است و بنابراین با دوران قدیم تری از زندگی

مسیحیت اولیه تطبیق می نماید: مثلاً فقط سخن از قدیمی ها (۵:۱-۴) و به طور مستقیم از شماسان است (ر.ک ۱۱:۴ n). و امّا اعضای این جمعیت ها، به طور کلی از طبقات پایین جامعه و مردمی ساده و حقیر بودند و قسمتی از نامه که در مورد رفتار خدمتگزاران و بردگان است این امر را تأیید می نماید (۲:۱۸-۲۵).

نویسنده نامه، تاریخ نگارش و محل انشای نامه

برابر اطلاعاتی که در نامه داده شده، نویسندهٔ نامه پطرس «رسول عیسی مسیح» (۱:۱)، «قدیمی»، «شاهد رنج های مسیح» (۵:۱) است که نامهٔ خود را «بوسیله سیلوانس» نوشته (۵:۱۲). درحالی که «پسرش» مرقس در کنار او بوده است. (۵:۱۳). انتساب نامه را به پطرس احادیث مختلفی تأیید کرده اند: مثلاً دومین نامه پطرس که یکی از متأخرترین نوشته های عهد جدید است بر این امر گواهی می کند (۲-پطرس ۳:۱) و بعدها ایرنه، ترتولیان و کلمنت اسکندریه، پطرس را به عنوان نویسنده این نامه تعیین کرده اند. علاوه بر این بر طبق نوشته اوسیبیوس، مورخ مذهبی، پاپیاس ثابت کرده بود که بین پطرس و مرقس، دومین انجیل نگار ارتباط نزدیکی وجود داشته است (همچنین ر.ک اع ۱۲:۱۲).

با این همه تعدادی از متخصصان در انتساب نامه به پطرس تردید کرده اند. دلایل مهمی که ارائه شده و پاسخ هایی که می توان داد عبارتند از:

الف) کیفیت زبان یونانی که در این نامه بکار برده شده به طوری است که به دشواری می توان پذیرفت، پطرس، ماهیگیر اهل جلیل آن را نوشته باشد و اگر بگوییم که پطرس نامهٔ خود را به زبان آرامی نوشته و کسی آن را به زبان یونانی ترجمه کرده است (سیلوانس ۵:۱۲) این دشواری حل نمی شود زیرا نمی توان توضیح داد به چه سبب نقل قولهای عهد عتیق که در نامه آمده است بدون استثنا از متن یونانی عهد عتیق گرفته شده است. ولی استدلال قاطعیت ندارد زیرا از یک طرف در زمان عیسی، زبان یونانی در فلسطین متداول بوده و مدارکی که جدیداً بدست آمده این نکته را ثابت می کند و بنابراین ممکن است که پطرس به زبان یونانی آشنا بوده است. از سوی دیگر ممکن است که پطرس در تنظیم و انشاء نامه خود از همکاری سیلوانس استفاده کرده باشد و بدین گونه کیفیت شیوهٔ نگارش نامه را می توان توضیح داد.

ب) همچنین یادآوری کرده اند که بعضی از افکار و نظریاتی که در این نامه آمده است با عقاید خداشناسی پولس شباهت دارند و چند مورد را به عنوان نمونه می توان ذکر نمود: بکار بردن تصویر سنگ تصادم که از عهد عتیق گرفته شده است (۱-پطرس ۲:۴-۸؛ روم ۹:۳۲-۳۳)، پند و موعظه بر اینکه باید از اولیای امور اطاعت نمود (۱-پطر ۲:۱۳-۱۷؛ روم ۱۳:۱-۷) و یا بکار بردن اصطلاح «در مسیح» (۳:۱۶؛ ۵:۱۰، ۱۴). باری با توجه به مفاد غلا ۲:۱۱-۱۴ نفوذ عقاید پولس را به آسانی می توان توضیح داد: زیرا مجموعهٔ مشترکی از آموزش های مذهبی برای تمام کلیساهای اولیه وجود داشته و پطرس و پولس از آن مجموعه استفاده کرده اند. امّا در مورد

آنچه در انطاکیه رخ داده و در غلا ۲:۱۱-۱۴ ذکر شده است نبایستی آن را مخالف اصولیه دو رسول در علم الهی بشمار آورد بلکه پولس طرز رفتار پطرس را در موقعیت مخصوصی سرزنش می کند و ارتباطی با نظریات علم خداشناسی ندارد.

ج) در نخستین نامه پطرس اظهاراتی دربارهٔ آشنایی و شناختن مستقیم عیسی نظیر آنچه در انجیل ها ذکر شده وجود ندارد. نویسندهٔ نامه به طور کلی از رنج ها و مرگ مسیح سخن می گوید و نکات اصلی آموزش عیسی را کاملاً به سکوت برگزار می نماید (مثلاً «ملکوت خدا» و «پسر انسان») و می توان پرسید آیا پطرس که شاگرد نزدیک عیسی بوده نمی بایستی به طرز دیگری اظهار کرده باشد؟ آیا نمی بایستی به طرز دقیق تری تجربهٔ واقعی خود را در کنار استادش ذکر نماید؟ در پاسخ این سؤالها قسمتهایی از نامه را نقل می کنند که انعکاسی از سخنان عیسی هستند (۸:۱ و یو ۲۹:۲۰؛ ۲:۲ و مر ۱۵:۱۰ و در انجیل های دیگر؛ ۱۲:۲ و مت ۱۶:۵؛ ۲۳:۲ و مت ۳۹:۵؛ ۹:۳ و لو ۲۸:۶؛ ۱۴:۳ و مت ۱۰:۵؛ ۳:۵ و یو ۱۳-۱۵-۱۷؛ ر.ک ۲۵:۲ و مت ۳۶:۹)، علاوه بر این تعداد زیادی از این سخنان از مواردی است که مستقیماً مربوط به پطرس است. (مثلاً ۲:۵ و یو ۲۱:۱۵-۱۷؛ ۴:۱، ۱۳ و لو ۳۳:۱۲، ۳۵، ۴۱). شایسته است مقایسه و برابری مخصوصاً در مورد خدمتگزار رنجور که در نامه ذکر شده است انجام گردد. این موضوع که منبع آن کتاب اشعیا است (۱۳:۵۲-۱۲:۵۳) هم در انجیل ها (لو ۳۷:۲۲ و اش ۱۲:۵۳)، هم در سخنرانی های پطرس (اع ۱۳:۳، ۲۶؛ ر.ک ۲۷:۴، ۳۰) و هم در این نامه ذکر شده است (۲۱:۲-۲۵). البته نبایستی در ارزیابی واقعی این شباهت ها مبالغه کرد زیرا از همان اوان تشکیل کلیسا مجموعه هایی از سخنان عیسی انتشار یافته بود ولی ثابت می کند که استدلال بر مبنای «فقدان خاطره های مستقیم از زندگی عیسی بر روی زمین» چندان مسلم و قطعی نیست.

د) ظاهراً در این نامه اشاره به نخستین تعقیب و شکنجه های مقامات دولتی دربارهٔ مسیحیان شده است (که فقط جنبهٔ محلی نداشته) و این وقایع را نمی توان به دوران قبل از امپراتوری دومیتیان (۸۱-۹۶ پس از میلاد) یعنی مدت ها پس از مرگ پطرس منسوب نمود (۱۲:۴؛ ۹:۵). این نظریه نیز قابل اعتراض و تردید است. بدواً باید توّجه نمود طرز تفکر و روحیه ای که در این نامه احساس می شود با آنچه در مکاشفه یوحنا بیان گردیده کاملاً متفاوت است؛ زیرا در مکاشفه، مقامات دولتی به عنوان عوامل تعقیب و شکنجه معرفی شده اند در صورتی که در نخستین نامه پطرس چنین نیست و هنوز به مسیحیان تعلیم می دهد برای اولیای امور احترام قائل شوند چنان که در نامه به رومیان نیز چنین است (۱-پطر ۱۳:۲-۱۷ و روم ۱:۱۳-۷) و مخصوصاً نقش مثبت مقامات دولتی را یادآوری می نماید (۱۴:۲).علاوه بر این اصطلاحات فنی مربوط به «تعقیب و شکنجه» یا دادرسی، دادگاه و اتمام بکار برده نشده و فقط کلماتی از نظر علم خداشناسی مانند وسوسه، آزمون و «رنجهایی که به خاطر عدالت متحمل می شوند» ذکر می شود و «مسلماً تعقیب و شکنجه ای که در این نامه ذکر شده عبارتند

از: آزار و اذیت، انتقادها، ریشخندها، اقدامات نامطلوب و طرد مسیحیان بوده که بدواً از طرف همشهریان مشرک یا همدینان سابق ایشان اعمال می‌شده است» (به قلم س. اسپیک)، و به این ترتیب می‌توان گفت نامه در زمانی نسبتاً قدیمی نوشته شده باشد که هنوز پطرس زنده بوده است.

خلاصه دلایلی که علیه انتساب نامه به پطرس ارایه می‌شود قطعی نیست و می‌توان تاریخی را که تاکنون برای نگارش نامه تعیین شده است پذیرفت: بدین معنی که پطرس اندکی قبل از تعقیب و شکنجه‌های نرون (سال ۶۴ میلادی) از سیلوانس خواسته است نامه‌ای برای تشویق و دلگرمی مسیحیان نوشته و برای همه جمعیت‌ها ارسال دارد. ولی با بررسی وضعیت تاریخی و جریان توسعهٔ مسیحیت محتمل است که نامه در دورانی نزدیک به شهادت پطرس یعنی حدود سالهای ۷۰-۸۰ میلادی نوشته شده باشد و ممکن است یکی از شاگردان او که در روم اقامت داشته این پیام تشویق و دلگرمی را تنظیم و انشاء کرده باشد تا سنّت و روش رسول را زنده نگهداشته و جمعیت‌های پراکنده مسیحی را به پایداری و استقامت تشویق نماید.

نامه از نظر ادبی، وحدت و هدف

تعدادی از محققان و منتقدان متوجه شده‌اند که مخصوصاً در سه فصل اول نامه، اشاره‌ای به تعمید وجود دارد. ضمناً بعضی از مفسّران تصور کرده‌اند از بند ۱۲:۴ به بعد محیط و جوّ نامه تغییر می‌یابد و دیگر مصائب و رنج ها به صورت پدیده‌ای محتمل بشمار نمی‌آیند بلکه واقعیتی فعلی هستند (۱۲:۴؛ ۹:۵؛ ر.ک ۲۰:۲؛ ۱۴:۳، ۱۷). بر مبنای این ملاحظات فرضیه های مختلفی در مورد نوع نگارش و وحدت نامه مطرح گردیده است و مخصوصاً برای منبع آیین نیایشی نامه اهمیت قایل شده‌اند. بعضی تصوّر می‌کنند که این نامه حاوی آیین مذهبی تعمید است (۳:۱-۱۱:۴) و بعداً به آن نوشته‌ای افزوده شده است تا تعمید شدگان را در ایمان تقویت نماید (۱۲:۴-۱۴:۵)، مفسران دیگری برای تفاوت بین ۳:۱-۱۱:۴ و ۱۲:۴-۱۱:۵ اهمیت قایل شده و قسمت ۳:۱-۱۱:۵ را همچون یک سخنرانی برای تعمید می‌دانند که به آن قطعات ۱:۱-۲ و ۱۲:۵-۱۴ افزوده شده باشد تا به صورت نامه درآید. بالاخره کسان دیگری آن را یک آیین نیایشی برای هفته عید گذر تصور کرده‌اند. ولی این فرضیه ها با ایرادهایی برخورد می‌کنند: با توّجه به وحدت روش نگارش و نوع کلماتی که در نامه بکار رفته است احتمال نمی‌رود که نامه از دو قطعه تشکیل شده و از دو منبع مختلف گرفته شده باشد. عنوان نامه و نتیجه گیری آن کاملاً با مفاد و متن نامه ارتباط دارند («غریبان» ۱:۱ و ۱۱:۲؛ ر.ک ۱۷:۱؛ اندرز و موعظه، موضوع نامه ۱۲:۵ و ۱۱:۲). علاوه بر این با سخنان سپاسگزاری (۳:۱-۹) و «قواعد و دستورهای» اخلاق مسیحی (۱۳:۲-۷:۳) که در نامه یاد شده، یقیناً این نوشته به صورت یک نامه تنظیم و انشاء شده است. البته جای شگفتی است که در این نامه نکاتی شخصی دربارهٔ نویسندهٔ نامه و مخاطبان آن وجود ندارد ولی باید دانست که نامه از طرف کسی است که بدون

اینکه بنیانگزار جمعیت هایی باشد که به آن خطاب می نماید، در کلیسا اقتدار و مقام مهمی دارد. و امّا در اینکه جوّ و محیط نامه از بند ۱۲:۴ به بعد تغییر می نماید، نبایستی در اهمیت این نکته مبالغه شود زیرا تحمّل رنج ها و مصائب از بند ۶:۱ به صورت فعلی و کنونی منظور شده اند. از سوی دیگر اقدامات مهم و مختلفی که می شود تا متن این نامه را یک آیین نیایشی یا موعظهٔ تعمیدی ارائه کنند فرضیه ای نامعلوم و مبهم است. در این مورد دو نکته را می توان افزوده و یادآوری نمود: یکی اینکه در متن نامه دقیقاً چیزی دربارهٔ مراسم تعمید گفته نشده (برعکس آنچه در روم ۶:۲-۴؛ کول ۱۲:۲ و تیط ۵:۳ وجود دارد)، مگر یک بار، در قسمتی که تصویر تعمید را به عنوان تعهد نسبت به خدا ذکر می نماید؛ مضافاً بر اینکه در متن نامه اثری وجود ندارد که مراحل تدریجی آیین تعمید را نشان دهد (فعل یونانی که در ۲۳:۱ اشاره به تولد جدید است قبلاً در ۳:۱ بکار برده شده است؛ ر.ک ۳:۱ f).

بنابراین جای تردید نیست که ۱-پطر به صورت یک نامه و به همین صورت تهیه و تنظیم شده است و کاملاً در احادیث و سنت های آموزش مذهبی مشترک کلیسای اولیه ریشه دارد. پایان نامه (۱۲:۵) هدف نامه را دقیقاً تعیین می نماید: موعظه و تقویت ایمان مسیحیان که همّت و شجاعت ایشان بوسیله سختی ها و مصائب مختلف به آزمون درآمده و ممکن بود شور و حرارت ایشان به سستی گراید. بدین سبب نویسنده به آموزش هایی مراجعه می کند که این مسیحیان به هنگام گرایش و تعمید خود شنیده بودند.

محتوای نامه

ممکن نیست که بتوان برای این نامه یک طرح منطقی قایل گردید زیرا کیفیت ویژهٔ این نوشته به طوری است که در بین موعظه ها مرتباً مطالب عقیدتی ذکر می شود تا آنها را توجیه و تأیید نماید و به طور کلی قبل از دستورات آمرانه موعظه و تشویق مطالب عقیدتی بیان می شود که در تأیید و پشتیبانی موعظه هاست (در صورتی که در نامه های اصلی پولس بدواً قسمتی از مطالب عقیدتی ذکر می شود و آنچه را مسیحیان در عیسی مسیح بدست آورده اند یادآوری می نماید سپس در قسمت دوم با موعظه های آمرانه ای از ایشان دعوت می کند به روشی شایسته آنچه را دریافت کرده اند بکار بندند و برطبق آن زندگی نمایند). اگر ملاحظه می شود که از بند ۱۲:۴ به بعد، تهدید به صورت فعلیت در آمده است می توان پذیرفت که بدین سبب تعداد موعظه و اندرزها بیشتر است.

محتوای نامه را می توان به روش زیر ارائه نمود:

عنوان نامه و سلام: ۱:۱-۲.

سپاسگزاری (به روش دعای برکت یهودیان. ر.ک افس ۳:۱-۱۴) که با تفکّر دربارهٔ مکاشفه طرح نجات ادامه می یابد: ۳:۱-۱۲.

نخستین موعظه به مسیحیانی خطاب می شود که قبلاً مشرک بوده اند و از آنان دعوت می شود روش زندگی سابق خود را به کلّی ترک نمایند: ۱۳:۱-۱۰:۲.

دعوت به زندگی در تقدّس به همان دلیل امیدی که مسیح برای ما کسب کرده است: ۱۳:۱-۲۱.

چند اندرز در مورد زندگی مشترک با یکدیگر: ۱:۲۲-۲:۳.

بنیاد عقیدتی: اگر خدا مسیحیان را برگزیده است تا جزو معبدی روحانی باشند که مسیح پایه و بنیاد آن است باید اعمال مهم و شگفت آنکه ایشان را به روشنایی خوانده است به صدای بلند اعلام کنند: ۲:۴-۱۰.

دومین موعظه: ۲:۱۱-۳:۱۲.

اظهارات کلی در مورد طرز رفتار در بین مشرکان: ۲:۱۱-۱۲.

وظایف مسیحیان برطبق اوضاع و موقعیت ایشان: وظایف نسبت به اولیای امور، وظایف خدمتگزاران نسبت به اربابان خود، وظایف متقابل همسران نسبت به یکدیگر: ۲:۱۳-۳:۷.

دعوت مجدد به محبت برادرانه: ۳:۸-۱۲.

سومین موعظه و تشویق: ۳:۱۳-۴:۱۱.

دعوت به اطمینان در برابر مخالفت دنیا: ۳:۱۳-۱۷. پایه و مبنای این اطمینان: پیروزی کامل مسیح: ۳:۱۸-۲۲.

نتیجه عملی سرمشق مسیح: گسیختن از گناه: ۴:۱-۶.

مراقبت و هوشیاری در زندگی مشترک با افراد جمعیت مسیحیان: ۴:۷-۱۱.

چهارمین موعظه و تشویق که با نزدیک شدن تعقیب و شکنجه ها مشخص شده است: ۴:۱۲-۱۹.

موعظه های مخصوص: ۵:۱-۱۱.

یادآوری وظایف رؤسای جمعیت های مسیحیان: ۵:۱-۴.

فروتنی و هوشیاری: ۵:۵-۱۱.

نتیجه: ۵:۱۲-۱۴.

زندگی مسیحیان برطبق نخستین نامه پطرس

ارزش ویژهٔ پیام نخستین نامه پطرس اکثراً به‌خوبی شناخته نشده است. باری اگر به وضعیتی که منظور نامه است توّجه شود این ارزش معلوم می‌گردد. نویسنده نمی‌خواهد ایمانی را که قبلاً به خوانندگان آموخته شده پایه‌گزاری نماید (۱:۱۲). بلکه منظور او بیشتر آن است که در برابر دشواری های روزافزونی که جمعیت‌ها با آنها روبرو هستند، آنان را تشویق به استقامت و پایداری نماید، به همان دلیل امیدی که به ایشان تبلیغ گردیده است. بدین منظور رسول نظر خوانندگان خود را به سوی مسیح معطوف می‌کند تا قدرت زندگی جدیدی را که در او است دریابند (یا دوباره دریابند) (۱:۳؛ ۲:۲)، ضمناً در مورد پیروزمندی امیدی که دریافت کرده اند تأکید می نماید زیرا منبع فعالیت مداوم و مسرّت بخشی در زندگی روزانه است.

الف) ریشه گرفتن در عمل مسیح

نویسنده یقین دارد که خدا خوانندگانش را در مسیح برگزیده و از این پس قوم خدا بشمار می‌آیند (۱:۲-۳؛ ۲:۹)، با این همه می‌خواهد ریشهٔ عمیق تری در عمل استاد و معلّم خود داشته باشند و در این راه قربانی مسیح (۱:۲؛ ۱:۱۹)، رنج ها و مصائب او (۲:۲۱-۲۴) را یادآوری می کند تا به‌عنوان سرمشق از او پیروی نمایند (۲:۲۱). همچنین در مورد پیروزی مسیح اصرار می کند، پیروزی که بر همه دوایر جهان گسترده است (۳:۱۸-۲۲) و حتی مرگ مانعی در برابر این

پیروزی نیست (۶:۴؛ ر.ک ۱۹:۳). از این پس ایمانداران باید وابسته به آن کسی باشند که سنگ زاویه و پایه مستحکم جمعیت است (۴:۲-۸) در این مورد لازم به یادآوری است که موضوع شناخت مسیح در این نامه خیلی نزدیک تر به مطالب آغاز اعمال رسولان است (مخصوصاً در سخنرانی های پطرس) تا اینکه نظیر نوشته های پولس باشد (مثلاً موضوع خدمتگزار رنجور که قبلاً ذکر گردید؛ نقش تعمید، اع ۳۸:۲-۴۰ و ۱-پطر ۱۸:۳). همچنین در این نامه انعکاسی از بیان اصول ایمان یا سرودهای مذهبی مسیحی وجود دارد (مثلاً ۲۲:۲-۲۴؛ ۲۲:۳؛ ۵:۴).

ب) امیدواری زنده

از آغاز این نامه به موضوع امیدواری اهمیت داده شده است (۲:۱، ۱۳، ۲۱) و از سه نقطه نظر مورد توجه است: منشأ آن، موضوع آن و نتایج آن. امّا منشأ امید، ثمرهٔ تصوّر یا کوشش آدمیان نیست بلکه عطیه رایگانی که خدا بوسیلهٔ رستاخیز عیسی مسیح به آدمیان مبذول داشته است (۳:۱). (توّجه نمایید چه اندازه رستاخیز مسیح با تحقق نجات ارتباط دارد ۲۱:۱؛ ۲۱:۳). امّا موضوع این امیدواری، ملکوتی است که می آید، میراثی فسادناپذیر که برای ایمانداران تأمین شده است، لحظه ای که ایمان به بینایی تغییر خواهد یافت و قوم خدا، نجاتی را که در عیسی مسیح عطا شده است قطعاً و به کمال خواهد داشت (۴:۱، ۷، ۱۳). و امّا در مورد نتایج این امید در زندگی ایمانداران، نبایستی تصوّر کرد که بایستی وضعیت اخلاقی سخت و شدیدی پذیرفته و یا بدون مقاومت در مقابل حوادث تسلیم شد، بلکه امیدواری نوعی وسیلهٔ تحرّک و فعالیت جدید است (۱۳:۱-۱۵) که ایمانداران را قادر می سازد با سرور و شادی مبارزه نمایند (۶:۱)، البته نه با وجود آزمون ها (که در نظر اول برخلاف این گفته است) بلکه در بحبوحه آزمونها (۱۲:۴-۱۳). عوامل دنیا همواره علیه این امید عمل می کنند ولی فرد ایماندار باید مطمئن و هوشیار باشد (۱۵:۳-۱۶).

ج) گواهی در زندگی روزانه

در این نامه در مورد مأموریت قوم خدا در دنیا اصرار و تأکید می شود: خدا آدمیانی را برگزیده است تا به او خدمت کرده و شناخت اعمال او را در سرتاسر زمین به همه جا منتشر سازند. بدین سبب در ۱-پطر موضوع برگزیدگی با موضوع کهانت ایمانداران با هم می آید (۵:۲؛ ۹:۲؛ ر.ک روم ۱:۱۲)، خدمتی که از این آدمیان خواسته شده است بدواً خدمت در کلیساست (۲۲:۱؛ ۱:۲-۵؛ ۸:۳-۱۲؛ ۷:۴-۱۱؛ ۱:۵-۷)، قدیمی ها مسئولیت مخصوصی بر عهده دارند تا جمعیت را در راه اجرای محبت برادرانه نگهدارند (۱:۵-۴)، ولی وظایف دیگری هم وجود دارد که مربوط به جنبه های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است (۱۱:۲-۷:۳). به طور کلی این دستورات نظیر قواعد و رسوم اخلاقی است که در ادبیات غیر مذهبی آن دوران یا در آیین یهود وجود داشته است؛ با این همه با توّجه به خداوند، به این دستورها سمت و محتوای جدیدی داده شده (۱۳:۲) و توجهی که برای هر فرد و از جمله حقیرترین آنان قایل گردیده است. چنین به نظر می رسد

که این دستورها با مقررات و سازمان اجتماعی آن دوران، که احیاناً موارد قابل اعتراضی داشته مباینتی ندارند و ظاهراً نکته ای انقلابی ندارند بلکه در درون چهارچوب معینی برای ایمانداران خطی را که باید پیروی کنند تعیین می نماید: بدین معنی که پیام امیدی در محبت خداوند آورده و بوسیله این تحوّل درونی در وضعیت انسان، تغییرات زندگی اجتماعی لازم را فراهم سازند. باید گفت که به طور کلی این نامه در مقابل دنیای شرک خصومتی نشان نمی دهد بلکه بیشتر مسئولیت قوم خدا را نسبت به آن یادآوری می نماید:

این نامه به همۀ مسیحیان همۀ دوران ها یادآوری می کند که «امیدواری زنده» یعنی امیدی که در عیسی مسیح دارند متضمّن چیست: وابستگی مطمئن به خداوند پیروزمند و فعالیتی سازنده در خدمت او.

بدین معنی که ایمانداران، در هر موقعیتی، حتی در دشوارترین اوضاع، باید به طوری رفتار کنند که مشرکان را هدایت نمایند (۲:۱۱-۱۲؛ ۳:۱۳-۱۷).

اولین نامه پطرس

عنوان نامه و سلام

۱
[۱][از] پطرس، رسول عیسی مسیح،
به برگزیدگان[a]، غریبان[aa] در
پراکندگی[b]: پنطس، غلاطیه، کپدوکیه،
آسیا و بیطینیه، [۲]بر طبق پیش دانی خدای روم۸:۲۹
پدر، بوسیله تقدیس روح [القدس]، برای
فرمانبرداری[c] و پاشیده شدن خون عیسی ۲-تسا۲:۱۳
مسیح[d]؛ فیض بر شما و صلح افزون باد!

سپاسگزاری برای نجاتی که عیسی مسیح آورده است

[۳]متبارک باد خدا[e] و پدر خداوند ما عیسی
مسیح،
که برطبق رحمت فراوان خود،
بوسیله رستاخیز عیسی مسیح از [میان]
مردگان
برای امیدی زنده[f] ما را دوباره آورده یو۳:۳-۵؛ ۱-یو۳:۹
است[g]،
[۴]برای میراثی[h] فسادناپذیر، بی‌آلایش،
ناپژمردنی
که در آسمانها برایتان ذخیره شده است، مت۶:۱۹-۲۰ و متون موازی
[۵]شما را که قدرت خدا بوسیلهٔ ایمان نگه یو۱۷:۱۱
می‌دارد،
برای نجاتی[i] که در زمان آخر ظاهر
خواهد شد.
[۶]از آن شدیداً به وجد درمی‌آیید،
حتی اگر باید اکنون بوسیله آزمونهای ۴:۱۲،۱۳؛ یو۱۶:۲۰؛
مختلف مدّت کمی غمگین باشید، عبر۱۲:۱۱؛ یع۱:۲
[۷]تا ارزش آزموده شدهٔ ایمان شما که یع۱:۳
گرانبهاتر است از طلایی که در آتش تباه

a- موضوع برگزیدگی در این نامه اهمیت فراوانی دارد و در رابطه با برگزیدگی ازلی مسیح (۱:۲۰؛ ۲:۴) از مسیحیان دعوت شده است ملّتی مقدس تشکیل دهند (۲:۹؛ ر.ک ۱:۱۵، ۱۶).
aa- ترجمهٔ دیگر: آنانکه در خارج مقیم شده‌اند.
b- کلمهٔ یونانی «دیاسپورا» که پراکندگی ترجمه شده است در مورد یهودیانی بکار می‌رفته که در خارج از فلسطین بسر می‌ برند (ر.ک یو ۷:۳۵؛ یع ۱:۱) و در اینجا به مسیحیانی اطلاق می‌شود که در دنیا پراکنده شده‌اند.
c- جنبهٔ سه گانگی این بند قابل توجه است: ابتکار نجات از سوی خدای پدر است؛ طرح مشیّت خود را بوسیلهٔ روح القدس انجام می‌دهد، که ایمانداران را به سوی مسیح هدایت می‌نماید.
d- این اصطلاح از آیین نیایش و قربانی عهد عتیق گرفته شده است (خروج ۲۴:۳-۸؛ ر.ک عبر ۹:۱۲-۱۴؛ ۱۲: ۲۴).
e- اقتباس عبارت متداول یهودی در مورد مسیحیت: خدایی را که ما متبارک می‌خوانیم پدر عیسی مسیح است. (ر.ک افس ۱:۳).
f- کلمه‌ای که در اینجا دوباره آورده است ترجمه شده همان است که در بند ۲۳ به دوباره متولد شده‌اید برگردانده شده و این تولد تازه وابسته به رستاخیز مسیح است که پایه و اساس دنیای جدید می‌ باشد.
g- کلمهٔ امید فقط به معنی حالتی درونی نیست بلکه موضوع امید چیزی است که انتظار دارند چنانکه کلمهٔ میراث نیز تأیید می‌کند.
h-این کلمه در نوشته‌های عهد عتیق معمولاً در مورد سرزمین موعود آمده است. در عهد جدید به معنی ملکوتی است که به ایمانداران وعده داده شده است (ر.ک مت ۲۵:۳۴).
i- نجاتی که در اینجا ذکر شده، نجات جامعهٔ ایمانداران و مربوط به پایان روزگار است.

زک۱۳:۹؛ ملا۳:۳؛ مز۶۶:۱۰؛ حک۳:۵؛ ۱-قرن۳:۱۳ می شود از طریق آزمودن،
به هنگام ظهور عیسی مسیح[k]، ستایش،
شکوه و افتخار یابد[j].
یو۲۰:۲۹؛ ۲-قرن۵:۷ ۸با آنکه [او را] ندیده، [امّا] به او محبّت
دارید،
و بدون اینکه تاکنون دیده باشید ایمان
دارید
و با شادی ناگفتنی و پر از جلال به وجد
درمی آیید،
۹هدف ایمان [خود را] که نجات روح ها
است[l] بدست می آورید.
۱۰دربارهٔ این نجات انبیاء جستجو و
به دقت کاوش کرده اند، [آنانکه] دربارهٔ
مت۱۳:۱۷ و متون موازی فیضی که برای شما است پیامبری
نموده اند، ۱۱جستجو می کردند کشف
نمایند چه زمان و چه مقتضیاتی را[m] روح
مسیح[n] که در ایشان بود تعیین می کرد،
اش۵۲:۱۳-۵۳:۱۲؛ لو۱۸:۳۱؛ ۲۴:۲۶،۲۷ وقتی که پیشاپیش رنجهای مسیح را [که
مقدّر بود] و شکوههایی را که درپی داشت
گواهی می نمود. ۱۲بر ایشان ظاهر شد که
نه برای خودشان بلکه برای شما بود و
ایشان در خدمت چیزهایی بودند که اکنون
به شما اعلام شده است بوسیله آنانکه شما
را به انجیل دعوت کرده اند، [بوسیله] روم۱۶:۲۵،۲۶
روح القدس که از آسمان فرستاده شده اع۱:۸؛ ۲-قرن۲:۴؛ ۱-تسا۱:۵
است که فرشتگان میل دارند به آن توّجه
نمایند[o].

امیدواری که مستلزم قدّوسیت است

۱۳بدین سبب کمربند فراست خود را
بسته، خویشتن دار باشید[p]، به آن فیضی که
مکاشفه عیسی مسیح برایتان آورده است
کاملاً امیدوار باشید. ۱۴بمانند فرزندان
فرمانبردار باشید[q]، از هوسهای نادانی ۴:۳؛ افس۲:۱-۳؛ ۴:۱۷-۱۸
سابق خود شکل نگیرید؛ ۱۵بلکه برطبق
آنکه شما را خوانده، مقدس است، شما هم
در همهٔ رفتار خود مقدس شوید، ۱۶زیرا
نوشته شده است:

مقدس باشید، زیرا من مقدّس [هستم][r].

j- ترجمهٔ تحت اللفظی: شناخته شود به منظور ستایش... به هنگام داوری کیفیت ایمان آزمایش خواهد شد همچنانکه طلا بوسیلهٔ آتش تصفیه می شود. کسانی که ایمانشان واقعی شناخته شود در شکوه الهی شرکت خواهند داشت.

k- ر.ک ۱:۱۳؛ ۴:۱۳. منظور بازگشت عیسی مسیح است که مسیحیان اولیه با بی صبری انتظار می کشیدند (ر.ک ۱-تسا ۴:۵-۱۸).

l- کلمه روح به مفهومی که معمولاً در نوشته های کتاب مقدس بکار می رود تمامی وجود آدمی است.

m- انبیاء به سوی آینده ای توجه داشتند بدون اینکه بتوانند تشخیص دهند به چه کیفیتی تحقق خواهد یافت. وقایعی که روی داده نبوت را روشن کرده و تأیید می نماید (ر.ک ۲-پطر ۱:۱۹).

n- بدعت این متن قابل توجه است زیرا می گوید روحی که به انبیاء الهام می کرده، روح مسیح بوده است. بعضی از مفسران اصطلاح روح مسیح را به مفهوم روحی درک می کنند که مسیح را ظاهر می کند.

o- در صورتی به نظر یهودیگری دورانهای متأخر فرشتگان واسطه و میانجی الهام هستند، در اینجا مشاهده می شود که کلیسا عمل نجات را ابراز می نماید (ر.ک افس ۳:۱۰).

p- ترجمهٔ تحت اللفظی: درحالی که کمر فراست خود را بسته اید، مراقب باشید... این تصویر یادآوری لباسی است که در برگزاری عید گذر یهود می پوشیدند (خروج ۱۲:۱۱)، همچنین نشانه آمادگی برای خدمت (لو ۱۲:۳۵) در انتظار بازگشت مسیح است.

q- موضوع فرمانبرداری بارها در این نامه می آید: ۱:۲، ۲۲؛ ر.ک ۲:۱۳، ۱۸؛ ۳:۱، ۵؛ ۵:۵.

r- لاو ۱۱:۴۴، ۴۵؛ ۱۹:۲.

مز۶۲:۱۳؛ ار۱۷:۱۰؛ روم۲:۶؛ مکا۲:۲۳؛ ۱۲:۲۲ ۱۷ و اگر آنکه را برطبق عمل هرکس با
بی‌طرفی[s] داوری می‌کند، پدر می‌خوانید[t]،
در مدّت اقامت خود در غربت با ترس رفتار
نمایید. ۱۸ می‌دانید: نه بوسیله اشیاء پلید،
اش۵۲:۳ افس۴:۱۷ نقره یا طلا، از رفتار بیهوده[u] میراث
پدرانتان بازخرید شده‌اید[v]، ۱۹ بلکه
اع۲۰:۲۸؛ عبر۹:۱۲ بوسیلهٔ خون گرانبهایی، چون [خون] برّه‌ای
بدون نقص و بی‌آلایش[w]، مسیح، ۲۰ که هم
پیش از پایه‌گزاری جهان[x] شناخته شد و هم
غلا۴:۴ به‌خاطر شما در پایان زمانها تجلّی کرده
روم۴:۲۴؛ ۹:۱۰ است، ۲۱ بوسیلهٔ او که خدا از میان مردگان
او را برخیزانیده و به او شکوه داده شده،
[به خدا] ایمان دارید به‌طوری که ایمان
شما و امید [شما] در خدا است.

با احسان و سادگی فرزندان خدا باشید

۲۲ روح‌های شما[y] بوسیلهٔ اطاعت از
یو۱۳:۳۴ حقیقت[z] تصفیه شده است تا با دوستی
برادرانه و بی‌ریا با دلی [پاک][a] به
یکدیگر به شدت محبت نمایید. ۲۳ چونکه
یع۱:۱۸؛ ۲-پو۳:۹ عبر۴:۱۲ شما، نه از بذری[b] فسادپذیر بلکه
فسادناپذیر دوباره متوّلد شده اید که سخن
زنده و پایدار خدا است.

۲۴ زیرا هر جسمی به مانند گیاه،
و تمام شکوهمندی او به مانند گل گیاه
است؛
گیاه خشک می‌شود و گل می‌اُفتد،
۲۵ امّا سخن خداوند جاودان باقی می‌ماند[c]،
و این سخنی است که به بشارت به شما
اعلام شده است[d].

۲

یع۱:۲۱ ۱ پس هر شرارت، و هر فریب و
ریاکاری‌ها و حسادت‌ها و همهٔ
بدگویی‌ها را ترک کنید. ۲ به مانند
مر۱۰:۱۵ و متون موازی کودکان نوزاد، خواستار شیر[e] روحانی[f]
بی‌غش باشید تا بوسیله آن به سوی نجات
رشد نمایید. ۳ اگر چشیده اید که خداوند
مهربان است[g].

s- ر.ک روم ۲:۱۱ q.
t- بندهای ۱۵-۱۷ شبیه مطالبی هستند که در آغاز نیایش خداوند (ای پدر ما، که در آسمانها هستی...) آمده است (مت ۶:۹).
u- رفتار بیهوده، رفتاری است که مالاً نتیجه ای ندارد و درمقابل آن اعطای زندگی جاودان است.
v- در مورد این بازخرید ر.ک (روم ۳:۲۴ w، x).
w- کیفیتی که برّه عید گذر داشته باشد. خروج ۱۲:۵.
x- این عبارت تداوم طرح خدا را نشان می‌دهد. ر.ک یو ۱۷:۲۴؛ افس ۱:۴.
y- ر.ک ۱:۹ l.
z- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا افزوده شده است بوسیله روح القدس. کلمه حقیقت را نبایستی به مفهوم فلسفی درک نمود بلکه برطبق روش عهد جدید، حقیقت پیامی است که خدا الهام می‌کند و ایمان ایجاب می‌کند که فراست و فرمانبرداری آدمی در پیوستگی با طرح خدا باشند (ر.ک روم ۱:۵؛ ۱۶:۲۶).
a- برطبق بعضی از نسخه های خطی: از ته دل، صمیمانه.
b- برابری بین سخن خدا و بذر یادآور داستان تمثیلی مرد بذرافشان است. مت ۱۳:۳-۹ و موارد مشابه انجیلهای دیگر.
c- اش ۴۰:۶-۸.
d- برای اینکه درک شود به‌چه سبب این قسمت از کتاب مقدس در اینجا نقل شده است باید به ادامهٔ متن کتاب اشعیا توجه نمود که در مورد آورنده پیام مژده است. (اش ۴۰:۹).
e- تصویر شیر در ۱-قرن ۳:۲ و عبر ۵:۱۲، ۱۳ در وضعیت دیگری بکار برده شده و به معنی حقایق اولیه آموزش مسیحی است درصورتی که در اینجا منظور از شیر، سخن خدا است که فرد مسیحی مدام از آن تغذیه می نماید.
f- کلمه یونانی که روحانی ترجمه شده است به معنی تحت‌اللفظی عاقلانه و منطقی است و از واژه یونانی سخن مشتق شده است بنا بر این مفهوم عبارت اینست که رشد روحانی فرد مسیحی بوسیله سخن خدا تعیین می گردد.
g- مز ۳۴:۹.

مبنای مأموریت کلیسا

۴ به سوی او پیش آیید، سنگ زنده ای[h]
که انسان ها به دور افکندند،
امّا در برابر خدا گرانبها و برگزیده است،
۵ و خود شما همچون سنگهای زنده خانهٔ
روحانی[i] ساخته شوید[j]، ۱-قرن۳:۱۶؛ افس۲:۲۰-۲۲
برای کهانتی مقدس[k]
تا قربانی های روحانی خوشایند خدا را روم۱۲:۱؛ عبر۱۳:۱۵
بوسیلهٔ عیسی مسیح، تقدیم کنید.
۶ زیرا در نوشته ها[ی مقدس] مذکور است:
ببینید که در صهیون سنگ زاویه ای
برگزیده گرانبها می گذارم
و هرکه برمبنای آن ایمان بیاورد شرمسار
نخواهد بود[l].
۷ پس افتخار[m] بر شما، ای ایمانداران، امّا
[برای آنانکه] ایمان ندارند، سنگی را
که بنّایان به دور افکنده بودند، همان
سنگ رأس زاویه[n]، ۸ و سنگ تصادم و
صخرهٔ لغزش شده است[o]. اینان تصادم
می کنند زیرا سخن را نمی پذیرند و
برای این تعیین شده بودند[p].
۹ امّا شما زادگانی انتخاب شده اید،
کهانت پادشاهی دارید[q]، امتی مقدّس،
قومی برای تملّک [خدا]
تا فضیلت ها[ی او] را[r] اعلام کنید، او
که شما را از ظلمات به روشنایی اع۲۶:۱۸؛ کول۱:۱۲،۱۳
شگفت انگیز خوانده است.
۱۰ شما که در گذشته قومی نبودید، امّا
اکنون قوم خدا هستید؛
شما که [در گذشته] رحمت دریافت
نکرده ولی اکنون رحمت دریافت
کرده اید[s].

h- در تعداد زیادی از نوشته های عهد جدید، مسیح به عنوان سنگ پایهٔ بنا ارائه شده است. این عنوان یادآوری امید به بنای معبدی جدید است که در بین یهودیان دوران متأخر وجود داشته و ریشهٔ آن در نوشته های عهد عتیق است (ر.ک بند ۶؛ اش ۲۸:۱۶). کلمهٔ زنده اشاره به رستاخیز و به آن کسی است که زندگی می بخشد.

i- معبد اورشلیم «خانهٔ خدا» و محل حضور او بوده است. در اینجا منظور از خانهٔ روحانی یا معبد روحانی کلیسا است که توسعهٔ آن بوسیلهٔ روح القدس تأمین می گردد.

j- ترجمهٔ دیگر: ساخته شده اید. معمولاً در این نامه بدواً موعظه و نصیحتی می آید سپس آن را بوسیلهٔ نوشته های مقدس توجیه و ثابت می کند (بند ۶).

k- کلمه ای را که کهانت ترجمه شده مترجمان یونانی کتاب مقدس به مفهوم مأموریتی گرفته اند که خدا در بین ملت های دیگر به قوم اسرائیل داده است بنابراین در اینجا به معنی وظیفه و مأموریت تمام کلیسا است و منحصر به فریضهٔ هر فرد مسیحی نیست.

l- برطبق ترجمهٔ یونانی عهد عتیق که در اش ۲۸:۱۶ آمده می توان ترجمه کرد: نومید نخواهد شد و در این صورت عبارت را دربارهٔ مسیح می توان تفسیر نمود.

m- کلمه یونانی که افتخار ترجمه شده از همان ریشهٔ کلمه ای است که در بندهای ۴ و ۶ به گرانبها برگردانده شده است. نویسندهٔ نامه عنوان هایی را که به مسیح داده می شود در مورد کلیسا بکار می برد (همچنین ر.ک کلمهٔ برگزیده در بندهای ۴ و ۶ و کلمهٔ انتخاب شده در بند ۹).

n- مز ۱۱۸:۲۲. عیسی قبلاً این عبارت را نقل کرده بود تا مرگ و رستاخیز خود را اعلام نماید (ر.ک مت ۲۱:۴۲ و متن های مشابه در انجیلهای دیگر).

o- اش ۸:۱۴. صخرهٔ لغزش. درمقابل مسیح نمی توان بی طرف ماند (ر.ک لو ۲:۳۴).

p- خدا آنان را برای بی ایمانی تعیین نکرده بود بلکه تعیین شده بودند اگر ایمان نیاورند سقوط کنند.

q- ترجمهٔ دیگر: جایگاهی سلطنتی، جمعیت کهانتی. که انعکاسی از کلمات خانهٔ روحانی و کهانت بند ۵ است.

r- این نقل قول ترکیبی از خروج ۱۹:۵، ۶ و اش ۴۳:۲۰، ۲۱ است. پطرس آنچه را دربارهٔ قوم پیمان کهن گفته شده بود در مورد کلیسا بکار می برد. ر.ک مکا ۱:۶؛ ۵:۱۰ (یک ملکوت و کشیشان).

s- اشاره به نامهای رمزی فرزندان هوشع است (هو ۱:۶، ۹؛ ۲:۱، ۳، ۲۵؛ ر.ک روم ۹:۲۵).

زندگی مسیحیان در بین مشرکان

۱۱ ای محبوبان، به شما، همچون
بیگانگان و غریبان[t] [در خارج] موعظه مز۳۹:۱۳
می کنم، از هوسهای جسمانی[u] که با روح غلا۵:۱۷،۲۴
مبارزه می کنند خودداری نمایید. ۱۲ رفتار
شما در بین امت ها نیکو باشد تا اگر شما
را به بدکاری تُهمت بزنند با مشاهدهٔ ۳:۱۶
کارهای نیکوی شما، خدا را در روز مت۵:۱۶
دیدارش[v] شکوهمند شمارند.

وظایف مسیحیان در مقابل مقامات دولتی

۱۳ به خاطر خداوند، از هر سازمان بشری
اطاعت کنید[w]؛ چه پادشاه که برتر است،
۱۴ چه حکمرانان که به وسیله او فرستاده
شده اند تا بدکاران را تنبیه کرده و
نیکوکاران را تحسین نمایند[x]. ۱۵ زیرا
اراده خدا است که نیکی کردن شما،
دهان نادانی های انسان های جاهل[y] را ۳:۱۶
ببندد. ۱۶ همچون آزادگان [رفتار نمایید]
و نه به مانند کسانی که آزادی پوششی برای
شرارت [ایشان] است بلکه مثل بردگان
خدا باشید[z]. ۱۷ به همه احترام بگذارید، به
کلّیه برادران محبت کنید، از خدا بترسید،
پادشاه را محترم شمارید[a].

وظایف خدمتگزاران نسبت به اربابان خود

۱۸ ای خدمتگزاران[b]، با ترس تمام از افس۶:۵؛
اربابان اطاعت کنید، نه فقط از نیکوان و ۱-تیمو۶:۱؛ تیط۲:۹
مهربانان، بلکه از ناراستان هم. ۱۹ زیرا این
فیض [است] اگر کسی به ملاحظهٔ ضمیری
خدایی[c] دردها را متحمّل شود [در وقتی
که] به ناروا رنج می کشد. ۲۰ زیرا چه
مباهاتی است اگر [شما] خطاهایی مرتکب
شوید و مضروب شدن را تحمّل کنید. امّا
اگر نیکویی کرده و رنج را تحمّل نمایید ۳:۱۴،۱۷؛ ۴:۱۴
این نزد خدا فیض است[d]. ۲۱ زیرا برای یو۱۳:۱۵
همین خوانده شده اید، زیرا مسیح هم مت۱۶:۲۴ و متون موازی
به خاطر شما رنج کشیده است تا سرمشقی

t- ر.ک ۱:۱.
u- ر.ک روم ۳:۱ g.
v- ترجمهٔ دیگر: باز آمدنش. در نوشته های عهد عتیق، دیدار خدا ممکن است مفهوم نامساعدی داشته باشد (اش ۱۰:۳؛ ار ۶:۱۵) در صورتی که در اینجا و در سایر نوشته های عهد جدید نشانه فیض می باشد (ر.ک لو ۱:۶۸؛ ۷:۱۶؛ ۱۹:۴۴).
w- این دستور در اظهارات بعدی مجدداً تأیید می شود (بند ۱۸ و ۳:۱ و ۵:۵). ضمناً اطاعتی که از ایمانداران خواسته شده در مقایسه و به صورت سرمشق مسیح که رنج کشیده ارائه می شود (۲:۲۱-۲۴).
x- پایه و مبنای اقتدار سیاسی در اراده و مشیّت خلّاقه خدا است (ر.ک روم ۱۳:۱، ۷؛ تیط ۳:۱).
y- بیشعور کسی است که خدای حقیقی را نمی شناسد. ر.ک مز ۱۴:۱.
z- محتوای حقیقی آزادی مسیحیت عبارت از امکان خدمت کردن به خدا است (ر.ک غلا ۵:۱۳).
a- این عبارت از امث ۲۴:۲۱ گرفته شده و به آن جمله قابل توجه: به برادران محبت کنید افزوده شده است (ر.ک ۱:۲۲). ضمناً نویسنده ترس از خدا را موعظه می کند درصورتی که برای پادشاه احترام را توصیه می نماید.
b- ترجمهٔ دیگر: ای بردگان! پطرس در مورد مشروعیت و قانونی بودن وضعیت اجتماعی دوران خود اظهار نمی کند و فقط برای خدمتگزاران مسیحی راه و روش عملی تعیین می نماید.
c- ترجمهٔ تحت اللفظی: به دلیل وجدان نسبت به خدا. ر.ک روم ۱۳:۵ c.
d- کلمه یونانی که فیض ترجمه شده است در این نامه معنایی دارد که شامل: مشیّت خدا در اعطای زندگی به آدمیان (۳:۷) است و این فیض با شرکت در زندگی مسیح رنج کشیده تحقق می یابد (۱:۱۰، ۱۳). بدین سبب بردگان مسیحی که با ایشان به سبب ایمانشان با بی عدالتی رفتار می شود مخصوصاً مشمول این فیض بدیع هستند.

برای شما بگذارد تا اثر قدم های او را
پیروی نمایید.
[۲۲]او که گناهی نکرد و حیله ای بر زبانش ۲-قرن۵:۲۱؛ ۱-یو۳:۵
نبود[e].
[۲۳]بر او دشنام داده شد و دشنامی نداد،
رنج می کشید، تهدید نمی کرد، ۹:۳؛ مت۵:۳۹
بلکه خود را به داور عادل می سپرد.
[۲۴] که خودگناهان ما را در جسم خود بر روی ار۱۱:۲۰
چوب[f] [صلیب] حمل کرد
تا در گناه مرده، به خاطر عدالت زنده
باشیم[g]؛ عبر۹:۲۸
او که بوسیله جراحت، شما را شفا داد.
[۲۵]زیرا شما چون برّه های سرگردان بودید
امّا اکنون به چوپان[h] و ناظر روح های اش۵۳:۶؛ حزق۳۴:۵،۶؛ مت۹:۳۶
خود بازگشته اید[i].

شهادت مسیحی در زندگی زناشویی

۳ [۱]همچنین ای زنان، از شوهران خود
فرمانبرداری کنید تا اگر حتی افس۵:۲۲؛ کول۳:۱۸؛ تیط۲:۵
بعضی ها از سخن اطاعت نمی کنند بوسیلهٔ
رفتار زنان و بدون سخن جلب شوند، [۲] با
مشاهدهٔ رفتار پاک و با حُرمت شما.
[۳]پیرایش شما ظاهری نباشد: گیسوهای ۱-تیمو۲:۹
بافته و حلقه های طلایی یا پوشیدن لباسها،
[۴]بلکه خفای دل انسان[j]، در فناناپذیری مت۶:۴،۶،۱۸
روحی مهربان و آرام که در نظر خدا پر از
ارزش است. [۵]زیرا بدین گونه در گذشته
هم زنان مقدسی با به خدا امید داشتن، به
شوهران خود مطیع بودن، خود را آرایش
می کردند. [۶] همچون ساره که از ابراهیم پید۱۸:۱۲
فرمانبرداری کرده، او را خداوند خود
خواند و شما فرزندان او شده اید اگر نیکی
کرده و از هیچ وحشتی نترسید[k].
[۷]همچنین ای شوهران، در زندگی در یک افس۵:۲۵؛ کول۳:۱۹
خانه، درک کنید که زن ظرفی ضعیف تر
است؛ [او را] محترم بدارید زیرا شریک
در فیض زندگی است. بدین سان مانعی در
نیایشهای شما نخواهد بود[l].

الزام‌های زندگی مشترك

[۸] بالاخره همگی، هم فکر، همدرد، با روم۱۲:۱۴-۱۸
محبّت برادرانه، رحیم و فروتن باشید. [۹]در ۱-تسا۵:۱۵
برابر بدی، بدی نکنید یا در برابر دشنام، ۲:۲۳
دشنام ندهید؛ بلکه دعای برکت کنید زیرا لو۶:۲۸

e- اش ۹:۵۳. بندهای ۲۲-۲۵ نقل و اقتباس آزاد از اش ۵۳:۴-۹، ۱۲ هستند و شاید یک سرود مسیحی کلیسای اولیه است که موضوع خدمتگزار رنجور را به اشکال مختلف ذکر می نماید (اع ۸:۳۲؛ روم ۴:۲۵ و غیره) خود مسیح هم با تکیه به این عبارات کتاب اشعیا مفهوم مرگ خود را اعلام کرده است (مر ۱۰:۴۵ و متن های مشابه انجیلها). حیله ای بر زبانش نبود: تحت اللفظی: حیله در دهانش نبود.
f- نظیر بسیاری موارد دیگر در عهد جدید به جای صلیب چوب بکار برده شده و اشاره به تث ۲۱:۲۲، ۲۳ است (ر.ک غلا ۳:۱۳).
g- ر.ک روم ۶:۲ و c ۱۱.
h- ر.ک d ۵:۴ و ار ۱۰:۱۱ u.
i- ر.ک l ۱:۹.
j- ترجمهٔ تحت اللفظی: موجود مخفی دل.
k- بر طبق روایات یهودیان، همسران پیامبران بزرگ نمونه و سرمشق زندگی خانوادگی هستند.
l- دلیل اصلی احترام مرد به همسر خود آن است که زن و شوهر دعوت واحدی دریافت کرده اند. ضمناً اهمیت نیایش برای وحدت کانون خانوادگی قابل توجه است.

۱:۴ برای همین خوانده شده اید تا وارث برکت
باشید[m].
[۱۰]زیرا
آنکه می‌خواهد محبت به زندگی داشته
و روزهای خوش ببیند
باید زبان خود را از بدی
و لبانش را از فریب گفتن حفظ کند؛
[۱۱]از بدی نیز دور شود و نیکی کند
و صلح بجوید و آن را پیروی نماید.
[۱۲]زیرا
چشمان خداوند بر عادلان است
و گوشهایش به نیایش ایشان است؛
امّا چهرهٔ خداوند ضدّ بدکاران است[n].

اطمینان در مقابل اذیت و آزار

[۱۳]و اگر شما هواخواه نیکی کردن باشید
چه کسی به شما بدی خواهد کرد؟ [۱۴] اما با
این همه اگر به سبب عدالت[o] باید رنج
بکشید، خوشا بر شما! ۲:۲۰؛ ۴:۱۴؛ مت۵:۱۰
از ترس ایشان مترسید و پریشان مشوید.
[۱۵]بلکه خداوند مسیح را در دلهای خود
تقدیس کنید[p]، همواره آماده باشید درمقابل
کسی که دلیل امیدواری شما را می‌پرسد [از
خود] دفاع کنید[q]، [۱۶]با مهربانی و ترس،
وجدانی نیکو داشته باشید. تا آنانکه در
صدد تُهمت زدن به شما هستند و رفتار ۲:۱۲
نیکوی شما را در مسیح بی‌اعتبار می‌کنند ۲:۱۵
شرمسار گردند. [۱۷]زیرا بهتر آن است که
نیکویی کرده و رنج کشید، اگر ارادهٔ خدا ۲:۲۰
چنین است، تا اینکه بدی کرد.

اعلام پیروزی عیسی مسیح به همه

[۱۸]زیرا مسیح هم یک بار به سبب گناهان[r]
رنج کشید[s]، او که نسبت به ناعادلان عادل روم۶:۱۰؛ عبر۹:۲۶-۲۸
بود، تا شما را[t] به نزد خدا بیاورد، درحالی افس۲:۱۸
که جسماً مُرد امّا روحاً[u] زنده شد. [۱۹]و در
آن حال[v] رفته به روحهای زندانی[w] موعظه
نمود[x]، [۲۰][به آنانکه] در گذشته نا اطاعتی

m- یعنی نعمت‌های فسادناپذیری که خدا ذخیره کرده است برای آنانکه به مانند پدر آسمانی خود رحمت می‌آورند.
n- مز ۳۴:۱۳-۱۷.
o- عدالت به معنی زندگی دوستی است که برطبق آموزشهای مسیح باشد.
q،p- مخصوصاً هنگامی که مسیحیان در برابر دادگاهی حاضر می‌شدند (ر.ک لو ۱۲:۱۱؛ ۲۱:۱۴).
r- در بعضی از نسخه‌های خطی اضافه شده است: به خاطر شما یا به خاطر ما.
s- ر.ک ۲:۲۱. در بعضی از نسخه‌های خطی به جای رنج کشید نوشته شده است: مُرد.
t- در بعضی از نسخه‌های خطی به جای کلمه شما، کلمه ما نوشته شده است.
u- می‌توان ترجمه کرد: برطبق روح القدس که اشاره به عمل روح القدس در رستاخیز مسیح است؛ و یا اینکه منظور ذکر الوهیت مسیح می‌باشد (ر.ک روم ۱:۴؛ ۱-تیمو ۳:۱۶).
v- تفسیر دیگری که کمتر محتمل است: و با این روح به روحهای زندانی موعظه نمود.
w- ارواح زندانی را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد: یا ارواح مردمان معاصر نوح هستند که برطبق احادیث یهود بدترین گناهان بشمار می‌آمدند و یا اینکه فرشتگان عاصی که مسئول گناه آدمیان بودند (ر.ک کتابهای جعلی خنوخ و کتاب عیدهای پنجاه ساله یهودیان و غیره).
x- کلمه موعظه کردن که در مسیحیت بکار برده می‌شود اکثراً برابر با اعلام و ندای انجیل است (ر.ک ۴:۶) تعداد زیادی از پدران کلیسا در این مورد کلمه موعظه کردن را به مفهوم دعوت جهانی به نجات تعبیر و درک کرده‌اند درصورتی که در متن‌های دیگر عهد جدید (اع ۲:۳۱؛ روم ۱۰:۷؛ افس ۴:۸-۱۰) فقط اکتفا به ذکر پایین رفتن عیسی به جایگاه مردگان شده است و در بیان اصول ایمان رسولان نیز به همین گونه منظور گردیده است. ضمناً این عبارت تنها موردی است که دخالت مسیح را در نزد ارواح ذکر می‌کند. با این همه بعضی از نویسندگان این موعظه را به عنوان اعلام پیروزی بر نیروهای جهنمی درک کرده‌اند (ر.ک ۳:۲۲؛ افس ۱:۲۰، ۲۱).

کردند وقتی که شکیبایی خدا انتظار می
کشید، در روزهایی که نوح [برای خود]
کشتی می ساخت که در آن تعداد کمی که
پید۶:۱-۲۴:۷؛ ۲-پطر۲:۵ هشت نفرند از میان آبها[y] نجات یافتند.
[۲۱]و اکنون هم تعمید[z] که نمونهٔ تصویر آن
[طوفان] است شما را نجات می دهد. نه
عبر۱۰:۲۲ اینکه زدودن یک ناپاکی از جسم باشد[a]
بلکه تعهّد وجدانی نیک نسبت به خدا[b]
بوسیله رستاخیز عیسی مسیح است، [۲۲]که به
۳:۱ آسمان به دست راست خدا رفته و فرشتگان
مز۱۱۰:۱؛ اع۷:۵۶ و نیروها و قدرت ها فرمانبردار او هستند[c].

گسیختن از گناه

۴ [۱]پس همچنانکه مسیح در جسم رنج
۲:۲۱ کشید[d] شما هم با همین فکر مسلّح
شوید: زیرا آنکه در جسم رنج کشید از گناه
روم۶:۲،۷ گسیخته بود[e]، [۲]تا وقتی را که در زندگی
جسمانی برایش باقی می ماند، نه برای
هوسهای بشری، بلکه به ارادهٔ خدا [زندگی
۲:۱۱؛ ۱-یو۲:۱۶-۱۷ نماید]. [۳]زیرا در گذشته وقت کافی صرف
انجام ارادهٔ مشرکان کرده اید، در
هرزگی ها، هوس ها، بدمستی ها،
شکم بارگی ها، میخوارگی ها و پرستش
۱:۱۴؛ افس۲:۱-۳ تیط۳:۳ شنیع بتان قدم برداشته اید[f]. [۴]به این حیرت
می کنند که شما در افراط هرزگی ها[g] شتاب
نمی کنید و [شما را] کفر می گویند.
[۵]ایشان به آنکه آماده می شود مردگان و
زندگان را داوری نماید، حساب پس
۲-تیمو۴:۱ خواهند داد[h]. [۶]بدین سبب مژده نیکو به
مردگان هم اعلام شده است[i] تا از نظر
جسمانی برطبق انسان ها داوری شوند و از
نظر روحی برطبق خدا زندگی نمایند[j].

y- ترجمهٔ دیگر: بوسیلهٔ آب.

z- برابر نوشته های عهد جدید، آب طوفان تصویر ناقصی از تعمید است.

a- این عبارت شاید اشاره به اجرای تصفیه اسرارآمیز مشرکان است و شاید هم منظور ختنه کردن یهودیان می باشد (ر.ک کول ۱۱:۲). ضمناً ممکن است انواع شست وشوهای شرعی آیین یهود باشد (ر.ک اعد فصل های ۸ و ۱۹).

b- کلمه تعهّد که در مدارک غیرمذهبی هم به همین مفهوم بکار برده شده مربوط به تعهّد در هنگام اجرای آیین تعمید می باشد. یا اینکه عبارت را می توان بدین گونه درک و ترجمه نمود: تقاضای وجدانی نیک از خدا.

c- این بیانات ممکن است اشاره به بیان اصول ایمان باشد (فی ۹:۲-۱۱؛ ر.ک افس ۲۰:۱-۲۱).

d- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: به خاطر ما یا به خاطر شما ر.ک ۱۸:۳ s.

e- بعضی از مفسران این عبارت را به مسیح نسبت می دهند که در جریان مصائب و شکنجه هایش یکباره و برای همیشه از گناه گسیخته است (روم ۱۰:۶). ولی با توجه به مطالب و ترکیب عبارت مناسب تر است در مورد فرد مسیحی درک گردد که با کمال شجاعت و بردباری رنج را می پذیرد و تعلق خود را به مسیح و گسیختگی خود را از گناه نشان می دهد.

f- فهرست معمولی اعمال رذیله (روم ۲۹:۱-۳۱) و مخصوصاً اشاره به افراط در هرزگی هایی است که در جشن های بزرگ بت پرستان انجام می داده اند.

g- این کلمه یونانی از ریشهٔ همان کلمه ای است که در مورد فرزند ولخرج بکار برده شده است ر.ک لو ۱۳:۱۵.

h- ر.ک اع ۴۲:۱۰. این عبارت در بیان اصول ایمان رسولان درج شده است.

i- این جمله را می توان درک و ترجمه نمود: او (یعنی مسیح) به مردگان هم اعلام شده است. مفاد این بند را به سه طریق می توان تفسیر کرد: ۱- این بند نتیجه گیری تمام مطالبی است که از بند ۱۸:۳ آغاز شده است و با اینکه کلی تر از آنست که در بند ۱۹:۳ بیان می شود با این همه منظور دعوت به نجات کسانی است که به نظر آدمیان محکوم به مرگ قطعی هستند. ۲- بند ۶ کاملاً مربوط به بند ۵ است و دربارهٔ موضوعی غیر از بند ۱۹:۳ است. در این بند عمل جهانی مسیح به خاطر کسانی که او را نشناخته اند درنظر گرفته شده بدون اینکه طرز این عمل ذکر گردد. ۳- (تفسیری که کمتر محتمل است) پطرس مقدس می خواهد به مسیحیان در مورد سرنوشت برادرانشان که قبل از باز آمدن مسیح مرده اند اطمینان دهد. (۱-تسا ۱۳:۴-۱۸).

j- ترجمه تحت اللفظی: در جسم... بوسیله روح. که در مقابل بند ۱۸:۳ آمده است.

هوشیاری در زندگی مشترک

۷ اما پایان همه چیزها نزدیک است؛ پس
روم۱۳:‏۱۱-۱۲ با فرزانگی [رفتار] کنید و در نیایش ها
هوشیار باشید. ۸پیش از هرچیز نسبت به
یکدیگر محبّتی پُرشور داشته باشید[k]، زیرا
محبت بسیاری از گناهان را می پوشاند[l].
۹ نسبت به یکدیگر، بدون بدخلقی،
مهمان نوازی کنید[m]. ۱۰ هرکس موهبتی را
که دریافته است در خدمت دیگران بگذارد
روم۱۲:‏۶-۸؛ ۱-قرن۱۲:‏۴-۷ به مانند ناظران فیض خدا که [بسیار]
لو۱۲:‏۴۲-۴۸ و متون موازی متنوع است. ۱۱اگر کسی سخن می گوید
باید به مانند سخنان خدا باشد. اگر کسی
خدمتی می کند[n] به مانند نیرویی باشد که
خدا فراهم می نماید، تا در همه مورد خدا
۱-قرن۱۰:‏۳۱ بوسیله عیسی مسیح شکوهمند گردد، که بر
او شکوه و تسلط به روزگاران و روزگاران
است. آمین!

سعادت موعود برای شکنجه شدگان

۱۲ای محبوبان[o]، اگر برای آزمون شما،
آتش [سوزی][p] در بین شما بیاید حیرت
نکنید، چنانکه چیز عجیبی بر شما رسیده
باشد. ۱۳بلکه به همان گونه که در رنجهای
مسیح سهیم هستید[q]، شادمان باشید تا نیز به
هنگام ظهور شکوه او به وجد درآمده[r] و
شادمان شوید. ۱۴اگر به خاطر نام مسیح شما کول۳:‏۴
را دشنام دهند، خوشا [بر شما!] زیرا شکوه[s] مز۸۹:‏۵۱-۵۲؛ ۱-پطر۲:‏۲۰؛ ۳:‏۱۴،۱۷
و [روح] خدا[t] بر روی شما آرام می گیرد[tt].
۱۵هیچ یک از شما نبایستی قاتل، دزد،
بدکار بودن یا فضولی کردن[u] را تحمّل
نماید: ۱۶ اما [برعکس] به عنوان مسیحی[v]
نباید شرمنده باشد بلکه به خاطر این نام
خدا را تجلیل کند[w]. ۱۷زیرا این زمان آغاز
داوری از خانه خدا است. باری، اگر از ما
شروع شود، عاقبت آنان که انجیل خدا را ار۲۵:‏۲۹؛ حزق۹:‏۶

k- با امید به باز آمدن مسیح بایستی محبت تشدید و افزوده گردد.
l- امث ۱۰:‏۱۲ (ر.ک یع ۵:‏۲۰) تعدادی از پدران کلیسا این عبارت را سخن خداوند دانسته اند (ر.ک لو ۷:‏۴۷) و می توان به دو گونه درک و تفسیر کرد: یکی اینکه محبت همه چیز را تحمل می کند (۱-قرن ۱۳:‏۷)، یا اینکه به مفهوم وعده ای است: بدین معنی که مسیح رحمت خواهد آورد بر کسانی که خودشان رحیم بوده اند (ر.ک مت ۵:‏۷).
m- اشاره به تجمّع مسیحیان در منازل خصوصی برای اجرای نیایش است و یا اینکه منظور پذیرایی کردن از برادرانی است که در مسافرت هستند (ر.ک عبر ۱۳:‏۲).
n- کلمهٔ شمّاس در زبان یونانی از همین کلمه ای مشتق شده است که خدمت کردن ترجمه گردیده است ضمناً فکر می کنند که خدمت کردن بیشتر به مفهوم کمک به افراد بی بضاعت بوده است (ر.ک روم ۱۲:‏۷ p؛ اع ۶:‏۲-۴؛ ۱-تیمو ۳:‏۸ c).
o- نظیر همان خطابی که در ۲:‏۱۱ آمده و آغاز بحث و تشریح مطالبی دیگر است.
p- تصویری موضوع طلا و تصفیه با آتش را بیاد می آورد ۱:‏۷.
q- مسیحیان نه تنها به رنجهای مسیح تأسی می کنند بلکه در آنها سهیم هستند.
r- تمام این قسمت در توصیف شکنجه شدگان است و آنان را سعادتمند می داند (مت ۵:‏۱۱-۱۲ و انجیلهای مشابه؛ همچنین ر.ک اع ۵:‏۴۱).
s- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: و قدرت.
t- اشاره به اش ۱۱:‏۲. کمک روح القدس به گواهان مسیح وعده داده شده است (مت ۱۰:‏۲۰ و انجیلهای مشابه).
tt- در برخی از نسخه ها، عباراتی افزون تر دارد.
u- کلمه ای را که فضولی کردن ترجمه شده و گاهی دخالت در امور دیگران ترجمه می کنند به خوبی روشن نیست.
v- ممکن است این کلمه را مشرکان با لحن مسخره آمیز بکار می برده اند (ر.ک اع ۱۱:‏۲۶).
w- ر.ک مت ۱۰:‏۳۲؛ اع ۵:‏۴۱.

۸:۲؛ ۲-تسا۸:۱ نپذیرفتند چگونه خواهد بود؟ ۱۸و اگر
عادل به دشواری نجات یابد، بی‌دین و
گناهکار کجا خواهند بود[x]؟
۱۹پس کسانی هم که برطبق ارادهٔ خدا
مز۶:۳۱؛ لو۴۶:۲۳ رنج می برند، روح های خود را در نیکوکاری
به آفریدگار امین تسلیم می نمایند.

وظایف رؤسای جمعیت‌های مسیحی

۵ ۱پس به قدیمی هایی[y] که در بین
شما هستند موعظه می کنم، [من
که] به مانند ایشان قدیمی و گواه[z] رنجهای
مسیح هستم و در شکوهی که ظاهر خواهد
شد سهیم خواهم بود: ۲گلهٔ خدا را که بین
شما است بچرانید، نه به اجبار بلکه با
کمال میل و برطبق خدا، نه به خاطر منفعتی
شرم‌آور، بلکه با اشتیاق، [مراقبت
نمایید][a]. ۳نه به مانند اربابان برگزیدگانی
لو۳۱:۲۳ که به شما سپرده شده اند[b]، بلکه
یو۱۳:۱۵-۱۷؛ ۲-قرن۲۴:۱ سرمشق های گله شوید[c]. ۴و [چون]
چوپان[d] فرمانروا ظاهر شود، تاج شکوه
ناپژمردنی را دریافت خواهید کرد.

۴:۱؛ ۱-قرن۲۵:۹؛ یع۱۲:۱؛ مکا۱۰:۲

فروتنی و پایداری در ایمان

۵همچنین ای جوانان[e]، مطیع قدیمی ها
باشید.
همگی[f] نسبت به یکدیگر کمربند تواضع
بربندید زیرا
خدا مخالف متکبران است
ولی به فروتنان فیض عطا می کند[g].
۶پس در زیر دست مقتدر خدا فروتن
ایوب۲۹:۲۲ باشید تا شما را در موقع معین برافرازد[h].
۷همهٔ اضطراب [های] خود را به او واگذار
مز۲۳:۵۵؛ مت۲۵:۶-۳۰ کنید، زیرا او به خاطر شما نگران است.
۸میانه رو باشید، مراقبت کنید! دشمن
۱-تسا۶:۵ شما ابلیس همچون شیری غُرّنده[i] در جولان

x- مز ۳۱:۱۱ (ترجمه یونانی).
y- قدیمی ها، رؤسای جمعیت های مسیحی هستند (ر.ک ۱-تیمو ۱۷:۵ d؛ تیط ۵:۱-۹). موعظه به قدیمی ها بدان سبب اهمیت و فوریّت دارد که جمعیت مورد تهدید قرار دارند.
z- مفهوم کلمه گواه را به دو گونه درک کرده اند: ۱- پطرس گواه بر مصائب و مصلوب شدن مسیح بوده و در شکوه سهیم است (ر.ک مت ۱۶:۱۳؛ ۲-پطر ۱۶:۱-۱۷). ۲- یا اینکه پطرس گواهی است که رنج ها را پذیرفته است برای اینکه مسیح را اعلام نماید (ر.ک مقدمه).
a- انعکاس سخنی است که مسیح به پطرس خطاب کرده بود (یو ۱۵:۲۱-۱۷). در اینجا به تصویر چرانیدن گله که معمولاً در کتاب مقدس می‌آید وظیفه مراقبت کردن افزوده شده است (اع ۲۸:۲۰).
b- ترجمه تحت‌اللفظی: قسمت هایی که سرنوشت نصیب کرده. اشاره به تقسیم سرزمین موعود به قبایل اسرائیل است (یوشع ۱۳-۲۲). در اینجا خدا قوم را به قدیمی ها سپرده ولی همواره خدا حکمفرما است.
c- مانند پولس (۱-قرن ۱۶:۴؛ ۱:۱۱؛ فی ۱۷:۳؛ ر.ک تیط ۷:۲).
d- در انجیلها بارها برای مسیح عنوان چوپان قایل شده اند (یو ۱۰؛ لو ۳:۱۵-۷ و متن های مشابه انجیلهای دیگر؛ مت ۳۱:۲۶ و در انجیلهای دیگر؛ ر.ک مت ۳۶:۹؛ ۱-پطر ۲۵:۲) ولی عنوان چوپان فرمانروا فقط در اینجا آمده است.
e- ظاهراً اعضای مسن تر جمعیت مسیحیان با جوانان مخالف بوده اند.
f- پطرس یک رشته نصیحت هایی به مجموعه اعضای جمعیت مسیحیان می‌دهد که می توان منبع و مرجع آنها را تعیین نمود. چنین احساس می شود که رسول هم تحت تأثیر جنبهٔ روحانی مزامیر بوده و هم از سخنان استاد خود الهام می گیرد.
g- مز ۳۴:۳، ترجمهٔ یونانی.
h- سرافرازی فروتنان موضوعی است که مدام در کتاب مقدس می‌آید (ر.ک مت ۱۲:۲۳؛ لو ۲۵:۱؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۴:۱۸؛ یع ۶:۴، ۱۰).
i- ر.ک مز ۱۴:۲۲ مزموری که از نظر مصائب و مصلوب شدن مسیح قابل توجه است (ر.ک ۲-تیمو ۱۷:۴؛ یع ۱۷:۴).

است، درپی بلعیدن شما است. [9] همچنین
در ایمان مستحکم و پایدار باشید[j] و بدانید
که همین رنج ها به برادران شما که[k] در دنیا افس۶:۱۱-۱۳؛ یع۴:۷
هستند رسیده است.
[10] و خدای همه فیض ها که شما را به
شکوه جاودانی خود در مسیح [عیسی]
خوانده است. پس از مدّت کوتاه رنج ها، ۱-تسا۲:۱۲
[شما را دوباره] کامل، مستحکم و روم۸:۱۷-۱۸؛ ۲-قرن۴:۱۷
نیرومند خواهد کرد [و] بنیادی خواهد
داد[l]. [11] بر او قدرت به روزگاران و ۱۱:۴
روزگاران باد! آمین!

نتیجه و سلام پایان نامه

[12] [این نامه را] بوسیله سیلوانس[m] که
[او را] برادری باوفا می شمارم در چند
کلمه می نویسم و موعظه و گواهی می دهم
که فیض حقیقی خدا چنین است: در آن
پایداری کنید[n]. [13] او [زنی] که در بابل[o]،
با [شما] برگزیده است، و پسر من،
مرقس[p] به شما سلام می کند. [14] به
یکدیگر با بوسهٔ محبت[q] سلام کنید.
صلح بر همگی شما در مسیح باد![qq]

j- ترجمهٔ دیگر: در ایمان نیرومند باشید.
k- ترجمهٔ تحت اللفظی: به برادری شما. کلیه مسیحیانی که در دنیا پراکنده اند یک خانواده را تشکیل می دهند.
l- عبارت آیین نیایش که یادآور برکت و تقدیس های آغاز نامه است ۱:۳-۵.
m- ر.ک مقدمه.
n- در این بند هدف و محتوای نامه تعیین شده که عبارت از دلگرمی دادن در ایمان و تشویق به پایداری با وجود آزمونها است و اطمینان می دهد که خدا مشیت فیض خود را تحقق می بخشد.
o- ترجمهٔ دیگر: جمعیت برگزیدگان که در بابل است... اصولاً موضوع برگزیدگی در این نامه چندین بار آمده است (ر.ک ۱:۱ a).
p- در مورد بابل و مرقس ر.ک مقدمه.
q- اشاره به صلحی است که در نیایش مسئلت می کنند. روم ۱۶:۱۶؛ ۱-قرن ۱۶:۲۰.
qq- در برخی نسخه ها، در انتهای آیه «آمین» آمده است.

پیشگفتار

دومین نامه پطرس

نوع ادبی و مسائل خداشناسی

نویسنده پس از سلام معمولی (۱:۱-۳) جنبهٔ الهامی مسیحیت را یادآوری می کند (۱:۳-۱۳) و می گوید فرد مسیحی که در همرأیی با سرشت الوهیت زندگی می کند (۱:۴) به قدوسیت خوانده شده و لازم است به سخنان رسولان و پیامبران وفادار باشد (۱:۱۲-۲۱)، زیرا موعظه های مسیحیت داستانهای ساختگی نیست (۱:۱۶) بلکه این موعظه ها بر پایهٔ گواهی رسولان و سخن پیامبران است که بوسیله روح القدس الهام شده است (۱:۲۱).

سپس نویسنده حمله های شدید و مختلفی علیه معلمان دروغین آغاز نموده، نادرستی عقاید و فساد اخلاقی ایشان را نشان داده و برملا می نماید (۲:۱-۲۲) و می نویسد که مجازات و کیفر ایشان مسلّم و غیرقابل احتراز است همچنانکه در گذشته، فرشتگان عاصی و اهالی سدوم و غموره به کیفر رسیدند (۲:۶).

پس از این مطالب طولانی مجدداً آنچه را در فصل ۱ آغاز کرده بود با مسئله تأخیر در باز آمدن مسیح مطرح نموده (۳:۳-۱۳) و می نویسد که خدا شکیباست ولی روز او فرا خواهد رسید (۳:۹).

بالاخره نامه با دعوت به هوشیاری و مراقبت پایان می یابد (۳:۱۴-۱۸).

این نوشته پیش از آنکه به صورت یک نامه باشد شبیه «وصیت نامه» هایی است که در آن دوران در بین یهودیان مرسوم و معمول بوده است: بدین معنی مرد بزرگی که مرگ خود را نزدیک می دید پیش از مردن مطالبی را به عنوان خداحافظی نوشته و نکات مهم عقیدتی را که لازم می دانسته برای افراد جمعیت خود تشریح و یادآوری می نمود. اکنون این سؤال پیش می آید: نامه ای که با این وضعیت مخصوص تنظیم شده آیا شایسته است جزو نوشته های عهد جدید منظور گردد؟ و خواننده امروزی که بیشتر علاقمند است مطالب به صورت «بحث و بررسی و استدلال» باشد در برابر دشنام ها و ناسزاهایی که در فصل دوم آمده است، ممکن است همین سؤال را مطرح نماید.

به هرصورت این نامه دربارهٔ تفسیر نوشته های مقدس و آنچه الهام می کنند همچنین در مورد نوشته های برحق توضیحات تازه ای می دهد: بدین معنی که پیامبری های عهد عتیق و گواهی رسولان را در یک ردیف قرار داده و آنها را پایهٔ ایمانی محکم می شمارد (۱:۹؛ ۳:۲). در هیچ یک از نوشته های عهد جدید جنبهٔ الهامی نوشتهٔ مقدس به این صراحت بیان نشده است. نویسنده اظهار می کند: «هیچ یک از اظهارات پیامبران تعبیر و تفسیری شخصی و خصوصی نیست بلکه کسانی بوسیله روح القدس از جانب خدا سخن گفته اند» (۱:۲۰-۲۱). همچنین در این نامه، برای نخستین بار از

مجموعه نامه های پولس یاد شده (۳:۱۵-۱۶) و گر چه تمام نامه های پولس را ذکر ننموده، آنها را جزو نوشته های مقدس بشمار آورده است.

بالاخره نکته جالب دیگر این است که در این نامه موضوع تأخیر در باز آمدن مسیح به طور قاطع مطرح شده و می نویسد کسانی می گویند: «وعدهٔ باز آمدن (خداوند) چه شد؟ زیرا از موقعی که پدران کلیسا مرده اند همه چیز به همان گونه مانده است که از آغاز آفرینش بود» (۳:۴). نویسنده این اظهارات را دلیل بر بی ایمانی اعلام کرده و کوشش می کند پاسخی به آنها بدهد و می گوید: طوفان نوح که فرا رسید تجسّم قبلی از داوری نهایی بود و سپس آن را به روش دوران خود توصیف می نماید (۳:۶). می گوید: دنیای کهن بوسیله آتش نابود خواهد شد تا جای خود را به آسمانهای نو و زمینی نو بدهد که در آن عدالت برقرار خواهد بود (۳:۱۰-۱۵). ضمناً موضوع زمان برای خداوند وجود ندارد: یک روز برای او به مانند هزار سال است و هزار سال به مانند یک روز» (۳:۸). تأخیری که می گوید از شکیبایی و محبت او ناشی می شود. می خواهد به هرکسی فرصت توبه و گرایش بدهد به طوری که از هم اکنون همگی در قدوسیت زندگی نمایند. نویسنده با این گونه آموزش که بر مبنای توصیف وقایع پایان روزگار است ابعاد مهمی برای زندگی مسیحی قائل می شود.

مخاطبان نامه و دشمنان مسیحیت

در مورد دشمنان مسیحیت، نویسنده از «کافرانی» سخن می گوید که در کلیسا رخنه کرده اند (۲:۱). این افراد کسانی هستند که به مسیحیت گرویده ولی بعداً از آن برگشته اند و اکنون ممکن است به افراد جمعیت، آزادی دروغین وعده داده و جمعیت را به تباهی بکشند (۲:۱۹). نظریات فاسد این افراد هم از نظر خداشناسی و هم از نظر اخلاقی برخلاف آیین است. این معلمان دروغین منکر خداوند می باشند و حال آنکه خداوند ایشان را بازخرید کرده است. این بی دینان فرشتگان را حقیر می شمارند (۲:۱۰-۱۱) و از نظر اخلاقی زندگی در فسق و فجور می گذرانند و از گناه کردن باز نمی ایستند (۲:۱۴).

در تعیین هویت این افراد بعضی از مفسران نام «گنوسی ها» را ذکر کرده اند که ادعا دارند موهبت شناخت برتری داشته و از آزادی کامل برخوردارند. این افراد جسم و امور جسمانی را حقیر می شمارند با این همه زندگی بی بند و باری می گذرانند. بدین سان می توان اشتباهات آنان را هم از نظر خداشناسی و هم از نظر اخلاقی توضیح داد. به همین سبب نویسنده در مورد «شناخت» مسیحیت اصرار کرده و آن را درمقابل دانش بی دینان می آورد (۱:۲، ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۶؛ ۲:۲۰-۲۱؛ ۳:۱۷-۱۸). امّا در مورد حقیر شمردن «شکوهمندی ها» به دشواری می توان منظور نویسنده را دریافت.

زیرا در آیین یهود و مخصوصاً در بین فرقه اسنیان ذکر نام فرشتگان ممنوع بوده تا احترام فرشتگان رعایت شده و نام آنها در امور سحر و جادو بکار برده نشود. یا اینکه این افراد کافر، منکر وجود و حقیقت فرشتگان و یا برتری آنها می شدند و از افکار و نظریات پولس فراتر می رفتند که فقط یادآوری و تأکید می کرد فرشتگان پایین تر از مسیح هستند (افس ۱:۲۱؛ کول ۲:۱۵). به هرصورت نمی توان هویت بی دینان را دقیقاً تعیین نمود زیرا نویسنده در پرخاش ها و ناسزاهایی که در فصل دوم بکار برده است کلمات و

اصطلاحات معمولی بکار می برد و چنانکه گفته شد «چهره نمونه»ای از فرد بی دین ترسیم می نماید.

مخاطبان نامه با نوشته های مقدس و احادیث مکاشفه ای یهود آشنا هستند زیرا نویسنده بارها به این نوشته ها اشاره می کند بدون اینکه آنها را صریحاً نقل نماید (به استثنای ۱۷:۱): مثلاً موضوع فرشتگان عاصی (۴:۲)، طوفان نوح (۵:۲)، سدوم و غموره (۶:۲-۷)، بلعام بن بصور (۱۵:۲) و احادیث مربوط به مبادی دنیا که بوسیله آب از بین رفته و انهدام دنیا که بوسیله آتش انجام خواهد شد. این نامه و نامه یهودا، مخصوصاً در ۱:۲-۳:۳ ارتباط و شباهت آشکاری دارند. در این دو نامه نظریات مشابهی ذکر شده که اکثراً با کلمات یکسانی بیان شده اند، درصورتی که کلمات مذکور به ندرت در مجموعه نوشته های عهد جدید بکار برده می شود. چنین به نظر می رسد که این دو نامه جریان نظریات مشابهی را پیروی می کنند. مثلاً در هر دو نامه بحث و استدلال علیه معلّمان دروغین است و در هر دو مورد آنان را «مسخره کنندگان شکّاک» نامیده اند (۲-پطر ۳:۳؛ یهو ۱۸)، کسانی هستند که مطالب عجیب اظهار می نمایند (۲-پطر ۱۸:۲؛ یهو ۱۶) و بیشرمانه سورچرانی می نمایند (۲-پطر ۱۳:۲؛ یهو ۱۲). ضمناً گناه ایشان نظیر گناه فرشتگان عاصی، سدوم و غموره و بلعام است.

بنابراین چنین می نماید بعضی مطالب و نظریاتی که در دومین نامه پطرس آمده از نامه یهودا گرفته شده است مگر اینکه هر دو نامه مستقیماً از نوشته قدیمی تری گرفته باشند (که خیلی کمتر محتمل است). به هرصورت دومین نامه پطرس نظیر نوشته ای فرعی و تابع بر نامه یهودا است و به طور کلی نویسنده قسمتهای مشابه نامه یهودا را توضیح داده و روشن می کند، بعضی قسمت های نامه یهودا را که ممکن است در نظر خوانندگان عجیب جلوه نماید مخصوصاً در نظر آنان که از احادیث و نوشته های ساختگی اطلاع ندارند حذف می کند: مثلاً مبارزه میکائیل فرشته (یهو ۹)، فحشای فرشتگان (یهو ۶)، نقل قول از خنوخ (یهو ۱۴). به طوری که می توان از خود پرسید آیا نویسنده دومین نامه پطرس، مخصوصاً در مورد مطالب نوشته های ساختگی تجاهل می کند، به هرصورت نمی توان پاسخ صریحی داد.

از سوی دیگر در دومین نامه پطرس موضوع ایراد بر تأخیر باز آمدن مسیح مطرح شده است درصورتی که در نامه یهودا سخنی در این باره نیست.

این تفاوت ها نشان می دهد که دومین نامه پطرس در محافلی تنظیم شده که در یهودیگری ریشه داشته اند و متأخر بر نامه یهودا می باشد. ضمناً این محافل با دنیای یونانی و یونانی گرایی موافق و مساعد بوده اند زیرا علاوه بر حذف بعضی مطالب که قبلاً ذکر گردید زبان یونانی را با مهارت و ظرافت بکار برده و حتی کلمات مرکب و نادر و گاهی با تکلف بکار می برد، چنانکه تعداد ۵۶ کلمه از این نوع در نامه بکار برده شده و این نسبت خیلی بیشتر از سایر نوشته های عهد جدید است اکنون این سؤال پیش می آید: آیا این نامه ثمرهٔ کوشش های رسول است تا گرایش های مخصوص و مختلفی را که در نامه یهودا بیان شده است با یکدیگر سازش دهد؟ و همچنین جریان های فکری دیگری نظیر مفاد نامه های پولس را که بیشتر مساعد و پذیرا هستند هم آهنگ سازد. آیا منظور نویسنده تلفیق گرایشهای مختلف در داخل کلیسای اولیه بوده است؟ از سوی دیگر چون این نامه

بدواً در کلیسای اسکندریه پذیرفته شده ولی کلیسای سوریه آن را نپذیرفته بود می توان گفت از محافل مسیحیانی می آید که قبلاً یهودی بوده و در دنیای یونانی پراکنده بودند.

نویسنده نامه و تاریخ نگارش

نویسنده خود را شمعون پطرس رسول می خواند (۱:۱) و در بند ۱:۳ که سخن از نخستین نامه است به آسانی درک می شود که منظور نخستین نامه پطرس می باشد؛ علاوه بر این نویسنده یادآوری می کند در هنگام تجلّی خداوند حضور داشته (۱۶:۱) و بالاخره اعلام می کند که بزودی مرگ او فرا می رسد (۱۴:۱).

این تعیین که همواره مورد بحث و تردید بوده مشکلات زیادی ایجاد می نماید. از یک طرف نبایستی اطلاعاتی را که نویسنده درباره زندگی خود می دهد سریعاً پذیرفت؛ زیرا این طرز نگارش نوشته هایی از نوع «وصیت نامه» است.

از سوی دیگر تفاوت های روش نگارش بین دو نامه خیلی زیاد است: در دو نامه بین کلماتی که بکار برده شده است ۵۹۹ کلمه متفاوت هستند و فقط ۱۰۰ کلمهٔ مشترک دارند؛ ضمناً پایان روزگار در دو نامه به یک گونه ذکر و توصیف نشده است و این تفاوت ها ایجاب می کند که بین نگارش دو نامه مدّت نسبتاً طولانی گذشته باشد.

چنین به نظر می رسد که نویسنده جزو نخستین نسل مسیحیان نبوده و مسیحیان نسل درگذشته بوده اند (۴:۳). بالاخره این نامه متأخر بر نامه یهودا است که تاریخ نگارش آن را آخرین دهه های قرن اول میلادی می دانند ضمناً در این نامه از فهرست نوشته های برحق یاد شده و نوشته است مجموعه ای از نامه های پولس وجود دارد که گر چه کامل نیست، اما این نامه ها و همچنین سایر نوشته های رسولان و پیامبران را جزو نوشته های مقدس بشمار می آورد.

از سوی دیگر نمی توان تاریخ تنظیم این نامه را خیلی به عقب برد زیرا احادیث یهودی -مسیحی فراوانی در آن ذکر شده است. بنابراین تاریخ نگارش آن سال ۱۲۵ میلادی پیشنهاد می شود که البته امکان اینکه پطرس نامه را نوشته باشد منتفی است.

آیا می توان گفت که مجمعی وابسته به پطرس وجود داشته و در آن مجمع بر طبق آموزش های رسول این نامه را به صورت وصیت نامه روحانی او تنظیم کرده باشند؟ در این مورد لازم به یادآوری است که بر طبق روایت اوزبیوس (تاریخ مذهبی، جلد دوم، ۱:۶) مرقس که مدتی همکار پطرس بوده (ر.ک ۱-پطر ۱۳:۵) اهالی اسکندریه را به انجیل خوانده و این نامه در آنجا پذیرفته شده بود. لازم به یادآوری است دومین نامه پطرس و مکاشفه یوحنا نوشته هایی هستند که با اشکالات زیادی جزو نوشته های برحق شناخته و پذیرفته شده اند و این نامه بدواً بوسیله کلیسای اسکندریه در مجموعه کلیساها وارد شده و پذیرفته گردید. ضمناً کمی پیش از سال ۲۰۰ میلادی، هنگامی که فهرست نوشته های برحق (موراتوری) تنظیم گردید، این نامه جزو فهرست مزبور نبود. اولین بار اوریجن (متولد ۱۸۵ یا ۱۸۶ میلادی، وفات ۲۵۴ میلادی) از این نامه یاد کرده و آن را جزو نوشته های مورد اعتراض نام برده است و فقط در قرن پنجم میلادی اکثریت کلیساها و در قرن ششم میلادی کلیسای سوریه آن را پذیرفته بودند. با این همه دومین نامه پطرس در حدود سال ۲۰۰ میلادی جزو یک ترجمهٔ قبطی عهد جدید منظور شده و در پایان قرن سوم میلادی در پاپیروس ۷۲ ذکر شده بود.

دومین نامه پطرس

درود و سلام

۱

۱از شمعون پطرس، برده و رسول
عیسی مسیح، به آنانکه [همان]
ایمان گرانبها را مساوی ما در عدالت خدای
تیط۲:۱۳ ما و نجات بخش عیسی مسیح[a] دریافت
یهو۲؛ ۱-پطر۱:۲ کرده اند؛ ۲فیض بر شما و صلح فراوان باد
در شناخت [حقیقی] خدا و خداوند ما
عیسی [مسیح][aa]!

الهام مسیحیت

۳چنانکه قدرت خدایی او، هر آنچه
زندگی و پارسایی است به ما عطا کرده، با
۱-پطر۲:۹ شناساندن آنکه ما را بوسیله شکوه و نیروی
فعّال[b] خود دعوت نموده است. ۴بوسیلهٔ
اینها وعده های گرانبها و عظیم به ما داده
شده تا بوسیلهٔ آنها شما در سرشت خدایی
سهیم شوید[c]، چون از فسادی که به سبب
هوس ها در جهان هست رهایی یافته اید.
غلا۵:۲۲-۲۳ ۵به همین سبب همه کوشش خود را بکار
برید تا به ایمان خود فضیلت، و به فضیلت
[خود] دانش بیفزایید، ۶و به دانش
خویشتن داری، و به خویشتن داری
مقاومت[d]، و به مقاومت پارسایی، ۷و به
پارسایی دوستی برادرانه، و به دوستی
برادرانه محبت[e]. ۸زیرا با داشتن اینها، و به
فراوانی داشتن، برای شناختن خداوند ما
عیسی مسیح شما را نه بی ثمر، نه بی فایده
نخواهند گذاشت. ۹امّا آنکه این چیزها را
ندارد کور است و کوتاه بین[f] و فراموش
کرده خود را از گناهان گذشته پاک نماید[g].
۱۰بدین سبب، ای برادران، بیشتر به
استواری کوشش کنید تا فرا خوانده شدن و
برگزیدگی شما مطمئن بماند[h] زیرا با این
کار هرگز سقوط نخواهید کرد. ۱۱زیرا

a- در نسخه های دیگری چنین است: بوسیله عدالت خدای ما و نجات بخش عیسی مسیح. بعضی از محققان به سبب متأخر بودن تاریخ نگارش نامه و پیشرفت در علم شناخت مسیح این عبارت را پذیرفته اند.
aa- در بیشتر نسخه ها، واژهٔ «مسیح» نیامده است.
b- شکوه و نیروی فعّال. در نوشته های عهد عتیق این دو کلمه به مفهوم قدرتی بکار برده می شود که خدا بوسیله آن تجلّی می نماید و در اینجا این دو کلمه در مورد مسیح بکار برده شده است. کلمهٔ یونانی که نیروی فعّال ترجمه شده در بند ۵ نیز آمده و در آنجا در مورد انسان است و فضیلت ترجمه می شود.
c- این عبارت که در نوشته های عهد جدید فقط در اینجا بکار برده شده است، کلیسای کاتولیک در آداب برگزاری عشاء ربّانی آن را در مراسم هدایا منظور نموده است.
d- یعنی پایداری کردن، مخصوصاً هنگامی که دشواریها پدیدار می شوند.
e- این گونه بر شمردن فضایل (یا معایب) در ادبیات مسیحیت اولیه و در ادبیات یهودیانی که در دنیای یونانی آن دوران پراکنده بودند (یونانی گرایان) فراوان است.
f- ترجمهٔ دیگر: کور است و کورمال راه می رود. از بس نزدیک بین است کور است.
g- بوسیلهٔ تعمید.
h- در چند نسخه خطی معتبر نوشته شده است: تا بوسیله اعمال نیک شما پایدار بماند.

بـدین گـونه، ورود در مـلـکـوت جـاودانی
خداوند ما و نجات بخش عیسی مسیح، به
وفور به شما عطا خواهد شد.

وفـاداری به سـخن رسـولان و پیامبران

یهو۵ ۱۲ بدین سبب بایستی همواره دربارهٔ این
چیزها به یاد شما بیاورم با اینکه می دانید و
در حقیقت کنونی پایدار هستید. ۱۳ و
به نظر من صحیح است تا وقتی که در این
خیمه هستم[i] به وسیله یادآوری شما را آگاه
کنم، ۱۴ می دانم که بزودی خیمه خود را
۲-قرن۵:۱؛ یو۲۱:۱۸-۱۹ ترک خواهم کرد[j]، همان گونه که خداوند ما
عیسی مسیح نیز به من نشان داده است.
۱۵ امّا همچنین کوشش خواهم کرد، شما
پس از عزیمت من در هر زمان بتوانید این
چیزها را به یاد آورید[k].
۱۶ زیرا در پی داستانهای ساختگی[l] نرفته
ایم که قدرت و حضور خداوند ما عیسی
مسیح را به شما شناسانده ایم بلکه چون
گواهان عینی او بوده ایم[m]. ۱۷ زیرا از خدای مر۹:۲-۸
پدر افتخار و شکوه دریافت کرد وقتی که
بوسیله شکوه مجلّل[n] صدایی به او رسید:
«این پسر محبوب من است که از او
خشنودی دارم[o].» ۱۸ و این صدا را که از
آسمان می آمد ما شنیده ایم، وقتی که با او
بر روی کوه مقدس بودیم.
۱۹ و سخن نبوت محکم تری داریم[p] و
خوب می کنید که به آن توجه نمایید ،
به مانند چراغی که در جایی تاریک
می درخشد تا اینکه روز روشن شود و ستارهٔ
صبح در دلهای شما طلوع نماید.
۲۰ و بدواً بدانید که هیچ نبوّتی[pp] نوشتهٔ ۲-تیمو۳:۱۶؛ ۱-پطر۱:۱۱
مقدس از تفسیری خصوصی ناشی
نمی شود[q]. ۲۱ زیرا یک نبوّت هرگز بوسیلهٔ
ارادهٔ انسان نیامده است بلکه بوسیله
روح القدس وادار شده اند که انسانهایی[r] از
سوی خدا سخن گفته اند[s].

i- ترجمهٔ دیگر: تا وقتی که در این دنیا هستم. کلمهٔ خیمه که در متن یونانی بکار برده شده جنبهٔ موقتی و ناپایدار بودن زندگی آدمی را نشان می دهد. ر.ک ۲-قرن ۵:۱-۵.

j- ترک کردن خیمه به مفهوم فرا رسیدن مرگ است. (ر.ک بند قبلی)

k- ممکن است نویسنده اشاره به نامهٔ خود می کند که حاوی خلاصهٔ آموزش او است.

l- ترجمهٔ تحت اللفظی: اساطیر سفسطه آمیز. نویسنده این کلمات را فقط برای استدلال بکار نمی برد بلکه منظور او روشی است که رقیبان نوشته های مقدس را با توجه به اساطیر و افسانه های ارباب انواع تعبیر و تفسیر می کردند (احتمالاً گنوستیک ها بودند).

m- ترجمهٔ تحت اللفظی: برای اینکه گواه عینی عظمت او بوده ام. عظمت خدا چیزی است که بوسیلهٔ آن خدا در درخشندگی جلال خود متجلّی می شود.

n- بعضی مترجمان کلمهٔ خدا را می افزایند: بوسیلهٔ شکوه مجلل خدا... تا مفهوم این عبارت عبری روشن تر باشد.

o- ر.ک مت ۱۷:۵.

p- ممکن است ترجمه نمود: همچنانکه سخن پیامبران را به طریق اولی سخن محکم تر می شناسیم... در این صورت بند ۱۹ به عنوان نتیجه گیری توضیحاتی خواهد بود که در بندهای ۱۶-۱۸ آمده است: وانگهی تجلّی مسیح به سخن پیامبران حقیقت بخشیده و استحکام آنها را نشان داده است.

pp- ترجمهٔ دیگر: پیشگویی.

q- ممکن است ترجمه نمود: از فکر خود پیامبر ناشی نمی شود.

r- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا کلمه مقدّس افزوده شده است.

s- در این قسمت مخصوصاً در دو بند آخری جنبهٔ الهامی نوشته های مقدس یادآوری و تأیید شده است و اینکه بایستی آنها را برطبق احادیث و سنن رسولان تفسیر نمود.

علیه معلّمان دروغین

۲ [1]همچنین در بین مردم نیز انبیای ۲-تسا۲:۳-۱۲؛ مر۱۳:۲۱-۲۳؛ ۱-تیمو۴:۱
دروغین پیدا شدند، چنانکه در
میان شما معلّمان دروغی خواهند بود، که
فرقه‌های[t] مخرّب گمراهی را پنهانی خواهند
آورد، و استادی که ایشان را بازخرید کرده
انکار خواهند نمود، و بر روی خود تباهی
عاجلی خواهند آورد. [2]و کسان بسیاری
هرزگی‌های ایشان را پیروی خواهند کرد، و
بوسیلهٔ ایشان به راه حقیقت[u] توهین خواهد یهو۴؛ اش۵۲:۵
شد. [3]و به سبب حرص، با سخنانی جعلی
از شما بهره برداری خواهند کرد، برای
ایشان از مدّتها پیش محکومیت بیکار
نمانده و هلاکت نمی‌خوابد [4]زیرا اگر خدا
فرشتگانی را که گناه کرده بودند معاف یهو۶
نکرده، بلکه با زنجیرهای ظلمت در جهنم[v]
انداخته و برای داوری نگهداشته است[w]؛
[5]و اگر دنیای کهن را معاف نداشته، بلکه
هشتمین نفر، نوح[x] منادی عدالت را
محافظت کرده [درحالی که] طوفان را بر ۱-پطر۳:۲۰
روی دنیایی از بی‌دینان آورده است؛ [6]و
اگر شهرهای سدوم و غموره را به خاکستر پید۱۹؛ یهو۷
تبدیل کرده و به [زیر و رو شدن] محکوم ۲-تسا۱:۵؛
ساخته تا عبرت بی‌دینان [آینده] باشد؛ [7]و بنسی۱۶:۷-۱۰ لو۱۷:۲۹
اگر لوط عادل را که از رفتار هرزهٔ بی
بندوباران پریشان بوده نجات داده، [8]زیرا
این [مرد] عادل که در میان ایشان زندگی
می‌کرد، با دیدن و شنیدن کارهای
بی‌قانونی روزانه روح عادلش در شکنجه
بود، [9]پس خداوند می‌داند که پارسایان[y] یهو۶؛ ۱-قرن۱۰:۱۳
را از تجربه رهایی بخشد و ستمکاران را
برای کیفر در روز داوری نگهدارد، [10]و
مخصوصاً آنان را که به سبب هوس پلید یهو۷-۸
جسم رفته و خداوندی[z] را حقیر
می‌شمارند، گستاخ و متکبرند و از کفر
گفتن به شکوهمندی‌ها [بر خود]
نمی‌لرزند. [11]و حال آنکه فرشتگان که در
قدرت و نیرو برترند، علیه ایشان نزد یهو۹

t- کلمهٔ یونانی را که در بالا فرقه ترجمه کرده‌ایم به معنی حزب یا مکتب عقیدتی است (ر.ک اع ۵:۱۷؛ ۲۶:۵) و هرگاه به معنی بد کلمه گرفته شود به مفهوم تفرقه و تقسیم و دسته بندی است که جمعیتی را تضعیف نماید (ر.ک غلا ۵:۲۰؛ ۱-قرن ۱۱:۱۹) و خلاصه یک فرقه است؛ همچنین به معنی عقیده‌ای است که فرقه‌ای تعلیم می‌دهد. این کلمه در دورانهای متأخرتر به معنی ارتداد یا الحاد بکار برده شده است. به طوری که استنباط می‌شود منظور نویسنده در اینجا فرقه گمراهی معلّمان دروغین است و نه اینکه دسته بندی و فرقه متشکّلی باشد.

u- در اینجا منظور از راه حقیقت ایمان مسیحیت است و آنانکه از آن پیروی می‌کنند. ر.ک اع ۹:۲؛ ۱۹:۹، ۲۳؛ ۲۴:۱۴.

v- کلمهٔ یونانی «تارتار» یکی از نام‌هایی است که یونانیان در مورد جهنّم بکار می‌برند.

w- در دورانهای متأخر یهودیگری دربارهٔ پید ۶:۱-۴ عقاید و نظریاتی راجع به گناه فرشتگان (پسر خدا) و کیفر آنان پیدا شده و توسعه یافته بود (ر.ک کتاب خنوخ فصلهای ۱۹-۲۱).

x- نوح با همسرش و سه پسر و سه عروس، جمعاً هشت نفر می‌شدند (ر.ک ۱-پطرس ۳:۲۰). نویسنده در مورد مفهوم رمزی عدد هشت اصرار و تأکید می‌نماید: بدین معنی که روز یکشنبه، هشتمین روز هفته و نخستین روز هفته جدید است و نوح که در عدالت دوران جدیدی را آغاز می‌کند نمونه و تصویر مسیح می‌باشد.

y- ترجمه دیگر: مردان راستکار.

z- کلمهٔ خداوندی (بند ۱۰) احتمالاً در اینجا در توصیف مقام الوهیت است (ر.ک آموزش مذهبی دیداکه ۴:۱). بنابراین، کلمهٔ خداوندی ممکن است مظهر قدرت خدا یا دقیق تر گفته شود مظهر قدرت مسیح باشد که معلمان دروغین منکر آن بودند (ر.ک ۲-پطرس ۲:۱). شکوهمندی‌ها (بند ۱۰) نوعی از موجودات آسمانی هستند که در اینجا به بدی توصیف شده‌اند. پُرمدعایی و تکبّر افراد مرتد آن است که خود را به جای خداوند می‌گذارند درصورتی که فقط خداوند می‌تواند فرشتگان عاصی را داوری نماید.

خداوند داوری توهین آمیز نمی کنند. [۱۲]امّا
یهو۱۰ اینان، به مانند حیوانهای فاقد شعور که
بوسیلهٔ طبیعت به وجود می آیند تا گرفتار
شده و از بین بروند، دربارهٔ آنچه نمی دانند
کفر می گویند؛ به همان تباهی تباه خواهند
شد. [۱۳]اجرت بی عدالتی را در بی عدالتی
خواهند داشت. زندگی شهوانی روز را لذّت
یهو۱۲ می شمارند؛ لکّه ها و عیب هایی هستند که
از گمراهی های خود خرسندند[a] درحالی که
با شما سورچرانی می کنند. [۱۴]چشمانشان
انباشته از زناکاری است و از گناه کردن باز
نمی ایستند؛ روح های ناپایدار را [با طعمه]
جلب می کنند؛ دلی ورزیده در آزمندی
دارند: فرزندان لعنت هستند! [۱۵]راه راست
اعد۲۲:۷؛ یهو۱۱ را گذاشته، برطبق راه بلعام[b] [پسر] بصور
گمراه شده اند، که اجرت بی عدالتی را
اعد۲۲:۲۸ پسندید[c]. [۱۶]امّا حیوان بارکش زبان بسته ای
با صدای انسانی حرف زده تخلّف او را
توبیخ کرد و دیوانگی نبی را متوقف ساخت.
یهو۱۲-۱۳ [۱۷]این اشخاص چشمه های بی آب هستند و
مه هایی که تندباد می راند، و ظلمت
تاریکی برای ایشان ذخیره شده است. [۱۸]
زیرا حرف های تکبرآمیز تو خالی می گویند
یهو۱۶ و بوسیله هوسهای جسمانی، [بوسیله]
هرزگی ها کسانی را که از اهل گمراهی [به
زحمت] رها شده اند برمی گردانند. [۱۹]به
ایشان وعدهٔ آزادی می دهند و حال آنکه
خودشان بردگان فساد هستند؛ زیرا آنکه
تحت تسلط چیزی است بردهٔ [آن یو۸:۳۴
چیز]است[d]. [۲۰]زیرا پس از اینکه با شناخت
خداوند [ما] و نجات بخش عیسی مسیح از
پلیدی های جهان گریخته بودند[e] مجدداً
بوسیله آنها درگیر شده و تحت تسلّط
درآمده اند، و برای ایشان [وضعیت] آخر مت۱۲:۴۵
بدتر از اولی است. [۲۱]زیرا برای ایشان بهتر یهو۳
بود که راه عدالت را نمی شناختند تا اینکه
پس از شناختن، از فرمان مقدّسی[f] که به
ایشان ابلاغ شده است برگردند. [۲۲]به ایشان
[آنچه در] ضرب المثل حقیقی [گفته
شده]فرا رسیده است: «سگ به آنچه
خودش استفراغ کرده برگشته است[g]» و
«ماده خوک که شسته شده به غوطه خوردن لو۱۲:۴۷-۴۸
در منجلاب برگشته».

روز خداوند تأخیر شده ولی خواهد آمد

۳ [۱]ای محبوبان، الآن این دومین
نامه ای است که به شما می نویسم
تا در آنها بوسیلهٔ یادآوری[h]، ذهن پاک را
در شما بیدار کنم. [۲]برای یادآوری سخن
هایی که انبیای مقدس از پیش گفته اند و یهو۱۷
فرمان خداوند و نجات بخش که رسولان به

a- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: در ضیافت های دوستانهٔ خود.
b- در بعضی از نسخه های خطی به جای بلعام بصور نوشته شده است بلعام بعور مثل اعد ۲۲:۵.
c- بنابر روایات یهودیان دورانهای متأخر بلعام حریص، پول دوست و منبع فساد بوده و در این باره تأکید شده است (ر.ک مکا ۲:۱۴).
d- یا بردهٔ کسی است که بر او غلبه کرده است.
e- منظور ایماندارانی هستند که سُست و بی ثبات می باشند (ر.ک بند ۱۸).
f- منظور از فرمان مقدس مسلماً آموزشهای مسیحیت به طور کلی می باشد، مثل ۲-پطر ۳:۲ و ۱-تیمو ۶:۱۴.
g- ر.ک امث ۲۶:۱۱.
h- ترجمهٔ دیگر: ... بوسیلهٔ یادآوری در شما تحریک کنم.

شما [گفته اند][i]. ۳بدواً این را بدانید که
در آخرین روزها مسخره کنندگانی با یهو۱۸؛ ۲-تسا۲:۳-۱۲
مسخرگی[های] خود خواهند آمد که برطبق
هوس های خود رفتار خواهند کرد، ۴و
خواهند گفت: «کجا است وعدهٔ باز آمدن
او؟ زیرا از وقتی که پدران[j] خوابیده اند،
همه چیز به همین گونه مانده است که از آغاز
آفرینش بود.» ۵زیرا عمداً فراموش
می کنند[k] که در گذشته بوسیله سخن خدا پید۱:۶-۹
آسمانها بوده و زمینی که از آب و بوسیله آب
تشکیل شده بود، ۶و به همین [علّت ها]،
دنیای آن وقت به زیر آب رفته و نابود شد! پید۷:۱۱-۲۱؛ ۱-پطر۳:۲۰
۷امّا آسمانها و زمین کنونی بوسیله همین
سخن به کنار گذاشته شده و برای روز
داوری و نابودی انسان های بی دین برای
آتش ذخیره شده اند[l]. ۸ اما ای محبوبان،
[این] یک چیز از شما پنهان نماند: که در
نزد خداوند یک روز به مانند هزار سال و مز۹۰:۴
هزار سال به مانند یک روز است. ۹وعدهٔ عبر۲:۳؛ روم۲:۴؛
خداوند [در آمدن] تأخیر نمی کند، چنانکه ۱-تیمو۲:۴
بعضی ها آن را تأخیر می شمارند، بلکه
نسبت به شما شکیبایی می کند و
نمی خواهد تعدادی نابود شوند، بلکه همگی
در توبه جایی داشته باشند. ۱۰اما روز
خداوند به مانند دزدی خواهد آمد و در آن ۱-تسا۵:۲؛ مت۲۴:۴۳-۴۵
[روز] آسمانها با غرّشی از بین خواهند
رفت، و عناصر سوزان تجزیه خواهند شد و
زمین و کارهایی که در آن است عیان خواهد
شد[m]. ۱۱بدین سان که همه چیز نابود
خواهد شد [شما] باید چگونه [انسانهایی]
در رفتارهای مقدس و پارسایی باشید؟
۱۲[درحالی که] در انتظار و خواهان آمدن
روز خدا هستید، بشتابید که در آن
آسمانهای مشتعل نابود و عناصر سوزان اش۶۵:۱۷؛ مکا۲۱:۱
ذوب خواهند شد. ۱۳اما آسمانها[یی نو] و
زمینی نو[n] بر طبق وعدهٔ او انتظار داریم که
در آن عدالت سکونت دارد.

موعظه و تشویق به هوشیاری

۱۴ای محبوبان، چون انتظار این چیزها را
می کشید، کوشش کنید که [شما را] بدون
لکّه و بی نقص در صلح بیابد. ۱۵و شکیبایی یهو۲۴
خداوند ما را [همچون] نجات بنگرید، روم۲:۴؛ مکا۲:۲۱
چنانکه برادر محبوب ما، پولس بوسیله
حکمتی که به او داده شده به شما نوشته
است. ۱۶همچنان که در همه نامه ها از
اینهاسخن می گوید و در آنها چیزهایی هست
که فهمیدن آنها دشوار است و [افراد]

i- ر.ک ۲:۲۱.
j- به طور کلی پدران، نسلهای اسرائیل هستند که وعده ها را دریافت کرده اند ولی ممکن است که در اینجا نویسنده به نخستین نسل مسیحیان می اندیشد. منظور از خوابیده اند به مفهوم درگذشته اند است.
k- ترجمهٔ دیگر: وقتی که چنین ادعا می کنند فراموش می نمایند...
l- طوفان آتش از تصاویری است که در نوشته های مکاشفه ای یهودیان بکار برده شده و در اینجا طوفان آتش قرینه نخستین طوفان یعنی طوفان آب دوران نوح است. به همان گونه که دنیای بی دینی دوران گذشته به زیر آب فرو رفته و نابود شده است، دنیای بی دینی امروزی هم برای داوری و محکومیت آتش ذخیره شده که بی دینان را از بین خواهد برد؛ و باز هم به مانند دوران گذشته عادلان از این بلا مصون خواهند ماند (ر.ک ۲:۵) و در دنیای جدیدی زندگی خواهند کرد که در آن عدالت حکمفرما خواهد بود.
m- ترجمهٔ تحت اللفظی: پیدا خواهد شد. یعنی در برابر داوری خدا ظاهر خواهد شد. بیشتر مترجمان این عبارت را به طرز دیگری درک کرده و ترجمه می کنند: سوخته خواهد شد.
n- ر.ک اش ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۲۲.

بی معرفت و ناپایدار برمی گردانند، چنانکه
نوشته های [مقدس] دیگر[o] را هم برای
نابودی خودشان [برمی گردانند]. [۱۷] پس،
شما ای محبوبان، که از پیش آگاه شده اید،
هوشیار باشید تا بوسیلهٔ گمراهی بی
بندوباران منحرف نشوید و از پابرجایی
خودتان بیفتید. [۱۸] بلکه در فیض و شناخت یهو۲۵
خداوند ما و نجات بخش عیسی مسیح
پیشرفت نمایید، شکوه بر او، اکنون تا به
روز جاودانی. [آمین]!

o- اشاره به مجموعه متن های الهامی و برحق کتاب مقدس است و از همان وقتی که دومین نامه پطرس تنظیم و نگاشته می شد نامه های پولس جزو نوشته های مقدس شمرده می شدند.

پیشگفتار

نامه‌های یوحنای رسول

مقتضیات نگارش

نامه های یوحنایی، لااقل دو نامه اول فاقد تفصیلی درباره چگونگی نگارش و شخص نویسنده آنهاست، اما از بررسی خود متن به ظن قریب به یقین اوضاع و احوال گیرندگان و مخاطبان نامه و نیز دلایلی که نویسنده را وادار به نوشتن آنها کرده می توان دریافت.

از لحن جدلی بسیاری از قطعات این نامه ها می توان چنین نتیجه گیری کرد که جوامعی که مخاطب آنها بوده اند در بحران وخیمی بسر می برده اند. توسعه و نشر آموزه های ناموافق با مکاشفه مسیحی، خطر سازش پذیری پاکی ایمان را با آنها به میان آورده بود. تعلیم دهندگان این آموزش چه کسانی بودند؟ آنان ضد مسیح (دجال) (۱-یو ۱۸:۲، ۲۲؛ ۳:۴؛ ۲-یو۷)، پیامبران دروغین (۱-یو ۱:۴)، دروغگو (۲۲:۲)، فریبکار (۲-یو۷) نامیده شده اند؛ آنان از جهان هستند (۱-یو۴:۵) و توسط روح خطا رهبری می شوند (۶:۴). سابقاً جزو جوامع مسیحی بودند (۱۹:۲؛ ر.ک ۲-یو۹) و اکنون در صدد گمراهی ایمان دارانی هستند که وفادار و با ایمان مانده اند (۲۶:۲؛ ۷:۳) و حامل آموزه ای هستند که آموزه مسیح نیست (۲-یو۱۰).

اساس خطای ایشان چه بود؟ آنان که با عرفانی از سنخ گنوسی اغوا شده بودند، علی رغم آموزه و رفتاری که در تضاد آشکار با مکاشفه مسیحی بود و بویژه دیدگاهشان در باب مسیح شناسی که کاملاً از روی بدعت و الحاد بود، ادعای شناخت خدا (۱-یو۲:۴)، دیدن خدا (۶:۳؛ ۳-یو۱۱)، زندگی در مشارکت با وی (۱-یو۲:۳) و در نور او بودن (۹:۲) را داشتند: آنان عیسی را نه مسیح می دانستند (۲۲:۲) و نه پسر خدا (۱۵:۴؛ ۲-یو۷)؛ راز تن گیری را رد می کردند (۲:۴؛ ۲-یو۷) و عیسی را «تجزیه و تفکیک» می کردند زیرا در وی عیسای تاریخی و پسر خدا را از هم تفکیک می نمودند و منکر آن بودند که عیسی حقیقتاً از آب و خون آمده است (۱-یو۴:۳؛ ۶:۵). رفتار اخلاقی شان نیز کمتر از این مستحق توبیخ نبود. با گرایشات کاملاً گنوسی خود، مدعی بی گناهی خویش بودند (۸:۱، ۱۰) و در بند مراعات احکام (۴:۲) بویژه محبت برادرانه نبودند (۹:۲).

از مدتها قبل کسانی در صدد شناخت و تعیین هویت دقیق این معلمان کاذب برآمده بوده اند. بنابر شهادت ایرنائوس، انجیل یوحنا مبارزه علیه بدعت و الحاد سرنتوس (Ce-rinthe) را رهبری می کرد. به خوبی قابل درک است که نامه های یوحنا نیز حاوی همین تعلیم است. در واقع به نظر می رسد که آموزه انجیل

در بسیاری نکات با آموزه عیانی که این نامه پرده از روی آن برداشته تطابق داشته است. بنا به قول ایرنائوس، سرنتوس همواره تعلیم می داد که عیسی از بدو تولد انسانی چون دیگران بوده، در هنگام تعمید، مسیح آسمانی با وی پیوند یافت اما به هنگام رنج و مرگ از وی جدا گردید (ر.ک احتمالاً ۱-یو۲:۲۲؛ ۵:۶). به هر تقدیر از دیگر نکات منتسب به سرنتوس هیچ اثری در نامه های یوحنا وجود ندارد. تعیین این هویت تاریخی هر چه بوده باشد، جریانهای مورد نظر نامه ها احتمالاً مربوط به همان جنبش های یهودی گرایان دوران ماقبل گنوسی است که نامه های «شبانی» و نامه های «اسارت» از پیش در جایی دیگر علیه آنها موضع گرفته و بعداً منظومه بزرگ فرقه گنوسی قرن دوم را متلاطم ساختند.

با وجود این، هدف نویسنده مبارزه علیه بدعت گذاران و ملحدین نیست بلکه مستقیماً خطاب به خود مسیحیان است. وی می خواهد ایمانداران مسیحی را از ادعاهای گنوسی ها بر حذر دارد و به آنان نشان دهد که تنها ایمانداران از طریق ایمانشان با خدا مشارکت و اتحاد دارند (۱-یو۱:۳). این در واقع همان چیزی است که از نتیجه گیری نامه اول بدست می آید: «همه این ها را برایتان نوشتم تا بدانید که شما دارای زندگانی جاودان هستید، شما که به نام پسر خدا ایمان دارید» (۵:۱۳). به همین دلیل نیز نویسنده چون بندگردانی تکرار می کند: «از آنجا این را می دانیم که...» (۱-یو۲:۳، ۵؛ ۳:۱۹، ۲۴؛ ۴:۲، ۶، ۱۳؛ ر.ک ۳:۱۰؛ ۲-یو۶، ۷، ۹؛ ۳یو۳:۱۲) و بدین وسیله می خواهد مشخص سازد که ایمانداران حقیقی را با چه نشانی باید شناخت. مبانی این شناخت وفاداری به ایمان مسیحی است که از آغاز تعلیم داده شده (فی المثل ۱-یو۲:۲۲-۲۴) و مراعات احکام بویژه محبت برادرانه (به عنوان مثال ۲:۳-۶، ۹-۱۱) است.

نویسنده

به احتمال قریب به یقین هر سه نامه بوسیله یک نفر نوشته شده اند. بازتاب بحرانی مشابه در دو نامه اول و حتی به طور غیر مستقیم در سومین نامه دیده می شود. چه از لحاظ تفکر و چه واژه ها و سبک، این سه نامه آن چنان و تا آن حد به هم شبیه اند که مشکل بتوان آنها را متعلق به نویسنده های مختلف دانست. اینک به چند نمونه مشابه از این مقوله اشاره می کنیم: «بسیاری اغوا کنندگان (یا انبیای کذبه) در جهان پراکنده گشته اند» (۱-یو۴:۱؛ ۲-یو۷)؛ «در راستی گام بردارید» (۲-یو۴؛ ۳-یو۳)؛ «در راستی محبت داشته باشید» (۲-یو۱؛ ۳-یو۱؛ ر.ک ۱-یو۳:۱۸) فرمان محبت « فرمانی جدید نیست» بلکه فرمانی است «که از آغاز داشته ایم» (۱-یو۲:۷؛ ۲-یو۵)؛ «داشتن پدر و پسر» (۲-یو۹) یا «داشتن پدر نیز» (۱-یو۲:۲۳).

موضوع هویت این نویسنده مشکلی را به وجود می آورد. وی درست بر عکس پولس، هیچ جا نامی از خود نمی برد و در ۲-یو۱ و ۳-یو۱، تنها خود را به عنوان «پیر» معرفی می کند: این عنوان بیانگر رئیس یا رهبر یک جامعه بر حسب سلسله مراتب نمی باشد بلکه طبق رسم کلیساهای آسیا (پاپیاس، ایرنائوس) هر که متعلق به گروه شاگردان

عیسی بوده یا شاگردان را شناخته بود شایسته این عنوان محسوب می شد، لذا چنین فردی بعنوان شاهد درباره آغاز سنت رسولان از صلاحیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. از سوی دیگر، نویسنده خود را چون شاهد عینی زندگانی عیسی معرفی می کند (۱-یو۱:۱-۳؛ ۱۴:۴). این اشارات مختلف به سود عقیده سنتی است که نویسنده این نامه ها را یوحنای رسول می داند. در خصوص نامه اول، در واقع شهادت های قدیمی در انتساب آن به وی با هم متفق هستند. در خصوص دو نامه کوتاهتر بعدی این گونه نیست و تحقیقاً بخاطر همان عنوان «پیر» در قرن سوم و چهارم این نویسنده را «یوحنای شیخ» (که در واقع همان معنای پیر را دارد) می دانند و وی را از یوحنای رسول متمایز می شمارند. اما سنت باستانی شهر افسس تنها یک یوحنا را می شناخت که همانا یوحنا شاگرد خداوند عیسی است.

زمینه ادبی و آموزه‌ای

در نگاه اول، نفوذ و تأثیر عهد عتیق بر نامه ها بسیار اندک است، چرا که یوحنا تنها یک بار صراحتاً به آن اشاره می کند (ر.ک ۱-یو۳:۱۲) معهذا اصطلاحات کتاب مقدسی در آنها کم نیست: «امین و عادل» (۱-یو۱:۹)، «شناختن خدا» (۲:۳، ۴، ۱۴ و غیره)، «قربانی توبه» (۲:۳؛ ۱۰:۴)، «گناهی که به مرگ منجر می گردد» (۱۶:۵) و غیره. اما حضور عهد عتیق در نامه بزرگ و مفصل تر را بویژه در مضمون اصلی که در آن پرورده می شود باید جستجو کرد که همانا مشارکت و اتحاد با خدا و «شناخت» اوست: در چند بخش، «شناخت خدا» همانند شناختی ارائه می شود که ارمیای نبی آن را به عنوان مشخصه پیمان جدید معرفی می کند (ر.ک توضیحات مربوط به ۱-یو۲:۳، ۱۳، ۲۰، ۲۷؛ ۳:۹؛ ۵:۲۰-۲۱).

به هر حال از نقطه نظر واژگان، قرابت نویسنده بیشتر با یهودیت فلسطینی و نوشته های قمران است. واژه ها یا اصطلاحاتی مانند «گام برداشتن در راستی» (۱-یو۱:۶)، «روح راستی» (۶:۴)، «انصاف» (۴:۳) همانند تضاد بس شدید بین خدا و جهان (۴:۴-۶)، نور و ظلمت (۱:۶-۷؛ ۲:۹-۱۱)، راستی و دروغ (۲، ۲۱، ۲۷) که بر آن تاکید شده، در قوانین ساکنان غارهای قمران نیز وجود دارد. ثنویت یوحنایی امری ماوراء الطبیعی و کیهانی آن چنانکه گنوسی ها می پندارند نیست بلکه امری اخلاقی و آخرتی است زیرا در قلب انسانی جای دارد، که هر چند ضعیف و گناهکار است اما لیاقت دگرگونی و توبه و لذا اتحاد با خدا را دارا می باشد. این نامه ها با اهمیت فزاینده ای که برای شناخت قائل می شوند، در جریان یهودیت مکاشفه ای و حکمتی قرار می گیرند که بیشتر توجهش به مکاشفه رازهاست. اما این قواعد و ضوابط برگرفته از یهودیت بارها مورد تعبیر و تفسیر شخص نویسنده در مقام مسیح شناسی قرار گرفته است.

مخصوصاً با بررسی های اخیر، یک تأثیر دیگر از جمله تأثیر تفوق روشن گشته و آن سنت مسیحیت اولیه و بویژه تعالیم مربوط به تعمید است. یوحنا با اصرار هر چه تمام خوانندگان خود را «به آنچه شنیده اند» حواله می دهد (۱-یو۱:۱، ۳، ۵؛ ۲:۷، ۱۸، ۲۴؛

۱۱:۳؛ ۳:۴؛ ۲-یو۶)؛ و گاه با یادآوری صریح «ابتدا» یعنی آموزه های آغازین مسیحی (۱-یو۱:۱؛ ۲:۷، ۱۳، ۱۴، ۲۴؛ ۳:۱۱؛ ۲-یو۵،۶). وی از مسیحیان انتظار دارد که به گناهان خود اعتراف کنند (۱-یو۱:۹) و آنان را فرا می خواند تا ایمان خود را به عیسی، پسر خدا که تن گرفته تقویت کنند (۱-یو۲:۲، ۳؛ ۲:۴، ۱۵؛ ۲-یو۷): اینها نیز مضامین مربوط به تعمید هستند. معهذا همه این مضامین اعم از مضامین یهودی یا مسیحی، برای توصیف وضع ایمانداران در کشاکشی که با جهان دارند، اقتباس شده و فعلیت یافته اند.

نامه اول

تعیین نوع ادبی این نامه آسان نیست. چون فاقد خطاب و نتیجه گیری است و در آن به هیچ نامی اشاره نشده مشکل بتوان آن را به سادگی نامه دانست، حتی نامه ای سرگشاده خطاب به جامعه ای محلی نیست (همان گونه که اغلب نامه های پولس چنین اند). با وجود این نویسنده خوانندگانش را «فرزندان کوچک» خود می خواند (ر.ک ۱:۲۰ توضیح)، مرتب ایمان مشترک را به آنها یادآوری کرده آنان را تشویق می کند که در ایمان خویش باقی بمانند و از این رو اقتداری مذهبی بر آنان اعمال می کند. به نظر می رسد که این نامه خطاب به گروهی از کلیساهای مورد تهدید همان بدعت ها نوشته شده و همانطور که از سنت قدیم برمی آید در حقیقت به کلیساهای آسیا ارسال گشته باشد. نوشته ای که یوحنا برای آنها می فرستد نوعی نامه شبانی برای تقویت و تنویر آنان در نبردی که بخاطر ایمان دارند می باشد.

درباره ساختار نامه، نظرات پراکنده ای وجود دارد. مسأله بغرنج تر آنجاست که ادات و حروف ربط در نامه بسیار اندک است. اما پدیده ای آگاه کننده امکان تشخیص طرحی در آن را فراهم می آورد و این پدیده آن است که نویسنده غالباً یک مضمون را همیشه با نظم و ترتیبی یکسان از سر می گیرد. مولف اندیشه خود را بر حسب جنبشی دورانی حول یک مضمون اصلی از جمله موضوع اتحاد با خدا توسعه می دهد. این امر به وضوح در مقدمه دیده می شود (۳:۱) و با عباراتی هم وزن در آیات پایانی بیان می گردد (۱۳:۵). نویسنده می خواهد این یقین را در خوانندگان خود بوجود آورد که ایمان داران زندگانی جاودان دارند. و در برابر بدعت گذاران نشان می دهد که با چه شرایطی این زندگانی را بدست می آورند و با چه معیارهایی آن را می توان شناخت. سراسر نامه چیزی جز تشریح این معیارها و شرایط زندگانی اصیل مسیحی نیست که در یک سلسله پرده های متوازی با پیشرفتی واضح یکی بر دیگری ارائه می شود:

مقدمه

(۱:۱-۴): اعلام مضمون اساسی.

الف. نخستین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۱،۵-۲،۲۸). اتحاد در اینجا به عنوان مشارکت در نور خدا در نظر گرفته شده است. معیارهای این اتحاد به قرار زیر است:

۱- گام برداشتن در نور، تبری از گناه (۱:۵-۲:۲).

۲- رعایت فرمان محبت (۲:۳-۱۱).

۳- ایمان مومنین در برابر جهان و دجالان

(۲:۱۲-۲۸)
ب. دومین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۲:۲۹-۴:۶). این بار اتحاد با خدا با مضامین پدر فرزندی توصیف شده است. معیارهائی که فرزندان خدا را معرفی می کند به این شرح است:
۱- عمل به عدالت و عدم ارتکاب گناه (۲:۲۹-۳:۱۰).
۲- شفقت و مهربانی به مثال پسر خدا (۳:۱۱-۲۴).
۳- تشخیص ارواح به وسیله ایمان به عیسی مسیح (۴:۱-۶).
ج. سومین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۴:۷-۵:۲). دیگر به معیار منفی انصراف از گناه اشاره نمی شود. نویسنده برای بیان دو معیار مثبت محبت و ایمان تا سرچشمه های آنها به عقب بازمی گردد: محبت که تا این زمان از زاویه خطابه تشویقی (۲:۳-۱۱) و مسیح شناسی (۳:۱۱-۲۴) مد نظر بود این بار از دیدگاهی کاملاً الهی به آن نگریسته می شود (ر.ک ۴:۷-۹، ۱۶). ایمان که در دو مرحله قبلی چون طرز رفتاری کلیسایی یعنی اقرار به ایمان شرح داده شده بود (ر.ک ۲:۲۲-۲۵؛ ۳:۲۳؛ ۴:۲-۶) اکنون چون واقعیتی مربوط به الهیاتی نشان داده می شود، ایمان به (نام) پسر خدا (۵:۵، ۱۰؛ ر.ک ۵:۱۳):
۱- (در پایان نامه به دوری جستن از گناه اشاره نمی شود).
۲- محبت از خدا سرچشمه می گیرد و ریشه در ایمان دارد (۴:۷-۲۱).
۳- ایمان به پسر خدا ریشه محبت و نیکوئی است (۵:۱-۱۲).
مؤخره (۵:۱۳-۲۱).

بنا بر عقیده برخی منتقدین، از تجزیه و تحلیل این نامه بسترهای ادبی بسیاری آشکار می گردد. هیچکس درصدد آن بر نیامده که از این نامه، متنی ابتدایی از منشاء گنوسی یا قمرانی یا شرح و بسط های خطابه ای که نویسنده به نامه افزوده باشد بیرون بکشد. اما تنوع سبک ها دلیلی بر متعدد بودن مأخذها نمی باشد. ویژگی کم و بیش آموزه ای هر بخش به خوبی تحت تاثیر تعالیم مربوط به تعمید واضح است و نظم و قاعده ساختار خود نامه، شاخصی در جهت یکپارچگی ادبی آن می باشد.

با این وجود بخشی که در گذشته موجب مجادلات شدید شده بود مسلماً اصیل و معتبر نبوده است. این موضوع به موردی حذف شده در ۵:۶-۸ موسوم به comma johanneum (واژه های بین هلالین) برمی گردد: «آنان سه هستند که شهادت می دهند (در آسمان: پدر، سخن و روح القدس و این سه یک هستند؛ و سه هستند که بر زمین شهادت می دهند) یعنی روح، آب و خون و این سه در شهادتی یگانه اتحاد دارند.» این متن که در نسخه ولگات سیکستو کلمنتین (sixto-clementine) آورده شده است در همه نسخه های یونانی پیش از قرن پانزدهم، در نسخ کهن و در بهترین نسخ ولگات وجود ندارد؛ مسلماً عبارتی در حاشیه متن بوده که در جریان انتقال آن به غرب وارد متن اصلی گردید.

دو نامه کوتاه

برخلاف نامه اول یوحنا، این دو نوشته کوتاه دارای ویژگی های نامه حقیقی هستند.

دومین نامه به «بانوی برگزیده و فرزندانش» فرستاده شده و این عنوانی است

از جانب «پیر» به یکی از کلیساهای آسیا که به وی تعلق داشته و در جایی دیگر هویت آن آشکار نگشته است. ایمان مسیحیان این جامعه به علت حضور اغوا کنندگان که موضوع تن گیری را رد می کردند (آیه۷) و به آموزه مسیح پای بندی و وفاداری نداشتند (آیه۹) به خطر افتاده بود. یوحنا می خواهد ایمانداران را علیه چنین آموزش هایی (آیات۸، ۱۰-۱۱) هشدار بدهد: کسانی که ادعای شناخت حقیقت را دارند (آیه۱) باید در راه حقیقت نیز گام بردارند (آیه۴)، به یکدیگر محبت داشته باشند (آیه۵)، در نور فرمانی که از سوی خدا آمده و از آغاز به کلیسا منتقل شده زندگی کنند (آیات۴-۶) و این همان مضامینی است که در سرتاسر نامه مفصل تر یعنی نامه اول مورد بسط و تطور قرار گرفته است.

سبک نامه سوم شباهت شگفت انگیزی با نامه دوم دارد (۲-یو۱، ۴، ۱۲-۱۳ را با ۳-یو۱، ۳، ۱۳-۱۵ مقایسه کنید) و با این وجود ویژگی شخصی بیشتری دارد. این نامه به «غایوس» نامی فرستاده شده که «پیر» وی را تهنیت می گوید زیرا در راه حقیقت گام برمی دارد (آیه۳؛ ر.ک ۲-یو۴). لحن کم و بیش جدلی آن مبین بحرانی است که در میان ایمانداران روی داده بود. پیر قبلاً نامه ای خطاب به آن جامعه نوشته بود اما دیوترفیس که احتمالاً رهبر آن جامعه کلیسائی بوده اقتدار وی را به رسمیت نشناخته است (آیه۹). «پیر» این بار خود را مجبور دیده که نامه ای به غایوس بنویسد که یکی از مشاهیر مسیحیان وفادار بوده است. «پیر» از کلیسایی که در آنجا مسکن داشت گروهی از مبشران سیار را که عهده دار شناساندن نام عیسی مسیح در بین بی ایمانان بودند، رهبری می کرد (آیه۷). پذیرائی و تدارک آنان همه جا بوسیله مسیحیان تأمین می گردید و بدین سان خود را همیار و همکار در راه حقیقت می شمردند (آیه۸) اما «دیوترفیس» تمایلی به پذیرش آنها نداشت و حتی کسانی را که برای یاری می آمدند از آن جامعه نوپای مسیحی می راند (آیه۱۰). هدف این نامه آن است که غایوس را تشویق و تشجیع نماید که همچنان به حفظ و نگهداری مبشران ادامه دهد.

این یادداشت در ظاهر دارای ویژگی «شبانی» است و حاوی هیچگونه اشاره ای به آموزه های بدعت گذارانی که در دو نامه دیگر از آنها سخن گفته می شود، نیست. مع الوصف مخالفت سرسختانه دیوترفیس با بشارت انجیل که از سوی پیر رهبری می گردد و امتناع وی از اطاعت او، ویژگی روح خطا (۱-یو۴، ۶)، تأکید «پیر» مبنی بر اینکه «دیوترفیس» خدا را ندیده است (۳-یو۱۱) -اشاره به بدعتی که مدعی دیدن خدا بود (۱-یو۳:۶؛ ر.ک ۴:۲)- و سرانجام ابراز شادمانی از اینکه غایوس در راه حقیقت گام برمی دارد (۳-یو۳، ۴)، رفتار و شیوه ای که با رفتار اغواگران متضاد و متعارض نشان داده شده (۲-ی ۴-۷) و از همه این ها چنین فرض می شود که در خصوص دیوترفیس، وی با بدعت و ارتداد سازگاری و موافقت نشان داده است.

هیچ شاخصی وجود ندارد که بر اساس آن با یقین بتوان گفت که تقدم و تأخر نگارش سه نامه چگونه بوده است. بنا بر قول برخی نویسندگان، نامه اول یوحنا از لحاظ تاریخ نگارش آخرین آنهاست. این عقیده خالی از

حقیقت نیست؛ در زمانی که این نامه نوشته می شد گروهی ضد مسیح و دجال از جامعه مسیحیان جدا شده بودند (۱۹:۲) که این خود نشان می دهد که بدعت و الحاد رو به افزایش بود و طرفداران بیشتری می یافت. از لحن کلام نویسنده چنین برمی آید که خطر، حالت عمومی به خود گرفته بود. پس از خطاب به جامعه مسیحیان محلی در ۲-یو و ۳-یو اکنون خود را ناچار دیده که همان مضامین را در نامه ای گروهی از سر بگیرد و این بار نامه را به کلیساها و جوامع مختلف مسیحی آسیا که تحت اقتدار و اختیار وی بوده بنویسد.

الهیات نامه اول

در این پیشگفتار جای آن نیست که تجزیه و تحلیل کاملی از الهیات نامه اول یوحنا به عمل آوریم اما می توانیم تعلیم بنیانی وی را تا حدودی روشن سازیم. نیت نویسنده به وضوح در آیه نتیجه گیری بیان شده است: «همه این ها را برایتان نوشتم تا بدانید که دارای زندگانی جاودان هستید، شما که به نام پسر خدا ایمان دارید» (۱۳:۵). در آشفتگی و هرج و مرج ناشی از آموزه های الحادی، یوحنا می خواهد ایمانداران را به این یقین برساند که ایشان زندگانی جاودان خواهند داشت و نه پیامبران دروغین. در آیات پایانی، این یقین چون ندای پیروزی ایمان بر جهان به غرش در می آید: می دانیم هر که از خدا مولود شده دیگر گناه نمی کند... می دانیم که ما از خدا هستیم اما سراسر جهان زیر سلطه شر قرار دارد. می دانیم که پسر خدا به ما فهم داده تا حقیقت را بشناسیم و ما در حقیقت بسر می بریم با «پسرش عیسی مسیح» (۱۸:۵-۲۰). علیه ادعاهای کاذب گنوسی ها، مسیحیان باید سعی کنند که «شناخت» (gnose) حقیقتی را که یقین ایمان است توسعه داده و استوار نمایند: «مسیحی کامل، دیگر در ظلمات بسر نمی برد، بلکه در نور خود این را می داند!»

مضمون اصلی این نامه اتحاد و مشارکت ایمانداران با خداست: «اتحاد با پدر و با پسرش عیسی مسیح» (۳:۱)، اما این اتحاد در میان مسیحیان چون اتحادی بین برادران (۳:۱، ۶) پدیدار می شود. این واژه «اتحاد و مشارکت» در دیگر نوشته های یوحنای رسول وجود ندارد اما حقیقتی که وی بیان می دارد در سراسر نامه به شیوه های گوناگون و کمابیش متوازن نوشته شده که تمامی غنای این زندگانی جاودانی را روشن می سازد: شخص ایماندار «از خداست» (۵:۲؛ ر.ک ۲۰:۵)، «با خدا بسر می برد» یا «با پسر و پدر» (۶:۲، ۲۴، ۲۷؛ ۶:۳)، «در خدا می میرد و خدا در وی بسر می برد» (۲۴:۳؛ ۱۵:۴، ۱۶)؛ «از خدا مولود شده است» (۲۹:۲؛ ۹:۳؛ ۷:۴؛ ۱:۵، ۴)؛ او «فرزند خداست» (۲:۳، ۱۰)؛ «پدر و پسر را دارد» (۲۳:۲؛ ۱۲:۵، ۱۳؛ ر.ک ۲-یو۹)؛ «دارای زندگانی است» (۱۲:۵). به همه این ها باید اصطلاح کتاب مقدسی «شناخت خدا» را افزود (۳:۲، ۴، ۱۴؛ ر.ک ۱:۳؛ ۶:۴، ۷، ۸). یوحنا با اصرار قابل ملاحظه ای تأکید می ورزد که این اتحاد الهی وقتی قابل حصول است که با تفکر و تعمق عیسی پسر خدا باشد که نخستین شاهدان شنیده و دیده اند (۱:۱-۳)؛ اگر ما بتوانیم «حقیقت را بشناسیم» به آن معناست که «ما با پسر وی عیسی مسیح هستیم» زیرا

«او خود حقیقت است، او خدا و زندگانی جاودان است» (۵:۲۰).

مسیحیان حقیقی از آنجا که از خدا شناخت دارند (۴:۶-۷) همیشه خدا را بهتر می یابند. یوحنا از سه جنبه سخن می گوید که تحت تأثیر آنها راز خدا به ایمانداران مکشوف می گردد: خدا نور است. خدا عادل است. خدا محبت است.

نامه یوحنا از همان آغاز پیامی مهم خطاب به مسیحیان دارد که کل معنای آن را از پرده بیرون می افکند: خدا نور است (۱:۵). در اینجا نیز همانند یهودیت، نور یعنی مکاشفه و باز هم مضمون پیشگفتار را از سر می گیرد: زندگانی جاودان در عیسی مسیح بر ما مکشوف شده یعنی زندگی پدر و زندگی پسر که سخن خداست که معطوف به پدر می باشد (۱:۲). پس از آمدن مسیح، این نور حقیقی مکاشفه به جهت انسانها درخشیدن گرفته است (۲:۸)؛ این نور از این پس برای آنان پیام محبت خدا و در عین حال دعوت آنان به زندگانی در محبت است. همه کسانی که می شنوند در این نور خدا بسر می برند و به برادر خود محبت دارند (۲:۱۰) و همه با هم در اتحاد زندگی می کنند (۱:۷).

به کاملیت الهی دیگری در دو جای دیگر اشاره شده است: خدا عادل است (۱:۹؛ ۲:۲۹)، این عنوان همچنین دو بار به عیسی اطلاق گشته است (۲:۱؛ ۳:۷) زیرا وی در عمل نجات بخش خود عدالت خدا را بر جهانیان مکشوف ساخته است. در هر یک از این متون، عدالت الهی با مفهوم گناه سازش داده شده است: خدا به واسطه عدالت خود ما را از گناه می رهاند و محبتی را که به ما دارد آشکار می گرداند (ر.ک ۲:۱-۲ و ۴:۱۰). با این مکاشفه عدالت نجات بخش خدا، به ایماندار این احساس دست می دهد که وی نیز به سوی عمل به عدالت رهبری می شود (۲:۲۹؛ ۳:۷) تا همان گونه پاک باشد که عیسی پاک است (۳:۳).

سومین تعریف یوحنا از خدا، مهم تر است و حقیقتاً در مرکز مکاشفه عهد جدید قرار دارد: خدا محبت است (۴:۸، ۱۶). از دیدگاه یوحنا، محبت در عین حال موهبتی برای خویشتن و اتحاد با خداست. در خدا، محبت، پدر و پسر را یکی می سازد. اما این محبت الهی خود را ظاهر ساخته و منتقل می گرداند: تمامی محبت از خداست (۴:۱۷). از دید یوحنای رسول، عمل نجاتی که پسر به تحقق می رساند چون مکاشفه بزرگ محبت پدر است (۳:۱۶؛ ۴:۹-۱۰، ۱۶). ما مسیحیان که تمامی این پیام محبت را می شناسیم دعوت شده ایم که این محبت خدا (۲:۵؛ ۴:۱۲، ۱۷، ۱۸) در وجود خود را با محبت به برادرمان (۴:۲۰) و با محبت به کسانی که واقعاً از خدا هستند (۵:۲) به تحقق برسانیم. در واقع با این مکاشفه همه زندگانی شخص ایماندار تبدیل به زندگی «در حقیقت و محبت» می گردد (۲-یو۳) و این زندگی ایمان و محبت شرط مستقیم شناخت خداست.

با وجود این یوحنا فراموش نمی کند که معلمان دروغین، خود مدعی «شناخت خدا» هستند و به همین دلیل وی هشدارها را فزونی می بخشد تا معیارهای زندگی اصیل مسیحی را مشخص سازد. می توان آن معیارها را به دو بخش تقسیم کرد: در ابتدا معیارهای نظم

اخلاقی: از گناه حذر کنید (۶:۳)؛ به جهان دلبستگی نیابید (۱۵:۳)؛ در نور گام بردارید (۷:۱)؛ به عدالت عمل نمائید (۲۹:۲؛ ۱۰:۳)؛ احکام را مراعات کنید (۳:۲-۵؛ ۲۴:۳؛ ۲:۵) بویژه حکم محبت برادرانه (۹:۲-۱۱؛ ۳:۱۰، ۱۸-۲۰؛ ۱۳:۴، ۲۰؛ ۱:۵) و سپس معیارهای آموزه ای: در آموزشهایی که از آغاز داده شده است باقی بمانید (۲۴:۲)؛ به کسانی که در کلیسا حقیقت را تعلیم می‌دهند گوش فرا دهید (۶:۴)؛ به عیسی ایمان آورده اعتراف کنید که عیسی، مسیح و پسر خداست (۲۳:۲؛ ۲:۴؛ ۱:۵، ۱۰). اما آنچه درباره موهبت روح القدس مطرح می شود (۳، ۴:۲۴، ۱۳) به معنای واقعی معیار نیست بلکه نیروئی درونی است که ایمان و محبت به همنوع را برمی‌انگیزاند.

ثمرات این اتحاد و مشارکت اصیل با خدا و با همنوعان چیست؟ عمل سخن خدا و عظمت «ایمان مسیحی» بر جهان و گناه پیروز است (۱۳:۲، ۱۴؛ ۴:۴؛ ۴:۵-۵)؛ هر که کاملاً طبق زندگانی فرزند خدا زندگی کند نمی تواند مرتکب گناه شود (۶:۳، ۹؛ ۱۸:۵). اطاعت کامل وی از اراده خدا هر گونه ترس را در وی از بین می برد (۱۸:۴) و یقینی کامل در برابر داور اعظم خواهد یافت (۲۸:۲؛ ۲۱:۳؛ ۱۷:۴) و اطمینان دارد که در نیایش های خود مستجاب خواهد شد (۲۱:۳-۲۲؛ ۱۴:۵-۱۵). برای همین است که این اتحاد برای ایمانداران سرچشمه صلح می گردد (۲-یو۳) و شادی مسیحی را برمی‌انگیزاند (۱-یو۱:۳).

نتیجه

نامه های یوحنا نشان دهنده کیفیت زندگی واقعی مسیحی است. زندگانی در اتحاد و مشارکت با خدا، در تکامل پیمان نوین بین خدا و انسان که از سوی پیامبران برای ایام نجات اعلام شده بود به تحقق می رسد. این عهد، جدید است، نخست به خاطر مکاشفه ای که عیسی مسیح آورده -مکاشفه محبت پدر- و همچنین به دلیل درون گرایی این حقیقت تحت تأثیر روح القدس. به این ترتیب ایمان و محبت، تورات (قانون) جدید رسولان مسیح می گردد. برای دسترسی بهتر به ثمرات این مکاشفه، یوحنا بر سنتی تأکید می کند که در ارتباط دائم با روزهای آغازین خود بوده و همچنین بر اهمیت تشخیص ارواح، «تدهین» درونی (chrisma) و تجربه ایمانی ایمان داران تأکید می ورزد: چه بسیاری نکات آموزه ای که اقتباس شده و بعداً بطور وسیع در الهیات، روحانیت و عرفان مسیحی مورد توسعه و تکامل قرار گرفته است.

اگر این نامه ها حاوی آموزشهائی درباره اتحاد با خدا، اخلاق و الهیات عرفانی هستند همچنین حاوی تعالیمی در باب آخرت شناسی نیز می باشند. در واقع نمی توان از اهمیتی که در نامه ها به ایام آخر می دهند چشم پوشی نمود؛ یوحنا می گوید ساعت آخر فرا رسیده است. ما مسیحیان به نحوی در حال مقابله با جهان هستیم، اما می دانیم که این جهان گذراست؛ برای همین است که ما را دعوت می کنند که تمام امید خود را بر عیسی قرار دهیم: وقتی او ظاهر شود وی را همان گونه که هست خواهیم دید.

ارزش فعلی این پیام برای زمان ما و هر زمانی بدیهی است. امروز همانند دورانهای دیگر، ایمان در بحبوحه بحران قرار دارد.

مسیحیان می‌خواهند بدانند که حقیقت ایمان در کجاست. آنان برای شناخت روح خدا در پی معیارهایی هستند: یوحنای رسول از ایماندارانی که از حقیقت شناخت دارند می‌خواهد که در آموزه عیسی مسیح پایدار باشند و با زندگانی سراپا محبت‌آمیز خود، شاهد ایمانشان به پسر خدا باشند.

اولین نامه یوحنا

مقدمه

۱۳:۲-۱۴؛ یو۱:۱ **۱** [۱]آنچه از آغاز[a] بود،
آنچه را شنیده ایم،
یو۱:۱۴؛ ۲۵:۲۰ آنچه را به چشم های خود دیده ایم،
آنچه را تماشا کرده ایم
و دستهای ما سخن زندگی[b] را لمس
کرده است[c].
یو۱:۴؛ ۱۱:۲۵-۲۶ [۲]و زندگی تجلی کرده
و ما دیده ایم
۱۴:۴ و گواهی می دهیم
۲۵:۲ و به شما اعلام می کنیم، زندگی
جاودانی[d] را
که نزد پدر بود[e] و بر ما تجلی کرد.
[۳]آنچه را که دیده و شنیده ایم،
اع۴:۲۰ به شما هم اعلام می کنیم
تا شما نیز در همبستگی با ما باشید؛
یو۱۷:۲۰-۲۱؛ ۱-قرن۱:۹ و امّا همبستگی ما با پدر
و با پسرش عیسی مسیح است[f].
[۴]و اینها را می نویسیم
۲-یو۱۲ تا شادی[g] ما به تمامی باشد.

a- منظور از کلمه آغاز، آغازی است که مربوط به قبل از تاریخ بشری می باشد، نظیر آنچه در مقدمه انجیل ذکر شده است (ر.ک یو۱:۱ توضیح b)، در این صورت آیه اول مقدمه درباره مسیح می باشد؛ یا اینکه منظور آغاز اعلام و انتشار انجیل است. در این صورت توجه خوانندگان را به پیام اولیه مسیحی معطوف می کند (ر.ک ۷:۲ توضیح x).

b- (تحت اللفظی: در مورد سخن زندگی. لحن گفتار یوحنا گاهی غیر صریح و مبهم است.) منظور از کلمه یونانی که سخن ترجمه شده، عیسی مسیح است چنان که در مقدمه انجیل یوحنا نیز به همین معنی آمده است. بعضی از مترجمان آن را کلام (پیام) زندگی ترجمه می کنند، در این صورت بجای سخن واژهٔ زندگی به مسیح اطلاق می گردد (ر.ک آیه بعدی).

c- تحت اللفظی: دست زده است. نویسندهٔ نامه عملاً دربارهٔ بشری بودن عیسی مسیح تأکید و اصرار می ورزد زیرا برخی از مفسران که سعی داشتند مسیحیت را از نظر فلسفی تفسیر کرده و به آن جنبهٔ گنوسی بدهند به صراحت یا به طور ضمنی بشر بودن عیسی را انکار می کردند و به این ترتیب ایمان مسیحیان را به مخاطره می انداختند (ر.ک مقدمه). نویسنده همچنین اظهار می کند که گواهی او واقعی است زیرا بر مبنای شهادت گواهان اولیه است که مستقیماً عیسی را دیده و سخنان او را شنیده اند. ر.ک ۱۴:۴.

d- زندگانی جاودانی یعنی زندگی خدا. این زندگی در شخص عیسی مسیح، پسر خدا بوسیله اعلام انجیل به ما داده می شود (۱۱:۵؛ ر.ک ۹:۴) و با ایمان به نام او دریافت می گردد (۱۳:۵؛ ر.ک ۲۳:۳؛ یو۳:۱۶).

e- تحت اللفظی: که به سوی پدر بود. ر.ک یو۱:۲.

f- خط ارتباط مداوم همبستگی محبت و حقیقت که از یک سو عیسی مسیح را به پدرش و از سوی دیگر به نخستین گواهانش می پیوندد بدون گسیختگی و انقطاع است. ضمناً این ارتباط نخستین گواهان را به کلیسا و مسیحیان را به یکدیگر می پیوندد (آیه ۷).

g- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: شادی شما. در این صورت با آنچه در یو۱۵:۱۱ ذکر شده هماهنگی خواهد داشت. ولی اگر انجیل برای کسانی که آن را می پذیرند شادی ایجاد می کند قبلاً و به دلیل بالاتر کسانی را که پیام آور انجیل هستند سرشار از شادی خواهد کرد. ر.ک ۲-یو۱۲.
آنچه جالب توجه می نماید فضای فراوانی و شادی است که از ویژگی های بارز نخستین آیات این نامه می باشد. در مقدمه انجیل چهارم مشاهده می شود که عیسی مسیح در وارد شدن به دنیا با انکار و امتناع روبرو می شد و حال آنکه در اینجا طرفدارانش او را پذیرفته و تجلیل می نمایند.

راه رفتن در روشنایی، رهایی از گناه

۱۱:۳ ۵ وچنین است پیامی که از او شنیده ایم
و به شما نوید می‌دهیم[h]:
خدا روشنایی است[i]
و در او هیچ تاریکی نیست.
۶ اگر بگوییم[j]: «با او در همبستگی هستیم»
۹:۲؛ و در تاریکی راه برویم،
یو۸:۱۲ ۴:۲ دروغ می‌گوییم
یو۳:۲۱ و به حقیقت عمل نمی‌کنیم[k].
افس۵:۸ ۷ ولی اگر در روشنایی راه می‌رویم،
چنان‌که [خود] او در روشنایی است
با یکدیگر در همبستگی هستیم[l]
و خون پسرش عیسی[m] ما را از هر گناهی پاک می‌کند. عبر۹:۱۴؛ مک۱:۵
۸ اگر بگوییم: «گناهی نداریم»، امث۲۰:۹؛ ۱-پاد۸:۴۶؛ ایوب۹:۲؛ جا۷:۲۰؛ روم۳:۱۰-۲۰
خود را گمراه می‌کنیم
و حقیقت در ما نیست.
۹ اگر گناهان خود را اعتراف کنیم[n]، ۲-توا۷:۱۴؛ مز۳۲:۱-۵
او که وفادار و عادل[o] است،
گناهان ما را خواهد بخشید روم۴:۶-۸
و ما را از هر بی‌عدالتی[p] پاک خواهد کرد.

h- کلمه یونانی anaggellein که در اینجا (و در یو۴:۲۵؛ ۱۳:۱۶-۱۵) آمده و نوید دادن ترجمه شده است به بهترین وجهی فکر و نیت نویسنده را بیان می‌کند. این کلمه را گاهی اعلام کردن یا آشکار کردن ترجمه می‌کنند. این فعل که به کرّات در کتابهای پیامبران و در ادبیات مکاشفه‌ای بکار برده شده هم به مفهوم اعلام کردن به صدای بلند و هم به مفهوم اظهار کردن (اش۴۰:۲۱؛ ۴۲:۹) یا به مفهوم شناساندن تفسیر می‌باشد (دان۲:۲، ۴، ۷؛ ۵:۱۲، ۱۵). در متن بالا این واژه دارای دو مفهوم آشکار کردن و اعلام کردن می‌باشد که در مقدمه ذکر شده است (آیات۲ و ۳). البته مسیحیان نیازی ندارند که انجیل بر آنان آشکار شود؛ ولی همواره این احتمال وجود دارد که دستورات و الزامات انجیل را فراموش کنند. بدین سبب نویسنده بی‌پروا می‌گوید: این پیام را که به‌خوبی می‌شناسید باید به عنوان رازی پنهانی که همواره تازگی دارد بر شما آشکار کنیم.

i- تصویر روشنایی که در انجیل چهارم آمده و در آنجا عیسی خود را به عنوان روشنایی حامل حقیقت معرفی می‌کند (ر.ک یو۸:۱۲)، در اینجا در مورد خدا بکار برده شده که منبع الهام و لذا منبع هر قدوسیت در مسیحیت است. لازم به یادآوری است در افکار و اندیشه‌های مذهبی آن دوران عمومیت داشت که الوهیت را با نور و روشنایی مجسم و مشخص نمایند مثلاً مشرکانی که مسلک عرفانی داشتند تصور می‌کردند با روشنی ضمیر خود می‌توانند به ملکوت روشنایی نزدیک شوند یا اینکه بوسیله خلسه یا شرکت در مراسم و تشریفات ورود به فرقه‌ها به ملکوت دست خواهند یافت. یوحنا چنین استدلال و نتیجه‌گیری می‌کند که خدا از ظلمت دور است لذا فرد مسیحی باید با او در روشنایی قدم بردارد. ر.ک لاو۱۹:۲: مقدس باشید، زیرا من، خداوند، خدای شما مقدس هستم.

j- عباراتی که با کلمات اگر بگوییم (آیات۶، ۸، ۱۰) شروع شده ظاهراً بیان اظهارات مخالفین مورد نظر نویسنده نامه است و نظریاتی بوده که تا حدی جنبهٔ گنوسی داشته و یوحنا آنها را به عنوان افکار باطل ردّ می‌کند.

k- اصطلاح به حقیقت عمل کردن در نوشته‌های عهد عتیق و در آیین یهود یعنی آن رفتار اخلاقی که برطبق قوانین تورات انجام می‌گردید. اصطلاح مذکور در اینجا جنبهٔ ملموس و واقعی را حفظ نموده و با این همه یوحنا آن را مجدداً تفسیر و در مورد توبه و ایجاد ایمان بکار می‌برد. (ر.ک آیات۸، ۱۰) که عیسی مسیح اعلام کرده و در فرد ایماندار نفوذ می‌نماید تا زندگی او را دگرگون نماید. در انجیل (یو۳:۲۱) اصطلاح به حقیقت عمل کردن، بیانگر قدم برداشتن به سوی ایمان است؛ در اینجا به مفهوم توبه‌ای است که همواره تکرار و تجدید می‌شود و در اعتراف به گناهان بیان می‌گردد (ر.ک آیات۸، ۱۰).

l- در اینجا بیشتر انتظار می‌رفت ذکر شود: در همبستگی با او هستیم. ولی دقیقاً به نظر یوحنا همبستگی با خدا بدون همبستگی با برادرانمان وجود ندارد.

m- خون عیسی: رک ۲:۲ توضیح u.

n- در مسیحیت اولیه، اعتراف به گناهان معمولاً به اعلام در ملأ عام تعبیر می‌شد (مت۳:۶؛ مر۱:۵؛ یع۵:۱۶).

o- این دو کلمه در نوشته‌های عهد عتیق مفهومی نزدیک به هم دارند (مثلاً تث۳۲:۴): خدا وفادار است زیرا وعده‌های خود در مورد نجات را تحقق می‌بخشد؛ خدا عادل است زیرا با محبت خود گناهکاران را می‌بخشد (۲:۲۹-۳:۱).

p- پس از ذکر اینکه خدا گناهان ما را به طور کلی خواهد بخشید، کلمه بی‌عدالتی بیانگر خطای بخصوصی مثلاً بی‌عدالتی نسبت به مردمان نیست. در نوشته‌های مقدس کلمه بی‌عدالتی بیشتر به مفهوم دشمنی شدید با خداست که آدمی را به همه گناهان

۱۰ اگر بگوییم: «گناه نکرده ایم»،
او را دروغگو می شماریم[q]،
و سخن او در ما نیست.

۲ ۱ ای فرزندان کوچک من[r]،
اینها را به شما می نویسم تا گناهی نکنید.
و اگر کسی گناه کند،
ما به نزد پدر مدافعی[s] داریم — روم۸:‏۳۴؛ عبر۷:‏۲۵
که عیسی مسیح عادل[t] است.
۲ و [خود] او کفاره برای گناهان ما است[u]، — روم۳:‏۲۵
نه امّا فقط برای گناهان ما،
بلکه نیز از آن تمامی جهان. — ۴:‏۱۴؛ کول۱:‏۲۰

رعایت فرمان خدا دربارهٔ محبت

۳ و بدین سان می دانیم که او را شناخته ایم[v]:
اگر فرمانهای وی را رعایت کنیم[vv]. — ۳:‏۲۲–۲۴؛ ۴:‏۲۱؛ ۵:‏۲–۳؛ ۲-یو۶؛ تیط۱:‏۱۶
۴ آن که می گوید: «من او را شناخته ام»
و فرمانهای او را رعایت نمی کند
دروغگو است — ۴:‏۲۰
و در او حقیقت نیست. — ۱:‏۸
۵ اما آن که سخن او را نگاه می دارد، — یو۱۴:‏۲۱، ۲۳
در او محبت خدا حقیقتاً به کمال است.
بدین سان می دانیم که در او هستیم.
۶ آن که می گوید در او جای دارد، — ۳:‏۳، ۱۶؛ ۴:‏۱۷؛ فی۲:‏۵؛ ۱-قرن۱۱:‏۱؛ ۱-پطر۲:‏۲۱–۲۵
باید به همان گونه که او رفتار کرده است
خودش نیز رفتار کند[w].

می کشانند؛ در عهد جدید این ضدیت با حقیقت که به بی ایمانی منجر می شود (روم۱:‏۱۸؛ ۸:‏۲؛ ۱-قرن۱۳:‏۶؛ ۲-تیمو۲:‏۱۸–۱۹) از مختصات ایام آخر است (۲-تسا۲:‏۱۰–۱۲)؛ بدین سبب گاهی کلمه یونانی adikia را بی انصافی ترجمه می کنند، چنانکه واژهٔ مترادف یونانی دیگر را هم که در ۳:‏۴ (ر.ک توضیح z) آمده به همین گونه ترجمه می نمایند. یوحنا می گوید اگر ما به گناهان خود اعتراف کنیم خدا خطاهای ما را خواهد بخشید و حتی ما را از بی عدالتی که ریشهٔ این گناهان است پاک خواهد کرد.

q- زیرا در نوشته های مقدس، خدا همهٔ ما را گناهکار اعلام می کند. ر.ک روم۳:‏۹–۲۰ که در آن آموزه عهد عتیق یکجا و خلاصه شده است.

r- کلماتی محبت آمیز که یوحنا به عنوان رهبر مذهبی به فرزندان ایمانی خود با دلسوزی اندرز می دهد (ر.ک آیات۱۲، ۱۸، ۲۸ و غیره).

s- کلمه یونانی parakletos در انجیل چهارم نیز آمده است. ر.ک یو ۱۴:‏۱۶، ۲۶؛ ۱۵:‏۳۶؛ ۱۶:‏۷. در آنجا بیانگر روح القدس است که بر روی زمین به یاری ایمانداران می آید، ولی در اینجا منظور خداوند عیسی است که در حضور خدا از ایمانداران شفاعت می کند. ر.ک آیه بعدی و توضیح مربوطه.

t- کلمه عادل که در اینجا در توصیف عیسی آمده قبلاً در مورد خدا بکار برده شده بود (۱:‏۹). این کلمه کمتر به منظور توصیف بی گناهی و کمال اخلاقی او و بیشتر به سبب عملی است که عیسی انجام داده و در عین وفاداری به مشیت خدا گناهکاران را تبرئه می نماید.

u- این عبارت که آن را مجدداً در ۴:‏۱۰ می یابیم از اصطلاحات و عباراتی گرفته شده که در عهد عتیق دربارهٔ قربانی کردن بکار می رود (مثلاً: خروج۲۹:‏۳۶–۳۷)؛ وی به خاطر کفاره گناهان قربانی شد (ر.ک مکا۵:‏۹–۱۰) و اکنون در حضور پدرش از ما شفاعت می کند.

v- شناخت خدا برابر مفهومی که در عهد عتیق پذیرفته شده (ر.ک مخصوصاً ار۳۱:‏۲۴) فقط به معنی داشتن دیدگاهی تجریدی و ذهنی از خدا نیست بلکه برقراری ارتباط شخصی با خدا و زندگی کردن در همبستگی با او است. ر.ک ۲:‏۱۳ توضیح g.

vv- در اینجا نویسنده یادآوری می کند که این طرز شناختن خدا متضمّن چه الزاماتی است. درمقابل خطری که مسیحیان را تهدید می کند که فقط به مسائل نظری مذهبی بپردازند، یوحنا در اندیشه و نگران آن است که هستی و زندگی مسیحیان واقعاً بر مبنای ایمان باشد و معیار شناختن واقعی خدا، بکار بستن فرمانهای او و مخصوصاً محبت به همنوعان می باشد.

w- تحت اللفظی: اگر به همان گونه که آن یکی راه رفته است، راه برود. در این نامه ضمیر اشاره «آن یکی» همواره بر عیسی مسیح دلالت دارد (۳:‏۳، ۵، ۷، ۱۶؛ ۴:‏۱۷). عیسی به خاطر محبتی که نسبت به ما دارد جان خود را داده است (۳:‏۱۶). سرمشق او بایستی ما را رهبری کند که ما هم در محبت زندگی کنیم (۳:‏۱۷–۱۸؛ یو۱۳:‏۱۵، ۳۴).

۷ ای عزیزان،
فرمان تازه‌ای به شما نمی نویسم[x]
بلکه فرمان کهنی است[y]
که از همان آغاز داشته اید؛
فرمان کهن همان سخنی است که
شنیده اید.
یو۱۳:۳۴؛ ۱۵:۱۲-۱۷ ۸ و نیز فرمان تازه‌ای[z] به شما می نویسم،
که در او و در شما حقیقت دارد[a]،
زیرا تاریکی می گذرد
یو۸:۱۲؛ روم۱۳:۱۲ و روشنایی حقیقی هم اکنون می درخشد[b].
امث۴:۱۸-۱۹ ۹ آن که می گوید در روشنایی است
۱:۶ ولی به برادرش کینه می ورزد[c]،
تاکنون در تاریکی است.
۱۰ آن که به برادرش محبت دارد،
در روشنایی ساکن است
۳:۱۸-۲۰ و در او موجبی برای لغزش نیست[d].

۱۱ ولی آن که به برادرش کینه می ورزد
در تاریکی است
و در تاریکی قدم برمی دارد؛ ۱:۶
و نمی داند به کجا می رود، یو۱۲:۳۵
زیرا تاریکی چشمان او را کور کرده است.

ایمان در مقابل جهان و دجالان

۱۲ ای فرزندان کوچک من، برای شما
می نویسم[e]
زیرا گناهان[تان] شما به خاطر نام او[f] مت۹:۲؛ لو۲۴:۴۷؛
بخشیده شده است. یو۲۰:۲۳؛ اع۱۳:۳۸
۱۳ ای پدران[g] به شما می نویسم
زیرا آن را که از آغاز هست شناخته اید. عبر۸:۱۱
ای جوانان، به شما می نویسم
زیرا شما بر شریر پیروز شده اید. ۴:۴؛ ۵:۴-۵، ۱۸؛
۱۴ ای فرزندان کوچک من، به شما[h] ۱-پطر۵:۸-۹

x- فرمان محبت، نوآوری جدیدی نظیر اظهارات معلمان دروغی نیست بلکه بازگشت به آغاز یعنی نخستین اعلام انجیل است (۳:۱۱؛ ۲-یو۵:۶). یوحنا مصراً وفاداری به سنتها را توصیه می کند (۱:۱؛ ۲:۱۳؛ ۲:۱۴، ۲۴).

y- فرمان دربارهٔ محبت برادرانه تازگی ندارد و از دو دیدگاه کاملاً به هم پیوسته کهن می باشد: این فرمان سخنی است که اظهار شده و از مسیح ناشی می گردد و از نظر ایمان مسیحیان مربوط به دوران برخورد آنان با انجیل است.

z- این فرمان در تاریخ نجات تازگی دارد زیرا عیسی بوسیلهٔ مرگ خود والاترین محبت بوده است (۳:۱۶؛ ر.ک یو۱۳:۳۴) و از هم اکنون حقیقت دنیای آینده را در میان مردمان ارائه می کند.

a- فرمان محبت در عیسی تازگی دارد زیرا این فرمان در او اظهار شده است. همچنین این فرمان در ما تازگی دارد زیرا در ایمان بر ما آشکار گردیده است.

b- اعلام محبت در عیسی مسیح که در جامعه مسیحیت درخشیده است بسان سپیده دم برای جهان بشمار می رود.

c- کینه ورزیدن یا نفرت داشتن، ماندن در تاریکی است؛ یوحنا در ۳:۱۵ خواهد گفت که کینه برابر با آدم کشی است.

d- بعضی ترجمه می کنند: در او چیزی نیست که موقعیتی برای لغزش [کسی دیگر] باشد.

e- گاهی ترجمه می کنند: ای فرزندان کوچک، به شما می نویسم: «گناهانتان به خاطر نام او بخشیده شده است...» از نظر قواعد دستور زبان هر دو ترجمه ممکن و صحیح است ولی با توجه به روش نگارش یوحنا و هدف نامه بایستی این آیه و دو آیه بعدی را به صورت اظهارات مثبت و مؤکد تعبیر نمود، نویسنده‌ای به نام بوامار می نویسد: یوحنا به منظور محافظت مسیحیان در برابر مطالب واهی گنوسی ها تأکید می کند که مسیحیان دارای زندگی هستند و نه ملحدان.

f- یعنی به سبب ایمانی که شما به نام عیسی مسیح پسر خدا دارید. ر.ک ۳:۲۳؛ ۵:۱۳؛ یو۱:۱۲؛ ۳:۱۸.

g- برابر تفسیری که بیشتر شایع است کلمهٔ فرزندان کوچک که در اینجا و در آیات۱۲-۱۴ آمده و همچنین در هرجای دیگر این نامه خطاب به کلیه مسیحیان است درصورتی که کلمهٔ پدران و جوانان خطاب به طبقات مخصوصی است. چنین به نظر می رسد که نام بردن طبقات مختلف به مفهوم آن است که نویسنده به تمامی مسیحیان و به اصطلاح فارسی به همهٔ آنان از خُرد و بزرگ خطاب می کند (ر.ک اع۲:۱۷-۱۸). ممکن است یوحنا این طرز گفتار را از متن ارمیای نبی دربارهٔ شناخت خدا در پیمان نو الهام گرفته باشد درجایی که نوشته است: همگی آنان از کوچکترین تا بزرگترین مرا خواهند شناخت (۳۱:۳۴).

h- عبارات شروع کنندهٔ این آیه، در نسخ مختلف متفاوتند.

نوشته ام[hh]
زیرا شما پدر را شناخته اید.
ای پدران، به شما نوشته ام
زیرا شما شناخته اید آن را که از آغاز
هست.
ای جوانان، به شما نوشته ام
زیرا شما نیرومند هستید (افس۶:۱۰-۱۷؛ مکا۱۲:۱۱)
و سخن خدا در شما می ماند
و بر شریر پیروز شده اید[i].
۱۵ به جهان[j] و آن چیزهایی که در جهان (روم۱۲:۲؛ یو۱۷:۱۴؛ یع۴:۴)
است محبت نداشته باشید.
اگر کسی محبت به جهان دارد،
محبت پدر در او نیست. (یو۵:۴۲)
۱۶ زیرا هر آنچه در جهان است،
حرص نفسانی[k]، (غلا۵:۲۴؛ تیط۲:۱۲؛ ۱-پطر۲:۱۱)
حرص چشمان
و غرور به زندگی[l]،
از پدر نیست بلکه از جهان.
۱۷ ولی جهان می گذرد، چنان که حرص او (۱-قرن۷:۳۱)
می گذرد؛
ولی آن که ارادهٔ خدا را انجام می دهد
همواره می ماند.
۱۸ ای فرزندان کوچک من،
این ساعتِ پایانی است[m]،
و به طوریِ که شنیده اید ضدّ مسیح[n] (۳:۴؛ مت۲۴:۵؛ ۱-تیمو۴:۱)
می آید،
چنان که تاکنون ضدّ مسیحان بسیار پیدا (۱:۴؛ ۲-یو۷)
شده اند:
از این جا می دانیم که ساعت پایانی است.
۱۹ ایشان از بین ما بیرون آمده اند (اع۲۰:۳۰)
ولی از ما نبودند؛
زیرا اگر با ما بودند، با ما می ماندند.
ولی برای این بود که آشکار شود که همهٔ (۱-قرن۱۱:۱۹)
[آنان] از ما نیستند.

hh- یوحنا برای آنکه اهمیت گفته قبلی را یادآوری و تأیید نماید مجدداً اظهارات آیه قبل را از سرگرفته و اندکی توضیح می‌دهد. بدین گونه می توان توضیح داد به چه سبب سه بار فعل نوشته ام (ماضی نقلی) را بکار برده است.

i- در این سه آیه نویسنده به مسیحیان یادآوری و تکرار می کند که هم‌اکنون واقعاً در همبستگی با خدا زندگی می کنند، گناهانشان بخشیده شده، پدر و پسر را می شناسند و بر شریر پیروز شده‌اند. ر.ک ۳:۹ توضیح c و ۴:۴ توضیح p.

j- منظور از جهانی که یوحنا توصیه می کند دوست نداشته باشند، نوع بشر نیست که خدا دوست دارد (یو۳:۱۶) و نه محیطی که زندگی ما در آن می گذرد (یو۱۷:۱۵)، بلکه مجموعه نیروهای بدی است که دل خود را نسبت به خدا و مسیح بسته اند و درپی آنند ما را از انجام مشیت خدا دور کنند (آیه ۱۷؛ ر.ک یو۱:۱۰توضیح q). یوحنا برضد نفوذ چنین جهانی به مسیحیان هشدار می‌دهد. انواع مختلف این نفوذها در آیه۱۶ ذکر خواهد شد.

k- تحت‌اللفظی: حرص جسم، در مورد مفهوم کلمه جسم که در نوشته های یوحنا آمده است ر.ک یو۳:۶ توضیح a و مفهومی که این کلمه در نوشته های پولس دارد ر.ک روم۱:۳ توضیح g.

l- منظور از حرص جسم یا حرص نفسانی تمایلات غیراخلاقی طبیعت بشری است؛ حرص چشمان میل به داشتن هرچیزی است که آدمی ببیند و به اصطلاح چشمانش گرسنه باشد؛ اعتماد مغرورانه به اموال عبارت از اعتماد و اطمینان کسی است که زندگی با خوشی و تنعم داشته باشد که او را از توکل به خدا باز دارد.

m- اشاره به آخرین ساعت تاریخ. مسیحیان اولیه همانند یوحنا معتقد بودند که فرا رسیدن این ساعت نزدیک است ولی پیش از آمدن پیروزمندانه خداوند موجود منحوسی خواهد آمد که مسیح دروغین (یا ضد مسیح) است که مخالف او بوده و کوشش خواهد کرد پیروان مسیح را فریفته و از راه بدر کند. ر.ک مت۲۴:۲۳-۲۴=مر۱۳:۲۱-۲۲؛ ۲-تسا۲:۳-۴.

n- یوحنا بدون اینکه به تاریخ وقوع این رویدادها علاقمند باشد، که البته به مانند ما آن را نمی دانست، کسانی را مسیح دروغین (مسیحان دروغین) می نامد که مدتی به جامعهٔ مسیحیت پیوسته و بعداً خارج شده بودند و بقیه مطالب نشان می‌دهد این افراد واعظانی بودند که برضد کلیسا عمل می کردند و خود را به عنوان پیامبر مسیحیت «معنوی» معرفی می نمودند. همچنین ر.ک ۴:۱-۶.

[۲۰] و شما تدهین[o] شده اید ۲-قرن۱:۲۱
که از سوی قدوس است
و همگی[p]، شما می دانید. ۲-پطر۱:۱۲؛ یهو۵
[۲۱] من به شما ننوشته ام، یو۸:۳۲؛ ۲-یو۱
بدان سبب که حقیقت را نمی دانید
بلکه تا آن را بشناسید
و این که هیچ دروغی حقیقت نیست. یو۸:۴۴
[۲۲] دروغگو چه کسی است
غیر از آن که انکار می کند که عیسی، ۳:۴؛ ۲-یو۷
مسیح است[q]؟
آنکه پدر و پسر را انکار می کند
ضدّ مسیح است.
[۲۳] کسی که پسر را انکار می کند، مت۱۰:۳۳؛ یو۵:۲۳؛
پدر را هم ندارد. ۲-یو۷
آن که پسر را تصدیق می کند، ۲:۴، ۱۵
پدر را هم دارد. ۲-یو۹
[۲۴] اما شما، آنچه را از آغاز شنیده اید[r]
در شما باقی می ماند،
اگر آنچه از آغاز شنیده اید در شما بماند ۲:۲۷؛ یو۱۵:۷-۱۰
شما هم در پسر و پدر خواهید ماند. ۳:۲۴

[۲۵] و چنین است وعده ای که او به ما داده
است:
زندگی جاویدان.
[۲۶] من اینها را به شما نوشته ام دربارهٔ آنان
که شما را گمراه می کنند.
[۲۷] و شما، تدهینی را که از او دریافت
کرده اید،
در شما باقی می ماند
و نیازی ندارید که کسی به شما آموزش عبر۸:۱۱
دهد[s]،
زیرا چنانکه تدهین او همه چیز را به ۲:۲۰
شما می آموزد[t]
و [این تدهین] حقیقی است
و دروغ نیست،
و برابر آنچه به شما آموخته است در او
بمانید[u].
[۲۸] و اکنون، ای فرزندان کوچک من،
در او بمانید
تا اگر تجلی کرد ۳:۲
اطمینان داشته باشیم ۴:۱۷

o- تحت اللفظی: روغن تدهین (chrisma همچنین ر.ک ۲:۲۷). منظور یوحنا از این تصویر، سخن خدا است (ر.ک آیه۲۴ توضیح r) که از قدوس یعنی مسیح دریافت شده است (یو۶:۶۹) و در اثر عمل روح القدس در آدمی نفوذ می کند. عملی که در گفتارهای وداع عیسی به روح القدس نسبت داده شده است: براینکه ایمانداران را در سخنان عیسی، درحقیقت کامل وارد کند (یو۱۴:۲۶؛ ۱۶:۱۳). برطبق تفسیر دیگری از این کلمه مستقیماً روح القدس می باشد.

p- «همگی می دانید» یعنی: حقیقت را می شناسید (ر.ک آیه بعدی و ۲-پطر۱:۱۲). در اینجا نظیر آنچه قبلاً گفته شده (ر.ک۲:۱۳ توضیح g) شاید نفوذ و تأثیر ار۳۱:۳۴ احساس می شود که در دوران پیمان نو همه اعضای ملت خدا از معرفت برخوردار خواهند بود و نوشته است: «همگی مرا خواهند شناخت» (قابل توجه این است که در کتاب ارمیا و در نامهٔ یوحنا برای مفهوم شناختن، کلمه یونانی واحدی بکار برده اند). در بعضی نسخه های خطی نوشته شده است: شما همه چیز را می دانید.

q- بدعتی که مورد نظر یوحنا است بدعتی بود که نظیر یهودیان مقام مسیحایی عیسی به عنوان بشر را انکار نمی کرد بلکه می خواست مسیح آسمانی را از این موجود بشری که عیسی ناصری نام داشت جدا کند.

r- این جمله تذکار آموزش مذهبی به هنگام تعمید است (ر.ک ۲:۷، ۱۳؛ ۳:۱۱؛ ۴:۳؛ ۲-یو۶).

s- در اینجا هم یوحنا از ار۳۱:۳۴ الهام گرفته است: نیازی ندارند به یکدیگر آموزش دهند.

t- در اینجا اظهار نشده که آموزشی که کلیسا می دهد (ر.ک آیه۲۴ r) بیهوده است. یوحنا می خواهد بگوید که برای مسیحیان منبع واقعی شناخت و معرفت پیامی است که از آغاز شنیده اند و در اثر عمل روح القدس فراگرفته اند.

u- ترجمه ممکن دیگر: مقام گیرید.

فی۱:۲۰-۲۱؛ لو۱۳:۲۷ و شرمسار نشویم از اینکه به هنگام باز
آمدنش
دور از [او باشیم.]

عمل کردن به عدالت و دوری از گناه

۲۹اگر می‌دانید که او عادل است، بدانید
۳:۷-۱۰ هر [انسانی] که نیز به عدالت عمل
۴:۷؛ ۵:۱ می‌کند از او زاده شده است.

۳ ۱ببینید پدر چه محبتی به ما داده
یو۱:۱۲ که فرزندان خدا نامیده شویم؛
روم۸:۱۶؛ غلا۴:۴-۵؛ و [ما چنین] هستیم!
افس۱:۵ بدین سبب جهان ما را نمی‌شناسد
یو۱۶:۳؛ ۱۷:۲۵؛ زیرا او را نشناخته است[v].
۱-قرن۱:۱۲ ۲ای عزیزان،
اکنون ما فرزندان خدا هستیم
۲:۲۸ و آنچه خواهیم شد هنوز پدیدار نگشته
است.
می‌دانیم که اگر پدیدار شود[w] فی۳:۲۱؛ کول۳:۴؛
[ما] به مانند او خواهیم بود[x] یو۱۷:۲۴؛ مکا۲۲:۴
زیرا او را به همان‌گونه که هست خواهیم
دید[y].
۳و هر که در او این امید وجود دارد
خود را منزّه می‌کند همچنان که او منزّه ۲:۶؛ ۲-قرن۷:۱
است.
۴هرکس گناه می‌کند
مرتکب بی‌قانونی هم می‌شود
زیرا گناه بی‌قانونی است[z].
۵و [شما] می‌دانید که او پدیدار شده تا
گناهان را بزداید؛ یو۱:۲۹؛ اش۵۳:۴-۵، ۹؛ ۱-پطر۲:۲۲-۲۴
و گناهی در او نیست. یو۸:۴۶؛
۶هرکس در او می‌ماند ۹:۱۶، ۲۴، ۳۱
گناه نمی‌کند[a]؛ روم۶:۱۴، ۱۷-۱۸
هرکس گناه می‌کند او را ندیده و
نشناخته است.

v- فعل شناختن که دو بار بکار برده شده (نظیر ۲:۳-۴، ۱۳-۱۴؛ ۳:۶)، اول به صورت زمان حال و سپس به صورت زمان گذشته است. گرچه تعریف افعال و زمان آنها در زبان یونانی با سایر زبانها [و از جمله فارسی] تطبیق نمی‌کند (ر.ک۴:۷-۸ s؛ یو۱۷:۲۵) ولی طرز انشاء مطالب نشان می‌دهد که عمل شناختن آغاز شده و بتدریج این شناسایی بیشتر می‌شود. دنیا قادر نیست خدا را به عنوان پدری بشناسد که در وجود پسرش محبت خود را به ما اعلام می‌کند (۴:۸-۹؛ ر.ک یو۱۶:۳؛ ۱۷:۲۵) و به دلیل بالاتر نمی‌تواند مسیحیان را در موقعیت فرزندان خدا بشناسد.

w- این جمله را گاهی با توجه به ۲:۲۸ ترجمه می‌کنند: وقتی که این امر (موقعیت ما به عنوان فرزندان خدا) آشکار شود.

x- یوحنا موقعیت فرزندی ایمانداران را در دو مرحله تشخیص می‌دهد: مرحلهٔ اول در آغاز زندگی مسیحی صورت می‌گیرد (یو۱:۱۲؛ ۳:۵؛ ر.ک ۲-قر۳:۱۸)، و سپس تحقق یافتن در پایان روزگار که همانندی کامل با پسر خدا است (ر.ک کول۳:۳-۴).

y- حرف ربط زیرا که در این جمله آمده احتمالاً مربوط به جملهٔ «به مانند او خواهیم بود» نمی‌باشد بلکه مربوطه به فعل می‌دانیم است (ر.ک ۱۳:۱۴، ۲۰؛ ۴:۱۳) یعنی می‌دانیم و یقین داریم روزی که پسر خدا را در شکوه و جلال او خواهیم دید به ما اطمینان می‌دهد که در آن موقع کاملاً به مانند او خواهیم بود. بنابراین عمل دیدن که در این جمله ذکر شده به صورت مشاهده رویایی نیست که بتدریج تغییر نماید چنانکه در آن دوران یونانیان چنین اعتقادی داشتند.

z- کلمه یونانی که در این عبارت بی‌قانونی ترجمه شده نظیر کلمهٔ دیگر یونانی است که معمولاً به بی‌عدالتی و یا بی‌انصافی برگردانده می‌شود (ر.ک۱:۹ p). در اینجا مفهوم این واژه دربارهٔ وقایع دوران واپسین روزگار می‌باشد چنانکه در نوشته های یهودیان (وصایای دوازده پیامبر بزرگ، متون قمران) و در عهد جدید نیز به همین معنی آمده است (مت۷:۲۳؛ ۱۳:۴۱؛ ۲۴:۱۲؛ ۲-تسا۲:۳، ۷). گناهی که یوحنا برضد آن به ایمانداران هشدار می‌دهد گناه مسیح های دروغین، گناه بی‌ایمانی است و هم اکنون بی‌عدالتی و بی‌قانونی دنیا که تحت تسلط شیطان است به وسیله آن ظاهر شده است (۳:۸، ۱۰؛ ۵:۱۹).

a- ر.ک آیه ۹ توضیح c.

۷ ای فرزندان کوچک [من]،
هیچکس شما را گمراه نکند:
[آنکه] عدالت می کند عادل است ۲۹:۲؛ ۱۰:۳
همچنان که او عادل است.
۸ آنکه گناه می کند از ابلیس است یو۸:۳۴، ۴۴
زیرا ابلیس از آغاز گناهکار است.
بدین [سبب] پسر خدا پدیدار شده پید۳:۱۵؛ مر۱:۲۴؛
تا اعمال ابلیس را از بین ببرد[b]. یو۱۲:۳۱؛ ۱۶:۱۱؛
۹ هر که از خدا زاده شده است مکا۱۲:۱۰-۱۲
گناه نمی کند
زیرا بذر[c] او در وی می ماند
و نمی تواند گناه کند
زیرا از خدا زاده شده است[d].
۱۰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس به این
شناخته می شوند:
هر کس عدالت نمی کند از خدا نیست، ۲۹:۲
همچنین [کسی که] به برادر خود محبت
ندارد[e].

محبت و احسان کردن به مانند پسر خدا

۱۱ زیرا چنین است پیغامی که از آغاز ۷:۲
شنیده اید:
که به یکدیگر محبت داشته باشیم. ۲۳:۳؛ یو۱۳:۳۴
۱۲ نه به مانند قائن
که از شریر بود و برادرش را سر برید.
و به چه سبب سر او را برید؟
زیرا اعمال او شرّ بود
و از آنِ برادرش عدالت بود[f]. عبر۱۱:۴
۱۳ ای برادران، تعجب نکنید
اگر جهان شما را منفور می دارد. لو۶:۲۲؛ یو۱۵:۱۸-۱۹
۱۴ ما می دانیم که از مرگ به زندگی یو۵:۲۴
گذشته ایم
زیرا به براداران [خود] محبت داریم.
[آنکه] محبت ندارد در مرگ
باقی می ماند.
۱۵ هر که به برادر خود کینه می ورزد مت۵:۲۱-۲۲

b- رک آیه ۴ توضیح z.

c- به نظر بسیاری از نویسندگان، بذر از جانب روح القدس است که عامل آفرینش جدید می باشد: کسان دیگری نظیر اگوستین و لوتر بذر را به مفهوم کلام خدا گرفته اند و این تفسیر با طرز بیان استعاره ای یهودیان و مسیحیان بیشتر تطبیق می کند (ر.ک لو۸:۱۲؛ ۱-پطر۱:۲۳-۲۵). گاهی مترادف با روغن تدهین آمده است (۲:۲۰، ۲۷) و بذری که در ما می ماند کلام خدا است (۲:۲۴)، آموزشی است که از آغاز شنیده شده (۲:۲۴) یا حقیقت مسیحیت (۲-یو۲)، اصل و منشأ درونی تقدس است ر.ک ۲:۲۰ توضیح q.

d- این اظهارات قاطع با اندرزهایی که در ۱:۸-۱۰ داده شده در اینکه خود را گناهکار بشناسیم ناسازگاری ندارند. در آنجا یوحنا با واقع بینی تجربیات روزمره را درنظر داشته و در اینجا شرط رسالتی مسیحی بودن را که منتج از عمل خدا است و به وسیله پسرش انجام شده توصیف می نماید. بنابر نوشته های عهد عتیق نیروی غلبه بر گناه از قانون تورات و از کلام خدا که درون دل عادلان قرار گرفته است ناشی می شود (مز۳۷:۳۱؛ ۱۱۹:۱۱؛ بنسی۲۴:۲۲-۲۳) و پیامبران تصفیه انسان را به وسیله قانونی که در درون او است از مختصات دوران مسیحایی می دانستند (ار۳۱:۳۳-۳۴؛ حز۳۶:۲۷-۲۸) یوحنا در نخستین نامهٔ خود این موضوع را که مربوط به ایام آخر است آورده و در اینجا مجدداً ذکر کرده و آن را به ایمان در عیسی مسیح ارتباط می دهد: برابر عبارتی که اگوستین ذکر می نماید «شخص ایماندار به همان گونه که در او (یعنی در مسیح) بماند» منزه و بی نقص می شود. ر.ک ۵:۱۸ توضیح j.

e- ر.ک ۵:۱-۲ توضیح a.

f- این تنها موردی است که این نامه مستقیماً به مطالب عهد عتیق اشاره می کند (ر.ک پید۴:۱-۸). در این قسمت از نامه که دربارهٔ محبت است نویسنده داستان نخستین جنایت را یادآوری می نماید تا به وسیله ذکر این نمونه، ناسازگاری بین ظلمت و روشنایی را نشان دهد (ر.ک ۲:۸-۱۰ توضیح z، a، b، c و d). همچنین تفاوت بین دنیای بدی و ایمانداران و اختلاف بین کینه توزی که منجر به آدم کشی می شود و محبتی که برادرانه است (۳:۱۳-۱۵)؛ آدمی که خود را به قدرتی تسلیم می کند به وسیله آن قدرت رهبری می شود.

آدم کش است[g]
یو۸:۴۴ و شما می دانید که زندگی جاودانی در
هیچ آدم کشی باقی نمی ماند.
۱۶:۴ ۱۶ [ما] محبت را از این شناخته ایم:
افس ۵:۲ که او، [عیسی]، جان خود را به خاطر ما
داده است[h]،
یو۱۵:۱۳ و ما [هم] باید جان [خود] را به خاطر
برادران [خود] بدهیم.
۱۷ اما آنکه نعمت های این جهان را دارد
تث۱۵:۷ و برادر خود را نیازمند می بیند
یع۲:۱۵-۱۶؛ لو۱۰:۳۳ و رحمت خود را بر او می بندد
چگونه محبت خدا در او می ماند؟
۱۸ ای فرزندان کوچک [من]،
به سخن و به زبان محبت نکنیم
یع۲:۱۴-۱۷؛ غلا۵:۶ بلکه به عمل و حقیقت[i].
۱۹ ما از اینجا خواهیم شناخت که از حقیقت
هستیم
۱-پطر۴:۸؛ امث۱۰:۱۲ و در برابر او اطمینان قلبی خواهیم
داشت[j]،
۲۰ زیرا اگر قلب ما، [ما را] محکوم می کند، لو۱۸:۱۳
خدا بزرگتر از قلب ما است، و همه چیز ۱-پاد۸:۳۹؛ مز۷:۱۰؛ اع۱۵:۸
را می داند[k].
۲۱ ای محبوبان،
اگر قلب، ما را محکوم نمی کند،
ما به نزد خدا اعتماد داریم، ۵:۱۴؛ عبر۴:۱۶
۲۲ و آنچه درخواست کنیم از او دریافت ار۲۹:۱۲-۱۳؛ مت۷:۷-۸؛ یو۱۵:۷
می کنیم،
زیرا فرمانهای او را رعایت می کنیم
وآنچه موجب خشنودی اوست انجام
می دهیم[l].
۲۳ و فرمان او چنین است:
که با ایمان به پسرش عیسی پیوند یابیم[m] یو۶:۲۹؛ روم۱۰:۱۴
و به یکدیگر محبت داشته باشیم، ۴:۲۱؛ یو۱۳:۳۴؛ ۱۵:۱۲؛ ۱-تسا۴:۹؛
به همان گونه که به ما فرمان داده است.
۲۴ و [آنکه] فرمانهای او را رعایت می کند ۱-پطر۱:۲۲
در او می ماند و او در وی، ۲:۲۴؛ یو۱۴:۲۳

g- ر.ک ۲:۹ توضیح c.
h- ترجمه تحت اللفظی: به خاطر ما از روح خود صرف نظر کرده است (ر.ک یو۱۰:۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۸). یوحنا با این عبارت مخصوص نشان می دهد که عیسی جان خود را داوطلبانه و با اختیار کامل داده است.
i- در این عبارت دو جنبه اساسی محبت ذکر شده است: برای اینکه محبت حقیقی باشد باید به وسیلهٔ اعمال واقعی و محسوس عملاً نشان داده شود؛ ولی فرد ایماندار، واقعاً مسیحی نخواهد بود مگر اینکه در زندگی، محبت خدا را که در عیسی مسیح تجلی کرده ادامه دهد (آیه ۱۶)؛ چنین محبتی اظهار ایمان و حقیقت در آدمی است (ر.ک ۲-یو۱-۲) و دوست داشتن به این صورت عبارت از زندگی کردن در حقیقت است (آیه ۱۹؛ ر.ک یو۱۸:۳۷).
j- کلمه یونانی که به اطمینان قلبی داشتن برگردانده شده معمولاً به معنی متقاعد کردن، مجاب کردن است ولی از محتوای مطالب برمی آید مفهومی که پذیرفته شده مناسب است.
k- بسیاری از مفسران کهن و همچنین کالوین این آیه را طوری تفسیر می کردند که شدت عمل قاضی متعادل و مطلق (خدا) را توصیف می کند زیرا بهتر از ما گناهان ما را می داند: ولی چنین اعتقادی چگونه موجب اطمینان قلبی ما خواهد بود؟ درصورتی که به نظر لوتر و تقریباً تمام مفسران جدید باید گفت که خدا به وسیلهٔ رحمت خود بزرگتر از قلب ما است (ر.ک لو۱:۴۹-۵۰): اگر ما واقعاً اعمال خیر انجام دهیم خدا با وجود گناهانمان آن را در درون قلب ما تشخیص خواهد داد (یو۲۱:۱۷). ر.ک ۱-پطر۴:۸؛ (به چشم خدا) محبت تعداد زیادی از گناهان را می پوشاند.
l- ر.ک ۵:۱۵ توضیح g.
m- تحت اللفظی: که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان داشته باشیم در این نامه نویسنده برای نخستین بار فعل ایمان داشتن را بکار می برد تا قسمت ۴:۱-۶ نامه را که مختص به ایمان و تشخیص روحیه ها است آماده کند (ر.ک ۴:۱). ولی هنوز موضوع ایمان باطنی مطرح نیست که در ۵:۱-۱۳ خواهد آمد بلکه پیوستن جمعیت مسیحیان به یک بیان ایمان است.

۱۳:۴؛ روم۸:۹ و بوسیله روح [القدس][n] که به ما داده
است
این را می‌دانیم که او در ما است.

تشخیص روح‌ها
بوسیله ایمان به عیسی مسیح

تث۱۳:۲-۶؛ ار۲۳:۲۱-۲۲؛ ۲۸:۸-۹؛ مت۷:۱۵-۲۰؛ یو۸:۴۲-۴۷؛ افس۵:۸-۱۰؛ کول۲:۸
۴ ۱ای محبوبان،
به هر روحی باور نداشته باشید
بلکه روح‌ها را آزمایش کنید
که آیا از خدا هستند؛
۲-یو۷؛ مت۲۴:۴-۵، ۲۴؛ ۲-پطر۲:۱ زیرا بسیاری انبیای دروغین در دنیا
پراکنده شده‌اند.
۲روح خدا را در این بشناسید:
۱-قرن۱۲:۳؛ ۱-تیمو۶:۱۲-۱۳، ۲۰-۲۱؛ ۲-تیمو۱:۱۳-۱۴؛ هر روحی که اقرار می‌کند عیسی مسیح
جسماً آمده است،
از خدا است،
۳و هر روحی که عیسای[o] در جسم آمده را
اقرار نمی‌کند[oo]
از خدا نیست؛
۲:۱۸، ۲۲-۲۳ و از ضد مسیح است
اع۲۰:۲۹؛ ۲-تسا۲:۷ که شنیده‌اید می‌آید
و هم‌اکنون از قبل در دنیا است.
۴[شما]، ای فرزندان کوچک، شما از
خداایید
۵:۵ و بر آنان پیروز شده‌اید[p]،
مکا۲:۷، ۱۱، ۲۶؛ زیرا آن که در شما است
۳:۵، ۱۲، ۲۱؛ ۱۴:۱۷؛ یهو۳ بزرگتر از آن است که در جهان است.
مت۱۲:۲۹ یو۱۵:۱۸-۱۹؛ ۱۴:۱۷ ۵ایشان از جهان هستند
بدین سبب بر طبق جهان سخن می‌گویند
و جهان به ایشان گوش می‌دهد.
یو۱۸:۳۷ ۶ما از خدا هستیم،
[آنکه] خدا را می‌شناسد[q] به ما گوش
می‌دهد[r].
یو۸:۴۷؛ ۱۰:۲۶-۲۷؛ آنکه از خدا نیست به ما گوش نمی‌دهد.
۲-تیمو۴:۴ بدین گونه روح حقیقت و روح گمراهی را
۲-پطر۲:۱۸ می‌شناسیم.

محبت از خدا می‌آید
و در ایمان ریشه می‌کند

۷ای محبوبان،

n- نظیر کلمه ایمان داشتن در آیه قبلی، کلمه روح‌القدس برای نخستین بار در این نامه بکار برده شده است. ظاهراً یوحنا اشاره‌ای به موهبت نکرده و حتی مستقیماً به تجربهٔ شخصی روح‌القدس در ما اشاره نمی‌نماید (ر.ک روم۸:۱۶) بلکه بیشتر روح‌القدس را درنظر دارد که موجد بیان ایمان ما و برانگیزاننده محبت برادرانه در ما است (آیه ۲۳) و بنابراین می‌توانیم تشخیص دهیم که در همبستگی با خدا هستیم.

o- در برخی نسخه ها چنین آمده است: «عیسی مسیح».

oo- در بیشتر نسخه های خطی متن عبارت به همین گونه است ولی در بعضی از نسخه ها نوشته شده است: هر روحی که عیسی را تقسیم می‌کند. و بعضی از مفسران این عبارت را که ابتدایی‌تر است پذیرفته‌اند.
لازم به یادآوری است یوحنا در این مورد بدعتی را محکوم می‌کند که مسیح، موجود آسمانی و شکوهمند را از عیسی، فرد انسانی که زندگی کرده و در میان ما مرده است از یکدیگر جدا می‌کند، طرفداران این بدعت عملاً راز تن گیری را انکار می‌کردند. ر.ک مقدمه و ۲:۲۲ توضیح q.

p- این عبارت اشاره به پیروزی ایمانداران بر مسیح های دروغین است: زیرا در برابر جاذبهٔ دروغین آنان مقاومت کرده و پابرجا در طریق حقیقت باقی مانده بودند. ر.ک ۲:۱۳-۱۴، ۱۸-۲۱. یوحنا که این مخالفت را در زمان حال توصیف می‌کند جنبهٔ واپسین روزگار این موضوع را یادآوری و تأکید می‌نماید (مکا۱۷:۱۴؛ ر.ک ۲:۷، ۱۱، ۲۶ و غیره)؛ مسیحیان با مسیح (یو۱۶:۳۳)، هم‌اکنون پیروزمند هستند چنانکه به موهبت سخن خدا که در ایشان است (۲:۱۳-۱۴) و به فیض ایمان خود پیروزمند می‌باشند (۵:۴-۵؛ ر.ک مکا۱۲:۱۱، ۱۷).

q- در اینجا به مانند آیه بعدی، فعل به صورت ماضی مطلق نیست بلکه مضارع و زمان حاضر است (ر.ک آیه ۷ توضیح s).

r- در این آیه گفتار رسولان در برابر سخنان دروغین ارائه شده است؛ منظور از: آنکه خدا را می‌شناسد، فرد ایماندار واقعی است و به کسانی گوش می‌دهد که پیام انجیل را می‌آورند.

۱۱:۳، ۲۳؛ ۱۱:۴ به یکدیگر محبت کنیم،
زیرا محبت از خدا است
و هرکس محبت می کند
۲۹:۲؛ ۱:۵ از خدا زاده شده و خدا را می شناسد[s].
۸ [آنکه] محبت نمی کند خدا را نشناخته
است[t]
زیرا خدا محبت است[u].
یو۱۶:۳ ۹ محبت خدا نسبت به ما چنین آشکار شد:
که خدا پسر یکتای خود را به جهان
فرستاد
افس۴:۱؛ ۵-۴:۲؛ کول۱۳:۲ تا بوسیلهٔ او زندگی بیابیم.
۱۰ و محبت در این است که:
نه آنکه ما به خدا محبت داشته ایم،
۱۹:۴ بلکه اینکه او به ما محبت داشته
۲-قرن۱۹:۵ و پسر خود را به خاطر کفاره[v] گناهان ما
فرستاده است.
۱۱ ای محبوبان،
اگر خدا چنین محبتی به ما داشته،
مت۳۳:۱۸ ما هم باید به یکدیگر محبت داشته باشیم.
خروج۲۰:۳۳؛ یو۱۸:۱؛ ۱-تیمو۱۶:۶ ۱۲ هرگز کسی خدا را مشاهده نکرده است؛

اگر ما به یکدیگر محبت کنیم،
خدا در ما جای دارد ۲۴:۳؛ یو۲۳:۱۴
و محبت او در ما کامل می شود. ۵:۲
۱۳ بدین وسیله می دانیم
که ما در او جای داریم و او در ما:
به اینکه از روح خود[w] به ما داده است. ۱-قرن۱۲:۲
۱۴ و ما مشاهده کرده ایم و گواهی می دهیم ۲:۱
که پدر پسر را [به عنوان] منجی جهان یو۱۷:۳؛ ۴۲:۴
فرستاده است.
۱۵ هر که اقرار می کند عیسی[ww]، پسر خدا یو۲۲:۹، ۳۵ روم۹:۱۰
است، ۲۳:۲؛ ۲-یو۹
خدا در او و او در خدا جای دارد.
۱۶ و ما محبتی را که خدا به ما دارد شناخته روم۸:۵
و [به آن] ایمان آورده ایم[x].
خدا محبت است ۸:۴
و [آنکه] در محبت باقی می ماند
در خدا جای دارد و خدا در او جای دارد. ۱۲:۴
۱۷ محبت بدین گونه در ما کمال می یابد:
که ما در روز داوری اطمینان داشته باشیم، ۲۸:۲
زیرا به همان گونه که او هست

s- در اینجا نظیر آیه ۶ فعل شناختن به صورت مضارع و زمان حاضر ترجمه شده است ولی این فعل در زبان یونانی به طوری صرف می شود که نشان می دهد عمل شناختن رفته رفته بیشتر می شود؛ اگر فرد ایماندار واقعاً از خدا زاده شده و محبت برادرانه را اعمال می کند خدا را می شناسد (ر.ک آیه ۸) و محبت خدا را تجربه و درک می نماید.

t- ر.ک ۱:۳ توضیح v.

u- این عبارت یکی از سه تعریف مشهوری است که یوحنا در توصیف خدا گفته است (ر.ک یو۲۴:۴: خدا روح است؛ ۱-یو۵:۱ خدا روشنایی است). یوحنا که در اینجا (همچنین ر.ک ۱۶:۴) می گوید خدا محبت است منظورش آن نیست که وجود الهی را به صورت مجرد و معنوی تعریف کرده باشد، بلکه یادآوری می کند که در وجود پسرش به صورت خدایی که محبت دارد ظاهر شده است (آیات ۹-۱۱). با این همه محبتی که بدین گونه در تاریخ نجات ظاهر شده درعین حال تظاهر محبت پدر نسبت به پسرش می باشد (یو۳۵:۳؛ ۲۰:۵؛ ۱۷:۱۰؛ ۹:۱۵؛ ۲۶:۱۷)؛ به عقیده یوحنا هر محبتی از سوی خدا می آید (آیه ۷) و در بین ما انعکاس زندگی شخصیت های سه گانه اقدس می باشد.

v- ر.ک ۲:۲ توضیح u.

w- ر.ک ۲۴:۳ توضیح n. در این نامه همواره موهبت روح القدس به ایمان وابسته است: بدین معنی که روح القدس الهام کننده پیام و گواهی رسولان (آیه ۱۴)، بیان ایمان در میان جمعیت مسیحیان (آیه ۱۵) و شناسایی ایمان در نزد تمام ایمانداران است (آیه ۱۶ الف). این عمل روح القدس در بین مسیحیان معیار همبستگی آنان با خدا است. (ر.ک ایات ۱۵، ۱۶ ب و پ).

ww- در برخی نسخه ها چنین آمده است: «عیسی مسیح».

x- به طوری که مشاهده می شود افعال شناختن و ایمان آوردن به صورت ماضی نقلی آورده شده اند. لازم به یادآوری است که شناختن و ایمان آوردن یکی نیستند بلکه ایمان در شناختن شکوفا می شود (ر.ک یو۶۹:۶؛ ۳۲-۳۱:۸؛ ۳۸:۱۰). از این پس مسیحیان به وسیله ایمان خود محبت خدا را که تجلی کرده است می شناسند (۱۶:۳).

مـا هم در این دنـیـا [به هـمـان گـونه] هستیم[y].
۱۸ در محبت ترس نیست،
۲۰:۳؛ روم۸:۱۵ بلکه محبت کامل ترس را بیرون می کند،
زیرا ترس عَذاب دربر دارد
و [آنکه] می ترسد در محبت کامل نیست.
۱۹ ما محبت می کنیم،
۴:۱۰ چون که نخست او به ما محبت کرده است.
۲۰ اگر کسی بگوید: «خدا را دوست دارم»
مت۵:۲۳-۲۴ ولی نسبت به برادرش نفرت می ورزد،
۲:۴ او دروغگو است؛
زیرا [آنکه] به برادرش که او را می بیند محبت نمی کند،
نمی تواند به خدایی که نمی بیند[z] محبت نماید.
۲۱ و چنین است فرمانی که از او داریم:
۳:۲۳؛ ۱-قرن۱۳ که [هر آنکه] به خدا محبت دارد
به برادر خودش هم محبت می کند.

ایمان به پسر خدا، ریشهٔ نوع‌دوستی

۵ ۱ هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح است
از خدا زاده شده، ۲:۲۹؛ ۴:۷
و هر کس والد را محبت می کند ۱-پطر۱:۲۲-۲۳
[آن را] که از او زاده شده نیز محبت می کند[a].
۲ از اینجا می شناسیم که فرزندان خدا را محبت می کنیم:
وقتی که خدا را محبت می کنیم
و فرمانهای او را بکار می بندیم[b].
۳ زیرا محبت خدا چنین است:
که فرمانهای او را رعایت کنیم، یو۱۴:۱۵؛ ۱۵:۱۰
و فرمانهای او سنگین نیستند، مت۱۱:۲۹-۳۰
۴ زیرا هر آنچه از خدا زاده شده برجهان پیروز است[c]
و آن پیروزی که برجهان پیروز شده ایمان ما است. ۲:۱۳-۱۴؛ ۴:۴؛ مکا۱۲:۱۱؛ ۱۴:۱۷
۵ و پیروزمند بر جهان چه کسی است ۱-قرن۱۵:۵۷؛ افس۶:۱۶
غیر [از آنکه] ایمان دارد که عیسی پسر خدا است؟
۶ اوست که به آب و خون آمده است،
عیسی مسیح،
نه فقط به آب
بلکه به آب و به خون؛ یو۱۹:۳۴

y- فرد ایماندار به همین سبب که محبت می ورزد و در محبت باقی می ماند (آیه ۱۶)، نظیر عیسی است که در او محبت خدا متجلی شده است؛ با این شباهت فرد ایماندار می تواند با اعتماد کامل در برابر داوری حاضر شود ر.ک ۳:۱۸-۲۱.

z- نظریه یوحنا مبنی بر تجربه روانشناسی نیست که برطبق آن: آسان تر است آدمی برادر مرئی خود را دوست بدارد تا اینکه به خدای نامرئی محبت بورزد، وانگهی این نظریه ردّ شده است. وی حقیقتی از علم الهی را بیان می کند: بدین معنی که اگر محبت ما برای خدا شرکت در محبت او نباشد (ر.ک۴:۸ توضیح u) و در خدمت به مردم اظهار شود درنظر خدا واهی و باطل است. ر.ک مت۲۵:۴۰، ۴۵.

a- آدمی به وسیله ایمان به عیسی مسیح، پسر خدا (آیه ۵) فرزند خدا می شود (۳:۱؛ ر.ک یو۱:۱۲-۱۳) و بنابراین برادر هر کسی است که خدا را دوست دارد، زیرا نمی توان مدّعی دوست داشتن خدا بود بدون اینکه کسانی را که پدرشان خدا است دوست داشت.

b- در این آیه مهم و اساسی نشان داده شده است که بین جنبهٔ افقی محبت یعنی محبت برادران و جنبهٔ عمودی آن یعنی محبت خدا وحدت کامل وجود دارد. محبت نسبت به برادران از محبت خدا منتج می شود و حتی بیان و ابراز آن محبت است. زیرا فرد مسیحی برادران خود را به عنوان فرزندان خدا دوست دارد (آیه ۱). پایه و مبنای محبت او ایمان اوست. از سوی دیگر معیار واقعی بودن محبت نسبت به خدا باید همواره اجرای مشیت خدا و رعایت فرمانهای او باشد که مخصوصاً به مسیحیان محبت برادرانه را توصیه می کنند (۳:۲۳).

c- ر.ک ۴:۴ توضیح p.

یو۱۵:۲۶ و روح [القدس] است که گواهی می‌دهد
یو۱۴:۱۷؛ ۲۶:۱۵؛ ۱۳:۱۶ زیرا روح [القدس] حقیقت است[d].
[7]زیرا گواهی دهندگان سه هستند[dd]،
[8]روح [القدس]، آب و خون،
و شهادت این سه، یکی است[e].
[9]اگر گواهی انسان ها را دریافت می‌کنیم،
یو۳:۳۳؛ ۳۴:۵ گواهی خدا بزرگتر است،
زیرا گواهی خدا چنین است:
یو۵:۳۷ که در مورد پسرش گواهی داده است.
یو۵:۲۴ [10][آنکه] به پسر خدا ایمان آورده است
گواهی را در خود دارد؛
[آنکه] [به خدا] ایمان ندارد
او را دروغگو شمرده است،
یو۵:۳۷، ۴۰ زیرا به گواهی که خدا دربارهٔ پسرش
شهادت داده ایمان نیاورده است.
[11]و گواهی چنین است:
که خدا به ما زندگی جاویدان داده است،
و این زندگی در پسر او است. ۵:۲۰؛ یو۳:۱۷
[12][آنکه] پسر را دارد زندگی دارد؛
[آنکه] پسر خدا را ندارد زندگی ندارد. یو۳:۳۶

گفتار پایانی

[13]این را به شما نوشته‌ام
تا بدانید که شما زندگی جاویدان دارید، یو۲۰:۳۱
شما که به نام پسر خدا ایمان دارید[f].
[14]و چنین است اطمینانی که ما نزد او داریم:
اگر چیزی که برطبق ارادهٔ اوست درخواست کنیم،
به ما گوش می‌دهد.
[15]و اگر می‌دانیم که به ما گوش می‌دهد
هر چه اگر درخواست می‌کنیم،
می‌دانیم که درخواست هایی را که از او طلبیده ایم داریم[g]. مت۲۱:۲۲؛ یو۱۴:۱۳؛ ۱۵:۷؛ ۲۴:۱۶؛ یع۱:۵

d- ذکر آب و خون در این آیه به دو نوع درک و تفسیر شده است: الف) آب یادآور تعمید عیسی و خون یادآور مرگ او بر روی صلیب است. ب) ممکن است آب و خون یادآور واقعه ای باشد که در یو۱۹:۳۴ روایت شده است. ولی با توجه به اطلاعاتی که در متن وجود دارد باید ترکیبی از دو توضیح بالا درنظر گرفته شود. در مقابل عقیدهٔ باطل کسانی که مسیح شکوهمند را که درکنار رودخانه اردن متجلی شده بود (آب) از عیسیائی که بر صلیب مرده بود (خون) از یکدیگر جدا و مجزا می‌دانستند، یوحنا حقیقت قربانی شدن عیسی مسیح و پسر خدا را اعلام و تأیید می‌کند ولی این وقایع تاریخی را به وسیله رمز و اشاره، آب و خون بر صلیب یادآوری می‌نماید که در آنها نویسنده واقعیت جامعه مسیحیت را دیده است (ر.ک آیه ۸).
در مورد گواهی درونی روح القدس، منظور آن است که اهمیت نجات و حقیقت وقایعی که در اینجا یاد شده به فرد مسیحی نشان داده شده و بدینسان او را به شناختن عیسی مسیح رهبری می‌نماید. بنابراین روح القدس حقیقت است زیرا می‌دانیم که به وسیله او حقیقتی که عیسی آورده در کلیسا حضور دارد و فعال است.

dd- در برخی نسخه ها، چند کلمه افزون تر دارد.

e- تحت‌اللفظی: سه به سوی یک هستند. در آیه ۶ نویسنده دربارهٔ زمان گذشته سخن می‌گفت در صورتی که در اینجا سخن از گواهی دائمی در زندگی کلیسا است. معمولاً موضوع این آیه را به مفهوم تعمید (آب) و آیین سپاسگزاری (خون) تفسیر می‌کنند و این گواهی روح القدس افزوده می‌شود. یوحنا با ذکر اینکه سه گواه به نفع عیسی گواهی می‌دهند (برطبق اصول قضایی که در عهد عتیق مقرر شده است: تث۱۹:۱۵؛ ر.ک اعد۳۵:۳۰) می‌خواهد یادآوری کند که خدا برای پسر خود، در محاکمه ای که در مقابل دنیا دارد در برابر آدمیان اعتبار کافی قائل شده است. ولی این سه گواه بالاخره یک گواهی می‌دهند: اینکه خدا به وسیله او زندگی الوهیت خود را آشکار کرده و آن را به ما منتقل نموده است (آیه ۱۱).

f- در این آیه که جنبهٔ نتیجه گیری دارد، موضوع اصلی و اساسی نامه مجدداً به صورت خلاصه ذکر شده است: بدین معنی که نویسنده خواسته است مسیحیان را که به سبب عقاید باطل متزلزل می‌شوند کاملاً به ارزش و غنای ایمان خود آگاه سازد. ضمناً بدین منظور در نتیجه گیری خود سه بار با لحنی پیروزمندانه اعلام می‌کند: می‌دانیم... (آیات ۱۸-۲۰).

g- امتیاز فرد ایماندار در این است که اطمینان دارد سخن او شنیده شده و دعایش برآورده می‌شود (۳:۲۲؛ ر.ک مت۷:۷-۱۱ و متون متوازی). ریشهٔ این اعتماد در ایمان او است و در اینکه خواسته او با اراده الهی تطبیق می‌نماید. فرد ایماندار که مطلقاً

[۱۶] اگر کسی می بیند برادرش گناهی می کند اعد۱۵:۳۰؛ ۱۸:۲۲
که منجّر به مرگ نمی شود[h]،
درخواست کند و [خدا] به وی زندگی
خواهد داد؛
به کسانی که گناهشان منجر به مرگ
نمی شود.
گناهی هست که منجر به مرگ می شود؛ عبر۶:۴-۶؛ ۱۰:۲۶-۲۷؛ ۲-پطر۲:۲۰-۲۱
در مورد آن نمی گویم که نیایش کنید.
[۱۷] هر بی عدالتی[i] گناه است،
و گناهی هست که منجر به مرگ
نمی شود.
[۱۸] می دانیم هرکس از خدا زاده شده است
گناه نمی کند[j]؛
ولی [آنکه] از خدا زاده شده[k] او را حفظ یو۱۷:۱۵؛ یهو۱
می کند
و شریر بر او دست نمی یابد.
[۱۹] ما می دانیم که از خدا هستیم یو۸:۴۷
و تمام جهان تحت [قدرت] شریر است. کول۱:۱۳
[۲۰] ولی می دانیم که پسر خدا آمده
و به ما بصیرت داده است[l]
تا حقیقت را بشناسیم؛ افس۱:۱۷-۱۸؛ کول۱:۱۰
و ما در پسر او عیسی مسیح،
در حقیقت هستیم.
او است خدای حقیقی[m] مکا۳:۷
و زندگی جاویدان. یو۲۰:۲۸؛ روم۹:۵
[۲۱] ای فرزندان کوچک،
خود را از بُتها حفظ کنید[n]. ۲-پطر۳:۱۷

در اندیشهٔ آن است که فرمانهای خدا را اطاعت نماید به آنچه خوشایند خدا است توجه می کند و نمی تواند چیزی درخواست نماید که با این اراده تطبیق نداشته باشد و با نظریات او هم‌آهنگ نباشد. در این نوع نیایش خدا روح خود را می شناسد (روم۸:۲۶-۲۷).

h- منشأ این عبارت عهد عتیق است (تث۲۲:۲۶). مرگی که در اینجا ذکر شده مرگ واپسین روزگار یا مرگ ثانوی است (مکا۲۰:۶، ۱۴). به نظر بعضی از مفسران گناهی که منجر به مرگ می شود روی گرداندن از مسیحیت یعنی ارتداد است. ولی به طوری که از محتوای کلی متن برمی‌آید منظور بدعت و عقاید باطل است که با تقسیم کردن عیسی (۳:۴) همبستگی با خدا را غیر مقدور ساخته و به انهدام روحانی قطعی منجر می شود. موضوع این متن نزدیک به مطالبی است که در مت۱۲:۳۱-۳۲ و مشابه آن در اناجیل نظیر ذکر شده و دربارهٔ کفر گفتن علیه روح القدس می باشد.

i- ر.ک ۹:۱ توضیح p در اینجا منظور نویسنده گناه مسیحان دروغین است که به مرگ هدایت می کند (ر.ک آیه ۱۶ توضیح h).

j- دیگر گناهی نمی کند از لحظه ای که «از خدا زاده شده خود را به تمامی به مسیح تسلیم کرده است که به وسیلهٔ نسبت به پدر فرزندی در او اقامت دارد» ر.ک ۹:۳ توضیح d.

k- یعنی عیسی پسر خدا (ر.ک ۸:۳).

l- در اینجا کلمه بصیرت به معنی نیروی شناسایی خدا است و چنانکه در ۳:۲ ذکر شده داشتن رابطهٔ نزدیک و شخصی با او و زندگی کردن در همبستگی با او است. این کلمه به همان مفهوم قلب نو یا قلب جسمانی (حزق۱۱:۹؛ ۳۶:۲۶) یا ژرفای وجود است (یو۳۱:۳۳). در دوران عهد جدید، خدا وعده داده بود که قانون خود را در آن بگذارد و بنویسد. همین امر که خدا اکنون به ما این بصیرت را داده است بدان معنی است که در عیسی مسیح این دوران فرا رسیده است (ر.ک ۲-قر۳:۳؛ همچنین روم۸:۱-۴ را ملاحظه کنید).

m- چنین به نظر می رسد که این اظهارات، نظیر قسمت اول این آیه مربوط به خدا نیست بلکه درباره مسیح می باشد که خدا در او ظاهر شده است. تکرار کلمات حقیقی ما را وادار می کند آن را به عنوان اسم بپذیریم چنانکه گاهی ترجمه می کنند او است آن حقیقی.

n- در حزق۱۱:۱۹-۲۱؛ ۳۶:۲۵-۲۶ نظیر اینجا، اعطای قلب نو کاملاً بستگی به انهدام بتها دارد. اسرائیل جدید باید به وسیله روح خدا تصفیه گردد. در این قسمت از نتیجه گیری نامه کلمهٔ بتها به معنی مجازی آمده و به مفهوم آموزش مسیحیان دروغین و حقایق شیطانی است که آدمی برای خود رب النوع دروغ ساخته و بدان دل «می بندد» (حزق۱۱:۲۱) و ایمان خود را از بین می برد، بنابراین مجموعه این قسمت نتیجه گیری و پایان نامه، مجدداً موضوع اساسی عهد جدید را یادآوری می کند. نیز در برخی نسخه ها، در آخر آیه، «آمین» آمده است.

دومین نامه یوحنا

۳-یو۱، ۱۳؛ ۱-پطر۵:۱۳؛ ۱-یو۳:۱۸؛ افس۴:۱۵ ۱ از پیر[a] به بانوی برگزیده[b] و فرزندان او،
که [به آنان] من در حقیقت[c] محبّت دارم
- و نه فقط من
یو۸:۳۲؛ ۱-یو۲:۲۱ بلکه همهٔ آنان که حقیقت را شناخته اند[d] -،
۲ به دلیل حقیقتی که در ما جای دارد[e]
یو۱۴:۱۶-۱۷ و به روزگار با ما خواهد بود[f]:
۱-تیمو۱:۲؛ ۲-تیمو۱:۲ ۳ لطف و مرحمت و صلح
از سوی خدای پدر
و از سوی عیسی مسیح، پسر پدر
با ما خواهد بود،
در حقیقت و در محبت.
۴ خیلی شادمان شده ام
که دریافته ام [بعضی] از فرزندان تو
۳-یو۳-۴ برطبق حقیقت رفتار می کنند[g]،
برابر فرمانی که از پدر دریافت کرده ایم. ۱-یو۴:۲۱
۵ و اکنون، ای بانو، از تو خواهشمندم
- و این فرمان تازه ای نیست که به تو یو۱۳:۳۴
می نویسم،
بلکه همان است که از آغاز داشته ایم[h] -،
که به یکدیگر محبت داشته باشیم. ۱-پطر۴:۸
۶ و محبت چنین است:
که برطبق فرمانهای او رفتار کنیم. ۱-یو۳:۲۳؛ ۳:۵
چنین است فرمان به همان گونه که از
آغاز شنیده اید:
که در آن رفتار نمایید.
۷ زیرا بسیاری از گمراه کنندگان به جهان ۱-یو۲:۱۸؛ ۴:۱-۳؛
بیرون شده اند که اقرار نمی کنند عیسی ۲-پطر۲:۱
مسیح در جسم آمده است: ۱-یو۲:۲۲

a- [این کلمه را می توان شیخ، ارشد و غیره ترجمه کرد]. نویسنده احتمالاً این عنوان را به مفهومی که در کلیساهای آسیا رایج بوده یعنی برای نخستین شاهدان سنت رسولی بکار برده است. ر.ک مقدمه.

b- منظور از بانوی برگزیده یکی از کلیساهای محلی است که معلوم و مشخص نشده کدام کلیسا است. این کلیسا برگزیده است (همچنین ر.ک آیه ۱۳) چرا که از ایماندارانی تشکیل شده (ر.ک ۲-تیمو۲:۱۰؛ تیط۱:۱) که وارث قوم برگزیده می باشند (۱-پطر۲:۹).

c- ترجمه دیگر: در روشنایی حقیقت. درباره این کلمات در آیه بعدی توضیح داده شده است (ر.ک آیه ۲ توضیح e).

d- این عبارت تا اندازه ای جنبهٔ بحث و مجادله دارد (ر.ک ۱-تیمو۳:۴) و معرف کسانی است که ایماندار واقعی می باشند. این افراد برخلاف گمراه کنندگان (آیه ۷) در حقیقت و در تعلیمات و نظریات مسیح، محکم و پابرجا باقی مانده اند (آیه ۹).

e- یوحنا اکثراً یادآوری می کند که باید بگذاریم سخن خدا در ما نفوذ و عمل کند (یو۸:۳۷؛ ۱-یو۱:۸، ۱۰؛ ۲:۴، ۱۴، ۲۴؛ ر.ک ۱-یو۲:۲۷؛ ۳:۹، ۱۸ و توضیحات مربوطه). حقیقتی که در دلهای ما وجود دارد منبعی می شود که محبت مسیحی از آن تغذیه می نماید: همان چیزی که نویسنده آن را در حقیقت محبت (آیه ۱)، در حقیقت و در محبت (آیه ۳) می نامد.

f- در اوضاع و احوال تاریخی که ایمان مسیحیت مورد تهدید قرار گرفته بود، یوحنا به مسیحیان خود اطمینان می دهد، در سرتاسر راهی که بر روی زمین طی می کنند و تا موقعی که دوران واپسین روزگار به تمامیت برسد حقیقت آنان را همراهی و یاری می کند (ر.ک ۲-پطر۱:۱۲، ۱۹). همین موضوع چندین بار در جاهای دیگر عهدجدید به صورت اندرز و تشویق به پایداری در ایمان آمده تا هنگامی که روز خداوند فرا رسد (اع۱۴:۲۲؛ ۱-قرن۱:۸؛ کول۱:۲۳؛ ۲-تیمو۳:۱۴-۱۵).

g- تحت اللفظی: که در حقیقت قدم برمی دارند یعنی در روشنایی فرمان محبت که از خدا آمده است زندگی می کنند (ر.ک آیه ۶ قسمت آخر).

h- ر.ک ۱-یو۲:۷-۸، ۲۴ و توضیحات مربوطه.

[کسی که چنین می گوید] گمراه کننده و
ضد مسیح است[i].
۸مواظب خودتان باشید
تا آنچه کرده ایم[j] از بین نرود، روت۲:۱۸؛ مت۱۰:۴۲
بلکه اجرت کامل دریافت نمایید.
۹هر که به جلو می رود[k]
بدون اینکه در آموزش مسیح بماند،
خدا را ندارد.
[آن که] در آموزش باقی می ماند ۱-یو۲:۲۳، ۲۴
[او] پدر و پسر را دارد[l].
۱۰اگر کسی به سوی شما می آید
و حامل این آموزش نیست،
او را در خانه نپذیرید مت۱۰:۱۴؛ روم۱۶:۱۷؛ تیط۳:۱۰
و به او خوشامد نگویید[m].
۱۱زیرا [آن که] به او خوشامد می گوید
در کارهای شرّ او شرکت دارد[n]. ۱-تیمو۵:۲۲؛ مکا۱۸:۴
۱۲با آن که چیزهای زیادی دارم که به شما ۳-یو۱۳
بنویسم نخواستم آنها را با کاغذ و مرکب
[بیاورم].
ولی امیدوارم به نزد شما بیایم و با شما ۳-یو۱۴
روبرو صحبت کنم
تا شادی ما به تمام باشد. ۱-یو۱:۴
۱۳فرزندان خواهر برگزیده ات[o] به تو سلام
می رسانند[oo].

i- ر.ک ۱-یو ۲:۱۸-۱۹، ۲۲، ۲۶؛ ۴:۱-۳.

j- گاهی برطبق بعضی از نسخه های خطی ترجمه می کنند: آنچه کرده اید. پولس که با نظر دیگری به این موضوع می نگرد ایمان و اعمال را از یکدیگر متمایز و حتی مختلف تشخیص می دهد؛ درصورتی که یوحنا کلیه اعمال فرد ایماندار را عمل ایمان می شمارد (ر.ک یو۶:۲۹): لذا در اینجا، این اعمال به مفهوم بیان ایمان در عیسی مسیح و وفاداری به آموزشهای او است (آیات ۷،۹)؛ ضمناً عبارت: تا آنچه کرده ایم از بین نرود بلکه اجرت کامل دریافت کنیم باید به مفهوم ایام آخر درک شود.

k- منظور اشاره به حکمای دروغین است که از آموزشهایی که در آغاز شنیده اند فراتر می روند (آیات ۵-۶).

l- ر.ک ۱-یو۲:۲۳-۲۴.

m- نویسنده منع نمی کند به کسی که مرتد است خوشامد گفته شود ولی او را در خانهٔ خود پذیرفتن و نظیر یک برادر به او خوشامد گفتن یا با او روابط همبستگی داشتن را منع می نماید (ر.ک آیه ۱۱). این سخت گیری در نوشته های پولس نیز وجود دارد (مثلاً ۱-قرن۵:۶، ۹) و بدان سبب لازم است که پاکی و صفای ایمان مسیحی را نگهداشته آن را از آلایش با عقاید بدعت آمیز حفظ نمایند.

n- در اینجا منظور از کارهای شرّ اعمالی نیست که فقط از نظر اخلاقی تقبیح شده باشد (مثلاً فقدان محبت برادرانه) بلکه هرگونه رفتار کفر و الحاد می باشد یعنی نپذیرفتن حقیقت مسیح و انتشار مطالب دروغ؛ ر.ک آیه ۸ توضیح j.

o- منظور از خواهر برگزیده کلیسایی است که پیر (یوحنا) به آن تعلق دارد. به سبب اتحاد معنوی و همبستگی که بین کلیساهای مسیحی وجود دارد می توانند یکدیگر را خواهر بشمار آورند (ر.ک ۱-یو۱:۳).

oo- در برخی نسخه ها، در آخر آیه، «آمین» آمده است.

سومین نامه یوحنا

۲-یو۱ ۱از پیر[a] به غایس[b]، محبوبی که من در
حقیقت [به او] محبت دارم. ۲ای
محبوب[c]، آرزومندم از هر حیث موفق باشی
و همان‌گونه که روحت موفق است سلامت
باشی.
فیل۷ ۳ زیرا خیلی شادمان شده ام، برادران
آمدند[d] و به حقیقت تو گواهی دادند[e]، به
طریقی که تو در حقیقت رفتار می‌کنی[f].
۲-یو۴ ۴من شادمانی بزرگتر از اینها ندارم که
بشنوم فرزندان من در حقیقت رفتار
می‌کنند[g]. ۵ ای محبوب، تو در آنچه
برای برادران و [آنچه] برای بیگانگان مت۱۰:۴۱-۴۲
می‌کنی به طریق ایمان [رفتار]
می‌نمایی؛ ۶ایشان از محبت تو[h] در برابر
کلیسا[i] گواهی داده اند. تو به طریقی که
شایستهٔ خداست در مورد مسافرت ایشان روم۱۵:۲۴؛ تیط۳:۱۳
نیکی کن؛ ۷زیرا به خاطر نام[j] [خدا]
رفته اند، بدون آنکه هیچ چیز از مشرکان
دریافت کنند. ۸پس ما باید از چنین روم۱۲:۱۳؛ عبر۱۳:۲؛ ۱-پطر۴:۹
[کسانی] پشتیبانی کنیم[k] تا همکاران
[ایشان] برای حقیقت[l] باشیم.

a- ر.ک ۲-یو۱ توضیح a.
b- در آن دوران این نام خیلی معمول و شایع بود و نشانه ای وجود ندارد که بتوان این شخص را با کس دیگری که در عهد جدید به این نام خوانده شده یکی دانست (اع۱۹:۲۹؛ ۲۰:۴؛ روم۱۶:۲۳؛ ۱-قرن۱:۱۴).
c- این کلمه که در آیات ۵ و ۱۱ نیز آمده گاهی دوست عزیز ترجمه می‌شود [ولی مصدر این کلمه در فارسی محبت انتخاب شده] لذا سایر مشتقات آن نیز از ریشه محبت گرفته می‌شود چنان که در آیه ۱ محبوبی که من در حقیقت به او محبت دارم نیز به همین گونه است.
d- این کلمه در متن یونانی وجود ندارد ولی کاملاً معلوم است که در پیش پیر دربارهٔ غایس شهادتهایی داده شده است.
e- گاهی ترجمه می‌کنند: به حقیقتی که در تو نمایان می‌شود. در آیه ۶ نویسنده می‌گوید: از محبت تو گواهی داده اند، زیرا در نظر یوحنا حقیقت منبع الهام محبت مسیحی است.
f- ر.ک ۲-یو۴ توضیح g.
g- ر.ک ۱-یو۲:۱ توضیح r.
h- ر.ک آیه ۳ توضیح e.
i- کلیسای محلی که پیر در آنجا اقامت دارد. ر.ک آیه ۳: برادرانی که آمده اند.
j- در نوشته های عهد عتیق کلمه نام به جای خدا بکار برده شده است ولی در کلیسای اولیه این کلمه در مورد مسیح بکار برده می‌شود (ر.ک اع۵:۴۱ توضیح g). در حالی که به نظر پولس کلمه نام برای خداوند است (فی۲:۱۱) برای یوحنا همواره در مورد پسر است (یو۳:۱۸؛ ۲۰:۳۱؛ ۱-یو۳:۲۳؛ ۵:۱۳).
k- کسانی که برای اشاعه و تبلیغ انجیل اعزام می‌شدند به وسیله رسول پیر هدایت می‌شدند یا لااقل اعمال و وظایف آنان را تضمین می‌کرد. بدین سبب جمعیت‌های مسیحی را تشویق می‌نماید با این مبشرین همکاری مؤثر داشته باشند. ر.ک مقدمه.
l- حقیقت چیزی جز سخن خدا نیست (ر.ک ۲-یو۲ توضیح e) و قدرت اشاعه و ترویج را در خود دارد (روم۱:۱۶؛ ۱-قرن۳:۶-۷). مسیحیان در همکاری با کسانی که انجیل را اشاعه می‌دهند عملاً با خود حقیقت همکاری می‌نمایند و کمک می‌کنند نام پسر خدا شناخته شود (آیه ۷) ر.ک به عنوان مشابهی که پولس بکار برده و آنان را همکاران خدا نامیده است (۱-قرن۳:۹؛ ر.ک ۱-تسا۳:۲).

۹ من چیزی به کلیسا[m] نوشته ام اما
مت۲۰:۲۷؛ فی۲:۳؛ ۱-پطر۵:۳ دیوترفس که می‌خواهد بر ایشان برتری
داشته باشد ما را قبول ندارد[n]. ۱۰ بدین
۱-قرن۴:۱۸-۲۱ سبب اگر بیایم به او یادآوری خواهم کرد
کارهایی را که می‌کند: [بسیاری] حرفهای
مفت و شرارت‌آمیز علیه ما می‌زنند و به
اینها اکتفا نکرده برادران را خودش
نمی‌پذیرد و آنان را که بخواهند [بپذیرند]
مانع شده و از کلیسا بیرون می‌کند. ۱۱ ای
محبوب، از بدی تقلید مکن، بلکه از
۱-یو۳:۶؛ ۱-پطر۳:۱۱ نیکی. [آنکه] نیکی می‌کند از خدا است،
[آنکه] بدی می‌کند خدا را ندیده است.

۱۲ [و اما] دیمیتریوس[o]، همه دربارهٔ او
گواهی داده و خود حقیقت هم [گواهی داده امث۲۲:۱؛ ۱-پطر۲:۱۲
است][p]؛ و ما هم گواهی می‌دهیم و تو
می‌دانی که گواهی ما حقیقی است.
۱۳ خیلی چیزها داشتم که به تو بنویسم ۲-یو۱۲
ولی نمی‌خواهم به تو با مرکب و قلم ۲-یو۱۲
بنویسم. ۱۴ وانگهی امیدوارم به‌زودی تو را
ببینم و روبرو [با هم] صحبت خواهیم کرد.
۱۵ آرامش بر تو باد! دوستان به تو سلام
می‌رسانند. [هر یک از] دوستان را به نام
[خودشان] سلام برسان.

m- منظور کلیسای محلی است که غایس عضو آن کلیسا است و دیوترفس در آن آشفتگی و نفاق ایجاد می‌کند.
n- گاهی ترجمه می‌کنند: ما را نمی‌شناسد. به طوری که در آیه ۱۰ تصریح شده دیوترفس اقتدار پیر را نمی‌پذیرد.
o- ممکن است یکی از اعضای کلیسای محلی و شاید یکی از سخنرانان هیئت مبلغان است. همچنین می‌توان تصور کرد کسی است که حامل نامه می‌باشد.
p- سخن خدا را که دیمیتریوس اشاعه می‌دهد (ر.ک آیه ۱۲ توضیح o) گواهی می‌دهد که او هم همکار واقعی حقیقت است (ر.ک آیه ۸). پولس نیز به طرز مشابهی، ثمره‌های معنوی گفتارهای خود را در قرنتس دلیل و نشانهٔ صحت و واقعیت رسالت خود می‌شمارد (۲-قرن۳:۲-۳).

پیشگفتار

نامه یهودای رسول

خواننده امروزی ممکن است از نامه یهودا دچار حیرت شود، زیرا با طرز فکر این نامه بیگانه است و ممکن است بسیاری از نکته ها و اشاره های آن را درک ننماید.

در این نامه علیه معلمان دروغین هشدار داده می شود ولی به دشواری می توان گفت منظور از معلمان دروغین چه کسانی هستند زیرا با همان تصاویر معمولی و متداولی توصیف شده اند که در نوشته های مشاجره ای یهودیان معاصر آغاز مسیحیت وجود دارد: بدین معنی که آنان را شکم پرست، عیاش، حریص، سودجو ... توصیف می کند. اظهار می کند می خواهند در کلیسا انشعاباتی به وجود آورند، به فرشتگان ناسزا می گویند و منکر خداوند عیسی مسیح هستند. آیا طرفداران عقاید گنوستیک هستند که مدعی شناخت واقعی نجات (گنوز) بوده و به نام این عقیده جسم را حقیر می شمارند، به اعمال رذیله خلاف طبیعت می پردازند و منکر حلول روح خدا در مسیح هستند؟ در این صورت می توان گفت به چه سبب نویسنده ایشان را به مسخره «بیماران روانی» می خواند (بند ۱۹). با این همه نمی توان عقاید و نظریات آنان را دقیقاً تعیین نمود و تنها اطلاعات دقیقی که بدست می آید محیطی است که نویسنده در آن می زیسته است.

محیط زندگی نویسنده مربوط به محافلی است که از قرن دوم پیش از میلاد، ادبیات و نوشته های مکاشفه ای در آنها پیدا شده بود و آثاری نظیر کتاب خنوخ، صعود موسی و وصیت نامه های دوازده پیامبر بزرگ را بجای گذاشته اند. نویسنده حتی قطعه ای از کتاب خنوخ را عیناً نقل می کند (بندهای ۱۴-۱۵) و از معراج موسی یا مدرک مشابه به آن استفاده می نماید (بند ۹).

همچنین در این محافل اهمیت زیادی به تکریم بعضی انواع فرشتگان داده می شود (بند ۸) و از مختصات دیگر این محافل، نفرت و انقطاع از بی دینان و وحشت از آلوده شدن با آنان است وقتی که درمان ناپذیر شمرده شوند: «منفور شمارید حتی جامه ای را که با تن ایشان آلوده شده است» (بند ۲۳).

این نظریات که مخالف با نظریات پولس هستند در نوشته های مکشوفه در قمران و در نوشته های فرقه اسنیان نیز اظهار شده است ضمناً در آنها آثار مکاشفه ای که قبلاً ذکر گردید شیوع دارد. این نکته شایان توجه است زیرا می توان بدین وسیله محافل یهودی ـ مسیحی را که نامه یهودا در آن تهیه شده است تعیین نمود. به هر صورت احترامی که نویسنده نسبت به فرشتگان ابراز می کند از نظریات او در مورد ستایش مسیح و مسیح شناسی نمی کاهد زیرا علیه مخالفان از «خداوند عیسی مسیح» (بند ۴) یاد کرده و اعتراف می نماید عیسی آن کسی است که برای زندگی جاویدان باید به او امیدوار بود (بند ۲۱).

موعظه و اندرزهای نامه درباره محکومیت بی‌دینان نیز در جهت نوشته های مکاشفه ای است: کیفر گناهکاران به شدت و با قاطعیت فرا خواهد رسید و در گذشته به صورت تجسم قبلی در محکومیت فرشتگان عاصی، جزای سدوم و غموره و هلاک نسلهای بی ایمان در صحرا نشان داده شده است. از نمونه هایی که ارائه شده می توان به روحیه و طرز تفکر پی برد. بی‌دینیان قبلاً به وسیله محکومیت‌های بزرگ کیفر یافته اند و حتی نویسنده می گوید که در طغیان قورح هلاک شده اند (بند ۱۱). بنابراین زمان حال در محتوای تاریخ گذشته اعلام گردیده است. این گونه به فعلیت در آوردن نوشته های مقدس در ادامه عقاید و نظریات یهودی است و تحت تأثیر دوران نگارش نامه است؛ ولی نویسنده بدین وسیله می گوید که طرز عمل خدا همیشه یکی است و نوشته های مقدس برای دوران حاضر قواعدی هستند که همواره ارزشمند و معتبرند.

نویسنده نامه خود را یهودا برادر یعقوب معرفی می نماید. در نوشته های عهد جدید سخن از یعقوب و یهودا، برادران خداوند است که همچنین برادران یوست (یا یوسف) و شمعون هستند (مر۶:۳؛ مت ۱۳:۵۵). بنابراین در اینجا یهودا غیر از یهودای تدّی است که یکی از دوازده رسول است و در لو ۶:۱۶؛ اع ۱:۱۳ ذکر گردیده است (ر.ک مر ۳:۱۸؛ مت ۱۰:۳). ولی آیا واقعاً او نامه را نوشته است؟ زیرا آثار و شواهدی در نامه نشان می دهند که مربوط به دورانی متأخر بر دوران رسولان است. (در بند ۳ سخن از ایمانی است که به مقدسان منتقل گردیده و مخصوصاً در بند ۱۷ از آموزش رسولان یاد می شود که کلاً مربوط به گذشته است). بنابراین نویسنده نامه مطالب خود را از آموزشهای یهودا برادر خداوند دریافته و منسوب به او می داند. زیرا در محیطی که نویسنده می زیسته برای یعقوب و یهودا، برادران خداوند احترام قائل بودند و سخنان ایشان را منتشر می کردند، از سوی دیگر با توجه به ریشه هایی که این نامه در محافل کهن یهودی دارد نمی توان گفت در تاریخ خیلی بعدتری نوشته شده است و چنین تصور می شود که در بین سالهای ۸۰ تا ۹۰ میلادی نوشته شده باشد.

نامه یهودا با وجود مشخصات ویژه ای که دارد در دومین نامه پطرس مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک مقدمه نامه مذکور) بنابراین اهمیت و شهرتی داشته است، ضمناً نبایستی نیروی جریان افکار و نظریات مسیحیانی را که قبلاً یهودی بودند و مبنای استدلالهای این نامه است دست کم گرفت: این نامه بعضی از جنبه های جریان مذکور را که نمی شناختیم به ما نشان می دهد. پذیرش نامه جزو نوشته های برحق، مخصوصاً در کلیساهای سوریه مشکلاتی ایجاد کرده بود و در قرن چهارم میلادی اوزبیوس می نویسد که بعضی‌ها مخالف آنند. برعکس کمی پیش از سال ۲۰۰ میلادی جزو فهرست نوشته های برحق موراتوری منظور شده و در حدود سال ۲۰۰ میلادی ترتولیان آن را بعنوان نوشته برحق ذکر نموده است؛ این نامه را کلمنت اسکندرانی تفسیر کرده (آغاز قرن سوم میلادی) و اوریجن از آن نقل قول نموده است (متولد ۱۸۵/۶ ـ فوت ۲۵۴ میلادی). بنابراین خیلی زود در رم، اسکندریه، قرطاجنه پذیرفته شده است. به عقیده جروم (تولد در حدود ۳۴۵ و وفات در حدود ۴۲۰ میلادی) تردید در پذیرش این نامه بعنوان نوشته برحق به آن دلیل است که اشاره به نوشته هایی کرده و از آنها نقل قول می نماید که کلیسا نشناخته و نپذیرفته اند.

نامه یهودا

سلام و درود

۱ از یهودا، برده عیسی مسیح و برادر
یعقوب[a]، به فرا خوانده شدگانی که محبوب یع۱:۱
در خدای پدر هستند و برای عیسی مسیح[b]
نگهداشته شده اند؛ ۲ رحمت بر شما [باد]،
و صلح و محبت فراوان! ۲-پطر۱:۲

معلمان دروغین قبلاً محکوم شده اند

۳ ای محبوبان، شوق تمام داشتم که به شما ۱-پطر۲:۱۱
درباره نجات مشترک ما بنویسم، تا اینکه بر
من لازم شد به شما نوشته تشویق کنم به
خاطر ایمانی که یک بار به مقدسان سپرده ۲-پطر۲:۲۱
شده است مبارزه نمایید. ۴ زیرا بعضی
اشخاص که از مدتها پیش به جهت این غلا۲:۴
محکومیت تعیین شده بودند[c] در میان [ما]
راه یافته اند، بی دینانی که فیض خدای ما
را به هرزگی تغییر داده و تنها سرور[d] و
خداوند ما عیسی مسیح را انکار می کنند.
۵ اما می خواهم به شما که همه چیز را ۲-پطر۱:۱۲
می دانید[e] یادآوری کنم که خداوند[f] یک
بار قوم را از سرزمین مصر نجات داد، بار
دوم آنان را که بی ایمان بودند هلاک کرد. اعد۱۴:۳۵؛ ۱-قرن۱۰:۵
۶ و فرشتگانی را که مقام خود را حفظ
نکردند، بلکه مسکن خود را برای داوری
روز بزرگ ترک نمودند، در زنجیرهای
جاودانی، زیر ظلمت نگهداشته است[g].
۷ همچنین سدوم و غموره و شهرهای مجاور
ایشان که به مانند طریق ایشان فحشا
کردند[h] و به دنبال شهوت جسمانی [تن][i]

a- یعقوب که برادر خداوند می خواندند، (غلا ۱:۱۹)؛ ر.ک مقدمه.
b- برای عیسی مسیح، که همه آدمیان را در واپسین روز داوری خواهد کرد.
c- ترجمه دیگر: محکومیت ایشان قبلاً و مدتها پیش ثبت شده بود. بر طبق بعضی عقاید یهودیان اعمال آدمیان قبلاً در مقابل خدا ثبت شده است (ر.ک مز ۶۹:۲۹؛ ۱۳۹:۱۶؛ ۱-خنوخ ۸۹:۶۲ و بندهای بعدی؛ ۱۰۸:۷). اکثراً به کتابهایی (آسمانی) اشاره می شود که اسرار آینده در آنها ثبت شده است (ر.ک دان ۷:۱۰). ولی مسلم نیست که در اینجا منظور علم قبلی خدا در مورد اشخاص مخصوصی باشد، بلکه این اشخاص با رفتار خودشان نشان می دهند که جزو طبقه بی دینان هستند و بی دینان از مدتها پیش به وسیله لعنتی که در کتابهای مقدس، نوشته های مکاشفه ای و کتابهای آسمانی است محکوم شده اند.
d- کلمه یونانی که سرور ترجمه شده عنوانی است که فقط در اینجا و در ۲-پطر ۲:۱ به عیسی داده شده است. بدین سبب بعضی از مفسران تفسیر می کنند: و تنها سرور (خدا) و خداوند ما عیسی مسیح.
e- احتمالاً اشاره به ایمانی است که به هنگام تعمید دریافت کرده اند. ر.ک بند ۳ و ۱-یو ۲:۲۰.
f- منظور از کلمه خداوند در اینجا خدای پدر است ولی در بعضی از نسخه های خطی به جای خداوند کلمه عیسی نوشته شده و بدین گونه عمل نجات یهودیان از مصر به مسیح نسبت داده می شود که ازلی است ر.ک ۱-قرن ۱۰:۴d.
g- این فرشتگان مقام خود را ترک کرده و زنانی را فریفته و به گناه واداشته بودند. از این آمیزش غولهایی متولد شده بود که زمین را ویران می کردند (خنوخ فصلهای ۶ تا ۱۰)؛ ر.ک ۲-پطر ۲:۴w.
h- در وصیت نامه نفتالی ۳:۴-۵ همین مقایسه و ارتباط بین گناه فرشتگان و گناه سدوم ذکر شده است.
i- ترجمه تحت اللفظی: به دنبال جسم دیگر. ر.ک ۲-پطر ۲:۱۰ و منظور اعمال شهوانی برخلاف طبیعت اهالی سدوم و غموره است. بنا به پید ۱۹:۱-۲۵ این اهالی فرشتگان را بجای افراد بشری گرفته و می خواستند به آنان تجاوز نمایند.

دیگر رفتند برای عبرت ارائه شده اند،
محکومیت آتش جاودانی را تحمل
می کنند. [8] و با این همه نیز این خواب
۲-پطر۲:۱۰ بینندگان جسم [تن] را پلید می سازند، و
خداوند[j] را تحقیر کرده به شکوهمندی ها[k]
دان۱۰:۱۳،۲۱؛ ۱۲:۱؛ کفر می گویند. [9] باری، میکائیل، فرشته
مکا۱۲:۷ اعظم، هنگامی که با ابلیس درباره جسد
موسی بحث و مجادله می کرد، جرأت ننمود
او را داوری و تکفیر نماید، بلکه گفت:
«خداوند تو را سرزنش نماید[l]!» [10] اما
اینان، هر چیزی را که حقیقتاً نمی شناسند
۲-پطر۲:۱۲ تکفیر می کنند. و آنچه را که طبیعتاً مثل
حیوانهای بی شعور می شناسند، موجب
هلاک ایشان می شود. [11] وای بر ایشان،
زیرا در طریق قائن رفته اند و به خاطر
نح۱۳:۲؛ اعد۱۶:۳۱ اجرت به گمراهی بلعام افتاده اند و در
۲-پطر۲:۱۳ طغیان قورح نابود شده اند[m]. [12] اینان در
حزق۳۴:۸ ضیافت های برادرانه[n] شما مهلکه هایی[nn]
۲-پطر۲:۱۷ هستند، بی پروا عیش می کنند، خودشان را
سیر می نمایند، ابرهایی بی آب که بادها
می برند، درختان بی ثمر آخر پاییز، دوبار
مرده، ریشه کن شده! [13] امواج وحشی دریا، اش۵۷:۲۰
که رسوایی خود را [مثل] کف بر می ۲-پطر۲:۱۷
آورند، ستارگان سرگردانی که تاریکی
ظلمت جاودانی برایشان ذخیره شده
است[o]! [14] اما خنوخ، هفتمین [پیامبر]
پس از آدم[p] نیز برای ایشان پیشگویی
کرده، می گوید: «اینک خداوند با ده ها زک۱۴:۵
هزار مقدسانش[q] می آید [15] تا بر همه
داوری کند و هر روحی را در مورد همه
اعمال بی دینی ایشان که خود را بی دین
ساخته اند محکوم نماید و به سبب تمام
سخنان سختی که گناهکاران بی دین علیه
او گفته اند[r].»

[16] اینان غرغر کنان و نا راضی اند، بر
طبق هوس های خود رفتار می کنند و
دهانشان کلمات تکبرآمیز[s] می گوید، ۲-پطر۲:۱۸
مردمان را برحسب منفعت تحسین می کنند.

j- ترجمه دیگر: فرمانروایی، که محتملاً منظور خداوندی و سلطنت مسیح است (ر.ک بند ۴).

k- ترجمه دیگر: شکوه ها (ر.ک خروج ۱۵:۱۱ ترجمه یونانی). شکوه ها یا شکوهمندی ها نام نوعی از فرشتگان است که در اینجا برعکس ۲-پطر ۲:۱۱ فرشتگان خوب هستند.

l- این مشاجره بین میکائیل و ابلیس در نوشته های مکاشفه ای یهودیان (شاید کتاب صعود موسی) روایت شده و در اوائل قرن اول میلادی نوشته شده است.

m- در اینجا نویسنده بی دینیان کنونی را به بی دینیان دورانهای گذشته تشبیه می نماید: قائن که قاتل برادرش بود، پید ۴؛ بلعام، اعد ۲۲-۲۴؛ معلم دروغین بر طبق احادیث متأخر یهود. ر.ک ۲-پطر ۲:۱۵b؛ قورح یاغی، اعد ۱۶.

n- کلمه یونانی که ضیافت برادرانه ترجمه شده است کلمه مخصوص و فنی است و عبارات از اجتماع مسیحیان اولیه برای صرف غذا در محیط محبت و برادرانه بوده است. در اینجا نخستین باری است که این کلمه به مفهوم مخصوص خود بکار برده شده است. ر.ک ۲-پطر ۲:۱۳.

nn- کلمه یونانی که مهلکه ترجمه شده به معنی تحت اللفظی صخره ای است که در دریا و نزدیک به سطح آب است و در صورت تصادم با آن کشتی شکسته و غرق می شود.

o- ر.ک خنوخ ۱۵:۱۵؛ ۲۱:۳.

p- بر طبق روایات یهود، در شجره نامه ای که از آدم ابوالبشر آغاز می شود، خنوخ هفتمین پیامبر بزرگ است. پید ۵:۳-۱۸؛ ۱-توا ۱:۱-۳؛ لو ۳:۳۷-۳۸. عبارت هفتمین پیامبر پس از آدم عیناً از کتاب خنوخ ۶۰:۸ گرفته شده است.

q- ترجمه دیگر: با مبارزان مقدسش می آید.

r- این عبارت عیناً از ترجمه یونانی کتاب خنوخ ۱:۹ نقل شده است.

s- ر.ک دان ۱۱:۳۶ ترجمه یونانی تئودوسیون، اصطلاح مشابهی در خنوخ ۵:۴؛ ۲۷:۲؛ ۱۰۱:۳؛ و کتاب صعود موسی ۷:۹.

تشویق و اندرز به ایمانداران

۲-پطر۳:۲ [۱۷]اما شما، ای محبوبان، سخنانی را به
یاد آرید که قبلاً به وسیله رسولان خداوند
ما عیسی مسیح گفته شده است؛ [۱۸]که به
۲-پطر۳:۳ شما می‌گفتند: «در پایان روزگار مسخره
کنندگانی خواهند بود که بر طبق هوسهای
بی‌دینی خود رفتار می‌کنند». [۱۹]اینان
تفرقه می‌اندازند، نفسانی هستند[t]، روح
[القدس] ندارند. [۲۰] اما شما، ای
کول۲:۷ محبوبان، خود را بر مبنای ایمان بسیار
مقدس خود بنا کنید و در روح القدس
نیایش نمایید. [۲۱]و خود را در محبت خدا
۲-تیمو۱:۱۸ نگهدارید، در انتظار رحمت خداوند ما
عیسی مسیح برای زندگی جاویدان.
[۲۲]بعضی را که تردید دارند حقیقتاً ترحم یع۵:۱۹
نمایید، [۲۳] و آنان را از آتش بیرون کشیده
برهانید و بر دیگران ترحم کنید[u] با ترس از عا۴:۱۱؛ زک۳:۲
اینکه حتی از لباس آلوده[v] به تن ایشان
بیزار باشید[w].

تبرک و تقدیس

[۲۴] و آن که می‌تواند شما را از لغزش فی۱:۱۰؛ ۱-تسا۵:۲۳؛
نگهدارد و در حضور شکوه او بی نقص در ۲-پطر۳:۱۴
سرور بایستید، [۲۵]به یکتا خدای نجات روم۱۶:۲۷
دهنده ما، به وسیله عیسی مسیح خداوند ما،
شکوه، جلال، قدرت و اقتدار پیش از همه
روزگار و اکنون و در تمام روزگاران باد!

t- ترجمه دیگر: افکار زمینی دارند. گنوستیک ها افراد نفسانی را تحقیر می‌کردند، زیرا نمی‌توانند به امور خدایی دست یابند (۱-قرن ۲:۱۴؛ یع ۳:۱۵). ر.ک مقدمه.

u- در بعضی از نسخه های خطی: دیگران را سعی کنید متقاعد سازید.

v- بندهای ۲۲ و ۲۳ در نسخه های خطی مختلف دچار تغییرات زیاد شده‌اند.

w- بی‌دینان هر چه دارند آلوده می‌کنند. ر.ک مدارک قمران مجموعه دستورات و مقررات ۵:۱۹-۲۰.

پیشگفتار

مکاشفه یوحنا

کلمۀ یونانی apocaluptein که «مکاشفه» ترجمه می شود از نظر لغوی به معنی «کنار زدن پرده» است؛ بنابراین مکاشفه یعنی «آشکارشدن». نوشته های مکاشفه ای نزدیک و شبیه به سنت نبوتی است که به روش مخصوصی شرح و بسط داده می شوند. نفوذ این نوشته ها در کتاب مقدس و نوشته های مربوط به آن، مخصوصاً از قرن دوم پیش از میلاد کاملاً آشکار است (ر.ک دان۷-۱۲) ولی حتی قبل از آن تاریخ، مقدمات تهیه این گونه نوشته ها را در کتابهای حزقیال، یوئیل، زکریا و اشعیا۲۴-۲۸ می توان یافت.

ویژگی های کلی ادبیات مکاشفه ای

۱- شکل مکاشفه

سبک ادبی نوشته های نبوتی، حتی اگر در آنها گاهی به رؤیاها اشاره می شود، ویژگی اصلی شان الهام یعنی کلام خدا است که به وسیله نبی ابلاغ می شود، پیامی که قبلاً شنیده یا در همان دم احساس کرده است.

در نوشته های مکاشفه ای، مرد خدا کسی است که بینش درونی دارد: «آسمان را گشوده» دیده یا اینکه از نوعی «صعود» بهره مند شده که او را به جهانی برتر وارد کرده تا حقایقی را که معمولاً در دسترس همه نیست تماشا کند. بنابراین پیام به صورت توصیف و تفسیر چیزی است که دیده شده و در این مورد تصویر بیش از سخن اهمیت دارد و سخن فقط برای توضیح وضعیت است تا مفهوم رؤیا را تکمیل کرده آن را تأیید نماید.

۲- نقش و کاربرد نماد

حقایق آسمانی را که شخص رویا بین مشاهده می کند طبعاً فراتر از معیارهای بشری و در مرتبه ای عالی قرار دارند، بنابراین طبیعی است که نتوان آنها را آن چنان که هستند دقیقاً توصیف و تعریف کرد. نویسنده ای که می خواهد مطالبی را ذکر کند که «چیزی دیگر» یا مقدس است باید با قیاس و تقریب عمل نماید، تشبیهات و مقایسه های شگفت انگیز و عجیب و گاهی متناقض بکار برد که قبلاً نمونه های آن برای توصیف تجلی خدا در نوشته های مذهبی و همچنین در بیان مذهبی دنیای یونانی-شرقی یا در آیین نیایش آمده است.

همچنین استفاده از نمادگرائی بدین منظور است که جنبۀ محرمانه پیام برجسته شده و نشان داده شود که دریافت آن امتیازی بشمار می رود. نوشته های مکاشفه ای با تمثیلها، اشارات عددی و اظهارات معماگونه به کسانی خطاب می شود که آشنا و وارد هستند یعنی

تنها کسانی که خوانده شده اند می توانند به درک اسرار الهی واقف گردند. نویسنده بدین وسیله اهمیت پیامی را که می آورد تلقین کرده و حس کنجکاوی خواننده را تحریک می نماید.

۳- موضوع رؤیاهای مکاشفه ای

در حالی که نگرش مذهبی یونانیان در پی شناخت حقایقی والا یا تأمل و سیر در حقایق عبرت انگیز است، الهام کتاب مقدسی، اعلام مشیت خدا و یادآوری حضور فعال او در دل تاریخ است. این اعلام، در عین حال خود یک انتخاب و دعوت به توافق و هماهنگی با عمل خدا است.

در نوشته های کلاسیک انبیا، توجه و اهتمام به تشویق کردن و اندرز دادن صریح و معمولاً روشن است و وقتی پیام الهام خدا و سرنوشت ممتاز ملت را اعلام می کنند، الزامات واقعی پیمان را یادآوری می نمایند؛ یادآوری و تذکر اعمال شگفت انگیز گذشته برای تأیید دستورات مربوط به وفاداری است و وقتی دعاهای خیر و برکت اعلام می شود یا کیفرها یادآوری می گردد بدان منظور است که به تصمیم فوری تغییر روحی یا اخلاقی منجر گردد.

در نوشته های مکاشفه ای نیز، موعظه و تشویق به وفاداری یا توبه موضوع اساسی بشمار می رود ولی جنبهٔ فوریت آن بلافاصله آشکار نمی شود. ظاهراً رؤیاها بایستی اسرار تاریخ را فاش گویند: در این رؤیاها جریان قطعی مراحل مهم و نهایی مشیت خدا آشکار می شود؛ فرا رسیدن دوران جدید و آماده شدن اسرارآمیز آن یادآوری می گردد و بدین وسیله برای فرد ایماندار خطرات واقعی اوضاع کنونی روشن می شود؛ ولی این اظهارات به خودی خود جنبهٔ هشدار دارند: موجب امیدواری کسانی می شوند که تحت تعقیب و شکنجه هستند، به کسانی که دچار تردید شده اند جرأت می دهند و کسانی را که گمراه شده اند به توبه ترغیب می نمایند.

در موعظه پیامبران، توبه و وفاداری، شرایط حفظ پیمان بشمار می آیند. در رؤیای مکاشفه ای، اعلام پیروزی نهایی خدا متضمن پایداری و آمادگی است.

۴- موضوع فوریت، تغییر تاریخ رویدادها و کاربرد نامهای مستعار

پیام های مکاشفه ای به همان روش وحی پیامبران دارای همان فوریت هستند ولی این فوریت به طُرق دیگری اظهار می شود و خواننده را وادار می کند قریب الوقوع بودن «روز خداوند» را احساس نماید.

فرا رسیدن قریب الوقوع روز خداوند به روشهای مختلفی به خواننده تلقین می شود که معمولی ترین آنها تغییر تاریخ وقوع رویدادها و بکار بردن نامهای مستعار است: مثلاً اینکه پیام در روزگار گذشته بوسیله شخصیت مشهوری دریافت شده و از طریق یک سلسله افراد وارد ابلاغ گردیده یا اینکه به طرز فوق العاده و شگفت انگیزی پیدا شده است (ر.ک مثلاً مکاشفه باروخ، کتاب اسرار خنوخ، صعود موسی، چهارمین کتاب عزرا). منبع و منشأ این نوشته ها که ادعا می شود کهن و معتبر هستند اهمیت آنها را تأیید می نماید. بدین وسیله می توان جریان یک واقعه تاریخی را که قبل از انتشار پیام روی داده در زمان

آینده ارائه نمود و چون وقایع جدید، ماهرانه با رموز و اشاراتی نشان داده می شوند که کاملاً واضح و روشن هستند و در بین نشانه های فرا رسیدن نهایی ارائه می گردند، خوانندگانی که می توانند تاریخ وقایع را برآورد کرده و تخمین بزنند در انتظار خواهند بود که به زودی پیروزی عادلان و کیفر بی دینان را ببینند.

منظور از چنین اعلامی کاملاً معلوم است: نزدیک بودن ایام آخر، زمان حاضر را حائز اهمیت خاص می کند؛ شور و حرارت را تقویت کرده و پذیرش و تعهدات ضروری و بلافاصله را تشویق می نماید.

۵- تفسیر جهان و تاریخ

در موعظه های پیامبران، جریان مشیت خدا در مدتی مداوم و در چهارچوب سرنوشت تاریخی قوم برگزیده ارائه می شود در صورتی که در نوشته های مکاشفه ای، گسیختگی قاطعی بین زمان حاضر و دوران آینده وجود دارد؛ زمان حاضر دوران گناه و تسلط نیروهای بدی است و آینده دوران پیروزی کامل خدا و برگزیدگانش خواهد بود. به جای دوران حاضر که زمان پیکار و تحمّل آزمون ها است، دوران تجلی قاطع و بی چون و چرای نظم الهی برقرار خواهد شد. این تغییرات تصادفی نبوده و مربوط به اراده های آدمیان نیست. زمان فرا رسیدن آنها قبلاً معین شده که معمولاً آدمیان نمی دانند، زیرا تنها خدا است که فرمانروا و داور تاریخ است.

ضمناً فرا رسیدن نهایی ملکوت خدا مربوط به تمامی جهان است و رؤیای پایان روزگار همان ابعادی را دارد که آفرینش داشته است.

چنین نظریه ای در عین حال موجب خوش بینی و بدبینی است: بدبینانه است بدین معنی که بی ثباتی و تباهی دنیای حاضر را یادآوری و تأکید می نماید؛ خوش بینانه است زیرا پیروزی نهایی خدا را، با وجود پیروزیهای ظاهری شر ابراز می نماید. این فکر مخصوصاً در دورانهای بُحرانی شدت می یابد: وانگهی نوشته های مکاشفه ای در دورانهای تعقیب و شکنجه تنظیم و انشاء شده اند.

چشم‌اندازهای خاص مکاشفه یوحنا

مکاشفه یوحنا با اینکه بیشتر روشها و طرز بنای ادبیات مکاشفه ای را پذیرفته و بکار برده است، کاملاً از آنها پیروی نمی کند.

قسمت مهمی از این اثر واقعاً به شکل مکاشفه نیست: نامه هایی که به هفت کلیسا فرستاده می شود (مکا۲-۳) بیشتر نزدیک به موعظه های معمولی پیامبران است و نویسنده، نظیر پیام های پیامبران نام خود را ذکر کرده و پیام خود را به معاصرانش خطاب می نماید. مکاشفه یوحنا مخصوصاً به سبب تفسیر مذهبی تاریخ و توّجه به نکات مورد علاقه واقعی خود از بیشتر آثار و ادبیات مکاشفه ای متمایز است.

۱- تفسیر تاریخ از نظر مسیحیت

رؤیای یوحنا دربارهٔ پایان روزگار نظیر بعضی از عقاید اساسی خداشناسی در مسیحیت اولیه است. بنابراین نظریات عصر جدیدی که در نوشته های مکاشفه ای یهودیان اعلام شده و فرا رسیدن آن را انتظار می کشند در هنگام رستاخیز مسیح آغاز شده است.

بنابراین ایام آخر شروع شده و نعمت‌های مسیحایی ابلاغ و اعطا شده است: مثلاً روح‌القدس بر تمام مردمان منتشر شده (ر.ک اع۲:۱۶-۲۱) و هم‌اکنون فرد مسیحی با مسیح برپاخاسته است (ر.ک کول۳:۱). ولی این واقعه رازگونه انجام شده، چیزی است که در حیطهٔ مکاشفه و الهام است و جز به وسیله ایمان درک و دریافت نمی‌شود و به تحقق کامل و تجلی شکوهمند منتهی نمی‌گردد.

بر طبق این چشم‌انداز مسیحی، «روز خداوند» به دو قسمت تقسیم شده است: از یک طرف واقعه رستاخیز مسیح و تجلیل او را به مقام خداوندی تعیین می‌کند و از سوی دیگر در انتظار او هستند که برگردد و تجلی درخشان جهانی ملکوت خدا به وسیلهٔ مسیح او تحقق یابد. موقتاً تقارن بین «زمان حاضر» و «دوران جدید» وجود دارد بدین معنی که کلیسا در زمان حاضر است ولی از آنِ دوران آینده می‌باشد و از نظر فرجام‌شناسیِ حقیقی بشمار می‌رود، درعین حال تحقق پیشگویی‌ها و نوبر پیشگویی‌های پایان روزگار است.

۲- موضوع رؤیاها

نظر به اینکه هم‌اکنون ایام آخر افتتاح شده، گسیختگی معمولی بین دوران حاضر و دوران جدید به همان معنی نیست و توالی بین دو مرحله را بیان نمی‌کند بلکه به معنی تمایز بین دو نظم یعنی نظم تاریخی و نظم واپسین است.

بنابراین نقش رؤیاها دیگر فقط یادآوری پایان روزگار نیست تا فرا رسیدن «روز خداوند» را آماده نمایند بلکه بیشتر متوجه به حقایق مرموزی است که قبلاً مقرر و ابلاغ گردیده است. از نظر علم الهی، مسیح و کلیسا از توصیف مکاشفه‌ای تاریخ اهمیت بیشتری می‌گیرد. امیدواری مسیحیت فقط وابسته به بازگشت قریب‌الوقوع مسیح نیست بلکه یادآوری مشارکت کنونی با مسیح در مبارزهٔ پیروزمندانهٔ او است.

در نتیجه موضوع فوریت که معمولاً در نوشته‌های مکاشفه‌ای مطرح می‌شود در چهارچوب برآورد و محاسبه فاصله زمانهای پایان روزگار وارد نمی‌شود بلکه مبنای اعتقاد بر این است که مرحلهٔ قطعی مشیّت خدا در واقعه عید گذر ظاهر شده و افتتاح گردیده است. دورانهای پایانی به‌زودی فرا می‌رسند چنانکه در نهان هم‌اکنون آغاز شده‌اند. انتظار مسیحیت بدان سبب استوار و فعال است که مربوط به نعمت‌هایی است که نوبر آنها از هم‌اکنون عطا شده است. در مکاشفه یوحنا مقام مهمی به اندیشه و تأمل دربارهٔ وقایع نجات و تعمق در اوضاع و شرایط کلیسا داده شده و از این حیث نزدیک به مناظر موعظه‌های پیامبران است که می‌خواستند با یادآوری شگفتی‌های پیمان و جلب توجه به سرنوشت اسرائیل، نوعی بیداری روحی در آنان برانگیزاند. یوحنا در اظهار «ملکوتی که می‌آید» توجه خوانندگان را بیشتر به جنبه پنهانی بودن آن جلب می‌نماید تا اینکه به تاریخ تجلی شکوهمند آن بپردازد و این نکته نشان می‌دهد به‌چه سبب در مکاشفه یوحنا روش نامهای مستعار و تغییر تاریخ وقوع رویدادها بکار برده نشده است درصورتی که این روش‌ها در مکاشفه‌های سنتی اصولاً برای آن است که نزدیک بودن «روز خداوند» تخمین زده شود.

نویسنده و مقتضیات نگارش

در مکاشفه یوحنا چندان اطلاعات دقیقی در مورد نویسنده آن داده نشده ولی نویسنده خود را یوحنا و رسول می‌خواند (۱:۱، ۴، ۹؛ ۸:۲۲-۹)؛ ولی در هیچ جا نام خود را جزو دوازده رسول قید نمی‌کند. بر طبق سنت مطمئنی که اثر آن را در قرن دوم میلادی می‌یابیم، نویسندهٔ مکاشفه همان یوحنای رسول است که انجیل چهارم هم به او نسبت داده شده است. با این همه روایات ابتدایی در این مورد متفق‌القول نبوده‌اند و بعضی از جمعیت‌های مسیحیان تردید داشتند که مکاشفه را یکی از رسولان نوشته باشد. مفسران عصر حاضر در این مورد عقاید مختلفی دارند: بعضی از مفسران اظهار می‌کنند که با ملاحظهٔ تفاوت در روش نگارش، اختلاف محیط و نظریات خداشناسی که بین این دو اثر وجود دارد مشکل بتوان کتاب مکاشفه و انجیل چهارم را به یک نویسنده منسوب دانست. برخی دیگر از مفسران، برعکس شباهت موضوع‌ها، نزدیک بودن نظریات خداشناسی و همچنین زمینه و عمق افاده کلام را که در هر دو اثر طرز بیان سامی است یادآوری می‌نمایند و فکر می‌کنند که کتاب مکاشفه و انجیل چهارم با آموزش یوحنای رسول بستگی دارد و احتمالاً بوسیلهٔ نویسندگانی که به محافل یوحنایی در افسس تعلق داشته‌اند نوشته شده است.

مکاشفه به «هفت کلیسای آسیا» خطاب شده (۳:۱، ۱۱؛ ۲-۳) و منظور هفت جمعیت مسیحیان است که در ایالت آسیای صغیر قرار داشته‌اند و مرکز آن ایالت شهر افسس بوده است. به دلیل رقم هفت که یادآوری تمامیّت و کمال است می‌توان تصوّر نمود که منظور نویسنده نه فقط چند جماعت بخصوصی که می‌شناخته بلکه تمامی کلیسا است.

در اینکه مقتضیات انشاء این کتاب چه بوده است، دو نشانهٔ مطمئن در متن وجود دارد ولی نمی‌توان تاریخ دقیقی برای آن تعیین نمود: از یک سو کلیسا قبلاً تعقیب و فشار مخالفان را تحمل می‌کرده و حتی چنین به نظر می‌رسد که با مخالفت رسمی امپراتوری روم مواجه بوده است. از سوی دیگر، بازگشت خداوند که در انتظار آن بودند به طول کشیده و ارائه مدّت انتظار در نزد بعضی‌ها سردی و بی‌علاقگی برانگیخته و در نزد بعضی دیگر دلسردی، سؤال یا بی‌صبری ایجاد نموده است. با توجه به این نکات دو فرضیه می‌توان درنظر گرفت: یکی دوران پس از تعقیب و شکنجه‌های نرون و قبل از ویرانی اورشلیم (سالهای ۶۵-۷۰ میلادی) و دیگری اواخر فرمانروایی دومیتیان قیصر روم (سالهای ۹۱-۹۶ میلادی). به نظر بعضی از مفسران مخصوصاً اشاره‌ای که به معبد اورشلیم شده (۱:۱۱-۲) و ذکر جانشینی امپراتوران روم (۱۰:۱۷-۱۱) نشانه و دلیل بر تأیید فرضیه اولی است. با این همه بیشتر مفسران عصر حاضر دومین فرضیه را نزدیک به حقیقت می‌دانند زیرا از یک طرف با گواهی ایرنائوس اسقف لیون تطبیق می‌کند و از طرف دیگر دومیتیان در نظر داشته پرستش امپراتور را بیشتر متداول ساخته و توسعه دهد و در مکاشفه سخن از مخاصمه آشتی ناپذیر بین ملکوت خداوند عیسی و فرمانروایی کفرآمیز قیصر روم است. بعضی از نویسندگان تصوّر می‌کنند که اوضاع و شرایط نگارش این

اثر پیچیده تر است زیرا مکاشفه اثری یکدست نیست بلکه ترکیب ناشیانه قطعات مختلفی است که در طی آخرین دهه قرن اول میلادی تألیف، دستکاری و اصلاح شده اند.

ساختار مکاشفه و تفسیر آن

حتی اگر فرض شود که بعضی از قسمتهای مجموعهٔ مکاشفه بدواً جداگانه وجود داشته با این حال نوشته ای که بدست ما رسیده دارای ساختاری است که البته با انشاهای کنونی تطبیق نمی کند ولی می توان ملاحظه کرد که مطالب آن به طرز یکنواختی ادامه می یابد و دارای اُسلوب نگارش ثابتی است.

در این کتاب از همان ابتدا می توان دو قسمت تشخیص داد: قسمت نبوتی که به شکل «نامه هایی به کلیساها» (۱:۹-۳:۲۲) و قسمت دیگری که منحصراً جنبهٔ مکاشفه ای دارد (۴:۱-۲۲:۵). در قسمت اخیر بطور کلی طرح عادی بیان مکاشفه ای رعایت شده است: مثلاً مقدمات پایان روزگار (۶:۱-۱۱:۹)، آزمونهایی که بلافاصله می رسند و مقابلهٔ عظیم (۱۲:۱-۲۰:۱۵)، تحقق و تجلّی نهایی (۲۱:۱-۲۲:۵). در مکاشفه یوحنا این طرح با یک سلسله «عوامل هفت تایی» آمیخته و تکمیل شده است (هفت مُهر، هفت شیپور، هفت جام). ضمناً این نبی رؤیاهای واسطهٔ دیگری ذکر کرده و بوسیلهٔ آنها اشاره های خود را بیشتر نشان می دهد، همچنین متن های متعددی از عهد عتیق را اجمالاً آورده، تفکر و تعمق خود را دربارهٔ راز کلیسا و زمان حاضر ارائه می نماید.

البته ارائه طرح دقیقی که مکاشفه بر مبنای آن تنظیم و نگارش یافته باشد مسلّم و قطعی نیست ولی مشکل اصلی کتاب مکاشفه در تفسیری است که باید برای توالی رؤیاها قائل شد. آیا در توالی رؤیاها نشانه و رمزی در شوق تاریخ به بازگشت آینده مسیح هست؟ یا اینکه این توالی فقط چهارچوب فرضی است که در داخل آن نویسنده جنبه های متعدد پیروزی مسیح، شرایط و اوضاع کلیسا و داوری دنیا را ارائه می نماید و نه اینکه بخواهد مراحل مختلف جریان پایان روزگار را نشان دهد. تشخیص این نکته اهمیت دارد زیرا به تفسیر مجموعهٔ کتاب مربوط می شود. تفسیری که بر مبنای توالی تاریخ ها باشد در نوشته های مکاشفه ای معمولی است ولی در این تفسیرها برای حل بعضی از مشکلات ایجاب می کند جای بسیاری از رؤیاها تغییر داده شده یا جنبهٔ اتفاقی و تصادفی آنها پذیرفته شود. برطبق یک نظریهٔ مهم تفسیری، با توجه به تشابه و برابری چندین قسمت از مکاشفه و از جمله، ذکر عوامل هفت تایی، توالی رؤیاها را به صورت صناعت لفظی و ادبی می نگرند: بدین معنی که در سراسر این کتاب، همان عقاید و همان نظریات و پیام ها بیان می شود ولی هربار تصاویر مختلفی پیوسته تکرار می گردد تا به نوعی جدید تصریح شود.

پیام و واقعیت مکاشفه

مکاشفه نظیر هر پیام نبوتی دیگری واقعیت مشیت خدا را اعلام می کند که با توجه به آن فوریّت، مستلزم تعهد ماست. ضمناً اطلاعات ماوراءالطبیعی دربارهٔ زمان حاضر و تحقق آن در اختیار ما می گذارد.

کار خدا به پایان خود رسیده و ما فقط در انتظار انجام آن هستیم (۱:۷؛ ۲۲:۲۰).

هم‌اکنون مسیح پیروز شده و ملکوت او افتتاح گشته است. عیسی یکتا نجات دهنده است و لذا برحسب انتصاب الهی مقام یکتا خداوند متعلق به اوست (۵:۵-۱۴؛ ۱۱:۱۵-۱۷؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۹:۱۱-۱۶). ما در ایام آخر هستیم. پیشاپیش نجات و در مقدمات داوری زندگی می‌کنیم. در برابر این واقعه هم‌اکنون آدمیان به دو نوع متمایز آشتی ناپذیر تقسیم می‌شوند:

آنان که مسیح را می‌پذیرند در پیروزی او شرکت دارند، قوم خدا را تشکیل می‌دهند و تحقق قوم مسیحایی هستند (۷:۹-۱۷؛ ۱۴:۱-۵؛ ۱۵:۲-۴؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱-۹؛ ۲۰:۴-۶).

- آنان که او را نمی‌شناسند و در حال مخالفت با خدا می‌مانند: اینان «ساکنان زمین» هستند، همدستان غاصب بی‌دینی که تحت تسلط شیطان بوده و بمانند او به محکومیت می‌رسند (۶:۱۵-۱۷؛ ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۳:۷-۸ و ۱۴؛ ۱۴:۹-۱۱؛ ۱۷:۸-۱۴؛ ۱۸:۹-۱۹؛ ۱۹:۱۹-۲۲؛ ۲۰:۷-۹).

کلیسا در ژرفای حقیقت خود، کاملاً با شخص مسیح و عمل او شریک است:

- جماعت برگزیده و مورد محبت او است (۱:۵؛ ۳:۹؛ ۷:۳-۴؛ ۱۲:۶؛ ۱۹:۷-۹).

- بوسیله خون او بازخرید شده است (۱:۵؛ ۵:۹؛ ۷:۱۴؛ ۱۴:۳-۴).

- کلیسا، گشایش ملکوت او، قوم سلطنتی و کهانتی او است (۱-۶؛ ۵:۱۰؛ ۷:۱۵؛ ۲۰:۴-۶).

از این ارتباط اساسی، یک همراهی «وجودی» منتج می‌شود یعنی: سرنوشت کلیسا با توجه به شرکت در سرنوشت مسیح درنظر گرفته می‌شود:

- مسیح پیام‌آور و «شاهد امین» بود (۱:۵؛ ۳:۱۴؛ ۹:۱۱). کلیسا جمعیتی مقدس است که شهادت می‌دهد و در این دنیا رسالت پیامبری دارد (۱۱:۳-۶؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۹:۱۰؛ ۲۲:۹).

- مسیح شهادت خود را تا به مرحلهٔ مصائب و مصلوب شدن ادامه داد زیرا با مخالفت دنیایی که دشمن خداست برخورد نموده است(۱:۵؛ ۵:۶). همچنین کلیسا مأموریت خود را با تحمل آزمون‌ها انجام می‌دهد؛ با مبارزه و شهادت آشنا است (۶:۹؛ ۷:۱۴؛ ۱۱:۷-۱۰؛ ۱۲:۲، ۴، ۱۱؛ ۱۶:۶؛ ۱۸:۲۴؛ ۲۰:۴).

- مسیح پیروز گشته و از میان مردگان برخاسته است (۱:۵، ۱۸؛ ۵:۵؛ ۱۲:۵؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱۱-۱۲). هم‌اکنون کلیسا در این پیروزی شریک است؛ فقط در وضعیت برگزیدگی نیست بلکه نجات یافته و از نوبرهای رستاخیز برخوردار است (۶:۱۱؛ ۷:۱۶-۱۷؛ ۱۱:۱۱-۱۲؛ ۱۲:۱۱؛ ۱۷:۱۴؛ ۲۰:۴-۶).

مسیح شکوهمند است و خداوند جهان گشته است (۱:۵، ۱۲-۱۶؛ ۱۹:۱۶). کلیسا هم‌اکنون ملکوت روحانی است: از همین اکنون وظیفهٔ آسمانی خود را در آیین نیایش انجام می‌دهد و به‌زودی پیروزی او متجلی خواهد شد (۷:۹-۱۲، ۱۵؛ ۱۴:۳؛ ۲۰:۴-۶).

بدین گونه، کلیسا در حال حاضر با جنبه های مختلف راز مسیح زندگی می‌کند: برّه عید گذر را به هر جا که می‌رود پیروی می‌نماید (۱۴:۴). این همراهی و مطابقت مستلزم حالات و رفتارهای اخلاقی و روحی است:

- چون در دنیایی که خدا را نمی شناسد باید گواهی دهد، از او خواسته شده در وفاداری زندگی کند (۱:۳؛ ۲:۱۰، ۱۳، ۲۶؛ ۳:۸؛ ۱۲:۱۴؛ ۲۲:۷، ۹).

- کلیسا که بر روی زمین در تبعید بسر می برد، آزار و شکنجه را تحمل می نماید ولی در ضمن خدا او را محافظت می کند و از نوبرهای رستاخیز برخوردار است، حالتی که با این وضع آزمایش ها تطبیق می نماید؛ ولی اطمینان به شکوه موجب ثبات و پایداری یعنی نوع مخصوصی از وفاداری است، همچنان که شهید شدن شکل مخصوصی از شهادت دادن است (۱:۹؛ ۲:۲، ۳، ۱۰؛ ۳:۱۰-۱۱؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۱۲):

- همچنین کلیسا در مرحله گذر و خروج می باشد که راه پیمودن به سوی اورشلیم آسمانی، میهن حقیقی او است، و خود را آماده می کند تا از تجلی کامل خداوند خود زندگی نماید. این منظره شکوه آینده، درعین تحمل آزمونهای کنونی، در کلیسا هیجانی مملو از اُمید ایجاد می کند: «بیا! ای خداوند عیسی!» (۶:۱۰؛ ۱۰:۷؛ ۱۱:۱۷-۱۸؛ ۱۲:۱۰-۱۲؛ ۱۵:۳-۴؛ ۱۹:۷-۹؛ ۲۰:۳-۴؛ ۲۲:۱۷، ۲۰). البته این پیام به ما مربوط است و از اعلام بازگشت مسیح که تاریخ و طرز فرا رسیدن آن معلوم نیست فراتر می رود. ضمناً پیام بدان منظور نیست که در پیروان دلتنگی و اُمید مبهمی بوجود آورده، آنان را از انتظارات بیهوده تسلّی دهد و دعوت کند از تعهد خود منصرف شوند.

ملکوت مسیح واقعه ای در آینده نیست بلکه حقیقتی حاضر و کنونی است. صحنهٔ بازگشت پیروزمندانه و شکوهمند مسیح و داوری نهایی، آنچه را که امروز در راز و در ادامهٔ طول تاریخ انجام می شود، در نور خدا و در مقارنت ابدیت منعکس می سازد. در هر لحظه انسان تعلق خود را بیان کرده و سرنوشت خود را تصریح می نماید ولی در همان لحظه اصالت ایمان او بازرسی و تأیید شده و داوری او انجام می گردد. در پیرامون او و در وجود او تناقض آشتی ناپذیری بین بُت پرستی زمین و شناسایی یکتا مسیح وجود دارد. در سخن پیامبران از فرد ایماندار دعوت می شود که به ارزش و اهمیت جاودانی هر لحظه پی ببرند زیرا بر طبق این سخنان نه سردی، نه سربه هوایی، نه سبکی و نه مصالحه با بدی پذیرفته نمی شود بلکه توبه و تعهد کامل را برمی انگیزد. اگر دنیای کنونی را در منظرهٔ پایان روزگار و بازگشت مسیح درنظر بگیریم، مکاشفه یادآوری می کند که خداوند عیسی در پایان تاریخ است چنان که در اصل تاریخ است و در ماوراء اُمور ظاهری، حقایق زمینی در مقابل مشیت خدا نسبی هستند، با این همه مکاشفه با موارد متعددی از رمز و اشارات نیایشی، از جمعیت پیروان دعوت می کند که آیین پرستش را به مانند ملاقات فعلی و کنونی با مسیح زندگی کنند، همچون دعوتی که ایشان را به هماهنگ شدن با عید گذر خداوند می خواند و به مانند اعلام و انتظار تجلی اورشلیم آسمانی، که آئین نیایش مقدمه قبلی و نشانهٔ پیشاپیش آن می باشد.

مکاشفه یوحنا

مقدمه

۱ ۱مکاشفه[a] عیسی مسیح
که خدا به او داده تا آنچه را باید
بزودی روی دهد[b] به خدمتگزارانش — دان۲: ۲۸، ۲۹، ۴۵؛ مکا ۱:۱۹؛ ۴:۱؛ ۲۲:۶، ۱۶
آشکار کند،
و بوسیلهٔ فرستادن فرشتهٔ خود، [آن را]
به خدمتگزار خویش یوحنا نشان داده — ۱:۹؛ ۶:۹؛ ۱۹:۱۰؛ ۲۰:۴
است،
۲که بر سخن خدا و گواهی عیسی مسیح در
هر چه دیده[c] شهادت داده است[d]،
۳خوشا بر آن که می‌خواند — ۲۲:۷، ۱۰
و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند
و آنچه را در آن نوشته شده است حفظ
می‌کنند[e] زیرا وقت نزدیک است[f].

خطاب

۴[از] یوحنا به هفت کلیسا که در آسیا
هستند[g]،

a- کلمه یونانی Apocalupsis که [در زبان فارسی] معمولاً مکاشفه ترجمه شده از نظر لغوی و ریشه کلمه به معنی «کنار زدن پرده» است. این کلمه در ادبیات یونانی و در ترجمهٔ یونانی کتاب‌مقدس زیاد بکار برده شده و در کلیسای اولیه در مورد تجلی شکوهمند مسیح در پایان روزگار بکار رفته است (روم۲:۵، ۸:۱۹؛ ۱-قرن۱:۷؛ ۲-تسا۱:۷؛ ۱-پطر۱:۷، ۱۳).

b- این عبارت که مختص ادبیات و نوشته های مکاشفه ای است یادآوری می کند که مشیت خدا مسلم و تغییرناپذیر بوده و قریب‌الوقوع است. در مکاشفه مسیحی این عبارت فقط جمله ای ادبی نیست که برای دلگرمی افراد بیان شده باشد تا آنان را بلافاصله تشویق نماید بلکه بر این نکته تأکید می کند که مرحلهٔ نهایی تاریخ نجات با واقعهٔ عید گذر آغاز شده است.

c- در ادبیات مکاشفه ای، چارچوب معمولی ابلاغ پیام، رؤیاهای روحانی است یعنی نبی در ماورای جریان تاریخ، وقایع و اوضاع روزهای آینده را پیشاپیش مشاهده می کند. در مکاشفه یوحنا، هدف اصلی رؤیاها بیان آغاز پیروزی مسیح و جنبه های مختلف وضعیت کلیسا در پایان روزگار است.

d- موضوع گواهی دادن در کتاب مکاشفه نظیر بیشتر موارد در نوشته های عهدجدید با جنبهٔ نبوتی پیام ارتباط نزدیک دارد. گواه کسی است که سخن خدا را شنیده یا حقایق آسمانی و مشیت خدا را از طریق رؤیای روحانی دریافته است. ضمناً این تجربه والا متضمن اعزام به مأموریت رسالت است بدین معنی که گواه باید آنچه را دیده و شنیده ابلاغ کند، نه اینکه فقط جزئیات آن را تشریح نماید بلکه به طوری که مفهوم نبوتی آن درک شده و موجب ایمان گردد. در کتاب مکاشفه و در مجموعهٔ نوشته های یوحنا عیسی عالی ترین گواه است که می تواند مشیت خدا را با امانت و به تمامی اظهار نماید. عیسی مسیح به عنوان گواه امین (ر.ک ۵:۱) با مخالفت قدرتهای زمینی مقابله کرده و باید آزار و شکنجه های آنان را تحمل نماید. کلمهٔ یونانی marturia که در اینجا به گواه ترجمه شده اصلاً به همین معنی است ولی در اصطلاح مسیحی مفهوم مخصوصی یافته و به معنی شهید بکار برده شده است یعنی کسی که به مانند مسیح مصلوب گواهی خود را با خون خود مُهر می کند.

e- منظور از حفظ کردن فقط نگهداشتن و رعایت کردن پیام نیست بلکه پی بردن به اهمیت پیام، زندگی کردن در آن و نفوذ آن در وجود آدمی است.

f- در خصوص موضوع فوریت ر.ک آیه ۱ توضیح b.

g- اسامی این کلیساها در ۱:۱۱ ذکر شده و در بابهای ۲-۳ به آنها خطاب خواهد شد. این کلیساها جمعیت‌هایی بودند که در آسیای صغیر، در ناحیه کوچکی در اطراف شهر افسس قرار داشتند. در تفسیر بعضی از نکات و اشارات مکاشفه بایستی وضع جغرافیایی و تاریخی این کلیساها را در نظر گرفت. با این همه چون عدد هفت نشانه و مظهر تمامیت بشمار می‌رفته می توان تصور کرد که نویسنده آموزش خود را منحصراً به چند جمعیت معین خطاب نمی کند بلکه پیام وی جهانی و دائمی است.

بر شما فیض و آرامش باد از طرف آنکه — خروج ۳:۱۴؛ مکا ۱:۸؛
هست، و آنکه بود و آنکه می‌آید[h]، — ۴:۸؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۶:۵
و از طـرف هـفت روحی[i] که در مـقـابل — اش ۱۱:۲ ادامه؛ مکا ۳:۱؛ ۴:۵؛
تخت او هستند، — ۵:۶
۵ و از طـرف عیـسی مـسیح، گـواه وفـادار[j]، — مز ۸۹:۲۸، ۳۸؛ اش ۵۵:۴؛
نـخست‌زاده از [بین] مـردگـان و سـرور — کول ۱:۱۸؛ مکا ۳:۱۴؛
پادشاهان زمین[k]. — ۱۹:۱۱
به آنکه به ما محبت دارد،
و به‌خون خـود مـا را از گـنـاهـانـمـان رهـا
ساخته است[l].
۶ و مـا را بـرای خـدا و پـدر خـود، کـشـور — خروج ۱۹:۶؛ اش ۶۱:۶؛
سلطنتی و کاهنان ساخت، — ۱ـ پطر ۲:۵، ۹؛ مکا ۵:۱۰؛
شـکـوه و تـوانـایی بـر او به روزگـاران و — ۲۰:۶؛ ۲۲:۵
روزگاران باد. آمین!

۷ اینک با ابرها می‌آید[m] — دان ۷:۱۳؛ مت ۲۴:۳۰؛
و هر چشمی او را خواهد دید
و آنان که او را سوراخ کردند،
و برای او همه نژادهای روی زمین سینه — زک ۱۲:۱۰،۱۴
خواهند زد.
آری! آمین!
۸ خداوند خدا می‌گـویـد: من آلفا و اُمگـا — ۲۱:۶؛ ۲۲:۱۳
هستم[n]،
آنکه هست، و آنکه بود و آنکه می‌آید[o]، — ۱:۴؛ ۴:۸؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۶:۵
توانا بر همه[p].

رؤیای پسر انسان

۹ من، یـوحـنـا که بـرادر شـمـا و شـریک در
مصیبت و سلطنت و شکیبایی[q] در عیسی

h- نام خدا که چندین بار به این صورت در مکاشفه ذکر شده تشریح نام الهی به همان طریقی است که بر روی کوه حوریب (کوه سینا) به موسی وحی و اظهار شده بود (ر.ک خروج۳:۱۴). یهودیان در دوران یونانی گرایی و همچنین در ترجمه کتاب مقدس به زبان یونانی نام یهوه را تفسیر کرده و به معنی «آنکه هست» می‌گرفتند. در تارگوم اورشلیم (ترجمهٔ کتاب مقدس به زبان آرامی) این نام بسط داده شد و به صورت سه جمله موزون «آنکه هست، آنکه بود و آنکه خواهد بود» درآمد. کتاب مکاشفه این روش را پذیرفته ولی بجای «آنکه خواهد بود»، «آنکه می‌آید» را گذاشته است تا بر موضوع آمدن در پایان روزگار تأکید نماید.

i- روح القدس در پری و تمامیت خود. احتمالاً از هفت روحی که در اش۱۱:۲-۳ ذکر شده تاثیر پذیرفته است.

j- در خصوص گواه وفادار، ر.ک آیه ۲ توضیح c. در اش۵۵:۴ منظور از کلمه گواه مسیح موعود است و در امث۸۹:۳۸ مسیح به گواهی وفادار در آسمان تشبیه شده است.

k- در اینجا نظیر آیه ۴ که نام خدا در سه جمله بیان شده، نام عیسی نیز با عبارتی سه قسمتی ذکر می‌شود که اشاره به مصائب و مصلوب شدن، رستاخیز و تجلیل عیسی مسیح در خداوندی است. این بیانات تا اندازه‌ای به صورت عبارات تثبیت شده هستند و نشان می‌دهد تحت تأثیر عبارات معینی است که در مراحل اولیه مسیحیت بوسیلهٔ آنها عقاید اساسی ایمان را بیان می‌کرده‌اند.

l- کلمه یونانی lusanti که در اینجا «رها ساختن» ترجمه شده در بعضی از نسخه های خطی با تغییر جزئی یک حرف (lousanti) به معنی «شستن» می‌باشد ولی متن بالا بیشتر با روایات مکتوب تطبیق می‌نماید. ضمناً چنین به نظر می‌رسد که آیات ۵ ب-۶ متضمن بعضی از موضوعات سفر خروج نظیر رها شدن بوسیلهٔ خون و کشور سلطنتی کاهنان باشد (ر.ک خروج ۱۹:۶ که در ۱-پطر۲:۵، ۹ نیز نقل شده است).

m- ترجمه دیگر: در میان ابرها می‌آید. در روایات مربوط به تجلی خدا معمولاً ابرها قسمتی از منظرهٔ این وقایع را تشکیل می‌دهند (ر.ک خروج۱۹:۱۶؛ اش۶:۴؛ مر۹:۷؛ اع۱:۹). در اینجا نظیر مت۲۶:۶۴ تأثیر مستقیم دان۷:۱۳ مشاهده می‌شود.

n- آلفا و امگا حروف اول و آخر الفبای یونانی هستند و در اینجا به معنی اول و آخر می‌باشند (ر.ک مکا۲۱:۶، ۲۲:۱۳).

o- ر.ک آیه ۴ توضیح h.

p- کلمهٔ یونانی Pantocrator که در اینجا به «توانا بر همه» ترجمه شده معمولاً در ترجمه یونانی کتاب مقدس در مقابل کلمه عبری می‌آید که گاهی «خدای ارتش ها» یا «خدای قدرتها» ترجمه می‌کنند. این کلمه در دنیای یونانی زبان به صورت عنوان امپراطور بکار برده می‌شد.

q- در اینجا جنبه های مختلف موقعیت فرد مسیحی از نظر آخرت شناسی برشمرده شده است که عبارتند از: شرکت در مصیبت (که گاهی تجربه یا امتحان ترجمه می‌شود)، شرکت در پیکار پایان روزگار که با واقعهٔ صلیب آغاز شده است و شراکت در سلطنت که به معنی سهیم بودن در فرمانروایی و سروری مسیح است که بر مرگ و بر قدرتها پیروز شده است؛ بالاخره شکیبایی که عبارت از وفادار ماندن در عین تحمل مصائب و آزمونها و با وجود وسوسه ها که نشانهٔ دوران پایان روزگار است.

[مسیح هستم]، به خاطر سخن خدا و ۲:۱
گواهی بر عیسی در جزیره ای به نام مکا ۱۴:۱۴
پطمس بودم[r].
[۱۰]در روز خداوند[s] در روح شدم[t] و در
پشت [سر]خود صدایی بلند
چون شیپور شنیدم[u]،
[۱۱]که می گفت[uu]: آنچه را که می نگری در
کتابی بنویس و [آن را] به هفت کلیسا
بفرست: به افسس، و به اسمیرنا، و به
پرغامس، و به طیاتیرا، و به ساردس، و
به فیلادلفیه و به لاودیکیه[v].
[۱۲]و برگشتم تا صدایی را که با من سخن
می گفت نگاه کنم و چون برگشتم هفت
چراغدان از طلا دیدم[w]،
[۱۳]و در میان چراغدانها
کسی شبیه پسر انسان[x] دان ۱۳:۷؛ مکا ۱۴:۱۴
که ردای بلندی داشت
و حمایلی طلایی بر سینه بسته بود.
[۱۴]و سرش و موهایش مثل پشم سفید و مثل دان ۹:۷
برف سفید بود
و چشمانش مثل شعلهٔ آتش.
[۱۵]و پاهایش مثل مفرغ که در کوره ای دان ۶:۱۰
تابیده شده باشد
و صدایش مثل صدای آبهای بسیار،
[۱۶]و در دست راستش هفت ستاره داشت
و از دهانش شمشیر تیز دو دمی خارج
می شد[y]
و صورتش مثل خورشید که با قدرت خود
می درخشید.
[۱۷]و وقتی او را دیدم به مانند مرده به دان ۱۸:۸؛ ۱۵:۱۰، ۱۹؛ حزق ۲۸:۱
پاهایش افتادم،
و او [دست] راستش را برروی من گذاشته

r- احتمالاً نویسنده به سبب ایمان و موعظه های خود در تبعید بوده است. گرچه وی در جزیرهٔ پطمس (جزیرهٔ کوچکی در دریای اژه) مکاشفه را دریافت کرده ولی متضمن آن نیست که این اثر در همانجا نوشته شده باشد. برخی می گویند که در شهر افسس نوشته شده است.

s- اصطلاح «روز خداوند» چندین بار در نوشته های عهد عتیق در مواردی که خدا در جریان تاریخ دخالتی مخصوص می نماید بکار برده شده است؛ در دوران پس از تبعید یهودیان این اصطلاح بیش از پیش به مفهوم پایان روزگار بکار برده می شد در صورتی که به نظر مسیحیان، پایان روزگار با رستاخیز مسیح آغاز شده و اصطلاح روز خداوند هم به معنی یادبود پیروزی عید گذر و هم اعلام بازآمدن مسیح است که تجلی کامل و قطعی آن خواهد بود. ضمناً از همان اوایل دوران مسیحیت، مسیحیان روز یکشنبه را ضمن عبادت و نیایش به یادبود عید گذر و انتظار باز آمدن مسیح گرامی داشته و عید می گیرند (ر.ک اع۲۰:۷؛ ۱-قرن۱۱:۲۶، ۱۶:۲).

t- ترجمه دیگر: بوسیلهٔ روح القدس گرفته شدم.

u- در تشریح تجلی های الهی و یادآوری ظهورهای ایام آخر معمولاً به طنین و صدای شیپورها اشاره می شود (ر.ک مت۲۴:۳۱؛ ۱-قرن۱۵:۵۲؛ ۱-تسا۴:۱۶).

uu- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است.

v- ر.ک آیه ۴ توضیح g.

w- احتمالاً یادآوری و اشاره به چراغدان هفت شاخه ای است که مدام در قدس در حضور خدا روشن بود (ر.ک خروج۲۵:۳۱-۴۰، ۲۷:۲۰-۲۱). در زک۴:۱-۱۴ رؤیایی ذکر شده که در آن چراغدان طلایی نقش دارد؛ نویسندهٔ مکاشفه در جاهای مختلف اثر خود از دیگر نمادها و نشانه های کتاب زکریا بهره برده است (ر.ک زک۴:۱۰ و مکا۵:۶؛ زک۴:۳، ۱۴ و مکا۱۱:۴).

x- عنوان پسر انسان، برطبق ادبیات مکاشفه ای یهودیان که پس از کتاب مقدس نوشته شده و تحت تأثیر دان۷:۱۳-۱۴، در مورد موجود مرموزی بکار برده شده که مجری مشیت الهی در پایان روزگار است و اختیارات و مقام سلطنتی و قضایی دارد. در تشریح مطالب بعدی، نمادها و نشانه های مختلفی ذکر می شود که بسیاری از آنها از دان۷:۹-۱۴ گرفته شده و علوّ مقام و عظمت و اختیارات این پسر انسان را یادآوری می نمایند یا پسر انسانی که باید شخصیت عیسی مسیح را در او تشخیص داد.

y-ر.ک اش۴۹:۲؛ عبر۴:۱۲؛ و مکا۱۹:۱۵.

اش ۴۴:۶؛ ۱۲:۴۸؛ مکا ۱:۸؛ ۲:۸؛ ۱۳:۲۲ دان ۱۰:۵
گفت:
مترس؛ من نخستین و آخرین هستم[z]،
۱۸ و زنده؛
و مرده بودم و اینک به روزگاران و
عبر ۷:۲۵؛ دان ۴:۳۱؛ ۶:۲۷؛ ۱۲:۷
روزگاران زنده هستم
و کلیدهای مرگ و وادی مردگان[a] را دارم.
۱۹ پس بنویس آنچه را دیده‌ای، و آنچه
دان ۲: ۲۸، ۲۹، ۴۵؛ مکا ۱:۱؛ ۴:۱؛ ۲۲:۶، ۱۶
هست و آنچه پس از اینها فرا می‌رسد.
۲۰ راز هفت ستاره که بر [دست] راست من
دیده‌ای و هفت چراغدان طلایی [چنین
است]: هفت ستاره، فرشتگان[b] هفت
کلیسا هستند و هفت چراغدان هفت
کلیسا می باشند.

نامه به کلیسای افسس

۲ ۱ به فرشته کلیسای در افسس
بنویس:
آنکه هفت ستاره به دست راست خود دارد،
۱:۱۶، ۲۰؛ ۳:۱؛ ۱:۱۲
آنکه در میان هفت چراغدان طلائی راه
می‌رود چنین می‌گوید:
۲ از کارهای تو، و از زحمت [تو] و از
شکیبائی تو آگاهم،
و اینکه نمی‌توانی شریران را تحمل کنی.
و آنان که[خود را] رسول می نامند و
[رسول] نیستند به آزمایش گذاشته
و ایشان را دروغگو یافته‌ای،
۳ و شکیبائی داری
و به خاطر اسم من تحمل کرده‌ای و از پا
در نیامده‌ای.
۴ ولی علیه تو این را دارم که محبّت نخست[c]
خود را فروگذاشته‌ای.
۵ پس به یاد آور از کجا افتاده‌ای:
و توبه کن و کارهای اولیه را بکن.
و گرنه نزد تو می‌آیم
و چراغدان تو را از جایش برمی‌دارم اگر
توبه نکنی.
۶ ولی این را داری
که از کارهای نقولاویان[d] متنفّری، که من
هم نفرت دارم.
۷ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می گوید بشنود:
از درخت زندگی که در بهشت خدا[e] پید ۲:۹؛ مکا ۲۲:۲
است به پیروزمند خوراک خواهم داد.

نامه به کلیسای اسمیرنا

۸ و به فرشته کلیسائی که در اسمیرنا است

z- ر.ک اش۴۴:۶ و ۱۲:۴۸ که در آنجا این عبارت در مورد خدا بکار برده شده است. در اینجا و در مکا۲:۸، ۲۲:۱۳ منظور مسیح می باشد.
a- کلمه یونانی Hades که وادی مردگان ترجمه شده، یونانیان به کشور مرگ اطلاق می کردند. ر.ک مت۱۶:۱۸ توضیح q.
b- منظور از فرشتگان کلیسا ممکن است رؤسای جمعیت‌های مسیحیان نظیر نبی(حجی۱:۱۳) یا کاهن (ملا۲:۷) باشد که بعنوان فرشته (یعنی فرستادهٔ خدا) تعیین شده‌اند؛ یا اینکه بیشتر محتمل است منظور وجود روحانی جمعیت مسیحی باشد که به صورت شخصیت مجسم گردیده است. ضمناً اعتقاد بر اینکه برای هر یک از حقایق زمینی یک المثنی در آسمان وجود دارد با روحیه یهودیان آن دوران کاملاً سازگار بوده است.
به هرصورت نظریه الهیاتی که در اینجا تلویحاً بیان می شود این است که کلیساها در دست مسیح و تابع داوری او هستند.
c- ترجمهٔ دیگر: اشتیاق اولیه.
d- دربارهٔ بدعت نقولاویان که مجدداً در آیه ۱۵ ذکر شده هیچگونه اطلاعی در دست نیست و تنها نکته ای که وجود دارد در همین کتاب مکاشفه است که می نویسد تمایل به عقاید گنوسی و زندگی در خوشگذرانی و عیاشی دارند.
e- اشاره به پید۲:۹، آدم که از بهشت رانده شد از درخت زندگی دور گردید (پید۳:۲۲،۲۴). یهودیان در انتظار این بودند که

بنویس: اش ۴۴:۶؛
[آن که] نخستین و آخرین است، آن که ۱۲:۴۸؛ مکا ۱:۸، ۱۷؛
مرده بود و زندگی از سر گرفت چنین ۱۳:۲۲ ۱۸:۱
می‌گوید:
۹ از مصیبت تو و بینوائی تو آگاهم
-اما تو ثروتمندی!-
و [آگاهم] از کفرگوئی آنانی که خود را
یهودی می‌گویند
ولی نیستند بلکه «کنیسه شیطانند»[f].
۱۰ مترس از آن چه تحمل خواهی کرد؛
اینک ابلیس چند نفر از بین شما را به
زندان خواهد افکند تا امتحان شوید
و ده روز مصیبت خواهید داشت[g]. دان ۱۲:۱، ۱۴
تا [سرحد] مرگ وفادار باش و من به تو
تاج زندگی خواهم داد[h].
۱۱ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می‌گوید بشنود:
پیروزمند هرگز دچار مرگ دوباره[i] ۲۰:۶، ۱۴؛ ۸:۲۱
نخواهد شد.

نامه به کلیسای پرغامس

۱۲ و به فرشته کلیسائی که در پرغامس است
بنویس:
آن که شمشیر تیز دو دم دارد چنین ۱:۱۶؛ ۱۹:۱۵
می‌گوید:
۱۳ از جائی که سکونت داری آگاهم، جائی
که تخت شیطان هست[j].
و تو به نام من وابسته‌ای و ایمان مرا
انکار نکرده‌ای،
حتی در روزهای آنتیپاس، آن گواه من، ۱:۵؛ ۳:۱۴؛
ایماندار من که در نزد شما، جائی که ۱۶:۱۱
شیطان ساکن است کشته شد.
۱۴ امّا اندک چیزی علیه تو دارم: در آنجا
کسانی را داری که وابسته به آموزه بلعام
هستند، که به بالاق یاد می‌داد سنگ
لغزش جلو فرزندان اسرائیل بیندازد تا
گوشت قربانی بت‌ها را بخورند و
مرتکب بی عفتی شوند[k]. ۱۵ بدین سان
تو هم کسانی داری که همان‌طور وابسته

مسیح موعود مجدداً آنان را به بهشت وارد کند؛ مثلاً ر.ک. کتاب وصیت نامه لاوی ۱۸:۱۰-۱۱ که نوشته است: وی (مسیح موعود، کاهن اعظم) درهای بهشت را خواهد گشود و به مقدّسان از درخت زندگی خوراک خواهد داد. عیسی برای کسانی که در او به پیروزی برسند به این انتظار تحقق می بخشد.

f- مبنای این اتّهام آن است که مسیحیان معتقد بودند خودشان یهودیان حقیقی و اسرائیل واقعی هستند (ر.ک. روم۲:۲۸-۲۹؛ غلا۳:۲۹؛ ۶:۱۶). به این ترتیب یهودیانی که مسیح را نپذیرفته و در پی آزار و شکنجه مسیحیان بودند، امتیاز دعوت الهی را رد کرده و بنابراین دیگر فرزندان ابراهیم به شمار نمی‌آیند بلکه فرزندان شیطان (ر.ک یو۸:۴۴).

g- در اینجا مصائب آینده اعلام شده است که احتمالاً مدت آن کوتاه خواهد بود (ده روز) و مسلماً یهودیان مسبّب آن می باشند (ابلیس = شیطان مذکور در آیه ۹ است). بعدها در همین شهر اسمیرنا در قرن دوم میلادی بر اثر تحریک یهودیان، مسیحیان آزار و شکنجه بسیار دیدند (ر.ک شهید شدن پولیکارپ).

h- شهادت همچون مبارزه است و نظیر نمایشهای مبارزه قهرمانان در میدانهای بازی، کسی که پیروز شود تاج افتخار دریافت می‌کند.

i- منظور مرگ نهائی و قطعی است که در مقابل مرگ جسمانی در اینجا مرگ دوباره نامیده شده است (ر.ک مکا۲۰:۶، ۱۴؛ ۸:۲۱).

j- شاید اشاره به پرستش امپراطور باشد زیرا در ناحیه آسیای صغیر، شهر پرغامس مرکز مهم این پرستش بود و به مسیحیان دستور داده شده بود که از بین مسیح یا امپراطور یکی را به عنوان خداوند انتخاب کنند.

k- بر طبق بعضی از روایات یهود، مفاد اعد۲۵:۱-۲ و اعد۳۱:۱۶ تلفیق شده و بلعام به عنوان محرک بی وفائی در سرزمین موآب به شمار آمده است. این نکته گاهی در روایات مسیحی نیز ذکر شده است (یهو۱۱؛ ۲-پطر۲:۱۵). در کتاب مکاشفه نظیر نوشته های عهدعتیق در مورد کسی که نسبت به خدا وفادار نبوده و به بتها روی می‌آورد، کلمات فحشاء و فاحشه بکار برده می‌شود.

به آموزش نقولاوی[l] هستند.
۱۶ پس توبه کن؛
و گرنه بزودی نزد تو می‌آیم
و با شمشیر دهانم با ایشان خواهم جنگید.
۱۷ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می‌گوید بشنود:
به پیروزمند از منّ پنهان[m] خواهم داد؛
و به او سنگی سفید[n] خواهم داد، و بر
اش ۲:۶۲؛ ۱۵:۶۵؛ مکا ۱۲:۳؛ ۱:۱۴ این سنگ نامی نو[o] نوشته شده که هیچ
کس جز آن که دریافت می‌کند
نمی‌داند.

نامه به کلیسای طیاطیرا

۱۸ و به فرشته کلیسائی که در طیاطیرا است
بنویس:
[اینک] سخن پسر خدا،
دان ۶:۱۰؛ مکا ۱۴:۱-۱۵ آن که چشمانی به سان شعله آتش دارد و
پاهایش به مانند مفرغ است چنین
می‌گوید:
۱۹ از کارهای تو و محبت تو و ایمان [تو] و
خدمت و شکیبائی تو و از آخرین
کارهای تو که از اولین [کارها] بیشترند
آگاهم.
۲۰ امّا علیه تو این دارم که می‌گذاری
ایزابل[p]،
آن زنی که خود را نبیّه می‌خواند
اعد ۱:۲۵-۲؛ مکا ۱۴:۲ خدمتگزاران مرا گمراه کرده به [آنان]
بی عفتی و خوردن گوشت‌های قربانی
بت‌ها را بیاموزد.
۲۱ و به او فرصت داده‌ام تا توبه کند
ولی نمی‌خواهد از بی عفتی خود توبه
نماید.
۲۲ اینک او و کسانی را که با او زنا
کرده‌اند

l- رک مکا۲:۶ توضیح d.

m- طبق خروج۱۶:۳۲-۳۴ که در عبر۹:۴ نیز نقل و تأیید شده است اندکی از منّ (مائده آسمانی که در صحرای سینا برای یهودیان می‌رسید) در «خیمهٔ ملاقات» قرار داده شده بود تا یادآوری عنایت و توجّه خدا نسبت به قوم خود باشد. این روایت بعداً مشروح تر گردید مثلاً در ۲-مک۲:۴-۸ آمده که پس از ویرانی اورشلیم، ارمیای نبی صندوقچه پیمان و باقیماندهٔ مائده آسمانی را در کوه نبو پنهان کرد؛ برطبق بعضی از نوشته های یهودیان که مؤخّر بر کتاب مقدس هستند این اشیاء را در «روز یهّوه» باز خواهند یافت.
بنابراین منّ پنهان در واپسین روزگار عطا خواهد شد و مظهر و نشانهٔ انتقال قطعی نعمت‌های مسیحائی است. در اینجا اختلاف مائده آسمانی با گوشت‌های قربانی برای بتها نشان داده شده و خوردن این گوشت‌ها نوعی همرائی با رب‌النوعهای مشرکان بشمار آمده است. برای فرد مسیحی ذکر این نکته یادآور راز سپاسگزاری است که مائده پایان روزگار و نوبرهای زندگی آسمانی می‌باشد (ر.ک یو۶:۳۱-۵۸).

n- منظور از سنگ سفید معلوم و مشخص نبوده و تفسیر آن مسلّم نیست. ممکن است پولک (ژتون) برای ورود به مجمع سلطنتی، یا طلسم یا علامت رأی برائت در دادگاه است. به هر صورت رنگ سفید یادآور نوعی شرکت در شکوهمندی است و در اینجا مخصوصاً توجّه به نام مقدسی است که بر روی این سنگ ثبت شده است.

o- مسلماً «نامی برتر از هر نام» است که مسیح پس از رستاخیز این نام را دریافت نموده است (ر.ک فی۲:۹). فرد مسیحی انتقال و ابلاغ نام خداوند خود را دریافت خواهد کرد، یعنی فراخوانده شده تا در مقام و سرنوشت او سهیم باشد. در متن بالا سخن از نامی نو است و این صفت را که قبلاً انبیاء در نوشته های عهد عتیق بکار برده‌اند (اش۴۳:۱۹؛ ار۳۱:۳۱-۳۲؛ حزق۳۶:۲۶) در کتاب مکاشفه اکثراً توصیف واقعیت‌های پایان روزگار و بنابراین حقایق مسیحیت هستند مثلاً: دنیای نو، آسمان نو، اورشلیم نو... (ر.ک مکا۲۱:۵). اصطلاحات مشابهی در سایر نوشته های عهد جدید وجود دارد: عهد نو (۱-قرن۱۱:۲۵؛ ۲-قرن۳:۶)، آفریدهٔ نو (غلا۶:۱۵؛ ۲-قرن۵:۱۷)، انسان نو (افس۲:۱۵؛ ۴:۲۴)، فرمان نو (یو۱۳:۳۴).

p- نام ایزابل در اینجا نامی نمادین و مظهر بدی و بت پرستی و اشاره به زنی است که بنابر نوشته های عهد عتیق آئین بت پرستی را در فلسطین رواج می‌داد (ر.ک ۱-پاد۱۶:۳۱ و ۲-پاد۹:۲۲). بی نظمی هائی که ذکر شده مربوط به خطاهائی است که نقولاویان مرتکب می‌شدند (ر.ک مکا۲:۶ توضیح d).

با مصیبتی بزرگ بر روی بستر خواهم
انداخت[q]،
اگر از کارهای او توبه نکنند.
۲۳ و فرزندان او را به وسیلهٔ مرگ از بین
خواهم برد
و تمام کلیساها خواهند دانست که من،
مز ۱۰:۷ کلیه ها و دلها را تفحصّ می کنم
مز ۱۳:۶۲؛ مت ۲۷:۱۶ و به هر یک از شما برابر کارهایتان
خواهم داد.
۲۴ ولی به شما می گویم، به کسان دیگری در
طیاطیرا که در این آموزش شرکت
ندارند، آنان که به اعماق شیطان پی
نبرده اند[r] چنانکه می گویند؛
بار دیگری بر دوش شما نمی گذارم؛
۲۵ فقط آنچه دارید نگه دارید تا آنکه بیایم.
۲۶ و پیروزمند، آنکه کارهای مرا تا به آخر
مز ۸:۲ رعایت می کند، به او اقتدار بر امت ها
را خواهم داد[s]،
مز ۹:۲؛ مکا ۵:۱۲؛ ۱۵:۱۹ ۲۷ و آنان را با عصائی آهنین خواهد چرانید،
چنانکه کوزه های سفالین را خُرد می کنند[t]،
۲۸ همچنان که من نیز از پدرم [اقتدار]
یافته ام،
و به او ستارهٔ صبح[u] راخواهم داد.
۲۹ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می گوید بشنود!

نامه به کلیسای ساردس

۳ ۱ و به فرشتهٔ کلیسائی که در
ساردس است بنویس:
اش ۲:۱۱؛ مکا ۴:۱؛ ۵:۴؛ ۶:۵ آن که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد
چنین می گوید:
۱:۱۶، ۲۰؛ ۱:۲ از کارهای تو آگاهم که به اسم زنده
هستی ولی مرده ای!
۲ هشیار باش و بقیه را که نزدیک به مُردن
هستند[v] تثبیت کن؛ زیرا نیافته ام که
کارهای تو در برابر خدای من به تحقق
رسیده باشد.
۳ پس به یاد بیاور چگونه دریافتی و شنیدی[w]
و نگاه دار و توبه کن.
مت۲۴:۴۲-۴۳؛ ۱-تسا ۵:۲؛ مکا ۱۶:۱۵ اگر هشیار نمانی، به مانند دزدی می آیم
و نخواهی دانست چه ساعتی بر تو سر
می رسم.
۴ ولی در ساردس چند نفر داری که لباسهای
خود را آلوده نکرده اند؛

q- ترجمهٔ دیگر: اینک او را بر روی بستر مصیبتی ناگوار می اندازم، همچنین همنشینان زناکار او را.
r- در اینجا نویسنده ادّعاهای پیروان گنوسی را محکوم می کند که مدعی بودند پس از دریافت تعلیمات مخصوص، محرم به اسرار شده و به شناسائی رموز ممتاز مذهبی دست می یابند.
s- کلمه یونانی که در اینجا امت ها ترجمه شده اکثراً به مفهوم مشرکان و در مقابل قوم خدا بکار برده می شود ولی گاهی این کلمه را بدون اینکه متضّمن اختلاف و معارضه باشد به معنی کلّی امت ها بکار می برند. البته در صورت رعایت امانت در ترجمه باید همواره به امت ها برگردانده شود، حتی اگر نظیر مورد بالا، اوضاع و احوال و موضوع کلام نشان دهد که منظور مشرکان است.
t- تصویر قدرت خُرد کردن کوزه های سفالین و این طرز بیان که از مز۲:۸-۱۹ اخذ شده در مورد مسیح می باشد و در مکا۱۲:۵ و ۱۵:۱۹ نیز خواهد آمد. در اینجا مسیح این قدرت را به مسیحیان نیز تعمیم می دهد یعنی مسیحیان در اقتدار پادشاهی او سهیم می باشند (ر.ک مکا۱:۹ توضیح q).
u- تصویر ستاره صبحگاهی نشانه مسیحائی است (ر.ک اعد۲۴:۱۷). در اینجا نظیر مکا۲۲:۱۶ منظور از ستارهٔ صبح مسیح می باشد. در این آیه مجدداً با عباراتی جدید سهیم بودن فرد مسیحی با مسیح بیان شده است.
v- مفهوم جمله یا این است که عمر کمی از جمعیت باقی مانده یا اینکه تعداد محدودی از اعضای جمعیت وفادار مانده اند.
w- یعنی چگونه [کلام را] دریافتی و شنیدی. گاهی ترجمه می کنند: بیاد بیاور آنچه را دریافته و شنیده ای.

و ایشان با [لباسهای] سفید با من راه
خواهند رفت[x] زیرا شایسته هستند.
۵ بدین گونه، پیروزمند لباسهای سفید دربر
خواهد داشت؛
و نام او را از کتاب زندگی[y] نخواهم زدود
و نامش را در برابر پدرم و در برابر
فرشتگانش اقرار خواهم کرد[z]. مت ۱۰:۳۲
۶ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می گوید بشنود!

نامه به کلیسای فیلادلفیه

۷ و به فرشته کلیسائی که در فیلادلفیه است
بنویس:
[آن که] مقدّس [و] حقیقی است،
آنکه کلید داود[a] را دارد؛
و آنکه باز می کند و کسی نخواهد بست
و می بندد و کسی باز نمی کند،
چنین می گوید:
۸ از کارهای تو آگاهم؛
اینک در برابر تو دری گشوده ام که کسی
نمی تواند آن را ببندد،
زیرا توانائی اندک داری و سخن مرا
رعایت کرده ای و نام مرا انکار ننموده ای.
۹ اینک [به تو] از کنیسه شیطان[b] می دهم، ۲:۹
آنان که خودشان می گویند یهودی هستند
و نیستند بلکه دروغ می گویند!
اینک بر همه ایشان چنان خواهم کرد که اش ۴۵:۱۴؛ ۴۹:۲۳؛ ۶۰:۱۴؛ ۶۶:۲۳؛ مز ۸۶:۹
خواهند آمد و در برابر پاهای تو بوسه بر
زمین خواهند زد.
و خواهند دانست که به تو محبت داشته ام. اش ۴۳:۴
۱۰ و چون تو سخن پایمردی مرا رعایت
کرده ای[c]،
من هم تو را در ساعت آزمایش که بر
تمام زمین فرا می رسد
تا همه کسانی را که بر ربع مسکون
سکونت دارند[d] آزمایش نماید نگهداری
خواهم کرد[dd].
۱۱ به زودی می آیم؛
آنچه داری در دست نگه دار تا کسی تاج
تو را نگیرد[e].

x- تصویر لباس برای نشان دادن ژرفای حقیقت آدمی بکار می رود. کسی که لباس خود را آلوده می کند، خود را ناشایست و ننگین می سازد [چنان که در زبان فارسی هم کسی را که فاسق و بی عفاف است آلوده دامن می خوانند). ضمناً دریافت کردن لباسی سفید به مفهوم پاک و منزّه شدن و شرکت در زندگی مسیح رستاخیز کرده است. این تصویر بارها در مکاشفه بکار رفته است (ر.ک مکا۳:۱۸؛ ۴:۴؛ ۶:۱۱؛ ۷:۹، ۱۳-۱۴؛ ۱۴:۲۲).

y- کتاب زندگی، دفتری آسمانی است که نام برگزیدگان در آن ثبت شده است (ر.ک مکا۱۳:۸؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۲، ۱۵؛ ۲۱:۲۷). این تصویر مرتباً در نوشته های کتاب مقدس آمده است (مثلاً ر.ک خروج۳۲:۳۲-۳۳؛ حزق۶۹:۲۸-۲۹؛ دان۱۲:۱؛ فی۴:۳).

z- ترجمهٔ دیگر: در برابر پدرم و در برابر فرشتگانش جوابگو خواهم بود.

a- کلید داود. این اصطلاح مربوط به قطعه ای در کتاب اشعیاست (اش۲۲:۲۲) و در آنجا موضوع در باب انتقال قدرت به نماینده و مأمور مورد اعتماد است. در صورتی که در اینجا باید به مفهوم مسیحائی درک شود یعنی مسیح اقتدار کامل دریافت نموده و داوری او قطعی و غیرقابل استیناف است.

b- ر.ک مکا۲:۹ توضیح f.

c- ترجمهٔ دیگر: چون سخن مرا با پایمردی رعایت کرده ای.

d- چنین به نظر می رسد که در اینجا منظور از کسانی که بر ربع مسکون سکونت دارند مردمانی هستند که بر روی زمین مستقر شده اند درصورتی که بالعکس مسیحیان از هم اکنون اصولاً اهل آسمان به شمار می آیند (ر.ک فی۳:۲۰).

dd- [کلمهٔ یونانی که در اینجا بر حسب ضرورت کلام «نگهداری کردن» ترجمه شده همان است که معمولاً به رعایت کردن برگردانده می شود (ر.ک آیه ۸ و قسمت اول آیه)]

e- ر.ک مکا ۲:۱۰ توضیح h.

۱۲ پیروزمند را ستونی در قدس خدای خود
خواهم ساخت و دیگر بیرون نخواهد
رفت،
و بر روی او نام خدایم،
و نام شهر خدایم، اورشلیم نو[f] را که از حزق ۳۵:۴۸ مکا ۲:۲۱
آسمان از [نزد] خدای من فرود می‌آید و
[همچنین] نام جدید[g] خود را خواهم اش ۲:۶۲؛ ۱۵:۶۵؛ مکا ۱۷:۲
نوشت.
۱۳ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس] ۱:۱۴
به کلیساها می‌گوید بشنود!

نامه به کلیسای لاودیکیه

۱۴ و به فرشتهٔ کلیسائی که در لاودیکیه
است بنویس:
آمین[h] چنین می‌گوید [آنکه] گواه مز ۳۸:۸۹؛ مکا ۵:۱؛ ۱۱:۱۹
وفادار و حقیقی،
و اساس آفرینش خدا[i] است: یو ۳:۱؛ کول ۱:۱۵ ادامه؛ عبر ۲:۱
۱۵ از کارهای تو آگاهم: که تو نه سرد، نه
جوشان هستی.
کاش سرد یا جوشان بودی!
۱۶ بدینسان چون ولرم هستی و نه سرد [و]
نه جوشان، تو را از دهان خود استفراغ
می‌کنم.
۱۷ زیرا می‌گوئی: من ثروتمندم و ثروتمند
شده‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم،
و نمی‌دانی که درمانده، قابل ترحّم،
بینوا، نابینا و برهنه هستی،
۱۸ به تو اندرز می‌دهم از من طلای پاک
شده به آتش بخر تا ثروتمند شوی و
لباسهای سفید تا بپوشی و شرمساری
برهنگی تو آشکار نگردد
و [قدری] سُرمه برای کشیدن به
چشمان[ii] تا ببینی.
۱۹ من، تمام آنانی را که دوست می‌دارم
سرزنش و تأدیب می‌کنم؛ امث ۱۲:۳؛ عبر ۶:۱۲
پس غیرت داشته باش و توبه کن.
۲۰ اینک دم در ایستاده و در می‌زنم،
اگر کسی صدایم را بشنود و در را باز کند،
به نزد او درآمده و با او شام[j] خواهم لو ۲۹:۲۲-۳۰؛ یو ۲۳:۱۴
خورد و او با من.
۲۱ به پیروزمند این [اجازه] را خواهم داد مت ۲۸:۱۹؛ لو ۳۰:۲۲؛ مکا ۴:۲۰
که با من بر روی تخت من بنشیند
چنانکه من هم پیروز شدم و با پدرم بر
روی تخت او نشسته‌ام.
۲۲ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می‌گوید بشنود!

تخت خدا و نیایش آسمانی

۴ ۱ پس از آن دیدم
و اینک دری گشاده در آسمان،

f- در اعلام پیامبران در باب اورشلیم نو و ترمیم خرابی‌های اورشلیم، انتظار یهودیان منحصر به بازسازی مادّی اورشلیم نبوده است (ر.ک اش ۱:۵۱-۳؛ ۱۸:۶۵-۲۵). همین موضوع در مسیحیت اظهار شده بدین معنی که اورشلیم مرکز و نقطه اصلی عهد و پیمان نیست بلکه مسیحیان خود را اهالی شهری آسمانی می‌دانند که اورشلیم نو می‌باشد (ر.ک مکا ۲۱؛ همچنین ر.ک غلا ۲۶:۴).
g- ر.ک مکا ۱۷:۲ توضیح c.
h- آمین کلمه‌ای عبری است که از نظر ریشه لغوی به معنی استحکام و یقین می‌باشد. این کلمه در اجرای مراسم مذهبی یهودیان و سپس در مسیحیت در مورد پاسخ ایمان داشتن به کلام خدا به کار برده می‌شود. در تمام این معانی همچنان که در متن بالا، مسیح آمین است (ر.ک ۲-قرن ۱:۱۹-۲۰).
i- اساس آفرینش خدا، حکمت خدا و کلام اصلی خدا است (ر.ک امث ۲۲:۸؛ حک ۱:۹-۲؛ کول ۱:۱۵-۱۸).
ii- [تحت‌اللفظی: برای تدهین چشمانت].
j- با توجه به این که در کتاب مکاشفه، مخصوصاً در نامه‌های خطاب به کلیساها، مرتباً اشاره به تصاویر آئین نیایش می‌شود گاهی به جای کلمه شام، کلمه شام‌آخر ترجمه می‌کنند.

۱۰:۱ و صدائی که مثل شیپوری که اول شنیده
بودم با من حرف زده می گفت:
دان ۲:۲۹؛ مکا ۱:۱، ۱۹ بدین جا بالا بیا، و آنچه بعد از این باید
فرا رسد به تو نشان خواهم داد.
۲ همان دم در روح شدم.
حزق ۱:۲۶؛ ۱:۱۰؛ اش ۶:۱ و آنگاه تختی در آسمان قرار داشت[k]
و روی این تخت [کسی] نشسته بود.
حزق ۱:۲۶-۲۸ ۳ و آن که نشسته بود منظره ای شبیه سنگ
یشم و عقیق داشت.
و دورادور تخت رنگین کمانی[l] شبیه به
منظرهٔ زمرد [بود].
۴ و دورادور تخت، بیست و چهار تخت
[بود]
و روی تخت ها بیست و چهار پیر[m]
نشسته، جامه های سفید دربر کرده بودند
و بر روی سرشان تاجهای زرین [بود].
حزق ۱:۱۳؛ خروج ۱۹:۱۶ ۵ و از تخت آذرخشها و صداها و تندرها
خارج می شد. و در برابر تخت هفت
مشعل آتش می سوخت
که هفت روح خدا هستند[n].
حزق ۱:۲۲؛ پید ۱:۷ ۶ و در جلو تخت به مانند دریائی شیشه ای
شبیه بلور[o] [بود]
حزق ۱:۵-۲۱ و در وسط تخت و دورادور تخت چهار
جاندار که پیش رو و پشت سر [آنها] پُر
حزق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۴ از چشم بود.
۷ و اولین جاندار شبیه شیر [بود] و دومین
جاندار شبیه گوساله ای
و سومین جاندار صورتی شبیه
انسان[داشت] و چهارمین جاندار شبیه
اش ۶:۲ حزق ۱:۱۸؛ ۱۰:۱۲ عقابی [بود] که پرواز می کند[p].

k- نویسنده که می خواهد از قدرت خلاّقه خدا یاد کند مخصوصاً از رؤیاهای حزقیال استفاده می کند که با نماد و اشاره بیان شده است (بابهای ۱، ۱۰) و در آنجا ذکر شده خدا بر روی دنیائی که آفریده جلوس می کند.

l- کلمهٔ یونانی که رنگین کمان ترجمه شده به معنی هاله نورانی نیز آمده که دایرهٔ نورانی است که دور ماه دیده می شود یا گاهی نقاشان به دور سر مقدّسان ترسیم می کنند. با توجّه به این معنی بعضی از مفسّران این عبارت را این گونه ترجمه می کنند: هاله شکوهمندی دورادور تخت را با پرتوهای زمرّدین گرفته بود.

m- سه علامتی که به پیران نسبت داده شده یعنی تخت، جامهٔ سفید و تاج با آنچه به مسیحیان وعده داده شده تطبیق می کند (ر.ک ۳:۲۱؛ ۳:۴-۵؛ ۳:۱۱). لذا این مجمع آسمانی به یک معنی مظهر و نمایندهٔ امت خدا به شمار می رود که در شکوهمندی او سهیم هستند و در اجرای پرستش و سپاسگزاری اول به خدا به عنوان آفریننده خطاب می کنند (باب ۴) و سپس به برّه که منجی و بازخرید کننده گناهان است (باب ۵). کلمهٔ یونانی که در توصیف آنان ذکر شده و پیر ترجمه گشته همان واژه ای است که در مورد رؤسا و مسئولان اسرائیل و سپس مسئولان کنیسه و بالاخره در مورد مسئولان جمعیت های مسیحی بکار برده شده است.

تعداد پیران بیست و چهار تن است که ممکن است منظور بیست و چهار طبقه مسئولان امور مذهبی باشد (۱-توا۲۴:۳-۱۹)، یا دوازده پیامبری که نمایندهٔ نبوت در عهد عتیق و دوازده رسول مسیح می باشند و یا اینکه منظور دوازده قبیله اسرائیل است که به آنها دوازده دیگر مربوط به امت جدید افزوده شده است. ولی نویسنده شخصیت این افراد را به قدری عمومی و کلی توصیف کرده که می توان دریافت چندان اهمیتی برای تعیین هویت دقیق ایشان قائل نبوده است.

n- ر.ک مکا۱:۴ توضیح g.

o- ترجمهٔ دیگر: به مانند دریائی شفاف شبیه بلور.

p- پس از قدیس ایرنائوس اسقف لیون (قرن دوم میلادی) و در دنبالهٔ نظریات وی، در روایات مذهبی این چهار جاندار به عنوان نماد چهار انجیل نگار پذیرفته شده اند ولی مشکل بتوان قبول کرد که منظور نویسنده نیز همین بوده باشد زیرا در این رؤیا مستقیماً از کتاب حزقیال (باب ۱) الهام گرفته شده که در آنجا سخن از چهار جاندار می باشد که مظهر دنیای آفریده شده هستند و تخت خدا بر روی آنها قرار گرفته است.

۸ و هر یک از چهار جاندار شش بال دارد[q]؛
و دورادور و در درون پُر از چشم هستند.
اش ۶:۳ و روز و شب آرام ندارند و می گویند:
۱:۴، ۸؛ ۱۷:۱۱؛ ۵:۱۶ قدّوس، قدّوس، قدّوس
خداوند خدا، قادر بر همه،
آنکه بود، و آنکه هست و
آنکه می آید!
دان ۴:۳۱؛ ۶:۲۷ ۹ و هر بار که این جانداران، آن تخت نشین
را که به روزگاران و روزگاران زنده است
تجلیل و تکریم و سپاس می گویند،
۱۰ بیست و چهار پیر در برابر آن تخت نشین
که به روزگاران و روزگاران زنده است
افتاده بوسه بر زمین می زنند
و تاجهای خود را در جلو تخت [او]
انداخته می گویند:
۱۱ ای خداوند خدای ما، شایسته ای که
تجلیل و تکریم و قدرتمندی بیابی،
زیرا تو همه چیز را آفریدی، و همه به
ارادهٔ تو بوده و آفریده شده است[r].

کتاب مُهر شده و برّه

۵
اش ۲۹:۱۱ ۱ و دیدم بر [دست] راست
تخت نشین
کتابی که درون و پشت آن نوشته شده
و با هفت مُهر، مُهر گردیده است[s].
۲ و فرشته ای نیرومند دیدم که به صدائی
بلند ندا می کرد:
چه کسی شایسته است کتاب را بگشاید
و مُهرهایش را بشکند؟
۳ و هیچ کس نه در آسمان، نه بر روی زمین
و نه در زیر زمین
نمی توانست کتاب را بگشاید یا به آن
نگاه کند.
۴ و من شدیداً می گریستم زیرا کسی پیدا
نشده بود که شایستهٔ گشودن کتاب یا
نگاه کردن به آن باشد.
۵ و یکی از پیران به من گفت:
گریه مکن!
عبر ۷:۱۴؛ روم ۱۵:۱۲ اینک شیر قبیلهٔ یهودا، از ریشهٔ داود[t]
پیروزمند است؛
[وی] کتاب و هفت مُهر آن را خواهد
گشود.
۶ و دیدم در بین تخت و چهار جاندار
یو ۱:۲۹ و در میان پیران،
۱:۴ برّه ای ایستاده، همچون ذبح شده[u]،
هفت شاخ و هفت چشم داشت که هفت

q- این نکته تأثیر رویائی است که در باب ششم کتاب اشعیا ذکر شده چنانکه در آنجا (اش۶:۳) سه بار اعلام قدوسیّت خدا نیز ذکر شده است.

r- ترجمهٔ دیگر: تو خواسته بودی که همه چیز باشد و آنها آفریده شدند.

s- تصویر کتاب از حزق۲:۹-۱۰ گرفته شده و آن را به چند طریق می توان تفسیر کرد: ممکن است منظور کتابی باشد که حاوی مشیّت های خداست. در این صورت به شکل وصیت نامه ای مُهر شده است و مسیح اجراکنندهٔ آن است زیرا کسی بجز او مُهرها را نمی گشاید. برطبق تفسیری که از قرن سوم میلادی پذیرفته شده منظور از این کتاب عهد عتیق می باشد و مسیح ظهور و تحقق مندرجات آن است.
در این دو نوع تفسیر، کتاب که به صورت طوماری به هم پیچیده است و درون و پشت آن نوشته شده نشانهٔ آن است که مشیّت خدا کامل و قطعی است و اکنون تحقق می یابد؛ یا اینکه طرز قرائت و درک جدید و معنوی عهد عتیق را نشان می دهد که مسیح آورده و غیر از قرائت ظاهری و مادّی آن است (ر.ک ۲-قرن۳:۱۴-۱۶).

t- این عنوانهای مسیحائی از پید۴۹:۹ و اش۱۱:۱، ۱۰ گرفته شده است.

u- مفهوم این عبارت را باید به صورت ترکیبی از راز وقایع گذر درک کرد: بدین معنی که مسیح بر مرگ پیروز شده (برّه ای ایستاده) و به وسیلهٔ فدا کردن خود (ذبح شده) غالب آمده است.

روح خدا هستند و به تمامی روی زمین
فرستاده شده اند[v].
۷ و آمده و[کتاب را] از [دست] راست آن
تخت نشین گرفت.
۸ و وقتی کتاب را گرفت،
چهار جاندار و بیست و چهار پیر در برابر ۳:۸؛ مز ۱۴۱:۲
برّه افتادند
و هر یک چنگی و جامهائی زرین پُر از
بخور داشت
که نیایشهای قدیسان هستند.
۹ و سرودی نو[w] خوانده می گویند: ۳:۱۴؛ مز ۳۳:۳ اش ۱۰:۴۲
تو شایسته ای که کتاب را گرفته
مهرهایش را بگشائی
زیرا ذبح شدی
و برای خدا با خون خود ۴:۱۴
هر قبیله و [هر] زبان و [هر] قوم و
[هر] امت را خریدی،
۱۰ و [تو] ایشان را برای خدای ما ۱:۶؛ ۶:۲۰؛ ۶:۲۰؛ خروج ۶:۱۶؛ اش ۶:۶۱
سلطنت و کاهنان کرده ای
که بر روی زمین فرمانروائی خواهند
کرد.
۱۱ و دیدم و صدای فرشتگان زیادی را
شنیدم که گرداگرد تخت بودند و
جانداران و پیران
و تعدادشان آلاف الوف و هزاران هزار دان ۷:۱۰؛ عبر ۱۲:۲۲
بود.
۱۲ [و] با صدای بلند می گفتند:
شایسته است برّه ای که ذبح شده بود
قدرت و ثروت و حکمت فی ۲:۷-۹
و قوّت و حرمت و جلال و ستایش بیابد.
۱۳ و هر آفریده ای که در آسمان، و بر روی ۳:۵؛ فی ۲:۱۰
زمین و در زیر زمین و بر روی
دریا [هستند]
و تمام آنچه در آنها هست
شنیدم که می گفتند:
بر تخت نشین و بر برّه،
ستایش و حرمت و جلال و تسلّط
به روزگاران و روزگاران باد!
۱۴ و چهار جاندار می گفتند:
«آمین!»
و پیران افتاده بوسه بر زمین زدند[xx].

گشودن شش مُهر اول

۶ ۱ و دیدم هنگامی که بره یکی از ار ۱۵:۲-۴؛ حزق ۵:۱۷؛ ۱۴:۱۳-۲۱
هفت مُهر را گشود و شنیدم یکی از
چهار جاندار با صدائی همچون تُندر
می گفت: بیا!
۲ و دیدم آنگاه اسبی سفید[x] و کسی که بر

تصویر مسیح به عنوان برّه از تصاویری است که بارها در مکاشفه آمده و مربوط به اظهارات پیامبرانه اش۵۳:۷ و احتمالاً تصویر برّه عید گذر است که در خروج۱۲:۳-۶ ذکر شده است.

v- شاخ ها نشانه و سمبل قدرت هستند (مثلاً ر.ک تث۳۳:۱۷؛ دان۷:۷، ۲۴). تصویر هفت چشم از زک۴:۱۰ گرفته شده و در آنجا به معنی حکمت و معرفت کامل خدا است. تشبیه و تطابق هفت چشم به هفت روح احتمالاً تحت تأثیر اش۱۱:۲ می باشد که گفته شده مسیح موعود هفت روح یعنی تمامیت روح القدس را دارد.

w- ر.ک مکا۲:۱۷ توضیح o.

xx- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر دارد.

x- کاملاً روشن است که رؤیای چهار سوار از زک۱:۸؛ ۶:۱-۸ الهام گرفته است. مجموعه تفسیرهائی که در مورد سوار اولی شده می توان به دو طبقه تقسیم کرد: ۱) با توجه به مشابهت چهار سوار، چون دومین سوار جنگ و ویرانی، سومین سوار مظهر قحطی و چهارمین سوار نشانهٔ بیماریهای مُسری همه گیر است بنابراین سوار اول هم باید مظهر بلا و مصیبتی مثل روحیه کشورگشائی و هجوم بشمار آید (یا اینکه واقعاً اشاره به هجوم پارتها در قرن اول میلادی است که جنگجویان و تیراندازان ورزیده ای

آن سوار بود کمانی داشت و به او تاجی
داده شد
و او پیروزمند بیرون آمد تا پیروزی یابد.
۳و هنگامی که مُهر دوم را گشود شنیدم که
دومین جاندار می‌گفت: بیا!
۴و اسب دیگری، سرخ [آتشین] بیرون
آمد،
و به آنکه سوار بود داده شد[xxx] تا صلح
را از زمین برگیرد و تا یکدیگر را سر تث ۴۳:۳۲؛ زک ۱۲:۱؛ لو ۷:۱۸
بِبُرند
و به او شمشیری بزرگ داده شد.
۵و هنگامی که مُهر سوم را گشود، شنیدم که
سومین جاندار می‌گفت: بیا!
و دیدم آنگاه اسبی سیاه و آنکه بر آن
سوار بود ترازوئی به دست خود داشت.
۶و شنیدم در میان چهار جاندار همچون
صدائی که می‌گفت:
مُشتی[y] گندم به یک دینار! و سه مشت حزق ۱۶:۴
جو به یک دینار!
و هیچ آسیبی به روغن و شراب مرسان.
۷و هنگامی که مُهر چهارم را گشود، صدای
چهارمین جاندار را شنیدم که می‌گفت:
بیا!
۸و دیدم و اینک اسبی پریده رنگ و آنکه
بر آن سوار بود طاعون[yy] نام داشت و
دوزخ[z] به همراه او بود.
به آنان اقتدار بر رُبع زمین داده شد
تا با شمشیر و با قحطی و با مرگ و با حزق ۲۱:۱۴
وحوشِ زمین بکُشند.
۹و هنگامی که مُهر پنجم را گشود در زیر
قربانگاه جانهای کسانی را دیدم[a] که به ۴:۲۰
سبب کلام خدا و به سبب گواهی که داده
بودند ذبح شده بودند.
۱۰و با صدای بلند فریاد برآورده می‌گفتند:
ای فرمانروای قدوس و حقیقی،
تا به کی داوری نمی کنی
و انتقام خون ما را از ساکنان روی
زمین نمی‌گیری؟
۱۱و به هر یک از آنان جامه‌ای سفید داده ۳-۱:۱۴
شد
و به آنان گفته شد که باز هم کمی آرام
بگیرند
تا تعدادشان کامل شود و همقطاران
بردگی ایشان و برادرانشان

بودند). ۲) در تفسیرهای دیگر به مشخصات مخصوص سوار اول یعنی رنگ سفید، تاج و پیروزی توجّه شده که با سوار آسمانی در مکا۱۱:۱۹ و آیات بعدی مشابه است و لذا تصوّر می‌کنند منظور از سوار مذکور خود مسیح یا قدرت پیام انجیل یا مظهر داوریهای الهی است. ضمناً در یکی از تفسیرهای نوع اول با توجه به مشخصّات سوار اول، وی را یک مسیح دروغی تصور می‌کنند که آمدن او را مسیح اعلام کرده است (ر.ک مت۵-۴:۲۴). به هرصورت چهار سوار مذکور مظهر و نشانهٔ دوران ایام آخر هستند (ر.ک مت۷-۶:۲۴ و متون متوازی در اناجیل نظیر).

xxx- [یعنی توانائی داده شد.]

y- این مقیاس، البته تقریبی است؛ در اصل، حدود یک لیتر.

yy- ترجمهٔ دیگر: به آنها دست نزن. منظور بالا رفتن قیمت حبوبات به سبب قحطی است ولی روغن و شراب (موقتاً) از این افزایش قیمت معاف هستند. شاید بدین سبب که مظهر نعمت‌های ایام آخر هستند یا اینکه قحطی فقط به محصولات یک فصل آسیب می‌رساند.

yyy- [تحت‌اللفظی: مرگ. گاهی این کلمه را نظیر متن بالا طاعون ترجمه می‌کنند که عامل مرگ می‌باشد.]

z- ر.ک ۱۸:۱ توضیح a.

a- این افراد شهیدان مسیحیت هستند و در زیر قربانگاه جای دارند که محیطی مقدس و کاملاً نزدیک به خدا است، بنابراین مرگ ایشان نیز به ذبح شدن تشبیه شده که نظیر ذبح شدن مسیح است.

به مانند ایشان نیز کشته شوند.
۱۲ و دیدم هنگامی که مُهر ششم را گشود، و
زلزله ای عظیم روی داد
و خورشید به مانند کیسه ای موئین سیاه اش ۱۳:۱۰؛ ۳:۵۰
شد
و تمام ماه همچون خون گشت[b].
۱۳ و ستارگان آسمان بر روی زمین افتادند،
همچون درخت انجیری که [چون] به اش ۳۴:۴
تکان بادی عظیم میوه های نارس خود را
[به زمین] می ریزد[c].
۱۴ و آسمان همچون طوماری که پیچیده اش ۳۴:۴؛ عبر ۱:۱۲؛ مکا ۱۶:۲۰؛ ۱۱:۲۰
شود[d] به کنار رفت
و هر کوه و جزیره ای از جای خود جابجا
شد.
۱۵ و پادشاهان زمین و بزرگان و سپهسالاران
و ثروتمندان و قدرتمندان
و هر برده و آزاد [مردی]
خود را در غارها و صخره های کوهها اش ۲:۱۰، ۱۹
پنهان کردند.
۱۶ و به کوهها و صخره ها می گویند:
بر روی ما بیفتید و ما را از [مقابل] هو ۱۰:۸؛ لو ۲۳:۳۰
روی تخت نشین
و از خشم بره پنهان کنید.
۱۷ زیرا روز بزرگ خشم[e] ایشان فرارسیده یول ۲:۱، ۱۱؛ ۳:۴؛ ملا ۳:۲
و کی می تواند پایداری کند؟

کلیسا، ملت خدا

۷ ۱ پس از آن چهار فرشته دیدم که در
چهار گوشهٔ زمین ایستاده حزق ۷:۲
چهار باد زمین را نگه می داشتند زک ۶:۵؛ ار ۴۹:۳۶
تا بادی نه بر روی زمین، نه بر روی دریا
و نه بر هر درختی نوزد.
۲ و فرشتهٔ دیگری دیدم که از مَطلع خورشید
با مُهر[f] خدای زنده بالا می آمد
و به چهار فرشته ای که [اقتدار] یافته
بودند تا به زمین و دریا آسیب برسانند
با صدائی بلند فریاد برآورده می گفت:
۳ به زمین آسیبی نرسانید، نه به دریا، نه به زک ۹:۴، ۶؛ مکا ۳:۱۲؛ ۴:۲۲
درختان،
تا بردگان خدای خود را بر روی پیشانی
ایشان مهر بزنیم.
۴ و شنیدم تعداد مُهرشدگان را
صد و چهل و چهار هزار[g] مهر شدند ۱۴:۱، ۳
از هر قبیلهٔ پسران اسرائیل.

b- این تصاویر و تصاویر بعدی از توصیف به لرزه درآمدن جهان در پایان روزگار گرفته شده است (مثلاً ر.ک مت۲۴:۲۹ و متون متوازی).
c- ترجمهٔ دیگر: همچون میوه های نارس درخت انجیری که تند بادی بر آن بوَزد.
d- اشاره به کتابهائی است که بر روی طومارهائی از پوست حیوانات نوشته شده و پس از خواندن آنها را پیچیده لوله می کردند. در اینجا آسمان به چادری تشبیه شده که برفراز دنیای زمینی گسترده شده باشد (ر.ک پید ۱:۷).
e- در نوشته های عهد عتیق روز خشم به مفهوم دخالت دادگرانه نهائی خدا است (ر.ک مز ۱۱۰:۵؛ حزق۷:۱-۹؛ صف۲:۲-۳)؛ این اصطلاح در عهد جدید نیز به کار برده شده است (ر.ک روم۲:۵).
f- در تشریح این صحنه از باب ۹ حزقیال الهام گرفته شده است.
در اینجا مُهر را می توان به عنوان نشانهٔ مالکیّت به شمار آورد (بدین معنی کسانی که مُهر زده شده اند متعلق به خدا هستند) یا اینکه مُهر نشانهٔ نجات است (چنانکه در باب ۹ حزقیال کسانی را که مُهر زده شده اند خدا محافظت می نماید).
ضمناً این دو جنبهٔ مُهر منافی یکدیگر نیستند (از قرن دوم میلادی این نکته تأیید شده و شاید در ۲-قرن۱:۲۲ یادآوری شده است) که کلمهٔ مُهر در مورد تعمید بکار برده شود.
g- تعداد ۱۴۴۰۰۰ نفر بر مبنای دوازده هزار برای هر یک از قبایل یهود حساب شده و نشانهٔ تمامی قوم خدا است.
فهرست اسامی قبایل و تعداد افرادی که در آیات ۵ الی ۸ ذکر شده ممکن است منظور یهودیانی باشد که به مسیحیت گرویده بودند و آنان را از جمعیت عظیم مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند متمایز می سازد (آیات ۹-۱۰) ولی ظاهراً منظور کلیه قوم

[۵]از قبیلهٔ یهودا دوازده هزار مُهر شده بودند،
از قبیله رؤبین دوازده هزار،
از قبیله جاد دوازده هزار،
[۶]از قبیلهٔ اَشیر دوازده هزار،
از قبیلهٔ نفتالی دوازده هزار،
از قبیلهٔ مَنسی دوازده هزار،
[۷]از قبیلهٔ شمعون دوازده هزار،
از قبیله لاوی دوازده هزار،
از قبیلهٔ یَساکار دوازده هزار،
[۸]از قبیلهٔ زَبولون دوازده هزار،
از قبیلهٔ یوسف دوازده هزار،
از قبیلهٔ بنیامین دوازده هزار مهر شده بودند[h].

کلیسا، انبوه برگزیدگان

پید ۱۵:۵؛ مکا ۱۵:۲-۵
[۹]پس از آن و اینک جمعیتی بسیار دیدم،
از همه امت ها و قبیله ها و اقوام و زبانها
که هیچ کس نمی توانست بشمارد،
در مقابل تخت و در مقابل بره ایستاده،
جامه های سفید دربر، و شاخه های نخل
در دست ایشان[i]،
[۱۰]و با صدای بلند فریاد برآورده می گفتند:
نجات از خدای ما است که بر تخت
نشسته و از بره است.
[۱۱]و همهٔ فرشتگان و پیران و چهار جاندار
گرداگرد تخت ایستاده بودند
و در مقابل تخت به روی هایشان
افتاده
در برابر خدا بوسه بر زمین زدند.
[۱۲][در حالی که] می گفتند:
آمین! ستایش و جلال و حکمت و
سپاسگزاری و حرمت و قدرت و قوت
بر خدای ما باد به روزگاران و
روزگاران! آمین!
[۱۳]و یکی از پیران به سخن درآمده مرا گفت:
آنان که جامهٔ سفید بر تن دارند کیستند
و از کجا آمده اند؟
[۱۴]و من به او گفتم: ای سرور من[ii]، تو
می دانی!
و به من گفت: اینان کسانی هستند که از
مصبیت عظیم[j] می آیند
و جامه های خود را شسته آنها را در خون ۲۲:۱۴
بره سفید کرده اند.
[۱۵]بدین سبب در برابر تخت خدا هستند و
روز و شب در قدس او، وی را پرستش ۳:۱۲؛ ۱۱:۱
می کنند

خدا است که در ابتدا برطبق اسرائیل که در سینا بوده اند ذکر شده و سپس به صورت تحقق تمامیت آسمانی و شکوهمند آن منظور گردیده است.

h- در ذکر اسامی قبایل یهود مشاهده می شود: ۱) مقام اول به قبیله یهودا اختصاص دارد که قبیلهٔ مسیح است (ر.ک پید۹:۴۹، ۱۰؛ مکا۵:۵). ۲) نام قبیله دان ذکر نشده زیرا عدم وفاداری آن قبیله در عهد عتیق ذکر گشته است (داور۱۸. نام این قبیله در ۱-توا۴:۸ نیز نیامده است). بنابر یکی از روایات یهود که ایرنائوس، مؤلّف مسیحی قرن دوم میلادی نیز آن را ذکر کرده قبیله دان با شیطان یا مسیح دروغی ارتباط و بستگی دارد، با این همه تعداد قبایل یهود ۱۲ قبیله ذکر شده زیرا نام قبیلهٔ منسّی که معمولاً جزو تبار یوسف به شمار می آمده به قبایل دیگر افزوده شده است.

i- مسلماً اشاره به مراسم مذهبی عید خیمه های یهودیان است که مردم به ترتیب و به ردیف به محوّطه معبد وارد می شدند در حالی که شاخه های نخل بدست داشته آنها را تکان می دادند و مزمور ۱۱۸ را با آواز ترنّم می کردند. در آیه ۲۵ همین مزمور، این نیایش وجود دارد: ما را اکنون نجات بده (هوشیعانا)! و شاید محتوای آیه مکا۷:۱۰ پاسخی به این نیایش است.

ii- [تحت اللفظی: ای خداوند من!]

j- منظور از این مصیبت عظیم وقایع پایان روزگار است (ر.ک دان۱:۱۲؛ مت۲۱:۲۴؛ مر۱۹:۱۳؛ مکا۱۰:۳) و آزار و شکنجه هائی که بر مسیحیان فرامی رسد نمودی از آن است.

و آن تخت نشین خیمه خود را[k] بر ایشان
برپا خواهد کرد.
۱۶ دیگر گرسنه نخواهند بود، اش ۱۰:۴۹؛ مکا ۴-۳:۲۱
دیگر تشنه نخواهند شد، اش ۶-۵:۴؛ یو ۱۴:۱
دیگر آفتاب بر رویشان نخواهد افتاد و
نه هیچ گرمای سوزانی، مز ۶:۱۲۱
۱۷ زیرا بره که در وسط تخت است ایشان را اش ۱۱:۴۰؛ حزق ۲۳، ۳۴
خواهد چرانید
و ایشان را به سوی چشمه های آب اش ۱۰:۴۹؛ مز ۲:۲۳
زندگی رهبری خواهد کرد
و خدا هر اشکی را از چشمانشان خواهد اش ۵:۲۵
سترد.

گشودن مُهر هفتم


۱ و وقتی که مُهر هفتم را گشود،
در حدود نیم ساعت در آسمان حب ۲۰:۲؛ صف ۷:۱؛ زک ۱۷:۲
سکوت شد.
۲ و هفت فرشته ای را که در حضور خدا
می ایستند دیدم
و به ایشان هفت شیپور داده شد.
۳ و فرشته دیگری با مجمری زرین آمده
نزدیک قربانگاه ایستاد
و به او بخورهای بسیار داده شد
تا با نیایشهای همه مقدسین
بر قربانگاه زرین که در مقابل تخت
است تقدیم شود[l].
۴ و دود بخور
با نیایشهای مقدسین،
از دست فرشته به حضور خدا بلند شد.
۵ و فرشته مجمر را گرفته
و آن را از آتش قربانگاه پر کرد و بر لاو ۱۲:۱۶؛ حزق ۲:۱۰
روی زمین افکند و تندرها و صداها و
آذرخشها و زلزله ها روی داد.

شش شیپور اول

۶ و هفت فرشته ای که هفت شیپور داشتند
خود را آمادهٔ شیپور زدن کردند[m].
۷ و اولین [فرشته] شیپور زد و تگرگ و خروج ۲۶-۲۳:۹؛ یول ۳:۳
آتش آمیخته به خون رسید که بر روی
زمین ریخته شد
و یک سوم زمین سوخته شد
و یک سوم درختان سوخته شد
و هر گیاه سبزی سوخته شد.
۸ و دومین فرشته شیپور زد
و [چیزی] شبیه کوهی بزرگ که آتش ار ۲۵:۵۱
گرفته باشد به دریا افکنده شد
و یک سوم دریا خون شد. خروج ۲۱-۲۰:۷
۹ و یک سوم آفریدگانی که در دریا بودند و
جان داشتند مردند
و یک سوم کشتی ها تباه شدند.
۱۰ و فرشته سوم شیپور زد
و از آسمان ستاره ای بزرگ که همچون اش ۱۲:۱۴

k- در مدّت جشن خیمه ها (ر.ک ۹:۷ توضیح i) قوم یهود در زیر چادرها به سر می بردند. از این پس برگزیدگان به زیر خیمه خدا وارد خواهند شد.

l- در آئین پرستش یهود مقرر بود که قربانگاهی برای تقدیم مواد معطّر (بخور، کندر) در معبد وجود داشته باشد. مراسم تقدیم مربوطه به زودی جنبهٔ روحانی گرفت و بخور و کندر را نماد و نشانهٔ نیایش به شمار می آوردند (ر.ک ۲:۱۴۱). در آئین نیایش آسمانی، نیایشهای مقدسین (نیایشهای ایمانداران در مکا۸:۵ و نیایشهای شهیدان در مکا۶:۱۰) به صورت مواد معطّر تقدیم می شود.

m- بلاهائی که با نواختن شیپورها ایجاد می شوند همان بلاهائی است که در مصر بوجود آمد ولی در اینجا شدیدتر است: تگرگ (آیه ۷)، تبدیل آب به خون (آیه ۸)، آبهای تلخ و زهرآلود (آیه ۱۱)، ظلمات (آیه ۱۲)، ملخ ها (۳:۹). ر.ک مکا۱۶:۱ توضیح a.

مشعلی می سوخت فرو افتاد
و بـر روی یک سـوم رودخـانه هـا و
چشمه های آب افتاد.
ار ۹:۱۴ ۱۱و نام ستاره افسنتین[n] گفته می شود،
و یک سوم آبها افسنتین شد
و بسیاری از مردمان از این آبها مردند
زیرا تلخ[nn] شده بودند.
۱۲و فرشتهٔ چهارم شیپور زد
خروج۱۰:۲۱-۲۳ و یک سوم خورشید و یک سوم ماه و یک
سوم ستارگان صدمه دیدند به طوری که
یک سوم آنها تاریک شد و یک سوم روز
بی نور شد و شب همینطور.
۱۳و دیدم و شنیدم عقابی که در اوج آسمان
۶:۱۴ در حال پرواز با صدای بلند می گفت:
۱۲:۹؛ ۱۴:۱۱ وای، وای، وای بر آنان که بر روی زمین
سکونت دارند، به سبب دیگر صداهای
شیپور سه فرشته که باید شیپور بزنند!

۹
۱و فرشتهٔ پنجم شیپور زد
اش ۱۲:۱۴؛ مکا ۸:۱۰ و ستاره ای دیدم که از آسمان بر
روی زمین افتاد[o]
و کلید چاه هاویه[p] به او داده شد،
۲و او چاه هاویه را گشود
پید ۲۸:۱۹؛ خروج ۱۸:۱۹ و از چاه دودی به مانند کوره ای عظیم
برآمدو خورشید و هوا به وسیلهٔ دود چاه
تاریک شد.
یول ۱-۲؛ خروج۱۰:۱۲،۱۵؛ حک ۹:۱۶ ۳و از دود ملخ هائی بر روی زمین خارج شدند
و به آنان اقتداری نظیر اقتدار کژدمان
زمین داده شد.
۴و به ایشان گفته شد که نه به گیاه زمین،
نه به هیچ سبزی، نه به هیچ درخت آسیب
۳:۷ نرسانند مگر به مردمانی که مُهر خدا بر
پیشانی ندارند.
۵و به ایشان [دستور] داده شد آنان را
نکشند بلکه پنج ماه شکنجه دهند؛
و شکنجه ایشان به مانند شکنجهٔ کژدم
است وقتی که انسانی را بگزد[q].
ایوب ۲۱:۳ ۶و در آن روزها انسان ها در جستجوی
مرگ خواهند بود و آن را نخواهند یافت
و آرزوی مُردن خواهند کرد و مرگ از
ایشان فرار می کند.
یول ۴:۲ ۷و شباهت ملخ ها به مانند اسبانی است که
برای جنگ آماده شده باشند
و بر سرهایشان همچون تاجهائی شبیه
طلاست و صورت هایشان به مانند
صورت آدمیان،
۸و موهائی به مانند موهای زنان داشتند
یول ۶:۱ و دندانهایشان مانند [دندانهای] شیران
بود،
۹و سینه پوش هایی همچون جوشن های
آهنین داشتند
و صدای بالهایشان همچون صدای
یول ۵:۲ ارابه هائی با اسبان بسیار که به جنگ
بتازند.
۱۰و دُم هائی به مانند کژدم ها و نیش ها
دارند

n- افسنتین یا افسنطین گیاهی معطّر است [که به فارسی خاراگوش می نامند] و از آن مادّه ای تلخ و سمی می گیرند.
nn- [این کلمه را می توان تُرش یا گَس ترجمه کرد.]
o- این تصویر بارها در نوشته های مکاشفه ای یهود برای نشان دادن سقوط فرشتگان به کار رفته است (ر.ک مثلاً ۱-خنوخ۸۶؛ همچنین ر.ک مکا۱۲:۴).
p- جائی که قدرت های شیطانی موقتاً زندانی هستند (ر.ک مکا۱۱:۷؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱، ۳؛ لو۸:۳۱).
q- ترجمهٔ دیگر: و شکنجه ای که ایجاد می شود همچون شکنجه کسی است که او را کژدمی بگزد.

و در دُم هایشان آنها توانائی دارند که
پنج ماه به انسان ها صدمه بزنند.
۱۱ بر خود پادشاهی دارند که فرشتهٔ هاویه
است؛ نام او به عبری اَبدون و به یونانی
اپُلیون است[r].
۱۲ اولین وای[rr] گذشته است: اینک دو وای
دیگر پس از این می‌آید[s].
۱۳ و فرشته ششم شیپور زد
و صدائی شنیدم که از چهار شاخ قربانگاه
زرین که در حضور خداست [می‌آید]،
۱۴ و به فرشته ششم که شیپور داشت
می‌گفت:
چهار فرشته‌ای را که روی رودخانه
بزرگ فرات در بند هستند رها کن. ۱۲:۱۶
۱۵ و چهار فرشته‌ای که برای ساعت و روز و
ماه و سال آماده شده بودند تا یک سوم
انسان ها را بکشند رها شدند.
۱۶ و تعداد جنگاوران سواره دو ده هزار ده
هزار بود
که شمارهٔ ایشان را شنیدم.
۱۷ و در رؤیا اسبان و کسانی را که بر آنها
سوار بودند دیدم:
جوشن های آتشین و یاقوت فام و
گوگردی داشتند
و سرهای اسبان به مانند سرهای شیران
[بود] و از دهانشان آتش و دود و گوگرد
بیرون می‌آید.
۱۸ از این سه بلا، یک سوم انسان ها به
وسیله آتش و دود و گوگردی که از دهان
آنها بیرون می‌آمد کشته شدند.
۱۹ زیرا توانایی اسبان در دهانشان و در
دُمشان است،
زیرا دُمشان به مانند مارهاست
که سر ها دارند و به وسیله آنها آسیب
می‌رسانند.
۲۰ و بقیهٔ انسان ها که در این بلاها کشته
نشدند
از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا اش ۸:۱۷
دیگر به دیوها و بتهای زرین و سیمین و دان ۵:۴، ۲۳؛
مفرغی و سنگی و چوبی که نه توانایی مز ۴:۱۱۵؛ ۱۵:۱۳۵-۱۷
دیدن دارند، نه می‌شنوند و نه راه
می‌روند سجده نمایند.
۲۱ و از جنایتهای خود، نه از جادوگریهای
خود، نه از بی عفتی های خود و نه از
دزدیهای خود توبه نکردند.

فرشته و کتابچه

۱۰ ۱ و فرشتهٔ نیرومند دیگری دیدم که
از آسمان پائین می‌آمد،
پوشیده از ابر،
و رنگین کمان بر روی سرش[t]
و صورتش همچون خورشید

r- این ملخ ها (ر.ک مکا۸:۶ توضیح m) فقط یک پدیده طبیعی ساده نیستند و با اینکه خیلی ویرانگر و مضرّند با این همه به صراحت قید شده که نیروهای جهنمّی هستند. رئیس آنان نامی عبری دارد: ابدون که به معنی ویرانی و تباهی است. در آیین یهودی مؤخر بر کتاب مقدس (ر.ک ایوب۲۶:۶) این کلمه گاهی مرادف با هاویه، جایگاه مردگان است. کلمه یونانی اپلیون به معنی ویرانگر است بنابراین در ترجمه از عبری به یونانی کاملاً تطبیق نمی کند (زیرا در زبان عبری اسم عام است و در ترجمه یونانی یک صفت فاعلی آمده است). ولی شاید مخصوصاً ترجمه تقریبی شده است زیرا کلمهٔ اپلیون، ربالنّوع بزرگ یونانی اپولون را به یاد می‌آورد.
rr- [وای که در این آیه آمده کلمه ای یونانی و به معنی افسوس است. گاهی بدبختی یا بلا ترجمه می شود.]
s- اینها سه بدبختی و بلائی هستند که در ۱۳:۸ اعلام شده است.
t- ر.ک مکا۴:۳ توضیح l.

و پاهایش همچون ستونهای آتشین بود.
۲ و در دستش کتابچه ای گشوده داشت[u]
و پای راست خود را بر روی دریا و
[پای] چپ خود را بر روی زمین
گذاشت،
۳ و با صدای بلند فریاد برآورد همچون هو ۱۱:۱۰؛ عا ۱:۲؛ ۳:۸
شیری که می غرد.
و چون فریاد کشید هفت تندر صدای مز ۲۹:۳
خود را برآوردند[v].
۴ و چون هفت تندر صدا برآوردند در شُرف
نوشتن بودم؛
و صدائی از آسمان شنیدم که می گفت:
آنچه را هفت تندر گفته اند مُهر کن[w] و دان ۸:۲۶؛ ۱۲:۴، ۹،
آنها را ننویس.
۵ و فرشته ای را که دیده بودم بر روی دریا و
زمین ایستاده بود،
دست راست خود را به سوی آسمان بلند تث ۳۲:۴۰؛ دان ۱۲:۷
کرد[x]
۶ و سوگند خورد به آن که به روزگاران و
روزگاران زنده است،
آنکه آسمان و آنچه را در آن است ۱۴:۷
و زمین و آنچه را در آن است
و دریا و آنچه را در آن است آفریده

که دیگر مهلتی نخواهد بود،
۷ بلکه در روزهای صدای فرشته هفتم، روم ۱۶:۲۵؛ ۱ـ قرن ۲:۷؛ افس ۱:۹؛ ۳:۳، ۹ ادامه؛ ۶:۱۹؛ کول ۱:۲۶-۲۷؛ ۲:۲؛ ۴:۳ عا ۳:۷؛ دان ۹:۶-۱۰؛ زک ۱:۶؛ مکا ۱۱:۱۸
هنگامی که شیپور زدن آغاز کند، آنگاه
راز خدا انجام می شود به همان گونه که
به انبیاء، بندگان خود نوید داده است.
۸ و صدائی که از آسمان شنیده بودم از نو با
من به سخن درآمده می گوید:
برو، کتاب گشوده در دست فرشته ای که
بر روی دریا و زمین ایستاده است، بگیر.
۹ و من به سوی فرشته رفتم و به او گفتم
کتابچه را به من بدهد.
و او به من گفت: بگیر و آن را بخور
و شکم تو را تلخ[xx] خواهد کرد
ولی در دهانت همچون انگبین شیرین
خواهد بود[y].
۱۰ و من کتابچه را از دست فرشته گرفتم و
آن را خوردم
و در دهانم همچون انگبین شیرین بود حزق ۳:۳
ولی وقتی آن را خوردم شکمم تلخ شد.
۱۱ و به من گفته شد:
تو باید دوباره [دربارهٔ] اقوام و امت ها ار ۱:۱۰
و زبان ها و پادشاهان بسیار، نبوت
کنی.

u- این تصویر به مانند تصویر «کتاب مُهر شده» (مکا۵:۱-۲) از رؤیای حزق۲:۸-۳:۳ می آید با این تفاوت که در اینجا کتابی کوچک است (کلمهٔ یونانی که در این مورد بکار برده شده دو نشانهٔ تصغیر دارد) و بنابراین کتابی محدود است؛ ضمناً کتابچه گشوده شده و نشان می دهد فرارسیدن مکاشفه آن نزدیک است.

v- در عهد عتیق همین تصاویر بارها در مورد خدا بکار برده شده است (غرّش شیر در عا۱:۲؛ ۳:۸؛ تندر در مز۲۹:۳-۹). پیام هفت تندر که از منشأ برتر و والا است موقتاً به آدمیان ابلاغ نمی شود.

w- ترجمهٔ دیگر: پنهان نگهدار. مدرکی که مُهر شده برای آن است که شایع نشود. ضمناً موضوع پنهان نگهداشتن نزدیک به دان۱۲:۴ است.

x- در تشریح این صحنه از دان۱۲:۷ الهام گرفته شده است.

xx- [ر.ک ۸:۱۱ توضیح nn.]

y- ر.ک حزق۳:۳. در اینجا دو جنبهٔ سخن خدا نشان داده شده است. ولی به چه سبب سخن خدا شیرین و از چه جهت تلخ است؟ فرضیه های مختلفی پیشنهاد شده که در پذیرفتن هر یک می توان تردید کرد. مثلاً: دریافت کردن سخن خدا شیرین است و وظیفهٔ مأموریت بُردن این کلام، دشوار و تلخ است؛ شیرینی اعلام نجات و تلخی اعلام داوری؛ شیرینی اعلام برگزیده شدن و تلخی اعلام آزار و شکنجه ای که در پی دارد.

دو شاهد

حزق ۴۰:۳؛ زک ۲:۵-۶؛ مکا ۱۵:۲۱
۱۱ ۱ و به من یک نی شبیه چوبدستی
داده و گفته شد:
برخیز و قدس خدا، قربانگاه و کسانی را
که در آنجا بر زمین بوسه می زنند[z]
اندازه بگیر[zz].
۲ و صحن خارج قدس را کنار بگذار و آن
دان۷:۲۵؛۱۲:۷؛ مکا ۱۱:۳؛ ۶:۱۲، ۱۴؛ ۵:۱۳ لو ۲۱:۲۴
را اندازه نگیر زیرا به امت ها داده شده
است و شهر مقدس را چهل و دو ماه[a]
لگدمال خواهند کرد.
۳ و من به دو شاهد[b] خود که پلاس
می پوشند خواهم داد و هزار و دویست و
شصت روز پیامبری خواهند کرد.
زک ۴:۳، ۱۴
۴ ایشان دو درخت زیتون و دو شمعدان
هستند که در مقابل خداوند زمین
ایستاده اند.
۵ و اگر کسی بخواهد به ایشان آسیب
۲ـپاد ۱:۱۰، ۱۴؛ ار ۵:۱۴
برساند، آتشی از دهانشان بیرون می آید
و دشمنانشان را فرو می برد
و اگر کسی می خواست به ایشان آسیب
برساند بدین گونه باید او کشته می شد.
۶ آنان اقتدار دارند آسمان را ببندند تا در
۱ـ پاد ۱۷:۱؛ یع ۵:۱۷
روزهای نبوت ایشان باران نبارد
خروج ۷:۱۷
و بر آبها اقتدار دارند که آنها را به خون
تبدیل کنند
۱ـسمو ۴:۸
و بر روی زمین هرگونه بلایی و هر چند
بار که بخواهند وارد سازند.
۷ و هنگامی که شهادت خود را به پایان
دان ۷:۳، ۲۹؛ مکا ۱۳:۱؛ ۱۷:۸
رسانند آن حیوان که از هاویه بالا
می آید با آنان جنگ خواهد کرد و بر
آنان غلبه یافته و آنان را خواهد کشت.
۸ و جسد ایشان در میدان شهر بزرگ باشد
که به لحاظ روحانی، سدوم و مصر نامیده
می شود[c]، در همان جایی که خداوند
ایشان مصلوب شده است[d].
۹ و از اقوام و قبایل و زبانها و امت ها سه
روز و نیم جسد ایشان را نگاه می کنند و
نمی گذارند جسدهای ایشان در قبری
گذاشته شود.
۱۰ و آنان که بر روی زمین سکونت دارند
به سبب ایشان شادمانند و خوشحالی
می کنند و برای یکدیگر هدیه ها
می فرستند زیرا این دو نبی ساکنان روی
زمین را شکنجه کرده اند.

z- یعنی: عبادت می کنند.

zz- در اینجا دو جنبهٔ اورشلیم ارائه می شود: از یک طرف «شهر مقدس» و نوعی کلیسا است و قسمتی از شهر است که مختص به معبد می باشد و از سوی دیگر اورشلیم زمینی است که پیامبران را کشته و مسیح را مصلوب کرده است. اورشلیم زمینی، تصویر دنیایی است که خدا را نمی پذیرد.

a- مدّت ۴۲ ماه همان دوران نمادین و نوعی است که از دان۷:۲۵ و ۱۲:۷ گرفته شده. در کتاب دانیال مدّت سه سال و نیم دورانی است که آنتیوخوس اپیفان، یهودیان را آزار و شکنجه می نمود. در آیات بعدی مدت سه سال و نیم، چهل و دو ماه یا ۱۲۶۰ روز به عنوان دوران آزمون پایان روزگار و دوران کلیسا بر روی زمین تعیین می شود (ر.ک مکا۱۱:۳؛ ۱۲:۶، ۱۴؛ ۵:۱۳).

b- توصیفی که در آیات ۳-۴ از این دو شاهد شده از زک۴:۲-۱۴ الهام گرفته است. یهودیان متن کتاب زکریا را به شخصیت های مهم دوران مسیحائی مربوط می دانستند. در اینجا ظاهراً منظور کلیسا است و شهادت الیاس و موسی (آیه ۶) و شهادت مسیح که در اورشلیم مصلوب شده و از میان مردگان برخاست خلاصه شده است (آیات ۷-۱۲).

c- در نوشته های عهد عتیق چندین بار سدوم به عنوان شهر هرزه و بی بند و بار ذکر شده (ر.ک تث۲۹:۲۳؛ ۳۲:۳۲؛ اش۱:۹-۱۰؛ ار۲۳:۱۴؛ حزق۱۶:۴۶)؛ مصر مظهر قدرتهای بت پرست و دشمن قوم خدا است (ر.ک خروج۱۳:۱۴؛ اش۱۹:۱-۳؛ حک۱۱:۱۵-۱۶؛ ۱۲:۲۳-۲۷؛ ۱۵:۱۴-۱۹).

d- اورشلیم که پیامبران و مسیح را به قتل رسانیده به عنوان مرکز بی ایمانی و بی وفایی توصیف شده است.

۱۱ و پس از سه روز و نیم، روح زندگی از
حزق ۳۷:۵، ۱۰ خدا در ایشان وارد شد و بر پاها
ایستادند
و بر آنان که ایشان را تماشا می‌کردند
ترسی عظیم فرا رسید.
۱۲ و صدای بلندی که از آسمان می‌آمد
شنیدند که به ایشان می‌گفت: به اینجا
بالا بیایید.
و ایشان در میان ابرها به آسمان بالا
۲-پاد ۲:۱۱ رفتند و دشمنانشان ایشان را تماشا
می‌کردند.
۱۳ و در آن ساعت زلزله‌ای عظیم روی داد
حزق۳۸:۱۹-۲۰ و یک دهم شهر فرو ریخت و در زلزله
هفت هزار نفر انسان کشته شدند
و دیگران را ترس فرا گرفت و خدای
آسمان را ستایش کردند.
۱۴ «وای» دوم رفت و اینک «وای» سوم
به زودی فرا می‌رسد[e].

شیپور هفتم

۱۵ و فرشته هفتم شیپور زد:
و صداهای بلندی در آسمان روی داد که
می‌گفتند:
مز ۲:۲؛ ۱۰:۱۶؛ ۲۲:۲۹؛ دان ۲:۴۴؛ ۷:۴، ۲۷؛ مکا ۱۲:۱۰؛ ۱۹:۶ ملکوت جهان به خداوند ما و مسیح
او انتقال یافته[f]
و به روزگاران و روزگاران سلطنت
خواهد کرد.

۱۶ و بیست و چهار پیر که در مقابل خدا بر
۴:۴، ۱۰؛ ۷:۱۱ روی تخت‌های خود نشسته‌اند به صورت
های خود درافتاده و در برابر خدا زمین را
بوسیده می‌گفتند:
۱۷ تو را سپاسگزاریم ای خداوند، خدای
قادر بر همه،
آنکه هست و آنکه بود[g]
۱:۴، ۸؛ ۸:۴؛ ۱۶:۲۵ زیرا قدرت عظیم خود را [به دست]
گرفته و سلطنت می‌کنی.
۱۸ و [امت‌ها] به خشم درآمدند
مز ۲:۱، ۵؛ ۴۶:۷؛ ۹۹:۱؛ عا ۳:۷؛ دان ۹:۶، ۱۰؛ زک ۱:۶؛ مکا ۱۰:۷ و خشم تو و زمان داوری مردگان فرا
رسید
و مزد به بندگان خودت، انبیاء،
و مقدسین و آنان که از نام تو
می‌ترسند،
چه کوچکان و چه بزرگان عطا کنی
مز ۱۱۵:۱۳ و مفسدان زمین را فاسد گردانی.
۱۹ و قدس خدا، [آنکه] در آسمان است
گشوده گشت
و صندوقچه پیمان او در قدس او دیده
خروج ۲۵:۹؛ ۲-مکا ۲:۸؛ مکا ۱۵:۵ شد[h]
و آذرخشها و صداها و تندرها و زلزله و
خروج ۹:۲۴؛ ۱۹:۱۶؛ مکا ۴:۵؛ ۱۶:۱۸ تگرگ شدید روی داد.

زن و اژدها

۱۲

۱ و نشانهٔ بزرگی در آسمان پدیدار
شد:

e- ر.ک مکا۸:۱۳.
f- تحت‌اللفظی: ملکوت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شده است.
g- برابر سوگند فرشته در مکا۱۰:۷ آهنگ هفتمین شیپور نشانهٔ تحقق یافتن راز خدا است. بدون شک به همین سبب خدا به عنوان آنکه می‌آید تعیین نشده است (ر.ک مکا۱۶:۵).
h- تصویری که در اینجا ارائه شده با توجه به بعضی باورهای یهودیان و کاهنان یهود درک می‌شود. توضیح آنکه برطبق باب ۲۵ سفر خروج صندوقچه پیمان از روی نمونهٔ صندوقچه آسمانی ساخته شده است و در رؤیایی که در اینجا ذکر می‌شود منظور نَمونهٔ آسمانی صندوقچه پیمان است. از سوی دیگر برطبق روایات معتقد بودند که در پایان روزگار صندوقچه پیمان مجدداً متجلّی خواهد شد (ر.ک ۲-مک۲:۸). اجتماع این دو عقیده در اینجا اظهار تحقق کامل عهد است.

مز ۲:۱۰۴؛ غزل ۱۰:۶؛ پید ۹:۳۷ زنی پوشیده از آفتاب، و ماه به
زیر پاهایش و تاجی از دوازده ستاره بر
روی سرش.
اش ۶۶:۷-۸ میکا ۱۰:۴ ۲ او باردار بود و فریاد می‌کشید، و از درد
زایمان رنج می برد[i].
۳ و نشانهٔ دیگری در آسمان پدیدار شد:
دان ۷:۷ و اینک اژدهای بزرگ سرخ [آتشین]،
با هفت سر و ده شاخ و بر روی سرهایش
هفت دیهیم،
۴ و دمش یک سوم ستارگان آسمان را
دان ۱۰:۸ می‌کشید و آنها را بر روی زمین انداخت[j].
و اژدها در مقابل زن که نزدیک به
زایمان بود ایستاد تا وقتی فرزندش را
بزاید او را ببلعد.

۵ و آن [زن] فرزندی نرینه زائید اش ۷:۶۶
که همه امت ها را با عصائی آهنین
خواهد چرانید[k]
و فرزندش به نزد خدا و به نزد تخت او
ربوده شد[l].
۶ و زن به صحرا گریخت، جایی که خدا
[برایش] آماده کرده بود
تا در آنجا هزار و دویست و شصت روز
او را غذا دهند[m].
۷ و در آسمان جنگی روی داد:
میکائیل[n] و فرشتگانش با اژدها
می‌جنگیدند
و اژدها و فرشتگانش نیز می‌جنگیدند،
۸ و ایشان چیره نشدند

i- این زن که با زیورهای آسمانی آراسته شده پسری به دنیا می‌آورد که یقیناً منظور مسیح موعود است زیرا پیشگویی مسیحایی را که در مز۲:۹ ذکر شده انجام می‌دهد.
از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که تمام این صحنه مستقیماً با آنچه در پید۳:۱۵ ذکر شده تطبیق می نماید. در آنجا وعده داده شده که نسل زن بر مار (شیطان) پیروز خواهد شد (به هرصورت در ترجمه یونانی عهد عتیق این مورد به عنوان اعلام آمدن مسیح موعود پذیرفته شده است). باری در باب ۱۲ مکاشفه نیز اژدها به نامهای مار قدیمی، ابلیس و شیطان نامیده می‌شود (آیه ۹).
همچنین اگر به بقیه مطلب توجه شود (ر.ک مخصوصاً آیه ۱۷) روشن است که منظور از این زن، صهیون (ر.ک، اش۵۴؛ ۶۰؛ هو۲:۲۱-۲۵) یعنی قوم خدا است که مسیح موعود و ایمانداران را به دنیا خواهد آورد. ضمناً زنی که در باب ۱۲ ذکر شده و مادر مسیح موعود است آیا ممکن است همان مریم عذرا باشد چنانکه بسیاری از پدران کلیسا چنین پنداشته اند و در روایات مربوط به آیین نیایش ذکر شده و در تصاویر مقدسین نشان داده شده است؟ بسیاری از مفسران معاصر در قبول این نظریه، حتی به صورت یک راه حل فرعی، تردید دارند. مفسران دیگری فکر می کنند که منظور نویسنده مریم به عنوان تصویر و تجسم کلیسا می باشد.
j- به اژدها (شیطان) خصایصی نسبت داده شده که نشانهٔ قدرت او است. هرگاه بخواهیم سقوط ستارگان را که در دان۸:۱۰ ذکر شده تفسیر کنیم بایستی نظریه یهودیان را در این مورد (ر.ک مکا۱:۹ توضیح o) مورد توجه قرار دهیم (پید باب ۶).
k- اشاره به مز۲:۹. ر.ک مکا۲:۲۷ و ۱۲:۲ توضیح i.
l- مبارزه‌ای که در پید۳:۱۵ اعلام شده اکنون به مرحلهٔ قطعی می‌رسد: یعنی رستاخیز مسیح (که به نزد خدا برده شد) آغاز شکست شیطان را اعلام می‌کند.
m- زنی که تجسم قوم خدا است به مانند اسرائیل است که درگذشته از اسارت و حملات مصریان بوسیله خدای خود نجات یافته بود، زنی که مظهر قوم خدا است از تسلط قدرتهای بدی فرار کرده در صحرا فقط از آنچه خداوندش فراهم می‌آورد زندگی می‌کند (ر.ک همچنین آیه ۱۴).
در نوشته های کتاب مقدس پس از ذکر وقایع خروج اسرائیل از مصر، صحرا مظهر حمایت قدرت الهی بشمار می‌رود (ر.ک مثلاً ۱-پاد۱۷؛ ۱۹:۱-۸). معذالک گاهی نیز مظهر آزمایشی است که خدا بوسیله آن، کسان خود را به محک آزمایش درمی‌آورد. در مورد ۱۲۶۰ روز ر.ک مکا۱۱:۲ توضیح a.
n- نام میکائیل در زبان عبری یعنی «آنکه به مانند خدا است». بنا به نوشتهٔ دانیال (۱۰:۱۳، ۲۱؛ ۱۲:۱) و در نوشته های بعدی، میکائیل فرشتهٔ مقرب مهمی است که وضعیت مخصوصی دارد. وی برای اسرائیل یا برای همه مقدسین شفاعت می‌کند. بنابراین یکی از دشمنان اصلی شیطان یعنی متهم کننده می باشد (ر.ک آیه ۱۰).

و دیگر جای ایشان را در آسمان
نیافتند.
۹ و اژدهای بزرگ، انداخته شد مار ۲۰:۲-۳ پید ۳:۱-۵
قدیمی[o] که ابلیس و شیطان می نامند،
آنکه همه دنیا را گمراه می کند[p]،
به روی زمین انداخته شد و فرشتگانش
نیز با او انداخته شدند.
۱۰ و صدایی بلند در آسمان شنیدم که
می گفت:
اکنون رستگاری
و قدرت و ملکوت خدای ما
و اقتدار مسیح او فرا رسیده است
زیرا تهمت‌زنندهٔ برادران ما[q]،
آنکه روز و شب ایشان را در مقابل
خدای ما متهم می کرد انداخته شده
است.
۱۱ و ایشان به سبب خون بره و به سبب ۱-یو ۲:۱۴
کلام شهادت خود بر او پیروز شدند
و تا سرحد مرگ از جان خود مت ۱۶:۲۵ و متون متوازی
گذشته اند[r].
۱۲ بدین سبب، ای آسمانها و شما که
در آن سکونت دارید شادی کنید! اش ۴۴:۲۳؛ ۴۹:۱۳
وای بر زمین و بر دریا
زیرا ابلیس با غضبی بزرگ نزد شما
فرود آمده است
زیرا می دانست فرصت کمی دارد. ۳:۲۰
۱۳ و وقتی اژدها دید که به روی زمین
انداخته شده، زنی را که [فرزند] نرینه پید ۳:۱۵
زائیده بود تعقیب کرد.
۱۴ و به آن زن دو بال عقاب بزرگ[s] داده شد اش ۴۰:۳۱
تا به‌جای خود در صحرا پرواز کند،
جائی که یک زمان، و زمانها و نصف
زمان[t] [به دور] از نظر مار تغذیه
می شود.
۱۵ و آن مار از دهان خود آبی به مانند
رودخانه به دنبال زن انداخت تا آن
[زن] بوسیله رودخانه برده شود.
۱۶ و زمین آن زن را یاری کرد
و زمین دهان خود را باز کرد[u] و
رودخانه ای را که اژدها از دهان خود اعد ۱۶:۳۰-۳۴
انداخته بود بلعید.
۱۷ و اژدها علیه زن خشمگین شد و رفت تا
با بقیه نسل او بجنگد،
آنان که فرمانهای خدا را رعایت می کنند
و شهادت عیسی را دادند[v].
۱۸ و[سپس] بر روی شن دریا توقف کرد[w].

o- مار اولی ترجمهٔ بهتری است و بدون شک اختلاف جزیی متن یونانی را بهتر نشان می‌دهد ولی ترجمهٔ مار اولی یا مار اصلی ممکن است به مفهوم وجود ثنویت اساسی درک شود که البته در کتاب مقدس چنین نظریه ای مطرح نیست.
p- ر.ک مکا۱۲:۲ توضیح i.
q- شیطان = متهم کننده، ر.ک ایوب۱:۹-۱۱؛ ۲:۴-۵؛ زک۳:۱-۲.
r- ترجمه تحت الفظی: روح (جان) خود را دوست نداشته اند تا به مرگ. شهادت مسیحیان همچون شهادتی است که مسیح رنجدیده و در حال مرگ بر روی صلیب بدان نائل شد. لذا گواهی دادن نزدیک به شهید شدن است. ر.ک مکا۱:۲ توضیح c.
s- اشاره ای دیگر به خروج اسرائیلیان از مصر. این تصویر از خروج۱۹:۴ و تث۳۲:۱۱ گرفته شده است.
t- ر.ک مکا۱۱:۲ توضیح a.
u- ترجمهٔ دیگر: زمین باز شد.
v- این نکته انجام یافتن پیشگویی پید۳:۵ است. نسل این زن اول مسیح موعود، نخست زاده است؛ و ایمانداران نسبت به او بقیهٔ نسل می باشند، بدین گونه پولس مسیح را نخست زاده از انبوه برادران می خواند (روم۸:۲۹).
w- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: سپس بر روی شن دریا قرار گرفتم.

دو حیوان وحشی

۱۳ [۱]و دیدم از دریا حیوانی وحشی بالا
آمد که ده شاخ و هفت سر داشت،
و بر روی شاخهایش ده دیهیم و بر روی دان ۳:۷، ۸؛ مکا ۷:۱۱؛ ۳:۱۷، ۸
سرهایش نامهای کفر[x].
[۲]و حیوانی که دیدم شبیه پلنگ بود،
و پاهایش به مانند [پاهای] خرس، دان ۷:۴-۶
و پوزه اش همچون پوزهٔ شیر،
و اژدها قدرت خود و تخت خود و
اقتداری عظیم به او داد.
[۳]و یکی از سرهایش به حد مرگ بریده
شده[y]،
و زخم مهلک آن درمان یافته بود
و تمامی زمین حیرت زده به دنبال حیوان
وحشی رفتند،
[۴]و [در مقابل] آن اژدها که قدرت به
حیوان داده، زمین را بوسیدند و [در
مقابل] حیوان نیز زمین را بوسیده می
گفتند:
چه کسی مانند حیوان وحشی است و که
می تواند با او بجنگد؟
[۵]و به او دهانی داده شد که سخنان درشت
و کفرها می گفت و به او اقتداری داده دان ۸:۷، ۱۱
شد تا در [مدت] چهل و دو ماه عمل دان ۲۵:۷؛ ۷:۱۲؛ مکا ۲:۱۱-۳؛ ۹:۱۲، ۱۴
کند[z].
[۶]و او دهان خود را با کفرها علیه خدا باز
کرد،
برای کفر گفتن نام او و مسکن او[a] و
آنان که در آسمان سکونت دارند.
[۷]و به او داده شد که با مقدسین[b] جنگ دان ۶:۷، ۲۱
کرده بر آنان پیروز شود
و به او اقتدار بر هر قبیله، و قوم، و زبان
و ملتی داده شد.
[۸]و همه ساکنان زمین او را خواهند پرستید،
آنان که نامشان از بنیان جهان[c] در کتاب
زندگی بره ذبح شده نوشته نشده است. دان ۱:۱۲؛ مکا ۵:۳؛ ۸:۱۷؛ ۱۲:۲۰، ۱۵؛ ۲۷:۲۱
[۹]هر که گوش شنوا دارد بشنود:
[۱۰]اگر کسی برای اسارت است به اسارت
می رود؛ ار ۲:۱۵
اگر کسی باید به شمشیر کشته شود، به

x- ترجمهٔ دیگر: و بر روی سرهایش یک نام کفرآمیز. در اینجا حیوان وحشی طوری معرفی شده که می توان استنباط کرد با اژدهایی که در مکا۱۲ ذکر شده (شیطان) نسبت دارد. ضمناً مجموعهٔ مختصات چهار حیوانی را دارد که در دان۷:۲-۸ توصیف شده اند. در رؤیای دانیال منظور از حیوانها امپراطوری ها بودند و در اینجا حیوان مظهر قدرت امپراطوری رم است. قدرت جبار و ستمگری که عناوین و قدرتهای الهی را به خود نسبت می دهد و بدین سبب نام های کفرآمیز دارد. باید با توصیفی که از حیوان در مکا۱۷:۳، ۷-۱۲ آمده مقایسه شود. در آنجا موضوع هفت سر و ده شاخ توضیح داده می شود.
y- ترجمهٔ دیگر: مجروح شده. انتخاب کلمه و ادامهٔ این عبارت نشان می دهد که نویسنده می خواهد آن را در مقابل و به موازات بره ذبح شده و دوباره زنده شده مکا۵:۶ بیاورد. مسیح های دروغی نظیر انبیای دروغی کارهای شگفتی انجام می دهند که ممکن است در مردم افکار واهی ایجاد نماید (ر.ک مت۲۴:۲۴؛ ۲-تسا۲:۹-۱۰).
z- ر.ک مکا۱۱:۲ توضیح a.
a- ترجمهٔ دیگر: نام او و خیمهٔ او. اشاره به چادری است که ابتدا چادر اجتماع یا خیمهٔ ملاقات نامیده می شد زیرا در طی خروج اسرائیلیان از مصر، خداوند در آنجا به موسی وعدهٔ ملاقات داده بود (ر.ک خروج۳۳:۱۱) و بر طبق روایات کتاب مقدس به عنوان حرم قدس اسرائیلیان در صحرا بشمار می آمد. این چادر یا خیمهٔ اجتماع نظیر معبد اورشلیم یادآور حضور خدا در میان قوم خود و ارادهٔ عهد و پیمان اوست.
b- منظور مسیحیان است. ر.ک روم۱:۷ توضیح m.
c- همچنین می توان درک کرد: بره ذبح شده از بنیان جهان. هرگاه چنین خوانده شود نزدیک به مطالب ۱-پطر۱:۱۹-۲۰ خواهد بود ولی ترجمهٔ متن بالا بیشتر معمول است (وانگهی با مطالب مکا۱۷:۸ تطبیق می نماید) و در ردیف مت۲۵:۳۴ و افس۱:۴-۵ قرار می گیرد.

شمشیر کشته می شود[d]،
اینجا پایداری و ایمان مقدسین است[e].
۱۱ و دیدم حیوان وحشی دیگری از زمین بالا ۱۲:۱۴
آمد
و به مانند بره ای دو شاخ داشت و مثل
اژده هایی سخن می گفت[f]. مت ۱۵:۷
۱۲ و همه اقتدار حیوان اولی را در مقابل او
انجام می دهد و طوری رفتار می کند که
زمین و ساکنانش اولین حیوان را که زخم
مهلکش درمان یافته بپرستند.
۱۳ و نشانه های بزرگی انجام می دهد، تا
آنجا که [باعث می شود]در مقابل انسان
ها آتش از آسمان به زمین فرود آید.
۱۴ و ساکنان زمین را گمراه کرده به سبب
نشانه هایی که به او داده شده در مقابل
حیوان انجام دهد[g]،
به ساکنان زمین می گوید تصویری از
حیوان بسازند، آنکه زخم شمشیر دارد و
[دوباره] زنده شده است.
۱۵ و به او داده شد که روحی به تصویر
بدهد[h] تا تصویر حیوان هم سخن گفته و
طوری رفتار کند که تمام آنانی که
تصویر حیوان را پرستش نکنند کشته
شوند.
۱۶ و طوری می کند که همگی، کوچکان و دان ۳:۵-۷، ۱۵
بزرگان و ثروتمندان و فقیران و آزاد
مردان و بردگان، تا ایشان بر روی دست
راست یا پیشانی خود علامتی
بگذارند[i].
۱۷ و تا هیچکس نتواند بخرد یا بفروشد ۹:۱۴، ۱۱؛ ۲:۱۶
مگر آنکه علامت نام حیوان یا عدد نام او
را دارد.
۱۸ در اینجا حکمت است[j]! تا آنکه عقل
دارد عدد حیوان را حساب کند[k] زیرا ۹:۱۷
عدد انسانی است و عدد آن شش صد و
شصت و شش است[l].

d- مفاد این آیه مبهم و درک آن دشوار است به طوری که اگر عیناً و تحت اللفظی نقل شود خوانندگان را دچار تردید می کند. برابر ترجمهٔ بالا که پذیرفته شده و نزدیک به متن ار۱۵:۲ است مفهوم این عبارت چنین است: مسیحیان در دورانی از تعقیب و شکنجه اجتناب ناپذیر زندگی می کنند و در این اوضاع و احوال باید پایداری و ایمان نشان داده شود. برطبق نسخه های دیگری در مورد کیفر شکنجه دهندگان یادآوری و تأکید می شود که مفهوم آن چنین است: اگر کسی به اسارت می برد، خودش نیز به اسارت خواهد رفت؛ اگر کسی با شمشیر می کُشد خودش نیز بوسیله شمشیر کشته خواهد شد.

e- ترجمهٔ دیگر: اکنون ساعت پایداری و ایمان مقدسین است.

f- حیوان دومی که در خدمت حیوان اولی است به عنوان پیامبری دروغی معرفی می شود (ر.ک مکا۱۶:۱۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۰). این پیامبر دروغی یادآور پیامبران دروغی و مسیح های دروغی است که آمدن آنها در مت۲۴:۱۱، ۲۴ اعلام شده و پیشرو و نشانه های قبلی بازگشت مسیح واقعی هستند. ضمناً شاید منظور نویسنده اشاره به وقایع نزدیک تری است و تبلیغاتی را در نظر دارد که برای تحمیل پرستش امپراطور انجام می شده است.

g- ر.ک مت ۲۴:۲۴؛ مر ۱۳:۲۲؛ ۲-تسا ۲:۹.

h- ترجمهٔ دیگر: به او داده شد به تصویر حیوان جان بدهد.

i- آنانکه نمی پذیرفتند امپراتور را بپرستند به همین سبب مطرود جامعه بودند.

j- ترجمهٔ دیگر: اکنون وقت تشخیص و بصیرت است.

k- ترجمهٔ دیگر: عدد حیوان را تفسیر کند. منظور روش محاسبه ای است که برای هریک از حروف الفبا عددی تعیین کنند [نظیر اعداد حروف ابجد در فارسی] و سپس اعداد مربوط به هر یک از حروف یک نام را جمع نمایند. بدین طریق می توان برای هر اسم عدد آن را محاسبه کرده یا بالعکس در مقابل عدد معینی نام مربوط به آن را تشخیص دهند.

l- در تعدادی از نسخه های خطی به جای ۶۶۶ نوشته شده است: ۶۱۶؛ محاسبه این ارقام به طریقی که در یاداشت قبلی توضیح داده شد در طی دورانهای متمادی موجب تعبیر و تفسیرهای مختلف و متعدد گردیده است. در بیشتر این محاسبه ها سعی شده

بره و بازخرید شدگان

۱۴ ۱ و دیدم اینک بره بر روی کوه
صهیون ایستاده، ۶:۵
و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر[m] مز ۲:۶؛ یول ۳:۵؛ عو ۱۷
که نام او و نام پدرش را بر پیشانی خود حزق ۹:۴؛ مکا ۳:۱۲؛ ۷:۴
نوشته اند.
۲ و شنیدم صدایی از آسمان می آید،
به مانند صدای آبهای بسیار،
و به مانند صدای تندری بزرگ.
و صدایی که شنیدم به مانند [صدای]
چنگ نوازانی بود که بر خود سنتور
نوازی کنند.
۳ و در مقابل تخت و در مقابل چهار جاندار
و پیران مانند سرودی نو[n] می خوانند،
و هیچ کس نمی توانست این سرود را یاد ۵:۹؛ مز ۳۳:۲-۳
بگیرد،
مگر آن صد و چهل و چهار هزار نفر که
از زمین خریداری شده اند.
۴ اینان کسانی هستند که خود را با زنان
آلوده نکرده اند؛ زیرا پاکدامن[nn]
می باشند،
اینان بره را هر جا برود پیروی می کنند[o].
اینان از بین انسان، برای خدا و برای
بره، به عنوان نوبر خریداری شده اند.
ار ۳:۲ ۵ و در دهانشان دروغ[p] یافته نشده؛ غیرقابل
مز ۳۲:۲؛ اش ۵۳:۹؛ صف ۱۳:۳ سرزنش هستند[pp].

اعلام داوری

۶ و دیدم فرشتهٔ دیگری در اوج آسمان
می پرید.
[وی] نویدی جاودان داشت تا به آنان
که بر روی زمین نشسته اند و به هر امت
و قبیله و زبان و قوم نوید دهد.
۷ با صدای بلند می گفت:
از خدا بترسید و او را ستایش نمائید
زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است،
خروج ۲۰:۱۱؛ نح ۹:۶؛ مز ۱۴۶:۶؛ اع ۴:۲۴؛ ۱۴:۱۵؛ ۱۷:۲۴؛ مکا ۱۰:۶ و آنکه آسمان و زمین و دریا و
چشمه های آب را آفریده بپرستید.
۸ و فرشته ای دیگر، [فرشته] دوم، در ادامه
گفت:

نام شخصیت های تاریخی تشخیص داده شود و در بین مهمترین تفسیرها لازم به یادآوری است که رقم ۶۶۶ با حروف عبری نام قیصر نرون تطبیق می کند و رقم ۶۱۶ با حروف یونانی نام قیصر خدا تطبیق می نماید.
از سوی دیگر بعضی از مفسران فکر می کنند به همان گونه که رقم ۷ مظهر تمامیت و کمال است رقم ۶۶۶ اصولاً مظهر عدم کمال می باشد و چون عدد مربوط به این حیوان عددی غیرکامل است بنابراین بشری است و جنبهٔ الوهیت ندارد.

m- ر.ک مکا۷:۴ توضیح g.

n- ر.ک مکا۲:۱۷ توضیح o.

nn- [تحت اللفظی: بکر. که البته در اینجا بایستی به مفهوم معنوی و روحانی کلمه درک شود و منظور مردان و زنان مسیحی هستند که در برابر بی نظمی های اخلاقی بت پرستان پاک و بی آلایش مانده اند.]

o- این تصدیق که در همبستگی و هماهنگی کامل با مسیح است شاید موضوع پاکدامنی و بکر بودن را روشن می کند و نشان می دهد که بایستی این کلمه را به مفهوم وسیع و استعاری کلمه درک نمود که شرط اساسی و مطلوب ملت مسیحی است: اصالت و وفاداری کلیسا که خود را از هر گونه آلودگی با بت پرستی جهان دور نگاه می دارد. ضمناً ممکن است در اینجا هشداری بر ضد فحشای معابد مشرکان باشد زیرا گفته شده است: خود را با زنان آلوده نکرده اند. [در مورد فحشای معابد مشرکان، لازم به یادآوری است که در بعضی از معابد بت پرستان، دختران خود را به معبد تقدیم می کردند و زائرانی که به معبد می آمدند می توانستند با این دختران نزدیکی کنند، این عمل را نه فقط مذموم و ناپسند نمی دانستند بلکه آن را وظیفه ای مذهبی محسوب می کردند].

p- از همان آغاز در نوشته های عهد عتیق، دروغ به عنوان آیین پیامبران دروغین معرفی می شود.

pp- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است.

سقوط کرده، سقوط کرده، بابل عظیم[q]،
اش ۹:۲۱؛ دان ۲۷:۴؛ ار ۱۵:۲۵؛ ۷:۵۱-۸؛ حزق۲۳:۳۲-۳۴ که از شراب بی عفتی خشم خود همه امت
ها را مشروب نموده است[r]!
۹ و فرشته ای دیگر، [فرشته] سوم، در پی
آنها آمد که با صدای بلند می گفت:
اگر کسی حیوان و تصویر را بپرستد و
۱۶:۱۳؛ ۲:۱۶ علامت آن را بر روی پیشانی خود یا بر
روی دستش بپذیرد،
اش ۱۷:۵۱؛ مکا ۷:۱۵؛ ۱۹:۱۶ ۱۰ نیز او از شراب خشم خدا که ناب در جام
غضب او مخلوط شده خواهد آشامید
پید ۲۴:۱۹؛ حزق ۲۲:۳۸؛ و در آتش و گوگرد در برابر فرشتگان
مقدس و در مقابل بره شکنجه خواهد
شد[s].
اش ۱۰:۳۴ ۱۱ و دود شکنجه ایشان به روزگاران و
روزگاران بلند می شود،
و آنان که حیوان و تصویر او را می پرستند
و هر که علامت نام او را می پذیرد
و روز و شب آسایش ندارند.

۱۲ اینجا صبر مقدسین است[t]، آنان که ۱۰:۱۳
فرمانهای خدا و ایمان عیسی را حفظ ۱۷:۱۲
می کنند.
۱۳ و صدایی از آسمان شنیدم که می گفت
بنویس:
از هم اکنون خوشا به حال مردگانی که در
خداوند می میرند[u]!
آری، روح [القدس] می گوید عبر۴:۱۰
از زحمت های خود بیاسایند زیرا
اعمالشان به همراه ایشان است.

درو و انگور چینی زمین

۱۴ و دیدم آنگاه ابری سفید و کسی بمانند
پسر انسان[v] بر ابر نشسته،
بر روی سرش تاجی زرین و در دستش دان ۱۳:۷؛ مکا ۱۳:۱
داسی تیز.
۱۵ و فرشتهٔ دیگری از قدس بیرون آمده به
آنکه بر ابر نشسته بود با صدای بلند

q- پس از دوران اسارت و تبعید یهودیان، بابل مظهر و نماد امپراتوریهایی شد که بر ضد خدا و قوم او هستند و مستحق نفرین و لعنت می باشند (ر.ک اش۴۶:۱-۳؛ ۴۷:۱-۱۵؛ ار۵۰:۲۹-۳۲؛ ۵۱:۴۴-۵۸؛ زک۵:۵-۱۱).

r- فسادی که در جامعهٔ بابل وجود داشته بوسیله هرزگی و عیاشی افسار گسیخته مجسم شده است. نویسنده که به طرز برگزاری مجالس عیاشی و میگساری اشاره می کند بیشتر بی نظمی روحی و اخلاقی دنیای بت پرستی را یادآوری می نماید. همچنین می توان درک کرد که منظور شراب خشم خدا است (آیه ۱۰)؛ بت پرستی که با کنایه و اشاره بوسیلهٔ عیاشی نشان داده شده آدمیان را سیراب کرده است.

s- تجسم کیفر کافران در ادبیات سنتی به همین نحو است (ر.ک مکا۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۰؛ ۲۱:۸)، این تصویر گاهی با تصویر «جهنم» آتش آمیخته و شاید از آن گرفته شده است (ر.ک مت۱۸:۸-۹). کلمهٔ جهنم از کلمه عبری گهینوم گرفته شده که به معنی دره هینوم است. دره هینوم که در حومهٔ اورشلیم و در جنوب غربی آن قرار دارد از همان ابتدا شهرت بدی داشته زیرا در آنجا آئین پرستش رب النوع کنعانیان و فنیقیان بنام مولک انجام می شد و قربانی انسان و مخصوصاً کودکان معمول بوده است؛ پیامبران این محل را نجس و آلوده می شمردند (ر.ک ۲-پاد۲۳:۱۰؛ ار۷:۳۱؛ ۱۹:۵-۶؛ ۳۲:۳۵). پس از دوران تبعید، یهودیان در این محل لاشه های نجس و بقایای فضولات و اجساد آلوده را می سوزاندند. شکی نیست که بعدها این روش در طرز تجسم کیفر پایان روزگار مؤثر بوده است (ر.ک اش۶۶:۲۴). در برخی از نوشته های کاهنان و کتابهای یهودیان که جزو نوشته های الهامی نیستند جهنم را محل شکنجه کافران دانسته اند و چنین می نماید که از این موضوع و تصاویری که به همراه آن است در بعضی از نوشته ها و متون عهد جدید پیروی کرده اند (ر.ک خنوخ ۲۷:۲۲؛ ۴-عز۷. مت۵:۲۲، ۲۹؛ ۱۰:۲۸؛ ۱۸:۹؛ مر۹:۴۳؛ لو۱۲:۵؛ یع۳:۶).

t- ترجمهٔ دیگر: اکنون ساعت استقامت مقدسین است (ر.ک ۱۳:۱۰).

u- تحت اللفظی: خوشا، مردگانی که در خداوند می میرند، از هم اکنون. ضمناً ممکن است عبارت «از هم اکنون» به جمله بعدی متصل شود: آری، روح القدس می گوید از هم اکنون...

v- ر.ک مکا۱:۱۳ توضیح x.

فریاد برآورد:
داس خود را بفرست و درو کن[w]،
یول ۴:۱۳ موسم درو کردن فرا رسیده زیرا محصول
زمین خشک شده است.
۱۶و آن که بر ابر نشسته بود داس خود را به
روی زمین انداخت و زمین درو شد.
۱۷و فرشتهٔ دیگری از قدس که در آسمان
۸:۳، ۵ است بیرون آمد،
او هم داس تیزی داشت.
۱۸و فرشتهٔ دیگری از قربانگاه بیرون آمد،
[آنکه] بر آتش اقتدار دارد و با صدای
بلند به آنکه داس تیز داشت فریاد
برآورد:
داس تیز خود را بفرست و خوشه های
تاکستان زمین را بچین،
زیرا انگورهایش رسیده اند.
۱۹و فرشته داس خود را بر زمین انداخت
و تاکستان زمین را چید و در چرخشت
اش۶۳:۱-۶؛ مکا ۱۹:۱۵ بزرگ غضب خدا انداخت.
۲۰و در بیرون شهر چرخشت لگدمال شد و
از چرخشت تا به دهنه های اسبان به
مسافت هزار و شش صد اِستاد[ww] خون
بیرون آمد.

هفت فرشته و آخرین بلاها

۱۵ ۱و در آسمان نشانهٔ دیگری، بزرگ
و شگفت انگیز دیدم:
هفت فرشته که هفت بلای آخرین را
داشتند،
زیرا بوسیلهٔ آنها خشم خدا انجام یافته
است.
۲و دیدم به مانند دریائی شیشه ای آمیخته به
آتش، ۶:۴
و [کسانی]پیروزمندند بر حیوان و
تصویر او و رقم نام او، ۱۳:۱۵-۱۸
بر روی دریای شیشه ای ایستاده،
که چنگ های خدا را داشتند.
۳ و سرود موسی[x]، بندهٔ خدا و سرود بره را،
می گویند: خروج۱۵:۲-۱۹
کارهای تو عظیم و شگفت انگیزند،
خداوندا، ای خدای قادر متعال! مز ۱۱۱:۲-۴
راههای تو عادلانه و حقیقی هستند
ای پادشاه امت ها! تث ۳۲:۴؛ مز ۱۴۵:۱۷
۴ خداوندا، چه کسی از تو نترسد ار ۱۰:۷
و نام ترا شکوهمند نخواهد کرد؟
زیرا تنها [تو] مقدسی؛
چون همهٔ امت ها خواهند آمد و در
مقابل تو بر زمین بوسه خواهند زد، مز ۸۶:۹
زیرا داوریهای تو متجلی شدند.
۵و پس از اینها دیدم و قدس خیمهٔ
شهادت[y] در آسمان باز شد. ۱۱:۱۹
۶و هفت فرشته ای که هفت بلا را دارند از
قدس بیرون آمدند،
[لباس] کتانِ خالصِ درخشان در بر

w- تصاویر درو کردن و انگورچینی (ر.ک آیات ۱۸-۲۰) برای نشان دادن داوری نهایی در پایان روزگار خیلی متداول است. مثلاً ر.ک اش۶۳:۳؛ یول۴:۱۳؛ مت۱۳:۳۹.

ww- هر استاد=۱۸۵ متر بوده است.

x- ر.ک خَروج ۱۵. به همان گونه که موسی پس از عبور از دریای سرخ به خاطر رهایی قوم از دست مصریان آواز سپاسگزاری خوانده بود، پیروزمندان بر حیوان نیز بر روی دریای شیشه ای ایستاده سرود سپاسگزاری می خوانند. سرود بره هم به همین گونه است زیرا پیروزی ایشان شرکت در پیروزی بره است.

y- تحت اللفظی: معبد خیمهٔ شهادت. ر.ک مکا۱۱:۱۹ توضیح h.

کردند و به دور سینه کمربندهای زرین
بستند.
۷ و یکی از چهار جاندار به هفت فرشته
هفت پیالهٔ زرین داد، اش ۱۷:۵۱؛ مکا ۱۰:۱۴؛ ۱۹:۱۶
مملو از خشم خدائی که به روزگاران و
روزگاران زنده است.
۸ و قدس از شکوه خدا و از قدرت او پر از
دود شد[z]. خروج۴۰: ۳۴-۳۵؛
و هیچ کس نمی توانست در قدس خدا ۱-پاد ۸: ۱۰؛ اش ۶:۴؛
وارد شود تا اینکه هفت بلای هفت حزق ۴۴:۴
فرشته انجام شود.

هفت پیاله

۱۶ ۱ و صدایی بلند شنیدم که از قدس
می‌آمد و به هفت فرشته می گفت:
بروید و بر روی زمین هفت پیاله خشم
خدا را بریزید[a]. مز ۶۹:۲۵؛ ار ۱۰:۲۵؛
۲ و اولین رفت و پیاله اش را بر زمین صف ۳:۸
ریخت، و بر روی انسان هایی که نشانهٔ
حیوان را داشتند و آنان که تصویر او را
پرستش می کردند زخمی موذی و بدخیم
بوجود آمد. خروج ۹:۱۰
۳ و دومی پیاله اش را به روی دریا ریخت،
و بمانند خونِ مرده شد،
و هر جانداری که در دریا بودُ مرد. خروج۷:۱۷، ۲۱؛ مکا ۸:۸
۴ و سومی پیاله اش را بر روی رودخانه ها و
چشمه های آب ریخت خروج۷: ۱۹-۲۴؛ مکا ۸:۸، ۱۰
و آنها خون شدند.
۵ و [صدای] فرشتهٔ آبها را شنیدم که
می گفت:
تو عادلی، ای آنکه هست و آنکه بود،
[تو] ای قدوس، زیرا این ها را ۱:۴، ۸؛ ۴:۸؛ ۱۱:۱۷
داوری کرده ای.
۶ زیرا خون مقدسین و انبیاء را
ریخته اند ۱۷:۶؛ ۱۸:۲۴
و تو به ایشان خون داده ای تا
بیاشامند، و شایستهٔ آنند.
۷ و شنیدم که قربانگاه می گفت: ۶:۹؛ ۸:۳-۴؛ ۱۴:۱۸
آری، خداوندا، ای خدای قادر متعال،
داوریهای تو حقیقی و عادلانه است[b].
۸ و چهارمی پیاله اش را به روی خورشید مز ۱۹:۱۰
ریخت،
و به آن داده شد که آدمیان را با آتش
[خود] بسوزانند.
۹ و انسان ها با سوختگی عظیمی سوختند،
و ایشان نام خدا را که بر این بلاها
قدرت دارد به کفر بر زبان آوردند
و توبه نکردند تا او را شکوهمند سازند
۱۰ و پنجمی پیالهٔ خود را به روی تخت
حیوان ریخت،
و مُلک او ظلمات شد.
[و مردمان] زبانهای خود را از درد به خروج ۱۰:۲۱؛ اش ۸:۲۱-۲۲
دندان گزیدند،
۱۱ و به سبب دردهایشان و به سبب

z- دود نظیر ابر، آتش و آذرخش ابزارهای متداول تجلی الهی است. نویسنده برای یادآوری شکوه الهی که در معبد آسمانی حضور دارد از متون کتاب مقدس الهام می گیرد که مربوط به تجلی این شکوه در خیمهٔ صحرا یا در معبد اورشلیم است (ر.ک خروج۴۰: ۳۴-۳۵؛ ۱-پاد۸: ۱۰-۱۱؛ ۲-توا۷: ۱-۳؛ اش۶:۴).
a- نظیر بابهای ۸ و ۹، بلاهائی که توصیف خواهد شد همان بلاهائی را به یاد می‌آورند که بر مصریان رسید: زخم (آیه ۲؛ ر.ک خروج۹: ۸-۱۱)؛ تغییر آب ها به خون (آیات ۳-۴؛ ر.ک خروج۷: ۱۷-۲۵)؛ وزغ ها (آیات ۱۳-۱۴؛ ر.ک خروج۷: ۲۷-۲۹)؛ تندر و تگرگ (آیات ۱۸-۲۱؛ ر.ک خروج۹: ۲۳-۲۶).
b- تحقق انتظاری که در مکا۶: ۱۰ ذکر شده است.

زخم هایشان به خدای آسمان کفر گفتند،
و از کارهای خود توبه نکردند.
۱۲ و ششمی پیالهٔ خود را به روی رودخانهٔ
عظیم فرات ریخت
۱۴:۹ و آب آن خشک شد تا راه پادشاهان
مَطلعِ خورشید[bb] آماده شود.
۱۳ و دیدم از دهان اژدها و از دهان حیوان و
از دهان نبی دروغی سه روح ناپاک
به مانند وزغ ها [بیرون آمد].
۱۴ زیرا ایشان ارواح دیوها هستند
که نشانه هایی می کنند و به سوی
پادشاهان همهٔ ربع مسکون می روند
تا ایشان را برای جنگ روز بزرگ خدای
قادر متعال به دور هم جمع کنند.
۱۵ اینک من به مانند دزدی می آیم!
۱ـ تسا ۵:۲؛ مکا ۳:۳ خوشا بر آنکه بیدار ماند و لباسهایش را
نگه می دارد،
۱۸:۳ مبادا برهنه راه برود و شرم او را ببینند[c].
۱۶ و ایشان را در جایی که به عبری
هارماگدون[d] خوانده می شود گردهم
آورد[e].
۱۷ و هفتمی پیاله اش را به روی هوا ریخت
و صدای بلندی از قدس از تخت برآمد
که می گفت: تمام شد!
۱۸ و آذرخش ها و صداها و تندرها به وجود
آمد و زلزله عظیمی روی داد چنانکه از
خروج ۹:۲۴؛ ۱۶:۱۹؛ مکا۴:۵؛ ۱۹:۱۱ دان ۱۲:۱؛ مر ۱۳:۱۹ زمان ایجاد انسان بر روی زمین چنین
زلزلهٔ بسیار شدید بسیار عظیمی روی
نداده است.
۱۹ و شهر بزرگ به سه قسمت تقسیم شد و
شهرهای امت ها فرو ریختند،
و بابل عظیم در مقابل خدا به یاد آمد
مکا ۱۴:۱۰؛ ۱۵:۷ تا جام شراب غضب خود را به او بدهد.
۱۴:۶ ۲۰ و هر جزیره ای گریخت و کوهها پیدا
نشدند[f].
خروج ۹:۲۲ ۲۱ و تگرگی شدید [هر دانه] گویا به وزن
یک تالان[g] از آسمان به روی انسان ها
می اُفتد؛
و انسان ها به سبب این بلای تگرگ به
خدا کُفر گفتند
زیرا این بلا سخت عظیم است.

داوری فاحشهٔ بزرگ

۱۷ ۱ و یکی از هفت فرشته که هفت
پیاله را داشتند آمد و با من حرف
زده گفت:
بیا تا داوری شدن فاحشه[h] بزرگ را که
ار ۵۱:۱۳ بر روی آبهای فراوان نشسته است به تو

bb- [منظور از پادشاهان مَطلع خورشید، پادشاهان مشرق زمین است.]
c- چنین به نظر می رسد که این آیه درجای مناسبی قرار ندارد زیرا بیان ششمین بلا را قطع می کند؛ قاعدتاً آیات ۱۴ و ۱۶ باید به دنبال هم خوانده شوند.
d- یا حارمجدون؛ این کلمه در زبان عبری به معنی «کوه مگیدو» است. مگیدو نام شهری در دشت اسدرلون و در پای کوه کرمل است که در آنجا جنگهای خونینی رخ داده است (ر.ک داور۴:۱۲-۱۶؛ ۲-پاد۲۳:۲۹). در کتاب زکریا این محل به عنوان مظهر و نشانهٔ شکست نهائی ارتشهای دشمن ذکر شده است (ر.ک زک۱۲:۱۱).
e- ترجمهٔ دیگر: گرد هم آوردند.
f- ر.ک مز۴۶:۳؛ ار۴:۲۴؛ حزق۲۶:۱۸ و ۳۸:۲۰؛ نح۱:۵؛ مکا۶:۱۴.
g- کلمه تالان در صورتی که به مفهوم مقیاس وزن به کار برده شود در حدود ۴۰ کیلوگرم است.
h- در نوشته های عهد عتیق تصویر فاحشه اکثراً به عنوان مظهر قوم یا شهر بت پرست ارائه می شود. ر.ک اش۱:۲۱؛ ۲۳:۱۶-۱۸؛ حزق۱۶:۱۵-۶۳؛ هو۲؛ ۳:۵؛ نح۳:۴. در اینجا ظاهراً منظور پایتخت امپراتوری روم، مرکز شرک و بت پرستی و قدرت

نشان دهم.
[۲]آن که پادشاهان زمین با او بی عفتی
کردند
و ساکنان زمین از شراب بی عفتی او اش ۱۷:۲۳
مست شدند[i]. ار ۷:۵۱
[۳]و مرا در روح به صحرا برد.
و دیدم زنی بر حیوانی قرمز رنگ، پُر از اش ۲۱:۱-۲
نامهای کفرآمیز[j] که هفت سر و ده شاخ ۱:۱۳
داشت نشسته است.
[۴]و زن لباسی ارغوانی و قرمز و پوشیده به
طلا[jj] و سنگ قیمتی و مرواریدها داشت
و در دستش جامی زرین، پُر از خباثت ها
و ناپاکی های بی عفتی های او، ار ۷:۵۱
[۵]و بر پیشانیش نامی نوشته که رازی
بود:
بابل عظیم، مادر فاحشه ها و خباثت های ۲ـ تسا ۷:۲
زمین.
[۶]و زن را دیدم که از خون مقدسین و خون
شاهدان عیسی سرمست بود
و با دیدن او از شگفتی عظیمی شگفت زده
بودم.
[۷]و فرشته به من گفت: چرا در شگفتی؟
من راز زن و حیوانی را که بر آن سوار
است، آنکه هفت سر و ده شاخ دارد به تو
خواهم گفت.
[۸]حیوانی که تو دیدی، بود و دیگر نیست ۱:۱۳-۴
و می بایست از هاویه بالا بیاید و به
هلاکت می رسید[k]
و آنان که بر زمین سکونت دارند،
که نامشان از بنیان جهان در کتاب ۱۲:۲۰
زندگی نوشته نشده است
دچار شگفتی خواهند شد
چون حیوان را ببینند
زیرا بود و دیگر نیست اما [دوباره]
ظاهر خواهد شد.
[۹] در اینجا هوشی هست که حکمت دارد. ۱۸:۱۳
هفت سر، هفت کوه هستند که بر روی
آنها آن زن نشسته است[l]،
همچنین هفت پادشاه هستند.
[۱۰]پنج تا اُفتاده اند، یکی هست، دیگری
هنوز نیامده[m]
و وقتی بیاید، باید اندکی وی بماند[n].
[۱۱]و حیوانی که بود و [دیگر] نیست، نیز
خودش هشتمین [پادشاه] است

ظالمانه است (آیه ۶) و به طوری که توصیف شده در کنار آبها قرار دارد (آیه ۱) و بر روی حیوانی هفت سر سوار شده که طبق آیه ۹ هفت تپه ای هستند که شهر رم بر روی آنها بنا شده است.

i- اشاره به پادشاهان و اقوامی است که در پرستش امپراتور بت پرست شرکت نموده اند.

j- ر.ک مکا۱۳:۱ توضیح x.

jj- [ترجمهٔ تحت اللفظی: مطلا شده از طلا.]

k- در صورتی که خدا به صورت: آنکه بود، آنکه هست و آنکه می آید ارائه می شود (ر.ک مکا۱:۴، ۸؛ ۴:۸)، حیوان (که مظهر قدرتهای دشمنانه است) بوده و هست و علی رغم وجود کنونی، یوحنا در رؤیای خود هم اکنون او را مشاهده می کند که بر اثر داوری خدا نابود شده و به هلاکت می رسد.

l- ر.ک ۱۷:۱ توضیح h.

m- ترجمهٔ دیگر: پنج تا از آنها افتاده اند، ششمی سلطنت می کند، هفتمی هنوز نیامده.

n- شکی نیست که اشاره نویسنده به هفت نفر، کسانی هستند که به توالی امپراتور روم بوده اند. به هرصورت تشخیص هویت هر یک از آنان دشوار و مشکوک است (هرگاه امپراتوران مهم روم را به حساب آورده و از اگوست آغاز کنیم، پنجمی آنان نرون بوده و امپراتور هشتمی دومیتیان خواهد بود).

و یـکی از هـفت تن است و به هلاکت
می رسد[o].
۱۲ و ده شاخی که تو دیده ای، ده پادشاه
دان ۷:۲۴ هستند که هنوز پادشاهی دریافت
نکرده اند،
ولی با حیوان یک ساعت قدرت به عنوان
پادشاه می یابند[p].
۱۳ اینان فقط یک منظور دارند و قدرت و
اقتدار خود را به حیوان می دهند.
۱۴ اینان با بره جنگ خواهند کرد و بره بر
۱۹:۲۱ ایشان پیروز خواهد شد،
زیرا خداوند خداوندان و پادشاه
۱۶:۱۹؛ تث ۱۰:۱۷؛ دان ۲:۴۷؛ ۱-تیمو ۶:۱۵ پادشاهان است
و همچنین آنان که با او خوانده شده اند
و برگزیدگان و ایمانداران[q].
۱۵ و به من می گوید: آبهایی را که دیده ای
آنجا فاحشه بر آنها نشسته
اقوام و توده ها و امت ها و زبانها
هستند.
۱۶ و ده شاخ و حیوانی را که دیده ای ایشان
از فاحشه نفرت خواهند داشت
و او را حزین و لخت کرده و گوشت های
حزق ۱۶:۳۹-۴۱؛ اش ۴۷:۸-۹ او را خواهند خورد و خودش را در آتش
خواهند سوزاند.
۱۷ زیرا خدا به دل ایشان نهاده تا نیت او
را اجرا کنند و فقط یک نیت انجام
دهند
و پادشاهی خود را به حیوان بدهند تا
سخنان خدا تحقق یابد.
۱۸ و زنی را که دیده ای، شهر عظیمی
است که بر پادشاهان زمین سلطنت
دارد.

سقوط بابل

۱۸ ۱ پس از اینها دیدم فرشته ای دیگر
از آسمان فرود آمد
که قدرتی عظیم داشت و زمین از شکوه
او روشن شد.
۲ و با صدائی نیرومند فریاد برآورده گفت:
سقوط کرده، سقوط کرده، بابل عظیم اش ۲۱:۹؛ مکا ۱۴:۸
و مسکن دیوها و دخمه تمام روحهای
خبیث و مأوای هر پرنده ناپاک[qq] و اش ۱۳:۲۱؛ ار ۵۰:۳۹
منفور شده است،
۳ زیرا همهٔ امت ها از شراب خشم بی عفتی
او آشامیده اند و پادشاهان زمین با او ۱۷:۲
فحشا کرده اند،
و سوداگران زمین از قدرت تجمل او
ثروتمند شده اند.
۴ و صدای دیگری از آسمان شنیدم که
می گفت:
ای قوم من، از [خانه] او بیرون شوید تا اش ۴۸:۲۰؛ ۲۵:۱۱؛
در گناهان او شریک نباشید و تا از ار ۵۰:۸؛ ۵۱:۴۵
بلاهای او دریافت نکنید.
۵ زیرا گناهان او تا به آسمان انباشته شده پید ۱۸:۲۰
و خدا بی عدالتی های او را به یاد آورده
است.

o- شاید منظور امپراطور دومیتیان است که به سبب تعقیب و شکنجه مسیحیان، نرون جدید محسوب می شد. می دانیم که در آن دوران افسانه هائی وجود داشت که می گفتند نرون پس از مرگش دوباره برمی گردد.
p- این پادشاهان احتمالاً فرمانروایان ملت های تابع روم هستند و تعیین هویت هر یک از آنان هر چه باشد، یک نکته مسلم است: سلطه ها و قدرتهائی که منشأ آنها شیطان باشد ناپایدار و موقتی هستند.
q- ترجمهٔ دیگر: و با او آنان که خوانده شده اند، برگزیدگان و ایمانداران پیروز خواهند شد.
qq- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر دارد.

[6]به او [پس] بدهید همان را که او نیز داده
است[r]
ار ۱۵:۵۰، ۲۹ و به او دو چندان که کرده است [پس
بدهید]،
در جامی که او آمیخته است[rr]، برایش دو
چندان بیامیزید،
[7]به همان اندازه که شکوه و تجمل خود را
گسترده،
به همان اندازه به او شکنجه و ماتم بدهید.
زیرا در دل خود می‌گوید:
من [چون] ملکه‌ای نشسته‌ام و بیوه‌زن
نیستم و ماتمی نخواهم دید.
اش ۸:۴۷ [8]بدین سبب در یک روز بلاهای او خواهند
اش ۹:۴۷ آمد:
طاعون و ماتم و قحطی و به وسیلهٔ آتش
خواهد سوخت،
زیرا خداوند، خدائی که او را داوری
می‌کند توانا است.
[9]و پادشاهان زمین که با او بی عفتی کرده و
حزق ۱۶:۲۶ تجمل خود را گسترده‌اند به‌خاطر او
خواهند گریست و [به سینه] خواهند زد،
وقتی که دود سوختن او را ببینند،
[10]از ترس شکنجه او، از دور ایستاده
خواهند گفت:
وای! وای!
حزق ۱۷:۲۶ شهر عظیم بابل، شهر قدرتمند،
زیرا داوری تو در یک ساعت آمده است!
[11]و سوداگران زمین می‌گریند و به‌خاطر او
حزق ۳۶:۲۷ ماتم دارند
زیرا دیگر هیچ‌کس بار ایشان را نمی‌خرد،
حزق ۱۲:۲۷-۲۴ [12]بار طلا و نقره و سنگ قیمتی و
مروارید،
و کتان ظریف و ارغوانی و ابریشمی و
قرمز
و هر چوب معطر و هر ظرف عاج و هر
ظرف چوبی بسیار گرانبها و برنز و آهن
و مرمر،
[13]و دارچین و هل و بخورها و مُر و کندر
و شراب و روغن و آرد مرغوب و گندم و
دام‌ها
و گوسفندان و اسبان و ارابه‌ها
حزق ۱۳:۲۷ و بردگان و انسان‌ها[s]،
[14]و میوه‌هایی که روح تو آرزو داشت از تو
دور شد
و لذت‌ها و درخشانی‌ها از تو دور و گم
شده است
و دیگر هرگز آنها را نخواهی یافت.
[15]سوداگران اینها که بوسیلهٔ آن [زن]
ثروتمند شده‌اند به سبب ترس از
شکنجه، دور از او گریان و با ماتم
خواهند ایستاد،
[16]خواهند گفت:
وای! وای!
۴:۱۷ شهر عظیم که کتان ظریف و ارغوانی و
قرمز پوشیده بود و پوشیده از طلا و
سنگ قیمتی و مروارید؛
[17]زیرا در یک ساعت این همه ثروت ویران
شده است

r- تحت‌اللفظی: به او رد کنید چنانکه او رد کرده است.
rr- [در آن دوران هنگامی که شراب در جام می‌ریختند، آن را با ادویه و گیاهان مُعطر و آب می‌آمیختند].
s- ترجمهٔ این دو کلمه فرضی و احتمالی است. تحت‌اللفظی: جسم‌ها و روح‌های آدمیان. در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق گاهی جسم‌ها به معنی بردگان آمده است (پید۲۹:۳۴) و می‌توان معنی نزدیک به آن برای روح‌های آدمیان تصور کرد چنانکه در ترجمه یونانی حزق۱۳:۲۷ به این مفهوم است.

و هر ناخدا، و همه کسانی که بر کشتی
اند و ملاحان و همه آنان که از دریا بهره
حزق ۲۷:۲۷-۲۹ می‌گیرند[t] به دور ایستاده اند؛
[۱۸] و با دیدن دود آتش او فریاد برآورده می
گفتند:
چه [شهری] بمانند شهر عظیم است؟
[۱۹] و بر سرهای خود خاک می ریختند،
حزق۲۷:۳۰-۳۴ و فریاد زنان، گریان و ماتم کنان
می‌گفتند:
وای! وای!
شهر عظیم که در آن همهٔ آنان که
کشتی‌ها به روی دریا داشتند از
نعمت او ثروتمند شدند
که در یک ساعت ویران شده است!
[۲۰] ای آسمان، دربارهٔ او شادی کن[u]!
۱۲:۱۲ و [شما]، ای مقدسین و رسولان و
انبیاء[شادی کنید]، زیرا خدا دادخواهی
شما را از او داوری کرده است.
[۲۱] و فرشته ای قدرتمند، سنگی به مانند
سنگ بزرگ آسیا برگرفت
ار ۵۱:۶۳-۶۴ و به دریا انداخته گفت:
بدین سان، بابل شهر عظیم بشدت
افکنده خواهد شد و دیگر هرگز آن
را نخواهند یافت.
۲۲ و صدای چنگ نوازان و موسیقی دانان
اش ۲۴:۸؛ حزق ۲۶:۱۳ و نی نوازان و شیپورزنان
دیگر هرگز نزد تو شنیده نمی شود
و هیچ صنعتکارِ هیچ فنی دیگر نزد تو
پیدا نمی شود

و دیگر صدای آسیا هرگز در تو
شنیده نمی شود.
۲۳ و دیگر هیچ روشنی چراغ در تو
نمی درخشد
ار ۷:۳۴؛ ۲۵:۱۰ و دیگر هیچ صدای داماد و عروس در
تو شنیده نمی شود
اش ۲۳:۸ زیرا سوداگران تو بزرگان زمین
بودند،
زیرا به وسیلهٔ جادوگری تو همه امت
ها گمراه شده اند.
۲۴ مت۲۳:۳۵-۳۷؛ مکا ۱۶:۶ و در آن[v] خون انبیاء و مقدسین و
همه آنان که بر روی زمین سر بریده
شده اند یافت شده است.

سرود پیروزی و جشنهای عروسی بره

۱۹ [۱] پس از اینها صدائی بلند،
به مانند صدای گروهی فراوان در
آسمان شنیدم که می گفت:
هللویا!
نجات و شکوه و قدرت از آن خدای
ما است.
۲ ۱۶:۶-۷؛ ۱۸:۲۰ زیرا داوری های او حقیقی و عادلانه
است؛
زیرا [او] فاحشهٔ بزرگ که زمین را در
بی عفتی خود فاسد می کرد داوری
نموده
۶:۱۰؛ ۱۸:۱۱؛ ۱۸:۲۴ و انتقام خون بندگان خود را گرفته و
از او باز خواسته است[vv].
[۳] و بار دوم گفتند:

t- ترجمهٔ دیگر: کارگران دریا.
u- ترجمهٔ دیگر: از ویرانی او شادی کن.
v- ترجمهٔ دیگر: و در تو.
vv- تحت اللفظی: انتقام خون بندگان خود را از دست او گرفته است.

هللویا!
اش ۳۴:۱۰؛ مکا ۱۴:۱۱ و دود آن به روزگاران و روزگاران
بالا می رود.
۴ و بیست و چهار پیر و چهار جاندار
به خاک افتاده
و خدا را که بر روی تخت نشسته است
پرستش کرده گفتند:
آمین! هللویا!
۵ و صدایی از تخت بیرون آمد که
می گفت:
ای همه بندگان او، ای کسانی که
مز ۱۱۵:۱۳ از او می ترسید، ای کوچکان و
بزرگان، خدای ما را ستایش کنید!
مز ۱۳۵:۱ ۶ و صدائی به مانند صدای گروهی فراوان
و به مانند صدای آبهای بسیار
و به مانند صدای تندرهای قوی شنیدم
که می گفت: هللویا!
زیرا خداوند، خدای ما قادر متعال
جلوس کرده است[w].
۷ شادی کنیم و به وجد در آئیم و او را
۱۷:۱۱ شکوه دهیم
زیرا عروسی بره فرا رسیده[x]
و همسرش خود را آماده کرده است؛
۸ و به او داده شده که لباسی از کتان
ظریف، درخشان و پاک بپوشد؛ ۲۱:۲، ۹
زیرا کتان ظریف[اعمال]عدالت اش ۶۱:۱۰
های مقدسین است.
۹ و به من می گوید[y]:
بنویس: خوشا به آنان که به شام عروسی
بره خوانده شده اند!
و به من می گوید: اینها سخنان حقیقی
خدا هستند[z].
۱۰ و من به پاهایش افتادم تا در مقابل او
زمین را بوسه زنم.
و به من می گوید: زنهار! چنین مکن.
من همخدمت تو و برادرانت هستم که
شهادت عیسی را دارند؛
خدا را پرستش کن زیرا شهادت عیسی
روح نبوت است[a].

پیروزی مسیح

۱۱ و دیدم آسمان باز شده است
و اینک اسبی سفید و آنکه بر آن سوار
است وفادار و حقیقی نام دارد
و با عدالت داوری می کند و ۱:۵؛ ۳:۷، ۱۴
می جنگد[b].
۱۲ و چشمانش شعلهٔ آتش دان ۱۰:۶؛ مکا ۱:۱۴؛ ۲:۱۸
و بر سرش دیهیم های بسیار،

w- تحت اللفظی: خدای متعال سلطنت کرده است.

x- در نوشته های عهدعتیق گاهی خدا، شوهر اسرائیل خوانده شده است (اش۵۴:۱-۸؛ هو۲:۱۶-۱۸)، مسیحیت این تصویر مجازی را اخذ کرده و اندکی تغییر داده است: ۱) مسیح داماد کلیسا است (ر.ک افس۵:۲۳، ۲۵، ۳۲). ۲) انتظار برای جشن های عروسی در ایام آخر که تحقق کامل عهد است (ر.ک مت۲۲:۲؛ ۲۵:۱-۱۳).

y- ترجمهٔ دیگر: و فرشته ای به من می گوید. آیه ۱۰ و آیه ۲۲:۸ که به موازات آن است به خوبی نشان می دهد که منظور فرشته ای است.

z- همچنین می توان چنین استنباط کرد: این سخنان خدا حقیقی هستند.

a- روح القدس که الهام گر پیامبران است پیشاپیشَ به عیسی شهادت می داد. اکنون بر اثر همان الهام، این گواهی اعلام تحقق پیام پیامبران است.

b- توصیفی که از این سوار آسمانی شده از اظهارات پیامبران متعددی الهام می گیرد که می توان هویت او را تعیین نموده عمل او را بهتر درک نمود: ۱) طبق اش۱۱:۳-۴ (ر.ک آیات ۱۱، ۱۵) و مز۲:۹ (ر.ک آیه ۱۵) این سوار مسیح موعود پسر داود است. ۲) همچنین سخن خدا است که در توصیف شب عید گذر برابر حک۱۸:۱۴-۱۵ (ر.ک آیه ۱۳) جای فرشته مرگ را می گیرد (ر.ک آیه ۱۳).

نـامی نـوشـته دارد که کـسی جـز او
نمی داند[c]،
۱۷:۲ [۱۳]و ردائی آغشته به خون پوشیده[d]
و نام او «سخن خدا» خوانده می شود.
مت ۲۲:۱-۱۴ [۱۴]و ارتشهائی که در آسمان هستند، سوار
یو ۱:۱ بر اسبان سفید، کتان ظریف سفید پاک
پوشیده به دنبالش می آیند.
[۱۵]و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید
تا به وسیله آن امت ها را بزنند،
و اوست که آنـان را بـا عـصایی آهـنین
یو ۳۶:۱۸ خواهد چرانید؛
و اوست که چرخشت شراب شدت خشم
خدای قادر متعال را لگدمال می کند.
۲۷:۲؛ ۱۲:۵؛ مز ۹:۲ [۱۶]و بر لباس و بر رانش نامی نوشته شده
است:
پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان.
[۱۷]و دیدم فرشته ای که در خورشید ایستاده
۱۹:۱۴ به صدای بلند فریاد برآورد و به تمام
پـرنـدگـانی که در اوج آسـمـان پـرواز
۱۴:۱۷؛ تث ۱۰:۱۷؛ دان ۴۷:۲؛ ۱-تیمو ۱۵:۶ می کنند گفت:
بیائید، برای شام بزرگ خدا جمع شوید،
[۱۸]تا گوشت های پادشاهان و گوشت های
سرداران و گوشت های قدرتمندان و
گوشت هـای اسبـان و سواران آنـهـا و
گوشت های همه مردمان آزاد و همچنین
بردگان و کوچکان و بزرگان را بخورید[e].
[۱۹]و دیـدم که حیـوان و پـادشـاهـان زمین و
ارتشهای ایشان جمع شده اند تا با آنکه
۱۶:۱۴، ۱۶؛ ۱۲:۱۷-۱۴ بـر اسب سـوار است[f] و بـا ارتش او
بجنگند.
[۲۰]و حیـوان دسـتـگـیـر شـد و بـا او نـبیّ
دروغین[g] که در مقابل او نشانه هائی
۱۳:۱۳-۱۷ می کرد و بوسیلهٔ آنها کسانی را که نشانهٔ
حیوان را داشتند و کسانی را که در
تصویر او پرستش می کردند گمراه نمود.
هـر دو را زنـده زنـده در اسـتـخـر آتش
دان ۱۱:۷ افروخته از گوگرد[h] انداختند.
[۲۱]و دیگران به شمشیر آنکه بر اسب سوار
بود کشته شدند، [شمشیری] که از
دهانش بیرون آمده بود،
و همه پرندگان از گوشت های آنان سیر
شدند.

هزار سال

۲۰ [۱]و فرشته ای دیدم که از آسمان
فرود آمد
و کلید هاویه[i] و زنجیری بزرگ به دست
داشت.

c- در توصیف سوار آسمانی چندین بار اشاره به نامهای او می شود (آیات ۱۲، ۱۳، ۱۶). این نام ها جنبه های مختلف شخصیت و عمل او را مشخص می نمایند: مثلاً نام اسرارآمیز آیه ۱۲ رفعت مقام و الوهیت او را نشان می دهند؛ در آیه ۱۳ عنوان سخن خدا مقام او را به عنوان داور پایان روزگار تعیین می نماید (ر.ک حک۱۸:۱۵-۱۶؛ اش۱۴:۱۱ و مکا۹:۱۱ b)؛ بالاخره در آیه ۱۶ خداوندی او صریحاً اعلام شده است.
d- اشاره به اش۶۳:۱-۳ (همچنین ر.ک مکا۱۹:۱۵) که روایات یهودیان (ترگوم ها) آن را پیشگوئی دربارهٔ داوری در پایان روزگار می دانستند که بوسیله مسیح موعود اجرا خواهد شد.
e- در این توصیف مستقیماً از رؤیای حزقیال (۲۹:۱۷-۲۰) الهام گرفته شده است.
f- گاهی به جای آنکه بر اسب سوار است و در آیه ۲۱ نیز به همین گونه آمده، ترجمه می کنند: سوار.
g- به نمایندگان نیروی بدی به ترتیبی کیفر فرا می رسد که برعکس ترتیب ظهور آنها در مکاشفه است (ظهور شیطان در باب ۱۲؛ حیوان و پیامبر دروغی در باب ۱۳؛ ارتشهای شیطانی در باب ۱۷)، کیفر شیطان در باب ۲۰ توصیف خواهد شد.
h- ر.ک مکا۱۴:۱۰ توضیح s.
i- ر.ک مکا۹:۱ توضیح p.

[2]و اژدها را گرفت، آن مار قدیمی که ابلیس
و شیطان است و او را برای هزار سال[j] در ۹:۱۲
بند کرد.
[3]و او را در هاویه افکند و [در را] بسته بر
آن مُهر زد تا دیگر ملت‌ها را گمراه نکند
تا وقتی که هزار سال به پایان برسد،
بعد از اینها باید وی برای اندک زمانی ۲ـ تسا ۲:۹-۱۲
رها شود[k].
[4]و تخت‌هایی دیدم و بر آنها نشستند و به
ایشان داده شد که داوری کنند[l].
و همچنین [دیدم] ارواح کسانی را که دان ۷:۹، ۲۲، ۲۷؛
به سبب گواهی بر عیسی و به سبب سخن مت ۱۹:۲۸؛ ۱ـ قرن ۶:۲
خدا سرشان [با تبر] زده شده و آنان که
حیوان و تصویر او را پرستش نکرده
بودند و به روی پیشانی و روی دست خود ۹:۶
نشانی دریافت نکرده بودند. ۱۷-۱۵:۱۳
و ایشان جان گرفتند و با مسیح هزار سال
سلطنت کردند[m].
[5]بقیه مردگان جان نگرفتند تا اینکه هزار ۵:۱۰؛ روم ۱۷:۵
سال به پایان رسد.
این رستاخیز اول است.
[6]خوشبخت و مقدس است آنکه[n] از
رستاخیز اول نصیب دارد؛
مرگ دوم[o] بر اینان اقتداری ندارد
بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود ۱۰:۵
و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

پیروز نهایی و داوری

[7]و هنگامی که هزار سال به پایان برسد،
شیطان از زندان خود رها خواهد شد.
[8]و بیرون خواهد آمد تا امت‌هایی را
که در چهار گوشهٔ زمین هستند یعنی

j- ذکر مدت هزار سال که در آیات ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ نیز آمده تفسیرهای مختلفی دارد و به طور کلی می‌توان به دو نوع تفسیر اشاره کرد که امروزه هر دو طرفدارانی دارند:
۱) یکی آن که تفسیر هزاره خوانده می‌شود و به مفهوم صحیح‌تر باید آن را تفسیر آینده نگری نامید. برطبق این تفسیر، سلطنت زمینی هزار ساله که در مکاشفه اعلام شده غیر از سلطنت خدا است ولی این تفسیر موجب نتیجه‌گیری‌های بی‌قاعده‌ای شده به طوری که موجب گردید مفسران با احتیاط از آن طرفداری کنند: و چنین تشخیص می‌دهند که در اینجا تحقق پذیرفتن تاریخ پیشگویی اعلام می‌شود. خدا می‌خواهد که در مرحله اول پایان روزگار، دنیا محل تجلی و شکوه مکاشفه باشد.
۲) بر طبق تفسیر دیگری که تفسیر مجازی یا روحانی نامیده می‌شود دوران مورد نظر دورانی نیست که در آینده باید منتظر بود بلکه دورانی است که آمدن مسیح را از پایان روزگار جدا می‌کند و اگر افعال به زمان مستقبل آمده، این نکته را باید فقط به عنوان طرز بیان معمولی پیامبرانه به شمار آورد. زیرا به محض اینکه عیسی ظاهر می‌شود شیطان دربند شده است (مت۱۲:۲۵-۲۹). بنابراین ذکر مدت هزارسال را می‌توان این گونه توضیح داد: این رقم یا از طرحی گرفته شده که بر مبنای آن دنیا در یک هفته کیهانی یعنی ۷۰۰۰ سال بنا شده یا اینکه احتمالاً اشاره به نظریاتی دربارهٔ اقامت آدم نخستین در بهشت است: توضیح آنکه خدا به آدم گفت در روزی که میوهٔ ممنوع را بخورد خواهد مُرد (پید۲:۱۷)؛ باری آدم در سن ۹۳۰ سالگی مُرد (پید۵:۵) ولی برطبق مز۹۰:۴ هزارسال برای خدا، یک روز است و بنابراین هزارسال به معنی آن است که با آمدن مسیح، هم‌اکنون فرد ایماندار به زندگی بهشتی واقعاً دسترسی دارد (ر.ک مکا۲:۷).
k- این عبارت به هرگونه تفسیر شود بایستی آن را در مقایسه با آنچه در همین مورد در مکا۱۲:۱۲ آمده درک نمود، بدین معنی که عمل شیطان همواره محدود و محکوم به شکست نهائی است. همچنین این نکته را با سه سال و نیم که قبلاً ذکر شده (ر.ک مکا۱۱:۲ توضیح a) مقایسه نمائید.
l- ترجمه دیگر: آنان که آمدند در آنجا جلوس کردند، داده شد که داوری کنند.
m- طبق آنچه در آیه ۵ می‌آید منظور رستاخیز اول است. دراینجا مجدداً دو نوع تفسیر را که دربارهٔ هزار سال ذکر شده است باز می‌یابیم: ۱) در تفسیر اول منظور رستاخیز (جسمانی) برای دوران ماقبل آخر تاریخ نجات است. ۲) در تفسیر دوم این رستاخیز را باید به مفهوم روحانی درک نمود، یعنی زندگی جدیدی که مسیح می‌دهد (ر.ک کول۲:۱۲؛ ۳:۱).
n- ترجمهٔ دیگر: خوشبخت و مقدس آنان که...
o- ر.ک مکا۲:۱۱ توضیح i.

جوج و مأجوج[p] را گمراه کند،
آنان را برای جنگ گرد هم آورد، که ۱۴:۱۶، ۱۶؛ ۲۱-۱۹:۱۹
تعدادشان همچون شن دریا است.
۹ و ایشان بر وسعت زمین برآمدند و
گرداگرد اردوی مقدسین و شهر محبوب[q] مز ۶۸:۷۸؛ ۲:۸۷
را گرفتند
اما آتشی از آسمان فرود آمد و ایشان را ۲ـپاد۱:۱۰،۱۲
بلعید.
۱۰ و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کرد در
استخر آتش و گوگرد افکنده شد، همان
جا که حیوان و نبی دروغی بودند و روز و ۲۰:۱۹
شب، به روزگاران و روزگاران شکنجه
خواهند شد.
۱۱ و دیدم تختی عظیم سفید و آنکه بر آن
نشسته
که از [برابر]روی [او] زمین و آسمان
گریختند و جایی برای آنان پیدا نشده
بود[r].
۱۲ و مردگان را دیدم از بزرگ و کوچک در
جلو تخت ایستاده و کتابهایی باز شده[s]؛
و کتاب دیگری باز شد که کتاب زندگی[t]
بود
و مردگان طبق آنچه در کتابها نوشته
شده برابر اعمالشان داوری شدند.
۱۳ و دریا مردگانی را که در خود داشت پس
داد
و مرگ و جایگاه مردگان[u]، درگذشتگانی
را که در خود داشتند پس دادند[v]
و هر کدام بر طبق اعمالشان داوری
شدند.
۱۴ و مرگ و جایگاه مردگان در استخر ۲۱:۴؛ ۱ـقرن ۱۵: ۲۶، ۵۴
آتش[w] افکنده شدند.
چنین است مرگ دوم[x]: استخر آتش.
۱۵ و اگر کسی در کتاب زندگی نوشته، ۳:۵؛ ۸:۱۳؛ ۸:۱۷
یافت نشد در استخر آتش افکنده ۱۰:۱۴
می‌شد.

p- بنا به نوشته های عهد عتیق شخصی به نام جوج در بین افراد نسل رؤبین وجود دارد (۱-توا۵:۴) و یکی از پسران یافث مأجوج نام داشته است (پید۱۰:۲). حزقیال در بابهای ۳۸-۳۹ از حملهٔ نهائی جوج پادشاه مأجوج علیه اسرائیل سخن می گوید هنگامی که اسرائیل مجدداً سروسامان یافته بود. به طور کلی نامهای جوج و مأجوج در روایات یهود جایگاه مهمی دارند و نام اقوامی هستند که قبل از دوران مسیحائی، در دوران مسیحائی و بلافاصله پس از آن به اسرائیل (و مخصوصاً به اورشلیم) هجوم خواهند برد ولی دخالت معجزه‌آسای خدا (که گاهی بوسیله مسیح موعود انجام می شود) اتحاد این دو قوم را نابود خواهد کرد که نشانه و نماد آخرین جنبش خصمانه دنیای مشرکان است، خصومتی که تا پایان روزگار به طور مطلق و قطعی ادامه دارد.

q- یوحنا که وقایع پایان روزگار را بدین گونه در مکاشفه خود می بیند ممکن است از حمله های تاریخی الهام گرفته باشد که بر فلسطین و بر شهر اورشلیم وارد آمده است. ولی در تجزیه و تحلیل نهایی، اردوی مقدسین و شهر محبوب مظهر و نشانه کلیسای جهانی است که در سراسر دنیا پراکنده است و در آن به مانند روزگاری که قوم خدا در صحرا قدم برمی‌داشت راه می پیماید (ر.ک اعد۲).

r- ترجمه دیگر: گریختند بدون اینکه اثری بر جای گذارند.
ممکن است منظور از این عبارت، از بین رفتن آفرینش اول (ر.ک مکا۲۱:۱؛ پطر۳:۷، ۱۰، ۱۲) یا فقط مستثنی کردن آن باشد: زیرا آسمان و زمین فقط محیط فعالیت آدمیان بوده در صورتی که آدمیان مسئول هستند و دربارهٔ آنان داوری می شود.

s- منظور دفترهای آسمانی است که در آنها اعمال آدمیان ثبت می شود (ر.ک دان۷:۱۰).

t- ر.ک مکا۳:۵ توضیح y.

u- ر.ک مکا۱:۱۸ توضیح a.

v- تحت‌اللفظی: مردگانی که در او بودند... مردگانی که در آنها بودند.

w- ر.ک مکا۱۴:۱۰ توضیح s.

x- ر.ک مکا۲:۱۱ توضیح i.

آسمانهای نو و زمین نو

اش ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۲۲؛ ۲ـ پطر ۳:۱۳؛ مکا ۲۰:۱۱

۲۱ [۱] و آسمانی نو و زمینی نو دیدم؛
زیرا نخستین آسمان و نخستین
زمین رفته بودند و دیگر دریا نیست[y].

مت ۱۶:۲۷ اش ۱۶:۱۰؛ ۶۵:۱۸؛ غلا ۴:۲۶؛ مکا ۳:۱۲ اش ۵۲:۱؛ هو ۲:۱۶؛ مکا ۱۹:۷

[۲] و شهر مقدس، اورشلیم نو[z] را دیدم،
که از آسمان، از نزد خدا پایین می‌آمد،
آماده شده همچون عروسی که برای
شوهرش آرایش شده باشد[a].
[۳] و صدایی بلند شنیدم از تخت می‌آمد که
می‌گفت:
اینک مسکن[b] خدا با انسان ها،
و با ایشان سکونت خواهد کرد،
و ایشان قوم های او خواهند بود، و خدا،
خودش با ایشان خواهد بود[c].

حزق ۳۷:۲۷؛ زک ۲:۱۴ حزق ۳۷:۲۷؛ مت ۱:۲۳

[۴] و او هر اشکی را از چشمهایشان پاک
خواهد کرد؛

اش ۲۵:۸؛ ۳۵:۱۰؛ ۶۵:۱۹

و مرگ دیگر وجود نخواهد داشت؛ مکا ۷:۱۷
نه ماتم، نه فریاد، نه رنج دیگر نخواهد
بود؛
زیرا نخستین چیزها از بین رفته اند[d].
[۵] و آنکه بر تخت نشسته است گفت:
اینک همه چیز را نو می‌کنم.
و می‌گوید: بنویس، زیرا اینها سخنان
امین و حقیقی هستند.

اش ۴۳:۱۹؛ ۲ـ قرن ۵:۱۷ دان ۸:۲۶؛ مکا ۱۹:۹؛ ۲۲:۶

[۶] و به من گفت: تمام شد!
من آلفا و اُمگا[e]،
آغاز[f] و انجام هستم.

۱:۸؛ ۲۲:۱۳

به کسی که تشنه است،
از چشمهٔ آب زندگی به رایگان خواهم
داد.
[۷] پیروزمند وارث اینها خواهد شد و من
برایش خدا خواهم بود و او برای من

اش ۵۵:۱؛ یو ۴:۱۰، ۱۴؛ ۷:۳۷؛ مکا ۷:۱۴؛ ۲۲:۱۷

y- در اینجا موضوع از بین رفتن خلقت اول و جایگزینی آن با خلقتی جدید که نظم دیگری دارد مطرح شده است. این نکته که بیانگر مرحله نهائی عمل خلاقه خداست قبلاً در اش۶۵:۱۷ و ۶۶:۲۲ ذکر شده و در نوشته های مکاشفه ای هم بارها به همین موضوع برمی‌خوریم (ر.ک خنوخ۴۵:۴-۵؛ ۷۱:۱؛ ۹۱:۱۶؛ ۴-عز۷:۷۵)، همچنان که درنوشته های عهد جدید هم بیان گشته است (مثلاً ر.ک مت۱۹:۲۸؛ مر۱۳:۲۴، ۳۱؛ ۲-قرن۵:۱۷؛ کول۳:۱۰؛ ۲-پطر۳:۱۳).
طبق دیدگاه کیهان شناسی قدیم، دریا باقیماندهٔ وضع آشفته و هرج و مرج قبل از آفرینش و جایگاه اقامت نیروهای هاویه است و بنابراین جائی در آفرینش جدید ندارد.

z- ر.ک مکا۳:۱۲ توضیح f. ذکر اورشلیم جدیدی که از آسمان فرود می‌آید ترکیبی از دو موضوع است که در نوشته های عهد عتیق آمده است: از یک سو اورشلیم پایان روزگار به صورت کمال مطلوب ارائه می شود (ر.ک اش بابهای ۶۰ و ۶۲؛ ۶۵:۱۸-۲۵)؛ از سوی دیگر نمونه ای آسمانی از نشانه های حضور خدا در میان قوم خود می باشد (ر.ک خروج۲۵؛ مکا۱۱:۹ توضیح h). ذکر این دو موضوع برای آن است که نشان داده شود خدا چه طرح و نقشه ای دارد. در اینجا منظور از شهر مقدس، کلیسا است ولی کلیسایی که به هنگام باز آمدن مسیح حقیقتاً شکوهمند و به صورت کمال مطلوب خواهد بود. کلیسا را می توان اورشلیم نامید زیرا محل اجتماع قوم متبارک است و از آسمان می‌آید زیرا به دست بشر تحقق نیافته بلکه جمعیتی است که خدا بنیان نهاده و تشکیل داده است (ر.ک همچنین غلا۴:۲۶).

a- ر.ک مکا۱۹:۷ توضیح x.

b- تحت اللفظی: چادر یا صندوقچه پیمان که تحقق لاو۲۶:۱۱-۱۳ است.
به طوری که در مکا۷:۱۵-۱۷ نیز آمده در اینجا موضوع حضور خدا در میان آدمیان به صورت نوشته های کتاب خروج بیان شده است. همین نکته در یو۱:۱۴ ذکر گردیده ولی در مورد راز تن گیری مسیح و افتتاح دوران حضور در پایان روزگار است.

c- این عبارت مفهوم دقیق همان کلمه عمانوئیل (= خدا با ما) است؛ ر.ک اش۷:۱۴؛ ۸:۸؛ ۱۰) طبق بعضی از نسخه های خطی می توان ترجمه کرد: و او -خدا با ایشان- خدای ایشان خواهد بود.

d- تحت اللفظی: اولین چیزها گذشته اند.

e- ر.ک مکا۱:۱۸ توضیح a.

f- همین کلمه یونانی در مکا۳:۱۴ نیز آمده است و برای مطابقت با آن باید «اساس» ترجمه شود ولی در آنجا منظور اساس آفرینش است در صورتی که در اینجا بدون مضاف الیه کلمهٔ اساس مبهم خواهد بود و لذا آغاز ترجمه شده است.

۲ـ سمو ۱۴:۷؛ مز ۷:۲؛ ۸۹:۲۷-۲۸؛ عبر ۴:۱-۵ فرزند[ff] خواهد بود.
۸اما ترسویان و بی ایمانان و پلیدان و
جنایتکاران و بی عفتان و جادوگران و
۱۵:۲۲ بت پرستان و تمام دروغگویان، نصیب
۱۰:۱۴؛ ۱۰:۲۰ ایشان، استخر آتش سوزان و گوگرد
۱۱:۲؛ ۶:۲۰، ۱۴ است که مرگ دوم می باشد.

اورشلیم نو

۱:۱۵؛ ۱:۱۷ ۹و یکی از هفت فرشته ای که هفت پیالهٔ پر
از هفت بلای آخر را داشتند آمد و با من
به سخن در آمده، گفت:
۷:۱۹؛ ۲:۲۱ بیا تا عروس، همسر بره را به تو نشان
دهم.
حزق ۲:۴۰ ۱۰و مرا در روح بر کوهی عظیم و بلند برد،
و به من شهر مقدس اورشلیم را نشان داد
که از آسمان، از نزد خدا فرود می آمد،
اش ۶۰:۱-۲ ۱۱شکوه خدا را داشت[g].
درخشش آن به مانند سنگی بسیار گرانبها،
همچون سنگ یشم بلورین بود.
۱۲دیواری بلند و عظیم دارد.
حزق۴۸:۳۱-۳۵ دوازده دروازه دارد
و بر روی دروازه ها دوازده فرشته،
و نام هایی نوشته شده که از آنِ دوازده
قبیلهٔ بنی اسرائیل است[h].
۱۳در شرق، سه دروازه؛ و در شمال، سه
دروازه؛
و در جنوب، سه دروازه؛ و در مغرب سه
دروازه.
۱۴و دیوار شهر دوازده پی دارد، افس ۲۰:۲
و بر روی آنها دوازده نام دوازده رسول
بره است.
۱۵و آنکه با من سخن می گفت یک نی حزق ۳:۴۰؛ زک ۲:۵-۶؛ مکا ۱:۱۱
اندازه گیری زرین داشت،
تا شهر و دروازه هایش و دیوار آن را
اندازه بگیرد.
۱۶و شهر چهارگوش است، و طول آن برابر
عرض آن است و شهر را با نی اندازه
گرفت که دوازده هزار استاد بود[i].
طول و عرض و ارتفاع آن برابر است.
۱۷و دیوار آن را اندازه گرفت، صد و چهل
و چهار ذراع،
اندازهٔ بشری که همان اندازهٔ فرشته
است[j].
۱۸و مصالح دیوار آن از یشم است،
و شهر از طلای خالص، به مانند شیشهٔ
خالص.

ff- [تحت اللفظی: پسر].
g- درخشش نورانی شکوه نشانهٔ حضور مقام رفیع و والائی است چنانکه در افتتاح و تقدیس خیمه و صندوقچه پیمان ذکر شده است (ر.ک مکا۱۵:۸ توضیح z).
توصیفی که بعداً ذکر می شود (اقدامات یکنواخت، وسایل و مصالح گرانبها و غیره) مخصوصاً برای آن است که کمال و برتری اورشلیم نو یادآوری شود. نحوهٔ تصویری که در اینجا بکار برده شده از نوع تصاویر ظهور الهی و رؤیای اورشلیم بازسازی شده است که در حزق ۴۰-۴۱ آمده است. ضمناً در مورد بیان حقیقت جمعیت مسیحیان نیز بکار می رود.
h- کلیسا تحقق و انجام قوم عهد است (نیز ر.ک مکا۷:۴-۸).
i- تحت اللفظی: شهر را با نی اندازه گرفت بر روی دوازده هزار استاد. [هر استاد = ۱۸۵ متر].
j- تحت اللفظی: اندازهٔ انسان که همان فرشته است. یا: اندازهٔ انسان یعنی آن فرشته. توضیحی که داده شده مبهم است و شاید فقط برای آن است که یادآوری کند آدمیان همچون فرشتگان «خدمتگزارانِ خدا» هستند (ر.ک مکا۱۹:۱۰؛ ۹:۲۲). مگر اینکه نویسنده خواسته باشد یادآوری نماید که این اندازه، ارزش معنوی و روحانی دارد (ر.ک مکا۱۳:۱۸) و در اینجا کمال و برتری شهر مقدس را نشان می دهد (ر.ک ۷:۴؛ ۱۴:۱).

اش ۵۴:۱۱، ۱۲ ۱۹ پی‌های دیوار شهر با انواع سنگ گرانبها
تزئین شده‌اند:
پی اولی با یشم، دومی با یاقوت کبود،
سومی با عقیق [سفید]، چهارمی با زمرد،
۲۰ پنجمی با عقیق خرمائی، ششمی عقیق
زعفرانی،
هفتمی با زبرجد، هشتمی با یاقوت کبود،
نهمی با یاقوت زرد، دهمی با عقیق سبز،
یازدهمی با بهرمان، دوازدهمی با یاقوت
[بنفش].
۲۱ و دوازده دروازه، دوازده مروارید:
و هر دروازه ها یک مروارید بود،
و میدان شهر از طلای خالص همچون
شیشهٔ شفاف است.
۲۲ و در آن معبدی ندیدم؛
یو ۲:۱۹-۲۱؛ مکا ۲۱:۳؛ ۲۲:۳ زیرا خداوند، خدای قادر متعال و
همچنین بره معبد آن است[k].
اش ۶۰:۱، ۱۹ ۲۳ و شهر نیازی به خورشید یا ماه ندارد تا
آن را روشن کنند؛
زیرا شکوه خدا آن را روشن کرده است و
چراغ آن بره است.

۲۴ و امت ها در روشنائی آن قدم برخواهند اش ۲:۲-۴؛ ۲۵:۶-۸
داشت
و پادشاهان زمین شکوه خود را به آنجا
می‌آورند[l].
۲۵ و دروازه های آن هرگز در روز بسته اش ۶۰:۱۱
نخواهد شد،
زیرا در آنجا شب نخواهد بود[m].
۲۶ و شکوه و افتخار امت ها را در آن
خواهند آورد.
۲۷ و هرگز چیزی پلید
و آنکه خباثت و دروغ انجام دهد، در آن اش ۳۵:۸؛ ۲۱:۱؛ زک ۱۳:۱-۲
وارد نخواهد شد
بلکه بجز آنان که در کتاب زندگی بره دان ۱۲:۱؛ مکا ۳:۵؛ ۱۳:۸؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۲، ۱۵
نوشته شده‌اند[n].

۲۲

۱ و به من رودخانه‌ای از آب زندگی، حزق ۴۷:۱؛ زک ۱۴:۸؛ یو ۷:۳۸
درخشان همچون بلور نشان داد
که از تخت خدا و بره بیرون می‌آمد[o].
۲ در وسط میدان [شهر] و در دو طرف حزق ۴۷:۱۲
رودخانه[p]،
درخت زندگی [است][q] که دوازده [بار] پید ۲:۹؛ مکا ۲:۷؛ ۲۲:۱۴، ۱۹
میوه می‌دهد

k- در اورشلیم آسمانی دیگر جائی مختص حضور قدوسیت وجود ندارد: زیرا ارتباط با خداوند بدون واسطه و فوری است و همین نکته تحقق کامل «حضور خدا در میان آدمیان» است (ر.ک مکا۲۱:۳). برابر یو۲:۲۱ جسم مسیح، معبد نو دوران پایان روزگار است.

l- منظور راه پیمایی بزرگ در پایان روزگار برای زیارت اورشلیم است که محل اجتماع روحانی همه اقوام شده است (ر.ک اش۶۰:۳، ۱۱).

m- ظلمات هم به مانند دریا باقیماندهٔ وضعیت هرج و مرج ابتدائی قبل از آفرینش است و در آفرینش جدید وجود نخواهد داشت (ر.ک مکا۲۱:۱).

n- ر.ک مکا۳:۵ توضیح y.

o- برابر حزق۴۷:۱-۱۲ رودخانه از معبد فوران می‌کرد؛ در اورشلیم نو معبد همان خداوند، خدا و بره خواهد بود (ر.ک مکا۲۱:۲۲). تصویری که در اینجا بکار برده شده تأکید می‌کند که زندگی مستقیماً از خدا و بره می‌آید (نیز ر.ک یو۷:۳۸).

p- تحت‌اللفظی: در وسط میدان و رودخانه از یک سو و سوی دیگر. این عبارت مبهم و دو پهلو تصویری از باغ عدن است و می‌توان آن را به طُرق مختلف تفسیر نمود: یا اینکه درختان زندگی بر روی سواحل رودخانه قرار دارند؛ یا یک درخت زندگی در وسط رودخانه‌ای است که برطبق پید۲:۱۰ به شاخه های متعددی منشعب می‌شود.

q- ر.ک مکا۲:۷ توضیح e. عبارت درخت زندگی که در اینجا و در آیه ۲۹ آمده در ترجمهٔ تحت‌اللفظی چوب زندگی است.

و هر ماه میوه خود را می‌دهد
و برگهای درخت برای شفا دادن امت ها — پید ۲۲:۳
است.
[۳]و دیگر هیچ لعنتی نخواهد بود[r]. — زک ۱۱:۱۴؛ ۲۲:۲۱
و تخت خدا و بره درآن خواهد بود و
بندگانش او را پرستش خواهند کرد.
[۴]و چهرهٔ او را خواهند دید و نامش بر روی — مز ۷:۱۱؛ ۱۵:۱۷؛ ۱-یو ۲:۳
پیشانی ایشان خواهد بود.
[۵]و دیگر شبی نخواهد بود — اش ۱۹:۶۰؛ مکا ۲۳:۲۱-۲۶
و نیازی به روشنایی چراغ و روشنایی
خورشید ندارند
زیرا خداوند، خدا بر روی ایشان خواهد
تابید
و به روزگاران و روزگاران سلطنت — دان ۱۸:۷، ۲۷؛ مکا ۱۰:۵
خواهند کرد.

گفتار پایانی

[۶]و به من گفت: اینها سخنان امین و حقیقی — دان ۲۶:۸؛ مکا ۹:۱۹؛ ۵:۲۱
هستند و خداوند، خدای ارواح انبیاء،
فرشتهٔ خود را فرستاد — دان ۲۸:۲؛ مکا ۱:۱، ۱۹؛ ۱۶:۲۲
تا آنچه را باید به زودی فرا رسد به
بندگانش نشان دهد،
[۷]و اینک به زودی می‌آیم. — ۳:۱؛ ۱۱:۳؛ ۱۰:۲۲، ۱۲، ۲۰
خوشا بر آنکه سخنان نبوّت این کتاب را
نگه می‌دارد.
[۸]و من، یوحنا که اینها را می شنیدم و
می‌دیدم،
و پس از اینکه شنیدم و دیدم، برای
پرستش در مقابل پاهای فرشته ای که — مکا ۱۰:۱۹
اینها را به من نشان می داد به زمین
افتادم.
[۹]و به من می‌گوید: زنهار!
من هم خدمتگزاری چون تو و برادرانت
انبیاء
و آنان که سخنان این کتاب را نگه
می‌دارند هستم؛
خدا را بپرست.
[۱۰]و به من می‌گوید: سخنان نبوّت این — ۴:۱۰
کتاب را مُهر نکن[s]،
زیرا زمان نزدیک است! — ۳:۱؛ ۷:۲۲، ۱۲
[۱۱]تا ظالم همچنان ظلم بکند و تا پلید — دان ۱۰:۱۲
همچنان خود را آلوده سازد،
و تا عادل همچنان عدالت کند و تا
مقدس همچنان خود را مقدس سازد.
[۱۲]اینک به زودی می‌آیم — اش ۱۰:۴۰؛ مز ۴:۲۸؛ ۱۳:۶۲؛ مت ۲۷:۱۶
و مزد من با من است تا به هر کس برابر
عمل او بپردازم.
[۱۳]من آلفا و اُمگا هستم، — اش ۴:۴۱؛ ۶:۴۴؛ مکا ۸:۱، ۱۷؛ ۶:۲۱ ۸:۲؛
نخستین و آخرین،
آغاز و فرجام.
[۱۴]خوشا بر آنان که لباسهای خود را — ۱۴:۷
می شویند
تا بر درخت زندگی اقتدار داشته از — پید ۹:۲؛ ۲۲:۳؛ مکا ۷:۲؛ ۲:۲۲، ۱۹
دروازه ها به شهر درآیند.
[۱۵] اما بیرون می مانند سگان و جادوگران
و بی عفتان و جنایتکاران و بت پرستان و — ۸:۲۱، ۲۷؛ ۱۹:۲۲
هر آن که دروغ را دوست داشته انجام
می‌دهد.

r- همچنین می توان ترجمه کرد: دیگر نفرینی نخواهد بود. منظور الغای حکمی است که ورود به بهشت را ممنوع می کرد (ر.ک پید۳: ۲۲-۲۴).
s- ترجمه دیگر: پنهان مکن. ر.ک مکا ۴:۱۰ توضیح w.

۱:۱، ۱۱؛ ۶:۲۲
[۱۶] من، عیسی، فرشته ام را فرستاده ام تا
شما را دربارهٔ کلیسا بر اینها گواهی
دهد[t].
من ریشه و نژاد داود[u]، ستارهٔ درخشان
بامدادم[v].
[۱۷] و روح [القدس] و عروس می گویند:
بیا!
اش ۵۵:۱؛ یو ۷:۳۷؛ مکا ۲۱:۶
و آنکه می شنود بگوید: بیا!
و آنکه تشنه است بیاید،
آنکه می خواهد از آب زندگی
به رایگان برگیرد.
[۱۸] من به هر که سخنان نبوّت این کتاب را
تث ۴:۲
می شنود گواهی می دهم:
اگر کسی بر آنها بیفزاید خدا بلاهایی را
که در این کتاب نوشته شده است بر وی
خواهد افزود.
[۱۹] و اگر کسی از سخنان این کتاب نبوّتی را
حذف کند
خدا نصیب او را از درخت زندگی و از
شهر مقدس که در این کتاب نوشته شده
است حذف خواهد کرد.
[۲۰] آنکه شهادت می دهد چنین می گوید:
۳:۱؛ ۳:۱۱؛ ۲۲:۷، ۱۰، ۱۲
آری من به زودی می آیم
آمین! بیا. ای خداوند عیسی[w]!
۱ـ قرن ۱۶:۲۲
[۲۱] فیض خداوند عیسی با همه باد[ww]!

t- همچنین می توان ترجمه کرد: تا برای شما این گواهی را در میان کلیساها بیاورد.
u- ر.ک مکا۵:۵ توضیح t.
v- ر.ک مکا۲:۲۸ توضیح u.
w- همان عبارت آرامی «مارا ناتا» که بیان اُمید بازگشت مسیح در پایان روزگار است و در آئین پرستش بکار می رود (ر.ک ۱-قرن۱۶:۲۲).
ww- برخی نسخه ها، در بین آیه، چند کلمه بیشتر دارند.

(الف)

ابراهیم:
پیدایش۳:۶ - ۱سمو۴۱:۸ - یو۸:۴۰ -
روم۴:۱ - غلا۳:۶ - عبر۱۱:۱۹ - یع۲:۲۱.

اقدام نمادین:
به حرکات نبوی مراجعه نمایید.

آمین:
پید۱۵:۶ - تث۲۷:۱۵ - اش۶۵:۱۶ -
۲تو۱:۲۰ - مکا۳:۱۴ .

آمون:
ار۶ - ار۴۹ - عا۱:۱۳.

آموریان:
پید۱۵:۱۶ - داور۱:۳۴ - ۱پاد۲۱:۲۶.

انسانی:
تث۲۱:۱۵ - هو۴:۱ - غزل۲:۴،۸:۷ -
مت۱۰:۳۷ - یو۱۲:۳۵.

آسمانی:
تث۱۷:۳ - ۲پاد۱۷:۱۶.

آشور:
اش۷:۲۰،۸:۷.

ارابه های آتشین:
یوشع۱۷:۱۶ - ۲سمو۸:۴ - ۲پاد۲:۱۱و۱۲
- اش۲:۷ - میک۱:۱۳.

انتخاب:
یوشع۲۴:۱۵ - به برگزیده مراجعه نمایید.

آسمان:
پید۱:۱۶ - تث۱۰:۱۴ - ۱پاد۱۰:۱۹ -
۲پاد۷:۲ - مت۶:۹ به نوین مراجعه نمایید.

اعتراف به اعتقاد خدای یگانه:
تث۱۱:۲ - یوشع۲:۹ - داور۶:۲۴ -
۲پاد۱۹:۱۵ - اش۴۵:۱۴ - هو۱۴:۳ و۴ -
یون۱:۹.

اقرار به گناهان:
هو۱:۵ - یع۵:۱۶.

اعتراف نامۀ ارمیا:
ار۱۱:۱۸ - ۱۵:۱۰ - ۱۷:۱۲.

ایلام:
ار۴۹:۳۴.

الیاس:
مت۱۰ - مت۱۷:۳ - مر۹:۱۳ - لو۱:۱۷ -
یو۱:۲۱ - یع۵:۱۷.

آزمایش در سختی ها:
خروج۱۵:۲۴،۱۶:۱۵ - داور۲:۲۲ -
روم۵:۴ - ۲قرن۱۳:۵ - ۱تسا۲:۴،۵:۲۱ -
یع۱۴،۱:۳.

امید:
۲پاد۲۵:۳۰ - هو۳:۵ - عا۵:۱۵ -
امث۲۳:۱۸ - باروخ۲:۱۱ - یو۱۷:۱ -

اع۶:۲۶ - کول۱:۵ - عبر۱۱:۱.

آخر زمان:
دان۱۲:۱.

اعتقاد-ایمان:
پید۱۵:۶ - تث۱۱:۲ - ۱پاد۸:۵۳ - ار۱۳:۱۱ - میک۶:۸ - صف۳:۲ - ایوب۴۲:۶ - یو۱:۲،۵:۴۴،۱۴:۱ - اع۲:۴۴،۱۰:۴۳ - روم۱:۵،۴:۳،۱۰:۹ - ۱تسا۳:۱۰- عبر۱۱:۱ - ایو۳:۲۳.

امیدواری:
۱قرن۱۳:۱۳.

ارث:
۱پاد۲۱:۳ - ۲پاد۲:۹ - ایوب۴۲:۱۵ - روم۸:۱۷ - کول۱:۱۲ - یع۲:۵ به میراث مراجعه نمایید.

آخر:
۱یو۲:۱۸.

انسان:
پید۱:۲۶،۱۹،۲:۷،۶:۳،۱۱:۴ - ار۵:۱ - یع۱:۲۱ - ۴:۱۹ - مر۳:۳۹ - افس۳:۱۴ به نوین مراجعه نمایید.

اسرائیل:
پید۳۲:۲۹ - ۱پاد۱۲:۱۶ - عا۱:۱ - ۱توا۱:۴ - ۲توا۱۱:۴،۱۲:۶ - مت۴:۱،۱۵:۲۴،۲۱:۴۳ - لو۲۱:۲۴ - اع۲:۷،۱۳:۴۶،۱۵:۱۴،۲۸:۲۷ - روم۹:۲ - غلا۶:۱۶ - افس۱:۱۲ - عبر۱:۱ - مکا۲:۹.

آزادی:
خروج۳:۱۲ - ار۸:۹ - یو۸:۳۲،۳۴،۳۶ - ۱قرن۸:۱ - ۲قرن۳:۱۷ - غلا۵:۱۳،۲۱ - ۶:۱۴.

اورشلیم:
۸:۱تا۲۱،۱۹:۱۰ - ۲سمو۶:۲ - ۱پاد۳:۱،۸:۱۶،۱۴:۲۱ - ۲پاد۱۶:۷،۱۹:۳۴ - حزق۶:۱۱،۱۶:۳تا۵۴،۳۸:۱۲،۴۰:۲،۴۸:۳۵ - یول۴:۱۷ - میک۳:۱۲،۴:۲ - طو۱۳:۱۰ - ۲مکا۴:۹ - لو۹:۵۱ - روم۱۵:۱۹ - مکا۳:۱۲،۱۱:۱،۲۱:۲.

ازدواج:
پید۲:۲۴ - تث۲۱:۱۳و۱۵ - داور۸:۳۱،۱۴:۱۱ - امث۲:۱۷ - روت۱:۸ - غزل۴:۹ - طو۳:۱۵ - ۷:۱۴ - مت۱۹:۱۲ - لو۱۴:۲۶ - اع۱۵:۲۰ - ۱قرن۶:۱۵،۷:۱ - افس۵:۲۵،۳۲:۱ - ۱تیمو۳:۲،۴:۳ - تیط۲:۵ - ۱پطر۳:۷.

انسان(مرد):
کول۳:۱۰ به جشن نامزدی مراجعه نمایید.

ابر غلیظ:
خروج۱۹:۹ -ناحوم۱:۳ - حک۱۰:۱۷.

اطاعت:
مت۶:۱۰ - یو۱۴:۲۱ - روم۵:۱ - فی۲:۱۲.

اقیانوس:
پید۲:۶ - حزق۲۶:۱۹ - یع۷:۱۲،۲۶:۱۲ - دان۷:۲.

اجر و پاداش:
مت۱۶:۲۷،۲۶:۱۱ - روم۳:۲۴و۲۸،۶:۲۳ - افس۲:۱۰ - یع۲:۱۴ - ۲یو۸ به میوه و اجر، پاداش مراجعه نمایید.

اهداء:
یول۱:۹ - اعد۱۸:۹.

استخوان:
۲پاد۱۳:۲۱ - عا۲:۱ - مرا۱:۱۳.

آزمایش الهی(مصیبت):
خروج۳۲:۲۰ - اعد۵:۱۹.

استراحت:
تث۱۲:۹ - یو۱:۱۳ - داور۳:۱۱ به سبت مراجعه نمایید.

اسیر:
۱پاد۵:۲۹ - ۲۰:۳۱و۴۲و۴۳ - ۲پاد۶:۲۲،۱۹:۲۸،۲۵:۷ - ار۵۲:۱۱ - حزق۵:۱ - عا۱:۶.

اعلام:
به ندا دادن مراجعه نمایید.

انسان ها:
پید۲۲:۲ - خروج۳:۱۲ - داور۱۱:۳۰ - ۲پاد۳:۲۷،۱۶:۳،۲۱:۱۶،۲۳:۱ -

اش۵۳:۱۰ - میک۶:۷.

اجر و پاداش:
حزق۱۴:۱۴،۱۸:۱۴ - ایوب۲۱:۱۹و۲۷ - امث۲:۲۱،۱۳:۱۳ - مت۵:۴۶،۱۶:۲۷ - یو۲۰:۱۵ - لو۶:۳۲،۱۳:۱ - روم۶:۲۳ - ۲یو۸ به آثار و تنبیه و انتقام مراجعه نمایید.

اسرافیل:
اش۶:۲ به فرشته مراجعه نمایید.

از راه به در شدن:
به گمراه مراجعه نمایید.

اتحاد:
به مسئولیت مراجعه نمایید.

اطاعت فوری:
مت۳:۲۰،۱۶:۲۴ - مر۱:۱۸ - یو۱۲:۲۶ به شاگرد مراجعه نمایید.

آمادگی:
مت۲۵:۱،۲۶:۴۵ - مر۱۳:۳۷ - لو۱۲:۳۵ - ۱تسا۵:۶.

آراستگی:
یو۸:۳۲،۱۴:۶،۱۸:۳۷ - روم۳:۴ - افس۴:۲۴ - ۲تسا۲:۱۰ - یع۱:۱۸ - ۱پطر۱:۲۲ - ۳یو۳.

(ب)

به فرزندی پذیرفتن:
پید۱۲:۴۱، ۲۳:۵۰ - ۲سمو۷:۱۴ - غزل۴:۹.

بره:
یو۱:۲۹ - ۱قرن۵:۸ - مکا۵:۶.

بین مردم:
پید۳۱:۴۴ - ۱سمو۱۱:۷ - ۲سمو۳:۲۱،۳:۹ - ۱پاد۵:۲۶،۱۵:۱۹ - ۲پاد۱۶:۷،۲۰:۱۲تا۱۴ - ار۲:۱۸ - حزق۲۹:۱۶ - هو۴:۱۱،۱۲:۲ - عا۱:۹ - امث۲:۱۷.

برای خدا و آیندگان:
تث۶:۵ - اش۴۱:۸ - بنسی۲:۱۵ - یع۴:۴.

برای خدا:
مت۲۲:۳۵تا۳۹ - ۱یو۴:۲۰،۵:۲۰.

برای آیندگان:
لو۱۰:۳۷ - یو۱۳:۳۴ - روم۱۳:۹ - ۱قرن۱۳:۱ - غلا۵:۲۲ - یع۲:۸ - ۱پطر۴:۸ - ۱یو۳:۱۸.

بیشه:
خروج۳۴:۱۳ به خدایان مراجعه نمایید.

برداشته شدن:
پید۵:۲۴ - ۲پاد۲:۱۸ - لو۹:۵۱،۲۴:۵۱.

بعل:
داور۲:۱۱ - ۱پاد۱۸:۲۷.

برکت دادن:
پید۱:۲۲،۲۷:۳۳ - تث۲۸:۲ - داور۱۷:۲ - حجی۲:۱۹ - طو۳:۱۱ - مر۶:۴۱،۱۰:۱۶ - ۱قرن۱۰:۱۶ - افس۱:۳.

بن حداد:
۱پاد۱۵:۱۸.

بیتائیل:
پید۱۲:۸ - داور۱:۲۲ - ۲پاد۲:۲ - عا۴:۵.

بت پرستی:
تث۲:۱۲ - حزق۲۶:۱۳ - حک۱۱:۱۵.

بیابان:
خروج۱۵:۲۴ - ار۲:۱۲ - حزق۲۰:۳۵ - هو۲:۱۷ - عا۲:۲۵.

بدهی:
تث۱۵:۱۲ - ۲پاد۴:۱ - عا۲:۸ - امث۵:۹ - یهودیه۸:۱۶ - مت۶:۱۲.

بیل:
اش۴۶:۱.

بهشت:
پید۲:۸تا۱۰،۲۳:۸ - اش۳۴:۵،۶۳:۱ - عا۱:۱۱.

برگزیده:
خروج۸:۱۸ - تث۷:۶تا۸ - ۲پاد۲۳:۲۷ - عا۳:۲،۹:۷ - میک۱:۳ - بنسی۳۳:۱۱ - مت۲۴:۲۲ - مر۱:۱۱ - یو۱۵:۱۶ - روم۱۱:۵ - ۱تسا۱:۱۴ - یع۲:۵ - ۱پطر۱:۱،۵:۱۳.

بت:
خروج۲۸:۶ - داور۸:۲۷ - ۱سمو۲:۱۸ - هو۳:۴ - حک۱۸:۲۴.

بردگی:
لاو۲۵:۳۹،۲۵:۴۴و۴۷و۵۳ - تث۱۵:۱۷ - ۲پاد۴:۱ - ار۲:۱۴ - بنسی۳۳:۲۵.

بیگانه:
خروج ۱۲:۴۳ - یوشع۹:۲۱ - اش۵۶:۶ - ار۲:۲۵ - حزق۱۴:۴،۴۴:۷ - روت۱:۱.

برادران:
مت۱۵:۴۰،۲۸:۱۰ - یو۲۰:۱۷ - اع۱:۱۵ - غلا۶:۱۸ - عبر۱۳:۱.

بت ها (بت پرستی):
- پید۳۱:۱۹،۳۵:۴ - خروج۳۲:۱ - داور۸:۲۶،۱۷:۵ - ۱پاد۱۵:۱۲ - ۲پاد۱۷:۳۱،۱۸:۴،۲۳:۲۴ - اش۱۷:۸ - ار۱۰:۸،۵۰:۲ - حزق۲۰:۸ - هو۱۰:۶ - ۱قرن۸:۱.

بی عدالتی:
اعد۵:۶ - عا۲:۶تا۷،۵:۱۰ - میک۲:۲تا۴ - امث۲۴:۲۴.

بری:
ایوب۹:۲۳،۱۳:۱۰.

بخشیدن:
خروج۲۰:۶ - لاو۱۶:۱ - ار۳:۱ - مت۶:۱۲ - مر۱:۴ - لو۲۳:۳۴ - اع۳:۱۸تا۱۹،۱۳:۳۸ - روم۴:۷ - عبر۱۰:۸ - یع۵:۱۵تا۱۹ - ۱یو۱:۹،۲:۱۴.

بیچارگان:
لاو۱۹:۱۰ - تث۱۵:۴ - اش۱۴:۳۰ - صف۲:۳۰ - امث۶:۱۱،۱۰:۴،۲۲:۱۶ - بنسی۲۰:۲۱ - مت۵:۳.

بازمانده:
پید۱۸:۲۳ - ۱پاد۱۹:۱۸ - اش۱:۹،۱۷:۶ - حزق۵:۳،۹:۴تا۸ - عا۱:۸،۵:۱۵ - میک۵:۷ - حجی۱:۱۲ - روم۱۱:۱۶.

بلند مرتبه:
به خدا مراجعه نمایید.

بازدید:
حک۲:۲۰ به مداخله مراجعه نمایید.

بیوه:
لاو۲۱:۷ - تث۱۰:۱۸ - ۱پاد۱۷:۱۲ - مرا۱:۱ - ۱تیمو۵:۹.

(پ)

پارت:
۱سمو۱۳:۷ - ۲سمو۶:۱۴و۱۷و۱۸ - ۱پاد۸:۲۲ - دان۴:۱۴ - به قیامت مراجعه نمایید.

پیمان:
عبر۹:۱۵ به نامزدی مراجعه نمایید.

پیامبران:
۲پاد۲۲:۱۴ - اش۸:۳.

پاک:
اعد۱۱:۱۸ - حجی۲:۱۲ - ایو۲:۸ - مت۱۵:۱۱ - مر۷:۹ - یو۱۱:۵۵،۱۸:۲۸ - اع۱۰:۲۸ - روم۱۴:۱،۴۴.

پناهگاه:
یوشع۲:۷ - اعد۳۵:۱۱تا۱۲ - تث۱۹:۶تا۹.

پطرس:
مت۱۴:۲۸،۱۶:۱۸ - لو۶:۱۴،۸:۵۱،۲۲:۳۲ - یو۲۱:۱۵ - اع۱۲:۱۷ - ۱قرن۱:۱۲.

پاره کردن نان و نیایش:
یو۱۷:۲۲ - اع۲:۴۲-۴۴ - ۱قرن۱:۹،۱۰:۱۷،۱۶:۱ - ۲قرن۸:۴ - غلا۲:۶تا۹ - فی۱:۵ - ۱تیمو۶:۱۸ - ۱پطر۴:۱۳ - ۱یو۱:۳،۲:۱۴ - ۲یو۱۰.

پیش گویی:
به جادو مراجعه نمایید.

پسران:
پید۲۲:۲ - اش۱:۲ - هو۱۱:۱ - عا۸:۱۰.

پسران داود:
مت۱:۱۸،۹:۲۷ - اع۱۳:۲۲ - روم۱:۳ - عبر۷:۱۴.

پسران خدا:
پید۶:۲ - ۲سمو۷:۱۴ - هو۱۱:۱ - حک۵:۵.

پسران انسان:
حزق۲:۱ - دان۷:۱و۱۳ - مت۸:۲۰،۲۶:۶۴ - یو۱:۵۱.

پایین رفتن:
۱پطر۳:۱۹.

پدر:
مت۱۴:۳۶ - ۱پط۱:۱۷.

پدر و پسر:
مت۱۳:۱۱ - لو۱۰:۲۲ - یو۶:۶۳،۱۰:۱۵ - روم۱:۲۰تا۲۱ - فی۱۳:۱۰.

(ت)

تجربه:

مت۴:۳،۶:۱۳ - مر۱:۱۳ - عبر۴:۱۵ - یع۱:۱۴.

تجلی الهی:

خروج۱۹:۱ - ۲پاد۲:۱،۳۰:۱تا۷.

تیموته:

اع۱۶:۱.

تیطس:

۲قرن۷:۶.

تورات:

اش۸:۱۶ به قانون مراجعه نمایید.

تلافی:

پید۴:۱۰ -اعد۳۵:۱۲ - ۱سمو۲۴:۱۳ - امث۲۴:۱۸تا۲۹ به رستگاری مراجعه نمایید.

تاکستان:

اش۵:۱،۱۶:۹،۲۷:۲ - حزق۱۵:۲،۱۹:۱۱ - هو۱۰:۱ - مت۲۱:۴۱ - یو۱۵:۱.

تعصب:

به حسود مراجعه نمایید.

ترشیش:

۱پاد۱۰:۲۲ - اش۲:۱۶ - عبر۱:۳.

تجدید عهد:

به بازخرید مراجعه نمایید.

توبه:

یوشع۷:۶ - ار۳:۱ - هو۶:۴ - عا۵:۱۵.

تمامیت:

روم۱۱:۲۵ - غلا۴:۴ - افس۱:۱۰تا۲۳ - کول۱:۱۹،۲:۹.

تثلیث:

مت۲۸:۱۹.

تفاخر:

پید۱۱:۴ - اش۲:۱۲ - حزق۲۸:۲۴ - بنسی۵:۳ - روم۴:۲ - ۱قرن۱:۳۰ - غلا۶:۴ - یع۴:۱۶ - ۱یو۲:۱۶.

تبعیض:

اع۱۰:۳۴ -روم۲:۱۱ - یع۲:۱.

توحید:

پید۲۰:۱۳ - ۱پاد۸:۶۰ - ۲پاد۳:۲۷،۵:۱۹،۱۹:۵.

تقلید از خدا:

افس۵:۱تا۸.

تاج گذاری:

۱پاد۱:۹و۳۹ - ۲پاد۹:۱۳،۱۱:۱۲ - اش۹:۵.

تبرئه:
اع۱:۱۵ - روم۳:۲۴تا۲۸ - یع۲:۱۴ به عدالت مراجعه نمایید.

تکفیر:
لاو۷:۲۰ - مت۲۴:۵۱.

تعلیم:
خروج۱۰:۲ - ۲پاد۱۲:۳ - امث۱:۲و۵و۸و۲۳،۲۲:۱۵ - حک۳:۵.

تنسیه:
نح۸:۵ - ۱توا۱۶:۳۹.

ترس از خدا:
پید۲۰:۱۱ - خروج۳:۶ - ۲پاد۱۷:۳۴ - ۱یو۲۸:۲۸ - امث۱:۷،۳:۸ - بنسی۱:۱۱،۲:۱۵ - لو۱:۱۲ - اع۱۰:۲.

تحقق یافتن:
مت۱:۲۲ - لو۲۳:۳۴،۲۴:۴۶ - اع۳:۱۸تا۲۱،۲۶:۲۲،۲۸:۲۵ - روم۹:۲.

(ث)

ثروتمند:
۲پاد۲۰:۱۴ - اش۳:۱۶،۵:۸ - ار۵۱:۱۳ - امث۱۰:۴،۱۵:۶،۲۲:۲ - بنسی۵:۱ - مت۱۹:۲۳ - یع۱:۹.

(ج)

جان:
مر۱:۱۱ - حک۸:۲۰ - مت۱۶:۲۵ - لو۱۲:۱۹ - ۱تسا۵:۲۳ - عبر۴:۱۲.

جسد:
یوشع۱۰:۲۶ - ۲پاد۱۱:۱۵ - حزق۴۳:۷.

جماعت:
تث۵:۲۲ - امث۵:۱۴ - نح۸:۱ به کلیسا مراجعه نمایید.

جستجوی یهوه:
هو۱۰:۱۲ - عا۵:۴.

جسم:
مت۱۰:۲۸ - روم۶:۶،۱۲:۱.

جام:
ار۲۵:۱۵ - حب۲:۱۶ - مر۱۰:۳۸ - یو۱۸:۱۱.

جن ها:
لاو۱۶:۸،۱۷:۷،۲۰:۶ - ۱سمو۲:۱۲ - اش۱۳:۲۱،۳۴:۱۴ - طو۸:۳ - مر۱:۳۲ - لو۸:۲ - ۱قرن۸:۵ به شیطان مراجعه نمایید.

جنگاور:
خروج۱۵:۳ - تث۲۰:۴ - ۱سمو۲۵:۲۹ - حزق۱۲:۱۳ - عا۲:۹.

جاد:
اش۶۵:۱۱.

جشن ها:
خروج۵:۱ - داور۲۱:۱۹ - ۱پاد۸:۶۵.

جهنم:
یوشع۱۵:۸ - مت۵:۲۲ - مکا۱۴:۱۰.

جوانه:
ار۲۳:۵ - زک۳:۸.

جنگ:
تث۲۰:۱ - ۱پاد۲:۵ - ۲پاد۳:۲۱ - ۱تو۲۲:۸ - تث۲۰:۴ - یوشع۲۳:۱ - ۱سمو۷:۱۰،۱۷:۲۶ - ۱پاد۸:۴۴ - داور۵:۲،۲۰:۱۸ - ۱سمو۱۳:۹،۱۴:۲۴ - ۲سمو۱۱:۱۱ - ۱پاد۲۲:۵ - اش۱۳:۳ - یول۴:۹.

جوان:
۱سمو۱۴:۲۴ -اش۵۸:۱ - یول۱:۱۴،۲:۱۶ - زک۸:۱۹ - استر۴:۱۶.

جذام:
لاو۳:۱۲،۱۴:۱و۳۳و۴۶ - ۲پاد۱۵:۵ - ایوب۲:۷تا۸.

جهانی:
خروج۹:۲۰ - ۱پاد۸:۴۱ - اش۱۹:۱۶تا۲۵،۲۵:۶،۴۵:۱۴،۵۶:۱ - ار۲۵:۱۷،۲۹:۳۴ - حزق۱۴:۱۴.

(چ)

چراغ:
۲سمو۲۱:۱۷ - ۱پاد۱۱:۳۶ - مز۱۳۲:۱۷ - امث۲۴:۲۰.

چوپان:
اش۴۰:۱۱ - ار۲۳:۶ - حزق۳۴:۲ - عا۳:۱۲ - مر۶:۳۴ - لو۱۵:۳ - یو۱۰:۱۱،۲۱:۱۵ - ۱پطر۵:۴.

چوبدست:
خروج۱۷:۵ - ۱پاد۴:۲۹ - اش۱۰:۲۶.

چهره:
روم۸:۲۹ - کول۱:۱۵.

(ح)

حرکات نبوی:
۱پاد۱۱:۳۱،۲۲:۱۱ - ۲پاد۱۳:۱۷تا۱۹ - اش۲۰:۳ - ار۲۸:۱۰،۳۲:۱،۳۵:۱،۴۳:۹، ۵۱:۵۹ - حزق۳:۲۴،۲۱:۲۴ - اع۲۱:۱۱.

حسود:
خروج۳۴:۱۴ - حزق۵:۱۳،۸:۱۳،۳۵:۱۱ - یول۲:۱۸ - نا۱:۲.

حکمت:
پید۳۹:۲،۴۱:۸ - خروج۲۸:۳ - ۱پاد۳:۱۶،۵:۱۰ - اش۷:۱۵،۱۹:۱۱ - عو۸ - ایوب۲۸:۲۸،۳۲:۹،۴۰:۱۹،۴۲:۱۵

-امث۱:۲۰تا۲۳،۳:۱۸تا۱۹،۸:۱۵و۲۳و۲۲
۴،۹:۱،۱۱:۱۴،۱۲:۱۱ - ۲مک۶:۳۰ -
حک۶:۱۶،۷:۱۲و۲۲و۲۵،۱۰:۱و۱۷ -
بنسی۲:۶،۱:۴،۱۰:۳۰،۲۴:۱،۳۸:۳۱ -
بار۳:۳۲ - مت۱۱:۱۹و۲۵ -
لو۲:۴۰،۱۱:۴۹ - یو۱:۱،۳:۱۰ -
روم۱:۲۲ - ۱قرن۱:۲۰و۳۰،۲:۱۰،۱۲:۸ -
کول۱:۹،۲:۳ - یع۳:۱۳.

حق:
۱پاد۳:۹ - ار۵:۱ - هو۵:۱ - امث۱:۲.

حوریب:
خروج۳:۱ - ۱پاد۱۹:۸.

حنوخ:
بنسی۴۴:۱۶.

(خ)

خداوند:
پید۱۶:۷،۳۲:۳ - داور۶:۱۱ -
۲سمو۱۴:۱۷ - ۲پاد۱:۳ - میک۳:۱.

خدا:
خروج۲۱:۶ - تث۴:۷،۳۱،۳۲ - ۱سمو۸:۷
- ۱پاد۸:۲۷،۲۰:۳۳ - ۲پاد۱۸:۳۵ -
اش۲۳:۱ - هو۲:۲۵،۱۱:۴،۱۴:۹.

خدایان:
پید۶:۲ - اعد۲۱:۸ - تث۱۷:۳ -
۱سمو۲۸:۱۳ - ۲پاد۱۷:۲۶ - ار۲:۲۷ -

ایوب۱۸:۱۴ - حک۱۳:۲،۱۴:۱۶.

خراج گیران:
مت۵:۴۶ - مر۲:۱۵ - لو۳:۱۲.

خدمتگزار:
اش۴۱:۲۱،۴۲:۱،۵۲:۱۳ - مت۸:۱۷تا۲۰
- مر۱۰:۴۵.

خروج:
۲۸:۳۰ - استر۳:۷.

خشم یهوه:
ار۲۳:۱۹ - یول۳:۹ - ایوب۱۴:۱۵ -
امث۲۴:۱۸ - حک۱۸:۲۰،۱۹:۱ -
بنسی۵:۶ - یول۲:۱۴ - عا۷:۳ - مت۳:۷ -
روم۱:۱۶ - ۱تسا۱:۱۰.

خوبی:
مرا۳:۲۲.

خوشابه:
مت۵:۳ - لو۶:۲۰،۷:۲۳،۱۰:۲۳،۱۴:۱۵
- یع۱:۱۲.

خون:
مت۱۶:۱۷ - غلا۱:۱۶ - افس۶:۱۲ -
پید۱:۲۹،۴:۱۰ - لاو۱:۱۵،
۱۲:۴،۱۷:۱و۱۱ - اعد۳۵:۳۳ -
حزق۲۴:۷،۳۹:۱۷ - مت۲۶:۲۸،۲۷:۲۵ -
یو۱۹:۳۴ - اعد۵:۲۸،۲۰:۲۸ - روم۳:۲۵
- فی۲:۱۷.

ختنه:

پید۱۷:۱۰ - خروج۴:۲۶،۶:۱۲ - لاو۱۹:۲۳ - تث۱۰:۱۶ - یوشع۵:۲ - داور۱۴:۳ - حزق۳۲:۲۷ - اع۱۵:۱ - روم۲:۲۵ - غلا۵:۲.

خواب:

پید۴۱:۱۶ - بنسی۳۴:۶.

خیمه ملاقات:

خروج۲۵:۱،۲۷:۲۱،۳۳:۷،۴۰:۳۸ - ۱پاد۱:۳۹.

خیرخواه:

۱پاد۸:۲۳.

داود:

۱سمو۱۶:۱۳ - ۲سمو۵:۳،۶:۱۴تا۱۷،۷:۱۴ - ۱پاد۱:۲۰ - اش۱۱:۲ - ار۲۳:۵ - حزق۳۴:۳۳.

ده فرمان موسی:

خروج۲۰:۱،۳۴:۱۴ - تث۵:۵ - هو۴:۲.

درد:

مت۲۴:۸ - یو۱۶:۲۱ - روم۸:۲۲.

در مراسم:

اعد۵:۱۹ - ۱سمو۷:۶ - ۱پاد۱۸:۳۴ - اش۱۲:۳ - حزق۴۷:۱ - مز۳۶:۱۰ - یو۴:۱۴،۷:۳۸،۱۹:۳۴ - اعد۱:۵،۸:۳۸ - افس۵:۲۶ - ۱یو۵:۶ - مکا۲۲:۱.

(د)

دجال:

۱یو۲:۱۸،۴:۴.

درخت ها:

پید۲:۹ - داور۶:۱۱ - حزق۳۱:۴ - هو۴:۱۳ - زک۱۱:۳ - امث۳:۱۸،۱۱:۳۰.

در حمایت دینی و مذهبی:

پید۱:۲ - ۱سمو۱:۳ - ۲پاد۶:۱۷.

در مورد عیسی:

مت۲۶:۶۵ - مر۱۴:۶۴ - یو۱۰:۳۳.

داماد:

مت۹:۱۵ - یو۳:۲۹ - افس۵:۲۵ - مکا۱۹:۷.

داوران:

داور۳:۱۰،۱۴:۶ - ۱پاد۱۸:۱۲ - حزق۲:۲ - میک۳:۸.

درو محصول:

خروج۲۳:۱۶ - لاو۲۳:۲۴ - اعد۲۹:۱.

در ماه تازه:

حزق۴۶:۱.

دوستانه:
اش۴۰:۶ - پید۲۰:۱۳ - ۲۱:۲۳.

دست گذاری:
لاو۴:۴،۱۶:۲۱ - اعد۸:۱۰ - مت۹:۱۸ - اعد۶:۶ - ۱تیمو۵:۲۲ - عبر۶:۲.

داورها:
تث۱۷:۹ - داور۲:۱۶،۳:۱۰ - ۱سمو۸:۷ - اش۲:۴ - بنسی۱۰:۱.

داوری:
خروج۶:۶ - حزق۲۳:۲۴ - یول۴:۱۳ - عا۲:۱۳تا۱۶،۹:۹ - ایوب۳۶:۳۱ - دان۷:۱۰ - بنسی۳۵:۵ - مت۵:۲۵،۱۶:۲۷،۱۹:۲۸و۳۰،۲۵:۳۱ - لو۱۲:۸،۱۶:۲۶،۱۷:۳۸ - یو۸:۲۱،۹:۳۹،۱۲:۳۱،۱۶:۸ - اعد۱۰:۴۲ - ۲قرن۵:۱۰ - غلا۶:۵ - ۲پط۳:۷ - ۱یو۴:۱۷.

در اورشلیم:
لو۱۹:۴۲.

در حالت اجتماعی و دادرسی:
عا۲:۶و۷،۵:۲۴ - میک۲:۴ - امث۱۱:۱،۱۴:۹.

دست خدا:
۱پاد۱۸:۴۶ - اش۸:۱۱ - هو۲:۱۲.

دنیا:
مت۱۸:۷ - یو۱:۱۰،۱۲:۳۱ - روم۱۲:۲ - غلا۶:۱۵ - افس۲:۲ - عبر۶:۵ - ۱یو۲:۱۵ - غلا۴:۳،۶:۱۵ - یو۱۳:۳۴.

دنیای مردگان:
روم۵:۱۲و۱۳ - یع۱:۱۵ - ۱یو۵:۱۶ - مکا۲:۱۱ - روم۷:۴.

در مسیح:
یو۱۴:۱۳ - اع۳:۱۶ - فی۲:۱۹ - عبر۱:۴ - ۳یو۷.

دارایی خاص:
خروج۱۹:۵.

دروغین:
تث۱۳:۳،۱۸:۲۱ - ۱پاد۲۲:۱۱ - ار۲۸:۱۰ - حزق۱۳:۱۰ - میک۲:۱۱،۳:۸ - نح۶:۱۴ - مت۲۴:۱۱ - مکا۱۳:۱۱.

دزدی:
خروج۲۰:۱۵ - داور۲۱:۲۱ - عا۱:۶.

در این دنیا:
یو۱۲:۳۱ - ۱قرن۲:۶.

در موارد خاص:
۱سمو۱۳:۹ - ۱پاد۱:۹،۱۹:۲۱.

(ر)

رسول:
مت۱۰:۲ - لو۲۲:۳۰ - اعد۱۳:۳۱،۱۴:۱۴ - روم۱۶:۷ - ۲قرن۸:۲۳ - غلا۱:۱ - افس۴:۱۲ - کول۱:۲۵.

روح:
مر۱۴:۳۸ - یو۳:۶،۶:۶۳ - روم۱:۹ - ۱قرن۱:۷ - غلا۵:۱۷ - ۱یو۵:۶.

رئیس:
۱سمو۹:۱۶ - ۱پاد۱:۳۵ - لاو۴:۲۲ - حزق۴۵:۷.

رهایی:
لو۲۱:۲۸ - مر۱۰:۴۵ - یو۶:۵۱ - روم۳:۲۳ - ۱تیمو۲:۶ -عبر۹:۱۴ به قاضی رستگاری مراجعه فرمایید.

رمون:
۲پاد۵:۱۸ - اش۱۷:۱۰ - حزق۸:۱۴ - غزل۱:۱۳ - ۱مک۱:۴۳.

روح القدس:
پید۱:۲،۶:۳ - اعد۱۱:۲۵تا۲۶ - داور۳:۱۰،۱۴:۶ - اش۱۹:۳ - حزق۳۷:۵ تا۱۱،۳۹:۲۹ - یول۳:۱ - حب۱:۱۱ - حجی۲:۵ - امث۱:۲۳ - ۲مک۷:۲۳ - مکا۱:۷،۷:۲۱تا۲۲.

روح انسان:
مت۵:۳،۲۷:۵۰ - مر۱۴:۳۸ - روم۱:۹ - ۱تسا۵:۲۳ - فیل۲۵ - عبر۴:۱۲.

روح ها:
لاو۲۰:۶.

روغن:
خروج۲۷:۲۰،۳۰:۲۵ - ۲پاد۴:۲.

روز خدا:
ار۳۰:۷ - حزق۳۰:۳،۳۴:۱۲ - هو۱:۵ - عا۵:۱۸ - امث۱۱:۴ - مت۷:۲۲،۲۷:۵۳ - یو۸:۵۶،۱۴:۲۰ - ۱قرن۱:۸ - فی۱:۶ - مکا۶:۱۷.

روشنایی:
پید۱:۳ - خروج۱۰:۲۳ - اش۲:۵،۹:۱،۲۶:۱۹ - مز۳۶:۱۰ - مت۲۰:۳۳ - لو۱۶:۸ - یو۸:۱۲،۹:۳۹ - افس۵:۸و۱۴ - ۱تسا۵:۵ - عبر۶:۴ - ۱یو۱:۵.

راز:
دان۲:۲۸ - حک۶:۲۲ - افس۳:۳.

روغن مسح:
خروج۲۹:۷،۳۰:۲۵ - ۱سمو۱۰:۶ - ۱پاد۱:۳۴،۱۹:۱۶ - اش۴۵:۱ - حب۳:۱۳ - لو۴:۱۸ - اع۴:۲۶،۱۰:۳۸ - ۲قرن۱:۲۱ - یع۵:۱۴ - ۱یو۲:۲۰.

رنج مرگ:
اعد۱۵:۳۵ - تث۲۱:۲۲.

روسپی گری:
تث۲۳:۱۸تا۱۹ - ۱پاد۱۴:۲۴ - هو۱:۲،۲:۴،۴:۱۴ - عا۲:۷ - میک۱:۷ - ایوب۳۶:۱۴ - ار۴۲.

رازداری:
مت۹:۳۰،۱۲:۱۶،۱۷:۹ - مر۱:۳۴،۴:۱۱،۷:۳۶،۸:۳۰،۹:۹.

رشف:
ایوب۵:۷.

رسوایی:
۱قرن۱:۲۴ - غلا۵:۱۱.

(ز)

زبان:
بنسی:۵:۱۳ - یع۳:۱.

زن:
حزق۱۶:۱۴ - امث۲:۱۶،۵:۵،۱۵:۶،۲۴:۱۲،۴ - بنسی۲۲:۳،۲۵:۲۴.

زنوب:
۲پاد۱:۲ - مت۱۲:۲۴.

زندگی:
پید۱۱:۱۰ - ۱سمو۲۵:۲۹ - ۱پاد۳:۱۴ - حزق۱۸:۱۷،۳۷:۵ - امث۳:۲،۱۳:۱۴ - مرا۱:۱۳ - ۲مک۷:۹ - حک۳:۱،۴:۷ - مت۱۸:۸ - یو۱:۴،۶:۳۵و۵۱،۱۱:۲۵، ۱۴:۶،۱۷:۳ - اع۳:۱۵ - روم۸:۱۰،۱۱:۱۵ - ۱یو۱:۲ - مکا۲۲:۱.

زنده:
حزق۴۷:۱ - مز۳۶:۱۰ - یو۴:۱۴،۷:۳۸،۱۹:۳۴ - اع۱:۵،۸:۳۸ - افس۵:۲۶ - ۱یو۵:۶ - مکا۲۲:۱.

زئوس:
۱مک۱:۴۳.

زمزمه:
خروج۱۵:۲۴،۱۶:۲.

زمان آخر:
مت۲۴:۳ - لو۱۷:۲۰.

(س)

سال تعطیل:
به سالگرد مراجعه نمایید.

سال تقویمی:
خروج۱۲:۲ - ایوب۳:۴ - بنسی۴۳:۵تا۷ به جشن ها مراجعه نمایید.

ستاره:
پید۱:۱۸ - اعد۲۴:۱۷ - تث۴:۱۹،۱۳:۳ - ۲پاد۱۷:۱۶ - اش۱۳:۱۰ - بنسی۴۲:۱۸ - ار۵:۹.

ستون:
حزق۴۱:۲.

سعادت:
تث۴:۴۰،۵:۱۶،۲۸:۳۰ - ۱پاد۳:۱۴،۵:۲۶ - ایوب۱۵:۲۷ - امث۸:۱۸،۳:۱۳،۷:۴ به صلح مراجعه نمایید.

سقوط:
به رسوایی مراجعه نمایید.

سخت:
مر۶:۵۲ - ایو۵:۲۰ - خروج۷:۳ - اش۶:۱۰ - امث۱۸:۱۹ - مر۳۱:۶۵ - حک۱۹:۴ - مت۱۳:۱۳.

سال نو:
لاو۲۳:۲۴ - اعد۲۹:۱.

سیل:
۲پطر۳:۷.

ساعت:
مر۱۴:۳۵ - یو۲:۴،۱۱:۹،۱۷:۹.

سهیم شدن:
۱قرن۴:۱۶.

سال یوبیل:
خروج۲۳:۱۱ - لاو۲۵:۱و۴و۸و۱۰و۲۰.

سنگسار:
اعد۱۵:۳۵.

ستایش:
لاو۷:۱۲ - اش۴۲:۱۰ - ار۵۱:۱۵ - حک ۱۸:۴.

سخن خدا:
ار۵:۹.

سرزمین ها:
لاو۲۵:۲۳ - تث۱:۲۵ - حزق۳۶:۱۴.

سینه:
خروج۲۸:۱۵.

سلطنت:
به فرمانروایی مراجعه نمایید.

سنگ:
اش۲۸:۱۶ - زک۳:۹.

ستون های مقدس:
خروج۳۴:۱۳.

سبات:
پید۲:۲ - خروج۲۰:۱تا۱۱ - لاو۲۳:۳ - تث۵:۱۵ - حزق۲۰:۱۲ - مت۲:۲۷-۲۸ - لو۶:۵.

سامری:
۱پاد۱۶:۲۴ - ۲پاد۱۷:۳۴و۴۱ - زک۱۱:۱۴ - مت۱۰:۵ - لو۹:۵۲ -

یو۴:۴-۹.

سانهدرین:
مت۵:۲۲،۲۷:۱ - مر۸:۳۱ - اعد۵:۲۱.

سوگند:
۱پاد۸:۳۱ - ار۲۲:۵ ،۱۸:۳۴ - حزق۱۰:۱۳تا۱۹، ۲۰:۵،عا۴:۲.

سوت:
ار۱۸:۱۶ - صف۲:۱۵.

سیلوان:
۲قرن۱:۱۹.

سینا:
به کوه حوریب مراجعه نمایید.

ساموئل:
مر۵:۳۹ - لو۸:۵۲ - یو۱۱:۱۱ - ۱قرن۱۵:۶.

سنگ یادبود:
پید۲۸:۱۸ - خروج۳۴:۱۳ - داور۱۷:۵.

سرزمین مقدس:
پید۲۳:۱۳ - تث۱:۷و۲۵ - یوشع۱:۴ - ۲پاد۱۷:۲۳ - هو۲:۱۷.

سنت:
مت۱۵:۱ - مر۷:۱۳.

(ش)

شادمانی:
لاو۹:۲۴،۲۳:۲۴ - اعد۱۰:۵،۲۹:۱ - ۱سمو۴:۵ - ۲پاد۹:۱۳ - زک۹:۹ - مر۲۷:۶.

شناخت:
پید۲:۹ - امث۱:۴،۲۲:۷،۳۰:۳ - پید۳:۵.

شاخ ها:
۱پاد۲۲:۱۱ - مز۱۳۲:۱۷ - خروج۲۷:۲ - ۱پاد۱:۵۰،۲:۲۹ - عا۳:۱۴ - خروج۳۴:۲۹.

شماس:
اع۶:۱ - ۱پطر۴:۱۱.

شاگردان:
مت۱۰:۴۲ - مر۱:۱۶،۸:۳۴ - اع۶:۱ به پیرو مراجعه نمایید.

شام آخر:
مت۱۴:۱۹،۲۶:۲۶تا۲۹ - مر۶:۴۱،۸:۱،۱۴:۱۲ - لو۲۲:۱۹تا۲۰ - یو۶:۵۱ - اع۲۰:۷ - ۱قرن۱۰:۱۷.

شرم:
پید۲:۲۵ - عو۱۰ - میک۳:۷.

شفاعت:
خروج۳۲:۱۱ - اعد۱۴:۱۳ - ۱سمو۷:۸ - ار۱۵:۱،۲۹:۷ - حزق۹:۸ - عا۷:۲ - ۲مک۱۵:۱۴.

شادی:
اش۱۶ ۹:۱۶ - حـــزق۶ ۱۱:۶ - صف۳ ۱۴:۳ - لو۱ ۱۴:۱ - یو۱۵ ۱۱:۱۵ - اعد۸ ۸:۸ - فی۱ ۴:۱ - ۱یو۱ ۴:۱ - عبر۱۲ ۲:۱۲.

شیر و عسل:
خروج۳ ۸:۳ - لاو۲ ۱۱:۲.

شمال:
لاو۱ ۱۱:۱ - اش۱۴ ۱۳:۱۴ - ار۴ ۶:۴، ۶:۱ - یول ۲ ۲۰:۲ - زک۹ ۱۴:۹ - مر۴۸ ۳:۴۸.

شب:
خروج۱۲ ۴۲:۱۲ - اش۱۷ ۱۴:۱۷.

شادی و سرور عمومی:
به شادمانی مراجعه نمایید.

شهر:
اعـــد۳۵ ۱۱:۳۵ تـــا۱۲ - تث۱۹ ۶:۱۹ تـــا۹ - یوشع۲۰ ۷:۲۰

شیخ کلیسا:
به قدیمی مراجعه نمایید.

شبنم:
اش۲۶ ۱۹:۲۶ - هو۶ ۴:۶.

شیطان:
۱ســمــو۲۱ ۴:۲۱ - ۱پــاد۱۱ ۱۴:۱۱ - زک۳ ۱:۳ - ایــو۱ ۶:۱ - ۱تــوا۲۱ ۱:۲۱ - بــنــسی۲۱ ۲۷:۲۱ - اســتــر۷ ۴:۷ تـا۶ - مت۶ ۱۳:۶ - مــر۱ ۱۳:۱ - لـــــــــو۴ ۶:۴ و۱۳، ۸:۱۳، ۲:۱۱، ۲۴:۱۱، ۳:۲۲ - یـــو۱۲ ۳۱:۱۲، ۲:۱۳، ۱۵:۱۷ - ۱قـــرن۵ ۵:۵ - ۲قــــــرن۴ ۴:۴، ۷:۱۲ - افس۴ ۲۷:۴، ۱۱:۶ - ۲تسا۲ ۶:۲ تا۷ - مکا۱۲ ۴:۱۲، ۳:۲۰.

شلوم:
۱پـــاد۵ ۲۶:۵ - ار۱۴ ۱۳:۱۴ به صــلح مــراجــعه نمایید.

شئول:
اش۳۸ ۱۸:۳۸ - یـــــون۲ ۷:۲ - مــــز۸۸ ۱۱:۸۸ - ایـــو۱۸ ۱۴:۱۸ - امث۱ ۱۲:۱ - مـــرا۳ ۵۴:۳ - دان۱۲ ۲:۱۲ - بـــــــار۲ ۱۷:۲ - مت۱۶ ۱۸:۱۶ - لـو۱۶ ۲۳:۱۶ - ۲پـطـر۲ ۴:۲ به جـهـنم مـراجـعه نمایید.

شاهدان:
مت۱۰ ۳۲:۱۰ - لـــو۱۲ ۱۲:۱۲، ۱۳:۲۱ تـــا۱۵ - یــــو۱۵ ۲۷:۱۵، ۳۵:۱۹ - اعــد۱ ۸:۱، ۳۱:۱۳ - ۱تـیـمـو۲ ۶:۲ - ۱پـطـر۵ ۱۲:۵ - ۱یـو۵ ۸:۵ - مکا۱ ۲:۱، ۱۱:۱۲.

(ص)

صبر:
نا۱ ۳:۱ - بنسی۵ ۴:۵، ۳۵:۳۵ ۲۲:۳۵ - یع۵ ۷:۵.

صادق:
۲سمو۸ ۱۷:۸.

صلح:
۱پـاد۵ ۲۶:۵ - اش۲ ۴:۲ - ار۱۴ ۱۳:۱۴ - عـو۷ - حـــجی۲ ۹:۲ - لـــو۱ ۷۹:۱، ۵۰:۷، ۵۱:۱۲ -

یو۱۴:۲۷ - روم۵:۱ - افس۲:۱۴.

صلیب:
غلا۵:۱۱ - یو۱۲:۳۲.

صدوقیان:
مت۲۲:۲۳ - لو۲۰:۲۷ - اع۵:۱۷،۲۳:۶.

صندوق عهد:
خروج۲۵:۱۰ - ۱سمو۳:۳و۴و۲۱ - ۲سمو۶:۱تا۱۶ - حزق۴۳:۷ - ۲توا۶:۱۱.

(ط)

طلاق:
تث۲۴:۱،۲۵:۴ - ار۳:۱ - مت۵:۳۱تا۳۲.

طریق:
عبر۱۰:۲۰.

(ظ)

ظهور خداوند:
مت۱۰:۲۳،۲۴:۳،۲۶:۶۴ - مر۹:۱، ۱۳:۳۰ - لو۲۱:۷ - یو۱۴:۳ - اع۱:۶ - ۱تسا۱:۱۰،۲:۱۹،۴:۱۷ - ۲تسا۲:۷ - یع۵:۷ - ۱پطر۲:۱۲ - مکا۲۲:۲۰.

(ع)

عهد:
پید۹:۱۲،۱۵:۱۸،۱۷:۵ - خروج۶:۴،۱۹:۵،۲۴:۴،۳۲:۱،۳۴:۶، - تث۴:۳۱،۲۶:۱۷،۲۷:۱،۲۹:۱۱ - داور۱۱:۱۰ - ۱سمو۱۱:۷ - ۱پاد۸:۲۱ - ۲پاد۱۱:۱۷ - اش۲۴:۵ - حزق۱۶:۸، ۱۷:۱۹،۳۶:۲۸ - عا۲:۹ - میک۲:۴ - ۱توا۶:۱۱.

عمالیق:
خروج۱۷:۸و۱۶ - داور۳:۱۳.

عبادت:
اش۱:۱۱ - ار۱۳:۲۵ - هو۵:۱،۱۴:۳ - عا۴:۴،۵:۲۳تا۲۵ - میک۱:۱۳.

عزاداری:
لاو۱۰:۶ - تث۱۴:۱ - یوشع۷:۶ - ۱پاد۱۸:۲۸ - ۲پاد۲:۱۲،۴:۲ - ار۱۶:۷ - حزق۲۴:۱۷،۲۶:۱۶ - یون۳:۵ - میک۳:۱۴ - زک۱۲:۱۱ - ۲مک۳:۱۹.

عشیره:
پید۲۸:۲۲ - تث۱۴:۲۲و۲۸ - میک۳:۱۰ - طو۱:۸ - مت۲۳:۲۳.

عیدپنطیکاست:
خروج۲۳:۱۶ - لاو۲۳:۱۶.

عید محصولات:
خروج۲۳:۱۶ - لاو۲۳:۳۴.

عید خیمه ها:
خروج۲۳:۱۶ - لاو۲۳:۳۴ - حزق۴۵:۲۵ - زک۱۴:۱۶ - نح۸:۱۴ - ۲مک۱:۹ - یو۶:۴.

عبری:
پید۱۰:۲۱،۱۴:۱۳،۲۳:۸ - ۱سمو۴:۶، ۱۳:۳ - یون۱:۹.

عدالت:
پید۱۵:۶ - ۱سمو۱۲:۷ - اش۹:۶، ۳۰:۱۸ - هو۱۰:۱۲ - یول۲:۲۳ - میک۶:۵ - ایو۱۳:۱۰،۲۹:۱۷،۴۰:۸ - امث۱:۳،۸:۱۸ - دان۴:۲۴ - طو۱:۳،۳:۲ - مت۳:۱۵،۵:۲۰ - لو۱۵:۷،۱۸:۱۴ - فی۱:۱۱ - ۱پطر۳:۱۴ - یو۱۷:۲۵ - روم۱:۱۷تا۱۸ - یع۱:۲ - ۱یو۱:۹،۲:۱.

عوض کردن:
پید۳۲:۲۸ - اعد۱۳:۱۶ - ۲پاد۱۴:۷،۱۵:۱۳،۲۳:۳۴ - اش۹:۵ - لو۶:۱۴.

عید حصاد:
خروج۲۳:۱۶ - لاو۲۳:۱۶ - اع۲:۱ به عیدها مراجعه نمایید.

عهد:
خروج۱:۷ - حزق۳۳:۱۴،۳۶:۱۴.

عیسی:
مر۱۱:۳ - لو۷:۱۳،۲۴:۳ - اع۲:۳۶ - روم۱۰:۱۳ - ۱قرن۱:۲ - ۲قرن۱:۲.

(غ)

غسل تعمید:
مت۳:۶،۲۸:۱۹ - مر۱:۴-۸،۱۰:۳۸ - لو۳:۱۶،۱۲:۵۰ - یو۶:۲۷،۱۹:۳۴ - اع۱:۵،۲:۳۸،۸:۳۷ - ۱قرن۱۰:۲ - افس۵:۲۶ - کول۲:۱۲و۲۰.

غیور:
مت۱۰:۴،۱۱:۱۲،۲۲:۱۷،۲۶:۵۵ - یو۱۶:۲ - اع۵:۳۷.

(ف)

فرشته:
یوشع۵:۱۳ - دان۴:۱۴،۵:۱۰و۱۳ - حک۵:۵ - طو۱۲:۱۵ - اع۲۳:۸.

فطیر:
به جشن نان بدون فطیر مراجعه نمایید.

فداکاری:
به جشن ها مراجعه نمایید.

فرزندان:
مت۱۸:۳ - مر۱۰:۱۵ - لو۱۸:۱۷ - ۱قرن۱۴:۲۰ - افس۴:۱۴ - عبر۵:۱۱ - ۱یو۲:۱۳.

فیض:
لو۱:۲۸ - یو۱:۱۴ - اع۴:۳۳ - روم۱:۵،۳:۲۴،۵:۲و۲۰ - غلا۴:۵ - افس۲:۱۰.

فداکار:
یون۲:۲۹.

فروتن:
به بینوایان مراجعه نمایید.

فروگرایی:
حزق۳:۱۸،۹:۴،۱۸:۴.

فال گیری:
پید۴۴:۵ - خروج۴:۴ - لاو۳:۴،۱۹:۱۹و۲۷ - اعد۲۳:۲۳ - داور۱۷:۵ - ۱سمو۲۸:۳ - اش۳:۱۶،۵:۱۸، ۶۵:۴ - حزق۱۳:۱۸،۲۱:۲۶ - هو۴:۱۲ - مز۱۰۱:۳ - ایو۳:۸،۵:۲۱،۱۸:۱۵ - امث۱۷:۸ - غزل۲:۵،۴:۹ - دان۵:۱۲.

فراموشی:
تث۴:۹.

فردوس:
غزل۴:۱۳ - لو۲۴:۴۳ به بهشت مراجعه نمایید.

فارسی:
ار۴۹:۳۴و۳۹.

فریسی ها:
مت۱۵:۱،۲۲:۱۶ - مر۲:۱۶ - لو۶:۱،۷:۳۶.

فلسطین:
پید۲۱:۳۲ - تث۲:۲۳ - یوشع۱۳:۳ - داور۱۴:۳ - ۱پاد۲:۳۹ - عا۱:۸ - زک۹:۷.

فرمانروایی خدا:
مت۳:۲،۱۳:۱۱ - مر۴:۳۱ - لو۴:۴۳،۱۳:۲۸،۱۷:۲۲،۲۲:۶۹،۲۳:۲ - یو۳:۳،۱۸:۳۶ - اع۱:۳ - افس۵:۵ - مکا۲۰:۲.

فرشتگان:
۱تسا۳:۱۳ - افس۱:۱۸.

فضیلت:
حک۴:۱و۷ ،۸:۷.

(ق)

قدرت پنهانی:
پید۶:۲ - اعد۲۴:۱۷ - تث۱۷:۵ - داور۸:۲۲تا۲۳،۹:۱ - ۱سمو۸:۱۱،۹:۱۶،۱۰:۱۹،۱۵:۱۷ - ۲سمو۱:۱۰،۵:۳،۷:۱۴،۱۴:۱۷،۲۱:۱۷ - ۱پاد۱:۳۴، ۲:۵،۳:۵و۹،۶:۱۳،۸:۶۶،۲۱:۱و۷،۲پاد۸:۳،۱۷:۸ - اش۹:۵،۱۱:۲،۱۹:۱۱ - ار۲۲:۱۳ - حزق۲۸ :۱۶،۳۴:۲و۴،۴۵:۷ - هو۸:۳ - مز۴۵:۷ - امث۸:۱۵،۱۶:۱۰،۲۵:۲، ۲۹:۱۴ - مرا۴:۲۰ - دان۲:۳۸،۶:۸ - حک۷:۷،۱۴:۲۰.

قربانی:
پیدا۸:۲۰ - خروج۲۳:۱۸،۲۴:۱۱ - لاو۳:۳،۷:۱۲،۹:۱،۱۷:۱۱،۲۲:۱۷و۲۴و ۲۸ - اعد۲۸:۲ - تث۱۲:۱۵،۱۵:۲۰ - ۱پاد۱۳:۳ - حجی۲:۱۲ - مت۹:۱۳ - عبر۱۰:۴.

قصاص:
خروج۲۱:۱۵ - امث۲۴:۲۹ به مجازات مراجعه نمایید.

قبر:
۱پاد۱۳:۲۲ - حزق۶:۵،۳۹:۱۲ - طو۱:۱۷.

قدیمی:
اع۱۱:۳۰ - ۱تیمو۵:۱۷ - یع۳:۱ - مکا۴:۴ - مت۲۶:۳.

قبایل عرب:
اش۱۳:۲۰ - ار۹:۲۵،۴۹:۲۸ - ۱مک۵:۲۵.

قدرت:
روم۱۳:۱ - ۱پطر۲:۱۴.

قانون عهد:
خروج۲۰:۳۲.

قلب:
یوشع۲۴:۲۳ - هو۲:۱۶،۷:۱۱ - یول۲:۱۲ - حجی۱:۵ - مز۸۶:۱۱ - ایو۴۱:۱۶ - امث۶:۱۴و۳۲،۲۳:۲۶ - مرا۱:۲۰،۳:۲۱ -

مت۶:۸.

قادر مطلق:
۱سموا۳:۱ - پیدا۱۶:۱۳،۱۷:۱ ،۳۱:۱۳و۴۲،۳۳:۲۰،۷۹:۲۴ - خروج۳۴:۱۴ - ۱سمو۲۹:۱۵ - اش۱:۴و۲۴،۴۹:۲۶ - ار۴۹:۵ - هو۲:۱،۴:۱۵،۱۲:۱ - عا۶:۸ - میک۳:۱ - مز۵۶:۳،۱۳۲:۲ - دان۷:۲۵ - ۲مک۳:۲۴و۳۱و۳۶ - بنسی۲۳:۱،۴۳:۲۷،۴۶:۵، - بار۴:۱۰.

قحطی:
۲پاد۸:۱ - حزق۳۶:۲۹ - روت۱:۱.

قانون خویشاوندی:
پیدا۳۸:۸ - تث۲۵:۵ - ایو۲۴:۲۱ - روت۴:۵.

قانون:
۲پاد۱۴:۶ - اش۲:۳،۸:۱۶ - حزق۲۰:۲۵ - حجی۲:۱۱ - امث۱:۸،۱۹:۱۶ - مرا۲:۹ - دان۹:۱۰،۱۳:۳ - نح۸:۱ - ۲مک۱۳:۱۰ - حک۱۸:۴ - بنسی۲۴:۱ - مت۵:۱۷ ،۱۱:۳۰ - لو۱۶:۱۷ - اع۱۵:۱و۱۳ - روم۲:۱۲،۳:۱۹،۴:۱۵،۷:۴ - ۲قرن۳:۶ - غلا۳:۱۹ - افس۲:۱۵ - ۱تیمو۱:۸.

قانون دهگانه موسی:
روم۸:۲ - ۱یو۵:۲۰ - غلا۶:۲.

قدرت های آسمانی:
مت۲۴:۲۹ - روم۸:۳۹،۱۳:۱ - افس۳:۱۰ - کول۱:۱۶،۲:۱۵ - مکا۹:۱۱.

قوم:
ار۲:۲.

قیام کردن:
۲پـاد۴:۳۷،۱۳:۲۱ - اش۲۶:۱۹ - ایـو۱۴:۱۲،۱۹:۲۶ - امث۴:۲۳ - دان۱۲:۲تـا۳ - ۲مک۷:۹و۲۳ - بـنـسی۴۶:۱۲،۴۸:۱۱ - مـر۹:۲۷ - لـو۷:۱۴،۱۴:۱۴ - یـو۵:۲۹،۱۲:۲۴ - اع۱۷:۱۸،۲۶:۲۳ - ۱قـرن۱۵:۲ - فی۲:۹ - ۱تسا۴:۱۴ - ۲تیمو۲:۱۸ - مکا۲۰:۴.

(ک)

کاهن:
۱سـمـو۱۳:۱۷ - ۲سـمـو۶:۱۴و۱۷و۱۸ - ۱پاد۸:۲۳ - دان۱۴:۱۴ به کهانتی مراجعه نمایید.

کوچک:
مت۱۰:۱۷.

کیسه:
لو۴:۱۶ - مکا۲:۱۰.

کار:
پیـد۳:۱۹،۶:۷ - امث۱۰:۴ - بـنسی۷:۱۵، ۳۸:۲۴تا۲۵ - اع۱۸:۳.

کلیساها:
مکا۱:۲۰.

کفرگویی:
لاو۲۴:۱۱ - ایو۲:۹ - مر۳:۲۸.

کروبی:
خروج۲۵:۱۸ - ۱پاد۶:۲۳ - حزق۲۸:۲ - مز۱۸:۱۱.

کرنا:
یوشع۶:۴ - ۲سمو۱۵:۱۰ - اش۲۷:۱۳ - یول۲:۱ - عا۲:۲ - زک۹:۱۴.

کینه:
نح۸:۵ - ۱توا۱۶:۳۹.

کرمل:
۱پاد۱۸:۱۹ - داور۱۶:۲۳.

کموش:
داور۱۱:۲۴.

کلیساها:
مت۱۶:۱۸،۱۸:۲۰ - مر۴:۱۱ - یو۲۱:۱۱ - اع۵:۱۱ - افس۳:۳،۵:۲۳تا۲۵ - کول۱:۱۸ - ۱پطر۲:۷تا۹ - مکا۲۱:۲،۲۰:۹ - به اسرائیل مراجعه نمایید.

کفاره:
روم۳:۲۵ - عبر۳:۱۷ - ۱یو۲:۲ - به بره مراجعه نمایید.

کوه عیبال:
تث۲۷:۴ - یو۴:۲۰.

کرسی:
مت۲۳:۲.

کوه:
خروج۳:۱ - تث۱۲:۲ - ۱پاد۱۸:۱۹ - اش۱۴:۱۳ - ار۶:۱ - حزق۴۰:۲ - مز۲۹:۶،۴۸:۳،۸۹:۱۳ - ایو۱۵:۷.

کامل:
مت۱۹:۲۱ - ۱قرن۲:۶ - کول۳:۱۴ - عبر۲:۱۰،۵:۹ - یع۳:۲.

کلام:
پید۱:۳ - خروج۱۳:۹ - تث۶:۸،۸:۳ - اش۹:۷ - ار۱:۱،۸:۹،۱۳:۳،۴۲:۷ - حزق۲:۴ - عا۱:۱،۳:۸ - امث۱:۲۳ - حک۱۸:۱۵ - مت۸:۱۶ - مر۴:۱۴ - یو۱:۳،۱۲:۴۸ - ۱تسا۱:۶ - عبر۴:۱۲ - یع۱:۱۸ - ۱پطر۲:۲ - ۱یو۳:۹ - مکا۱۰:۹ - یع۱:۱.

کمترین ها:
مت۱۰:۴۲،۱۱:۲۵،۱۸:۳و۱۰،۲۵:۳۱و۴۰ - لو۱۰:۲۱ - ۱قرن۱۹:۱۹،۲۰:۳۵ - ۲پاد۱:۸،۲:۱۰،۴:۲۹،۵:۸،۱۳:۲۱ - ار۱:۹،۶:۱۷،۱۵:۱،۲۳:۱۸ - هو۶:۵ - عا۳:۷ - میک۲:۶ - نح۶:۷ - ۱توا۲۵:۱ - بنسی۳۳:۱۶ - مت۷:۱۵،۱۰:۴۱ - اع۱۱:۲۷ - ۱قرن۱۴:۱ - افس۲:۲۰ - مت۲۱:۱۱ - مر۶:۱۵ - لو۷:۲۶ - یو۶:۱۴ - اع۳:۲۲.

کشیش:
خروج۲۰:۲۶،۲۸:۲و۶و۱۵و۳۶،۲۹:۱ - لاو۴:۳،۱۶:۲،۲۱:۲ - اعد۱۶:۳۵ - تث۱۷:۹ - یوشع۳:۳ - داور۱۷:۵و۱۰ - ۱سمو۲:۱۸ - ۲سمو۱:۱۰ - ۱پاد۱۲:۳۳ - ۲پاد۱۷:۲۷،۲۵:۱۸ - اش۶۶:۲۱ - ار۲:۸ - حزق۴۲:۱۳ - هو۱۰:۵ - زک۳:۱۷،۶:۱۱ - میک۲:۴،۶:۱۰،۱۲:۳ - ۲توا۳۱:۱۶ - ۲مک۴:۱۰ - یو۱۹:۲۳ - عبر۵:۱ - به پادشاهان و کاهنان مراجعه نمایید.

(گ)

گردهم آیی:
یو۱:۱۴،۶:۵۱ - روم۱:۳.

گمراه شدن:
مت۱۸:۱۳،۲۴:۴.

گذر:
خروج۱۲:۱۱و۴۳ - تث۱۶:۲ - یوشع۵:۱۰تا۱۲ - حزق۴۵:۱۸و۲۱ - مر۱۴:۱و۱۲ - یو۱۳:۱ - ۱قرن۵:۸.

گناه:
لاو۴:۲ - ۱پاد۱۷:۱۸ - حزق۴۰:۲ - ار۲:۳۵ - حزق۷:۴،۲۰:۸ - هو۴:۳ - عا۱:۳ - ایو۱۴:۵،۷:۲۹ - مرا۴:۶ - بنسی۸:۵ - یو۸:۴۶،۱۶:۹و۱۵و۲۳ - روم۵:۱۲،۷:۱۵ - یع۱:۱۵ - ۱یو۳:۹، ۵:۱۶ - به نابرابری مراجعه نمایید.

گله:
لو۱۲:۳۲ - اع۲۸:۲۰ - ۱پطر۵:۲ - به چوپان و شبان مراجعه نمایید.

گاو حنایی رنگ:
اعد۱۹:۲.

گوساله ای از طلا:
خروج۳۲:۱تا۴ - ۱پاد۱۲:۲۸ - هو۱۳:۲.

(ل)

لشگر:
خروج۱۲:۳۷ - اعد۱:۳و۱۶ - ۲سمو۸:۴ - ۲پاد۱۱:۴ - اش۲:۷.

لوح های عهد:
خروج۲۵:۱۶.

لویاتان:
اش۲۷:۱ - مز۷۴:۱۴ - ایوب۳:۸.

لاویان:
لاو۲۵:۳۲ - اعد۱:۴۷،۳:۱و۸ - تث۱۷:۹،۱۸:۷ - حزق۴۴:۱۰و۱۵ - ۱توا۱۵:۱ - ۲توا۲۹:۳۵،۳۱:۱۶.

لباس:
مت۲۲:۱۱ - ۱قرن۵:۳ - غلا۳:۲۷ - افس۵:۸ - مکا۳:۴.

(م)

مکاشفه:
اش۲۴:۱.

محراب:
خروج۳۰:۱ - یوشع۲۲:۱۰و۲۸ - ۱پاد۱۳:۲ - حزق۴۱:۲۲،۴۳:۱۳ - عا۹:۱.

موهبت فیض:
۱قرن۱۲:۱ - ۱تسا۵:۲۲ - ۱تیمو.

مجازات:
به تنبیه مراجعه نمایید.

مسیح:
۱قرن۱۲:۲ - افس۴:۱۶ - کول۱:۱۸ - مر۱:۱،۱۲:۳۵ - لو۲:۱۱،۳:۱۵،۹:۱۸ - یو۱۲:۱۳ - اع۱۷:۷ - روم۱:۱ - مت۲۴:۲۴.

موانع:
به رستگاری مراجعه نمایید.

مصیبت:
مت۲۴:۹و۲۲ - لو۱۲:۵۳ - یو۱۶:۳۳ - روم۵:۳ - ۲قرن۱:۴ - کول۱:۲۴ - ۱تسا۳:۳ - مکا۷:۱۴.

مردوخ:
اش۴۶:۱ - ار۵۰:۲.

مولک:
لاو۱۸:۲۱ - ۲پاد۲۳:۱۰.

ملک:
اش۵۷:۹.

منی:
اش۶۵:۱۱.

معلم ها:
اع۱۳:۱ - افس۴:۱۱ - یع۳:۱.

مصر:
تث۲۳:۸ - ۱پاد۱۱:۲۰،۱۴:۲۵.

مقدس:
مت۲۸:۱۹،مر۱:۸ - لو۱:۳۵،۴:۱۸ - یو۱۵:۲۶،۱۶:۸و۱۳،۱۹:۳۰ - اع۱:۸،۲:۴ - روم۱:۹،۸:۲۱ - ۲قرن۳ک۱۷ - ۱تسا۱:۵ - ۱پطر۱:۱۱ - ۱یو۴:۱۳.

مژده:
مت۴:۲۳ - مر۱:۱،۱۴:۵ - لو۱:۱۹ - روم۱:۱ - ۱قرن۴:۱۵ - غلا۱:۴،۲:۱۴.

مهاجرت:
ار۲:۲ - میک۶:۵ - زک۹:۴ - بار۲:۱۱.

میوه:
مت۷:۱۶ - یو۱۵:۱ - غلا۵:۲۲ - به ثمره مراجعه نمایید.

موقعیت قانونی:
غلا۱۶:۲ - خروج۲۱:۸ - لاو۱۲:۵،۲۱:۳ - اعد۵:۳۱ - تث۲۱:۱۳،۲۲:۱۳ - داور۱۱:

۲۵:۱۹،۳۷ - اش۴:۱ - ایوب۴۲:۱۵ - امث۳۱:۱۶ - حک۹:۷ - ۱پاد۱:۴، ۲:۱۷و۱۹ - ۲توا۲۴:۳ - استر۲:۱۴، ۴:۱۱.

مکان بلند:
۱سمو۹:۱۲ - ۱پاد۳:۲ - حزق۱۶:۱۶ - ار۷:۳۱.

محبت به نزدیکان:
هو۴:۱.

مهمان نوازی:
داور۱۹:۱۵و۲۵ - ۲پاد۴:۱۷ - مت۲۵:۳۱و۳۶ - عبر۱۳:۲.

ممنوع:
اعد۲۱:۲ - تث۲:۳۴ - یوشع۶:۱۷ - میک۳:۲۴ - لاو۱۸:۱،۲۱:۷ - ار۳:۱ - حک۳:۱۳ - به متارکه مراجعه نمایید.

ملاقات های الهی:
خروج۳:۱۶ - ار۲۳:۱۲ - عا۳:۲.

مدیان:
خروج۲:۱۵،۱۸:۲ - اعد۱۰:۲۹.

من(الهی):
خروج۱۶:۱۵ - مت۶:۱۱،۱۴:۲۰ - یو۶:۳۱ - ۱قرن۱۰:۴ مکا۲:۱۷.

ملک صدق:
پید۱۴:۱۸ - عبر۷:۳.

مسیح مقدس:
خـــروج۳۰:۲۵ - لاو۴:۳ - تث۱۸:۱۵ -
۱سمـو۲:۱۰ - اش۴۵:۱ - حزق۳۴:۲۳ -
میک۵:۲ - حب۳:۱۳ - حجی۲:۶و۷و۲۳ -
زک۳:۸ - مـــز۱۰۵:۱۵ - مـــرا۴:۲۰ - به
مسیح مراجعه نمایید.

معجزه:
مر۲:۵،۴:۳۵،۶:۲و۵ - لو۷:۲۲ - اع۳:۲ -
به نشانه ها مراجعه نمایید.

موآب:
داور۳:۱۲ - ار۴۸:۱ - روت۱:۱.

موسی:
خـــــروج۲:۱و۱۰ - ۳۲:۱۰ - تث۳:۲۷،
۱۸:۱۵،۳۳:۲،۳۴:۱۰تـا۱۱ - مت۱۷:۳ -
لـــو۹:۲۸،۲۴:۲۷ - یـــو۵:۴۵، ۹:۲۹ -
اع۱۵:۲۱ - ۲قرن۳:۷ تا۱۵ - مکا۱۵:۳.

معجزه های مسیح:
لـــو۱۱:۲۰ - اع۷:۲۵ - ۱قــــرن۱۰:۲ -
عبر۱۱:۲۶.

محصول:
مـت۳:۱۲،۹:۳۷ - مـــــــــــــــر۴:۲۶ -
لو۳:۱۷،۱۰:۲ - یو۴:۳۵و۳۸.

مرگ:
غـلا۲:۱۷ - اش۱۴:۱۸،۲۸:۱۵،۳۸:۱۸ -
هـو۱۳:۱۴ - ایـوب۱۲۱ - فی۵:۵،۹:۱۸ -
حک۱:۱۱،۲:۲۴،۴:۱۷.

مرگ ها:
تث۱۴:۱ - ۱سمو۱۴:۳۲ - حزق۳۲:۲۷.

ملکوت آسمان ها:
مت۱۳:۱۱ - مر۴:۱۱.

مدافع:
یو۱۴:۱۶ - ۱یو۲:۱.

ملت ها:
پـــیـــــد۹:۲۸،۱۲:۱تـــا۳ - اش۱۸:۷،
۴۰:۱۵،۴۵:۱۴،۵۶:۶ - ار۲۵:۱۷،۴۶:۲۶
- حـــزق۳:۶،۵:۱۳،۳۰:۳تـــا۲۴،۳۶:۲۰ -
عـــا۱:۳،۹:۷ - مـــیک۴:۱۱ - زک۹:۷ -
۱توا۲:۵۴ - ۲توا۶:۳۳.

ماه نو:
به شب ها مراجعه نمایید.

مثل ها:
مت۱۳:۳ - مر۴:۱۲.

معطر:
یـو۳۷:۲۵ - خـــروج۳۰:۳۴ - ۲پـاد۴:۲ -
غزل۱:۱۲،۴:۱۴.

میراث:
یـوشع۱۷:۴ - داور۱:۳ - به ارث و بـخـشش
مراجعه نمایید.

مسیح:
مت۲۱:۱۱ - مر۶:۱۵ - لو۷:۲۶ - یو۶:۱۴

- اع۳:۲۲.

مشیت:
امث۱۰:۳ - حک۱۴:۳.

مجازات:
خروج۲۰:۶ - ۱پاد۱۷:۱۸ - ۲پاد۱۷:۲۰،۱۸:۲۵ - اش۴۰:۲ - ار۳۱:۳۰ - حزق۷:۴،۳۰:۲۴ - عا۳:۲ - امث۲۵:۲۲ - یهودیه۷:۲۸ - حک۱۹:۴ - بنسی۲۲:۶ - به اجر و پاداش مراجعه نمایید.

متدین:
اع۱۰:۲ - ۱تیمو۴:۷.

متارکه:
مت۵:۳۱تا۳۲ - مر۱۰:۴ - ۱قرن۷:۱۵.

مراسم مذهبی:
لاو۵:۷ - یول۲:۱۳ - میک۳:۱۴.

ممنوع:
خروج۸:۲۲ - اش۱:۱۱ - حزق۱۸:۶ - هو۹:۴،۱۴:۳ - میک۱:۷،۶:۷ - حجی۲:۱۴ - امث۲۱:۲۷ - بنسی۳۵:۱.

مسیح و مسیحیان:
روم۱۲:۱ - فی۲:۱۷ - عبر۱۰:۴.

مسیحیان:
اع۹:۱۳،۲۰:۳۲ - روم۱:۷،۶:۱۹،۱۵:۲۵ - ۲قرن۱:۹ - عبر۶:۱۰ - به تقدیس مراجعه نمایید.

مقدس:
خروج۱۹:۱۰ - ۱سمو۱۶:۵ - مت۶:۹ - یو۱۷:۱۷،۱۸:۱۹ - روم۶:۱۹ - ۱قرن۷:۱۴ - ۱تسا۴:۳ - به مقدس مراجعه نمایید.

مانع:
مت۵:۲۹ - یو۱۶:۱.

مار:
به اژدها مراجعه نمایید.

معبد:
خروج۲۷:۲۱ - ۱پاد۶:۲تا۳،۸:۱۸ - ار۷:۱و۱۰و۱۱ - حزق۱۱:۱۶،۴۰:۱،۴۳:۷،۴۷:۱،۴۸:۳۵ - ۱مک۴:۳۶ - یو۲:۲۱.

محل سکونت:
به خیمه مراجعه نمایید.

محکمه:
تث۱۷:۵و۸ - امث۱۸:۵.

(ن)

نسل آرون:
یو۸:۳۷ - غلا۳:۱۶،۴:۲۴.

نوین:
ار۳۱:۳۱ - هو۲:۲۲ - مت۲۶:۲۸،۲۷:۵۱ - لو۲۲:۲۰ - روم۱:۲ - ۲قرن۳:۶ -

عبر۷:۲۲،۸:۱۱،۹:۱۵ - مر۲:۲۲ - عبر۱۲:۲۴ - مکا۲:۱۷.

نفرت:
روم۹:۳ - به ممنوع مراجعه نمایید.

نگهبان:
ایوب۳۳:۲۳ - طو۱۲:۱۲ - مت۱۸:۱۰ - اع۱۲:۱۵.

نت های:
کول۱:۲۲.

نام های خدا:
خروج۳:۱۴تا۱۵ - هو۱:۹ - بنسی۱:۱.

نبو:
اش۴۶:۱۱.

نیسروک:
۲پاد۱۹:۳۷.

نوشته:
داور۸:۱۴.

نوشته های مقدس:
۱مک۱۲:۹ - بنسی۱:۱ - مت۱:۲۲ - لو۱۶:۳۱،۲۴:۴۴ - یو۵:۳۹ - اع۳:۱۸ - روم۱:۲ - ۲تیمو۳:۱۶ - ۲پطر۱:۲۱،۳:۱۶.

نشانه های دنیا:
به دنیا مراجعه نمایید.

ناظر:
اع۲۰:۲۸ - فی۱:۱.

نمونه:
به تقلید مراجعه نمایید.

نان فطیر:
خروج۱۲:۱۵ - لاو۲۳:۶ - تث۱۶:۳ - حزق۴۵:۲۱ - مت۲۶:۱۷.

نادان:
ایوب۲:۱۰ - امث۹:۱۷.

نسل:
مر۸:۱۲،۱۳:۳۰.

نجس:
به پاک مراجعه نمایید.

نابرابری:
۱یو۱:۹.

ندا دادن:
مت۳:۱ - لو۳:۳،۲۴:۴۶ - اع۲:۱۴ - ۱تسا۱:۱۰ - ۱یو۱:۵.

ناصریه:
پید۴۹:۲۶ - اعد۶:۲و۷و۱۸ - داور۱۳:۵ - ۱سمو۱:۱۱ - مرا۴:۷.

نام:
۲پاد۱۴:۲۷ - هو۴:۱ - ایوب۳:۸.

نان:
خروج۱۶:۴ - لاو۲۶:۲۶ - ۱پاد۱۷:۱۲ - هو۹:۴ - عو۷ - بدون مخمر به جشن ها مراجعه نمایید.

نوگرا:
مت۲۳:۱۵ - اع۲:۱۱،۱۳:۴۳.

نخست زاده:
خروج۱۳:۱۲ - اعد۳:۱۲.

نخستین:
لاو۲:۱۴ - تث۲۶:۵ - ۲پاد۴:۴۲.

نیایش:
پید۸:۱۲ - ۱پاد۸:۴۴ - مرا۲:۱۹ - دان۶:۱۱ - مت۶:۹ - مر۱۴:۳۶ - لو۱۸:۱ - یو۱۱:۴۱،۱۵:۷و۱۶ - اع۲:۴۱،۴:۲۴ - روم۸:۱۵ - ۵:۷و۱۷ - لو۳:۲۱،۲۳:۳۴ - یو۱۷:۹و۱۹و۲۰ - عبر۵:۷ - به شناخت مراجعه نمایید.

نرخ:
لاو۲۷:۱.

نبی، پیامبری:
پید۲۰:۷ - خروج۳۲:۱۱ - اعد۱۱:۲۵ - تث۱۸:۱۵ - ۱سمو۱۵:۱،۲۲:۵ - ۱پاد۱۳:۲۴،۱۸:۱۹.

نجات دهنده:
اش۴۲:۱۰ - مت۹:۲۲ - لو۲:۱۱ - یو۴:۴۲ - اع۴:۱۲ - روم۵:۱۰ - افس۲:۵ - ۱تیمو۱:۱ - عبر۱:۱۴ - یع۵:۱۵ - به رستگاری مراجعه نمایید.

ناجی:
به نجات دهنده مراجعه نمایید.

نوشته:
داور۸:۱۴ - مر۲:۱۶.

نمک:
لاو۲:۱۳ - داور۹:۴۵ - ۲پاد۲:۲۰ - حزق۴۳:۲۴ - مر۹:۴۹.

نشانه:
پید۹:۱۲ - تث۳:۱۳،۳۴:۱۱ - یوشع۴:۶ - ۲پاد۱۹:۲۹،۲۰:۸ - اش۷:۱۱،۸:۱۷ - ار۴۴:۳۰ - حزق۹:۴،۱۲:۶ - مت۱۲:۳۸ - مر۸:۱۱ - لو۲:۳۴،۱۱:۲۹ - یو۲:۱۱ - اع۲:۲۲ - ۱قرن۱:۲۲ - مت۱۲:۴۰ - لو۱۱:۳۰.

(و)

وجدان:
حک۱۷:۱۱.

وفاداری:
هو۴:۱ - به حسد مراجعه نمایید.

وابسته به مسیح:
مت۱۶:۱۶ - مر۱:۱،۱۳:۳۲ - لو۱:۳۵ - یو۱:۱۴،۱۹:۷ - اع۹:۲۰ - روم۱:۳ -

کول۱:۱۳ - عبر۱:۲.

و برکت:
عبر۱۱:۶.

و محبت:
عبر۱۱:۶.

وفادار:
یع۲:۸.

وحی:
خروج۳۴:۶ - تث۲۹:۳ - اش۱:۱،۱۴:۴۵ - حزق۳:۶،۲۰:۵و۴۱ - عا۳:۷ - دان۲:۲۸،۸:۲۶ - افس۳:۳ - مکا۱:۱.

(ه)

هارون:
خروج۴:۱۶،۲۸:۲،۲۹:۷ - لاو۱۶:۲.

هرج و مرج:
پید۱:۲ - به اژدها مراجعه نمایید.

هدهد:
زک۱۲:۱۱.

هنوکا:
اعد۷:۱۰ - ۱مک۴:۵۹ - ۲مک۱:۹ - لاو۱۶:۱تا۲ - حزق۴۵:۲۵.

هاوس:
به شائول مراجعه نمایید.

هرود:
مت۲:۱ - لو۳:۱ - اع۱۲:۱و۲۳ - اعد۲۵:۱۳.

هیرودیس:
مر۶:۱۷.

هیرودیان:
مت۲۲:۱۶ - مر۳:۶.

همبستگی:
ار۳۲:۱۸.

هولوکاست:
خروج۲۹:۳۸ - به قربانی مراجعه نمایید.

(ی)

یگانه:
تث۶:۴ - هو۱۳:۴ - یو۵:۱۳ - ۱سمو۸:۷،۱۰:۱۹ - ۱پاد۲۲:۱۹.

یکشنبه:
اع۲۰:۷ - مکا۱:۱۰.

یهودیان:
یو۱:۱۹ - ۱تسا۲:۱۶.

یادگاری:
خـــــروج۳:۱۵ - لاو۲:۲ - طـــو۱۲:۱۲ - بار۴:۵.

یهوه:
به نام های خدا مراجعه نمایید.